## تاریخ منتظم ناصری

جلد سوم

محمدحسن صنيع الدوله اعتمادالسلطنه

به تصنیح محمداسماعیل ر ضوانی

## بِشْيَمُ اللهُ ٱلرَّحْمَٰنِ الرَّحْبَمْ وَبِهِ ثَقَتَى

بار خدایا از بیان حمد و ثنائی که سزای درگاه کبریای توباشد درمانده و قاصریم، و از ادای شکر نَعما و آلای بی مُنتها که عطا فرموده [ای] ناکرده و مُقصر جائی که نزدیکان و مقربان حضرت را به عجز و ناتوانی اقرار است؛ و ضعف بشریت مایه تحیر و مانع استکمال اطوار، از ما نیاید نه ستایشی که باید نه پرستشی که شاید. کمال عبادت و غبودیت ما اینست که رسولان کریم و پیمبران باتکریم را از روی قلب و لسان به میمر و آمتنان پیروی کنیم، و بدین دست در دوشتی و بندگی زنیم، آل و اولاد ایشان را گرامی داریم، و وسایل و وسایط رستگاری شماریم. پس دست آویز ما درین عالم جهولی و نادانی، و شدت خمولی و توانی، ذیل کرامت و ظل حمایت و شفاعت پیغمبر برگزیده، و رسول مُرسل مختار است، و ولای عترت طاهرهٔ بزرگوار علیهم صلوات الله و سلامه مادامت الشمس شارقهٔ فی رابعة النهار

اقدا بعد بزرگترین مطلب و مراد نگارنده که به توفیق قادر متعال عز اسمه سمت محصول می یابد، و امیدوار است که به عز قبول ولی نعمت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه، خسرو عادل کارآگاه، السّلطان بن السّلطان بن السّلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان بن الحاقان بن الحاقان بن الخاقان بن الحاقات تاریخ سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار، و این طبقه از سلاطین باتمکین نیز مقرون شود، نگارش تاریخ سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار، و این طبقه از سلاطین باتمکین تاجدار است. چه جملهٔ مؤلّفات که به تحریر آن پرداخته، و در سنوات ماضیه مرتب و مُدون ساخته، نسبت به این تألیف مُنیف در حکم مقدماتست، و این مُجلّد که

نام نیک و مآثر معظمهٔ أروغ بافروغ مشارالیهم خلدالله مُلکهم را مخلد می سازد به معنزلهٔ نتیجه می باشد. چونکه چنین است و فایدهٔ ترتیب آن صُغری و کُبری، این می توانم گفت که به منتهای آرزو و مأمُول خود نایل آمده، و مسئول و مقصود خویش را حاصل کرده لهذا \_ از بخت شکر دارم و از روزگار هم \_ و اگر این تاریخ قاجاریه که جلد سیّم منتظم ناصری است به وضع مجلدات سابقه سال به سال، ولی مفصل و مبسوط چنانکه شروع نموده بعون الله تعالی به پایان رسد، عنایتی است که از الطاف خفیهٔ خداوندی شامل حال و مورث ازدیاد خوش بختی و اقبال این بی مقدار گشته، و به نحو اختصار و اجمال، ذینی که از سلاطین بزرگوار قاجار به واسطهٔ بذل نعم وافره، و عواطف متکاثره، بر ذمّت و رقبهٔ این بنده و آباء و اجداد است ادا شده، و ار باب خبر دانند که پدران و نیاکان مؤلف نیز چون خود در این دودمان خلافت نشان همواره با عزّ و شأن به خدمت مشغول و به احسان و اکرام مشمول بوده اند و در مقابل آن نعمت بی قیاس این خدمت قلیل عرض تشکر و سپاس است.

پوشیده نیست که جلد دو تیم منتظم ناصری به شرح وقایع سنهٔ هزار و صد و نود و سه که سال انتقال کریمخان زند است ختم شد و این مجلد می باید به حوادث سنهٔ هزار و صد و نود و چهار ابتدا شود، امّا اگر قبل از شروع به آن وقایع، تمهید مقدّمه ای ننماید چنانکه باید و شاید کتاب جامع نباشد و مرام کامل نگردد. چه ذکر نسب جلیل فرخنده ایل قاجار و بیان سیر و آثار معظمهٔ اسلاف و آبای ملوک کامکار این سلسلهٔ علیهٔ باتمکین و وقار، در این محل و مقام از رؤس مسائل و معظمات مطالب و مهام است، تا اهمالی در این باب نشود و اغفالی در فتح ابواب و بسط اسباب بکار نرود بدواً به ایراد مقدمه می پردازد تا کار را بر مطالعه کنندگان سهل و آسان سازد این تألیف به درستی و راستی وافر گردد، و فقط همین مجلد برای استدراک کلیهٔ منظور ومقصد کافی باشد.

همچنین مخفی نماند که درین کتاب نیز همان سبک و طریقه را که در محلّدات سابقهٔ منتظم ناصری اختیار کرده ایم ملحوظ و مرعی خواهیم داشت، یعنی پس از اتمام و تحریر وقایع داخلهٔ ممالک محروسه، و نگارش سیر ملوک مُعظّمه،

اعتماد السلطنه

هر سال حوادث مهمة واقعه در تمام روی زمین و اقطار کرهٔ ارض را مسطور خواهیم نمود، و صاحب نظران که تتبع و تصفّح صحایف و کتب اخبار یکی از شئون و افکار پسندیدهٔ ایشانست دانند که اتفاقات و سوانع عظیمهٔ مائهٔ نوزدهم مسیحی یا قرن سیزدهم هجری چندان اهمیّت دارد و جاذب نظر دقّت و اظلاع است که شاید آن نیز بر درجهٔ حسن و محسّنات این کتاب بیفزاید. و فی المثل چون یاره و خلخال دست و ساعدِ شاهدان بدیع الجمال باشد. و من الله التوفیق فی کل الاحوال.



## مقدتة

Land the state of the state of

مورخین معتبر و مُصنفین معترم مانهٔ سیزدهم هجری در اصل اصیل و نسب باتبجیل ایل جلیل قاجار، و امرای این سلسلهٔ باشوکت و اقتدار، هریک بقدر مساعدت کتب و اسباب، و جسع آوری دفاتر و اسناد، و بذل جهد و اجتهاد، استقصائی نصوده اند و شرحی نوشته. بنابراین پسندیده و بهتر آنست که ما اوّلاً بعضی مسطورات ایشان را عینا، و برخی را بطور خلاصه و تنقیع عبارت ذکر و ایراد کنیم، بعد از آن خود به راه تحقیق و تدقیق پوئیم، و آنچه را صواب و مُوشّح به تصدیق اولی الالباب است و مطابق با واقع دانسته و سنجیده ایم به زبان قلم آورده و گوئیم. پس شروح مزبوره از قرار ذیل است:

در كتاب ملوك الكلام كه مرحوم آقاى ميرزا تقى على آبادى از رجال معظم از قول خاقان خلد آشيان مغفور فتحعلى شاه طاب ثراه نوشته چنين مسطور است:

۱. در روضة العسفای ناصری «اصل اثبیل» آمده است که صنیع الدوله یا همکاران او شاید به قصد تصحیح آن را »اصیل» کرده اند. در حالیکه در بیان مجد و شرف و استواری و استحکام یک خاندان «اثبیل» مناسب تر و رساتر است. «الآثال بالفتح: المجد و بالضم: اسم جبل. تقول «آه آثال کانه آثال» ای مجد کانه جبل از هجد مؤثل و آثبیل» ای اصیل (اقرب الموارد) کلمه آثل یکبار در قرآن سوره شداه) آیه ۲۱ به کار رفته است، مفترین آن را گز، شورگز، و درخت بزرگ از گز، معنی کرده اند و چون چوب گز استحکام زیادی دارد شاید مجازاً کلمه «اثبیل» به معنای محکم و استوار و پایدار آمده است. بهرحال تبدیل «اثبیل» به «اصیل» یا سهو است یا تصحیح نادرست.

نخست گوهر یاکم پیش از آلایش آب و خاک، از صلب پاک ترک بن يافث بن نوح تا زماني كه مقتضى ظهور گشت شاناً بشان و حالاً بحال تكميل ترتیب پذیرفت. تفصیل این اجمال آنکه ایل جلیل قاجار از أروغ میمون آق قو ینلوی تركمانيه، و آن قبيلة نبيله از اولاد ترك بن يافث بن نوح كه به يافث اغلان مذكور، و به كثرت اولاد و احفاد مشهور قبايل و عشاير نتيجهٔ يک نسل، و فرع يک اصل از او ا منشعب گشته، پس از تسخیر ممالک شرق و شمال، در ترکستان و چیـن و صـقلاب و ختا و ختن جایگیر شدند. دو طایفه از آن ملقّب به آق.قو ینلو و قراقوینلو، اکثری از بلاد روم و شامات و دیار بکر را به حیطهٔ تصرّف درآورده به عزيمت ايران مُصمّم، و در اندک زمان ايران را مسخّر و آن را به سه قسمت کردند، که متون تواریخ و بطون اخبار از آثار و کردار سلاطین بااقتدار آن دو طایفه حاکی و جاوی است. جمعی در گنجه و تبریز و ایروان ساکن، و رأیت سلطنت در ممالک آذر بایجان و کرج و عراق و قارس افراختند. آبای کرام و اجداد باعدل و داد ما در استرآباد و گرگان بعد آز استیلا بر ترکمانان دشت قبچاق تمکن و بهرهای در مرو شاهینجان توظن جسته بر اکثر بلاد خراسان حکمران و فرمان روا شدند. شاهقلی خان پدر پنجم ما که سرخیل آن انجم بود پس از انقضای مدت حکمرانی ازین جهان فانی درگذشت و زمام اختیار آن حدود به فرزند ارشد خود فتحملي خان بازگذاشت، او اميري بود پادشاهنشان، به معاضدت شمشير و مساعدت تدبیرش دولت علیه صفویه را استقامت و استحکام تمام حاصل بود. پس از شهادت او مظهر جلال خداوند قهار نادرشاه افشار چندی به هتک و فتک و حَرق و خَرق، ممالک ایران و ترکستان و هندوستان را برآشوفته ایران را ویران گذاشته درگذشت. برحسب قاعدهٔ روزگار که (بنوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای) نوبت سلطنت موروث به محمدحس خان فرزند رشيد خان سعيد رسيد. و او پادشاهی مؤدب نفس، مجرب عقل بود. خصایل ملکی با کمال انسانی جمع داشت. به طیب خُلق، و زیب خُلق، و عقل کافی، و عدل وافی، در اندک مذت ممالک عراق و فارس و آذر بایجان چون قلوب جمهور ناس مسخّر و مغلوب ساخت. پس از انصراف مهلت، و انصرام مدّت، بر عادت زمانهٔ ناپایدار زمانش بسرآمد، و زمانهٔ پدر به ضمان پسر آمد. و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند. هر یک در اقتحام و اصطلام، مقاتل لشکری و مقابل کشوری. پدر نامدارم حسینقلی خان ملقّب به جهانسوزشاه، و عمّ تاجدارم محمدشاه، که در روضهٔ رضوان قرار، و دم بدم رحمت یزدان بر روح پاکشان نثار باد، اختر یک برج و گوهر یک درج، در عرصهٔ ممالک شایان تخت و تاج، و از سلاطین زمان ستانندهٔ رخت و باج. مانند یوسف و ابن یامین از یعقوبیان محسود برادران گشتند. بر این اختلاف چندی امور سلطنت و استیلای بر ممالک مُهمل، و کار دولت و ملکت مختل ماند. اختر ایرانیان تیره و ماند. عمّ تاجدارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه، و پدر شمشیرگذارم تا از چاه به ماند. عمّ تاجدارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه، و پدر شمشیرگذارم تا از چاه به جاهش نشاند، مغفر سر بر تاج زر، کمان و کمند بر حمایل گهر، نطاق شمشیر برکیانی کمر، نمد زین بر خسروانی بستر برگزیده، دستان وار، داستانهای مردی و بردانگی در روزگار به یادگار گذاشت.

به روزوشب پی رزمش نه روز بود ونه شب

ز ماه و خور یی بزمش نه خواب بودونه خور

به چابکی و دلیری چنوسوار ندید

اگرچه پور پشنگ و اگرچه رستم زر

همیشه تیرش پیش از خیال در دل خصم

به فرق تبغش پیش از نهادن مغفر

عاقبت به همان اختلاف به شهادت سعادت یافت. پس از تبدیل چندی از لیل و نهار، و تحویل این دو شتابندهٔ بی مدار، (اقبال را به وعده وفا کرد روزگار) کریمخان زند که باعث آن کار ناپسند بود از ادمان شراب، و ایمان خراب، چون نقش بر آب، و موج سراب، از هستی ناچیز ماند. از تخت به تخته رفت، و از گاه به خاک سیاه خفت.

از محاق قبضا برون شد ماه 💎 وز عبری خبطتر برون شد شاه -

عمم نمامدارم از شهر بند شیراز چون شاهباز به جانب آشیان به پرواز آمد، دواسبه راه مازندران گرفت. انتهی.

مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام از وزراء و ارکان دولت حاقان علیمن مکان فتحعلی شاه طاب ثراه، در کتاب شمایل خاقان گوید: ایل جلیل قاجار را نسب به ترک بن یافث و اغوزخان می رسد، و شرح مسوطی در این باب می نگارد که خلاصهٔ آن از قرار ذیل است:

واقدی گوید: ترک بن یافث با کیومرث بن جهان ایران معاصر بوده و هردو در یک عصر واضع رسم سلطنت شده اند، بعد از آن بعضی از اولاد سام وحام در ممالک یمن و هند و حبشه و شام دارای داعیهٔ اقتدار و احتشام گردیدند. بنابر مسطورات تُواریخ، ترک بن یافث اوّل خانان ملک مشرق است و از نسل او جهار فرزنید بیوجیود آمد بزرگتر از همه فود کر بود که در کودکی در ساحل رود شالوک صید ماهی نمود لقمه ای چند تناول فرمود. اتفاقاً پاره ای گوشت بریان از دست او در قطعهٔ زمینی شور افتاد چون آنراً برگرفت آلوده به نمک شده بود. ذائقهٔ او را از طعم نمک خوش آمد وقت شام صورت حال را بدعرض بدر رسانید و خاص و عام را بعد از آن میل تمام به استعمال نمک خاصل شد و معدن نمک از ترکان پدید آمد. بالجمله رأیت اقتدار ترک در تمامی ملک پدر و املاک برادران چنان افراخته گشت که با آنکه ایشان مانند غُز و خَلَخٌ و چین و سُقلاب را مالک بودند و حدود و سنورشان با یُورت مخصوص ترک آشکار و معلوم، باز اکنون در تمام رُ بع مسکون جملگی را در حکم یک مُلک دانند و بنام ترک خوانند و او مهتر فرزندان خویش را برای ولایت عهد بهتر دید لاجرم مقالید ملک را به او عطا کرده ایلیسنجه خان لقب داد تـا كـارهاى خطير كند و برجمله امير باشد و خود شهريارى قادر قاهر بود که بر عموم ایلات و اعشام و اقارب و بنی اعمام از فرط کیاست برتری و ریاست یافت و به نفس خویش در محل موسوم به یورسوق و قارقوم و جیال اورتاق و کورتاق ييلاق و قشلاق مي كرد، و آن دو كوهي است شامخ و عظيم كه از متنزّهات عالم است. خواجهٔ ادیب فضل الله طبیب نام آن شهریار را در جامع رشیدی آبُولَجه خان ضبط کرده است، و بعضی این لقب را مخصوص ترک بن یافث دانسته قومی دیگر

برآنـند که این خود بی واسطه فرزند نوح نبی است. و علی ای حال احتلافی در این نيست كه حضرتش واسطهٔ طلوع انوار محسن از ناصيهٔ جمالِ ديب باقوى خان بوده، و این اسم علم مرکب منقول است، چه در اصطلاح اتراک دیب مقام و جاه و تخت بـاشد، و باقوی خدیو پیروز بخت، و در انتقال جمال محسن از مظهر وجود او به پیکر شبه ود قراخان اختلاف روایاتست. بنابر مسطورات تاریخ رشیدی قراخان بی واسطهٔ غیر از صلب دیب باقوی خان بوجود آمده، لیکن در تواریخ مشهور چنین مسطور است که بعد از دیب باقوی فرزند مهین او گیوک مهتر ترکان بود و ولایت عهد ملک را به فرزنـد خود آلهجه خان! تفویض نمود مغول و تاتار از و بوجود آمدند و هردو را وارث تخت و دیهیم کرد، و ممالک خویش بدیشان تقسیم نمود، از صلب مغول نیز چهار فرزند ذکور موجود گردید، و هر چهار کافر و نابکار بودند. از جمله قراخان بود که در عهد او احدی را مجال اقرار توحید و خیال تقدیس و تمجید ممکن نمی شد. و از قراخان أغُوزخان بوجود آمد، و تركان را در ولادت او اعتقادى چند است كه إسناد آن چز به انسیا و اولیا شایان نیست. از جمله گویند پس از تولد تا سه روز کام و دهان به شیر مادر نیالود و هر شب در عالم خواب به مادر خطاب می کرد که شیر تو وقتی خواهم خورد که مؤمن و حق شناس باشی کو بعد از آنکه مادر او داخل دین حنیف گردید اغوز لب به پستان او گذاشت و شیر نوشید. و آن دینداری پنهان بود تها عمر کودک به یکسال رسید، قراخان به رسم ترکان جشن تشخیص اسم پسر آراست، جمیع حضّار از آن بُرز و یال در آن سنّ و سال تعجُّب کردند، و در تعیین ٪ اسم پسسر مشورت می کردند که طفل رضیع خود به زبان فصیح گفت اسم من أغوز است. خلاصه اغوز روز بروز در چشم پدر گرامی تر می شد تا به سن بلوغ رسید، به حکم پدر دختر عم خویش گورخان را در حبالهٔ نکاح درآورد و عرض ایمان به او کرد، او را نهایت منکر دید، برای اینکه عمّ و پدر و قوم و حشر ازین راز باخبر نشوند ترک او و قطع گفتگو كرده دختر عم ديگر را كه أوزخان نام داشت بخواست، او را نیز به همان عقیده دیده چشم از وصال او پوشید، و به عقیدهٔ اتراک

اً. منشآت قائم مقام، چاپ ۱۲۸۰ ه.ق، ص ٤٢٤، آلئجه خان.

لفظ اللَّه رَا بِي خُواندن درس و لغت عرب اغوز ورد زبان كرده و شنوندگان معنى آنرا نمی دانستند. خلاصه چون اغوز مؤمن بود و قوم را مشرک می دید غالباً از خدمت پدر مفارق بود و با اقوام موافق نسی شد. وقتی از شکار به شهر بازمی گشت از حوانی سرای عم خود گذشته اتفاقاً به جوقی از جواری برخورد که بر لب جوثی جامه می شستند و دختر عم او یوزخان بر لب جوی ایستاده مشاهدهٔ جمال او أغوز را مفتون ساخت، بی اختیار از اسب فرود آمد و با آن محبوب در گوشه ای ابواب گفتگِو بازکرد و گفت: از ماجرای من و دختران عمّ باخبری و می دانی که اکنون جمال تورا عاشقم ولي آنگاه تورا دوست خواهم داشت كه دوست خدا شوي، دختر نیز چون دل به أغوز داده بود زبان به اقرار گشود، اغوز او را به زنی بگرفت، و زنـان پیشین حسد برده وقتی که قراخان جشنی عظیم داشت او را از اِبای اُغوز از دين آبا خبر دادند، آتش خشم قراخان مشتعل شده فوراً عازم قتل پسر گشته، چون موکب أغوز در صحرا بود با گروهی از ترکان بی باک از شهر بیرون شد، خاتون اغوز نیز پیکی را به جانب او روان کرده ماجری را اعلام نمود، اغوز چون راه گریز ندید دست ستیز گشوده آن روز تا شام با پدر نبرد کرد و در اثنا تیری بر مقتل قراخان رسید و در حال درگذشت. بعدها فوجی از خیل مغول به جیش أغوز پیوسته مدّت هفتاد و پنجسال با اعمام و بنی اعمام و سایر طوایف و اقوام جنگ می کرد تا بـر ایـشـان غـالـب آمد و تاتار و مغول چاکری او را قبول کردند از شهر اینانج و بحر خلوک! تا حد خوارزم و رود جیحون در قبضهٔ تصرّف او آمد. و عقیدهٔ ترکان اینست که از آب جیحون نیز گذشته اکثر ربع مسکون را به ضرب شمشیر عرصهٔ تسخیر ساخت، و در مرز توران و ایران و خطهٔ هند و سند و روم و فرنگ هیچ جا مقام نکرده به طرف مسقط الرأس نهضت نموده حدود اورتاق و گرتاق را که یورت آباً و اجداد او بـود مـقرّ خلافت٬ نمود، و به احضار رؤس ألوس، و معارف طوایف فرمان داد تـا خـلـقـی کـشـیر از ترک و تاجیک جمع شده و به اتفاق آغا وآینی بر

منشآت، ص ٤٢٩ بحر سَللوک.
 منشآت، ص ٤٣٠ مقر جلالت.

تخت خانی نشست، و جشنی عظیم بگرفتند و هرکس از اقارب و خویشان که در روز رزم قراخان ۳ به موکب او پیوسته بود آیننوز لقب داد. اقوام قُنقُلی و قارلُوق و قِپچاق و آقاجَری ٔ از نسل ایشانند.

بالجمله در تواریخ مغول مسطور است که اغوزخان را شش پستر بود و از هر پسسر چهار فرزند بوجود آمد که از نسل هریک در قلیل زمانی جمعی کثیر یدید گشته خیل ایشان از نام پدر نشان یافت که اکنون به همان اسم معروف و مشهوراند، گو یند روزی پسران اغوز عزم شکار کرده کمانی زرین با سه چوبهٔ تیر در شکارگاه یافتند و نزد پدر بردند، اغوزخان کمان را سهپاره کرده به پسرهای بزرگ داد و سهام ثلاثه نیز حصّهٔ پسران کوچک شد، پس پسران بزرگ را پوزُوق لقب داد و پسرهای کوچک را أوچوق خواند، و لشكر دست راست را به مهتران سیرده و دست چپ را به کهشران، و فرمود که چون تیر در حکم سفیر است و كمان به منزلهٔ امير، تخت پادشاهي از پوزوق خواهد بود و بر وفق اين وصيت بعد از وفيات اوگونخيان كه مهستر پوزوق بود بر تاخت پادشاهي نشست و هفتاد سال سلطنت كرد، و أوريابيكي نام را از قبيلة جُورْجَه منصب وزارت داد، و [او] خواجه ای عاقبل و هوشیار بود، در بدایت جلوس گونخان عرضه داشت که اغوز پادشاهی بزرگ بود و ممالک مسخّر نمود خزاین و اموال گذاشت دریغ است که آن مال بیقیاس بامال روزگار گردد، و آن نام نیک به زشتی گویا شود، صواب آنست که این بیست و چهار پسر را خیل و حشر و مال و دواب و یورت و مقام مفروز باشد، و هریک را تمعائی علیحده و آنقُونی جداگانه مخصوص گردد تا هینچوقت به خیال خلافت نیفتند. گونخان این رای را پسندیده قسمت هریک از احفاد اغوز را معلوم و مفروز كرد و مهر و نشان ایشان را كه تَمْغا و آنْقون گویند معيّن فرمود، و چون وقت انتقال رسيد برادر خود آىخان را قايم مقام نمود، وزان پس بر تخت نشسته فرزند خویش مَنْگُلی خان را ولیعهد ساخت، چون او درگذشت

۳. متن ـــ روم فراخان ـــ به استناد منشآت، ص ٤٣٠ تصحیح شد..
 ٤. منشآت، ص ٤٣٠ ـــ اقوام قُلقُـلى و قَلَجْ و قارلُوق و قِبْجاق و آقاجرى.

تخت پادشاهی از نسل پوزوق به قوم او چوق رسید و تَنگیزخان که فرزند ششم اغوز بود وارث ملک پدر گشته یکصد و ده سال بر تخت خسروی بود بعد از آن عابد و منزوی شد و اکبر اولاد خود را قایم مقام کرده ایلخان لقب داد و چون نام و نشان اولاد اغوز و طوایف ایغوز بر وجه تفصیل در تواریخ مشهور نیست و هرجا که هست به تدریج ایام تصحیف شده لازم آمد که در این محل مذکور و درج شود.

## ذكر فرزندان اغوز خان

فرزندان اغوزخان بیست و چهار نفراند و اقوام پوز وق سه طایفه و طایفهٔ گونخان چهار شعبه. پس شعبهٔ اوّل از طایفهٔ گونخان، شقای است که فرزند مِهین گونخان بود و از بس در فیصل امور سختی می نمود او را قای گفتند که در اصل لغت به معنی سختی و شدتست و اکنون بالمجاز کمرهای کوه و سنگهای سخت را بدان نامند. یورت او و اولاد او تا عهد ابلخان در دیار هیْقل و کنار سیحون بوده، و پس از تسلط تور از یورت و وطن دور مانده اند، و در عهد محمود با آلسلجوق مئفق گشته و از آب جیحون گذشته در حدود شبرغان و مرغاب مقام کردند اکنون نیز ساکن حدود دشت و داخل طوایف ترکمان و در خیل جان نثاران دولت ابدنشان می باشند.

شعبهٔ دو یم بای آت که فرزند دو یم گون خانست اتابیگی او به اوریابیگی مفتض بوده، و در دار وزارت نشو و نما نموده به سعی وزیر، مهتر برادران و سرور بهادران گردید، و بر ساحل قراموران یُورت گرفت که با موطن اصلی وزیر قرب جوار داشت، و چون در وفور نعمت و علق همت بر همگنان تقدّم یافت و نام نیکو به فضل وجودت برآورد او را بای آت گفتند که آت به معنی اسم است و اکنون آد گویند و بای به معنی بزرگی و شکوه و مال و نعمت انبوه است، و معلوم نیست که

۵. در حاشیهٔ ص ٤٣٦ منشآت آمده: گُون به کاف فارسی به ترکی آفتاب را گویند.

۲. در منشآت ص ۶۳۷ سَپُرغان. امّا در حاشیه آمده است: «اظن و الصحیح شَبَرغان لعلّه سَپرخان».
 در مخزن الانشاء نیبز «سپُرغان» ضبط شده است. در جامع التواریخ مرجع مؤلف «شبورغان» و «شفورغان» آمده است (جلد سوّم، چاپ فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی).

احفاد او در چه عهد به ايران آمده اند؛ چه تا عهد تيمور به هيچوچه نام و نشاني از طوایف و امرای ایشان مرئی و مشهود نگردیده. همینقدر مسموع و مشهور است که طایفه ای از این قوم برحسب حکم تیمور به غز و شامات مأمور گشته چندی در آنجا بودند، و چون باز معاودت نمودند در خدود دشت و گرگان نشسته به ایل جلیل قاجار پیوستند که اکنون به شام بیاتی موسوم اند و در جمع طوایف قاجار محسوب. ولیکن از عهد دولت صفویّه تا زمان این دولت علیّه سران سپاه و یلان کارآگاه از این قوم در رکاب یادشاهان بوده و در سفر و حضر خدمتهای نیکو نموده اند. این زمان چندین امیر بزرگ از بیات مطلق، و بیات شام، در معسکر شاهنشاه اسلام موجود است، یکی از آنجمله امیرکبیر محمّد علیخان که در حدّ عراق عرب سالار سیاه است و برادرش اسمعیل خان عاکف حریم درگاه ــ دیگر امیردلیر بیر قلیخان که اکنون در جرگ پیران است و با چنگ شیران، و فرزند ارجمندش محمدباقر خمان که در حضرت نیمایت سلطنت و ولیعهد دولت چاکر جان نثار است و فوج ۱ نظام را سالار بار ــ و این چهار از قوم بیات شام اند و در سلک خوانین و امرای قـاجـار ـــ و از قوم بيات مُطلق نيز در ممالک عراق و فارس و آذر بايجان و خراسان امرا و خوانین نامدار و متجنده بیشمار موکب اقدس را در ظل رایات، و حضرت اعلى را مشغول خدمات اند \_ اقدم ايشان امير عظيم الشأن ابراهيم خان كه در عهد پیش عسر خویش در بندگی خاقان مغفور (آقا محمّدشاه) و چاکری دارای منصور صرف کرده و اکنون باقی عمر را به خدمت درگاه ولیعهدی وقف، و برادرش اسمعیل خان که امیر هزارهٔ الوار است و دلیر معارک بیکار ــ و دیگر مقرّب الحضرة عليخان كه چندى تغر اردبيل را مانند زنده پيل حراست مى كرد و بر اجناد؟ آن ثغور و ایلات آن حدود ریاست یافت، و برادرش رحمنخان که چاکر خاص شهریار است و صاحب عز و اعتبار ــ دیگر از این طایفه بزرگان بسیار در سلک خدام در بار سپهر غلام است که ذکر ایشان موجب اطناب خواهد بود. و تخصیص

١. منشآت، ص ٤٣٨، افواج.

٢. متن: برآخيار، به استناد منشآت ص ٤٣٨ تصحيح شد.

این چند نفر از آنست که ذکر ایشان در وقایع دولت روزافزون که مزبعد به توفیق خدای بیچون در ذیل این کتاب مسطور خواهد گشت بیشتر ایراد خواهد شد، و بهتر آن بود که نام و نسب ایشان پیشتر معلوم، و به اجمال مرقوم گردد.

شعبهٔ سیم انغزاولی سیم این شعبه در هیچ تاریخ نیست مگر جامع التواریخ، و او را فرزند سیم گونخان نوشته اند و یورت او در سرحذات ممالک شرق بوده و در سلطنت اروغ چنگیز و سایر سلاطین اتراک امیری معتبر و بزرگی نامور از این قوم در وجود نیامده، اکنون نیز نشانی درست از ایشان در ایلات ممالک محروسه نیست و اگر هست خامل و مطموس است.

شعبهٔ چهارم قرا اولی اکه پسر چهارم گون خانست، یورت او در حدود کوکانا بود که آنسوی شهر اینانغ و چندین مرحله از قراقرم بالا تر است، هوایش بهشت سد، و جبالش بهغایت سخت، خلق آن موضع در عهد قدیم ایلات دشتی بوده اند و در خیمهٔ سیاه می نشسته، این پسر را قرا اولی نام کردند یعنی صاحب خیمهٔ سیاه. و چون در موکب هلا کو لشکری تمام مأمور شد که بر تمامی طوایف و اقوام حوالت رفت، فوجی از این قوم نیز به این ولایت رسیده در کوهسار چقتُو که اکنون داخل محال ساؤخبُلاغ است مسکن گرفتند، و چون ازدحامی چندان در احشام آنها نبود رفته رفته به طوایف افشار پیوستند که بالفعل جزو طایفهٔ افشاراند. و فوجی از مردان کار در سواران نظام و سر بازان خون آشام دارند. در عشایر ترکمان فوجی از مردان کار در سواران نظام و سر بازان خون آشام دارند. در عشایر ترکمان نیز ازین شعبه چندی هست که در خیل سایر شعب داخل گشته، و ذکرشان خامل مانده، بالجمله از این قوم شخص معروفی که نامش قابل ذکر و حالش درخور شرح مانده، بالجمله از این قوم شخص معروفی که نامش قابل ذکر و حالش درخور شرح باشد مسموع نگردیده. بلی هرچه هستند و هرجا نشستند در جرگ رعیت و ایل و جهار نفراند:

٣. در منشآت: آینز اولی، اتما در مخزن الانشاء مطابق با متن و بدون اعراب آمده.

ع. بـا استناد بـه منشآت اعراب گذاری شد. در آنجا می نویسد: «این پسر را قرااؤلی نام کردند یعنی صاحب خیمهٔ سیاه».

اول \_ یارز که نامش مشتق از یارَشْماق و به معنی برازندگی است. یورت او در حدود بالاس و قاری صَیْرَم بود. در تاریخ مغول نوشته اند که قاری صَیْرَم شهر عظیم قدیم است که چهار در وازه ا داشته، و از بدایت تا نهایت آن یکروزه راه بوده. در عهد قُبْلاقاآن تعلّق به اولاد اوگتای یافته، و مسکن الوس قایْدو، و قونْچی گشته، اتراک مسلمان در آنجا می نشسته اند. و از نسل یارز امیری جلیل، و بزرگی برازنده که نام او در تواریخ مانده باشد نیست.

دو یم سدوکسآآرا که به معنی گردآورنده است، یعنی جامع الشتات. یورت الوس او در بیابان ناووژبوده، و تا عهد منکوقاآن نام و نشان ایشان در افواج هزاره و صده هست، و فوجی برحسب قسمت در جرگ سپاه هلاکو به ایران آمدهاند و در نواحی اردبیل مسکن گرفته سدی در غایت رصانت تمام نمودند و ناووژ کولی نام کرده به مرور ایام خراب و ویران مانده بود تا در این عهد سعید به امر و فرمان حضرت ولیعهد دولت قاهره تجدید عمارت یافت و مزرع آن به مهتر جیش نظام ابراهیم خان سرتیپ تفویض رفت و به خلیل آباد موسوم گشت.

سیّم \_ دورغه که به معنی ملک گیرنده است و یورت قدیم او معلوم نگشته. از نسل او خیلی عظیم در دشت ترکمانان هست و اسبان ایشان را جنسی حداگانه است که اغلب چابک و توانا باشند نه چندان نازک و زیبا.

چهارم بایرلسی که در بادیه باشغر یورت و مقام داشته معنی نام او صحرانشین است و اولاد او تبا عهد ایلخان در همان حدود بیلاق و قشلاق می نموده اند، و اکنون از اعقاب ایشان جمعی فراوان داخل خیل ترکمان است و حگام استرآباد را بندهٔ فرمان.

در منشآت و مخزن الانشاء: چهل دروازه. به طور مسلم چهار دروازه غلط است و سهو کاتب است.
 در منشآت: دوکسار. در مخزن الانشاء: دوکسا آر. در جامع التواریخ چاپ دکتر کریمی ص ٤٠ و چاپ آکادمی علوم اتحاد شوروی ص ۱۲۰: «دوکر، یعنی به جهت گرد آمدن».

۳. در منشآت و مخزن الانشاء: دُودُورغَه. در جامع التواریخ چاپ دکترکریمی ص ۱۰ و چاپ شوروی ص ۱۲۰: «دودورغا، یعنمی ملک گرفتن و پادشاهی کردن». بنابراین متن مسلم غلط است و سهو کاتب است.

فرزندان یلدوزخان جهار نفراند: اوّلاً \_ اوشّر که در اصل اشتقاق مأخوذ از أوشماق است به معنی پریدن، ولیکن در اینجا کنایه از چستی و چالاکی و جلدی و بـی بـاکـی اسـت. آل و اولاد او در موضع اِویـن راحـتگـزین بودند که نزدیک گـلوران است و گلوران آنجاست که یورت چنگیزخان بود، و چون کار دولت او در آن مقام بالا گرفت قوم مغول را به فال نیکو آمد. و بعد از آن هرکه را بخت سلطانی بود، و بر تخت قاآنی می نشست، بالضّروره در همان مقام قوریلتای عام مى شد. چنانكه بعد از مرگ كيوك باتو، كه مهتر شاهزادگان بود و عارضهٔ درد پای داشت لاجرم برای محفل کنکاج، به استدعای سایر شاهزادگان و استحضار سایر امرا و نوئینان ایلچی فرستاده، فرزندان جغتای و اوگتای ابا نمودند که پورت میمون و تختگاه چنگیزخان اوین و گلورانست، و تمهیدات قوریلتای در دشت قپچاق خلاف يوسون و ياساق. يس منكوقاآن با برادران جانب دشت شتافته حضرت باتو را دریافت. و چون خواست که بر تخت نشیند باز جانب گلوران رفت و چندی آنجا بماند تا اجتماع شهزادگان دست داد و در همان بورت میمون به سعی باتن قاآن شد. پس به وقتی که برادر خود هلاکوخان را به مرز ایران می فرستاد، اقوام اوشر قسمت خَوْد را از هزاره و صده بیرون کردند، و جمّی غفیر از این قوم بدین ملک رسیده در ممالک آذر بایجان که تختگاه هلاکوخان بود توظن گرفتند، و رفتهرفته بزرگان نامدار و امیران باوقار از ایشان پیدا شد، و خیل ایشان را چندان ازدیاد و انتشار پدید آمد که در فارس و عراق وخراسان جای جسته به هرجا تـمكّـن گـرفتند، يايهٔ تمكين يافتند. و چون به حضرت ملوك به صدق نيّت سلوك می کردند گروهی از ایشان در زمان صفویه و سایر ازمان به پایهٔ امارت رسیده بعضى از اوقات در تمامت آذر بایجان صاحب امر و فرمان بوده اند، و سالهاست که ولايت أرومي و سُلُدوس مسكن ايل و الوس ايشانست، و همواره بيگلر بيگيان جليل الشأن داشته و رأيت جلال مي افراشته اند. تا در اين عهد فرخنده مهد، لواي اعشلای این قوم به اوج کمال رسیده به عزّت قرب، و دولت پیوند بارگاه بلند، و آستان ارجمند خسروانی ممتاز گشتند، و سه شاهزادهٔ باوقار که باغ دولت را بهارند و کاخ شوکت را نگار از بطن بنات افشار در وجود آمدند. اکنون از سراة این خیل،

اعتماد السلطنه

سران بافر و جاه چاکر درگاه همایوناند که چندین مثل أغوز و یُلدوز را بندهٔ جاه و چاکر درگاه خویش دانند. مهتر ایشان امیرالامراء حسینقلی خان که خال و نیای شهزادگانست، و رأس و رئیس آزادگان \_ و فخرالکبراء فرج الله خان که یکچند در حضرت خدیوجهان، سالار نسقچیان بود و چندی سردار سپاهیان شد، و برادرش علیخان که در حضرت شهزادهٔ ولیعهد دولت قاهره ساحب اذیال اعتبار است و صاحب یاساق \_ بار دیگر از کماة این قوم قایدان سپاه و غازیان کینخواه در ظل لوای منصو ر است که حضن گردون را گشایند و تاج کیوان را ر بایند. از آنجمله عالیجاه محمد ولیخان که در تیپ خاصهٔ همایون داخل امرای هزاره است، و قاید افواج سواره. و عبدالصمد خان که سرهنگ سواران نظام است و ضرغام معارک انتقام \_ قومی دیگر نیز در سلک سر بازان خونریز منسلک می باشند و چون نام این ایل از کشرت استعمال مشهور به افشار است هرجا ذکری از ایشان شود به این نام ایل از کشرت استعمال مشهور به افشار است هرجا ذکری از ایشان شود به این نام مسطور خواهد گشت.

دو یم بیگدلی و این نفظ از اعلام مرکبه منقوله است اصل آن بیوک دیلئی بوده، بیوک به معنی بزرگست، و دیل به معنی زبان ب و «لی» از ادوات نسبت می باشد اکنون به حذف و تخفیف از وضع اصلی تحریف یافته به بیگدلی مشهور است چنانکه تازیان عبد شمسی را عبشمی خوانند، و پارسیان شاهان شاه را شهنشاه گویند. الغرض در اوایل حال یورت این قوم در جبال اولتای بوده که آن سوی قراقوروم است و در عهد چنگیز تا زمان غازان منسوب به اقوام نایمان گشته به وقت تموز پشته های سبز و چشمه های نغز دارد و در فصل شتا چون این مقام به موقف جلال ایلخان نزدیک بود، لشکر تور را پایمال ستور آمد و چون این مقام به موقف جلال ایلخان نزدیک بود، لشکر تور را پایمال ستور آمد و و چندی بدین واسطه بی نام و نشان در جرگ ایشان بودند، تا لشکر مغول جهانگیر شد و اکشر اقوام ترک داخل سپاه و خادم درگاه ایشان گشته. در عهد اوکتای فوجی از این قوم نیز در جزو هزارهٔ تایمان به تومان تایجو پیوست، و مصحوب لشکر فوجی از این قوم نیز در جزو هزارهٔ تایمان به تومان تایجو پیوست، و مصحوب لشکر فوجی از این قوم نیز در جزو هزارهٔ تایمان به تومان تایجو پیوست، و مصحوب لشکر فوجی از این قوم نیز در جزو هزارهٔ تایمان به تومان تایجو پیوست، و مصحوب لشکر خورماغون، به ملک ایران رسیده و شعبه ای ازآن در طی اوقات به ملک شامات

افستاد که مشهور به شاملوشد. و از روی تحقیق معلوم نیست که در چه هنگام از ایران به شام رفته اند و چه وقت باز معاودت نموده. مجملاً در دولت صفوی و نادری اعیبان امرا و اشراف و کبرای این قوم مشهور و معروف بوده و هریک در زی خویش کسب کمالی نموده اند. از آنجمله مصطفی خان که از جانب نادرشاه به سفارت روم مأمور شد، و حاجی لطفعلی بیگ که در عهد خویش بی مثل و یگانه **بود و در ف**ن شعر استاد زمانه، کتابی جامع در ذکر شعرا نگاشته، چون آذر تخلَص داشت آتشکده نام نهاد. دیگر خلف الصدق او حسینعلی بیگ مانند شررزادهٔ آذر است و متخلص به شرر، و اكنون در سلك مادحان در بار و چاكران سركار شاهنشاهی رتبهٔ انخراط دارد و پایهٔ شعر به تارک شَعْری گذارد. دیگر از ار باب مناصب این قوم احمدخان تایب است که در همین سال از موقف جلال همایون مأمور تفليس بود و خدمت نيكو نمود . و افواج بسيار از پياده و سوار در خيل جنود مسعود دارند که بعضی داخل جیش عراق اند و اکثر حافظ ثغر آذر بایجان، و اکنون ایل و الوس ایشان را در دو جا مربع و مقام است، یکی ناحیهٔ مَزْدقان که نزدیک دارالخلافه طهرانست، و دیگری در نواحی مراغه که از ملک آذر بایجانست، و چون راحت عام در این عهد مقدر بود این قوم نیز، نام گمگشتهٔ خود را بازجسته از هرجهت در خصب راحت اند و امن و استراحت. خصوصاً از رهگذر يورت و مقام که گوشی در ازای آن تنگی عیش، و سختی حال که اجداد و آبای ایشان را در شعاب اولتای بود، رودبار جقّتو و کوهسار مَزْدقان قسمت و نصیب ایشان شد که از باغ و گلشن و آب روشن و غلّه و کشت غیرت بهشت است، و چندانکه در پورت قديـم بيغلّه و نميوه به هر دره و به هر كريوه مي گشتند اكنون ثمار الوان در وثاق و ایوآن چیده به ناز و عزّت میل و رغبت نمایند.

سیم \_ قِرِق به کسر اوّل و ثانی و سکون ثالث یعنی قوی حال. یورت او در موضع قالدُون بود که در عهد چنگیز داخل مغولستان شده علفزار ومنبع رودخانهٔ عظیمی است. اولاد قِرِق از سایر فرق بیشتر بوده و در عهد ایلخان کثرت بی قیاس داشته اند، و چندی با لشکر تور و تاتار رأیت جنگ و پیکار افراشته بعدها که لشکر تور بر بلاد ترک تسلط یافت از بیم حان تفرقه یافتند و به هر حانب می شتافته،

بعضی داخل او یغوز شده اند که هم حال داخل ترکمانان اند، و هرسال فوجی از سواران جرّار به موکب منصور می فرستند. بعضی که از آب جیحون گذشتند ساکن سپنجاب اگشته در اواخر به خراسان افتادند و به قوم اوشیر پیوسته اکنون از شعب افشار محسوب اند و به قرخلو مشهور، و تا عهد شاه طهماسب ثانی نام و نشانی از معارف این قوم در سیر و تواریخ نیست. ولیکن در آخر دولت صفوی که خزان باغ خسروی بود قهرمانی قادر، مانند نادر، ازین شعبه پیدا شد که از حد موصل تا رود جیحون مسخر کرد و بر هند و سند و روم و روس مظفر گشته احفاد او را ملک و دولت برقرار بود تا طلیعهٔ دولت پایدار پدیدار شد، و باغ خسروی را فصل بهار آمد, پس امیرالامراء حسینخان سردار که آن وقت حارس خراسان بوده به یک رکضت پس امیرالامراء حسینخان سردار که آن وقت حارس خراسان بوده به یک رکضت خیل، و نهضت و میل، جملگی را مقهور و مغلوب کرد و ملک مغصوب بازگرفت، و جمعی از معارف احفاد، و نتایج اولاد او را به بندگی حضرت فرستاد که هر یک چاکر یک تن از ابنای ملوک گشته، فخر این گونه چاکری در نسل احفاد نادری ماند.

چهارم، قازقین ــ یعنی دهندهٔ آششیلان و خواجهٔ خوان الوان ــ یورت او در حدود اِشپ رسین بود، و بعد از تسلط تور معلوم و مذکور نیست که قوم او را چه پیش آمده و در کدام زمین منزلگزین گشته اند.

فرزندان کوک خان که چهارم پسر اغوز است، و اوّل قوم اوچوق چهار نفر بوده اند:

اقل بایندر که در اصل بای اندر بوده. بای به معنی بزرگ باشکوه است و اندر مکان مرتفع مانند پشته و کوه، یعنی بزرگ بلندقدر، جای او در حوالی یورت قای بوده و احوال فرزندان او در فتنهٔ تور فریدون مشخص نگشته و معلوم نیست که در چه عهد به ایران رسیده، لیکن یورت ایشان در این ملک معلوم است و تا

۱. متن مطابق با منشآت است. در مخزنالانشاء سبیجاب آمده، در جامع التواریخ چاپ احمد آتش ص
 ۱۶ اسپیجاب که همین صحیح است.

منشآت و مخزن الانشاء: أوشر.

۱۳۳۹

اکنون به بایندریورتی مشهور، در نواحی سهند مقامی دلیسند است که مرغزار بدیع و کوهسار رفیعش از خُضرت طِلَل و رفعت قُلَل با گلشن خضرای چرخ و جنّت علیای خلد برابر است، و از تارک گردون پیر، و طارم برجیس و تیر فراتر. شعابش لاله زار است و سحابش ژاله بار، نسیمش عطر بیز و زمینش مشک خیز. هنگام تموز که از تاب سَوْرت هوا و شدت گرما در سایر اماکن به راحت ساکن نشاید بود، رودهای ژرف از کوههای برف روان دارد که آب زلالش چون شهد وصال روان آرد. و بالجمله در عهد دولت مغول فضای این یورت مقام این ایل بوده در آن جنّت عدن نشو و نما می نموده اند، تا به صروف ایام در حدود قراباغ و نخجوان منتشر گشته روزگاری دراز است که در ملک بردع یورت و مربع گرفته اند، و بعضی جانب مرز گروس رفته بالفعل در آن سرزمین ساکن قرا، و رباع اند و مالک عقار وضیاع. و در کر فخر این قوم و شرح مدح این ایل همین بس باشد که فاضل عهد، فاضل خان و خواجه خلون محمدعلی بیگ، از ایشان برخاسته یکی در عهد خاقان مغفور و خواجه خلون منصب کلانتری داشت، و این یک اینک در حضرت خدیوجهان (آقیا محمدشاه) منصب کلانتری داشت، و این یک اینک در حضرت خدیوجهان بیایه قرب و رتبه اختصاصی دارد که محسود دور و زمان و منبوط اوج آسمانست.

دویّم، پچنه می اسم و رسمی آزو در ممالک ایران نیست و در تاریخ مغول نیز نامی از خیل و سپاه و ایل و الوس او بنظر نیامد. همینقدر از جامع التواریخ مستفاد گردید که این لقب بر کسی نهند که ساعی در مهمّات امور باشد و انجام مهام نزدیک و دور دهد. انتهی.

اینست آنقدریکه از کتاب شمایل خاقان دیده شده و عقیدهٔ بعضی اینست که این کتاب را مرحوم قایم مقام به اختتام و انجام نرسانیده است.

میرزا صادق وقایع نگار مروی از اعاظم نویسندگان عهد خاقان خلدآشیان (فتحعلی شاه) طاب ثراب در تاریخ جهان آرا گوید:

جماعت اتراك عموماً و سلسلة سلاطين و خوانين تركستان خصوصاً منسوب

۳. جامع التواریخ جلد ۱ چاپ فرهنگستان علوم اتحاد شوروی ص ۱۲۲: بیچنه یعنی نیکوسعی کند. و
 چاپ دکترکریمی ص ٤١ بجنه یعنی نیکوسعی کند و جد نماید.

به اغوزخان، پسر ششم ترک بن یافث بن نوح علیه السلام اند که در میان اتراک به جمشید ترک اشتهار داشته است. و بعضی دیگر از مورخین اتراک را منسوب به قائی خان که پسر سیّم عیص بن اسحق علیهالسلام است دانستهاند. و برخی را نیز اعتقاد اینکه قائی خان همان عیص بن اسحق است. قائلین قول اول را دلیل اینکه بعد از وقوع طوفان نوح على نبيّنا و عليه السّلام سه پسـر كه حام و سام و يافث باشد بـاقـی مـاند، و هریک از ایشان به تعمیر رکنی از ربع مــکون مأمور آمدند. سام به تعمير اقليم ثالث و رابع، كه مملكت ايران عبارت از آن است همت برگماشت. حام روی به ولایت سودان و هندوستان آورد. یافث عزیمت بلاد شرقی و سمت شمالی را کمر بست. و اولاد و احفاد یافت به مناسبت اسمی ترک بن یافث، مستمى به ترک آمدند. و اوّل کسى که در آن سلسله صاعد مراتب برترى، و عارج معارج سروری آمد، اغوزخان بود که سلاطین و خوانین ترک منسوب به وی مى باشند، و او ابوالملوك سلاطين اتراك است چنانكه در سلاطين عجم كيومرث ابوالملوک بود. جمعی دیگر از موزخین که این طایفه را منسوب به قائی خان دانسته اند چنین گفته اند که زاسخت نبی علی نبینا و علیه السلام را از یک بطن دو یســـر تــوأم متولّد گردید، اوّل عَیْص بود و ثانی یعقوب، و وجه تسمیهٔ یعقوب اینست که در حین ولادت پاشتهٔ عیص را گرفته قدم در عرصهٔ وجود نهاد، بعد از چندی که برادران بـه مرتبهٔ کمال و درجهٔ جلال رسیدند، نظر به کثرت اولاد و احفاد و عشایر و قبایل، عیص بن اسحق روی به دیار مشرق و نواحی شمال آورد، و حضرت يعقوب نبى در بلاد عرب توقف نمود، و در آن سلسله اول كسى كه رأيت حكمراني برافراشت قائي خان بود كه بهزعم بعضي پسر سيّم عيص بن اسحق است و به قول جمعی دیگر همان عیص بن اسحق است که در میان اتراک به قائی خان اشتهار یافت. علی ای تقدیر بعد از تتبع در اقوال، خلاصهٔ مطلب اینست که علم ازلی تعلّق براین گرفت که نبوت و سلطنت در آل ابراهیم علیه السّلام باشد. بنابراین انبیا و رسل سوای حضرت خاتم انبیا صلّی الله علیه و آله که از نسل حضرت اسمعيل عليه السلام مي باشند كلاً از آل يعقوب عليه السلام اند كه نسلاً بعد نسل رایت رسالت افراشتند، و خوانین از سلسلهٔ عیص بن اسحق اند. انبیا را ظهور

رسالت در دیار عرب و امّ القری بود، و سلاطین را طلوع نیّر سلطنت از بلاد مشرق و ترکستان. عرب را بر عجم تسلّطی، و ترک را بر عرب استیلائی نبود، تا به مرور دهور و اقتضای گردش ماه و هور، سلاطین عجم را دولت قدیم سپری شده در عهد خلفا عزب را بر ولایت عجم و برخی از بلاد ترکستان سمت سروری و برتری روی داد. عرب با عجم مختلط آمدند و از اختلاط ایشان و توظن عرب در خاک ایران به تدریج بعضی از طوایف دیگر مثل افاغنه که منسوب به بنی خالداند، و اکراد که مجتمع از پراکنده، و متفرّقهٔ عرب و عجم اند نام برآوردند. در آخر سلطنت سلطان محمود غزنوی طایفهٔ سلاحقه که منسوب اند به سلجوق بیگ که وی به قولی از احفاد افراسیاب ترکست، به جهت اختلاف سلاطین ترکستان از آب جیحون عبور نـمـوده در ولایت خراسان به ادّعای سروری شر برآوردند، و نظر به شهامت فطری بر مجموع ایران و روم مسلط آمدند. چندی که براین منوال گذشت کاخ دولت آن طایفهٔ جلیله متزلزل گشت و ارکان سلطنت بی قوام گردید هرکس در قطری از اقطار عـالـم عـلـم حـكمراني برافراخت، همچون سلاطين خوارزمشاهي و اتابكان عراق و شام و فارس و یزد و کرمان و دیار بکر و آذر بایجان. و این اتابکان غلام ترک سلاحقه اند که به منصب اتابکی سرافراز گردیده و هریک در مملکتی به خدمتی مأمور بوده اند و بعد از انقراض آن سلسله خود بنای سروری نهادند. در خلال این احوال فتنه چنگیزی آشکار شد و زمانه را شیوهٔ دیگر پدیدار. در اوانی که هلاکو خان به دیار عراق و حدود روم روی آورد از آنجا که این نواحی به اصطلاح مغول علف خوار سپاه او را معین بود موازی بیست هزار خانه کوچ یا بیشتر از ایلات اتراک و طوایف خود همراه آورده در آن حدود و سامان سکنی داد چون زمان دولت چنگیزخان بهسرآمد و اوضاع روزگار از اختلاف و پریشانی به وضعی دیگر، واهب بی منت زمام سلطنت را به کف کفایت امیرتیمور گورکان داد، و آن سلطان کامکار از قراری که در تواریخ مسطور است بر اقطار عالم مسلط آمد. هـنگـامـی که بر ولایت روم ترکتاز آورده بود و ایلدرم بایزید خان را گرفتار کرده، ســاكـنــين ديار شام و حلب و ساير بلاد عرب و آذر بايجان را نظر به رعايت ايليّت و به ملاحظهٔ آبادی بلاد ترکستان خواست به خطهٔ مشرق کوچانیده از رود جیحون

عبور دهد، چون سالها بود که آن طایفه را در ولایات مز بوره توظن و استقرار دست داده و بنای تحدد در آن مداین نهاده، این حرکت بر ایشان شاق می نمود، و این مرحله تكليفي مالايطاق. لهذا بعضي الجاء به جانب تركستان روانه آمدند و يارهاي به بـهـانـهای چند متوقف. در آن میانه و بعد از چندی که استیلای تیموری به انتها رسیند و روزگیار راه فـتـنـهجوئی پیش گرفت برادر به تیغ برادر کشته آمد، و پدر به خنجر يسر به خون آغشته. فلک قانون ستم ساز کرد و آسمان ترانهٔ جفا بلندآواز. هر کشوری را لشکری زیر و زبر نمود، و هر بومی را قومی مسخّر. طایفهٔ ترکمان آق قبو پنیلو و قبراقبو پنلو در حدود دیار بکر و خلاط و آذر بایجان حکمران آمدند، و اوز بكيه ماوراء النهر در ممالك خراسان و بعضى از عراق. جهانبان حاكم على الاطلاق را بر عباد يريشان روزگار رأفت آمد و بر بندگان عاجز رحمت. براي رواج اسلام و آرام انام شاه اسمعیل بر سریر سلطنت برآمد، و زمان آشوب به سر، [به] آب حسام آتش فتنه فرونشانید. نواحی آذر بایجان را از رومیه، و حدود خراسان را از اوز بکتیه پرداخته، حوزهٔ مملکت را امن ساخت. بعد از چندی او نیز درگذشت و سلطنت را به حکم وراثت به ارشد اولاد واگذاشت. و در نوبت سلطنت شاه عباس ماضى كه صفحة أيران كلية از وجود اشرار پاك آمد به اقتضاى تدبیر صایب جمعی از متشخصین طایفهٔ قاجار را با برخی دیگر از ایلات نامور مأمور به توقّف ثغور و سرحدات ايران كه عبارت از ايروان و استرآباد و مرو شاهيجان باشد نمود كه حوزهٔ آن ولايات از رخنهٔ مخالفين مصون ماند.

و اتما نسب سلسلهٔ علیه قاجاریه آنچه از تتبع سیر و اخبار معلوم و مستفاد است و دانشوران ترکمانیه ساکن دست قپچاق را نیز خلفاً عن سلف در یاد، اینست که: در نواحی ترکستان قصبه ای بود مسمّی به ترکستان، این طایفهٔ جلیله با اتباع خود در آنجا سکنی داشته اند، و ایشان پنج برادر بوده و به مقتضای شهامت پیوسته زبان به مضمون این منظوم می گشاده اند:

ما پنج برادری که از یک پشتیم در پنجهٔ روزگار پنج انگشتیم چون فرد شویم در نظرها علمیم چون جمع شویم در دهنها مشتیم برادر مهتر ایشان را که در میان آن قوم رتبهٔ سالاری و سروری بود قاجارخان نام

داشته، و این طایفه در افواه اتراک مشهور به طایفهٔ قاجارخانی شده، و این رسم در طایخهٔ اتراک شایع و مطرّد است که طایفهٔ خود را به اسم بزرگ سلسله مستمٰی سازند، و برای بقای نام جمله را به آن اسم برخوانند. چنانکه طایفهٔ سلاحقه به اسم سلجوق بیگ، و اتراک اغوزخان و قائی خان به اسم قائی خان، و جغتائی به اسم جغتمای خان پســر چنگــیزخان، و بیگدلی به اسم بیگدلی خان، و افشار به اسم اوشيرخان، بسران يلدوزخان كه او پسسر چهارم اغوزخانست مسمّى و مشهور گردیده اند. در اوانی که اغوزخان برای تسخیر ولایت ایران از ترکستان سبک عنان آمد، این طایفهٔ جلیله آن سلطان کامکار را در موکب ظفر کوکب یی سیار آمدند، و در دفع مخالفین نیزهگذار. ییلاق و قشلاق ایشان در دیار بکر و خلاط و حدود بردع و ازان بود. بعد از چندی که اغوزخان عازم مراجعت ترکستان گردید نظر به علایقی که در آن حدود بهمرسانیده بودند در همان نواحی متوقف گردیدند، و از خیبال معاودت به وطن مألوف منصرف. نسلاً بعد نسل در ولایات مز بوره به شهامت و دلاوری قراری داشتند و به امارت و استیلا استقراری. در زمان سلطنت سلطان مرادخان پادشاه ممالک روم حسن خان ترکمان آق قو ينلو که طايفهٔ قاجاريه عبارت از ایشانند لب به ادعای سروری برگشاد و قدم بر سریر حکمرانی نهاد. از قراری که در کتب مسطور و مذکور است حضرتش را با سلطان مرادخان منازعات و مجادلات بسیار روی نموده، بالاخره حسن خان را بخت یاری کرده صاحب لوای بختیاری و سریر شهریاری آمد، تا اواخر دولت تیموری و اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی این سلسلهٔ جلیله در ولایات خلاط و دیار بکر و آذر بایجان و عراق و فارس بعه استقلال سلطنت می نمودند. به اقتضای انقلاب دوران، دولت ایشان نیز سیری گردید، و سلطنت به شاهاسمعیل صفوی که هم از جانب مادر به آن سلسلهٔ جلیله مقصل بود رسید. بعد از آنکه چندی رأیت اجلال این پادشاه به ذروهٔ استقلال افراخته می بود، او نیمز به حکم اجل درگذشت، و سریر سلطنت به ارشد اولاد بگذاشت. در عهد دولت شاهعباس صفوی به اقتضای تدبیر و امضای احکام تقدیر، هر فرقه ای از این طایفهٔ جلیله در یکی از ثغور مملکت ایران حکمران آمد، جنانکه قبل اشاره شد. جمعی به استرآباد، و گروهی به ایروان، و فرقه ای به مرو

شاهیجان، و سلسلهٔ سلطنت نهاد خاقان گیتی ستان (فتحعلی شاه) منتهی است به قـاجـارتـِه قـوانلو که در خطهٔ استرآباد از بادهٔ سروری خرّم و دلشاد می بوده اند. و در اواخر عهد سلطنت شاه سلطان حسين صفوي كه افاغنهٔ قندهار به تحريك اشرف و محمود افغان به محاصرهٔ اصفهان پرداخته و عرصه را بر شاه و سیاه تنگ ساخته بودند، نواب فتحملي خان قاجار كه اعلى جدّ اين خديو عدالت شعار است اعانت شاه را با فوجی از دلیران قاجاریّه روی به دارالسّلطنهٔ اصفهان نهاده، بعد از ورود به آن حدود حملات مردانه به افاغنه برده، سر و زندهٔ بسیاری از ایشان به دست آورد. چون امنای آن دولت را که در حقیقت خاینان آن خاندان سلطنت بنیان بودند ازین قضیّه آگاهی حاصل گردید، از سوء تدبیر یا به اقتضای تقدیر، صورت ماجری. را به کلک بی فکری بدینگونه بر ورق اظهار مرتسم نمودند که: طایفهٔ قاجار دلیران خونخوارند و شیران بیشهٔ پیکار، و نوّاب فتحعلی خان نیز دعوی شهریاری را در میدان ادّعا یا نهاده و بـه حـسـب استعداد یایهٔ سروری و مرتبهٔ خسروی را مهیّا و آماده است. هرگاه در ازای این مردانگی نمایان مورد تحسین و احسانی گردند دیگر ضبط عنان ایشان در قبضهٔ اقتدار و سرینجهٔ اختیار ما نخواهد بود. خلاصه شاه سلطان حسین را که روز دولت مانند شام نکیت سیاه بود، و کوکب اقبال در عین وبال. اقاويل باطله آن غوايت بيشه گانش كالنقش في الحجر در صفحه ضمير جای گیر آمده آن طایفهٔ جلادت شعار را که وجود هریک در رفع چنان حادثهٔ عظميي به منزلة جنود غيبي و امداد آسماني بود به احساني راضي نساخته و به تحسینی ننواخته، همان به احیای مراسم نکبت شعاری که مقدرات الهی را اسبابی بود درخور و لایق پرداخت. نوّاب فتحعلی خان چون نهال اعانت را ثمر این دید، و تدبیر اعیان دولت را فایده چنین، با چین جبین از دارالسّلطنه اصفهان روی به ولایت استرآباد نهاده به انتظام مهام خود کوشید ـ انتهی.

عبدالرزاق بيگ دنبلي كه از مورخين عهد خاقان مغفور (فتحملي شاه) البسه الله حلل التور بوده در كتاب مآثر سلطانيه كه به اسم حضرت نايب السلطنه رضوان جايگاه (عبّاس ميرزا) طاب ثراه نوشته گويد:

ایل جلیل خسرو نبیل از اعزّه و اجله اتراک جلایر و جلایر از نیرون، و

سابانویان از جلایر است، و سرتاق پسر سابا، و قاجار پسر سرتاق،نویان است. و در ميان طوايف ترك قاجار سه طايفه بوده است: يكي از سلدوس، و يكي از تبنكـقوت، و يكى از جلاير ــ آنكه از سلدوس است به ايران نيامده است، و آنكه از تسنکقوتست طایفهٔ جزئی بوده به قدر سی چهل خانه و به سایر طوایف مغول پیوسته در میان آنها بی نام و نشان شده و آنکه از جلایر است صاحب دولت و شوکت شدهانید و از کنار رود جیحون تا حدود ری در زیر حکم و فرمان سرتاق بوده، و او به فرمان اباقاخان به اتأبكي ارغون خان معزّز و ارغون خان تربیت شده او است، و مملکت سرتاق که مختصی او بوده از قزل آغاج مغان تا حدود نیشابور است، و او در جرجان می نشست و نسلش در جرجان و مازندران زیاد شد و در عهد غازان خان و سبابـق برآن از هزارهٔ خاص از تومان تایجو بوده. بعد از آنکه غازان خان پسر تایجو را به يباسيا رسيانييد تومان تايجو را به قاجار مفوض كرد، و نهايت عزّت و اعتبار را پیدا نموده و ولایات پدرش در دست او بود و در قدیم فرزندان جلایر را کویانک می گفته اند، و کویـانک به لغت ختانیان به معنی خان بزرگ و پادشاه باشد و طرف دست چپ لشکر قیامت اثر چنگیزخان را ایشان داشته اند، در قلعه گشائی و خصم افکنی معروف و مشهور بوده اند، و در عهد چنگیزخان بزرگ ایشان موقبلی کویانک، و در زمان اوگتای قاآن پسر او بوغول کویانک بر جای پدر بود و آثار شهامت ظاهر می نصود. و در مدت دولت قبلاقاآن هتون نویان از ایشان امیر بزرگ بوده، و ایلوکه پسر بزرگ قدان از قوم جلایر با لشکر بیکران که در ظلّ رایت او بود به فرمان چنگیزخان به رتبهٔ اتابکی اوگتای قاآن نایل گشته، و اتابیک به معنی لله باشد و امیرارغون را که از امرای بزرگ بود به راه نوکری و خدمت به ایبلوکه داد که تبایع امر و نهی وی باشد، چون امیرارغون مردی فصیح و عاقل و دلاور بود کار او بالا گرفت و از مرتبهٔ اقران بگذشت، و در عهد منکوقاآن منکسارنویان از جلایر بزرگ یارغوچیان که به معنی امیردیوان باشد بود، و حکم یاسا و سیاست مفقرین به فرمان او می گذشت، و اروق و بوقا پسران کلای با هـلاكـوخـان بـه ايـران آمدند، و ملازم خدمت اباقاخـان بودند و به تر بيت آن پادشاه هریک امیری بزرگ گشتند، و سرتاق نویان پسر سابانویان که در کودکی ارغون خان در خراسان و مازندران امیرالامراء بود پسری داشت قاجار نام، نسل قاجار از او است. و ابتدای توالد و تناسل این سلسلهٔ علیه در مازندران و استرآباد و خراسان از فرزندان قاجار شده. وقتی که مرکبت فرصت یافت و خانهٔ چنگیزخان را غـارت کـرد خـاتون چنگـیزخان را که به جوجی آبستن بود پیش اونکخان فرستاد، چون اونکخان با بیسوکا بهادر پدر چنگیزخان از قدیم رابطهٔ دوستی داشت و آنرا فرزند میخواند، آن خاتون را چون عروسان پسر خود به نظر مهر بانی دیده احترام او را منظور داشته مشمول تفقّد کرد. امرا گفتند خاتون را می بایست به زنی گرفت. او جواب داد که عروس من است نشاید به چشم خیانت به او نظر کرد. چنگیز خان چون این مردمی از و دید و ملاحظهٔ حقوق و بزرگمنشی از اونکخان مشاهده كرد سابانويان يدر سرتاق جد قاجاريه را نزد اونك خان به طلب خاتون فرستاد اونکخان سابانویان را به نظر جلالت و احترام دیده مقدمش را گرامی شمرد و خـاتـون چنگیزخان را به او سپرد و او عازم بندگی شد. از اتّفاقات خاتون را در راه درد زادن بگرفت و جوجی خان پوچود آمد. چون راه مخوف بود مجال توقف و ترتیب گاهواره و لباس نیافتند قدری آرد خمیر کردند و طفل نورسیده را در خمیر گرفتند و در بغل به احتیاط تمام نزد پدر بردند تا اعضای او به درد نیاید و متألم نشود و نام او را بدان سبب جوجی نهادند، یعنی ناگاه در وجود آمده. چون دولت چنگیزخان و شوکت مغول بسرآمد شیخ حسن نویان و پسرش سلطان اویس از قوم جـلایر که نسبت خویشی با سلطان غازان و سلطان محمد حدابنده داشتند مدّتی در ايران سلطنت كردند و مآثر ايشان در تواريخ مسطور است. القصّه طايفة قاجار به شهامت و صرامت مشهور شدند و در ایّام سلطنت شاه اسمعیل صفوی و شاه طهماسب به جلایل امور سپهسالاری و سرحدداری مشغول، و در عرصهٔ جهان به بلندي همت و شوكت اشتهار يافتند چون نوبت سلطنت به شاهعباس ماضي صفوی رسید از کثرت و عدت آن جماعت اندیشه بر او غالب گشته جمعیت ایشان را متفرق ساخت جمعی را به مرو کوچانیده در برابر اوز بکیه بازداشت، و بعضی را به گـنـجـه و ایروان مأمور کرد، و برخی را در استرآباد که موطن اصلی آنها بود در مقابل تركمانان متوظن نموده كه آن ثغر محروس ماند. فتحعلي خان جد اعلاي

خاقان سلیمان مکان جماعتی از طایفهٔ یموت را برداشته بر سر قلعهٔ مبارک آباد رفت و از دروازهٔ اصلمس بک، قاجار پرناک سرکشیکچی باشی که با فتحعلی خان آشنائی تیمام داشت داخل قلعهٔ مبارک آباد شده بر سر محمدخان ترکمان و میرزا اجمد وزير او تاخته هردو را به ديار عدم فرستادند. بعد از آن كار آن بلنداقبال بالا گرفته شهر استرآباد را جایگاه امارت خود قرار دادند. در آن اوان شکر بک نام کرد جهان بیگلو که به فندرسک و رامیان استعلا داشت و تعذی و اجحافش بی منتها، و مرتكب اللاف جمعني از اشراف مي شد سران قاجار از مشاهدة اين حالات به خدمت آن حضرت شتافته استدعای قبول ایالت و امارت از ایشان نمودند. آن حضرت از این امر تحاشی کردند. بالاخره فضلعلی بیگ شامبیاتی و معمد حسینخان قراموسانلوا و محمّد تقی بیگ سرکشیک با سایر عظما و رؤساء آن حضرت را بر مسند امارت نشانیدند، و در رکاب نواب فتحعلی خان به دفع شکرکرد راهسپار مراحل نصرت و اقتدار گشتند و بعد از مقاتله و محار بهٔ بسیار او را کشتند. پس از آن فضلعلی بیگ و محمّدتقی بیگ در حق نواب فتحعلی خان بد اندیشیده سزای خود را دیدند و رخت به دیار عدم کشیدند. نوّاب فتحملی خان بعد از دفع دشمن و استیصال بدخواه متوجه ساختن مهتمات استرآباد و حوالی و حواشی آن خطّهٔ ارم بنیاد گردید ــ انتهی.

میرزا حسن زِنوزی خوثی از معارف اهل سلوک و عرفان، و دانشمندان عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب تراه در کتاب ریاض الجنّه گوید:

اصل ایل جلیل قاجار از طایفهٔ مغول و از ترکستانست. در ازمنهٔ استیلای تیموری بنابر پارهای تقریبات از آن ولایت کوچ کرده به مملکت روم رفتند و مدتها در آن دیار بسرمی بردند. بعد از چندی چون زیاده از حد غیور، و باجلادت و رشادت و صاحب حمیت بوده و به آسانی زیر بار اطاعت کسی نمی رفته از روم کوچیده به ولایت گنجه که گنجینهٔ آذر بایجان بود ساکن شدند. و به سبب شتافتن به روم به قاچار موسوم گردیدند. و همیشه با جماعت لگزیه در آن دیار جنگ و

جدل می کردند و از آنها بسیار می کشتند و اسیر می کردند. چون نوبت سلطنت به سلاطمين صفويّه رسيد و آن طايفة جليله را صاحب رشد و زور ديدند متوّهم گشته. چه ایشان زیاده از چهل هزار خانوار و همه صاحب جرأت و جزار بودند. بنابراین قصد کردند که آنها را چند دسته کرده هر دسته را به ثغری و سرحدی مأمور کنند كه سرحدات از حملهٔ خارجه محفوظ باشند، و آن جماعت و سلسلهٔ عليّه هم يكجا و در یک محل ساکن نباشند. پس به تدبیری آنها را به یای تخت احضار کرده كمال مهرباني و ملاطفت را نسبت به ايشان مبذول داشته محافظت ثغور و سرحدات را به ایشان تکلیف کردند. جمعی از ایشان به سرحد گرگان، و بعضی به مرو شاهیجان، و برخی به ایروان مأمور گشتند و قلاع و حصون آنجاها را به تبصرف ایشان داده مشغول محافظت شدند. و پادشاه نیز خانه کوچ هر سه دسته را از گنجه نزد ایشان فرستاد که مادام العمر در آن سرحدات متوظن و ساکن باشند. اعیبان و اشراف آن قوم که از گنجه به در بار شاهی نرفته بودند در این ولایت به حكم يادشاه به فرمانفرمائي نشستند خلاصه از آن وقت تفرقه مِيان آن طوايف افتاد و نـتـوانـستند يكجا جمع شد. ولي از غايت رشادت و جلادت هر سه دسته سرحد و ثغر سپردهٔ به خود را در کمال خوبی حراست کردند، و بدینواسطه نزد سلاطین نهایت عزّت و اعتبار را داشتند، و حکومت ولایات سرحدّات پیوسته با امرای قاجار بود، و از هریک از طوایف امیران نامدار و حکّام بااقتدار پدیدار آمد، ولی امرای استرآباد زیادتر از سایر طوایف صاحب حشمت و شوکت و برتری بوده اند، و اوّل در سرحد گرگان سکنی داشته اند. شاه عبّاس صفوی ماضی در آن اراضی قلعه ای برای ایشان ساخته مبارک آباد نام نهاد و به آق قلعه شهرت کرد. مدتها در آن قلعه بودند و بـا تركمانيّه هميشه جنگ و جدل مي كردند و چون فيمابين خودشان نزاعي اتّفاق افـتـاد در سنهٔ هزار و صد و چهل هجری همگی از آن قلعه کوچیده به استرآباد آمده در این شهر ساکن شدند و آق قلعه رو به خرابی نهاد. و از آن طرف زیاده از بیست سال است که این سلسلهٔ جلیله زمام سلطنت ایران را به دست اختیار و اقتدار خود آورده اند و بـا استقلال هرچه تمام تر در تمام ولایات و ایالات ایران فرمانفرمائی و حکمرانی می کنند. و اوّل کسی که از این سلسلهٔ جلیله پا بر سریر حکمرانی نهاده

شهريار تاجدار محمدحسن خان بن فتحعلي خان قاجار است كه بعد از قتل نادرشاه چندی با شاهرخ شاه نادری بسر برده، چون در وی آثار رشد و سلطنت ندید از وی خداشی نموده به استرآباد آمده بنای فرمانفرمائی گذاشت. و نواب فتحعلی خان پدر شهریار مبرور بعد از استیلاء افغان به اصفهان در نزد شاه طهماسب ثانی در کمال عزّت و اعتبار بلکه صاحب اختیار و مدار امور سلطنت بود، و با شاه طهماسب به خـراسان رفت و در ارض اقدس به تحریک نادرشاه در ماه صفر هزار و صد و سی و ٔ هشت هجری شهید، و در خواجه ربیع مدفون شد. خلاصه نواب محمدحسن خان در سمت آذر بایجان با آزادخان افغان جنگ کرده او را شکست داد، ولی آن حضرت نیز به دست یکی از غلامان خود به درجهٔ شهادت رسید، و کریمخان زند بر ایران مستولی شد، و اولاد نوّاب معظم طاب ثراه را به عراق و فارس کوچانید، و حضرت آقامحــمّـد خان اكبر اولاد نواب محمّدجيين خان را در شيراز نزد خود نگاهداشت. امًا شهر يار خلدمكان حسينقلي خان خلف ديگر نواب محمد حسن خان در استرآباد بنای طغیان را گذاشته به فرمانفرمائی مشغول شد، و از بلندی همت سر به اطاعت زندیه فرود نیاورد، و در آن سور این بود تا به دست ترکمانیه شهید شد. پس از چندی در ماه صفر سنهٔ هزار و صد و نود و سه کریمخان در شیراز درگذشت و حضرت آقامحمد خان از شیراز به طرف طهران رانده و خود را به استرآباد رسانیدند، و سركشان آن ولايت را مطيع ساختند، و عَلَم كشورگشائي برافراشته اكثر بلاد دارالسرز و گیلانیات را به تبصرف درآورده از آنجا عازم عراق گردیده، مذتی با امرای زند گیرودار نمودند. چون علیمراد خان زند که از سایر زندیه به مزید شوکت اختصاص داشت در سال هزار و صد و نود و نه درگذشت بر تسلّط و اقتدار حضرت آقنامحمد خان افزود، و مختصر درسال هزار و دویست و شش جمعی ممالک عراق و فارس و کرمان و بزد و بنادر، مخصوص حضرت یادشاهی گردید ـــ انتهی. سیبرژُنْ ملکم که از جانب حکومت هندوستان به سمت سفارت به در بار خاقان مغفور فتحملی شاه طاب ثراه آمده ا در تاریخ ایران که تألیف نموده گوید:

المسيرژن ملكم در ظرف پانزده سال سهمرتبه از جانب حكومت هندوستان به سفارت به ايران آمده.

طایفهٔ ترک قاجار که مدتنی متمادی در شامات سکنی داشتند و امیرتیمور گورکان آنها را از شامات به ایران آورد یکی از هفت طایفه ای می باشند که باهم متَّفق شده، شاه اسمعیل اوّل یادشاه صفوی را به تخت سلطنت ایران جلوس دادند و از آنجا که با وجود کشرت عدد به وصف شجاعت و جلادت موصوف بودند شاه عبياس بزرگ آنها را به سه شعبه منشعب نمود. شعبهٔ اوّل را در گنجه سکنی داد تا جلو تاخت و تاز لگزیها را بگیرند ـــ شعبهٔ دو یم را در مرو ساکن ساخت که مانع تجاوز و تخطی اوز بکها به سرحدات خراسان باشند ــ شعبهٔ سیّم را در استرآباد مقیم کرد تا ترکمنهائی که در امتداد ساحل و دشت طرف مشرق دریای خزر مسکن دارند به واسطهٔ جلوگیری این جماعت اسباب خسارت و اضرار رعایای ايران نشوند؛ چه تراكمهٔ مزبوره به واسطهٔ جلادت ذاتي و به واسطهٔ صحراهاي كوير که در اوان مخاطرات بدانها بناه می جستند و کسی نمی توانست آنها را تعاقب كند، همواره نواحيي گرگان و استرآباد و آن حدود را غارت مي نمودند. خلاصه شعبهٔ اولی که در گنجه سکنی داشتند به نادرشاه پیوسته بدینواسطه آنها را قجر افشار نامیدند، و بعد از فوت نادرشاه این شعبه رو به تنزّل و هبوط گذاشتند ــ شعبهٔ دو تم که از هر طرف دشمن آنها را احاطه گرده بود همواره در کار بودند که ولايت مرورا از حمله محروس و در تصرف داشته باشند ــ شعبهٔ سيّم مايل و مستعد بودند که تخت سلطنت ایران را تصاحب نمایند. چیزی که مانع نیل این مرام می شد نفاقی بود که رؤسای آنها با یکدیگر داشتند ـــ این شعبه از قاجاریه نیز به دو طایفه منقسم شد. طایفه ای موسوم به یوخاری باش و طایعهٔ دیگر معروف به اشاقه باش گردیدند. و رؤسای یوخاری باش رئیس کل بودند تا زمان نواب فتحملی خمان که از رؤسای طایفهٔ اشاقه باش بود. نواب فتحعلی خان چون سردار قشون شاه طهماسب شد اقتدار کلّی بهمرسانیده ریاست یوخاریباش و اشاقهباش هردو بر او مقرّر آمد. نادرشاه نواب فتحعلی خان را بکشت و چون می خواست نفاق و تفرقه میان این دو طایفه اندازد یکی از بزرگان طایفهٔ اشاقه باش را که زمان بیگ بن

سفر اول او در هزار و هشتصد مسیحی بوده که مطابق است با هزار و دویست و پانزده هجری (مؤلف).

محمد نام داشت حکومت استرآباد داد. نواب محمد حسن خان برای حفظ جان خود در میان ترکمنهائی که در حوالی استرآباد گله های خود را می چرانیدند رفت و به امداد این طایفه و بعضی دیگر از هواخواهان خود، در ایام حیات نادرشاه بعضی اوقات حمله به بلاد متصرفی نادرشاه می نمود، ابتدا چند فقره فتح کرده ولی عاقبت مغلوب گردیده میان طوایف ترکمان رفت و در آنجا می زیست.

خلاصه نواب محمدحسن خان تقریباً مدت بیست سال در میان تراکمه بسر بردند تا نادرشاه درگذشت. چون از فوت نادرشاه خبردار شدند از میان تراکمه معاودت فرموده و چند ماهی نگذشت که قشون معتبری زیر رایت خود جمع کردند و لشکر عظیم احمد شاه افغان را که به مازندران آمده بودند شکست دادند. مقارن سال هزار و هفتاد که کریمخان شیراز را مالک شده بود نواب محمدحسن خان در آذر بایجان مشغول جنگ با آزادخان افغان بودند بدینواسطه کریمخان وقت و موقع بهدست آورده تمام فارس را مسخر کرد و اصفهان را نیز بگرفت و قسمت عمده از ایالت عراق را نیز متصرف شد، ولی بعدها مجبور گشت که بیشتر از این متصرفات را واگذارد، زیرا که نواب محمدحسن خان پس از آنکه آزادخان را شکست دادند و مازندران را ضمیمه بعد از فوت نادرشاه چنین لشکری عظیم به طرف اصفهان کریمخان نهایت کوشش را بعمل آورد که جلو استیلای نواب محمدحسن خان را کریمخان نهایت کوشش او بی فایده شد و معاودت به شیراز نمود، و نواب محمدحسن خان را بگیرد امّا تمام کوشش او بی فایده شد و معاودت به شیراز نمود، و نواب محمدحسن خان را مصمیم شدند که بر اثر او رانده شیراز را محاصره نمایند.

نواب محمد حسن خان بعد از آنکه در اصفهان تهیه و تدارک خود را دیدند هشتهزار نفر از لشکریان خود را در اصفهان گذاشته با سی هزار نفر به طرف شیراز رانده این شهر را محاصره کردند، و این در سال هزار و صد و هفتاد و یک بود. اسباب دفاع این شهر انحصار داشت به یک باروی خاکی و چند برج مدور، که جلو آن برجها خندق عمیق بی آبی بود، امّا در ایران در این زمان علم حمله و یورش به همان درجه ناقص می باشد که علم مدافعه. بنابراین مختصر ترین استحکامات به نظر محاصرین که عمده لشکر سواره بودند خیلی مستحکم می آمد، و تو پچیها که نظر محاصرین که عمده لشکر سواره بودند خیلی مستحکم می آمد، و تو پچیها که

هیچ مهارتی در توپ اندازی نداشتند هر روزی به زحمت چند تیر از تو پهای بسیار سنگین خود می انداختند، مع ذلک هیئت مجموعه اسباب اطمینان محاصرین بود، و حمله در فصلی شروع شد که صحاری اطراف شیراز باصفا و خرم و دشتها پر از حبوبات و اراضی پرحاصل بود، و به محاصرین چنین وانمود می نمود که از آذوقه دست تنگس نخواهند کشید و می توانند به سهولت ذیل محاصره را امتداد دهند، اتما این امیدواری بزودی مبذل به یأس گردید. محاصرین به محض اینکه شروع به کار کردند دچار حملهٔ محصورین شدند، دسته های قشون متوالیاً از قلعه بیرون آمده نایرهٔ قتال را اشتعال می دادند. عساکر نواب محمدحسن خان با این دستجات قشون کریمخان مشغول زد و خورد بودند که یکدسته سوارهٔ عمده به سرداری شبیخعلی خان سردار رشید زند به اردوی آنها تاخته و به نهب اموال آنها برداختند، سکنهٔ نواحی مجاور نیز مزارع و حاصل خود را آتش زده اهل و عیال و اموال خود را برداشته به کوههای آن حوالی رفت قلل جیال را ملاذ و مأمن خود ساختند. لهذا آذوقه در اردوی نواب محمدحسن خان کمیاب شد و لشکر بنای شکایت و خودسری را گذاشتند. حستگی و طول محاصره غالباً عساکر منظمه را شاکی می نماید و به طغیان و نافرمانی وامی دارد تا چه رسد به لشکری که تمام نظم و اسبهاب پیوستگی آن به هم، زور یکنفر از شاهزادگان آسیائی باشد، و بدتر از همه آنکه بسیباری از این قشون را تازه گرفته و از فنون نظامی و جنگ یکباره بیخبر بودند. و عیب دیگر آنکه مابقی که جنگ دیده بودند تا زمان فرار آزادخان مذتها با همین شاهزاده به حدال اشتغال داشتند و پس از فرار مشارالیه در زیر رایت این شاهزاده درآمده و متقبّل خدمت گردیده. خلاصه کریمخان که عساکر او بیوسته محاصرین را عقب می نشانیدند شهر شیراز را در کمال خوبی نگاهداری کرده، به علاوه کمال جهد را می کرد که بی نظمی و تفرقه در آشکر نواب محمّد حسن خان اندازد، چنانکه آخرالامر به این مقصود نایل آمد، و هر روز یکدسته از عساکر نواب محمّدحسن خان راه فرار را پیش گرفته و این فقره بر نواب معظم معلوم می نمود که باید دست از محاصره کشیده معاودت کنند. بنابراین ترک محاصره گفته به اصفهان بازگشتند، و قشونی که در اصفهان گذاشته بودند از عدم پیشرفت کار

شاهزاده باخبر گشته و متفرق گردیده ناچار راه مازندران پیش گرفتند، و در هنگام ورود به مازندران مجموع عساکر نواب محقدحسن خان دوازده هزار نفر بود. کریمخان بعد از آنکه بر استعداد خود افزود و ایالت فارس را آرام کرد متوجه اصفهان شد و اهالی اصفهان با کمال شعف او را پذیرفتند. بیشتر از شهرهای عراق اقتدا به اهالی اصفهان کرده مقدم کریمخان را گرامی شمردند و کریمخان که این مساعدت مردم را دید بنای خسن سلوک را با ایشان گذاشت.

پوشیده نباشد که حالت نظامی و عسکری کریمخان چندان تعریفی نداشت، از وقتی که سودای سلطنت به سر او افتاده چندان به فتوحات نایل نگردیده، بلکه اغلب طوری شکست می خورد که حالت یأس به او دست می داد، اما چون اهالی ایران همواره او را بر رقبائی که داشت ترجیح می دادند از یک فتح مختصر منفعت کثیره عاید او می شد و تلافی شکست های او را می نمود، و این از بابت خوش رفتاری او بود که از روی کمال بزرگ منشی با مردم می نمود. و از آنجا که از اوایل محسن سلوک را موجب فوزهای عظیم و سبب ازدیاد شوکت و اقتدار خود دید بر خود حتم کرد که همواره به راه عدل و انصاف رود و ازین مسلک عدول ننماید.

همان وقتی که کریمخان در ایالاتی که تازه تصرّف کرده بود به برقرار کردن نظم اشتخال داشت شیخعلی خان را با بهترین دستجات قشون خود به مازندران فرستاد که نواب محمدحسن خان را کاملاً منقاد نمایند و اگر طوایف قاجاریه باهم اتفاق داشتند ظنّ غالب اینکه این مقصود کریم خان به عمل نمی آمد.

پیش از این مذکور شد که قاجاریه منقسم به دو طایفه شدند، یوخاری باش و اشاقه باش ب رئیس سلسلهٔ یوخاری باش که محمد حسین خان نام داشت با نواب محمد حسن خان که سالها بود ریاست هردو طایفه را داشتند بنای مخالفت و معاندت را گذاشت، و به عقیدهٔ بعضی این خلاف و عناد به تحریک کریم خان و به سبب وعده های او بود، و شاید که به واسطهٔ کینهٔ قدیمی که نواب محمد حسن خان سبب شده که رئیس سلسلهٔ یوخاری باش از ریاست خود محروم مانده این مناقضت حاصل شده. به هرحال در چنین حالتی مشارالیه و سایرین نواب مناقضت حاصل شده. به هرحال در چنین حالتی مشارالیه و سایرین نواب

محمدحسن خان را گذاشته به لشکر شیخعلی خان پیوستند. نواب معظم به واسطهٔ این خیانت جمعی از طایفهٔ یوخاری باش را به راه عدم فرستادند و این فقره کینهٔ دیرینه فیمابین یوخاری باش و اشاقه باش را تجدید نمود و شیرازهٔ اتفاق قاجاریّه از نو گسسته گشت و نواب محمدحسن خان بدین جهت از غلبه و ظفر مأیوس گردیدند، مع ذلک به مقابلت و مقاتلت دشمن پرداختند، شیخعلی خان و عساکر او می دانستند که نواب محمدحسن خان دلیرانه جنگ خواهند کرد، اما چه ثمر که بعضی دستجات قشون تازه در کار جنگ آمده و از رسوم و آداب حرب بیخبر بودند بعضی دستجات قشون تازه در کار جنگ آمده و از رسوم و آداب حرب بیخبر بودند و به محض شروع به قتال راه هزیمت پیش گرفتند، باقی عساکر نیز آنها را پیروی کرده گریختند و نواب محمدحسن خان شرب شهادت نوشیدند.

گویند اگر اسب نواب غفران مآب به زمین نخورده بود جان خود را به سلامت از میدان جنگ بدرمی بردند، چون اسب افتاد دشمن فرصت یافت، و اوّل کسی که به آن بزرگوار رسید رئیس سلسلهٔ قاجاریّه یوخاری باش بود که به واسطهٔ عداوت زیاد و دشمنی سابق الذکر دیگر ایشان را امان نداد، و چون روح نواب معظم راه غرفات بهشت گرفت قاتل، فتح کریم خان و غلبهٔ او را بر شهریاری که اسباب تزارل و مانع آرامش او بود اعلام نمود.

سیرژُن ملکم در جای دیگر از همین کتاب گوید: وقتی که یک شعبه از قاجاریه در ارمنستان سکنی داشتند مساکن آنها در کناریکی از رودخانه های این ایالت بود. بعضی در طرف بالا مرتع داشتند و برخی در طرف پائین، آنها که در طرف بالا مرتع داشتند موسوم به یوخاری باش شدند و آنها که مرتعشان در سمت پائین بود اشاقه باش نامیده شدند، و این معنی سبب انقسام آنها شد و علاوه براین باز هر طایفه به چندین شعبه منشعب و منقسم گشتند بعضی از خانواده ها به اسم یک نفر رئیس یا به نام یک دهکده ای که در حوالی آن مرتع داشتند موسوم شدند. مشلاً طایفهٔ دَوَلُو چون در ایروان مدته ها در حوال قریه دولو که نزدیک به شهر ایروانست اقامت داشتند معروف به دولو گردیدند.

مؤلف گوید: قریهٔ دولو هنوز به حال خود برقرار است، چنانکه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه، در سفرنامهٔ مبارکهٔ سفر دو تیم فرنگستان در سال

هزار و دویست و نود و پنج می فرمایند: (جمعه هفتم جمادی الاولی باید رفت به ایروان، همه جا رانده تا رسیدیم به دولو، دهکدهٔ معتبریست، طایفهٔ قاجار قدیم دولو اینجاها می نشستند، آب این رودخانه از کوه دست راست می آید دهات این حدود باغات و اشجار زیاد دارد).

بعد از آنکه ایل جلیل قاجار به ممالک ایران آمده و پادشاه صفوی آنها را در اماکن مختلفه جای داد شعبهٔ عمدهٔ آنها که اشاقه باش و یوخاری باش بودند در استرآباد سکنی گرفتند. تا زمان نواب فتحعلی خان رئیس سلسلهٔ یوخاری باش ریاست هردو طایفه را داشت، نواب فتحعلی خان که از سلسلهٔ اشاقه باش بود منصب سرداری لشکر شاه طهماسب را یافته بدینواسطه بر اقتدار او افزود و در میان قاجاریه اول شخص و رئیس کل گشت، امّا از آنجا که طایفهٔ یوخاری باش قلباً به در خرابی کار پسسر واحد او نواب محمدحسن خان همدست شدند ناچار نواب معظم به میانهٔ تراکمه که در طرف مشرق در یای خزر سکنی داشتند رفتند و قسمتی از خانواده و اقارب ایشان را همراهی کردند، که از آنجمله یکی علی و پردیخان (اللّهوردیخان) پدر نور و زخان، ایشیک آقاسی باشی خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه طاب ثراه بود. خلاصه نواب محمدحسن خان فی الفور استعدادی بهمرسانیده که بتوانند با دشمن خود یعنی سلسلهٔ یوخاری باش به مجادله پردازند و ممکن بود که بر بتوانند با دشمن خود یعنی سلسلهٔ یوخاری باش به مجادله پردازند و ممکن بود که بر آنها غلبه کنند، اگر نادرشاه و سلاطین بعد از او حمایت از سلسلهٔ مز بوره نمی کردند.

عادلشاه برادرزادهٔ نادرشاه و جانشین او وقتی که حکومت مازندران را داشت دو طفل نواب محمدحسن خان را گرفته حبس کرد و پسر بزرگتر را یعنی نواب آقامحمد خان را که آن وقت میانهٔ پنجسالگی و شش سالگی بودند مقطوع النسل نمود، و مقصودی که از اینکار داشت حاصل نشده بلکه برعکس نتیجه داد. پادشاه آتیهٔ ایران که از بسیاری از تمتعات خود بی بهره ماند آنچنان تمتعاتی که در مشرق زمین برای بزرگان بی هیچ مانعی حاصل می باشد، یعنی می توانند زوجات عدیده در حیالهٔ نکاح خود درآورند و مباشرت با آنها اسباب وهن و فتور

حواس و قوای آنها گردد. خلاصه این حرمان از تمتعات این شاهزاده را برآن بداشت که حظ و لذاید خود را از راه دیگر حاصل و تحصیل نماید. این بود که نواب آقامحمد خان از طفولیت به خیال سروری و عظمت و شوکت افتادند و در تمام مذت عمر خود در این اندیشه و قصد بودند و با رسوخ تمام همین منظور را پیروی می نمودند و از همان وقت یعنی از ابتدا معلوم بود که چهقدر استبداد رأی دارند.

بعد از مردن عادلشاه نواب آقامحمد خان از حبس آزاد شده به پدر بزرگوار خود پیوستند و در تمام انقلابات روزگار با ایشان همراهی داشتند. بعد از آنکه نواب محمدحسن خان مغلوب عساکر کریمخان و شهید شدند نواب آقامحمد خان به چنگ کریمخان افتادند ولی کریمخان با ایشان به نحو خوبی رفتار کرده شیرموشی از محرمت و احترام فروگذار نمی کرد و در تمام مدتی که در شیراز با کریمخان بودند به تحصیل معارف می پرداختند، از عقلا کسب دانش می کردند، و از مطالعهٔ کتب بر بینش خود می افزودند تا بتوانند شغل خطیری را که باید یکروزی متقلد گردند به درستی از عهده برآیند. بنابراین خسن تدبیر و اصابت رأی ایشان به و ایشان را پیران ویسه می نامید، زیرا که پیران ویسه وزیر افراسیاب اوّل وزیر و ایشان را پیران ویسه می نامید، زیرا که پیران ویسه وزیر افراسیاب اوّل وزیر دانشمند قبایل ترک بوده است. خلاصه نواب آقامحمد خان با کمال عداوتی که با شمام زندیه داشتند در مشورتی که کریمخان با ایشان می نمود خیانت نمی کردند و رأی صایب خود را به او اظهار می داشتند.

زحمات اول عمر نواب آقامحمد خان به ایشان حالت تحمل داد، چنانکه در همان زمان که گرفتار کریمخان بودند توانستند دشمنی خود را با او و با زندیه در دل نگاهدارند و طرف اعتماد آن پادشاه گردند، و ازاین راه بود که کریمخان پول زیاد به نواب معظم می داد که به مصارف خود برسانند، و ایشان را مرخص کرده بود که در هر جای شهر شیراز می خواهند به گردش بروند بلکه ادن داده که بر بهترین اسبهای او سوار شده روانهٔ شکار شوند و در صحراهای حوالی شیراز مشغول صید باشند.

گویند طوری نواب آقامحمد خان طرف اعتماد کریم خان شده بودند که وقتی که حسینقلی خان برادر ایشان در مازندران رایت شورش برافراشته بود کریمخان می خواست نوّاب معظم را مأمور دفع این فتنه کند و به مازندران فرستد، میرزا جعفر وزیر کریمخان او را از این کار مانع آمد و وقتی که نواب آقامحمد خان پادشاه ایران شدند از روی کرامت نفس با کسان میرزا جعفر نیکی نمودند و فرمودند تکلیف میرزا جعفر این بود که به آقای خود خدمت کند بعلاوه مرا هم ضمناً از مهلکه نجات داده، چه اگر من به مازندران می رفتم وضع طوری بود که می باید علم سرکشی برافرازم و شوکت کریمخان زیاده از آن بود که من بتوانم او را مغلوب سازم.

پیش ازاین ذکر شد که پس از فوت کریمخان چگونه حضرت آقامحمد. خان خود را از شیراز به اصفهان رسانیدند و با چه عجله به مازندران آمدند، در این وقت سنّ مبارک ایشان سبی و یک سال بود و اگرچه ضعیف اندام بودند اتما بـواسطهٔ کـم خوردن و پرکار کردن قوّهٔ ایشان زیاد بود و در کمال خوبی تحمّل امور شاقه را می توانستند نمود چه از بس در شیراز مداومت در سواری و شکار کرده معتاد شده و جوارح و اعضاء حالت سختی بهمرسانیده هیچ چیز ایشان را خسته نمی کرد، و از بس در شیراز در مواقع فرصت مداومت در صید و رکوب فرموده می توان گفت زندگانی ایشان بر پشت اسب بوده. در مدت هیجده سال جنگ که برای تنحصیل استیلای کامل نمودند قدری از سختی مایل به نرمی گردیدند و این فـقره لازم بود زیرا که در این هنگام می بایست به دوستان خود مهر بانی و ملاطفت خمایند نیز صدماتی را که سابق متحمّل شده فراموش کنند و دشمنان خیلی قدیمی خبود را مشمول عفو و احسان نمایند هیچ چیز درجهٔ بلند عقل حضرت آقامحتمد خان را مشل این ثابت نمی نماید که در وقت قدرت و اقتدار از رؤسای سلسلهٔ قاجار که با ایشان دشمن بودند انتقام نکشیدند و از جرایم آنها درگذشتند مخصوصاً کسانی که در خون پدر و اقارب ایشان شرکت داشتند بلکه آنهائی که ایشان را در طفولیت به عادلشاه تسليم كرده و مبتلا به بعضى بليّات نموده بودند مورد عفو و احسان شدند و این پلیتیک کریمانهٔ آن حضرت اختلاف و کینهٔ دیرینه را از میان طوایف قاجار

که با یکدیگر خونی بودند مرتفع ساخته تاج و تخت سلطنت ایران را به ایشان تسلیم و مخصوص نمود و چون به درستی بر فواید اتفاق و اتحاد واقف شدند همان اشخاصی را که پیش از این به جهت صدمات آنها مبغوض داشتند به نوازش و الشخاصی را که پیش از این به جهت صدمات آنها مبغوض داشتند به نوازش و الطاف خود امیدوار ساخته طرف اعتماد نمودند. خلاصه وقتی که حضرت آقامحقد خان از شیراز حرکت کردند هفده نفر با ایشان بودند و باوجود میل همراهان در اصفهان درنگ ننمودند فقط یکشب در طهران ماندند و از جانب حکومت طهران از ایشان پذیرائی خوبی شد، پس از آن راه مازندران را پیش گرفته و در راه یک مسلخی از مالیات مازندران را که به شیراز می بردند تصاحب نموده در مازندران بسیاری از طوایف ایلات دور آن حضرت جمع شده ریاست ایشان را اسباب نیکبختی خود دانستند اما فی الفور حضرت آقامحمد خان از جانب طوایف قاجار بلکه از طرف خانوادهٔ خود اشکالات در جلو راه خویش دیدند یکی از برادران بلک از طرف خانوادهٔ خود اشکالات در جلو راه خویش دیدند یکی از برادران بلک از طرف خانوادهٔ خود اشکالات در جلو راه خویش دیدند یکی از برادران خود جمع کرده و خود را پادشاه نامید و جنگ مختصری فیمایین حضرت آقامحمد خان و برادر در مذت چهار سال در کار بود گاهی بخت این را یار و زمانی طالع خوان و برادر در مذت چهار سال در کار بود گاهی بخت این را یار و زمانی طالع خوان و برادر در مذت چهار سال در کار بود گاهی بخت این را یار و زمانی طالع

میستر مارخام انگلیسی در کتاب تاریخ ایران که تألیف نموده گوید:

سلسلهٔ علیهٔ قاجار یکی از طوایف ترک توران زمین می باشند که برخی از
آنها به همراهی عساکر چنگیزخان به ایران آمده و در این مملکت سکنی گرفتند.
امیرتیمور گورکان چون بر مملکت ایران استیلا یافت آنچه از این طایفهٔ جلیله را که در این مملکت ساکن بودند جلای وطن داده به سوریه فرستاد (سوریه عبارت از مملکت شام است سور که اسم گلی است یا شوری که گل سرخ است چون در شام زیاد می روید این مملکت را سوریه نامیده اند) پس از مذتی به استدعای مقتدای اردبیلی اکه از اکابر امامیه بوده امیرتیمور این طایفهٔ جلیله را رخصت معاودت به ایران داد و این طایفه یکی از طوایف سبعهٔ قزلباش بودند که اتفاق معاودت به ایران داد و این طایفه یکی از طوایف سبعهٔ قزلباش بودند که اتفاق

كرده اوليـن پادشاه سلسلهٔ صفویّه یعنی شاه اسمعیل را به تخت سلطنت ایران نایل نمودند.

از رؤسای ایل جلیل قاجار اول کسی که اسم او در تواریخ ثبت و مسطور است پیربداق خان قاجار است که در زمان سلطنت شاه طهماسب اول حکومت قندهار یافت. چون سلطنت ایران به شاهعباس بزرگ رسید چنان صلاح دید که بعضی از قاجاریه را در مرو و برخی را در ایروان و قسمتی را در قزوین و بقیّه را در استرآباد مكان دهد. ايالت و شهر استرآباد در سمت جنوب شرقى بحرخزر واقع است. ايل جليل قاجار به پنج طايفه منقسم بوده اند: اول يوخارى باش ـ دو يم اشاقه باش ـ ســـــــم دولَــوـــــ چهــارم شامبياتي ــــ پنجم قاجار قزويني ــــ در ايّام قديم رئيس طايفة يوخارى باش رئيس تمام ايل جليل معظم بوده، تا وقتى كه نواب فتحعلى خان رئيس طايفة اشاقه باش كه سردار قشون شاه طهماسب ثاني بود رئيس سلسلة عليه گردید، و از آن به بعد ریاست تمام طوایف قاجار حقّ خانوادهٔ نواب فتحعلی خان گردید. نادرشاه نواب فتحعلی خان را شربت شهادت چشانید و نواب محمدحسن خان بعد از آنکه مدتی مصواری بودند و در میان تراکمه بسرمی بردند، در زمان سلطنت نادرشاه با چند هزار سوار تر کمان به شهر استرآباد حمله کردند و آنجا را مسخّر نسودند، لکن در ثانی قشون نادرشاه این شهر را مفتوح ساخت و نواب محمد حسن خان به تركستان رفتند. بعد از قتل نادرشاه نواب معظم به ايران معاودت فرموده و در جنگ با قشون کریمخان زند شربت شهادت چشیدند.

نواب آفامحتد خان ولد ارشد نواب غفران مآب معظم در زمانی که پدر بزرگوار ایشان شهر استرآباد را محاصره کرده بودند به دست لشکر نادرشاه گرفتار گشتند، پس از آنکه نادرشاه را یکی از خدمتگزاران او در حوالی مشهد مقدس به قتل رسانید علیقلی خان برادرزادهٔ نادرشاه که در هرات بود بر تخت سلطنت جلوس کرده و ملقب به عادلشاه گشت به حکم وحشیانهٔ او نواب آقامحقد خان مقطوع النسل گردیدند، بعد از قلیل مدتی نواب معظم از حبس عادلشاه بدر رفته به خدمت پدر بزرگوار خود شتافتند. وقتی که نواب محمدحسن خان در جنگ با قشون کریم خان زند شهید شدند نواب آقامحمد خان تمکین عساکر کریم خان نموده و آن

حضرت معظم را به شیراز بردند. کریم خان آن حضرت را زایدالوصف محترم می داشت و از آنجا که ایشان شخص بسیار بزرگ قابل با کفایت و درایتی بود کریم خان ایشان را پیران ویسه می نامید (پیران ویسه وزیر صایب تدبیر افراسیاب است). بعد از فوت کریم خان حضرت آقامحمد خان مُعجّلاً به مازندران تشریف فرما شدند و در آنجا قشونی جمع و تجهیز کرده پس از مدت ده سال جنگ و جدال آخرالامر شهر کرمان را مسخّر کردند و لطفعلی خان زند را که دعوی رقابت با آن حضرت داشت به راه عدم فرستادند و در سنهٔ هزار و دویست و ده هجری مستقلاً شاهنشاه ایران گردیدند، و چون حاجی ابراهیم کلانتر شهر شیراز خدمت نمایان به آن حضرت کرده و اسباب استقلال و استیلای ایشان شده یعنی در وازهٔ شیراز را در زمان غیبت لطفعلی خان بر روی عساکر حضرت آقامحمد خان بر روی عساکر حضرت آقامحمد خان بر روی عساکر حضرت آقامحمد خان

نیز همین مؤلّف گوید: نؤاب آقامحمّد خان قبل از آنکه اقتدار کامل در ایران بهمرسانند بر روسها غلبه نمودند و شرح این گفته در محلّ خود بیاید.

نیز گوید: در اوانی که حضرت معظم برای حصول استیلای کامل شمشیر می زدند چند سال در ساری اقامت داشتند و در آنجا قصری برای خود بنا فرمودند که عبارت از حیاط های حوض دار، و چندین اطاق عالی قشنگ و معابر تاریک بود. و دیوانخانهٔ آن قصر را از پرده های نقاشی که تصویر فتوحات شاه اسمعیل و نادرشاه در آنها نقش شده بود مزین ساخته بودند. مردم و اهالی ولایات بامکنت گیلان و مازندران و استرآباد مخصوصاً مایل به تبعیت حضرت آقامحمد خان و تقویت ایشان بودند. و بعد از آنکه لطفعلی خان زند مقتول شد و حضرت معظم اقتدار کامل حاصل نمودند طهران را پای تخت خود قرار دادند. و جهت اینکه این شهر را به دارالملکی اختیار کردند نزدیک بودن آن به مازندران و استرآباد بود و بعد از آنکه دشمنان خود را که از طایفهٔ زندیه بودند مقهور و نابود ساختند، بعضی اقارب خود را که به راه سرکشی و طغیان می رفتند و چندان میلی به انقیاد و اطاعت حضرت پادشاهی نداشتند به سزای خود رسانیدند و کلیّه قصد و منظور این بادشاه این بود که تخت و تاج سلطنت ایران مسلم برای برادرزادهٔ آن حضرت

(خاقان مغفور فتحعلي شاه طاب ثراه) بأشد.

حاجی ابراهیم وزیر حضرت آقامحمد شاه در ضمن محاوره و مفاوضه با سیر ژن ملکم گفته بود: روزی حضرت پادشاهی مرا مخاطب ساخته فرمودند آیا شخصی به کفایت و درایت تو می تواند صخه براین بگذارد که من عساکر و شکریان خود را با تو پها و سپاهیان منظم دولت روس برابر و مقابل نمایم و آنها را در معرض خطر درآورده اسباب خرابی عساکر خود را فراهم آورم؟ البته اینکار بر وفق درایت و دانش نیست و من راه صواب و طریقهٔ حزم را بهتر می دانم و بر مصالح اینکار بدرستی واقف می باشم گلولهٔ قشون روس هرگز به من نخواهد رسید، باوجودیکه آنها غفلت از کار خود نخواهند داشت بگذار بهرجائی که میل دارند بروند من آنها را در میان بیابان محاصره خواهم کرد. — انتهی .

نواب مستطاب والا حاجى معتمدالدوله ابن مرحوم وليعهد رضوان جايگاه نايب السلطنه عبّاس ميرزا طاب ثراه در كتاب جامجم مي فرمايند:

طایفهٔ قاجار از نسل قراجار نویانست، این سلسله از گنجه به استرآباد آمده اند و اوّل کسی که از گنجه آمد شاهقلی خان بود که در اواخر دولت شاه سلیمان صفوی به استرآباد آمد و در استرآباد دختر یکی از اعیان را گرفت و بدان واسطه در آنجا رحل اقامت افکند. و از او دو پسر شد یکی مسمّی به فتحعلی خان که جد سلاطین قاجار است و دیگر فضلعلی آقا که جد خوانین کبار است. و پس از وفات شاهقلی خان پسر بزرگ او فتحعلی خان رئیس قوم و بزرگ طایفه گشت و در فتنهٔ افغان هزار نفر سوار از اعیان قاجاریه به اعانت شاه سلطان حسین برد و در اصفهان به خدمت شاه سلطان حسین مشرّف شد و زحمات او به واسطهٔ اینکه او را در خدمت شاه متهم کردند که خود داعیهٔ سلطنت دارد مقبول نیفتاد، و ملاباشی و حکیمیاشی که در قلب شاه رسوخی داشتند پیوسته از او سعایت داشته می گفتند حکیمیاشی که در قلب شاه رسوخی داشتند پیوسته از او سعایت داشته می گفتند از خود هزار سوار دارد و بی اذن شاه به اصفهان آمده اطمینان حاصل نمی توان کرد از خود هزار سوار دارد و بی اذن شاه به اصفهان آمده اطمینان حاصل نمی توان کرد تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانگشا را به او عنایت تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانگشا را به او عنایت تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانگشا را به او عنایت کرده اذن انصراف داد، و آن شمشیر در سلسلهٔ قاجاریه به شگون و میمنت معروف

أست ــ القصّه رفتن چنان لشكر را افغان از نتايج اقبال خود دانستند و الحق چنان بـود. و آخرالامر فتحملي خان باز از راه اخلاصي كه به دودمان صفويّه داشت وقتي که شاه طبهماسب ثانبی به طهران آمد به خدمت او شتافت و خدمتها کرد و در رکیاب او به خراسان رفت و در خراسان وجود او را نادرشاه مخل خود می دانست و در نـزد شـاهطـهـماسب وسوسه کرد و از آن مِلواح ۱ حکم قتل او را صادر نمود، و در چهاردهم صفر سال هزار و صد و سی و نه هجری در دّور مشهد مقدّس به دست مهدی بیگ قاجار دوآو به تحریک نادرشاه و احازهٔ شاه طهماسب کشته شد، و در مقبرهٔ خواجه ربیع مدفونست، و چهل و دو سال از عمر او گذشته بود. و از فتجعلی خمان یک پسسر باقمی مماند مستمی به محمدحسن خان، و در استیلای نادرشاه در دشت ترکمان فراری و متواری بود، و هرقدر نادرشاه خواست که او را بدست آرد ممكن نشد. و يس از كشته شدن نادرشاه از دشت تركمان به استرآباد آمده به خسال سلطنت افتاد، و اكثر ولايات عراق و آذر بايجان و اصفهان را مسخّر كرد. و آزادخان افغان را که او نیز داعیهٔ سروری داشت از ارومیه بیرون نمود، و به محاصرهٔ شیراز شتافت و کریم خان را محصور نمود، و در آن محاصره قاجاریهٔ بوخاری باش و غییره از حقد قدیم و کینهٔ دیرینه خیانت کرده اردو را شکسته فرار كردند. محمدحسن خان را مجال توقف نماند به استرآباد آمد. و اگر خيانت قاجاریّهٔ یوخاریباش و غیره نبود هرآینه قلعهٔ شیراز بهرودی مفتوح می شد، چرا که قىلىعەگىيىان بىە جىھىت آذوقە و علوفە كىمال تنگى را داشتند و كريىم خان متعاقب او لشكر كشيده روان شد و خود در طهران ماند، و شيخعلي خان زند را به مازندران فرستاد، و در مابین استرآباد و اشرف جنگی فیمابین آن دو سردار واقع گشت. محتمدحسن خان شکست خورد و در جرکلباد در شهر جمادی الآخره هزار و صد و

۱. ملواح به کسسر میم بر وزن مصباح معانی متعددی دارد. آنچه در اینجا مناسب است این است «جغد پای بسته به دام جهت شکار باز و جز آن» (منتهی الارب) «الیلواح بالکسر: البومة تُشَدُّ رجلها لیسماد بها البازی و ذلک آن یطیرها ساعهٔ بعد ساعهٔ فاذا رآهٔ الصفرو البازی سقط علیه فاخذهٔ الصائد. فالبومة و مایلیها تسمی مِلُواحاً» (اقرب الموارد).

هفتاد و دو هجری به دست سبزعلی بیگ نوکر خودش به تحریک قاجاریهٔ یوخاری باش به درجهٔ شهادت رسید، و سر او را در طهران به خدمت کریم خان آوردند. و در تاریخ زندیّه نوشته است که سّر او را با مشک و گلاب شسته سه روز در نزد کریـمخــان بـود بعد او را با حرمت به استرآباد فرستاد که به جسد او ملحق ساختند. و قاجارتِه گویند سَر آن امیر نامدار در بقعهٔ شریفهٔ حضرت عبدالعظیم مدفونست. و از محمّدحسن خان نُه پسر باقی بود، اکبر و ارشد اولاد آقامحمّد خان است، و دیگران حسینقلی خان ــ و جعفرقلی خان و مصطفی قلی خان ــ و مرتضى قىلى خان \_ و عىلى قىلى خان \_ و رضاقلى خان \_ و مهديقلى خان \_ و عبّاسقلی خان است که در خردسالگی درگذشت ــ و کریمخان زند پس از شهادت محتمدحسن خان که مملکت ایران بی مانع او را مسلّم شد آقامحمّدخان و حسینقلی خان والد خاقان را که از یک مادر بودند به شیراز به رسم نوا برد، و برادران دیگر را به قزوین فرستاد (والدهٔ شاه شهید آقامحمّد خان و حسینقلی خان دختر اسكندر خان قاجار قوانلو بوده است كه خواهر محمدخان وعمة سليمان خان است) کریمخان آقامحمد خان را خُرمت زیاد می کرد و او را پیران ویسه می گفت و در کلیّات امور از او مشورت می نمود، و در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری حسینقلی خان برادر المی آقامحمد خان را حکومت دامغان داده فرستاد، و حسیمنقلی خان به دامغان رفت و در سال هزار و صد و هشتاد و پنج هجری خاقان مغفور از آن امير نامدار به عرصهٔ ظهور آمد. چون سمى حد امحد بود لهذا در عهد آقیامحمّد خان ایشان را باباخان می گفتند (والدهٔ خاقان خلدمکان و نواب حسینقلی خان دختر محمّد خان عزّالدّين لو است) و حسينقلي خان از دامغان به مازندران شتافت و محمدحان دادو، حاکم مازندران را با زهٔ کمان خود خفه کرد و در آن ولایت بنای آشوب گذاشت، و کریمخان به دفع او لشکر فرستاد تا در سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری در حوالی فندرسک سه نفر از طایفهٔ ایکدِریموت از طوایف ترکمان به تحریک کریمخان او را کشتند. و در تاریخ میرزا فضل الله شیرازی متخلص به خاوری شهادت حسینقلی خان را در بیستم صفر سال هزار و صد و نود و یک هجری ضبط کرده است ــ و در تاریخ محمدی که مُلاَمحمد

ساروی نوشته است دوازدهم صفر هزار و صدو نود و دو هجری نوشته است. و ما تاریخ شهادت را از تاریخ زندیه نقل کرده ایم، و اعتبار این قول در نزد من زیادتر است و با آن همه إنقلاب و اختىلال كه از حسينقلي خان در امور ولايت ظاهر شد كريم حان از سجاحت خلق هيچ از آقامحمد خان مؤاخذه نكرد و در وقت شهادت او حسینقلی حان پسرش در بطن مادر بود که پس از ولادت به اسم او خواندند، و کریے خان سالهای سال به ناخوشی سل مبتلا بود و در ماه صفر هزار و صد و نود و سه هجری شدّت کرد و عمّهٔ آقامحمّد خان که زن کریمخان بود برادرزاده را از ناخوشی او اعلام کرد. و بعضی نوشته اند که خالهٔ آقامحمّدخان زن کریمخان بود و آقیامحمد خان به عزم شکار مهارلو بیرون رفت، و روز سیزدهم صفر هزار و صد و نود و سه هجری که به شهر برگشت دروازه را بسته دید، دانست که کریمخان درگذشته است، و زندیّه از تفریق کلمه که در میان خود داشتند به خیال او نیفتادند که صیدی از قید ایشان رها شده است. و آقامحمد خان از همانجا باز را سرداد و باز دولت را به پرواز آورد، دواسبه با دو نفر تا طهران تاخت و در کاشان خزانهٔ کریم خیان را که از رشت می بردند و پانزده هزار تومان نقد و جنس می شد غارب نمود، و روز هفدهم صفر به ورامين وارد شد، و در آنجا سران قاجاريه و خوانين ایلات به حلقهٔ اطاعتش درآمده به مازندران رفت و در مازندران مدتی با برادران خود کاوش و سازش داشت. و علیمرادخان زند که پس از کریم خان به سلطنت نشست به خیال دفع او افتاده به طهران آمد و لشکر به مازندران با پسر خود ویس مرادخان، و سرداری محمد ظاهر خان فرستاد و ایشان شکست خوردند ـــ انتهی.

نيز نواب مستطاب والاحاجى معتمدالدوله در كتاب روزنامه سفر مدينة السّلام و بيت الله الحرام خود موسوم به هداية السّبيل و كفاية الدليل ــ نسب

۱. سجاحت معانى متعددى دارد آن كه مناسب است اين است: «نرمش، آسان گيرى، عفو بزرگوارانه». در لغت نامة دهخدا: «نرمخوى بودن». در «فرائد اللآل فى مجمع الامثال» ص ٢٤٦ در تفسير مثل «مَلَكُت فَالْمَجِع» گفته است: «أى ملكت الأمر على فأحين العفو عنى. و أصله السهولة و الرفق... يُروى عن عائشة أنها قالته لعلى رضى الله عنهما يوم الجمل حين ظهرَ على الناس، فدنا من هودجها ثم كلمها بكلام فأجابته: ملكت فأشجع اى قدرت فسهل و أحين العفق.»

همايون اعليحضرت شاهنشاهي را چنين مسطور فرموده اند:

السلطان ناصرالذین شاه، ابن السلطان محمدشاه، ابن الولیعهد الاعظم عبّاس میرزا، ابن السلطان فتحعلی شاه، ابن حسینقلی خان الشهیر به جهانسوز شاه، ابن السلطان محمدحسن خان، ابن الامیر فتحعلی خان، ابن الامیر شاهقلی خان، ابن محمدولی خان، بن مهدیخان بن محمدقلی آقای قاجار ... از طایفهٔ اشاقه باش از تیرهٔ قوانلو و در دولت صفویه از همهٔ امرای بزرگ از طوایف استاجلو و شاملو و تکلو و ذوالقدر و غیره خیانت ظاهر شده، و مورد سخط سلاطین شده اند از طایفهٔ قاجاریه که مصدر خدمات بزرگ بوده اند و چند بار به سفارت روم و هندوستان رفته اند هیچ خلافی سر نزده است ... انتهی.

مرحوم رضاقلی خان امیرالشعراء متخلص به هدایت ــ رَقِح اللّه رُوحهــ که از معارف و اکابر مصنفین و نویسندگان این زمان مزیّت اقتران است در کتاب روضة الصّفای ناصری می نویسد:

اصل اصیل ایل جلیل قاجار به قرک بن یافث بن نوح علیه السلام می پیوندد، و قاجار طایفه ای از طوایف ترک اند، و گفته اند چون این ایل جلیل از اولاد قاجار نویان بن سرتاق نویان بن سابانویان بن جلایر بن نیرون بوده اند، به اسم جد اعلی شهرت نموده، و قاجار منقسم به سه طایفه شده: سلدوس و تنکقوت و جلایر — طایفهٔ سلدوس اصلاً به ایران نیامده اند، و طایفهٔ تنکقوت سی چهل خانوار بوده به طوایف مغول پیوسته اند، و جلایر در اکثر بلاد توران و ایران مکنت و حشمت یافته اند، و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده اند. اما سرتاق نویان پدر قاجار نویان به فرمان آباخاقان مغول به اتابیگی ارغون خان معزز و منصوص و مکرم و مخصوص می بوده و به وکالت و نیابت آن پادشاه ذیجاه از کنار نهر جیحون تا حدود ری حکمرانی و فرمان گذاری می نموده، و از قزل آقاج مغان تا حدود نیشابور مملکت خاصهٔ او بوده، و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته، و غالباً سرتاق نویان در ولایت گرگان می زیسته، و اولادش در استرآباد و مازندران زیاد شده. بعد از فوت سرتاق نویان در زمان غازان خان ولایت سرتاق به پسرش قاجار نویان مفوض شد، و قاجار نویان امیری باحشمت و شجاعت و لشکرکشی باشهامت و مناعت

بوده، و این قبیلهٔ نبیله به نام قاجار نویان معروف شده و اولاد نامدار و احفاد کامکارش در گرگان و ایران ملجاء بزرگان و امیران شده اند، و روز بروز در تعدّد و زایش، و عدت و فزایش بوده اند، تا بساط دولت آل خِنگیز پیچیده و برچیده گشت و بعضى از اولاد او در ماوراء النهر بر مسند خاني بخارا متكي بودند. و بعد از ضعف دولت گوركانيه و قوت سلاطين تركمانيه قراقوينلو ابوالتصر حسن بيگ آق قوینملو که در نسب با سلسلهٔ جلیلهٔ قاجاریه مشارکت داشت لوای کشورستانی برافراشت و بـا صفویّه به ارادت و قرابت اختصاص مجست. و شاه اسمعیل صفوی که از طرف پدر موسوی و از جانب مادر آقیه قوینلوبود با قاجاریه به طریق یگانگی و امنیت سلوک می نمود. لهذا بزرگان قاجار در موافقت دولت صفویه كاملاً مساعد بودند، و ولايات بزرگ و مناصب عاليه مي يافتند. و در سنهٔ نهصد و شصت و نه شاهقلی بیگ قاجار جد اعلای نواب فتحعلی خان قاجار ابن شاهقلی خان، از جانب شاهطهماسب صفوی به مفارت روم رفته با سلطان سلیمان خان قرار عهد مودت و صلح داده مراجعت كرد. بالجمله در تمام دولت صفويه غالباً اميىرالامرائىي قراباغ وكنجه وحكومت خراسان ومرو و استرآباد با طايفة قاجارتيه زیادلو و قوینلو بود. همینکه نوبت سلطنت به شاه عباس ماضی رسید چون مادر او از آن طایفه نبوده از کثرت شوکت و حشمت قاجاریه توقم نموده آنها را سه فرقه كرده، قسمتى را به مرو و خراسان به حكومت فرستاد، و جمعى را در قراباغ گذاشته، فرقه ای را به گرگان و استرآباد روانه نمود. و بارها این طایفهٔ شجاعتآثار در تخور و سرحدات ثلاثه ايران جنگها كردند تا زمان غلبه افاغنه بر شاه سلطان حسين بواب فتحملي خان بن شاهقلي خان بن مهديخان بن محمدولي خان بن شاهقلی خان قاجار قوینلوحاکم گرگان و استرآباد و مازندران به حمایت شاهطهماسب با افاغنه رزمها كرد و به نيابت سلطنت و وكالت دولت مخصوص گشته شاه را به تسخیر ارض اقدس و محاصرهٔ مشهد مقدّس برد و به غدر نادر و قضای صادر شهادت یافت. و نادر به ملاحظهٔ مآل، مهدی نام قاجار را که دخیل در خون نواب غفران مآب بود و يدرش به دست خان والاشأن كشته شده بكشت. همنجنين شاهطهماسب را به دست محمدحسين خان قاجار مقتول ساخت تا خود

برئ الذمّه باشد و سلسلة قاجاريه و صفويّه با يكديگر خونخواهي كنند.

بعضی از ارباب سِیَر بر این آند که اصل این قبیلهٔ جلیله از ترکستان به روم افتادهاند و در آن ولایت می زیسته. در سال ششصد و پنجاه و سه که هلاکوخان از جانب برادر خود منکوقاآن به روم رفت به امر برادر از هر ده خانوار مغول دو خانوار با او برفتند، و براین قرار صد و بیست هزار کس از ایلات ترکستان در رکاب او مأمور آمدند كه از سرحة تركستان الى اقصاى مصر وشام به محافظت ثغور پُردازنـد، از آنـجـمـلـه ایل جلیل قاجار به سرحدّات شام متوقف و مأمور شدند، و در اتیامی که امیرتیمور گورکان به شام رفت و آن بلاد را مسخّر کرد ایلات ترکستان را که قریب به صده زار نفر بودند مصلحت ندید که در روم باشند، ایشان را گوچانیده مأمور ترکستان کرد. بعضی از آنها به ترکستان شدند و جمعی در آذر بـایـجان بماندند، ایل جلیل قاجار نیز در گنجه و ایروان ساکن گشتند. و برخی گفته اند چون به توسّط و تشقّع جناب میرسلطان علی صفوی، امیر به اطلاق اسرای روم فرمان داد این طایفهٔ جلیله و جمعی از ایلات روم مانند بیگدلی ملقّب به شاملو در آذر بایجان و دیار بکر متوقف شدند، و ارادت طوایف شاملو و روملو و تکلّو و قاجار و غيرهم به سلسلة صفويه و اجتماع ايشان از ديار بكر به دور شاه اسمعيل صفوی به جهت این ملت بود. در هر حال ایل قاجار از ایلات ترکستان و در ایران متوقف بوده اند و شاه عبّاس صفوی جمعی را در قراباغ و گروهی را در گرگان و خبراسیان و مروحکومت و الکای داد. و در سال یکهزار و هشت هجری که شاه عبّاس به استرآباد رفت و قلعهٔ مبارکآباد بر ساحل گرگان را که از بناهای شاه طهماسب ماضي بود و تراكمه خراب كرده بودند تعمير كرد حسين خان قاجار زیاد أغلی را از گنجه کوچانیده با قاجاریه در آن قلعه سکنی داد که ترکمانان صاین خانی به تاخت و تاز استرآباد نیایند و تطاول نتوانند. و طایفهٔ مذکورهٔ قاجار على التناوب در آن ولايت به حكومت و سالاري مي يرداختند، تا در عهد دولت شاه سلطان حسین صفوی نوبت سروری قاجار و رعیت پروری استراباد به نواب فتحعلي خان قو ينلو رسيد ــــ انتهي.

ميرزا محمدتقي متخلص به سپهر ملقب به لسان الملک از مورخين معتبر

این عهد ابدمهد در کتاب ناسخ التواریخ یعنی در جلد متعلق به سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار گوید:

در سال ششصد و پنجاه و سه هجری سلطنت ایران به فرمان منکوقاآن بن تولی خان بن چنگیزخان مخصوص هلاکوخان شد، و هنگامی که عازم عراق و برانداختن دودمان خلفای بنی عبّاس بود از جانب منکوقاآن حکم شد از هر ده خانوار مغول دو خانوار برای حراست و حفظ حدود و ثغور از مکان خود بیرون شده از سرحة تركستان تا اقصای مصر و شام در اماكن مختلفه اقامت كنند. بنابراین حکم صدهزار خانوار حرکت کردند و در امکنهٔ منظوره جای گرفتند. سرتاق نویان بن سابانویان بن جلایر بن نیرون، یکی از نوئینان و سرداران هلاکوخان و ملازم رکاب او بنود. چون در سال ششصد و شصت و سه هلاکوخان درگذشت و پسرش اباقاخان بهجای او نشست، سرتاق نویان را مورد مرحمت نموده به اتابیگی پسرش ارغون حان برقرار کرد و از کنار جیمون تا قزل آغاج مغان را به حکومت او واگذار و مفوض داشت. اباقاحان نيز بعد از هفده سال پادشاهي بمُرد و بعد از او نكودار خان برادرش دو سال سلطنت نبود، و ارغونخان فرزندش هفت سال، و گیخاتوخان برادر دیگرش سه سال، و بایدوخان هشت ماه. و در سال ششصد و نود و چهار هجری غازان خان بن ارغون خان بر تخت یادشاهی جلوس کرد، و سرتاق نویان نیز درگذشته بود؛ و پسرش قاجار نویان که سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار بدو می پیوندد کمال رشد را داشت. غازان خان بنابر حقوق اتابک پدر، قاجار نویان را درجهٔ اختصاص داده آنجه در تحت حکمرانی سرتاق نویان بود به او واگذاشت و قاجار نویان اولاد زیاد بهمرسانید و عشیرهٔ او رو به فزونی نهاد، و آن جماعت را به نام جد و پدر قاجار خواندند. و در قديم الاتيام رسم و قانون تركان اين بود كه هر طايفه اي به جلالت و جلادت مشهور مى شدند ساير طوايف، مردمان خود را بدان طايفه ملحق ساخته، بهنام آن طايفه معروف مي گشتند. بالجمله قبيلة قاجار شوكت وعدّتي حـاصـل کـرده بـه شـهامت و شجاعت معروف گشتند. و چون سلطنت چنگیز تِه در ايران منقرض شد و حكومت سلطان ابوسعيد بن الجايتو در سال هفتصد و سي و شش هجری بسررسید، سلسلهٔ قاجار نیز به اقتضای خویشاوندی و ایلیت،

اندک اندک به قبایلی که در حدود شام سکنی داشتند پیوستند و آن اراضی را موطن خود دانستند، تا امیرتیمور گورکان در سنهٔ هشتصد و سه هجری که سال دوازدهم پادشاهی او بود به سفر مصر و شام رفت، حکم کرد طایفهٔ مغول از حدود شام که اراضنی بیگانه است کوچ کنند و به ایران آیند و از اینجا به ترکستان که وطن اصلی ایشانست عزیمت نمایند بنابراین، آن قبایل به ایران آمده اکثری راه تركستان پيش گرفتند و بعضي خاصه طايفهٔ قاجار در آذر بايجان و حدود گنجه و ایروان رحل اقامت افکندند. چون دولت گورکانیه ضعیف شد حسن بیگ ابن علی ابن عشمان اول سلطان از طایفهٔ آق قو ینلو که نسب به قاجار می رساند، در سنهٔ هشتصد و هفتاد و یک به تخت سلطنت نشست و چهل و سه سال پادشاهی در خانوادهٔ او بسمانید. در سال نهصد و نود و پنج که شاهعبّاس اوّل به سلطنت رسید حکم کرد قبیلهٔ قاجار از گنجه و ایروان به اراضی استرآباد روند و در قلعهٔ مبارک آباد در کنار گرگان که تازه به حکم پادشاه ایران ساخته شده بود ساکن شوند. ایشان بدان محل رفته آنها که بر بالای قلعه جای گرفتند معروف به قاجار یخاری باش شدند، طایفه ای که در پائین قلعه بودند اشاق باش نام یافتند. جماعت دیگـر از قـاجار نیز به حکم شاهعبّاس به مروشاهیجان رفته در آنجا منزل نمودند و مقصود شاهعَبّاس از این فرمان محفوظ ماندن نواحی استرآباد و مازندران از تاخت و تاز تراکمه و محروس بودن اراضی خراسان از مزاحمت قبایل اوز بک بود. نیز نمی خواست سلسلهٔ جلیلهٔ قاجاریه که به جلادت و جلالت موصوف و معروف اند در يكجا جمع بإشند. خلاصه اين طايفه بااينكه از حيثيت شماره وعدد قليل بودند به واسطهٔ شجاعت و مبارزت بر تمامی ایران غلبه کردند؛ و حکایات در رشادت و دلیری این جماعت شنیده و دیده شده، و بعد از ورود به استرآباد پیوسته با تركمانان جنگ مي كردند، و پدران فتحعلي خان قوانلو هميشه بزرگ اين سلسله · بـودنـد و بـا كـمـال اقتدار هرگز با سلاطين صفويّه به راه مخالفت نرفتند، و حال بر این منوال می گذشت تا نوبت فرمان گذاری قاجار به فتحعلی خان رسید ـــ انتهی. ا

آنچه از متون مختلف تا این جا نقل شده است همه کم و بیش نقل به معنی شده است و گاهی به

مؤلف گوید: از جملهٔ این منقولات و مسطورات مصنفین مذکورین \_ تغمدهم الله بغفرانه و رضوانه \_ چنین مستفاد و معقق می گردد که نسب سلسلهٔ علیتهٔ قاجاریه منتهی به قاجار نویان بن سرتاق نویان از امرای بزرگ غازان خان مغول می گردد و نسب قاجار نویان به اغوزخان پادشاه خداپرست بزرگوار ترک می پیوندد، و آخرالامر به ترک بن یافث بن نوح علیه السّلام پیوستگی می یابد، و کلیهٔ قبایل منشعبهٔ از این اصل در اقطار عالم خاصه در صفحات ترکستان رتبهٔ خانی و خاقانی داشته، و قدم بر گاه و مسند حکمرانی گذاشته، اقل شوکت ایشان آنکه ایلخان چندین ایل و امیر و حکمران چندین قبیله بوده اند، و از این سوانح آنچه تعلق به زمانهای بسیار قدیم دارد چون در طی اقوال مؤلفین مز بورین ذکر شده تکرار آن را غیرلازم دانستیم اما آنچه متعلق به ازمنهٔ آخره است بعضی را به طور اشاره ایراد می نمائیم تا اذعا و مدعا ثابت و مدالل باشد.

از سوانح سال نهصد و چهل و سه هجری یکی اینست که شاه طهماسب بعد از انقضای فصل زمستان به قصد تسخیر قندهار وزمین داور از هرات حرکت کرده به کنار آب هیرمند و از آنجا به قندهار آمده این ولایت را تصرف نمود و حکمرانی آن را به عهدهٔ بداق خان قاجار موکول داشت.

از حوادث سال نهصد و پنجاه و سه آنکه شاه طهماسب که به عزم گرجستان انتهاض نموده بود کوچ بر سر کوچ به گنجه آمد و از گنجه حرکت کرده به موضع پولاق اردو زد، و از اینجا گوکجه سلطان قاجان و ابراهیم خان ذوالقدن و حسین خان سلطان روملو، و شاهویردی سلطان زیاد اوغلی را با پنجهزار سوار جرّار بطور ایلغار به طرف شماخی که القاس میرزا در آنجا بود روانه کرد، و یکسال بعد از آن که شیروان در تحت تبعیت شاه طهماسب درآمد حکمرانی آنرا به پسر خود اسمعیل میرزا داد و گوکجه سلطان قاجار را به پیشکاری او برقرار داشت. در سال نهصد و پنجاه و نه چند نفر از سرکرده های شاه طهماسب مأمور

قصد تجلیل بازهم بیشتر از خاندان قاجار، عبارات و کلماتی اضافه و کم شده است. محققین دقیق باید به اصل کتابها مراجعه فرمایند.. جنگ با عساکر عثمانی شده و همه فایق آمدند و از آن جمله بیرام بیگ قاجار و طویقون بیگ قاجار بودند.

در سال نهصد و شصت و دو که ابای ترکمان به خیال طغیان افتاده چند نفر از سرداران شاه طهماسب به اطفای نایرهٔ این فتنه مأمور شدند از جمله گوکجه سلطان قاجار بود که پس از حشم مادّهٔ فساد در همین سال درگذشت.

در سال نهصد و شصت و هفت سار وقورغان ا با جمعی اوز بک به فرمان علی سلطان والی خوارزم به نیشابور آمدند که این ولایت را غارت کنند بداق سلطان قاجار و ملکن اوغلی ذوالقدر با جمعی به دفع اوز بکان از شهر بیرون آمدند و با ایشان جنگ کردند و سار وقورغان و بسیاری از همراهان او را کشته بقیة السیف فرار کردند.

در سال نهصد و نود و شش اللهقلی بیگ قاجار منصب قورچی باشیگری شاه عبّاس اوّل یافت.

در سال هزار و یازده هجری شاه عبّاس قلعهٔ ایروان را محاصره و فتح کرد و حکومت آنرا به امیرگونه خان قاجار داد.

در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعهٔ گنجه را که به تصرف دولت عشمانی بود به قهر و غلبه فتح کرد و حکومت گنجه را به محمد خان زیاد أوغلی قاحار داد.

در سال هزار و صد و بیست و شش هجری که امیرگونه خان قاجار بیگلربیگی و حکمران ایروان بود محمد پاشا وزیر اعظم سلطان احمدخان اؤل سلطان عثمانی با لشکر زیادی از دیار بکر به ارزن الزوم آمده عازم فتح ایروان گشت، و امیرگونه خان طوری به مدافعه و محارست قلعهٔ ایروان پرداخت که محمد پاشا بعد از کوشش

حشم به معنى از بيخ بركندن و از بين بردن «حَسَمة حَسَماً فانحسم» قطعه مستأصلاً فانقطع (المنجد).

۳. در مشن: سنار وفنورعان بود که به استناد احسن التوازيخ چاپ دکتر نوائي ص ۵۲۸ تصحيح شد. چند سطر بعد در همين متن سار وقورغان آمده است.

اعتماد السلطنه

بسیار و کشته شدن چهل هزار نفر از عساکر عثمانی از فتح ایروان مأیوس شده بازگشت.

در سال هزار و سی و یک هجری شاه عبّاس چلبی بیگ قورچی قاجار را به سفارت به در بـار دولـت عثمانی فرستاده و در ضمن نامه ای مهر علامه سلطان عثمانی را از فتح قندهار و جزیرهٔ هرموز خبرداد.

در سال هزار و سسی و دو امیرگونه خان قاجار بیگلر بیگی چخور سعد به تسخیر اخسقه و تدمیر گرجیّه رفت.

در سال هزار و سسی و پنج امیرگونه خان قاجار بیگلر بیگی چخور سعد به گرجستان رفته جنگ سختی کرده چند زخم برداشت بعد از آن به ایروان مراجعت کرده مشغول معالجه شد ولی چون زخمها کاری بود درگذشت.

در سال هزار و چهل و دو هجری شاه صفی حکمرانی مرو را به مرتضی قلی خان قاجار به خان قاجار به استفاد به استفاد داد و محمدقلی خان زیاداوغلی قاجار به امیرالامرائی قراباغ و حکمرانی آن نواحی برقرار گشت.

در سال هزار و چهل و سه اگراد محمودی و کردستان و قارص و دیار بکر باهم اتفاق کرده به تاخت چخور سعد آمدند، طهماسبقلی خان قاجار امیرالامراء و حکمران چخور سعد و ایروان بسیاری از اکراد مز بور را بکشت و باقی را متفرّق ساخت.

و در همین سال شاه صفی کلبی خان قاجار دوات دار را با خان احمد اردلانی و سپاه قلمرو علیشکر به جانب موصل و جزیره و عمادیّه فرستاد و آن حدود را بیناختند سنیز در این سال مرتضی قلی پاشا بیگلربیگی دیار بکر که داعیهٔ وزارت داشت در قلیل زمانی سپاهی از دیار بکر و کفه و مرعش و آبلستان و اناطولی و قرامان جمع کرده به کمک حاکم وان رفت، خلیل پاشا بیگلربیگی ارزن الرّوم نیز به او پیوست و با پنجاه هزار نفر حرکت کردند، شاه صفی مظلع شده طهما سبقلی خان قاجار بیگلربیگی را با چند نفر سردار دیگر و جمعی به امداد سپهسالار خود که مأمور به فتح وان بود روانه نمود.

در سال هزار و پنجاه و هفت هجری شاه عبّاس ثانی مرتضی قلی خان

قاجار ولد محراب خان حاکم مرو و ارض اقدس را منصب سپهسالاری داد.

در سال هزار و پنجاه و هشت شاه عبّاس ثانی قصد زیارت مشهد مقدّس و تسخیر قندهار نمود و مرتضی قلی خان قاجار سپهسالار از پیش به صوب قندهار روانه گشت.

در سال هزار و شصت مرتضی قلی خان قاحار سپهسالار قورچی باشی شد.

در سال هزار و هفتاد و پنج گداعلی خان بن محراب خان قاجار که حکومت ولایت دورق داشت درگذشت.

در سال هزار و صد و چهارده گرگین خان والی گرجستان از اطاعت شاه سلطان حسین سر پیچیده شاه سلطان حسین کلبعلی خان قاجار حاکم گنجه را با لشکر گران به تأدیب او فرستاد، کلبعلی خان بر گرگین خان غالب آمده وارد تفلیس شد و بزرگان و رعایای آنجا را به انعام و محسن سلوک مستمال و رام نمود.

در سال هزار و صد و بیست و چهار که امرای قزلباش صلاح در این دیدند که شاهزاده طهماسب میرزا برای چارهٔ کار افغان از اصفهان بیرون رود طهماسب میرزا با هشت نفر سوار گزیده از طایقهٔ قاجار از اصفهان به طرف قزوین حرکت کرد.

بالجمله بر این منوال امرای معظم قاجار در هر دوره و عهد ساعد دولت و مساعد سلطنت بوده و سلاطین باتمکین آنها را متقلد اشغال عمده و مهام بزرگ و مناصب عالیه می نموده اند. چنانکه در دولت صفویه چندباز به سمت سفارت کبری به در بار دولت عثمانی و سلاطین هندوستان رفته و خدمات بزرگ و نمایان کرده و از آنجا که هرگز منشأ خُلف و خلافی نبوده اند و جز طریق صداقت و درستکاری راهی نهیموده همیشه کمال اعتماد و اطمینان پادشاهان را جالب و تقلد و تکفل معظمات مهام و جلایل امور را شایان و لایق گشته تا مجدداً سلطنتی که در اصل ایشان را بود روی توجه به این دودمان نمود. و فی الحقیقه ابتدای این شروق و طلوع و ضیاء و فروغ از سال هزار و صد و چهار هجری است که در این سال نواب فتحملی خان قاجار قوینلو چد سلاطین بزرگوار قاجار در استرآباد متولد شد و بعد از

بلهوغ و رشد در آن نواحی استقلالی به کمال یافت، و کوکب اقبال و رایت اجلال نواب معظم میل به اوج و اعتلا کرد بر جلالت أروغ و فروغ دودمان و سلسلهٔ حلیلهٔ قاجار افزود و ابواب حکمرانی و کمشورستانی را به مقالید بخت سعید و تأیید آسمانی او گشود.

كُمْ مِنْ آبِ قَدْ عَلَا بِإِبْنِ لَهُ شَرَك مَا عَلَا بِرَسُولِ اللَّهِ عَدْنَانُ ا

در سال هزار و صد و بیست و چهار که افاغنه شاه سلطان حسین را در اصفهان محصور کردند نوّاب فتحعلی خان با هزار سوار جرّار از طایفهٔ قاجار از استرآباد به امداد شاه سلطان حسین شتافت و جنگهای سخت با لشکر افغان کرد و هر روز سر و غنیست بسیار از آنها گرفته به نظر شاه می رسانید. اتا شاه سلطان حسین ساده لوج و امرا و نزدیکان او خاین و بی عقل بودند و امرای مزبور که می بایست این امر را از تأییدات آسمانی دانند، از فرط نادانی برخلاف دانسته و فرض کرده و نزد شاه بنای سعایت را گذاشتند، و به جای تمجید و تحسین و نرحیب و آفرین افساد و تفتین نمودند و گفتند طایفهٔ قاجار به جلادت و شجاعت موصوف و به دلیری و رشادت معروف آند و نوّاب فتحعلی خان خود داعیهٔ سروری و مصلکت داری دارد اگرچه او افاغته را دفع می کند ولی بعد از آن دفع خود او مصلکت داری دارد اگرچه او افاغته را دفع می کند ولی بعد از آن دفع خود او غارج از حیّر امکان است. آخرالامر ملاباشی و حکیمباشی که زیاده از دیگران در مصلکت داری داشتند چندان وسوسه کردند که شاه سلطان حسین را به وسواس اندانحتند نباچار او شمشیر معروف به جهان گشا را به نوّاب فتحعلی خان عنایت اندانحتند نباچار او شمشیر معروف به جهان گشا را به نوّاب فتحعلی خان عنایت کرده رخصت مراجعت داد بنابر مسطورات عبدالرزّاق بیگ در کتاب مآثر سلطانیه نوّاب معظم نیز به واسطهٔ اینکه اقوال امرای شاه سلطان حسین را در حق خود شنیده

۱. بیشی است از قصیده ای که علی بن عباس رومی در مدح ابوالصقر شیبانی سروده و بیت قبلی آن و
 صحیح بیت بعد این است:

کلاً لعمری و لیکن منه شیبان کسمسا عسلا بسرمسول الله عدنسان (از افادات آقای دکتر مهدوی دامغانی) قالوا ابوالصقر من شيبان قلت لهم كم من اب قد علا بابن ذرا شرفٍ

بـود آزرده خـاطـر شـده سـواران خود را برداشت و راه استرآباد پیش گرفت. افاعنه بر اصفهان استیلا یافتند و کار به آنجا کشید که جمعی کثیر به اشارهٔ اشرف افغان به طهران و تسخیر این سامان شتافته این بلد را ویران کردند. نواب فتحعلی خان باز با سواران قاجار در ابراهیم آباد ورامین یکروز از ظهر تا شام با سپاه افغان جنگ کرده شام دو لشکر به آرامگاه خود رفتند. در همان شب به نواب خلدمکان خبر دادند که شاه طهماسب را که پیش از تسخیر اصفهان برای چارهٔ کار از این شهر به طرف قزوین فرستاده اند به مازندرانِ آمده و در بلدهٔ اشرف است. نواب فتحعلی خان که ارادتی به حانوادهٔ صفویّه داشت از ابراهیمآباد راه مازندران پیش گرفت و این در هزار و صد و سـی و هفت بود از آنجا که کوکب اقبال صفویّه رو به هبوط بود در بین راه مسموع نواب فتحعلی خان شد که امرای شاه طهماسب او را نسبت به نوّاب معظم بددل کرده اند، لهذا عنان مرکب را از جانب اشرف منعظف و به طرف استرآباد راند و امرای مشارالیهم بر اغوا و تحریک افزوده تا فیمابین جنگ درگرفت و شاه طهماسب گرفتار شد. نواب فتحملی خان باز به راه ارادت رفته شاه طهماسب را از اشرف به استرآباد برد و تجهيز لشكري عظيم نمود و در ركاب شاه طهماسب عـازم خـراسان گردید و در سال هزار و صد و سی و هشت در دامغان شاه طهماسب نيابت سلطنت و اميرالامرائي ايران را به نؤاب فتحعلي خان داد و عازم مشهد مقدس شدند ـــ در سال هزار و صد و سی و نه ندرقلی بیگ افشار حاکم نسا و ابیورد به خدمت شاه طهماسب آمده ملقب به طهماسبقلی خان گردید و منصب قورچی باشی یافت و مأمور جنگ ملک محمود سیستانی و تسخیر ارض اقدس گشت و در همین اوان ندرقلی بیگ وجود نواب غفران مآب را اسباب عدم پیشرفت کار خود دانسته در پیش شاه طهماسب به اغوا و تحریک مبالغت نمود و او را به قتل نوّاب فتحملي خان راضي كرد. شب سيزدهم ماه صفر در منزل خواجه ربيع ندرقلی بیگ به همدستی شاه طهماسب و موافقت مهدیخان نام قاجار دوالو بطور خدعه و تزویر نواب فتحعلی خان را شربت شهادت چشانیدند و در بقعهٔ خواجه ربيع به خاک سيردند.

از صلب نؤاب غفران مآب فتحعلی خان دو پسر به عرصهٔ وجود آمدند یکی

اعتماد السلطنه اعتماد السلطنة

نواب مخمّدحسن خان که در سال هزار و صد و بیست و هفت هجری متولّد شد، و دیگری محمدحسین خان که در طفولیت بدرود زندگانی گفت. نواب محمدحسن خان که خلف مهین و فرزند ارشد باتمکین بود بعضی اوقات در استرآباد و گاهی در میان طوایف ترکمان می زیستند. به موجب مسطورات مورخین در ایام جوانی و اوقات کامرانسی روزی با محمّد زمانبیگ ولد محمّدحسین خان قراموسانلو بر سّر اسب دوانسی منازعه کرده آزرده خاطر و مکذر گشته روی به احشام تراکمه نهادند و حمعی از اتراک و ترکمانان را دور خود جمع کرده بر سر استرآباد رفتند و شهر را بگرفتند. محمّد زمان بیگ که از جانب پدر در این شهر حکمرانی می کرد بگریخت و خود را به بهبودخان که در آن اوان از جانب نادرشاه سردار و سرحددار استرآباد و مازندران بود رساند و بهبودخان با شش هفت هزار نفر که با خود داشت به عزم رزم و جدال از کنار رود اتک حرکت کرد ولی صرفه ای از جنگ و قتال نبرده منهزم و فراری شد این خبر در موصل به نادرشاه رسید محمدحسین خان قاجار را مأمور استرآباد نمود و او با قشون ابوابجمعی بهبودخان و مردم استرآباد به شهر رفته این بلده را خراب و جمع کثیری را به قتل رسانید و عدهای از قاجاریّه نیز در این هنگامه مقتبول شدند. نواب محمّدحسن خان مجال و امكان تلاقي و تلافي نيافته باز عنان به طرف دشت منعطف ساختند، نادرشاه نهایت ساعی بود که نواب معظم را دستنگیر کند چنانکه به حسینعلی خان معیرالممالک می گفته است یاقوت چهارده مشقالي ديدهاي؟ او در جواب گفته نديدهام. نادرشاه گفته ياقوت چهارده مثقالي محتمدحسن حان است که از چنگ ما بیرون رفته و بر او دست نیافته ایم. خلاصه چون نیادرشیاه شیر را در سودای قبهر و خشونت بر باد داد نواب محتمدحسن خان از دشت ترکسان به استرآباد تشریف نزول ارزانی داشتند و این بلده را مقرّ دولت و حکیمزانی خود قرار دادند و مازندران و گیلان را نیز مسخّر ساختند و تقریباً بیست هزار لشكر منظّم ترتيب دادند و كار ايشان در كمال قوام و قرين مزيّت و انتظام بود تما كريم خمان زند بما چهل هزار پياده و سواره از جماعت بختياري و الوار عزيمت استرآباد نمود. نواب محمدحسن خان در این محل قدرت و شوکت خداداد را ظاهر ساخته چنانکه هر روزی جمعی از لشکریان را بر سَر قشون کریمخان فرستاده

فوجی از آنها را اسیر کرده می آوردند و در عرض چهل روز تقریباً بیست. و پنج هزار نـفـر از سـپاهـیــان وکـیــل مقتول، و دستگیر عساکر فیروزی مآثر حکمران قاجار بل تماجدار فرخمنده آثار گردید، شجاع الدین خان زند طعمهٔ شمشیر غازیان شد و كىرىــمخان قرين يأس و حرمان، ناچار بُنه و آغروق و تو پخانه و زنبوركخانه و ساير اسباب سلطنت را رها كرده از ساحت استرآباد به جانب اصفهان عطف عنان كرد وغنايم كشيره بمدست ملازمان والشكريان نواب محمد حسن خان افتاد ونواب معظم مصمم سفر عراق گشته از استرآباد به اشرف مازندران توجه فرمودند اوقاتی که كريمخان لشكر به استرآباد كشيده بود جماعت لاريجاني به اظهار خدمتگزاري به سپاهیان الوار پیوسته بعد از مراجعت کریم خان نیز سر از اطاعت پیچیده طبل یاغیگری می کوفتند، نواب محمّدحسن خان محمّدولی خان و مقیم خان سار وی را مأمور تنبيه لاريجانيها كردند وفوجي از عساكر منصوره برسر آمل رفت ولي پيش از آنكه با لاريجانيها نزاعي اتفاق افتد محمدولي خان به واسطهٔ شرارت فطري بناي بدسلوكي را نهاده دست به طرف ناموس وعيال اهالي آمل دراز كرد. اهالي مازندران از حرکات محتدولی خان منزجر گشته او را گرفته حبس کردند و جمعیتی فراهم آورده نزد مقیم خان رفتند و او را بر خود امیر کرده راه طغیان پیش گرفتند و در ساری رحل اقامت انداختند و به خودنمائی پرداختند. نواب محمدحسن خان بدون بُنه و احمال از اشرف حركت كرده بر سر مقيم خان و إهالي مازندران تاختند، مقیم خان به زخم زنبورک از یا درآمده دستگیر و نابود شد و اهل مازندران متفرق گشتند و چند نفر از معارف اهل این ولایت مورد مواحده و مصادره گردیدند. بعد از آن احمدشاه ابدالی که در قندهار زایت اقتدار برافراشته بود به ارض اقدس آمده این ولایت را مسخّر کرد و پانزده هزار نفر از افاغنه را به سرداری شاهیسند خان افغان مأمور فتح استرآباد كرد، و آن جماعت به سبزوار آمدند. ابراهيم خان بغایری، و عیسی خان گرد، و علیخان قلیجی، و جمعی دیگر از خوانین خراسان با اهل و عشيرت خود كوچ كرده به دامغان رسيدند. نواب محمدحسن خان محمدحسین خان دولوی قاجار را که از اعاظم امرا بود با خوانین خراسان و چهارده هزار نفر لشكرى به دفع شاه پسند خان مأمور فرمودند، و بعد از تلاقى فريقين افاغنه

شكست خورده راه هزيمت پيش گرفتند. بعد از اين فتح نمايان نواب محمدحسن خان با قشون نصرت نمون به قصد جنگ با کریمخان از مازندران حرکت کرده محمّدخان بی کلّهٔ زند را که بعد از کریم خان در این سلسله کسی ازاو شجاع تر نبود با هفتاد نفر از امرای زند گرفته به شهر ساری فرستادند، و محمدخان را از آن بسي كِلَّه مي گفتند كه مقدار كف دستي از كُلَّهٔ او را شمشير بريده بود. آخرالامر نواب محمد حسن خان اصفهان را متصرف شده در گلون آباد با کریم خان مصاف داده او را نیمز مشهرم ساختند. پس از آن به عزم تسخیر آذر بایجان رآیت انتهاض برافراختند. آزادخان افغان که این مملکت را مسخّر کرده و در ارومیّه سکنی داشت با بیست هزار نفر از افاغنه روی به میدان کارزار و عرصهٔ پیکار نهاد و از آنجا که اهل و عیال این بیست هزار نفر در ارومیّه بودند برای حفظ ناموس خود آنها سخت می جنگیدند و از روی غیرت مردانه می کوشیدند، مع ذلک عساکر نصرت مآثر نواب محمّدحسن خان ایشان را مقهور و مغلوب نمودند. آزادخان با اهل و عيال و معدودي به صوب تفايس رفت. نؤاب معظم به جمع آوري افاغنه پرداخته هزار خانوار از افاغنه و اوزبک کوچانیده آنها را از راه گیلان به مازندران فرستادند و بـا لـشکری وافر و شوکتی زیاد از عراق به فارس آمده کریمخان زند را در شیراز محاصره کردند. در این هنگام قاجاریّهٔ یوخاریباش و غیره به واسطهٔ کینهٔ دیرینه راه طغیان و خیانت پیش گرفتند و اردوی باعظمت معتبری را شکسته فرار کردند و از آنجا که آذوقهٔ محصورین رو به تمامی نهاده بود اگر این طغیان و خیانت از طایفهٔ مزبوره به ظهور نمى رسيد بهزودى شيراز مسخّر عساكر نواب محمّد حسن خان می گردید. بالجمله چون نواب معظم حال را بر این منوال دیدند روانهٔ استرآباد شدند و كريمخان از عقب ايشان لشكر كشيده روان شد و خود در طهران مانده شيخعلي خان زند را به مازندران فرستاد و فیمابین استرآباد و اشرف جنگی بین فئتین واقع شده در اینجا نیز کاری از لشکریان نواب محمّدحسن خان ساخته نشد، بالاخره در ماه جـمادی الآخره هزار و صد و هفتاد و دو هجری در جرکلباد به تحریک قاجاریه یوخاری باش آن حضرت معظّم به دست یکی از ملازمان خود که موسوم به سبزعلی بیگ بود به درجهٔ رفیعهٔ شهادت رسید. بعد از آن کریم خان استقلالی بهمرسانیده به

۱۳۷٦ تاريخ منتظم ناصری

مازندران و طبرستان راند و بر استرآباد استیلا یافت و از پسرهای حضرت غفران مآب معظم که نه نفر بودند و پیش ذکر ایشان شده حضرت آقامحمد خان (شاه شهید طاب ثراه) را که اکبر و ارشد اولاد بودند با حسینقلی خان (جهانسوز شاه) والد خاقان مغفور (فتحعلی شاه طیّب الله مضجعه) به شیراز برد و این دو برادر معظم برادر صلبی و بطنی بودند. سایر برادران را به قزوین فرستاد و احترامات وکیل نسبت به حضرت آقامحمد خان معروف است، و فی الحقیقه قدر آن گوهر پاک را می دانست و در مشکلات امور و معضلات مهام از رأی رزین ایشان استمداد و استعانت می نمود و کمال اطمینان را به وفور عقل و راستی و امانت آن حضرت در مشورت داشت.

در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری نواب حسینقلی خان معروف به جهانسوز شاه به حکمرانی دامغان رفتند، و از آنجا به مازندران شتافته تبعیت و متابعت کریمخان را برکنار گذاشته محمدخان دادو، حاکم مازندران را با زه کمان خود خفه کردند و این از آن بود که ملک خود را در تحت مالک دیگر نمی توانستند دید. خلاصه کریمخان لشکر به دفع نواب جهانسوز شاه فرستاد ولی حالت احترام او نسبت به حضرت آقامحمد خان مطلقاً تغییری نکرد و هیچ این فقره را به روی ایشان نیاورد. نواب حسینقلی خان جهانسوز شاه دست و کیل را از کار کوتاه می کردند اگر در حوالی فندرسک از دست سه نفر غذار از طایفهٔ ایکدریموت از طوایف ترکمان شر بت شهادت نمی نوشیدند و رخت از سرای فانی به جهان حاودانی نمی بردند.

در سال شهادت نواب جهانسوز شاه اختلاف کرده گویا سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری را باید اختیار کرد و صحیح دانست. به هرحال چندان از شهادت حضرت جهانسوز شاه نگذشت که حق به مرکز خود قرار گرفت و نوبت اعتلای لوای دولت جاوید شوکت قاجار دررسید. و اگر چندگاهی ظهور این دولت که مصون از زوال باد به قول مشهور تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد خلاصهٔ کلام، حضرت آقامحمد خان با کمال عزّت و شأن در شیراز انیس و جلیس و کیل بودند تا در ماه صفر هزار و صد و نود و سه کریم خان به ناخوشی سل

اعتمادالسلطنه

درگذشت و حضرت معظم دواسبه به طرف طهران شنافته روز هفدهم ماه صفر به ورامیسن وارد شدند و در اینجا سران قاجار و خوانین ایلات به رکاب فیروزی انتسابش پیوسته عزیمت مازندران کردند.



## [سنة ١١٩٤ هجرى = سنة ١٧٧٩ مسيحي]

آسیسا (ایران) ــ در وقایع سال قبل در آخر جلد دو یم منتظم ناصری ارتحال كريم خان وكيل و تشريف فرمائي حضرت آقا محمدشاه را از شيراز به مازندران اجمالاً ذكر نموده ايم ولى به سبب كمال پيوستگى حوادث سال قبل با اين سال كلام را ضرورتاً اعادت داده گوئيم: حضرت معظّم كه مدّت شانزده سال در شيراز به مصاحبت وكيل اشتغال داشتند در اوان ناحوشي وكيل خاصه اوقاتي كه علايم انتقال ظاهر شده بود به رأه حزم رفته غالباً در بيرون شهر شيراز به بهانه شكار گردش می نمودند و مستعد بودند که به محض فوت وکیل راه مازندران و استرآباد را که دارالملک نیاکان بزرگوارشان بود پیش گیرند، و سلیمان خان قاجار ابن محمد خان خالوی خود را که در آن زمان ده ساله بود دایماً به حرم وکیل فرستاده پنهانی از عـمّــة خود كه در حبالة نكاح كريمخان بود از حال بأدشاه زند و ضعف و شدت بيساري او استعلام مي فرمودند ــ به عقيدهٔ بعضي خالهٔ حضرت آقا محمد شاه با وكيل سمت ازدواج داشته و از او جوياى حالات بوده اند ــ سيرژن ملكم در تاريخ خود گوید همشیرهٔ حضرت آقا محمد شاه در سرای سلطنتی بوده و ساعت به ساعـت برادر بزرگوار خود را از حالات وکیل مستحضـر میساخت تا وقتی که خبر انتقال یادشاه زند را به آن حضرت داد ... در هر حال شب سیزدهم ماه صفر سال هزار و صد و نود و سه حضرت آقا محمد شاه در بیرون شهر شیراز بسر بردند به این معنی که هنگام غروب نزدیک دروازه آمده که به شهر ورود کنند امّا محمّدحسین خان ارجمندی و عبدالله خان دماوندی که در سلک هواخواهان آن حضرت بودند به

اشاره به ایشان معلوم کردند که وکیل محتضر است لهذا آن شهریار معظم بازی را که در دست داشتند عمداً از دست رها کرده و به بهانهٔ اینکه آن را به چنگ آرند از دروازه دور شده و در مجلَّة شاهمير على ابن حمزه كه از محلاّت بيرون شهر شیراز است در خانهٔ رضاحان قاجار شب را صبح کردند و انتظار داشتند که نوّاب علیقلی خان برادر آن حضرت و محمّد امین آقا ولد حاجی فضلعلی بیگ برادر نواب غفران مآب شهید فتحعلی حان و سایر آقارب بدیشان پیوندند. و از آنطرف زندیه ملتفت شدند که امرای قاجار در جناح حرکت اند، بنابراین موسی خان و عیسی خان برادر زاده های حضرت آقامحمد شاه را در میان در وازه گرفته بـازگـردانـيدند سليمان خان را به واسطهٔ صغر سن نکشتند و موسى خان و عيسى خان به حکم ابوالفتح خان بن وکیل حاکم شیراز به دست محمّد طاهر خان زند مقتول شدند \_ خلاصه چون صبح چهاردهم صفر شد و امرای مزبور به خدمت حضرت آقامحمد شاه نپیوستند حضرت معظم صلاح در توقف ندیده با چهارده نفر از خویشان خود روی به راه نهادند و مرکب آن حضرت در این سفر اسبی بود که نواب جهانسوز شاه پیش ازین برای برادر والاگهر به هدیه ارسال داشته و ظاهراً خاص این سفر بوده، چنانکه در دو شبآنه روز با این آسب خود را به اصفهان رسانیدند و در منازل خوانین قلیجی منزلگزین گشتند و خوانین مز بور با برکشاطی و بغایری تعقد کردنید که از دنبال آن شهریار روانهٔ استرآباد و مازندران شوند ـــ جهانگیر خان و رشيبدبيك يسران فتبحفلي خان أفشار اظهار موافقت نمودند ولي از التزام ركاب نصرت انتساب تخلّف جستند، و رضاقلي خان برادر آن حضرت كه در اصفهان بود ایشان را همراهی نمود. روز سهشتبه بیستم شهر صفر که شب عید نوروز بود به رَاوِينَةُ مَقَدِّسِةُ حَضَرِتِ عَبْدِ العظيم (ع) رسيده به زيارت اين امامزادة لازم التعظيم فايز آمدند و در عرض راه آنجه مالیات به شیراز می بردند به تصرف ملازمان حضرت درآمد و حاجی صمدای علی آبادی نیز آنچه فراهم آورده بود به میل تحویل کرده و مژدهٔ قدوم شهریاری را به مازندران رسانید و عموم اهالی از این بشارت قرین مسرّت فوق العاده گردیدند. روز چهارشنبهٔ بیست و یکم صفر را که عید نوروز بود در صحبت برادران و هواخواهان بسر بردند و خان ابدال خان و نقدعلي خان و ساير

خوانین مدانلو و جهان بیگلو جبههٔ اطاعت و عبودیت در آن حضرت بر زمین نهادند. در این اثنا تقی خان زند سردار طهران و مازندران از فوت کریم خان باخبر شده جمعیّت او متفرّق و خود روانهٔ شیراز شد. حضرت آقامحمّد شاه مهدیقلی خان را با يكصد سوار از سواران اكراد و قاجار از عقب او روانه فرموده آنها تقي خان و همراهان او را دستگیر کرده به حضور مبارک آوردند و تقی خان پس از تنبیه و مؤاخذه مرخص شد و موکب شهریاری به دعوت مجنونخان به وزامین و خوار آمد و خوانین دولوی قاجار به تقدیم هدایا پرداخته مشمول عنایت گردیده به عواطف حضرت یادشاهی مستظهر گشتند، و به توسط جعفرقلی خان برادر آن حضرت داخل در دایرهٔ هواخواهان شدند. موکب منصور دو روز در دولاب طهران توقف کرده و خویشان و بستگان شهریاری که در قزوین اقامت داشتند راه استرآباد بیش گرفتند. و از حوادث غیرمترقبه آنکه مرتضی قلی خان برادر حضرت شهریاری پس از استماع فوت وکیل با سپاهی از استرآباد به بارفروش آمد و اگرچه از استخلاص برادر بزرگوار اظهار شعف می نمود ولی می گفت مازندران را من به شمشیر خود مصفی نـمـوده ام و ایـن مملکت خاص منست و اگر دیگری طمع در آن نماید کار به پیکار خواهد کشید، و جمعی را با مصطفی قلی خان برادر خود به سواد کوه فرستاد که مانع عبور حضرت آقامحمد شاه شوند. مقارن این حال رضاقلی خان برادر دیگر آن حضرت از دولاب طهران به مازندران رفته به مرتضى قلى خان پيوست. حضرت آقامحمد شاه پس از بذل نصایح که سودمند نیامد جعفرقلی خان را مأمور دفع آنها كرده پس از مبادرت به جنگ ابتدا رضاقلي خان مغلوب و مقهور گرديده به بارفروش راند، و مرتضى قلى خان عزيمت استرآباد نمود و مصطفى قلى خان به موکب معلّی ملحق شد. حضرت آقامحمد شاه به علی آباد ساری و بارفروش تشریف فرما گردیده خاقان صاحبقران فتحعلی شاه که در آنوقت با عم خود مرتضى قلى خان در مازندران بودند به حضور مبارك آمده مصطفى قلى خان به استمالت مرتضى قلى خان مأمور استرآباد شد و والدهٔ خاقان معظّم را كه در آن وقت سمی ماه از ولادت فرزند گرامیش حسینقلی خان ثانی ابن جهانسوز شاه گذشته بود نیز همراه بود. و خان ابدالخان گرد جهان بیگلو به حکومت شهر ساری منصوب

گشت، و رضاخان قاجار قوانلو به حراست آمل و لاریجان محکوم شد.

نیز از وقایع این سال آنکه زکیخان زند برادر امّی کریمخان که به دستاویز ابـوالـفتح خان بن وكيل با ساير خوانين زند مخالفت نموده و بر آنها غلبه كرده همه رًا مقشول ساخته بود عليمرادخان خواهرزادهٔ خود را به حراست اصفهان فرستاد و از آنجا مأمور نظم امور ری و قزوین و دارالمرز کرد. در این اثنا ذوالفقار خان خمسه ای به دعوی سروری از خمسه به قزوین آمد و پس از مقاتله با علیمرادخان شكست فاحش يافته منهزماً معاودت نمود وعليمراد خان مظفر و منصور به طهران بـازگـشت و محمّدقلی خان سیاه و محمّدقلی خان سفید از خوانین لاریجان نزد وی آمدند و عليمراد خان آنها را با محمود خان افغان به تسخير مازندران روانه كرد مشارالیهم به تنگهٔ عباس آباد آمده مهیای قتال و مستعد جدال شدند. حضرت آقامحمد شاه برادر خود جعفرقلي خان رايبا لطفعلي بيگ سركردهٔ لشكر سوادكوهي به دفع ایشان فرمان داده پس از چنگ سخت در آن کوهستان بردرخت، زندیّه منهزم و بسيار از آنها مقتول شدند. عليمراه خان زند غفورخان نامي را در طهران گذاشته خود روانهٔ اصفهان شد و حضرت آقامحمد شاه عزیمت طهران فرمودند، و مجدّداً رضاقلی خان و مرتضی قلی خان بنای مخالفت را گذاشته خواستند با خوانین دولوی ورامین همدست شوند. حضرت شهریاری جعفرقلی خان را از پیش روانه تموده، بُنه و آغروق را به مهديقلي خان سپرده بعد از آن تهضت فرما گرديده به سعدآباد ورامين به خانهٔ محمدخان ولد رفيع خان كه با آن حضرت نسبتي داشت نزول أجلال فرمودند و ميرزا محمّد خان و مصطفى خان و رحيم خان و محمّدخان و سايىر بـزرگان دولّو مجدّداً بر خدمت و سلطنت حضرت يادشاهي اتفاق كرده و عذر رضافیلی خان را خواسته او را روانه نمودند. ناچار سایر خوانین و بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد درآمدند و موکب شاهانه به فیروزآباد طهران توجه فرمود ـــ هم در این اوان دوالفقار خان افشار خمسهای به تسخیر طهران شتافت و جعفرقلی خان قـاجـار در قریهٔ قشلاق او را جلوگیر شده به جنگ پرداختند. آخرالامر دوالفقار خان مغلوب شده به قزوین فرار کرد و جمعی از لشکریان او اسیر و مقتول شدند و ذوالفقار خمان بعدها با هدایت الله خان گیلانی درانداخته و به جدال پرداخته این

دفعه نیز مقهور شد و عاقبت به حکم علیمراد خان مقتول و روانهٔ دیار عدم گشت. و موکب پادشاهی در ری توقف داشت و محمّدقلی خانین سیاه و سفید لاریجانی اظهار عبوديت مي كردند، ولي رضاقلي خان به اغواي آنها كوشيده بر مخالفت ترغیب نمود، و در هزارجریب به تهیهٔ سروری پرداخت. لهذا موکب منصور به عزم مازندران از ری انتهاض فرمود و در بین راه دسته قشون جعفرقلی خان با سیاهیان مرتضى قلى خان قتال نمودند و جعفرقلي خان به عبّاس آباد رفت و مرتضى قلى خان در یکی از قرای فیروزگوه بساند و اسرای طرفین را مرخص کردند. بعد از آن جعفرقلی خان در علی آباد به موکب معلّی پیوست و مهدیقلی خان ناچار با مرتضى قلى خان روانة استرآباد شدند ولى در ضمن فرصتى به دست آورده فرار تموده و به ملازمان حضرت سلطنت بيوست وعيد نوروز سال هزار و صد و نود و جهار را شهریار تاجدار در ساری گرفتند و مهدیقلی خان و محمدقلی خان قوانلو از بند شیراز مستخلص شده به حضور مبارک مشرف شدند و رضاقلی خان با جمعی به منازعهٔ ملازمان حضرت آمد. جعفرقلی خان به مدافعهٔ او مأمور شد و طایفهٔ مدانلو به او پیوستند رضاقلی خان به صفحات نور و کجور رفته بر سیاهیان خود بیفزود و در محل موسوم به خواجک با جعفرقلی خان مصاف داده شکست خورده دستگیر شد، و جعفرقلی خان او را با قاسم خان و اسمعیل خان قوانلو به حضور پادشاهی فرستاد و بنابر شفاعت علیقلی خان او را عفو فرمودند و نور و کجور نیز در تحت تبعیت ملازمان حضرت در آمد و محمدقلی خانین سیاه و سفید لاریجانی بار دیگر در جمن دریاوک و آن نواحی جنگ سختی کرده از جعفرقلی خان منهرم شدند و جمعی مقدول و گرفتار گشتند. چون جعفرقلی خان با فتح و نصرت به حصور حضرت آفامحمّد شاه آمد آن حضرت معظّم این شعر شاهنامه را در توصیف او بخواندند:

خجسته بر و بوم گرگان که شیر همی پـرورانـد بـه جای دلیر هم در این سال در بیست و هشتم رمضان موکب حضرت آقا محمد شاه از ساری عزیمت استرآباد نمود و ابتدا به الکای چارده هزارجریب نزول اجلال فرمود، امّا از آنجا که این اوقات هزارجریب از اعمال استرآباد و تعلّق به مرتضی قلی خان داشت

و از جانب مشارالیه پذیرائی نشد، آن حضرت از او رنجیده و رضاقلی خان و خان ابدال خان را که مأمور توقف مازندران فرموده بودند احضار کرده که به پیکار مرتضی قلی خان پردازند ولی باز کار به اصلاح گذشت، و رضاقلی خان به استرآباد رفته از رنجش خاطر مبارک پادشاهی شرحی برای مرتضی قلی خان تقریر نمود. مرتضی قلی خان برادر اعیانی خود مصطفی قلی خان را به معذرت فرستاد و موکب منصور از رفتن به استرآباد عطف عنان کرده از اشرف حرکت نموده روز هیجدهم منصور از رفتن به بارفروش تشریف فرما شدند و در عمارات شاه عباسی مشهور به بحر ارم نزول اجلال فرمودند.

اروپ ا ــ (روس) ــ اتحاد دولتین روس و اطریش بر ضدّ پروس. (اطریش) ــ مصالحه فیمابین دولتین اطریش و پروس بعد از وقوع منازعه. (ایطالیا) ــ طغیان و آتش فشانی کوه وزوو و جریان مواد محترقه از آن.

امریکا \_ (اتائونی) \_ امداد دولتین اسپانیول و هلاند به اتائونی ینگی دنیا.



## [سنة ۱۱۹۵ هجری = سنة ۱۷۸۰ مسیحی]

آسیسا ... (ایران) ... از وقایع این سال آنکه حاجی جمال قومنی با آنکه خدمات نمایان به حضرت آقا محمد شاه کرده بود پسرش هدایت الله خان متوسل به زندیه شده و بدین واسطه از خدمت حضرت شهریاری روگردان بود و ربقهٔ انقیاد را بر رقبهٔ عبودیّت نمی نهاد. لهذا جعفرقلی خان و مصطفی قلی خان مأمور تسخیر گیلان شدند و مهدی خان تنکابنی مأمور امداد ایشان، و رضاقلی خان به استمالت محمدقلی خان سیاه و محمدقلی خان سفید و سایر لاریجانیها روانه گردید امّا بعد از ورود به نِشیل با مخالفان موافق شده و با هزار نفر به طرف بارفروش راند و حضرت پادشاهی را محصور نمود، خان ابدال خان نیز به آن جماعت پیوسته به واسطهٔ عدّت و کثرت آن حضرت معظم را بگرفتند و قصد جان آن یگانهٔ دوران نمودند. حاجی جان جان بندیشی معروف به حلال خور تدبیری اندیشیده آن قصد را

مانع آمد یعنی درخواست کرده گفت او را به من سیارید تا محارست و نگاهداری نمايم. آنها قبول كردند وشهريار معظم را مقيداً با مهدعليا و نوّاب جهانباني (فتحعلی شاه) و برادر کهتر ایشان حسینقلی خان به بندیی روانه نمودند و رضاقلی خمان استقلالی یافت. نوّاب جعفرقلی خان که در لاهیجان بود از این مقدمه باخبر گردیده بر جناح استعجال مراجعت نموده مصطفی قلی خان را به استرآباد فرستاد و به مرتضی قبلی خیان واقعه را خبرداد و خود به کجور رفت. مرتضی قلی خان به مازنىدران آمده با خان ابدال خان گرد سردار رشید رضاقلی خان مصاف کرد و براو غالب آمد و محمّدقلی خانین را بگرفت. رضاقلی خان چشم از شهریاری ساری و بارفروش پوشیده از بیم تیغ مرتضی قلی خان به بندیی در ظل عاطفت حضرت شهریاری گریخت و قبل از ورود او به این محل میرزا فریدون مشهور به حاجی جانخان و آقاسی خان برادرش که حضرت معظم را حارس و نگاهبان بودند افدام به تکلیف حقیقی خود نموده آن حضرت را از بند نجات داده بر اریکهٔ جلالت نشانده کمر خدمت و ملازمت این آستانه را بر میان بستند. حضرت شهریاری رضاقلی خان را به حضور نخوانده و او چون دور مانده قصد خدمت علیمراد خان كرده روانـهٔ اصفهان شـدو در آنجا نيز مقامي نديده به مشهد مقدّس مسافرت كرد و در آنجا بهزودی درگذشت. خلاصه بزرگان بندیی خضرت سلطنت را با جمعی روانیهٔ بیارفروش نمودند و رضاخان قاجار به نواب جعفرقلی خان که در کجو بودند مرَّده فرسساد و حود بـا بـرادران و تــمـامي خوانين مدانلو به آستان معظَّم پوست و مرتضی قلی خان محض استرضای خاطر مبارک خان ابدال خان طاغی را بکشت و مصطفى قلى خان را به معذرت و تشكر خلاصي و سلامت مزاج همايون ه در بار شهریاری روانه نمود و آن حضرت برای استیناس مرتضی قلی خان تشریب فرمای ساری گردیدند و با او ملاقات فرمودند ولی رفع خیال مرتضی قلی نان نشد. عمليتقلبي خمان و مهديقلي خان ملتزم ركاب ظفرنصاب شهريار بااقتدارگرديده و مرتضى قىلى خيان تىخلف حسته و بعدها به راه مخالفت رفته لكن كار از پيش نبرد.

روز شنبهٔ پانزدهم ماه ربیع الاول این سال عید نوروز سلطانی ررسید \_

هم در این اوان کلیعلی خان دامغانی از قادرخان عرب بسطامی شکایتی به در بار شهریار عرض و انفاذ داشت، حضرت معظم نواب جهانبانی را به تدمیر قادرخان مأمور فرمودند، نواب شوکت مآب با اسمعیل خان قاجار قوانلو و جمعی از سواران جرار به ایلغار بر سر قادرخان عرب تاختند و وقتی رسیدند که قادرخان بر کلیعلی خان غالب شده و دامغان را گرفته تاخت و تاراج می نمود. عساکر نواب جهانبانی اشکر قادرخان را شکستی فاحش داده و او را مقهور ساخته صورت حال را به آستان مبارک معروض داشتند و دامغان به سیورغال نواب جهانبانی مقرر آمد \_ نیز از وقایع این سال آنکه پس از جنگ و جدل با مرتضی قلی خان و طول محاصرهٔ شهر ساری این بلد را عساکر منصورهٔ شهریاری فتح کردند و مرتضی قلی خان به مصالحه و حکومت استرآباد و هزارجریب و گرگان راضی شده بدان ساحت شتافت \_ وفات حاجی لطفعلی بیگ آذر بیگدلی صاحب تذکرهٔ موسوم به آتشکده.

اروپا ... (آلمان) ... فوت ماری نیز ایراطریس آلمان و اطریش بعد از چهل سال سطنت ... استقلال پسرش ژرف دو نیم در امپراطوری آلمان و اطریش. (انگلیس) ... معابد و کلیساهای کاتولیکی که در لندن و سایر شهرهای معتبر انگلیس بود به اغوای ارد گردن رئیس متعقبین پرتستان غارت شد ... اختراع اول چرخ بخار در بیرمنگام از شهرهای انگلیس ... ایجاد روزنامهٔ مُرَنگ هرالد ... اعلان جنگ مابین این دولت و هلاند (فرانسه) ... فوت ژیل بر از شعرای معروف. دروس) ... در ظرف این سال تقریباً یکصد و سی هزار نفر در ممالک روس به ناخوشی و با هلاک شدند.

## [سنهٔ ۱۱۹۱ هجری = سنهٔ ۱۷۸۱ مسیحی]

آسیسا - (ایران) - در این سال امیرگونه خان افشار طارمی که علیمراد خان زند هنگام و یست فارس او را مأمور نظم مازندران کرده بود به اغوا و امداد محمدقلی خان سی و محمدقلی خان سفید لاریجانی عازم مازندران و مصمم قتال با عساکر منصورهٔ مضرت آقامحمد شاه گردید و با ششهزار نفر به محالات آمل آمد. علیقلی

حان قاجار که در آن حدود بود چون دید از عهدهٔ جمعیت امیرگونه خان برنمی آید مراتب را به عرض آستان شهریاری رسانید. حضرت آقامحمد شاه به نفس مبارک مصتم مقاتله با امیرگونه خان شده روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانیه در جنب باغشاه آمل جنگ درگرفت. سیاه دارالمرز و لشکریان قاجار بر همراهان امیرافشار حنمله كردند ابتدا محمدقلي خان سفيد مقتول و بعد محمدقلي خان سياه اسير شد و پسسر امیرگونه خان به زخمی کاری از اسب افتاد. امیرگونه خان افشار فرار بر قرار اختیار کرد، و در این جنگ سخت بسی سرها بر سر دار فنا رفت. محمدقلی خان سیاه را نیز از بالای عمارت باغشاه به رودخانهٔ آمل آنداختند و هماندم جان بداد، و پســر امـيـرگـونـه خـان كـه زخـمـي شده بود بمرد، و لاريجان را ملازمان حضرت شهریاری متصرف شدند و هزار نفر لاریجانی به شرف التزام رکاب مبارک سرافراز آمدند و امیرگونه خان در حوالی گیلان درگذشت \_ هم در این اوان امیر محتمد حسین خان ارجمندی و عبدالله خان دماوندی که در شیراز بودند به رکاب همایون پیوستند و در دهم ماه رجب موکب معلی عزیمت سمنان فرموده حاجی فاضل سمنانی و سایر معارف این بلد به حضور مبارک تشرف جستند، پس از آن به طرف بسطام توجه فرموده نواب مستطاب جهانبانی (خاقان مغفور) و کلبعلی خان دامغانی به فیض حضور شهریار کامکار مستسعد گشتند بعد به جانب چمن نمکه انشهاض نموده جانمحمد خان قاجار دولو متعهد خدمات گردید. قادرخان عرب به معاونت تراکمه و بعضی از اهالی سرحدات خراسان به خیال سرکشی افتاد ولی عليقلي خان قاجار جمعيت او را متفرق ساخت و او را محصور نمود، آخرالامر مصحف كريم را شفيع نموده با ضراعت به عتبهٔ عليّه آمد و مقرّر شد كه با اهل و عیال به مازندران رود ـــهم در این ایام خوانین قلیجی و برکشاطی و افشار با پانصد سوار از عراق آمده به اردوی مبارک پیوستند، و حضرت شهریاری حکومت سمنان را به علیقلی خان، و حکمرانی بسطام را به جعفرقلی خان مفوّض داشته در بیستم شعبان به مازندران عطف عنان فرمودند. مرتضی قلی خان نیز به خدمت آمده به حکومت استرآباد منصوب شد و به گیلان مأمور گردید و هدایت الله حان جون خود را مقهور دید به دادن مالیات تمکین کرده لهذا ایالت گیلان را به او واگذار

فرمودند ــ هم در این اوان علیقلی خان به خوار و ورامین رفته این ناحیه را تصرف نـمـود وغـفـورخــان حــاكـم طـهران را نيز محاصره كرد ولى كاري از پيش نرفت و حضرت شهریاری امر به معاودت او فرمودند و در استرآباد به حضور آن حضرت مشرف شد و برادران نامدار شهریار کامکار از اطراف رو به استرآباد نموده در این بلد جمع آمدند و در مضجع خلدآشیان محمدحسن خان و رضوان جایگاه جهانسوز شاه انـاراللّـه بـرهانهما به.مراسم تعزیت قیام نمودند و عمارتی در آنجا بنا کردند ــ نیمز در این اوقات بزرگان و اعیان گکلان و یموت و فندرسک و کبودجامه و کتول در سلک خدام آستان حضرت سلطنت منسلک گردیدند. پس از انتظام امور آن سَيَامان موكب شاهانه به سارى معاودت فرمود و هدايت الله خان از دريا و خشكي استعدادی فراهم نموده به خیال سرکشی افتاد، حضرت شهریاری نواب حهانبانی را به رسم نیابت در مازندران گذاشته با تمامی برادران متوجه گیلان شدند و هدایت الله خان را مقهور ساختند و گیلان مفتوح شد. پس از فتح گیلان جعفرقلی خان را به مقاتله رمضان خان زند که به امداد غفورخان حاکم طهران آمده بود مأمور فرمودند، و او رمضان خان را منهزم و جمعی از همراهان او را مقتول نموده به قزوین آمد و مولاویردی خان را گرفته مقیّد کرد، ولی به حکم همایون او را مرحّص کرده يسرش را حكومت قزوين داد و به كوراندشت به موكب ظفركوكب يبوست ـــ هم در این اوان مصطفی خان دولوی قاجار مأمور تنبیه علی خان خمسه ای افشار گشت، علی خان به آذر بایجان گریخت و مصطفی خان مظفّر و منصور به قزوین آمد ــ نیز در این اتام نواب سلیمان خان قاجار خالوزادهٔ شهریار کامکار از شیراز به آستان مبارک آمده مشمول عواطف ملوکانه گردید.

هم در این سال صادق خان زند برادر وکیل که بعد از مراجعت از بصره به واسطهٔ استیلای زکی خان در شیراز راهی به این بلد نداشت روانهٔ کرمان شد و از آنجا که علیمرادخان زند در اصفهان رأیت استقلال برافراشته بود زکی خان ابوالفتح خان پسر وکیل را با لشکری جرّار به طرف اصفهان حرکت داده در منزل ایزدخواست خانعلی خان مافی زکی خان را در جامهٔ خواب بکشت ... سیرژن ملکم در تاریخ خود گوید زکیخان چون به منزل ایزدخواست رسید تنخواهی معادل

هفتهزار و دویست فرانک از سکنه این محل مطالبه نمود به این عنوان که شما این مبلغ را از وجوه خزانه دزدیده اید، سکنه انکار کردند و بعلاوه اظهار داشته که ادای این مبلغ فوق وسع و استطاعت ماست، زکیخان حکم کرد هیجده نفر از اعیان محل را از بالای قلعهٔ ایزدخواست به زیر انداختند، بعلاوه یکی از سادات محترم مقدس را گرفته که تو از این تنخواه باخبری و قسمتی از آن به تو رسیده، سید بیچاره آنچه در براثت ذمّهٔ خود ابرام و الحاح کرد ثمری نبخشید عاقبت چندین زخم کارد به سید زده او را با هیجده نفر سابق الذکر از بالای قلعه به زیر انداختند بدین هم قناعت نکرده زن و دختر سید مقتول را گرفته به دست بعضی از قراولهای خود که مافی بود داد تا دست اندازی به عصمت آنها نمایند، قراولان با وجود حالت که مافی بود داد تا دست اندازی به عصمت آنها نمایند، قراولان با وجود حالت وحشیگری که داشتند از این حرکت زکیخان برآشفته و منقلب گردیدند و بایکدیگر مواضعه نموده زکیخان را بکشتند و سر او را از بدن جدا نمودند بایتهی.

پس از کشته شدن زکی خان ابوالفتح خان مستقلاً به شیراز مراجعت کرد و صادق خان نیز از کرمان به او پیوست ولی ابوالفتح خان به واسطهٔ افراط و ادمان در شرب خمر از رسیدگی به امور ملکی غافل ماند، و هرچه عمش صادق خان او را نصیحت کرد سودمند نیفتاد، ناچار او را خلع کرده خود بر مسند حکمرانی متمکن گردید و فیمابین او و علیمراد خان که در اصفهان بود جنگ درگرفت و صیدمراد خان زند که سردار علیمراد خان بود در خارج شیراز با علینقی خان پسر صادق خان به مقاتله پرداخته شکستی فاحش خورد و صاحبمتصبان او در راه اصفهان گرفتار شدند، علیمراد خان به قلمرو علیشکر کرمانشهان رفته قریب سی هزار جمعیت جمع کرده به اصفهان آمده از آینجا راه شیراز را پیش گرفته صادق خان را در این بلد محصور نمود، جعفر خان پسر صادق خان که برادر مادری علیمراد خان بود و اکبر محصور نمود، جعفر خان زند به علیمراد خان پیوستند و علینقی خان هر روز او شهر محاضره چون خان پسرون می آمد و با آنها مصاف می داد، آخرالامر پس از نه ماه محاضره چون بیرون می آمد و با آنها مصاف می داد، آخرالامر پس از نه ماه محاضره چون قلعه گیان گرفتار قعط و غلا شده بودند در وازهٔ شهر را باز کردند و علیمراد خان در وته محرم وارد شهر شیراز شد، صادق خان و پسران او را مجروح و مقتول ساخته در وته محرم وارد شهر شیراز شد، صادق خان و پسران او را مجروح و مقتول ساخته در وته محرم وارد شهر شیراز شد، صادق خان و پسران او را مجروح و مقتول ساخته

ابوالفتح خان و پسران وکیل را مکحول نموده در حکمرانی استقلالی بهمرسانید و صیده راد خان بنی عمّ خود را که نیابت اصفهان داده بود به شیراز خواسته ایالت این ولایت را بدو تنفویض کرد و خود راه اصفهان پیش گرفت و جعفرخان زند را به حکومت کردستان فرستاد.

اروپا - (آلمان) - هرشل منجم معروف هانوری ستارهٔ اورانوس را که یکی از سیاراتیست که دور این آفتاب حرک می نماید انکشاف نمود. (اطریش) - به واسطهٔ مداخلهٔ امپراطور ژزف دویم در امور دینیه پی ششم پاپ با او در منازعه می باشد. مسافرت این امپراطور به پاریس. (فرانسه) - نیکر وزیر مالیه دخل و خرج دولت را به طبع رسانیده منتشر ساخت و بدین واسطه معزول گردید و فِلُری نام به جای او منصوب شد. استقلال ملکهٔ فرانسه تحواهر امپراطور اطریش در این مملکت، و عدم رضایت مردم از این استقلال.

امریکا \_ (اتائونی) \_ منازعهٔ سخت اهالی اتائونی با عساکر انگلیس و فتوحات آنها.

#### [سنهٔ ۱۱۹۷ هجری = سنهٔ ۱۷۸۲ مسیحی]

آسیا (ایران) در اوّل فصل تابستان این سال وُوانُویچ نام روسی با چند فروند کشتی از حاجی طرخان به استرآباد آمد، حضرت آقامحمد شاه آنوقت در نواحی استرآباد تشریف داشتند، وُوانُویچ از ملازمان آن حضرت درخواست نموده رخصت طلبید که روسها در سواحل استرآباد در محل مناسبی دارالمعامله بنا نمایند که تجار روس در آنجا به سهولت مشغول امور تجارتی باشند. حضرت شهریاری قبول فرموده اذن ساختن دارالمعامله دادند. روسها در عوض دارالمعامله در دوازده فرسنگی شهر استرآباد قبلعهٔ بسیار محکمی بنا کردند و هیجده عراده توپ و قورخانه در آنجا گذاردند. بعد از اتمام قلعه حضرت شهریاری به تماشای قلعهٔ روسها تشریف بردند و از وضع باخبر گشتند، چون از قلعه مراجعت فرمودند وُوانُویچ و صاحبمنصبان

روس را به شام دعوت كردند وقت شب كه صاحبمنصبان و ووانويچ به محل دعوت رسیدند حضرت شهریار کامکار حکم به گرفتن آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته اید فوراً خراب نکنید و توپهای خود را با آنچه در ساحل استرآباد دارید نبرید جان و مال شما در خطر خواهد بود. ووانویچ چون می دانست فرمایشی که حضرت شهریاری می فرمایند هرگز تخلف را در آن راهی نیست از همانجا به کارگزاران خود دستورالعملی نوشت که تو پخانه و لوازمی که دارند به کشتی حمل كنند و قلعه را خراب و منهدم سازند. خلاصه حضرت آقامحمد شاه جون تهديد زیادی به آن جماعت فرمودند آنها از استرآباد خارج شده به مملکت خود بازگشتند. برخی این واقعه را به سال قبل نسبت داده اند \_ هم در این سال حضرت شهریاری صبیّهٔ فتحعلی خان قاجار دولّو را که سابقاً خواستگاری شده بود در عقد ازدواج نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) درآوردند و او را در هودج نشانیده به ساری رسانیدند و مراسم جشن و شادی کامل به عمل آمد. پس از آن موکب منصور به عزم تسخير طهران تشريف فرماي شميران شد و غفورخان طهراني به قلعه داری پرداخت و محصور شد، و در این اوان علی خان افشار خمسه ای از آذر بایجان مراجعت کرده به موکب معلی پیوست و به حکمرانی خمسه منصوب گشت، و مرادخان زند از جانب علیمراد خان سرداری یافته در صفحات همدان استقلالی بهمرسانید، حضرت شهریاری نواب جعفرقلی خان و میرزا محمدخان قاجار دولو وعلی خان افشار خمسه ای را به جنگ مرادخان فرستادند و در حینی که علی خان مقدّمة الجیش بود جنگ درگرفت، مرادخان گرزی بر سر علی خان زد و نزدیک شد که علی خان از اسب بیفتد که نواب جعفرقلی خان رسیدند و به ضر بت شمشیر مرادخان را دو پاره کردند، لشکر الوار که این بدیدند فرار بر قرار اختیار کردند و غنایم و اسیر بسیار بهدست عساکر منصوره افتاد، بعد از این فتح به طهران مراجعت نموده در محاصره كوشيدند. به واسطة طول محاصره و ظهور غلا و قحط در طهران غفورخان گرسنه جان بداد و برادرزادهاش محمدخان بهجای او عَلَم دعـوی بـرافـراشت، و از آنجا که هوای ری مستعد عفونت شده بود وباثی شدید بروز خموده و جمعی از محاصرین و محصورین را تلف کرد و این بلای وخیم مستعقب

به طاعون عظیم شد، ناچار موکب همایون به طرف چشمه علی دامغان نهضت فرما گردید \_ هم در این سال در ساری خانه ای آتش گرفت و در اطفای آن تعلّل کرده به امداد باد آتش به اماکن مجاور رسیده کار به جانی کشید که یک ثلث شهر بسوخت و هفتاد و دو نفر در این حریق در دریای هلاکت غریق شدند، حضرت شهریاری حکم به تجدید آن ابنیه فرمودند و بر عمارات این بلد افزودند \_ وفات میرزا خرد شاعر نوری مازندرانی. (هندوستان) \_ فوت پادشاه میسور حیدرعلی خان بهادر و جلوس پسرش تیپوصاحب به جای او، و این پادشاه بعد از جلوس اعلان جنگ به انگلیس نمود.

اروپا \_ (انگلیس) \_ عزل لردنرت و نصب مارکی در کنکام به صدارت که بعد از چندی می میرد و پیت به جای او صدراعظم می شود \_ انتزاع نمودن اسپانیولیها جزیرهٔ مینرک را از انگلیس. (فرانسه) \_ انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس برای استقرار مصالحه در تمام دنیا به ترغیب امپراطور اطریش و امپراطریس روس. (اطریش) \_ مسافرت پاپ به وینه و مراجعت کردن او بی نیل مقصود. (روس) \_ بُل از شاهزداه های روس که بعد به امپراطوری خواهد رسید به فرانسه سفر می کند \_ شورش تاتارهای قرم به خان خود که دوست روسها بود.

#### [سنة ۱۱۹۸ هجری = سنة ۱۷۸۳ مسیحی]

آسیا (ایران) در این سال علیمراد خان زند که شیراز را مسخر کرده و به اصفهان آمده بود با چهل هزار نفر عزیمت طهران نمود که بر مازندران و استرآباد استیلا نماید و شیخ ویسخان ولد ارشد خود را با معدودی از پیش روانه ساخت، بنابراین به عرض حضرت شهریاری آقامحمد شاه رسید که محمدعلی خان خواری و بعضی از دماوندیها و فیروزکوهیها و نوریها و لاریجانیها شیخ ویسخان را به تسخیر مازندران ترغیب و تحریک کرده اند و او تا صحاری لار آمده و چرافعلی خان زند را با دو هزار سوار به لاریجان فرستاده است. حضرت شهریاری رضاخان قاجار را به مقابلت و مقاتلت سیاه زند مأمور فرمودند و او جمعی را مقتول و

حساعتی را اسیر کرد، در این اثنا علیمراد خان زند نزدیک شد و پانزده هزار سوار با پسسر خود از راه فیروزکوه، و ویس مرادخان زند را با محمدرضا خان نوری از راه نور، و اسمعیل خان بن شجاع الدین خان را با محمدعلی خان خواری از راه خوار و دامغان روانهٔ مازندران نمود. خضرت شهریاری نیز جعفرقلی خان و مهدیقلی خان را بـا لـشكـرى مـوفـور روانـهٔ نـور و كجور فرموده و عليقلي خان را با محمود خان و علینقی خان و لطفعلی بیگ داودی سواد کوهی به دوآب سواد کوه فرستاده سرداران مذکور به اغوای مهدی خان سواد کوهی به زندیه میل کرده حضرت شهریاری چون از این واقعه خبردار گردیدند خدام حرم جلالت را روانهٔ استرآباد کردند و روزی در ساری اقامت فرموده بعد از ورود برادران خود نیز بدان سامان و دارالملک آبای باجلالت و شأن نهضت فرما گردیدند. شیخ ویس خان و سرداران زند به ساری آمده دست تطاول به طرف اهالی دراز کردند، و شیخ ویس خان محمد ظاهر خان بختیاری را بنا ده هزار لشکر مازندرانی مأمور استرآباد نمود و او به صحرای وسیع كراودين رسيد حضرت شهرياري جعفرقلي خان را با حمزه سلطان انزاني به دفع زندیه فرستاده و در این حیص و بیص مرتضی قلی حان و رضاقلی خان برادران حضرت معظم از راه صواب منحرف شده به زندیه پیوستند و نزد شیخ ویس خان يسمر عليمراد خان رفتند و عليمراد خان حكم كرد شيخ ويس خان در ساري توقف تُماید و محتمد ظاهر خان با عساکر فراوان به تسخیر استرآباد رود. محمد ظاهر خان با لشکری جرّار راه استرآباد پیش گرفت و از جرکلباد گذشته به ظاهر استرآباد نزول كرد. جركلباد عبارت از حندقي عميق است يعني جر به معنى حفره است و چون این خندق در حوالی قریهٔ کلباد است معروف به جرکلباد شده، این خندق را برای قطع راه تراکمه به امر شاه عباس ماضی در مازندران حفر کرده اند و از حوالی کوه مقصل به اشرف است تا ساحل دریای خزر که طولاً چهار فرسنگ می باشد و دو طرف خندق را درختهای قوی گرفته و عبور از آن متعذر و راه مازندران به استرآباد منحصر به معبر آن است و چون آن معبر را بگیرند دیگر راه مازندران به استرآباد مقطوع است. خلاصه محمد ظاهر خان استرآباد را محاصره كرد، امّا از این طرف حمزه سلطان انزاتی و مازندرانیان که دولتخواه حضرت شهریاری بودند با

سیاهی جزار راه جرکلباد را مسدود کردند و آذوقه به اردوی محمد ظاهرخان نرسیده كار به قعطى انجاميد، و تراكمه و قاجار و اهالي دارالمرز از اطراف دشت به نهب اردوی الوار و اسر آنها مشغول شدند و حضرت شهریاری نیز با قشون نصرت نمون از شهر بیرون آمده حمله های سخت بر آن سیاه بدبخت می نمودند، در هر حمله جمعي مقدول وجماعتي دستگير مي شدند و قتل و غارت تراكمه نيز بر بدبختي آهالی اردوی الوار می افزود تا محمدظاهر خان اسیر شد و چون در شیراز باعث قتل موسى خان وعيسى حان قاجار قوانلو ابن اسكندر خان خالوزاد كان شهريار عظیم الاقتدار شده بود به حکم حضرت شهریاری به راه عدم روانه شد و شیخ ویسخان بعد از اطلاع از این واقعه دیگر نتوانست در ساری زیست نماید لهذا با كمال رعب به طرف طهران گريخت و مطرود و مردود پدر گرديد. عليمراد خان زند رستم خان زند را مأمور مازندران كرد امّا لشكر او نيز بعضى از عرض راه فرار كردند و برخى به مازندران رسيده شكست خوردند و منهزماً نزد عليمرادخان آمدند، او خود نیز جماعتی از آنها را بکشت و حاصل آنکه کار او به پریشانی و اختلال كشيد، باقرخان خراسكاني اصفهاني كه از جانب عليمراد خان حاكم اصفهان بود نيز بر اين يريشاني افزود، يعني فراريان لشكر عليمراد خان را به اصفهان راه نداده و خود طبل یاغیگری رد. علیمراد حان با شیرازهٔ گسسته راه اصفهان بیش گرفت و به واسطهٔ اکثار و مداومت در شرب خمر به مرض استسقا مبتلا شد. همچنین جعفر خــان زنــد پــــــر صادقخان برادر اتمي عليمراد خان که از جانب او حاکم خمسه و زنجان بود رأیت خودسری برافراشت و با استعداد کامل از طرف همدان متوجه اصفهان شد، چون عليمراد خان به مورچه خورت اصفهان رسيد بدرود زندگاني گفت و جعفرخان بی منازعی وارد شهر اصفهان شده به داعیهٔ شهریاری برخاست و شبخ ویس خان را دستگیر و کور کرد و مرتضی قلی خان و رضاقلی خان برادران حضرت شهریاری که از برادر تاجدار خود روگردان و به زندیه متوسل شده بودند کار را زار دیده یأس بر آنها غالب آمد. مرتضی قلی خان به قزوین و گیلان و طالش و قبّه و بـادكـوبـه و خـاك روس رفـته در آن حدود حيات را وداع نمود و رضاقلی خان به صفحات خراسان رفته در آن سامان درگذشت ــ تولّد حاجی میرزا عبّاس مشهور به حاجی میرزا آقاسی ولد مرحوم حاجی میرزا مسلم ایروانی ــ وفات آقاسیّد احمد هاتف اصفهانی صاحب ترجیع مشهور.

اروپا \_ (انگلیس) \_ جنگهای عساکر انگلیس با تیپوصاحب در هند.
(فرانسه) \_ ایجاد و روانگی یکدسته کشتی مخصوص از سواحل فرانسه به اتائونی ینگی دنیا. اختراع بالن به دست مُنگرُلفیه. ابداع کشتی بخار در فرانسه.
(روس) \_ کاترین دویم امپراطریس روس قرم و گویان را متصرف می شود.
(هلاند) \_ اغتشاش داخله در این مملکت. (ایطالیا) \_ زازلهٔ سخت در مِسین و خرابی آنجا. (اطریش) \_ ژوزف دویم امپراطور اطریش به رُمُ رفته با پی ششم پاپ ملاقات می کند. (عثمانی) \_ ابتدای تنزل شوکت دولت عثمانی در ممالک خود.

امریکا ... (اقائونی) ... سیزده ایالت از اتائونی از انگلیس جدا و مفروز شده و موسوم به ایالات متحده گردیده، به موجب عهدنامه ای که در ورسایل منعقد شد جمیع دول این سیزده ایالت را از انگلیس موضوع و مستقل شناختند.

#### [سنة ١١٩٩ هجري = سنة ١٧٨٤ مسيحي]

آسیسا (ایران) در این سال جعفرخان زند که بعد از علیمراد خان زند داعیهٔ سروری داشت نجف خان زند را سرداری داده با اشکری مأمور طهران نمود که با عساکر منصوره حضرت شهریاری که طهران را محاصره کرده بودند مصاف دهد حضرت شهریار کامکار مجنون خان پاژگی را در طهران گذاشته به طرف زرند ساوه راندند و از آنجا به جانب قم انتهاض فرموده با اشکریان نجف خان تلاقی روی داد، پس از کشش و کوشش نجف خان در قلعهٔ قم محصور شد، اشکر نصرت اثر قلعه را مسخر نمودند و نجف خان به اصفهان گریخت و موکب منصور عازم کاشان گردید. جعفرخان احمدخان ولد آزادخان افغان را با تقی خان زند و ده هزار سوار به استقبال عساکر شهریار کامکار فرستاد و دو اشکر در حوالی نصرآباد.

كاشان به اشتعال نايرهٔ قتال يرداختند، بعد از جنگ سختي احمدخان شكست خورده فرار کرد و تقی خان گرفتار و مقتول شد، چون بقیّةالسّیف لشکر جعفر خان منهزماً به اصفهان رسیدند و او از واقعه باخبر شد، ناچار از اصفهان به شیراز گریخت و عساکر نصرت مآثر شهریاری بسیاری از اموال آن جماعت را متصرف شدند و موکب ظفر کوکب حضرت آقامجمد شاه با جنود شوکت و جلال به اصفهان تنزول اجلال فزمود وعلما و اعيان و إعاظم و اشراف بلد به استقبال شتافتند و كمر عبوديت به ميان انقياد و اطاعت بستند و اموال جعفرخان به تصرّف ملازمان حضرت درآمد و فتحنامه ها به اطراف نوشتند و چهل روز موکب معلّی در اصفهان اقامت نمود. و در این اوان معروض داشتند که ابدال خان و حبیب الله خان بخشیاری و بزرگان فراهانی و گلپایگانی با دوازده هزار جزایر چی از توابع زندیه در چمن قهیز جمع و مهیای کارزار شده اند، حضرت شهریاری باقرخان خراسکانی را به ایالت اصفهان منصوب فرموده از اصفهان انتهاض کرده به منزل آتشگاه تشریف فرما شدند و از آنجا با عساکر منصوره به قریهٔ عسکران آمده، این محل معسكر سپاه ظفر همراه شده با معاندين مشغول جنگ و جدال شدند. تابعين زنديّه به سنگر گریخته ولی سنگر را به ژودی از دست دادند، و ابدال خان گرفتار و مقتول گردید، و حبیب الله خان و سایر سرکردگان بختیاری به شفاعت چراغ خان بخشیاری نجات یافتند و متقبّل خدمت گشتند، پس از آن اردوی همایون به جمن سنگباران آمد و در اینجا معروض شد که مجنون خان پازکی طهران را فتح کرده است و مهدى خان سواد كوهى و مجمّد خان حاكم طهران و عليتقى خان سواد كوهى گرفتار شدند و به یاسا رسیدند. حضرت شهریاری امر به مرمت ابنیهٔ طهران و بنیاد عمارات عالیه در این شهر فرمودند. موکب معلّی به طرف قلمرو علیشکر و به قصد تسخير لرستان و كردستان انتهاض نمود، اسمعيل خان و خسروخان ولات اين ولایات از در اطاعت درآمده مخلع شدند، و حضرت شهریاری در بیست و هفتم شؤال این سال به مقر سلطنت یعنی طهران مراجعت کرده مجنون خان فاتح طهران را مورد مراحم خاصه نمودند و مهدىخان سواد كوهي و مجمود خان و علينقي خان سواد کوهمی چشم خود را در راه هواخواهی الوار به باد دادند و محمّد خان طهرانی

كشته شد و برخي از اعيان طهران كه به راه خلاف رفته بودند تنبيه شدند و برحسب امر اعلى نواب جهانباني (فتحعلي شاه) و مهدعليا و رضاخان و حاجي رضاحان قاجار و تمامی عمّال مازندران با شعف فراوان به حضور حضرت شهریار كامكار تشرّف جستند، و مصطفى قلى خان كه به خيال مخالفت بايكلك سردار یموت و دیگران سازش کرده و در حدود استرآباد به فتنه و فساد می پرداختند اظهار يشيماني كرده به شفاعت برادر كاردان خود نواب جعفرقلي خان معفو شده به موجب امر اعلی با اهل و عیال در بارفروش ساکن گردید ــ هم در این سال جعفر خان زند بیست هزار سوار جمع کرده از فارس رو به اصفهان نهاد و باقرخان اصفهانی در قلعهٔ طبرک متحصن و آخرالامر مقتول شد، و جعفرخان بر اصفهان استيلا يافت، و حاجي عليقلي خان كازروني را با سه هزار نفر به قم و كاشان فرستاد و خود روانهٔ قلمرو گلپایگان گردید. شهریار ایران برای رزم جعفر خان احكام قضا نظام به خسروحان والى كردستان و محمدحسين خان قراگوزلو و خوانین گروس و علی خان افشار خمسه ای صادر فرموده سرکردگان خلج و بیات به دفع حـاجی علیقلی خان کاز رونی مأمور شدند و خسروخان والی و سرکردگان در هـمـدان اجتماع كرده از اينجا به مقاتلة جعفرخان شتافتند و جنگ سختى درگرفت و در روز دویم قتال ابتدا وهنی به سپاه ابوابجمعی محمدحسین خان قراگوزلو و على خان خمسه اي رسيده ولي صفوف خسروخان والي و خوانين گروس غالب آمدند و لشکر جعفرخان را شکست دادند، آنها پناه به سنگر برده سه روز محصور بودند، روز چهارم سنگر را خالی کرده به طرف اصفهان گریختند و صورت این فستح را به آستان مبارک ارسال داشتند. خسروخان والی کردستان مخلّع و مفتخر گردیده استقلالی بهمرسانید ــ خلاصه جعفرخان به فارس رفته در ایلات قشقائی و الوار ممسنى شولستانات يريشان گردش مى كرد و حاجى عليقلى خان كازرونى كه از قضية فرار جعفر خان باخبر شده او نيز هزيمت را عزيمت نمود و عبدالرزاق خان از جانب حضرت شهريار عظيم الشّأن در حكومت كاشان مستقل گرديد.

اروپ ا ... (انگلیس) ... هفتاد و یک بسته از پنبهٔ امریکا در این سال وارد بندر

انگلیس شد و این اوّل پنبه ایست که از ینگی دنیا به انگلیس حمل شده است سمعاهدهٔ دولت انگلیس با تیپوصاحب که بعد از این معاهده تیپوصاحب پادشاه مستقل میسور می گردد \_ هم در این سال چرخ بخار را وات نام در انگلیس تکمیل می کند. (اطریش) \_ منبازعهٔ این دولت با هلاند \_ کمک معنوی فرانسه به هلاند. (فرانسه) \_ در این سال زمستان در فرانسه خیلی سخت شد و جمعیت فرانسه در این سال چهل و هشت کرور بود. (شود) \_ مسافرت گوستاو سیّم پادشاه شود به فرانسه.

#### [سنهٔ ۱۲۰۰ هجری = سنهٔ ۱۷۸۵ مسیحی]

آسیسا ـ (ایران) ـ در این سال در روز عید نوروز فیروز که روز یکشنبه یازدهم جمادي الاولى بود حضرت آقامحمد شاه در دارالخلافة طهران رسماً جلوس بر تخت شهریاری ایران فرموده شاهزادگان و امرا و بزرگان و اعیان همه در یایهٔ سریر سلطنت آن حضرت را تبریک و تهنیت گفتند و به کمرهای زرین و شمشیرهای مرضع وعطيّات لايقه مفتخّر و نايلٌ گرديدند سكّه و خطبه رونقي تازه يافت. رضاخان قاجار قوانـلـو بـه ایـالت استرآباد و گرگان و حفظ ثغور خراسان مأمور و منصوب گردید. محمدحسین حان قواتلو به حکومت مازندران سرافراز شد. و قاسم خان دولوی قاجار با هزار نفر مازندرانی به کوتوالی طهران برقرار گشت. و ميرزا محمّد خان قاجار را حكومت قزوين دادند ــ هم در اين سال جعفرخان زند که هنوز طمع از مملکت داری نبریده بود با جمعی پریشان به طرف قصبهٔ قمشه و سميرم آمد، حضرت شهرياري نواب جهانباني (فتحملي شاه) را كه نيابت سلطنت داشتند در طهران به جای شخص همایون خود گذاشته خود به نفس مبارک با لشکر جرّار روز هفدهم ماه رجب از راه فراهان روانهٔ اصفهان شدند. قلعهٔ میغان را خراب کرده به دهق شتافتند. در اینجا معلوم شد که جعفرخان زند به محض اظلاع از توجه موكب منصور از حوالي عراق به فارس گريخته است. حضرت سلطنت وارد اصفهان شده بازماندگان باقرخان خراسکانی را به عواطف و تفقّدات سلطانی

اعتماد السلطنه

مستظهر داشتند. در این اثنا خبر رسید که یکلک سردار تراکمه یموت به کیوسر هزارجریب تاخته بعضی نهب و قتل در آنجا نموده، جان محمّد خان قاجار و كاظمخان هزارجريبي درصدد منع و دفع برآمده، ولي از عهدهٔ آن خيرهسَر برنيامده اند. و طوايف گکلان مطلع شده با پنج هزار سوار راه بر سردار يموت بسته یکلک و جمعی را مقتول ساخته و بعضی از چنگ آن طوایف رسته اند. حکم محكم يادشاهي صادر شد كه حكّام استرآباد و مازندران و هزارجريب به تأديب طایفهٔ یموت یردازند و بعد از انقضای ماه روزه نوّاب جعفرقلی خان با لشکر فراوان در اصفهان مانده موکب ظفرکوکب شهریاری به قصد چمن سنگباران انتهاض فرمود، و اسمعیل خان زند که از جانب جعفرخان زند در بروجرد و آن صفحات بعضى دست اندازيها نموده به محض اينكه دانست عساكرة منصوره متوجه وعازم تدمیر او می باشند راه فرار پیش گرفت ولی در حوالی اصفهان او را دستگیر کرده به حضور همایون آوردند و چشم خود را بر سر خودسری گذاشت. پس از آن او را روانیهٔ طهران کردند و از آنجا راه دیار عدم پیش گرفت ــ هم در این اوان نواب سلیمان خان قاجار به تنبیه طوایف بختیاری رفته بسیاری از سرکشان و طاغیان آن طوایف را بکشت و جمعی را اسیر کرده به آستان مبارک آورد ـ هم در این اوقات على خان افشار خمسه اي را خيال و داعيهٔ سري و دعوي سروري در دماغ جای گرفته موکب منصور برای دفع هوای او راه خمسه و زنجان پیش گرفت. او از استماع این خبر خایف و هراسان شده وسایل و وسایط برانگیخت و خدمات کرد تا از جزایم خود معفوشد ـ نیز در این سال در چمن گوران دشت به احضار هدایت الله خان گیلانی حکمی صادر شده او به موجب تسویلات نفسانی اطاعت نكرده نـواب مصطفى قلى خان را به دفع او تعيين فرمودند. هدايت الله خان ايوانى خان نام گرجی را در منزل رستم آباد به استقبال لشکر بااستعداد مصطفی قلی خان فرستاده آنها در جلوآن سیل هایل زیست نتوانستند کرد لهذا بگریختند و مصطفی قلى خان شهر دارالمرز را بگرفت. هدايت الله خان به پير بازار كه عمدهٔ استعداد جنگی او در آنجا بود برفت و ده شبانه روز در پیر بازار میان هواخواهان او و عساکر شهريار قاجار جنگ و پيكار در كار بود، آخرالامر هدايت الله خان مغلوب شده به

قلعهٔ عالی که در ساحل انزلی داشت رفته با چند فروند کشتی و جمعی سپاه در آنجا پناه جست. مصطفی قلی خان با سفاین خود را بدآنجا رسانیده باز نایرهٔ قتال بنای اشتعال را گذاشت. هدایت الله خان در ثانی مقهور گردید و به وسایل زوارق فرار نمود. اتفاقاً دریا متموّج بود و باران می بارید. سفینه ای که خزینهٔ نفایس و جواهر او بود غرق شد و هدایت الله خان نیز به زخم گلوله از پا درآمده در آب افتاد. ملاّحان جسد او را از آب بسرون آوردند و در ساحل انزلی به خاکش سپردند و تفصیل این فتوحات را به عرض آستان شهریار عظیم الشأن رسانیدند — هم در این اوان نواب علیقلی خان قاجار و علی خان خمسه ای افشار به تدمیر سرکشان لرستان و اهواز و خوزستان و نظم و تصفیهٔ آن حدود و سامان روانه شدند، و موکب همایون بعد از آنکه نواب مصطفی قلی خان راه گیلان پیش گرفت و نواب علیقلی خان و فرمود. و سلیمان خان قوانلو بعد از تصفیهٔ گیلان به حکومت این ایالت منصوب فرمود. و سلیمان خان قوانلو بعد از تصفیهٔ گیلان به حکومت این ایالت منصوب فرمود. و سلیمان خان نوانلو بعد از تصفیهٔ گیلان به حکومت این ایالت منصوب گشت. و نواب علیقلی خان نیز مظفّر و منصور از لرستان و خوزستان بازگشت — فرمود. و نواب علیقلی خان نیز مظفّر و منصور از لرستان و خوزستان بازگشت — وفات آقاجانی متخلص به سایل — وفات فیضعلی شاه اصفهانی پدر نورعلی شاه از وفای معروف.

اروپا ... (انگلیس) ... فرمانفرمای هندوستان به جهت تعدیاتی که در این مملکت نموده مغضوب دولت می شود ... جمعیت مملکت انگلیس در این سال بیست و چهار کرور و سیصد و سی و ششهزار و نهصد و سی و دو نفر است. (هلاند) ... شورش مردم بر ضد والی ... میانجیگری دولت فرانسه مابین دولت هلاند و اطریش. (ایطالیا) ... سفاین جنگی ونیز به سواحل تونس حمله می برند.

#### [سنهٔ ۱۲۰۱ هجری = سنهٔ ۱۷۸۹ مسیحی]

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید سعید نوروز موکب فیروزی کوکب حضرت شهریاری از مقر سلطنت به جانب اصفهان انتهاض فرمود، و در روز عرض لشکر علی خان خمسه ای بنابر جرایم و خلافی که از او به ظهور رسیده بود از حلیهٔ

بـصـــر عاطل گردید و قشون ابوابجمعی او را به عبدالله خان اوصانلو محوّل و مفوّض فرمودنىد و پس از يكىماه تىوقف در حدود عراق نواب جهانباني (خاقان مغفور) را مأمور خراسان فرموده نواب معظم با سه هزار نفر قشون به فیروزکوه آمدند و اردوی همایون بقیهٔ ایام بهار را در چمن گندمان رحل اقامت افکنده حضرت شهریار كامكار غالباً به تفرّج و شكار اشتغال داشتند ــ هم در اين اوان زكريًا بيگ نام گرجی که از اشراف و نامآورانَ این طایفه بود و در در بـار اِرکلی خان والی گرجستان به وکالت اشتغال داشت به اردوی همایون آمده عرض تبریک و تهنیت نموده مشمول مراحم ملوكانه گرديده جواب او صادر شد و رخصت انصراف يافت ــ هــم در ایــن اتیــام نــواب جعفرقلی خــان مأمور انتظام امور بختیـاری شدند و اردوی همبایون شبهریاری از راه بروجرد به طرف همدان حرکت کرد و خسروخان والی كردستان ماليات دوسالة اين ولايت را به آستان مبارك انفاذ داشت و يكى از پسرهای جوان خود را به حضور همایون فرستاده که ملتزم رکاب اعلی باشد و الطفعلي خان عمّ او كه ماليات مز بوره و بعضي هدايا و اين پسـر را آورده بود مورد عـواطـف گـردیـده اجازت معاودت یافت ــ روز بیست و پنجم ماه ذیقعدهٔ این سال دارالخلافة طهران به نزول اجلال شهريار بي همال فرّي تازه و رونقي بي اندازه گرفت ـ هم در این اوقات به عرض آستان مبارک رسانیدند که باقر سلطان نوری که از اردوی کیـوان شکـوه تـخلّف جسته و به مازندران رفته در بلدهٔ آمل به فتنه و فساد و خودسری و عناد می پردازد، حکم همایون صادر شد که نواب جهانبانی که در حدود فیروزکوه بودند درصدد دفع او برآیند، نواب معظم پانصد سوار برای معاونت محمدحسین خان قاجار بیگلربیگی مازندران روا نه کردند و محمدحسین خان بعد از زد و خورد با باقر سلطان نوری بر او غالب آمده مشارالیه به دست عساکر منصوره اســیر و دستگیر شده مغلولاً او را به طهران آورده از اینجا به راه عدم فرستادند ـــ هم در ایـن سال جعفرخان زند به کار رون و بهبهان رفته و از آنجا مراجعت نموده بر سَر تقی خان یزدی تاخت، تقی خان محصور شده از میرمحمد خان عرب زنگوئی استحداد جست، میرمجمد خان با هزار نفر به امداد تقی خان آمده با جعفرخان زند مصاف داده او را مشهرم کرد و تبوپ و توپخانه و تجملات جعفرخان به تصرف

میرمحمّد خان طبسی درآمد و خان زند به فارس گریخت. میرمحمّد خان بعد از این فتح به هوای سروری و خیال فرمانروائی افتاد و هوس تسخیر اصفهان کرد، محتدحسین خان و اسمعیل خان عرب عامری که از جانب حضرت شهریار عظیم الشَّأن حاکم نطنز و اردستان بودند خیال میرمحمد خان طبسی را تشویق و تأیید کردند و اطاغت او نمودند و او به بلوک رودشت آمد و در این وقت عدد سپاه میرمحمّد خان به هفت هزار رسید. نواب جعفرقلی خان اگرچه در این اتّیام در شکار از اسب افتاده و درد پا داشتند ناچار با برادر خود مصطفی قلی خان به دفع و حرب ميرمحمد خان شتافته چهارده روز على التوالى نايرة قتال فيمابين گرم اشتعال بود، آخرالامر میرمحمد خان مقهور شذه به طبس گریخت و پس از قلیل زمانی هوای تسخمیر خراسـان در سَـر او جـای گـرفته به سبزوار راند، و اللهیارخان سبزواری را محاصره نمود ولی در این جنگ و یورش روزی از اسب افتاد و جان بداد ـــ هم در این سال مرتضی قبلی خان که به صفحات قبّه و طالش رفته بود با مصطفی قلی خمان طالش و فتحعلي خان حاكم قبه و شيخعلي خان بيگلر بيگي باكويه سازش نـمـوده غـفـلتأ به گيلان تاخت و چياول درانداخت، نؤاب سليمان خان قاجار کس فرستاده واقعه را به عرض ٌ نُواب جهانباني كه در فيروزكوه بودند رسانيد، نواب حشمت نصاب معظم مهدى خان تنكابني وبعضي از اهالي خلخال وخمسه و طارم را به معاونت و امداد سلیمان خان مأمور فرمودند ولی قبل از وصول آنها به گیلان مرتضی قلی خان مراجعت نمود ــ هم در این سال جعفر خان زند پسـر خود لطفعلي خان را با لشكري به سَر عبدالله خان و محمّدخان ولدان نصيرخان لاري كه از قديم با زنديه سرى نداشتند بلكه از هواخواهان نواب غفران مآب شهيد محمد حسن خان طاب تراه بودند فرستاده آن دو برادر لار را به مهرعلی خان نامی سپرده بیرون رفتند و جمعیتی فراهم آورده به جنگ لطفعلی خان مبادرت نمودند اما کاری از پیش ایشان نرفته و قلعهٔ لار را زندیـه مسخّر ساختند و لطفعلی خان نزد پدر خود جعفر خان آمد.

اروپا - (فرانسه) - لوی شانزدهم پادشاه فرانسه به بندر شِرْ بورگ می رود -

معاهدهٔ تجارتی این دولت با انگلیس که صرفه با دولت انگلیس است \_ آئین نام اختراع چراغ گاز می نماید. (پروس) \_ فوت فِردریک کبیر پادشاه پروس و جلوس فِردریک گیلیوم برادرزادهٔ او در سن چهل و دو سالگی.

#### [سنة ١٢٠٢ هجرى = سنة ١٧٨٧ مسيحي]

آسیسا (ایران) ـ در این سال بعد از عید نوروز فیروز در روز بیست و پنجم ماه رجب موکب ظفر کوکب حضرت شهریاری از دارالخلافة طهران نهضت فرمای اصفهان گردید و نواب جهانبانی را با پنجهزار سوار جزار مأمور تنبیه تقی خان یزدی و نظم و انتظام آن صفحات فرمودند، بعد از آن اردوی معلّی متوجّه فارس شد ولی جعفرخان زند حصن شیراز را حصین دانسته از مقابلی با سپاه منصور تقاعد نمود؛ عساكر ظفرمآثر يادشاه ايران مذت يك هفته در مشهد معروف به اتمالنبتي كه آنرا مرغاب نیز می گویند اقامت نموده چون از جعفرخان جرأت و جسارتی به ظهور نرسیده نواب جعفرقلی خان و علیقلی خان بعضی از بلوکات شیراز را غارت کردند و با غنيمت وافر به اردوى معلَّى پيوستند و مؤكب همايون حسب المصلحة به عراق معاودت فرمود و نواب جهانبانی به جانب یزد راندند. تقی خان چون خود را مرد میدان ندید از در ضراعت و استکانت درآمده متقبّل دادن خراج گردید و بر وفق تقبّل خود رفتار نمود، لهذا نواب شوكت مآب معظم مراجعت كرده با عمّال يزدى به حضور مبارک مشرف شدند و منشور حکمرانی یزد به اسم تقی خان یزدی شرف صدور یافت \_ نواب علیقلی خان با دو هزار نفر از سیاه منصور به توقف اصفهان مأمور شده موكب شهريار تاجدار به دارالخلافة طهران بازگشت ــ هم در اين سال در اوایل ذیحجه باز مرتضی قلی خان با هفتهزار نفر به گیلان رانده در کسکران فرود آمده نواب سليمان خان قاجار حاكم گيلان تاب مقاومت نياورده به قزوين آمد و مرتضى قلى خان بر گيلان استيلا يافت. حضرت شهريار كامكار چون از واقعه خبردار گردیدند سلیمان خان را احضار فرموده تفصیل ماجری را استفسار فرمودند، پس از تحقیق به احضار قشون حکم همایون شرف صدور یافت و کوچ و

بنة مرتضى قلى خان را از بارفروش به طهران بردند و محمد حسين خان قاجار قوانیدوی نیاظر با دو هزار سوار مأمور گیلان و مقرّر شد که بعضی دسته جات دیگر قشون به او پیوندد. محمدحسین خان ملاحظهٔ آخر کار را نکرده منتظر سایر دسته جات قشون نشده سبقت به جنگ نمود و شکست یافت. پس از آن نواب سليمان خان قاجار و امير محمدحسين خان فيروزكوهي وميرزا محمد خان لاریجانی با ده هزار نفر دررسیدند و در چهار فرسخی گیلان قدم در میدان محاربت گذاشتند. مصطفی خان طالش ابتدا پای جلادت پیش گذاشت ولی منهزماً پس نشست، روز ستم نواب سليمان خان با افواج به اطراف شهر رفته و مرتضى قلمي خان نيز با نه هزار نفر به مقابلة او شتافته ابتدا برادر مصطفى خان طالش با صفوف میر محمدحسین خان فیروزکوهی مصاف داده امیر به زخم گلوله از یا درآمد و فیروزکوهیها که بی سردار ماندند کاری از پیش نتوانستند برد، و این فقره اسباب سستى سايرين نيز گرديد ميرزا محمد خان لاريجاني و نجفقلي خان نــوری بـعد از مجادله و مقاتله بطور جنگ و گریز بازگشتند و مصطفی خان و لشکر شیروان بسیاری از این سیاه را بکشتند و نواب سلیمان خان عاجلاً مراجعت کرد و نـواب علیقلی خان قاجار نیز از جلو جعفرخان زند عقب نشسته به اصفهان و از آنحا به کاشان آمد، حضرت شهریار بااقتدار چون مطلع گشتند نواب جعفرقلی خان را با قشون استرآباد و بسطام به گیلان فرستادند و دیدهٔ برادر خود مصطفی قلی خان را میل کشیدند و نواب جهانبانی را به حراست فرضه و معابر دارالمرز به مازندران مأمور فرمودند و خود به نفس نفيس با سيصد سوار نامدار به طرف اصفهان حركت کردند که سی هزار نفر سپاه الوار را دفع نمایند. در عرض راه بعضی سپاهیان به لشكر نصرت اثر پيوسته اين فئة قليل كثير شد. جعفر خان كه به هزيمت معتاد بود و با سرعت باد از ورود موکب منصور به یکمنزلی اصفهان خبردار شد به جانب شیراز گریخت و مصطفی خان دوآوی قاجار با دو هزار سوار او را تعاقب کرده چون پس از طمی دو منزل به جعفرخان نرسید بازگشت. امّا نواب جعفرقلی خان چون به منزل رستم آباد گیلان رسیدند مرتضی قلی خان به بندر انزلی فرار کرده در آنجا قرار گرفت و از جانبین پیغامها داده شد و در ساحل دریای خرر دو برادر ملاقات و

گفتگوها كردند آخرالامر مرتضى قلى خان در سفاين نشسته راه سارو پشته و ساليان پیش گرفت و جعفرقلی خان وارد شهر رشت شدند و مراتب را تحریراً به عرض حضرت شهریار رسانیدند. حضرت قوی شوکت معظم در جواب ایشان را به مراجعت امر فرمودند و نواب سلیمان خان در گیلان مستقل گردید ـــ هم در این اوان موكب همايون به دارالخلافة طهران معاودت فرمود و پس از ده روز توقف عزيمت سفر طبرستان نمودند و نواب جهانباني به مراسم پذيرائي مقدم مبارك قيام و اقدام کردند، و نواب جعفرقلی خان به حضور مهرظهور تشرّف جسته مورد مرحمت و مخلع گشتند. چندی در بلدهٔ ساری به شکار و سواری گذشت و چندگاهی در اشرف به عیش و تدابیر مملکت داری و در این اوان رضاخان قاجار بیگلر بیگی استرآباد با بزرگان یموت و گکلان خراج و هدایای لایقه گذرانیده و موکب اعلی به ساری بازگشته پل مشهور به تیجن را که خان خلدآشیان محمدحسن خان ... طيّب الله مضجعه ـ به ساختن آن اقدام كرده و به سبب شهادت ايشان ناتمام مانده بود حکم به ساختن فرمودند و حاجی اسمعیل قوللر آقاسی به سرکاری این کار خیر برقرار شده با دوازده هزار تومان مخارج آنرا صورت انجام و اتمام داد ... هم در این سال بعضی از امرای زندیه از قبیل صیدمراد خان و ویس مراد خان و شاهمراد خان و دیگران که در حبس و بند جعفرخان زند بودند یکی از خدمهٔ حرم او را فریفته به واسطهٔ او ستمی به جعفرخان چشانیدند و او بدین واسطه مریض شده روز بروز قوّت او به ضعف مبذل گردید. شبی محبوسین مز بور به دستیاری بعضی از حبس مستخلص شده بر سر جعفرخان تاختند. جعفرخان به مدافعه برخاسته یکدو نفر را به ضرب شمشیر زخمی کرد، آنها هجوم آور شده کار او را با چماق و تیغ و تیر و چوب و سنگ و خشت و جاروب و پاروب بساختند و با همان شمشیری که او در دست داشت سّر او را از بدن جدا کردند و به میان ارک انداختند و صید مراد خابن به جای او به حکمرانی نشست. لطفعلی خان فرزند ارشد جعفر خان که به طرف بنادر وعمّان رفته بعد از استماع این خبر دواسبه به شیراز راند. همینکه به این بلد نزدیک شد شیرازیها صید مراد خان را دست بستند و در وازه را به روی لطفعلی حان بگشادند و او فوراً به قتل قاتلین پدر کمر بست و بر تخت سروری بنشست و عَلَم استقلال برافراشت. امنای حضرت شهریاری چون از واقعه آگاه شدند موکب فیبروزی اقتیران از مازندران انتهاض فرموده در پنجم جمادی الثانیه به دارالخلافهٔ طهران نزول اجلال فرمود.

اروپا \_ (انگلیس) \_ در پارلمنت انگلیس گفتگو از بیع و شرای برده شده مبالغه و تأکید زیاد در موقوف نمودن این رسم می نمایند \_ فرستادن مقصرین این دولت را به سمت استرالی و این اوّل آبادی است که انگلیسها در استرالی می نمایند. (فرانسه) \_ ایجاد مالیات جدید به بعضی اراضی خاصه به املاک کشیشها \_ نفاق وکلای ملت با پادشاه و اخراج نمودن آنها را از ورسایل. (اطریش) \_ ژوزف دویم امپراطور اطریش با کاترین دویم امپراطریس روس در قرم ملاقات می کند. (روس) \_ مسافرت کاترین دویم امپراطریس روس به حوالی رود وُلگا و خرشن \_ اعلان جنگ فیمابین عثمانی و روس \_ دویست هزار قشون از عساکر اطریش به کمک روس وارد سرحدات عثمانی می شوند \_ معاهدهٔ دولتی فیمابین دولتین روس و چین. (هلاند) \_ حنگ داخلی و شورش اهالی آمستردام، معاونت پروسها به والی.

امریکا \_ (اتائونی) \_ واشنگتُن به ریاست جمهوری اتائونی منصوب می شود.

#### [سنهٔ ۱۲۰۳ هجری = سنهٔ ۱۷۸۸ مسیحی]

آسیا (ایران) در اوایل این سال حضرت شهریار کامکار نواب جهانبانی را با پنجهزار نفر از لشکر نصرت اثر به توقف فیروزکوه و انتظام امور مازندران و خراسان مأمور فرموده خود به نفس همایون با جمعی از عساکر ظفرنمون از ری به عراق و از عراق به فارس ایلغار نمودند و منزل بیضا مضرب خیام سپهر احتشام معلّی گردیده اینجا را محل بنه و آغروق ملتزمین رکاب اعلی قرار دادند و علیقلی خان را امر به توقف در این محل فرمودند و با تمامی لشکریان به ظاهر شیراز نزول اجلال کردند. لطفعلی خان با بیست هزار سوار لاری و فارسی قدم جلادت در میدان مجادله نهاد،

اعتمادالسلطنه ١٤٠٧

مصطفى خان قاحار كه نگاهدار ميمنهٔ سياه فيروزي شعار بود با فوجي از دليران شیرشکار دیوار باغی را کمینگاه قرار داده جمعی از لشکریان لطفعلی خان را به خیاک هیلاک انداخت. لطفعلی خان از فرط تهوّر متعرّض آنها نگردیده با دو هزار سوار زیده خود را بر قلب زد و چند تن را از پای درآورده متوجه میسره که در حراست نواب جعفرقلی خان بود شد. نواب خعفرقلی خان قصد او کرده از قضا رودی عـمـیـق در میانه بود نواب معظم رکاب بر اسب کشیده از آن رود گذشتند و بعضی از دلیران نیز به ایشان بیوستند و جنگ درگرفت. بعد از کشش و کوشش وهنی در سیاه لطفعلی خان پدیدار آمد، در این اثنا جماعتی به کمک سیاهیان لطفعلى خان آمدند و ديگر باره نايرهٔ قتال اشتعال يافت و كار حنگ سخت شد. شهریار کامکار محمدولی خان قاجار را با فوجی به معاونت و امداد نواب جعفرقلی خان فرستاده ولى قبل از وصول محمدولي خان نواب جعفرقلي خان جمعيّت دشمن را متفرّق و آن جماعت را منهزم کردند. لطفعلی خان نیز از قفای رفقای خود به قلمه و شهر شتافت، دو هزار نفر از لشکریان او مقتول و هشت هزار نفر اسیر و دستگیر شدند. علی الصباح رایت ظفرآیت و اردوی کیوان شکوه به یک فرسخی شهر شیراز آمد و دو ماه این بلده را در بند محاصره داشتند و بلوکات حوالی عرصهٔ نهب و غارت بود و عرصه بر مردم تنگ. حضرت شهریار نصفت آثار صواب در مراجعت دیدند. لهذا روز پنجشنبه سیّم شهر ذیحجه عنان یکران دولیت را به طرف اصفهان منعطف فرمودند و مصطفی خان قاجار دولوی را با سه هزار نفر در آنجا گذاشتند و زمام حکمرانی اصفهان را در دست محمدحسین خان پسر باقرخان خراسكاني اصفهاني گذاشته موكب معلّى از اصفهان به دارالخلافة طهران تشریف فرما شد ـ هم در این سال نهال آمال شهریار ایران بارور و باثمر گردیده يعنى حضرت قادر متعال نواب جهانباني (خاقان خلدآشيان فتحعلي شاه) را ينج يسمر والاگهر كرامت فرمود: إوّل نواب محمّدعلي ميرزا كه از بطن گرجيّه تفليسيّه متولد شدند در شب هفتم ماه ربیع الثانی ــ دویم نواب محمّدقلی میرزا در بیست و سيتم شهر رمضان متولّد شدند از بطن صبيّة محمّد خان قاجار يدر سليمان خان قاجبار قوانـلـوی ــ سـیّـم نـواب محمّد ولی میرزا که روز غرّه شوال از بطن مستورهٔ

اصفهانیّه متولد شدند ــ چهارم حضرت نایب السلطنه عباس میرزا که روز جهارشنبه چهارم دیحجه از بطن صبیه محترمه امیرکبیر فتحعلی خان دوآوی قاجار متولّد گردیده جهان را از یمن قدوم خود فروغی تازه بخشیدند ــ پنجم نواب جسینعلی میرزا که در روز عید اضحی از بطن صبیه محمد جعفر خان عرب حاکم بسطام متولّد گردیده و مولد این پنج شاهزادهٔ آزاده قصبهٔ نوای از توابع دماوند بود که در آنجا به يبلاق رفته بودند. حضرت شهريار كامكار آقامحمد شاه قاجار از طلوع اين سـتــارگــان سعادت آثار زایدالوصف مبتهج و مسرور گردیده یک هفته در دارالخلافهٔ طهران امر به بسط بساط سور و سرور فرمودند. پس از آن سه نفر از این پنج نفر مولود مسعود را به فرزندي خود قبول فرمودند و آنها نواب عباس ميرزا و نواب محمدقلي ميرزا و نواب حسينعلي ميرزا بودند كه در ساعتي سعد آنها را به حرمسرای خاص بردند و به دایگان بااختصاص سپردند و به تر بیت ایشان پرداختند و هريک را مشمول مرحمت ساختند. هم در اين سال خسروخان والي كردستان عزيمت شرف اندوزي حضور حضرت شهريار. تاجدار را نموده ولي در حوالي قزوین شنید که دو هزار نفر از طایفهٔ بلباس که غالباً به نهب و غارت و سرقت مى يرداختند فرزند ارشد او مهديقلي خان با آنها جنگ درانداخته و به دست آن جماعت مقتول گردیده است. استماع این خبر وحشت اثر اسباب اختلال دماغ او گردیده و این ناخوشی معالجه پذیر نشد. تا آنکه خسروخان مرحوم شد، پس از او لطفعلى خان در كردستان نيابت داشت تا امان الله خان به ولايت كردستان منصوب و برقرار گردید.

اروپا \_ (انگلیس) \_ ایجاد روزنامهٔ طیمس. (فرانسه) \_ اغتشاش در پاریس و بیمیلی عموم مردم نسبت به پادشاه. تقسیم مجلس پارلمنت به سه فرقهٔ نجبا، و رؤسای دین، و کسبه \_ فوت بُوفُن از علمای معروف \_ مفقود شدن لاپیرُوز سیّاح معروف که به دریاهای جنوب رفته بود \_ جمعیّت فرانسه در این سال پنجاه کرور است. (روس) \_ در حینی که دولت روس مشغول جنگ با عثمانی است قشون شود غفلتاً به مملکت روس حمله نمودند و اگر اختلاف و شورشی در میان

اعتماد السلطنه

صاحب منصبان قشون شود بهم نمی رسید و بر پا نمی شد و او را مجبور به مراجعت نمی کردند یقینا پادشاه شود بسیاری از بلاد روس را متصرف می شد. پادشاه دانمارک برای امداد به روس به عساکر شود حمله نمود و میانجیگری انگلیس و پروس مانع این منازعه شد – شکست سفاین جنگی روس در سواستاپول. (اطریش) – عساکر اطریش که از رودخانهٔ ساو عبور کرده بودند و داخل خاک عشمانی شده مغلوب گردیده عقب نشستند – ژوزف دویم امپراطور اطریش وحشت از بر پا شدن شورش در مجارستان دارد. شکست سخت عساکر اطریش از عثمانی در تیمسوار. (اسپانیا) – فوت شارل سیم پادشاه اسپانیا و جلوس شارل چهارم در تیمسوار. (اسپانیا) – فوت شارل سیم پادشاه اسپانیا و جلوس شارل چهارم بسرش به جای او. (هلاند) – معاهدهٔ این دولت با انگلیس و پروس.

# [سنة ١٢٠٤ هجري = سنة ١٧٨٩ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در اوایل بهار اینسال حضرت شهریار تاجدار آقامحمد شاه قاجار نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را به انتظام بلاد قزوین و سرحدات خمسه و زنجان مأمور فرمودند و مقرّر شد که حاجی رضاخان دولوی قاجار با پنج هزار سوار جرّار ملتزم رکاب ظفرنصاب نواب معظم باشد و پس از روانگی ایشان از طهران در سیّم ماه رمضان موکب نصرت اقران شهریاری به قصد تسخیر فارس و تدمیر لطفعلی خان زند از دارالخلافه انتهاض فرمود و در منزل کناره کرد معلوم شد که در حوض سلطان اردوی آبش از بارانست آب وجود ندارد. لهذا مقرّر فرمودند که در حوض سلطان اردوی معلّی توقف ننمایند و دو منزل را یک منزل کرده تا به آب برسند، شباهنگام حرکت کردند و به واسطهٔ تاریکی شب و جمعیّت و ازدحام عساکر منصوره راه قم حرکت کردند و تا طلوع صبح در شوره زار و کویر راه پیمودند و تحمّل زحمت عطش را گم کردند و تا طلوع صبح در شوره زار و کویر راه پیمودند و تحمّل زحمت شعار سقایان نمودند، علی القباح تشنه در آن سراب ماندند به حکم شهریار مرحمت شعار سقایان تشنگان را آب دادند و بعضی روزه داران برای حفظ جان روزه گشادند و افطار تشرمود و روزه را بسررسانیدند — خلاصه دو روز در ظاهر بلدهٔ قم توقف شام افطار نفرمود و روزه را بسررسانیدند — خلاصه دو روز در ظاهر بلدهٔ قم توقف

اتَّفاق افتاد بعد از آنجا روانهٔ اصفهان و تشریف فرمای چمن گندمان شدند. در اینجا خبر رسید که لطفعلیخان زند به محض اطلاع از حرکت اردوی کیوان شکوه به بهانهٔ استحداد از مشایخ بندر و انتظام بلاد گرمسیر بهجانب دشتی و دشتستان رفته و في الحقيقه به اين بهانه گريزي به هنگام كرده مقارن اين حال امراء و رؤساي شيراز ینهانی تحف و هدایای لایقه به آستان همایون انفاذ داشته به زبان عجز و نیاز عرضه داشتند كه ما مطيع فرمان و در ربقهٔ اطاعت حضرت شهريار عظيم الشأنيم ولى محض مصلحت تسخير بلد را به وقت ديگر بايد گذاشت. فرستادهٔ اهالي شيراز به مراحم شامله و خلعت شاهانه مشمول، و به اجوبهٔ شافیه نایل و اذن مراجعت یافت و نواب علیقلی خان با محمّدقلی خان قاجار قوانلو و هفت هزار نفر از قشون ظفرنـمـون مـأمـور و روانـهٔ تـسخير كوهگيلويه شدند. اهل آن حدود از در اطاعت و تمکین درآمده خود را در سلک رعایا منسلک داشتند. و علیقلی خان با منال دیوانی به اردوی سلطانی معاودت نمود ــ هم در این سال در اوانی که نوّاب جهانبانی در چمن گوران دشت متوقّف بودند محمّد حسيل خان حاكم خلخال و سران گرُوس و احمدخان مراغه ای و حسین خان دنبلی بیگلر بیگی خوی ربقهٔ اطاعت و عبودیت به گردن گرفته پیشکشهای شایان فرستادند. موکب حضرت شهریاری از چمن گندمان به طرف قزوین حرکت کرد و نواب مستطاب جهانبانی و سلیمانخان قاجار حكمران گيلان با عمّال اين ولايات به حضور مكرمت ظهور يادشاهي تشرّف جستند و نواب سلیمانخان به نقب اعتضادالدوله ملّقب و مفتحر گشت و با اردوی مُعلِّي به مقرّ خلافت عظمي آمد ــ هم در اين سال نواب حسنعلي ميرزا برادر كهتر نواب حسينعلي موزا ازبطن صبية جعفرخان عرب عامري بسطامي متولد گردید \_ بنابر مسطورات تاریخ جهان آرا در این سال حضرت آقامحمدشاه نوّاب مستطاب جهانبانی (فتحعلی شاه) را به ولایتعهد برقرار فرمودند ـ هم در این سال ضريحي زراندود براي مرقد مطهر حضرت اميرالمؤمنين ويعسوب الدين عليه السلام به امر همایون ساختند و بدان ساحت خلد نزهت ارسال داشتند.

ارويا \_ (انگليس) \_ منازعة عساكر انگليس با تيپوصاحب. (اطريش) \_

شورش اهالی بلڑیک بر ضد اهالی اطریش که در مملکت بلڑیک سلطنت داشتند. (روس و سُود) ب منازعة قشون سُود با روس به شكست يافتن سفاين جنگی سُودْ از عساكر روس ــ سُوارُد سردار روس در والاشی جنگ سختی با عشمانسی ها می کند و از آن طرف عساکر اطریش به معاونت روس بلگراد را در خاک عثمانی فتح می نماید ــ پُتامکن سردار دیگر روس بندر را از عثمانی منتزع می سازد. (سُودٌ) ــ گوستاو سیّم یادشاه قدرت و اقتدار کامل خود را از رعیت طلب می نماید. (فرانسه) - شورش سخت در پاریس - اهالی شهر دکاکین معتبر را غارت می کنند \_ مارسیل نیز در شورش است \_ ایجاد وکلای ملت و قسم یاد كردن آنها بر ضد سلطنت كه از سلطنت قانون آزادي مي طلبند \_ تشكيل محلس پارلىمىنتى در ورسايل به توسط يادشاه مستقل كه اجزاى آن دويست و نود و يک نفر از علمای دینی و دویست و هفتاد نفر از اعیان مملکت و یانصد و هشتاد و چهار نفر از سایر طبقات رعیت بودند \_ معاهدهٔ شورشیان در تالاری که موسوم به تالار گوبازی می باشد \_ خطبه های شورش انگیز میراب \_ عزل نِکیر وزیر معروف \_ باستیل را که از قلعه جات وسط شهر پاریس و محبس دولت بود اهالی پاریس به غـلـبه گرفته محبوسین را آزاد کرده قلعه را منهدم و ویران می نمایند ــ نجبا و اعیان على الخصوص برادر يادشاه به بلاد خارجه فرار مي كند ــ اهالي ياريس بافتة سه رنگ که سفید و آبی و سرخ باشد به کلاه خود می دوزند ـــ انقلاب و شورش مجدد سخت در باریس \_ امتیازاتی که نجبا و خانوادهٔ سلطنت داشتند از آنها سلب می شود ... آزادی مطبعه ها ... بروز قحطی و غلا در شهر پاریس و شورش نسوان \_ ازدحام مردم در ورسایل و شکایت از بی نانی \_ شاکیان به قصر سلطنتی ورسایل داخل شده جمعی از قراولان این عمارت را به قتل می رسانند ... یادشاه مجبوراً از ورسایل به شهر پاریس معاودت می کند که شورشیان را ساکت نماید \_ مجبور شدن یادشاه به برقرار کردن نِکیر را به وزارت ــ جمهوری طلبان املاک موقوفهٔ معابد را از دست علمای دین منتزع ساخته خود متصرّف می شوند \_ ایجاد روزنامهٔ مُنیتُورٌ که روزنامهٔ رسمی است. (عثمانی) ب فوت سلطان عبدالحمیدخان اوّل و جلوس سلطان سلیم خان سیّم به جای او در سنّ بیست و هشتسالگی. امریکا \_ (اتائونی) \_ جمعیت اتائونی در این سال هفت کرور و چهارصد و سی هزار نفر است.

### [سنة ١٢٠٥ هجري = سنة ١٧٩٠ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال نواب جعفرقلی خان که برادر و سیهسالار حضرت شهريار كامكار بود درخواست ايالت اصفهان از آن حضرت معظم نمود و بنابر مصلحت استدعاي او به درجهٔ قبول نرسيد لهذا به مخالفت و خلاف برخاست و چندی در بسطام مانده به حضور مبارک نیامد. آخرالامر با محمدخان و محتمدزمان خان عزّالدّین لوی قاجار پسران خال خود به در بار شهریاری رونمود و آنها در خلوت از او سعایتی کرده چنین به عرض رسانیدند که داعیهٔ خودسری دارد و با خوانین خراسان معاهده و مواضعه نموده است ــ خلاصه حضرت شهریاری را با برادر رشید خود بددل نموده شبی در هنگام مراجعت از حضور همایون چند نفر از خدام خاص آن سردار بااختصاص را از زاویهٔ معبر به سرای دیگر انتقال دادند ولی بعد از قضای صادر ملازمان حضرت پادشاهی قرین ندامت و افسوس کامل گردیدند و سودی نداشت \_ هم در این سال مرتضی قلی خان از عمای برادر خود مصطفی قلی خان باخبر گشت، چه مذت یک سال که مصطفی قلی خان محبوس بود ایـن واقعه نیز مستور بود، این اوقات که از حبس خلاص شد این خبر مشتهر گردید و مرتضى قلى خان كه در باكويه و طالش و شيروان با استعداد تمام مى زيست نيز بنششید و بار دیگر به هیجان آمده به طرف گیلان راند و میرزابابای رشتی نایب گیلان هراسان شده ماجری را به عرض عاکفان حضور شهریار منصور رسانید. حاجبي رضاخان دولوي قاجار خال مرتضي قلي خان و عباس خان و محمّدخان دولو كه هيم از منسوبان أو بودند با عبدالله خان اوصائلوى خمسه و ميرزا محمدخان لاریجانی و چهارهزار نفر از سپاه ظفرهمراه مأمور گیلان شدند و هرچه مرتضی قبلسی خان را نصیحت کردند سودمند نیفتاد، ناچار بنای جنگ و خونریزی شد. شبی شاهپلنگ نام طالش بر لشکریان حاجی رضاخان شبیخون زده در این

مقدّمه سردار با ساير خوانين گرفتار شدند و تفرقه در ميان سياه افتاد و مرتضی قبلی خیان غلبه کرد ولی بعد از چندی همهٔ گرفتاران را رها و روانهٔ دربار للمعلِّي نمود سوای خال خود را که با سوءاحوال نگاهداشته با کلاب و ذئاب ردیف و حریف می نمود. میرزا بابای نایب گیلان مراتب را معروض آستان مبارک داشته حضرت شهریاری مصطفی خان دولوی قاجار را مقدّمة الجیش قرار داده از پیش روانه كردند، و موكب همايون مستعد انتهاض گرديد. مرتضي قلي خان و مصطفیخان طالش از عزیمت شهریار کامکار خبردار گردیده دانستند که در جلو سیل هایل مقام نتوان نمود، ناچار به باکویه رفتند و در آنجا نیز چون کاری تستوانستند كرد مرتضي قلي خان خايب و مأيوس پناه به خاك روس برد و حاجي رضاخان وعباس خان را با مادر خود به طهران فرستاد \_ هم در این سال لطفعلى خان زند استعدادى فراهم كرده قصد تسخير اصفهان نمود. حضرت شهریاری تاجدار از عزیمت او مستحضر گردیده نواب مستطاب جهانبانی را به دفع او مأمور فرمودند، نواب معظم بالبعضي از دستجات قشون نصرت نمون به چمن گندمان تشریف فرما شدند و موکب همایون به گوران دشت نزول اجلال نموده مصطفی خان قاجار شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات شده مقرّر فرمودند با پنج هزار نَفْر به خدمت نواب جهانبانی روانه شود، و اردوی کیوان شکوه به عزم تسخیر آذر بایجان حرکت کرد، و نواب اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار را با ده هزار سوار در مبنزل طارم مأمور تسخير ماسوله و تنبيه طايفة طالش كردند و او بهخوبي اين خدمت را انجام داد و محمد حسين خان حاكم خلخال و محمد حسين خان حاكم گروس از در اطاعت و انتقیاد درآمدند و صادقخان شقاقی در حوالی قلعهٔ سراب اقدام به جنگ کرده شکست حورده و پناه به ابراهیم خلیل خان ابن پناه خان جوانشير برد. عساكر منصوره قلعهٔ سراب را خراب كرده به اردبيل شتافتند و اين شهر را نیز مسخّر نمودند و یک هفته در آنجا اقامت کردند. احمدخان حاکم مراغه با حسینعلی خان افشار برادر محمّدقلی خان بیگلر بیگی ارومی و جمعی به آستان مبارک آمدند ولی محمّدقلی خان را دغدغه و خیال گرفته در قلعهٔ اشنو متحصّن شد و محــمّــدخــان عـزّالــدّينلو و حسينقلي خان افشار با دسته قشوني ارومي را بگرفتند و

اموال محتمدقلی خان را متصرف شدند ــ هم در این ایام مصطفی خان قراجه داغی به تقبيل عتبة عليّه آمد و جان محمّدخان قاجار مأمور تنبيه مصطفى خان طالش گردید و نواب اعتضادالدوله با پیشخانه اردوی معلّی به ساحت قراجه داغ توجه نمود و قبلعهٔ اهر (اهار) را مسخّر ساخته به چمن کلنبر رفت و از آنجا به النگ سبزه آمده رحل اقامت افکندند. در اینجا حسین خان دنبلی بیگلر بیگی خوی به حضور مبارک آمده مخلّع شد و حکومت اردبیل و تبریز را به او نیز مفوّض داشته و او روانهٔ تبریز شـد و حـضرت شهریار کامکار چند روز در این محل به صید و شکار گذرانیدند ـــ هـم در ایـن اوان مـحـمّـدخــان عزّالدّینلو که بعد از جعفرقلی خان داخل در امرا بود و برادرش محتد زمان خان حکومت بسطام می نمود با محمد ولی آقا و جمعی دیگر اتماق كرده انديشة مخالفت باحضرت شهرياري نمودند و محمدتقي خان شامبياتي يسرزادة محمدعلى خان جوجوق نيز بإ آنها همدست شد، ملازمان آستان همايون ازین مواضعه مستحضّر گردیده محمّدخان و محمّد زمانخان و محمّدولی آقا چشم در راه بی بصری گذاشتند، و محمّد تقی خان و محمّد علی خان جوجوق نیز به امر اعلی درگذشتند، و محمد قلی خان بیگلربیگی ارومی به شفاعت امرا معفو شده کمر عبودیت بر میان بست و به حکومت ارومی منصوب گردید ... هم در این ایام موكب همايون عزيمت تبريز فرموده حسين خان بيگلر بيگي و اعاظم و اشراف بلد به استقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند، امّا لطفعلی خان زند با بیست هزار سوار به سمیرم علیا آمده و نواب مستطاب جهانبانی به طرف قمشه رانده و جنگ درگرفت. لطفعلی خان پناه به سنگر برد و عبدالرحیم خان شیرازی برادر مهتر حاجی ابراهیم خان که وزارت و امارت جمع داشت به جهت ارادت به نواب مستطاب جهانبانی شبی در اردوی لطفعلی خان آشوب درانداخت و اردو را متفرّق ساخت. ناچار لطفعلی خان فرار کرد و مصطفی خان قاجار دوآو او را تعاقب نمود امّا به وی ترسید، و نؤاب مستطاب جهانبانی به اصفهان آمدند. از آن طرف حاجی ابراهیم خمان شیرازی دروازهٔ شهر شیراز را بر روی لطفعلی خان بست و او گرفتار سرگردانی شد و مراتب را مسموع نواب مستطاب جهانبانی و معروض آستان پادشاهی داشیتند. حضرت همایون شمشیری مرضع و خنجری مکلّل برای نواب

مستطاب معظم اعطا و ارسال داشتند، و ميرزا رضاقلي نوائي منشي الممالك متخلّص به سلطانی مأمور تصرّف اموال لطفعلی خان و نظم آن سامان شد، و حاجی آبراهیم خان شیرازی در ازای خدمتی که کرده بود مخلّع گردیده حفظ و حراست شیراز به عهدهٔ او موکول گشت، و مصطفی خان قاجار برای امداد او روانهٔ شیراز شد ــ هـم در این اوان ابراهیم خلیل خان جوانشیر از صادق خان شقاقی شفاعت کرده جرایم او را معفق داشتند و موکب اعلی در پنجم ذیحجه به مقرّ سلطنت معاودت فرمود و میرزا رضاقلی منشی الممالک مصطفی خان قاجار را با سه هزار سوار در آباده گذاشته خود به شیراز شتافت و حاجی ابراهیم خان به خوبی او را پذیرائی و استقبال نمود، در این اثنا لطفعلی خان با زال خان خشتی معاهده نموده با هزار نفر متوجه شیراز شد و در محل موسوم به كویم جای گرفت. حاجی ابراهیمخان مصطفی خان قاجار را از آباده به شهر شیراز بخواند و باغ جهان نما را جایگاه عساکر نصرت مآثر قرار داد. لطفعلی خان به حوالی شیراز آمده در پشته ای که متصل به شارع بـود كـمين كرد و جمعي را به كازرون فرستاده آنها آن محل را غارت كرده بازگشتند. مصطفی خان قاچار با فوجی از مردان کار پنج فرسخ راه طی کرده با لشكر الواركه از كازرون مي آمدند تلاقي نموده به پيكار پرداخت به اين معنى كه جمعى را به دفع آنها فرستاده حود در پناه كوهى بايستاد، ابدال خان عبدالملكى ازسر کرده های لطفعلی خان مقتول گردید. دراین حال فتحعلی خان با یانصد سوار از كمين بيرون آمده بر سياه ظفرهمراه حمله كرد، مصطفى خان قاجار نيز فوراً از كوه به زیر آمده متوجه قتال و اشتعال نایرهٔ جدال گردید، لطفعلی خان تاب مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت ولی دست از کار نکشیده گاهگاه از طرفی و راهی روی به شیرار می آورد و فتنه و فسادی بر یا می کرد. برای اینکه مواد شرارت او به کلّی مُثْحَسّم ٔ گردد جان محمّدخان قاجار نیز با پنج هزار سوار به معاونت و امداد مصطفی خان مأمور شد و در هنگامی که لطفعلی خان استعدادی بهم بسته در مسجد بردی قریب به شهر شیراز بود جان محمّدخان به مصطفی خان پیوست و یک هفته

<sup>1.</sup> از بیخ برکنده. ر.ک. به حاشیهٔ ص۱۳۹۸.

تمام مشغول جنگ و جدل بودند و در این حیص و بیص یکروز بنابر حیله و خدعهٔ رضاقلی خان دولو از لشکر دور افتاده گرفتار گردید آخرالامر لطفعلی خان مغلوب شده به طرف زرقان رفت سدهم در این سال حضرت همایون را سکته ای عارض شده به سعی میرزا مسیح طهرانی و میرزا احمد طبیب اصفهانی بعد از سه روز صخت یافتند، و بعضی این واقعه را به سال بعد نسبت داده اند سد نیز در این سال قصد تجدید قبّهٔ منورهٔ حضرت خامس آل عبا علیه التحیه و الثنا فرمودند و عبدالرزّاق خان حاکم کاشان را با جمعی به تعمیر و توسیع قبهٔ مبارکهٔ آن حضرت و تذهیب آن مأمور کردند و حاجی سلیمان صباحی مادهٔ تاریخ آن را چنین گوید: تذهیب آن مأمور کردند و حاجی سلیمان صباحی مادهٔ تاریخ آن را چنین گوید: (کلک صباحی از پی تاریخ آن نوشت در گنبد حسین علی زیب یافت زر)

هم در این اوان میرزا رضاقلی نوائی منشی الیمالک با اموال لطفعلی خان به حضور شهریار عظیم الشأن تشرف جست و از آن جمله مبلغی جواهر و هزار رأس مادیان بود \_ هم در این سال مصطفی آقای عثمانی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد به در بار همایون آمد و از بلاد آذر بایجان و عراق و فارس انواع هدایا و تحف حتی چراعها و شنقارها پیشکش در بار سپهرآثار کردند \_ وفات آقامحمد باقر بهبهانی از اجلهٔ علمای امامیه اعلی الله مقامه در سن نود و سه سالگی.

اروبا \_ (اطریش) \_ بلڑیک آزادی خود را از تحت سلطنت اطریش اعلان می کند، دولت اطریش از پاپ و دول انگلیس و فرانسه و پروس استعانت برای امن کردن بلڑیک می طلبد \_ فوت ژوزف دویّم امپراطور اطریش که این کلمات از انشای خود او بر سنگ قبرش نوشته می شود: (اینجاست مقبرهٔ ژوزف دویّم که در تمام ارادات و مقاصدی که داشته بدبخت بوده است) \_ برقرار شدن برادرش لِنُو پُلُدُ دویّم به جای او در سن چهل و سه سالگی. (پروس و روس و شود و فرس و روس او را محبور به اتحاد با عثمانی عشمانی) \_ سوه ظن پروس بر ضد اطریش و روس او را محبور به اتحاد با عثمانی که در می نماید \_ فتوحات عساکر اطریش در سواحل دانوب \_ قشون عثمانی که در آنجا شد و آن زلزله را از قضاهای آسمانی دانستند قلعه را تخلیه کرده فرار نمودند \_ فتوحات و غلبهٔ سفاین جنگی شود بر کشتی های روس تخلیه کرده فرار نمودند \_ فتوحات و غلبهٔ سفاین جنگی شود بر کشتی های روس

اعتماد السلطنه

در دریای سُونًد \_ چون انگلیس و روس به دولت اطریش وعده می دهند که اگر ترک منازعه با عشمانی نماید در امن کردن بلژیک او را کمک نمایند نه ماهه فیمابین اطریش و عثمانی متارکه می شود و سُود با روس صلح می نماید \_ منازعه روس و عشمانی \_ فتح کردن سُووارُف سردار روس شهر اسمعیل عثمانی را و قتل نمودن این شهر را. (فرانسه) \_ شورش و انقلاب در اکثر بلاد \_ میزان و مقادیر در تمام فرانسه به یک وزن می شود \_ مواجب پادشاه به پنج کرور تومان ایران مقرر می شود و زیاده بر این حق تصرّف در وجوه دولتی ندارد \_ اجرای قانونی که شاه و گدا در تحت آن قانون مساوی اند، سلطنت مستقله در فرانسه متروک و سلطنت مشروطه برقرار می گردد، خطابات شاهزادگی و خانی و بیگی از اعیان و نجبا سلب و برداشته می شود، علمای دین از تمامی مداخله های دولتی ممنوع می گردند، نکیر از وزارت استعفا می نماید.

اهریکا \_ (اتائونی) \_فوت فرانگلن و عزای عمومی مدت دو ماه.

# مراقت کامتر استار المادی = سنهٔ ۱۷۹۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت شهریار بیهمال نواب مستطاب جهانبانی را مأمور به توقف طهران فرموده و برادر کهتر والاگهر ایشان حسینقلی خان را با پنج هزار نفر از عساکر نصرت مآثر به حراست اصفهان معین و امر کردند و موکب همایون به قصد تدمیر لطفعلی خان زند از چمن گندمان حرکت و انتهاض نموده ابراهیم خان سرکردهٔ دامغانی را مقدمة الجیش قرار دادند، و چون اردوی معلی به چمن آبرَج (ایرج) رسید معروض شد که لطفعلی خان از زرقان به عزم شبیخون حرکت کرده و به حوالی اردو آمذه است. حضرت شهریاری مقرر فرمودند که اگر علایم شبیخون به ظهور رسد قشون ظفرنمون به امر همایون حرکتی نکنند، هنگام شب لطفعلی خان در تنگ ابرج با ابراهیم خان دامغانی تلاقی نموده جنگ درگرفت و ابراهیم خان بعد از اظهار جلادت مقتول شد. لطفعلی خان عبدالله خان در مقابل در محدد خان اعمام خود را به اطراف اردو فرستاده و خود با هزار سوار در مقابل زند و محدد خان اعمام خود را به اطراف اردو فرستاده و خود با هزار سوار در مقابل

اردو آمد و اقدام به يورش و حمله نمود، عبدالله خان زند نيز قصد سرايرده و خيام گردون احتشام سلطنتي كرده آقاخان كتول قوللر آقاسي و ميرزا محمدخان لاریجانی جلو او را گرفتند، و میرزا فتح الله نامی اردلانی مژدهٔ فتح به لطفعلی خان داد، لطفعلی خان در خارج اردو قرار گرفت وقت صبح یا به سبب استماع صدای اذان یا بهواسطهٔ طبل جنگ دانست که فتح دوشینه محض وهم و خیال بوده و اردوی شهریاری با کمال نظم برای قتال حاضِر است، پشت دست تأسّف گزیده و یقین حاصل نمود که مقاومت با عساکر پادشاهی امری محال است لهذا راه گریز پیش گرفت و دویست نفر از همراهان او اسیر شدند، و موکب ظفرکوکب شهریاری متوجّه شیراز گردیده حاجی ابراهیم خان شیرازی و سرداران و اعیان فارس به استقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند و حضرت همایون در عمارات وکیل نزول اجلال فرمودند و نواب حسينقلي خان را از اصفهان به شيراز طلبيده و نيابت فارس را به حاجی ابراهیمخان دادند و اهل و عیال لطفعلی خان را با دوازده هزار خانوار از کلهر و مافی و خواجه وند و عبدالملکی کوچانیده به استرآباد فرستادند و موکب معلّی به طهران معاودت فرمود و میرزا فتح الله سابق الذکر گرفتار شده زبانش مقطوع گردید ــ هم در این سال دختری از دودهٔ حسین خان دولوی قاجار در حبالهٔ نکاح نواب حسینقلی خان درآمد، و ابراهیم خان بن مهدیقلی خان به شرف ازدواج بـزرگـترين دختران نواب مستطاب جهانباني نايل گشت، و والدهٔ ابراهيم خان را نيز سابقاً به عقد نواب مستطاب معظم درآورده بودند ــ اما لطفعلي خان بعد از فرار به طرف کرمان راند، میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان او را از ورود به شهر مانع آمد، ناچار به راور آمد، میرزا محمد خان راوری نیز به منازعت او پرداخت و چندتن از همراهان او را دستگیر ساخت. لطفعلی خان از روی اضطرار و از راه چهل یایهٔ لوط به طبش آمد و امیرحسن خان حاکم طبس سیصد نفر سوار به کمک او مأمور كرد و او با اين لشكر قليل باز به سوداى سلطنت از راه يزد عزيمت فارس نسمود و با تقی خان یزدی مصاف داده از آنجا به ابرقوه شتافت. حاجی ابراهیم خان مراتب را به عرض حضرت شهریاری رسانده محمدحسین خان قوانلوی كشيكچى باشى خاله زاده حضرت شهريارى با هشت هزار سوار مأمور دفع لطفعلى

خان شد، و محمد آقای قاجار نیز با سه هزار کس از عقب او روان گردید. لطفعلی خان چون از مأموریت و حرکت محمد حسین خان خبردار شد به طرف بوانات رفت. همینکه محمد حسین خان به شیراز رسید لطفعلی خان راه دارابجرد پیش گرفت و این ناحیه را مسخّر کرد، محمد حسین خان به طرف او راند او به راه نیریز رفت، محمد حسین خان ابه نیریز آمد لطفعلی خان از نیریز حرکت کرده و محمد حسین خان او را عقب نموده در پای خرمن کوه بدو رسیده یازده روز یا پانزده روز در اینجا نایرهٔ قتال به سختی اشتعال داشت، باوجود کمال جلادت عاقبت لطفعلی خان منهزم شده به طبس رفت و محمد حسین خان مظفر و منصور به شیراز بازگشت سده در این سال نواب محمد تقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی از بطن مستورهٔ بختیاریه متولد گردید، و مشتاق علی شاه از عرفا در کرمان مقتول شد.

اروپ ا \_ (آلمان) \_ فوت مُزارت موسیقی دان معروف. (انگلیس) \_ ایجاد مجلس پارلمنت در کانادای ینگی دنیا. (اطریش و عثمانی) \_ انعقاد عهد مصالحه مابین دولتین عثمانی و اطریش در زیس تُوا. (فرانسه) \_ شاهزاده های خانوادهٔ سلطنت فرانسه که به خاک آلمان فرار کرده بودند در شهر کُبلائتز قشونی بر ضد شورشیان تشکیل می دهند \_ هجوم و حملهٔ آهالی پاریس به قلعهٔ وَنْسفن و خراب نمودن آن \_ موقوف نمودن گمرک در وازه های پاریس \_ فوت میراب معروف \_ حبس نظری پادشاه \_ موقوف شدن منصب مهرداری و وزارت در باری \_ گیلوان طبیب چرخی اختراع می کند که به واسطهٔ آن شر انسان به سهولت از بدن جدا می شود \_ فرار پادشاه و ملکه و اولاد آنها از شهر پاریس و گرفتار شدن آنها در بین راه و مراجعت دادن آنها را به پاریس و حبس کردن در قصر سلطنتی \_ بین راه و مراجعت دادن آنها را به پاریس و حبس کردن در قصر سلطنتی \_ پادشاه پروس به امپراطور اطریش وعده می دهد که کمک به پادشاه فرانسه شاهزاده هائی که فرار نموده اند بنماید \_ لقب اعلیحضرت از القاب پادشاه در مملکت فرانسه محذوف می شود \_ گوستاو سیّم پادشاه شود بر ضد شورشیان فرانسه مملکت فرانسه محذوف می شود \_ گوستاو سیّم پادشاه شود بر ضد شورشیان فرانسه مملکت فرانسه محذوف می شود \_ گوستاو سیّم پادشاه شود بر ضد شورشیان فرانسه مملکت فرانسه محذوف می شود \_ گوستاو سیّم پادشاه شود بر ضد شورشیان فرانسه مملکت فرانسه معذوف می شود \_ گوستاو سیّم پادشاه شود بر ضد شورشیان فرانسه مملکت فرانسه محذوف می شود \_ گوستاو سیّم پادشاه شود بر ضد شورشیان فرانسه مملکت فرانسه می دهد.

كلمه مخدوش نوشته شده بايد «قلعة وَلْنِسن» باشد..

#### [سنهٔ ۱۲۰۷ هجری = سنهٔ ۱۷۹۲ مسیحی]

آسیا (ایران) ـ در این سال موکب حضرت شهریار کامکار مصتم سفر کرمان و نمارس گردیده روز هشتم ماه رمضان اردوی معلّی حرکت و انتهاض فرموده در چمن آسپاس حاجی ابراهیم خان و عمّال قارس به حضور مبارک مشرف شدند، و چون هدم قلعهٔ شیراز مکنون حاطر همایون بود جان محمد خان قاجار را به انجام این قصد روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را به تسخیر قلعهٔ کرمان امر نمودند، و مصطفی خان دولو با ده هزار نفر از عساکر ظفرمآثر و عبدالرحیم خان و جمعی از سپاهیان فارس ملتزم رکاب فیروزی انتساب نواب مستطاب معظم گردیدند. و در این اوان میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان درگذشت و اردوی نواب جهانبانی به شهـر بـابـک رسـیـده و قلعهٔ کران واقع در سیرجان را فتح کردند، و مصطفی خان و عبدالرّحيم خان به تسخير قلعهٔ بم و نرماشير مأمور گشتند و اين دو ناحيه را مسخّر تمودند ـ نواب مستطاب جهانباني ملاعبدالله فقيه را با مرتضى قلى خان ولد شاهرخ خان افشار به در بار همایون فرستادند و مرتضی قلی خان به حکومت کرمان برقرار گردید. پس از آن حضرت جهانبانی نیز در چمن کوشک زرد به اردوی كيبوان شكوه يادشاهي پيوستند، و از آن طرف جان محمّد خان قاجار نيز قُلعة شيراز را خراب کرده و خندق آنرا نیز انباشت و معاودت نمود و موکب منصور شهریاری به اصفهان بازگشت و محمدرضا خان کرابی که فرار کرده بود گرفتار شده به یاسا رسید - هم در این سال نواب امیر کبیر سلیمان خان قاجار مأمور نظم آذر بایجان گردید و آردوی همایون از اصفهان به دارالخلافهٔ طهران آمد ـ هم در این اوان رضاخان قاجار که به حکومت استرآباد و داروغه گی یموت و کُکلان برقرار بود درگذشت و طوایف ترکمان باهم اتفاق کرده بنای مخالفت و خودسری را گذاشتند، محمّدعلی خان داشلوی قاجار به آن نواحی مأمور شده تراکمه تمکین و اطاعت ننمودند، مهديقلي خان دولو و محمدولي خان و محمدحسين خان قوانلو با ده هزار نفر از سپاه ظفرهمراه به تدمیر و تنبیه آن جماعت روانه شده ترکمانان را مقهور و مطیع نموده به آستان معلّی بازگشتند و امامقلی خان پسـر رضاخان قاجار به

حکمرانی استرآباد و داروغه گی یموت و کُکلان برقرار شد به هم در این اوان چون نواب سلیمان خان قاجار به تبریز رسید صادق خان شقاقی و احمدخان مراغه ای و حسينخان دنبلي وكلبعلي خان نخجواني و نصيرخان شاهسون و محمّدقلي خَالْا ارومیهای و عسکرخان افشار از در اطاعت درآمدند و جوادخان و محمدخان قاجار بیگلربیگی گنجه و ایروان و اسحق پاشای حاکم بایزید ربقهٔ انقیاد به گردن گرفتند، و نواب امیرکنبیر سلیمان خان فرستادهای به شوشی فرستاده به ابراهیم خلیل خان نوشته ای نوشتند و او را به اطاعت و خدمت دعوت کردند، مشارالیه پس از مشاورت با خویشان خود عبدالصمدبیگ بنیءتم خود را با هدایا و تحف به تبریز فرستاد و نواب سلیمان خان عبدالصمد بیگ را با خود به طهران آورد ــ هم در این سال والدة نواب مستطاب جهانباني عازم زيارت نجف اشرف گرديدند وعظام سلطان سعید شهید و نواب جهانسوز شاه انارالله برهانهما را از قدمگاه خضر که در استرآباد است جداجدا در صندوقها گذاشته به نجف اشرف بردند و در جوار حضرت امام همام اميرالمؤمنين على عليه السلام مدفون نمودند، و در اين مورد سلیمان پاشای وزیر بغداد بعضی خدمات کرده به توجهات یادشاهی مباهی گشت ــ هم در این سال نواب علینقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی متولّد گردید ـــ وفات حاجي سليمان صباحي كاشاني.

اروب (آلمان) به اتحاد پروس و اطریش بر ضد جمهوری فرانسه به فوت ایوپالد دویم امپراطور اطریش و جلوس فرانسوای دویم در سن بیست و چهار سالگی. (انگلیس) به منازعه های سخت عساکر انگلیس در هند با تیپوصاحب و غلبه نمودن بر او به فوت رینالدش نقاش معروف. (فرانسه) به قوت شورشیان به عزل وزرا به مجبور شدن پادشاه به تعیین وزرا از شورشیان به غدغن نمودن شورشیان علمای دینی را از ملبس بودن به لباس مدهبی به اعلان جنگ شورشیان به پادشاه اطریش به رئیس بیرون و دان تُن و مارات رئیس شورشیان می شوند به هجوم و حمله مردم به قصر سلطنتی و تهدید به قتل پادشاه نمودن به تخطی کردن عساکر پروس کرد به به کمک پادشاه فرانسه حرکت کرده بودند از سرحد فرانسه به حاضر کردن

شورشیان چهارصد و پنجاه هزار نفر قشون برای مدافعه ــ انشاد تصنیف مارسیاز که از این پس شورشیان و بعد جمهوریطلبان آنرا ورد زبان خود ساخته در وقت جنگ و اوان ضدیت و خصومت با وضع سلطنت می خوانند ــ امپراطور اطریش و پادشاه پروس به شهر مایانس آمده دوک دُبُرونسویک را سردار کل قشون دو دولت نموده به دفع شورشیان فرانسه مأمور می کنند ــ دوک مشارالیه با عساکر خود تا ساحل رود مُزل می راند و بدینجا ورود می نماید ــ اهالی پاریس به قصد کشتن یادشاه به قصـــر سـلطـنتــى حـمله مــى برند ــــ فوج سويس كه قراول خِاصَة پادشاه بودند تماماً مقتول می شوند \_ یادشاه اضطراراً خود را به مجلس شورشیان می اندازد \_ لوی شانزدهم و زوجهٔ او را در تامیل حبس می نمایند ــ یادشاه یروس با عساکر خود به طرف پاریس حرکت می کند \_ قتل جمعی از هواخواهان سلطنت در پاریس ... قنادیل طلا و نقره و صلیبهای مرضع و تجمّلات و نفایس معابد را شورشیان به دارالضرب فرستاده آنجه فلز بود مسكوك تموده به قشون تقسيم مى نمايند \_ عساكر پادشاه پروس به ایالت شامپانی ورود کرده در والمی دوموریز سردار شورشیان با بیست و چهار هزار قشون هشتاد هزار تن از عساکر پروس را شکست می دهد \_ مجلس وضع سلطنت را محذوف و متروک می سازد و اعلان جمهوری دولت فرانسه را نموده مسکوکات و مهر دولتی به لفظ جمهوری منقوش می گردد ــ اعلان جنگ جمهوری فرانسه به پادشاه ساردن که بر ضد جمهوری بود و منتزع ساختن نیس و ساووا را از یادشاه ساردن ــ مراجعت نمودن عساکر پروس مغلوباً از خاک فرانسه و متصرّف شدن سردار فبرانسه كوستين نام، مِيّانْس و فَرَانكفُور را كه از شهرهاي آلمان می باشد ـــ فتوحات عساکر دولت جمهوری فرانسه در بلژیک و مسخّر نمودن. بروگسل پای تخت این مملکت را ــ خطاب آقا و خانم به رجال و نسوان فرانسه داده نمی شود برای اینکه مساوات کامل معمول شود و در مخاطبات و عنوانات همشهری به یکدیگر می گویند و می نویسند ــ مجلس شورای حمهوری لوی پادشاه فرانسه را به جهت استنطاق به مجلس احضار می کند. (برتوغال) ... ماری ملکه

اعتمادالسلطنه

مملکت پرتوغال دیوانه شده پسرش به نیابت او سلطنت می کند \_ (روس)\_ فرانسه و انگلیس و پروس واسطهٔ مصالحه فیمابین دولتین روس و عثمانی شده معاهدهٔ موسوم به عهدیاسی بین الطرفین منعقد می گردد و در این معاهده أدسا و قِرِمْ و کوبان متعلق به روس می شود. (شود) \_ قتل گوستاو سیّم پادشاه سُود در یکی از مجالس جشن به دست یکی از اعیان \_ جلوس پسرش گوستاو چهارم به جای او در سن طفولیّت.

## [سنهٔ ۱۲۰۸ هجری = سنهٔ ۱۷۹۳ مسیحی]

آسيسا \_ (ايران) \_ در اين سال حضرت شهريار كامكار آقامحمد شاه قاجار عزيمت خراسان فرمودند ولى بعضى اتفاقات مانع تصميم اين عزم شد. تبيين آنكه: اهالی کرمان بر حاکم خود مرتضی قلی خان و محمدابراهیم آقای قاجار بشوریدند و حاکم را از شهر بیرون کردند و با لطفعلی خان زند که در قاین بود عهد متابعت بستند. لطفعلى خان كه قلوب اهالي أين ايالت را به خود مايل ديد با جمعي از افاغنه به نرماشیر آمده و از آنجا به شهر کرمان راند. مرتضی قلی در ارک تحصن جست ولى در اينجا نيز نتوانست زيست كند بنابراين لطفعلي خان شهر كرمان را متصرّف شد و جهانگیر خان سیستانی نیز با هزار سوار به او پیوست، حضرت شهریاری چون از این واقعه آگاه گردیدند فسخ عزیمت سفر خراسان فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را با پنج هزار سوار از پیش روانهٔ کرمان نموده، موکب همایون نیز روز چهارم شوال برای دفع لطفعلی خان زند انتهاض کرد. نواب مستطاب جهانبانی چون به حدود دارابجرد رسیدند شنیدند که اهالی جیرفت طغیان کرده اند لهذا دستهٔ لشکری به آن ناحیه مأمور نموده آنها پس از زد و خورد جیرفت را مسخّر کردند. بعد از آن نواب مستطاب جهانبانی به تسخیر قلعهٔ تهرود توجّه فرمودند، و محمّدتقی بیگ قوللر آقاسی با جمعی حمله به قلعه نمود از آن طرف دو هزار سوار تهرودی از قلعه خارج شده به مدافعه کوشیدند و در این زد و خورد محمّدتقی بیگ به ضرب گلوله مقتول شد و همراهانش شکست خوردند. نواب

مستطأب جهانباني خود با عساكر ملتزم ركاب ظفرنصاب اقدام به يورش نموده قلعة تهرود را گرفته منهدم نمودند و جمعی را به راه عدم فرستادند. در این اوان موکب منصور شهریاری از راه بوانات به طرف کرمان راند و در یکفرسخی شهر بابک اتراق نمود و نواب علیقلی خان برادر آن حضرت با چند عرّاده توب به تسخیر شهر بابک مأمور شده شهر بابک مفتوح شد. پس از آن علیقلی خان و همراهان او به تسخیر قلاع سیرجان پرداختند، و حضرت همایون به سرقلعهٔ مشیر تاختند و آن قـلـعه را به غلبه گرفته اتباع لطفعلی خان را به سرای دیگر روان کردند و راه کرمان را پیش گرفتند، چون نزدیک به شهر شدند لطفعلی خان به مقاتلهٔ عساکر نصرت نشان آمد و حنگ سختی درگرفت ولی بعد از کشش و کوشش زیاد مقهور و منهزم شده پناه به قلعه برد و قشون ظفرنمون شهر کرمان را محاصره کردند. در این وقبت به عرض حضور حضرت بادشاهی رسانیدند که مقصود لطفعلی خان رسیدن فصل زمستان و تاب نیاوردن اشکر فضا توان در سرما می باشد امر همایون شرف صدور یـافت که در خارج کرمان شهری بنا کنند دارای در وازه و بروج و بیوتات و از اطراف آذوقه و لوازم معاش در آن جميع آورند. مأمورين مباشر و مشغول كار شدند، و در این وقت نواب علیقلی خان از تسخیر سیرجان فراغت یافته به اردوی معلّی پیوست و دیگر بار به نظم کوهگیلو یه او را روانه فرمودند و نواب مستطاب جـهـانـباني نيز به امر اعلى به بم و نرماشير و راه بّر و نواحي لار و بنادر تشريف فرما شدند و بعضى قلاع مسخّر كرده و آن صفحات را منظم ساختند و به لار راندند عبدالله خان لاری نیز کمر خدمتگزاری بر میان بست. اتما کار محاصرهٔ کرمان به طـول انــجــامــیــد و بعضی تدابیر قلعه گیری از حفر نقب و غیره بی فایده شد و کار بر. محصورین تنگ شده دوچار قحط و غلا گردیدند ناچار ده هزار نفر از فقرا و کسبه و عجزه را از شهر بیرون کردند و پنج ماه دیگر پای ثبات افشردند یس از آن به حكم قضا و فرمان قدراقتضا، نوبت غلبه و فتح دررسيد. خان احمدخان سوادكوهي با عساكر ابوابجمعي خود نردبانها بر ديوار حصار گذاشتند و به بالا صعود نمودند سایر امرا نیز به او اقتفا کرده تمامی بروج را بگرفتند. لطفعلی خان چون علایم خدلان را مشاهده نمود بر اسب غرّان سوار شده از روی تهوّر راه را باز کرده از شهر

اعتمادالسلطنه

بیرون آمد و اسب خود را از خندق جهانده راه بم را پیش گرفت و در یک شبانه روز سی فرسنگ راه طی کرده بدین شتاب خود را به بم رسانید و از آنجا که اهالی کرمان خود به راه خلاف رفته و میل به متابعت لطفعلی خان کرده بودند بعد از ورود جنود نامعدود به شهر به قتل عام اشارت رفت. خلاصه چون لطفعلی خان به بم رسید و محمدعلی خان برادر جهانگیرخان سیستانی او را مشوش دید و برادر خود را با او ندید گمان کرد که جهانگیر خان دستگیر و در بند ملازمان حضرت شهریار عظیم الشأن است قصد كرد لطفعلى خان را گرفته به آستان همايون فرستد تا بدیمنوسیله برادر او مستخلص شود لطفعلی خان این معنی را تفرّس کرده خواست از دروازهٔ بسم بسیرون رود و فرار بر قرار اختیار کند سیستانیها دور او را گرفتند و اسب او را پی نمودند و دو زخم به سَر و دست او زدند ناچار او تسلیم و مقیّد گردید مراتب را به عرض حضور مبارک رسانیدند. حضرت یادشاهی محمدولی خان قاجار را به احضار او روانه فرموده مشاراليه لطفعلي خان را به در بار سيهر اقتدار آورد و چشمی که به تخت و تاج ایران دوخته بود از او دوری نمود دو قطعه الماس مشهور و معروف به تاج ماه و دریای نور از جواهرات نواب غفران مآب محمد حسن خان طاب ثراه که نزد لطفعلی خان بود به وارث حقیقی آن یعنی حضرت آقامحمد شاه رسید ـــ پوشیده نباشد که اکثر مورخین فتح کرمان و ورود سپاه نصرت توأمان را به این شهر و گرفتاری لطفعلی خان را از وقایع اوایل سال هزار و دویست و نه دانسته اند و نگارنده نیز این عقیده را مرجح می شمارد و اینکه در خاتمهٔ این سال نوشته به واسطهٔ پیوستگی حوادث است ــ خلاصه لطفعلی خان روانهٔ طهران و از اینجا به سرای آخرت روان شد و جسد او را در امامزاده زید دفن کردند و موکب منصور شهریاری از کرمان به شیراز عطف عنان نمود و نواب مستطاب جهانبانی و عليقلي خان نيز از لار معاودت كردند و نيابت حضرت سلطنت عموماً و حكمراني فارس و يزد و كرمان خصوصاً به كف كفايت نواب مستطاب امجد جهانباني (اعلیحضرت فتحعلی شاه) مفوض شد و حاجی ابراهیم خان شیرازی به رتبهٔ وزارت حضرت همایون سرافراز و از شیراز ملتزم رکاب ظفرانباز گردیده ملقب به اعتمادالدوله شد. و عبدالصمد بيگ برادرزادهٔ ابراهيم خليل خان چون از سفر کرمان فرار کرده بود در حدود طهران دستگیر شده به یاسا رسید و این معنی مجدداً اسباب خوف و خشیت ابراهیم خلیل خان گردیده از شرفیابی آستان مبارک تقاعد ورزیده با امرای آذر بایجان در تقبیل عتبهٔ علیه موافقت و همراهی ننمود — هم در این سفر خیریت اثر امر اعلی شرف صدور یافت که دو قطعه ستون عمارت وکیل را که از نفایس آعمده است از شیراز به طهران نقل و در دیوانخانهٔ دارالخلافه نصب کنند

مخفی نماند که سلسلهٔ زندیه چهل و سه سال در فارس و عراقین و آذر بایجان و کرمان حکمرانی کرده اند: اقل محمد کریم خان و کیل که سی سال و هشت ماه سلطنت کرده و سایرین یعنی ابوالفتح خان و صادق خان و علیمرادخان و جعفرخان ولد صادق خان و لطفعلی خان ابن جعفر خان در ظرف سیزده سال در بعضی از ایالات و ممالک مز بوره حکومتی متزلزل داشته اند و این حکومت با سال هزار و دویست و هشت چنانکه ذکر شد بسررسید.

اروپا (آلمان) ـ ایجاد صنعت جاپ به توسط سافیلیز درمونیک. (انگلیس) ـ انکشاف اراضی جدیده در شمال آمریک به توسط وانکوور سیّاح انگلیس. (فرانسه) ـ در مجلس استنطاق پادشاه چهار فقره سؤال می نمایند: اوّلاً می پرسند آیا لوی نام معروف به لوی شانزدهم نسبت به قاطبهٔ اهالی فرانسه مغل راحت بوده و بر ضد آسایش و رفاهیت رعیّت اسباب فتنه و فساد بوده است یا نه؟ تمام و کلا بدون استشنا جواب می دهند بلی بوده است ـ ثانیاً می گویند کسی که نسبت به دولت و رعیّت منشاء چنین خطا و خیانتی شود حد تنبیه و جزای او چیست؟ جمیعاً جواب می دهند جزای چنین شخصی قتل است ـ ثالثاً اظهار می دارند که در باب قتل این شخص آیا باید با عموم رعیّت مشورت کرد یا نه! بالاجماع جواب می دهند که نه ـ رابعاً سؤال می کنند که آیا باید به او مُهلت داد یا نه؟ همگی می دهند که نه ـ رابعاً سؤال می کنند که آیا باید به او مُهلت داد یا نه؟ همگی می گویند نه، باید بعد از بیست و چهار ساعت کشته شود. بنابراین در بیست و یکم ماه ژانویه لوی شانزدهم مقتول شد. اگر چه مجلس استنطاق مزبور لوی شانزدهم را سبب شورش و اختلال کار فرانسه قرار داد ولی حق اینست که او سبب شورش

نبود. چیزی که هست این است که بعد از بروز شورش لوی شانزدهم به واسطهٔ ضعف نفس نتوانست اسباب رفع شورش را فراهم آورد و پس از آنکه وضع سلطنت مِستَقَلَّه مختل و بناي جمهوري شد نيز شخصاً قابليَّت نداشت كه به رياست جمهوری برقرار گردد. خلاصه در این وقت پسر یادشاه با مادرش در حبس بود و عمش كه با ساير سلطنت طلبان از خاك فرانسه فراري و به مملكت آلمان مهاجرت نموده بودند این پسر را لوی هفدهم نامیده و شاهزادهٔ محبوس در فرانسه را در خیارج پادشاه فرانسه خواندند و در بلاد ممالک اروپ اسباب مخاطرات کلی برای دولت جمهوری فرانسه فراهم آمد و ایلچی دولت جمهوری فرانسه را از لندن بیرون کردند ــ اعلان جنگ دولت جمهوری فرانسه با انگلیس و هلاند و اسپانیول \_ مسیصد هزار نفر قشون داوطلب برای جمهوری فرانسه حاضر می شود \_ اعلان جنگ اطریش بیا فرانسه ــ روس و پروس اگرچه در باطن با دولت متحده بر ضد فرانسه مشاركت دارند لكن در ظاهر به واسطة تقسيم نمودن لهستان را در ميان خود اعلان جنگ علنی با جمهوری فرانسه ندارند \_ انگلیسها جزیرهٔ تاباک را در ینگی دنیا و بندر پُندشیری را در هند از تصرف فرانسه منتزع می نمایند ــ در ایالت وانده که از ایالات داخلهٔ فرانسه است سلطنت طلبان بر ضد جمهوری می جنگند ... ژنبرال دُموريز سردار فرانسه از دولت جمهوري متنفّر شده به اردوي يروسها يناه می برد \_ در شهر پاریس مابین خود جمهوری طلبان نزاع سخت می شود \_ مارات که یکی از رؤسای جمهوریست مقتول می گردد ... قشون اسپانیول به خاک فرانسه ورود می نماید \_ پادشاه نایل با سلاطین متحده بر ضد جمهوری فرانسه اتّفاق می نیمیاید ــ عدد قشون جمهوری به دو گرور می رسد ــ فتوحات و غلبه عساکر فرانسه بر پروس و انگلیس ــ اجساد سلاطین قدیم فرانسه را که در سَنْ دِنْی بودند از قبر بیرون آورده دور می اندازند ـــ ماری آنتوانِت ملکهٔ فرانسه را به قتل می رسانند \_ دین و ایسمان و خداپرستی متروک و در معابد رب النوع عقل را ستایش می کنند \_ تقویم معمول منسوخ شده سال را به سیصد و شصت روز و ماه را به سی روز قرار می دهند و روز بیست و سیّم ماه سیتامبر را که روزیست که دولت شروع به جمهوری می نماید روز اول سال می نامند \_ ناپلیون بُناپار ت که یکی از

صاحب منصبان جزو تو پخانه است و در بندر تولن با انگلیسها می جنگند قابلیتی به ظهور می رساند. (لهستان) ـ تقسیم شدن مملکت لهستان مابین روس و پروس.

ينگى دنيا \_ (اتائونى) \_ واشنگتُن مجدداً به رياست جمهورى منتخب مىشود.

### [سنهٔ ۱۲۰۹ هجری = سنهٔ ۱۷۹۶ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال حضرت شهریار کامکار میرزا محمدخان دولوی قاجار حاکم قزوین را به در بار گردون آثار احضار فرموده منصب امیرالامرائی و بیگلر بیگی گری طهران را به او مفوض و مخصوص داشتند و مهدیقلی خان قوانلوی قاجار به حکومت قزوین منصوب شد ــ نیز در ماه شوال این سال موکب همایون یادشاهی تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و چندی در این ساحت خلد نزهت به تنفرج و شکار پرداخته بعد به طرف اردبیل توجه فرمودند و محمدحسین خان قوانلوی قـاجـار را امـر فـرمـودند که پل خداآفرین واقع در شش منزلی شوشی را که بر روی رود ارس است حراست و نگاهیانی کند ولی وقتی مشارالیه به این محل رسید که آن پل را به گفتهٔ ابراهیم خلیل خان جوانشیر خاکم شوشی خراب کرده بودند، لهذا نواب اعتضادالدوله سليمان خان قاجار قوانلو به امر اعلى به مرمّت و ساختن يل مز بور پرداخته و سنگری محکم نیز برای مستحفظین پل در آن حوالی ساخته و نواب علیقلی خان به نظم و حراست حدود و نواحی ایروان مأمور گردید و مصطفی خان قاجار به تدمیر و تنبیه مصطفی خان طالش محکوم گشت. پس از آن موکب نصرت اقتران از رود قراسوی اردبیل عبور کرده در آدینه بازار اقامت جُست و نواب امیر کبیر سليمان خان و محمدحسين خان قوانلو با لشكرى جرّار به معاونت مصطفى خان قاجار رفتند، جماعت طوالش احمال و اثقال خود را به سفاین گذاشته به سالیان فرستادند اهل سالیان آنها را راه نداده لهذا آن احمال به تصرف عساکر فیروزی مآل درآمد و پس از غلبه بر طوالش و مغلوب شدن مصطفی خان و شاهیلنگ خان اهل و كوچ جـمـاعتى از آن طايفه را به مازندران كوچانيدند و مصطفى خان پس از آنكه حصون محکمهٔ آن سامان را با خاک یکسان نمود مظفّر و منصور به آردوی همایون

معاودت کرده شاه نواز پسر شاه پلنگ خان طالش را که در جزو سایر اسرا به در بار معلی آورده بود به تقبیل عتبهٔ پادشاهی فایز ساخت و او مورد عنایت گردیده شاه نواز خان لقب یافت ... هم در این سال در غرّهٔ دیحجه موکب شهریار منصور از پل خداآفرین که مجدداً ساخته و مرمّت شده بود عبور نمود و ارامنهٔ قراباغ به حوالی شوشی رفتند محمدولی خان قوانلو و مصطفی خان قاجار بر سر آنها تاخته جمعی را مقتول و برخی را اسیر کرده به حضور همایون آوردند بعد از آن موکب اعلی از پل ملانصرالدین واقع در سه فرسنگی شوشی عبور کرده قلعهٔ شوشی را در کمال سختی محاصره نمودند مهدیقلی خان برادر حسینقلی خان با کویه ای و جمعی از بزرگان آن مسامان از در عبودیت درآمده به آستان مبارک شتافتند امّا ابراهیم خلیل خان با ده هزار سوار از قلعه بیرون آمده به مجادله و مقاتله پرداخت و بعد از جدّ و جهد زیاد منهزم شده بیاز به قلعه پناه برد، پس از انهزام، ملازمان سپهراحتشام نامه ای به ابراهیم خلیل خان نوشته او را به اطاعت دعوت کردند و ضمناً به او نگاشتند:

(زمنجنیق فلک سنگ فتنه می بارد کو ابلهانه گریزی در آبگینه حصار) ابراهیم خلیل خان که هنوز غروری در سرداشت در جواب نوشت:

(گرنگهدار من آنست که من میدانم شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد)

بالجمله محمدبیگ و اسدبیگ برادرزاده های ابراهیم خلیل خان که در بیرون قلعه مأمنی داشتند به دست پیرقلی خان و عبدالله خان از ملازمان حضرت شهریار عظیم الشأن اسیر شدند، و این فقره غرور ابراهیم خلیل خان را بکاست و عریضهٔ ضراعتی به درگاه رعیت پناه عرض نموده متقبل عبودیت و خراج شد و تحف و پیشکشی تقدیم نمود و ضعف و پیری را علّت تقاعد از شرفیابی قرار داده مستدعی شد که اینک از این مطلب معاف باشد و وقت دیگر به این کار قیام نماید و این مسئول او مقبول گردید \_ هم در این اوان عریضهٔ سلیمان پاشا والی بغداد را با هدایا به حضور موهبت ظهور پادشاهی آوردند \_ نیز در این آیام موکب منصور عزیست تفلیس نمود و فرمانی به والی گرجستان ارکلی خان مرقوم فرموده او را به اطاعت و انقیاد دعوت فرموده ولی او به راه خودسری مایل شده با سپاهی به مقابلی لشکر نصرت اثر شتافته پس از اشتعال نایرهٔ جدال و تحتل مقاساة قتال تاب مقاومت

نیباورده راه گریز پیش گرفت و به تفلیس آمده خواهر و زوجهٔ خود را برداشته به كارتيل رفت و عساكر منصوره تفليس را متصرّف شدند و پانزده هزار نفر را در اينجا اسيير كردند و از تفليس رايت انتهاض به طرف گنجه افراشتند و از گنجه به مغان آمدند ــ هم در این اوقات مصطفی خان دوآو که مأمور دفع مصطفی خان شیروانی بود شیروان را مسخّر نمود و به او امر فرمودند که به محمّدحسن خان حاکم شکّی که بـا بـرادرش سـلـیـمخان کدورت و نزاعی کرده و پناه به حضرت همایون آورده أعـانـت و امداد نماید و أو را در حکومت خود مستقل سازد، و مقارن ورود مصطفی خان به آق داش حاجی سعید و جمعی از اعیان آن نواحی به در بار همایون از دست مصطفی خان قاجار شاکی شدند که به کدخدایان شیروان تعذی نموده و بدون جرم امـوال آنـها را گرفته لهذا مصطفی خان را معزول و احضار فرمودند و علیقلی خان را بهجای او مأمور نمودند و مصطفی خان را در مراجعت در عرض راه سواران خانچوپان بکشتند، حضرت شهریاری در دفع فساد شیروانیان به علیقلی خان تـأكـيد فرمودند و مصطفى خان شيرواني چون چاره جز اطاعت نديد ربقة بندگى را به گردن گرفته متقبّل خراج و مالیات گردید و علیقلی خان پس از انتظام امور شیروان به اردوی همایون معاودت نمود و موکب ظفر کوکب حضرت شهریاری نیز عزيمت بازگشت به طهران فرمود.

(افغان بعد از سی سال سلطنت وفات یافت و شاه این احمدشاه افغان بعد از سی سال سلطنت وفات یافت و شاه زمان پسرش به جای او به امارت نشسته استقلال بهمرسانید.

اروپا ... (آلمان) ... هاهنمان طبیب ساکسی معالجهٔ امراض را به مِثل قرار و رواج داد، و فرنگیها این قسم معالجه را هُومْ اُپاتُ هی می نامند. این قسم معالجه شبیه است به دفع فاسد به افسد. (سایر همالک اروپ) ... انگلیسها جزایر مارتینیک را از تصرّف فرانسه ها خارج می سازند ... جزیرهٔ کرس متعلّق به فرانسه را نیز پااولی نام بر ضد فرانسه ها شورانده می خواهد از تصرّف آنها منتزع گردد ... سفاین انگلیس بعضی بنادر این جزیره را متصرّف اند ... عساکر اسپانیول که به

خاک فرانسه ورود و تخطی نموده بودند فرانسه ها آنها را می دوانند و از خاک خود بیرون می کنند ــ ژنرال هٔش سردار فرانسه معسکر خود را در کنار رود رن سمت آلمان قرار می دهد، بیشگیرو سردار دیگر فرانسه باژیک را متصرف می شود ... عساكر فرانسه به سرداري ماسنا به خاك ايطاليا ورود مي كند ــ قشون فرانسه هلاند را می گیرند ــ در جزایر متعلقه به فرانسه جنس سیاه پوستان که در بند رقیت بودند آزاد می شوند ــ در ایالت وانده فرانسه فیمابین جمهوری طلبان و هواخواهان سلطنت حنگ سخت در کار است ــ دان تُن که یکی از رؤسای جمهوریست مقهم و مقتول می شود \_ در مدت سه ماه بر سبیل استمرار در فرانسه از نجبا بـلااسـتثنا هرکس را به چنگ می آورند می کشند و بر صغیر و کبیر و اناث و ذکور و شیخ و شاب نجبا ابقا نمی کنند ــ الیزابت خواهر لوی شانزدهم در پاریس مقتول می شود ــ رُبسْ پِیرْ نیز از رؤسای جمهوری بقتل می رسد و بعد از کشته شدن او قـتــل نجبا و اعیان و هواخواهان سلطنت بهشدت اوّل نیست ـــ وضع جمهوری تغییر کرده از شذت و حذتمی که در خون ریزی داشتند افتاده قدری به ملایمت میل مى نـمايد ــ قحط و غلاى سخت در فرانسه ــ ايجاد مدرسة يلى تكنيك ــ ژَاڤـرُوا سنت هیلر حکیم طبیعی درس علم طبیعی حیوانات به متعلمین می دهد \_ اختراع تلگرافی در مملکت فرانسه به واسطهٔ علایم نه به واسطهٔ سیم معمول حالیه. (ايطاليا) \_ وُلتا نام اختراع چرخ الماس مي كند \_ طغيان كوه آتش فشان وزُوو شهر تورین را معدوم می سازد. (لهستان) ــ شورش اهالی لهستان و منازعهٔ آنها در چند نقطه با عساكر روس ـ كشته شدن جمعى از عساكر روس در ورشو ــ فتوحات عساكر يروس در لهستان و تصرّف نمودن كراكوي را كه از شهرهاي لهستانست ــ سؤوارف سردار روس قتل و نهب زياد در لهستان مي نمايد و شهر ورشو را مجدّداً متصرّف مى شود ــ إشتانيسلاسُ از خانوادهٔ سلطنت لهستان كه داعية سلطنت لهستان را دارد به حكم كاترين امپراطوريس روس از حقوق سلطنت استعفا می نماید \_ یکسال در باب تقسیم لهستان در میان دول روس و پروس و اطریش گفتگو در کار خواهد بود.

#### [سنة ١٢١٠ هجري = سنة ١٧٩٥ مسيحي]

آسيا \_ (ايران) \_ در اين سال فرخنده فال حضرت همايون شهريار بيهمال به استدعای سران و بزرگان قاجار و علما و اعیان و حکمرانان ارادت شعار قبول تاج گذاری فرمودند و در دارالخلافهٔ طهران تاج کیانی از فرق مبارک سلطانی فری نـو و فـروغـي تازه یافت، بازو بندهائي که مرضع و مکلّل به الماسهای دریای نور و تباج مـاه شـده بـود از بـازوی بانیروی پادشاهی بر قدر و قیمت خود فزود. شرایط و لوازم این جشن سعید را ملازمان حضرت و هواخواهان وجود مسعود مبارک بلکه عموم رعایای ایران کاملاً مرعی و منظور نمودند و در جمیع بلاد و ممالک محروسه بر منابر به نام همایون خطبه را مُطرّز و سکّه را مزیّن داشتند. عالی و دانی به عرض تهنیت و تبریک پرداختند، و عیش و شادمانی را مجامع و محافل ساختند، و بعضی از مورخین تاج گذاری اعلیحضرت شهریاری آقامحمد شاه را در آخر سال هزار و دویست و نه نوشته اند. بهرحال بعد از تاج گذاری چندی عساکر منصوره را آسوده و راحت گذاشتند تا از مشقت و خستگی اسفار بیرون آیند، چون چند گاهی بر این منوال گذشت امنای حضرت علیه را مسموع شد که نادر سلطان افشار و بعضی از اهالی مشهد مقدس اموال و نفایس از خزینهٔ حضرت رضوی سلام الله علیه بیرون آورده تصاحب می کنند. نیز معروض داشتند که اوز بک های بخارا بر خراسان استيلاً يافته و مرو را قتل و غارت نموده اند. لهذا موكب همايون در هفتم ذيقعدة این سال از طهران انتهاض فرموده ابتدا تراکمهٔ استرآباد را تنبیهی بسزا نموده پس از آن به طرف حاجرم راندند و از آنجا مصمّم مشهد مقدّس گردیدند. بزرگان خراسان از قبيل اللهيارخان قليجي حاكم سبزوار، و ابراهيم خان كرد شادلو حاكم اسفراين، و امیـرگـونـه خــان زعـفرانلو حاکم خبوشان، و ممش خان زعفرانلو حاکم چناران، و لطفعلي خان حاكم أتك، وجعفرخان بيات حاكم نيشابور، وصفرعلي خان بغایری هریک با فوجی به رکاب اعلی پیوستند. جعفرخان نیشابوری با اهل و عیال مأمور طهران شد \_ میرزا مهدی مشهدی از اجلّهٔ علما به همراهی شاهرخ میرزای افشار و قبهار قبلي ميرزا پسر شاهرخ ميرزا به حضور مبارك تشرف جسته مشمول

اعتماد السلطنه

عنایت و احترام موفور گردیدند و شاهرخ میرزا اذن جلوس یافت ــ نادر میرزا ولد شاهرخ میرزا عریضه ای عرض کرده استدعا نمود که او را مرخص فرمایند با متعلَّقـان بـه هرات رود، مسئول او مقبوله افتاده رخصت یافت ـــ ابراهیم خان شادلو مورد مؤاخذه گشته با کوچ روانهٔ طهران شد. آنگاه اعلیحضرت شهریاری با خضوع و انكساري تمام از دروازهٔ خيابان پياده به روضهٔ مقدّسهٔ رضوي علىساكنها الف سلام و تحیة آمده به زیارت و ضراعت و مراسم عبادت قیام نمودند. پس از آن به امور و مهام ملکی پرداختند و تمامی خزینه و جواهر ثمینه و لألی آبدار و دراری شاهوار نادرشاه افشار که در تصرّف شاهرخ میرزا پسر نادر بود چون تعلّق به سلطنت داشت به ملازمان آستان همایون رسید ــ بعد از بیست روز توقف در مشهد مقدس شاهرخ میسرزا را با اولاد و احفاد امر به رفتن مازندران فرمودند و شاهرخ میرزا در راه درگذشت ــ شاهمرادبگجان اوز بک که در مرو بود صیت شوکت و توجه ملازمان حضرت شهریاری را به ساحت خراسان استماع نموده از مرو راه بخارا پیش گرفت - خوانین خراسان نیز بعد از اظهار عبودیت هریک به حکومت ایالات و اوطان خود منصوب و مرخص شدند، و بعضی از کسان آنها مأمور طهران گردیدند، و محتمدحسن خان قراگوزلو را نزد شاه زمان پستر تیمورشاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را که یکی از بلاد خراسانست و در تصرّف گماشتگان او می باشد واگذار و تفویض به ملازمان حضرت شهریار عظیم الاقتدار نماید، و اسمعیل آقای مکری به رسالت نزد شاهزاده محمود حاكم هرات برادر شاهزمان رفنت \_ همچنين رسولي نزد خان بخارا فرستادند که شهر مرو را خراب کردی و اسیر بردی و بیرام علی خان را که با قاجاریه نسبت داشت هلاک کردی یا اسرا را بفرست یا مهیّای جنگ باش و او مهیای فرستادن اسرا و هدایا بود که حرکت لشکر روس به طرف آذر بایجان و انتهاض اعلیحضرت همایون از خراسان او را از خیال انداخت ــ هم در این اوان خبر دادند که قشون روس به در بند و مغان آمده و قصد تسخیر آذر بایجان دارند، و اهالي باكويه و طالش و ساليان اطاعت آنها نموده، بنابراين محمدولي خان قاجار به سرداری خراسان مأمور شده با ده هزار سوار در این مملکت اقامت كرد، و فتحعلي خان كتول را به حراست قلعهٔ مشهد مقدّس و تعمير روضهٔ مقدّسه و دریافت مالیات فرمان دادند، و موکب ظفراقتران از خراسان عزیمت طهران فرمود 

عساکر روس نیز از میان ولایت داغستان گذشته قلعهٔ در بند را محاصره نمودند. 
و چون در این ایام حکمران در بند پیرمردی صد و بیست ساله بود خودداری و 
نگهداری قلعه نتوانست نمود، لهذا قلعهٔ در بند را قشون روس متصرف شد 
در این اوان کاترین امپراطریس روس که سلطنت داشت درگذشت و چون سپاه 
در این اوان کاترین امپراطریس روس که سلطنت داشت درگذشت و چون سپاه 
روس خبر فوت او را شنیدند ممالک شیروان و در بند و آن نواحی را تخلیه کرده به 
مملکت خود بازگشتند 

نگارنده گوید مورتخین ایران این واقعه را از حوادث سال 
مملکت خود بازگشتند 

ورس را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند باید این سانحه را به سال بعد 
نسبت داد 

هم در این اوان یعنی در اواخر سال هزار و دویست و ده محمد 

نسبت داد 

هم در این اوان یعنی در اواخر سال هزار و دویست و ده محمد 

سفیری کدوخان نام از جانب شاه زمان با او همراه و عریضه ای داشت مبنی بر 

تشیید مبانی ارادت و تفویض بلخ از روی کمال میل 

هم در این سال حضرت 

مستطاب جهانبانی را که به حکومت فارس مشعول بودند پسری از بطن صبیه 

شیخعلی خان به وجود آمد و موسوم به شیخعلی میرزا گردید.

(چین) \_ استعفای خیان أونگ خاقان چین از سلطنت بعد از پنجاه و نه سال پادشاهی \_ برقرار شدن پسرش کیاکن به جای او که بیست و پنج سال سلطنت خواهد کرد \_ بسط مملکت خیان لونگ تا سرحذات ایران و ساحل جیحون بوده و تمام ترکستان و تاتارستان را مسخر نموده. این پادشاه از دانشمندان بزرگ و مرقبین علوم و صنایع شمرده می شود، و تألیفات عدیده از او باقیمانده است.

اروپ سے پیشگر و سردار فرانسه مملکت هلاند را کلیّتاً متصرف می شود و والی هلاند به خاک انگلیس پناه می جوید به اسپانیول با فرانسه درصدد مصالحه می باشد به مابین پروس و فرانسه در شهر بال عهد مصالحه منعقد می شود اتما منازعهٔ اطریش با فرانسه کماکان به حال خود برقرار است به کاترین دویّم امپراطریس روس سفاین جنگی خود را با انگلیس بر ضد فرانسه متحد می سازد به

اعتماد السلطنه

انگلیس درصدد مخاصمه با مملکت هولاند که دوست فرانسه و در زیر حمایت او است می باشد و در رأس امید افریق، و سیلان هند، و سایر جاها حمله به متصرفات هلاند می برد \_ عساکر اطریش با لشکر جمهوری فرانسه در آلمان مشغول حنگ می باشند \_ در اواحر این سال مابین اطریش و فرانسه متارکه مى شود \_ لهستان را روس و پروس و اطريش بالسويه قسمت مى كنند و سلطنت لـهــــتان را از نوشتجات رسمي و نقشه جغرافيا به وضع استقلال حذف مي نمايند و بعدها این مملکت مجزی شده دولت منفرده و سلطنت مستقلّه نخواهد بود، اِستانیسلاس پُیناتوشکی که آخر پادشاه لهستان بود گوشه گیری و انزوا اختیار کرده موظف به وظایف دول ثلا ثهٔ روس و پروس و اطریش خواهد بود. (فرانسه) ــ فوت لوی هفدهم پسر لوی شانزدهم در سن ده سالگی در محبس تامیل ـــ گویند به زجر او را مقتول نمودند، بهرحال پس از فوت او عم او که در خاک آلمان بود خود را لوی هیجدهم نامیده به سلطنت فرانسه و حقیت خود در این دعوی معرفی می نماید ـــ ژنرال هٔش سردار جمهور در برتانسی با بعضی از سلطنتطلبان فرانسه که انگلیس آنها را مسلّح نموده و محرّک شده و از خاک انگلیس به خاک فرانسه ورود داده جنگ كرده سلطنت طلبان مذكور را شكست مي دهد \_ وضع دولت فرانسه به دست پنج نفر رئیس خواهد بود که این وضع را دیرک تُوار می نامند ... شورش سخت در پاریس ــ ناپلیون بُناپارت که تو پخانهٔ پاریس در تحت ریاست او بود این شورش را رفع می نماید ــ ایجاد مدرسهٔ مخصوص علم طبّ که علوم دیگر در آنجا تدریس و تحصیل نمی شود ... همچنین مدرسة بیطاری ... تعیین مقادیر به وضعی مخصوص که در صحت آن تردیدی نمی باشد به این معنی که از قطب تا خط استوا مسافتی که به خط مستقیم مابین نقطتین است به بیست کرور قسمت متساوی تقسیم می شود و هریک قسمت را متر قرار می دهند. همینطور اوزان را نیز قِسمى معين مىنمايند كه به صحّت كإمل مقرونست ــ ايجاد وزير احتساب در یاریس ... دختر لوی شانزدهم که در حبس بود با اسرای جمهوری که در آلمان بودند میادله می شود.

#### [سنة ١٢١١ هجري = سنة ١٧٩٦ مسيحي]

آسیا (ایران) ــ در این سال اعلیحضرت شهریار تاجدار آقامحمد شاه عزم تسخیر ارمنستان و تدمير ابراهيم خليل خان حاكم قراباغ كه تقاعد از خدمت داشت فرمودند، و قبل از انتهاض موکب اعلی نواب مستطاب جهانبانی را از شیراز به دارالخلافة طهران احضار فرموده بيش از پيش به تفقدات كامله درجة اختصاص داده آن حضرت را در مجلسی خاص خواندند و در حضور مبارک نشاندند و به کمال عقل و وفور حزم و لیاقت مملکت داری و رعیت پروری و سایر خصایص شهریاری ستودند و فرمودند: «در تصفیهٔ ممالک و بلاد و کشورستانی و لشکرکشی رنج بسیار دیده و رحمت بیشمار کشیده ام و تو را برای تخت و تاج سلطنت ایران برگزیده، اینک سفری سخت در پیش دارم و چنین می پندارم که این آخرین ملاقات من با تو باشد بدین واسطه تو را احضار کردم که هم دیده به دیدار تو روشن کنم و هم بعضی وصایای خود را به تو اظهار نمایم»! حضرت مستطاب جهانبانی از استماع این کلمات منقلب گردیده گریستند و وجود مسعود همایون را دعا و ثنا گفتند. شنیدنیها شنیدند و به مراجعت به مقر حکمرانی و مملکت فارس مأمور گردیدند ... نگارنده گوید: بنابر این مقالات است که بعضی از محققین گویند حضرت مستطاب جهانبانی در همین سال به ولایتعهد برقرار گردیده اند. آگرچه به زعم بعضى در هزار و دويست و نه و بهعقيدهٔ برخى در هزار و دويست و چهار به اين مقام منیع نایل شده اند \_ خلاصه موکب همایون در اول بهار به طرف چمن سلطانيه نهضت فرما شد و از شاهزادگان نواب عباس ميرزا و محمدقلي ميرزا و حسينعلى ميرزا وحسينقلي حان برادر حضرت مستطاب جهانباني ملتزم ركاب اعلى بودند. ميرزا شفيع صدراعظم با ميرزا محمدخان قاجار دولو به حراست دارالخلافة طهران مأمور گشتند و حاجي ابراهيم خان اعتمادالدّوله نيز با اردوي همایون همراه شده راه کنار رود ارس پیش گرفتند و در سلطانیّه به شکار جرگه پرداختند ــ امّا از آن طرف ابراهیم خلیل خان به عزم اینکه راه عبور بر موکب منصور ببندد پل ارس را شکسته بود و آب بر صحاری بسته. اعلیحضرت همایون

اردوی کیوان شکوه را در آدینه بازار گذاشته، و نواب امیرکبیر سلیمانخان و حسینقلی خان و حاجی ابراهیمخان را به محافظت اردو گماشته خود به نفس مبارک با صادق خان شقاقی و جمعی از سیاه ظفرهمراه از آب عبور فرمودند، اگـرچه بعضی از سفاین شکسته و برخی از لشکریان غرق شدند از وضع عبور لشکر منصور ابراهيم خليلخان هراسان شده قلعة محكم پناه آباد را گذاشته به داغستانِ گریخت و قلعه را عساکر نصرت مآثر پادشاهی متصرف شدند و اموال و اثقال و خزاین و دفاین زیاد از این قلعه به دست آمد، ولی بعد از این فتح و غلبه کوکب حيات شهريار عظيم الاقتدار ايران ميل به افول و غروب نمود ـ تبيين اين مقال آنکه: سه نفر از ملازمان حضرت و چاکران خلوت مصدر جرم و جنایتی شده اعليحضرت همايون آنها را به وعيد قتل تهديد فرمودند، و چون به تجربه بر آنها معلوم شده بود که آنچه را شهریار تاجدار بیان و اظهار فرمایند لابد به عمل خواهد آمد و شفاعت و ضراعت ثمري نخواهد بخشيد، بنابراين زندگاني خود را منحصر به شهادت یادشاه ذیجاه ایران دانستند. لهذا در شب شنبهٔ بیست و یکم ذیحجه هنگام سحر بر سَر بالین آن شهریار تاجور آمدند و روانی را که از بزرگی در جهان نمی گنجید روانهٔ غرفات جنان نمودند و تاج و کمر و بازو بندهای مشهور و صندوقیچهٔ جواهر را برداشته نزد صادق خان شقاقی بردند ــ مدت سلطنت شاهشهید آفیامحمّد شاه طاب ثراه از فوت کریم خان وکیل هیجده سال و دو ماه بود که تقریباً در ظرف یازده سال کمال استقلال را داشتند ... نگارنده گوید که: جمیع موزخین ایران و فرنگ شهادت شاهشهید سعید را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند مگر لسان الملک که در شب شنبه بیست و یکم ذیحجهٔ هزار و دویست و دوازده نگاشته است ــ بهرجال از مآثر مشهورهٔ ملوکانهٔ این پادشاه تعمیر بلدهٔ طهران، و تذهبيب قبّة حضرت سيّدالشهداء عليه آلاف التحية و الثناء، و ضريح نقرة مُطلاًى نحف اشرف، و مرمت روضهٔ مقدسهٔ رضوی علیه السلام و مسجد جامع قزوین است ـــ مدّت عمر شريفش پنجاه و هفت سال و الحق از سلاطين باعزم و حزم و ابهّت و مهابت بود و در مدّت سلطنت و کشورستانی اقدامات بزرگ فرموده است. پس از آنکه شهریار معظم آثار به سعادت شهادت فایز گشت و آن شب

بسرآمد، على الصباح انقلابي در اردو پديدار شد، محمدحسين خان قاجار سركشيكچي باشي و ميرزا رضاقلي نوائي منشي الممالك سراسيمه به خوابگاه یادشاه ذیجاه شتافتند و پیکر مبارکش را غرقه به خون یافتند، آنجه از اسباب سلطنت باقبي بود برداشتند و از راه نخجوان روانهٔ طهران شدند و اهل آن ولايت بقيّة اردو را غارت کردند. و چون این خبر وحشت اثر به اردوی بزرگ رسید لشکر متفرّق شدند. حسینقلی خان و نواب سلیمان خان در رکاب شاهزادگان عظام روانهٔ رشت گردیدند و از رشت راه دارالخلافه پیش گرفتند. حاجی ابراهیم خان اعتمادالدّوله با جمعی از تفنگچیان مازندرانی از راه اردبیل و زنجان به طرف طهران روان گشت و نجفقلی خان شاهیسون در راه با ایشان همراهی نمود. نواب علیقلی خان از راه خوی و مراغه و تبریز به دارالخلافه آمده در چهار فرسخی طهران اقامت کرد. امرا در قـزو يـن بـه يكديگر رسيدند و به اتفاق به قريهٔ دولاب طهران شتافته در اين محل بماندند. نواب حسينقلي خان ثاني برادر كهتر حضرت مستطاب جهانباني خواست به شهر طهران ورود نماید میززا محمدخان دولوی قاجار بیگلر بیگی طهران بنابر وصيت شهريار مغفور نورالله مضجعه، احدى را به شهر راه نداد و منتظر وصول وارث بالاستحقاق تخت و تاج سلطنت ايران گرديد، و ميرزا محمد شفيع صدراعظم كه چندی وزارت اعظم حضرت آقامحمد شاه طاب ثراه را داشت و بعد از آنکه حاجی ابراهیم خان به این مقام رسید، اوازاین رتبه عاطل و این اوقات در دارالخلافه بود در این باب با امیر معظم همراهی کرد و برج و بارهٔ قلعه طهران را به تفنگچیهای مازنـدرانـی سپرده در بر روی تمامی امرا بستند و بر مرصد انتظار نشستند ـــ هم در این سال نواب عبدالله میرزا و نواب محمدرضا میرزا و نواب امامویردی میرزا فرزندان حضرت مستطاب جهانبانی متولد شدند ... نیز در این سال قبل از شهادت شاه سعید شهید انارالله برهانه فرستاده ای که نزد شاهزاده محمود حاکم هرات فرستاده بودند بازگشت و شاهزادهٔ مشارالیه اظهار خلوص و ارادت نموده ومعروض داشته بود که اگر قبول افتد من نیز یکی از حکّام پادشاه فلک خرگاه ایرانم، اگر احكام و فرامين شهرياري شرف صدور يابد ميان به خدمت خواهم بست و به ملازمان حضرت خواهم پیوست، و بعضی این واقعه را به سال قبل نسبت داده اند.

نواب مستطاب وإلا حاجي معتمدالذوله در جام جم مي فرمايند كه: در شؤال المكرم هزار و دويست و ده هجري حضرت آقامحمد شاه به سمت استرآباد و گرگان روان شدند. طوایف ترکمان را تاخت و تاز کرده از دهنهٔ قراشیخ به خراسان روان گردیـدنـد، کـل سـران خـراسـان به تلثیم عتبهٔ همایون او شتافتند و شاهرخشاه اعمى را جناب ميرزا مهدى مشهدى به حضور آورد و در خراسان تـشریف داشتند که خبر قزل ایاغ و فتنهٔ گرجستان به سمع شریف ایشان رسید، دفع و رفع آن طایفه را اهم دانسته مراجعت کردند، و فصل زمستان در طهران به تهیهٔ لشكر پرداخته در اواسط ذيقعدة الحرام هزار و دويست و يازده هجري به جانب گرجستان رایات همایون به حرکت آمد. پس از فتح آن حدود در قلعهٔ شوشی در شب شنبه بیست و یکم شهر ذیحجه الحرام هزار و دویست و یازده هجری به دست صادق نمام فراش خملوت شهيد شدند و لفظ تاريخ تاريخ او است و حاكم قراباغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر که از اکابر آن ولایت است از شدت بأس آن پادشاه روگردان شد،و پس از شهادت ایشان خاقان مغفور عنایت کرده وحشت او را به راحت و اطمینان مبذل ساختند و صبیّه او را به عقد ازدواج خود درآوردند، القصّه ولادت آن پادشاه قبهار در روز یکشنبه بیست و هفتم محرم الحرام هزار و صد و پنجاه و پنج در قصبهٔ استرآباد اتفاق افتاد و از عمرشان پنجاه و شش سال گذشته بود \_ انتهى.

(ترکستان) — هم در این سال ایلندز بن عوض اینان بن محمد امین اوز بک قنقرات در خوارزم خروج کرده با تراکمهٔ یموت و غیره جنگ و جدل درانداخت و برآنها غالب آمد — پوشیده نباشد که در این اوان میرمعصوم مکنی به شاهمراد ملقب به بگجان در بخارا حکمران بود، و نیازعلی بی ولایت شهر سبز سمرقند داشت، و امیرعالم بی درخوقند و دارالملک فرغانه حکمرانی می کرد و یلدوزخان در اندخود حکومت می نمود. (هندوستان) — تیپوصاحب بر ضد انگلیسها با فرانسه متحد می گردد.

اروپا ــ ارلند که وضع جمهوری فرانسه را دیده و پسندیده می خواهد از انگلیس

مجزی شود و به وضع فرانسه جمهوری باشد \_ عساکر جمهوری فرانسه به سرداری نـاپلـيـون بـنـاپارت كـه در ايـن وقـت بيست و هفت ساله مي باشد در ايطاليا بر ضدّ عساكر اطريش فتوحات مي نمايد ــ ژنرال ماينا نقاط ديگر ايطاليا را متصرّف مے شود ہے مُٹُر سردار دیگر فرانسہ در سواحل رن قشون اطریش را کہ بہ سرداری آرشیدوک شارل بودند شکست می دهد ... ژنرال بناپارت در ایطالیا بیست هزار اسیر و پنجاه عراده توپ از اطریش می گیرد و شکستهای سخت به و ورنمسِر، سردار اطریش می دهد و باسان را مسخّر کرده فتوحات دیگر نیز می نماید ــ غالب ایالات ایطالیا که جزو اطریش نبودند و والی و سلطنت مستقلی داشتند، همچنین بعضی از ممالک آلمان یا تبعیّت فرانسه را قبول می کنند یا با دولت جمهوری عهد دوستی مي بندند. (اسيانيول) ـ اتحاد ايندولت با جمهوري فرانسه كه به واسطهٔ اين اتّحاد اعلان جنگ به انگلیس می نماید. (فرانسه) ـ نایلیون بنایار ت که به سرداری عساكر فرانسه مأمور جنگ ايطاليا برقرار شده بود ژوزفين نام را كه ثيبه بود در هشتم ماه مارس در حبالهٔ نکاح خود درمی آورد، شوهر اول ژوزفین بُهارتیه بوده و دو فرزند از او داشته یکی پسر موسوم به اوژن و یکی دختر مسمّاة به هُرتانس ـــ لاپلاس منجم، كتاب نجومي تصنيف كرده كه هيئت عالم را به وضعي غير از وضع بطلميوس دانسته و سبک جديد هيئت را انتشار مي دهد. (هلاند) ــ دولت هلاند من بعد موسوم و معروف به جمهوری باتاو خواهد بود، و دولت انگلیس متصرّفات هلانـد را در هندوستان و افریقا به غلبه می گیرد. (ایطالیا) ــ ویکتور آمِدة سيّم بعد از بيست و سه سال سلطنت وفات نمود و پسرش اِمانُولُ چهارم به جای او به تخت سلطنت جلوس کرد. (روس) ــ هِراکلیوس پادشاه گرجستان در تحت حمایت روس درمی آید ــ کاترین دوتیم امپراطریس روس در سن شصت و هفت سالگی به مرض سکته وفات می کند ــ مدت سلطنت کاترین سی و پنج سال بوده است و پس از فنوت او پسرش پُل اوّل به جای مادر در سنّ چهل و دو سالگی به امپراطوری روس برقرار می گردد.

## [سنة ١٢١٢ هجري = سنة ١٧٩٧ مسيحي]

آسياً (ايران) ـ روز دويم محرم اين سال خبر شهادت شاهشهيد سعيد آقامحمد شاه طاب تراه در شیراز به حضرت مستطاب جهانبانی رسید، و حامل خبر بابایوسف شاطر بود که در پیاده روی با باد دعوی همقدمی داشت ــ جلوس حضرت امجد اعظم بر تخت خاقانی و اریکهٔ سلطنت در روز عید رمضان این سال خیرمآل است چنانکه ذکر خواهد شد. ولی به زعم بعضی از مورخین در هیجدهم محرّم در شیراز سلطنت خود را اعلام، و جلوسی نه با تمام تشریفات تاج گذاری فرمودنـد و احکـام و فرامین به حکّام ولایات و ایالات مرقوم و صادِر گردید که در وقت معيّن به دارالخلافة طهران حاضر شوند. بعد از آن نواب شاهزاده محمّدعلي میرزا را نیابت شیراز داده در اواخر ماه محرّم موکب مسعود خاقانی از شیراز انتهاض نـموده روز بيستم ماه صفر به دارالخلافة طهران نزول احلال فرمودند. بعضي حركت موکب خاقانی را از شیراز روز بیستم محرّم و ورود به دارالخلافه را در چهارم صفر نوشته اند ولى روايت اول طرف اعتماد است چنانكه نواب والا حاجي معتمدالدوله در كتاب جام جم همينطور مرقوم و ضبط فرموده اند ... خلاصه در كناره كرد نواب حسينقلي خان و حاجي ابراهيم خان و ساير امرا بار حضور همايون يافتند و نواب حسینقلی خان به آوردن علیقلی خان عمو که سودای سلطنت در سر داشت مأمور شد. و علیقلی خان دو روز بعد از ورود به دارالخلافه از حلیهٔ بصر عاری گردیده او را در بارفروش موقوف بداشتند ــ نیز از اشخاصی که بعد از شهادت شاهسعید شهید به خیال خودسری و سربلندی افتاد صادق خان شقاقی بود به تبیین آنکه: قاتلین شاه جنت جایگاه پس از ارتکاب این شناعت اول کسی را که از این غایلهٔ هایله خبر کردند صادق خان شقاقی بود و او چون این واقعه را باور نمی نمود قاتلان به بالین شهریار رضوان مکان شتافته جواهر گرانبها و لآلی و دراری ثمینهٔ مخصوص شخص سلطنت را برداشته نزد صادقخان آورده به او تسلیم کردند و او یقین بر ماجری نموده و تشعشع جواهر شاهوار و لآلی آبدار در دماغ او سودای سلطنت توليد كرد. لهذا بي تأمّل از قلعهٔ پناه آباد بيرون آمد و مصمّم عراق شد، يعنى

ابتدا به سراب آمده برادر خود جعفرقلی خان را به حکومت قراجه داغ مأمور و برادر دیگر را که محمّدعلی سلطان نام داشت به داروغگی تبریز فرستاد و خود به قزوین رانىده ايىن بىلدە را محاصره نىمود. چون اين جىملە معروض آستان حضرت خاقان شد ابتدا حسین خان قاجار قزوینی قوللر آقاسی را مأمور قزوین کردند، و در این اوان محتمدولي خيان قياجيار كه ميأميور حراست مشهد مقدّس بود به دارالخلافه آمد و موكب منصور شهريار عظيم الشأن حضرت خاقان با عساكر فراوان متوجِّه قزوين شد، صادق خان شقاقی نیز با بیست و پنج هزار قشون آذر بایجان در محل موسوم به خاکعلی از حومهٔ قزوین مهیّای جدال شد پس از تلاقی دو لشکر و جنگ سخت صادق خــان شکــسـتـی فاحش یافت و ده هزار نفر از همراهان او مقتول و مجروح و دستگیر شدند و خود به طرف سراب گریخت و این در اواسط ماه ربیع الاول بود. یس از غلبهٔ عساکر منصوره حضرت خاقان شهر قزوین را به ورود مسعود مزین فرمودند و در اینجا چند تن از غلامان و دو نفر را که در قتل شاه شهید دخالتی داشتند به راه عدم روانه نمودند و چون نواب حسینقلی خان در جنگ با صادق خان جلادتی به کار برده بودند به حکمرانی ایالت فارس نایل گردیدند و رأیات ظفرآیات همايون متعاقب صادق خان روانه آذر بايجان گرديد، بعد از ورود به زنجان معلوم شید که در آن حدود و سامان طاعون بروز کرده این واقعه اسباب معاودت اردوی معلَّى به دارالخلاف گردید، و در ماه جمادیالآخره این سال موکب همایون به طهران معاودت فرمود \_ هم در این اوان محمد خان قوانلوی قاجار ایروانی را که چندی مغضوب بود به ایزوان مأمور فرمودند، و اسمعیل خان قاجار شامبیاتی را به كوتـوالى قلعة مز بور فرستادند، و جعفرقلى خان دنبلى حكومت خوى و تبريز يافت، و صادق خیان شقاقسی ربقهٔ انقیاد را به گردن گرفته جواهر و اثاثهٔ سلطنت را به حضور موهبت ظهور خاقانی انفاذ داشت و به حکومت سراب و گرمرود نایل گردید، و ابراهیم خلیل خان نیز کمر اطاعت به میان بست و حسینقلی خان عزالدين لوي قاجار به حمل نعش شاه شهيد سعيد نورالله مضجعه كه در شوشي امانت گذاشته شده بود مأمور گردیده جسد مطهر آن شهریار عظیم الاقتدار را به دارالخلافه آوردند، و هنگام ورود حضرت خاقان و جميع شاهزادگان و امرا و

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

اعیان و علما و معارف با لباس سیاه تا یکمنزلی دارالخلافه نعش را استقبال کردند و در حضرت عبدالعظیم(ع) امانت گذاشتند و شرایط فاتحه خوانی وخیرات مبرات كامل به عمل آمد. بعد از آن به همراهي محمدعلي خان قوائلوي قاجار، و ابراهيم خـان عـزّالـديـن لـو، و مـلامصطفى قمشه اى، و ميرزا موسى منجم باشى گيلانى، و جمعیی قرّا و سایر لوازم و تهیّهٔ تمام، آن نعش شریف را به طرف عتبات عرش درجـات حـركـت دادند و ولاة و حكّام عجم و عرب به استقبال شتافته احترامات و تعظيمات لايقه نمودند. خلاصه روز بيستم شهر رجب جسد مطهر شاه شهيد در نجف اشرف در محلّی خاص مدفون شد ... هم در این سال پانصد هزار تومان از بقایای ولایات ممالک محروسه را به تخفیف دادند، و در روز عید رمضان این سال که تحویل آفتاب از برج حوت به حمل نیز در این روز اتفاق می افتاد حضرت خاقان به ساعتمي سعد رسماً بر تخت كياني و سرير جهانباني جلوس فرمودند و تشریفات تاج گذاری به وجه اکمل به عمل آمد و آن روز فی الحقیقه برای عموم اهالی ایران سه عید سعید بود ، عید رمضان و روز نور وز و جلوس خاقان گیتی ستان. و فتحعلى خان ملك الشعراء متخلص به صبا از اعاظم اهالي كاشان و فحول شعراي زمان قصیدهٔ فریده در تهنیت جلوس همآیون به عرض آستان مبارک رسانید که ماده تاریخ جلوس خاقانی را در آخر آن قصیده بدین نحو انشاد کرده (ز تخت آقامحمد خان شد و بنشست باباحان) و نواب والا حاجي معتمدالدوله نيز لفظ بابا را بطوریکه خود نواب معظم اختراع فرموده اند تاریخ قرار داده اند. به این نحو که کلمهٔ بابا عبارتست از دو بای موخده و دو الف و چون هریکی به ترتیب به این شکل (بُ أَ بُ أَ) با ارقام هندسي مطابق شود عدد هزار و دويست و دوازده مي شود كه سال جلوس حضرت خاقان کشورستانست \_ هم در این سال تقی خان یزدی در خدمت تعلّل نموده، محمّدحسین خان برادر کهتر حاجی ابراهیم خان شیرازی به سرداری این ولایت سرافراز شده بدانجا شتافت و وجوه مالیات دوساله را با ابوالهادي خان ولد تقي خان گرفته به دارالخلافه آورد و پس از چندي حكومت كرمان نيز به تقى خان مفوض گرديد ـــ هم در اين سال محمّدخان زند كه پس از استیصال و انقراض زندیّه در اطراف در بدر بود مقارن فتنهٔ صادق خان شقاقی موقعی

به دست آورده با جمعی از الوار به اصفهان آمد و از آنجا که حاجی محمد حسین خان بیگلر بیگی اصفهان در در بار همایون بود رمضانعلی خان از عهدهٔ دفع کردن محمدخان برنيامد و او بر اصفهان استيلا يافت و ميرزا عبدالوهاب مستوفى اصفهاني را دخیل در امور ولایتی نمود. اعلیحضرت خاقان فتحعلی شاه قاجار حسینقلی خان دولو، و مهرعلي خان داشلو، و اللهوردي خان عزالدين لو، و حسين خان قاجار قزوینی را با لشکری بر سر محمّدخان زند فرستادند و عساکر منصوره محمدخان را مقهور و منهزم ساخته ميرزا عبدالوهاب مستوفى را نيز از نور بصر محروم و مهجور ساختند، و مقرّر بود محمدعلی خان قاجار اصفهان را به جرم اطاعت محمدخان قتل کند ولی به شفاعت علما و سادات اهالی معفو گردیدند و یوسفخان بختیاری نـجفخان زند را گرفته به آستان مبارک فرستاد و او بهسزای خود رسیده روانهٔ دیار عدم گردید \_ هم در این سال جعفرقلی خان دنبلی و صادق خان شقاقی با یکدیگر مخالفت کرده صادق خان به مغان و شیروان گریخت و آخرالامر باهم دست موافقت داده محمّدقلی خان آفشار حاکم ارومی را نیز فریفته بنای خودسری را گذاشتند. حسینقلی خان افشار برادرزادهٔ محمدقلی خان از پیش عم خود گر یخته به در بار گردون آثار آمد و واقعه را به عرض رسانید و خود او با محمّدعلی خـان عـرب بسطامي كه يوز باشي غلامان بود به اطفاي نايرهٔ اين فساد مأمور گرديد و محمّدولی خان قاجار به دفع محمّدخان زند به سیلاخور و بروجرد رفت، و نواب امیرکبیر سلیمان خان قاجار مأمور آذر بایجان شد ــ هم در این سال محمود میرزا و فيروز ميرزا پسران تيمور شاه بن احمد شاه افغان ابدالي حكمران كابل و قندهار از اقامت در افغانستان هراسان شده به آستان اعليحضرت خاقان آمدند وسبب وحشت آنها این بود که شاه زمان برادر کهتر شاهزاده همایون که ولیعهد تیمورشاه بود خروج نموده او را بگرفت و کور کرد و در بالاحصار کابل بند نهاد، این معنی سبب خوف و هراس محمود میرزا و فیروز میرزا شده به در بار اعلی روی نهادند، اسمعیل آقای مکری نایب ایشیک آقاسی باشی به مهمانداری آنها مأمور و روانهٔ یزد شد و آنها را به طهران آورد. چراغعلی خان نوائی که امیری سنجیده و دبیری فهمیده بود به مصاحبت این دو امیرزاده و کامران میرزا ولد محمود میرزا مقرّر و محکوم شد. و بعدها به توقف آنها در کاشان اشارت رفت، و اسدالله خان ولد ابراهیم خان اعتمادالدوله به مهمانداری آنها پرداخت و مشمول الطاف عمیمهٔ خاقانی گردید به هم در این سال موکب اعلیحضرت خاقان گیتی ستان متوجه سلطانیه شد و روز هیجدهم ذیحجه به این ناحیه نزول اجلال فرمود و صادق خان شقاقی نواب امیرکبیر سلیمان خان قاجار را شفیع جرایم خود قرار داده و جعفرقلی خان به اکراد بایزیدی پناه برد، و محمدقلی خان افشار ارومی پس از قلعه داری دستگیر گشت به هم در این سال محمدهادی خان والد رضاقلی خان امیرالشعراء متخلص به هدایت صاحب مؤلفات جلیله که به واسطهٔ تهدید شاه شهید سعید انارالله برهانه به عتبات عالیات رفته بود به حکم اعلیحضرت خاقان کشورستان با اهل و برهانه به دارالخلافه معاودت کرد و ریش سفیدی عمله خاوت پادشاهی بر عهدهٔ او عیال به دارالخلافه معاودت کرد و ریش سفیدی عمله خاوت پادشاهی بر عهدهٔ او موکول شد به وفات آقاسید محمد مهدی طباطبائی بروجردی مشهور به بحرالعلوم از اجلهٔ فضلاء و مجتهدین در سن پنجاه و هفت سالگی به کشته شدن سید معصوم علی شاه دکنی از مشاهیر عرفا به رضاعه این عروف در موصل به وفات ملاحسین رفیق شاعر اصفهانی از عرفای معروف در موصل به وفات ملاحسین رفیق شاعر اصفهانی از عرفای معروف در موصل به وفات ملاحسین رفیق شاعر اصفهانی .

اروپا - اسپانیولی ها که با فرانسه متحد می باشند با انگلیسها [مشغول به خنگ] هستند - عساکر اطریش با قشون جمهوری فرانسه در ساحل رودخانهٔ رِنْ زد و خورد می کنند - فتوحات ناپلیون بناپارت با جمعیت قلیل در ایطالیا که از آنجمله فتح ریولی و مانتو بود - عساکر اطریش کلیتاً از ایطالیا خارج می شوند - در مدت ده ماه به سرداری ناپلیون بناپارت پنجاه هزار نفر قشون فرانسه علاوه بر غلبه بر عساکر ایطالیا سه اردوی بزرگ معتبر اطریش را شکست دادند و ناپلیون با کمال رشادت به طرف وینه پایتخت اطریش حرکت کرد و تا پانزده فرسخی این

۱. عبارت شکستگی داشت با توجه به علایم بازمانده تصحیح شد. در «تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه» تألیف آلیز ماله ترجمهٔ رشید یاسمی ص ۵۰۵ می نویسد: «انگلیسها در این وقت کاملاً سیادت خود را بر دریاها ثابت کرده و بحریهٔ اسپانیا و هلاند را که با فرانسه متفق بودند درهم شکستند (۱۷۹۷)».

١٤٤٩ أويخ منتظم ناصري

شهر تاخت و مقدمات صلح را مابین جمهوری فرانسه و دولت اطریش ترتیب داد، بنابراین بلژیک را دولت اطریش به فرانسه واگذار می کند و ایالت لُمباردی را در ایطالیا تخلیه می نماید \_ جزایر یونیّن که از جمهوری ونیز بود جزء فرانسه می شود \_ مراجعت ناپلیون بناپارت مظفر و منصور به فرانسه. (انگلیس) \_ بانک انگلیس به قدری بی اعتبار می شود که مدّت بیست و دو سال وجه مسکوک به برات دار نداده فقط اسکناس می دهد. (فرانسه) \_ اغتشاش د ر وضع دولت \_ تفتین سلطنت طلبان \_ بابُف نام که ایجاد طریقهٔ کمونیست کرده به حکم دولت مقتول می گردد \_ فوت هش از سردارهای معروق در سنّ بیست و نه سالگی. (پروس) \_ فوت فردریک گیلیوم دویّم پادشاه در سنّ پنجاه و سه سالگی و جلوس فردریک گیلیوم سیّم پسرش به جای او. (عثمانی) \_ عساکر عثمانی به وضع و طرز قشون فرانسه ملبّس شده مشق می کنند \_ ایجاد مطبعه در اسلامبول \_ حاکم سر بستان به دولت یاغی شده شکست سختی به عساکر عثمانی می دهد و با شرایط مفیده برای دولت یاغی شده شکست سختی به عساکر عثمانی می دهد و با شرایط مفیده برای سر بستان مجدّداً اطاعت می نماید.

امریکا (اتائیونی) ــ واشنگتن از ریاست جمهوری خلع و ژُنْ آدامس به جای او منصوب و برقرار می گردد.

#### [سنهٔ ۱۲۱۳ هجری = سنهٔ ۱۷۹۸ مسیحی]

آسیا (ایران) ـ در ششم محرّم این سال موکب همایون خاقان کشورستان به ظاهر شهر ارومی نیزول اجلال فرموده به نظم آن صفحات پرداختند و در هفدهم محرّم رایت عزیمت به جانب خوی و سلماس افراشتند و حسین خان برادر جعفرقلی خان دنبلی خدمات نموده مورد مرحمت گردید ـ هم در این سال حسینقلی خان برادر اعلیحضرت خاقان با وجود رعایت مخصوص که از او فرموده بودند یعنی حکومت فارس را که به شاهزاده محمدعلی میرزا تفویض شده بود به او عنایت کردند باز به فارس را که به شاهزاده محمدعلی سلطنت در سرداشت و بدین جهت میرزا نصرالله راه نفاق می رفت و سودای سلطنت در سرداشت و بدین جهت میرزا نصرالله علی آبادی مازندرانی را که در عهد شاه شهید سعید به وزارت حضرت خاقانی برقرار

بود و در این وقت از جانب اعلیحضرت همایون وزارت و پیشکاری فارس داشت با آقامحمّد زمان که کلانتر فارس و برادر حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله بود و میرزا اسمعیل کوتوال قلعهٔ شیراز را گرفته کور کرد و جمعی را به گرفتن جان محمد خان قـاحـار سـردار لار فـرسـتـاد و او به طرف كاشان گريخت و حسينقلي خان بر اثر او شتافته اما به او نرسید لهذا در آباده توقف کرده رستمخان بیات را به محافظت شیراز روانه نمود و بنه را به میرزاعلی گرایلی سپرد که به ایزدخواست برد و خود به اصفهان راند. حاجی محمدحسین خان بیگلر بیگی اصفهان قبل از ورود او، عیال و پسر بزرگش عبدالله حان را به یزد روانه کرد و خود با محمدعلی خان قاجار در خارج اصفهان نشست، و این خبر وقتی به ملازمان حضرت همایون رسید که از ظاهر خوی حرکت کرده عازم شیروان و داغستان بودند. بنابراین نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله را مأمور آذر بایجان نموده و موکب معلّی به طرف عراق عطف عنان فرمود و در منزل أرْقِنَقْ تبريز محمّدخان زند را مقيّداً به حضور مبارك آوردنـد و بـه مـوجـب امـر اعـلـی از حلیهٔ بصـر عاطل نمودند و او به حالت کوری و گدائی به بصره رفت و در آنجا درگذشت. و در منزل میانج ابوالفتح خان ولد ابراهیم خلیل خان جوانشیر شرفیاب آستان همایون شد و از نواب امیر کبیر سلیمان خان اعتضادالدوله سعایتی نمود. و در چمن سلطانیه به ملاعلی اصغر هزارجریبی ملاّباشی حکم فرمودند شاهزادگان عظام نواب عباس میرزا و محمدقلی میرزا و حسینعلی میرزا را در هر منزل از منازل عراق که باشد به استقبال حضور مبارک نایل سازد بنابراین در منزل درجزین شاهزادگان معظم شرف اندوز حضور حضرت خاقان اعظم گردیدند و پس از توجهات شاهانه راه دارالخلافه پیش گرفتند. امّا حسینقلی خــان بــه كـزّاز و فــراهـان آمد و ولى خان قاجـار كه در توقّف به عراق معتذر به لنگــي شده بود به وی پیوست و موکب معلّی روزی دو در منزل ساروق فراهان اقامت فرمود. و در این وقت مهدعلیا والدهٔ خاقان کشورستان به اصلاح ذات البین در رسیدند اتما حاصلی نبخشید و در بیست و هشتم شهر صفر در صحرای کمره مستعد مقاتله شدند. ملازمان حضرت خاقان محض ملاحظه و رعایت برادری میرزا موسى منجم باشى را نزد حسينقلي خان فرستادند كه او را نصيحت نمايد حسينقلي

خان از نصایح میرزا موسی که فرمایشهای خاقان کشورستان بود شرمنده شده به رکاب اعلی آمد و میدان رزم به ایوان بزم مبدل گردید و ولی خان قاجار که محرّک او بود سیاست شد. لشکر حسینقلی خان به معسکر همایون آمدند و محمدعلی خان قوانلو سرداری فارس یافت. نوروزخان عزّالدین لو ایشیک آقاسی باشی به سالاری کوهگیلویه سرافراز و حسینقلی خان دولو به سیهداری کرمان مفتخر گشت، و موكب مسعود خاقاني در ماه ربيع الاول به دارالخلافة باهره نزول اجلال فرمود و نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله که بعضی از نزدیکان او محرّک وی شده که اگر در عراق فیشنه بریا شود او نیز به تسخیر دارالخلافه آید چون دانست که موكب خاقاني با تأييدات يزداني وارد دارالخلافه شده ترك هوا و سودا نمود. و على همت خان كليائي و پسرش حسين، و خانباباي نانكلي كه او را تحريك می کردنـد خود نواب معظم آنها را گرفته مقیّداً به آستان مبارک فرستاد، و خود از راه به اصطبل پادشاهی پناه برده معفو گردید. علی همّت خان کلیائی و یسرش به راه عدم رفتند و خانبابای نانگلی و عبدالله خان اوصانلو دیده در راه بی بصری گذاشتند ـــ هم در این سال محمود میرزای افغان که پناه به آستان مبارک آورده و در كاشان مىزيست روانة هرات و كابل شد و حكم همايون شر ف صدور يافت که امیرحسن خان عرب حاکم طبس، و میرعلم خان حاکم قاینات ا به معاونت و امداد او روند ــ هم در این سال اسحق میرزا ابن حیدر میرزا ابن شاه اسماعیل که از احضاد خلیفه سلطان مازندرانی داماد شاه عبّاس ثانی که دو سال در دماوند محبوس بود و به توسط اشرف خان دماوندی مستخلص شده به اصفهان رفت. و اسحق میرزا آن کسی است که کریم خان زند به اسم وی مملکت ستانی می نمود

۱. در روضة الصفای ناصری که از مراجع مهم مؤلف است می نویسد: «به میرحسن خان طبسی و مصطفی خان ترشیزی و میرعلی خان عرب خزیمه و اسحق خان تربتی احکام قضانظام در موافقت و معاونت او شرف اصدار یافت» که البته میرعلی خان صحیح نیست و میرعلم خان صحیح است. این میبرعلم خان در سلسله نسب خاندانش به میرعلم خان دوّم مشهور است وی پدر میراسدالله خان قاینی و او پدر امیرعلم خان سوّم و وی پدر امیر ابراهیم خان شوکت الملک و وی پدر امیر اسدالله علم رجل سیاسی مشهور تاریخ معاصر ایران است. در روضة الصفا نیز صفحه بعد میرعلم خان آمده است.

و در غایلهٔ هایلهٔ شاه شهید سعید الوار بختیاری نیز او را دست آویز کرده به این بهانه راهزنسي و تاخت و تاراج مي كردند و بدين منوال ملعبة جهال بود لهذا او را حبس کرده بودنید ــ هم در این سال جعفرقلی خان دنبلی که در میان اکراد یزیدی بود جمعی را با خود متفق ساخته به خوی و سلماس آمده برادر خود حسین خان را محصور نمود، حضرت همایون ابراهیم خان قاجار دولو را به دفع او مأمور فرموده پس از زد و خورد جعفرقلی خان مغلوب و لشکریان او برخی دستگیر و بعضی مقتول گردیدند و ابراهیم خان به توقف تبریز مأمور شد و چندی نگذشت که حسین خان درگذشت و جعفرقلی خان به خوی آمده به اولیای دولت علیه متوسل شده حکومت خوی و آن نواحی یافت ــ هم در این سال زیاده از صد هزار تومان نذورات حضرت خاقانی به عتبات عالیات یعنی نجف اشرف و کر بلای معلّی و کاظمین عليهماالسلام و حضرت معصومه و ميراحمد بن موسى (ع) مشهور به شاه چراغ اهدى و ارسال داشتند ـ هم در این سال به امر اعلی شروع به ساختن قصر قاجار در حوالي طهران نمودند و حسينقلي خان به المالت ولايت سمنان برقرار گشت و چون به این ولایت قناعت نداشت به حکومت کاشان منصوب گردید و شاهزاده محمّدتقی میرزا به مصاحبت وی روانهٔ آن ولایت شد و حکومت سمنان به نواب شاهزاده محمدولي ميرزا مفوض آمد و حكمراني قزوين را به نواب شاهزاده محمدعلی میرزا مرحمت فرمودند. و از آنجا که حضرت شاهزاده معظم عبّاس میرزا به موجب وصايت و امر شاه شهيد سعيد نورالله مضجعه بايد به ولايتعهد اين دولت جـاوید عدّت برقرار گردند به خفتان و خنجر و شمشیر مرضع و خلعت آفتاب طلعت هـمـايـون مخلّع و با رتبهٔ وليعهدي و نيابت سلطنت به حكمراني آذر بايجان منصوب گردیدند و به اتابیکی نواب امیرکبیر اعتضادالدّوله سلیمان خان قاجار و با یانزده هزار سوار جرّار رو به مقرّ حکمرانی نهادند و میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ از سادات کرام که آبا و اجدادش رتبهٔ وزارت داشته اند به وزارت خاصهٔ حضرت وليعهد نايب السلطنه اختصاص يافت و ملازم خدمت ايشان گرديد و ابراهیم خان قاجار سردار که در تبریز بود به متابعت و اطاعت حضرت شاهزاده مأمور آمد و بعضى ولايتعهد حضرت شاهزاده معظم و تشريف فرمائي به آذر بايجان

را از حوادث اوایل سال هزار و دویست و چهارده دانسته اند ــ خلاصه مقارن این احوال نواب ابراهيم خان بن مهديقلي خان بنيءم و داماد اعليحضرت خاقان كشورستان بـا جـمعى از عساكر ظفرمآثر مأمور به توقف جمن گندمان و حراست عراق و فارس گردید ـ هم در این اوان محمدآقای دیوان افندی از جانب سلیمان یاشا والی بغداد با هدایا و عرایض به آستان اعلی آمد ــ هم در این سال موکب همایون به قصد قلع و قمع نادر میرزا ابن شاهرخ میرزا و تصفیهٔ خراسان متوجّه آن سامان گردید و مقرّر شد حسینقلی خان که در کاشان متوقّف بود به رکاب مبارک پیوندد، پس از آن در چمن فیروزکوه اعلیحضرت خاقان سیاه منصور را سان دیدند و حسینقلی خان به سبب عارضه و نقاهتی در ارجمند بماند و حان محمّد خان دولّو به رسم منقلای به طرف خراسان روان شد و اردوی همایون نیز از راه جاجرم و اسفراين به طرف مقصد انتهاض فرمود وصادق خان شقاقي وحسين خان قوللر آقیاسی به تسخیر چناران و تدمیر ممش خان مأمور و روانه گشتند، و موکب معلّی به تاحية نيشابور ورود كرد وعليقلي خان يسر جعفرخان بيات حاكم نيشابوركه يدرش ملتزم ركاب مبارك يود به حضور همايون مشرف شد و به جهت انجام خـدمـات بـه شـهـر رفته و چون حکم شد جزایرچیان به برج و بارهٔ شهر جای گیرند این فقره اسباب توهم علیقلی خان شده بنای مخالفت را گذاشت. حسینقلی بیگ از بنسي اعمام جعفرخان به اردوي پادشاهي آمده مشمول مرحمت گرديد، جعفرخان به استمالت بسسر خود به شهر رفته ولى او نيز عصيان ورزيد بنابراين بسر ديگر جعفرخان که در اردو بود به سیاست دوچار آمد و حکم به یورش و محاصرهٔ قلعه دادند، آخرالامر به توسط شفعا، اهالی معفو گردیدند و جعفرخان نیز مجدداً متقلد خدمت گردید و حسینقلی خان عمزادهٔ او نیابت ولایت نیشابور یافت ــ هم در این اوان صادق خان شقاقي و حسين خان قاجار قزويني كه مأمور تدميريا استمالت مسمش خیان گرد شده بودند صادق خان بر حسین خان سبقت گرفته با ممش خان ملاقبات نسمود و او را به اطاعت نادر میرزا تحریض کرد چنانکه از مضمون عریضهٔ او این فقره مفهوم می شد. اعلیحضرت خاقان این نکته را تفرس فرموده ولی در قلب مبارک پنهان داشتند و حکم شد صادق خان به جان محمّد خان ملحق شود و به

محاصرهٔ مشهد مقدس پردازند \_ نگارنده گوید بعضی از مورخین توجه موکب خاقانی را به خراسان نیز از وقایع سال هزار و دویست و چهارده شمرده ولی بعد از تصفّح مسطورات مختلفه معلوم می شود که در اواخر این سال رایت ظفرآیت پادشاهی به عزم تصفیهٔ خراسان به اهتزاز درآمده، امّا سوانح عمدهٔ این سفر و محاصرهٔ مشهد مقدس از حوادث سال هزار و دویست و چهارده می باشد \_ انتهی.

وفات میرزا ابوالقاسم چاپلقی مشهور به قتی اعلی الله مقامه از اجله علما — وفات آقا سیدعلی طباطبائی مجتهد و عالم معروف. (ترکستان) — در این سال ایلندزخان خوارزمی، ابن محمد امین ایناق، ابن فاضل ایناق، ابن ابوالغازی بیگ، ابن اسفندیار، ابن عرب محمد سلطان، ابن حاجم خان به بخارا یورش برد و جمعی را اسیر و دستگیر کرد امّا در هنگام عبور از رود آمویه یعنی جیحون غرق و هلاک شد. مدت ملکش در خوارزم تقریباً دو سال بوده، بعد از آن پسرش محمد رحیم خان توره به جای او برقرار گشت.

اروپ ا ... در شهر رئم پایتخت ایطالیا مردم بر ضد پاپ شوریده اعلان جمهوری می نمایند ... پی ششم پاپ که هشتاد سال داشت از شهر رئم اخراج می شود ... شورش در سویس و اعلان جمهوری سویس ... مصتم شدن دولت فرانسه برای فرستادن قشون به مصر به قصد خلل رسانیدن به تجارت انگلیس ... تالیُرانُد، وزیر خارجهٔ جمهوری به سفارت به اسلامبول روانه می شود ... عساکر فرانسه به سرداری ژنرال ناپلیون بناپارت عزیمت مصر می نمایند و ناپلیون جمعی از علما و حکما و نقاشان فرنگ را با خود به مصر می برد و بعد از حرکت از بندر تُولُن به طرف مصر جزیرهٔ مالت را متصرف می شود ... ورود ناپلیون به بندر اسکندریه و حرکت کردن او به سمت قاهره ... جنگ معروف به جنگ گنبد هرمان ... غلبهٔ ناپلیون بر قشون مصری که در تحت سرداری مرادبیگ بودند و فتح قاهره ... نِلْسُنْ امیرالبحر انگلیس سفایین فرانسه را در بندر ابوقیر می شکند ... دولت عثمانی به تحریک انگلیس به فرانسه اعلان جنگ می نماید ... ژنرال بناپارت تمام مصر را متصرف می شود ... فرانسه اعلان جنگ می نماید ... ژنرال بناپارت تمام مصر را متصرف می شود ... انتخاد و اتفاق دول مجدداً بر ضد فرانسه به اغوای انگلیس ... ورود عساکر فرانسه

در ثانی به خاک ایطالیا — اتحاد روس و عثمانی بر ضد فرانسه و آمدن یک اردو از عساکر روس به امداد معاندین فرانسه به ایطالیا. (انگلیس) — شورش در اِرلند و اعلان جمهوری در آنجا. (فرانسه) — ایجاد مدرسهٔ حِرَف و صنایع مستظرفه از قبیل نقاشی و موسیقی و غیره — ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس. (روس) — حلوس آخر پادشاه گرجستان هراکلیوس در زیر حمایت روس.

امریکا (هایسی) ـ در جزیرهٔ هایتی در دریای محیط پاسیفیک تُوسَنْت نام بر سیاهپوستان ریاست کرده تمام مهاجرین فرانسه را که در آنجا بودند بیرون می کند.

#### [سنة ١٢١٤ هجرى = سنة ١٧٩٩ مسيحي]

آسیا (ایران) ـ در اوایل این سال اردوی کیوان شکوه خاقانی به دور مشهد مقدس بود و عساكر منصوره شهر را در بند محاصره داشتند و به ملاحظهٔ احترام مشهد و مرقد مطهر حضرت امام ثامن ضامن عليه السلام چندان به خرابي نـمــی کـوشیدند و مع ذلک کار بر محصورین سخت شد و دوچار غلا گردیدند. نادر میرزا اظهار ضراعت و اطاعت نمود و قرار داد یکی از بنات خود را در حبالهٔ نکاح یکسی از شاهزادگان اولاد امجاد خاقان درآورد و منافرت بدل به موافقت گردد. بنابراین ضراعت و رعایت حرمتی که ذکر نهودیم در پانزدهم ماه ربیع الاول این سال موكب منصور اعليحضرت خاقان كشورستان فتحعلي شاه از محاصرة شهر مشهد دست کشیده به منزل چناران آمد و امیرگونه خان کُرد زعفرانلو حاکم خبوشان رحصت معاودت به محل حكمراني خود يافت و ميرزا محمد شفيع مازندرانی وزیر با او همراه شد که صبیّه او را که نامزد شاهزاده حسنعلی میرزا بود به در بار معلّی آورد و جعفرخان بیات حاکم نیشابور نیز مخلّع و روانهٔ نیشابور شد و ِ در چمن بسطام نواب حسینقلی خان که به سبب نقاهت از التزام رکاب معاف شده بود صحیح و سالم به حضور همایون تشرّف جست، بعد از آن عزیمت دامغان فرمودند و بنه و آغروق و اهالی حرم جلالت را با مهدیقلی خان قاجار و میرزا محمّد شفيع مازندراني وزير روانهٔ دارالحلافه نموده موکب معلّى در چمن على بولاغي به

شکار مایل گردید و راه ارجمند و نوا پیش گرفت و در فیروزکوه نیز شکاری شایسته اتضاق افتاد، و در اواسط ربيع الثاني دارالخلافه به قدوم مبارک خاقاني مزين آمد \_ هم در این سال در ماه محرّم حضرت ولیعهد نایب السلطنه عباس میرزا وارد تبریز شدند و بعد از ورود، جعفرقلی خان دنبلی حاکم خوی را احضار کردند مشارالیه به اطاعت مبادرت ننمود، لهذا حضرت والا به قصد تدمير او به سلماس توجّه فرمودند او به طرف قارص و بایزید گریخت و پناه به اکراد برد و پانزده هزار نفر فراهم آورد و عزم رزم حضرت شاهزادهٔ معظم کرد ولی ملازمان حضرت قبل از وصول او به قىلىمىة ھودر، كە جايگاە نفايس و اخاير ذخاير جعفرقلى خان بود يورش بردە قلمە را مسخّر و اموال او را کـلّـيتاً متصرّف گرديدند، مردان قلعه مقتول و نسوان و صبيان دستگیر عساکر نصرت اقتران گردیدند. جعفرقلی خان این خبر را شنیده دیوانه وار به مقابلة لشكر شاهزادة كامكار بااقتدار شتافت و در قرية سوغانجوق در هفتم ربيع الثاني فريقين تلاقي نمودند، يس الركوشش بسيار جعفرقلي خان جاره جز فرار ندید و آخرالامر با تأسّف و پریشانی به خاک عثمانی رفت و در قلعهٔ ماکولا که از قبلاع چخور سعد است پناه به اکراد بایزیدی برد و حضرت اسعد والا ولیعهد به خوی ورود فرمودند و برحسب امر اعلی و حکم والا محمودخان دنبلی نوادهٔ شهبازخان دنبلی به حکمرانی خوی و سلماس برقرار شد و سرداری این صفحات را به پیرقلی خان شامبیاتی دادند و به تبریز مراجعت فرمودند، و صبیّهٔ ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ را که حسب المقرر می بایست داخل در خدام حرم سلطنت گردد از شوشی روانهٔ دارالخلافه کردند ــ هم در این سال محمود میرزای افغان که با ميىرحسىن خيان طبسي و ميرعلم خان قايني متوجه هرأت گرديده بود و قصد مقاتلة شاه زمان و تسخیر کابل و قندهار داشت قیصر میرزا او را شکست داده منهزماً به هرات بازگشت و در دور هرات نیز افاغنه اردوی او را غارت کردند ناچار باز به یزد آمد و عرض حال را عریضه ای به در بار خاقان بی همال انفاذ داشته مقرّر شد به اصفهان آید و معززاً دراین شهر اقامت نماید تا موقع تقویت در رسد ــ هم در این

در متن: قبضر میرزا فوراً شکست داده.

سال صبیتهٔ امیرگونه خان در حبالهٔ نکاح نواب شاهزاده حسینعلی میرزا درآمد و در پانـزدهـم مـاه جـمادی الآخره به این سور پرداختند و زیاده از صد هزار تومان مخارج این عیش شد ــ هم در این سال مهدیعلی خان ملقب به بهادر جنگ از جانب حكومت هندوستان انگليس با تحف و هدايا به دربار معلّى آمده سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان را تهنیت و تبریک بگفت ــ نیز فرستادهٔ تیپوصاحب پادشاه دکن با سه زنجیر فیل و چند قفس مرغهای غریب مطبوع، و اکلیلی مکلّل به جواهر به دارالخلافهٔ باهره آمده هدایای خود را تقدیم حضور مبارک نموده مورد تـفقّدات ملوكانه گرديده با جوابي لايق و انعامي شايان مراجعت كرد ـــ هم در اين سال حکمرانی مازندران به نواب شاهزاده محمدقلی میرزا مفوض شد و فرمانفرمائی فارس را به نواب شاهزاده حسينعلي ميرزا دادند، و ميرزا نصرالله على آبادي كه نواب حسینقلی خان او را از نور بصر محروم ساخته بود به وزارت مازندران و پیشکاری نواب شاهزاده محتدقلی میرزا برقرار گردید و چراغعلی خان نوائی مازندرانی نیز به پیشکاری فارس مفتخر گشت ... هم در این سال حضرت امجد نايب السلطنه وليعهد از آذر بايجان به دارالخلافه آمده شرفياب حضور اعليحضرت خاقان کشورستان گردیدند و پس از چندی باز به آذر بایجان معاودت فرمودند و نـواب امـيـركـبير سليمان خان اعتضادالدوله و رضاقلي خان و ابراهيم خان قاجار به همراهی آن خضرت مامور گردیدند ــ هم در این سال اللهیار خان قلیجی که به راه خودسری منی رفت عبریضه ای مشتمل بر اظهار اطاعت و انقیاد به در بار معلّی انفاذ داشت و مصمّم گردید که صبیّهٔ خود را به خدمت خدام حرمت جلالت فرستد و میرزا اسدالله مستوفی نوری به انجام این خدمت منتخب گشت \_ هم در این سال عساكر منصوره از اطراف ركاب همايون احضار شدند و همه راه اطاعت بيسودنىد مگر دستجات شقاقى كه به تسويلات صادق خان شقاقى تقاعد و تخلف کردند، و چون پیش از این خلاف و نفاق صادق خان معلوم شده بود مغضوب و مورد سخط اعلیحضرت خاقانی گردیده و او را در خانهٔ تنگ موقوف و محبوس داشتند تا از گرسنگی راه دیار عدم پیش گرفت و محمدعلی خان برادرش به سرکردگی شـقـاقــی بـرقرار آمد و برادر دیگرش ساروخان به ریشسفیدی طایفهٔ مز بوره سرافراز گشت و پسرش در سلک یساولان حضور منسلک گردید ... هم در این سال نواب حیدرقلی میرزا از بطن صبیهٔ نواب مرتضی قلی خان قاجار عم اعلیحضرت خاقان کشورستان متولد گردیدند ... هم در این سال نواب محمود میرزا قدم به عرصهٔ عالم نهاد ... وفات حاجی عبدالوهاب نائینی از مشایخ و کملین عرفا در سن نود و شش سالگی ... وفات آقا محمدعلی اصفهانی متخلص به شیدا ... وفات مهدی بیگ شاعر شقاقی. (هندوستان) ... تیبوصاحب به واسطهٔ نرسیدن امداد فرانسه به او معلوب انگلیس می شود و بعد از هفده سال سلطنت مقتول می گردد و مملکت میسور هند را انگلیس تصرف می نماید.

اروب ا ــ عساكر مشحدهٔ روس وعثماني جزيرهٔ كُرْتُو از جزاير يُونيَنْ را از فرانسه منتزع مى سازد \_ اعلان جنگ فرانسه به اطریش بعد از یکسال و نیم صلح \_ دول انگلیس و اطریش و آلمان و ناپل و پرتوغال و روس و عثمانی بر ضد جمهوری فرانسه متحد می باشند ــ شکست عساکر فرانسه در دو سه نقطه از قشون اطریش ــ سوارف سردار روس در ایطالیا فرمانده عساکر متحدهٔ روس و اطریش است که بر ضد فرانسه مي باشند \_ قشون فرانسه چندين مرتبه از لشكر روس شكست مي خورند ماسنا سردار دیگر فرانسه در سویس فتوحات می کند و یا سواژف سردار روس تلاقی نموده او را نیز شکست می دهد بعد از این شکست امیراطور روس عساکر خود را احضار می نماید ــ در هولاند کشتیهای جنگی روس و انگلیس از سفاین جنگی فرانسه شکست خورده نه هزار نفر از قشون روس به دست سردار فرانسه اسیر می شوند - ناپلیون از مصر به شام حرکت می کند و بندر یافا (یافه) را متصرف می شود و عکّه را محاصره نموده بدون نیل مقصود به مصـر مراجعت می نماید. و از آنجا که اخباری که از فرانسه به او می رسد مساعد با خیالات و ترقیّاتیست که در خاطر دارد ریاست عساکر فرانسه را در مصر به کِلْبر واگذاشته خود به سمت فرانسه روانه می شود. (فرانسه) - انقلاب و اغتشاش شدید در پاریس و سایر بلاد فرانسه ــ ورود ناپلیون بناپارت به خاک فرانسه و پذیرفتن او را با نهایت شعف، و به محض ورود بنایارت به پاریس زیاست قشون پاریس به او تفویض می شود و

اندک اندک در خیال و صدد ریاست کل است ... مجلس وکلا بر ضد ناپلیون بناپارت می باشند ولی بناپارت با قشون مسلّح ورود به این مجلس می کند و با وجود اینکه او را تهدید به قتل می نمایند غلبه بر وکلا می کند و وضع دولت را تغییر می دهد از این به بعد دولت فرانسه به وضع گنسولا می باشد و ناپلیون بناپارت رئیس دولت است ... تبیین آنکه: ریاست دولت به سه نفر کنسول مقرر است، ناپلیون کنسول اوّل است، و کامبا سِرِش و لِبْرون دو کنسول دیگر او را معاون خواهند بود، و در قصر سلطنت تُو یُلِرنی منزل خواهد کرد ... ایجاد روزنامهٔ دِبا. (ایطالیا) ... فوت ژرژ یازدهم پادشاه گرجستان که بعد از فوت او گرجستان مستقلاً در تحت تصرف روس درآمد.

امریکا (اتائونی) ــ فوت واشنگتُن معروف.

# [سنهٔ ۱۲۱۵ هجری = سنهٔ ۱۸۰۰ مسیحی]

آسیا (ایران) -- در این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مصمتم تسخیر سبزوار و نیشابور گردید. تبیین آنکه: اللهپارخان سبزواری قلیجی که پیش از این عریضهٔ ضراعتی به در بار گردون مدار عرض کرده و به عرض رسانیده بود که صبیتهٔ خود را به خدمت خدام حرم جلالت خواهد فرستاد و میرزا اسدالله مستوفی نوری به انجام این خدمت مأمور گردید. بعد از رسیدن میرزا اسدالله به سبزوار اللهپار خان پشیمان شده بنای مسامحه را گذاشت بنابراین ابراهیم خان قاجار عمزادهٔ خاقان کامکار با مهدیقلی خان دولو و حسین خان قاجار قزوینی و ده هزار سوار و پیاده به محاصرهٔ آن قلعه روانه شدند و به امیرگرنه خان زعفرانلو حاکم خبوشان و ابراهیم خان شادلو حکمران اسفراین نیز حکم شد که به ابراهیم خان پیوندند و موکب منصور خاقانی نیز انتهاض فرموده در چمن نمکه پنج روز به سان سپهر احتشام گردید و نواب حسینقلی خان برادر کهتر خاقان به محاصرهٔ قلعهٔ سپهر احتشام گردید و نواب حسینقلی خان برادر کهتر خاقان به محاصرهٔ قلعهٔ سبزوار مأمور آمد، اهالی نیکی قلعه که از مستحدثات اللهبار خان قلیجی بود

خودداری نموده لشکر نصرت اثر یورش بردند، حصاریان مقهور و اموال ایشان منهوب شده از در استیمان درآمدند، آقاخان ولد مصطفی خان عمزادهٔ خاقان کشورستان جد اتمی نگارنده به حراست قلعه محکوم گردید، و موکب همایون حاقانی تشریف فرمای حوالی سبزوار شد و از آنجا که جعفرخان بیات باز به راه خلاف رفته بود حکم همایون شرف صدور یافت که نواب حسینقلی خان به محاصرهٔ نیشابور و تنبیه جعفرخان روانه شود اتما اللهيارخان قليجي كه موكب ظفر كوكب را نزديك، و درهای چاره را بسته دید میرزا اسدالله مستوفی را واسطه قرار داده و صبیّهٔ خود را با او به اردوی معلّی فرستاد، جعفر خان نیز اظهار ندامت نمود ولی عساکر مز بوره به نهب و تخریب نواحی سبزوار و نیشابور مشغول شدند مقارن این حال طره بازخان فرستادهٔ شاه زمان افغان با نامه و هدایای بی کران به آستان مبارک آمده شاه زمان به شفاعت جعفرخان و اللهيارخان يرداخته معاودت موكب ظفركوكب خاقاني را درخواست کرده و اظهار داشته که بعد از بازگشت قشون نصرت نمون، جعفرخان و اللهيارخان به حضور همايون مشرف خواهند شد. ملازمان آستان يادشاهي حسب المصلحه تمنيّات و مسؤلات شاه زمان را قبول فرمودند و محمود ميرزا ولد تیمور شاه که در این سفر ملتزم رکاب اعلی بود با برادر و پسر خود فیروز و کامران عازم قندهار و کابل شد و احکام به امرا و حکّام خراسان شرف صدور یافت که رعمایت جانب او را منظور دارند. و موکب خاقانی به طرف دارالخلافه عطف عنان فرموده نواب حسینقلی خان در اسفراین و ابراهیم خان عمواوغلی در نزدیکی آق قلعه به اردوی معلّی پیوستند. آقاخان قاجار از نیکی قلعهٔ مزینان احضار شد و ابراهیم خـان عـرب بـا دسـتـهٔ عـرب و عـجــم مـأمور محافظت آن نواحـي و حدود گرديدند و موكب اعلى به چمن كالپوش نزول اجلال فرموده مدّت يانزده روز در آنجا اقامت كردنـد. پــس از آنجـا بــه بسطـام و دامغـان و على بولاغ ا توجّه فرموده قشون فارس و عراق مرخص شدند و موکب همایون از راه چشمه علی دامغان به سمنان تشریف فرما گردیدند، مذت پنج شبانه روز در اینجا به عیش و سرور و عروسی نواب محمدولی

على بولاغ مقصود چشمه على دامغان است (مؤلف).

ميرزا والي سمنان مشغول بودند آنگاه به طرف دارالخلافه نهضت فرموده در چهاردهم ماه ربیع الثانی شهر طهران از مقدم مبارک اعلیحضرت خاقان کشورستان رشک روضهٔ رضوان گردیده بعد از انتظام امور ممالک محروسه عزیمت تمشیت گیلان فرمودند و در قزوین صبیهٔ احمدخان مراغه ای را در سلک ازدواج نواب شاهزاده محمدعلي ميرزا حاكم قزوين درآوردند و نواب ابراهيم خان عمزادة خاقان كشورستان به نظم ولايت گيلان رفته لهذا موكب همايون به دارالخلافه معاودت فرمود ... هم در این اوان نواب شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه و ولیعهد دولت علیه به حضور مبارک آمده مورد توجهات کامله گردید ــ هم در این سال سیرژُنْ ملكم از جانب حكومت هندوستان انگليس با نامهٔ مودّت ختامه و هداياي لايقه وارد بندر بوشهر گردید، و فتحعلی حان نوری به مهمانداری او رفت بعد از ورود به دارالخلاف در سرای حاجی ابراهیم خان منزل یافت و لوازم احترامات او به عمل آمد، و قرار اتّحاد دولتین ایران و انگلیس به شروطی معیّن با او داده شد، و حاجی خـلـیل خان قزوینی با جواب نامه مهر علامه که سیرژن ملکم حامل بود به اتفاق او مأمور به سفارت شد \_ امّا اللهيار خان قليجي و جعفرخان بيات چون بعد از شفاعت شاه زمان باز خلاف قرارداد كردند و به تقبيل عتبه عليه مبادرت ننمودند نواب ظهيرالدوله ابراهيم خان عمزاده خاقان كشورستان با بيست هزار نفر به محاصرهٔ سبزوار مأمور و مقرّر شد محمّدخان و ابراهیم خان دولو و پیرقلی خان شامسیاتی و حسینخان قاجار قزوینی با آن سردار بااقتدار همراهی کنند و نواب امیرکبیر اعتضادالدوله سلیمان خان قاجار با یانزده هزار سوار مأمور نیشابور گردید و به خوانین خراسان احکام قضا نظام شرف صدور یافت که به معاونت و معاضدت نواب ظهيرالدوله و نواب اعتضادالدوله كمر خدمت بر ميان بندند و مهديقلي خان دولوی قاجار به سرداری آذر بایجان و توقف در قلعهٔ خوی محکوم گشت و محمدصادق خان دنبلي ايالت خوى يافت و محمود خان دنبلي به آستان اعلى آمده به امارت یساولان حضور برقرار آمد ــ هم در این سال چون برادران و پسران حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله هریک در ناحیهای حکمرانی داشتند و ملازمان حضرت گردون بسطت همایون تفرّس خلافی از آنها فرموده مقرّر شد همه را در روز معیّن

گرفته تنبیه نمایند و چنین کردند، و خود حاجی ابراهیم خان نیز معزول و چندی در قزوین و طالقان می بود تا درگذشت و میرزا محمد شفیع بندیشی مازندرانی اصفهانی الاصل به وزارت اعظم نایل آمد \_ ولادت رضاقلی خان معروف به لله باشی که متخلص به هدایت و امیرالشعراء و صاحب مصنفات جلیلهٔ مشهوره و از امرای بزرگ می گردد \_ وفات محمدتقی کرمانی ملقب به مظفرعلی شاه از عرفای مشهور و علمای معروف صاحب دیوان مشتاقیه، و بحرالاسرار، و خلاصة العلوم، و کبریت علمای معروف صاحب دیوان مشتاقیه، و بحرالاسرار، و خلاصة العلوم، و کبریت احمر و رسالهٔ جامع البحار در کرمانشهان و مدفون شدن او در بیرون دروازهٔ مشرقی این شهر که موسوم به دروازهٔ اصفهان است.

ارويا ــ بعد از مراجعت ناپليون از مصر به فرانسه وضع قشون فرانسه در مصر مختل می گردد، جنگهای کِلبر سردار فرانسه در مصر با عساکر عثمانی و تعاقب نمودن آنها را تا سرحد شام \_ اهالي شهر قاهره كه در غياب كِلبر بر فرانسه شوریده بودند پس از مراجعتِ این سردار این شهر را متصرّف می شود \_ یکی از مسلمانان متعصب كلبر را در قاهره مقتول مي سازد ... مُرُو سردار قشون فرانسه از رودخـانـهٔ رَنْ عَبُور كرده با قشولُ اطريش برابر مي شود و آنها را شكست مي دهد \_\_ مِلاسْ سردار اطریش که با صد و سی هزار نفر از ایطالیا گذشته و به پیش آمده که بها قشون فرانسه مقابلی کند نایلیون با چهل هزار لشکر در ظرف چهل روز با او برابری نموده از کوه آلب گذشته میلاس را شکست داده تمام ایطالیا را مسخّر می سازد و در مارانگ، نیز شکست سختی به عساکر اطریش می دهد ــ مراجعت نایلیون به فرانسه مظفر و منصور ــ انگلیس بر ضد فرانسه با اطریش تجدید عهد کرده آلات و ادوات جنگ و یول به او می دهد ــ مُرو از طرف نایلیون مأمور به سمت وینه می باشد و جنگ سختی با قشون اطریش کرده تا حوالی وینه می رود - اطریش استیصالاً از جمهوری فرانسه طلب صلح می نماید ـ انگلیسها جزیرهٔ مالت را از فرانسه ها مي طلبند \_ نايليون اين جزيره را به يل اؤل اميراطور روس می بخشد نے انگلیس این بخشش را مقبول ندانسته و خود میخواهد مالت را متصرف شود \_ امپراطور روس چشم از دوستی انگلیس پوشیده، دول شود و

دانمارک و پروس را با خود متفق ساخته، بر ضد انگلیس با فرانسه متحد می شود و ایلچی کبیری به پاریس می فرستد. (انگلیس) \_ اِرلند پارلمنت مخصوصی ندارد و و کلای خود را به پارلمنت لندن می فرستند \_ بلاد غربی میسور در هند به تصرف انگلیس درمی آید. (فرانسه) \_ دولت جمهوری به ریاست ناپلیون بر ضد فتنه انگلیزانست \_ یکی از خواهرهای ناپلیون در حبالهٔ نکاح مورات که از سردارهای معتبر ناپلیون است درمی آید \_ ایجاد بانک در فرانسه \_ عهد دوستی و تجارتی فرانسه با اتائونی \_ در ظرف این سال در فرانسه دو سه مرتبه قصد قتل ناپلیون می نمایند. (ایطالیا) \_ پی هفتم بعد از پی ششم پاپ می شود، (عثمانی) \_ جزایر سبعه یُونِین که فرانسه ها از ونیز گرفته اند سفاین روس و عثمانی بیدا کرده از تحت سلطنت عثمانی خارج می شود و لکن در سال یک مبلغی خراج به اسلامبول می فرستد \_ علی پاشا که هیجده سال بود از طرف دولت عثمانی حکومت آلبانی را داشت و مرکز حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتمام حکومت آلبانی را داشت و مرکز حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتمام حکومت آلبانی را داشت و مرکز حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتمام طراف آلبانی را حکمرانی و سلطنت به وضع استقلال قرار می دهد.

امریکا (جزیرهٔ هایتی) ــ توسّنْ رئیس یاغیهای هایتی می شود.

#### [سنهٔ ۱۲۱۹ هجری = سنهٔ ۱۸۰۱ مسیحی]

آسیا (ایران) ـ در ششم ماه صفر این سال موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای قصر قاجار گردیده یکشب در اینجا اقامت کردند بعد روانهٔ شکارگاه جاجرود گردیدند، و از آنجا به چمن مشای دماوند و سایر اماکن متنزههٔ آن ساحت خلدمانند رانده چندی تفرّج می فرمودند، و در اواخر ماه مز بور شرحی از خیالات حسینقلی خان به عرض حضور موهبت ظهور خاقان رسانیدند و معلوم شد که مشارالیه از کاشان به اصفهان و از اصفهان به عراق رفته تهیهٔ جمعیت و لشکر می نماید و سودای سلطنت در سر دارد. بنابراین به موجب امر اعلی جان محمدخان دولوی قاجار روانهٔ قم و کاشان گردید، و حسینقلی خان بن

فتحعلي خان برادرزادهٔ او به حوالي اصفهان راند و آقاخان قوانلو به سيلاخور رفت و فـرمان همایون عزّ نفاذ یافت که هرجا حسینقلی خان را بهدست آرند مأخوذ دارند و به آستان مبارک روانه سازند ـ هم در این اوان ابراهیم خان عمرادهٔ خاقان به در بار جلالت آثار سیهرنشان آمد و نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدوله از سبزوار و نیشابور با عباس میرزا برادر نادر میرزا ابن شاهرخ بن رضاقلی میرزا به حضور همایون تشرّف جستند و عبّاس میرزا را نادر میرزا به رسم گروگان فرستاده بود ... نيز در اين اوان اعليحضرت خاقان كشورستان حضرت نايب السلطنه وليعهد عباس ميرزا را با ميرزا محمد شفيع صدراعظم در دارالخلافة طهران متقلّد مهام ملکی فرموده و موکب اعلی در دویم ربیع الثانی از طهران عزیمت اصفهان فرمود و حاجی محمدحسین خان بیگلر بیگی اصفهان از نائین به چایاری به نطنز آمده در اینجا به تقبیل رکاب معلّی فایز گردید \_ حسینقلی خان چون از حرکت اردوی همایون خبردار شد به جانب کرمانشهان شتافت و اختلالی در امور و اوضاع او بهمرسیده محمدقاسم نام که محرک حسینقلی خان بود به بغداد فرار نمود، و حسینقلی خان که راه رفتن عراق عرب را بر او بسته بودند نادم و پشیمان در قم به بقعة مباركة حضرت معصومه سلام الله عليها يناه برد. اعليحضرت خاقان كشورستان به جانب قم عطف عنان فرمودند، حسينقلي خان شمشير به گردن، گريان، در صحن مقدس به حضور مهرظهور خاقان آمد و پس از اظهار ندامت و طلب عفو و استكانت استدعاى اقامت و توقف در قم نمود. اعليحضرت همايون او را مرخّص و مأذون فرمودند و موكب منصور به قصد معاودت به دارالخلافه نهضت فرما گشت ... هـم در ایـن اوان اعـوان و انصار حسینقلی خان را از هر ناحیه و مکان گرفته مغلولاً به آستان جلالت بنیان فرستادند و هریک به قدر جرم و جنایت دوچار عقوبت و سیاست شدند. پس از چندی به شفاعت میرزا ابوالقاسم مجتهد گیلانی از علمای معروف حسينقلي خان به دزاشوب شميران آمده در اينجا متوقف گشت و آخرالامر به واسطهٔ خودسری جهان بین خود را بدرود نمود و در دراشوب به عبادت مشغول بود تا دست اجل نقد حيات او را درربود ــ هم در اين ايّام اللهيار خان قليجي حاكم سبزوار به ملازمان حضرت نايب السلطنه وليعهد دولت عليه عباس ميرزا متوسل شده

و با اهل و عیال به دارالخلافه آمده اطمینان یافت و میرزا محمد خان قیاقلوی قاجار به حکومت سبزوار رفت \_ امّا نادر میرزا با وجود فرستادن عباس میرزا برادر خود را به گروگان در شرفیابی آستان مبارک تعلّل و تقاعد نمود لهذا ابراهیم خان عمزادهٔ خاقان کشورستان با ده هزار نفر مأمور خراسان گردید و اعلیحضرت همایون نیز به نفس نفیس مصمّم آن صفحات گردیدند و چون در اوایل سال بعد انتهاض فرمودند در محل خود شرح آن بیاید \_ ولادت نواب شاهزاده همایون میرزا \_ وفات میرزا عبدالله متخلّص به شهاب شاعر ترشیزی \_ وفات میرزا مهدی شهرستانی از فضلای معروف.

ارویا ــ معاهدهٔ بین اطریش و فرانسه که فواید این معاهده کلیتاً برای فرانسه بود ــ اسپانیولیها به تحریک فرانسه به پرتوغالیها که با انگلیس متحد بودند اعلان جنگ نمودند \_ پادشاه ناپل مجبوراً با فرانسه متحد گردید \_ انگلیس به متحدین فرانسه اعلان جنگ می کند و سفاین جنگی او تا پایتخت دانمارک می رود \_ یل اول امیراطور روس که با فرانسه متحد شده بود به اغوای انگلیس مقتول می گردد و جانشین او الکساندر اول برخلاف سبک پدر با انگلیس متحد می شود \_ هیجده هزار نفر از عساكر انگليس به مصر ورود كرده قشون فرانسه را بعد از آنكه سه سال این مملکت را متصرف بودند از مصر می دوانند ــ عهد صلح مابین فرانمه و عشمانی و روس و گفتگوی مصالحهٔ فرانسه و انگلیس. (انگلیس) ـ اغتشاش داخله و قلّت نقود به واسطهٔ جنگ هشت ساله با فرانسه ـــ قرض دولت انگلیس در این سال از دوازده میلیارد فرانک زیادتر است که هر میلیاردی معادل دویست كرور تـومـان يول ايـرانست ـــ قحطى سخت و شورش مردم كه بلاد و قرا را غارت می نمایند ــ شورش مردم بر ضد پیت صدراعظم، و این صدراعظم به اهالی ارلند وعدة رفاهیت می دهد امّا از آنجا که اهالی ارلند کاتولیکی مذهب هستند و یادشاه برتستانی مذهب، و نهایت عصبیت را در این طریقه دارد از دادن رفاهیت به ارلنديها مضايقه مي نمايد ... بيت بعد از هفده سال وزارت از شغل خود استعفا می نماید و آذنگ تُن نامی صدراعظم می شود ــ بروز جنون سخت پادشاه ــ مبایعه

نمودن کمیانی انگلیس ناحیهٔ آرکات را که در مغرب مدرس واقع است ... در مجلس بارلمنت گفتگوی ساختن راه آهنی در میان می باشد ــ تعداد نفوس جزیرهٔ انگلیس به تنهائی در این سال هفده کرور و سیصد و هفتاد و دو هزار نفر و کسری مى باشد، و جمعيت إكس بيست و دو كرور است. (فرانسه) ــ مردم قصد قتل ناپلیون را کرده و صد و سی نفر از جمهوریطلبان به چنگ آمده اخراج بلد می شوند و حکم قـتل بعضی صادر می گردد ـــ چند ایالت از ایالات مفتوحه در سواحل رنْ جزو سایر ایالات فرانسه شده و حکّام برای آنها تعیین می شود \_ آداب و رسوم دیسی که جمهوریان حذف نموده بودند مجدداً ناپلیون آن آداب و رسوم را برقرار مى نمايد \_ دولت فرانسه با والى الجزاير معاهدة تازه منعقد مى نمايد \_ ايجاد اكسپوزيسيون صنايع در پاريس ــ اوّل اختراع چرخ بخار در فرانسه ــ تعداد نفوس تمام فرانسه در این سال پنجاه و چهار کرور و سیصد و چهل و نه هزار نفر است. (روس) ــ نـجـبـا از قـانـونـی کـه امپراطور بـُل برای نظام ترتیب داده بود رنجیده و متغیراند \_ امیراطور پال نهایت دوستی را با ناپلیون دارد، به این واسطهٔ ایلچی انگلیس مقیم در بار دولت روس کنت دو پالهن سردار عساکر متوقفهٔ در پطرز بورغ را محرّک است، و بنابر این تحریک شب بیست و سیّم ماه مارس رؤسای قشون امیراطور پُل را هلاک نموده پسسر ارشد او آلکساندر اول را بهجای او جلوس می دهند ... کتب فرانسه که ورود آن به خاک روس ممنوع بود امپراطور جدید آوردن آن را به این مملکت اجازه می دهد و مطبعه های روس را بالنسبه آزاد می نماید ــ گرجستان کلیتاً ضمیمهٔ مملکت روس می شود ــ در داغستان جنگ در کار است. (سویس) ــ دولت سویس که به تحریک نایلیون جمهوری شده سایر دول این وضع جمهوری را می شناسند.

امریکا (اتائونی) ــ ژفِرْسُنْ به ریاست جمهوری معیّن و برقرار می گردد.

[سنهٔ ۱۲۱۷ هجری = سنهٔ ۱۸۰۲ مسیحی]

آسیا (ایران) ــ در اوّل این سال یعنی روز دوشنبه هفدهم ماه محرّم موکب منصور

اعليحضرت خاقان كشورستان فتحلى شاه به قصد خراسان انتهاض فرمود و تشریف فرمای چمن رادکان گردید ــ اسحق خان قرائی که تاکنون به افاغنه روی داشت این اوان دانشت که جز اطاعت و خدمت خاقان کشورستان هرچه کند زیانست روی دل به جانب این آستان نموده برای اظهار عبودیت و استرضای امنای حضرت به نیشابور آمده به استمالت جعفرخان بیات پرداخت و او را با خود به حضور موهبت ظهور خاقاني مشرف ساخت، و ساير خوانين آن حدود نيز ربقة اطاعت و انقیاد حضرت گردون بسطت سلطنت را به گردن گرفتند، و نواب اميركبير اعتضادالدوله سليمان خان قاجار وحسين خان قاجار قزويني قوللر آقاسي به تسخیر چناران مأمور شدند و نواب شاهزاده محمدعلی میرزا و اسحق خان كردقرائني مقدمة الجيش موكب منصور شده به محاصرة مشهد مقدس روانه شدند \_\_ روز نهم ربيع الاول رايات ظفرآيات خاقاني از چمن رادكان متوجه مشهد مقدس گردید و دور این شهر را سیاه نصرت همراه احاطه کرده و مدّت محاصره به طول انجامید، و قرا و آبادیهای حوالی به غارت رفت و در شهر مشهد آتش قحط و غلا بالا گرفت. میرزا محمد مهدی مشهدی از اجلهٔ علماً به اردوی معلّی آمده به شفاعت پرداخت و معاودت موکب اعلی را استدعا نمود، و امرای خراسان متعقد شدند که پس از عود اردوی همایون شهر را مستخلص کنند و نادر میرزا را گرفته به عتبهٔ علیه آورند. لهذا حسین خان قاجار قزوینی حاکم نیشابور و سردار خراسان به توقّف و تسخیر ارض اقدس مأمور شد و موکب ظفرکوکب حاقان کشورستان معاودت را انتهاض فرمود. پس از رسیدن به مدرل علی بولاغ دامغان به صید و شکار مشغول شده بدین منوال به سمنان که مقر حکمرانی شاهزاده والا تبار محمدولی میرزا بود نزول اجلال فرمودند ــ هم در این اوان قیصر میرزا پسر شاه زمان افغان با یک زنجیر فیل به استدراک حضور مبارک شتافت و در هفتم ماه جمادی الاولی موکب منصور به دارالخلافه بـازگشت ــ هم در این سال صبیّهٔ مرضیّهٔ امیر نامدار میرزا محمّد خان بیگلر بیگی قاجار در سلك ازدواج حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد دولت عليه عباس میززا منسلک گردید و شاهزادگان و امرا و اشراف از اطراف و اکناف در موقع این جـشـن بـزرگ و سور لازم السّرور به دارالخلافه حضور بهمرسانیدند و تا یک هفته به

بسجت و حبور گذرانیدند ـــ امّا محمود میرزای افغان که به امداد ملازمان آستان خاقان کشورستان به قندهار و کابل تاخت و این دو ولایت را مسخّر ساخت و شاه زمان را از حلیهٔ بصر عاری نمود و فیروز میرزا برادر خود را به هرات فرستاد پس از آمدن قیصر میرزا پسر شاه زمان به در بار مکرمت آثار خاقان حقوق این آستان را از یاد برده به راه عقوق رفت، افاغنه نیز از وی شاکی و به قیصر میرزا راضی شدند، اعلیحضرت همایون قیصر میرزا را به خنجر مرضع مخلّع و به بند شمشیر مكـــلّـل مـباهــي فرموده به تسخير ملک موروثــي خود روانه داشتند ــــ هم در اين سال یس از جشن نوروز فیروز و عید سعید، خاقان کشورستان به مهمانی حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد دولت عليه عباس ميرزا تشريف فرما شده، حضرت معظم یکهزار قطعه جواهر الوان و چند رأس اسب و استر و مبلغی وجه نقد و مقداری امتعه و اقمشه به رسم پیشکشی و شکرانهٔ قدوم بهجت لزوم پادشاهی تقدیم حضور مبارک نمودند ـــ هم در این سال به توسط خواجه داود نام از ارامنه و تتجار بغداد نامه ای از ناپلیون بناپارت کنسول اوّل فرانسه به حضرت خاقانی موصول گردید. خواجه داود لقب خانی یافته حامل جواب آن نامه گردیده به فرانسه روان شد ــ هم در این سال عبدالعزیز نامی از مشایخ نجد که پیرو طریقه وهابی بود و داعی این طایفه می بود، د ر درعیّه قلعه ای محکم بساخت و چند بار به حرمین شریفیین زادهما الله شرفا و تعظیما و به نجف اشرف آمده به غارت پرداخت و از آنیجا که پسرش نیمز در عید غذیر در آخر سال گذشته به کربلای معلّی تاخته و چندین هزار از نفوس زکیه و جمعی کثیر از علما و سادات و فضلا و عرفا و محققین را در ظرف هفت ساعت شربت شهادت چشانیده، که از آن حمله عارف كامل وعالم فاضل ملا عبدالصمد همداني صاحب بحرالمعارف بودكه جهل و چهار سال در آن ارض خلدنشان مجاور و به ریاضت اشتغال داشت. خلاصه بعد از سفک دماء، آن قوم شقاوت انشماء به اوطان خود بازگشتند، و این خبر مسموع ملازمان حضرت خاقان کشورستان گردیده اسمعیل بیگ بیات را نزد سلیمان یاشا والى بغداد فرستادند و امر فرمودند كه به طرد و دفع این جماعت پردازد. سليمان یاشا قبول کرده ولنی چندی نگذشت که درگذشت و این امر برعهدهٔ تأخیر ماند ولی

شخصی از عجم عبدالعزیز را به راه عدم روانه نمود ــ ولادت نواب اسمعیل میرزا ــ وفات ابراهیم خان متخلص به انور فرزند کریم خان زند.

اروپ ا \_ انعقاد عهد مصالحه مابین فرانسه و انگلیس در آمین ـ در این مصالحه انگلیس آنیه را فرانسه در خاک فرنگ گرفته و متصرّف شده حق او می داند و جزایر فرانسه را که در دریاها متصرف شده بود به او مسترد می سازد و از آنطرف فرانسه جزيرة سيلان را كه مال هلانديها بود حق انگليس مي داند ــ معاهده مابين فرانسه و عثمانی. (فرانسه) ـ به واسطهٔ صلح عمومی تجارت و صناعت زواج دارد و طرق و شوارع و سایر لوازم و اسباب سهولت مراوده ساخته و آماده می شود ــ نایلیون هُرتانُس ربيبة خود را در سلک مزاوجت برادر خود لوئي بناپارت منسلک مي سازد \_ کُدِ نایلیون یعنی قانون فقهی فرانسه که ناپلیون ترتیب داده بود رواج می گیرد \_ نـشـانِ لِـرْ يُـون دُنــُـورْ ايـجاد مي شود ــــبه تمام مهاجرين فرانسه كه در اتِام فترت و جمهوری از خاک فرانسه رفته بودند اذن و حکم معاودت می دهند \_ اهالی فرانسه كنسول اول بودن نايليون را در تمام مذت حيات او امضاء مي كنند، بلكه كنسول اوّل حق تعیین جانشین خود را نیز دارد و قصر تُویْلری و سن کلورا به جهت منزل نايليون تعيين مي نمايند \_ مملكت پيهمُنْ ايطاليا جزو انفكاك نايذير فرانسه مى شود. (ايطاليا) \_ شارل إمانول جهارم بادشاه ساردن از سلطنت استعفا كرده ویکتور اِمانوول اول برادرش به جای او منصوب و برقرار می گردد. (روس) ــ تعیین دوایـر دولت که هر دایره ای به دست وزیر مخصوصی است ــ ایجاد وزارت داخله و وزارت علوم ــ طغانرُق در ساحل دریای آزُف از بنادر معتبر تجارتی می شود.

امریکا (اتائونی) \_ ایجاد مدرسهٔ نظامی \_ فُولْتُن نام از تبعهٔ اتائونی در پاریس ایجاد کشتی بخار می نماید. (هایتی) \_ سردار فرانسه لکیلرک که با بیست هزار نفر وارد این جزیره شده بود توسّن رئیس یاغیها را مغلولاً به فرانسه فرستاده و توسّن در این مملکت می میرد \_ تب زرد و هوای نامساعد در هایتی اسباب خسارت و

١. آلبر ماله، جلد ۵، ص ٤٧٤: لوكلر Leclerc

اعتمادالسلطنه

زحمت قشون فرانسه شده و لُکِـلِرک وفات می نماید و مجدداً شورش در این جزیره درمی گیرد.

#### [سنهٔ ۱۲۱۸ هجری = سنهٔ ۱۸۰۳ مسیحی]

آسيا (ايران) ـ در اين سال بيگلربيگي استراباد از شرارت و فساد تراكمه صاین خانبی به در بار حضرت خاقانی شرحی و شکایتی معروض داشت، لهذا در هفتم شهر صفرالمظفر موكب منصور اعليحضرت خافان مملكت ستان فتحعلي شاه از دارالخلافهٔ طهران به طرف ساری و قراتیه حرکت کرد و در موقف قراشیخ متوقف گردید و عساکر منصوره به نهب اموال و آشر طوایف مزبوره دست دراز كردند. تركمانان چون كار را سخت ديدند از در استيمان و استكانت درآمدند، بنابراین موکب همایون از قراشیخ به چمن کالپوش راند و مشغول تفرّج و شکار شدند، و حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد دولت عليه عباس ميرزا در على بولاغ به شرف حضور همايون مشرف گرديدند، و بعد از بيست روز موكب اعلى به دارالخلافة طهران معاودت فرمود \_ هم در اين سال در عشر آخر شعبان والـدة معظّمه حضرت خاقان كشورستان راه غرفات حنان گرفت و در نجف اشرف مدفون گردید \_ هم در این سال حسین خان قاجار سردار خراسان به معاونت نواب محتمدولي ميرزا صاحب اختيار سمنان وموافقت خوانين خراسان يعني اسحق خان قرائسی، و محمّدخان هزاره، و امیر قلیج خان تیموری، و امیرگونه خان زعفرانلو، و لطفعلي خان درجزي، و هفت هزار سوار ركابي قلعهٔ مشهد مقدِّس را محاصره کردند. نادر میرزا به جهت فقدان مسکوک و مال به خزاین و اموال حضرت رضوی سلام الله عليه پرداخت و خود را هدف سهام ملامت ساخت. بهرحال كار بر محصورين سخت شد و در شب غرة رمضان شهر مشهد به تصرّف عساكر قضاتوان درآمد. نادر میبرزا گمان کرد که قلعه داران به اشارهٔ میرزا محمد مهدی مجتهد مشهدی تقصیر و کوتاهی در قلعه داری کرده و این معنی اسباب غلبهٔ سپاه ظفرهـمـراه گردیده لهذا بر در روضهٔ مقدسه شتافته برخلاف حرمت در را با تبرزین

شکسته چند زخم کاری بر آن سیّد عزیز زده و بیرون آمده از شهر خارج شد و فرار کرد. پس از خروج او نواب شاهزاده محمّدولی میرزا به شهر ورود نمودند و نادر میرزا را در چهار فرسخی شهر طایفه ای از ایلات کُرد بگرفتند و خدمت شاهزادهٔ معظم آوردند. و در همین ایّام میرزا محمّد مهدی مشهدی از اثر زخمهای نادر میرزا به جوار رحمت الهی پیوست و نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان شدند و نادر میرزا را مغلولاً به دارالخلافهٔ طهران فرستادند و به قصاص سیّد بزرگوار میرزا محمدمهدی مشهدی مقتول گردید.

نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله در کتاب جام جم می فرمایند: در رمضان هزار و دویست و هیجده شهر مشهد مقدّس نیز مفتوح گشت و نادر میرزا پسر شاهرخ شاه گرفتار گردید و او را با جمعی از اجفاد نادری در اواخر ذی قعدة الحرام این سال به طهران آورده به سیاست رسیدند، و خاقان به لفظ گهر بار فرمودند: حمد خداوند را که قصاص به اسم کرد، نادرشاه فتحعلی خان را کشت و فتحعلی شاه نادر میرزا را سیاست نمود انتهی.

خلاصه پسران و کسان نادر میرزا بعضی از حلیهٔ بصر عاطل و برخی به صدمات عاجل و آجل گرفتار گشتند. چند تن به توقف مازندران مأمور و چند نفر به اقامت فارس محکوم گردیدند ـ هم در این سال قشون روس به طرف بردعه و قراباغ آمدند و جوادخان زیادلوی قاجار حاکم گنجه مراتب را به در بار سپهرآثار همایون معروض داشت و سعید خان دامغانی مأمور تحقیق و تبیین مطلب گردیده روانهٔ گنجه شد ـ هم در این سال چون حسن خان پسر تقی خان یزدی در حکومت کرمان استقلالی نداشت نواب ابراهیم خان داماد و عمزادهٔ اعلیحضرت خاقان به حکومت آن سامان برقرار گردید، و نواب شاهزاده جسینعلی میرزا ایالت و حکمرانی دارالخلافه یافت، و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه به حکمرانی و انتظام مهام آذر بایجان تشریف فرما شدند، و میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ در وزارت قایم مقام صدارت عظمی گردید ـ هم در این سال

قشون روس که به سرداری سیسیانوف متوجه قفقاز شده بودند بعد از استیلا بر تفلیس به گنجه تاختند و این شهر را مسخّر ساختند و پس از تسخیر، سه روز به قتل عام پرداختند و جوادخان گنجه ای نیز با یک پسر خود مقتول شد و اهل قراباغ و ایروان نیز خایف شده با سردار روس به طریق مدارا حرکت می کردند (سیسیانوف سردار روس همان است که عوام اتراک او را اپشیخدر می گفته اند) اما محمدخان قوانلوی قاجار والی ایروان به اغوای جعفرقلی خان دنبلی و کلیعلی خان نخجوانی با سردار روس بساخت. چون این وقایع به عرض آستان خاقان عظیم الشأن رسید حضرت روس بساخت. چون این وقایع به عرض آستان خاقان عظیم الشأن رسید حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه را به آن حدود مأمور فرمودند و کسانی که به التزام رکاب مبارک مقرّر و معین گردیدند از این قراراند: میرزا شفیع صدراعظم مازندرانی، نواب امیرکبیر اعتضادالدوله سلیمان خان قوانلوی قاجار، و مهدیقلی خان قوانلوی قاجار، و مهدیقلی خان دوآو، و ابراهیم خان دوآو، و پیرقلی خان شوانلو، و رضاقلی خان، و مهدیقلی خان دوآو، و ابراهیم خان دوآو، و پیرقلی ادوی حضرت شاهزاده معظم گردیدند:

میرزا محمد خان لاریجانی، اشرف خان دماوندی، عبدالله خان ارجمندی، صادق خان تنکابنی، احمدخان سواد کوهی، علی اصغر خان بندیش، آقا اسمعیل و آقا مهدی بالارستاقی، حسن سلطان کلبادی، باقر سلطان انزانی با بعضی سرکردگان دیگر، و سی هزار نفر پیاده و سوار جرار.

چون این اردو در خارج شهر دارالخلافه تشکیل یافت اعلیحضرت خاقان کشورستان به وداع فرزند دلبند و سان سیاه و سرداران کارآگاه از شهر خارج شده بعد از بازدید معسکر حضرت شاهزادهٔ معظم و القای فرمایش و اوامر مخصوصه به دارالخلافه معاودت فرموده روز دوشنبه بیست و هفتم ذیحجه اردوی حضرت شاهزادهٔ آزاده به طرف آذر بایجان روان گردید \_ ولادت نواب احمدعلی میرزا، و نواب علیرضا میرزا.

پوشیده نباشد که بعد از نادرشاه افشار که تقریباً مذت شانزده سال در بلاد و ممالک ایران سلطنت داشت پنج نفر از امیرزادگان نادری در خراسان تا این سال حکمرانی متزلزل داشتند و اسامی آنها از این قرار است: علیشاه که خود را عادلشاه می نامید و برادرزادهٔ نادر بود، ابراهیم شاه، شاهرخ شاه، شاه سلیمان ثانی، نادر میرزا، و در این سال حکمرانی این سلسله کلّیتاً منقرض گردید ــ فسبحان الذی لایدوم الاملکه.

اروپ (انگلیس) - به موجب عهد صلح با فرانسه، انگلیس باید جزیرهٔ مالت را تخلیه کند ولی به تعلّل و تسامح می گذراند بنابراین فرانسه نقض عهد کرده عساکر خود را به هلاند و هانُورْ ورود می دهد و مصمّم منازعه با انگلیس می شود و در بندر بُولْنی تدارکات دیده می شود - اسپانیولیها و پرتوغالیها با فرانسه در ضدّیت انگلیس مشارکت دارند - شورش در اِرلند. (پروس) - دولت پروس در منازعهٔ انگلیس و فرانسه بی طرف است. (روس) - عساکر برّی و بحری روس رو به تزاید است - ایجاد مدارس در ممالک روس برای تعلیم و تعلّم. (عثمانی) - طایفهٔ وهابی بعد از آنکه مکه معظمه را فتح کردند به مصر و قاهره می روند و در مصر کاری از بیش نبرده مراجعت می کنند و به غلبه مدینهٔ طیّبه را می گیرند.

امریکا (اتائونی) \_ ایالت لوئیزیان که متعلق به فرانسه بود به وجهی معادل دوازده کرور تومان پول ایران ابتیاع شده جزو اثائونی می گردد. (هایتی) \_ بقیّهٔ قشون فرانسه از شورشیان این جزیره شکست خورده فرار می کنند.

## [سنة ۱۲۱۹ هجری = سنة ۱۸۰۶ مسیحی]

آسیا (ایران) ـ در وقایع سال هزار و دویست و پانزده نگاشته شد که حاجی خلیل خان قزوینی به سفارت هندوستان مأمور و روانه شد، ایلچی مشارالیه تا سال گذشته در بندر بمبئی با کمال اعزاز اقامت داشت، سال گذشته در میان قراولان هندی و ملازمان ایرانی حاجی خلیل خان نزاعی درگرفت. سفیر ایران به اصلاح آمد و گلوله ای سهوا به او رسیده کار او را بساخت. لهذا فرمانفرمای هندچهار نفر کاپی تِن و دویست نفر سر بازی را که منشاء این فتنه بودند گرفته حبس کرد و نامه ای مبنی بر معذرت و افسوس به در بار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی نامه ای مبنی بر معذرت و افسوس به در بار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی

شاه نگاشته بالیوز بصره و بعضی از اعیان انگلیس را حامل نامه و مأمور به عـ ذرحـواهـي كامل از اين قتل غيرعمد نمود. و چون در اول اين سال موكب خاقاني تشریف فرمای جمن سلطانیه گردیده بود مأمورین حکومت هندوستان در این محل به حضور موهبت ظهور یادشاهی مشرف شدند و مراتب را معروض داشتند و از آنجا که معین و ثابت بود که این قتل عمداً نبوده عذر مأمورین پذیرفته شد و به رهاشی محبوسین اشارت فرمودند، و محمّد نبی خان خواهرزادهٔ سفیر مقتول را بهجای او مأمور كردنـد و مبالغي خونبها به محمّد اسمعيل خان يسـر حاجي خليل خان داده شد، و محمد نبی خان بعد از معاودت از سفارت هندوستان به وزارت نواب حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس مباهی گردید... هم در این سال محمد خان قوانیلوی قاجار بیگلر بیگی ایروان که به اغوای جعفرقلی خان دنبلی و کلبعلی خان نخجوانی با سیسیانف سردار روس سازش داشت از حرکت و توجه اردوی حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد دولت عليه به طرف ايروان خبردار شده سردار روس را به ایروان خواند و ایلات حوالی ایروان را کوچانیده بعضی را به قلعه آورد و برخيي را روانهٔ قارص و وان و پايزيد كرد. حضرت معظم ايلغار كرده در كنار رود زنگی واقع در نیم فرسنگی ایروان نزول فرمودند، و مهدیقلی خان دوآو را با ششهزار سوار به خاک عثمانی فرستاده که ایلات کوچیده را بازآرد، و مشارالیه ایل کنگرلو و قباحیار را بازآورد. و سردار روس که بر وفق دعوت محمدخان با بیست هزار سوار و سبی عرّاده توپ به ایروان می رفت در عرض راه به مهدیقلی خان و ایلات مز بوره برخورد و در این تلاقی زد و خوردی کرده مهدیقلی خان به اردوی حضرت تايب السلطنه پيوست و سردار روس نيز در چهارشنبه هيجدهم ربيع الاول به حوالي اوچ کلیسا سه فرسنگی ایروان رسیده جمعی از لشکریان روس عزم ورود به شهر نمودند، جزاير چيان قلعه آنها را دفع كردند. روز بعد حضرت مستطاب نايب السلطنه محافظت اردو و سنگر را به عهدهٔ میرزا محمد شفیع صدراعظم و احمدخان مقدم موكول داشته و دستهجات لشكر با توپخانه روانهٔ اوچ كليسا شد، و سه روز در اينجا نايرهٔ قتال بين فئتين اشتعال داشت. سردار روس مصمم تسخير ايروان گرديد و در این حال محمدخان بیگلر بیگی از معاهده و سازش با سردار روس پشیمان شد

و به توسط میرزا صادق مروزی (وقایع نگار) از میرزا محمد شفیع صدراعظم اطمینان حاصل نمود و حسینعلی خان پسر خود را با پیشکشی فراوان به اردوی خاقانی فـرسـتـاد. و در این اوان سردار روس حیلتی بکار برده غفلتاً با افواج و تو پخانهٔ خود به جانب اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه راند و به این وضع خود را به مسجد جامع شهر رسانیده به محاصرهٔ قلعه پرداخت ــ هم در این ایام موکب اعلیحضرت خاقان مملكت ستان از جمن سلطانيه انتهاض فرموده و در دارالسلطنة تبريز مسموع ملازمان حضرت سلطنت گردید که سردار روس قلعهٔ ایروان را محاصره نموده، لهذا اسمعیل خان دامغانی بطور مقدمة الجیش روانه شده و اردوی همایون نیز به کنار رود ارس آمد و از آب عبور نمود و روز نوزدهم ربیع الثانی یک فرسنگی ایروان مضرب خیام گردون احتشام معلّی گردید. سردار روس سنگرهای متعدد در محاصرهٔ ایروان بسته بود و خود در جامع شهر نشسته، صبحگاهی از معسکر همایون تو پها به شلیک پرداخته و دسته جات قشون پورش برده به سنگرها ریختند و به یکدیگر آویختند، جمعی مقتول و سنگرها خالبی شد. سردار روس تو پخانه را بر سر تلی بلند برده به جانب عساکر منصوره بنای شلیک را گذاشتند، آنها سنگرها را رها کرده به اردوی معلّی بازگشتند. سردار روس افواج خود را مجدداً به سنگر جای داد. وقت شب جعفرقلی خان دنبلی با ده هزار پیاده و سوار مصمم شبیخون به اردوی همایون شده حسن خان قاجار قزوینی که آن شب مشغول قراولی اردو بود از قیصید جعفرقلی خان آگاه شده مراتب را به عرض ملازمان حضور حضرت یادشاهی رسانید، لهذا مقرّر فرمودند لشكریان از اردو بیرون رفته در دامنهٔ كوهی مترقّب و مشرضد باشند که اگر لشکر روس شبیخون آرند از خارج اردو و دامنهٔ کوه بر ایشان حمله نمایند. قشون روس راه را گم کرده وقت صبح به اردو رسیدند و جای را خالی یافتند، به جانب عساکر منصوره و دامنهٔ کوه شتافتند چون قدری صعود کردند حرارت آفتاب و تشنگی بر آنها غالب شد ناچار راه معاودت پیش گرفتند سیاهیان آنها را تعاقب نموده جمعی را از پای درآوردند. همچنین کسانی که از جانب سردار روس به طلب آذوقه به اطراف می رفتند اغلب به دست سرداران ایرانی گرفتـار و روانـهٔ دیـار عـدم می گشتند. ناچار سیسیانُف سردار روس از دور ایروان

كوچ كرده عازم تفليس شده و محمدحسين خان قاجار سركشيكيي باشي او را دنسال نمود و بعضی از همراهان او را مقتول ساخت. پس از بازگشت سردار روس مجمدخان ایروانی که در قلعه بود دیگر باره به حکمرانی ایروان منصوب گردید \_\_ هم در این اوان ابوالفتح خان جوانشیر به نظم قراباغ مأمور و روانه شد و الکساندر ميرزا والى گرجستان رخصت توقف در نخجوان يافت و در اول زمستان موكب خاقان كشورستان به دارالخلافه بازگشت. هم در اين سال امير ناصرالدين توره حاكم مرو به ملازمان حضرت خاقاني توسل جست ــ پوشيده نباشد كه ميرمعصوم معروف به شاهمراد، ملقّب به بگجان، ولد دانیال اتالیق ابن رحیم خان اتالیق بن حکیم اتالیق که در بخارا ابوالفیض خان چنگیزی را مقهور کرده و خود سلطنت می نمود در عهد شاهشهید سعید آقامحمد شاه طاب ثراه بر بیرامعلی خان قاجار عزالدين لوكه از زمان صفويّه تا آن عهد حكومت مرو با آباء و اجداد او بود غالب شده او را بکشت و مرو را خراب کرد. شاه شهید سعید او را تهدید کردند و به خيال تلافي و دفع او بودند كه غايله هايله شوشي آن مرام را عايق آيد. خلاصه بعد از فنوت بگ جان دو پسر از او ماند آمیرحیدر توره که حکمرانی بخارا داشت و امیر ناصرالدین توره که در مرو حکومت می کرد. در این سال امیر حیدر توره قصد استيصال برادر نموده لهذا امير ناصرالدين توره به واسطة كماشتكان نواب شاهزاده محمّد ولی میرزا والی خراسان به عتبهٔ علیّه متوسّل گردید. اعلیحضرت همایون او را فرزند خود خوانده افسری مکلّل برای او فرستاده و به نواب شاهزاده محمّد ولی میرزا حكم شد او را تقويت و اعانت نمايند و فرستادهٔ امير ناصرالدين توره با كمال خرسندی به مرو معاودت نمود به در این سال محمد خان غلیجائی افغان ولد اعظم خان که سالها پدرانش در بم و نرماشیر کرمان بودند و بعد از حکومت نواب ظهیرالدوله ابراهیم خان عمزادهٔ خاقان به کرمان از روی اضطرار به در بار مکرمت آثار آمد و دیگر باره به حکومت بم و نرماشیر و آن حدود برقرار گشت پس از استقلال بنای خودسری را گذاشت. نوروز خان قاجار عزالدین لو که حاجب بزرگ و امیىر بـار بـود بـه قلع و قمع وى مأمور و روانهٔ آن دیار گردید ـــ وفات میرزا جعفر صافى اصفهاني.

اروپ (انگلیس) \_ پیت مجدداً به صدارت برقرار می گردد \_ وَنْسُرْ نام آلمانی روشنائی چراغ گاز را رواج می دهد. (فرانسه) ... کادُودال از معاندین ناپلیون بنایارت با پیشِگرُو و مُروُ که هردو از سرداران فرانسه می باشند بر ضد ناپلیون متحد شده و هردو محبوس می گردند \_ دوک دانگن از شاهزاده های خانوادهٔ سلطنت قدیم به چنگ ناپلیون افتاده مقتول می گردد ــ پیشگرو در حبس خفه می شود ــ ناپلیون مخاطب به خطاب ناپلیون اوّل شده و در قصر سن کلو به امپراطوری فرانسه برقرار می گردد ــ در علایم سلطنتی عقاب قیاصرهٔ روم قدیم را نقش می کنند ــ هیجده نفر مارشال یعنی سپهسالار تعیین می شوند که اسامی آنها از این قرار است: (برتيه)، (مُورات)، (مُنسِئي)، (رُوردان)، (ماسِنا)، (أَرُرُو)، (برْنادُتْ)، (سُولْتُ)، (بُرونْ)، (لانْ)، (مرتيه)، (نِينْ)، (داؤوسْتُ)، (بسيرٌ)، (كِلِرْمانْ)، (لِفبور)، (پرینیُنْ)، (سِرۇریه) ــ مُرُو از خاک فرانسه اخراج شده به اتائونى می رود ـــ پی هفتم پاپ از رُم به پاریس آمده تاج سلطنت بر سَر ناپلیون می گذارد ـــ خرج فرانسه در این سال هفتصد ملیون فرانک و دخل پانصد و شصت ملیون بوده است. (سایر ممالک فرنگ) \_ امپراطور روس جدا شدن بلاد آلمان را که در تصرّف فرانسه بود، نیز مفروز بودن بعضی از ممالک ایطالیا را که در تصرّف این دولت بود از فرانسه مطالبه می نماید. بعد از آنکه خطاب امیراطوری به نایلیون دادند امپراطور آلمان كه سلاطين اطريش خود را به اين لقب ملقّب مي داشتند لقب امیراطوری اطریش را تنها برای خود اختیار می کند ـ ناپلیون در بُولنی مستعد حرکت به طرف مملکت انگلیس است ــ قطع مراوده دوستی مابین فرانسه و روس \_ اتّحاد شود با انگلیس \_ دولت انگلیس سه فروند کشتی اسپانیولی که مملو از شمش نقره می باشد و از آمِریک برای اسپانیولیها می آوردند ضبط می کند ــ اعلان جنگ اسیانیول به انگلیس ... احضار نمودن دولت عثمانی سفیر خود را از پاریس. (عشمانی) ــ شورش اهالی سر بستان بر عثمانی.

امریکا ــ در هایتی ژاک نام خود را امپراطور لقب می دهد.

## [سنهٔ ۱۲۲۰ هجری = سنهٔ ۱۸۰۵ مسیحی]

آسيا (ابران) ـ در اين سال نوروز خان قاجار عزالدين لو كه به تدمير محمدخان افیغیان ولید اعظم خان به بم و نرماشیر رفت بعد از رسیدن به آن حدود به دفع محمد خان میادرت نمود. محمدخان بم را رها کرده به نرماشیر رفت، عساکر منصوره در ایسنجا او را محاصره کردند، محمّد خان ناچار به مجادله پرداخته در اثنای جنگ دو زخم به او زدند، چون بیش از این مقاومت نمی توانست کرد به سیستان و بلوچستان گریخت و آنچه در تحت حکمرانی او بود ضمیمهٔ کرمان شد ــ هم در این سال حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد دولت عليه عبّاس ميرزا با ميرزا بزرگ قمايسم مقام متوجحه آذر بايجان گرديدند وموكب همايون خاقان كشورستان فتحعلي شاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و اسمعیل خان دامغانی با جمعی سوار به ركـاب شـاهزاده جلالت آثار پيوست و نواب شاهزاده على خان ظل السلطان كه برادر كهتر صلبي و بطني حضرت مستطاب نايب السلطنه بود در زنجان توقف نمود و حضرت معظم در منزل میانج مهدیقلی خان و اسمعیل خان قاجار را به ایروان مأمور کردند و اسمعیل خان شامبیاتی قاجار حاکم خوی را نیز به همراهی او فرمان دادند. در پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول موکب خاقانی از چمن سلطانیه حرکت كرده به چمن اوجان نزول اجلال فرمود. ابراهيم خليل خان جوانشير از توجه عساكر منصوره به این حدود وحشت نموده جعفرقلی خان نبیرهٔ خود را نزد سیسیانف سردار روس که در گنجه بود فرستاد و استمداد نمود. سیسیانف محمدحس خان ابن ابراهیم خلیل خان را که پدر جعفرقلی خان مذکور بود با جمعی از سواران قراباغ و سيبصد نفر سرباز روس به محافظت پل خداآفرين فرستاد كه راه عبور لشكر منصور را مسدود نمایند. از این طرف اسمعیل خان دامغانی به دفع این جماعت مأمور گشته بعد از کشش و کوشش سواران قراباغی و پیاده های روسی مغلوب شده محمدحسن خان به جنگل فرار کرد و قبل از آنکه بر او دست یابند خود را به قلعهٔ شوشی رسانید. پس از آن موکب خاقانی از چمن اوجان انتهاض فرموده از رود ارس عیبور کردند و در منزل معروف به تخت طاوس که در هشت فرسنگی شوشی

است اقامت نمودنـد و حضرت مستطاب نایب السلطنه نجفقلی خان گروسی را با جمعی به حراست آق اغلان گذاشته خود از راه چناقیمی به طرف شوشی راندند. ابراهیسم خلیل خان دوچار رعب و هراس شده به سردار روس پیغام داد که من در پناه آباد محصور و عساکر منصوره را مقهورم. سیسیانُف یکی از پولْکُونیکهای روسی را بـا تـوپ و سـردار و غيره به مدد حاكم شوشي فرستاد (پولكونيک به ز بان روسي به معنی سرهنگ است) یولکونیک و همراهانش به منزل عسکران آمدند، حضرت مستطاب تايب السلطنه نيز بدين ساخت شتافتند و فيمابين دو عسكر در عسكران جنگ درگرفت و جمعی از طرفین مجروح و مقتول شدند و لشکر روس به مقبره ای که در آن حوالی بود رفته قلعه بساختند و به شلیک توپ پرداختند، در این اثنا حسینقلی خان دولو با ذوالفقار خان دامغانی و چهار عراده توپ از اردوی بزرگ خاقانی به امداد لشکریان حضرت شاهزادهٔ معظم آمدند، پس از شش روز جنگ عــــاکـر ایران غلبه کردند و سرکردهٔ روسی دو زخم برداشته خود را به قلعهٔ ترناوت سه منزلي گنجه رسانيد، حضرت مستطاب نايب السلطنه او را محاصره كردند مشارالیه عریضه ای نوشته شش روز مهلت خواست و نیم شبی به کوه چمرق که سقناق ارامنهٔ قراباغ است گریخته مهدیقلی خان قاجار به قلعهٔ ایروان رفته آن قلعه را گرفته تصرّف نمود. پس از این مقدمه سیسیانُف یک نفر سرکردهٔ روسی را با چند فىرونىد كشتى جنگى روانة گيلان نمود و خاقان كشورستان ميرزا يوسف مازندرانى را که اصلاً گرجی بود به معاونت گیلانیان مأمور فرمودند. سرکردهٔ روسی انزلی را بگرفت، میرزا موسی منجم باشی گیلانی جمعی را به پیره بازار برده در کمین نشستند، سردار روسی به جانب پیره بازار روانه شد ناگاه تفنگییهای گیلانی از جنگلها شلیک کردند و جمعی را مجروح و مقتول نمودند بقیّةالسیف به کشتیها نشسته به جانب بادكويه گريختند \_ هم در اين اوان موكب خاقاني از منزل تخـتطـاوس انتهاض فرموده به اصلان دوز آمد و اسمعیل خان دامغانی حسب الامر از رود تــتـر عــبور كرد و حضرت مستطاب نايبالسلطنه به مقابلة سيسيانُف از منزل عسکران به گنجه شتافتند و این بلده را متصرف شده جمعی را کوچانیده به شمکور فـرسـتـادنـد، پس از آن متوجّه منزل زكم شدند و در بين راه بًا فوجى از قشون روس

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

تلاقی کرده آنها را مقهور ساختند، و از منزل زکم بعضی از اهالی گنجه را با پیرقلی خان قاجار روانهٔ تبریز فرمودند و حضرت معظّم به اخسقه و از اینجا به ايروان شــتـافتند. از اخسقه تا ايروان كه هيجده فرسخ است همه جا سواران قزاق به قصد دستبرد به اردو خیرگی می کردند تا در حوالی بیشه در وقتی که حضرت مستطاب نایب السلطنه مشغول نماز بودند از درون جنگل تفنگی به طرف ایشان خالم، كردنـد. گـلـولـهٔ آن تـفـنـگ مـوزهٔ حضرت شاهزاده را خراشيد و بنابر حفظ خداوندی گزندی به وجود مبارکشان نرسید. خلاصه بعد از ورود به ایروان شرح زحمات حضرت مستطاب نایب السلطنه به توسط حاجی محمد خان قراگوزلوی همدانی که مردی زیرک و دانا بود معروض ملازمان آستان همایون گردید. اعلىحضرت خاقان كشورستان ازحة قيلان كوه تا دربند را در تحت فرمانفرمائي حضرت شاهزادهٔ معظم نایب السلطنه قرار دادند و موکب خاقانی از اصلان دوز به جمن اوجان تشریف فرما گردیده راه دارالخلافه را پیش گرفتند. بعد از مراجعت موكب معلَّى سيسيانُف به قلعهٔ شوشي رفت و ابراهيم خليل خان جوانشير حاكم شوشی در قلعه را بر روی او بگشاد، سردار روس اتاماژری در شوشی گذاشته روانهٔ گنجه شد ــ نیز از وقایع این اوان آنکه شیخعلی خان بیگلربیگی قبّه، و در بند، و حسینقلی خان حاکم بادکوبه، و سرخای خان لگزی به احتیاط آنکه مبادا سرکردهٔ روسی که در گیلان شکست خورده قصد محاصرهٔ بادکو به کند از ملازمان آستان خاقانی استمداد نمودند و عسکرخان افشار ارومی به امداد آنها رفت. سرکردهٔ مز بور برای محار به در برابر بادکو به لنگر انداخت حسینقلی خان و عسکرخان با او حنگهای سخت کردند، و چون چند فروند کشتی روس در ساحل دریا از توپ اهالی بادکوبه شکست، سرکردهٔ روس از دریا به خشکی آمده در برابر قلعهٔ باد کوبه بنای شلیک را گذاشت، در این حال شیخعلی خان قبه و نوح بیگ ولد سرخای خان لگزی با لشکریان خود به معاونت حسینقلی خان آمدند و سرکردهٔ روس را منهزم ساختند و او به پشت ساريطالش رفت، و سيسيانُف به جهت استمالت مصطفی خان شیروانی از گنجه به این ولایت آمد. از این طرف پیرقلی خان شامیسیاتی به امداد مصطفی خان شیروانی مأمور شد و در کنار رود گر معلوم نمود

که مصطفی خان را سیسیانُف فریفته و مطمئن نموده و او به امداد سرکردهٔ روس به طرف یشت ساری رفته، سر کردهٔ مز بور نیز قوت قلبی بهمرسانیده و آمادهٔ کارزار گردیده است \_ بالجمله مصطفی خان ایلات و احشام شیروان را کوچانیده به حبال شامخه فرستاده خود در قلعه ای موسوم به کله سن (کره سن) نشست. حضرت مستطاب نايب السلطنه حسينقلي خان قاجار دولورا به حمايت مصطفى خان و حفظ بادکوبه روان فرمودند و احمدخان مقدّم بیگلربیگی تبریز را نیز با تو پخانه و بعضى دسته جات پياده از عقب او فرستادند و خود از تبريز به اردبيل تشريف بردند. اعليحضرت خاقان كشورستان نيز جمعي را از دارالخلافه به امداد روانه آذر بايجان فرمودند، سیسیانُف چون خود را از هر جهت محاط و محصور سیاه ایران دید با حسینقلی خان بادکو به ای بنای مراوده و مماشات را گذاشت. حسینقلی خان بهظاهر اظهار سازش با او نموده و براي مشورتي سيسيانُف را در حوالي قلعه طلبيد و مشغول مكالمه شدند در اين حال ابراهيم خان بني عمّ حسينقلي خان از پشت سر سیسیانُف را هدف گلوله ساخته به عالم دیگر روانه ساخت و عساکر منصوره به اردوی روس تاختند، بقیّهٔ اشکر بی سردار در سفاین نشسته به راه پشت ساری رفتند \_ از قرار معروف حاجی میرزا محمد آخباری نیشابوری از علمای بزرگ اخباری پیش از وقت از کشته شدن سیسیانف خبر داده بود \_ خلاصه بعد از کشته شدن سیسیانُف سرکردهٔ دیگر روسی با قشون روس به پشتساری رفته به امید موافقت مصطفی خان طالش چندی در آن ناحیه بماند بعد مأیوس شده به روسیّه بازگشت \_ هم در این سال چون تراکمهٔ سرخس و طرن و آخال برحسب عادت به شرارت و فساد و راهزنی می پرداختند نواب شاهزاده محمدولی میرزا به تدمیر و تنبیه آن جماعت مأمور و بعضي إز سركردگان سپاه منصور نيز به همراهي شاهزاده معظم محکوم گردیدند و در حوالی رود طرف در ماه ربیع الثانی این سال با تراکمه تلاقی دست داد، بسیاری از آنها را بکشتند و اموال زیاد به دست قشون ظفرنمون افتاد ... هم در این سال احمد چلبی با عریضهٔ علی پاشا والی بغداد به حضور همایون آمد. تبيين آنكه: قلعهٔ سليمانيه در خاك ولايت شهرزور كه تقريباً يكصد سال قبل سلیمان یاشا وزیر بغداد بنا کرده و اکراد در آن سکنی دارند و چون بر وفق تعیین

اعتماد السلطنه

حدود که در قدیم شده آن ولایت داخل کردستان و ضمیمهٔ ایران بوده و گاهی دولت عشمانی آن را تصرف می نموده و این معنی اسباب حدوث خلاف فیمابین دولتین می گردید و بالجمله این اوقات عبدالرحمن پاشا ساکن سلیمانیه که بعد از مخالفت و منازعه با علی پاشا والی بغداد به سنندج آمده و پناه یافته علی پاشا احسد چلبی را با عریضه به در بار معلی فرستاده و استرداد عبدالرحمن پاشا را استدعا نمود. بنابراین میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی با جواب علی پاشا مأمور بغداد گردید و مقرر فرمودند که عبدالرحمن پاشا را به حکومت شهرز ور برقرار دارند سهم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه مهدیقلی خان دولو بیگلر بیگی ایروان را به دفع جعفرقلی خان دنبلی مأمور فرمودند، و کلیعلی خان نخجوانی را به تندمیر ابراهیم پاشا حاکم بایزید روانه کردند، و حسینقلی خان افشار و اسمعیل خان قاجار به تاخت و تاراج میانهٔ گنجه و تفلیس رفتند، و همگی با نیل مرام مراجعت کردند ... هم در این سال میرزا رضاقلی نواثی منشی الممالک و ناظم امور درب سرای سلطنتی گردیده و اختیار مهر بهر آثار و مقالید انتظام مهام خزانهٔ عامره را به کف کفایت او واگذار فرمودند ... وفات نواب امیرکبیر سلیمان خان اعتضادالدولهٔ قاجار.

اروپ (انگلیس) — استعمال زغال سنگ در این مملکت رواج دارد. (روس) — دولت روس از دولت عشمانی آزادی کشتیرانی در رودخانهٔ فاز را که در حوالی پُشتی مصب دارد می طلبد. (سایر ممالک فرانک) — ناپلیون علاوه بر امپراطوری فرانسه لقب پادشاهی ایطالیا را ضمیمهٔ القاب خود می نماید و در میلان تاج آهن سلاطین ایطالیا را بسرمی گذارد و ربیب خود آژن را نایب السلطنهٔ ایطالیا می خواند — مراجعت ناپلیون به بُولُنی و در اینجا با صد و سی و دو هزار پیاده و پانزده هزار سوار و دو هزار کشتی مصمم و رود به خاک انگلیس است و متصل می گوید اگر دوازده ساعت آب دریا با من موافقت کند جزیرهٔ انگلیس را معدوم می نمایم — اطریش با انگلیس در ضدیّت فرانسه مشارکت دارد و به این واسطه ناپلیون از بندر فردنی مراجعت می کند که به منازعه با اطریش بپردازد — دولت روس قشون خود

را با عساکر اطریش همراه و متفق می نماید \_ ناپلیون لشکری را که در بُولُنی برای جنگ با انگلیس حاضِر کرده بود به جهت مقابلی با عساکر متحدهٔ اطریش و روس به ساحل رن می آورد \_ فتوحات قشون فرانسه در خاک آلمان \_ شکست سفاین فرانسه در ترافالگار به دست نِلشُن امیرالبحر انگلیس که مقتول می شود ولی فتح می کند \_ ناپلیون بعد از فتح مشهور اُولم به سمت وینه پایتخت اطریش حرکت می کند و با عساکر متحدهٔ روس و اطریش در اُسْتِرلیئز جنگ کرده آنها را شکست می دهد \_ اطریش با فرانسه عهد صلح موسوم به عهد پرشبورگ را می بندد \_ ولات باویر و وُرثَنْمیرگ به ملاحظهٔ خصوصیّت با ناپلیون ملقب به پادشاه باویر و پادشاه ورتمبرگ می شوند \_ پادشاه ناپل فردیناند چهارم به حکم ناپلیون از سلطنت خلع می شود \_ تقویم جمهوری طلبان فرانسه محذوف و تقویم قدیم برقرار و روز اوّل سال می گردد.

# [سنة ۱۲۲۱ هجری = سنة ۱۸۰۹ مسیحی]

آسیا (ایران) \_ در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحملی شاه زمام مهام و امور معظمهٔ دولتی مملکت ایران را به کف کفایت چهار نفر وزیر دادند \_ یکی میرزا محمد شفیع که به منصب صدارت عظمی نایل بود \_ دیگری حاجی محمدحسین خان بیگلربیگی اصفهان که از اسخیای زمان بود ملقب به امین الدوله شده و منصب استیفای محمالک محروسه بر عهدهٔ او مفوض گردید \_ و میرزا رضاقلی نوائی متخلص به سلطانی منشی الممالک به وزارت رسایل برقرار گشت \_ و میرزا هدایت الله تفرشی وزارت لشکر یافت \_ هم در این سال عبدالله خان ولد حاجی محمدحسین خان امین الدوله به حکومت اصفهان منصوب گردید، و حسین خان قاجار قزوینی که سرداری خراسان و حکومت نیشابور داشت به در بار حسین خان قاجار دولو معملی اصفهان مباهی گشته به معلی اصفهار شده به رتبهٔ سرداری و سپهسالاری فایز آمد و محمدخان قاجار دولو حاکم سابق کزاز و ملایر به سرداری خراسان و نیابت آن سامان مباهی گشته به حاکم سابق کزاز و ملایر به سرداری خراسان و نیابت آن سامان مباهی گشته به خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت، و موکب همایون خاقانی از خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت، و موکب همایون خاقانی از خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت، و موکب همایون خاقانی از

دارالخلافة طهران انتهاض فرموده روز جمعة بيست و پنجم ماه ربيع الاول به چمن سلطانیه نزول اجلال فرمودند ـ هم در این سال سفیری از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه موسوم به مسیو ژو بر مأمور در بار دولت علیه گردیده پاشای حاکم بایزید و حاکم وان به جهت اتّحاد دولتین عثمانی و روس بر ضدّ فرانسه سفیر مز بور را گرفته حبس كردند و اموالش را ضبط و دو نفر از ملازمانش را مقتول نمودند. حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد دولت عليه عبّاس ميرزا از واقعه خبردار گردیده مأموری به طلب سفیر فرستادند سفیر مستخلص شده با پذیرائی و احترام شایان در چمن سلطانیه به حضور همایون تشرّف جست و غرض نایلیون از فرستادن این سفیر دو چیز بود: یکی اتّحاد و عهد مودّت با دولت ایران، و دیگر تصدیق تمودن به امپراطوری او - خلاصه، جواب نامهٔ امپراطوری را میرزا رضای قزوینی منشى ديوان اعلى حامل و به سفارت مأمور فرانسه شد ... هم در اين سال ابراهيم خلیل خان که بعد از کشته شدن سیسیانف از خودسری و سازش با سردار روس بشيمان شده بود عريضه اي به خدمت حضرت مستطاب نايب السلطنه عرض كرده معذرت خواست و برای دفع ماژر روسی که در شوشی اقامت داشت استمداد نمود، لـهذا حسين خان سردار و اسمعيل خان دامغاني و امانالله خان افشار حاكم خمسه بـا لـشكـرى به معاونت او مأمور شدند و قبل از مشاراليهم فرج الله خان شاهيسون و ابوالفتح حان جوانشير پسر ابراهيم خان عزيمت آن صفحات نموده بودند. حعفرقلي خمان بن محمدحسین خان که با عمّ خود ابوالفتح خان عداوتی داشت و وجود او را اسباب اخلال کار خود می پنداشت شبی ماژر روسی را با سیصد نفر سر باز روس از قلعهٔ شوشی بر سر جدّ خود ابراهیم خلیل خان که در خارج قلعه بود برد و آنها بیخبر بر سَر ابراهیم خلیل خان ریختند و او را با سی و یک نفر از اهل و عیال و نسوان او بكشتند و باز نايرهٔ فتنه در قراباغ ميل به اشتعال نمود ــ خلاصه بعد از قتل ابراهیم خلیل خان ماژر روسی ضبط و امن کردن قراباغ را به مهدیقلی خان ولد ابراهیم خلیل خان محول کرده خود مشغول حراست قلعهٔ شوشی شد. حضرت مستطاب نايب السلطنه چون از اختلال كار قراباغ خبردار شدند از تبريز حركت فرمودند در منزل آق اغلان معروض ملازمان حضرت معظم داشتند که یکی از

سردارهای روس از تقلیس حرکت کرده و با سپاه گنجه به طرف قراباغ رانده و در منزل عسکران مانده و مهیّای جنگ است. نیز در عرض راه عریضهٔ سلیم خان شکّی رسید که از سازش با سپاه روس معذرت خواسته و استدعای استمداد و قبول خدمت دولت عليه را نموده، حضرت مستطاب نايب السلطنه فرج الله خان شاهيسون را مأمور به امداد سليم خان شكى نمودند. و چون اكثرى از ايالات قراباغ اين اوقات استدعا نموده بودند كه از اين ناحيه كوچيده در قراجه داغ متوقف شوند عطاءالله خان شاهیسون به انجام این خدمت رفت و حضرت معظم نایبالسلطنه از آق اغلان به منزل خانشین تشریف فرما شدند. در اینجا دو لشکر باهم تلاقی کرده چند روز چنگ و کارزار سخت در کار بود آخرالامر از گرمی هوا و فقدان آب عساکر روس درمانده دست از جنگ کشیدند و به منازل خود شتافتند، و از آنجا که در اردوی حضرت نایب السلطنه نیز آذوقه وجود نداشت از پل عبور کرده به چشمهٔ حسن و حسین نزول نمودند، و در این وقت حسن خان و حسین خان قاجار قزوینی و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار که از در بار همایون به حدمت حضرت نايب السلطنة مأمور بودند به ركاب حضرت معظم پيوستند و چون مصطفى خـان شـيرواني با روسيه ساخته بود اسمعيل خان سردار و امان الله خان افشار به تدمیر او روانه شده آن حدود را نهب کرده و تمام ایلات آنجا را کوچانیده به فراجه داغ و موغان آوردنـد و حضرت مستطاب نایب السلطنه به تبریز معاودت فرمودند \_ هم در این سال چون علی پاشا والی بغداد نصب عبدالرحمن پاشا را در ولايت شهرزور از ميرزا صادق وقايع نكار فرستادة اعليخضرت خاقان كشورستان نیذیرفت امنای حضرت گردون بسطت علیه عبدالرحمن باشا را به دارالخلافه احضار كرده خلعت و منشور ايالت شهرزور را به او مرحمت فرمودند و به امان الله خان والىي كردستان حكم شد عبدالرّحمن پاشا را تقويت نمايد. لهذا خالدپاشا كه در شهرزور بود به بغداد گریخت و عبدالرحمن باشا در شهرزور استقلال یافت، علی پاشا بدون استبذان از دولت عثمانی به خیال جنگ با عساکر ایران افتاد. و از این طرف نواب شاهزاده محمدعلی میرزا مأمور حدود و ایالات مجاور خاک عشمانی شده از حدود بصره الی خرم آباد و از کرمانشهان تا خاک بغداد به

حکمرانی نواب شاهزادهٔ معظم مقرّر گشت و از امرای در باری ابراهیم خان دولّوی قاجار و محمّدعلی خان شامبیاتی و جمعی دیگر ملتزم رکاب نواب شاهزاده شدند و در دهم جمادی الاولی از چمن سلطانیه حرکت کردند. علی پاشا با سی هزار سوار و پیاده به منزل زهاب آمد و سلیمان پاشای کهیا همشیرهزادهٔ خود را به دفع عبدالرّحمن ياشا فرستاد، عبدالرّحمن ياشا تاب مقاومت نياورده به كردستان رفت و این معنی بر جسارت علی پاشا افزود و از زهاب نیز تخطی نمود. اعلیحضرت هممايون نوروزخان قاجار اميربار را بهتاخت بغداد فرمان دادند، عساكر منصوره روانه شده به منزل کِرند رسیدند. علی پاشا به کنار رود سیروان رفت. نوروز خان و محمدعلی خان با دو هزار سوار از زهاب تا مندلیج را تاختند. فتّاح پاشا به مقاتلهٔ لشكر ايران آمده شكست خورد و به على پاشا پيوست. فرج الله خان افشار نسقچی باشی، و محمدولی خان افشار قاسملو، و صفی یار خان کردبچه، از دارالخلاف مأمور نصب عبدالرّحمن باشا در شهرزور شدند. سليمان ياشا و خالد ياشا از جانب على ياشا به كنار درياجة مريوان آمده به مقابلت و مقاتلت يرداختند و بعد از جنگی سخت و کشته شدن سه هزار نفر از عساکر عثمانی منهزم گردیدند و على پاشا به بغداد گريخت و شيخ جعفر نجفي را كه از اجلَّه علما بود واسطه و شفیع قرار داد و اسرای لشکر علی پاشا به توسط شیخ اجل همه مستخلص شدند مگر سلیمان پاشای کهیا که او را مغلولاً به در بار خاقانی آوردند پس از آن او نیز به توسّط جناب شیخ جعفر معفّق و مرخص شد و موکب همایون اعلیحضرت خاقان كشورستان از سلطانيه به دارالخلافة طهران معاودت فرمود ـــ هم در اين سال روسيه اهل بـادکوبـه را بـر حــــینقلی خان بادکوبهای بشورانیدند و او با اهل و عیال به تبریز آمد و شیخعلی خان قبّه ای در عالم مستی با یکی از سرکرده های روس بنای دوستني را نهاده و او را به قلعهٔ در بند راه داد، آخرالامر سوءسلوک آن جماعت او را متاذّی ساخته به محال داغستان رفت و سردار روس به شکی راند و سلیمخان بـنـابر مخالفت اهالی شکّی به تبریز آمد و مصطفی خانِ شیروانی دانسته شیروان را به روسیه تسلیم نمود که علی خان سالیانی را که با او عداوت داشت از میانه بردارند و بدین و تیره سالیان هم به تصرف عساکر روس درآمد و مصطفی خان

شمری از این خیانتها ندیده به فت داغی رفت \_ هم در این اوان حسین خان قاجار قزوینی به سرداری ایروان مأمور گردید \_ ولادت نواب کیقباد میرزا و بهرام میرزا.

اروپ (انگلیس) ــ فوت پیت در سنّ چهل و هفت سالگی ــ صدارت گرانویل. (فرانسه) - این سال بهترین سنوات سلطنت ناپلیون است - مزاوجت دختر یادشاه باویر با پرنس أژن ربیب ناپلیون ــ بعد از مراجعت ناپلیون با فتح و نصرت به پاریس لقب اعظم بر القاب او افزوده می شود \_ از بلاد مفتوحه کسر عمل خزانه فرانسه جابجا می شود \_ ایجاد بانک در فرانسه \_ در میدان واندم در پاریس مناری از تو پهائی که از دشمن گرفته شده و ذوب نموده اند بر پا می کنند ــ جمعیّت فرانسه امسال پنجاه و هشت کرور و صد و هفت هزار نفر و کسری می باشد. **(سایر** ممالک فرنگ) ـ تصرف مملکت نابل به دست ژوزف برادر بزرگ ناپلیون \_ سلاطین و ولات و دوکهای آلمان و ایطالیا در عداد ملتزمین رکاب ناپلیون اسامی خود را ثبت می کنند ــ ژوزف بنایارت برادر ناپلیون به پادشاهی نایل برقرار مى گردد \_ لوئى بناپارت برادر ديگر تاپليون پادشاه هلاند مى شود \_ امپراطورى آلمان بعد از هزار و ششصد سال استدامت و بقا به دست ناپلیون نابود می گردد \_ منازعهٔ فرانسه با پروس و شکست خوردن پروس ــ فتح معروف بنا به دست ناپلیون ــ ورود ناپلیون به برآن و تصرّف نمودن او این شهر را ــ ورود عساکر فرانسه به لهستان \_ مُورات سردار فرانسه ورشو را مي گيرد \_ والي ساكس كه با فرانسه متحد بود به حکم ناپلیون به پادشاهی ساکس برقرار می شود ــ ناپلیون به ورشو می رود ـــ مغاینرت مابین روس و عثمانی در باب ایالت افلاق بغدان ـــ ژاسی و بوخارست را قشون روس از عثمانی منتزع می کند ــ شورشیان سر بستان بلگراد را از تصرف عثمانی خارج می نمایند.

افریقا - محمدعلی باشا در مصر اقتداری حاصل می نماید - پوشیده نباشد که اصل محمدعلی باشا از روملی خاک عثمانی بوده امّا نه از نژاد اعاظم بلکه از اصل محمدعلی پاشا از روملی خاک عثمانی بوده امّا نه از نژاد اعاظم بلکه از اهالی سوق و کسبه، در طفولیّت کسب علمی ننموده، در سنّ رشد داخل در دزدان دریائی شده، بعد رئیس یک طایفهٔ راهزنی گردیده، آخرالامر به سبب عزم و جرأت

و جلادتی که داشت به ولایت مصر رسید.

### [سنهٔ ۱۲۲۲ هجری = سنهٔ ۱۸۰۷ مسیحی]

آسیا (ایران) ــ در این سال بنابر اینکه جنگ با روس به انتها نرسیده برحسب امر اعلى عساكر منصوره از اطراف و جوانب حركت كرده راه دارالخلافه را ييش گرفتند و موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه عزیمت سلطانیه فرمود. و در اوایل این سال نواب علینقی میرزا به حکمرانی قزوین منصوب شد ــ هم در این سال چون دولت روس خیال جنگ با عثمانی داشت غراف گداویج سردار روس که مأمور قفقاز بود استیانُف نامی را با نامهای که امیراطور روس به میرزا محمد شفيع صدراعظم نوشته بودند به در بار دولت عليه فرستاده طلب مصالحه نمود. امنای دولت ایران مصالحه را منوط به استرداد بلاد جزو ایروان و آذر بایجان که عساکر روس متصرّف شده بودند نمودند و فرستاده را خرسند معاودت دادند. و حسن خان قوللر آقاسي برادر حسين خان قاجار قزويني راكه حاكم و سردار آذر بایجان و ایروان بود مأمور همان صفحات کردند که به معاضدت برادر خود پرداخته و اشرف خان دماوندي و جمعي را به معارست حصار ايروان محكوم ساختند \_ هم در این سال چون یوسف پاشا صدراعظم دولت عثمانی فیضی محمود افندى نامى را به خدمت حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد عباس ميرزا فرستاده مودّت و اتّحاد دولت عثماني را با دولت عليّه اظهار داشته و ضمناً استخلاص سليمان ياشا كهيها را خواهش نموده حضرت مستطاب معظم نيز فتحعلي خان رشتي ولد هدایت الله خان را نزد یوسف یاشا فرستاده موافقت دولت علیه را با دولت عثمانی ابلاغ كردند \_ هم در اين سال فيمابين نواب شاهزاده محمدولي ميرزا والي خراسان و فیروزالدین میرزای افغان والی هرات جنگ درگرفت ــ تبیین آنکه: در زمانی که حسینخان قاجار قزوینی در خراسان بود ولایت غوریان را که در هشت فرسنگی هرات است متصرف گردید و ولایت مزبوره به اسحق خان قرائی سیرده شـد. اسحق خان حکومت غوریان را به یوسف علی خان برادرزادهٔ خود واگذار کرد

و خود در ملازمت رکاب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بسر می برد. یوسف علی خان بنابر مواعيد فيروزالدين ميرزا متابعت او را اختيار كرد، و فيروزالدين ميرزا حقوق اعليحضرت خاقان كشورستان را فراموش كرده صوفى اسلام نامي از صوفية بخارا را که در کرخ من توابع هرات جمعی مرید دور خود جمع کرده بود با پنجاه هزار سوار برداشته به طرف شکیبان که شش فرسخی هرات است حرکت کرد. از این طرف نیز به امر همایون نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و محمد خان نایب خراسان و خوانین و عساکر این ایالت به شاهده یک فرسخی شکیبان آمدند و در بيست و دويم ربيع الاول در صحراى شكيبان فريقين تلاقى نمودند. صوفى اسلام که در هودجی زرین و با حشمتی تمام حرکت می کرد در هودج مقتول شد و قشون فيروزالدين ميرزا شكست خورده بسيارى از خوانين و آحاد و افراد لشكريان به راه عدم رفته چند تن از سركردگان و سه هزار از سپاهيان اسير شده بقية السيف به هرات گریختند و اموال آنها به تصرف عساکر منصوره درآمد و فیروزالدین میرزا خراج دو ساله را داده و مالیات سنواتی را متقبل گردید، و یوسف علی خان قرائی را دست بسته به اردوی والی خراسان فرستاد، و خراج مزبور با بعضی هدایا و پیشکش ها در چمن سلطانیه به اردوی خاقانی موصول گردید و موکب نواب شاهزاده محمد ولى ميرزا به ارض اقدس معاودت نمود ــ هم در اين سال ميرزا محمد رضای قزوینی که به ایلجی گری به فرانسه رفته بود در نمسه به خضور ناپلیون اول امیراطور فرانسه رسیده مورد التفات زیاد گردیده و نایلیون ژنرال غاردان را که سردار دوازده هزار قشبون فبرانسه بود با هفتاد نفر معلّم و مهندس نظامی و ارباب صنایع به در بار دولت علیه مأمور نموده فتحعلی خان نوری قوریسا ولباشی حضرت مستطاب نایب السلطنه به مهمانداری آنها رفت و ژنرال مشارالیه و همراهان او با ميرزا محمدرضاى قزوينى به دارالخلافه آمدند و در خانهٔ ميرزا محمد شفيع صدراعظم منزل برای آنها معین شد و ژنرال غاردان به حضور اعلیحضرت خاقان. مشرف شده نامهٔ مودّت علامهٔ ناپلیون را با هدایا تقدیم نمود و به عواطف خاقانی احتصاص یافته به لقب خانی مباهی گردید و عهد مودت مابین دولت ایران و دولت فیرانسه منعقد گردید و عسکرخان افشار ارومی به سفارت به فرانسه رفت و

حكم همايون شرف صدور يافت كه حضرت مستطاب نايبالسلطنه به تشكيل سپاه نظام پردازنند و افواج پیادهٔ استرآباد و مازندران و عراق وضع نظامی بهمرسانیده مشغول مشق شدند، حتى شاهزادگان به تعليم معلمين فرانسه به مشق كردن برداختند و چیزی نگذشت که پنجاه هزار نفر از عساکر آذر بایجان و مازندران و عراق و سمنان و دامغان داخل در نظام گردیدند \_ هم در این سال نواب امام ویردی میرزا ملقب به ایلخانی شده و به منصب سرکشیکیی باشی و ریش سفیدی سپاه ظفرهمراه نایل آمد و یوسف خان گرجی منصب سپهداری یافت و به حکومت عراق منصوب شد \_ هم در این سال چون علما و ینگیریان از سلطان سلیم خان سیم سلطان عثمانی راضی نبودند و او را خلع کرده ابن عم او سلطان مصطفى خان بن سلطان عبدالحميد خان را به تخت سلطنت عثماني جلوس دادند، اعليحضرت خاقان آقا ابراهيم شيخ الاسلام خوى را كه مردى دانا و خبير بود به تهنیت جلوس سلطان مصطفی خان مأمور در بار دولت عثمانی فرمودند ـــ هم در این سال میبرزا محمّدعلی و میرزا آسمعیل از جانب میرهای سند و میرغلامعلی و ميركرمعلى ار ولايت حيدرآباد هند با هدايا و تحف به در بار خاقان عظيم الاقتدار آمدند و فتحملی خان خواجه وند با خلعت خسروانه بدآن ولایات مأمور شد ــ هم در این سال غراف گداویچ سردار روس که در تفلیس بود فرستاده ای با عریضه به دارالخلافه فرستاد و نامه ای به ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه که در در بار معلّی بود نوشته او را واسطهٔ صلح بین دولتین ایران و روس قرار داد ولی این کار صورت پذیر نشد و بعضی این واقعه را از وقایع سال بعد دانسته اند ــ تولّد شاپور میرزا، و ملک قاسم میرزا، و منوچهر میرزا، و ایرج میرزا، و کیکاوس میرزا فرزندان اعلیحضرت خاقان کشورستان ــ و از سعادتهای بزرگ آخر این سال آنکه در روز ششم ماه ذيقعده حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد را از بطن صبية محترمه اميركبير ميرزا محمدخان بيكلربيكى قاجار دولو فرزندي ارجمند متولد شد و به اذن اعلیحضرت خاقان گیتی ستان آن مولود مسعود موسوم به محمّد میرزا گردید و این شاهزاده است که بعد از خاقان معظّم به سریر سلطنت ایران جلوس مي نمايد.

**ارو پــا ــ قشلامیشی** ناپلیون در سیلزی ــ فتح برسلو و دانزیک ــ جنگ ناپلیون با **قشون** روس در ایلو و شکست فاحش روسها و در این جنگ عساکر ناپلیون پنجاه و چهار هـزار نـفـر، و لـشـکـر روس هـفتاد و دو هزار نفر بودند، و اين جنگ يکي از جنگهای خونریز دنیا بوده است ـ جنگ دیگر نایلیون با سپاه روس در فرئیدلاند \_ ساحل رود نیه مِنْ معسكر ناپلیون می شود و در تیلسیت با یادشاه بروس و امیراطور روس متارکه می کند \_ ملاقات امپراطور روس با امپراطور فرانسه در میان یک قایقی در وسط رودخانهٔ نیه مِن، و انعقاد معاهده که موسوم به تیلسیت می شود \_ در این معاهده شهر دانزیک شهر آزاد و بیطرف می گردد \_ ایالات متعدده از پروس منتزع گردیده و سلطنت وستفالی از این ایالات تشکیل یافته به ژرمُ بناپار ت برادر نایلیون تفویض می شود ـ پهستان از تصرف روس خارج شده به ایالت وارشبوی موسوم و به پادشاه ساکس مفوض می گردد ــ آنچه را که نایلیون در بلاد فرنگ تصرف كرده است الكساندر اؤل امپراطور روس در اين معاهده تصديق می کند ــ از آنطرف روس واسطهٔ صلح مابین فرانسه و انگلیس می گردد و فرانسه واسطهٔ مصالحهٔ روس و عشمانی می شود \_ مملکت هانور جزو سلطنت جدید وستغالی می گردد ــ معاهدهٔ مخفی مابین عثمانی و انگلیس بر ضدّ نایلیون ــ نقار و كدورت باطنى اهالى فرانسه با ناپليون ... دانمارك با ناپليون بر ضد أنگليس مشارکت دارد ... سفاین جنگی فرانسه بسیار باقوتست ... منازعهٔ سخت انگلیس با دانیمارک ــ ورود سفاین جنگی او به دریای سوند ــ عساکر انگلیس سه روز و سه شب شهر کیدهاک را گلوله باران می کنند، بیشتر از دول فرنگ از این عمل انگلیس ناراضی می باشند و با ناپلیون در ضدیت با انگلیس مشارکت دارند ... دولت روس به تحریک ناپلیون فَلاند را از شُودْ منتزع می سازد و وعدهٔ ایالات دانویسی عثمانی را ناپلیون به روس می دهد ـــ ژنرال ژونُو با بیست و سه هزار قشون مملکت پرتوغال را برای ناپلیون فتح می کند ... خانوادهٔ براگانس که سالها در یرتوغال سلطنت داشتند فراراً به برزیل که در ینگی دنیای جنوبی و متعلق به آنها بود می رود ــ اعلان جنگ انگلیس و روس ــ به حکم ناپلیون تجارت انگلیس در

ممالک وسیعه که مستقیماً به تصرف او می باشد یا متحدین و دوستان نایلیون متصرف اند ممنوع می گردد. (انگلیس) - کانتگ به صدارت منصوب می شود. (اسیانیول) ــ یادشاه این مملکت ابله، و ملکه زانیه، و صدراعظم ناقابل و خاین، در۔فُـنْـتَـنْ بِلُـو۔ ایـن دولـت بـه این وضع با ناپلیون عهد مخفی می بندد که مملکت يرتوغال را با فرانسه تقسيم كنند ــ يادشاه ابله وليعهد خود را محبوس مي سازد و شئونات سلطنتی از این خانواده سلب می گردد. (فرانسه) ــ ایجاد قانون تجارتی ــ برقرار شدن القابي كه در هنگام جمهوري حذف شده بود ــ ناپليون مشوق علما و ار باب صنایع است ... تشریفات در بار قدیم سلطنت فرانسه مجدداً معمول می گردد ــ سفر ناپليون به ايطاليا و دادن به أُرْنِ ربيب خود لقب شاهزادگي ونيز را . (عشمانی و انگلیس و روس) ــ روس و انگلیس بر ضد عثمانی متحد می گردند سه اردوی روس از ـ دِنـــی اِسْتِرْـ عبور کرده به خاک عثمانی ورود می نمایند \_\_\_ امیرال انگلیس دوک وُرْت با سفاین جنگی به داردایل می آید \_ در بار عثمانی متزلزل است \_ ایلجی فرانسه سلطان سلیم خان سیم را محارست می نماید \_ قشون انگلیس در مصر اسکندریه را می گیرد بر یاغیان سر بی با روس متحد می شوند \_\_ سلطان سلیم خان سیّم را عَلَماً و ینگچریان که از او راضی نبودند خلع و حبس مبی کنند و ابن عم او سلطان مصطفی خان را به جای او نصب می کنند \_ مصریها قشون انگلیس را از اسکندریه می دوانند.

امریکا ــ رواج سفاین بخاری و لزوم و درک فواید آن.

### [سنهٔ ۱۲۲۳ هجری = سنهٔ ۱۸۰۸ مسیحی]

آسیا (ایران) \_ در اوایل این سال نیز موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلی شاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و عساکر منصوره نیز از هر طرف متوجه آن ساحت بانزهت گردیدند \_ هم در این سال امیر ناصرالدین توره ابن میرمعصوم بگ جان با یکهزار خانوار مروی به ارض اقدس آمد \_ تبیین آنکه: امیرحیدر توره برادر امیر ناصرالدین توره حکمران بخارا، این اوان به جهت اظهار

توسلبي كه امير ناصرالدين توره حكمران مرو به ملازمان حضرت خاقان كشورستان كرده بود از او متوقع شده لشكر به مرو كشيد و بند مرو را خراب نمود و زيستن در مرو صعب شد. امير ناصرالدين مراتب را به نواب شاهزاده محمد ولي ميرزا حكمران خراسان عرضه داشت و نواب معظم به آستان همايون، و حكم شد محمد خان نایب خراسان به مرو رود و امیر ناصرالدین توره را با محمدشریف خان مروزی قاجار برادرزادهٔ حاجی محمدحسین خان عزالدین لو با هزار سوار به ارض اقدس آورد. و امير ناصرالدين توره بعد از آنكه در خراسا: ..... گرفت با نواب شاهزاده محمدولي ميرزا وصلت كرد و بعد از مدتى به سياحت عثماني و روس رفت و در ممالک روس درگذشت ــ هم در این سال فیمابین سلیمان پاشا والی بغداد وعبدالرحمن ياشا حاكم شهرزور خلاف درگرفت وعبدالرحمن ياشا مغلوباً به كرمانشهان آمده به اولياى دولت عليه متوسل گرديد، لهذا فرج الله خان افشار به نصب عبدالرحمن پاشا و تهدید سلیمان پاشا مأمور شده این خدمت را به انجام رسانیده بازگشت ـ هم در این سال نوشتجات فیمابین غراف گداویچ و ژنرال غاردان خان سفير فرانسه ارسال و مرسول شده گداويچ متعقد شد كه امسال عساكر روس را با سیاه ایران بنابر متارکه باشد تا بلکه صلح به انجام رسد. و ژنرال غاردان اظهار داشت که چون ناپلیون با امیراطور روس در کار انعقاد عهد مصالحه می باشد من در عریضهٔ خود به ناپلیون نوشته ام که قرار تخلیهٔ ولایت گرجستان و قراباغ و ارّان را نیز با دولت روس بدهند ... هم در این سال سیرژن ملکم که سابقاً از جانب حکومت هندوستان انگلیس به در بار همایون به سفارت آمده بود مجدداً به ایلجی گری از جانب حکومت مشارالیها به بندر بوشهر آمد، و چون ژنرال غاردان خان به آمدن سفیر انگلیس به در بار همایون مایل نبود، و نیز تعهدات کرده، اسمعیل خان بیشخدمت خاصه به شیراز رفت و به وضع خوش به سیرژن ملکم پیغام فرستاد که تا زمان ظهور تعهدات سفیر فرانسه بنا را به توقّف در آنجائی که هست گذارد. مقارن این حال حکمی از فرمانفرمای هندوستان به سیرژن ملکم رسید که سير هرفرد ژونس از جانب يادشاه انگلستان مأمور سفارت ايران و وارد بمبئى شده بشابراین مراجعت تو آولی است. لهذا سیرژن ملکم به کلکته مراجعت کرد ـــ هم

در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه به کنار رود ارس آمده بعضی از سرداران سیاه را مأمور دفع عساكر روس فرمودند و در شب نهم شوال این سال لشكر روس به قلعهٔ ايروان يورش بردند. مستحفظين قلعه يعني حسن خان برادر حسین خان سردار، و کلبعلی خان سیانلوی قاجار، و اشرفخان دماوندی، و میرزا علینقی خان فندرسکی به مدافعه برداختند و جنگی سخت درگرفت و بسیاری از صاحبمنصبان و عساكر روس مجروح و مقتول شدند. ناچار گداويج با بقيّة السّيف صرفنظر از یورش و حمله نموده به طرف سنگرهای خود راندند و در بیست و دویم شـــقال راه گرجستان پیش گرفتند ـــ هم در این اوان علی خان قوانلو و امان الله خان افشار با دو دسته از سیاه روس مقاتله نموده برآنها غلبه کردند و شیخعلی خان قبّه ای نیز در حوالی در بند با دسته جات قشون روس که در آنجا بودند زد و خوردی کرده بر آنها غالب آمد و علی خان قاجار به علّت زخمی که در یا داشت درگذشت و این اخسار در زرند و ساوه به سمع مبارک اعلیحضرت خاقان رسید و موکب همايون بعد از شكار در زرند و ساوه به دارالخلافهٔ طهران مراجعت كرد \_ هم در این اوان سیر هرفرد ژونس سفیر انگلیس وارد بندر بوشهر شده محمدخان حاجیلر استرآبادی یوزباشی به مهمانداری او به شیراز رفت و با سفیر مشارالیه به اصفهان آمد و چون اثری از تعهدات ژنرال غاردان خان ایلچی فرانسه به ظهور نرسید بی اذن امنای دولت و حکم ناپلیون از راه تبریز و تفلیس به پاریس شتافت و سفیر دولت انگلیس از اصفهان عزیمت دارالخلافه نموده روز بیست و هشتم ماه ذیحجهٔ این سال وارد طهران شد و در خانهٔ حاجی محمدحسین خان امین الدوله منزل برای او معیّن کردند ــ تولّد نواب شاهقلی میرزا و محمّد مهدی میرزاــ وفات میرزا محمّد رضى تبريزى صاحب زينة التواريخ.

ارو بها \_ شارل چهارم پادشاه اسپانیول بنابر تحریکات باطنی ناپلیون مصمّم فرار به آمریک است \_ مورات سردار فرانسه با عساکر زیاد وارد اسپانیول می شود \_ در فرار پادشاه از سلطنت استعفا کرده فرار پادشاه از سلطنت استعفا کرده پسرش فردیناند هفتم به جای او به تخت سلطنت جلوس می نماید \_ مورات سردار

پادشاه تازه را نمی شناسد و وارد پایتخت آسپانیول می شود \_ نایلیون پدر و پسر را در شهر بایُن احضار می نماید که بین الطرفین ثالث و حکم گردد و فیمابین را اصلاح نماید ولی به جای اصلاح تفتین نموده و ژوزف برادر خود را به سلطنت اسیانیول معیّن و مأمور می کند. اهالی اسپانیا از این رفتار ناپلیون متغیّر شده با فرانسه ها بنای ضدیت را می گذارند و پنهان و آشکار از عساکر فرانسه می کشند \_ انگلیس با اسپانیولیها در ضدیت با فرانسه شریک می شود \_ چون یی هفتم پاپ ناپلیون را لعنت کرده بود عساکر فرانسه شهر رُم را تصرّف می نمایند ... به مورات سردار فرانسه تاج سلطنت نابل داده می شود \_ وُلسلی سردار انگلیس سردار فرانسه را در لینز بُن پایتخت پرتوغال شکست می دهد ... ملاقات مجدد نایلیون با امیراطور روس که معاهدهٔ مخفی با یکدیگر بسته که فرنگ را بالشویه تقسیم کنند ـــ حركت نايليون به طرف اسيانيول ــ قشون فرستادن امپراطور روس به سمت سُود ــ فتوحات نایلیون در خاک اسپانیا ــ ورود نایلیون به شهر مادرید پایتخت اسپانیول و رفاهیت و آزادی دادن در اسپانیا به رعیت، و با وجود رفاهیت بسیار که نایلیون به اسپانیولیها داد باز آنها بر ضد فرانسه می باشند. (ایطالیا) ... مورات به وضع سلطنت وارد نبایل می شود. (اطریش) ـ دولت اطریش جمعیت زیادی از عساکر خود را مسلّع مى نمايد. (دانمارك) \_ فوت كريستيان هفتم پادشاه در سن شصت سالگى بعد از چهل و دو سال سلطنت ـ جلوس پسرش فردریک ششم بهجای او. (فرانسه) \_ دادن القاب زياد به سردارها، و وزرا \_ عدة عساكر فرانسه در اين وقت به دو کرور می رسد. (پروس) \_ تنظیمات جدید در قشون این دولت. (روس) - فغلاند كليتاً از سود منتزع شده به تصرف امپراطور روس درمي آيد. (عشمانی) ـ شورش مردم بر ضد سلطان مصطفی حان چهارم سلطان عثمانی و طلب نمودن سلطان سلیم خان سیم را که در محبس بود. اما اشخاصی که از سلطان سلیم خان تازاضی و شاکی بودند او را در محبس به قتل رسانیدند و سلطان محمود خان دویم به تخت سلطنت عثمانی جلوس نمود ــ طایفهٔ ینگیچری قتل و غارت زیادی در اسلامبول می نمایند و بسیاری از مواضع اسلامبول را آتش می زنند و سلطان مصطفی خان را نیز به قتل می رسانند.

#### [سنة ۱۲۲۱ هجری = سنة ۱۸۰۹ مسیحی]

آسیا (ایران) ــ در وقایع سال قبل مذكور شد كه سیر هرفرد ژونس ایلچی انگلیس در بیست و هشتم ذیحجه وارد دارالخلافهٔ طهران شد، ایلچی مشارالیه روز سیم محرم اين سال به حضور اعليحضرت خاقان كشورستان فتحعلي شاه مشرف شده نامهٔ مهر علامهٔ یادشاه انگلستان را با یک قطعه الماس گرانبها که به رسم هدید، یادشاه انگلستان برای شهریار ایران انفاذ داشته بودند به حضور مکرمت ظهور خاقان تقديم نمود و آن قطعه الماس را گوهريان به مبلغهاي خطير بها نموده قيمت گذاشتند ــ خلاصه سفير انگليس مشمول تفقدات شاهانه گرديده پس از چندي به آذر بایجان رفت و در حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه مقامی منیع بهمرسانید و به واسطهٔ او عهد موذت مابین دولتین ایران و انگلیس منعقد گردید، و ژنـرال غـاردان خـان كـه بـي اذن نـايلـيـون بــه فـرانسه بازگشته مورد مؤاخذه شده، و عسكرخان افشار سفير ايران كه مذتى در فرانسه بود ناپليون او را به حضور خود طلبیده از طول مدت اقامت او و مماطله در جواب عذر خواست و با نامهٔ دوستی و مسيو اوتره نام، او را به ايران معاودت داد ... هم در اين اوان سيرژن ملكم نيز از حانب حکومت هندوستان انگلیس به ایران آمده چندی توقف کرد و بازگشت ــ هم در این اوقات علمای اسلام فتولی دادند که جنگ با روس دفاع و جهاد است و أعليحضرت خاقان كشورستان مجاهد في سبيل الله مي باشد ... هم در اين اوان فتحملى خان خواجه وند از سفارت سند مراجعت كرده ميرثابت على نام فرستادة ولات سند نبیز با هدایا به همراهی او به در بار همایون آمد و میرزا مهدی نام اصفهانی به اتفاق میرثابت علی مأمور و روانهٔ سند گردید ... در زمستان این سال زلزلهٔ عظیم در مازندران شد و ابتدای ظهور آن در عصر روز جمعه اواخر شوال بود و تا یکماه زلازل شدیده مردم را متوخش داشت و چند ماه بعد نیز زلزله های خفیفه در كمار بود. خلاصه اين زلازل عمارات عاليه را منهدم ساخت وزمين را منشق كرده گل سیاه از آن بیرون آمد و بعضی این زلازل را به سال قبل نسبت داده اند ـــ در

این سال نواب شاهزاده عبدالله میرزا متخلّص به دارا که د ر بیست و چهارم ماه جمادي الاولى سنة هزار و دويست و يازده متولد شده بود به حكمراني خمسه منصوب گردید، و میرزا محمدتقی علی آبادی ولد میرزا محمد زکی مستوفى الممالك شاه شهيد سعيد طاب ثراه ملقب به صاحبديوان به درجه وزارت رسيد، و نواب حسام السلطنه محمدتقي ميرزا به حكومت بروجرد و سيلاخور و جایلق برقرار گشت، و میرزا علی گرائیلی به وزارت این شاهزاده نایل آمد، و نواب شیخعلی میرزا به حکمرانی ملایر و احشام زندیه منصوب گردید و حاجی میرزا اسمعیل اشرفی ناظر سابق به وزارت شیخعلی میرزا مباهی شد ... هم در این سال غـراف گـداویـچ به سبب شکست ایروان مغضوب و به در بار امپراطور روس احضار. شد و ترومسوف بهجای او به سرداری گرجستان آمد ــ هم در این سال نواب شاهزاده محمدعلي ميرزا به چمن سلطانيه مأمور شد \_ و حاجي ميرزا ابوالحسن خان شيرازي همشيره زادهٔ مرحوم حاجي ابراهيم خان وزير شاه شهيد سعيد انارالله برهانه بهواسطهٔ انتساب با حاجی محمدحسین خان امین الدوله و لیاقت شخصی به سفارت انگلیس منتخب و روانه گردید، و چون از راه اسلامبول می رفت نامه ای نیز با هدایا به در بار سلطان عثمانی مصحوب او ارسال شد ـ و از آنجا که مصطفی قلى خان عرب حاكم ترشيز هفت سال بود به واسطهٔ توهم و وحشتى كه عارض او شده از تقبیل عتبهٔ علیه تحاشی داشت نواب شاهزاده محمدولی میرزا والی خراسان به محاصرهٔ ترشیز آمدند و مصطفی قلی حان را مقهور کرده با امیرقلی حان تیموری به در بار معلّی روانه کردند و موکب همایون عزیمت چمن سلطانیه فرمود و نواب شاهزاده محمدعلی میرزا با سپاهی آراسته به تقبیل رکاب اعلی آمِد و میرزا بزرگ وزير آذر بايجان نيز از تبريز دررسيد و چون دانست كه موكب خاقاني عازم آذر بـایـجـان و تـوقّف در اوجان است به جهت تهیّه و انجام بعضی خدمات رخصت انصراف یافت. نواب شاهزاده محمدعلی میرزا دو روز پیشتر حرکت کرد و موکب خاقانسی نیز از سلطانیه تشریف فرمای چمن اوجان گردید، و هنگام ورود حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد بيست هزار نفر پياده نظام جديد آذر بايجان را با بیست عراده توپ از سان نظر مبارک گذرانیده زیاده از حد مورد تحسین و تمحید

اعتمادالسلطنه.

گردیدند ... هم در این اوان چون ترومنسوف سردار روس در یکفرسنگی تفلیس اقيامت كرده و صاحب منصبان و قشون ابوابجمعي خود را به اطراف مأمور و روانه می کرد اعلیحضرت خاقان کشورستان محمدعلی میرزا را با بیست هزار سوار دارالمرزى و قاجار به طرف تفليس مأمور فرمودند و موكب حضرت نايب السلطنه روانهٔ گنجه گردید و فرج الله خان نسقچی باشی به امر اعلی روانهٔ اردبیل شد و موكب خاقانسي به جانب سراب توجه فرمود و نواب شاهزاده محمّدعلي ميرزا در محال حمانلو در سه منزلی ایروان با قشون روس تلاقی نموده بر ایشان غالب آمد و بعضبی اسرا از آنها گرفته به اردوی معلّی فرستاد و خود به جانب تفلیس رانده ایلات آن صفحات را نهب کردند \_ حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از راه گوگحه پیلاق به گنجه شتافته ایلات آنجا را کوچانیده روانهٔ ایروان کردند، و یولکونیک روسی که به محارست آن محل و ایلات آمده بود فرار نمود و امیرخان دولوی قاحار تا حوالی گنجه او را تعاقب کرد و بعضی از همراهان او را مقتول و برخى را دستگير ساخت. ترومسوف سردار روس چون از اين وقايع خبردار گرديد عريضه اي خدمت حضرت مستطاب نايب السلطنه نوشته اظهار داشت كه بعد از حركت رايات نصرت آيات از اين نواحي گنجه را خالي خواهد نمود و به تفليس خواهد رفت از آن راه که آذوقه کمیاب بود حضرت مستطاب معظّم به ایروان توجّه فرمودند و در چمن گوگجه با برادر والاگهر خود شاهزاده محمدعلی میرزا ملاقات تسودنند و نواب محمدعلي ميرزا به موكب اعلى پيوست و فرج الله خان افشار كه روانهٔ اردبیل و آن حدود شده بود با مصطفی خان طالشی مقاتله نموده بر او غلبه کرد و قلعهٔ لنکران را متصرّف شد. امصطفی خان در قلعهٔ جامیش وان محصور گردید و نیاچار از در عجز درآمد. میرزا بزرگ وزیر آذر بایجان به استمالت او رفته وی را اطمينان داد و فرج الله خان از محاصره بازگشت ــ هم در اين سال بنابر شرارت تراکمه تکه، نواب محمّدولی میرزا والی خراسان در ماه جمادی الثانیه با سرکردگان خراسان به دشت خاوران یعنی به طرف نسا و ابیورد و رونه و مهنه و آن صفحات رانده ترکمانان شرور را تنبیه و مقهور نمودند و بعضی غنایم نصیب عساکر نواب شاهزاده گردید ... هم در این سال میرزا رضاقلی نوائی متخلص به سلطانی

صاحبديوان انشا به وزارت خراسان رفت و منشى الممالكي مخصوص ميرزا عبدالوهاب اصفهاني متخلّص به نشاط صاحب گنجينه كه شايان اين منصب بود شد، و محمدحسین خان امین الدوله مأمور محاسبهٔ فارس گردید. و ولات اخسقه و باشاجق، القاص بیگ نامی گرجی را به در بار همایون فرستاده اظهار عبودیت كردند، و تقويت و حمايت آنها برعهدهٔ حضرت مستطاب نايب السلطنه موكول آمد ــ هم در این اوان فیمابین عبدالله خان بیگلر بیگی لارستان و احمدخان بستگی نزاعمي درگرفت و عبدالله حان از نواب حسينعلي ميرزا فرمانفرماي فارس استدعاي استمداد نمود. نواب معظم صادق خان دولو پسر رضاقلی خان قاحار را با سیاهی به کمک او مأمور کردند. اهالی بستک و جهانگیریه به جماعت وهایی ساکن بر متوسل شدند، صادق حان با قشون ابوابجمعی خود در جوالی بحرین و قطیف با آنها اقدام به مقابلت و مقاتلت كرد و در اول كاريس نشست. آنها گمان كردند كه شکست خورده و فرار کرده است بنابراین اعراب به محل بنه و اردو آمده مشغول به غمارت شدند و در سر تقسیم اموال نزاع فیمابین آنها درگرفت، صادقخان غفلتاً از كمين برآمده بر سرآنها تاخت و همه را روانهٔ ديار عدم ساخت و قلعهٔ بستک و جهانگیریه را مصفّی نموده به حاکم لار تفویض کرده به شیراز آمد. هم در این سال ایلیچی سند با هدایا به در بار معلّی آمد و میرزا عبدالوهاب نشاط ملقب به معتمدالدوله گرديد.

اروپا - جنگ بسیار سخت عساکر فرانسه در اسپانیا - اتحاد اسپانیولیها و پرتوغالیها بر ضد فرانسه - بروز کدورت فیمابین اطریش و فرانسه - اتحاد دول و ملل به تحریک انگلیس بر ضد فرانسه - حرکت قشون اطریش بر ضد فرانسه و تصرف نمودن مونیک پایتخت باویر را که با فرانسه متحد بود - منازعهٔ فرانسه با عساکر اطریش و فتوحات قشون فرانسه - در جنگ راتیس بن پای ناپلیون مجروح میشود - ناپلیون به سمت وینه پایتخت اطریش رانده بعد از تصرف این شهر به طرف مراوی می رود و در آسپیرن و اِسلنگ با عساکر اطریش جنگیده و در این طرف مراوی می رود و در آسپیرن و اِسلنگ با عساکر اطریش جنگیده و در این جنگ مارشال لان مقتول می گردد - جنگ سخت ناپلیون در واگرام که بعد از

این فتح اطریش طالب صلح می شود ... شورش اسپانیول بر ضد فرانسه در کمال سختی است ... وُلسْلِیْ سردار انگلیس که در پرتوغال فتوحات کرده بود ملقب به وی کُشت وَلنگتُنْ می گردد ... مابین سردارهای فرانسه در پرتوغال و اسپانیول نقار حاصل می شود ... ناپلیون از اطریش عزیمت اسپانیول می نماید ... عهد دوستی با اطریش در قصر شُومبرُونْ حوالی وینه منعقد می گردد. (اسپانیول) ... احکام ژوزف بناپارت برادر ناپلیون پادشاه اسپانیول برخلاف میل اهالی است. (فرانسه) ... ناپلیون زوجهٔ خود ژوزفین را که از او اولاد نمی شود طلاق می دهد. (روس) ... اعلان جنگ روس به عثمانی ... عبور عساکر روس از دانوب ... قلعهٔ پوطی را که به تصرف عثمانی بود روسها مسخّر می نمایند. (شُودٌ) ... شورش در این مملکت به این معنی که گوستاو چهارم پادشاه چون خیال سازش با انگلیس داشت مردم به او شوریده او را گرفته حبس کردند و او را مجبور به استعفا از ملطنت نمودند و شارل عموی گوستاو بهجای او به سلطنت برقرار می گردد. (عثمانی) ... شورش سر بستان ... گرفتن ظایفهٔ و قابی دمشق را.

امریکا \_ برای اثبات بیطرفی مابین فرانسه و انگلیس اتائونی ینگی دنیا سفاین فرانسه و انگلیس را در بنادر خود راه نمی دهد ــ مادیسُن به ریاست جمهوری اتائونی برقرار می گردد.

#### [سنة ۱۲۲۵ هجری = سنة ۱۸۱۰ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در اوایل این سال موکب خاقان مملکت ستان تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده علی خان برادر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه از چمن سلطانیه به دفع روسیّهٔ پنبک و آباران مأمور شد، و اسمعیل خان دامغانی و برادرانش ذوالفقارخان و مطلب خان با لشکریان سمنانی و سواران مافی و خواجه وند و عبدالملکی ملتزم رکاب نواب شاهزاده گردیدند، و در محال پنبک و آباران با قشون روس تلاقی و کارزار کرده بر آنها غالب آمدند و تا نزدیکی قراباغ و محال گنجه تاخته بسیاری از ایلات آن نواحی را کوچ داده به

ایروان بازآمدند، و هنگامی که چمن اوجان مضرب خیام گردون احتشام معلی بود به شرف حضور همایون مشرف گردیدند ... هم در این سال سیرژن ملکم از جانب حنکومت هندوستان انگلیس به بندر بوشهر آمد و محراب خان بکشلوی افشار به مهمانداری او رفته سفیر مشار الیه را در چمن سلطانیه به حضور مبارک خاقانی مشرف ساخته بعضى هدايا و تحف لايقه راكه حامل بود تقديم ملازمان حضرت نمود. پس از آن عریضهٔ میرزا ابوالحسن خان شیرازی سفیر ایران مقیم لندن به در بار دولت عليه رسيد كه امناى دولت انگليس مقرّر داشته اند سير هرفرد ژونس به سفارت مقيم دربار دولت ايران باشد و سيرژن ملكم به هندوستان معاودت نمايد لهذا سیرژن ملکم از راه مراغه به بغداد و از بغداد به هندوستان بازگشت ــ هم در این سال ابراهیم خان قاجار به غارت و تاراج ایلات قراباغ که از فرمان همایون سر پیچیده بودند رفته و با غنایم بازگشت \_ هم در این اوان اعراب و اکراد بغداد و حوالى به اشارهٔ امناى دولت عثمانى سليمانياشاى والى بغداد را كه رو به آستان همایون داشت مقتول نمودند، وعبدالله یاشا نامی گرجی به ایالت بغداد برقرار گردیده احمد چلبی را با عریضه و پیشکش به حضور مبارک فرستاد و ایالت او ممضى شد \_ هم در اين سال در اوّل ماه شوّال موكب همايون از چمن اوجان انتهاض فرموده در اواخر ماه مزبور تشریف فرمای دارالخلافه گردید ــ هم در این سال ترومسُوف سردار روس به میانهٔ تفلیس و پاشاجق رفته قسد گرفتن سلیمانخان حاكم باشاجق نمود، سليمان خان از امناي دولت عليه كمك خواسته حسين خان سردار ایروان به امداد او رفت و ابتدا پیشرفت کاملی بهمرسانید تا شبی غفلت گرده روسها در اردوی او ریختند و به قتل و غارت پرداختند، سردار از اردو خارج شد و میرزا علینقی خان فندرسکی جنگ سختی با روسها کرده آنها را مقهور و مغلوب نمود و سردار ایروان به تبریز آمده حضرت مستطاب نایب السلطنه جمعی را به امداد و همراهی او مأمور فرمودند و او به طرف کلیسای پنبک شتافت و از همراهان او محمّدبیک قاجار افشار، و قاسم خان سرکردهٔ غلام تفنگچیان در این سفسر دلیریها نمودند و در یکشبانه روز بیست و هشت فرسنگ راه پیاده در میان بىرف و يىخ و سىرما طى كردند و در هشت فرسنگى ينبك بر روسها حمله نمودند و جنگ عظیمی درگرفت، عساکر منصوره از اطراف به سنگرهای قشون روس یورش برده داخل سنگر شدند و در این یورش و حمله بسیاری از لشکر روس مقتول گشتند. نیز بر سر روسهائی که در قلعهٔ شیخ آویز بودند تاخته جمعی از آنها را بکشتند \_ هم در این سال میرزا محمدصادق مروزی که در سال هزار و دویست و پانزده رتبهٔ وقایم نگاری یافته تاریخ جهان آرا را به نظر همایون رسانیده و داروغهٔ دفتر معلی گردید \_ هم در این سال موکب خاقان کشورستان به طرف کاشان و اصفهان انتهاض فرمود و مبلغ یکصدهزار تومان نقد از اصل مالیات به رعایا تخفیف داده شد.

ارویا ــ دولـت شود بر ضد انگلیس با ناپلیون مشارکت دارد ــ فتوحات فرانسه در اسیانیول ــ پاپ از سلطنت جسمانی و ظاهری خلع شده باید به همان سلطنت روحانسي يعني رياست دين قناعت نمايد ... شهر رُم پايتخت ثانوي فرانسه مي گردد \_ مزاوجت نایلیون با ماری لوئیز دختر آمپراطور اطریش و این دفعهٔ ثانی است که ناپلیون متأکل می گردد. لوئی برادر کایلیون که سلطنت هلاند داشت چون یادشاهی خود را غیرمستقل می بیند از سلطنت استعفا می کند و شهر آمستردام پایتخت سیم مملکت فرانسه می شود \_ بلاد ینگی دنیائی که متعلق به اسپانیا می باشد از قبیل مكزيك و شيلي و بوتنزُرْ و پاراگائي تجزيهٔ خود را از اسپانيا اعلام مي نمايند. (فرانسه) ... مسافرت نایلیون با امیراطریس نازه به باژیک ... مملکت فرانسه در این سال مشتمل برصد و سی ایالت می باشد و جمعیت آن هشتاد و جهار کرور که این هشتاد و چهار کرور به چهار زبان تکلّم می کنند: زبان فرانسه، زبان هلاند، زبان آلمان، زبان ايطاليا. (بروس) ــ فوت ملكه لوئيز آمِلي در سن سي و جهار سالگی. (روس) ـ ایجاد دارالشورای دولتی ـ امپراطور روس با نایلیون اظهار مخالفت نموده از دایرهٔ دوستی او خارج گردیده بنادر خود را برای سفاین انگلیس مفتوح و برای کشتیهای فرانسه مسدود می سازد و عساکر فاتح روس قلعهٔ سیلیستری را در بلغارستان مفتوح می سازند. (سُود) ــ پادشاه تازه که شارل هشتم باشد چون اولادی ندارد یکی از بـنـی اعـمام خود را ولیعهد می نماید و بعد از چند روز غفلتاً

۱۵۰۰ تاریخ منتظم ناصری

می میرد، این مرگ ناگهانی مردم را به خیال انداخته تصور می کنند که او را می میرد، این مرگ ناگهانی مردم را به خیال انداخته تصور می کنند که او را مسلم کرده اند \_ جمعی از اهالی شود سردار فرانسه برنادُت را به ولیعهدی می طلبند، برنادُت به رضایت ناپلیون قبول ولیعهدی می نماید و از مذهب کاتولیکی خارج شده قبول طریقهٔ پرتستان می کند \_ اعلان جنگ شود به انگلیس.

### [سنة ١٢٢٦ هجرى = سنة ١٨١١ مسيحي]

آسيا ـ (ايران) ـ در ماه صفر اين سال موكب اعليحضرت خاقان كشورستان فتحملي شاه كه تشريف فرماي اصفهان شده به دارالخلافة طهران معاودت فرمود و عـسکرخان افشار ارومی که به سفارت به در بار ناپلیون اوّل امپراطور فرانسه رفته بود. مراجعت كرده هدايائيكه ناپليون براي پادشاه ايران مصحوب او ارسال داشته تقديم نمود ـ هم درین سال محتد صادق حان قاجار که به حکم نواب شاهزاده حسینعلی میرزا به اعانت و امداد امام مسقط رفته بود طایفهٔ وهابی را در بر نجد گوشمالی بسزا داده جمعی کثیر از آن جماعت را به دیار عدم فرستاد ــ هم در این سال سلطان محمودخان سلطان عثماني عبدالوهاب افندي و شاكر افندي و حيرت افندی را به سفارت به در بار دولت علیه فرستاده اظهار اتّحاد کامل از جانب سلطان معظم با خاقان مملكت ستان نمودند و در ضمن از عبدالرّحمن پاشا حاكم شهرزور شكايت كردنىد در جواب عرايض آنها مقرر شد كه حكمران شهرزور به صوابديد امنای دولت علیهٔ ایران معین گردد. نیز والی بغداد شخصی بی غرض باشد که ملاحظهٔ مسافرین و زوّار ایرانی را در بغداد و اماکن مشرّفه بنماید. و پس از این تـقـريـرات فـرسـتادگان مشارٌاليهم به تبريز و خدمت حضرت مستطاب نايب السّلطنه مأمور شدند و موكب همايون به جانب سلطانيه نهضت فرما گرديد \_ هم در اين اوان صبیهٔ محترمهٔ میرزا محمّدخان دولوی قاجار را به نوّاب شاهزاده شیخعلی میرزا، و دختر نواب اميركبير سليمانخان اعتضادالدوله مرحوم را به نواب شاهزاده عبدالله میىرزای متخلّص به دارا عقد بستند، و در چمن سلطانیه شرایط جشن این دو سور لازم السّرور به عـمـل آمـد ـــ هم در این ایّام چون فیروزالدّین میرزا والی هرات در

اعتماد السلطنه

ادای خراج مقرّره به راه تهاون و مسامحه می رفت نواب شاهزاده محمّد ولی میرزا والبي خراسان برحسب امر اعلى از مشهد مقدّس لشكر به هرات كشيدند و در محلّ یل نقره سه فرسخی هرات نزول کردند و دسته جات قشون ظفرنمون را به تاخت اطراف فرمان دادند. فيروزالدين ميرزا جون استعداد مقابلت و مقاتلت نداشت خوانین خراسان را که ملتزم رکاب نواب شاهزاده بودند شفیع قرار داده به ادای پیشکش و خراج پرداخت و ملک حسین میرزا پسَر خود را به رسم گروی به خدمت نواب معظم فرستاد و اردوی شاهزاده از حوالی هرات معاودت نمود ــ هم در این سال چون عبدالرحمن باشای بابان که به حمایت ملازمان حضرت خاقانی حکمرانی شهرزور یافته بود و پس از استقلال در قتل سلیمانیاشا ساعی گردیده، این اوقات با امناي اين دولت و امان الله خان والي كردستان نيز طريق مخالفت مي ييمود، نواب شاهزاده محمّدعلي ميرزا والي كرمانشهان و لرستان و خوزستان و عربستان ملقب به دولتشاه به امر خاقان کشورستان با جمعی از امرا به تدمیر او حرکت كردند، و در غره ماه شعبان اينسال وارد زهاب گرديدند. خالدياشا بني عم عبدالرحمن باشا از در اطاعت درآمد و اردوی شاهزاده معظم به کنار رود سیروان جای گرفتند. نور وزخان قاجار در سردشت بر احمدیاشا برادر عبدالرحمن یاشا حمله كرد، احمدياشا بگريخت و عبدالرحمنياشا نيز فراراً به ولايات كوي و حرير رفت، نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه سلیمانیه و شهرزور را تصرف کرده بر سر عبدالرحمن باشا رفتند و او را در قلعه كوى محصور فرمودند، عبدالرحمن باشا چاره ای جز اطاعت ندید از قلعه به زیر آمده به حدمت حضرت شاهزاده مشرف شد و بـه ضـراعـت و استكانت پرداخت و فرزندان خود را به رسم نوا یعنی گروی ملتزم ركاب شاهزاده نمود و پيشكشي لايق بداد و به حكم دولتشاه مجدداً به حكومت شهرزور و کوی و حریر منصوب و برقرار گردید و نواب شاهزاده به کرمانشهان معاودت فرمودند \_ هم در این سال میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران مأمور دولت انگلیس به در بار دولت علیه مراجعت کرد و سرگور اوزلی نام از اعاظم انگلیس به همراهي او مأمور سفارت ايران و روانه اين سامان شده، و از اتفاقات غريبه آنكه: سفینه ای که دو سفیر مشار الیهما در آن بودند در دریا دوچار طوفان شده و بی اختیار

آنها را به طرف ینگی دنیا برده به ساحل برزیل رسیدند. یادشاه پرتوغال که این مماكست را متصرّف بود و از خوف ناپليون خود نيز بدينجا آمده از حال دو سفير آگاه شده ایشان را مهمانی و اکرام زیاد نمود. و در آن ایّام در آنجا ماری صید كردنىد كه سيزده ذرع طول آن بود و قريب يكذرع پشت گردن آن عرض داشت. از فـرط غـرابـت مار را به نظر پادشاه رسانیدند و پوست آن را که به ضخامت جلد گاو بود كنده بـا دو سفيـر بـه ايران فرستادند ... خلاصه سفير انگليس به اتفاق سفير ایران به در بـار هـمـایـون آمد و لوازم پذیرائی را در بارهٔ او معمول داشتند و در خانهٔ حاجى محمد حسين خان امين الدوله براى او منزل تعيين نمودند و در عمارت گلستان به حضور خاقان کشورستان مشرف شده نامهٔ یادشاه انگلستان را با تحف لايقه يعنى يك قطعه الماس بريليان كه بيست و پنج قيراط وزن داشت تقديم نمود و آن الماس الآن در موزهٔ همایونی موجود است و به عنایات پادشاهی مستظهر گردیده مبلغی وجه نقد و سی هزار قبضه تفنگ انگلیسی و بیست عراده توپ و مقداری قورخانه و سی نفر معلّم مهندس که همراه داشت تسلیم کرد ــ در زمستان این سال با آنکه مزاج حضرت مستطاب نایب السلطنه خالی از علّتی نبود و در نخجوان و ايىروان و قىراباغ خود را مشغول مى فرمودند آيلات قراباغ را كوچانيده به قراجه داغ آوردنىد و جعفر قلى خان نبيرهٔ ابراهيم خليل خان كه اسير روسها بود و او را به تفلیس می بردند که روانهٔ سیبری کنند هنگام عبور از رود ترتر زمام اسب را که در دست سربازی روسی بود بریده به یال اسب متمسّک شد و خود را به میان یکی از ایلات مزبوره که در کار کوچ بودند رسانید، و الحق جلادتی بکار برد. حضرت مستطاب نايب السلطنه حكومت قراجه داغ را با چهار هزار تومان مواجب به او مرحمت فرمودند \_ هم در این سال سرداری تازه از روس به جای ترمسوف مأمور شـده بـا ســه هـزار ســر بــاز و توپخانه و آذوقه به محلّ ــسلطان.بودــ آمده لهذا حضرت مستطاب نایب السلطنه از سه فرسخی بر سر او تاخته امر به یورش و حمله فرمودند، مسترلنسین توپچی باشی انگلیسی که در خدمت دولت علیه بود توپها را به اطراف سنگر ـ سلطان بُود ـ بست و اكثر عراده هاى توپهاى روسها را بشكست. افواج آذربایجانی نیز بر سَر سنگر تاختند و جمعی سرباز و یکنفر صاحبمنصب روسی را مقتول ساختند. باقی بیرق سپید که علامت امان است برافراشتند و امان یافتند و هشتصد و بیست نفر سر باز و توپ و اسلحه و قورخانهٔ آنها به چنگ سپاه ظفرهمراه افتاده به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه آوردند و حضرت معظم آنجمله را به در بار همایون ارسال داشتند. اعلیحضرت خاقان کشورستان مبلغ دویست هزار تومان به انعام حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرّر فرموده و با اسرا نزد حضرت معظم ارسال داشتند و آن فوج قبول اسلام نموده به فوج ینگی مسلمان موسوم گشتند. از غرایب اتفاقات این سال آنکه در ایالت نواب شاهزاده عبدالله میرزا در خمسه چوپانی در دامنهٔ کوه سجاس رود موشی دید که مهرههای سفید از سوراخی بیرون می آورد آن محل را شکافتند جیقه و کمری مرضع و دسته خنجری و جام طلائی با چند دانه مروارید به دست آوردند و بعضی چنین حدس زدند که این محل مزار ارغون خان مغول است ـ ولادت نواب سلیمان میرزا و فتح الله میرزا و ملک منصور میرزا و بهمن میرزا فرزندان خاقان مملکت ستان ـ وفات نظیر زنگنهٔ ملک منصور میرزا و بهمن میرزا فرزندان خاقان مملکت ستان ـ وفات نظیر زنگنهٔ شاعر.

اروپا — (انگلیس) — جنون پادشاه، و به این واسطه اجزای پارلمنت ولیعهد را به نیابت سلطنت اختیار می کنند — اقل کشتی بخار انگلیس در رودخانهٔ کلید به قوت سه اسب به کشتیرانی مشغول می شود — مملکت اسپانیول تنها میدان جنگ فرانسه و انگلیس است. (فرانسه) — تولد پسری از ملکهٔ فرانسه زوجهٔ ناپلیون و ملقب شدن او به پادشاه رُم — مسافرت ناپلیون به سمت شمال فرانسه و هلاند — در هشتاد شهر از بلاد فرانسه مقرر شد روزنامه هرروزه منطبع گردد. (هلاند) — جزایر بتاویه از مملکت هلاند را انگلیس متصرف می شود. (روس) — عساکر روس شهر بلگراد را در سر بستان متصرف می شوند — گوتوسف سردار روس از سردار عثمانی بلگراد را در سر بستان متصرف می شوند — گوتوسف سردار روس از سردار عثمانی حد سدت خورده وقتی که عقب می نشیند تمام قلعه جات عثمانی را که در سمت شکست خورده وقتی که عقب می نشیند تمام قلعه جات عثمانی که سردار حسون بود اسیر روسها می گردد — طلوع ذوذنب در این سال که از ماه سپتامبر تا کتبر طالع و مشهود بود.

افریقا \_ (مصر) \_ محمدعلی پاشا اعیان قدیم مصری را که از طایفهٔ مملوک بودند در قاهره احضار کرده همه را به قتل می رساند و املاک آنها را متصرف می شود.

امریکا \_ (ینگی دنیای جنوبی) \_ پاراگائی از ایالات متصرفی اسپانیول در آمریک اعلان جمهوری می کند.

### [سنة ١٢٢٧ هجري = سنة ١٨١٢ مسيحي]

آسيا \_ (ايران) \_ در اين سال برحسب امر همايون قلعة سليمانيه را در حوالي رود كرج به اسم سليمان ميرزا بنا نمودند و حاجي محمّد حسين خان امين الدّوله كه مأمور این خدمت شده بود میرزا ابوالقاسم اصفهانی نایب کاشان را متصدی این عمل کرد. و سرگور اوزلی سفیر انگلیس به اتفاق میرزا ابوالحسن خان شیرازی به تبریز رفت که با حضرت مستطاب کایت السلطنه عباس میرزا ملاقات نماید و بعضی قرار و مدارها داده شود. پس از آن موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و در دوازدهم جمادی الثانیه این ساحت خلد نزهت مضرب خیام گردون احتشام سلطنت گردید. و در این اوان معروض داشتند که مصطفی حان طالش بار دیگر به سردار روس توشل جسته لهذا اسمعیل خان قـاحِـار شـامبياتي و عبدالله خان ارجمندي سركردهٔ هزارهٔ فيروزكوهي در اواخر رجب مأمور و روانيه گيلان شدند و حضرت مستطاب نايب السلطنه در يهلوي قلعة لنكران طالش سنگر محكمي بستند و صادق حان قاجار عزالدّينلو و محمّدخان سرهنگ ايرواني و جعفرقلي خان ولد ميرزا محمدخان لاريجاني با سه عرّاده توب و دسته لشکری به حراست آن سنگر محکوم گردیدند، و پیرقلی خان شامبیاتی و عسکرخان افشار ارومي وعلى خان شاطر باشي نوري و ميرزا احمد سرهنگ كاشاني برادرزادهٔ فتحملي حان ملک الشعراء با دسته اي از قشون آذر بايجان به حفظ قلعه ارکوان مقرر گشتند \_ هم در این اوان چون در سه منزلی شهرزور فیماین اعتمادالسلطته ١٥٠٥

عبدالله ياشا والي بغداد وعبدالرحمن ياشا حاكم شهرزور نايرة قتال اشتعال يافته بود و عبدالرحمن یاشا مقهور و به کرمانشهان گریخته و والی بغداد ایالت شهرزور را به خالدياشا داده ظهيرالذوله محمدقاسم خان قوائلو و فرج الله خان افشار و يوسف خان سیهدار به تدمیر والی بغداد مأمور گشتند و نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه نيز همين عزم را تصميم دادند و قشون نصرت نمون به زهاب آمد و پس از اتمام حجّت به قتل و غارت بعضی اماکن متعلّقه به بغداد پرداختند. والی بغداد مشوّش شده جناب شیخ جعفر نجفی را شفیع قرار داد و عبدالرحمن پاشا در حکومت شهرزور استقرار یافت و عساکر ظفرمآثر معاودت کردند و در ماه رمضان موکب همايون اعليحضرت خاقان به دارالخلافة طهران مراجعت فرمود، و نواب شاهزاده محمّد ولي ميرزا والى خراسان و ناصرالدين توره و اسحق خان قرائي به تقبيل عتبة عليّه آمدند ـــ نيز از وقايع اين سال آنکه چون آلکساندر ميرزا والي گرجستان که در ایروان بود به ملاقات سلیم پاشای والی احسقه رفته و از آنجا به تفلیس شتافته بنای آشوب را گذاشت و ردیشچوف سردار روس این واقعه را از تدابیر حضرت مستطاب نایب السلطنه دانسته کتاروسکی را که مردی متهور بود در آق اغلان گذاشته خود به تفلیس رفت. و حضرت معظم نایب السلطنه در کنار رود ارس در محل موسوم به اصلان دوز بودند. کتاروسکی در پنجم ذیحجه به دلالت مرادخان دلاغارده با سرباز و توپخانه مصمم شبیخون به اردوی حضرت نایب السلطنه گردید، و از معبری عبور کرده به قراولان اردوی حضرت شاهزاده رسیده قراولان را بگرفت و کسی اینخبر را به اردو نرسانیند تبا قیشون روس نزدیک شدند آنوقت عساکر ایران خبردار گردیده حبضرت مستطاب نایب السلطنه فوراً سوار شدند به شلیک زنبورک حکم دادند اتما چون تـوپخـانـهٔ سـردار روس بر بلندی و مشرف به اردو بود، اردو را متفرّق ساخت و آنیه نواب معظم در آن شب تار کوشش کردند که آن تفرقه را به جمعیت مبدل کنند ثمری نبخشید مخصوصاً چون در هنگام تاخت و تاز، اسب حضرت شاهزاده در حفرهای به زمین خورده اگرچه بهزودی رکابداری اسب دیگر به حضرت معظم رسانید و سوار شدند ولی لشکر بیشتر هراسان گشتند. ناچار اردو متفرق شده و حضرت مستطاب شاهزاده به منزل حاجي حمزه لو آمدند و افواج روس به قراباغ

رفتند. حضرت نایب السلطنه روزی به جهت دفن مقتولین در آن ناحیه اقامت فرموده بعد راه مشکین پیش گرفتند و به تبریز راندند و کتلروسکی که قوت قلبی بهم رسانیده بود به جانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعهٔ اصلان دوز را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را از دست دادند و کسی درصدد مقاومت و مدافعه برنیامد مگر میرزا احمد سرهنگ کاشانی جد میرزا زین العابدین طبیب حضور همایون که سرکردهٔ فوج ینگی مسلمان بود. این سرهنگ باغیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد. بعد از این واقعه قشون روس از ارکوان روانهٔ لنکران شدند. هم در این سال نواب سلطان محمد میرزا و سلطان محمد میرزا و سلطان خاقان کشورستان متولد شدند.

اروپا \_ جنگ عساکر فرانسه و انگلیس در اسپانیا \_ غالب بلاد اسپانیول پادشاه خود را می طلبند \_ پادشاه سیسل فردیناند به تحریک انگلیس از سلطنت استعفا می کند \_ فتوحات و آنگتن سردار انگلیس در اسپانیا و ورود او به شهر مادرید و به عجله خالی کردن مادرید را و رفتن به سمت پرتوغال \_ دویست و هفتاد هزار قشون فرانسه بیجهت در اسپانیول معظل اند. (فرانسه) \_ ناپلیون مصمّم جنگ با روس می باشد و پروس وعدهٔ بیستهزار قشون کمک به او می دهد \_ امپراطور اطریش هم قشونی به کمک ناپلیون خواهد فرستاد \_ خیال ناپلیون اینست که اطریش و اطریش و اطریش و اطریش و و انگلیس بر ضد فرانسه و اطریش و پروس \_ حرکت ناپلیون به خاک آلمان و ورود او به دِرزهٔ \_ در این شهر چندین نفر از سلاطین به سمت چاکری و سرداری به خدمت ناپلیون کمر می بندند \_ فیسمایین روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته می شود \_ قشون ناپلیون که فیسمایین روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته می شود \_ قشون ناپلیون که مصمّم ورود به خاک روس است عبارت از پانصد و هفتاد هزار نفر می باشد، مسمّم ورود به خاک روس است عبارت از پانصد و هفتاد هزار نفر می باشد، بعلاوه هفتادهزار اسب و صد و هشتاد عزاده توپ و این جمعیت به ده اردو قسمت سده است \_ عبور عساکر ناپلیون از رودخانه نیه مِنْ (نیه مِنْ رودخانه ایست در سرحد روس و آلمان) شهر ویلنا را ناپلیون متصرّف شده هذه روز در اینجا توقف سرحد روس و آلمان) شهر ویلنا را ناپلیون متصرّف شده هذه روز در اینجا توقف

می نماید \_ جنگهای متوالی عساکر فرانسه با سردارهای روس در سواحل دِنی بینر ، \_ فـتــح دُونــائِـورُگ و إسمُــلَنشـک به دست قشون فرانسه \_ روسها که از جلو لشکر فرانسه فرار می کنند بلاد و قرا را آتش می زنند ــ عساکر فرانسه به مُسکُوا ورود می نمایند و در اینجا گُوتُوسُف سردار روس جنگ سختی با فرانسه ها می کند و ينجاه هزار نفر از لشكريان كوتوسف مقتول مي گردد ــ مُورات سردار فرانسه روز چهاردهم سپتامبر وارد مسکو می شود و روز بعد از آن که روز پانزدهم باشد خود نایلیون به مسکو ورود می نماید ـــ رُسْتُپشین حاکم مسکوشهر را آتش می زند ـــ نـایلـیون بی جهت یکماه در مسکو توقّف می کند ـــ زمستان شروع می شود و عساکر فرانسه مجبوراً عقب می نشینند \_ سرمای سخت صدمه زیادی به لشکریان نایلیون وارد می آورد ـ تمام قشون فرانسه در اِسمُلنسک جمع می شوند ـ کمی آذوقه بلکه فقدان آن مزید زحمت سرما گردیده جمعیت زیادی از عساکر نایلیون را هلاک می کند ... برودت و شدت سرما شانزده درجه زیر صفر است و فوجفوج مردم از سردی مفرط هوا تلف می شوند \_ عقب مانده و فراری نشکر فرانسه به دست قرّاقها کشته می شوند نایلیون از روی اضطرار متنگراً به سمت فرانسه حرکت کرده و سرداری قشون را برعهدهٔ مورات موکول می نماید \_ بعد از رفتن نایلیون لشکریان او دوچار کمال سختی و بدبختی میشوند ــ درجهٔ سرما به بیست و هشت درجه تحت صفر می رسد \_ چهل هزار نفر از عساکر فرانسه وارد ویلنا می گردند \_ عساكر يروس و اطريش چندان وفادارى با فرانسه ندارند ــ ياپ چون تبعيت و متابعت نایلیون نمی نماید به امر نایلیون به فُنْ تَنْبلُو احضار می شود ... هنگام غیبت نایلیون ژنرال ماله جمعی را در پاریس بر او می شوراند ــ ناپلیون بعد از ورود دوازده نفر از همدستهای ژنرال ماله را به قتل می رساند \_ خلاصه شکست نایلیون از روس مقدّمه و ابتدای خرابی و بدبختی او می باشد و از آنجا که جوانهای مردم مقتول و بسیاری عزادار و به جهت وجه اعانتی که برای مصارف و مخارج جنگ از ملّت فوق العاده گرفته می شود خاصه در موقع نازواجی تجارت و صناعت عموم ناس شاکی و مستعد شورش می باشند. (روس و عثمانی) ــ متارکهٔ موقتی بین روس و عشمانی مبدّل به منازعه شده روسها مجدّداً از رود دانوب عبور می نمایند،

پس از آن عهد صلحی فیمابین دولتین منعقد می شود \_ بس آرابی از خاک عثمانی جزو روس می گردد. حاکم مستقلی مستقیماً از اسلامبول به سر بستان مأمور نمی شود یعنی از اهالی سر بستان حاکمی معیّن می نمایند که مطیع عثمانی باشد.

امریکا \_ (اتائونی) \_ اعلان جنگ اتائونی به انگلیس.

### [سنهٔ ۱۲۲۸ هجری = سنهٔ ۱۸۱۲ مسیحی]

آسیا ــ (ایران) ــ در شرح سال گذشته مسطور شد که قشون روس از ارکوان روانهٔ لنكران شدند. در شب نهم ماه محرم اين سال آن جماعت به قلعهٔ لنكران يورش بردند و سرکردهٔ تفنگچیان لاهیجانی مقتول، و قُلعهٔ لنکران به تصرّف عساکر روس درآمد و جمعی از لشکریان ایران مقتول شدند و کتلروسکی سه زخم منکر برداشت و بقیّهٔ سپاه روس به سمت جامیش وان، و معاونت مصطفی خان طالش رفتند ـــ هم در این سال چهار نفر از ارامنهٔ جلفای اصفهان که در عمارت سلطنتی شیشه بری می کردند از راه بام داخل خزانه شده تقریباً سی هزار اشرفی به سرقت بردند ولی سارقین به دست آمدند که هم در این سال بعد از عید نوروز موکب اعليحضرت خاقان كشورستان فتحعلى شاه مصمم سفر آذر بايجان گرديده به باغ نگارستان نقل مکان فرمودند ــ هم در این اوان یوسف خواجهٔ کاشغری از اولاد خواجگان ترکستان که سالها در اقطار و بلدان سیاحت کرده بود به اغوای قر بان قلیج خان ترکمان میان طوایف ککلان و یموت رفته به فریب عوام پرداخت و مشتی ابله را مرید و دور خود جمع کرد و به خیال مملکت ستانی افتاد و قلعهٔ یسرک فنندرسك را محاصره نمود و ميرزا علينقي خان فندرسكي داروغه ككلان را مزورانه به كنار دشت دعوت كرده به دست پسران باي خان گكلان مقتول گرديد و يوسف خواجهٔ کاشغری بی مانعی قلعهٔ پسرک را متصرف شد. چون این خبر به عرض ملازمان حضور همايون رسيد به نواب شاهزاده محمد ولي ميرزا والي خراسان و نواب شاهزاده محمدقلي ميرزا حكمران مازندران اشارت فرمودند كه برشو طايفه یموت رفته به تدمیر و تأدیب آنها پردازند. شاهزاده محمّد ولی میرزا حرکت کردند و أعتمادالسلطنه

يوسف خواجه به هزيمت رفت و موكب شاهزاده تا اترك رانده غنايم و اسير بسيار به دست آوردند و در قراشیخ گوشمالی به تراکمه دادند \_ هم در این اوقات ابراهیمخان قاجار و اسمعیل خان شامبیاتی و ذوالفقارخان سمنانی به چمن کالپوش مأمور شدند و موکب همایون از نگارستان روانهٔ چمن سلطانیه گردید، و نواب شاهزاده محمدتقی میرزا حسام السلطنه از بروجرد به حضور مبارک احضار شد \_ هم در این اوان اسعدیاشا پسر سلیمان یاشای بزرگ وزیر و والی سابق بغداد با اعراب منتفج ساخته به بغداد تاخته با عبدالله پاشا مصاف داد، عبدالله پاشا مقتول شد و اسعدیاشا بر بغداد استیلا یافت و از جانب دولت عثمانی به خلعت ایالت این ولايت نايل آمد. و چون يدرش با دولت ايران سابقهٔ ارادتي داشت عريضه و فرستاده به آستان خاقان مملکت ستان فرستاد و نصرالله خان نوری از در بار همایون تشریفی برای اسعدیاشا به بغداد برد ... هم در این ایام جلال الدین افندی نام از جانب دولت عشمانی مأمور در بار دولت علیه گردید. و نواب شاهزاده محمدتقی میرزا و یوسف خان سپهدار از راه سرچم و نیک پی روانهٔ آذر بایجان شدند. پس از آن نـواب شـاهـزاده مـحـمودميرزا و فرج الله خان افشار روانه آن ساحت گشتند. بعد شاهزاده على خان با مهرعلى خان قوانلو و رضاقلي خان روى به راه نهادند و موكب همایون در یازدهم رجب با بسیاری از قشون نصرت نمون روانهٔ جمن اوجان شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با افواج آذر بایجانی موکب اعلی را استقبال کردند و روز بیستم رجب چمن اوجان مضرب خیام خاقان کشورستان گردید و روشیوف سردار روس بعد از آنکه از احتشاد جنود خاقانی و توجه به اوجان خبردار شد و داستان جنگ ناپلیون را با سپاه روس بشنید معتمدی نزد سرگور اوزلی ایلچی انگلیس فرستاد و طالب صلح با دولت ایران شد و به توسط و صوابدید میرزا شفیع صدراعظم قرار را بر مصالحه دادند و میرزا ابوالحسن خان شیرازی مأمور قراباغ گردیده در چمن گلستان اجتماع و ملاقات سفرا شد و عهد موسوم به گلستان را منعقد نمودند و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است:

# صورت عهدنامه ای که در میان دولتین ایران و روس به صلاح و صوابدید میرزا ابوالحسن خان و سردار روسیّه مرقوم شده ۱

اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیّه بالقابه، و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه به ملاحظهٔ کمال مهر بانی و اشفاق دولتین علیتین که در بارهٔ اهالی و رعایای جانبین دارند به دفع و رفع امور عداوت و دشمنی که بر عکس رأی شوکت آرای ایشانست طالب، [و] استقرار مصالحهٔ میمونه، و دوستی جواریت سابقهٔ مؤکده را [در بین الطرفین] راغب می باشند به عالیجاه نیکولای ردیشچوف بالقابه، احتیار کلّی عطا شده، و اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم امیرالامراء العظام میرزا ابوالحسنخان باوصافه را در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیّه من محال گلستان متعلقه به ولایات قراباغ، یعنی رودخانهٔ زیوه ملاقات واقع و جمعیّت نموده، بعد از ابراز و مبادلهٔ متمسّک مأموریت، و اختیار کلّی خود بیکدیگر، و ملاحظه و تحقیق امور متعلق به مصالحهٔ مبارکه به نام نامی پادشاهان عظام قرار، و به موجب اختیار نامه جات طرفین قیود و فصول و شروط مرقومهٔ ذیل را الی ابد مقبول و مستصوب و استمرار می داریم.

۱. بدون تردید متن عهدنامه از روی ناسخ التواریخ رونویسی شده است. مؤلف ناسخ نیز سعی کرده متن عهدنامه به خصوص مقدمهٔ آن را خلاصه کند و ما ناچار به کتاب «تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران» جلد اوّل، تألیف مرحوم د کتر علی اکبر بینا مراجعه کردیم. آن مرحوم متن عهدنامه را از «عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحملیشاه طاب ثراه و رسایل دولت علیه سنهٔ ۱۲۲۶ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی» متعلق به وزارت امور خارجه در تعلیقات کتاب ص ۲۸۸ نقل کرده که آنهم خالی از اشتباهات مطبعه ای و غیرمطبعه ای نیست. متن این کتاب با متن مذکور مطابقه شد و هرجا کلمه ای یا عبارتی از قلم افتاده بود در داخل [ ] اضافه گردید و هرجا کلمه ای اشتباه به نظر رسید تصحیح و ذیل صفحه یادآوری شد. بود در داخل [ ] اضافه گردید و هرجا کلمه ای اشتباه به نظر رسید تصحیح و ذیل صفحه یادآوری شد. به هرحال، متنی که در این کتاب و در ناسخ وجود دارد متن کامل عهدنامه نیست تنها میهمات آن به کمک کتاب مرحوم د کتر بینا برطرف شد.

٢. متن: قلعه.

اعتمادالسلطنه اعتماد السلطنه

فصل اقل بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا به حال در بین دولتین علیتین روسیّه و ایران بود موقوف، و به موجب این عهدنامه الی ابد متروک، و مراتب مصالحهٔ اکیده در دوستی و وفاق شدیده فیمابین امپراطور و اعلیحضرت شاهنشاهی و ورّاث و ولیعهدان عظام میانهٔ دولتین علیتین فخام یایدار و مسلوک خواهد بود.

فصل دویم \_ چون پیشتر به موجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول [و] رضا در میان دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اوسطاطوسکوه اوپریزندیم باشد، یعنی [طرفین] در هر موضع و جائی که الی قرارداد مصالحة الحال بوده است از آن قرار باقی و تمامی اولکاء ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولتین بوده کماکان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند. لهذا در بین دولتین علیتین روسیه وایران برحسب خط مرقومهٔ ذیل سنور و سرحذات مستقر و تعیین گردیده:

از ابتدای اراضی آدینه بازار به خط درست از راه صحرای مغان تا [به] معبر یدی بلوک رود ارس، [و] از بالای گذار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانهٔ کپنک چای به پشت کوه مقری، و از آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان و ایروان، و نیز رسدی از سنور گنجه جمع و متصل گردیده، و بعد از آن حدود مزبور که به ولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزّاق و شمس الدین لو را و تا مکان ایشک میدان مشخص و متصل می سازد، و از ایشک میدان تا بالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانه های حمزه چمن، و از سر کوههای پنبک الی گوشهٔ محال شوره گل و از گوشهٔ شوره گل از بالای کوه برف آلداگوز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانهٔ حدود قریهٔ سدره به رودخانهٔ آر په چای ملحق و سرحد محال شوره گل و میانهٔ حدود قریهٔ سدره به رودخانهٔ آر په چای ملحق و

**۳.** متن: و دوستي.

متن: ایشان.

۵. اصل این لغت استاتوک و مأخوذ از لاتین و به معنی حالت حالیه است(مؤلف).

٩. متن: ولايت.

٧. متن: ولايت.

متصل شده معلوم و مشخص می گردد. و چونه ولایات خاننشین طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست به دست افتاده، لهذا به جهت زیادة صدق و راستی، حدود ولایات طالش مزبور را از جانب انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلعنامه از پادشاهان عظام، معتمدان و مهندسان مأموره که به موجب قبول و وفاق یکدیگر، و [به] معرفت سرداران جانبین، جبال و رودخانه ها و دریاچه [ها] و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تحریر و تمیز و تشخیص می سازند آن [را] نیز معلوم و معین ساخته، آنچه در حال تحریر این صلعنامه درست در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده، آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسطاطوسکوه اوپریزندیم مستقر و آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسطاطوسکوه اوپریزندیم مستقر و معین ساخته، هریک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند. و همچنین از سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأمورهٔ طرفین هریک طرف موافق اوسطاطوسکوه اوپریزندیم رضا خواهد داد.

فصل سيم – اعليحضرت شاهيشاه ممالک ايران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعليحضرت امپراطور ممالک روسيه دارند با اين صلحنامه [به عوض خود] و وليعهدان عظام تخت شاهانه آيران، ولايات قراباغ و گنجه که الآن مستی به ايلی سابط پول و اولکاء خوانين نشين شکی و شيروان و قبه و در بند و باکويه، و هرجا از ولايات طالش را [با خاکی که] الآن در تحت تصرف دولت روسيه است، و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و اچوق باش و کورنه و منگريل و ابخاز و تمامی الکاء و اراضی که در ميانه قفقازيه و سرحدات معينة الحاليه بود و نيز آنچه از اراضی و اهالی قفقازيه و الی کنار دريای خزر متصل است مخصوص و متعلق دولت آمپيرية روسية می دانند.

فصل چهارم ـ اعلیحضرت امپراطور روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود به اعلیحضرت شاهنشاه ایران و به جهت اثبات این معنی بنابر همجواریت

۱. در ناسخ السواریخ: اروسیه، و نیز در جاهای دیگر از کتاب مذکور وکتاب دکتر بینا روسیه و
 گاهی اروسیه آمده است که از یادآوری صرف نظر شد.

اعتمادالسلطنة

طالب و راغب است که در ممالک شاهانهٔ ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند، لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار می نمایند که هریک از فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین می گردد هرگاه محتاج به اعانت و امدادی از دولت علیه روسیه باشند مضایقه ننمایند تا از خارج نتواند کسی دخل و تصرّف در مملکت ایران نماید و به امداد و اعانت دولت روس دولت ایران محکم و مستقر گردد، و اگر در سر امور داخلهٔ مملکت فیمایین شاهزادگان مناقشتی رخ نماید دولت علیه روس را در آن میانه مملکت قیمایین شاهزادگان مناقشتی رخ نماید دولت علیه روس را در آن میانه کاری نیست تا یادشاه وقت خواهش نماید.

فصل پنجم \_ گشتی های دولت روسیه که بر روی دریای خزر برای معاملات تردد می نمایند به دستور سابق مأدون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند، و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران یاری و اعانت دوستانه نسبت به آنها شود، و کشیهای جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانهٔ سواحل روسیه شده به همین نحو در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه در بارهٔ ایشان معمول گردد. و در خصوص کشتیهای [عسکریه] جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با عَلم او بیرق] در دریای خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اذن داده می شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتی دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتی جنگی نداشته باشد.

فصل ششم ـ تمام اسرائی که در جنگها کرفتاریا آنکه از اهالی طرفین اسیر شده از گرجستان و هر مذهب دیگر باشند می باید الی وعدهٔ سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص و رد گردیده هریک

از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبوره داده به قراکلیسیا رسانند. وکلاء سرحدات طرفین به موجب نشر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها به جای معین به یکدیگر می نمایند اسرای جانبین را بازیافت خواهند کرد. و آنان که به سبب تقصیر یا به خواهش خود از مملکتین فرار نموده اند و به آن کسانی که به رضا و رغبت خود ارادهٔ آمدن داشته باشند [اذن] داده شود که به وطن اصلی خود مراجعت کنند و هریک از هر قومی چه از اسرا، چه فراری که نخواسته باشند بیایند کسی را با او کاری نیست و عفوتقصیرات از طرفین نسبت به فراریان داده خواهد شد.

فصل هفتم ـ علاوه از اظهار و اقرار مزبورهٔ بالا، رأی اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه و اعلیحضرت شاهنشاه ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور و روانهٔ دارالسلطنه جانبین می شوند بر وفق لیاقت رتبه و امور کلیه، مرجوعهٔ ایشان را حاصل و پرداخت و مسجّل نمایند، و به دستور سابق وکلائی که از دولتین بخصوص حمایت ار باب معاملات در بلاد مناسبه طرفین تعیین و تمکین گردیده زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت، ایشان با اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده به احوال ایشان به هیچگونه زحمت نرسیده بل زحمتی که به رعایای طرفین عاید گردد به موجب عرض و اظهار وکلای رعایای مزبور رضائی به ستم دیدگان جانبین داده شود.

فصل هشتم - در باب آمد و شد قوافل و ار باب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین اذن داده می شود که [به] هرکس از اهالی تجار بخصوص شبوت اینکه دوست که رعایا و ار باب معاملات متعلق [به] دولت علیه روسیه، و یا تجار متعلقه [به] دولت بهیهٔ ایران می باشند از دولت خود یا از سرحدداران جانبین تذکره و [یا] کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند. و هرکس هرقدر خواهد متوقف گشته به امور تجارت و معامله اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع

٣. متن: واحتياج. ٤. متن: بيشتر. ۵. مثن: اذن.

۴. متن: امور مرجوعه ایشان را برداشته و حاصل و محبت به دستور سابق.... ٧. متن: درست.

ایشان نشوند، آنچه مال و تنخواه از امکنهٔ ممالک روسیّه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیّه برند، تنخواه به معرض ۸ بیع رسانیده و یا معاوضه به مال و اشیاء دیگر نمایند، اگر در میانهٔ ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیبره، شکوه و ادّعائی باشد بهموجب عادت مألوفه به نزد وکلاء طرفین، یا اگر وكيل نباشد به نزد حاكم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ايشان از روی صداقت مراتب ادّعای آنها را تحقیق و معلوم کرده، خود یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند که تعرض و زحمتی به ارباب معاملات عاید و واصل شود. و ارباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد [به] ممالک ایران می شوند مأذون خواهند بود که اگر خواهند با اموال و تنخواه خودشان به جانب ممالک یادشاهانهٔ دیگر که دوست دولت ایران باشند بروند طرف دولت ایران بلامضايقه تذكرات راه به ايشان بدهنديرو همچنين از طرف دولت عليّه روسيّه نيز در مادّهٔ اهالی تجار دولت ایران که از خاک ممالک روسیّه به جانب سایر ممالک یادشاهان که دوست روسیه باشند می روند معمول خواهد شد. وقتی که یکی از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در معالک ایران فوت شد و اموال و املاک او در ایران بماند چون مایعرف او از مال رعایای متعلقهٔ به دولت است لهذا مي بـايـد امـوال مـفّـوت بـه موجب قبض الواصل شرعي رد و تسليم بازماندگان ورثهٔ مفوت گردد و نیز اذن خواهند داد که اموال مفوت را اقوام او بفروشند چنانکه اینمعنی در میان ممالک روسیّه [و] نیز در ممالک یادشاهانهٔ دیگر دستور و عادت بوده متعلق به هر دولت که باشد مضایقه نمی نمایند.

فصل نهم باج و گمرک اموال تجار طرف دولت روسیه که به بنادر و بلاد ایران بیاورند از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک بلده گرفته، از آنجا با اموال مذکوره به هر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نگردد و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون بیاورند آنقدر [گرفته] زیاده بعنوان خرج و توجیه و تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه باشر و شلتاق مطالبه نشود. و به همین

نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر بلاد ممالک روسیّه می برند یا بیرزن بیاورند به دستور گرفته اختلافی به هیچوجه نداشته باشد.

فصل دهم بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار به ار باب تجار و معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده یا معاوضه کرده دیگر از امنای گمرک از مستأجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته باشند زیرا که بر ذمّهٔ امنای گمرک و مستأجرین لازم آنست که ملاحظه نمایند که معطلی و تأخیر در کار تجارت ار باب معاملات وقوع نیابد. باج خزانه را از بایع یا از مبیع هر نحو در میانهٔ خودشان سازش می نمایند حاصل و بازیافت نمایند.

فصل یازدهم \_ [بعد] از تصدیق و خط گذاشتن در این شرط نامچه به وکلای مختار دولتین بلا تأخیر به اطراف جانبین اعلام و اخبار و امر اکید بخصوص بالمرة ترک و قطع امور عدادت و دشمنی به هرجا ارسال خواهند کرد. این شروط نامه الحاله که بخصوص استدامت مصالحهٔ دائمی طرفین مستقر، و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط قارسی مرقوم و محرّر، و از وکلای مختار مأمورین دولتین مزبورتین بالا، تصدیق [با خط] و مهر مختوم گردیده و مبادله به یکدیگر شده است می باید از طرف اعلیحضرت امپراطور روسیه و از جانب اعلیحضرت شاهنشاه می باید از طرف اعلیحضرت امپراطور روسیه و از جانب اعلیحضرت شاهنشاه مشروحه مصدقه می باید از هر دو دولت پایدار به وکلای مختار برسد لهذا از مشروحه مصدقه می باید از هر دو دولت پایدار به وکلای مختار برسد لهذا از دولتین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول گردد \_ تحریراً فی معسکر روسیه در رودخانه زبوه من محال گلستان متعلقه به ولایات قراباغ به تاریخ بیست و نهم ماه شوال سنهٔ یکهزار و دویست و بیست و هشت هجری و تاریخ دوازدهم ماه اکتبر ۳ شقال سنهٔ یکهزار و هشتصد و سیزده عیسوی.

پس از عـهدنامهٔ مسطوره مأمورین معاودت کردند ـــ هم در این سال مجدّداً ۱. متن: داده.

متن: به دولتين.

٣. متن: اكدمبر. ناسخ التواريخ: اكدمير. به استناد تاريخ ديبلماسي تصحيح شد.

يوسف حواجه كاشغرى با بيست هزار سوار تركمان به طرف استرآباد آمد و بر لب رود گرگان با نواب شاهزاده محمدقلی میرزا به قتال پرداخت و در اول حمله الشكريان شاهزاده را عقب نشانيد، ناگاه مردى از گرايلي يوسف خواجه را كه در جلو تراکمه بود بشناخت و سینهٔ او را هدف گلوله ساخت لهذا ترکمانان متغرّق شده راه فرار بیش گرفتند \_ هم در این سال خوانین خراسان در مخالفت با نواب شاهزاده محمد ولي ميرزا متفق ومعاهد شدند و ايلخيان شاهزاده راكه در چناران بود به غارت بردند و قصد نهب حوالي طوس كردند. شاهزادهٔ معظم اسحق خان قرائي را صديق خود ينداشته به مشهد مقدس احضار فرمودند. إمّا اسحق خان برخلاف، خوانین را به شهر ورود داد و خود اظهار ایالت و سروری کرد ولی کسی تمكين او ننموده ناجار به اعتذار كوشيد و ايالت شاهزاده را با كوس شاديانه اعلام تمود \_ هم در این سال خوانین خراسان رحیم خان ارگنجی را به تاخت ارض اقدس طلبیدند و او به طرف خراسان رانده دره جز را غارت کرد و بازگشت ــ هم در این سال حاجی محمدحسین خان امین الدوله به نظم فارس رفت و پسرش عبدالله خان بیگلربیگی اصفهان به دارالخلافه آمده به منصب وزارت استیفای ممالک و لقب امین الدوله مفتخر گشت و حاجی محمدحسین خان نظام الدوله لقب يافت \_ هم در اين سال سي هزار تومان قرض ميرزا عبدالوهاب معتمدالدوله را به امر همایون از خزانهٔ عامره دادند و عمارت فین کاشان را شروع به ساختن کردند و موکب معلّی پس از تفرّج در کاشان و زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها در قم به دارالخلافه بازگشتند.

### [سنة ١٢٢٩ هجري = سنة ١٨١٣ مسيحي]

آسیا ... (ایران) ... در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز به در بار همایون آمدند و اسمعیل خان سردار دامغانی و مطلب خان و ذوالفقار خان برادران او به تنبیه خوانین خراسان که با نواب محمد ولی میرزا والی آن ولایت مخالفت کرده بودند مأمور شدند و در دوازدهم ربیع الاقل روانهٔ خراسان گردیدند و

در هفدهم ربیع الآخر در حوالی طوس اردو زدند. خوانین خراسان هریک از ولایت خود با طوایف اکراد و اتراک به طرف طوس رانده بعد از جنگی سخت مغلوب و مقهور گردیدند \_ هم در این سال میرزا ابوالحسن خان شیرازی مأمور در بار دولت روس شـد که عهدنامهٔ گلستان را به امضای امپراطور روس رساند و بعضی هدایا از قبیل دو زنجیر فیل و ده رأس اسب و یکصد طاقه شال کشمیری و چند رشته تسبیح مروارید و بعضی جواهر گرانبها و شمشیرهای خراسانی و زریهای مفتول بافت اصفهانی و قوطیهای مرضع پادزهر و قالیهای ابریشمی هراتی و غیره مصحوب میرزا ابـوالحسنخان برای امپراطور روس ارسال فرمودند و سرگور اوزلی سفیر انگلیس نیز با جواب نـامـهٔ پادشاه انگلستان از راه پطرز بورغ مراجعت کرد و موکب همایون به قصــر قـاجـار تشریف فرما شده از آنجا عزیمت چمن کالپوش نمود. و در این اوان خببر طغيبان محمدزمان خان قاجار عزالدينلو حاكم استرآباد مسموع امناى حضرت پادشاهی گردیده معلوم شد که با سی هزار سوار ترکمان مصمم حرکت و عازم طهرانست. لهذا فرمان همايون خطاب به سادات و اعاظم استرآباد شرف صدور یافت و آنها محمّدزمانخان و امیرخان برادر او را بگرفتند و مغلولاً در چمن نمکه به حضور مبارک آورده سیاست شدند و حکمرانی استرآباد برعهدهٔ نواب شاهزاده محمدقلی میرزای ملقب به ملک آرا موکول گردید \_ هم در این اوان ابراهیم خان هزاره با حاجی فیروزالدین میرزا والی هرات بنای مراوده را گذاشته او را به تسخیر غـوریان تجریض نمود. حاجی فیروزالدین میرزا پسَر و وزیر خود را با سپاهی بر سَر غوريان فرستاد و محمدخان ولد اسحق خان در قلعهٔ غوريان محصور شده صلاح در آن دید که یکی را به قندهار فرستد، و کامران میرزا ولد شاه محمود افغان را به ارض اقدس خواند. كامران ميرزا به طمع شهر مشهد مقدس به محاصره هرات مصمّم شد، و حاجی فیروزالدین میرزا چون این بشنید از کردهٔ خود پشیمان گردید، ملک قاسم میرزا پسر خود را از دور غوریان برداشته و معتمدی نزد اسمعیل خان سردار فرستاد و متوسل به دولت عليّه گرديده متقبّل پنجاه هزار تومان نقد و خراج همهساله و سكّه و خطبه بهنام اعليحضرت خاقان گرديد و استمداد نمود. اسمعیل خان به امداد او مأمور شده به طرف هرات رفت و در پل نقره شنید که اعتماد السلطنه

كامران ميرزا در منزل روضه باغ، سه منزل آنطرف هرات اقامت دارد. سردار بنه و آغیروق خبود را در پل نقره گذاشته به جانب کامران میرزا راند، کامران خود را مرد میدان مقاومت ندیده به قندهار رفت و نصیرخان هزاره را به معذرت نزد سردار فرستاد. خلاصه حاجي فيروزالدين ميرزا چون به معاونت سردار ايران آسوده شد پیشکشی را که تقبل نموده به توسط دوالفقارخان ارسال داشت و اسمعیل حان سردار به ارض اقدس معاودت کرد ـ هم در این اوان شاهزاده محمد ولی میرزا را از خراسان احضار کردند و بنا بود نواب حسنعلی میرزا به حکمرانی خراسان منصوب شود ولى اين فقره در نظر همايون منافى با مصالح ملكى آمد لهذا نواب شاهزاده محمّد ولى ميرزا را با ميرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و فرج الله خان افشار به ارض اقدس مأمور فرمودند و ايالت يزد و بسطام و نيابت دارالخلافه به نواب حسنعلی میرزا مفوض شد ... هم در این سال تدمیر طوایف تراکمه را که سابقاً با يوسف خواجه كاشغرى موافقت نموده بودند از مهمات دانسته اللهيارخان دولوي سالار بار، و حاجی رضاقلی خان قاحار، و عیسی خان امیرآخور را با جمعی از پیاده و سوار مأمور دشت گرگان فرمودند و محمدقاسم خان قاجار و فرج الله خان افشار و يوسف خان سيهدار كه در كاليوش بودند به آنها ملحق شده در اين حال تراكمه از توجّه عساكر منصوره خبردار گرديده احمال و اثقال خود را به سقناقات صعب السمسلک برده خود فرار بر قرار اختیار کردند ـــ و در این سال جشن عروسی و سور شاهزادگان معظم امامویردی میرزای ایلخانی ایل جلیل قاجار، و نواب محمدرضا میبرزا مشخلیص به افشر، و نواب حیدرقلی میرزا متخلص به خاور، و محمود میرزا گرفته شد \_ هم در این سال هانری الس سفیر انگلیس با عهدنامه ای که سرگور اوزلی سفیر سابق انگلیس به لندن برده بود به در بار دولت علیه آمده بعد از تغییر يكدو فصل از فصول عهدنامهٔ مزبوره امضا شد و صورت آن عهدنامه از قرار ذيل است:

## صورت عهدنامهٔ دولت علیّه ایران با دولت سنیّهٔ انگلیس فی شهر ذیحتجه سنهٔ ۱۲۲۹

فصل اقل مد اولیای دولت علیهٔ ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامهٔ فیروز، هر شرط و عهدی به هریک از دولتهای فرنگ که با دولت بهیه انگلتره در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته [اند] باطل و ساقط دانند. و لشکر سایر طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه به خاک ایران راه عبور به طرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند. و احدی از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت سنیهٔ انگلتره داشته باشند نگذارند که داخل مملکت ایران شود. و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور به ملک هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آن ممالک را مانع شوند، و از راه دادن طوایف مزبوره بازدارند، خواه از راه تهدید و تخویف، و خواه از روی رفق و مُدارا.

فصل دویم - چون این عهد خجسته [که در میان دو دولت ابدمدت] به صدق و راستی بسته آمده امید چنانست که انشاء الله از تغییر و تبدیل مصون و روز به روز مقتضیات یگانگی در میانه افزون گردد و پیوند [مواحدت و] مؤالفت میان این دو پادشاه جمحهاه فلک دستگاه و ولیعهد و فرزندان و احفاد امجاد ایشان و وزرا و امرا [و ولات] و حکّام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار و استوار باشد. پادشاه والاجاه انگلیس قرارداد می نماید که اگر بر سر امور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان با امرا و سرداران مناقشتی روی دهد دولت بهیهٔ انگلیس را در آن میان کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و احیاناً اگر احدی از

متن این عهدنامه به شرحی که در عهدنامهٔ گلستان آمده است تصحیح شد (رجوع شود به حاشیهٔ ص ۱۵۱۰).

٢. متن: موافقت.

۳. متن: احفاد و امجاد.

مشارًالیهم ولایتی و جائی از خاک متعلقهٔ به ایران را به آن دولت بهیه بدهند که به ازاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز امنای دولت بهیه انگلیس به این امر اقدام نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه به ایران ابداً نخواهند کرد.

فیصل سیّم به مقصود کلّی از این عهدنامه آنست که دو دولت قوی شوکت از جانبین امداد و کمک به یکدیگر نمایند به شرطی که دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین به یکدیگر هردو دولت قوی و مستحکم گردند. این عهدنامه محض از برای رفع تقدّم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه به خریک از به خود و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه به هریک از دولتین ایران و روس از قراریست که به استصواب و کلای دولتین ایران و انگلتره و دولت روس بعد از این مشخص و معین گردد.

فیصل چهارم \_ چون داریک فصل از فصول عهدنامهٔ مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قرارداد چنین است که اگر طایفه ای از طوایف فرنگیان به ممالک ایران به عزم دشمنی بیایند و دولت علیهٔ ایران از دولت بهیهٔ انگلیس خواهش امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیهٔ انگلیس خواهش مذکوره را به عمل بیاورند و لشکر به قدر خواهش با سردار [و اسباب] و اساس جنگ از سمت هندوستان به ایران بفرستند، و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد به عوض آن از جانب دولت بهیهٔ انگلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهدنامه مفضله که من بعد فیسابین دولتین قویمتین بسته می شود معین ۲ خواهد شد. الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود. و اگر دولت علیه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه ای از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور از جانب دولت بهیه انگلیس [به هیچ وجه] داده فرنگستان نمایند امداد مذکور از جانب دولت بهیه انگلیس [به هیچ وجه] داده نخواهد شد. و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیه

انگلیس را لازم است که از رسیدن آن به قشون مستحضّر و خاطرجمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف می شود.

فصل پنجم ... هرگاه امنای دولت علیه ایران خواهند که برای تعلیم و تعلیم و تعلیم فضل پنجم ... ایران بیاورند مختارند که از مملکتی از ممالک فرنگ که با دولت بهیهٔ انگلتره نزاع و جدال نداشته باشند معلّم بگیرند.

فصل ششم سد اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحهٔ با دولت بهیته انگلیس می باشند نزاع و جدال با دولت علیهٔ ایران نمایند پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت می نماید که فیمابین دولت علیهٔ ایران و آن طایفه صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه ذیجاه انگلستان به طریقی که مرقوم شده از مملکت هند عسکر و سپاه به کمک ایران مأمور کند یا آنکه دویست هزار تومان مقرّره را به جهت خرج عساکر و سپاه و غیره کارسازی دولت علیهٔ ایران و آن نمایند و این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیمابین دولت علیهٔ ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت علیهٔ ایران صلح ننمایند مضایفه ننمایند.

فصل هفتم \_ چون قرارداد مملکت ایران اینست که مواجب قشون ششماه به ششماه داده می شود، قرارداد تنخواهی که به عوض عساکر [از] دولت بهیهٔ انگلیس داده می شود چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر و پیشتر کارسازی کنند.

فصل هشتم ـ هرگاه طایفهٔ افاغنه را با دولت بهیهٔ انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از این طرف لشکر تعیین کرده به قسمی که مصلحت دولتین باشد به دولت بهیه انگلیس امداد و اعانت نمایند، و وجه اخراجات آنرا از دولت بهیه انگلیس که اولیای دولتین قطع و فصل نمایند.

فصل نهم سه اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیم طرف کمک افتد اولیای دولت بهیم انگلیس را در آن میان کاری نیست و به هیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه به خواهش طرفین واسطهٔ صلح شوند.

فصل دهم ــ اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار به ولایت انگلیس نماید باید به محض اشارت اولیای دولت ایران آنکس را از ولایات مزبور بیرون نمایند، و اگر بیرون نرود او را گرفته روانهٔ ایران کنندا. و اگر خبر دهند قبل از ورود او را به ولایت خود راه ندهند و الا گرفته بفرستند. و شرایط این فصل از طرفین استقرار پذیرفته.

فصل یازدهم سه اگر در بحرالعجم دولت علیهٔ ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیهٔ انگلیس به شرط امکان و فراغبال در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آن وقت قطع و فصل کنند و بازیافت نمایند، و کشتیهای مذکور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کند که امنای دولت علیه ایران نشان دهند و از جای دیگر بی رخصت و ضرورت عبور ننمایند.

و این عهدنامه به توسط میرزا شفیع صدراعظم، و نایب الوزاره قایم مقام، و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی الممالک وکلای دولت علیه ایران با مستر موریه نایب سرگور اوزلی بارونت سفیر بزرگ دولت بهیه انگلیس که در این اوقات ایلچی جدید بود نوشته و مقرّر، و از طرفین نسخه برداشتند و در خاتمه نوشتند:

ما که وکلای حضرتین علیتین می باشیم این عهدنامهٔ مفضله را که سابقاً فیمابین وکلای دولتین به فصول دوازده گانه نگارش یافته حال به تغییرات چند که منافی دوستی و یکجهتی دولتین علیتین نبود و به صلاح حضرتین انسب می نمود در فصول یازده گانه تبیین و تقریر و تحریر کرده دستخط و مهر گذاشتیم به تاریخ بیست و پنجم ماه نوامبر اسنهٔ یکهزار و هشتصد و چهارده عیسوی مطابق دوازدهم

۹. از اینجا به بعد عبارات در ناسخ التواریخ ص ۱۵۹ و تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران ص ۲۸۶ به این صورت آمده است: «و در صورتی که پیش از رسیدن آن کس به ولایات مزبور اشارتی از امنای دولت ایران در بارهٔ او به حاکم آن حدود رسد آن کس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از ممانعت اگر آن کس فرود آید او را گرفته روانهٔ ایران نمایند و هم چنین از جانب دولتین معلوم است که شرایط این فصل مذکور از طرفین استقرار پذیرفته». متن ناسخ التواریخ و متن تایخ سیاسی و دیپلماسی باهم مطابقت دارد. مؤلف منتظم ظاهراً این قسمت را خلاصه کرده است.

۷. در متن: بیست و پنجم ماه نوبیژ، و در ناسخ التواریخ بیست و پنجم ماه یونبر، و در تاریخ سیاسی و دیپلماسی دکتر بینا بیست و پنجم ماه نوامبر که به استفاد کتاب اخیر تصحیح شد.

ذيحجة الحرام سنة يكهزار و دويست و بيست و نه هجريّه مصطفويّه على هاجرها الله السلام و التحيّه تحريراً في دارالخلافه طهران صانها الله عن الطوارق والحدثان.

پس از اتمام عهدنامه هانری الس سفیر انگلیس به مراحم شاهانه مستظهر گردیده معاودت نمود \_ هم در این سال انجیسوف نامی گرجی از جانب نیکولای ردیشچوف سردار روس به همراهی میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران برای تهنیت صلح ایران و روس به در بار دولت علیه آمد و نصرالله خان نوری با فرستادهٔ مزبور به تفلیس رفت و حامل خلعت و نشان مرضع شیر و خورشید که خاصهٔ دولت علیه است برای سردار روس گردید \_ وفات آقامحمد کاظم واله اصفهانی.

ارویا ــ مُورات که در مملکت روس بود از سرداری قشون فرانسه استعفا کرده آژن به جای او منصوب می شود ــ نایلیون مجدداً سیصد و پنجاه هزار قشون در فرانسه حاضر می کند و وصیّت می نماید که اگر در جنگها کشته شود پسرش پادشاه باشد و زوجه اش به نیابت او سلطنت کند ـ پادشاه پروس حکم به احضار قشون زیاد می دهد ــ اهالی آلمان بر ضد ناپلیون حرکت می کنند ــ اطریش در خفا با روس و انگلیس متّحد است \_ سُود نیز با آنها مشارکت دارد \_ نایلیون محبوراً دویست هزار قشون در اسیانیا گذاشته خود با یک لشکر تازه به خاک آلمان ورود می نماید ــ عـسـاکر ناپلیون تماماً جوانهای بی تجر بهٔ جنگ ندیده اند و اسب و سوار و تویخانه هم کم داشتند ــ در لُوتزن شصت هزار نفر از عساکر روس و چهل و پنجهزار نفر از قشون پروس به تدبير ناپليون شكست خورده منهزم مي شوند امّا ناپليون سوار ندارد که آنها را تعاقب کند ــ متارکهٔ چهل روزه فیمابین دول ــ رسیدن اخبار موحش از اسیانیول به اردوی ناپلیون ــ ژوزف برادر ناپلیون که او را به پادشاهی اسیانیول برقرار كرده بود از شهر مادريد فرار مي كند ــ مملكت ورشو كه نايليون مي خواست در آن سلطنت مستقلّی تشکیل دهد مجدّداً مابین روس و پروس و اطریش تقسیم می شود ــ متارکهٔ چهل روزه به اختتام رسیده فیمابین اطریش و فرانسه مستقیماً اعملان جنگ می شود ـــ دول روس و پروس و اطریش درمقابل ناپلیون پانصد هزار نفر حاضر کرده و عساکر متحدهٔ خود را به سه اردو تقسیم می نمایند ـــ اردوی اؤل

در بُهم به سرداری شِوارْت زَنْب رُگ سبودار اطریش ــ اردوی دویم در سیلزی به سرداری بلوخ سردار پروس \_ اردوی سیم به سرداری برنادت از صاحب منصبهای تاپلیون که ولیعهد سُود شده و با معاندین او متفق است ــ نایلیون در مقابل این جمعیت سیصد هزار قشون دارد ــ حنگ سخت نایلیون با شِوارْت زَنبرْگ در دِرزد و از آنجا که نابلیون لشکر سواره نداشت نتوانست شوارت زَنْبرْگ را تعاقب کند \_ شكست ماكدُنالا سردار فرانسه از بلُوخر در تبلتيز ـــ عهد اتحاد دول ثلاثة اطريش و یروس و روس به امضای سلاطین دول مشار الیهم می رسد ــ ناپلیون بسمت لیزیک می رود و بلوحر و شوارت زنبرگ در یکروز سه مرتبه به او حمله می نمایند ــ در این جنگ تبویخانهٔ طرفین کشتار زیاد می کند\_از عساکر آلمان آنهائی که با فرانسه متحد بودند در بین جنگ از اتحاد فرانسه تبرا کرده به قشون روس و بروس ملحق مى شوند نايليون شكست خورده مجبور به فرار شده به سمت رنَّ مى آيد، بلُوخر با سوارهٔ زیاد ناپلیون را تعاقب می کند ناپلیون فراراً به مایانس می رسد \_ بُولُو سردار پروس وارد آمستردام پایتخت هلاند شده مملکت هلاند را از طرف سلاطین متفقه از تصرّف فرانسه خارج و مستقل در تحت سلطنت خانوادهٔ أرانْژ که سابق در این مملکت سلطنت داشتند اعلام می نماید ـ شِوارت زنبرگ سردار اطریش وارد خاک فرانسه می شود \_ ممالک متصرفی فرانسه در ایطالیا به او می شورند \_ عساكر فرانسه كه در اسپانيا بودند عقب مي نشينند ــ نايليون مجبوراً اسپانيول را به فردیناند هفتم واگذار می کند ــ در داخلهٔ فرانسه جمعی به وضع سلطنت خانوادهٔ سلاطین قدیم فرانسه مایل می شوند ــ ناپلیون برای مدافعهٔ عساکر خارجه که مستعد حمله به مملکت فرانسه می باشند قشونی حاضر می کند. (هلاند) \_ گیلیوم فردریک از خانوادهٔ آرانیژ در سن چهل و یکسالگی به سلطنت هلاند منصوب می شود. (عشمانی) - سربیها مجدداً در تدارک شورش اند و بعد از شکست خوردن از قشون عثمانی اکزرنی ژرژ، رئیس آنها به خاک روس فرار می کند.

[سنة ۱۲۳۰ هجری = سنة ۱۸۱۶ مسیحی] آسیا ـــ (ایران) ــ در این سال حاجی آفاخان وزیر حاجی فیروزالدین میرزا حکمران هرات و ابراهیم خان هزاره به حضور همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مشرف شده از تعدی شاهزاده محمودخان افغان شاکی شد و استدعای استمداد کرد. بنابراین خلعتی به جهت فیروزالدین میرزا والی هرات معین فرموده میرزا محمدصادق وقایع نگار مروزی و داروغهٔ دفترخانهٔ مبارکه را مأمور هرات کردند و ابراهیم خان هزاره به واسطهٔ افسادی که در امر غوریان کرده بود محکوم به توقف دارالخلافه گردید، و امارت طایفهٔ هزاره به آزادخان پسر محمدخان هزاره مرحمت شد — هم در این سال ملامحمد زنجانی که از علمای رسمیهٔ دارالخلافه بود به جهت قبول عامه به تخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن خمهای شراب ایشان پرداخت، نواب حسنعلی میرزا حکمران طهران او را از این شهر اخراب کردند، و محمد مهدی خان مازندرانی متخلص به شعنه از امرا و شعرای این دولت کردند، و محمد مهدی خان مازندرانی متخلص به شعنه از امرا و شعرای این دولت کردند، و محمد مهدی خان مازندرانی متخلص به شعنه از امرا و شعرای این دولت

زاهد بشکست از سرخامی خم می اسباب نشاط می گساران شد طی گر بهر خدا شکست پس وای به ما ور بهر ریا شکست پس وای به وی

هم در این سال اهالی زلف آباد فراهان از اعمال قم بر ایمانی خان، حاکم فراهان، شوریده یاغی شدند و به راهزنی پرداختند. عبدالله خان گرجی یوز باشی غلامان به تنبیه آنها مأمور و آنها را مقهور نمود — هم در این سال در ماه رجب موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان متوجه چمن خوش پیلاق و ساحت کبودجامه گردیده در شهر شوال به دارالخلافه معاودت فرمود — هم در این سال اسمعیل خان سردار دامغانی بار دیگر به قلع و قمع اتراک و اکراد خراسان روان شد و خوانین آن جماعت در خبوشان محصور گردیدند آخرالامر خبوشان مفتوح و خوانین مطیع گردیدند — هم در این اوان میرزا صادق وقایع نگار با رشیدخان افغان از هرات بازآمد — و مهدیقلی خان دولو بیگلربیگی استرآباد، حسین و قر بان نام که بسران یکی از قاتلین نواب جهانسوزشاه طاب ثراه بودند گرفته و آنها به قصاص رسیدند.

اروپا ــ ورود عساكر دول متحده به خاک فرانسه ــ آمدن شِوارتزَنْبرگ به طرف

آلزاس و عبور او از رودخانه رن \_ ورود عساكر پروس به سردارى بلوخر به ايالت لُـرَنْ \_ حـركت برنادُت به سمت هلاند \_ ملاقات سلاطين ثلاثه روس و پروس و اطریش در وزُول ... جلو آمدن وَلَنگُتُن سردار انگلیس از سمت اسپانیا ... در این وقت تمام قشون ناپلیون زیاده از شصت هزار نیست ــ مرخص کردن ناپلیون یی هفتم پاپ را که به رُم معاودت نماید ــ ناپلیون وتُبری را که مابین اردوی بلوخر و شوارتزَنبزگ است معسکر خود قرار می دهد و به هر دو اردو حمله می برد و شکستی به قشون بلوخر می دهد، بلوخر اردوی خود را جمع آوری کرده به سمت ياريس حركت مي كند، نايليون در شان أبر شكست سختي به او مي دهد بلوخر مجبوراً به شالُنْ برمی گردد \_ شِوارتْ زَنْبرْگ به طرف پاریس می راند، ناپلیون با او جنگ کرده او را عقب می نشاند ــ مارشال سُولْت از اسیانیا عقب نشسته به تُولُوز مى آيد ــ اردوى برنادت به بلوخر ملحق شده عزيمت پاريس مى نمايد ــ دول متحده ثلاثه به ناپلیون تکلیف می کنند که اگر حدودی را که فرانسه در هزار و هفتصد و هشتاد و نه داشته قبول می کند با او مصالحه کنند چون این تکلیف را قبول نکرد با او مشغول جنگ می شوند بے جنگهای سخت ناپلیون با بلوخر سردار يروس \_ شهر رئس كه به تصرّف روسها درآمُده بود نايليون آنرا منتزع مي سازد \_ شوارت زنبرگ که به سمت پاریس حرکت می کند ناپلیون پشت سَر او را گرفته امّا تمام قشون دول متحده در شارلُن جمع شده به سمت پاریس عزیمت می نمایند ... خانوادهٔ بُوربُن سلاطین سابق فرانسه به آلکساندر اول امپراطور روس ملتجی مى شوند \_ شهر بُردُو خود را در تحت سلاطين خانوادهٔ بُور بُن قرار مى دهد \_ قشون دول متحده که نزدیک پاریس می شوند امپراطریس فرانسه و ولیعهد به بُلوا می روند و شهر پاریس تسلیم می شود \_ ناپلیون با قلیل قشونی به فُنْ تَنْ بلُو می رود \_ در سلخ ماه مارس عساكر دول متحده وارد ياريس مي شوند \_ مجلس يارلمنت فرانسه خلع ناپلیون را اعلام می کند \_ ناپلیون که از فُنْ تَنْ بلُو مصمّم حرکت به پاریس است سردارها تبعیت او را نمی نمایند، بنابراین ناپلیون به اسم پسرش استعفا مي كند. چون سلاطين متحده قبول نمي كنند كلّيتاً خود و پسر و خانواده اش از سلطنت فرانسه استعفا مي كنند ــ ملت فرانسه لوى هيجدهم برادر لوى شانزدهم را

به سلطنت قبول مي نمايند \_ به ناپليون جزيره إلب عطا مي شود، و به زوجه اش ايالت يارم و يلزانس در ايطاليا ــ در اين حال ناپليون مصمّم مسموم كردن خود می شود ــ روز دواردهم ماه آوریل ناپلیون با سردارهای خود وداع کرده به جزیرهٔ اِلب می رود و همان روز لوی هیجدهم از حوالی لندن به سمت سلطنت به طرف باريس حركت مي كند ــ تالراند وزير اعظم فرانسه با دول متحده مصالحه مي كند و حدود فـرانــــه را هـمــان حدود سال هزار و هفتصد و هشتاد و نه قرار مي دهد ــــ پنجاه و سه قلعه و هزار و دویست عرّاده توپ و سی و یک فروند کشتی کوچک و دوازده کشتی بزرگ به تصرف قشون دول متحده درمی آید ــ ژوزفین زوجهٔ اوّل بناپارت امپراطریس سابق فرانسه در پاریس وفات می نماید \_ لوی هیجدهم پادشاه تــازه فــرانــــه در گــمـپــی اِیْن، با سلاطین ثلاثه ملاقات می کند و در سیّم ماه مه به سمت سلطنت به پاریس وارد می شود \_ همهٔ شاهزاده ها و اعیان دارای القاب قـدیــم خـودشان می گردند ـــ از سردارهای ناپلیون بریته و مارمُن، جزو قشون پادشاه تازه می شوند \_ عهدنامهٔ موسوم به پاریس مابین پادشاه جدید و سلاطین فرنگ منعقد می گردد \_ نشان از يُون دُونُور برقرار است وليكن بهجاي صورت نايليون صورت هانـری چهارم در آن نَقش می شود ـ کنگرهٔ وینه برای بقای صلح عمومی فرنگ به ریاست مِتِرنیخ وزیر اعظم اطریش منعقد می گردد ــ پادشاه پروس مملکت ساکس را می طلبد ـ نُروز ضمیمهٔ شود می شود ـ هِلگلاند تعلّق به انگلیس می یابد \_ انگلیس خرید و فروش سیاه پوستان را متروک می سازد \_\_ مملکت هانُور به وساطت انگلیس سلطنت مستقل گردیده و از تحت تصرف پروس خارج می گردد. (انگلیس) - اختراع لکمتیو یعنی اسب آتشین که محرک كالسكه هاى راه آهن است به دست ژرژ استفان سُنْ. (ايطاليا) \_ ايالت لُمْباردى ضميمة اطريش مى شود \_ پاپ وارد رم مى گردد، و تمام بلاد او كه قشون فرانسه آنها را مسخّر کرده بودند به او ردّ می شود. (اسپانیول) ـ فردیناند هفتم که ناپلیون به او آزادی داده و تاج سلطنت اسپانیول را عطا کرده در سلطنت مستقل می گردد و نسبت به اشخاصی که سبب شورش شده بودند ظلم و تعدّی می کند ــ مکزیک تمکین نمی کند که جزو اسپانیا باشد و آزادی طلب می کند ــ شیلی نیز با وجود قتلی که سردار اسپانیول در این مملکت می کند ر بقهٔ تبعیت را به گردن نمی گیرد ولکن ونیزُوءلا و نُوِلُ گیرِناد به عُنف تبعیت اسپانیول می نماید. (فرانسه) لوی هیجدهم پادشاه مستقل است امّا نه به استقلال اجدادی بلکه سلطنت مشروطه و پارلمنت دارد ــ مارشال سُولت وزیر جنگ می شود ــ آیِل دُرِمُوزا، تاریخ چین را به فرانسه ترجمه می کند.

امریکا \_ (اتائونی) \_ شهر واشنگتُن پایتخت اتائونی را انگلیسها متصرف می شوند و آنجا را خراب می کنند و آتش می زنند، اتا بعد اتائونی انگلیس را شکست داده و مصالحه می کنند.

## [سنة ١٢٣١ هجرى = سنة ١٨١٥ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در اوایل این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه به شکار مسیلهٔ قم تشریف قرما گردید — هم در این سال میرزا فضل الله شیرازی مؤلف تاریخ صاحبقرانی در سلک منشیان حضرت پادشاهی منسلک گردید — هم در این سال چون خوانین خراسان با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی این ولایت مخالفتی داشتند نواب معظم فرج الله خان افشار نسقچی باشی را از در بار همایون به استعانت خود طلبید و مشار الیه با ده هزار پیاده و سوار روانه خراسان شد. مقارن اینحال محمد رحیم خان خوارزمی به اغوای قربان قلیج یموت با سی هزار سوار به طرف دشت گرگان و استرآباد آمد و این خبر معروض آستان معلی گردیده حکم همایون شد که فرج الله خان افشار که مأمور خراسان و در بسطام بود با ذوالفقارخان و مطلبخان دامغانی به دفع محمد رحیم خان روانه شوند. محمد رحیم خان بعد از مقاتله شکست خورده به طرف حیم خیرزا بعد از مقهور شدن محمد رحیم خان بعد از مقاتله شکست خورده به طرف خیوی میرزا بعد از مقهور شدن محمد رحیم خان به خیال تنبیه اکراد افتاده محمد ولی میرزا بعد از مقهور شدن محمد رحیم خان به خیال تنبیه اکراد افتاده محمد خان خابرا با امیر قلیج خان تیموری و عبدالکریم خان عرب بسطامی و جمعی قاجار نایب را با امیر قلیج خان تیموری و عبدالکریم خان عرب بسطامی و جمعی

به محاصرهٔ رادکان فرستادند و خود نیز به درهجز راندند و بیگلرخان چاپشلو حاکم دره جز را منهزم ساخته به طرف رادكان شتافتند. خوانين خراسان عريضه به حضور اعلیحضرت خاقان ارسال داشته از قوجه خان کرد، که در راد کان محصور بود شفاعت كردند، و حسب المصلحة اين شفاعت پذيرفته شد، و حكم همايون به ترك محاصره شرف صدور يافت، لهذا نواب شاهزاده محمد ولي ميرزا به ارض اقدس و خوانین به اماکن خود معاودت کردند ــ هم در این سال اسحق خان قرائی که ظاهراً با شاهزادهٔ والی خراسان موافق و در معنی نفاق داشت حسنعلی خان پسَر خود را به در بـار هـمايون فرستاده در باطن عزل شاهزاده را مستدعي شد و در ظاهر حکومت ترشیز را و اگرچه ابتدا پذیرفته نشد ولی در ثانی حکومت ترشیز را به او مرحمت فرمودند و او به محل حكمراني رفته به نواب شاهزاده محمد ولي ميرزا اعتنائي ننمود، شاهزاده او و پدرش اسحق خان را احضار كرده به سزاي خود رسانیدند و محمّدخان پسَر دیگر اسحق خان که در تربت بود ضبط این ولایت را به حسینعلی خان برادر خود واگذار کرده به قلعهٔ دولت آباد رفت و در آنجا متحصن شد و به فـتـنـه و فساد پرداخت و واقعهٔ اسحق خان و حسنعلی خان مجدّداً خیال خوانین خراسان را مشوش ساخت ـ حَاجِي فَيْرُوزَالْدَيْنِ مَيْرُزا حَاكُم هُرَاتُ بِهُ خَيَالُ تَصْرُفُ غوریان افتاد و ملک قاسم میرزا پسر حاجی فیروزالدین میرزا این ناحیه را مسخّر نـمـود، و بنیادخان هزاره به تحریک محمودخان به غارت بعضی ولایات مشغول شد ـــ محمّدخان قاجار نایب و فرج اللهخان افشار به نهب غوریان و کوسویه و باخرز و هزاره رفته پس از تاخت و تاز به تربت مراجعت کردند و در اینجا قشونی که با محمدخان نایب بودند متفرق شدند و افاغنه و هزاره و قرائی دانستند که محمدخان لشكر عمده ندارد به منازعهٔ او آمدند و او چون از عهدهٔ جنگ با آنها برنمی آمد به مشهد مقدّس شتافت و مصطفی خان سَدَنْ رستاقی استرآبادی به دست محمّدخان قرائمی گرفتار شد. بالجمله خوانین خراسان اختلالی در کار مملکت انداخته و حاجى فيروزالدين ميرزا را به تسخير ارض اقدس تحريك مي نمودند و اين مقدمات سبب شد که اعلیحضرت همایون نواب شاهزاده حسنعلی میرزا را شجاع السلطنه لقب داده به ایالت خراسان منصوب فرمودند ... هم در این سال عبدالرشیدخان فرستادهٔ حاجی فیروزالدین میرزا اذن معاودت به هرات یافت و میرزا محمدصادق وقایع نگار و داروغهٔ دفترخانهٔ مبارکه با او مأمور هرات شد.

ارویا \_ كنگرهٔ وینه هنوز به انتها نرسیده است \_ انعقاد عهد مخفی مابین فرانسه و اطریش و انگلیس بر ضد روس ــ حرکت کردن نایلیون از جزیرهٔ اِلب با هفتصد نفر سر بازییر که با او بودند به قصد سلطنت فرانسه ـ نایلیون در حوالی کان از كشتى بيرون مى آيد \_ لوى هيجدهم متزلزل شده قشونى جلو نايليون مى فرستد \_ نايليون به سمت ليون حركت مي نمايد و قشوني كه جلو او آمده او را امپراطور خطاب می کنند \_ مارشال نی که کمال صداقت را با یادشاه تازه دارد وقتی که به نایلیون برمی خورد خودداری نکرده خود را به پای او می اندازد ــ لوی هیجدهم متوخش شده از پاریس فرار می کند و ناپلیون در بیستم ماه مارس وارد تُوییری می شود و مجدداً به سلطنت برقرار می گردد، و مدّت سلطنت دوبارهٔ نایلیون یکصد روز است که از دهم ماه مارس تا بیست و دویم ژون باشد ــ لوی هیجدهم در هلاند در شهر گاند پناه می جوید ــ آنچه را آز قواعد آزادی لوی هیجدهم از فرانسه سلب كرده بود نايليون باز عطا مى نمايد \_ اقوام سلطنت از پاريس و فرانسه فرار می کنند ـ اجزای کنگرهٔ وینه ناپلیون را دشمن عالم میخوانند، و انگلیس و یروس و اطریش و روس مصمّم می شوند که هریک صد و پنجاه هزار قشون جمع کرده به جنگ نایلیون روند ــ سه اردو تشکیل می یابد: اردوی اوّل به سرداری شِوارت زَنبرْگ؛ اردوی دویه به سرداری بلوخر سردار پروس و وَلَنگُتُن سردار انگلیس؛ ریاست اردوی سیم را آلکساندر امپراطور روس خود قبول می کند ـ با آنکه ناپلیون طلب صلح می کند هیچکس نزدیک او نمی آید \_ عساکر انگلیس به سرداری وَلَنگُتُن در بلژیک جمع می شوند \_ ناپلیون سیصدهزار قشون جمع می کند ـــ کنگرهٔ وینه معاهدهٔ خود را به امضای دول اطریش و انگلیس و روس و پروس و ملل فرانسه و اسپانیول و پرتوغال و شُودٌ می رساند. این معاهده مشتمل بر صد و بیست فصل است \_ ناپلیون با صد و بیست هزار قشون به طرف بلژیک حرکت

می کند ــ پروس و انگلیس در بلژیک متحداند ــ در لیٹیی ۱ جنگ خونریز سختی بین الطرفین در می گیرد ـ در واترلُو ناپلیون خود جلو انگلیسها را گرفته به گروشی سردار خود حکم می دهد که جلو بلوخر سردار پروس را بگیرد که دو دسته قشون معاند به یکدیگر نرسند ــ شب جنگ واترلو از حیثیت بی آذوقه گی و سرما و باران و فقدان آتش برای عساکر فرانسه بدترین شبها بود ــ در هیجدهم ژون ناپلیون با وَلَمْكُتُن سردار انگليس مقابل مي شود \_ گروشي سردار ناپليون خبط يا خيانت كرده جلو سردار پروس را نمى گيرد و لشكريان پروس و انگليس به هم ملحق می گردند ــ ناپلیون نزدیک بود قشون انگلیس را شکست دهد که عساکر پروس به كمك انگليسها رسيدند چون ايندو لشكر بهم پيوستند شكست سختي به ناپليون دادنـد ــ قـشـون فـرانـــه و ناپليون فرار كردند و هرج و مرج غريبي در اردوي آنها افتاد ــ نایلیون به یاریس و به قصر الیزه ورود نمود و از امپراطوری استعفا کرده پسر خود را ناپلیون دوتیم و امپراطور خواند. وکلای ملت اعتنا به حرف و حکم ناپلیون نکردند \_ عزیمت لوی هیجدهم به پاریس \_ قشون انگلیس و یروس از واتِرَلُو به طرف ياريس راندند و تايليون به بندر رُشُفُرْت رفت ـــ تصرّف نمودن عساكر متحده باریس را \_ ورود لوی هیجدهم با بیرق سفید که شعار سلطنت آن خانواده بود در هشتم ماه ژویه به پاریس ــ فُوشیهٔ و تالِران دو نفر وزیر و پروردهٔ نعمت ناپلیون در این مورد به او خیانت می کنند و سبب خلع آخری او این دو نفر می شوند ــ سلاطيس روس و اطريش و پروس در دهـم ژويـه وارډ پاريس مي شوند ــ دو كرور قشون خارجه دهات و بلاد فرانسه [را] غارت مي نمايند ــ ناپليون در كشتي موسوم به ساآل نشسته به سمت انگلیس می رفت که به یک فروند کشتی انگلیسی که کاپی بِنْ آن مِثْلانْد نام داشت برخورد. ناپلیون از کاپی بن مشار الیه خواهش کرد او را به انگلیس و نزد نایب السلطنه برد. کاپی تن این تکلیف را قبول کرده او را در كشتى موسوم به بلروفُن ٢ نشانيد و ناپليون كاغذى به خط خود به نايب السلطنه انگلیس نوشته مضمون آن اینکه: من به توپناه آورده ام و در خاک تو ایمنی

میخواهم. اتما دول فرنگ ناپلیون را محبوس خود دانسته و حراست او را به انگلیس رجوع می کنند. بنابراین دولت انگلیس جزیرهٔ سنت هِلِن را که در دریای محيط آتلانتيک واقع و يکپارچه سنگ خشک و داراي هواي غيرسالمي است محلّ حبس نـاپليون قرار مي دهد ــ اشخاصي كه در اين مسافرت و اغتراب با او هـمراهي مي کنند برتراند، و مُنْتُلُن، و گورگُد، ولاشکاس از رجال و سردارهای او بودند ــ دولت فرانسه هفتصد میلیون فرانک بطور وجه خسارت به قشون متحده می دهد ــ صـد و پنـجـاه هـزار نـفـر از قـشـون متحده مد تـ پنج سال در بعضی از قطعات فرانسه مقیم خواهند بود ــ در این صلح با دول فرنگ و خلع ناپلیون معادل چهارصید کرور تومان خسارت فرانسه شد ــ امّا در بیست و سه سال مجادله که با دول فرنگ كرده بود به همه جهت خسارت فرانسه به هشتصد كرور تومان مى رسيد. (فرانسه) ــ لوى هيجدهم پادشاه فرانسه بعد از آنكه در ثانى به مملكت فرانسه ورود نمود بنای تعدی را نسبت به هواخواهان ناپلیون گذاشت، از جمله مارشال برون به تحریک او کشته شد و مارشال لی محبوس و ژنرال رامِل نیز مقتول گردید. مارشال یی در مجلس استنطاق حاضر شده بعد از گفتگوی زیاد حکم قتل او صادر شد \_ شورش مردم در اعلب ایالات بر ضد پادشاه جدید. (روس) -آلكساندر اول لقب يادشاهي لهستان را به القاب سلطنتي خود الحاق مي كند. (ابطاليا) ... مُورات پادشاه ناپل كه بعد از مراجعت ناپليون از جزيره اِلب اظهار خدمت به او کرده بود دول متحده او را از سلطنت خلع می کنند و قشون اطریش با او جنگ كرده موزات به دست آمده مقتول مي شود. (آلمان) ــ مملكت آلمان از این به بعد موسوم به گنفیدراسیُن ژرمانیک می شود و بعدها مأمورین دول در فرانکفُر جمع خواهند شد و ریاست مأمورین مزبوره با شخصی است که از طرف دولت اطریش معین می گردد.

امریکا \_ (اتائونی) \_ ژنرال ژاکسن بر عساکر انگلیس غلبه می نماید.

# [سنة ١٢٣١ هجري = سنة ١٨١٦ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ در هفدهم محرم این سال نواب شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السّلطنه والى خراسان وارد مشهد مقدّس گردید و خوانین خراسان که به فتنه و فساد می پرداختند بهجای خود آرام گرفتند ــ حاجی فیروزالدین میرزا حاکم هـرات عبدالرشيدخان افغان را با نامه و هدايا به تهنيت ورود نواب شجاع السلطنه به خراسان فرستاد و از گذشته معذرت خواست و میرزا محمدصادق وقایع نگار را که نُه ماه در هرات محبوس داشت رها نموده مشارّالیه به خدمت نواب شجاع السّلطنه آمد و ملک قاسم میرزا پسر فیروزالدین میرزا غوریان را تخلیه نمود \_ هم در این سال چون طایفهٔ اکراد بلباس به خاک ارومی رفته و بعضی بی اعتدالیها نموده بودند و پیش از این حضرت مستطیاب نایب السلطنه امیرخان خال خود را با یـوسفخان گرجی سرهنگ فوج بهادران ینگی مسلمان به تأدیب آنها مأمور فرموده بودنـد ایـن اوقـات مـجـدداً امـیـرخـان قاجار با جمعیّت بوداقخان مکری و سر بازان جمعی ابراهیم بیک سرتیپ و جعفرقلی خان مراغه و غیره به تدمیر آن جماعت رفته در محل کرمیان در نزدیک شهرزور بر آنها حمله نموده قریب یکهزار نفر از بلباسها را مقتول نمودند و سردار پس از تاخت و تاز و مقهور نمودن آن جماعت معاودت نسود ـ هم در این سال چون نظم طایفهٔ بختیاری برعهدهٔ نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه موکول شده بود و اسدخان بختیاری هفت لنگ به حصانت دزمیران مغرور گردیده از خدمت نواب شاهزاده محمدتقی میرزا حکمران بروجرد تقاعدی داشت، موکب دولتشاه به طرف دزمیران روانه شد و چون نزدیک به دزمیران رسیدند میرزا محمّد لواسانی وزیر و پیشکار خود را به استمالت اسدخان فرستادند و عساکر نواب شاهزاده اطراف دز را احاطه نمود. اسدخان چون دید مفری و چارهای جز آمدن به حضور شاهزاده نیست نصایح میرزا محمد لواسانی را پذیرفته از قلعه به زیر آمد و با ضراعت و استکانت عذر تقاعد از خدمت را بخواست و معذرت او قبول و معفو گردید و اطمینان کامل حاصل نموده به راه انقیاد و اطاعت رفت و ترک خودسری و راهزنی نمود ــ هم در این سال نواب شاهزاده علی خان ملقب به اعتماد السلطنه

ظل السلطان شده ايالت دارالخلافة طهران را به شاهزاده معزى اليه تفويض فرمودند و نواب اسمعیل میرزا به حکومت ترشیز منصوب شد ــ و میرزا موسی رشتی که از جانب نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه نیابت یزد داشت احضار گردیده به وزارت خراسان برقرار و روانه شد، و حکومت یزد را به محمدزمان خان پسر نظام الدوله اصفهاني مرحمت فرمودند \_ هم در اين سال حاجي ميرزا ابوالحسن خان شیرازی که به سفارت به دربار دولت روس رفته بود و به واسطهٔ جنگ روس و فرانسه امیراطور روس آلکساندر به فرانسه و نمسه رفته بودند و سفیر مشارّالیه در خارج شهر يطرز بورغ توقف كرده منتظر قدوم امپراطور معظم بود به حضور ايشان مشرف و مورد الطاف كامله گرديده عهدنامهٔ منعقده بين دولتين ايران وروس به امضای امیراطور روس رسید و آلکساندر برملوف سردار گرجستان به سمت وزیر مختاری از جانب دولت مأمور ایران شد و مقرر گردید که وزیر مختار مشارّالیه در موعدى معين در جمن سلطانيه شرفياب حضور اعليحضرت خاقان كشورستان فتحملى شاه گردد و عسكرخان افشار ارومي به مهماندارى سفير رفت و حكم شد ميرزا عبدالوتهاب معتمدالدوله به ولايت خمسه رود و پس از ورود سفير مزبور او را در چمن سامان ارخی یکفرسخی سلطانیه نزول دهد و میرزا فضل الله علی آبادی با معتمد الدوله همزاهي كرده مواظب لوازم ومخارج سفير باشد ـ هم در اين سال نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه از ارض اقدس عزیمت هرات فرموده در اوایل مـاه جـمادی الاولی به خبوشان رسیدند و رضاقلی خان ولد امیرگونه خان طوعاً و کرهاً به خدمت شاهزاده آمد و روز دیگر خوانین خراسان یعنی نجفقلی خان شادلو حاکم بزنجرد و بیگلرخان چایشلو حکمران درهجز و سعادتقلی خان بغایرلو حاکم جهان ارغیبان و قوجهخان کیوانلو حاکم رادکان نیز به حضور شاهزاده معظّم مشرّف شدند و ملتزم خدمت گردیدند و دوهزار سوار برای التزام رکاب والا معین کردند پس از چندی اردوی شجاع السلطنه به منزل سنگ بست جام نزول نمود و محمدخان قرائی تر بتی در این محل به حضور شاهزاده شرفیاب گردید، و هنگام عبور از حوالی محمودآباد که در تصرّف بنیادخان هزاره بود قلعه گیان تفنگی به طرف اردو خالی كردند، شجاع السلطنه به تسخير قلعه حكم دادند، عبدالله خان ارجمندي فيروزكوهي

و رستم خان قِراً گوزلو و مطلب خان دامغانی و اسمعیل خان سردار به قلعه یورش بردند و قلعه را مسخر کردند و جمعی کثیر از هزاره مقتول و دستگیر و اموال زیادی از آنها به غارت رفت و در روز ورود به تربت شیخجام عطا محمدخان افغان از جانب والى هرات به تسليم قلمهٔ غوريان و اطاعت به دولت ايران آمد، نواب شجاع السلطنه جون اطمينان به اقوال مشارّاليه نداشتند از جام به كوسويه راندند و میرحسن خان عرب زنگوئی حاکم تون و طبس در آن منزل به خدمت ملازمان نواب شـاهـزاده شـتافت و روز دیگر به غوریان رفتند و از آنجا روانهٔ شکیبان شدند بعد از ورود به پلنقره معلوم شد شمخالچیان حاجی فیروزالدین میرزا در مصلای هرات و تل بنگیان مستعد مدافعه می باشند و والی هرات خود در شهر آسوده است. لشکر نصرت اثر بر شمخالجیان مزبور حمله کرده بسیاری از آنها را به راه عدم فرستادند و نواب شاهزاده در کنار رود انجیل سنگری بسته سران سپاه را بتاخت اطراف هرات حکم دادند حاجی فیروزالذین میرزا کلید غوریان را با پنجاه هزار تومان تسلیم کرد و متقبل شد که خطبه و سکه کماکان به اسم اعلیحضرت خاقان باشد لهذا موکب والا عازم بادغیسات و بیشهٔ هزاره گردید و اسمعیل خان سردار در درهبام با بنیادخان هزاره مصاف داد و شکستی فاحش خورد و لشکر او متفرق شدند پس از این واقعه تواب شجاع السلطنه مراجعت كردند ... هم در اين سال در دارالخلافه به جشن عروسي و سور نواب شاهزاده على خان ظل السلطان و نواب اللهويردي ميرزا پرداختند و آلکساندر برملوف وزیر مختار دولت روس که خود را از نبایر جوجی خان بن چنگیزخان می دانست از تفلیس به طرف ایران حرکت کرد و عسکرخان افشار مهماندار او در اوچ کلیسا به وزیر مختار رسید و روانهٔ ایروان شدند و حسن خان برادر حسین خان سردار با پنجهزار سوار او را استقبال کرد و سردار خود در خارج ایروان در خرگاهی وسیع با تشریفات لایقه ایلچی روس را پذیرفت و هنگام ورود به تبریز نیز از جانب حضرت مستطاب نایبالسلطنه پذیرائی کامل از مشار اليه به عمل آمد و آخرالامر در جمن سامان ارخى نزول كرد تا روز ورود موکب اعلیحضرت همایون به سلطانیه وزیر مختار روس با شرایط اعزاز درک حضور مكرمت ظهور خاقاني نموده تحف و هداياي خود را تقديم كرد و از جمله

هدایا فیل و هودجی از زر سرخ بود که با کلید آنرا کوک می کردند و به حرکت در می آمد و سه قطعه آیینه بود که هریک دو ذرع و نیم طول داشت، و زیاده از یک ذرع عرض، و کمتر از یک چهاریک ذراع ثِخَن ۱، و آن آیبنه ها مخصوص عمارات سلطنتی دارالخلافه شد \_ هم در این اوان محبعلی خان خلیج به سفارت به در بار عشمانی مأمور و نامه ای مبنی بر موذت به سلطان محمودخان سلطان عثمانی مرقوم شد \_ هم در این سال میرزا خلیل الله (شاه خلیل الله) ابن میرزا ابوالحسن مرشد طایفهٔ اسمعیلی در یزد مقتول شد \_ میرزا خلیل الله مزبور چندی حاکم کرمان و بعد ساکن محلات قم و یزد بود، در این سال میان ملازمان او و اهالی یزد نزاعی درگرفت و او در آن نزاع کشته شد، و از آنجا که از سادات حسینی بود و به واسطهٔ ریاست بر اسماعیلیه در ایران و هندوستان اعتباری داشت به حکم اعلیحضرت همایون اهالی یزد را سیاستی بسزا نمودند و آقاخان ولد اکبر میرزا خلیل الله به شرف مصاهرت یادشاهی و حکومت قم و محلات نایل آمد ... هم در این سال نواب شاهزاده حسينعلى ميرزا فرمانفرماي فارس محمدزكي خان نوري سردار فارس را مأمور به تأدیب اعراب جواسمی ساکن بندر مغویه فرمودند و سردار مزبور به محل ماموریت خود رفته به قتل و نهب پرداخت ... هم در این سال موکب همایون عزيمت مازندران فرموده جندي در عمارت بحرالارم بارفروش به شادماني گذرانيده يس از آن به دارالخلاف باهره معاودت فرمودند \_ هم در اين سال محمودشاه حکمران کابل و قندهار فتیح خان افغان را که وزارت آن خدود داشت و مردی بی باک بود به عنوان معاونت فیروزالدین میرزا به هرات مأمور نمود و او به ظاهر هرات نزول کرده پس از ملاقات هنگام وداع حاجی فیروزالدین میرزا را بگرفت و به قندهار فرستاد و امرای او را معزول و اهل و اموال او را ضبط و تصرّف نمود و حاجي آقاخان وزير و عبدالرشيدخان افغان را به قتل رسانيد و خود به حكومت هرات پرداخت و برادر خود کهندلخان را به تسخیر غوریان فرستاد و امرا و خوانین خواسان را با خود متفق ساخت و رحیم خان خوارزمی را نیز محرک شده رحیم خان

بنتی بعنی ضخامت و سطبری.

بر سَر سرخس آمد \_ مقتول شدن حاجی میرزا محمد اخباری معروف در کاظمین در غوغای عوام و کرامات زیاد نسبت به این عالم داده اند.

اروپا \_ (آلمان) \_ بعد از کنگرهٔ وینه مجلس شورائی به ریاست دولت اطریش برای تمام دول آلمان در شهر فرانکفُر منعقد نمودند و این شورای موسوم به شورای دیت ژرمانیک گردید \_ فوت فردریک پادشاه و ورتمبر ک و جلوس پسرش گیلیُوم اقل به جای او. (انگلیس) \_ منازعهٔ عساکر انگلیس با والی الجزایر و محکم کردن والی مشار الیه قلعهٔ الجزایر را. (فرانسه) \_ ایجاد کمپانی به جهت سفاین تجاری. (پرتوغال) \_ فوت ماری ملکه پرتوغال \_ پسر این ملکه که پادشاه برزیل بود و موسوم به ژان ششم پادشاهی پرتوغال را ضمیمهٔ لقب سلطنتی برزیل می نماید ولی از این مملکت به پرتوغال نیامده و فی الواقع پرتوغال در تحت حکمرانی انگلیسها می باشد. (روس) \_ شهر مسکو را که آتش زده بودند تعمیر می کنند. (عشمانی) \_ در سر بستان عثمانیها قرا و آبادیها را آتش می زنند و بر جان و ناموس احدی ابقا نمی نمایند \_ چوپانزاده آبرنویج نام ریاست شورشیان را که بر ضد احدی ابقا نمی نمایند \_ چوپانزاده آبرنویج نام ریاست شورشیان را که بر ضد عثمانی هستند می نماید.

امریکا \_ (بنگی دنیای جنوبی) \_ بُلیوارْ نام در مملکت وِنیزوُیْلا بنای یاغیگری را با دولت اسپانیا گذاشته با عساکر این دولت جنگ می کند \_ مملکت پلاتا نیز آزادی خود را از اسپانیول طلب می نماید.

#### [سنهٔ ۱۲۳۳ هجری = ۱۸۱۷ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب اصفهانی را به استمالت امرا و خوانین خراسان مأمور فرمودند، و ذوالفقارخان و مطلبخان را به مدافعهٔ لشکر خوارزم و افغان مثال دادند و حاجی میرزا ابوالحسنخان شیرازی به سفارت انگلیس رفت و هدایا به صحابت او برای امپراطور نمسه و لوی هیجدهم پادشاه فرانسه و به جهت پادشاه انگلستان

ارسال نمودند و ميرزا عبدالحسين خان همشيره زادة ميرزا ابوالحسن خان به سفارت نمسه معين و با مشار اليه به محل مأموريت خود رفت، و موكب همايون تشریف فرمای چمن نمکه و ساور گردید ـــ هم در این سال فتیح خان افغان با لـشكر فراوان عزيمت ارض اقدس نمود و محمّدخان قرائى و ابراهيم خان هزاره بدو گرویدند. نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با لشکر جرّار از ارض اقدس برای دفع فتيحخان حركت كرد و دركال ياقوتي معتمدالدوله و خوانين سمنان و دامغان به نواب معظم پیوستند و فتیحخان افغان با سی هزار نفر سوار افغان و هزاره در كوسويّه مُستعد جنگ شد. نواب شجاع السلطنه بُنه و آغروق را در كافرقلعه گذاشته در میان رباط کافر و کوسویه با فتیحخان به مقاتلت پرداختند پس از جنگی سخت لشكر افغان منهزم شد و گلوله بر دهان فتيح خان آمده راه فرار پيش گرفت و در اين حیص و بیص معتمدالدوله جمعیت بنیادخان را گمان اردوی شاهزاده کرده به میان آنها رفت و دستگیر شد. نواب شجاع السلطنه رقم حکومت باخرز و کوسویه و غوریان را برای بنیادخان فرستادند و او نیز معتمدالدّوله را با تدارکی شایسته به حضور شاهزاده فرستاد \_ هم در این اوان موکب همایون با لشکری جرار به بام ورود نـمـود و بـه مـحـاصره قلعهُ بام اشارت فرمودند و بعد از دو روز قلعه به تصـرّف عـــاکـر مـنصوره درآمد مرتضى قلى خان برادر سعادتقلى خان بغايرى که در قلعهٔ بام بود با قرآن و شمشیر به حضور مبارک آمد و او و برادرش هردو معفو شدند و از اتفاقیات آنکه خاقان کشورستان روزی در قلعهٔ بام گردش می کردند گلوله ای از قلعه به طرف اعلیحضرت پادشاهی انداختند، آن گلوله به یکنفر از غلامان که در نزدیکی بود خورد و از اسب درغلطید و بااینکه مرتکب به دست آمد او را عفو فرمودند ... هم در این اوان رحیم خان خوارزمی که از حرکت و انتهاض موکب خاقانی خبردار گردیده راه فرار پیش گرفته به خیوه شتافت و خوانین خراسان طوعاً و كرهاً مطيع شدنـد و حكم همـايـون به محاصرهٔ خبوشان شرف صدور يافت و رضاقلی خان به قلعهٔ شیروان گریخت و به میرزا محمدشفیع صدراعظم متوسل شد. صدراعظم بـا مـیـرزا رضای قزوینی منشی و میرزا فضل الله علی آبادی مازندرانی و مستوفى ميرزا فضل الله خاورى شيرازى براى اطمينان او به شيروان رفتند ولى

رضاقلی خان مطمئن نگردیده صدراعظم مراجعت نمود و نواب شجاع السلطنه با خوانین و اکابر و امرای خراسان به اردوی همایون پیوستند و میز بانی خوانین و امرا را كه يكهزار و پانصد نفر بودند حاجي محمدحسين خان نظام الدوله اصفهاني برعهده گرفت و طوری اینکار را به انجام رسانید که محل تعجّب بزرگان گردید. گویند در ایمن اوان در شبی تاریک در گودالی عمیق که فاضل آب مطبخ نظام الدوله بود دو نفر تركمان افتاده غرق شدند ــ بالجمله چون كار خبوشان و رضاقليخان يكسره نشده بـود فـرمـان همايون به محاصرهٔ اين بلده و تاراج ايلات و احشامات و توابع و لواحق قبلعه جات رضاقلي خان زعفران لو صادر گرديد، و پس از تاخت و تاز و غلبه، رضاقـلـی خـان وسایل و شفعا برانگیخت و کدخدایان و زنان و پسران ایل خود را با توپ و خسمپاره و زنبورک و جزایر و شمخال و تفنگ و گروگان به اردوی معلّی فرستاد و مورد بخشش و عاطفت خاقانی گردید، و به شاهمحمود والی قندهار و کابـل حکـم شد فتیح خان را گرفته مقیّداً به حضور مبارک فرستد یا از حلیهٔ بصـر عاري سازد، شاه محمود شق آخري را اختيار و اطاعت نمود و از پيشگاه همايون خلعتى فاخر و خنجرى مرضع به جهت حاكم هوات مرحمت شد و اميرحسن خان عـرب زنـگـوئـی وکیل خراسان گفّب یافّت و آمرای این ایالت مرخص شده به اوطان خود بمازگشتند و اعلیحضرت خاقان کشورستان به زیارت حضرت علی بن موسى الرضا عليه آلاف التحية و الثناء فايز گرديدند و پس از شش روز توقف در ظاهر شهر مشهد مقدس به دارالخلافه معاودت فرمودند \_ ولادت نواب سلطان مرادميرزا (حسام السلطنه) ابن حضرت مستطاب نايب السلطنه در ماه ربيع الثاني ابن سال ـ ولادت نواب والا فرهادميرزا (حاجي معتمدالدوله) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد در ماه جمادی الاولی این سال ... هم در این سال چاپ حروف که به فرانسه تپگگرافی گویند به توجهات حضرت نایبالسلطنه در ایىران رواج یـافىت و بعضى شروع و رواج این صنعت را در ایران از وقایع سال قبل دانسته سه ولادت نواب شاهزاده يحيى ميرزا.

اروپا \_ (انگلیس) \_ فتوحات انگلیس در هند \_ استیلای انگلیس این اوقات تا

سواحل رود پنجاب امتداد دارد. (فرانسه) -- در این دو سال که قحطی بروز کرده است دولت فرانسه به مبلغ گزاف از دولت روس گندم ابتیاع می کند -- شهر پاریس به واسطهٔ چراغ گاز روشن می شود -- مادام استایل نویسندهٔ معروف وفات می کند. (روس) -- مزاوجت گراندوک نیکلا برادر امپراطور روس با دختر پادشاه پروس.

#### [سنة ١٢٣٤ هجرى = سنة ١٨١٨ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال خالق داودخان درانی با یک زنجیر فیل وسی طاقه شال کشمیری و مبلغی زرنقد از جانب شاهزاده کامران به در بارخاقان کشورستان فتحعلی شاه آمده معروض داشت که:

«بعند از فتیح خان و مقید نمودن برادرش شیردل خان شاه محمود از فراه به قدر رفت و به فکر کار افتاد. و پردل خان برادر دیگر فتیح خان جمعی را در قلعهٔ نادعلی دور خود جمع کرد و به مخالفت با شاهزاده کامران برخاست و برادران محبوس خود فتیح خان و شیردل خان را خواست. شاهزاده کامران ناچار آنها را به پردل خان تسلیم نمود. و در این حال برادران دیگر فتیح خان که هریک در صوبه ای صوبه دار و حاکم بااقتدار بودند از واقعه آگاه گشته بنای طغیان را گذاشتند. محمد عظیم خان که صوبه دار کشمیر بود دوستمحمدخان و یارمحمدخان برادران خود را به پیشاور فرستاد و شاهزاده ایوب را به تخت نشانیدند و با شاه محمود جنگ سختی کرده او را منهزم ساختند و شاهزاده ایوب الکای پیشاور را تا حدود جلال آباد به تصرف درآورد. و دیگر باره محمد عظیم خان برادر دیگر خود عبدالجبارخان را با استعدادی شایان به همراهی دوستمحمدخان به تسخیر کابل روانه کرد، و محمد زمان خان برادرش را به هندوستان فرستاده شجاع الملک ولد تیمورشاه را که به زمان خان برادرش را به هندوستان فرستاده شجاع الملک ولد تیمورشاه را که به دولت انگلیس پناه برده بود طلبیده بیاوردند و به تسخیر کابل و سیستان عزیمت دولت انگلیس پناه برده بود طلبیده بیاوردند و به تسخیر کابل و سیستان عزیمت کردند و کار افغانستان پریشان شده و جز هرات و قندهار حصاری در دست محمود

و کامران نمانده.»<sup>۱</sup>

اعليحضرت خاقان فرستادهٔ كامران ميرزا را مطمئن فرموده معاودت دادند \_ هم در این سال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس به دارالخلافه احضار شده و با برادر کهتر خود حسنعلی میرزای ملقب به شجاع السّلطنه ملاقات کردند ـــ و امیرکبیر حاجی محمدحسین خان مروزی قاجار عزّالدینلو که ملقب به فخرالدوله بود در طهران وفات یافت. و از مآثر خیریهٔ حاجی محمدحسین خان مروزی مدرسهٔ مشهور به مدرسهٔ مرو یست در دارالخلافه، که الی الآن به احسن وضع و نظام دایر است ــ هم در این سال پولکونیک مرزاویج که در تفلیس و به وکالت این دولت منصوب بود به اظهار الكساندر يرملوف سردار گرجستان به آستان ملايك ياسبان همایون آمد و پس از چندی به اتّفاق میرزا محمدعلی مستوفی آشتیانی مأمور خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده در تبریز متوقف شد و نواب شجاع السلطنه حکمران خراسان به ارض اقدس بازگشت و اسمعیلخان دامغانی به ملازمت و خدمت شاهزاده مأمور شد \_ هم در این سال موکب همایون تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید، و داودپاشا والی بعداد که به اعانت نواب شاهزاده محمّدعلی میرزای دولتشاه والى كرمانشهان در حكومت بغداد مستقل شده بود در اين ايام به راه خلاف رفت نواب شاهزاده دولتشاه از كرمانشهان به كرند رفتند و سياهي به تماخت و تماز حوالي و اطراف بغداد فرستادند و عیسی خان امیرآخور نیز با ده هزار نفر از قشون نصرت نمون به رکاب دولتشاه پیوست. داودیاشا کار را سخت دیده آقیااحتمد کرمانشهانی را که از اجلّهٔ علما بود شفیع قرار داد و احمد چلبی را با پیشکشی لایق به حضور حضرت شاهزادهٔ معظم فرستاد و از خطرها آسوده گردید ـــ هم در این سال رعایای گیلان از خسروخان گرجی حاکم خود شاکی شدند و نـواب شـاهـزاده محمّدرضا ميرزا را به حكمراني خود مستدعي شدند و مسئول ايشان مقبول شد ــ هم در این سال حضرت مستطاب شاهزاده معظم نایب السلطنه به

 ۱. این قسست از روضهٔ الصفای ناصری خلاصه شده به همین سبب گزارشی که خالق داودخان به فتحعلی شاه داده اندکی نامفهوم است. بهتر است محققین به خود روضهٔ الصفا مراجعه فرمایند. تقبیل عتبهٔ علیهٔ خاقانی آمده پس از ادراک حضور موهبت ظهور پادشاهی و دریافت مکارم موفوره با میرزا بزرگ قایم مقام به تبریز مراجعت فرمودند و اردوی کیوان شکوه خاقانی از سلطانیه به دارالخلافه بازگشت \_ هم در این سال میرزا محمد شفیع صدراعظم در قزوین وفات یافت و حاجی محمد حسین خان نظام الدوله اصفهانی که ثانی حاتم و از اسخیای عالم بود به منصب صدارت عظمی نایل آمد و وزیر اعظم تاریخ این امر است \_ هم در این سال خوانین خراسان ربقهٔ اطاعت نواب شجاع السلطنه را بر رقبهٔ انقیاد خود نهادند و اسمعیل خان سردار از خدمت شاهزادهٔ معظم به در بار معلی مراجعت کرد \_ ولادت نواب زکریا میرزا، و محمدامین میرزا، و سلطان احمدمیرزا، فرزندان خاقان محمدامین میرزا، و سلطان احمدمیرزا، فرزندان خاقان

اروپا \_ (آلمان) \_ پسر ناپلیون با مادرش که دختر پادشاه اطریش است و پیش از این به خاک اطریش پناه برده در این سال امپراطور اطریش به پسر ناپلیون که نوهٔ دختری او است لقب دوک ریشس ناد می دهد. (انگلیس) \_ سنگاپور را در هند انگلیسی \_ سنگاپور را در این مملکت. (فرانسه) \_ قشون دول متحده که هنوز در خاک فرانسه بودند مملکت فرانسه را تخلیه کرده خارج می شوند \_ ملاقات امپراطور روس و امپراطور پروس با لوی هیجدهم پادشاه فرانسه \_ نقشهٔ مملکت فرانسه امسال رسم می شود. (ابطالیا) \_ زلزلهٔ سخت در سیسیل و در بلاد مجاور کوه اینا. (روس) \_ در این سال اقل تاریخ این مملکت را کارائمس تألیف می نماید. (شود) \_ فوت شارل سیزدهم پادشاه شود و جلوس برنادت سردار فرانسه که ولیعهدی این دولت را داشت به جای او و موسوم نمودن خود را به شارل چهاردهم.

افريقا \_ (مصر) \_ محمدعلى پاشا و پسرش ابراهيم پاشا كه مدّت شش سال با جماعت وهابى مى جنگيدند بالاخره آن جماعت را مقهور و مضمحل نموده رئيس آنها عبدالدين نام را محمدعلى پاشا مغلولاً به اسلامبول فرستاد و عبدالدين در اسلامبول مقتول شد \_ اختتام كار عبدالدين را بعضى از مورخين از وقايع سال هزار

و دویست و سی و شش دانسته چنانکه در سوانح آن سال ذکر خواهد شد. محمدعلی پاشا قشون خود را به وضع عساکر اروپائی تربیت می کند.

امریکا \_ (ینگی دنیای جنوبی) \_ مملکت شیلی خود را از تحت سلطنت اسپانیول خارج کرده دم از استقلال می زند.

#### [سنهٔ ۱۲۳۵ هجری = ۱۸۱۹ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال به امر خاقان گشورستان اعلیحضرت فتحعلی شاه عقد مزاوجت و ازدواج فيمابين نواب شاهزاده اعظم محمدميرزا (اعليحضرت محمدشاه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا و صبیة محترمه نواب اميىركبير محمدقاسم خان بن اميركبير سليمانخان اعتضادالدوله قاجار به ميمنت و مباركي منعقد گرديد و جشني شايان در دارالخلافة باهره گرفتند و در اين ضمن صبية مرحوم ميرزا شفيع صدراعظم در حباله نكاح همايون ميرزا درآمد \_ نيز صبية نواب محمدقلی میرزای ملک آرا حکمران مازندران در سلک مزاوجت امیر سليمانخان فرزند نواب اميركبير محمدقاسم خان منسلك گرديد. و پس از انجام اپس امور خیریت منظور موکب منصور خاقانی به زیارت حضرت معصومه سلام الله عليها و تفرّج فين كاشان انتهاض فرمود و پس از مراجعت سليمان افندي سفير سلطان محمودخان سلطان عثماني به حضور مبارك مشرف شده و بعد از چندي اقیامت در در بار همایون به خلاع فاخره مخلع گردید و ادن معاودت حاصل نمود \_\_ هم در این سال عبدالصمدخان بارکزائی افغان از جانب شاهمحمود و کامران میرزای افغان با هدایا و تحف به در بار خاقان مملکت ستان آمده از تطاول برادران فتيح خان شكايت و تظلم نمود و حكم همايون به نواب شجاع السلطنه حسنعلي ميرزا والى خراسان در امداد شاه محمود و كامران ميرزا شرف صدور يافت و عبدالصمدخان با مسرّت خاطر معاودت کرد ــ هم در این سال سفیری از جانب امپراطور روس آلکساندر اول به در بار همایون آمده از جمله هدایا که امپراطور معظم برای اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشته حوض بلور معروف و مشهور است که در عمارت

بلور نصب شد \_ هم در این سال چون بعد از معاودت عبدالصمدخان افغان شاه محمود به اغوای بنیادخان هزاره و اویماقات جمشیدی پرداخت نواب حسنعلی ميرزاى شجاع السلطنه عزيمت هرات فرمود و به تربت حيدريه متوجه شده ولايت باخرز و آن حدود را که بنیادخان متصرف بود مسخّر نمود و به امیرقلیج خان تیموری سیرد و امیرحسن خان طبسی و محمدخان قرائی در این سفر در رکاب شاهزاده معظم بودند و امیرحسنخان شاهزاده را از گرفتن محمّدخان قرائی مانع بود از قضایای اتفاقیه امیرحسخان طبسی این آیام درگذشت و ملازمان نواب شاهزاده محمدخان را گرفته بند نهادند و به تر بتحیدریه رفتند برادران محمّدخان و مادرش از در اطاعت و ضراعت درآمده قلعهٔ تربت را به تصرّف ملازمان نواب شجاع السلطنه دادند و این وقایع را به عرض آستان همایون رسانیده فرمان همایون صادر شد که اگر نواب شاهزاده صلاح می داند تر بت را مجدداً به محمّدخان واگذار کند. نواب شاهزاده چنین کردند یعنی محمدخان را مخلّم و رها نموده به قلعهٔ او تشریف بردند و او نیز خدمتهای شایان نمود و خواهر خود را در حبالهٔ نکاح شاهزاده درآورد. شاه محمود که از این وقایع مستحضر گردید متوحش و پشیمان شد و از اغوا و تحريك دست كشيده هدايا و پيشكشي براي نواب شجاع السلطنه فرستاده بنابراين شاهزادهٔ معظم به ارض اقدس آمدند و وكالت طبس حسب الوراثه به امير علينقي خان بن اميرحسن خان تفويض شد ــ هم در اين سال چون نواب شاهزاده محمّدرضا ميرزا والي گيلان خُسن ظنّي به صوفيّة سلسلة نعمت اللّهي بهم رسانيده و جمعی تشبه به این طایفه جسته دور شاهزاده را گرفته بودند، این فقره به وجهی شنیع به عرض آستان همایون رسید برای آنکه این ازدحام مورث غایله ای نگردد موكب خاقاني به شكار ولايت طارم انتهاض فرمود و حضرت مستطاب نايب السلطنه به حضور مبارک تشرّف جستند و پس از تفرّج و شکار مراجعت به تبریز نمودند و در قبریهٔ لوشان نواب محمّدرضا میرزا و اهالی گیلان حسب الامر شرفیاب آستان پادشاهی گردیدند و بعضی سیاست و تنبیه شده و جمع صوفیه به تفرقه مبذل گشت به علاوه فاضل خان گروسی جارچی باشی را مأمور فرمودند که به همدان رفته از حاجي محمقدجعفر قراگوزلو از مشاهير عرفا و آقا ستدحسن همداني كه او نيز از

اعاظم سلسلهٔ مزبوره بود دوهزار تومان به رسم مصادره دریافت نماید و همانا این عمل به سعایت ارباب اغراض بوده و الآ جلالت قدر حاجی محمّدجعفر و آقا سیّدحسن معلوم و معیّن است \_ هم در این سال سرخای خان لگزی و مصطفی خان شیروانی و مهدیقلی خان جوانشیر از تطاول گماشتگان دولت روس به ستوه آمده روی توسّل به در بار خاقان عظیم الاقتدار نهادند و به الطاف شاهانه نایل گردیدند \_ هم در این اوان عبدالله خان امین الدوله به جهت تفریغ محاسبات گیلان مأمور رشت شد \_ وفات میرزا معصوم محیط ولد میرزابزرگ قایم مقام فراهانی \_ وفات میرزا صادق ناطق شاعر اصفهانی.

اروپا \_ (انگلیس) \_ شورش سخت در شهر منچستر \_ نیز شورش در ارلند \_ مسافرت فرانگلن به قطب شمال.

### [سنة ١٢٣٦ هجري = سنة ١٨٢٠ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال فیمایین ایلات بختیاری و ایلات ترک قشقائی ساکن فارس نزاعی درگرفت و اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه نواب امیر محمد قاسم خان قاجار را به اصلاح امر آنها مأمور فرمودند. و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی که مدّت سه سال بود به سفارت فرنگ و ممالک عثمانی و نمسه و فرانسه و انگلیس رفته با امضای انگلیس در ولایتعهد حضرت مستطاب نایب السلطنه به در بار دولت علیه بازگشت و پادشاه انگلستان یک حلقه انگشتری الماس گرانبها به مبارکی و تهنیت ولیعهدی حضرت مستطاب معظم برای ایشان الماس گرانبها به مبارکی و تهنیت ولیعهدی حضرت مستطاب معظم برای ایشان دولت عثمانی با حجاج ایرانی کدورتی فیمایین دولتین ایران و عثمانی درگرفت و چون طایفه و هابی ساکن نجد نیز بدرفتاری با حاج می کردند حاجی حیدرعلی خان چون طایفه و هابی ساکن نجد نیز بدرفتاری با حاج می کردند حاجی حیدرعلی پاشا والی برادرزادهٔ حاجی ابراهیم خان شیرازی برحسب امر اعلی با محمدعلی پاشا والی مصر ملاقات کرده از سوء سلوک طایفه و هابی در نجد شرحی اظهار داشت، مصر ملاقات کرده از سوء سلوک طایفه و هابی در نجد شرحی اظهار داشت، محمدعلی پاشا فرزند خود ابراهیم پاشا را به نجد فرستاد شهر درعیته را خراب کرد و

عبدالدین مسعود را گرفته روانهٔ اسلامبول نمود و عبدالدین مسعود در اسلامبول مقتول شـد ـــ هــم در ایـن ســال خــوانــین خراسان مجدداً در خیانت و نفاق اتفاق کردند و معتمدالدوله ميرزا عبدالوكاب اصفهاني به خراسان مأمور شد و نواب شجاع السلطنه به موجب احضار به حضور مکرمت ظهور مبارک آمد و با نورمحمّدخان قاجار دولّو به خراسان معاودت نمود، وموكب همايون به عزم خراسان روانه چمن خوش ييلاق گردید. خوانین خراسان چون از انتهاض موکب اعلی خبردار شدند هراسان گشته به اردوی معملی آمدند و روانهٔ طهران گردیدند ولی بنیادخان هزاره با ده هزار پیاده و سواره در قلعهٔ كاريز من اعمال باخرز با عساكر نواب شجاع السلطنه مصاف داده مغلوب و منهزم شد و احمال و اثقال او به تصرّف سپاه نصرت همراه درآمد، و نواب شاهزاده تا حوالي هرات رانده ميرزا موسى وزير شاهزاده به هرات ورود نمود و با پیشکشی حاکم هرات بازگشت. و از آنجا که ترکمانان تکّه ساکن بام و بورمه در سال قبـل در حـوالي جوين تاخت و تاز و شرارتي كرده بودند در اين سال برحسب امر قضا مثال خاقانی نواب محمدقلی میرزای ملک آرا حکمران مازندران لشکری به تدمیر آن جماعت فرستاده در او به آنها ریختند و به قتل و غارت پرداختند ـــ هم در این سال خاقان بیهمال دری مرضع که به قیمت ده هزار تومان تمام شده بود مصحوب امين الدوله به روضة مقدّسة رضويّه على ساكنها الف سلام و تحيّه ارسال داشتند و امین الدّوله آن در را نصب کرده مراجعت نمود ــ هم در این سال دومرتبه در شیراز زلزلهٔ شدید شد و بسیاری از عمارات و ابنیه را منهدم کرد و جمعی هلاک شدنـد ـــ هـم در این سـال ایـلات حـیـدرانـلـو و سیبکی به خاک عثمانی رفتند و حسنخان سردار به کوچانیدن و معاودت دادن آنها مأمور شد سلیمانپاشا والی بایزید و آن حدود به منازعت و مضایقت پرداخت، بعد از آن چون خسرو محمدیاشا به سرعسکری منصوب شد بر سوءسلوک افزود و ایلات را رد نکرده دعوی چهریق من توابع سلماس را نمود، و حاجی علی بیگ کدخدای تبریز را که به استرداد ايلات رفته گرفته حبس كرد لهذا موكب حضرت مستطاب نايب السلطنه به امر هـمـايون متوجّه حدود ارزنةالروم گرديد و حسنخان سردار قاجار قزويني را از پيش روانه فرمودند. حسن خان در حوالي تپراق قلعه با خسرو محمدپاشاي سرعسكر

مصاف داده سرعسكر به حصار تيراق قلعه گريخت، سردار به قلعه يورش برده چهارهزار نفر از عساکر عثمانی را به راه عدم فرستاد سرعسکر فرار کرد و تپراق قلعه را سردار ایران متصرّف شد. حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از چالدران به جانب بایزید حرکت فرموده قلعهٔ زنگ زورا، و قلعهٔ آق سرای را مسخّر فرمودند و بهلول پاشا مطیع شد. حسن خان سردار در جامع بایزید رفته و خطبه به نام خاقان کشورستان خواندند و شانزده عرّاده توپ از این قلعهجات به چنگ عساکر منصوره افتاد و موكب حضرت مستطاب نايب السلطنه عزيمت ارزنة الروم فرموده، حاجي حسن پاشـای چچن ٔ اقـلـی سـرعـسکـر بایزید به قلعهٔ سنگ رفت و از آنجا به ارزنهٔ الرّوم گریخت. محمّدزمانخان دولوی قاجار و حسنخان قاجار قزوینی فراریان را تعاقب كردند. در اين حيص و بيص به عرض حضرت مستطاب نايب السلطنه رسانيدند كه سلیم پاشا والی ارمینیّه دور محمّدخان دولوی قاجار را گرفته، لهذا موکب والا به طرف محتمدخیان راندند. عساکر عثمانی از جلو قشون و سپاه حضرت مستطاب معظم فرار کردند و محمدزمان خان به آوردن ایل حیدرانلو رفت و از آنجا که آنها فـرار کـرده بـودنـد قرا و قصبات عرض راه را غارت کرد، و پنجهزار نفر اسير و هفده عـرّاده تـوپ و دویست هزار رأس دواب و اغنام از آن نواحی گرفته مراجعت نمود، و اسمعیلخان بیات قلعهٔ ملاذگرد را مسخّر ساخت و حسینخان به فتح قلعهشیر که معروف به موش است پرداخت، و با آنکه جنگ سختی کرد فتح قلعه میشر نشد. حضرت مستطاب نایبالسلطنه از جبال شامخه و جنگل انبوه بر سر قلعهشیر آمده به محاصره مشغول شدند، اهل قلعه مصاحف كريمه را شفيع كرده امان خواستند. محمقدحسین خمان زنگنه نایب ایشیک آقاسی باشی سلیم پاشا را مطمئن کرده به حضور حضرت معظم آورد و در ازای اینخدمت ایشیک آقاسی باشی شد و میرزا

۱. روضة الصفا: قلعة زنگ و زوز را به جنگ و زور مسخر كرد و كوتوال در آن بنشاند... به قلعة آقسرا رفته» چند سطر بعد در همين كتاب قلعة «زنگ زور» آمده است؟ و باز چند سطر بعد نوشته «شانزده عراده توپ از زنگ و زور و آق سرای... به دست عساكر ایران افتاد».

٢. روضة الصفا: حاجى حسن باشاى صحن اوغلى.

ابوالقاسم فراهانی (قایم مقام) به شهر بتلیس رفته خطبه به نام نامی پادشاهی خواند و قلعه جات خنوس و ارجیش نیز به سعی محمد زمان خان و حسن خان مفتوح گردید و سلیم پاشا را خلعت حکومت ارمینیه دادند و ده هزار نفر از ایلات آن حدود ملازم رکاب نصرت انتساب حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیدند و دراین رکضت قلاع بایزید و آبشگرد و یادین و ملاذگرد و بتلیس و موش و خلاط و عادلجواز و ارجیش و خنوس سوای تیراق قلعه که حسن خان مفتوح کرده ضمیمهٔ ممالک محروسه گردید و چهل و هشت عرّاده توپ از تو پهای عثمانی مأخوذ شد و موکب حضرت مستطاب معظم مظفّر و منصور مراجعت نمود ـ وفات عالی شاعر شیرازی.

اروپا \_ (انگلیس) \_ ژرژسیم پادشاه انگلیس وفات نموده و ژرژچهارم پسرش به جای او منصوب می شود و جلوس می نماید، و ملکه زوجهٔ خود را که از شاهزاده خانمهای آلمان است متهم به زنا کرده محاکمه را به مجلس پارلمنت رجوع می نماید، بعد از ششماه ملکه را بی گناه می دانند. (اسپانیول) \_ شورش در داخلهٔ این مملکت و در مملکت ینگی دنیائی متعلقه به اسپانیول. (فرانسه) \_ دوک دبری برادرزادهٔ پادشاه را لوول نام مقتول می سازد \_ تولد ولیعهد دولت فرانسه که پسر دوک دبری مقتول باشد و این پسر را موسوم به هانری کرده دوک دو بُردو لقب می دهند \_ ایجاد تلگراف برقی در فرانسه. (هلاند) \_ منازعهٔ این دولت در جزیرهٔ سوماترا با یاغیان. (عثمانی) \_ علی پاشا حاکم یانینا یاغی می شود و بنای شورش می گذارد \_ یونانیها با علی پاشا متحد می شوند.

### [سنة ۱۲۳۷ هجری = سنة ۱۸۲۱ مسیحی]

آسیا - (ایران) - در ماه صفر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه وارد تبریز شدند و بنابر قتوحاتی که حضرت معظم نموده و شرح آن در سال گذشته مذکور شد یک قبضه شمشیر مرضع که مکلّل به جواهر ثمینه بود اعلیحضرت همایون برای ایشان اعطا و ارسال فرمودند - هم در این سال چون محمود پاشای ولد عبدالرحمن پاشای بابان حاکم شهرزور فیمابین دولتین ایران و عثمانی تفتین می کرد و از

آنطرف اطاعتی هم به داودپاشای والی بغداد نداشت، جمعی از عساکر عثمانی با ده عراده توپ به امداد داودپاشا آمدند که شهرزور را متصرف شوند و محمود آقای کهیا نیز با ده هزار نفر به آنها پیوسته به طرف شهرزور راندند در این موقع محمودپاشا نیز به جانب عثمانی مایل و مصمم خلاف با دولت علیه گردید و عساکر عثمانی در کنار آب سیروان مقام نمودند. لهذا نواب شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه با پانزده هزار پیاده و سوار و ده عراده توپ از کرمانشهان حرکت کردند و حسن خان فیلی نیز با جمعی از الوار لرستان ملحق به اردوی شاهزاده معظّم شد و جنگ سختى فيمابين عساكر عثماني و لشكر ايران درگرفته، آخرالامر قشون عثماني شکست خورده راه فرار پیش گرفتند، و محمودیاشا نیز از عقب کهیا به خاک عثمانی گریخت و توپخانه و قورخانه و غیره پاشا و کهیا به تصرّف سپاه ظفر همراه آمد و نـواب شـاهـزاده دولـتـشـاه به سليمانيه نزول فرمودند و كهيا شمشير خود را به گردن انداخته به اصطبل شاهزاده پناه حست و معفو شد پس از آن نواب شاهزاده به زیـارت ســـرّمنرای رفتند و عزیمت تسخیر بغداد نمودند ولی در منزل دلوعبّاس، به مرض اسهال مبتلا شده، مع هذا عساكر منصوره به تاخت حوالي بغداد مي پرداختند تا ضراعت داودپاشای والی و شفاعت شیخ موسی نجفی اسباب مراجعت نواب شاهزاده گردید و در طاق گری به جهت غلبهٔ ضعف توقف فرموده طبیب انگلیس از بغداد به معالجه آمد و مفید نیفتاد. در این حال اسدخان بختیاری و حسن خان فیلی را مرخص کردند و در شب پنجشنبه بیست و شش شهر صفر وقت سحر راه غرفات بهشت گرفتند و نعش مرحوم شاهزاده را در تخت روان گذاشته به کرمانشهان آوردنـد و در شـشــم ربـيــع الاول ايـن خبر محنت اثر به دارالخلافه رسيد و ميرزا تقى على آبادي صاحب ديوان قصيداي در مرثية مرحوم شاهزاده انشاد كرده كه فرد منتخب آن اینست:

پس از دوران دولتشه یکی بگذر به کرمانشه

چنان بینی مداین را که بی نوشیروانستی

عمر مرحوم شاهزاده سی و چهار سال و ده نفر اولاد داشتند: نواب مجمدحسین میرزای حشمت الدوله، نواب طهماسب میرزای مؤیدالدوله،نواب نصرالله میرزا،

نواب اسدالله ميرزا، نواب فتح الله ميرزا، نواب امامقلي ميرزاي عمادالدوله، نواب جهانگیر میرزا، و نورالدهر میرزا، و محمدرحیم میرزا، و ابوالحسن میرزا ــ خلاصه ولايت شاهزادة مرحوم به نواب محمدحسين ميرزا مفوض شد و عيسى خان دامغاني امیرآخور به سر پرستی اهل و عیال شاهزاده به کرمانشهان رفت ــ هم در این سال، وبائی شدید از سمت هندوستان به سواحل عمان و گرمسیرات فارس سرایت کرد و قریب بیست هزار نفر تلف شدند و این ناخوشی وبا که به فرنگستان و سایر اقالیم نیز سرایت کرد و به فرانسه آن را گُلِرا می گویند غیر از ناخوشی وبائیست که پیش از این در ممالک و بلاد ظهور و بروز می نموده و در کتب می نوشته اند. پس این اوّل دفعه ایست که این و با که در معنی هیضه ردیّه باشد در این ممالک دیده شده و پیش از این بروز آن منحصر به هندوستان بوده است ـ هم در این سال موکب اعليحضرت خاقان كشورستان فتحعلى شاه تشريف فرماى چمن سلطانيه گرديد ــ هم در این سال محمدامین رؤف پاشا و جلال الدین محمدیاشای چیان اوغلی که از سردارهای معتبر عثمانی بودند با هفتاه هزار لشکر و توپخانه و چند نفر پاشایان دیگر از قبیل حافظ علی پاشا و ابراهیم پاشا به سرعسکری ارزنة الروم و جنگ با ایـران مـأمـور شـدند و به محض ورود به ارزنهٔ الروم به استرداد قلاعی که پارسال از آنها منتزع شده بود پرداختند. محمدامین رؤف پاشا در ارزنة الروم توقف کرد و جلال الدين محمّدياشا با سايرين به ولايات وان و بايزيد راند. حضرت مستطاب نایب السلطنه در اواخر شعبان با افواج و توپخانه از تبریز به خوی آمدند و سعیدآقا نام سیواسی را به نصیحت نزد رؤف پاشا فرستادند ولی ثمری نکرد. از اینطرف اعليحضرت همايون اللهيارخان دولوي قاجار را با ده هزار پياده و سوار به امداد حضرت مستطاب نايب السلطنه از سلطانيه روانه فرمودند و حضرت معظم در وسط ماه رمضان از خوی به چالدران رفتند و معلوم شد جلال الدین محمدیاشا و سایر ياشايان به طرف تُيراق قلعه رانده حافظ على ياشا به فتح قلعه مشغول و جلال الدين محمدپاشا سنگری محکم بسته و در آن سنگر نشسته و ابراهیـمپاشـا از خــارج سنگر او را محارست می نماید. خلاصه دسته جات عساکر منصوره به حرکت آمده و در بعضی مواضع باهم تلاقی و زد و خورد می نمودند تا اردوی حضرت شاهزاده به

حوالی تُپراق قلعه رسیده جنگ سختی فیمابین درگرفت و پس از کشش و کوشش سیاه ظفرهمراه غلبه کرده ابراهیم پاشای مستحفظ سنگر بگریخت و جلال الدین محمّدپاشای چیان اوغلی نیز از تسخیر تُپراق قلعه صرفنظر کرده به ارزنة الروم فرار کرد. سایـر پاشـایـان نـیـز هـریـک به طرفی شتافتند و توپخانه و قورخانه و سایر احمال و اثقال سه اردو به تصرّف عساكر منصوره درآمد و حضرت مستطاب نايب السّلطنه مظفر و منصور به منزل خالباز نزول كردند و ميرزا محمدتقي آشتياني را به ارزنة الروم نـزد محمّد امين پاشا فرستادند. پاشاي مشارّاليه اظهار خلوص كرده و قرار مصالحه و مراجعت لشكر را به اوّل بهار داد و موكب والا به تبريز بازگشت، و حسن خان قاجار قزوینی که در این جنگ رشادت و جلادتی ظاهر ساخته ملقب به ساری اصلان (سار واصلان) گردید ــ هم در این سال میرزا عبدالوتهاب معتمدالدوله مأمور خراسان شد و اعليحضرت خاقان قصد زيارت عتبات عاليات و تسخير بغداد فرموده اولاً نواب محمد حسين ميرزا والى كرمانشهان را با اميرمحمد قاسم خان قوانلوی قاجار و لشکریان دارالمرزی و استرآبادی به طرف عراق عرب مأمور و نواب عبدالله میرزا والی خمسه را با سواران خمسه و پیادگان سمنانی و دامغانی و خوانین سمنان به تسخير شهرزور فرستادند و فضَّل على خان قاجار و امان الله خان والى کردستان را با سوارهٔ خود نیز به حرکت امر فرمودند و میرزا فضل الله علی آبادی به نگارش لشکر و دادن علوفه و مواجب قشون محکوم گشت، و موکب همایون در سیّم ذيحجّه از چمن سلطانيّه انتهاض فرموده و نواب محمّدحسين ميرزا مندليج، وجستان و بدرانی ۱، و زر باطیه را مسخّر کرده به بعقوبه آمد ــ داودپاشا والی بغداد سیّدعبدالله شبّر را واسطه و شفیع قرار داد و نواب عبدالله میرزا نیز در شهرزور و ایل بابان جمعی را به راه عدم فرستاد ــ در این حال و با در اردوی شاهزادگان افتاد و جماعتی را هلاک کرد، لشکر متفرق گشتند و مطلب خان دامغانی درگذشت و ناخوشي مزبور به اردوي بزرگ پادشاهي سرايت كرد و ميرزا محمدحسين حکیم باشی واقعه را به عرض حضور همایون رسانیده قشون را مرخّص کردند و خود اعتمادالسلطنه اعتماد

با خواص خدم در ییلاق همدان و دامنهٔ الوند توقف فرمودند، و در اینجا دوستعلی خان بسطامی معیرالممالک والد حسینعلی خان معیرالممالک، و جعفرقلی خان نوائی، و میرزا مقیم مازندرانی به مرض و با وفات کردند. بالجمله در این سال صدهزار نفر در ایران از ناخوشی و با بدرود زندگانی نمودند و موکب همایون در آخر سال عزیمت دارالخلافه نمود.

ارویا \_ (انگلیس) \_ یادشاه هنگام تاجگذاری زوجهٔ خود را به سمت ملکه بودن معرّفی نمی کند بنابراین مشارّالیها از شدت غضه هلاک می شود \_ جمعیّت انگلیس غیر از ارلند در این سال بیست و هشت کرور و چهارصد هزار نفر است و جمعیت ارلند سیزده کرور و سیزده هزار نفر. (ایطالیا) ... اغتشاش در این مملکت خاصه در ناپل. (برتوغال) ــ بادشاه برتوغال که به برزیل زفته بود برخلاف میل اهالی برزیل با مکنت و ثروت زیادی که داشت به کشتی نشسته به سمت پرتوغال حرکت می کند و دُنْ پیدر پسر خود را در برازیل به جای خود منصوب می سازد. (اسیانیول) ــ مکزیک ینگی دنیا که جزو سلطنت اسیانیا بود رأیت آزادی افراشته و آزادی خود را اعلام می کند و به یادشاه اسیانیول تکلیف سلطنت مشروطه با لقب امپراطوری مکریک می شود. (فرانسه) ـ دوک دُبردُو پسر یادشاه موسوم به کنت دُشامبُرد می شود ــ ناپلیون در سن پنجاه و دو سالگی در جزیرهٔ سَنت هِلِن می میرد و عمده سبب مردن او سختگیری لوو حاکم انگلیس در سنت هان می باشد \_ جمعیت فرانسه در این سال شصت کرور و چهارصد هزار نفر است. (عثمانی) ... ابتدای شورش یونان آلکساندر ایپسی لانتی که از روس آمده است مهیج فتنه می باشد و ارناودهای وحشی را در زیر رأیت شورش خود جمع می کند ... یونانیها که در ناحیهٔ مُر هستند عثمانیها را یا بیرون کرده یا به قتل می رسانند و دِمِتْری پُوس نامی را رئیس بر خود قرار می دهند \_ انتقام عثمانی بر ضد شورشیان \_ کشیش بزرگ یونانیها که در اسلامبول بود با چهار نفر کشیشهای دیگر به حکم سلطان مقتول می شوند و جمعی دیگر از عیسویان نیز در سایر نقاط به تهمت موافقت با يونانيها به قتل مى رسند ـ على پاشا كه در يانينا به عثمانى ياغى شده

خورشیدپاشای سردار او را محاصره می کند \_ تولد سلطان عبدالمجید خان ابن سلطان محمودخان.

اهریکا ... (ینگی دنیای جنوبی)... مملکت پرو که جزو سلطنت اسپانیول بود آزاد می شود و اعلان جمهوری می نماید. (اقائونی)... مابین ایالات اتائونی در قسمت شمالی و جنوبی همین مملکت در باب نگاهداشتن برده و آزاد کردن آنها در مجلس پارلمنت گفتگو می شود و این گفتگوئی است که در آتیه نتیجهٔ آن خونریزیهای سخت خواهد بود.

#### [سنة ١٢٣٨ هجرى = سنة ١٨٢٢ مسيحي]

آسیا ۔ (ایران) ۔ در این سال جمعی از اشرار وان با اکراد همدست شده به سلماس آمدند و غفلتاً بر سر اهالی ریخته به قتل و نهب پرداختند. حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا یوسف خان گرجی را با دستهٔ بهادران و فوج ینگی مسلمان به دفع آنها مأمور فرموده روانه شدند از آن طرف عثمان بیگ و نصیر بیگ ولد مصطفی قلی خان حکاری با سه هزار نفر به مقاتلهٔ مأمورین مزبورین آمده پس از اشتعال نایرهٔ قتال شکست خوردند و یوسف خان قلعهٔ باشقلان را فتح کرده اهالی قلعه را عرضهٔ شمشیر نمود و ابراهیم خان حاکم باشقلان را به همراهی عسکرخان افشار حاکم ارومی به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند، و مصطفی قلی خان حکاری که از اولاد بنی عبّاس بود به تبریز آمده ایالت حکاری را به او مفوض فرمودند و پسرش نصیر بیگ که با پدر مخالفت داشت درگذشت و حکمرانی خوی و سرداری آن حدود و اختیار قلعهٔ باشقلان و حکاری و کردستان را به امیرکبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب نایب السلطنه دادند به امیرکبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب نایب السلطنه دادند به امیرکبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب نایب السلطنه دادند به امیر را بین سال میرزا عیسی فراهانی معروف به میرزا براقاسم به منصب و مقام او نایل تبیریز به ناخوشی و با درگذشت و پسرش میرزا ابوالقاسم به منصب و مقام او نایل گشت و سواد فرمان قایم مقامی میرزا ابوالقاسم از قرار ذیل است: ا

۱. متأسفانه به متن این نامه در جای دیگر دست رسی پیدا نکردیم و به نظر می رسد که در نقل آن

که از آنجا که دست اقتدار این دولت ابدآثار در کفایت مهام جهانداری قایم مقام مقرّرات قدر، و قوام قدر توأم این شوکت پایدار در مناظم اسباب دولتیاری نايب مناب دستگاه قضاياي مقدر آمده به محسن كفالت كارگذاران ديوانِ تأثيد، اسباب تأبيد؟ اين همايون سلطنت جاويد از هرجهت ممهد، و از وفور فوايد تـفضّلات پروردگار مجيد توقيع وقيع خلافت ابدمقرون، مشحون طغرای غرّای ادامت ابد است. ما را در حذای این مواهب عظمی و ازای شکر نعمای بی منتها، ملزوم همت گردون اساس، و بیشنهاد مبارک خاطر حقشناس افتاده که از چاکران درگاه، و فدوی زادگان دولت جاوید دستگاه، آنان که جراید استعدادشان مشحون معدّات کفالت و کفایت، و کفایت درایتشان معدّ مناظم چاکری و خدمت نماید به ارتقای مدارج اعتبارشان انظار عنایت گماریم. و به اظهار قبول مساعی مکنونات التفات گوناگون در بارهٔ ایشان ظاهر داریم. و خلاصهٔ این اجمال، تفصیل احوال عـالـیجاه رفیعـجایگاه، سیادت و سعادت همراه، فخامت و مناعت اکتناه، نباهت و نبالت دستگاه، اخلاص و ارادت آگاه، مقرّب الخاقان، فدویزادهٔ دولت جاوید بنیان، سید الوزراء میرزا ابوالقاسم فراهانی است که از خواص خانه زادان دولت به مزید کمال آگاهی و درایت، از جملهٔ همگنان ممتاز، و طومار استعداد کاملش به تصحیح تربیت شاهنشاهی از نسخ مفاخر امثال و اقران، قرین صحّهٔ اختصاص و امتياز آمده. از بدو فطرت خطِّ خلود خدمت را به خاتم خلوص ارادت مختوم داشته، به امتشال اوامر قضا مثال پیوسته قلم وار سر بر خط فرمانبرداری گذاشته، و بدین موجبات اسناد استعدادش در اجرای مخارج ارادت به صیغهٔ صحّت مقرون، و افراد تفاضيل خدمتش در مطابقة قابليّت فطرت به جايزة قبول مشحون آمده. و لهذا در قایم مقامی دیوان اعلی افزودیم، و منشور مناظم اعتبارش را به توقیع تفویض این

سهوهائی رخ داده است مثلاً «که» در آغاز فرمان یا اضافه است یا عباراتی وجود داشته که از قلم افتاده است.

٧. تأبيد: جاودانه كردن (منتهى الأرب).

۳. ده نظر مي رسد كلمهٔ كفايت تكرار شده.

منصب جلیل به مقررات استقرار و استقلال مقرون فرمودیم. تا دریافت این عارفه را سردفتر دفتر مفاخر کامل داشته، در تحصیل رسوم خدمتگاری جدی جدید افزاید، و در ملزومات خدمت مزبور اقدامی سزاوار کمال کاردانی نماید. مقرر آنکه صدور انجمن وزارت، و امنای دستگاه دولت، معتمدان دیوان درایت، و مستوفیان ایوان امانست، شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود مرقوم و ملزومات منصب مزبور را به امانست، شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود مرقوم و ملزومات منصب مزبور را به عالیجاه مشار الیه مخصوص و موکول دارند و انحراف از حکم قضا مثال اقدس جایز ندانسته در عهده شناسند.

# تحريراً في شهر ربيع الاول ١٢٣٨

هـم در ایـن سال میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالقاسم قایم مقام به وزارت حضرت مستطاب نایب السلطنه برقرار گردید \_ هم در این اوان دوهزار نفر از تـراکمه تکّه ساکن مرو به سالاری مراد سردار به حوالی ارض اقدس آمده به نهب و چپاول پرداختند و چند نفر از اهالی آن نواحی را اسیر ساختند. نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با هفتصد نفر سوار در جهار فرسخی مشهد مقدس به آن جماعت رسیده آنها را مقهور نمودند، ترکمانان اسرا و اموال را گذاشتند و گریختند هم در این ایام میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله صیدمخمد خان حلایر حاکم كلات را به حضور اعليحضرت خاقان كشورستان فتحعلي شاه آورد، و شيخ موسى نجفی از علمای اعلام به دربار همایون آمده واسطه و شفیع والی بغداد شد که ولایات متصرفی به او واگذار شود ــ هم در این سال نواب حسینعلی میرزا از فارس و نواب حسنعلی میرزا از خراسان به دارالخلافه آمدند و حسنعلی میرزا از ولایت خىراسىان مىعىزول شد و نواب شاھزادہ محمّد ولى ميرزا حكومت يزد يافت \_ ھم در این سال سلطان محمودخان سلطان عثمانی محمد امین رؤف باشا سرعسکر ارزنــة الـروم را وكـيل كرد كه قرار صلح با دولت عليّه گذارد. لهذا ميرزا محمّدعلي آشتیانی مستوفی از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه به ارزنة الروم رفت و کار مصالحه به توسط ميرزا ابوالقاسم قايم مقام و نجيب افندى ايلچى عثماني به انجام رسید و شهرزور متعلّق به کارگذاران حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده

ابراهیم خیان بادکوبه ای به نظم آن ولایت مأمور گشت و قلعهٔ کوی را نیز مُصفی نمود ... هم در این سال داودپاشا قبل از آنکه از دربار همایون جوابی به شیخ موسى شفيع او داده شود مندليج را متصرف شد و ايمان خان فراهاني كه مستحفظ قلعه بود فرار كرده محمدعلى خان كلهر گرفتار شد. چون اين خبر به عرض آستان همایون رسید نواب محمدحسین میرزا را به استرداد مندلیج فرمان دادند. نواب معزى اليه با جلادتي تمام مندليج را بگرفتند و خسروخان گرجي به توقف در اين محل مأمور شد و محمّدحسين ميرزا در ازاى اين خدمت حشمت الدوله لقب يافت و داودپاشا عریضهٔ معذرتی به در بار همایون فرستاد و شیخ موسی نیز مجدداً به شفاعت پرداخت لهذا شرایط چند برای استقرار صلح نگاشته شد و میرزا محمدصادق وقایع نگار فرمانی را که حاوی این شرایط بود حامل شده به بغداد رفت و آن شرایط پذیرفته شده داودپاشا وقایع نگار را با یکی از معتمدان خود به در بار همایون معاودت داد ــ هم در این سال نواب علی نقی میرزا به حکمرانی خراسان منصوب و با همراهی میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله روانهٔ خراسان شد ـــ و ولایت بسطام را به اللَّهويردي ميرزا تفويض نمودند ــ و نواب امام ويردي ميرزا برادر بطني على نقى ميرزا حكومت قزوين يافت \_ و ميرزا اسدالله نورى ريش سفيد لشكر کشیکچی باشی شد و میرزا هدایت پسرش به نیابت او برقرار گشت ـ و نواب حسینعلی میرزا را اذن معاودت به فارس دادند ... هم در این سال موکب خاقانی تشریف فرمای قلّه البرز شد و از آنجا که در تابستان طوری آنجا سرد بود که لوازم زمستانی باید به آن محل حمل نمود پس از یک شبانه روز معاودت فرمودند. قلّهٔ البرزك خاقان مغفور تشريف فرما شده اند و قابل ذكر در تواريخ است به واسطة عبمارت سلطنتی بیلاقی که در شهر ستانک بنا شده در این اوان با وجود سختی مسلک چنان تعمیری در آن راه شده که اکنون بهجز چند روزی در زمستان به واسطهٔ برف و سرمای زیاد باقی سال و فصول چنان سهل المسلک است که معبر مازندرانیان شده \_ هم در این سال فتحعلی خان کاشانی ملک الشعرا متخلّص به صب از اجلهٔ فصحا و شعرای این عهد وفات نمود و از غرر افکار این شاغر قادر، خداوندنامه و شاهنشاه نامه و دیوان قصایدی باقیست که با جواهر زواهر همسنگ و

برابر می باشد.

اروپا \_ (انگلیس) \_ به واسطهٔ بروز قحطی و مداخلهٔ دولت در امور مذهبی اهالی الرئند شورش می نمایند. (اسپانیول) \_ شورش قراولخاصه در شهر مادرید \_ تغییر و تبدیل وزرا \_ آزادی طلبیدن اهالی اسپانیول. (فرانسه) \_ مجالس مخفی بر ضد سلطنت منعقد است \_ در بعضی از ولایات دیگر فرانسه نیز مردم علی الخصوص قشون بر ضد سلطنت اند \_ سیل وشیر دُساسی ایجاد مدرسهٔ السنه شرقیه می نماید. شاتوبریاند نویسندهٔ معروف به وزارت امور خارجه منصوب می شود فرانسه در امورات داخلهٔ اسپانیول خیال مداخله دارد. (روس) \_ گراندوک قسطنطین برادر امراطور روس به واسطهٔ مزاوجت با زوجه ای که کفو خانوادهٔ سلطنت نیست از حق امیراطور روس به واسطهٔ مزاوجت با زوجه ای که کفو خانوادهٔ سلطنت نیست از حق ولیعهدی استعفا کرده ولایتعهد حق برادر دیگرش نیکلا می شود. (عثمانی) \_ غلبهٔ عساکر عثمانی بر علی پاشا حاکم پانینا \_ خورشیدپاشا علی پاشا را برای گفتگو در امرمصالحه به خارج شهر می طلبه و او را به قتل می رساند \_ شورش و انقلاب امرمصالحه به خارج شهر می طلبه و او را به قتل می رساند \_ شورش و انقلاب سخت در تمام یونان و فرستادل محمدعلی پاشای مصری سفاین زیاد به امداد عشمانی که طوفان دریا آین سفاین را در بندریونان می شکند \_ امپراطور روس غیرمستقیم به یونانیها اعانت می کند \_ انگلیس و اطریش هم به دولت عثمانی غیرمستقیم به یونانیها اعانت می کند \_ انگلیس و اطریش هم به دولت عثمانی

امریکا – (برزیل) – دُنْپیدر که از طرف پدر خود مأمور به توقف برزیل بود به پرتوغال احضار می شود لکن اهالی برزیل او را نگهداشته مملکت برزیل را مجزی از پرتوغال می نماید و پارلمنت برزیل دُنْپیدر را امپراطور برزیل می خواند و تاج سلطنت بر سر او می گذارند – دُنْمیگیل پسر دویم پادشاه به تحریک مادرش که خواهر پادشاه اسپانیول است قصد خلع پدر را از سلطنت نموده می خواهد خود پادشاه شود. (مکزیک) – اهالی مجزی بودن خود را از اسپانیول بکلی طلب بادشاه شود. (مکزیک) – اهالی مجزی بودن خود منتخب می کنند و از این به بعد می نمایند و ایتوربید نامی را به امپراطوری خود منتخب می کنند و از این به بعد مکزیک از تحت سلطنت اسپانیول خارج می باشد.

#### [سنهٔ ۱۲۳۹ هجری = ۱۸۲۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حاجی محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی از اصفهان به دارالخلافه آمده در اینجا مریض شده به جوار رحمت الهی پیوست و مآثر کریمهٔ این وزیر نیک محضر از بنای مدارس و ابنیهٔ خبریه بسیار است که از آنجیمله قلعه دور نجف اشرف می باشد. خلاصه بعد از فوت حاجی محمدحسینخان منصب او را به پسرش عبدالله خان امین الدوله تفویض فرمودند — هم در این سال نجیب افندی سفیر سلطان محمود خان سلطان عثمانی به در بار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آمد و صورت عهد صلحی آورد که بعضی فقرات آن مرضی خاطر همایون نبود لهذا قاسم خان هزارجریبی سرهنگ بانجیب افندی به در بار دولت عثمانی رفته عهدنامه ای بر وفق رضای اعلیحضرت خاقان به امضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل امضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است:

# صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و عثمانی ا

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال به سبب وقوع بعضی از حوادث میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل به نقار و خصومت و مؤدی به حرب و کدورت شده بود به مقتضای جهت جامعیّهٔ اسلامیّه اسلام، و عدم رضای طرفین به سفک دماء، و وقوع اینگونه حوادث و اوضاع، و اعادت سلم و مودّت و تجدید دوستی و محبّت از جانبین دولتین اظهار رغبت و موافقت شده و به موجب فرمان همایون اعلیحضرت

۱. متن این عهدنامه از روی ناسخ التواریخ رونویسی شده است. متن دیگری با ترجمهٔ دیگری همراه با متن ترکی در کتاب «مجموعهٔ معاهدات دولت علیهٔ ایران با دول خارجه» که در سال ۱۳۲۱ ه.ق ۱۹۰۸ میلادی به کوشش مرحوم مؤتمن الملک به چاپ رسیده در دست بود که وسیلهٔ آن بعضی از میهمات روشن شد.

شاهنشاه ممالک ایران به القابه، فتحعلی شاه قاجار خلدالله ملکه و اقباله، و حکم مأموریت نامهٔ نواب ولیعهد دوران، عباس میرزا به اوصافه، این عبد مملوک و چاکر جاننثار به وکالتنامه مباهی و مخصوص گشته از جانب دولت علیه عثمانی نیز به امر و فرمان اعلیحضرت سلطان غازی سلطان محمودخان بتمجیده، وکالتنامه به جناب والی ولایت ارزن الروم محمدامین رؤف پاشای سرعسکر جانب شرق عنایت شده بود، این عبد مملوک در مدینهٔ ارزن الروم با جناب سرعسکر مشار الیه ملاقات و بعد از مبادله وکالت نامه های مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه به این آئین ترتیب و تعیین یافت:

اساس ــ از قراری که در تاریخ یکهزار و یکهد و پنجاه و نه به موجب مصالحه و عهدنامهٔ واقعه گشته: حدود و سنور قدیمه، و شرایط سابقه از امر حجّاج و تجار، و ردّ فراری، و تخلیهٔ سبیل اسرا، و اقامتِ شخص معیّن در دولتین علیّتین تماماً و کمالاً بین الدولتین باقی و مرغی و معتبر بوده، به ارکان آن وجهاً من الوجوه خللی عارض نشده، در مابین دولتین علیتین شرایط دوستی و مقتضای الفت و محبت ابداً در کار باشد. بعد از این شمشیر خلاف در غلاف بوده، در میانهٔ دو دولت معامله ای که مؤدی کدورت و برودت، و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد. و آنچه داخل حدود قدیمهٔ دولت علیهٔ عثمانیه می باشد و در اثنای حرب و قبیابد. و آنچه داخل حدود قدیمهٔ دولت علیهٔ عثمانیه می باشد و در اثنای حرب و قبیاب به دست دولت فخیمهٔ ایران آمده، از جمله قری و اراضی و قلاع و فضا و قبیان به دست دولت فخیمهٔ ایران آمده، از جمله قری و اراضی و قلاع و فضا و قبیاب تحریر از تاریخ این تمسک معتبره الی مدّت شصت روز به طرف دولت عشمانی تماماً تسلیم شود، و به مراعات حرمت این مصالحه خیریه گرفتاران طرفین را بلاگشم و اخفا تخلیهٔ سبیل کرده، آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها باشد از ماکولات و غیرها عطا شود و به سرحدات طرفین ایصال نمایند.

مادة اولى - دولتين عليتين را در امور داخلة يكديگر مداخله نيست. فيمابعد از جانب بغداد و كردستان مداخله جايز نداشته، از جمله محالى كه از توجيهات و سنجاقات و كردستان داخل در حدودى باشد سبباً مِنَ الاسباب و وجها من الوجوه از طرف دولت عليه ايران مداخله و تجاوز و تعرّض در متصرفين سابق و لاحق تصاحب نشود. و در حوالى مذكوره اگر از اهالى طرفين به يبلاق و قيشلاق

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

عبور نمایند در باب مرسومات عادیه بیلاقی و قیشلاقی و سایر دعاوی که وقوع یابد مابیین وکلای نواب ولیعهد ایران و والی بغداد مخابره شده رفع نمایند که باعث کدورت در میان دو دولت نگردد.

مادّة ثانيه \_ از اهالي ايران كساني كه به كعبة معظمه و مدينة مكرمه و سايىز بىلاد اسلاميّه آمد و شد مى نمايند مثل حجّاج و زوّار و تجّار و متردّدين اهالى بلاد اسلام، رومیه با آن جساعت مثل اهالی خودشان معامله نمایند و از ایشان دورمه و سایر وجوه خلاف قانون شرعیّه اصلاً چیزی مطالبه نشود. و کذلک از زوّار عنبات عاليات مادامي كه مال التجاره داشته باشند بر وفق حساب گمرك مطالبه شود و زیاده طلب ندمایند و از طرف دولت علیه ایران نیز با تجار طرف بهیه عشمانی و اهالی ایشان بر این وجه معامله نمایند، و به مقتضای شرایط سابقه فیمابعد در حق حجّاج و تجّار دولت علیّه ایران تنفیذ و اجرای شرایط قدیم از جانب وزراي عظام و امير حاج و ميرميران كرام وساير ضابطان و حكمام دولت عليه عشمانی کمال دقّت و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین و از آنجا الى شام شريف از جانب امين طرة همايون به معرفت معتمدى معين كه در ميان آنها است نظارت نماید. و از مُعَدّرات حرم شاهنشاهی و حرمهای شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت بهیهٔ ایران که به مکّه معظّمه و عتبات عالیات می روند فراخور مرتبهٔ ایشان حیرمت و اعزاز شود. و کذلک درخصوص رسومات گمرک تتجار و اهالی دولت بهیته ایران مانند دولت علیه عثمانی معامله شود و از مال تجارت ایشان یکدفعه به قرار یکصد قروش چهار قروش گمرک گرفته و به دست ایشان تذكره داده مادامي كه از دست ايشان به دست ديگري منتقل نشده مكرر از ايشان گمرک نگیرند. تجار ایران لاجل التجارهٔ چوپوق شیراز <sup>۱</sup> که به دارالسعاده می آورند

۱. در آن روزگار از شهاخه های نهال گیلاس وحشی و جنگلی که بسیار محکم و بیادوام است و رنگ پوست آن قرمز برّاق و زیباست نی چپق و عصا می ساختند. محل رویش گیلاس جنگلی بیشتر جنگل های فارس و کوهگیلویه می باشد که طبعاً چوب آن وسیلهٔ مردم فارس بخصوص شیرازیها به صورت ساخته یا نساخته به بازار عرضه می شده است به همین علت در آذر بایجان به آن چپوق شیراز بعنی چوب شیراز می گفتند و چون چوب شیراز به علت کمیابی گران بها بود تنها اشراف و اعیان

در بیع و شرای آن انحصار نباشد و به هرکس که خواهند بیع نمایند و با تجار و تبعه و اهالی دولتین علیتین که به ممالک جانبین آمد و شد می نمایند به مقتضای جهت جامعهٔ اسلامیّه معاملهٔ دوستانه شده از هر ایذا و اضرار محفوظ باشند.

مادّهٔ ثالثه \_ آنچه از عشیرهٔ حیدرانلو و سیبکی متنازع فیها بوده و امروزه در خاک دولت علیهٔ عثمانی ساکن می باشند مادامی که در سمت آنها است اگر به حدود ممالک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحدداران در منع و تربیت ایشان دقّت نمایند. و اگر از تجاوز و خسارت دست برندارند و از جانب سرحددار منع ایشان نشود از تصاحب ایشان دولت عثمانی کفید نماید. و اگر ایشان به رضا و اختیار خود به جانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشان را منع و تصاحب نکند و بعد از آنکه به طرف دولت بهیهٔ ایران گذرند بعد اگر به خاک عثمانی بیایند قطعاً تصاحب و قبول ایشان نشود و در صورتیکه ایشان به طرف ایران نگذرند و آنوقت از حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت بزنند سرحدنشینان دولت علیهٔ ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند.

مادة رابعه به موجب شرط قدیم فراری دولتین از طرفین تصاحب نشود و کذلک از جملهٔ عشایر و ایلات هرکسی که بعد از این تاریخ از دولت علیه عثمانی به دولت فخیمهٔ ایران و از دولت بهیهٔ ایران به دولت علیه عثمانی بگذرد باید آن گذشتگان تصاحب نشوند.

مادة خامسه ــ آنچه از دارالسلطنه و سایر ممالک دولت علیّهٔ عثمانی

می توانستند از آن استفاده کنند. در آن زمان که کشیدن چپوق در همه جا رواج داشت و داشتن عصا از چوب شیراز نشانهٔ اعیانیت بود این چوب در ردیف کالاهای مهم تجارتی درآمده بود. ظاهراً اصطلاح چوب شیراز فقط در آذر بایجان خودمان معمول بوده است زیرا در متن ترکی عهدنامه «گراز چپوغنی» یعنی چوب گیلاس آمده که مرحوم مؤتمن الملک در حاشیه چنین آورده است: «معلوم نیست که چپوق چوب گیلاس است یا فقط چوب، زیرا که در زبان ترکی لفظ چپوق دو معنی دارد یکی به معنی چوب و دیگری به معنی چوب فرودند ممنونم این اطلاعات یاری فرمودند ممنونم).

۱. در مجموعة معاهدات دولت علية ايران با دول خارجه ص ١٩٨: ماداميكه در اين طرف هستند».

اموال تبجار ایران موافق شرع و دفتر محفوظ نگاه داشته شده است از تاریخ این تمسک در ظرف شصت روز در هر محلّی که باشد به موجب دفاتر مرقومه و معرفت شرع و معتمد دولت ایران به صاحبان آنها تسلیم شود، و سوای اموال محفوظه آنچه در اثنای وقوع عداوت از حجّاج و تجّار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی بعضی ضابطان جبراً از بعضی گرفته باشند بعد از افاده و اظهار دولت علیه ایران از دولت عثمانی فرمان برطبق همان افاده به عهدهٔ وکیل آنها در هر محل صادر شود و بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند.

مادة سادسه \_ در ممالک دولت علیهٔ عثمانی از اهالی ممالک طرفین کسانی که فوت می شود اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند مأمورین بیت المال ترکهٔ همان متوفی را به معرفت شرع دفتری کرده به ثبت و سجل شرعی رسانند و آن مال را بعینه در محل مأمن تا مدّت یکسال حفظ نمایند تا وارث و وکیل شرعی آن آمده به موجب ثبت و سجل شرعته اشیاء متروکه تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایهٔ حمل آن اشیاء را گرفته باشد و آن اشیاء اگر در مدت مذکوره حریق و تلف شود ادّعای آن نشود، و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکهٔ محفوظ را مأمورین بیت المال به اظلاع معتمد دولت علیه ایران فروخته ثمن آن را حفظ نمایند.

مادة سابعه به موجب شرط سابقه براى تأیید و تأبید دوستى و مودت در هر سه سال یکنفر از دولتین در طرفین علیتین معتکف و مقیم باشند و از تبعهٔ دولتین علیتین علیتین که در اثناى حرب به طرفین گذشته اند در حق ایشان بنا به حرمتِ مصالحهٔ خیریه سیاست این اسائت نشود.

خانمه \_ آنچه از اساس و شرایط و مواد که در فوق مذکور شد بر منوال محرّره که بالمذاکره قرارداد شده و از طرفین قبول گشته ادّعای اموال منهوبة

۲. در همسین مجموعه: «و از تبعهٔ دولئین علیتین که در اثنای محاربه به طرفین گذشته و عمل بدی از
 آنها بروز کرده باشد محض حرمت این عهدنامه در حق این قبیل اشخاص به واسطهٔ این اسائت سیاست نشود.».

الضیعات، و تضمین مصارف جزئیه از جانبین مضی مامضی گفته صرف نظر شود. و از جانبین دولتین علیتین بر وفق عادت تصدیق نامه ها مبادله شده به واسطهٔ سفرا از تاریخ این تمسک الی مذت شصت روز در رأس حدود دولتین به یکدیگر ملاقات کرده به آستانهٔ دولتین ایصال و تسلیم شود، و به این وجه عقد و تجدید این مصالحهٔ خیبریه به مسالمهٔ حقیقیه از تاریخ تمسک معتبره مرعی و معتبر گشته و از هرجهت نایرهٔ کدورت و خصومت منطفی بوده و منافی دوستی و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله ای جایز ندارند و از جانب جناب وکیل مشار الیه نظر به رخصت کامله از جانب دولت عثمانی در این تاریخ یکهزار و و کیل مشار الیه نظر به رخصت کامله از جانب دولت عثمانی در این تاریخ یکهزار و دویست و سی و هشت یوم یکشنبهٔ نوزدهم شهر ذیقعدهٔ الحرام این تمسک ممهور و دویست و سی و هشت یوم یکشنبهٔ نوزدهم شهر ذیقعدهٔ الحرام این تمسک ممهور و تحریراً فی اواخر شهر ربیع الثانی سنهٔ یکهزار و دویست و سی و نه. ۱

هم در این سال نواب بحیی میرزا به ایالت گیلان رفت و منوچهرخان گرجی برای استقرار نواب معزی آلیه با ایشان همراه شد، و نواب علینقی میرزا از ایالت خراسان استعفا کرده، نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه مجدداً حکمرانی خراسان یافت به رکن الدوله شده به خراسان یافت به مدر این سال نواب علینقی میرزا ملقب به رکن الدوله شده به حکمرانی قزوین منصوب گردید، و حضرت مستطاب نایب السلطنه را سوء مزاجی عارض شده میرزا محمد احمدآبادی اصفهانی طبیب ایشان را معالجه نمود به هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه با نواب امیرزاده اعظم ولد اکبر خود شده شده محمد محمد در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه با نواب امیرزاده اعظم ولد اکبر خود شاهزاده محمد محمدمیرزا (محمدشاه) در چمن سلطانیه به حضور همایون مشرف شده

۱. در دنیالهٔ مطلب در ناسخ التواریخ چاپ قائم مقامی ص ۲۰۷ چنین آمده: «در دارالخلافهٔ طهران این عهدنامهٔ مبارکه در حضور نجیب افندی سفیر دولت عثمانی تصحیح شد». مؤلف بی جهت این عبارات را حذف کرده زیرا معنای آن این است که عهدنامه در ذیقعدهٔ ۱۲۳۸ امضا شده و در ربیع الثانی ۱۲۳۹ تصحیح شده است. در روضة الصفا چنین آمده: «در کرت ثانی به امر حضرت صاحبقرانی عهدنامهٔ شایسته نوشته و به اسم مصلحین مذکورتین (نجیب افندی و میرزا ابوالقاسم قائم مقام) مرقوم و به خاتم مبارک مختوم گردید.».

ایالت محالات طوایف قراگوزلو به شاهزاده معظم محمدمیرزا مفوض شد - زلزله سخت در شیراز که تما هیجده ماه امتداد ذاشت یعنی تا ششماه زلزله های سخت می شد و بعد از آن زلازل خفیفه تا هیجده ماه در کار بود - وفات میرزا ابوالقاسم معروف به سکوت از اجلهٔ عرفا که از خلفای حاجی عبدالوهاب نائینی بود و در شیراز وفات کرده در بقعهٔ میراحمد مشهور به شاه چراغ مدفون گردید - وفات حاجی محمدجعفر قراگوزلوی همدانی از مشاهیر و اجلهٔ عرفا.

اروپا \_ (انگلیس) \_ در کانادا که از ینگی دنیا برای انگلیس مانده نهصدهزار نفر فرنگی از ملل مختلفه سکنی دارند. (اسپانیول) \_ اطریش و روس و پروس ایلچیهای خود را از مادرید احضار می کنند \_ فرانسه اعلام جنگ به اسپانیول می نماید \_ صدهزار نفر قشون به سرداری دوک دانگولم مأمور به جنگ با اسپانیول می شود \_ فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول مطبع و منقاد شورشیان می باشد \_ سردار فرانسه به مادرید ورود می نماید \_ مجلس پارلمنت پادشاه اسپانیول را بهطور حبس با خود می گرداند و آخرالامر اجباراً او را رها کرده و او نزد سردار فرانسه می آید \_ بعد از آنکه سردار فرانسه پادشاه اسپانیول را دو سلطنت مستقل کرد به فرانسه مراجعت می نماید. (ایطالیا) \_ فوت پی هفتم پاپ و جلوس لئون دوازدهم به پاپی مراجعت می نماید. (ایطالیا) \_ فوت پی هفتم پاپ و جلوس لئون دوازدهم به پاپی به جای او. (روس) \_ منع نمودن امپراطور تمام کتبی را که راجع به پلیتیک است به جای او. (روس) \_ منع نمودن امپراطور تمام کتبی را که راجع به پلیتیک است و از خارجه به داخلهٔ روس می آورند. (عثمانی) \_ یانقین سخت چندین هزار خانه و از در اسلامیول سوزانیده و خراب می کند.

امریکا \_ در ینگی دنیای جنوبی ایالاتی که برضد اسپانیول شوریده بودند قوت می گیرند، و پرو کلیّتاً آزاد شده مستقل می گردد. (برزیل) \_ دُنْپیدرُ امپراطور تازه پرتوغالیها را از مملکت برزیل اخراج می کند و خود مستقلاً در برزیل سلطنت می نماید.

#### [سنهٔ ۱۲۴۰ هجری = سنهٔ ۱۸۲۶ مسیحی]

آسيا \_ (ايران) \_ در اين سال موكب اعليحضرت خاقان كشورستان فتحعلى شاه تشريف فرماى أصفهان گرديده روز ورود حاجي هاشمخان ولد حاجي رجبعلي بختیاری ساکن محلّهٔ لنبان اصفهان را که به شرارت معروف بود سیاست و تنبیه فرمودند و امين الدوله از حكومت اصفهان معزول و نواب شاهزاده سلطان محمّدميرزا را حكمراني اصفهان داده و ملقّب به سيف الدّوله نمودند و يوسف خان سيهدار عراق به وزارت شاهزاده معزی الیه برقرار گردید و دویست هزار تومان بقایای اصفهان را به رعايا تخفيف دادند. يس از مراجعت از اصفهان اللهيارخان قاجار دولو كه سالار بار و داماد اعليحضرت شهريار كامكار بود به منصب وزارت عظمي نايل و آصف الدوله لقب يافت و محمد حسن خان پسر آصف الدوله سالار بار شد ... هم در اين سال کارگذاران دولت روس اصرار نمودند که محل مشهور به بالغلو<sup>۲</sup> و گونی و گوگچه دنگیز من توابع ایروان داخل در حدّ تقسیم متعلّق به دولت روس است. حسین خان سردار ایروان مراتب را معروض داشت و ژنرال یرملوف سردار گرجستان نیز پولکونیک مرزاویچ وگیل روس را با شاهمیرخان ارمنی ترجمان به در بار خماقان كشورستان فرستاد و حضرت مستطاب نايبالسلطنه به جهت تحقيق اين امر به حضور همایون احضار شدند و حسن خان ساری اصلان از ایروان به آستان مبارک آمده برخلاف ادّعای کارگذاران روس تصدیق نمودند، امّا وکیل روس این تصدیق را قبول ننمود و میرزا صادق وقایع نگار با پولکونیک مأمور تفلیس شد ــ هم در این سـال میرزا ابوالحسنخان شیرازی به وزارت امور خارجهٔ دولت علیه برقراز گردید، و شصت هزار تومان به رعایای گیلان تخفیف داده شد و مرزاویچ وکیل روس بعد از ورود به تبریز قبل از میرزا صادق به تفلیس شتافت و ژنرال پرملوف را بر نقض عهد با دولت عليه محرّك شد. مشارّاليه كيناز مستحفظ اوچ كليسا را به تصرّف قلعه بالغ لوحكم داد و خود به بهانهٔ نظم داغستان سفر كرد. كيناز قلعه مزبوره را اعتماد السلطنة

متصرف شد و صد نفر ماژر و دویست نفر سرباز در آنجا گذاشته به اوچ کلیسا بازگشت و میرزا صادق وقایع نگار به تقلیس رفته در آنجا معطل بماند ــ هم در این سال ابراهيم خان ظهيرالدوله حاكم كرمان و داماد و عمزاده خاقان كشورستان وفات نمود و خلعت ایالت کرمان را به عباس قلی خان ولد اکبر ابراهیم خان که بطنأ نبيرة خاقان كشورستان بود دادند و ميرزا جعفر حمزه كلاثى مازندراني وزير ملك آرا حامل آن خلعت و مأمور نظم امور كرمان شد \_ هم در اين سال امان الله خان والى كردستان درگذشت و حسروحان ولد او كه به مصاهرت یادشاهی اختصاص داشت ولایت کردستان یافت. و محمدحسین خان قراگوزلو حاکم همدان وفیات کرده سرکردگی طایفه به رستمخان پسرش مقرّر شد و به خدمت نواب امیرزاده اعظم محمد میرزا که حکمران همدان و محال قراگوزاو بودند رفته مورد التفات شاهزادهٔ معظم شد \_ هم در این سال یوسفخان گرجی سپهدار عراق و وزیر اصفهان درگذشت و فرزندش غلامحسین خان در هفده سالگی به شرف مصاهرت اعليحضرت خاقان و منصب بدر سرافراز گشت و وزارت نواب سيف الدوله حاكم اصفهان برعهدة منوجهرخان كرجي غلام پيشخدمت خاصه مقرّر گردید \_ هم در این سال اللهقلی خان توره ابن محمد رحیم خان حکمران خوارزم که تازه بهجای پدر حکومت خوارزم یافته با سپاهی فراوان عزم تسخیر خراسان نـمـود. در حـومـهٔ شـهـر مـشـهـد مقدّس برف و باد شدید اردوی او را متفرّق ساخت اللـهقلیخان توره به سرخس گریخت و اردوی او به تاراج رفت. در سرخس جمعی از ترکمانان سالور و ساروق را به تاخت حدود جام و سرجام فرستاد. دسته ای از تراکمه در منزل شریف آباد دچار سواران ارغون میرزا پسر نواب حسنعلی میرزا گردیده منهزم و مقتول شدند و دستهٔ دیگر در حدود ولایت جام نیز به دست میرنصیرخان تیموری مقهور و نابود گشتند، اللّهقلی خان توره سه هزار نفر دیگر از اوزبكيه قنقرات وطايفة قراقلياق وسواران ساروق وسالور را به تاراج ارض اقدس روانه نـمود و آنها خارج شهر مشهد مقدّس را تاختند. نواب حسنعلی میرزا با لشکر خراسانی از شهر مشهد خارج شده در دامنهٔ اژدرکوه بر اوزبکها و ترکمنها حمله كرده جمعى را مقتول نموده بقيّة السّيف منهزم شدند ــ هم در اين سال نواب

علیقلی خان عم خاقان مملکت ستان در بارفروش مازندران وفات نمود.

اروبا — (انگلیس) — در این سال انگلیسها در افریقا قصد کردند که اراضی متعلقه به طایفهٔ آشانتی را که معادن زیاد دارد متصرف شوند ولی طایفهٔ آشانتی عنفاً آنها را از سواحل خود دور کردند — جنگهای سخت انگلیس در هندوستان و در بیرمان در مشرق بنگاله — یکی از مهندسین فرانسه که برونل نام دارد از زیر رودخانه بهم وصل رودخانه تامیز دالانی میسازد که دو ساحل تامیز را از زیر رودخانه بهم وصل می کند. (فرانسه) — فوت لوی هیجدهم پادشاه و جلوس برادرش شارل دهم بهجای او در سن شصت و هفت سالگی. (پرتوغال) — دُن میگیل پسر پادشاه شورش تازهای بر ضد پدر خود بر پا می نماید — دول فرنگ شاهزادهٔ یاغی را شورش تازهای بر ضد پدر خود بر پا می نماید — دول فرنگ شاهزادهٔ یاغی را محبوساً به وینه می فرستند. (روس) — ایجاد راه شوسه کالسکه رو مابین پطرز بورغ وارد و مسکو — رودخانهٔ نوا طغیان سختی کرده خرابی زیاد به شهر پطرز بورغ وارد می آورد. (عشمانی) — مسئلهٔ شورش یونان اهمیت بهم رسانیده انگلیس و روس می آورد. (عشمانی) — مسئلهٔ شورش یونان اهمیت بهم رسانیده انگلیس و روس آشکارا از یاغیان یونان حمایت می کنند — عساکر عثمانی قتل و غارت زیاد در بلاد یونان می نمایند.

اهریکا \_ (برزیل) \_ انکشاف چهار معدن طلای خیلی معتبر در این مملکت.

## [سنة ١٢٤١ هجرى = سنة ١٨٢٥ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال چون سنین سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه به سی می رسد سکّهٔ صاحبقرانی زدند و بر روی قران که سی و شش نخود نقره بود این مصرع را نقش کردند: (سکّه فتحعلی شه خسرو صاحبقران)، و بر روی اشرفی که هیحده نخود طلای خالص داشت این مصرع را رسم کردند: (سکّه فتحعلی شه خسرو کشورستان)، و مقارن این ایّام مسکوکات در بلوک ورامین و فتحعلی شه خسرو کشورستان)، و مقارن این ایّام مسکوکات در بلوک ورامین و حدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیدا شد که از قرار تشخیص دانایان بعضی صدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیدا شد که از قرار تشخیص دانایان بعضی سکّه خلفا و ملوک و سلاطین چنگیزی و

تیموری و صفوی و آنجمله به حسینعلی خان معیرالممالک سپرده شد ـــ هم در این سال علمای اعلام از سوءسلوک کارگذاران روس نسبت به مسلمانان گنجه و قراباغ خبردار شده به وجوب جهاد فتوی نوشتند و آقا سیّد محمّد محتهد اصفهانی از عتبات عالیات به حضور خاقان صاحبقران آمده د ر این باب ابرام نمود ــ هم در این اوان ایلچی کمیانی هندوستان ژنمکدان لدکنیرا به بندر بوشهر رسید و قاسم خان هزارجریبی سرهنگ فوج تبریزی که به جهت آوردن ایلچی به بمبئی رفته بود ورود او را اعلام نمود و میرزا ابوالقاسم مستوفی اصفهانی به مهمانداری ایلچی مشار الیه مأمور گشت ــ هم در این اتام نواب محمود میرزا به ایالت لرستان فیلی و نواب همایون میرزا به ایالت نهاوند منصوب گردیدند، و امین الدوله به مهمانداری آقاسید محتد مجتهد محکوم و معین گشت و موکب همایون از دارالخلافه به سلیمانیه کرج و از آنجا به سلطانیه تشریف فرما شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه به حضور خاقان صاحبقران مشرف گردیدند کم در این سال ایلچی روس کیناز۲ بخشکوف به در بار همایون آمد و چون آلکساندر امپراطور روس در این سال وفات كرده و قبل از وفات تختى از بلور براي هدية خاقان صاحبقران به فرمان او ساخته بودند امپراطور نیکلا که به جای او خلوس کرده بود آن تخت را مصحوب ایلیمی مشارًاليه به حضور حضرت صاحبقراني اهدا و ارسال داشت و بعد از وصول ايليمي عـلـمـای اعـلام و مجتهدین با احترام به اردوی معلّی ورود کردند و آنچه از صلح و

۱. نام کامل این دیپلمات که در روضهٔ الصفای ناصری «جان مکدانلد الکثیر» و در ناسخ التواریخ «جان مکدانلد الکثیر» و در ناسخ التواریخ «جان مکدانالد کی نیبر» Sir John» «جان مکدانالد کی نیبر» Macdonald Kinneir» (تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، تألیف ابوالقاسم طاهری، ص ۵۱۶).

۷. در «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران د دورهٔ معاصر» تألیف سعید نفیسی نام این دیپلمات کینیاز بخشنگوف آمده است. این همان پرنس منشیکو یا منچیکوف است که نام کامل وی این است: «کشتگوف آمده است. این همان پرنس منشیکو یا منچیکوف است که نام کامل وی این است: «Alexandre Sergueevitch Menshikov» که مرحوم نفیسی داستان سفارت او را در کشاب مذکور ص ۱۰۸-۹ آورده و نوشته است: «در اسناد ایران نمی دانم چه شده است که نام منشیکو را کینیاز بخشکوف نوشته اند.».

مصالحه ایلچی سخن راند علما را مقبول نیفتاد و اعلیحضرت همایون را بر جهاد تحریض کرده از وجوب آن سخن راندند و اصرار کردند. ایلچی مأیوس بازگشت و عساکر ایران به اطراف مأمور شدند و با قشون روس به زد و خورد مشغول گشتند و موکب همایون به اردبیل آمد و حاجی محمدخان به محال اوجارود تاخت و حسینخان بر سنگر بالغ لو و حسنخان بر سر قراکلیسا رفت و تقیخان به طرف اسبان توپخانه کیناز که در حمزه چمنی بودند راند، مصطفی خان شیروانی و آلکساندر میرزا به گرجستان و شیروان و شکی رفتند، و امیرکبیر امیرخان سردار از راه برکشاط روانه شد. نواب اسمعیل میرزا در رفتند، و امیرکبیر امیرخان سردار از راه برکشاط روانه شد. نواب اسمعیل میرزا در رفتند، و امیرکبیر امیرخان سردار از راه برکشاط و ناقچی برخورده جنگ در پیوست و موکب حضرت مستطاب تایب السلطنه نیز دررسیده آن روز از ظهر تا غروب نایرهٔ موکب حضرت مستطاب تایب السلطنه نیز دررسیده آن روز از ظهر تا غروب نایرهٔ قتال اشتعال داشت و آخرالامر سالدات روس مقهور و مقتول گردیدند و لنکران مفتوح و سالیان مسخر شد \_ هم در این اوان اغوزلوخان پسر جوادخان گنجهای با مفتوح و سالیان مسخر شد \_ هم در این اوان اغوزلوخان پسر جوادخان گنجهای با روسها جنگیده غالب آمده و در گنجه استقلال بافت.

اروپا — (باویر) — لوی اوّل به جای پدرش ماکسیمیلیّن ژوزف به سلطنت جلوس می نماید. (فرانسه) — سفاین جنگی این دولت در این سال عبارت از صد و پنجاه و هشت فروند و پانزده هزار نفر قشون بحری است. (ابطالیا) — فوت فردیناند اوّل پادشاه سیسیل بعد از شصت و پنجسال سلطنت و جلوس پسرش فرانسوای اوّل به جای او در چهل و شش سالگی. (روس) — فوت آلکساندر امپراطور روس در طغانُرق — قسطنطین که از ولایتعهد خلع شده بود سلطنت را به برادر کهتر خود نیکلا واگذار می کند — شورش و انقلاب سخت در پطرز بورغ علی الخصوص در نیکلا واگذار می کند — شورش و انقلاب سخت در پطرز بورغ علی الخصوص در میان قشون. (عثمانی) — بقای شورش یونانیان و آمدن ابراهیم پاشا پسر محمدعلی پاشای مصری با عساکر بری و بحری به کمک سلطان عثمانی.

امریکا \_ رئیس جمهوری اتائونی ینگی دنیا آدامش نامی است که پدرش نیز یکوقتی رئیس جمهوری بوده است.

#### [سنهٔ ۱۲۲۲ هجری = سنهٔ ۱۸۲۱ مسیحی]

آسيا \_ (ايران) \_ در اين سال بنابر ميل و تكليف علما فيمابين دولتين أيران و روس چنگ بسختی درگرفت و بنای لشکرکشی شد و عبدالله خان دماوندی و نــور وزعلی خان سرکردهٔ دستهٔ قشون سمنانی به حراست و توقّف گنجه مأمور شدند و اميركبير اميرخان سردار نيز به همين مأموريت روانة گنجه گرديد و مصطفى خان شيرواني تا حوالي شيروان تاحت و ابراهيم خان بن جان محمد خان دولو و حاجي محمّدخان قاجار به امداد او رفتند و محمدحسین خان شکّی تا منزل جواد راند. روسها چون کار را سخت دیدند شیروان و شکی را تخلیه کرده به سقناق محال برمک بناه بردند. کیناز قراکلیسا نیز در قلعه لری محصور حسن خان ساری اصلان گردید و تقریباً چهارهزار سالدات روس مقتول و دستگیر شدند و تمامی آن حدود مسخّر گشت \_ نواب شیخعلی میرزا به قبّه و بادکوبه مأمور شدند و موکب خاقان صاحبقران فتحعلى شاه به عزم فتح شوشى از اردبيل به كنار رودخانة طويله شامى آمد و اللهيارخان آصف الدوله با بيست هزار نفر قشون و ده عرّاده توپ به التزام ركاب حضرت مستطاب نـایـبالسلطنة مأمور شد که بعد از فتح شوشی به گرجستان و تفلیس رانند، آصف الدوله در دهم ماه صفر در خارج قلعه شوشی به معسکر حضرت معظم پیوست \_ هم در این اوان ژون مکدان لدکنیر سفیر کمپانی هندوستان به اردوی معلمی آمد و حضرت مستطاب نایبالسلطنه قلعهٔ شوشی را محاصره کردند ولى مستحفظين قلعه كه منتظر كمك قشون روس بودند از در حيله وعدة تسليم تمودن قلعه را داده بنابراين محاصرين از سخت گرفتن درگذشتند و حضرت مستطاب نايب السلطنه نواب شاهزاده اعظم محمدميرزا (محمدشاه) ولد اكبر افخم خود را با محمّدقلی خان قاحار و دسته جات خواجه وند و عبدالملکی و نظرعلی خان مرندی مأمور حراست شهر و قلعهٔ گنجه فرمودند. از آن طرف مددوف از ژنرالهای معتبر روس با جمعی پیاده و سوارهٔ قرّاق و بیست عرّاده توپ به تسخیر گنجه آمد. امیرکبیر امیرخان سردار حراست گنجه را به نظر علی خان مرندی گذاشته در رکاب

امیرزادهٔ اعظم محمدمیرزا به طرف شمکور راند و در خرابه های شمکور با مددوف تلاقى دست داده به اشتعال نايرهٔ قتال پرداختند. اميركبير اميرخان سردار عزّ شهادت یافت و پس از شهادت او لشکر دست از جنگ کشیدند. مددوف به جانب گنجه راند و این شهر را متصرف شد. حضرت مستطاب نایبالسلطنه مشغول محماصره شوشی بودند که این خبر را شنیدند. فی الفور مهدیقلی خان جوانشیر را به کوچانیدن ایلات قراباغ و آوردن به قراجه داغ مأمور فرمودند و خود از محاصره دست کشیده به دفع مددوف و حفظ گنجه روانه شدند وقتی به حوالی گنجه رسیدند که مددوف این شهر را مسخّر کرده بود. حضرت معظم مستعد حنگ مددوف شدند و در این حال ژنرال بسکویچ با چهارهزار سالدات از تفلیس به امداد مددوف آمد و جنگ درگرفت. ابتدا قشون ظِفرنمون بر عساكر روس غالب آمدند و از آنجا كه اميىرزادگان در محل تيررس بودند حضرت مستطاب نايبالسلطنه حكم كردند آنها را بهجای دورتسری برند چون آنها را بی قاعده حرکت دادند نظم قشون بهم خورد و مغلوب گشتند. حضرت معظم ناچار با ملالت به کنار رود ارس آمدند. اعلیحضرت هـمـایـون ایـشان را طلبیده برای دفع ملالت فرمایشهای تلطف آمیز فرمودند و چون در غرّه ربیع الاول برفی شدید در طویله شامی بارید موکب همایون عزیمت تبریز نمود ــ نـواب شـــخـعـلـى مــيرزا وحاجى محمدخان دولو و ابراهيم خان قاجار نيز از قبه مراجعت كردند و مهديقلي خان ششهزار خانوار از ايلات قراباغ كوچانيده حضرت مستطاب نایب السلطنه آنها را به حدود مغان و قراحه داغ روانه فرمودند و بعضی از دستهجات قشون را به تاخت ولايت قراباغ حكم دادند ــ حسنخان سارى اصلان و مصطفی خان شیروانی و محمّدحسین خان شکّی به غارت اطراف پرداختند و تا دو فرسخی تفلیس را تاختند ــ دوهزار نفر پیادهٔ هزارجریبی و انزانی با هزار نفر سواد کوهی به محافظت ایروان مأمور شدند و موکب همایون در شب بیست و ششم ربیع الاول از راه مراغه روانهٔ دارالخلافه شد ــ مددوف به جهت برگردانیدن ایلات قىراباغ از آب ارس عبور كرده به حدود كرملو آمد. حضرت مستطاب نايب السلطنه قاسم خان و حسین پاشای یوز باشی و رحمت الله خان سرتیپ را با دو فوج قراجه داغی و محمّدرضاخان سرهنگ فوج دوتیم تبریز به مقاتلهٔ او روانه کردند \_

نواب عبدالله ميرزا نيز با سياه خمسه روانه اردبيل شد و مددوف را در آن ميانه محصور و مستأصل داشتند و جون او تاب مقاومت نیاورد مراجعت کرد و اسبان تویخانه و عرّاده های آذوقه او به تصرّف قشون ظفرنمون درآمد و آقا سیدمحمد مجاهد مجتهد که مصمم جهاد بود در تبریز مریض شده در راه رحلت نمود ... هم در این سال شاه محمود افغان از پسر خود كامران خايف شده از هرات بيرون آمد و با افحاغمته فراه و سبزار در دفع پسر اتّفاق کرد. کامران به نواب شجاع السّلطنه حسنعلی میرزا متوسّل شد، شاهزادهٔ معظم محمّدامین خان پازوکی را با پانصد سوار به هرات فرستاده كامران مطمئن شد و محمود به اطراف رفته چهارهزار لشكر ترتيب داده به جانب پسر راند، كامران ميرزا جهانگير ميرزا پسر خود را به دفع پدر مأمور ساخت. محمود از سرچشمه بادغیس به خارج هرات تاخت و ابتدا به محمدامین خان که در باغشاه خارج هرات بود حمله کرده کاری از پیش نبرد بعد بر سر جهانگیر رفته بـر او فایق گشت. کامران در قلعه محصور شد و از بیم شورش اهل هرات مراتب را به نواب حسنعلی میرزا عریضه ای عرض کرده نواب معظم حرکت کرده به غوریان آمدند و کامران پدر را شکست و فرار داده نواب شجاع السلطنه در سنگ بست هرات نزول كرده كامران ميرزا به خدمت شاهزاده آمده ايشان را به هرات برد و كليد خزاین بدیشان سپرد. نواب شاهزاده از فرط مناعت جزیک حلقه انگشتری هیچ قبول نفرمودند و نواب ارغون میرزا فرزند خود را با پنجهزار سوار و سه عراده توپ در هرات گذاشته خود به ارض اقدس معاودت نمودند ... هم در این سال اللهقلی خان توره برادر رحمن قلی خان توره پسر محمدرحیم خان اور گنجی به ولایت جام رانده بنای غارت را گذاشت ولی یکشب در اواخر شب چند رأس اسب در اردوی او رها شده به یکدیگر افتادند و غوغا و هیاهوئی درگرفت، خوارزمیها گمان شبیخون کرده متفرق شدند. اللهقلي خان به سرخس رفت و اردوي او بهدست جاميان افتاد ــ هم در این سال روسها از طرف دریای خرر در سرحدات مازندران و استرآباد بنای آشـوب را گـذاشـتند و دو فروند کشتی جنگی به فرضههای این دو ولایت آوردند و تراکمه را به نقود تطمیع کردند. قیات نامی از تراکمه جعفر بای فریب خورده ایل را به فساد واداشت، نواب محمّدقلی میرزای ملک آرا در در بار همایون بود و یسرش

بديع الزمان ميوزا در استرآباد به حكمواني اشتغال داشت. پس از استماع اين خبر مهدى خان و محمد تقى خان هزارجريبي و ميرزا اسمعيل خان فندرسكي و نقدعلی خان کوتول را با خود همراه نموده با سواران و بیادگان استرآباد و مازندران و ککلان شب بر سر اوبه جعفر بای ریخته به تدمیر آن جماعت پرداختند، یون تراكمه مقهور شدند سفاين روس هم كه به ساحل استرآباد آمده بودند بازگشتند \_ هـم در این اوان منوچهرخان گرجی به حراست بندر انزلی و فرضهٔ گیلان روانه شد. و امين الدوله عبدالله خان اصفهاني به وزارت نواب شاهزاده سيف الدوله سلطان محمد میرزا به اصفهان رفت \_ هم در این اتام آلکساندر برملوف سردار گرجستان در دولت روس به خیانت منسوب شده معزول گردید و ژنرال بسکویچ بهجای او سرداری یافت. کیناز مددوف حاکم قراباغ و شیروان و شکّی نیز عزل و ایخسوف نام بهجای او نصب شد و بسکویچ ژنرال دویچ نام را با ده هزار سالدات و بیست عراده توپ به تسخیر ایروان فرستاد و ایخسوف نیز با ششهزار سر باز و ده عراده توپ به طرف قراجه داغ راند ژنرال دویج وارد اوچ کلیسا شد و ایخسوف در کنار پل خداآفرین اقامت کرد حسین خان سردار در قلعه ایروان و برادرش حسن خان ساری اصلان با پنجهزار سوار و یک فوج سر باز در خارج قلعه ماند \_ از طرف قراجه داغ نواب شاهزاده اعظم محمدميرزا (محمدشاه) با ششهزار سوار و چهار فوج سر باز و پنج عرّاده توپ در کنار رود ارس اردو زدند و ژنرال دویچ با سه باطالیان سرباز و یکهزار نفر سوارهٔ قزاق و چهار عزاده توپ از اوچ کلیسا به عزم استخلاص قلعهٔ سردارآباد ايروان حركت كرد. حسنخان سردار در كنار قراسو كه ميانهٔ سردارآباد و اوچ کلیسا است با ژنرال دویچ مصاف داده چون کاری از قشون روس ساخته نشد روی به قلعهٔ طالین که در شش فرسخی ایروان است نهادند \_ از آنـطـرف روسـهـا که در کنار پل خداآفرین بودند خواستند از آب ارس عبور کرده به قراجه داغ رانند نواب شاهزاده اعظم محمدميرزا برآنها حمله كرده آنها را شكستي فحاحش دادنـد ــــ در این اوان موکب همایون از دارالخلافه متوجه آذر بایجان شد و روسهای اوچ کلیسا به عزم شبیخون به اردوی حسن خان ساری اصلان ریختند. مشارٌالیه که باخبر بود بسیاری را مقتول و بعضی را اسیر کرد نیز پانصد عرّاده آذوقه

که به قلعهٔ ایروان می بردند به تصرف حسن خان درآمد. موکب همایون در جمن قبلهٔ تبريز نزول اجلال فرمود و قشون روس از محاصره ايروان گذشته عزم تخجوان كردند و حضرت مستطاب نايب السلطنه از خوى حركت فرموده به چورس آمدند. و احسان خان ولد كلبعلى خان نخجواني را به حراست قلعهٔ عباس آباد كه از مستحدثات حضرت معظم است امر فرمودند، و محمدامین خان قاجار و عباس خان سركردة بختياري به معاضدت احسانخان محكوم شدند، احسانخان با بسكويچ سازش کرده او را به محاصرهٔ عباس آباد آورد. نواب علینقی میرزای رکن الدوله با ينج هزار پياده و سوار بـه چورس آمد، اللّهيارخان آصف الدوله نيز با پنج هزار سوار و پیاده به رکاب حضرت مستطاب نایبالشلطنه آمده حسنحان ساری اصلان نیز با فوجی از سواران در رسید و با روسها که از رود ارس عبور کرده بودند شروع به جنگ نمودند. چهار نفر از دلاوران روس قصد حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده هر چهار به راه عدم رفتند. فضلعلی خان قوانلو ولد حاجی مهدیقلی خان در آنروز جلادتها نموده چون اسبش زخمی شد پیاده به جنگ پرداخت و چند زخم برداشت، او را از معرکه بیرون بردند و پس از آنکه زخمهای او التیام یافت جان نثار دولت به او لقب دادند. عساكر ايران كلاً به چورس برگشتند و بسكويچ عَلَمي را كه نشانهٔ دولت ایران داشت برافراشت و به این حیله از رود ارس گذشته به تسخیر عباس آباد شتافت. احسان خان مستحفظین قلعه را حبس کرده در بر روی بسکویچ گشود. بسكويچ محمّدامين خان قاجار و عباسخان سركردهٔ بختيارى و بعضى خوانين اين طایقه را گرفته به تفلیس فرستاد و احسانخان در ازای این خدمت به حکومت نخجوان رسید ــ حاجي محمّدخان دولو و اسفنديارخان گرجي داماد سيهدار و طوایف خلج به حراست خوی مأمور شدند، ۱ و عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی با

۱. این عبارات طوری از روضة الصفا خلاصه شده که مفهوم تغییر کرده است. در روضة الصفا چنین آمده: «چون این اخبار به سمع حضرت شاهنشاه قاجار در رسید حاجی محقدخان دوالوی قاجار و اسفندیارخان گرجی داماد و نایب یوسفخان سپهدار را با سربازان ساوه و قم و خلجستان به محارست قلعه خوی مقرر داشت».

دستهٔ خود به محارست تبریز رفت و موکب همایون به مرند آمد، و نواب شاهزاده اعظم محمدميرزا به تاخت قراباغ روانه شدند، و نواب ركن الدوله به توقف محال چورس و حضرت مستطاب نایب السلطنه به جانب ایروان مأمور گشتند. بسکویچ چند روزی در عباس آباد مانده بعد به اردوی خود بازگشت، و وبا در قشون روس افتاده جمعی را هلاک نمود، و بسکویچ از تلافی عباس آباد توهم داشت. میرزا كرممايدوف٬ همشيرهزادهٔ خود را به حضور حضرت مستطاب نايبالسلطنه به طلب مصالحه فرستاد و مقبول نیفتاد ــ شیخعلی خان کنگرلو برادر احسان خان نیز قلعهٔ نـظـارهٔ اردوباد را به تصرف قشون روس داد و ابراهیـمـعـان قاجـار دولّو با دسته لشکر قراگوزلو به جمانب اردو باد شتافت و قلعهٔ نظاره را به غلبه گرفت و نواب شاهزادهٔ اعظم محمدمیرزا نیز ولایت قراباغ را زیر و ز بر کردند و بازگشتند. و نواب جهانگیر میرزا مستحفظین سالیان را اسیر و توپخانه آنها را به دریای خزر انداختند. (ترکستان) ــ در این سال امیرحیدر توره این امیر معصوم شاهمراد ملقب به بگجان که بیست و دو سال در بخارا امارت داشت در ماه ر بیع الاول درگذشت و بعد از او اميرحسين پسرش سهماه امارت بخارا نموده در جمادي الاولى وفات يافت. و بعد از او عمرخان بن امیرحیدر بر مسند آمارت نشست و آو نیز بعد از ششماه راه آخرت پیش گرفت. و امیر نصرالدین بن امیرحیدر بن بگجان امارت بخارا یافت و استقلالي بهم رسانيد.

اروپا – (انگلیس و روس و عثمانی) – در مسئلهٔ یونان مابین انگلیس و روس به واسطهٔ ولَنگتُن از جانب انگلیس و نیسلرد از جانب روس اتحادی حاصل شده بنای سختگیری را به عثمانی می گذارند – شورش یونانیها سخت تر و تعدیّات عثمانی خاصه اجحافات ابراهیم پاشای مصری که سردار کل قشون عثمانی در یونانست به یونانیها با ابراهیم پاشا – اتحاد یونانیها با ابراهیم پاشا – اتحاد

۲. در روضة الصفا نيز همين طور ضبط شده. در ناسخ التواريخ «ميرزا گر بايدوف» آمده كه البته صحيح است و چون گريبايدف از نويسندگان مشهور روسيه بوده است نام ميرزا را بر سر اسم وى آورده اند كه جالب است. جالب تر اينكه ذيل وقايع سال ۱۲۶۶ او را ژنرال گريبايدف نوشته اند.

فرانسه با انگلیس و روس در باب یونان \_ روس که با ایران به سرداری بسکویچ در مجادله است مجال قشون فرستادن به یونان ندارد و به واسطهٔ جنگ با ایران با عشمانی مصالحه می نماید \_ بنابراین معاهده جز در قلاع سر بستان عساکر عثمانی در سایر بلاد سرب نخواهند بود و سفاین روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود \_ در سایر بلاد سرب نخواهند بود و سفاین روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود \_ در تمام فرنگ برای یاغیهای یونان توجیهات می شود \_ دولت اتائونی ینگی دنیا یک فروند کشتی جنگی به یونانیها می بخشد. (انگلیس) \_ این دولت گرفتار بی بی پولی و قحطی و عدم رواج تجارتست \_ به تحریک انگلیس مملکت آسام از بیرماه منتزع می شود. (فرانسه) \_ تعلیم و تعلّم زبان پهلوی در این مملکت. بیرماه منتزع می شود. (فرانسه) \_ تعلیم و تعلّم زبان پهلوی در این مملکت. (ایطالیا) \_ شورش و انقلاب بر ضد پاپ در بلاد متصرّقی او. (پرتوغال) \_ فوت ژان ششم پادشاه \_ اهالی پرتوغال در نیدر پسر ارشد ژان را که امپراطور برزیل استعفا کرده است به سلطنت منتخب می کنند \_ پادشاه برزیل از سلطنت پرتوغال استعفا کرده سلطنت را به ماری دختر هفت ساله خود تقویض می کند \_ شورش انگیزی سلطنت را به ماری دختر هفت ساله خود تقویض می کند \_ شورش ازگیزی ملطنت را به ماری دختر هفت ساله خود تقویض می کند \_ شورش ازل در مسکو رعثمانی) \_ قتل طایفه ینگیچری و معدوم ساختن این طایفه را کلیتاً.

امریکا ــ (اتائونی) ــ فوت رُفِرْسُن معروف.

#### [سنة ۱۲٤٣ هجری = ۱۸۲۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال در ماه صفر شرح فتوحاتی را که در اواخر سال قبل نگاشتیم به عرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسانیدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا رکن الذوله علینقی میرزا را در چورس گذاشته خود به ایروان تشریف بردند و قاسم خان سرهنگ و جعفرقلی خان مقدم و میرزا محمودخان مقصودلوی استرآبادی را بر سایر مستحفظین آن قلعه افزودند و حسین خان سردار ملتزم رکاب والا گردیده متوجه محاصرهٔ اوچ کلیسا شدند، مستحفظین اوچ کلیسا از روسهای ساکن آباران استمداد نمودند و آنها نیز با استعدادی قصد امداد کردند، حضرت مستطاب نایب السلطنه از این معنی خبردار گشته یوسف خان امداد کردند، حضرت مستطاب نایب السلطنه از این معنی خبردار گشته یوسف خان

گرجی سرهنگ توپخانه و سهرابخان غلام پیشخدمت باشی را با چهارهزار نفر به محاصرهٔ اوچ کِلیسا گذاشته خود به راه اباران رفته در اشترک ایروان با قشون روس مصاف دادنـد روسـهـا مغـلـوب شده اسلحهٔ خود را ریخته قصد فرار کردند عساکر منصوره بسیاری از آنها را دستگیر نموده و موکب والا به طرف ایروان عطف عنان فرمود. بسکویچ سردار روس چون از واقعه آگاه شد ژنوال ارستوف گرجی را به حراست عبّاس آباد گذاشت و خود راه ایروان پیش گرفت. رکن الدّوله و حسن خان سارى اصلان نيىز به جانب ايروان راندند. حضرت مستطاب دايب السلطنه بعد از ملاقات ركن الـدّولـه حـركت فرموده در دامنهٔ آغرى داغ اقامت نمودند. بسكويچ به اوچ کلیسا رفته پس از چند روز توقف به محاصرهٔ سردارآباد آمد. حضرت معظم حسن خان سردار را روانه سردارآباد نموده خود به تاختِ حوالي عباس آباد پرداختند. زنرال ارستوف با استعدادی تمام از عباس آباد بیرون آمده در حوالی قلعه خوک نخجوان مغلوب عساكر حضرت والاگرديد و به عباس آباد بازگشت. موكب والا به منزل چشمه شاهی خوی نزول فرمود و در چمن مهر بان این فتوحات به عرض حضور همايون رسيده عبدالله خان ارجمندي وطهماسبقلي خان لاريجاني و ولي خان تنکابنی و حاجی حسنخان دامغانی و علینقی خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی و عبدالله خان دماوندي را با دسته جات آنها و مبلغي وجه نقد به همراهي اللّهيارخان آصف الدوله نزد حضرت مستطاب نايب السلطنه فرستادند و موكب همايون در ماه ربيع الاول تشريف فرماي دارالخلافه گرديد و حضرت معظم والا از آب ارس عبور كرده به محال چورس آمدند و آصف الدوله دستجات مازندراني را روانه تبريز نمود و به اتَّفاق ميرزا إبوالقاسم قايم مقام از رود ارس گذشته به نظم النجق پرداخت. حـضرت مستطاب نایبالسلطنِه به خوی تشریف آورده آصف الدّولِه و قایم مقام را به حضور طلبيدند. بسكويج با اطمينان تمام سردارآباد را محاصره كرد حسن خان ساری اصلان نیم شبی از شکاف دیوار قلعه بیرون آمده به ایروان رفت و ارامنه در قلعهٔ سردارآباد را بازکرده بسکویچ وارد قلعه شد و پس از دریافت آدوقه به ایروان شتافت و پس از دوازده شبانه روز جنگ ایروان را بگرفت و حسن خان گرفتار گردید و او را و میرزا محمّدخان مقصودلو را و حمزهخان انزانی را به تفلیس فرستاد

و حضوت معظم نايب السلطنه در محوى از ماجري خبردار شدند. ركن الدّوله و آصف الدول، به تبریز آمدند. رحمت الله خان فراهانی که به حفظ راه دزگرگر معبر روسها مأمور بود نيز به تبريز شتافت و موكب حضرت معظم والا به محال مرند آمد و در اینجا معلوم شد که مستحفظین درگرگر غفلت ورزیده و ارستوف گرجی با سالدات و تویخانه از آن معبر گذشته و عزیمت تبریز نموده حضرت مستطاب نهایب السلطنه فتحعلی خان رشتی را نزد بسکویچ فرستاده شرحی پیغام دادند و خود به بـلـدهٔ خـوی آمده انتظام این نواحی را برعهدهٔ نواب امیرزاده بهرام میرزا و حاجی محمدخان قاجار و اسفنديارخان نايب سيهدار محوّل فرموده خود روانه تبريز شدند و در منزل طسوج به عرض رسید که ژنرال ارستوف به جهت اطمینان از حرکت بسکویچ و جذب قلوب اهالی تبریز در قریهٔ صوفیان متوقف است ولی در همین دو روز بـه تـسخـيـر شـهر مي پردازد. لهذا موكب والا عاجلاً به دوفرسنگي تبريز آمد و معلوم شد که از خارج و داخل روسها را به گرفتن تبریز تحریک می کنند و از جملهٔ محرکین میرفتاح ابن حاجی میرزا بوسف تبریزی بود که مردم را به اطاعت روسها اغوا مى نـمـود. نـاچار قايم، مقام را روانهٔ تيريز نموده خود عزيمت سلماس فرمودند ... خلاصه نواب ركن الدوله أز تبريز بيرون رفت و آصف الدوله خدام حرم حضرت مستطاب نايب السلطنه را از شهر روانه كرده در قرية باسمج به ركن الدوله رسانید و الواط شهر ممذ شده قشون روس به شهر تبریز وارد شد و آصف الدوله را ده ارگ حبس کردند و ژنرال بسکویچ را خبر دادندو طلب نمودند و او به تعجیل به تبريز آمده ايالت را كماكان به عهدهٔ فتحعلي خان پسَر هدايت الله خان گيلاني واگذار نـمـود و بـا آنکه با آصف الدوله از صلح سخن می گفت جمعی را به تسخیر ولایت خوی فرستاد حضرت مستطاب نایب السلطنه در اینموقع مصلحت به جنگ ندیده مستحفظین خوی را با توپخانه و آلات حرب به سلماس احضار فرمودند و آن ولایت را به امیـر اصـلانخان که در خفا با روسها مواضعه داشت سپردند و لشکر روس بی مانعی خوی را تصرف کردند ـــ بیژنخان گرجی بعضی تهدیدات از جانب حضرت معظم نايب السلطنه براى بسكويچ پيغام برد و جواب ملايمت و مبنى بر صلح آورد و مقرّر شد که در دهخارقان ملاقات و گفتگو نمایند حضرت مستطاب

والا بُنه و آغروق را بـا نـواب امـيـرزاده بـهرام ميرزا و امراى قاجار از راه ارومي و. سلدوز به میبان دوآب مراغه که به رحمت آباد معروف است فرستادند و خود به اردوی روسها رفتند. نواب رکن الدوله خدام حرم حضرت معظم را محافظت کرده به زنجان رسانید و از آنجا به اتفاق حاجی علی اصغر مازندرانی خواجه باشی و عبيدالله خيان دمياونـدي روانـهٔ هـمدان شدند .... اعليحضرت خاقان صاحبقران نيز از واقعه آگاه شده با حضار شاهزادگان احکام صادر فرمودند و از آنجا که ژنرال رازن از صاحب منصبان روس به فریب ایلات گرمرود و خمسه و شقاقی آمده بود میرزا محمدتقى على آبادى صاحبديوان كه مذتها به وزارت خمسه مأمور و اهالي آن بلاد را به حسن سلوک خود ممنون داشت محکوم به محارست آن حدود گردید و نواب شیخعلی میرزا حسب الامر در زنجان اقامت گزید و غلام حسین خان سپهدار عراق با ده هزار پیاده و دو عرّاده توپ در رسید و نواب محمدقلی میرزا با ده هزار قشون مازندرانی حرکت کرد و نواب محمدتقی میرزا با ششهزار سوار و پنج عراده توپ حـاضـــر شد و نواب شجاع السلطنه حسنعلى ميرزا با سپاه خراسان ورود نمود ـــ اتما روز ورود حضرت مستطاب لمايب السلطانه به دهخارقان بسكويج و همه صاحبمنصبان روس با احترام تمام حضرت معظم را استقبال كرده آصف الدوله را نیز از تبریز آوردند. پس از گفتگو بسکویچ گفت دولت روس در این کشمکش معادل بیست کرور تومان ضرر متحمل شده هرگاه داده شود خلاف مرتفع گردد. فتحملي خان گيلاني به طهران آمده مراتب را به عرض حضور اعليحضرت خاقان صاحبـقـران رسـانيدند و اين مطلب مقبول نيفتاد. بعد از آمد و شد و سؤال و جواب بسیار به ده کرور قرار گرفت که هشت کرور داده شود و بعدها نیز دو کرور دیگر به مدارا و مهلت ادا گردد. سرژن مكدان لدكنير وزير مختار انگليس با سكويچ قرار مصالحه را داده و حكيم مكنيل صاحب انگليس را به دارالخلافه فرستاده خاقیان صاحبقران را راضی نمود و منوچهرخان حامل وجه خسارت جنگ گشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه از حدود گروس و میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه از قصبة زنجان و آصف الدوله و بسكويج از تبريز و قايم مقام از طهران حرکت کرده همه در قریهٔ ترکمانچای من اعمال تبریز جمع شدند و عهد مصالحه مابین دولتین روس و ایران را که موسوم به عهد ترکمانچای می باشد منعقد نمودند و شب پنجشنبهٔ پنجم ماه شعبان این سال عهدنامه مزبوره به انجام رسیده یک نسخه به مهر مبارک حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر امور خارجه مختوم شد و با ژنرال رازن سردار سواره نظام روس و حاجی میرزا ابوالحسن خان آن عهدنامه به حضور همایون خاقان صاحبقران فرستاده شد. و صورت عهدنامه ترکمان چای از قرار ذیل است:

## صورت عهدنامهٔ ترکمان جای ۱

اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه بالقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران باوصافه علی السویه اراده دارند که به نوایب جنگی نهایتی بگذارند و به سبب همجواریت صلحی بی نفاق به عمل آرند. لهذا امپراطور اعظم جناب ایوان بسکاویچ جنرال انوتار از و پادشاه والاحاه مملکت ایران نواب

۱. متن این عهدنامه در ناسخ التواریخ و روضة العیفا نیز آمده که مطابق با این متن است که در هر سه کتاب خلاصهٔ آن آمده. در کتاب «مجموعهٔ معاهدات ایران با دول خارجه» با ترجمهٔ دیگری همراه با متن فرانسوی آن نیز به طور کامل وجود دارد. شادر وانان سعید نفیسی و دکتر علی اکبر بینا نیز آن را در کتابهای خود آورده اند. متنی که دکتر بینا نقل کرده منطبق بر متن مجموعهٔ معاهدات است اما سعید نفیسی که خود بر زبان فرانسه تسلط کافی داشته ترجمهٔ دیگری کرده است. می نویسد: «در آن زمان زبان دیپلماسی اروپا زبان فرانسه بوده و این عهدنامه را نیز روسها به این زبان نوشته اند. در همان زمان ظاهراً میرزا مسعود (انصاری) که مترجم زبان فرانسهٔ در بار فتحعلیشاه بوده به فارسی معمول آن زمان ترجمه کرده و تاکنون هرجا آن را چاپ کرده اند همان ترجمه ایست که او کرده است و چندان دقیق نیست. ترجمهٔ آن بدین گونه است: ...».

۲. در روضة الصفا و ناسخ التواريخ نيز «جنرال انوتار» آمده است. ظاهراً در اصل «جنرال آديوتانت» بوده زيرا پاسكيويچ در طى مدارج ترقى در سال ۱۸۲۵ به مقام «گينيرال آديوتانت» رسيد كه همان جنرال يا ژنرال آجودان باشد (از افادات استاد دكتر عنايت الله رضا با استناد به دايرة المعارف روسى) عنوان وى در متن فرانسوى عهدنامه چنين آمده است:

«Le sievr Jean Paskevitch, son aide de camp général» که مرحوم سعید نفیسی آن را «آقای ژان پاسکیویچ آجودان کل خود» ترجمه کرده است. نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان در محل ترکمانچای اختیارنامه های خود را بهم سپردند و فصول آتیه را تعیین و قرارداد کردند.

فصل اوّل: بعدالیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیّه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودّت و وفاق کامل ابدالآباد واقع خواهد بود.

فیصل دویم: از تاریخ حال هر دو پادشاه بااجلال عهدنامهٔ واقعه در محال گلستان قراباغ را متروک و این عهدنامهٔ جدیدهٔ میمونه را با عهود و شروط مسلوک داشته اند.

فصل سیم: پادشاه ممالک ایران از جانب خود وولیعهدان، کل الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس خواه آنطرف به دولت روسیه واگذار می کند و تعقد می نماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدّت ششماه همهٔ دفتر و دستورالعمل که متعلّق با دایرهٔ ایل دو ولایت باشد " به تصرّف امرای روسیّه بدهد.

فصل چهارم: در باب سرحد دولتین ایران و روس بدینموجب خط و وضع شده: از نقطهٔ سرحد ممالک عثمانی که در خط مستقیم به قله کوه آغری کوچک اقرب است ابتدا کرده و از آنجا تا به سرچشمهٔ رودخانه قراسوی پائین که از سراشیب جنوبی آغری کوچک جاریست فرود آمده به متابعت مجرای این رودخانه تا به التقای آن به رود ارس در مقابل شرور ممتد می شود. چون این خط به اینجا رسید به متابعت مجرای ارس تا به قلعهٔ عباس آباد می آید. و در دور تعمیرات و ابنیهٔ خارجهٔ آن که در کنار راست ارس واقع است به نصف قطری به قدر نیم فرسخ رسم می شود و با این نصف قطر در همهٔ اطراف امتداد می یابد، همهٔ اراضی و عرصه ای که در این نصف قطر محاط و محدود می شود بالانفراد تعلق به روسیه خواهد داشت که در این نصف قطر محاط و محدود می شود بالانفراد تعلق به روسیه خواهد داشت و در مدت دو ماه مشخص خواهد شد و بعد از آن از جائی که طرف شرقی این نصف قطر متصل به ارس می شود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس می کند

٣. روضة الصفا: متعلق به ادارة ابن دو ولايت باشد.

تا به معبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران به طول مجرای ارس امتداد می یابد تا به ف اصله و مسافت سه فرسخ. بعد از وصول به این نقطه سرحد به استقامت از صحرای مغان می گذرد و تا به مجرای رودخانهٔ بالهارود به محلی که در سه فرسخی واقع است پائین تر از ملتقای دو رودخانهٔ کوچک موسوم به آدینه بازار و ساری قمش، و از اینجا این خط به کنار چپ بالهارود تا به ملتقای رودخانهٔ مذکور صعود کرده به طول كنار راست رودخانهٔ آدينه بازار شرقي تا به منبع رودخانه و از آنجا تا به اوج بلندیهای جگیر امتداد می یابد به نوعی که جملهٔ آبهائی که جاری به بحرخزر می شود متعلق به روسیّه خواهد بود، و همهٔ آبهائی که سراشیب و مجرای آنها به جانب ایران است تعلق به ایران خواهد داشت. چون سرحد دو مملکت اینجا به واسطهٔ قلل جبال تعیین می یابد لهذا قرارداد شد که یشته هائی که از این کوهها به سمت بحرخزر است به روسیّه، و طِرف دیگر آن به ایران متعلّق باشد. از قلّهٔ بلندیهای جگیر خط سرحد تا به قلّهٔ کمرقوشی به متابعت کوههاشی می رود که طالش را از محال ارس منفصل می کند چون قلل جبال از جانبین مجرای میاه را فرق مي دهند لهذا در اينجا نيز خط سرحد را همان قسم تعيين مي كند كه در فوق در باب مسافت واقعه مابین آدینه بازار و قلل جگیر گفته شد. بعد از آن خط سرحد از قلهٔ كمرقوئي به بلندي كوههائي كه محال زُوند را از محال ارس فرق مي دهد متابعت مي كند تا به سرحد محال ولكيج الهمواره برطبق همان ضابطه كه در باب مجرای میاه معین شد محال زُوند بهغیر از آن حصه که در سمت مخالف قلل جبال مذكوره واقع است از اين قرار حصّهٔ روسيّه خواهد بود. و از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد مابین دو دولت به قلل جبال کلوپوتی ۲ و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج می گذرد و متابعت می کند تا به منبع شمالی رودخانهٔ موسوم به

۱. این کلمه در این فصل سه بار آمده که در روضة الصفا هر سه بار «ولکنج» و در این متن نخست «ولکنج» و بعد «ولکیج» نوشته شده، به استناد کتاب مجموعهٔ معاهدات و متن فرانسهٔ آن به «ولکیج» تصحیح شد. املای فرانسوی آن این است: «Velkidji»

۲. در متن کلوتوبی: به استناد مجموعهٔ معاهدات و روضة الصفا تصحیح شد، املای فرانسوی آن این است: «Kolopouti».

آستارا پیوسته به ملاحظهٔ همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا به ملتقای دهنهٔ آن بحرخزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد کرد و میل خواهد نمود.

فصل پنجم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان، تسمامی الکاء و اراضی و جزایر و جمیع قبایل خیمه نشین و خانه دار را که در میانه خط حدود معیّنه و قبل برف دار کوه قفقاز و دریای خزر است الی الابد متعلّق به دولت روسیّه می داند.

فیصل ششم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی خسارت دولت و رعیت روسیّه مبلغ ده کرور نقد که عبارت از بیست ملیان مناط سفید روسی است قرارداد و موعد و رهاین ۳ وصول اینوجه در قرارداد علیحده که لفظ به لفظ گویا در این عهدنامه مندرج است معیّن خواهد شد.

فصل هفتم: چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا را ولیعهد دولت قرار داده امپراطور روسیه نیز تصدیق بر این مطلب نموده تعقد کرد که نواب معزی الیه را از نتایج جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق آن ملک داند.

فصل هشتم: کشتیهای تجارت دولتین روس و ایران از هردو طرف اجازه دارند که در بحرخزر و طول سواحل آن به طریق سابق سیر کرده به کنارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از هر دو طرف امداد و اعانت خواهد شد. در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه روسیّه را دارند مثل سابق اذن تردد در بحرخزر دارند و بغیر از دولت روس دولتهای دیگر این اذن را ندارند.

فصل نهم، وکلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و عابرین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام گردند و در این باب دستورالعمل مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد.

۳. در متن: درهاین ... ناسخ التواریخ: وهاین، به استناد روضة الصفا به «رهاین» جمع «رهن» تصحیح
 شد. در مجموعة معاهدات به جای «رهاین» «تضمین تأدیه» آمده است.

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

فصل دهم: در باب امر تجارت هردو پادشاه والاجاه موافق معاهدهٔ جداگانه که به این عهدنامه ملحق می گردد [و] تصدیق نمودند و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسلها و حامیان تجارتی که از دولت روس کما فی السابق در هرجا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد می کند که این کونسلها و حامیان را که زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نمایند. امپراطور روسیه نیز در باب کونسلها و حامیان تجارت ایران وعده می کند که به همین نحو مساوات منظور دارد، و هرگاه از دولت ایران محققاً شکایتی از کونسلها و حامیان تجارت براس که در بار دولت ایران محققاً شکایتی از در بار دولت ایران متوقف است و اختیار کونسلها و حامیان تجارت با او است اذن دارد که امر مزبور را به عنوان جاریه به دیگری رجوع نماید. ا

فصل یازدهم: همهٔ امور و ادّعای طرفین که به سبب جنگ به تأخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت به اتمام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تعجیل و تکمیل وصول پذیر خواهد شد.

فصل دوازدهم: دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعهٔ جانبین قرارداد می کنند که برای آنهائی که مابین خود به سیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله مقرر نمایند تا به آزادی در بیع و معاوضهٔ آنها قدرت داشته باشند لکن امپراطور ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در همهٔ آن مقداری که به او متعلق و واگذار می شود سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان و حاکم سابق نخجوان کریم خان را مستثنی می سازد.

فصل سیزدهم: اسرائی که در جنگ آخر و قبل از آن و تبعه ای که از هر مدت به اسیری افتاده اند از هردو طرف قرارداد شد که در مدت چهار ماه با

۹. عبارات آخر این فصل مبهم است. در مجموعهٔ معاهدات چنین آمده: «در صورت شکایت حقهٔ دولت ایران از یکی از مأمورین یا قونسولهای روس وزیر مختار یا شارژدافری که در در بار دولت علیهٔ ایران اقامت و به این اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارّالیه را از مأموریت خود خلع کرده و موقتاً کفالت کار او را به هرکس صلاح داند واگذار خواهد کرد.».

اخراجات راه به عبّاس آباد فرستاده شوند که وکلای طرفین در آنجا مأمور به اینکار می بـاشـنـد آنـهـا را گرفته به اوطان خود برسانند و هرگاه در مدت مذکوره تعویقی واقع شود هروقت از هرطرف مطالبه کنند یا اسرا خود استدعا نمایند بلامضایقه رد کرده آید.

فصل چهاردهم: از دوطرف قرین الشرف تعقد می شود که رعایای جانبین اعم از فراری یا غیرفراری که در حالت جنگ و قبل از آن به مملکت طرفین رفته اند یا بعد از این بروند در صورتیکه وجود ایشان منشأ ضرر و فسادی نباشد مطالبه نشود ولکن اشخاص صاحب رتبه و شأن اعم از حکام و خوانین یا رؤسا و ملاهای بزرگ و غیر آنرا که وجود ایشان در ممالک دوطرف به سبب مکاتبات و مخابرات خفیه منشأ ضرر و مرارتست در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معینه در فصل چهارم اخراج سازند. ۲

فصل پانزدهم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تقصیر اهالی آذر بایجان از خاصه و عامه که در مدت جنگ و تصرف عساکر روسیه در ولایات استردادی که مباشر خیانتی شده آند درگذرند و هر یک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند تا مدت یکسال به ایشان مهلت داده شود که اموال و اثقال خود را یا بیع یا نقل به مملکت روسیه نمایند و احدی از حکّام به هیچوجه متعرض را یا بیع یا نقل به مملکت روسیه نمایند و احدی از حکّام به هیچوجه متعرض خسارت آنها نشود، و در باب بیع املاک پنجساله مهلت داده شود هرگاه در مدت یکساله مذکوره از احدی خیانتی تازه به ظهور رسد داخل در عفو و گذشت نیستند.

فصل شانزدهم: بعد از امضای این عهدنامهٔ میمونه فی الفور وکلای مختار جانبین دستورالعملهای لازمه به حدود خود روانه سازند که به ترک خصومت و تعدی پردازند. این مصالحه نامچه در دو نسخه به یک مضمون ترتیب یافته و به دستخط وکلای طرفین رسیده و مابین ایشان مبادله گردیده است. باید امضای آن به تصدیق دو پادشاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود زودتر مابین وکلای مختار

 ۲. این فصل خیلی خلاصه شده. محققین باید یا به کتاب «مجموعهٔ معاهدات» یا به ترجمهٔ مرحوم سعید نقیسی مراجعه فرمایند. ایشان مبادله شود ... تحریراً در قریهٔ ترکمانچای به تاریخ دهم شهر فورال سنهٔ یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم سنهٔ یکهزار و دویست و چهل و سه هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید و به امضای وزیر امور دولخارجه میرزا ابوالحسن خان نیز رسید.

نیز عهد تجارتی مشتمل بر نه فصل فیمابین دولتین منعقد گردید که صورت آن از قرار ذیل است: ۱

فصل اوّل: چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل می شود بهره مند دارند لهذا به این تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکرهٔ متعارفه در دست داشته باشند در همهٔ ممالک ایران می توانند تجارت کرد. و گذلک به ممالک مجاورهٔ دولت مذکوره می توانند رفت. و به همین نسبت اهالی ایران امتعهٔ خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران به مملکت روس می توانند برد. و معاوضه و بیع نمود، و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده، و از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت اجراطوری به اتباع کاملة الوداد دولتهای اروپا داده می شود بهره مند خواهند شد در حالتی که یکی از اتباع دولت روس در روس است بدون قصور به اقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد که به اختیار تمام به نحوی که شایسته دانند معامله نمایند. و در صورتی که اقوام و شرکای او موجود نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال به وکیل یا کارگذار یا کونسلهای روسیه واگذار می شود بدون اینکه هیچگونه ممانعتی از جانب حکام ولایات ظاهر شود.

فصل دویم: حجج و بروات و ضمانت نامه ها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوبها ۲ می گذرد نزد کونسل روسیّه و حاکم

۱. ایمن عبهدنیامه از روی نیاسخ البدواریخ رونویسی شده است ناچار با متن روضهٔ الصفا مقایسه شد و افتادگی ها در داخل [ ] اضافه گردید.

۲. «در هر سه نسخه چنین است ولی ظاهراً «مکتوباً» بوده است» (نظر دکتر قائم مقامی در حاشیه

ولایت [و در جائی که گنسُل نباشد تنها نزد حاکم ولایت] ثبت می شود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوی برطبق عدالت لحقات الازمه نتواند کرد، و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه به نحو مذکور فوق تمسکات محرّره متصدّقه که لایق قبول هر محکمهٔ عدالت است در دست نداشته باشد از دیگری ادعائی ننماید و جز اقامهٔ شهود دلیلی دیگر نیارد این قبیل ادعاها و اینکه مدعی علیه خود تصدیق به حقیقت آن ننماید مقبول نخواهد شد. همهٔ معاملات منعقده که به صورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شد. مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی از طرفین گردد مورث تلافی خسارت تناسبه از طرف دیگر خواهد شد. در صورتیکه یکی از تجار روس در ایران مفلس و ورشکست شود حق به ار باب طلب از امتعه و اموال او داده می شود اتما اگر از وکیل یا کارگذار با کونسل استعلام نمایند که مفلس مذکور مال ممکن الصرف که بکار استرضای همان ار باب طلب بیاید در ولایت روسیه مال ممکن الصرف که بکار استرضای همان ار باب طلب بیاید در ولایت روسیه مال ممکن الصرف که بکار استرضای همان ار باب طلب بیاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه؛ برای تحقیق کردن این مطلب مساعی جمیلهٔ خود را مضایقه نخواهند داشت. این قراردادها که در این فصل معین گشته همچنین در بارهٔ اهالی نخواهند داشت. این قراردادها که در این فصل معین گشته همچنین در بارهٔ اهالی ایران که در ولایت روس موافق قوائین ملکیه تجارت می کنند مرعی خواهد شد.

فصل سیّم – برای اینکه به تجارت تبعهٔ جانبین منافعی را که علّت غائی شروط سابقة الذکر گشته اند محقّق و مستحکم نمایند قرارداد شد که از هرگونه مساعی که به توسط تبعهٔ روس به ایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از امتعهٔ محصولهٔ ایران که به توسّط تبعهٔ آن دولت که به دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران به ولایات روس برده می شود و همچنین از امتعهٔ روس که به رعایای ایران با همان راهها بیرون می برند کمافی السابق در وقت

ص ٢٣٨ ناسخ التواريخ).

۳. «در کلیهٔ نسخ چنین است اما ظاهراً بدین صورت بوده است: برطبق عدالت تحقیقات لازمه بتوانند کرد» (نظر دکتر قائم مقامی در حاشیهٔ همین صفحه).

در هر سه متن: داشته باشد.

بیرون رفتن و داخل شدن هردو یکدفعه پنج از صد گمرک گرفته می شود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و تعرفه های مجدد قرارداد کند متعهد می شود که در این حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه ننمایند.

فصل چهارم — اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعهٔ جانبین ممنوع نخواهد شد از اینکه با امتعهٔ خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور، کرده به ممالک دولت مزبوره بروند.

فصل پنجم - چون موافق عاداتی که در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعهٔ خود به اجاره پیدا کنند لهذا به تبعهٔ روس اذن داده می شود که خانه برای سکنا و انبار و مکان برای وضع امتعهٔ تجارت هم اجازه نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند. و متعلقان دولت ایران به آن خانه ها و مکانها و انبارها عنفاً داخل نمی توانند شد. لکن در وقت ضرورت از وکیل و کارگذار و یا کونسل روسیه استرخاص می توانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمان تعیین کنند که در وقت ملاحظهٔ خانه یا امتعه حضور داشته باشد.

فصل ششم - چون و کیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحبمنصبان مأمورهٔ ایشان و کونسلها و ترجمانها در ایران امتعه ای که به کار ملبوس ایشان بیاید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمی کنند لهذا می توانند بدون باج و خراج هرگونه امتعه و اشیاء که خاصه به مصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورد. و کذلک این امتیازات به تمامه در بارهٔ و کیل و کارگذار دولت ایران که مقیم در در بار دولت روسیه باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد. و کسانی که از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا و کیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامی برای خدمت ایلچی یا و کیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامی که نزد ایشان بهره مند خواهد بود. ولکن

 ۹. در ناسخ و روضة الصفا و همین متن: «تعریفهای» به استناد مجموعه معاهدات و ترجمهٔ سعید نفیسی تصحیح شد. اگر شخصی از آنها مرتکب به جرمی شود که موافق به قوانین ملکیه مستحق تنبیه باشد در آن صورت وزیر دولت ایران یا حاکم و در جائی که آنها نباشد بزرگ ولایت مجرم را بیواسطه از ایلچی یا وکیل یا کونسل در نزد هرکدام باشد مطالبه می کند تنا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلایلی که جرم و تقصیر مقهم را ثابت کند ایلچی یا کونسل یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهد کرد.

فصل هفتم - همهٔ ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعهٔ روسیّه باشد بالانحصار به ملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطوری برطبق قوانین و عادت دولت روسیّه مرجوع می شود و همچنین است منازعات و ادعاهائی که مابین تبعهٔ روس و ایران واقع شود به آن راضی شوند - و منازعات و ادعاهائی که مابین تبعهٔ روس و ایران واقع شود به دیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف معروض و محوّل می گردد و ملحوظ و طی به دیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف معروض و محوّل می گردد و ملحوظ و طی نمی شود مگر در حضور ترجمان و کیل یا کونسلها. چون اینگونه ادعاها که یکدفعه موافق قانون طی شده باشد دو باره استعلام نمی تواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد موافق قانون طی شده باشد دو باره استعلام نمی تواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظهٔ ثانی کند بدون اینکه و کیل یا کارگذار یا کونسل روسیّه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمی تواند شد، و در این حالت آن امر روسیّه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمی تواند شد، و در این حالت آن امر استعلام، و محکوم علیه نمی تواند گردید مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد، کذلک در حضور یکنفر ترجمان و کیل یا کونسل روسیّه.

فصل هشتم ب کارقتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای روسیّه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق دراختیار ایلچی یا وکیل یا کونسل روسیّه خواهد بود، بر وفق قوانین شرعیّه که به ایشان در باب اهل ملّت خود داده شده است. اگر یکی از تبعهٔ روسیّه به دعوی جرمی مستلزم السّیاسه با دیگران متّهم باشد به هیچوجه او را تعاقب و اذیّت نباید کرد مگر در صورتیکه شراکت او به جرم ثابت و مدلّل شود. در این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعهٔ روسیّه بدرم ثابت و مدلّل شود. در این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعهٔ روسیّه بنشخیص حکم [جرم] بنشفسه به جرمی متّهم می شد حکام ولایت نمی توانند که به تشخیص حکم [جرم] بردازند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کونسل روسیّه اگر در اماکن

اعتماد السلطنه

صدور جرم از کونسلها یا وکیل کسی نباشد، حکام ولایت مجرم را به جائی که کونسل یا صاحب منصبی از دایرهٔ وکالت روسیه در آنجا باشد روانه می کند و استشهادنامه که در باب برائت و شغل ذمهٔ متهم به واسطهٔ حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و به مهر ایشان رسیده باشد. و به این کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه استشهادنامه ها به سند معتبر و مقبول اذعا خواهد شد، مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید. و در صورتیکه متهم چنانکه باید ملتزم گشته فتوای صریح حاصل شود مجرم را به وکیل یا کونسل روسیّه تسلیم می سازد که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است به مملکت روسیّه بفرستد. ا

فصل نهم حدولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام ولایات و دیوان بیگیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مؤاخذه شدیده داشته باشند، در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد بل در حالتی که تکرار تخلف چنانکه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود – خلاصه؛ ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیّه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته ایم شروطی را که در این معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه است که همان روز در ترکمان چای اختتام یافته است چندان اعتبار و قوت خواهد داشت که گویا لفظ در ترکمان چای اختتام یافته است چندان اعتبار و قوت خواهد داشت که گویا لفظ

۹. درک معنا و مفهوم عبارات آخر قدری مشکل است. در کتاب مجموعهٔ معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه چنین آمده: «اگر در محل وقوع جنحه، سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم وقاضی محل استشهاداتی را که برعلیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده و آمضا می نماید. و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده می شود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از آنکه کماهوحقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی آلیه به وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین میاست شود.».

به لفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منتظم و مقرّر داشتیم به این معاهدهٔ جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است به توسط ما دستخط گذاشته به مهر ما رسید و مبادله شد به تحریراً در قریهٔ ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فیورال سنهٔ یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیّه که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنهٔ یکهزار و دویست و چهل و سه هجریّه باشد.

پس از انعقاد عهد مودت مابین دولتین ایران و روس بسکویچ تبریز را خالی کرده و حضرت مستطاب نایب السلطنه به این شهر معاودت فرمودند و لشکرها از سرحدات برخاستند \_ هم در این سال به اغوای محمدقاسم خان دامغانی پیشکار عبـاسـقـلـی خـان کـرمـانـی کـه خیال سروری داشت اشرار کرمان بنای شرارت و خودسری را گذاشتند و خانلرخان غلام پیشخدمت را که ولد علیمزادخان زند و بطناً نبيرة نواب غفران مآب شهيد محمد حان طاب ثراه و مأمور انتظام كرمان بود هنگام مراجعت در منزل باغین مقتول نمودند. نیز احمدخان برادر محمدمهدی خان متخلّص به شحنه را که همشیرهٔ او در سلک خدّام حرم سلطنت بود به بهانه ای در كرمان بكشتند. و محمدة اسم حان با عباسقلي خان به عنوان اينكه به تدمير عبدالرضاخان يزدي كه در اوان جنگ روس و ايران به راه خلاف رفته مصمّم شده ایم و قریب ، «دوازده هزار جمعیّت از حدود کرمان و بم و غیره فراهم آورده عزم تسخیر برد کردند شاهزاده محمدولی میرزا والی بزد از واقعه خبردار شده به دارالخلافه طهران آمد كه مراتب را به عرض حضور خاقان صاحبقران رساند. عبدالرضاحان خلف تقی خان بیگلر بیگی قدیم یزد که کارگذار شاهراده بود اموال متعلقین شاهزاده را متصرّف شده آنها را روانهٔ طهران کرد و اهالی کرمان و مازندران در منزل شمس اوضاع عباسقلی خان حاکم کرمان را بهم زدند و او به فـارس رفـته به خال خود نواب حسينعلي ميرزا فرمانفرماي فارس متوسّل شد و بعد از چندی به مازندران به خدمت نواب ملک آرا رفت و محمدقاسم خان دامغانی به سیستان گریخت و نواب شجاع السلطنه به حکومت کرمان و استرداد اموال

۱. این متن و متن روضة الصفا: شمش.

مجمدولي ميرزا از عبدالرضاحان مأمور شد، عبدالرضاحان از بيم به قلعه داري پرداخت نواب شجاع السلطنه به كرمان رفته اهالي كرمان از خوف به راه عصيان رفتند و دَر حصار را بر روی شاهزاده نگشودند. بعد از ده دوازده شبانه روز جنگ نواب شجاع السلطنه شهر كرمان را بگرفتند و به انتظام امور آن سامان پرداختند تا بعد از چندی رفع آشوب شد و امنیت حاصل آمد و محمدقاسم خان دامغانی را به لطایف الحیل به کرمان خواندند و مغلولاً به طهران فرستادند و در اینجا به سزای خود رسید و عبدالرضاخان را به حال خود واگذاشتند و نظم امور یزد به نواب. ظل السلطان مُحوّل شد \_ هم در اين سال عبدالله خان امين الدوله را از اصفهان طلبيدة صدارت دادند، و اللهيارخان آصف الدوله به رسم سابق سالار بــار شــد ــــ هم در این سال بسکویچ در رد لنکران و ایروان کار را منوط به حکم امپراطور روس نمود و مقرّر شد حضرت مستطاب نایب السلطنه به حضور امپراطور رفته این کار را فيصل دهند ــ هم در اين سال چون ايالت خراسان برعهدهٔ نواب هلا كوميرزا ولد نـواب شجاع السلطنه موكول بود و ايالت سبزوارا برعهده نواب ارغون ميرزا برادر نواب هلاکو میرزا، خوانین خراسان تفتین کرده برادران را بر ضد یکدیگر تحریک کردند و فـتنه برخاست، لهذا اعليحضرت همايون حسن خان و حسين خان سردار ايرواني را ب خراسان مأمور فرمودند ــ وفات عبدالرزّاق بیگ دنبلی متخلّص به مفتون صاحب تاریخ مآثر سلطانیه و عبدالرزاق بیک ولد نجفقلی خان بیگلر بیگی تبریز بود.

ارویا \_ (آلمان) \_ فوت پادشاه ساکس و جلوس برادرش آنتوان به جای او.

(انگلیس و فرانسه و روس و عثمانی) \_ صاحبمنصبان بر ضد عثمانی ریاست یاغیان یونانی را می نمایند، بعد از گفتگوی بی فایدهٔ زیاد که روس و انگلیس و فرانسه با عثمانی در باب اصلاح با یونان نمودند دول ثلا ثهٔ مزبوره متفق می شوند که یونان آزاد باشد ولی یک مبلغی خراج به دولت عثمانی بدهد عثمانی قبول این تکلیف را نمی نماید بنابراین سفاین جنگی دول ثلاثه با کشتیهای جنگی عثمانی در ناوارن جنگ سختی کرده در ظرف سه ساعت تمام سفاین عثمانی و مصری را شکسته و غرق می نمایند، سلطان عثمانی در مملکت خود اعلان جهاد

می نماید. (انگلیس) — فوت دوک دویُورک برادر کوچک پادشاه که ولیعهد او بود و رسیدن ولایتعهد به دوک دوکلارانس برادر دیگر پادشاه سولنگتن علاوه بر سپهسالاری قشون به صدارت نایل می شود. (اسپانیا) — شورش مردم بر ضد فردیناند پادشاه — دُن کارلش برادر پادشاه را جمعی به سلطنت می طلبند. (فرانسه) — شورش سخت در پاریس و سیبه بندی کردن در غالب کوچه ها — ابتدای منازعهٔ فرانسه با حسین پاشا والی الجزایر — ایجاد راه آهن در سنت اِتی یِن شهر فرانسه. (پرتوغال) — عساکر انگلیس برای نظم پرتوغال به لیز بُن وارد می شوند — دُن میگل بالاخره به سلطنت پرتوغال منصوب می شود.

## [سنة ١٢٤٤ هجري = سنة ١٨٢٨ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال قزلباشیهٔ کابل از تعدی افاغنه و غلبهٔ رنجید سینکهٔ هندو در کشمیر به ستوه آمده حسنعلی خان جوانشیر را از راه بیابان بلوچستان به کرمان فرستادند، و مشار الیه از کرمان به طهران آمده از اجحافات برادران فتیع خان شکایت کرده و شرحی از اظهار ارادت اهالی کابل و قندهار و پیشاور به عرض آستان اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسانیده و مستدعی شد که یکی از شاهزادگان عظام را بدان سامان روانه نمایند. اعلیحضرت همایون بنابر موافقت دولت انگلیس و فراهم نیامدن موجبات آشوب سرحدات هندوستان قبول ننمودند و حسنعلی خان جوانشیر از راه فارس و عمّان به سند رفت — هم در این سال در اواسط جمادی الاولی موکب همایون به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها توجّه فرموده پس از زیارت از قم به سلطان آباد کرّاز رفتند و سپهدار در این مورد خدمات فرموده به مراحم پادشاهی نایل آمد و در بیست و هفتم جمادی الثانیه به دارالخلافه نمورود فرمودند — هم در این سال ژنرال گریبایدوف خواهرزادهٔ مارشال بسکویچ که

۱. ذیل وقایع سال ۱۲٤۲ وی را «میرزا» نوشته اند و در این حا «ژنرال»! در ناسخ و روضة الصفا نیز عنوان «نیارال» به او داده اند که تلفظ روسی جنرال انگلیسی و ژنرال فرانسوی است. در حالیکه وی در تمام عمر بیش از چهار سال خدمت نظام نکرده است (ر.ک. به تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دورهٔ معاصر، تألیف سعید نفیسی، ص ۱۹۳).

در هنگام انعقاد صلح مابین دولتین ایران و روس حاضر، و در التیام و اصلاح امور مصر بود به دربار امپراطور روس رفته و به وکالت و سفارت مأمور ایران شد که به اتسمام شرايط عنهدنامه پردازد. مشارّاليه با رعايت لوازم و رسوم احترامات به در بار معلی آمده ولی بنای بدسلوکی را گذاشت و ابتداء به استرداد اسرای قدیم و جدید گرجستان و غیره سختگیری در این مطالبه پرداخت و دو نفر گرجیّه مُسلمه را که سالها بود در خانة اللّهيارخان آصف الدوله بودند به ابرام باز پس خواست و در خانة خود برده نگاهداشت. و آغایعقوب ارمنی از خواجه سرایان که مبلغی خطیر از مال دیـوان بـر ذمّـه او بـود چون در اصـل از ارامنهٔ ایروان و اسرای سیاه ظفرهمراه شمرده می شد متمتک به فصل سیزدهم عهدنامهٔ ترکمان چای که مبتنی بر استرداد اسرا می بـاشد شده به ژنرال گریبایدوف پناه برده و خود را آزاد ساخت و به فتنهانگیزی پرداخته بعضی از نسوان گرجیّه را که مسلمان شده و در حبالهٔ نکاح اشخاص و صاحب اولاد بـودنـد اســـر نــام بـرده گريبايدوف را به خواستن آنها محرّک آمد و حرکات مشارًاالیه اسباب رنجش مردم و کدورت علما گردید و چندانکه او را نصيحت كردند نيذيرفت وير خشونت و لجاج افزود و يعقوب ارمني و بعضي مفسدین دیگر نیز در تحریک و آغوای گریبایدوف ساعی بودند ـــ علما چون دیدند که پای عِرض و نـامـوس مـسـلـمین در میان است و گریبایدوف هم در بدگوئی و بدسلوکی مصِر است و قبول نصیحت نمی کند، در جامع طهران اجماع کرده حاجى ميرزا مسيح محتهد را با خود متحد ساخته برضد ايلچى همداستان شدند بسیاری از اهالی شهر نیز چون مرید علما بودند دکاکین را بسته دور آنها جمع آمدند. مقصود علما تخویف ایلچی روس و ردّ کردن زنان مردم بود ولی بعد از آنکه تقريباً صدهزار نفر جمعيت اجتماع كرد كار از ـست امتاى دولت وعلما بيرون رفت و [بـا] آن ازدخـام راه مـنزل گریبایدوف را گرفتند و به خانهٔ او که در خارج ارک سلطانی و نزدیک قورخانه بـود هجوم آوردند و ممانعت اولیای دولت و شاِهزادگان را قبول نکردند. همراهان ایلچی که تقریباً دویست نفر بودند چون حال را بـر ایـن مـنـوال دیـدنـد در سـرای را بــسـتند و با تفنگ و حربه بالای بام آمدند و جوانی چهارده ساله را با گلُولهٔ تفنگ مقتول نمودند. عوام که این جسارت دیدند به

یورش پرداختند. ایلچی یعقوب ارمنی را که نسبت به فرستادهٔ مجتهدین سخنهای کفرامیز گفته بود از خانه بیرون کرد و عوام فوراً او را به راه عدم فرستادند. دو نفر گرجیه مسلمه را از خانه بیرون نموده گماشتگان علما آنها را به محلی که باید رسانیدند. الحاصل قریب هشتاد نفر از سکنهٔ دارالخلافه در این هنگامه مقتول شده و جمعیت برنگشته به خانهٔ ایلچی ریختند و او را با سی نفر از همراهان به قتل رسانیدند و اموالی که در آن خانه بود به یغما برده خانه را خراب کرده متفرق گشتند و هیچ معلوم نشد که قاتل و مجرم کیست و ملسوف نام که نایب اوّل ایلچی بود چون در گوشه ای مختفی شده نجات یافت و او را به ارک آورده محافظت کردند و او تقصیرات ایلچی را تصدیق نموده به امنای در بار امپراطور روس معروض کردند و او تقصیرات ایلچی را تصدیق نموده به امنای در بار امپراطور روس معروض داشت و خود نیز به تفلیس رفته مراتب را به بسکویچ معلوم کرد و از آنجا به پطرز بورغ روانه شده به رفع اشتباه پرداخت و برای استرضای خاطر امنای دولت امپراطوری نواب امیرزاده خسرومیرزا فرزند حضرت مستطاب نایب السلطنه با محمدخان زنگنه امیرنظام و چند نفر دیگر به صوابدید حضرت معظم مأمور پطرز بورغ شدند سده مدر این سال میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص به نشاط از افاضل و کابر رجال این دولت در طهران مرحوم شد.

اروپا — (انگلیس و روس و عثمانی) — یونانیها به حمایت روس وضع دولتی برای خودشان تشکیل می دهند. دولت روس که از جنگ با ایران فراغت حاصل نموده اعلان جنگ به عثمانی می نماید — عساکر روس از رود دانوب عبور کرده وارنا را محاصره نموده و می گیرد — از سمت دیگر بسکویچ به طرف قارص و پوطی رانده بایزید را فتح می کند. آنهائی که از ینگیچریان باقی مانده بودند با روسها متحد می شوند — به وساطت دولتین انگلیس و فرانسه عساکر مصری به حکم سلطان از ایالت مُر یونان خارج می شوند — پانزده هزار قشون فرانسه به طرف یونان حرکت می کنند. (انگلیس) — اُکین از اهالی ارلند مردم این ایالت را بر ضد دولت انگلیس می شوراند.

### [سنة ١٢٤٥ هجري = سنة ١٨٢٩ مسيحي]

آسیا ــ (ایران) ــ در سال قبل شرح مقتول شدن گریبایدوف ایلچی روس مسطور شد در این سال ژنرال دالغورکی از جانب دولت روس به سفارت ایران و تحقیق عمل و علت قتل گریبایدوف مأمور شده به تبریز آمد. نواب علینقی میرزا ركن الدوله از مطالب دالغوركي آگاهي حاصل نموده از تبريز به دارالخلافه آمده به يحضور اعليحضرت خاقان صاحبقران فتحعلي شاه مشرف شد و مطالب دالغوركي رأ معروض داشت و معلوم شد که باید به بعضی اعمال که اسباب استرضای دولت روس شود بردازند لهذا حاجي ميرزا مسيح استرآبادي را كه در امر اجماع دخالت داشت روانهٔ عتبات عالیات فرمودند و رضاقلی بیگ نام پسَر پناهبیگ طالش را که در روز قـتـل ایـلـچـی بـا تـیـغ خونآلود دیده بودند و مصدر قتلی دیگر نیز گردیده در ميدان دارالخلافه به قتل رسانيدند و دولت روس به واسطهٔ اين دو عمل رضايت حاصل نمود ــ هم در این سال نواب احمدعلی میرزا به حکمرانی خراسان مأمور گردید \_ تبیین آنکه حسین خان سردار ایروان که به سرداری خراسان رفته بود خوانین خراسان خاصه رضاقلی خان ایلخانی زعفرانلو حاکم خبوشان که در نشابور و چناران و راد کان تسلطی بهمرسانیده بود از او تمکین نمی نمود و سردار با محتمدخان قرائى سازش كرده او را با حسنخان سارى اصلان برادر خود و ششهزار نفر بر سر نیشابور فرستاد ولی کاری از آنها ساخته نشده به مشهد مقدّس بازگشتند و مستحفظین ارک را که از اکراد بودند تغییر داده از طایفهٔ قرائی مستحفظ گذاشتند. صیدمحمدخان کلاتی نیز با محمدخان قرائی ساخته به مخالفت سردار مصتبم شدند و في الحقيقه سردار در ارك مشهد محصور شد اهالي مشهد مقدس مراتب را به حضور همایون معروض داشتند و رضاقلی خان نیز غریضه ای عرض کرده خود را خدمتگذار و محمدخان را خیانتکار قلم داد و استدعا نمود که یکی از شاهزادگان به حكمراني خراسان منصوب گردد. لهذا نواب احمدعلي ميرزا به ايالت ولايت مزبوره برقرار و میرزا موسی نایب رشتی به وزارت شاهزاده مأمور گشت، و مصطفی قلی خان عرب میش مست حاکم سابق ترشیز را که بیست سال در طهران اقامت

داشت شاهزاده با خود همراه نموده حکومت ترشیز یافت و به چناران رفتند. رضاقلی خان زعفرانلو و نجفقلی خان شادلو به حضور آمدندونیشابور را تخلیه کردند و با بسيست هزار نفر و هشت عرّاده توپ عزم استخلاص مشهد مقدس نمودند خوانين اعراب و تیموری در مزار خواجه ربیع به خدمت شتافتند و صیدمحمدخان کلاتی نیز دست از همدستی محمدخان قرائی برداشته از شهر خارج شده به خدمت شاهزاده آمد ــ بهرامخان ولد بنيادخان هزاره بيگلربيگي جام و باخزر به تاخت تر بت حیدریّه رفت، محمّدخان کار را سخت دیده شهر را خالی کرده عازم تر بت شد و شاهزاده احمدعلی میرزا در هفتم رجب به مشهد مقدّس ورود نمود، امّا مصطفى قلى خان عرب ميش مست كه به حكومت ترشيز رفته بود چون سابقة عـداوتـی با بعضی از اهالی داشت بنای بدسلوکی را گذاشت لهذا مردم شوریده او را گرفته حبس كردند و برادرش محمدتقي خان را بر خود حاكم نمودند، و حسینخان سردار و حسنخان به دارالخلافه احضار شدند، حسنخان از عرض راه از بیم مؤاخذه به عتبات عالیات رفت و حسین خان در سن نود سالگی به حکومت فریدن و چارمحال و سرداری ایل بختیاری مأمور شده پس از چندی درگذشت \_\_ هم در این سال موکب همایون به پیلاق شمیران رفته قریهٔ سوهانک مضربخیام معلی گردید و ناخوشی وبا در طهران شیوع بهمرسانید و ده هزار نفر در عرض چهل روز به این ناخوشی درگذشتند که از جمله میرزا فریدون ابن حاجی خانجان حلال خور بند پئی مازندرانی بود مشهور به میرزا خانلر و منشی الممالک دولت علیه و چون او وفات كرد ميرزا محمّدتقي على آبادي مازندراني صاحبديوان ولد ميرزا محمد زكى وزير سابق به منشى الممالكي برقرار گرديد و در ماه ربيع الثاني اين سال موكب خاقان بيهمال از ييلاق شميران به طهران معاودت فرمود ــ نيز از وقايع اين سال رسيبدن نواب خسروميرزا ابن حضرت مستطاب نايب السلطنه است به حضور امپراطور روس به جهت معذرت از قتل سفیر روس و در این سفر کارگذاران دولت روس شرایط احترامات این شاهزاده را به وجه اکمل منظور داشته و امیراطور نیز خود کمال ملاطفت را نسبت به شاهزاده مبذول داشته همیشه معزی الیه را در طرف راست خود نشانیده و با خود همغذا می نمودند و محض مزید ملاطفت از دو کرور

خسارت جنگی که باقی مانده بود یک کرور را بخشیدند و کرور دیگر را پنج سال مهلت دادند و امیرزاده محترماً مراجعت کرده در سیّم رمضان به تبریز رسیدند و مدت سفر و سفارت او ده ماه و پانزده روز بود ــ هم در این سال موکب همایون خاقانی عزیمت فارس و خوزستان و انتظام آن نواحی و سامان که خالی از اختلالی نبود نمود، و میرزا عبدالعظیم خان قزوینی به احضار عبدالرضاخان یزدی مأمور شد و میرزا یوسف لاهیجی به احضار نواب حسنعلی میرزا شجاع السلطنه به كرمان رفت و نواب اللهويردي ميرزا با دسته تفنگجي نوائي به سركردگي عبيدالمجيدخان به قمشه و سميرم روانه شد و غلامحسين خان سيهدار با تويخانه به توقف اصفهان محکوم گشت. و موکب همایون بعد از زیارت حضرت معصومه سلام الله عليها ازقم به كاشان تشريف فرما شدند و در دوازدهم جمادي الثانيه عمارت و سرچشمهٔ فین که در یکفرسنگی کاشان است مضرب خیام سلطنتی گردید و میرزا محمدتقی صاحبدیوان و منشی الممالک از کاشان روانه اصفهان شد پس از آن اردوی همایون به جانب اصفهان انتهاض فرموده در قریهٔ گز سه فرسخی شهر نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا و ملاعلی نوری از احِلَةُ حَكَمًا بِا اعيانَ اصفهانَ بَهُ حَضُورُ هُمَايُونَ مَشْرَفَ شَدَنَدُ وَ بَاغُ سَعَادَتَ آبَادُ بَه ورود مسعود مزین آمد و پس از شش روز توقّف به جانب فارس حرکت کردند و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس تا منزل شولکستان به استقبال اردوی معلّی آمد و از اقلید رخصت معاودت یافت و نواب رکن الدوله علینقی میرزا و سهراب حان گرجی روانهٔ شیبراز شدند که به تهیّهٔ ورود موکب مسعود پادشاهی پردازند. روز سيتم رجب موكب همايون به ظاهر شيراز رسيده در باغ فرمانفرما نزول اجلال فرموده و دستهجات پیاده و سواره به بلوکات به قشلاَمیشی رفتند و کل شاهزادگان و امرا و اعیان که التزام رکاب اعلی داشتند ده روز مهمان نواب حسینعلی میرزا بودند. نواب حسنعلی میرزای شجاع اُلسلطنه نیز از کرمان در رسید و محمدزکی خان نوری به وزارت او به کرمان رفت و اهالی فارس عموماً مورد الطاف خاقانی گردیدند، از جمله ميرزا محمدعلى شيرازى وزير فرمانفرما مشيرالملك لقب يافت وميرزا عـلــي اكــبـر كــلانـتر ولد حاجي ابراهيمخان اعتمادالدوله ملقب به قوام|لملك شد و

رضاقلی خان متخلص به هدایت صاحب مصنفات جلیله که در فارس در خدمت فرمانـفـرما بود به لقب خانی و خلعت امیرالشعرائی مخلع گردید ـــ بالجمله بعد از نظم فارس و چهل روز توقف در شیراز روز یازدهم شعبان موکب خاقان صاحبقران به عزم خورستان انتهاض فرموده از راه فهلیان و بهبهان به کعب و شوشتر روانه گردیدنند و در نهم رمضان به این شهر ورود نموده به ملاحظهٔ بندشایور پرداختند و روز جمعه شانزدهم عازم حوالي دزفول و رودخانه بلارود گشتند و نواب محمدحسین میرزای حشمت الدوله در منزل حسینیه به حضور مبارک مشرف شد و از آنجا به خرّم آباد تشریف فرما گردیدند و جشن نوروز سلطانی در اینجا گرفته شد، بعد از آن حرکت کرده در عشر اوّل شوّال به شهر همدان نزول اجلال فرمودند و ژنرال دالغورکی سفیر دولت روس در این بلده به حضور همایون تشرف جسته مورد مراحم کامله گردید، و نواب امیرزاده خسرومیرزا نیز در این شهر به تقبیل عتبه علیّه فاينز آمد ــ حضرت مستطاب نايب السلطنه به جهت نظم ولايت شهرزور در همدان تـوقـف فـرمـوده موكب همايون در هشتم ماه ذيقعده وارد دارالخلافه گرديد ـــ هم در این سال الله قلی خان توره اوز یک از خوارزم به اغوای خوانین خراسان تا حوالی طرُن آمده نواب احمدعلي ميرزا به صحراي الآندشت رفته، خان خوارزم خايف گشته مراجعت نمود و صیدمحمد خان کلاتی در حوالی قلعهٔ محمّدآباد به زخم گلوله درگذشت \_ هم در این سال محمدحسنخان قاجار نسقچی باشی به ناخوشی وبا وفات نمود و محمد امین خان ولد او نسقچی باشی شد ــ هم در این سال میرزا اسدالله خان نوري كشيكچي باشي به منصب لشكرنويسباشي و حكومت نور برقرار گردید.

اروپا — (انگلیس) — تدابیر وَلَنگَتُنْ مانع ترقیّات روس در مشرق زمین می باشد — أَكُنِلْ ارلندی پارلمنتی برای ارلند طلب می نماید ولی قبول نمی شود. (انگلیس و روس و عشمانی) — اشتداد طغیان یاغیان یونانی بر ضد عثمانی و فتوحات یاغیان، مابین دول انگلیس و فرانسه و روس در باب تعیین حدود یونان معاهدات بسته می شود — شهر آتن را یاغیان یونانی محاصره می نمایند — عثمانیها که مشغول

جنگ با روس هستند چندان التفاتي به شورش يونان ندارند ـــ رشيدياشا صدراعظم عشمانی سردار قشون بری عشمانی است که با دیهبیچ سردار روس در منازعه می باشد نے بسکویچ در آسیا با عساکر عثمانی می جنگد ـــ با وجوذیکه ایلچی روس در ایران مقتول شده بسکویچ از وحشت اینکه مبادا ایران مجدداً با روس شروع به جنگ کند کمال تزازل را دارد \_ شکست رشیدپاشای صدراعظم از دیه بیچ در سیلیستری ـ ملاقات امپراطور روس و پادشاه پروس در برلن ـ دیه بیچ از كوه بالخان عبور كرده به سمت اسلامبول مي راند و به ادرنه ورود مي نمايد ـــ بسکویچ ارزن الروم را فتح می کند و به طرابوزان می شتابد ــ مداخلهٔ دول فرنگ در کار عثمانی و روس و ممانعت کردن روس را از پیش آمدن به طرف اسلامبول ـــ روسها از فتوحات خود چندان فایده نبرده مگر مضب دانوب را متصرّف می شوند ـــ و مُلداوي و والاشي (افلاق بغدان) بعد از این از خود حاکم خواهند داشت ــ در سر بستان والي از خود تعيين مي كنند و در زير حمايت روس مي باشند ـــ آزادي يونان را عشماني مي شناسد. (فرانسه) - مقدمات منازعة فرانسه با الجزاير. (ايطاليا) \_ فوت لِنُون دوازدهم پاپ و جلوس بي هشتم به پاپي بهجاي او. (هلاند)... بلژیک که در تحت سلطنت هلاند است بنای شورش و مخالفت را با هلانـد مـی گـذارد. (برنـوغـال) ــ دُنْميگـِل پادشاه تازه بنای تعدّی را می گذارد و هزار و صد نـفر را پنهان و آشکا ر به قتل می رساند و پنجاه هزار نفر را جلای وطن می دهد و بیست و نه هزار نفر را حبس می کند.

# [سنة ١٢٤٦ هجري = سنة ١٨٣٠ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال فیمابین نواب محمد حسین میرزای حشمت الدّوله و نواب محمد تقی میرزای حسام السلطنه جنگ درگرفت — تبیین آنکه حشمت الدوله بعد از آنکه چندی از حکومت کرمانشاهان معزول بود اهالی آن ولایت ایشان را از در بار همایون استدعا نمودند و حشمت الدوله به حکومت کرمانشهان رفت و از آنجا که ملازمان حسام السلطنه به رعایا تعدی می نمودند اهالی خوزستان و لرستان به حشمت الدوله گرویدند و حشمت الدوله به خرّم آباد آمد و تمامی اهالی لرستان از

پشتكوه و پيشكوه و حسنوند و يوسف وند او را متابعت نمودند. حسام السلطنه با جمعى قصد تسخير كرمانشهان كرد و نواب شيخعلى ميرزا حاكم ملاير و تويسركان به جهت خصوصیتی که با حشمت الدوله داشت به فتح بروجرد آمد ولی شکست خورده فرار نمود و حسام السلطنه در خارج شهر خرّم آباد با حشمت الدوله مصاف داده منهزم شد و به بروجرد رفت و حشمت الدوله در آن صفحات کمال استقلال را بهم رسانيد. چون اين اخبار معروض حضرت خاقان صاحبقران فتحعلي شاه شد غلامحسین خان سپهدار را روانهٔ بروجرد فرمودند و او به اصلاح ذات البین کوشید \_ هم در این سال جماعتی از تراکمه تکه به اغوای اللهقلی خان خوارزمی در عرض راه ارض اقدس جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کردند و از جملهٔ اسیران مهديقلي خان جلال الدوله ولد سعادتقلي خان برادر آصف الدوله وزير لكنهو بود كه به زیارت می رفت. چون این واقعه به عرض اولیای دولت علیه رسید حاجی اسمعیل خان شامبیاتی به تدمیر تراکمه مأمور و از نواب احمدعلی میرزا مؤاخذه كردنىد و حكمى به رضاقلى خان زعفرانلو صادر شد كه مهديقلى خان را از تراكمه خریده روانه دارد رضاقلی خان مهدیقلی خان را به ده هزار تومان خریداری کرده ولی بسياري از جواهر او به غارت رفت، و از اين طرف اعليحضرت همايون لشكرها بر سّر تركمانان فرستاده فوجها از آنها [را] به راه عدم روانه نمودند ـــ هم در اين سال بهرام حان ولد بنیادخان هزاره که حاکم جام و باخرز بود به سرخس رفته در دست هزاره مقتول و محمدخان قرائي جام و باخرز را متصرّف شد ــ نيز از وقايع اين سال آنكه حسنعلى خان جوانشير كه سه سال قبل از جانب قزلباشيه كابل عريضه به حضور همایون آورده بود و از راه سند مراجعت نمود بعد از معاودت او میرمراد عملی خمان حماکم سند سه زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و عریضه مصحوب میسرزا محمدعلی نامی به دربار همایون فرستاد و نظرعلی خان نایب ایشیک آقاسی مأمور سند و حامل خلعت براى مرادعلى خان شد ــ هم در اين سال عبدالرضاخان يزدى با شفيع خان راوري وصلت نمود و شفيع خان با نواب شجاع السلطنه حاكم كرمان بناي مخالفت را گذاشت، نواب شجاع السلطنه لشكر به يزد كشيد و نواب حسام الدوله تیمور میرزا فرزند نواب حسینعلی میرزا که مأمور سرحدات فارس و در اعتمادالسلطنه

آباده بوده به امداد عمة خود آمده اعليحضرت خاقان صاحبقران نواب سيف الدوله ميرزا ولد نواب ظل السلطان را به حكومت يزد روانه فرمودند با وجود اين شجاع السلطنه دست از محاصره نكشيد وبه منازعه يرداخت و محمد كاظمخان سوادكوهمي از سبران سپاه شجاع السلطنه مقتول شد و محمدزكي خان نوري وزير شاهزاده درگذشت و مدّت محاصره به نُه ماه رسید. در این حیص و بیص حضرت مستطاب نایب السلطنه از آذر بایجان به طهران آمده به حضور همایون مشرف و به نظم يزد و كرمان مأمور شدند و حضرت معظم سابقاً از زنجان شاهزاده اعظم محمّدمیرزا (محمّدشاه) را از راه ساوه روانهٔ قم فرموده بودند. در این هنگام با وجود شدت سرمای زمستان امر اعلی را امتثال نموده به طرف یزد شتافتند عبدالرضاخان یزدی با جمیع برادران و برادرزادگان و اعیان در منزل عقدا با مُصحف و شمشیر به حضور نایب السلطنه آمده اطمینان یافتند و مورد التفات گشتند. روز عید نوروز حضرت مستطاب معظم وارد يزد گرديدند و نواب شجاع السلطنه قبل از ورود موكب والا دست از محاصره كشيده روانه كرمان شده بود. حضرت مستطاب نايب السلطنه نـواب سيف الدوله ميرزا را كـماكان به حكومت يزد گذاشته به كرمان راندند. نواب شجاع السلطنه فرزند اكبر خود هلاكوميرزا را تا دومنزلي به استقبال فرستاد و چون موکب والا نزدیک شد خود نیز به حضور آمد حضرت مستطاب معظم در خارج شهر كرمان تـوقّف فـرمـوده بــه انـتظام امور پرداختند و شجاع السلطنه را در معنى معزول ساختند. اعليحضرت همايون نواب شجاع السلطنه را احضار فرموده و حضرت مستطاب نايب السلطنه به جهت اينكه احتمال مي رفت شجاع السلطنه به واسطة محاصرهٔ يزد خائف باشد و به اختيار به دارالخلافه نرود يك فوج قراول با محمدزمانخان دولوي قاجار و دويست سوار همراه شجاع السلطنه روانه كرده شاهزاده را به احترام وارد دارالخلافه نمودند ــ همدر این سال میرحسن خان طالش که سابقاً متوسّل به روس بود و برحسب شرایط عهدنامه او را ردّکردند در هنگام فرصت در ارکوان و لنکران تسلّطی بهم رسانیده لهذا به دفع او پرداختند. حسن خان فراراً به طهران آمده در اینجا به مرض استسقا درگذشت ـ هم در این سال يلنگ توش خان برادر صيدمحمدخان كلاتي بعد از برادر با اللهقلي خان توره

خوارزمی ساخته و بعضی نقاط خراسان را تاخته عساکر نواب احمدعلی میرزا او را گرفتار کردند و او از در استکانت و صداقت درآمد و به خدمت پرداخت \_ هم در این سال موکب خاقان صاحبقران در قم به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها پرداخته پس از آن به چمن کمره تشریف فرما شدند، و شاهزادگان از اطراف به حضور مبارک آمدند بعد از انتظام امور عراق همگی مرتحص شده به ولایات خود بازگشتند \_ وفات ملاعلی نوری از اجلهٔ حکما در اصفهان.

اروپا - (انگلیس) - فقر و ناتوانی مردم و قرض زیاد دولت و کشر عمل در جمع و خرج مملکت ــ فوت ژرژ چهارم پادشاه و جلوس برادرش گیلیوم چهارم بهجای او در سنّ شصت و پنج سالگی ــ داخل شدن پالمِرشتُنْ در خدمت دیوان ــ کشیدن راه آهن مابین لیور پُل و منچستر. (اسیانیا) ــ تولّد دختری از پادشاه که مشماة به ایزابل می گردد و در حین تولد به ولیعهدی منصوب می شود و کارلیستها به این جهت شورش می نمایند. (فرانسه) \_ زمستان بسیار سخت طولانی \_ گرانی مأكولات ــ معاندت وكلا با وزراي دولت ــ شورش مردم بر ضدّ پادشاه ــ ابتداى فتوحات در الجزاير \_ فتح سيدى فَرَوْشُ أز بنادر الجزاير \_ فتح شهر الجزاير \_ مارشال شدن يُورْمُنْت سردار فرانسه به جهت اين فتح ــ فرار كردن حسين پاشا والي الجزاير به سمت ايطاليا ــ شورش سخت در بيست و هفتم و بيست و هشتم و بیست و نهم ماه ژویه در پاریس ــ منازعهٔ شهریها بر ضد پادشاه ــ میل مردم به جمهوری ــ ژنرال لافایت رئیس قشون شورشیانست ــ استعفای شارل دهم پادشاه و فرار کردن او به طرف بندر شر بورك ـــ معيّن و منصوب شدن دوك دُاُركِيَّانُ موسوم به لوی فلیپ از اقوام پادشاه به سلطنت فرانسه در سنّ پنجاه و هفت سالگی ــ فرار كردن شارل دهم از شر بورك به انگليس \_ (يونان) \_ دولت انگليس آزادى يونان را می شناسد \_ لِنُوپُلُدُ از شاهزاده های ساکس به سلطنت یونان معیّن می شود \_ شهر سامُس از عثمانی خود را منتزع ساخته جزو یونان می شود \_ (ایطالیا)\_ فوت فرانسوای اقل پادشاه و جلوس فردیناند دوتیم بهجای او ــ فوت پی هشتم پاپ که مدّتی طول می کشد تا پاپ تازه منتخب گردد ـــ (هلاند)ـــ شورش در بروکسل از شهرهای باژیک بیرون کردن قشون پادشاه هلاند را از این شهر کیلیوم پسر پادشاه هلاند با عساکر زیاد به جهت دفع شورشیان بلژیک به بروکسل می آید به اجماع اهالی بلژیک بر ضد هلاند بینجاه هزار نفر قشون فرانسه که در سرحد بلژیک است از شورشیان حمایت می کند و سلطنت مشروطه در بلژیک برقرار می گردد بدون تعیین پادشاه. (روس) بروز وبای سخت در این مملکت که از ایران به اینجا سرایت کرده است یعنی از تفلیس و از راه قفقاز و حاجی ترخان و ساراتو به مسکو آمده و جمعیت زیادی را هلاک می سازد به شورش در لهستان و خارج شدن گراندوك قسطنطین مجبوراً از این مملکت کلیکی نام که از صاحب میسان بر ضد روس حاضِر می گردند. (عثمانی) به میلش نام در سربستان از لهستان بر ضد روس حاضِر می گردند. (عثمانی) به میلش نام در سربستان از طرف اهالی به والیگری منصوب می شود.

# [سنة ١٢٤٧ هجري = سنة ١٨٣١ مسيحي]

آسیا - (ایران) - موکب اعلیحصرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه در غرهٔ محرّم این سال به چمن قهیز ورود فرمود و عبدالله خان امین الدوله به تفریغ محاسبهٔ فارس روانه شد ولی در قمشه به نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس رسیده لهذا بازگشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا را به ازای خدماتی که کرده بودند به اعطای یک قطعه شمشیر جواهرنشان مباهی و از کرمان احضار فرمودند و موکب همایون به چمن سنگباران تشریف فرما شد و این چمن را گلباران نام دادند و ارغون میرزا ولد نواب حسنعلی میرزا شجاع السلطنه که در سبزوار به خودسری حکومت می کرد و از نواب احمدعلی میرزا تمکین نمی نمود چون اهالی سبزوار بر وی شوریدند از راه بیابان جندق به اردوی همایون آمده به توسط عم خود شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما معفو گردید - هم در این سال در شب شش شهر صفرالمظفر حضرت بخشندهٔ بی منت نواب مستطاب شاهزادهٔ اعظم محمدمیرزا محمدشاه) را فرزندی ارجمند عنایت فرموده نام نامی آن حضرت را ناصرالدین

ميرزا نهادند (اعليحضرت همايون ناصرالدينشاه خلدالله ملكه و سلطانه) \_ هم در ایـن اوان مـوکب خاقانی به سرچشمهٔ آب زایندهرود و آب گُـرَن تشریف بردند و از آنجا بـه قریهٔ دهکُرد چارمحال نزول اجلال فرمودند. و از آنجا که مقصود ازاحضار حضرت مستطاب نايب السلطنه وليعهد از كرمان نظم خراسان بود حضرت معظم خـسرومیرزا فرزند خود را با یوسفخان گرجی امیر توپخانه به توقّف کرمان مأمور و سلیمانخان سرهنگ را با فوج شقاقی به یزد فرستادند که نزد امیرزاده سیفالدوله میبرزا اقامت نماید و خود با شش عرّاده توپ و سه فوج نظام راه اردوی همایون را پیش گرفتند و در منزل قمشه محمدحسنخان دولو سالار بار به حضور حضرت مستطاب معظّم مشرّف شده شمشیر جواهرنشان مسطور در فوق را تقدیم نمود، و روز غرهٔ ربیع الشانی در قریهٔ دهکُرد به حضور همایون تشرّف جستند، و پس از بذل عواطف و مكارم شاهانه كه از جمله جامي از زر ناب بود فرمان اختيار ممالك شرقی متعلقهٔ به دولت ایران را طولاً تا رود جیحون و عرضاً تا آب اترک به اسم حـضـرت مـستطاب نایبالسلطنه ولیعهد نوشته شد و مقرّر گردید که از راه سمنان و دامغـان روانـهٔ خـراسـان شـوند و ربقهٔ انقیاد کامل بر رقبهٔ خوانین آن سامان نهند و كـلـيــة آن نــواحــى را نظمى شايان دهند و پنجاه هزار تومان مخارج سفر به حضرت مستطاب معظم مبذول شد و چون نواب امیرزاده فریدون میرزا ابن حضرت مستطاب نايب السلطنه از جانب پدر والاگهر نيابت آذر بايجان داشت محمدخان زنگنه امیرنظام به خدمت نواب امیرزادهٔ معزی الیه و امارت آذر بایجان مأمور شد، و میرزا اسحق نبیرهٔ میرزابزرگ قایم مقام به وزارت آذر بایجان برقرار گردید، و ولایت كرمان به سيف الملوك ميرزا فرزند نواب ظل السلطان مفوض گشت، و قرار دادند امیرزاده خسرومیرزا بـا یـوسـف خان امیر توپخانه از راه بیابان به تون و طبس و قاينات رفته از آنجا به اردوي حضرت مستطاب نايب السلطنه ملحق شوند، و عملی خان پسَر عبدالرضاخان یزدی که به رسم گروگان در رکاب حضرت مستطاب معظم بود به آذر بایجان فرستاده شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با حصول اجازه از آستان مبارک به اصفهان تشریف آورده بعد از سه روز توقف از راه کاشان به ورامین طهران آمده راه خراسان پیش گرفتند و شرح آن بیاید ــ هم در این اوان

موكب همايون تشريف فرماي اصفهان شد و عبدالرضاحان يزدي و شفيع خان راوري هنگام حرکت امیرزاده خسرومیرزا به بافق و راور گریختند یوسفخان گرجی و سلیمانخان گیلانی به حکم حضرت مستطاب نایبالسلطنه بافق را گرفتند و شفیع خان دستگیر شده او را به اردبیل بردند ولی عبدالرضاخان از بافق به جانب طبس فرار كرد ــ هم در اين سال دويست هزار تومان به رعاياي فارس تخفيف دادنید و موکب همایون از راه نطنز و جوشقان و نراق عزیمت طهران فرمود ـــ هم در این سال طاعون شدید در مازندران و گیلان بروز کرده خلقی را بکشت ــ اتما موكب حضرت مستطاب نايب السلطنه كه به طرف خراسان انتهاض نموده بود در راه عساکر سمنانی و دامغانی و اوصائلو و مازندرانی به رکاب والا پیوستند و بعد از ورود به سبزوار نواب قهرمان ميرزا فرزند خود را حكمراني اين ولايت دادند و محمدرضاخان فراهاني به وزارت او برقرار گردید و چون موکب والا به حوالي سلطان میدان رسید ناچار رضاقلی خان زعفرانلو حاکم خبوشان سلطان میدان را به تـصـرّف داد و قـلعهٔ ميان ولايت را هم خالي كرده، حضرت مستطاب والا حكومت میـان ولایـت را بـر عـهـدهٔ میـرزا مـوسـی نـایب گیلانی موکول داشتند و به جانب ارض اقدس حرکت کردند و محمدزمان خان قاجار دوآو را به نیابت در نیشابور گذاشتند. پلنگ توشخان کلاتی جلایر به رکاب والا آمده به سفارت خوارزم مأمور شد و نواب احمدعلی میرزا روانهٔ دارالخلافه گردید و امیرزاده خسرومیرزا از راه بسیابان به طبس آمده با امیر علینقی خان وکیل طبس مأمور ترشیز و تصرف قلعه سلطان آباد گردید و آن قلعه را به ضرب توپ مسخّر کرد و جعفرقلی خان ترشیزی امان یافت و علی اصغرخان بسطامی به حراست قلعه رفت، و حاجی فیروزالدین افغان که بعد از اغتشاش کار خود به ترشیز آمده بود در این ایّام مقتول شد، و امیبرزاده خسرومیرزا مصطفی قلی خان ترشیزی و برادران او را به ارض اقدس آورده به التفات حضرت مستطاب نايب السلطنه نايل گشتند ــ هم در اين اوان بديع الزمان ميرزا ولد نواب محمدقلي ميرزاي ملك آرا به خدمت حضرت مستطاب نايب السلطنه مأمور شد و جان مكدانُ لد كنير سفير انگليس در تبريز درگذشت و مستر كمبل صاحب بهجاي او مأمور تبريز شد ــ هم در اين اوان شاهمرادبيك

مشهور به میرراونددز از اکراد کردستان که حکومت کوی و حریر داشت به بلوک ساوجبلاغ مکری دست انداری کرده لهذا لشکری به تدمیر او مأمور شد و او را مقهور و منهزم نسودند ــ هم در این سال باز در میان محمدحسین میرزای حشمت الدوله و محمدتقي ميرزاي حسام السلطنه خلاف و جنگ درگرفت و حسام السلطنيه بيه منازعه مبادرت نموده به اشتعال نايرهٔ قتال پرداختند و لشكر كرمانشهان حسام السلطنه را شكست داده به بروجرد رفت و حشمت الدوله بروجرد را محاصره نمود و غلامحسين خان سپهدار از در بار همايون به رفع اين غايله مأمور گردیده حشمت الدوله به کرمانشهان بازگشت و بروجرد را سپهدار ضبط کرده حسام السلطنه با فرزندان خود به حضور همايون آمده چهار ماه التفاتي نديده بعد از آن معفو و روانه بروجرد گردید ــ هم در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب امیرزاده طهماسب میرزا ابن دولتشاه را با چهار هزار پیاده و سوار آذر بایجان به خراسان احضار فرمودند ــ هم در این سال امیر اسدالله خان عرب خریمه حاکم قاینات در حضرت مستطاب نایب السلطه از عبدالرضانان یزدی که از بافق گریخته بود شفاعت کرده و حضرت معظم او را معفو فرمودند و محمدخان قرائی نیز به خدمت حضرت والا آمده مورّد التفات شدُّ و موكّب والا عزيمت خبوشان فرمود و رضاقـلـى خـان زعـفـرانلو حاكم خبوشان ميرزا ابوالقاسم قايم مقام را در حضرت والا شفیع قرار داد ولی این شفاعت آن عزیمت را مانع نیامد \_ وفات حاجی محمدحسن نائینی از مشایخ عرفا در نود و شش سالگی \_ وفات محمدمهدی خان مازندرانی متخلص به شحنه که در چهار باغ جدید در اصفهان در مقبرهٔ ملامحمد سراب که از اجداد أتمی او بود مدفون گردید.

اروپا \_ بروز وبا در انگلیس و آلمان. (بلژیک) \_ در این مملکت سه نفر را برای سلطنت انتخاب می نمایند: یکی دوک دُنِمُورْ پسَر پادشاه فرانسه \_ دیگری دوک دُنِمُورْ پسَر پادشاه فرانسه \_ دیگری دوک دُنِمُورْ پسَر پادشاه فرانسه \_ از این دوک دُلُشتَنْ بِرْگ پسَر اُرُنْ ربیب ناپلیون \_ سیّمی لِئو پلد والی ساکس \_ از این سه نفر سیّمی قبول می شود و موسوم به لئو پلد اوّل می گردد \_ هلاندیها حمله به

بالريك مى نمايند ولى پنجاه هزار نفر قشون فرانسه به كمك اهالي باريك هلانديها را عقب مي نشاند. (ايطاليا) ــ انتخاب گيرگوار شانزدهم به يايي ــ شورش و انقلاب در بعضی از شهرهای ایطالیا ــ جلوس شارل آلبزت در پیئن. (برتوغال) \_ منازعهٔ يرتوغال با فرانسه و انگليس \_ اميرال فرانسه سفاين يرتوغال را در دهنهٔ رودخانهٔ تاژکه از پایشخت یعنی از لیزبُنْ میگذرد حبس میکند ـــ دُنْ پِيدْرُ بِادشاه برزيل برادر پادشاه پرتوغال سلطنت برزيل را به اسم پسرش دُنْ پيدْرُ دوتیم نیموده خود به داعیهٔ سلطنت پرتوغال به خاک فرنگ می آید ـــ فرانسه و انگلیس با دُنْ پیدر مساعد می باشند. (فرانسه) - شورش سخت در لیون - انقلاب و آشوب در پاریس - جمعیت فرانسه در این سال شصت و پنج کرور می باشد. (بونان) \_ به واسطهٔ عدم تعیین پادشاه رؤسای جمهوری با یکدیگر مخالفت دارند. (روس) ــ منازعهٔ سخت لهستانی با روس ــ مأمور شدن دیه بیچ سردار روس به لهستان ـــ بروز وبا در لهستان ـــ دیهبیج که نزدیک بود به فتح و نصرت نایل گردد از ناخوشی وبا می میرد ـ گراندوک قسطنطین هم از همین ناخوشی در لیتُـوانی وفیات می نماید ــ بسکویچ به حکومت و سرداری لهستان مأمور و برقرار می گردد و این مملکت را فتح می نماید ـ فراریان لهستان به خاک روس پناه می برند. (عثمانی) \_ قوانین جدیده که سلطان محمودخان ایجاد می کند پسند اهالی نیست و بـدیــن واسطه خانه های اسلامبول را در خفا آتش می زنند ـــ در بغداد طاعون و وبا یکمرتبه بروز می کند \_ محمدعلی پاشای مصری مصمم تصرف شام است.

## [سنة ١٢٤٨ هجري = سنة ١٨٣٢ مسيحي]

آسیا – (ایران) – در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا نواب خسرومیرزا را نیابت ارض اقدس داده به عزم هرات به اولنگ یاقوتی آمده و از آنجا به چناران تشریف بردند و امیرآباد را که حصنی حصین بود و سیصد نفر شمخالچی زعفرانلو آن را حراست می نمود به حکم حضرت معظم عساکر منصوره به قهر و غلبه گرفتند و یوسف خان امیر توپخانه که مردی دلیر بود در این واقعه مقتول شد و

كريم خان زعفرانلو برادرزادهٔ ممشخان كرد چناراني حكومت اميرآباد يافت و چون این فتح به عرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسید یانزده هزار تومان وينجاه دست خلعت مصحوب حسنخان سالاربار براي حضرت مستطاب نايب السلطنه فرستادند و شاهزاده ملك قاسم ميرزا كه از آذر بايجان به طهران آمده بـود نـيـز به خدمت حضرت مستطاب معظم روانه شد، و پنج هزار نفر قشون نيز روانهٔ خراسان شدند که ممد تسخیر خبوشان باشند. رضاقلی خان ایلخانی زعفرانلو مشوّش شده اهالی قلاع را در شهر خبوشان جمع کرد و حسینقلی خان پسَر خود را با هزار سوار و شمخالچی در قلعهٔ شپروان ده فرسنگی خبوشان جای داد. نجفقلی خان شادلو در ظاهر به موافقت ایلخانی و در باطن به قصد خدمت دولت جعفرقلی خان پسّر خود را که داماد ایلخانی بود با هزار نفر شمخالچی از شادلو به خبوشان آورد و برج و بـاره و دروازه های شهر را به ایشان سپرد. حضرت مستطاب نایب السلطنه از امیىرآباد حرکت کرده با امیرزادگان وارد طاس تپه دو فرسنگی خبوشان گردیدند و نجفقلي خان حسب الوعده به ركاب والا آمد \_ هم در اين اوان عريضة كامران ميرزا ويارمحمدخان افغان به حضور حضرت مستطاب نايب السلطنه رسيده مضمون اینکه: اگر منظور اتلاف رضاقلی خان ایلخانی است ما از او امداد خواهیم کرد و اگر مقصود اصلاح است بدان اقدام نمائیم. حضرت مستطاب معظم جوابی به مقتضای صلاح حال به فرستاده داده و او بازگشت ـ هم در این اوان پلنگ توشخان جلایر کلاتی از کلات و ریش سفیدان سالور از سرخس به رکاب والا آمده آنها را به مشهد مقدس روانه نمودند و حکمی در نگاهداری آنها به اميرزاده خسروميرزا صادر شد. بالجمله رضاقلي خان به قلعه داري پرداخت و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از ترتیب سپاه و تمهید مقدّمات قلعه گیری به عساكر منصوره حكم به يورش فرمودند. توپچيان مشغول شليك گشتند، هنگامهٔ سختی درگرفت و کار به رضاقلیخان تنگ شد، ناچار وسایط برانگیخت، و آخرالامر اطمینان یافته شمشیر به گردن به اردوی والا آمد و قراول برای محافظت او معيّن شد و خبوشان به تصرّف عساكر نصرت نشان درآمد و ذخاير حربيّه رضاقلی خان را تصاحب نمودند و سامخان پسر رضاقلی خان ایلخانی شد و

نورمحمدخان برادر اللهيارخان آصف الدوله به حكومت آن حدود برقرار گرديد و صادقخان نام برادر بگلرخان که در اردو بود و کاغذی به رضاقلی خان نوشته و او را به شبیخون به اردو تحریک کرده پس از بروز نوشته مقتول شد و جسد او را به در خيمة رضاقلي خان انداختند و چون حضرت مستطاب نايب السلطنه باطنأ قصد تبصرّف سرخس را داشتند قشون رکابی و افواج آذر بایجانی را ظاهراً مرخّص فرموده حکم شد از راه نیشابور به ولایت جام رفته در آق.در بند جمع باشند و موکب والا در دویم جمادی الاولی به ارض اقدس ورود نمودند و رضاقلی خان در ارک مشهد مقدّس محبوس شد و موکب والا در دوازدهم ماه مزبور حرکت کرده در شانزدهم به آق در بـند رسیدند و دسته جات لشکر از اطراف به اردوی والا پیوستند و در بیست و دویـم جمادیالاولی در سرخس نزول فرمودند و قلعهٔ سرخس را نیز به قهر بگرفتند و بــــياري مقتول شده سه هزار خانوار از تراكمه را به ارض اقدس بردند و غلاّت قلعهٔ سرخس را به ارض اقدس حمل نمودند و چندین هزار نفر اسرای شیعه مستخلص گردیدند. پس از آن موکب والا در اواخر ماه رجب به محمودآباد جام که در تصرف محمدخان قرائي بود آمد و فوراً اين ناحيه را مسخّر كردند و حكومت جام و باخزر را به ابراهیم خان حاکم سابق هزاره دادند پس از آن سایر قلاع محمدخان را متصرّف شـده محمّدخان مقیّد و برادران او دستگیر آمدند و حکومت ولایات تر بت و برشن و كدكن و محولات و سرجام برعهدهٔ سهرابخان گرجي موكول شد و زمام اختيار كار ابراهيمخان هزاره را نيز احتياطاً بهدست او دادند. مصطفى خان سمناني و حسنخان سالاربار روانة دارالخلافه شدند و موكب والا عزيمت ارض اقدس نمود و محمدخان قرائي با رضاقلي خان زعفرانلو دريك محبس محبوس شدند ... هم در این اوان حضرت مستطاب نایب السلطنه با یارمحمدخان امين الدوله وزير كامران ميرزاي افغان جاكم هرات در باب تبعيت كامران ميرزا به دولت عليه و الحاق ايالت هرات به ممالك محروسه گفتگوها فرمودند و فرستادهٔ محمدعلی خان خوقندی که بر کاشغر و ختا استیلا یافته به حضور حضرت معظم آمده مورد تفقدات گردید ــ هم در این اوان برحسب استدعاى حضرت مستطاب نايب السلطنه اعليحضرت همايون خلعت ايالت خراسان

را برای نواب شاهزادهٔ اعظم محمدمیرزا (محمدشاه) فرستادند و میرزا موسی نایب رشنسی به وزارت شاهزادهٔ معظم برقرار و میرزا صادق نبیرهٔ میرزا بزرگ قایم مقام به وزارت جزئيات و معاملات مقرّر گرديد و شش فوج سرباز از مشهد و سبزوار و نیشابور و ترشیز گرفتند و خانزاده های خراسان به صاحبمنصبی آنها منصوب شدند و چهارهزار سوار از ایلات کرد و ترک خراسان به ملازمت معین گشتند و میرزا موسى خان برادر كهتر ميرزا ابوالقاسم قايم مقام ناظم كل معاملات سركار فيض آثار حضرت رضوی سلام الله علیه گردید و بدینوضع کل امور خراسان را حضرت مستطاب نايب السلطنه منظم فرمودند \_ نيز از وقايع اين سال آنكه محمدعلي خان ايـلخاني ايلات فارس به واسطهٔ سعايتي كه ميرزا محمّدعلي مشيرالملك وزير فارس از او در خدمت نواب حسیشعلی میرزای فرمانفرما نموده بود خایف گردیده در هنگامی که نواب شاهزاده به بندر بوشهر رفته بودند ایلخانی ایلات خود را که پنجاه هزار خانوار بودند به جانب کرمان حرکت داد و میرزا محمّدحسین وکیل حاکم فسا و دارابجرد نیز با آنها موافقت نمود، نواب فرمانفرما شیخ عبدالرسولخان دریابیگی را برداشته به شیراز آمدند که به اصلاح اینکار پردازند و از آنطرف امیرزاده سيـف الملوك ميرزا ابن ظل السلطان حاكم كرمان ايلات را به حوالي كرمان منزل و مرتع داد و ميرزا محمدحسين وكيل و ميرزا قاسم خان خلج داماد ايلخاني عریـضـه ای از ایلخانی به خراسان به حضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بردند و نـواب فرمانفرما شیخ عبدالرسولخان را مرخّص و روانهٔ بندر بوشهر کردند که خود به جهت برگردانیدن ایلات به جانب کرمان روند و شیخ عبدالرسولخان چون سالم خمان حماكم برازجان را در سنوات قبل به قتل رسانيده بود و اهالي دشتستان كـمـال عـداوت را بـا او داشـتند و از خوف فرمانفرما اقدام به خلاف نمي كردند در ایـن مـوقـع کـه نـواب فـرمـانفرما عزیمت کرمان کرده و مآل سفر معلوم نبود وقت به دست آورده شیخ عبدالرسولخان که به دالکی رسید دور او را گرفته به جنگ و زد و خورد مشغول گشتند و او را به ضرب گلوله کشتند و اموال او را غارت کردند. بـالـجمله نواب فرمانفرما با جمعيتي به طرف كرمان راندند و در ورود به شهربابك همشيرهٔ ايشان كه زوجهٔ مرحوم ابراهيم خان عمزاده حاكم سابق كرمان بود و در

شهر بابک توقف داشت نواب فرمانفرما را به شهر دعوت کرد واین شهر را متصرف شدند و شیخ الاسلام فارس را به طلب ایلخانی فرستادند. ایلخانی به خدمت فرمانفرما آمد ولي ایلات را سیف الملوک میرزا نگاهداری نموده نفرستاد و از آنجا که اهالی کرمان نیز از سوءسلوک سیف الملوک میرزا شاکی بودند یکروز که به شکار رفته بود با تقویت باطنی نواب فرمانفرما عضر که مراجعت نمود او را به شهر كرمان راه ندادند و كار سيف الملوك ميرزا منجر به رفتن يزد شد و ايلات فارس متابعیت کرده به این مملکت یعنی به فارس رفتند و نواب فرمانفرما به استخلاص قىلىمة كرمان رفتند. علينقى خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانى از تصرّف دادن شهر ابا نمود نواب والا قلعه را محاصره كرده بگرفتند و ارغون ميرزا ابن نواب شمجاع المسلطنه كه شاهزاده اي دلير بود با مصطفى قلى خان برادر ايلخاني فارس در ایـن واقعه مقتول گشتند و پس از آنکه نواب فرمانفرما قلعهٔ کرمان را مفتوح ساختند اصلاً از علینقی خان مؤاخذتی ننموده او را و عیال سیف الملوک میرزا را که صبیّهٔ محترمة حضرت مستطاب نايب السلطنع بؤد باكمال احترام روانة يزد فرمودند ونواب هلاكوميرزا فرزند اكبر نواب شجاع السلطنه را با پيشكاري ميرزاحسن نظام العلماء به حکمرانی کرمان گذاشته معاودت به فارس نمودند و حضرت مستطاب نایب السلطنه سیفالملوک میرزا و سیفالدوله میرزا را از یزد و کرمان به طهران مأمور نمودند و نواب قهرمان میرزا فرزند خود را به پیشکاری محمدرضاخان فراهانی به حکومت یزد فرستادند ــ هم در این اوان میرزا ابراهیم مسیحی برادر مهتر منوچهرخان گرجی از جانب ژنرال بارون رازن حکمران گرجستان به دربار همایون آمد و در مراجعت او میرزا محمدمهدی ابن محمدزکی خان سردار نوری به سفارت تفلیس مأمور شد ... نیمز گراف سیماناویچ وزیر مختار روس به در بار معلّی آمده بعد از تبلیغ مطالب با اعزاز تسمام مراجعت كرد و ميرزا الكساندر مترجم او به خراسان رفت كه به حضور حبضرت مستطاب نایب السلطنه مشرف شود و هدیه و نامهٔ امپراطور را برساند ـــ هم در این اوان اسرای سرخس را که پنج هزار نفر بودند به توسط اللهقلی خان تورهٔ خوارزمي حضرت مستطاب نايب السطنه مرخص فرمودند و در موقعي كه موكب والا عازم هرات بود به دارالخلافه احضار شدند ... هم در این سال غلا در اغلب بلاد

ایران اسباب مشقّت اهالی بود.

اروبا — دول فرانسه و انگلیس و روس أنهن پسر پادشاه باویر را به سلطنت یونان تعیین می کنند. (بلژیک) — مزاوجت پادشاه تازهٔ بلژیک با دختر لوی فلیپ پادشاه فرانسه. (انگلیس) — عزل وَلَنگتُنْ از صدارت و نصب کُردگرئی بهجای او. (اسپانیا) — ناخوشی سخت پادشاه و واگذار کردن سلطنت را به زوجهٔ خود. فرانسه) — طغیان وبا در این مملکت — فوت دوک دُریشتاد پسر ناپلیون اول در شومبرون نزدیکی وینه — فتح بعضی بلاد در الجزایر. (پرتوغال) — غلبهٔ دُنْپیدر بر برادر خود و حمایت کردن انگلیس از دُنْپیدر و بای سخت در پرتوغال. (روس) — غلبهٔ کلّی روس در ورشو و ملقب شدن بسکویچ به لقب پرنس دُ ورشو. (روس) — غلبهٔ کلّی روس در ورشو و ملقب شدن بسکویچ به لقب پرنس دُ ورشو. (عشمانی) — ابراهیم پاشا ابن محمدعلی پاشای مصری شام را فتح کرده عکّا را (عشمانی) — ابراهیم پاشا ابن محمدعلی پاشای مصری شام را فتح کرده عکّا را می گیرد و چهنص و انطاکیه را نیز متصرّف می شود و به قُیه تاخته رشیدپاشای صدراعظم را شکست داده او را امیر می کنه و به طرف اسلامبول می راند.

امریکا ـــ (اتائونی) ـــ وبای سخت که از اروپا به امریکا رفته بود.

# [سنهٔ ۱۲۶۹ هجری = سنهٔ ۱۸۳۳ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد عباس میرزا که به در بار همایون احضار شده بودند نواب شاهزادهٔ اعظم محمدمیرزا (محمدشاه) والی خراسان را در این مملکت گذاشته میرزا موسی نایب رشتی را یا پانزده هزار سواره و پیاده به خدمات و اوامر ایشان مأمور و محکوم نموده خود راه دارالخلافه پیش گرفتند. میرزا ابوالقاسم قایم مقام و رضاقلی خان گرد زعفرانلو و محمدخان قرائی و عبدالرضاخان یزدی و محمدتقی خان حاکم ترشیز و مهدیقلی خان برادر محمدخان قرائی و جعفرقلی خان ولد نجفقلی خان شادلو ملتزم رکاب والا بودند و روز بیست و پنجم محرم به دارالخلافه ورود نمودند و برحسب امر اعلیحضرت روز بیست و پنجم محرم به دارالخلافه ورود نمودند و برحسب امر اعلیحضرت ما محمد محرم به دارالخلافه ورود نمودند و برحسب امر اعلیحضرت و بنجم محرم به دارالخلافه ورود نمودند و برحسب امر اعلیحضرت و بنجم محرم به دارالخلافه ورود نمودند و برحسب امر اعلیحضرت و بنجم محمد و زرا و شاهزادگان با توپخانه و زنبور کخانه و غیره تا

اعتماد السلطنه

دو فرسخی حضرت معظم را استقبال کردند، پس از ادراک حضور خاقانی مرحمتي زياده ازحد دربارهٔ حضرت مستطاب نايب السلطنه مبذول شد و چون اعليحضرت همايون در باغ نگارستان اقامت داشتند برج نوش براى منزل حضرت معظم مقرر گردید و رضاقلی خان و محمّدخان را در ارک محفوظ داشتند و عبدالرضاخان يزدي را در فراشخانه خارج ارک متوقف ساختند و چون نسبت به شاهزاده محمدولي ميرزا والي سابق يزد خلاف كرده بود به دست كسان شاهزاده به سزای خود رسید و در این اوان باز ایالت یزد با سیف الدوله میرزا شد و نواب قهرمان میرزا و محمدرضاخان فراهانی مأمور خراسان شدند. محمدتقی خان عرب ميش مست مرخمص و ملتزم ركاب حضرت مستطاب نايب السلطنه شد و رضاقلمی خان گرد و محمدخان قرائی را روانهٔ تبریز کردند رضاقلی خان در میانج درگذشت و محمّدخان در تبریز محبوس شد. نواب خسرومیرزا از تبریز آمده و با بعضى از افواج بهخراسان رفت محمد حسين خان زنگنه ايشيك آقاسي باشي حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا بابای طبیب تبریزی حکیمباشی خاصه به سـفـارت روس و انگلیس مأمور و روانهٔ تبریز شده که در آنجا تهیّهٔ خود را دیده بـه محل مأموريت خود روى نمايند \_ هم در اين اوان نواب محمدقلي ميرزاي ملك آرا و محمدتهي ميرزاي حسام السلطنه و محمدحسين ميرزاي حشمت الدوله به واسطهٔ بروز طاعون از ولايات خود به دارالخلافه آمدند و ميرزا محمدتقي علمي آبادي صاحب يوان از انشاء ممالک معزول و ميرزا محمدتقي نوائي ابن ميرزا رضاقـلي نوائي وزير سابق منشي الممالک شد ــ هم در اين ايّام حضرت مستطاب نايب السلطنه با اجازة همايون عزم بازگشت خراسان فرموده در نوردهم ربيع الاول حرکت کردنـد و خاقان صاحبقران را تب نوبه عارض شده و به استعمال گنه گنه رفع شد ـ هم در این اوان نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه به کرمان بازگشت و حضرت مستطاب نایبالسلطنه ده روز در چمن کالپوش توقّف کرده تا بعضی از عــــاکـر و مـلــتـزمين رکاب والا به اردوی معلّی پيوسته آنگاه انتهاض فرمودند و در بسطام مجدداً شاهزادهٔ اعظم محمدمیرزا (محمدشاه) را مأمور هرات نمودند و نواب خـــــروميرزا با افواج و توپخانه ملتزم ركاب نواب معظم گرديد و نجفقليخان شادلو

و امیرعلینقی خان عرب و امیر اسدالله خان در عرض راه هرات به اردوی شاهزادهٔ اعظم پیوستند و میرزا موسی نایب رشتی نیز با یانزده هزار قشون در خدمت نواب مستطاب شاهزاده روانة هرات شد وحضرت مستطاب نايب السلطنه بعد از حركت فرزند اکرم بزرگوار از ارض فیض آثار در اوایل جمادی الاولی از حبوشان به مشهد مقدس آمدند و سواره و پیاده که ملتزم رکاب آن حضرت بودند همراه قایم مقام مأمور شدنـد كه از دنبال نواب شاهزادهٔ بااحتشام روانهٔ هرات گردند ـــ كوسويه و غوریان که در دست گماشتگان یارمحمدخان وزیر کامران افغان بود و یارمحمدخان در ارض اقدس دستگیر، چون اردوی شاهزادهٔ معظم بدین نواحی رسید کوسویه را به یـورش گـرفتند و متوجّه غوریان شدند. کامران میرزا والی هرات با ينجهزار نفر به استقبال عساكر منصوره آمد و در يل نقره سه فرسخي هرات فئتين تلاقی کرده در اوّل حمله افاغنه مقهور گردیده به هرات گریختند و اردوی والا به نیم فرسخی هرات نزول نمود و قایم مقام در حین عبور دوهزار نفر به محاصرهٔ غوریان گـذاشته و خود به حضور نواب شاهزادهٔ اعظم آمد، و کامران میرزا بار دیگر لشکری جرّار به مقاتلت و مقابلت سیاه منصور فرستاده این دفعه نیز مغلوب و منکوب شده فرار کردند مقارن این احوال قلوب اهل مملکت گرفتار فزع و اهوال گردید ــ تبیین آنکه سابقاً حضرت مستطاب نایب السلطنه را ورم کلیه ای عارض و رفع شده بود در هننگام حرکت و معاودت به خراسان آن ناخوشی عود کرده و اطبای مخصوص که همیشه ملتزم رکاب آن حضرت بودند در اینوقت عقب مانده بنابراین بیماری اشتداد بهمرسانید و منجر به اسهال کبد شد. حضرت مستطاب شاهزاده مملکت ستان نبایب السلطنه و ولیعهد دولت علیّه ایران عباس میرزا که از بزرگی عرصهٔ جهان بر او تنگ بود پس از وصایا و بیانات متقنه شب پنجشنبه دهم ماه جمادی الثانیه راه غرفات جنان پیش گرفت و در روضهٔ مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحیّة و الثناء مدفون گردید:

دردل خاکش نهان کردند ومی گفت آسمان

از سَـر رشک و حسد یا لیتنی کنتُ تراب

مــدّت عــمــر شريف حضرت شاهزادهٔ مرحوم طاب ثراه چهل و هفت سال و

اولاد ذكور ایشان بیست و شش نفر و اناث بیست و یک نفر و اسامی پسران باعز و شأن حضرت شاهزاده از این قرار است:

نواب شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا (محمدشاه) ... نواب بهرام میرزا معزالدوله ... نواب جهانگیر میرزا ... نواب بهمن میرزا ... نواب فریدون میرزا ... نواب اسکندر میرزا ... نواب خسرو میرزا ... نواب قهرمان میرزا ... نواب اردشیر میرزا رکن الدوله ... نواب احمد میرزا ... نواب سلطان مراد میرزا (حاجی حسام السلطنه) ... نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) ... نواب فیروز میرزا (فرمانفرما) ... نواب منوچهر میرزا ... نواب جعفرقلی میرزا ... نواب لطف الله میرزا ... نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) ... نواب مصطفی قلی میرزا ... نواب خانلر میرزا (احتشام الدوله) ... نواب عبدالله میرزا ... نواب مهدیقلی میرزا ... نواب ایلدرم بایزید میرزا ... نواب نواب عبدالله میرزا ... نواب محمد کریم میرزا ... نواب جعفرخان.

مآثر معظمه حضرت وليعهد رضوان جايگاه از ابنية معتبره مثل قلعة عباس آباد در كنار رود ارس و خاك نخجوان، و قلعة اردبيل، و قلعة تبريز، و قلعة خوى، و قلعة كوردشت در كنار ارس و كنار قراجه داغ و غيرها. و عزم و جزم و نشر عدل و انصاف و لشكركشى و مملكت ستانى و قوانين كشوردارى و بزرگى و بزرگوارى و ملاطفت با رعايا و برايا و مخصوصاً ترتيب نظام جديد و اشاعة صنايع خاصه صنعت انطباع و غيره چندانست كه فى الحقيقه كتابى جداگانه بايد تا وفا به نگارش آن نمايد و نعم ماقال:

ماهز عطفیه بین البیض و الاسل مثل الخلیفة عباس بن فتحعلی بالجمله این خبر وحشت اثر را میرزا علینقی رکن ملازم اللهیارخان آصف الدوله به دارالخلافه رساند و کسی را یارا نبود که به عرض حضور همایون رساند تا دو تن از شاهزادگان خوردسال لب به این مقال محنت اشتمال گشودند و انتشار این رزیت نه تنها خاقان کشورستان و خانوادهٔ سلطنت را سوگوار کرد بلکه عموم اهل ایران قرین تحسر و ملال و دوچار تأشف و کلال گردیدند و به تعزیت و فاتحه خوانی پرداختند. و از آن طرف نواب شاهزادهٔ اعظم محمدمیرزا برحسب فاتحه خوانی پرداختند.

مصلحت وقت بـا كـامران ميرزاي افغان گفتگوي صلحي كرده با قلبي محزون و خـاطـری انـدوهگین از رود هرات حرکت نمودند و در منزل کوسویه دویست خانوار سكنـهٔ آنجا را كوچانيده به امير اسدالله خان عرب حاكم قاينات سپردند و خوانين عرب را مرخّص فرموده در رباط کافرقلعه نیز دسته جات سواره رکابی را رخصت دادنـد و در اواخـر جـمـادى الثانيه وارد مشهد مقدس شدند و به عزادارى يرداختند و پس از چندی نجفقلی خان شادلو با فرستادهٔ کامران میرزای افغان به حضور والا مشرف شده پانزده هزار تومان و پنجاه بسته شال کشمیری پیشکشی کامران میرزا را تقديم نمود ـ امّا اعليحضرت صاحبقران نظر به ياس خدمات وليعهد جنّت مهد طاب ثراه و لیاقت و بزرگواری نواب شاهزاده اعظم محمّدمیرزا ولایت خراسان و ولايت آذر بايجان را به نواب مستطاب معظم دادند و يكصد دست خلعت مصحوب محمّدخان قاجار دولو خال حضرت شاهزادهٔ اعظم به خراسان ارسال داشتند و میرزا محمّدخان بیگلر بیگی ولد آصف الدوله نیز با یکصد دست خلعت به آذر بایجان رفته عزاداران دو ولایت را از لباس سیاه بیرون آوردند \_ هم در این سال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس آقاباباخان مازندرانی را به گرفتن مرتضی خان ایل بیگی فارس مأمور نموده آو را در قلاع فیروزآباد گرفته و چون ایل بیگی زخم گلوله برداشته بود بعد از رسیدن به شیراز درگذشت و محمّدعلی خان ایلخانی برادر مهتر او را با میرزا علی اکبر قوام الملک در شهر شیراز محبوس داشتند \_ هم در این سال در ایّام نـوروز بـیست و چهار معلّم انگلیسی که یک نفر از آنها کلنل یعنی سرهنگ بود از هندوستان برای مشق سپاه ظفر همراه به ایران آمدند \_ هم در این سال موکب همایون به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها رفته به تعمیر طاق و رواق بقعهٔ مبارکه حکم فرمودند و بعد از مراجعت سور نواب سلطان محمّد میرزای سيف الدوله حاكم اصفهان و جشن عروسي شاهزاده فرّخ سير ميرزا و نواب صاحبقران ميرزا گرفته شد. و حسينعلي خان معيرالممالک ابن دوستعلي خان بسطامی و سلیمانخان افشار به شرف مصاهرت حضرت خاقان مشرف گشتند \_ هم در این اوان نواب خسرومیرزا در آق در بند با ترکمانان به منازعه پرداخته و غالب آمد و غروری بهم رسانیده به اغوای بعضی بی اذن نواب شاهزادهٔ اعظم والی خراسان به دارالخلافه آمد و مورد قهر اعليحضرت خاقان گرديده در خانهٔ عمّ خود نواب ظل السلطان اقامت گزيد \_ هم در اين سال ارستوف نامى از جانب دولت روس به تعزيت وليعهد خلامكان اسكنه الله فى روضات الجنان مأمور شد و در اوليل سال بعد به دارالخلافه آمد.

ارويا \_ (آلمان) \_ ملاقات سلاطين روس و پروس و اطريش. (انگليس) \_ أكُيل ارلند را بر ضد انگليس مي شوراند. (اسپانيول) - دُنْكارلس برادر پادشاه خود را به سلطنت اسپانیول برقرار می سازد ــ فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول در حالت مرض دخـتـر چهـار سـالـه خـود ايزابل را به سلطنت جلوس مي دهد و زوجهٔ خود را نایب السلطنة او قرار داده فرانسه و انگلیس ملکهٔ چهار ساله را به سلطنت می شناسد \_ جمعيت اسيانيا در اين سال بيست و چهار كرور و صدهزار نفر است. (فرانسه) ــ پادشاه مصمّم است كه به جهت حفظ شهر قلعه جات نظامي مجرّد دور شهر پاریس بسازد - در الجزایر امیر عبدالقادر امیر مسقرا اعراب را بر ضد فرانسه مى شوراند و پانزده سال مدت شورش الجزاير است. (يونان) - ورود أتُهن بادشاه \_ بنسان وضع سلطنت \_ آئن پایتخت دولت می شود \_ ایجاد نشان سُور \_ قشون فرانسه بعد از پنج سال توقف در یونان آنجا را تخلیه می کنند. (ایطالیا) ــ مازینی نام جوانان ایطالیا را به شورش اغوا می کند. (پرتوغال) - منازعه میان دو برادر که دُنْ پِدْرُ و دُنْ مِيكُلِ بِاشد \_ كمك انگليس به دُنْ پِدْرُ. دُنْ پِدرُ ليزبن بايتخت پرتوغال را می گیرد و دناماریا دختر چهارده سالهٔ خود را ملکهٔ پرتوغال می کند. (روس وعشمانی) ـ روس به سلطان عثمانی بر ضد ابراهیم پاشا کمک می کند \_ سفاین روس تا بُشفُر به کمک سلطان می آیند \_ قشون زیاد روس راه اسلامبول را که ابراهیم پاشا به آنطرف می آید حفظ می کنند ــ معاهدهٔ دوستی مابین دولتین روس و عشمانی ــ فرانسه و انگلیس که از این مصالحه مکدراند با محمّدعلی باشا اظهار دوستی می کنند و او را بر ضدّ سلطان محرّک می شوند.

**امریکا \_ (مکزیک)\_** بروز وبا در این مملکت.

## [سنة ۱۲۵۰ هجری = سنة ۱۸۳۱ مسیحی]

آسيا - (ايران) - در اوايل اين سال نواب شاهزادهٔ اعظم محمّدميرزا (محمّدشاه) از خراسان به دارالخلافه آمده روز دوازدهم ماه صفر جشنی ملوکانه در نگارستان آراسته بنابر خدمات و زحمات وليعهد فردوس مهد انارالله برهانه و آراستگي ذات يسنديده صفات شاهزادة معظم محمدميرزا ولايتعهد دولت عليه را اعليحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه به ایشان مخصوص داشتند و با وجود اولاد کبار این رتبت و شرافت را خاص حضرت شاهزادهٔ اعظم دانستند و مقرّر شد که به سر پرستی و نظم آذر بـایـجـان روانهٔ تبریز شوند و پس از انتظام این مملکت متوجه خراسان گردند ـــ نواب خسروميرزا با ندامت به خدمت آمد و ميرزا محمّد پسر ميرزا ابوالقاسم قايم مقام به وزارت آذربايجان معين شد و روز شانزدهم صفر موكب حضرت شاهزادهٔ اعظم محمدميرزا (محمدشاه) به عزم تبريز انتهاض فرمود و نواب سلطان مراد ميرزا كه به ايالت قراحه داغ و مضافات اختصاص داشت به استقبال موكب والا به اوجان آمده مورد تفقدات گرديد ــ همچنين نواب اردشير ميرزا كه مأمور نظم گروس و صاین قلعه بود در قزوین به اردوی حضرت معظم پیوست و بعد از الشفات زياد از زنجان رخصت انصراف يافت \_ و ميرزا ابوالقاسم قايم مقام نيز در بیست و یکم صفر از دنبال اردوی والا راه تبریز پیش گرفت و بنا بر خلاف جهانگسر میرزا و خسرومیرزا آنها را به اردبیل روانه و مقیّد نمودند ـــ هم در این سال در نهم جمادي الاولى موكب خاقان كشورستان به عزم اصفهان انتهاض فرموده در چهارم جمادی الثانیه در باغ سعادت آباد اصفهان نزول اجلال فرمودند و نواب سلطان محمدميرزاي سيف الدوله با قشوني به سرداري اللهيارخان آصف الدوله به تنبیه بختیاری مأمور شد، و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس به حضور همایون مشرف آمد و مقرر شد نواب محمدتقی میرزا با نواب فرمانفرما به شیراز رفته محصل ماليات چهار سالة فارس باشد و عبدالله خان امين الدوله نيز با هفتهزار سواره و پیاده بعد از دو سه روز از قفای آنها روانه شده که حساب فارس را بطور دقت اعتمادالسلطته ١٩٢١

رسیدگی و تفریغ نماید ... مقارن این حال مزاج مبارک اعلیحضرت خاقان صاحبيقران فتخطى شاه ازطريق استقامت منحرف كرديد وعضر ينجشنبة نوزدهم ماه حمادي الآخره اين سال در عمارت هفت دست در خارج شهر اصفهان به بهشت جاودان روان شدند. و از سنوح این حادثهٔ غمافزا اشک تحسر از دیدهٔ پیر و برنا چون رود زنده رود جاری گشت. شاهزادگان نعش مطهر حضرت خاقان را پس از تنفسيل و تكفين در تخت روان گذاشته به قم حمل نمودند و در بقعه اي كه یکسال قبل به امر خود خاقان مغفور ساخته شده بود دفن کردند ــ مدت عمر خاقان مغفور طاب ثراه به روایت اصح شصت و شش سال است چه؛ ولادت ایشان را نواب مستطاب والا حاجي معتمدالدوله در جامجم در هزار و صد و هشتاد و پنج نوشته اند و مدت سلطنت سی و هشت سال و پنج ماه ـــ و مآثر کریمه و آثار معظمه خاقان مغفور البسهالله تعالى حال النور از قبيل تذهيب ايوان و قبة حضرت سيتدالشهداء عليهالسلام كه مبلغ پنجاه هزار تومان خرج آن شد و نصب ضريح نقره در آن حرم محترم که به بیست هزار تومان تمام شد و بنای قبه و بارگاه حضرت عبّاس عليه السّلام كه چهل هزار تومان صرف آن شده و پنج عدد قنديل طلا كه به وزن چهـارده مـن تبريز مي باشد بَرَاي حرم حضّرت رضاً عليه السلام و دو ضريح نقره که هریک ده هزار تومان تمام شده یکی برای حضرت عبدالعظیم و دیگری برای امامزاده سید میراحمد ابن امام موسی کاظم علیه السّلام، و بنای قبّه حضرت معصومه سلامالله علیها و صحن مقدّسه و اتمام درب مینا و ضریح آن حضرت و بنای مدرسه دارالشفا در طهران و تعمير سد قم كه مخارج جمله به يكصدهزار تومان رسيد و بنای صحن جدید در جنب روضهٔ حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیّة و الشنباء و اهدای قندیل مرضع و قندیل طلا به آن روضه منوّره که اینها نیز به چهل هزار تومان تمام شد و بناى جامع دارالخلافه و جامع سمنان و غيرها و بذل عطاياى وافره كه از جمله عطاى سي هزار تومان قرض ميرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و بذل ششهزار تومان صلة شش قصيده است به مرحوم فتحعلي خان ملك الشعراء و غير إز ایشها بسیار است و از خصایص آن پادشاه رضوان جایگاه کثرت اولاد است که ذكوراً انباثياً دويست و شصت نفر از صلب آن شهريار تاجور به عرصهٔ عالم قدم

نهادند و یکصد و پنجاه و نه نفر از ایشان در زمان حیات پدر راه عالم دیگر گرفتند.

# اسامى اولاد خاقان مغفور اسكنهالله في رياض السُّرور

حضرت عباس ميرزا نايب السلطنه كه روز چهارشنبهٔ چهارم ذيحجه در سال یکهزار و دویست و سه هجری در محال نوای مازندران از بطن دختر فتحعلی خان دولوی قاجار متولد شد ــ نواب محمدعلی میرزا که متخلص به دولت بود و دولت شاه لقب داشت شب هفتم ربيع الثاني سال يكهزار و دويست و سه هجري در قصبهٔ نوا متولّد شد ــ محمّدقلی میرزا که ملک آرا لقب داشت و در اشعار خسروی تخلّص می نمود چهارشنبه بیست و دویّم رمضان سال هزار و دویست و سه هجـری در قـصبهٔ نوا متولّد شد ـــ محمّدولی میرزا روز جمعهٔ غرّهٔ شهر شوال در سال یکهزار و دویست و سه هجری متوآید شد ــ حسینعلی میرزای فرمانفرما در سال یکهزار و دویست و سه هجری روز عید اضحی در قصبهٔ نوا متولّد شد ــ حسنعلی ميرزاي شجاع السلطنه برادر اعياني فرمانفرما جمعه غرة ذيحجه سنة يكهزار و دویست و چهار هجری متولد شد و در آشعار شکسته تخلص می نمود ـــ محمّدتقی میرزای حسام السلطنه روز شنبه ششم شهر صفر سال هزار و دویست و شش هجری مـتولّد شد و در اشعار شوکت تخلّص می کرد ــ علینقی میرزای رکن الدوله پنجشنبه نوزدهم شهر شوّال در سال یکهزار و دویست و هفت هجری متولّد شد ـــ شیخعلی میـرزا ملقّب به شیخ الملوک شب چهارشنبه دهم رجب سال یکهزار و دویست و ده هجرى متولَّد شد ــ على شاه ملقّب به ظلِّ السلطان سهشنبه شهر شعبان سنة يكهزار و دویست و ده هجری متولّد شد و او برادر اعیانی نایب السلطنه است ــ عبدالله میرزا که دارا تخلّص می نمود جمعه بیست و چهارم جمادی الاولی سال یکهزار و دویست و یازده هجری متولد شد ـ امام ویردی میرزا ملقب به ایلخانی برادر اعیانی ركن الدوله شب چهارشنبه چهاردهم شوال سال هزار و دويست و يازده هجري متولّد شد ــ محــمدرضا ميرزا در اشعار افسَر تخلّص كرده روز دوشنبهٔ سيّم ذيقعده سال هزار و دویست و یازده هجری متولّد شد ــ حیدرقلی میرزا جمعه پانزدهم صفر سال هزار و دویست و چهارده هجری متولد شد و در اشعار خاور تخلص نمود \_

محممودميبرزا دوشنبه دوازدهم صفر سنة هزار و دويست و چهارده متولَّد شد و در اشعار تخلّص به اسم مى نمود ... همايون ميرزا شب جمعه بيست و هشتم جمادی الآخره سال هزار و دویست و شانزده هجری متولّد شد و در اشعار حشمت تخلّص می نمود ـــ الله و یردی میرزا شب سه شنبه بیست و سیّم شهر رمضان از مادر بزاد و سال هجرت هزار و دویست و شانزده بود و در اشعار بیضا تخلّص دارد ـــ اسمعیل میرزا شب جمعه چهاردهم شعبان سال هزار و دویست و هفده متولّد شد ـــ احـمدعلی میرزا روز جمعهٔ ششم شوال سال هزار و دویست و هیجده متولّد شد و او برادر اعیانی شاهزاده محمود است در اشعار به نام خود تخلّص کند ــ علیرضا میرزا برادر اعياني شاهزاده محمدرضا ميرزا است شب سهشنبه ششم ذيقعده هزار و دويست و هیجده متولد شد ــ کیقباد میرزا شب جمعه نوزدهم صفر سنهٔ هزار و دویست و بیست و یک هجری متولّد شد ــ بهرام میرزا شب پنجشنبهٔ پنجم ربیعالاول هزار و دویست و بیست و یک هجری متولّد شد ــ شاپور میرزا شب چهارشنبه سیزدهم صفر هزار و دویست و بیست و دو هجری متولّد شد ــ ملک قاسم میرزا روز چهارشنبه دوتیم جمادی الآخره سال یکهزار و دویست و بیست و دو هجری متولّد شد ــ منـوچهـر مـيـرزا شـب جمعه چهارم جمادىالآخره متولّد شد در سال هزار و دویست و بیست و دو هجری ــ هرمز میرزا شب دوشنبه چهاردهم جمادی الاولی سنهٔ هزار و دویست و بیست و دو هجری متولد شد ــ ایرج میرزا پنجشنبه غرهٔ جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و دو هجری متولّد شد ـ کیکاوس ميرزا روز جمعهٔ هيجدهم شوّال سنهٔ هزار و دويست و بيست و دو متولّد شد ـــ شاهقلی میرزا چهارشنبه یازدهم محرّم سال هزار و دویست و بیست و سه هجری مــــولَّد شد ــــ محمدمهدي ميرزا شب يكشنبه غرَّهٔ شَوَّال سنهٔ هزار و دويست و سي و سه هجری متولد شد \_ کیخسرو میرزا که برادر اعیانی کیکاوس میرزا است \_ کیومرث میرزای ایلخانی ملقّب به ابوالملوک روز سهشنبه بیست و پنجم جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و چهار هجری متولّد شد ـــ جهانشاه ميرزا او نيز برادر اعياني شاهزاده محمود است يكشنبه بيست و پنجم رمضان سال یکهزار و دویست و بیست و چهار هجری متولّد شد ـــ سلیمان میرزا سهشنبه چهارم

محرّم سال هزار و دویست و بیست و پنج هجری متولّد شد ــ فتح الله میرزا چهـارشنبه نهم رجب سال هزار و دویست و بیست و شش هجری متولّد شد و ملقّب به شعاع السلطنه بوده است ــ ملک منصور میرزا برادر اعیانی ملک قاسم میرزا است سه شنبه بیست و دویم رجب سال یکهزار و دویست و بیست و شش هجری متولد شد ــ بهمن ميرزا ملقب به بهاء الدوله شب يكشنبه بيست و سيّم شؤال سال هزار و دویست و بیست و شش هجری متولّد شد ــ سلطان محمّدمیرزا ملقب به سيـفالـدوله است ميلادش روز پنجشنبه بيست و ششم جمادىالاولى سال هزار و دویست و بیست و هشت هجری ــ سلطان سلیم میرزا شب پنجشنبه بیست و ششم شوال هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولّد شد ــ سلطان مصطفی میرزا جمعهٔ یـازدهم ذیقعده هزار و دویست و بیست و هشت هجری متولّد شد ـــ سلطان ابراهیم میرزا شنبه نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و بیست و هشت هجرى متولّد شد ـ سيف الله ميرزا برادر اعياني بهاء الدوله است سهشنبه چهاردهم رجب سنهٔ یکهزار و دویست و بیست و نهامتولد شد \_ یحیی میرزا شب سهشنبه غرّه محرّم سنهٔ هزار و دویست و سی و سه هجری متولّد شد ـــ زکریا میرزا شب شنبه بیست و ششم ربیع الاول سنهٔ هزار و دویست و سی و چهار هجری متولّد شد برادر اعیانی یحیی میرزا است ... محمدامین میرزا روز دوشنبه دهم ربیع الثانی هزار و دویست و سی و چهار متولّد شد ـــ سلطان حمزه میرزا شب چهارشنبه بیست و یکم رمضان سال هزار و دویست و سی و چهار متولّد شد ـــ فرخ میرزا برادر اعیانی سلطان محمد میرزا و ملقّب به نیرالدوله است ــ سلطان احمد میرزا ملقّب به عضدالدوله است جمعه نوزدهم ذيقعدهٔ هزار و دويست و سي و نه متولّد شد\_ صاحبقران میرزا ــ طهمورث میرزا جمعهٔ هفدهم جمادی الاولی سنهٔ هزار و دویست و سى و پنج متولد شد \_ حسينقلى خان ملقب به جهانسوزشاه برادر اعياني یحیی میرزا است ــ محمدهادی میرزا برادر اعیانی محمدامین میرزا است ــ پرویز ميرزا ــ عليقلي ميرزا اعتضادالسلطنه ــ عباسقلي ميرزا و او برادر اعياني عليقلي ميرزا است ـ كامران ميرزا ـ اورنگزيب ميرزا ـ سلطان جلال الدين ميرزا ـ امان الله ميرزا \_ سلطان حسين ميرزا.

# اسامى بنات خاقان مغفور البسه الله حلل النور

همايون سلطان مشهور به خانم خانمان ملقّب به نواب متعاليه از مادر شاهزاده حسينعلي ميرزا است و او ضجيع ظهيرالدوله ابراهيم خان قاجار حكمران كرمان بود ــ شاهزاده بيگم جان هم از مادر فرمانفرما است در سراي امير محمدقاسم خان قوانلو بود \_ سیدبیگم که همدم سلطان لقب دارد هم از مادر فرمانفرما است به حبالة نكاح محمدزكي خان نورى سردار فارس درآمد \_ امسلمه مشهور به گلینخانم از مادر شاهزاده محمدعلی میرزا است خط نسخ را نیکو نوشت و چند مجلّد قرآن مجید را نگار داده در عتبات ائمهٔ دین علیهم السلام موقوف داشت ضجیع برادرزادهٔ شهریار زین العابدین خان گشت ـــ مرضع خانم از مادر حسام السلطنه و زن اللهيارخان آصف الدوله بوده است \_ فخرجهان خانم مشهور به فخرالدوله از مادر شاهزاده شعاع السلطنه است روزي چند در سراي ميرزا محمّدخان پسر حسینقلی خان برادر شهریار بود و از وی جدائی جست ــ شاهبیگم مشهور به ضياء السلطنه از مادر شاهزاده محبود أست بعد از يدر ضجيع ميرزا مسعود وزير دول خارجه شد ــ سلطان بيگم هم از مادر ضياءالسلطنه است روزي چند با پسر مهدیقلی خان دولو همسر و هم بستر بود و در جوانی وداع جهان گفت ... گوهرملک خانم با ولیعهد دولت نایب السلطنه از یک مادر است نخست در سرای محمدامین حان قاجار نسقچی باشی بود و از پس او ضجیع میرزا ابوالقاسم قایم مقام گشت \_ زینبخانم از مادر محمدقلی میرزای ملک آرا است و ملقب به حاجی شاه شده ضجيع اسمعيل خان پسر اعتضادالدوله ٢ سليمان خان قوانلو بوده است \_

۱. در ناسخ التواریخ: مریم خانم \_ آنچه مسلم است دختری که زن الله یارخان آصف الدوله شده مریم خانم است. مرصع خانم زن محقدقلی خان آصف الدوله ثانی پسر الله یارخان شده است (ر.ک. تاریخ عضدی، چاپ آقای دکتر نواثی، ص ۲۵۱ توضیحات ایشان). در این فهرست نام مرصع خانم نیامده است.

. ۲. ناسخ: نظام الدوله ... آقاى دكتر نوائى نيز در توضيحات خود بر تاريخ عضدى، ص ٢٩٦، نوشته اند: «زينب خانس... در حبالة نكاح اسماعيل خان پسّر نظام الدوله سليمان خان قوانلو اميركبير بود». امّا به خديجه خانم هم از مادر ملك آرا است ضجيع محمد باقرخان پسر حسينقلي خان برادر شهريار بوده است ــ طيغانخانم به حبالهٔ نكاح موسى خان قوانلو درآمد ــ عزّت نـــاخانم با برادرزادهٔ شهریار موسی خان پسَر حسینقلی خان هم بستر گشت ـــ شمس بانوخانم ضجيع ميرزا موسى خان برادر ميرزا ابوالقاسم قايم مقام شد \_ خديجه سلطان مشهور به عصمت الدوله ضجيع ابراهيم خان ناظر پسر حاجي محمدحسين خان صدراعظم اصفهانی بوده است \_ درخشنده گوهرخانم ضجیع میرزا اسمعيل خان پسر ميرزا خانلر حلال خور مازندراني منشي الممالك با شاهزاده اسمعیل میرزا از یک بطن است \_ گوهرشاه بیگم در سرای علی محمّدخان قاجار دولو بوده است \_ شاه سلطان خانم ضجيع محمدصادق خان قوانلو پسر مهرعلي خان ٢ و نـوهٔ مرتضی قلی خان عتم شهریار بوده است ـــ شاه گوهرخانم ضجیع رستم خان پسَر ابراهیـمخان عمزادهٔ شهریار بوده است ــ تاجلی بیگمخانم از مادر شعاع السلطنه و زوجة نـصـرالله خان پسَر ظهيرالدوله ابراهيم خان قوانلو بوده است ــ حسن جهان خانم مشهور به واليه وى نيز از مادر شعاع السلطنه است ضجيع خسروخان والى كردستان شد \_ ماهبیگمخانم بع حیالهٔ نکاح غلامحسین خان سپهدار عراق درآمد \_ سروجهانخانم زوجهٔ آقاخان حاكم معلات بوده است ــ خورشيدخانم زوجهٔ عباسقلی خان سرکردهٔ جماعت افشار خمسه بوده است ــ مولود سلطان خانم زوجهٔ رضاقـلـی خان پسَر اسمعیلخان سردار دامغانی بود، از او جدائـی جست و به سرای حاجى حسن خان پسر ذوالفقارخان پسرعم شوهر نخستين رفت ــ عاليه سلطان خانم زوجهٔ علی خان دامغانی میرآخور شهریار شد ــ زبیده خانم زوجهٔ علی خان قراگوزلو

نظر می رسد متن صحیح باشد. در شرححالی که در رجال بامداد، جلد ۲، ص ۱۹۸، از سلیمانخان قاجار قوانـلـو آمده لقب او همه جا اعتضادالدوله است و مخصوصاً می نویسد: «در سال ۱۲۰۶ ملقب به اعتضادالدوله شد» و در همین تاریخ عضدی، ص ۵۲، سلیمانخان اعتضادالدوله آمده است.

۳. در ناسخ التواریخ: طغیانخانم \_ اما به نظر می رسد متن صحیح باشد. در تاریخ عضدی طیغونخانم
 آمده است.

 ٤. در ناسخ التواریخ: ضجیع محمد صادق خان قوانلو پشر مرتضی قلی خان \_ اتما به نظر می رسد متن صحیح باشد. توضیحات آقای نوائی بر تاریخ عضدی، ص ۲۰۵، نیز صحت متن را تأیید می کند.

بوده است \_ خورشيد كلاه از مادر سيف الدوله است ضجيع ميرزا على محمدخان نظام الدوله پسر عبدالله خان امين الدوله گشت ــ شيرين جان خانم او نيز از مادر سيف الدوله است و در سراي مهديقلي خان پسر حسين خان سردار بوده است ـــ قیمَسرخانم از مادر یحیی میرزا است زوجهٔ سلیمانخان افشار قاسملو بوده است ــ سلطانخانم هم از مادر یحیی میرزا و زوجهٔ جهانگیرخان افشار ارومی بوده است ــ آغابیگم زوجهٔ میرزاعلی هزارجریبی ملاّباشی بوده است ــ شاهجهانخانم مشهور به خان بی بی زوجهٔ میرزا عبدالباقی منجم باشی گیلانی بوده است ــ فرخ سلطان خانم از مادر شاپور میرزا و زوجهٔ میرزا غلامشاه پیشخدمت باشی بوده است ... ماہ نوش لب خمانہم زوجۂ امیردیوان میرزا نبی خان قزوینی بودہ است ــ حبّ نبات خانم از مادر محمدمهدی میرزاست برادرزادهٔ شهریار میرزا محمدخان بعد از جدائی از فخرالدوله او را به حبالهٔ نکاح درآورد ـــ پاشاخانم هم از مادر محمدمهدی میرزا است و به نکاح سهرابخان گرجی درآمد. فرزانهبیگم هم از مادر محمّدمهدی ميرزا و زوجة حسينعلي خان معيرالممالك بوده است ــ مهرجهان خانم هم از مادر محمدمهدي ميرزا است وبعد از فوت شاهنشاه زوجه زين العابدين خان پسر قـاسـمخـان هـزارجـريـبـي قوللرآقاسي شد ــ سلطان خانم از مادر ملک ايرج ميرزا و زوجهٔ محمقدباقرخان دولو بیگلربیگی بوده است ــ خاور سلطان بیگم از مادر عليقلي ميرزا است و بعد از فوت شهريار به حباله نكاح ميرزا نظرعلي حكيمباشي قزوینی درآمد ـــ ملکزاده زن محمودخان رشتی است ـــ رخساره بیگم بعد از فوت پدر زوجة محمّدخان ايرواني اميرتومان شد ــ خرّم بهارخانم احترام الدوله از مادر كامران میرزا و زن صاحبدیوان است ــ بزم آرا خانم او نیز از مادر کامران میرزا عروس حسنعلی خان شاهسون است ـــ ماه تابان قمرالسّلطنه با زوجهٔ میرزا نبی خان از یک مادر است و زن میرزا حسینخان سپهسالار مرحوم ــ بدرجهانخانم ملقّب به ماهباجی و او نیمز از مادر یحیی میرزا است و زن محبعلی خان ماکوئی بوده ــ خلاصه پس از انتقال و ارتحال خاقان بيهمال نوبت سلطنت به شهريار ملكوتي خصال اعليحضرت محمدشاه رسيد.

نواب مستطاب والا حاجي معتمدالدوله در كتاب جامجم مي فرمايند:

«خبر فوت خاقان مغفور در بیست و هشتم جمادی الآخره به تبریز رسید اعلیحضرت هممايون محمّدشاه كه ولإيتعهد داشتند در شب يكشنبه هفتم رجب در تبريز جلوس فرمودنـد و روز چهـاردهـم رجـب از این شهر حرکت نمودند و کملصاحب ایلچی دولت انگلیس و غراف سمنوویچ وزیر مختار روس نیز در رکاب اعلی بودند، ولیشزی صاحب با لشکر انبوه و توپخانه مبارکه در مقدّمه روان شد و در نوزدهم ماه شعبــان بــه دارالـخــلافــه باهره ورود و نزول اجلال فرمودند و باغ نگارستان از قدوم هـمایون رشک نگارستان چین شد و در مذت چهارماه کل شاهزادگان اطراف طوعاً کرهاً به خاکپای همایون آمدند و نواب ظل السلطان که در ایّام فترت بر تخت جلوس کرده بود و انباشته ها را آکنده، و گذاشته ها را پراکنده ناچار زنان را شفیع نموده به هـمراهي فخرالدّوله عمّة مكرّمه شاهنشاه و همشيرگان سركار اقدس كه عروسان او بىودنىد در نگارسـتـان به حضور مشرّف شد و مشمول مراحم شاهنشاهي گرديد و ميرزا ابوالقاسم قايم مقام به عرض رسانيد ــ ارحم من رأس ماله الرجاء و سلاحه النساء ــ و آنچه که به تحقیق پیوست در ظرف چهل روز حکمرانی هفتصد هزار تــومــان نقد سوای جنس از خزانهٔ عامره درآورده به بیهوده صرف شده بود ــــ و سرکار اقدس اعملي شب جمعهٔ دويّم رمضان المبارك نيمساعت به طلوع آفتاب مانده از دروازه قزوین به دارالخلافه مهین نزول اجلال فرمؤدند و بیشتر مایه تحریض ظل السلطان بر اينكار مرحوم ميرزا ابوالحسنخان وزير امور خارجه ونواب ركن الدوله بود و الآ خودشان خلاف وصيّت خاقان خلدمكان نمي كردند.» انتهي.

از حوادث اینسال چنانکه ذکر شد جلوس شاهزاده علی خان است که خود را عادلشاه نامید و بعضی از شاهزادگان و امرای در بار طوعاً کرها اطاعت او نمودند و او نواب علینقی میبرزای رکن الدوله را برای مصالحه، و امامویردی میرزای ایلخانی را برای محاربه با پانزده هزار نفر پیاده و سواره و توپخانه و قورخانه مأمور آذر بایجان کرد \_ نیز شاهزاده حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس به تحریک برادران و اعیان مملکت در شیراز جلوس کرد و می خواست حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و اعیان مملکت در شیراز جلوس کرد و می خواست حسنعلی میرزای شجاع السلطنه را به تسخیر عراق فرستد \_ امّا اعلیحضرت اقدس همایون محمدشاه بعد از جلوس

در تبریز جهانگیر میرزا و خسرو میرزا و احمد میرزا و مصطفی میرزا [را] که آثار خلاف از وجمنات حالشان پدیدار بود به قلعهٔ اردبیل فرستاده موقوف داشتند، و محمد خان اميرنظام كه در سرحة ولايت ايران و ارزنة الروم با محمداسعدياشا گفتگوی استرداد اموال منهوبه تجار متعلقهٔ به دولت علیّهٔ ایران را در میان داشت در این وقت به امر همایون به تبریز بازگشت و با نواب فریدون میرزا نایب الایاله آذر بایجان در این شهر بماند و هنگام حرکت موکب اعلی از تبریز جهانگیر میرزا و خمسرو میرزا از طریق خلاف به راه بی بصری رفتند، و موکب همایون با شش هزار لشكر پیاده نظام و چهار عرّاده توپ و سه هزار سوار جرّار از تبریز عزیمت دارالخلافه فرمود، و نواب به من میرزا که در اردبیل حکومت داشت با فوج بهادران در منزل میانج به تقبیل رکاب اعلی فایز گشت، و نواب رکن الدوله در نیک پی و سرچم به اردوی اعلی پیوسته اظهار داشت که اعلیحضرت پادشاهی به آذر بایجان قناعت كرده بـاقى ممالك ايران به عادلشاه تفويض شود، بنابراين عرض سخيف از حضور اعملی محمروم و در مکان خود موقوف آمد ــ نیز در عرض راه نواب شعاع السّلطنه فستح الله میرزا با سیورسات و پیشکشی به حضور آمد و حکومت خمسه یافت ـــ و در خترم دره منوچهرخان معتمدالدوله با دوهزار سوار و جمعی تفنگچی و چهل هزار تومان پیشکشی به رکاب اعلی پیوسته مورد الطاف ملوکانه گشت ــ و فضلعلی خان قراباغی با دوهزار سوار و پانصد غلام خاصه و پنج عزاده توپ از زنجان بطور مقدمة الجيش گشته روانه شد و در منزل سياه دهن به مقدمهٔ سپاه امامويردي ميرزاي ایلخانی رسیده آنها را مقهور کرد پس از آن سران سپاه همه به رکاب اعلی پیوستند و امامویردی میرزا نیز ناچار روی نیاز به دربار همایون آورده ملتزم خدمت گردید، و آصف الدوله اللهيارخان كه در قم بود با ميرزا محمّدتقي على آبادي صاحبديوان در قزوین به حضور اقدس شرفیاب شد ــ و از اینطرف محمدباقرخان خال اعلیحضرت شهریار که در طهران متوقف بود به اشارهٔ امنای دولت رؤسای عساکر مازندران را با خود متفق ساخت و عادلشاه را از نزدیک شدن موکب همایون اعلیحضرت محمّدشاه آگاه کرده از جلوس ممنوع داشت، و محمّدجعفرخان کاشانی وزیر او را مأخوذ و اموال او را ضبط كرده مراتب را به عرض رسانيد ـــ سركار اقدس اعلى به

نگارستان نزول اجلال فرمودند و خسروخان گرجی جواهرآلات خاصهٔ پادشاهی را از بازوبند و شمشیر و تمامی اثاثهٔ سلطنت از شهر به نگارستان آورده تقدیم نمود، و عادلشاه چنانکه ذکر شد به حضور مبارک مشرف شده مشمول مراحم گردید و میرزا فضل الله على آبادى و عباس خان قاجار به آوردن نواب محمّدقلي ميرزاي ملک آرا از مازندران مأمور شده اینخدمت را به انجام رسانیدند ــ روز چهاردهم رمضان ذات ملکوتی صفات پادشاهی یعنی اعلیحضرت همایون محمّدشاه در دیوانخانهٔ بزرگ بر سرير سلطنت جلوس فرموده عموم شاهزادگان و امرا و طبقات خدم بار حضور مبارک یافتند ــ بعد از آن نواب فیروز میرزا و معتمدالدوله منوچهرخان با جمعی از صاحب منصبان به فارس و عراق مأمور گشتند، و نواب قهرمان میرزا را احضار فرموده با أصف الدوله اللهيارخان وحسن خان سالار به حكومت خراسان معين شدند، و غلامحسینخان سپهدار عراق به آستان همایون آمد، و نواب طهماسب ميرزا مؤيدالدّوله به حكمراني كاشان رفت، و جهانگير ميرزا برادر نواب معزى اليه حـکومت یزد یافت، و هلاکومیرزا ابن شجاع السلطنه که در زمان فترت در یزد اظهار شوکت می کرد به کرمان بازگشت، و نواب بهرام میرزا که از عرض راه دارالخلافه مأمور كردستان و انتزاع كرمانشهان از حشمت الذوله محمدحسين ميرزا شده بود به كرمانشهان ورود نـمود و حشمتالدوله كه دم از استقلال مىزد ناچار به آستان مبارک آمد، و محمدقلی میرزای ملک آرا به توقف همدان مأمور شد، و چون جمعی از تىراكىمىه و اكراد خراسان دور شاهزاده اسمعيل ميرزا حاكم بسطام را گرفته و او به خيال استقلال افتاده بود نواب اردشير ميرزا با اسكندرخان قاجار ابن فتحعلى خان حاكم مراغه و ابراهيم خليل خان و بعضى ديگر به استيصال او مأمور شده او را مقهور کردند و به آستان مبارک فرستادند و نواب اردشیر میرزا به نظم ترکمان و دشت گرگان رفته آنجا را منظم کرده و معاودت نمود، و نواب فيروزميرزا با منوچه رخان معتمدالدوله و ميرزا محمدخان قاجار دولو خالوزادة حضرت نـایـبـالــــلـطـنـه مـغـفور و مستر لنزی انگلیسی و شیل صاحب و چند نفر صاحب منصب دیگر انگلیس و چند نفر سرتیپ و سرهنگ و بعضی از دستجات قشون ظفرنمون و چند عرّاده توپ از راه اردستان قصد فارس كردند و شجاع السلطنه با پنجهزار سواره و پیاده قصد تسخیر اصفهان نموده به منزل شولکستان رسید و شنید که عساکر پادشاهی به ایزدخواست رسیده روز دیگر فئتین تلاقی کرده به محاربه پرداختند، شجاع السلطنه با همراهانش منهزم شده به فارس بازگشت و معتمدالدوله و همراهان او به تدبیر خود را به شیراز رسانیده بی جنگ و جدل ارک را تصرف کردند و بعد از دو سه روز فرمانفرما و شجاع السلطنه را با فوج منصورخان فراهانی و شش عرّاده توپ از شیراز به طهران آوردند و در روز ورود عساکر منصوره به شیراز رضاقلی میرزا و نجفقلی میرزا و تیمورمیرزا از شهر خارج شده به حدود مملکت عثمانی رفتند و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا در طهران تنبیه شده در برج نوش موقوف گردید، و نواب حسینعلی میرزای فرمانفرما در ماه ربیع الاول در چهل و هفت سالگی به ناخوشی و با که در طهران شیوع بهم رسانیده بود درگذشت سدهم در این سال نواب فرهادمیرزا (حاجی معتمدالدوله) به حکمرانی عربستان و لرستان در این سال نواب فرهادمیرزا (حاجی معتمدالدوله) به حکمرانی عربستان و لرستان منصوب گردیدند.

اروپا \_ لرد هِلْبورْن به صدارت منصوب می شود. (اسپانیا) ... دُنْ کارلُس بر ضد ملکهٔ جدید با نهایت سختی در شورش است ... منازعه مابین اهالی اسپانیول و دُنْ میگیل پادشاه سابق پرتوغال که به دُنْ کارلُس اسپانیولی پناه داده بود \_ بروز وبای سخت در مادرید \_ فوت دُنْ پیدرُ بعد از استقراز دادن دختر خود را به سلطنت پرتوغال \_ مزاوحت ملکهٔ پرتوغال با دوک دُلُشْتَنْ برگ پسر اوژنْ ربیب ناپلیون اوّل. (فرانسه) \_ فوت ژنرال لافایت معروف \_ شورش در بعضی بلاد. (روس) \_ امپراطور روس مانع است که جوانان روسی به جهت تحصیل یا تجارت به فرنگ سفر نمایند \_ شورش شامیل در داغستان. (سُودٌ) \_ بروز وبا در این مملکت. (عشمانی) \_ شامات که به تصرف محمدعلی پاشا بود بر او می شورند و از آن طرف یمن به عشمانی می شورد \_ در اغلب نقاط دیگر عثمانی نیز شورش بر پا می شورد \_ در اغلب نقاط دیگر عثمانی نیز شورش بر پا می شود \_ یکنوع قشون نظامی موسوم به ردیف منصوره در عثمانی تشکیل می یابد.

#### [سنة ١٨٢١ هجري = سنة ١٨٣٥ مسيحي]

آسیا - (ایران) - در این سال چون میرزا ابوالقاسم قایم مقام به اصابت رأی مملکت را نظمی داده بود غرور بر طبع او مستولی گردید و بی استیذان از اعلیحضرت همایون بعضی تصرفات در امور کرد ــ نواب جهانگیر میرزا در تاریخی که نوشته چنین مستور می دارد که قایم مقام چون مملکت ایران را از همه گردنکشان خالی دید و جمیع اولاد خاقان را در قبضهٔ اختیار و اقتدار خود یافت به انجام خیال محالی که داشت پرداخت از جمله خواست فوج خاصه را که به سرتيبي قاسم خان الان براغوشي از نوكرهاي قديم حضرت نايب السلطنه مرحوم بؤد و به کشیک در بخانه و سرای سلطنتی مقرّر شده بودند تغییر داده کشیک در بخانه را بىرعىھدۂ سىرھنگى از دست پروردگان خود موكول دارد و بعضى چيزهاى ديگر نيز از او بـه ظـهـور رسید لهذا قبل از تغییر قراول حاصه و اقدام به بعضی اعمال او را از بـاغ لالـهزار كه منزل او بود به نگارستان احضار كرده سه روز در اينجا محبوس بود تا درگذشت و در بقعهٔ حضرت عبدالعظیم علیه السّلام مدفون گشت و این واقعه در شب سلخ صفر اتفاق افتاد. و چون اللهيارخان آصف الدوله از ماجري آگاه شد از خراسان بی حکم احضار به خیال صدارت به در بار معدلتمدار شاهانه آمد و این خیال پسند نیفتاده پس از تهدید او را به خراسان معاودت دادند ـــ هم در این اوان محمدخان امیرنظام را برای انتظام افواج به دارالخلافه احضار فرمودند و او با چند فوج از آذربایجان به طهران آمد و مردم چنین پنداشتند که او را به وزارت خواسته اند ولی گمانی خطا بود، چه پس از تجدید افواج محمدخان برای پیشکاری نواب قهرمان میرزا به آذر بایجان بازگشت و نواب فریدون میرزا از آذر بایجان به طهران آمد. و در این ایام میرزا نصرالله اردبیلی (صدرالممالک) و محمد حسین خان ایشیک آقاسی در صدور فرامین و احکام دخالت داشتند ولی بهزودی حاجی میرزا عباس مشهور به حاجی میرزا آقاسی ابن میرزا مسلم ایروانی را که از آغاز شباب محسن ظنّ كاملي به او داشتند به وزارت اختيار فرموده منصب صدارت عظمي دادند

\_ هم در این اوان وبای سخت در طهران و سایر بلاد ایران شیوع یافت و پنجاه هزار نفر در ممالک محروسه تلف شدند و چون درجهٔ گرمای دارالخلافه بالا رفت و اشتداد بهمرسانيد موكب همايون اعليحضرت محمدشاه عزيمت امامه والواسان فرمود، و میرزا مسعود آذر بایجانی به وزارت امور خارجه برقرار گشت و شاهزاده ضياء السلطنه را با او مزاوجت حاصل آمد، و ميرزا حسن را مستوفي الممالك ايران فرمودند، و میرزا آقاخان نوری وزارت لشکر یافت، و میرزا نصرالله اردبیلی را وزارت وظایف دادند، و میرزا محمدحسین عزب باشی شد، و بهمن میرزا به حکومت بروجرد و سیلاخور، و نواب منوچهر میرزا به حکومت گلیایگان و خوانسار منصوب شدند، و فضلعلي خان قراباغي كه به جلادت معروف بود حكمراني مازندران یافت، و عباسقلی خان جوانشیر به حکومت کاشان رفت، و نواب خانلر ميرزا به حكمراني يزد برقرار گرديد، و اللهيارخان آصف الدوله يس از رفتن به خراسان نجفقلی خان گرد شادلو را به دست آورده اطمینان داده با خوانین خراسان به دارالخلافه فرستاد، و منوچهرخان معتمدالدوله به پیشکاری نواب فیروز میرزا در فارس مستقل گردید، و نواب بهرام میرزا به ایالت کرمانشهان روان شد، و محمد باقرخان قاجار بیگلر بیگی دارالخلافه شد، و عیسی خان ولد مشار الیه نیابت او يافت، و محمدقلي خان بن آصف الدوله ايشيك آقاسي باشي خاصه شد، و بعضی شاهزادگان که خیال فاسد داشتند به اردبیل و آذر بایجان حرکت دادند ـــ هم در این سال نواب شاهزادهٔ اعظم ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناضرالدين شاه خلدالله ملكه) برحسب امر و ارادهٔ سنيهٔ يادشاهي به وليعهدي دولت علية ايران اختصاص يافتند و منشور ولايتعهد آن حضرت مرقوم گردید علایم این رتبه و مقام منیع از قبیل افسر و خنجر مرضع و قبهای کیانی مکلّل به جواهر شاهوار و لآلی آبدار و بازوبند و نشان شیر و خورشید خیاصه و غیرها به ایشان تفویض شد و در طهران و تبریز جشنی بزرگ در این موقع سعید که فرخنده عید این ملّت و مملکت بود در کمال آراستگی گرفته و عموم مردم شادیها نممودند و ابواب نشاط و انبساط از هر جهت گشودند و وزرای مختار دول مشحابه این امر قدر قدر را امضی نموده به سلاطین دول متبوعهٔ خود مطلب را اعلام

و اعلان نـمودند و چون محمّدخان امیرنظام به امارت آذر بایجان مأمور و مقیم شد و آصفالـدولـه بـه حـکـومـت خـراســان رفـت وزارت حــاجــی میرزا آقاسی استقرار و استحکام یافت.

هـم در این سال کـمال افندی و اسعد افندی از جانب سلطان محمودخان سلطان عشمانی به دربار دولت علیه مأمور شدند که به تهنیت و تبریک جلوس اعليحضرت بادشاهي بردازند و مشارًاليهما نامهٔ محبّت ختامهٔ خود را با تبريكات لايقه تبليغ نموده بعد از تجديد عهد موذت و اتّحاد و استدراك مكارم ملوكانه معاودت كردنىد ـــ هـم در اين سال ميرزا رضا ولد حاجى فرج الله تبريزي منصب کلانتری تبریز و مضافات یافت و حاجی فرج الله نیز در سال هزار و دویست و سی و نه به موجب رقم حضرت نایب السلطنة مغفور به همین منصب نایل شده بود ... هم در این سال نواب ظلّ السلطان را از دارالخلافه به همدان و از همدان به مراغه و از مراغه به اردبیل بردند و سیف الملوک میرزا پشر نواب معزی الیه را در قزوین اقامت دادنـد، و نـواب فریدون میرزا که از آذر بایجان آمده بود به طرف استرآباد و گرگان مأمور شد و حسنخان ساري اصلان و جماعتي از عساكر نصرت مآثر به التزام ركاب نواب معزى اليه مأمور شدند و اين جمله مقدمة الجيش لشكر بادشاهي بودند چه موکب همایون در سال آینده عزیمت تنبیه تراکمه گرگان خواهد نمود و بنابراین قصد و نیّت مقرر شد که در اوّل فصل بهار افواج پیاده و سوار به رکاب اعلی حاضِر و مستعد پیکار باشند \_ هم در این سال آقاخان محلاً تی رئیس اسمعیلیّه به حکمرانی کرمان منصوب و روانه مقصد گردید ــ وفات نواب جهانشاه ابنخاقان مغفور ـــ رحلت ميرزا مسلم خوئي از مشاهير عرفا.

آروپا — (آلمان) — فوت فرانسوای دویم امپراطور اطریش و جلوس فردیناند اقل پسرش به جای او. (فرانسه) — ایجاد سفاین بخاری به جهت حمل و نقل مال التجارة و مسافر مابین مارسیل و اسلامبول و اسکندرید. (پرتوغال) — فوت شوهر ملکه و مزاوجت ملکه با برادرزادهٔ پادشاه بلژیک. (روس) — ملاقات سلاطین روس و بروس و اطریش. (عثمانی) — ایجاد طرق و شوارع و پست و تماشاخانه و

تنظیمات عسکریه \_ فرستادن سفرای مقیم به اطریش و فرانسه \_ بروز طاعون و وبا در مصر \_ طلوع ستارهٔ ذوذنب موسوم به هالی که هر هفتاد و شش سال طلوع می کند و این دفعهٔ بیست و پنجم است که طلوع نموده.

#### [سنة ١٢٥٢ هجري = سنة ١٨٣٦ مسيحي]

آسیا ... (ایران) ... در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمدشاه چنانکه در ذیل سال قبل اشاره نمودیم مصمّم تنبیه تراکمهٔ گرگان گردید و در سه شنبهٔ بیست و دویه ماه صفر به باغ نگارستان نقل مکان فرمودند و در این سفر نواب فرهادمیرزا (حاجي معتمدالدوله) همه جا با دو فوج سرباز و هزار سوار چنداول موکب همايون بـودنـد. نواب فریدون میرزا و حسنخان ساری اصلان با پنج فوج سرباز و توپخانه و قورخانه در دهم ربيعالاول از راه سمنان قصد بسطام و كالپوش كردند و روز نـوزدهـم مـاه مـزبور اردوی شهریاری از نگارستان به طرف فیروزکوه حرکت کرد و چهل روز در چمن فیروزکوه اقامت فرمودند. منوچهرخان معتمدالدوله که از فارس مراجعت کرده بود در این چمن به رکاب آعلی پیوست، و فرامین به بزرگان ایلات تراکمه صادر شده به محمدصالح خان گرد محلهٔ استرآبادی داده او را به گرگان فرستادند و در سیّم جمادی الاولی از فیروزکوه انتهاض فرموده پس از طی منازل به شاه کوه رسیدند، بزرگان تراکمه به تقبیل عتبهٔ علیّه آمده حکم همایون شد که نواب فریدون میسرزا با پنج هزار سوار جرّار تا قارنقلعه (قاریقلعه) گرگان رفته ترکمانان بیابان گرد را که مصدر خلاف شده بودند گوشمالی بسزا دهد، پس از آن موکب معلى به خرقان بسطام نزول اجلال نمود، روز پنجم جمادى الثانيه چمن كالپوش مضرب خیام بااحتشام مبارک گردید ... از آنطرف تراکمه چون دانستند نواب فریدون میرزا نزدیک شده ده هزار سوار در قارن قلعه مستعد پیکار گشتند و به محض وصول نواب معظم به آن محال نايرهٔ حرب اشتعال يافت تراكمه به واسطهٔ شليكهاى توپ متـفـرق گـشـته راه هزیمت پیش گرفتند و به طرف اورگنج و خیوه راندند ـــ قارن قلعه را نواب فريدون ميرزا متصرف شده مراتب را به حضور همايون عرضه

داشت و حکم شد آن قلعه را با خاک برابر کنند و پانزده روز آذوقه و علوفه برگرفته بـر لب رود گرگان به اردوی پادشاهی پیوندند. نواب معظم برحسب فرموده حرکت کرده و اردوی همایون از قراشیخ و کنارآب گرگان به گنبدقابوس و در میان طوایف ککلان آمد و به موجب امر اقدس عباسخان قاجار بیگلر بیگی استرآباد پانصد نفر از معارف تراکمه ککلان را به رسم گروگان به میرسعدالله خان فندرسكي سپرده آنها را به دارالخلافه آوردند ــ آنگاه موكب منصور به مراتع قبايل يموت توجّه فرمود، تراكمهٔ يموت راه جبل ابوالخان ارا گرفته و گريختند لكن در عرض راه دوچار نواب فریدون میرزا که از قارن قلعه به اردوی همایون می آمد شدند و جمعى مقتول و بىرخى اسير گشته بقيّةالسيف خود را به ابوالخان رسانيدند و اردوی پادشاهی به صحرای معروف به بی بی شروان توقّف نمود ــ پس از نظم این صفحات شهریار غازی به دولت آباد دامغان تشریف فرما گردیده در اینجا معروض شد که فیمابین فضلعلی خان قراباغی و اهالی مازندران وحشتی حاصل شده و کار به کارزار کشیده مازندرانیها فضلعلی خان را در ارک ساری محصور کرده اند. اعلیحضرت همایون فرخ خان کاشی غفاری را که مردی کاردان بود به اصلاح این فساد مأمور فرمودند و او وقتی رسید که کار به جدال کشیده و از اصلاح گذشته، لهذا فضلعلی خان را به دارالخلافه فرستاد و اهالی مازندران را استمالت نموده حاکم دیگری برای این ولایت استدعا نمود، لهذا حکم همایون صادر شد که او خود چندی به رتق و فشق امور مازندران بپردازد تا بعد از وصول موکب همایون به دارالخلافه حکم مجدّدی در این باب شرف صدور یابد ــ نیز از وقایع عرض این راه آنکه جساعتی از امنای حضرت باهم همداستان شده عریضهای مشتمل بر سهو و خطای حاجی میرزا آقاسی به حضور مبارک دادند. اعلیحضرت یادشاه کارآگاه برآشفته آن عریضه را به حاجی دادند. حاجی بزرگواری کرده برای آنکه با کسی دل بد نکند عریضه را نخوانده سوزانید و مطلقا چیزی از این مقوله به روی خود نیاورد ــ هم در این سال نواب بهرام میرزا ایالتین لرستان و عربستان را منظم نموده

إناسخ التواريخ: بلخان داغي.

اعتمادائسلطنه اعتمادائسلطنه

یعمنی محمدتقی خان بختیاری را که از خدمت دیوان روگردان و در معاقل جبال متواری بود استمالت کرده اطمینان داده و او علینقی خان برادر خود را با جمعی به رسيم گروي ملتزم ركاب والا نمود و نواب معظم به نظم صفحات خوزستان رانده شیخ مذکور شیخ اعراب بنی لام را که به راه شرارت و خودسری رفته بود معزول و شیخ نغمه را به جای او منصوب نموده به کرمانشهان مراجعت کردند و در چهارم شوال حسب الامر از كرمانشهان خركت كرده به دارالخلافه آمدند ومتوجهرخان معتبمدالدوله به حکومت آن صفحات منصوب شد و نظمی کامل در آن نواجی داد ا \_ هـم در ايـن سـال اعـلـيـحضرت همايون ميرزا حسن طبيب رشتني را به تذهيب و تعمير روضة كاظميين عليهماالسلام مأمور و روانه داشتند و او اين خدمت را به انجام رسانید ... و در این سال نواب شاهزاده محمدقلی میرزای ملک آرا به توقف همدان مأمور گردید، و نواب اردشیر میرزا به حکومت مازندران رفت و میرزا اسدالله خان نوائی به وزارت او برقرار گشت، و عیاسقلی خان جوانشیر حاکم کاشان به آستان مبارک احضار شد و شاهزاده بهمن میرزای بهاءالدوله به جای او حکومت كاشان يافت. سيف الله ميرزا به حكومت سمنان، و فتح الله ميرزا به حكومت هـمـدان، و محــتـدخان ايرواني آميرتومان گرديده به حکومت عراق منصوب شد، و سيف الملوك ميرزا به توقف قزوين مجبور گرديد ــ هم در اين سال ميرزا جعفرخان مشيرالدوله به سفارت اسلامبول و اقامت در دربار دولت عثماني مأمور و روانه شد ــ هم در این سال نواب فریدون میرزا به فرمانفرمائی فارس برقرار، و ميرزا محمدتقي آشتياني ملقب به قوام الذوله به وزارت اين مملكت نايل، و نواب فیروزمیرزا به حکومت کرمان منصوب گشت ــ هم در این سال میرزا آقاخان نوری به وزارت کل عساکر منصورهٔ نظام و غیرنظام و نشان سرتیپی اوّل نایل آمد.

اروپا \_ (آلمان)\_ بروز وبا در اطریش. (فرانسه) \_ آلی بُد نام قصد قتل پادشاه نموده ولی گرفتار شده و مقتول گردیده \_ طاق نصرت پاریس که اوّل بنای آن را ناپلیون اوّل کرده به اتمام رسیده \_ لوی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون اوّل در اِشتراز بورگ فتنه بر پا کرده گرفتار می شود ولی او را بدون تحقیق آزاد نموده به

اتائونی جلا می دهند ـ جمعیت فرانسه در این سال شصت و هفت کرور است. (عشمانی) ـ برای آنکه طاعون به بلاد عشمانی سرایت نکند ایجاد قرانتین می نمایند و این اوّل ایجاد قرانتین است در این مملکت.

## [سنة ۱۲۵۳ هجری = سنة ۱۸۳۷ مسیحی]

آسیا — (ابران) — در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمدشاه عازم هرات شد و نواب مستطاب والا فرهاد میرزا (حاجی معتمدالدوله) را نایبالایاله و مأمور توقیف دارالخلافه فرمودند — نواب مستطاب معظم در کتاب جام جم می فرمایند: روز یکشنبه نوزدهم ربیع الشانی سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری اعلیحضرت شهریار غازی به جانب هرات و ممالک مشرق زمین لشکر کشیده از طهران روانه شدند و در چهاردهم شعبان همین سال غوریان فتح شد، و در بیست و دویسم شعبان به دور هرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و به چند علّت دویم شعبان به دور هرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و به چند علّت که عمده اختلاف سران سپاه بود. نیز سرجان مکنیل وزیر مختار دولت انگلیس به جمعت مداخلهٔ وزیر مختار روس غراف سمنوویچ در امور افغانستان راضی بر اینکار جهت مداخلهٔ وزیر مختار روس غراف سمنوویچ در امور افغانستان راضی بر اینکار نبود تسخیر آن شهر ممکن نشد و در نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و پنجاه و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره به پنجاه و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره به مقر خلافت وارد شدند و مدت شانزده ماه سفر طول کشید \_ انتهی.

توضیح آنکه کامران میرزا حکمران هرات که پیوسته خود را بسته به دولت ایران می دانست و در اغلب موارد به امداد حکّام خراسان امور خود را منظم می ساخت این اوقات برخلاف راه مخالفت پیش گرفت و قصد تسخیر سیستان کرد و حاکم سیستان این فقره را به عرض آستان همایون رسانید ـ نیز سرداران افاغنه که روی دل بدین حضرت داشتند انتهاض موکب اعلی را به جانب خراسان استدعا کردند و هر یک به تشریف و منشوری سرافراز شدند، و قنبرعلی خان مافی شمشیری که قبضهٔ آن مکلل به الماس بود به افتخار کهندل خان برد، و موکب همایون به باغ نگارستان نقل مکان فرمود و حاجی میرزا آقاسی و تمامی امرا و

ارکـان دولـت نـیـز در خــارج شــهرخیام گوناگون افراشتند و عساکر ایران از اطراف روی به دارالخلافه نهادند ـــ مقارن این حال فتح محمّدخان فرستادهٔ کامران میرزای افغان با پنجاه طاقه شال کشمیری و پانزده رأس اسب تکّه و عریضه به حضور همایون آمد و اظهار متابعت نمود ولی در نیت سفر تبدیلی روی نیافت ــ نواب اميرزاده حمزهميرزا و حسن حان ساري اصلان و سي هزار سواره و بياده از پيش حرکت کردند که در نیشابور به اردو ملحق شوند ـــ و حبیب الله خان شاهیسون امیر توپخانه را حکم دادند که با شصت عراده توپ راه خوار را پیش گرفته مقدّمة الجيش باشد و روز يكشنبه نوزدهم ربيع الثاني از نگارستان انتهاض فرموده به اشرف آباد نزول اجلال شد ــ در اینجا نواب سلطان مراد میرزا را با ششهزار نفر به چمن گندمان عراق مأمور فرمودند که به نظم آن صفحات پردازد، و نواب بهرام میرزا را به حکمرانی قزوین منصوب نمودند و طهماسبقلی خان قزوینی وزارت نواب معزى البيه يافت ـــ روز بيست و ششم ربيع الثاني موكب اعلى وارد سمنان شد و سيفالله ميرزا حاكم اين ولايت به خدمات پرداخت، پس از يک هفته از سمنان حرکت کرده در دهـم جمادی الاولی به چمن بسطام رسیدند و چهل روز در اینجا توقف شد، و شنیدند که آمپراطور روس نیکلای به طرف تفلیس و اوچ کلیسا عزیست نسوده و نامه به شهریار غازی نوشته که اگر مایل باشند بدینجانب توجّه فرموده ملاقات نمايند. چون سفر هرات مانع مرام بود حضرت شاهنشاهزاده اعظم وليعهد دولت عليه ناصرالدين ميرزا (اعليحضرت همايون شاهنشاهي ناصرالدينشاه) را به ملاقات اعليحضرت امپراطور روس مأمور فرمودند و حضرت وليعهد در اين وقت قریب به هفت سال از عمر مبارکشان گذشته بود. خلاصه محمدطاهرخان وكيل قزويني از چمن بسطام به دارالخلافه مأمور شده از نواب والا فرهادميرزاي نـایـبالایـالـه یکـزوج شال رضائی کشمیری و پنج رشته تسبیح مروارید و چهارده رأس اسب ترکمانی به جهت هدیهٔ امپراطور گرفته به حضرت ولیعهد گردون مهد به تبديز برده كه در ركاب والا متوجّه تفليس گردد. و محمّدخان زنگنه اميرنظام و حاجسي ملامجمود نظام العلماء وميرزا تقي خان فراهاني وزير نظام وعيسي خان قاجار خال حضرت وليعهد بيهمال وميرزا محمد حكيم باشي در ركاب حضرت

مستطاب معظم به کنار رود ارس آمدند و هفت تن از صاحب منصبان روس با كشتى مخصوص به خدمت حضرت مستطاب وليعهد ابدمهد آمده ايشان را با هـ مـراهان از رود ارس عبور دادند و به لوازم تعظیمات و میهمانداری پرداخته در ماه رجب به ایروان رسیدند و یک روز بعد از ورود حضرت معظم به ایروان اعلیحضرت امیراطور بنا هفت نفر از خواص خود به این شهر ورود کردند و بارون روزن را نزد حضرت وليعهد فرستماده اظهار مودّت و اتّحاد و مهرباني كامل نمودند و پس از مقالات مقرّر شد فردا سه ساعت از روز گذشته بارون مشارّالیه به خدمت حضرت وليعهد آيد كه به حضور امپراطور معظم روند. روز ديگر كالسكة مخصوصي آورده حضرت وليعهد را در آن نشانيده خود با اميرنظام و ساير همراهان به حضور اعمليحضرت امهراطور رفتند و اعليحضرت معظم زياده ازحد با حضرت وليعهد مهربانی و ملاطفت نموده و انگشتری المباس گرانبهائی که صورت امپراطور در آن نقش بود به دست خود به انگشت مبارک حضرت معظم نمودند و امیرنظام همراهان حضرت را معرّفی کرد پس از معاورات لایقه و سئوالات اعلیحضرت امپراطور، و اجوبة متينة حضرت وليعهد كه همه مستوجب تمجيد و موجب تحسين كامل گرديد مراجعت فرمودند و هدایا و نامهٔ موذت علامهٔ اعلیحضرت شهریار ایران را تقدیم نـمودند و از روز ورود به ایروان تا روز خروج و بازگشت هشت روز طول کشید و اعمليحضرت امپراطور هريک از همراهان حضرت معظم وليعهد را به عطيّة شايان درجهٔ اختصاص دادند و پس از ورود به تبریز جیقهٔ مکلّل به الماس بریلیان و نشان عقابی که مخصوص سلاطین است برای حضرت ولیعهد ارسال داشتند و پس از وصول این اخبار موکب همایون شهریار غازی راه هرات پیش گرفتند و اللّهیارخان آصف الدوله را از ارض اقدس به ركاب اعلى احضار فرمودند ــ هم در اين اوان. اللهقلي خمان توره جمعي از تراكمهٔ ككلان را به وعد و وعيد به خوارزم طلبيد و بعضی را به کوچانیدن آنها فرستاد. نجفقلی خان شادلو با دسته ای از سواران جرّار به استرداد تراکمهٔ مزبوره رفته خوارزمیها را شکست داده پانصد خانوار از ککلان را گرفته به بوزنجرد برده سکنی داد و آصف الدوله به رکاب مبارک پیوست و به تجهیز لشکر خراسان مأمور شده به ارض اقدس بازگشت و اردوی همایون در بیستم

جمادی الشانسه از چمن بسطام حرکت کرده به خیرآباد و مزینان و سبزوار راند و حبیب الله خان شاهیسون امیر توپخانه در اینجا به رکاب اعلی پیوست ـ ولی خان تـنكـابـنــى نـيز با فوج خمسه و قزوين و تنكابن در رسيد و كليتاً به سرجام آمدند ـــ آصف الدول، با چهار عرّاده توپ و چهارده هزار نفر به نظم بادغیسات مأمور شد. و در منزل قدمگاه حاجی میرزا آقاسی و جمعی از اعیان رخصت زیارت یافتند و پس از نیـل این شرف به اردوی معلّی پیوستند و موکب اعلی روز بیست و هشتم رجب به تربت شیخ جام رسید و از محمودآباد و کوسویه و کنار هری رود به غوریان راندنند. روز ورود به غوریان سواران شیرمحمّدخان برادر یارمحمّدخان که در آنجا سرحددار بنود از غوريان بيبرون آمده با محمدخان اميرتومان تلاقي كرده شكست خـوردنـد روز هفتم شعبان حوالى غوريان معسكر شهريار قضا توان گرديد و حكم به تسخير قلعه دادند و روز چهاردهم ماه مزبور غوريان مفتوح شده شيرمحمدخان با اكابر افاغنه به حضور مبارك آمدند و ميرزا اسدالله خان قايني ا به حراست اين قلعه و ناحیه مأمور شد و موکب اعلی در بیست و دوتیم شعبان به ظاهر هرات نزول فرموه و شروع به محاصره كردند برشيس الدين خان افغان به ركاب مبارك آمده در سلک ملازمان منسلک گردید ـــ روز پانزدهم رمضان یارمحمدخان افغان بر فراز ببرج آمده اظهار اطاعت كرد وعزيزخان سرهنگ مكرى داخل هرات شده با کامران میرزا گفتگو نمود و عریضه ای از او به حضور همایون آورد ولی مبنای سخن بـر دروغ و تـزويـر بود و اين معنى معلوم شده باز نايرهٔ قتال اشتعال يافت ـــ كامران میرزا پشر خود نادرمیرزا را نزد اللهقلی خان خوارزمی فرستاده از او و خوانین میمنه و هزاره استمداد كرد. اللهقلي خان هزار و پانصد سوار به خليفه عبدالرحمن كه مردم آن صفحات به او ارادت داشتند ابوابجمع کرده و او به نزد مضراب خان والی میمنه رفيته ششهزار سوار از ميمنه و اندخود و شبرغان فراهم كرده قصد امداد كامران ميرزا تمود شیرمحمد خان هزاره نیز چهارهزار نفر نزد عبدالرحمن فرستاد و او مهیای

١. روضة الصفا: امير اسدالله خان قايني و همين صحيح است. اسدالله خان عنوان «امير» و يا دقيق تر
 عنوان «مير» داشته است ذيل وقايع سال ١٢٥٤ نيز «امير اسدالله خان» آمده.

جنگ شد، آصف الدوله که به طرف بادغیسات رفته بود در آن حدود جنگها کرده در هریک غلبه نمود. و ملاعبدالحق پشتکی در هرات به مسجد رفته پس از وعظ به اسم جهاد مردم را مهیج شد و جمعی جمع شده از دروازهٔ خوش بیرون آمده که به اردوی همایون حمله نمایند قراولان محمدخان امیرتومان به آنها برخورده به جدال پرداختند و علیمحمدخان گردبچه در این واقعه مقتول شد، و محمدصالح خان پسرش برداختند و علیمحمدخان گردید. بالجمله همه روزه در خارج و داخل هرات جنگ در کار به بود و ذیل قضیه طولانی گردیده و چیزی که پیشتر عایق نیل مرام شد این بود که باطنا امرا باهم مخالفت بهم رسانیدند و علی رغم یکدیگر کار می کردند

هـم در ایـن سـال خسروخان گرجی حاکم اصفهان چون چند فقره شفاعت علمای شهر را قبول ننمود مردم بر او بشوریدند و او را در عمارت هفت دست محصور کردند. فرّخ خان کاشی غفّاری به تحقیق ماجری مأمور اصفهان شد و معلوم كرد كه فيمابين اهالي و خبروخان اصلاح نمي شود لهذا خسروخان به دربار همایون احضار شد و فرخ خان چهار ماه به امور ولایتی رسیدگی می کرد تا فضلعلى خان قراباغي به حكومت اصفهان منصوب شد و فرّخ خان حسب الامر بعضي ظروف و ادوات مرضع تسام تسوده روانهٔ هرات شد و در ظاهر هرات به حضور همایون مشرف گشت، و میرزا جواد که در وزارت اصفهان و منال دیوان دخلی داشت و بـر ضــدّ حـکـومـت بـود فضلعلیخان او را نابود کرد. و نواب مؤیدالدوله و طهماسب ميرزا حاكم همدان احضار شده به هرات رفت \_ هم در اين سال فیضان آقا یاور توپخانه به سرهنگی توپخانه نایل آمد ــ هم د راین سال شاهزادگان که در قلعهٔ اردبیل مأمور به توقف بودند نقبی از قلعهٔ اردبیل به خندق خارج شهر به واسطهٔ حفّاری احداث کرده رکن الدوله علینقی میرزا و پسرش نصرالله میرزا و ظل السلطان و امامویردی میرزا از آن نقب خارج شده خود را به خاک روس رسانیدند ولی از حمایت امپراطور مأیوس گشتهٔ به اسلامبول رفتند و از آنجا به عتبات عاليات آمده رحل اقامت افكندند \_ هم در اين سال حسين خان مقدم آجودانباشی مأمور به اسلامبول و پاریس شد، و نواب اردشیر میرزای حکمران مازندران برحسب امر اعلی به تأدیب قیات نام ترکمان از طوایف جعفر بای که در

جزیرهٔ چرکن در دریای خزر محاذی بادکوبه به فساد و شرارت اشتغال داشت روانه شد و میرمحقد صادق خان دریابیگی به نشان مکلّل به الماس از درجهٔ اوّل سرهنگی نایل آمد — هم در این سال بندر محمره را به حکم علیرضایاشا والی بغداد خراب کردند و بدینواسطه میرزا تقی خان روانهٔ ارزنهٔ الروم شد و شرح آن بیاید — بروز طاعون در آذر بایجان.

اروپا - (انگلیس) - فوت گیلیوم چهارم پادشاه انگلیس و جلوس برادرزاده اش و یکتوریای اول در سن نوزده سالگی. (آلمان) - بعد از فوت گیلیوم چهارم پادشاه انگلیس که سلطنت هانُور را در آلمان نیز داشت دوک دُکوفبرلاند پسر ژرژسیم موسوم به اِرْنِسْتُ اگوست که اول پادشاهی هانُور را می کرد به سلطنت مستقلهٔ هانور شناخته شد. (بلژیک) - ایجاد چند شعبه راه آهن. (دانهارک) - هانور شناخته شد. (بلژیک) - ایجاد چند شعبه راه آهن. (دانهارک) - شکنجه ای که از طرف دولت به مقصرین می شد موقوف و متروک گشت. (اسپانیول) - شورش دُن کارلس که ادّعای سلطنت دارد و قشون کشی او تا حوالی پایتخت و شکست خوردن او. (فرانسه) - فتح شهر قسطنطین در الجزایر - پایتخت و شکست خوردن او. (فرانسه) - فتح شهر قسطنطین در الجزایر حالی مسافرت دُومُنْتُ داوُرویْل به قطب جنوب ایجاد تلگراف و قوّهٔ برقیه به وضع حالیه. (ایطالیا) - بروز وبای خیلی سخت در سیسیل. (روس) - فوت پوشکین شاعر معروف. (عثمانی) - سیاحت سلطان محمودخان سلطان عثمانی در ایالت داخلهٔ خود.

امریکا \_ (اتائونی)\_ مارتن وان بُورن به ریاست جمهوری برقرار می گردد.

### [سنهٔ ۱۲۵۶ هجری = سنهٔ ۱۸۳۸ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در اوایل این سال هرات در بند محاصره بود و مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس که از فتور کار هراتیان خبردار شده و از دارالخلافه حرکت کرده به اردوی همایون رسید و اجازت خواسته داخل هرات شد که کامران میرزا را اطمینان داده به حضور مبارک آورد ولی برعکس نمود و تعقد کرد که اردوی همایون را از

ظاهر هرات حرکت دهد \_ وزیر مختار روس غراف سمنوویچ نیز ده روز بعد از وزیر مختار انگلیس از دارالخلافه حرکت کرده به اردوی معلّی پیوست \_ و در این ایّام چند تبوپ قلعه کوب از مس در اردو ریختند و بر بالای باستیانها بردند و کار محاصره سخت تر شد و قحط و غلا در هرات مزید بر سایر صدمات گردید و خلقی از شهر خارج شده به اردو آمدند و به امر اعلی آنها را غذا و لباس دادند \_ هم در این اوان میرزا علینقی منشی فراهانی کاتب اسرار چون بعضی رازهای مخفی را آین اوان میرزا به حضور همایون رسید آشکار کرده بود سیاست شد و عریضه ای از کامران میرزا به حضور همایون رسید که در افتتاح آن این بیت نوشته شده بود:

ای باغبان چو باغ ز مرغان تهی کنی کاری به بلبلان کهن آشیان مدار و در ضمن عریضه اطمینان خواسته حاجی عبدالمحمد معلاتی به استمالت او بـه هـرات رفـت، امّـا وزيـر مـختار انگليس غلبه بر هرات را اسباب اختلال كار هندوستان دانسته در معاودت موکب منصور به دارالخلافه ابرامی داشت ــ هم در این سال در پنجم ماه صفر فرستادگان مودودخان و ابراهیمخان فیروزکوهی با عریضه و پیشکشی به حضور مبارک آمده اظهار عبودیت کردند و مورد مراحم پادشاهی گردیدند \_ هم در این اوان قنبرعلی خان که به قندهار مأمور شده بود بـازگشت و شاهپسندخـان از طوایف افغـان اسحـقزائی در قلعهٔ لاش جوین و شاه پسندخان سیستانی برادر علی خان بدو پیوستند و به اردوی همایون آمده مورد الطاف پادشاهی گردیدند، و حدادادخان نیز از جانب کهندلخان با دو زنجیر فیل و عریضه به در بار معلّی آمده عرضه داشت که استدعای کهندلخان این است که به امر اعملي لشكر قندهار را كوچ داده به حضور همايون آيد، اعليحضرت اقدس محتمدشاه در جواب فرمودند اكنون به لشكر قندهار حاجتي نيست اگر كهندلخان مهیّای خدمت است با لشکر بر سَر جلال الدین میرزا پسَر کامران میرزا که در فراه و اسفزار حکومت دارد برود و او را مقهور سازد ــ نیز در اواخر صفر این سال محتمد عمرخان ابن کهندل خان ابا چهار هزار سوار به رکاب اعلی آمد و بعد از

مراجعت از هرات نیز به دارالخلافه آمده سالی بیست هزار تومان مقرّری یافت بالجمله محتدعمرخان حسب الامربه فراه والسفزار رفته جلال الدين ميرزا را مقهور ساخت و کار معاصره هرات سخت شد و لشکریان نیز از طول مذت به ستوه آمدند و اطراف شهر را تا بیست فرسنگی خراب کردند و وزیر مختار انگلیس در فراهم آوردن موجبات تعلل ساعی بود تا خاطر مبارک از او مکدر شده و بدین واسطه راه دارالخلافه رًا بيش گرفت و در عرض رّاه حكم به او رسيد كه نايبي روانه هرات کند و حود به لندن حاضِر شود، وزیر مختار استدرت نایب اوّل خود را به هرات فرستاد و خود روانهٔ لندن شد و عساکر منصوره شهر را گلولهباران کردند ـــ هم در این اوان اسکنندرخان از سران سپاه زخمی برداشته بعد از دو روز درگذشت و در یورش روز هشتم جمادی الاولی که نیمی از دیوار حصار هرات را گلولهٔ توب خراب کرد ولی خان تنکابنی که در این یورش پیشرو بود و عَلَم خود را به شیرحاجی سیّم رسانیده نصب کرد [و] به جهت رسانیدن امداد به سنگر خود بازگشت. چون از خندق بگذشت گلوله توپی سر او را ببرد و درجهٔ شهادت یافت و بروسکی صاحب از امیبرزادگان لیهستان که در خدمت دولت علیه بود به زخم گلوله هلاک شد و سرخوش خان نیز زخم گلوله یافت و اگر بعضی دستهجات مساهله نمی نمودند در ایـن پــورش شــهر مسخّر شده بود ـــ عــاکر ظفرمآثر به اشارهٔ علیّه مهیّای یُورش دیگر شدنید و مشقبّل گردیدنید که در این حمله شهر را مسخّر نمایند، امّا ابرام امنا و کارگذاران دولت انگلیس در معاودت موکب اعلی زیاد شد بلکه سفاین جنگی آن دولت به سواحل و بشادر عمان آمد و بالضراحه اظهار نمودند که چون فتح قشون ایران هرات را اسباب اختلال حکومت انگلیس در هندوستان است اگر از آن درنگذرند مودّت مبدل به خصومت می گردد ــ اعلیحضرت همایون شهریار غازی بنابر رعایت دوستی دولت انگلیس حکم به بازگشت اردوی معلّی فرمودند و در نوزدهم جمادي الآخره از خارج هرات حركت كرده در نوزدهم شعبان وارد دارالخلافه شدند ــ محمدعلى خان ابن آصف الذوله و جعفرقلي خان شادلو با

٧. متن: استدرت با مطابقه با ناسخ التواريخ به استدرت (Stodart) تصحيح شد.

ششهزار نفر به ضبط غوریان بماندند و امیر اسدالله خان به قاین و تون و طبس رفت ــ محمّد عمرخان و شمس الدين خان افغان در ركاب اعلى به دارالخلافه آمدند و نواب سلطان مراد میرزا که به توقف عراق مأمور بود و پس از نظم آن حدود از بخشیاری و عراق و عربستان به شوشتر و کوهگیلویه و فارس آمده با برادر والاگهر خود فریدون میرزای فرمانفرما ملاقات کرده و از آنجا راه دارالخلافه را پیش گرفته قبل از وصول موکب همایون به دارالخلافه در راه سمنان به اردوی معلّی پیوست، و غراف سمنوویچ ایلچی روس مقیم دارالخلافه به مملکت روس بازگشت و خامل صاحب با هدایا بهجای او آمد و موکب پادشاهی به زیارت حضرت معصومه سلام الله علميها انتهاض فرمود و شاهزادگان از اطراف به تقبيل عتبهٔ عليّه آمدند، و قنبرعلی خان مافی مأمور بغداد شد که حسارت محمره را از یاشای بغداد مطالبه نماید ــ هم در این سال چون فیمابین اهالی شیراز و توپچیان که در این شهر بودند نزاع درگرفته و مادهٔ فساد غلظت یافت میرزا نبی خان امیردیوان به فارس و رفع آن غایله مأمور شد، و رضاقلی خان آمیرالشعراء متخلّص به هدایت از شیراز به در بار معلَّى آمده تربيت شاهزاده عبّاس ميرزا برعهدهٔ كفايت و درايت او موكول شد ـــ هم در این اوان نواب منوچهر میرزا وقات نمود و میرزا رضای میزان آقاسی مأمور خوارزم شد و میبرزا مسعود وزیر امور خارجه به غوریان رفت و نواب بهمن میرزای بهاءالدّوله به حکومت یزد منصوب شد و فرخ سیر میرزا به گلیایگان و خوانسار روانه گشت ـ هم در این سال چون عبدالله پاشای بابان احکام حکمام کردستان را پیروی نـمـی کـرد و کـسـان او در آن نواحی فتنه و فساد می کردند به رضاقلی خان والى كردستان حكم شد او را گوشمالي دهد و محمودپاشا را كه بستگي به اين دولت ابدآیت داشت تقویت نموده به جای عبدالله پاشا متمکن سازد. رضاقلی خان بًا لشكر كردستان به جانب شهرزور حركت كرد امّا از آنجائيكه او جوانبي طروب و عیّاش بود در هر چمنی انجمنی آراست و جامی خواست از آنطرف عبدالله پاشا که از کار حریف خبردار بود با سپاهی جرّار و هشت عرّاده توپ به سرعت والی را استقبال کرد و بیخبر در دره ای کمین نمود، شب در هنگامی که والی سرخوش بود و سران سپاهش هریک بیخود در گوشه ای غنوذه از کمینگاه بیرون تاخت و جنگ اعتماد السلطنه

درانداخت و جمعی را با گلولهٔ توپ هلاک نمود. والی و سپاهش اردو را گذاشته برفتند و اموال آنها را عبدالله پاشا تصاحب گرده به شهرزور بازگشت — هم در این سال اشرار و الواط اصفهان بنای شرارت را گذاشته شبها به خانهٔ متمولین و تجار رفته به تهدید قبل از آنها دریافت وجوه و نقود کرده به مصارف لهو و لعب خود می رسانیدند. بنابراین منوچهرخان معتمدالدوله به حکومت اصفهان منصوب شد که دفع شر اشرار نماید — هم در این سال سلطان عثمانی برای آنکه مسئله محمره اسباب نقار دولتین ایران و عثمانی نگردد از امپراطور بروس خواهش نمود که به اصلاح ذات البین پردازند. امپراطور معظم نامه ای به اعلیحضرت شهریار غازی نگاشته در این باب توسطی کردند و قورت صاحب و خامل صاحب آن نامه را به خضور مبارک ایصال داشته مقرر شد وزرای مختار و سفرای مقیم دارالخلافه مجلسی منعقد ساخته به اتمام این مسئله پردازند — هم در این اوان عریضهٔ امام مسقط با پیشکشی به در بار معلی موصول شد — هم در این سال میرزا ابوالقاسم مسقط با پیشکشی به در بار معلی موصول شد — هم در این سال میرزا ابوالقاسم این مرزا محمدتقی منشی الممالک گردید.

اروپا \_ (آلمان) \_ کلیسای شهر گُلنی که در هزار و چهل و هشت مسیحی بنا شده و ناتمام مانده در این سال مجدداً شروع به ساختن آن می نمایند \_ ایجاد چند شعبه راه آهن. (انگلیس) \_ مملکت کانادا از متصرّفات انگلیس در ینگی دنیای شمالی شورش می نمایند \_ تاج گذاری ملکهٔ انگلیس در بیست و هشتم ژون \_ انگلیس در آسیا با روس رقابت و هم چشمی می نماید. (اسپانیا) \_ منازعهٔ مابین عساکر دولت و دُن کارلش برقرار است. (فرانسه) \_ فوت تالیراند از اعاظم رجال \_ تولد کُنْت دُپاریس پسر ولیعهد \_ منازعهٔ فرانسه با مکزیک. (پرتوغال) \_ تولد پسری که ولیعهد دولت خواهد شد. (روس) \_ ایجاد راه آهن از پطرز بورغ به مسکو \_ مسافرت امپراطور روس به آلمان. (عثمانی) \_ محمدعلی پاشای مصری ولایت مصر را بطور ارث نسلاً بعد نسل می طلبد همچنین شامات را چون سلطان عثمانی مصر را بطور ارث نسلاً بعد نسل می طلبد همچنین شامات را چون سلطان عثمانی قبول نسی کند مصمّم جنگ می شود ولی به مداخلهٔ انگلیس و فرانسه جنگ واقع قبول نسی کند مصمّم جنگ می شود ولی به مداخلهٔ انگلیس و فرانسه جنگ واقع نشده تبعیت سلطان را می کند \_ مسافرت رشیدیاشا به لندن.

Compressión

# امریکا \_ (ینگی دنیای جنوبی) \_ جنگ فیمابین شیلی و پرو.

#### [سنة ١٨٣٩ هجرى = سنة ١٨٣٩ مسيحي]

آسيا - (ايران) - بعضى از مورخين در ذيل شرح سال قبل نوشته اند: موكب همايون اعليحضرت شهريار غازى محمدشاه با جماعتى از خواص و لشكريان عزيمت اصفهان فرمود تا ملازمان حضرت به تدمير اشرار و اجامره اين ولايت یردازند و آن نواحی را مصفّی سازند و پس از وصول به کاشان الواط این شهر را گرفته به استرآباد فرستادند و روز بیست و پنجم ذیحجه وارد اصفهان شده نـصـرالله خـان کشیکچی باشی را به گرفتن اشرار امر فرمودند و یکصد و پنجاه نفر از مردم شریر گرفتار شده تنبیه شدند و بعضی از آنها را به اردبیل بردند و اهالی اصفهان آسوده شدند ـــ نگارنده گوید در مسافرت اعلیحضرت شهریار به اصفهان به این قصد حرفی نیست ولی نه در سال قبل بلکه سفر همایون در این سال بوده چنانکه نواب مستطاب والا حاجي معتمدالدوله فرهادميرزا در جامجم مي فرمايند (در چهاردهم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری به اصفهان تشریففرما شدند و در روز جمعه هشتم رجب المرجب سنة هزار و دويست و ينجاه و شش هجرى مراجعت فرمودند). بالجمله در این سفر نیز نواب مستطاب والا فرهادمیرزا حاجى معتمدالدوله نايبالاياله و در دارالخلافة طهران به مهام ملكي اشتغال داشتند ـ هم در این سال نصرالله خان کشیکچی باشی به حکمرانی فارس منصوب و برادرش میرزا محمدخان کشیکچی باشی شد و میرزا نبی خان را از فارس احضار فرمودند ــ هم در این سال حسین خان آجودانباشی که به سفارت یاریس رفته بود با چند نفر از صاحب منصبان فرانسه به حضور مبارک مشرف شد و نامهٔ پادشاه فرانسه را که مشعر بر اظهار مودّت و اتحاد بود تقدیم نمود ـ هم در این سال در بیست و هشت رجب نصرالله خان حکمران فارس درگذشت و نواب والا حاجی معتمدالدوله فرهادميرزا به حكمراني فارس منصوب شدند و ميرزا فضل الله عملى آبادي نصيرالملک لقب يافته به وزارت نواب معظم برقرار گشت \_ نگارنده

گوید: این واقعه را موزخین در سوانح این سال ثبت نموده اند ولی حق اینست فوت نصرالله خان و حکمرانی نواب والا حاجی معتمدالدوله به فارس از وقایع سال هزار و دویست و پنجاه و شش هجری است ــ خلاصه بعد از آنکه نواب مستطاب معظم به فارس رفتند آن صفحات را نظمی کامل دادند و از آنجا که میرزا قوام الدین برادر ميرزا منصورخان حاكم كوهگيلويه در حاضر شدن به دربار همايون و اداي منال دیوانی تهاون داشت منصورخان سرتیپ فراهانی را با ده عزّاده توپ و دو فوج سر باز به نظم بهبهان فرستادند، ميرزا قوام الدين فرار كرده نزد منوچهرخان معتمدالدوله رفت و او را شفیع و حامی خود ساخت ــ هم در این اوان نواب خانلر میرزا از كرمان احضار شده و فضلعلى خان حكومت اين ولايت يافت ــ هم در اين سال آقاخان محلاتي ابنشاه خليل الله رئيس طايفة اسمعيليه كه سابقاً به بم متحصن شده بود اطمینانی یافته به دارالخلافه آمد و در حضرت عبدالعظیم اعتکاف جست و بنابر سیادت عمامهٔ سبز برسر نهاده، حاجی میرزا آقاسی حاجی عبدالمحمد مجلاً تبي را به زاوية مقدّسه فرستاده كه آقاخان را كاملاً اطمينان داده به دارالخلافه آورد. اگرچه آقاخان به جهت اینکه حاجی عبدالمجمّد سابقاً از رعایا و اجزای او بوده از این معنی استنکاف داشت که به واسطهٔ او به دارالخلافه آید ولی ناچار تمکین نموده با عمامهٔ سبز به حضور حاجی میرزا آقاسی آمد و به شفاعت او معفو و مرتحص شد و به خانهٔ خود رفت، پس از چندی از خاکیای مبارک اجازه خواست که با اهل و عیال به زیارت مکّه معظّمه زادهاالله تعالی شرفا مشرف شود و پس از حصول اجازه اهـل و عيال و احمال و اثقال خود را از راه بغداد به عتبات عاليات روانیه داشت و به ابتیاع اسبهای عربی و غیره پرداخت و در مذت دو سه ماه تقریباً پانسند رأس اسب عربی تحصیل کرد و در هر جا سوار دلیری سراغ داشت او را به بـذل وجـوه فریفته دور خود جمع نمود و در اوایل رجب با ملازمان و برادران خود به جانب کرمان روان شد چه هواخواهان و مریدهای او که از جمله عطاءاللهی بودند که داخل در طریقهٔ اسمعیلیه شده در صفحات شهربابک و آن حدود بودند ـــ خلاصه بىراى تېسىھىل مرام آقاخان فرمانى مجعولى تمام كرد به اين مضمون كه ما آقیاخان را حکومت کرمان دادیـم اهل کرمان باید اطاعت او کنند و نوشتجاتی

برطبق آن فرمان به اهالي كرمان نوشته اظهار داشت كه من رخصت زيارت مكه خـواسـتـه بـودم در بین راه حکم حکومت کرمان به من رسید ـــ از آنطرف چون خبر حرکت آقیاخان محلاتی به جانب کرمان به امنای دولت علیّه معروض شد احکام به بهاءالدوله بهمن ميرزا حكمران يزد در دفع و ردّ او صادر شد. همچنين تفصيل را به فضلعلی خان قراباغی حاکم کرمان مرقوم داشتند ــ امّا آقاخان چون به خارج شهر يزد رسيده ميرزا حبيب الله نويسنده خود را با احكام مجعوله نزد نواب بهاء الدوله فرستاد. نواب معزی الیه چون هنوز بیخبر بود فرمان داد منزلی در شهر برای آقاخان مهيّا نمايند و چند نفر را معيّن كرد كه روز پانزدهم رجب به استقبال او روند ولي آقماخمان وارد شمهر نشد و معتذر شد به اینکه مشغول اخذ زکوة جماعت عطاءاللهی هستم و راه كرمان پيش گرفت و احكام دفع و منع او به بهاء الدوله رسيده نواب معزی الیه بـا جـماعتی آقاخان را تعاقب نمود ولی به او نرسیده به یزد بازگشت و آقیاخیان به نواحی کرمان رسید و نوشتجات مجعولهٔ خود را به مردم نمود و روز دیگر اخبار صحیحه شیوع یافت و کارگذاران دولت به فکر اخذ و قید آقاخان افتادند چنانکه شرح آن بیاید ــ هم در این سال کهندل خان افغان و مهردل خان برادرش که بـه طهران آمده و به حکم اعلیحضرت شهریار غازی در شهر بابک متوقف بودند و حکومت آن بلده دراختیار آنها بود بنابر نزاعی که فیمابین آنها و اهالی شهر بابک درگرفت حاجی محمدعلی کدخدای شهر بابک و سهچهار هزار نفر از طایفهٔ عطاءاللَّهی و مردم شهر و قراء افاغنه را محصور نمودند. مقارن این حال آقیاخیان دررسید و این واقعه را از نتایج اقبال خود دانست و چنان پنداشت که بعد از تسخیر ارک شهربابک و تصرّف اموال و اثقال کهندلخان والی قندهار و کسان او فستح کرمان و جذب قلب اهالی آسانتر خواهد بود. بنابراین در محاصرهٔ افاغنه تأكيبدات نـمـود و برادر خود محمّدباقرخان را به سيرجان فرستاد و در قلعهٔ زيدآباد جای گرفت، و در این اوان اخبار دارالخلافه به فضلعلی خان رسید و با جماعتی قصد آقاخان كرد و ابتدا بر سر محمدباقرخان تاخت، محمدباقرخان از آقاخان استـمـداد نـمـود و او بـا جماعتی به زیدآباد آمد و لدی الوصول به جنگ پرداخت و شکست خورد و به احمدی و لار گریخت فضلعلی خان به شهر بابک آمده آنجا را

منظم ساخت وشنبيد كه آقاخان به طرف اسفندقه وجيرفت تاخته و در آنجا به جمع آذوقه اصراری کامل دارد به محض استحضار فضلعلی خان سواران خود را برداشته بدانطرف شتافت و سه فوج سرباز و دو عرّاده توپ نیز از کرمان بخواست در اینوقت معلوم شد که آقاخان از اسفندقه به گرمسیر رفته فضلعلی خان مصلحت ندید که شهر را رها و او را تعاقب کند لهذا به کرمان آمد ــ هم در این اوقات میرزا رضای میزان آقاسی که به خوارزم رفته بود با فرستاده اللهقلی خان اوز بک خیوقی که اتا نیاز محرم نام داشت و چند رأس اسب پیشکشی به در بار اعلی آمد و موکب شهریار منصور غازی از راه خوانسار و گلپایگان به نهاوند تشریف فرما گشته از آنجیا به هممدان نزول اجلال فرمودند و مردم گلپایگان که از حکومت نیرالدوله فرّخ سیر میرزا شکایتی داشتند به او تهمت بسته گفتند قصد مخالفت دارد. بنابراین بخشعلی خان به احضار او رفته و او در قزوین به رکاب اعلی پیوست و معلوم شد که آنجه به او نسبت داده اند محض تهمت بوده است پس از ثبوت مطلب نیرالدوله مشمول الطاف پادشاهي گرديد کهم در ايل اوان فرخ خان غفّاري که از منازل عرض راه اصفهان بـه تحقیق حال امان الله خان افشار وزیر گیلان رفته بود معلوم نمود که مشار الیه به جهت اظهار قدس و تقوی حرکاتی می کند که اسباب سخریه مردم و عدم پیشرفت غمل وزارت و خدمت دیوانست، مراتب را به واسطهٔ عریضه ای معروض آستان مبارک داشت، اعلیحضرت همایون یحیی میرزا حاکم گیلان را با امانالله خان وزير به حضور مبارک احضار فرمودند و مقرّر شد فرّخ خان به رتق و فتق امور گیلان و رسیدگی به عمل مالیات پردازد و یحیی میرزا به وزارت محمّدامینخان نسقچی باشی به گیلان رفت و فرّخ خان پس از رسیدگی به امور آن ولايت دستورالعمل به محمّدامينخان داده بعد از هشت ماه به ركاب اعلى پيوست. و بعد از ورود موکب همایون به دارالخلافه باهره جهانگیرمیرزا و جلال الدین میرزا پسران کامران میرزا حکمران هرات به قصد ملازمت آستان اقدس به حضور مبارک آمدند و مورد الطاف كامله گرديده منزل و راتبه و انعام لايقه در بارهٔ آنها مبذول شد ــ هـم در ایـن اوان سلیمانخان امیرتومان گیلان که حکومت خمسه داشت معزول و نواب حمزه میرزا بهجای او منصوب گشت، و چون سابقاً از جانب دولت عثمانی

عبدالرزاق افندی با ملاعبدالعزیز کاشانی به جهت گذرانیدن امور سرحدات متصله خاصه قضیهٔ محمره به رکاب همایون آمده بودند در این اوان اذن مراجعت یافته به جانب بغداد رفتند و در باب آمد و شد زوار و تجار و رفع اجحاف عساکر و مأمورین عشمانی به آنها تأکیدات شد ـ نیز از وقایع این سال آنکه دولت انگلیس شجاع الملک بن تیمورشاه را تقویت کرده با بیست هزار کس از راه پنجاب و پیشاور به طرف جنوب قندهار فرستادند و لُرد سرولیم مکناتن را وزیر او قرار دادند و کهندلخان و برادرانش مهردلخان و رحمدلخان چون دانستند که در قندهار محصور خواهند شد چنانکه پیش اشاره کردیم اهل و عیال خود را با پانصد سوار برداشته به در بار شهریار غازی آمدند و در ماه رمضان این سال وارد طهران شده برداشته به در بار شهریار غازی آمدند و در ماه رمضان این سال وارد طهران شده سیورغال آنها مرحمت شده سه سال در آنجا بودند تا لشکر انگلیس در افغانستان شکست خورده برگشتند و کهندلخان مرخص شده در ماه ذیقعدهٔ هزار و دوبست و شکست خورده برگشتند و کهندلخان مرخص شده در ماه ذیقعدهٔ هزار و دوبست و پنجاه و هشت هجری به قندهار شتافت ـ وفات نواب قهرمان میرزا در تبریز.

اروپا – (انگلیس) – به بهانه کمک والی افغانستان قشون انگلیس مملکت سند را متصرف شده و بعد قندهار و کابل و غزنی را مسخّر می نماید – مخاصمه با چین که بیست هزار صندوق تریاک را به دریا می ریزد – شهر عدن در عربستان به بهانهٔ غیرموجّهی به تصرف انگلیس در می آید. (دانمارک) – فوت فردریک ششم پادشاه و جلوس کریستیان هشتم به جای او. (فرانسه) – زئزلهٔ سخت در جزایر مارتینیک – فتوحات در الجزایر – مصالحه با مکزیک – اختراع عکس انداختن در صفحهٔ نقره که مخترع موسوم به داگیر می باشد. (روس) – قشون کشی این دولت در قفقاز بر سر شورشیان – اعلان جنگ به خیوه. (عثمانی) – منازعهٔ دولت در قفقاز بر سر شورشیان – اعلان جنگ به خیوه. (عثمانی را شکست می دهد – وفات سلطان محمودخان و جلوس پسرش سلطان عبدالمجیدخان در شازده سالگی به حای او.

#### [سنهٔ ۱۲۵۹ هجری = سنهٔ ۱۸٤۰ مسیحی]

آسيا \_ (ايران) \_ در اوايال اين سال فضلعلي خان حاكم كرمان عريضه اي به در بار معلّی فرستاده لشکری برای تقویت خود در دفع آقاخان محلاً تی استدعا نمود. امنای دولت علیه حبیب الله خان امیرتوپخانه را با پیاده و سواره و توپخانه روانهٔ كرمان نسمودند وقبل از ورود او به كرمان آقاخان استعدادي بهم بسته قصد تسخير کرمان کرد. فضلعلی خان عبدالله خان سرتیپ را با دو فوج ملایر و تویسرکانی و دو عرّاده توپ جلو آقاخان فرستاد و وليمحمّدخان سرتيپ و تفنگچيان كرماني نيز از قفای او حرکت کردند. اسفندیارخان برادر فضلعلی خان در دشت آب با آقاخان تبلاقی کرده مشغول جنگ شدند، امیفندیارخان مقتول گشته جمعیت او متفرّق گردیدند و فوراً آقاخان حسله برعیدالله خان نمود، عبدالله خان در قلعهٔ بزنجان متحضن شد، آقاخان از او درگذشته به طرف ولیمحمدخان تاخت و در حملهٔ اوّل هـ مـراهـان او را شكست داده خود او را دستگير كرد و در قلعهٔ مشير هفت فرسنگي کرمان فرود آمد و همهروزه کاغذ و پیغام او به اعیان شهر می رسید و در اغوای آنها جهدی داشت و اصرار می کرد که فضلعلی خان را گرفته نزد من فرستید. مقارن این حـال امـــرتــویخانه در رسید و بر سَر آقاخان رفت و جنگ فیمابین درگرفت و بعد از کشش و کوشش لشکر آقاخان منهزم گشته باز به قلعهٔ مشیر آمد، امیر توپخانه وارد شهر كرمان شده با فضلعلي خان مصتم شدند كه به قلع مادة فساد آقاخان پردازند. آقیاخیان دانیست که از عهدهٔ آنها برنسی آید و در قلعهٔ مشیر محصور خواهد شد. از قـلـعـه بـيــرون آمده راه بـم و نرماشير پيش گرفت. فضلعلي خان او را تعاقب كرده در سـرحـد بلوچستان در منزل موسوم به ریگان به او رسید و نایرهٔ قتال باز اشتعال یافت و لشكر آقاخان هزيمت يافته خود او از راه بيابان به قندهار و از آنجا به هندوستان رفت و در آنجا متمكّن شد ــ هم در اين سال فيمابين ايلات قشقائي و قبايل الوار و ممسنی در فارس نزاع و آشوب درگرفت نواب والا فرهادمیرزا (حاجی معتمدالدوله) میرزا فضل الله نصیرالملک را در شیراز گذاشته به طرف قبایل ممسنی

رفشند و معاقل و اماكن آنها را با خاك يكسان كردند و قلعهٔ طوس و قلعهٔ نوذر را خـراب نـمـودند و از قبایل الوار گروگان بگرفتند و علی ویسخان برادر خانعلی خان رستم را که در فهلیان مرتع و مسکن داشت و مرد مفسدی بود با چند نفر دیگر که آنـهـا نـیــز از اشرار بودند سیاست کردند. خانعلی خان رستم، بزرگ طایفه خایف و یاغی شده به ماهور مهلاتی که متصل به حدود کوهگیلویه و جائی صعبالمسلک است رفت نواب معظم شکرالله خان نوری را که در آن صفحات معروف بود برای نظم آن حدود در بهبهان، شهر کوهیگیلویه متوقف ساخته از تمام رؤسای ایلات گروگان گرفته به او سپردند که روانهٔ شیراز دارد و میرزا کوچک یاور توپخانه را با توپ و سـر بـاز در ممسنی گذاشته حکومت دادند و خود با جمعیتی از راه خشت و كمارج بهطرف بوشهر رفته آن صفحات را منظّم فرموده در ماه ر بیع الاقِل سنة هزار و دویست و پنجاه و هفت وارد شهر شیراز گردیدند و در ازای خدماتی که در این مملکت نمودند به اعطای نشان تعثال اعلیحضرت همایون محمدشاه مفتخر گشتند هم در این سال شیرمحمدخان برادر بارمحمدخان وزیر هرات از جانب کامران میرزا با پیشکش و هدایا به دارالخلافه آمد و معلوم شد که افاغنه از سلوک انگلیس کمال کراهت را بهمرسانیده و پشیمان گشته اند که چرا اطاعت شهریار ایران را نـنـموده لهذا سكّه به نام همايون زدهاند و خطبه را نيز به اسم مبارك مىخوانند و بر خود مختمر نـمـوده که در طریقه انقیاد راسخ و ثابتقدم باشند ــ هم در این سال فیمابین حاجیخان شکمی حاکم کرمانشهان و ایلات آن ولایت خلاف درگرفت و منشأ مخالفت امر مذهبی بود. به این معنی که حاجی خان بر طریقهٔ اهل سنت و جماعت بود و ایلات توابع کرمانشهان غالباً از غلاة می باشند. حاجی خان می خواست رعایای ولایت محکومهٔ خود را بر طریقهٔ خود آرد و دارد. و معلوم است غمالی چگونه سنتی تواند شد. بدینواسطه کدورت در کار بود و کم کم ایلات به خیال یاغیگری افتادند. حاجی خان شکّی به کرند رفت که ایلات یاغی را مطیع کند. مردم کرند از در اطاعت درآمدند و قبول خدمت کردند و مستدعی شدند که کسی را بـا دیـن و آئین آنها کاری نباشد. حاجی خان تعقد کرد و کار به اصلاح انجامید. ولی بعد از اصلاح میان یکی از اهالی کرند و ملازمی از ملازمان

حاجی خان بر سر دریافت آذوقه نزاع درگرفت و ملازم حاجی خان مقتول شد. حاجی خان متغیر شده حکم کرد تمامی اهل کرند را مقید کرده به دارالخلافه برند. مردم به اشارهٔ حیاتقلی خان بشوریدند و حاجی خان شکّی را محصور نمودند. او با تمير تنفنگ چند تن را بكشت. كرنديها نيز از پائين و بالا به منزل حاكم درآمدند و او را بکشتند. و بعضی جهت مقتول شدن حاجی خان شکّی را چیز دیگر گفته اند. در هرحال پس از سنوج این سانحه اهالی از بیم مؤاخذه و سیاست به خاک عشمانی داخل شدند و حکمی به علیرضاپاشا والی بغداد صادر شد که آن جماعت را راه نداده و نگاهداری نکرده معاودت دهد. پاشای مشار الیه اطاعت نمود و آنها بازگشته به تدریج ایمن گشتند و عبدالحسین خان جوانشیر به حکومت آن سامان روانه شد ـــ هم در این سال میرزا محمّدتقی علی آبادی صاحبدیوان که در دانش و بینش و خلق و خوی مثل و مانندی نداشت در جمعهٔ هفدهم ماه ربیع الثانی در دارالخلاف درگذشت ــ و شاهزاده فتحعلی میرزا پسر شهریار غازی که چهار ساله بـود وفـات نمود ـــ و مستر ریاخ حکیم انگلیسی برای استمزاج جدید مصالحه مابین دولـتـین ایران و انگلیس به دارالخلافه آمده، چون مانعی و اکراهی در امنای دولت عـلـــّــه نــدید برای اعلام به لندن بازگشت و مکنیل صاحب مأمور شده به دارالخلافه آمد و عهدنامه مابین دولتین مجدد شد.

اروپا مزاوجت ملکه با پرنس آلبرت از شاهزاده های ساکش کبورگ گتا بنجات یافتن ملکه از یک قتل ناگهانی موستادن چند فروند کشتی جنگی به دریای چین مسئله شرقیه در این سال عنوان می شود و از آن وقت تاکنون این مسئله فیمابین اهالی مغرب و مشرق مطرح است. توضیح آنکه انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس و عشمانی مطالبی را که راجع به مملکت عثمانیست مسئله شرقیه می نامند و دول مشار الیهم از این سال تاکنون در مسئلهٔ مزبوره مداخله می کنند می نامند و دول مشار الیهس با دولت روس اتفاق کرده بر ضد فرانسه در حمایت محمدعلی پاشای مصری اقدامات می نمایند، و انگلیس و روس و پروس و اطریش در لندن مجلس کرده در این مجلس محمدعلی پاشا را والی بالاستقلال

مضر می شناسند، و والیگری را برای اولاد او ارث می دانند، و عثمانی چون قبول این مطلب را نمی نماید ناپیه سردار بحری انگلیس شهر بیروت را گلوله باران می کند. (فرانسه) می کند. (فرانسه) می مسیو تیر به وزارت اعظم برقرار می گردد به وئی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون اول در بندر بُولُنی خروج کرده به حکم دولت گرفتار و حبس ابدی می گردد به پادشاه از قتلی نجات می یابد به سفاین جنگی فرانسه در این سال مرکب از دویست و بیست و هشت فروند و سی و پنج هزار عساکر بحری می باشند به جسد ناپلیون اول که در سنت هیل بود ژوان ویل پسر پادشاه فرانسه آنرا نقل کرده به پاریس می آورد و در انوالید دفن می شود. (هلاند) بادشاه فرانسه آنرا و جلوس گیلیوم دویم به جای او، (پروس) به فوت فِردریک گیلیوم سیم پادشاه و جلوس گیلیوم سیم پادشاه

## [سنهٔ ۱۲۵۷ هجری = سنهٔ ۱۸٤۱ مسیحی]

آسیا – (ایران) – در این سال حبیب الله خان امیرتوپخانه که بعد از فرار آقاخان معلاً تی مأمور نظم بلوچستان بود روانهٔ قلعهٔ بمپور شده قلعهٔ بمپور را محاصره و مسخّر نصود ولی فیصابین عساکر او و اهالی بمپور لجاجی پیدا شده آشوب درگرفت و بسیاری از اهالی آن صفحات کشته شدند، و امیر توپخانه تا پنج منزلی قندهار براند و در اینجا حکم معاودت به او رسیده بازگشت، و طپانچهٔ مرضع به افتخار او مرحمت شد، و چون به دارالخلافه رسید فضلعلی خان قراباغی حاکم کرمان معزول شده عباسقلی خان جوانشیر به حکومت کرمان منصوب گشت، و از آنجا که حبیب الله خان اسباب خونریزی و هلاکت نفوس و پریشانی زیاد در بمپور و آن نواحی شده بود در هنگام ارادهٔ عروسی و سور، عیش او مبدل به ظیش شده بدرود نواحی شده بود در این سال فتحعلی خان مهنی که از سرکشان کرمان بود به اهتمام عباسقلی خان جوانشیر والی کرمان ربقهٔ اطاعت و خدمت بر گردن گرفت اهتمام عباسقلی خان جوانشیر والی کرمان ربقهٔ اطاعت و خدمت بر گردن گرفت حدم در این سال هشتصد نفر سوار ترکمان قصد تاخت مشهد مقدس کرده حدمدولی خان برادرزادهٔ اللهیارخان آصف الدوله را که به شکار رفته بود گرفته با

خیود بسردند. عساکر خواسان که تراکمه را تعاقب نموده به آنها نوسیدند ــ امنای دولت عليه چون از مناجري خبردار شدند محمدعلي خان غفور را به خوارزم نزد اللهقلي خان اوز بک به تهديد و استرداد محمدولي خان فرستادند ـــ هم در اين سال مخدومقلی خان ترکمان به یکی از نقش بندیّه که دعوی تصوّف و کرامت می کرد و به زبان ترکی ترکیمانی مناجات و اشعار به نظم درمی آورد ارادت ورزیده و اطاعت نیموده و جمعی دیگر از ترکمانان ککلان و یموت به او گرویده محضا للتَفخيم او را ايشان خواندند و پير و مريد در نواحي استرآباد به فساد پرداختند. محمدناصرخان قاجار دولو مراتب را به عرض دولت قوى شوكت رسانيده محمدحسن خان سردار ايرواني ومحمدخان اميرتومان كه به شرف مصاهرت پادشاهی مفتخر بود با دههزار سوار و پیاده و توپخانه به استرآباد رفت و نواب اردشبیر میبرزا حکمران مازندران و جعفرقلی خان شادلوی بوزنجردی با سواران کُرد و خیراسانی نیز بدان طرف راندند، مخدومقلی خان چون دید چاره جز اطاعت نیست پسر خود محمّد خان را با مرشد معروف به ایشان روانه گرگان نمود و سایر ریش سفیدان تراکمه نیز پَسِّر و برادر خود را به نوا و گروگان به اردو فرستادند و اظهار داشتند که اگر حکم شود تا خیوه خواهند تاخت. نواب اردشیر میرزا مطلب را به عرض آستان مبارک رساند، رؤسای تراکمه به خلعت و التفات نایل گردیده مقرّر شد که توقیف کنند تا محمدعلی خان مأمور خیوه مراجعت کند. اگر محمدولی خان را خان خیوه فرستاد کسی را با او کاری نباشد و الا راه خوارزم پیش گیرند. مقارن این حال اللهقلی خان خوار زمی محمّدولی خان را با اعزاز فراوان به آستان همایون فرستاد و از خطر لشکرکشی به خوارزم آسوده شد ـــ هم در این سال چون محمدتقی خان بختیاری ده هزار سوار از اشرار دور خود جمع کرده و به معاقل جبال پناه جسته دست اندازی به مال تجار و عابرین می نمود. منوچهرخان معتبمدالدوله به نظم آن صفحات و اراضي سرحدّات ايران و عثماني مأمور شد و با شش فوج سرباز و جمعی سوار ابوابجمعی سلیمانخان ارمنی و شش عرّاده توپ به خوزستان رفت. علینقی خان برادر محمّدتقی خان یختیاری که همراه معتمدالدوله بـود بـرادر را خـبردار کرد. محمدتقیخان برادر دیگر خود کریمخان را با عریضه و

هدایا نزد معتمدالدوله فرستاد و خود نیز در مال میر با اشراف قبیله به خدمت معتمدالدوليه آمده مخلّع و مورد التفات شد. و شبي معتمدالدوله را در قلعهٔ تُلُ مهمانی نمود و درخواست کرد که با قبیله و عشیره در قلعهٔ مزبوره متمکن باشد و بعد از نوروز به خدمت آید. امّا چون زمان میعاد دررسید تخلّف کرد. علینقی خان و محمّدحسین خان قراگوزلو رفته او را اطمینان دادند و او تا پنج فرسنگی شوشتر بیامد و باز توهم نموده برگشت. معتمدالدوله حکم کرد از طوایف چهارلنگ و هفت لنگ سواران جنگی جمع شدند کلبعلی خان و جعفرقلی خان پسرهای اسدخان بختیاری با جماعتی حاضِر گشتند و علیرضاخان که پدرش را محمّدتقیخان کشته بود نیز با سواران خود مهیّای کارزار گردید و معتمدالدّوله از شوشتر قصد قلعهٔ تُلُ کرده سلیمانخان سرتیپ برادرزادهٔ خود را از پیش روانه نمود. محمّدتقی خان عیال و اموال و بستگان خود را برداشته به شیخ سامرخان حکمران چعب و فلاحیّه پناه برد شیخ مشارّالیه چون با خاک سرحد عثمانی قرب جوار داشت و همیشه پانزده هزار سوار جنگی با او بودند درجهٔ اطاعت او همین بود که گاهی به فرمانفرمای فارس چینزی می داد. معتمدالدوله قلعهٔ تُل را به علیرضاخان سپرده روانهٔ فلاحیّه شد و به شیخ سامر پیغام داد که محمّدتقی خان را نگاهداری نکند، شیخ سامر گفت: او به من پناه آورده و در عرب ننگ است که از او حمایت نکنم، شخص معتبری را به اطمينان او بفرستيد تا او را به خدمت آرد. معتمدالدوله سليمان خان را فرستاده، محتمدتـقـی خـان و شـیـخـسامر را مطمئن کرده به اردو آورد و مورد نوازش شدند و شیخ سامر مصمّم مراجعت گردیده، معتمدالدوله به شیخ گفت علینقی خان و کسان محمّدتقی خان را نیز روانه نماید. شیخ در این کار تعلّل نمود و علینقی خان در خفا به جمع کردن سواره و پیاده بختیاری مشغول شد. محمدشفیعخان سامانی درخواست کرد که به فلاحیّه رود و علینقی خان را بیاورد، و چون برفت بازنیامد، و علینقی خان و محمّدشفیعخان با شیخسامر اتّفاق کرده به فکر استخلاص محــمدتقىخان افتادند و شب هنگامى به اردوى معتمدالدوله شبيخون زدند و جنگ درگرفت، درین هنگامه محمّدتقی خان خواست فرار کند، میرزا محمّدخان دبّوسی بـر سَـر او زده حـکـم کـرد او را گـرفـتند و به خيـمهٔ معتـمدالدوله برده مقيّد نـمودند تا

وقمت صبح تقريبا هشتصد نفر از عرب و بختيارى مقتول گشتند و باقى به هزيمت رفتند و از لشكر معتمدالدوله سي چهل نفر مقتول و مجروح شدند. در اين حال جماعتی از مشایخ اعراب که از شیخسامر شاکی بودند به معتمدالدوله شکایت نمودند و شیخ عبدالرضا از اقارب شیخسامر که فراری و در بغداد بود احضار شد و به اردو آمده قبیله به او پیوستند. شیخ عجیل و شیخ عقیل و بعضی از مشایخ دیگر مخلّع شدند و منصورخان فراهانی که از جانب حکومت فارس به اخذ منال چعب رفیته بود و شیخ سامر او را دخالتی نمی داد نیز با فوج خود نزد معتمدالدوله آمد و حکم شد بعضی از نخیلات را قطع کرده بر نهر خزاین پل ببندند. شیخسامر پشیمان شده جمعی از علما و سادات را شفیع قرار داد و قبول تکالیف نموده گروگان معتبر داد و مهلت خواست و معتمدالدوله مراجعت كرد و محمّدتقى خان را مقيّد با خود برد و بدازای این خدمات یک قطعه تمثال شهریاری و یک قبضه شمشیر و یک رشته حمایل سبز و سرخ از درجهٔ امیرتومانی با گلمرضع مصحوب آقااسماعیل پیشخدمت خاصّه در عرض راه شوشتر به معتمدالدوله رسید و محبعلی خان ماکوئی سرتیپ با شش عزاده توپ وشش فوج سرباز و جمعی سوار بروجردی و كرمانشهاني به معتمدالدوله پيوستند. شيخ سامرخان زياده خايف گشت و به علیمنـقـی خان اظهار کرد که مرا قدرت نگاهداری تو نیست. علینقی خان با اهل و عيال محمّد تقى خان به خانهٔ خليلخان بهمهاى كه با او منسوب بود رفت، خىلىيىل خان نيز عذر او را خواسته ناچار به كوهستان رفتند كه در معقلى پنهان شوند در عـرض راه به لشکر منصورخان دوچار و تمامی گرفتار شدند مگر علینقی حان که فرار كرده به غارش رفت و بعدها به حكم نواب والا فرهادميرزا (معتمدالدوله) او را بگیرفتند و به دارالخلافه آورده با برادرش محمّدتقی خان محبوس نمودند ـــ هم در ایـن اوان حـکـومت چعب را نیز برعهدهٔ معتمدالدوله موکول فرمودند، و چون اثری از تعهدات شیخسامر به ظهور نرسید معتمدالدوله میرزا محسن خان را به حکومت شوشتر بـرقـرار كـرده خود روانة فلاحيّه شد و شيخ سامر با عيال و احمال به قلعهٔ كوت شيخ كه حصيين تمر از قبلعة فلاحيّه بود رفت و شيخ عبدالرضا را حكومت فلاحيّه داد و محبعلی خان را به حکومت بختیاری فرستاد که دو فوج سر باز از آن طوایف گرفته و

معاملهٔ پنجسالهٔ بختیاری را بپردازد و صد خانوار از اعاظم این طوایف به گروگان به دارالخنزفه بفرستد، و کلبعلی خان و جعفرقلی خان چهارلنگ و محمدمهدی خان و عليىرضاخان هفتالنگ را با محبعلىخان همراه كرده و شيخسامرخان تصؤر نمود که چون تـابــــتان شود معتمدالدوله و عساکر او در چعب توقف نتوانند کرد و چون مراجعت كنند او مي تواند بر فلاحيّه بتازد. چون برخلاف تصوّر او معتمدالدوله در گرما در چعب بماند شیخ بگویت که از اراضی نجد است گریخت، و از غرایب آنکه شیخ عبدالرضا سالها طالب چعب بود و به این آرزو نایل گردیده بگریخت و برادرش نینز از اردو فرار کرد. فدعم و مرید که شیخ سامر آنها را به گروگان داده بود نیز از شوشتر بگریختند. معتمدالدوله حکومت چعب را نیز به مولی فرج الله والی خوزستان داد و حکم کرد محتمره را آباد کند و حاجی محتمدعلی حمصی از اعاظم تجار را نزد متسلم بصره فرستاد که یا محمره را چنانکه خراب کرده اید آباد کنید یا بصره را مثل محمرَه خراب می کنم و به علی پاشا والی بغداد نیز همین پیغام داد. و در ایـن اوان مـعـتـمدالدوله محـمّدتقی خان بختیاری را مغلولاً روانهٔ دارالخلافه نمود و اسبهای عربی بسیار خوب نیز به دربار معلّی انفاذ داشت و حکومت دزفول را به حـاجـی ملااحمد کرمانشهانی داد و احمدخان پسَر حسنخان والی فیلی را مرخّص كرد كه بـه پشتـكـوه رود، و حكـومـت لرستان را برعهدهٔ محمّدحسنخان خرقاني واگذار نـمود، و مولی فرج الله را به حراست فلاحیّه تأکید کرد، و محبعلی خان نزد معتمدالدوله آمده حساب بختیاری را پرداخت، بعد از آن معتمدالدوله محبعلی خان را بـه كـرمـانشهان فرستاد كه در نظم اين ولايت تقويتي از عبدالحسينخان جوانشير كند، ولى عبدالحسين خان از راه سوءظن مايل به ورود و وصول محبعلي خان به كرمانشهان نشده، و چون حكمي نيز از دارالخلافه به محبعلي خان رسيده بود كه قـاتــلان حــاجــی خــان شـکّـی را فوراً در کرمانشهان گرفته به دارالخلافه فرستد و این حكم به دست عبدالحسين خان افتاده به خوانين كرمانشهان نمود و آنها را بر ضدّ محبعلی خان تحریک کرد و می خواست به اتّفاق اهالی با محبعلی خان جنگ [كند] لهذا عبدالحسينخان معزول و محبعلي خان به حكومت كرمانشهان منصوب شد و قاتلین حاجی خان شکّی را گرفته به دارالخلافه فرستاد ــ هم در این اوان عبدالله پاشای بابان قصد سنندج کرد و محبعلی خان با پانزده هزار نفر روانهٔ کردستان گردید. عبدالله پاشا چون خبر حرکت محبعلی خان را بشنید خایف شده بازگشت. محبعلی خان نیز به کرمانشهان معاودت نمود و در حکومت مستقل شد و به دزفول و خرّم آباد رفته آن صفحات را منظم کرد و از بروجرد به اصفهان رفت و با منوچهرخان معتمدالذوله ملاقات نمود به هم در این سال در ماه رمضان محمدخان امیرتومان درگذشت به هم در این سال میرزا جعفرخان مشیرالدوله مأمور اسلامبول به اجازهٔ امنای دولت عهدی با وکیل دولت بلژیک منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است:

### صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و بلژیک ا

بر خردمندان تیزهوش و تیزهوشان سخن نیوش پوشیده نماناد که جناب رب عباد امور معاش و معاد عباد را به قبضة ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهاد، تا کافة برایا در تحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب طریق مهربانی و وداد سپرند و پیرامون تعاند و خلاف نگردند \_ تبیان این مقال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت، مشتری سیرت، بهرام سطوت، خورشید شوکت، ناهید بهجت، عطارد فطنت، قمرطلعت، مالکِ ممالکِ محروسة ایران، وارث تخت و تاج سلاطین کیان، ظل الله فی الارضین، کهف الاسلام و المسلمین محمدشاه قاجار خلدالله ایام سلطنته الی آخر الاوان \_ و اعلیحضرت فلک رفعت، قضا درایت، قدر رتبت، پادشاه تمامی بلجیق ـ لئوپولد ـ ادام الله ایام سلطنته الی آخرالزمان \_ قدر رتبت، پادشاه تمامی بلجیق ـ لئوپولد ـ ادام الله ایام سلطنته الی آخرالزمان \_ هردو علی الشویه چنین مناسب دیدند که به جهت تأسیس قواعد دوستی و محبت و

۱. متن این عهدنامه در «مجموعهٔ معاهدات دولت علیهٔ ایران» چاپ نشده ولی در روضهٔ الصفا و ناسخ الشواریخ وجود دارد. انحتلاف بین این متن و متن روضهٔ الصفا کم است امّا با متن ناسخ آنقدر انحتلاف دارد که بیان آن در این جا امکان ندارد. سودی نیز بر آن مترتب نیست. باید متن اصلی عهدنامه های دورهٔ قاجار با همان زبانی که جنبهٔ سندیت به آن داده شده بار دیگر چاپ و ترجمه شود و جز این انجام هرکاری بی قایده است.

تمهید مراسم یگانگی و مودت، و ترفیه حال رعیت، و گشایش ابواب منافع تجارت بر روی عامه برایا، مابین دولتین علیتین معاهدهٔ دوستی و تجارت منعقد شود، لهذا دولت علیهٔ ایران عالیجاه، مقرّب الخاقان، میرزا جعفرخان مهندسباشی عسا کر منصوره، ایلچی مختار دولت علیه ایران در در بار عثمانیه، صاحب نشان صورت همایون، و فیمایون، و صاحب دو حمایل افتخار سبز و سرخ، و نشان اوّل شیر و خورشید سرتیبی، و صاحب دو حمایل افتخار سبز و سرخ، و نشان افتخار دولت علیه عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون، و امضای جناب جلالتمآب اجل افخم حاجی میرزا آقاسی در این خصوص وکیل و مختار نموده، و اعلیحضرت پادشاه بلجیقا از قرار دستخط همایون، و امضانامهٔ مختار نموده، و اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق، و حداگانه، جناب برونفرانو واجان، وزیر بحر و برّ، وزیر مختار دولت بهیهٔ بلجیقا مقیم اسلامبول، صاحب منصب و نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق، و صاحب نشان درجهٔ اوّل آبرو و عزّت دولت فخیمهٔ فرانسه و صاحب نشان افتخار دولت علیهٔ عثمانیه را در این باب مأذون و مختار ساخته. لهذا مأمورین مذکورین دولت علیهٔ عثمانیه را در این باب مأذون و مختار ساخته. لهذا مأمورین مذکورین بعد از تبدیل اختیارنامهٔ ظرفین قرار معاهده را در ضمن هفت ماده به نهج آتیه بعد از تبدیل اختیارنامهٔ ظرفین قرار معاهده را در ضمن هفت ماده به نهج آتیه داده اند.

مادهٔ اوّل ــ فـــمـابـعـد مابين دولت عليّه ايران و دولت بهيّهٔ بلجيقا و تبعهٔ ايشان اساس دوستي مؤبّد يايدار و برقرار شود.

هادهٔ دویم سه تبعهٔ دولتین علیتین آمناً و سالماً به مملکت یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند، و هرکدام خواهند با کرایه به امر تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و اسباب را حایره کنند مأذون باشند، و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیّت دولتین رعایت و حرمت ملحوظ شود، از اجحاف و ستم محروس و مصون باشند. و اگر یکی از دولتین ذیشوکتین با دولتی دیگر جنگ و محار به داشته باشد اصلاً به دوستی ابدی این دولت به هیچوجه خلل نخواهد رسید.

مادهٔ سیم – اشخاصی که از تبعهٔ دولتین بهیتین به عنوان تجارت یا سیاحت به ممالک یکدیگر می روند تا توقف می نمایند در حق آنها لازمهٔ احترام مرعی شود، از عوارض و تقسیم معاف باشند، و در وقت دخول و خروج تجار دولت بلجیقا از امتعهٔ آنها در یکجا یکدفعه از صدپنج گمرک زیاده مطالبه نشود، و از

امتعهٔ دولت علیهٔ ایران مثل تبعهٔ دولتین متحابتین فرانسه و انگلیس موافق تعرفه رفتار گردد.

مادهٔ چهارم \_ از تبعهٔ دولت بهیه بلجیقا اگر به طریق سیاحت یا تجارت به ممالک دولت علیه ایران تردد نمایند برای امنیت و سلامتی آنها از طرف دولت علیهٔ ایران احکام و باشبُرد عبور مرحمت شود که کسی مزاحم و مانع آنها نشود و حمایت از آنها نمایند.

مادة پنجم دولت علية ايران مأذون نمايند هر دو نفر رئيس تجار از دولت بلجيقا در تبريز و دارالخلافة طهران مقيم شوند كه به امور تبعة دولت خوددارى كنند، و همچنين اگر دولت علية ايران بخواهند كه در شهرهاى بروكسل و اسورس مملكت بلجيقا رئيس تجار بگذارند مأذون خواهند بود.

مادهٔ ششم ... اگر مابین تبعهٔ جانبین از بابت معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد به استحضار رئیس تجاریا ترجمان آن دولت موافق شریعت و عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی شود. و در صورتی که یکی از تبعهٔ دولتین مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق، اموال و اسباب او را فیمابین ار باب طلب بطور غرماسویت و تقسیم نمایند. و همچنین در وقت وفات یکی از تبعهٔ طرفین اموال و متروکات او به رئیس تجار آن دولت تسلیم شود.

مادة هفتم \_ ایشان را این عهدنامهٔ دوستی و تجارت ابدالدهر با کمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد شد و به هیچوجه خلل و نقصانی به اجزای آن راه نخواهد یافت. این عهدنامهٔ دوستی و تجارت به سیاق واحد در دو نسخه تحریر و املاء شده و از جانب مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردیده. انشاء الله تعالی نسخهٔ مزبوره از طرفین دولتین بهیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه یا کمتر این تصدیق نامه ها به اسلامبول آمده بین المأمورین از شر نو مبادله گردد

به تماریخ روز چهمارشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی مطابق سال اودئیل یکهزار و دویست و پنجاه و هفت مطابق چهاردهم شهر جولای هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی در دارالخلافهٔ اسلامبول سمت انجام پذیرفت. هم در این سال یارمحمدخان وزیر هرات کامران میرزا را که تقریباً یکسال بود در یکی از قلاع محبوس داشت بکشت و امارت دودمان احمدخان ابدالی در افغانستان منقرض شد \_ پوشیده نباشد که از سلسلهٔ مزبوره پنج نفر در افغانستان امارت کرده اند: اول احمدخان ابدالی \_ دویم تیمورشاه بن احمدخان \_ سیم شاه زمان بن تیمورشاه \_ چهارم شاه محمود ابدالی \_ پنجم کامران میرزا \_ و ابتدای امارت این سلسله سال هزار و صد و هفتاد هجری بوده است.

اروبا - (آلمان) - ششصدهزار ذرع راهآهن در این مملکت ساخته شده است. (مسئلهٔ شرقیه) ــ به اهتمام دول انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس مابین محمدعلی باشای مصری و سلطان عثمانی مصالحه می شود، و سلطان عثمانی والسِگری مِصْر را برای اولاد محمّدعلی پاشا نسلاً بعد نسلِ میشناسد و ولات مضر از این تاریخ به بعد در در بار عشمانی با رتبه و نشان صدراعظم می باشند. (افگلیس) ــ تولد پرنس دُگال ولیعهد دولت انگلیس ــ فتح کانتُن بندر چین و چند قلعهٔ دیگر از قلاع این مملکت به واسطهٔ سفاین انگلیسی ــ هم در این سال در افغانستان دوست محمد خان معلوب انگلیس می شود، اما بعد از چندی افغانها شوریده در قلعهٔ کابل جمعیّتی کثیر از انگلیسها را به قتل می رسانند ــ فرار عساکر انگلیس از افاغنه و تعاقب کردن افاغنه آنها را که از یانزده هزار نفر قشون انگلیس به جز سیصد نفر محبوس، بقیّه کشته می شوند \_ جمعیت انگلیس در این سال پنجاه و چهار کرور است. (فرانسه) ـ قندی که از چغندر ساخته می شود امتیازش محسوس است ـ جمعیت فرانسه در این سال شصت و هفت کرور است. (عشمانی) ــ عزل رشیدپاشا وزیر امور خارجه ــ شورش عیسویان شام و مقدونیه و بلغارستان که در حق آنها ظلم می شود ــ در لبنان طوایف دُروز و ماژنیت با یکدیگر در نزاع می باشند.

امریکا ــ (اتائونی) ــ تیلر نام به ریاست جمهوری برقرار و منصوب می گردد.

#### [سنة ١٢٥٨ هجري = سنة ١٨٤٢ مسيحي]

آسیسا — (ایران) — در این سال کهندلخان، و برادران او مهردلخان و رحم دلخان افغان، به اجازهٔ امنای دولت از کرمان روانهٔ قندهار شدند و عباسقلی خان جوانشیر والی کرمان آنها را بطور شایستگی روانه نمود و بعضی را با آنها همراه کرد — هم در این سال حسینخان آجودانباشی حکومت یزد یافت و برحسب امر شهریار غازی اعلیحضرت همایون محمدشاه از نائین تا عقدا (اغدا) که بیست فرسنگ مسافتی بی آبست دو رشته قنات که از هریک یک سنگ آب جاری می گردد احداث کرد، و در منزل نه گنبد قلعه بساخت، و در میانهٔ نه گنبد و عقدا نیز قناتی به اسم خود جاری کرد و رباطی برای قوافل بنا نمود — هم در این سال میرزا جعفرخان مشیرالدوله در اسلامبول نیز عهدی با وکیل دولت اسپانیا منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است:

#### صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و اسپانیا

الحمدالله رب العالمين ـ دولت علية ايران و دولت بهية اسپانيول به جهت ملاحظة صرفه و صلاح تجار و عموم رعيت مملكتين و ترقّى و وسعت دادن به صنف تجار و تشويق اين امر مهم كه از مصالح معظم دولت است چنين يافتند كه هيچ مقدمه اى مانند انعقاد عهدنامه به اين مهم جسيم معيّن و مقيّد نخواهد شد. لهذا هردو على الشويه مناسب ديدند كه بعد از اين مابين دولتين ذى شوكتين و تبعة آنها اساس دوستى، و اخذ و نقد، موافق عهدنامه مباركه دوستى و تجارتى كه به زيور حقانيت و عدالت آراسته شده است برقرار و پايدار باشد. براى انجام اين مرام اعليحضرت فلكرفعت، شمس برج جلالت، نخبه سلاطين زمان، وارث تخت و تناج كيان، صاحب اختيار ممالك وسيع المسالك ايران، ظل الله فى الارضين، تابح كيان، صاحب اختيار ممالك وسيع المسالك ايران، ظل الله فى الارضين، كهف الاسلام و المسلمين، السلطان بن السلطان، و الخاقان بن السلطان، و الخاقان بن السلطان، و الخاقان بن السلطان بن السلطان، و الخاقان بن المهالئة ـ از طرف قرين

الشرف خود عاليجاه، مقرب الخاقان، ميرزا جعفرخان مهندسباشي عساكر منصوره، ایلیی مخصوص دولت علیهٔ ایران در در بار عثمانیه، صاحب نشان مهر تمثال صورت هـمـايـون، و نشان اوّل شير و خورشيد سرتيبي، و صاحب دو حمايل افتخار سبر و سرخ، و نشان درجهٔ اول افتخار دولت علیهٔ عثمانی، در ضمن اختیارنامهٔ جـداگـانه در این خصوص وکیل مطلق و مختار نموده ــ و همچنین بدر منیر ابهت، و آفـتاب درخشان سلطنت، شكوفة نونهال بستان جلالت، دونا ايزابل ثاني كه بهنام نامي ايشان در ايام صغر سن، امور سلطنت به لقب وليعهدي به حضرت بال دومراصیرترو. صاحب اختیار ممالک دیک تواردمر بلا محول است از طرف خود -موسیو آنطولی لویض دو کارددو با۲\_ صاحب نشان بسیار مشهور و ممتاز جارلز سیم یادشاه اسیانیول، و صاحب نشان امیرقان سلطان ایزابل کتالیک۳، و صاحب نشان عیسوی دولت پرتوغال و صاحب نشان صور دولت یونان، و صاحب نشان سیبُولْکُرُه مقدس بيت المقدس، وصاحب نشان اول افتخار دولت عليه عثمانيه، اجزاي مشورتخانة حضرت سلطان ايزابل كتاليك، نويسندة خالص بالاشاهيء وزير مختار دولت مشار اليها در آستان عليه را از قرار نوشته وكيل مطلق و مختار تام كرده مأمورين مزبورين بعد از نشان دادن و ملاحظه نمودن اختيارنامه يكديگر همه را موافق رسم و ضابطه یافته قرار عهدنامهٔ مبارکه را در ضمن هفت مادهٔ آتیه بدین نهج ۱ نام این شخصیت ها در کتاب «مجموعهٔ معاهدات دولت علیهٔ ایران با دول خارجه» متن فرانسوی ان چنين آمده:

Baldoméro Espartero Duc de la victoire et de Morella

Antoine Lopez de Lordora . ۲ ۳و ٤. در متن فرانسوی:

L'Ordre américain d'Isabelle la Katholique, de ceux du Khriste de Portugal.

بنابراین «امیرقان» ترجمه ای است که از کلمهٔ Américain (آمریکا) شده است. ۵. در متن: صین کر سد در متن فرانسوی: St. Sépulere de Jesusalem

دادند:

مادة اقل ــ بعد اليوم مابين دولت عليه ايران و دولت بهيّة اسپانيول و تبعهٔ طرفيـن الى ماشاءالله تعالى اساس دوستى صادق و محبّت و موالات دائمه باقى و برقرار باشد.

مادهٔ دویم ـ تبعهٔ دولتین علیتین مأذون باشند که به آزادی و امنیت تمام به مملکت یکدیگر آمد و شد نمایند و معامله تجارت و سیاحت کنند، خانه و دکان و حجره و انبار به قدر ضرورت امور خود کرایه سازند، و از طرف مباشرین دیوان به هیپچوجه ممانعت نرود بلکه پیوسته احوال ایشان را مراعات نموده دقت کنند که به سیّاحان و تجار طرفین خوش رفتاری شود و به قدر مقدور به استراحت و آرام آنها بیفزایند، و در وقت ضرورت احکام و باشبرد عبور به آنها مرحمت شود که کسی مانع نشده ممانعت از آنها کند.

مادهٔ ستیم ـ در حق تبعهٔ دولتین ذیشوکتین که به عنوان معامله و تجارت و یا بهطریق سیاحت به مملکت یکدیگر تردد می نمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمهٔ احترام مرعی شود، و از آنها به هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده مگر اینکه از امتعهٔ آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیگر مثال تبعه دولت متحابه گمرک گرفته شود.

مادهٔ چهارم ــ دولتین علیتین به جهت آسایش و اطمینان تبعهٔ خودشان که به خاک یکدیگر آمد و شد خواهند کرد مأذون خواهند نمود که در دو محل مناسب وکیل تجارت اقامت کند، دولت علیهٔ ایران مأذون خواهند ساخت که یکنفر وکیل تجارت از طرف دولت بهیهٔ اسپانیول در دارالخلافهٔ طهران، و یکنفر دیگر در دارالسلطنه تبریز مقیم شود. و همچنین دولت بهیهٔ اسپانیول راضی خواهند گشت که یکنفر وکیل از طرف دولت علیهٔ ایران در مادرید پایتخت دولت مزبوره، و یکنفر دیگر در بندر برصلون، و یا به عوض محل ثانی در بندر دیگر که دولت علیهٔ ایران مناسب دانند وکیل تجارت نصب نمایند.

مادهٔ پنسجم ـــ هِروقت که درخصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعهٔ دولتین متعاهدتین گفتگو و نزاعی اتفاق افتد آن نزاع باید که به استحضار و اطلاع وکیل تجارت و یا ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود و اگر کار یک نفر تاجر از تبعهٔ دولتین ذیشوکتین علیتین معیوب شود و یا آن شخص ادعای افلاس نماید باید بعد از ملاحظه دفتر و ارسال مرسول اموال و مطالبات او به اطلاع و کیل تجار و یا ترجمانان آن دولت قسمت غرما شود، و هرقدر که از قرض اتن مفلس باقی می ماند از باب طلب او باید ذمهٔ او را بری نموده تمسکات او را رد نمایند. و همچنین وقتی که یکنفر از تبعهٔ دولتین وقات کند باید جمیع رد نمایند. و همچنین وقتی که یکنفر از تبعهٔ دولتین وقات کند باید جمیع مشروکات و دفتر او به و کیل تجار آن دولت تسلیم شود و قرض و طلب او را به استحضار و کیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود.

مادة ششم \_ اگر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محار به داشته باشد باید از این رهگذر به دوستی ابدی دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول به هیچوجه خلل و قصوری نرسد.

مادهٔ هفتم ساین عهدنامهٔ دوستی و تجارت که ماین دولتین به نهج گذشته در ضمن هفت ماده قرار داده شده است به یاری خداوند یگانه امنای دولتین متعاهدتین جمیع مواد آنرا دایم مرعی داشته به هیچوجه به ارکان آن خلل نخواهد رسانید و انشاء الله در مدّت پنجماه و یا کمتر، عهدنامهٔ مزبوره به امضا و مهر امنای دولتین علیتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد. و خاتمهٔ این هفت ماده که به تصدیق وکلای طرفین در دو نسخه به طریق واحد انجام پذیر گشته بعد از مهر و امضای طرفین در دارالخلافهٔ اسلامبول به تاریخ سیم مرج مطابق بیستم محرم الحرام هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری و سنهٔ هزار و هشت و چهل و دو عیسوی عوض و مبادله گردید.

هم در این سال حاجی سیدمحمدباقر رشتی مجتهد ساکن اصفهان از اجلهٔ علما به غرفات جنان رفت اعلی الله مقامه \_ و آقاسید اسدالله فرزند آن مرحوم از عنبات عالیات به اصفهان آمده بر مسند پیشوائی نشست و محمود ابن شهبازخان دنبلی قور یساولیاشی که در اصفهان نایب منوچهرخان معتمدالدوله بود، و صاحب دنبلی قور یساولیاشی که در اصفهان نایب منوچهرخان معتمدالدوله بود، و صاحب کمال و اخلاق و نظم و نثر، درگذشت و پسرش شهبازخان منصب پدر یافت \_ وفات سیدصدرالدین دزفولی از اکابر علما.

(قرکستان) فوت اللهقلی خان خوارزین که هیجده سال در خوارزی رستانی داشت و مدفون شدن او در مقبرهٔ پهلوان محمود قتالی و برقرار شدن رحیم قلی خان پسرش به جای او به حکمرانی. (افغانستان) محمداکبرخان پسر امیردوست محمداخبان والی کابل در کمال جلال به کابل آمده به حکمرانی می پردازد، و امیردوست محمدخان که در هندوستان محبوس بود رها شده به کابل می آید که نامد که در هندوستان محبوس بود رها شده به کابل می آید که نامد که در کنار چمن در وازهٔ لاهوری مقتول شده حکمرانی مشغول می شود سه شجاع الملک در کنار چمن در وازهٔ لاهوری مقتول شده و اموال او را نهب می نمایند.

اروپا \_ (آلمان) \_ یانقین سخت در شهر هامبورگ که چند روز امتداد دارد. (انگلیس) \_ بروز قحط و غلا و کمی پول \_ نجات یافتن ملکه در ثانی از کشته شدن \_ به جهت انتقاء کشیدن از افاغنه ژنرال پلک با عساکر زیاد وارد کابل می شود \_ بعد از معاهده با افاغنه سردار انگلیس به سند معاودت می کند، شهر کابل و جلال آباد را ویران می سازد \_ قنسول انگلیس در تبریز مقیم خواهد بود. (فرانسه) \_ ولیعهد دولت از کالسکه افتاده می میرد و پسر چهار ساله اش گنت دیاریس ولیعهد می شود. (روس) \_ شامیل در قفقاز غلیه بر عساکر روس می نماید.

#### اسنهٔ ۱۲۵۹ هجری = سنه ۱۸۶۳ مسیحی|

آسیا – (ایران) – در این سال ناخوشی نقرس که مزاج مبارک اعلیحضرت همایون شهریار غازی محمدشاه را از طریق اعتدال منحرف داشت اشتداد نمود، اگرچه شدت این مرض بعد از سفر اصفهان بود، چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا در کتاب جام جم می فرمایند. پس از سفر اصفهان ناخوشی نقرس که از قدیم نیز این ناخوشی را داشتند غلبه کرد، پس از آن به سلام عام به دیوانخانهٔ مبارکه تا مدت حیات نتوانستند آمد و سلام اعیاد در عمارت باغ که نشیمن سلطانی بود منعقد می شد. خلاصه به واسطهٔ اشتداد نقرس و تجویز اطبا موکب اعلی به طرف چشمهٔ آب گرم که در حوالی قزوین است نهضت فرما

گردیده و بعد از آنکه چندگاهی در آن متنزّهات بسّر بردند به چمن دریاوک تشریف فرما شدند و از چمن دریاوک به ولیان نزول اجلال فرمودند وخدام حرم سلطنت و شاهزادگان عظام را به این یبلاق احضار نمودند و پس از انقضای فصل گرما و پیلاق به دارالخلافهٔ باهره معاودت کرد ... هم در این سال حاجی سیّدکاظم رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی درگذشت. و سیدعلی محمّد شیرازی شاگرد حاجی سیدکاظم رشتی دعوی بابیت نمود و این دعوی رفته رفته اسباب فتنهٔ عظیم گشت \_ تبیین آنکه سیدعلی محمد شیرازی پسر میرزا رضا نام بزاز در بدایت عـمـر بـه تـحصيل علوم پرداخت و هنوز بهرهای از آن حاصل نکرده به رياضت شاقه مشغول شد، و در شدت گرما در بندر بوشهر روزها بالای بام سر برهنه دعوات برای تسخیر آفتاب میخواند و این خیالات باطلهٔ او را خشکی مغز که از تابش آفتاب گرم بوشهر حاصل شده بود تکمیل نمود و به عتبات عالیات رفته سالی دو، در حوزهٔ درس حاجی سید کاظم حاضر شد، چون حاجی سید کاظم درگذشت سیدعلی محمد بها بعضی از شاگردان حاجی سیدکاظم به مسجد کوفه رفته چهل روز ریاضت کشید و یکمرتبه سودا به سرش زده گفت من بابیم و باید از ابواب داخل بیوت شد و هرکس جز این کند گمراه است. چیزی نگذشت که بر ادّعای خود افزوده دعوی مهدویت نمود و گفت سال دیگر دعوی خود را در مکه ظاهر و خروج خواهم کرد و خونها خواهم ریخت و شما نامهای که به من می نویسید با مرکب و مداد ننویسید بلکه با سرخی بنویسید که این نیز علامتی خاص است. و در اذن و اقامهٔ نماز بگوئید اشهد ان علی محمداً بقیّة الله و اکنون که من پدیدار گشته ظهور حق تمام گشته چه، محمّد و غلی دو تن بودند و اکنون هردو منم که نام من علی محمّد است و این هردو با من بیعت کرده اند و کمال معجزهٔ من اینست که روزی هزار بیت كـتـابـت كـنـم و گاه باشد كه هزار بيت به مناجات سخن گويم و استيلاي من بر تمام روی زمین خواهد بود و تمام ادیان را امّت واحده خواهم نمود \_ بالجمله خرافات بهم می بافت و اسامی انبیاء و ائمه(ع) را بر پیروان خود می نهاد، و برای یک زن بیشتر از یک شوی تجویز می کرد و به مکه رفت که دعوت خود را ظاهر كند. بعضى او را تخويف نمودند، لهذا به بوشهر آمد و جمعى از مريدان خود را به

شیراز فرستاد که مردم را به او بخوانند و این در وقتی بود که حسین خان آجودانباشی در حکومت فارس استقلال داشت. پس از آنکه حسین خان از واقعه آگاه شد چند تن از پیروان او را به دست آورده پی آنها را برید و کس به بوشهر فرستاده سیدعلی محمّد را در نوزدهم رمضان به شیراز آوردند و به دروغی به او اظهار ارادت نمود و گفت که من توپخانهٔ فارس را با توحرکت دهم و با منکران تو جنگ کنم. سیدعلی محمّد گفت چون دنیا را مسخّر کردم مملکت روم را به تو خواهم داد. حسین خان آجودانباشی صاحب اختیار گفت بهتر آنست که حجت خود را بر علمای عضر تمام کنی تا تابع تو گردند آن وقت کار عامه سهل است و مجلسي از علما و فقها منعقد نمود و سیدیحیی پشر سیدجعفر دارابی معروف به کشفی که پیروی باب احتیار کرده بود نیز در آن مجلس حاضر شد. سيدعلى محمد به علما گفت شما چگونه از متابعت من سر پيچيد و حال آنكه از پیغمبری که به دین او هستید جز قرآنی در میان خیست و قرآن من افصح از آنست و دین من ناسخ دین آن پیغمبر می باشد. علما بنابر مواضعه ای که با حسین خان داشتند ساکت شدند. حسین حان گفت بهتر آنست که احکام خود را در صفحه ای بنویسید تا همه بخوانند و پیروی کنند. سیدعلی محمد چند سطری نوشت چون علما بديدند همه لحن و غلط بود. حسين خان صاحب اختيار گفت تو با اين پايه و مايه چگونه دعوی برتری بر حضرت رسول صلّی الله علیه و آله نمائی؟ پس فرمان داد تا او را از مجلس بیرون کشیدند و چوب زیاد زدند. او کلمات عامیانه در اظهار پشیمانی گفت و اظهار توبه نمود. بعد از آن روی او را سیاه کردند و به مسجد شیخ ابوتراب امام جمعه بردند و او پای شیخ را بوسیده خود را لعن کرد و مدت شش ماه حبس بود تا خبر او در عراق منتشِر شد و بر منوچهرخان معتمدالدوله مشتبه كردند كه او از نيكان است. معتمدالدوله چند نفر را به شيراز فرستاد، سیّدعلی محمّد را به اصفهان آوردند و صاحب اختیار سیّدیحیی را از توقّف در شیراز منع كرد و او به يزد رفت. و معتمدالدوله شبي علماً و حكما را جمع كرد و سیدعلی محمّد در آن مجلس از عهدهٔ سئوال و جواب برنیامد و بطلان اقوال او ظاهر گشت. پس از آن باز معتمدالدوله وی را در منزلی مخفی داشت و شهرت داد که

او از این شهر رفته است. چون در سال هزار و دویست و شصت و سه معتمدالدوله وفات کرد سیدعلی محمد فتنهٔ خود را ظاهر و منتشر ساخت و کارگذاران دولت او را از اصفهان به چهریق آورده در قلعه متوقف ساختند و پس از چندی در تبریز مقتول شد چنانکه بعضی از تفضیلات آن در محل خود مذکور می گردد \_ هم در این سال که سال هزار و دویست و پنجاه و نه باشد فاضل خان گروسی صاحب نذکرهٔ انجمن خاقان درگذشت، و شهر خوی از زلزله خراب شد.

اروبا — (انگلیس) — شورش در ایالت لاهور — تصرف کردن انگلیس تمام پنجاب را. (فرانسه) — مسافرت ملکهٔ انگلیس به پاریس — مجادلهٔ امیر عبدالقادر با عساکر فرانسه در الجزایر. (بونان) — شورش در این مملکت به اغوای روس.

#### [سنة ١٢٦٠ هجري = سنة ١٨٤٤ مسيحي]

آسیا – (ایران) – پوشیده نباشد که در سال هزار و دویست و پنجاه و هشت عساکر بغداد به حکم نجیبپاشا کر بلای معلی را قتل و نهب کردند، و در این موقع چون اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه در بستر بیماری بودند امنای دولت علیه واقعه را مستور داشته به عرض حضور مبارک نرسانیدند پس از آنکه واقعه معروض و مسموع چاکران حضرت سپهر بسطت معلی گردید رنجشی که از کار محمرة در خاطر مهر مظاهر اقدس بود این غایله صدبرابر برآن افزود و چون چندی بگذشت سفرا و وزرای خارجه به اصلاح دات البین پرداختند و مقرر شد از دول ربعه، روس و عشمانی و ایران و انگلیس، چهار نفر و کیل تعیین شود، و و کلای اربعه، روس و عشمانی و ایران و انگلیس، چهار نفر و کیل تعیین شود، و و کلای مزبوره در مجلسی جمع شده گفتگو نمایند و به موجبات استرضای خاطر امنای دولت علیه ایران پردازند. بنابراین به اشارهٔ حاجی میرزا آقاسی میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از سفارت اسلامبول مراجعت کرده بود به این خدمت مأمور شد و قرار دادند مشار الیه به اتفاق و کلای دیگر در ارزنة الروم توقف کنند و در این امر خوضی نمایند و قراری دهند. چون میرزا جعفرخان مشیرالدوله از طهران به تبریز خوضی نمایند و قراری دهند. چون میرزا جعفرخان مشیرالدوله از طهران به تبریز رسید مریض شد و در بستر ناتوانی افتاد. حاجی میرزا آقاسی میرزا تقیخان رسید مریض شد و در بستر ناتوانی افتاد. حاجی میرزا آقاسی میرزا تقیخان

فراهانی وزیر نظام را از تبریز به جای مشیرالدوله تعیین نمود و او نیز دویست نفر از معارف اهل نظام را لوازم حرکت و سفر داده با آنها به ارزنة الرّوم رفت و در عرض راه سرحدداران از او استقبال و پذیرائی شایان کردند و از جانب دولت عثمانی انور افندی نیز به وکالت به ارزنه الروم آمد و مقرّر شد هر روزی در منزل یکی از وكلاي اربعه حاضِر شده گفتگو نمايند و حاصل مقالات خود را بنويسند تا مسئله به انجام رسد هیجده مجلس برای این محاوره منعقد شد و انجام آن سه سال طول كشيد ... هم در اين سال موكب همايون پادشاهي به شكارگاه كرج و سليمانيه تشریف فرما گردید و در اوان توقف در آین ناحیه روزی که از رود کرج عبور فرمودند و آب این رودخانه به دقت ملحوظ گردید معلوم شد که بیشتر آن به امکنه و اودیه ای می رود که قابل زرع و کشت نیست و فایده ای از آن حاصل نمی شود و آب زياد عبث تلف مي گردد. لهذا به خاطر موهبت مظاهر اقدس خطور كرد كه اگر نشری از این رود به دارالخلافهٔ طهران جاری کنند اسباب آبادانی و آسایش اهالسی شهر خواهد شد و مکنون ضمیر منیر همایون را به حاجی میرزا آقاسی اظهار فرمودند، حاجی میرزا آقاسی چون از روی طبع و فطرت شوقی به حفر قنوات و جاری ساختن انهار و آبادان کردن اراضی بایره و صعاری غیرمزروع داشت جمعی را به سرچشمهٔ رودخانه فرستاد و در مقام تحقیق و تدقیق این کار برآمدند و قرار دادند از رود کرج تا شهر طهران که هفت فرسنگ مسافت و راه است نهری بریده قسمتی از آب کرج را به واسطهٔ آن به دارالخلافه رسانند، بنابر این قرارداد مشغول کار شدند و شانزده هزار تومان خرج کردند و منظور و مقصود حاصل نشد. پس از آن به خیال افتادند که از نهر قریهٔ وسمنارد، که اصل آن از رود کرج است نهری بریده به شهر آورند و چنین کردند اتما چون این نهر چندان وسعتی نداشت آب آن کیافسی نبود، لهذا بار دیگر بر وفق قرارداد حاجی میرزا آقاسی معمار باشی و جمعی مأمور شد که از اصل رودخانهٔ کرج نهری جدا کرده از حاک و سنگ و معابر تمنگ گذرانیده به شهر طهران برسانند و جمعی به اجرای این قصد پرداختند و این بار بر قصدی که داشتند فایز گشتند و دو سال در کار بودند و دوازده هزار تومان خرج شد \_ هم در این سال زلزله به اغلب دهات سراب و گرمرود آذر بایجان

خرابی وارد آورد.

ارویا ــ (عثمانی) ــ احداث جشر جدید چوبی در اسلامبول.

## [سنة ١٢٦١ هجري = سنة ١٨٤٤ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال به امر اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه به تهیّهٔ جشبن سور وعروسى حضرت مستطاب وليعهد گردون مهد دولت قوى شوكت عليّه ناصرالدين ميرزا (اعليحضرت همايون ناصرالدين شاه خلدالله ملكه و سلطانه) پرداختند و صبیهٔ مرضیهٔ نواب شاهزاده احمدعلی میرزا را برای ازدواج حضرت مستطاب معظم انتخاب فرمودند و ميرزا نبي خان امير ديوان كه از حكمراني فارس معاودت کرده و مردی کافسی و کاردان بود طوی بیگی این سور و سرور گردید و برای اینکه آتشبازی و شلیک توپ و خمپاره به قورخانه و انبار بیاروط ضرری نرساند مقرّر شد در خارج شهر در بالای عمارت و باغ نگارستان محلّی را مسطح ساخته بنیانهای مستحکم از سنگ و آجر و چوب بسازند و آنجا را جشن گاه قرار دادند و در موقع این جشن هوای طهران گرم و موکب همایون به پیلاق شمیران بود. از اتفاقات حسنه آنکه در عرض یکهفته که موکب همایون از شمیران با تمامی حدّام حرم جلالت و ملتزمين ركاب اقدس به جهت اين جشن همايون تشریف فرمای نگارستان شدند بادهای خنک وزیدن گرفت و ذات اقدس پادشاهی و سایرین از حـدت و شدّت گرما محفوظ ماندند چون به شمیران بازگشتند باز هوا كمال حرارت را بهم رسانيد. بالجمله روز شنبهٔ هشتم ماه جمادي الثانيه صبيّهٔ محترمه نواب شاهزاده احمدعلي ميرزا را براي حضرت شاهزادة اعظم وليعهد گردون مهد دولت علیه عقد بستند و در شب بیست و هفتم همین ماه شروع به لوازم جشن و سور و شیلان نـمـودند و شب جمعهٔ پنجم رجب شب عروسی بود و آنچه درخور این جشن بزرگ و سور لازم السرور بود به وجه اکمل به عمل آمد خلقی شادی کردند و بسیاری به نیل مکارم و مواهب سنیه بهره مند گردیدند ــ هم در این سال در ماه مبارک رمضان مزاج مبارک پادشاهی باز از طریق اعتدال خارج

گشت و ضعف قوت گرفت و وجع نقرس شدت پافت، امنای دولت و کارگذاران متزلزل، و یکباره به حیال ذات همایون بودند لهذا فتنه جویان و قطاع الطریق موقعی به دست آوردند و راهها مخوف گردید و اطبای ایرانی و روسی و فرنگی به معالجه اعلیحضرت شهریاری آمدند و مزاج مبارک روی به بهبودی نهاد و در عید صیام سلامعـام منعقد و قاطبهٔ خدام آستان مبارک به زیارت جمال شهریار غازی فایز و بروردگار عالمیان را حامد و شاکر گردیدند ــ هم در این سال ژنرال درانشوف جانشین قفقاز به حکمرانی گرجستان آمد و میرزا جعفرخان مشیرالدوله برای تهنیت ورود او با یک قطعه نشان تمثال همایون و یک رشته تسبیح مروارید روانهٔ تفلیس شد، و از جانب نواب بهمن میرزا حکمران آذر بایجان محمّدخان بیگلر بیگی ابن فتح على خان بن هدايت الله خان رشتي با هدايا نيز به همين قصد حركبت كرد و پس از انجام مأموریت هر دو فرستاده بازگشتند ... هم در این اوان به سبب ناخوشی و ضعف بنية اعليحضرت شهريار غازي خيالات متشتت شده بعضى هواخواهي حضرت مستطاب وليعهد دولت عليّه و برخي به خيال همراهي با نواب بهمن ميرزا و جماعتسي دور اللهقلي ميرزا ابن توسي خان بن حسينقلي خان كه دخترزاده خاقان مغفور و ربیب حاجی میرزا آقاسی بود جمع شدند و همه به طور نفاق باهم اختلاطی داشتند چون مزاج همایون رو به بهبودی نهاد اللهقلی میرزای ایلخانی را به حکومت بروجرد و گلپایگان فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا ابن خاقان مغفور البسه الله حلل النورك سابقاً حكومت بروجرد داشت از دارالخلافه به آذر بایجان مأمور شد که یکهزار تومان از میرزا نظرعلی حکیمباشی قزوینی مصادره گرفته ارسال دارد و حکیمباشی مشارّالیه به قم رفته در آنجا اقامت کرد و میرزا آقیاخیان وزیر لشکر را احضار فرموده در حضور مبارک چند چوب یاساق بر پای او زدند و میبرزا رحیم پیشخدمت را بر او گماشته تا ده هزار تومان از او به طور مصادره دریافت نماید و برادر بزرگتر میرزا آقاخان میرزا فضل امیردیوان را به توقف کاشان مجكوم ساختند و شعلة خيالات فتنه انگيز جماعت رو به انطفا نهاد ولي مقدمة فتنة خراسان که آن نیز از نتایج خیالات متشتت بزرگان دارالخلافه بود شروع کرد ــ هم در این سال مردم زنجان بر علی اشرف خان ماکوئی بشوریدند و احمدخان

نوائی به احضار او روانه، شده چون علی اشرف خان به دارالخلافه امد معزول گشت میم در این سال میرزا محمد حسن آشتیانی مستوفی الممالک در سن شصت و هفت سالگی در دارالخلافه درگذشت و میرزا یوسف پسرش به منصب پدر نایل و مستوفی السممالک گشت میم در این سال محمد کاظم خان پسر امیرم حمد حسین خان کاشانی شیبانی الاصل به منصب استیفا برقرار گردید و امیرم حمد حسین خان کاشانی شیبانی الاصل به منصب استیفا برقرار گردید و مشار الیه پیش از این در کاشان و همدان در حکومت مرحوم شعاع السلطنه وزارت و پیشکاری داشته و پدر محمد کاظم خان امیرم حمد حسین خان در دولت شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه خدمات لایقه نموده و به حکومت کاشان و قم و نطنز و جوشقان برقرار گشته و پسر ارشد محمد کاظم خان فتح الله خان شیبانی تخلص، حوشقان برقرار گشته و پسر ارشد محمد کاظم خان فتح الله خان شیبانی تخلص، است در این سال رجیعلی یک پسر فضان آقا به منصب یاوری توپخانه و است مدر این سال رجیعلی یک پسر فضان آقا به منصب یاوری توپخانه و است حضرت خطاب خانی سرافراز شد و مقرر گردید با ابواب جمعی خود ملتزم رکاب حضرت مستطاب و یعهد ابد مهد دولت علیه ایران باشد.

اروپا — (آلمان) — ایجاد اکسپوزیسیون در برلن. (فرانسه) — مولوی عبدالرحمن سلطان مارک متصرفات فرانسه را در الجزایر تصرف می نماید — منازعهٔ فرانسه با مارک و مصالحهٔ با آن دولت — مسافرت پادشاه فرانسه به لندن — ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس. (شود) — فوت برنادت پادشاه و جلوس پسرش أسکار اول به جای او.

### [سنة ١٢٦٢ هجري = سنة ١٨٤٥ مسيحي]

آسیا — (ایران) — از وقایع عمدهٔ این سال فتنهٔ خراسان است و تبیین این مقال آنکه: اللهیارخان آصف الدوله خال اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه را با حاجی میرزا آقاسی صفائی نبود، و جهت این کدورت آنکه اختیار کل امور دولتی با حاجی میرزا آقاسی و زمام اختیار خراسان را آصف الدوله به دست داشت و

محمدة كلى خان يسر آصف الدوله كه در حضرت بادشاهي حاجب اعظم بود و مقرّب و محرم گاهی مطالب و عرایض پدر را درخفا به عرض حضور مبارک می رسانید، و از آن طرف اللهقلي ميرزا ابن موسىخان بن حسينقلي خان كه از طرف مادر نبيرهٔ خاقان مغفور فتحعلى شاء طاب ثراه و مادرش در حبالة ازدواج حاجى ميرزا أقاسى بود و پیش از این ایلخانی ایل جلیل قاجار گردیده و در مناصب و اشغال دولتی فيسابين اعليحضرت همايون وحاجي ميرزا آقاسي وساطت داشت و دوستي و دشمنی او برای هرکس نهایت مؤثر بود گاهگاه از محمدقلیخان و منتسبان او در حضرت سلطنت بدى مي گفت، اين فقره اندك اندك اسباب نقار كلّى فيمابين آصف الندوله و حاجي ميرزا آقاسي گرديد و چون بر حاجي ظفر نيافت روي دل از آستان مبارک برتافت و اندیشه کرد که اگر نوبت سلطنت به حضرت مستطاب وليعهد دولت عليّه رسد سلسلة دولّوعزّتي نخواهند داشت و اگر كار بهمن ميرزا بالا گیرد برای ما اولی خواهد بود. لهذا با بهمن میرزا به رسایل و وسایل بنای مواضعه را گذاشت و این مطالب در عتبه علیه معروض شد و در مقام تحقیق بودند و حسن خان سالار بار، ولد آصف الدوله كه نيز نبيرهٔ خاقان خلدآشيان بود به خيال هاى خام افتاد و تصنور کرد که با قوتی که در خراسان دارد اگر با بهمن میرزا اتفاق کند و وقتی به طهران راند استیلا بهمرساند و بهمن میرزا را به سریر حکمرانی نشاند و مکرر این بيت مي خواند:

مرا عبار آید از ایس زندگی که سالار باشم کینم بندگی بنابراین خیالات فاسده این اوقات در اجرای اوامر علیه بنای مماطله را گذاشت و به عذرهای ناموجه تبسک جست و با جعفرفلی خان شادلوی ایلخانی وصلت کرد و چون جعفرقلی خان به دارالخلافه احضار شد او رفتن مشار الیه را امضاء ننمود و حاضر نشدن جعفرقلی خان مقصود را ظاهر ساخت. برای مزید استحضار سلیمان خان دنبلی را به بهانهٔ حکومت بسطام به آن سرحد مأمور فرمودند و او وقایع خراسان را به واسطهٔ عرایض به در بار پادشاهی ایصال داشت. و چون در همین نزدیکی جعفرقلی خان بر سر محمدحسین خان نردینی که از خدمتگذاران صدیق نزدیکی جعفرقلی خان بر سر محمدحسین خان نردینی که از خدمتگذاران صدیق دیوان بود رفته ولایت و اموال او را تصرف نمود و اهل و عیال او را اسیر کرد و

محمد حسین خان خود از میان به در رفته به دارالخلافه آمد و معلوم شد قصد حسن خان اینست که از اکابر ایلات گروی گرفته به کلات فرستد و پس از ترتیب مقدمات مافي الضّمير خود را اظهار كند ـــ هم در اين سال حاجي ميرزا موسّي خان برادر مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام که متونی باشی روضهٔ رضویه(ع) بود در چهل و دو سالگی درگذشت و آصف الدوله بی اجازهٔ همایون خود متقلد این خدمت گشت، در صورتی که حاجی میرزا عبدالله خوئی از منشی های خاص از در بار پادشاهی منصب متولی باشی گری یافت. خلاصه روز بهروز آثار خلاف ظاهر گردید ـ هم در این اوان اللهقلی میرزای ایلخانی که به بروجرد به حکومت رفته بود به امر حکومت و نظم ولایت چندان اعتنائی نکرده قدری پیرو هوای نفس شد و محمودخان ملک الشعراء که مردی کامل و عاقل بود هرچه منع او نمود فایده نکرد. دخل او را اجامره بـردنـد و خرج زياد به گردنش ماند و بنابر تـحريض او باش راه دارالخلافه پیش گرفت. امّا حاجی فرامرز بیگ دستخطّی از شهریار غازی برای او برده در منزل حوض سلطان به او رسانید و حسب الامر اللهقلی میرزای ایلخانی روانهٔ عشبات عالیات شد و نواب مهدیقلی میرزا به حکومت بروجرد رفت ــ هم در این سال اهالي ارزنـة الـروم بـه مـنزل ميرزا تقي خان وزيرنظام مأمور دولت عليّه ايران حمله نمودند. در شرح سال هزار و دویست و شصت نگاشته شد که میرزا تقی خان وزیرنظام به جهت گفتگوی قتل کر بلای معلّی و خرابی محمرّه به ارزنة الرّوم مأمور شد که به اتّفاق وکلای روس و انگلیس و عثمانی قراری در این کار دهند که بعدها چنین حوادث سانح نشود و به ترضیه و استرضای دولت علیّه اقدام رود. چون این امر به طول انجامید و بعد از هیجده مجلس اجلاس مسئله به انجام نرسید اهالی ارزنــة الــروم قــصــد كردند اين اجماع را از شهر خود متفرق و دور سازند و چون سفير ایران را مایه می دانستند جمعیت کرده به بهانه و تهمتی که نسبت به یکی از ملازمان میرزا تقی خان بسته بودند منزل او را احاطه نمودند و اسعدیاشا والی ولایت نیز در باطن با عوام همراهی داشت. خلاصه کمال وقاحت را نموده یک دو نفر از ملازمان سفیر ایران را بکشتند و چندتن دیگر مجروح شدند و میرزا تقی خان وزیرنظام با وجود کمال خطر به وقار می گذرانید. بحری پاشا که منصب فریقی

يعني اميرتوماني داشت مضطرب شده از وخامت اين عمل انديشيد و با افواج و توپخانه به در سرای سفیر ایران آمده به زحمت مردم را متفرق کرده و از سفیر ایران عـ ذر خـواسـت و اسـعدياشا را از نتايج ناگوار اين كار و بدنامي دولت خبردار نمود. اسعمدپاشیا و قیاضی و وکیلای دول انگلیس و روس و عثمانی به معذرت به منزل میبرزا تقی خان آمدند و بحری پاشا سفیر ایران و همراهان او را به اردوی نظامی برد و سفير معزى اليه خواست به تبريز مراجعت كند وكلاي دول مانع شدند و نوشته سیردند که تا بیست و دو روز دیگر اگر کار بهخوبی نگذشت سفیر در مراجعت و غییره مخیر باشد و از آنجا که بسیاری از اموال سفیر ایران را به غارت برده بودند صورت خسارت را مصحوب جایار به اسلامبول فرستادند در روز بیست و دویم پوسف بیگ یاور حرب (آجودان سلطان) با یانزده هزار تومان غرامت به استرضای سفیر ایران آمد و اسعدیاشا معزول شد و عارف پاشای حاجب بار بزرگ نیز به عذرخواهی دررسید و حکومت را به بحری باشا واگذاشتند. بعد از چندی یکنفر یاشا و دو فوج از افواج به گرفتن مقصرین آمد و سیصد نفر از آنها را با قاضی و کهیای وزير بگرفتند و به اسکلامبول برده سياست کردند. ولي مقارن اين حال بحري پاشا با تير تفنگي مقتول شد و قاتل معلوم نگشت. خلاصه عهدنامه مودتي از اسلامبول آوردند و احترامات فوق العاده به سفير ايران كردند و سفير از ارزنة الروم به تبريز و از تبریز به دارالخلافه آمده عهدنامه را به حضور همایون موصول داشت و صورت عهدنامهٔ مزبوره از قرار ذیل است:

صورت عهدنامهٔ منعقده فیمابین دولتین ایران و عثمانی ا غرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته دلالات آنکه از مدتی به این

۹. متن این عهدنامه در روضة الصفا و ناسخ التواریخ و نیز در «مجموعة معاهدات دولت علیّة ایران با دول خارجه» با ترجمهٔ دیگری وجود دارد. این متن ظاهراً از روی روضة الصفا استنساخ شده است. در ناسخ التواریخ علاوه بر اغلاط چاپی افتاد گیهائی نیز دیده می شود. این متن با متن روضة الصفا مطابقه شد و کلماتی که افتاده به نظر رسید در داخل [ ] اضافه گردید.

طرف چون فیمابین سلطنت جاویدآیت سنیه و دولت دوران مدت علیه ابدی الدوام با دولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود بر مقتضای التيام اساس دوستي و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهت جامعه اسلاميه كه ميان دولتين عليتين در كار و افكار سليمه كه طرفين عليتين بدان متصف مي باشند بـالـسّويه اينگونه مواد نزاعيه را بر وجه موافق و مناسب فخامت و شأن دولتين عليّتين به تجدید تأکید بنیان صلح و مسالمه و تشیید ارکان موالات و مودت از جانب دولتين عليتين اظهار رغبت و موافقت شده براى تنظيم و مذاكرهٔ مواد عارضيه و تحرير وتسطير اسناد مقتضيه برحسب فرمان همايون اعليحضرت قدرقدرت كيوان حشمت مملكت مدار ملك كير، آرايش تاج و سرير، جمال الاسلام و المسلمين، جلال الدنيا و الدين، غياث الجق و اليقين، قهرمان الماء و الطين، ظل الله الممدود في الارضين، حافظ حوزه مسلماني، دلور جمشيد جاه، داراب دستگاه، انجم سياه، اسلام یناه، زیب بخش تخت کیان، افتخار ملوک جهان، خدیو دریادل کامران، شاهنشاه ممالك ايران، السلطان بن السلطان بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، محمّدشاه ادام الله تعالى زمام سلطنته في فلك الاجلال، و زين فلك قدره به مصابيح كواكب الاقبال، بندة درگاه آسمانجاه، ميرزا محمّدتقي خان وزير عساكر منصورهٔ نظام كه حامل نشان شير و خورشيد مرتبهٔ اول سرتيبي، و حمايل افتخار سبز است به وكالت مخصوص و مباهى گشته، و نيز از طرف اعليخضرت كيوان منزلت، شمس فلك تاجداري، بدر افق شهرياري، يادشاه اسلام پناه، سلطان البرين، و خاقان البحرين، خادم الحرمين الشريفين، ذوالشوكة و الشهامة، السلطان بن السلطان بن السلطان عبدالمجيدخان، جناب مجدت مآب، عزت نصاب، انورى زاده، السيد محمد انورى سعدالله افندى، كه از اعاظم رجال دولت عليه عشمانیه و حائز صنف اوّل از رتبهٔ اولی و حامل نشان مخصوص به آن رتبه است، مرخص و تعیین شده بر وجه اصول عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و میادلهٔ وكالت نامه هاى مباركه، انعقاد معاهدهٔ مباركه در ضمن نُه فقرهٔ آتيه قرار داده شده که در این کتاب مستطاب بیان، ودر مجلس منعقدهٔ ارزنهٔ الروم مبادله می شود.

فقرة اوّل ـ دولتين اسلام قرار [مي]دهند كه مطلوبات نقديه طرفين را كه

تما به حال از یکدیگر ادعا می کردند کلها ترک کنند، ولکن با این قرار به مقاولات تسویهٔ مخصوصه مندرجه در فقرهٔ چهارم خللی راه نیابد.

فقرهٔ دویم دولت ایران تعهد می کنند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی [تمام] اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد می کند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه آن را مع درهٔ کرند به دولت ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد می کند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرف نظر کرده به حق تملکی که دولت عشمانیه در ولایت مذکوره دارد وقتاً من الاوقات یکطور دخل و تعرض ننمایند و دولت عشمانی نیز قویاً تعهد می کند که شهر و بندر محمره و جزیرة الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شظ العرب را که در تصرف غشایر متعلقه معروفهٔ ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد، و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتی های ایران به آزادی تمام از محلی که به بحر منصب می شود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند.

فقرهٔ سیم \_ طرفین متعاهدتین تعاهد می کنند که به این معاهدهٔ حاضر[ه] سایر ادعا[ها]شان را در حق اراضی ترک کرده، از دو جانب بلا تأخیر و مهندسین و مأمورین را تعیین نموده، برای اینکه مطابق مادهٔ سابقه حدود مابین دولتین را قطع نماید.

فقرة چهارم \_ طرفین قرار داده اند که خساراتی که بعد از قبول اخطارات دوستانهٔ دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاولی سنهٔ هزار و دویست و شصت و یک تبلیغ و تحریر شده به طرفین واقع شده، و هم رسومات مراعی از سالی که تأخیر افتاده، برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول و احقاق حق شود از دو جانب بلا تأخیر مأمورین را تعیین نمایند.

فقرهٔ پنجم \_ دولت عثمانی وعده می کند که شاهزادگان فراری ایران را در برسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکوره و مراودهٔ مخفیهٔ آنها را به ایران رخصت ندهد، و از طرف [دولتین] علیتین تعهد می شود که سایر فراری به موجب معاهدهٔ سابقه ارزنهٔ الروم عموماً رد شوند. فقرهٔ ششم سه تجار ایران رسم گمرگ اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریهٔ اموال مذکوره نقداً یا جنساً به وجهی که در عهدنامهٔ منعقدهٔ ارزنهٔ الروم در سنهٔ هزار و دویست و سی و هشت در مادهٔ ششم که دایر به تجارت است مسطور شده ادا کنند، و از مبلغی که در عهدنامهٔ مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود.

فقرة هفتم ـ دولت عثماني وعده مي كند كه به موجب عهدنامه هاي سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجری دارد تا از هر نوع تعدیّات بری بوده بتوانند به کمال امنیت محلهای مبارکه را که کائن در ممالک دولت عشمانی است زیارت کنند و همچنین تعقد می کنند که به مزاد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتّحاد که لازم است فیمابین [دو] دولت اسلام و تبعهٔ طرفین برقرار باشد مناسب ترین مسائل را استحصار نمایند، تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عشمانیه به جمیع امتیازات نایل می باشند سایر تبعهٔ ایرانیه نیز از امتیازات مذكـوره بـهـره ور بـوده خواه در تجارت، خواه در مواد سايره از هرنوع ظلم و تعدّي و بی حرمتی محفوظ باشند. و علاوه بر این بالیوزهائی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمايت تبعه و تجار ايرانيه به جميع محل هاى ممالک عثمانيه که لازم باشد نصب و تعیین شود، به غیر از مکّهٔ مکرّمه و مدینهٔ منوّره، دولت عثمانیه قبول مى نمايند و وعده مى كنند كه كافهٔ امتيازاتي كه شايسته منصب [و] مأموريت باليوزهاي مذكوره باشد درحق قونسولهاي ساير دول متحابه جاري مي شود در حق آنها نیز جاری بشود. و نیز دولت ایران تعهد می کند که بالیوزهائی که از طرف دولت عثمانیه به جمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبع و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد می کنند معامله متقابله را کاملاً اجری دارند.

فقرهٔ هشتم ـ دولتین علیتین اسلام تعهد می کنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد می باشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند، و به همین خصوص در محل های مناسب عسکر اقامت خواهند داد. دولتین علیتین تعهد می کنند که از عهدهٔ هرنوع حرکات تجاوزیّه مثل غصب و

غارت که در اراضی یکدیگر وقوع می یابد برآیند. قرار دادند عشایری که متنازع فیه باشد و صاحب آنها معلوم نیست، بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلّی که بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یکدفعه به ارادهٔ اختیار خودشان حواله شود. و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً به اراضی دولت متبوعهٔ آنها داخل شوند.

فقرة نهم به جميع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده اى كه در سنة هزار و دويست و سى و هشت در ارزنة الروم منعقد شده كه بخصوصه به اين معاهدة حاضره القا و تغيير نشده، مثل آنكه كلمه به كلمه در اين صفحه مندرج شده باشد كافة احكام و قوت آن ابقا شده است، و فيمابين دو دولت عليه قرارداد شده است كه بعد از مبادلة اين معاهده در ظرف دو ماه يا كمتر مدتى از جانب دولتين قبول و امضا شده تصديق نامه هاى آن را مبادله خواهند كرد و كانذلك فى يوم سادس عشر جمادى الثانيه سنة هزار و دويست و شصت و دو.

هم در این سال ناخوشی و با در دارالخلافه بروز کرد و اردوی همایون و خدام حرم جلالت و حاجی مرزا آقاسی و بعضی از امنای دولت به یبلاق لواسان رفتند. پس از چندی در اردو نیز وبا افتاد و جمعی از معارف به این ناخوشی درگذشتند و موکب همایون به لواسان بزرگ رفته و پس از چندی توقف در اواخر ماه شعبان به نیاوران معاودت کردند \_ هم در این اوقات خبر رسید که رحیم قلی خان بن اللهقلی خان خوارزمی بعد از پنجسال حکمرانی درگذشته است و چون رحمن قلی توره یعنی خانزاده منصب ایناقی داشته و به قانون اور بک به حانی نمی رسید محمدامین خان برادر کهتر رحیم قلی خان خان خیوه شده است، بنابراین نمی رسید محمدامین خان برادر کهتر رحیم قلی خان خان خیوه شده است، بنابراین از در بار پادشاهی میرزا رضا به تهنیت و تعزیت به خوارزم رفت \_ هم در این سال کیناز دالغورکی از جانب دولت روس به وزیر مختاری به در بار دولت علیه آمده مقیم شد، و وزیر مختار سابق معاودت نمود \_ هم در این سال آب رود کرج که پیش بدان اشاره نمودیم به خارج شهر طهران جاری شد و موکب همایون از قضر پیش بدان اشاره نمودیم به خارج شهر طهران جاری شد و موکب همایون از قضر قاحار به تماشای این نهر تشریف فرما شده بعضی تشریفات به عمل آمد \_ هم در این سال محمدحسین میرزای حشمت الدوله که در تبریز اقامت داشت درگذشت، و

میرزا محمدشفیع شیرازی مشهور به میرزاکوچک متخلص به وصال از فحول شعرا و خوشنویس ها و ارباب کسال و حال در شیراز وفات کرد، و نشاطی خان هزارجریبی شاعر نیز در این سال بدرود زندگانی گفت.

اروبا \_ (انگلیس) \_ حرکت فرانکلَنْ به طرف قطب شمال. (فرانسه) \_ شورش سخت در مملکت الجزایر به اغوای امیر عبدالقادر \_ مخاصمهٔ فرانسه با مکزیک \_ معاهده با اماه مسقط. (عثمانی) \_ شورش طایفهٔ آرتاوُوتْ \_ طایفهٔ دورُوز در لبنان نسبت به طایفهٔ مارونیک که مسلمان [هستند] صدمات زیاد می زنند.

## [سنة ١٢٦٣ هجري = سنة ١٨٤٦ مسيحي]

آسيا - (ايران) - در اين سال حيين خان سالار ولد اللهيارخان آصف الذوله خالوزادهٔ اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه عصیان و خودسری خود را آشکارا کرد و آنچه آصف الدول، او را نصبحت گرد سودی نبخشید. آخرالامر آصف الدوله به سالار گفت من صدهزار توسان برداشته به طهران می روم، اگر در امر سلطنت اختلالی است من نیز مردم را برانگیخته بهمن میرزا را از آذر بایجان تحریض می نمایم و تو را خبر می دهم که راه دارالخلافه را پیش گیری و مقصود حاصل شود و اگر اختلالی در کـار نـباشد با حاجی میرزا آقاسی دوستی کنم و این صدهزار تـومـان را بـه مـلازمـان حـضرت سلطنت پیشکش نموده حکومت قومش و استرآباد و سمنان و دامغان را ضميمهٔ حكمراني خراسان مي نمايم آن وقت بهتر مي توانيم خيال خود را به انجام رسانيم ــ خلاصه آصف الدوله به طهران آمد و باآنكه چندان محل اعتنا نشد فرمانی صادر کرد که سالار متولی باشی باشد، و میرزا محمدخان پسر دیگر آصف الدوله به خراسان رفته به نیابت آصف الدوله حکومت کند، و سلیمانخان حاکم بسطام پانصد نفر تفنگچی و یکصد سوار و دو عرّاده توپ با ميرزا محمّدخان تا مزينان بفرستد. بدين منوال ميرزا محمّدخان از بسطام گذشت و به سالار پیغام داد که توپ و سوار بسطام را به بهانه همراه آورده ام اگر اذن می دهی تصرّف کنم، سالار در جواب گفت هنوز زود است. میرزا محمّدخان توپ

و سواره و پیاده بسطام را باز پس فرستاد و نزد سالار رفت. سالار و جعفرقلی خان ایلخانی شادلو به خیال افتادند که کلات را تصرف کنند و معقلی در دست داشته باشند و چنین کردند. بعد از آن جمعیت کثیری فراهم آورده عازم تسخیر دارالخلافه شدند. چون آصف الدول، از واقعه باخبر شد اجازهٔ سفر مكَّهٔ معظمه حاصل نموده روانه گردید و مخارج گزائمی در این سفر نمود و انعامات وافره بداد. و ابراهیم خلیل خان سرتیپ ابن حاجی اسمعیل خان با جمعی از پیاده و سوار از دارالخلافه به دفع سالار روانه شد و در غرّهٔ رمضان به بسطام رسید. و از آنطرف سالار با لشکری جرّار تما سبزوار راند و جعفرقلی خان کُرد شادلو را با دوآزده هزار نفر مقدمة الجیش ساخته أز راه كلا تهخيج به قرية قهيج آمده اتراق كرد، و فيمابين دو لشكر كمتر از دو فرسنگ بود. سلیمانخان حاکم بسطام و ابراهیم خلیل خان مشورت کرده قرار بـر این دادند که ابراهیم خلیلخان با جعفرقلیخان رو برو شود، اگر غلبه کرد فبها المطلوب و الآبه بسطام آيد. بنابراين قرار داد ابراهيم خليلخان با لشكر جعفرقلی خان دو سه فقره مصاف داده آنها را شکست دادند. بعد از آن حسن خان سالار بـا بـیـسـت و پنج هزار سوار و پیادهٔ خراسانی به مزینان رسید، و محمّدخان بغایسری و جهانگیرخان گرجی را با هزار سوار به آمداد جعفرقلی خان فرستاد. و در این اوان محمدعلی خان از سرداران سپاه ظفرهمراه با ده عرّاده توپ و چهار فوج سر باز از دارالخلافه به دامغان، و از اینجا به ده ملاً آمد و دوازده هزار سوار خراسانی قصم شبیخون و حمله بر اردوی محمدعلی خان نموده ولی مغلوب و منهزم گشتند و ابراهیم خلیلخان در دهملاً به محمّدعلی خان پیوست و یک روز بعد نواب حمزه ميرزا (حشمت الدوله) برادر والاگهر شهريار غازي با چهارده عرّاده توپ و پنج هزار نفر دررسیدند و ابراهیم خلیل خان و محمدعلی خان به اردوی شاهزاده ملحق گشتند و معلوم شد که سالار با بیست و پنج هزار نفر در میامی اتراق داشته و دوازده هزار سوار منهزم نیز بدو پیوسته مستعد قتال می باشند. نواب حمزه میرزا به طرف میامی راندند و سالار باخبر شده آمادهٔ جنگ شد و چون احتمال قوی می داد که مقهور گردد چهارده رأس اسب به خواص خود سپرده آنچه میسر بود وجه نقد بر ترک اسبها بسته که اگر بنای فرار شد دست خالی نماند. پس از این تمهید نایرهٔ قتال

اشتعال یافته دسته جات سواره و عساکر خراسانی بعضی متفرّق شدند و برخی به ركاب والا آمده از سالار تبري نمودند. سالار پسران خود را با جعفرقلي خان و سلیمان خمان دره جزی و شاهرخخان قاجار کرمانی برداشته به جوین گریخت. سلیمانخان دره جزی نیز نزد نواب حمزه میرزا آمده اظهار عبودیت کرد و معروض داشت که سالار می خواهد در قلعه کلات متحضن شود. نواب معظم او را مأمور دره جنر و دفع سالار نـمـودنـد. سالار امیراصلانخان پـشر خود را با نقود و جواهر به كلات فرستاد كه اگر بكلي مقهور گردد خود نيز بدانجا رود. مردم كلات اميراصلان خان را راه ندادند و او در خارج كلات بماند. سالار نيز از جوين به بوزنجرد آمده، بوزنجردیان او را نپذیرفتند، لهذا با جعفرقلی خان به طرف آخال راند و چون چهل هزار تومان وجه نقد همراه داشت ترکمانان به طمع زر سالار و همراهان او را پذیرائی کرده قرااوغلان آن بیگی آنها را به یورت و آلاچیق خود جای داده و طایفهٔ توقتمش را که تابع وی بودند نزد سالار آورد و اظهار خصوصیت نـمـود. از آن طـرف نـواب حـمـزه مـيـرزا كـه سـالار را تعاقب مي كردند به بوزنجرد رسیدند و چون شهر مشهد را نظمی نبود ابراهیم خلیل خان را روانهٔ ارض اقدس کردنـد و میـرزا محمّدعلی خان را به حکومت بوزنجرد و آن نواحی برقرار کرده خود نیز به مشهد مقدّس رفتند. محمّدعلی خان چون در بوزنجرد بدسلوکی کرد مردم به سالار و جعفرقلی خان ایلخانی متوسّل شدند. سالار و ایلخانی با قرااوغلان و دوهزار سوار به بوزنجرد آمده این شهر را متصرف شدند و محمّدعلی خان مقتول شد و قشون ابوابجمعی او در ارک محصور گشته در مدافعه می کوشیدند. نواب حمزه میرزا از ماجری خبردار شده تعلیقه به یزدان ویردی خان بن رضاقلی خان زعفرانلو نوشته او را مأمور بوزنجرد نمودند و محمّدولي خان قاجار نايب را نيز با لشكري بدان ساحت فرستادند و حود نیمز عازم بوزنجرد گردید. ایلخانی و سالار چون دانستند که مرد میدان مقاومت نیستند بعضی از طوایف شادلو را کوچ داده و تراکمه و اکراد اسیر بسيبار از سربازان خاصه از طايفة بيات برداشته روانة آخال شدند و نواب حمزه ميرزا به بوزنجرد آمدند و با آنكه برف باريده و مسالك را صعب نموده قصد تعاقب سالار و ایلخانی کردند و به مانه که محل سکنای ایلخانی و طوایف شادلو

بود راندند و چهل روز در اینجا رحل اقامت انداختند ـــ هم در این سال عبدالله خان امین الدوله اصفهانی در ماه شعبان در نجف اشرف در گذشت و نواب شیخعلی ميرزا ابن خاقان مغفور وفات نمود ـ هم در اين سال خسروخان گرجي به کردستان مأمور شده و بعضی به بهمن میرزا نوشتند که خسروخان به گرفتن تو مي آيد. لهذا بهمن ميرزا به طهران آمد و اطمينان يافت و چون خسروخان به كردستان رسيد متقلّد امور حكومتي گشته رضاقلي خان والي كردستان را كه معزول شده بود به دارالخلافه فرستاد ـ هم در این سال میرزا جواد غلام پیشخدمت همشيره زادة ميرزا محمدعلي خان شيرازي وزير امور خارجه مأمور اسلامبول شدكه عهدنامه ای را که میرزا تقی خان وزیرنظام در ارزنهٔ الروم بسته بود مبادله نماید ـــ هم در این سال بهمن میرزا مجدداً توهم کرده به سفارتخانهٔ دولت روس رفت و به موجب استدعای وزیر مختار روس معفو و روانهٔ تفلیس شده در خاک روس سکنی گرفت \_ هم در این سال حاجی ملامحقدتقی برقانی که در شتم بابیّه مصرّ بود در سنّ هشتاد سالگی به تحریک برادرزادهاش قوةالعین که زنی بود در کمال جمال و پیرو بابیّه در مسجد قزوین در میراب کشته شد. و آقامیرمحمدمهدی امام جمعه دارالخلافه رحلت نمود و آقًا میرزا ابوالقاسم برادرزادهٔ او به امامت به جای او برقرار گشت ــ هم در این سال حاجی سیداسمعیل مجتهد قمی داعی حق را لبیک اجابت گفت، و حاجی میرزا مسیح طهرانی که در عتبات عالیات ساکن بود در هفتاد سالگی به جوار رحمت ایزدی پیوست ــ هم در این سال هزار و چهارصد و سی و هشت قریه هائی که حاجی میرزا آقاسی خود آباد کرده بود و تقریباً دو کرور قیمت داشت به شخص همایون شهریار غازی هبه و پیشکش نمود.

اروپا \_ (انگلیس) \_ رُبیرت پیل به صدارت منصوب می شود، بعد از چندی رُون روسیل به صدارت برقرار می گردد \_ شورش در ارلند \_ فتح مملکت لاهور در هندوستان که بعد از فتح، دو کرور لیره از اهالی لاهور جریمه گرفته می شود. (روس) \_ شورش در لهستان که به زودی رفع می شود. (اسپانیول) \_ مزاوجت ملکه با ابن عم خود فرانسوا. (فرانسه) \_ نجات یافتن پادشاه در ثانی از کشته شدن

فرار لوی ناپلیون از قلعهٔ هام بروز قحط و غلا در این مملکت بها و خرابی شهرها به انقلاب در الجزایر به واسطهٔ امیر عبدالقادر به یوریه منجم معروف ستارهٔ نبطون را انکشاف می نماید به اختراع پنبهٔ باروطی بجمعیّت فرانسه در این سال هفتاد و یک کرور است. (ابطالیا) به فوت گرگوار شانزدهم پاپ و جلوس پی نبهم به جای او. (روس) ب بروز و با در پطرز بورغ که سه سال امتداد می یابد. (عثمانی) به ایجاد مدرسهٔ دارالفنون.

#### [سنهٔ ۱۲۹۶ هجری = سنهٔ ۱۸٤۷ مسیحی]

آسيـا ـــ (ايـران) ـــ در ينجم محرّم اين سال جعفرقلي خان ايلخاني قصد دستبرد و شبیخون به اردوی نواب حمزهٔ میرزا (حشمت الدوله) که در مانه بود نمود ولی کاری از پیش نبرده جز اینکه لطفعلی خان بغایری را که مأمور به قلعهٔ خان بود دستگیر کرده به آخال بردند و چون در میان قبایل توقتمش و اوتمش در توقف سالار در آخال خلاف درگرفت سالار عازم کلات گردید و پس از آنکه دانست کلات به تصرّف يسرش اميراصلان خان درنيامده به سرخس رفته مهمان اراض خان ريش سفيد تراکمهٔ سرخس گردید و امیراصلانخان پسرش با اهل و عیال بدو پیوست، و پس از چندی معلوم شد جعفرقلی خان در محلّی از گرگان کمین کرده نواب حمزه میرزا عبىدالله خيان افشيار صاين قلعه را با سواران افشار و خراساني بر سَر او فرستاده او را منهزم کردند، و جعفرقلی خان به طرف هرات رانده به بارمحمّدخان پیوست، و نواپ والا شنبی هفده فرسنگ راه طنی کنزده بر شر تراکمه تاخته جمعی را مقتول و دستگیر نموده آخرالامر به شفاعت میرسعدالله خان فندرسکی سیصد خانوار گروگان از تركمانان گرفته آنها را به سملقان يورت دادند و جمعي از سوارهٔ آنها ملتزم ركاب والا شدند. يس از آن خبر رسيد كه سالار با هشتهزار نفر قصد شهر مشهد كرده ابراهيم خليل خان با جمعي به مدافعهٔ او مأمور شد و در كال ياقوتي جنگ درگرفت، عبدالله خان افشار صاین قلعه و دو برادرش مفتول گشتند ولی سالار منهزم شد و جمعی از تراکمه اسیر گشتند و نواب حمزهمیرزا به شهر مشهد رفته به نظم

امور پرداختند و قراول به حراست.میرزا محمدخان بیگلر بیگی برادر سالار و متعلقین ایلخانی که در روضهٔ مطهرهٔ جضرتِ رضا سلام الله علیه نشسته بودند گذاشته مصطفى قلىخان قراگوزلو سرتيپ همداني را به حفظ شهر مأمور كرده سامخان ایلخانی ابن رضاقلی خان زعفرانلو را به رکاب والا طلبیده به عزم دفع سالار به قرابقعه حوالي سرخس راندند، ريش سفيدان سرخس پيشكشي فرستاده از سالار توسيط نجودند. مقارن اين حال نواب حمزه ميرزا را مرضى شديد عارض شد و سالار و برادران او موقع را مساعد دیده مواضعه در تسخیر مشهد کردند به این معنی که بترادران سالار اشترار و اهالی شهر را به طغیان تحریک کرده و سالار را به تصرف شبهر خیوانیدنید. چون شهر بشورید نواب حمزه میرزا با وجود ناخوشی به طرف شهر مشهد رانده اهالی که یاغی بودند به مدافعه برخاستند. و در این اوان سالار نیز با لشكر زياد به مشهد آمد و تا ده فرسنگ مسافت از اطراف شهر مشهد مردم به حمایت اهالی شهر متفق و با سالار مساعد شده کار سالار قوتی گرفت و همه روزه فیمابین عساکر نواب حمزه میرزا و اهالی شهر و سالار جنگ در کار بود و جمعی از طرفین مقتول می شدند. مقارف همین اوقات ناخوشی و ضعف بر مزاج مبارک اعليحضرت شهريار غازي محمدشاه غالب آمد و آفتاب عمر اين يادشاه كه در جود وسخا وعلم وحيا وعزم وحزم ولشكركشي ومملكت ستاني عديل ومانندي نداشت ميل افيول نـمـود. نـواب مستطاب والا حاجي معتمدالدوله فرهاد ميرزا در كتاب جامجم شرحي از اين واقعة غمافزا نگاشته و تاريخ ارتحال شهريار مبرور ماضی محمّدشاه غازی را چنین نظم فرموده اند:

به سال شصت و چهار از پی هزارودویست شب سه شنبه ششم هم از مه شوال به قشر نو شه ایران زمین محمد شاه اجل پیاله عمرش نمیود مالامال و مقصود از قشر نو قشر جدید محمدی است که در غربی تجریش در مدت سه ماه به امر شهریار میرور اسکنه الله فی ریاض السرور ساخته شد. نیز نواب مستطاب معظم در کتاب مذکور گویند: ولادت شهریار غازی محمدشاه روز سه شنبه ششم دیقیعده هزار و دویست و بیست و دو بوده و مدت عمر مبارکش چهل و یک سال و یازده ماه تمام قمری، و نعش مطهر ایشان را در باغ لالهزار که خارج شهر

طهرانست به امانت گذاشتند و پس از ورود شاهنشاه جمجاه اعلیحضرت ناصرالدین شاه خلدانهٔ ملکه وسلطانه به دارالخلافه طهران آن جسد مباری را به قم فرستادند و در شب عید غدیر همین سال در صحن مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها مدفون گردیدند. و این قضر جدید شباهت کلی به قضر سبکتکین داشت که قبل از وفات خود بنا نهاده. چنانکه گلهایگانی در ترجمه عتبی گوید: در اواخر ایام و خواتم عمر سبکتکین سرائی بنا فرموده بود او را سهل آباد نام کرده و مالی بسیار در عمارت آن انضاق افتاده و اوستادان چرب دست در تحسین و تزیین اساس و وضع قواعد آن صنعتهای بدیع و تأنق های اغریب نموده به سبب حادثهٔ کارثهٔ آو، ناتمام بماند و فرزندان او از آن اعراض کردند و بدان فال بد زدند تا خراب شد و سعیی که در تأسیس عمارت آن رفته بود ضایع ماند \_ خلاصه شهریار مبرور البسه الله حلل النور جامع اوصاف حمیده بودند، خط نستعلیق را خوش می نوشتند، در صنعت نقاشی مهارت داشتند، و مدت ملکشان جهارده سال و سه ماه بوده است \_ انتهی.

نگارنده گوید: بعد از آنکه دست این مصیبت پیراهن صبر و شکیب اهل مملکت خاصه خانوادهٔ سلطنت و رجال و ارکان دولت را قبا نمود اشکها جاری و دلها قرین سوگواری گردید. مرهم این زخم جانسوز و رزیت غم اندوز، جلوس ایدمانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه ایده الله تعالی بود بر سریر گردون مسیر خلافت، و اریکهٔ سلطنت، که این مسرت اجر آن محنت گردید، و دهنها پس از آن همه خون جگر خوردن بخندید (اقبال را به وعده وفا کرد روزگار) جسم مملکت جانی تازه گرفت و انجمن مکرمت روحی بی اندازه یافت، روزگار) جسم مملکت جانی تازه گرفت و انجمن محرمت روحی بی اندازه یافت، در نبشت. و از آنجا که ما شرح سلطنت و شهریاری این شهریار عادل باذل متنا الله تعالی به بقائه را در کتاب مآثر السلطان در ضمن دو جلد مفضلاً نگاشته ایم در این کتاب محتاج به بسط نبستیم و محض اینکه ترتیب از دست نرود خلاصهٔ آن

تأنق: نبک نگریستن در کاری برای نیکو انجام دادن آن.

۲. کارثه: غم انگیز و دردناک.

مطالب را خواهیم نوشت ــ بعون الله تعالی.

هـم در ایـن سـال چون شهریار ماضی انارالله تعالی برهانه از قصر محمّدیّه شمیران به ریاض قدس در پیوست، نوبت خسروی به اعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران، شاهنشاه كل ممالك محروسة ايران، شهريار عادل باذل، ظل الله الممدود، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه رسید. ذات ملکوتی صفات مقدس که تما آنوقت به ولايتعهد سلطنت در دارالسلطنة تبريز تشريف فرما و در انتظام امور مملكت آذر بايجان تجشّم مى فرمودند بعد از وقوع غايلة هايلة شهريار ماضي طاب الله ثراه مسرعی از طرف نواب مهدعلیا طیّبالله تربتها، و امنای دولت اعلام را به آذر بایجان شتافت (نواب مهدعلیا دخترزادهٔ خاقان مغفور فتحعلی شاه و فرزند اميىرمحمد قاسم حان بن سليمان خان قاجار قوانلو والدة اعليحضرت شاهنشاه جمجاه بودند) و نواب معظم لها به نظم شهر و توابع دارالخلافه و تمهید مقدّمات جلوس پادشاهی دام ملکه رای و تدابیر صایبه فرموده شاهزاده علیقلی میرزا را که به زیور فضل و دانش آراسته بود به وزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند ــ خلاصه پس از ورود چپر و وصول خبر به آذر بایجان و اقدام کارگذاران به انجام شرايط و لوازم كار، و جمع آورى افواج و سوار، شب چهاردهم شوال المكرم وليعهد کامکار در تسریز به میارکی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضِر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند و از شاهزادگان بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمّدتقي ميرزاي حسام السلطنه به تقبيل عتبهٔ عليّه سر بلند گرديدند و میبرزا تـقـی خان فراهانی وزیرنظام و میرزا جعفرخان مشیرالدوله به تحهیز لشکر و تبهیتهٔ مسفیر و روانگی موکب همایون به دارالخلافه پرداختند و فرمان صادر شد که ميىرزا جعفرخان متوقف تبريز و مأمور امور دول خارجه باشد و موكب اعلى روز نوزدهم شوال از شهر تبريز نهضت فرمود. و چون مردم تبريز و طهران از طايفة ماکوئسی و حاجی میرزا آقاسی رنجیدگی داشتند علی خان ماکوئی را که به سردار آذر بایجان معروف بود دخلی در این خدمت ندادند و میرزا فضل الله نصیرالملک به پیشکاری مشغول بود و میرزا تقی خان وزیرنظام به رتق و فتق امور لشکر

می پرداخت. و چون محمدخان زنگنه امیبرنظام در این وقت درگذشت میرزا تقی نان منصب امیرنظامی یافت.

و از این طرف حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر مى ديد و از همه مأيوس بود به حضرت امامزاده عبدالعظيم عليه السلام پناه بىردە بستى شد، و امرا و بزرگان همە منتظر مقدم فرخندەشيىم مبارک بودند و احياناً اگر فسادی در داخل و خارج می دیدند به قدر قوه در اصلاح آن می کوشیدند و قطع و قصل احكام به رأى صايب نواب مهدعليا طابت تربتها بود. منشورها مرقوم فـرمـودنـد و ملاحظات منظور شد. حاجي على خان والد مؤلف را كه در اين وقت از زيارت بيت الله الحرام مراجعت كرده بود به حكومت و تنظيم گيلان فرستادند، و عباسقلی خان جوانشیر به ضبط قرای خالصه پرداخت، جعفرقلی خان قراجه داغی با صد و پنجاه سوار به حفظ خزانهٔ اصفهان مأمور شد که به سلامت به طهران برساند. بالجمله موكب همايون كوچ بر كوچ به سلطانيه رسيد. نواب عبدالله ميرزا عمّ شاهنشاه ایران به وزارت میرزاشفیع تویسرکانی حکومت خمسه یافت. و در این ایّام ميرزا نصرالله اردبيلي صدرالممالك خود را صدراعظم دولت مي شمرد و چنان مىينىداشت كه بـه مجرّد وصول اردوى معلّى اين منصب بدو تفويض خواهد شد. سيف الملك ميرزا ولد اكبر ظل السلطان كه در قزوين متوقف بود به وساوس نـفـسـانــی به میان قبایل نواحی قزوین رفته بنای سرکشی گذارده به هوس پادشاهی افتاد و ارقام به اطراف فرستاد. ولي سليمان خان افشار او را در بقعه إمامزاده معروف به گازرسنگ دریافت و دستگیر نموده به دارالخلافه آورد. هم در این ایّام میبرزا محمدعلی خان شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دارالخلافه بود تا اردوی همایون در قریهٔ یافت آباد که قریب دارالخلافه است قرار گرفت. شاهزادگان و بزرگان درگاه به خاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند. در این محل پیشکاری میرزا تقی خان امیرنظام معلوم همه کس گردید و میرزا محمدسعید انصاری (جناب وزیر دول خارجه) کاتب اسرار مکتومه و منشی رسایل خاصه شد.

روز جمعه بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسهٔ ایران با فر و شکوهی فراوان دارالخلافهٔ طهران را به قدوم

سعادت ازوم مبارک مزین فرمودند و در شب شنبه بیست و دویم در سرای سلطنتی پیش روی کلاه فرنگی هفت ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا تقی خان به لقب اتابیکی و منصب صدارت عظمی نایل گردید و به خلعتی فاخر مخلع آمد.

روز شنبه بیست و دوتیم سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و هم از آن روز میبرزا تـقـی خان اتابیک اعظم به تدابیر امور ممالک محروسه پرداخت و با میرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالک دیگر بصیرتی داشت راه اتحاد گرفت. اسکندر میرزا به وزارت میرزا موسی تفرشی مستوفی به حکومت قزوین رفت، شاهرخ میرزا ولد فرمانفرمای مرحوم حاکم کاشان شد، و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت. در دوازدهم دیحجه نعش شهریار مبرور طاب تراه را به دارالایمان قم نقل و تحویل دادند. حاجی نورمحمدخان سردار و سلميمان خان افشار به امداد نواب حمزه ميرزا و نظم و اصلاح امور خراسان و قلع و قمع حسنخان سالار و جعفرقلی خان روانهٔ خراسان شدند. قواب شاهزاده سلطان مرادميرزا كه بعد به لقب حسام السلطنه اختصاص يافتند نيز از جانب اعليحضرت شاهنشاهی مأمور خراسان و مصمم تسخیر بوزنجرد و تخریب اسفراین شدند. تورمحمدخان و سليمان خان هم به اردوى تواب والاحسام السلطنه آمده و جعفرقلی خان که متفق با سالار بود به استمالت سلیمان خان به ربقهٔ اطاعت و انقياد دولت درآمده روانهٔ طهران شد و پس از ورود معفو و مورد مرحمت شاهانه گردید، و نواب حسام السلطنه با لشکر راه خراسان پیش گرفته به سبزوار رسید و لشكـر را به محاصرهٔ شهر فرمان داد. و در این وقت بسیاری از خوانین خراسان شر اطاعت پیش آورده به اردوی شاهزاده پیوستند و پیوسته نقاط و بلاد دیگر عرض راه خراسان مسخر سپاه منصور گردیده نواب حسام السلطنه پیش می رفتند. در حوالی جوين تلاقى فريقين شده جنگي سخت مابين سپاه منصور و لشكر سالار اتفاق افتاده دویست نفر از قشون سالار مقتول و خود او فراری شده پس نشست، و محمقدابراهيم خان قاجار از جانب نواب والا حسام السلطنه حكومت جوين يافت و شاهزاده قصد تسخیر سبزوار کرد. در این وقت یحیی خان تبریزی از دارالخلافه با

استعدادی مجدد و خزانهٔ درخور، و نشانهای التفات برای سامخان و دیگران در رسید. شاهزاده حسام السلطنه اسکندرخان سرتیپ قاجار را با استعدادی وافی بر سر تربت و ترشیز نیز مسخر سپاه منصور گردید و شهر و حصار سبزوار هم که چندی در محاصره بود مفتوح شد، و شاهزاده از آنجا عزیمت نیشابور کرد، و امامویردی خان بیات که از جانب نواب والا حشمت الدوله حکومت نیشابور داشت و در این مدت به سالار موافقتی نکرده بود در این موقع به استقبال نیشابور داشده شهر را به ایشان آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور درآمده شهر را به ایشان سپارم. در این ایام که عید نور وز فیروز بود نیشابور را نیز تصرف کردند.

هم از وقایع این سال مأموریت میرزا محمدصادق وقایع نگار در اوایل سال به وکالت رعایای تمامی آذر بایجان و رسیدن به محاسبات آن مملکت و مأموریت ميرزا جعفرخان مشيرالدوله به سرحة بغداد بود كه به اتّفاق وكلاي دولت روس و انگلیس و عثمانی از آنجا به محمره رفته سرحد اراضی دولتین را تشخیص دهند. نواب مؤيدالدوله ظهماسب ميرزا مأمور به حكومت كرمان و فضلعلي خان از آنجا أحضار شد. دوستعلى خان حاكم يزد به دارالخلافه آمد و حاجي بيژنخان گرجي که ریش سفید عملهٔ خلوت بود به حکومت یزد رفته به زودی نیز معزول شد. نواب معزال دوله بهرام ميرزا به ايالت فارس و نواب ركن الدوله اردشير ميرزا به لرستان و خورستان و خانخانان سلیمانخان قاجار حاکم اصفهان شد. نواب خانلر میرزا را از مازندران خواسته به بروجرد فرستادند و مازندران را به برادرش نواب مهديقلي میرزا سپردند و در زمان او فتنهٔ طایفهٔ بابیه در مازندران موجب هلاکت جمعی کثیر شد \_ هم در این سال میرزا تقی خان صدراعظم به مصاهرت اعلیحضرت شاهنشاه سرافراز گردید. بعضی افواج به تحریک برخی امراء حسود بر میرزا تقی خان شوریده دو باره آنها را آرام کردند ـ حاجی علی خان والد مؤلف منصب فـراشباشی گری یافت ــ فیمابین علمای تبریز احتلافی پدید آمد و نواب ملک قاسم میرزا حکمران تبریز به اصلاح پرداخت ــ میرزا احمد شاملوی خوشنویس درگذشت ــ حاجى ميرزا آقاسي مرخص شده به عتبا ب عاليات رفت و ميرزا نصرالله صدرائسمالک اردبیلی را بعد از شورش افواج مغرضین متهم نموده به قم رفت و از آنجا او را روانهٔ کرمانشاه کردند. و آغابهرام قراباغی را نیز مخذولاً به کرمانشاه برده و سپردند و جمعی از امرا که مورث فتنه و شورش بر ضدّ میرزا تقی خان بودند تنبیه شدند ... آقا سید میرزای کاشی به منصب پیشخدمتی حضور نایل گردید ... حاجی رجبعلی بیک یاور توپخانه سرهنگ توپخانه شد ... مادام کلساز فرانسوی زوجهٔ حاجی عباس شیرازی که به شرف اسلام مشرّف شده به شغل مترجمی خادمان حرم جلالت برقرار گردید.

## بفية شرح فتنة بابيه

هم در این سال سیدیجیی پسر آقا سیدجعفر معروف به کشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای باب بود به پیزد رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه مشفرق و بنای دعوت و عوامفریبی تهادند. از جمله ملاّحسین بشرویه ای که از علما و به امید ریاست تابع او شده بود در مشهد مقدّس در میان فتنهٔ سالاری مشغول فريب جمعي بود أورا گرفته به اردوي نواب حشمت الدوله آورده حبس کردند بعد از چندی در حرکت اردو فرار کرده به مازندران رفت و سیصد چهارصد نـفـر از فـریـبخـوردگان به او وصل شدند که به آذر بایجان به یاری سیّدعلی محمّد روند، و سیدعلی محمّد که از سال قبل در حضور حضرت اقدس ولیعهد و جمعی از علمای دارالسلطنهٔ تبریز به معرض امتحان و اختبار درآمده و بطلان دعاوی او مشهود خیاص و عیام گیردیده بود به امر اقدس حضرت ولیعهد و فتوای علما تا این زمان در چهبریـق محبوس بود و تابعین او در هرجا در پرده بنای فساد و عوام.فریبی گذاردند. حاجی محمّدعلی نام بارفروشی که او نیز یکی از مشاهیر این طایفه گردیده بود با ملاحسین بشرویه ای و جمعی دیگر در خارج شهر بارفروش اقامت کرده در پرده بنای عوام فریبی گذاشتند. سعیدالعلما خبر شده امر به اخراج آنها نمود و کار به منازعه و مقاتله کشید و دوازده نفر از بابیّه به قتل رسیدند. و بعد از چندی ملاحسین و حاجی محمّدعلی با اتباع خود عزم عراق کردند ولی در محوطهٔ مقبرهٔ شیخ طبرسی که از معارف فضلای محدّثین و مشایخ طبرستانست قلعه بنا کرده تحصّن جستند و

دست به غارت مأكولات و محصولات رعيت گشودند و جمعيت متابعان به دوهزار نبفسر رسیند. نواب مهدیقلی میرزا با خوانین و سرکردگان مازندران به دفع این غایله مأمور شده و در خمارج قبلعبة منزيبوره با بابيّه محاربتي سخت كودند واملاحسين بشرویه ای در مقام عصیان ثبات قدم به خرج می داد و مدتی خونها به ناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمانخان افشار قاسم لو از در بار معدلتمدار مأمور مازندران شده قلعه را گرفته و آن طایفهٔ مطروده را قلع و قتل کردند ـــ نیز از فتنه های این قوم مطرود یکی خروج ملامحقدعلی زنجانی در زنجان بود که بعد از مدتی تحضن در زنجان، و گرد آمدن جمعیتی زیاد بر او، و محاربات سخت با قشون دولت، آخر به دست محمدخان بیگلر بیگی پسر فتحعلی خان گیلانی، زنجان مسخّر و ملامحمّدعلی مقـتـول و سـایـریـن نیز مقتول و متواری گردیدند و معلوم اولیای دولت شد که اصل شعب فساد وجود سیّدعلی محمّد است لهذا به فتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدهای او از چهریق به تبریز آوردند و به یک دسته از فوج بهادران نصرانی سپرده او را تیر باران کرده بکشتند و ایل واقعه در هزار و دویست و شصت و شش رو نمود ــ فـتـنـهٔ دیـگـر خـروج سیدیجـیی پـــر آقاسیدجعفر اصطهباناتی در نیریز فارس بود و جمعی هم از اهالی به او گرویدند. دیوانبیگی محمدعلی خان بن حاجی شكرالله خان نوري و مصطفى قلى خان قراگوزلوي سرتيپ به حكم نواب نصرت الدوله فیروز میرزا حکمران فارس به دفع سیّدیحیی و اتباع او مأمور شدند و بعد از مقاتله بر آنها غلبه کرده سیدیحیی را دستگیر نموده به شیراز آورده به حکم قصاص بكشتند، و حاجي زين العابدين خان حاكم نيريز كه به واسطهٔ طغيان سیدیحیی ضعفی در کار حکومت بهم رسانیده بود دو باره مستقل شده و پس از چندی او را در گرمابه بکشتند.

اروپا — (اسپانیول) — در این سال در داخلهٔ اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد. (اطریش) — دخل دولت اطریش در این سال سیصد و سی و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار فارن، و خرج سیصد و سی و هفت کرور و دویست و نود و هشت فارن بود (فارن معادل دوهزار و

پانصد دینار پول ایران است). (آلمان) در این سال اشرار قسمتی از لهستان که در تصرف بروس است به واسطهٔ شورشی که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند. (انگلیس) ــ در این سال حبوبات در انگلیس تسعیر بهم رسانید، پنبه از ینگی دنیا نیامد، پول کم شد، اکنئل که از معارف ارلند بود وفات نمود ــ اقتدار انگلیس در افغانستان و لاهور رو به ترقّی نهاد ــ میانهٔ دولت چین و انگلیس مجادله درگرفت و این دولت، چین را به تصرّف کانتُنْ که بندر چین است تهدید کرد و بعضی امتيازات از دولت چين به جهت دخول مال التجارة خود حاصل نمود. (ايطاليا) -ورود اول سفیر دولت عشمانی به در بار پاپ در این سال بود، و همچنین به طبع رسانیدن خرج و دخل دولت پاپ اوّل دفعه. (پرتوغال) ـ عجز دولت پرتوغال از نظم و رفع شورش داخلهٔ مملکت و استعانت نمودن از دولت انگلیس در این سال بود. **(روس)** ــ در این سال قحط و غلا در فرنگستان نمودار شده غلاّت و حبوبات دولت روس در آن ممالک به قیمت و مبالغ گزاف به فروش رسید و این فقره موجب مکنت و آبادی روس شد ــ طلای زیادی نیز از معادن کوههای اورال عاید روس گردید. (سویس) - در این سال هفت ایالت سویس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع به مذهب است با وکلای تمام ایالت سویس که در برن پایتخت مجتمع شده مخالفت نمودند. دول اطریش و فرانسه هم در باطن، اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرّک و تقویت می کنند، لیکن دولت جمهوری سویس ژنرال دفورن را با پنجاه هزار نفر به جنگ اهالی آن هفت ایالت مأمور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظّم نمود. (فرانسه) ـــ در این سال در فرانسه قحطی حبوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد، اتما گندم روس که از بندر اُدِسا حمل به کشتیهای فرانسه شد افاقهٔ کلی به حال اهالي مملكت فرانسه نمود ــ مارشال سُولُتُ از خدمت دولت استعفا نمود ــ مسيو كنيرو منصب صدارت يافت ــ پرنسس آدلائد خواهر لوي فليب يادشاه فرانسه وفيات كرد \_ امير عبدالقادر به مارك فرار نمود \_ دوك دومال پشر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید \_ در مارک امیر عبدالقادر را به حکم سلطان مارک گرفته به سردار فرانسه تسلیم نمودند ــ دخل دولت فرانسه در این سال دویست و هفتاد و

هفت کرور و بیست و پنج هزار و شصت و هشت تومان و پنجهزار رایج ایران و خرج سیصد و بیست و یک کرور و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنجهزار بوده ــ افتتاح راه آهن از اِسْیُنْ به بُولُن هم در این سال شد.

امریکا \_ (اتائونی) \_ در این سال مابین اتائونی و مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتائونی مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتائونی مکزیکه پایتخت مکزیک را فتح کرد. (هایتی) \_ در این سال ریشه رئیس جمهوری وفات یافت و شُلُوک که از جنس سیاهان بود به ریاست برقرار گردید.

# [سنة ١٢٦٥ هجري = سنة ١٨٤٨ مسيحي]

آسيا ــ (ايران) ــ شب چهارشني، بيست و پنجم شهر ربيع الثاني به مباركي تحویل شمس به برج حمل شد و شرایط سلام خاص و عام و جشن نوروز در شب و روز بعممل آمد \_ مطلب اهم آین سال باز رفع فتنهٔ خراسان و دفع محمد حسن خان سالار است تواب حشمت الدوله با اردوی خود متوجه هرات گـردیدهٔ در دو فرسخی غوریان لَشُكّرگاهی آختیار و از نیمهٔ محرّم تا آخر ربیع الثانی در آنجا اتراق نـمـودنند و يـارمحمّدخان از بابت ماليات هرات نقداً جنساً خدمات نمود. پس از اطلاع نواب حشمت الدوله از مأموریت نواب حسام السلطفه عزیمت نیشابور، و در آنجا دو شاهزاده و برادر یکدیگر را ملاقات کرده و در آن آثنا فرمان احضار نواب حشمت الدوله و ولايت نواب حسام السلطنه شرف وصول يافت و نواب حشمت الدوله پس از ورود به دارالخلافه و شرفیابی حضور همایون به حکومت آذر بایجان منصوب، و میرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوام الدوله به وزارت ایشان مخصوص گردید. و در این ایام چراغعلی خان زنگنه را برای کشف امور خراسان و استمالت سالار بدان ساحت روانه نمودند، و او پس از چند روز توقف در مشهد و چند مجلس ملاقات و مقالات با سالار و علمای مشهد آخر بی نیل مرام مراجعت كرد و به لطايف الحيل جان خود را از شرّ او باش و جهال مشهد به سلامت در برده به اردوي نواب حسام السلطنه پیوست و از آنجا روانهٔ دارالخلافه

شد. بالجمله نواب حسام السلطنه سليمان خان دره جزي را فرمان داد تا كلات را تصرف نیمیایید و خود از راه سر ولایت نیشابور رو به مشهد مقدس کرد و چون به قلعهٔ شاهان در که در چمن کوباغ واقع و در تصرّف توابع سالار بود رسید فرمان به محاصره و تسخیر داد. پس از قدری مقاتله و لختی خونریزی از طرفین، سکنهٔ قلعه منهزم و قلعه مفتوح شد و قلعه گیان از در استیمان درآمدند و اردوی شاهزاده از آنجا به چمن قهقهه و از چمن قهقهه به خارج مشهد مقدس ورود نمود و در زمان ده هزار نـفـر از شـهـر بـیـرون آمده از طرفین جنگ در پیوست و پس از چهار ساعت محار به قشون شهری پس نشست و نواب شاهزاده حکم داده محاذی هر دروازه سنگری محكم بستند و همه روزه كار به محاربت ميرفت و نايرهٔ قتال از طرفين اشتعال داشت ولىي شكست و هزيمت وادبار همهروز از طرف لشكر سالار بود و چندى بدین منوال گذشت سالار را دیگر تاب محاربه و مقاتله نمانده به محصوریت تن در داد و بـرای مـخـارج سپاه تنگدستی دامنگیر او شد و به خیال تصرف خزانهٔ حرم حضرت رضوي عليه السلام افتاد و بالجرأت و جسارت تمام هرچه در خزانهٔ مباركه و قبهٔ مطهّرهٔ آن حضرت از قنادیل طلا و نقره و سایر آلات زرّینه و سیمینه و اشیاء نـفــیـــه بود به یغما برد که بیست و دوهزار تومان زر مسکوک از اشیاء طلا و نقره به دست وی آمد و حبوبات انبار خاصه حضرت را بهجای علوفه به لشکریان یخش کرد و از امام جمعه و علمای مشهد بددل شده آنها را گرفته محبوس داشت، و عجب آنکه از علمای محبوس تمشک یا به مهر اثاث و اسباب منهوبه حضرت را گرفته به خدام آستانهٔ مقدسه مي سپرد ـ خلاصه باز در اين ايام از دارالخلافهٔ طهران لشكري به مدد اردوي نواب حسام السلطنه روانه خراسان داشتند كه معاون اردو و متابع صمصام خان سرتیپ باشند. و آن لشکر عبارت بود از عباسقلی خان بن ابراهیم خان بادکویه ای و فوج خوشی، و علی خان قراگوزلو و فوج همدانی، و حسنعلى خان سرتيپ كه الحال سالار لشكر است با فوج گروسي، و جمعي از سواران گُرد و ترک آذربایجان، و عبدالعلی خان مراغه ای سرهنگ توپخانه با چهار عـرّاده تـوپ و بـرخى ديگر از قشون ظفرنمون ـــ سالار هم از اموال آستانهٔ مقدّسه باز نیرو و قوتی گرفته دو باره از طرفین ساز جنگ کردند و اتیامی چند بدین منوال بود تا

باز لشکر سالار منهزم و در حصار شهر متحضن شدند به طوری که دیگر قدرت بیرون آمـدن از شــهر و با لشكر حسام السلطنه رزم كردن براي آنها نماند ولي از بالاي باره و بىرچ بەواسطە توپ و تفنگ معارضتى مى كردند و گاهگاهى انتهاز فرصتى نموده بر سنگرها یـورش مـی آوردنـد و حاصلی جز انهزام نمی یافتند. هم از دارالخلافه حاجی یوسف خان سرتیپ فوج قراداغی، و توکّل خان با فوج خمسه، و چهارصد نفر سوار کملیائی، و پانصد بار قورخانه و سه عرّاده توپ به اردو ملحق شد و به حکم والا بر عدد و استحکام سنگرها افزودند و از آن طرف باز سالار جری به جنگ شده همه روزه با پسرش اسيراصلان خان بيرون آمده با لشكر فيروزي اثر محاربه می نمودند و زیاده از دویست نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام می بود ــ در این ایّام اسکندرخان قاجار از اردوی خراسان به دارالخلافه احضار و محمّدناصرخان دولو (ظهیرالدوله) به سرداری سپاه خراسان مأمور شد ــ بالجمله در تمام اين سال سياه نصرت بناه و غازيان دولت مشغول محـار بـه با سالار و محاصرهٔ شهر مشهد مقدّس بودند تا عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدّت محار به و محاصره ملول گردید. و عمده سبب این تراخی و طول زمان این بود که غازبان دولت نمی خواستند به واسطهٔ یک نفس شریر سالار و اتباع مخصوص او که از در طغیان و عصیان درآمده و باعث این همه شـر و فساد و تباهی حال عباد شدهاند بيباكانه در تخريب شهر و مملكت و اتلاف نفوس محترمه و اهالی و رعیت که در هرحال باز هر دو مملوک پادشاه و متعلّق به دولت بودند بكوشند.

هم در این سال میرزا آقاخان نوری به لقب اعتمادالدوله ملقب گردید، و میرزا کاظم خان ولد معزی الیه به منصب استیفا نایل آمد میرزا محمدحسین ولد میرزا محمدحسین عزب باشی به همین منصب نیز سرافراز شد هم در این سال در میرزا محمدحسین عزب باشی به همین منصب نیز سرافراز شد میمدرضاخان فراهانی شهر تبریز شورشی در میان عوام سکنه و اهالی برخاست و محمدرضاخان فراهانی که در این وقت وزارت آذر بایجان داشت به دستیاری چند نفر از علمای شهر آن غرفا را فرونشاند می نیز از وقایع این سال رفتن عزیزخان آجودان باشی است به غوغا را فرونشاند می نیز از وقایع این سال رفتن عزیزخان آجودان باشی است به ایروان برای تبهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر دویم پسر مرحوم ایروان برای تبهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر دویم پسر مرحوم

امپراطور نیکلا (امپراطور ماضی مرحوم که مقتول شدند پدر همین اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم) که برای نظم حدود قفقاز و مملکت گرجستان به ایروان می آمدند و نامهٔ مودت ختامه با تمثالی مهرمثال، مرضع و مکلل به الماسهای قیمتی با یک رشته حمایل آسمان رنگ به همراهی معزی الیه برای حضرت ولیعهد انفاذ فرمودند و اسمعیل خان خزانه دار نظام نایب اول سفیر دولت شده حامل هدیه و تحف امیرنظام برای فرمانفرمای گرجستان گردید.

هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهانست ـ چون خان خانان را از حکومت اصفهان به در بار احضار و حکومت اصفهان را به غملامحسين خان سيهدار تقويض داشتند و محمّدحسين خان خلج به نيابت سيهدار از پیش به اصفهان آمد روزی سربازی با یکی از بستگان مرحوم میرزا سیدمحمد امام جمعه نزاعی کرده و حرمت امام جمعه را منظور نداشتند، امام جمعه بهم برآمد اشرار فستنه جوی اصفهان که سرمنشأ آنها احمدمیرزا که از طرف مادر به سلاطین صفويه مي پيوست و ميرزا عبدالحسين مستوفي و محمدعلي خان و ميرزا ابوالقاسم و غیره بودند بی رضای امام جمعه فتنه را بزرگ کردند و محمدحسین خان خلج نایب الحکومهٔ سپهدار را در مسجد جامع بکشتند. مابین اشرار بلد و سر باز و بستگان حكومت جدال و قتال سخت شد، جمعى از دارالخلافه مأمور رفع غايله شدند. آخر اشرار فراری و متواری و جمعی از آنها مقتول و دستگیر شده احمد میرزا به قم فرار کرد و پسرهای محمّدحسینخان خلج دست به او یافته به خون پدر او را بکشتند و ميسرزا عبىدالحسين مستوفى مدّتي در قرية قمصّر كاشان متوارى بود و آخرالامر در قـریـهٔ دهنو اصفهان در خانهٔ علی نام ملازم خودش کسان سپهدار او را گرفته به شهر برده به قتل رسانیدند و بعد از رفع این غایله چراغعلی خان به حکومت اصفهان مأمور شد.

هم در این سال نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسروخان لک را گرفته مغلولاً به دارالخلافه فرستاد، و عباسقلی خان جوانشیر به حکومت اردبیل و مشکین مأمور شد ــ و از حادثات این سال وفات شاهنشاهزاده سلطان محمود میرزا بود که به ولیعهدی منصوب می بود و در صغر سنّ رحلت کرد، و حاجی میرزا آقاسی که در عتبات عالیات اقامت داشت به عالم باقی روانه شد، و محمد حسن خان سردار ایروانی حکومت یزد یافت، و آقاخان ایروانی از اقارب او نایب الحکومهٔ او شده به یزد رفت و محمد عبدالله که در ایسن وقت باز دم از خودسری می زد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمی کردند. پس از چندی آقاخان از نیابت معزول و شیخعلی خان عم زادهٔ محمد حسن خان سردار به جای او منصوب شد و محمد عبدالله را به استمالت و احتیال به دست آورده مقتول داشت و شهر یزد آسوده و منظم شد و هم به صوابدید امیرنظام ابراهیم خلیل خان را از دارالخلافهٔ باهره به اردبیل کوچ دادند.

اروبا ـ (اسپانیول) ـ در این سال شورشی در مادرید پایتخت اسپانیول بر پا نـمودنـد ــ الـوزاقـا كه يكى از شورشيان بود محبوس شد ــ ميان دولت اسپانيول و دولت انگلیس به جهت تفتین سفیر انگلیس قطع مراوده شد. اوّل خط راه آهن در اسپانیـول به مسافت بیست و پنج هزار ذرع که از بارسلون الی ماتاؤ باشد ایجاد و ابداع شد. (اطریش) ــ در این سال تعیین وزرای مجارستان شده و معیّن گردید که از وزرای مملکت اطریش مجری باشند ـ در وین پایتخت اطریش شورشی برپا و مسیو مترنیخ وزیر اعظم معزول شد \_ امپراطور اطریش به سبب شورش اهالی وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبروگ را غیرلازم دانسته از آنجا مهاجرت کرد ـ عساکر اطریش که در خاک ایطالیا بودند شهر مزار [را] که جزو روم و در تصرّف پاپ بود به غلبه متصرّف شدند ــ امپراطور اطریش بعد از چندی وارد وین شد ـ مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است به دولت شوریده کونت لامبرک سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش مأمور بود به قـتـل رسـانـیـدنـد، و نـیز در وین کونت لا تور وزیر جنگ را شورشیان کشتند\_ امپراطور مجبوراً از وین به اولموتز فرار کرد و سه روز بر سبیل استمرار قشون دولتی به شهر وین گلوله توپ و نارنجک می انداختند تا روز سیّم شهر تسلیم شد ــ اميراطور فوديناند اول از سلطنت استعفا نموده اعليحضرت فرانسوا ژوزف برادرزادة خود را که در آن وقت هیجده ساله بود به جای خود منصوب نمودند. (انگلیس)\_

در این سال در بعضی از شهرهای ارلند شورشی پدیدار آمد ــ لوردبان تنک که از معارف رجال دولت بود درگذشت. (ایطالیا) ــ در این سال در جزیرهٔ سیسیل همجنین در ولایت نابل شورشی بریا شد ــ فیمابین دولت اطریش و ساردین و لمباردی نزاع درگرفت. سفاین جنگی پادشاهان ناپل و ساردین به بندر طریست از بنادر اطریش وارد شد ــ ایالتین ساردین و لمباردی یکی شده سلطنت شارل آلبر یادشاه پیمن را اختیار کردند ــ شهر میلان که به تصرف شارل آلبر درآمده بود و از تصرّف اطریش خارج گردیده به واسطهٔ نفاق جمهوری طلبان به ریاست مازینی از تصرف شارل آلبر بیرون شد و مجدداً به تصرف اطریش درآمد ــ شهر ونیز و توابع اعلان جمهوری نمودند ــ پاپ بعد از قتل مسیو روسی صدراعظم خود از اهالی روم سوءظن حاصل کرده به ناپل رفت. (باویر) ــ در این سال لوی پادشاه باویر از سلطنت استعفا كرده ولد خود ماكسيميلين دويم را بهجاي خود نصب كرد. (پروس) - در این سال در برلن پایتخت پروس مختصر شورشی به ظهور رسد. (دانمارک) ــ در این سال کریستیان هشتم پادشاه دانمارک درگذشت و سلطنت به فردریک هفتم ولد ارشد او رسید\_ ایالات اسلشویک و هولستن شورش نمودند \_ قشون پروس به این ایالات وارد، و رانژل سردار پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرّف کرد ـ دول فرانسه و انگلیس و روس در این جنگ مداخله نموده حمایت از دولت دانمارک کردند. (روس) ــ در این سال در اغلب بلاد ممالک روس وبای شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشکسالی سبب مشقّت اهالی گردید. (سُودٌ)۔ در این سال سلاطین سُودٌ و دانمارک با یکدیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات یاغیه سلطان سُود امداد نمود. (سویس) - در ایـن سـال شـهر برن پایتخت دولت و مرکز جمهور گردید و مقرّر شد موقوفات کلیسا به اطلاع رجال دولت جمهور به مخارج مقرّره برسد. (عثمانی) ــ در این سال رشيدپاشا صدراعظم عثماني بي مقدمه از صدارت عظمي عزل و صارم پاشا نصب گردید، مجدداً بعد از پنجماه نصب رشیدپاشا شد ــ در افلاق بغدان شورش نمودند و قشون روس به بهانهٔ نظم این دو ایالت آمده تا بوکارست پایتخت رفت. (فرانسه) ــ در این سال لوی فلیب پادشاه فرانسه به واسطهٔ شورش مردم خود را از

سلطنت خلع نموده بسرزادهٔ خود را به جای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده به شورش افزودند لوی فلیپ غفلتاً فرار به مملکت انگلیس نمود، اهالی شهر بهم ریخته خونریزی شدیدی در حوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت سلطنتی را که موسوم به تویلری بود غارت کردند، آنگاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل مملکت جمهوری طلب شدند \_ لوی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون اول که در مملکت انگلیس و فراری بود وارد پاریس شده دو سه ایالت او را به سِمَت و کالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند \_ آرشوک پاریسی که اعظم قسیسین آن شهر بود با چند نفر ژنرال در یکی از جنگها که اهالی شهر باهم می کردند کشته شدند \_ آخرالامر لوی ناپلیون به ریاست چهارسالهٔ جمهوری برقرار شد \_ راه آهن از پاریس الی بندر دیپ در این سال کشیده شد \_ اسات و بریاند که شاعر معروف و نویسندهٔ مشهور فرانسه بود به سن هشتاد سالگی در این سال در گذشت. (هلاند) \_ در این سال در مملکت هلاند قرار آزادی ادیان این سال در گذشت. (هلاند) \_ در و رفاهیت باشد در کمال آسودگی و رفاهیت می تواند در این مملکت زیست و زندگی نماید.

آفریقا ــ (مصر) ــ در این سال مرض محمّدعلی پاشای مصری اشتداد یافت و ابرآهیم پاشا ولد محمّدعلی پاشا والی شد، و چیزی نگذشت که درگذشت و عباس پاشا برادرزادهٔ محمّدعلی پاشا به والیگری رسید.

امریکا — (اتائونی) — در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی مهندسی از اهالی ینگی دنیا معدن طلائی در سواحل رودخانه های سالرمانتو و سان ژوانیک در ایالت کالیفرنی انکشاف نمود — ژنرال تیلور به ریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید — فیمابین اتائونی و مکزیک عهد صلح منعقد گشت — نول کالیفرنی را مکزیک به مبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد به اتائونی.

### [سنة ١٢٦٦ هجري = سنة ١٨٤٩ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ تحویل نیر اعظم به حمل در این سال هشت ساعت و یک دقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی گذشته بود و مراسم جشن تحویل و سلام عیـد بهوجهی شایان بهعمل آمد ــ نظم ممالک در این سال به درجهٔ کمال رسید، عمدهٔ اختلالی که در کار کشور به نظر می آمد فتنهٔ سالار و اغتشاش کار خراسان بـود کـه از توجّه اولیای دولت جاویدنظام مبدّل به انتظام شده صورت اختتام یافت، بدین شرح که موافقان سالار را آخرالامر عجز و بیچارگی طاری شد و رعب غالب آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب حسام السلطنه كردند، و در نهم جمادي الاولى این سال شهر مشهد را به شرط ایمنی و سلامت جان و مال خودشان به تصرف عـــاکر منصوره دادند. سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر به درون صحن مقدّس پنماه بـرد و هـواخواهان او متفرّق شده هریک به طرفی رفتند و چون سالار خود هیچ حرمت آن روضهٔ مقدسه و بقعهٔ مبارکه را نگاه نداشته بود امروزه نتيجة سوء اعمال و وخامت آنهمه جسارتها دامنگير خود او شده به حكم نواب حسام السلطنه او را با دو پسرش امیراصلان خان و یزدانبخش میرزا و محمدعلی خان برادرش دستگیر کرده به لشکرگاه بردند و پس از شورای عسکری و ثبوت جرایم و تقصیرات سالار آنها را به سیاست و قتل رسانیدند. بعد از انجام این خدمت نواب حسام السلطنه به نشان تمثال بيمثال همايون و شمشير مرضع و همين لقب مفتخر و نایل گردید و محمدناصرخان سردار نشان الماس یافت و هریک از چاکران خدمتگذار به اندازهٔ لیاقت و خدمت مورد مرحمت شده دارای خلعت و نشان گردیـدنـد و بعضی از توپها و افواج را روانهٔ دارالخلافه نمودند، و چراغعلیخان بعد از ورود قوللر آقاسی گشت، و نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد ــ نیز در این سال فتنهٔ سیدیحیی رفع و به انتها رسید و شرح آن در ذیل وقایع سال اوّل نگاشته شد \_ نواب نصرت الدوله حكمران فارس شيخ نصرحان پسر شيخ عبدالرسول خان دریابیگی را از حکومت بندر بوشهر معزول و میرزا حسنعلی خان ولد

حـاجی قوام الملک را بهجای او حکومت دادند. شیخ حسینخان عمّ شیخ نصرخان بـتـرسيد كه اين حكومت موروثه از اين سلسله بيرون رود به امداد اعراب راه حاكم جدید را بیست و در بندر بوشهر نشست. مصطفی قلی خان قراگوزلوی سرتیپ با افواج خود به معاونت میرزا حسنعلی خان و مدافعت شیخ حسین خان برفت و او را دفع داد و به ازای این خدمت به منصب میر پنجه گی نایل، و میرزا حسنعلی خان سالها در آن ولایت با سبکی پسندیده بماند ... هم از وقایع این سال طغیان میرزا قوام الدين بهبهاني برادر ميرزا منصورخان طباطبائي است كه سالها در كوهگيلويه حکومت داشتند و وی را حکومت بهبهان به جهت بی مبالاتی صافی نگشت. روزگاری نزد منوچهرخان معتمدالدوله و پیش از آن در خدمت امین الدوله عبدالله خان بسر مي برد، چون حكمراني فارس به نواب والا بهرام ميرزا (معزّ الدوله) رسید محمد کریم خان قاجار ایالت کوهگیلویه یافت امور آن صفحات نظمی نگرفت و الـوار سـکنهٔ آن بلاد خودسری گزیدند، میرزا قوام بدانجا رفته به معاونت اعراب و بعضی دیگر دست تصرّف در اموال و اثقال خلایق دراز کرده و قلعه های محکمهٔ گـل و گلاب را تعمیر کرده راه خودسری پیش گرفت و به قطع طرق قوافل پرداخت و بر قرابت اعراب افزود و در دفع او گوششها رفت تا آخرالامر در حکومت نواب فيروز ميرزاي نصرت الدوله بهدست عباسقلي خان سردار لاريجاني گرفتار شد و او را به شیراز و از شیراز به دارالخلافه آوردند و حسب الامر محبوس گردید و محمقد باقرخان نوئى نيز به دست سردار مزبور افتاده مغلول شد ــ و نيز در اين اوان نواب مؤيدالدوله طهماسب ميرزا حكمران كرمان امور و ثغور بلوچستان را منظم كرد، و سامخان ايلخاني و عباسقلي خان مير پنج و ميرزا عبدالباقي متوليباشي حضرت رضوي عليه السلام از دارالخلافه رخصت يافته به مشهد مقدّس مراجعت کردند و برحسب امر همایون شاهنشاهی در آن بلد سی جا قراولخانه ها ساختند و به تسخیر سرخس تصمیم نیّت دادند. سلیمانخان دنبلی به حکومت تربت رفت، و محمّدتقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید، و محمّدرضاخان قاجار به حکومت اردبیل و محمّدحسینخان نوری به کار پردازی مشکین نایل شد و قـاســم خان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت و حکومت ارومی به نواب مصطفی قلی میرزا مفوض شد و محیطی خان ماکوئی منصب میر پنجه گی یافت. محمدعلی بیک ناظر شاهنشاه مبرور به سرتیپی ایلات قزوین رفت ولی اجل او را مهلت نداد ـ نظارت اغلیحضرت اقدس همایون به نصرالله خان ولد امیر کبیر قاسم خان خال شاهنشاه مفوض شد \_ فوج مصطفی قلی خان به پاشاخان مکری (مظفرالدوله) سپرده آمد \_ موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند.

ارویا \_ (اطریش) \_ در این سال اهالی مجارستان به دولت اطریش یاغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت و اندیسکرانز مأمور به نظم مجارستان و تنبيه اشرار و ياغيان شد و در وسط زمستان قشون به مجارستان كشيده وارد شهر بود پایشخت آن مملکت گردید. عساکر روس که در والاشی بودند به کمک امپراطور اطریش وارد مجارستان شدند ولی اهالی مجارستان بعضی شهرها را که به تصرّف قشون دولت بود متصرف شده، كوسوت نام را رئيس جمهور قرار داده اتفاق كرده مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر پست که در حوالی شـهـر بـود پایتخت می باشد به تصرّف یاغیان درآمد. اعلیحضرت امپراطور اطریش به شخصه سرداری عساکر خود را متقبّل و اردوی خود را در شهر پرسبورگ قرار داد ـــ عساكر روس كه در افلاق بغدان بودند به ملاحظهٔ اینكه مبادا شورش اهالی مجارستان امتدادي يافته به سمت لهستان روس سرايت نمايد مجدداً مصمم حمايت امیراطور اطریش شده قشون به کمک امپراطور اطریش به محارستان فرستادند ــ نیز در ايمن سال لشكر اطريش در ايطاليا فتح نموده و قلعة مُدِنَّ را متصرّف شدند ــــ سردار بزرگ اطریش رادتزکی نام در ونوار پادشاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را به سلطنت انتخاب و برقرار داشت ــ سردار مذكور اغلب شهرهاى ايطاليا حتى فلورانس وغيره را متصرف شد و مملکت لومباردی را که از ممالک ایطالیا است به علاوهٔ ونیز کلیتاً به تصرف اطريش درآورد ــ يک دسته از قشون فرانسه وارد بندر سيوتيا ويشيا بندر ايالت روم شد \_ بعد از فتوحات مذكوره در ايطاليا جرأت عساكر اطريش در مجارستان زياد

شده در دفع اشرار آنجا ظن قریب به یقین حاصل نمودند ــ یکصدهزار قشون از روس مجدداً وارد مجارستان شده به کمک امپراطور اطریش آمدند، سردار این قشون بسکاویج بود ـ اعلیحضرت امپراطور روس نیکلای مرحوم بشخصه به كـراكوي به كمك امپراطور اطريش آمد ــ ياغي هاى مجارستان مستأصل شده فرار بـر قرار اختيار كردند و پناه به خاك عثماني بردند، بالاخره بعد از يكسال ياغيگري و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد. (آلمان) ــ هم در این سال اجزاء پارلمنت که در شهر فرانکفور جلوس می نمودند ریاست دول متعاهدهٔ آلمان را که تا آن زمان با دولت اطریش بود مسترد ساخته وکلای پارلمنت متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهدهٔ آلمان خلع نـمـودنـد، ایـن ریـاست را به پادشاه پروس که در آن وقت فردریک گیوم بود تسلیم كىردنىد، پادشـاه پروس جـواب صـريح در رد يا قبول اين شغل نداده امّا از آنطرف امپراطور اطریش به مجلس وکلای پارلمنت آلمان اطلاع داد که ایشان از حدود معینهٔ خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را که جزو سایر وکلا در این پارلمنت بودند احضار به وین نمود ــ دولتین ورتمبورک و باویر که از دول معظمهٔ آلمان می باشند تمکین و قبول نگردند که ریاست ایشان با یادشاه پروس باشد، پادشاه پروس هم بالطبع مایل این کار نبود و قبول نفرمود \_ به واسطهٔ عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول آلمان را که خلل به احکام مجلس فرانکفور وارد آمده بود در مملکت هانوور که نیز از دول آلمان است و در بعضی ممالک دیگر آلمان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت ساکس از دول آلمان شورش سختی کردند، مردم بر ضد خانوادهٔ سلطنت شدند \_ قشون پروس تا دِرْزُد پایتخت آن دولت حمله برده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود ــ در ایالت باد نیز بنای شورش شد ــ بعد از چندی پادشاه پروس به ریاست دول آلمان راضی شد مشروط که به واسطهٔ عهدنامه، سلاطین ساکس و هانـوور قبول این فقره نمایند و برعهده گرفت که داخلهٔ آن مملکت آلمان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک آلمان کوتاه نماید ــ سردار پروس ژنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ دارد ـــ در پائیز

این سال سلاطین اطریش و پروس و ساکس باهم ملاقات کردند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر طرف دو نفر به جهت ریاست ممالک آلمان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیّه از آن به بعد میان دولت اطریش و پروس مشترک باشد. (انگلیس) ــ هم در این سال بندر عدن در عر بستان که متعلق به دولت انگلیس است به جهت تجارت تمام روی زمین باز شد ــ ایالت گینه را که در افریقا است انگلیس از پرتوغال ابتیاع نمود ــ نیز جنگ انگلیس با افیاغینه و همندیهای لاهور مستمی به سیک و فتح ملتان و حملهٔ افاغنه به پنجاب و فستح پنجاب به دست عساكر انگليس و تصرّف آنجا از وقايع اين سال است ــ هم در این سال به جهت عبور کالسکهٔ راهآهن بر روی دریا در بوغاز منی پل بستند که جزیرهٔ انگلیزی وصل به کارتادرون شد ــ جمعیت انگلیس در این سال پنجاه و هشت کرور بوده. (ایطالیا) - در این سال اعلام جمهوری در شهر روم و ضبط موقـوفـات كـليسا بهدست جمهوريان اتفاق افتاد ـــ جلوس ويكتور امانوئـل بر سرير سلطنت ساردین، و شورش اهالی ژن به پادشاه تازه از وقایع این سال است ــ والی سابق در پارم به اعانت اطریش مستقل گردید ــ دول اطریش و فرانسه و اسپانیول و نـاپل پاپ را اعـانت نمودند که از شـر جمهوریان روم محروس باشد ــ چهارهزار قشون اسپانیول به سرداری ژنرال کوردوا به کمک پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با قشون فرانسه گذاردند، روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد ـــ ریاست جمهوریان با گاریبالدی و مازینی بود ــ سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم به توسط فرانسه استقلال یافت ــ شارل البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال درگذشت ـ مابین پادشاه ساردین ویکتور امانول و امپراطور اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد ــ پاپ از کائیت که آنجا را مأمن خود قرار داده بود به روم مراجعت کرد. (دانمارک) ــ هم ذر این سال مابین دانمارک و عـساكر آلمان كه به كمك شورشيان اسلشويك هولستن آمده بودند شروع به منازعه شد و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند ــ قشون دانمارک عساکر پروس را که به کمک یاغیها آمده بودند شکست دادند و ششماهه مابین یاغیان و دولت دانـمـارک متارکـه اتّفـاق افتـاد ــ نیز در این سال به وساطت دولت انگلیس مابین

دانسمارک و پروس و سایر دول آلمان انعقاد مصالحه شد. (روس) ــ در این سال دولت روس به اطریش در شورش مجارستان کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد ــ اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفهٔ یهود که در مـمـالـک روس متوقف اند یا باید به لباس روس ملبّس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هرسال مبلغی مالیات بدهند ــ جمعیت چهل و نُه ایالت مملکت وسیعهٔ روس در این سال یکصد و هشت کرور و نود و دوهزار و سیصد نفر بود ـــ هم از وقایع این سال اینست که جمعی که درصدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند به دست می آیند و بیست و یک نفر آنها را که از عدالتخانه حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها درگذشته حبس مؤبد می کنند. (سویس) ــ هم در این سال در مملکت سویس اوزان و مقادیر به طرز فرانسه قبول می شود. (عشمانی) - در این سال دولت عثمانی با دولت روس درخصوص افلاق بغدان معاهده می بندد، در این معاهده قید شده که حکّام افلاق بغدان را عثمانی معیّن خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مذت حکومت هفت سال ـــ پرنس شیکا والی افلاق بغدان گردید ـ نیز در این سال دولت اطریش و روس با دولت عشمانی کدورت حاصل نموده که چرا فراریهای لهستان و مجارستان را که پناه به خاک او بىردە بىودنىد پس نىمى دەد و دولتىن انگلىس و فرانسە رفع اين كدورت را توسط نمودند \_ امیرال انگلیس پارکر با کشتیهای جنگی انگلیس به کمک عشمانی وارد داردانل شد. (فرانسه) ـ در اوایل این سال لوی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون بزرگ که در چهارده کرور منتخبین یازده کرور و یکصدهزار نفر او را به ریاست جمهوری منتخب نمودند به این شغل قرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند ــ هم در این سال در فرانسه مدت دو ماه و بای شدیدی بروز کرد و مارشال بوژود از این مرض درگذشت ــ سرداران فرانسه ژنرال اودینو و ژنرال والیان روم را مسخّر نمودند ــ فوت مارشال مولیستور که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در این سال اتفاق افتاد. (هلاند) در این سال گیلیوم دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسَر او گیلیوم سیم در اوایل بهار بهجای او جلوس نمود. افریقا \_ (مضر) \_ در این سال محمدعلی پاشای مصری درگذشت.

امربکا ... (اتائونی) ... در این سال در ممالک اتائونی گفتگو در باب آزادی سیاهان که در بعضی از ایالات این ممالک برده بودند نمودند وصیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنی به اطراف رسیده از هرطرف جمعیتی رو به کالیفرنی آوردند ... اوّل وقتی که امتعهٔ چین مستقیماً علی الخصوص چای پاناما وارد شد این سال بود و در ایالت کارولین اتائونی شروع به زراعت چای نمودند. (ینگی دنیای جنوبی) ... در این سال ژنرال روزادر ریاست جمهور ایالات نبوزر استقلال تام و تمام بهمرسانید و این ایالت با انگلیس به همان قرار که با فرانسه عهد تجارت و دوستی بسته است معاهده نمود.

### [سنة ١٢٩٧ هجري = سنة ١٨٥٠ مسيحي]

آسیا - (ایران) - تحویل آفتاب به حمل روز جمعه هفدهم جماهی الاولی یک ساعت و پنجاه دقیقه از طلع آفتاب گذشته بود - نواب حسام السلطنه والی خراسان مسافرت به سرخس و دفع شر تراکمهٔ آن حدود و تأمین و تصفیهٔ آف نواحی را نموده مراجعت به ارض اقداس کردند - چرافعلی خان زنگنه قوللر آفاسی (که بعد لقب سراج الملکی یافت) به حکومت اصفهان نایل شد - محمد امین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوار زمشاه می خواند آتانیاز محرم آ را که از نزدیکان او بود با هدایای لایقه به سفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مأمور کرده در ماه ربیع الثانی وارد دارالخلافه شد و شرف اندوز حضور مبارک گردید، و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان سپهرنشان به همراهی او به خوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد. برحسب امر همایون مرحوم رضاقلی خان لله باشی را که یکی از اعیان کاردان و خدّام در بار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نگارنده ای فاضل و بی نظیر بود انتخاب نمودند و او هازم این مردی خبیر و بصیر و نگارنده ای فاضل و بی نظیر بود انتخاب نمودند و او هازم این میشر شده وقایع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته و شرح این مسافرت دو در اینجا حدد دویم مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نگاشته شده است و در اینجا

محرم به اصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است. (مؤلف).

حاجت به اعاده نیست ـ هم در این سال در این دولت جاویدعدت یعنی دارالخلافة باهره روزنامة دولتي حاوى اخبار داخله و خارجه و بعضي اعلانات تجارتی و غیره ایجاد شد و اول نمرهٔ این روزنامه که از طبع خارج گردید مورخ به تـاريخ [جمعه پنجم]\ربيع الثاني سنهٔ هزار و دويست و شصت و هفت بود ـــ نيز در ایـن سـال به واسطهٔ قراولخانه که در هر نقطهٔ شهر دارالخلافه ساخته شده بود به نظم شمهر افزود و مقرّر شد که در سایر بلاد نیز قراولخانه ها بسازند ـــ مصطفی قلی خان قىراگوزلو منصب مير پنجى يافت ــ آقاخان ماكوئى سرتيپ سوارۀ قزوين گرديد ــ پاشاخان مکری (حالا مظفرالدوله است) سرتیپ افواج سمنان و دامغان شد ــ سلیمان خان دنبلی حکومت تربت یافت ... یوسف خان افشار را منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند ــ رضاقلی خان ولد سلیمان خان افشار صاین قلعه به نيابت حكومت صاين قلعه برقرار آمديـ هم در اين سال مقرّر شدكه ماهي دومرتبه یکسی روز غرّه و مرتبهٔ دیگر در پانزدهم ماه چاپار به آذر بایجان و فارس وگیلان و مازندران و كرمان و خراسان و استرآباه و كرمانشهان رفته مراجعت كند\_ محمّدتقی خمان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید ــ شفیع خان نایب اؤل آجودانساشي مأمور مصلحت گذاري و اقامت لندن شد \_ ميرزا حسين خان (مشيرالدوله سپهسالار اعظم مرحوم) ولد ميرزا نبي خان اميرتومان مأمور به کار پردازی بمبئی شد ــ بنای کارخانهٔ چینیسازی در دارالخلافهٔ طهران و کارخمانیهٔ بلورسازی در قم شد ــ مفتول دوزی در لباس اهل نظام که تا آن وقت در ایران معمول نبود زنی طهرانیه مسماه به خورشیدخانم نمونه از آن دوخته به نظر اولیای دولت رسانید و حکم شد سردست و یقه صاحب منصبان را مفتول دوزی کنند ــ شال چوخای مازندران طوری تکمیل شد که برای لباس سر باز بسیار به کار مى خورد \_ حكومت اردبيل به محمدرضاخان قاجار تفويض آمد \_ محمدحسن خان نوری به حکومت مشکین و ایلات آنجا رفت \_ قاسم خان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت ـــ میرزا زین العابدین تبریزی مأمور تعدیل مالیات گیلان و

۱. تاریخ روز در متن وجود نداشت.

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

فومن مِن اعمال گیلان شد ــ میرزا هدایت الله مستوفی (جناب وزیر دفتر) به تعدیل مالیات صاین قلعه و رسیدگی به مواجب سوار آنجا رفت ... میرزا حسنخان وزيرنظام برادر جناب ميرزا تقى خان اتابيك اعظم حكمراني عراق يافت \_ محبعلي خان ماكوئي را منصب ميرينجگي دادند، و حسن خان يوز باشي ولد مشارًاليه سرهنگ و مأمور شد كه از اردبيل و مشكين يكفوج سرباز جديد بگيرد \_ حسنعلی خان سرهنگ (جناب سالار لشکر) از گروس یک فوج سر باز گرفت \_ از فراهان و کزار دوفوج جدید، و از مراغه نیز یک فوج به سرتیپی جعفرقلی خان قاجار و از خلخال یک فوج به سرهنگی محمّدعلی خان و از کرمان یک فوج به سركردگى امامعلىخان گرفتند ــ اصلان سلطان از طايفة افشار خرقان منصب یاوری یافت \_ مصطفی قلی میرزا به حکومت ارومی رفت \_ نواب شاهزاده مؤيدالدوله حكمران كرمان و بلوچستان شد ــ حكومت يزد به محمدحسنخان سردار و نیابت حکومت معزی الیه به شیخعلی خان ایروانی مقرر شد ... كلب حسين خان آجودانباشلي مأمور سر پرستى قشون آذر بايجان گرديد \_ علیقلی خان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد، و نیز مقرّر شد چهارده فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف دارالخلافه باشند \_ سیورسات گرفتن مأمور دیوان از رعیت چنانکه رسم سابق بود متروک شد ـ آبله کوبیدن اطفال معمول گردید ــ در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زیدر بنای قلعه گذاشته تفنگچی و مستحفظ قرار دادنید ـــ ایجاد تذکرهٔ عبور و مرور در جمیع بلاد ایران گردید ـــ کاروانبسرای معروف به کاروانسرای امیر در دارالخلافه بناشد - محمدرحیمخان نسقچی باشی (علاء الدوله امیرنظام مرحوم) به حکومت خوی مأمور شد ــ امر معدن مس قراجه داغ نظم گرفت \_ محمدخان نوئي را كه از خوانين متمرّد پشتكوه فارس بود و در قلعهٔ صعبی متحصّن، عباسقلی خان سردار لاریجانی حاکم بهبهان او را به چنگ آورده به سزای خود رسانید \_ شال کرمانی به طوری ترقی کرده و خوب شده که مشتبه به شال کشمیری گردید \_ شکر مازندرآن را به طوری تصفیه نمودند که مثل شکر هندوستان شد ــ نواب ایلدرم میرزا برادر کوچک نواب خانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد ــ عبدالله خان صارم الدوله مأمور بمپور، و آن

حدود را نظم کلی داد ــ طایفهٔ بلوچ سیستان که شرارت می نمودند یارمحمدخان ظهیرالدوله به امر اولیای دولت علیه جمعیتی از هرات بر سر آنها فرستاده آنها را تنبيه كرد \_ آقااسمعيل سرهنگ، تحويلدار جيره و ملبوس و غيره نظام شد \_ مطلب بیک تفنگدار سرکردهٔ صدنفر سوار و صد نفر پیاده شده به حراست راه خراسان مأمور شد \_ هفتاد باب خانه در لنگرود آتش گرفته بسوخت \_ قطران که به جهت مصارف توپخانه از روس می آوردند در رحمت آباد گیلان بهقدر کفایت بخوبی ساختند ــ یک فوج سر باز جدید از نیشابور به سرهنگی محمودخان گرگری گرفته شد ـ دهم جمادي الاولى در تبريز زلزلهٔ سختى شد ـ جوادخان بادكويه اي سرهنگ فوج جدید بروجرد شد ــ نصرالله خان (نصرالملک سرتیب اول) سرهنگ فوج گلپایگان گردید ــ هاشمخان قراباغی سرهنگ فوج کمره شد ــ جبرئیلخان پسر صمصام خان سرهنگی فوج چدید نصارای ارومی و سلماس یافت ... حسنعلی خان سرهنگ گروسی را به دارالخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند ــ محمّدتقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام مرحوم، و حسینعلی خان منسوب او بهجای او حکومت یافت \_ کوچه های شهر تبریز را به حکم نواب حشمت الدوله سنگ فرش و تنظیف کردند ــ حکومت گلپایگان و خوانسار از عـر بـستان و لرستان مجزّی و محوّل به نواب احمدمیرزا شد ـــ بهرامخان برادر کهتر حسنعلی خان سرتیپ سرهنگ فوج گروسی شد ــ سیصد چهارصد خانوار مشهدی و هراتی که در ایام انقلاب آن شهر به هرات رفته به واسطهٔ امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منسق شد ــ پسران امامویردیخان نیشابوری که دم از خودسرى مى زدند به دست اللهقلى خان حاكم نيشابور دستگير و قلاع آنها كوبيده شد \_ صدنفر ریش سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس به خراسان آمده متعهد اطاعت شدند \_ ظهیرالدوله میرزا محمدعلی برادر میرزا نجف خان را از هرات با عریضه به دربار همایون فرستاد ـ اهالی لارستان فارس که به واسطهٔ قلاع مستحكمه وجبال شامخه راه طغيان مي سيردند بهدست نواب والا نصرت الدوله حکمران فارس مقهور و مطیع و قلاع آنها کوبیده شد.

هم در این سال موکب همایون اعلی روز سهشنبه نوزدهم جمادی الثانیه به

قضر قاجار نقل مکان کردند که در ماه رجب تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند میرزا حسن خان وزیرنظام که حاکم عراق بود به انتظام امور قشون آذر بایجان رفت و بلعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان به رکاب اعلی پیوندد مقلمه ارگی تازه به معماری عبدالله خان معمار باشی بنا کردند معمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند معمدتقی خان برادر محمد حسن خان سرتیپ فراهانی سرهنگ فوج جدید فراهان شد محمدولی خان حاکم نهاوند معزول و مهدیقلی خان نایب آجودانباشی به جای او حکومت یافت ماله ایرندگان را عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمدعلی خان بلوچ خارج کرده به مددخان سپرد مدقله نه گنبد و حسین آباد در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شیخعلی خان نایب الحکومه آب آنجا را بیرون آورده بیست خانوار در آنجا سکنی داد که عابرین از آنجا به سلامت بگذرید.

روز شنبه غرّهٔ شهر رجب موکب همایون با شوکت و شکوهی تمام از مقر خلافت عظمی روانهٔ یافت آباد شده که تشریف فرمای قزوین و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد به سمت اصفهان نهضت فرمایند، جمعی از شاهزادگان عظام و و زرای کرام و امرا و ارباب مناصب و قدر معتذی سپاه از سواره و پیاه ملتزم رکاب اعلی بودند \_ عزیزخان آجودانباشی مأمور توقف دارالخلافه و ارک و نظم قشون شد \_ سیّم رجب در منزل سلیمانیه کرج اطراق ملوگانه نموده روز چهارم به منزل قاسم آباد نزول اجلال فرموده و از اینجا منزل به منزل عازم قزوین شدند \_ میرعلینقی خان پسر میرسعدالله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند \_ میرعلینقی خان پسر میرسعدالله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند \_ هادیخان حاکم ساوجبلاغ و مکری معزول و عباسقلی خان گروسی به جای او حکومت یافت \_ عباسقلی خان باد کوبه ای سرتیپ فوج دهم خوئی به میر پنجه گی فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاهان نایل گردید \_ سوارهٔ پایروند مأمور خیراسان شدند \_ قشونی معتد با جعفرقلی خان میر پنجه مأمور گرگان گردید \_ دوز خیر رجب وزیر مختار انگلیس و سفیر روم از دارالخلافه روانهٔ اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز به همان صوب عزم کرد \_ فرج الله خان سرهنگ روین شد روز یازدهم وزیر مختار روس نیز به همان صوب عزم کرد \_ فرج الله خان سرهنگ یک فوج سرباز از ترشیز گرفت \_ روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد

 کتاب نظام ناصری از مؤلفات نواب بهرام میرزا (معزالدوله) در دارالخلافه طبع و منتشِر شد ــ برج و بارهٔ دارالخلافه تعمير شد ــ موكب همايون هيجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای صفحات عراق شد ــ حاجی علی خان فراشباشی والد مؤلف را اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند ــ در مراغه سیدی عراقس صفحه ای از آهن ساخت که گلوله بر آن کار نمی کرد و مدّعی بود که با همین آهن زره می سازد که گلوله را در آن اثری نیست نسبت صنایع غریبه نیز به او می دادند ــ در قزوین به جهت منغ سیل سدی سدید به امر دولت بستند ــ سر بازان فوج سواد کوهی را که نواب مهدیقلی میرزا فرستاده بود در دارالخلافه سان دادنـد ـــ محمّدولی خان بیگلر بیگی استرآباد به قصد تدمیر تراکمه با سه هزار نفر از سواره و پیاده از شهر حرکت کرد ــ موکب همایون دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد شد و در این سفر در منزل آشتیان مولودی ذکور از صلب مبارک شاهنشاهی روشنی بخش ابصار گردید ـ جیاخانه در همهٔ بلاد ایران خاصه در دارالخلافة طهران داير و انواع اسلحة ممتاز ساخته شد و همچنين مهتاب به جهت آتش دادن توپ ـــ موکب همايون روز نهم شعبان وارد بروجرد شده باغ شاه به ورود مسعود مزیّن گردید ــ حاجیّ محمّدحسین کاشانی پارچهای از پنبه و کج در كماشان ترتيب داده و بمافته به ضخامت ماهوت ولى لطيف تر و بادوام تر و دوهزار ثوب کلیجه از آن برای اهل نظام به رسم علی الحساب به ثوبی چهارهزار و پانصد دینار ابتیاع شد ــ افواج و سواره زیاد در این سال از غالب بلاد و ایلات گرفته و در غـالـب ولایـات قـرار ساخلو و مشق افواج شد، و امر قشون ایران خیلی ترقّی کرده و منظّم شد و قشونی لایق به جهت نظم حدود گرگان و استرآباد و خراسان و دفع تراکمه به همهٔ آن حدود فرستاده شد و تمام حدود شرقی و غیره ایران منظم و امن و مصفًّا گردید ــ از اتفاقات غریبهٔ این سال آنکه گاوی در رشت حامله بوده و وضع حملش نمی شده صاحب گاو به توهم اینکه مبادا بمیرد آن را ذبح نموده شکمش را شكافته گوساله بيرون آمده كه دو سر داشته يكي بزرگتر و ديگري في الحمله کوچکتر تا گردن که چسبیده به شانه است دو تا بوده و دست و پا و سینه و شکم موافق قاعده یکی و دم آن باز دو تا بود دکتر شلیمر آن گوساله را گرفت که تشریح

نمايد.

موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد به عزم اصفهان انتهاض فرمود \_ در مشهد مقدس و قوچان و تر بت زلزلهٔ شدید شد \_ آقاباباخان یوز باشی حکومت صاین قلعه یافت \_ موگب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای چمن قهیز بود \_ دوازده هزار تومان به کرمانشاه و چهارهزار تومان به ملایر تخفیف مرحمت شد \_ اشرار فوج قهرمانیه که چندی قبل به همراهی فوج دیگر طغیانی نموده بودند در تبریز هر یک به اندازهٔ تقصیر خود تنبیه شدند \_ سرهنگی فوج جدید کردستان را به امان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند \_ سرکردگی سواره سنجابی و حکومت طایفهٔ مزبوره را به علاوه منصب سرهنگی به اسدالله خان گوران دادند.

موكب همايون اعليحضرت شاهنشاهي روز يانزدهم ماه رمضان شهر اصفهان را به قدوم مبارک مزین فرمود این سفر خیریت اثر زایدالوصف متضمن صلاح حال رعيّت بود زيرا كه بر نظم بلاد أفزود و در هرجا حسبالاستحقاق بهقدر لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند، و منزل ذات همایون در عمارت سلطنتی شهر اصفهان و ارکان و اعیان حضرت در آبنیه، نزدیکی در بار همایون، و سایر اهل اردو از نظام و غیره در عمارت هفت دست و در کنار رودخانهٔ زایندهرود چادر زده بودند \_ میرزا محمّدعلی خان به منصب وزارت دول خارجه نایل گردید \_ سلام عام روز عيد صيام در اصفهان با شكوهي تمام انعقاد يافت ... عمارات سلطنتي دارالخلافه را برای معاودت موکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیهٔ تازه بنا کردند ـــ محمّدولی خان بیگلر بیگئی استرآباد قلعهٔ خواجه نفس را تمام و حمزه خان انزانی را به مستحفظی آنجا گذاشت و بند گرگان را نیز ساخته و به انجام آورد و نواحی گرگان و استرآباد نظمی کامل یافت \_ میرزا احمد کار پرداز ارزنة الرّوم به رکاب اعلی آمده نیابت دویم وزارت دول خارجه یافت ... مقرّر شد سه فوج سر باز از توابع اصفهان بگیرند و جبهخانه ای در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و هزار دست فانسقه و اسباب سربازی در آن تمام شود، و نظر به رعایت حال صنف نساج اصفهان امر شد سالي پنجاه هزار دست ملبوس نظامي در اصفهان دوخته شود

 میرزا احمد وکیل دیوانخانهٔ مبارکه را به منصب ناظم دیوانی و لقب خانی سرافراز فرمودند \_ جانمحمدخان قاجار بهجای نواب مهدیقلی میرزا حاکم مازندران شد ... بنای تریاک کاری در حدود دارالخلافه شد ... یارمحمدخان ظهیرالدوله در سبزوار درگذشت و پسرش صیدمحمدخان به جای او متمکّن شد ـــ سيف الدين خان بلوچ از رؤسا و حكام طايفة بلوچ با طايفة خود خدمت نواب مؤیدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعقد خدمتگذاری گردید \_ موکب همایون از اصفهان به مقرّ خلافت عظمي معاودت فرموده روز هشتم ماه ذيحجه به دارالخلافهٔ باهره نزول اجلال فرمودند و در همین روز در تالار تخت مرمر سلامعام منعقد گردید، اهل دارالخلافه به زیارت جمال مهرمثال مقدّس شادیها نمودند ـــ به اذن بىندگان همايوني مردم رخصت سواري كالسكه يافته و در دارالخلافه و دارالسلطنة اصفهان كالسكه ها ساختند كه به خوبي كالسكه هاي ممتاز فرنگ بود مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم ارومی بود به حکومت مازندران مأمور شد \_\_ میرزا محمدحسین صدر دیوانخانه به ایلچلی گری به روس رفت \_ حاجی میرزا على خان خوشى به منصب سرهنگى نايل شد \_ در انزلى خانه ميرزا غفارخان آجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و با شش خانهٔ دیگر در جنب او تمام سوخت، این غایله برای قورخانه موهم خطر بود، ولی توپچیان و قورخانه چیان آتش را خاموش کرده به قورخانه آسیبی نرسید ـ کوچه های ارک پادشاهی دارالخلافه را شروع به هموار کردن و سنگ فرش نمودن نمودند که راه كالسكهرو صاف باشد ــ ميرزا تقى وزير سابق عراق به منصب استيفا و مباشرى کل وظایف ممالک محروسه برقرار گردید ــ ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خوئی به منصب سرتیپی فوج مزبور و فوج جدید افشار بکشلوی قزوین نایل گشت \_ به محمودخان کلانتر نشان از مرتبهٔ اول سرهنگی و خلعت مرحمت شد ــ در اواخر ذيقعده طوايف تركمانان دشت گرگان متفق شده با قشون دولتي بناي مجادله گذارده جعفرقلی خان میر پنجه آنها را شکستی فاحش داده متفرّق نمود ــ محض اشاعـهٔ خــيــر و نـفــع اهـل مــملكـت امر همايون شرف نفاذ يافته بود كه بند كنار يل شوشتر را ببندند و سدّی هم در نهر مشهور به هاشم بسته شود. آن بند و سد در این اوان به اتسام رسید و عربستان به اهتمام نواب خانلر میرزا خیلی منظم شد — هم در این سال در ارک همایون مدرسهٔ مبارکه دارالفنون ساخته شد اگرچه شروع به ساختن و اقدام به بتائی این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال خجسته مآل ساخته آمد، طرح این بنا را میرزا رضای مهندس باشی کرد و به معماری محمدتقی خان معمار باشی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا به اتمام رسانیدند و معلمین از برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند — لنزی صاحب که خدمات جلیله به دولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمدشاه طاب الله ثراه منصب امیرتومانی یافته درگذشته او را به عزت و احترام تمام برداشتند. (چین) — امپراطور چین طااوکوانگ در حیدی درگذشت و پسر چهارم او ایشنگ که نوزده ساله بود به جای یدر بر سریر سلطنت چین جلوس نمود.

اروبا — (اسپانیول) — مراوده و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چندی بود مقطوع شده مجدداً برقرار شد — ژنرال لوپز نام جمعی رجاله و اوباش ینگی دنیا را با خود متفق نموده که جزیرهٔ کوبای ینگی دنیا را که در تصرف اسپانیول است تصرف نماید ولی کوشش او بی فایده شده و مثمر ثمری نگشت. (آلمان) — در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد — پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل راجعه به آلمان آشکارا جرأت اظهار نمی نمود و از آن طرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت. بیست ایالت از ایالات نمیرهٔ دویم آلمان به پروس متحد شدند — در شهر فرانکفور در مجلس پارلمنت تمام ممالک آلمان به واسطه کونت دنون مأمور اطریش مفتوح شد — در شهر ورشو لهستان مجلس گفتگوئی منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس و پرنس شواستن برگ وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قراری در اتحاد آلمان و دوستی بین الدول این مملکت بدهند — دولت پروس قراری در اتحاد آلمان و دوستی بین الدول این مملکت بدهند — دولت پروس خیال فرستادن و کیل در مجلس پارلمنت که در شهر فرانکفور منعقد است ندارد — نزاع مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که در بگیرد — مسیو

رادوینز به وزارت خارجه پروس برقرار شد ــ ملاقات امپراطور اطریش و پرنس شال پروس و کونت بـرانلوتورک وزیر اول پروس و مرحوم امپراطور نیکلای در پائیز این سال بود ــ استعفای مسیو رادو و یز پولیتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخاصمه با اطریش افتاد ــ وزرای اعظم پروس و اطریش به جهت انعقاد مصالحه در اولموتر ملاقات كردنـد ـــ بـه واسطهٔ نزاع مابين دانمارك و ايالت هولستن در برلن مجلس كنفرانسي بهخواهش دولت انگليس منعقد شد ــ ياغيان هولستن از عساكر دانمارک شکست خوردند ــ دول انگلیس و قرانسه و اطریش واسطهٔ اصلاح مابین دولت دانمارک و یاغیان هولستن شدند ــ دولت پروس قبول میانجیگری و اصلاح نمی کند ــ جمعیت مملکت پروس در این سال به سی و دو کرور و سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید ــ محض قناعت در مخارج دولت در اطریش هشتاد هزار نفر از قشون خود کشر نمودند. (انگلیس) ــ لورد پالمرستون که در این سال وزارت خارجهٔ این دولت را داشت در بعضی مسائل جزئیه به دولت یونان ایراد وارد آورد و یک دسته کشتی جنگی انگلیس تا پیره بندر یونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونان را تهدید به جنگ نمود، دولت فرانسه میانجی شده انگلیس قبول وساطت او را ننمود، دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولى زياده از يكماه نشد كه ميان فرانسه و انگليس اصلاح شد ـــ سيررو پرتيل كه از معارف انگلیس بود از اسب بر زمین خورده هلاک شد ـ سیم تلگراف بعری که فرانسه و انگلیس را از کاله بدوور به هم اتصال می دهند ایجاد شد ... بنای عمارت بلور به جهت اكسپوزيسيون آينده در انگليس نيز در اين سال شد. (ایطالیا) - در مجلس شورای ملتی تورن قرار گذاردند که در ممالک ایطالیا که مـتعلّق به ویکتور امانول است علمای دین به هیچوجه نباید مداخله به اجرای **قانون و** صدور احکام نمایند. قانون همان قانون دولتی است و همه مطیع آن هستند، نیز بست در معابد و کلیساها موقوف باشد \_ کاردینال آن توثی صدراعظم بر ضد این قرارداد احكام از طرف پاپ به كشيشان صادر نمود، كشيش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولاً در قلعهٔ این شهر حبس شد \_ کونت گاوور که از روزنامه نویسها بود جزو وزرا شد ــ شش هزار نفر از عساکر اطریش در ایالت

تــــكان به جهت حفظ خانوادهٔ والى متوقف هستند ـــ پاپ كه فراراً از رُم مهاجرت کرده بود در اوایل بهار وارد رُم شد. (برتوغال) ـ دو کشتی جنگی وارد دهنهٔ رودخانهٔ تاج که از وسط لیزبن پایتخت می گذرد شده دولت را تهدید کرد که قراری در چند مسئله که از قدیم در میان اتائونی و پرتوغال مابه النزاع بود بگذارد. پادشاه سُود و نروژ بین دولتین حَکّم شد. (دانمارک) ــ باوجود وساطت فرانسه و انگلیس و اطریش و شود و نروژ و حضور سفاین جنگی روس در سواحل دانمارک به جهت کمک این دولت و اثبات حقوق او در دو ایالت اسلشویک و هولستن که با او یاغیی هستند باز یاغیگری برجا و اهالی آلمان علی الخصوص پروس محرک ياغيانست و از فرستادن قشون و آنجه لازمهٔ تقويت است براي ياغيان كوتاهي ندارد. (روس) مولت روس باطایفهٔ چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامیل است منازعهٔ سختی نمود و اوّل وهله شامیل بر عساکر روس غلبه کرد امّا بعد مغلوب به کوههای داغستان فراری شد ــ شورش رعایا به ارباب خود در بعضی ایالات. (سویس) بعضی آزادی طلبان آلمان و فرانسه در این مملکت بناه یافتند ... اوّل صعود به کوه یزینان که چهارهزار و پنجاه و دو ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد در این سال بود ــ تمام حمعیت سویس در این سال چهار کرور و سیصد و نود و سه هزار و نهصد و سی و یک نفر است. (عثمانی) ... وبای شدیدی در تونس و طرابلس بروز كرد. (فرانسه) \_ ايجاد قانون در تعليم و تعلّم كه در هر ايالت بايد یک مجمع العلوم باشد \_ پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه به ایالات شرقی و نورماندی مسافرت کرد. لوی فلیب یادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالگی در قصر کلارسون در انگلیس درگذشت ـ بالزاک که از نویسندگان معروف بود وفات نمود ــ ژردم بناپارت که عموی پرنس لوی ناپلیون بود به منصب مارشالی فرانسه مأمور آمد \_ مواجب رئیس جمهوری در سال به مبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین گردید ــ ورود اوّل کشتی بخار مستقیماً از نویرک ینگی دنیا به بندر هاویر فرانسه در پائیز این سال بود.

افریقا ـ (مضر) ـ بروز وبای شدید در این مملکت. (سوز) ـ اول بروز وبا در

این مملکت در این سال بود.

امریکا ــ (مکزیک) ــ ژنرال اریسنا به ریاست جمهوری تعیین و متنخب شد، وبای شدید در مکزیک بروز کرد. (اتائونی) این دولت با دولت انگلیس به جهت ساختن نهر بحری در پاناما نقطهٔ مرکزی ینگی دنیا که دو محیط را به هم وصل می نماید معاهده نمود \_ مسیو تیلور رئیس جمهوری در اواسط تابستان درگذشت و مسیو فیلمور به جای او ریاست یافت ــ گلدی نام که یکی از وکلای ملت بود به مجلس اظهار داشت که نگاهداشتن سیاهان بهطور بنده و خرید و فروش آنیها که در بعضی ایالات اتائونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد و این ظلم به سایر ایالات سرایت نکند و دولت مانع باشد، مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف ننمودند، و لهذا پرورش ونگاهداری غلام و برده زیاد در انائونی رواج گرفت و شیوع این عمل در ایالات جنوبی اتائونی مثل ایالت ویریرش و کارولین به درجه ای رسید که تجارتی بزرگ از خرید و فروش سیاهان داير گرديد. تقويت دولت در واج و انتشار اين عمل قبيح به حدى بود كه احكام اکید صادر نمودند که اگر از بردگان و سیاهان که بنده بودند از سوءسلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده به ایالتی که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست رفته پناه بحويند حتماً بايد آن ايالت آنها را به صاحبان خودشان مسترد نمايند ـــ در ايالات شمالی اشخاصی که برضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاردند ــ جمعیت اتائونی در این سال به چهل و شش کرور و دوپست و چهل و شش هزار و سبی و یک نفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور به واسطهٔ مهاجرین فرنگ بر جمعیت آن مملکت افزوده و علاوه شده بود ـــ ژنرال ارلیتستا در مکزیک به ریاست برقرار شد.

بعضی از مطالعه کنندگان که چندان خبیر و بصیر در وقایع و جوادی بیالیم نیستند و تفصیلی را که ما در باب سیاهان که در ینگی دنیا برده پودند نوشته ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع به ما ایراد کنند که مقصود چه بود، یا اینکه جمعی طالبان علم و اظلاع از تواریخ واقعاً بخواهند بصیرتی

حاصل نمایند لهذا لازم بود که قدری از جاده وقایع نگاری تمام عالم در ضمن این سال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قدم بیرون گذاشته تاریخ بنده گرفتن و خرید و فروش آنرا که در تمام عالم چه وقت رسم شد و چه شد که در اتائونی ینگی دنیا در سنهٔ هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی مطلبق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی زیاد این عمل شنیع را موقوف نمودند بنگاریم اتما چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد

## [سنهٔ ۱۲۹۸ هجری = سنهٔ ۱۸۵۱ مسیحی]

آسيا \_ (ايران) \_ ذات ملكوتي صفات مقدس دام ملكه از بدو اين سالي خيرمآل مزيد آسايش رعيت ممالک محروسه و نظم بلاد و ترتيب و ترقى عمومين را وجههٔ همتت ملوكانه فرموده به عـدل و نصفت متمسك و متقلّد اعمال سلطنتي بودند شفیع خان چپرچی باشی النزام داد که مکتوبات بلاد به نظم به صاحبان برسد و جاپاران زیاده از حق خود مطالبه تکنت کم میرزا مصطفی مستون ملقب به امین الملک أشد ـ خبر تنبیه و مخذول كردن سپاه منصور طوایف تراكمهٔ یاغیه را در صحرای گرگان و استرآباد به دارالخلافه رسید ــ در سمنان زنی مولود آکور آورد که دو دهان و دو دماغ و دو گرش و سه چشم داشت ولی آن مولود نماند ـــ در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران آمده نزول رحمت رفع نباخوشی را بکلّی نمود ــ میرزا غفارخان به نیابت دویم وزارت جُلیله خانوجه برقرار شد \_ میرزا سعیدخان به لقب مؤتمن الملک نایل و به مراحم مخصوصه حو بلند شد \_ فوج زنگنهٔ کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دارالخلافه شد ـ نورالله خان شاطرانلو نایب آجودانباشی را سرهنگ فوج خواجه وند عبدالملکی فرمودند \_ صیدمحمدخان حاکم هرات پشر ظهیرالدوله که میرزابزرگ را با پیشکش به در بار معدلتمدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و تسليت او در فوت ظهير الجائوله ميرزا احمد نباظم دیوان را روانهٔ هرات واسبی یراق طلا و کاردی مکلل به الماس و

خلعتی فاخر برای صیدمحمدخان عنایت و ارسال فرمودند ــ از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخسی به نهب تر بتحیدریه آمده نواب حسام السلطنه جمعی را بر سَر آنها فرستاده جنگی عظیم درگرفته تراکمه را مقهور و بسیاری از ایشان را مقتول و زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سَر به دست قشون ظفرنمون افتاده ماقى فرار كردند \_ نواب نصرت الدوله حكمران فارس با محتمدقلی خان ایل بیگی برای نظم و سرکشی به طرف کوهگیلویه و بهبهان رفتند میرزا باقرخان امیرطبس به یزد آمد \_ یکی از کشیشهای ینگی دنیائی ساکن ارومی تخمپنبهٔ ینگی دنیائی در ارومی کاشته حاصل آن بسیار خوب شد لهذا قرار دادنـد که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند ـــ برای اینکه مردم بـی ســررشــته خود را طبیب قلم ندهند و به طبابت فوج داخل نشوند مقرّر شد اطبای فوج در ادارهٔ دکتر کارولانی حکیم باشی نظام باشند و به تصدیق مشارّالیه طبیب هر فوج مشخّص شوند ــ محمّدخان نایب الحکومهٔ مازندران به حکومت ارومی برقرار گردید ـ ریش سفیدان تراکمهٔ سرخس در خدمت نواب حسام السلطنه متقبل انقیاد و خدمـتگذاری شده با عباسقلی خان بیگلر بیگی مشهد که مأمور حکومت سرخس گردیده بود روانهٔ آن محل گردیدند به شب چهارشنبه چهارم محرّم دوساعت از شب گذشته در تبریز زلزله شدید شده نزدیک صبح نیز مجدّداً زلزله می شود. قبل از زلزله سهچهار روز برف آمده و بعد باران بسیار بارید ـــ روز بیست و پنجم ماه محرّم به اقتضای رأی صوابنمای همایون و نظر به مصالح ملکی میرزا تقی خان اتابیک اعظم از منصب امارت نظام و وزارت عظمی و لقب اتابیکی و سایر مشاغل و مناصب بکلّی خلع و معزول شد و میرزا آقاخان اعتمادالدوله به جای او به تفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر گردید ــ مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند ــ این اوقات یکشب سیلی عظیم در تبریز آمد ولی خرابی به شبهر وارد نیاورد، و چون اکثر اوقات فیمابین جدیدالاسلام ارامنه و یهود و گبرها در باب آموال متوفی گفتگو بود حکم شد رسیدگی به این مرافعه مخصوص به دارالخلافه و دیوانخانهٔ بزرگ پادشاهی باشد و احدی از حکّام شرع و عرف ولایات مداخله در این کار ننمایند ـ سیصد نفر ملازم از اهل اشرف و توابع مأمور

مستحفظی در وازه های شهر دارالخلافه شدند ... اعتمادالدوله صدراعظم به عصائی مكلِّل به الماس و يك ثوب جبَّة ترمة شمسة مرضّع و بندكاغذ شرّابه مرواريد نشانة صدارت عظمی نایل گردید \_ محمدحسن خان سردار به اعطای یک قطعه نشان تمشال همایون سرافراز گشت \_ حاجی بیجنخان را به منصب پیشخدمت باشی گری و ریش سفیدی عملهٔ خلوت و تفنگدار باشی گری مفتخر فرمودند ـــ نواب خانلر میرزا ملقب به احتشام الدوله شد ـــ عزیزخان آجودانباشی در خدمات مرجوعه مستقل و یک قبضه شمشیر به او عطا فرمودند ـــ خانهٔ نزول که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حكم شد براى حاكم و نوكر عمارت ديواني بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر به شهر بیاورند و به جهت آسایش قوافل از دزفول تا خاک بروجرد در هر منزل قلعه بسازند ـــ برای تنظیف شهر دارالخلافه قراری مجدداً گذاردند ... ساختن تفنگ و چقماق در اصفهان ترقی کرد ... تــاريــن قلعــه را حسب الامر در شيراز بنا تمودند ـــ اسدالله خان اميرآخور به يک قبضه شمشير نايل شد ـ ميرزا فتح الله برادرزادة جناب صدراعظم را لشكرنويس باشي فرمودنـد، و حاجیعلی خان والد مؤلف که از اوّل دولت به منصب فراشباشی گری برقرار، و بعد مهام خیامخانه و تعمیر و بنائی باغات و عمارات دیوانی دارالخلافه و ساير ممالك محروسه وعزل و نصب فراشباشيان عموم ولايات و انتظام امر مهمانخانه دولتي بهعهده مشاراليه محول شده بود ملقب به حاجب الدوله شد و یک قبضه قمهٔ مرضع به او مرحمت فرمودند ... بسیاری از افواج و سوارهٔ مأمور خراسان احضار به دارالخلافه شده به همه مواجب داده و بذل مراحم نموده مرتحص شدند که چندی آسوده باشند ـــ رودخانهٔ کرخه که قدیماً به ولایت حویزه می رفت و چند سال شده بود که به مسر دیگر افتاده مقرّر فرمودند آنرا به واسطهٔ سدّی در مجرای اول جاری کنند \_ عمارت ملکی محمدخان مصلحت گذار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشارّالیه به دولت به ده هزار تومان فروخته و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مأمور آن پایتخت می شوند باشد - سرتیبی فوج جدید اصفهان را به مصطفى قلى خان قاجار تفويض فرمودند ــ بعضى قلاع صعبة لارستان و گرمسيرات فيارس كه مسكن طاغيان بود به اهتمام نواب نصرت الدوله مفتوح و

خراب شد \_ شیخ حسن عرب که با میرزا حسنعلی خان حاکم بندر بوشهر از در تمرّد برآمده به جزیرهٔ خارک رفته بود میرزا حسنعلی خان جزیره را متصرّف و شیخ حسن فرار به کَشبا که جزو محمره است نمود ـــ استاد حسن نام تبریزی دو صندوق خزینه دار بسیارخوب ساخت که مثل صندوقهای بسیارخوب فرنگی بود و یکی یک خروار وزن داشت \_ بعد از آنکه معلمین فرنگی که از دولت آستریه خواسته بودند به دارالخلافه رسیدند و طرف شرقی مدرسهٔ مبارکه دارالفنون نیز تمام شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصدنفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند به توسط میرزا محمّدعلی خان وزیر دول خارجه شرف اندوز خاکیای مبارک شده بعد از آن به مدرسه آمده به میمنت شروع به تحصیل کردند در این روز دارالفنون افتتاح يافت و حسب الرسم تشريفات معموله بهعمل آمد و ابتدا علمي كه شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام و هندسه و طبّ و جرّاحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرّر شد هر دسته لباسی علیحده بیوشند که فقط از وضع لباس شغل هریک معلوم شود و قرار دادند مترجمین از برای مدرسه تعیین كنند و از آن روز علوم جديده و انكشافات نافعه ملل فرنگ كه در چند مائه به زحمت بسیار و مشقّت بیشمار معلوم شده بود در این مملکت شروع به انتشار نمود و شرح احوال و اسامی رؤسا و معلمین و متعلّمین این مدرسه مبارکه و شرح ترقیات و مراتب و شئونات و امتیازات و تحصیلات و ماموریتهای هریک از شاگردان از ابتدای افتتاح مدرسه تا سنهٔ هزار و دویست و نود و پنج مفضلاً و مشروحاً در جلد دویـم مرآت الـبـلـدان نـاصـری موسوم به مآثر السلطان نگارش یافته است و در اینجا حاجت به تكرار نيست \_ هم در اين سال ميرزا احمدخان نايب دويم وزارت خمارجه به لقب خانی و نشان شیر و خورشید از مرتبهٔ اوّل سرهنگی با حمایل سفید نايل گرديد ــ ميرزا فضل الله برادر جناب صدراعظم به منصب جليل وزارت كلّ نظام سرافراز و روانهٔ آذر بایجان شد ــ دو دسته غلام چلبیانلو ابوابجمعی جوادخان و محمودخان مأمور نظم طرق شاهرود و بسطام شدند ـــ عباسقلی خان سرتیپ افواج قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هریک به انعام و

خلعت همایون مفتخر گردیدند \_ اسکندرخان قرایایاق به نیابت اول آجودانباشی برقرار آمد \_ عبدالحسين خان و ميرزا محمدخان و آقارضاخان و نريمان خان و لطفعلى خان كه مدّتني مشغول مشق نظام بودند هريك به منصب نايب آجودانباشی گری نایل شدند \_ کاظمخان قراپاپاق به سرتیپی سوارهٔ قراپاپاق و سيصد تومان اضافه مواجب سرافراز شد، حسن خان قراپاياق نيز سركردگي سواره قراپایاق یافت ــ به حکم نواب نصرت الدوله حکمران فارس یانزده باب چایارخانه در عرض راه این مملکت ساختند ــ میزرا نصرالله به لشکرنویسی آذر بایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب گمرک آنجا و فتحعلی بیک به نیابت آجودانباشی گری رفتند ــ حکیم کازولانی به حکیمباشی گری کل افواج قاهره سرافراز شد \_ حکیم داودخان مسیحی که خدمات به دولت کرده بود در ماه ربيع الاول اين سال وفات نموده به احترام او را به خاک سپردند \_ نواب نصرت الدوله حكمران فارس به يك ثوب حبّة ترمه شمسه الماس مفتخر گرديد ... نظم سرخس به اهتمام عباسقلی خان بیگلر بیگی دره جزی درجهٔ کمال یافت \_ در بلوک ناییج مازندران تصفیهٔ آهن را به درجهٔ کمال رسانیدند که از آهن حـاجـی تـرخان نرم تر و به استعمال نزدیک تر و مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده به دارالخلافه آوردند و امر به تشویق و تکمیل این عمل و عاملین شد ـــ راه استرآباد به واسطهٔ قراولخانه های جدیدالبنا و مواظبت مستحفظین کمال امنیت یافت \_ مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به اعطای یک ثوب جبه مفتخر گردید \_ نجفقلی خان پسر محمدطاهرخان وکیل چون خط و ربطی داشت در سلک ارباب قلم مینسلک آمد ـ مسیو جان داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت بطرز بورغ شد \_ عليقلي خان ولد محمدطاهرخان وكيل نايب آجودانباشي شـد ـــ راهـزنــان ايــلات لـرستان و پشتكوه به اهتمام نواب خانلر ميرزا تنبيه شدند و مخصوصاً نصيرخان جودكي كه متعرّض قوافل و عابرين درّفول و عربستان مي شد به سزای خود رسید و از درفول تا خرم آباد رباطات ساختند. یک ثوب جبّهٔ ترمه شمسة مرضع مصحوب نواب شاهزاده ملك قاسم ميرزا به افتخار حشمت الدوله حكمران آذر بايجان انفاذ تبريز شد \_ حكومت سمنان و دامغان را به ميرزا

محمدخان کشیکچی باشی واگذار فرمودند و امامقلی خان از جانب معزی الیه نیابت یافت و علی خان قیراط را حکومت جوین دادند و محمدولی خان قاجار به حکومت نهاوند برقرار شد ــ میرزا کوچک دماوندی یاور به لقب خانی و منصب سرهنگی نايل آمد ـ اين اوقات ماهي هزار قبضه تفنگ در جبه خانهٔ دارالخلافه مي سازند. ینبهٔ ینگی دنیا که در ارومی کاشته بودند خوب به عمل آمد ... کلو صاحب حکیمباشی جمعی را در خانهٔ خود درس جرّاحی داده و مقدمه تکمیل این علم مى باشد ـــ ميرزا تقى خان كه سابقاً اميرنظام و شخص اول دولت بود در قريهٔ فين كاشان وفيات كرد ــ ميرزا هاشمخان حاكم ملاير و تويسركان به جبّة ترمه مخلّع گردید به محمد تقی خان قاجار که سابقاً سرکردهٔ سواره خزل بود مجدداً به این منصب برقرار آمد ــ در خبوشان برق زده چند باب دکان را سوزانیده بعد زلزله شدید شده خرابی زیاد کرد \_ جناب اعتمادالدوله صدراعظم را به یک ثوب جبّهٔ ترمه قرین مفاخرت فرمودند ــ میزرا محمدعلی خان وزیر دول خارجه نیز به اعطای یک توب جبّهٔ ترمه کرمانی مفتخر گردید ـ جناب صدراعظم به بازدید مدرسهٔ مباركة دارالفنون رفته بعد از امتحان متعلمين و حصول اطمينان به ترقمي آنها هريك را تشویق نمودند \_ یک ثوب حبّهٔ ترمه خلعت همایونی برای نواب حسام السّلطنه حکمران خراسان فرستادند ــ عزیزخان آجودانباشی به یک ٹوب قبای نظامی زردوز از ملابس خاصه مخلّع گردید \_ نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندییتی به سرهنگی فوج بندییشی سرافراز شد \_ جوادخان ولد اسکندرخان قاجار حاکم كرمانشاهان را سرهنگ فوج سيم مراغه فرمودند ــ چرخ منگنه كه اقمشه ابريشمي را موج می دهد در یزد نیز مثل کاشان متداول شد \_ من الغرایب از بلوک رفسنجان كرمان خبر رسيد كه جواني است نوزده ساله كه بر روى شكم و سينة او به شكل آدم طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آن جوان و سایر اعضای او بىر روى شكم جوان مى باشد ـــ در هفدهم ربيع الثانى اين سال ولدى ذكور از صلب مقدّس شاهنشاهی فروغ بخش ابصار گردیده موسوم به معین الدین میرزا شد ـــ میرزا محمدخان کشیکچی باشی به اعطای یک قبضه شمشیر مرضع مفتخر گردید \_ هيجدهم ربيع الثانى ميرزا محمدعلى خان وزير دول خارجه مرحوم شد\_

محـمّـدیـوسـفخـان به منصب سرتییی و یک ثوب حبّهٔ ترمه اعلی سرافراز گردید ـــ نانكلي كرمانشهان داخل قشون ظفرنمون شدند \_ قليج خان سرتيپ سواره مافي كه از خراسان برگشته بود یک ثوب جبّهٔ ترمه به او مرحمت فرمودند ـــ فضلعلی خان سركردهٔ سواره شاهسواري نيز از خراسان معاودت كرده به اعطاي يك طاقه شال سرافراز شد \_ حسب الحكم قرار شد در معدن آهن ماسوله كه آهنش بسيار نرم و خوبست کار کنند \_ در آذر بایجان چند باب قراولخانه علاوه بر قراولخانه های سابق ساختند ــ محض رعايت رعيت كرمان تقريباً ششهزار تومان نقد و سه هزار خروار جنس به آنها تخفیف مرحمت فرمودند \_ عبدالقادرخان شکی به منصب سرتیپی سرافراز و مخلّع گردید \_ رحمت الله خان نایب آجودانباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخلّع و مأمور آذر بایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد ـــ استاد على اكبر تفنگساز كه حسب الامر به خراسان رفته بود كه تفنگ سر بازى بسازد این اوقات یانصد ششصد قبضه تفنگ میتاز ساخته که همه کس یسند کرده و تشویق او نمودند \_ در غرّهٔ جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی به مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین را که در اندک وقت زیاد ترقىي كرده بودند سركشي و تشويق فرمودند \_ ميرزا كاظم خان مستوفى ولد جناب صدراعظم را به لقب جلیل نظام الملکی و خلعتی خاص قرین اختصاص فرمودند ــــ محمدناصرخان (ظهیرالدوله) را به منصب ایشیک آقاسی باشی گری در بار همایون و یک قبضه عصای مرضع مفتخر فرمودند ــ میرزا محمدسعید مؤتمن الملک به لقب خانی و منصب دبیری مهام خارجه که قایم مقام وزارت دول خارجه است سرافراز و مخلّع گردید \_ حاجي ميرزا جبّار رئيس تذكره به لقب ناظم المهامي ملقّب و خدمت رسیدگی به امور معادن و کارخانه های بلورسازی دارالخلافه و غیرها را به او محوّل و به خلعت همایون سرافراز شد ــ رجبعلی بیک یاور تویخانه به منصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد ــ این اوقات ماهی یک دستگاه كالسكه به اهتمام معيّرالممالك ساخته مي شود كه كمال امتياز را دارد ـــ آقیامهدی ملک التجار به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع گردید ــ اسدالله خان امیر قاین به یک ثنوب جبهٔ تنزمه مفتخر و روانهٔ خراسان شد ــ جعفرقلی خان میر پنجهٔ که در

استرآباد و گرگان مأمور تنبیه اشرار تراکمه بود طایفهٔ مزبوره را به راه انقیاد درآورده و به اجازهٔ امنای دولت آنها را با خود به در بار همایون آورد به عطای یک ثوب جبهٔ ترمه مفتخر شد ــ مرتضی قلی خان حاکم شاهرود و بسطام مجدداً به حکومت شاهرود و بسطام و به یک ثوب جبهٔ ترمه مخلّع شد.

هم در این ماه جمادی الاولی محض اظهار عبودیت اشخاص مسطورهٔ در ذیل با عریضه و پیشکش به تقبیل عتبهٔ علیه سرافراز گردیدند: (محمدحسین خان برادر کریم دادخان بیگلربیگی هزاره با عریضهٔ کریم دادخان)، (سیدعلی خواجه فرستادهٔ حکومت خان والی میمنه با عریضهٔ والی)، (محمدولی خان پسر مرحوم ابراهیم خان بیگلربیگی سابق هزاره)، (اللهیارخان برادرزادهٔ او)، (عبدالحمید بهادر فرستادهٔ حسن سردار هزاره پساکوهی با عریضهٔ او)، (عبدالکریم بیک فرستادهٔ فرستادهٔ ابراهیم خان و ابراهیم خان و ابراهیم خان سردار تایمنی با عریضه)، (خان میرزابیک فرستادهٔ ابراهیم خان و اکرم خان فیروزکوهی با عریضه)، (شادمان بیک فرستادهٔ نصیرخان جمشیدی با عریضه)، (شادمان بیک فرستادهٔ نصیرخان جمشیدی با عریضه)، (رارباب خالق ریش سفید طایفهٔ ایجگه)، (علی عریضه)، (رضابهادر، نفرسی)، (ارباب خالق ریش سفید طایفهٔ ایجگه)، (علی بهادر ریش سفید طایفهٔ قهههه)،

حکیم کازولانی حکیمباشی نظام وفات کرد \_ از قوت صیدمحمدخان حاکم هرات کاسته امیر افضل خان پسر کهندل خان قندهاری با جمعی افاغنه بر سر فراه [و سبزوار] آمده این دو شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست \_ در عقلی بلوک شوشتر تگرگ به قدر گلولهٔ توپ آمده چرخهائی که در صحرا برای تنقیه و مرمت قنوات بوده به کلی خورد کرده است \_ نواب شاهزاده بهرام میرزا که در اوقات سفر همایونی به اصفهان از جانب سنی الجوانب در دارالخلافه نیابت در اوقات سفر همایونی به اصفهان از جانب سنی الجوانب در دارالخلافه نیابت در اشتند به نشان تمشال بی مشال مبارک قرین افتخار گردیدند \_ میرزا

<sup>.</sup> ١. متأسفانه اين كلمه خوانده نشد. در مرآت البلدان، جلد ٢، ص ١٠٥، نيز همين صورت را دارد.

۲. این کلمه نیز در متن ناخواناست و به صورت «قیرستیان» آمده ناچار ضبط مرآت البلدان اختیار شد.

۳. از متن مرآت البلدان اضافه شد.

عبدالوهابخان پشر مرحوم ميرزا محمدعلى خان وزير دول خارجه به منصب نيابت دوتیم وزارت دول خارجه و یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع و نایل گردید ـــ از اصفهان تا منزل مقصودبیک در راه فارس همچنین از اصفهان الی کاشان قراولخانه ها در راه ساخته شد ... به طایفهٔ ککلان در استرآباد که به قشون مأمور آن نواحی خدمت كرده بودند دوهزار تومان تخفيف مرحمت شد ــ ميرزا محمدولي طبيب حكيمباشي كل افواج قاهره گرديد \_ اسمعيل ميرزا ولد نواب شاهزاده بهرامميرزا منصب سرهنگی یافت \_ نواب والا نصرت الدوله حکمران فارس گرمسیرات آن مملکت را نظمی کامل دادند ــ عبدالله خان صارم الدوله به یک قبضه شمشیر مرضع سرافراز گردیده و نیز مأمور شد که کسری فوج ملایر و تویسرکان و قراگوزلو را بگیرد ــ این اوقیات میبلغی از وجوهی که در هرات به اسم همایون سکّه زده بودند و عریضه صیدمحمدخان با جمعی از معارف هرات به در بار همایون رسید ــ فوج جدید مراغه ابـوابـجـمـعــى اسكندرخان سرهنگ و فوج خلج ساوه جيره و عليق گرفته با هزار نفر سبواره شاهسون افشار و ایلات قزوین مأمور خراسان شدند ــ دوهزار و پانصد دست فانسقه و دوهزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در قورخانه و جبّه خانه دارالخلافه ساخته اند به خراسان حمل دادند ــ نواب حسام السلطنه والي خراسان عباسقلي خان ميىر پنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانهٔ تربت جام نمودند كه مشغول حراست ثغور و نظم آن صفحات باشند ـــ فتحعلی بیک نایب آجودانباشی را نواب والا حشمت الدّول، حكمران آذر بايجان مأمور نظم امور مراغه نمودند ـــ روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش دقیقه از روز گذشته آفیتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلامعام در تالار تخت مرمر با شکوهی وافر منعقد گردید و قریب سی نفر از اعیان و ریش سفیدان هزاره و تیمینی و جمشیدی در این سلام مخلع گردیدند \_ شب عید جناب صدراعظم به یک قطعه نشان تمثال بي مثال همايون مكلّل به الماس بريليان مفتخر شدند و يك ثوب جبّهٔ ترمه دوره مروارید، روزی که ذات معدلتصفات همایون به عمارت جدید تشریف فرما می شدند به جناب معظم الیه مرحمت فرمودند ... در این ایام نواب شاهزاده امامقلی میرزا به حکومت کرمانشهان و خلعت سرافراز گردید ـــ خسروخان

والسي را خلعت و حکومت قزوین دادند ـــ از غرایب اتفاقیه کرمان اینکه در ارزویه بزی چهل روز دیوانه شده و سه بچه زائیده که یکی از آنها شباهت به سگ داشته به خصوص دست و یای او که خیلی شبیه به سگ بوده است ــ حکومت ساوجبلاغ آذر بایجان را به کریم خان مکری محوّل فرمودند \_ نواب حشمت الدوله به اجازهٔ اولیای دولت نجفقلی خان پسر مهدی خان قراپاپاق را مأمور سر پرستی ایل قراپایاق نمودند \_ حکم شد هرکس معدنی در ممالک محروسه بیدا کند به واسطهٔ حاجی میرزا جبّار ناظم المهام به عرض اولیای دولت برساند اذن کار کردن در آن معدن را به او خواهند داد و تا پنج سال هرچه از آن منفعت حاصل نماید مال خود او است و هرکس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان می شود \_ چون جمعیت دارالخلافه زیاد شده حکم شد هرکه بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید، بنابراین دویست باب خانه تاکنون بنا نموده اند ـ کرمی مار مانند در شکم مرغها در صفحات كرمانشهان و عربستان پيدا شده مرغ ديوانه مي شود و خوردن گوشت او مضر است ـ خوانين و اعيان بلوچستان در خدمت نواب مؤيدالدوله حكمران كرمان مطيع و منقاد و خدمتگذار شدند \_ ميرزا محمدعلي خان ناظم الملك از جانب نواب نصرت الدوله حكمران فارس به گرمسيرات رفته سه قلعه محكم بلوك آهرتم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده گرفته و خراب کرده حاجی ابوالحسن آهرَمي را نيـز که به واسطهٔ استظهار بر قلاع مزبوره شرارت مي نمود به سزاي خود رسانید ــ نصرالله خان بیگلر بیگی سابق لار و قبادخان شقاقی و احمدخان بهارلو که از حکمام سابق روگردان بودند استمالت شده به خدمت گرویدند ــ حکومت خوی را به شاهراده محمدرحیم میرزا و حکومت خلخال را به نواب شاهرخ میرزا مرحمت فرمودند مد اختيار حكومت عراق به جناب مستوفى الممالك واگذار و لطفعلى خان نايب آجودانباشي از جانب معظم اليه به نيابت حكومت عراق معين و روانه گردید ـ عباسقلی خان سرتیپ نوری که در خراسان خدمات کرده بود به یک رشته حمایل سرخ از مرتبهٔ سرتیبی اول نایل گردید \_ سکهٔ قدیم در شوش مسكوك به نقش كلمهٔ طيّبهٔ لااله الآ الله و آيات شريفه قرآني ييدا كرده به دارالخلافه آوردند و شرحی میرزا جعفرخان مشیرالدوله همراه مسکوکات نگارش و

ارسال داشته که از قرار ذیل است:

در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارت اردشیر درازدست است که آن عبارت از سی و شش ستون سنگ یکپارچه و فاصلهٔ هر ستون هفت ذرع و بلندی ستونها به علت افتادن و شکستن معلوم نیست لکن از زیر ستون و سرستون که اکثر صورت گوساله و غیره دارد معلوم می شود که ستونها بسیار بلند بوده باوجود اینکه در صحرای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمی شود سی و شش زیرستون هم در پیش روی عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمی شود سی و شش زیرستون هم در پیش روی همین عمارت رو به شمال آن پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده، این عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است، در بعضی از ستونها عبارات به خط سریانی و کلدانی منقور است، آجرها به وزن هفت هشت من در اینجا کار کرده اند، در بالای یک عمارت قدری پول سفید مسکوک به خط کوفی بیرون آمده معلوم می شود بعد از غلبهٔ عرب این پولها را دفن کرده اند و این پولها سکهٔ بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بود، تاریخ سکهٔ پول مفا و تازگی مانده.

شهر خرم آباد را که آب جاری نداشت نواب احتشام الدوله دارای آب جاری کردند ... نواب بهادر میرزا مرحوم شد ... میرزا محمد مستوفی به لقب قوام الدوله ملقب گردید ... از در بار روس نشان سنت آنا از مرتبهٔ دویم دوره الماس به حکیم کلوکه حکیمباشی مرحمت شد ... قلعهٔ نَسَکَنْ و قلعهٔ سر باز بلوچستان مفتوح و مسخر گردید ... کهندلخان که لشکر به هرات کشیده بود منهزم شده رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است ... در چمن قهقهه سه فرسخی مشهد مقدس شش مرغ به هم رسیده که هر یکی از گوسفندی بزرگتر می باشند ... عمارات جدید سلطانی در دارالخلافه ساخته مزید بر عمارت قدیم نمودند، و حکم شد مریضخانه مابین قراولخانه های در وازه دولت و در وازه قزوین که جای چهارصد نفر مریض و منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند. وعدهٔ توپها چون زیاد شده انباری منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند. وعدهٔ توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز پهلوی انبار قدیم ساخته شد، و باغات و عمارات بیرون شهر را از قبیل

لالهزار و نگارستان و قصر قاجار در كمال خوبى تعمير كردند و نيز مقرّر شد كه عمارت جدید سلطانی در قصبهٔ نیاوران بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دكان در نياوران نيز بسازند ــ نواب شاهزاده نصرت الدوله حكمران فارس به نشان مرتبهٔ اقل میر پنجه گی و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید ـــ بعضی افواج که کشر نفری داشتند به سرتیپان و سرهنگان آنها مقرّر شد معجلاً بگیرند و تکمیل نمایند ــ خانباباخان پسَر عباسقلی خان سرتیپ افواج قزوین به منصب سرهنگی فوج قدیم و خلعت همایون سرافراز شد ــ به رعایای اصفهان یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند \_ زلزلهٔ شدیدی در شاهرود شد \_ آبراهیم خان پسر عبدالرضاخان یزدی به حکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز گردید\_ خسروخان كرماني حكومت قراجه داغ يافته مخلّع شد ـــ ميرزا عبدالرحيم پـــر مرحوم میرزا محمّد تبریزی آجودان وزارت امور خارجه شد ــ ریش سفیدان تراکمه ککلان و یـمـوت مـخـلّع و مرخّص شدند و برای سایر ریش سفیدان ترکمان خلعت مبذول و انِفاذ شد ــ و حکم همایون شد که کل صاحبمنصبان قشون کلیجه نظامی و شلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند ــ در شیراز تگرگ غریبی باریده که دانه های آن به درشتی نارنج بوده و یک دانه از آنها به سَر یکنفر خورده چشمهای او از حدقه بیبرون افتاده و مغز سَر او از هم پاشیده، گوسفند و مال و مواشی زیاد در صحراها تلف كرده است ــ دو رشته قنات در بم و نرماشير احداث كرده اند كه باغمات به عمل آرند ــ بعضى ایلات رودباری و غیرهٔ کرمان که متفرق شده بودند استمالت شده قرار دادند به اماكن خود بازگردند و تا چهار سال از ماليات معاف باشند \_ یک قطعه نشان مرتبهٔ اوّل سرتیپی و یک رشته حمایل سرخ مخصوص آن به افسخار میرزا فضل الله وزیرنظام انفاذ تبریز شد ــ هشت فوج از افواج قاهره را ابوابجمع محمدحسن خان سردار فرمودند وعبدالله خان ولد مشاراليه به منصب میر پنجه گی سرافراز شد ـ به عباسقلی خان پسر بیگلرخان بزیلو منصب سرهنگی مرحمت شد \_ جناب میرزا آقاخان صدراعظم به نشان تمثال همایون مفتخر گردید و نشان امیرتومانی که شاه مرحوم (محمدشاه) به ایشان اعطا کرده بودند اجازهٔ استعمال آن یافتند ــ در بلدهٔ دزفول بسیاری از بیوت را سیل خراب کرد ــ بند شهر

قزوین ساخته شد ــ کارخانهٔ بلورسازی در دارالخلافه ترقّی کرد ــ نواب امامقلی ميرزا حكمران كرمانشهان ينجاه سواربه حراست طرق و شوارع آن صفحات برقرار تمود \_ در بندر جز استرآباد باد اغلب خانهٔ ها را خراب كرد \_ تخم ينبه ینگی دنیائی به زارعین دارالخلافه و تبریز داده شد که امتحان در زراعت نمایند ـــ فضلعلی خان میر پنجه و بیگلر بیگی را به منصب امیرتومانی سرافراز فرمودند ... عبدالله خان جوانشير به سرهنگي فوج اول خاصه منصوب شد ـ زني در خراسان طفلی زائیده به عینه میمون ولی دم نداشت ... خوانین سیستان منقاد شدند علیقلیٰ خان میر پنجه و عسکرخان سرتیپ و دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه به انتظام صفحات خراسان مأمور شدند ــ اميرعلينقي خان وكيل طبس به حكومت طبس و خلعت همایون سرفراز شد ـــ اسکندرخان زند حکومت مرند و گرگر یافت \_ میرزا محمدعلی سررشته دار فوج اول خاصه سررشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد ـــ امامقلی خان ملقب به بیوک خان برادر عسکرخان سرتیپ به منصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و یا فوج مزبور روانهٔ خراسان شد ــ هرات که چندی بود از تصرف سلاطین ایران خارج شده به میل خاطر منقاد و در تحت تصورف آمد ـ هزار و دويست تومان بر مواجب نواب نصرت الدوله افزودند ـ ریش سفیدی خلوت و منصب تفنگدار باشیگری در بار همایون را مجدداً به آقیامحمدحسن مهرداز مرحمت فرمودند ــ نواب مسعود میرزا حاکم بازفروش شد ــ کارخانهٔ شکرسازی ساری در میدان ارک ساری تمام شده در اوایل شعبان قند سفیدی از شکر سرخ آنجا ریختند ـ حکومت گلپایگان و خوانسار را به آجود أنباشي واگذار فرمودند \_ دور قلعهٔ عنايت آباد و ميامي كه در سرحد تركمانست قلعهٔ خندق و شيرحاجي بنا كردند ــ دور حنظل آباد از دهات پشتكوه ىلوك تبادكان را نيز قلعه ساختند.

روز غرّهٔ شوّال که عید فطر بود در عمارت جدید نیاوران سلام عام منعقد و طبقات خدّام به خاکپای مبارک مشرف شدند و در این سلام یک قبضه شمشیر مرضع و یک ثوب جبّهٔ شمسه مرضع به جناب صدراعظم مرحمت فرمودند ــساسان میرزا ولد بهاء الدوله به لله گی نواب شاهزاده معین الدین میرزا اختصاص یافت ــ

محمدقلي خان ولد مرحوم حسين خان سردار كه غلام پيشخدمت بود به یوز باشی گری غلامان مأمور کرمان برقرار شد ـ خان خیوق که به عزم گرفتن زكات به مرو آمده مرويها تمكين نكرده كار به مدافعه كشيد ـــ بروج آق و در بند و قراولخانه های مزدوران و غیره مرمت شد ــ در سرجام تگرگی بارید به وزن چهارده سیر ـ میرزا رفیع خان فورگی نظر به حصانت قلعهٔ فورگ که از قلاع محکمهٔ خراسانست دم از خودسری می زد نواب حسام السلطنه والی خراسان قشون به دفع او فـرسـتـاده قـلـعـهٔ مـزبور را گرفته ساخلو دولتی گذاشتند و میرزا رفیع خان به هرات رفته صیدمحمدخان سردار حاکم هرات را شفیع خود ساخت و در در بار هـمـايـون مـقبول افتاده معفوشد، اهالي قلعهٔ گزيک و طاقان از قلاع خراسان نيز از در اطاعـت درآمـدند ـــ محمّدحسنخان سردار به حکومت کرمان و بلوچستان و یزد سرافراز و به یک ثوب جبهٔ ترمه شمسهٔ مرصع مخلّع گردید ــ قاسم خان غلام پیشخدمت خاصه به جای احمد خان نوائی به کار پردازی تفلیس رفت \_ نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اول سرهنگی و يكرشته حمايل سفيد نايل كرديد خدمات چراغعلى خان نايب الحكومة اصفهان در امور حکومتی و تمام گردن ملبوس نظام مقبول و مورد مرحمت گردید، میىر پنجهگى پنج فوج از افواج قاهره را به عبداللهخان ولد محمّدحسنخان سردار مرحمت فرمودند ــ محمّد باقرخان ولد محمّدخان اميرتومان به منصب سرهنگي فوج ششم اقبال تبریزی سرافراز شد ــ سی نفر زن از قلعهٔ بزق از قلاع خراسان اسیر تركمان شد و بلافاصله سوار دولت از عقب آنها تاخته اسرا را مسترد و تركمانان را دستگیر کردند ـ صیدمحمدخان حاکم هرات قشون به فراه که قندهاری تصرف نــمـوده بــودنــد فــرسـتاده قلعهٔ كاه را كه هشت فرسخى فراه است به يورش گرفتند ــــ خمان خوارزم به حدود مرو آمده و در این اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالور و ساروق پسر او را بهجای او خلیفه ساخته با خوارزمی به مجادله پرداخته آنها را از حوالی قلعهٔ مرو عقب نشانده اند.

و از وقایع معظمه این سال آنکه جمعی از اتباع سیّدعلی محمّد باب علیهم اللعنة و العذاب به ریاست ملاّشیخعلی نام ترشیزی که خود را ملقّب به عظیم

نموده نایب باب می دانست بنای قساد نهاده جمعی در خانهٔ حاجی سلیمان خان تبریزی که خود از معتقدین فرقهٔ ضاله بود جمع، و قصد آسیب وجود مسعود مبارک شباهینشاهی را که بقای آن موجب امن و اشاعهٔ عدل و انصاف و برانداختن رسم ظلم و اعتساف است نمودند و دوازده نفر داوطلب شدند. هریک به سلاحی مسلّح گردیده به نیاوران آمده در کمین و منتظر وقت شدند و باقی در خانهٔ سلیمانخان مهيّا بودند كه اگر موقع فساد شود بيرون تازند و به نهب اموال و سفك دماء و اضلال مسلمین پردازند روز یکشنبه بیست و هشتم شوّال هنگامی که بندگان اعليحضرت اقدس شاهنشاهي خلّدالله تعالى ملكه از قصّر نياوران به عزم شكار سوار شده بودند سه نفر از فرقهٔ مطروده که در زیر جامهٔ خود به قمه و طپانچه مسلّح شده بودند درزی متظلمین و عارضین در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماماً به هم نیپوسته، جلو اسب سواری همایون و راه آمده چند طیانچه خالی کردند. ولی تیرها خطا کرده مگر یکی از آنها که ساچمه داشت چند ساچمهٔ آن بعضی از قطعات بدن مبارک را خراشید. چاکران از قبیل اسدالله خان میرآخور و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعاظم و معارف دو نفر از آن سه نفر را گرفته و یکی را در میان هنگامه به ضرب تیغ و سنگ و چوب روانهٔ جهنم نمودند. بعد از آن سرکار اعليجضوت شاهنشاه روحنا فداه عزيمت شكار را موقوف داشتند، و حسبالامر عزيزخان آجودانساشي وحاجب الدوله والدمؤلف وكلانتر وكدخدايان به تفحص و جستجوى رؤساى فرقة ضاله پرداختند و اول به خانه حاجى سلیمانخان شتافته او را با دوازده نفر از اشرار دستگیر کردند. و از این دوازده نفر سایـر رفـقـای ایشان را معلوم نمودند و آنها را نیز بگرفتند و همه را به فتوای شرع به قــتــل رســانيدند و از خدمات بزرگ كه در اين وقت والد مؤلف نمود به دست آوردن ملآشیخعلی بود که سرمنشاء فتنه بود و مژدهٔ سلامتی وچود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران به اصقاع بلاد ممالک محروسه رسانیدند و همهجا بهشکرانه جشنها گرفتند وشهر را آئين بسته چراغان نمودند.

بسیاری از سواره و افواج برای سان و رسیدگی اسب و اسلحهٔ آنها حکم شد حاضِررکاب اعلی شوند ... محمدولی خان بیگلر بیگی و حکمران استرآباد به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع و حمزه خان انزانی به اعطای یک قبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شد ـ مهدىخان صاحبجمع وجوه خارجه، ده عرّاده كالسكه چهاراسبة خوب به جهت کرایه به اتمام رسانیده ساعتی یک قران کرایه می دهد \_ محمودخان کلانتر به عطای یک ثوب جبّه سرافراز گردید ــ زنی در تبریز در محلّه در سرو مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در پیشانی بود و ابرو نداشت، دو دندان در زیر، و دو شاخ در پشت گوش، و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش مثل موی سرگاو و از کمر به پائین سفید و از سَر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک گردی داشته یک ساعت بعد از تولّد مرده است ــ میرزا احمدخان ناظم دیوان که در مأموریت هرات خدمت کرده بود به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع شد ـــ میرزا محمدخان کار پرداز حاجی ترخان به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلع شد \_ میرزا عـبـدالوهاب گیلانی به استیفای محاسبهٔ گیلان و خلعت همایون نایل گردید ـــ هم در این سال از شانزدهم رمضان المبارک در محمره غباری ظاهر و روز بهروز در تزاید بود و چنـان غـلـیظ شد که اکثر روزها از صبح تا شام آفتاب پیدا نمی،شد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که در ده قدم آدم را ممکن نبود. تشخیص بدهند اتما دو ساعت از شب گذشته غبار برطرف و در هوا جوهر و اعتدالی نمودار مى شـد ــ بهجهت اطفال ارامنة تبريز در حياط كليسا حكم شد مدرسه بسازند ـــ ميرزا فضل الله وزيرنظام كه دو عرّاده توپ سه پوند بلندقد بسيارخوب در تبريز ريخته پیشکش کرد به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع گردید ـ حسب الامر مقرّر شد تومان بندی کـل افـواج قـاهره را نمایند و روی بیرقها اسم و عدد تومان و افواج نقش شود ـــ در کازرون مولودی متولّد شده که سَر آن بهشکل گربه و بدنش تمام مثل پلنگ منقّش و انگشتان به هم بافته، یکپای او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او یک وجب و نیم، دنـدان هـم داشـتـه، گـاهـی گـریه می کرده بعد از یکروز مرده است ـــ انجام امور قـورخـانـه و جبّهخانه و مدرسهٔ درالفنون و ملبوس را بهعهدهٔ محمّدخان بیگلر بیگی و میر پنجه محوّل و موکول فرمودند ـــ حاجی مبارک به لقب خانی و منصب سرتیپی سواره نـانکـلـی، و هداوند، و کنگرلو نایل گردید ــ پادری بحسی پیشوای مذهب کاتولیکی عیسوی در جلفای اصفهان درگذشت و چون نهایت آدم خوبی بود ارامنه و مسلمانان همه متأشف شدند.

ارویا \_ (اسیانیول)\_ و کلای ملت عزل شدند \_ ناروایز صدراعظم استعفا نموده موری ل به جای او نصب شد ـ ژنرال پلیز که به قصد تسخیر جزیرهٔ کوبا از متصرفات ینگی دنیائی اسپانیول به آنجا رفته بود گرفتار شده در هاوان پایتخت جزيرة كوبا مقتول شد \_ شاهزاده خانمي از ملكة اسپانيول متولّد شد. (آلمان) \_ مجتمهٔ فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلن بر پا کردند ــ ایالات هُهَنْزُ لِرْنْ به مملکت پروس الحاق شد ــ طایفهٔ یهود با عیسویان در باویر در حقوق و درجه مساوات بهم رسانیدند و حال آنکه تا آنزمان دارای این امتیاز نبودند ـــ اِژنِشت أكُوشتْ يادشاه هانور در هشتاد و يكالگي درگذشت و ژرژ پسرش با آنكه كور مادرزاد بود به سن سی و دو سالگی به جای او جلوس نمود. (انگلیس) - قبول كردن از طايفة يهود را به سمت وكالت رعيب مجلس بارلمنت تصديق كرده بود، ولى مجلس لرُّدها قبول نكرده ردَّ نمودند ـــ اكسپوزيسيون عمومي در لندن در عـمارت بلور در هایدبارک که از باغات بزرگ عمومی شهر لندنست افتتاح یافت و مـدّت پنج ماه این اکسپوزیسیون برقرار بود ــ لُرد پالمرستان وزیر امور خارجه استعفا نمود \_ در شمال دماغهٔ امید در افریقا که از متصرفات انگلیس است جنگی سخت فیمابین حاکم آنجا و طایفهٔ کافر اتفاق افتاد ــ عهدنآمهٔ دوستی و تجارتی با جزایر سندویج بسته شد ــ معدن طلا در کوهستان شرقی استرالی منکشف گردید ــ تـلـگراف بحری از انگلیس به فرانسه از زیر دریای مانش که بندر دور و کاله را به هم وصل می کند امتداد یافت ــ از اهالی ارلند مهاجرین زیاد به سمت ینگسی دنیا رفتند، چنانکه در این سال شصت و پنج هزار خانهٔ آنجا چی سکنه بود و تمام اهالی خانه های مزبوره به ینگی دنیا رفته بودند ــ لُنْکاردُ مورخ فوت شد ــ

۱. این کلمه خوانده نشد در مرآت البلدان نیز چنین است شاید یحیی باشد.

جمعیّت تـمـام جـزایـر انگلیس در این سال پنجاه و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار و نهصد و چهار نفر، و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نُـه هزار و ششصد و چهل نفر است. (برتو**غال) ــ**ـ مارشال سالْدِنا که بر ضدّ وزرای پرتوغـال می بود به زور اسلحه دولت را مجبور کرد که کن تمار صدراعظم را معزول کند و خود به جای او به صدارت منصوب شد. (دانمارک) ــ ایجاد وکلای رعیت و بنیان قانون جدید ایزلند که متعلق به دانمارک است ـ. أ إرْسِنْت معلم علم طبیعی درگذشت ــ مابین دولت دانمارک و ایالتین اشلِشویک و هلستن صلح شد. (روس) - دولت روس مصمم است که از دشت قرقیز به سمت خیوه قشون کشی کند. (سُودٌ و نروج) ـ در ایالت نروج طایفهٔ یهود را قبول نمودند. (عثمانی) ـ نقاری مابین دولت عشمانی و اطریش به جهت آزاد کردن گسوت که از اشرار مجارستان بود و پناه به خاک عثمانی برده حاصل شد ــ امیر بشیر از رؤسای لیسمبان فوت شد ـ در این سال کسوف آفتاب را عثمانیها به فال بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که آنرا اثری نیست مردم اعتقاد نکردند. (فرانسه) ــ ژنرال شاز کانیه از سرداری قشون پاریس معزول شد ــ در پاریس و بعضی بلاد دیگر فرانسه شورشی بر پا گردید ــ دور شهر پاریس ایجاد راه آهن نـمودند ـــ برای صاحبمنصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اوّل زخمی شده و از كار افتاده بودند ولى در حال حيات اند مرسومات تعيين نمودند \_ براى تنبيه طايفة قبيلي كه از اعراب الجزايراند قشون فرستادند ــ مارشال سباستياني و مارشال سولت که از سرداران نایلیون اول بودند فوت شدند \_ راه آهن تور و پواتیه برقرار و دایر شد ـ بشای بازار فروش مأكولات در پاریس نمودند ـ یكصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه کرده وکلای ملّت قبول ننموده ردّ كردند ــ وكلاي ملّت را عزل و انتخاب وكلاي تازه و تعيين وضع جدید در دولت به میل عامه نمودند ــ پانزده کرور رعیت فرانسه مذت ریاست كوى ناپليون رئيس جمهور را ده سال قرار دادند ـــ جمعيت فرانسه در اين سال هفتاد و یک کرور و دویست و هشتاد و یک هزار و هشتصد و بیست و یک نفر بود. افریقا (مضر) \_ ایالت مضر قبول تنظیمات جدیده را نمی نماید \_ به توسط کمپانی انگلیس راه آهن از اسکندریه به قاهره ایجاد شد.

امریکا (اتائونی) \_ ایجاد راه آهن مابین کانادا و بُستُنْ شد \_ کتابخانهٔ دولت در این سال آتش گرفت. (مکزیک) \_ شورش و انقلاب در اکثر بلاد این مملکت پدیدار آمد \_ دولت انگلیس با کمال تشدد مطالبهٔ طلب خود را می نماید. (بنگی دنیای جنوبی) \_ ژنرال اِشنیک در پرو ریاست یافت \_ عهدنامه مابین مُنتوو یدو و برزیل برقرار گردید.

## [سنة ١٢٦٩ هجرى = سنة ١٨٥٢ مسيحي]

آسیا - (ایران) - در این سال اراض حان ترکمان با شصت نفر از رؤسا و ریش سفیدان تراکمه سرخس برای تعهد جدم تگذاری به مشهد مقتس آمدند که همیشه مقیم مشهد و غیره و نوکر دولت و مشغول خدمت باشند - عمارات مرحوم عبدالله میرزا و در وازه های زنجان که در مقدمه طایفهٔ ضاله بابیه خراب شده بود حسب الامر تعمیر شد - در کارخانهٔ بلورسازی و چینی سازی دارالخلافه خوب کار می کنند - محمد کریم میرزا از جانب علی خیان سیستانی عریضه خدمت نواب حسام السلطنه نوشته که او را به خدمتگذاری دولت علیه قبول و یک بیرق نشان شیر و خورشید برای سوارهٔ او مرحمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و متقبل و محورشید برای سوارهٔ او مرحمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و متقبل کریم دادخان بیگلر بیگی هزاره دوهزار خانوار هزاره و باخرزی را با پسر خلیفه مرو و کدخدایان سار وق و سالور روانه به طرف ارض اقدس نمود - در ششم صفر جشن ولادت همایون را در تمام ممالک محروسه کاملاً گرفتند - نواب احمدمیرزا به جوار رحمت الهی پیوست - افواجی که تازه از هرجا گرفته شده بود مشغول به مشق شدند - از غرایب آنکه در مزرعهٔ برف آباد از توابع هارون آباد من اعمال مشق شدند - از غرایب آنکه در مزرعهٔ برف آباد از توابع هارون آباد من اعمال کرمانشهان خرمنی که پنجاه خروار گندم پاک کرده داشت و صاحبان آن حاضِر

شـده کـه حـمـل نـمـايـند يک دفعه مانند سنگ آسيا به چرخ افتاده به زمين فرورفته به طوری که روز دیگر چند درع زمین را کندند آثاری فی الجمله از گندم بود، بعد آن آثـار هـم بـه کــلــی مـحـو و معدوم شد و اشخاصـی که حاضِر بودند و این واقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که یک نفر از آنها بمرد و باقی مدهوش شدند ــ بنای چاپارخانه در ساری و اشرف شد ــ پنج سیر تخمپنبه دانهٔ ینگی دنیائی را در بلوک خوار کاشتند و یک خروار و پنجاه من جوزق برداشته و دانههای جوزق را که در بعضی از بتههای آن شمرده بودند دویست و پنجاه و دويست و هشتاد بلكه سيصد دانه جوزق داشته ــ ميرزا سعيدخان مؤتمن الملك دبير مهام خارجه به حمايل و نشان سرتيپي اوّل مكلّل به الماس سرافراز شد ... نواب ایلدرم میرزا به پاداش تنبیه اشرار طایفهٔ کاکاوند و خالدوند لرستانی به عطای یک جبّهٔ ترمه خلعت همایون سرافراز گردید ـ امیرزاده ابراهیم میرزا در ازای خدمت انـتـظـام امور عربستان و ساختن نهر هاشم و بستن سدّ و غیره به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع گشت \_ حاجي قوام الملک به عصاي مرضع مفتخر گرديد \_ متعلّمین دارالفنون را سالی سه مرتبه در حضور همایون امتحان می کنند ــ نواب امامقلی میرزا حکمران کرمانشهان را ملقب به عمادالدوله فرمودند \_ چراغعلی خان نايب الحكومه اصفهان به يك قطعه نشان از مرتبة اقيل سرتيبي با يك رشته حمايل سرخ نـایـل گـردیـد ـــ مـحـال فـریـدن بـه اهـتمام چراغعلیخان انتظام یافته و قلعهٔ على محمّدخان را كه حصانت آن موجب شرارت مشارّ اليه مي شد كوبيدند \_ چند نفر از خوانین بلوچ که انقیادی نداشتند بهوسایط نزد محمدحسن خان سردار حكمران كرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند ــ ميرزا فرج الله خان آجودان توپخانـه حسبالامر برجی جدید در انزلی بنا کرده و نه عرّاده توپ صاف ممتاز ریخت \_ محمّدناصرخان ایشیک آقاسی باشی (ظهیرالدوله) به یک ثوب جبّهٔ ترمه مخلع گردید ــ میرزا زکی سررشته دار اصفهان به یک ثوب جبّهٔ ترمه کرمانی نایل گردید — چهارصد نفر سر باز فوج بهادران به اتّفاق اصلانبیک یاور مأمور بندر بوشهر شدند ... نقاره خانه سردرب ارک جدید البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند ــ چند نفر از ریش سفیدان طایفهٔ آخال تراکمه در ارض اقدس خدمت نواب اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

حسام السلطنه رفته از جانب كل تراكمه مزبوره متعقد خدمت و مستدعي شدند كه داخل در عساكر منصوره باشند \_ ميرزا سعيدخان مؤتمن الملك به منصب جليل وزارت امور خارجه و لقب جنابي و خلعت همايون سرافراز شد ــ محمدخان مصلحت گذار مقیم اسلامبول مرحوم، و حاجی میرزا احمدخان نایب دویم وزارت خارجه به جای او منصوب شد ... میرزا بزرگ قزوینی به منصب کار پردازی ارزنـة الـروم بـرقـرار گردید ـــ جانمحتدخان حاکم ارومی به خلعت همایون سر بلند آمد ... جناب نظام الملک به اعطای یک ثوب لبّادهٔ ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید \_ نواب احتشام الدوله به اعطای یک قطعه نشان مرتبه اوّل میر پنجه گی و یک رشته حـمـایـل سـرخ مفتخر گردید ـــ احمدخان نوائی به یک ثوب جبّهٔ ترمه درجهٔ افتخار يافت ـــ صاحبمنصبان بزرگ نظام حسب الامر روزها بعد از فراغ از مشق به مدرسهٔ دارالفنون آمده علم جنگ ميخوانند \_شيرخان (اعتضادالدوله) ولد خانخانان به منصب سرتیپی سواره استرآباد و خلعت همایون سرافراز شد ــ سرکردگی سواره شاهـــون مشكين را به بيوكخان ولد قاسمخان مرحمت فرمودند ـــ ميرعزيزخان به لقب دریابیگی ملقب و مخلع شد \_ چون ایل شاهسون از طهماسبقلی خان ایل بیگی شاکی شدند او معزّول و رستم خان به خلعت همایون نایل و به جای او منصوب شد ... نصرالله خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب الملک به منصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز شد ــ دختری در كرمان متولد شده كه سه سر داشت و پاهای او کج و کف پای او با پشت پا مثل هم و یکساعت زنده بود ـ در كرمانشهان كرّه الاغي متولّد شد كه يكسّر و دو تن داشت و تمام اعضاى دو تن از هم منفصل بوده دارای چهار دست و چهار یا و دو دُم ولکن زنده نمانده است . محمود خان قراگوزلو (جناب ناصرالملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت علیه مأمور سنت پطرز بورغ به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی از درجهٔ اول با حمایل سرخ سرافراز گردید ــ محتمدصدیقخان پسر یارمحتمدخان حاکم هرات و جمعی از خوانیـن افـغان و غیره که به در بار همایون آمده بودند به خلاع فاخره مفتخر گردیدند \_ سلیمانخان سهام الدوله مسیحی مرحوم شد \_ در گیلان ناخوشی و با بروز نمود ــ هفتاد نفر رؤسای تراکمه مرو نوکری و خدمت دولت علیّه را به میل خود اختیار

نمودند \_ میرزا فتحعلی حان مستوفی به یک ثوب حبّهٔ ترمه مخلّع گردید \_ بارق كومنس صاحبمنصب دولت آستريه كه دوساله به خدمت اين دولت آمده و قبل از انقضای مدت مستدعی مرخصی و معاودت شد لهذا پانصد تومان انعام و شصت تومان قیمت یک طاقه شال علاوه بر سایر مراحم در حق او مبذول و او را مرخص فرمودند ــ سوارهٔ بختیاری و باجلان را ابوابجمع نورمحمدخان سرتیپ نمودند ــ یک ثوب قبای نظامی میر پنجه گی و یک قطعه نشان نقره از مرتبهٔ اقل این منصب با حمايل آن به نواب احتشام الدوله خانلر ميرزا حكمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری مرحمت شد .. حاجی علی خان حاجب الدوله والد مؤلف به اعطای یک ثوب خرقهٔ ابره ترمه بطانه پوست مفتخر گردید ــ محمدتقی خان معمار باشی به یک ثوب جبّهٔ ترمه مباهی گشت \_ فوج جدید قراگوزلو ابوابجمعی احمدخان ولد محمودخان (ناصرالملک) و سواره نظام به سرکردگی امان الله خان (بهاء الملک) برادر محمودخان را به معزی الیه سپردند ... نورمحمدخان قاجار به منصب سرتیبی سرافراز و مخلّع شد ـ زین العابدین خان بیرانوند به سرهنگی و یک طاقه شال خلعت نايل گرديك عبد الحسين خان اشرفي نايب ايشيك آقاسي باشي شـده مـخلّع گردید ـــ مسیو ستانیّو طبیب فرنگی به پنجاه تومان اضافه مواجب و صد تــومان پول دوا که قرار شده هرساله به او مرحمت شود و به یک طاقه شال ترمه نایل و مخلّع گردید ــ یک جعبه تفنگ انگلیسی بسیار ممتاز به سامخان ایلخانی خراسان مرحمت کردند ــ افراسیابخان نردینی با سواره ترکمان که به تاخت و تــاز آن صفحات آمده بودند محار به کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده دستگیر و بقتیه را منهزم کرد ـــ مأموریت مأمورین جزو به ولایات موقوف و مقرّر شد ارسال و مرسول احكمام به توسط چاپاران باشد ــ ميرزا فضل الله وزيرنظام از آذر بايجان به در بار همایون آمده به مراحم مخصوصه و اعطای یک ثوب جبّهٔ ترمه اعلی سرافراز شده دو باره سریعاً حسب الامر معاودت به آذر بایجان کرد \_ ملک الکتاب به اعطای یک ثوب جبّهٔ ترمه نایل و مفتخر گردید ــ چون در ایّامی که در ارومی ناخوشی و با بروز کرد اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شدند چهارهزار تومان نقد و دویست خروار جنس تخفیف به آنها مرحمت شد ... ماهی هزار من شکر سفید

بسیار خوب از مازندران حمل به دارالخلافه می شود ... هم در این سال حاجب الدوله والد مؤلف مأمور ساختن عمارت دوشان تیه گردیده در روی تبهٔ مزبوره عمارتبي بسيار عالى باشكوه وخوش منظر بنا نمود و روز تشريف فرمائي موکب همایون به آنجا یک ثوب کلیجه تن یوش به معزی الیه مرحمت فرمودند و از آن اوان الى الآن نيز بر عمارات دوشانتيه افزوده شده است ـ هم در اين روز موكب همايون از دوشان تيه تشريف فرماى قشر قاجار شده قشون حاضر ركاب مشق کاملی کردند ــ یک ثوب کلیجهٔ تزیوش به آجودانباشی، و معلّمین مشق فرنگی را نیز به همه شال های ترمهٔ کشمیری و غیره خلعت مرحمت فرمودند \_ این اوقات یک روز جناب صدراعظم و جناب نظام الملک و آجودانباشی و جمعی از امرا و صاحبمنصبان بزرگ نظام به مجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلی خان معيرالممالک داير نموده و انواع و اصنياف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حِرَف را تشویق زیاد نموده و خواجه احمد ساعتساز یزدی را که از مشاهیر صاحب صنعتان آیرانست یکصد تومان اضافه مواجب دادند \_ شب دوشنبه دهم جمادي الثانيه يكساعت وبيست و پنج دقيقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص و عام در حضور همایون منعقد گردید \_ اسکندرخان سردار را به حکومت خوی و میرزا هاشمخان را به حکومت نهاوند منصوب فرمودند ــ و سرکردگی سواره خزل به میرمطلبخان پسر هاشم خان تفویض شد \_ مرتضی خان قاجار به منصب قوللر آقاسی باشی گری غلامان سرکاری نایل شد ــ جون در سنهٔ ماضیه در آذر بایجان رعایا به واسطهٔ بروز ناخوشی و با مبتلا به ضرر و حسارت شده بودند محض تفضّل در بارهٔ آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته و ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه تخفیف مرحمت شد ـ نیز یکهزار تومان به اسكندرخان سردار مرحمت فرمودند كه عمارت ديواني خوى را كه قريب الانهدام بـود تـعمير نمايند \_ خليفه عبدالرحمن خليفة مرو پسَر خود را با پنجاه نفر از رؤسا و كدخدايان مروى خدمت نواب حسام السلطنه حكمران خراسان فرستاده اظهار انقياد می نیمیاید و مستدعی است حاکمی از برای مرو از جانب اولیای دولت علیّه تعیین.

شود \_ اردوئی که با عبدالله خان میر پنجه به بلوچستان رفته بود از بمپور و قلعهٔ سر باز و تمامی خاک بلوچستان تجاوز کرده به قلعهٔ سورمیچ حوالی مکران رسیده و در هرجا طایفهٔ بلوچ از بادیه نشین و غیره به تقدیم خدمات پرداخته اند \_ سردار علی خان سیستانی که همیشه اظهار انقیاد به کارگذاران این دولت جاویدشوکت می نسماید این اوقات که امیرعلم خان قاینی و حسن خان جلیل وند به سیستان وارد شده اند بیرق دولت علیه را در سرقلعهٔ کوهه که از قلاع معظمهٔ سیستان و محل تسوق فی خود سردار علی خان است نصب کرده و پسر خود را با پسران دوست محمدخان و ابراهیم خان سیستانی به اسم گروی به میرعلم خان سپرده خود را یکباره در ظل حمایت و ربقهٔ اطاعت این دولت ابد آیت کشید.

چون شاهنشاهزادهٔ اعظم معین الدین میرزا به منصب و لقب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این اوان رسماً این معنی انتشار یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند ــ محتدحس بیک پشر مرحوم محمّدخان مصلحت گذار سابق دولت عليه مقيم اسلامبول به منصب نيابت مصلحت گذارى اسلامبول سرافراز شد ــ حاجی محمدرحیم خان را مأمور بندرعباسی و انتظام آن صفحات فرمودند ــ نواب مؤیدالدوله را حکمرانی ولایت همدان دادند \_ دولتمرادخان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان طایفهٔ ساروق است با بیست نفر دیگر به ارض اقدس خدمت نواب حسام السلطنه آمده مستدعى است كه به خدمتگذارى اين دولت عليه قبول شود \_ میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی به اعطای کلیجه تن یوش مبارک مفتخر گردید ــ نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به یانصد تومان اضافه مواجب نبایل گردید ــ داودخان به حکومت ارامنه و نصارای سرحدّات ارومی و سلماس و خوی سرافراز گردید ــ سلیمانخان چون خدمات به دولت علیه کرده بود بعد از وفات او ولدان او مورد مرحمت شده جهانگیرخان را به منصب سرتیبی و نريمان خان را به نيابت اول آجودانباشي مفتخر فرمودند \_ حاجي ميرزا علينقي باغمیشه به کلانتری تبریز برقرار شد ــ صدو دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این اوقات در مریضخانه دولتی به اهتمام میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت يافتند ــ قشون ظفرنمون كه به طرف مكران رفته بودند قلعهٔ مكران را كه از قلاع

صعبه مستحكمه است تصرف نموده و سردار دين محمدخان كه مقدم بزرگان بلوچستان است بدون اظهار مخالفت از در اطاعت درآمده است، تاکنون به صفحات مکران کسی قشون نبرده بود. در قلاع و نواحی مکران قریب دویست هزار ایل تمکن دارند ــ ذوالفقارخان خمسه ای بهسرکردگی سوار خمسه برقرار گردید ــ منصب سرتیهی فوج نصاری را به حسن خان پشر حاجی بیجن خان مرحمت کردند \_ مالیات قیان بلدهٔ سبزوار را به کلّی بخشیدند \_ نواب اردشیر میرزا را حکومت دارالخلافه باهره دادند به وزارت میرزا موسی ـــ مرض وبا در دارالخلافه بروز کرده است \_ شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب در شیراز زلزله سختی شده و خرابی زیاد رسانیده و تقریباً زیاده از دوازده هزار نفر تلف شدند ـــ صاحبمنصبان و آحاد قشونسي که به همراهي عبدالله خان مير پنجه در فتح قلاع کيج و مکران بلوچستان خمدمت کرده بودند به نشان و انعام و خلعت همایونی سرافراز شدند ـــ در یزد بادی از سممت شمال وزیده که ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته است ـــ در خلخال و خمسه وبا بروز کرد ـــ آقاآسمعیل تحویلدار عساکر منصوره به خزانهداری كل نظام و لقب خانى سرافران گرديد براغعلى خان نايب الحكومة اصفهان مخلع گردید ـ در آخر سامان دشتی که تا بندر گنگان سه فرسخ است تگرگ غریبی بـاریده و خرابی زیاد نموده دانهٔ کوچکتر آن ده سیر وزن داشت. یک دانهٔ آن بر سَر زنبي خبورده في الفور او را هلاك نموده است ــ على خان سواد كوهي كه قراولي ارک پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک به او مقرّر بود مرحوم شد خدمات او را كلاً رجوع به ميرزا كريم خان سرهنگ فوج سواد كوهي فرمودند \_ فضان آقاى سرتيب توپخانه با توپچيان متوقف دارالخلافه و فوج فدوى قراگوزلو ابوابجمعى مصطفی قلی خان میر پنجه قراول شهراند ـــ برج شهر کرمان که خرابی داشت تعمیر شد ــ از غرایب آنکه در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم درآمده که دو سر داشت، در یکسّر سه چشم و سه منقار و در سّر دیگر نه چشم و نه منقار و سایر اعضای آن مستوی الخلقه و چند روز زنده بوده و دانه می خورده بعد از آن مرده است ـــ در قــم و کاشان و اصفهان و مازندران نیز ناخوشی وبا بروز یافت و مخصوصاً در مازندران چندی شدت کرد ـــ میرعزیزخان دریابیگی به اعطای یک قطعه نشان از

مرتبهٔ اوّل سرهنگی سرافراز شد ــ آبادی و ابنیه و عمارات دولتی و غیره دارالخلافه نسبت به چند سال قبل مضاعف شده ــ هزار نفر سوار از تراکمه به عزم تاخت ز قار به طرف شاهرود آمده محمدرحیمخان خبر شده با جمعی سواره و پیاده سرراه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داد ـــ مسیو نمیر معلّم سواره نظام به عطای یک قطعه نشان نقره از مرتبهٔ اوّل یاوری نایل و سه ماهه مرخمص شد که به آستریه وطن خود رود ــ نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به خلعت همایون سرافراز گردید \_ کالسکه ای که به صحابت شعبانعلى خان به افتخار صيدمحمدخان ظهيرالدوله مرحمت شده بود چون به یکفرسخی هرات رسید معزیالیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در كالسكه نشسته داخل شهر هرات شد ــ نواب نصرت الدوله حكمران فارس و بعضى اعيان فارس به خلعت همايون مفتخر شدند ــ نواب عمادالدوله حكمران کرمانشهان نیز به خلعت همایون سرافراز گردید ــ زرگری اسلامبولی در دارالخلافه در كىمال خوبى كار مى كند و يك قطعه جيقة فرنگىساز حسب الامر ساخته كه نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است به نواب نصرت الدوله از حکمرانی فـارس اسـتعـفا نموده و نواب مَؤْيّدالدولة به حكمراني فارس منصوب و مخلّع شد ـــ اسدالله خان اميرآخور به حكومت همدان و خلعت همايون سرافراز گرديد ـــ جهانسوزخان به منصب میرآخوری مفتخر گشت ــ زنی در کرمانشهان با آنکه شوهر نـداشته به یک شکـم چهار طفل آورده، از پدر اطفال از او سؤال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بود و بعد زنانه شده رفته ام و در آنجا آبستن شده ام ــ بالجمله آن چهار طفل هیچیک بیش از چهار ساعت زنده نبودند ــ نواب احتشام الدوله خانلر میبرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری به خلعت همایون سرافراز و اميرزاده جلال الدين مير زا نايب الحكومه لرستان شد \_ عزيزخان آجودانباشي را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند \_ موکب همایون اواسط ماه ذیقعده عزیمت چمن سلطانیه فرمود ــ ناخوشی وبا از همه جا مرتفع شد ــ میرزا محمدخان بيگلر بيكي شيراز ولد حاجي قوام الملك مرحوم شده ميرزا على خان ولد او را به جای او بیگلر بیگی و مخلّع فرمودند، نیز یک ثوب جبّهٔ ترمه به حاجی قوام الملک خلعت مرحمت شد \_ میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه به لقب خانی نایل گردید \_ خان خیوه که بر سر مرو آمده بود شکست خورده علاوه در اردوی او ناحوشی و با افتاده به طرف خیوه کوچیده است \_ اردوی همایون در چمن سلطانیه و عده ملتزمین رکاب اعلی به شصت هفتاد هزار نفر می رسد \_ روز عید قر بان سلام عام با شکوهی تمام منعقد گردید و به جناب صدراعظم در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند \_ به عزیزخان سردارکل و آجودانباشی یک رأس اسب خاصه مرحمت شد \_ طامسن صاحب شارژ دافر دولت انگلیس روانهٔ اردوی پادشاهی گردید \_ سنگ مثانه بیرون آوردن به اهتمام و تعلیم دکتر پولاک شایع شد و در یکسال خود او بیست و سه سنگ درآورد که یکی هلاک شد و باقی بهسلامت رستند.

موکب همایون از چمن سلطانیه عزیمت دارالخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذیحجه تشریف فرمای طهران شد و در تالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت 

حاجب الدوله والد مؤلف که در این سفر خدمات شایان نموده بود به عطای یک ثوب کلیجهٔ تن پوش مبارک مفتخر گردید ... زرگر اسلامبولی آپلیت گرانبهائی که حسب الامر از جواهر خزانهٔ مبارکه ساخته روز عید غدیر در چمن سلطانیه به حضور مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آنرا بیست و پنج هزار تومان قیمت کردند ... برحسب استدعای نواب حشمت الدوله حکمران آذر بایجان پانصد تومان به صنف شعر باف تبریز تخفیف مرحمت شد ... حاجی میرزا محمدخان نایب اوّل وزارت دول خارجه به لقب دبیر مهام خارجه و خلعت همایون سرافراز و از قزوین به آذر بایجان رفت ... قنبرعلی خان که بیگلر بیگی و حاکم شهر تبریز بود احضار و احمدخان نوائی که دیوان بیگی اردوی همایون بود به جای او مأمور و روانه شد ... کلب حسین خان نایب اوّل آجودانباشی به لقب امین نظام ملقب و به خلعت همایون سرافراز گردید.

اروپا \_ (اسپانیول)\_ شخصی قصد قتل ملکهٔ اسپانیا نموده او را مجروح ساخت \_ کاستُن از معارف اسپانیا درگذشت \_ غربای اسپانیا که دارای ادیان مختلفه

هستند به موجب حكم سخت دولت به حسب ظاهر جز به طريقة كاتوليكي نمی توانند عبادت کنند ... وزرای تازه در اسیانیا به صدارت رن کالی برقرار شدند - در جزیرهٔ کوبا و مانیل زلزلهٔ سخت شد. (آلمان) اعلیحضرت امیراطور اطریش به ممالکی که در ایطالیا متصرف بود سفر نمود ــ پرنس شوارت زَنْ برگ صدراعظم اطریش در سنّ پنجاه و دو سالگی به مرگ فجاء درگذشت ... نیز اعليحضرت امپراطور به مجارستان سفر نمود \_ عهدنامهٔ تجارتی مابين اين دولت و دولت عشمانی بسته شد ــ صد و شصت کرور فلُرن مجدداً در این سال دولت قرض كرد ــ نيز اعليحضرت امپراطور اطريش به بران مفر كرده با اعلیحضرت یادشاهان پروس و هانور و غیره ملاقات نمودند ــ هم در این سال در لـهـستان متعلّق به پروس وبا بروز كرده و از آنجا به مملكت پروس سرايت نمود ـــ پادشاه ایالت باد، شارل لِ اوپُلُدْ فردریکِ به سنّ شَصت و یک سالگی درگذشت و پسّر بـزرگ او لـوی چون کـه مـبـتلا به ناخوشی صرع می باشد به شراکت پسّر دو تیم یادشاه مرحوم فردریک بر تخت سلطنت جلوس نمود ــ گرندیُوس وواکش تِرْ از نقاشهای معروف آلمان وفات نمود ـ جمعیت پروس در این سال سی و دو کرور و پنجاه و پنج هزار و يازده نفر مي باشد. (انگليس) \_ ژن رُوسِل صدراعظم دولت انگلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت باید صد و بیست هزار لشکر حريك بهطور ذخيره داشته باشدكه هنگام لزوم به آنها اسلحه و لوازم جنگ بدهند و آنها را به خدمت مأمور كنند ــ وزراى دستهٔ ویگ استعفا كرده وزراي توری برقرار گردیدند ـــ لُرد در بی منصب صدارت یافت ـــ وَلِنْگَتُنْ سردار، و وزیر معروف انگلیس در سَنّ هشتاد و سه سالگی وفات کرد و عزای عام در مملکت انگلیس به جهت فوت او گرفتند ــ مجلس پارلمنت بر ضد دستهٔ وزرای جدید است، وزرای دستهٔ ویگ مجدّداً منصوب شدند ــ جنگ انگلیس با ایالت کافر در افریق هنوز به اتمام نرسیده است. دولت انگلیس به بیرمان اعلان حنگ نموده و عساكر از كلكته و مدرس به بيرمان فرستاده و فتوحات در آن مملكت نموده است ــ به جهت انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار نفر از انگلیس در مدّت یکسال به استرالی مهاجرت کردند ـ کشتی های جنگی انگلیس که در این وقت موجود

می باشد صد و سی و سه فروند است، آنچه در کشتی سازخانهٔ دولتی می سازند بیست و یک فروند است ــ در این تاریخ در جزایر انگلیس یازده هزار و صد و پنج هزار ذرع بعنی هزار و صد و پنج کیلومتر راه آهن دایر است در ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معدن طلا تا این وقت معادل چهل کرور طلا وارد انگلیس شده ... تُماس مُور شاعر معروف ایرلندی در این سال فوت شد. (ایطالیا) - کونت گوور به وزارت ماليه و بعد به وزارت بحريه و آخرالامر به منصب صدارت يادشاه ييمن برقرار شد ـ در ساردین و بعضی جاهای دیگر شورش نمودند ـ مجلس شورای مملکتی در رومه منعقد گردید کوه آتشفشان اتنا طغیان نمود. (پرتوغال) با یک كمپاني معاهده نمودند كه از ليزبن پايتخت مملكت تا سرحة اسپانيا خطراه آهني مستد نمایند. (بلژیک) - عهدنامهٔ تجارتی برضرری با فرانسه بست - وزرای تازه به صدارت بروکر نام تعیین شدند ... روزنامه های باژیک را سخت ممانعت نمودند که نیسبت به شخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد ننویسند و این فقره به خواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمي شد ولي آخر موقع قبول يافت. (دانمارک) \_ ایالتین اسلشویک و هلستن دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند که دخلی به وزرا و پالمنت دانمارک ندارند. (روس)-اعليحضرت اميراطور روس با اعليحضرت امپراطور اطريش در وين و با اعلميحضرت پادشاه پروس برادر زوجهٔ خود در برلن ملاقات نمودند ـــ يرنس دولوشتان برگ داماد اعلیحضرت امپراطور وفات نمود ـ در اواخر پائیز در سنت بطرز بورغ وبا بروز كرد ــ راه آهن دولت روس در اين سال سيصد و بيست هزار ذرع است. (عشماني) ــ رشيدپاشا صدراعظم عشماني در ظرف سهماه عزل و نصب شد \_ در شامات دردی و راهزنی بی حد است \_ علی پاشا بهجای رشیدپاشا صدراعظم شد \_ فواد افندی به منصب وزارت خارجه رسید \_ ابتدای خیال استقراض دولت از خارجه و معادل ده کرور تومان پول ایران و این فقره بهواسطهٔ عدم رضایت روس و اطریش و بعضی از اهالی خود عثمانی انجام نمی یابد ــ به ایالت مضر اجازه می دهند که مستقلاً از انگلیس قرض کند ــ شورش طایفهٔ دِروز در شامات و شورش اهالی منتنگرو و هرزگوین که مالیات

نمی دهند ـــ مأموریت عمر پاشا با بیست و پنج هزار از قشون به تنبیه اهالی منتنگرو و هرزگوین. (فرانسه) ــ در بیرق های فرانسه علامت و تصویر عقاب را که ناپلیون اقل اختراع کرده و مذتی متروک بود برقرار نمودند ... مسکوکات به اسم و تصویر پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری منقوش خواهد بود ... ریاست دهساله لوی ناپلیون را عـمـوماً قبول نمودند ـــ محلس سنا كه عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد برقرار گردید ــ املاک و اموال لوی فلیب پادشاه سابق فرانسه و اولاد او را حکم به ضبط و فروش نمودند ــ ریاست مجلس سنا به پرنس ژرم عموی رئیس جمهوری قرار می گیرد ـ قانون دولتی موسوم به قانون ناپلیون می گردد روز پانزدهم ماه او که روز مولود ناپلیون بوده جشن می گیرند ــ رئیس جمهوری فرانسه به ایالات جنوب بورژلین، بُردو، و تور سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب مى كنند ـ امير عبدالقادر والى الجزاير كه در حبس فرانسه بود رئيس جمهور در عبور از شهر امبُواز، أو را از حبس بیرون آورده [به] بروسا از خاک عشمانی می فرستد ــ ورود رئیس جمهور به پاریس با کمال شوکت و جلال در عـمـارت سنت کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را به حضور او، و تمنا کردن که قبول رياست جمهور را مادام العمر نمايد بالاخره در ماه قوس اين سال اغلب اهالي فرانسه جمع شده پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری را ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندنند و پرنس ژرم عموی لوی ناپلیون را ولیعهد او قرار دادند ـــ مارشال ژراؤ، و مارشال اِکْزُمان ا فوت شدند ــ کشتی های جنگی فرانسه در این سال یکصد و هشت فروند بود. (هلاند) کشتی های جنگی هلاند در این سال چهل فروند است. (یونان) ـ اهالی یونان تمکین نمی کنند که متابعت کشیش بزرگی که در اسلامبول است نمایند و به واسطهٔ تکلیفی که دولت به آنها می نماید در بعضی ایالات شورش می شود ... در سواحل یونان طوفان سختی شد.

افریقا \_ بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت نموده به لی بریا که یکی از نقاط افریقا است آمده در این ناحیه یک جمهوری شبیه به جمهوری ینگی دنیا

مرآت البلدان: إكزل مان.

تشکیل داده اند، ناحیهٔ لی بریا را که در این سال (هزار و سیصد) متحاوز از هفتصد هزار سکنهٔ اصلی دارد که سیاه پوستند و شانزده هزار از آن سیاهانی هستند که از ینگی دنیا مهاجرت نموده به این ساحت آمده اند سدول اتاثونی و انگلیس و باژیک و پروس و برزیل و فرانسه به یک ایالت جمهوری افریق شناختند.

امریکا \_ (اتاثونی) \_ اوّل کشتی که در ظرف نُه روز و سه ربع ساعت از نیکور ینگی دنیا به لیوریل بندر انگلیس آمد کشتی موسوم به آرتیک بود و این سفر در ماه دلو اتفاق افتاد ... جمهوری اتائونی درصدد فرستادن جمعی از دانشمندان به خاک ژاین می باشد و غرض از این مسافرت انکشاف مسائل جدیده می باشد زیرا که بنادر ژاین تا آنوقت برای هیچیک از ملل باز نبود ـ از اهالی چین چندهزار نفر به جهت کار کردن در معدن طلای کالیفرنی از مملکت خود به اتاثونی می آیند \_ كـلّـيّـسنا از معارف اتائوني درگذشت ـــــــرانسه و انگليس هرقدر خواستند اتائوني را با خود متحد كنند كه دولت اسيانيا را در نگاهداشتن جزيرهٔ كوبا تقويت كنند قبول نکرد \_ کشتی های جنگی اتائونی در این سال سی و شش فروند بود. (ینگی دنیای جنوبی) ـ ابتدای خیال مردم در حرکت بر روی شظ آمازُنْ با کشتی های بخار در این سال بود ــ خرید و فروش غلام و کنیز در دولت برزیل به وساطت انگلیس موقوف شد ـ توضیح آنکه شط آمازُن از تمام شط های روی زمین عظیم تر و بزرگتر است حتی از نیل. سرچشمهٔ این شط از جبال آند است بعد از طتی پنج هزار و چهارصد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا به محیط اتلانتیک مى ريزد. در حوالي سرچشمه در جاها كه عرض اين شط خيلي كم است سه الى پنج هزار ذرع است امّا نزدیک به دریا عرض این شط دویست و هشتاد و شش هزار ذرع می باشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع، زیادی آب این شظ به حدیست که وقتی که به محیط می ریزد به مسافت صد و سی و پنج هزار ذرع در دریا طعم آب به هیچوجه تغییر نکرده شیرین است و مخلوط به آب دریا نمی شود. انکشاف

 ۲. هزار وسیصد، سال تألیف این کتاب است. در مرآت البلدان عین این عبارات آمده اتما به جای هزار و سیصد، هزار و دویست و نود و چهار است که سال تألیف مرآت البلدان است. این شط در سنهٔ هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد.

## [سنهٔ ۱۲۷۰ هجری = سنهٔ ۱۸۵۳ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی به یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ تن یوش مبارک سرافراز گردید ــ و این ایام حکم همایون شرف صدور یافت که قلعهٔ مضبوطی در مرو ساخته به قدر ضرورت ساخلو قشونی در آنجا گذارده شود. خلیفهٔ مرو که عریضه ای مشعر بر اظهار عبودیت به در بار معدلتمدار فرستاده بود از جانب ستى الجوانب خسروانه فرمان همايون مبنى بر شمول مراحم ملوكانه خطاب به معزی الیه صادر و یک ثوب جبّهٔ ترمه به رسم خلعت و سیصد تومان انعام نقد به افتخار او مبذول شد و چون خوارزميها محصول و زراعت آنها را چرانيده و به واسطهٔ كمى غلّه در صفحات مرو عسرتي حاصل است امر فرمودند هزار خروار غلّه به آنها بدهند که از این رهگذر آسوده باشند این اوقات فیمابین دولت روس و عثمانی بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوره مأمور آذر بایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بي نظمي حادث نشود ... جناب إتّب صاحب، قنسول دولت انگلیس به مرخصی آن دولت چندی به وطن خود رفته بود، این اوقات مجدداً به دارالخلافه معاودت نمود ـ هادىخان ولد مرحوم عبا قلى خان مير پنجه را به سرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده روانهٔ خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید ــ علی خان سرهنگ فوج چهارم تبریز به منصب سرتیبی و نایب اؤل آجودانباشی گری سرافراز شد \_ میرزا زین العابدین سروشته دار مهاجر و سواره به منصب لشکرنویسی رسید \_ جبرئیلخان پسر آقالرخان گرجی نایب دویم آجودانباشی گردید \_ علیقلی میرزا پسر نواب عمادالدوله به منصب سرتیپی سرافراز و از جانب نواب عمادالدوله به حکومت کلیائی رفت ــ نظام الملک به رتبهٔ شخص دویمی و نیابت صدارت عظمی و لقب جنابی و تمثال همایون و حمایل آبی و سبز که مخصوص شخص دویمی است نایل و به وزارت شاهنشاهزاده معین الدین میرزا نیز منصوب گردید ــ عبدالله خان میر پنجه در ازای خدمات بلوچستان و تسخیر قلعهٔ

بافتان به نشان میر پنجه گی سرافراز گشت ــ محمدیوسف خان سرتیپ به پیشکاری ميرزا كوچكخان سرهنگ فوج جديد كرماني از جانب محمّدحسنخان سردار به حکومت یزد رفت ــ سر پرستی ایل شگاک ارومی را به حسنعلی خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند ـــ اسدالله خان حاكم همدان به لقب معتمدالملكي ملقب گردید \_ به قدر پانصد ششصد نفر از طایفهٔ ضالهٔ بابیّه در نیریز جمع شده و در کوه نـزديـک نـيريز سنگرها به جهت خود ساخته بودند. نواب مؤيدالدوله حکمران فارس ميرزا نعيم لشكرنويس وحاكم نيريز والطفعلى خان سرتيپ را با فوج شقاقي وغيره و چند عرّاده تـوپ مـأمـور دفع آنـهـا نـموده بعد از جنگی سخت سنگرهای آنها را مسخّر، و صدنفر از آنها عرضهٔ شمشیر، و باقی را دستگیر کرده قلع ریشهٔ فساد آنها را از آن حدود نمودند ـ حاجی یوسف خان سرتیپ ایل بیگی مغان شد ـ عباسقلی خان هشترودی حکومت هشترود یافت ـــ ناخوشی و با بالمرّه از جمیع بلاد مـمالک محروسه مرتفع شد ـــ میرزا ابوالقاسم تفرشی به سررشتهداری دفتر استیفا و دویست تومان اضافه مواجب نایل گردید \_ میرزا محمّدحسین صدر سفیر مخصوص از سفارت سنت پطرز بورغ معاودت کرد ــ قافلهٔ بخارا که عازم مرو و مشهد مقدّس بـود مـیراحمدخان جمشیدی با هزار نفر سوار اوزبک به جلو آنها رفته و قافلهٔ مزبوره در چهارجو ماند. بهادرخان حسن خان سبرواری را با سیصد نفر سوار فرستاده، سوارهٔ میبراحیمدخان را منهزم و برخی را مقتول نمودند، و قافلهٔ مزبوره بدون آسیبی به مرو آمد. برحسب استدعای خلیفهٔ مرو و مرویها علاوه بر قشونی که سابق مأمور مرو شد این اوقات نواب حسام السّلطنه والی خراسان سه فوج سر باز و پانصد نفر سوار و پنج عرّاده توپ و خمهاره با قورخانه روانهٔ مرو نمودند که آنجا را از تعرّضات اُرگنجی محروس دارند ــ نواب حسام السلطنه به اعطاى يک ثوب كليجه تن پوش مبارك مباهی گردیدند ــ دوهزار سوار بخارائی و غیره که در نزدیکی مرو سکنی داشتند و دست اندازی به مال و جان مردم می کردند فرار نـمودند ــ چهارشنبه چهارم ربيع الثانى بندگان اعليحضرت شاهنشاهي عز نصره به جهت امتحان متعلمين به مدرسة دارالفنون تشريف فرما شدند ــ چون مابين شيرعلى خان يشر اميردوست محمدخان حاكم كابل و سردار كهندل خان سردار قندهار تقاري

حاصل شده بود عبدالله خان سیستانی را با فرامین و احکام مأمور آن صفحات فـرمـودمـد کــه آنــها را به راه مودّت و اتحاد دلالت کند ـــ سردار سلطانعلی خان پــَــر سردار کهندل خان که به خاکیای مبارک آمده بود او را به لقب مظفّرالدوله ملقّب و مخلّع فرموده به صحابت او خلاع فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندلخان و رحمدل خمان و مهردل خان و سایر خوانین مبذول داشتند ــ خسروخان والی حاکم قزوین به عطای یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک سرافراز گردید \_ میرزا محمدحسین صدر دیوانخانه ملقب به عضدالملک گردید \_ کارمک صاحب حکیمباشی آذر بایجان به عطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجهٔ اوّل نایل گردید ـ برجیس صاحب مباشر روزنامه و مترجم دیوان، و میرزا عبدالله روزنامه نویس به خلعت همایون سرافراز گردیدند ــ حاجي بابا پسر مرحوم آقاحسين ملک التجار بـادکوبهـای به عطای یک قطعه نشان درجه دویم سرهنگی مفتخر گردید ــ کبیتان زطی صاحب منصب مهندس از اهل آستریه و مسیو چارنوطا معلم علم معدن که <sub>در</sub> خىدمىت دولت ايران بودند وفات كردند ـ قاسم خان صاحبجمع به يک قطعه نشان سرهمنگی از درجهٔ اوّل، و یک رشته حمایل سفید، و یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ کرمانی سرافراز شد ــ یک ثوب خرقهٔ ترمهٔ بطانه خز، تن پوش مبارک به نواب والا فریدون ميرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند ــ اميرزاده عبدالباقي ميرزا ولد نواب مؤيدالدوله حكمران فارس به خلعت همايون سرافراز شد \_ عاليجاه ملااكرم مستوفي هرات چند رأس اسب به رسم پیشکشی از جانب صیدمحمدخان حاکم هرات به خاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید ــ قشون مأمور مرو را جمعیّت کلّی از تراکمهٔ سرخس و خوانین آنها استقبال کرده و منتهای خدمتگذاری را از آنها نموده و دویست نفر سوارهٔ سرخس تا مرو همراه اردو رفتند ـــ ترکمانان طرنی نیز خدمت نواب حسام السلطنه والى خراسان آمده و نواب معظم همه را مستظهر به مرحمت نــمـوده انــد ــــ شيرخان ناظر به لقب عين الملكى و يك قطعه گل كمر مرضع مفتخر گردید ــ جهانسوزخان امیرآخور به یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ بطانه خز، تن یوش مبارک سرافراز شـد ــ آقـامحمدحسن صندوقدار به عطای یک ثوب لبادهٔ ترمهٔ بطانه پوست مباهى گرديد ــ آقامهدى ملک التجار حسب الامر بعضى روزها مجلسي از اعيان

تجار در سرای امیر تشکیل داده در ترقی امر تجارت مذاکره می نماید ... محمدعلی خان بختیاری هفت لنگ که به دردی و شرارت معروف و در یکی از قلاع صعبهٔ آنجا متحضن بود به اهتمام نواب احتشام الدوله حكمران عربستان و لرستان و بختيارى و بروجرد قلع و قمع گردید ـ قشون مأمور مرو وارد مرو شده مرویها پذیرائی و استقبال از آنها نمودند \_ نواب مؤيدالدوله حكمران فارس به يك قطعه نشان اميرتوماني و حمايل مخصوص اين رتبه و يک ثوب جبّه ترمه از جانب سنّي الجوانب مباهمی گردید ــ نواب فریدون میرزا فرمانفرما به حکمرانی خراسان نایل شدند، و ميىرزا فبضل الله وزيرنظام را متوليباشي حضرت رضوي سلام الله عليه و پيشكار امور خراسان فرمودند ... نواب شاهنشاهزاده اعظم امیرقاسم خان را منصب امارت نظام مرحمت فرمودند \_ نواب نصرت الدوله به نيابت نواب مستطاب وليعهد دولت عليه مأمور به حکومت آذر بایجان گردیدند ــ میرزا صادق مستوفی به لقب قایم مقامی و پیشکاری کل امور آذر بایجان سرافراز گردید ــ سالارمهدی خان و ولد ملّوک و سالارلله بلوچستانی نزد محمّد حسن خان سردار حکمران کرمان و یزد آمده تعقد خدمتگذاری به دولت علیه می نمایند \_ شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به یک قطعه نشان سرتیبی از مرتبهٔ اوّل و حمایل آن سرافراز گردید \_ شال بافی کرمان خیلی ترقی کرده است ـ شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الشانیه هفت ساعت و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام حاص تحویل و سلام عام روز عید نوروز در پیشگاه حضور مهرظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دامملکه منعقد گردید ـــ بندرعباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب اولیای دولت علیه به عهدهٔ شیخ یوسف خان محوّل بود بعد از شیخ یوسفخان شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیگر به خیال خودسری افتاده صیدثوینی پسر امام مسقط را به بندر آورده با او عهد و میثاقی کرده و دور بندر خندقى حفر و آذوقه و توپ و قورخانه و جمعيت از امام مسقط و صيدئويني دریافت نموده بنیست و هفت عرّاده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهائی که در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بود و به سنگر قشون دولت عليّه گلوله مي انداختند. نواب مؤيّدالدّوله اميرزاده ابوالقاسم خان را با توپخانه

و فوج گلپایگانی ابوابجمعی نصرالله خان و فوج شقاقی لطفعلی خان با مصناهی قلی خان با استدا سنگرها و خانه های شهر را به تصرف درآوردند، از آن طرف هم صیدمحمدخان برادرزادهٔ امام مسقط با چند جهاز و جمعیت، و زیاده از پنجاه عرّاده توپ به امداد آنها آمده تا در روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفرنمون یورش برده به قهر و غلبه شهر را مسخر کردند و قشونی که به کمک مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شدند که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را به بغله و جهاز برسانند و به دریا افتاده غرق شدند به همچنین قلعهٔ کهیز که از قلاع صعبهٔ گرمسیرات کرمانست و به هوای بندرعبّاس اهالی آن نیز دم از خودسری می زدند روز ششم کرمانست و به هوای بندرعبّاس اهالی آن نیز دم از خودسری می زدند روز ششم کرمانست و به هوای بندرعبّاس اهالی آن نیز دم از خودسری می زدند روز ششم کرمانی از جانب محمّدحسنخان سردار حاکم یزد و کرمان به گرفتن آن قلعه مأمور بودند درآمد.

جناب صدراعظم به یک قطعه نشان امیرتومانی اعظم و یک رشته حمایل سبز که اقل نشان این دولت علیه و مخصوص شخص اقل است و تاکنون به هیپچیک از وزرای سابق مرحمت نشده و یک رشته شرّابهبند کاغذ مکلل به الماس و مروارید نایل و به لقب آلتسی (اشرف امجد) سرافراز آمدند \_ حاجی جابرخان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را به شیخ حاکم که محصل مالیات شظ العرب است مفوض نمودند \_ جناب مسیو انچکوف شارژ دافر دولت روس روز شانزدهم رمضان وارد دارالخلافهٔ باهره، و دو روز بعد با اجزای سفارت به حضور همایون مشرف شد \_ روز عیدفطر سلام عام در نیاوران انعقاد یافت \_ حاجی محمد تاجر تبریزی که برحسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و صنایع ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریخته گری و آهنگری و چیلانگری به سنت پطرزبورغ رفته بود این اوقات مراجعت ریخته گری و آهنگری و چیلانگری به سنت پطرزبورغ رفته بود این اوقات مراجعت کرده همگی مورد تفقدات امنای دولت ابدآیت شدند و مقرر شد عجالتاً برای دو دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ راه دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ راه دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ راه بیندازند و به محمودخان (جناب ناصرالملک) مصلحت گذار مقیم سنت پطرز بورغ

اعتمادالسلطنه

نوشتند که دو دستگاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال نماید و حاج مشارًالیه به مازندران رفت که بنای کارخانهٔ شکرسازی در آنجا بنماید و در این اوان شکرسفید از مازندران آوردند که بهتر از شکر خوب هندی بود ــ عبائی در كاشان از ابريشم به عمل آوردند كه مثل عباهاى خوب نجف اشرف و كربلاى معلّی است و حکم شد از این عباها ببافند ــ حاجی محمّد شریف خان قاجار به حکومت ارومی، و حیدرقلی خان شادلو به حکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار به حکومت قراحه داغ و یحیی خان ایلخانی به حکومت مراغه نایل گردیدند ـــ وزارت وظایف و اوقاف را تفویض به میرزا محمّدحسین عضدالملک فرمودند ـــ متعلّمین دارالفنون از نتيجه علوم خود كتب مفيده علميه تأليف مي كنند \_ صيدمحمدخان ظهيرالدوله حاكم هرات چند رأس اسب بهعنوان پيشكش به اتفاق سردار صالعخان به در بار همایون فرستاد ـ امیردوست محمدخان حکمران کابل نیز جعفرقلی خان كابلى را چون با عريضه به در بار معدلتمدار فرستاده بود بعد از شمول مراحم كامله و انعامات شامله در حق جعفرقلی خان و همراهان او، او را مرخص و یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ پولک دوز شمسهٔ مرضع و یک رأس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه به انضمام زین و براق تمام طلا برای امیردوست محمدخان و دو ثوب جبهٔ ترمهٔ زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمدافضل خان که در سمت ترکستانست و غلام حيدرخان به صحابت او انفاذ فرمودند \_ نواب احتشام الدوله حكمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری را به عطای نشان تمثال بی مثال همایون مفتخر فرمودند \_ این اوقات سالار مهدی خان با عریضه از جانب خوانین بلوچ نزد محمد حسن خان سردار حاكم يزد و كرمان آمده از جانب آنها اظهار انقياد نمود، ولِي از قرار مذكور اميرعلم خان حاكم دِزَّك جمّازه سوارى نزد ابراهيم خان ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزادخان خارانی جمعیتی جمع کرده به سر دزک بیاید ابراهیمخان نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته که در صورت صدق مستعد دفاع باشند ـ بعضى قنوات عرض راه خراسان را جناب صدراعظم امر به تنقيه نمودند ــ محمدحسن خان پشر سردار على خان سيستاني و شاهيسندخان و ميركمال خان اين اوقات از سيستان به در بار همايون آمده على قدر مرتبتهم مورد

الطاف ملوكانه شدند ــ بعضى خوانين و اشخاصى كه دو قلعة كير فارس و قلاع بلوچستان خدمت كرده بودند اين اوقات خلعت و نشان در حق ايشان على قدر مراتبهم مرحمت شد ـ اين اوقات حسب الامر اسلحه خانة مخصوصي براي اسلحه مستازه و آلات حربيّة سلطنتي بنا كرده و تمام اسلحة سلاطين ماضيه و اين عهد همایون را که همه ممتاز و مزین به طلا و مرضع به جواهر **و از کارهای** اساتید قديمه و جديده بود در آنجا به نظم و ترتيب گذاشند \_ و همچنين كتابخانه مخصوصی برای کتب سلطنتی و قطعات خطوط اساتید به وضع بسیار خوش بنا كردنيد ــ مبالخي تخفيف مالياتي به ارامنهٔ ساكن جلفا و بلوك فريدن اصفهان مرحمت فرمودند \_ و هم این اوقات از طایفهٔ ترکمانیه پانصد نفر سواره به عزم تاخت و تاز به قریهٔ افریزه که یکی از قرای سرحدی قوشخانه است آمده اهالی قلعه آنها را دفع داده پس از یأس ترکمانان از غلبه بر آبادی به سوزانیدن و جرانیدن محصولات پرداختند. يزدان ويردى خان برادر سام خان ايلخاني مخبر شده قدرت الله آقا و غيره و سواره و شمخالچي و غيره را جمع آوري كرده به دفع آنها روانه شد، از آنطرف هم ترکمانان تدبیری اندیشیده قریب سه هزار سوار با بیل و کلنگ و نردبان بر سَر قلعهٔ خیرآباد که از قلاع سرحدی قوشخانه است آمده که آنجا را تصرّف كنند سواره و شمخاليي دولتي جلو آنها را گرفته و با آنكه جمعيت قشون ظفرنمون زیاده از چهارصد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم و متفرق نمودند نظر به این حسن خدمت یزدان ویردی خان یک توب جبهٔ ترمه و یک قطعه نشان از مرتبهٔ اوّل سرهنگی با حمایل آن برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد \_ میرزا حسن خان برادر مرحوم میرزا تقی خان به نیابت حکومت عراق منصوب گردید \_ حبیب الله خان پسر خسروخان کرمانی که رؤسای اشرار بلوچ را به دارالخلافه آورده ببود به عطای یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبای زری مفتخر گردید \_ یک دسته از تراکمهٔ اتک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند. محمدرحيم خان نايب الحكومة بجنورد مستحضر شده برسر آنها رفته آنها را متفرّق ساخته و قلعه که ساخته بودند به کلّی خالی ماند ـــ جناب احمد وفق افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی از در بار همایون رخصت انصراف حاصل و به یک قطعه

نشان تمثال همایون مکلّل به الماس با حمایل آبی از طرف همایون شهریاری ناپل شده حیدر افندی مستشار خود را در غیاب خود به مصلحت گذاری بزقرار نمود ــ راه كـتـل بـالاى افجه كه معبر و راه مازندران ولى بسيار سخت و صعب المسلك بود به حکم جناب صدراعظم به خوبی ساختند ــ در اوایل ماه دیقعده باد بسیار شدید و طوفانی تیره در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریباً صدهزار نخل از نخلستانهای قیر و کازرین و لارستان را از ریشه کنده است ـ فتح کلات و دفع جعفراقای کلاتی که چندی بود در ظاهر منقاد ولی در باطن مخالف دولت قوى بتنياد بود به امر و اهتمام نواب فرمانفرما حكمران خراسان و ميرزا فضل الله وزيرنظام، و به ياداش اين خدمت خلاع فاخره براى نواب فرمانفرما و وريرنظام مرحمت و ارسال شد ــ دوشنبه دهم ذیحجه که روز عید قربان بود در داودیه جناب صدراعظم سلامعام در حضور همایون شاهنشاهی منعقد گردید ... سنگ مرمری در کسال صفا و زینت با خطوط خوش به جهت مزار مزیت آثار خاقان خلدآشيان (فتحملي شاه) نؤرالله مضجمه تمام كرده با تشريفات كامل يه صحابت ميرزا اسدالله روانة قيم داشتند \_ اسمعيل خان ولد مرحوم بشيرالله چاپارچی باشی در بار و مخلّع گردیده مواجب و جیرهٔ مرحوم بشیرالدوله نیز در حق او برقرار و مواجب خود اسمعیل خان به سایر اولاد بشیرالدوله مرحمت شد ... روز عيدغدير سلامعام نيز در داوديه منعقد وعموم چاكران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند \_ خلیفه طاطاوس که بزرگ ملّت ارامنهٔ جلفاست به در بار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکّام و عمّال ولایات نسبت به ارامنه چنانکه باید به رسم عدل و اعتدال حركت نمى كنند لهذا فرامين و احكام مؤكّده به حكّام ولايات صادر شد که نسبت به جمیع ملل که رعایای دولت علیه اند رعایت کمال عدل را بهمایند و خلیفهٔ مزبور را مخلّع و امیدوار اجازهٔ انصراف دادند. (چین) ــ شورشیان از جنوب به سمت شمال حركت كردند شهر نانكن را گرفتند و رأس رئيس ياغيان تَــِنْ تِـهٔ که خــود را از طــایفهٔ مغول و از اولاد قبلایقاآن می داند و سلطنت چین را حَق خودش فرض می نماید ــ کان تُن شهر دیگر را می گیرد، شهر آموی را ضبط مي كند تا حوالي پكن مي راند.

ارویا ... (توضیح: قبل از اقدام به نگارش اخبار اظهار می دارد که بعد از این هرجا ذكري از مسئله شرقیه شد مقصود جنگ دولت روس و دولت عثمانی است كه در سنهٔ هزار و دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه ای که در صلح منعقد شده و قراری که دول متحابه عثمانی در حفظ حدود و ثغور و عدم مداخلهٔ دول دیگر به کار داخلهٔ عشمانی داده اند و شروطی که دولت عثمانی نموده است که نسبت به رعاياي خودش كليتاً على الخصوص به عيسويان تبعة خود چه قسم رفتار كند و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع به دولت عثمانی است اینها را مسئله شرقیّه می نامند و از اینجا که بنای نگارش اخبار ممالک بر ترتیب حروف تهجی است که در اسم آن ممالک رعایت می شود و بنابر اینکه این مسئله تعلق کامل به عثمانی دارد به جای حرف عین نگاشته می شود.). (اسپانیول) ـ فوت دُنْزُكُرْتِسْ از فضحا وعلما که در این وقت سِمّت سفارت کبری را در یاریس داشت \_ نارواوئز که جلای وطن یافته بود اجازهٔ مراجعت یافت ــ افتتاح راهآهن از آران ژواز به تانبلِک. (آلمان) ــ فوت ژنرال رادُو ویدس ــ اهالی شهر میلان ایطالیا که جزو اطریش است به تحریک مازینی بنای یاغیگری می گذارند \_ یکی از اهل مجارستان خیال قتل امپراطور را می کند \_ به مهاجرین پیمن که در میلان بودند از طرف دولت اطریش کمال سختی می رسد ... و یکتُر امانول یادشاه ساردین و بیمن از این فقره به دول فرنگ شکایت می کند ــ قطع مراوده و دوستی مابین اطریش و سویس ـ تاج سلطنت مجارستان و فرقهٔ سن اتتین که یکی از اثمه عیسویانست یاغیهای مجار در سه سال قبل از این سرقت نموده پنهان کرده بودند مکشوف می گردد و به دست دولت اطریش می افتد به در مملکت ساکس عروسی پرنس آلبر وليعهد آن دولت \_ تفصيل قصد قتل امپراطور اطريش از اين قرار است و اين تفصیلی است که از روی روزنامهٔ معروف گازت دوین در بیستم فوریه هزار و هشتصد و ينجاه و سه مسيحي نوشته شده است.

اعلیحضرت امپراطور و آجودانش گنت ادیل بالای دیوار شهر وین خم شده پائین میان خندق را تماشامی کردند که یک دسته قشون در میان خندق مشغول

مشتی بود. بعد از تماشای مشق امیراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش شد. شخصی از اهل مجار علی الغفله بیرون آمده با کارد ضربتی به پشت گردن امپراطور اطریش زد. امپراطور شمشیر خود را کشید که به قاتل زند. گنت ادنل آجودان، خود را بر روی ضارب انداخته کارد را از دست او گرفته بر زمینش افکند. جمعی رعیت که از آنجا می گذشتند آجودان مزبور را کمک نموده قاتل را گرفتند. امپراطور به دست خودش دهنهٔ زخم را نگاهداشته بود که خون زیاد از او نرود. عمارت ارشیدوک آلبر، که در آن حوالی بود امپراطور خود را به آنجا رسانید. بعد از آنکه قدری آرام گرفت به کالسکه نشسته به قضر سلطنتی رفت و بعد از دو سه روز کلیتاً بهبودی یافت. اسم ضارب لُبنی بوده ــ دولت اطریش یک دسته قشون به سرحد عثمانی مأمور می کند که حمایت مُنیّنِگرو و هرزگوینها را بنماید درحالتی که عمر یاشا با منتینگرو و هرزگوین در جنگ است. (انگلیس) ـ گنت کِرْآلانڈن به وزارت خارجه برقرار شدے اعداد خط تلگرافی از مملکت انگلیس به هلاند و بلزیک از زیر دریا لـ افتتاح اکسپوزیسیون بزرگی در دو بأن ــ طائفهٔ کافیر که در سمت افریقا با دولت انگلیس در چنگ بودند طالب صلح شدند ـــ کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ در آن بود به اسم دوک دِ لَنگتُن موسوم شد \_ جنگ با بیرمان در کمال تشدد و گرمی است \_ افتتاح راه آهن هندوستان در بسمبشی \_ فوت گٹ بُورَنْ که از طرف دولت انگلیس مأمور به بردن ناپلیون به جزیرهٔ سنت هِلن بود، و پیتی فاتح سند. (ایطالیا) ــ سفر برادر پادشاه دوک دِژن به پاریس و لندن \_ جرئی شورشی در تورّن پایتخت و در آأست. (بازیک) \_ دوک دِبرابـان که الحـال لاؤپـُـلـد دويّم است به سن بلوغ عرفي که هيجده سال باشد رسیده با پدر خود پادشاه باژیک سفری به بران و وین و ساکس نمود ... آرشی دوشس ماری دختر یکی از شاهزاده های بزرگ مجارستان را به حبالهٔ نکاح آورد \_ پادشاه بلژیک و پسر و عروسش به انگلیس سفر کردند. (پرتوغال)\_ دُناماری ملکهٔ پرتوغال در وضع حمل اولاد هشتم می میزد ــ پسَر بزرگ ملکه دُنْ پِیدْرُ پِنجِم که شانزده سال دارد به جای مادر پادشاه می گردد. (دانمارک) -به واسطهٔ نـداشتن اولاد ذكور پادشاه دانمارک ولايتعهد را به برادرزادهٔ خود كِرْتَيْن

مى دهد. (روس) - ضبط املاك و بيوتات لهستانيها كه بر ضد دولت هستند \_ افستاح راه آهن از سنت پطرز بورغ الى ورشو ــ بسط مملكت و فتوحات در تركستان ــ فـتـح خـيـوه و فـرار خـان خـيـوه به بخارا ــ فوت أيّن ژرْ نويسندهٔ معروف (سُود و نروج) - وبأى شديد در نروج على الخصوص در كريس تبانيا، يايتخت آن مملكت. (سویس) - جمهوری سویس مضایقه در قبول تکلیف بعضی دول می نماید که روزنـامـه نـویـســان آن مملکت را مانع شوند نسبت به سایر ملل و سلاطین خارجه بد نخویسند روزنامه را آزاد می دانند \_ ازبرای هنگام لزوم بیست و هشت هزار قشون حاضِر می کند. (عثمانی) - ابتدای مسئلهٔ شرقیه مدولت روس در ایالت سربستان محرک کشتیهای اسلاواست بر ضد پرنس آلکساندر والی آن مملکت \_ استعفای پرنس شیکا، والی افلاق بغدان به واسطهٔ بودن عساکر روس در آن مملکت - اهالی قراداغ عشمانی در شورش اند بر ضد دولت - دولت اطریش حمایت از آنها می کند \_ سفیری مخصوصاً از وین به اسلامبول به جهت تکلیف بعضی مطالب كه راجع به قراداغ است مي رود \_ دولت عثماني قبول اين تكاليف را مى نمايد \_ دولت روس طالب آزادى و رفاهيت تمام عيسويان تبعة دولت عثماني است ــ پرنس منچیکف وزیر بحریه روس مأمور به اسلامبول و حامل نوشتهٔ سختی است برای سلطان عثمانی، دولت انگلیس و فرانسه به محض اطلاع از این نوشتهٔ سخت دولت روس که تهدید به جنگ است سفاین جنگی خود را به خلیج بزیکا که از آنجا به اسلامبول سی و شش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه می دارند \_ پرنس کرشاکف سردار روس از رودخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است تجاوز کرده تابستان این سال وارد خاک افلاق بغدان می شود ــ و در وین پایتخت اطریش مجلس مشاورهٔ دول که عبارت از کنفرانس باشد تشکیل می یابد \_ سفرای كبار پروس و اطريش و فرانسه و انگليس در مسئلة شرقيه گفتگو مي نمايند ـــ لایجه ای به طور یادداشت از این مجلس نوشته می شود \_ تکالیفی که در این لایحه ضبط بود دولت روس قبول می کند امّا دولت عثمانی رد می نماید \_ کشتی های جنگی فرانسه و انگلیس که جنگ میانهٔ عثمانی و روس را قریب به یقین دیدند در پائینز ورود به اسلامبول می کنند ـ قشون عثمانی به سرداری عمر یاشا از دانوب

عبور کرده در حوالی اولیتیپزا، و تورکائی با قشون روس مقابلی کرده آنها را شکست می دهد، و در همان وقت شروع مخاصمه در اناتولیا می شود ـــ در بندر سینی یک قسمت عمدهٔ کشتی های جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق مى سازند \_ رعايت عيسويها كه تبعهٔ عثماني بودند و روس طالب بود، و في الواقع می خواست آنها را به این اسم در تحت حمایت خود درآورد ــ در این قسمت مملکت فرنگستان عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده می شدند بیست و دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان یا ملل دیگراند ــ پرنس منچیکف وزیر بحریه روس قبـل از ورود به اسلامبول در سوستایل بیست و هفت کشتی جنگی روس را سان دید ــ و مسئله عمدهای که اسباب نقار شد و اعلان جنگ از طرفین کردند این پیود که دولت عثمانی مُصِرّ بر این بود که قشون روس از افلاق بغدان خارج شوند و دولت روس این فقره را نمی خواست ... قشون عثمانی در سمت اناتولیا چند شکست خوردند ــ در سمت از سیر طایفهٔ یتی قاطرچی بنای دزدی و غارت گذاشتند ــ عباس پاشا والی مصر بر ضد روس و خدمتگذار عثمانی است و غدغن بلیغ نمود که حبوبات از مصر به خارج نبرند. دول فرنگ بطلان این حکم را از عشمانی خواستند که به محض تکلیف به عباس پاشا قبول نمود. (فرانسه)-مزاوجت اعلىحضرت امپراطور ناپليون با أژنى صبية يكى از سرداران و بزرگان اسپانیا ــ به واسطهٔ بدی حاصل این سال از اطراف به حکم اعلیحضرت ناپلیون علّه زیادی به مملکت فرانسه آوردند ــ سدی که در شِر بُورک هفتاد سال بود بنا کرده بودند تمام شد \_ در أسئاني نول كالدني به تصرّف فرانسه آمد \_ فتوحات ژنرال بُسْکِه و ژنرال ماکماهون در الجزایر. (هلاند) ــ بنادر جزایر ملوک که از مصرفات هلاند است به تجارت جمیع دولت باز می شود. (یونان) ــ زلزلهٔ سخت در شهر یب مي شود .

امریکا \_ (اقائونی)\_ رئیس تازهٔ جمهوری ژنرال پیرس درصدد وسعت مملکت و آبادی است \_ نقار جمهوری اتاثونی با دولت اطریش به جهت حبس یک نفر از تبعهٔ اتاثونی \_ اکسپوزیسیون عمومی در نیورک. (مکزیک)\_ آریستا رئیس

جمهوری اضطراراً استعفا نموده از مکزیک خارج می شود \_ سان تا آنا به جای او منصوب و قوانین جدیده ایجاد می کند و قشون را منظّم می سازد و تمنّای این را از ملّت دارد که مادام العمر رئیس بوده ولیعهدش که باید بعد از فوتش به جای او باشد خود معیّن کند.

## [سنة ١٢٧١ هجرى = سنة ١٨٥٤ مسيحى]

آسيا \_ (ايران) \_ چون خاطر همايون پادشاهانه همواره متوجّه آسايش عموم اهالي كشور و لشكر است بعد از فتح كلات مقرّر فرمودند سيورسات قشون ساخلوي آنجا را درست به آنها برسانند که همیشه آذوقهٔ پنج ششماهه حاضِر داشته باشند و به اهالی کلات نیز کمال مرحمت میذول افتاد ــ ریش سفیدان و رؤسای تراکمه سرخسی از طایفهٔ آقتمش و تُقتمش که هر طایفه دوازده تیره و هر تیره هزار خانواراند به خدمت نواب فرمانفرما حكمران خراسان آمده اظهار انقياد و استدعاي خدمتگذاری به این دولت علیه را نموده قرار و مداری که باید داده راه اطاعت مى ييسايند \_ قلعة روئين در نهاوند را تعمير كردند \_ نواب سيف الله ميرزا به حکمرانی قزوین برقزار گردید ــ شب عید مولود همایون همه جای ممالک محروسه جشن گرفتند و سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت ــ نواب مصطفی قلی میرزا حكمران مازندران مرحوم، و نواب احمد ميرزا به حكومت مازندران و خلعت همايون سرافراز شد و میرزا اسدالله مستوفی به وزارت مازندران برقرار و مخلع گردید \_ مهرعلی خان سرتیپ افواج فارسی را به لقب شجاع الملکی و خلعت همایون مفتخر و جميع قشون فارسى را ابوابجمع مشار اليه فرمودند \_ ميرزا عبدالرحيم آجودان وزارت خارجه به منصب نيابت اول سفارت دولت عليه مقيم اسلامبول و لقب خمانسی سرافراز و مخلّع و روانهٔ محل مأموریت شد ـــ میرزا حسین خان (سیهسالار اعظم مرحوم) کار پرداز سابق بمبئی به منصب ژنرال قونسولی مأمور تفلیس و به اعظای جبّهٔ ترمه از ملابس خاصه سرافراز شد ــ سیف الله خان شاهسون مرحوم شد و سرکردگسی سواره شاهسون را به برادر او لطف الله خان مرحمت فرمودند و برادر

کوچکتر آن مرحوم هدایت الله خان به منصب ایل بیگی گری طایفهٔ مزبوره برقرار گشت \_ جناب حاجي ملااسدالله معروف به حجة الاسلام از علماي معتبر بروجرد به مرض مطبقه به جوار رحمت الهي پيوست ــ در حوض سلطان كه آب كم بود به حکم جناب صدراعظم اسطخرهای آب ساختند ــ عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر نـمودند ـــ نواب فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدّات و حول و حوش کلات به طرف آخال رفته که آن حدود را هم نظم درستی بدهند ــ حسنخان یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانهٔ مبارکه سرافرازگردید ــ حیدرعلی خان سرهنگ که در سفر خراسان خدمات کرده به نیابت اول آجودانباشی سرافراز و مأمور آذربایجان شد \_ شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسهٔ دارالفنون گردیده متعلمین را پس از امتحان مفصلی به فراخور ترقیّات، اعطای خلعت و انعام یا مواجب و نشان فرمودند. و محمّدخان میر پنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود به یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک سرافراز گردید، و رضافلی حال ناظم مدرسه نیز به خلعت همایون مفتخر گشت \_ گنبد مطهر حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام را حسب الامر تعمیر و طلا کردند ــ نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که به طرف آخال و نظم آن حدود رفته بودند تركمانان اتك نشين با بعضى از سياه منصور دوچار و پس از قدري محاربه منهزماً فرار كرده نواب والاجميع اماكن وقلاع آنها راكه سي و شش قلعه بود منهدم و حراب و تمام آذوقه و اسباب و تر و خشک آنها را نیز به آتش قهر می سوزانند و بنابر اهتمامات نواب معظم در نظم آن صفحات یک ثوب قبای ترمهٔ تنپوش مبارک و یک قبضه کارد دسته مرضع مکلّل به الماس از جانب سنى الجوانب همايون براي نواب معظم انفاذ و ملتزمين خدمت و همراهان فرمانفرما را نیز به عواطف و خلاع فاخره و امتیازات دولتی سرافراز می دارند ــ جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعهٔ تبریز مرحوم شد ــ در این اوقات قافلهای که از هرات به مشهد مقدّس مي آمده گرفتار محمّدشيخ و اسير شده اند و خبر به صيدمحمدخان ظهيرالدوله رسيده جمعيتي را به استخلاص آن قافله فرستاده سوارهٔ جامىي و خوافي و هزاره به امداد جمعيت هراتي رفته با همراهان شيخ محمّد جدال

نـمـوده بـرخي را مقتول و بسياري را منهزم و أسرا را خلاص نموده فراريها را تعاقب کردنـد چون اسـرا و گـوسـفندانی که از تراکمه پس گرفتند متعلّق به رعایای دولت عليّه بودند نواب فرمانفرما و وزيرنظام به صيدمحمدخان نوشته بودند كه غدغن نمايند سوارهٔ هراتی اسرا و گوسفندان را رد نمایند و چنین کودند ــ محمدعلی خان بختیاری چهارلنگ که مدّتی بود مصدر شرارت شده و در قلعهٔ در که از قلاع مخكمه است متحصن گرديده اميرزاده ابراهيم ميرزا براي دفع او استعدادي فراهم آورده و بنر شنر قبلعنه او رفيته پس از سه چهار روز کوشش و محار به قلعه را مسخّر کرده و محمدعلی خان نیمه شبی فراری و متواری شد و امیرزاده را به یاداش این خدمت از طرف دولت به یک ثوب جبهٔ ترمه مخلّع فرمودند \_ محمدولی خان بیگلر بیگی حکمران استرآباد به یک قبضه شمشیر یراق طلا گل مرضع سرافراز شد \_ جعفرآقای کلاتی که بعد از فتح کلات فرار به خیوه کرده بود به قرایاب شتافته و سرتیپ را مطلع نموده معزی الیه دسته سر بازی به کمک سر بازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت زد و خورد با آنکه شب بوده شکست فاحشی به سوارهٔ قرایابی داده همه را مقهور و متفرق می نمایند ــ پل خواجوی اصفهان را تعمیر کردند ــ شیلات مازندران و استرآباد را به میرعلی اکبرخان دریابیگی و میرعبدالصمدخان سپرده و مشارالیهما را مخلع فرمودند ــ میرزا حسنخان نایب الحکومة عراق دکناکین شهر سلطان آباد و باغاب و عمارت دیوانی را مرقمت و تعمیر و غرس اشجار كرده و از بلاد ديگر از هر قبيل ار باب صنايع به اين شهر آورده سكني داد ــ محمّدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در قلع و قمع و قتل و اسر اشرار بلوچ که به قصد تاخت و تاز و دست بُرد بعضی از حدود کرمان آمده بودند شرط خدمت بهجای آورد ــ عیسی خان والی حکمران گیلان به یک قبضه کارد دسته مرضع و یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک مخلّع و برای معزی الیه فرستاده شد ــ منصب تحویلداری قورخانه با یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ کرمانی به حاجی میرزا موسی خان مرحمت شد ــ در ازای خدمات بندرعباس یک قطعه نشان سرتیبی اول با یک رشته حمايل سرخ و يک ثوب جبّهٔ ترمه به اميرزاده عبدالباقي ميرزا ولد نواب مؤيدالدوله و يك قطعه نشان مير پنجي و يک ثوب جبّة ترمه به عبدالله خان اعتماد السلطنه

صارم الدوله مرحمت شد، همچنین به سایر صاحبمنصبان بذل مراحم و امتیازات گردید \_ نظر به خدمات نمایان رضاقلی خان سرهنگ عرب و فوج عرب در فتح بندرعباس، او را به منصب سرتیبی سرافراز فرمودند \_ محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج اصفهان به خدمت اخذ امیر احمدخان اوزی که از جملهٔ اشرار فارس بود و تخریب قلعهٔ او، به یک ثوب جبهٔ ترمه خلعت همایون سرافراز گردید \_ لطفعلی خان سرتیپ قشقائی در ازای دفع شر قبادخان قشقائی که از سارقین و اشرار بود نیز به یک ثوب جبهٔ ترمه مخلع گردید \_ نواب جهانسوز میرزا به منصب سرتیپی دو فوج عرب و عجم و خلعت همایون نایل گردید \_ هم در این اوقات محار بهٔ قشون غفرنمون با محمدامین خان خیوه و کشته شدن او اتفاق افتاد به این تفصیل:

خوانیین و حکمام مملکت خوارزم که شهر معتبر و مشهور حالیهٔ آن خیوه است از عهود سالفه همیشه در سلسلهٔ اطاعت و انقیاد سلاطین ایران بودند و اگر وقـتــى ســركـشــى وخـودســرى مــى نــمـودند از طرف سلاطين ايران تنبيه و گوشمالي می دیدند. در عهد شاهنشاه مبرور و ماضی محمدشاه غازی انارالله برهانه که حکومت به محمدامین خان رسید به واسطهٔ بی اعتنائی امنای دولت تمرد از خدمت نموده سهل است پس از چندی به خیال تصرف مرو که رعیت مخصوص ایران است افتاد و هر به دو سه سال یکمرتبه به مرو آمده به اسم زکات چیزی می گرفت. تا در اوایل این دولت قوی شوکت باز برای اخذ زکات به مرو لشکر کشید، نواب حسام السلطنه که در این وقت فرمانفرمای خراسان بود افواج قاهره را فرستاده او را شکست فاحش و دفع دادند. این اوقات محمّدامینخان با چهل هزار نـفـر قـشـون کـه از اورگـنـجی و خَـنْوَقی و ترکمان جمع کرده برای تسخیر مرو آمد. نواب فرمانفرما هم كه بدايةً از اين واقعه مظلع شده وقشون ساخلوخواسان را مستعد دفاع او فرموده بودند، بعضى از قشون ظفرنمون را از پیش به طرف سرخس حرکت داده خودشان نیز از عقب حرکت کردند. خان خیوه که مظلع شد پیش دستی کرده بر شر سرخس آمد. بعد از چند روز محاربه با سرخسی و سپاه ظفرهمراه، آخر عساكر دولت فايق آمده قشون محمدامين خان خيوه را منهزم كرده و با كمال جلادت دست بر خود او یافته او را با سی و دو نفر از بنی اعمام و محارم و خواص

به قتل آوردند و آنچه به تحقیق پیوست دویست و هفتاد نفر از صاحب.منصبان خان خيوه كشته شده بودند. شب سيزدهم رجب كه شب عيد مولود مسعود حضرت اميرالمؤمنين على بن ابيطالب سلام الله عليه بود خبر قتل خان خيوه به دارالخلافة باهره رسید و شب پانزدهم رضاقلی خان با سرها وارد گردید. روز شنبه نوزدهم در سلام عام به عرض خاکیای همایون رسانیدند. دات ملکوتی صفات مقدس یاس خدمات اجداد خان خیوه را به سلاطین باتمکین ایران و بزرگزادگی او را منظور فرموده احضار سر او و کسان او را به حضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند آنها را بـا كـمـال احـتـرام تغسيل و تكفين نمايند و در جائي مناسب دفن كنند ــ نواب احتشام الدوله خانلر ميرزا به پاداش خدمت بستن سد ناصري در حويزه به يک قبضه شمشير مرضع از جانب ستى الجوانب مفتخر گرديدند \_ از غرايب اينكه نخيلات شظ العرب دومرتبه ثمر آورد ــ حاجيب الدوله والد مؤلف كه در تعمير و طلا كردن كنبد مطهر امامزاده عبدالعظيم عليه السلام مساعى وافيه نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردید ــ دویست نیزه سَر و شصت نفر اسیر و دو عرّاده توپ و یک عرّاده خمیاره که نشیجهٔ فتح قشون کرمانی در بندرعباس بود به دارالخلافه آوردند ــ در ایـن اوان مـحـض مـزیـد نظم و آنتظام آمور قشون و استقلال سردار کل دستخطی به قلم معجز رقم همايون خطاب به جناب صدراعظم شرف صدور يافت.

چهارشنبه دویم رجب یکساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب به حمل و ابتدای سال خیرمآل توشقان نیل شد و سلام خاص در عمارت کلاه فرنگی و سلام عام در تخت مرمر تشکیل یافت \_ نواب علیقلی میرزا (اعتضادالسلطنه) به یک قطعه گل کمر مکلل به الماس مفتخر گردیدند \_ میرزا فضل الله وزیرنظام متولیباشی و پیشکار خراسان چهار زوج در نقره که هریک دو درع طول و یک درع و سه چارک عرض دارد به جهت اطراف حرم محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین به نام همایون تمام و نصب نمود \_ جناب مسیو اینچکاف شارژ دافر دولت روس مقیم دارالخلافه به یک قطعه نشان دوره الماس مصور به شمارژ دافر دولت روس مقیم دارالخلافه به یک قطعه نشان دوره الماس مصور به تمثال بی مثال همایون سرافراز گردید \_ در این اوقات که فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا و جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم ولیعهد دولت مشار الیها اتفاق افتاد

اعليحضرت همايون شاهنشاهي به توسط ميرزا محمدحسين عضدالملك جناب مسيو ایشیکاف شارژدافر دولت روس و صاحب، منصبان سفارت را دعوت به حضور مهرظهور مبارك فرموده بعد از اظهار تأسف زياد از وفات مرحوم اعليحضرت امپراطور، تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر را بر سریر سلطنت ممالک روس به لفظ گوهرنثار ادا فرموده و پس از تفقدات شاهانه اجزای سفارت را انجازهٔ انصراف دادند نظر به خدمات ميرزا محمدصادق قايم مقام به يک جام آئيته تمشال همایون که بزرگترین اسباب مفاخرتست معزی الیه را مفتخر فرمودند ـــ محمدحسن خان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه باغی موسوم به باغ ناصرته احداث نمود \_ ميرزا شفيع تويسركاني به وزارت كرمان رفت \_ پل رودخانهٔ قزل اوزن را که از خاک گروس می گذرد چون خراب بود در کمال استحكام ساختند ــ دكتر يرتلمي فرانسوي كه از فحول اطباست در سلك چاكران در بار منسلک گردید - حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم شد و میرزا نصرالله ولد مشارًاليه جبه دار باشي و مخلّع گرديد \_ فوج جديدي حسب الامر از شقاقی گرفتند \_ چهارصد دست اسباب توپ کشی سوای اسباب توپ کشی سابق ك در انسار بود حسب الامر دوخته تسليم انبار فورخانه كردند ــ جناب چارلش آکیتش مری وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس که مأمور به اقامت در در بنار دولت علیه بود وارد دارالخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد. در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندرلنگه به واسطهٔ وزیدن باد قوس و طوفیان شدیدی شکسته و غرق شده و تقریباً دویست هزار تومان به تتجار خسارت وارد آمد \_ میرزا محمدصادق قایم مقام به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلّل به الماس مفتخر و مرخّص شده به آذر بایجان معاودت کرد ــ میرزا صادق خان ولد مشیرالدوله به سرهنگی فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید ـــ سرهنگی فوج اردبیل و مشکین به حسنعلیخان پیشخدمت خاصه مرحمت و مرخّص شده بــه آذر بایجان رفت ـــ پل آق در بند را در کمال استحکام ساختند ـــ " عمارت هزارجریب اصفهان را تعمیر نمودند ... به استدعای میرزا محمدصادق قایم مقام بعضی از چاکران به حکومت جزو آذر بایجان و مناصب نظامی نایل

گردیدند ــ میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری ابوابجمعی خود را سان داده به اعطای یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ تن پوش مفتخر گردید ــ دویست تومان بر مواجب محمداسمعیل خان چاپارچی باشی افزودند \_ نظر به خدمات جناب نظام الملك در اتمام دستورالعمل سال نوحكام و لايات يكرشته شرابة مرواريد مرضع آویزه زُمرَد به معزی الیه مرحمت شد ــ میرزا رحیم پیشخدمت و مُحصّل کل محاسبات به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اوّل سرهنگی و خلعت همایون نایل شد ــ میرزا فستح الله لشکرنویس باشی را به اعطای یکهزار تومان اضافه مواجب و کلیجه ترمهٔ تن پوش مبارک سرافراز فرمودند ــ گل محمّدخان از اشرار و متمرّدین بلوچ دستگیر و قلعهٔ ایرندجان که مأمن و حصن او بود مسخّر شد ــ نواب والا عبدالصمد ميرزا (عزالدوله) به حكومت قزوين برقرار، و حاجي حسنعلي خان خوثي آجودانباشی سابق به وزارت نواب معظم منصوب شد \_ حکومت ملایر و تویسرکان را به نواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند \_ عیسی خان والی گیلان به یک قطعه نشان تمثال همایون و یک ثوب حَبَّهٔ تُرَمَّه مَفْتَخَر گردید ـــ مَحَمَّدعلی خان جوانشیر سرتيب فوج اؤل خاصه مجاورت عتبات عاليات اختيار كرده محمدقلي خان سرهنگ جوانشیر برادر او به منصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید ـــ خانلرخان ولد كلبعلى خان افشار به منصب سرهنگى فوج اخلاص افشار منصوب گرديد\_ چشم های حیاتقلی خان سرهنگ فوج کرندی به سبب امراض مزمنه نابینا شده منصب سرهنگی او را به ملک نیازخان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند ... محمودخان سرتیپ و مصلحت گذار سنت بطرز بورغ (جناب ناصرالملک) به لقُب جنابی مفتخر گردید ــ قشون ظفرنمون که در این سال خیرمآل مجدداً در فتح بندرعباس خدمت كرده بنودند هريك از سنركرده و صناحبمنصب به فراخور استحقاق به منصبي و عطائی نایل شدند ــ چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار تراکمه و اویماقات آن صفحات در قرایاب جمع شده و در آن حول و حوش بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان تاخت و تاز می کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرما به قصد تنبیه آنها بر سّر قرایاب که اشرار مزبور آنجا را سقناقی برای خود قرار داده بودند رفته اشرار چون در خود تاب مقابله ندیدند از در استیمان درآمده نواب فرمانفرما آنها را از قتل و نهب

امان داده حکم به تخریب قلعه و کوچانیدن آنها به مواطن خود دادند و هشتاد خانوار باخانه و کوچ از معتبرین مرو گروی گرفته خانسوار سلطان هزاره را در آنجا به حکومت منصوب کرده به مشهد مقدس معاودت نمودند و از جانب ستی الجوانب همايون نواب فرمانفرما و هريك از صاحبمنصبان كه در ركاب والا بودند على قدر مراتبهم مورد مرحمت و نشان و منصب و خلعت گردیدند \_ سیم شعبان در دشتستان تگرگ شدیدی که هر دانه به قدر تخم مرغ بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نمود ــ دویم شعبان در شیراز برق به خانهٔ صفر سلطان فوج شیرازی زده یک نفر جاریه و دو رأس اسب را هلاک تسوده خانبه را هم خراب كرد ــ نواب مؤيدالدوله حكمران فارس يك فوج از گرمسیبر فارس به سرهنگی باقرخان تنگستانی گرفته به بندرعیّاس فرستادند که با فوج عرب ابوابجمعي رضاقلي خان سرتيب ساخلو بندرعباس باشند جناب ژنرال برسیلف که از جانب اعلیحضرت امیراطور دولت روس با نامهٔ مودت ختامهٔ اعلان جلوس اعليحضرت امپراطور به تخت سلطنت مأمور دارالخلافه بود به همراهي بارتولمه بولكونيك كه او نيز از طرف جناب مراديف جانشين ممالك قفقاز با مراسلة مخالصت به دارالخلافة باهره و دربار همايون آمده بود به اتفاق اجزاي سفارت و نامهٔ مودّت خدامه به حضور باهرالنور مبارک مشرف و مورد تفقدات خاصه شاهنشاهی گردیدند ــ نواب حشمت الدوله به حکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر و میرزا زکی گیلانی به پیشکاری اصفهان کمافی السابق برقرار و مخلّع گردید ... اخذ عرایض سواری به عباسخان سرتیپ که از امنای دیوانخانه و در رکاب مبارک سوار می شود رجوع شد ــ عباسقلی خان پسیان به حکومت شاهرود و بسطام مأمور گردید \_ محمدحسن خان پیشخدمت به حکومت کاشان رفت \_ شیخ فارس خان خاکم محمره مخلّع و برادر او شیخ حاکم خان به یک قبضه شمشیر ته غلاف و كرمك طلا نايل گرديد ــ سيف الملك عباسقلي خان بعد از عطاي القاب ونشان و حمايل مير پنجگي و خلعت و شمشير و كمر مرضع و ديگر مرحمت هاى شايان از جانب ستى الحوانب همايون با نامة مهر علامه براى تعزيت فوت مرحوم امپراطور نیکلا و تبریک و تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم

امپراطور کل ممالک روسیه به سمت ایلچی کبیری به در بار روس رفت، و قاسم خان کار پرداز سابق تفلیس به مستشاری این سفارت کبری نایل گردید ... جناب مسيو باره وزير مختار و ايلچى مخصوص دولت فرانسه كه مأمور به سفارت در بـار دولت علیّه ایران بود به بندر بوشهر وارد و از آنجا به اتفاق مهماندار مخصوص دولتى به دارالخلافهٔ باهره آمده با اجزاى سفارت و نامهٔ مودت ختامهٔ اعلىحضرت امیراطوری شرفیاب حضور مهرظهور مقدس گردید ــ امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندرعباس به منصب سرتیبی و خلعت همایون سرافراز گردید ــ علیقلی خان میر پنج در ازای خدمات سفر خراسان به اعطای نشان و حمایل از درجهٔ اوّل میرینجی و خلعت همایون مفتخر گشت ــ فوج بندپئی جمعی نصرالله خان سرهنگ ساخلو اصفهان و فوج تختهقاپوی قراجه داغی جمعی محمدعلی خان سرتیب مأمور ساخلو فارس گردیدند ــ یازده عرّاده توپ با قورِخانه به بندر بوشهر بردند و چهار عرّاده توپ با قورخانه نیز به عربستان مأمور گشت کلب حسین خان نایب اول آجودانباشی به سرتیپی قورخانه و خلعت همایون سرافراز گردید ــ محمدقاسم خان که به سِمَت مستشاری سفارت کبری مأمور سنت بطرز بورغ و نیز به رتبهٔ مصلحت گذاری مأمور توقف در بطرز بورغ شده بود به یک قطعه نشان سرتیبی اوّل با حمایل سرخ سرافراز و عازم محل مأموریت گردید ــ بابابیک افشار و رضابیک لک یاوران توپخانه مبارکه به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند ... میرزا هاشم خان حاکم سراب و گرمرود حکومت خلخال یافت ــ جناب ژنرال بروسیلوف ایلیبی دولت روس معاودت به روس کرد ـ فتح علی بیک نایب آجودانیاشی به سرهنگی فوج نیشابور و لقب خانی و کریمخان سرهنگ فوج نصاری نیز به سرهنگی فوج ترشیز و خلعت همایون سرافراز گردیدند ـ حاجی شکرالله بیک یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه و خلعت همایون نایل گشت ـ فرستاده های سردار کهندل خان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش به در بار همایون رسیدند ـــ روزعید اضحی در قرية أفجه كه متعلّق به جناب صدراعظم است سلام عام در حضور اقدس همايون شاهنشاهی دامملکه منعقد شد ــ میرزا علی اکبر آجودانباشی توپخانه به تحویلداری کل توپخانه و اصطبل توپخانه و صدثومان اضافه مواجب نایل گردید ـــ دیوار حصار

بوشهر را که در سمت دریا است با کمال متانت ساختند و جزیرهٔ خارک فارس را مرقب کامل نموده و ساخلو معتبر و استعداد حربی کافی در آنجا گذاشتند محمدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذیحجه مرحوم شد. (چین) سیاغیها که بر ضد دولت بودند درصدد رسانیدن صدمه به قونسولخانهٔ فرانسه که در شانگائی است می شوند به این واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده یاغیها را از شانگائی خارج کرده شهر را به تصرّف کارگذاران چینی می دهند، اهالی کان تون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند.

ارویا \_ (اسیانیا)\_ تولّد دختری از ملکهٔ اسپانیا و فوت او به فاصلهٔ سه روز\_ اخراج بلد نمودن اغلبی از سرداران قشون را ... بی یولی دولت به شدت ... دوهزار سواری که متوقف بایتخت بودند شوریده به یکی از سردارانی که اخراج بلد شده بودند می پیوندند ... شورش در اغلب بلاد ... سردارها را که اخراج کرده بودند معاودت دادند \_ مادر ملکه را شورشیان حلای وطن دادند، روز حرکت او از مادرید پایتخت شورش زیادی در شهر روی داد ــ بروز وبا در بعضی از شهرها ــ شــورش مـخــتـصری در مادرید بر ضدّ دولت ــــ شدت وبا در جنوب این مملکت ــــ فوت دنكارلس. (آلمان) ـ ازدواج اعليحضرت امپراطور اطريش با اليزابت از انجب نجبای باویر به وزیر جنگ مملکت پروس اتحاد دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول می شود \_ فوت فردریک اگوست چهارم یادشاه ساكس به واسطهٔ زمين خوردن از اسب ــ سلطنت ژان برادر يادشاه به جاي او ــ افتتاح اكسپوزيسيون صنايع در مينك پايتخت باوير ـــ در آخر اين سال اعليحضرت امیراطور اطریش را دختری متولد شد \_ ابتدای راهآهن از مملکت بوهم به مجارستان به توسط كمياني فرانسوي. (انگليس) ـ فرستادن يك دسته كشتي جنگی معتبر به دریای بالتیک به سرداری امیرال بنی - اجزای مجلس پارلمنت قبول نمی کنند که از طایفهٔ یهود جزو وکلای ملّت بشوند ــ مراجعت کابیتن ماکلور که راهبی به دو محیط در سمت شمال و مغربی ینگی دنیا انکشاف کرده بود ـــ فوت دکتر بارثت و وادنک تُنْ، دو مسافری که در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف

تازه نموده بودند. (ایطالیا) ـ در ایالت پارم والی آنجا را که موسوم به دوک دیارم بـود منفـتول نمودند و زوجهٔ او که خواهر کنت شامبرد است طفل شش سالهٔ خود را والـی نـموده و خود نیابت سلطنت را اختیار می کند تا کبیر شدن او ــ بروز وبا در ژن و مسین. (ساردین از ایطالیا) ... فوت مادر و زن یادشاه به فاصلهٔ ده روز و دوک دژن برادر یادشاه به فاصلهٔ یانزده روز از سایر ــ فوت ژنرال الکساندر مارمارا سردار درسوستایول به مرض وبا. (نابل از ابطالیا) ــ بروز وبا و قحطی و دزدی و شرارت و راهزنی به علاوه تعدی دولت بر رعیت در روم، ان طوننلی صدراعظم را می خواهند هلاک سازند ـــ اگرچه پادشاه ناپل کمال بی طرفی را در جنگ روس و ساير دول متحده منظور كرده امّا چون باطناً طرفدار دولت روس است دول فرانسه و انگلیس کمال نارضامندی را دارند. (برتوغال) ــ پادشاه جوان این مملکت به سیاحت فرنگ می رود و در مراجعت چون به سن بلوغ رسیده است خود بدون قیّم به امور سلطنتی رسیدگی می نماید. (بازیک) ـ شورش مردم در تمام مملکت به جمهت گرانی مأكولات على الخصوص گندم ـ اهالي پايتخت هم در شورش اند ـ مسافرت وليعهد و زوجه او به اطريش و بعدها وليعهد تمام فرنگستان را سياحت می کند و تا مصر می رود. (دانمارک) - عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم وليعهد دولت است مغضوب مي گردد. (روس) ــ فوت اعليحضرت امپراطور نيكلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه حوت این سال ــ ولد ارشد مرحوم امپراطور الکساندر دویم که ولیعهد بودند قبل از جلوس بر سریر سلطنت وعدهٔ اجرای خیالات پطرکبیر و سلاطين عظيم الشأن روس را الى زمان سلطنت والد ماجد خود مى دهد ـــ آمر به احضار قشون زیاد از ممالک روس می شود ... هزارهزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید به اردوها بفرستند ــ تمام راه آهن روس در این سال زیاده از هزار و چهل و ينج هزار ذرع شده بود. (عشماني) ـ فرمان اعليحضرت سلطان عثماني كه بايد عيسويها هم جزو قشون و ساير ادارات مشغول خدمت باشند \_ دولت عثماني قبول خيال مسيو لسپس فرانسوي را در حفر نهر مجمع البحرين سوئيز نموده و اجازهٔ اين كار را مي دهد ــ احمدياشا والى تونس فوت مي شود.

(مسئلهٔ شرقیه) - کشتی های جنگی فرانسه و انگلیس در اوایل زمستان وارد قرادنگیز می شود ــ در سرحد دانوب عثمانیها به قشون روس حمله می برند ــ نوشتهٔ تهدیدآمیز انگلیس و فرانسه به روس که حتماً افلاق بغدان را خالی نموده به تصرف عثمانی بدهد ــ اعلان جنگ اعلیحضرت امپراطور روس به جمیع ممالک خود ــ اظهار بیطرفی دولت ایران و دول سُود و دانمارک در این جنگ ــ نوشتجات مخفی که مابین روس و انگلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده بود انگلیس آن نوشتجات را به طبع رسانیده منتشِر می کند ــ عهدنامه مابین عشمانی از یکطرف و دول فرانسه و انگلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت به رعایای عیسوی خود رفاهیت منظور دارد و رفع ظلم و تعدی از آنها کند، و ایجاد قانونی در ممالک عثمانی شود که همهٔ تبعهٔ او امن و آسوده باشند ــ قطع مراودهٔ عشمانی با یونان ــ ورود یک دسته قشون فرانسه به پیره، بندر یونان ــ فرستنادن مأموري از طرف شاميل داغستاني به اسلامبول ــ قشون روس با كمال تسلط در افلاق بغدان زیست می کنند \_ در محاصرهٔ قلعهٔ سلیستری شکستی به قشون روس وارد می آید \_ ژنرال بسکویچ سردار روس کاری از پیش نبرده ژنرال کورچاکف در این سمت دانوب به جای او به سرداری مأمور می شود \_ قشون . فرانسه و انگلیس که در وارنا متوقف بودند وبای سختی در اردوی آنها افتاده آنها را مشفرق می نسماید ـ أرد لكران سردار انگلیس و مارشال سنت آرید سردار قشون فرانسه و انگلیس هستند ــ قشون روس بعد از مهاجرت از افلاق بغدان به میل دول متحابه و امضای دولت عثمانی یک دسته قشون دولت اطریش موقّتاً در آنجا متوقّف می شوند \_ شکست عشمانی در بایزید و قارص \_ تکلیف صلح مابین روس و عشمانی به وساطت دولت اطریش ـ قبول نکردن اعلیحضرت امیراطور روس تكاليف صلح را ــ ورود ينجاه هزار قشون فرانسه و انگليس در اواخر تابستان به قرم \_ فتوحات قشون فرانسه در كنار رودخانهٔ الما كه با ينجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند ــ سردار قشون روس پرنس منچیکف است ــ فوت مارشال سنت آرَثُهُ شردار قشون فرانسه از مرض وبا ــ نصب ژنرال گان رُ بز بهجای او ــ

جنگ در بالاخ لوا ــ قتل زیاد سوارهٔ انگلیس که با قشون عثمانی متفقاً می جنگیدند ــ دو پتر اعلیحضرت امپراطور روس گراندوک میشل و گراندوک نییکیلا با قشون تیازه که منجیکف رفته آورده بود در آنگیرمان با عساکر انگلیس و فرانسه در کمال سختی جنگ می کنند ــ فتح قشون فرانسه و انگلیس و شکست روس ــ طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه و انگلیس ــ دولت پروس هم باطناً با دول فرانسه و انگلیس و اطریش که بر ضد روس اند موافقت می کند \_ کشتی های جنگی انگلیس قلعهٔ سخت بمارسوند را که متعلّق به روس و در جزیرهٔ آلاند در دریای بالتیک واقع است با کمال سختی با گلولهٔ توپ و نارنجک ویران می سازد \_ استحکامات سواستایل به واسطهٔ تعلیمات تت لوین مهندس روس بهقدری سخت است که حمله های یی در یی عساکر فرانسه و انگلیس رد شده بی فایده می گردد به انعقاد مجلس کونفرانس در وین به دولت پروس می خواهد داخل این مجلس شود امّا دولت اطریش قبول نکرده می گوید چون عساکر خود را بر ضد روس با ما حافیر نکردی حق ورود را به این مجلس نداری ــ دولت ساردین بیست هزار نفر از عساکر خود را به جنگ روس و به كمك عساكر فرانسه و انگليس مي فرستد ... فوت مرحوم امپراطور نيكلا كه در ماه حوت اتفاق افتاده به هیجوجه وضع جنگ را تغییر نمی دهد ــ عمر پاشا سردار عشمانی از طرف دولت خود به کمک عساکر متحده وارد سواستایل می گردد ــ در كونفرانس وين دولت اطريش راكه مقصود انعقاد مقدمات صلح مابين دولتين روس و عشمانی بود به واسطهٔ عدم قبول دولت روس که در قرادنگیز سفاین جنگی تداشته باشد كونفرانس وين متمرتمري نگرديد ــ دولت اطريش يكصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص می کند و وضع خود را در انظار طور دیگر جلوه مى دهد كه در مسئلهٔ شرقيه نمى خواهد مداخله بكند ــ ژنرال پليسبر سپهسالار كل عساكر فرانسه شده وارد سواستايل مي گردد ــ چند سفينهٔ جنگي فرانسه و انگليس به دریای آزوف ورود می کنند و فتوحات نمایان از آنها معروف می شود ــ در اوایل تابستان کار محاصرهٔ سواستایل در نهایت گرمیست ... نقاطی که در تصرف عساكر دول متحده است خيلي نزديك به قلعه و به جهت يورش مساعد است ــ

أرد راگلان سیهسالار انگلیس به مرض وبا که شدت دارد در سواستایل فوت مى شود ــ فـتح قلعة معروف به مالاكوف به واسطة عساكر فرانسه به سرداري ژنرال بـوسكه و ژنرال ماكماهون كه في الواقع فتح سواستاپل از همان شد ـــ در اوايل پائيز ژنرال کورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی دولت خود را به واسطهٔ اینکه ميادا به تصرف دشمن درآيد غرق مي سازد \_ ژنرال پليسبر سردار فرانسه به منصب منارشالی می رسد ــ قلعهجات و سنگرها و استحکامات که در سواستایل بود تماماً معدوم و با زمین مساوی گشت ــ در کامشاتکا یکی از قلعه جات روس را سفاین جنگی انگلیس و فرانسه خراب می کنند و تا دهنهٔ رود آمور می تازند ـــ در مملکت فنلاند متعلّق به روس قلعه را به ضرب نارنجک متصرّف می گردند ـــ امیراطور حدید روس اعلیحضرت الکساندر دویم به نی کلایف می آید ــ زمستان بسیار سخت امسال به جهت عساكر دول متحده اسباب كمال زحمت است \_ فوت اميرال فرانسه، بروا، در دريا از مرض وبا ــ موراويف سردار روس قلعه قارص را که مهندسین انگلیس محکم ساخته اند محاصره نمود \_ مأموریت عمر باشا به طرف باش آچق \_ فتح قارض در اوایل زمستان به دست سردار روس \_ اتحاد دولت شود و نروژ با دول انگلیس و قرآنسه. (فرآنسه) ــ به جهت مصارف جنگ دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض می کند، و ملّت زیاده از صد کرور تومان حاضِر می کنند، مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان پول ایرانست \_ و مخارج دولت که وکلا معین کرده اند که باید از آن قبرار باشد سیصد و دوازده کرور و کسری تومان پول ایرانست ــ هشتصد هزار تــومــان وجــه نــقــد دولــت بــه مـصارف مقرّره كه در وصيّت نامهٔ نايليون اوّل است در جزیرهٔ سنت هلن می رساند \_ شدت وبا در پاریس \_ اعلیحضرت ناپلیون و امپراطریس به لندن به بازدید یادشاه انگلیس می روند ــ شخص ایطالیائی که در پاریس درصدد قتل ناپلیون است به چنگ آمده مقتول می شود ــ یادشاه ساردین با وزیر اعظم حود کونت کاو ور به پاریس آمده در عمارت طویلری ناپلیون آن پادشاه را پذیرفتند ــ افتتاج اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنجماه آمتداد دارد ــ در پاریس كمسيوني به جهت حفر نهر مجمع البحرين سوئيز مضر تشكيل يافت.

(هلاند) — منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق به این دولت است — عهدنامهٔ تجارتی با دولت ژاپن. (یونان) — دزدی و راهزنی به شدت در این مملکت — وزیر جنگ که با دولت روس عداوت دارد به پادشاه خود که دوست روسهاست کلمات مستهجن می گوید.

افریقا — (مضر) — عباس پاشا والی مضر به جهت قساوت قلب و میلی که به خونریزی داشت دو نقر از غلامهای او او را خفه می کنند — عموی او سعیدپاشا که بزرگترین اولاد محمدعلی پاشا و در فرنگستان تر بیت شده بود در آن وقت به جای او والی مضر می شود.

امریکا ــ (اتائونی)ــ کدورت مابین این دولت و اسپانیا به جهت حبس یکی از کشتیهای اتاثونی در هاوان به دست کارگذاران دولت اسپانیا ــ عهدنامهٔ تجارتی با ژاین ــ دولت اتائونی درصدد است که میان دول متحابه و روس واسطه شود ــ دولت انگلیس از اهالی اتائونی داوطلب به جهت مأموریت به جنگ مشرق زمین می خواهد ــ در مجلس شوری گفتگوی سخت به جهت آزاد کردن غلامان می شود ــ در ایالت ویرژینی تبزرد حالت وبائی بهمرسانیده، معادل شش کرور لنگه (کیسه) پنبه از اتائونی به خارج حمل شده. (مکزیک) ــ در حوال ماقامور و سان لوی قشون به دولت یاغی شده شورش می نمایند \_ فرار رئیس جمهور \_ قرار وضع دولت موقتی. (ینگی دنیای جنوبی) ــ افتتاح راه آهن جدید در برزیل ــ از جزایر کوچک شنکاس که متعلّق به مملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیمور دریائی آنجا سکنی داشته فضلات خود را آنجا ریخته بودند تا آن زمان فرنگیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی اراضی این جزایر به چندین ذرع قطر از فضولات طیبور بحری است از برای رشوه زمین خیلی مثمرثمر می باشد در این سال انکشاف کرده کشتی کشتی به بلاد فرنگ و سایر بلاد ینگی دنیا بردند \_ افستناح راه آهن از شاکر الی پاتاما بعد از پنج سال از شروع هشتاد هزار ذرع با هفتاد کرور تومان از پول ایران مخارج ــ شورش شدید در مونت ویدو. (ینگی دنیای **مرکزی)** در شهر سان سال وادر که در برزیل واقع است زلزلهٔ سختی شده خرابی

زیاد وارد می آورد.

## [سنهٔ ۱۲۷۲ هجری = سنهٔ ۱۸۵۵ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ موکب همایون شهریاری در داودیه به مهام دولتی توجه می فرمایند \_ جعفرقلی خان ایلخانی به حکومت استرآباد و یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ كشميري مأمور و مخلّع گرديد و ميرزا اسمعيلخان مباشِر مهام خارجه استرآباد به پیشکاری استرآباد نیز نایل و مخلع گشت ــ عبدالله خان میر پنجه ولد مرحوم محتمد حسن خان سردار از كرمان به در بار معدلتمدار آمده به خلعت التفات مفتخر گردید \_ چون صیدمحمدخان ظهیرالدوله حکمران هرات بنای سوءسلوک با اهالی هرات گذاشته اعالی و ادانی را از خود رنجانیده از جمله کریم دادخان هزاره را بي موجبي به قتل رسانيده بود، اهالي آن ولايت هزاره را به شهر كشيده و صیدمحتدخان را گرفته و در جزو به شاهزاده محمدیوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نامه نوشته او را به حکومت خواستار شدند. مشار الیه نیز به محض وصول این خبیر فوراً بدون اینکه نواب فرمانفرها حکمران خراسان یا دیگری را مظلع سازد به هرات شتافته و اهالی او را به حکومت خود اختیار کردند ــ رستمخان سلطان به ياوري تويخانه سرافراز گرديده مأمور ساخلوعر بستان شد ـ حاجي ملامحمود نظام العلماء به رحمت ایزدی پیوست به نادرقلی خان مافی از جانب حکومت آذر بایجان به حکومت ارونق و انزاب مأمور شد ــ شب ششم صفر که جشن عید مولود همایون بود در تنمام ولایات ممالک محروسه گرفتند و روز عید در داودیه سلام عام در حضور همایون منعقد شد \_ مهرعلی خان شجاع الملک را به اعطای یک قطعه نشان از مرتبهٔ سیم میر پنجگی سرافراز فرمودند ــ میرزا اسمعیل خان پیشکار استرآباد و مباشِر مهام خارجهٔ آن ولایت به یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل سرهنگی سرافراز گردید ... میرزا نصرالله اردبیلی مشهور به صدرالممالک در كرمانشهان مرحوم شد ــ نصرالله خان خالوی اعليحضرت اقدس شهرياري به منصب نظام العلمائي وخلعت همايون سرافراز گرديد ــ ميرزا فضل الله وزيرنظآم را از

خراسان به در بـار هـمـايـون احـضـار و ميرزا محمّد قوام الدّوله را به وزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند ـــ آقاخان سرتیپ ایلات قزوین به منصب میر پنجگی و خلعت همايون مفتخر گرديد ــ ميرزا محتدحسين عضدالملک به منصب مِتُولِيبَاشَيَ گُرِي حَضَرَتَ رَضُويَ سَلَامُ اللهُ عَلَيْهِ نَايِلُ وَ مَخْلُعٌ گُرديد \_ عَبَاسَقَلَى خَانَ میبر پشجه مأمور گرفتن یک فوج جدید امیر ته شد ـــ فرمان همایون که به سرافرازی اراض خان و سایر ترکمانان سرخس شرف صدور یافته بود نهایت مایهٔ امیدواری آنها گردیده پنج شش هزار خانوار باصداقت در خدمت و اطاعت دولت علیه می باشند ـ حكيم كلوكه فرانسوي وفات يافته، حكيم پولاك بهجاي او به منصب حکیمباشی گری حضور همایون برقرار و به یک قطعه کنمر الماس و یک طاقه شال كشميرى سرافراز شد ــ محمدتقى بيك پيشخدمت به لقب خانى نايل گرديد ــ رُوز يكشنبه چهاردهم ربيع الاول بندگان اعليحضرت همايون به امتحان شاگردان مدرسهٔ دارالفنون تشریف فرمای مدرسهٔ میارکه شده تشویقاً به همه بذل انعام و اظهار مرحمت فرمودند ــ یک طاقه شال هفت رنگ به قیمت صد و پنجاه تومان و طاقهٔ دیگر سفید و آبی به قیمت صدتومان که به دستورالعمل مرحوم محمدحسن خان سردار در کرمان بافته بودند به دارالخلافه آورده با شالهای خوب کشمیری که به همین قیمت است هیچ فرقی ندارد ـ محمودخان کلانتر به یک رشته حمایل سفید از مرتبهٔ اول سرهنگی و یک ثوب جبه ترمه سرافراز شد ــ محمدقلی خان نوری غلام پیشخدمت به حکومت تر بتحیدریّه برقرار گردید ــ امیر قاین به ازای خدمت دفع تراکمه که به آن حدود آمده بودند مخلّع و میرعلم خان پسّر مشارّالیه به نشان از مرتبهٔ اوّل سرهنگی سرافراز شد ـ غلامحسین خان سپهدار را به حکومت کرمان و مضافات و یک ثوب جبّهٔ ترمه دور زنجیره و یک ثوب قبای ترمه از ملابس خاصه مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکارات را به وزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند \_ سوارهٔ اوصانلوی خوار ابوابحمع محمدحسین خان پسر میرزا فتحعلى خان مستوفى گرديد \_ عبدالكريمبيك غلام پيشخدمت پسيان برادر عتباسقلی حان حاکم شاهرود و بسطام را به سرکردگی سواره وپیادهٔ مزبوره مفتخر فرمودند ـ اميردوست محمدخان سردار كابل به تحريك همسايگان قشون بر سر

قندهار کشیده آنجا را متصرف شده و ارادهٔ تصرف هرات را دارد ــ میرزا عبدالله خیان را به منصب استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند ـــ میرزا جانبي لشكرنويس مرحوم و ميرزا باقر برادرزادهٔ او به منصب لشكرنويسي برقرار و مخلّع شد ــ شخصي در فهرج نرماشير نانحوش بود در حالت نزع و صيّت كرد كه بعد از مردن شکم مرا بشکافید جانوری در آن هست، بعد از فوت او شکم او را شكافتند جانوري به تركيب چلپاسه كه تخميناً سهچهاريك وزن داشت از شكم او بيرون آمد \_ ميرزا فتحالله لشكرنويسباشي در كرمانشهان مرحوم شد \_ میرزا محمدعلی آبادی وزیر کرمان به منصب استیفا سرافراز شد \_ فرّخ خان صندوقدار وجوه خاصه به یک قطعه گل کمر مکلّل به الماس سرافراز گردید ــ شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز به رحمت الهی پیوست ــ بندی از بندهای بلوک کربال فارس که از بناهای عضدالدوله دیلمی و به مرور خرابی بهمرسانیده و چهلپنجاه پارچه دهکده بی آب و لم بزرع مانده بود نواب مؤیدالدوله حکمران فارس در کمال استحکام بستند لـ نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان در مشهد مقدّس داعی حق را لبیک اجابت گفت و ایالت مملکت خراسان به نواب حسام السلطنه مفوض و به یک توب خرقهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک مخلّع گردید ... شـمـس الـشعراء ميرزا محمّدعلي متخلّص به سروش به لقب خاني و خلعت همايون مفتخر گردید \_ میرزا محمدخان دبیر مهام خارجه به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبهٔ اوّل سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید ــ نواب شاهزاده لطف الله میرزا به حکومت مازندران و یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ دور زنجیره مفتخر گردید ــ حاجی ميرزا محسن از اجزاي سفارت كبرى مأمور سنت پطرز بورغ به لقب خاني و خلعت همایون سرافراز شد ــ میرزا عباس (جناب قوام الدوله) منشی اوّل وزارت خارجه به اعطای لقب خانی و یک قطعه نشان شیر و خِورشید از مرتبهٔ اوّل سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید \_ میرزا عبدالرحیمخان آجودان وزارت خارجه که به نیابت اوّل سفارت اسلامبول مأمور شده بود به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل یاوری سرافراز گردید ــ محبّدخان میر پنجه به منصب امیرتومانی و ژنرال آجودانسی خاصه همایون سرافراز شد ــ امان الله خان از اجزای سفارت کبری در

مسكو مرحوم شد ــ اميرزاده ابراهيم ميرزا نايب الحكومة عربستان به يك قطعه نشان از درجهٔ اوّل سرهنگی و حمایل و یک ئوب جبّهٔ ترمه سرافراز گردید \_ ولی خان سرتیپ فوج سیلاخوری مرحوم، و رستم خان پشر او به منصب سرهنگی فوج مزبور نایل گردید ــ عباسقلیخان پسیان حاکم شاهرود و بسطام را در عرض راه شاهرود و بسطام اشرار غفلتاً مقتول نمودند، لهذا چراغعلى خان نايب الحكومة سابق اصفهان به حکومت شاهرود و بسطام مأمور شد ــ عمارتی جدید به طرح تازه در جنب عمارت اندرونی سلطنتی دارالخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتاني و فوقاني در كمال شكوه حسب الامر به اهتمام و مباشرت حاجب الدوله والد مؤلف ساخته شد ــ میرزا ملکم سرهنگ مهندس اتاماژر و مترجم دولت علیّه به اعطای یک قطعه نشان درجهٔ اوّل سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات آمد ــ باروط كوبخانة قزوين كه سابقاً خرابي بهم رسانيده بود حاجي حسنعلي خان پیشکار قزوین آنرا مرمت کرده و یکصد خروار باروط تاکنون در آن ساخته اند ـــ بعد از رفتن جناب مستر موره وزير مختار دولت انگليس از دارالخلافه به تبريز بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاده که ضرر کلّی به جهت داخلهٔ خراسان دارد و بر اولیای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ و انضباط حکومت قندهار و هرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان بود تدابیر لازمه به کار برند که هم دفع آن فیتنه ها بشود و هم آن دو ولایت به حالت حکومت علیحده برقرار بماند \_ قاتلین عباسقلی خان پسیان که از اشرار نوکرکوداری بودند دستگیر و سیاست شدند \_ محــمدرضاخان سرتیپ به منصب آجودان خاصه گی و یک رشته حمایل قرمز و یک قطعه نشان اول سرتبیی سرافراز شد ــ عبدالعلی خان سرهنگ تویخانه به منصب سرتیپی توپخانه مفتخر گردید ــ شغل براتنویسی و عمل کل اصطبل توپخانهٔ مبارکه به میرزا محمّدعلی سررشته دار توپخانه واگذار شد ــ اصطبل توپخانه را به اصلان بیک یاور اوّل تویخانه واگذار نمودند ــ امیراصلان خان به حکومت گیلان مفتخر و به یک ثوب جبّهٔ ترمه دور زنجیره مخلّع گردید ـــ محمّدابراهیم خان سرتیپ به نشان و حمایل سرتیبی اول سرافراز گردید \_ شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران ابنیهٔ فرح آباد را تعمیر کرده در آنجا استحکامات ساخت ـــ از قرار مذکور

کار اورگنجیها بسیار پریشانست و برادر خانخیوه را که به جای او در اورگنج حاكم شده بود طايفة يموت تركمان مقتول نموده و بالفعل يموت به جماعت اورگنجی فایق و عرصه را به آنها تنگ کردهاند ــ از اتفاقات حسنه امسال توافق عييدنوروز و عييد مولود مسعود حضرت اميرالمؤمنين(ع) است در دارالخلافه جشن گرفته چراغان و آتشبازی نمودند و سلام عیدین سعیدین در کمال شرف و شکوه در حضور همایون شهریاری ابدالله عیشه انعقاد یافت \_ جناب صدراعظم را به اعطای یک قطعه قلمدان مکلّل به الماس بسیار ممتاز که علامت بزرگ صدارت ایران بود شرف اختصاص عنایت فرمودند ــ میرزا حسنعلی خان دریابیگی بندر بوشهر به نشان دویم سرتیپی سرافراز گردید ــ نواب عمادالدوله حکمران کرمانشهان به یک قطعه نشان تمثال همايون مكلّل به الماس مفتخر گرديد ــ حكومت نهاوند را به محتدرحيم خان نسقچي باشي (مرحوم اميرنظام) مرحمت و به يک ثوب جبّهٔ ترمه مخلّع فرمودند و سواره خزل را نیز به عبدالله خان ولد ایشان ابوابجمع داشتند \_ نواب علیقلی میرزا ملقب به اعتضادال اطنه و مخلّع به یک ثوب قبای ترمه تن پوش گردیدندا ... حاجب الدوله والد مؤلف به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الماس سرافراز آمد ... محمدقلی خان یوز باشی به پاداش خدمات در بسطام به یک طاقه شال کشمیری و یک ثوب قبای یولک دوز سرافراز آمد ــ یحیی خان (جناب مشبیرالدوله وزیر عدلیهٔ اعظم) به منصب مترجمی وزارت خارجه برقرار گردید ـــ تنبيه طايفة تكمه تركمان به اهتمام جعفرقلي خان ايلخاني حكمران استرآباد ... عبدالله خان صارم الدوله به منصب مير ينجگي و يک ثوب کليجه از ملابس خاصه مفتخر شد ــ اميراصلان حاكم گيلان به لقب عميدالملكي ملقب گرديد ــ معادن گلوله ریزی مازندران خوب کار می کنند و اهل این ولایت نیز در کاشتن نیشکر و عمل آوردن شکر اهتمام می نمایند ــ جان محمدخان قاجار به حکومت شاهرود و بسطام سرافراز گردید ــ رضاقلی خان ناظم مدرسهٔ دارالفنون که از اجلّهٔ

 ۱. در مرآت البلدان (جلد ۲، ص ۱۸۷) چنین آمده: در ماه شعبان این سال تواب والا علیقلی میرزا را ملقب به اعتضادالدوله فرمودند...». ۱۷۸۱

امرا و فیضلاست حسب الامر همایون تاریخ روضة الصفای ناصری را که احوال بعد از هفت جلد روضة الصفا تا اين عهد همايون است در سه جلد تأليف و تمام ده جلد سابق ولاحق را به طبع رسانید ــ میرزا ملکمخان سرهنگ اتاماژور و مترجم مخصوص مأمور به سفارتخانهٔ دولت علیه در اسلامبول گردید ــ چراغعلی خان از شاهرود و بسطام احضار و به حکومت خمسه مأمور و به نشان سیّم میر پنجگی مفتخر شد ــ خوابی بسیاری از خانه ها در ساوه از سیل و شدّت باران ــ طفلی در دارالخلاف تولُّد نسود كه سه شر داشت و غرابت زیاد دیگر نیز در خلقت او بود آوازش هم مثل آواز جوجه خروس، بیست و چهار ساعت زنده بود و بعد فوت شد ـــ مرتضى قلى خان ولد محمداسمعيل خان نورى (مرحوم وكيل الملك) به منصب سرهنگی سرافراز گردید ــ روز عیدفطر سلامعام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت ــ ميرزا محمدصادق قايم مقام به يك حلقه انگشتري الماس گرانبها و يك ثوب جبّة ترمه از ملابس خاص و نشان و حمایل آمیرتومانی مفتخر و مرخص شد که معاودت به آذر بـاینجـان نماید ـــ فرّخ خان صندوقدار به لقب جلیل امینالملکی و یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل بع الماس مفتخر گردید میرزا صادق کاشانی به لقب خانی و درجهٔ سیم سرهنگی و منصب نیابت اوّل کار پردازخانهٔ بمبئی سرافراز گردید \_ در زهاب من اعمال کرمانشهان تگرگی باریده که از قرار مذکور هر دانه بهقدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده ــ سلطانعلی خان مظفرالدوله يسر سردار كهندل حان حاكم قندهار از تعرضات وسوءسلوك امیردوست محمّدخان با اهل و عیال و جمعی دیگر پناه به دولت علیّه آورده به امر دولت در خراسان ساكن و متوقف شدند ـــ قورخانهٔ شیراز به امر نواب مؤیدالدوله توسیع و تجدید شد \_ محمودخان قراگوزاو (جناب ناصرالملک) به منصب میر پنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید ــ آخوند ملاکاظم که از جملهٔ فقهاء و مجتهدين دارالخلاف بود به رحمت حق بيوست ــ نواب اردشير ميرزا حكمران دارالخلافه به یک توب جبّهٔ ترمهٔ محشّی، و میرزا موسی وزیر دارالخلافه به عصای مرضع مفشخر گردیدند ـــ محض اتّحاد و کمال مودّت بین دولتین علیّتین ایران و فرانسه از جانب اعليحضرت ناپليون امپراطور فرانسه نشان درجهٔ اوّل (ار يون دنر)

مرضع به الماس كه اعظم نشانهاى آن دولت است با حمايل و لوازم آن به جهت اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اهدا گردید ــ روز یازدهم ذیقعده موکب همایون از پیلاق نیاوران به سمت دماوند و فیروزکوه تشریف فرما شد ــ جناب نظام الملک به شرّابهٔ مکلّل به الماس مابین امیرتومانی و امیرتویانی که مختص درجة شخص دوتيمي است مفتخر گرديد \_ جناب امين الملک فرخخان به سمت ایلچی کبیری از در بار همایون با نامهٔ مهر علامه مأمور در بار دولت فرانسه شده و تیز مقرر شد بعضی مکنونات خاطر همایون را شفاها در اسلامبول به حضور اعليحضرت سلطان تبليغ نمايد \_ ذوالفقارخان حاكم قم و ساوه به منصب استيفا سرافراز گردید ــ مـهـرعلیخان شجاع الملک به یک قطعه نشان اوّل میر پنجگی مفتخر شد ــ عیسیخان بیگلر بیگی قاجار به حکومت ملایر و تویسرکان نایل گشت \_ عمارت عالى قايوى اصفهان را حسب الامر نواب حشمت الدوله حكمران اصفهان تعمير كردند \_ عبدالحسين خان برادر مؤلف كه از شاگردهاي پياده نظام دارالفنون بود به منصب سرهنگی خارج از فوج و یکصد تومان اضافه مواجب سرافراز گردید \_ جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه با اجزای سفارت از پطرز بورغ با تشریفات کامله مراجعت کردند به ظهور روشنی برق مانند در اصفهان در هوای صاف و بعد از سه روز نزول صاعقهٔ بسیار عظیم و صدای مهیبی در آسمان \_ ميرزا محمدزمان به منصب امارت ديوانخانه و خلعت همايون سرافراز شد \_ جعفرقلی خان ایلخانی حکمران استرآباد به پاداش شکست فاحش به تراکمهٔ تکه و دفع شـــرّ آنـهـا بــه یک قبضه شمشیر مرضع مفتخر گردید ـــ محمّدشاهخان سبی و نـادرشـاه خـان پـــرش قـلـعهٔ محکم سب را در بلوچستان حصن حصين شمرده دم از خودسری می زد، سپهدار حکمران کرمان امامعلی خان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی به محاصرهٔ قلعه فرستاد به جلادت قلعه را تسخیر و محمّدشاه خان با نـادرشـاهخان و اتباع آنها دستگير گرديدند ـــ پاشاخان پيشخدمت به لقب امينصره ملقب گردید \_ میرزا محمّدتقی مستوفی متخلّص به سپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی نگارنده کتاب ناسخ التواریخ و صاحب تألیفات دیگر است ملقّب به لسان الملک گردید \_ جناب صدراعظم را به اعطای جبّهٔ شمسه دار و عصای مرضع

مباهی فرمودند \_ موکب همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجة الحرام از بیلاقات افجه و لمواسان تشریف فرمای نیاوران گردید. (چین) \_ زلزلهٔ شدید در یوچنگ \_ عمارت سلطنتی واقعه در پنج فرسخی پایتخت یکی از اولاد خاقان که در آنجا متوطن بود زیر آوار رفته تلف می شود.

اروبا - (اسپانیول) - شورش در اغلب از نقاط مملکت علی الخصوص در مادرید پایتخت ــ انتشار کلمات مستهجنه نسبت به مادر ملکه ــ ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی رد کردن ـ بروز شورش در مالاکا. (آلمان) ـ تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار ــ مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس به ایطالیا ــ در ایالت باد عروسی برادر والی که به واسطهٔ عدم لیاقت برادر بزرگ، ولايت بـه او تـعلّق گرفته است با شاهزاده خانم لويز دختر پادشاه پروس كه الحال امپراطور آلمان است. (انگلیس) - خبر مصالحهٔ روس و عثمانی را تمام مملکت انگلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند ــ دوک دکامبریج از منسوبان پادشاه انگـلـسـتان که در جنگ سواستاپل حضور داشته به منصب سپهسالاری کل عساکر انگلیس برقرار شد ــ مسافرت شاهزاده قردریک پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) به انگلیس به خواستگاری دختر بزرگ پادشاه انگلستان ــ در هندوستان پادشاه مملکت اود را دولت انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرّف شده ـــ ژنىرال اطرم به حكومت آنجا مأمور گردید، جمعیت این ایالت هشت كرور است \_ اعلان جنگ با دولت ایران در اوّل نوامبر پائیز و این مطابق است با اوایل سنهٔ هزار و دویست و هفتاد و سه و شرح آن بیاید ـــ لِونگیستن مسافر و سیّاح انگلیس بعد از سياحت كامل در داخلهٔ افريقا صحيح و سالم به جزاير موريس معاودت مي كند. (ایطالیا) ـ ساردین شش كرور تومان دولت به جهت مخارجي كه در جنگ سواستاپل نموده است استقراض می خواهد \_ گنت کاوور وزیر اعظم دولت در مجلس کنگرهٔ پاریس از برای دولت خود بعضی امتیازات می طلبد و می گیرد. (توضیح آنکه مقصود از کنگره که از زبان لاتین اقتباس شده به معنی انعقاد مجلس به جهت شوری در امورات مغظمه است، اجزای چنین مجلسی باید شخص

سلاطین باشند یا سفرای کبار ایشان که اقوال و اعمالشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون مختصری در رُمْ - جمعی قصد قتل پادشاه ایطالیا را نموده رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود به دست آمده مقتول شد. (برتوغال)\_ شورش و ازدحام سخت در لیزبن پایتخت به جهت گرانی نان ــ افتتاح راه آهن از لیزبن به کارکاد، طرف سرحد اسیانیا. (روس) ــ فوت پرنس پسکویج معروف در ورشو در زمستان ــ حکومت پرنس کرچاکف در لهستان بهجای پسکویچ که حاکم بود ـ کنت اراف به منصب صدارت برقرار مى شود \_ كنت نَسِل رُد از وزارت خارجه استعفا نموده \_ يرنس الكساندر کرچاکف به جای او منصوب می شود ـ جشن تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقارب ــ قرارداد با یک کمپانی معتبر که در چهار نقطهٔ مملکت بنیان راه آهن نماید: اوّل از ورشو به بطیر، دویّم از مسکو به نیژنی نوگرد، سیّم از مسكوبه كافا، چهارم از كورسك يه سبت كورلاند. (سُود و نروج) - افتتاح راه آهن از نُسری به اُربر ازادی مذهب در این مملکت. (سویس) - گفتگوی سخت مابین ایالت جمهوری سویس با دولت پروس ــ تهیّهٔ جنگ طرفین ـــ دولت وورتَـنْ بـرُگ و اطـریـش مـایـل بـه ایـن جـنـگ نیستند. (عثمانی) ـــ انتشار فرمان اعليحضرت سلطان كه مشتمل بربيست و يك فصل است در آزادي و رفاهيت عیسویان تبعهٔ خود \_ مسلمانهای تبعهٔ عثمانی از این فرمان کمال نارضائی را دارند و در سمت آسیای خاک عثمانی اذیت زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند ... اهالي ملداوي و والاشي (مقصود افلاق بغدان است) طالبند که یک ایالت شوند \_ در مضر راه آهن از اسکندریه به قاهره افتتاح می یابد \_ مهندسین که به جهت حفر نهر مجمع البحرين سويز به مضر آمده بودند اينطور مقرّر داشتند كه از بندر سويز واقعه در ساحل بحرسفيد الى پُلُوز كه در ساحل بحر احمر است نهر مستقيمي بدون اعوجاج حفر نمایند بـ در جزیرهٔ قندی زلزلهٔ سخت رو نمود.

(مسئلة شرقیه) - دولت انگلیس مشغول تدارک زیاد است که از دریا به بندر گورنشتاد روس حمله برد - شورای عسکریهٔ دول متعاهده در عمارت طویلری با حضور اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیّم در فقرهٔ جنگ با دولت روس - بروز

مرض تیفوس در میان عساکر دول متعاهده ـ دولت اطریش که ابرام زیاد در مصالحه دارد دولت روس را بر این داشت که مقدّمات شروط مصالحه را قبول کند ــ انعقاد مجلس کنگره در باریس و صورت اجزای مجلس از این قرار بود: کنت والنهسكي وزير امور خارجه فرانسه كه رياست مجلس هم بر او قرار گرفت ــ از طرف دولت اطریش کنت بوتول و بارون هونبر ... از طرف دولت انگلیس أرد كلاراندون و لرد كولى ــ از طرف دولت روس بارون برونف و كنت ارلوف ــ از طرف دولت ساردین و ایطالیا کنت کاوور ــ از طرف دولت عثمانی عالی پاشا ــ مأمور دولت پروس بعد از چندی قبول شد ابتدا حضور نداشت ـ انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی از یک طرف و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار ــ دولت عثمانی از این به بعد در تحت حمایت دول معظمه فرنگ خواهد بود ـــ قىرادنگىيز بىه جىھىت تىجىارت جميع دول آزاد خواھد بود وكشتى جنگى ھيچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد \_ در تابستان قشون متعاهده، سواستاپل را تخلیه کرده به تصرّف کارگذاران دولت روس دادند و از آن طرف عساکر روس قارص را به تصرّف عشمانی \_ عزل عالی پاشا و نصب رشیدیاشا \_ دول انگلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید بر این می کنند که اگر آزادی به رعایای خود ندهد سفاین جنگی این دو دولت بهزودی ورود به نایل خواهند نمود ــ دولت روس در این تهدید متألم شد. (فرانسه) ــ افتتاح مجلس پارلمنت که در بهار واقع شد و نطق اعليحضرت امپراطور ناپليون كه اميد به صلح مي دهد سبب خوشجالي عاممه گرديد، با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب شدند \_ تولّد بسری از امدراطریس فرانسه در بهار \_ سردارانی که به منصب مارشالي برقرار شدند: ژنرال كان، رُبر، بُوسْكه دُ أَنْدن، كه اين آخري حاكم الجزاير بود ـــ انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی به اظلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار ــ كنت أرأف سفير كبير روس به اعليحضرت امپراطور ناپليون رسماً جلوس اعليحضرت الكساندر دويم را به تخت سلطنت روس اظهار مي دارد \_ اتحاد و مراودهٔ دوستی مابین دولت روس و فرانسه ــ سفارت گنت مُزْنی در مملکت روس به جهت تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس \_\_ نود و پنجهزار نـفـر از قـشـون فـرانـسه در این جنگ سواستاپل چه از زخم و چه از امراض مختلفه به هلاکت رسیدند ــ دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان یول ایران به اشخاصی وعده می دهد که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و قابل از برای هرنوع زراعت نمایند و هرکس در این فقره اختراعی کرده باشد که به آسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند علاوه حقی هم داده خواهد شد ــ کتابچهٔ خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد، دخل تقریباً سیصد و سی و نه کرور تومان یول ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرور ــ طغیان رودخانه های رُنْ و لُوار در اوایل تابستان و خرابی زیاد ایالاتی که در سواحل این رودخانه ها واقع شده ـ اعلیحضرت امیراطور ناپلیون به شخصه به سرکشی این ایالات می رود \_ سفر اعلیحضرت امپراطور به دریای شمال ـ نیابت سلطنت در غیبت امپراطور نایلیون با امپراطریس زوجهٔ ایشانست ــ قشون فرانسه کلیتا از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود می شوند \_ توریب سیصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستایل و سایر نقاط خاک عشمانی در این جنگ با رؤس جاض بودند \_ مارشال پلیسیه که قلعهٔ مالاکف سواستایل را فتح کرد به لقب دوک دُمالاکف برقرار و ده هزار تومان همه ساله مواجب خواهد داشت \_ در الجزاير زلزلة سخت على الخصوص در شهر فليپ و پـل. (یونان) ... کوشش دولت برای دفع راهزنان و اشرار.

افریقا \_ فوت سلطان مسقط سعید نام که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنگیار، این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تطاول طایفهٔ وهابیه انتزاع داد و با دول انگلیس و فرانسه و اتائونی ینگی دنیا معاهدات تجارتی بست.

امریکا \_ (اتائونی) \_ مجادلهٔ شدید در مجلس مابین و کلائی که مایل به آزادی غلامها بودند و آنهائی که نبودند \_ انتخاب بوکامان نام به ریاست جمهوری که طالب عدم آزادی غلامان سیاه اند که در بعضی ایالات اتائونی به طور وحوش و چهارپایان با آنها رفتار می شود و به زخم تازیانه و زجر بی رحمانه آنها را به کارهای پرزحمت وامی دارند، و به وجه مملوک آنها را مبایعه می نمایند برقرار

گردید. (برزیل) ــ تعداد نـفوس پانزده کرور و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر رسیده.

## [سنهٔ ۱۲۷۳ هجری = سنهٔ ۱۸۵۹ مسیحی]

1444

آسيا \_ (ايران) \_ در اين سال حاجي قوام الملک به پاداش نظم بندر بوشهر به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید \_ نواب مؤیدالدوله حکمران فارس بقاع متبركه و اماكن مشرّفهٔ فارس را مرمّت نمود \_ ميرزا رفيع وكيل نواب احتشام الدوله به منصب استيفا نايل گرديد \_ جناب سيف الملک سفير كبير مأمور سنت يطرز بورغ وارد دارالخلافه شد \_ محمدخان ولد مرحوم محمد حسن خان سردار به منصب جلیل میر پنجگی و یکهزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد ـــ و يوسف خان سرتيپ حاكم يزد ولد ديگر مرحوم مشار اليه نيز به هشتصد تومان مواجب، و ایضاً ابوالفتحخان و عبدالحسین خان ولدان مرحوم سردار هریکی به هفتصد و ينجاه تومان مواجب نايل گرديدند (محمدحسن خان سردار همان خانباباخان سردار معروفست) \_ سردار سلطانعلی خان مظفرالدوله پسر مرحوم سردار کهندل خان با عیال از قندهار به عزم خدمتگذاری به ارض اقدس آمده، محمدا کرم خان رئیس آچکزائی را به رکاب مبارک فرستاده مشارّالیه به خلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفرالدوله و سایر ریش سفیدان آچکزائی مرحمت و مقرّر شد اخراجات آنها را نیز در ارض اقدس بدهند و مشغول خدمتگذاری باشند \_ میرزا عنایت الله امین انشکر به یک قطعه نشان اوّل میر پنجگی و حمایل آن مفتخر گردید ــــــ صيدسعيدخان امام مسقط كه به بندرعباس آمده بود مشمول عنايت اولياى دولت قاهره شده و پس از معاودت به بندر مسقط به شکرانه و مباهات این مراحم امنای دولت عملیّه عید گرفته و تقدیم بعضی خدمات نمود ــ جناب سیف الملک به یک قطعه نشان تمشال همایون مكلل به الماس مفتخر گردید \_ شكرالله خان نورى به جای معصوم خان برادرش که فوت شد به منصب یوز باشی گری غلامان سرافراز شد ــ شب عبيد مولود مسعود همايون در دارالخلافة باهره و تمام ولايات جشن

گرفتند \_ هم در این سال فتح هرات اتفاق افتاد بدین شرح که بعد از خلع شدن صيدمحمدخان ظهيرالدوله و نصب شاهزاده محمديوسف به حكومت و امارت هرات امیردوست محمّدخان امیر کابل به هوای فتح هرات افتاد، شاهزاده محمّدیوسف به دولت علنيه استعانت جست، نواب حسام السلطنه قشوني از خراسان با سام خان ایلخانی به امداد فرستادند، امّا افاعنهٔ هرات به اغوای امیردوست محمدخان امیرکابل درصدد مخالفت و منع سامخان ایلخانی از ورود به هرات برآمدند، از اینجا معلوم اولیای دولت علیه شد که امر هرات به اغوای دوست محمدخان اميركابل قرين بي نظمي و اختلال، و شاهزاده محمديوسف كه مطيع و تابع اين دولت قوی شوکت بود نیز جهلاً بر سر خودسری است. لهذا به صلاح اولیای دولت قاهره نبواب حسبام السلطنه فرمانفرماي خراسان عزيمت تسخير و تصرف هرأت را تصميم و لشكر بدان صوب كشيده پس از چندى محاصره شاهزاده محمديوسف دستگیر و سرتیپ عیسی خان نیز که پس از شاهزاده محمدیوسف به اغوای اميردوست محتمدخان هواي حكومت هرات داشت مطيع و منقاد و شهر هرات با جميع ولايات و نقاط تابعة قهراً مفتوح و مسخّر سياه منصور شد و در چهارم ربيع الاول مرْدهٔ اين فـتــح بزرگ به دارالخلافهٔ باهره رسيد. و نظر به تدابير صايبهٔ جناب صدراعظم که در کار این جنگ کرده بودند یک ثوب کاتبی سمور ابره رضائی چهل بند بسیار اعلی که بندهای آن مرضع به جواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون به جناب معظم مرحمت فرمودند. یک قبضه عصای مرضع به نواب حاجی محمد ولی میرزا عطا شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهرهیاب گشتند \_ میرزا محمدحسین دبیرالملک و احکامنویس نظام به یک ثوب حِبّهٔ ترمهٔ کشمیری و یک قطعه نشان اوّل سرتیبی با حمایل آن سرافراز گردید ـــ ميرزا عباس خان منشي اول وزارت امور خارجه نيز به خلعت همايون مفتخر گشت \_ و برای نواب حسام السلطنه والی خراسان یک قطعه گِل کمر مرضع به جواهر گرانبها و دشنه با نیام زرین و قبائی زربافت و چهارهزار تومان انعام مبذول داشتند \_ و میرزا محمّد قوام الدوله وزیر خراسان و سامخان ایلخانی خراسان را به خلاع قیمتی مفتخر فرمودند، و سامخان ملقّب به شجاع الدوله گشت و هزار و

سینصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره به یاورها و سلطانهای افواج و سر بازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد، و امیرحسینخان برادر سامخان ایلخانی و حسین خان یوز باشی را که به حضرت دارالخلافه آمده بودند مرسوم و مواجب مضاعف گردید و حسینخان یوز باشی به منصب سرتیپی مفتخر گردید. خوانین و سرداران و فيضلا وقيضياة هرات نيز به خلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد به جهت مخارج و انعام ومساعده مردم هرات و سپاه مأمور به هرات انفاذ شد ـ نيز از وقايع ملالت انگيز اين سال كه در چهارم ماه صفر اتفاق افتاد ايـن بود كه مرغ روح شاهنشاهزادهٔ معظم وليعهد دولت ابدمهد عليّه معين الدين ميرزا به شاخسار جنان پرواز نمود ـ جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به یک قطعه نشان تمثال بيمثال همايون مكلّل به الماس قرين مفاخرت گرديد \_ حاجي ميرزا محمدخان دبير مهام خارجه نيز به خلعت همايون سرافراز شد \_ نواب حشمت الدوله حكمران اصفهان به يك قطعه نشان تمثال همايون مكلل به الماس مفتخر گردیدند ــ یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب مشیرالدوله) به منصب آجوداني صدارت عظمي نايل گرديد ميرزا داودخان ولد جناب صدراعظم به منصب وزارت لشكر و خلعت همايون مفتخر گشت \_ چون تمثال شمايل مبارك حضرت اميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام كه در عضر آن حضرت از روی چهرهٔ مبارک آن بزرگوار ساخته اند از خزاین ملوک سلف به خزینهٔ این دولت جاويدغدت انتقال يافته برحسب امر همايون ميرزا ابوالحسن خان نقاشباشي كه در اين صنعت وحيد اعصار است از روى آن تمثالي عديم المثال ساخته به جواهر آبدار ترصيع كردند و نظر به محسن عقيدت و خلوص توسّل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی فروآویختند ــ هم در این سال نظر به کدورتی که فیسمابین دولتین ایران و انگلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی کشتی های جنگی انگلیس به خلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و چندگاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر و کارگذاران آن دولت از خاک ایران بیرون رفتنـد و عَـلَم دولت خود را خوابانیدند و میرزا محمّدخان قاجار کشیکچی باشی با استعداد حربسی مأمور بوشهر شد و عساکر دولتین مشغول محاربه گردیدند. چندی نگذشت

که رفع منازعه شد و جناب امین الملک سفیرکبیر دولت علیه ایران در پاریس به خواهش اعلىحضرت ناپليون سيم امپراطور فرانسه با دولت انگليس عهد مصالحه جدیده بست ـ جناب غراف کینو شار ژ دافر دولت فرانسه وارد دارالخلافه گردید ــ حاجى ميرزا احمدخان مصلحت گذار دولت عليه مقيم اسلامبول به منصب وزير مقیمی در بار دولت عثمانی برقرار گردید بر بند نیمور را در عراق میرزا حسن خان حاكم عراق بست ــ آقارضاخان نايب دويم آجودانباشي به نيابت اول آجودانباشي نـايـل آمد ـــ حاجى عبدالله گماشتهٔ امام مسقط با پيشکش و هدايای لايقه به دربار همایون آمد ـ شیمی دین محمدخان حاکم مکران وفات یافته شیی عبدالله خان پسرش را به جای او حکومت دادند ــ کلنل شندلاکر سفیر دولت آستریه از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آستریه با هدایای نفیسه به دارالخلافهٔ باهره آمده به شایستگی پذیرفته شد ــ میرزا شفیع وزیر یزد به منصب استیفا و خلعت همایون مفتخر گردید \_ مرتضی قلی خان سرحددار انزلی به مرض فالج مبتلا شده برادر مشار الیه جعفرقلی خان به سرحدداری انزلی برقرار گردید ــ میرزا اسمعیل خان ميزان آقاسي شيلات گيلان وفات يافته محمودخان پسر او به مباشري شيلات مقرّر شد ... آزادخان خارانی نوکر این دولت جاوید شوکت به یک ثوب جیهٔ ترمهٔ تمام زنجیره و یک قبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید ـ به میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی غفاری یک جعبه رنگ نقاشی طلا که در وسط آن گل الماس گرانبهای شمین است مرحمت فرمودند ... میرزا محمدرضای متولی باشی حضرت معصومه سلامالله عليها مرحوم وحبناب ميرزا سيدحسين ولد آنمرحوم بهجاى يدر منصوب شد \_ ميرزا محمدصادق قايم مقام از آذر بايجان احضار و ميرزا فضل الله وزيرنظام كه سابقاً در آذربايجان بود مجدداً مأمور آن مملكت گرديد \_ نواب محسن ميرزا اميرآخور به خلعت همايون سرافراز گرديد \_ جناب امين الملك سفيركبير دولت علية ايران شب دوشنبه بيست و چهارم جمادى الاولى با اتباع سفارت كبرى و هداياى لايقهٔ اعليحضرت همايون شاهنشاهي به جهت اعليحضرت ناپلیون سیّم وارد پاریس شده در کمال شأن و شایستگی پذیرفته شد ــ شب شنبه بیست و چهارم رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت

به حمل تحویل کرده سلام خاص تحویل و سلام عام عید در پیشگاه همایون شرف انعقاد یافت \_ امیراصلانخان عمیدالملک حکمران گیلان به یک قطعه نشان تمشال همایون مکلل به الماس سرافراز شد ــ جناب کیناز باراتنگی که تازه از جانب اعليحضرت اميراطور روس به جانشيني مملكت قفقاز منصوب گرديده ژنرال کینماز ملیکوف را به در بار دول علیّه روانه نمود که مأموریت خود را اظهار دارد و مشار اليه به شايستگي در دارالخلافه پذيرفته شد ـ مهرعلي خان شجاع الملک به نشان امیرتومانی و حمایل آن و یک قبضه شمشیر مرضع مفتخر گردید\_ محتمدقلی خان ایلخانی فارس به نشان از مرتبهٔ سیّم میر پنجگی و خلعت همایون سرافراز شد \_ علی خان سرتیپ قراگوزلو به نشان از مرتبهٔ سیّم میر پنجگی نائل آمد ـ نـواب غـفـران مآب والده حضرت شهريار مبرور ماضي (محمّدشاه) انارالله برهانه روز پنجشنبه بیست و پنجم شوّال المکرم این سال به غرفات جنان انتقال نمود \_ نواب ركن الدّوله به حكمراني آذر بايحان سرافراز، و نواب والا محمّدتقي ميرزا به حكمرانى دارالخلافه برقرار گرديدند أنواب والا عبدالصمد ميرزا حكمران قزوين شدند \_ جناب مسترموره وزیرمختار و ایلیعی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست و یکم دیقعده با اجزای سفارت خود به دارالخلافه آمد \_ احمدخان نوائبی حاکم بندر بوشهر به لقب دریابیگی گری بحر فارس و نشان و حمایل درجهٔ اوّل سرتیبی سرافراز شد ـ محمّدخان امیرتومان به یک قبضه شمشیر مرضع و اسباب طلا و هزار تومان أنعام نايل گرديد ـــ حکم سخت مؤکد در تأمين و آسایش ملل مختلفه که رعیت این دولت هستند شد ــ جناب حیدرافندی شارژ دافر دولت عثمانی که مراجعت به در بار عثمانی می کرد یک قطعه نشان تمثال همایون از درجهٔ دویم مکلّل به الماس به معزی الیه مرحمت شد و جناب توفیق افندی بهجای مشار الیه مقیم گردید \_ مستشار الملک خراسانی به پانصد تومان اضافه مواجب و استصوابی به علاوهٔ استیفای خراسان و سررشته داری کل مالیات خراسان سرافراز شد ــ جناب مسيو لاغوفكي شارژ دافر دولت روس را به يک قطعه نشان شمير و خورشيد از درجهٔ اوّل و حمايل آن اختصاص دادند ــ فرستادگان ولايات و سرداران كابل و قندهار وغيره با عرايض ارادت آميز خدمت نواب حسام السلطنه

آمدند \_ عسكرخان سرتيپ ارومي مرحوم و يوسف خان برادرش به جاي او به منصب سرتيبي رسيد \_ نريمان خان نايب آجودانباشي حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس به درجهٔ سرتیهی رسید ــ کیناز ملیکوف به یک قطعه نشان شير و خورشيد از درجهٔ اوّل مفتخر و ساير ضاحبمنصبان روس که همراه معزى اليه بودند به هریک علی قدر مراتبهم نشان مرحمت شد و مراجعت کردند ـــ میرزا عَبَّاس خان منشى اوّل وزارت امور خارجه به منصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز گردید ـــ روضهٔ مطهرهٔ حضرت معصومه سلام الله علیها و منازل و پلهای راه قم همه مرمت شد \_ اللهوردي خان ياور توپخانه به منصب سرهنگي توپخانه سرافراز گردید ــ آقامحمدحسن مهردار به یک قطعه نشان تصویر مبارک مکلّل به الماس مفتخر گردید \_ محمدابراهیم خان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان به لقب سهام الملكي و خلعت همايون مفتخر شد \_ خسروخان والي، پنجم ذيحجه مرحوم شد \_ میرزا حسن برادر میرزا حسین سررشته دار قورخانهٔ مبارکه به منصب جبه دار باشی گری سرافراز شد که سردار علی خان سیستانی به مصاهرت نواب بهرام میرزا (معزّالدّوله) مباهی گردید \_ هم در این سال بر آبادی شهر دارالخلافه خیلی افزوده شد. (چین) \_ کشتی های جنگی این دولت با وجود عدم استحکام بعد از استقامت درمقابل سفاین جنگی انگلیس و خسارت کلّی به آنها رسانیدن بالأخره شكست يافتند ــ جزيرهٔ هوتان را در محاذى كانشُ مأمورين فرانسه و انگلیس متصرف شدند و به شهر کانتُن حملات پی درپی برده بعضی از سنگرهای خارج شهر را متصرّف شدند.

اروپا \_\_ (اسپانیا) \_\_ شورش سختی در مالاکا \_\_ به دست آوردن جمعی از شورشیان در مادرید پایتخت \_\_ در ایالت سویل ایضاً شورش \_\_ عزل ناروائز صدراعظم و نصب امیرال اُدمِر \_\_ تولّد پسری از ملکه موسوم به الفنس \_\_ رودخانهٔ ابر را دولت درصدد است که به عرض و عمقش بیفزاید تا کشتی های بزرگ به آسانی در آنجا سیر نمایند \_\_ جمعیت تمام اسپانیا در این سال سی و دو کرور و سیصد و چهل هزار نفر می باشد. (آلمان) \_\_ ایجاد قانون تجارتی به جهت تمام سیصد و چهل هزار نفر می باشد. (آلمان) \_\_ ایجاد قانون تجارتی به جهت تمام

ممالک آلمان ـ هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش به ممالک ایطالیای متصرّفی خود ژنرال رادتسکی سردار پیر که فی الواقع فتوحات این ایالات به دست او شده بود از منصب حكمراني استعفا نمود و حكومت ايالات مذكوره منتقل به ماکسی میلیتن برادر امپراطور می گردد ــ در مملکت پروس طایفهٔ یهود را منع می کسند که قانون دولت تحصیل ننمایند ــ افتتاح راه آهن از میلان به ونیز ــ اعليحضرت يادشاه يروس كه بهشذت ناخوش اند اختيار سلطنت را موقتاً سهماهه به برادر کهتر خود که سناً دو سال کوچکتر است و ولیعهد می باشد واگذار می کنند و این سهماه چندین مرتبه تجدید یافت. (انگلیس) ــ عزل وکلای ملت به واسطهٔ اختلافی که با رجال دولت داشتند ــ تعیین وکلای جدید که اغلب با أرد پالیرستُن صدراعظم خیالشان مطابق است ... فرمان اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه بعد از این مخاطب به پرنس شوهر خواهد بود ــ گفتگوی مصالحه مابین جناب امین الملک فرّخ خان و لرد کولی سفرای کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس ــ شورش عسکر انگلیس در بنگاله به واسطهٔ دخالت دولت در طریقهٔ ملتی و مذهبی آنها، این شورش به اغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتـل و غـارت زیاد بیحد و حساب نسبت به اهالی انگلیس می شود ـــ در دهلی یاغیها یکی از اولاد سلاطین گورکانیه خودشان را به پادشاهی برمی دارند ــ افواج انگلیس را در کلکته براق چینی می کنند ــ قشون مملکت انگلیس عود و گولیور به دولت انگلیس می شورند ... در ناحیهٔ گاؤن پُرُ على الخصوص نه نه صاحب رئيس آنها كمال وحشيگري را نسبت به اهالي انگليس مي نمايند \_ جنگ سخت ياغيها در حوالي اگره \_ در بمبئي طايفة سيک از طوايف هند نسبت به انگلیسها نمی شورند ــ شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در این جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد \_ پادشاه دهملی که نود ساله بود در حین فرار دستگیر شده دو پسرش اسیر و مقتول گردیده و اغلب شاهزاده های خانوادهٔ سلطنت را در دهلی هلاک ساختند ــ تصرف دولت انگلیس جزیرهٔ پرین را در دریای احمر مابین عدن و مخا ــ موافق عهدنامه ای که بها دولت مارک بسته شده این دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله مملکت انگلیس قونسول روانه کند ــ کشتی های جنگی انگلیس در این سال هشتاد و جهار فروند بوده است. (ايطاليا) - قشون أطريش بعد أز هشت سال توقّف در ایالت یارم بیبرون رفتند ـ در شهر لیور مزدم بنای شورش دارند \_ محرک جمیع شورشیان مازینی است ــ مسافرت حضرت پاپ به فلورانس ــ شروع به کنان دالانبی از عرض کوه منسینی به جهت راه آهن از خاک فرانسه به ایطالیا ... ده افتتاح این کار بزرگ یادشاه ساردین، وکتور امانول، و پرنس ناپلیون برادرزادهٔ امپراطور فرانسه حضور داشتند. (برتوغال) ــ پادشاه پیدر پنجم به شخصه افتتاح مجلس بارلمنت مي كند \_ در ليزبن بايتخت حمّاي زرد و حصه وباثثت بهمرسانیده جمعیت زیادی را می کشد. (بلزیک) ــ عروسی دختر بادشاه شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسی میلین. (دانمارک) ـ طایفهٔ اسكانديناو كه بيشتر اهالي شود و نروج و دانمارك از اين طايفه هستند ميل به اتحاد دول ثلاثه در تحت سلطنت یک یادشاه دارند و یادشاه سُود را به جهت این كار انتخاب نمودند \_ وحشت يادشاه دانمارك از اين فقره و نوشتجات رسمي به در بار دول فرنگ فرستادن، و اظهار وحشت نمودن ــ اجزای مجلس شورای ایالت إشلشويك وضع قانون ايالت خود را به سبك آلمان طالبند و مضايقه در دادن مالیات به دولت دانمارک می نمایند \_ بهم زدن حاکم اسلشویک به حکم یادشاه دانسارک مجلس شورای این ایالت را ـ مطالبهٔ مالیات از رعیت به زور ... دول اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند مد دولت روس با بادشاه دانمارک مساعد و حامی است. (روس) ــ امپراطور روس درصدد آزاد کردن رعایای روس است که فسبت به نجبا و ملاكين و اربابان خود حالت عبوديّت داشتند ... برادر اعليحصرت امیراطور روس قسطنطین که سِمّت امارت بحری دارد به بنادر نظامی ادول فرنگ به سياحت رفت على الخصوص در تولُن و شِر بورگ بنادر جنگي و نظامي فرانسه ــــ ملاقات شاهزاده معزى اليه با اعليحضرت يادشاه انگلستان ... عهدنامه تجارتي با **ڑاین ۔۔۔ عروسی گراندوک میشل برادر کھتر اعلیحضرت آمپراطور با شاھزادہ خانج** سيسيل دختر والى باد ـ افتتاح راه آهن از يطر به ورشو. (سُورٌ) ـ يادشاه اين مملكيت بهواسطة سوءمزاج قدرت به سلطنت نداشت پشر حود را كه وليعهد ورد به

نیابت سلطنت مقرر داشت. (سویس) - جنگ با پروس به واسطهٔ میانجیگری فرانسه مبدل به صلح شد \_ پادشاه پروس از داعیهٔ سلطنت شهر نُفْشایِل که متعلق به سویس است دست کشیده حتّی تنخواهی را که از سویس مطالبه می نمود از آن تنخواه هم صرف نظر نمود \_ عهدنامه به امضای طرفین و به امضای جمیع دول فرنگ در پاریس منعقد گردید. (عثمانی) \_ در مشر تغییر وضع وصول مالیات \_ سفر والی مضر به سمت سودان \_ تعیین مخارج معیّن برای شخص والی، والی به این راضی نشد که یک دسته از علمای انگلیس و فرانسه و آلمان که به جهت ان راضی نشد که یک دسته از علمای انگلیس و فرانسه و آلمان که به جهت انکشاف سرچشمهٔ نیل به مضر آمده بودند خیالات خود را در اجرای این عمل به انجام رسانند \_ در تونس قتل یک نفر یهودی که به دین اسلام بی احترامی کرده بود \_ والی قدیم ملداوی شیکا که در این وقت در پاریس بود خود را می کشد \_ بود \_ والی قدیم ملداوی شیکا که در این وقت در پاریس بود خود را می کشد \_ عیسویان هرزگوین و بُسنی و آلبانی که از طرف مسلمانها به آنها صدمه می رسد می شورند.

(بقیّهٔ مسئلهٔ شرقیّه) ـ الحاق به ایالت ملداوی بولگراد را ـ و اگذاشتن به دولت عثمانی جزیرهٔ ماران را و اختیار مصب رود دانوب را به قرادنگیز نیز به دولت عثمانی ـ تخلیهٔ قشون اطریش ایالات افلاق بغدان را موافق عهدنامه که موسوم به عهدنامهٔ پاریس است ـ حدّ روس و عثمانی در سمت اروپایش غرّبی خواهد بود ـ سفیر باژیک مقیم در در بار عثمانی متهم به این شد که اهالی افلاق بغدان را محرّک شده که پسر کهتر پادشاه باژیک را به سلطنت خود اختیار نمایند ـ عزل رشیدپاشای صدراعظم ـ صدارت عالی پاشا ـ قطع مراودهٔ ایلچی های فرانسه و انگلیس و اطریش و روس با وزارت خارجهٔ عثمانی بهطور کدورت ـ دول انگلیس و اطریش عهدنامهٔ مخفی می بندند ـ مسافرت ناپلیون امپراطور فرانسه به انگلیس و ملاقات او با پادشاه انگلستان در قضر اُزْ بُرنْ ـ تجدید مراودهٔ سفرای مذکوره به فیاصلهٔ چهارده روز با وزارت خارجه عثمانی ـ ملاقات ناپلیون و امپراطور روس در اِشتُت گارهٔ پایتخت مملکت وُورتشیرگ در عمارت سلطنتی امپراطور روس در اِشتُت گارهٔ پایتخت مملکت وُورتشیرگ در عمارت سلطنتی بادشاه آنجا و ملاقات امپراطور روس و اطریش در وَیْمارهٔ (فرانسه) ـ قتل کشیش بادرگ پاریس سیببور نام بهدست یکی از کشیش های درجه پست ورژژهٔ هنگام برزرگ پاریس سیببور نام بهدست یکی از کشیش های درجه پست ورژژه هنگام برزگ پاریس سیببور نام بهدست یکی از کشیش های درجه پست ورژژه هنگام برزرگ پاریس سیببور نام بهدست یکی از کشیش های درجه پست ورژژه هنگام برزرگ پاریس سیبتور نام بهدست یکی از کشیش های درجه پست ورژژه هنگام

عبادت در کلیسای سِنْ اتیین سے ایجاد قانون جدید نظامی سے صدھزار نفر قشون ذخیرهٔ فرانسه هنگام صلح حاضِر خواهد بود سے هر سی و پنج نفر از رعایای فرانسه حق فرستادن یک وکیل به دارالشوری دارند سے در لندن مازینی نام ایطالیائی محرّک جمعی است که ناپلیون امپراطور فرانسه را به قتل رسانند سے دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شده پرنس ناپلیون به سمت میانجیگری به برلن پایتخت پروس می رود سے آمدن برادر امپراطور روس قسطنطین و پادشاه باویر به پاریس سے فوت ژنرال کاونیاک فجأتاً سے مأموریت بیست و پنج هزار قشون به سرداری ماکساهون به جنگ طوایف صحرانشین قبیلی سے امتداد سیم تلگرافی بحری از مارسیل به الجزایر سے جمعیت فرنگی که در الجزایر است صد و شصت و هفت هزار و ششصد و هفت از زیر دریای مائش مابین فرانسه و انگلیس سے فوت شاعر پایتخت آن جزیره اخراج می کنند سے عهدنامهٔ تجارتی و دوستی با دولت سیام سے خیال ساختن راهی از زیر دریای مائش مابین فرانسه و انگلیس سے فوت شاعر معروف الفردموس سے تعداد نفوس جمعیت فرانسه به هفتاد و دو کرور و سی و نه معروف الفردموس سے تعداد نفوس جمعیت فرانسه به هفتاد و دو کرور و سی و نه مغرار و سیصد و شصت و چهار نفر رسیده.

امریکا \_ (اتائونی)\_ قحط و غلای سخت در ایالت مشیگان \_ در شهر نیورک منازعهٔ سخت و خونریزی مابین قشون دولت و احتساب شهری \_ کمی پول به حدی که بانک نیورک و بُستن از دادن پول به برات دار مضایقه نمودند. (مکزیک)\_ شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در وراکرس. (ینگی دنیای جنوبی)\_ شدت مرض تبزرد در مُنت ویدو.

## [سنهٔ ۱۲۷۶ هجری = سنهٔ ۱۸۵۷ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال کمافی السابق کلیّه توجّه خاطر خطیر همایون به انتظام به امور کشور و نشکر و اشاعه عدل است — میرزا محمّد به منشی گری مهام خارجه استرآباد و به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ دویم سرهنگی سرافراز شد — علیقلی خان به منصب بیگلر بیگی گری تبریز مفتخر گردید — قلعهٔ خرّم آباد و باغ

على آباد دوباره آباد شد ــ حسن خان سركردهٔ سواره قراپاپاق به يک قطعه نشان اؤل سرهنگی و حمایل آن سرافراز گردید ــ حرم مطهر حضرت رضوی علیه السلام را آیینه کاری کردند ــ یک قطعه نشان تمثال همایون مکلّل به الماس از درجهٔ اوّل با حمايل آبي براي جناب كيناز الكسندر باراتنگي جانشين مملكت فققاز اهدا و انفاذ شد ... در شب ششم شهر صفرالمظفر جشن مولود همایونی در همه جا به شایسنگی گرفته شد ــ حاجی جابرخان حاکم محمّره به منصب میر پنجگی و پانصد تومان اضافه مواجب و خلعت همایون سرافراز گردید ـــ راه خیابان مازندران را حسب الامر تعمير نمودند \_ ميرزا فضل الله وزيرنظام پيشكار آذر بايجان به يك قطعه نشان تمثال همايون سرافراز گرديد \_ غلامحسينخان سپهدار حكمران كرمان نیمز به یک قطعه نشان تمثال بیمثال مفتخر شد ــ علیقلی خان میر پنجه به منصب آجودانباشي كل عساكر نظام برقرار آمد \_ محمد اسمعيل خان چاپارچي باشي ملقب به بشیرالدوله شد \_ میرزا سیدمجند پسر میرزا صادق لشکرنویس به منصب لشكرنويسى سرافراز شد - در اوايل عشهر دويم ربيع الاول نواب مستطاب شاهنشاهرادة امجد اعظم امير محمد قاسم خان را ولايتعهد اين دولت ابدمهد عنايت فرمودند ... ميرزا حسن خان حاكم عراق به يك قطعه نشان اول مير پنجگي با حمایل آن مفتخر گردید ــ یک قطعه نشان اوّل سرتیپی با حمایل به نواب محمد رحيم ميرزا حاكم خوى و سلماس مرحمت فرمودند \_ آقا محمد خسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم و مناصب او به آقا عبدالله رختدار باشی پسرش مرحست و رخمندار باشی گری به آقاابراهیم برادرزادهٔ آن مرحوم اعطا شد ـ حسینتقلی خان سرهنگ فوج عجم مرحوم و محمدعلی خان ولد ارشد آن مرحوم به سرهنگی فوج مزبور سرافراز شد ــ میرزاعلی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام به مهم المستيف مفتخر گرديد ــ رياست كل مدرسة مباركة دارالفنون را در ماه جمال الاولى به نواب اعتضاد السلطنه واگذار و نواب معظم اليه را به خلعت همايون مَمِنَا إِنْ فَرْوَوْنِهُ ــ عَلَى خَانَ سُرتِيتِ افْواجِ قَرَاكُوزُلُو بِهُ مُنصِبُ مِيرٍ بِنجِكُي و خلعت من من الله معامر گردید ... جعفرقلی خان ایلخانی بیگلر بیگی استرآباد به یک قبضه المستمير سكلل به الماس سرافراز شد ــ يك قطعه نشان تمثال همايون به افتخار اعتبمادالسلطنه اعتبمادالسلطنه

صید ثوینی امام مسقط اعطا و ارسال مسقط گردید — جناب مسیو دنیشون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور به اقامت در در بار دولت علیه وارد دارالخلافه شد و مسیو قنبو شار ژدافر فرانسه که مرخص و روانه بود به یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل خارجه با حمایل سبز و یک طاقه شال رضائی نایل گردید — جبه خانهٔ اصفهان در صنعت تفنگ سازی خیلی ترقی کرد — میرزا عبدالوهاب خان شیرازی (جناب نصیرالدوله) به نیابت وزارت امور خارجه و خلعت همایونی نایل گردید — میرزا سیدرضی سررشته دار گمرک به نیابت کل گمرک خانه های ممالک محروسه برقرار گردید — رکن الذین میرزا امیرتوپخانه در ماه رجب مرحوم شد — در این اوقات حسب الاشارهٔ علیه حکمی نظامی جناب صدراعظم به جهت تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام ترقیم نموده صدر آن موشح به دستخط جهانمطاع همایون گردید — نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مفسدین ترکمانان سرخس و مرو را تنبیه نمودند.

شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از شب گذشته آقتاب از برج خوت به حمل تحویل نبوده مراسم جشن عید از سلام و غیره با کمال شکوه به عمل آمد \_ شب پانزدهم شعبان که مولود مسعود حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه می باشد به امر همایون مقرر و مرسوم شد این روز را عید و جشن دولتی بگیرند \_ محمدرضا بیک پسر مرحوم محمدرضا بیک یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید \_ عیسی خان والی به حکمرانی اصفهان مأمور شد \_ نواب نصرت الدوله را به حکمرانی عراق مفتخر فرمودند \_ میرزاذوالفقارخان حاکم قم به یک قطعه نشان اول میر پنجگی با حمایل آن سرافراز گردید و میرزا ابوالقاسم خان ولد معزی الیه به انشاء دیوان اعلی برقرار شد \_ نواب عمادالدوله حکمران کرمانشهان به اعطای یک قطعه گل کمر مکلل به الماس مفتخر گردید \_ عمل چاپارخانه های ممالک محروسه به حسین خان سرتیپ محول گردید \_ نمونه ای از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله زار به مراقبت مسیو کرشش معلم توپخانه ایجاد شد و معلم مشازالیه به یک رشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید \_ حسینقلی خان بختیاری به یک ثوب سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید \_ حسینقلی خان بختیاری به یک ثوب

جبّة ترمه و يك قبضه شمشيرته غلاف طلا مباهي شد \_ حسينعلي خان معيرالممالک وفات نمود و منصب خزانه داری و معيرالممالکي را به دوستعلي خان ولـد آن مرحوم مرحمت فرمودند ـــ امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ و حاکم سنقر و کلیائی به یک قطعه نشان اوّل سرتیپی و یک رشته حمایل آن سرافراز شد ـــ جناب نظام الملك به وزارت و پیشكاري شاهنشاهزاده اعظم امیرقاسم خان ولیعهد دولت عليه مفتخر گرديد ـ آقاعبدالله ولد مرحوم آقا محمد حسن صندوقدار را حسب الامر به اسم پدر نامیدند \_ اشرار تراکمهٔ سرخس که دم از خودسری می زدند نواب حسام السلطنه حكمران خراسان با عساكر نصرت مآثر آنها را تنبيه و تهديد نموده بر سر اطاعت آورد \_ نواب ركن الدوله اردشير ميرزا حكمران آذر بايجان به یک قطعه نشان اول امیرتومانی با حمایل آن و یک هزار تومان اضافه مواجب سرافراز شد ــ ميرزا فضل الله وزيرنظام وزير آذر بايجان نيز به يک قطعه نشان اول امیرتومانی و حمایل آن و یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ شمسهٔ مرضع مفتخر گردید ـــ میرزا مصطفی قلی مستوفی و پیشکار محاسبات آذرابایجان به یک قطعه نشان اوّل سرتیپی و حسایل قرمز و خلعت همایون نایل گردید ـــ صنف خباز آذر بایجان را از مالیات معاف فرمودند \_ میرزا فضل الله نایب ایشیک آقاسی باشی به منصب بیگـلـر بیگی گری تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت ـــ میرزا نصیر کدخداباشی سابق تبرینز به منصب مستوفی گری آذر بایجان برقرار شد \_ مسیو کِـرشش معلم و سرهنگ توپخانه به منصب سرتیپی نایل گردید ــ میرزا محمّدعلی مباشِر امور خمارجهٔ گیلان به یک قطعه نشان دویم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد ـ روز هيجدهم ذيقعدة الحرام طاير روح شاهنشاهزادة اعظم امیبرقاسم خان ولیعهد دولت علیّه پرواز به خلد برین نمود و در زاویهٔ مقدسهٔ حضرت امامزاده عبدالعظيم عليه السلام بقعة مخصوص بنا كرده مدفون نمودند \_ جناب فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیّه مأمور به اقامت در بار اسلامبول شد \_ یک رأس اسب عربی خاصه با یراق مکلّل به جواهر به جناب صدراعظم مرحمت فرمودند ــ حاجى حسينخان بروجردى به نيابت اؤل ايشيک آقاسي باشي سرافراز شد. (چین) - حاکم ایالت کانتُن یه نام و سپهسالار چین از طایفهٔ تاتار به دست

عساكر انگليس محبوس گرديد. حاكم مزبور كه به كلكته به حبس فرستاده می شود معترف به این است که در این چهار سال که از طَرف دولت چین مأمور به حكومت اين ولايت است شصت هزار نفر آدم از ياغيها را به قتل رسانيده است \_ مأمورين فرانسه و انگليس به اميد اينكه بتوانند با دربار پكن گفتگو نمايند تا کیانگ سو می روند \_ گفتگوی بیفایده در مصالحه بعد از ناامیدی از مصالحه عساكر فرانسه و انگليس در خليج پتشلي وارد مي شوند ــ در اين خليج رودخانهٔ پیمهو که یک شعبه اش از میان شهر پکن پایتخت می گذرد چینی ها در ساحل این تعلیج و دهنهٔ این رودخانه قلعهجات خیلی سخت محکم دارند ــ بعضی از قلعهجات آنها را که صد و سی و هشت توپ زیاده یا کم داشتند عساکر منفقه گرفتند ــ دهنهٔ رودخانهٔ بدست آمده بالا رفته شهر تینسین را هم متصرف شدند ــ مأمورين روس در اين مقدمه عهدنامهٔ دوستي با دولت چين منعقد کرده جميع بنادر چیـن را از برای سفاین روس باز و آزاد دانسته در سمت رود آمور تقریباً پانصد میل مسافت از سرحد سبیر ضمیمهٔ مملکت روس شده بعد عهدنامهٔ چینی ها در تینسین بًا فرانسه و انگلیس بستند ب سفرای انگلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود ــ ده گرور تومان بول ایران خسارت دولت چین **به دول**ت انگلیس خواهد داد و سه کرور به فرانسه ـــ مسافرین و سیّاحان فرنگ در چین آزاد خواهند بود که در جمیع ممالک چین گردش کنند ــ مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم خواهد بود ــ تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود. (ژاپن) ــ عهدنامهٔ تجارتی با اتائونی و انگلیس و روس و فرانسه.

اروبا — (اسپانیول) — اختلاف آرا مابین وزرا — پادشاه انگلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان گفتگو دارد — افتتاح راه آهن از مادرید به آلی کانت. (آلمان) — فوت مارشال رادیسکی — قرض دولت اطریش در این سال معادل هزار و دویست کرور تومان پول ایرانست — تولد پسری از امپراطور اطریش — در میلان ایطالیا متصرفی دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت و یکتر امانول پادشاه ساردین را طالبند — پسر پادشاه پروس دختر

بعزرگ پادشاه آگلیس را به ازدواج خود درآورد ـــ افتتاح راهآهن از گنیز برگ شهر يروس الى سرحـد روس ـــ پرنـس گيتوم برادر پادشاه پروس مستقلاً بدون ترديد و بدون تعیین وقب به نیابت سلطنت به واسطهٔ سوء مزاج پادشاه که برادر بزرگست برقرار می شود. (انگلیس) \_ عزل وزراء ویگ و نصب وزرای طایفهٔ توری به ریاست نُرد در سی ب پادشاه گورکانی دهلی را حبساً به جزیرهٔ آندمان می فرستد ـــ حکومت و فومانفرمانی هندوستان که تا آن زمان به تصرّف کمپانی بوده نه به اختیار دولت لرد پالمرستن در اواخر صدارت و لرد در بی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف به دولت می کنند که این وضع کمپانی را موقوف داشته هـنـدوسـتــان را یکی از ایالات معتبرهٔ معظمهٔ انگلیس تصوّر نمایند و یک وزیری به سمت وزارت هندوستان در دستهٔ وزرا مقرّر شود ـــ سیر کامبل به امداد راجه نیال با ينجاه هزار قشون شهر لكهنوى هندوستان را به تصرف درآورد، بيست و پنج هزار نفر از ياغبها به سمت بنارس فرار كردند \_ به جهت فتوحات نمايان كاميل سبهسالاری هند و لقب لرد کلیدی از طرف دولت انگلیس به او داده می شود \_ لرد استَثْلَى گانَنک که از طرف کمیانی حکومت هند داشت به سمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هدوستان برقرار شد ــ در جزیرهٔ نُولُ کالدونی متعلّق به انگلیس معادن طلای خیلی بامکنت منکشف شد ــ مجلس لُردها بعداز هفت سال گفتگو بالاخره قبول كردند كه از طايفهٔ يهود در مجلس پارلمنت به سمت وكالت رعیّت حضور بهم رسانند بـ رُچٹل صرّاف معروف یهودی در مجلس قبول شد بـ رُتِرْ نـام از اهـالـی آلــــان ایـجـاد روزنـامـهٔ تلگرافی عمومی نمود. (ایطالیا)\_ کاوورا صدراعظم ساردین مصر بر اینست که باید با فرانسه اتحادی داشت. (برتوغال) ــ ازدواج پادشاه با یکی از شاهزاده خانم های پروس. (بلژیک) ــ دولت درصدد ساختن قلعهٔ محکمی در بندر آنورش برآمد. (روس) ــ انعقاد مجلسی به حکم اعلیحضرت امپراطور به جهت آزاد نمودن رعایا \_ در مملکت روس آنچه به تعداد آمده صد و نه هزار اربابست از این عدد هزار و چهارصد نفر از هزار الی ده هزار

رعیّت دارند که این رعایا به منزلهٔ مملوک هستند و خرید و فروش می شوند و في الواقع اعليحضرت امپراطور روس جمعيّتي كه مشتمل برچهل و يک كرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که درحقیقت رعایای مملوک به حکم امپراطور آزاد شدند. (سُود) ــ به واسطهٔ یانقین سختی قسمت عمده از پایتخت مىسوزد. (سويس) \_ افتتاح راه آهن از ژنوا به نوآن. (عثماني) \_ خيال اتحاد ایالتین والاشی وملداوی (افلاق بغدان) در تحت یک حکومت چون از برای اقتدار روس در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود به این واسطه باز مابین روس و عشمانی نزدیک به ترک مراوده شد ـ لهذا مجلس شورای مجدّدی در پاریس از مأمورین جمیع دول منعقد گردید بعضی قرارهای جدید در عـمـل اتحاد افلاق بغدان و قراداغ عثماني و بعضي جاها گذاشته شد ـــ سيرهانري بُلورْ به سفارت انگلیس در در بار عثمانی به جای لرد ریکلیف برقرار شد \_ فوت رشیدیاشا فجأتاً \_ شورش سخت در آیالت هرزگوین و منتنگرو در بُسنی \_ فتوحات عمر یاشا با اعراب بدوی در حاوالی بغداد ــ باریدن باران سخت در شامات و خرابی رسانیدن نیز در جزیرهٔ کاندی به جهت زیادی مالیات اهالی شوریدند مسلمانها عیسوی زیادی در این جزیره به قتل رسانیدند ــ در بندر حده فرنگی زیاد به قتل رسید منجمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند ـ کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس به ضرب گلولهٔ نارنجک خرابی زیادی به جده وارد می آورند \_ دولت عثمانی جمعی را به جهت تحقیق این فقره مأمور به جده نموده ده نفر از مقصّرین را که محرّک مردم بودند در این قتل و نهب به دست آورده می کشند \_ ایجاد محلس وکلای ملّت در بلگراد و سروستان \_ وکلای ملّت این ایالت عزل قارازارش ژویش را طالبند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و نصب ابرنُویج \_ ولیعهد مصر احمدپاشا پسر ابراهیم پاشا در نیل غرق شده هلاک می شود \_ در تونس ایجاد یک بانک \_ ایجاد اوّل راهآهن در خاک عثمانی از اِزْمیر به آیْدَنْ. (فرانسه) - جمعی از اهالی ایطالیا که رئیس آنها ارسینی نام بود

قىصىد قىتىل نبايلىيىون امپراطور فرانسه كردند و شبى در مدخل تماشاخانه بزرگ سه نـارنجک به سمت امیراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتنول و به امپراطور نیز زخمی وارد آمد ــ موافق فرمان امپراطور نایلیون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نیابت سلطنت با امیراطریس خواهد بود ... ژنرال شان کازنیه و ژنرال بد که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجازه یافتند که وارد شوند ـ سفارت كبراي دُوك دُمالاكف به انگليس ـ از براي زينت شهر پاريس در ظرف ده سال مقرّر است سی و شش کرور تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرور دولت کمک خواهد کرد مابقی را اهل شهر ـ فوت مادر کنت دپاریس نوهٔ لوی فلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انگلیس ــ وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در خارج از مملکت فرانسه مالک است به پرنس ناپليون عموزادة امپراطور مقرر شد \_ حكومت ژنرال ماكماهون به الجزاير ... مملكت سیام قبول قونسول فرانسه را ننمود کے جزئی کدورتی با دولت پرتوغال ـ ترضیه خواستن دولت پرتوغال و عفو دولت فرانسه به جهت حفر مجمع البحرين سوئيز \_ کمپانی این عمل در پاریس افتتاح استقراض کرد \_ آمدن پادشاه انگلستان به شر بُرغ به بندر فرانسه و ملاقات نمودن با امیراطور فرانسه ــ فوت ژاشل بازیگر معروف. (یونان)\_ ایجاد موزه در آتن پایتخت این دولت \_ بروز زلزله در آتیک \_\_ خرابی شهر کرنت به واسطهٔ زلزله ــ جزیرهٔ کُرفُو را انگلیس مایل به تصرف است لیکن اهالی جزیره زیادتر میل دارند که جزو یونان باشند.

(افریقا) در شمال دماغه امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی الخصوص هلاندیها در سواحل رودخانه ترانس وال سکنی گرفتند و بیست و دو سال بود، دولت انگلیس لاینقطع با آنها در منازعه بود، بلکه آنها را جزء رعایای خود که در افریقا دارد نماید ممکن نشد تا در این سال دولت انگلیس اینجمهوری مختصر را شناخت به جمهوری ترانس وال \_ بُشهُف نام هلاندی به انتخاب عامه اهالی ترانس وال مدت هفت سال ریاست یافت.

اصریکا \_ (اتائونی) \_ اختراع وضع تلگراف جدید به توسط دکتر مُرس از اهل

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

اتائونی که به اسم همان شخص این تلگراف الحال موسومست. دولت انگلیس چهل هزار تومان انعام و حق السعی به این شخص می دهد. (ینگی دنیای جنوبی) ـ شورش سختی در جمهوری پرو و رفع آن. (برزیل) ـ ابتدای راه آهن جدید موسوم به راه دُنْپیدرُ. (ینگی دنیای شمالی) ـ بعد از دومرتبه تلاش بیهوده در مرتبه ثالث مابین والانتیا شهر ارلند انگلیس و سنتژان شهر ینگی دنیائی امتداد سیم تلگراف بحری شد، اوّل مخابرهٔ تلگراف تهنیت آمیز مابین رئیس جمهوری اتائونی و پادشاه انگلستان بود. وقتی که در ساعت شهر والانتیا دو ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود و در شهر سنتژان انگلیس ظهر و اختلاف افق به این قدر اما به زودی این سیم بحری پاره و قطع مراوه مابین اروپ و ینگی دنیا گردید.

## [سنة ١٢٧٥ هجري = سنة ١٨٥٨ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال خیرمال ذات اقدس همایون به نفس نفیس مبارک غور و تعمقی در کلّیهٔ امور دولتی و ملکی می فرمایند — ریاست دفترخانهٔ وزارت امور خارجه را به میرزا محمد از اجزای وزارت خارجه داده و به اعطای نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل سرهنگی با حمایل آن مفتخر گردید — متعلّمین مدرسهٔ دارالفنون ترقی کلّی کرده اند — جناب مسیو انچکوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مأمور به اقامت در باردولت علیه وارد دارالخلافه شده پذیراثی رسمی از معزیالیه به عمل آمد — میرزا زکی معلّم و یاور توپخانه به منصب سرهنگی توپخانه مفتخر گردید — بیستم شهر محرّم الحرام به موجب دستخط مبارک برناب صدراعظم از صدارت عظمی و نظام الملک و وزیر لشکر از مناصب خودشان معزول شدند — و بعد از عزل صدراعظم شش وزارتخانه در در بار دولت علیه ترتیب معزول شدند — و بعد از عزل صدراعظم شش وزارت خارجه، سیّم وزارت جنگ، معلم و زارت مالیه، پنجم وزارت عدلیه، دویّم وزارت وظایف — و اسامی وزرا و چهارم وزارت مالیه، پنجم وزارت عدلیه، ششم وزارت وظایف — و اسامی وزرا و القاب هریک از این قرار است: جناب میرزا محمدصادق قایم مقام به لقب القاب هریک از این قرار است: جناب میرزا محمدصادق قایم مقام به لقب

امين الدوله و وزارت داخله سرافراز شد \_ وزارت خارجه كماكان به عهده جناب مؤتمن الملك ميرزا سعيدخان است \_ جناب ميرزا محمدخان كشيكيي باشي به لقب جلیل سپهسالاری و وزارت جنگ مفتخر گردید \_ وزارت مالیه برعهدهٔ كفايت جناب اجل أقاميرزا يوسف مستوفي الممالك مفوض آمد \_ جناب عباسقلی خان والی جوانشیر ملقب به معتمدالدوله شده وزارت عدلیه به عهدهٔ ایشان محوّل گشت ــ وزارت وظایف و اوقاف تعلّق به میرزا فضل الله نصیرالملک یافت ــ و میرزا عنایت الله امین لشکر کماکان مشغول ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود ــ در امور مهمه قرار به شوری افتاه و امضای کلیهٔ امور خاص به نفس نفیس همايون گرديد، و بدون استيذان و اجازه از جانب سني الجوانب حكمي نفاذ نمي يابد \_ حاجي محمّدخان بيشخدمت خاصه بهجاي والد مؤلف منصب فراشباشیگری و لقب حاجبالدولگی یافت ــ منصب ریاست مجلس شوری را به ميرزا جعفرخان مشيرالدوله مرحمت فرمودند ــ ميرزا باقر برادرزادهٔ ميرزا جاني به لشكرنويسى فارس مأمور شد للحساب يزد و بروجرد برعهده ميرزا رفيع مستوفى مفوض گردید \_ یحیی خان (جناب مشیرالدوله) به منصب آجودان مخصوص و مترجمی حضور باهرالنور و خلعت همایون سرافراز گردید ــ جشن مولود همایونی در ششم صفر به مبارکی گرفته شد ــ هم در این سال ارتفاع قلهٔ دماوند را گرفتند و معلوم شد از سطح طهران پنج هزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا شش هزار و ششصد و سیزده ذرع است ــ حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی وابستگان خود به در بار همایون آمده بعد از رخصت انصراف به حمایل میرینجگی و خلعت همایون نایل و همراهانش نیز به مناصب و خلاع همایونی سرافراز شدند ــ سفیری به سمت شارژدافری دولت بلجیک به دارالخلافهٔ باهره آمد ــ میرزا ابراهیم خان به منصب سرتیپی اوّل و حمایل و نشان آن سرافراز شد \_ میرزا حسن لله باشی به منصب ریشسفیدی درب حرمخانه و خلعت همایونی سرافراز شد\_ مصطفی قلی خان حاکم سبزوار به خلعت همایون و یک قبضه شمشیر ته غلاف طلا نایل گردید ــ یک ثوب عبای ترمه به جهت جناب شیخ عبدالحسین مجتهد ارسال عتبات شد ــ برای جناب حاجی سیدجواد امام جمعهٔ کرمان نیز یک قبضه عصای اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

مرضع ارسال کردند ــ جان محمدخان سرهنگ فوج خلج ساوه به منصب سرتیپی سيتم سرافراز شد \_ حسين خان نظام الدوله به منصب اميرتوماني منصوب شد \_ جناب فرخ خان امین الملک سفارت کبری و مأموریت خود را به پایان رسانده در ماه ربیع الاول وارد دارالخلافه و شرفیاب حضور همایون شده به یک قطعه گل کمر مرضع ممتاز و یک ثوب جبّهٔ ترمه کشمیری حاشیه دار از ملابس خاصه مخلّع و سرافراز گردید \_ میرزا شفیع شیرازی به منصب استیفا سرافراز شد \_ دیوانخانه های عدلیه در تمام ولایات برقرار فرمودند ــ یحیی خان آجودان مخصوص و مترجم حصور همایون به یک رشته حمایل سفید از مرتبهٔ سرهنگی سرافراز شد ــ میرزا ملکمخان سرهنگ اتباماژر که به منصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک به اروپا مأمور شد به منصب سرتیبی و نشان و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید ـــ نواب شاهزاده بهرام میرزا را به لقب معزّ الدوله مفتخر و به صاحب اختیاری مملکت آذر بایجان و یک قطعه نشان مکلل به الماس از مرتبهٔ امیرتومانی با حمایل آن سـرافراز فرمودند ـــ و عزیزخان سردار کل را به نشان و حمایل و خطاباتی که سابقاً داشت مجدّداً برقرار و ریاست کلیّه و نظم امور مملکت و قشونی آذربایجان را به عهدهٔ معزى اليه موكول فرمودند ... ميرزا ابوالقاسم مستوفى به لقب معين الملكى ملقّب گردید \_ میرزا عبّاسخان نایب وزارت خارجه به منصب نیابت اوّل و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز و مأمور به کارگذاری بالاستقلال مهام خارجه آذر بایجان شد \_ عیسی خان والی حاکم اصفهان به اعطای لقب اعتمادالدوله گی سرافراز گردید و محمودخان میر پنجه به لقب نبیل نـاصـرالـمـلـکـي مـفـتـخـر گـشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب به معزی الیه تفويض شد ــ نواب حشمت الدوله را به حكمراني خراسان و يك ثوب قباي مفتول دوز نظامی تن پوش مبارک و یک رشته حمایل سبز و آبی که مخصوص منصب سردارى است سرافراز فرمودند \_ ميرزا محمد قوام الدّوله وزير خراسان به یک رشته حمایل سبز و قرمز از مرتبهٔ امیرتومانی نایل گردید ــ میرزا جعفرخان مشيرالدوله را به يک قبضه عصاي مرضع قرين اعزاز فرمودند \_ فوج خلخال را به عبدالحسين خان برادر مؤلف مرحمت فرمودند \_ جناب ميرزا فتحملي خان

صاحب دیوان به حکومت یزد مفتخر آمد ... هنگام مراجعت جناب امین الملک سنفيركبير دولت عليه ايران بعضى هدايا و تحف لايقه از جانب نايليون اميراطور فرانسه و دول متحدة امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهرالنور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عزّ وصول یافت ــ محمدولی خان قاجار بیگلر بیگی سابق استرآباد به منصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید ــ میرزا احمدخان پسر مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر به منصب سرتیپی سرافراز شد \_ جناب فرخ خان امین الملک به وزارت حضور و مهرداری مُهر مبارک و ریش سفیدی و ریاست عملهٔ خلوت برقرار گردید ــ میرزا علی خان ولد میرزا مصطفی خان افشار به منصب سرهنگی سرافراز شد ــ نظر به موالات و اتّحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور روس یک قبضه شمشیر مرضع برای اعلیحضرت همایون اهدا نمودند ... میرزا هدایت الله پسر نصیرالملک به منصب استیفای وظایف ممالک محروسه برقرار گردید \_ حاجی میرزا عبدالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیردیوان به منصب استیفای دیوان اعلی سرافراز شد لے ایجاد و امتداد سیم تلگراف از دارالخلافهٔ باهره الى عـمـارت سلطانيه و از آنجا تا تبريز به مباشرت نواب اعتضادالسلطنه \_ چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران به ریاست عبدالرسول خان نوادهٔ مرحوم صدر اصفهانی انتخاب شدند که در مدارس علمیهٔ پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند \_ حسنعلی خان سرتیب ژنرال آجودان حضور همایون به منصب وزیر مختاری و ایلجیگری مخصوص دولت علیّه ایران مأمور به اقامت در بار دولتین انگلیس و فرانسه گردیده به خلعت همایونی سرافراز شد و حاجی محسن خان سرهنگ به نیمابت اوّل، و میرزا صادقخان به نیابت دویّم، و نظرآقا به مترجمی اوّل سفارت مزبوره برقرار گردیدند ــ شاگردان نیز سپرده به جناب حسنعلی خان وزیر مختار هستند ـــ میرزا عبدالرحیم خان به منصب کار پردازی اوّل دولت علیّه منصوب و به اقامت تفلیس مأمور گردیده به اعطای یک قطعه نشان سرتیبی و حمایل و خلعت همايون سرافراز شد \_ و ميرزا عبدالوهابخان به منصب نيابت اوّل كار يردازخانة تَمْلَيْس برقرار گرديد ــ نصرالله خان سرتيپ به يک قطعه نشان از درجهٔ سيّم سرتيپي سرافراز شد ـ حکومت کرمان را به نواب کیومرث میرزا و وزارت کرمان را به

محمد اسمعیلخان مفوض فرمودند به جناب میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) به منصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت همایون سرافراز گردید و اجزای این سفارت از این قرار است:

(نریمانخان سرتیپ مستشار سفارت)، (میرزا سلیمانخان پسر جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب اوّل)، (میرزا حسن نایب دویم)، (میرزا زمانخان به سمت قنسول ژنرالی مأمور به اقامت مضر)، (میرزا مهدی مأمور به کار پردازی ارزنة الروم)، (میرزا حسین به منصب کار پردازی مأمور به اقامت طرابزن)، (حاجی میر بهاء الدین به منصب کار پردازی شام).

يحييي خان پسر جناب حسنعلي خان وزير مختار به سرهنگي فوج اول گروس سرافراز شد ــ نواب عمادالدوله به یک قطعه نشان امیرتومانی و حمایل آن سىرافىراز گـرديد ـــ قوام الدوله وزير خزاسان نيز به يک قطعه نشان اميرتوماني مفتخر گردید ... اللهویردی خان سرهنگ توپخانه به منصب سرتیپی سیّم توپخانه برقرار شد \_ حسنعلى خان سرتيپ افشار به يک قطعه نشان دويم سرتيبي و حمايل آن نايل گشت \_ محمدباقرخان سرهنگ فوج ششم به یک قطعه نشان اوّل سرهنگی و حمایل سفید مباهی شد \_ علیمرادخان پسر اسدالله خان سرتیپ فوج گوران چون این اوقیات اشرار آن سامیان پدرش را غفلتاً به قتل رسانیدند و قاتلین او را گرفتند خود او به منصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد ـــ شاهزاده احمد میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار رفت ــ حاجی حسنخان قاجار به وزارت قزوین منصوب گردید ... کاظم خمان سرهنگ فوج ناصریه به منصب سرتیپی سرافراز گشته ایل حاجي عليلوي قراجه داغ را هم به معزي اليه واگذار فرموده مقرّر شد پنجاه سوار رشيد خیوب هم از ایلات قراجه داغ بگیرد و ابوابجمع او باشد ــ روز دوشنبه شانزدهم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود سلام خیاص تحویل در کلاه فرنگی و سلام عام نوروزی در تالار تخت مرمر اتفاق افتياد ــ نواب والا نصرت الدوله را به حكومت دارالخلافه سرافزاز فرمودند ــ چون موکب همایون عازم سلطانیه است در ایام غیبت اردوی معلّی ریاست قشون متوقف دارالخلافه و قورخانه و جبّهخانه را به جناب ناصرالملک تفویض فرمودند ـــ میران

آذر بـایجان را به میرزا عبدالرحیم میزان آقاسی واگذار فرمودند ـــ روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان نواب اشرف والا شاهنشاهزاده افخم كامران ميرزا را (نايب السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ) به نیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سر بلند فرمودند ــ حکـمرانــی فارس را به نواب حسام السلطنه تفویض داشتند ـــ روز بیست و نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقرّ خلافت عظمی به عزم زیارت حضرت معصومه سلام الله عليها و تشريف فرمائي به سلطانيه انتهاض فرموده يافت آباد محل نزول اردوی معلّی گردید ــ جمعه چهارم رمضان قریه آدران مخیم اردوی همایون شد ـــ حاجى ميرزا محمدخان دبير مهام خارجه نايب اول وزارت امور خارجه به جهت انجام حدمات مقرره و تسویه قراردادهائی که فیمابین ایلچی کبیر دولت علیّه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته به سمت مأموریت مخصوصه مأمور بـغـداد و مخلّع گردید و میرزا علی خان (جناب امین الدوله) پسَر معزی الیه به منصب منشیگری وزارت امور خارجه و اعطای مواجب سر بلند و به اتفاق مشار الیه روانة عراق عرب شد ــ ميرزا محمّدهادق المين الدوله وزير داخله به واسطة علّت مزاج از منصب و خدمت معاف شد\_ نواب والا فرهاد میرزای نایب الایاله به نشان و حمایل میر پنجی نایل گردیدند ــ امان الله خان والی کردستان به نشان دو تیم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید \_ شب چهارشنبه نهم رمضان منزل حوض سلطان مقر موکب همایون بود \_ نواب حسام السلطنه به یک قطعه نشان مکلل به الماس از درجهٔ دویم امیرنویانی و یک رشته حمایل سبز و آبی و خلعت همایون سرافراز گردیدند ـــ جناب فرخخان امین الملک را به لقب آمین الدوله ملقب و عـلاوه بر مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزى اليه معروض حضور مبارك دارد وعزل و نصب حكام ولايات ممالک محروسه هم به مشاورت وصوابدید ایشان باشد ــ روز پنجشنبه دهم رمضان موكب همايون وارد قم گرديده از راه همدان عزيمت سلطانيه فرمودند \_ میرزا زمانخان کارپرداز مضر به نشان اول سرهنگی سرافراز شد ... و محــمّـدباقرخان ولد محمّدخان اميرتومان نيز به نشان اوّل سرهنگي مفتخر گرديد ـــ بیست و سیّم رمضان محلاّت محلّ نزول اجلال موکب معلی بود ــ امیرزاده سلطان

حمید میرزا ولد نواب تصرت الدوله به منصب سرهنگی خارج از فوج برقرار گردید \_ مدرسهٔ نظام تبریز به اهتمام محمدصادق خان سرهنگ رونق کامل یافت \_ امیرزاده ساسان میرزا به منصب سرهنگی نایل و بیگلربیگی تبریز شد ــ موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای سنندج شده سه روز در آنجا توقف فرمودند و چون از عهود سالفه در این ولایت معمول ولات بود که صاحبان املاک تصرف مالكانه در ملك و مايملك خود چنانكه بايد نداشتند حكم همايون بر منع اين رسم شنيع صادر و مقرّر شد عموم رعايا نسلاً بعد نسلِ مالک قاهر اموال موروث و مكتسب خود باشند ــ موكب معلى ار سنندج انتهاض فرموده به ساحات گروس نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانيه شده روز دويتم ذيحجه سلطانیه مخیم اردوی کیوان شکوه گشت \_ نواب اعتضاد السلطنه را به یاداش خدمت کشیدن سیم تلگراف تا سلطانیه به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الـمـاس و يـکـهـزار تـومـان انعام مفتخر و به منصب و لقب وزارنت علوم منصوب و ملقب فرمودند ـــ سلام عيد اضحى در عمارت سلطانيه شرف انعقاد يافت و در اين سلام چهل هزار از عساكر نظام و غيرنظام حاضِر بودند ــ قاسم خان وزير مقيم دولت علیه متوقف سنت پطرز بورغ به منصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید \_ نواب احتشام الدوله خانلر میرزا به حکومت اصفهان و نواب عضدالدوله سلطان احمد ميرزا به حكومت بروجرد سرافراز شدند ... حكونت لرستان را ضميمة حكومت كرمانشهان نموده به نواب عمادالدوله مرحمت فرمودند ــ والد مؤلف حاجي على خان را به لقب ضياء الملك ملقب و به حكومت ايالت عربستان سرافراز داشتند ــ حکومت مازندران و استرآباد را به نواب حاجی کیومرث میرزا ايلخاني ايل جليل قاجار مرحمت فرموده نواب معزى اليه را ملقب به ملك آرا نمودند و نیابت این ایالت به امیرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد ... محمدمهدى خان يسر جناب سپهسالار به منصب كشيكيي باشيگري مفتخر گرديد \_ اميراصلان خان عميدالملك حكمران گيلان به لقب مجدالدوله ملقب شد \_ پاشاخان سرتيپ اول شجاع الملك لقب يافت \_ نواب حشمت الدوله حكمران خراسان در سرخس به اجازه علیه قلعهٔ جدیدی محکم و بزرگ که عبارت از

شهریست به قاعدهٔ هندسه بنا نموده و بقدر سهچهار هزار خانوار از ایلات داخلهٔ خراسان برای سکنای آن قلعه معیّن و چهار فوج سرباز و پانصد سوار در آنجا ساخلو گذاشته محمّدولی خان سردار خراسان را به ریاست آنجا برقرار کردند. (چین) فوت حاکم کانتُن یه که اسیر انگلیسها بود در کلکته \_ خفّت دادن به سفرای انگلیس و فرانسه و ینگی دنیا در این مملکت، و نپذیرفتن خاقان چین ایشان را در حضور خود. (ژاپن) \_ جز بندر یوکوهوما از برای ورود سفاین ملل فرنگ باز نبود هنوز به ید پایتخت ورود نکردند. (هاچین) \_ قشون دولت فرانسه اسپانیا سواحل رودخانهٔ توران را متصرّف شده نحو را نیز تصرف کردند.

اروبا \_ (اسپانیول) \_ افتتاح راه آهن از مادرید به ساراکش \_ میل عامهٔ مردم به حنگ با دولت مرقش ــ سرداری اُدُنِل در این جنگ ــ جنگ سخت مابین قشون اسپانیا و مرقش ــ اتلاف قشون اسپانیائی به واسطهٔ امراض وبائی ــ فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مرقش در اوایل زمستان ــ هنگام منازعهٔ اسپانیا با مرقش دولت انگلیس با اسپانیا شرط می نماید که بندر تان ژر را بعد از فتح آنقدر نگاهدارد که امضای عهدنامهٔ صلح بشود. (آلمان) ــ تزلزل دولت اطریش از بروز جنگ در اوایل این سال مابین این دولت و ایطالیا و فرانسه ــ فرستادن اطریش یک دسته قشون به سر بستان خاک عثمانی سه ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه و اطریش و کلمات سخت ناپلیون امپراطور فرانسه به دولت اطریش در اوّل ژانویه به توسط سفیر اطریش ـ دولت اطریش تهیهٔ جنگی در ایالات متصرفی خود در ايطاليا مي نمايد \_ گفتگوي سخت مابين دولت اطريش و ايطاليا \_ دولت روس از برای رفع غایله به دول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره می نماید و قبول نمی شود ـ دولت اطریش و یکتُر امانول یادشاه ساردین را تهدید می کند که بهطور حتم تهیه جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت به او می دهد \_ دولت فرانسه از این تهدید متألم شده سرداران خود را به حمایت ساردین به سرحدات ایطالیا مأمور می سازد \_ شروع منازعه مابین فرانسه و اطریش در مملکت ایطالیا ــ کمک بعضی ایالات کوچک ایطالیا به دولت اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

اطریش و بیطرفی بعضی ــ بیطرفی حضرت یاپ در این جنگ ــ روس و پروس تهیهٔ جنگ می بینند بدون مداخله در جنگ \_ میانحیگری دولت انگلیس که بی شمر شد \_ نطق نابلیون امیراطور فرانسه که مقصود از حنگ اتحاد و آزادی ایطالیاست ــ حرکت نایلیون از پاریس در اواسط بهار به سمت میدان جنگ و ورود ایشان به ژن شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را \_ و یکتر امانول بادشاه ساردین به نیابت نابلیون در این حنگ مقرّر است ــ گاری بالدی در این جنگ دخالت دارد \_ شکست قشون اطریش در والان \_ تویی که از فرانسه آورده بودند و گلولهٔ او هزار وششصد ذرع می رفت سبب فتح شد \_ حنگ سخت حیال دینمی سردار ویکتُر امانول در مُرتوا، فتح مازانتا، و شکست سيخت قشون اطريش به دست قشون فرانسه ... رشادت ژنرال ما كماهون در اين جنگ \_ بیست هزار مقتول و هفت هزار اِسیر و چهار توب و دو بیرق در این جنگ نصیب قشون فرانسه شد \_ در همین جنگ ژنرال ماکماهون به منصب مارشالی و لقب دمازانتا برقرار گردید \_ ورود امیراطور ویکتر آمانول به میلان در اوایل تابستان \_ شکست سردار اطریش میندگ \_ شکست قشون اطریش از هر نقطه \_ ورود امیراطور اطریش به اردوی خود در ودان یتنه جنگ بروس که دویست و بنحاه هزار قشون حاضر مي كند \_ شكست يافتن قشون فرانسه و ايطاليا به دست امیراطور اطریش \_ جنگ سخت بزرگ در سُلِفْرین \_ قشون امیراطور اطریش صد و هفتاد هزار و قشون نابليون فرانسه و يادشاه ساردين صد و چهل و پنج هزار، و در گرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول کشید و قشون فرانسه فتح کرد و سه بيرق وسه توب وشش هزار اسيربه دست قشون فرانسه افتاد ـ ازعساكر فرانسه در این جنگ یانزده هزار و از عساکر ساردین پنجهزار و یانصد نفر تكف شدند \_ ژنرال ينل سردار قشون فرانسه به منصب مارشالي برقرار شد \_ فرستادن چند کشتی جنگی به سمت ونیز \_ اهالی آلمان از این فتوحات فرانسه چندان مشعوف نیستند ــ شورش در مجارستان بر ضد دولت اطریش ـ دولت پروس انگلیس و روس را به میانجیگری میان فرانسه و اطریش می طلبد ... متارکهٔ قشون فرانسه و اطریسش ... مسلاقسات

امپراطور فرانسه و امپراطور اطریش در ویلآفرانکا و گفتگوی مُصالحه ــ عمده شروط مصالحه این بوده است که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لمباردی ايطاليا دارد به امپراطور فرانسه واگذار نمايد، و نايليون نيز سلطنت لمباردي را به و یکتُر امانـول پادشـاه سـاردیـن تفویض نماید ــ جمیع دول فرنگ خاصّه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که با وجود فتوحات پی در پی، امپراطور فرانسه را چه براین داشت که تعجیل مصالحه نماید. خود امپراطور به این عذر معتذر شدند که به واسطهٔ حرارت هوا و امراض و بائی و بعضی جهات دیگر منجمله شراکت کردن جمهوری طلبان ایطالیا با ما در این جنگ بود، من نخواستم امتدادی در این جنگ یدهم. عملاوه براین چون جمیع دول فرنگ در ابتدای جنگ به وجه غیر عادلانه یا ما حرکت کردنـد و بعضی مضامین گفتند خواستم بعد از ظاهر نمودن شوکت و قدرت ملّت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دول دیگر مصالحه نمایم ـــ اضطراب دولت انگلیس از اینکه مبادا این مصالحهٔ فوری فرانسه با اطریش سبب منازعه مابین فرانسه و انگلیس گردد لے پنجاہ ہزار عساکر فرانسه با مارشال وایّان سردار متوقف ایطالیا خواهند بود ــ صلح مابین فرانسه و اطریش و ایطالیا (ساردین) در رؤدیک منعقد شد \_ عزل گنت دِبُوال و نصب رشبر ک به جای او \_ بی پولی شدید در مملکت اطریش ــ استقراض سی کرور تومان پول ایران ــ فوت وزیر بزرگ مِیْرنیخ در تابستان به سنّ بیری ــ تولّد پسری در پروس از پسر نایب السلطنه ــ فوت الكساندر مُحنَّبُل عالم متبحّر در برلن \_ فوت كال رُتيزٌ جغرافي دان معروف (انگلیس) مسافرت ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ الی جزیرهٔ مالت \_ تعیین پنجاب به چهارم ایالتِ هندوستان \_ در این ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی در جزو این ایالت شمرده می شود چهل و چهار کرور رعیت انگلیس دارد ــ عزل وزرای توری، نصب وزرای ویگ، و صدارت أرد پالیرستُن شورش عمله جات در لندن \_ منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سر بازان مقضر را با شلاق \_ نقار جزئي با اتائوني ينگي دنيا \_ مسافرت ماكلَئتُن به قطب شمال و انکشاف دریای قطبی و یقین برفوت فرانگُلَنْ ــ سیّاح قطبی که در سنه هزار و دویست و شصت و پنج به قطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تاکنون دولت اعتماد السلطنه اعتماد السلطنه

انگلیس در جستجوی او بود تا اینوقت که یقین به فوت او و همراهان او نمود ــ فوت هلاّم مورّخ و برُؤنِل مهندس ــ اهالي جزيزه گُرفو به وجود اصرار يکه دولت انگليس در الحاق آن جزيره به مملكت خود دارد قبول ننموده تبعيّت يونان را اختيار كردند. (ایطالیا) ــ قبول نمودن اعلیحضرت و یکتُر امانول سرداری قشون خود را در جنگ اطریش \_ جمهوری طلبان ایطالیا گاری بالدی را به ریاست و سرداری خود اختیار کردند \_ ملکه پارم پسر خود را برداشته به سمت سویس فرار می کند \_ والى مُدِنْ نيز مملكت خود را گذاشته فرار مى نمايد و از جانب ويكتُر امانول حاكم آنجا تعیین می شود \_ ایالت تُسكان نیز جزء مملكت ساردین شد \_ فوت یادشاه ناپل فِردیناند دویم در سنّ چهل و نه سالگی که مذتها مریض بود و جلوس پسّر این پادشاه فرانسوای دوتم که یکی از خواهرهای ملکهٔ اطریش را در حبالهٔ نکاح دارد ــ استعفای کنت دکاوور از صدارت و نصب کنت د آرز که یکی از دوستان ناپلیون امپراطور فرانسه است ب ورود فتح آمیز یادشاه ویکتر امانول به شهر میلان ـ تظلم بنر والی تُسكان در دربار فرانسه و قبول نكردن امپراطور ناپليون تظلم او را .. اهالي ايطاليا عموماً سلطنت جسمانی حضرت پاپ را مانع اند ــ جمیع ایالات ایطالیا سکّه و بیرق پادشاه ساردین ویکتُر امانول را قبول کردند ــ اخراج نمودن پاپ ایلچی ویکتُر امانول را از رُمْ \_ اغتشاش سخت در ایالت رُمْ \_ ازدواج شاهزاده خانم کِلْتیلُد با پرنس ناپلیون عبدوزادة اميراطور فرانسه \_ ده كرور تومان ايران دولت ساردين استقراض نموده برای تهیّه جنگ با اطریش ــ احضار گنت دکاوور صدراعظم اعلیحضرت ویکتُر امانول را به یاریس و گفتگو و دستورالعمل ناپلیون امپراطور فرانسه با او در اوایل بهار. (پروس) ــ امپراطور روس از شهر ورشو به شهر برسِل آمده با نایب السلطنة پروس خالوی خود ملاقات کرده عهدی مخفی بین دولتین با کمال سختی منعقد مى گردد. (برتوغال)\_ فوت ملكه در تابستان. (بلژيك)\_ تولد پسرى از وليعهد این مملکت موسوم به گنت دِ هِنُ \_ گفتگو در مجلس شوری در استحکام بندر آن ورُس. (روس) \_ عهدنامهٔ جدید دولت روس با چین \_ حبس شامیل با چهارصد نفر از مریدها به دست پرنس بادباسکی. (سُود) ـ فوت أسكاد پادشاه این

مملکت، جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سنّ سی و سه سالگی. (عثمانی)\_ ايالات افلاق بغدان معاً يرنس كوزا را به رياست خود منتخب كردند، مشارًاليه وعده می دهد که از روی قانون حکومت کند ــ دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضًا نسود ــ در سر بستان میشِل پسَر میلُش به ولایت منصوب و برقرار شد ــ فوت والى تونس سيدمحمد و ولايت سيدصادق بهجاى او \_ قانون جديد عثماني که حکم به قتل در حق مقضرین پولیتیکی نخواهد شد و به جلای وطن تنها اکتفا می شود \_ اؤل شخصی که بهجلای وطن رفت عمر یاشای معروف است \_ عزل قبىرس لى پاشا صدراعظم كه مداخله در مخارج حرمخانه و دربار مي خواهد نمايد و از وجه معیسی که سلطان ماخوذ می دارد میل دارد کم و کشر کند ــ در مجلس كنفرانس ياريس كه به جهت گفتگوى افلاق بغدان منعقد شده بود ايلجى عثمانى صراحتاً گفت که دولت عشمانی موقعاً پرنس کوزا را به والیگری دو ایالت مى شناسد. (فرانسه) ــ بعد از ازدواج يرنس ناپليون عموزادهٔ ناپليون امپراطور فرانسه با دختر یادشاه ایطالیا دویست و بیست هزار تومان مواجب در حق او برقرار می شود عزل یرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوب أوبا \_ دولت یکصد کرور تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود \_ همینکه ملّت میل دولت را در استقراض دید متجاوز از یانصد کرور وجه نقد به جهت دولت جاضِر شد ــ در زمان غیبت امیراطور نایلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایطالیا بود امیراطریس زوجهٔ ایشان به نیابت سلطنت مقرر و پرنس ژرم عموی اعلیحضرت ناپلیون به مستشاری امیراطریس برقرار گردید ــ جشن اهالی پاریس در مراجعت ناپلیون امپراطور از جنگ ایطالیا - توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است ـ در نوول كالدوني از متصرفات فرانسه به اغواي سه نفر انگليسي اهالي به دولت فرانسه شوریدند ــ معاهدهٔ دوستی و تجارت با ژاپن ــ مأموریت پرنس میترنیخ نزد امپراطور فرانسه در آبهای معدنی پیریه سه پادشاه بلجیک به واسطهٔ نسبتی که با خانوادهٔ سلطنت اطریش دارد در بندر بیاراتیس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات نموده در استحکام مودت دولتین فرانسه و اطریش گفتگو می نمایند.

افریقا \_ فوت مولوی عبدالرحمن سلطان مرقش در سن هشتاد سالگی و بعد از سی و هفت سال سلطنت، پس از این سلطان چهار نفر از کسان او داعیهٔ سلطنت مرقش را دارند ـــ جنگ داخله.

امریکا \_ (اتائونی) \_ شورش سیاه های برده در ایالت ورژینی که تقریباً بیست و پنج فرسخ تا پایتخت مسافت دارد \_ اختلاف سخت مآبین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلام ها بودند و بعضی بر ضد \_ شورش سیاه ها در ایالت سئت لوی \_ رئیس جمهوری مساعد طرفی است که آزادی برده از طالب نیستند. (برزیل) \_ مسافرت ششماههٔ امپراطور به داخلهٔ مملکت برزیل، نیستند. (برزیل) \_ مسافرت ششماههٔ امپراطور به داخلهٔ مملکت برزیل، (مکزیک) \_ ژوارژ رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط می کند \_ حنگ و اغتشاش سخت در داخله. (بنگی دنیای جنوبی) \_ خرابی شهر کیت به یک زلزلهٔ سخت \_ شورش در ونه والاً و در شیلی \_ منازعه اهالی پلاثا، و یک زلزلهٔ سخت \_ شورش در ونه والاً و در شیلی \_ منازعه اهالی پلاثا، و ارژانتین.

## [سنة ١٢٧٦ هجري = سنة ١٨٥٩ مسيحي]

آسیا – (ایران) – موکب همایون در اوّل محرّم در سلطانیّه اقامت دارد – روز پنجشبه چهاردهم محرّم به عزم تشریف فرمائی آذربایجان انتهاض فرموده روز پنجشبه بیست و پنجم وارد چمن اوجان شدند – چرافعلی خان حاکم خمسه به لقب سراج الملکی مفتخر گردید – حسنعلی خان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود به یک قطعه نشان دویّم سرتیبی و یکرشته حمایل سرخ و یکقبضه شمشیر یراق طلا مفتخر گردید – محمدصالح خان گردیچه که نیز به سیستان رفته بود به منصب سرتیبی و خلعت همایون نایل شد – جناب مستوفی الممالک به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الماس سرافراز شدند – موکب همایون روز سیّم صفر تشریف فرمای تبریز گردید – شب ششم صفر جشن ولادت همایون مفصلاً در همه جا گرفته شد – رضاقلی خان ناظم مدرسهٔ دارالفنون به نیابت وزارت علوم برقرار

گردید و علیقلیخان پسر رضاقلیخان (جناب مخبرالدوله) به منصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد، و جعفرقلی خان پسر دیگر معزی الیه به منصب کتابداری مدرسة دارالفندون نايل گرديد ــ دوستعلى خان معيرالممالک به اعطاي يک قطعه نـشـان از مـرتـبـهٔ اوّل سـرتــيــی و یکـرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز شد ـــ درب طلائى حسب الامر براى روضة مقدسه رضوى عليه السلام عضدالملك متولیباشی تمام نموده نصب کرد ـ سردار کل عساکر منصوره به یک قبضه شمشیر مرضع مفتخر گردید \_ و میرزا احمدخان سرتیپ اوّل توپخانهٔ مبارکه به لقب ساعدالملکی ملقّب و مخلّع شد ــ موکب اعلی از تبریز تشریف فرمای مراغه گردید میرزا عباس خان (جناب قوام الدوله) معاون وزارت امور خارجه به یک قطعه نشان از مرتبهٔ دویم سرتیبی و یک رشته حمایل سرخ سرافراز آمد ـــ مهمانخانه به جهت زوّار در مشهد مقدّس حسب الامريا كمال وسعت و عظمت بنا شد ـــ ميرزا نصرالله لشكرنويس به منصب لشكرنويساشيگرى آذر بايجان و خلعت همايون سرافراز شد ــ روز دويه ربيع الاول موكب همايون از مراغه نهضت فرموده از راه هشترود تشریف فرما گردیده روز پیست و دویم دارالخلافه باهره به مقدم مبارک مزيّن گرديد ــ نواب والا نصرة الدوله حكمران دارالخلافه به يک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الماس و یک ثوب قبای ترمهٔ نظامی دور گلابتون تکمه طلا سرافراز گردیدند ــ مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار دیل است: عراق و ملایر و تویسرکان)، (جناب سپهسالار)، (جناب آقای مستوفی الممالک)، (جناب معتمدالدوله عباسقلي خان جوانشير وزير عدليه)، (جناب امين الدوله)، (جناب ميرزا سعيدخان وزير امور خارجه)، (سيهدار)، (مشيرالدوله)، (جناب نـاصرالملک وزیر تجارت و صنایع)، (جناب دبیرالملک) ــ یک رشته قنات معتبر بىراى شهر قم به امر همايون به جهت رفاهيت اهالي آنجا احداث و اجرا گرديد \_\_ حسین خان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده به او می باشد به لقب شهاب الملکی ملقب گردید \_ هم در این سال علاوه بر دارالشورای دولتی مصلحت خانه ای مرکب از جمعی رجال دانشمند مجرّب دولت به ریاست

عیسی حان اعتمادالدوله برقرار شد که همه روزه در مصالح ملک و ترقی مملکت گفتگو نمایند ــ نواب والا فرهادمیرزا نایبالایاله به یک قطعه نشان میرینجگی و یک رشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند ... محمودخان احتساب آقاسی به لقب احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد ــ میرزا علی اکبر آجودانباشی به لـقب خانی و خلعت همایون نایل گردید ـــ میرزا عنایتالله امینلشکر به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اوّل امیرتومانی و یک رشته حمایل مخصوص آن سرافراز شد ــ جناب محمودخان ناصرالملک وزیر تجارت و صنایع به یک قطعه نشان تمثال همایون مكلّل به السماس از مرتبة دويّم مفتخر گرديد ــ پاشاخان پيشخدمت خاصه و امين صــرّه به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اوّل سرتیبی و یک رشته حمایل زرد و قرمز که در غيرنظام مخصوص به آن مرتبه است نايل آمد \_ ميرزا عبدالرحيم منشى باشى دیوانخانهٔ مبارکه به منصب مستوفی گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد ــ مسيوجان داودخان سرتيپ و مترجم آؤل دولت عليه كه سال سابق حامل نشان تمثال همايون به جهت اعليحضرت البراطور نمسه شده بود و در اين ايام مراجعت كرده يك قطعه نشان اول فرانسوا ژوزف از طرف اعليحضرت امپراطور معظم اليه به جهت بندگان اعلیحضرت همایونی هدیم آورد ــ محمدباقرخان سرهنگ فوج ششم تبریزی به نشان سرتیپی سیّم و یک رشته حمایل قرمز و سفید نایل شد ــ محمدخان پشر قاسمخان وزير مختار دولت عليه مقيم پطرزبورغ به نيابت سفارت مزبوره برقرار گردید \_ به پاداش بنای شهر جدید سرخس، برای نواب حشمت الدوله حكمران خراسان قمة مرضع و جبّة ترمة پولك دوز تن پوش مبارك، و قوام الدوله وزیر خراسان خرقهٔ ترمه تن پوش مبارک، و محمدولی خان سردار خراسان شمشیر گلمرضع و خلعت همایون، و جعفرقلی خان سرتیپ اوّل مراغه لقب نصرت الملکی، و شمشير گلمرضع و خلعت همايون مرحمت و ارسال گرديد، و ساير ارباب مناصب به انواع عطایا و مواهب سرافرازی یافتند ــ جناب سپهسالار به یک قطعه نشان امیرنویانی از مرتبهٔ اوّل و یک رشته حمایل سبز سرافراز شدند ــ عبىدالعلى خان پيشخدمت خاصه برادر مؤلف به لقب اديب الملكى و خلعت همايون مفتخر گردید ــ جناب ژنرال رُائستُنْ وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس

با نامهٔ مهر علامه اعليحضرت يادشاه انگلستان وارد دارالخلافه گرديد \_ نواب شاهزاده احمدميرزا حاكم گلپايگان ملقب به معين الدوله گرديد \_ ميرزا محمدابراهيم بدايع نگار كه مشغول نگارش وقايع اين عهد همايون و مردي عالم و فاضل است به منصب نیابت اوّل وزارت علوم و خلعت همایون سرافراز گردید ـــ ميرزا اسدالله نوائى ولد مرحوم ميرزا مهدى لشكرنويس منشى مخصوص وزارت امور خارجه به منصب منشیگری اوّل وزارت امور خارجه و اعطای یک قطعه نشان از درجه اوّل سرهنگی سرافراز شد ــ هم در این سال به امر همایون در نقطهٔ بسیار خوبی از صفحهٔ شمیران باغ و عمارتی بسیار عالی و مفصل احداث و بنا شده موسوم به سلطنت آباد گردید ــ جانمحمدخان سرتیپ به یک رشته حمایل سرخ و نشان سرتییی دویم سرافراز شد ... عزیزخان سردار کل از اجزای شورای وزرا گردید \_ میرزا یوسف خان کار پرداز مقیم حاجی ترخان به اغطای یک قطعه نشان سرتیپی سیّم با حمایل آن مفتخر گردید ... چندین دسته قشون معتبر با صاحبمنصبان در این ایّنام مأمور خراسان گردیدند به مستشارالملک خراسانی به ریاست دفتر خـراسان نایل گشت ــ اللهیارخان حاکم درهجز معزول و بهادرخان درهجزی که از همان سلسله است به جای او منصوب گردید \_ حریر بافی کارخانه های کاشان ترقّی و رونقی دارد ـ علیقلی خان ماکوئی که سالهاست در مدرسهٔ دارالفنون مشغول تحصيل بوده به سرهنگي فوج فريدن برقرار شد ... زين العابدين خان حاكم گروس به یک قطعه نشان سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید ــ حـاجـی محمّدخان حاجبالدوله به یک قطعه نشان درجهٔ اوّل سرتیهی و حمايل مخصوص آن سرافراز شد \_ ميرزا محمدعلي خان نايب آجودانباشي پسر مرحوم میرزا ابراهیمخان کار پرداز سابق بغداد به منصب کار پردازی بندر بمبئی و یک قطعه نشان سرهنگی اوّل و یک رشته حمایل سفید مفتخر گردید ــ در این اوان چون صياء الملك والد مؤلف به حكومت عربستان مشغول بود بنده مؤلف نسابت حکومت شوشتر را داشت ـ عمارت اسب دوانی که سابقاً محقّر بوده امسال حسب الأمر عمارتي عالي و جديد در كمال استحكام در اين محل بنا نمودند \_ نواب رکن الدوله اردشیر میرزا به حکومت گیلان مفتخر گردید و میرزا زکی مستوفی

رشتی نیز به وزارت برقرار شد ــ اعتمادالدوله عیسی خان والی به حکومت یزد نایل و به خلعت همایون مباهی گشت ــ مجدالدوله امیراصلانخان را حکومت ولایت خمسه مرحمت فرمودند ــ كارخانه براي ساختن تفنگ خاندار در طهران حسب الامر بنا شده، از ماه ذيقعده مقرّر است كه ماهي يكهزار قبضه تفنگ خاندار دنگی در کارخانهٔ مزبوره بسازند و تفنگ جمیع افواج خاندار باشد ــ عمل باروط سازی تیر تکمیل شده قرار شد باروط هائی که از سابق در قورخانه است دویاره به سیک جدید بکوبند ــ حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمهٔ حکومت عربستان نموده جزو حكمراني ضياء الملك والد مؤلف نمودند ـ نواب جهانسوز ميرزا سرتيپ افواج عرب و عجم به يک قطعه نشان دويم سرتيپي با حمايل مخصوص آن سرافراز گردید ــ میرزا بزرگ خان به کار پردازی اول مأمور اقامت بغداد گردید ... یک قطعه نشان اول دولیت علیه که مخصوص شخص سلطنت است از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی به جهت اعلیحضرت سلطان عثمانی، و یک قطعه نشان شیر و خورشید مکلّل به الماس از درجهٔ اوّل با حمایل سبز برای جناب فـۋادياشا ناظر امور خارجه به صحابت بيحيي خان آجودان حضور مبارک اهدا و انفاذ شد \_ اسدالله خان معتمدالملک حاکم همدان مرحوم و محمدحسین خان پسر آن مرحوم را به حکومت همدان برقرار فرمودند ــ جناب مسيو بارون وزير مقيم دولت يروس با هداياي نفيسه اعليحضرت يادشاه يروس به جهت حضور همايون روز يانزدهم شؤال وارد دارالخلافه شد ــ ميرزا احمدخان نايب وزارت امور خارجه به نیابت اول وزارت خارجه و نشان دویم سرتیبی و حمایل آن سرافراز گردید ــ شاهزاده سيف الدوله سلطان محمد ميرزا به منصب جليل سرتيبي اول و خلعت همایون مفتخر شد ــ حکومت بروجرد را ضمیمهٔ حکمرانی اصفهان نموده به نواب احتشام الدوله مرحمت فرمودند \_ و نواب عضدالدوله را به حكومت ملاير و تویسرکان مأمور فرمودند \_ میرزا محمدعلی خان حاکم لاهیجان به لقب امین دیوانی و یک قبضه قمهٔ مرضع مفتخر گردید ــ یک قطعه نشان امیرنویانی مکلّل به الماس ب حمایل آن به افتخار عزیزخان سردار کل انفاذ آذر بایجان فرمودند ـــ رستمخان و فرضي حان ايل بيگيان ايل شاهسون اردبيل و مشكين به مواجب و نشان و حمايل

سرتيبى سيم نايل شدند ـ ميرزا ابوالقاسم معين الملك بيشكار معاسبات آذر بحاید به یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد ... محمداسمیعلخان وزیر کرمان به لقب وکیل الملکی ملقب آمد ـــ هم در این سال نواب حشمت الدوله حكمران خراسان به امر دولت براى تنبيه تراكمهٔ مرو شاهجهان لشكر به مرو كشيده و با قوام الدوله وزير خراسان بدانصوب رفته بعداز محاربات و فتح بعضی قلاع و فرار تراکمه مراجعت کردند ــ (چین)ــ منازعه مابین چین و دول انگلیس و فرانسه ــ دوازده هزار قشون انگلیس به سرداری امیرال هی و ژنرال گران و یک دسته قشون فرانسه به سرداری ژنرال منت در بهار این سال شروع به جنگ می نـمـایـند و در همین بین یاغیهای تی پنگ بعضی ایالات چین را قتل و غارت می نمودند و تا حوالی شانگای راندند ــ فتح قلعه پتانگ به دست قشون متَّفقه ــ يورش به قلعه جات پيهو و فتح قلعه جات پيهو و به دست آوردن تويخانة زياد فتح شهر تین سین که سیصدهزار جمعیت دارد \_ حرکت قشون متفقه به سمت پکن پایتخت ــ شکست دادن سردار چینی که از طایفهٔ تاتار و موسوم به سان گولن بود ـ فتح پالی کاؤو در یک فرسخی یکن ـ شکست چهل هزار چینی در این نقطه فرار خاقان چین به سمت مُکذِّن ـ ورود قشون فرانسه به شهر تنگ چو که چهارصد هزار جمعیت دارد \_ غارت نمودن یکی از عمارات پیلاقی سلطنتی را \_ ورود قشون متفقه به حوالي بكن ــ مصالحه مابين دولت چين و دول فرانسه و انگلیس در یکن ــ در این مصالحه تینسین مفتوح از برای تجارت دول مزبوره خىواهىد بىود و از اين تاريخ به بعد دول فرانسه و انگليس حتى داشتن ايليجي در شهر یکن خواهند داشت \_ مطالبهٔ خسارت جنگ گزاف دول متفقه از چین \_ ژنرال اِکْناتیف مأمور روس از پرنس کُنگ برادر خاقان که سمت صدارت داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت. (ژاپن) ـ قتل یکی از مترجمین سفارت. انگلیس ــ در یک روز هفده نفر به نایب السلطنه حمله برده بدن او را مجروح مى سازند.

اروبا \_ (اسپانیول) \_ منازعهٔ سخت این دولت با مرقش \_ سردار قشون اسپانیول

أُدُيِلُ است \_ فتح شهر تيتُوانُ از شهرهاي مرقش به دست سردار مذكور \_ ملاقات بى فايدة سردار مذكور با برادر پادشاه مرقش براي صلح - حركت قشون اسپانيا به سمت تــانْژِر ـــ اضطراب اهالي مرقش و عجله در صلح و قبول اداي بيست كرور تـومان ایران و قبول پذیرائی یک نفر ایلچی اسپانیائی در فِزْ پایتخت مرقش ـــ فتنه و شورش اشخاصي كه طالب سلطنت دُنْ كَارْلُسْ كَه يكي از بني اعمام ملكه است مى باشند \_ حيس بعضى از معارف كه باطناً با دُن كارلُس مراوده داشتند \_ محبوس نمودن پنج نفر از کشیشهای پرتستانی که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند ــ مسافرت ملکه به ایالات شرقی ــ افتتاح راه آهن از والادلید به بُورفُش .. طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد رسانیدن. (آلمان) ... نايب السلطنية پروس در افتتاح راه آهن سار بورگ حضور بهم رسانيده در مجلس جشنبی که برای این کار منعقد شده صراحتاً اظهار داشت که ملّت آلمان متّفقاً و تماماً راضی بر این نمی شوند که به قدر یک بند انگشت از دولت آلمان به تصرّف خارجی درآید ــ ناپلیون امپراطور فرانسه به صلکت باد رفته با نایبالسلطنهٔ پروس و سلاطین بـاویـر، و وُرْتَنْبُرگ، و باد، و ساکس، و هانُور ملاقات می نماید و اظهار دوستنی می کند ــ ملاقات امپراطور پروس و امپراطور روس و امپراطور اطریش با یکدیگر و ملاقات نایبالسلطنه پروس با پادشاه انگلستان در اگسلاشاپل ــ ایضاً ملاقات سلاطین ثلاثهٔ روس و پروس و اطریش در ورشو۔ اظهار عداوت نمودن پادشاه باویر با ویکتر امانول ــ وحشت پروس از اتحادی که روس و فرانسه در نظر دارند \_ در مجلس وكلا بعضى تكاليف كه راجع به قشون است مى نمايند و تمام این تکالیف قبول می شود \_ ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین آلمان و گفتگوی اتحاد در میان آوردن ــ ملاقات امپراطور اطریش با نایب السلطنه پروس \_ وحشت اهالي آلمان از دولت فرانسه و تدارک جنگ ديدن \_ اتحاد مابين دولت اطریش و باویر ــ افتتاح راه آهن از وینه پایتخت اطریش به مونیک پایتخت باویر. (انگلیس) ــ اتّهام ایلچی انگلیس لردکَوْلی که مأمور در در بار فرانسه بود به دوستسی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را که تکلیف او اظهار آنـها به دولت متبوعة خود بود ـــ محض دوستى با دولت فرانــه احضار او به لندن و

جواب دادن در مجىلس وكىلا بــه لُرد نُرماندى كه او را متهم ساخته بود، و مجاب تسمودن لرد نُرماندي را و مجدداً معاودت به دولت فرانسه نمودن به همان سِمت سفارت ــ هفتاد هزار نفر داوطلب حاضِر خدمت دولت انگلیس می شود ــ اختراع توپ جدید دورزن در مملکت انگلیس موسوم به ویْت وُرْت ــ سان دیدن پادشاه انگلستان داوطلبان جدید را در یکی از باغات لندن ــ از این حاضِر شدن داوطلبان و گفتگوهای در مجلس قدری استشمام کدورت مابین دولتین انگلیس و فرانسه مى شود \_ اهالى منچستر نقار دولت انگليس را با فرانسه صلاح نمى دانند \_ مسافرت ولیعهد انگلیس به بحرسفید و مراجعت نمودن به انگلیس و محدداً در ظرف همین سال سفر کردن به کانادای ینگی دنیا و اتائونی ـــ مالیات بستن به تنباکو و نمک در هندوستان ــ سفر اوّل کشتی بزرگ معروف به نیّر اعظم از سُوْت هامْتُن بندر انگلیس به نیورک ینگی دنیا در تابستان. (ایطالیا) ــ مسیو کاوور صدراعظم وکلای ملت پیشن و لُمباردی را در یک مجلس جمع می نماید ... نجبای رُم با پاپ متفق اند و استقلال جسمانی او را طالب \_ اهالی تُشكان تبعیت یادشاه ايطاليا را طالب اند \_ حكومت پرنس گارى نيا از اقوام پادشاه به ايالت تُسكان \_ اغتشاش در مملکت ناپل ــ لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصي را که در صدد گرفتن مملکت روم از او هستند ـ گاری بالدی از اعلیحضرت ویکتر امانول به واسطهٔ واگذاشتن نیس و ساوا به فرانسه رنجید ـــ ورود پادشاه ساردین به فلرانس در بسهار ــ ژنرال لامرسیشر از سرداران فرانسه که در جلوس اعلیحضرت ناپلیون به سلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری عساکر پاپ را می کند \_ پادشاه ناپل ویکتُر امانول را متهم بر این می سازد که گاری بالدی به تحریک او بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل گذاشته ـــ پادشاه ناپل از دول فرنگ طلب رعايت و حمايت مي كند ولي اضطراراً به توسط دولت فرانسه قبول تبعيت ويكتُر امانول را می نماید و رنگ بیرق این پادشاه را قبول نموده بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنگ و یکتور امانول افراشته شد ــ تهدید نمودن عساکر ایطالیا حضرت پاپ را که قشون ملل خارجه را از رُمْ اخراج نماید ــ گاری بالدی اعلان می کند مادامی که پادشاه ایطالیا در عمارت کری نال که یکی از عمارات حضرت

پاپ است در شهر رُمْ جلوس ننماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع به اتحاد مملکت ایطالیا است نخواهد شد و از اینکلام چنین معلوم می شود که گاری بالدی میل به تصرّف رم دارد و از هیچ چیز متألّم نیست مگر از سلطنت جسمانی پاپ و المحاق نيس وساؤا به مملكت فرانسه ــ فرستادن دو فوج جديد از مملكت فرانسه به جهت حفظ حضرت پاپ به رم ــ رنجش دولت فرانسه از این کلمات و احضار سفیری که در ایطالیا داشت \_ پناه جستن پادشاه ناپل در شهر گائت \_ مغلوب شدن عساکر پاپ به سرداری ژنرال لامرسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن ژنرال مزبور به دست سردار ایطالیا ـ در یکی از جنگهای با پادشاه نایل شخص پادشاه با بیست هزار مرد با گاری بالدی جنگید \_ سفرای دول خارجه که در در بار نابل بودند یادشاه ناپل را در گائت گذاشته در رم نزد مادر پادشاه رفتند ـــ ورود فتح آمیز ویکتُر امانول به شهر ناپل ـ پادشاه ناپل به جمیع سلاطین فرنگ اظهار تظلّم مي نمايد وليكن اين تظلم بي فايده مي شود ــ محاصره شهر گائت به توسط چآل دیستی سردار ایطالیا ــ ورود آگاری بالدی و قشون داوطلبی که مطیع او بودند به سیسیل \_ حرکت گاری بالدی به سمت نابل ک قشون فرستادن در رُم به جهت حفظ حضرت پاپ \_ احضار دولت روس ایلچی خود را از ایطالیا. (بلژیک)\_ رضایت مردم از پادشاه خود وعید جلوس او را با کمال شکوه بر یا داشتند. (دانمارک) - جمعیت این مملکت در این سال سه کرور و صد و پنج هزار نفر است. (روس) ــ افتتاح راه آهن از پطر به دونابورگ هفتصد هزار ذرع ــ فوت مادر امپراطبور روس در سنّ شصت و دو سالگی ــ دولت روس پنجاه هزار قشون به ساحل پروت سرحد عثمانی روانه می کند ــ عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال می نماید ـ دولت فرانسه دولت عثمانی را تهدید می کند که قوانین جدیده در رفاهيت عيسويان تبعة خود ايجاد سازد. (سُود و نروج) - جلوس شارل پانزدهم به سلطنت. (عثماني) ـ انعقاد مجلس به رياست محمدياشا صدراعظم به جهت قرارداد لازمه که عیسویان تبعهٔ عثمانی در رفاهیت و آسودگی باشند ــ در کوه ليبان شام منازعة سخت مابين طايفه دِرُوز و مارُونيت ـــ دروزها كه مسلمان هستند دهات مارونیتها را که عیسوی هستند می سوزانند و اهالی را قتل می نمایند و قشون

دولتی نیز در این عمل شنیع با آنها شریک است در صعیدا، و بیروت، و دمشق، و ديرالقمر نسبت به عيسويها قتل و غارت سختي واقع مي شود ... نسبت به قنسولهاي دول فرنگ نیز بی احترامی سخت وارد می آید ــ در شهر دمشق مدت پنج روز متوالياً مسلمانها هركجا عيسويان را گير مي آورند به قتل مي رسانند حتى قنسول هلاند مقتول، و قنسول ينگي دنيا مجروح گرديد، قشون دولت عثماني رفع غايله نكرده بلكه كمك مي نمايند \_ امير عبدالقادر الجزايري كه در دمشق سكني داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود نگاه می دارد ــ اعبليحضرت سلطان محض شنيدن اين اخبار وزير امور خارجة حود فؤادياشا را مأمور دمشق مي نمايد ــ دولت فرانسه جدّاً در صدد تحقيق اين عمل است و دول فرنگ را با خود شریک می سازد ــ ورود فؤادیاشا در بیروت و حبس جمعی از اشرار و قتل بعضى از آنها، على الخصوص خورشيدپاشا والى شام كه متهم به اين عمل است محبوس می شود ــ بعضی از سردارهای بزرگ معتبر که تقریباً هفتاد نفر مى شدند به حكم فؤادياشا به سياست مى رسند \_ ورود عساكر فرانسه از راه دريا به بسروت ـ مأمورین دول فرنگ از برای تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش می کنند ــ بالاخره بعد از تنبیه اشرار خسارتی که به طایفه مارونیت وارد آمده است عملی التخمین به شش کرور تومان ایران مقرّر می دارند که چهار کرور دولت عشمانی از خزانه و دو کرور طایفه دُروز بدهند ــ از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار و دویست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند این مبلغ را این هزار و دویست نفر باید بدهند ــ شورش در ایالت آلبانی ــ قتل والى منتنگر و دانيل ــ نصب برادرزادهٔ او در سنّ نوزده سالگي به جاي او ــ فوت والى سربى ميلش و ولايت پسرش ميشل به جاى او ــ ايجاد قانون در مملكت تونس ـــ افتتاح راهآهن به قُشْتَنجه ـــ كسوف شمس بالتمام در هيجدهم ژوليه اوايل تابستان که عشمانیها این را دلیل شومی دانستند. (فرانسه) ــ استعفای مسیو والفسكى از وزارت خارجه و نصب تُووُنِلْ كه سابقاً در اسلامبول سفيركبير بود بهجای او ــ ورود آخر دستهٔ قشون فرانسه به پاریس از ایطالیا به اتّفاق مارشال واتبان ـ فوت كرأن دوشيش استفاني از اقوام مادري ناپليون سيم امپراطور فرانسه که دخترخواندهٔ ناپلیون اوّل بود \_ فوت پرنس ژرُم برادر ناپلیون اوّل و عموی ناپلیون سیتم در سن هفتاد و شش سالگی \_ مسافرت امپراطور به نیس، و ساوّا، و به گرس، و به الجزایر \_ ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور \_ ایجاد قانون ملمع در الجزایر که هم ملّت اسلام الجزایر مطبع آن قانون هستند و هم عیسویان \_ در سینگال که پادشاه آنجا به دست برادرزادگان خود مقتول می شود و پسر آن پادشاه منصوب شده قاتلین پدر را به دست آورده به سزا می رساند \_ این قتل و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه در آن سمت نمی کاهد \_ فوت خواهر امپراطریس دوشِش دالب \_ عهدنامهٔ تجارتی با بیرمان \_ فتوحات در ماچین \_ موقوف داشتن تذکرهٔ عبور مابین انگلیس و فرانسه \_ منافع و مداخل شهر پاریس به تنهائی در این سال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایرانست.

افریقا \_ اغتشاش داخله در مملکت حبش مابین نقوسیه پادشاه واقعی وتأذرس شخص اجنبی که داعیه سلطنت دارد \_ ورود دُوسِل نام از صاحبمنصبان بحری فرانسه به داخله حبشه و صحیح و سالم مراجعت کردن.

امریکا \_ (اتائونی)\_ ورود سفیر ژاپن به واشنگ نُن \_ نصب ابراهیم لنکلن به ریاست جمهور و عزل بوکانان که مدت ریاست او به انتها رسیده بود \_ رئیس جمهوری تازه آزادی غلامان را طالب است \_ بعضی ایالات که غلامان سیاه داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرگهٔ متحدهٔ اتائونی خود را خارج کنند \_ از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجد بر این هستند که نگاهداشتن غلام از واجباتست کارلین جنوبست، اهالی این ایالت بعضی از امکنه که مخصوص دولت بود از جبهخانه و چاپارخانه و قورخانه و گمرکخانه متصرف شدند و بنای شورش گذاشتند. (ینگی دنیای جنوبی) \_ سلطنت یکی از تبعهٔ فرانسه آنتُوان نام در ایالت ار وگانی که خود را به آنتوان اوّل موسوم کرده بود.

## [سنة ١٢٧٧ هجري = سنة ١٨٦٠ مسيحي]

آسيا \_ (ايران) \_ اين سال تعزيه خواني دولتي در تكيهٔ مباركه نياورانست \_ حاجی رجیعلی خان سرهنگ توپخانه پسر فضان آقا به منصب سرتیپی سیّم توپخانه سرافراز شد \_ حسب الامر نواب ملك آرا حكمران مازندران و استرآباد با بعضى قیشون استرآباد تراکمهٔ داز را تنبیه سختی نمود ــ سیّدمیرزای کاشانی سرهنگ فوج كوهيايه به جهت انتظام قلعة ناصري وحفظ وحراست سرخس مأمور آن سامان شده که در دایرهٔ محمدولی خان سردار حاکم سرخس مشغول خدمت باشد \_ محض رسیدگی کامل به عرایض ملهوفین و متظلمین روزهای یکشنبه را ذات ملكوتي صفات مقدس قرار دادند سفراً وحضراً در جائي مخصوص به ديوان مظالم به نفس نفیس همایون جلوس فرمایند و بارعام به عارضین از هر صنف و ملّت دهند در موقع جشن مولود همایون سلامعام در قصر نیاوران منعقد گردید \_ ریاست دارالطباعة دولتي و طبع روزنامجات را به ميرزا ابوالحسن خان نقاشباشي غفاري كه در این صنعت یگانهٔ زمانست تفویض فرمودند و روزنامهٔ دولتی مصوّر شد ـــ صفرعلی خان سرتیپ سواره اینانلو را نیز با هفتصد نفر سواره ابوابجمعی خود و یک عرّاده تـوپ و تنخواهي به جهت عساكر اردوي مرو از دارالخلافه مي برد.و مشارّاليه به سرتیپی اوّل سواره و خلعت همایون سرافراز گردید ــ عباسقلی خان معتمدالدوله به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر شد ــ شاهزاده جلال الدین میرزا به منصب آجودانی مخصوص حضور مبارک سرافراز گردید ــ کارخانهٔ چاشنی سازی ممتاز و تفنگ ششخان بسیار اعلی و طرقه برای توپ به توسّط مسیو روس در دارالخلافه ایجاد و ساخته شد ــ نواب حشمت الدوله و قوام الدوله را از خراسان احضار و نواب حسام السلطنه را به حكمراني خراسان مأمور قرمودند ــ و محمدناصرخان ايشيك آقیاسی باشی را به لقب ظهیرالدوله ملقّب و به سمت پیشکاری و سرداری خراسان مقرر فرمودند \_ و محمدابراهیم خان ولد جناب ظهیرالدوله را نیابت اول ایشیک آقاسی باشی دادند \_ نواب مؤیدالدوله به حکمرانی فارس منصوب گردید \_ اعتماد السلطنه

محمدابراهيم خان سرتيب اول افواج خمسه به لقب مظفّرالدوله سرافراز شد ــ نواب كيومرث ميرزا حكمران كرمان ملقب به عميدالدوله گرديد ــ بنائي و تعميرات کلید از وجوه دولت در اماکن مشرفهٔ کربلای معلّی به توسّط جناب شیخ عبدالحسين مجتهد شد ... ميرزا غفارخان صديق الملك نايب اؤل وزارت خارجه به منصب وزير مختاري و ايلچي مخصوص مأمور اقامت سنت بطرز بورغ گرديده به یک قبضه شمشیر مرضع و خلعت همایون نابل گشت و میرزا جوادخان ولد مشارّالیه مأمور رسیدگی امور تجارتی دول خارجه که محوّل به صدیق الملک بود شد ــ جناب ميرزا محمدحسين دبيرالملك به يك قطعه نشان تمثال همايون مكلل به الماس مفتخر گردید ـ یعیی خان آجودان مخصوص که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجهٔ اوّل مجیدیّه برای شاهزادگان و امنای این دولت علیّه ابلاغ نمود ــ نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم در ازای خدمت کشیدن سیم تلگراف الی تبریز به اعطای یک ثوب خرقه زری تن پوش مبارک و یک قبضه قمهٔ مرضع مفتخر گردید علیقلی خان رئیس کل تلگرافخانهٔ ممالک محروسه و نایب دوتیم وزیر علوم به نشان و حمایل سرهنگی از درجهٔ اوّل و خلعت هـمـايـون سـرافـراز شـد ـــ والـد مؤلف ضياءالملک حکمران عربستان و لرستان به اعطای یک قطعه نشان و یک رشته حمایل امیرتومانی و یک ثوب کلچه ترمهٔ تن پوش مباهی گردید ــ روز هشتم رمضان وقت غروب آفتاب از برج حوت به حمل تحويل نمود \_ حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والا سلطان مسعود ميرزا را به لقب یمین الدوله ملقب و به حکمرانی ایالت مازندران و استرآباد منصوب فرمودند \_ عين الملك خوانسالار به يك قطعه نشان تمثال همايون مفتخر گرديد \_ ميرزا زکی رشتی به منصب مستوفی گری دیوان اعلی و وزارت خمسه سرافراز شد \_ دوستعلى خان معيّرالممالك به يك قطعه نشان تمثال همايون قرين مفاخرت آمد ـــ ميرزا أبوالقاسم معين الملك به منصب لشكرنويسباشيگرى برقرار گرديد \_ محض منع و رفع سیل از دارالخلافه طهران مقرّر شد در بالای شهر سدّی ببندند که مانع سیل باشد ــ میرزا مصطفی خان افشار به وزارت مازندران و استرآباد برقرار گردید \_ امانالله خان والى سابق كردستان مجدداً به ايالت كردستان و يك قطعه نشان

تمثال همایون سرافراز گردید ــ حسینخان شهاب الملک به منصب سرتیپی اوّل و يك قبضه قمة دسته مرضع مفتخر آمد \_ حضرت اشرف امجد اعظم والا شاهنشاهزاده كامكار مظفرالذين ميرزا به ايالت آذر بايجان منصوب وعزيزخان سردار كل به پيشكاري حضرت معظم اليه برقرار شد ... حضرت اشرف امجد افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه را به حکمرانی دارالخلافهٔ باهره مأمور فرمودند \_ حسب الامر سيم تلگراف از شهر دارالخلافه به شميران كشيدند، وزارت تجارت و صنایع و معادن را علاوه بر وزارت علوم و سایر مشاغل تفویض به نواب اعتضادالسلطنه فرمودند ــ موكب همايون در اين سال به طرف دماوند ييلاميشي فرمود. (چیس) ــ بعد از فرار از یکن هنوز خاقان وارد پایتخت نشده است تفویض وزارت خارجه به پرنس کُنگ برادر خاقان ــ ورود سفرای کبار فرانسه و انگلیس به پکن در بهار ــ انگلیسها در صدر این هستند که از تبت راهی به هند بازکنند لیکن تلاش آنها بی فایده می شود ... فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاطی که یاغیها بودند بخصوص در ایالت پچلی شورش و یاغیگری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی تبت بخصوص سے فوت کافان در شهر ڑھِل ۔ جلوس پسر هفت سالهٔ او بر تخت سلطنتی چین ــ به جهت طفولیّت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متّفقاً سلطنت چین می کنند ــ پرنس کُنگ اگرچه جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان جدید او را به سمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولتی سند است. (ژاپن) ـ قتل یک نفر از هلاندی که مترجم و واسطهٔ انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن و ینگی دنیا و انگلیس و پروس بود به دست بعضی از اشرار در ید ـ بعضی اشرار درصدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند. (ماچین) ــ جنگ سخت قشون فرانسه با عساکر دولت آنام ــ فتوحات بعضى از نقاط مملكت آنام على الخصوص سيقون \_ هنوز عدد قشون فرانسه و اسیانیول در این نقطه به درجه ای ترسیده است که به هوه پایتخت یورش برند.

اروپا \_ (اسپافیول)\_ فوت دو نفر از اولاد دُن کارلس در مدت کم و فوت زوجه اش بلافاصله \_ فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت \_ ورود سفیر کبیر

مرقش به مادرید پایتخت ــ این سفیر برادر سلطان مرقش بود و ورود رئیس سابق مكزيك ميرامُن به مادريد \_ افتتاح راهآهن از مادريد به اِشكور بال. (آلمان) \_ فوت پادشاه پروس فردریگیه چهارم در سن شصت و پنج سالگی در زمستان ـــ جـلـوس بـرادر او گئیم اوّل ــ بـعضی از وکلای ملّت پروس درصدد اتّحاد ممالک آلمان و سلطنت یک امپراطوری در آلمان هستند که به همه جهت از اهل آلمان باشد ــ یکی از طلاب لبزیک که طالب اتحاد آلمان بود در مملکت باد، طیانچه به پادشاه پروس خالی می کند چون گلوله به پادشاه نمی حورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر می کند ــ تاجگذاری پادشاه پروس در شهر کینز برگ \_ اهالــي مجارستان طالب اين هستند كه امپراطور اطريش تاج سلطنت مجار را بر سر گذاشته به القاب خود پادشاهی مجارستان را الحاق نماید ــ دِآک نام از اهالی مجـار راضـی بـر ایـن نـیــسـت کـه وکلای ملّت مجارستان در پارلمنت وین جلوس نمایند ــ شورشی در پراگ ــ افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار ــ مجلس پارلمنت آلمان پانصد و بیست عرّاده توپ به قیمت یازده کرور فلرن ابتیاع نموده که از برای حدود و ثغور مسلکت آلمان لازم می دانند ــ قشون آلمان بر روی هم چهـارصـد و پنـجاه و دوهزار خواهد بود ـــ فرستادن ایلچی از طرف پادشاه پروس به ایـران ـــ مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی مأموریتهای رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است. (انگلیس) - بی تابی و پریشانی عمله جات کارخانه های ریسمان ریسی که به واسطهٔ نیامدن پنبه از ینگی دنیا در تعطیل و بی احرت مانده اند \_ روزنـامههای انگلیس بعضی طرفدار رئیس جمهوری و بعضی بر ضدّ او هستند \_ تنهیته دیدن انگلیس از برای جنگ بحری \_ فوت پرنس البرت شوهر پادشاه انگلستان \_ تعداد نفوسی که در این سال شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کرور و سی و یکهزار و صد و شصت و چهار نفر است ـــ ایجاد نـشان موسوم به ستارهٔ هند ـــ از راجه های هند به کسی که این نشان داده شد نظام حيدرآباد مهراجه كوالير، مهراجه كشمير، نواب رامپور \_ گفتگوى سخت لرد بالمستُن در مجلس وكلا برضة دولت اسپانيا كه خريد و فروش غلام و كنيز را در کوبا منع نکرده است ــ دولت انگلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایطالیا را

که به ویکتُر امانول پادشاه پیمُن داده بودند می شناسد ــ اضطراب در مملکت انگلیس که مبادا حزیرهٔ ساردین را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد. (ايطاليا) ـ حكومت پرنس گاري نيان از اقوام سلطنت در ناپل به وزارت نيگرا \_ قیصه. تبصرّف گاریبالدی و مازنی ونیز را ــ محاصرهٔ گائت که پادشاه ناپل در او بعود بـه تــوسط امپراطور فرانسه مذت شش روز به تعویق افتاد ــــ چون پادشاه ناپل از آن شنهر خارج نشد و تسلیم نگردید مجدداً بعد از شش روز ژنرال چپال دینی حکم به یورش داد ــ سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا به حمایت و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین ننمودن او به نصایح دولت فرانسه شراع کشیده رفتند ... امیرال پرسان امیر بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی ایطالیا از سمت دریا نیز گائت را محاصره نمودند ـــ شهر گائت بعد از نوزده روز مقاومت تسلیم شد ــ قشونی که در این شهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر تسلیم گردیدند ـــ قلعهٔ مسین که یکی از قـ لاع مستحکمه بـ ود نيز تسليم شد و اين آخر قلعه بود از قلاع پادشاه ناپل که به تصرّف سرداران ایطالیا درآمد ـ اوّل دولتی که قطع مراوده با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود ــ تفتین و اغتشاش سخت در ناپل و در بعضی ایالات مفتوحه ـ گاری بالدی که به جزیرهٔ کاپررا رفته بود و میل به مداخله کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیـا را به بیحقوقی نسبت به خود متّهم میسازد ــ فوت مسیـو کاوور صدراعظم در تابستان ــ بعد از فوت کاوور بارن دیکازلی که از معارف و متمولین ایطالیا بود به منصب صدارت برقرار می شود ــ افتتاح راه آهن از میلان به پلزانس ــ طغیان کوه آتشفشان وزوو در اوایل پائیز. (پرتوغال) ــ فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالگی ــ جلوس برادرش لوی اوّل به جای او. (بلژیک) ــ ملاقات پادشاه بلڑیک با پادشاہ ہلاند در کیڑ ۔ اہائی بلڑیک در شناختن دولت ویکٹر امانول را به پادشاهی ایطالیا شکایت دارند. (دانمارک) ـ دولت به هیچ وجه راضی نیست که قانون مملکت آلمان در اسلِشویک و هٔلِشتَن چنانکه اهالی آلمان شایق بر این هستند رواج بگیرد ـ دول فرانسه و انگلیس و روس به دولت دانمارک تکلیف می کنند که به اهالی ایالتین مهربانی کند. (روس) ـ انقلاب و اغتشاش سختی در ورشو لهستان ــ حکمران لهستان میشِل کرچاکف عاجز از نظم مملکتی

است \_ تخیر اعلیحضرت امیراطور نسبت به اهالی ورشو لهستان ــ فرستادن قشون به جهت نظم لهستان در ورشو منازعهٔ رهیت با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفیین ــ قشون مأمور به ورشو به هشتاد و پنج هزار رسید و مخارج این قشون را مدت توقف مجبوراً اهالی ورشو باید متقبل بشوند ــ مختصر شورشی در ایالت قازان \_ فوت میشل کرچاکف حاکم ورشو و نصب ژنرال سوخوزایت بهجای او \_ حبيس هزار و ششصد و هفتاه و هشت نفر از اشخاصي كه مؤتس شورش بودند در لهستان ــ بعضي را به سبير و بعضي را به قلاع ديگر به حبس فرستادند ــ افتتاح راه آهن از مسکوبه ولادمیر. (عثمانی) ــ انقلاب و اغتشاش سخت خونریز در ایالت هرزگوین \_ کمک اهالی قراداغ آنها را \_ تهدید عمر پاشا سردار عثمانی یاغیان را ــ منازعه مابین اهالی قراداغ و عثمانی در کنار دریاچه اُسگُوتاری در سر بستان ــ شورش مردم به دولت به واسطهٔ سکنی دادن طایفهٔ تاتار قرم در بلغارستان که نزدیک به آنهاست ـ والی تونس سیدصادق ایجاد قانون جدید که در مملکت نمود منجمله جز یکزن در خرم خود نخواهد داشت ــ مأمورین دول فرنگ در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند و سعیدبیک رئیس طایفهٔ دروز را که حبس نموده بودند در محبس مرد \_ در دیرالقمر بعد از این یک حاکم عیسوی از طرف عشمانی خواهد بود \_ حکومت داود افندی که از عیسویان کاتولیکی مذهب است به لیبان ــ فوت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت سالگی و جلوس سلطان عبدالعزيز برادرش بهجاي او \_ وزارت خارجه فؤادياشا \_ صدارت عالى ياشا \_ وزارت علمیه کیامیل پاشا ــ در مصر تنبیه شرباز با چوب موقوف گردید ــ طغیان آب نيل و خراب نمودن اغلب ايالات را. (فرانسه) ــ حكم ناپليون كه يك دسته از قشون فرانسه بهجهت حفظ پاپ می باید همیشه در شهر رُم متوقف باشد ــ نصب مسيعو دُمُرني به رياست مجلس يارلمنت فرانسه ــ شناختن ناپليون امپراطور فرانسه ویکتُر امانول را به سلطنت ایطالیا ــ معاهدهٔ تجارتی با بلژیک ــ بهواسطهٔ عمل نيـامـدن حـاصل بهقدر كفايت مملكت فرانسه ابتياع حبوبات از خارج مى نمايد ـــ ورود سفرای سیام به فرانسه و پذیرفتن امپراطور آنها را در عمارت فُونتَن بلُّ ــ تقریبا دویست سال بود که ایلچی سیام به مملکت فرانسه نیامده بود ــ فوت مارشال

بُسکِه در سنّ پنجاه سالگی \_ فوت اِشکریپ شاعر معروف \_ تعداد نفوس در این سال شحست و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دوهزار و دویست و بیست و پنج نفر که از این عدد ششصد و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساقا هستند که تازه الحاق به مملکت فرانسه شده است \_ جمعیت پاریس به تنهائی سه کرور و صد و شصت و هفت هزار و هشتصد و چهل و یک نفر است \_ انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس \_ در آن مجلس مقرّر شد که قشون فرانسه از برای حفظ عیسویان شامات مذتی هم باید در شام توقّف کنند. (یونان) \_ شورش بعضی از صاحبمنصبان نظامی \_ یکی از طلاّب قصد قتل ملکه نمود در زمانی که پادشاه به صاحبمنصبان نظامی \_ یکی از طلاّب قصد قتل ملکه نمود در زمانی که پادشاه به آلمان سفر کرده بود \_ اهالی گرفو و جزایر یونان مایل به ملحق شدن یونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع صخت خونخواری نمودند.

افریقا \_ یا دُرْس یاغی در حبشه نقوسیه پادشاه جوان را مقتول و خود به جای او به سلطنت حبشه جلوس کرد \_ فوت ملکه خونخوار جزیرهٔ ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت \_ جلوس پسرش راگت که به راماداما دویم موسوم گردید که دوست فرانسه ها و عیسویها بود \_ در مرقش پاشای تانژر سیدمحمد الخبیب که از طرف پادشاه مرقش مأمور به مراوده با دول عیسوی مذهب بود و با فرانسه ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست و شصت و هشت هخرار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و شعت دویست و شعری مطابق هزار و هفتاد و هفت هجری با اسپانیولی معزول شد.

امریکا — (اقائونی) — هفده ایالت از ایالات اتائونی که جمعیت ایشان بر روی هم سی و هفت کرور میشد و از این سی و هفت کرور هشت کرور غلام و کنیزها کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس جدید اتائونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت، این هفت ایالت از سایر ایالات خود را مجزّی کردند و ایجاد دولتی موقتی از برای خود به ریاست یکرئیس که مدّت ریاست او شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت ژفیرشن داویس است که از سردارهای باعلم مجرّب نمودند رئیس این هفده ایالت ژفیرشن داویس است که از سردارهای باعلم مجرّب اتائونی می باشد بعضی از معاندین

در شهر ماریلان می خواستند به قتل رسانند \_ ایالات اتائونی دوقسمت شدند جنوبی و شمالی \_ جنوبی آنها که میل به بندگی غلام و کنیز دارند \_ شمالی آنهائی که میل به آزادی غلام و کنیز دارند \_ هفتاد و پنج هزار قشون ایالات شمال از برای منازعه ایالات جنوب تهیه می بینند. (مکزیک) \_ فرار رئیس سابق میرآمن به سمت هاوان، نصب ژوآرش به ریاست \_ طمع ژوآرس رئیس تازه در موقوفات معابد و منع نمودن که مدّت دو سال اهالی مکزیک منافع تنخواه استقراضی از دول فرنگ را ندهند \_ در پایتخت مکزیک اشرار درصدد قتل سفیر فرانسه و بعضی از اعیان انگلیس هستند \_ اخراج نمودن با کمال بی احترامی سفیر اسپانیول را از مکزیک \_ چون در مملکت مکزیک جمعیت زیادی از تبعهٔ فرانسه و اسپانیول هستند این حرکات بی ادبانهٔ رئیس تازهٔ مکزیک سبب انعقاد عهدنامهٔ لندن مابین دول فرانسه و انگلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک گردید \_ تهدید حدیگ نمودن فرانسه و انگلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک گردید \_ تهدید حدیگ نمودن فرانسه و انگلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک گردید \_ تهدید حدیگ نمودن فرانسه و انگلیس و آزگروز و تصرف شهر و قلعهٔ سنت ژانت.

# مرزقت تكييزرن إسدوى

## [سنهٔ ۱۲۷۸ هجری = سنهٔ ۱۸۹۱ مسیحی]

آسیا — (ایران) — امسال در دههٔ عاشورا مختصر تعزیه داری در بیبلاق شهرستانک و در عشر دویم ماه صفر در تکیهٔ جدیدالبنای سلطنت آباد به مثل هر سال تعزیه خوانی کردند — نواب والا فرهادمیرزا به اعطای نشان تمثال همایون مباهی و ملقب به معتمدالدوله گردیدند — میرزا هاشم خان تحویلدار صرف جیب مبارک به لقب امین خلوت ملقب گردید — روز عید مولود همایونی در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد گردید — نواب مؤیدالدوله حکمران فارس پل بسیار معتبری محکم بر روی رودخانه سنوید در هشت فرسخی شهر شیراز کشیدند — حاجی محمدشریف خان سرتیپ به لقب مستشار لشکری سرافراز شد — نواب احمد میرزای معین الدوله را به حکومت ولایت استرآباد سرافراز فرمودند که در اطاعت حضرت والا یسمین الدوله بوده باشد — نواب حسام السلطنه حکمران خراسان متمردین و اشرار

تراکمه را تنبیه کردند ــ میرزا سلطان محمّدخان بهبهانی که خیال خودسری داشت نـواب مؤیدالدوله حکمران فارس او را گرفتار نمودند ـــ چون بعضی عمارات دیوانی فارس در ایام زلزله خرابی بهم رسانیده بود ششهزار تومان به توسط نواب مؤیدالدوله صرف تعمير عمارات فارس شد \_ چون اعليحضرت سلطان عبدالمجيدخان سلطان عشماني در هفدهم ذيحجه هزار و دويست و هفتاد و هفت رحلت نموده و اعليحضرت سلطان عبدالعزيزخان برسرير سلطنت جلوس فرمود دراين ايّام اعليحضرت اقدس همايون شهرياري محمدرحيم خان نسقچي باشي دربار را براي تعزیت و تهنیت به سمت سفارت کبری مأمور در بار دولت عثمانی فرموده و معزی الیه را در این موقع به لقب علاءالدولگی ملقب و به اعطای یک قبضه شمشیر مرضع و یک قطعه نشان درجه اوّل سرتیپی با حمایل آن سرافراز فرمودند ـــ انکشاف معدن زغالسنگ و گوگرد و مس و زرنیخ در قریهٔ جوشقان شد \_ قورخانه و توپخانهٔ محمّره را كه مدّ آب خراب كرده بود حسب الامر ضياء الملك حكمران عربستان والـد مؤلف بهخوبي مجدداً بنا كرد ــ يك رشته قنات در صحرای دوشان تیهٔ دارالخلاف احداث و جاری شد \_ یک نفر باغبان ماهر برای تربیت بعضی ریاحین و نباتات از پاریس احضار فرمودند ــ انبار غلّه دیوانی ابوابجمع رحمت الله خان غلام پیشخدمت خاصه شد ــ جناب ناصرالملک را مأمور به اتمام ساختن راه گیلان فرمودند ــ ضیاءالملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بهشدت مريض و سليمانخان سرتيپ افشار را مأمور اين دو ايالت فرمودند كه معاون ضياء الملك باشد ـ نهم ربيع الثاني شاگردان دارالفنون را امتحان كامملى فرموده نظر به رونق و ترقى كامل مدرسه نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم را به یک قطعه نشان از مرتبهٔ اوّل امیرتومانی با یک رشته حمایل مخصوص آن از داخـل نـظام و اعطای یکهزار تومان انعام نایل و مفتخر فرمودند ـــ و نواب والا فرهاد میرزای معتمدالدوله را که در امتحان مدرسه حاضِر بودند به اعطای یک قطعه نشان طلا از مرتبهٔ اوّل مدرسه و یک رشته حمایل امیرتومانی خارج از نظام سرافراز داشتند \_ رضاقلی خان رئیس مدرسه به خلعت همایون و جعفرقلی خان ولد رضاقلی خان به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی و یک رشته حمایل خارج از نظام اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

و خلعت همایون و پنجاه تومان انعام سرافراز شد ــ محمدحسین خان اصفهانی به منبصب آجوداني مدرسه و اعطاي نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواجب و بيست تـومان انعام مفتخر گردید ـــ و سایر اجزای مدرسه از معلّمین و متعلّمین و غیرهم نیز هـریک بـه قدر ترقمی و استحقاق به انعام و نشان و خلعت همایون سرافراز شدند ـــ هـ در ایـن اوقات نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با ترکمانان تگه مروی که معادل هزار سوار بودند جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر را مقتول و اسیر نمودند ـــ تفنگ بسیاری از فرانسه ابتیاع شد ــ قلعهٔ شهر طهران را از داخل و خارج مرمت كامل كردند \_ عباسقلي خان جوانشير معتمدالدوله وزير ديوانخانه مرحوم و برادر او محمدابراهیم خان به ریاست دیوانخانهٔ مبارکه و لقب امیردیوانی سرافراز گردید \_ پاشاخان امین شوری به یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر شد ـــ امانالله خان والى كردستان به يك قطعه نشان از مرتبهٔ اوّل سرتيبي و حمايل آن نايل آمد ... حسين خان حاكم همدان را احضار فرموده محمد حسن خان پيشخدمت خاصه به حكومت آن نواحى سرافراز شلك ميرزا علينقى طبيب پسر آقااسماعيل پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود به پاریس رفته بود معاودت نمود \_\_ جبّه خانه و قورخانهٔ دارالخلافه به اهتمام مسيورٌوس رونقي دارد و در كارخانهٔ چاشنی سازی طهران نیز سالی ده کرور چاشنی ساخته می شود ــ نواب رکن الدوله حكمران گيلان به يك قطعه نشان تمثال همايون سرافراز و نواب معين الدوله حاكم استرآباد به یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل سرتیپی با حمایل آن مفتخر گردید ــ در غيباب جناب علاءالدوله مشاغل و خدمات مرجوعه به معزى اليه را به غلامعلى خان نایب نسقچی باشی واگذار فرمودند ــ از شهر رشت تا منجیل را که همیشه بهشدت گل و لجن بود به امر دولت ساختند ــ محار به سپاه نصرت همراه خراسانی با تراكمه كه به قصد تاخت جلگهٔ مشهد مقدّس آمده بودند و كشته شدن شيخ محمّد که سرخیل اشرار تراکمه بود با جمعی دیگر از تراکمه و انهزام باقی آنها نیز در این اوقات اتّـفـاق افـتـاد و سـرداران همه به پاداش این خدمت به انعامات و مناصب و خلاع ملوكانه سربلند شدند \_ عيسى خان اعتمادالدوله مرحوم شد و حسينقلي خان پسَر آن مرحوم که نایب الحکومهٔ یزد بود به حکومت یزد مفتخر گردید ـــ چنانکه در

سایر دول رسم است مقرّر شد کلیهٔ احکام و اسناد دولتی که به امضای همایون مقرون می گردد روی ورقهٔ دولتی نوشته شود و نشان مخصوص ورقهٔ دولتی سپرده به امین شوری شد ـ اصطبل تویخانه را به میرزا علی اکبرخان آجودانباشی تویخانه سیردنید ــ کاغذگرخانهٔ دارالخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز می سازد ــ پل شوشتر را که از طغیان آب خراب شده بود ضیاء الملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بخوبی تعمیر نمود ـ حسب الامر در انزلی منارهٔ سرحد (فانوس بحرى) ساخته شد ــ معين الملك لشكرنويسباشي به اعطاى يك قطعه نشان تمثال همایون از مرتبهٔ سیّم سرافراز شد \_ میرزا محمّدعلی کارگذار مهام خارجه فارس به لقب خانی سرافراز گردید \_ میرزا مهدی همدانی منشی مهام خارجه به لقب خانی و تأظمي مهام خارجه بندر بوشهر و ساير جزاير بحرالعجم و خلعت همايون نايل گشت ــ زین العابدین خان حاکم گروس که با سرکردگی افواج گروس مأمور ساخلو كلات بود مرحوم شد وعليرضاخان پسر او به حكومت گروس و خلعت هـمـايــون مـبـاهـي گرديد \_\_ آقامـحمدحسن صندوقدار به لقب اعتمادالملكي و خلعت هـمـايـون سـرافـراز شــد ـــ مـيـرزا مصطفى لشكرنويس به لقب وكيل لشكرى مفتخر گردید ـ این اوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانهٔ عدلیه دستخطی مبارک خطاب به محمدابراهیم خان امیردیوان شرف صدور یافت ــ جناب میرزا جعفرخان مشیرالدوله که در سال قبل به سمت سفارت کبری مأمور دولت انگلیس گردید و به پاریس پایستخت فرانسه و اسلامبول و آتن پایتخت یونان و بسیاری از جاهای دیگر نيز رفته و سياحت كامل نموده در اين اوقات مراجعت كرده به حضور همايون شهریاری مشرف و به اعطای یک قطعه نشان امیرنویانی با حمایل آن مفتخر گردید ـ و علی خان تایب دویم سفارت کبری به منصب نیابت اوّل سفارت برقرار گردید ــ و میرزا اسحقخان منشی به منصب کار پردازی مهام خارجه استرآباد مأمور و به بنک قطعه نشان اول سرهنگی با حمایل آن نایل گشت ـ حسنعلی خان سرتیب افشار به منصب ژنرال آجودانی حضور مبارک و خلعت همایون سرافراز شد ــ راه پیوژن و راه شریف آباد به مشهد مقدس که هردو بسیار صعب و دشوار و اسباب رحمت عابرين بود به امر همايون ساخته و هموار كردند ــ نواب والا فرهادميرزا

معتمدالدوله به حكومت عربستان و لرستان مأمور گردیدند ـــ میرعطاءالله خان تيموري به منصب سرتيبي سرافراز آمد ـ جناب علاء الدوله ايلجي كبير كه مأمور در بار دولت عشمانی بود مأموریت خود را به انجام رسانیده روز ششم رمضان المبارك وارد دارالخلافه شد \_ در ماه شعبان این سال موكب همايون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار شست مبارک شد ـــ قــنـبرعلی خان سعدالملک به منصب سرتیپی اوّل و خلعت همایون سرافراز گردید \_ میبرزا سیدتیقسی تفرشی سررشته دار سابق آذر بایجان به منصب لشکرنویسی و خلعت همايون نايل آمد ـ حاجى ميرعلى اصغر شيخ الاسلام تبريز به رحمت ايزدى پیوسته میرزا ابوالقاسم پسر آن مرحوم به منصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلّع گردید \_ جناب مسیو گوبینو که به سمت وزیر مختاری از جانب دولت فرانسه مأمور در بار دولت علیه بود به دارالخلافه باهره وارد و به حضور همایون نایل گردید \_ میــرزاعــلــی خان پسر دبیر مهام خارجه (جناب امین الدوله) که با حداثت سنّ در اکثر علوم از فرط ذکاوت باربط شده و خط را در در کمال خوشی می نویسد به حلعت همایون سرافراز و مقرّر شد سفراً حضراً در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد ــ شب بیستم رمضان قریب شش ساعت از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهرظهور خسروانه منعقد گردید \_ حاجی میرزا محمدرضای مستوفی خراسان به منصب استیفای دیوان همماییون سرافراز شد ــ میرزا جعفرخان مشیرالدوله و رئیس دارالشوری را با ابقای ریاست دارالشوری به منصب متولیباشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز فرمودند ... نواب احتشام الدوله مرحوم گردید ... جناب ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی به حکومت استرآباد سرافراز شد ــ میرزا عبدالوهاب خان نایب اوّل وزارت خارجه (جناب نصيرالدوله وزير تجارت) مأمور اداره انتظام مهام خارجه آذر بـایـجان و به خلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز گردید ـــ میرزا هاشم خان امین خلوت به یک قطعه نشان سرتیپی اول سرافراز شد ـ نواب حاجی سیف الدوله ميرزا به حكومت ترشيز برقرار گرديد ــ محمدقاسم خان وزير مختار سابق سنت پطرز بـورغ بـه حـکـومـت گـيــلان و لقب واليگرى مُلقّب و سرافراز گرديد ـــ

نصرالله ميرزا ولد حاجي سيف الدوله ميرزا به نيابت دويّم وزارت علوم و خلعت همايون سرافراز و به همراهي نواب حسام السلطنه حكمران خراسان مأمور آن مملكت گرديد ــ نواب والا شاهنشاهزاده اجل امجد سلطان-حسين ميرزا را به لقب جــلال|لدوله ملقب و به حكمراني اصفهان منصوب فرمودند و قوام|لدوله به وزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده معظم الیه سرافراز شد ـ علی خان قراگوزلو سرتیپ اول به لقب نصرت الملكي مفتخر گرديد ... يك قطعه نشان تمثال بيمثال همايون براي حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفرالدين ميرزا حكمران آذر بايجان انفاذ آن مملکت فرمودند ــ شرحی در قواعد نشان شیر و خورشید به اشاره علیّهٔ همایونی نگاشته شد که صورت آن در جلد دویم مرآت البلدان موسوم به مآثرالسلطان ثبت افتاده است ــ نواب والا عبدالصمد ميرزا به لقب عزَّالدُّوله ملقَّب و به حكومت همدان منصوب گردیدند \_ و حاجی میرزا عبدالله خان به وزارت و پیشکاری آن ولایت سرافراز شد \_ نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلک اجزای دارالشوری منسلک و مخلّع گردید کے نواب حشمت الدوله به حکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شدند ــ ضیاء الملک والد مؤلف که از عربستان به دربار معدلتمدار آمده در سلک وزرای عظام و آجزای دارالشوری داخل و به خلعت همایون نایل آمد و بعد از آن به وزارت عدِلیهٔ اعظم منصوب گردید ـــ و محمّدابراهیمخان امیردیوان به لقب معتمدالملکی سرافراز شد ... محمدمهدی خان کشیکچی باشی به یک قطعه نشان سرتيبي اول و خلعت همايون مفتخر گرديد ــ نواب والا نصرت الدوله حکمران عراق و ملایر به سرداری افواج و قشون عراق برقرار گردیدند \_ مرتضی قلی خان وکیل الملک سرهنگ فوج ملایری به یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل سرهنگی سرافراز شد ــ بیوکخان پسر محمدخان امیرتومان به منصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز و فوج مزبور ملقب به فوج اقبال گردید ــ اواخر ماه ذى الحجّة الحرام حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشا هزادة كامكار مظفرالدين میرزا حکمران آذر بایجان را به ولیعهدی این دولت جاویدشوکت سرافراز و به یک قطعه نشان تمثال بيمثال اقدس نشانهٔ ولايتعهد و يک ثوب جبّهٔ ترمه کشميري دور مرواریند منوشح به لآلی و جواهر گرانبها قرین افتخار و اختصاص فرمودند و وزارت مخصوصهٔ حضرت مستطاب معظم الیه را به عزیزخان سردار کل تفویض و واگذار کردند و یحیی خان آجودان مخصوص حضور همایون حامل این نشان و حلعت مبارک گردیده روانهٔ آذر بایجان شد. (چین) — در حوالی شانگای جنگ مابین یاغیهای تبای پنک و عساکر فرانسه و انگلیس — شکست یاغیها، زخمی شدن امیرال پُرتیر سردار فرانسه که به همان زخم هلاک گردید و عقب نشاندن یاغیها را تقریباً سی فرسخ. (ژاپن) — تعدی نسبت به انگلیسها، خروج سفرای خارجه از ید پایتخت — ورود شان به یکهاما و ترضیه خواستن از دولت ژاپن.

ارویا \_ (اسپانیا) \_ در مجلس شورای این دولت وکلا رجال دولت را متهم بر این می کنند که در فقرهٔ مکزیک اتّحادی که با دولت فرانسه داشتند به چه جهت بهم زدند. (آلمان) ـ عهدنامهٔ تجارتی پروس با فرانسه ـ شناختن دولت پروس ویکتُر امانول را به سلطنت تمام ایطالیا ــ استقراض دولت از برای تهیه جنگ ــ و کلای ملّت در این مسئله مساعد با دولت نیستند ـ نقار مابین یادشاه و وکلای ملّت ـ ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس در این وقت که مأمور فرانسه بود و قبل از این به همین سمت در پطرز بورغ بود در جرگهٔ وزرای دولت ــ وزیر مالیه و وزیر خارجه هردو بعد از ورود بیزمارک به جمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مذت چند روز مسیو بیزمارک به منصب صدارت برقرار گردید ــ ایجاد وزیر بحری در مملکت اطریش ـ تمام سفاین جنگی اطریش از شراعی و بخاری عبارت از صد و بیست و نبه کشتی است که دارای نهصد و نود و شش توپ و هیجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمله کشتی و قشون بحری است ــ ایجاد پلی در روی رودخانهٔ رَنْ در حوالى نانسى به جهت عبور راهآهن. (أنگليس) ـ در اين سال به همه جهات یارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور لیره قیمت داشت زیاده از مملکت انگلیس به خارج برده نشده در صورتی که سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور لیره کارخانه حات انگلیس پارچه پنبه به خارج می فروخت و این نبود مگر به واسطهٔ جنگی که در ینگی دنیا واقع شده بود که به قدر لزوم حمل پنبه از ینگی دنیا به انگلیس نمی شد \_ مخارج زیاد دولت در این سال به جهت ادارهٔ

قـشـون ـــ لُـرد اِلْــژنّ بــه فرمانفرمائي هند منصوب شد ـــ عدد قشون هندوستان که در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود به صد و بیست و پنج هزار قرار دادند و عـدد قـشـون انـگـلیسی که از انگلیس فرستاده می.شد و نودهزار بود به هفتاد هزار قرار دادند ــ فوت پادشاه دهلی در انگون ــ مسافرت ولیعهد انگلیس به اسلامبول و يونان ــ عروسي دختر دويم پادشاه انگلستان شاهزاده خانم آليس با شاهزاده چين - فوت سیرجم رُز مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود. (ايطاليا) - اصلاح بيهودهٔ دولت فرانسه مابين پاپ و پادشاه ايطاليا - فوت پرنس كائيو يكى از اعمام پادشاه سابق ناپل ــ ملاقات والى مصر با پادشاه ايطاليا در تابل ـ ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور پادشاه ـ خیال راهآهن به نایل ـ استقراض دولت مبلغی به جهت مخارج این کار از صرّافان رُچیل ــ شورش در بعضی نقاط به جهت هواخواهان گاری بالدی ... نقار گاری بالدی با یادشاه ... خطبهٔ حضرت پاپ بر ضدّ پادشاه ایطالیا ــ شناختن دولت روس ویکتُر امانول را به سلطنت تمام ایطالیا ــ گاری بالدی آشکاراً می گوید یا مرگ یا رُمْ و این کلام گاری بالدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد یادشاه جدید ایطالیاست که اولی محارست رُم را در عهده گرفته و ثانی عهد گرده است که در رُم مداخله ننماید \_\_ عروسی دختر دویم پادشاه ایطالیا با پادشاه پرتوغال ــ افتتاح راه آهن از ناپل به رُم. (پرتوغال) - شورش در بعضی نقاط به جهت گرانی حبوبات. (دانمارک) -دولت دانمارک مسلّح شده تهیّهٔ جنگ می بیند \_ وحشتی دارد-از بعضی ادّعاهای پروس به ایالتین اِشاشویک و هٔایشتن و به دول فرانسه و انگلیس و روس و شود شکایت می نماید از وضع و طرزی که دولت پروس پیش گرفته است. (روس)\_ فوت صدراعظم كنت نشارد \_ امتداد سيم تلگراف از لندن به سبير \_ در ظرف چهل و دو ساعت از پطرز بورغ به برلن پایتخت پروس به توسط راه آهن می شود رفت ــ تـــلـــم حکومت لهستان به گراندوک قسطنطین برادر امپراطور ـــ در ظرف یک سال چهارده هـزار و هشتصد و سی و سه نفر از متمرّدین لهستان محبوس شدند ـــ حکومت گراندوک میشِل برادر کهتر امپراطور به مملکت قفقاز. (سُود) ملاقات سلاطین سُود و دانمارک. (عشمانی) - صدارت فؤادپاشا - وزارت خارجه

عالی یاشا \_ شورش در حلب \_ رئیس طایقه دروز در محران، خالد اربیک از اداء مالیات مضایقه دارد و دزدی و شرارت را تا به در وازه امتداد می دهد ــ افتتاح مجلس ایالتین ملداوی و والاشی به دست پرنس کوزای والی ــ جنگ عمر یاشا با اهالی قراداغ \_ مجلس کنفرانس از دول در اسلامبول تشکیل می شود و اصلاح میان عثمانی و سربی می کند ــ معاهدهٔ تجارتی عثمانی با روس و با اغلب دول فرنگ ... والی مصر سعیدیاشا به سیاحت فرنگ می رود ... در حفر نهر مجمع البحرين اهتمامي كامل به عمل مي آورند و عمله جات جداً مشغول كار هستند. (فرانسه) ـ مواجب ژنرال مُنتبان سردار فرانسه که در چین فتوحات کرده بود به پنج هزار تومان مقرّر شد که نسلاً بعد نسل به اولاد ذکور او داده شود ــ ایجاد مالیات جدیده علاوه بر معمول بر کالسکه و اسب و نمک ـ غدغن اکید به وزرا که علاوه بر مواجب و مرسومی که هنگامی وزارت مقرّر است خرج نکنند \_ در مجلس وکلا از قشون کشی به سمت مکزیک گفتگو شد، وکلای دولت جواب دادنـد که مقصود از قشون فرستادن بقای نام و حفظ آبروی فرانسه است و قراری در تنخواهی که اهالی مکزیک استقراض از اهالی فرانسه نمودند ــ ملقب شدن مسیو دُمِرْني بِه لقب دوك (دوك به منزلة أميراً لآمر است) ــ نصب دُرُوان دُلُويس به وزارت خارجه. (یونان) ــ شورش در پنلی که قورخانهٔ دولت آنجا واقع شده است \_ جنگ قشون دولتی با یاغیان \_ شورش در اغلب نقاط مملکت بر ضد سلطنت \_ شورش بر ضد خانوادهٔ سلطنت \_ اجتماع مردم بر عزل یادشاه که از شاهزادههای باویر بود ــ اتحاد قشون با شورشیان ــ استعفای یادشاه أَنَّهُنْ از سلطنت \_ ایجاد دولت موقّتی \_ خزانهٔ دولت خالی است \_ انقلاب و اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی نظم و بی سردار.

افریقا \_ در سودان مرکزی حاجی عمر که در سِنگال فرانسه ها او را دوانیده بودند مالک تُنبُکْتُوکارتا، و تمام سواحل رود نیژر گردید \_ جنگ سخت مابین پادشاه دَهٔمَه و پادشاه آبُوکوتاه.

امریکا \_ (اتائونی)\_ جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب در کمال تشدد بود \_

در ایالات کاژلین و ورژینی علی الخصوص بعضی از ایالاتی که داشتن برده در آنها رسم بود لیکن نشوریده با ایالات جنوبی بر ضد ابراهیم نُنْگُلن رئیس نایستاده بودند رئیس مزبور غلامهای آنها را آزاد و یک مبلغی به اسم خسارت به آنها عوض داد ــ جنگ سختی كه معروفست به جنگ پرس بورگ در حوالي شظ می سی سی پی ـ فتح شمالی در این جنگ ـ فتوحات بعضی قلعه جات شمالی بهدست جنوبی \_ شکست یافتن عساکر شمالی در نُول أُرْلِآن \_ نسبت به تبعه هلاند و انگلیس و فرانسه کمال بی احترامی و صدمه از عساکر جنوبی وارد می آید و تــا آن زمــان که یکسال از ابتدای جنگ گذشته بود شمالی به تنها سیصد و پنجاه كرور تومان ايران مخارج كرده بود \_ ايجاد راه آهن از سان فرانسيسكو به كالى فُرْنى. (برزيل) - نقار با دولت انگليس كه بعد مبدل به صلح مى شود. (مكزيك) ــ عساكر انگليس و اسپانيا و فرانسه كه باهم متّفق بودند در مسئله تغییر وضع دولت مکریک تباینی مابین سردارهای دول ثلاثه پیدا شد با اینکه ژوارز رئیس جمهوری مکزیک در همان وقتی که قشون اسپانیول در خاک مکزیک آمده بودند بالنسبه به رعایای اسپانیولی کمال تعدّی را نموده دو کرور تومان از آنها جریمه گرفته و به اتّهام جزئی جمعی از آنها را به قتل رسانید با وجود این سردار اسپانیول ژنرال پیرین اتفاق با سردار فرانسه را مصلحت ندیده تنها قشون فرانسه را در مخمصه انداخته دوچار مجادله با ژوارز به تنهائی نموده سرداران اسپانیبول و انگلیس به کشتی نشسته به اوطان خود مراجعت نمودند و از آن به بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیک را دولت امیراطوری نموده ماکسی میلین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد.

#### [سنهٔ ۱۲۷۹ هجری = سنهٔ ۱۸۹۲ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال تعزیه داری دولتی در تکیهٔ مبارکهٔ سلطنت آباد شد \_ جمناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به اعطای یک رشته شرّابه مرضع به جواهر شمینه نایل گردیدند \_ خالصه جات ورامین به رحمت الله خان ساری اصلان

واگذار شد \_ یکصد باب کارخانه شال بافی در شیراز و شصت باب در یزد دایر گردید \_ ضیاء الملک وزیر عدلیه اعظم والد مؤلف به لقب جنابی سربلند گردید ــ جناب ظهیرالدوله محمدناصرخان ایشیک آقاسی باشی حاکم استرآباد و شاهرود و بسطام و غیره به یک قبضه قمهٔ مرضع مباهی آمد سه حکومت بندر بوشهر به احمدخان نوائي مفوض شد ــ ميرزا حسين وزير سابق دارالخلافه به منصب استيفا نماییل گردید ــ میرزا محمّد ولد مرحوم میرزا بابای حکیمباشی به منصب استیفا و ميرزاعلى برادر معزى اليه به منصب لشكرنويسي برقرار گرديدند \_ بعضى از ريش سفيدان تراكمه ساروق و سالور به ارض اقدس خدمت نواب حسام السلطنه والى خراسان آمده برحسب استدعاى خودشان داخل در نوكر و سواره خراساني شدند \_ موکب همایون عزیمت کجور فرموده و از کجور به سیاحت کنار دریای مازندران روانه شده از راه بلدهٔ نور و لار معاودت به قصبهٔ نیاوران فرمودند ـــ حناب حاجبي ميرزا حسين خان وزير مختار مقيم دريار عثماني به يک قطعه نشان تمثال مبارك مكلل به الماس مفتخر گردید کے ضیاء الملک والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی به لقب نبيل اعتماد السلطنه ملقب آمد \_ حاجي ميرزا محمد خان دبير مهام خارجه به وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزاعلی خان ولد معزى البيم (حنياب امين الدوله) به نيابت اول وزارت امور خارجه برقرار گرديد -خط تملگراف از دارالخلافه تا گیلان امتداد یافت ـــ روز بیست و یکم محرّم در استرآباد از سمت قبله ابری ظاهر شده به زمین می آید بعد به هوا صعود می کند و در بین صعود صدائی مهیب از آن به سمعها می رسد و پس از یک ساعت از هم پاشیده آتشی از آن نمایان می گردد و آن روز هوای استرآباد به طوری گرم می شود که اغلب از گرما بی حال می شوند ــ جناب مسیو جردتی وزیر مختار دولت ایطالیا ب نشان درجهٔ اوّل سلطنتی آن دولت برای اهدای حضور همایون این اوقات وارد دارالخلافه شد ـــ میرزا قهرمان مستوفی نظام آذر بایجان به یک قطعه نشان از درجهٔ سیّم سرتیپی و ریاست دفتر لشکر آذر بایجان سرافراز شد ـــ محمّدرحیم خان سرتیپ سوارة ايلات قزوين به منصب سرتيبي اول مفتخر گرديد ــ حاجي قوام الملک شیراری به یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل امیرتومانی با حمایل آن سرافراز شد ــ

آقیامحمدابراهیم معمار باشی به یک قبضه کارد مرضع و لقب خانی نایل گردید ــ محتداسمعیل خان و کیل الملک در معابر کرمان و شهر و بلوک راباط و حمامهای خـوب و كـاروانـسرا و بازار بنا كرد ـــ اين اوقات ايّام هفته را تقسيم كرده و در هر روزی ذات ملکوتی صفات مقدس به عرایض یکی از وزرا رسیدگی می فرمایند \_ میرزا هدایت پسر مرحوم نصیرالملک به منصب مستوفیگری سرافراز شد \_ میرزا اسدالله از اجزای وزارت علوم به نیابت حکومت ملایر و تویسرکان و لقب خانی سرافراز شد - میرزا محمدابراهیم پسر مرحوم میرزا احمد استرآبادی به منصب لشکرنویسی و دویست تومان مواجب نایل آمد ــ محتداسمعیلخان وکیل الملک به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید \_ حاجی میرزاعلی پیشخدمت به لقب مشکوة الملک ملقب شد \_ جهانگیرخان سرتیپ و ژنرال آجودان مخصوص به ریاست قورخانهٔ مبارکه سرافراز گردید ــ علیقلی خان نایب اول آجودانباشی به یک قطعه نشان از مرتبهٔ سرتیهی و حمایل آن مفتخر گردید ــ علیقلی خان سرهنگ (جناب مخبرالدوله) که در امتداد سیم تلگراف گیلان خدمت کرده به منصب سرتیپی سیم و دویست تومان اضافه مواجب سرافراز شد ـ نواب حاجی محمد ولى ميرزا به منصب وزارت دارالشوراي كبرى سرافراز گرديد ـ بنده مؤلف به منصب ژنـرال آجـودانی و تشریف همایون سر بلند آمد ـــ جناب ناصرالملک مشیر خاص حضور همایون به رسم وزیر مختاری مأمور به اقامت دربار دولت انگلیس شـد ـــ امــان الله خان سرتيپ به مستشاري سفارت مزبوره و يک قطعه نشان از درجهٔ سیّم سرتیبی با حمایل آن قرین افتخار آمد ــ محمّدمهدی خان سرکشیکچی باشی به یک قطعه نشان تمشال همایون سرافراز شد ـ عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه به حکومت قم مفتخر گردید ــ سواره مقدم مراغه سپرده به حسام الدول شدند \_ ابوالفتح خان پسر مرحوم عبدالحسين خان جوانشير به منصب سرهنگی فوج اقل خاصه سرافراز گردید ــ محمّدباقرخان ولد محمّدخان امیرتومان به سرتیسی سیّم دو فوج جدید و قدیم قزوین برقرار شد ــ باقرخان که در کارخانهٔ شماعی خدمات کرده بود به منصب سرهنگی مفتخر شد ــ نواب علیقلی میرزا ولد نواب عمادالدّوله ملقّب به صارم الدوله گشت و به اعطای یک قبضه شمشیر

گلمرضع او را مفتخر فرمودند ــ جناب میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان به یک قطعه نشان امیرتومانی و یک رشته حمایل آن سرافراز شد ــ میرزا احمدخان ساعدالملک ولد مرحوم امير اتابيك اعظم به اعطاى يك قطعه نشان تمثال همايون مكلّل به الماس سرافراز گردید ــ در كارخانهٔ شماعي دارالخلافه چند قسم شمع در كمال خوبی به سبک شمعهای فرنگی می ریزند ـ این اوقات کتابچهٔ دستورالعملی به حكم همايون براى تعيين تكاليف و انتظامات و ترتيبات امور ديوانخانة عدلية عظمیٰ نوشته و صدر آن موشح به دستخط همایون شد ــ حاجی رجیعلی خان سرتیپ سیّم توپخانه به منصب سرتیبی دویّم توپخانه برقرار گردید ــ حاجی آفابابای حکیمباشی به لقب ملک الاطبائی و یک قطعه نشان از درجهٔ دویم سرتيپي با حمايل آن سرافراز گرديد ــ ميرزا ابوالحسنخان صنيع الملک به اعطاي یک قطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد ــ معدن فیروزجی در زرند و ساوه به اهتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزهٔ آن در کمال صفا است \_ كلية عمارات مباركات دولتي رآيه حاجي محمدخان حاجب الدوله سپردند \_ محض مزيد نظم و انتظام امور قشون دستخطى مبارك به افتخار جناب سپهسالار شرفصدور یافت ... جناب سپهسالار را به اعطای یک قطعه گل کمر مکلل به الماس مفتخر فرمودند \_ صبح شنبه غره شهر شوّال المكرم نيمساعت به طلوع آفتاب مانـده نـیّر اعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص و عام در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید ــ پاشاخان امینشوری به یک قطعه نشان از درجهٔ امیبرتومانی مفتخر گردید ـ حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی به یک قطعه نشان سرتیهی سرافراز شده و حکومت همدان را نیز بمعزی الیه واگذار فرمودند ـــ تراکمهٔ متمرّدة استرآباد تنبيه كامل شدند \_ كلبحسين خان امين نظام به رياست قشون خراسان و سرتیپی اوّل سرافراز شد ــ محمّدباقرخان سرهنگ به منصب سرتیپی سيتم نايل گرديد \_ ميرزا عبدالرحيم خان كار پرداز اول مقيم تفليس به منصب شارژدافیری و اقامت دربار دولت روس مفتخر گردید ــ برای مراکب بحریه تبعهٔ دولت عليّه وضع عَلَم مخصوصي نمودند كه اسباب امتياز و تشخيص آنها باشد ـــ حکومت استرآباد و مازنـدران را بـه عهدهٔ کفایت عینالملک خوانسالار واگذار

فرمودند و محمّدعلی خان برادر معزی الیه به نیابت حکومت و میرزا مصطفی خان بهاء الملك به مباشري امور مازندران سرافراز شدند \_ دوستعلى خان معيرالممالك را به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ امیرتومانی قرین مفاخرت فرمودند ـــ میرزا رضای مستوفی خاصه پسر معین الملک به یک قطعه نشان سرتیپی با حمایل آن سر بلند آمد \_ نواب حسام السلطنه حكمران خراسان كه به جهت بعضى عرايض لازمه به دارالخلافه آمده به محل حکمرانی خود معاودت نمود \_ حضرت شاهنشاهزاده امجد والا يمين الدوله (ظلّ السلطان) دام اقباله به حكمراني مملكت فارس منصوب و ظهيرالدوله به وزارت حضرت معظم اليه مفتخر گرديد ... حیدرقلی خان ایلخانی و حکمران بجنورد به یک قطعه نشان تمثال همایون مکلّل به الـمـاس سـرافـراز آمـد ــــــ امـيرحسينخان ايلخاني زعفرانلو به سبب خدمت و تنبيه و تدمیر اشرار تراکمهٔ خراسان به یک قطعه شمشیر گل و کرمک مرضع مباهی شد ـــ محمدعلي خان ايلخاني فارس به يك قطعه نشان تمثال همايون مكلّل به الماس سر بلند گشت \_ حاجي قوام الملک به منصب متوليباشي گري آستانه حضرت ثامن الائمه عليه السّلام و لقب جنابي مفتخر گرديد \_ ميرزا عبدالله خان مستوفي حاكم همدان ملقب به علاء الملك شد \_ نواب والا معتمدالدوله حكمران عربستان و لرستان به یک قطعه نشان تمثال همایون مباهی گردید و سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم اليه رئيس ديوان نظامي لرستان به يک قطعه نشان از درجهٔ اوّل سرهنگی نایل آمد \_ جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب به احتشام المملك شد ــ ولايات ملاير و تويسركان را به نواب اعتضادالسلطنه وزير عـلـوم واگـذار و مـالـيـات آنـجا را از بابت مخارج و مصارف مدرسه دارالفنون مقرّر فرمودنـد ــ چراغعلی خان سراج الملک به منصب بیگلر بیگی گری و ریاست دیوان نظامی اصفهان برقرار گردید. (افغانستان) ـ فوت امیردوست محمدخان در بهار ـ نـصب امیر شیرعلی خان ولد آن مرحوم به جای پدر ــ نقار مابین امیر شیرعلی خان و برادر او محمّدشریفخان ــ جنگ داخله و شورش در هرات و کابل. (چین) ــ شانیانو سردار چینی که با یاغیها در جنگ بود متهم به این شد که شکستی که يافته است از راه خيانت بوده و با وجود خدمات چندين ساله كه به دولت كرده بود اعتمادالسلطنه اعتماد

او را محبوس نمودند و حکمی به او صادر شد که در حبس خود را بکشد و بعد از صدور این حکم او خود را به دست خود کشت بنیاد یک کلیسای کاتولیکی در شهر کانتُن (ژاپن) می تهدیدنامهٔ انگلیس به این دولت به جهت استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بی فایده می ماند امیرال انگلیس کیپر یکی از شهرهای ساحل کا گزیما را به ضرب گلوله توپ منهدم می سازد. (ماچین) سوبای سخت در هوئه.

ارویا \_ (اسیانیول)\_ ژآن پسر دُن کارلس ایزابل ملکهٔ اسیانیول را به سلطنت اسيانيا شناخته وحقوقي كه يدرش وطايفهاش در سلطنت اسيانيول داشته ژان دست از آن حقوق می کشد ــ زلزلهٔ سخت مانیل که مورث خرابی زیاد شد ــ نزاع مابین سیاهها و سفیدها در هایتی بریاغیها پرتُپلاتا را در هایتی سوزانیدند. (آلمان) \_ اتفاق آرا در ایجاد مجاس پارلمنت واحد در تمام مملکت \_ ملاقات امیراطور اطریش و بادشاه پروس در گاستگن در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس را که یک مجلس شورائی مرکب از سلاطین و ولات آلمان در فرانک فر منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیهٔ آلىمان بشود. يادشاه يروس قبول حضور آن مجلس را نمي كند، ليكن مجلس مزبور در اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزو با وزرای خارجه که دارند حضور بهم مي رسانند. اين مجلس آن طوري كه مقصود بود فايده نبخشيد ــ افتتاح مجلس پارلمنت پروس که در تابستان این سال شد و از مضمون خطبه ای که در افتتاح اين مجلس مسيو بيزمارك صدراعظم قرائت كرد معنى صلح و سلامت مفهوم نمی گردد ـ در پروس به واسطهٔ تباین رأیی که مابین مسیو بیزمارک و وزرا و وكلاى ملت است مجلس وكلا عزل شده وكلاى جديد منصوب مي شويد \_ افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت یادشاه یروس به شخصه نمود ــ استقراض وجه معتدبه برای تهیهٔ جنگ در مملکت پروس بر ضد دانمارک. (انگلیس) - از مخارج وزارت جنگ ده کرور لیره کسر می شود ــ توپ جدیدی که ـ آرم اِسْ تُرنْگ ـ نام اختراع کرده بـود دولت قـبـول می کند ــ جنگ در نُولزلانْد با طايفهٔ مااوری ــ

مالیات دولت به واسطهٔ تریاک و نمک در هندوستان زیاده از سال قبل است ــ در هندوستان نیشکر و پنبه را آفت ملخخوارگی ضرر زیاد رسانیده است. این ملخ ها از سمت سند آمده و بیشتر از زراعتهای سواحل رودخانهٔ گنگ را خراب کردهاند .... حنگ دولت با طایفهٔ کوهستان لاهور ــ نصب سیرژان لاورانس به فرمانفرمائی هندوستان ـ فوت حاكم سابق أردالژن ـ ايجاد راهآهن زيرزميني در شهر لندن. (برتوغال) - ترک قتل مقصرین، یعنی دولت از این به بعد اشخاصی را که واجب القتل هستند به قتل نمي رساند بلكه به جاى قتل حبس مؤبد مي كند. (دانمارک) ــ در دانمارک ولیعهد آن دولت فردریک فردیناند عموی یادشاه بدون وارث فوت می کند و به فاصلهٔ چندی پادشاه دانمارک فردریک هفتم به سن پنجاه و پنج سالگی نیز وفات می نماید ـــ کرستیان نهم که از اقوام دور پادشاه مزبور بود بهجای او جملوس می کند، پادشاه تازه چهل و پنج سال داشت یکی از صبایای ایشان زوجهٔ ولیعهد دولت انگلیس است و پسّر بزرگ ایشان ژرژ اوّل یادشاه یونان می شود ـ شورشی در ایالت هلستن که مجزّی از دانمارک بشود ـ دولتین پروس و اطریش هفت روز به دانمارک مهلت می دهند که عساکری که به جهت تنبیه ياغيان لهلستن فرستاده احضار نمايد و الآشروع به جنگ خواهد شد. (روس)\_ شورش در لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز \_ قطع سیم تلگراف و خط راه آهن ــ شورشيان رياست خود را به مي ميرالفسكي واگذار می کنند ـ دولتین پروس و روس معاهده می کنند که یاغیهای لهستانی اگر به خماک پروس پناه بجویند عساکر روس تخطی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب نمایند ــ نوشتجات سختی که دولت فرانسه به دولتین روس و پروس در این فقره می نوینسد بی فایده می ماند - صدور فرمان امپراطور روس که هرکس در ظرف بیست روز از یاغیان اسلحهٔ خود را زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جریمه و جرم او خواهند گذشت ــ فراریهای لهستان که به ایطالیا و فرانسه رفته بودند به وطن مراجعت نموده با یاغیان شریک و همدست می شوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش است ــ ژنرال برک سردار روس مأمور تنبیه اشرار است، و همچنین ژنرال مُراویف و جمعیت زیادی که از نجبا و کشیشها و کسبه و غیره که

در زمرهٔ یاغیان بودند و سرداران مزبور آنها را به چنگ آوردند یا فی المجلس کشتند یا به سیبسری به حبس فرستادند ... حکم امپراطور روس به احضار قشون زیاد که تقریباً سیصد هزار باشد برای دفع یاغیان \_ زمستان قطع جنگ نکرد \_ گراندوک قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف می دارد \_ ژنرال برک مستقلاً از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان می گردد ــ در قفقاز مختصر شورشی در میان طایفه لزگی ــ سفاین جنگی روس در این سال صد و بیست و دو فروند است که در آن کشتیها دوهزار و دویست و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون بحری بودند. (عثمانی) ــ اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسائلی که راجع به سر بستان و قراباغ بود نارضائی حاصل نموده تغییر و تبدیل کلی در دایرهٔ وزرا داده شد ــ فؤادیاشا از صدارت عنل و رئیس مجلس شوری و وزیر مالیه گردید ولیکن بعد از دوماه باز به صدارت منصوب شد ــ فوت سعیدیاشا والی مصر در زمستان و نصب اسمعیل پاشا برادرش به جای او ــ سفر سلطان به مصر در بهار ــ اوّل تحرير كتابچه جمع و خرج دولت در اين سال كه ماليات دولت را غير از فروعات شصت و نـه کـرور و صَدّهزار تّومان مُعيّن کرده اند و مخارج را شصت و هشت کرور و دویست و شصت هزار تومان. (فرانسه) ــ ورود سفرای انام ماچین به پاریس ــ افتتاح مجلس دارالشوری در فرانسه ــ جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر فوابلای مکزیک با هواخواهان ژوآرز رئیس جمهوری مکزیک و فتح این شهر به دست ژنرال بازن ـ ورود سردار فرانسه به مکزیکو پایتخت مکزیک و فرار ژوآرز با شش هزار قشون به سانلوی \_ مجلس شورای مکزیک که تازه در مکزیکو يايتخت تشكيل يافته است بالاتفاق آرشيدوك ماكسي ميلين برادر اميراطور اطريش را به امیراطوری خود منتخب می نمایند و در این مجلس ذکر می شود که چنانکه مشارًالیه قبول سلطنت ایشان را ننماید هرکه را امیراطور فرانسه انتخاب کند آنها به اتفاق او را قبول خواهند نمود. (یونان) ــ دول فرنگ درصدد تعیین یادشاهی از برای یونان هستند و به چند نفر از شاهزادگان آلمان که تکلیف کردند آنها رد نمودند، بالاخره ژرژ پسر ولیعهد دانمارک که در این وقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان به اسم ژرژ اوّل برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند با وجود تعیین پادشاه باز در آتن فرق مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه می باشند در این مورد دولت انگلیس وعده می دهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرّف داشت به دولت جدید یونان رد کند \_ پادشاه تازهٔ یونان به لندن و از آنجا به پاریس و از آنجا به وینه بعد به آتن پایتخت یونان ورود می کند.

افریقا \_ (ماداگاسکار)\_ شورش اهالی بر ضد وزرا و خواص پادشاه و بعد از چندی قتل پادشاه و نصب زوجهاش به جای او.

امریکا \_ (اتائونی)\_ جنگ ایالات جنوبی با شمالی در کمال سختی است، اگرچه فتح غالباً با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده ای از آن بردارند حاصل نشده \_ ژنرال گران سردار شمالی دو سه قلعه معتبر از جنوبیها به زور اسلحه گرفته و متصرّف شده است \_ لنگلن رئیس جمهوری اتائونی که حالا به واسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط ریاست ایالت شمالی را دارد حکم به احضار صد و بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی خود می کند، دولت فرانسه درصدد میانجیگری است که در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بی فایده می ماند. (برزیل) \_ بروز وبای سخت در اغلب ممالک برزیل.

#### [سنهٔ ۱۲۸۰ هجری = سنهٔ ۱۸۹۳ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در این سال امور ملک و مملکت به توجهات خاطر خطیر همایون قرین انتظام کامل است \_ حکومت لرستان را ضمیمهٔ حکمرانی کرمانشهان و نهاوند فرموده به نواب عمادالدوله واگذار فرمودند \_ حکمرانی عربستان را به نواب حشمت الدوله تفویض داشتند \_ عبدالعلی خان ادیب الملک حاکم قم به یک قطعه نشان از درجهٔ سیم سرتیبی با حمایل آن سرافراز شد \_

آقاخان پسر مرحوم عبدالصمدخان افشار به منصب سرتیپی سیّم و ریاست دیوانخانه نظامی مازندران نایل گردید ــ عسکرخان سرهنگ سر پرست ارامنه ارومی و سلماس به منصب سرتیپی سیّم سرافراز شد ــ نظر به اتّحاد دولتین ایران و عثمانی از جانب دولت عليه به اسمعيل افندي نايب اول سفارت عثماني نشان دويم از درجهٔ شیر و خورشید مرحمت شد ... تنبیه و تدمیر تراکمهٔ سالور و ساروق که به قصد دستبرد به حدود خراسان آمده بودند ــ موکب همایون شهریاری در ماه صفر تشریف فرمای نور و کجور شد ــ میرزا هاشم خان امین خلوت به اعطای یک قطعه نشان تسشال هسايون مكلل به الماس سرافراز و ميرزا محمدخان يسر مشارّاليه به منصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد ــ ریاست امور نظامی عربستان به عهدهٔ عبدالله ميرزا ژنرال آجودان واگذار شد ــ حاجي محمدبيک قهوه چي باشي به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سرهنگی سرافراز آمد ... حبيب الله خان تنكابني (ساعدالدوله) به منصب سرتيبي اول مفتخر گرديد \_ عمارات مباركات سلطنتي دارالخلافه را حسب الأمر مرمت نموده بر فسحت و نزهت آنها افزودند \_ ميرزا احمدخان ساعدالملک سرتيب اول به رتبه اميرتوماني سرافراز گردید \_ آقاخان سرتیپ اول به سرتیپی دو فوج مراغه مباهی آمد \_ محتدحسين خان صدرالذوله ايشيك آقاسي باشي حضرت اعظم والا وليعهد دولت علیّهٔ ایران به یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی سرافراز شد ــ محمّدعلی خان برادر عین الملک به منصب بیگلربیگی گری استرآباد قرین افتخار گردید ــ حضرت اكرم والا نايب السلطنة العلية چون در قواعد نظامي درجة كمال را يافته اند در نظام دارای منصب سرهنگی از درجهٔ اول گردیدند \_ محمدمهدی خان کشیکچی باشی به اعطای یک قطعه نشان امیرتومانی و یک رشته حمایل آن مفتخر گردید ـــ امیرزاده انوشیروان میرزای ژنرال آجودان خاصه به سرتیپی فوج سربند عراق سرافراز شد \_ نواب والا معتمدالدوله را در جزو اجزای محترم دارالشورای کبری منسلک فرمودند ـــ محمّدقلی خان شاطر باشی به یک قطعه نشان از درجهٔ سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد \_ محمدقاسم خان والى گيلان به اعطاى يک قطعه نشان تمشال همایون قرین افتخار آمد \_ جعفرقلی خان سرتیپ اوّل به منصب امیرتومانی

نايل گشت ــ در دارالخلافهٔ باهره در خارج دروازهٔ دولت در جنب ميدان مشق جبه خانهٔ بسیار خوبی بنا نمودند ــ میرزا طاهر سررشته دار کاشانی به منصب استیفای دفتر نایل گردید ـ از ولایات ممالک محروسه به اشاره علیه سوارهٔ ردیف اخذ و انتخاب شده و می شود ــ جمشیدخان را به منصب سرتیپی توپخانه سرافراز كردند \_ سيم تلگراف از سرحد ارس تا بندر بوشهر امتداد مي يابد \_ حاجي محسن خمان سرهنگ مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس به منصب سرتیپی سیّم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی الثانیه این سال به انَّــفـاق بندة مؤلف كـه در اين وقت به نيابت دويّم سفارت برقرار شده روانة پاريس گردیدیم ــ نواب عمادالدوله به یک ثوب جبهٔ ترمه شمسه مرضع مخلّع و امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم اليه به پاداش تنبيه طايفة سكوند لرستاني به يك قبضه شمشیر یراق مرضع نایل آمد \_ آفارضای پیشخدمت حضور همایون به لقب عکاسباشیگری سرافراز گردید و صنعت عکاسی در این عهد همایون در ایران خیلی رواج و ترقّی یافت ــ هم در این سال جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار دولت عليه مقيم در بار عثماني بالميرزا حسن نايب دويم سفارت از اسلامبول به دارالخلافة طهران آمده مورد مراحم خاصة ملوكانه گرديده در سلك اجزاي دارالشورای کبری منسلک گردید و میرزا حسن نایب دویم سفارت به یک قطعه نشان شيروخورشيد از درجه سيم ولقب حاني ونيابت اؤل سفارت و دويست تومان اضافه مواجب سرافرازشد وميرزا حسين كاريردازطرابزن بهلقب خانى وبه زنرال قونسولي سرافراز آمد هم در این سال نظر به کمال وداد و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب اعليحضرت همايون يك قطعه نشان شير و خورشيد مكلّل به الماس گرانبها با حمايل آبي كه از علايم اوليَّهُ خاصَّهُ سلطنتي است براي اعليحضرت سلطان عبىدالعريزخان سلطان عثماني هديه و انفاذ فرمودند و براي جناب فؤادياشا وزير جنگ و صدراعظم عثمانی و جناب عالی پاشا وزیر امور خارجهٔ آن دولت نیز نشان تمشال همایون مکلّل به الماس ارسال داشتند ــ و جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر مختار مجدّداً با اجزای سفارت کبری روانهٔ اسلامبول شدند ـــ میرزا محمّدعلی سررشته دار توپخانه به منصب لشکرنویسی سرافراز گردید ـ میرزا نصرالله مستوفی

پیشکار اصفهان به اعطای یک قطعه نشان اوّل سرتیپی و یک رشته حمایل آن مفتخر شد ــ میرزا مصطفی بهاءالملک وزیر مازندران و استرآباد به یک قطعه نشان تمشال همایون سرافراز آمد ـ وزارت مالیه را مستقلاً به عهدهٔ جناب اجل آقای مستوفی الممالک واگذار و ایشان را مخاطب به وزیر مالیه فرموده در مجلس شورای دولتى قلمدانى كه محبرهٔ آن مكلّل به الماس بود از جانب سنى الجوانب به جناب معزى اليه مرحمت شد \_ عين الملك خوانسالار و حكمران مازندران و استرآباد به منصب ایلحانی گری و ریاست ایل جلیل قاجار سرافراز گردید \_ از خط سرحة خانقین تا دارالخلافه نیز شروع به کشیدن سیم تلگراف شدند ــ غلامحسینخان يسر عليقلي خان نايب اول آجودانباشي به منصب نيابت آجودانياشي سرافراز آمد ـــ جناب فرخخان امين الدوله به اعطاى يك قطعه نشان اميرنوياني قرين مفاخرت گردید ــ جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعهٔ دارالخلافه به منصب امام جمعه گی دارالخلافه برقرار شده به اعطای یک قبضه عصای مرضع قرین مباهات آمدند و جناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب به صدرالعلماء گردیدند \_ چون جناب محمدناصرخان ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ می باشد ایشیک آقاسی باشی گری را به امیراصلان خان مجدالدوله مرحمت و به یک قبضه عصای مرْضع و خلعت همایون ایشان را سر بلند فرمودند ـــ جناب مسیو کرس که به سمت وزیر مختاری و ایلچیگری از جانب دولت روس مأمور اقامت در بار دولت ایران شده بود روز چهاردهم رجب وارد دارالخلافه گردید ــ میرزا محمدعلی خان کارگذار خـارجـه فـارس بـه اعـطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل سرهنگی با حمایل آن مباهی شد ــ محمّدعلی خان بیگر بیگی و حاکم استرآباد به پاداش تنبیه اشرار تراکمهٔ یموت به یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل سرهنگی سرافراز شد و بعدها جعفرقلی خان امیرتومان مأمور شد که به وجه اکمل طوایف طاغیه را تدمیر نماید ـــ نواب حشمت الدوله حكمران عربستان و بختياري به يك طوق كمر مكلل به الساس بسيار ممتاز قرين مفاخرت آمد ... اعتمادالسلطنه وزير عدلية عظمى والد مؤلف به یک قبضه عصای مرضع سربلند شد \_ حاجی رحیم خان پیشخدمت

خاصه به منصب جلیل صندوقداری و رختداری ملبوس مبارک برقرار و به یک قطعه گل كمر الماس و يك ثوب جبّة ترمه سرافراز گشت ــ آقاعلي پيشخدمت خاصّة حاكم ولايات ساوه و ايل شاهسون بغدادي به يك طوق كمر مكلّل به الماس مباهی گردید \_ مجدالدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مأمور شدند ــ میرزا صادقخان کارگذار خارجه سابق گیلان به کارگذاری خارجه استرآباد.مأمور شد ــ برای نظم کلیّهٔ سُرحد استرآباد اردوئی به سركردگى جناب ميرزا محمدخان سيهسالار كل عساكر منصورة نظام وغيرنظام مأمور آن سامان گردید و جناب معظم الیه را به اعطای یک رأس اسب از اصطبل مبارک با زین و براق مرضع مفتخر فرمودند و جعفرقلی خان امیرتومان که مأمور تنبیه تراکمهٔ طاغیهٔ آن صفحات بود تدمیر کاملی از اشرار آن نواحی نمود ... در غیاب جناب سپهسالار پاشاخان امینشوری و محمدخان امیرتومان به امور قشون رسیدگی مى نمايند \_ ميرزا محمدحسين دبيرالملك به اعطاى يك رشته شرابه بند كاغذ مرضع سرافراز گردید ــ اقرب طرق از دارالخلافه تا کنار بحرخزر که از کوه البرز به کجور و از آنجا به کنار دریاست که سی و دو فرسخ مسافت دارد چون راهش خیلی سخت و صعب بود به آمر دولت مسیو کاستیکر مهندس نمساوی در کمال خوبی شروع به ساختن نمود ـ صادق خان یوز باشی برادر شهاب الملک به اعطای منصب سرتیپی از درجهٔ سیم سرافراز شد. (چین) ــ غدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای اتائونی ینگی دنیا عبور نکنند ــ چینی ها به عساکر فرانسه ملتجی شده یاغیهای تای بیک را شکست دادند ــ شهر نانکن را که مرکز یاغیها بود قشون زیاد چینی فتح کرد. (ژاپن) ـ عهدنامه های دوستی و تجارتی این دولت با دول فرنگ و ینگی دنیا به امضای میکاد که پادشاه روحانیست و حقیقت سلطنت با او است اتما مرثى نمى شود و طيقون پادشاه جسمانى كه في الواقع صدراعظم مستقلّى است بدون امضای میکاد نمی تواند عهدنامه را امضا نماید ... منازعهٔ سفاین جنگی انگلیس و فرانسه در جزیرهٔ نیفُن که متعلّق به ژاپن است و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی آن جزیره بود ــ دول متحده معادل سه کرور و سیصد هزار تومان پول ایران به طور ترضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه می کند.

اروبا \_ (اسپانیول) \_ چهل و چهار هزار ذرع راه آهن که وصل می کند راه آهن اسپانیا را به راه آهن فرانسه از دره های کوه پیرتیه امسال به اتمام رسید و مسافر مى تواند از پاريس به مادريد پايتخت اسپانيا مستقلاً سفر نمايد. (آلمان) ــ فوت پادشاه بـاویـر مـاکــــیـمیلیّن دویّم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوی دوتیم در سن هیجده سالگی ــ فوت پادشاه وُورتَنْبَرْگ گیّم اوّل و جلوس پسرش شارل به جای او ــ ایجاد تفنگ سوزنی جدید در مملکت پروس معروف به تفنگ دِرْیَـز که به واسطهٔ اختراع این تفنگ اوّل امید به فتح و غلبهٔ بر دشمن می دهد ــ شورش و بی نظمی در مجارستان و در اغلب نقاط ممالک اطریش ــ مسافرت امیراطور اطریش و شاهزادههای خانوادهٔ سلطنت به مجار و نظم دادن آنجا را بشخصه \_ وكلاي ملت اطريش به دولت، بي وفائي دولت بروس را اثبات می کنند که چون خیال دولت پروس بزرگ شدنست لهذا به دوستی او نباید اعتماد نمود. (انگلیس) - تولد پسر ولیعهد در زمستان - ورود گاری بالدی به مملکت انگلیس با تشریفات کاملی که برای او فراهم آوردند به طوری که ولیعهد انگلیس به منزل او رفته او را ملاقات نمود ـ ملت انگلیس ایرادهای سخت به وزرا گرفته اند که چرا در فقرهٔ دانمارک به سکوت گذرانیده اند ــ صد و پنجاه هزار نفر از عمله جات انگلیس به واسطهٔ نرسیدن پنبه از ینگی دنیا بیکار مانده اند ... از مهاجرین انگلیس درظرف این سال تنها نود و چهارهزار و صد و چهل و هفت نفر به اتائونى ينكى دنيا رفته اند \_ انعقاد مجلس دربار در لاهور به توسط سير آؤرنس فرمانفرمای هند که ششصد نفر از سلاطین هند و راجه و نوّاب و ولاه هند و افغانستان حتى از خوقند حضور بهم رسانيدند ـــ افتتاح راه آهن از بمبئى به داخلهٔ هند ــ ابتدای تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هندوستان و عربستان را به هم وصل می کند \_ چیت و پنبه که از کارخانه جات انگلیس در ظرف این سال به خارج برده اند معادل نود و یک کرور و دویست و شصت هزار لیرهٔ انگلیسی است و هر لیره معادل دو تومان و پنج هزار ایران می باشد. (**ایطالیا) ــ** مسافرت گاری بالدی با دو پسر خود به انگلیس ــ خیال تغییر پایتخت و نقل آن از تورن به

فلورانس ــ نقار آشكار مابين پاپ و دولت ــ معاهدهٔ مابين پادشاه ايطاليا و امیراطُور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که به جهت حفظ سلطنت ظاهری پاپ در رومه گذاشته بود از این تاریخ تا بعد از انقضای دو سال بردارد، و پادشاه ايطاليا متعهد است كه به هيچ وجه درصدد تصرّف رومه و حدود معيّنهٔ سلطنت ظاهری پاپ برنساید ــ شورش و تغیر اهالی تورن که چرا باید پایتخت از آنجا عوض شود ــ دو روز و دو شب قـتـل و غـارت و جنگ در تورن ــ تغيّر اغلبي از وكلاي ملَّت ايطاليا به دولت فرانسه كه به چه جهت مانع است كه رومه جزو ایطالیا بشود. (بلژیک) - معادل یک کرور تومان یول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود مأخود داشته که بندر آنورس را محکوم نموده قلعه جات در آنجا بنا نماید. (دانمارک) ـ نامزد نمودن پرنسس داگمار دختر یادشاه دانمارک را برای گراندوک نیکلا پسر امپراطور روس و ولیعهداین دولت. (روس) ـ شورش سخت و خنونریزی زیاد در لهستان بناه ندادن دول پروس و اطریش یاغیهای لهستان را ـ كدورت مابين دولتين روس و فرانسه كه اهالي فرانسه ياغيهاي لهستان را اغوا می کنند ــ جلا دادن آغلب یاغیهای لهستان را به سیبری و سیاست سخت به آنها نمودن ـــ پاپ در خطبه ها و موعظه ها نسبت به دولت روس بسیار بد مي گويد به واسطهٔ بيرحمي كه به لهستانيها مي شود ــ رعاياي لهستان كمال رضایت را از اعمال دولت روس دارند که دفع شرّ ملاکین و نجبا و بی اعتدالی كه به آنها مى شده سده ـ در ايالت قازان بعضى طلاب مدارس نسبت به دولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و تنبیه شدند ــ طایفهٔ نیهیلیست که طبقهٔ تازهای هستند و بر ضد دین و دولت و نظم و عقیده دارند سبب حرق شهر سامبريسك شدند ــ طايغة چراكسه به واسطة قحط و غلائي كه ميان آنها بروز کرده و روی داده هزارهزار دسته شده با ایل و الوس به خاک عثمانی پناه می برند و در بین راه جمعیت زیادی از آنها تلف می شود ــ فتوحات قشون روس در خوقند وفتح شهر تجن از شهرهای خوقند ـــ نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارک را برای ولیعهد دولت روس \_ اعانت باطنی دولت روس به دولت دانمارک. (سویس) \_ ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مأمورین اغلب دول فرنگ در آن مجلس ــ مقصود از انعقاد

این مجلس ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازمه است به جهت پرستاری و رعایت زخمداران و مرضای قشون دول فرنگ که از هر طایفه و هر ملتی باشند که باهم درصدد مخاصمه و مقاتله برمی آیند. (عثمانی) ــ در افلاق بغدان علاوه برحق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون می گیرد ــ شورش و انقلاب در ایالت تونس ... نارضائی رعیت از والی به واسطهٔ ایجاد بعضی مالیات فوق العاده \_ برقرار داشتن دوازده هزار قشون همیشه زیر بیرق و به جهت نرسیدن مواجب یاغیگری همین دوازده هزار قشون بر ضد والی ــ شورش و انقلاب به حدی است که کشتمی های جنگی انگلیس و فرانسه و ایطالیا به جهت خفظ تبعهٔ خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته اند ــ طغیان رود نیل در مصر و خسارت زیاد به زراعیت ـــ امتداد خط تلگراف از مصر به بیروت ـــ نیز امتداد خط تلگراف از بغداد به بسمبئي و از بغداد به اسلامبول ــ تغيّر اهالي بلغارستان از ورود طوايف حراكسه به ايالت آنها و سكنى دادن دولت عثماني اين طوايف را در اين ايالت -شورش اعراب در بغداد و شامات محطى يول در اسلامبول. (فرانسه) - حبس چهار نـفـر از اهـالـي ايـطـالـيـا كـه قـصد قتل امپراطور فرانسه را داشتند ـــ دو فقره فرستادن قشون به مکزیک \_ در مجلس پارلمنت فرانسه ایرادات سختی به دولت وارد آورده اند ــ ملاقات وليعهد هلاند و وليعهد بلژيک با اميراطور فرانسه در قصر فونسَّنْ بُلُ و ملاقات یادشاه بلژیک در ویشی ــ آمدن وزیر جنگ بروس رون در اردوی شالن نزد امپراطور فرانسه ... حکومت مارشال ماکماهون به الجزایر ... شورش و یاغیگری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص در میان قبایل عرب ــ قحطی و گاومیری سخت در ماچین متصرّفی فرانسه ــ ورود سفرای ژاین به یاریس ــ فوت مارشال یلی سیه ملقب به دوک دمالاکف ــ برقرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه که در مکزیک بود به منصب مارشالی \_ فوت مِمیر بیر معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس فیلوس ا حنگ مابین عساکر فرانسه و ملت مکزیک بانهایت تشدد برقرار است. (هلاند) ــ در جزاير سوماترا و بُرنيه نُـؤ زراعت نيشكر و تنباكو و قهوه

مرآت البلدان: هاس فیلسوف.

زایدالوصف بد شده است \_ بروز وبای شدید در بتاویه. (یونان) \_ شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پایتخت \_ نافرمانی اغلب افواج قشون به صاحبمنصبان که در بعضی شهرها ساخلو بودند \_ انهدام قلعهٔ جزیرهٔ گرفو \_ رفتن عساکر انگلیس از آنجا و ورود عساکر یونان و تصرّف نمودن آن جزیره را \_ دول پروس و اطریش دولت جدید یونان را به سلطنت ژرژ اوّل شناختند \_ راهزنی و شرارت قاطعان طریق در اغلب نقاط \_ بی پولی خزانه.

افریقا \_ (مرقش)\_ قتل و نهب طایفهٔ بنی اسرائیل در اغلب شهرهای مرقش \_ مراودهٔ تجارتی این دولت با تمام دول فرنگ.

امریکا \_ (اتائونی) \_ رئیس جمهوری آئنگلن یک کرور قشون از برای جنگ با ایالات جنوبی حاضِر می نماید \_ جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی \_ جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دویست و بیست هزار قشون درمقابل هم داشتند \_ سردار شمالی، ژنرال گراند و سردار جنوبی، ژنرال لی با یکدیگر مخاصمه نمودند و جمعیت زیادی به کشتن دادند بدون اینکه ثمری ببخشد مگر در سواحل رودخانهٔ جنس مختصر شکستی به عساکر جنوبی داده شد \_ چون موعد پنج سال ریاست لنکلن منقضی شده بود در انتخاب رئیس تازه مجدداً او را برقرار کردند. (ینگی دنیای جنوبی) \_ در مملکت شیلی شهر گیباپ به واسطهٔ زلزلهٔ سختی رهدوم می شود \_ بروز کوه آتشفشان جدید مابین شیلی و بولیوی \_ منازعهٔ مابین دولت برزیل و اروگای.

## [سنهٔ ۱۲۸۱ هجری = سنهٔ ۱۸۹۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — در این سال خاطر خطیر همایون متوجه کلیهٔ امور و ترقی جمهور و آبادی ولایات و ترفیه رعایا بود — تعزیه داری دولتی در تکیهٔ مبارکهٔ سلطنت آباد می شود — محمدولی خان سردار که مأمور سرداری قشون خراسان بوده به حکمرانی استرآباد سرافراز گردید — میرزا محمدعلی خان وکیل فارس پسر حاجی قوام الملک

به یک قطعه نشان از درجهٔ دویم سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد ـــ اهالی قلعه ایرافشان از قلاع بـلوچستان نظر به استحکامی که آن قلعه داشت دم از خودسری مى زدنـد محـتـد اسـمعيلخان وكيل الملك ابراهيمخان سرهنگ بلوچ را با قشون مأمبور كرده قلعة مزبوره را تصرف و خراب نمودند ــ پاشاخان امینشوری ملقّب به اميين الملک شد ــ شب ششم ماه صفر عيد مولود همايون را در تمام بلاد ممالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند ــ رؤسای تراکمه ککلان و یموت از بیم عقوبت و بـأس سـپاه مـنـصـور به چمن كاليپوش نزد جناب سپهسالار آمده طلب عفو و تقبّل اداى ماليات پس افتادهٔ خود را نمودند ــ صندوق عدالت حسب الامر وضع، و در میدان ارک آن را قرار دادند که هرکس عریضه ای به حضور همایون دارد در آن صندوق بیندازد ـ خانعلی خان سرتیپ به حکومت درجزین و سرتیبی فوج مخبران قراگوزلو سرافراز شد ــ در تبریز بقاع متبرکه را مرقت نمودند ــ میرزا احمد ابن مرحوم ميرزا عبدالكريم شيخ الاسلام به شيخ الاسلامي دارالخلافه منصوب گشت ـــ محمد حسن خان پیشخدمت خاصه به حکومت گلپایگان و خوانسار برقرار آمد ــ جناب سپهسالار با سرداران و سپاه ظفرهمراه مشغول نظم حدود استرآباد و تنبیه تراكمه هستند و فتوحات نمايان كرده اند ـ آقارجب به منصب رخت دارى البسة بحاضه سرافراز گردید \_ عبدالعلی خان ادیب الملک پیشخدمت خاصه به نیابت وزارت عدلیه عظمی مفتخر آمد ... راه مازندران را که مسیو کاستکر مهندس نمساوی مشغول ساختن آن بود به اتمام رسید \_ موکب همایون در ماه ربیع الثانی تشريف فرماي صفحات كجور وسواحل بحرخزر شذند ودر مراجعت إزراه کلاردشت که راه مسیو کاستکر به آنجا تقاطع می نماید قطع منازل نموده در هشتم ماه جمادی الاولی به سلطنت آباد نزول اجلال فرمودند ــ دریاچه ای در میدان توپخانهٔ قدیم حسبالامر ساختند که همیشه چند سنگ آب از عمارات سلطنتی خارج و داخل دریاچه شده به سایر محلات شهر می رود و تمام فضای این میدان حسب الامر غرس اشجار و گلکاری می شود \_ یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسيار گرانبها براي جناب سپهسالار انفاذ استرآباد فرمودند \_ ميرزا مصطفى خان بهاء الملک به وزارت دیوان عدالت منصوب گردید ــ میرزا مصطفی و کیل اشکر به

یک قطعه نشان از درجهٔ سرتیبی سرافراز گردید ـ جناب محمودخان ناصرالملک وزیر مختار مقیم لندن موقتاً اجازهٔ شرفیابی به در بار همایون حاصل نموده ... میرزا سلیمانخان مستشار سفارت پاریس به رسم شارژدافری مقیم پاریس و بنده مؤلف به منصب نیابت دویم سفارت خانهٔ دولت علیه مقیم در بار دولت فرانسه خواهد بود سیم تلگراف از طهران به استرآباد کشیده شد \_ نواب ملک آرا به حکومت بروجرد و هوشنگ میبرزا پشر نبواب معزی الیه به نیابت حکومت رفت \_ میرزا یـوسفخان کار پرداز دولت علیّه در حاجی ترخان به یک قطعه نشان از درجهٔ دویّم سرتیهی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد ــ عزیزخان سردار کل پیشکار آذربایجان در چمن کاوکان که از بلوکات مراغه است اردونی مرکب از ششهزار نـفـر سـر بـاز تـشـکـيـل داده کـه هـمـهـروزه مشغول تعليم و مشق هستند ـــ حضرت شاهنشاهزاده والا وليعهد ادام الله اقباله العالى هم در اردوى مزبور تشريف فرما هستند ــ یک ثوب قبای نظامی سردست و یقه مروارید از ملابس تن پوش مبارک به افتخار سردار كل انفاذ شد عله از آنكه تمام حدود استرآباد مصفّا گرديد جناب سپهسالار به دارالخلافهٔ باهره معاودت نموده شرف اندوز خاکیای مبارک گشته به اعطای یک قطعه نشان اقدس مکلّل به الماس با حمایل آن سر بلند و مخاطب به خطاب سپهسالار اعظم گردیدند \_ چون اغلب خطوط تلگرافی ممتد شده از بسدر بوشهر الى سرحة خانقين به معيّت و استادى مهجر شامپين و ساير صاحبمنصبان انگلیسی به اتمام رسیده و به هم وصل شده قراردادنامه ای مشتمل به چهارفصل به تاریخ شهر جمادی الثانیه به امضای وزارت علوم و سفارت انگلیس بين الطرفين مبادله شده كه صورت آن در ذيل جلد سيّم مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نكارش يافته است ــ حضرت شاهنشاهزاده افخم والا يمين الدوله حكمران فــارس بــه یک قطعه گلکــر مرضع به الـماس بریلیان مفتخر و در نظام به منصب و نشان سرهنگی مخصوص و میرزا محمّد قوام الدّوله پیشکارِ حضرت اسعد معظم الیه به خطاب و لقب جنابی سرافراز آمد ــ میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان به منصب استیفای دیوان همایون برقرار آمد ــ میرزا مسیح وزیر مازندران به اعطای یک قطعه نشان سرتیپی با حمایل آن مباهی گشت ــ قنات سابق بهبهان که شهر را مشروب اعتماد السلطنه

می داشت و چندی بایر و خراب شده بود به تنخواه دولت دایر و جاری شد ــ به تاریخ بیست و چهارم شوّال رای صوابنمای ملوکانه بعضی تغییرات در امورات دولتي داده كه حاصل آن استحكام وزارتخانه هاى ثلاثه عسكريّه و ماليه و خارجه و بعلاوه تفویض مشاغل دولتی که راجع بهنفس نفیس همایون بود بهعهدهٔ کفالت و کفایت جناب سپهسالار اعظم بود و دستخطی آفتاب نمط که حاوی این مطالب بود شرفصدور يافت و يكشوب جبّة ترمه دوز مرواريد شمسه مرضع به جناب ميرزا محمد حان سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند، و جناب مستوفي الممالك و جناب وزيـر امـور خــارجه نيز هريک به اعطاي يکثوب جبّه ترمهٔ شمسه مرضع و يک رشته شرّابه مكلّل به الماس اختصاص بافتند \_ حضرت شاهنشاهزاده اجلّ والا جلال الدولة را از حكومت اصفهان احضار و به حكمراني مملكت خراسان برقرار فرمودنید \_ و نواب مؤیدالدوله به کارگذاری مملکت خراسان مأمور گردید \_ حاجی رحیم خان صندوقدار به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید ـــ میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان که از احلهٔ چاکران این دولت جاوید اقترانست به حکومت عربستان برقرار گردید کردید کراغعلی خان سراج الملک به ریاست احتساب دارالخلافه مأمور آمد ـــ ميرزا حسن لشكرنويس به مستوفى گرى نظام سرافراز شد ـــ سررشته داری کل معاملات خراسان را به عهدهٔ کفایت حاجی میرزا محمدرضای مستوفى ديوان اعملى واگذار فرمودند ــ ميرزا اسحق از اجزاي وزارت خارجه به اعطای لقب خانی و منصب کار پردازی حاجی ترخان سرافراز شد ... میرزا اسدالله خان نايب الحكومة ملاير و تويسركان به نيابت دويم وزارت علوم و خطاب مقرب الخاقاني مخاطب گشت. (چين) \_ پرنس كنگ از اقوام سلطنت كه سمت صدارت داشت در مدت ششماه مغضوب می گردد ... یاغیگری سخت در سمت شمال چین ــ قلعهٔ تاکو که عساکر انگلیس و فرانسه گرو خسارت جنگ نگاهداشته بودند تخلیه می کنند. (ژاپن) ــ سفرای انگلیس و فرانسه و هلاند و اتائونی به طیقون اصراری می نمایند که امضای عهدنامه که ده سال قبل از این دول مذکوره با ژاپن بسته اند از میکاهٔ پادشاه حقیقی و روحانی مطالبه نماید و چون تهدید ثمری نبخشید سفرای مزبوره با سفاین جنگی خودشان بندر أزاکا را معسکر

قرار داده به زور اسلحه امضای عهدنامهٔ مذکوره را مطالبه نمودند. طیقون جمعی از نجیبای اهل بلد را که از محارم میکاهٔ و مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامهٔ مزبوره را گرفت و بعد از گرفتن آن سفرای دول مراجعت به سفارتخانه های خود نمودند.

ارویا - (اسپانیول) - بی پولی دولت در نهایت شدت - استقراض اجباری از رعیت که سبب کدورت رعایا شده است ... ملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خالصه خود را به ملّت واگذار می کند که به فروش برساند و حاصل آنرا به قرض عمومی بدهند \_ شورش در مادرید و در ایالت والانس \_ جلای وطن دادن ژنرال پرین و دوباره او را احضار کردن ـــ مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوب نیذیرفتن رعیت او را \_ و بای سخت در جزیرهٔ مادرید. (آلمان) \_ دولتین اطریش و پروس بـه واسـطـهٔ تـصرف ایالتین اسلشویک و هلستن که تازه از دانمارک به زور گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند ، پروس خیال دارد که تماماً را خود متصرّف شود، اطریش به واسطه بعد مسافیت از مملکت خود چون نمی تواند تصرّف كند به اين خيال است كه ايالتين مذكورتين را يكي از دول مستقلة آلمان محسوب دارد ــ پرنـس فردریک شارل و ژنرال ملکُ از طرف دولت پروس برای قرار و مدار این فقره به وین پایتخت اطریش می روند \_ کیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورتین است بندر نظامی پروس می شود \_ مسیو بیزمارک و ژنرال رون در مجلس شورای پروس بهطور صراحت می گویند باید کیل در تصرّف دولت پروس باشد و حفظ حدود و ثغور آلمان را دولت پروس از این سمت بنماید و دولت پروس را قصد این است حاصلی که از دانمارک بالشراکه با اطریش برده به تمامه را خود متصرّف شود و چون دولت اطریش تمکین به این مسئله نمی کند پروس تهیّه می بیند که با او جنگ کند، بعد از وساطت و میانجیگری دول ساکس و باویر و غیبرهما عهدنامه کاستن منعقد می شود و در سالس بورگ سلاطین اطریش و پروس با یکدیگر ملاقات نموده مقرّر داشتند که ایالتین را به این قسم تقسیم کنند \_ ایالت اسلشویک تمام از پروس و هلستن از اطریش باشد فی الواقع بعد از این

تقسیم منافع کلیّه را دولت پروس برد ــ مسیو بیزمارک ملقّب به گنت شد (کنت به منزلهٔ خان است) و به فرانسه سفر کرده با ناپلیون سیم ملاقات نمود. (انگلیس) ــ در مجلس پارلمنت به دولت تکلیف می کنند که مداخله در امور فرنگ و ینگی دنیا به هیچ وجه نکند ـــ ازدیاد عدد سفاین جنگی انگلیس ـــ مختصّر شورشی در ارلند ــ مال مرگی در انگلیس بهطور سخت که از سمت روسیه و مجارستان سرایت کرده است ــ بدی زراعت در اغلب نقاط ــ بروز طایفهٔ فینان در ارلند که به منزلهٔ کمونیستها و بابیها باشد ... حبس اکثری از ایشان و قتل بعضی ... فوت لرد بالمسرستن صدراعظم در سنّ هشتاد سالگی ــ صدارت لرد روسل به سنّ هفتاد و سه سالگی ــ وزارت امور خارجه لرد کلارندُنْ ــ وحشت دونت انکلیس که میبادا کانیادا که از مخصرفات او است در ینگی دنیا بر او بشورند ــ شورش سیاهیوستان در ژمانیک متصرّفی انگلیس ــ حبس و قتل اغلب از سیاهها ــ ایجاد چراغ گاز در کوچه های بمبشی به جنگ در ایالت بوتان هند به شورش مردم در نُول زلاند \_ إمّا ملكة جزاير ساندويج مسافرت به انگليس مي نمايد. (ايطاليا) \_ تغییر پایتخت و نقل از تورن به فلورانس خیلی سبب کدورت اهالی تورن شده است ـــ افتتاح راه آهن که از تورن مستقیماً به بندر برندیزی می روند ـــ بروز وبا در طرف شـزقی و جنوبی ایطالیا. (پرتوغال) ــ ایجاد اکسپوزیسیون عمومی در اُپرتُ یکی از شهرها. (بلژیک) ــ مابین وزیر جنگ و یکی از وکلا بر سَر مسئله ای اختلاف شده کنار به جنگ طپانچه رسیده و دولت هردو را به حبس و قید و جریمه تنبیه مى نىمايد ــ ناخوشى سخت لأو پُـلْت پادشاه و فوت او در سنّ هفتاد و پنج سالگی، جلوس لاُو پُـلْت دوتِم پسرش در سن سی سالگی ــ بروز ناخوشی طیـفـوس بهطور وبائی و شیوع در این مملکت و سرایتش از هلاند. (دانمارک) ــ ملاقات سلاطین دانمارک و شود با یکدیگر ــ اهالی دانمارک به پادشاه شود آنطمور که باید و شاید مهربانی نمی کنند و جهت کمک نکردن در جنگ اطریش و پروس است. (روس) – شورش لهستان مبدل به نظم گردیده و از آن به بعد جمیع امورات که راجع به لهستان است از مالیه و غیره به جای اینکه مثل سابق در ورشــو مجلس معیّنی از برای تحقیق و اجرای آن مطالب باشد در پطرز بورغ مرکز

دولت روس خواهد بود ــ مسافرت اميراطريس به نيس بندر فرانسه و فوت گراندوک نیکلا پسر امیراطور که سمت ولیعهدی دولت را داشت در سن بیست و سه سالگی در این بندر ــ فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جز پایتخت خمان خبوقند سایر ایالات او را به حیطهٔ تصرف درآوردهاند ــ فتح تاشکند و سمرقند ــ منازعهٔ عساکر روس با امیر بخارا ــ مراوده تلگرافی از تفلیس به ایران و نخجوان - بروز تبی به هیشت وبائی در سمت سبیر، و بروز وبا در سمت جنوب قفقاز. (عشمانی) ــ شورای خاصی از وزرا که در هر هفته یکبار اجزای این شوری در حضور سلطان حاضِر شوند ــ بروز وبا به واسطهٔ ورود زوّار مکّه در تمام ممالک عشمانی و سرایتش از راه بغداد به ایران، فقط در اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و پنج هزار نـفـر تلف می شوند، و به واسطهٔ یانقین دوهزار و یانصد خانه طعمهٔ آتش می شود ــ والـی منتنگـرو بـه ویـن سفر نموده دوستی دولت اطریش را برای خود مى طلبد. (فرانسه) - طبع جلد اولد از تاريخ ژول سزار قيصر روم از تأليفات ناپلیبون امپراطور فرانسه ــ امیل اولی ویه که یکی از وکلای دست چپ و بر ضد دولت بود مایل به طرفداری دولت می شود \_ گفتگوی سخت مسیو طیر در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که چرا حمایت از ایطالیا نمود فروش قسمت زیادی از جنگلهای فرانسه که متعلق به دولت بود \_ خیال دولت در ایجاد یک اکسیوزیسیونی برای دو سال بعد ــ مسافرت امپراطور به الجزایر و نیابت سلطنت امپراطریس زوجهٔ او ـ ورود امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامات مسكن داشت به مسلكت فرانسه ــ مسافرت اميراطور به الجزاير چهل روز طول كشيد ... مسافرت امپراطور و امپراطريس به سويس ... ملاقات خانواده سلاطين فرانسه و اسپانیا در سنت سیاستین ــ ملاقات یادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امیراطور در بیارتیس. (یونان) - یکی از اعمام یادشاه پرنس ژول به واسطهٔ بدرفتاری که به ملّت کرده بود دولت او را از پایتخت جلای وطن می دهد ــ تغییر و تبدیل وزرا به حـدی کـه دول فـرنگ یونان را تهدید کردند که اگر این فقره را ترک نکند در امور داخلهٔ او مداخله خواهند کرد ــ ایجاد اوّل کلیسای کاتولیکی در پایتخت. افریقا \_ صدمه و اذیّت نسبت به طایفهٔ یهود در مملکت مرقش \_ شورش سخت در ماداگاسکار \_ تِـاُدْرسُ پادشـاه حبشه کاپیتن کامرن قونسول انگلیس و جمعی از تبعهٔ انگلیس را که در حبشه بودند محبوس و مغلول می نماید.

امریکا \_ (اتبائونی)\_ برقرار بودن جنگ مابین ایالتین جنوبی و شمالی \_ بیم نقار و جنگ با دولت انگلیس ــ فتوحات ژنرال گراند سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب از ایالات و قلعه جات جنوبی ــ آنگلن رئیس جمهوری در چهاردهم ماه آوریل که تقریباً بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از تـمـاشاخانههای واشنگتن پایتخت به دست یک نفر از بازیگرهای سابق تماشاخانه کشته شد ــ همدستان او نیز می بایست در همین حین ژنرال گراند سردار کل را به قتل رسانند ولى مجال نكردند \_ تألّم و افسوس جميع مردمان آبرومند چه در ینگی دنیا چه در فرنگستان از این فقره ــ ژنس که در عنفوان جوانی به صنعت خياطت مشهور بود رئيس جديد شد \_ حنگ سخت بين الطرفين \_ به دست آوردن ژفرسندویس رئیس ایالات خنویی که یاغی بر ایالات شمالی شده بودند \_ نشناختن دولت اتائونی ماکسی میلین برادر امپراطور اطریش را به امپراطوری مكزيك ــ اتمام جنگ بين ايالات جنوبي و شمالي ــ مرخص كردن لشكر بري و بحری ـــ ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمهٔ جنگ و چه از امراض مختلفه سیصد و بیست و پنج هزار نفر آدم به کشتن داده بودند ـــ منازعه مابین سیاهها و سفیدها در اغلب از نقاط به اغوای بعضی اشرار ــ حبس و قید شدید رُفرسندويس رئيس ايالات جنوبي ــ نقار دولت اتائوني با انگليس به واسطة اعانتهائی که به ایالات جنوبی شده است. (برزیل) ــ اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای، برضد لویز رئیس جمهوری پاراگای که این ضدیت ابتدای جنگ ينجساله است \_ جنگ سخت بين الطرفين \_ امپراطور برزيل داماد خود كنت دُ نوهٔ لوى فليب يادشاه سابق فرانسه را سردار كل مى نمايد ــ شورش اهالى مملکت پرو بر رئیس خود و عزل او ــ جنگ این دولت با اسپانیا ــ اتّحاد اغلبی از اهالی ینگی دنیای جنوبی بر ضد اسپانیول. (مکزیک) ــ ایجاد نشانی موسوم به

عقاب مکزیک \_ ایجاد یک دسته قشون داوطلب اطریشی و یک دسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیک \_ جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک با امپراطور مکزیک در اغلب نقاط \_ ژوارس اعلان رسمی می کند و خود را همیشه رئیس جمهوری می داند و وضع سلطنتی مکزیک را قبول ندارد تا آنکه تمام ملّت بدون استشناء تصدیق وضع سلطنتی او را بنمایند \_ مالیات مکزیک در این سال صد و دوازده ملیان فرانک که معادل بیست و دو کرور و دویست هزار تومان پول ایران باشد بود و مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل و پنج کرور تومان ایران باشد \_ دولت اتائونی وساطت فرانسه را معادل چهل و پنج کرور تومان ایران باشد \_ دولت اتائونی وساطت فرانسه را به هیچ وجه قبول نمی کند که وضع سلطنتی را در مکزیک بشناسد. (ینگی دنیای مرکزی) \_ شورش سخت در سانسال و ادر، و هندوراس.

## [سنة ١٢٨٢ هجرى = سنة ١٨٦٥ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال نیز تعزیه خوانی در تکیهٔ مبارکهٔ سلطنت آباد شد — چون بازار اکسپوزیسیونی در بندر بعبئی افتتاح می یابد از دولت علیه در این باب استمداد می نمایند — ولیعهد دولت روس انتقال نموده و به واسطهٔ تلگراف اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور روس را تسلیت گفته و از جانب اعلیحضرت امپراطوری جوابهای مودت آمیز اظهار شد — بر قفسهای طیور و وحوش که برای تعلیم و تعلّم علوم طبیعی در باغ لاله زار ساخته بودند افزوده و رونقی دارد — پانصد نفر سوار تراکمه مروی به عزم دستبرد حدود خراسان آمده قشون ظفرنمون ساخلوی آن حدود، آنها را تا کنار رود هرات تعاقب کرده تراکمه از بیم جان به آب ریخته غرق شده آنچه غارت کرده بودند و از خود نیز داشتند به تصرّف عساکر منصوره درآمد — در نصرت آباد کرمان زلزله شدیدی شده قلعهٔ قدیم آنجا را منهدم منصوره درآمد — در نصرت آباد کرمان زلزله شدیدی شده قلعهٔ قدیم آنجا را منهدم روز بیست و پنجم محرّم چون هوای این صفحات گرم شده بود به طرف لار و فیروزکوه انتهاض فرمود — نواب عضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند — فیروزکوه انتهاض فرمود — نواب عضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند — فیروزکوه انتهاض فرمود — نواب عضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند — فیروزکوه انتهاض فرمود — نواب عضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند — فیروزکوه انتهاض فرمود — نواب عضدالدوله را به حکومت قزوین مأمور فرمودند —

اعتمادالسلطنه

میرزا موسی وزیر دارالخلافه در سنّ هشتاد و چهار سالگی مرحوم شد ــ این اوقات دستخطى به افتخار جناب سپهسالار اعظم ميرزا محمدخان مبنى بر تفويض نظم دارالخلاف، و توابع به جناب معظم اليه شرفصدور يافت \_ چون حاجي قوام الملک متولیباشی مشهد مقدس رضوی در این اوقات مرحوم شد میرزا محمدحسین عضدالملک که به این خدمت مسبوق بود به منصب متولیباشیگری آن آستانهٔ متبرکه مفتخر گردید\_جناب میرزاحسین خان وزیرمختار مقیم دربارعثمانی رابلقب نبیل مشیرالدوله ملقب فرمودند \_ تحویلداری وجوه صرف جیب مبارک به یحیی خان آجودان مخصوص ریش سفیدی و ریاست خلوت به علاوهٔ منصب مهرداری به اعتمادالملک آقامحمدحسن صندوقدار سابق اختصاص يافت ـــ اسلحهخانه و كتابخانة مباركه به حاجى رحيم خان صندوقدار جاليه سيرده شد ــ تحويلدارى ورقة دولتي مخصوص آقاعلی (امین حضور) پیشخدمت خاصه گردید \_ موکب همایون از فیروزکوه معاودت به نیاوران فرمود \_ اعتضادالسلطنه وزیر علوم به یک قبضه شمشیر مرضع مفتخر گردید \_ حکومت خوی را به اسکندرخان سردار مرحمت فرمودند \_ نواب حسام السلطنه مأمور حكمراني مملكت فارس كرديد وحضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا يمين الدوله به جهت عروسي و انجام امر خير ايشان احضار به دارالخلافه شدند \_ حاجى محمدقلى خان قاجار به منادمت حضور همايون مباهى گردید \_ ریش سفیدی عمله خلوت همایون به حاجی محمدخان حاجب الدوله اختصاص یافت ــ منصب امام جمعه گی مشهد مقدّس را به میرزا هدایت الله ولد مرحوم حاجي ميرزا عسكري امام جمعه مرحمت فرمودند \_ جناب سيهسألار اعظم حسب الامر قانونات جدیده در امر نظام مقرّر داشت ــ حکومت ارومی را به نواب شاهزاده معين الدوله واگذار نمودند ــ محمداسمعيلخان وكيل الملك وزير كرمان به لقب جلیل سرداری ملقب گردید ... یحیی خان آجودان مخصوص حضور به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اول سرتیبی سرافراز آمد ـ میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان به لقب مشیر لشکری مفتخر گردید ــ ملخ زیادی به کرمان آمده اوراق اشـجـار را بـه کــلــی خوردند ولی عجب آنکه درختهای عریان دوباره برگ و شکوفه آوردند ــ بعد از وضع میدان ارک و طرح حوضی وسیع در آن و غرس دو

بـاغ در دو طـرف حـوض و نـصب ستونهای سنگی به فاصلهٔ چهار ذرع جلو باغها، و محجر چوبسي در فواصل ستونها محض اينكه ساحت چنين ميداني از آمد و شد دواب که حمل اجناس می کنند مصون باشد حکم شد در جانب شرقی ارک هسمایون دروازهای از خارج صحرا به شهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را انباشته با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض تا دهنهٔ بازار تشکیل دهند و این اوقات این جمله صورت انجام یافته است ــ جناب خیرالله افندی وزیر مختار و ایلیمی مخصوص دولت عثماني وارد دارالخلافة باهره گردید \_ مصطفى خان سرتیپ اؤل که در سفر گرگان خدمت کرده بود به منصب امیرتومانی سرافراز شد ــ نواب شاهزاده عضدالدوله حكمران قزوين به يك قطعه نشان از درجهٔ دويّم سرتيبي نايل گردید \_ محمدصالح خان سرتیپ سیم به سرتیپی دویم سواره برقرار آمد \_ عملی خمان پسر نظام الدوله به منصب سرتیپی سیّم مفتخر گردید ـــ احداث قنات و آب جاری در شهر رشت شد \_ میرژا بزرگ خان به کار پردازی بغداد مأمور گردید ــ اعتمادالسلطنه حاجي على خان را به وزارت موقوقات و وظايف سرافراز و منصوب فرمودند \_ محمدابراهیم خان سهام الملک به سرتیبی اول مفتخر گردید \_ يـوسـف خـان سرتيپ اوّل كه در سفر گرگان خدمت كرده بود ملقّب به شجاع الدّوله شده به اعطای نشان و حمایل سرتیپی اوّل مباهی آمد ــ محمّدحسن خان سرهنگ فوج کلهر به منصب سرتیهی سیّم نایل شد \_ احمد میرزا پسَر تیمور میرزا به منصب نایب آجودانی مرتبهٔ دویم مفتخر گشت ــ در طوایف اکراد در عراق زنی مولودی آورد که دارای دو شر و چهار دست و سایر غرایب خلقتی بود ــ جناب مسیو لكونت دماسيناك وزير مختار دولت فرانسه مأمور اقامت دربار ايران وارد دارالخلافه گردید ــ مجلس تحقیق دیوان نظام به ریاست نواب معزّالدوله بهرام میرزا برقرار شد ــ عسكرخان كه در لوازم مهمانداري سفراي دول پيوسته مراقبت نموده به اعطای نشان سرتیپی از درجهٔ سیم با حمایل آن سرافراز شد \_ میرزا صادق خان كـارگذار خارجهٔ استرآباد به یک قطعه نشان از درجهٔ سیّم سرتیپی و حمایل آن نایل گردید ــ حسین حان پسر جناب سپهسالار اعظم به نیابت جناب معظم به ریاست توپخانهٔ مبارکه مفتخر آمد ــ حاجی میرزا یحیی خان نایبالحکومهٔ بلدهٔ نور و کجورِ

به اعطای یک قطعه نشان سیّم سرتیپی مباهی گردید ــ میرزاعلی خان پسّر مرحوم ميرزا حسن خان به منصب سرهنگي توپخائهٔ مباركه برقرار آمد ــ در ماه شعبان از متعلّمين مدرسة دارالفنون امتحاني مفضل نموده به هريك از رؤسا و معلّمين و شاگردان بدل مناصب و امتیازات سرتیبی و سرهنگی و خلعت و نشان و اضافه مواجب فرمودند \_ عيين الملك خوانسالار به منصب سرداري قشون مازندران و استرآباد و گیلان سرافراز شد ــ حسینخان شهاب الملک به منصب امیرتومانی قرین افتخار آمد ــ میرزا عبدالله منشی اوّل و نایب دویّم سفارت پاریس به اعطای یک قطعه نشان سرهنگی از درجهٔ دوتیم سرافراز شد ــ مصطفی قلی خان عرب غلام پیشخدمت به نیابت اردستان برقرار گشت ــ در راه کرمان بنای رباطات جدیده و تعمير رباطات قديمه را كردند ــ مساجد و مدارس و ساير ابنيه همدان و شوشتر و غيره را مرقت كامل نمودند \_ نواب والإعبدالصمد ميرزا (عزّالدّوله) را به حكومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی به وزارت این ولایت برقرار آمد ــ جناب حسنعلی خان وزیر مختار و ایلیمی مخصوص مقیم در بار فرانسه به اعطای یک قبضه قمه مرضع سرافراز شده به پاریس مراجعت کرد ـ نصرالله خان زنبورکچی باشی به سرتیپی سیم برقرار گشت و میرزاتقی لشکرنویس تفرشی به منصب لشكرنويسباشيگرى خراسان مأمور آمد \_ اللهويرديخان به منصب سرتيبى اقِل توبیخانهٔ مبارکه نایل گردید \_ محمّدخان حاکم یزد به یک قطعه نشان از درجهٔ سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد \_ اکبرخان سرهنگ فوج نهاوندی به منصب سرتیپی از درجهٔ سیّم مفتخر گردید ـــ میرزاعلی تفرشی به منصب لشکرنویسی نایل كشت \_ شب چهارشنبه سيم ذيقعدة الحرام پنج ساعت از شب گذشته آفتاب از برج خوت به حمل تحویل نموده مراسم جشن و سلام عید در حضور همایون به عمل آمد \_ چون حضرت اشرف افخم شاهنشاهزادهٔ والا نایب السلطنه در تحصیل فنون نظامی به کمال رسیدند به یک قطعه نشان از درجهٔ سرتیپی اوّل وحمایل مخصوص آن اختصاص یافتند ــ منصب جلیل کشیکچی باشی گری را به محمدمیرزا پسر محتدمهدى خان مفوض فرمودند \_ و مصطفى خان اميرتومان به نيابت كشيكخانة مبارکه مقرّر گردید \_ میرزاتقی پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب

لشکرنویسی سرافراز شد ــ ایوان طلای ناصری که در روضهٔ مقدّسهٔ رضوی سلام الله عليه حسب الامر بنا كرده و به اهتمام عضدالملك متوليباشي زيور اتمام يافته معزی الیه را به ازای این خدمت بزرگ به اعطای یک قبضه عصای مرضع مفتخر فرمودند ـــ محمودخان پسَر میرزا فضل الله وزیر نظام به منصب سنرتیپی از درجهٔ سیّم سرافراز شد ــ محمّدباقرخان سرتيپ سيّم ولد محمّدخان اميرتومان به سرتيپي دويّم سرافراز گردید ــ حسینقلی خان سرتیپ قورت بیگلو به نشان و حمایل سرتیپی دویم نايل آمد ــ موكب همايون در اواخر شهر ذيقعدة الحرام عزيمت سفر مازندران نموده روز عید اضحی در شهر ساری نزول اجلال فرمود و از آنجا به سایر ساحات و نقاط مازندران تشریف فرما شده بعد به فرح آباد و بندر میانکاله و کناردریا تشریف برده سفایـن و مأمورین دولت روس که از طرف آن دولت محض احترام و تعظیم ذات همایون یادشاهانه در کناردریا حاضِر شده بودند به حضور همایونی مشرّف شده دربارهٔ هریک از آنها بذل مرحمت و اعطای نشان علی قدر مراتبهم فرمودند و اعتمادالسلطنه از طرف دولت ضيافت شاياني از آنها نمود ... بالجمله موكب همایون تا آخر این سال تشریف فرمای ساحات مازندران بود. (چین) \_ جنگ سخت با یاغیان نیانفئی \_ عزل فرمانفرمای نان کن که با فرنگیها عداوت داشت - بنای معبد کاتولیکی به توسط فرانسه ها در یکن پایتخت. (ژاین) - باز شدن بنادر اساکا، و هیگ برای اهالی خارجه به موجب عهدنامه ها ــ مأمورین دولت فرانسه را در یهٔ پایتخت در کمال احترام پذیرفتند ــ قرارنامهٔ این دولت با دول انگلیس و فرانسه و اتائونی و پئی با ۱ در باب دریافت صدینج از قیمت احناس واردهٔ آنها به ژاپن و در باب تعیین نرخ مسکوکات دول مزبوره و تعیین حقوق اهالی ژاپن در دول خمارجه ــ معاهدهٔ تجارتی با ایطالیا ــ جنگ داخله ــ نقار مابین دایموسها که عبارت از اعیان و نجبای مملکت باشد ــ جنگ مابین طیقون یادشاه جسمانی و شاهزاده شواچو ــ فوت طیقون و برقرار شدن شاهزاده متباشی به جای او ــ زلزله و بانقین در بوکوهوما.

در متن: پئی.

اعتماد السلطنه

ارويا \_ (اسيانيول) \_ شورش در اغلب افواج نظامي على الخصوص در افواج سواره ساخلو آران ژواژ ـــ پناه بردن ژنرال پریم که محرّک شورشیانست فراراً به مملکت يرتوغال ــ شورش سخت در مادريد يايتخت اين دولت در تابستان ــ زخم برداشتن ناردائز از رجال دولت که در مقام اطفاء نایرهٔ شرارت اشرار بود ــ شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیرهٔ کوبا ــ افتتاح راهآهن از شهر مادرید به شهر کردو امتداد خط راه آهن از مادرید به لیزبن پایتخت برتوغال \_ حبس مارشال سرّانو. (آلمان)\_ بنابر عهدنامهٔ گاسین دولت بروس حکمرانی ایالت اسلشویک و دولت اطریش حکمرانی ایالت هلستن را برعهده می گیرد ــ ابتدای نقار مابین دولتین اطریش و پروس ــ در همین فقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم به تدارک و تهیّهٔ جنگ می شود بالاخره دولت پروس بالقراحه میل خود را در تصرّف ایالتین بدون شراكت اطريش آشكارا مي سازد دولت اطريش هم آشكارا تهيّة جنگ مي بيند ـــ دولتین باویر و ساکس نمی خواهند طرف دولت پروس را منظور دارند ـــ اتحاد مخفی دولت ایطالیا با دولت پروس برضد اطریش ــ شورش و انقلاب در ونیز که آن وقت متعلّق به دولت اطریش بود \_ میل آهالی ونیز اینست که جزو ایطالیا شوند \_ دولت ایطالیا نیز معجّلاً تهیّهٔ جنگ می بیند \_ ورود ژنرال مانتوفل سردار پروس با عساکر آن دولت به ایالت هلستن که متعلّق به اطریش بود ــ ابتدای جنگ دولت یروس با دول ساکس و هانور و دولت اطریش ــ ورود قشون یروس به پایتخت هانور و ساکس ــ در تابستان دولت اطریش به سرداری بیدک سیصد و شصت هزار قشون درمقابل پروس دارد ــ دول باویر و ورتنبرک که متعقد کمک به اطریش شده بودند از جای خود حرکت نمی کنند ــ ورود قشون پروس به سرداري وليعهد و پرنس فردريک شارل برادرزادهٔ پادشاه پروس به بوهم خاک اطریش \_ سرداری کل قشون را پادشاه پروس گلیوم بشخصه قبول می نماید \_ از طرف دیگر دولت ایطالیا به سرداری خود پادشاه ایطالیا در سرحدّات شمال شرقی ايطاليا اردوئي مي زنند ــ منازعة قشون ايطاليا با ارشدوك آلبرت سردار اطريش و شكست قشون ايطاليا ليكن سردار اطريش بعد از اين فتح به واسطة جنگى كه

پروس در بوهم می کند جرأت ورود به خاک ایطالیا را نمی نماید ــ جنگ سخت مابیـن عـسـاکـر پروس و اطریش در بوهم ــ مقتول شدن جمعیّت زیادی از قشون اطریش به واسطهٔ تفنگ سوزنی جدیدی که عساکر پروس بدان مسلّح و در استعمال آن مسلّط بودند ــ فتح نمایان قشون پروس بعد از جنگ سخت در سادوا، در این جنگ از طرفین دویست هزار نفر مقتول می شوند ــ قشون اطریش فراراً به طرف وینه پایتخت می رود ــ در این بین به توسط ناپلیون سیّم امپراطور فرانسه ایالت ونیز را اطریش از خود مجزّی نموده جزو دولت ایطالیا می شناسد و دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطریش میانجی می شود. (انگلیس) ـ اشتداد مال میری در مملکت انگلیس به درجهای که در ظرف مدت یک ماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل رأس گاو و گوسفند تلف می شود ـــ شورش و انقلاب طایفهٔ فینان در ارلند - افتتاح مجلس پارلمنت انگلیس - بعد از فوت پرنس آلبرت شوهر يادشاه انگلستان پادشاه معظم اليها تا افتتاح اين مجلس در افتتاح مجالس بشخصه حضور بهم رسانیده بودند ـــ صدارت و وزارت طایفهٔ توری و ریاست لرد در بی ـــ تفویض امور خارجه به ارد استانلئی پسر ارد در بی ــ شورش و انقلاب در شهر لندن و اغلب از نقاط ـــ ابتياع صد و پنجاه هزار قبضه تفنگ ته ير معروف به تفنگ شیمندر ـ وبای سخت در لیورپئل و در لندن ــ شورش اهالی فینان در ارلند سبب حبس چندین هزار نفر می شود. (ایطالیا و رومه) ... قرارداد دولت فرانسه با ایطالیا در بـاب وجـود دو دولت مستقله در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در رومه باشد بـا حدود معیّنه و دیگری سلطنت ایطالیا ــ معاهدهٔ مخفی ایطالیا با پروس به جهت حنگ با اطریش ــ حنگ در کوست زا با اطریش و شکست ایطالیا در این جنگ ــ جنگ بحری دیگر ایضاً با دولت اطریش در لیسا که دراین جنگ نیز برای عساكر ايطاليها پيشرفتي نمي باشد و به همين جهت با وجود فتوحات پروس در سادوا، دولت اطریش مضایقه دارد که ونیز را به تصرّف ایطالیا دهد ــ عهدنامه وینه مابین پروس و ایطالیا و اطریش در پائیز این سال منعقد شده به موجب این عهدنامه ونيز با جميع قلاع آن واگذار به ايطاليا مي شود به مال المصالحة دويست و پنجاه ملیان فرانک که معادل پنجاه کرور تومان ایران باشد. (بلژیک)\_ اهالی

بلڑیک کمال وحشت را از عظمت و شوکت پروس دارند و از این می ترسند که فرانسه نیز به واسطهٔ همچشمی با پروس در مقام توسعهٔ مملکت خود برآید و باژیک را ملحق به مملکت خود نماید. (دانمارک) - ازدواج پرنسس داگمار شاهزاده خانم این مملکت با ولیعهد دولت روس در پائیز این سال. (روس) - تأدیب کردن دولت روس کشیشهای کاتولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در ایـن مـوقـع نــــبت به وزیر مختار دولت روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با یاپ و عزیست او از رومه ــ یکی از نجیبزادگان روسی موسوم به کاراگزُف به سنّ بیست و پنج سالگی در شهر سنت پطرز بورغ در بهار قصد قتل امپراطور را می نماید ولی به مقصود خود نرسید \_ مجلسی برای تحقیق این عمل به ریاست ژنرال موراویف منعقد و گفتگوهای طولانی می شود و حدس کلی می زنند در شراکت لهستانیها در این عمل، اتما همدستان و رفقای بسیار از این مقصر بهدست می آیند که همه کمونیستهای روسی می باشند ــ پرنس گاگاریم به ریاست مجلس آخری این تحقیق برقرار شده حکم قتل این مقصر صادر و در پانزدهم ماه سپتامبر به قـتـل مــی رســد ـــ حــرکـت ناگهانی چراکسه و تصرّف نمودن آنها سخوم قلعه را ـــ جنگ روس با امیر بخارا به بهانهٔ اینکه یکی از سفرای این دولت را نگاهداشته و غلبهٔ دولت روس. (سویس) ـ در ژنو از جانب یکصد و شصت هزار نفر عمله مجلسي از وكلا براي بعضي مذاكرات منعقد شده و اغلب اجزاي اين مجلس اهالي فرانسه و انگلیس هستند و کمتر آلمان و ایطالیائی ــ این وکلا شکایت از زنها از بابت کارگر شدن آنها در کارخانه ها و مدعیگری آنها با مردها در این باب دارند. (عثمانی) ـ شورش طایفه مارنیت در محال اِذهِنْ در سمت جنوب شرقی ترییلی به سرداری یوسف کارام ـ داودپاشا حاکم عیسوی لیبان لشکر امدادی زیاد از بیروت گرفته با وجود این نمی تواند این طغیان را رفع نماید ــ یوسف کارام فرار می نماید ولی بـاز طـغـیان را محرّک است و امتداد می دهد و ابتدا پناه به حاکم شام که با داودپاشا عـداوتـی دارد مـی بـرد ولی بی ثمر است بعد ملتجی به قنسولهای اروپائی می شود آنهم مفید فایده نمی گردد آخرالامر به الجزایر می رود و مدّتی در آنجا اقـامـت می کند ـــ در تونس علی بن غدا هم رئیس شورش و طغیان آخری گرفتار و

محبوس می شود و مالیات پس افتاده را به زور اسلحه دریافت می نماید ــ خدیو مصر از سلطان عثمانی اجازه حاصل می کند که بعد از او پسرش مستقیماً وارث و جمانشین او باشد چونکه در دولت عثمانی و خانوادهٔ ولاهٔ مصر سلطنت و ولایت به ارشد طایفه می رسد نه مستقیماً به اولاد ــ برقرار شدن مجلس وکلای ملت در مصـر ـ تصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرارداد آخری خدیو مصر را با کمپانی نهر مجمع البحرين سوئيز ـ انعقاد مجالس متعدده در كل ممالك يونان به جهت معاونت به هم وطنان و برادران دینی خود که تبعهٔ عثمانی هستند ــ تکلیف نمودن به رُغرال کالرژیس که در کرت متولد شده است ریاست قشون را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست ــ به چنگ آوردن یاغیان اسلحهٔ متفرقه از راه شامات جزایر قبرس و شیو، و مملکت پیر در تزلزل و ِاضطرابست ... دولت عثمانی قشون زیادی که اکثر آنها مصری می باشند جمع آوری می نمایند ـــ نفاق سردار سهیم پاشای مصری با اسمعیل پاشا حکمران جزیره \_ سفارت بی ثمر مصطفی پاشا حاكم قديم كاندى از اسلامبول به جهت دلالت ياغيان به صلح و مأمور شدن همين سفیر به سرکردگی قشون به حمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از سفیر عشمانی ــ در آتن پایتخت یونان وزیر مختار روس مقیم آتن فی الجمله از سفیر مزبور حمایت می نماید ــ سفیر فرانسه موسوم به مارکی دموستیه مقیم در اسلامبول که بعدها وزیر امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیهاست و از اول ماه سیتامبر همه روز در بالادستها کانه جنگها و خونریزیها می شود، چندین هزار خانواده های یونانی به واسطهٔ سفاین روسی و انگلیسی از اوطان خود که خاک عثمانی است مهاجرت کرده به جزایر و بلاد یونان می روند و در آنجاها با کمال عسرت تحصیل معاش خود را می نـمـایند بسیاری نیز به انتظار کشتیها متحمّل گرسنگی و سرمای سخت می شوند ـ جنگ پاس امیر یونانیهای کِرت با عثمانی ـ دول انگلیس و فرانسه مایل به حرکات و رفتار یاغیان نیستند بلکه بر ضدّ آنها می باشند \_ کشتی بخار یونانی موسوم به پانهلنین دفعهٔ هفتم است که از میان سفاین عثمانی که دور جزیره را گـرفـتـه گـذشـتـه آذوقـه و مأكولات به يونانيها مـى رساند ــــ اتفاق دولت فرانسه و دولت روس در تعمیر و بر پا نمودن گنبد موسوم به مقبرهٔ حضرت عیسی در اورشلیم

ــ بــ پولــ خـزانـهٔ عثماني كه بدين واسطه منافع قروض ششماهه را كه بايد در ماه رُویه ادا کند از عهده برنیامدند - صدارت محمد رشیدی باشا به جای فؤادیاشا -مبتعقد شدن مجلس حفظ الصحه در اسلامبول که اجزای این مجلس از دول خارجه می باشند \_ یکی از تدابیر و قراردادهای این مجلس اینست که حاج در صورتیکه وبـا در میان آنها باشد مراجعت از راه دریا ننمایند ــ بروز وبا در آسیای عثمانی و سرایت آن به اروپا ــ در تمام مرکز و شمال این اقلیم تا هلاند و بلژیک و فرانسه و انگلیس و رسیدن آن به اتائونی و جزایر آنتیل. (فرانسه) ــ در افتتاح مجلس شوری امپراطور وعده می دهد که به جهت رفع مغایرت مابین فرانسه و اتائونی عساکر خود را از مکزیک کلیتاً احضار نماید ــ در مجلس وکلای دولت، پرسنی که یکی از وزراست بالضراحه تکلیف می کند از طرف امپراطور که از برای نظم و آسودگی ملت اقتدار کامل رئیس دولت-لازِم است ــ اشتهار اتحاد باطنی پروس و ايطاليا با فرانسه برضد دولت اطريش كه در عوض دولت پروس از سرحدات آلمان که طرف رودخانه رن است به تصرف دولت فرانسه دهد یا اگر دولت فرانسه بلڑیک را بخواهد متصرف گردد دولت پروس و ایطالیا بیطرف بوده سکوت کنند \_ بنه دتى كه سفير كبير فرانسه است در بران با مسيو بيزمارك صدراعظم ملاقات تموده برای دولت فرانسه حقی مطالبه می کند و جواب یأس به او می دهند \_ استعفای دوران دلوئیس از وزارت خارجه و نصب مارکید موتیه سفیرکبیر دولت فرانسیه در اسلامبول به وزارت امور خارجه \_ ناخوشی سخت امیراطور که سه ماه متوالیهٔ بستری بود ــ مسلح نمودن قشون فرانسه را به تفنگ جدیدی که مستمی به تـفـنـگ شـاسيو است ... عدد قشون فرانسه را اسماً آنجه اعلان نموده آند دو كرور و دویست و سی و دوهزار و دویست و پنجاه نفر بوده ـــ در جنگ مکزیک غیر از قورخانه موجودي که دولت در جبه خانه های متعدده داشت وجه نقدی که به مصارف این قشون رسید معادل شش کرور تومان یول ایران بود ... جمعیت فرانسه به موجب تعداد نفوس این سال هفتاد و شش کرور و شصت و هفت هزار و نود چهار نـفر بود ـــ بروز وبای سخت در پاریس و در نقاط دیگر ــ طغیان اغلب رودخانه ها در داخلهٔ مملکت و خرابی رسانیدن آنها ــ ورود سفرای مارک به پاریس ــ

شورش سید لؤلؤ در الجزایر \_ ملخ خوارگی سخت در الجزایر \_ فوت ماری املی زوجهٔ لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در انگلیس \_ فوت تونل از معارف رجال دولت \_ صدور فرمان به واسطهٔ فرانسه و انگلیس در باب علایم مخصوصه از الوان بیرقها به جهت تکلّم در دریا و قبول فوری دول آنرا \_ سیم تلگراف بحری خط مخابره مابین ارلند و ترنو را معتبر می نماید \_ بنابر این افتتاح سیم تلگرافی بحری از دنیای عتیق به دنیای جدید که از نیورک پایتخت اتائونی در ظرف هشت ساعت مخابره به پاریس می رسد. (هلاند) \_ شورش اهالی شهر آمستردام نسبت به اجزای حکومتی در اوقات شیوع ناخوشی و با \_ مال میری شدید در مرکز اروپا و هلاند و سویس. (یونان) \_ اجماع قشون یونان در سرحدات اپیر و تسالی سرحدات دولت عثمانی این مطلب را.

امریکا \_ (اتائونی) \_ تفویض سپه الاری کل عساکر این دولت به ژنرال گران \_ برقراری ژنرال شرمان به منصب سرداری کل \_ این دو نفر سردار در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند \_ رئیس ایالات جنوبی ژفرسندویس که عدالتخانه حکم قتل او را صادر نموده رئیس جمهوری اتائونی از حبس و قتل او گذشته فقط به حبس نظر و بیرون نرفتن او از شهر مُنْ رُءِ اکتفا نمودند \_ قرض گذشته فقط به حبس نظر و بیرون نرفتن او از شهر مُنْ رُءِ اکتفا نمودند \_ قرض دولت در این سال معادل دوهزار و ششصد و چهل کرور پول ایران است \_ مراوده و دوستی این دولت با انگلیس نیز با فرانسه نهایت متزازل است برخلاف اتحاد اتائونی با دولت روس \_ طغیان سیلها و رودخانه ها. (مکزیک) \_ در ریکران که سرحد اتائونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک می باشند اجماعی کرده از عساکر اتائونی با خود شریک نموده بر ضد ماکسی میلین امپراطور جدید اردوئی دارند \_ وزیر امور خارجه فرانسه در وین به توسط سفیر اتائونی از دولت مشارالیها تمنا می کند که دولت اتائونی بیطرف بماند و مداخله در امور مکزیک نکند. این تمنا بی جواب مانده دولت اتائونی تمکین نمی کند، بنابراین نوشتهٔ رسمی از طرف وزارت امور خارجهٔ فرانسه به سفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده می شود که از این به بعد وجها فرانسه به سفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده می شود که از این به بعد وجها فرانسه به سفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده می شود که از این به بعد وجها فرانسه به سفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده می شود که از این به بعد وجها

من الوجوه صرفة خودمان را در حمايت ظاهرى دولت مكزيك نمى دانيم و مجبوريم که عساکری را که به کمک امیراطور ماکسی میلین فرستاده بودیم احضار کنیم. بعد از انتشار این خبر در مکزیک سردارهای جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر درصدد بهم زدن دولت امپراطور ماکسی میلین می باشند و ایالات شمال بلکه بعضی از ایالات مرکزی را به تصرف در می آورند ــ ژنرال دُو سردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله به آنها می آورد ـ دولت اتائونی یادداشت رسمی به پاریس مے فرستند کے اگر فرانسہ عساکر خود را کلیّتاً از مکزیک احضار نماید او نیز بیطرف خواهد بود و کمک ظاهری به جمهوری طلبان مکزیک نخواهد نمود ــ قشون شخصی ماکسی میلیّن که مرکّب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عدداً چندان زیاد نشده در این مذت خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه بلکه کاری از پیش ببرند اتما جنگ و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند \_ امپراطور ماکسی میلیّن از هر جهت خود را پدیخت دیده چنانکه دوستان و هواخواهان او او را می کشند و کمک فرانسه به امیراطور مگزیک از هر جهت بی شعر بود،، و در تمام مکزیک یک مرتبه بنای شورش و بی نظمی شد، حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور به او شوریدند. (هایتی) ـ دولت جمهوری سنت دمینیک که سابقاً جزو هایتی بود و در سنهٔ هزار و هشتصد و بیست و چهار از هایتی جدا شده دولت اتائونی تاکنون او را نشناخته در این سال شناخت ــ یک قسمت از شهر گنایئو را یاغیان آتش زدند \_ یانقین های شدید در پرت پرنس، (برزیل) \_ جنگ مابین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای با کمال شدتست ... با وجود زیادی قشون برزیل ژنرال لویز با نهایت رشادت جنگ کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک می سازد ـــ در ریوژنیرو پایتخت برزیل افتتاح اکسپوزیسیون صنایع ـــ اتحاد شیلی با پرو بر ضدّ اسپانیا و میانجی شدن دول فرانسه و انگلیس در این فقره.

[سنهٔ ۱۲۸۳ هجری = سنهٔ ۱۸۹۹ مسیحی] آسیبا ـــ (ایبران) ـــ موکب همایون پس از تفرّج و سیر ساحات مازندران از طرف کلاردشت و راه هزارچم عزیمت معاودت فرموده روز بیست و هشتم معرّم تشریف فرمای سلطنت آباد گردید سه نظر به ترقّی و تکمیل ادارهٔ تلگراف ممالک محروسه به هریک از صاحبمنصبان که دخیل این خدمت بودند از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند سه علیقلی خان سرتیپ تلگراف منصب و نشان و حمایل سرتیپی اوّل میرزاجعفرخان منصب سرهنگی ونشان وحمایل ازاین درجه میرزاجوادخان نشان وحمایل سرهنگی سرزا فیصل الله خان یاور تگراف منصب ونشان وحمایل سرهنگی سمیرزا حسن حکیم میرزا فیصل الله خان یاور تشان و حمایل سرهنگی سه میرزا حسن حکیم سامانی ولد مرحوم حکیم قاآنی نشان و حمایل و منصب سرهنگی سه نصرالله خان یاور منصب و نشان و حمایل سرهنگی سه محمدابراهیم خان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی سه برحسب ارادهٔ سنیه در هذه السنهٔ پارس ئیل سعادت نشان و حمایل سرهنگی سه برحسب ارادهٔ سنیه در هذه السنهٔ پارس ئیل سعادت دلیل قرار تقسیم کارها و طرز اداره مهام دولتی را به وزارتخانه های متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را به ملاحظهٔ لیاقت اشخاص به عهدهٔ یکی از چاکران مجرّب در باری از قرار تقصیل ذیل محوّل و مرجوع فرمودند:

## تقسیم وزارتخانه ها و خدمات و ولایات از این قرار است:

ار در محت ترکی میزار جاری سیدی

(وزارت جنگ و ریاست قشون کمافی السابق)، (ادارهٔ والیگری و حکومت این ولایات: (خراسان)، (سیستان)، (استرآباد)، (شاهرود و بسطام)، (دماوند)، (فیروزکوه)، (کمره)، (جاجرم)، (نردین)، (خوار)، (سمنان)، (دامغان)، (خدمات مرقومه و حکومت ولایات مفصله) به عهدهٔ سپهسالار اعظم میرزا محمدخان محوّل و مفوض است.

(وزارتخانه مالیات و رتق و فتق محاسبات و معاملات دیوانی)، (ادارهٔ امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند)، (حساب ورقهٔ دولتی)، (ادارهٔ رختدارخانه و صندوقخانه و اصطبل خاصه و سایر بیوتات دولتی و دواب دیوانی) به عهدهٔ جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک مقرّر است.

(وزارت علوم و صنایع و تجارت)، (مدرسهٔ دارالفنون و تلگرافخانه ها)،

(معادن)، (روزنامهٔ دولتی و علمی)، (باسمه خانه های دارالخلافه و ولایات)، (کارخانه جات)، (حکومت ملایر و تویسرکان) برعهدهٔ اعتضادالسلطنه علیقلی میرزا مفوض و موکول خواهد بود.

(وزارت امور خارجه)، (ادارهٔ حکومت (کرمانشهان)، (لرستان)، (نهاوند)، (خرقان))، (تذکرهٔ سرحدات)، (راهسازی)، (حفظ و آسایش ملل مختلفه که رعایای این دولت علیه هستند) به عهدهٔ وزیر دول خارجه میرزا سعیدخان است.

(وزات حضور همایون)، (ادارهٔ حکومت ولایات مفصلهٔ (کاشان)، (اصفهان)، (فارس)، (نطنز))، (ادارهٔ گمرکخانه های ولایات ممالک محروسه)، محوّل به امین الدوله فرّخ خان خواهد بود.

(وزارت عدلیه) به عهدهٔ حاجی محمّدقلی خان محوّل و مفوّض است.

(وزارت دربار بعلاوه ایشیک آقاسی باشیگری)، (شاهزادگان درباری و ولایات)، (علما و سادات دارالخلافه و ولایات)، (اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات)، (اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات)، (غربا و مهمانان ولایات در دربار)، (انتظام امور خادمان حرم و خواجه سرایان)، (عمل بنائی)، (چار پارخانه ها)، (مواظبت رساندن غلهٔ دیوانی دارالخلافه)، (حکومت جوشقان)، (حکومت گلپایگان و خوانسار) به عهدهٔ محمدناصرخان ظهیرالدوله خواهد بود.

(ایلخانی گری خوانین و آقایان قاجار)، (دارالنظاره)، (حکومت و سرداری قشون مازندران)، (ادارهٔ حکومت قزوین و عربستان)، (حکومت محلات) به عهدهٔ اعتبضادالدوله انوشیروان خان که تازه به این لقب سرافراز و ملقب شده است خواهد بود.

(طهران و توابع و خالصجات و ایلات و اجارات و غیره)، (حکومت کرمان و عسراق و درجمزیسن)، (چاپارخسانه های راه آذر بایجان) را به علاوهٔ (وزارت دارالانشاء) به عهدهٔ دبیرالملک میرزا محمدحسین محوّل و مفوّض فرمودند.

(وزارت وظایف و اوقاف)، (ادارهٔ حکومت همدان) برعهدهٔ اعتمادالسلطنه حاجی علی خان است.

(نظم خزانه و مالیات عایدی خزانه)، (جمع آوری وجوه مخصوص خزانهٔ

اندرون)، (وصول مالیات و اقساط)، رسانیدن وجوه برات داران از قرار حوالهٔ دیوان)، (ضرابخانه های ممالک محروسه)، (کالسکه خانه)، (زنبورکخانه)، (حکومت گیلان و یزد) به عهدهٔ دوستعلی خان معیرالممالک محوّل است.

(مهبرداری مهر مبارک)، (ادارهٔ حکومت بروجرد و خمسه)، به علاوه (احضار وزرا و رساندن اخبار از جانب سنی الجوانب همایون) به عهدهٔ امین الملک پاشاخان محوّل است.

(ریش سفیدی خلوت)، (ریاست تفنگداران سرکاری) کمافی السابق به عهدهٔ میرزا هاشم خان امین خلوت مرجوع گردید.

به یاداش خدمات در راه مازندران محمّدعلی خان برادر اعتضادالدوله به منصب بیگلربیگی گری و میرزا مسیح به منصب استیفا از درجهٔ چهارم و خلعت هممایون نایل گردیدند ــ حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی به نشان و حمایل از مرتبهٔ اول سرتیپی مفتخر آمد \_ محمدقلی خان شاطر باشی به نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی نایل شد \_ تنبیه و تفریق طوایف تراکمهٔ تکه و تخریب محکمه و مساکن آنها که در حدود خراسان مایهٔ فتنه و شیر و بی نظمی بودند به مأموریت شهاب الملك اميرتومان سردار قشون خراسان \_ نواب حشمت الدوله به حكمراني بروجرد و عربستان منصوب شدند \_ عزیزخان سردار کل به سرداری کل قشون ظفرنمون و وزارت جنگ برقرار گردید \_ منصب کشیکیی باشی گری مجدّداً به محمدمهدى خان واگذار و مرحمت شد ــ حكومت مملكت خراسان را به علاوه حكمراني خوار و سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام و استرآباد و سيستان بهعهدهٔ كفايت جناب سيهسالار موكول فرمودند و بعد از چند روزي جناب معزىاليه روانه به محل مأموريت خود گرديد \_ به واسطهٔ بروز ناخوشي وبا در تبريز حضرت مستطاب اجل اعظم مظفّرالدّین میرزا ولیعهد دولت علیّه به اردبیل تشریف بردند \_ دهم جمادي الشانيه موكب همايون از ييلاق تشريف فرماي دارالخلافه گرديد \_ مراقبت كلية امور دارالخلافه را برعهدة جناب آقاى مستوفى الممالك موكول فرمودند و به صوابدید جناب معظم جناب علاءالدوله را به بیگلربیگی گری طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی را به متصدی گری کل خالصه جات طهران انتخاب

تمودند \_ محض ترفیه خلق و مراعات تجار گمرک بسیاری از اجناس را معاف كردند \_ بعضى نشانها از جانب دولت روس به رجال و اكابر اين دولت موهبت شد و به اجازهٔ اعلیحضرت همایون فیبول و زیورییکر خود نمودند ... محتداسمعیل خان وکیل الملک سردار به اهطای عصای مرضع سرافراز و مستقلاً به حکومت کرمان و بلوچستان مفتخر آمد و مرتضی قلی خان سرهنگ فوج ملایر ولد معزی الیه به سرتیبی دو فوج کرمان نایل گردید ــ حاجی رشیدخان بیگدلی به منصب استیفا از درجهٔ سیم قرین مفاخرت گشت ـ نظر به کثرت مخابرات تـلـگرافی داخله و خارجه به نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم حکم فرمودند یک خط سیم دیگر از سرحد بوشهر الی سرحد جلفا بر همان تیرهای سابق امتداد دهند ... فوجی مرکّب از دویست و پنجاه نفر به توسط نواب اعتضادالسلطنه از ملایر گرفته و به ذوالفقارخان سرهنگ مهندس سپرده شد که آنها را مشق دهد ــ در این ایام سیم تلگراف ایران با سیم تلگرافی دولت روس و انگلیس اتصال یافت ــ نظر به اتحاد دولتين عليتين ايران و عثماني اعليحضرت سلطان عثماني اين اوقات نشان سلطنتيي دولت خودشان را كه مكلّل به الماس مي باشد به رسم هديم مصحوب حاجى عصمت افندى مين باشى براى اعليحضرت شاهنشاهى يادگار فرستادند ــ بندهٔ مؤلف به منصب بیشخدمتی حضور همایون سرافراز شد ـ حکومت استرآباد را به نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند \_ چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله سرتیپ اول در سیستان خدمت کرده بود او را به منصب اميرتوماني مفتخر فرمودند ــ شب پنجشنبه چهاردهم ديقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل کرد و سلام خاص و عام تحویل و عید در حضور همایون منعقد شد ــ خشتهای طلا که برای گنبد امامین همامين عسكريين عليهماالسلام حسب الامر همايون ساخته اند در ماه ذيقعده با مأموريت على رضاخان ييشخدمت خاصه (جناب عضدالملك) حمل به عراق عرب شد \_ نواب والا محمدتقى ميرزا حكمران ولايت خمسه را به لقب ركن الدوله ملقّب فرمودند ــ میرزا زکی مستوفی به پیشکاری خمسه سرافراز شد ــ روز پانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون به عزم سفر سعادت اثر خراسان و زیارت ارض

اقدس و سركشى آن مملكت از دارالخلافة باهره به قصر دوشان تيه نقل مكان فرموده روز بیست و سیّم روانهٔ مقصد شدند ـــ میرزا عیسی پسّر مرحوم میرزا موسی به وزارت دارالخلافه و پیشکاری حضرت اجل افخم والا نایبالسلطنه مفتخر گردید ــ وزارت گمرکخانه های ممالک محروسه به میرزا محمّد قوام الدوله تفویض شد ـــ علیقلی خان نایب اول آجودانباشی به منصب سرتیبی دویم مباهی گردید \_ غلامعلی خان سربندی به نشان و حمایل سرتیبی قرین افتخار گشت ـ حاجی حسين خان شهاب الملك اميرتومان به يك قطعه نشان اميرتوماني و حمايل آن سر بلند گردید ـــ میرزا ابراهیمخان نایب دویّم وزارت خارجه به اعطای نیابت اوّل و نشان و حسایل سرتیپی دوتم و کفالت مهام خارجهٔ آذر بایجان سرافراز و مأمور شد \_ میرزا محمدعلی خان کار پرداز اوّل دولت علیّه مقیم بمبئی به اعطای منصب سرتیپی دویم و نشان و حمایل قرین مباهات آمد ــ میرزا معصوم خان کار پرداز مخصوص دولت علیّه مقیم حاجی ترخان به اعطای نشان سرتیبی سیّم و حمایل آن مفتخر گشت ــ سيدسلطان محمد ملقب به شاهزاده جهان برادر حكمران جزيره کمرود که جزیرهایست نزدیک به مادگاسکر واقع در جنب افریقیه به در بار همایون آمده مقارن انتهاض موکب معلی به سفر خراسان شرفیاب حضور مبارک و مورد تفقدات گردیده از جانب دولت علیّه برای مشارّالیه منزل و مخارج منزل معیّن شد ــ حـسـنـعـلى خان وزير مختار و ايلچى مخصوص مقيم پاريس و ميرزا سليمانخان شارژدافر و سایر اجزای سفارت احضار به دربار همایون شده میرزا یوسف خان سرتیپ به سمت شارژدافری مأمور سفارت پاریس گردید، و علی خان سرتیپ پسر مرحوم حسين خان نظام الدّوله به رسم كار پردازي اوّل مأمور اقامت تفليس شد ــــ حاجى محسن خان سرتيپ اول به سمت شار ژدافرى مأمور سفارت لندن گرديد. (چین) ــ بـا وجود ضدّیّت علمای مذهبی آیجاد مدرسه به جهت تعلیم و تعلّم السنهٔ فرنگ در پکن پایتخت. (ژاپن) ــ فرستادن برادر طیقون را به سن پانزده سالگی با جمعی از معارف به سمت سفارت در در بار دول فرنگ \_ انعقاد مجلس شوری در آن مملکت،

ارویا \_ (اسیانیول)\_ شورش ایالت کاتائن و ساراکس \_ ملاقات یادشاه برتوغال ب ملکه. (اطریش) ــ ملاقات امیراطور فرانسه با امیراطور اطریش در سالس بورگ که تشیجهٔ ملاقات اسباب خیال و سوءظن غریبی برای دولت پروس گردید ــ صدارت مسيو بُست ــ شنيدن اميراطور در اوايل تابستان خبر فوت برادر خود ماکسی میلین امیراطور مکزیک را که به دست جمهوریان در گرتر مکزیک به قتل رسید \_ ملاقات امیراطور با یادشاه باویر \_ ملاقات امیراطور با یادشاه پروس در مملکت باویر و مسافرتش به یاریس و لندن. (آلمان)... دول جنوبی خصوصاً باویر مایل بر این اند که وضع قشون خود را به سبک عساکر پروس نمایند و اتحاد معنوی بها او بیدا کنند ــ ساکس و ورتنبرگ هم با باویر در این مسئله متحداند و پادشاه پروس را به سمت سردار اعظمی کل عساکر آلمان اعم از دول شمالی و جنوبی می شناسند ــ ملاقات پادشاه پروس با پادشاه ساکس در دِرزْدْ پایتخت پادشاه ساكس \_ افتتاح مجلس پارلمنت \_ گنفدراسيون شمالي به دست يادشاه پروس بشخصه با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام آلمان ـــ قرنها بود که چنین تجملی از برای هیچیک از سلاطین آلمان دست نداده بود ــ دول آلمان به وحشت اینکه مبادا لوکسانبورگ بهدست فرانسه بیفتد بالاتفاق با پروس سازش باطنی نمودند و این سازش و دوستی باطنی که سالها مخفی بود آشکارا گردید و برای جنگ آتیه با فرانسه که قریب الظهور می دیدند ــ مدیر و مدبر عساکر یروس ژنرال ملک و ژنرال رون وزیر جنگ بعضی قواعد و قوانین جدیده ایجاد مے كنند ... عدد نفوس دول شمالي كه خود را در تحت سلطنت پادشاه پروس قرار داده بودند به شصت کرور رسیده است و در هنگام صلح این شصت کرور نفس باید سیصد هزار نفر قشون مستعد آماده داشته باشند. (انگلیس) ــ بروز قحط و غلا در اغلب شهرهای این مملکت \_ بیتابی و اضطراب اهالی لندن در این فقره \_ تدارک حنگ دیدن دولت انگلیس بر ضد یادشاه حبشه تادروس، که با وجود شورش داخلهٔ این مملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است \_ برای تدارک این جنگ معادل ده کرور تومان ایران استقراض می کند، سیر رو برنیبر سپهسالار

این قشون است، تدارکات این جنگ از هر حیثیت کمال اشکال را دارد زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را بهواسطهٔ چهار یایان باید به داخلهٔ حبشه نمود ـــ ورود عبدالعزیزخان سلطان عشمانی و والی مصر به انگلیس در تابستان. (ایطالیا) ــ عروسی دوک داوست پسر دویم پادشاه در سنّ بیست و دو سالگی و ازدواج او با یکی از نجبای اهل مملکت. (روس) \_ استعفای یرنس دادیان از والسی گری اینالت منگرلی و دادن حقوق خود را به اعلیحضرت امیراطور روس ـــ یرنس کرچاکف به لقب صدارت عظمی ملقب گردید ــ ازدواج دختر گراندوک قسطنطین الکا به یادشاه یونان \_ بعضی فتوحات در بخاراً. (عثمانی) \_ بعضی جوانها که از نجبای مملکت بودند در خیال آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت محبوس كرد و جلاى وطن داد ــ صدارت عالى ياشا وزارت خارجهٔ فؤادپاشا ــ مدت غیبت اعلیحضرت سلطان که به فرنگستان رفته بود چهل روز شد ـــ شورش سخت اهالی قندی و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها ــ مسافرت عالی پاشای صدراعظم به قندی برای استمالت یاغیان ـ سرداری عمر باشا به جهت تدمیر ياغيان ــ تفويض لقب خديوى به والى مصر ـ عبور سفاين تجارتي از نهر سوئيز ــ شورش اهالی بلغارستان و آرام گردیدن آنها ـــ برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعهٔ بلگراد سربستان. (فرانسه) \_ اعلیحضرت امیراطور ناپلیون از برای جذب قلوب اهالی فرانسه به واسطهٔ خبطی که از رجال دولت در مسئله مکریک به ظهور رسيده بود مسيو إميل اليوى يه را كه يكى از وكلاى دست چپ بود به سمت خود استىمالىت داده وعدهٔ وزارت به او مى دهد ــ آزادى روزنامه ها در افتتاح محلس پارلسنت ... امپراطور در خطبهٔ خود استعداد قشون از وکلای ملت برای حفظ و حراست حدود و تغور مملكت فرانسه مي طلبد \_ به احتياط اينكه مبادا دولت مجبور به منازعه با پروس شود هفتاد هزار قشون علاوه بر معمول حاضر نمودند و بعد از چندی که اطمینانی حاصل شد مرخص خانه شدند \_ نقار و ضدیت کلّی رعیت و وکلای ملت با دولت در فقرهٔ مکزیک ــ در مذت شش سال که دولت قشون به مكريك فرستاد سيصد وشصت مليان فرائك كه معادل هفتاد و دو كرور تومان ایرانست مخارج بیفایده برای دولت بهم رسید \_ مسیو طیر مخصوصاً با کمال تشدد اعتماد السلطنه

قباحت اعمال دولت را آشکارا می نماید - افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در پاریس \_ ورود اغلب از سلاطن اروب حتى سلطان عثماني به ياريس از براي تماشاي اکسیوزیسیون ــ از سلاطین که به پاریس و تماشای این اکسیوزیسیون نیامدند یادشیاه انگلستیان و یادشاه اسپانیا و یادشاه ایطالیا بودند ــ هنگام بودن امیراطور روس در یاریس در سان قشون که ناپلیون امپراطور فرانسه به جهت تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله پادشاه پروس بود در حوالی پاریس می داد قبل از وصول به میدان مشق شخصی لهستانی طیانچه به طرف امپراطور روس خالی می کند بدون اینکه گلوله به اعلیحضرت معظم بخورد ــ رفتن امپراطور نايليون به تعزيت به مملكت اطريش ــ علت مزاج امپراطور ناپليون و رفتن ايشان به يارئيس يكى از بنادر فرانسه به معالجه ــ شهرت اتحاد باطنى دولت ايطاليا با یروس ــ غلا و تسعیر نان در یاریس و سایر بلاد دیگر و شکایت و نارضائی مردم از دولت در اغلب نقاط ــ دولت فرانسه بهواسطهٔ عظمت بروس كمال تحسر رأ دارد و درصدد این است که ایالت لوکسانبورگ را که جزو ایالات آلمان محسوب شده ولیکن سلطنت آنجا با یادشاه ملاند است متصرف گردد و اجرای این عمل را به رضایت یادشاه هلاند طالب است ... یادشاه هلاند به حسب ظاهر تمکین نموده امًا باطناً یادشاه یروس را از این ماجرا اطلاع می دهد ـــ تغیّر سخت پادشاه پروس از این مقدّمه و اتحاد دول جنوبی و شمالی آلمان به یکدیگر بر ضدّ فرانسه ــ تهیّهٔ جنگ چه از طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول آلمان على الخصوص پروس. (هلاند)\_ وبای سخت در اغلب بلاد. (یونان)\_ تحریک دولت مخفیاً و آشکارا اهالی جزیرهٔ قندی را به شورش نسبت به دولت عثمانی - مسافرت یادشاه به فرنگ و ازدواجش با یکی از شاهزاده خانم های روس.

امریکا \_ (اتائونی)\_ ابتیاع دولت اتائونی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت دولت روس متصرّف بود \_ کسر عدد قشون بری و بحری \_ نقار و کدورت ظاهری و باطنی با انگلیس به واسطهٔ حمایت از ایالت جنوبی که یاغی بودند \_ امتداد سیم تلگراف بحری از فارید به جزیرهٔ کوبا.

## [سنة ١٨٦٧ هجري = سنة ١٨٦٧ مسيحي]

آسيا \_ (ايران) \_ چنانكه در اواخر سال قبل اشارت شد موكب همايون روز بيست و سيتم ذيحجه از دوشان تيه به منزل خاتون آباد تشريف فرما شدند \_ حضرت شاهنشاهزاده امحد والانايب السلطنه حكمران دارالخلافه را درغياب موكب همايون به نيابت سلطنت كبرى مخصوص فرموده جناب آقاى مستوفى الممالك به وزارت مالیه و انتظام خزانه و وصول و ایصال مالیات برقرارند و سایر وزارتخانه های جليله نيز به ترتيبات سابقه است ـ از همراهان اين سفر خيريت اثر نواب مستطاب مهدعلیا و جمعی از خادمان حرم جلالت ــ و از شاهزادگان فخام ملک منصور میرزا و سلطان احمد میرزای عضدالدوله و غیرهما ــ و از وزرا و چاکران بزرگ ملتزم ركباب اعملي جنباب فرخخان امين الدوله والنوشيروان خان اعتضادالذوله و حاجى عبلى خان اعتمادالسلطنه و محمدناصرخان ظهيرالذوله و ميرزا محمدحسين دبيرالملک و پاشاخان امينالملک و جمعي از مستوفيان عظام و امراء كرام و صاحب منصبان عسكريه و ارباب مناصب لعلوت همايون مثل ميرزا هاشمخان امینخلوت و یحیی خان آجودان مخصوص و غیرهم هستند ـــ بالجمله روز بیست و پنجم ذیحجه از خاتون آباد به شریف آباد و آز آنجا به ایوان کیف و از ایوان کیف به قشلاق و از قشلاق به منزل یاده نهضت ملوکانه فرمودند، در این منزل میرزا عليمنقي طبيب و پيشخدمت خاصِه ملقب به حکيم الممالک گرديد، روز بيست و نهم به ده نمک نزول اجلال فرمودند ...دوشنبه غرّه ماه محرّم موکب همایون تشریف فرمای لاسجرد گردید ــ دویم محرّم به شهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند، روز پنجم از سمنان انتهاض فرموده تشریف فرمای آهوان شدند \_ روز ششم از آهوان نهضت فرموده به قوشه نزول اجلال نمودند، روز هفتم اميرآباد منزلگاه موکب همایون گردید ـــ روز هشتم شهر دامغان به مقدم مبارک مزیّن آمد - روز دوازدهم محرم تشریف فرمای قریهٔ مهمان دوست شدند \_ روز سیزدهم قریهٔ دەملاً مىضىرى خيام سلطنتى گرديد ـــ روز چھاردھم ساحت بسطام منزلگاه موكب

همایون آمد ــ در این وقت جهانسوز میرزا به حکومت شاهرود و بسطام منصوبست

\_ میبرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه در بسطام به منصب مستوفی گری سرافراز شد \_ روز هفدهم از بسطام به خیرآباد تشریف فرما گردیدند \_ روز هیجدهم قریهٔ ارميها منزلگاه موكب اعلى بود \_ روز نوزدهم تشريف فرماى منزل ميامى شدند \_ روز بیستم منزل میاندشت مضرب خیام معلّی گردید ــ روز بیست و یکم از میان دشت به منزل عبّاس آباد تشریف فرما شدند ــ روز بیست و دویّم آشتر بَدْ مضرب حیام اردوی همایون شد ـــ روز بیست و سیّم به منزل داورزن نزول اجلال فرمودند ـــ روز بیست و پنجم از داورزن به منزل مهر توجه فرمودند ـــ روز بیست و ششم قریهٔ ریبد منزلگاه موکب همایون گردید ــ روز بیست و هفتم سبزوار به یمن قدوم ملوكانه مزين آمد \_ جناب سپهسالار حكمران مملكت خراسان از مشهد مقدّس تا اینجا موکب اعلی را استقبال کرد، چون ارک شهر سبزوار به مرور دهور خرابی بهم رسانیده بود به جناب سپهسالار امر فرمودند که آنرا مرقت نماید ـــ روز غرّه ماه صفر موکب همایون از سیزوار به ریاط زعفرانی تشریف فرما گردید، دویّم صفر از زعفرانی به زمان آباد توجه فرمودند ... روز سیم صفر نیشابور به ورود موکب مـنـصــور مزتین شــد ـــــ روز هشتم از نیشابور به قدمگاه تشریف.فرما گردیدند ــــ روز یازدهم تشریف فرمای دیزآباد شدند ... روز دوازدهم به شریف آباد نزول اجلال فرمودند \_ روز سیزدهم به جانب طرق نهضت فرما شدند در بین راه در محل موسوم به تهة سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والاجلال الدوله فرمانفرماي مملكت خراسان و حباجي بهاء الدوله و ساير چاكران واعيان خراسان به رسم استقبال به تقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند ـــ روز چهاردهم موکب مسعود به مشهد مقدس ورود فرمود و لدى الورود ذات اقدس همايون به زيارت روضهٔ مقدسهٔ رضوى سلام الله عليه تشرف جسته حيقة مبارك راكه علامت خاصة سلطنتي است محض احترام پیشکش آستانهٔ مشرفهٔ حضرت فرمودند ... منزل خاص وجود مبارک در ارک مشهد بود و اردوی معلّی در خارج ارک سکنی گرفت و شرح جغرافیا و ابنیه و آثار ارض اقدس مفضلاً در جلد دوتيم مرآت البلدان موسوم به مآثرالسلطان نگارش يافته

این شرح در جلد ستم است به در جلد دوتیم.

است ــ روز شانزدهم خوانین و سرکردگان و صاحبمنصبان خراسانی به توسط جناب سپهسالار شرفياب خاكياي فرقدسا گرديدند \_ نيز ميرزا مسيح و ساير صاحبمنصبان و سرکردگان مازندرانی به توسط اعتضادالدوله شرفیابی حاصل نمودند ــ روز هفدهم وقت نماز صبح جناب سيهسالار داعي حق را لبيك اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر از این جهت متألّم گردید ــ از استرآباد خبر رسید که مراد ملقّب به ایشان به سمت آق قلعه تاخته و با نواب ملک آرا جنگ درانداخته و جناب حاجی ملارضای رئیس العلماء در این جنگ به درجهٔ شهادت فایز گردیده و خود ملک آرا با معدودی در خانهٔ آدینه خان که از خدمتگذاران دولت است متحقین گردیده محمدمیرزا پسر نواب معزی الیه زخم گلوله و شمشیر برداشته و چون جمعیت نـواب مـلـک آرا کم و تراکمه چندین هزار نفراند پیشرفتی برای او نشده است ــ دو ساعت از شب رفته چاپاری از دارالخلافه رسیده مژده داد که نواب ملک آرا غالب و تراکمه منهزم و «ایشان» به تبیر خود نواب معظم کشته شده است \_ امیر شاهنوازخان پسر مرحوم سلطان احمدخان حاکم هرات با عبدالله خان برادرش و جند نفر از رؤسای علی کذائی و خررائی و دیگر طوایف افغان که از راه سیستان به همراهی مظفرالدوله به جهت شرفیایی آستان همایون آمده بودند نیز به تفقدات خسروانه مباهی گردیدند، و مبلغی در این روز به اهل استحقاق مشهد سرکار اعليحضرت شاهنشاهي بذل و انعام فرمودند و جمعي را به وظيفه و مستمري داخل در جرگهٔ دعاگویان و آسوده نمودند ـــ سردار یعقوبخان والی هرات پسر سردار امیر شیرعملی خان که به عزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات و افغانستان به توسّط ظهیرالدوله بار حضور همایون یافت و عرض پیشکشها تسمود ــ حاجمي متيرزا رضاي مستوفي خراسان به لقب مستشارالملكي و حمايل و نشان از درجهٔ دویم سرتیبی سرافراز شد ـ حاجی محمدباقرخان وکیل طبس عمادالنملک لقب یافت و محمدحسینخان ولد مشارّالیه به منصب سرهنگی نایل گردیـد ـــ روز هیجدهم ربیع الثانی آستان عرش نشان حضرت رضوی علیه السّلام را وداع فرموده موکب معلّی تشریف فرمای چمن قهقهه گردید ـــ روز نوزدهم به چشمهٔ گیملاس نیزول اجلال فرمودند ــ نواب پرو یز میرزا حاکم سبزوار ملقب به نیرالدوله

شده از خاکیای مبارک اجازهٔ انصراف به محل حکمرانی خود یافت ــ روز بیستم چمن کوباغ منزلگاه موکب معلّی گردید ــ روز بیست و یکم به بلدهٔ رادکان تشریف فرما گردیدند ــ روز بیست و سیّم از رادکان به منزل سوهان نزول اجلال فرمودند ـــ روز بیست و چهارم به علی آباد که اوّل خاک قوچانست تشریف فرما گردیدند ... روز بیست و پنجم قوچان به ورود مسعود خسروانه مزین آمد ... اميىرحسين خان ايلخاني را شجاع الذوله لقب دادند و به ابوالحسن خان يسر مشارّاليه شمشیر گل مرضع مرحمت شد \_ بیست و نهم موکب همایون تشریف فرمای چمن لیلی گردید ــ روز غرّهٔ ربیع الثانی به منزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند ــ روز دوتیم ربیع الشانی شهر شیروان به ورود مسعود شاهانه مزیّن گردید ـــ روز سیّم منزل عبدآباد مضرب خيام شد ـــ روز چهارم به قريهٔ نوده تشريف فرما شدند ــ روز پنجم ربیع الثانی بلندهٔ بجنورد به مقدم مبارک مزین آمد ــ چون تنبیه و تدمیر تراكمهٔ طاغيهٔ يموت و ككلان مكنون خاطر همايون بود از اينجا جعفرقلي خان سهام الدوله ایلخانی را با جمعی قشون ظفرنمون و سوارهٔ خراسانی و غیره را مأمور این خدمت فرمودند و شب هشتم وقت سحر از صحرای شوغان به سمت مقصود روانـه گردیده بعد از نماز صبح رَوز چهاردهم به آلاچیقهای تراکمه تاخته زیاده از هزار اسیر و دویست نیزهَسَر و أُلجهٔ زیاد بهدست آوردند ـــ روز هشتم موکب فیروز از بجنورد تشریف فرمای فیروزه گردید ... روز نهم از فیروزه به چهار بید نزول اجلال فرمودند ـــ روز دهم چهار دِهِ سنخاص مضرب خیام معلّی گردید ـــ در غالب نقاط خط این راه مقرّر شد قراولخانه ها و قلعه جات بنا نمایند ـــ روز یازدهم موکب معلّی به جاجرم تشریف فرما گردید ــ روز سیزدهم از جاجرم به قریهٔ ایور و درّه تشریف فرما شدند ــ روز چهاردهم نردین به مقدم مبارک مزین آمد ــ روز شانزدهم موکب همایون از نردین به کاشی دار نهضت فرما گردید ــ در این منزل اعتضادالدوله را به حكومت استرآباد سرافراز فرمودند و نواب جهانسوز ميرزا به نيابت جناب ایشان معجلاً به استرآباد رفت و خود اعتضادالدّوله از منزل خوش بیلاق از حضور همایون مرتحص و روانهٔ مقرّ حکومت شد ــ روز هفدهم تیلاور منزلگاه اردوی هـمـایون گردید ـــ روز هیجدهم از تیلاور به خوشییلاق انتهاض فرمودند ـــ

اميرحسين خان شجاع الدوله به خلعت همايون سرافراز و اجازهٔ انصراف به محل حکمرانی خود یافت \_ روز نوزدهم از خوش بیلاق به کلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند \_ حیدرقلی خان سهام الدوله به خلعت همایون و نشان امیرتومانی سرافراز و رخصت معاودت به بجنورد یافت ـــ روز بیستم از کلاتهٔ خیج به کرمه و قلعه نو نهضت فرما شدند ــ روز بیست و سیّم به قریهٔ ابرسیج بسطام نزول اجلال فرمودند ـ روز بیست و چهارم به تاش تشریف فرما شدند ـ روز بیست و پنجم شاهکوه مضرب خیام معلّی گردید ــ روز بیست و ششم چهارده کلاته منزلگاه اردوی همایون بود ــ روز بیست و هشتم به چشمه علی دامغان تشریف فرما گردیدند - غرّة جمادى الاولى تشريف فرماى شرخه ده شدند \_ روز دويم فولادمحله مضرب خمیام مبارک گردید 🗕 روز سیّم به منزل خرند توجّه فرمودند 🗕 روز چهارم تشریف فرمای اسران شدند، در این منزل از دارالخلافه خبر رسید که ناخوشی و با در ماه ربیع الاول اشتداد داشته و تا روزی هفتصد نفر تلف می کرده است و اینک تخفيف كلى يافته و اسمعيلخان خزانه دار نظام به اين مرض درگذشته ــ بالجمله روز پنجم به چمن گورسفید نزول اجلال فرمودندی روز ششم اردوی همایون به سمت شورستان و جلگه فیروزکوه انتهاض فرمود ـــ روز هفتم تنگهٔ واشــی مقرّ اردوی معلّی گردید ـ یحیی خان ژنرال آجودان مخصوص حضور همایون به یک قطعه نـشان و حمایل از درجهٔ امیرتومانی سرافراز شد ــ آقاعلی آشتیانی پیشخدمت خاصّه به لقب امین حضور ملقب گردید \_ علیرضاخان قاجار پیشخدمت خاصه که حامل خشتهای طلای گنبد مطهر امامین همامین عسکریین علیهماالسلام بود بعد از انجام ایـن مـأموریت بزرگ مراجعت کرده در این محل به خاکپای مبارک مشرف شد ـــ روز یازدهم به قریهٔ لزوز تشریف فرما گردیدند و دوازدهم به منزل ارجمند، و در این منزل میرزاعلی خان پیشخدمت و منشی حضور همایون مخلّع گردیده مرخص و روانهٔ دارالخلافه شد ــ روز سينزدهم به زرنا تشريف فرما شدند ــ روز چهاردهم به سرچشمه انکمار، و روز پانزدهم به خاک لاریجان توجه فرمودند ـــ روز شانزدهم چشمه لای دماوند به قدوم مبارک مزین گردید ــ روز نوزدهم به سمت مبارک آباد دماوند حركت فرمودند ــ از قرار عريضة محمداسمعيل حان وكيل الملك حكمران

كرمان و ميرعلمخان حشمت الملك امير قاين و سيستان، قلعه نادعلي راكه آن سمت رود هیرمند و از قلاع محکمه است قشون ظفرنمون بعد از محاصره و محار به از ابىراھىيىم خىان بىلىوچ انىتزاع نىمودە و متصرّف شدەاند ـــ روز بىستىم بە رسنان يىن محال لواسان نزول اجلال فرمودند ـــ روز بپست و یکم لتیان و کنار رود جاجرود محل اردوی همایون بود \_ یکشنبه بیست و دویم جمادی الاولی بالیمن و السّعاده وارد سلطنت آباد گردیدند ــ روز دهم حمادی الثانیه تشریف فرمای قصر دوشان تپه گردیدند ـــ روز یانزدهم شهر دارالخلافه به مقدم بهجتشیم مقدس مزین گردید ـــ جناب آقای مستوفی الممالک در این روز به ریاست وزرا سرافراز و به اعطای قلمدان مرضع وجبّة شمسة الماس كه از علامات این منصب جلیل است مفتخر گردیدند \_ حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم ولیعهد دولت علیهٔ ایران فرمانفرمای آذر بايجان و حضرت شاهنشاهزاده اعظم يمين الدوله حكمران اصفهان را به در بار همایون احضار فرمودند \_ هم در این سال سیلی عظیم در دارالخلافه آمده بعضی ابنیه و بیوتات را خراب کرد ــ میرزا فهرمان مشیر لشکر لقب امین لشکری یافت و به نشان سرتیبی از درجهٔ اول به جمایل آن سرافراز آمد ـ میرزا علی اکبرخان آجودانساشي توپخانه به نشان و حمايل سرهنگي مفتخر گرديد ــ ميرزا حبيب الله لشكرنويس ملقب به مشير لشكر شد \_ چون در عراق عرب ناخوشي طاعون بروز كرده حكم شد در سرحدات قرانتين بگذارند ــ وزارت خراسان را به عهدهٔ جناب ظهیرالدوله واگذار و و کالت آن ایالت را به پاشاخان امین الملک مفوض فرمودند ــ حاجيي ميرزا محمّدخان به لقب مجدالملكي ملقب و به منصب جليل متوليباشيگري حضرت امام ثمامن عليه الشلام سرافراز گرديد ــ حكومت بلوك خوار به جناب دبـیـرالملک و مهام فیروزکوه و دماوند به میرزا هاشمخان امینخلوت واگذار شد ـــ پیشکاری حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم ولیعهد دولت علیه و کارگذاری مملکت آذر بایجان را به نواب والا نصرت الدوله واگذار فرمودند ــ امین لشکر به جهت رتق و فستق امور مالیاتی و رسیدگی به کارهای نظام مأمور آذر بایجان گردید ـــ در ماه جمادی الآخره در تبریز هفت شبانه روز به جشن عروسی حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم وليعهد دولت عليّه با صبيّة مرحوم ميرزا تقى خان اتابيك اعظم از نواب عليّة

عاليه عزت الدوله اشتغال نمودند ــ ميرزا عيسى وزير دارالخلافه به يک قطعه نشان تمشال همايون سرافراز آمد ــ محاسبة دارالخلافة طهران و توابع را به عهدة ميرزا عبـاسخـان معـاون|لـمـلک واگذار فرمودند ـــ مدرسهٔ دارالفنون ترقّی کلّی کرده و كتب مفيدة علميه زياد معلمين ومتعلمين ترجمه وتأليف كردهاند \_ محمداسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و حسینخان شهاب الملک امیرتومان به حکومت کرمان منصوب گردید ــ جناب مسیو دوبون یر، وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مأمور به اقامت دربار دولت عليّه با تشريفات وارد دارالخلافه شد ــ نصرالله خانِ سرتيب زنبورکخانه به اعطای یک قطعه نشان سرتیبی و حمایل آن سرافراز آمد ــ نواب حشمت الدوله را به حکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند ـــ میرزا سیدحسین سررشته دار چایارخانه به پیشکاری کرمان برقرار گردید \_ چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نبهایت رو به ازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد مقرّر فرمودنـد که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یکهزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هرطرف یکهزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به عهدهٔ جناب آقیای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و روز یکشنبه بازدهم شعبان شروع به این امر نموده محض تیتن سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی كلنگى از نقره به دست مبارك بر زمين زده و حضرت امجد شاهنشاهزاده والا نـایب السلطنه نیز اقتدا به وجود مسعود همایون کرده کلنگی بر زمین زدند از آن پس مأموريـن بـه حـفـر خندق مشغول گرديدند. دور اين شهر تخميناً سه فرسنگ و نيم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این روز شهر طهران موسوم بمه دارالخلافة ناصري گرديد ــ نواب والا معتمدالدّوله فرهادميرزا به نشان امیرنویانی سرافراز شدند ــ آقاخان محلاً تنی که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف می باشد سه زنجیر فیل و یک کرگدن به در بار معدلتمدار فرستاد ے هم در این سال بنای عمارت مبارکهٔ شمس العماره که به پنج مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستانست صورت اتمام یافت ــ در وازهٔ مبارکهٔ ناصری در انتهای خیابان ناصریم نیز زیور اتمام پذیرفت \_ میرزا محمدصادق قایم مقام به

پیشکاری حضرت امجد شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه و وزارت آذر بایجان برقرار گردید که حین مراجعت حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم والا در ملازمت ایشان روانهٔ آذر بایجان گردد، و نواب نصرت الدوله را به حکمرانی قزوین منصوب فرمودند \_ در ایـن اوان ایّـام هـفـتـه به اشارهٔ علیّه به نحو مخصوصی به مشاغل دولتی تقسیم شد \_ محمود آقیای سرهنگ و معلّم پیاده نظام به سرهنگی فوج خلج قم سرافراز گردید ــ میرزا اسحقخنان به منصب کار پردازی ارزنةالروم مأمور شد ــ روز چهارم شوّال موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعهٔ منورهٔ حضرت معصومه فرمود \_ حضرت شاهنشاهزادهٔ اجل اعظم ولیعهد دولت علیّهٔ ایران را اجازه انصراف به محل حكمراني خود داده روانهٔ آذربايجان شدند و قايم مقام كه به ریاست و پیشکاری آذر بایجان برقرار شده بود در خدمت حضرت معظم روانه گردید \_ نواب والا معتمدالدوله را به حكمراني كردستان منصوب و مأمور فرمودند در بهبهان این اوقات تگرگی باریده که دانه های آن به بزرگی نارنج بوده ـــ روز بیست و دوتیم شوّال موکب همایون از شکارگاه مسیله و قم معاودت فرمودند ـــ اعتضادالدّوله حكمران و سردار استرآباد بعد از نظم آن حدود و سركشي به مازندران به خاکپای مبارک مشرف شده به نشان آمیرتومانی سرافراز گردید - میرزا فتحملي خان صاحبديوان به وزارت حضرت امجد شاهنشاهزاده والا يمين الذوله برقرار و در خدمت حضرت معظم روانهٔ اصفهان شد ــ میرزا کاظم خان للهباشی مرحوم جلالـهالـدولـه به نشان و حمايل از درجهٔ اوّل سرهنگي نايل آمد ــ حاجي محمدخان پسر مرحوم وكيل الملك به منصب پيشخدمتي مفتخر شد ــ ميرزا سیّدکاظم سررشته دار صندوقخانه به منصب استیفا سرافراز گشت ــ علیقلی میرزا . صارم الدوله ولد نواب عمادالدوله به نشان و حمایل امیرتومانی سرافراز گردید \_ عـلـیـقـلی خان نایب آجودانباشی به یک قطعه نشان از درجهٔ دویـم سرتیپی و حمایل آن مباهى آمد \_ ميرزا محمدحسين ولد ميرزا محمدباقر لشكرنويس به منصب لشكرنويسي برقرار گرديد ــ روز بيست و پنجم ذيقعدة الحرام چهار ساعت و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در تالار جدید شمس العماره در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید ــ

یحیی خان آجودان مخصوص به لقب نبیل معتمدالملکی ملقب گردید \_ میرزا زمان به منصب کلانتری شهر دارالخلافه سرافراز شد \_ عبدالرزّاق خان سرهنگ فوج خوانی به منصب سرتیبی فوج مزبور نایل آمد \_ چون میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله مرحین شد منصب سرتیبی فوج خمسه را به آقاخان پشر آن مرحوم مرحمت فرمودند \_ اسبان اصطبل توپخانهٔ مبارکه را به مراقبت محمّدتقی خان افشار واگذار نمودند \_ روز آخر ماه ذیحجه یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ کشمیری شمسهدار مکلل به یاقوت و الماس که مخصوص وزیر اعظم و شخص اوّل است به جناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند \_ پاشاخان شجاع الملک ملقب به مظفرالدوله مستوفی الممالک مرحمت فرمودند \_ پاشاخان شجاع الملک ملقب به مظفرالدوله شجاع الملک فرمودند \_ استرآباد و مازندران و شاهرود و بسطام که به حکمرانی اعتضادالدوله مقرّر است از قرار ذیل نُوّاب برای آن ولایات تعیین شد: (حکومت مازندران به اعتمادالدوله پسر اعتضادالدوله به پیشکاری حاجی میرزا یعیی خان مازندران به اعتمادالدوله پسر اعتضادالدوله به پیشکاری حاجی میرزا یعیی خان مرتبیپ نوری)، (نیابت حکومت شاهرود و بسطام به محمّدحسین خان پسر شریف خان واگذار شد)، (نیابت حکومت شاهرود و بسطام به محمّدحسین خان پسر شریف خان واگذار آمد.

(افغانستان) - منازعهٔ بخارا با امیر شیرعلی خان و فتح بلخ به دست امیر شیرعلی خان. (چین) - فرستادن یک دسته از رجال دولت به سمت سفارت به اغلب بلاد فرنگ به ریاست شخصی ینگی دنیائی. (ژاپن) - جنگ و شورش در داخله - خیال عامّه اینست که میکاد که پادشاه حقیقی است بدون مداخله طیقون مستقلاً به امور سلطنت برسد - دو دسته شدن دیمُوسها (یعنی نجبای مملکت) - غلبهٔ هواخواهان میکاد بر هواخواهان طیقون.

اروپا \_ (اسپانیول) \_ شورش در ایالت گرناد \_ نارضائی مردم از دولت \_ اخراج بلد نمودن ایزابل ملکه همشیرهٔ خود و شوهر او را به اتهام سازش با یاغیان \_ ضدیت سردارهای قشون با ملکه \_ بروز کینه و عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنا با ملکه \_ ایجاد و تشکیل دولت موقتی به ریاست سررانه \_ اهالی اسپانیا

درصدد این هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند ــ خروج دُن کارلُس که یکی از اقوام ملکهٔ سابق بود ـ جمعی از اهالی اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب کنند و وضع جمهوری را قبول ندارند ــ شناختن دولت اتائونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متدرجاً این جمهوری را ــ بروز شورش در جزیرهٔ کوبا متعلّق به اسپانیا که همین شورش مقدّمهٔ یک جنگ طولانی خونریزی شد که در آتیه ذکر خواهیم نمود ـــ فرار ملکه ایزابل به مملکت فرانسه و پناه یافتن در آن مملکت. (اطریش) - عدد قشون تمام ممالک اطریش در حال صلح به ششصد هزار مقرر شد. (آلمان) - کوشش پادشاه پروس و مسیو بیزمارک صدراعظم در اتّحاد و اتّفاق دول آلمان و سناختن آنها پادشاه پروس را به ریاست خود ـ افراشتن مجسمهٔ لوتر رئیس مذهب پروتستانی آلمان در حس با حضور پادشاه پروس ــ تهیهٔ جنگ پروس و فرانسه با کمال دقت و سختی در آلمان دیده شده است ـ خیال میانجیگری دولت انگلیس را مابین پروس و فرانسه که بلکه اعترازی از این جنگ قریب الظهور بشود، اغلب روزنامه های آلمان نمی پسندند. (انگلیس) ـ صدارت دیسرائیلی ـ شورش و انـقــلاب سخت در ارلند ـــ استعفای دیسرائیلی بعد از چند ماه و صدارت گلادستن رئیس طایفهٔ ویگ \_ فتوحات قشون انگلیس به سرداری نپیه در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه ــ جنگ سخت در حوالی ماگدلای پایتخت حبشه ـــ بیشتر عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل یورش به پایتخت برده آنجا را تصرّف نموده تِأْدَرُس پادشاه در بین جنگ خود را به دست خود کشت ــ نپیه سردار بعد از این فتح به لقب لردی نامیده شد ــ اختراع تفنگ مارتینی و توپ هانری در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این أسلحه را و تقسیم نمودن آنرا به قشون خود. (ایطالیا) ــ ازدواج ولیعهد با صبیه دوک دُرُنْ موسوم به مارگریت \_ طغیان کوه آتشفشان اتنا. (پرتوغال)\_ ضدیت مردم با یکدیگر در مسئلهٔ اتحاد اسپانیول و پرتوغال و تفویض سلطنت اسپانیا به پادشاه پرتوغال. (دانمارک) - ازدواج ولیعهد این دولت با دختر پادشاه سُود. (روس) ــ دوچار شدن ایالات شمال به قحط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس در

فلآند \_ تقسیم تفنگ ته پر به عساکر روس \_ فتوحات در ترکستان بخارا \_ فتح سموقند به دست ژنرال گفمان. (سویس) \_ طغیان رودخانه ها که از کوه آلپ جریان دارد \_ و طغیان آب دریاچه ها \_ خرابی اغلب آبادیها \_ اتلاف مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت به مردم زیاده از سه کرور. (عثمانی) \_ قتل والی سرب میشل در گردشگاه خارج شهر بلگراد و نصب میلان برادرزادهٔ او به سنّ چهارده سالگی \_ شورش سخت در جزیرهٔ قندی \_ حرکت یونانیها بر ضدّ عثمانی \_ منالت دول فرنگ در کار یونان و عثمانی \_ صدور فرمان اعلیحضرت سلطان که ولایتعهد حق پسر خدیو است برخلاف قانونی که رسم بوده که ارشد اولاد به ولایتعهد حق پسر خدیو است برخلاف قانونی که رسم بوده که ارشد اولاد به از پانزده سال امنیت و آسودگی اغوا نمودن شورشیان مردم را به واسطهٔ روزنامه و از پانزده سال امنیت و خطبه های خشن در مجلس وکلا از جانب مسیو طیرو ژولفاور \_ تقسیم تفنگ موسوم به شاسپو به قشون فرانسه با کمال عجله \_ فوت بارون والفسکی از معارف \_ درگذشتن رسینی معلم معروف علم موسیقی \_ فوت بارون مبرز چل در سنّ هفتاد و شش سالگی در عالمی که اوّل شخص بامکنت مردم دنیا مبرد.

افریقا — (مرغش) — بی اقتداری سلطان سید مولا محمّد — یاغیگری بعضی ایلات عرب خاصّه طایفهٔ ظهیر و غارت اطراف شهرها — بروز وبای سخت در میان این طایفه و پراکنده کردن این طایفه را.

اهربگا – (هکزیک) – شناختن دولت اتائونی دولت جمهوری مکزیک را به ریاست ژوارِن. (ینگی دنیای جنوبی) – بروز وبای سخت در این مملکت – منازعهٔ سخت برزیل با پاداگای – بروز حمّای زرد در مملکت پرو – زلزلهٔ سخت در پائیز این سال در اغلب نقاط روی زمین، و به واسطهٔ این زلزله در حوالی کالیفرنی و شیلی طغیان آب دریا سبب خرابی اغلب آبادیها و هلاکت مردم گردید.

## [سنهٔ ۱۲۸۵ هجری = سنهٔ ۱۸۹۸ مسیحی]

آسيا \_ (ايران) \_ از ابتداى اين سال ذات بيهمال همايون به تعميم مكارم و مراحم شاهانه دربارهٔ خاص و عام متوجه بود ... علیرضاخان پیشخدمت خاصه حضور همايون ملقب به عضدالملک گرديد ــ نواب مؤيدالدوله به پيشكارى و کارگذاری مملکت آذر بایجان مأمور و به اعطای جبّهٔ شمسه دار مفتخر گردیدند ... سردار کل عزیزخان وزیر جنگ به اعطای یک رشته حمایل آبی از درجهٔ اوّل امیرنویانی سرافراز آمد \_ نواب شاهزاده محمدامین میرزا برحسب استدعای نواب اعتمضادالسلطنه وزير علوم به نيابت ملاير و تويسركان مفتخر گرديد \_ جناب رضابيك وزير مختار دولت عثماني مأمور اقامت دربار دولت عليه وارد دارالخلافه شد ــ نواب حــام السلطنه فرمانفرمای ممملکت فارس به یک رأس اسب خاصه با يراق مرضع جواهرنشان مفتخر گرديدند \_ كاظمخان سرتيب به منصب فراشباشیگری سرافراز آمد \_ مرتضی قلی خان قوللر آقاسی باشی به منصب کشیکچی باشیگری مباهی شد ــ حیدرقلی خان پسر مرحوم محمدولی خان قاجار از اجزای دیوانخانه گردیده و به خلعت همایون سرافراز گشت ـ حاجی بهاءالدوله به بیگلربیگی گری تبریز برقرار گردید \_ موکب همایون از مقر خلافت عزیمت پیلاقات لار و غیره فرمود ــ مسیو کاستکر مهندس نمساوی به یاداش ساختن راه هزارچم مازندران به لقب خانی سرافراز آمد ... هم در این اوقات شاهنشاهزادهٔ معظّم جلال الدوله حكمران خراسان داعي حق را لبيك اجابت گفتند ـــ در يازدهم جمادي الاولى موكب معلّى از يبلاقات به قصر سلطنت آباد مراجعت فرمود \_ شب یـازدهـم جـمادیالاولی تقریباً پنج ساعت از شب گذشته زلزلهٔ شدیدی در طهران و كاشان و قم و فيروزكوه شد ــ حاجى على خان اعتمادالسلطنه والد مؤلّف در سلخ ربیع الاول داعی حق را لبیک اجابت گفت و شرح احوال آنمرحوم مفضلاً در جلد دويم مرآت البلدان موسوم به مآثر السلطان نگارش يافته است \_

این شرح احوال در جلد سیم است.

مجدالدوله اميراصلان خان به حكومت گيلان منصوب آمد \_. ناصرقلي خان نايب الحكومة خمسه به لقب عميدالملكي سرافراز شد ــ نظر به مراتب ترقيّات و مراسم قابليت حضرت شاهنشاهزاده امجد افخم والا نايب السلطنه ايشان را به منصب حلیل و لقب نبیل سرداری کل قشون سرافراز و به اعطای یک ثوب سرداری دور مروارید شمسهٔ مرضع و یک قبضه شمشیر مکلّل به الماس و قبای زری مباهی فرمودند، و نواب حشمت الدوله به نیابت اوّل وزارت جنگ و مراقبت در انتساق و انتظام امور لشکر مأمور و به یک ثوب سرداری شمسه مرضع مفتخر گردیدند ... امارت و ریاست تویخانهٔ مبارکه را مزید سایر مشاغل انوشیروان خان اعتضادالدوله فرموده به یک ثوب سرداری شمسه مرضع معزی الیه قرین افتخار آمد و خان خانان پسر اعتضادالذوله به منصب نظارت و خوانسالاری و خلِعت همایون درجهٔ اختصاص یافت \_ جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک به منصب متولیباشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز آمد \_ علیرضاخان عضدالملک به منصب خازنی مُهر مهرآثار درجة افتخار يافت \_ عبدالعلى خان اديب الملك پيشخدمت خاصه به منصب جليل وزارت وظايف و اوقاف مفتخر گرديد \_ حاجب الدوله حاجي محمدخان به حکومت خرقانین و خلعت همایون سرافراز شد \_ مسجد ملک در بلدهٔ كرمان كه از بناهاى قاورد بن چغر بيك بن ميكائيل بن سلجوق است حسب الامر به اهتمام شهاب الملک حکمران کرمان تعمیر شد ... مدرسه ای نیز به امر اعلی در كرميان به جهت تلامدة جناب حاجي سيدجواد مجتهد كرماني از نو ساخته اند \_ ميرزا سيدحسين وزير كرمان به منصب استيفا و خلعت همايون نايل شد ـــ روز هشتم رجب شاگردان مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات ، هریک مشهود و به انعامات شاهانه سرافراز گردیدند ـ این اوقات قرار و ترتیب جدیدی در امر قشون ظفرنمون دادند که مبتنی بر انتظامات کلیه و منتج ترقیات آتیه يود ــ ميرزا كاظم خان لله باشي مرحوم جلال الدوله به منصب استيفا از درجه چهارم نـايـل گـرديـد ـــ آقـاسـيـد ابوطالب روضهخوان ملقّب به صدرالذاكرين شد ـــ ميرزا محمّد رئیس دفتر وزارت خارجه به نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل سرتیپی و حمايل آن مفتخر آمد ــ حاجي رجبعلي خان سرتيپ توپخانه به رياست کل

اعتماد السلطنه

تویخانهٔ آذر بایجان برقرار گردید ـ جناب میرزا حسین خان مشیرالدوله را از درجهٔ وزیر مختاری و ایلچی گری مخصوص ارتقاء و به تفویض رتبهٔ سفارت کبری اعتلاء داده به یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ شمسهٔ موضع مخلّع فرمودند ــ جناب علاء الدوله رئیس قورخانه را به اعطای نشان تمثال بی مثال همایون سرافراز داشتند \_ حیدرقلی خان اللخاني سهام الدوله برشر تركمانان طاغية حدود خراسان ايلغار وبعد از جنگي سخت آنها را تدمير و تنبيه كامل نمود ــ نواب مؤيدالدوله پيشكار آذر بايجان به یک قطعه نشان امیرنویانی قرین افتخار آمدند ــ غلامحسین خان پشر مرحوم علیقلی خان نایب آجودانباشی به همین منصب سرافراز گردید ــ این اوقات اعتضادالدوله داعي حق را لبيك اجابت گفته حكومت استرآباد را به عهده اعتمادالدوله پسر آن مرحوم واگذار فرمودند و محمدعلی خان بیگلر بیگی به نیابت حکومت استرآباد برقرار گردید و عین الملوک پسر دیگر مرحوم اعتضادالدوله به منصب نظارت و خوانسالاری و لقب عین الملکی سرافراز شد، و حاجی میرزا يحيى خان كمافي السابق به نيابت حكومت مازندران مباهى مي باشد \_ نواب بهرام ميرزا معزالدوله به حكمراني ولايت عربستان وبروجرد و اعطاى يك ثوب جبة شمسهٔ مرضع سر بلند آمدند و میرزا زکی مستوفی به وزارت نواب معزی الیه و خلعت همايون نايل آمد \_ نواب والا فرهادميرزا معتمدالدوله حكمران كردستان به يك قطعه نشان اميرتوماني مكلّل به الماس قرين اختصاص گرديدند \_ على خان پیشخدمت خاصه به منصب تحویلداری وجوه نظام سرافراز آمد ... محمدمهدی خان که به منصب کشیکچی باشی گری مسبوق بود مجدداً به این منصب مفتخر گشت \_ این اوقات مجدداً شجاع الدوله امیرحسین خان شادلو و حیدرقلی خان سهام الدوله ایلخانی زعفران لو در صحرای اتک آخال بر طایفهٔ تکه مروی آخال نشین تاخته به كلَّى اين طايفة طاغيه را مقهور بلكه نابود نمودند \_ احتشام الملك يسر مرحوم احتشام الدوله به حكومت كاشان سرافراز آمد ـ سليمان خان سرتيپ اول افشار به حکومت و سرداری استرآباد سرافراز گردید ــ میرزا علی اکبرخان از ادارهٔ وزیر علوم به نيابت حكومت ملاير و تويسركان و لقب مقرب الخاقاني مفتخر گشت ــ نواب حشمت الدوله نایب وزیر جنگ به لقب جلیل امیرجنگی درجهٔ اختصاص یافتند ـــ

ميرزا عبدالرحيم خان وزير مختار دولت عليه كه مقيم يطرز بورغ بود ملقب به ساعدالملک شد \_ حاجي ميرزاعلي مشكوة الملك به حكومت همدان منصوب گردید ــ محمّدتقی خان افشار پیشخدمت خاصّه و امیرآخور اصطبل توپخانه به یک قطعه نشان دویـم سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد ــ روز شنبه ششم ذیحجه ده ساعت و سبی دقیقه و چهل و سه ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت به جمل تحويل نمود و سلام خاص در تالار شمس العمارة انعقاد يافت \_ حضرت شاهنشاهزاده افخم اكرم والانايب السلطنه رابه منصب جليل ولقب نبيل امیرکبیری درجهٔ امتیاز عنایت و به اعطای یک ثوب سرداری شمسهٔ مرضع و یک قطعه گل كمر مكلل به الماس مباهى فرمودند ــ نواب حشمت الدوله به حكمرانى مملکت خراسان منصوب و عزیزخان سردار کل کمافی السابق به سرداری کل نظام و غیبرنظام سرافراز گردید ــ محمّدآقای سرهنگ نایب اوّل سفارت دولت علیّه در در بار دولت انگلیس به اعطای منصب سرتیبی از درجهٔ سیّم و حمایل مخصوص آن سر بلند آمده که به محل مأمورتت خود روانه گردد ... میرزا محمدعلی خان اصفهانی شمس الشعراء مرحوم شد. (ژاپن) - اجرای قواعد و قوانین جدیده - اجازهٔ دخول فرنگیها در اغلب بنادر ـــ قرآر دادن شهر ید را رسماً پایتخت دولت ـــ سفرای فرانسه و انگلیس و ایطالیا و هلاند و پروس و اتائونی در این پایتخت منبعد سفارتخانه خواهند داشت \_ ایجاد مجلس شورای دولتی که اجزای آن تمام دیمُوسها (یعنی نجبا و اعیان) هستند.

اروپا \_ (اسپانیول)\_ نیابت سلطنت و اختیار کل دولت را رعیت به مارشال مرانه گذاشتند \_ شورش اهالی کوبا با کمال شدت \_ وبا و تب زرد نیز در این جزیره شایع است. (انگلیس) \_ مخارج جنگ حبشه که به مجلس وکلای ملت عرضه داشتند به هیجده کرور لیره که هر لیره عبارت از بیست و پنجهزار است رسیده است \_ فوت لرد در بی رئیس طایفهٔ توریها در سن هفتاد سالگی، (ایطالیا) \_ تولد پسر ولیعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را به شاهزاده ناپل، (بلژیک) \_ فوت ولیعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی، (روس) \_ شورش

اعتمادالسلطنه

طایفهٔ قالموق و قرقیز و تصرّف نمودن آنها شهر اولارکس را در حوالی دشت و بعد از تعاقب نمودن قشون روس آنها را پناه بردن آنها به خان خیوه ـ فرستادن امیر بخارا سفیر و پسر خود را به طور گروی به پطرز بورغ و کاستن شوکت امیر بخارا به واسطهٔ تصرّف روس تقریباً نصف مملکت او را و هرسال نیز مجبور است به جهت مخارج جنگ مبلغی به کارگذاران روس تسلیم نماید و پسر بزرگش نیز با او یاغی است ـ بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمیسل را.

امریکا \_ (اتائونی)\_ انتخاب رعیت ژنرال گران را به ریاست.

## [سنة ١٨٦٦ هجري = سنة ١٨٦٩ مسيحي]

آسیا ۔ (ایران) ۔ در این سال امور ملک و دولت را از پرتو نظر عنایت سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری رونقی به کمال است ــ حکومت اصفهان را مستـقلاً به میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان مفوض و معزی الیه را به خطاب جنابی و اعطای یک ثوب جبهٔ ترمیه پولک دوز شمسهٔ مرصع سرافراز فرمودند - نظر به خدمات مرحوم محتمداسمعیل خان وکیل الملک مرتضی قلی خان پسر آن مرحوم را به لقب وكيل الملكي وحكمراني كرمان وبلوچستان مفتخر داشتند ــ مستشارالملك خراسانی به نشان و حمایل از درجهٔ اوّل سرتیپی و پیشکاری کلّ خزاسان سرافراز آمد ـــ مـیـرزا خــانلر منشي وزارت امور خارجه به کارگذاري مهام خارجهٔ گیلان و نشان و حمایل از درجهٔ سرهنگی سرافراز شد ــ شاهزاده سام میرزا که از مدحت سرایان این دولت است به لقب شمس الشعرائی سرافراز گردید ــ نواب والا نـصـرت الدوله که به انتظام امور قورخانه برقرار بودند به منصب نیابت وزارت جنگ سرافراز شدند ــ لقب و منصب معيرالممالكي را برحسب استدعاي امير دوستعلى خان معيرالممالك به امير دوست محمدخان ولد مشار اليه مرحمت فرمودند ـــ على خان پيشخدمت خاصّه ملقّب به امين صرّه گرديد ـــ آقاخان سرتيپ را ملقّب به صمصام الدوله فرمودند \_ حبيب الله خان سرتيپ اول تنكابني به لقب ساعدالدوله سرافراز آمد ــ علیقلی خان سرتیپ و رئیس تلگرافخانه های ممالک محروسه ملقب

به مخبرالدوله گزدید ــ میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا مسعود وزیر دولخارجه سابق نیابت امور خارجه یافت ــ موکب همایون تشریف فرمای شهرستانک و قریهٔ دونا و گیچسر می باشد ــ میرزا زکی خان سرهنگ قورخانهٔ مبارکه به منصب سرتیپی سزافراز شد \_ علی خان سرتیپ کار پرداز اول دولت علیه مقیم تفلیس به نشان و حمایل سرتیپی سرافراز گردید ــ میرزا مهدیخان منشی وزارت امور خارجه به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد موکب همایون روز هشتم جمادی الثانیه از شهرستانک به سلطنت آباد نزول اجلال فرمود \_ جناب مسيو بكر كه به سمت وزير مختاري از جانب دولت روس مأمور اقامت دربار دولت عليّه بود وارد دارالخلافه و شرفياب حضور مبارک شد \_\_ آقاابراهیم آبدارباشی خاصه به لقب امین السلطانی و خلعت همایون سرافراز گردید ـ علیمنقی خان پسر کاظم خان فراشیاشی به سرهنگی فوج قهرمانیه شقاقی برقرار آمد \_ هم در این سال فتح اورامان کردستان به اهتمام نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان اتفاق افتاد و طوایف طاغیهٔ اکراد که روزگاری در سرحد مابین دولتين عليتين ايران وعثماني به قطع طرق و نهب اموال و بي اطاعتي ولات كردستان عادت كرده بودند تنبيهي بسزا ديده مخذول و مندفع الشر شدند \_ مرتخسی قملی خمان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید با حمایل از درجهٔ اوّل سرتیهی قرین مفاخرت آمد ــ جناب حاجى ميرزا حسينخان مشيرالدوله سفيركبير دولت عليه ايران مقيم اسلامبول به اعطای یک رشته حمایل آبی و یک رشته بند کاغذ مرضع قرین اختصاص آمد \_ نـواب ضیاءالدوله به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید ــ حاجی ميرزا يحيى خان نايب الحكومة مازندران به يك قطعه نشان شير و خورشيد و يك رشته حمایل از درجهٔ سرتیپی مفتخر شد ـــ روز بیست و سیّم رجب متعلّمین مدرسهٔ مباركة دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقيّات آنها مشهود افتاد \_ نواب اعتمضادالسلطنه وزير علوم را به يک ثوب سرداري شمسهٔ مرضع سرافراز فرمودند \_ چون محمدابراهیم خان معمار باشی عمارتی جدید حسب الامر در جاجرود بنا نموده که پسند خاطر اقدس ملوکانه افتاد مشارّالیه به اعطای یک قطعه گلکمر و نشان و

اعتمادالسلطنه اعتمادال

حمایل از درجهٔ سرتیبی سرافراز شد \_ نصرالله خان سرتیپ فوج فراهانی به لقب تبصيرالملكي مفتخر گرديد ـــ ميرزا محقدعلي مستوفي ولد مرحوم ميرزا محقدحسين عضدالملک ملقب به صدر دیوانخانه شد ــ حاجی شریفخان مستشار لشکر حاکم ترشيز و تربت برحسب استدعاى نواب حشمت الدوله حكمران خراسان به لقب مستشارالدوله گی مباهی آمد ــ حاجی محسن خان شار ژدافر دولت علیهٔ ایران مقیم لندن به اعطای منصب وزیر مقیمی در بار دولت انگلیس برقرار گردید ــ محتمدآقای سرتیپ که نایب اوّل سفارت دولت علیّه و مقیم لندن بود و به دارالخيلافة باهره احضار شده به منصب مستشاري سفارت مزبوره و خلعت همايون سرافراز و روانهٔ محل مأموریت خود گردید \_ نواب عمادالدوله حکمران کرمانشهان و لمرستان و نهاوند را احضار به دارالخلافه نمودند و روز عید فطر نواب معظم الیه را به نشان از درجهٔ سیم امیرنویانی سرافراز نمودند ــ کاظم خان فراشباشی ملقب به حاجب الدوله گردید \_ حاجي ميرزاعلي مشكوة الملك به منصب وكيل الرعايائي كل ممالك محروسه برقرار كشت كالاكتراطولوزان حكيمباشي مخصوص حضور همایون به یک قطعه نشان تمثال بی مثال مبارک قرین افتخار گردید ـــ امینحضور پیشخدمت خاصه را مأمور تنظیفات و انتظامات شهر دارالخلافه و حوالی فرمودند ـــ نبواب حشمت الدوله حكمران خراسان در تدمير طوايف تراكمه اهتمامات نموده و قاری قبلعه و طرن و قلعه ای موسوم به قوشه که از قلاع بزرگ طایفهٔ طاغیه است فتح نموده اند \_ غلامحسین خان سپهدار به وزارت عدلیه برقرار و منصوب گردید \_ چون به جهت برخی مواد سرحاتیه دایرهٔ مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی باید كميسيوني از طرفين مأمور و روانه سرحة شود ميرزا محبعلي ناظم دفترخانه وزارت خارجه به اعطای خلعت همایون سرافراز و به جهت مقصود مزبور مأمور سرحد شد \_ نظرآقیا به منصب شارژدافری و اقامت در بار دولت فرانسه و خلعت همایون و نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم سرتیپی با حمایل آن سرافراز شد ــ میرزا عبدالله نایب اول سفارت به لقب خانی و مستشاری سفارت برقرار گردید ... میرزا احمدخان نایب دویم سفارت به نیابت اوّل نایل آمد ــ بعضی بنّائیهای عمده در حدود و قلاع سرحدتیه استرآباد به امر دولت کردند ـــ میرزا زکی پیشکار عربستان و

بروجرد ملقّب به ضياء الملك شد ــ نواب شجاع السلطنه فتح الله ميرزا ابن خاقان مغفور داعی حق را لبیک اجابت گفت ــ جناب شیخ عبدالحسین مجتهد نیز در عشبات عالیات به جوار رحمت الهی پیوست ــ موکب همایون روز یکشنبه بیستم شهر شؤال از دارالخلاف به عزم سفر خیریت اثر گیلان انتهاض فرمود در غیاب موكب مسعود شاهانه حضرت شاهنشاهزاده امجد اكرم نايبالسلطنه اميركبير و جناب اجل آقای مستوفی الممالک به مهام ملکی می پردازند \_ از وزرای عظام نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم و وزير امور خارجه و ظهيرالدوله ملتزم ركاب اعلى می باشند ـ موکب مقدس دو روز در کن و دو روز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمود ــ روز بیست و پنجم شوال سنقرآباد مضرب خیام اجلال گردید ــ روز بیست و هفتم به قشلاق و روز بیست و هشتم به عبدلآباد و روز بیست و نهم ساحت هزارجریب را تشریف قدوم ارزانی فرمودند ـــ سلخ شوّال به قزوین و غرهٔ ذیـقـعـده از قزوین به قریهٔ آقابابا و دویم به قریهٔ کندی و روز چهارم به دره ملاعلی توجمه فرمودند ــ روز ششم بل لوشان که اول خاک گیلان است محل اردوی هـمـايون بود و روز هفتم ماه به منجيل و روز نهم په رستمآباد تشريففرما شدند ـــ پل منجیل به توسط جناب حاجی ملارفیع مجتهد در کمال استحکام ساخته شده است ــ روز دهم جـنگل امامزاده هاشم و كنار رودخانهٔ سفیدرود به ورود مسعود شاهانه زینت یافت ــ روز یکشنبه یازدهم شهر دارالمرز رشت را به قدوم بهجت لزوم مبارک آراستند و در این روز ژنرال قولی بکین حاکم بادکوبه و توابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس با جمعی از حکّام و صاحبمنصبان قفقاز به تهنيت ورود موكب اقدس آمده بود بار حضور مبارك يافت و قونسولهاي دول متحابة فرانسه و انگليس كه متوقف رشت بودند شرفيابي حاصل نمودند و علماء و معارف گیلان و لاهیجان در روز دیگر به حضور مبارک نایل شدند ـــ روز شانزدهم موکب همایون عزیمت انزلی فرمود ــ مجدالدوله از حکمرانی گیلان استعفا نموده زمام حكومت اين ايالت را به كف كفايت جناب مؤتمن الملك وزير امـور خــارجــه واگــذار فـرمـودنــد ــــ علما و اعیان انزلی و اردبیل و غیره که در انزلی شرفیاب شده بودند به خلاع همایون سرافراز گردیدند ... ژنرال قولی بکین به نشان

تمشال همایون مکلل به الماس سرافراز و سایر صاحبمنصبان روسی نیز هریک به نشان و حمایل از درجهای که درخور بود مفتخر گردیده مرخص شدند ... سيف الملک حاکم طوالش به نشان شير و خورشيد و خلعت همايون مباهي آمد \_ میرعلی اکبرخان دریابیگی به نشان سرهنگی و خلعت همایون نایل گردید ـــ لطف الله ميرزا سرهنگ توپخانه به نشان و حمايل سرهنگي سرافراز شد \_ تصرالله خان سرهنگ خارج از فوج به نشان و حمایل سرهنگی و شمشیر گل و ته طلا و حکومت گرگان رود مفتخر گشت ــ امان الله خان به حکومت طالش دولاب و غیره و اعطای شمشیر تهطلا، سربلند شد ـ رحیم خان به حکومت شاندرمین و شمشیر ته طلا، سرافراز آمد ـ سایر اعیان و بزرگان و صاحبمنصبان نظام و غیره نیز به عواطف شاهنشاهی مباهی گردیدند ــ روز بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانهٔ مبارک آباد واقع است و به راه پیر بازار وصل می شود موکب همایون عازم رشت گردید، و روز بیست و هفتم علما و اعیان رشت و غيرهم رابه عواطف وخلاع وانعامات ملوكانه قرين اختصاص ومباهات فرمودند ـــ روز سلخ قونـسولهای خارجه را به خلاع فاخره و اشیاء نفیسه مفتخر داشتند ـــ روز غرة شهر ذيحجة باليمن والسعادة ازشهر دارالمرز انتهاض وعزيمت صوب دارالخلافه فرمودند ـــ روز پانزدهم مقرّ سلطنت كبرى و دارالخلافهٔ ناصرى به فرّ قدوم بهجت لزوم شاهنشاهی دام ملکه مزین گردید ــ شب دوشنبه هیجدهم که شب عید غدیر بود بعد از گذشتن چهار ساعت و بیست دقیقه و سی ثانیه نیر اعظم از برج حوت به حمل تحویل نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انعقاد يافت \_ هم در اين سال خضرت اجل اكرم شاهنشاهزاده كامكار يمين الدوله حكمران فارس به لقب جليل ظل السلطان ملقب گرديدند ــ ميرزا رضا يسر مرحوم میرزا زین العابدین البرز به منصب مستوفی گری مباهی گشت ــ میرزا شفیع منشی وزارت خارجه به لقب خانی سرافراز آمد ــ محمّد کاظم خان ولد مرتضی خان قاجار به سرهنگی فوج دویم خاصه برقرار گردید ـــ محمدصادقخان سرتیب برادر شهاب الملک که به مکّهٔ معظمه مشرّف شده بود در عرض راه به رحمت ایزدی پیوست \_ آقاسید محمدباقر مجتهد قزوینی داعی حق را لبیک اجابت گفت.

اروپا ... (اطریش) ... مسافرت امپراطور اطریش به سمت مشرق زمین که از راه رسجق و وارنا به اسلامبول و از آنجا به یونان و از یونان به ژافا و از آنجا به بیت المقدس و از این شهر به مصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئیز حضور بهم رسانیده بعد مراجعت به فرنگ نمودند ـــ انعقاد معاهدهٔ تجارتی با پادشاه سیام و خاقان چین. (عشمانی) ــ خشنودی اعلیحضرت سلطان از اینکه دول فرنگ رفع مخاصمه او را بـا يونان نمودند ــ فوت فؤادياشا وزير امور خارجه در نيس از بنادر فرانسه ــ تفویض وزارت جنگ به حسین عونی پاشا که حاکم جزیرهٔ قندی بود به توسط عالى پاشا صدراعظم \_ مسافرت والى مُنتِنِكرو بدون اجازة اعلىحضرت سلطان به تـمـام فرنگستان و به روسیه و مراجعت نمودن به ولایت خود با پرنس دالقروکی که یکی از آجودانهای حاصه امپراطور روس است ــ مسافرت والی افلاق بغدان نیز به فرنگستان و مزاوجت با پرنسس الیزابت در سویس ــ خدیو مصـر که مغرور به الطاف اعليحضرت سلطان شده بود بدون اجازه و اذن باب عالى در قاهره افتتاح مجلس شورائي مي نمايك نير بي رخصت به فرنگستان سفر نموده سلاطين عظیم الشأن را دعوت به افتتاح نهر مجمع البحرین سویز می کند (هشتاد کرور و دویست هزار و هفتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بيست و هشت فرسخ و يكصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و در اين مورد حليم پاشا عموى خديو و مصطفى پاشاى برادرش كه از خواص اعليحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو می کنند، بنابراین صدراعظم عثمانی تهدیدنامه به خدیو مصر مى نويسد كه اولاً عدد قشون خود راكم كند، ثانياً بر عدد سفاين جنگي نيفزايد، ثـالـشأ هر سال كتابچهٔ خرج و دخل خود را به بابعالي اسلامبول انفاذ دارد، رابعاً بدون اجازهٔ اعلیحضرت سلطان نه مراودهٔ تجارتی و نه پولیتیکی با هیچ دولتی از دول فرنگ نداشته باشد، خامساً بدون اذن إعليحضرت سلطان استقراضي ننمايد \_ بالجمله بعد از ده سال كار به رياست فرديناند دُليشپس فرانسوي در هفدهم نوامبر این سال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئیز گردید \_ حضور اغلب از سلاطین و شاهزاده های بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مزبور به جز شاهزاده های خانوادهٔ انگلیس. (فرانسه) — فوت لامارتین شاعر معروف در اواسط زمستان — فوت مارشال نیل — وزارت جنگ ژنرال بولوف — چون این سال سال صدم تولد ناپلیون اوّل بود برای تبرّک و جشن در این خانواده ملکه و ولیعهد به جزیرهٔ گرس که موطن و مولد ناپلیون اوّل می باشد سفر می کنند — شدّت مرض امپراطور ناپلیون سیّم و به این واسطه هرج و مرج امورات — خطبه های شورش انگیز خواندن پرنس ناپلیون ابن عم اعلیحضرت ناپلیون — بروز و با در کمال شدّت در متصرّفات فرانسه در ماچین — مسافرت امپراطریس به مشرق زمین و حضور ایشان در مصر به موقع افتتاح نهر مجمع البحرین. (یونان) — مخاصمهٔ مابین این دولت و دولت عثمانی که بدواً از ابتدای شورش اهالی قندی بود و تا این زمان امتداد داشت و به واسطهٔ یک مجلس ابتدای شورش اهالی قندی بود و تا این زمان امتداد داشت و به واسطهٔ یک مجلس کنفرانس که در پاریس منعقد گردید مأمورین دول فرنگ که در آن مجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد — معدوم شدن شهر سنت مُر به واسطهٔ زلزله.

## [سنهٔ ۱۲۸۷ هجری = سنهٔ ۱۸۷۰ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ جناب مؤتمن الملک که حسب الامر چند روزی در گیلان اقامت داشت زمام انتظام آن ولایت را بر عهدهٔ میرزا عبدالوهابخان نایب الوزاره (جناب نصیرالدوله) واگذار نموده خود به خاکپای مبارک مشرف آمد \_ حکمرانی یزد را به نواب حسام السلطنه تفویض فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله) ولد نواب معظم الیه به وزارت میرزا محمدحسین مستوفی به نیابت حکومت آن ولایت رفت \_ عزیزخان سردار کل به وزارت و پیشکاری آذر بایجان سرافراز گشت \_ میرزا ابوالقاسم معین الملک به منصب متولیباشی گری حضرت رضوی علیه السلام سر بلند آمد \_ محمدقلی خان شاطر باشی ملقب به صارم الملک شد \_ سرایدار باشی به درجهٔ سرتیپی سیّم و نشان و حمایل آن نایل گردید \_ نقشهٔ اراضی شهر جدید دارالخلافهٔ ناصری را جعفرقلی خان رئیس مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون و میرزا عبدالغفار معلّم کلّ علوم ریاضی با بیست نفر مهندس کشیده به توسط نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم به حضور مبارک برده به سه هزار تومان انعام سرافراز شدند

\_ مجدالدوله به منصب اميرآخوري اصطبل مبارك سرافراز گرديد \_ عليرضاخان عضدالملک به اعطای نشان تمثال همایون درجهٔ اختصاص یافت \_ حکومت همدان را ضميمهٔ حكومت كردستان فرموده به نواب والا معتمدالدوله واگذار فرمودند و اميرزاده سلطان اويس ميرزا ولد نواب معظم اليه از جانب ايشان به حكومت همدان رفت \_ آقامهدي ملک التجار مرحوم شد \_ آقامحمد کاظم ولد آن مرحوم به منصب ملک التجاری ایران مفتخر گشت ــ علینقی خان سرتیپ فوج کزازی ملقّب به صمصام الملک شد \_ محمدحسین خان قراگوزلوپسر مرحوم علی خان نصرت الملک به لقب حسام الملکی مباهی گردید \_ میرزا محمدحسین خان نايب الحكومة اصفهان ولد صاحبديوان به نشان و حمايل سرتيبي سرافراز آمد \_ حاجى محمدقلي خان آصف الذوله وزير فارس به يک قطعه نشان تمثال همايون مباهى گرديد \_ اميرزاده اسمعيل ميرزا ولد نواب معزالدوله به نشان و حمايل سرتيبي سرافرازى حاصل نمود \_ ميرزا ابوطالبخان نائيني نايب الحكومة لرستان مرحوم شد \_ محمدحسين خان حاكم سمنان و دامغان به لقب اعتضادالملكي مفتخر گردید ــ یوسفخان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومی به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل امیرتومانی با حمایل آن قرین مفاخرت آمد و فوج حوى را نيز علاوه برسه فوج افشار ابوابجمع مشار اليه فرمودند \_ نواب اعتـضـادالسلطنه وزير علوم به يک قطعه نشان اميرنوياني مکلّل به الماس با حمايل آن درجهٔ اختصاص یافتند \_ میرزا سیداحمد مستوفی به حکومت ولایت عراق منصوب آمد \_ ميرزا على خان منشى حضور و نايب اؤل وزارت خارجه (جناب اميىن الدوله) به نشان از درجه ثانيه خارجه مباهى گرديدند ــ بنده مؤلف به اعطاى یک قطعه گل کمر مکلّل به الماس سر بلند شد ــ میرزا سیّدابراهیم سررشته دار ماليات خراسان به منصب استيفا از درجة چهارم نائل آمد و ميرزا محمدحسين پیشکار خمسه نیز به همین منصب سرافراز شد \_ مستشارالملک خراسان در ازای راه انداختن تداركات اردوى قارى قلعه و التزام خدمت نواب حشمت الدولة حمزه ميرزا به نشان تمثال همايون مفتخر گرديد \_ امان الله خان سرتيپ بهاء الملک لقب يافت \_ على خان يسر سليمان خان صاحب اختيار حكمران استرآباد به منصب

اعتمادالسلطنه اعتماد السلطنه

سرهنگی فوج اخلاص افشار اسدآبادی مباهی گردید ــ میرزا حسن خان پسر ارشد مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق به نیابت اوّل وزارت خارجه نایل آمد ــ مبيرزا اسدالله خان نايب اؤل سفارت دولت عليه مُقيم يطرز بورغ به كار پردازي اؤل تفلیس مأمور شد ــ میرزا عبدالله به مأموریت مخصوص بندرعباس سرافراز و به نشان و حمایل اوّل سرهنگی نایل گشت ــ جناب صاحبدیوان حکمران اصفهان به یک رشته حمایل آبی سیر قرین امتیاز آمد ـ از وقایع معظمهٔ این سال مسافرت بندگان اعلیحضرت شهریاری به ساحت عراق عرب و زیارت عتبات عالیات است چنانکه در سفرنامهٔ مخصوص همایونی به شرح رفته است ـ روز بیستم ماه جمادى الثانيه از دارالخلافة الباهره حركت فرمودند، رياست و حراست اردوى معلى با نواب حسام السلطنه است \_ در غياب موكب همايون حضرت اجل أعظم شاهنشاهزادهٔ والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اوّل به مهام ملکی رسیدگی می نمایند ــ اغلب از رجال دولت و خواص عملهٔ خلوت ملتزم ركاب اعلى مى باشند \_ ناظم افندى شار زدافر عثمانى و مسيو كربل نايب اول سفارت روس نیز همراه هستند کی روز سیزدهم رجب که عید مولود حضرت اميرالمؤمنيين على بن ابيطالب عليه السلام بود شهر همدان به قدوم بهجت لزوم مبارک مزیّن آمد ــ روز غرّهٔ شعبان عمارت عمادیّه در یک فرسنگی کرمانشهان واقع در کنار رود قراسو به قدوم مبارک مزین گردید ـ روز بیست و یکم تشریف فرمای خانقین شدند \_ از طرف دولت عثمانی اردوئی مفصل با تشریفات شایان و مدحت یاشا والی بغداد و کمال پاشا و غیره در سرحد حاضر بودند ـــ روز بيست و هشتم شعبان در حالتي كه طبقات ملتزمين ركاب اعلى با البسة رسميه حاضِر شده بودند به دارالسلام بغداد نهضت فرما شدند ــ تلگرام اخبار ورود هـمایونی و جواب تبریک ورود مسعود با کمال گرمی میانهٔ اعلیحضرت همایونی و اعليحضرت سلطان عثماني در همان ساعت گفته شد ــ روز بيست و نهم شعبان عزيمت زيارت كاظمين عليهماالسلام فرمودند وهمهجا ازطرف قرين الشرف همايون ملوكانه بذل انعامات شايان مي شد \_ روز هفتم رمضان المبارك وارد کر بـلای معلّی گردیدند و لدی الورود به زیارت خامس آل عبا حضرت سیّدالشّهداء

ارواح العالمين لهالفداء وبعدبه زيارت حضرت عبّاس وساير شهداء عليهم السّلام استسعاد فرمودند ــ روز سيزدهم براي تلثيم درگاه عرش اشتباه حضرت اميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه عزيمت نجف اشرف فرمودند ـــ هنگامي كه به روضهٔ مطتهرهٔ عملوی فایز شدند جیقهٔ الماس بریلیان که به تارک مبارک داشتند پیشکش آستان ملایک پاسیان حضرت کردند ــ روز بیستم معاودت به کربلای معلّی تسودند ـ روز بیست و چهارم رمضان عزیمت معاودت به صوب ایران فرمودند و همه جا انعامات و عطایای وافره و خلاع فاخره به طبقات خدام و دعاگویان و غیرهم مبذول داشتند ـ روز دویم شوال به عزم سرمن رای انتهاض فرموده روز ششم وارد آن شهر مینوبهر شده به زیارت عسکرتین علیهماالسّلام و مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالى فرجه فايز گرديدند ـــ و روز هشتم شوّال عزيمت معاودت فرمودند ... روز پانزدهم به خانقین نزول اجلال نمودند در این روز برای پاشایان و مأمورین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و متصدی خمدمات شده انفیه دان مرضع و انگشتری و شال و وجه نقد به قدری که شایسته بود ارسال داشتند ـ روز بيست وششم عماديه كرمانشهان به مقدم مبارك مزين گردید ــ روز بیست و سیّم دیقعده شهر قم به مقدم مبارک مزین آمد ــ روز سه شنبه غرة ذيحجه با ميامن سعادت و اقبال به دارالخلافة باهره و مقرّ خلافت عظمى نزول اجلال فرمودند \_ هم در اين اوقات وزارت عدلية اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را به عهدهٔ کفایت و کفالت جناب مشیرالدوله میرزا حسین خان مفوض و مرحمت فرموده معظمالیه را به اعطای یک ثوب جبّه شمسه دار و یک حلقه انگشتری الماس سرافراز داشتند ــ هم در این سال نواب والا معتمدالدوله حكمران كردستان را به اعطاى يك قبضه شمشير مرضع مكلّل به الماس قرين اختصاص فرمودند \_ حاجى رحيم خان صندوقدار خاصه ملقب به خازن الملك گردید ــ جانمحمدخان سرتیپ فوج خلجستان به لقب سیف السلطنه ملقب آمد ــ هم در این سال شاهنشاهزادهٔ امجد اعظم ظل السلطان را باریتعالی ولدی ذکور عطا فرموده به لقب جليل جلال الدوله و اسم گرامي سلطان محمود ميرزا موسوم و ملقب گردید ــ سلیمانخان صاحباختیار به نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گشت ـــ

ميرزا محتدحسين مستوفى وزير اميرزاده ابوالفتح ميرزا حكمران يزد به لقب ناظم الملكي مباهى آمد \_ ميرزا جعفر نايب الحكومة ملاير و ميرزا ابوالقاسم نايب الحكومة تويسركان به لقب خانى وخطاب مقرّب الخاقاني سرافراز آمدند ـ ميرزا عبيدالوهاب خان ولد مرحوم ميرزا محتدعلي خان وزير امور خارجة سابق نيابت اؤل وزارت علوم یافت ــ جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به یک قطعه دوات مرضع به الماس نايل گشت ــ ميرزا عبدالوهاب خان نايب الوزاره حکمران گیلان (جناب نصیرالدوله) به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مكلّل به الماس مفتخر گردید ــ میرزا عبدالوهاب مستوفی گیلان به نشان سرتیبی دویم و حمایل آن مباهی آمد ــ میرزا زکی ضیاءالملک به نشان و حمایل از درجهٔ مسرتیهی دویتم مسرافراز و روانهٔ عربستان شد و میرزا زین العابدین پسَر مشارّالیه به منصب لشكرنويسي قاجاريه برقرار گرديد ــ ميرزا هدايت پسر بزرگ لسان الملک به منصب استیفا سرافراز آمد و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشارّالیه به منصب انشای مخصوص مباهى گشت ــ نصرالله خان پشر امين الدوله مرحوم شد ــ ميرزا اسدالله مستوفى پسر مرحوم ميرزا موسى نايب به مرض سكته وفات كرد ــ لطف الله ميرزا حاكم سبزوار ملقّب به شعاع الدوله گرديد \_ حكومت كمره را به نواب محمّدامين ميرزا مرحمت فرمودند ــ هم در اين سال قبل از حركت موكب همايون به صوب عراق عرب راه از دارالخلاف تا خانقيان به توسط مسيو كاستيكرخان مهندس نمساوی در کمال خوبی ساخته و همهجا کالسکه رو شد.

اروپا \_\_ (اسپانیا) \_\_ استعفای ملکهٔ ایزابل از حقوق سلطنتی خود به اسم پسرش گنآلفنس در پاریس \_ شاهزاده هموهن زُلیرن به واسطهٔ ضدّیت فرانسه که نتیجهٔ جنگ پروس و فرانسه شد به سلطنت نرسید \_\_ بروز هواخواهان دُن کارلُس که داعیهٔ سلطنت داشت در ایالت نوار \_ داوطلب شدن دوک داوشت پسر دویم پادشاه ایطالیا برای سلطنت اسپانیا \_ تصدیق نمودن دولت اطریش و پروس این خیال او را و پادشاه شدن او به این مملکت \_ قبل از ورود به پایتخت ژنرال پریم که دوک داوست به حمایت او پادشاه شده بود به دست چند نفر اجنبی مقتول می گردد و

بعد از ورود به پایتخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر موسوم به آمِدِ دویم می گردد. (اطریش) ــ تعداد نفوس تمام ممالک اطریش در این سال به هفتاد و یک کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر رسیده است. (آلمان و فرانهه) - اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسانیا پرنس لأو بلت هٔوهٔنزُلیرن بنی عم پادشاه پروس را به سلطنت خود با وجود یک نسبتی که مابین خانوادهٔ سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است به خیال اینکه مبادا از یک سمت هم با یکی از شاهزاده های خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمآل از برای فرانسه مضر است دولت فرانسه با کمال سختی و تشدد به دولت يروس تكليف مى كند كه شاهزادهٔ مزبور را مانع از قبول اين سلطنت شود، از ابتدای گفتگو معلوم بود که کار بین دولتین پروس و فرانسه به منازعه خواهد کشید در این موقع انگلیس و ایطالیا و اطریش میانجیگری می کنند ولی بی ثمر می شود بـاوجودی که شاهزادهٔ مزبور به طیبخاطر استعفا از این عمل می نماید \_ مسيو بنه دتي سفير كبير فرانسه مقيم در بار پروس در شهر امس در گردشگاه خاصه پادشاه پروس را ملاقات نمبوده مستقیماً به ایشان تکلیف می کند که اولاً به خط خودشان عذرخواهي از دولت فرانسه بكنند، و ثانياً ضمانت كه شاهزاده هوهن زلرن نه حال و نه در آتیه وجهاً من الوجوه به خیال سلطنت اسیانیا نباشد \_ اعلیحضرت بادشاه بروس اعتنائي به سفير فرانسه نكرده بلكه او را غدغن مي كنند كه به حضور بادشاه نباید و مطالب خود را مستقیماً معروض ندارد ــ بعد از فرستادن این خبر به پاریس چه در در بـار و چه در مجالس دولتی و ملتی جز گفتگوی جنگ نیست \_ وكلاي سمت چپ خاصه مسيوطير هرقدر به دولت فرانسه تكليف مي كنند كه اسناد صحیحه که سبب این جنگ است بما بنمائید بعد اقدام به جنگ کنید دولت اعتنائی به این حرفها نکرده قشون بری و بحری خود را حاضِر می کند و بعضی جهال در پاریس به خیال رفتن به سفارتخانه پروس و غارت نمودن آنجا هستند و به مسیوطیر که برضد این جنگ است بد می گویند، ده کرور وجه مسکوک برای مخارج قشون بَرّی و سه کرور و صدهزار تومان به جهت مخارج عساکر بحری در ظرف سه روز برای دولت حاضِر می شود و از آن طرف پادشاه

یروس به سلاطین دول شمالی و جنوبی آلمان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلقین می کند که غرض این دولت اینست که بی حق و جهت از ما بهانه بگیرد و بـا ما جنگ کند و تفرقه در میان جمعیت ما بیندازد و شوکت و قدرت ما را بکاهد بنابراین دول جنوبی از قبیل باویر و ورتنبرگ و باد که تا آن زمان اتحادی با پروس نداشتند با این دولت متفق شده فی الواقع یک آلمان به تمامی بر ضد فرانسه برخاستند و تمام دول بدون استثناء سرداری قشون خود را به یادشاه پروس واگذار کردند، دولت انگلیس مجدداً وساطت و میانجیگری کرده ولی مثمرثمر نشد و از آن طرف تایلیون امیراطور فرانسه سرداری عساکر فرانسه را قبول نموده با یسر خود وليعهد وُلُبُف وزير جنگ به سرحد يروس حركت مي كند دول فرنگ تماماً بدون استشناء بي طرفي الختيار مي كنند، نايليون اميراطور فرانسه چنين تصوّر مي نمايد كه اگر به یک دسته قشون منتخب زیده خود را معجلاً به سرحد رسانیده همین قدر تخطی نـموده دو سه شهر کوچک از ممالک آلمان متصرف شود و از طرف دیگر دولت انگلیس و سایر دول معظیم را میانجی قرار دهد هم شکستی به آلمان على الخصوص به پروس وارد آورده و هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد كرده است،نیز بعضى شهرها را از اين طرف به مملكت خود افزوده است ولى غافل از اينكه درمقابل سيصد و ينجأه هزار نفر قشون فرانسه يك مرتبه دولت يروس يانصد وهفتاد هزار نشکر و هزار و پانصد عرّاده توپ حاضِر کرده است با سردارهای معتبر از قبیل فردریک شارل بنی عم پادشاه پروس و ولیعهد خود پروس و سایر سردارهای مجرب از قبيل اِسْتَن، مِنْس و مُلک و غيرهم. علاوه بر قشون معمول پنجاه هزار سوارهٔ اوهلان جلو قشون آلمان به طور پیش قراولی حرکت می کردند\_سار بُروک از شهرهای پروس در اوّل حسله با حضور امپراطور به تصر ف قشون فرانسه درآمد و از آن طرف در ویسانبورگ یک دسته قشون عمدهٔ فرانسه به سرداری مارشال ماکماهون شکست خـورده مـعدوم و متفرّق شد. سرداری قشون پروس با ولیعهد پروس بود. و روز دیگر مارشال ماکماهون با مختصر قشونی که داشت و زیاده از سی و پنج هزار نمی شد با یکمسدهنزار قشون پروس به سرداری ولیعهد پروس مقابلی کرده و تفصیل جنگ و خونریزی وُرْت چون زیاد معروف است ما به نگارش آن نمی پردازیم مجملاً بعد از

این شکست راه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد. پادشاه پروس که تا آن وقت ورود به خاک فرانسه نکرده بود وارد شد و شهر استراز بورگ را که از قبلعه جات سرحدى معظمة فرانسه است قشون باد محاصره نمود و بعد از چندى شهر متس که یکی از قلعه جات معظمه است به سرداری فردریک شارل محصور شد ... مارشال بازن سردار فرانسه با صد و بیست هزار قشون در متس متحصن شد و اغلب قبلاع فیرانسه نیز محصور گردید ـــ امپراطور ناپلیون از حوالی متس به طرف شائن به عقب نشست و عساکر پروس امپراطور را تعاقب می کنند ـــ از ابتدای جنگ تا این وقت از قشون آلمان صد و پنجاه هزار مقتول شده و از كار افتاده است ليكن على الا تصال از ممالك آلمان كمك مي رسد \_ تعاقب وليعهد يروس اردوى مارشال ماکماهون و اعلیحضرت نایلیون را از طرف دیگر ـــ مأمور کردن یک دسته از قشون پروس به مخاصرهٔ یاریس ــ مارشال ماکماهون هرقدر می خواهد به مارشال بازن وصل شده کاری از پیش بیرند نمی شود \_ عقب نشستن یک دسته از قشون فرانسه با نایلیون به طرف سدان ـ درمقابل این قشون که امپراطور ناپلیون درآنست شخصاً پادشاه پروس حرکت می کند \_ جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان \_ زخم منكر برداشتن مارشال ماكماهون \_ قشون فرانسه تسليم و زياده از ينجاه هزار نفر اسير شدند \_ اعليحضرت نايليون نيز تسليم گرديد \_ با قشون متوقّف قلعهٔ سدان هشتاد و پنج هزار قشون و چهارصد عرّاده توپ اردوئی و صد و پنجاه تـوپ قـلـعه و ده هزار اسب به چنگ پادشاه پروس افتاد ـــ حبس و اسـر ناپليون سيّم امیراطور فرانسه و فرستادن او را به یکی از قلعهجات در حوالی کاسِل ـ فرار ولیحهد پسر نایلیون به خاک بلژیک ــ حرکت دو اردوی مغتبر از قشون پروس به محاصرهٔ پاریس ــ خلع اهالی پاریس ناپلیون و خانوادهٔ او را از سلطنت و ایجاد دولت موقتی نمودن ــ فرار ملکه امپراطریس از پاریس ــ اعلان دولت جمهوری در یاریس به ریاست ژنوال تروشو ... عزل وزرای سابق و نصب وزرای جمهوری طلب ـــ مـــافرت مسيو طير به لندن و وينه و پطرزبورغ و ملتجي شدن به دول مذكوره به جهت میانجیگری میانهٔ فرانسه و پروس و مراجعت او بی نیل مقصد ـــ شهر ورسایل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص پادشاه پروس گردید ــ محاصرهٔ

یاریس از هر سمت ـ تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس به شهر تور ـ آتش گرفتن عمارت سلطنتی سن کلو در حوالی پاریس ــ تسلیم شدن مارشال بازن بـا تـمـام قـشون و قورخانهٔ خود و واگذاشتن قلعهٔ مِتس را به يروسها ـــ تصرّف قشون پروس اغلب قبلاع و شهرهای شمالی فرانسه را ــ کمال سختی زمستان و سخت گذشتن به محصورین و نبودن آذوقه در پاریس ـــ تاجگذاری یادشاه پروس در ورسایل که امپراطوری تمام مملکت آلمان باشد و اتمام این سال در حالتی که یاریس هنوز در بند محاصره است ـ دولت روس میل باطنی خود را در فتوحات یروس ظاهر می سازد و نشان سنت ژرژ که نشان جنگی دولت روس است از برای سردارهای قشون پروس انفاذ می دارد و با رضایت و اتفاق پروس بعضی از فصول عهدنامهٔ هزار و هشتصد او پنجاه و شش را که در مجلس کنگرهٔ پاریس منعقد نـمـودند به هم می زند ـــ دیگر فرانسه نیست که حامی و حارس عثمانی و ضامن آن عهدنامه باشد، و در نقاطی که در سواحل قرادنگیز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این خواهد ساخت و مستحکم خواهد نمود چون دولت پروس و اطریش تمکین این خيـال روس را كردنـد دولت انگليس هم لابد تمكين نمود ـــ مراودهٔ رجال دولت جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس به واسطهٔ بالون و کبوتر جلد \_ كار از كمي آذوقه طوري به محصورين پاريس سخت شده بود كه زياده از سه سیر گوشت یا نان در یک شبانه روز قسمت یک نفر نمی شد ــ رفتن اجزای دولت جمهوری موقتی از شهر تور به شهر بردو ــ مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد. (انگلیس) \_ فوت لرد کلاراندن وزیر امور خارجه در سن هفتاد سالگی \_ نصب لرد گرانویل بهجای او ــ دولت انگلیس جد کامل برای منع منازعه مابین فرانسه و پروس نموده ولی مثمرثمر نشد ــ یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسیانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد. (ایطالیا) ــ به محض اینکه اعلان جنگ مابین فرانسه و پروس می شود باوجود اینکه پاپ در مجلس شورای بزرگ و کشیشها و قسیتسین اثبات معصومیت خود را نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت

<sup>1.</sup> متن «ششصد»، در مرآت البلدان نيز ۱۸۵٦ آمده است.

١٩٢٧

فرانسه خارج شد و این دولت به واسطهٔ جنگ با پروس به خود مشغول گردید و عساکر خود را از رومه طلبید پادشاه ایطالیا رومه را بدون مخاصمهٔ زیادی از طرف عساکر پاپ متصرّف گردید ـ کوه معروف به مُنسینی که حد و سدّ مابین قرانسه و مملکت ایطالیا است و سیزده سال تمام بود که آن کوه را سوراخ می کردند در اوایل زمستان این سال به اتمام رسیده کالسکه های راه آهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور می کند. (دانهارک) ـ تعداد نفوس تمام این مملکت در این سال به سه کرور و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنج نفر رسیده است. (عثمانی) ـ اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شبکشتی از هر دولتی باشد بدون ممانعت وارد دو بغاز بُشفُر و داردانل شود ـ یانقین سخت در اسلامبول در محلهٔ ارامنه و فرنگیها که هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار اسلامبول در محلهٔ ارامنه و فرنگیها که هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بی خانه ماندند ـ شورش اعراب در حوالی نجد. (یونان) ـ تعداد نفوس این مملکت در این سال دو کرور و چهارصد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نود و جهار نفر می باشد.

امریکا ... (اتائونی) ... تعداد نفوس اهالی آتائونی هفتاد و هفت کرور و چهل و شش هزار نفر می باشد ... چهارده شهر در اتائونی هست که هر شهری علاوه بر صدهزار سکنه دارد.

## [سنهٔ ۱۲۸۸ هجری = سنهٔ ۱۸۷۱ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ در اوایل این سال خیرمآل رأی صوابنمای ملوکانه بر این علاقه یافت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام مسطور در ذیل هفته ای دو روز که روز شنبه و سه شنبه باشد در دارالشورای کبری حضور بهم رسانیده در مهام ملکی مشاوره نمایند: (نواب مؤیدالدوله)، (نواب ملک آرا)، (نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم)، (نواب والا نصرت الدوله وزیر جنگ)، (مجدالدوله)، (جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه)، (جناب میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر عدلیه و وظایف و اوقاف)، (جناب نظام الملک)، (جناب قوام الدوله)، (غلامحسین خان

اعتماد السلطنه

سيهدار)، (جناب دبيرالملك)، (دوستعلى خان معيرالممالك)، (جناب علاء الدوله)، (ياشاخان امين الملك)، (جناب ناصرالملك)، (جناب حسنعلي خان وزیر مختار) \_ جناب علاءالدوله نسقچی باشی به منصب جلیل فراشباشیگری سرافراز شد ــ ادارهٔ روزنامه جات دولت علیه و دارالطباعه های ممالک محروسه و دارالترجمهٔ دولتی را به بندهٔ مؤلف واگذار و روزنامهٔ دولتی را به اسم ایران موسوم فرمودند ــ حكمراني خراسان را علاوه برحكومت يزد برعهده كفايت نواب حسام السلطنه موكول داشتند ــ اميرزاده محسن ميرزا به منصب ميرآخوري سرافراز گردید \_ غلامحسین خان سیهدار حکومت قزوین یافت \_ حکومت مازندران را به جناب عضدالملک مرحمت فرمودند ـ حکومت عراق و کمره به جناب معتمدالملک تفویض شد \_ حکومت شاهرود و بسطام و نردین را به امین خلوت ميرزا هاشم خان واگذار فرمودند ــ ياشاخان امين الملک به منصب وزارت حضرت شاهنشاهزادهٔ اجل اعظم نایب السلطنه و پیشکاری دارالخلافه برقرار گردید ــ ادارهٔ چایارخانه های کل ممالک محروسه را به میرزا علی خان منشی حضور (جناب امین الدوله) سیردند ــ دفتر اشکر که مجزی از ادارهٔ وزارت جنگ بود به این اداره ملحق گردید ـــ جناب میرزا یوسف مستونی الممالک از وزارت اوّل و وزارت مالیه استعفا نمود ... محاسبات كل ممالك محروسه را به عهدهٔ جناب نظام الملك ميرزا كأظلم خنان منوكول و معزى اليه را مخلّع فرمودند و ميرزا داودخان برادر معزى اليه به نيابت ايشان برقرار گرديد \_ حكيم الممالك پيشخدمت خاصه ناظم دفترخانة مبارکه شد ــ جناب دبیرالملک به وزارت رسایل مخصوصه همایونی که مسبوق به . آن بود سرافراز گردید ... عمل جنس ممالک محروسه را به کفالت حاجی میرزا محمدخان مجدالملك واكذار فرمودند ــ مملكت آذر بايجان را بعد از فوت عزيزخان سردار كل به همان حكمراني حضرت اجل اعظم وليعهد دولت ايران و يهشكاري امهين لشكر ميرزا قهرمان ابقا فرمودند ــ اميرزاده عبدالحميد ميرزا مأمور خدمات نظامي آذر بايجان شد ... محمدعلى خان زين دار باشى به لقب امين السلطنه سرافراز آمد \_ جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف اشرف متوقف بود از اقرار دستخط همایونی امام جمعه آذر بایجان گردید ـــ محمّدقاسم خان

والى به وزارت حضرت شاهنشاهزاده اكرم افخم ظل السلطان حكمران فارس سرافراز شد ـ میرزا هاشم خان امین خلوت از اجزای دارالشورای کبری گردید ـ جناب حسنعلی خان وزیر مختار سابق فرانسه مأمور به وزیر مختاری اسلامبول شد ... منصب خوانسالاري به عهدهٔ كفالت عضدالملك مهردار و حكمران مازندران واگذار گردید \_ امین السلطان به منصب صاحبجمعی سرافراز شد \_ میرزاعلی خان سرهنگ به حمایل و نشان از درجهٔ سیّم سرتیپی نایل آمد ــ حکومت کاشان را علاوه مشاغل و مناصب ميرزا هاشم خان امين خلوت فرمودند \_ مجلس شوراى نظامی مجدداً برقرار شد ــ میرزا مهدی خان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار اعظم به لقب اعتضادالدوله ملقب وبرحسب استدعاى معزى اليه منصب كشيكىچى باشيگرى را به محمدميرزا ولد معزى اليه مرحمت فرمودند \_ اميرزاده بديع الملك ميرزا ولد نواب عمادالدوله بعجكومت لرستان و نشان و حمايل از درجه دویے سرتیہی سرافراز شد ــ میرزا محمدخان پیشخدمت خاصه ولد امینخلوت به منصب تفنگدار باشیگری برقرار گردید بروز دوشنبه سیّم ماه صفر امیراصلانخان مجدالدوله به جوار رحمت الهي پيوست حكومت عربستان و بروجرد را علاوه بر عراق و كمره به جناب معتمدالملك مرحمت فرمودند ــ حاجى ميرزا محمدخان مجدالملک در سلک وزرای دارالشوری منسلک گردید \_ عبدالعلی خان اديب الملك ييشخدمت خاصه به حكومت گليايگان و خوانسار سرافراز شد \_ حكومت اصفهان را علاوه بر حكمراني خراسان به نواب حسام السلطنه واكذار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله) با پیشکاری میرزا محمدحسین ناظم الملك روانة اصفهان گرديد \_ حاجي ميرزا رضاي كدخدا منصب وكيل الرعايائي يافت ... بعد از فوت مرحوم فرخ خان امين الدوله ميرزا هاشم خان امیس خلوت ملقب به امین الدوله گردید و میرزا محمّدخان تفنگدار باشی ولد میرزا هاشمخان امینخلوت لقب یافت ــ حکومت یزد را به امیر دوست محمّدخان ولد معیىرالىممالک واگذار فرمودند ــ میرزا محمّدعلى خان سرتیپ که مدتى کار پرداز بمبئى بود به لقب معين الوزاره و نيابت حكومت گيلان سرافراز شد \_ ميرزا هاشم خان امین الدوله منصب وزارت حضور یافت \_ دری از چودن برای در وازه

خيابان بابهمايون ريخته اند كه كمال امتياز و تعريف را دارد و اين اوّل نتيجه چرخ بخاریست که در کارخانهٔ دارالخلافه دایر گردیده ـ میرزا اسدالله خان كار يرداز تفليس به يك قطعه نشان شير و خورشيد از درجه سرتيبي دويم و حمايل آن سرافراز شد \_ میرزا اسحق خان کارپرداز سابق ارزنة الروم به منصب کار بردازی اوّل مأمور اقامت بغداد گردید و به اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجهٔ دویم سرتیپی سرافراز شد ــ حیدرقلی خان سهام الدوله ایلخانی و سردار کل خراسان «ایشان» سردار ترکمان را با هفتصد نفر سواره ترکمان خیوه که به عزم دستبرد حدود خراسان آمده بودند مقتول نموده معدودی از آنها فرار کردند ــ نواب صارم الدوله عليقلي ميرزا كه به دربار همايون احضار شده بود به حكومت نهاوند و مضافات برقرار گردید \_ محمدعلی خان سرتیپ ژنرال آجودان به سرتیپی فوج نظمیه دارالخلاف كه به منزلة پليس استنسرافراز شد \_ نواب ملك آرا به منصب كشيكچى باشيگرى برقرار آمد \_ جناب معتمدالملك به منصب وزارت مخصوص مفتخر گردید \_ در خراسان كار تسعیر غله بالا گرفته است \_ بندهٔ مؤلف به لقب صنیع الدوله و صدور دستخط همایون سرافراز گردید ــ میرزا زکی ضیاءالملک به حكومت عربستان و بختياري سرافراز آمد ــ رضاقلي خان للهباشي اميرالشعراء متخلص به هدایت در اواسط ربیع الثانی به رحمت ایزدی پیوست ــ میرزا زمان مستوفى نورى به درجهٔ اوّل منصب استيفا مفتخر آمد ــ ديوانخانهٔ عدليهٔ عظمى به وزارت مشيرالدوله كمال نفوذ را يافته وحكمي در اين اداره معطل و غيرمجري تميي مانيد \_ ابوالحسن خان ولد اميرحسين خان شجاع الدولة زعفر أنلو خاكم قوچان تدمیری بسزا از تراکمه که قصد تاخت و تاز ایز بان و آن حدود را داشته اند نمود ـــ ميرزا عبندالوهابخان نايب الوزاره كه در مأموريت خارجه آذر بايجان و حكومت گيلان خدمات نمايان نموده به لقب جليل نصيرالدوله ملقب گرديد \_ دارالشرجمه ای مرکب از مترجمین السنهٔ خارجه برقرار و بندهٔ مؤلف به ریاست این مجلس مأمور و مباهى آمد ـ اميرخان ولد محمدصالح خان كردبچه سرتيپ به سركردگي سواره كردبچه برقرار گرديد ــ حكومت همدآن را علاوه ساير مشاغل و مناصب جناب علاء الدوله فرمودند \_ بعد از فوت مرحوم ميرزا محمدحسين

ناظم الملک حسینقلی خان مافی به پیشکاری اصفهان سرافراز شد \_ میرزا حبیب الله ولد مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس به منصب لشکرنویسی مفتخر گردید جناب میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان به پیشکاری آذر بایجان و وزارت حضرت شاهنشاهزاده اعظم وليعهد دولت عليه ايران مياهي شد ــ اميرزاده ابراهيم ميرزا حاكم بروجرد احتشام السلطنه لقب يافت ــ محمّدباقرخان سرتيپ ملقّب به شجاع السلطنه گردید ـــ مرتضي قلي خان وكيل الملك حكمران كرمان و بلوچستان به عطای نشان تمثال همایون مفتخر گردید ــ چون اعلیحضرت امپراطور روس به سمت تفلیس تصمیم عزم داده اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه برای تبریک وصول اعلیحضرت امپراطوری به آن حدود نواب حشمت الدوله امیرجنگ را جمعی از صاحب منصبان بزرگ و نامه مهر علامه روانهٔ تفلیس فرمودند ــ این اوان دومرتبه در تـبـريز سيل آمده است مبلغ چهارهزار تومان نقد و يكصد و پنجاه خروار جنس در هذه السنه به رعیت و فقرای قم تخفیف دادند ــ همچنین ششهزار و هفتصد تومان به بعضی ازمنالهای دارالخلافه تخفیف مبذول فرمودند ـــ میرزا فتح الله خان سرهنگ از متعلمین مدرسهٔ دارالفنون به معلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار گردید ــ میرزا یوسفخان مستشار وزارت عدلیه به رتبهٔ سرتیپی اؤل خارج از قشون و حمایل و نشان شیىر و خورشید از آن رتب سرافراز آمد ـــ در خراسان تنبیه و تدمیر طایفهٔ تركمانيه به اهتمام سهام الدوله ايلخاني و قتل و اسر اكثري از تركمان را ـــ روز سيزدهم رجب كه عيد مولود مسعود حضرت اميرالمؤمنين على ابن ابيطالب سلام الله عليه است سلام عام منعقد و ذات ملكوتي صفات همايون در تالار تخت مرمر به سرير خسرواني جلوس فرموده و در همين موقع سلام جناب مشيرالدوله حاجي ميىرزا حسين خان را ملقب به سپهسالار اعظم و به منصب وزارت اعظم عسكريه سرافراز فرمودند و هم در این روز مبارک معیرالممالک وزیر خزانهٔ عامره را به لقب نظام الدّوله و به منصب وزارت ماليه ممالک محروسهٔ ايران مفتخر فرمودند \_\_ خضرت شاهنشاهزادة اجل اعظم ظل السلطان حكمران فارس كه احضار به دربار هـمـايـون شـده بـودنـد روز پانـزدهـم رجب وارد دارالخلافه شدند ـــ در راه عر بستان حسب الامر بعضي قلعه ها و استحكامات ساختند ـــ مسيو بل شار ژدافر فرانسه مأمور اعتماذالسلطنه اعتمادالسلطنه

اقامت در بار دولت علیّه وارد دارالخلافه و به حضور همایون مشرف شد ــ حاجی ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی به وزارت عدلیه سرافراز گردید ــ فقرای اطراف که به واسطهٔ خشکسالی به دارالخلافه آمده بودند همه را در قلعهٔ نصرت آباد جمع کرده قوت یومیّه برای آنها مقرّر داشتند ــ همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند به جهت هریک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسهٔ مخصوص به جهت ایشان اخراجات معين كرده به رياست و مراقبت ميرزا حسين خان كار پرداز مشغول تحصيل آداب و علوم هستند ــ جش عروسي حضرت اجل اعظم والا نايب السلطنه اميركبير كه صبية نواب حسام السلطنه عم اعليحضرت همايون شهرياري را به عقد مزاوجت حضرت معظم درمي آوردند در ماه شعبان اين سال بود \_ يک قبضه شمشير مكلل به الماس كه ده هزار تومان قيمت داشت به جناب سپهسالار اعظم مبذول و مرحمت فرمودند \_ حاجى سعدالدوله قنبرعلى خان به منصب اميرتوماني سرافراز گردید ــ روز بیست و نهم شعبان این سال جناب حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم را به منصب بزرگ صدارت اعظمی دولت علیه برقرار و منصوب فرموده یک ثوب جبهٔ ترمهٔ شمیه مرضع که از لباسهای خاص همایون بود با دستخط مبارک که حاوی شرح دستورالعمل صدارت عظمی بود به توسط جناب معتمدالملک وزیر مخصوص به افتخار جناب معظم اعطا و ارسال نمودند ـــ محتدمهدى خان اعتضادالدوله به ايلخاني گرى ايل جليل قاجار سرافراز شد \_ امين حضور پيشخدمت خاصه خازن صرف جيب همايون گرديد \_ حكومت سمنان و دامغان را به عهدهٔ ادیبالملک پیشخدمت خاصّه واگذار فرمودند ـــ جناب مسیو اليسون وزير مختار دولت انگليس مسيو انبله را كه از طرف دولت انگليس به سمت قنسولگری مأمور توقف در بار همایون است به حضور مبارک آورده معرّفی نـمـود ـــ عــــدالـحــــينخان سرهنگ يَسَر مرجوم اعتمادالسّلطنه در سنّ سي و هفت سالگی به مرض مطبقه و محرقه به رحمت ایزدی پیوست ــ نواب حشمت الدوله اميىرجنگ كه به جهت تهنيت مقدم اعليحضرت امپراطور روس روانه تفليس شده بود سلخ ماه شعبان مراجعت به دارالخلافه نمود \_ حاجى محسن خان وزير مقيم دولت علیه مأمور اقامت دربار دولت انگلیس به اعطای لقب و منصب وزیر

مختاری سر بلند گردید \_ این اوقات امتحانی از متعلّمین مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون تسموده هریک از معلمین و متعلمین و مباشرین را به عطای منصب و اضافه مواجب و انعام و خلعتی که لایق شناختند سرافراز فرمودند ـــ شخص اعتضادالسلطنه وزیر علوم را یک قطعه گل کمر الماس و جعفرقلی خان رئیس مدرسه را نشان و حمایل سرتیپی اول و مسیو ریشار معلّم را لقب خانی و میرزا علی اکبر کاشانی را لقب نقاشباشیگری اعطا فرمودند \_ حاجی محمد کریم خان کرمانی از اجله علمای شیخیه در راه عنبات عالیات به رحمت الهی رفت ـ برحسب استدعای نواب محسن ميرزاى اميرآخور محمدحسين ميرزاى ولد معزى اليه به منصب ميرآخورى منصوب شد ــ ماهي چندين هزار تومان از دولت به فقرا و ضعفائي كه به واسطة قحطی از اطراف ممالک محروسه پناه به دارالخلافه آورده اند مرحمت می شود، و مجلس اعانه ای برقرار شده است. رجال دولت نیز به قدرالامکان دستگیری و احياى نفوس فقرا را مى نمايند ... فوج نظميه را به اللهيارخان سرتيب فوج و سواره خرقانی واگذار فرمودند \_ میرزا حسن خان منشی تبریزی از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول به منصب منشنی اسواری صدارت عظمی نایل آمد \_ حکمرانی دارالخلافة طهران را مستقلاً به عهدة كفايت حضرت شاهنشاهزاده اعظم نايب السلطنه اميركبير عوض فرمودند و پيشكاري حضرت معظم و وزارت دارالخلافه محوّل به میرزا عیسی وزیر گردید \_ حکومت سوادکوه را ضمیمهٔ حکومت مازندران نموده به جناب عضدالملک مرحمت فرمودند \_ ریاست قراولی وجود مسعود همایون که با فوج سواد کوهی است خاص جناب مستطاب صدراعظم گردید \_ محمودخان سرتیب فومنی به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ ثالثهٔ خارجه سرافراز و به مهمانداری سفرا که از سمت گیلان به در بار معدلتمدار می آیند برقرار گردید ــ میبرزا ابوالقاسم معین الملک متولیباشی حضرت رضوی سلام الله علیه در رمضان این سال مرحوم شد ــ حاجی سلطان محمّد میرزای سیف الدوله به تولیت آستانهٔ مقدّسه حضرت رضوی علیه السّلام سرافراز گردید \_ از ابنیهٔ معتبرهٔ دولتی یکی خیابان الماسیّه موسوم به باب همایونست که به توسّط جناب علاءالدوله و دیگری آسیای بخار است که به توسط جهانگیرخان سرتیپ آجودانباشی قورخانه اعتماد السلطنه

تمام اسباب آنرا در قورخانهٔ دولتی ساخته اند در این سال به اتمام رسیده است ادارهٔ باغات مبارکات سلطنتی را تماماً به امین حضور پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند \_ نواب الله قلی خان ایلخانی که سالها در خارجه بسر می برد برحسب استدعای جناب مستطاب صدراعظم احضار به دارالخلافه شده در ماه ذیقعده به آستان مبارک آمد \_ عبدالرسول خان سرتیپ به حکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد \_ محتدحسن خان پیشخدمت خاصه تحویلدار نظام گردید \_ جناب معتمدالملک به منصب جلیل سرکشیکچی باشیگری مباهی آمد \_ نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول به حکومت شاهرود و بسطام مفتخر گشت \_ پاشاخان امین الملک به وزارت جلیلهٔ عدلیهٔ عظمی منصوب گردید \_ حاجی میرزاعلی مشکوة الملک به حکومت همدان سرافراز شد. (چین) \_ معاهدهٔ مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی. (ژاپن) \_ ایجاد مدرسهٔ دارالفنون برای تعلیمات علوم فرنگی در پایتخت.

اروبا — (اطریش) — تفویض وزارت خارجه به کنت اندراسی که یکی از اهالی مجارستانست. (آلمان و فرانسه) — پذیرائی رسمی پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسایل حوالی پاریس در اوّل عید فرنگیان که مقارن اواسط زمستانست — محاصرهٔ پاریس و قلعه جات اطراف آن با کمال شدت — بیست و یک روز تمام نارنجک توپخانهٔ پروس به شهر پاریس می بارید — تفویض امپراطوری تمام ممالک آلمان به میل اهالی آن مملکت به پادشاه پروس و تاجگذاری ایشان — اهالی شهر پاریس یعنی جمهوری طلبان سخت درصدد انهدام و حرق دارالحکومهٔ شهر پاریس هستند سیوبیزمارک و قبول او به شرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند — انتخاب وکلای ملت در ولایات فرانسه — یراق چینی قشون در پاریس به توسط عساکر آلمان و جریمه نمودن امپراطور آلمان اهل شهر پاریس را به چهل کرور تومان ایران — عدهٔ عساکری که در این وقت دول آلمان در خاک فرانسه کرور تومان ایران — عدهٔ عساکری که در این وقت دول آلمان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند به نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب رسیده بود، و از

استدای جنگ تاکنون صد و هفده هزار و بیست و نه نفر از قشون آلمان تلف شده بودند، هفتاد و نه بیرق و پنجهزار و هشتصد و هفده توپ و صد و هفتاد و یک عرّاده توپ میترای پُر و چهارصد هزار اسیر از قشون فرانسه به تصرّف عساکر آلمان درآمده بود ــ تعیین وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه به ریاست مسیو طیر ــ نصب مسیو ژولفاور به وزارت خارجه و گفتگوی او با مسیوبیزمارک به جهت عمل مصالحه ... بالاخره در بیست و ششم فوریه امضای عهد مصالحه از طرفین در ورسایل شد به شروط مفصلهٔ ذیل: اوّلاً، واگذاشتن ایالتین الساس و لُرن به امپراطور آلىمان ــ ئانياً معادل هزار كرور تومان ايران خسارت جنگ دادن ــ ثالثاً قلعه جات متس و استراز بـ ورگ را ملک طلق دولت آلمان دانستن \_ بعد از انعقاد مصالحه جميع سلاطين كوچك آلمان از خاك فرانسه معاودت به اوطان خود نمودند ـــ امپراطور آلمان نیز در بهار بعد از اینهمه فتوحات نمایان به برلن پایتخت خود وارد گردید و ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده بهسمت انگلیس روانه گردید و درقصر اسلیش هوژن حوالی لندن اقامت جست ــ افتتاح مجلس پارلمنت آلمان به توسط امپراطور بشخصه بدادن لقب شاهزادگی به مسیو بيزمارك از طرف اعليحضرت اميراطور آلمان ـ واگذاشتن دول آلمان اختيار عساکر بری و بحری خود را به امپراطور جدید گیلیوم پادشاه پروس ــ جمعیت تمام ممالک آلمان در این سال هشتا دو دو کرور و صد و هفتهزار و هشتصد و چهل و نه نفر است. (انگلیس) ــ در مجلس وکلای دولت لردگرنویل وزیر امور خارجه چندان اهمیّتی برای خیالات دولت روس در اینکه دریای سیاه برای عبور و مرور کشتیهای او آزاد شود قرار نداده که فی الواقع یکی از فصول عهدنامهٔ موسوم به پاریس که بعد از جنگ قرم منعقد شده بود دولت روس باطل می سازد \_ ناخوشی سخت وليعهد دولت انگليس در زمستان اين سال ــ تعداد نفوس سه جزيرهٔ انگليس در این سال به شصت و سه کرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت نفر رسیده است. (ايطاليا) ــ ورود وليعهد اين دولت و زوجهٔ او به شهر رومه و توظن نمودن در این شهر ــ تعهد نمودن پادشاه ایطالیا که مداخله در اقتدار روحانی پاپ ننماید، و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانهٔ دولت مواجب در حق اعتمادالسلطنه ۱۹۳۱

یاب برقرار گردید لیکن یاب قبول ننمود ــ ورود یادشاه ایطالیا به شهر رومه در تابستان و این شهر را پایتخت دولت ایطالیا نمودن و در قصر کیرنیال که از پایها بود منزل گزیدن \_ افتتاح راهآهن منسینی که یک شعبه از کوه آلپ را سوراخ نموده بهطور دالان و راه آهن مملكت فرانسه را به راه آهن مملكت ايطاليا اتصال دادند ـ طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست متر است و عرض آن به قدری که یک کالسکه می رود و یکی می آید. (روس) ــ مراودهٔ تلگرافی این دولت با ژاپن ـ از ژاپن تا پطرز بورغ یازده هزار هزار ذرع مسافت است و اوّل مخابرهای که از ژاپن به پطرز بورغ رسید در مدت ده ساعت و پنج دقیقه بود ــ جمعیت مملکت روس در این سال به صد و شصت و چهار کرور نفس رسیده است. (عشمانی) - فوت عمر پاشا سردار اکرم - فوت عالی پاشای صدراعظم -اقتدار كامل سفير روس ژنرال اكناتيف در اسلامبول ... اعليحضرت سلطان عبدالعزيزخان خيال دارد كه برخلاف فانونى كه در سلسلة جليلة سلاطين عثمانيست كه ولايتعهد به ارشد اولاد مي رسد مراه افندي ولد عبدالمجيدخان مرحوم را كه ولايتعهد دارد خلع نبايد ويسر سيزده ساله خود عزّالدّين افندي را وليعهد سازد. (فرانسه) \_ بعد از معاودت قشون آلمان از اطراف پاریس و ورود و کلای ملت و رئیس جمهوری جدید به ورسایل جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس اسم خود را کمونیست گذاشته بر ضد این دولت جمهوری به ریاست مسیوطیر که در ورسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیهٔ عالیهٔ شهر را مثل عمارت سلطنتی توبلری دارالحکومه، و عمارت وزارت مالیه، و دارالشورای خاصه، و عمارت وزارت عدلیه و غیرها را آتش زده و چند نفر از معارف را که یکی از آنها كيشيش بزرگ ياريس بوده به قتل رسانيدند ــ تفويض سيهسالارى كل عساكر فرانسه به مارشال ماكماهون ــ خراب كردن كمونيستها خانهٔ مسيوطير را در شهر \_ جنگ سخت کمونیستهای شهری با قشون دولتی \_ غلبهٔ قشون دولتتی بر یاغیان و گرفتن سی هزار نفر اسیر از آنها ... وکیل نمودن جمعی از رعایا دونفر از شاهزاده های اولاد لوی فلیب بادشاه سابق فرانسه را \_ فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سنّ شصت و هشت سالگی ــ زمستان سخت این سال در

پاریس که نود سال بود زمستانی به این سختی ندیده بودند \_ نود و دوهزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ پروس کشته شدند و تقریباً همینقدر در ایام اسیری از گرسنگی و بیچارگی تلف شدند \_ علاوه بر یک هزار کرور وجه نقدی که دولت فرانسه متقبّل شد که به دولت آلمان تسلیم کند معادل هزار کرور تومان ایران نیز مخارج جنگ و خسارات دیگر برآورد شد \_ سه کرور و نود و هفت هزار و دویست و بیست و هشت نفر سکنهٔ الساس و لُرن از تبعیت فرانسه خارج شده جزو دولت آلمان شدند.

آمریکا \_ (اتائونی) \_ شهر شیکاگه که سیصد و ده هزار سکنه داشت در مدت پنج شبانه روز علی الا تصال مشتعل و به واسطهٔ یانقین سختی محترق می شود \_ پانصد نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرور تومان ایران خسارت به مردم وارد می آید. (برزیل) \_ مسافرت امپراطور و امپراطریس به ممالک فرنگ و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان به دختر امپراطور. (پرو) \_ در مملکت پرو یک شهری موسوم به هوپ به واسطهٔ طغیان آب معدوم گردید \_ مصالحه مابین پرو و اسپانیا به وساطت دولت برزیل،

#### [سنة ١٢٨٩ هجرى = سنة ١٨٧٢ مسيحي]

1944

آسیا — (ایران) — از بدو این سال خیرمآل به میامن اقبال بی زوال همایونی اسباب مزید ترقی و انتظام در کار دولت فراهم است — حکومت خمسه را به نواب والا محمدتقی میرزا رکن الدوله مرحمت فرمودند — حکومت قزوین را به نواب الله قلی میرزای ایلخانی مفوض داشتند — پل حاجی واقع مابین استرآباد و آق قلعه را با کمال استحکام ساختند — ادارهٔ ورقهٔ دولتی را به این چاکر سپرده و به اعطای یک قطعه گل کمر سرافراز فرمودند — محمدکاظم خان ولد مرتضی خان قاجار منصب سرتیبی سیّم یافت — قاسم خان والی حکمران فارس شب یازدهم محرّم به مرض حصبه درگذشت — جلال الدین میرزا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) مرحوم شد — علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عمادالدوله وفات نمود — جناب آقاعبدالله شد — علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عمادالدوله وفات نمود — جناب آقاعبدالله

اعتمادالسلطنه اعتماد

مجتهد كرمانشهاني به رحمت الهي پيوست ــ كلب حسين خان امين نظام داعي حق را لبيك اجابت گفت ــ حكومت كرمانشهان و توابع را به عهدهٔ نواب مؤيدالدّوله واگذار فرمودند \_ حکمرانی خورستان و لرستان را به نواب حشمت الدوله حمزه ميرزا اميرجنگ مرحمت فرمودند \_ چون جناب مستطاب صدراعظم جشن مولود همایون را در دو شب و یک روز زایداً ماکان با جلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان به مخارج این جشن سعید رسانیدند پاس خدمات جناب معظم را یک عدد قلمدان طلا مکلّل به الماس بریلیان به جناب معظم مرحمت فرمودند \_ حكومت بـروجـرد و تـوابع به عهدهٔ نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم مرحمت شد ـــ حكومت ايالت گيلان را به دوستعلى خان نظام الدوله وزير ماليه تفويض فرمودند ــــ قوچه سردار تركمان كه با دوهزار سوار تراكمه به عزم تاخت و تاز به سرحدات خراسان آمده بود خود او و اکثری از همراهانش مقتول و اسیر سیاه منصور شدند ـــ مستر اليسون وزير مختار دولت انگليس در دارالخلافة طهران وفات نمود \_ ركيب خانة مباركه را به عهده غلامحسين خان پيشخدمت خاصه واگذار فرمودند \_ امر کشیکخانهٔ مبارکه و منصب جلیل کشیکچی باشیگری را به جناب علاءالدوله واگذار نمودند \_ میرزا صادق قایم مقام که چند سال بود به ناخوشی فلج و امراض ديگر مبتلا بود در اين اوان به رحمت الهي پيوست ــ در ماه ربيع الاول اين سال راپورتی جناب مستطاب صدراعظم به جهت بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدیده نوشته موشح و ممضى به امضاى همايوني داشتند ــ منصب ايلخاني گرى ايل جليل قاجار را به نواب والا عزالدوله عبدالصمد ميرزا مرحمت فرمودند \_ محمدتقي خان افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانهٔ مبارکه نیز به عهدهٔ معزیالیه است به لقب حاجب الدوله و منصب فراشباشيگري برقرار و به اعطاي يک قبضه عصاي مرضع سرافراز گردید \_ نواب ملک آرا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) به رحمت الهى رفت \_ حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حكمران فارس به اعطای یک قطعه نشان امیرنویانی از درجهٔ اوّل مباهی گردیده مراجعت به مقرّ حكمرانى فرمودند \_ محمدصالح خان سرتيپ كردبچه مرحوم شد \_ ميرزا مصطفى قلى خان مستوفى نورى درگذشت \_ ميرزا سيداسمعيل كلانتر سابق كه

زياده از هفتاد سال داشت وفات نمود \_ جناب ناصرالملک محمودخان رئيس مجلس شورای عسکریه به منصب امیرتومانی سرافراز شد ــ میرزا فضل الله توری وزير نظام سابق كه تقريباً هشتاد سال داشت مرحوم شد \_ ميرزا رضاي نجم الماک نیز به رحمت ایزدی پیوست ــ مرحومین این سال اغلب به مرض حصبه که بعد از غلا بروز کرده بود مبتلا بوده اند ــ حکومت اردبیل را به محمدرحیم خان سرتيب شامبياتي محوّل فرمودند ــ جناب اشرف ياشا وزير مختار دولت عثماني مأمور اقامت در بار دولت عليه در عشر آخر ربيع الثاني وارد دارالخلافه شده به حضور مبارک تشرّف جست ــ روز غرهٔ جمادی الاولی موکب همایون عزیمت ييلاق لار فرمود \_ جناب آخوند ملازين العابدين مجتهد گلپايگاني كه هشتاد سال از سنشان گذشته بود به جوار رحمت الهی پیوستند ــ حاجی میرزا رحیم پیشخدمت و ناظم دفترخانهٔ مبارکه مرحوم شد ـــ امسال برخلاف سال قبل آبها زیاد، زراعتها خـوب، محصولات وافر، انواع نعمتها و ارزاق فراوان و ارزان، و قاطبة مردم مرقه و شاكر هستند ــ قتل و اسر و تنبيه طايفة تراكمة طاغيه در حدود خراسان ــ راه از آمل به دارالخلافه را به امر همایون می سازند \_ میرزا ملکم خان ناظم الملک لقب یافت \_ بشیرخان آغاباشی مرحوم شد و حاجی آغاجوهر به منصب خواجه باشیگری سرافراز شد ــ موکب همایون از لار تشریف فرمای ساحت نور و کجور و ساحل دریای خزر شده مراجعت به شهرستانک فرمودند \_ محمدحسین خان ولد محمدتقى خان حاجب الدوله به منصب پيشخدمتى حضور همايون سرافراز و محمّدخان ولد دیگر حاجب الدوله به نیابت معزی الیه به ریاست اصطبل توپخانهٔ مباركه برقرار آمد ــ بيوك خان سرتيپ اول افشار به لقب اقبال الملكي ملقب شد ــ نـواب نـــرالـدوله مجدداً به حكمراني ترشيز برقرار گرديد ــ عبدالباقي خان افشار مجدداً به حكومت جام و باخرز نايل آمد ــ عبدالله خان ولد جناب علاء الدوله به منصب قوللر آقاسي باشيگري مفتخر گرديد \_ محمدحسن خان ولد كهتر جناب علاء الدوله به منصب نسقچی باشیگری سرافراز شد \_ میرزا کاظم گیلانی که از فحول حكما و اطبّا است به لقب ملك الاطبّائني سربلند آمد \_ حضرت شاهنشاهزادة اجل اعظم وليعهد دولت عليه ايران سلطان مظفرالدين ميرزا ادامالله

اقباله العالى كه احضار به دارالخلافه شده بودند روز هشتم شعبان وارد شدند \_ موكب هممايون روز چهاردهم شعبان تشريف فرماى عمارات سلطنتي دارالخلافه گردید، و در این روز یک توب جبهٔ ترمه، دور مروارید شمسهٔ مرضع به جناب مستطاب مشيرالدوله صدراعظم مرحمت واعطا فرمودند ... ميرزا ملكم خان ناظم البملك مستشار صدارت عظمي به نشان تمثال همايون درجة افتخار يافت ـــ مكتب مجانى از براى تحصيل السنة خارجه و علوم متنوّعه به اهتمام مؤلف داير شد ــ ناظم الملک ميرزا ملکم خان به وزارت مختار و مأموريت به اقامت لندن، و اعلان عزیمت موکب اعلا در سال آتیه به فرنگستان، در نیمهٔ رمضان روانهٔ فرنگستان شد ــ دکتر طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقتاً رخصت مسافرت به فرانسه یافته بود این اوقات معاودت کرده به خاکیای همایون مشرف و به یک قوطی انفیه دان مرضع به الماس سرافرازی حاصل نمود ــ جناب حسنعلى خان كه سابقاً از جانب دولت عليه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزير مختبار بودند به وزارت فوايد عامه منصوب گرديدند ــ حضرت شاهنشاهزادهٔ اجل اعظم كامكار وليمهد دولت إيدآيت را به يك قطعه نشان از درجة اول اميرنوياني مكلل به الماس بريليان قرين اعزاز فرموده و پس از رخصت ملوكانه معاودت به مقر حکومت آذر بایجان فرمودند ــ جناب اشرف یاشا وزیر مختار دولت عشمانی به بابعالی احضار و جناب منیف افندی به جای او برقرار گردید و حین روانگی اشرف یاشا جناب معزی الیه را به نشان اوّل شیر و خورشید و حمایل سبز و عطای یک قطعه قوطی انفیه مکلّل به الماس با طغرای ملوکانه مباهی فرمودند و قوطی مزبور صلهٔ قصیدهٔ غرّائی بود که در مدح اعلیحضرت همایون انشاد کرده بود ... حاجى شهاب الملك امير توپخانهٔ مباركه به حكومت خراسان سرافرازى حاصل نسود \_ در اوایل ماه ذیقعدة الحرام لایحهٔ جناب مستطاب مشیرالدوله صدراعظم در باب تشكيل دربار اعظم نوشته به عرض همايون رسانيدند و صدر آن لايحه به دستخط مبارک موشح گردید، و در آن لایحه ترتیب و تعداد وزارتخانه های در بار دولت از این قرار بود: (وزارت داخله)، (وزارت خارجه)، (وزارت جنگ)، (وزارت مالیات)، (وزارت عدلیه)، (وزارت علوم)، (وزارت فواید)، (وزارت ١٩٣٩) اريخ منتظم ناصري

تجارت و زراعت)، (وزارت در بار)، (صدارت عظمی) که مسئولیت کل وزارات و ادارات دولتی برعهدهٔ صدراعظم است ... نواب معزالذوله به حکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیدند ــ ایجاد سائنامه در دولت علیه شد ــ ایجاد چراغهای یایه چودن برای خیابان ناصریه و غیره نیز از مخترعات این سال است ــ جناب كنت دويسكى وزير مختار دولت آستريه كه علاوه بر مأموريت و اقامت دربار هـمـايـون مـأمـور بـه دعوت اعليحضرت قوى شوكت شاهنشاهي به مملكت آستريه و تسماشاي بازار اكسيوزيسيون وينه بود بيستم ذيقعده وارد دارالخلافه شده شرفياب حضور مبارک گردید و نامهٔ اعلیحضرت امپراطور را با بعضی هدایا تبلیغ کرد ــ ميرزا يوسف خان مستشار سابق ديوان عدالت به نيابت وزارت خارجه و مباشرت مهام خارجه آذر بایجان برقرار گردید ــ میرزا نصرالله خان منشی خاصهٔ وزارت خارجه به نیابت وزارت خارجه نایل آمد ــ میرزا محمودخانِ وکیل به کار پردازی حاجبي ترخان مأمور گرديد \_ نزديك آخر اين سال خيرمآل حقوق ديواني عموم طبقات نوكر از جيره و مواجب و عليق الدواب به اهتمام جناب صدراعظم پرداخته شد \_ در ماه ذیحجهٔ این سال امتحانی از متعلمین مکتب مجانی که به اهتمام بندهٔ مؤلف داير است به عمل آمده بعد از تمجيدات شايسته جناب صدراعظم مكتب مزبور را به لقب خود موسوم و مكتب مشيريّه ناميدند و بسيارى از متعلّمين را به مدال و نشان نقره و مس و انعامات مفتخر داشتند ـــ یک قطعه نشان اقدس که اوّل نشان این دولت ابدآیت است به جناب مستطاب صدراعظم اعطا و مرحمت شد ــ باشاخان امین الملک وزیر عدلیه در بین راه حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام روز هیجدهم ذیحجه از درشکه پرت شده و به همان صدمه روز نوزدهم مرحوم شد \_ نواب والا معشمدالدوله حكمران كردستان را موقتاً از محل حكمراني خود به دارالخلافه احضار فرمودند كه در غياب موكب همايون و اوان تشريف فرمائي به فرنگستان به معاونت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایبالسلطنه امیرکبیر به مهام کشوری ولشکری رسیدگی نمایند. (ژاپن) ــ یانقین سخت در شهر ید پایتخت \_ فوت سیصد و پنجاه نفر و بی مسکن و مأولی ماندن سی هزار نفر ـــ اقتدار سلطنت جسمانی و روحانی میکاد و فرستادن جمعی از جوانان به مملکت فرنگ

اعتماد السلطنه

به جهت تحصيل.

اروبا \_ (اسبانیا) \_ در ایالات بیسکاری و ناوار، دُن کارلس نامی از شاهزاده های أسیانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را به دور خود جمع می نماید ــ در یکی از شبهای تابستان جمعی قصد قتل پادشاه و ملکه را می نمایند ولی صدمه و آسیبی به آنها وارد نمی آید. (آلمان) ــ در دویم ماه مارس که مقارن با روز امضای عهدنامهٔ صلح مابین آلمان و فرانسه منعقده در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و ببلاد آلیمیان گرفتند نے به بیست نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادتی بروز داده بودند از طرف امپراطور علی قدر مراتبهم انعامات بذل و اعطا شد، از جمله به پرنس فردریک شارل، و کنت دملک، و ژنرال رون، و ژنرال مُنتَفِل، معادل چهارصد هزار تومان يول ايران كه هر نفرى صدهزار تومان باشد انعام داده شد \_ مسافرت اميراطور آلمان به معالك جنوبي آلمان به جهت سركشي قشون آن مسالک ... ملاقات امپراطور روس و امپراطور اطریش با امپراطور آلمان در بران و مستحکم نمودن مبانی دوستی فیمایین را. (انگلیس) ــ نزاع عساکر هندوستان با طایفهٔ یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت ـ قتل ارمایو فرمانفرمای هند به دست شخصی از مسلمانان ـ نصب لرد نُرتبُروک به فرمانفرمائی هند ـ جشن اهالي انگليس به جهت سلامتي مزاج وليعهد ــ طپانچه انداختن به سمت پادشاه انگلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم الیها از آن ــ ابتیاع نمودن دولت انگلیس بعضی از متصرفات هلاند را در افریقا ــ مراجعت اِستِنلی وخبردادن از سلامتی لونگستُن مسافر معروف ــ دولت انگلیس شش کرور و دویست و پنجاه هزار لیره به دولت اتائونی ینگی دنیا خسارت کشتی موسوم به آلاباما که در بنادر انگلیس ساخته شده و در جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب اتائونی اهالی جنوب آن کشتی را ابتیاع نموده و به معاونت آن خسارات کلی به ایالات شمال رسانیدند مى دهد. (ايطاليها) ــ فوت مازيني از معارف ــ طغيان كوه آتش فشان وزوو. (روس) \_ افتتاح راه آهن تفليس به بندر پوطي \_ انعقاد عهد الفت و دوستي با خمان كاشخر \_ تزلزل و انديشه خان خيوه از عساكر روس \_ بروز وبا در ايالات

۱۹۳۸

جنوب و مرکز مملکت. (شود و نروج) \_ فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکاو دویم برادر او به جای او. (عثمانی) \_ عزل و نصب کلی در این مملکت \_ تغییر صدور و وزرای جنگ به تواتر \_ صدارت مدحت پاشا \_ اتهام محمود پاشای صدراعظم سابق به اخذ پول زیاد از صرّافان فرنگ \_ فتح عساکر عثمانی قلعهٔ سخت صنعا را در عربستان \_ اختیار تام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان به خدیو مصر \_ منازعهٔ عساکر مصری با امپراطور حبشه. افرانسه) \_ فوت مارشال وایان از سرداران \_ خیالات رئیس جمهوری در انتظامات داخله و دادن وجه مقرّر خسارت جنگ را به دولت آلمان که زودتر ممالک فرانسه را تخلیه نمایند.

امریکا \_ (اتائونی) \_ در ظرف مدت سیزده سال نهصد و ده هزار و چهارصد و بیست و پنج نفر از اهالی آلمان و یک گرور و شصت هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ارلند و هفتصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد و شصت و نه نفر انگلیس به خاک اتائونی مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جا گرفتند \_ خشکسالی و بارندگی نشدن در ایالات نیورک \_ هلاک جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب بارندگی نشدن در ایالات نیورک \_ هلاک جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب \_ در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو میل امتداد راههای آهن اتائونی است. (مکزیک) \_ فوت ژوارز رئیس جمهوری و نصب لرد تراژا به جای او.

#### [سنة ۲۹۰ هجری = سنة ۱۸۷۳ مسیحی]

آسیا \_ (ایران) \_ کلیهٔ امور دولتی در این سال خیرمآل به توجهات خاطر خطیر همایون منظم است \_ حاجی محمدقلی خان آصف الدوله به وزارت عدلیهٔ عظمی منصوب گردید \_ میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد، و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر سابق به وزارت دفتر برقرار آمد \_ جناب میرزا محمدحسین دبیرالملک علاوه بر وزارت رسایل به وزارت داخله مباهی و نایل گشت \_ امور چاپارخانه های مممالک محروسه را به امیرزاده مهدی قلی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولیمیرزا واگذار فرمودند \_ جناب مسیوطامش وزیر مختار

اعتمادالسلطنه اعتماد السلطنه

دولت انگلیس مأمور اقامت در بار دولت علیه وارد دارالخلافه گردید ــ جشن عید مولود مسعود اعليحضرت شاهنشاهي راجناب مستطاب صدراعظم باكمال شكوه مانند سال قبل گرفتند ــ بندهٔ مؤلف به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ ثانیهٔ شیر و خورشید سرافراز شد \_ جناب میرزا کاظم خان نظام الملک به حکومت یزد منصوب گردید \_ دوستعلی خان نظام الدوله در سنّ پنجاه و چهار سالگی به مرض محرقه مرحوم شد ــ محمدقاسم خان پسر مرحوم فتحعلی خان ملک الشعرا به رحمت ایزدی پیوست \_ این اوقات که زمان عزیمت سفر فرنگستان نزدیک شده قشون ظفرنمون حاضررکاب اعلی تماماً یک روز به امر همایون در بیرون دروازه دولت حاضِر شده سان دادند و مورد تلظفات و تفقدات و عنایات ملوکانه گردیدند ـ حاجی شهاب الملک والي خراسان بعضي از اشرار تراکمه را تنبيه نموده است ــ ميرزا رضاخان آجودان صدارت به منصب سرتیپی سیم مفتخر گردید ــ محمدآقای سرتیپ شار ژدافر سابق دولت علیه مقیم لندن به نیابت اوّل وزارت فواید برقرار گردید ــ از وقايع معظمة اين سال سفر خيريت اثر اعليحضرت همايونست به فرنگستان كه سابقاً نینز بدان اشاره نموده ایم و شرح این سفر سعادت اثر نیز چون سایر اسفار ملوکانه به قلم معجز رقم خسروانه مرقوم شده است ولى ما باز خلاصهٔ اين سفر عظيم را مسطور مى داريم:

روز بیست و یکم صفرالمظفر این سال از دارالخلافهٔ باهره انتهاض فرموده تشریف فرمای قریهٔ کن گردیدند ... شنبه دوازدهم ربیع الاول شهر رشت به ورود مسعود همایون مزیّن گردید ... امروز پرنس منچیکوف و کلنل بیزاک که از جانب دولت روس مأمور مهمانداری موکب معلّی هستند و از پطرزبورغ با میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک سفیر دولت علیه مقیم پطرزبورغ قبل از ورود به رشت به اردوی همایونی پیوستند ... روز یکشنبه سیزدهم به عزم انزلی انتهاض فرموده دوشتبه چهاردهم به کشتی مخصوص دولت روس نشسته به طرف حاجی ترخان و روسیه حرکت فرمودند ... ملتزمین رکاب اعلی در سفر خیراثر فرنگستان از این قرار هستند:

## در کشتی مخصوص همایونی

(جناب مستطاب صدراعظم حاجی میرزا حسین خان)، (جناب معتمدالملک)، (منشی حضور)، (امین السلطان)، (منشی حضور)، (امین السلطان)، (مهدی قلی خان پیشخدمت خاصه)، (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص)، (عکاسباشی)، (غلامحسین خان زین دار باشی)، (محمدحسن خان محقق)، (امین خلوت)، (فرخ خان)، (امیرزاده وجیه الله میرزا)، (جعفرقلی خان)، (حاجی محمدخان قهوه چی باشی)، (آفارضای ده باشی)، (میرزا عبدالله فراشخلوت)، (میرزا عبدالله فراشخلوت)، (میرزا عبدالله فراشخلوت)، (میرزا عبدالله فراشخلوت)، (میرزا عبدالله میرزا)، (آفامحمدعلی)، (آفاحسینعلی آبدار)، (آفاباقر)، (جبّار قهوه چی)، (بندهٔ مؤلف).

# در کشنی دیگر

(نواب والا عزالدوله عبدالصد ميرزا)، (نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم)، (نواب حسام السلطنه)، (تواب والا نصرت الدوله)، (نواب عمادالدوله)، (جناب علاء الدوله)، (جناب حسنعلی خان وزير فوايد)، (جناب الله قلی خان ايلخانی)، (ميرزا قهرمان امين لشكر)، (اميرزاده احتشام الدوله سلطان اويس ميرزا)، (ميرزا قهرمان امين لشكر)، (اميرزاده احتشام الدوله سلطان اويس ميرزا)، (حكيم الممالك)، (نصرالملك سرتيب اوّل)، (جناب مخبرالدوله)، (محتمد باقرخان شجاع السلطنه)، (حسنعلی خان ژنرال آجودان)، (ميرزا رضاخان سرتيب آجودان صدارت)، (ابراهيم خان نايب)، (ميرزا احمد خان ولد جناب علاء الدوله).

# از فرنگیها که در کشتی ثانی بودند

(جناب مسیو دبسکی وزیر مختار نمسه)، (جناب مسیو طومس نایب سفارت انگلیس)، (مسیو دیکشن حکیم انگلیسی).

روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول حاجی ترخان به ورود مسعود خسروی مزیّن آمد و شرایط تشریفات قدوم همایونی را کاملاً فراهم آورده بودند ـــ پرنس

منجيكوف و كلنل بيزاك به اتفاق جناب صدراعظم از حاجي ترخان به اجازه همایونی از جلو به مسکو رفتند ـــ روز پنجشنبه هفدهم پس از سیر و تماشای اماکن متنزهه و آثار قديمه جاجي ترخان از روي رود ولگا به واسطه كشتي عزيمت ساریتسین فرموده عصر روز هیجدهم به شهر ساریتسین نزول اجلال فرمودند در ایـنــــا نیز تشریفات مقرّره قدوم سلطنت به عمل آمده بود. از اینجا به کالسکهٔ بخار نشسته روانة متكو شدند \_ پرنس دالقوريكي حاكم شهر مسكو به استقبال موكب همایون آمد و با تشریفات تمام به شهر مسکو ورود فرمودند. منزل اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب در عمارت کرملین بود که مزین به انواع اسباب گرانبهای نفیس و از ابنیهٔ عالیهٔ سلطنتی و مقرّ سلاطین قدیم روسیّه است ـ یک شب هم در خانهٔ پرنس دالقوریکی به بال تشریف فرما شدند و روز بیست و سیم عزیمت پطرز بورغ فرموده، روز بیست و چهارم به شهر پطرز بورغ نزول فرمودند ــ اعليحضرت اميراطور كل ممالك روس آلكساندر دويم با نواب وليعهد و ساير شاهزادگان خانوادهٔ سلطنت درگار به استقبال حاضِر بودند، و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفته با تشریفات تمام به عمارت سلطنتی ورود دادند ونشان سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس و مکلل به الماس است با حمایل آبی از جانب اعلیحضرت امپراطور آورده به اعلیحضرت شاهنشاه ایران اهدا و تقدیم نـمـودنـد و از پذیرائی قدوم مبارک نکته ای فروگذار نکردند ــ بندگان همایون یک روز به میدان مشق، و یک روز به تماشای موزهٔ ارمی تاج، و یک روز به تماشای مشق سواره نظام، و بعد به بانک و ضراب خانهٔ دولتی، و یک روز به تماشای يطرهوف و گرنگشتاد، و يک شب در شهر سارسکوسلو به دعوت شام تشريف فرما شده و در این شب اعلیحضرت امپراطور به جمیع ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی اعطای نشان و انگشتری و ساعت و غیره فرموده، روز دویم ربیع الثانی اعلیحضرت هممایونی بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطوری از راه ویلنا که شهر روس و گونیکس بورغ که شهر پروس است عزیمت آلمان و پروس فرموده و روز چهارم عازم بران گردیدند، عصر وارد گار بران شده اعلیحضرت امپراطور گلیوم و نـواب ولـيـعهد پـشر ايشان و ساير شاهزادگان خانوادهٔ سلطنت و وزرا و ازكان دولت

همه سرراه حاضِر بودند. اعليحضرت همايون با اعليحضرت اميراطور در كالسكه سربازی نشسته به قصـر سلطنتی تشریففرما گردیدند ـــ روز پنجم به سیاحت شهر پُتسدام که خارج برلن است نهضت فرما گردیده، و روز ششم به سیاحت باغ وحش بىرلىن و بىعىضى اماكىن دىگىر شهر، و روز هفتم به سير آگواريوم يعنى جائى كه حیوانات و نباتات دریائی را به جهت تماشا نگاه می دارند، و روز هشتم به تـمـاشـای مـیـدان مشق و مشق افواج و سواره و بازدید جبّدخانه تشریف.فرما شده، و روز نهم نشان اِگُل نوار مكلّل به الماس با حمايل زرد از جانب اعليحضرت امپراطور به اعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم شد ــ آنگاه با کالسکه بخار تشریف فرمای شهر پتسدام شدند ــ روز دهم به پارلمنت تشریف برده و بعد از آن بـا اعـلـــحـضرت امپراطور وداع فرموده روز یازدهم عازم شهر کلون و ویسباد شدند. یک ساعت به غروب مانده به کارخانهٔ گروپ رسیدند. مسیو گروپ صاحب کارخانه یک عرّاده توپ ته پر شش پوند بسیار اعلی پیشکش قدم مبارک نمود \_ شب شهر کلون منزل موکب همایون بود \_ روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و بـاغ وحش كـلـون حـركـت فـرمـوده تــا بــه شــهـر بُن رسيدند، از آن گذشته بـه شهر كوبلنس، و از آنجا عبور كرده بعد از طي مسافت زياد به شهر ويسباد ورود فرمودند ــ روز سيزدهم قصبة شي إرس تين، و قصبة إبريش به مقدم همايون مزين آمد ــ روز چهاردهم عزيمت شهر فرانكفُر فرمودند و بعد از سياحت و بازديد اين شهر به ویزباد مراجعت نموده شب در این شهر بشر بردند ـــ روز پانزدهم به عزم بادنباد انتهاض فرمودند، و از شهر مایانس و فرانکفر و دارمستاد عبور نموده به شهر هیدننبرغ که اوّل خاک گراندوک و باد است رسیدند پس از آن به شهر کارلسروه که پایتخت گراندوک باد است ورود فرمودند. گراندوک با جمعی بزرگان مملکت در گار حاضِر بودند، در اینجا صرف غذا و قدری گردش فرموده آنگاه با راه آهن به بادن باد تشریف بردند ــ روز شانزدهم گراندوک به بادن باد آمده و در اینجا مهمانی بسیار خوبی نمود و از آنجا به ویزباد معاودت فرمودند ـــ روز هفدهم با کشتی بخار از روی رود رن عزیمت مملکت بلژیک فرموده اوّل به شهر کوبلانز و بعد به شهر بون رسیده از کشتی بیرون آمده تا به شهر گُولُن راندند، و از آنجا رو

به سرحد بلژیک نموده از شهر دورن و بعد از شهر اکسلاشایل که تااینجا از شهرهای آلمان است گذشته رسیدند به رودخانهٔ کوچکی که سرحد بلژیک و آلمان است از آنجا نیز تجاوز نموده وارد شهر اسیا که اوّل خاک باژیک است گردیـده بعد از دو روز توقف، روز سیّم عزیمت بروکسل پایتخت بلژیک فرمودند، بعد از ساعتی به شهر لیژ که کارخانه های تفنگ سازی و کالسکهٔ بخارسازی معتبر دارد رسیدند ــ از آنجا گذشته بعد از دو سه ساعت به شهر بروکسل ورود فرمودند \_ اعلىحضرت يادشاه و برادر ايشان كنت دفلاند و غيرهما حاضِر بودند \_ اعليحضرت همايون با اعليحضرت لئو بلد در كالسكه نشسته به عمارت دولتي رفته بعد از ساعتی اعلیحضرت همایون نشان صورت خسروانه را برای یادشاه باژیک فرستنادنند ـــ كـمـال تشريفات از مقدم همايوني بهعمل آمد ـــ لارنس صاحب، و كامبل صاحب، و طمسون صاحب و چند نفر ديگر از اعيان انگليس كه براى مهمانداری آمده بودند در بروکس به حضور همایون میرف شدند، بعد از دو سه روز توقف و تسماشای همه جا و آهدای نشان آفتاب با حمایل به ملکهٔ بلژیک ـــ روز بیست و دویم با اعلی حضرت پادشاه وداع فرموده از راه بندر استاند عازم انگلیس شدند و در بندر مملکت فلاندر از کالسکه پیاده و به کشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان داخل شده راندند ـ از بند أستاند تا دُووُر كه اوّل خاك انگليس است پنج ساعت راه بود ــ پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزرای دولت و اشراف لندن و تشریفات دولتی زیاد تا بندر دُوور به استقبال آمده بودند ــ یسر وسطى اعليحضرت پادشاه دوک داديمبورغ و پسر سيّمي پرنس آرتور نام دارد ـــ بعد از ورود به اسكله به كالسكة بخار نشسته عزيمت لندن نمودند ـــ در حوالي شهر لندن نواب ولیعهد دولت انگلیس یرنس دوگال با جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام وغيره حاضِر شده بودند. اعليحضرت همايون پياده شده با نواب وليعهد در كالسكه روبازي نشسته روانة عمارت بوكنگام كه عمارت مخصوص يادشاهي است شدند ـــ اعلیحضرت یادشاه انگلستان در قصر ویندزور که در شش فرسخی شهر است بودند ــ روز بیست و چهارم که سیّم روز ورود بود با جمیع ملتزمین ركاب اعلى بـه قصـر ويندزور به ديدن اعليحضرت پادشاه انگلستان تشريف بردند

ـ اعليحضرت يادشاه تا ياى يلهٔ قصر اعليحضرت همايون را استقبال كردند و جميع شرايط مودت و اعزاز ملحوظ شد ــ بعدها لردن امبرلاند وزير دربار بادشاهي نشان ژارتیر مکلل به الماس را که به زانوبند معروف و سوای اعلیحضرت پادشاه انگلستان که رئیس ادارهٔ این نشان اند و شاهزادگان لنگلیس و سلاطین خارجه كسى داراى آن نيست براى اعليحضرت شاهنشاهي آورده، اعليحضرت يادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان برخاسته به دست خودشان نشان را به پیکر انور ملوكانه زدند و حمايلش را انداختند ــ اعليحضرت همايون هم نشان و حمايل آفتاب مكلّل به الماس را با نشان تصوير بي نظير مقدس همايون به اعليحضرت یادشاه انگلستان دادند ــ بعد از صرف نهار و تفرّج مراجعت به شهر شد ــ روز بيست و پنجم به تماشاي كارخانه جات وُلوُيچ كه جبّه خانه و توپخانه و آهنگرخانهٔ دولت انگلیس است و به تماشای مشتی توپخانه تشریف فرما شدند\_ یک توپ نه پونـد پیـشکـش حـضـور مـبارک کردند\_ روز بیست و ششم به سیاحت باغ وحش گذشت، روز بیست و هفتم برای سان کشتیهای جنگی عزیمت بندر پرتسموت فرمودند و شب را به مجلس گنیس یعنی ساز و آواز که در عمارت آلبرهال است تشریف بردند \_ روز بیست و هشتم به جهت سان قشون که اعلیحضرت یادشاه انگلستان خواستند بدهند عازم قصر ویندزور شدند ــ روز بیست و نهم به کرنویچ به جهت تماشای مدرسهٔ بحری انگلیس تشریف برده، روز سلخ ربیع الثانی به سیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام، و روز غرهٔ جمادیالاولی عازم شهر منچستر که بـاز هـر روز و شـبـی به تماشای محلّی و دعوت مخصوصی اوقات همایونی گذشته، روز ششم بـرای وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان به ویندزور تشریف بردند \_ روز هفتم به عمارت بلور، و روز هشتم به تماشای مریضخانه و غیره تشریف فرما شده، روز نهم جمادي الاولى عزيمت بندر شربورغ فرانسه نموده در گار ويكتوريا با نواب وليعهد وداع كرده با كالسكه بخار حركت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بـنـدر پورتــــموت شده و از اینجا با کشتی فرانسه به بندر شربورغ تشریف بردند ــــ روز دهم به كالسكة بخار نشسته از مملكت نورماندي عبور و نيم ساعت در شهر

كان بایتخت نورماندی توقف كرده یک ساعت به غروب مانده به یاریس رسیدند \_ دم گار بـا مارشال ماکماهون رئیس دولت جمهوری و دوک دو بروکلی که تازه وزير امور خارجه شده تعارف فرمودند ــ عمارت گراژ يسلا تيف منزلگاه اعليحضرت همایونست ـ تا روز بیست و سیم موکب معلّی در پاریس اقامت داشت ـ روزی به تــمـاشای عمارت و باغ و رسایل، و روزی به انوالید که مقبرهٔ ناپلیون اوّل و غیره است، و روزی به لونشان برای سان قشون، و روزی نیز برای اسب دوانی به لونشان، و شببی به تـماشای سیرک رفتند. و هکذا هرشب و روزی به تماشای محلى و دعوت گاهى تشريف فرما شده، روز بيست و سيم جمادى الاولى از پاريس عازم دیژن که یکی از شهرهای فرانسه است شده با کالسکه بخار به آنجا تشریف بردند ــ روز بیست و چهارم از دیژن حرکت فرموده غروبی به شهر ژنو که از شهرهای سویس است رسیدند ـــ روز بیست و پنجم و بیست و ششم به سیر دور دریاچه ژنو گذشت ـــ روز بیست و هفتم در مهمانخانهٔ هوتل دلایه به نهار موعود دولت سویس بودند ـــ روز بیست و هشتم از ژنو به شهر تورن پایتخت قدیم مملکت ساردن و پیدمُون تـشـریـففرما گردیدند ــ اعلیحضرت ویکتور امانول ثانی پادشاه ايـطـاليا و نواب پرنس لهمبر وليعهد دولت، و ساير شاهزادگان و رجال دولت ايطاليا دم گار موکب معلی را پذیرفتند و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت یادشاه ایطالیا در کالسکه رو بازی نشسته به عمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت همایون است و اعليحضرت يادشاه ايطاليا در همين عمارت منزل دارند تشريف بردند ـــ روز بیست و نهم و روز سلخ جمادی الاولی در تورن اقامت شد و به تماشای ابنیه و اماكن و نزهتگاهها گذشت ـ روز غرهٔ جمادي الثانيه از تورن بعد از وداع اعليحضرت پادشاه ايطاليا عازم شهر ميلان شدند ــ روز دويم از ميلان عزيمت شهر سالِس بورغ که جزء مملکت اطریش است فرمودند ـ در استاسیون آلا که سـرحد دولتين ايطاليا و اطريش است مهمانداران آستريه حاضِر بودند، از آنجا رانده روز سیّم نزدیک غروب آفتاب به استاسیون پانزنک که در دو فرسخی شهر وینه بود رسیده کالسکه ایستاد ــ اعلیحضرت امپراطور نمسه فرانسوا ژوزف با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت تا آنجا به استقبال آمده منتظر بودند پائین آمده با

اعليحضرت امپراطور شرايط مودت بجا آورده با كالسكه بخار روانهٔ منزل كه قصر لاكسانبورغ است شدند ـ روز چهارم به قصر شونبرون به بازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف برده مراجعت فرمودند ــ روز هفتم به تماشای شهر وینه و بازار اکسپوزیسیون پرداختند و تا روز دوازدهم خاطر مبارک به تفرّج و تماشای محلّی مشغول بود و کسال پذیرائی و تشریفات از قدوم همایون منظور داشتند ـــ روز سينزدهم بعد از وداع با اعليحضرت امپراطور به شهر سالسبورغ تشريف فرما گرديدند ــ روز چهاردهـم شـهـر انسبروک به وزود مسعود همایون شاهانه مزین شد ــ روز یانزدهم عزیمت شهر بولون ایطالیا فرمودند ــ روز شانزدهم در بولون توقف شد و به گردش این شهر و نواحی پرداختند ــ روز هفدهم عازم برندیزی که آخر بندر ايطالياست شده، روز هيجدهم به بندر مزبور ورود فرمودند ... دو كشتى از دولت عثمانی با اشرف پاشا مهماندار حاضِر بودند ـــ روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیده، روز بیست و دویم به بغاز داردانل رسیدند ... محمد رُشدی پاشای صدراعظم با رجال و صاحب منصبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان به چناق قلعه به استقبال موکب همایون آمده بودند، روز بیست و سیم کشتی آمد تا محاذی عمارت مشهور به بیگلربیگی که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده بود. اعلیحضرت سلطان که در عمارت بیگلربیگی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده بودند شده به کشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده و متفقاً در قایق نشسته به اسکله تشریف فرما شده به عمارت صعود فرمودند و مراسم تشریفات مقدم مبارک کاملاً بهعمل آمد، و تا روز بیست و نهم اعلیحضرت همایون شهریاری در شهر اسلامبول اقامت و هر روز و شبی به تماشای محلّی تشریف فرما شده و در هر موقعی از ذات همایونی پذیرائی شایان نموده، روز غرهٔ رجب بعد از وداع اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته عزیمت پوطی نمودند ــ روز چهارم به بندر پوطی رسیده پرنس منچیکوف و کلنل بیزاک مهمانداران سابق دولت روس باز ایسجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه به کشتی بخار کوچکی که از طرف پوطی آمده نقل مکان کردند ــ نواب گراندوک میشل برادر اعتمادالسلطنه اعتماد

اعلیحضرت امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحبمنصبان دم اسکله حاضر بودند بعد از تعارفات با کالسکه بخار به راه افتادند و فردا صبح به تفلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله به عمل آمد ... روز هفتم از تفلیس عزیمت بادکوبه فرمودند ... روز هشتم تشریف فرمای گنجه و روز نهم به طرف توریانچای، و روز یازدهم دو ساعت از شب گذشته به شهر بادکوبه ورود فرموده و به کشتی نشسته به طرف انزلی حرکت فرمودند ... روز چهاردهم رجب به انزلی شرف ورود ارزانی فرموده عموم اهالی ممالک محروسه از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی قرین تشکر کامل گردیدند، و روز سلخ رجب المرجب دارالخلافهٔ باهرهٔ طهران به مقدم مبارک مزین و مشرف شد.

هم از وقايع حزن انگيز اين سال رحلت نواب علية عاليه مهدعليا والدة محشمرمهٔ اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز ششم ربیعالثانی در دارالخلافة طهران به جوار رحمت الهي پيوستند ــ عباسقلي خان سردار لاريجاني بيست و هفتم ربيع الاول مرحوم شدك نواب فخرالدوله عمة محترمة اعليحضرت همايون شب بيستم شهر جمادي الاولى به رحمت ايزدي پيوست \_ جناب حاجي سيداسدالله مجتهد اصفهاني ولد مرحوم حاجي سيدمحمدباقر از اجله علماي اصفهان داعی حق را لبّیک اجابت گفت ـ جناب حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم بعد از ورود موکب مسعود به خاک ایران از این منصب استعفا کرده در رشت متوقف گردید ... وزارت جنگ و امارت توپخانهٔ مبارکه و قورخانه كمافي السابق به عهدة كفايت نواب والا نصرت الدوله موكول آمد ــ مجلس دربار با اجزای مسطورهٔ در ذیل تشکیل یافت: (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزير داخله و رئيس كل دفاتر و محاسبات و خزانه و غيره و رئيس دارالشورى و نياظم دارالخلافه و خالصه جات)، (نواب والا نصرت الدوله وزير جنگ)، (نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم)، (نواب عمادالدوله وزير عدليه اعظم كه تازه به اين منصب نبيل نايل شده)، (جناب ميرزا سعيدخان مؤتمن الملك وزير امور خارجه)، (جناب نصيرالدوله وزير تجارت)، (جناب مجدالملك وزير وظايف)، (جناب میرزا علی خان منشی حضور و وزیر رسایل) - جناب اجل آقای

مستوفى الممالك به اعطاى قلمداني مرضع به جواهر مباهى گرديدند \_ جناب علاء الدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیگری در سفر فرنگستان موقتاً به سمت ایشیک آقاسی باشیگری معرفی شدند در این اوان ادارهٔ فراشخانهٔ مبارکه و باغات و عبارات دولتي را مزيد ساير مشاغل جناب معزى اليه نموده به اعطاى يک قبضه عصای مکلّل به الماس بریلیان مباهی آمدند ــ آقارضای عکاسباشی و پیشخدمت مخصوص خازن صرف جيب و آجودان مخصوص حضور همايون گرديد ـــ بندهٔ مؤلف به منصب معاونت دیوانخانهٔ عدلیهٔ اعظم مفتخر و سرافراز آمد ــ برای هریک از ولایـات مـمالک محروسه نیز مقرّر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عـدلیّهٔ دارالخلافه معیّن گردد ــ روز هیجدهم شعبان موکب معلّی تـشـريف فرماى مدرسة مباركة دارالفنون و مريضخانة دولتي شده وضع انتظام اين دو دایرهٔ جلیله پسند خاطر مبارک افتاده نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم را به یک ثوب سرداری ملبوس مبارک مفتخر فرمودند ... حکمرانی عراق را به جناب دبیرالملک واگذار فرمودند \_ جناب میرزا علی خان وزیر رسایل به لقب جلیل امین الملک ملقب گردید ـــ حسنعلی خان ژنرال آجودان را به حکومت ولایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهیسون آنجا منصوب فرمودند \_ جناب عضدالملک را علاوه بر منصب جلیل خوانسالاری و خازنی مُهر مِهرآثار به منصب ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند ــ جناب كنت دبسكى وزير مختار دولت نمسه به در بار دولت عليه عود كرده روز پنجم رمضان وارد دارالخلافه گرديد ـــ محض مرحمت مخصوص از جانب سنى الجوانب همايون دربارة حضرت مستطاب اجل شاهتشاهزادة معظم وليعهد دولت عليه ادام الله اقباله العالى يك قبضه شمشير مكلّل به الماس گرانبها به افتخار حضرت معظم مرحمت فرمودند ... جناب صاحبدیوان به منصب و لقب جـلـيل وزير نظامي و يک ثوب جبّة شمسة مرصع خلعت سرافراز گرديده معاودت به آذر بـایجان کرد ـــ ابلاغ اوامر علیّه به مجلس شورای کبری و عِرض عرایض وزرای فخام به خاکیای مبارک برعهدهٔ امین السلطنه بیشخدمت خاصه مقرر آمد ــ جناب مسيو ملينه كه از جانب دولت فرانسه به سمت وزير مختاري مأمور دربار دولت عـلـيّه بود وارد دارالخلافه گرديد ــ نواب شعاع الدوله به حکومت همدان سرافراز آمد

\_ نواب محمدامین میرزا به حکومت گلپایگان و خوانسار مباهی گردید \_ انجام خدمات مسطوره در ذیل به عهدهٔ میرزا قهرمان امین لشکر موکول گشت: (وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه)، (تصدی امر ملبوس کل قشون)، (رسیدگی به امور خیام خانه نظام، و رسیدگی به امور محاسبهٔ قورخانهٔ ممالک محروسه) ــ حاجی میرزا یحیی خان نایب نور را یکی از نوکرهای او به زخم چار پاره از پا درآورد \_ امیرعلم خان حشمت الملک امیرتومان که در سیستان خدمت کرده بود به یک قبضه شمشیر مرضع مکلل به الماس مفتخر گردید ــ فوج بهادران تبریز را علاوه بر فوج ششم اقبال جمعي محمدباقرخان شجاع السلطنه به معزى اليه ابوابجمع فرمودند \_ وزارت عسكريه به اهتمام حضرت اجل اعظم شاهنشاهزادة والا نايب السلطنه اميركبير ادام الله اقباله العالى، ونواب حسام السلطنه، ونواب معين الدوله، و جناب ناصرالملك، و ميرزا موسى رئيس دفتر لشكر نهايت منظم است \_ وزارت امور خارجه را برعهدهٔ كفايت جناب حاجي ميرزا حسين خان مشيىرالدول، مفتوض فرمودنـد ـــ اميرزاده هوشنگ ميرزا ولد مرحوم ملک آرا را به ایلخانی گری یک هزار سوار افشار و دُویرن و غیره و لقب ایلخانی سرافراز فرمودند \_ نصرالله خان حاکم گرگان رود به منصب سرتیپی و اللهیاران حاکم اسالم به منصب سرهنگی مباهی آمد ــ خدمت تولیت آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی سلام الله عليه را به جناب ميرزا سعيدخان مؤتمن الملك رجوع فرمودند ... ميرزا عبدالغفار معلّم كل علوم رياضي به منصب منجّم باشيگري و لقب نجم الملكي و خلعت همايون سرافراز شد \_ عبدالحسين خان ولد مرحوم خانبابا خان سردار به لقب و منصب ژنرال آجودانی و اعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجهٔ دویم سرتیهی. مباهى گرديد ـــ بندهٔ مؤلف به لقب و منصب مقدّم السفرائي سرافراز آمد ــ ادارهٔ عمارات و باغات مباركات را با عمله اختساب نيز به چاكر واگذار فرمودند \_ حاجى ميىرزا محسنخان وزير مختار اسلامبول به لقب نبيل معين الملكي سرافراز آمد. (چین) \_ خاقان چین که طفل بود و به سن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت مى شود. (ژاپن) \_ مسافرت نواب گراندوك الكسى پسر اعلىحضرت امپراطور روس به این مملکت ــ میکادو عید نوروز فرنگیها را جشن گرفته سفرائی

را که در در بار او هستند پذیرائی می کند.

اروبا \_ (اسپانیا)\_ شورش هواخواهان دُن کارلُس قوت و امتدادی بهم رسانیده و دولت تهیهٔ زیادی به جهت دفع یاغیان می بیند ... همچنین شورش اهالی جزیرهٔ كوبـا استعفاى آمِيه دوتيم پادشاه جديد از سلطنت و رفتن پادشاه با خانوادهٔ خود به پرتوغال ــ تحدید وضع جمهوری نمودن ــ فتوحات دُن کارلُس در اغلب نقاط. (اطریش) - فوت امپراطریس کارولین اگوستا از اقوام امپراطور - مقرر داشتن قشون دولت اطریش را به هشتصدهزار ــ افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در اوّل ماه مه در و ین سه ورود اعلیحضرت امپراطور روس و ولیعهد این دولت به تماشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژون ــ ورود امپراطریس آلمان در اواخر همین ماه ــ ورود اعلیبحضرت شاهنشاه ایران به و پن در سی و یکم ژولیه ــ ملاقات امپراطور ايطاليا و امپراطور اطريش در وين ـ اختتام اكسپوزيسيون در دويّم نوامبر ـ جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرات امپراطور را در اغلب نقاط گرفتند. (آلمان) - ورود سفرای ژاپن در برلن - شورش در فرانکفر که استعمال حربه برای دفع شورشیان لازم شد \_ مسافرت اعلیحضرت امپراطور به پطرز بورغ \_ ازدواج شاهزاده لأَپُسُلد باوير با پرنسس ژيزل دختر امپراطور اطريش ــــ ورود اعليحضرت پادشاه ایران در برلن در سلخ ماه مه ــ چون قسط آخر خسارت جنگ فرانسه داده شد قبل عله بِلْفُسِرْ را كُه آخر نقاط متصرفي بود و بهطور گروگان نگاهداشته بودند عساکر پروس خالی کرده رفتند ــ ملاقات پادشاه ایطالیا و امپراطور آلمان در برلن، و ملاقبات اميراطور آلمان با اميراطور اطريش در وين ــ فوت ژان پادشاه ساكس. (انگلیس) ــ بعضی از رجال دولت از ترقیات و پیشرفت قشون روس و فتوحات آنها در سمت خیوق متغیرند، بنابراین دولت روس ژنرال شوالف آجودان مخصوص امیراطور را به جهت اطمینان دولت انگلیس به لندن می فرستد ـــ فوت ناپلیون سیّم امپراطور سابق فرانسه در قصر اِسلِشهۇرشت منتوابع لندن در نهم ژانويه يک ساعت و نیم قبل از ظهر ـ در افتتاح مجلس پارلمنت لرد گرانویل وزیر امور خارجه وکملای ملت را اطمینان می دهد که دولت روس به هیچ وجه در خیال نگاهداشتن

خيبوق نيست \_ اعليحضرت يادشاه انگلستان به تعزيت و تسليت به قصر اسلِشْهُوُرسْت به دیدن امپراطریس اژنی رفتند ... ابتدای منازعه مابین یادشاه آشانتی که یکی از سلاطین افریقا است با دولت انگلیس ــ ژنرال وُلْسنی مأمور به منازعه با یادشاه آشانتی است ... فتوحات سردار مذکور در آن مملکت. (ایطالیا) ... طغیان رودخانهٔ یُـو و خرابی رسانیدن به اغلب نقاط ــ تأسف اغلب مردم از فوت ناپلیون سیتم \_ توجیه کردن مردم در میان خود تنخواهی برای ساختن مجسمه ناپلیون سیم \_ ورود اعليحضرت شهريار ايران در بيست و پنجم ژوليه به ايطاليا. (روس)\_ فوت عمَّة امیراطور گران دوشس هِلِنْ ـــ ورود جمعی از معارف قرقیز به پطرز بورغ و تظلم تمودن از تعدیات خان خیوق، بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون به تنبیه خان خیوق مأمور شد ــ ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم ماه مه به حاجى ترخان، نيز ورود اعليحضرت شاهنشاه معظم در بيست و يكم همين ماه به پطرز بـورغ ــ عساكر روس در اول تابستان از دو نقطه وارد خيوق شده شهر خيوه را متصرّف شدند. بعد از تصرّف شهر خيوق در بيست و پنجم ژوليه انعقاد مصالحه مابین سردار روس و خان خیوه شد مشروط بر اینکه یک قسمت از مملکت خود را به تصرف سردار روس و یک قسمت را به تصرف سردار بخارا دهد و خود را مثل سايىر خوانيىن تركستان در تحت سلطنت روس بشناسد ــ بعد از انعقاد اين صلح طایفهٔ یموت خیوقی به خان خیوق شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید ـــ انعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا ــ کشتیرانی در رود آمو آزاد خواهد بود ـ کاروان تجار روس با کمال آزادی در تمام خاک بخارا می توانند تجارت کنند، غربا بدون اینکه دارای باشبرت از روس باشند حق توقف در بخارا ندارند، خرید و فروش برده و بنده ممنوع است. (سویس) - فوت دوک د برنزویک در شهر ژنیو، و بخشیدن معادل چهار کرور ایران املاک خود را به اهالي شهر. (عثماني) - نصب اسعدياشا به صدارت و عزل محمد رشدي ياشا -ورود اعليحضرت شاهنشاه ايران در هيجدهم ماه او به اسلامبول. (فرانسه) ــ ايجاد مجلس وكلاى دولت كه در زمان سلطنت رسم بؤده موسوم به مجلس سنا \_ استعفای مسیو طیراز ریاست جمهوری و وزرائی که تبعهٔ او بودند در اواخر آوریل و

نصب مارشال ما کماهون به ریاست ـ ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ژولیه به پاریس ـ مدت ریاست مارشال ما کماهون به هفت سال مقرّر شد \_ مارشال بازن که در قلعهٔ مِنْس محصور بود و آن قلعه را به تصرّف عساکر پروس داده بود حکم عزل او از سرداری با حکم قتل او از شورای عسکریّه صادر شد \_ مارشال ما کماهون به واسطهٔ حق عفوی که دارد از قتل او درگذشت لیکن مقرّر شد مدت بیست سال تمام در جزیرهٔ سَنْ مارگریت که نزدیک به سواحل فرانسه است محبوس باشد. (هلاند) \_ ابتدای منازعه مابین این دولت و سلطان آتچین که در یک قسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد اهالی مذهب اسلام دارند \_ شکست یک قسمت از جزایر سوماترا سلطنت دارد اهالی مذهب اسلام دارند \_ شکست هلاندی از قشون آتچین به واسطهٔ زخم خوردن ژنرال گلهر سردار عساکر هلاندی.

آمریکا \_ (مکزیک)\_ لردیزادا رئیس جمهوری در افتتاح مجلس درصدد اینست که بلکه بتواند رشتهٔ الفت و دوستی را که سابقاً با فرانسه داشتند محکم کند \_ اهالی ملت رُوز فوت ژوآرز رئیس سابق را روز عزا و روز تولد او را مقرّر داشتند روز عیش برای تمام ملّت باشد و برای اولاد و اقر بای او وظیفه قرار دادند.

مر المتات كاليوز / جان استادي

## [سنهٔ ۱۲۹۱ هجری = سنهٔ ۱۸۷۴ مسیحی]

آسیا — (ایران) — کلیهٔ امور و مهام دولتی از توجهات خاصه همایون در این سال قرین انتظام کامل است — میرزا ابراهیم خان سهام الملک ملقب به سهام الدوله گردید — میرزا سیدرضی برادر مرحوم میرزا سیدعبدالله ناظم میزان به منصب استیفا از درجهٔ سیّم نایل آمد — حکمرانی دارالعباد یزد را به جناب معتمدالملک وزیر مخصوص مرحمت فرمودند و حسینقلی خان مافی از جانب جناب معظم به نیابت حکومت رفت — حاجی حسین خان شهاب الملک به لقب جلیل نظام الدوله و خطاب جنابی سرافراز آمد — میرزا جوادحان سرهنگ و رئیس تلگرافخانهٔ خطاب جنابی سرافراز آمد — میرزا جوادحان سرهنگ و رئیس تلگرافخانهٔ آذر بایجان به منصب سرتیبی مفتخر گشت — والیگری ایالت کردستان را ضمیمهٔ حکمرانی کرمانشهان فرموده به نواب مؤیدالدوله مرحمت کردند — حکمرانی عراق و بروجرد را به عهدهٔ کفالت نواب والا نصرت الدوله واگذار فرمودند —

اعتماد السلطنه

مستشارالملک خراسانی به منصب استیفای اول دیوان اعلی و عصای مرضع سرافراز شد ــ مهام و امور دولـتي كليّتاً راجع به وزراي ستّه ذيل گرديده و معظم اليهم را وزراي مختار دربار اعظم لقب دادند: (جناب آقاي مستوفي الممالك)، (جناب مشيرالدوله)، (نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم)، (نواب عمادالدوله وزير عدليه)، (جناب علاءالدوله وزير جنگ)، (جناب عضدالملک ايلخاني و خازن مُهر مبارک) \_ رسم تنظیمات حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرای آن بهعهدهٔ نواب اعتضادالسلطنه موكول آمد \_ جناب علاء الدوله محمدرحيم خان چنانكه اشارت شد به وزارت جنگ سرافراز آمد ــ ميرزا ابوالقاسمخان سرهنگ پسر میرمحمد صادق خان دریابیگی نیابت دریابیگی یافت - نواب تیمور میرزا حسام الدوله كه زياده از هشتاد سال زندگاني كرده بود به رحمت الهي پيوست ـــ تراكمه مرو وغيره كه عزيمت تاخت و تاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیـرحـسـینخان حاکم قوچان و غیره آنها را تنبیهی بسزا نمودند ـــ آقارضا آجودان مخصوص به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ دویم و پانصد تومان اضافه مواجب سرافراز آمد ــ اعليحضرت پادشاه انگلستان يک قطعه عکس شمايل خود را به رسم یادگاری برای اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه فرستادند ... مرتضی خان قاجار ملقب به شهاب الدوله شد ــ میرزا موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی به یک قطعه نشان شیر و خورشید با حمایل سرهنگی نایل آمد ــ از جانب دولت بیرمان سفارت با نامه و هدایا به در بار معدلتمدار آمد ــ حکمرانی کرمانشهان و كردستان رابه نواب عمادالدوله مرحمت فرمودند \_ جناب ميرزا كاظمخان نظام الملک به وزارت عدلیهٔ اعظم منصوب و مباهی شد ــ حاجی رجیعلی خان سرتیپ دوتیم به منصب سرتیهی اوّل توپخانه سرافراز آمد ــ جناب میرزاعلی خان امیـن الـمـلک وزیـر رسـایـل خاصّه به اعطای نشان تمثال همایون مکلّل به الماس سرافراز شد ـــ مـيرزا موسى رئيس دفتر لشكر به منصب جليل وزير لشكرى مفتخر آمد \_ حسينقلي خان سرتيپ سواره شاهيسون قورت بيگلو به منصب سرتيبي اوّل مباهى گشت ــ نواب بديع الملک ميرزا ولد نواب عمادالدوله به لقب جليل حشمت السلطنه ملقب و از جانب نواب معظم اليه به حكومت كردستان منصوب شد

\_ جناب آقامير سيدمحمد امام جمعه اصفهان ملقب به سلطان العلما مرحوم شد \_ ادارهٔ تلگرافخانه را بلاواسطه به مخبرالدوله واگذار فرمودند \_ عبدالرسول خان نايب الحكومة گيلان به منصب سرتيبي اوّل سرافراز آمد ــ حسينقلي خان مافي وزیر یزد به لقب سعدالملکی مباهی گردید \_ آقارضای دهباشی به لقب نـاظـم خـلـوت و اعـطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم سرافراز آمد ـــ ميرزا على اكبر يسر ميرزا محمدحسن عزبباشي دفترخانة مباركه منصب عزبباشي یافت ــ حاجی میرزا صفا از اجلهٔ عرفا در دارالخلافه مرحوم و نزدیکی چشمه علی طهران مدفون شد ــ پنجاه هزار قبضه تفنگ ابتیاعی از دولت آلمان به مرور به دارالخلافه می رسد ... در ماه شوّال این سال امور مالیه و مهام کشوری مستقلاً به جناب آقای مستوفی الممالک و امور عسکری و وزارت جنگ با لقب سیهسالاری اعظم به جناب مشيرالدوله واگذار و مرجمت شد ــ روز بيست و هشتم شوّال چون این سال طرح باغ عشرت آباد ریخته شده و دیوار دور ساخته بنای مشجر نمودن آنـسـت بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه تشریففرمای این باغ که در میبان قصـــر قـاجــار و نگارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت به دست مبارک خسروانه غرس فرمودند \_ میرزا محمدحسین ادیب اصفهانی که منشی روزنامهٔ دولتی و در صحبت مؤلف است قطعه ای در تاریخ این درختکاری عرض كبرده به انعامات و مراحم ملوكانه سرافراز شد و سواد آن قطعه كه عيناً در ذيل ثبت می شود به امر همایون کتیبه شده به دیوار قصر عشرت آباد نصب کردند:

با دست حویش خسرو در قصیر عشرت آباد ای باغبان فردوس نام خوش تو رضوان اصلش بود کرامت تا برفلک کشد سر اینشاخ عدل امسال شاخ ملک نشان را صدبار به تو آن گفت از این شجر ثمرها بینند اهل عالم زودا که عشرت آباد همچون سپهر گردد

فرمود از عنایت رای درخت کاری کوشر بیار کاینک شد وقت آبیاری شاخی که شه نشاند با دست شهریاری یکچند زودتر باش ای ابر نوبهاری از دوحهٔ بهشتی از سرو جویباری برتر زبختیاری بهتر زکامکاری هم مشرق کواکب هم مطلع دراری برجای میوه خورشید آرند این درختان
تا اصلهٔ کرامت بار آورد فتوت
اصلست ذات اقدس فرعاند جمله عالم
در باغ عشرتآباد از یمن دست خسرو
شعر ادیب باشد در مدح شاه شاهان
شاخ نشاطکی گشت تاریخ غرس خسرو
سعی صنیع دولت امر خدیو اعظم

از فر شهریاری از فرط بختیاری دست ملک نشاند شاخ بزرگواری از اصل فرع را باد پیوسته استواری بادا شکفته دایم گلهای تاجداری چون آفتاب روشن مانند آب جاری کی خسروا نشاندی شاخ امیدواری بخشید این بنا را آئین استواری

میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی را ملقب به فروغی فرمودند \_ حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات به عزم تقبیل آستان معلی به دارالخلافه آمدند \_ ادارهٔ صندوقهای عدالت ولایات را به جناب عضدالملک تفویض فرمودند و دستخط همایون مبنی بر دستورالعمل و تعیین تکالیف این ادارهٔ خطیره شرفصدوریافت.

(چین) \_ نقار و کدورت سخت مابین این دولت و ژاپن به جهت فرستادن ژاپنی ها چند فروند کشتی جنگی به نسخیر جزیرهٔ فرمز \_ به واسطهٔ طوفانهای سخت که در دریا واقع شده بود در اوایل پائیز این سال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن ابنیهٔ بسیار و کشتی زیاد حتی کشتیهای آتشی زره دار غرق شد \_ در مسئلهٔ جزیرهٔ فرمز بین دولتین چین و ژاپن کار به مصالحه انجامید و عساکر ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند. (ژاپن) \_ پذیرائی امپراطریس زوجات سفرای کبار را که در این دولت بودند \_ فرستادن یک دسته قشون به سرداری سائی گو و تصرف جزیرهٔ فرمز که جزء مملکت چین است.

اروبا \_ (اسپانیا) \_ تفویض ریاست دولت جمهوری اسپانیول را به مارشال مِترانه \_ فتوحات کارلس در بیلباتو \_ قتل مارشال کُنساد یکی از سرداران معتبر که به دفع گن کارلس رفته بود به صرب گلوله \_ قبول نمودن مارشال سِرّانه رئیس جمهوری سرداری قشون را به جهت دفع دُن کارلس \_ جمعی از معارف و بزرگان مملکت طالب سلطنت دُن آلفُنس پسر ایزابل ملکهٔ سابق می باشند \_ تغییر وضع جمهوری و

١٩٥٦ تاريخ منتظم ناصري

مسافرت مارشال سِرّانُه به فرانسه \_ تمام قشون بدون استثنا دُن الفُنس را به يادشاهي مى خواهند. (اطريش) \_ مسافرت اعليحضرت امپراطور اطريش به بطرز بورغ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس. (آلمان) ... آمدن ولیعهد دولت انگلیس و زوجهٔ ایشان به بران ــ خطبهٔ یرنس بیزمارک در افتتاح مجلس و بر ضد جمعی از وکلای ملّت حرف زدن و ختم کردن نطق خود را به این مطلب که یکی از شرافات من اینست که اوّل شخصی که طرف نفرت تمام اهالی اروپ هست به واسطهٔ حبّ وطن و خدمتگذاری به دولت خود منم ... مسافرت امپراطریس اطریش به پایتخت باوير \_ مسافرت اميراطور اطريش نيز به باوير به ملاقات صبية خود \_ عدد قشون آلـمان در وقت صلح از صاحبمنصب و تابین به چهارصد و یک هزار و ششصد و پنجاه و نه نفر مقرّر گردید ــ مارشال مُلک در مجلس اظهار می کند که فتوحات ما در مملكت فرانسه اسباب جذب قلوب سايوردول نسبت به ما نشده بلكه كينه و عداوت آنها زیادتر گردید، اقلاً پنجاه سال دیگر آنچه را حالا به زور اسلحه تحصیل کردیم باید به اعانت اسلحه حفظ کنیم امپراطور روس که به مملکت انگلیس سفر می کردند در برلن با امیراطور آلمان ملاقات نمودند... ایضاً ملاقات دو امیراطور در شهر اِئش \_ شخصي موسوم به كولمان به سمت مسيو بيزمارك طپانچه خالي كرد كه جزئی تألمی به دست او وارد آمد ــ ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور آلمان در ایشل ... حبس کنت دارنیم سفیر سابق دولت آلمان در پاریس به اتهام اینکه بعضی نوشتجات دولتی رسمی که در سفارتخانهٔ پاریس بوده مخفی داشته است ـ استعفای موقتی پرنس بیزمارک و قبول نشدن آن. (انگلیس) ـ حرکت عساکر انگلیس به سمت كوماسي يايتخت طايفة آشانتي كه يادشاه آنجا اعلان جنگ با انگليس كرده بود در افریقا ــ ازدواج نواب دوکه ادینبورگ پسر دویم بادشاه انگلستان با گران دوشس ماری صبیهٔ امپراطور روس ــ قحط و غلای سخت در بنگالهٔ هند و فوت چندین کرور نفس ـــ سردار قشون انگلیس شهر کوماسی را که پایتخت آشانتی بود فتح نموده قسمتی از آن شهر را آتش زده که کار به مصالحه انجامید \_ عزل وزرای ویک و نصب وزرای توری به ریاست دیسرائیلی ـــ ورود امپراطور روس به لندن ـــ در ایالت بنگاله سی کرور نفس که دوچار قحط بودند به اعانت دولت انگلیس از

هلاكت خلاص شدند ــ يادداشت فرستادن دولت عثماني به دول آلمان و اطريش و روس که وجهاً من الوجوه حق انعقاد عهد تجارتی با ایالاتی که در تصرف عثمانی است از قبیل افلاق بغدان و سر بی و مُنتِنبِگُرو ندارند ــ فتح دارفور از ممالک افریق به دست قشون مصری ــ جمعیت دارفور که به تصرّف مصری آمده ده کرور نفس است. (ایطالیا) - جشن بزرگ گرفتن مردم به جهت سال بیست و پنجم جلوس یادشاه. (بلژیک) بنیرائی نمودن پادشاه باژیک از امپراطور روس با تشریفات لازمه وقتی که امپراطور معظم از انگلیس مراجعت می کردند. (دانمارک) ... استعفای تمام وزرای این دولت ـ مسافرت یادشاه به جزیرهٔ ایرلند که حشن سال هزارم الحاق این جزیره به مملکت دانمارک گرفته شد. (روس) ـ ایجاد قانون نظامی ممالک اروپ را در وضع گرفتن آحاد قشون و اجبار خدمت نظامی به تمام رعيت بدون استثنا در اين مملكت ورود وليعهد انگليس و زوجه ايشان به پطرز بورغ ــ مسافرت اعليحضرت اميراطور به آلمان و بعد به انگليس ــ يكي از برادرهای خان خیوق در جزو قشون روس قبول خدمت می کند. (عثمانی) ـ عزل رشدی پاشیا صدراعظم و نصب حسین عونی پاشا وزیر جنگ به جای او ـــ ورود برنس ميلان والى سربى به اسلامبول. (فرانسة) \_ مدت رياست مارشال ماكماهون بدون تردید به هفت سال مقرّر شد \_ فرار مارشال بازن از جزیرهٔ سن مارگریت. (هلاند)\_ فتح کِراتُن یکی از قلعه جات آتچین به دست سردار هلاندی ــ جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس پادشاه.

آمریکا \_ (اتائونی)\_ عدد قشون دولت را به همه جهت به بیست هزار نفر مقرر داشتند. (برزیل)\_ صلح حقیقی دائمی مابین این دولت و پاراگای.

### [سنة ١٢٩٢ هجرى = سنة ١٨٧٥ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ جناب ظهیرالدوله محمدناصرخان مأمور حکمرانی و والیگری خراسان و سیستان گردید \_ حاجی سلیمانخان نایب ایشیک آقاسی باشی مأمور حکومت قراجه داغ شد \_ بعضی ولایات که سیم تلگراف ندارد مقرّر شد تلگراف

كشيده شود ـ احتشام الملك به منصب سرتيبي سيّم سرافراز شد ـ حيدرقلي خان ولد حاجى آصف الدوله به منصب سرتيبي سيّم نايل آمد ــ رياست مدرسة جديد نظامي و صاحبمنصبان اتاماژر به عهدهٔ میرزا عباسخان سرتیپ و مهندس واگذار گردید ـ میرزا موسی وزیر لشکر به اعطای نشان تمثال همایون از درجهٔ دویم سرافراز شد ــ حاجى حسين خان نظام الذوله روز بيست و سيّم محرّم مرحوم شد ـــ حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطان حكمران اصفهان و توابع ادام الله اقباله العالى به يك قطعه نشان اقدس مكلّل به الماس درجة اختصاص يافته از آستان همایون به محل حکمرانی خود معاودت فرمودند ــ وزارت در بار اعظم را به عهدة جناب علاء الدوله مفوض داشتند ... وزارت عدليه اعظم را به جناب عضدالملک موکول فرمودند ــ حکمرانی عربستان و لرستان را به نواب معزالدوله بهرام میرزا واگذار نمودند ـ حکمرانی فارس را به عهدهٔ کفایت جناب معتمدالملك موكول داشتند \_ حكمراني گيلان برعهدة جناب ناصرالملك مقرّر آمد \_ والیگری یزد را به محمدخان والی سرتیپ اول مرحمت فرمودند \_ نواب عمادالدوله در نيمه رجب داعي حق را لبيك اجابت گفت و نواب حشمت السلطنه بديع الملک ميرزا ولد آن مرحوم به حكومت كرمانشهان و كردستان سرافراز شد \_ وزارت گمرکخانهٔ ممالک محروسه را به میرزا قهرمان امین لشکر مفوض فرمودند \_ روز هفتم شهر شعبان به جهت امتحان قشون ظفرنمون و ترقیّات ادارهٔ جنگ در صحرای دوشان تیه در حضور همایون مشق بزرگ عمده شد و یک قبضه شمشیر مرضع به جناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند \_ میرزا قهرمان امین لشکر به اعطای نشان تمثال همایون و لقب جلیل جنابی سرافراز آمد \_ موکب فرخنده كوكب مبارك عزيمت سفر خيريت اثر مازندران فرموده روز بيست و چهارم شعبان از اقدسیّه به قریهٔ اوشان تشریف فرما شدند و از آنجا به شهرستانک و از شهرستانک به طرف قلعهٔ کجور و دشت نظیر و اماکن متنزّهه و نقاط و اماکن پیلاقی مازندران الى فرح آباد، و اواخر رمضان المبارك و اوايل شوال المكرم را در مشهدسر و فرح آباد و سواحل بحرخزر تشریف فرما بودند ــ روز سیزدهم شوّال به شهر ساری عزّ ورود ارزانی فرموده تا هیجدهم در آنجا متوقف بودند ــ روز نوزدهم به شهر بارفروش اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

نزول اجلال فرموده و تا بیست و دویّم در آنجا اقامت شد ... روز بیست و سیّم به آمل و از آمل به طرف بلوک لاریجان و از آنجا نهضت فرمای دماوند شده چهارشنبه دویّم ذیقعدةالحرام از چشمه لای دماوند به صوب دارالخلافه حرکت فرموده شنبه پنجم مقرّ خلاقت عظمی را به مقدم مبارک آراستند ... جناب عضدالملک حکمران مازندران را به پاداش خدمات لایقه در بلوک لاریجان به یک ثوب سرداری ترمه شمسهٔ مرضع مفتخر فرمودند ... دارالشورای کبری و مجلس و زرا مجدداً افتتاح شده و به نفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده و نطقی مفصل فرمودند، و نیز دستخطی مبارک مشعر بر حدود و حقوق این مجلس خطاب به جناب امین الملک و زیر رسایل خاصه شرفصدور یافت ... میرزا عبدالوهابخان پسر جناب نظام الملک به منصب استیفا از درجهٔ دویّم نایل آمد ... پستخانهٔ ممالک محروسهٔ ایران در این سال به وضع پستخانه های فرنگستان گردید ... خوجه قه سردار تراکمه که با جمعیت زیاد به تاخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از هممراهان او به دست سپاه منصور مقتول و بقیة السیف متفرّق شدند ... جناب الشقلی خان ایلخانی را به حکومت همدان سربلند فرمودند.

(چین) ــ فوت خاقان چین در دوازدهم ژانویه.

اروپا \_ (اسپانیا) \_ در جزیرهٔ کوبا ژنرال کوزا مردم را دعوت به تبعیت پادشاه جدید الفنس می نماید \_ ورود پادشاه جدید در نهم ژانویه به بندر بارسیل از بنادر اسپانیا \_ منازعهٔ سخت هواخواهان دُن کارلس با عساکر پادشاه \_ نفاق مابین کارلیستها و تفرقه میان آنها \_ فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متصرف بودند. (اطریش) \_ مسافرت امپراطور به مملکت دالماسی \_ ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه ایطالیا در شهر ونیز \_ ملاقات والی مُنتِنگرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتار \_ افتتاح کشتیرانی در شعبهای از دانوب که به حکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط شهر وینه عبور دادهاند \_ ملاقات امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور روس در اِژر \_ فوت امپراطور فردیناند عموی امپراطور حالیه و اعلیحضرت استعفا نموده و سلطنت را به این امپراطور تسلیم کرده در بیست و

نهم ژون در شهر پراک ــ پناه جستن یاغیان مملکت عثمانی به خاک اطریش. (آلمان) - مخالفت آشكار پاپ بر ضد اين دولت - صدور احكام از رُم به كشيشهاي كاتوليكي مذهب كه تمكين و اطاعت قوانين جديده كه دولت می خواهد در مذهب ایجاد نماید ننمایند ــ غدغن دولت در بیرون نبردن اسب از مملکت ــ پرنس بيزمارک بالصراحه در مجلس شوري مي گويد که در مسئله مذهب بهتر این است که شخص به خالق معتقد باشد نه به مخلوق و مقصود از این حرف كنايه به پاپ است ــ ملاقات وليعهد آلمان و يادشاه ايطاليا در شهر نايل ــ در هفتم ماه مه کشتی موسوم به سیلر که از هانبورگ عادتاً به ینگی دنیا می رفته و مراجعت می کرده است و سیصد و پنجاه نفر را حامل بوده غرق می شود و از این جمعیت سیصد و دوازده نفر هلاک می شوند ـــ ملاقات امپراطور آلمان و امپراطور روس در بىرلن ــ ملاقات پادشاه سُود و ملكهٔ این مملكت با امپراطور آلمان در برلن ملاقات آرشیدوک آلبرت سپهسالار عساکر اطریش با امپراطور آلمان در اِمس مسافرت وليعهد دولت آلمان به مملكت اطريش \_ ملاقات اميراطور آلمان با امپراطور اطریش در ایشل ـ کشیش شهر کلن که پرخلاف حکم دولت رفتار نموده بود اخراج بلد مى شود \_ ملاقات امپراطور آلمان با پادشاه ايطاليا در ميلان. (انگلیس) ــ صد و بیست هزار نفر عمله جاتی که در معدن زغال سنگ گال کار مى كردنـد يكمرتبه شورش نموده تعطيل از كار مي كنند ـــ الحاق جزاير فيجي به مملکت انگلیس ــ وزیر امور خارجه در مجلس به وکلا اطلاع می دهد که دول روس و آلمان و اطریش باهم متحد شده اند که با ایالات سربی و افلاق بغدان که جزو مسلكت عثماني هستند بدون استيذان و اطلاع دولت عثماني معاهدة تجارتي ببندند ــ مأموريت يك دسته از علما به رياست كلنل برون براي تحقيق و انکشاف علمی به مملکت چین مغربی و به مقصود نرسیدن و در اوایل ورود به خماک چینن صدمه کلّی دیدن و کشته شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن به خماک بسیرممان ــ نقار مابین دولت انگلیس و دولت بیرمان ــ عزل والی بارودا از ایالات هند به حکم دولت انگلیس ــ ریاست ولیعهد انگلیس به مجمع فراموشخانه های آن دولت ـــ مسافرت جمعی از علما و دانشمندان به قطب شمالی

\_ در هیجدهم ماه او کشتی موسوم به البرتا که پادشاه انگلستان در آن کشتی بود و از أزيرن بـه يرتسموت مي آمد در عرض راه على الغفله به كشتى ميتس لئو برخورده قسمتی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق می کند ــ کابیتن وب از بندر دُوورْ انگلیس به بندر کاله فرانسه با شنا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب می ماند ــ در یازدهم اکتبر ولیعهد انگلیس به قصد مسافرت هندوستان از بندر دوور حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی می شود \_ ابتیاع دولت انگلیس سهامی را که خدیو مصر در نهر مجمع البحرین سوئز داشت به هشت کرور لیرهٔ انگلیسی ــ در اوّل دسامبر ولیعهد انگلیس به سیلان می رسد و در یانزدهم همین ماه به مدرس و در بیست و سیّم به کلکته. (ایطالیا) ـ گاری بَلدی در مجلس وكلا به دولت تكليف مي كند كه رودخانه تيبر را كه از وسط شهر رُم گذشته مصبّش دریاست قابل کشتیرانی نمایند ــ بروز طبقه از فراموشخانه ها در رُم. (روس) \_ نقار دولت با خان خوقند \_ ورود عساكر روس به سردارى ژنرال كفسان به خوقند \_ ناصرالدين خان والى خوقند مطيع مى گردد ليكن عبدالرحمن نــامــى بر ضدّ روسها برخاسته حکم به جهاد مي کند، ژنرال اسکبلُف مأمور به تدمير ميرعبدالرحمن شده تمام خوقند را متصرف مي شود ــ اگرچه روزنامه ها طرف صلح را دارند و از جنگ حرف نمی زنند ولیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عشمانی را به دیدهٔ حقارت نمی نگرد و سهل نگرفته مخفیاً به تهیّه و تدارک جنگ مى يردازد و آشكارا اعانت و رعايت زيادى به ياغيان عثماني مي نمايد. (عشمانی) ـ یاغیهای هرزگوین جداً با قشون دولت در مجادله هستند ـ اهالی ایالات منتینگرو و سربی به آنها اعانت می کنند ـ یاغیان شهر ترنیبژ را محاصره كرده اند ــ استعفاى اسعدياشا از صدارت و نصب محمودياشا ــ مأموريت كميسيوني از طرف دولت عثماني با معيت قونسولهاى دول فرنگ نزد ياغيان هرزگوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت ــ مأمورین بعد از ورود به شهر مُستار هرقدر رؤسای یاغیان را می طلبند که حاضِر شده گفتگو نمایند آنها قبول نمی کنند و مأمورین بی نیل مقصود مراجعت می نمایند ــ در سربی و کلای ملّت به والی تکلیف می کنند که باید رعایت و اعانت یاغیهای سربی را نموده به آنها حمایت

کرد ... دولت عشمانی اعلان به طلبکاران خود می نماید که نصف طلبی که از دولت عشمانی دارند از بابت فرع تنخواه دولت نخواهد داد ... ازدواج والی سرب با پرنسس ناتالی کوشک ... ورود عساکر مصری به حبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت کردن آنها به مصر ... شورش اهالی هرزگوین و بسنی به نهایت است و روز به روز رو به تزاید می باشد ... عزل حسین عونی پاشای صدراعظم و نصب اسعدپاشا به جای او ... زلزلهٔ سخت در ازمیر و حوالی آنجا در دوازدهم ماه مه که بیشتر از دوهزار نفر به هلاکت می رسند. (فرانسه) ... فوت کنت درنوزا از وزرا و از رجال معتبر فرانسه ... طغیان آب رودخانه های جنوب فرانسه و خرابی رسانیدن به اعلی اماکن ... دویست هزار تومان دولت از خزانه به اشخاصی که اموال و املاکشان تلف شده است مجاناً بخشش می کند. (هلاند) ... فتوحات قشون این دولت در آنچین.

آمریکا \_ (اتائونی)\_ فوت ژن شن رئیس سابق. (ینگی دنیای جنوبی)\_ شهر البانه به واسطهٔ زلزله کلیتاً خراب می شود.

### سنة ١٢٩٣ هجرى = سنة ١٨٧٦ مسيحي]

آسیا — (ایران) — در این سال امور مملکت خراسان را از هر جهت به جناب مشیرالدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند — جناب حاجی ظهیرالدوله به امر اعلی عمارتی بسیار عالی به جهت محل سکنای ولات و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا نموده اند — جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب سپهسالار اعظم به اعلی درجهٔ کمال گرفتند، در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن مفصل گرفته شد — جناب اگوستین محترم آرشیوک هراکله از طرف حضرت پاپ با هدایا و نامه به حضور مبارک تشرف جسته جواب آن نامه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مبنی بر کمال مودت ترقیم و تبلیغ شد — حضرت اجل اعظم شاهنشاهای مبنی بر کمال مودت ترقیم و تبلیغ شد — حضرت اجل اعظم شاهنشاهای مبنی بر کمال مودت ترقیم و تبلیغ شد — حضرت اجل اعظم شاهنشاهای احضار به دارالخلافه گردیده در باغ دولتی به دارالخلافه شده روز بیست و دویم صفر وارد دارالخلافه گردیده در باغ دولتی

اعتماد السلطنه

موسوم به باغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید \_ علیقلی خان مخبرالدوله رئیس ادارهٔ تلگرافخانه به وزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شد ــ روز دوشنبه بیست و ستم شهر صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته آفتاب عالم تاب از برج حوت به حمل تحویل نمود ... حكيم الممالك پيشخدمت باشي سلام به حكومت بروجرد منصوب گرديد \_ نواب والا ركن الدوله به حكمراني ايالات خراسان و سيستان مفتخر گرديدند \_ ادیب الملک پیشخدمت خاصه به حکومت قم و ساوه سرافراز شد \_ حاجی میرزا تقى وكيل الرعايا به منصب كلانترى دارالخلافه برقرار گرديد و ميرزا محمدحسين پسر معزى اليه به كدخدائي محله عودلاجان مباهى آمد ــ محض ظهور عواطف خاصه خسروانه درباره حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده امجد اكرم وليعهد دولت عليّه ايران ادامالله اقباله العالى يک قيضه شمشير مرضع به جواهر ثمينه و فيروزه از شمشيرهاي خاصة سلطنتي بهدست مبارك همايوني به حضرت مستطاب معظم مرحمت فرموده و پس از رخصت ملوكانه معاودت به آذر بايجان فرمودند \_ حكمراني ايالت عربستان ولرستان رآبه نواب حشمت الدوله مفوض داشتند ـــ امین حضور پیشخدمت خاصه به حکومت کاشان سرافراز شد ... میرزا اسدالله مستوفى اول به بيشكاري مازندران مفتخر آمد ــ نواب والا معتمدالدوله فرهادميرزا که به مکّهٔ معظّمه مشرف شده بودند غرّهٔ ربیع الثانی به دارالخلافه ورود نموده به خاکیای میارک شرفیاب و مورد مرحمت مخصوص گردیدند ــ حاجی میرزا محتدرضاي مستشارالملك پيشكار خراسان به يك قلمدان دوات مرضع و خلعت همایون سرافراز آمد \_ حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک به یک قطعه نشان تمثال مبارک مفتخر گردید \_ جمعیتی از تراکمه با عاشورلنگ که یکی از سرداران تراکمه است و ادنه نفس که او نیز از رؤسای ترکمانان می باشد به تاخت و تماز سرحدات خراسان آمده مصطفی قلی خان میر پنج رئیس اردوی خراسان با قشون ظفرنـمـون سـرراه بـر آنـهـا گرفته جمعی را مقتول و عاشورلنگ را کشته و ادنّه نفس را بها ده نفر سوار دستگیر کرده باقی متفرّق گردیدند ــ حکمرانی و فرمانفرمائي مملكت فارس را مزيد ساير مشاغل جناب سيهسالار اعظم فرمودند -

١٩٦٤ تاريخ منتظم ناصري

وزارت معادن ممالک محروسه را مجدداً بر عهدهٔ نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم موکول داشتند \_ ریاست اصطبل توپخانهٔ مبارکه را به نواب جهانسوز میرزا مرحمت فرمودند \_ یارمحمدخان ایلخانی شادلو تنبیهی در سرحدات بجنورد از تراکمه نموده است \_ محمدخان والی حکمران یزد به خطاب جنابی سرافراز آمد \_ لشکرنویسی افواج اصفهان به میرزا محمدحسین لشکرنویس ولد میرزاباقر لشکرنویس راجع شد \_ میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضور همایون به لقب شیخ الاطبائی ملقب گردید \_ موکب همایون در ماه جمادی الثانیه عزیمت یبلاق لار فرمود \_ حکومت و فرمانفرمائی فارس را به نواب والا معتمدالدوله واگذار فرمودند \_ محمدحسنخان ولد جناب علاءالدوله وزیر در بار اعظم به منصب فراشباشیگری سرافراز شد \_ سیم ولد جناب علاءالدوله وزیر در بار اعظم به منصب فراشباشیگری سرافراز شد \_ سیم عهدهٔ مراقبت حاجی میرزا عبدالله خان علاءالملک موکول داشتند \_ جناب سیه سالار اعظم را به یک ثوب سرداری مفتول دوز نظامی شمسهٔ مرضع از ملابس خاصه سرافراز فرمودند \_ مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شورای کبری و مجلس خاص وزرا برقرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس از قرار ذیل است:

(نواب والا اعتضادالسلطنه وزير علوم)، (نواب حسام السلطنه)، (نواب والا نصرت الدوله)، (جناب حاجى ظهيرالدوله)، (جناب ناصرالملک)، (جناب حاجى دبيرالملک)، (جناب امين لشکر)، دبيرالملک)، (جناب حسنعلى خان)، (جناب نصيرالدوله)، (جناب امين لشکر)، (جناب مخبرالدوله)، (جناب امين الملک وزير رسائل خاصه مدير مجلس)، (ميرزا محمودخان منشى اسرار و كاتب مجلس).

بعضی بناهای بدیع رفیع بر ابنیهٔ سلطنتی دارالخلافه افزوده شد \_ نواب والا نصرت الدوله به حکومت ایالت مرکزی که عبارت از عراق و همدان و ملایر و تویسرکان و گلپایگان و خوانسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و به لقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند \_ حکمرانی ایالتین کرمانشهان و کردستان را به عهدهٔ نواب حسام السلطنه مفوض داشتند \_ روز نوزدهم ماه شوّال جناب منیف افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامهٔ رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان بر تخت سلطنت عثمانی بود به حضور مهرظهور

اعتماد السلطنه

1970

مبارک مشرف شد ــ ایالات قم و کاشان و ساوه و زرند را ضمیمه و مزید مشاغل و حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافه ادام الله اقباله العالی فرمودند ــ وزارت عدلیهٔ اعظم را به جناب میرزا کاظم خان نظام الملک که مسبوق به این امر بود تفویض فرمودند ــ بندهٔ مؤلف به یک رشته حمایل سرخ و نشان سرتیبی سرافراز آمد ــ چون اوایل عشر سیّم ذیقعدة الحرام این سال اوّل سال سی ام سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بود و این قرن سعید با قرن صدساله سلطنت سلسله ابدپیوند قاجاریّه اقتران داشت جناب سپهسالار اعظم جشن این قرن همایون را در چند روز و چند شب به وجه اکمل گرفتند ــ جناب مسیو زینویف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مأمور به اقامت در بار دولت علیّه با تشریفات معموله در شانزدهم ذیحجهٔ وارد دارالخلافه گردید.

(چین) \_ فتوحات عساكر چینی در كاشغر \_ گرفتن شهر أزمُتُ سی را از يعقوب بيك امير كاشغر. (ژاپن) \_ مسافرت میكاد پادشاه این مملكت با سفاین جنگی به اطراف جزیرهٔ خود \_ موقوف داشتن شكنجه را نسبت به مقصرین در این مملكت \_ شورش ایالات مغربی \_ قتل یاغیان.

ارویا — (اسپانیول) — تمام نقاطی که عساکر یاغی دُن کارلُس گرفته بودند قشون دولتی به حیطهٔ تصرّف درآورد — شانزده هزار از قشون یاغی کارلیست اسلحهٔ خود را زمین گذاشته مطیع پادشاه اسپانیا شدند — فرار دُن کارلُس به مملکت فرانسه — ورود پادشاه اسپانیا با فتح و نصرت به مادرید. (اطریش) — مسافرت امپراطریس به انگلیس — ملاقات پادشاه یونان و ملکهٔ این مملکت با امپراطور اطریش در وینه سد رافقات امپراطور روس با امپراطور اطریش در رشتاد درحالتی که صدراعظم دولت روس و صدراعظم دولت اطریش حضور داشتند — ملاقات امپراطور اطریش در وینه در وینه با پادشاه ساکس — ورود پادشاه یونان به وینه. (آلمان) — منع دولت فروش اسب را به کسانی که می خواهند آنها را به خارج ببرند — فوت ژنرال پوکر از معارف در برلن — طغیان اغلب رودخانه ها علی الخصوص در شهر فرانکفر و دِرزد

١٩٦٦

\_ مسافرت یادشاه انگلستان به شهر باد \_ ملاقات یادشاه انگلستان و امیراطور آلیمان در شهر گونیورگ ــ ملاقات امیراطور روس و امیراطور آلمان در برلن ــ ملاقات وزرای دول ثبلاً ثهٔ روس و آلمان و اطریش: (پرنس کرچاکف)، (پرنس بينزارك)، (كنت اندراسي) \_ ملاقات آرشيدوك البرت سپهسالار اعظم دولت اطریش با امپراطور آلمان و امپراطور اطریش در شهر امس ــ مسافرت ولیعهد دولت ايطاليا با زوجهٔ خود به برلن ــ ملاقات اميراطور اطريش و اميراطور آلمان در سالز بورگ \_ ورود امپراطور برزیل و امپراطریس برزیل به آلمان. (انگلیس)\_ لرد دربي وزير امور خارجه مذمت از وضع سلطنت و حكمراني دولت عثماني می کند ـــ ملقب شدن دیسرائیلی صدراعظم به لقب کنت دبوگونس فِلد ــ تعدّی و ظلم عثمانیها نسبت به اهالی بلغارستان با کمال نفرت در انگلیس دیده می شود ... مسیو گلادستون کتابچهای در مذبت دولت عثمانی انشا می کند ــ سان دادن قشون هند در دهلی با حضور ولیعهد ـ افتتاح پارلمنت با حضور شخص پادشاه انگلستان \_ تکلیف دیسرائیلی صدراعظم به وکلا که به القاب اعلیحضرت پادشاه انگىلىستىان امپراطريىس ھىندوستان افزودە شود ـــ ابتياع بقيّة سھام خديو مصر از شراكت حفر نهر مجمع البحرين سوتز به وأسطة دولت انگليس ــ مسافرت پادشاه انگلستان به آلمان و مراجعت به انگلیس ــ معاودت کامِرُن سیّاح معروف از افریقا به انگلیس ــ مراجعت ولیعهد از هندوستان به انگلیس ــ فرستادن کشتی های حنگی انگلیسی به اسلامبول به جهت رعایت دولت عثمانی. (ایطالیا) مسافرت ولیعهد با زوجهٔ خود به پطرز بورغ ـــ ورود سفرای مرغش به تورن و به حضور پادشاه رفتن \_ اهالي ابطاليا از صدماتي كه از طرف دولت عثماني به اهالي بلغارستان می رسد متألم می باشند ـ فوت کاردینال ان تونلی معروف صدراعظم پاپ و برقراری کاردینال سیمونی بهجای او \_ زوجهٔ دوک دانوت پسر دویم پادشاه ايطاليا فوت مي نمايد \_ مسافرت أزني امپراطريس سابق فرانسه به شهر رم. (بلژیک) ــ ورود یادشاه یونان و ملکه به این مملکت، نیز ورود امیراطور برزیل و امپراطریس به بازیک ــ ملاقات یادشاه بازیک و ملکه در شهر ویسباد ــ شورش مردم در شهر بروکسِل پایتخت و در آنورس. (دانمارک) ــ مسافرت پادشاه با

زوجهٔ خود به پطرز بورغ. (روس) ــ در دهم نوامبر این سال که مطابق است با جمعه بيست و دويم شوال خطبة اعليحضرت اميراطور در مسكو با حضور رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت قرائت کرده آشکارا بیان می نماید که اگر اجماع دول فرنگ نـتـوانـستند قراری در رفاهیَت عیسویان رعیت عثمانی بدهند من مسلّماً يشخصه حاضِر هستم كه كمال رعايت را به آنها بنمايم، و سه روز بعد عساكر اردوهای حضویی مأمور توقف در ایالت ادسا گردیدند ــ نواب گراندوک نیکلا برادر امیراطور سردار این اردو گردید ــ اردوی مذکور عبارتست از دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عرّاده توپ و دویست کرور منات عجالتاً از برای تدارک جنگ دولت از داخلهٔ مملکت استقراض نمودند و مقرّر شد که از آن به بعد وجه گمرک زر مسکوک باشد نه یول دیگر ــ تـمـام اهـالـی روس از هر مملکیت و هر نقطه عریضه ها به امیراطور روس نوشته دعای خیر به اعلیحضرت معظم می نمایند که به خیال آزادی عیسویهای عشمانيست \_ در اوّل دسامبر كه مطابق با جمعهٔ چهارم ذيقعده است نواب گراندوک نیکلای سیهسالار برادر اعلیحضرت امیراطور که سردار عساکر جنوب بود به سمت کشین یف که معسکر اردوی روس بود حرکت کرد \_ فوت امیرال کراب وزیر بحریّه در زمستان ــ فوت گراندوک دوشس ماری خواهر اعلیحضرت امیراطور \_ الحاق مملکت خوقند به متصرفات روس در ترکستان و موسوم نمودن این ایالت را به ایالت فرغانه ـ فتوحات و غلبهٔ ژنرال اسكبلف سردار بر طایفهٔ قراقرقیز. (سُود و نروج) \_ فوت مادر پادشاه در تابستان. (سویس) \_ دخل این مملکت در این سال هشت کرور و دویست و چهل و یک هزار و پانصد و پنجاه و دو تومان و ششهزار دینار است و خرج هشت کرور و چهارصد و بیست و هفت هزار و شعست تومان. (عشمانی) \_ جنگ سخت دولت با یاغیان هرزگوین و بسنی \_ کنت اندراسي صدراعظم اطريش دستورالعمل ويادداشتي براي استمالت ياغيان هرزگوین و بسنی که به امضای دول روس و آلمان و انگلیس رسیده است به اسلامبول روانه مي سازد و اصول اين دستورالعمل و يادداشت مبني بر اين بود: (آزادی تمام و تممام اهالی در مذهبی که پیروی می کنند)، (قانون در وضع اخذ

مالیات که تعدی به آنها نشود)، (تشویق زارعین و ملاّحان)، (یک قسمتی از ماليات معيّنه كه اين دو ايالت ياغيه به دولت عثماني مي دهند همهساله خرج خود آن ایالت شود یعنی به مصرف ساختن مدارس و راهها و مریضخانهها و غیره برسد)، (ایجاد مجلسی در این دو ایالت مرکب از عیسوی و مسلمانان که معاً در آن مجلس نشسته و قرارهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند). دولت عثمانی قبول این تکالیف را می نماید و چهار هفته به یاغیان مهلت می دهد که اگر در ظرف این مـدّت اسـلـحه به زمين گذاشته ايليّت اختيار كنند آنها را عفو كرده نيز سلطان براي خرابی که به اهالی رسیده مقرّر می دارد که در ظرف دو سال تخفیف کلّی در ماليات آنها داده شود ــ ملاقات زُنرال برديج حاكم دالماسي من آيالات اطريش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راگوز ــ یاغیهای بُسنی با نهایت شدت بر ضد دولت هستند ــ مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزگوین و بسنى در جنگ است \_ ابتداي شورش در بلغارستان \_ استعفاى محمودياشاى صدراعظم و نصب محمّد رشدی پاشا به جای او ــ به دست آوردن قاتلین قونسولهای فرانسه و آلمان که در سالونیک بندر عثمانی مقتول شده بودند و به قتل رسانیدن آنها را در اسلامبول ــ خلع سلطان عبدالعزیزخان از سلطنت در سی ام مه که سه شنبه ششم جمادي الاولى باشد و نصب سلطان مراد پنجم به جاي او ــ در چهارم ماه ژون که یکشنبه یازدهم حمادی الاولی باشد عبدالعزیزخان شریان خود را با مقراض دریده خود را هلاک می سازد ــ در شانزدهم ژون که شنبه بیست و چهارم جمادی الاولی باشد حسین عونی پاشای وزیر جنگ و رشیدیاشای وزیر امور خارجه را حسن نام چرکس در خانهٔ مدحت پاشای صدراعظم به قتل می رساند ـــ در حبینی که در بلغارستان و هرزگوین و بسنی قشون دولتی به اطفاء نایرهٔ شرارت ياغيان مشغول بودند و آن ايالات را منظم كرده ايالت سربي بهبهانة اينكه می خواهند حدود و سنور خود را محفوظ از دستبرد و تخطی یاغیان یا قشون منظم دولت عشمانی نمایند عساکر زیادی حاضِر می کنند و پرنس میلان والی سربی سرداری این قشون را بشخصه قبول می کند، در اوّل ژویه که شنبه نهم حـمـادیالاخـری باشد منتنگرو و سربی به عثمانی اعلان جنگ می کنند ـــ سردار

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

عساکر سربسی ژنرال چرنایف می باشد ــ فتوحات مختار پاشا در منتنگرو، و از طرف دیگر شکست دادن قشون منتنگرو عساکر عثمانی را و حبس کردن عشمانیاشا را \_ عساکر عشمانی به سرداری سردار اکرم عبدالکریم پاشا ورود به خاک سربستان می نمایند - فتوحات عبدالکریم یاشا در سربستان -میانجی گری دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سربی و عثمانی را فراهم آورد \_ در بیست و یکم ماه او که دوشنبه نهم رجب باشد به فتوای شیخ الاسلام که سلطان مرادخان پنجم مريض و مجنونست و قابل سلطنت نيست از سلطنت خلع شده برادر کهتر او عبدالحمیدخان به جای او منصوب گردید ــ در هفتم سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمیدخان رسماً جلوس به تخت سلطنت می کند ــ تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سربی و منتنگرو ب شراکت سایر دول فرنگ و جواب مبهم دادن دولت عثمانی ـــ ورود امپراطور برزیل به اسلامبول ... ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست نفر ... فتوحات عبدالكريم باشا در سربى و استعداد تمودن سربى از دولت روس ـ ورود صاحب منصب و سرباز زیادی به اسم داوطلب به مملکت سربی ــ بیطرفی اختیار کردن افلاق بغدان ــ قبول کردن دولت عثمانی یک مجلس کنفرانسی که اجزای این مجلس سفرای کبار دولت فرنگ باشند به جهت قراردادهای جدید در داخلهٔ عشمانی \_ استعفای ژنرال چرنایف از سرداری عساکر سربی \_ دولت روس به تنهائی مطالبهٔ یک ضمانتی از طرف دولت عثمانی می کند که به وعدهٔ تنها اکتفا ننموده باید ضامن شود که قرارهای جدیدی که مأمورین دول فرنگ خواهند گذاشت از عهده برآید، و مأمور باوجود اینکه این مجلس برای او منعقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد ــ دولت عثمانی جداً مدحت پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مأمور نموده به این مجلس می فرستد ــ افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سهشنبه بیست و پنجم ذیقعده باشد بدون قبول حضور مأمورین عشمانی به ریاست ژنرال اِکناتیف سفیر کبیر روس - عزل رشدی پاشای صدراعظم و نصب مدحت پاشا به جای او \_ دولت عثمانی پنج تکلیف از تکالیف مجلس كنفرانس را قبول نمي كند. (فرانسه) ــ رياست مسيوگروي به مجلس پارلمنت ــ

ورود پادشاه انگلستان به بندر شربورغ و ورود به پاریس و ملاقات با مارشال ماکماهون \_ ورود سفرای مرغش به پاریس. (هلاند) \_ آزاد کردن غلام و کنیز را دولت هلاندی در جزیرهٔ سوماترا. (یونان) \_ ورود امپراطور برزیل در این مملکت \_ مراجعت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنگستان به مملکت خود \_ استقراض دولت برای تدارک قشون \_ فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک.

آمریکا \_ (اتائونی) \_ در چهارم ژویه که سه شنبه دوازدهم جمادی الثانیه باشد جشن سال صدم آزادی اتائونی را در تمام آن مملکت گرفتند (مخفی نماناد که قبل از صد سال ممالک فسیح المسالک اتائونی جزو مملکت انگلیس بوده و از آن تاریخ به بعد آزاد شده دولت مستقل بزرگی گردیده است) \_ ورود امپراطور برزیل در بهار این سال به نیورک پایتخت \_ مخارجی که به شخص رئیس اتائونی می دادند از طرف دولت آن مخارج را ژنرال کران رئیس تنصیف نمود \_ افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی زمین در شهر فیلادلفی در اواخر بهار. (برزیل) \_ مسافرت آمپراطور به ینگی دنیای شمالی. (شیلی) \_ به نسوان حق داده شده که مثل رجال آنها نیز در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل نسوان حق داده شده که مثل رجال آنها نیز در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل دارند. (مکزیک) \_ شورش اهالی رئوگراند به تحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن دارند. (مکزیک) \_ شورش اهالی رئوگراند به تحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن منتخب گردید.

## [سنة ١٨٧٧ هجرى = سنة ١٨٧٧ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ ابتدای این سال خیرمآل محض مزید نظم و انتظام امور دولت و رفاه و آسایش حال رعیت جناب سپهسالار اعظم به اشارهٔ علیهٔ ملوکانه قانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون که در ولایات ممالک محروسه هستند نوشته به امضای ملوکانه موشّح داشتند \_ میرزا سنگلاخ که تقریباً یکصد و ده سال

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

عـمـر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز داعی حق را لبیک اجابت گفت ــ عید مولود مسعود شاهنشاهي ذام ملكه را جناب سپهسالار اعظم باشكوهي و زينتي تمام گرفتند در تمام ممالک محروسه جشن کامل گرفته شد ـــ بعضی استخوانهای ماموت را در اصفهان ميرزا تقى خان حكيمباشى حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ظل السلطين حكمران اصفهان و مضافات انكشاف كرده است (ماموت جيوانيست كه قبیل از طوفان آخری در کره ارض وجود داشته شبیه به فیل ولی بزرگتر، بعد از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود نیافته است) ــ روز سهشنبه چهارم ربیع الاول بعد از نه ساعت و سی و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت به حمل تحویل کرد. سلام خاص در عمارت عاج در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و سلامعام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت ــ حکمرانی مازندران را به عهدهٔ جناب معتمدالملک وزیر مخصوص موکول داشتند ــ میرزاعلی دکتر بعد از مراجعت از سفر فرنگستان که برای تحصیل رفته بود از اطبای حضور همایون و به منصب معلّمی علم طبّ مدرسهٔ مبارکهٔ دارآلفنون سرافراز آمد ــ رسیدگی به امور عربستان و لرستان را به عهدهٔ كفايت جناب علاء الدوله وزير ماليه و در بار اعظم موكول داشتند \_ نیز ادارهٔ گیلان را مزید سایر مشاغل جناب معظم فرمودند و ضیاء الملک به حكومت گيلان منصوب شد ب حكمراني خمسه را به نواب والا عز الدوله عبدالصمد ميرزا واگذار فرمودند ــ ميرزا محمدحسين پسر ميرزاجعفر وقايع نگار به منصب استيفا سرافراز آمد ... موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای بیلاق لار و نـمـارسِتـاق گـردیـد ــ چرخ سکّه و ضرابخانهٔ دولتی در محلی که مشهور به کارخانهٔ رپسمانزریسی است به ریاست جناب میرزاعلی خان امینالملک وزیر رسایل خاصه و مباشری مسیو یخن نمساوی تکمیل و دایر شد ــ آقامحتمدابراهیم امین السلطان به لقب جنابی ملقّب و از اجزای دارالشورای کبری گردید ــ مهام و امور دولتی را در تحت دو وزارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مستوفی الممالک را وزیر امور کشور و جناب سپهسالار اعظم را وزير امور لشكر خواندند ــ ميرزا زكى رشتي وزير درب حرم جلالت به خطاب جنابی مفتخر آمد ــ در سلخ رجب شهرستانک مضرب خیام معلّی گردید ... بعد از معاودت سفرای بیرمان از دارالخلافه به آن مملکت میرزا

فضل الله خان کار پرداز بسمبئی را مأمور به ایلجی گری و سفیر بیرمان قرار دادند. مشار الیه این مأموریت را از روی کفایت به انجام رسانیده معاودت کرده این اوقات عریضهای از مسافرت و شرح سفارت خود به خاکپای همایون ارسال داشت ـــ میرزا هاشم خان امين الدوله مرحوم شد ـ ميرزامحمدخان امين خلوت ولد مرحوم ميرزا هاشم خان علاوه بر ریاست تفنگداران خاصه بریاست خلوت همایون سرافرازگردید\_ مسیونیکلا از جانب مسيور يدر ررئيس كل يستخانه ها نيابت كليّه يافت ميرزا اسحق خان به كارپردازي مهام خارجهٔ استرآباد برقرار گردید ــ در ماه رمضان این سال تکیهٔ دولتی محل و جایگاه تعزيه دارى و استماع مواعظست ودر غرفات آن جواهرفروشان دارالخلافه و تجار و ارباب صناعت و محترفه منزل نموده به كسب و حرفه خود مشغولند \_ نصرالله خان نصرالملک سرتیپ اوّل به یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید \_ میرزا شيخعلى جناب منصب نيابت نظام العلماء يافت \_ نواب والا جهانسوز ميرزاى امیرتومان حکمران استرآباد به اعطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد \_ حسینعلی خان ولد جناب علاء الدوله به منصب غلام پیشخدمتباشیگری مباهی گردید ... میرزا جوادخان كه مأمور حمل امتعه والجناس ايران به اكسپوزيسيون ياريس مي باشد به منصب سرتیبی دویم مباهی آمد ــ میرزا محمدعلی ناظم پستخانه به عطای یک رشته حمایل و نشان از درجهٔ سرهنگی نایل گشت ـ بعضی از تراکمهٔ ساروق که به خاک خراسان به تاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلی خان میر پنج رئیس نظام خراسان آنها را تدمیری بسرا نموده است ... محمدعلی خان امین السلطنه جامه دار خـاص بـه عطای یک قطعه نشان و حمایل سرخ از درجهٔ دویّم سرتیبی سرافراز آمد ـــ ميرزا اسدالله خان ژنرال قنسول دولت عليه مقيم تفليس به اعطاى نشان و حمايل سرتیپی اوّل مباهی گشت.

(چین) – فوت ولیعهد در سن بیست و هشت سالگی. (ژاپن) – ایجاد راه آهن و افتتاح آن با حضور پادشاه از اُزاکا به کیتُ.

اروپا \_ (اسپانیها)\_ هواخواهان دُنْ کارلس که به خارجه فرار کرده بودند به حکم پادشهاه به اوطهان خود برمی گردند \_ تمام یاغیهای جزیرهٔ کوبا مطیع و منقاد دولت اعتماد السلطنه

شدند. (اطریش) - ملاقات پرنس بیزمارک صدراعظم آلمان و کنت اندراسی صدراعظم اطریش در شهر سالسبورگ. (آلمان) ـ گرفتن امپراطور جشنی در موقع سال هفتادم، داخل شدن ایشان به خدمت قشونی و سال هشتادم عمر اعلیحضرت معظم ... پرنس بیزمارک به واسطهٔ علّت مزاج موقّتاً چندی از کار کناره می جوید ... ملاقات امیزاطور آلمان با امیراطور اطریش در شهر ایشُل. (انگلیس) ــ ورود سفرای چین به لندن ـ گفتگوی سخت در مجلس پارلمنت در مماثلی که راجع به عشمانیست \_ الحاق جمهوری ترانس وال افریق قریب به رأس امید به متصرفات انگلیس در آن ناحیه ــ سفاین جنگی انگلیس ورود به خلیج بزیکا نزدیکی اسلامبول مى كند. (ايطاليا) - پى نهم پاپ جشن سال پنجاهم سلطنت روحانى و جسمانى خود را می گیرد. (برتوغال) مه بیطرفی این دولت در جنگ روس و عثمانی. (روس) ــ صدراعظم اين دولت پرنس كرچاكف به دول آلمان و اطريش و فرانسه و ایطالیا یادداشتی می فرستد که دولت عثمانی به هیچوجه تکالیف دولت روس را در مسائلي كه راجع به رفاهيت عيسويان آن مملكت است قبول ننموده و به اين جهت دولت روس در تهية قشون است يه آمدن اعليحضرت اميراطور به كشينو به اتفاق ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا اعلان جنگ کردن به عثمانی ــ شارژدافر عشمانی با تمام اجزای سفارت خود از پطر به سمت مملکت خود حرکت می کند \_ امیراطور با ولیعهد بشخصه در عساکر روس که به خاک عثمانی ورود می کنند حاضر هستند. (عشمانی) - سرداری سلیمانیاشا به جای مختاریاشا در هرزگوین -صفوت باشا در مجلس وكلا از طرف سلطان اظهار مي دارد كه تكاليف مجلس كنفرانس دول راكه در اسلامبول منعقد شده بود چون به شأن و شوكت عثماني خلل وارد می آورد سلطان قبول نکرده رد نمودهاند ـــ مجلس وکلای دولت عثمانی تماماً تکالیف مجلس کنفرانس دول فرانک را رد کردند ــ رفتن مأمورین دول که در مجلس كنفرانس حاضِر شده بودند از اسلامبول \_ عزل مدحت ياشا از صدارت و نصب ادهم یاشا به جای او \_ انعقاد مصالحه مابین سربستان و عثمانی \_ سرداری کل سفاین جنگی عشمانی به هِبُرْ یاشا نام که اصلاً انگلیسی است تفویض شد ... شار روافر روس با اتباع سفارت بیرق خود را خوابانیده از اسلامبول خارج شدند ــ در

بیست و چهارم آوریل مطابق سه شنبه دهم ربیع الثانی عساکر روس ورود به سرحد عشمانی نمودند \_ ایالت افلاق بغدان به قشون روس اجازه می دهد که از مملکت او عبور نموده به خاک عثمانی بروند و والی افلاق بغدان یرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی برمی خیزد ــ تصرّف عساکر عثمانی سُخِهْ قلعه را از بنادر روس در هفدهم مه مطابق پنجشنبه سیم جمادی الاولی ــ شهر اردهان را روس متصرف شد ... شیخ الاسلام فتوای جهاد می دهد ... در چهارم ژون مطابق دوشنبه بیست و یکم جمادی الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره می کنند \_ در بیست و دویم همان ماه عساکر روس از رود دانوب عبور می نماید \_ ورود عساکر روس در سمت اروپ به تیرنوا خاک عثمانی ــ پیش قراول قشون روس به سرداری ژنرال گورگو از کوه بالخان عبور می کند، شهر بنگیکی به تصرف عساکر روس درمی آید ـ شکست اردوی نهم روس به دست عشمان پاشا سردار عثمانی \_ محمدعلي باشا بهجاى عبدالكريم باشا سيهسالأرى كل عساكر عثماني در سمت اروپ می شود ـ عشمان پاشا در پیلونا محصور شده در حملهٔ اوّل عساکر روس به آن نقطه ده هزار نفر قشون روس کشته می شود \_ شکستی به ژنرال گورگو در حوالی قازان لق رو می دهد ــ سلیمان پاشا در یک حمله با روسها به جهت به چنگ آوردن دره شیبیکا دوهزار نفر به کشتن می دهد ــ عساکر افلاق بغدان با عساکر روس متفق شده در محماصرهٔ یلونا جداً مشغولند و سرداری این دسته قشون با پرنس شارل حاکم افلاق بغدانست ــ لُفحا به تصرف روس درآمد ــ در حملهٔ دویم عماکر روس و افلاق بغدان به يلونا بيست هزار نفر از عساكر روس كشته من شود ... شكست مخشار یاشا در آلشِکهٔ و خود را به قلعهٔ قارص انداختن ــ در هیجدهم نوامبر مطابق يكشنبه يازدهم ذيقعدةالحرام قلعة قارص به تصرف قشون روس درآمد و عساكر روس به سمت ارزنة الروم حركت كردند ـ در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذيححه عشمال پاشا باقشون ابوابجمعی خود در پلونا تسلیم عساکر روس می شود ـــ و در همان وقت ایالت سرب با وجود عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون روس متنفق می شود ـ با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطه كوه بالخان عبور مي كند. (فرانسه) ــ رياست مسيو كردي به مجلس وكلاي ملت ــ

فوت ژنرال شان کارینه از سردارهای معروف به در سیّم سیتامبر که دوشنبه بیست و چهارم شعبان باشد مسیو طیر رئیس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات می کند. (هلاند) به فتوحات عساکر دولت در آتچین به فوت ملکهٔ این مملکت در تابستان. (یونان) به کمال عجله دولت در تهیّهٔ حاضِر کردن قشون است و کارخانه جات اسلحه سازی ایجاد می شود به بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمول حاضِر می کنند به ورود نواب ولیعهد دولت انگلیس به آین پایتخت یونان.

آمریکا \_ (اتائونی) \_ در بهار این سال ریشارد های به ریاست جمهوری برقرار و ژنرال گران از این عمل خلع گردید \_ سالی پنجاه هزار دلار به رئیس جدید مواجب و مرسوم داده می شود (هر یک دلار معادلست با پنج قران پول ایران) \_ پیغمبر طایفه مُرْمُن که مذهبی است جدیدالاحداث و ژهن نام پیغمبر مُزبور است به حکم دولت به قتل می رسد \_ تمام قشون اتائونی بری و بحری بیست و پنج هزار است \_ مسافرت رئیس سابق ژنرال گران به سمت فرنگ ورود او به لیور پول بندر انگلیس \_ شکست عساکر دولتی از طایفه سیوکس که از وحشی های قدیم ینگی دنیا می باشند. (برزیل) \_ به واسطهٔ خشکسالی و نیامدن بازان در ایالات شمال مردم به بلیهٔ قحطی مبتلا می شوند. (مکزیک) \_ ریاست دیاز نام در مکزیک.

## [سنة ١٢٩٥ هجرى = سنة ١٨٧٨ مسيحي]

آسیا \_\_ (ایران) \_ کلیهٔ امور دولتی در این سال فرخنده فال از توجهات کاملهٔ بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه زایداً ماکان قرین انتظام است \_ جشن میلاد همایون را جناب سپهسالار اعظم به وجه اکمل گرفتند \_ کتاب مستطاب منتخب مشنوی که به قلم معجز رقم مبارک انتخاب شده به اهتمام محمدحسن خان محقق به طبع رسیده است \_ حکومت کرمان و بلوچستان را به حاجی غلامرضاخان شهاب الملک مفوض فرمودند \_ میرزا محمد مستوفی ولد مرحوم حاجی میرزابابای حکیمباشی به منصب استیفای نظام سرافراز شد \_ شب پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه از شب آفتاب از برج حوت به بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه از شب آفتاب از برج حوت به

حمل تحويل نموده سلام خاص در عمارت عاج و سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید ــ ادارهٔ امور بنائي دارالخلافهٔ باهره و سایر ممالک محروسه را برعهدهٔ نواب اعتـضـادالسلطنه وزير علوم موكول فرمودند ـــ حكـمراني گلپايگان و خوانسار و بروجرد را ضميمة حكمراني اصفهان نموده به حضرت اعظم اجل شاهنشاهزاده والا ظل السلطان واگذار فرمودند \_ نواب والا عباس میرزا که چندین سال در عتبات عاليات و عراق عرب بسر مي برد عواطف و مراحم ملوكانه ايشان را به دربار همايون احضار فرموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانهٔ عامره به رسم سيورغال و مواجب در حق نواب معظم و یک هزار و پانصد تومان در حق نواب محمدمیرزا ولد ایشان برقرار و نواب معظم را به لقب جلیل ملک آرائی و حکومت خمسه مباهی فرمودند \_ نـواب معزالدوله بهرام ميرزا را به وزارت عدلية عظمي مفتخر فرمودند ـــ حكمراني ملاير و نهاوند و تویسر کان را برعهدهٔ کفالت نواب مؤیدالدوله موکول داشتند \_ جناب الله قلى خان ايلخاني به حكومت همدان مباهي گشت \_ حاجي محمد رحيم خان قاجار شامبياتي به رياست مجلس مظالم عامه برقرار آمد ــ امير دوست محمدخان معيرالممالک به اعطای نه محتال همايون سرافران گرديد ... ميرزا حسن نوري ولد ميرزا ابراهيم به منصب استيفا أز درجه سيم نايل آمد \_ حاجي ميرزا علينقي منشى باشى نظام به لقب مشير لشكرى سرافراز گرديد \_ حاجى آغاجوهر خواجه باشى به لقب معتمدالحرم مفتخر گردید ... كل قراولخانه های دارالخلافه را به عهده كفایت امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار کل وجوه نظام واگذار فرمودند ـــ آقارضای آجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف جیب مبارک به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل شیر و خورشید با حمایل سبز مفتخر آمد ــ اسفندیارخان سرتیپ به یک قطعه نشان شیر و خورشید و یک رشته حمایل مخصوص آن مساهی شد ــ از وقایع عمدهٔ این سال خیرمآل مسافرت اعلیحضرت همایون به فرنگستانست که شرح آن در سفرنامهٔ مبارکه به قلم معجز رقم مبارک مرقوم است ـــ و در اینجا نیز بر سبیل اجمال نگارش می یابد و مقدمتاً اظهار می داریم که چون مقصود و خیال حقایق تمثال خسروانه از این سفر خیراثر استدراک دقایق و نکات عمدهٔ علوم و فنون و صنایع و بدایع اقلیم اروپا می بود این سفر مبارک را بدون سمت رسمیت

قرار دادند تا تشریفات سلاطین و وزرا و بزرگان دول و رؤسای ملل مانع نیل مقصد اعلی و مطلب و منظور اهم نگردد.

هنگام عزیمت این سفر خیراثر نیابت مخصوص وجود مسعود شاهانه را در مدت غيبت ذات ملكوتي صفات أقدس به حضرت اجل اعظم شاهنشاهزادة افخم والا نايب السلطنة اميركبير ادامالله اقباله العالى مفوض وجناب اجل آقاى مستوفى الممالک را در كليّهٔ كارهاى كشورى مشارك راي و خيالات حضرت اشرف معظم قرار دادند \_ و جناب معتمدالملک وزیر مخصوص نیز از جانب سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی به کار لشکری و نظامی و امور دایرهٔ وزارت خارجه گردید ـــ و بعد از وضع این ترتیبات روز پنجشنبه سلخ ربیعالاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود موكب همايون از دارالخلافة باهره انتهاض فرموده دوشنبه چهارم ربيع الثاني به ظاهر قزوین نزول اجلال فرمودند و پس از سه روز توقف عزیمت آذر بایجان نموده ضياءالمملک حکمران گيلان در عرض راه به نشان تمثال همايون مفتخر آمد، روز يازدهم به سلطانيه نزول اجلال فرمودند، دوازدهم ظاهر شهر زنجان مضرب خيام معلى گردید و روز چهاردهم نهضت فرموده، هیجدهم میانج مضرب اردوی کیوانشکوه گرديد، بين راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا وليعهد دولت عليّه ايران صاحب اختيار وحكمران مملكت آذر بايجان وجناب صاحبديوان وزيرنظام وبيشكار آذر بایجان به خاکیای مبارک مشرف شدند، دوشنبه بیست و پنجم شهر تبریز به ورود مسعود خسروانه مزین گردیده در باغ شمال نزول اجلال فرمودند، و پس از ورود مسعود سلام عام منعقد گردید \_ نواب والا حسنعلی میرزا ولد ارجمند حضرت مستطاب وليعهد دولت عليه كه تا اين روز به حضور مهرظهور مبارك مشرف نشده از تقبيل آستان اعلی مستسعد و مباهی آمد ــ بیست و ششم جناب فخری بیک سفیر کبیر عشمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان به تبریز آمده و سه روز پیشتر به این شهر رسیده به حضور باهرالنور مقدّس مشرف گردید ... روز بیست و نهم از شهر تبریز انشهاض فرموده، روز سیم جمادی الاولی به کتار رود ارس تشریف فرما گردیدند ــ روز سه شنبه چهارم از رود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند ــ پرنس منچیکوف که از جانب دولت روس مهماندار بود با صاحبمنصبان زیادی لب رودخانه حاضِر و به

شرف حضور همايون نايل شدند.

## اسامی ملتزمین رکاب اعلی در این سفر فرنگستان از قرار ذیل است:

(جناب سپهسالار اعظم)، (جناب عضدالملک)، (جناب ناصرالملک)، (جناب امین السلطان)، (د کتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون)، (حکیم الممالک)، (مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه)، (آقارضا آجودان مخصوص و خازن صرف جیب همایون)، (محمدعلی خان امین السلطنه)، (امیرزاده سلطان حسین میرزا)، (غلامحسین خان زیندار باشی)، (محمدحسن خان محقق)، (فرخ خان پیشخدمت)، (جعفرقلی خان غلام بچه باشی)، (آقارضای ناظم خلوت)، پیشخدمت)، (جعفرقلی خان غلام بچه باشی)، (آقارضای ناظم خلوت)، (آقامحمدعلی آبدار باشی)، (آقامیرزامحمد)، (حاجی حسن آبدار)، (حاجی

جمعه هفتم تشریف فرمای ایروان شدند و روز نهم بعد از آنکه به جمیع صاحب منصبان نظامی و قلمی و حاکم شهر ایروان علی قدر مراتبهم نشانها مرحمت فرمودند و همگی مشمول عوارف ملوکانه گردیدند از این شهر عزیمت تفلیس فرمودند – سه شنبه یازدهم شهر تفلیس را به قدوم مبارک مشرف ساختند در بین راه جناب امین الملک که چند ماه قبل مأمور فرنگستان شده بود با ژنرال قنسول ایران میرزا محمودخان مقیم تفلیس به تقبیل رکاب اعلی فایز گردیدند، تشریفات زیاد در ورود مسعود شاهانه به شهر تفلیس به عمل آوردند – پرنس میرسکی نایب ورود مسعود شاهانه به شهر تفلیس به عمل آوردند – پرنس میرسکی نایب (جانشین) جمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی تفلیس را در حضور باهرالنور اقدس معرفی کرد – نواب گراندوک میشل جانشین قفقاز اینجا نبودند ولی دو پسر ایشان که در این شهر توقف داشتند به حضور مهرظهور مقدس تشرف حستند – روز سیزدهم بعد از آنکه به شاهزادگان پسرهای جانشین نشان و حمایل ایران عطا فرمودند و سایر اعیان و صاحبمنصبان را نیز به قدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه فرمودند و سایر اعیان و صاحبمنصبان را نیز به قدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از تفلیس انتهاض فرموده به منزل ملیت تشریف فرما گردیدند – روز

چهاردهم تشریف فرمای شهر ولاد قفقار شده از وسط شهر عبور فرموده دم گار بیاده شده به کالسکه بخار نشستند ــ نظرآقا وزیر مختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده به حضور مبارک مشرف شد تا سه شبانه روز از کالسکه بیرون نیامده متصل در حركت بودند عصر روز هفدهم جمادي الاولى به شهر مسكو ورود فرمودند، در اين روز قامازوف مترجم خاص اعليحضرت امپراطور كه از يطر مأمور شده بود و ميرزا ملکم خان ناظم الملک ایلچی مقیم لندن به حضور همایون مشرف شدند ـــ در ورود به گار پرنس دالقورکی حاکم مسکوبا همهٔ صاحبمنصبان و ژنرالها به استقبال آمده بودند منزلگاه همایون در مسکو قصر کرملین است، تا غروب روز چهارشنبه نوزدهم در مسكو توقف فرموده بعد از صرف شام به راه آهن تشريف فرما شده عازم پطرز بورغ گردیدند ـــ روز دیگر چون به گار پطرز بورغ ورود فرمودند اعلیحضرت امپراطور و همهٔ شاهزادگان خانوادهٔ سلطنت و جمیع صاحبمنصبان تا گار به استقبال آمده بودند. در این محل بعد از ادای مراسم مودت اعلیحضرت امپراطور اولاً تمام شاهزادگان خانوادهٔ خودشان را معرّفی کردند، آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی در یک درشکه سر بازی نشسته به عمارت زمستانی ارمی تاج که منزل اعلیحضرت همايون است ورود فرمودند و زياده از آنچه به تصور بيايد اعليحضرت اميراطور اسباب احترام و پذیرائی موکب همایون را فراهم آورده اند ــ جمعهٔ بیست و یکم در بطر اقامت شد ــ در این روز از اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم بازدید نمودند، شام را امشب مخصوصاً در منزل اعلیحضرت امیراطور موعود بودند ... شنبه بیست و دویم در میدان شان دومارس سان بسیار تحویی از قشون متوقف در بطرز بورغ داده شد و در این سان جمیع فرمان را خود اعلیحضرت امیراطور می دادند ... امشب را نیز در منزل مخصوص اعلیحضرت امیراطور به شام رسمی دعوت شدند ــ یکشنبه بیست و سیّم یک زوج گلدان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور برای اعلیحضرت همایون فرستادند ــ شب این روز در خانهٔ تواب وليعهد دولت روس به شام رسمي مهمان بودند و در اين شب نشان تمثال همایون مکلل به الماس را برای نواب گراندوک الکسی اهدا فرمودند ــ دوشنبه بیست و چهارم تشریف فرمای پطرهوف که ییلاق بسیار باصفائی است شدند ـــ

روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع خانوادهٔ امپراطوری با كالسكة بخار عزيمت ورشاو فرمودند ... روز بيست و ششم يكساعت و نيم به غروب مانده وارد شهر شدند. منزل اعليحضرت همايون در اين شهر قصر لازنسكي است ــ حـا كـم و صـاحـبـمنصبان متوقف اين بلد و اعيان در پذيرائي موكب اعلى كمال اهتمام را بهعمل آوردند ــ شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبهٔ بیست و هفتم در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع دیگر این شهر را تماشا فرمودند ــ جمعه بيست و هشتم عازم برلن شدند، و شب يكشنبه سلخ جمادی الاولی وارد برلن گردیدند و تشریفات کامله از مقدم مبارک به عمل آمد ـــ روز سلخ اعليحضرت امپراطور گليوم به ديدن اعليحضرت همايون آمدند و اظهار مخالصت و وداد كامل از جانبين شد ... منزل اعليحضرت همايون همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنگستان در آن منزل داشتند ... بعد از نیمساعت اعليحضرت همايون به بازديد اعليحضرت اميراطور تشريف بردند ـــ عصر اين روز درحالتی که اعلیحضرت امپراطور در کالسکه روبازی نشسته گردش می کردند شخصی دکتر شارل بُنلِنگ ُنام از خاندان معروفی از طبقهٔ موسوم به سُسیالیست دُمكرات با تفنگی كه چهار ياره زيادی پر كرده بود دو تير به طرف اعليحضرت معظم خالی نموده چون کلاه خود به شر داشتند شر ایشان محفوظ مانده ولی حوالی شانمه و گردن ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاد مایهٔ تألّم اعلیحضرت همایون و جميع ناس شد ــ سه هفته پيش از اين هم يک نفر از طبقهٔ مذكوره طيانچهٔ شش لوله به اعليحضرت اميراطور انداخته امّا آسيبي به ايشان نرسانده ... شنبه غرّة جمادی الثانیه دوساعت به غروب مانده به عزم بادن باد انتهاض فرمودند، روز دویم به این شهر وارد گردیدند، و پس از پنج روز توقف در آنجا و سیر و تفرّج و شکار و تماشای اماکن متنزّهه روز یکشنبهٔ هفتم یک ساعت به ظهر مانده با کالسکهٔ بخار عازم پاریس شده و در بین راه شهر استراز بورغ را تماشا فرمودند ــ دوشنبه هشتم صبح بسيار زود وارد دارالملک پاريس گرديدند، در گراندهوتل يعني مهمانخانه بزرگ منازل و اطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون و ملتزمین رکاب اعلی اجماره و معيّن شده بود. همهٔ پادشاهان كه به پاريس مي آيند در همين مهمانخانه

منزل می کنند \_ جناب مارشال ماکماهون رئیس جمهوری به دیدن اعلیحضرت همايون آمد، بعد از آن به بارديد اكسيوزيسيون تشريف فرما شدند ــ روز دويم ورود مسعود به عمارت البيزه به بازديد جناب مارشال ماكماهون رفتند، بعد رسماً به اكسيوزيسيون تشريف ورود بخشيدند و همهجا را گردش و بازديد فرموده از جمله بنائی که به حکم همایون به سبک ایران در نهایت خوبی ساخته اند با امتعهٔ ممتازهٔ ایـران کـه در ایـن عمارت گذاشته بودند ملحوظ نظر انور گردید ـــ خلاصه یک روز به بـوادُبُـولن، یک روز به اکسپوزیسیون، روزی به بوت دشومون که تفرّج گاه بسیار خوبیست، روزی به آن گن که قصبهٔ بزرگیست تشریف فرما گردیدند ــ از سوانح این ایّام آنکه پادشاه سابق هانور که مملکت آنرا دول آلمان تصرّف کرده و عموی تنسى اعليحضرت پادشاه انگلستانست و مذتى در پاريس بوده غفلتاً وفات مى نمايد \_ روز شنبه سیزدهم نواب ولیعهد دولت انگلیس از اعلیحضرت همآیون دیدن نمود \_ روز چهاردهم در گزشان اسب دوانی بود و اعلیحضرت همایون با جناب مارشال ما کمهاهون به تماشای اسب دوانی تشریف فرما گردیدند - شب شانزدهم را برای شام مهمان مارشال ماکماهون پودند ــ بالجمله بیست و دو روز موکب همایون در دارالملک پاریس اقامت داشت و دّات همایون هرروزی به تماشا و تفرّج و بازدید محلّی اهتزاز خاطر فرموده، روز دوشنبه بیست و نهم جمادی الثانیه تشریف فرمای اليزه شده جناب مارشال ماكماهون را وداع فرمودند بعد از آن به اكسيوزيسيون توجّه تموده قدري گردش كردند \_ روز سهشنبه غرّة رجب باليمن و السعاده عازم ايران شدنید ــ مارشال ماکماهون و اعاظم آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند وقت شب از استراز بورغ عبور شد، فردا عصر به شهر سالسبورغ ورود فرمودند ــ نواب آرشيدوك ويكتور برادر اعليحضرت امپراطور اطريش كه از جانب اعليحضرت امپراطور به استقبال آمده بود در اینجا به حضور مبارک تشرف جست و تشریفات كامله از قدوم بهجت لزوم مقدّس بهعمل آمد ــ روز سيّم در اينجا توقّف شد، امشب در عمارت پیلاقی خارج از شهر مهمان نواب آرشیدوک ویکتور بودند ـــ روز جمعه چهارم عزیمت وینه فرمودند و چون به گار وینه رسیدند اعلیحضرت امپراطور و همهٔ صاحبمنصبان و غیره دم گار با لباس رسمی حاضِر بودند ــ

اعليحضرت همايون با اعليحضرت اميراطور با كمال خصوصيت و مهر باني و مودت دست دادند و بعد از تقديم رسوم و تشريفات با اعليحضرت اميراطور در كالسكة روبازی نشسته به عمارت دولتی موسوم به باله دبورق تشریف فرما شدند \_ منزل اعلیحشرت امپراطور هم در همین عمارتست، بعد از دقیقه ای اعلیحضرت همایون به بازدید اعلیحضرت امیراطور تشریف بردند ــ روز پنجم به تماشای همین عمارت از خزانه و موزه و غیره گذشت، شام را مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند ـــ روز ششم به تسماشای بعضی ابنیه و عکس و پرده های نقاشی و غیره مشغول گردیدند ـــ روز هفتم بعضی از وزرای مختار و بزرگان وینه به حضور مهرظهور مشرف شدند \_ بالجمله تا روز دوازدهم رجب بندگان اعليحضرت همايون در وينه متوقف و مشغول ملاقاتهای دوستانه با اعلیحضرت امپراطور و تفرّج و تماشای اماکن متنزّهه بودند ـــ روز مزبور اعليحضرت اميراطور را وداع فرموده بعد به قصر شونبرون تشريف فرما گردیدند و پس از تماشای باغ وحش آنجا، روز سیزدهم که عید مولود مسعود حضرت اميىرالمؤمنين عليه السلام است از وينه به طرف ايران حركت فرمودند و اعلیحضرت امپراطور به منزل اعلیحضرت همایون آمده بعد از قدری صحبت به اتّفاق در کالسکه نشسته به طرف گار مشرق راندند، و در گار محدداً اعلیحضرت امیراطور را وداع کرده روانه شدند و فردا قبل از ظهر وارد سرحد روس گردیده در استاسیون روسها مهمانداران و صاحبمتصبان روس حاضر بودند و از آنجا به كالسكه هاي مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل و روانهٔ راه گردیده، روز پنجشنبه هفدهم رجب به ولاد قفقاز شرف ورود ارزانی داشتند ــ دو شب در ولاد قفقاز توقّف شد و تشریفات کامله از چراغانی و غیره به عمل آمد ــ شنبه نوزدهم از ولاد قَضَمَاز حرکت فرمودند بیستم به کروزنوای، و بیست و یکم از اینجا انتهاض فرموده با كالسكه تا بندر پطروفسكي طي راه شد از اينجا در كشتي موسوم به الكسندر سزاريويچ ورود فرموده، روز چهارشنبه بيست و پنجم رجب انزلي به مقدم فرخنده شیم مبارک مزین آمد و این سفر خیراثر به میامن اقبال خسروانه به سعادت اختتام يافت ــ روز نهم شهر شعبان المعظّم به دارالخلافة باهره و مقرّ خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی به زیارت جمال مهرمثال مقدس سر بلند آمدند و سه شب در دارالخلافه چراغانی و جشن بود.

هم در این سال میرزا عباسخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانهٔ آذر بایجان به منصب سرتیبی سرافراز شد \_ حاجی آغاجوهر معتمدالحرم به منصب سرتیبی دویّم و نشان و حمایل مخصوص آن مباهی گردید ــ توپیچیان همدانی و نهاوندی و شرائى و كرمانشهانى را به ميرزا على اكبرخان آجودانباشى تويخانة مباركه ابواب جمع نمودند \_ چون خط تلگراف عربستان كشيده شد جناب مخبرالدوله وزیر تـلـگـراف را به اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل با حمایل سبز که مخصوص آنست مفتخر فرمودند، و حسینقلی خان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه ولد جناب معزی الیه به منصب سرتیبی سیّم و نشان و حمایل آن مباهی گردید \_ روز پنجشنبه چهارم جمادی الثانیه جناب فخری بیک سفیر کبیر عثمانی مأمور اقامت دربار دولت عليّه با شرايط بِشريفات معموله وارد دارالخلافه گرديد \_\_ امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیب اول به اعطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید \_ الله ويرديخان سرتيب اول توپخانه به اعطاى نشان همايون مفتخر آمد \_ موسى خان سرهنگ فوج سواد کوهی به منصب سرتیپی سیّم مباهی گشت ــ باقرخان سرهنگ افشار قراول مخصوص به منصب سرتیبی سیم نایل شد \_ اسمعیل خان سرهنگ فوج فیروزکوهی را به منصب سرتیپی سیّم سربلند فرمودند ... هنگام اقامت موکب هـمـايـون در پطرز بورغ يک قطعه نشان سنتاتسالاس نيس از درجهٔ دويم با ستاره و یلاک از جانب دولت روس به بندهٔ مؤلف اعطا شد ــ دو قطعه نشان طغرای غرای نام نامی مبارک مکلّل به الماس که از بزرگترین نشانهای این دولت جاویدشوکت است به جناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند ... مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه به نشان تمثال همایون سرافراز شد \_ عمیدالملک ولد مرحوم مجدالدوله به حکومت خمسه سرافراز آمد \_ یک قطعه نشان قدس مکلل به الماس که از برترین نشانهای دولت عليه است به جناب اجل آقاى مستوفى الممالك مرحمت فرمودند \_ عمارت سلطنتی که در پیلاق شهرستانک نهایت عالی و مزین به امر همایون جناب امين السلطان بنا نموده زيور اتمام يافت ــ حضرت اجل اعظم شاهنشاهزادة والا نایب السلطنة امیر کبیر ادام الله اقباله العالی به یک قبضه شمشیر مکلّل به الماس از

شمشیرهای خاصهٔ سلطنتی مباهی گردیدند \_ میرزا محمود مستوفی وزیر دارالخلافه به لقب جنابی سرافراز شد \_ محمدحسین خان رئیس عمله جات حکومت دارالخلافه به نشان سرتیپی از درجهٔ سیّم نایل آمد \_ لین اوقات ارادهٔ علیهٔ همایونی اقتضا فرمود که ترتیبات سابقهٔ ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلاً محدود باشد و در این حسن ترتیب نتایج و فوایدی که همیشه مقصود خاطر خطیر همایونست به سهلترین وجه حاصل شود، نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب اشرف سپهسالار اعظم را به حضور مهرظهور مبارک احضار و بدینگونه خطاب فرمودند که:

(انتظام مهام مملکت اگرچه به مراقبت و دولتخواهی وزرا و کارگذاران و دولت قصوری ندارد لیکن هنوز خاطر ما راضی و قانع نیست که معاذیر و بُطئ اقدامات شما اصلاحات فوریّهٔ امور را تأخیر کرده و منظورات بلند ما را به مقام انجام نیاورده است. چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی به رجوع خدمات امتحان کرده ایم و می بینیم به غیرت و دانش فطری چهقدر به خدمت دولت مایل است در رتبهٔ شاهزادگی پایهٔ وزارت هم داده و در این خطاب با شما شریک می گنیم و ادارهٔ امور مملکت چنانکه بود با چندین مراتب استیلا و استقلال به شما تفویض می شود به شرایط و حدودی که خواهیم نوشت و شما سه نفر را به اجرای این تکالیف مأمور و مسئول قرار می دهیم. باید وزرای ما متفق و متحد باشند. باید در کارها به طرز و اسلوب کهنه قانع نشوند. باید از دستگاه وزرا اسباب تفرقهٔ حواس و مفسدهٔ وسواس منسوخ شود. کذلک در حضور ما وسایل و وسایط مختلف انتظام احکام و عرایض را مختل نکنند. تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم به امین الملک برسد و او به حضور آورده عرض کند و جواب هر اداره را او بفرستد. دستورالعمل و تکالیف شماها را می نویسم و باید خود را به تمام آنچه معین و مقرر کرده ایم مکلف بدانید.)

پس از رخصت وزرای فخام جناب امین الملک را به حضور همایون خواسته و از روی یادداشتی که مشروحاً به دستخط همایون مرقوم شده بود حدود و تکالیف ادارات مستقله را تقریر فرمودند. جناب معزی الیه منصوصات اوامر علیه را

ثبت و به امضای ملوکانه توشیح داد و خطاب به هریک از وزرای مسئول سه گانه دستخط مخصوص داير به شرح اداره و توضيح تكاليف معظم اليهم صادر نمود و مقرر گردید که روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعاظم در تالار تخت مرمر حاضر شده دستورالعمل و تكاليف وزراء مسئول در مجمع عام قرائت و دستخط های مطاعه که به افتخار هریک شرفصدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود \_ روز سه شنبة هفدهم شؤال حسب الامر الاعلى مجلسي مشحون به تمام شاهزادگان و وزرا ورجال و اعاظم ترتیب شده دستورالعلم ادارات مستقلّه را لسان الملک قرائت نمود \_ چون بعضی از تألیفات بندهٔ مؤلف در یاریس به مطالعهٔ جناب مسیو شفر مترجم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسهٔ السنهٔ شرقیه و سايىر علماء و دانشمندان خبير و بصير آن مملكت كه وقوفي كامل و مهارتي تام به زبان فارسى وعربى دارند رسيده زايدالوصف تمجيد نمودند وجناب اميرال لارونسيه دنوري، رئيس مجلس جغرافياي فرانسه اين بنده را جزو اجزاء آن مجلس محترم شمرد جناب مسيو باردو وزير علوم و صنايع و مذاهب آن دولت فخيمه پس از اظهار به رجال دولت جمهوري فرانسه نشاني از مرتبة اول مجمع العلوم كه بالاترين علايم و نشان فضل و دانش آست با فرمان مخصوص آن از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکیای همایون اجازهٔ استعمال آن را یافت ــ میرزا محمد رئیس دفتر وزارت حارجه ملقب به صديق الملك گرديد \_ محمّدعلي خان امين السلطنه جامه دار خاصّه شريفه و خازن مخزن تداركات عسكريه به منصب صندوقداري صندوقخانهٔ مباركه سرافراز شد.

(افغانستان) \_ قبول نکردن امیرشیرعلی خان امیر افغانستان مأمورین انگلیس را در ماه رمضان و قبول نمودن مأمورین روس را در کابل \_ انتشار این خبر در لندن سبب اضطراب گردید \_ رفتن امیرشیرعلی خان از کابل به سمت ترکستان و زمام اختیار سلطنت را به پسر خود سردار یعقوب خان دادن در دوازدهم ذیحجه.

اروپا \_ (اسپانیا) \_ عروسی پادشاه با پرنسس مِرسیده دختر دوک دمونت پانسیه

که خاله زادهٔ اعلیحضرت معظّم بود ــ شورش اهالی کوبا بر ضد این دولت رفع شـده آن جـزيـره به كلّـى مطيع مى شود ـــ فوت ملكهٔ جديد زوجهٔ پادشاه در بيست و سیتم ژون، این ملکه که پنج ماه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت مسیحی متولد شده بود، جمعه بیست و هفتم شوّال شخص چلیکسازی طپانچه به طرف پادشاه خالی کرد ولی به ایشان نخورد. (اطریش) \_ کنت اندراسی وزیر اعظم اطریش به دول آلمان و انگلیس و فرانسه و ایطالیا اعلان رسمی می فرستد که مأمورین در مجلس کنگره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد خواهد شد به وینه پایتخت اطریش روانه دارند و دولت آلمان تکلیف می کند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد ــ فصول عهدنامه در سان استفان مابین روس و عشمانی را کنت اندراسی قبول نمی کند ـــ ورود عساکر اطریش به هرزگوین و بسنی ایالات عثمانی به جهت تصرف نیودن این دولت و راضی نبودن اهالی ــ در هشتم رمضان این سال عساکر اطریش شهر تربین را در هرزگوین و بسنی تصرّف نمود و به این واسطه دولت اطریش از تصرف کردن این دو ایالت و جنگ با اهالی آسوده گردید ــ سفارت کیرای مسیو دُیُشت از طرف دولت اطریش به فرانسه ــ آتش گرفتن کشتی موسوم به اِشْفَلْکُسُ در محیط و تلف شدن پانصد نفر ــ استقراض دولت معادل دوازده كرور ايران به جهت مخارج لازمهٔ قشون ـــ متصرّف شدن عساکر اطریش شهر سِراجُوُ را که شورشیان هرزگوین و بسنی در آنجا جمع بودند. (آلمان) ـ در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور بشخصه خطبه خوانده و كوشش خود را در انعقاد مصالحه بين روس و عثماني و حفظ صلح در تمام دول فرنگ اظهار می دارند ــ در یکی از کوچه های بران معروف به تُیل در هشتم جمادی الاولی امپراطور با صبیهٔ خود والیه باد در کالسکه رو بازی از گردش مراجعت می کرده تمدِل نام دو تبر طپانچه به سمت اعلیحضرت معظّم خالی می کند ولی هیچکدام به ایشان نمی خورد ــ کشتی جنگی زرهدار بزرگ آلمان موسوم به گـــرُس کُـورفُـورشـت در حــوالی انگلیس به کشتی جنگی موسوم به کینگ ویل هِلْم برخورده با سیصد نفر عمله که در آن کشتی بودند غرق می شود ــ در سلخ جـمـادیالاولی نیز در کوچهٔ تُـیّل برلن هنگام رفتن امپراطور به گردش دوتیرتفنگ اعتماد السلطنه

به سمت اعلیحضرت معظم خالی می شود و چند چار پاره به بازو و شانه های امیراطور می خورد \_ ضارب که موسوم به تُبْلِنگ است با طپانچه قصد هلاکت خود را کرده لیکن زخم شدیدی به او نرسیده و نمی میرد ـ به واسطهٔ جراحات سختی که به بدن امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقّتاً به ولیعهد می دهند ــ مجلس كنگرهٔ دول در برلن افتتاح شده و مأمورین دول آلمان و اطریش و فرانسه و انگلیس و روس و عشمانی و ایطالیا در مجلس جلوس کرده و ریاست مجلس به پرنس بینزمارک داده می شود ــ مأمورین دول عهدنامهٔ برلن را امضا می نمایند ــ اختتام مجلس کنگره \_ دهم ذیحجه امپراطور سالماً از پیلاقات و شهرهای آبمعدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند به برلن مراجعت و ورود نموده بشخصه مشغول رسیدگی به امور سلطنت شدند ... فوت ژرژ پادشاه هانور در پاریس. (انگلیس) ... مابین این دولت و دولت روس آثار کدورت پدیدار است ــ در اغلب بلاد انگلیس اهالی با دولت موافق در جنگ با روس نیستند ــ ورود عساکر روس در حوالی اسلامبول اسباب كمال وحشت رجال دولت انگليس است و به اين جهت کشتیهای جنگی انگلیس از سببت دریا به حوالی اسلامبول می آید \_ استعفای لرد در بسی از وزارت خارجه که به تهیّهٔ قشون انگلیس راضی نبود ــ از خطبه ای که یادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلمنت میخوانند و نوشتجاتی که لرد سالیس بوری که تازه به وزارت امور خارجه انگلیس منصوب شده چنین معلوم مىشود كـه دولت انگليس به هيچ وجه راضى به فصول عهدنامهٔ منعقدهٔ سان استفانُ مابیین دولت روس و عثمانی نیست و با کمال شذت دولت انگلیس تهیهٔ جنگ می بیند ـ استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضِر کردن عساکر بری و بحبری ــ وزرای عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انگلیس دارند \_ نامزد نمودن برنس آرتور پسر یادشاه انگلستان پرنسس مارگریت صبیهٔ فردریک شارل بنیعم امپراطور آلمان را ـ در مجلس کنگرهٔ برلن گنت بوگینست فِلْدُ صدراعظم اظهار مي دارد كه بنابر اين عهدنامة مخفى مخصوصي كه مابين دولت انگلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انگلیس جزیرهٔ قبرس منجزایر عثمانی را متصرّف می گردند ــ لرد سالس بوری بعد از مراجعت از مجلس كنگرهٔ برلن

۱۹۸۸

تمجيدات زياد از نتايج اين مجلس مي كند به جهت اينكه عهدنامهٔ سان استفانُ را برهم زد ــ مرخص نمودن دولت انگلیس عساکری که تازه جمع کرده بود ــ کشتی موسوم به پرنس آلیس در چهارم رمضان با کشتی دیگر روی رود طمس که از وسط شهر لندن مي گذرد برخورده كشتي پرنس آليس در آنِ واحد غرق شده ششصد نفر مسافر هلاک می شوند ... فرستادن تهدیدنامه از طرف فرمانفرمای هند به اميىرشيرعلى خان امير كابل در ماه ذيقعده ــ پنجشنبه بيست و پنجم ذيقعده عساكر انگـلیس از چند نقطه وارد به خاک افغانستان شد و فردای آن روز قلعهٔ علی مسجد را که در دهنهٔ تنگهٔ خیبر است متصرف شدند ــ فتح قلعه و درهٔ پیوار افغانستان به دست ژنرال رُبِيرُ سردار انگليس \_ فوت كنت روسل از معارف. (ايطاليا)\_ فـوت ویکـتـور امـانـول دویـم پادشـاه این مملکت و جِلوس هومبر اوّل ولد ارشد آن یادشاه به تخت سلطنت ایطالیا \_ فوت پی نهم پاپ اعظم \_ انعقاد مجلس كُـنْكُـلاؤ يعني شوراي بزرگ كشيشان به جهت انتخاب نمودن ياپ تازه و انتخاب نـمـودن کـشـیـشـان کاردینال پچی را به پاپی و ریاست کاتولیکی و او را ملقّب به لئون سيردهم نمودن \_ صدارت مسيو كيسولى در ايطاليا \_ در شهر ناپل شخصى باسانانت نام با كارد حمله به يادشاه كرده ولى به ايشان نمى خورد، امّا كيسُولي صدراعظم که در صندلی جلو کالسکه نشسته بود رانش از آن ضربت مجروح می گردد، بعد از این مقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش می کنند. (بلڑیک) ــ اهالي بلڑ یک جشن سال بیست و پنجم عروسي پادشاه وملکه راگرفتند. (روس) ... دولت روس اعلان می کند که اگر کشتی های جنگی انگلیس در حوالی اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را متصرّف می گردد، لهذا قسمتی از سفاین جنگی انگلیس به حوالی کالی پولی رفتند ــ شهر صوفیا از ممالک اروپائی عشمانی به تصرّف عساکر روس درآمد ــ سرمای شدید را که بلانهایت بود قشون روس ممذ خود ساخته از تنگهٔ شیپکای کوه بالخان که قسمت عمدهٔ قشون عثمانی به واسطهٔ برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشتند ـــ مراجعت امیر اطور بعد از فتوحات نسمایان در خاک عثمانی به پطرز بورغ ـــ ورود عساکر روس به شهر ادرنه ـــ نواب گراندوک نیکلا سردار عساکر روس در قریهٔ سان استیفان نیم فرسخی اسلامبول

اردو زد ... نواب گراندوک نیکلا به شهر اسلامبول رفته و با اعلیحضرت سلطان ملاقات مے نماید ــ ژنرال اکتاتیف که از طرف دولت روس مأمور به بعضی گفتگوها مایین دولت روس و اطریش بود به وینه رفته بی نیل مقصود مراجعت می کند ... معاودت گراندوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال تُثلِینْ را به جای خود ــ تصرّف نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم را ــ تصرّف قشون روس شبهر عثمانبازار و رُسْجُـقُ و ارزنة الروم را ـــ رفتن قشون روس از سان استفانُ حوالي اسلامبول ــ مجروح ساختن ژنرال تيريُف حاكم شهر پطرز بورغ را شخصي از طایفهٔ نیهیلیست \_ ژنرال مِزنْتُ زو رئیس احتساب مخفی روس را در یکی از کوچهای پطرز بـورغ در روز روشـن به قتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید ـــ سان دادن قشون در پطرز بورغ با حضور اعليحضرت شاهنشاه ايران. (عثماني) ـــ اضطراب اهالي اسلامبول و عريضه دادن به اعليحضرت سلطان ــ قرار دادن بعضي از اصول مصالحه را در شهر ادرنه به فتوحات منتنگرو و عساکر سربی در نیش ـــ فتح شهر فلیپ پُلی قشون افلاق بغدانی ودین را متصرّف می گردد ـــ انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استفان و این عهدنامه مبنی بر بیست و نه فصل است \_ موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی \_ سفرای عثمانی در لندن و ويهنه به دول انگليس و اطريش رسماً اطلاع مي دهند كه اصول عهدنامهٔ صلح بين عشمانی و روس ممضی شد ــ سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید می کند که اگر عساکر خود را که در خاک عثمانی تخطی نموده اند نطلبد آن بندر را به ضرب گلوله معدوم سازند ــ جمیع دول انعقاد مجلس كنگره را به جهت حل مسائل شرقيه در وينه قبول مي نمايند مگر دولت روس و آلمان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود ــ تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عبهده گرفته که موافق عهدنامهٔ سان استفانُ به دولت روس بدهد دوهزار و هشتصد و بیست کرور منات است ــ و ایالات بلغارستان و دُبُرچای را از مملکت اروپ خود مجزی دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را ملک طلق دولت روس می داند ــ جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را

مجدداً بر تخت سلطنت جلوس داده و سلطان عبدالحميدخان را خلع نمايند حتى جرأت نموده خواستند این قصد را به موقع اجرا رسانند، مقصرین گرفتار شده مورد تشبیهات سخت گردیدند ـــ مسلمانهای یاغی روملی در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت بـا عـسـاكـر روس نــمـوده در اغلب فتح و ظفر با ياغيان بود و ثلث بلغارستان که به موجب عهدنامهٔ سان استفان از خاک عثمانی مجزی شده بود به این دولت برگشت و قرادنگیز از برای عبور و مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و بـایـزید به دولت عثمانی مسترد گردید و به این جهت راه تجارت با ایران آزاد و باز شد \_ یانقین سخت در باب عالی. (فرانسه) \_ افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه ـ در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریس در سی ام ماه ژون به اسم عید و جشن جمهوری چشن بزرگی گرفتند \_ قیمت مخابرات تلگرافی در فرانسه کلمه ای پنج سانتیم مقرّر شد (یک فرانک صد سانتیم است) ــ ادارات تلگراف و چاپارخانه را در فرانسه یکی نموده در تحت وزارت مالیه قرار دادند ... شورش اهالی نول کالدونی استرالی بر ضد دولت فرانسه و کشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آن جزیره \_ سفارت کبرای مسیو فورینه از طرف دولت فرانسه به اقامت اسلامبول \_ انتخاب وكلاى ملّت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود ... اغلب و کلای ملت جمهوری طلبند نه سلطنت [طلب]. (هلاند) - مزاوجت وليعهد اين دولت با يكي از شاهزاده خانمهاي پروس. (یونان) ــ یاغیهای ایالت مقدونیه که بر ضدعثمانی هستند میل به تبعیت یونان دارنىد ـــ دولت يونان به دولت عثماني اطلاع مي دهد كه الجاءً عساكر خود را به ایالات اپیر و تسالی و مقدونیّه من ایالات عثمانی خواهد فرستاد ـــ صورت ترجمهٔ عهدنامهٔ مفصّلهٔ منعقده در مجلس كنگرهٔ برلن كه در اين سال سمت اختتام يافته بود و در اینجا موقع درج آنست چون در جلد سیّم کتاب مستطاب مرآت البلدان مسمّى به مآثرالسّلطان بعینها مندرج شده است لهذا در اینجا اعاده و تکرار نشد.

امریکا ــ (اتائونی)ــ بروز تب زرد با نهایت شدت در بعضی ایالات اتائونی.

اعتماد السلطنه

## [سنة ١٢٩٦ هجري = سنة ١٨٧٩ مسيحي]

آسیا \_ (ایران) \_ امور دولت در این سال به یمن توجهات اعلیحضرت همایون شهریاری قرین انتظام و آراستگی تمام است ــ در ماه محرّم این سال به امر هـمـايـون و از وجوه خاصّة دولت و به مباشري جناب امين السلطان شروع به ساختن راه شوسه (كالسكهرو) و منازل و اقامتگاهها از دارالخلافه طهران الى آذربايجان و سرحد ارس شد که بعدها نیز تدریجاً بر سایر راههای ایران الی سرحدات به همین طور ساخته شود ــ دسته ای از قشون سوارهٔ ایران را به وضع سوارهٔ قزاق روس و به ریاست و معلّمی کلنل دمنت و یج صاحبمنصب روسی ترتیب و برقرار کردند، و نیز هفت فوج از قشون عراقی را با ششصد نفر توپچی عجالتاً بهطور نمونه انتخاب و به سبک و وضع قشون اطریش مرتب کرده یک دسته ضاحبمنصب به ریاست کلنل شيونووسكي و شيونووتيس براى تعليم وارياست افواج مزبوره از دولت اطريش استخدام نمودند ... حشن ولادت همايون را در ششم صفرالمظفر به رسم معمول همه ساله جناب سپهسالار أعظم با شكوهي تمام گرفته به اعطاي يك حلقه انگشتری الماس بریلیان از طرف اعلیحضرت همایون مفتخر شدند ــ تولیت دریای نور و نوشتجات و اسناد و نامه های عظیم الشأن دولتی به عهدهٔ جناب حاجی محمد رحيم خان خازن الملك كه از خدمت صندوقداري استعفا نموده بود مفوض شد ـــ مهدیقلی خان پیشخدمت خاصه به منصب میرآخوری اصطبل مبارک سرافراز گردید \_ حكومت عراق و مضافات به عهدهٔ حكيم الممالك پيشخدمتباشي سلام موكول آمد ــ در صفحهٔ خراسان بكنج سردار تركمان با جمعي سواره و پياده از اوبهٔ خود که به عزم تاخمت و دستبرد حدود خراسان آمده سیاه منصور ساخلو سرحد آنها را تنبیه و کیفری بسزا دادند ـــ رحمت الله خان ساری اصلان به اعطای یک قطعه نشان تمثال همايون مفتخر آمد \_ جناب ميرزا عباس خان معاون الملك به يك حلقه انگشتری الماس سرافراز گردید ـ جناب امین لشکر وزیر گمرک به اعطای یک ثوب خرقه از ملابس مخصوصه مباهى شد ـــ ساعدالدوله حبيب الله خان سرتيب اؤل

به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید ... سهام الدوله سرتیب اول نيز به يک قطعه نشان تمثال مبارک و شجاع الملک عبدالقادرخان به منصب سرتیبیی اوّل سرافراز شدند ــ حاجی ملامحمدجعفر چالمیدانی از اجلهٔ علمای دارالخلافه شب بیستم صفر به رحمت ایزدی پیوست ـ حاجی محمدقلی خان صارم الملک شاطر باشی در سلخ همین ماه نیز داعی حق را لبیک اجابت گفت ـــ اسواق و خمانيات و مدارس و بقاع دارالخلافة طهران را عموماً مرمت و تعمير كردند ــ در روز بیست و هفتم صفر در تیمچهٔ جناب امین الملک شصت صندوق و سی یوت خالی از نفت بغتهٔ آتش در آنها افتاده می سوزد، و نیز در شب بیست و هشتم دكان نفت فروشي ستّار نام در چهارسوق بزرگ دارالخلافه آتش گرفته قریب یانزده شانزده دگان دیگر نیز آتش گرفته تمام متاعش می سوزد و به چهارسوق نیز خرابی وارد می آورد \_ عید مولود مسعود حضریت خاتم النبیین صلّی الله علیه و آله و سلّم را در هفدهم ربیع الثانی جشن کامل گرفتند \_ نواب اشرف والا شاهنشاهزادهٔ اعظم وليعهد جاويدمهد دولت عليّه ادام الله العالى از محلّ حكومت آذر بايجان موقّتاً احضار به در بار همایون و وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردیدند \_ يازده ساعت و سي و نه دقيقه از شب جمعه بيست و هفتم ربيع الاول گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت به حمل تحويل كرده مراسم جشن عيد و سلام در پیشگاه همایون کاملاً به عمل آمد \_ نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت عليه ادام الله اقباله العالى به يك قطعه نشان تمثال اقدس كه از اختراعات جديدة ذات همایون است معزّز و مخصوص گردیدند ــ امین خلوت در موقع سان تفنگداران خاصه به اعطای یک ثوب سرداری خلعت همایون مباهی شد \_ ضرابخانه جدیدالبنای دولتی به امر دولت و به توسط جناب امین السلطان دایر شده مسکوکات ایران عیار صحیحی بهم رسانده مصون از غل و غش گردید و عیار قران نقره در بیست و چهار نخود که یک مثقال تمام باشد و تومانی طلا به همین نسبت در پانزده نخود قرار گرفت ــ برحسب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة دولت علية ايران حكومت ملاير و تويسركان و نهاوند مستقلاً به نواب والا عزّالدوله، و حکومت مازندران به امیرزاده نورالدهر میرزا مرحمت شد \_ محمدباقرخان

شجاع السلطنه به نشان و حمايل سرتيپي اوّل سرافراز گرديد ــ فضل الله خان يسَر مرحوم حاجى صارم الملك به منصب شاطر باشي گرى كه بدان مسبوق بود سرافراز گردید، فتح الله خان پسر دیگر آن مرحوم به منصب ناظمی دیوان عدالت مباهی آمد \_ برحسب ارادهٔ علیهٔ همایونی ادارهٔ پلیس به جهت امنیت شهر به توسط نواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه ادام الله اقباله العالى و به رياست مسيول كنت دمنت فرت در دارالخلافة طهران برقرار گردید ــ در اردبیل و بعضی بلاد دیگر آذر بایجان چند روز متوالی زلزله شد ــ نواب اشرف والا شاهنشاهزآدهٔ اعظم ولیعهد دولت عليّهٔ ايران ادام الله اقباله العالى به اعطاى يک قطعه نشان ذى شأن اقدس مكلل به الماس قرين اعزاز آمده پس از رخصت ملوكانه رجعت به آذر بايجان فرمودنـد ـــ بـنـدهٔ مؤلّف پس از تقدیم جلد ثانی مآثرالسلطان به خاکیای همایون و نایل شدن آن به شرف قبول به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل این دولت با یک رشته حمایل سبز سرافراز گردید به محمدرحیم خان از جانب نواب اشرف والا ظل الاسلطان دولت عليَّة ايران ادام اقباله العالى به حكومت بروجرد منصوب شد ــ على خـان از جـانـب جناب اعتضادالدوله حكمران قم و كاشان به نيابت حكومت كاشان برقرار گرديد ــ نواب والا نصرت الدوله فرمانفرما به حكومت ايالتين كرمان و بلوچستان و اعطای یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسهٔ مرضع منصوب و مخلّع گردیدند \_ انتظام دفترخانهٔ مبارکه استیفا علاوه بر خدمت محصلی بقایا به عهدهٔ آقاعلی امین حضور محوّل شد \_ ایّام شنبه و سه شنبه حسب المقرّر جمیع وزرای عظام در مجلس شورای کبری که در عمارت دولتی موسوم به خلوت کریمخانی است حاضِر شده در امور دولتی مشاوره نموده پس از انقضای مجلس دو ساعت بعد از ظهر به حضور همایون شرفیاب می شوند ــ در آذر بایجان چون به واسطهٔ اختلاف رواج امپریال و خمس منات اختلالی در امر معاملات بهم رسیده بود مقرّر شد در دارالخلافه اميريال از قرار دوتومان و دوهزار و خمس منات روسي پانزده عدد یکتومان رواج خزانه و غیره باشد و اهالی آذربایجان هم از همین قرار داد و ستد تمایند \_ از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دو قطعه نشان سنت آندره مكلّل به الماس يكي به جهت نواب اشرف والا ظلّ السلطان دولت عليّه

و دیگری برای نواب اشرف والا نایب السلطنه دولت علیه امیر کبیر ادام الله اقبالهما العالى انفاذ گرديد ــ نواب پرويز ميرزا نيرالدوله بهعلاوه حكومت سبزوار به حکومت نیشابور و یک قطعه نشان سرتیبی اؤل با حمایل آن نایل شد ــ متعلّمین دارالفنون را امتحان نمودند ــ جناب میرزا قهرمان امین لشکر به وزارت و پیشکاری آذر بایجان، و مصطفی قلی خان اعتمادالسلطنه به ریاست قشون آذر بایجان، و جناب ميرزا عبدالرحيم خان ساعدالملك به ادارهٔ مهام خارجهٔ آذر بايجان، و حاجي علیقلی خان پازکی به تحویلداری و تحصیل داری وجوه نظام آن مملکت مأمور شدند ـ نـواب والا احمدميرزا معين الدوله به حكومت اروميّه، و نواب حاجي سيف الدوله ميرزا به حكومت اردبيل و مشكين، و حاجي محمودخان به حكومت ساوجبلاغ، و على خان پسر مرحوم والى پيشخدمت حضور همايون به حكومت مراغه، و مهدیقلی خان سرتیپ دنبلی به حکومت مرند، و آقاخان سرتیپ افشار به سرحدداری و حكومت قراجه داغ منصوب گرديدند ـــ نواب والا عضدالدوله حكمران قزوين به اعطای یک قطعه نشان و یک رشته حمایل امیرتومانی مباهی آمد \_ حكيم الممالك پيشخدمت باشي سلام حكمران عراق به يك قطعه نشان و يك رشته حمایل سرتیپی اول سربلند گردید ـ جناب آقاشیخعلی نایب نظام العلماء به لقب ناظم العلمائي ملقب شد \_ محاسبة انبار دارالخلافه و غلة ديواني كل ممالك محروسه و برات نویسی ادارهٔ نظمیه و احتساب و حساب گروس و خوار و برات نویسی و محاسبهٔ عمل راهسازی از هرجهت به میرزا عبدالله خان مستوفی نوری محـوّل گردید ــ میـرزا محمّدعلی لشکرنویس توپخانه به اعطای نشآن و حمایل سرتیبی سیّم سرافراز شد ــ مهدی خان با فوج هفتم افشار ارومی از مأموریّت فارس مراجعت کرده به نشان و منصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز، و محمّدعلی خان ولد مشارٌ الیه به منصب سلطانی نایل گردید ــ برات نویسی کل اتباع وزارت خارجه به عهدهٔ میرزا محمّد حسین مستوفی آشتیانی محوّل شد ــ ریاست کل قشون خراسان به سلیمانخان صاحب اختیار مفوض آمد \_ گمرکخانهٔ بوشهر از طرف دولت تعمیر كامل شد \_ يك قطعه تمثال همايون به اعزاز نواب والا جهانسوز ميرزا اميرتومان حكمران استرآباد مرحمت گرديد \_ امان الله خان بهاء الملك قراگوزلو به رحمت

ایزدی پیوست \_ مرتضی قلی خان و کیل الملک سرتیب اول داعی حق را اجابت گفت ــ از غرة شهر رجب به موجب اعلان دولتي اعظاي نشان تصوير همايون غدغن و متروک شد ــ موکب همایون عزیمت پیلاق لار و فیروزکوه فرمود ــ میرزا حسین پسر جناب وزیر دفتر به نیابت وزارت دفتر و خلعت همایون نایل و مخلّع گردید ــ کنت دمنت فرت رئیس ادارهٔ نظمیه و احتسابیهٔ شهر دارالخلافه به یک قطعه نشان و یک رشته حمایل سرتیپی اؤل سرافراز شد ــ حاجی میرزا علینقلی مشبیر لشکر به اعطای نشان و حمایل از رتبهٔ سرتیبی اوّل مفتخر گردید ــ نواب اشرف والا شاهنشاهزادة اعظم وليعهد ادامالله اقباله العالى حكومت شهر تبريز را به نواب شعاع الدوله مفوض داشتند ــ عمارات ديواني ساري مرقت شد ــ نوخان گیلان ترقی و امتیاز یافت ــ روز بیست و هشتم رجب کسوف اتفاق افتاده ثلث قطر آفتاب منکسف شد \_ محمدتقی خان حاجب الدوله به میرآخوری اصطبل توپخانه برقرار گردید ــ جناب میرزا موسی وزیر لشکر به نشان و حمایل امیرتومانی سرافراز آمد \_ اللهيارخان آجودانباشي بديك هزار تومان اضافه مواجب نايل شد \_ اعطانی لقب جنابی برحسب اعلان دولتی موقوف و متروک گردید مگر در حق كسى كه رتبة وزارت داشته باشد \_ آقا زين العابدين اشرف الكتاب نسخ نويس اصفهانی در سن یکصد سالگی به رحمت ایزدی پیوست ـ نواب اشرف والا ظلّ السلطان أدام الله أقباله العالى محمّدرحيم خان را أز حكومت بروجرد معزول و محمدعلی خان را به جای او منصوب نمودند \_ موکب همایون ملوکانه شنبه هشتم رمضان از یمیلاق شهرستانک تشریف فرمای قصر نیاوران شد ـ جناب مستر رانلد طامسن به وزارت مختار و ایلچی مخصوصی دولت بهیّهٔ انگلیس مأمور به اقامت در در بار دولت ایران شد و شنبه یازدهم رمضان در سلطنت آباد به حضور همایون شهریاری نایل و مورد مرحمت گردید ــ موزهٔ قدیم که چندان عالی و وسیع نبود با سایر عماراتی که در روال آن و مابین دو حیاط باغ همایونی واقع بود خراب و جای آن را دو دریاچه بسیار طویل عریض ساخته و موزهٔ بسیار وسیع عالی مثل موزه های معتبر دول اروپ در یک ضلع سمت شمالی عمارت باغ مبارک بنا کردند \_ سبزی میدان و امامزاده زید و مشجد جامع سلطانی و بازارهای دارالخلافه را مرمت

کامل کردند \_ ایجاد و افتتاح کارخانهٔ چراغ الکتریسیته در مجمع الصنایع جنب خیابان باب همایون به توسط مسیو فابیوس معلّم در هفدهم رمضان همین سال شد \_ کارخانهٔ چراغ گاز نیز که اسباب آنرا جناب سپهسالار اعظم از فرنگستان خواسته و آورده اند به توسط همین مسیو فابیوس دایر می شود \_ از غرایب اینکه سگی در شیراز به یک شکم پانزده بچه آورده است و نیز بچه گر به ایست که دو دست ندارد و جای دستها صاف و حرکت او شبیه به جست و خیز است.

سلام عيد فطر در باغ لالهزار منعقد شد \_ نواب اشرف والا اميركبير نابب السلطنة دولت علية ايران به اعطاى يك حلقه انگشتري الماس بريليان اختصاص یافتند \_ سیم تلگراف به یزد و کرمان اتصال یافت \_ نواب الله قلی میرزای ایلخانی در سلک وزرای شورای کبری منسلک گردید ــ در ضرابخانهٔ دولتی که سیرده به جناب امین السلطان است در ظرف مدت هفت ماه و بیست روز یک کرور و هفتاد و دوهزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس با چرخ بخار به سكّة جديد مسكوك شد \_ قوام الملك درسه فرسنگي شيراز قناتي به جهت شرب اهالی شهر احداث کرد که دو سنگ تمام آب دارد \_ محال قطور که از نقاط سرحدي ايران و از محالات مخصوصة خوى است و در زمان فتنه سالار در حدود خراسان سرحدداران دولت عشماني فرصت غنيمت شمرده آنجا را غصباً تصرّف كرده بـودند و تا به حال در رد و استرداد آن از طرف دولتين عليتين ايران و عثماني مسامحه شده بود در این اوقات که مجلس کنگرهٔ برلن منعقد شد موافق فصل شصتم عهدنامهٔ كنگرهٔ بركن به دولت ايران مسترد و واگذار شد و محمدصادق خان امیس نظام از طرف دولت علیهٔ ایران برای قبض و تصرّف محال قطور مأمور آنجا شنده نوزده قریم را تصرف کرد ــ یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز دربارة نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علية ايران ادام الله اقباله العالى مرحمت شد \_ میرزا محتدعلی خان معین الوزاره کار پرداز اول دولت علیه مقیم بغداد به اعطای نشان و حسایل سرتیپی اوّل نایل گردید ــ روزنامهٔ اصفهان موسوم به فرهـنگ به توجّه نواب اشرف والا ظلّ السلطان ایجاد شد ـــ عمارتی عالی به جهت دفسرخانهٔ مبارکهٔ دولتی در جنب باغ ارک قدیم ساخته و تمام گردید ــ در حوالی

قریهٔ کاوند از قرای خمسه دو سه سال قبل یاری نام قطعهٔ سنگ طلائی پیدا کرده بود معدن چیان مشغول کاوش و کار هستند و باز خاک طلائی از حوالی کوه آنجا به دست آورده اند \_ علاوه بر این معدن نیز کوه دیگر منکشف شده است که دارای معدن طلا است \_ اعلیحضرت ملکهٔ اسپانیول یک قبضه شمشیر مکلّل به الماس گرانبها برای اعلیحضرت همایون صاحبقرانی اهدا و ارسال داشتند \_ موکب همایون یکباره از پیلاقات تشریف قرمای شهر شد \_ این بندهٔ مؤلف به اعطای یک قبضه قمهٔ مرضع مباهی گردید \_ شجاع السلطنه محمدباقرخان سرتیپ اوّل به اعطای یک ثوب سرداری ترمه سرافراز گردید \_ میرزا تقی خان پیشخدمت خاصه ولد جناب مجدالملک به منصب منشی حضوری و نیابت جناب امین الملک سرافراز شد \_ در دهم ذیحجه الحرام مراسم تبریک عید اضحی و انعقاد سلام در حضور مبارک به عمل آمد \_ هفدهم این ماه بندگان اعلیحضرت همایون به جهت امتحان مبارک به عمل آمد \_ هفدهم این ماه بندگان اعلیحضرت همایون به جهت امتحان مبارک به عمل آمد \_ هفدهم این ماه بندگان اعلیحضرت همایون به جهت امتحان مبارک به عمل آمد \_ هفدهم این ماه بندگان اعلیحضرت همایون به تبریز به توجه و امر مبشن و تبریک عید غدیر به عمل آمد \_ روزنامهٔ تبریز موسوم به تبریز به توجه و امر نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیهٔ ایران حکمران مملکت آذر بایجان ادام الله اقباله الهالی دایر و طبع شد.

(چین) — شورش عام و انقالاب عظیمی در شهر پکن و شهر شان کائی حادث شده است.

اروبا \_ (اسپانیول) \_ ملاقات پادشاه اسپانیول با پادشاه پرتوگال در شهر الساسن \_ مجمع وزرا استعفای از عمل کرده و در نزد پادشاه قبول افتاد \_ مجلس شورای کورتیس (وکلای ملتی) استعفا از عمل کردند \_ پرنس رودلف ولیعهد دولت نمسه وارد مادرید گشت \_ کنتس دمن تیژ، و مادر امپراطریس قدیم فرانسه وفات کرد \_ عروسی اعلیحضرت الفونس با شاهزاده خانم ماری کریستین. (اطریش) \_ قرارداد مستحفظین و قرانتین به جهت حفظ مملکت نمسه از طاعونی که در روسیّه بروز کرده است \_ پرنس اورئسپرک رئیس وزرا و وزرای مجارستان از عمل استعفا نمودند، استری مایر به جای او رئیس وزرا گشت \_ کنت تا آف به

وزارت داخله نایل آمد ــ اعلیحضرت امپراطور به شهر شردم که از سیل بالمره خراب شده بود رفتند \_ جشنهای باشکوه در این موقع سال بیست و پنجم از مزاوجت امپراطور و امپراطریس که عید بزرگی شمرده اند بر پا گشت \_ عقد معاها، و قرارداد اتّحاد مابین این دولت و دولت آلمان ــ یارلمنت اطریش و مجار بر استعداد حربی افزوده عدد قشون را به هشتصدهزار نفر قرار داد. (آلمان) ... مزاوجت پادشاه هلاند با والى زاده والدك برنسس إما از شاهزاده خانمهاى آلمان ... افتتاح مجلس پارلمنت در برلن با حضور امپراطور گلیوم که خطبهٔ افتتاح را امپراطور بشخصه قرائت نمودند \_ پسر ولیعهد آلمان پرنس هانری که جزو عساکر بحریست و در کشتی آدالب مشغول تعلیم و تعلّم است به بندر یوکوهاما خاک ژاپن رسیده و از طرف میکاد پادشاه ژاپن نهایت احترام در بارهٔ او مرعی شد \_ جشن مفصل باشکوه در برلن و اغلب مملکت آلمان به جهت تبریک و تهنیت امیراطور اطریش که سال پنجاهم مزاوجت ایشان بوده است سملاقات امیراطور نمسه امیراطور آلمان را در شهر کاستن ــ بروز خصومت و مشاجرهٔ سخت در میان روزنامه های روسیّه و آلمان - پرنس کرچاکف وزیر اعظم روس وارد برلن شد. (انگلیس) - رفتن قشون انگلیس رو به قندهار ــ ورود ژنرال روبر به ماتن، و روز بعد از ورود شکست دادن و متفرق ساختن طایفهٔ مالیک را که بر دور او احاطه کرده بودند \_ خان گنار برای اظهار عقیدت و تمکین به انگلیس وارد جلال آباد گشت ــ دولت انگلیس در کار جنگ با یادشاه زولوس (سیتواتو) است ــ یک اردوی انگلیس را که مرکب از نهصد و پنج نفر تابین و هفتاد و دو نفر صاحبمنصب بوده دراهاند و لازولوسها بـالــمـرّه معدوم و مقتول كرده اند ـــ از دولت انگليس كمك به حمايت قشون كاپ فرستادند ــ در مجلس ملتی در مسئله پولیتیک افغانستان مشاوره دادند ــ لرد ناپیه ماگدالا، رأیش اینست که جلالآباد و قندهار را از افغانستان منتزع و جزو ولایات

۲. در مرآت البلدان این خبر چنین آمده: جشن مفصل بانهایت شأن و شکون در بران و اغلب مملکت
 آلمان به جهت تبریک و تهنیت امپراطور و امپراطریس که سال پنجاهم مزاوجت ایشان بوده است.
 (جلد ٤، ص ٣٦٦). که البته صحیح همین است.

اعتماد السلطنه اعتماد السلطنه

مختصه به انگلیس گردد ـــ قرار مصالحه با امیر یعقوبخان امیر افغانستان داده شد و قشون انگلیس مأمور به تخلیهٔ کابل گزدید ــ یادشاه انگلستان از سفر ایطالیا که مِن غیررسم رفته بودند مراجعت نمودند ــ دوک دار ژیل جداً مذمت پلیتیک دولت انگلیس را می کند ـــ معاهدهٔ صلح افغانستان به مهر و امضا رسید و نقاطی که در تـصـرّف قشون انگلیس بود به امیر مسترد داشتند به استثنای معابر تنگهٔ خیبر و خُـرُّم و پیشن و سیبی که در تصرف قشون انگلیس ماند ــ سالی یکصد و بیست هزار ليرهٔ انگليسي از دولت انگليس براي امير استمراراً مقرّر شد و يک سفارتخانهٔ انگلیس هم در کابل مقیم و برقرار گردید ــ پرنس تاپلیون پسر تاپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه که بعد از مهاجرت به انگلستان جزو عساکر آن دولت شده بود با قشون انگلیس به جنگ زولوسها رفته و در مقدمة الجیش بود مقتول شد و کفن و دفن و عزای او به عمل آمد \_ غلبهٔ ژنرال نود کیا از نقاط عدیده به زولوسها و تصرّف قلعهٔ شلمسفررا ــ ماژور کاوانیاری سفیر انگلیس در در بار امیر افغانستان بار یافته و محلّلاً یذیراتی شد ـ سیتواتو یادشاه زولوس چند نفر واسطه به اردوی انگلیس فرستاده که در صورت امکیان صلح کند و اگر نشد تسلیم شود ــ ماژور مارتز سیتواتیو یادشاه زولوس را اسیر و دستگیر کرد ــ ایلیبی انگلیس را با همهٔ اجزاء سفارت در کابل افغانستان به قتل رسانیدند ـــ ژنرال رو بر سردار انگلیس که هنوز از سرحد افغانستان نرفته بود بعد از مقدمهٔ قتل سفیر از طرف دولت حکم به او صادر شد که معجلاً به جهت تدمیر امیر افغانستان وارد کابل شود ــ قشون انگلیس محدداً قبندهار را مسخّر کردند، جلال آباد را نیز به حیطهٔ تصرّف درآوردند ــ قشون انگلیس فاتحانه وارد کابل شد ژنرال رو بر در ملأعام به اهل کابل و دیگران این فـقـرات را اعـلان كرده بود: (قلعهٔ بالاحصار كه ارك كابل بود خراب خواهد شد و علاوه بر قصاص قتل سفارت ساير سكنة كابل بايد از عهدة خسارت قشون كشى انگلیس برآیند \_ امیر یعقوبخان از والیگری افغانستان استعفا نمود \_ انبأر باروط زیادی در بالاحصار آتش گرفته است ... یک قشون پشت بندی برای مواقع اهمه داخله و خارجهٔ خود دولت انگلیس در کانادا تجهیز و ترتیب داده است ـ جنگهای سخت عظیم مابین قشون انگلیس و افغان در کار است. (ایطالیا) -

٠٠٠٠ الريخ منتظم ناصرى

معاهدهٔ تجارتی با دولت نمسه را امضا نموده مبادله کردند ــ یادشاه و ملکهٔ ایطالیا به دیدن یادشاه انگلستان که در مُنزا از شهرهای ایطالیا آمده بودند رفتند ــ مجمع وزرای دولت استعفا نموده وزرای جدید مرکب و مقرر گشت. (بلغاری) ــ مجلس شورای ملّتی متروک و به کلّی موقوف شد. (هلاند) ـ عروسی پادشاه با شاهزاده خانم اِتمادو والدِک ــ کلنل تَرسيّرْ حصن حصين آتجين را که موسوم به گىلمنگ است به حیطهٔ تصرّف درآورد ــ یادشاه استعفای وزارتخانه و دارالشوریٰ را قبول نکرده از این فقره تحاشی دارد. (دانمارک) ــ وزارت جنگ و بحریه که به دست یک نفر بود از یکدیگر مجزّی گردیده دو وزارت خاصه شد. (روس) ــ در قرية وتليانكا مناعمال حاجي ترخان رسمأ خبر دادند كه يكصد و چهل و شش نفر از طاعون تلف شده اند ــ اهالي روس از امپراطور مستدعي شده اند كه آنچه از شرایط حفظ و منع است از قرانتین و غیره معمول فرموده نگذارند مرض طاعون در تمام مملکت نشر کند ــ مصالحه نامه و عهدنامهٔ ختم عمل با عثمانی که مذتی بود نوشته و تمام شده بود از جانبین به امضا و مهر هر دو پادشاه رسیده و مبادله گردید \_ طایفهٔ نیهیلیست سرتیپ سوارهٔ پطرز بورغ وُنْدران تلن را مصمّم قتل شدند ــ به موجب دستخط اعليحضرت امپراطور حكّام مقتدر موقتي چندي به جهت يطرز بـورغ و خركف و أدِسا و مسكو و كيڤ و وارشو معيّن شده است كه با كمال تسلّط و اختيار طايفهٔ ياغيهٔ نيهيليست را دفع دهند ــ اعليحضرت امپراطور و امپراطریس از بطر به لیوادی رفتند \_ یک قسمت بزرگ شهر ارانبورغ به واسطهٔ آتشی که طایفهٔ نیهیلیست به آنجا زده بودند سوخت \_ خبر رسمی دولتی از حاجی ترخان رسید که مرض طاعون در آنجا تمام شده است \_ آتش زدن طایفهٔ نیهیلیست در شهر ارالسک \_ آتش زدن طایفهٔ نیهیلیست شهر ایر بیت را به طوری که تـمـام آن شـهر خراب و ویرانه شد ـــ آتش زدن طایفهٔ مزبوره در دفعهٔ ثانیه شهر أرانبورغ را ــ شهر نیچ نورالسكي را نیز آتش عظیمي زدند ــ شهر یطریافلوفسكي را آتش بزرگ درانـداخـتـند که خرابی و خسران زیادی بارآورد ــ در چندین نقطه و موضع از شهر پارم به فاصله آتش زدند ــ ژنرال گفمان به محل مأموریت خود که حكومت تركستان باشد مجدّداً معاودت نمود ـــ اخبار چندى انتشار يافته است كه

بین دولتین انگلیس و روس در مسئله آسیای مرکزی مخاصمت و مخالفتی بروز كرده است ــ دولت روسيّه استعداد خود را در تركستان زياد كرده است ــ روزنامهٔ گولوس تا مدّت پنج ماه ممنوع از طبع و انتشار شد ــ طایفهٔ نیهیلیست نقبی به زیر خط راه آهن نزدیک به مسکو در سرراه عبور امپراطور زده و آن حفره را به دینامیت که یک قسم باروط بسیار تندیست انباشته بودند که هنگام عبور محترق شده بـه وجـود آن اعـلـيحضرت آسيبي رساند از قضا به مجرّد عبور ايشان نتركيده و همينكه اندكى از آن دام بلا به سلامت دور شده بودند احتراق دست داده بود. (سویس) - انقلاب و اغتشاش زیادی در هر نقطه از این مملکت روی داد. (عثمانی) ــ بابعالی قرانتین در سرحة طرف روس گذاشته است که طاعون سرایت به داخلهٔ خاک عشمانی نکند ــ میانهٔ بابعالی و نمسه و روس و یونان خیلی گفتگوهای دولتی مربوط به اصلاح امور ولایات سرحدیّه و نظم و قرار آنها و تعیین حدود و غیره رد و بدل شده است ـ مهر و امضای عهدنامه و رد و بدل آن با دولت روس ــ بابعالي به همه مأمورين خود كه در خارجه مي باشند اعلان نمود كه ولایاتی که می بایستی واگذار به منتنگرو شود از ما تخلیه و به آنها تسلیم شد \_ اجتماع عمّال و اعيان بلغار در خدمت شاهراده دُندوكُف كُرازكُف مأمور روس برای تعیین والی به جهت بلغارستان \_ اعلیحضرت سلطان به دولت انگلیس قول صريح دادند كه براي عزل خديو مصر كه رفتارش مرضى خاطر فرانسه و انگليس نبوده و عمل مالیات را نیز خوب اداره و ادا ننموده است آماده و حاضرند و حلیمپاشا را بهجای او خدیو خواهند نمود \_ عمّال و رجال بلغاری یرنس آلکساندر باتسمبرغ را به ولايت خود انتخاب و قبول نمودند ... اسمعيلياشا خديو مصر بنا به خواست دول معظمهٔ فرنگستان و خصوصاً به حکم آلمان از خدیوی استعفا نموده و توفیق یاشای پسرش در عوض به خدیوی مصر منصوب شد \_ خیرالدین پاشا از صدارت معاف و معزول و عارفی پاشا به جای او منصوب شد ــ انقلاب و اغتشاش زیادی در بلغاری و روملی شرقی فراهم آمده است ــ روسها روملی را بالمره تخلیه

مرآت البندان: گرزاگف.

۲۰۰۲ تاریخ منتظم ناصری

كرده اند ــ كشتى جنگى انگليس محض اظهار مخالفت و نقار با عثمانى در خليج وورلا نسمایشی ورود کرد ... روزنامه های روس اظهار کرده اند که هرگاه کشتی جنگی انگلیس در خلیج وورلا لنگر انداخته و توقف نماید کشتیهای روس نیز داخل در بحر مارمارا خواهند شد ــ روزنامه های انگلیس اظهار کردهاند که کشتی · جنگی انگلیس را حکم و امری به دخول و ورود در خلیج مزبور نشده است \_ اعليحضرت سلطان بكرياشا را براى آبادى و قرارداد جديد آناطولى مأموريت دادهاند قسمتی را که از آلبانی به منتنگرو واگذار نمودهاند تمکین به تبعیت و رعیستی منتنگرو ندارند والی منتنگرو مکرّر به سر آن قسمت سرکش طاغی قشون فرستاده و آنها را مجبور به تمکین می دارد. (فرانسه) ــ دوهزار و دویست و پنج نفر از مقصّرین فرانسه را که به طرف نُولیکالدُونی جلای وطن داده بودند و مدّتها در آنجا اقامت داشتند مرخص كردند كه به اوطان خودشان مراجعت نمايند ـــ مارشال ماكماهون رئيس جمهوري فرانسه ازرياست استعفا نمود وجهت استعفا بعضي تخییرات در ادارهٔ قشونی بوده که به شرف و شأن قشون خلل وارد می آورده است و وكلا برخلاف رأى و ميل مارشال اصرارى در اجراى آنها داشته اند. مارشال ماكماهون از رياست استعفا نمود كه به دست او اين شكست به افتخار قشون وارد نیاید و ژول گروی به ریاست جمهوری فرانسه و گامیتا به ریاست مجلس شوری مستخب و برقرار شدند ـــ به واسطهٔ طوفان شدید کشتی جنگی دولتی آورگانت در دریای سفید غرق شد \_ ملاقات رئیس جمهوری فرانسه با یادشاه انگلستان در سفارتخانهٔ انگلیس در پاریس هنگام عبور پادشاه معظم الیها از پاریس به قصد مسافرت به ایطالیا ــ سی هزار تومان وکلای مجلس سنا به جهت مخارج مراجعت مقصّرین از نؤلیکالدُونی به دولت می دهند ــ چنانکه در طی وقایع انگلیس نیز ذکر شد پرنس ناپلیون ولد ناپلیون سیّم یادشاه سابق فرانسه که قبل از اعلان جمهوری وليعهد آن دولت بود و بعد به مملكت انگليس رفته در آنجا سكني و اقامت جست در اوقیات جنگ انگلیس با طایفهٔ زولوس با عساکر انگلیس به دماغهٔ امید رفته در مأموريت پيش قراولي اردوي انگليسها به دست طايفة زولوس مقتول گرديد \_ مقدّمهٔ شورش میان مسلمین الجزایر که دولت مجبور به تدارک حرب و اسلحه

اعتمادالسلطنه

گردید \_ الجزایر شورش و بلوای عامی کرده اند \_ در شهر نانسی مجسّمهٔ مسیوطیر رئیس سابق فرانسه را بر پا نمودند \_ جمعی از معفوین کمونها و مقصرین از کالدونی جدید که محبس آنها بود مراجعت کرده به بندر وارد شدند \_ افتتاح مجلس و کلا را گامبتا رئیس دارالشوری نمود \_ شدّت و کثرت سرما و برف و یخ در فرانسه به حدیست که در هیچ قرنی بدین درجه برف و سرما کسی در آن مملکت خاطر نداشته است. (مجارستان) \_ در کنکاش و مشاورهٔ جدیدی که برای قرارداد مجلس و کلا کرده اند طرف آزادی طلب بیشتر استنباط ظفرمندی نموده و به عبدارت اخری طرف قوی واقع شده اند \_ به واسطهٔ طغیان آب خرابی عمده و خسارت کلی در این مملک روی داده است. (یونان) \_ مأمورین که برای تعیین خسارت کلی در این مملک روی داده است. (یونان) \_ مأمورین که برای تعیین حدود سرحدی یونان و عثمانی انتخاب شده بودند حرکت کرده به شهر یانیته که میعادگاه همهٔ اجزاء کمیسیون است وارد شدند \_ پادشاه یونان در جواب عریضهٔ میادد و معاهده ایستادگی و به وعدهٔ واگذار نمودن ایبر به یونان وفا نمایند و قرارداد معاهده ایستادگی و به وعدهٔ واگذار نمودن ایبر به یونان وفا نمایند و عثمانی در فاناری.

افریقا \_ (مصر) \_ مخالفت و مناقضت بین مصر و حبشه مبدّل به سلم و صفا شد \_ قشون مصر شهر ماشّو را مسخّر کردند.

آهریکا \_ (اتائوئی) \_ دولت اتائوئی درصدد تجدید عهدنامه با چین است \_ در مجلس شوری عدد قشون حاضررکاب زیر بیرق اتائوئی به بیست و پنج هزار نفر مقرر شد. (پرو) \_ اعلان جنگ مابین دولتین پرو و شیلی. (شیلی) \_ استعداد نظامی و بحری جمهوری شیلی به استعدادات دولتین متفقین پرو و بولیوی غلبه نموده آنها را در ایکیک شکست داد و کشتی جنگی پروها را که موسوم به پیلکوماتیو است اسیر نموده و قشون شیلی فاتحانه داخل ایکیک شد. (هائیتی) \_ بلوای عام و شورش تمامی در شهر هائیتی برخاسته، در مجلس وکلا و امنای دولت یکی از اهل شورش و طغیان طیانچهٔ شش لوله از بغل کشیده و رو به برادر رئیس یکی از اهل شورش و طغیان طیانچهٔ شش لوله از بغل کشیده و رو به برادر رئیس

جمهوری خالٰی کرده بود.

## [سنهٔ ۱۲۹۷ هجری = سنهٔ ۱۸۸۰ مسیحی]

آسيا \_ (ايران) \_ در اين سال كلية امور دولت قويشوكت از توجهات نظر انور همایون شهریاری قرین کمال نظم و آراستگی است ــ انباری به جهت غلّهٔ دیوانی به توسط جناب امين السلطان نزديك دروازة شاهزاده عبدالعظيم بنا شدكه گنجایش صدهزار خروار غلّه دارد ــ میرزاعلی ولد جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر به منصب لشكرنويسي و خلعت همايون مفتخر شد ــ نواب اشرف والا شاهنشاهزادة اعظم وليعهد دولت علية ايران صاحب اختيار مملكت آذربايجان ادام الله اقباله العالى را به اعطاى يك حلقه انگشترى الماس بريليان بسيار ممتاز معزز فرمودند \_ جناب مسيو تريكو از جانب دولت فخيمه فرانسه به سمت وزير مختاري مأمور به اقامت در بار دولت عليه شد ــ توبيجيان جديد كه به معلّم، كابيتن واكز اطريشي مشق مي كنند با توپهاي ته پر جديدالابتياع در حضور همايون امتحان دادند ــ نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علية ايران حكمران ولايات اصفهان ويزد وغيرها ادام الله اقباله العالى موقَّتاً به دربار همايون احضار و روز بيست و هشتم محرم وارد دارالخلافه شدند \_ جناب اجل آقاى مستوفى الممالك میرزا یوسف وزیر اعظم داخله به اعطای یک ثوب خرقهٔ ترمهٔ شمسه مرضع بطانه خز مباهی گردیدند ــ حاجی میرزا محمّدحسین دبیرالملک فراهانی در سنّ هفتاد و دو سالگی به رحمت الهی پیوست ــ حاجی ملامحمد مجتهد نراقی پسر مرحوم فاضل نراقی اعلی الله مقامهما در ولایت کاشان به جوار رحمت حق شتافت ــ جشن مولود مسعود همایون در ششم ماه صفر در تمام ممالک محروسه خاصه در دارالخلافة باهره به توسّط جناب سیهسالار اعظم گرفته شد ــ حکومت ایالات عربستان و لرستان و عراق علاوه بىر حكومت ولايـات اصفهان و يزد و بروجرد و گليايگان و خوانسار برعهدة كفايت نواب اشرف والاظل السلطان دولت عليه ادام الله اقباله العالى مفوض شد ــ موکب همايون تشريف فرماي شكارگاه جاجرود شده در عرض راه

بلنگنی شکار شست مبارک اعلیحضرت همایون صاحبقرانی گردید \_ هفدهم ربيع الاول مراسم جشن و تبريك عيد مولود مسعود حضرت خاتم النبيين صلّى الله عليه و آله كاملاً به عمل آمد ــ نواب اشرف والا ظلّ السلطان را به يك قبضه شمشير مرضع بسيار ممتاز و نواب والاجلال الدوله ولد ارشد نواب اشرف معظم دام اجلاله را به یک قطعه گل کمر گرانبها معزّز فرمودند ــ فضل الله خان شاطر باشی به نشان و حمایل از درجهٔ ستم سرتیبی نابل آمد ــ برحسب استدعای نواب اشرف والا اميركبير نايبالسلطنة دولت عليه ادامالله اقباله العالى عباسقلى خان نايب كل ادارهٔ جلیلهٔ نظمیّه به نشان و حمایل سرتیپی سیّم و عبدالحسین خان مستشار ادارهٔ مزبوره به نشان و حمايل سرهنگي مفتخر شدند ــ جناب حاجي رحيم خان خازن الملک در سلک اجزای محترم دارالشورای دولتی منسلک گردید \_ حسینقلی خان سرتیپ قورت بیگلو پسر مرحوم امیرخان سرتیپ را برادرهای غیر بطنی او مرتضى قىلى خان و مصطفى قلى خان به ذخيرهٔ خصومتى كه در سر ارثيه با او داشتند زخم زده به قتل رسانیدند. مرتضی قلی خان که در حقیقت قاتل بود گرفتار و به امر دولت قصاص شد و اسم و منصب و مواجب و مرسوم آن مرحوم را در حق پاشاخان پسرش مرحمت فرمودند ــ روز هشتم ربیع الثانی دوساعت و نیم و کسری از طلوع شمس گذشته آفتاب از برج حوت به حمل تحویل کرد و مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه حضور همایون به عمل آمد ــ نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و بروجرد و عراق و عربستان و لرستان ادام الله اقباله العالی را یس از اعطای یک قطعه نشان دیشان اقدس که برترین نشان این دولت ابيد اقتترانست مرخص فرموده نواب اشرف معظم أز قصبة طيبة حضرت عبدالعظيم عليه السلام روز غرة جمادي الاولى عزيمت اصفهان و مقر حكومت فرمودند ... جناب ميرزا قهرمان امين لشكر از آذر بايجان مراجعت كرده كمافي السابق به منصب وزارت گمركخانه هاي ممالك محروسه برقرار گرديد ــ ميرغلمخان حشمت الملک به اعطای یک قبضه شمشیر مرضع سرافراز شد ... وزرات بنائی ديواني كل ممالك محروسه را به جناب معتمدالملك وزير مخصوص اعطا فرمودند \_ نواب حشمت السلطنه بديع الملك ميرزا را به حكمراني كرمانشهان منصوب

٧٠٠٩ تاريخ منتظم ناصري

فرمودند \_ امیرزاده وجیهالله میرزا سرتیپ اوّل و خزانه دار وجوه نظام به اعطای یک قبضه شمشیر مرضع مفتخر گردید \_ میرزا رضای مهندسباشی را به یک هزار تومان انعام و یک حلقه انگشتری الماس مباهی فرمودند و میرزا حسین خان ولد معزی الیه را به درجهٔ سیّم استیفا سرافراز ساختند \_ نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیهٔ ایران حکمران آذر بیایجان ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک قبضه شمشیر مرضع مکلّل به الماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند \_ پس از فراغ از امتحان متعلّمین مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون روز چهاردهم جمادی الاولی سلام عام در دارالفنون منعقد و صورتمساعی معلّمین و ترقیّات متعلّمین ملحوظ نظر اقدس گردیده نواب والا اعتضادالسلطنه را به اعطای یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسهٔ مرضع و یک نواب والا اعتضادالسلطنه را به اعطای یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسهٔ مرضع و یک هزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمّدحس میرزا ولد نواب وزیر علوم به منصب سرتیهی سیّم و نشان مطلاً و سی تومان انعام نایل شد، سایرین نیز از این قرار مورد مراحم و امتیازات گردیدند.

جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچهٔ درجات تحصیل و اندازهٔ استحقاق اهالی مدرسه را به عرض حضور مبارک می رسانید خرقهٔ ترمهٔ ایرانی بطانه سنجاب ــ دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان حاضر بود یک طاقه شال بسیار ممتاز ــ جعفرقلی خان رئیس مدرسه نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل با حمایل آن و دویست تومان انعام ــ محمدحسین خان ناظم منصب سرتیبی دویّم و حمایل و نشان مخصوص آن و دویست تومان اضافه مواجب و پنجاه تومان انعام ــ محمدتقی میرزای آجودان نشان و حمایل سرتیبی سیّم و شصت و پنج تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام ــ حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی نشان وحمایل سرتیبی دویّم و پنجاه تومان اضافه مواجب و میرزا ابوالقاسم معلم طبّ ایرانی جبّهٔ ترمهٔ ترمهٔ حاشیه دار ثوب، انعام سی تومان ــ میرزاعلی دکتر معلم طبّ فرنگی جبّهٔ ترمهٔ حاشیه دار ثوب، انعام سی تومان ــ میرزا کاظم معلم شیمی و فیزیک نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم و شصت تومان اضافه مواجب و بیست و پنج تومان انعام ــ میرزا علی آکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم و شصت تومان اضافه مواجب و بیست و پنج تومان انعام ــ میرزا علی آکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم و شصت تومان اضافه مواجب و بیست و پنج تومان انعام ــ میرزا علی آکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم و شصت تومان اضافه مواجب و بیست و پنج تومان انعام ــ میرزا علی آکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیّم و شصت تومان

اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

اضافه مواجب ـــ میرزا علی خان معلم طب مجانی نشان و حمایل سرهنگی ـــ ميرزا ابوالحسن معلم طبّ مرتبة دويّم لقب خاني وسي تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام ــ علی خان معلّم توپخانه منصب سرهنگی خارج از فوج و صد تومان اضافه مواجب ــ مسيو ريشارخان معلّم زبان فرانسه و انگليسي نشان و حسایل سرتیپی دوتم و سی تومان انعام ــ مستر طلر نشان شیر و خورشید از درجهٔ سيتم شال ترمهٔ ايراني طاقه ــ مسيو پروسكي سرتيپ معلّم زبان فرانسه و علم جغرافی شال ترمهٔ ایرانی و لقب خانی ــ مسیو وویله شال ترمهٔ کشمیری و نشان طلای علمی ــ مسیو لمر شال ترمهٔ ایرانی و نشان طلای علمی و صدتومان اضافه مواجب ــ مادروسخان معلّم زبان روسي و مترجم زبان روسي و فرانسه نشان شير و خورشید از درجهٔ چهارم و شال ترمهٔ ایرانی ـــ میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب استبيفا از درجهٔ دويم و دويست تومان اضافه مواجب و جبّهٔ ترمهٔ ايراني حاشيه دار \_ محمدابراهیمخان سرهنگ تحویلدار مدرسه نشان و حمایل سرتیهی سیّم انعام چهل تومان، اضافه مواجب هشتاد تومان که میرزا محمدعلی خان منشی باشی وزارت علوم يكصد تومان اضافه مواجب وخطاب مقرب الخاقاني وجبة ترمة ايراني حاشیه دار ــ و متعلّمین نیز هریک به قدر رتبهٔ خود به اضافه مواجب و انعام نایل شدند.

میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار در بیست و پنجم جمادی الاولی مرحوم شد ... میرزا عبّاسخان رئیس مدرسهٔ دولتی تبریز به اعطای یک قطعه نشان با حمایل از درجهٔ سرتیپی سیّم سرافراز شد ... وصول خبر تدمیر و قلع شیخ مذکورخان حاکم گله دار و گاوبندی با اتباع او از فاس که متمرد و منشاء شرارت و فساد در حدود فارس شده بود به اهتمام نواب والا معتمدالدوله فرمانفرما و حکمران فارس ... نزول تگرگ درشت در قرای نطنز که نیم ذرع تگرگ در روی بامها نشست و هر دانه تگرگی به درشتی فندق بود ... میرزا محمدعلی خان پسر میرزا محمدعلی خان پسر میرزا مصطفی و کیل لشکر به منصب استیفا از درجهٔ سیّم نایل گردید ... نواب السلطنه حکمران دارالخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک قبضه شمشیر مرضع از شمشیرهای خاصهٔ سلطنتی قرین مفاخرت

فرمودند ــ به موجب دستخط همايون خطاب به نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم در باب آبله كوبى اطفال به تمام ممالك محروسه غدغن و تأكيد اكيد شد \_ ادارة تنظيفيه و احتسابية دارالخلافه را به موجب دستخط همايون به بندة مؤلف واگذار فرمودند ــ محض اشاعه و تعميم عدل و انصاف ملوكانه دستخطى مبارك به نواب معزالدوله وزير عدلية اعظم مبنى برتأكيد نظم ديوانخانه و رسيدكي به عرايض متظاّمین و ملهوفین و احرای احکام حقّه شرفصدور یافت ـــ حاجی محمّدحسین حان ولد مرحوم احمدخان عميدالملك به منصب نيابت اؤل ديوانخانة عدلية عظمي بىرقىرار گىردىد ـــ روز يكشنبه هيجدهم رجب موكب مسعود همايوني از سلطنت آباد انتهاض فرموده به سمت كلاردشت و ساحات يبلاقية مازندران تشريف فرما گرديدند ـ نواب حاجى بهاءالدوله سرتيپ اول به يک قبضه شمشير مكلّل به جواهر از درجهٔ دویم سرافراز شد \_ چندی قبل مابین اشتهارد و بوغین در نزدیکی قشلاق شاهیسون بغدادی سنگی به زمین افتاده که تقریباً یانزده من تبریز وزن آن می باشد، این اوقیات سنگ مزبور را امتحال کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در صورت خـالـص بـودن داشته و علاوه بر آهن فلز موسوم به نیکل در آن یافت می شده و ازین جهت سنگ روشن و با ذرّات نقره نما به نظر می آمد، دانه های آهن خالص آن مخلوط با سنگ سیاهی بوده که آنرا آلومینیوم سیلیکات می نامند. کریستلهای سبز نیز در آن مشاهده نموده اند که نظیر آن در اغلب سنگهای آسمانی دیده می شود \_ سركردگان و صاحبمنصبان و يوزباشيان كشيكخانة خاصه سپرده به جناب علاء الدوله وزير دربار اعظم بعد از سان دادن در حضور مبارك و ثبوت استحقاق آنها على قدر مراتبهم به عواطف و مراحم و خلاع و امتيازات ملوكانه مباهي گردیدند ــ موکب همایون شاهنشاهی عزّنصره از کلاردشت معاودت فرموده روز بيست و پنجم شعبان به ييلاق شهرستانک شرف نزول ارزاني داشت \_ نواب والا عضدالدوله حکمران قزوین به اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان سرافراز گردید – موکب همایونی سهشنبه هفدهم رمضان المبارک به قصر سلطنت آباد نـزول اجـلال فرمود ـــ نواب اشرف والا ظل السلطان حكمران اصفهان و يزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غيرها ادام الله اقباله العالى كه اين اوقات از

اعتماد السلطنه

اصفهان به قصد سرکشی عربستان و لرستان حرکت فرمود، مورد مراحم ملوکانه گردیده یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسهٔ مرضع از ملابس خاصه به افتخار ایشان ارسال فرمودند ... جناب حاجى ميرزا حسين خان سيهسالار اعظم را در اوايل شوال از ادارهٔ امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته به حکمرانی قزوین برقرار تسمودند ـــ زلزلهٔ شدیدی در کروال اتفاق افتاد ـــ ترتیب مهام مملکت آذر بایجان را علاوة مشاغل جناب اجل آقاي مستوفى الممالك وزير اعظم داخله فرمودند \_ هم در این اوقات دولت ژاپن که از دول مشرق زمینی و در قسمتی از اقلیم آسیا واقع است محض فتح باب مراوده و دوستى و استحكام روابط مودّت با دولت عليّة ايران مأمور مخصوصی موسوم به (پُوشيدا مُسحِّرُ) به همراهی (يوکو ياماکوئي جي رُو) مشرجهم و (فوکاروانولُویُش) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاینی به دربار دولت عليه فرستاده در ماه شؤال وارد دارالخلافه شدند وبه حضور همايون شهرياري نايل گردیده تقدیم نامه و تبلیغ پیام مودت آمیز اعلیحضرت امپراطور ژاپن را نموده اصغای جواب از طرف قرين الشرف همايون ملوكانه نمودند ... رياست اداره جليلة عسكريه و قشون ظفرنمون را که عبارت از وزارت جنگ باشد به عهدهٔ کفایت و کفالت نواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه ادام الله اقبائه العالى تفويض فرموده يك ثوب سرداری ترمه مفتول دوز از ملابس خاصهٔ سلطنتی به نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند \_ جناب ميرزا سعيدخان مؤتمن الملك وزير امور خارجه سابق كه چندی در آستانهٔ مقدسهٔ حضرت رضا سلام الله علیه به منصب متولیباشیگری مستسعد بودند به در بار همایون احضار شده مجدداً به منصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردیده و به یک ثنوب حبّهٔ تنزمهٔ شنمسهٔ مرضع مخلّع و مفتخر شدند ـــ جناب مشيرالدوله سپهسالار اعظم را كه حكمراني قزوين داشتند به پيشكاري تمام مملكت آذربايجان برقرار فرمودند ـ جناب كنت زالوسكى وزير مختار دولت اطبريش مأمور به اقامت دربار دولت عليّه كه موقّتاً به وطن خود رفته بود اين اوقات به دارالخلافه معاودت نمود ــ ميرزا رضاي صديق الدوله به وزارت دارالخلافه برقرار گردید \_ مسیو کنت دمنت فرت رئیس پلیس شهر دارالخلافه به منصب سرتیپی دويه سرافراز شد ــ جناب حاجي ميرزا محمدخان محدالملک وزير وظايف و

اوقاف مرحوم شد و وزارت وظایف و اوقاف به موجب دستخط جهانمطاع مبارک برعهدة جناب ميرزاعلي خان امين الملك موكول آمد ــ هم در اين سال فتنة شيخ عبیدالله کرد روی داد و دفع شرّ او گردید. تبیین آنکه: شیخ عبیدالله که از قدیم در سلک تصوّف به شیوهٔ عوامفریبی بسر می برد و در ناحیهٔ هکاری میان اکراد تبعهٔ دولت عشمانی مطاعیتی داشت، در اوقات جنگ دولتین روس و عثمانی بعضی تنفشگ و اسلحهٔ جنگ به دست آورد و به خیال واهی افتاده که اکراد سرحدنشین دولتین ایران و عشمانی را در تحت ریاست خود درآورد در اواخر این سال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ گریزان شده به شیخ عبیدالله پیوست و خیالات او را تأیید و تحریک نمود، لهذا در حدود کردستان دولت علیّه بنای قتل و نهب و حركات وحشيانه كه ناشي از فطرت ناپاك مي باشد گذاشت. اولياي دولت عليه كه از غايله باخبر شدند در عرض بيست روز بيست و پنج هزار نفر از عساكر موجوده را به رياست نواب حشمت الدوله حمزه ميرزا براى دفع اين شرّ در نـقـاط مـهـتـه حـاضِـر سـاخـتند و قبل از وصول اردوی بزرگ دولت به ساوجبلاغ و ارومي و آن صفحات، اعتماد السلطنه مصطفى قلى خان كه رياست قشون آذر بايجان داشت با سایر سر کردگان و عساکر منصوره در حدود مراغه و بناب دوهزار نفر از یاغیان را طعمهٔ توب و تفنگ نموده شکستهای فاحش به آنها دادند و ششصد هفیتصد نفر را که حسارت استیلا به شهر ارومی کرده بودند به قتل رسانیدند، و در سه فرسنگی ارومی نیز جمعی از اکراد که با شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند به راه عدم فرستاده و باقیماندگان را هزیمت داده تا دو فرسنگ تعاقب نمودند، و علیخان پیشخدمت حضور پسر مرحوم محمدقاسم خان والی که در این وقت به حکومت مراغه منصوب بود نیز از روی کمال غیرت و همت و شجاعت در دفع اكراد كوششها كرد و حدود حوزهٔ حكومت خود را از تطاول و شورش اشرار بهخوبي حفظ نمود. در این اثنا نواب حشمت الدوله رئیس اردوی بزرگ در حوالی صاین قلعه به مرض طبیعی مبتلا شده مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را معاودت دادنىد و مقرّر شد كه موقّتاً محمّدقلى خان حسام الدوله رئيس اردو باشد تا جناب سپهسالار اعظم به اردو ملحق شوند و عبدالقادرخان شجاع الملک برای ابلاغ احکام لازمه به سرکردگان اردو روانه شد. خلاصه از آن طرف شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان خود که فراراً به طرف ساوجبلاغ می رفته باز به هر قریه که می رسیدند آنرا به آتش بی رحمی می سوختند تا جناب حسنعلی خان وزیر فوائد با فوج گروس و سوار شاهیبسون دویرن به اردوی اعتمادالسلطنه پیوسته و با یکدیگر به طرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدین واسطه شیخ قادر و حمزه آقا مجال زیست ندیده به سمت اشنویه گریختند، شیخ عیدالله نیز در حدود ارومی از عساکر منصوره شکست خورده با اعوان خود به قلعهٔ اسمعیل آقا در دو فرسخی شهر ارومی که جای محکمی است گریخت. روز شانزدهم ذیحجه جناب سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحشین اکراد را تأمین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عبیدالله و تبعه او در بیست و یکم ذیحجه به طرف سرحد و محال مَرْکَوْر فرستادند. به موجب خبر تلگرافی که در سلخ ذیحجه رسید عرصهٔ ساوجبلاغ و فرستادند. به موجب خبر تلگرافی که در سلخ ذیحجه رسید عرصهٔ ساوجبلاغ و ارومی به کلّی از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش دایر شد و محمدآقا رئیس طایفه مامش بلباس از بزرگان کرد به اصطبل توپخانه پناه برده معفو گردید و شیخ قادر پسر شیخ عبیدالله با معدودی از تبعهٔ خود به نوجه که مسکن شیخ عبیدالله و در خاک دولت عثمانیست گریختند.

(افغانستان) \_ شورش مابین عساکر عبدالرحمن خان \_ شورش سخت در هرات \_ قتل حاکم هرات ایوبخان که در زمین داور بود خود را به عجله به هرات می رساند. (چین) \_ مراوده پلیتیکی این دولت و دولت روس نزدیک به انقطاع است.

اروبا \_ (آلمان) \_ اعلیحضرت امپراطور در وقت انعقاد پارلمنت آلمان در یکی از نطقهای سلطنتی ازدیاد استعداد قشونی خود را به ملاحظهٔ استعدادات حربیه همجوار لازم و اهم شمرده و در این مسئله اصرار و مبالغت فرموده اند \_ اختتام مجلس پارلمنت \_ ملاقات امپراطور آلمان و امپراطور اطریش در شهر ایشل \_ وزارت تجارت علاوه بر سایر مشاغل بیزمارک گردید. (انگلیس) \_ لُود والسیلی پس از ایمن کردن زولوسها و فراغ از کار آنها به انگلیس مراجعت نمود \_

انگلیسها همینکه افاغنه را خیره دیده و در کار خصومت و خلاف و دشمنی و نفاق شابست و راسخ یافتند مجدّداً در مقام تنبیه و تهدید آنها برآمده ثانیاً کابل و بالاحصار را تنصرف كردند. ژنرال بريغ فتح آباد افغانستان را كه واقع در جلگهٔ لقمانست فتح نمود. قشون انگلیس در افغانستان هستند و افغانها با کمال سختی خودسری می کنند ــ مابین دولت انگلیس و آلمان در باب منع آوردن برده و غدغن بیع و شرای غلام و کنیز در طرف مشرق زمین معاهدهٔ متیقّنی شده است ــ چندین مجلس عامّه برای اصلاح امور ارلند دایر نموده اند. لُرد در بی آخرین عقیده و نیّت و مکنون ضمیر خود را که میل و علاقه به طرف آزادی طلبان باشد تصریحاً بروز داده و توضيحاً اعلان نموده است \_ معادل مبلغ پنجاه هزار ليره انگليسي الماس از يستخانه كاب به سرقت برده اند ـ ژنرال رُبرت كه در افغانستان بود كاغذى از موسی خان و سایر امرای افغان که در غزنین جمع شده بودند به او رسیده در این كاغذ خوانين مشارًاليهم تبعيت خودشان را به دولت انگليس اظهار مي كنند\_ بسته شدن مجلس یارلمنت انگلیس با یک خطبه از یادشاه انگلستان و امیراطریس هندوستان \_ مسافرت اعليحضرت معظم لها به سمت آلمان \_ جنگهاي سخت متوالی افاغنه با قشون انگلیس در افغانستان ــ مقاتلات شدیده و یورشهای بسیار سخت مابین شهر کابل و گندمک ــ ورود عبدالرحمنخان از ترکستان به افغانستان ــ انتخاب وكلاي تازه براي مجلس پارلمنت مساعد پليتيك وزراي ویک و گلادستون می باشد ــ اجزای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل و نه نـفر هواخواهان وزرای ویک و دویست و سی و پنج نفر هواخواه وزرای توری و شصت و سه نفر ارلندی ــ تغییر وزرا در انگلیس و صدارت گلادستون ــ قشون ابوابجمعی ژنرال اِشتوارد در حوالی غزنین به سه هزار نفر سوارهٔ افغان برخورده و جنگ سختی فیمابین فئتین واقع می شود ــ دولت در مجلس پارلمنت اظهار می کند که احکام سخت برای فرمانفرمای هندوستان صادر شده است که عساکر انگلیس را از افغانستان احضار کند ــ تخلیهٔ قشون انگلیس کابل را و شناختن دولت انگلیس عبدالرحمن خان را به سمت امیری افغانستان \_ عبور کردن ایّوب حمان از رود همیرممند و حرکت کردن او به طرف قندهار ـــ قشون انگلیس به

سرداری ژنرال بورو که در قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیّة السیف آنها به ارک قندهار بناه بردند \_ قشون ايوبخان كه اين شكست سخت را به عساكر انگليس مقیم در قندهار داد مرکب بود از دوازده هزار مرد و بیست و شش عرّاده توب ... زلزله سخت در منیل که جمع کثیری را هلاک و مجروح کرد و بیوت بسیاری منهدم نمود ـ ابتدای شورش در باسوتولاند در افریقای جنوبی بر ضد دولت انگلیس \_ ژنرال رُبرت سردار کل قشون انگلیس در افغانستان با ده هزار مرد زبده به کمک قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند حرکت نمود به مسلمانهای هندوستان درصدد شورش بر ضد دولت انگلیس می باشند ــ اهالی ارلند نیز بر ضد دولت مشارً اليها علم شورش افراختند \_ فوت أرد ردكليف از معارف \_ محاصره نسمودن ایوب خمان قندهار را \_ ورود ژنرال رُبیرت به قندهار \_ عقب نشستن اتیوب خان از حوالی قندهار و ارغنداب و شکست یافتن او از ژنرال رُ برت ــ جنگ باستس با عساکر انگلیس و شکست باستسها، اتما اخباری که از رأس امید می رسد دلیل بر ضعف قشون انگلیس است که تمام طوایف بابورها بر ضد دولت انگلیس اتفاق نمودند \_شورش ارلندیها روز بروز در تزاید است. (ایطالیا) \_ یکی از توپهای صد پوند کشتی زرهپوش موسوم به دویلا در بندر سپزیا ترکیده است ـــ محاتجه و نقار بین پاپ و آلمان تمام شد ــ عزل وکلای ملّت به حکم پادشاه ایطالیا و نصب وكلاي جديد \_ كوه آتش فشان وزوو با نهايت شدت آتش فشاني مي كند. (اطریش) ــ طغیان آب رودخانه در ایالت مراوی که ضرر کلّی به زراعت رسانید \_ جشن سال پنجاهم تولّد اعلیحضرت امپراطور ــ زلزلهٔ سخت در وینه و در اکرام و رسیدن خسارت زیادی به مردم. (اسپانیول) ــ یکی از پلهائی که بر روی رود الب بود در موقع حركت قشون از روى آن شكسته و صد نفر غرق مى شود ـــ تولَّد دختری از یادشاه که مسمّاه به مِرسیدِه می گردد و ولایتعهد او راست ــ در مالاگا طغیان آبها خسارت و خرابی زیاد وارد می آورد. (بلژیک) ــ افتتاح اکسیوزیسیون عمومی در شهر بروکسل ــ به واسطهٔ کدورتی که مابین دولت بلژیک و یاب روداد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربارپاپ احضار نمود. (روس)-کارگذاران نظامی روس اسلحه و آلات حربیّه بسیاری خریداری می نمایند و در

١٠١٤ تاريخ منتظم ناصري

سنرحد آلمان و اطریش قشون جمع آوری می کنند ــ یک زد و خورد و غایلهٔ عظیمهٔ مابين طلاب طايفهٔ نيهيليست و پليس در پطرز بورغ روى داد، طايفهٔ نيهيليست مدرسهٔ زراعات و جمنگلها را در مسکو آتش زدند ـــ ژنرال میلکف به جای ژنرال گوركو به رياست ادارهٔ امنيت برقرار گشت ــ براى قلع و قمع طايفهٔ نيهيليست اسباب نظم و نسق فراهم آورده و اهتمامي تمام دارند ـــ روسها كمال احتياط و تـشـویش را دارند که مبادا در روز سیّم ماه مارس که سال بیست و پنج تاجگذاری اعليحضرت اميراطور و روز عيد و حشن و تبريك است طايفة نيهيليست فرصت يافته غفلةً مرتكب فتنه و شرارتي شوند و عيش را بر مردم منغّص كنند ــ طايفة نیمیلیست تیری برای ژنرال ملیکف خالی کرده ولی خطا شده بود ــ اعلان آشکارائی از طایفهٔ مزبوره در تمام ولایات روسیّه منتشر شده و یک مجلس عاتمه و اجتماع ملتى در شهر ورشوطايفه مزبوره منعقد كرده اند \_ يرنس آدلف ايلجى روس مقيم فرانسه به واسطهٔ اينكه فرانسه ها در رد آرتيمان نام كه نقب در راه آهن مسکو زده و از نیهپلیستها بود تمکین نکرده بودند از دولت فرانسه رنجش دارد \_ کاغذی که از طرف امپراطور آلمان به آمپراطور روس رسیده و مضامین آن مشعر بر دوستي و مودّت مابين دولتين آلمان و روس بود در تمام مملكت روس انتشار می بابد \_ ژنرال لریس ملیکف از اعاظم وزرای این مملکت که زندگانی او به دست طایفهٔ نیهیلیست در معرض خطر بود بدون صدمه نجات یافت \_ فوت امیراطریس این مملکت \_ عساکر چینی خوقند را فتح نموده آند \_ پیش رفتن ژنرال اِسكُبلف به سمت گوكاتيه ــ شروع به ساختن راه آهن از تفليس به بادكوبه ــ ژنرال گریس ملیکف وزیر داخله می شود \_ پادشاه و ملکهٔ یونان وارد پطرز بورغ. می گردند \_ رسیدگی به اعتمال طایقهٔ نیهلیست که در زیر عمارت مخصوص اعليحضرت اميراطور نقبى كنده وآتش زده بودند وجمعي مقتول ومجروح شده جـداً مِي شِود ــ نبير نقبي در راه آهن كه محل عبور كالسكه اعليحضرت اميراطور بوده مشكشف مى شود ــ اعلىحضرت امپراطور پرنسس دُلغوركى را متعه مى نمايند ــ منازعهٔ سخت فیمابین اهالی پلیس و طلاب مدارس در مسکو. (فرانسه) \_\_ مجلس امناء و وكلاء قرار داده است كه هر مطلب و مسئله كه راجع و متعلّق به

امــور معفوين باشد به هيچوجه مسموع ندارند و معتنابه نشمارند ـــ مجلس وكلاء قانون جـدیدی از برای قشون ایجاد کرده و جرگهٔ اتاماژر را منظم می کنند ـــ انتشار حکم رئيس جمهوري در اخراج نمودن سلسلة ژزوئيت كه يكي از شعب مذهب كاتوليكى مى باشد از مملكت فرانسه و شروع كردن به اين عمل \_ بخشيدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون را که محبوس بودند ــ ملحق شدن جزایر تائيتي به مملكت فرانسه \_ نصب مسيو بارطلمي سنت هيلر به وزارت خارجه. (سُود و نروژ) ــ پارلمنت این مملکت خدمت نظامی را برای تمام افراد و آحاد رعیت این دولت تا سن چهل سالگی حثم و واجب می داند \_ استعفای وزرای ایـن مـمـلـکـت ـــ نُـرْنَـشگُژلد از علماء راه وصول به حوالی قطب شمالی را از نقطهٔ غربى مفتوح مى سازد. (عثمانى) ــ شدت و شيوع قحط و غلا در بلاد عثمانى خصوصاً در ارمنيه كه از همهجا اشتداد و امتدادش بيشتر است ــ دول معظمهٔ فرنگستان هریک رسماً مأموری از جانب خود برای تعیین حدود یونان و عثمانی مشخص کرده خواهند فرستاد ـــ شریف اعظم مکه را در جدّه به قتل می رسانند ـــ این دولت مضایقه دارد که بندر دولسینیو را به منتنگرو واگذار کند ـ حسین حسنى باشا بهجاى عشمان باشاى غازى وزير جنگ مى شود \_ مصلحت گذار منتنگرو مقیم اسلامبول بهطور قهر از این شهر خارج می شود ـــ زلزلهٔ سخت در ازمیر ــ از طرف اعلیحضرت سلطان حکم مأموریتی به وزیر مجنگ صادر شد که معجّلاً به دولسینیورفته وآنشهر را تسلیم منتنگرونماید ــ دول فرنگ دولت عثمانی را تهدید میکنندکه اگر دولسینیو را معجّلاً به منتنگرو واگذار نکند با سفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد ... سفیر کبیر دولت آلمان که اقدم بر سایر سفراء است ازطرف تمام دول فرنگ یادداشتی به بابعالی اظهار داشته و عدهای را که در کنگرهٔ برلن در ترضیهٔ یونان داده بود به خاطر دولت مشارالیها می آورد ... اهالی آلبانی با دولت عثمانی در منازعه هستند که چرا دولسینیو را به منتنگرو واگذار نمی نماید \_ تغییر وزراء \_ صدارت سعیدپاشا \_ وزارت خارجهٔ عاصم پاشا \_ سفاین جنگی دول فرنگ برای تهدید عثمانی در بندر راکوز جمع می شود ... تسلیم نمودن دولت عثمانی دولسینیو را به والى منتنگرو. (افلاق بغدان) ــ مسافرت والى افلاق بغدان و زوجهٔ ايشان

به اطریش به شهر ایشل و ملاقات با اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس اطریش سپرنس شارل آنتوان پسر لئوپلد هٔهٔنْزُلُرنْ که برادرزادهٔ والی حالیه است به واسطهٔ نداشتن اولاد از طرف عم خود به ولایتعهد افلاق بغدان منصوب می شود. (بلغارستان) افتتاح مجلس پارلمنت این ایالت. (هلاند) تولّد یک دختر از پادشاه مسماه به ویلهلمینا. (یونان) سدولت یونان درصدد اینست که مراودهٔ پلیتیکیه را با دولت عثمانی در باب تعیین حدود بهم بزند و روابط مسالمت را قطع کند و این عزم را گوشزد همهٔ دول معظمه کرده است به پادشاه سفری به فرنگ می نماید.

آمریکا \_ (ینگی دنیای جنوبی) \_ سفاین جنگی شیلی بندر گالائو را به ضرب توپ منهدم می نماید \_ جنگ تاگنا \_ فتح قشون شیلی و غلبهٔ این قشون بر عساکر متفقهٔ پرو و بلیوی \_ قشون شیلی شهر آریکا را فتح نمودند \_ بروز شورش در بُنزِر \_ گفتگوی مصالحه مابین پرو و شیلی \_ شیلی و پرو قبول میانجیگری اتائونی را می کنند \_ در حوالی لیما جنگ سختی مابین شیلی و پرو رومی دهد و قریب پنجاه هزار نفر در این جنگ از طرفین مشغول مقاتله می باشند \_ افتتاح مجلس پارلمنت دولت برزیل با خطبهٔ مفصل امپراطور و ایجاد قانون و آزادی انتخاب و کلا \_ د کتر تانر نام که شرط کرده و نذر بسته بود مذت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه او وعدهٔ او منقضی شده و وجهی که نذر بسته بود برد.

أسِآني ــ افتتاح اكسپوزيسيون عمومي در شهر مليبورن استرالي.

## [سنة ١٢٩٨ هجري = سنة ١٨٨١ مسيحي]

آسیا \_ (ایران)\_ از میامن اقبال بی زوال اعلیحضرت همایون شهریاری خلدالله ملکه کلیهٔ امور دولتی نظم و انتظام کامل دارد \_ جناب حسنعلی خان وزیر فواید به سمت حکمرانی ساوجبلاغ و میان قلعه برقرار گردید \_ اسرائی که از آن نواحی و غیره نزد طغاه اکراد بود کلیهٔ مستخلص شدند \_ اردوی مأمور به تنبیه عشیرهٔ منگور

به سرداری عزیزالله خان سرتیب به محل خود اصابت کرده یعنی به خاک منگور رسیده حمزه آقا خود را آمادهٔ جنگ نموده سنگر خود را استحکام داده با طایفهٔ خود که به رشادت معروفند درمقابل عساکر منصوره خیلی ایستادگی می نماید و زیاده از شش ساعت جنگ طول می کشد و خونریزی زیاد می شود و هزار نفر از اشرار مقتول شده حمزه آقا دیگر مجال زیست ندیده به طرف حدود دولت عثمانی که بیش از دو فرسخ فاصله نیست گریخت ــ حسینعلی بیک یاور فوج پنجم و دستهٔ جمعی او قلعهٔ نعلین و عمارت جدیدالبنای حمزه آقا را که مأمن و بنگاه فساد آن حدود بود با خاک یکسان کردند \_ شب غرّه محرّم زائرهٔ کرمانیه مسمّاة به نبات خانم که زیاده از پانزده سال زمینگیر و افلیج بود در روضهٔ مقدسهٔ حضرت على بن موسى الرضا عليه آلاف التحيّة و الثناء به حسن توسّل شفا يافت ــ تعزیه داری دههٔ عاشورا در تکیهٔ دولیتی با کمال شکوه به عمل آمد ـ جناب عضدالملک خوانسالار و خازن مُهر مِهرآثار مبارک به یک ثوب خرقهٔ ترمه از ملابس خاص درجهٔ اختصاص یافتند، و محمدقلی خان نایب النظاره به اعطای یک قبضه قمة مرضع مفتخر آمد ــ نواب اعتضادالسلطنه وزير علوم شب عاشورا به رحمت الهبي پيوست و رياست مدرسهٔ مباركهٔ دارالفنون دولتي و مريضخانه را به جناب مخبرالدوله علیقلی خان وزیر کل تلگرافخانه های ممالک محروسه واگذار فرمودند ـــ محملس تألیف کتاب نامهٔ دانشوران ناصری را به مراقبت مؤلف مفوض داشتند ... جناب میرزا قهرمان امین لشکر به موجب دستخط همایون مقرّر شد همه روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و تجارب خود را در شعب امور دولت اظهار دارد \_ جشن عيد مولود اعليحضرت همايون خلدالله ملكه را نواب اشرف والا اميركبير نایبالسلطنه وزیر جنگ ادامالله اقباله العالی در کمال شکوه به اعلی درجهٔ خوبی گرفتند ــ در موقع این عید سعید اشخاصی که به نشان و حمایل سرافراز شدند از این قرار است: (رحیم خان سرتیپ فوج دو یم نصرت نشان و جمایل از درجهٔ دو یم سرتیپی)، (میرزا زکی خان سرتیپ اردبیل و مشکین نشان و حمایل از درجهٔ دوتیم سرتیپی)، (کلتل شمیل اطریشی رئیس مأمورین اطریش نشان و حمایل از درجهٔ اقِل سرتیپی)، (بارون نرمان مترجم دارالترجمهٔ همایونی نشان و حمایل سرهنگی)،

۲۰۱۸

(میرزا عباسعلی خان پیشخدمتباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکته نشان و حمایل سرهنگی)، (میرزاعلی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجهٔ سیّم سرتیپی)، (هم در این اوقات دستخطی مبارک مبنی بر محسن ترتیب و تکمیل امور دولت از قرار شرح ذیل شرفصدور یافت:

## سواد دستخط همايون

چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحد و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستم شریکی در میان آنها و انتظام مهام قشون و قورخانه و مهمّات عسکریّه و سايىر شعب و اداراتست و ايجاد و انتظام اين مهام در خارج و تشكيل قوانين و تدبيرات لازمة آن منوط به اجراي شريعه نافذه احكام مفيده و تشبّثات صحيحة دولت است و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صایبه هم منوط به وجود وزرا و نوكرهاى صاحب تجربه دولتخواه عاقل كامل باغيرتست لهذا به موجب اين دستخط که خودمان می نویسیم اختیار و اقتدار کامل می دهیم به وزرای منتخبین حاليه دولت كه در مجلس دربار اعظم حكم به جلوس فرموده ايم كه از اين تاريخ به بعد در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلّی مختار و مجاز و قادر خواهند بود که قرارهائی که متضمّن خیر و صلاح دولت و ملّت باشد بگذارند و آنچه را که آنـهـا صـلاح دانـسته و به عرض برسانند قبول فرموده و ردّ نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت را به هیئت این مجلس اعطا می فرمائیم که انشاء الله تعالی آنیجه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملّت متضور است در اجرای احکام به عرصهٔ ظهور و بروز آورده خاطر ما را از محسن خدمات و خیراندیشیهای خودشان خرسند و مسرور نمایند و مُسنظنّ و التفات ما را نسبت به خودشان روز بروز زیادتر کرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند. تحریراً ۹۸.

ادارهٔ معادن ممالک محروسه را به میرزا علینقی حکیم الممالک واگذار فرمودند ــ نواب اشرف والا ولیعهد ابدمهد دولت علیهٔ ایران حکمران آذر بایجان و

مضافات ادامالله اقباله العالى را كه در تنسيق امور عسكريه و اردوهاي آذر بايجان مساعى جميله مبذول داشته بودند به اعطاى يک ثوب سردارى مفتول دوز شمسهٔ مرضع تن پوش مبارک قرین اختصاص و اعزاز فرمودند ــ در شکارگاه حاجرود پلنگی شکار شست مبارک گردید \_ محمّدتقی خان حاجب الدوله مرحوم شد \_ محمدحسن خان فرّاشباشي ولد جناب علاء الدوله به لقب جليل حاجب الدوله ملقّب گردید \_ آقامحمدعلی آبدار باشی ولد جناب امین السلطان به لقب امین حضرتی مفتخر آمد \_ اميرزاده محمد حسن ميرزا ولد مرحوم اعتضادالسلطنه به منصب جليل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار شد \_ عبدالله خان حکمران گیلان به موجب استدعاى نواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزير جنگ ادام الله اقباله العالى به لقب والينگري سرافراز آمد ــ نصرت الله خان سرتيپ حاكم گرگان رود به سرتیبی دویم مباهی گردید ـ هم در این اوقات رأی جهان آرای صوابنمای بندگان اعلیحضرت همایون صاحبقرانی خلدالله سلطانه بر این علاقه گرفت که احدی از اشخاصی که در سلک هر طبقه از طبقات نوکر منسلک هستند در صورت صحت بـدن و سـلامـت مـزاج بيكار تباشند و عاري از خدمت و شغل نگردند و سواى طبقهٔ دعـاگویان و اهل شریعت و ارباب علم که محض توقیر شریعت یا دعاگوئی دولت به آنها وظیفه و مستمری مرحمت می شود دیگر هرکس زیاده از پنجاه تومان مواجب و مرسوم داشته باشد به شغل و خدمتی مناسب حال مأمور و مشغول و متقلّد شود و رسیدگی به این امر و ریاست این اشخاص را هم به عهده مراقبت جناب عضدالملك خوانسالاز وخازن مهر مهرآثار و ايلخاني ايل جليل قاجار موكول فرمودند \_ جناب نريمانخان وزير مختار دولت عليه مقيم وينه كه موقَّتاً به دربار معندل تسمدار همايون احضار شده بود به دارالخلافة باهره وارد گرديد ـ نواب اشرف والا ظلّ السلطان حكمران اصفهان ويزد وعراق وبروجرد وعربستان و لرستان و غييرها ادام اللهِ اقباله العالى كه موقَّتاً به حضور مبارك احضار شده بودند روز دهم ربيع الاول وارد دارالخلاف گرديدند \_ جناب علاء الدوله وزير دربار اعظم و سرکشیکچی باشی را با لقب امیرنظامی و اختیارات تامه با اجزای لازمه مرکب از نـوكـرهـاي كـارديـد. كافي مأمور آذر بايجان فرمودند كه معجلاً به اين مملكت رفته

مشغول انشظام امور گردد ــ نواب والا عباس میرزا ملک آرا به حکومت قزوین و مضافات منصوب گردیدند و امیرزآده محمدمیرزا ولد نواب معظم له به اعطای منصب سرتيبي سيم سرافراز شد \_ نواب اللهقلي ميرزاي ايلخاني به حكومت ولايات خمسه برقرار گردید ــ چون میرزا رضای صدیق الدوله وزیر دارالخلافه به همراهی اميزنظام مأمور آذر بايجان شد خالصه جات طهران كه اعظم املاك دولتي است به ميرزا محمّدباقر پسر صديق الدوله سپرده شد كه به نيابت صديق الدوله متصدى امر خالصهجات مزبوره باشد و داد و ستد مالیاتی و اربابی و سایر مستغلات طهران و بلوكات متعلقة آن برعهدة محمد ابراهيم خان كه از مجر بين و پيرمردان در بخانة نواب اشرف والا تايب السلطنه اميركبير وزير جنگ حكمران دارالخلافه و غيرها ادام الله اقباله العالى مي باشد موكول شد ــ روز دهم ربيع الثاني تلگرامي از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول رسید بدین مضمون که اعلیحضرت سلطان عبدالخميدخان اطمينان داده بودند كه ديگر شيخ عبيدالله و اكراد طاغي جسارتی نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود را دولت عثمانی به اتفاق دولت ایران فراهم خواهند آورد ــ نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم وليعهد دولت عليه حکمران مملکت آذر بایجان و مضافات که به در بار معدلتمدار همایون احضار شده بودند به دارالخلافة باهره ورود فرمودند ــ روز يكشنبه نوزدهم ماه ربيع الثاني بعد از گذشتن هشت ساعت و هفده دقیقه و کسری از طلوع آفتاب، آفتاب جهانتاب به نقطهٔ اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت به حمل تحویل کرد و مراسم حشن عید و سال نبو در پیشگاه حضور همایون معمول افتاد ــ به قدر دوهزار نوکر سوارهٔ جدید از عراقى و آذربايجاني به امر همايوني جناب علاءالدوله اميرنظام گرفته و مرتب داشته به اسم غلام منصور موسوم و در این ایام به توسط میرزا احمدحان پیشخدمت خاصه و سرتیب اول ولد جناب امیرنظام از سان حضور همایون گذشته و مقرّر گشت تا ده هزار نفر به همین اسم و وضع و هیئت نوکر سواره گرفته شود ... عبدالحسين خان ولد مرحوم خانباباخان سردار به نشان و حمايل سرتيبي اؤل نايل گردیـد ـــ در سـمـنــان طفلی متولّد شد که چهارچشم و دودهن و دو شاخ داشت و باقى اعضايش درست بود و پس از تولد بمرد ــ به موجب تلگراف جناب

معين الملك سفيركبير دولت عليه مقيم أسلامبول اعليحضرت سلطان وعدة صريح تبعید شیخ عبیدالله و پسر او را از سرحد کردستان و احضار به اسلامبول فرمودند ـــ اردوی نظامی مرکب از پنج فوج و یکهزار سواره و دوازده عرّاده توپ که ده عرّاده از آن از تویهای جدید اختراعی است نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالى به رياست اميرزاده ناصرالدوله سرتيپ اول تجهيز نموده علاوه بر اردوهای سابق روانهٔ آذر بایجان داشتند ... حکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس از ابتدای این سال مزید حکومت ایالات و ولایات اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و خوانسار و گلیایگان به کف کفایت نواب اشرف والا شاهنشاهزاده ظل السلطان ادامالله اقباله العالى تفويض گرديد و برحسب استدعاى خود نواب اشرف معظم له نيابت اين ايالت به نواب والا جلال الدوله فرزند ارشد ایشان و کارگذاری امور آن مملکت به جناب میرزا فتحملی خان صاحبدیوان مرجوع شد و نواب والا جلال الدوله به یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسهٔ مرضع از ملابس خاصه و جناب صاحبديوان به يك ثوب جبّة ترمه دوز مفتول دوز شمسة مرضع از ملابس خاصه مخلع شدند ... میرزا محمدخان امینخلوت و تفنگدار باشی ولد مرحوم ميرزا هاشمخان امين الدوله به خطاب جنابي مخاطب آمد ــ جناب سپهسالار اعظم از طرف شخص همایون سلطنت برای تعزیت قتل امپراطور آلکساندر دوتيم و تهنيت جلوس اعليحضرت امپراطور آلكساندر سيّم بر تخت سلطنت روسيّه به سفارت دربار آن دولت مأمور وبا هدایای لایقه برای اعلیحضرت امپراطور و امیراطریس روانه گردید و خود سپهسالار اعظم به یک ثوب سرداری مفتول دوز شمسهٔ مرضع ممتاز مخلّع گردید و اجزای ملتزمهٔ سفارت (امیرزاده وجیهالله میرزا سرتيب اول)، (عزيزالله حان صارم الملك سرتيب اول)، (ميرزا رضاحان مترجم سرتیپ دوتیم)، (میرزا حسنخان سرتیپ و منشی اسرار) بودند ـــ وزارت علوم به جساب عليقلي خان مخبرالدوله مرحمت شد \_ صنيع الدوله به خطاب نبيل جنابي مخاطب و سرافراز آمد ... میرزا محمدحسین ولد وزیر لشکر به منصب استیفای دیـوان اعـلـی برقرار گردید ـــ یحیی میرزای نایبالایاله در خدمات دیوانی گیلان و ریاست تجارت آن سامان مراقبت نموده به نشان و حمایل سرهنگی سرافراز

شد و در همین سال نیز نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم سرتیپی به او مرحمت فرمودند \_ ميرزا كاظمخان للهباشي مرحوم جلال الدوله به پيشكاري شاهرود و بسطام برقرار گردید ــ نواب ابوالفتح میرزای مؤیدالدوله حکمران کردستان به نشان و حسمایل سرتیپی اوّل نایل آمد و در همین سال چون در فتنهٔ شیخ عبیدالله ولایت كردستان را خوب نگاهدارى نموده بود به لقب مؤيدالدوله ملقب گرديد ــ ميرزا هـدايـتالله مستوفى ولد مرحوم ميرزا محمّدتقى لسان الملك بعد از فوت پدر به لقب لسان الملكى نايل شد ... محمدحس خان پيشخدمت حضور به حكومت ولايت کاشان مأمور و به خلعت همایونی مخلّع گردید ــ عمل تذکره وارد و صادر ممالک محروسه که از قدیم مقرّر و معمول بود به توسّط وزارت جلیلهٔ خارجه مستحکم و منضبط شد \_ نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالى با تشريف خاصة سلطنت از حضور همایون مرخص شده به اصفهان که مقرّ حکومت و فرمانفرمائی ايشانست معاودت فرمودند \_ فرار اشرار طايفة احمدوند چلبي از حدود خاک كرمـانـشاهان به حدود خاك عثماني وعراق عرب بهواسطهٔ حركت اردوى نظامي حاجى شهاب الملک حکوران كرمانشهان به طرف سرحد \_ یک قبضه عصای مرضع از درجهٔ اول محض مزید تکریم و اعزاز جناب مستطاب حجه الاسلام آقای حاجى ملاعلى سلمه الله تعالى از طرف همايون ملوكانه اهدا شد ــ جناب ميرزا كاظم خان نظام الملك بعد از فوت ميرزا موسى وزير لشكر برحسب انتخاب نواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزير جنگ ادام الله اقباله العالى به وزارت لشكر که از مشاغل موروثی اجدادی جناب معزی الیه بود سرافراز و به یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ شمسة مرضع مخلع گردید \_ نامهٔ مودت ختامهٔ اعلیحضرت امپراطور اعظم كل ممالک روسیّه آلکساندر سیّم مبنی بر اعلام حادثهٔ حزنانگیز اعلیحضرت امپراطور مرحوم و جلوس خودشان به تخت اميراطوري به اعليحضرت همايون شاهنشاه كل ممالک محروسه به توسط جناب مسیو زیناویوف وزیر مختار دولت روس مقیم در بــار دولت علیّه به حضور همایون موصول گشت ـــ مهدیقلی خان امیرآخور به یک قبضه شمشير مرضع از درجهٔ سيم مفتخر گرديد ــ يک قطعه انفيه دان مكلّل به الىماس كـه روى آن مريّن به تمثال همايون بود در حقّ كنت دومنت فرت رئيس اعتمادالسلطنه اعتمادالسلطنه

ادارة يليس دارالخلاف اعطا شد ... فضل الله خان شاطر باشى به لقب بشيرالملكى ملقب و سرافراز گشت ــ روز بیست و چهارم جمادی الاخری در در بار اعظم که نواب اشرف والا وليعهد جاويدمهد دوليت عليه ونواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزير جنگ ادام الله اقبالهما العالى و جميع وزرا و وكلاى عظام دولت احضار و حاضر شده بودند دستخط همایون اعلیحضرت اقدس شهریاری دام سلطانه در ترتیب جدید و انتظام ادارهٔ دولت قرائت و گوشزد اولیای دولت شد ـــ جناب کیناز تروبسکوی که از طرف دولت بهیهٔ روس رسماً برای اِنْهای امر سلطنت بالوراثة اعليحضرت اميراطور آلكساندر سيم به سمت سفارت با نامة مودت علامه مأمور دربار دولت عليه بود روز بيست و سيم جمادي الاخرى با كمال احترام و تشریفات معمولهٔ دولتی وارد و شرفیاب حضور همایون شد و هنگام معاودت در بـارهٔ جـناب معزی الیه و همراهان او از طِرف دولت علیّه بذل امتیازات و نشان و حسایل شد (به جناب کیناز تروبسکوی یک قطعه نشان تمثال همایون مکلل به الماس) و به سایر همراهان علی قدر مراتبهم از نشان درجهٔ دویم شیر و خورشید تا درجهٔ پنجم و بعضی که رتبهٔ تازل تر بودند مدال طلا و نقره بذل و مرحمت گردید ـــ جناب سليمان ياشا مأمور مخصوص دولت علية عثماني هم كه از طرف اعليحضرت سلطان با نامهٔ مودّت ختّامه برای ازدیاد مراسم دوستی و اِنّهای بعضی مقاصد دولتی بـه اتــفــاق نواب حاجى حسام السلطنه روانة دربار دولت عليَّة ايران بود روز بيست و چهارم همین ماه با تشریفات شایستهٔ دولتی وارد و به حضور همایون ملوکانه نایل و شش رجب معزی الیه را رخصت معاودت حاصل شد و خود جناب معزی الیه به نشان شیر و خورشید از درجهٔ اوّل خارجه با حمایل سبز مخصوص آن و همراهان معزی الیه نیز به نشانهای امتیاز از طرف دولت علیه اختصاص یافتند ــ ساعدالدوله سرتیب اقِل به حکومت استرآباد مأمور و به سرداری ترمهٔ خلعت ملوکانه مخلّع و مباهی گردید \_ میرزا اسدالله خان شار ژدافر دولت علیّه مقیم پطرز بورغ به وزیر مختاری و اقامت همان دربار اختصاص يافت ــ اميرزاده سلطان محمّد ميرزا ولد نواب عضدالدوله به نشان و حمايل سرتيبي دويم و منصب ژنرال آجوداني خاصة حضور مبارك نايل گرديد \_ ميرزا محمّدتقي لشكرنويس پسر مرحوم ميرزا مصطفي وكيل

المشكر به لقب وكيل لشكرى و تقلّد مشاغل پدر و خلعت همايون امتياز يافت ــ نظر به وفور كفايت نواب اشرف والا ظلّ السلطان حكمران اصفهان و فارس و يزد و عراق و لرستان و عربستان و غیرها حکومت ایالت کرمانشهان و سرحدداری عراقین نيز به نواب اشرف معظم له تفويض شد محض مزيد توقير و احترام جناب حجة الاسلام آقا سيدصادق سلمه الله تعالى يك حلقه انگشترى الماس بريليان از طرف ملوكانه براى ايشان اهدا شد ــ منع اعطاى القاب دولتي در حق عموم چاکران مگر بـه تحقیق و تصدیق جناب اجل آقا و جمیع وزرای دربار ــ جناب سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفارت روس به فرمانفرمائی مملکت خراسان و سيستان بهعلاوه امر توليت آستانة مقدسة حضرت رضا عليهالسلام منصوب و به يك قبضه شمشير مرضع از درجهٔ اوّل مباهى و روانهٔ خراسان شدند ــ نواب عضدالدوله، و جناب حاجى خازن الملك، و اميرزاده وجيه الله ميرزا سيف الملك، و صارم الملک عزیزالله خان سرتیپ شاهیسون، و محمدصادق خان امین نظام، و حاجی ميرزا علينقي مشير لشكر، و نصرالله خان نايب الوزاره هم در معيّت جناب سيهسالار اعظم مأمور و روانه شدت یک ثوب سرداری ترمه به نواب عصدالدوله و یک قبضه سرعصای مرضع به جناب حاجی خازن الملک نیز اعطا شد \_ معاودت نواب والا حاجى معتمدالدوله از قارس كه ينج سال مستقلاً به فرمانفرمائي آن مملكت منصوب بودند \_ منع اعطاى القاب و مناصب و نشان و حمايل و امتيازات نظامي مگر به تنعقیق لیاقت کامل و تصدیق شخص نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و جناب وزیر لشکر و بیست نفر از امرای عسکریه \_ فوت آقـامــير محمّدحسين در اصفهان كه از اجلهٔ علما و آقايان محترم سلسلهٔ امام جمعه وِ خود نیز چندی به منصب امام جسعگی منصوب بودند \_ جناب آقاسید آقای پیشنماز ارومیّه به توسّط جناب امیرنظام علاءالدوله به شیخ الاسلامی ارومیّه منصوب شد ـ مدرسهٔ موسوم به مدرسهٔ همایونی که در اصفهان به امر نواب اشرف والا ظل السلطان با مصارف گزاف بنا شده در این سال به اتمام رسیده دایر گردید \_ اتمام عمارت اندروني سلطنتي شهرستانک و اعطاي يک ثوب سرداري ترمهٔ کشمیری از ملابس خاصه به جناب معتمدالملک وزیر مخصوص و وزیر بنائی و

برقراری یکصد تومان اضافه مواجب در حق حاجی ابوالحسن رئیس معماران ــ قتل حمره آقای بلباس منگور و سوارآقا و خضرآقا و علی آقا که از معتبرین اقوام حمزه آقا و همه سرخيل اشرار اكراد و خادمان دولت بودند در ساوجبلاغ به خسن تدبير و اهتمام جناب حسنعلى خان وزير فوايد \_ ميرزا اسمعيل ولد جناب امين السلطان كه از جانب جناب معزى اليه رياست خزانة عامره دارد به منصب بيشخدمتي حضور مبارک و یک ثنوب سرداری خلعت همایون سرافراز شد ـــ بروز و شدت ناخوشی قبی و اسهال در حدود کرمان و تحفیف یافتن ــ نواب عبدالله میرزا را که از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالى به حكومت كرمانشهان منصوب است به تصدیق شاهنشاهزادهٔ معظم له به لقب جلیل حشمت الدوله ملقب و سرافراز داشتند \_ نواب انوشیروان میرزا بیگلربیگی شهر تبریز ملقب به لقب ضیاء الدوله شد \_ فوج مخبران و فوج پنجم شقاقی علاوه بر فوج بهادران و فوج ششم اقبال قراول مخصوص سيرده به محمدباقرخان شجاع السلطنه سرتيپ اول و خلعت همايون نیـز در حق معزی الیه اعطا گردید \_ تأیید و تأکید ملوکانه در اخذ و استیفا و ادای حقوق و مواجب أهل نظام و قشون ظفرنمون به موجب دستخط مبارک خطاب به نواب اشرف والا نايب السلطنه أميركبير وزير جنگ أدام الله اقباله العالى شرفصدور یافت \_ استحکام و استقرار وزارت وظایف و اوقاف به جناب امین الملک به موجب دستخط همايون ــ فوت مصطفى قلى خان قراگوزلو ملقب به اعتمادالسلطنه اميرتومان كه مصدر خدمات عمده شده و در پايان عمر به حكومت ارومي منصوب بود به مرض حصبه ــ افتتاح روشنی چراغ گاز در شهر دارالخلافهٔ طهران که مذتی بـود بـه عـمليات آن مشغول بودند با جشن دولتي ـــ جناب صنيع الدوله به يک ثوب سرداری ترمهٔ کشمیری از ملابس خاصه مخلّع گردید به نصرالله خان نصرالملک سرتیپ اوّل به اعطای نشان و حمایل امیرتومانی سزبلند آمد ــ حسام الملک نیز به نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گردید ــ میرزا احمدخان پیشخدمت مخصوص ولد جناب امیرنظام علاءالدوله چون در گرفتن و نگاهداری و سواره غلامان منصور مستهای محسن خدمت به جای آورده بود در موقع سان دادن غلامان مزبور به نشان و حمایل سرتمیپی اوّل نایل گردید ــ ترتیب و تقسیم ایام هفته برای رسیدگی ذات

۲۰۲۹ تاریخ منتظم ناصری

همایون ملوکانه به مشاغل و مهام ادارات دولتی \_ یک قبضه شمشیر مرضع مکلًل به جواهر گرانبها از شمشیرهای خاصهٔ سلطنتی به جهت نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی اعطا و ارسال اصفهان شد \_ یک ثوب سرداری ترمهٔ نظامی که علامت نشان مرضع در سردوشهای آن داشت و از خلاع خاصهٔ ملوکانه بود به افتخار جناب وزیر نظام علاءالدوله مرحمت و ایصال آذر بایجان فرمودند \_ حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم والی مملکت خراسان روز بیست و یکم ماه ذیحجه در مشهد مقدس در سن پنجاه و والی مملکت خراسان روز بیست و یکم ماه ذیحجه در مشهد مقدس در سن پنجاه و هفت سالگی دعوت حق را لبیک اجابت گفت.

(افغانستان) به جنگ سخت مابین امیر عبدالرحمن خان و سردار ایوب خان در حوالی قندهار در می گیرد به سردار ایوب خان غلبه بر قشون عبدالرحمن خان کرده سی عرّاده توپ از امیر عبدالرحمن خان گرفته شهر قندهار را متصرّف می شود به عسا کر سردار ایوب خان از او روگردان شده به طرف عبدالرحمن خان می روند به عبدالرحمن خان به طرف قندهار حرکت کرده سردار ایوب خان از قندهار به جلو او بیرون می آید در بیست و هشتم شوّال سردار ایوب خان از امیر عبدالرحمن خان بیرون می آید در بیست و هشتم شوّال سردار ایوب خان از امیر عبدالرحمن خان شکست سختی خورده به طرف هرات می رود و توپها و آغروق او به دست امیر عبدالرحمن خان می افتد.

اروپا — (آستریه) — مسافرت نواب ولیعهد اطریش به مشرق زمین — مواجعت نواب معزی الیه به وینه از سفر مشرق زمین — آمدن والی بلغارستان به وینه – فوت ژنرال بندیک — عهد تجارتی با سربستان — پادشاه و ملکهٔ بلژیک با پرنسس استفانی صبیهٔ خود که نامزد نواب ولیعهد اطریش است وارد وینه می شوند — در دهم ماه مه عروسی و زفاف نواب ولیعهد و شاهزاده خانم بلژیک اتفاق می افتد — پادشاه جزایر سندویج به وینه می رود — فوت باژن هیمرلی وزیر امور خارجه به طور فجأه — اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و ملکه به جهت ملاقات اعلیحضرت به طور فجأه — اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و ملکه به جهت ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش به وینه می آیند — کنت کائنکی به وزارت امور خارجه منصوب

مى شود. (اسپانيا) ــ افتتاح مجلس شورى ــ ملاقات سلاطين اسپانيول و پرتوغال. (افلاق بغدان) \_ اهالي اين مملكت والي خود را يادشاه و مملكت خود را دولت و سلطنت اعلان داشتند سـ در بیست و دویم ماه مه یادشاه و زوجهاش تاج سلطنت افلاق بغدان را به شر می گذارند. (آلمان) ــ مزاوجت پشر نواب ولیعهد آلمان با یکسی از شاهزاده خانسه های اسلشویک هاستن ــ اعلیحضرت آمپراطور آلمان و اعليحضرت اميراطور اطريش در شهر گئشتن ملاقات مي نمايند ــ ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور روس در دانزیک. (انگلیس) -شکست عساکر انگلیس در باستس از طایفهٔ بور که در جنوب افریق سکنی دارند \_ فوستهادن کمک از انگلیس به جهت منقاد نمودن بورها ـ وکلای ارلندی از مجلس پارلمنت اخراج می شوند \_ ایضاً شکست عساکر انگلیس در حوالی رأس امید از طایفهٔ بور و قتل ژنرال کولی سردار انگلیس به دست طایفهٔ بور ... مأموريت ژنرال رُبيرت از انگليس به رأس اميد با قشون زياد به جهت تدمير طايفة بور ــ انعقاد مصالحه مابين انگليس وطايغة بور و در اين عهدنامه انگليس آزادي تام و تمام جمهوری ترانسوال را می شناسد ـ لرد بیکنسفیلد صدراعظم سابق انگلیس در پانزدهم آوریل وفات می کند ... عساکر انگلیس قندهار را تخلیه می کنند ــ سی هزار نفر از عساکر انگلیس به جهت دفع اغتشاش و تأمین ارلند به آنیما می روند ـ کالاکو پادشاه جزایر سن دویج وارد ارلند می شود ـ شورش و انقلاب سخت در ارلند. (ايطاليا) ـ اعليحضرت بادشاه ايطاليا و ملكه به جزاير سیسیل سفر می نمایند ... در سیسیل از طرف بیک تونس جمعی از اعیان تونس به جهت تبریک ورود اعلیحضرت بادشاه ایطالیا می آیند ـــ زلزلهٔ شدید در شهر نایل و خرابی و خسارت زیاد ــ در مجلس پارلمنت گفتگوهای بسیار سخت بر ضد دولت می نمایند که چرا در مسئلهٔ تونس دولت ایطالیا سکوت کرده اقدام به جنگی بر ضد فرانسه نمی کند. (دانمارک) \_ فوت ملکه مادر اعلیحضرت یادشاه \_ فوت پرنس كالين رُوجة وليعهد سابق. (روس) ــ انكشاف نقبي در راه آهن به جهت قتل اعـلـــحضرت امپراطور روس ـــ انعقاد مصالحه مابين روس و چين ـــ فتح گوک تپه به دست ژنرال اسکیلف در بیست و چهارم ژانویه ـ کشته شدن اعلیحضرت

امپراطور روس آلکساندر دوتیم به دست نیهیلیستها در پطرز بورغ در سیزدهم مارس و جلوس اعليحضرت آلكساندر سيم وليعهد به اميراطوري تمام مملكت روس \_ تحقیق در اعمال قاتلین امیراطور مرحوم ــ روساکف و چهار نفر از همدستان او که قـتـل اسراطور مرحوم را سبب بودند به دار آویخته شدند ـــ در شهر کیو طایفهٔ یهود را به قتل می رسانند ... فوت برنس دُ اُلدَنبُورگ ... استعفای ژنرال میلوتین از وزارت جنگ ... یانقین بسیار سخت در مسکو... نواب گراندوک قسطنطین از ریاست شورای دولتی و از وزارت بحریه معزول می شود ــ اعلیحضرتین امیراطور و امپراطریس به سمت مکاره سفر می کنند \_ یادشاه و ملکهٔ دانمارک به جهت ملاقات صبية خود كه اميراطريس روس است به يطرز بورغ مي آيند، اعليحضرت امیراطور قصر کچنیای را برای سکنای خودشان انتخاب می کنند \_ جمعی که قصد قتل اعليحضرت اميراطور را داشتند و به واسطهٔ ديناميت مي خواستند عمارت سلطنتي را خراب كنيند گرفتار شدند و عجب اينست كه بعد از استنطاق از مقىضىرىن معلوم شد كه رئيس پليس پطرز بورغ با مقضرين همدست و شريك بوده است. (سویس) - کوه سن گتار که سالها مشغول سوراخ کردن آن بودند سوراخ شده و راه آهن از این سوراخ عبور می کند. (عثمانی) ــ دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنگ را در مسئلهٔ خود یونان نمی نماید ــ عثمان باشای غازی به وزارت جنگ برقرار می شود ـــ بروز طاعون یا مرضی شبیه به طاعون در عراق عرب ــ اجـمـاع سـفـرای کـبــار در اســلامـبـول برای رفع منازعه مابین عثمانی و یوتان ـــ جزيرة شيـو (كيو) (سقّز) به واسطهٔ زلزله تماماً زير و زبر شد ــ دول مابين دولت عشمانی و یونان میانجی شده تعیین حدود طرفین را می کنند و دولت عثمانی را در این مسئله مجبور می نسایند ــ درویش پاشا سردار عثمانی با یاغیهای آلبانی تصادف كرده چهارهزار نفر از آنها را مقتول مي نمايد ــ استنطاق مدحت ياشا و سايىر اعاظم كه متهم به قتل مرحوم سلطان عبدالعزيزخان بودند و مدحت ياشا و هشت نفر از همدستهای او را حکم به قتل و دو نفر را به حبس مؤبّد دادند ـــ تمام سفرائی که در عثمانی هستند شکایت خودشان را به بابعالی در باب حکم قتل مدحت پاشا اظهار می کنند و به توسّط سفرا اعلیحضرت سلطان از قتل او و سایرین

گذشته حکم به حبس ابدی او می نمایند ــ اصطبل سلطانی تماماً آتش می گیرد \_ شورش طوایف اعراب در حجاز \_ زلزلهٔ سخت در سانجنی که بسیاری از مردم تلف شدند ـــ بروز وبا در مكَّهٔ معظَّمه و جدّه. (فرانسه)ـــ فوت زوجهٔ مسيوطيرــــ فوت بالانكى جمهورى طلب مشهور ــ فوت دروين و لوئيس ــ طايفة كرومير از طوایف اعراب تونس در سرحد الجزایر با قشون فرانسه در جنگ اند ــ دولت فرانسه تهیهٔ قشونی دیده عما کر زیادی به سرحدات تونس مأمور می کند و از آن طرف والبي تونس را دولت فرانسه متهم مي نمايد كه با طايفة كرومير همدست است، و عساكر فرانسه جزيرهٔ تاباكا را از تونس متصرف مي شود ــ دولت عثماني حق سلطنت خود را در تونس اظهار می کند و یادداشتی در این باب به وزارت خارجه فرانسه می فرستد ـ وزیر جنگ فرانسه سه کرور تومان دیگر از برای امداد قشون کشی در تونس می طلبد \_ زلزلهٔ در شهر لیون \_ فوت رُجِلد صرّاف معروف ــ فتح قیروان از شهرهای تونس به دست عساکر فرانسه ــ هانری بریشن به ریاست مجلس وکلای پارلمنت برقرار می شود ـ وزرای فرانسه معزول و مسیو گامبتا به صدارت منصوب و مأمور تشکیل وزارتخانه ها است. (یونان) ــ منازعه مابین یونان و عشمانی قریب به ظهور است کے سفرای دول خارجه که در یونان هستند این دولت را مانع از جنگ با عثمانی می باشند عساکر یونان به قصد تصرف نقاطی که از دولت عشمانی به آنها واگذار شده به سرحد می روند و تمام نقاطی که عثمانی مي بـايـسـت مـوافق عهدنامه به يونان واگذارد تفويض نمود ــ بروز مطبقة وبائي در این مملکت با نهایت شدت.

افریقا \_ (تونس) \_ عساکر فرانسه شهر صفاقس را گلوله باران می کنند \_ جنگ سخت در حمامه مابین دوازده هزار عرب و قشون فرانسه و فتوحات قشون فرانسه در تونس. (مارک) \_ بروز طاعون در این مملکت. (مصر) \_ بروز اغتشاش در این مملکت و شورش قشون مصر بر ضد خدیو و محاصره نمودن آنها قصر خدیو را \_ خدیو درصدد تشکیل مجلس و کلا است.

آمریکا ـ طغیان رودخانه ها در این اقلیم که موجب خرابی ابنیه و هلاک بسیاری

از نفوس می گردد. (اتائونی) انعقاد عهد تجارتی و دوستی فیمابین اتائونی و چین در دویم ماه ژویه کیتونام طپانچه به طرف میو گارفی یلد رئیس جمهوری اتائونی خالی می کند و زخم مهلکی به او وارد آمده اطباء از معالجه مأیوس می شوند و پس از چندی وفات می نماید آرتور به ریاست جمهوری برقرار می گردد در ششم اکتبر جشن بزرگی در اتائونی در موقع سال صدم آزادی حتمی این مملکت از تبعیت و تصرف انگلیس می گیرند یانقین بسیار سخت در شهر نویرک. (پرو) در رئیس جمهوری این مملکت و وزیر امور خارجهٔ او را عساکر شیلی محبوس کرده به مملکت خود می فرستد. (مکسیک) طوفان سختی عساکر شیلی محبوس کرده به مملکت خود می فرستد. (مکسیک) طوفان سختی نفس می شود.

[سنهٔ ۱۲۹۹ هجری (الی دهم جمادی الاولی سنهٔ ۱۳۰۰ هجری) = سنهٔ ۱۸۸۲ مسیحی (الی بیست و یکم مارس ۱۸۸۳ مسیحی)]

آسیا \_ (ایران) \_ امور دولت در آین سال میمون به یمن اقبال همایون شهریاری نظم و ترتیب و شکوه و شوکتی تمام دارد \_ نواب والا شاهزاده رکن الدوله که مسبوق به ولایت مملکت خراسان و سیستان بودند بعد از فوت مرحوم سپهسالار اعظم دو باره به حکومت خراسان و سیستان به علاوه اختیار امر تولیت منصوب و به خلعت تن پوش مبارک مخلع شدند \_ مهدیقلی خان امیرآخور را به اعطای یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصهٔ سلطنتی مفتخر فرمودند \_ عبدالله خان قوللر آقاسی باشی ولد جناب امیرنظام علاءالدوله را به منصب کشیکچی باشی گری و خلعت مهرطلعت مباهی داشتند \_ مأموریت حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی و دیگر مهندسین برای برآورد مخارج بستن سد اهواز به امر دولت \_ اعطای یک قبضه شمشیر مرضع بسیار ممتاز از شمشیرهای خاصهٔ سلطنتی در بارهٔ نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی محض کمال انتظام وزارت جنگ \_ دکتر طولوزان حکیمباشی حضور همایون به

اعتماد السلطنه

خطاب جنابی مخاطب و سرافراز شد ــ نشان مجیدی از طرف دولت علیهٔ عثمانی برای اشخاص مفضلهٔ ذیل اعطا و ارسال گردید: (کنت دومنت فرت رئیس یلیس دارالخلافه نشان درجه سیم مجیدی)، (عباسقلی خان سرتیپ و مترجم درجه چهارم)، (میرزا علیمحمدخان سرهنگ منشی و ناظم دارالطباعهٔ دولتی و عبـدالحسینخان سرهنگ مستشار ادارهٔ پلیس نشان درجهٔ پنجم مجیدی) ــ تأیید و تقویت دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی به موجب دستخط اکید همایونی ــ اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز در موقع عید مولود همایونی و عرض قشون در حق نواب أشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزير جنگ ادام الله اقباله العالى \_\_ محتمدابراهیمخان وزیر دارالخلافه به خطاب جنابی مخاطب و مباهی گردید ــــ ميرزا كاظم ملك الاطباء حكيمباشي حضور همايون به اعطاي يك قطعه نشان تسمثال همایون مکلّل به الماس مفتخر شد ــ وزارت گمرک به اقتضای حُسن ادارهٔ جداب امین السلطان باز به خود ایشان استقرار و اختصاص یافت ... امین حضور به محبضلی محاسبات و نظم و ترتیب آمور دفترخانهٔ استیفا که مسبوق به آن بود منصوب گردیده به یک ثوب سرداری ترمهٔ تن پوش مخلع گردید \_ جناب صنيع الدوله برحسب ارادة عليه و دستخط همايوني جزو وزرا و اعضاى مجلس شورای کسرای دولتی شد ــ باغ و عمارت دوشان تپه و باغ وحش آنجا مستقلاً به امیرزاده سلطان حسین میرزا پیشخدمت حضور واگذار و یک ثوب سرداری ترمه در بارهٔ معزى اليه مرحمت گرديد \_ شاهزاده سام ميرزا شمس الشعراء به يک ثوب جبّة ترمة خلعت همايون مخلّع شد ــ ميرزا عباس جان سرتيب مهندس مخصوص حضور همایون به یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ دویم خارجه امتیاز یافت ـــ مـيـرزا رضاقـلــي خــان ايـروانــي گــمـاشتهٔ نواب اشر ف والا ظل السلطان به لقب سراج الملکی و منصب استیفا از درجهٔ سیم سرافراز شد ــ میرزا علیرضای مستوفی به یک ثبوب جبّهٔ ترمهٔ حاشیه دار مخلّع گردید ــ میرزا حسن خان ولد مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب لشکرنویسی نایل آمد ــ حاجی میرزا حسین ممیز به یک ثبوب جبّهٔ ترمهٔ ایرانی سربلند شد ــ میرزا محمّدحسین ادیب ملقّب به فروغی مـنـشــی روزنامه در صلهٔ مدیحهٔ مولود همایون به یک طاقه شال ترمه مخلّع گردید ـــ

بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلدالله ملکه یکهزار تومان از وجوه صرف جیب مبارک به رسم اعانت برای بازماندگان و ایتام محروقین تماشاخانهٔ ویسه موسوم به رینگ اعطا فرمودند ــ به امیرزاده وجیهالله میرزا سیف الملک مقرّر گردید هزار نفر سوار جدید از بیکزادهها و خانهزادهای معتبر گرفته با سلاح و لباس ممتاز از سان حضور مبارک گذرانده و ابوابجمع خود معزیالیه و موسوم به سواران ناصری باشند \_ حاجی مصطفی قلی خان میرشکار به یک ثوب کلجهٔ بطانه سنجاب مخلّع گردید \_ جناب میرزا حسن ثانی فرزند جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و ماليه به منصب جليل و شغل نبيل مستوفي الممالكي كه منصب و شغل موروثی ایشان بود با جمیع مواجب و مرسومات این منصب نایل و به یک ثوب جبّهٔ ترمه دوره مفتول دوز شمسهٔ مرضع مخلّع گردیدند ـ نواب اشرف والا ظلّ السلطان حكىمران ممالك و ولايات فارس و إصفهان و يزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و كرمانشهان و كردستان وغيرها ادامالله اقباله العالى به رسم همهساله بىراى شىرفيابى حضور همايون از مقرّ حكومت موقتاً احضار به در بار همايون و هشتم ربیع الاول وارد دارالخلافه و فوراً شرفیاب حضور همایون شدند ـــ اعلان دولتی در باب صحت عيار مسكوكات جديده و ترقى ضرابخانة دولتي كه الحال پنج دستگاه چرخ سکّه دایر است و روزی یکصدهزار عدد پول طلا و نقره به سهولت می تواند سکّه نماید و حکم صریح به جمیع ولایات ممالک محروسه که جمیع سکّه های قديم را از اشرفي و قران بـه ضرابـخـانـهٔ دولـتـي فـرسـتاده به فاصلهٔ ده روز پول جدیدالضرب بگیرند و هرکس از تاریخ ماه ربیعالاول این سال لغایت ششماه دیگر پول کهنه از طلا و نقره داشته باشد و مبدّل به پول جدیدالضرب نکرده باشد خزانهٔ عـامـره دیـگـر آن را در عـوض پول رواج قـبـول نخواهد کرد و به قیمت جنس گرفته خواهد شد ـــ مدالهای دولت از طلا و نقره و مس که به مصارف امتیازات دولتی می رسد تمام در ضرّابخانهٔ مبارکه ضرب و اخراج می شود ــ بندگان اعلیحضرت اقدس همايون صاحبقراني خلدالله ملكه يك روز به جهت تشويق اهالي مدرسة دارالفنون تشريف فرماى مدرسه شده جناب مخبرالدوله وزير علوم بعضي كتب و نـقـشـهجاتـی که در این اوقات در مدرسه تألیف و ترجمه و بعضی از آنها هم منطبع

شده بود از لحاظ نظر همایون گذراندند ــ ورود مسیو دبالوا وزیر مختار دولت فخيسة جمهوري فرانسه مأمور به اقامت دربار دولت عليه به دارالخلافة باهره با تشریفات لازمهٔ دولتی و شرفیاب شدن به حضور مبارک ــ میرزا محمد صديق الملك رئيس دفتر وزارت جليلة خارجه به يك ثوب جبة ترمة حاشيه دار مخلّع گردید ... امیرزاده سلطان ابراهیم میرزا ولد مرحوم عمادالدوله به منصب ژنرال آجودانی حضور مبارک سرافراز آمد ـ از طرف دولت جمهوری فرانسه به جهت اشخاص مفضلهٔ ذیل نشان على حسب درجاتهم داده شد: (صدیق الملک میرزا محمّد رئيس دفتر وزارت خارجه نشان كوماندرو درجه سيّم لژيون دُنُور)، (ميرزا مصطفى خان نايب الوزاره اوفيسيه از درجهٔ چهارم)، (ميرزا عبدالله خان سرتيپ مستشارالوزاره اوفیسیه از درجهٔ چهارم)، (میرزا مهدِی خان حامل پیغامات وزارت خارجه به سفارتخانه ها اوفیسیه از درجهٔ پنجم)، (میرزا نصرالله خان منشی و میرزا شكرالله نـامهنگار اوفيسيه از درجه پنجم) ـ فوت آقامحمّد ابراهيم نواب بدايعنگار دولت عليّه در نيمه ماه ربيع الاول به مرض سكته ــ نواب اشرف والا ظلّ السلطان فرمانفرما وحكمران اصفهان وفارس ويزد وعراق وبروجرد ولرستان وعربستان و كرمانشهان و كردستان و غيرها آدام الله اقباله العالى لباسي زمستاني و تابستاني از برای سرباز تبحت ریاست خودشان تعبیه فرمودند از اقمشه و منسوجات خود ایران در کـمـال نـفـاسـت و خـوبی و دوام و مرغوبی که از نظر مبارک نیز گذشته و مطبوع افتاده مقرّر فرمودند مروراً برای کلیّهٔ قشون ظفرنمون دولت علیّه از همین جنس و نوع لباس ترتيب داده شود \_ حكومت ايالت كردستان ايران و كليّة افواج و قشون ولايات محكومة نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادامالله اقباله العالي را با تمام مهمّات عسكرتيه و لوازم حربيّة آن به اداره و رياست خود نواب اشرف معظم له واگذار و ضمیمهٔ حکومت سایر ولایات و ممالک محکومهٔ ایشان فرمودند ـــ نظر به كمال توجّه بندگان اعليحضرت اقدس همايون صاحبقراني دام ملكه به ادارهٔ قشون و انتظام این وزارت معظمه دستخطی مبارک برای مزید اقتدار و اختیار نواب اشرف والا اميركبير نايبالسلطنه وزير جنگ ادامالله اقباله العالى و انحصار جميع شعبات این وزارت جلیله به ادارهٔ شخص خود نواب معظم له صادر و مرحمت فرمودند

ــ نـواب امـيـرزاده مؤيدالدّوله ولد نواب حاجى حسام السلطنه از ولايت كردستان به حكومت ولايت خمسه منصوب و روانه شد ــ محمّدحسنخان پيشخدمت حاكم کاشان به یک ثوب سرداری ترمهٔ ایرانی خلعت همایونی که ارسال کاشان فرمودند مفتخر گردید ــ نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادام الله اقباله العالي جناب نـاصـرالملک محمودخان را که از وزرا و چاکران بزرگ دولت است برای حکومت ایالتین کرمانشهان و کردستان انتخاب و پس از تحصیل اجازت از خاکپای همایون به صوب ایالتین مزبورتین روانه فرمودند ــ فوج مسعود طهران برحسب استدعای نواب اشرف والا نايب السلطنه اميركبير وزير جنگ ادام الله اقباله العالى كمافي السابق به اميرزاده سيف الملك وجيه الله ميرزا سرتيب ابوابجمع شد \_ محمقدحسین خان پیشخدمت خاصه و امیرآخور اصطبل توپخانهٔ مبارکه به یک ثوب سرداری ترمهٔ ایرانی مخلّع گردید ــ شب سهشنبه غرّهٔ جمادی الاولی بعد ازگذشتن دو ساعت و چهـار دقـیقه و کسری از غروب آفتاب، آفتاب به نقطهٔ اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت به حمل تحویل کرد ـ سلام تحویل در عمارت جدیدالبنای رفيع البنيان موزة شرف تشكيل يافت، مراسم سلام و جشن عيد نوروز نيز كاملاً به عمل آمد ــ نواب اشرف والا وليعهد أبدمهد دولت عليَّة ايران ادام الله اقباله العالى حكمران و صاحب اختيار مملكت آذر بايجان كه سال قبل به جهت اصغاي بعضي فرمایشات شفاهی ملوکانه در باب اعمال و مهام حکمرانی آذربایجان احضار به در بار همایون شده بودند در این اوقات القای آن مقاصد و فرمایشات به انجام رسیده معزّزاً و مكرّماً از حضور همايون رخصت انصراف حاصل و رجعت به مقر حكومت آذر بایجان فرمودند و هنگام روانگی از دارالخلافه محض تکمیل ظهور الطاف خفیهٔ ملوكانه و مزيد توقير و اعزاز جانب شاهنشاهزادهٔ اعظم يك قبضه شمشير مرضع مکلل به الماس بریلیان از شمشیرهای گرانبها و یک ثوب سرداری مفتول دوز شمسة مرضع از ملابس خاصة ملوكانه دربارة نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند و نواب والا محمّدعلي ميرزا ولد نواب اشرف معظم له را به لقب نبيل اعتضادالسلطنه ملقّب و به یک قطعه نشان تمثال همایون مباهی داشتند و محض تکمیل و تتمیم مراحم ملوكانه دربارهٔ نواب اشرف والا شاهنشاهزادهٔ معظم له كه در قریهٔ طرشت

تقلم کان کرده بودند ذات همایونی به قدوم مبارک منزل ایشان را مشرف فرمودند ــ جنباب اميرنظام علاءالدوله نيز مقرّر است كه كماكان در آذر بايجان به رتق و فتق مهام و اشغال شاغلة خود مشغول باشند ــ على خان ايشيك آقاسي باشي به اعطاى نشان تمشال مهرمثال همايون مكلّل به الماس اختصاص يافت ـــ نواب والا جلال الدوله ولد نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالى را مشمول مرحمت خاص فرموده به یک قطعه نشان تمثال بیمثال اقدس مکلّل به الماس سرافراز فرمودند ـــ ميرزاعلي قائم مقام و حاجي ميرزا عباسقلي را حسب اللياقه در سلک اجزای مجلس محترم دارالشورای دولتی منسلک داشتند \_ جناب میرزا محمدخان امین خلوت به اعطای نشان تمثال مبارک مکلّل به الماس مفتخر گردید \_ حكيم الممالك پيشخدمتباشي سلام به خدمت وساطت ابلاغ احكام همايوني به ديوانخانة عدلية عظمي و مراقبت ختم إعمال ديوانخانة مباركه مأمور شد ــــحاجي غلامرضاحان شهاب الملك از جانب نواب اشرف والا نايب السلطنه اميركبير وزير جنگ ادام الله اقباله العالى به حكومت مازندران و اعطاى يك قطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون نایل گردید به عبدالله خان والی گیلان به استدعای نواب والا امیرکبیر نایبالسلطنه وزیر جنگ به اعطای یک قطعه نشان از درجهٔ اوّل خارجه و یک رشته حمایل سبز مفتخر شد ــ ذوالفقارخان سرهنگ فوج مهندس به منصب سرتیپی سیّم مباهی گشت ... جناب حاجی شیخ علی مجتهد مرند به مرض سکته مرحـوم شــد ــــ بـرآورد جـمـع و خرج هذه السنة دولت عليّه شده بعد از وضع جميع مخارج مببلغ هشتصد و شصت و سه هزار و نهصد و نود و یک تومان نقداً و جنساً فاضل دخل بر خرج آمده بعد از آنكه جناب اجلآقا وزير اعظم داخله و ماليه كتابچة جمع و خرج را به لحاظ نظر انور همايون رساندند امر و مقرّر شد اين فاضل به مصرف ابتياع اسلحه و انتظامات فوق العادة قورخانه و قشون برسد ـــ روز ينجشنبة پانـزدهـم جـمادی الاولی به رسم معمول اسبدوانی شد ــ جناب نظام الملک وزیر لشکر که اسامی اسبهای سوغاتی را معروض حضور مبارک می داشتند به یک ثوب جبّهٔ ترمهٔ حاشیه دار مخلّع گردیدند ــ مهدیقلی خان میرآخور آصطبل خاصه را به یک ثوب سرداری ترمهٔ خلعت همایونی مخلّع فرمودند ــ از طرف اعلیحضرت

۲۰۳۹ کاریخ منتظم ناصری

امیراطور کل ممالک روسیّه یک قطعه نشان سنت استانیسلاس با حمایل آن برای جـنــاب صـنيع الدوله اعطا و ارسال گرديد ـــ ميرزاعلى دكتر طبيب حضور همايون و حكيمهاشي تواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزير جنگ و معلّم علم طبّ و تشنريح فرنگى مدرسهٔ مباركهٔ دارالفنون به اقتضاى مراتب علم و حذاقت به لقب معتمدالاطبائي ملقب شد \_ جميع كوچه هاى شهر تبريز به اهتمام جناب اميرنظام سينگفرش مي شود ... نواب والا ركن الدوله حكمران مملكت خراسان و سيستان از مشهد مقدّس به جهت مهام سرحدّیه عزیمت سفر سرخس و کلات نمودند ـــ نواب اشرف والا ظلّ السّلطان حكمران اصفهان و فارس و يزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و كرمانشهان و كردستان و غيرها ادامالله اقباله العالى از حضور همايون شهریاری با استدراک مراحم مخصوصه رخصت انصراف به مقرّ حکومت حاصل نموده روز دوشنبه بيست و هشتيم جمادي الاولى از دارالخلافة باهره عزيمت اصفهان و به حضرت عبدالعظيم عليه الشلام نقل مكان فرمودند و محض مزيد اعزاز و تكريم جانب نواب اشرف معظم له بندگان اعليحضرت همايون يك روز در حضرت عبدالعظيم تشريف فرماى منزل شاهنشاهزاده معظم له شدند و روز چهارم جمادي الثانيه از زاوية مقدسه روانة مقرّ حكومت گرديدند ــ جناب اعتضادالدوله حکمران قم و شاهسون بغدادی به استدعای خودشان شرفیاب خاکیای مبارک شده به اقتضای کفایت جناب معزی الیه و استدعای نواب اشرف والا نایب السلطنه اميركبير وزير جنگ ادام الله اقباله العالى حكومت ساوه را ضميمة حكومت جناب اعتضادالدوله فرموده و معزى اليه را به اعطاى يك ثوب سردارى ترمه شمسه مرضع مختلع و مباهى داشتند \_ ميرزا محمّدعلى خان مستوفى ولد جناب معاون الملک به منصب استيفاي خاصه از درجهٔ اوّل نايل شد ــ از طرف دولت روس چند قطعه نشان به جهت اشخاص مفصّله اعطا گردید: (میرزا جوادخان سرتیب نشان سنت آنا از درجة دوتيم)، (ميرزا نصرالله خان صاحبمنصب مخصوص وزارت خارجه و ميرزا شکرانله نامه نگار نشان سنت آنا از درجهٔ سیم) ـ کوچه های شهر شیراز را عموماً به اهتمام جناب صاحبدیوان شروع به ساختن و سنگفرش کردند ــ از جانب نواب والا ركن الدوله حكمران خراسان وسيستان حكومت تربت از حاجي ميرزا

اعتماد السلطنه

محمودخان منتزع و به حاجي محمدميرزا واگذار و حكومت جوين و اسفراين از نواب نیرالدوله موضوع شده جوین به موسی خان و اسفراین به حسینعلی خان تحویلدار سابـق تـفويض گرديد و حكومت پشتكوه را نيز از محمّدابراهيمخان قاجار گرفته به سهام الملک دادند \_ بارندگی زیاد در جمیع ولایات خاصه در فارس \_ شب سه شنبه چهاردهم جمادی الثانیه خداوند تعالی به میمنت و مبارکی فرزندی به بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری از بطن نواب علیه زینة السلطنه كرامت فرموده به نام نامی نصرت الدین میرزا موسوم داشتند و به شکرانهٔ این موهبت عظمی جشنی بزرگ گرفتند و علی الرسم نامه ها به سلاطین دول معظمهٔ متحابه نوشته تولّد شاهنشاهزاده نصرت الدين ميرزا را اعلام نمودند \_ جناب معتمدالملك به لقب نبيل مشيرالدوله و وزارت عدلية اعظم كه از مهام خطيره است ملقّب ومنصوب و به یک ثوب سرداری شمسهٔ مرضع از ملابس خاصه مخلّع گردیدند ــ و میرزا حسینخان ولد جناب معزی الیه را به لقب معتمدالملکی و یک ثوب سرداری ترمه خلعت همايوني مفتخر فرمودند \_ نواب والا عزالدوله به حكومت ولايت همدان منصوب و به اعطای یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلّع شدند ـــ میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اوّل ولد جناب امیرنظام علاءالدوله غلامان مهدیّه و منصور ابوابجمعی خود را که به سبک سواره قزاق مشق می کنند با کمال آراستگی در حضور همایون سان داده به یک ثوب سرداری ترمه خلعت همایونی سرافراز شد ـ در قریهٔ بیدگل کاشان زنی به یک شکم سه دختر آورد ـ محمدعلي خان يسر خاتلرخان از جانب احتساب الملك حكمران ملاير و تويسركان و نهاوند به نیابت حکومت نهاوند برقرار شد ... روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت صديقة طاهره فاطمه زهرا سلامالله عليها است نواب عليه عاليه منيرالسلطنه والدة نواب اشرف والا نايب السلطنه اميركبير وزير جنگ ادام الله اقباله العالىي بـه رسم معمول جشن بزرگ گرفته و ضیافت عام از نسوان محترمه و غیرها کردند، و عصر این روز ذات همایون شهریاری ابدالله عیشه نیز تشریف فرمای منزل نواب اشرف والا نايب السلطنه اميركبير وزير جنگ شدند ــ مدرسهٔ مجمع الصنايع واقعه در جنب خيابان باب همايون را نواب اشرف والا اميركبير نايبالسلطنه وزير

جنگ و حکمران دارالخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی حسب الامر همایون به ار بـاب حِرّف و صنايع متنوعه داير فرموده و همه صنعتگران را بدءاً محض تشويق از خودشان دستمایه دارند و پس از ترتیب و تکمیل مجمع الصنایع یک روز بندگان اعليحضرت همايوني محض افتخار وتشويق اهل صنعت تشريف فرماي آنجا شده هممه را به تحسینات و انعامات و تشویقات ملوکانه نایل و سربلند فرمودند ـــ امیر ایوبخیان پشر مرحوم امیار شیرعلی خان امیر افغانستان با همراهان از خراسان به دارالخلافه آمده به حضور همایون مشرف و به اعطای یک ثوب سرداری گلابتون دوز از ملابس خاصه سرافراز شد \_ جناب میرزا محمدخان امین خلوت در موقع سان دادن تفنگداران سرکاری به یک ثوب سرداری ترمه از ملابس خاصهٔ سلطنتی مخلّع و حاجی میرزا شفیع مستوفی نیز در این موقع به یک ثوب جبّهٔ ترمه خلعت همایونی مباهی آمد \_ محمدحسن خان پیشخدمت حضور پس از مراجعت از حکومت همدان به حکومت کاشان سرافراز و به خلعت مهرطلعت مخلّع گردید ــ میرزا یوسفخان مستشار وزارت خارجه به انتخاب و استدعای جناب مشیرالدوله وزیر عدلیهٔ اعظم به مستشاری وزارت عدلیه برقرار شد ... میرزا علیرضای مستوفی سیم به منصب استیفا از درجهٔ دویم و یک ثنوب جَبّهٔ ترمهٔ ایرانی حاشیه دار منصوب و مخلّع گشت ـــ ميرزا احمد سررشته دار كل وزارت دربار اعظم به منصب استيفا از درجهٔ سيّم و اعطای یک ثبوب جبّهٔ ترمهٔ ایرانی نایل گردید ــ روز چهارشنبه بیست و نهم ماه جمادي الشانيه تمام جرم آفتاب در عقدهٔ ذنب منكسف شد \_ نواب أشرف والا وليعهد جاويدمهد دولت عليّة ايران ادامالله اقباله العالى روز تهم جمادى الثانيه با تــشـريفات تمام وارد شهر تبريز و مقرّ حكومت آذربايجان شده و روز ديگر در سلام زمام كليّة امور و مهام ولايتي را به جناب اميرنظام علاء الدوله واگذار و شمشير تمام فیروزه مکلّل به جواهری محض تکمیل التفات از کمر خودشان باز کرده به جناب اميىرنىظام مرحمت فرمودتد ... روز سيزدهم رجب كه عيد مولود مسعود حضرت اميىرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام بود در تالار عمارت بادگير تشكيل سلام در حضور همایون شد و مراسم جشن عید کاملاً به عمل آمد ــ دختر اصفهانیه که هـم كـر و هـم لال بـود در قـم مـتـوسـل به حضرت معصومه سلام الله عليها شده شفا

يافت ــ رسالة عملية فارسى از جناب حجة الاسلام حاجي ملامحمدحسين مجتهد کاشانی به طبع رسیده مجاناً منتشر گردید ــ موکب همایون صاحبقرانی روز هیجدهم رجب تشریف فرهای پیلاق صاحبقرانیهٔ شمیران گردید ـ نیابت ایالت خراسان و تنظم امور شهر مشهد مقدس در غیاب نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان که به سرکشی و ترتیب امور سرحدات خراسان رفته اند با نواب معين الدوله احمد ميرزاست \_ جناب ميرزا ملكم خان ناظم الملك وزير مختار و سفیر دولت علیه مقیم دربار انگلیس که به جهت بعضی مشاغل و مهام شخصیّه خود استدعای شرفیابی خاکیای مبارک را کرده و این اوقات به دارالخلافه و در بار همایون آمد علاوه بر سفارت در بار دولت انگلیس سفارت در بار دولتین آلمان و هلاند را نیز به عهدهٔ کفایت جناب معزی الیه موکول و معزی الیه را به لقب نبيل ناظم الدولگي ملقب فرموده و هنگام مرخصي و حركت از دارالخلافه نيز معزى اليه را به يک ثوب سرداري ترمه از ملايس خاصه مخلّع و مباهي فرمودند ... ميرزا يوسف خان مستشار الوزاره به لقب مستشار الدولكي نايل و ملقب گرديد \_ جناب امین السلطان چون در زمان رجوع وزارت گمرک به معزی الیه دو خدمت بزرگ كرده يكى آنكه مبالغي به خسن مراقبت بر وجوه ماليات گمرك افزوده و ديگر تميين امتعهٔ وارده از خارجه به داخلهٔ ايران و مال التجارهٔ داخلهٔ ايران را به ممالک خارجه که در ظرف یکسال چند و چهقدر است از روی دقّت و صحت تموده و صورت آن را به عرض خاکیای همایون رساند به یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسة مرضع از ملابس خاصه مخلّع و مباهى گرديد ــ نجفقلي خان قاجار رئيس طایفهٔ حاجی مهدیقلی خانی به نشان و حمایل از درجهٔ سیّم سرتیبی سرافراز شد ــ محمودخان ولد محمدابراهيمخان قاجار كه در سال هزار و دويست و هشتاد و پنج مه ریاست طایفهٔ شاه بوداغلو برقرار گردیده بود در این سال به نشان و حمایل سرهنگی نایل آمد \_ میرزا ولیقلی سررشته دار قورخانهٔ مبارکه به منصب لشكرنويسي قورخانه مفتخر شد ــ از طرف نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکومت بوشهر هم جزو بهبهان و به حاجی نصیرالملک تفویض گردید \_ در کازرون فارس زلزله شد \_ یک انبار نفت در شهر رشت طرف پیر بازار آتش

گرفت \_ در استرآباد زلزله شد \_ موکب همایون شهریاری از صاحبقرانیهٔ شمیران روز سهشنبه دهم شعبان عزيمت يبلاق لار فرمود \_ جناب ميرزا على خان امین الملک وزیر وظایف و اوقاف و پستخانههای ممالک محروسه و مدیر دارالشورای دولتی به لقب جلیل امین الدوله ملقب و مباهی شدند \_ جناب جلالتمآب عضدالملك خوانسالار و ايلخاني ايل جليل قاجار و خازن مُهر مِهرآثار مبـارک جـميع طوايف و خوانين و اميرزادگان ايل جليل قاجار را با كمال نظم در حضور مبارک سان داده مورد مرحمت گردیدند ... غلامان کشیکخانهٔ مبارکه را عبدالله خان سركشيكيي باشي، و غلامان مهديه و منصور را ميرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرتیپ اوّل نیز یک روز با کمال آراستگی با پراقهای طلا و نقره و لباسهای ماهوت تازه ممتاز سان داده مورد تحسینات و الطاف ملوکانه آمدند ــ نواب والا عضدالدوله به رياست در بخانهٔ نواب اشرف والا وليعهد گردون مهد ادام الله اقباله العالى منصوب و ميرزا فضل الله خان منشى به منشى باشيگرى حضرت والا وليعهد مباهى گرديدند \_ ميرزا ابوالقاسم خان مستوفى نورى حاكم سابق خلخال به حكومت مراغه و خانباباخان بيشخدمت خاصة حضرت ولايتعهد به حکومت دهخوارقان از طرف ٌنواب آشرف معظم له انتخاب شدند ـــ در خوی زلزلهٔ شدیدی شد ــ حسینقلی خان ایلخانی بختیاری در اصفهان بدرود جهان کرد ــ در چهارباغ اصفهان به حكم نواب اشرف والا ظل السلطان ادامالله اقباله العالى سر بازخانهٔ بسیار بزرگی بنا کردند ــ در نیمهٔ شعبان که عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر و امام عصر عجل الله تعالى فرجه است در اردوى همايون در ساحت لار جشنى بزرگ گرفتند \_ ميرزا يوسف خان مستشارالدوله مستشار وزارت عدلية عظمی به یک ثوب سرداری ترمهٔ ایرانی خلعت همایونی مخلع گردید ـ حاجی ميرزا مرتضى طبيب به لقب شريف الاطبائي ملقب شد \_ تمام بازارهاي شهر شيراز را مثل بازار وكيل با سقف آجرى باشكوه مى سازند \_ نواب والا ركن الدوله حكمران مملكت خراسان و سيستان دارالسيادة حضرت رضوى عليه الصلوة والسلام را آیسنه کاری می کنند و سه هزار تومان مخارج آن را معین و از منافع موقوفات حضرت دادند ـ در كرمان به امر دولت و دستورالعمل نواب ناصرالدوله حكمران

كرمان و بلوچستان اقمشة خوب مناسب براى لباس تمام افواج مى بافتند و از جنس نهد کرکی پالتوهای نظامی بسیار نفیس جوب مثل ماهوت درست می کنند ــ در بقعهٔ امامزاده جعفر یزد دختر فالجی شفا یافت ــ موکب اعلای شهریاری از لار به ساحت نما رستاق مازندران و حدود بلده و نور تشریف فرما گردید ـــ جناب حاجی سيدحسين ترك أز اجلة علماء در عتبات عاليات به جوار رحمت حق ارتحال نمود \_ خداوند واهب العطايا روز جمعه دوازدهم رمضان مولودي مسعود به اعليحضرت اقـدس همایون شهریاری کرامت فرموده موسوم به منصورالدین میرزا گردید ــ جناب اميـن السلطان پانصد نفر سوارهٔ خواجه وند را كه ساكن كجور هستند در حدود نور به آراستگی از سان حضور مبارک گذرانید ــ جناب جهانگیرخان آجودانباشی سرتیپ اؤل و رئیس قورخانهٔ مبارکه در سلک وزرای دولت منسلک و به وزارت صنایع منصوب گردید ـــ میرزا محتمدخان نوری حاکم بلوک أزرود به یک ثوب جبهٔ ترمهٔ ابرانی حاشیه دار مخلع شد \_ میرزا عبدالله خان پیشخدمت خاصه به یک ثوب سرداري از جامه خانهٔ خاص خلعت يافت ـ حاجي شهاب الملک حکمران مازندران که در اردوی پیلاقی شرفیاب خاکپای میارک شده به یک ثوب سرداری ترمهٔ خیلعت مهر طلعت مخلّع گردید ـــ موکب همایون روز سهشنبه سلخ رمضان به شهرستانک نزول اجلال فرمود ـ جناب امین السلطان را به اعطای یک حلقه انگشتری الماس بریلیان ممتاز مباهی فرمودند \_ آقاعلی اصغرخان صاحبجمع ولد جناب امين السلطان به لقب امين الملكي وآقا محمدقاسم ولد كهتر جناب معزى البيه به لقب خانى نايل و سرافراز شدند ــ محمدحسن خان حاجب الدوله فراشباشي و نشقچي باشي به اعطاي يک قطعه نشان تمثال بي مثال همايون مفتخر گردید \_ حاجی مصطفی قلیخان میرشکار را به یک ثوب کلیجهٔ ترمهٔ بطانه سنجاب مخلع فرمودند ــ جناب مُن سِنيُور گُلُوزل که از علما و قسيّسين بزرگ مذهب کاتولیکی مسیحی و اصلاً فرانسوی و سالها ساکن در خسروآباد ارومی بود فـوت شـد ـــ اعــلان دولــتــی در مـنــع نگارش القاب در روزنامهٔ دولتی مگر از برای شاهنشاهزادگان عظام نواب والا و نوادهها و اخوان و اعمام بزرگ سلطنت نواب به تنهائی خواهد شد \_ الله قبلی میرزا ایلخانی به اعطای یک ثوب سرداری از

جامه خانهٔ خاص مخلّع گردید \_ یک ثوب سرداری ترمهٔ شمسهٔ مرضع از ملابس خاصه به افتخار اعتضادالملك حكمران سمنان و دامغان اعطا و ارسال سمنان فرمودند ـ دوشنبه بیستم شوّال موکب همایون از شهرستانک تشریف فرمای قصر صاحبهقرانیه شد ــ اوقات تابستان را به رسم هرسال اردوی نظامی مرکّب از تمام قشون ساخلو دارالخلافة طهران در بالاي قصر قاجار نواب والا نايب السلطنه اميركبير وزیر جنگ با کمال نظم و آراستگی تشکیل و ترتیب داده بودند ــ بندگان اعملیحضرت اقدس شهریاری ایدالله جیشه بعد از مراجعت از سفر پیلاق یک روز به اردوی مزبور تشریف فرما شده به اقتضای کمال خرسندی از نظم اردو و ترقّی مشق افواج و سواره یک قبضه قداره مکلّل به الماس از دست مبارک به نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند \_ میرزا بوسف نوری لشکرنویس ولد مرحوم میرزا محتمدحسين كه آن مرحوم در اوايل دولت خاقان مغفور تا اواسط دولت شاهنشاه مبرور به وزارت و حکومت ولایات مأمور می شد و در اواخر عمرش سه چهار سال در جنرو مستوفیان دیوان اعلی منسلک بود بعد از فوت او منصب استیفا موافق فرمان شاهنشاه ماضی محمّدشاه غازی طاب الله ثراه به میرزا یوسف مرحمت شد تا در اوايـل ايـن دولـت روزافـزون كـه مـدرسة مباركة دارالفنون ايجاد گرديد مرحوم ميرزا آقیاخیان صدراعظم خواست یکی از ارباب قلم که از اهل کمال باشد رتق و فتق عمل مدرسهٔ دارالفنون را کفیل شود میرزا یوسف را انتخاب کرده امور مدرسه را به او رجوع نمود و چون مدرسهٔ دارالفنون مدرسهٔ نظامی بود موافق فرمان مبارک منصب لشکرنویسی دیوان اعلی به او مرحمت شد و تا بیست سال با صدق و راست قلمی بـه امـور مدرسه رسیدگی می نمود تا در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج از عمل مدرسه استعفا كرده در عوض عمل چند فوج و چند دسته سوار به او رجوع شد به علاوه مقرر گردید در مجلس شورای عسکریه حاضر شده به امور آنجا رسیدگی کند و دو سال قبل مقرّر شد که نیز از اجزای مجلس ترقیّات قشونی باشد و در هذه السنه بعلاوهٔ آنها جزء اجزاء امتيازات قشوني گرديد ــ تنبيه كردن ساعدالدوله حکسمران استرآباد کسان قلیج خان ترکمان را که دست به شرارت و هرزگی دراز كرده بودند در حوالي آق قلعهٔ استرآباد ــ فرار شیخ عبیدالله گرد از اسلامبول و آمدن به خانهٔ خود برای تجدید فتنه و اغتشاش در سرحدات آذر بایجان و دو باره مأمور شدن مأمورین دولت عثمانی برای اخذ و تبعید او از سرحد و فرستادن به اقصی بلاد عشمانی ــ شیوع و شدت درد گلو و مرض نوبه در مرند آذر بایجان و رفع آن ــ ميرزا احمدخان سرتيپ اول ولد اميرنظام حامل يک زوج سردوشي مرضع از طرف قرين الشرف همايون به افتخار نواب والا وليعهد گردون مهد دولت عليه و نشان مرضع امیرنویانی اعظم با حمایل آن به جهت امیرنظام وزیر دربار اعظم شده روانهٔ آذر بایجان گردید ـ سلیمان پاشا مأمور مخصوص دولت علیه عثمانی که حامل هدیّهٔ گرانبهائی و نامهٔ مخصوصی از قبل اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان بود در ماه ذیقعده وارد دارالخلافه شده و شرفیاب حضور مبارک گردید منزل معزی الیه مثل سفر سابق در باغ لالهزار و مهماندار او نيز بندهٔ مؤلف بود ــ مسجد رفيع البناي حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم مرحوم را که معروف به مسجد سلطانی و در جنب باغ آن مرحوم بنا شده است به امر همایون ملوکانه مشیرالدوله وزیر عدلیهٔ اعظم از وجوه خود آن مرحوم سريعاً مشغول اتمام است ــ زمين وسيع وسط ميدان اسب دوانی را که به طور تدویر و تیم فرسخ تمام محیط آن است و سابقاً از اراضی خشک لمیزرع بود به امر دولت و مراقبت امین السلطان وزیر خزانه و گمرک و غیره قناتی که متجاوز از چهارسنگ آب دارد برای شرب آنجا جاری و احداث و در ظرف ششماه آنجا را مشجّر و آباد و باغی در کمال خضرت و صفا نموده موسوم به باغشاه کردند و عمارتی عالی در طرف شمالی این باغ واقع است که منظر به باغ دارد ـ موکب همایون از صاحبقرانیه تشریف فرمای سلطنت آباد شد ـ شب شنبه سلخ ذی القعده علاء الدوله امیرنظام در ارومی به مرض سکته مرحوم شد \_ میرزا احـمـدخان ولد آن مرحوم را به لقب علاءالدوله ملقّب فرمودند ـــ حسنعلى خان وزير فواید به ریاست قشون آذر بایجان و میرزا رضای صدیق الدوله به رسیدگی امور مالياتي و داخلهٔ آن مملكت منصوب و مأمور شده و خود نواب والا وليعهد. گردون مهد من بعد جمیع امور آن مملکت را مستقلاً اداره می نمایند ... هم در این سال به مباشرت امین السلطان وزیر خزانه و گمرک و غیره عمارات و بیوت متعدّدهٔ اندرونی سلطنتی را که کهنه و قدیم شده بود در ظرف شش هفت ماه تماماً از بنیاد

خراب کرده و بـهـجــای آنــهـا عــمــارت و حیاطی بسیار عالی و وسیع و باشکوه که حیاط آن یکصد و بیست ذرع طول و یکصد و دو ذرع عرض و چهار سمت آن دومرتبه عمارت و مشتمل بر جوضها و جداول متعدده است و زوایای آن نیز خلوتها و حیاطهای کوچک خوش وضع متعدد دارد تماماً با آجر و صاروج و گچ و سنگ بـتا کرده و به اتمام رساندند ــ تلگرافخانهٔ عالی خوبی نیز در جنب خیابان ناصریه در جوار مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون که مشتمل بر منازل متعدده فوقانی و تحتانی است از وجنوه دولت به مباشرت مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسه بنا شد ــ خــیـابانی وسیع و عالی نیز از طرف شرقی باب همایون به خیابان ناصریه ساخته و مفتوح گردید ــ حکومت دهخوارقان از طرف نواب والا ولیعهد دولت علیه حكمران مملكت آذر بايجان به حاجي حسام الدوله مفوض شد ـــ صاحبمنصبان جدیدی که به ریاست کلنل چارکوؤسکوی به جهت مشق سواره سبک قزاق از دولت بهيَّة روس خواسته بودند وارد دارالخلافه شده به توسُّط نواب والا نايب السلطنه امیـرکبیر وزیر جنگ به حضور همایون مشرف و معرّفی شدند ـــ سلیمان پاشا مأمور مخصوص دولت علیّهٔ عثمانی هنگام مرخصی و مراجعت به اسلامبول به یک قطعه نشان شيير و خورشيد از درجهٔ اول مكلّل به الماس و همراهان معزى اليه نيز به نـشـانـهـاي امتياز سرافراز شدند ـــ حسنعلي خان وزير فوايد به لقب سالار عسكري و یک قبضه شمشیر مرضع و ریاست قشون مملکت آذر بایجان منصوب و مفتخر گردید ــ میرزا رضای صدیق الدوله به یک ثوب جبّهٔ شمسهٔ مرضع و خطاب جنابی و وزارت مالبیه و داخلهٔ آذِربایجان سرافزاز شد ـــ امین لشکر به منصب وزارت فواید عاقبه مفتخر گردید \_ معزالدوله بهرام میرزا از اعمام عظام سلطنت شب یکشنبه هشتم ذيحجة الحرام به مرض فجأة به رجمت الهي پيوست ـــ برحسب امر و ارادة عليّة همايوني مجلس امتيازي به جهت ترقيّات و ترفيع مناصب و اعطاي امتيازات به افراد عساكر منصوره نواب والا نايبالسلطنه اميركبير وزير جنگ مركب از وزير لشکر و امرای تومان و صاحبمنصبان بزرگ عسکریه و غیرهم ترتیب و تشکیل دادند ـــ روزنـآمـهٔ موسوم به ایران که از ابتدای ریاست این بندهٔ مؤلف تا این سال در زیر ساية سلطنت سنية همايوني به نمرة پانصد رسيده بود برحسب رسم ميمون اروپا

پانصد نمره را در یک مجلد جلد کرده تقدیم خاکیای مبارک داشته دستخطی مبنی بر اظهار كمال مرحمت و رضايت به افتخار اين بنده شرفصدور يافت ـــ ابنية دیوانی و دولتی شهر کرمانشاهان را ناصرالملک حکمران کرمانشهان و کردستان به امر دولت و اجازت مخصوص نواب والا ظل السلطان حكمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها مرقت و تعمير كامل كرد \_ موكب همايون در اين اوان مقيم و تشريف فرماى عشرت آباد است ... از ترتیبات جدیده که با تأکیدات اکیدهٔ ملوکانه در امور دولت مرتب و مؤكّد شده اين است كه وزراي مشغول را از قرار تفصيل ذيل در مشاغل و اعمال خودشان مسئولیت کلیه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده ایشان را وزرای مسئول خواندند: (نواب والا نايب السلطنه اميركبير وزير جنگ)، (جناب آقا رئيس وزرا وزير داخله و ماليه)، (مؤتمن الملك ميرزا سعيدخان وزير امور خارجه)، (مشيرالدوله وزير عدلية عظمي)، (امين السلطان وزير دربار اعظم و خزانه و گمرک)، (امین الدوله مدیر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و پست)، (نـظـامالملک وزیر دفتر لشکر)، (نصیرالدوله وزیر فلاحت و تبجارت)، (مخبرالدوله وزير علوم و تلگراف و معادن)، (ميرزا فهرمان امين لشكر وزير فوايد عامه)، (امين حضور وزير بقايا)، (جهانگيرخان وزير صنايع)، (صنيع الدوله (بندهٔ مؤلف) وزير انطباعات و دارالترجمهٔ خاصه) ـ به جهت مزيد ترويج كارتحانه هاي شال. ترمه بافي ايران از غرّهٔ محرّم سنهٔ هزار و سيصد غدغن دولتي شد كه تمام خلاعي كه از صندوقخانهٔ مباركه مرحمت مي شود بلااستثنا شال كرماني باشد \_ موكب همایون صاحبقرانی یکباره از عشرت آباد تشریف فرمای عمارت زمستانی سلطنتی شهر شد \_ تکیهٔ دولت را با کمال شکوه بسته در دههٔ عاشورا شب و روز مشغول روضه و تعزیهٔ حضرت خامس آل عبا صلوات الله علیه هستند ــ ایّام هفته به ترتیب ذیل برای رسیدگی ذات همایون ملوکانه به مشاغل و امور دولتی تقسیم شد ــ شنبه مطالب وزارت عدليه وعلوم و معادن و تلگراف و تجارت و فلاحت ــ يكشبه مطالب وزارت جنگ و دفتر لشكر و وزارت صنايع ــ دوشنبه تعطيل ــ سهشنبه مطالب وزارت داخله و ماليه و دفتر استيفا و وزارت بقايا و وزارت خزانه و دربار و

٢٠٤٦

گمرک و غیره ـ چهارشنبه وزارت خارجه و وزارت وظایف و اوقاف و غیره و وزارت انطباعات و وزارت فواید \_ پنجشنبه مخصوص به احضار وزراء و شاهزادگان است \_ جمعه تعطیل \_ نواب والا ظلّ السلطان حکمران اصفهان و فارس ريزد وعراق وببروجيرد وليرستان وعربستان وكرمانشهان وكردستان و غیرها به رسم معمول همه ساله برای شرف اندوزی حضور همایون از مقرّ حکومت عزيمت دارالخلاف فرموده در ماه محرّم وارد و شرفياب حضور مبارك شدند و جمعی از اعیان حوزهٔ حکومت و فرمانفرمائی خودشان را نیز شرفیاب خاکپای مبارک نموده معرفی کردند \_ اجزای جمیع وزارتخانه های جلیله نیز حسب الامر هر روزی دستهای به توسط مدیر و وزیر آن اداره و وزارتخانه به حضور همایون شاهنشاهی مشرّف و معرّفی شدند ــ غدغن و منع رواج و داد و ستد اسكناس در تمام ممالک محروسه از طرف وزارت تجارت ـ و نیز منع طرح و نقش و رنگ فرنگی در قالی ایران که موجب نارواجی آن شده است از جانب وزارت مزبوره ـــ ایجاد روزنامهٔ مصوّر موسوم به شرف از اوّل محرّم سنهٔ هزار و سیصد به توسّط بندهٔ مؤلف ــ جشن عيد مولود مسعود همايوني را در شِب و روز ششم صفرالمظفّر نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ کاملاً گرفتند و در پیشگاه حضور مبارک انعقاد سلام خاص و عام شد جميع سلاطين دول معظمهٔ متحابه تلگرامهاي تبريک و تنهمنیت گفتند و از طرف همایون ملوکانه جوابهای مقتضی داده شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن کامل گرفتند ـــ بندگان همایون به شکارگاه جاجرود تـشـريـف فرما شده پس از ده شبانه روز اقامت رجعت به مقر سلطنت فرمودند يلنگي قوی نیز در این سفر صید شست مبارک شد ــ شدت و شیوع مرض درد گلو و آبله در كرمان و بلوچستان ــ حاجي ابوالحسن رئيس معماران به توسط و استدعاي امیـن الـسـلـطان وزیر در بار اعظم به منصب معمار باشیگری سرافراز گردید ــ شنبه هفدهم ربيع الاول كه عيد ولادت باسعادت حضرت سيدالمرسلين و خاتم النبيين صلَّى الله عليه و آله اجمعين است مراسم انعقاد سلام در تالار بلور و جشن و تبريك كاملاً مرعى شد ــ از طرف اعليحضرت سلطان عثماني يك قطعه نشان درجهٔ اوّل عشمانيه مكلّل به الماس باحمايل مخصوص آن محض مزيد اعزاز نواب والا

ظل السلطان حكمران اصفهان و فارس و يزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و كرمانشهان و كردستان و غيرها واصل دربار همايون گرديد ـــ اللهقلي خان ایلخانی به اعطای یک قبضه عصای مرضع مفتخر شد ... میرزا یوسف خان مستشارالدوله به یک توب سرداری ترمهٔ ایرانی مخلّع گشت ـ دکتر میرزا حسين خانة ولد ميرزا يوسف خان مستشارالدوله كه فارغ التحصيل از لندن مراجعت كرده بنود ذر سلك اطباي حضور مبارك منسلك گرديد ــ ميرزا ابراهيمخان سهام اللدؤليه سيرتبيب اؤل برحسب استدعاي نواب والا نايب السلطنه اميركبير وزير حنگ به حکومت ایالت مازندران منصوب شد و نیز برحسب استدعای نواب والا شاهنشاهزادهٔ معظم له عبدالله خان والي حكمران ايالت گيلان و طوالش به خطاب جنابی نایل گردید - در ترتیب اطاق موزهٔ همایونی شمشیری از عبدالله بن زبیر ملاحظه شد که چند کمتیبه داشت: کتیبهٔ اوّل (امیر عبدالله بن زبیر)، کتیبهٔ دویّم (عمل بهادر)، كتبابه سيم (مختار بن ابي عبيد ثقفي)، كتيبه چهارم (اميرتيمور گوركاني)، كتيبة پنجم (بنده شاه ولايت صفي)، كتيبة ششم (هلال يكشبة مهر ذوالفقار على به دست شاه سليمان چو ذوالفقار على)، و اين شمشير را كه از نفايس عالم است مرحوم طهماسب میرزای مؤیدالدوله در زمانی تقدیم حضور مبارک شهرياري داشته است \_ نواب حاجي حسام السلطنه سلطان مراد ميرزا به حكومت ایالتین خراسان و سیستان منصوب گردیدند ــ میرزا محمّدعلی خان مستوفی ولد قبوام الدول، به لقب معاون الملكي ملقب شد \_ عبد الحسين خان سرتيپ ولد مرحوم خانباباخان سردار ملقب به فخرالملک گردید ـ شنبه شانزدهم ربیع الثانی آقا سيدصادق مجتهد از اجلهٔ علماي اثني عشريّه داعي حق را لبيك اجابت گفته به جوار رحمت حق شتافت ــ روز بیست و سیّم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت هـمـايـون صاحبقراني تشريف فرماي منزل نواب والا ظلّ السلطان شدند ـــ روز دويّم جمادي الاولى شاهزاده حاجي حسام السلطنه به رحمت الهي پيوست ــ حكومت و فرمانفرمائي ايالتين خراسان و سيستان دوباره به نواب ركن الدوله تفويض شد ـــ كتابي مشتمل بر لغت همنيم فرانسه يعنى الفاظ متشابهه با ترجمهٔ فارسى اين بندهٔ نگارنده جمع و تألیف نموده به طبع رسانید.

(چین) \_ شورش سختی در مملکت کره روی می دهد و ملکه و اولاد او کشته می شوند پادشاه فرار می کند و جمعی مقتول می گردند \_ دولت ژاپن سفاین جنگی و قشون به این مملکت می فرستد.

ارویا \_ (آستریه) \_ مابین اطریش و افلاق بغدان و سربی کدورتست \_ دولت انگلیس میان اطریش و افلاق بغدان میانجی است ــ در هشتم ماه دسامبر حرق در تسماشاخانه رینگ در وینه زیاده از هزار نفر را تلف نمود ـــ بروز شورش در ایالات هرسک و بسنی و شکست دادن یاغیان عساکر اطریش را ــ سخت شدن شورش ایالتین مزبورتین ـ عساکر اطریش از یاغیان شکستهای سخت می خورند ـ یاغیهای هرسک مایل به اصلاح هستند ــ برای رفع شورش اهالی کریسُوسی دولت بیست و چهار ملیون فِلُونْ استقراض می نماید ـــ دولت اطریش در هرزگوین و بُسنى قشون مى گيرد ... در شهر ايشل اعليحضرت امپراطور اطريش و اعليحضرت اميراطور آلمان ملاقات مي نمايند \_ أز طرف اعليحضرت سلطان عثماني نشان امتیاز از برای اعلیحضرت امیراطور اطریش ارسال می شود ... مسافرت اعلیحضرت امیراطور به تریست برای تماشای اکسیوزیسیون ... نواب ولیعهد اطریش به ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان به برلن می رود وزیر خارجهٔ روس در ماه ژانویه وارد این مملکت می شود. (اسیانیا) ـ مطبعهای این مملکت چند روز بسته شد به قسمی که در این چند روز در تمام مملکت اسپانیول نشر روزنامه نشد ــ انعقاد عهد تجارت فيمابين اين دولت و دولت فرانسه ... تولد دختري از ملكه اسيانيا. (آلمان) \_ به جهت دوستی این دولت با دولت عثمانی ژنرال رادریویل حامل نشان از طرف اعلیحضرت امپراطور آلمان برای اعلیحضرت سلطان عثمانی شد ... سفیری از جانب دولت آلمان به رُم پایتخت ایطالیا رفته مراوداتی که سابقاً با یاپ در کار بود و چندگاهی مقطوع گردیده مجدداً برقرار می نماید و التیامی فیمابین حاصل می شود \_ افتتاح مجلس پارلمنت آلمان \_ محادلهٔ وکلای ملت با وزرا در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که می خواهد بیع و شرای دخانیات را خاصه دولت کند ــ با وجود خطبهٔ یرنس بیزمارک در مسئلهٔ دخانیات وکلای ملت قبول

اعتماد السلطنه

نمي كنند كه بيع و شراي آن مخصوص دولت باشد ــ مسافرت اعليحضرت امــِراطــور به امس ــــ رفتن آن اعليحضرت به برسلوــــ جمعيت آلمان در اين سال از . این قرار است: پنجاه و شش کرور و سیصد و چهل هزار پرتستان، و سی و دو کرور و دویست و سی و چهارهزار کاتولیک، و یک کرور و شصت هزار یهود، و سی هزار نفر از ادیان مختله، و هفتاد و سه هزار نفر بی مذهب ــ برنس شارل برادر اعلیحضرت امیراطور فوت می شود. (انگلیس) - شورش سخت در ارلند و سوزانیدن یاغیها اکثر ابنیهٔ دولتی را ــ موافق توجیهی که اعیان پیش خود نمودند معادل شش کرور تومان وجه نقد حاضر کرده به رسم اعانت برای یهودیهائی که در مملکت روس طرف صدمه شده بودند می فرستند ــ در ارلند شورش بر ضد دولت رو به تزاید است و هر روز چند قتل نفس اتفاق می افتد ــ دیوانه ای به طرف اعلیحضرت یادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان طپانچه خالی می کند بدون اینکه گلوله به اعلیحضرت معظم لها بخورد ـــ مسافرت اعلیحضرت معظم لها به فرنگ و مراجعت به انگلیس \_ منصوب شدن لرد اسپانیس به فرمانفرمائی ارلند \_ لرد گوندیش فرمانفرمای ارلند و بورک وزیرش درشهر دُوبلن پایتخ ارلند به دست طاغیان مقتول می گردد \_ سفاین جنگی انگلیس به همراهی کشتیهای جنگی فرانسه به طرف مصر حركت مي كنند كه خديو را از شرّ عرابي ياشا حفظ نمايند ــ اميرال سيمُور سردار سفاین جنگی انگلیس مصریها را تهدید می کند که اگر دست از ساختن استحكامات نكشند شهر اسكندريه را گلوله باران خواهد كرد ــ سيتوايُو يادشاه سابق زلوس وارد انگلیس می شود و با تشریفات زیاد او را می پذیرند ــ انقلاب ارلند و شورش اشرار برقرار است ــ شورش مردم بر ضدّ نجبا و ملاكين ــ پليس كه مأمور به حفظ مردم و گرفتن مقصرین بوده بیشتر مردم را به جنایت جسور می نماید \_ مجـلس كـنـفـرانـس دول معظمه راجع به كشتيراني در رودخانهٔ دانوب در لندن منعقد می شود \_ امیرال سیمور از مصر به انگلیس معاودت می نماید \_ یکی از ابنية سلطنتي را در نزديكي يارلمنت معاندين دولت آتش مي زنند. (ايطاليا)-فوت گاریبالدی معروف \_ جمعیت ایطالیا در این سال پنجاه و هفت کرور و چهارصد و پنجاه و دوهزار نفر و کسری است ـ طغیان آب و خرابی زیاد و

خسارت کلی مردم در ورُن و ایالت ونیز. (افلاق بغدان) ... پادشاه افلاق بغدان از اعلىمحضرت امپراطور اطريش ترضيه ميخواهد. (بلُژيک) ــ افتتاح مجلس پارلمنت. (پرتوغال) ــ جمعي از خدمهٔ عمارت سلطنتي به تهمت اينكه درصدد مسموم كردن پادشاه هستند محبوس مي شوند ـــ اعليحضرت پادشاه اسپانيول و ملكه وارد لينزبن يايتخت يرتوغال مي شوند. (روس) ــ يانزده نفر از نيهيليستها خود را به لباس قشونى ملبس كرده خواستند به عمارت سلطنتي ورود نموده اعليحضرت امیراطور را به قـتل رسانند آنها را گرفته حبس نمودند ــ یک نفر ژنرال و چند نفر صاحب منصب که متهم به نیهیلیستی هستند محبوس شدند ــ شهر گرنشتاد بندر نظامی روس را نیهیلیستها آتش می زنند ــ ژنرال اسکِبلُف سردار روس که در ياريس است خطبه برضد دولت آلمان مي خواند و اين خطبه به آلمان خيلي مؤثر می شود و اسباب تغیر زیاد در آلمان و اطریش بر ضد روس می شود ــ انکشاف حال جمعی از نیهیلیستها که مصمم قتل اعلیحضرت امپراطور هستند \_ حکم به قتل پانزده نفر از نیهیلستها صادر می شود ـ هشتصد نفر از اشخاصی که سوءظن در حق آنها داشتند از مسكو اخراج شدند \_ تماشاخانهٔ ليوادياد را آتش خراب مي كند \_ مسيو دُگيرس به جاي پرنس کرچاکف که از وزارت خارجه استعفا کرده بود بـرقـرار و وزيـر امور خارجه مي شود ـــ اذيت كردن اهالي روس به عموم طايفة يهود که در این مملکت سکنی داشتند \_ فوت ژنرال گفمان حکمران ترکستان \_ افتشاح اکسپوزیسیون صنایع در مسکو ـ کُت تُلستوا بهجای کنت اِگناتیف به وزارت داخله منصوب می گردد ــ جمعیت زیادی از نیهیلیست محبوس می شوند ــ فوت ژنرال اسکبلف سردار معروف ــ اعلیحضرت امپراطور روس لقب پادشاهی تركستان را به القاب سلطنتي خود الحاق مي كنند ـــ وزير امور خارجة روس سفری به آلمان می نماید و مقصود از این مسافرت اتّحاد بین دولتین است ـــ پرنس كرجاكف صدراعظم اين دولت در شهر باذنباد وفات نمود. (سربي) ــ اين ايالت خود را سلطنت و والی خود را یادشاه می خواند ــ اعلیحضرت پادشاه سرب به وینه مى رود ـــ زوجهٔ يكى از مقصرين كه شوهر او را به حكم دولت مقتول نموده اند در كليسا طپانچهاي به اعليحضرت پادشاه خالي مي كند ولي به ايشان نمي خورد ـــ

پرنس ميلان پادشاه سر بستان افتتاح مجلس پارلمنت مي نمايد. (سُود و نُروژ) -دختر اعليحضرت پادشاه كه وليعهد است پسري مي زايد كه موسوم به أسكار می شود. (سویس) ـ افتتاح رسمی معبر سن گتار شد. (عثمانی) ـ شورش سخت در سودان \_ بروز زلزلهٔ شدید در اناطولی \_ شورش اعراب در یمن بر ضد دولت عشمانی \_ ابتیاع کردن دولت عثمانی اسلحهٔ زیادی از آمریک \_ عبدالرحمن پاشا به جمای سعیدپاشا صدراعظم می شود ــ سعیدپاشا به وزارت خارجه برقرار می گردد \_ انقلابات سخت در شامات خاصه در بیروت \_ اعلیحضرت سلطان یاغیگری عرابي باشا را اعلان مي كنند ــ انگليس به بهانهٔ اينكه اين اعلان دير شده است قبول فرستادن قشون عثمانی را به مصر نمی نماید ــ روز سیزدهم ماه نوامبر که مقـارن غـرّة محرّم است عيدي كه روز اوّل سال اوّل مائة چهاردهم هجري است با تشریفات زیاد گرفته می شود ــ صدارت سعیدیاشا و وزارت خارجهٔ عارفی پاشا. (فرانسه) ... مسیو گامبتا صدراعظم و وزرای دایرهٔ او معزول و فریسینه به صدارت مخصوب شد ــ فریسینه از وزارت المور خارجه معزول می شود ــ وزرای تازه به ریاست مسیو دُوکلِر تعیین می شوند \_ قطع مراودهٔ سفرای ماداگاسکر \_ فوت گامبتا از رجال معروف دولت فرانسه 🚅 کنت ولغان سفیرکبیر اطریش مقیم فرانسه خود را می کشد ـــ ژنرال شانزی از سردارهای معروف فرانسه فوت می شود ـــ برنس ناپلیون اعلانی در حقوق سلطنت خود طبع و منتشِر نموده لهذا به حکم دولت محبوس می گردد \_ ژول فری صدراعظم می شود \_ در یکی از میدانهای شهر پاریس شورش عظیمی شده و شورشیان مصمم می شوند که به عمارت رئیس خزانه وارد شونـد ولـی بـه زور اسـلـحـه متفرّق می گردند. (منتنگرو) ــ والی منتنگرو به پطرز بورغ و وینه می رود. (هلاند) ــ طغیان آب که اسباب خرابی می شود ــ وزراء استعفا می کنند. (یونان) ـ تلاقی عساکر عثمانی و یونان در سرحة تسالی \_ معاهدهٔ سرحدی این دولت با دولت عثمانی \_ راهآهن یونان وصل به راهآهن عثمانی می شود ـــ عساکر یونان عبارت از بیست و یک هزار و سیصد و هشتاد و نه نـفـر پیاده، و هشتهزار و شصت و هشت نفر توپچی، و سه هزار و سیصد و نوزده نفر مخبران، و چهارهزار و صد و پنجاه و چهار نفر احتساب، و هزار و ششصد و شصت

و پنج نفر صاحبمنصب است \_ مسيو كمانروس صدراعظم يونان وفات مي نمايد.

افريقا \_ (تونس) \_ شهر قفسه به تصرّف عساكر فرانسه در مي آيد \_ طيببيك برادر محمدصادق بیک والی تونس به حکم والی محبوس می شود \_ فوت محتمدصادق بیک والی تونس در بیست و هشتم اکتبر و جلوس برادرش علی بیک بهجای او. (زولولاند) ــ سیتوایُو که در لندن سیاحت می کرد مستقلاً به سلطنت زلوس معاودت می کند. (مصر) ــ بروز وبا در مصر ــ تجدید شورش اهالی قشون بر ضد خدیو ــ شورای نظامی سیزده نفر از صاحبمنصبان قشون را که بر ضد احمد عرابی پاشا بودند اخراج بلد می کند ــ وزرا وکلای ملت را بدون استحضار خدیو احضار می نمایند و به فرنگیها اعلان می کنند که جان و مال آنها درامانست ــ و اگـر از دول خــارجــه دولتی بخواهد در امور داخلهٔ مصــر مداخله کند اهالی مصــر بر ضد آن دولت اقدامات خواهد نمود ــ سفاین جنگی فرانسه و انگلیس به محاذی اسكندريّه ورود كرده و عرابي پاشا حكم به ساختن استحكامات در ساحل مي دهد ــ قونسولهای فرانسه و انگلیس جلای وطن عرابی پاشا را از مصـر می طلبند ـــ ورود درویش پاشا از جانب اعلیحضرت سلطان به قاهره برای استمزاج وضع مصریها ــ اظهار خدیو به درویش پاشا که سازش مابین او و عرابی پاشا غیرممکن است \_ شورش مردم در اسکندریه و قتل جمعی از فرنگیها ــ اجماع سفرا در مجلس مخصوصی در اسلامبول برای قرارداد امور مصر ــ درویش پاشا صاحبمنصبان یاغی مصر را جمع کرده به آنها تبعیت سلطان را تکلیف می کند \_ قونسولهای فرنگ مصمّم بیرون رفتن از مصر می باشند ـ در دهم ژویه سفاین جنگی انگلیس بنای گلوله ریزی را به شهر اسکندریّه می گذارند و بعد از دوازده ساعت تمام قلعه جات اسکندریه به تصرّف عساکر انگلیس درآمده در اغلب نقاط شهر یانقین بروز می کند خدیو مصر به قصر رأس الطین پناه برده برای حفظ خود از عساکر انگلیس کمک می طلبد ــ عرابی پاشا در حوالی اسکندریه اردوی خود را متحصن می سازد و پس از چند روز با قشون زیاد به تـل الکبیر رفته متحصن می گردد ــ دولت عشمانی به جهت تنظیمات مصمم فرستادن قشون به مصر می باشد \_ امّا انگلیس

جدًا این مطلب را رد کرده می گوید مادامی که عثمانی عرابی یاشا را یاغی نشناسد قشون عشمانی به مصر راه نخواهد داشت ـ انگلیسها ابوقیر را گلوله باران کرده متصرف می شوند \_ شریف باشا به صدارت منصوب می شود \_ سفاین جنگی انگلیس بغاز سوئز را تصرف می نمایند ــ جنگ عساکر انگلیس در کاساسَن و فتوحات انگلیس ـــ ژنرال وُلیشلی با قشون زیاد به طرف تل الکبیر حرکت می کند، و روز سیزدهم سپتامبر با عساکر عرابی پاشا تُلاقی می نماید و شکست سختی به او می دهد \_ عرابی پاشا به زقازیق می گریزد \_ روز چهاردهم و پانزدهم عساکر انگلیس بی زحمت و مانعی وارد قاهره می شوند \_ عرابی یاشا که فرار کرده بود محبوس می شود \_ بیست و سیم خدیو وارد قاهره می گردد و عساکر انگلیس به اوطان حود معاودت می نمایند ــ در حنگ انگلیسها با عرابی یاشا استعداد عساکر عرابي ياشا چهل و چهار هزار بياده، و هيجده هزار سواره، و چهل هزار عرب بدوي، و صد و چهل و سه عرّاده توپ بوده و قشون انگلیس تقریباً چهل هزار نفر می شدند \_ ژنرال وُلشلی با صاحبمنصبان دایرهٔ خود از مصر به انگلیس می رود \_ شکست عساکر مصری از متمهدی ـــ ورود لرد دوفرن ایلچی کبیر انگلیس به مصــر ـــ حکم قتل عرابی پاشا از مجلس استنطاق صادر می شود و به توسط انگلیس خدیو از قتل او گذشته او را تحت الحفظ به جزیرهٔ سیلان می برند.

آمریکا \_ (اتائونی) \_ از اتائونی سفیری به ایران مأمور می شود \_ طغیان آب در شهر سنسیناتی جمعیتی کثیر را غرق و شهر را خراب می کند. (برزیل) \_ افتتاح مجلس پارلمنت. (پرو) \_ منازعه مابین جمهوری پرو و جمهوری شیلی مجدداً شروع می شود. (شیلی) \_ عهد مصالحه مابین شیلی و بُلیوی. (کستاریکا) \_ در ناحیهٔ کستاریکا زلزله هشت شهر را خراب کرده چندین هزار نفس تلف شدند.

# إعلان به عموم مطالعه كنندگان اين كتاب

از ابتدای نگارش و تألیف این کتاب که تقریباً از هفده هیجده ماه قبل باشد بهواسطهٔ روزنامهجات به عموم چاکران آستان همایون و رجال و ارکان دولت قویشوکت روزافزون اعلاه و اعلان نمودیم که شرح مناصب و امتیازات و القاب و شخوناتی که از دربار مقدس به آنها اعطا شده صورت صحیح آن را به دارالطباعه مبارکه ایصال دارند تا در کتاب درج و اسباب نشر مفاخر آنها گردد نیز امتیازاتی که آبا و اجداد آنها از سلاطین تاجدار سلسلهٔ علیهٔ قاجار به واسطهٔ خدمات صادقانه دریافت نموده و به اعطای آن مباهی گردیده اند و نشر و انتشار آن وسیلهٔ افتخار اعقابست شرح و صورت آنرا داده تا در کتاب منطبع و اسباب مزیت اعتبار ایشان شود بعضی صورت دادند و ثبت شد. پس اگر برخی اهمال یا استنکاف نموده باشند و امتیازی از امتیازات آنها ترک و حذف و مسکوت عنه مانده باشد حق شکایت و گله نخواهند داشت، باآنکه نگارنده از فرط تصفّح کتب و روزنامه جات و اسناد و اوراق تاریخی و حکایات و روایات دقیقه ای فروگذار ننمود و جهد وافی میذول داشت تا کتاب حاوی و جامع تمامی سیر و کاشف کلیهٔ اخبار این دولت میذول داشت تا کتاب حاوی و جامع تمامی سیر و کاشف کلیهٔ اخبار این دولت غیره رفته باشد از مطالعه کنندگان طلب عفو و اغماض می نماید چه انسان از سهو و خیره رفته باشد از مطالعه کنندگان طلب عفو و اغماض می نماید چه انسان از سهو و نسیان مصون نیست و ستر زلات از مکارم اخلاق و اوصاف و شیوهٔ مرضیه صاحبان نسیان مصون نیست و ستر زلات از مکارم اخلاق و اوصاف و شیوهٔ مرضیه صاحبان درایت و انصافست. والسلام علی من اتبع الهدی.

جلد سقم کتاب مستطاب منتظم ناصری مشتمل بر تاریخ سلطنت و جهانبانی سلسلهٔ علیهٔ قاجاریه — ابقی الله ملکهم و دولتهم بقاء الدهر — از بدایت ظهور این دولت خورشید آیت و زمان تمکن و جلوس این سلسلهٔ علیه بر سریر سلطنت بالاستحقاق که سال یکهزار و صد و نود و چهار از هجرت مقدسه بوده با خلاصه و منتخب وقایع و حوادث عظیمهٔ تمام اقطار عالم که سال به سال اتفاق افتاده است الی یومنا هذا، یعنی تا دهم ماه جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد هجری که ختم السنهٔ یونت [ئیل] سعادت دلیل ترکی و از سنین میمنت قرین قرن ثانی سلطنت و جهانبانی بندگان اعلیحضرت قدرقدرت قویشوکت اقدس همایونی صاحبقرانی — شیدالله تعالی دعائم ملکه و سلطنته — است. از مؤلفات شریفهٔ جناب جلالت نصاب محمد حسن خان صنیع الدوله وزیر انطباعات دولت علیه و مشرجم مخصوص حضور آفتاب ظهور همایون شهریاری و رئیس دارالترجمهٔ خاصة

دولتی به اتمام رسید و به زیور طبع متحلّی گردید ــ بعون الله تعالی و حسن توفیقه.

بخمدالله تعالى وحسن توفيقه تمام شد جلد سيم وحسن توفيقه تمام شد جلد سيم كتاب مستطاب منتظم ناصرى در روز غرّهٔ شوال المكرم سنة هزار و سيصد هجرى و از قلم شكسته غريق بحر گنه و معاصى و آرزومند بخشش و الطاف شبحانى ابن مرحوم ميرزا سيد محمدرضا احمد الطباطبائى الاردستانى تحرير يافت فى سنة ١٣٠٠



	**	T.		<del>i -</del>	<del> </del>	<del></del>					4	•	7	1	ı.		٠,				-
	Ų	È	مالجب	Į.	Ž,	١.	<u> </u>	2	È	ũ	Į.	ş	ķ.	١,	ľ						- 1
	č	ŀ	<b>حب</b>	Ĭ.	ķ	K.		F	F	\$	Ŀ	Ė	R.	Ĩ.	ŀ						٠ ا
	H	ŕ		Ě	۳	F	-	Ė	÷		E	-	1		ł						
	Ŀ	Ľ	معلمة الأ		["	4	( ×	Ž	×	1	2	Ľ	100	37	1						4
	L	H		7	*	-	X	ት	4		4	"	-	*	١,	•		,		14	
	L	3	ليلزالوفايث	٨	7	^	×	7	٠,	1	4	12	_	X	۲	۲	٣٧	Ċ.	لن	إذل	فتوتو
	~	^		"	2	^	34		<b>7</b> 4	<u>_</u> _	ü	ŕ	_	×	J	Ĺ	÷	22	4	Ņ	-7
	Ĺ	3		4	4	•	**		4	مانات المالغ	4	-	ŀ	ميته				4	<u>ر</u>		1
	7	3	ار رهامردی مار طونهن	1/4	*	-	×	_	*		4	4	4	44			•	_	8	•	
		3		4	<b>%</b>		100	٠,	49		4	1/2	-	1.3							-
	•	٧.		4	**	,	2	*	p		4	2	1	Ç							Î
	7	٠.		4	4	,	4		**,	The second	2	14	7		7	Ŋ.	37	٤.	ř.	s	ς.
		•,	المنافعة	4	74	٨	Ÿ		12	,	4	۸,	4	×	5	ţ	妰	Ě	Ę	4.	, L: V
	-	٠,		14	27	"	744	132	۸,		1,	٠	11	ž	Ş	Š	194	14	,	_	1%
	**	٠,		4	٠	1/2	ķ	٠.	^*	-	٠	,	14	4.00		,		<u> </u>	,,	10	V
	۸.	¥	خزدادها میلا معملیات	*	,	/4	ζ.		*	لعلاثق	r,	×,	1/4	٠.٠		~	践	**	~	1/4	4
				47	~	1/4	ĘĆ		٠,	نرنانا	Ĭ	~	4	7			-	***	*	/ <sub>K</sub>	٠.٠
	·,	4	اول جيدا ديماء عام	~	~	4.	18	۸.	ኁ	Ĺ	4	4	49	3	2	Á		ô	P	÷	V
		7		۲,	~	10	×	2	7.	_	^,	۰	И	ķ			EF.	4	. 🕶	4	3
は、				**	•	4	Ķ		~,	الواج	-	-	4	×		-		4	1.	4	34
	-	*	-	4		4	4.		Г	4	4	1	1,	Ų.	**	,	£4,	4	7	4	×
は、	۳ <sub>0</sub>	9	آغازكها	3	۲	19	Ÿ	^.	10,		7.	v	/,		44	7.		77	,	1,	V.
		•		4	1	4	ķ		170	166	4	,	*	<b>√.</b>	Γ	"		^	4	P.	***
日、海のこうできたして、一分では、「からは、」というでは、「ちらは、」というでは、「ちらは、」というでは、「ちらは、」というできました。「ちらは、」というできました。「ちらは、」というできました。「ちらは、」というできました。「ちらは、」というできました。「ちらは、」というできました。「ちらは、」に、「しょう」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」に、「しょっ」」に、「しょっ」に、「しょっ」」に、「しょっ」に、「しょっ」」に、「しょっ」に、「しょっ」に、「しょっ」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょ」に、「しょっ」」に、「しょ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」に、「しょっ」」	7.			**	,	**	E.F.		ጜ		۸,	4	6	×		1,,		~,	"	۳,	7.
ちょうながらるが、ノイスが、ションスをは、これには、これには、これには、これには、これには、これには、これには、これに	4	<b>)</b>	المارية المارية	19	7.	P ge	34	4	3.		4	4	12	7/3	1.4	100	戓	1	14	h <sub>A</sub>	1
- P - P - P - P - P - P - P - P - P - P	۲.			٠	h	۸.	×	4,	۳,	功力	1	10	*	1		1,0		•	14	1	3
		-		7	į,	~	·.;	,	10.0			4-	74	X		1		^	14	, .	*
1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	4.		with the	1	4	49	4		ላ		~	140		*	٠,	15		×	4	4	*
7		•		p	4.	*-	٠	1	ኄ		A	6	47	*				4	4	Ą.	V.
		7	بومالعث	^	4	۲	¥	4	**	مان دو مسلم	٠	4	4	ÿ	۴,				٨	4	44
スノルとというとうないとうないのは、ころで	ا	7		M	4	4	3		٠,		•	4	7	***	*	_		٧	4	۸,	٧.
	••	,	آمراح المضلق	•	4	۴,	<u>ئ</u>	ሳ	٠,		٢	4	7	ij	٨	"	نوريد نوانية	•	9	٠,	1/4
4, 46%	4	,	,	-4	4	<u>^</u>	×														

Called ŗ ĸ ÷ ب 7, ÷ 7 \* 7 ٠ بادخلوك Ġ, 7 4 , 1/2 7 لول شهده شري Ė 7 ü ø \$ ×, افي 2, عطعطايسيا 80 \* \* ٠ خواندها دي. پوڻ وارسوي 4 نورمان دری مادمان شعری 7 باردی اورشهادی 3 à. 42 × 3/ ۹, × 6/3/ ٠ Ņ 4 4/4 بخامطال مهاده باسيلال 4 شعرة لمسلأ 12/ 14 1 ٠ 补 â وللمنطقة فيلا 4 4 الحاسطان وطر مركز الدامثان Teringi 3 4/2 4 4 ď. \*\* أول اسك 1 , , ٠. 7 ئيزاندم 이수 Ý مثب لماد و ~ 5 المداواره فارسيانه الماسبلي 4-\* ¢ 4 وماولات ا ٠, 372 ŝ 4 ٠. ż 5 ን ٦, ÷ 2 ż 1 مولعاريز روشعارا لولكاءدوم الحااجة 4 7 1 7 i ē 7 ۲, ببرلزات \* 4 h 16 17 94 اعزاة بستئ t, 7 4 ٠ ۲. 4

واللومان	1	عرم ليحراب	المالية	الازل	1	کاریکا	ناطلوس	خدالهار	178	العزائشين	400	منته	لابتار	اللامني	ماديار	الأيلاد ومعيودة	ندند	i Ž	4	メニュー
7	ķ		^	1	3	~	Š	į.	وللااست		4		·	, V	Ż	-	*	4		÷.
٠	1/4		^	4	٠	Ž,	-	^,	,,	7	1,	٠	4.		4			1,	-	, ,
	4		*	7,		ž	2	٧.			۴	~	جز		~;	أتوازاركان	-	٠	~	(V
~	4	منطيفا وخز	7	*		ċ?;		4		٠	ر,د	~	Ż,	:-	4		L	3	_	4
	6		*	2	•	ž	4	*	- Court	7	4	٠	3		2.	فلجعة	7	۸,	9	×
L	么		r	2	ج.	×	L	2		-	٩.		×	Ŀ	4		•	`~	-=	×
Ŀ	-		?	~	F.	`*	-	-	بوادع	4	4	*	1	70	•		4	~	٢	3
~	4		-	À	7	*	_	*	يعمالروس	"	<b>*</b>	1	➣	_	4		ы	6	1	18
	1	مولايوبيوس	Α.	-	7	**	L	*	يوم العرضر نسن العلوج	1/4	-	•		L	4	اللهام وي اللهام وي		-	,	×
	2	عاشوذا	Ĩ.	-	Ĺ	7	H	-	منها ولودو. منها مدور منها		<u></u>	′	~		_	ختوانین کارنځنون	_	4	-	1
- ,		فيتما الويوب فواسطاء ميتري	1.	2	ı	15 85	$\vdash$	1	الوالم كملق			/	×	^	Ι.	فالتعقي	<u>^</u>		14	1. 1.
	7	نوابراه مقري	<u>^</u>			14 V	2	-		2		Ŷ	交交		-	<del></del>	4	~	·	A
			<u>ار</u> اح	~	~	<u>بر</u> ان			ابارين	7	î	Į,	3.	4	1	مهار جلال	-	7	1/4	1 1/2
~,	,	النفاجلال	4	•	Ę	4	4,	~	-	4	~	7	$\overline{\mathbb{Z}}$		_		4	٠	6	1
-	•		12	-	i	4	3	~	خواداونا	4	ú	]	5.	4		الأملاك			1	
	44	برماه ماديم	1,	_	4	Ķ		۸,		*	*	4	٧.,		,,		*		1/2	1
	~		19	*	19	χ'n	٠,	÷		,	•	1,	×		~		2	0	1,	400
٠,	-		۲	۰	14	1		4			-	19	٠ <u>٠</u>		٠	وبنعنان		4	1,	×
م.	*		rı	4	۴	<u>چ</u>		4		^	4	4	7	7	′		-	2		×
_	/		72	ı	_	7		2		<b>*</b>		"	ž.		. V.	اولعبزان	_	1	7	4
ļ	,	اول فوس	*	7	•	***	-	3		•	H	-	>							< 4.7°
<u> </u>			~	7	*	Υ.	ŀ	•		3	μ.	2			•	ر د د د د د د د د د د د د د د د د د د د	4	_	^	×.
-	277	نزوله وارتفاد	4		~	7	-	٦	بملابطر		_	*	· ` `	4	-	عواستو ا	F- 1	_	**	7
*	*		72	_		沙沙		1.		7	4		7.6	-	•		,		4	12.
-	0,		*	4	F	<u>~</u>	-	*,			1	1.	چز		· .		t	-	1.5	×
	٠,		7,	4	<u>.                                    </u>	⇟		÷	-	7	7	_	Ž.			البواءفالند	-		7,	
-	٥,	- "	į.	6	Ι.	-	4	1	فبطهؤا	_	4				v	-	П	_	20	16
$\overline{}$	-	دسمواه خامند	$\overline{}$	4	⊢	N	ш				_		-	4	₹		-		•	N.

•

	1	المن المن المن المن المن المن المن المن				Į,	1	1	100							1				1	0				5	3	, (
<b>∛</b>	Š		ľ	1	Į	K	Š	Ī		ŀ	1	Ī	Ņ		ľ		1	,		Ş		Ţ			,	2	+
_	Ė	51111	17	ď	1	\	L	Ŀ			1	ŀ	Ŀ	I	E	10	ij.	ď	ŀ	Ż.	ŀ			-	4	P	5
10	Ē	امناه فالمنب	1	Ŧ	1	artriangle	Џ.	1	1,0	4	1	<u> </u>	1	L	Ļ		4	Ŀ	·	Ŷ	1	•	200	6	1	-	Ŕ
. '	7		Ľ	ľ	ľ	×	Ľ	ľ	<u>L</u>	Ľ	1	ŀ	1	Ŀ	L		ŀ	4	4	⋋	L	ŀ.		•	*	~	2
-			1	4	¢	ď	<u> </u>	4	[ 	ľ	4	2	N	L	Ŀ	ξĘ.	4	ď	ŀ	<u>.</u>	Ŀ	٠.		ŀ	~	•	١
•		31.04	ŀ	1	1	Š	L	4	वृ	╬	1	Ŀ	8	Ŀ			10	1	占	×	Ł	Ł		L		4	4
•	4	ولمنابا بفار	+	Ŧ,	Ľ	K	L	6	231	ŀ	h	Ŀ	8	1		L	ŀ	2	1	×	4	7.	Tiv	, ,	١.	۲	
4			1	1	ľ	>	L	4	1	1	1	7	Ċ.	Ŀ	3.	党	ŀ	Ŀ	-	×		g.		,	٠.	1	\
4	(\$) 	<del> </del>	ľ	٢	1	<b>^</b>	L	4		ŀ	4	2	×	L	1		1	ľ	1	×		L.		Ŀ	•	,	13
4	-		11	Ė	4	Ľ	^2	4	<u>.                                    </u>	2	٠	^	•	L	•	_	Ľ	ľ	4		Ц	2	L.	10	4	4	Š
4	3	ولمجا المحود	Ľ	Ŀ	*	×	^	4		7		"	<u>``</u>	4	•		1	4	2	Ş	•	٠,	\$2	4	7	"	ኢ
-[	7		<del>Ľ</del>	Ė	_	1		۴		4	ľ	4	×	L	ō.	مطارد عبان	10	ľ	•	*		٠,		٨	1.	<i>,,</i>	\$
1	4		"	÷	Ĉ	Š	L.,	~		"		K.	ò	4	-	Every	ŕ	7.	4	Ÿ			r	4	*,	<b>%</b>	5
1	7	لاربابدوي	<u>^</u>	7	4				النزا	7	И	4	N		٩	10	Ŀ	2	4	Ÿ	Ы			6	Ņ.	۱	۲
4	4	مارتها، شيخ	^~	2	6	M	?	<u> </u>	1	Ĺ	Ł	4		4	2	:	۴	٠		<u>\</u>	٠,	•	ماملأ	4	4	4	Š
£	4	منطل آمنان	-		4	$\succeq$		-		/m	Ц	4	×	74	-	ಀ	4	4	4	Š		•		4	ኦ	4	δ
-	+	متعلق آفريك	H	Н	4	$\geq$		4	_ارن	4		4	4	2	9	<b>23</b> 5	4		4	3			وما	9	1	·	`
7	4		4	4	4	¥	-	4	معرف	4	4	4	넴			160	1	٨	4	١٧				4	^	ŀ	Š
+	3	المفاه طري	1	~	7	Ŷ.	-	4		4	4	"	М	-	Ś		4	*	19	-	*	1		٠.	•	4	Ÿ
-12	1		4	7	1	쐸	"	7		4	9	4	십		4		,	7	۲	×	1	1	شطيا	7	4	4	٠,
ł	4		4		4	X	$\rightarrow$	7	اطائخ	"	1	1	ŠĮ.	*	4		÷	•	~	×	4	ŀ	إولنو	~	+1	-	Š
+	+		Н	+	4	{		7	_	~	4	1		٣.	긔	لولة أن	Ŷ.	4			١			۲.	7	Ų.	Ÿ
+	+		Ц	-	4	- 1	4	긱		"	1	- [	М		^		ņ.	2	^		1	1		٦	,	4	<u>۷</u>
╀	+		Ц	4	1		_	4	$\rightarrow$	4	1	1	V		*		4	,	۸.	¥	ŀ	Ī		•	44	ľ	<u>×</u>
+	+		4	4	4	#		¥		7	华	1	<u>U</u>	_	0		*	4	٠£	٤	ŀ	ŀ	پاڻ	4	٠ŀ	ŀ	Ċ
╀	╀		4	4	+	4	*	4	$\overline{}$	~	40		¥.	*	1	خاؤات	3	4		· 10	1	$\cdot$		1	4		-
+	+		4	+	4	4	1	1		4	쌱	1	1	뇔	-	خاون	4	4		V	T	1	مرابد	5	Ŧ	τ	<u>.</u>
-	+	7	4	+	1	-	-	_	25/	- 1	4		VI.	1	+	_J	4	4	-	Ÿ		Ţ	L	7	ŀ	F	Ç
H	+		4	4	1	1	4	4	1	ዟ	ľ	Ì	_		7		5	4	ŀ	׾	ŀ	ľ		4	Т.	-	ζ.
1	L		1	1	Ţ		1	L		1	,	L	1	~	1		9	7	×K	SI	Γ	T		T	T	T	

# سلطنت ئحظمىٰ

السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدینشاه صاحبقران بن محمدشاه بن ولیعهد عبّاس میرزا بن خاقان فتحعلی شاه بن حسینقلی شاه بن سلطان محمد حسنشاه بن سلطان فتحعلی خان بن امیرشاه قلی خان بن محمد ولی خان بن مهدی خان بن محمد قلی خان قاجار بن مهدی خان بن محمد قلی خان قاجار خلدالله ملکه و دولته.

### تولّد همايون

شب سه شنبه ششم صفرالمظفر سنة يكهزار و دويست و چهل و هفت من الهجرة المقدسة النبويّه (ص).

جلوس همايون برتخت سلطنت روز يكشنبه هيجدهم شهر شوّال المكرم سننهٔ يكهزار و دويست و شصت و چهار در دارالسلطنهٔ تبريز.

# جلوس مبارک بر تختگاه سنطنت در دارالخلافهٔ ناصری

در شب شنبه بيست ودويم شهر ذيقعدة الحرام سنة هزار و دويست وشصت و چهار كه الحال سي وشش سال تمام است بالاستقلال مع الشوكة و العظمة و الاحلال سلطنت و جهانباني مي فرمايند.

#### ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم وليعهد دولت جاويدمهد مظفّرالذين ميرزا ادام الله اقباله العالى.

تبولة: روز جسمعه چهاردهم شهر جمادى الثانية سنة يكهزار و دويست و شصت و نه من الهجرة المقدسة.

نواب اشرف والا ظلّ السّلطان دولت عليّه سلطان مسعود ميرزا ادام الله اقباله

العالي.

تولد: يوم بيستم شهر صفرالمظفّر سنة يكهزار و دويست و شصت وشش من الهجرة.

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دولت علیّهٔ کامران میرزا ادام الله اقباله العالی.

تولد: روز نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام سنهٔ یکه زار و دویست و هفتاد و دو من الهجرة.

نواب اشرف والا نصرت الذين ميرزا. تولّد: روز دوشنبه سيزدهم جمادى الثّانية سنة ١٢٩٩

نواده های سلطنت اولاد نواب اشرف والا ولیعهد

نواب والا اعتضادالسلطنه محمّدعلي ميرزا.

تولد: يوم چهاردهم ربيع الثاني سنهٔ ١٢٨٩.

> نواب والا ملک منصور میرزا. نواب والا ابوالفتح میرزا.

اولاد نواب اشرف والا ظلّ السّلطان نـواب والا جـلال الـدّولـه سـلطان حسين ميرزا.

تولّد: در سنة ١٢٩٥.

نواب والا سلطان محمود میرزا. تولّد در سنهٔ ۱۲۹۹.

اولاد جلال الدّوله مرحوم نواب والا مهديقلي ميرزا

بنات سلطنت

نواب علية عاليه فخرالملوک

تولد در سنة ١٢٦٣

نواب عليّة عاليه عصمت الدوله

تولد در سنة ١٢٧٢

نواب عليّة عاليه افسرالدوله

تولد در سنة ١٢٧٥

نواب عليّة عاليه واليه

تولد در سنة ١٢٧٥

نواب علية عاليه ضياء السلطنه تولد در سنة ١٢٧٢ نواب علية عاليه افتخار الذوله تولد در سنة ١٢٧٣ نواب علية عاليه فخر الدوله تولد در سنة ١٢٧٨ نواب علية عاليه فروغ الدوله. تولد در سنة ١٢٧٨ نواب علية عاليه ايران الملوك تولد در سنة ١٢٧٨ نواب علية عاليه ايران الملوك تولد در سنة ١٢٧٨ نواب علية عاليه ايران الملوك نواب علية عاليه ايران الملوك نواب علية عاليه اختر الدوله

تولّد در سنة ١٢٩٨

#### اخوان سلطنت

نواب والا عبّاس ميرزا ملك آرا ــ نواب والا عزّالـدّولـه عبدالصمد ميرزا ــ نواب والا ركن الدوله محمّدتقى ميرزا

#### اخوات سلطنت

نواب علية عاليه عزّت الدّوله ــ نواب عليه عريز الدّوله ــ نواب عليه عفّت الدوله.

### اعمام سلطنت

نواب والا بهمن ميرزا \_ نواب والا حاجى معتمدالدوله فرهاد ميرزا \_ نواب والا معين الدوله احمد ميرزا \_ نواب والا فرمانفرما فيروز ميرزا.

#### اولاد خاقان مغفور

نواب محتمد امین میرزا - نواب عضدالدوله سلطان احمد میرزا - نواب محمدهادی میرزا - نواب امان الله میرزا - نواب جهانسوز میرزا امیرتومان -نواب نیرالدوله پرویز میرزا.

# سایر امیرزادگان کرام

نواب حاجى سيف الدوله ميرزا ولد مرحوم ظل السلطان - نواب احتشام الدوله سلطان اويس ميرزا -

نواب حشمت السلطنه بديع الملك ميرزا ... نواب مؤيدالذوله ابوالفتح ميرزا ... نواب ناصرالةوله سلطان حميد ميرزا \_ نواب حشمت الدوله عبدالله ميرزاس نواب حاجى بهاء الذوله ساسان ميرزا ... نواب عميدالدوله كيومرث ميرزا \_ نواب احتشام السلطنه ابراهيم ميرزا ـ نواب معزّالدوله اسمعيل ميرزا ــ تواب شعاع السلطنه ذبيح الله ميرزا \_ نواب حاجى حسام السلطنه ابوالنصر ميرزا ـــ ضياء الدوله انوشيروان ميرزا \_ سهام الملك مهديقلي ميرزا ــ شعاع الدوله حاجى سليمان ميرزا\_ سيف الدوله سلطان محمد ميرزا زنرال آخودان مخصوص حضور مبارک ــ سيف الملك وجيه الله ميرزا احتشام الملك عبدالعلى ميرزا ... نصرت الدوله عبدالحسين ميرزا \_ سلطان حسين ميرزا ولد نيرالدوله ـ ابراهيم ميرزا ولد مرحوم معزّالدوله ... اسحق ميرزا ولد مرحوم معزّ الذوله ــ محمّدحسين ميرزا ولد مرحوم مجسن ميرزا اميرآخورــــ مرتضى قلى ميرزا ولد مرحوم عمادالدوله \_ سلطان محمّد ميرزا ولد مرحوم ايضاً \_ سلطان ابراهيم ميرزا ولد مرحوم ايضاً ـــ باقر ميرزا ولد مرحوم معزّالدوله ...

فسضل الله ميرزا ولد مرحوم ايضاً محمد محمد كاظم ميرزا ولد ايضاً معنوزا ولد ايضاً ميرزا ولد ايضاً ميرزا ولد ايضاً ولا ايضاً محمد صادق ميرزا ولد ايضاً عبدالحسين ميرزا ولد ايضاً حاجى محمد طاهر ميرزا الا الكبر ميرزا محمد عاجى فريدون ميرزا الكبر ميرزا محمد ميرزا بيستخدمت ولد مرحوم ميرزا إلا محمد ميرزا ولا المتالثة ميرزا الحاجى محمد ميرزا ولا مرحوم اسدالله ميرزا ولد مرحوم جهانگير ميرزا ولد مرحوم جهانگير ميرزا ولد مرحوم جهانگير ميرزا ميرزا ولد مرحوم المدالله ميرزا ولد مرحوم المياني مسعود ميرزا ولد مرحوم الميرزا

سه محمدعلی میرزا ولد مرحوم احسرو میرزا — نورالذهر میرزا — سام میرزا شمس الشعراء — کامران میرزا — لطفعلی خان پسر مرحوم مؤیدالدوله — حاجی محمد مهدی میرزا ولد مرحوم ایضاً — محمد باقر میرزا — داراب میرزا ولد مرحوم ضیاء الدوله — احمد میرزا ولد مرحوم ضیاء الدوله — احمد میرزا عالمشاه میرزا — سلطان محمود میرزا ولد نواب بهمن میرزا — محمدعلی میرزا ولد ایضاً — نصرالله میرزا پسر حاجی ولد ایضاً — نصرالله میرزا پسر حاجی محمد صادق میرزا — اسدالله میرزا — محمد صادق میرزا — حاجی نصرالله میرزا امیرآخور حضرت نایب السلطنه — میرزا امیرآخور حضرت نایب السلطنه —

جمشید میرزا ولد مرحوم بهاء الذوله \_ شاهمراد میرزا ولد مرحوم حاجی عباسقلی میرزا \_ حاجی محمد میرزا

خوانين وآقايان قاجار وغيرهم به ايلخانى گرى جناب جلالتمآب عضدالملک وزير حضور همايون خوانسالار و خازن مُهر مهرآثار عمدة الامراء العظام ميرزا محمدخان ولد جناب عضدالملک \_ ميرزا حبيب الله خان مجدالاشراف لشكرنويس قاجار.

# امراء ورؤساء طايفة قوانلو

امیرزادگان و غیره که در جزوطایفه و خوانین قاجار منظوراند: ادریس میرزا محمد محمد شریف میرزا سرتیپ محمدعلی میرزا ولد مرحوم مؤیدالدوله محمد صادق میرزا سحبیالله میرزا ساحمد میرزا ساهرخ میرزا ساکبر میرزا سامر میرزا سامرزا سامر

### بني اعمام

محمد رحیم خان رئیس و سرتیپ \_ غلامحسین خان \_ حاجی شکر الله خان \_ محمد اسمعیل خان \_ محمد ابراهیم خان.

#### حاجي مهديقلي خاني

حسینقلی خان سرتیپ \_ نجفقلی خان رئیس و سرتیپ \_ نجف قلی خان ولد مرحوم حاجی مهرعلی خان \_ حیدر قلی خان قاضی \_ علی خان سرهنگ \_ محمد قلی خان \_ محمد ناصرخان.

### فزل اياغ

محمد حسین خان رئیس و سرئیت و نورالله خان \_ رفیع خان \_ غلامحسین خان \_ احمد خان \_ محمد حان \_ احمد خان .

### طايفة دوآو

حاجی محمد حسین خان رئیس و سرتیپ \_ حاجی محمد تقی خان سرتیپ \_ حاجی قلی خان \_ حاجی حسینعلی خان \_ محمد صادق خان \_ محمد

## طايفة عزّالدّينلو آقاخان رئيس و سرتيپ ـــ محمّد

جعفرخان \_ محمد ولی خان \_ محمد قاسم خان \_ حبیب الله خان \_ محمد تقی خان \_ محمدرضاخان.

### طايفة شامبياتي

حاجی محمد رحیم حان رئیس و سرتیپ

محمد حسین خان \_ محمد قاسم خان

اللهویردی خان \_ امامقلی خان \_
محمد حسن خان \_ محسن خان \_
محمد حسن خان \_ محسن خان \_
محمد حسن خان \_

### طایفهٔ سپانلو حاجی مشهدی

محمد تقی خان رئیس و سرهنگ \_ محمد محمد رحیم خان \_ اسدالله خان \_ حسین قلی خان \_ محمد طاهر خان \_ میرزا باقر خان \_ علی خان

### شاه بوداغلو

محمودخان سرهنگ و رئیس ــ حاجی محمد زمان حان ــ علیمحمدخان ــ احمدخان ــ اسمعیلخان

### طايفة قياخلو وغيره

محمد صادق خان سرهنگ و رئیس ... محمد رضاخان ... محمد قلی خان سرهنگ و رئیس خزینه دارلو... بهرام خان سرهنگ و رئیس کهنه لو...

محتمدخان سرهنگ و رئسی کرلو

سايريساولان وغيره

میسرزا سید یوسف سررشته دار ... فرج الله خان یاور و تحویلدار ... امیرخان

یسـاولـباشی و یاور ــ سایر یساولان پنج نفر.

> سایر خوانین دویست و پنجاه و شش نفر

### ادارة دولت

ارکان واعضای فخام مجلس دربار اعظم و دارالشّورای کبرای دولتی از شساهسنسساهسزادگسان عسطسام و شاهزادگان و وزراء کرام و غیرهم

> نواب اشرف والا ظلّ السلطان فرمانفرمای ممالک و ایالات فارس و اصفهان و یزد و عسر بـــــــــــان و لــرسـتــان و عـراق و کـرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی

جناب جلالتمآب وزير امور خارجه مؤتمن الملک

جـناب امینالـتـلطان وزیر در بار اعظم و حزانهٔ عامره و گـمرک

جناب صاحبدیوان مأمور به مملکت فارس

جناب ميرزاعلى قائم مقام

نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و حکمران دارالخلافهٔ طهران و گیلان و مازندران و استرآباد و غیرها ادام الله اقباله العالی.

جناب مشيرالذوله وزير عدلية اعظم

جناب نصیرالدوله وزیر تجارت و فلاحت

جناب ناصرالملک مأمور به حکومت کرمانشاهان

جناب حاجي ميرزا عباسقلي

جناب اجل آقا وزير اعظم داخله وماليّه

جناب عضدالملك وزير حضور همايون وخوانسالار وخازن مُهر مِهرآثار و

جناب وزير دفتر ميرزا هدايت الله.

ایلخانی ایل جلیل قاجار

جناب مخبرالذوله وزير علوم ومعادن و

جناب امين لشكر وزير فوايد

نواب والاحاجى معتمدالذوله

جناب نظام الملك وزير لشكر

جناب قوام الذوله وزير رسايل

ميرزا ابوالحسن خان يشر مرحوم قائم مقام

نواب والا فرمانفرما جناب امين التوله مدير دارالشوراى كبرى ووزير وظايف واوقاف وغيره نواب اللهقلي ميرزا ايلخاني جناب صنيع الدوله وزير انطباعات و دارالترجمة دولتي

ميرزا هاشمخان مستوفي اسرارنگار مجلس دربار اعظم

## وزارت جليلة حنگ

نواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزيىر جنگ و رئيس كل تشون ظفرنمون از توپخانه و قورخانه و زنبور كخانه و افواج قداهرهٔ و سواره و پیداده نظام و

خارج نظام \_ جناب جلالتمآب نظام الملك وزير لشكر ورئيس دفتر لشكر \_ امير الامراء العظام اللّهيارخان اميرتومان آجودانباشي كل.

## ار باب قلم دفتر لشكر ملتزمين ركاب مبارك و غيره لشكرنويسان

معتمدالشلطان ميرزا عبدالؤهابخان الشكرنويس باشي وانايب وزارت جليلة لشكوب حاجي ميرزا شفيع ميرزا يوسف ــ ميرزا محمدتقي وكيل لشكر میرزاسیدمحمد میرزاعلی ولد مرحوم حكيمباشي \_ ميرزا زين العابدين مستوفى نظام \_ ميرزاعلى داماد معين البملك \_ ميزرا حبيب الله \_ ميرزاعلي ولدجناب وزير دفترك ميرزاعلى ولد مرحوم ميرزا موسي وزير لشكر ــ ميرزا زينل ــ ميرزا محمدعلي توپخانه محمرزا محمدعلي مرزا رفيع خان ــ ميرزا محسن لشكرنويس ــ حاجى ميرزا اشرف خمسهاى \_ ميرزا عبدالحمید ــ میرزا مهدی نوری ــ میرزا ابوالقاسم \_ ميرزا عبدالله خان \_ ميرزا حبيب الله خان مجدالاشراف \_ ميرزا احسینعلی ــ میرزا اشرف ــ میرزا تقى خان لشكرنويس \_ ميرزا حسينعلى گروسی ــ میرزا رضا ــ میرزا محمدقلی ــ ميرزا حسنخان ولد مرحوم وكيل لشكر \_ ميرزا نصرالله ولد ميرزا اسمعيل

لشکرنویس \_ میرزا مقیم \_ میرزا علی اصغر \_ میرزا عبدالحسین \_ میرزا حبدالحسین \_ میرزا ابوالقاسم حبیب الله نوری \_ میرزا ابدالله \_ میرزا مهدی \_ میرزا محمد حسین مازندرانی \_ میرزا حلینقی \_ میرزا علینقی کردستانی.

# سررشته داران دفتر لشكر وغيره دفتر لشكر از بابت سررشته داران ومحررين

میرزا ابوالقاسم ... میرزا نبی ... میرزا ابرالقاسم ... میرزا استد محمدعلی ... میرزا اقا مأمور خمسه ... میرزا اقا مأمور خمسه ... میرزا احمد ایضاً ... میرزا احمد ایضاً ... میرزا هادی سیدابراهیم ... میرزا شنیع ... میرزا هادی ... میرزا اسمعیل کتابچه نویس ... میرزا ابوتراب ... میرزا عبدالکریم ... میرزا ابوتراب ... میرزا عبدالکریم ... میرزا علینقی ... میرزا بزرگ ... میرزا عنایت ... میرزا میرزا اسحق ... میرزا صادق ... میرزا ابوالقاسم ... میرزا حسنخان ... میرزا ابوالقاسم ... میرزا حسنخان ... میرزا استد حسین ... میرزا زمان کردستانی ... میرزا اسمعیل میرزا زمان کردستانی ... میرزا اسمعیل ... میرزا جعفر نوری ... میرزا اسمعیل ... میرزا جعفر نوری ... میرزا حسن

تفرشی \_ میرزا حسین خان ولد میرزا زینل لشکرنویس \_ میرزا عبدالحسین \_ میرزا سید احمد \_ میرزا محمد \_ میرزا سید محمدعلی \_ میرزا شفیع محرّر \_ میرزا اسمعیل علی آبادی \_ میرزا رجب ایضاً \_ حاجی میرزا محمد \_ میرزا سید یوسف \_ حاجی میرزا کاظم \_ میرزا عبدالحسین.

### سررشته داران توپخانه و قورخانه توپخانه و اصطبل

میرزا محمدعلی علوی ... میرزا اسدالله ... میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل ... میرزا نصرالله ... میرزا اسمعیل ... میرزا عباس سررشته دار

#### قورخانه

میرزا ولیقلی لشکرنویس ب میرزا رضاقلی ب میرزا اسدالله ب میرزا آقا ب میرزا نصرالله پسر مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس ب میرزا حسن ب میرزا آقاجان ب میرزا اشرف.

> **زنبور کخانه** میرزا هادی سررشته دار

مهاجر میرزا لطفعلی سررشتهدار

### م**خزن** میرزا سیدحسن سررشته دار

#### منشيان

میرزا محمدخان منشی باشی مخصوص

میرزا کلبعلی برزا عبدالکریم ب
میرزا ابوالحسن بمیرزا عبدالرحیم ب
میرزا داود بمیرزا عبدالحسین بمیرزا
محمدعلی نزد جناب صاحبدیوان ب
میرزا علی خان به میرزا احمد بمیرزا
محمود بهرزا علی خان

/ عزب باشي و عز بان دفتر لشكر

میرزا محتدعلی عزب باشی \_ میرزا علی اکبر \_ میرزا اسمعیل \_ میرزا اسمعیل ایضاً \_ میرزا جعفر \_ میرزا حسن ایضاً \_ میرزا جعفز \_ میرزا حسین

# مأمورين ولايات آذربايجان لشكرنويسان

میرزا محمودخان برزا محمدتقی لشکرنویس باشی آذر بایجان برزا علامعلی ناظم لشکرب میرزا سید مرتضی برزاعلی آشیانی ب حاجی میرزا کاظم خان ب میرزا علی رضا ب میرزا علی اشرف ب حاجی میرزا محسن

\_ ميرزا احمد \_ ميرزا محمد \_ ميرزا احمد آشتيانى \_ حاجى ميرزا ابوالحسن لشكرنويس.

# سر رشته داران

میرزا رحیم - میرزا عبدالعلی - میرزا علی - میرزا قر بانعلی - میرزا محمد -میرزا ابراهیم ولد حاجی میرزا یوسف -میرزا حسین - میرزا تقی - میرزا اسکندر

#### منشيان

میرزا محتمدخان ــ میرزا سیّدرضا ــ میرزا احمد ــ میرزا اسمعیل

خراسان ارض اقدس میرزا اسمعیل لشکرنویس باشی خراسان

> سروشته داران میرزا یوسف \_ میرزا رضا

#### فارس

میرزا لطفعلی حان لشکرنویس باشی فارس ـــ میرزا مصطفی لشکرنویس

#### اصفهان

میرزا محتمدعلی لشکرنویس بــ میرزا محمّد سررشتهدار

سمنان ودامغان میرزا طاهر سررشته دار دفتر لشکر

عراق میرزا سیّدباقر سررشته دار دفتر لشکر

> مازندران میرزا فرج الشخان لشکرنویس استرآباد میرزا غلامحسین لشکرنویس

کرمان میرزا محمدعلی لشکرنویس ــ میرزا عبدالله سررشته دار

> مراض کرمانشهان میرزا سیّد علی لشکرنویس خراسان همدان میرزا محمد لشکرنویس

اطباء وجراحان نظام

عالیجناب میرزا سیدرضی حکیمباشی

- عالیجناب میرزا سید محمد
حکیمباشی توپخانه - عالیجناب میرزا
سیدعلی نایب حکیمباشی - میرزا
رضاقلی جرّاح باشی - اطباء و جرّاحان
حاضِر رکاب و مأمورین ولایات شصت

### و پنج نفر.

## صاحبمنصبان امراء تومان

نواب جهانسوز ميرزا \_ نواب ناصرالدوله \_ جناب ناصرالملک \_ جناب حسنعلى خان سالارلشكر \_ جناب حاجى محسن خان معين الملک سفير كبير و وزير مختار مقيم اسلامبول \_ اميرالامراء العظام مصطفى خان \_ اميرالامراء العظام سليمان خان صاحب احتيار \_ اميرالامراء العظام صاحب احتيار \_ اميرالامراء العظام ساعدالدوله \_ اميرالامراء العظام ساعدالدوله \_ عمدة الامراء العظام ميرعلم خان حشمت الملک.

#### سرتبيان اوّل

سواى آنهائى كه در جزو افواج وسواره نوسته شده اند: احتشام الدوله \_ انوشيروان ميرزا ضياء الدوله \_ وجيه الله ميرزا سيف الملك \_ نصرالله خان نصرالملك \_ نصرالله خان نصرالملك \_ حاجى حسام الملك \_ حاجى بهاء الدوله \_ حشمت السلطنه \_ حشمت اللدوله وزرال حضور همايون \_ سيف الدوله وزرال حضور همايون \_ شهاب الدوله وزرال حضور همايون \_ شهاب الدوله \_ جناب اعتضاد الملك \_ سهام الدوله \_ عبدالحسين خان

فخرالملک \_ ساری اصلان \_ جناب محمد خان والی \_ مصطفی قلی خان جهان بیگلو \_ علی خان مشیرالوزاره \_ میرزا علی خان ولد مرحوم صدراع \_ فل میرزا علی خان شجاع الملک \_ میرزا یوسف خان شجاع الملک \_ میرزا یوسف خان مستشارالدوله \_ حسینقلی خان افشار برادر ساری اصلان \_ جناب افشار نریمان خان وزیر مختار مقیم وینه \_ نریمان خان وزیر مختار مقیم وینه \_ محمد حسین خان فراشباشی نواب اشرف محمد حسین خان فراشباشی نواب اشرف

### سرتيبان دويّم

سوای آنهائی که جزو افواج و سواره نوشته شده اند: عبدالعلی میرزا نایب الایاله احتشام الملک \_ عالمشاه میرزا \_ سلطان محمود میرزا ولد نواب والا بهمن میرزا \_ میرزا عبدالله خان مستشار الوزارهٔ خارجه \_ محمدعلی میرزا \_ مستشار الوزارهٔ خارجه \_ محمدعلی میرزا \_ حسینقلی خان والی پشتکوه \_ حاجی آغاجوهر معتمدالحرم \_ عبدالله خان ولد مرحوم اعتماد السلطنه.

### سرتيبان سيّم

سوای آنهائی که در جزو افواج و سواره نوشته شده اند: داراب میرزا ــ سلیمان

ميرزا ـــ شعاع الدوله ــ كامرأن ميرزا ــ مرتضى قلى ميرزا زنرال آجودان حضور همايون محمدعلى خان اردلباشي نواب اشرف والانايب السلطنه \_ حسينقلي حان سرتيب سابق خواجه وند \_ منهدیقلی خان دنبلی \_ حاجی هادی خان جهان بیگلو \_ عباسقلی خان سرتيب ومترجم \_ محمدعلى خان نظميه \_ محمدعلى خان زنرال آجودان مخصوص مدعنزينزالله مسيرزا \_ ابوطالب خان ـ علينقي خان سرتيپ خمارج از فعوج ایلات ــ خانباباخان پسر صاحب اختيار \_ ميرزا كريم خان فيروزكوهي ــ محتمدصادق خان قراباغي \_ ميرزا على خان افشار \_ على خان كمرهاى ــ حيدرقلى خان هراتى ــ عباسقلى حان ايضاً \_ عباسقلى خان یشتکوهی \_ محمد کاظمخان پسر شهاب الدوله \_ قاسم خان مراغه اي \_ مهدى خان قاجار ساخي اسمعيل ياشاخان ماكوئي \_ باقرخان افشار\_ سيسف الشخان لاريحاني \_ ميرزا نصرالله تحان مهندس بمحمود خان گیلانی \_ محمّد میرزا \_ علیرضاخان ژنرال آجودان.

# سرهنگان خارج از فوج

كىلىب رضاخان ولد مرحوم امين نظام ـــ عبدالعلى خان ولد مرحوم ايضأ ــ عملى اكسبرخان كنكرلوب مرتضى قلى خان سمناني ــ نصرالله خان دماوندی ــ آقاخان خلف مرحوم سليمانخان اميرتومان ــ ميرزا سيد على اصغر \_ حسنعلى ميرزا \_ حاجى محتدعلى خان زند \_ آقا سيد ميرزاي كاشانى \_ ابوتراب ميرزا \_ موسى خان نوادة مستشارالدوله ــ محمّدتقي خان ــ محمودخان سرهنگ سابق فوج حشمت \_ جهمشيدخان پسر حاجي اردشيرخان أ نجفقلي خان قزويني \_ محمد حسين خان ولد اميرتومان \_ باباخان گرجنی ــ میرزا آقای کاشائی ــ حسين خان پسر آجودانباشي ... ميرزا محمد خان پسر مرحوم صدراعظم حاجى على حان ولد مرحوم اكرحان مسرتسيب - حيدرخان يسر حاجى سعدالدوله ــ ميرزا بزرگ خان يسر ميرزا على قائم مقام ـــ ميرزا غلامعلى خان پسر ميرزا محمود وزير محمدحسين خان ولد محمدخان اميرتومان \_ على خان ولد مرحوم نظام الدوله \_ كلبعلى خان نوادة

مرحوم نظام الذوله ـــ محمّد آقا ولد مرحوم حاجى بيرزنخان \_ كريمخان خىدابىنىدەلبوئى ... حاجى محمد حسين خان زند ــ آغاحسن خواجه ــ آقامحمدخان \_ غلامرضاخان ولد مرحوم زين العابدين حان \_ رحمت الله خان شقاقی \_ محمودخان کرکری \_ عليقلى خان جوانشير \_ عليقلى خان شقاقي \_ حسنخان ولد شيخعلي خان \_ آفساخدان مساكونسي \_ حساجسي فضلعلي خان \_ عبدالله خان شيرواني \_ كاظمخان شقاقى ــ اسداللهخان ماکوئی \_ علینقی خان \_ علی اکبرخان برادر مشارًاليه \_ زين العابدين خان \_ احمدخان \_ جعفرخان سرهنگ سابق فنوج تخته قايوب ابوالحسن خان س محمد خان يزدى \_ امان الله خان ولد ابراهينم آقاى ماكوئى \_ فرج الله خان ایضاً \_ حسینقلی حان سرهنگ سابق فوج پنج شقاقی ــ مهدیخان افشار ــ عبدالعلى خان ـ حسنعلى خان هراتى ـ حسينعلى خان ولد مرحوم فضلعلى خان \_ ابراهيمخان لاريجاني \_ خانباباخان لاريجاني ــ حسن خان افشار اسدآبادي \_ رضاخان گودرزی \_ پاشاخان خمسهای \_ محمد حسن خان دویرن \_

علیقلی خان کمره ای \_ آفاجان خان \_ علینقی خان گروسی \_ غلامرضاخان مافیی \_ علیقلی خان ولد مرحوم حاجی بهاء الملک \_ حسینقلی خان ولد ایضاً \_ جعفر \_ مرتضی قلی خان ولد ایضاً \_ جعفر قلی خان \_ اسدالله خان \_ اسدالله خان پسر مرحوم حاجی سعدال دوله \_ بیبوک خان ولد مرحوم محمدخان بیبوک خان ولد مرحوم محمدخان امیرتومان \_ فتح الله خان قراگوزلو \_ مسرخان نوادهٔ جناب صاحبدیوان.

### نايبان آجودانباشي

جلال الدین میرزا \_ مصطفی خان قاجار \_ علیرضا میرزا \_ قزل ارسلان میرزا \_ احمد میرزا خلف مرحوم تیمور میرزا \_ احمد میرزا خلف مرحوم کیقباد میرزا \_ امیراصلان میرزا \_ امیراصلان میرزا \_ امیراصلان میرزا \_ امیراصلان میرزا \_ میرزا بزرگ خان \_ اسدالله خان \_ مصطفی قلی خان \_ خلف مرحوم منوچهرخان \_ نصیرخان خلف مرحوم منوچهرخان \_ نصیرخان و قزوینی \_ میززا علی \_ اسدالله خان دنبلی \_ حسینقلی خان افشار \_ دنبلی \_ حسینقلی خان افشار \_ میرزا یوسف خان \_ میرزا معودخان افشار \_ میرزا یوسف خان \_ میرزا معودخان فیروز کوهی \_ حسینخان نوری \_ میرزا فضل الله خان \_ مجیدخان

كردستاني \_ يوسفخان شقاقي \_ ميرزا هدايت خان \_ غلامحسين خان \_ رحمت الله خان نوادة مرحوم سيف الملك ... رستمخان گرجي \_ سلطان احمد ميبرزا ساعلى اكبيرخيان توادة مرحوم فضلعلى خان ... حاجى شكرالله خان شقاقی \_ محمدحسین خان یسر جنمشيدخان \_ يشمون خان \_ هادی خان زرندی \_ حسین خان خلف مرحوم جارچی باشی \_ میرزا عبداللخان نائيني \_ كيناز ميرزا\_ يوسف خان \_ محمدآقا \_ مصطفى قلى خان ولد مرحوم صمصام الذوله باقرخان نوادهٔ حاجی محمّدعلی خان\_ محمدعلى خان نوادة مرحوم رضا قلىخان ايشيك آقاسى باشى \_ حسنخان ولد نصراللخان سرتيب زنبوركخانه \_ محمّدعلى خان ولد اميرالامراء \_ غلامرضاخان يزدى \_ قسهرمان خان \_ سید حسن خان فيروزكوهي \_ سيد حسين خان ايضاً \_ حسنخان ولد مرحوم عليقلي خان\_ ميسرزا عيسي خان ولد مرحوم عبدالرسول خان \_ خانباباخان خلف مسرحوم حناجني سنعبدالبدولية ب محمدصادقخان قراباغي ... بيوكخان

افسسار \_ مهدی خان ایساً \_ محمدعلىخان ولد هاشمخان\_ سبيف الله خان ولد ايضاً \_ ميرزا احتمدختان ولند مترحبوم حناجتي شجاع الملك \_ نجف قلى خان \_ عبدالعلى خان افشار \_ جلال الدين ميرزا ولد مرحوم عمادالدوله ممرزا حسن خان ــ اميرخان ــ محمدخان قاجار \_ آقالرخان يسر جبرثيلخان مسيحي معلى اكبرخان ولد مرحوم حاجى محمدعلى خان سرهنگ\_ اسكىندرخان \_ رحمت الله خان \_ حسسيسن خسان ولمد شكرالله خان \_ على بيگ افشار ــ محمدعلى خان ولد عبدالرزاقخان سرتيپ \_ ابوالفتحخان ولد حيدرعلي خان ــ محمود آقاي مأمور خراسان \_ اسمعيل خان بسطامي \_ مرتضى قلى خان كمرهاى \_ رحمت اللهخان برادر مرحوم دبيرالملك \_ مصطفى قلى خان قاجار \_ محمد على خان كرندى \_ غلامحسين خان ولد محمد على خان سقزى \_ قاسم خان ملايسرى ... محمد حسين تخان ... على خان ــ يارمحمدخان ــ ميرزا حسين خان ولد مرحوم ميرزا زكى ــ غلامحسين ميرزا اسدالله خان تفرشي \_

صادق خان منسوب مرحوم و کیل الملک

- تمقی خان کرمانی - حاجی
حبیب الله خان کرمانشاهانی عباسقلی خان - حسین آقا مأمور
آذر بایجان - حسن آقا ولد علی بیگ
افشار.

## ياوران خارج از فوج

مرتضى قلى خان \_ يوسف خان \_ حسن رضاخان کرمانی ... اسکندرخان پسر جبرئيلخان ــ قهرمانبيگ ــ اختمندخيان ولندعيليرضاخان حسيىن بيگ ولد ايضاً ـــ على اكبرخان ياور سابق فوج طهران ــ رضا قلي خان باغمیشه \_ حسین بیگ قراباغی \_ حسین خان مرندی \_ محسن بیگ كركري \_ اسمعيلخان بادكوبه اي \_ على خان مرندى \_ عباس آقا ولد مرحوم بهاء الدين آقا \_ جعفر قلى بيگ مرندى \_ مُحمّد يوسف خان هراتي \_ عزيز محمدخان ايضاً ــ جعفر قلى خان هراتى \_ محمدخان \_ نصرالله خان فومني \_ رجب خان گودرزی \_ حسینقلی خان خمسهای ــ شکرالله خان ایضاً ــ عبدالغفارخان قزويني ـــ اسمعيلخان ولد مرحوم محمدخان اميرتومان ـــ

عباسعلی بیگ خلف مرحوم جعفر قبلس بیگ \_ لیط فعلی خان \_ اسمعیل خان.

## معلّمین معلّمین ایرانی

عبدالحسین میرزا ... محمد آقای جدیدالاسلام ... کریم خان ... میرزا عبدالوهاب ... علی خان قاجار ... مستمد علی خان ... مصطفی بیگ ... میرزا محمدعلی.

## معلّمین فرنگی معلّمین قدیم

مسیو بهل سرتیپ اول - اندزی صاحب - مسیو لمر موزیکانچی باشی - مسیو اسشی - مسیو انجیله طبالباشی.

## معلّمین که تازه آمده اند صاحمنصب

مسیو اِشمُلاک سلطان سوارهٔ نظام — مسیو دُپرُوشیک سلطان توپخانه ــ مسیو کار پساز سلطان پیاده نظام ــ مسیو دُودِل نایب اوّل شاسر

## سوزافيسيه

دُکُومُنیکی سوارہ - کُالِرُ توپچی -بیری بی شاسر - پایزلشیر شاسر - مُتْ

پياده نظام.

## مپندسی**ن و مترجمین** مهم**دسین**

احمدخان قاجار ــ محمد حسن ميرزا ــ حاجى محمد ميرزا ــ حاجى محمد ميرزا.

### مترجمين

عباً سقلی خان سرتیپ و مترجم ــ میرزا محمدعلی.

## توپخانهٔ مبارکه سرتیبان

اللّهويردى خان سرتيپ اوّل آوَى رضاخان ژنرال آجودان مخصوص حضور همايون مدير ادارهٔ كلّ توپها و قيسها و خمياره ها و ليوازم آن \_ حاجى غلامرضاخان شهاب الملك ... حاجى غلامحسين خان سرتيپ اوّل \_ ميرزا أحودانباشي توپخانه \_ صفرعلى خان سرتيپ بهارلو حاجى صفرعلى خان سرتيپ بهارلو حاجى شكورخان سرتيپ فوج دويّم تبريزى و اردبيلى \_ جليل خان سرتيپ فوج هفتم شقاقى \_ ميرزا فتح الله خان سرتيپ فوج هفتم شقاقى \_ ميرزا فتح الله خان سرتيپ فوج امين نظام سرتيپ فوج مخبران مقدم \_ امين نظام سرتيپ فوج مخبران مقدم \_ حاجى عبدالحسين خان سرتيپ و حاجى عبدالحسين خان سرتيپ و حاجى عبدالحسين خان سرتيپ و حاجى عبدالحسين خان سرتيپ حاب عليرضاخان

سرتیسپ فوج سیم گروسی ــ ذوالفقارخان سرتیپ ــ عسکرخان شقاقی.

## سرهنگان

محشدتقي خان سرهنگ فوج بهادران بهارلوب حاجي محمدخان سرهنگ فوج بهادران بهارلو\_ صادق خان سرهنگ فوج بهادران افشار ــ عبدالرحيمخان سرهنگ فوج اوّل افشار ــ محمّد رضاخان سرهنگ فوج چهارم مرندي \_ امحمودخان سرهنگ فوج پنجم خوئي \_ بيوكخان سرهنگ فوج مخبران مقدم ص ميرزا زين العابدين خان اردبيلي ـــ حاجى باقرحان سرهنگ افشار بكشلو\_ ميرزا محمدخان سرهنگ كرمانشاهانم ـ حسینقلی خان سرهنگ ایضاً \_ میرزا ابراهيم خان ولد مرحوم آجودانباشي \_ مصطفى قلى حان \_ رستم خان سرهنگ سيىلاخورى \_ ميرزا محمدخان يسر ملك الاطباء \_ ميرزا رحيم خان سرهنگ تبریزی ــ میزرًا صالحخان سرهنگ \_ محمّدعلي خان سرهنگ\_ حسيىنخان سرهنگ نهاوندى \_ فتح الله خان طالش.

## نايبان آجودانباشي

احمدخان \_ میرزا نجاب الله خان ایضاً \_ بیوک خان نایب دویم آجودانباشی \_ حسنعلی خان نایب سیم آجودانباشی \_ میرزا حسین خان.

### ياوران اوّل

محتد صادق خان جزو قراولان انبار حبیب الله خان ایضاً - اسدالله میرزا یاور
فوج ارونقی - حیدرقلی خان ارونقی حاجی حضرت قلی خان لک فرج الله خان طالش - سلیمان خان مقدم

- صادق حان قرویسندی غلامحسین خان قرویسندی غلامحسین خان ایضاً - مظفر خان
عبدالباقی خان ایضاً - مظفر خان
گروسی - فرج الله خان کرمانشاهانی
- ابوالقاسم خان تبریزی جزو قراولان
انبار - محقد علی میرزا - رضا خان فرج الله خان شیرازی - حسین خان
بسهارلو - هاشم حان بهارلو بسهارلو - هاشم حان بهارلو محبعلی خان افشار - سید ولی بیگ

### ياوران دويم

حسین خان ارونقی ــ حسین بیگ خوئی ــ بـیـوک حـان شقاقی ــ

صادقخان مقدم ــ عبدالله خان گروسی \_ غلامحسين خان بهارلو\_ عبادالله خان شقاقى \_ شريف خان خمسهاى \_ عباس میرزای بسطامی - جهانشاه میرزای سیلاخوری ــ ابوالفتح خان ایضاً \_ حاجي فرج بيگ خرقاني \_ محمّدآقا ایضاً ــ میرزا رضاقلی جزو قراولان انبار \_ حاجى ميرزا فرج تبريزى جزو قراولان انسارے تادر میرزا جزو قراولان انبارے محمد طاهر ميرزا ايضاً ــ آقا غلامحسين جزو قراولان انسار ــ آقابيگ ارونقي جزو قراولان انبار ــ ميرزا حسين خان ــ حمانگیرخان \_ فتحملی خان خوتی \_ على عسكرآقا بيگ لك \_ ميرزا حسين حان قرويني \_ دوالفقارخان همداني \_ برزوخان همداني \_ حسن رضاخان كرماني ب ميرزا مهدى خان.

## ادارة اصطبل تويخانه

به ریاست محمد حسین خان پیشخدمت مخصوص حضور همایون.

## حاضرركاب

محمد حسین جان رئیس اصطبل بر میرزا علی اکبر سررشته دار کل و برات نویس میرزا محمود مشرف سداجی قربانعلی نایب اوّل سایب

دویسم دو.نفر اختمچی دو نفر ... نعلبندباشی و نعلبند شش نفر.

### ولايات

#### خمسه

نايب اؤل سه نفر ــ نايب دويم چهارده نفر.

### ملاير وغيره

میرآخور و نایب اول دو نفر ــ نایب دویم چهار نفر.

### نهاوند

نایب اوّل دو نفر ــ نایب دویّم سه نفر.

### عراق

افراسیاب خان میرآخور ــ نایب دوتیم چهار نفر.

### ساوه

نايب اؤل نفر ــ نايب دويم دو نفر:

### آذر بايجان

محمّد رحیمخان میرآخور\_ جلیل بیگ \_ نایب اوّل نفر\_ نایب دویّم سه نفر.

### خراسان وفارس وسيستان

عیسی خان میرآخور ند نایب دویّم سه نفر.

اصفهان نایب اوّل نفر ــ نایب دویّم نفر.

استرآباد

نایب دوم نفر

بسطام

نایب اؤل نفر

خرّم آبا**د** نایب دویّم نفر

عربستأن

نایب دویم نفر

كرمانشاهان

عبدالعظيم بيك نايب اؤل

كرمان

نایب دویّم نفر

بزد

نایب دویم نفر

فارس

مشرف نفر۔ نایب دو نفر

كردستان

نایب دوتیم نفر

مأمورین به جهت تحویلداری توپخانه های سرحدات و ولایات هشتاد وشش نفر

آذر بايجان

هفت نفر

شهر تبريز حسينخان ياور

**خوی و ارومی** و اردبیــل و ســاوجبلاغ ولاهیجان و قُطُـر شش نفر

> ا سایر ولایات هفتاد و نه نفر

اصفهان میرزامهدیخان یاور

شیراز بندر بوشهر عربستان عباسقلی سلطان

كرمان عبدالعليخان سلطان

خراسان و سرحدات میرزاهاشم سررشته دار

## ادارهٔ کلّ توبها وقبّسها وخمیاره ها و لوازم آن

به ریاست آقارضاخان ژنرال آجودان مخصوص حضور همایون سیصد و بیست و چهار نفر

## حاضر ركاب

از صاحبمنصب و توپچیان و تحویلداران و قراولان و اصناف توپخانه و غیره: حاجی باقرخان سرهنگ با فوج افشار بکشلوب محمد علی خان سرهنگ ب محمد علی میرزا یاور اول سیف الدین میرزا سرشته دار میرزا مید تقی ایضا بیرزا علیخان نایب نایب نفر بیکزاده نفر و کیل و سرجوخه سه نفر میاشر نفر

سایر اجزاء کارخانه جات و توبخانه
آقا غلامحسین رئیس کارخانه جات ...
میرزا عبدالله نویسنده ... میرزا تحویلدار
... نجار باشی و حداد باشی و غیره
پنجنفر ... فوج افشار بکشلو و سرای داران
انبارها و اصناف و غیرهم دویست و
هیجده نفر.

يساير

از تـوپچيــان و غــيــرهــم کــه هـمـراه صـاحـــمـنصبان و مخصوص تحويلداري توپها هستند بيست نفر.

قورخانة مباركه

جناب جهانگیرخان وزیر صنایع و رئیس قورخانهٔ مبارکه

سرهنگان

زین العابدین خان سرهنگ \_ غلامحسین خان سرهنگ \_ غلامحسین خان سرهنگ \_ باقرخان سرهنگ \_ عبدالله خان سرهنگ \_ عباسقلی خان سرهنگ \_ عباسقلی خان سرهنگ \_ عباسقلی خان سرهنگ \_ عکیم ایرخان \_ حکیم بیکمز حکیم بیکمز حکیم ایرخانه و قورخانه.

یاوران بیست و پنج نفر

زنبوركخانه

نصرالله خان سرتیپ ب عبدالحسین خان سرهنگ ب علی محمد بیگ یاور اول ب اسمعیل خان یاور دویم ب رستم خان یاور موزیکانچی زنبورکخانه.

قاین وسیستان فریدون بیک نایب اوّل

کرمانشاهان میرزاآقا سررشته دار

كردستان لطف اللة سلطان

استراباد میرزا محمّدعلی آجودان سلطان

> **بسطام** علی کرم بیک وکیل

میان کاله

عباش ميرزا ياور

بر*وچرد* هادیخان نایب

لرستا**ن** محمودبیک وکیل

یسنزد محمدبیگ وکیل

انزلی و رشت زنجان اسمعیل بیگ سرجوقه افواج قاهره تومان اوّل فوج بهادران

شجاع السلطنه سرتيپ اول \_ سيد محمدخان سرهنگ

فوج اؤل خاصه

حاجى حسام الدوله سرتيپ اول \_ حاجى نقدعلى خان سرهنگ

فوج دوتم خاصه

ابوابجمعی حاجی حسام الدولہ ــ به سرهنگی حاجی میرزا علی خان

الإنتيات كاليتزار المساوي فوج دويم نصرت

رحيم خان سرتيپ \_ احمدخان سرهنگ

فوج مظقر مراغه

عبدالحسين خان سرتيپ \_ فرج خان سرهنگ

**فوج چهارم تبزیزی** آقاخان سرتیپ ــ جعفرخان سرهنگ

فوج پنجم ایلات ابوابجمعی حاجی حسام الذوله ـــ به سرهنگی رحیم دلخان موزیکانچیان صاحبمنصبان

شکرالله خان سرهنگ موزیکانچی باشی سه محمد حسن خان سرهنگ نوادهٔ مسرحه خانباباخان سردار کل ... صفرعلی خان یاور ... غلامحسین بیگ یاور،

دسته جات موزیکانچی

دسته

موزيكانچيان توپخانه

دسته

ارنگه و رودباری

دسته

لورائي وشهرستانكي

دسته

مخصوص نواب اشرف والا نايب السلطنه

47.... 5

موزيكاتچيان زنبوركخانه

دسته

ساوه

دسته

سيلاخورى

**فوج پنجم شقاقی** ابوابجمعی شجاع السلطنه ـــ به سرهنگی مرتضی قلی آقا

فوج ششم شقاقی ابوابسجمعی شجاع السلطنه \_ محمد باقرخان سرتیپ

> فوج هفتم خلخالی میرزا علی خان سرتیپ

فوج مخبران ماکوئی بهلول پاشاخان سرتیپ ــ محمّد پاشاخان سرهنگ

تومان سبّم فوج قهرمانیّه حسنعلی خان ژنرال آجودان ــ علی خان سرهنگ

فوج امیریّه احمدخان سرتیپ ــ لطفعلی خان سرهنگ

فوج اردبیل و مشکین ابوابجمعی میرزا علیخان مشیرالوزاره

فوج هفتم شقاقی ابوابجمعی حسنعلی خان ژنرال ــ به فوج ششم اقبال ابوابجمعی شجاع السلطنه ـــ به سرهنگی پوسفخان

> فوج هفتم افشار ابوابجمعی خسروخان سرتیپ

> فوج هشتم افشار ابوابجمعی لطفعلی خان سرتیپ

فوج مخبران ابوابجمعی شجاع السلطنه ـــ به سرهنگی میرزا مسعودخان

تومان دویم فوج بهادران خوئی شیخعلی خان سرتیپ ـــ ابوالحسن خان سرهنگ افشار

**فوج اوّل ایضاً** ابوابجمعی آقاخان سرتیپ ــ به سرهنگی علی خان

> فوج سیّم مراغه ابوابجمعی فتح الله خان سرتیپ فوج تختهقاپو به سرهنگی قلی خان

سزهنگي خليلخان

فوج گروس ابوابجمعي جناب سالار لشكر به سرهنگي خسروخان

فوج جديد افشار ابوابجمعي ميرزا علىخان سرتيپ افشار

> فوج چهارم جدید مراغه ابوابجمعي فضلعلي خان سرتيپ

فوج ششم قراگوزلو ابىوابجمعى حاجي حسامالملك سرتيب اقِل ــ به سرهنگی فضل الله خان

فوج منصور فراگوزل*و رُکِیْت کییزارش رسیای* فوج مخبران کزازی حسام الملك سرتيب أوَّلَّ ـــ على اكبرخان سرهنگ

> فوج مخبران ابوابحمعی جناب ناصرالملک \_ به سرهنگي مهديخان

> > تومان چهارم فوج بهادران فراهان محمد طاهرخان سرهنگ

فوج اؤل طهران ابوابجمعي وجيهالله ميرزا سيفالملك

فوج دوتم خلج ساوه سيف السلطنه سرتيپ اول

> فوج بزچلو جمعي محمدخان سرتيب

فوج سيلاخورى به سرهنگی رضاخان

فوج هفتم سوادكوه ابوابجمعي جناب امين السلطان ــ به سرتيبي امين الملك

> فوج ششم سربندي جلعي حاجي صمصام الملك

صمصام الملك سرتيب اول \_ حاجى دوالفقارخان سرهنگ

تومان بنجم فوج بهاذران حشمت ابوابجمعي حاجي اسحقخان سرتيپ

> فوج دوتم ملايرى ابوابجمعي عسكرخان سرتيپ

فوج سيم لاريجاني ابوابجمعى خانباباخان سرتيپ ــ به سرهنگي ابراهيمخان فوخ ششم چهار**محالی** به سرهنگی میرزا عبدالحسی*ن*خان

**فوج هفتم عرب و عجم** ابوابجمعی حاجی بنهاءالدوله \_ عباسقلی خان سرهنگ

> فوج مخبران فیروزکوهی ابوابجمعی اسمعیلخان سرتیپ

تومان هفتم فوج بهادران دماوندی علینقی خان سرتیب ــ محمّد حسین خان سرهنگ

> هی فوج دوتیم خلج قم به سرهنگی علی اکبرخان

> > فوج سیّم بندپی به سرهنگی مصطفی خان

فوج ششم حرفانی ابوابیجمعی آجودانباشی ـــ به سرهنگی علی محمّدخان

فوج هفتم قدیم کزمانی ابوابجمعی میرزا فتحعلی خان سرتیپ \_\_ به سرهنگی تقی خان **فوج چهارم کمره** به سرهنگی رحمت اللهخان

فوج پنجم گلپایگان به سرهنگی محمدباقرخان

فوج ششم قديم خمسه ابوابجمعي مظفرالدوله

فوج هفتم جدید خمسه ابوابجمعی علینقی خان سرتیپ

**فوج مخبران زرندی** جمعی محمدحسنخان سرهنگ

تومان ششم فوج اوّل قدیم قزوین نصرالملک سرتیپ اوّل \_ هدایت الله خان سرهنگ

فوج دویّم جدید ایضاً جمعی نصرالملک سرتیپ اوّل ــ به سرهنگی مصطفی خان

فوج سیّم افشار بکشلو ابوابجمعی اللهبارخان آجودانباشی ــ به سرهنگی خاجی اسداللہ خان

**فوج چهارم فریدنی** به سرهنگی حاجی مصطفی قلی خان تومان نهم فوج بهادران فدوی ابوابجمعی عبداشخان سرتیپ

فوج پشتکوهی لرستان ابوابجمعی باقرخان سرهنگ

فوج ششم سهدهى نواب جلال الدوله سرتيپ

**فوج مخبران ترشیزی** په سرتیپی محمّد جعفرخان قاجار

تومان دهم فوج بهادران قرائی آبوآبجمعی عباسعلی خان سرتیپ

فوج ا**ۆل قائینی** ابوابجمعی حشمت الملک ــ به سرهنگی حاجی پرو یزخان

فوج جدید ایضاً جمعی حشمت الملک ــ به سرهنگی میرزا اسمعیلخان

فوج سیّم تنکابنی ساعدالدوله امیرتومان ــ ولی خان سرتیپ شیّم فوج هشتم شوکت کرمانی ابوابجمعی سلیمانخان سرتیپ عرب بسطام

فوج نهم جدید گرمسیری کرمان ابوابجمعی ابراهیم خان سرتیپ و سعدالدوله

فوج مخبران درجزینی ابوابحمعی سیف السلطنه ـ به سرتیپی احمدخان ـ به سرهنگی فضل الله خان

> تومان هشتـم فوج بهادران قلعه زنجیری به سرهنگی حسینخان

فوج ا**قل کرندی** علیمرادخان سرتیپ \_ نصرالله خان سرهنگ

> فوج سیّم کلهر مهدیخان یاور اوّل

فوج چهارم زنگنه ظهیرالملک سرتیپ دویم سه به سرهنگی حسینخان

> فوج مخبران کردستان جمعی محمدعلی خان سرتیپ

دسته خوئي: عباسعلي بيگ \_ امين بيگ

دسته

شقاقي: جمعي محمدخان

دسته

شاطرانلو: جمعي على خان سركرده

دسته

اینانلو: جمعی حسنعلی خان یوز باشی

دسته

قراپاپاق: جمعي نجفقلي خان سرتيپ

دسته

حاجی علیلو: به سرکردگی رستمخان

دسته

قىراسىوران راە قىراجىەداغ: جىمعىي غباسىلىبىگ

42.03

قراسوران: جمعي عفارخان سركرده

دسته

قراسوران درشق و آستارا: جمعی امین الوزاره

## فوج مخصوص نواب اشرف والا نايب السلطنه

به سرتیپی میرزا عبدالکریم خان \_ و سرهنگی تقی خان و میرزا محمد علی خان

> ســواره آذر بایجان

> > دسته

افىشار صايىنقلعە: بە سىركىردگىي عباسقلىخان

دسته

افسسار ارومسی: ابوابیجسمعیی عبدالحسینخان سرتیپ اول به سرتیبی باقرخان

دسته

اردبیل و مشکین: جمعی باقرخان سرکرده سه علیقلی خان سرکرده

دسته

چھــاردولـــى: نـــوروزخــان سـرتــيــپ ـــ حسينقليٰ خان سرهنگ

دسته

چلبیانلو: محمودخان سرکرده \_ رحیمخان سرکرده سرهنگ ایروانی بفرج الله خان ب نجفه الله خان ب علی خان ولد عبدالله خان ب خلیل خان ایرنلوب نعمت الله بیگ ب صمدآقا ب محمد خان یا ور ایرنلوب حاجی خان یا ور ایرنلوب شیخعلی خان شکی ب محمد خان ولد لطفعلی خان ب غلامحسین خان ب علی اکبرآقا ب عباس آقا ولد غفار خان

سركردگان غلام نصرت

مسیسر هدایست خسان به مسیسرزا زین العابدین خان به علیقلی خان به حسین خان به ابراهیم آقای سرهنگ به اسکندرخان به سلیمان خان

> خراسانی ارض اقدس جماعت هزاره

یوسف خان سرتیپ \_ اسمعیل خان سرهنگ

> جماعت تیموری جمعی علیمردان خان سرتیپ

جماعت مروی جمعی عطاءاللہ خان

**جماعت درهجزی** جمعیی نورعلی خان و محمّد ناصرخان دسته

قراسوران راه مرند: جمعي لطف الشخان

دسته

یکانی: جمعی اسفندیارخان

دسته

کلیبری: به سرکردگی محمد باقرخان

دسته

ماکوئی: به سرکردگی نصرالله خان

دسته

مقدم: جمعی محمد صادقخان سرهنگ

دسته

مکری: به سرهنگی حاجی آقابیگ

دسته

قوحه بیگلو: ابوابجمعی حسینقلی خان سرکرده

سوارة مهاجر ابـوابـجـمـعـى عـبـدالـقـادرخـان شجاع الملك

شجاع الملک سرتیپ اوّل \_ حسنخان سرتیپ قبه \_ اسکندرخان سرهنگ \_ کریم خان سرهنگ \_ علی محمدخان غلامان مشهدی جمعی ابوالفتح خان افشار

غلامان سبزواری جمعی میرزا فضل الله خان

جماعت افشار جمعی مرتضی قلی خان

ساكنين سرخس دسته باباخان\_دسته محمد اميرخان

جماعت دزدبگیر دسته حسین خان نیشابوری دسته رمضان بیگ دسته غلامرضاخان هراتی

> جماعت بجنوردى جمعى يارمحمدخان ايلخاني

جماعت قوچانی جمعی امیرخسین خان شجاع الدوله

جماعت مردوزانی جمعی علیمردانخان سرتیپ تیموری

> دزدابی جمعی محمّد عظیم خان هزاره

جماعت سرجامی جمعی حسینخان و حسنخان سركرده

جماعت جمشیدی جسمعی دوالف قسارخیان و خیاجی محمدامین خان

> جماعت جامی جمعی نصراللہ خان جامی

جماعت باخرزی جمعی یوسفخان سرتیپ هزاره

جماعت باخرزی و جامی علیسرضاخان قراونباشی ــ حسن خان سر کرده ــ محمدرضاخان سر کرده ــ گلزارخاندسر کرده

> جماعت همّت آبادی جمعی نادرقلی بیگ

> > جماعت قرائی جمعی محمدخان سرکرده

جماعت سبزواری دسته محمدرضاخان ــ دسته محمدخان ــ دسته سعادتقلی خان ــ دسته عباسقلی خان

> جماعت نیشابوری و جزایر چی ابوابجمعی باقرخان

جماعت قائینی جمعی علی اکبرخان سرکرده

جماعت جاجرمی جمعی یارمحتدخان ایلخانی و سهام الدوله

> استرآبادی و غیره استرآبادی دسته

غلامان استرآبادی: جمعی علی خان آقای قاجار

دسته

گلدیخان: ریش سفید طایفهٔ جعفر بای

دسته

ایل گلدی نظر: ریش سفید آتابای

دسته

قلی خان آتابای

د سته

قوشيدخان آتاباي

دسته

اميرخان آقا آتاباي

**دسته** ایضاً نظر ریش سفید طایفهٔ آتابای جماعت چولابی و ماروشک جمعی سلیمان آقا

> جماعت عنایت آبادی جمعی صیدمحمدخان

جماعت سیستانی جمعی گل محمّدخان

جماعت خوافی جمعی لطفعلی خان

جماعت بیزکی جمعی فتح اللہ خان سرکردہ

جماعت میامی جمعی صیدمحمدخان

جماعت پشتکوهنی جمعی سعادتقلی خان

جماعت خورده ایماق دستهٔ یارمحمدخان ــ دسته حیدرخان

جماعت اردلان جمعی آتاخان و حسینقلی خان سرکرده

> جماعت ترشیزی جمعی محمدحسین خان

## مازندرانی میرزا ابوالحسن مشرف

## سرکردگان

عبدالله خان مدانلو فتح الله خان ايضاً وصفى خان ايضاً وصفى خان ايضاً وموسى خان جهان بيگلو اسدالله خان ايضاً ومحمد خان ايضاً وحسين خان گرايلى و ذوالفقار ايضاً وحسن خان اوسانلو محمد خان افغان

### جماعت خواجه وند

ابوابجمعی حناب امین السلطان \_ علی اکبرخان سرهنگ \_ یردان قلی خان سرکرده \_ نعمت الله خان \_ حسن خان \_ فتح الله خان

## سواره عبدالملکی ابوابجسمسی فضل الله خان \_ به سرکردگی جعفرخان

## عراقی جماعت زرین کمر

ابوابجمعی ساری اصلان \_ علیقلی خان یوز باشی \_ مهدی خان نایب اول

جماعت شاهسون افشار ابوابجمعی جناب امین السلطان ...

## **دسته** قلیج خان سرهنگ جعفر بای

**نردینسی** جمعی افراسیابخان سرکرده

گودرزی و بسطامی ابوابجمعی علیمحمدخان سرهنگ \_ محمدعلی خان نایب سرکرده

> کرمانی افشار کرمانی میرزا محمود سرکرده

شمخالچیان بمی ابوابجمعی سعدالدوله

سواره و جمازه سوار بمی و نرهاشیری اسدالله خان سر کردهٔ عرب بسطام

سواره و جمازهسوار نرماشیری و ریسکانی زین العابدین خان سرکرده

سوارهٔ سیستانی اسدالله خان سرکرده

**سواره و جمازهسوار خبیصی** صادقخان سرکرده

جهانشاهخان

جماعت بختیاری جمعی اسفندیارخان سرتیپ

جماعت عرب اردستان مصطفی قلی خان سرتیپ سهام السلطنه \_ میرزا حسین خان سرکرده \_ میرزا حسن خان ایضاً \*

جماعت افشار اسدآبادی جمعی صاحب اختیار ــ به سرکردگی محمّد کریمخان

> جماعت خمسه ای جمعی ذوالفقارخان سرتیپ

جماعت شاهسون اینانلو عزیزالله خان صارم الملک سرتیپ دویم \_حاجی لطف الله خان سرتیپ سیم

جماعت شاهسون بغدادی جمعی شیخعلی خان سرهنگ ــ امیرعلی خان سرکرده ــ اکبرخان سرکرده

جماعت شاهسون دویرن ابوابجمعی جناب امین السلطان \_ غلامعلی خان سرهنگ \_ محمد حسین خان ایضاً \_ غلامرضاخان

شركرده ــ ولى محمّد خان ايضاً

جماعت شاهسون قورت بیگلو ابوابحمعی حسینقلی خان سرتیپ ولد مرحوم حسینقلی خان

> جماعت باجلان ابوابجمعی احمدخان سرهنگ

جماعت خرقانی ابوابجمعی اللهیارخان آجودانباشی کل

> جماعت بیرانوند جمعی حسنحان سرکرده

جماعت اصانلو ابوابجمعی جناب امین السلطان ـ به سرهنگی حاجی جعفر قلی خان

جماعت قراچورلوی خوار ابوابجمعی جناب امین السلطان – به سرکردگی صفرعلی خان

> جماعت افشار ساوجبلاغ جمعی حسنخان سرهنگ

جماعت گردبچه جمعی نصرالله خان سرتیپ – به سرکردگی خانباباخان جماعت سنجابی جمعی فرج اللہ خان سرکردہ

جماعت فیلی جمعی کریمخان سرکرده

جماعت بختیاری دارابخان سرکرده

جماعت عرب وباصری جمعی محمد حسن خان سرهنگ

> پیاده خراسانی شمخالچیان

ابوابجمعي حيدرقلي خان سرتيپ

جزایر چیان سرخسی غسلام محتمد خان سرکرده سد عزیز محتمد خان پسر عباس خان سرتیپ س یوسف بیگ

> استرآبادی دسته فندرسکی جمعی میرزا علینقی خان سرتیپ

دسته کتول جمعی علی محمدخان سرکرده جماعت هداوند

ابوابجمعی جناب امین السلطان \_ به سرکره گی رحیمخان

جماعت شاهسواری جمعی نصرالله خان سرتیپ زنبور کخانه

> جماعت ایلات قزوین ابوابجمعی نصرالملک

جماعت افشار بکشلو ابوابحمعی آجودانباشی ـــ به سرهنگی کاظم خان

جماعت چگینی جمعی نصرالملک امیرتومان کرد سرهنگی صادقخان

> جماعت احمدوند و بهنوئی به سرهنگی کریمخان

> > جماعت کلیائی به سرکردگی جلال الدین میرزا

جماعت نانکلی کرمانشاهان به سرکردگی سید خسروخان

> جماعت یاراحمدی به سرهنگی حاجی احمدخان

دسته جات گیلانی دستهٔ سالیانی جمعی میر یوسف حان سرکرده

سوار گرگان رودی ابوابجمعی نصرت الله خان سرتیپ اول

سوار اسالمی ابوابحمعی نصرت الله خان سرتس ـ به سرهنگی اللهیارخان

> دستهٔ انزانی جمعی جبّار قلی خان سر کرده دستهٔ شفتی جمعی نعمت الله خان ایضاً

مازندرانی جماعت کلبادی وغیره

جمعی میرزا محمدخان سرتیپ به لطفعلی خان سرکرده به محمد مهدی خان سرکردهٔ طایفهٔ عمرانلوب جماعت طالش به سرکردگی علی اکبرخان به سرکردگی علی علی اکبرخان

جماعت اشرفی به سرکردگی عباسقلی خان دستهٔ مقصودلو جمعی عبدالله خان سرکرده

دستهٔ استرآباد رستاقی جمعی فتحعلیخان ایضاً

دستهٔ بالاشاهکوئی جمعی آقا عبدالرحمن سرکرده

دستهٔ پائین شاهکوئی جمعی محمدعلی خان سرکرده

دستهٔ سدن رستاقی جمعی محمّد قلی خان سرکرده

دستهٔ انزانی جمعی محمّد علیخان سرکرده

دستهٔ تمسکنی جمعی محمد قاسم خان سرکرده

دستهٔ ساوری دستهٔ جمعی جعفرقلی خان ــ دسته جمعی حاجی آقارضا

> **دستهٔ لیوانی وسیلسپر** جمعی اسدالله خان سرکرده

> > دستهٔ بلوچ علی اکبر بیگ

**شابسوی** که عبارت از فوج مخبران باشد

ژنی که عبارت از فوج مهندس باشد توپچیان توپهای تهپُر اطریشی فوج

> موزیکانچیان ادارهٔ مزبوره

ادارهٔ قرّافیّه فوج اوّل به سرتیبی حسنخان سرتیب

مرز می دویم الوچ به سرتیپی کریم خان سرتیپ گ

ادارة مزبوره

**قشون حاضِر رکاب** از پیاده نـظـام و سـواره و تـوپخانه و غیره یکصد و پنجاه هزار نفر

> ذخيره پنجاه هزار نفر

کرمانی تفنگچیان اناری حسینقلی خان سرکرده

تفنگچیان نخعی و راوری اسمعیلبیگ سرکرده

تفنگچیان عرب بسطام ابوابجمعی سلیمانخان سرتیپ ــ به سرکردگی کریمخان

> تفن**گچیان ر بعاری** درانخان سرکرده

تفنگچیان کوهک و چاهبار و اسفنده ملکبهادر سرکرده

> عراقی از بابت پیاده بلوچ جمعی شیخ محمّدخان سرهنگ

ادارهٔ افواج طرح اطریش و سوارهٔ طرح قـزاق

افواج طرح اطریشی از بابت صاحبمنصبان که برقرار هستند

> **رژیمان اوّل** ازبابت پیادہنظام

**رژیمان دویم** ازبابت پیاده نظام

## اجزای خزانه نظام به ریاست جناب وزیر نظام حاجی میرزا عبدالرحیم تحویلدار

میرزا جعفر منشی تفرشی ـــ میرزا شفیع سررشته دارـــ صرّاف چهار نفر

## دارالخلافة طهران

نواب اشرف والا نایبالسلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافهٔ باهره و غیرها ادامالله اقباله العالی

اجزای حکومت جلیلهٔ دارالخلافه جناب محمد ابراهیمخان وزیر نظام و وزیر دارالخلافه

اجزای مجلس حکومت زکی خان ــ شیر محمّدخان ــ میرزا حسن

### منشى وسررشتهدار

میرزا جعفر تفرشی منشی \_ میرزا حسن قزویسی ایضاً \_ میرزا شفیع تفرشی سررشته دار

## ئتواب ومباشرين محال دارالخلافه

میرزا ابوالقاسم نایب ورامین \_ میرزا علیمحمد نایب ساوجبلاغ \_ میرزا مهدی نایب شهریار \_ حاجی ابوطالب نایب غار و فشافویه و امین وظایف

## علماء اعلام دارالخلافه

جناب ميرزا زين العابدين امام جمعه ... جناب صدرالعلماء \_ جناب حاجى ملاًعلى \_ جناب آقا ميرزا صالح عرب \_ جناب آقا ميرزا حسن آشتياني \_ وحياب حاجي آقامحمد \_ جناب آقا جمال الدين مجتهد بروجردي ـ جناب آقیا میرزا عبدالرحیم نهاوندی ــ جناب ملاً محمّدتقي مجتهد كاشاني ــ جناب آقا سيد محمدرضا يسر مرحوم آقا سيدصادق \_ جناب آقا سيد عبدالله \_ جناب شيخ الاسلام دارالخلاقه \_ جناب آقا شيخ جعفر پسر مرحوم حاجي شيخ محتد \_ جناب آقا سيّد مصطفى يسر مرحوم حاجي سيد حسين \_ جناب حاجي ملا آقابزرگ \_ جناب حاجي سيد جعفر \_ جناب شيخ محمد حسن استرآبادی \_ جناب آقا شیخ موسی

## اعيان وامراء وخوانين ومعارف دارالخلافه

از ارباب مناصب دولتی و غیرهم سوای آنهائی که در دوابر دولتی هستند: میرزا محمدخان نظام العلماء \_ اعتماد الدوله \_ حيدرقلي خان ولد مرحوم آصف الدوله ... آقا سردار ولد مرحوم سپهدار ... عين الملوك \_ ميرزا حسين خان معتمدالملك ولد جناب مشيرالدوله \_ اميرزاده محمد ميرزا ولد جناب اعتضادالڌوله ـــ عباس ميرزا ولد ايضاً ـــ فتحعلی خان ولد ایضاً ـــ خانخانان پشرک ظهيرالدوله ــ محمودخان ملك الشعراء ــ حكيم الهي ولد مرحوم حكيم الهي \_ سليمان خان ولد مرحوم حاجب الدوله ... اسمعیل خان بشیرالدوله ... میرزا محمدخان \_ غلامحسين خان \_ والى خان ييشخدمت ولد سهراب خان ــ حاجى محمد حسين خان \_ محمود خان \_ محمدخان ولد مرحوم احمدخان نوائي ... محمّد حسن جان ولد ايضاً ... حاجى محمّد حسين خان ولد ايضاً \_ حاجى محمّد ولي خان \_ عباسقلي خان ولد مرحوم بيگلربيگي ــ هاديخان ولد ايضاً \_ محمدخان \_ محمد جعفرخان

۔ حسین خان ۔ هدایت الله خان ۔ علی اکبرخان ۔ علی اکبرخان ۔ محمد باقرخان ۔ دولتمرادخان ۔ دولتمرادخان ۔ حاکم سابق درگز

## ادارهٔ جىليلهٔ پليس دارالخلافه و احتساب

مُحنت دومنت فرت سرتیب و رئیس کل ادارات یلیس و احتساب ـ عباسقلی خان سرتیب نایب کل اداره ... ميىرزا ابوترابخان سرهنگ نايب اؤل و مترجم ومنشي آجودان وتحويلداركل ادارة بليس واختساب ــ ميززا سيد يوسف سرهنگ مستشار اؤل رئيس محلة استگلج ــ حسنخان مستشار داروغهٔ بازار ــ ميرزا محمد حسين مستشار رئيس محله دولت \_ عباس قلى خان رئيس محلة عودلاجان \_ ميرزا سيداحمد رئيس محله بازار مرزا عبدالرحيم خان مستشار محاكمات كلانتر ادارة نظميّه ــ ميرزا حسنخان مستشار منشي مدير استنطاق وخازن ملبوس اجزاى پليس \_ آقالرخان سرهنگ متصدی امور مسروقات شهر \_ سلطان قلى خان صفوى مستشار عمل مسروقات \_ ميرزا آقا ياور نظام جديد

طرح اطریشی مأمور به مشاقی کل اداره مترجم وخازن استنطاقهاي اداره ميرزا سيّد محمّد رئيس محبس ــ ميرزا بابا نایب رئیس محبس و رئیس محبس زنانه \_ احمد ميرزا نايب سرهنگ مأمور خدمت حضرت والانايب السلطنه \_ قهرمان ميرزا صاحبمنصب مخصوص اداره ــ بحيى ميرزا صاحبمنصب مخصوص اداره ... ذوالفقار ميرزا رئيس پیشخدمتهای اداره ـ میرزا محمّد على خان رئيس روزنامه جات و حافظ رایورتسهای شهر سه میسرزا تسقی صاحبمنصب مأمور خدمت حضرت والأ اميىركبير نايبالسلطنه وزيرجنگيدي ميرزا ربيع مستنطق كل ادارة پليس و سررشته دار محبس ــ میرزا مهدی منشی اطاق دعاوي ـ ميرزا ابراهيم منشي اطاق دعاوی ــ میرزا امرالله منشی اطاق جنايات ــ ميرزا على قلى منشى اطاق محاكمات ــ عدد كلّ اجزاى پليس چهارصد و شصت نفر.

### اجزاى احتسابيه

نایب قاسم نایب کل خیابانهای دولتی - نایب قلی نایب کل محلات - نایب رحیم رئیس دواب احتسابیه - عدد کل

اجزای احتسابیّه دویست و شصت نفر ـــ نواب محلات پنج نفر.

## اسامی کارگذاران و عمله جات مخصوص در بخانهٔ

نواب اشرف والا اميركبير نايب السلطنه وزير جنگ ادام الله اقباله العالى جناب حاجى ملاباشى \_ محمد حسين خان سرتيب يبشخدمت حضور همايون فراشباشي حضرت والا ــ ميرزا على دكتر معتمد الاطباء طبيب حضور همايون وحكيمباشي نواب اشرف والا ــــ الميرزاده حاجي نصرالله ميرزا ميرآخور \_ امیرزاده جمشید میرزا صاحبجمع \_ عبدالله خان تفنگدارباشي ـ اسمعیل خان کشیکچی باشی سه میرزا عباسعلى خان سرتيپ رئيس خلوت ــ عباسقلى خان سرتيپ مترجم ـ ميرزا عـلـي مستوفي ــ اكبرخان ناظر ــ ميرزا محمد منشى باشى \_ كاتب السلطان \_ ميرزا ابوالقاسمخان منشى مخصوص \_ ميرزا هادي مستوفى \_ ميرزا محمّدخان پیشخدمت \_ هدایت حان شاطر باشی.

## وزارت اعظم داخله وماليه

جناب مستطاب اجل آقا ميرزا يوسف وزير اعظم داخله و ماليه

دولت وحمّامات سركاري ــ ميرزا حسین مستوفی گیلان و آبدارخانه و قهوه خانه وصندوقخانه وخوار[وبار]\_ميرزا ابراهیم مستوفی آذربایجان \_ میرزا حسن نايب و وزير درب حرم مستوفي حساب کرمان و گلپایگان\_ میرزا بمحمود مستوفى ولد مرحوم صاحبديوان مستوفى همدان و دماوند ـــ ميرزا سيد كاظيم مستوفى اصطبل خاصه وكلية دواب ديواني وزينخانه وكالسكهخانه و ايلخي چيان ــ ميرزا حسن ولد مرحوم ميىرزا موسى وزير لشكر مستوفى قزوين میرزا علی اکبر مستوفی اطاق موزه و زرگرخانهٔ مبارکه ــ میرزا محمّد حسین مستوفى حساب خزانة نظام ونطنز و جوشقان و کنگاور و استرآباد ــ میرزا سید کاظم مستوفی گروس ــ میرزا سید محمّد مستوفى لرستان وطالقان\_ ميرزا عبدالله مستوفى حساب خمسه و برات نویس عملهٔ خلوت ــ میرزا ربیع مستوفى برات نويس شاهزادگان و

وزارت دفتر استيفا جناب ميرزا حسن مستوفى الممالك

مستوفيان عظام كه حساب ولايات و غيرها مرجوع به آنها مي باشد جناب حاجى ميرزا نصرالله نايب مستوفى الممالك ومستوفي حساب اصفهان و كردستان وعراق و ساوه و خرقان ومحلآت ودرجزين وساير البلوك وحساب خزانة عامره كجناب آقيا ميرزا على قائم مقام مستوفى خراسان \_ جناب ميرزا اسدالله مستوفى كاشان سـ حـاجـي مـيرزا شفيع مستوفي فارس و برات نويس ارباب قلم وتفنگداران سركاري \_ علاء الملك مستوفى بنائي ميرزا محمد على خان معاون الملك مستوفسي حساب طهران ويزد و رختدارخانه وصرف جيب مبارك و فراشخانه وگمرک و باغات و جايارخانه و خیام خانه ــ میرزا محمّد ولی مستوفی مازندران و دارالنظاره و برات نویس تکیهٔ

خادمان حرم جلالت و آغایان سرکاری میسرزا زکی نبوری برات نویس كشيكخانه وعملة حضور مرزا باقر مستوفى شاهرود وبسطام ــ ميرزا على نوری مستوقی بروجرد ... میرزا مسیح مستوفى عربستان ـ ميرزا طاهر كاشي مستوفى سمنان و دامغان ــ ميرزا محمد مستوفى قم و فيروزكوه ـــ ميرزا على ولد مرحوم قوام الدوله مستوقى حساب جنس انبار ــ ميرزا محمدرضاي مستوفى ملاير و تويسركان \_ ميرزا حسينعلي مستوفي نىھىاونىد ـــ مىيرزا زكى خان مستوفى ولد مرحوم ميمرزا عبمدالله خبان نوراي برات نویس ادارهٔ نظمیه و احتساب ہے میرزا رفیع مستوفی کمره ــ میرزا اسحق مستوفي برات نويس تلكرافخانة مبازكه ومعلمخانه ومريضخانه ــ ميرزا عبدالرحيم خلخالي مستوفى كه بعضي برات نویسیها با او است.

مستوفیانی که حساب ندارند و غیرهم جناب ضیاء الملک - جناب میرزا محمود وزیر - میرزا عیسی وزیر سابق دارالخلافه - میرزا رضا ولد مرحوم معین الملک - میرزا هدایت الله لسان الملک - منشی الممالک - میرزا

رضاقلي خان سراج الملک \_ ميرزا سيد احمد مستوفى وزير حاجى ميرزا محمد ولد حاجي ميرزا نصرالله ــ حاجي ميرزا حسينقلي خان مستوفي \_ ميرزا محمد على خان ولد مرحوم وكيل لشكر ــ ميرزا محمودخان نوادة مرحوم قائم مقام ميرزا محمد ولد مرحوم وزير لشكر ميرزا محمد يسرحاجي ميرزا عباسقلي \_ میرزا رضاقلی مستوفی \_ میرزا رضای البرز \_ ميرزا فضل الله خان \_ ميرزا سيد ابىراھىم ــ حاجى ميرزا سىد حسين ــ ميرزا محمد حسين داروغة دفترولد مرجوم وقايع نگار \_ ميرزا عليمحمدخان ولد آقا ميرزا على قائم مقام \_ ميرزا عليرضا ... ميرزا نصرالله برادر مرحوم دبيرالملك \_ ميرزا كاظم خان \_ ميرزا منهدي مستوقى رشتي منشى مخصوص رسایل دولتی ــ میرزا سید رضی ــ میرزا حسن \_ میرزا سیّد محسن \_ میرزا شكرالله ولد مرحوم نصيرالملك ـــ ميززاً عبدالعلى \_ ميرزا احمد \_ ميرزا آقا ييشكار نواب فرمانفرما \_ ميرزا حسينعلي خان ولد مرحوم حكيمباشي \_ ميرزا عبدالحسين ولدميرزا عبدالزحيم خىلىخالى ــ ميرزا على ولد مرحوم ؤكيل لشكر ... ميرزا محمّد ولد مرخوم ميرزا

محمد حسین خزانه میرزا جعفر میرزا جعفر میرزا حسین خان ولد مرحوم مهندسباشی میرزا رین العابدین خان میرزا میرزا محسن پیشکار حسام السلطنه میرزا علی اکبر عزب باشی

### مستوفياني كه مأمور ولايات هستند

جناب حاجی مستشارالملک مستوفی اوّل و پیشکار مملکت خراسان ب میرزا تقی پیشکار نواب رکن الدوله ب میرزا احسمدخان مأمور فارس ب میرزا خسین خان ولد جناب صاحبدیوان در فارس ب میرزا حبیب الله خان مستوفی حضرت والا ظل السلطان مأمور اصفهان ب میرزا شفیع خان گرکانی در خدمت حضرت والا ولیعهد دولت علیه در آذر بایجان که الآن حاضر دارالخلافه است ب میرزا ابوالقاسم خان نوری در آذر بایجان ب میرزا داود وقایع نگار در آذر بایجان ب میرزا داود وقایع نگار در آذر بایجان ب میرزا داود وقایع نگار در آذر بایجان ب میرزا داود حسنخان نوری در آذر بایجان ب میرزا سید حسنخان نائینی در نائین.

## **وزارت رسایل خاصه** جناب جلالتماب قوام الدوله وزیر رسائل

خاصه

### منشيان دولتي

میرزا مهدی گیلانی مستوفی و منشی مخصوص رسایل دولتی - حاجی میرزا عبدالله منشی - میرزا علی خان نائینی ایضاً - حاجی میرزا یوسف خان ایضاً - میرزا شفیع پسرزادهٔ مرحوم میرزا شفیع میرزا شفیع پسرزادهٔ مرحوم میرزا شفیع صاحبدیوان - میرزا حسن گیلانی - میرزا رضای توبسرکانی - میرزا ابراهیم تقی خان فراهانی - میرزا قاسم گیلانی - میرزا قاسم

## منشیانی که در خدمت جناب اجل اعظم آقا هستند

حاجي ميرزا رضا ــ ميرزا حسن مستوفي

### اجزاى مجلس وزارت بقايا

جناب امین حضور وزیر بقایا نصرالله خان پسر امین حضور رئیس
مجلس - میرزا حسن سرشته دار میرزا ابوالقاسم خان منشی - میرزا
زین العابدین که کتابچهٔ راپورت عرایض
وزارت بقایا را می نویسد و به حضور
همایون فرستاده می شود.

## وزارت عدليّة اعظم

### جناب جلالتمآب مشيرالذوله وزير عدلية أعظم

## مجلس مخصوص وزیر عدلیّهٔ عظمی و اجزای آن

میرزا حسین خان منشی - حاجی
عباسقلی خان قاجار که مأمور به
حکومت کاشانست - حاجی
حسین خان پسر مرحوم عمیدالملک میرزا اسمعیل منشی باشی برادر مرحوم
ملک الکتاب - شریف خان - میرزا بوسف منشی

## مجلس صدر دیوانخانه که اغلب امورات ملکی و شرعیات به آنجا رجوع می شود

میرزا شفیع پسر صدر دیوانخانه ب فتح الله خان ناظم ادارهٔ عدایهٔ عظمی که عرایض سواری به عهدهٔ او مرجوع است میرزا ابوالقاسم منشی میرزا ابراهیم خان منشی میرزا محمدعلی منشی میرزا سیدحسین محرر میرزا سید مهدی ایضاً میرزا عبدالغنی ثبات دفتر میرزا اسدالله ایضاً

مجلس تحقیق و دعاوی و نقود حاجی میرزا حسین خان گرانمایه م میرزا محمد حسین منشی تفرشی س میرزا حسن منشی گیلانی سمیرزا حسن شیرازی عزب دفتر

مجـلس تحقیقات که بعضی دعاوی نقدی

ومتفرقه هم به آنجا رجوع می شود اعتمادالملک ـ حاجی علیقلی خان پارکی ـ میرزا محمد حسین نوائی

### مجلس جنايات وتجارت

حاجی میرزاعلی رئیس - محمد حس میرزا پتر مرحوم سیامک میرزا - میرزا منصورخان - میرزا رضا منشی آهی -میرزا محمدعلی منشی تبریزی - میرزا شفیم منشی پسر مرحوم میرزا زین العابدین منشی تفرشی - میرزا عبدالحسین ثبات

## محتمدرضاخان برای ممیزی م نورمحمدخان مدایت الله خان

### متفرّقه

حاجی میرزا زین العابدین داروغه \_ میرزا عبدالکریم عریضه نگار \_ میرزا علی مستوفی هفته ای یک روز حاضر می شود \_ میرزا عبدالحسین مستوفی در دفترخانه است هر وقت لازم شود حاضر است.

## محلس تحقیق که بعضی امورات به آنجا رجوع می شود

حاجی محمد رحیم خان قاجار میرزا محمدعلی منشی

### مجلس اجراء

محمد رحیم خان برادر مرحوم محمد تقی خان حاجب الدوله \_ میرزا اسمعیل خان منشی باشی \_ حاجی

# وزارت جليلة خارجه

جناب جلالتمان مؤتمن الملك وزير امور خارجه.

اسامی اجزای مرکزیّهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه برطبق ترتیبات جدیده:

### ادارات خمسه

دایرهٔ مخصوص وزارت که در تحت
ریاست شخص جلیل وزیر امور خارجه
می باشد: جناب صنیع الدوله وزیر
انطباعات و دارالترجمهٔ دولتی
مقدم السفراء ب صدیق الملک ب میرزا
نصراللهٔ خان نایب اول وزارت خارجه
میرزا مهدی خان نایب اول ب حاجی

حسینقلی خان نایب اول وزارت خارجه

میرزا شکرالله نامه نگار نایب دویم –
میرزا علی خان منشی اول – میرزا
عبدالرحیم خوشنویس عنوان نگار –
حاجی میرزا محمدعلی منشی اول –
میرزا عباسقلی خان منشی اول – میرزا
میرزا عباسقلی خان منشی اول – میرزا
سید امین منشی دویم – اسمعیل خان
فراشباشی – محمد حسین خان آجودان
اول – فیروزخان آجودان اول – محمد
رحیم بسیگ غیلام باشی –
محرر

### وآتشه سه نفر

## ادارهٔ انگلیس

میرزا علی اکبرخان نایب دویم و مدیر میرزا حسین خان پشر مرحوم وزیر لشکر منشی منشی اول میرزا عبدالمطلب منشی دویم میرزا حسین خان پشر میرزا حسین شفیع خان منشی سیم میرزا حسین انجدانی نویسنده و آتشه میرزا مین آتشه ایضاً نفر

## ادارهٔ روس

میرزا نصرالله خان نایب دویم و مدیر میرزا حسن خان منشی دویم میرزا حسین خان پسر مرحوم میرزا اسمعیل خان منشی سیّم میرزا ابوالقاسم نویسنده و آتشه میرزا اسمعیل نویسنده و آتشه

### ادارة عثماني

میرزا محبعلی خان ناظم الملک نایب اول و مدیر سمیرزا کاظم پسر مرحوم میرزا زین العابدین مستوفی منشی اول میرزا اسدالله منشی دویم سمیرزا آقاخان نویسنده و آتشه سنویسنده و آتشه ایضاً نفر

## ادارة دول غير همجوار

میرزا عبدالله خان مدیر ــ حاجی میرزا رضاخان مترجم و منشی دویم ــ میرزا سیّد رضا منشی دویم ــ محرّر و آتشه دو نفر

## دفاتر خمسه دفتر ثبت و ضبط

میرزا مصطفی خان نایب اوّل و رئیس به میرزا رضی خان منشی اوّل به میرزا محمد حسین خان دفتردار به میرزا علینقی منشی سیّم به میرزا محسن منشی سیّم به محرّر و آتشه منشی سیّم به محرّر و آتشه

### دفتر تجارت

میرزا جوادخان نایب اوّل و رئیس ... میرزا مهدی منشی اوّل ... میرزا عبدالرحیم منشی سیّم ... محرّر و آتشه دو نفر

### دفتر رسوم وتشريفات

محتد تقیخان نایب اول و رئیس میرزا ابوالقاسم خان پسر میرزا رضی خان
منشی سیم - منشی ایضاً نفر - میرزا
اسماعیل لاریجانی نویسنده و آتشه محرر و آتشه ایضاً نفر - جوادبیک

## آجودان دويم

### دفتر ترجمه وخطوط رمز

میرزا محمودخان مفتاح الملک نایب دوتیم و رئیس بارون نرمان مترجم اول ...
اول ... میرزا علی خان مترجم اول ...
منشی دو نفر ... حاجی میرزا مهدی خان مترجم ترکی ... غلامحسین خان نویسنده و آتشه ... میرزا مسعودخان نویسنده و آتشه ... میرزا مسعودخان نویسنده و آتشه ...

### دفتر محاسبه

میرزا عبدالوهاب خان نایب دویم و رئیس \_ میرزا محمد حسین سررشته دار و منشی دویم (چون در این ایام مریض است میرزا ابوالقاسم خان به جای او خواهد بود) \_ علی پاشاخان خزانه دار آجودان \_ میرزا صادق نویسنده و آتشه \_ میرزا علی اکبر عزب دفتر \_ محرر، سیاق دان و آتشه دو نفر

## صاحب منصبانی که بالفعل در دایرهٔ مرکزیّهٔ وزارت خارجه مشغله ندارند و در معرض مأموریت هستند

میرزا جوادخان سرتیپ نایب اول \_ میرزا خانلرخان \_ میرزا ابوالقاسم خان نایب دویم \_ میرزا موسی خان منشی

اؤل \_ میرزا عیسی خان \_ میرزا علی اشرف خان سرهنگ مهندس \_ اسدالله خان مهندس مترجم دویم \_ محمد حسن خان غلام پیشخدمت

اسامی مأمورین کارگذاریهای داخله کارگذاری اول در آذر بایجان و سایر

## کارگذاری اوّل

حناب ساعدالملک کارگذار اول \_ حاجی میرزا صادق خان سرتیپ نایب اول \_ قلی خان سرتیپ و مستشار مهماندار \_ حاجی میرزا معصوم خان نایب و منشی اول \_ میرزا مهدی خان سرهنگ نایب اول \_ میرزا حسن خان سرهنگ و نایب و مهماندار \_ میرزا حسرزا سرهنگ و نایب و مهماندار \_ میرزا محتد خان سرهنگ و نایب \_ میرزا محتد خان ناظم دفتر و سرهنگ \_ محتد خان ناظم دفتر و سرهنگ \_ میرزا رحیم اول \_ میرزا رحیم یاور کارگذاری \_ میرزا محمد آجودان \_ میرزا

## ادارة تذكرة آذر بايجان

عباسقلی خان امین الوزاره رئیس امنای تذکرهٔ آنجا ـ حاجی میرزا حسین نایب

ومنشى اؤل

کارگذاریهای ولایات دیگر ارض اقدس کارگذاری دویم میرزا معصومخان سرتیپ کارگذار میرزا فتح الله خان منشی

استرآباد کارگذاری دوتیم میرزا جوادخان کارگذار ـــ میرزا اسدالله منشی ـــ میرزا علی اکبرخان وقایع نگار جزء

### فارس

بوشهر و بندرعباس: حاجي ميرزا عبدالله خان كارگذار شيراز

### گيلان

نجف قلی خان کارگذار برزا عبدالرسول نایب برزا حبیب الله ان امین تذکرهٔ گیلان

### ساير ولايات

میرزا مختد قلی خان کارگذار قوچان و بجنورد \_ میرزا مهدی خان کارگذار مازندران \_ میرزا حسین خان کارگذار کاشان \_ محتمد جعفرخان کارگذار خارجهٔ اصفهان \_ میرزا آفاخان کارگذار خارجهٔ کرمانشاهان \_ سلیمان خان کارگذار خارجهٔ کردستان

اسامی سفرا و کار پردازان دولت علیه در ممالک خارجه ولایات دولت عثمانی اسلامبول

جناب معین الملک امیرتومان سفیر کبیر

میرزا احمدخان مستشار میرزا جوادخان نایب میرزا رضاخان

ترجمان اوّل محاجی محمدخان ژنرال
قونسول حاجی میرزا نجفعلی خان
نایب میرزا آقا منشی اوّل د کثر
پامادوکا حکیم سفارت حاجی

آقاخان ترجمان ضبطیه جورجکی

ترجمان تجارت میوسف بیگ ترجمان

بارونستی قانون دان سفارت

ارزنه الروم میرزا حسن خان کار یرداز

طرابزن

حاجي ميرزا حسينخان كار پرداز

مصر

حاجي محمّد صادقخان كار پرداز

شام میرزا حسنخان کار پرداز

## سایر خاک عثمانی

کرکوک: عباس بیگ \_ کاظمین:
کریم بیگ \_ مندلیج: میرزا ابوطالب \_
دیار بکر: میرزا حسین \_ مسیّب:
نصرالله بیگ \_ عمّاره: علی بیگ \_
سماوات: حسین بیگ \_ بیت المقدّس:
میرزا هادی \_ جدّه: حاجی میرزا علی
قونسول \_ ازمیر: محمّدخان \_ یعقوبیه:
یوسف خان \_ حلّه: حاجی عباسقلی \_
یوسف خان \_ حلّه: حاجی عباسقلی \_
قزل ر باطوشهر وان: شیرخان بیگ \_
انطاکیّه: موسی بیگ

## دولت انگلستان و غیره سفارتخانهٔ لندن و پروس و هلاند

جناب ناظم الدوله میرزا ملکم خان سفیر کبیر - اجزای سفارت را صورت نداده اند.

### هندوستان وغيره

بمبئی و هندوستان: میرزا سلیمانخان کار پرداز \_ کلکته: رستمچی قونسول \_ بیرمان: حاجی احمد قونسول

## دولت روسیّه سفارتخانهٔ پطرز بورغ و غیره

جساب میرزا اسدالله خان وزیر مختار و ایلیجی مخصوص به میرزا محمودخان

## وان میرزا موسی خان کار پرداز حلب میرزا شکرالله کار برداز

## عراق عرب وغیره بغداد

میرزا محمودخان کار پرداز اول ــ میرزا طهماسبقلی نایب ــ حسن افندی کاتب ترکی ــ حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان ترکی

### بصره

حاجی میرزا صادقخان کار پرداؤ۔ میرزا محمدخان نایب

> کر بلای معلّی محمّد حسن خان

نجف اشرف. میرزا عبدالوهاب خان

> خانقین محمّد اسمعیل بیگ

سلیمانیه میرزا علی خان کار یرداز

مستشار۔ میرزا علینقی نایب و منشی ۔ مترجم نفر ۔ آقامیرزا جعفر قونسول مسکو

### تفليس وسايرخاك قفقازيه

میرزا محمد علی خان معین الوزاره
کار پرداز مقیم تفلیس برزا رضاخان
دانشی نایب اوّل برزا معصوم خان
ویس قونسول باد کوبه بمیرزا بهرام
ویس قونسول لنکران و سالیان برزا
محمد دفتردار بیرزا جبارخان ویس
قونسول ایروان

### حاجي ترخان

میرزا عباس خان کار پرداز ــ منشی تفر ــ مترجم نفر

### سفارتخانة ياريس وغيره

جناب نظراقا وزیر مختار و ایلچی
مخصوص - میرزا احمدخان مستشار و
نایب - مسیو موزلیه حکیم سفارت مسیو منیه ژنرال قونسول - مسیو هرمان
ویس قونسول - مسیو ریشار قونسول
مارسیل - مسیو کرولو قونسول بردو مسیو ادونیه قونسول هاور

### سفارتخانة وينه

جناب نريمانخان وزير مختار وايلجي

مخصوص ــ میرزا حسن خان نایب اوّل سفراء دول متحابه و صاحبمنصبان مقیمین

## در در باز همایون و سایر ولایات سفارت دولت عثمانی در طهران

جناب فخری بیگ افندی سفیر کبیر \_ رفیقی بیگ نایب اوّل \_ سرکز افندی نایب دویم \_ میرزا حسن خان منشی اوّل

> ساير ولايات تبريز

على بهجت بيگ افندى باش شهبندر\_ ميرزا حاجى آقا منشى \_ منصور آقا وكيل شهبندر اروميه \_ عبدالاحد آقا وكيل شهبندر ساوجبلاغ

### كرمانشاهان

محمد رفیق بیگ شهبندر ــ حاجی ملااحمد منشی

### كردستان

آقیا سید جابر عرب وکیل شهبندر\_ میرزا بشیر منشی

شیراز حاجی سیّد ابراهیم وکیل شهبندر\_

ميرزا سيد محمد منشى

### همدان

حاجی محمّد سعید وکیل شهبندر ــ آقا محمّد حسین منشی

## سفارت دولت روس در طهران

جناب مسیو ملینکوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص \_ مسیو ارغیرو پولو نایب اول \_ مسیو غریغرویج مترجم اول \_ مسیو فیلی پیف مترجم دویم \_ مسیو اغناتیف آتشه \_ مسیو چرپ نین حکیمباشی \_ میرزا مهدی خان منشی اول \_ میرزا ابوالقاسم خان منشی دویم

## قونسولگري تبريز

مسیو پطرف ژنرال قونسول \_ مسیو اشچلکونف مترجم \_ کیناز دابیژا آتشه \_ مسیو پنافیدین نایب \_ میرزا علی اشرف خان منشی

## قونسولگری رشت

مسیدو دلاصوف قونسول به مسیو پاخیطونف نایب و مترجم به مسیو والری آتشه به میرزا عبدالله منشی اوّل

قونسولگری آسترآباد مسینو کاخانوفسکی قونسول ـــ موسیو لوتیسکی آتشه

شفارت دولت استریه و مجارستان جنباب مسیبو کوسیمک وزیر مختار و ایلچی مخصوص ــ مسیوشفر نایب اؤل

## سفارت دولت انگلیس در طهران

جناب رانلد طامسن وزیر مختار و ایلچی
مخصوص و قونسول ژنرال ــ دالتررینک
مستشار اول ــ ولیم هکرد مستشار دویم
ــ دیکسن صاحب السنهٔ شرقی ــ ارشرلارکم صاحب اسکندرفین ویس
قونسول ــ هنری جرجیل دفتردار ــ سرجوسف دیکسن طبیب ــ میرزا
ریس العابدین منشی اول ــ میرزا حسن
شیخعلی منشی دویم ــ میرزا حسن
منشی جهارم

سایر ولایات تبریز دیلیم جارج آبت قونسول ژنزال گیلان و مازندران و استرآباد

كلنل لوت

## سفارت دولت فرانسه در طهران

جناب مسیو دبالوا وزیر مختار و ایلچی
مخصوص \_ مسیوسوهار نایب اوّل \_
مسیولر مترجم اوّل \_ مسیو کلمب
مترجم و دفتردار سفارت \_ میرزا ابراهیم
منشی

### تبريز

مسیو امیل برنه ژنرال قونسول ... مسیو اودی برشانسلیسه ... میرزا حسن منشی

دولتین هلاند و رومانی شوالیه لشار شارل کیون ژنرال قونسول دولتین هلاند و رومانی

### بوشهر

کلنل راس بالیوز و قونسول ژنرال ــ کبیتان مکور نایب اوّل ــ منشی دو نفر ــ کاتب دو نفر

مشهد مقدّس میرزا عباسخان

اصفهان مستر آقانور

شیراز حیدر علی خان وکیل موقّتی همدان آقا سیّد حسین

كرمانشهان حاجي آقا حسن

## ادارات جناب جلالتمآب امین السلطان وزیر در بار اعظم و خزانهٔ عامره و گمرک و غیره

نايب كل ادارات ميرزا على اصغرخان امين الملك ولد جناب معزى اليه

مبارکهٔ اندرون ــ ریاست قراولان مخصوص وجود همایون ــ ریاست

کارها و امتیازات مخصوص ورارت در بار اعظم ــ ریاست خزانهٔ

اردوى همايون

## خلوت همايون ازباب مناصب

جناب اقبال الدوله رئيس خلوت همايونى - حكيم الممالك پیشخدمتباشی سلام \_ غلامحسین خان خازن ركيب خانه \_ مجدالملك ميرزا تقى خان منشى حضور و رئيس ادارة وزارت وظایف ... غلامحسین خان امینخلوت و تفنگدار باشی

اديب الممالك \_ محمّد حس خان محقّق ــ جعفر قلى خان ولد مرحوم اعتمادالدوله \_ اميرزاده سلطال عشيل المراب نايب السلطنه اميركبير وزير جنگ \_ ميرزا ــ محمّد حسين خان پيشخدمت و فراشباشي حضرت والانايب السلطنه اميسركبير وزير جنگ \_ محمد ابراهيم خان ولد مرحوم امين الدوله ـــ نور محمدخان امين ديوان \_ آقارضا ناظم خلوت ... ميرزا عبدالله خان ... جبّارخان \_ آقا میرزا محمّد گروسی \_ حاجى حسيبالله حان \_ محمد حسنخان ــ ميرزا سيّد عبدالكريمخان - حسين خان محلاً تي \_ اميرزاده سلطان ابراهيم ميرزا زنرال آجودان

حضور \_ اميرزاده آقبا مسيح \_ على اكبرخان يسر محمدخان \_ اميرزاده تيمور ميرزا

### صندوقخانه ورختدارخانه

امين السلطنه صندوقدار وحامه دار خاصه و خازن مخزن تداركات عسكرية دولت

## اطباء خاصه ايراني

ملك الاطباء ميرزا كأظم ... ميرزا سيّد رضى حكيمباشى نظام \_ شيخ الاطباء ميرزا حسينعلي ــ معتمد الاطباء ميرزا على دكتر وحكيمباشي حضرت والا ميرزا نصرالله تنكابني ــ ميرزا لقمان ولد ملک الاطباء \_ میرزا سیدعلی \_ حاجی ميرزا حبيب الله تنكابني \_ ميرزا اسدالله كاشاني

## فرنگني

جناب دكتر طولوزان حكيمباشي \_ ميرزا زين العابدين خان كاشاني نايب حكيمباشي طولوزان \_ مسيو هيدنه دندانساز

### باقى تفنگداران خاصه هشتاد نفر

### خواجه سرايان

معتمد الحرم حاجى آغاجوهر خواجه باشى و سرتيپ \_ آغامحراب \_ حاجى آغا سرورخان \_ حاجى آغا فيروز \_ آغاحسن \_ حاجى آغا غلامعلى \_ آغاسيد اسمعيل \_ آغابهرام \_ آغافتح الله \_ آغاميرزااحمد اردستانى \_ آغانورى \_ آغافرج

# اطاق موزة مباركه

آف میرزا علی اکبر مستوفی \_ میرزا علی نایب ایضاً \_ آقاباقر \_ آقا محمد نایب \_ آقا مهدی ساعت ساز

### ادارة خزانة مباركة ماليه

به ریاست میرزا اسمعیل خان ولد جناب امین السلطان \_ میرزا فضل الله خان مستوفی \_ میرزا احمد منشی \_ میرزا جعفر ایضاً \_ میرزا احمد منشی تحصیل دار \_ میرزا سید جعفر دفتردار \_ میرزا میرزا سید جعفر دفتردار \_ میرزا محمود مشرف وجوهات خزانهٔ مبارکهٔ اندرون \_ آقا محمدعلی تحویلدار وجوه کل خزانه \_ آقا هدایت تحویلدار وجوه گمرک و غلات \_ میرزا هادی خان سررشته دار \_ میرزا محمود سررشته دار \_ میرزا محمود سررشته دار \_ میرزا محمود سررشته دار \_

### فرأشخلوتان خلوت همايوني وغيره

میرزا کریم تحویلدار عمله خلوت همایونی \_ میرزا محمدخان نقاشباشی حضور \_ محمد صادق خان فراشخلوت \_ آقیا سید ابوالقاسم \_ آقیا سلیمان دهباشی خلوت \_ میرزا هدایت \_ آقا سید محمد \_ آقا صادق و غیره

### قهوه خانة مباركه

غلامعلی خان قهوه چی باشی ــ آقاجبّار قهوه چی

# تفنگداران خاصّه در ادارهٔ جناب اقبال الدّولِهِ

- میرزا عباس فهرست نویس - میرزا لطیف سررشته دار خزانه - آقاقلی صراف - آقا زین العابدین صراف -فراش ده نفر

# ادارة آبدارخانه وسقاخانه

به ریاست آقا محمدعلی امین الحضرة ولد جناب امین السلطان \_ آقابوسف سقاباشی \_ آقا حسینعلی \_ آقاباقر \_ آقادائی \_ میرزا ابوالقاسم نایب \_ میرزا غلامحسین سررشته دار \_ آقافتحعلی \_ عمله آبدارخانه پانزده نفر \_ سقا سی و هفت نفر

ا**دارهٔ صرف جیب مبارک** آقیا حسینعلی تحویلدار ـــ میرزا رضاقلی سررشته دار کل

### ادارة ضرّابخانه

حاجى محمد حسن امين دارالضرب \_ آقاباقر رئيس \_ ميرزا سيد عبدالله سررشته دار \_ حاجى محمد تحويلدار \_ ساير اجزاء هفتاد نفر

فوج سواد كوه قراول مخصوص المستحان الملك سرتيپ اول ــ تصرالله خان سرهنگ ــ ميرزا سيد يوسف سررشته دار

# ادارة چراغ گاز و الكتربسيته

ميرزا نظام مهندس الممالک رئيس \_ ميرزا حسين پشر ميرزا على اكبر مستوفى سررشته دار \_ استاد يوسف استاد كارخانه \_ عمله جات شصت نفر

# ادارهٔ گـمـرکـخانههای ممالک محروسه

مسيو كتابجي قانون نويس ــ ميرزا على سررشته دار \_ میرزا علی اصغر مترجم \_ محمد تقى خان ناظم ميزان آذر بايجان ب آقاباقر مدیر گمرک گیلان و مازندران و بنادر دریای خزر لے غلامرضاحان ناظم میزان یزد و کرمان و کاشان سه محمد حسین میرزا مدیر گمرک قزوین و خمسه و همدان ــ سنجر ميرزا مدير گمرگ كرمانشاهان \_ عباسعلى بيگ مدير گمرک طهران \_ محمد حسن میرزا مدیر گمرک خراسان \_ میرزا نصرالله مدير گمرك اصفهان \_ محمد حسینخان مدیر گمرک فارس و بنادر ـــ حیدرخان مدیر گمرک نهاوند و ملایر و تویسرکان ــ محمودبیگ مدیر گمرک گروس و کردستان

### ادارة غلات ممالك محروسه

به ریاست میرزا اسمعیل خان ولد جناب امین السلطان \_ میرزا رضا قلی خان سررشته دار \_ میرزا ولی \_ محمدخان مأمور نقد و جنس ادارات حضرت والا ظل السلطان \_ محمد تقی خان مأمور غلات آذر بایجان \_ آقا رضاخان مأمور غلات خمسه و گروس \_ آقاباقر مأمور غلات قزوین \_ یوسف خان مأمور ملایر و قروین \_ یوسف خان مأمور ملایر و تویسر کان و همدان و نهاوند \_ ابراهیم خان مأمور سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام \_ محمود بیگ مأمور قبا وساوه

# ادارة حكومت وتوليت زاوية مَقَدَّسَةً حضرت عبدالعظيم عليه السّلام

جناب آقامیرزا هدایت الله ناظم التولیه و حسید قلی خان ناظم التولیه و نایب الحکومه د حاجی سیدعلی فراشباشی د میرزا اسمعیل مهردار حاجی میرزا عبدالکریم صدرالحفاظ د میرزا یحیی ناظر میرزا حبیب الله کلیددار آقا شیخ احمد واعظ میرزا باقر عبدالحسین سرکشیک د آقا میرزا باقر سرکشیک آقا میرزا باقر میرزا بزرگ فراش ضریح میرزا بزرگ فراش ضریح میرزا کاظم مستوفی د میرزا کاظم مستوفی د میرزا

ولی منشی باشی د حاجی آقا محمد تحویلدار نقد و جنس د میرزا حسین سررشته دار د خذام بیست و پنج نفر قراء بیست نفر د گلابدار پانزده نفر د مؤذن و چراغچی پانزده نفر

# ادارهٔ حکومت های مخصوصه

سمنان و دامغان و چهارده کلاته به حکومت خیاء الدوله به طارم به حکومت آقاباقر به سواد کوه به حکومت حاجی ولی خان نایب الحکومه به لشته نشا و املاک مجدالدوله در گیلان به حکومت اکبرخان بیگلر بیگی به تجریش اکبرخان بیگلر بیگی به تجریش شمیسران: محمد اسمعیل بیگ

# ادارهٔ شترخانه و قاطرخانه و شترکلائی و تخت خانه

تايب الحكومه

به ریاست محمد قاسم خان صاحبجمع ولد جناب امین السلطان \_ میرزا علیمحمد مشرف شترخانه \_ حاجی میرزا محمدعلی مشرف تختخانه \_ میرزا علینقی مشرف قاطرخانه \_ جوادبیگ نایب اول شتر باری \_ نصیر بیگ نایب دویم شتر باری \_ موسی خان نایب تختخانه \_ حاجی

حسن نایب قاطرخانه باباحاجی نایب دویم بابااکبر تحویلدار جنسی ب عمله جات از بابت دهباشی و داروغه و قاطرچی و ساربان یکهزار و یانصد نفر

# ادارهٔ سواره دیوانی دوهزار و یکصد و بیست نفر

### سواره دويرن

آقاجان خان سرهنگ \_ كريمخان ايل بيگي \_ ميرزا رحمت الله مشرف \_ صاحبمنصب و سوار پانصد نفر

### سوارة افشار

جهانشاه خان سرتیپ و رئیس کل میروزا میرزا محمدعلی سررشته دار میروزا موسی مشرف ـ صاحبمنصب و سوار پانصد نفر

#### خواجه وند

علی اکبرخان سرتیپ \_ حسنخان ایل بیگی \_ میرزا شکرالله مشرف \_ صاحبمنصب و سوار پانصد نفر

### اوصانلو

سیف الله خان سر کرده به میرزا حسن مشرف به صاحبمنصب و سوار دویست نفر

### سوارة هداوند

رحیم خان سرکرده \_ میرزا ابوالقاسم مشرف \_ صاحبمنصب و سوار صد و پنجاه نفر

### قراچوړلو

صفرعلی خان سرکرده ــ میرزا اسحق مشرف ــ صاحبمنصب و سوار یکصد نفر

### سوارهٔ قراسوران راه قزوین

جمعی آقاباقر ـــ بیوکخان سرکرده ـــ میرزا علی اصغر مشرف ـــ صاحبمنصب و سوار یکصد و هفتاد نفر

# ادارة انبار غلّة دارالخلافه

به ریاست آقایوسف سقاباشی میرزاعلی سررشته دار - میرزا حسن
سررشته دار - فرخ آقا تحویلدار - میرزا
حسنعلی روزنامه نویس - میرزا ربیع
مشرف - مباشر و عمله جات از قباندار
و فرّاش و غیره ده نفر

### ادارة ايلات دارالخلافه

ابوابجمعی امین الملک ولد جناب امین السلطان: عرب ورامین \_ عرب میش مست \_ عرب سمنانی \_ ایل

هداوند \_ ایل اوصانلو\_ ایل قراچورلو\_ ایل الیکائی \_ ایل گاو باز \_ ایل بختیاری \_ ایل قشقائی \_ ایل اوریات \_ ایلات متفرقهٔ عرب وکلکو

# ادارة بتاخانه وفخارخانه

علاء الملک مستوفی یتانی – حاجی
ابوالحسن معمار باشی – میرزا حسین
سررشته دار – میرزا مصطفی قبلی
سررشته دار – میرزا غلامحسین
سررشته دار – حاجی میرزا سیّد ابوطالب
سررشته دار – میرزا مصطفی مدیر
فخارحانه – حاجی حسینعلی معمار
باغات دیوانی – استاد حسین معمار
عمارات همایونی – استاد حسین معمار
عمارات همایونی – استاد حسین معمار
عمارات همایونی – استاد حسین معمار

بقائیهای نظام نے حاجی محمد حسن کدخدای فخارخانہ نایب وفراش بیست نفر

راه افجه و نور و فیروز کوه و آمل سیرده به میرزا تقی و میرزا نظام مهندس الممالک

### ادارهٔ راههای شوسه

راه شوسه قزوین سپرده به آقاباقر عمله جات یکصد و هشتاد نفر ــ راه شوسهٔ قم سپرده به میرزا نظام مهندس الممالک ــ عمله جات دائمی پنجاه نفر

# ادارهٔ دارالسفطاره مسارکه و ادارهٔ مقدّسه

مُهر مِهرآثار همایون به ریاست جناب جلالتیمآب عضدالملک وزیر حضور همایون و خوانسالار و خازن مهر مهرآثار و ایلخانی ایل جلیل قاجار

انجزای دارالتظاره محمدقلی خان پیشخدمت حضور

نایب النظاره میرزا علینقی
منشی باشی میرزا صادق سررشته دار
میرزا علی اکبر شربتدار باشی میرزا محمدرضای شربت دار
میرزا محمد نایب شربتخانهٔ مبارکه میرزا محمد حسن چورکچی باشی ماستاد
زین العابدین آشپز باشی ماجی
نصرالله طباخ خاصه دویم ماقا

میرزای خاصه پز - کربلائی ربیع ایاغچی باشی

اجزای ادارهٔ مُهر مِهر آثار همایون میرزا زین العابدین حافظ مهر مهرآثار مبارک \_ محمد کریم بیگ حامل مهر هـمایـون شفراً و حضراً \_ قراول و مستحفظ شش نفر

ایشیک خانهٔ مبارکه امیرالامراء العظام ظهیرالدوله ایشیک آقاسی باشی

ایبان ایشیک آقاسی باشی و یساولان محمد امین خان محمد خان قور یساولباشی سامیرزاده حسینقلی خان سیساولباشی سامیرزاده حسینقلی خان سیساولباشی خان سامیدالله خان سامیدالله خان سامی محمد علی خان برادر محمد علی خان برادر شهر بازجان سامی خان سامی

محمّدعلي خان نوائي ــ محمّدخان نوائي ... مهديقلي خان \_ مرتضى قلى خان \_ ميرزا سيدهاشم \_ ميرزا حسينقلي \_ سلیمان آقا \_ محمّدعلی خان گروسی \_ میرزا مهدی خان ــ حسین بیگ ــ میرزا عبدالحسين \_ عباسقلي خان \_ حاجي عليمحمدخان \_ آقا محمد رحيم خان دائس \_ غلامعلى خان اشرفى \_ امامقلی خان نوائی \_ کریمخان زنگنه ... محمودخان نوري ... غلامحسين خان ايرواني ــ ميرزا محمّدتقي نوري ــ ميرزا محمد حسين ــ محمد حسين خان زنگنه \_ عباسقلي خان \_ حاجي عبدالله \_ سلیمانخان\_عبدالرزاقبیگ\_ فرج الله خان \_ ميرزا عبدالكريم \_ عباسقلی بیگ \_ حاجی محمّد تقی خان ــ محمّد آقای ایروانی ــ یساولان پنجاه نفر

### كشيكخانة مباركه

امیرالامراء العظام عبدالله خان کشیکچی باشی \_ میرزا محمد تقی وکیل لشکر مباشر کل محاسبات کشیکخانه مبارکه \_ محمودخان قوللر آقاسی باشی

# غلام بيشخدمتان

درجهٔ اوّل چهارده نفر درجهٔ دویم بیست و چهارنفر درجهٔ سیّم بیست و هشت نفر درجهٔ چهارم هشتاد و هفت نفر

### يوز باشيان

رست خان قاجار سرتیپ – عباسقلی خان گرجی سرتیپ – حیدرقلی خان مافی سرتیپ – محمد قلی خان بیات . سرتیپ – عزت الله خان مافی سرتیپ – عزت الله خان مافی سرتیپ – کلیعلی خان قبه ای سرتیپ – مامور الله ماسیقلی خان یوز باشی مأمور آذر بایجان – سعدالله خان یوز باشی – ایضاً – علی اصغر خان یوز باشی – عبدالله خان موسی خان قبه یوز باشی – عبدالله خان ایضاً – محمد محمد اسمعیل خان ایضاً – محمد اسمعیل خان ایضاً

# فرّاشخانه وسرايدارخانه و نسفچيخانهٔ مباركه محمد حسنحان حاجبالدوله

فراشباشي ونسقحي باشي

## فراشخانه

حسینفلیخان نایب کل نے میرزا آقا سررشته دار

### نايبان

درجهٔ اول یازده نفر: آقاشیرمحمد قروینی
تحویلدار انبار ... آقا محمد جعفر تبریزی
... ابوالقاسم خان ... میرزا سید جعفر ...
جعفر خان بیگ قراجه داغی ...
محمدتقی بیگ ابری ... میرزا ابراهیم
مازندرانی ... محمد تقی بیگ شمیرانی
... آفا علی اکبر هرسینی ... محمد
ابراهیم خان کاشانی ... رحیم خان

درجهٔ دویم هیجده نفر: میرزا محمدتقی

میرزا عباسقلی - آقارضاقلی - میرزا
حبیب الله - میرزا عبدالحمید - میرزا
اسدالله - میرزا محمد - آقارجب آقامهدی - میرزا عباس - مهدی خان
- احمدآقا - کربلائی کاظم - محمد
مهدی بیگ - میرزا آقا ولد
ابوالقاسم حان - میرزا جبار - آقا
سیدرضای خیام باشی - محمد حسین
بیگ چراغچی باشی

درجهٔ سیّم چهارده نفر: میرزا فتح الله خان \_ آف ا محمدعلی \_ علی آفا بیگ \_ غلامحسین خان \_ رضاخان کاشی \_

میرزا احمد \_ محمد حسین بیگ \_ ابوالقاسم خان ولد مهدی خان \_ ابراهیم خان ولد ابوالقاسم خان نصرالله بیگ \_ حاجی میرزا \_ محمدآقا بیگ \_ حسین آقا \_ حبیب الله بیگ قراجه داغی

قاپوچى باشى وقاپوچيان.

مسحمه آقسای قباپوچی بساشی سه احمدخان نایب ولد قاپوچی باشی سه کر بلائی رمضان سهلوان ابراهیم یزدی

### سرايدارخانه

محمد ابراهیم خان سرایدار باشی که حسینقلی خان نایب ولد سرایدار باشی که رضاخان نایب ولد ایضاً که آقایوسف نایب که آقا محمد نایب که علی مددخان نایب که میرزا ابراهیم نایب

### نسقخانة مباركه

محمد رحيم خان نسقچى باشى ولد حاجب الدوله

### نايبان

عباس خان قاجار \_ هادی خان قاجار \_ محمد زمان خان \_ ابوالقاسم خان قاجار \_ خانبابا خان سربندی \_ میرزا حسین

مشرف \_ يوسف خان قاجار \_ ميرزا محمود نورى \_ محمدرضاخان قزويني \_ يحيى بيگ طهراني

, , ,

### غلامان مهديه ومنصور

ابوابجمع علاء الدوله ميرزا احمدخان سرتيپ اوّل و پيشخدمت مخصوص حضور همايون

> **سوارهٔ مهندیّه** سیصد و هشتاد و چهار نفر

### ارباب مناصب

بیست و دو نفر: محمودخان سرتیپ ولد مرحوم سپهدار - حاجی حسینخان سرتیپ نوادهٔ مرحوم رفیع خان قاجار -میرزا تقی خان سرهنگ - فتح الله خان سرهنگ - رحمت الله خان یوز باشی -غلام نویس دو نفر - نایب پنج نفر -پنجاه باشی ده نفر

> ساير سيصد وشصت ودونفر

سوارهٔ منصور هزار و دویست و پنجاه و هشت نفر

### ارباب مناصب

پنجاه و دو نفر: عباسقلی خان سرتیپ
ولد حاجی صحصام الملک \_
زیس السعابدیس خان سرتیپ ولد
حسام الملک \_ امیرزاده فریدون میرزا
ولد مرحوم سالار \_ محبعلی خان
یوز باشی غلامان خلج \_ خیرالله خان
یوز باشی غلامان مافی \_ لطفعلی خان
یوز باشی غلامان مافی \_ لطفعلی خان
یوز باشی غلامان گروسی \_ حاجی
محتد ولنی خان یوز باشی غلامان

سیل سپر \_ علیمرادخان سرکرده غلامان تکلو \_ اسمعیل خان سرکرده ولد قاسم خان سرتیپ \_ آقاسی خان سرکرده ولد ایضاً \_ میرزا رضا قلی خان سرکرده \_ اسکندرخان سرکرده غلامان خلج \_ میرزا موسی مشرف \_ نایب نوزده نفر \_ پنجاه باشی بیست نفر

> سایر یکهزار و دویست و شش نفر

ادارات خاصه جناب جلالتماب امین الدوله مدیر و مرتب دارالشورای کبری و واسطهٔ عرایض و صدور احکام

وزارت وظايف كل ممالك محروسه

جناب جلالتمآب امين الدوله وزير وظايف

### دفترثبت وحساب

رئیس میرزا سید مصطفی مستوفی و نایب الوزارهٔ وظایف ب میرزا نصرالله سررشت دار ب میرزا سید حسین سررشته دار ب میرزا محمد سررشته دار ب میرزا علی اصغر سررشته دار

### دفتر خاصه وزارت

رئیس کل مجدالملک منشی حضور همایون - منشی مخصوص میرزا مصطفی خان - میرزا محمدعلی منشی - میرزا محمد حسین محرر و ثبات

ورئيس اطاق مركزيه \_ مسيونيكلا نايب اؤل و دفتردار و منشى مكاتبات خارجه ــ ميرزا اسمعيل منشي باشي نایب اول وزارت بست \_ میرزا ابراهیم سررشته دار و محاسبه نویس کل پستخانه ها \_ ميرزا مطلب نقاشباشي و تحويلدار كل يستخانه ها \_ ميرزا هادي تحويلدار امانات \_ ميرزا اسدالله منشى اؤل ــ ميرزا على منشى دويم ــ ميرزا ابوتراب دفتردار ايستاتستيك ... ميررًا على خان گيرنده نوشتجات ــ ميرزا إسدالله تحويلدار امانات خارجه \_ ميرزاعلي معين ايضاً \_ آقاعلي و اسمعيلخان مجزاكنندة نوشتة دآخله و خارجه ـــ ميرزا ابراهيم مميّز نوشتجات و بارنامه ها \_ ميرزا ابراهيم معين ميرزا هادي تحويلدار امانات \_ ميرزاعلي دفتردار ملتمسه ... میرزا اوانس بزرگ و ميرزا اوانس كوچك دفتردار ملتمسه و نوشتجات سفارشي ومترجم \_ ميرزا نيكلا رئيس يستخانة خيابان ومترجم زبان روسی ــ نادعلی خان غلامباشی \_ محمدخان نايب اوّل مأمور خط مازندران \_ حسينقلي بيگ يساول اول - طهماسببیگ بساول دوتم -غلامان كل ولايات هشتاد نفر\_ فرّاشان

### دفتر انشاء

رئیس میرزا مهدی منشی باشی نایب الوزاره مد نویسنده میرزا محتد م ثبات دو نفر

# دفتر تحقیق و تصحیح به ریاست کل راجع است

#### اعضاء

میسرزا سید مصطفی مستوفی و نایب الوزاره ب میرزا مهدی منشی باشی ب میرزا نصرالله سررشته دار

### دفتر اسناد

رئیس میرزا سیدحسین ـــ محرّر و ضابط میرزا سیّدیوسف

### اجزاى مجلس وزارت اوقاف

آقیامیرزا حسن مستوفی رئیس ۔ آقا سید محمدباقر جمارانی ناظم مجلس ۔ میرزا محمد منشی مجلس اوقاف ۔ میرزا حسن کتابچه نویس ۔ میرزا سید حسین سررشته دار۔ میرزا یوسف ثبات

# ادارهٔ پستخانهٔ مبارکه به وزارت جناب جلالتمآب امین الدوله

اجزاء پستخانهٔ دارالخلافهٔ طهران میرزا محمد علی خان مستشار نایب اول

پستخانهٔ مرکزیهٔ طهران ده نفر

# خـط آذر بایجان پستخانهٔ مرکزیّهٔ تبریز

میرزا حسن خان سرهنگ و رئیس پستخانه های آذر بایجان \_ میرزا حاجی آقا تحویلدار امانات و نوشتجات \_ میرزا رضا سررشته دار و تحویلدار ورود و خروج \_ میرزا محمود تحویلدار و دفتردار ایستاتستیک و ملتمسه ها \_ میرزا مهدی تحویلدار نوشتجات سفارشی و متفرقهٔ داخله \_ حسن آقا کنترل نویس \_ غلامان خط طهران پنج نفر \_ غلامان خط حوی دو خط جلفا دو نفر \_ غلامان خط خوی دو نفر \_ فراش پستخانهٔ تبریز شش نفر رئیس نفر

بستخانه های ولایات جزو آذر بایجان میانج میرزا مهدی مباشر ــ فراش نفر

# ساوجبلاغ

میرزا تقی مباشر\_ نویسنده نفر\_ غلام نفر\_ فراش نفر

# ا**رومیّه** میرزا نیکلا مباشر ــ غلام نفر ـــ فرّاش نفر

#### خلخال

ميرزا اسمعيل مباشر\_ نويسنده نفر\_ غلام نفر

#### خيوي

میرزا مهدی مباشر ــ نویسنده نفر ــ فراش نفر

### مراغه

میرزا آقا بالا ــ نویسنده نفر ــ فرّاش نفر ــ غلام نفر

# اردبيل

میبرزا علینقی مباشر بنویسنده نفر ب غلام نفر به فراش نفر

### سلماس

ميرزا غلام مباشر ـ غلام نفر ـ فراش نفر

#### جلفا

اميىرخان رئيس ــ نويسنده نفر ــ فراش نفر

### قزوين

ميرزا زين العابدين رئيس ــ ميرزا حاجي آقا نويسنده ــ فراش سه نفر

#### حلفا

یوسف خان رئیس ــ نویسنده نفر ــ فرّاش نفر

#### آباده

میرزا جعفر رئیس \_\_ فرّاش نفر

### شيراز

نظرعلی خان رئیس ــ میرزا باقر نویسنده ــ فرّاش سه نفر ــ قاصد شش نفر

### كازرون

ميرزا آقا رئيس \_\_ فراش نفر

## بندر ابوشهر

مسیدوزیتون رئیس سه میرزا محمود نویسنده سه میرزا محمدعلی گیرندهٔ نوشتجات سه فراش دو نفر سه قاصد شش نفر

# خط یزد و کرمان نائین

ميرزا محمّد رئيس ـــــ فرّاش نفر

#### بىزد

میرزا ابوالقاسم رئیس \_\_ نویسنده نفر \_ فراش سه نفر \_ قاصد شش نفر

### زنجان

میرزا محمدعلی رئیس ـــــــ نویسنده نفر ــــ فرّاش سه نفر

#### رشت

میرزا سرکیس خان رئیس \_ میرزا تقی نویسنده \_ تحویلدار نفر \_ فراش سه نفر

> افزلی میرزا جبّار ـــ فرّاش نفر

### خط فارس ة

میرزا فضل الله رئیس ــــــــ نویسنده نفر ــــ فرّاش دو نفر

#### سلطانآباد

میسرزا نیصرالله رئیس ــ نویسنده نفر ــ فراش دو نفر

### كاشان

میسرزا هاشم خان رئیس \_ میرزا ابراهیم خان نویسنده \_ فراش سه نفر

### اصفهان

میرزا گرگین رئیس ــ میرزا نصراللہ نویسندہ ــ فراش سه نفر

### كرمانشاهان

حاجی میرزا ابراهیم رئیس ــ میرزا تقی نویسنده ــ فراش سه نفر

خانقين

میرزامحمود رئیس ــ فرّاش دو نفر

خط خراسان سمنان

میرزاعلی رئیس ــ فراش دو نفر

شأهرود

ميرزا سيّد نصرالله رئيس ــ نويسنده نفر

🗀 فرّاش دو نفر

مرز تحت تا عير رامان بيدي سبزوار

میرزا اسمعیل رئیس \_\_ نویسنده نفر \_ فراش دو نفر

نيشابور

میرزا محمد حسین رئیس ـــفراش دو نفر

ارض اقدس

حاجى ميرزًا ابوالقاسم رئيس ــ ميرزًا محمّد حسين نويسنذه ــ فرّاش چهارنفر كرمان

میترزا علیرضاخان رئیس ـــ میرزا جواد نویسنده ـــ فراش سه نفر

سيرجان

مرتضى قلى خان رئيس ــــــ فرّاش نفر

رفسنجان

ميرزا آقا رئيس ــ فراش نفر

بندرعباس

ميرزا عبدالوهاب رئيس ... فراش نفر ... قاصد هشت نفر

> لار رئیس نفر \_ فرّاش نفر

خـط خانقین نوبران

میرزا علینقی مباشر ــ فرّاش نفر

همدان

میرزا یحیی رئیس \_ میرزا محمد نویسنده \_ فراش سه نفر

> تویسرکان میرزا احمد مباشر ــ فرّاش نفر

> > كنگاور

ميرزا محمّد مباشـر ــ فرّاش نفر

فرّاش دو نفر

نهاوند

میرزا فتح اللہ رئیس ـــ فرّاش نفر

بروجرد

ميرزا عبدالغني رئيس ــ فرّاش نفر

گروس

میسرزا فسرج الله رئیسس - غلام راه ساوجبلاغ دو نفر - غلام راه گروس از ده کلان الی بیجار دو نفر - فراش نفر

سنندج

ابوالقاسم خان رئيس \_ نويسنده نفر \_

فرّاش دو نفر

خط مازندران آمــل

ميرزا اللهيار رئيس ــ فراش نفر

بارفروش

حیدرخان رئیس ــ فراش نفر

سارى

حسن خمان رئيس ــ نويسنده نفر ــ فرّاش دو نفر

استرآباد

میرزا اوانس رئیس ــ نویسنده نفر۔ فراش دو نفر

خط كردستان رئيسة دولت آباد

اسدالله خمان رئيس \_ نويسنده نفر \_

ادارهٔ وزارت تجارت و فلاحت به وزارت جناب جلالتمآب نصیرالدوله وزیر تجارت و فلاحت

مسسسسار وزارت تجارت \_ ميرزا حسن خان منشى \_ حاتم خان آجودان

سایر اجزای مجلس محاکمات حاجی میرتقی آقا ـ حاجی علی اکبر صاحبمنصبان مجلس محاکمات مشیر لشکر رئیس مجلس و نایب وزارت تجارت - حاجی میرزا یوسفخان نایب مشیر لشکر - میرزا ابوترابخان

شیرازی - حاجی احمد آقای اردبیلی - آقا محمد ابراهیم ارباب طهرانی - آقا محمد امین ارباب طهرانی - حاجی ملاحسن تاجر طهرانی - آقا سید عبدالرّحیم معین التجار

### مجلس محترم محاسبات

شاهزاده نصرالله میرزا رئیس مجلس و
نایب وزارت - حاجی میرزا تقی آقا آقا سید آقای تاجر کاشانی - آقا میرزا
ابراهیم شیرازی - حاجی محمد ابراهیم
ار باب طهرانی - حاجی محمد حسین
تاجر کاشانی - میرزا یعقوب محاسب
- حبیب الله خان آجودان

# مجلس محترم ترويج

شاهزاده حاجی محمد طاهر میرزا رئیس مجلس میرزا ابوتراب خان مستشار وزارت تجارت میرزا اموتراب خان مستشار منشی باشی میرزا مهدی منشی میآقا عبدالباقی ارباب طهرانی حاجی محمد حسن امین دارالضرب حاجی علی اکبر تاجر دهدشتی میرزا محمود منشی کاظم منشی میآقا میرزا محمود منشی کاظم منشی میرزا محمود منشی میرزا

### تجار معروف متوقف طهران

حاجى محمد كاظم ملك التجار ممالك محروسه ـ حاجى آقا موسى اصفهاني - خاجى ميرزا عبدالرحيم شيرازى صراف خزانهٔ نظام ــ حاجي علينقي تـاجـر كـاشاني ــ حاجي ابوطالب تاجر طهراني \_ حاجيي محمد حسين تاجر تبريزلى \_ آقا شيخ محمود تأجر تبريزي ــ حاجى ميرمعتدآقا تاجر تبريزي ــ حاجى عبداللطيف تاجر دهدشتى \_ آقا سيد كاظم معين التجار گيلاني \_\_ **حاجى عبدالحسين تاجر شيرازى \_** آقاعیسی پسر حاجی علی اصفهانی ــ حاجي على اصغر امين معادن \_ حاجي محمد صادق تاجر كاشاني ـ حاجي على تاجر يزدى ـ حاجى ميرزا محمدعلى تاجر شيرازى \_ حاجى محمد حسین تاجر کاشانی ــ حاجی غقار تاجر تبریزی ۔ آقا علی محمّد تاجر تبریزی ـ حاجی حسن تاجر نخجوانی \_ حاجى محمدتقى تاجر كاشانى \_ حاجی محمد مهدی تاجر کاشانی \_ حاجى محمد حسين ملك التجار كاشاني ــ آقا ميرزا حبيب الله تاجر كاشانى ... آقا على محمد كاشانى ...

آقاميرزا احمد تاجر كاشاني ــ حاجى شكرالله تاجر طهراني \_ ميرزا ابوالقاسم تاجر اصفهاني \_ حاجي على احمد تاجر طهرانی \_ آقا محمّد اسمعیل تاجر جهرمي ــ حاجي محمّد آقاي تاجر همدانی \_ مشهدی محمود تاجر تبریزی \_ حاجى ميرزا احمد تاجر شيرازى \_ حاجي ابراهيم تاجر اسكوئي ... حاجي آقا كوچك تاجر قزويني ــ حاجي عبدالرزّاق تاجر اسكوئي ــ آقا محمّد حسین تاجر تبریزی ــ حاجی ابوالقاسم تـاجـر جـهـرمي ــ آقا محمّد حسين تاجر مازندرانی ــ حاجي عباس تاجر قزويني ـــ آقـاعــلی مقدّم تاجر قزوینی ـــ حاجـی محمدرضا تاجر شیرازی ــ حاجی محمّلاً جعفر تاجر خراساني

> مجالس تحقیق سایر ولایات ممالک محروسه که از جانب وزارت تجارت معیّن شده است

تبریز حسینقلی خان بیگلر بیگی مملکت آذر بایجان رئیس

# اجزاء

حاجی سیدتقی آقا ناظم التجار ــ حاجی شیخ جعفر ــ حاجی محمد

حسین ملک التجار حاجی محمد صادق مشیرالتجار حاجی آقاهاشم معتمدالتجار حاجی عبدالحمید \_ حاجی سید حسین تاجر اصفهانی \_ حاجی سید مرتضی

### زنجان

رئيس حاجي ميرزا محمّد حسين وزير

#### اجزاء

حاجي مير بهاء الدين\_ آقاهدايت ملک التجار\_ حاجي يوسف

# فزوين

شاهزاده يعقوب ميرزا رئيس

رونون وسساوي

#### اجزاء

حاجی محمّدرضای ارباب ـ حاجی میرزا مهدی ارباب ـ حاجی محمّد صادق ارباب

# **گیلان** رئیس محمّد خان سرهنگ

#### اجزاء

حاجی محمد معین التجار حاجی محمد آقای ملک التجار حاجی حسب الله حاجی میرالتجار حاجی مشیرالتجار حاجی کاظم قزوینی

# **اصفهان** رئیس: جعفر قلی خان قاجار

### اجزاء

حاجی آقا محمد ملک التجار حاجی محمد کاظم قزوینی - حاجی عبدالباقی - حاجی سید ابراهیم - حاجی سید ابراهیم - حاجی عبدالغفار - آقا محمد مهدی ارباب

# شیراز رئیس: محتدرضاخان بیگلر بیگی

#### اجزاء

حاجی شیخ زین العابدین حاجی محمد صادق - حاجی سیّد آبراهیم تاجر اصفهانی - حاجی میرزا آبوالقاسم - حاجی محمد مهدی حجاب - حاجی میرزا جواد کشمیری - حاجی محمد حسین تاجر کازرونی - آقا میرزا بزرگ تاجر شیرازی

# يز**د** رئيس: ابراهيم خليلخان حاكم

#### اجزاء

آقا كوچك ملك التجار ... حاجى محمد صادق ناظم التجار ... آقاعلى آقا تاجر

شیرازی \_ حاجی محمدتقی شیرازی \_ حاجی محمد قا محمد حاجی محمدتقی عرب \_ آقا محمد حاجی ملا محمدتقی معین التجار

# بوشهر رئیس حاجی مهدی ملک التخار

### اجزاء

حاجی علی اکبر تاجر کازرونی \_ آقا حاجی ابوالقاسم تاجر کازرونی \_ آقا محمد تاجر دهدشتی \_ حاجی محمد حسین تاجر کازرونی \_ حاجی غلامحسین \_ حاجی محمد حسن تاجر بوشهری \_ حاجی محمد ابراهیم تاجر نیل فروش

# کردستان رئیس: میرزا علینقی

### اجزاء

حاجی میر ابراهیم امین التجار - آقا سید فرج الله - حاجی سید محمد - آقاباباخان - آقاحبیب الله - آقافتحملی همدانی

### كاشان

رئيس: حاجي عباسقلي خان حاكم

### اجزاء

حاجی محمد حسن امین التخار بے حاجی سید جعفر بے حاجی سید ابراهیم بے حاجی سید حاجی علینقی بے حاجی لطفعلی بے حاجی لطفعلی

همدان رئیس: میرزا احمد پیشکار

#### اجزاء

حاجی محمد سعید عرب حاجی میرعباس دزفولی د حاجی ابوالقاسم مشهور به رشتی د حاجی محمدرضای نراقی درویش همدانی

### مازندران

رئيس: سهام الدوله سرتيب اول حكمران

#### اجزاء

میرزا علینقی ملک التخار - حاجی محمد اسمعیل - آقا سیدحسن -حاجی سید حسین - آقا خلیل -حاجی ملاآقاجان

> مشهد مقدّس رئيس حاجي ابوالقاسم ملك التجار

اجزاء حاجي محمود تاجر كابلي ــ حاجي

محمد تقی تاجر میلابی - حاجی محمد جعفر تاجر کاشانی - حاجی ابوالقاسم تاجر کابلی - حاجی مهدی تاجر اصفهانی - حاجی محمد حسین تاجر مشهدی مشهور به قاضی

# كرمان رئيس: آقا محمدعلي امين الرعايا

#### اجزاء

آقیا سید مهدی تاجر اصفهانی - حاجی محمد جعفر تاجر هرندی - حاجی غلامرضا تاجر خراسانی - حاجی اسدالله تاجر یزدی - شیخ محسن تاجر گرمانی

### عراق

به ریاست میرزا علی اکبرخان ناب الحکومه

### كرمانشاهان

به ریاست حاجی آقاحسن وکیل التجارهٔ دولت انگلیس

## سمنان و دامغان به ریاست آقا محمّد باقر تاجر یزدی

شاهرود وبسطام به ریاست محمدخان قوریساولباشی

حاكم

### اجزاء

حاجی ابوالقاسم تاجر بسطامی - آقا محمد هاشم تاجر اصفهانی - میرزا بابا تاجر شیرازی - حاجی محمدعلی تاجر اصفهانی - حاجی میرحسین تاجر شاهرودی

# گروس به ریاست آقا اسدالله تاجر همدانی

# سبزوار

به ریاست میرزا اسمعیل رئیس پستخانه

### ملإير

ب ریاست حاجی محمد جعفر امین التجار ملایر

# وزارت علوم وغيره

جنباب جلالتمآب مخبرالدوله وزير علوم وتلكراف ومعادن ممالك محروسه

وزارت علوم مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون

# معلّمین ایرانی

حاجی نجم الملک سرتیپ دویم و معلّم کلّ علوم ریاضی و منجم باشی — میرزا ابوالقاسم حکیمباشی معلّم طبّ ایرانی — میرزا کاظم معلّم حکمت طبیعی — میرزا علی دکتر معتمدالاطباء طبیب حضرت معلون و حکیمباشی حضرت والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ معلّم طبّ فرنگی — میرزا محمّد دکتر رئیس مریضخانهٔ مبارکه معلّم طبّ فرنگی — میرزا علی اکبرخان نقاشباشی فرنگی — میرزا علی اکبرخان نقاشباشی سرهنگ معلّم زبان فرانسه و نقاشی — سرهنگ معلّم زبان فرانسه و نقاشی —

### رؤساء وصاحبمنضبان

جناب جعفرقلی خان سرتیپ اول و رئیس مدرسه \_ محمد حسین خان سرتیپ دوتم و ناظم مدرسه \_ میرزا اسدالله خان نایب اول وزارت علوم \_ محمد تقی میرزا سرتیپ سیّم و آجودان مدرسه \_ میرزا محمد حسین رئیس الکتاب احکام نویس مدرسه \_ میرزا محمد تقی سررشته دار مدرسه \_ اسدالله خان کتابدار \_ محمد حسین میرزا روزنامه نویس اطباء

شش نفر

مهندسين

شش نفر

شاگردان دویست و شصت و دو نفر

### ساير معارف مدرسه

میرزا جعفرخان ناظر مدرسه ... میرزا نصیر مدیر دواخانهٔ دولتی ... میرزا آقابزرگ مدیر عکاسخانه ... میرزا عباس نقاش و مدیر باسمه خانهٔ مدرسه ... غلامحسین بیگ نایب مدرسه

اجزای مجلس حافظ الصّحة جشاب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم حاب جعفر قلی خان رئیس مدرسه

### اطبّاي ايراني

ملک الاطباء حکیمباشی حضور همایون

- آقامیرزا سیدرضی حکیمباشی نظام

- شیخ الاطباء طبیب مخصوص حضور

- میرزا ابوالقاسم حکیمباشی و معلم

مدرسه - میرزا کاظم معلم حکمت

طبیعی - میرزا علی دکتر معتمدالاطباء

طبیعی - میرزا علی دکتر معتمدالاطباء

طبیعی حضور مبارک و حکیمباشی

میسرزا علی خان قاجار معلّم طبّ مجّانی ـــ ملامحمّد صادق معلّم فارسی و عربی

فرنگی

مسیوریشاردخان معلم زبان فرانسه
دارای درجهٔ دویم سرتیپی ... مسیو
پروسکی خان معلم زبان فرانسه دارای
درجهٔ دویم سرتیپی ... مسیولمر معلم
موزیک دارای نشان درجهٔ سیّم شیر و
خورشید و نشان طلای علمی ... مستر
طلر معلم زبان انگلیسی دارای نشان
درجهٔ سیّم شیر و خورشید ...
مادر وسخان سرهنگ معلم زبان
روسی و دارای نشان درجهٔ چهارم شیر و
خورشید ... دکتر البومعلم طبّ مسیو
فلمر معلم توپخانه ... مسیو وت معلم
فلمر معلم توپخانه ... مسیو وت معلم
فلمر معلم معدن

مترجمين

محمّد باقرحان سرهنگ \_ مهدیقلی خان پسر جناب وزیر علوم

> خلفاء وغيره خلفاء

> > ازریاضی وغیره: نه نفر

· شاگردان فارغ التحصيل دوازده نفر

حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ میرزا محمد دکتر رئیس مریضخانهٔ مبارکه محاجی میرزا حبیب الله حکیم حضور میرزا نصرالله طبیب حضور میرزا عبدالکریم میرزا عبدالله میرزا عبدالله میرزا علی اکبرخان میرزا عبدالله میرزا محمدتقی میرزا محمدتقی میرزا محمدتقی میرزا نصرت طبیب میرشده و طبیب مریضخانه و رئیس آبله کوبی طهران محمد حسین میرزا روزنامه نویس

فرنگي وغيره

جناب د کتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضور همایون مصور آن مخصوص خضور نایب زین العابدین خان حکیم حضور نایب د کتر طولوزان د دیکسن صاحب حکیمساشی سفارت انگلیس د کتر چرب بین طبیب سفارت روس د کتر مکمز

# اجزاء مریضخانهٔ مبارکهٔ دولتی رئیس و اطباء

ميرزا محمد دكتر رئيس مريضخانه مباركه \_ حسنخان طبيب و دواساز \_ ميرزا نصرت طبيب مخصوص مدرسه دارالفنون و طبيب حافظ الصحه و رئيس

آبله کوبی طهران ـ آقاسید ابوتراب مقیم شب و روز مریضخانه ـ میرزا قوام الدین طبیب میرزا ابراهیم ایضاً ـ میرزا فرهاد شاگرد دواساز

### ساير اجزاء

میرزا سید علی تفرشی مشرف مریضخانه

مشهدی حسین تحویلدار شیخ

محتد مؤذن \_ ناظر و طبّاخ و ایاغچی
سه نفر \_ سایر عمله جات نورده نفر

اجزاء مدرسهٔ دولتی تبریز از قرار سنهٔ ماضیه است

ادارهٔ تلگرافیهٔ ممالک محروسه به وزارت جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم: چهارصد و هشتاد و پنج نفر

# دارالـخـلافـهٔ بـاهـره و حـضـرت عبدالعظیم(ع)

ارباب مناصب داخله

حسینقلی خان سرتیپ و رئیس کل \_
نصرالله خان سرتیپ قاجار تلگرافچی
عمارت مبارکه \_ محمدرضا خان
سرهنگ تحویلدار \_ محمدرضا میرزا
سرهنگ \_ محمودخان سرهنگ رشتی
\_ جلیل میرزا \_ تلگرافچی سی و دو نفر

# ارباب قلم

میرزا سلیم خان سررشته دار کل ... میرزا عبدالوهاب منشیان ... منشیان دوازده نفر ... محررین دوازده نفر

### اجزاى خارجه

مسیو شارل سرتیپ دفتردار خارجه \_ مسیوباطنا میکانکچی \_ مسیولائین ناظم \_ خلیل میرزا سرهنگ \_ آقا نرسس تلگرافچی

سایر عمله جات از غلام سواره و پیاده و فراش و غیره بیست و نه نفر

> سایر ولایات خط فارس و کرمان قسم

محــمّد میرزا رئیس ـــ تلگرافچــی سه نفر ـــ نویسنده نفرـــ فرّاش دو نفر

### كاشان

عبسی خان سرهنگ و رئیس \_ تلگرافچی دو نفر \_ نویسنده نفر \_ فراش دو نفر

# اصفهان وتوابع و کویا و نائین

مینزرا ابوالقاسم خان سرتیپ و رئیس ــ تــلگــرافیچی هفت نفر ـــ نویسنده سه نفر ـــ غلامان چهار نفر ـــ فراشان چهار نفر

# شیراز وابوشهر وآباده و کازرون

علی اصغرخان سرهنگ و رئیس ــ تلگرافچی هشت نفر ــ نویسنده نفر ــ فرّاش هشت نفر

> یــزد روتوابع وعفدا و کرمانشاه

### كرمان

وتوابع وبهرام آباد و انار عباسعلی خان سرهنگ و رئیس ــ تلگرافچی سه نفر ــ نویسنده نفر ــ غلام

شش نفر ــ فرّاش سه نفر

خط آذر بایجان و گیلان قزوین محمد مهدی میرزا رئیس ـــ تلگرافیچی

سه نفر ــ نویسنده نفر ــ فراش سه نفر

زنجان جعفرحان رئیس ــ تلگرافچی نفر ــ فراش دو نفر

> آذربایجان شهرتبریز

میرزا حیدر علی خان سرتیپ و رئیس ـــ تــلگرافچی یازده نفر ــــ نویسنده چهار نفر ـــ غلام دو نفر ـــ فراش پنج نفر

> ولایات جزء میانج تلگرافچی نفر ــ فراش نفر

خوی تـلگـرافـچی نفرـــ فراش نفرـــ غلام دو نفر

سلماس حسین آقا یاور و رئیس ــ تلگرافچی دو نفر ــ غلام پنج نفر ــ فراش نفر

> مرنـد الگرافچی نفرـــ غلام نفر

جلفا ٹگرافچی نفر۔ فرّاش نفر

میان**دوآب** تـلـگـرافـچی نفرـــ غلام دو نفرـــ فرّاش نفر

> **کوکان** تلگرافچی نفر۔۔۔ غلام دو نفر

**مراغمه** تـلـگـرافـچـی نفر\_ غلام دو نفر\_ فرّاش نفر

ساوجبلاغ تلگرافچی نفر ــ غلام نفر ــ فراش نفر

ترکرآفچی نفر\_ نویسنده نفر\_ غلام دو نفر\_ فرّاش دو نفر

> گیلان رشت

شاهـمراد میرزا رئیس ــ تلگرافچی سه نـفـر ــ نـویسنده نفر ـــ غلام چهار نفر ـــ فرّاش دو نفر

نقاط تابعه منجیل تلگرافچی نفر ــ غلام شش نفر ـــ فرّاش نفر

> سر پــل تلگرافچــی نفرــــ غلام نفر

کردستان میسرزا اسمعیلخان سرهنگ و رئیس ـــ تبلگرافچی نفر ـــ نویسنده نفر ـــ غلام و فراش چهار نفر

پیر*ائی بیری قروه* تلگرافچی نفر ــ غلام سه نفر ــ فرّاش نفر

بیجار تلگرافچی نفر - غلام نفر - فرّاش نفر ملایر میرزا محمد یاور ورئیس - تلگرافچی نفر - نویسنده نفر - غلام دو نفر -فرّاش نفر

عراق سیف الملوک میرزا رئیس ــ تلگرافیج - انزلی تلگرافچی نفر ــ غلام نفر خط خانقہ م

خط حانقین و عربستان خانآباد

تُلگرافچی نفر ــ غلام دو نفر

**نوبران** تلگرافچی نفرـــ غلام دو نفر

زره تلگرافچی نفر ــ غلام دو نفر

همدان نصرالله خان سرهنگ رئیس \_ میرزا طاهرخان سرهنگ \_ تلگرافچی پنج نفر \_ نویسنده نفر \_ ناطال صاحب تلگرافچی خارجه \_ غلام چهار نفر \_ فراش چهار نفر

> **کنگاور** تلگرافچی نفرـــغلام دو نفر

کرمانشاهان و سرحدات کرمانشاهان

محتمد صفی میرزا سرتیپ و رئیس ... میرزا حسین سرهنگ ... تلگرافچی شش نفر: (داخله سه نفر)، (خارجه سه نفر) ... غلام سه نفر ... فرّاش سه نفر

نفر ــ نویسنده نفر ــ غلام دو نفر ــ فرّاش نفر

#### نهاوند

میرزا حسین یاور ورئیس ــ تلگرافچی نفر ــ غلام دو نفر ــ فراش دو نفر

### بروجرد ورازان

میرزا حسین سرهنگ و رئیس تلگرافچی چهـا رنفر ـــ نویسنده نفر ـــ غلام پنج نفر ـــ فرّاش سه نفر

### خرمآباد

میرزا موسی خان سرهنگ و رئیس ــ تــلگـرافـچی نفرـــ غلام دو نفرـــ فرّاش دو نفر

### عربستان

میرزا جواد رئیس ــ تفگرافچی نفر ــ غلام دو نفر ــ فرّاش دو نفر

# خط خراسان و مازندران ایوانکیف

تلگرافچی نفر ــ غلام دو نفر

#### خوار

تلگرافچی نفر۔ غلام دو نفر

#### سمنان

حاجى باباخان رئيس ــ تلگرافچى دو

نـفرـــ نویسنده نفرـــ فرّاش و غلام چهار نفر

# فيروزكوه

تىلىگىراڧچى نفر \_ غلام سواره و پياده دو نف

#### دامغان

حاجى آقا رئيس ــ تلگرافچى نفر ــ نويسنده نفر ــ غلام سه نفر

### شاهرود ونقاط تابعه

آقیاخیان سرهنگ و رئیس ــ تلگرافچی چهار نیفر ــ نویسنده نفر ــ غلام ده نفر ـــ فراش یک نفر

# 

حبیب الله میرزا سرهنگ و رئیس ــ تلگرافچی سه نفر ــ غلام هفت نفر ــ فراش سه نفر

#### نيشابور

محمد حسین میرزا رئیس - شیندلر صاحب سرتیپ - تلگرافچی نفر -فراش و غلام پنج نفر

### مشهد مقدّس

میرزا فضل الله خان سرتیپ و رئیس ـــ تلگرافیجی سه نفر ــ نویسنده نفر ــ غلام بمر

مشهدستر تلگرافچی نفر ــ غلام نفر ــ فرّاش نفر اشـرف

تىلگىرافچى نفر\_غلام سە نفر\_ فرّاش نفر

## وزارت معادن

جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم
و معادن \_ مسیوشیندلر سرتیپ مهندس
\_ مرتضی قلی خان سرهنگ ولد جناب
وزیر علوم \_ عباس قلی خان سرهنگ
مهندس \_ میرزا عبدالکریم منشی \_
مهندس \_ میرزا عبدالکریم منشی \_
خاجی علی اصغر امین معادن \_ میرزا
ظاهر سرهنگ \_ معلم معدن پروسی و
غیره دو نفر \_ سایر اجزاء دو نفر

دو نفر ـــ فراش پنج نفر

استرآباد سید حسینخان سرهنگ و رئیس \_ تلگرافچی دو نفر \_ غلام چهار نفر \_ فرّاش دو نفر

> مازندران ساری

میرزا هدایت الله خان رئیس مازندران \_ تبلگرافیچی نفر \_ نویسنده نفر \_ غلام چهار نفر \_ فراش دو نفر

بارفرو*ش* تــلـگــرافــچـی نفر\_\_ غلام دو نفر\_\_ فراش دو نفر

بندرجز تـلـگـرافچـي نفر\_ غلام سه نفر\_ فرّاش

# وزارت فوايد عاقه

جناب جلالتمآب امين لشكر وزير فوايد عامه مد اجزاى وزارت فوايد عامه هنوز معيّن نشده است.

## ساير ادارات

اصطبل خاصة مبارك اميسرالامراء العيظام مجدالدوله

مهدیقلی خان امیرآخور اصطبل مبارک ــ میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل

خاصه و سایر دواب دینوانی به میرزا رضاقلی سررشته دار به حاجی میرزا رضا مشرف به حاجی میرزا مهدی ایضاً به میرزا نصیر ایضاً

### نايبان اصطبل

بیست و چهار نفر: رشیدخان میرزاب ابراهیمخان ب ولی خان ب حاجی نایب ب محمدبیگ ب سایر نایبان نوزده نفر. سایر عمله اصطبل از جلودار و غیره: دویست و پنجاه نفر

كالسكه خانة مباركه به رياست اميرالامراء العظام امير دوست محمدخان معيرالممالك

### صاحبمنصبان ونايبان

پنج نفر: حاجی حسینعلی باشی که کلیهٔ امورات کالسکه خانه با مشار الیه است ـ ابوطالب بیگ نایب \_ میرزا یعقوب مشرف \_ میرزا علی رضا \_ جعفرقلی بیگ. سایر عمله: نود وشش نفر

# شاطران به ریاست بشیرالملک فضل الله خان شاطر باشی

### جارچيان

محمد هاشم خان جارچی باشی ب حسن خان ایضاً ب ایضاً ب ایراهیم خان ایضاً ب غلامحسین خان ایضاً ب غلامحسین خان ایضاً

### قوشخانة مباركه

ابراهیم خان قوشچی باشی ... میرزا علی حان قورقچی باشی

# يرسيري ميرشكار واتباع

حاجى مصطفى قلى خان ميرشكار ـ على حان ميرشكار ـ على حان ولد ميرشكار نايب \_ غلامحسين حان ولد ايضاً \_ حبيب الله خان \_ ساير اتباع معروف: نه نفر

# وزارت انطباعات و دارالترجمهٔ خاصّهٔ دولتی

و مدیر کل باغات و قنوات دولتی

جناب صنیع الدوله وزیر انطباعات دولت علیه و رئیس دارالترجمهٔ خاصهٔ همایونی

# دارالترجمهٔ مبارکهٔ دولتی مترجمین ایرانی از بابت ز بان فرانسه و انگلیسی و غیره

میسرزا رحیم پیشخدمت پسر حکیم الممالک مترجم زبان انگلیسی میرزا عیسی خان سرهنگ مترجم زبان فرانسه و غیره \_ میرزا علی خان مترجم زبان انگلیسی و فرانسه

# ایضاً مترجمین ایرانی ازبابت زبان عربی وغیرہ

میرزا محمد حسین ادیب ملقب به فروغی رئیس دارالطباعهٔ دولتی مترجم زبان فرانسه و عربی \_ میرزا علی محمدخان سرهنگ نایب اوّل وزارت انطباعات مترجم زبان عربی \_ میرزا سیّد ولی مترجم علم جغرافیا

# مترجمين فرنگي وغيره

مسیوریشاردخان سرتیپ معلم و مترجم زبان فرانسه و انگلیسی وغیره معلم و پروسکی خان سرتیپ دویتم معلم و مترجم زبان فرانسه و جغرافی و آجودان مخصوص وزارت جنگ \_ بارون نرمان مترجم زبان فرانسه و آلمان \_

مادر وسخان مترجم زبان فرانسه و روسی مأمور به خدمت ترجمانی ادارهٔ سوارهٔ قراق روسی ــ عارف بیگ مترجم ترکی عثمانی وغیره

# اجزای وزارت انطباعات و ادارهٔ روزنامه جات

ميىرزا سيدحسن مستوفى روزنامه جات و دارالطباعة دولتي \_ ميرزا محمّد حسين اديب ملقب به فروغى رئيس دارالطباعة دولتی \_ میرزا علیمحمدخان سرهنگ نایب اول وزارت انطباعات ــ میرزا إبوتراب نقاش مخصوص ونقاشباشي وزارت انطباعات ... ميرزا سيداحمد كاتب روزنامهٔ ايران وسالنامه وغيره ـــ ميرزا سيد ولي مرتب حروف روزنامة اطلاع وغيره ومترجم علم جغرافي \_ آقا ميرمحمدعلى كاتب \_ ميرزا عباس نقاش و استاد طبع مأمور به حدمت طبع منطبعات مدرسة دارالفنون ـ ميرزا عباس كاتب ومحرر دارالطباعة دولتي .. میرزا یوسف مباشر چاپخانه های دارالخلافة طهران \_ استاد حبيب الله استاد مخصوص طبع دارالطباعة دولتي ... استاد محمد ابراهیم استاد طبع دستگاه سفری \_ ملآغلامحسین مذهب

دارالطباعة دولتى ــ استاد محمد
اسمعيل صخاف دارالطباعه ــ ساير
عمله جات بيست و پنج نفر ــ اميرزاده
عباسقلى ميرزا پيشخدمت مخصوص
حضرت والا وليعهد رئيس عمل روزنامه
و باسمه خانه هاى آذر بايجان ــ
مباشرين روزنامة ساير ولايات معتبره
هشت نفر

ادارة روزنامة فرهنگ منطبعة اصفهان میرزا تقی خان سرتیپ دویم حکیمباشی حضرت والا ظل السلطان رئیس و نگارندهٔ روزنامهٔ فرهنگ \_ میرزا عبدالرحیم خوشنویس متخلص به افسر محرر روزنامه

مؤلفین و اجزاء مجلس تألیف نامهٔ دانشوران ناصری حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی \_ آقا شیخ مهدی عبدالرب آبادی مترجم مخصوص مؤلفات \_ آخوند ملاآقای قزوینی مترجم \_ میرزا سید مرتضی

مشرجم - ميرزا طاهر خوشنويس كاتب كتاب - ميرزا عبدالحسين مسوده نويس - كتابدار نفر

# ادارهٔ باغات و عمارات و قنوات مبارکهٔ دولتی رؤساء

حاجی میرزا حسین ممیز ــ محمد باقر بیگ باغبان باشی ــ استاد اسمعیل مقنی باشی ــ حاجی حسینعلی معمار مخصوص ــ میرزا عبدالمجیدخان نایب سراینداران سلطنت آباد و نایب کل دوشان تیه

# مريز مروشته دار وغيره

میرزا مهدی سررشته دار کل قنوات و باغات دولتی ــ میرزا محمدعلی مشرف دوشان تیه

> باغبان وسرایدار کل باغات مبارکهٔ دولتی پانصد نفر

# ولایات ممالک محروسه سوای دارالخلافهٔ طهران که در جزو ادارات در باری نوشته شده است

وليعهد جاويد مهد دولت عليّه فرمانفرما و حكـمـران مـمـلـكت آذر بايجان ادام الله مملكت آذر بايجان وغيره نواب اشرف والاشاهنشاهزادهٔ اعظم

اقسبال السعالى سانواب والا اعتضادالسلطنه سابار حسنعلى خان سالارلشكر سانواب حاجى سيف الدوله رئيس ديوان خانة عدليه سانواب حاجى بهاء الدوله رئيس قشون آذر بايجان سحناب صديق الدوله كارگذار و وزير ماليه و داخلة مملكت آذر بايجان عميدالدوله حكمران مراغه ساميرزاده اكبر ميرزا حكمران اردبيل و مشكين ساير حكام و كارگذاران جزء آذر بايجان هريک در طبقة خود نوشته شده اند در اينجا حاجت به تكرار نيست.

کارگذاران و عمله جات مخصوص در بخانهٔ نواب اشرف والا ولیعهد

امیرزادگان و ارباب مناصب و باشیان نواب شعاع السلطنه ناظر و مهردار نواب نواب اسحق میرزا امیرآخور - نواب لطفعلی خان کشیکچی باشی - حاجی محمد حسین خان صدرالدوله ایشیک آقاسی باشی - میرزا محمد فخرالاطباء - میرزا ابوالحسن حکیمباشی - میرزا ابوالحسن حکیمباشی - میرزا اسمعیل خان صندوقدار - حاجی اسمعیل خان صندوقدار - حاجی احدان شاطر باشی - محمد احدان شاطر باشی - محمد صدادق خان آجسودان باشی محمد

حسیسن خان بختیساری قوللر آقاسی باشی باشاخان یوز باشی ب محتدخان سرهنگ یسزدی ب حبیب الله خان صاحبجمع ولد مرحوم فتح الله خان ب کلیعلی خان میرشکار

### منشيان ومستوفيان

میرزا فضل الله خان منشی باشی - میرزا سلیمانعلی مستوفی - میرزا محمد مستوفی سواد کوهی - میرزا صادق خان سررشته دار مخصوص - میرزا محمدعلی منشی ولد جناب میرزا علیمحمد املاباشی - میرزا آقا منشی گرمرودی

### عملة خلوت

خانباباخان نایب پیشخدمتباشی —
امیرزاده علی بخش میرزا پیشخدمت و
امیرزاده عباسقلی میرزا پیشخدمت و
رئیس عمل روزنامهٔ آذر بایجان —
حاجی رضا قبلی حان — میرزا
عیسی خان پیشخدمت و کتابدار —
مرتضی خان ولد جناب مخبرالدوله —
میرزا علی اکبرخان ولد فخرالاطباء —
میرزا محمد علی خان کاشی — حاجی
میرسبحان ولد حاجی محمدتقی خان
ولد قلعه بیگی تبریزی — میرزا جواد نوادهٔ

فرمانفرما ادامالله اقباله العالى

### اجزاى حكومت

امیرالامراء العظام صارم الدوله امیرتومان رئیس کل\_جناب مولوی ملاباشی\_میرزا سلیسمانخان منشی باشی نایب الحکومهٔ اصفهان \_ مظفرالملک حاجی میرزا محسنخان سرتیپ \_ محمد اسمعیلخان میرزاخور \_ سراج الملک میرزا رضا قلی خان مستوفی پیشکار \_ میرزا تقی خان سرتیپ دوتیم حکیمباشی \_ علی خان رئیس مدرسهٔ همایونی \_ میرزا موسی خان

# ارباب قلم مستوفیان و اهل دفترخانه

میرزا حبیب الله خان مستوفی بنان الملک

محمد حسن مستوفی برزا علی مستوفی
محمد حسن مستوفی برزا علی مستوفی
میرزا زین العابدین برزا جعفر مستوفی
صاحب میرزا جعفر مستوفی
مخصوص

# ارباب قلم مخصوص دربخانهٔ حضرت والا میرزا نصرالله خان مستوفی ــ میرزا رضا حکیم منشی مخصوص ــ حاجی میرزا

ابراهیم خان مستوفی \_ میرزا حسنعلی خان منشی \_ میرزا تقی خان منشی

### مملكت فارس

نواب اشرف والا ظلّ السّلطان فرمانفرمای مملکت فارس ادام الله اقباله العالی به نواب والا جلال الدوله نایب الایالهٔ مملکت فارس به جناب صاحبدیوان کارگذار کل مملکت فارس به جناب قرام المذک به مملکت فارس به جناب قرام المذک به حاجی نصیرالملک به مؤیدالملک به میرزا حسین خان به محمدرضاخان به گلر بیگی به حاجی میرزا آقاخان و کیل به بیان الملک به جناب میرزا علی محمد میرزا جعفر حکیمباشی باشی به حاجی میرزا جعفر حکیمباشی

# كرمانشهان وكردستان

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما ادام الله اقباله العالى - جناب ناصرالملك حكمران كرمانشهان و كردستان - جناب ميرزا محمد اقبال الملك نايب الايالة كردستان - مصطفى قلى خان نايب العكومة كرمانشاهان

### عربستان

نواب اشرف والآظل السلطان حكعران

# عملة فراشخانه

حسین حان نایب \_ فراشان و غیره سی نفر

### عملة كارخانه

امیرزاده مغرور میرزا نایب ناظر ب میرزا تقی خان نایب ناظر ب سایر عمله جات بیست نفر

## تفنگداران

اسـدالله خان نایب تفنگدار باشی ـــ سایر تفنگداران ده نفر

### نايب آجودانها

مهدیقلی خان آجودان حضور والا \_\_ حمزه خان پسیان \_\_ میرزا محمدخان جناب وزیر دفتر \_ امیرزاده محمدقلی
میرزا \_ احمدخان برادر حاجی
خازن الملک \_ میرزا حسینعلی ولد
مرحوم حاجی میرزا رحیم \_ حسنخان
نوادهٔ جناب صاحبدیوان \_ سلطان
علی خان \_ فراشخلوتان چهار نفر

### عملة صندوقحانه

میسرزا مهدی سررشتهدار ـــ عزیزالله خان ــــ گرک یراق و غیره پنج نفر

### قهوه خانه وآبدارخانه

كىر بىلائىي حسسيىن سقّاباشى \_ اسدالله خان قهوه چى باشى \_ ساير اجزاء پنج نفر

# عملة اصطبل

عبدالمجيد ميرزا نايب ــ سايرسي نفر

ممالک و ولایات مفضلهٔ ذیل به حکومت و فرمانفرمائی وصاحب احتیاری نواب اشرف والا شاهنشاهزادهٔ معظم ظلّ السلطان ادام الله اقباله العالی بعلاوه ریاست قشون و افواج ولایات مفضلهٔ ذیل:

عراق ــ گـلپايگان ــ خوانسار ــ کمره ــ محلاّت

#### اصفهان

نواب اشرف والاظل السلطان حكمران و

ولایت اصفهان مملکت فارس ایالت کرمانشهان ایالت کردستان: ایالت عربستان ایالت لرستان ولایت بروجرد و بختیاری ولایت یزد ایالت

ادام الله اقبال المعالى \_ اميرزاده احتشام السلطنه نايب الايالة عربستان \_ شيخ مرغشى خان نايب الحكومة محمره \_ آقارضاى مستوفى وسررشته دار

### لرستان وبروجرد

نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادام الله اقباله العالى حكمران

### لرستان

امیرزاده حشمت الدوله نایب الایالهٔ لرستان ــ شاهرخ میرزا نایب الحکومهٔ خرّم آباد ــ میرزا عبدالله منشی ــ میرزا جعفرقلی ــ میرزا سیدرصای مستوفی و سررشته دار

#### بروجرد

اميرزاده حشمت الدوله نايب الايالة بروجرد \_ ميرزا سيد ابراهيم سررشته دار

#### يسزد

نواب اشرف والا ظلّ السلطان حكمران ادام الله اقباله العالى \_ ابراهيم خليل خان نايب الحكومه \_ محمود آقا \_ ميرزا محمد مستوفى \_ ميرزا ابوالقاسم منشى

### عراق وغيره

نواب اشرف والاظل السلطان حكمران ادام الله اقباله العالى ... ميرزا على اكبرخان نسايب الحكومه ... ميرزا سيد رضاى

سررشته دار ــ محمدصادق خان

گلپایگان و خوانسار و کمره نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالى \_ نایب الحکومه گلیایگان \_ نایب الحکومه خوانسار \_

نايب الحكومة كمره

قسون و افواج جمعی نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادام الله اقباله العالی

افواج

افواج ثلثهٔ اصفهان \_ افواج خمسهٔ عراق \_ افواج اربعهٔ کرمانشهان \_ فوج کمره \_ فوج سیلاخور \_ فوج گلپایگان \_ فوج امرائی \_ فوج پشتکوهی

#### سواره

دو هزار و پانصد نفر: سوارهٔ بختیاری اصفهان پانصد نفر - سوارهٔ ایلات فارس پانصد نفر - سوارهٔ ایلات بروجرد پانصد نفر - سوارهٔ ایلات کرمانشاهان پانصد نفر - سوارهٔ ارستانی و غیره پانصد نفر.

> صاحبمنصبان افواج افواج ثلثة اصفهان

# فوج جلالي فوج في

حاجى ميرزا عبدالوهاب خان سرتيب ــ نواب والا جلال الدوله سرهنگ ــ حاجى ميرزا محمدعلى مشرف

### فوج فريدن

حاجی مصطفی قلی خان سرتیپ \_ میرزا احمدخان سرهنگ \_ میرزا سلیمان مشرف

فوج چهارمحالی میرزا عبدالحسینخان سرهنگ \_ میرزا محسن مشرف

> افواج خمسة عراق فوج برچلو

محتمدخان سرتیپ ... میرزا میگذید. مشرف

> فوج خلج قم میرزا محمّد حسین مشرف

فوج کزازی حاجی صمصام الملک سرتیپ \_ ذوالفقارخان سرهنگ \_ میرزا تقی مشرف

فوج سر بندی مصطفی خان سرهنگ ـــ میرزا فتح اللہ مشرف

# فوج فراهان

نواب ناصرالدوله سرتیپ محمد طاهرخان سرهنگ میرزا اسمعیل مشرف

> افواج اربعهٔ کرمانشهان جزء آن معین نشده است

افواج كمره وغيره فوج كمره

جزء ندارد

فوج گلپایگان باقرخان سرهنگ ــ میرزا آقاحان

فوج سیلاخوری رضاخان سرهنگ سه میرزا فضل الله مشرف

> افواج لرستانی فوج امرائی ۔۔۔ فوج پشتکوهی

ولایات و ایالاتی که حکومت آنها در ادارهٔ نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیرجنگ ادام الله اقباله العالی است ایالت گیلان

جناب عبدالله خان والی حکمران گیلان و طوالش ـــ میرزا سیّد تقی لشکرنویس پیشکار گیلان

ايالت دارالمرز مازندران اميرالامراء العظام محمد ابراهيم خان سهام الدوله سرتيب اول حكمران مازندران

استرآباد و گرگان و ترکمان امیرالامراء العظام ساعدالدوله امیرتومان حکمران استرآباد و گرگان و غیره

قم وساوه وشاهسون بغدادی جناب اعتضادالدوله حکمران قم وساوه وشاهسون بغدادی

اجزای حکومت و معارف قم امیرزاده عباس میرزا نایب الایاله \_ نصرالله خان پیشکار جناب متولیباشی \_ جناب حاجی سید جواد مجتهد

ادارهٔ ساوه عـلىخان نايبالحكومه ـــ حاجى ميرزا احمد مجتهد

> ادارة شاهسون بغدادى ميرزا محمد حسين نايب الحكومه

ملاير وتويسركان ونهاوند

نواب والاعضدالدوله حكمران ملاير و تويسركان و نهاوند \_ اسدالله خان نايب الحكومة نهاوند

دماوند

حاجى ميرزا يحيى خان حكمران دماوند

فيروزكوه

ميرزا فضل اللهخان حاكم فيروزكوه

سایر ممالک و ولایات محروسهٔ ایران مملکت خراسان و سیستان

فواب والا ركن الدوله فرمانفرماى مملكت خراسان وسيستان \_ نواب معين الدوله نايب التوليه \_ نواب نيرالدوله پرويز ميرزا \_ اميرزاده علينقى ميرزا نايب الحكومه \_ جناب حاجى مستشارالملك مستوفى اول وپيشكار مملكت خراسان

مملکت کرمان وبلوچستان نواب ناصرالدوله حکسران کرمان و بهوچستان ــ میرزا سیّد کاظم مستوفی و پیشکار مالیاتی

قزوین نواب والا ملک آرا حکمران قزوین و

### توابع

## خرقانين

به حكومت اميرالامراء العظام اللهيارخان آجودانباشي اميرتومان

### كنگاور

به حکومت رحمت الله خان ساري اصلان

### اسدآباد

به حكومت خانباباخان سرتيپ پسر اميرالامراء العظام سليمانخان صاحب اختيار

### نطنر

در جزو حکومت نواب مؤیدالدوله و سرحاجی حسام السلطنه ــ میرزا محمد تقی حکمران نطنز

#### جوشقان

به حکومت گساشتگان امیرزاده معزالدوله

### طارم

آقاباقر تايب الحكومة طارم از جانب جناب امين السلطان

### سواد كوه

حـاجى ولى خان نايب الحكومة سوادكوه از جانب جناب امين السلطان

### ولايات خمسه

نواب مؤیدالدوله حکمران ولایات خمسه ــ میرزا محمد حسین مستوفی و پیشکار

#### همدان

نواب والا عزالدوله حكمران همدان \_ أميرزاده حسينقلى ميرزا نايب الحكومه \_ ميرزا احمد بيشكار همدان

#### كاشان

حاجی عباسقلی خان قاجار حکمران ولایت کاشان ــ میرزا سید حسن پیشکار کاشان ــ میرزا حسن سررشته دار

#### سمنان ودامغان

اميرزاده انوشيروان ميرزا ضياء الدوله حكمران سمنان و دامغان

### شاهرود وبسطام

محتمدخان نایب ایشیک آقاسی باشی حکمران شاهرود و بسطام

## گروس

جناب حسنعلی خان سالار لشکر حاکم ارومی و سلماس و گروس و غیره ... لطفعلی خان نایب الحکومهٔ گروس

# ممالک خارجه اروپ

# دولت آستريه ومجارستان

امپراطور: فرانسوا شارل ژزف در سنهٔ ۱۲٤٦ هجری متولد شده ـ ولیعهد: آرشیدوک رودلف فرانسوا شارل ژزف ـ رودلف فرانسوا شارل ژزف ـ پایتخت: وینه ـ صدراعظم و وزیر دول خارجه: کنت کالنکی ـ مذهب دولتی: کاتولیک و پروتستان هم دارد ـ جمعیت: هفتاد کرور

#### دولت اسيانيا

پادشاه آلفونس دوازدهم \_ سنش:
بیست وشش سال \_ وزیر اعظم:
گانواس دل گاستیلو\_ مذهب دولتی:
کاتولیک \_ حمعیت: سی و سه کرور و
سیصد و سی و پنج هزار نفر \_ پایتخت:
مادرید

# دول معتبرة آلمان

جمعیت کلیه: هشتاد و چهار کرور مذهب دولتی: پروتستان و بعضی کاتولیکی هستند

# اولآباد فرمانفرما: فردریک گیلیوم لوی ــ

سنش: پنجاه و هفت سال \_ وليعهد: فردريك گيليوم لوى پلد اگوست \_ سنش: بيست و شش سال \_ پايتخت: كارلسرو \_ مذهب: پروتستان

#### باوير

شاه: لوی دو تیم أتُن فردریک گیلیوم ــ سنتش: ســی و هشت سال ـــ پایتخت: مونیک ـــ مذهب: کاتولیک

#### پروس

اصپراطور آلسان و پادشاه پروس:
فردریک گیلیوم اوّل در سنهٔ ۱۲۱۲ به
هجری متولّد شده و در سنهٔ ۱۲۸۸ به
امپراطوری آلمان برقرار گردیده و سنّش
هشتاد و شش سال است و ولیعهد:
فردریک گیلیوم نیکلا شارل سنش:
پنجاه و دو سال و وزیر اعظم: پرنس
بیزمارک مذهب دولتی: پروتستان و
بعضی هم کاتولیک هستند پایتخت:

# دولت ساکس شاه: آلبر فردریک آگوست آنشوان

فردینان ژزف شارل ماری باتیست پنوموس گیلیوم کژاویه ژورزفیدل ... سنش: پنجاه و پنج سال ... پایتخت: درزد ... مذهب دولتی: پروتستان و قدری کاتولیک

# ورتمبرغ

شاه: شار اول فردریک آلکساندرد. سنش: شصت سال بایشخت: استوت گارت به مذهب دولتی: پروتستان و قدری کاتولیک

دولت انگلستان و ارلند و اسکاتلند پادشاه: ملکه و یکتوریا آلکساندرین — سنش: شصت و سه سال — ولیعهد: پرنس آلبرت ملقب به پرنس دوگال — سنش: چهل و دو سال — وزیر اعظم: مسیو گلادستون — پایتخت: لندن — مسیو گلادستون — پایتخت: لندن — مسیو گلادستون — پایتخت: لندن — ارلند و اسکاتلند از قرار سنهٔ ماضیه: شصت و هفت کرور و سیصد هزار نفر و شصت و هفت کرور و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک متصرفی انگلیس از هندوستان و غیره: چهارصد و هفتاد و بخشش کرور — مذهب دولتی: پروتستان و مذهب مملکت ارلند: کاتولیک — فرمانفرمای هندوستان: لرد اسپنسر

#### دولت ايظاليا

پادشاه: هومبر اول - سنش: سی و هشت سال - ولیعهد: ویکتور امانؤل پرنس ناپل - سنش: چهارده سال - وزیر اعظم: مسیودپرتیس - مذهب: کاتولیک - جمعیت: پنجاه و چهار کرور و چهارصد و هشتاد و دو هزار نفر - پایتخت: رُم

#### دولت بازیک

پادشاه: لشوپلد دویم ... ستش: چهل و هست سال ... پایتخت: بروکس ... حمیت: ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر ... مذهب دولتی: کاتولیک

# دولت پرتوغال

پادشاه: لوی فیلیپ ماری فردیناند پیدر سسنش: چهل وینج سال و ولیعهد: شارل فردیناند لوی ماری وزیر اعظم: ردریکس سامپائی پایتخت: لیزبن ب جمعیت در اروپ: نه کرور ویکصد و هفتاد و دو هزار نفر، خارج از اروپ: شش کرور و دویست و هشتاد و یک هزار نفر. مشغرف هم دارد بایسخت: سنت بطرز بورغ

### دولت روماني

پادشاه: شارل اول - ستش چهل و چهار سال - پایتخت: بوکارست - وزیر اعظم: استایسگ - جمعیت: ده کرور و سیصد و هفتاد و شش هزار نفر -مذهب: اورتودکس یونانی

#### دولت سربي

پادشاه: میلان اوّل بایتخت: بلگراد برنس ولیعهد که به سن هشت سال است: پرنس آلکساندر وزیر اعظم: پیرت شاناتس بجمعیت: سه کرور و یکصد و هستشاد و دو هزار و پانصد نفر ب مذهب: کاتولیک و یونانی

## دولت سويس

رئیس جمهوری: مسیو کاپلڑ۔ وزیر اوّل: شیس ۔ پایتخت: بِرْن ۔ مذہب: نصف پروتستان و نصف کاتولیک ۔ جمعیت: پنج کرور وسیصد هزار نفر

# دولت عثماني

سلطان عبدالحميدخان \_ ستش: چهل سال \_ وزير اول: سعيدپاشا \_ پايتخت: اسلامبول \_ مذهب دولتي: دولت پی با (که هلاند نیز نامند)

پادشاه: گیلیوم سیّم آلکساندریک

فردریک لوی بستش: شصت و شش

سال ب ولیعهد: گیلیوم آلکساندر شارل

فردریک بستش: سی و پنج سال ب

پایتخت: لاحه ب جمعیت: هفت کرور

و سیصد و نه هزار نفر ب مذهب دولتی:

پروتستان

# دولت دانمارک

پادشاه: کریستیان نهم سستش: شصت و پنج سال ب ولیعهد: کریستیان فردریک گیلیوم شارل ب ستش: سی و هشت سال ب وزیر اعظم یعنی رئیس وزراء: استسروپ بایستندیت: گیین حاگ ب مذهب دولتی: پروتستان ب حمعیت: سه کرور و چهارصد و سه هزار نفر

#### دولت روس

امپراطور روس: آلکساندر سیم سنشان: سی و هشت سال - ولیعهد:
گراندوک نیکلا آلکساندر ویج سنش: پانزده سال - وزیر خارجه: مسیو
دوکیرس - جمعیت صد و هفتاد و
هفت کرور و دویست هزار نفر مذهب: اورتودکس یونانی مذاهب

مسلمان سنّی، عیسوی و غیره نیز دارد \_ جمعیّت از قرار سنهٔ ماضیه است و تحقیقاً معلوم نیست.

### دولت فرانسه

رئیس جمهوری: ژول گروی ــ وزیر اعظم و وزیر امور خارجه: مسیو فرئی ــ پایتخت: پاریس ــ مذهب دولتی: کاتولیک ــ جمعیت: هفتاد و دو کرور و صد و دو هزار نفر

# ايالت مُنتِنگرو

پرنس نیکلای اؤل ــ ستش: چهل و دو سـال ــ ولیعهد: پرنس زورکا ــ ستش:

نوزده سال \_ وزیر اول: پترویج \_ پایتخت ستین \_ جمعیت: یک کرور و سی و شش هزار نفر \_ مذهب: اورتودکس یونانی، کمی هم کاتولیک و مسلمان هم دارد

## دولت يونان

پادشاه: ژر ژ اول \_ ستش: سی و هشت سال \_ ولیعهد: قسطنطین \_ پایتخت: آتِن \_ جمعیّت: تقریباً سه کرور و چهارصد و شصت هزار نفر \_ مذهب: عیسوی یونانیست.

# مرز تمين ت<u>کويزر در پر</u>

# دولُت چین

امپراطور: کوانگ سو ستش: دوازده سال ب وزیر اعظم: شاهزاده گنگ ب پایتخت: پکن ب مذهب دولتی: بودا مذهب هستند مسلمان و غیره هم دارد ب جمعیت کلیه: هشتصد و شصت و هفت کرور و چهارصد و چهل و شش هزار و صد و چهار نفر ب جمعیتی که زیر حمایت هستند پنجاه و هفت کرور

## دولت ژاپن

امپراطور (میکادو): موتس حیت \_ سنش: سی ویک سال \_ ولیعهد: چکاشی فوشیمی نُمیا \_ وزیر اعظم: سانحو \_ پایتخت: یُدو \_ مذهب: بودا مذهب \_ جمعیت: شصت وشش کرور وصد و دوهزار نفر

# دولت سيام

پادشاه: بستان ـ وزير اول: تسايو

جمعیّت: دوازده کر ور و سیصد هزار نفر

فراياسوريونگسي \_ يايتخت: بانگُک \_ مذهب: بودا مذهب \_

# افريقيه

مسلمان

# ايالت تونس

والي: سيدي على بيگ \_ پايتخت: تونس ــ جمعيّت: چهار كرور

#### . دولت حبشستان

امیراطور که نگوس می نامند اسمش ژان \_ يايتخت: گُندار \_ جمعيّت: دوازده كرور ــ مذهب دولتي: كاتوليك، مسلمان و غيره هم دارد

سلطان سيد بركش بن سعيد \_ يايتخت: بندر زنگبار \_ جمعیت جزیرهٔ زنگبار: صدهزار نفر امّاً تمام جمعيّت آن مملكت مشخص نیست \_ مذهب: مسلمان

# جزيرة ماداگاسكار

يادشاه: ملكه راناوالهُ دويّم ـــ پايتخت: تانانان ــ جمعیّت: پنج کرور

# دولت مارق

سلطان ملاحسن بيايتخت: طانجه \_ جمعيت: دوازده كرورب مذهب:

# ايالت مصر

دولت زنگبار بر المرات المرات المرات است

خديو: توفيق ياشا \_ يايتخت: قاهره \_ مذهب: اسلام سنّى \_ جمعيّت تمام مصر: سي وشش كرور

# امريكا

غيـره ـــ جمعيّت: هفتاد و هفت كرور و سيصد هزار نفر

# جمهوری مکسیک

رئيس جمهوري: اسمش يوريو دياس \_

ینگی دنیای شمالی

جمهوري اتائوني

رئيس جمهورى: اَرتُور ــ يايتخت: واشبهن تون ـــ مذهب: اغلب ير وتستان و

پایتخت: مکزیک ـــ مذهب: کاتولیک ـــ جـمعیّت: هیجده کرور و دویست و هفتاد و ششهزار نفر

# ینگی دنیای مرکزی

جمعیّت کلّ: پنج کرور و صد هزار نفر

# جمهوري سانسالوادر

رئیس جمهوری: پایتخت: سانسالوادر جمعیت: چهل هزار نفر

# جمهوري كاستاريكا

رئیس جمهوری: گواردیا ـــ پایتخت: سانژوزه ــ جمعیّت: بیست و پنج هزار نفر

# جمهوري گواتمالا 🏲

رئیس جمهوری: ژزه روفینو باریس \_ پایتخت: گواتمالا \_ جمعیّت: سه کرور وصد هزار نفر \_ مذهب: کاتولیک

# جمهوري نيكارا گوا

رئیس جمهوری: دنپدرُوشامرُو\_ پایتخت: ماناگا

# جمهورى اوندورا

رثیس جمهوری: مرکواریل پوستو\_ پایتخت: کومایایکا

# ینگی دنیای جنوبی جمهوری آرژانتین

رئیس جمهوری: نیکلا آولاندا \_ پایتخت: بینوزر \_ جمعیّت: دو کرور و سیصد هزار نفر

# جمهوري اكواتر

رئیس جمهوری: اینسیورانتیللا۔ پایتخت: کی تو۔ جمعیّت: دو کرور و چهل هزار وسیصد و هفتاد و یک نفر

# جمهوری اوروگی

رئیس جمهوری: دون لوتزولاژ \_ پایتخت: مُنتِ ویدِأو ... جمعیّت:

ے پچھارگند ہزار نفر

### برزيل

امپراطور: پدرو دویه به پایتخت: ریوژانرو جمعیت: بیست کرور و صد و هشت هزار نفر

### جمهورى بوليوى

رئیس جمهوری: دون تـومافریاس\_ پایتخت: چوکیساکا ـــ جمعیّت: چهار کرور

# جمهوري پاراگي

رئیس جمهوری: اور پنوا وریارت ...

یگ تُا \_ جمعیّت کلّ دول مقحدهٔ کولمبی: دوازده کرور

جمهوری ونزولا رئیس جمهوری: گوسمان بُلانگ ــ پایتخت: کاراکاس

جزايــر جزيرة ساندويج پادشاه: لت كامحامحا (خامس) (پنجم) \_\_ پايتخت: أتولو

جزیرهٔ سن دومنک رئیس جمهوری: گونزالِس ـــ پایتخت: سن دومنک ـــ جمعیّت: چهارده هزار پایشخت: استسیون ــ جمعیّت از قرار سنوات ماضیه: دو کرور نفر

جمهوری پرو

رثیس جمهوری: مسیوگارسیا کالدرن \_ پایتخت: لیما \_ جمعیّت: پنج کرور \_ مذهب: کاتولیک

جمهوری شیلی (از قرار سنهٔ ماضیّه)

رئیس جمهوری: باآنیبال پنتوب پایتخت: سان تیا گوب جمعیت: چهار کرور نفر بچون جنگ جمهوری شیلی با جمهوری پروتمام نگردیده و هنوز کار شیلی یکطرفی نشده است وضع و هیئت دولتی درستی ندارد و نتیجهٔ حالش معلوم نیست

جمهوری دول متحدهٔ کولمبی رئیس جمهوری: تونیس ـــ پایتخت:

1 17 0

# فهرستاعلام جغرافيائي



آ•ست: ج ۳ ص ۱۷۶۳. آبادان: ج ۾ ص ١۴٩٧ . آبادہ شیراز: ج ۱ ص ۵۴۲، ۵۴۸، ج ۲ ص ۱۱۵۷ ، ۱۲۲۲ ، ۱۲۸۱ : چ ۲ ص - . TITT . 150T . 14TY . 1715 -1151 آبادہ فارس ــ آبادہ شیراز۔ آباران: ج ۳ ص ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، آب اتک (درهند): ج ۲ ص ۱۱۲۲. آب ارس: ج ۲ ص ۱۱۱۲۰ آب دیاله: ج ۲ ص ۱۵۳۲، ۱۵۳۳. آبسکون (جزیرہ): ج 1 ص ۴۳۴؛ ج ۲ ص آب سبور: ج ۲ ص ۴۰۸۰ آبشگرد (ظعه ـــ): ج ۴ ص ۱۵۴۹ . آب فرار: ج 1 ص ص ۳۹. آب فرات: ج ۲ ص ۹۲۸. آبلستان: چ ۲ ص ۶۶۵، ۲۲۷،۷۲۷ ٩٣١ ، ١٣٤٠ ج ٢ ص ١٣٤٩ . آب مرغاب: ج ۲ ص ۷۲۰، ۷۴۶۔ آب يونس: ج ۲ ص ۹۲۰. آتچين (حمن ۔۔) ۽گلنگ: ج ٣ ص ١٩٥٧ . Tooo . 1948 . 19FT آنشگاه (منزل\_) در اصفهان: ج ۳ ص ـ

آنلانتیک (دریا \_ محیط \_): ج۲ص ۲۲۳،

آئن (پاینځت یونان): ج ۱ ص ۵۶۳: ج

. T100 . 1974 . 1AA.

ح ۱۲۵۳ ٠

آئیگ : ج ۳ ص ۱۸۰۸ ۰

T = : 405 . YFX . YFY . YFT . YTY

۲ ص ۲ م ۲ ، ۱۳۰۶ ، ج ۳ ص ۱۶۰۰

- . 1146 . 1477 . 1404 . 1619

· 1454 · 1844 · 1844 · 1884 · 1884 · 1969 \* 1 PAY • 1 TAG • 1 TYA • 1 TYO • 1 PF 9 آخسته (ظمه ــ) در گرجستسان: ج ۲ ص 11007: 1740 --- 1797 :15AV - 1977 1970 1974 1971 191A 1077 - 1081 - 1081 - 12 - 1 - 10+A .1170 1910-1904 - 1909 + 1807 + 1045 آخشید: ج ۱ ص ۱۳۴۰ 1577: 1574: 157A: 1570 : 151A آخ کلک: ج ۲ ص ۱۱۳۰۰ . 1974 6 1577, 1597 . 1577 6 آدالب (کشتی ۔): ج ۳ ص ۱۹۹۸ 1894 1890 1898 1891 - 1844 آدران (قریمہ): ج ۲ ص ۱۸۱۴ ۰ · 1710 · 1717 · 1717 · 1700 5 آدریاتیک (دریا۔) نے اس ۱۱۶ ، ۴۰۳ 1777 - 1771 - 1779 - 1775 ادنه: چ ۱ ص ۲۲۴، چ ۲ ص ۱۲۴۲ ۰ ALL: YLA: OLA: LLA: DAL: آدینه بازار: ج ۳ ح،۱۹۲۷ ۱۹۳۷ ۱۵۱۱۰ 174: 474: 474: 474: 174 d 1490 . 404 . 40T . 400 . 4TT آذرباہجاں: ج 1 ص ۵۱ تا ۵۳ ۹۹۰۶۲ \*ATY \*ATS :YAY \*YAS \*YAT 111 . 111 . 10V . 100 . 100 TALL TYL. GALL YALL YALL \*117 . 177 . 174 . 114 . 111 . APA: YOP: YEP: OTP: YTP: · 150 · 157 · 107 · 107 · 159 . 90Y . 90F . 98T . 97A . 9FT \*14\* \*14\* \*140 \*144 \*140 1074 : hote : poly : look . lool \*TTT -TTT -T1Y -19T -19Y OTOL ATOLIATE LAKE COLL \*\*\*\* ATT - TTT - TTT - TTA 1179-1179-1177-1171 -1119 L 784 . 774 . 745 . 777 . 714 1147:1149:1147:1189 :1180 . TTT . TAO . TFT . TFO . TOF 1154 -1161.1104.1100 .1101 1777 - 1197 - 1197 - 11AT - (119A 'TYT . TFA . FFF . FFY . FTY 1754 . 175T . 1700 . 17TF . 17TO 44. TYF. TAT . TAT. TOA. : 1774 · 1777 · 1771 · 1759 5 . 4T9 . 4T6 . 4T9 . 40 F . 40 F 1790-1797-3790-37AA -37AT 110. 110. 110. 410. ATC. -· 1777 · 1774 · 1777 · 1777 · 1777 104، 104، 204، 204: ج ٢ ص \*1774 . 1774 --- 1774 . 1774 · 15TA 15T9 1517 . DAD 10Y9 1755 · 1757 · 1749 · 1774 · 1775 1900 1907 1900 1941 1940 1718-1717 - 1791 - 17XX - 17Y& هوي، ووي، ١٩٩٨ تا ١٩٧٥، ١٩٩٣ 1707 . 1705 . 1704 . 1744 . 1746 494. 644. 644. 644. 644. 1794-1745-1741-1771 -1757 YIT IYON IYOY IYOT ISAT L

آخال: ج ٣ ص ١٣٧٨ ، ١٥٨٤ ، ١٤٨٨ ،

· 1777 · 1777 · 1777 · 1779 · 1774

آراس(شهر –): ح ۲ ص ۴۷۹. آراگن: ح ۲ ص ۱۹۰۹. آرال: ح ۲ ص ۱۱۲۵. آرانژواز: ج ۲ ص ۱۷۶۲. آرزانتین(ارژانتین): ج ۱ ص ۵

آرزانتین (ارزانتین): ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۸: ج ۳ ص ۱۸۲۱، ۲۱۵۲، آرکات (ناحیهٔ ۱۰): ج ۳ ص ۱۴۶۳. آریکا (شهر ۱۰): ج ۱ ص ۴۸۶: ج۲ص۱۹۱۶ آزوف(شهر ۱۰): ج ۲ ص ۴۲۵، ۹۲۲، ۹۹۸،۹۹۷

آزی مینر = آسیای صغیر = آناطولی: ج ۱ آزی مینر = آسیای صغیر = آناطولی: ج ۱ ص ۲۵۱، ۲۲۲، ۲۲۲، ۲۲۲، ۲۲۵ ۲۲۲ تا ۲۲۹، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۵، ۲۲۵ آسام (مطکت\_): ج ۲ ص ۲۸۶؛ ج ۳ ص

> آسیاس(منزل\_) : ج ۲ ص ۱۱۱۲. آسیرن : ج ۳ ص ۱۲۹۶.

آستارا: ج ۲ ص ۲۹۱، ۱۲۲۲: ج ۳ ص ۲۰۸۶.

آستانهٔ مقدسهٔ رضویه: ج ۱ ص ۴۲۵؛ ج ۲ ص ۱۶۹۳ ۱۱۸۸؛ ج ۳ ص ۱۶۹۹ ۲۵۸۲، ۱۹۲۹،۱۹۲۸،۱۸۹۴،۱۹۴۹،۱۹۰۹

آستریه (دولت): ج ۱ ص ۱۵۲۷، ۱۹۵۱ ج ۲ ص ۱۹۲۲، ۱۹۹۷، ۱۹۲۹، ۱۹۵۵ ۱۹۲۲، ۱۹۶۲، ۱۹۵۲، ۱۹۵۲، ۱۹۳۶ ۱۹۲۲، ۱۹۲۲، ۱۹۵۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۲،

آسیای صغیر ی آزی مینو ی آناطولی: ج۱ ص ۱۰ ، ۲۲۹ ، ۲۲۵ ، ۲۲۹ ، ۲۸۱ ، ۲۸۱ ۲۸۱ ، ۲۸۱ ، ۲۹۰ ، ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۵ ، ۲۹۵ ، ۲۹۵ ، ۲۹۵ ، ۲۹۵ ، ۲۹۵ ، ۲۹۱ ، ۲۹۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۸

آسیای عثمانی ی آسیای صغیر: ج ۳ می
۱۸۸۱ ۰ ۱۷۸۹
آسیای کوچک — آسیای صغیر.
آسیای مرکزی: ج ۳ می ۲۰۰۱.

آسیای مرکزی! ج ۳ ص ۲۰۰۱. آشانتی: ج ۳ ص ۱۹۵۱. آشتیان: ج ۳ ص ۱۷۱۶. آغری داغ(دامند س): ج ۳ ص ۱۵۷۸.

اغری داع (دامند نے) ، ج ۳ ص ۱۵۷۸ . آغری کوچک (کومہ) : ج ۳ ص ۱۵۸۲ . آفا بابا (قریمہ) : ج ۳ ص ۱۹۱۰ . آق اغلان: ج ۳ ص ۱۴۸۲ ،۱۴۸۱

آق بلاغ: ج ۲ ص ۶۸۱. آفداش: ج ۳ ص ۱۴۳۰. \_

آق دربند: چ ۳ ص ۱۹۲۱،۱۶۱۸،۱۶۱۱ آقسو: چ ۲ ص ۷۳۵، ۲۰۸، ۱۱۱۵ آق شهر: چ ۲ ص ۶۵۴، ۶۶۷، ۸۱۹. آق قلعه ع مبارک آباد: چ ۳ ص ۱۳۴۵،

۱۴۵۷، ۱۸۹۴، ۱۹۳۲، ۲۰۴۲، ۲۰۴۲. آگادمی علوم اتحاد شوروی: ج۳ص۱۳۳۱. آگلیتین: ج ۱ ص ۱۶۶.

آگرام: ج ۱ ص ۴۸۹.

آگرہ(ظعمہ): ج ۲ ص ۲۰۵، ۲۲۴،۷۴۳ ۲۳۸، ۱۸۵۰، ۱۸۵۰، ۱۸۶۰، ۹۶۰، آگریا (شهرم): ج ۲ ص ۱۸۹۳،

. آلاباما (کشتی۔): ج ۳ ص ۱۹۳۷، آلافاپوی اصفیان: ج ۳ ص ۹۲۹، ۹۲۸، آلبانی: ج ۱ ص ۱۸۸۸: ج ۳ ص ۱۹۶۸، ۱۹۲۸، ۱۸۰۵، ۱۸۰۵، ۱۸۰۵، آلبرهان (عمارت۔): ج ۳ ص ۱۹۴۴، آلب (کومد): ج ۳ ص ۱۹۲۹، ۱۹۳۲،

آلزاس/رن(درفرانسه): ج ۲ ص ۸۸۶: ج ۳ ص ۱۵۲۷، آثنان: - د می ده در میسی ۱۳۳۳، ۲۸

آلمان: ج 1 ص ۲۹۱، ۵۰۵، ۳۵۱،۳۲۳ AGT - TYT - TAT - TAT - CAT -1 FF 1 1 FT 1 FT 0 1 F 10 1 T T T 447 447 444 0PT 464 ۵۶۱ - ۲ ص ۵۸۵، ۶۵۲ ۲۰۱۱ , 444 . 454 i 455 . 454 . 401 \*\*\*\* \*\*\* \*\*\* \*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* YYA. A.P. GIP. FTP. TGP. 1105: 1177 - 1170 - 997 - 957 . 1704 . 1164 . 1160 . 110A T .: 1707: 170A: 370Y : 1700 \*1717 . 1717 . 1719 . 1746 . 1444. 1400. 1440. 1440 . 1441 1655, 1605, 1499, 1545, 1540 15-4-1044-1074-1075-1010 . 1710 1 170A . 1547 . 1547 1794 - 1744 - 176 - - 1771 - 1719 · 1477 · 1417 · 14.05 · 14.00 5 · 1400 · 1407 · 1474 · 1479 · 1470 1441 - 1444 - 1441 - 1444 - 1454 L- 1979 . 1971 6 1919.1901 1977 61971 . 1974 . 1977 . 1977 419501190411906119041190 · 1945 · 1941 · 1977 · 1954 · 1957 To 1607011.1994.1949.1944 41144.1000 PLOAT . 4014.1014

> آلمطاق (شهرس): ج ۲ ص ۶۷۳. آمازون (شط س ): ج ۲ ص ۹۹۶.

آماسید: چ ۲ ص ۱۹۶۰ ۱۸۳۰ ۱۸۴۰ ۸۴۳۰۸۸ آمد: چ ۱ ص ۱۴۶ ۲۲۲، ۱۹۶۹، ۲۲۲،

7A7: 6A7: A17: V77: 677: P77: 677: 807: 307: 677: 677: A77: 777: 677: 667:

. 54. . 514 . E T E آمریک ــــــــــــ آمریکا .

آمريكا: ج 1 ص ٢٧٥، ٥٤٤: ج ٢ص٧٣٢ . X54. 446 . 441 . 446 P 1897 4071 × 4071 -3704 1907 1517-14-1-1791-1777-1775 · TOD 1 · TAKT · TYDT · 1888

آمریکای شمالی: ج ۲ س ۱۱۷۹ . آمریکجنوبی ..... آمریک 🖫 هندالغرب , آمریک مرکزی ۔۔۔۔ آمریک ،

آستردام 🗦 ج ۳ ص ۱۲۹۹ ، ۱۲۹۹ ، ۱۵۲۵ ،

آمل: ج ۱ ص ۲۰۱۸۶۰۲۸۶ څ ۲ ص <1FY <111 < A1P < AA1 < FF < < FTY</p> 1774 م 1771 ، 174 أج ٢ ص 1771 · 1977 · 17=1 · 1747 · 1745 · 1747 - TITP - T110 - T1 - 0 - T - TA - 1909

> آمل (رودخانف) : ج ۳ ص ۱۳۸۷ ۰ آمو \_\_\_\_ آمل.

> > آمو(کوف): ج ۲ ص ۱۱۰۲.

آموی یکن (شهر ـــ) : چ ۳ ص ۱۷۶۱ -آمویه (رود...) ... جیحون: ج ۲ ص ۲۹۳،

11TT - 11T1 - 161 - 410 - YTT نا ١١٢٥٠ ج ٣ ص ١١٢٥٠

آمییم (شهر ـــ) : ج ۲ ص ۸۹۴۰ آناطولی ۽ آزيميٽر ۽ آسياي صغير ۽ ۽ ا

- TT4 114 154 154 177 -FTA FTA FTT FTT FTT

· \$P\$ · \$P\$ · \$P\$ · \$41 · \$40 · 1177 · 141 · 140 · 171 · 559

۱۲۶۹ ، ۱۳۶۹ ت ۳ س ۱۳۶۹ ·

· Tool · Tool

آنام: ج ۲ ص ۱۸۳۴ ·

آند (جبال\_): ج ٣ ص ١٧٥٣٠

آنڙو(ايالت\_): ج 1 ص 744.

آنڦره: ۾ ۽ ص ١٥٥٠ ١٤٣٠. آنگل (نواحی۔) : ج ۽ ص ٢٢٢.

آنگن(تعیف): ج ۲ ص ۱۹۸ -

آنورس: ج ۳ ص ۱۹۶۶ ۰

آورگانت (کشتی): ج ۳ ص ۲۰۰۳ آوينين (شهر ــ) : ج 7ص ۱۶۱۶ ، ۶۱۶۰

. FYT . FFT . FA1

آهوان: ۾ ٣ ص. ١٨٩٢ -

آبیدہ خانہ(عمارت۔) = اندرون اشرف (در ] اتابتی (جزابر۔)درمحبط کبیر: ج ۲۰۸،۰۳

امفیان): ج ۲ ص ۱۹۱۱ -

ابخاز : ج ۲ ص ۶۶۸ ٔ ج ۳ ص ۱۵۱۲ ۰ ابراهیمآباد: ج ۲ ص ۱۰۱۶ ابراهیم آباد ورامین: ج ۳ ص ۱۳۷۲ ۰ ابرسیج بسطام (قرینہ) : ج ۳ ص ۱۸۹۶ ۰ ابرقود فارس: ج ج ص ۶۲۵ء ۲۲۲ ۲۲۲

. 1714 or T e: 1170 ابریش(قمیمہ) : ج ۲ ص ۱۹۲۲ د اہلستین: ج ۲ ص ۵۹۳۰

ابلق(فمرــ): ج ۲ ص ۵۹۴۰ ابله: چ ۱ ص ۲۹، ۳۲، ۲۱، ۲۰۶،۲۰۶۰۴،

ابوشهر=(بوشهر) نج ۲ ص ۱۲۵۵ ء ج ۳۳

· 1177

ابوقبیس(کوم۔) 🕻 ج 🕽 🖜 ۸۵۰ ابوتیر : ج ۲ ص ۲۰۵۳ ۰

ابوکوتاد: ج ۳ ص ۱۸۴۷ -

ابہر: ج 1 ص ۵۱، ۲۲۲، ۲۲۱: ج ۲ص · 10 TA / 10 TT

اہیورد (در دشت خاوران): ج ۱ ص ۵۷۰ YOY ISYY OF THE TAP ITT . 977 : 40+ : YFY : YFI : YF. - 1794- 1777 OFE 1174-1-TT

ايرت (شهر ـــ) ۽ ج ٣ ص ١٨٤٩٠ ابير (ايالت): ج ۴ ص ١٨٨٢ ، ١٩٩٠

اتاثونيينكيدنيا: ج 1 ص 731 ، 271 ، 11AT: 11A+ : 11Y9 0 T 2: AFP 7071 d 2071 : 2071 3 7 w 1717-17-5-1790-179- - 1747 1797-1777-177-1755 -1750 1044 . 104 - 104 - 1041 . 1041 1411 - 1411 - 14.4- 1647 - 1647 1441-1440-1450-144T-144T 6 4441-1444-4144-4741-6744-1451-1450 . 1405. 1474. 1474 1441-1475-1477-1471 -1459 1907-1901 - 1A41 - 1AA7 L 1970+1974-1977-1977-1906 Tore. To 15. TooT. 1990 . 1944

· 1141 · Toat

-1151 اترار: ج ۲ ص ۶۶۹، اتراس: ج 1 ص ٣٣٨: ج ٢ ص ٩٨٣. انرک: ج ۳ ص ۱۵۰۹ ، ۱۶۰۶ ، اتک(رود\_): ج ۳ ص ۱۳۷۳ ، ۱۴۳۲ -اتكآخال (صعرای...) : أج ٣ ص ١٩٠٥ -اننا (کوہ آنشفشان۔) : ج ۳ ص ۱۵۴۳ اِ

. 1401 . 1701 اتولو (پایٹخت جزیرہ ساندویج) : ج ۳س · 1101

اتویانه (شهرس)در ایطالیا : ج ۲ ص ۱۱۸۲ اتھن: ج ۳ ص ۱۸۴۲، اتبيلا: ج ١ ص ۴۶۲.

اثارب (قلعمم)نزدیکحلب: ج ۱ ص ۲۶۰۰ · TY0 · TFY · TFT

> اچوق باش: ج ۲ ص ۱۵۱۲ ۰ احد: ۾ ۽ ص ٣٣٠،

احبا (از بلادبحرین) ج ۱ ص ۳۲ ح۸۲ ا

۵۰۱، ۲۲۲، ۲۷۴، ج ۲ سما۱۱۱. آحمدآباًد (بيدرهند ) : ج ۲ ص ۹۰۷ -احمدآیاد (گمرات هند ) : ج ۲ ص ۲۰۲۰۸ احبدانگر: ج ۲ ص ۱۸۵۰ ۸۸۹ ۸۸۹۰ احمدی: ج ۲ص ۶۵۰

اختیارالدین(قلعمہ) ج ۲ ص ۶۷۷، ۶۷۹

اخرم (قلعف) ج 1 ص ۱۸۰ اخسقد: چ ۳ ص ۱۳۶۹، ۱۴۷۷، ۱۴۹۶،

اداق: ج ۲ ص ۲۰۹، ۲۱۱۰ ادرته (شهر ــ) : ج ۱ ص ۲۳۲ ، ۴۲۵ ، ۶۳ س ۶۶۲،۶۶۰ ،۶۵۹ ،۶۴۶ ،۶۴۳ س · AAT . F94 . F97 . FAY . FY9 150 le T g . 10 FT . 10 17 . 100

> -11A1 + 11AA ادرنه(سجدجامع\_): ج ۲ ص ۶۹۴

ادرنمقاہو: ج ۲ ص ۹۸۸،

ادس(شهرــ): ج ۱ ص ۲۲۹۰ ادساڑایالت۔..) : ج ۲ ص ۱۴۲۳ ، ۱۶۹۷ ،

· \* \* \* \* 1 4 5 Y ادتلے فرات (ح: بادتلی): ج ۱ ص ۲۸۰ ادنیورگ; ج ۲ ص ۱۰۰۶۰ ادهن: ج ۳ ص ۱۸۷۹

> اذرح: ج 1 حر 19 -اذنه: ج ۱ ص ۲۶۳۰

ارال (کوئے): ج 1 س ۲۰۹. ارالنگ (شهر ــ.) : ج ۳ ص ۲۰۰۵. اران ع 1 ص ۱۸۲، ۲۰۸، ۲۳۱: ج ۲ ص ۱۶۴۱ ۶۶۶، ۶۶۸، ۲۶۵، ۲۴۵) ج ۳ ص ۱۲۴۰ ، ۱۲۴۰ ارباض قرطبہ; ج 1 ص ۱۷۳. اربر: ج ۲ ص ۱۲۸۹. اربل: ج 1 ص ۳۱۸، ۳۴۷، ۳۹۶، ۴۱۰ 1771 ATT. 777: 3 7 W APA. ارتاح: ج ۱ ص ۲۹۸، ۲۸۱. ارجان: ج ۱ ص ۵۲، ۲۲۷، ۲۹۸، ۲۲۲ ارجمند (منزل\_): ج ۳ ص ۱۴۵۳ ، ۱۸۹۶ ارجیس: ج ۲ ص ۶۸۱، ۲۸۰ تا ۸۲۲. أرجيش(از اعمال خلاط): ج 1 ص ٣٥٥. اردبیل: ج ۱ ص ۹۷، ۱۱۴ ، ۴۸۰،۴۴۵ ۵۲۲ ع ۲ ص ۹۲۲ ، ۱۹۲۹ ، ۲۲۷ J 074. 104. 704. 664. 864 13A. 67A. 47A. 64A. PPA. . 957 . 905 . 977 . 909 . 90Y 4 1747 . 1774 . 1777 . 1117 . 10 10 ۱۲۷۲ : چ ۳ ص ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۱ \* 1744 \* 1774 \* 1774 \* 1717 \* 1717 · 1077 · 1071 · 107 • · 1017 · 1770 1544.1644.1544.1540.1504 1408 - 1402 - 1401 - 1844 - 1841 1414 1741 1741 1741 1741 1998: 1984: 1988: 1910: 1448 TOAF. TOAT. TOV9. TO 14. 1994 - 2140 - 2171 اردستان: چ ۲ ص ۱۲۴۶، ۱۶۳۵،۱۴۰۲. - T-91 + 1AYA اردلان: چ ۲ ص ۹۸۹، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳. اردلان (ظعمہ): ج ۲ ص ۹۲۶. اردن: چ ۱ ص ۱۰ء ج ۳۸، ۲۹۶،۴۲، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۵۸ ج ۲ ص ۲۸۹. ازدوباد: ج ۳ ص ۱۵۷۶ . اردهان (شهر ــ): ج ۲ص ۹۳۰؛ ج ۳ ص - 1949 - 1944 ارزاس(قلعمــ): ارزاس بموثریا : ملوش(قلعمہ) : ج ۽ ص

ارزن: ج ۱ ص ۴۶، ۲۸۵، ۴۱۷، ۴۴۲،

ارزن، ارزنهالروم: ج ۱ ص ۴۲۵، ۴۲۸،

ارزن(ازدباربکر): ج 1 ص ۴۴۲.

۱۹۴۱ ۲۴۵ ج ۲ ص ۱۹۹۱، ۱۹۶۶. \*\*\*\* \*\*\* \*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* 1970 1971 1957 1971 OTF 175. 777 · 1971 : 3 7 - 1971 1001 - 1001 - 1044 - 1044 - 1754 1544.1549.15.1.105.105 15244544 6 1544 1544 1544 1970-1499-1417-1797-1717 ارزنجان: ج ۲ ص ۸۲۰. ارزنگان: ج ۲ ص ۹۴۵، ۲۸۰ ارزویه کرمان: ج ۳ س ۱۲۳۲. ارس(رود-): ج 1 ص ۱۱۲ ع ۲ص ۶۸۱ ٨١٨، ١٢٢٠ ج ٢ ص ١٢٢٤، ١٢٢٢ 1444 1411 1400 1791 1774 . 1441 - 1477 ارسوا: ج ۳ ص ۱۴۱۶.

ارسوف: ج ۱ ص ۲۵۴. ارضاقدس = مشهد مقدس: ج ۱ جن۶۵۵، ۲۲۵، ۵۲۵، ۲۵۲۱ ۵۲۴: چ ۲ ص 444 14P + 98P + 7AP + 4AP 1144 -1141. 1144. 1144. 1-41 1757-1777-1775-1770-1170 1775 OT - 1779 1778 - 1770 1454-1444-1444-1440-1454 141961411414901 1449. 1445 1010-1011-1011-1010-1010 1504. 1504. 1044. 1054. 1006 1545.1540.1515.1511.1509 1747 - 1754 - 1747 - 1741 - 1711 7059 UY065 + 1297 + 1271 1289 \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* ارصن بیضا : ج ۱ ص ۴۶.

ارض تومان ـــــ تومان. ارض روم (شاید: ارزروم ): ج ۱ ص ۵۰۰ ارض سواد : ج 1 من 167 . ارغنداب: ج 1 ص ۴۸۸: ج ۳ ص ۲۰۱۳ ارغیان: ج ۱ص ۵۷. ارک (ظعفہ) : ج 1 ص ۲۷۱،

ارکان اربعہ: ج ۲ ص ۱۱۱۶. ارک پادشاهی دارالخلافه: ج ۳ ص۱۷۱۸. ارک ساری: ج ۳ ص ۱۶۳۶. ارک سلطانی(در طهران) ٔ ج ۳ ص۱۵۹۵

ارواد (جزبرہے) ہے 1 ص ۲۸؛ ج ۲ص۸ءء۔ اروپ۔۔۔۔۔۔ اروپا اربها: ج ۲ ص ۱۰ ، ۱۲ ، ح ۴۷، ح ۸۲، .T91 .T05 .T09 .T91 .10T

ارنگد: ج ۲ ص ۱۲۳۶.

1104

104Y 5

ارک شهر بابک: ج ۳ ص ۱۶۵۰، ارک شیراز: ج ۳ ص ۱۶۴۱، ۱۷۴۲.

٠ 1111 م

ارک مسکو: ج ۲ ص ۶۵۹.

- 9AT + 900 + 989

ارک مبارک: (دارالخلافه طهران): ج ۲

ارک مشهد " ج ۲ ص ۱۱۴۳ ؛ ج۲ص ۱۶۱۱

۵۶۲ ع ۲ ص ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۵،

۱۳۰۴ : ع ۳ ص ۱۹۵۷ · ۲۰۲۹

ص ۵۲ ، ۱۶۱ ، ۱۲۱۷ ، ۲۵۶ ، ۲۵۲ .

ج ۲ ص ۵۸۵ تا ۸۸۷، ۹۰۶،۲۰۹،

- AOA + AOA + FTS + FTT + FTT

104 -107 -100 -47 -95 -90

· 1475 - 1701 - AAA

اربیای غربی: ج ۳ ص ۱۸۰۰ اروکانی(ایالت۔): ج ۳ ص ۱۸۳۱ اروکای: ج ۳ ص ۱۸۶۴

ارومي (شهر بـ قلعف) ــــ اروميه ، ج ۳ ص ۲۱۴۶

ارونق تبریز: ج ۳ ص ۱۳۹۷، ۱۷۸۱، ارونق تبریز: ج ۱ ص ۵۶.
اریس(جامب): ج ۱ ص ۱۹۷،
ازبن(ناحیمب): ج ۱ ص ۱۹۷۰،
ازدق(قلممب): ج ۲ ص ۱۹۴۹،
ازدق(قلممب): ج ۲ ص ۱۹۴۹،
ازدق(شهرس): ج ۳ ص ۲۰۴۱،
ازدود (بلوکس): ج ۳ ص ۲۰۴۱،
ازمیر: ج ۱ ص ۲۰۴۱، ۲۰۲۲،
ازمیر: ج ۱ ص ۲۶۲، ۲۲۸۲ ۲۲۵، ۲۲۶۰

۱۸۰۷، ۱۹۶۳، ۲۰۱۵، ۲۰۱۵، ۲۱۰۵۰ ازمیر (قلمت): ج ۲ ص ۹۶۷، ازمرن: ج ۳ ص ۱۹۶۱، ازدرکوه: ج ۳ ص ۱۹۶۱، اژر: ج ۳ ص ۱۹۵۹،

اساکا (ہندرے) : ج ۳ ص ۱۸۷۶ -اسالم : ج ۳ ص ۱۹۴۹ -اسٹانی: ج ۲ ص ۲۶۲ -

اسٹانی نول: ج ۳ ص ۱۷۶۵ ،

۰۵۶ م۰۵۶ اسب (قلعم): ج ۱ ص ۲۷۸ اسبیجاب: ج ۱ ص ۲۱۷ اسبیجاب: ج ۱ ص ۲۱۷ اسپیجاب: ج ۲ ص ۲۱۵ اول خاک بلژیک: ج ۳ ص ۱۹۲۳ ۱۵۸۷ ۱۹۲۳ اول خاک بلژیک: ج ۳ ص

. 1577 اسپانیا : ج 1 ص ۱۹۲۰ ۱۹۴۰ ۱۱۱۱ 171 . 171 . 171 141 1 1A1 . TY1 . AY1 . 141 . Yez. Pot. -451 . 471 . 455 . 471 . 410 ج ۲ ص ۱۹۹، ۲۲۴، ۲۲۲۵ ۲۳۵، YAA YAT YYA YYF IYI 44Y + 44Y + 74Y + 4FY + 77A + ATA: 474. 704: 004. YOK: 10801101811011 12001 1999 - 15-64 11-4-14-0-1164-1110 3 T & 1991 - 3 6711 . 1891 . 1010-1017-10-5-1795-1795 1514.1004.1047.1044.1044 · 1707 · 1701 1 1744 · 1660 1797 - 1729 - 1720 - 1770 - 1750 1241 - 1240 - 1261 - 1267 - 1242 1917-19-1-15- 1A91-1AAT

۱۹۶۵ ،۱۹۶۸ ،۲۴۲۰ ۲۵۴۸ ،۱۹۶۸ اسپانیول : ج ۱ ص ۲۲، ۱۹۶۱ ،۱۵۲

1404-1464-1464-1411-1414

· 174 · 171 · 174 · 1176114 14F - 100 - 10T - 10T - 171 1141-154 6 155 . 154 6 164 741 - 441 - 741 - 041 - 741 -1199 5 196 1191 1190 11AF . TIT . TIO 6 TOY . TOF . TOT \*\*\*\* 417 5 YES . TIT. TTT. TAT TTY . TTO . TTA E TTS . 154. 165. 164 G 161. 101 P \*\*\*\* TAT . \*\*\* . TAT . TYY . TOA . TOF . TOB . TO 1 . TOO \*\*\*\* \*\*\* PT7 J \*\*\*\* \*\*\* YAX . TAT . TYF . TYF . TAY fr4 . ft. . ft. . ray 6 741 277. 147. 787. LAY. 087: 5 7 m 717, 777, 477, 657 · YTT · YTT · YTT · Yos · FAT · YTA · YFF · YT1 · YTY · YTF

\*\*\*\* \*\*\* \*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* ATA: PTA: YTA: PTA: 10A: 144 - 144 . 454 . 144 . PAI 19A . 18A . 68A . 88A . 60F . A.P. (17) 717, YIT: ATF: · 955 · 451 · 467 · 454 · 450 490 (4A) 4AF 49) 49FY 100A. 100T & 1001.999 .997 5 1019, 1019 , 1019 b 1177-1114-1-77-1-77-1-71 1199 - 1194 - 1195 - 1194 - 1191 T E: 17.4.11.9.1137.1197 ص ۱۲۲۲ ، ۱۲۲۲ ، ۱۲۲۰ ، ۱۲۲۲ ، 1799 . 1797 . 1797 . 1791 . 1777 1414- 1414- 1405- 1404- 1404 1017-1011-1011-1014-1014 1050-1001-1001-1051 1595 . 155 % 1554 . 1571 . 1519 1275-1424-1414-1404-1404 1407-1444-1471-1477-1477 . T-TY: 1994: 1900: 19-1: 1441 -TODO.TOTA

اسپرسین: ج ۳ ص ۱۳۲۵ -اسپیتزبرک (جزابرس)در دریای محیط: ج۳ ص ۸۹۵ -

استاسیونآلا (سرحدایطالیاواطریش) : ج ۳ ص ۱۹۴۵

استانبول: ج ۱ ص ۹. استت کارد (باینخت و مرتندگ): ح ۳۳.

استت گارد (پاینخت و ورتنبرگ) : ج ۳س ۱۸۰۰ -

· YYT · YFA · YFT · YAA · YAT

1774, 1765 61764, 1770, 1775 7 E:1700.1791.1740.1749 · 1771 · 1779 · 1771 · 1777 • ۱۲۵۶۰۱۲۵۲۰۱۲۴۸ تا ۱۲۵۶۰۱۲۵۲۰۱۲۴۸ . 1766 . 1764 G 1767 . 1760 ه ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۶، ۱۳۷۹ تا ۱۲۲۱، TERE O INTO . ITAL O ITAT 11400 11404 11799 5 179Y 1424.1444.1443.1440.1414 1675 - 1614 - 1617 - 1747 - 1757 1846 - 1844 - 1044 - 1044 - 1044 1416 : 1417 : 1644 : 1604 : 1644 1771-1770-1777-1775-1717 1YA&+ 1YA 1 + 1YFA + 1YTT+ 1YTA 1414:1417:1407:1407:1407 ₩ 1581 • 1584 • 1584 W 1469-1464-1461-1489 -3445 1229 1426 1426 1426 1426 1290 - 1298 - 1284 - 1285 - 1285 1414 . 1404 . 1400 . 1400 . 1494 \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* Toko:30Y4:YoYo:30FF:30FT 7175.7177.710A.710A.709A . 1140

> استراز بورغ ...... استرازبورگ. استرازبورگ(شهر...): ج ۳ ص ۱۶۳۷، ۱۹۸۱،۱۹۸۰،۱۹۲۰،۱۹۲۰

استرالی: ج ۱ ص ۴۸۹؛ ج ۲ ص ۹۰۲؛ ج ۲مر۱۲۹۰،۱۲۲۹،۱۹۹۵، ۱۹۹۰

استربد: ج ۲ ص ۱۸۹۳،

استرلینز: ج ۳ ص ۱۴۸۰.

استعرد: ج ۱ ص ۳۷۹. استکهلم: ج ۲ ص ۵۸۷.

استوتکارت (پایتخت ورتمبرغ): ج ۲ ص

۱۳۰۴ : ج ۳ ص ۲۱۲۸. اسدآباد (هندان) : ج ۱ ص ۵۲۷، ۵۵۹:

اسدآباد (همدان): ج ۱ ص ۵۲۷، ۵۵۹: ج ۲ ص ۲۱۴۶۰۰۳: ج7س۱۴۶۶۶

اسران(منزل۔): ج ۳ ص ۱۸۹۶. اسفراین: ج ۱ ص ۴۵،۸۸۵: ج۲ص۶۲۹۰

۱۲۵۰۰۱۲۲۲ ک ۲ ص ۱۲۲۲۰۵۲۱ د ۱۲۵۰۰۱۲۵۶

اسفزار : ج ۲ ص ۶۵۴ : ج ۳ ص ۱۶۲۴ ، ۱۶۲۵ - ۲۵۳۷

الفندقد: ج ۳ ص ۱۶۵۱ . الفنده: ج ۳ ص ۲۰۹۲ . الکاتلند: ج ۱ ص ۵۶۲؛ ج ۲ ص ۱۳۰۴؛ ج ۳ ص ۲۱۲۸ .

اسکلاونی: ج ۲ ص ۹۹۲.
اسکندرید: ج ۱ ص ۹۳۴: ج ۲۳۳٬۲۳۰
اسکندرید(بندروشهر –): ج ۱ ص ۹۹٬۲۲۰
۲۳۰٬۲۳۰٬۲۴۰
۲۵۰٬۲۶۲
۴۵۰٬۲۶۲
۴۵۰٬۲۶۲
۱۴۵۰٬۲۶۲
۱۴۵۰٬۲۶۲
۱۴۵۰٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۲ ص ۱۵۲۲٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۱۳۵۰٬۲۶۲
۲ ص ۱۵۲۲٬۲۶۲۰

اسکوریال (قصر۔): ج ۲ ص ۸۴۹؛ ج ۳ص ۱۸۳۵ -

اسکیسرای (عمارت۔)در اسلامبول: ج ۲ص ۲۰۵۰

اللاسول: چ ۱ ص ۱۵۶۲۰۹۴۰ کی ۲۵۰۰۲۴۱ ۶۲۰۰۰۲ کی ۱۵۶۲۰۹۴۰ کی ۲۵۰۰۲۰۲۱ ۱۷۵۱۰۷۴۳۰۷۱۸۰۷۱۳۰۷۰۵۰۷۰۴ ۱۸۵۶۰۸۲۴۰۸۱۱۰۸۰۵۰۸۷۹ ۱۹۲۸ ۱۳۸۰۹۳۶۰۹۲۲۰۹۲۰

1000 1294 1994 19AL 1569 1010-1017-010-19-10-17-1004 1-95-1-84-1-81-1-89-1-68 1147-1141-1145-1147-1114 1147 - 1167 - 1161 - 1145 - 1147 ١٢٢٢ ، ١٢٤٠ ، ١٢٥٠ : ج٣ص١٢٢٢ ، 1004-1444-1497-1460-1401 15-9-15-1-1007-1044-1044 1544 1544 1544 1514 1514 1544-1564-1569-1564-1561 1446 1447 1644 1644 1644 1777.175561754.1701.1745 1**ለቀኛ፣ 1**ሃባፊ፣ 1ሃ**ሊሃ፣ 1**ሃሊዎ፣ 1ሃሊኖ きんとく・ シスイベィ ミスベー・ ラストデ・ ラス ラゲ ን**ለሃ** ፡ ‹ ነ*አ*ቃኛ ፡ ነ*አ*ልአ **·** ነልቸሃ ፡ ነልቸዎ 1977 - 1917 - 1904 - 1441 - 1440 1945 - 1970 - 1971 - 1974 - 1974 196961966196419611961 ToTo:To14:1990619AY:19YF

۲۰۵۲،۲۰۲۲،۲۰۲۲،۲۰۲۱ ۲۰۲۱،۵۰۲۰۲۱ ۱سلامیه (ممالکس) : ج ۲ ص ۸۲۸. اسلاو: ج ۳ ص ۱۷۶۲، اسلشویک هلستن (ایالتس): ج ۲ ص ۱۲۹۲: ج ۲ ص ۲۶۲: ج۲س ۲۰۲۲،۱۷۲۰

> ۱۸۲۶،۱۸۲۶،۱۸۲۹،۱۸۲۶، ۲۰۲۰، اطنگ: چ ۳ ص ۱۳۹۶،

اسمبیل آقا (قلعف): ج 1 ص ۲۷۷، اسمیل عثمانی(شهر...): ج ۳ ص ۱۳۱۷، اسمبین(پایتختپاراکی): ج 1 ص ۵۶۵،

ج ۲ ص ۱۲۰۹ کج ۲ ص ۲۱۵۲. اسلنسک(شهرس): ج ۲ ص ۱۹۶۱، (۹۶۱

ج ۳ ص ۱۵۰۷ ، استا (شهرکی در صفید معر) : ج ۱۳۵۳ ، اسورس(شهر—) : ج ۳ ص ۱۶۶۳ ،

اسين ۽ ۾ من 1697ء

اشیوند(ازیلاداندلس) ج ۱ ص ۳۸۰. اشیلید: ج ۱ ص ۱۹۸۰۱۹۰۰۱۴۸۰

۲۵۲۰۲۲۹٬۲۳۰٬۲۰۱ : اشترکایروان: ج ۲ ص ۱۵۷۸ . اشترت کارت (پایتختورتمبرغ): ج ۱ ص

امتهارد: ج ۱ ص ۱۰۰۸،۴۷۱.

اشرف (یا: اشرف البلاد) ولایتینجهزار: ج ۱ ص ۱۹۵۵ ج ۲ ص ۱۹۵۹-۱۹۵۶ ۹۲۱-۹۶۲-۹۵۲-۱۹۵۲-۱۹۶۲ ۲۸۲۲-۱۱۵۹-۱۱۵۹۲-۱۲۸۲۱

ج ۲ ص ۱۷۴۲ ۱۹۶۰ ۲۰

اشرف آباد: ج ۲ ص ۱۶۳۹. اشرفید(معالکس): ج ۱ ص ۴۲۸.

اشروسته: ج ۱ ص ۱۷۹.

ٔ اشکنبر: ج ۲ ص ۸۰۶،

اشنو(قلعم): ج ۳ ص ۱۴۱۳ ،

اشنویه: ج 1 ص ۴۷۲: ج ۳ ص ۲۰۱۱. اشیر: ج 1 ص ۲۸۹.

اصطخرفارس: ج ۱ ص ۲۰۲۰۵۲۰۵۲ کا ۲۳۸۰۶۳۲ کا

3 T ~ TTY!.

اصفاهان ـ اصفهان: چ ۲ ص ۱۰۵۵. اصفون(نزدیک معید مصر): چ ۱س۴۵۶. اصفهان(شهرس): چ ۱ ص ۲۲،۰۵۰،۲۵۰ ۱۵۳،۱۳۷۰۱۳۰۰۱۲۷۰۱۲۲۰۸۵۰

. TAY . TYP . TYP . TA . GTTF . TTT \*\*10\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* · ₹₹¥ · ₹₹6 · ₹₹ · ₹₹¥ · ₹₹ ) · ₹₹ o 1749.459.409 PAY.40A.40T · 714 · 711 · 7 • A · 771 · 7A9 · 7AF < FAF < FYT + FFF + FFF + FF1 + FF+ 10191011-011-011-019-019-0-P FT-07 + :001.00F.001.0TY · FAY · FA • · FT ¶ · FT F · FT A · FT Y · FA 1 · FYF · FYY · FFY · FF 1 · FF = 4774.730.7.7.544.647.648. 44.44.144.144.444.444.444 · A.S. · A.A. · A.A. · A.Y.A. · A.Y.Y · A.F.F \* ,4TT,434,41Y,43F,41+,40A \* 978 • 974 • 975 • 974 • 976 • 977 969 - 964 - 964 - 964 - 964 - 964 199 - 199 - 199 Lings 77P, 47P, 47P --- 17P. 996,998 🗠 991 ,988 ,981 1-115 10-9-10-4-10-1-1-0-1074.1075.1074.1077.1019 198451089, 1088, 1484, 1080 108861009-1008-1000-1019 . 1 - 94 5 1 - 91 . 1 - 14 5 1 1 - 5 A 1177-1179-1171-1170-1117 ₩ 1174.1174 C 1177.117A 11AT - 11AT - 1188 51 188 - 110Y 1500+114F+114F+11A4+11AY 1754.1774.1775.1774.1777 1741 - 1774 - 1774 - 1777 - 1755 - ۱۲۵۰ <sup>۱</sup>۲۲۸ ، ۱۲۴۶ ، ۱۲۴۵ تا ۱۲۵۰ ، 1740-1701-1704-1704-1701 . 1740 . 1740. 1744 . 1747 b 1747 - 1790 - 1744 · 1744 · 1747 1404. 1404 61404. 140-61794 1714: 1714: 1717&1717: 1710 1444 1444 1444 1444 1466 1444 . 1441 . 1480 . 1461 . 1460 1494. 1455. 1449. 1414. 1400 1606.1508.1499.1497.1448 1581-1581 - 1580 - 1514-15045

1661 • 1641 • 1644 • 1644 • 1644 1997 - 1947 - 1941 - 1959 - 1854 1770 - 1714 - 1711 - 1701 - 1917 1444 . 1444 . 1446 . 1444 . 1441 1744 - 1774 - 1774 - 1754 - 1757 1411:1407:1797:1797:1747 1404 · 1401 · 14ff · 14TO · 1410 1494114941446414641464 1975 + 1977 - 1914 - 1917 - 1904 1984 . 1904 . 1904 . 1904 . 1944 Took: Took: Toot: 1945: 1941 TOTE . TOTT . TOTI . TO 19 : TO 04 Toto:Torp:Torr:Tor1:Torp 4447 44011967194 CT+44 T109.7100.7100.709A:70Y9 7179.7777.7777.777.7717 -TIFF & TIFF

اَصلاندوز: ج ۳ ص ۱۴۷۶،۱۴۷۶،۱۵۰۵۰ ۱۵۰۶

اطرارت فارابوفارياب، ج1 ص د۲۹۴،۲۶۰.

اطلسیک: ج ۲ ص ۱۳۴۲ ، اعتام (محل–): ج ۱ ص ۱۱۲۲ ،

اطریش: ج ۱ ص ۴۸۸،۲۸۰،۲۷۶ تا ۴۹۰ YAT . YYY . YFT . T E . ATT 911 1409 1407 14901400 5474 1007 : 999 : 994 5996 : 9479 979 L 3037130101100413007 L 1170-1117-1110-1117-1019 11TT-11TT-11TY-11TA-11TF · 1179 · 1177 · 1175 · 1177 6 1105،1177 تــا ١١٥٨، ١١٢٠، 1177-1171-1187-1188-1181 170451707.1141.1144.1144 1790 - 17AF - 17AF - 576 - 176A 1409-1405-1400-1494-1494 1471 - 1419 - 1414 - 1435 - 1411 1770 . 1770 . 1777 . 1774 . 1477 1464 . 1404 . 1400 . 1446 . 1440 1795 - 1797 - 1740 - 1779 - 1777 1444 1004 1006 1444 1444 10TT610T1 . 10TA . 10TV . 10TO 1519 - 1050 - 1004 - 1057 - 1074 1884 - 1864 - 1844 - 1846 - 1844 1404.1404.1404.1244.1242

اغزاز (شهرس): ج ۱ ص ۲۰۴۰،۴۰۲۰؛

ج ۲ ص ۵۸۰. اغمات: ج ۱ ص ۳۴۹،

أغوار: ج 1 ص ۴۴۰،

افجه(قریمہ): ج 1 ص ۵۵۴: ج ۲ ص ۱۲۹۰: ج ۳ ص ۱۷۶۱،۱۷۷۴،۱۷۸۸ ۲۱۱۵،

افريزه(قريمــ): ج ٣ ص ١٧۶٠،

افريق يحفرب : ج ۱ ص ۴۲۰. افريق ج ۱ ج ۱ ص ۳۸۳ : ج ۲ س ۹۵۵:

افریق: ج 1 ص ۳۸۳: ج ۲ س ۴۹۵: ج ۲ ص ۱۹۲۵ - ۱۹۵۹ - ۱۹۵۹

11.44.46 0 1 2.44.47 19.

افریقای جنوبی: ج ۱ ص ۴۸۷. افریقیه = افریقا: ج ۱ ص ۹۰۵۷۰۵۴،

\* \* TAT \* TYF \* TSF \* TST \* TQ4 \* TTT 1404.444 4 4 5 4 444.444 ج ۳ ص ۱۸۸۸ ، ۱۵۱۲ . افسوس (شهر اصحاب کهف): ج۱۵۴٫۰۱۰ افشنه، افشینه(قریمــ): ج۱ص۲۱۱۰۱۲۳۰

افغانستان: چ ۱ ص ۴۸۷،۲۸۵،تا۲۸۹:چ ۲ ص ۱۲۵۲۰۱۱۲۳۰۹۶۱۰۸۸۹ تــا ٠١٥٠١ : ٣ ص ١٢٢٢ ، ١٢٢٢ ، ١٥٢١ ، · 1744 · 1697 · 1664 · 1607 · 1644 \* 1944 - 1444 - 1444 - 1496 - 1497 . \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

افغان(دولتـــ): ج ۳ ص ۱۵۲۲ ،

افلاق بغدان: ج 1 ص ۲۸۸، ۲۸۹؛ ج ۲ ص ۵۶۰،۱۲۰۲،۱۱۷۰،۶۷۸،۶۶۰ ۱۲۰۶ کے ۳ ص ۱۲۸۴ ۳۰ ۱۲۰۷ ا 1724 - 1777 - 1754 - 1754 - 1710 1917 - 1457 - 1470 - 1407 - 1400 TofA:TofY:Toly:Toly:Told:1944 . 7 . 4.

> اقرع (کومہ): ج ۱ ص ۱۹۸۰ اقصرا (اقسرا ): ج ۱ ص ۲۴۰۰۲۳۰ اقصریه(قبصریه): ج ۱ ص ۳۳۰۰ اقصی ــــ سجد اقصی، اظید: ج ۳ ص ۱۵۹۹ -

اکراد حمیدیه(قلعم): ج ۱ ص ۳۷۳۰ اکرادهکاریه (قلعمہ) : ج ۱ ص ۲۷۸،

اکرکای (قلعمہ): ج ۲ ص ۱۱۲۲،۱۱۷۱ اکزاکف (شهر ـــ): ج ۲ ص ۱۱۲۴۰۱۱۲۱ ، اکس(شهر۔):ج 1 ص ۲۹۱، ۳۴۶: ج ۲ **Å**₹₽•**Å**₹\$•**Å**•**Å•¥•**Y₹∆•*F*∆₹•*F*₹*M***≠** 

104.764.004.174.144.444 491-955-905-900-499-494

۱۲۶۳ ، ۱۲۶۳ نج ۳ ص ۱۲۶۳ ، اکسلاشایل (شهر۔): ج ۱ ص ۱۲۴۰۱۶۳،

۲۳۱: چ ۲ ص ۱۱۴۷۰۷۶۸: چ ۳ ص ۱۸۲۷ ٠

اکسن (مطکت می): ج ۲ ص ۶۵۶، اکوارتور ، اکواتر (جمهوری۔) : ج ۱ص۵۶۵.ٔ ج ۲ ص ۱۳۰۸ ؛ ج ۳ ص ۲۱۵۲ ،

اگرہ: ج ۲ص ۲۷۲،۷۸۲،۷۸۲: ج ۳ ح ۱۷۹۸ -

الاندشت (صحرای۔) : ج ۳ ص ۱۶۰۰ العآباد (قلعم): ج ۲ ص ۹۲۱۰ الب (جزیرمــ): ج ۲ ص ۱۵۲۱۰۱۵۲۸ ،

الب (رود۔): ج 1 ص ۴۸۸۰ البانه(شهرــ) درينكي دنياي شمالي: ج

۳ ص ۱۹۶۲ ۰ البرتا (کشتی۔): ج ۳ ص ۱۹۶۱ ۰ البرزکوه: ج ۲ ص ۱۱۲۶۰۱۱۲۳ ۰ الساس(أيالتــ): ج ٣ ص ١٩٣٥٠ الساسن (شهرس): ج ۳ ص ۱۹۹۲ -الشكد: ج ٣ ص ١٩٧٤٠

الكسندر سزاريويج (كشتىب) ، ج ٣ ص١٩٨٢ ٠ الکه: چ ۲ ص ۸۶۹۰

> الما (رودخانمس) : ج ۳ ص ۱۲۷۲ الموت (ظعفسا): ج 1 ص ۲۷۰۰

العوت قزوين، ج ۱ ص ۲۵۴،۳۴۳،۳۳۹، 

- AFF . ATT . 27A . النجق(ظعمــ): ج ۲ ص ۴۸۶٬۶۹۱٬۶۸۶

ع ۲ ص ۱۵۲۸ ، النگجاباخاكى 🐂 ۲ ص ۲۵۹ ، النگرادگان: ج ۲ ص ۲۵۰. النگسيزه: ج ٣ ص ١٤١٤ ، الواس(مطكّت) : ج 1 ص ۴۲۲ -

الوس اوزبک: ج ۲ ص ۶۶۵.

الوس بهارلو (درشهررور): ج ۲ ص ۸۹۱ الوسجته: ج ۲ ص ۶۵۸،

الوسجفتاي: ج ۲ ص ۵۸۵٬۵۸۴ ۵۹۰۰

.544.574.514.511.510.494 الوند (دامند) : ج ۲ ص ۹۲۶: ج ۳ ص

البهاک (منزل۔) در راہ خراسان: ج ص اليزد(عمارت،): ج ٣ ص ١٩٨١٠١٧١٥ ٠ اليس فرات ؛ ج 1 ص ٣٩٠٣٣.

الیکانت: ج ۳ ص ۱۸۰۵ .

أماسيه ۽ خرشته: ج 1 ص ۵۳۴،۱۱۴: ج · 1753 . 450 . 540 0 7

ا مامزاد مزید (در دارالخلافه) ، ج۲۳،۱۴۲۵ ۰ . 1946

المامزادمهاشم (جنگل۔): ج ۱ ص ۱۹۱۰، امامه: ج ۲ ص ۱۶۳۳ -

امبواز (شهر ـــ): ج ۳ ص ۱۷۵۲ ، أمس(شهرـــ): ج ۲ ص ۱۹۵۶۰۱۹۱۸ ه

. 4044. 1955. 1950 اسفیشیا: ج ۱ ص ۳۳، امالقری: ج ۱ ص ۲۶؛ ج ۲ ص ۱۳۳۸ ۰ امالقرفد: ج ١ ص ٢٤٠

امالنبی 🛥 مشهد مرغاب 🕻 ج ۳ ص ۱۴۰۳ ۰ امير (قلعمہ) : ج ۲ ص ۱۸۹۵ء امیرآباد (حصن\_)در چناران: ج ۳ ص

- 1297 - 1510 - 1509

امیریه: ج ۳ ص ۱۲۸۲ ۰ اميم: ج و ص ٣٢٧.

امین: ج ۳ ص ۱۴۶۶ ۰

اناتولیا (از خاک عثمانی) : ج ۳ ۱۷۶۵۰۰ انار: ج 1 ص ۵۲۸: ج ۲ ص ۱۲۸۱: ج ۲ ص ۲۱۳۲.

انبار (شهر ــ): ج ۱ ص ۱۰۲۰۶۹٬۴۰٬۳۵ \* 174 · 170 · 157 · 177 · 175 · 174

- 441 - 440 - 440 - 440 -

انہار عتیق: ج ۱ ص ۱۳۶۰ اندجان: ج ۲ ص ۲۱۷،۷۴۲،۷۵۳،۲۸۲۰ اندخود: چ ۲ ص ۲۱۷ ،۵۶۰ ۱۵۶۰ ۱۵۸۰ 1179-1171-1111 3 TOP 1171-1111

اندروناشرف = آيينه ځانه: ج٢ص١١٥١٠ اندلس: ج اس ۱۱۱٬۱۰۴٬۱۰۱٬۹۱٬۵۴

· 354 · 154 · 154 · 154 · 154 · 154 · 167 · 176 6177 · 170 · 179 · 174 · 179 · 170 · 184 · 188 · 187 · 10A . 1946198. 141 6144. 148. 144 \* 777.787.607.017.417.177 \* 778 \* 480 \* 4 1 A \* 730 \* 405 \* 400 + 514.517 0 7 = : 404.479

اندولیہ: ج 1 ص ۹۱،

انزاب: ج ۲ ص ۱۷۸۱ ۰

· 519 · 514

انزان (بلوکس) : ج ۲ ص ۱۱۷۲۰۹۱۷۰ انزلی: ۱ ص ۵۴۸٬۵۴۲: ج ۲ ص۱۲۳۵۰ 14.4.14.00 F 2: 1744.1177 1444 1414 1044 1014 1445 1944 1944 1910 . 1447 . 1490

· Yoko انسبروگ(شهر۔); ج ۳ ص ۱۷۰۲ ۰

T161

انطاليه(از بلادروميه المغري): ج ۱ ص ۴۲۵ ·

انطرطوس(بلد۔) نزدیک حیمی: ج 1 ص ۲۵۵۰۴۲ ج ۲ ص ۶۰۸۰ انگروس: ج ۲ ص ۷۱۴. انگرمان: ج ۲ ص ۱۷۷۸.

. \*1\*A. \*105. \*0\*\*. \*01\* انگلیس: ج ۱ ص ۲۲۴،۲۱۱،۸۴،۷۰۰۲۹ \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* < TA1 . TTF . TTT . TT0 . TT1 . T1+ · #14 · #14 · #11 · #44 · #74 · #66 -- +x0 . +50 . +50 . +79 . +70 1905 - 7 T & 046 YAG PAG · FOD 1507 1019 1017 1010 · \$70 · \$77 · \$77 · \$11 · \$0 9 · \$0\$ ,5446541,5726574,570,579 · FFT · FOO · FOT · FOT · FTA · FTF · ۶۸Y · ۶۸TU۶ ۸0 · ۶YA · ۶YA · ۶۶Δ 4 Y 1 Y . Y . F . Y . Y . Y . . . . F . . . F . A . . F . A . 141.406.444.440-6454.14. 4.400 + ATV + ATF + ATA + ATG + ATT 49091906190F190F1X9F ·971 ·970 · 914 · 915 · 914 · 917 900.9016944.940.950.954 469 . 469 . 969 . 969 . 968 . 966

. 9.4.0 ti 4.4. + 4.4. + 74.4. ti 4.4.4. + 4.4.4 1004 6 10011444 6 444.484 1078. 10 [5. 10 17. 10 10 61005 1144-1141-1144-1141-1-46 1104-1104-110--1174-1174 تا ۱۱۶۴۰۱۱۶۱۰۱۱۶۰۰۱۱۵۸ نسا 1141 -1144 - 1140 - 1147 - 1140 1755 · 1757 · 1704 · 170 A 617 • 7 1790 : 17A507E : 1804: 187A 1404.1400.1644.1649.1644 1414-1416-1410-1404-1406 14To: 1444:14TF: 1447 - 1471 1446 . 1440 . 1449 . 1440 . 1444 1404-1400-1404-1401 14Yai1488 : 1484 : 1484 : 1480 1444 - 1440 - 1444 - 1444 - 1441 110-T. 10-1 5 1445. 149F 5 1014-10-9-10-4-10-5-10-4 L 1941 1944 P 1944 1944 P 1079 - 1071 - 1070 - 1074 - 1077 1050-1004-1007-100--1019 1097 - 1040 - 1044 - 1045 - 1054 1904.1604.1600.1098.1098 1544-1514-1510-1514-15-95 1544-1540 1544-1544-1540 1554 · 1554 · 1505 61504 · 1504 1594 - 1544 - 1544 - 1544 - 1554 ۱۲۰۲،۱۶۹۷ تا ۲۰۲۴، ۲۰۹۹ تــا 1774-1777 61714-1712-1711 . 170T. 1701 L 1749. 1741 C 1446 - 1441 - 1464 - 1464 - 1404 . 1791 b 1744. 1744. 1779 b . 14.4 6 14.00.14.1 6 1444 **1** メイチ・1 メイア・1 メ 1 ミ<sup>©</sup>1 メ 1 チ・1 メ 1 イ · TATE U TATE · TATE · TATA U 1444 - 1445 - 1440 - 1447 - 1449 1450 - 1405 - 1407 - 1407 - 1400 1464 • 1466 • 1464 • 1464 • 1461 144461444 • 1446 • 1441 • 1464 1494 1495 149151449 1444 1977-1971-1919-1918-1910 1975:194061944:1951:1950 1904 - 1906 - 1901 - 1900 - 1955

> انگون: ج ۳ ص ۱۸۴۶ . انوالید: ج ۳ ص ۱۶۵۶ .

> انورس(بندرــ): ج ۲ ص ۱۱۳۴۰ اوبه: ج ۲ ص ۹۶۱۰

اوچ کلینا (سه فرمنگی ایروان): ج ۲ ص ۱۵۶۶۰۱۵۳۶۰۱۴۷۱ ت ۱۵۶۶۰۱۵۳۶۰۱۴۷۲ ۱۶۳۹۰۱۵۲۸۰۱۵۷۲۰۱۵۲۴۰

اوچوق: ج ۴ ص ۱۲۳۵ ۰

ارد (مطکت۔): ج ۳ ص ۱۷۸۸. آردیسه: ج ۳ ص ۸۵۳. آورال (کوههای۔): ج ۳ ص ۱۶۹۷. آورامان کردستان: ج ۳ ص ۱۹۰۸ آوران (شهر۔) از بنادر الجزابر: ج ۳ ص

اورانبورغ: ج ٣ ص ٢٠٥٠.

اورناق (جمال۔): ج ۳ ص ۱۳۲۶، ۱۳۲۶. اورشلیم: ج ۳ ص ۱۸۸۰. اورشه(بلدمہ): ج ۳ ص ۷۶۲. اورشه(بدینمہ): ج ۱ ص ۳۸. اورشنج: ج ۳ ص ۱۶۳۵، ۱۲۸۵. اورلٹان (ارلٹان): ج ۲ ص ۶۸۷.

ارروگای(جمہوری۔): ج ۲ ص ۱۸۷۱. ارروگی(جمہوری۔): ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲

ص ۱۳۰۹ ؛ چ ۳ ص ۲۱۵۲. اوزکند: چ ۱ ص ۲۹۵.

> اوشیر: ج ۳ ص ۱۳۲۵. اوق: ج ۲ ص ۹۸۵.

اولاباد: ج ١ ص ٥٤١: ج ٢ ص ١٣٠٣:

ج ۲ ص ۲۱۴۷. اولاد (قلعمہ): ج ۲ ص ۸۸۱. اولارکس(شهر): ج ۳ ص ۱۹۰۷.

اولارکس(شهر): ج ۳ ص ۱۹۰۷ . اولنای (جبال۔): ج ۲ ص ۱۳۳۲ ،۱۳۳۲ .

1969, 196461966, 1961, 1960

اولتنبزا: ج ۳ ص ۱۷۶۵ ۰ اولموتز: ج ۳ ص ۱۷۲۰۰۱۷۰۳ اولنگیاقوتی: ج ۳ ص ۱۶۰۹ ، اوندورا (جمهوری۔) : ج ۳ ص ۲۱۵۲ ، اوین (نزدیک گلوران) : ج ۳ ص ۱۲۳۲ -اهارسکین: ج ۲ ص ۲۳۹۰ اهر (طبعہ) یا: اهار: ج ۲ ص ۹۳۶: ج ۳ ص ۱۴۱۴ . اهرام مصر: ج ۲ ص ۶۲۳، اهواز: ج ۽ ص ۲۰۲۲،۶۸،۵۵،۵۲،۴۷ 1177 10f . 101 . 100 . 171 . 177 1711.709.707.705.147.17 · TYF · TFT · TQA · TQ3 · TQ0 · T3 T \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* ج ۲ ص ۱۱۹۳ ؛ ج ۳ ص ۱۴۰۰ ، اياس(ازبلادسيس) ثرج ۲ ص ۴۶۲۸،۶۲۰ .581 ایالات متحدہ: ج ۳ ص ۱۳۹۵ ۰ ایالت جنوبی: ج ۳ ص ۱۸۹۱ ۰

ایالت مرکزی! ج ۳ ص ۱۹۶۴ -ایدن(در خاک عثمانی): ج ۳ ص۱۸۰۲۰ ابران: ۲۰۲۰ ۱۹۰۱ ، ۲۲۰ ۲۲۰ ۲۰۲۰ ۴۰۲۰ ۴۰۲۰ 450 . 451 . 450 . 444 . 444 ₹**٢**٧٠, ₹**१**٩٠, ₹**٢**٢ . **٢**٤٩ . **₹**\$9 \*\*\*\*\*\*\* • \*\*\* • \*\*\* • \*\*\* • \*\*\* ۵۲۲ : ۲ ص ۵۷۶ ،۵۷۲ ۴۲۸ · FF1 · FF · · FDQ · FD · · FTQ · FTY 401.441.446.544 B 544.550 · 477 · 410 · 410 · 400 · 475 · 475 1 \* \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 444.FY4.AXA.AXA.70P.40P. 4146 417.410.417.4.4.4.A · 988 6 980 · 978 6 988 · 988 944 441 440 447 6 446 446 . 900, 904, 901, 900, 946, 944 941.940.956.951 909.304 495.997.991.9X1.9Y9 64YY 41017 . 100 A . 100 A . 100 0 . 28 A 1017610701101411014.1017 1081,1084,1086,108161040 1041.1004.1000 61044.1041 1097 - 1047 - 1049 - 1044 - 1047 1170611141111511095.1094

1379 - 1170 - 1174 - 1177 - 1177 1389-1381-1380-1384-1388 1144-1149-1166-1104-1101 1709-1707-1194-1194-1194 1777 - 1777 - 1701 - 1704 - 1714 1777, 1777, 1771, 1774, 1775 174261744 1747 1747 17406 1790.170461704.1707.1740 1894 1844 1848 1848 5188 1777, 1774, 1717, 1707, 1407 1444, 1447p11442, 1442, 1444 - 1464 · 1464 · 1464 · 1464 · 1747 - 1744 . 1745 . 1740 1444-1444-1440-1444-1446 1۵۰۸ تــا ۱۵۰۲، ۲۰۵۵ تا 1010-1014 1014 - 1015 ا ۱۵۴۸، ۱۵۴۶، ۱۵۴۵، ۱۵۳۷ نسا 1040.1054 - 1004.1004.1001 1097 - 1044 - 1044 - 1040 - 1041 1505: 1500: 1501: 109761090 1588. 1589. 151261515. 1514 1544 1540 1540 01544 1544 1880- 188761881- 1800-1808 L 1844 1846 1844 1884 L 1647 • 1647 • 1641 • 1644 • 1647 ١٧١١ نسا ١٧١١٠ 1701-1770-1770-1770-1715 1444 . 1440 . 1464 . 1404 . 1405 1748 - 1740 - 1740 - 1779 - 1777 1797.1794.1794.1791.1744 1417 - 1411 - 1404 - 1404 - 1494 IATO · IATY · IATO - IAIA 1781 - 6781 - 8781 - 7681 1444 · 1441 · 1440 · 1451 1444 • 1444 • 1444 • 1441 • 1444 19091190411894140911999 1979-1975-1977-1915-1916 1971:1974:1977:1977:1970 1951,1964,196761960,1944 197951977.1970.1977.1958 199761924 1928 1921 1721 Too4 . Toof . Toof . 1994 . 1994

۲۱۴۵۰۲۰۵۳ ایربیت (شهر): ج ۲ ص ۲۰۰۰، ایرلند (جزیرمہ): ارلند

ايروان: ج 1 ص ۵۲۵ ج ۲ ص ۲ ۸۸۵،۸۵۴ ايروان \* 9To + 91T + 91T + 901 + A99 + A9A ,940,4460444,441,440,444 . 10TT . 10To . 1010 . 9FA . 9TO 1-61-1-79-1-70-1-77-1-77 -1757-1177-1114-1114-1117 ج ۳ ص ۱۳۲۲ ، ۱۳۳۶ ، ۱۳۲۹ ا<sup>تا ۱</sup>۲۲۱ 1763 - 1774 - 1777 - 1776 - 1777 1754 . 4757 . 1750 . 1745 . 1741 1471-1792-1753-1756-1756 1444 61441 . 1459 . 1444 . 1444 1479 1474 1464 1466 10-1-1794-1790-1797-1791 1444.1455.1445.1411.14.4 1497, 1040, 1047, 1044, 51044 14-1-1544-1540-1044-1040

ایزبان: ج ۳ ص ۱۹۲۵،

ایزدخاص اصفهان ـ ایزدخواست : ج ۲ ص

A.Y

· 1474

ایزدخواست = ایزدخاص( از قرای|صفهان) : ج ۲ ص ۱۶۳۱ - ۱۲۸۹ - ۱۲۸۹ - ۱۶۳۱

ایسوس: ج ۱ ص ۲۲ ،

ایشک میدان: ج ۳ ص ۱۵۱۱ ،

ایشل (شهر ...) : ج ۱ ص ۴۸۸؛ ج ۳ ص ۲۰۱۱ ۱۹۰۶، ۲۰۴۸، ۲۰

174.174.184.77.01 @ 1 = : indicate
.T04.TTT.Y17.711.141.176
.T04.TAD.TAD.TC.TTT.T1
.TAP.TPO.TAD.TC.TTT.T1
.TAP.TPO.TAD.TC.TTT.T1
.TAP.TPO.TAD.TC.TTT.T1
.TAP.TPO.TAD.TC.TTT.T1
.TAP.TPO.TAD.TC.TTT.TT.T1
.FTT.FAT.FAI.FTT.FTT.FTF.FTF
.FTT.FAT.FAI.FTT.FTT.YTT
.YTT.Y1T.Y10.Y0Y.Y0F.FYT
.YTT.Y1T.Y10.Y0Y.Y0F.YTT.YTT
.YY1.YF9.YFT.YTT.YTT
.YY1.YF9.YFT.YTT.YTT
.YY1.YF9.YFT.YTT.YTT
.AA3.AYA.AY1.AA1.YAT.YAT.YYT
.AA3.AYA.AY1.AA9.AA1.AA0
.9A9.0110117.100Y.100T.00F
110A.01144.1174.1114.1114

10111401010101701701701

Toff . Tofa . ToT4 . ToTA . ToTF

1170-1177-117-51194-119-: 1404-1400-1404 : 1341-1341 ج ٢٠٠ ١٢٢٥ ، ١٢٢٥ ، ١٢٢٥ 1755 - 1769 - 1746 - 1767 - 1761 3544 1544 1545 1744 1784 1919-15-4-15-4-1074-1074 1744 · 1740 · 1770 · 1707 · 1707 1407-1799-1797-1790-1749 عديدا مايدا معدد المعدد 1444.1446.1440.14461440 1479 - 1470 - 1497 - 1497 - 1407 1917-19-5-1491-1441-14745 1970-1971-1970-1977-1914 1960-1964-1961-196+-1979 1944 --- 1945-1977-1956 - Y ) FA : Y - F9 : T - FA : Y - YY

ایغور (بلاد —) : ج ۲ ص ۵۸۰ : ج ۲ ص ۱۳۳۵ ایکری درت : ج ۲ ص ۵۸۰ .

ایکنیم (ازبلاد آسیای صغیر ) : ج ۱ ص ۳۳۹ .

ایکنیک : ج ۳ ص ۳۰۰۷ .

ایلو : ج ۲ ص ۱۳۸۸ .

ایلو : ج ۲ ص ۱۳۸۸ .

ایلیا : ج ۱ ص ۴۰۰۷ .

ایلیا : ج ۱ ص ۳۰۰۷ .

ایلی سابط یول د قراباغ وگنجه : ج۲ص ۱۵۱۲ .

ایران (شهر —) : ج ۳ ص ۱۳۲۶ ، ۱۳۳۰ .

ایران (شهر —) : ج ۱ ص ۳۳۵ ، ۱۳۳۰ .

ایران (شهر —) : ج ۱ ص ۳۳۵ ، ۱۸۲۰ .

ایران طلا (روضه و رضوی ) : ج ۳ ص ۱۸۲۶ .

۴۴۰۴۳. ایوان کیف: ج ۱ ص ۵۵۰ : ج ۲ ص ۱۲۸۴، ج ۳ ص ۱۸۹۲، ۲۱۳۵۰ ایوان مداس ---- ایوان کسری. ایور (قریمہ): ج ۳ ص ۱۸۹۵،

ایوان کسری ـ طاق کسری : ج ۱ ص ۳۹،۳۵ ،



بابالفرادیس(دردمشق) : اح ۱ ص ۸۳۰ بابگ(شهر...) : ح ۲ ص ۱۹۵۹ : ج ۲ ص ۱۶۲۹،۱۶۱۳،۱۶۱۳،۱۴۲۴،۱۴۲۵

· 1901 · 190 ·

بابل: ج 1 ص ۲۳، باب نوبی: ج 1 ص ۲۲۶،

بابهایون(درامفهان): ج ۲ م۲۰۴۳. باخرز(ولایت): ج ۱ ص ۵۵: ج ۲ ص ۱۵۲۰ ۱۵۲۰: ۲ م ۱۵۳۰ ۱۶۰۲۰۱۵۹۸ ، ۱۵۲۷۰۱۵۲۵۰ ۱۶۰۲

باخبرا (۱۶ فرسخی کوفه): ج ۱ ص۱۴۱۰ باد (ایالت یا : مطکت،): ج ۱ ص ۲۶: ج ۲ ص۸۰۷۱ ۱۹۵۰ ۱۸۸۷ ۱۹۹۹ ۱۹۲۲ ۱۹۲۵ ۱۹۱۹ ۱۹۲۲ ۱۹۲۶

بادغیس: چ ۱ ص ۱۹۶۰۷۲،۵۷ تا ۱۹۴۰۹۸ ۱۹۶۰۷۲،۵۷ م ۳۸۵ - ۳ ص ۱۹۶۰ ۱۹۶۴ - ۱۹۶۴ می ۱۹۳۳ - ۱۶۴۲۰ ۱۶۴۲۰ می ۱۶۴۳۰ می ۱۶۴۳۰ می ۱۶۴۳۰ ا ۱۶۴۳۰ ۱۶۳۳ می ۱۶۳۳ از ۱۶۳۵،۱۲۷۶۰ از ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،۱۴۷۷۰ ۱۴۷۸،

۱۹۲۲،۱۹۱۱،۱۶۴۳،۱۵۲۱،۱۳۸۳ ۲۱۰۷،۲۰۱۴ بادن باد (شهر...): چ ۳ ص۱۹۲۲،۱۸۹۰

بارید (شهر ــ) از بلادهند: چ ۱ ص ۱۵۱ ، بارسلن (قصر ــ): چ ۱ ص ۱۶۶: چ ۲ ص ۷۲۳: چ ۲ ص ۱۷۰۱ ، بارفروش: چ ۱ ص ۵۵۰۰۵۴: چ ۲ ص ۱۱۷۲۰۱۱۵۳۰۹۲۱ ، ۱۲۲۰۱۱۵۳ ، ۲۲۳۰۱۱۲۲

1904 - 1770 - 1747 - 1740 - 1747 1904 - 1770 - 1590 - 1054 - 1077 - 1775 - 1717

ہارود (ایالت۔) : ج ۳ ص ۱۹۶۰ ،

بازین (ظلمه): ج ۱ ص ۴۴۳٬۲۰۱ ج ۲ ص ۱۵۰۶۱۳٬۵۸۱ بازار (محلمه) طهران: ج ۱ ص ۵۵۶٬۵۲۶ ج ۲ ص ۱۲۵۲، بازار جالی (بیلاقه): ج ۲ ص ۸۲۳، بازار زنان در قسطنطنیه: ج ۱ ص ۱۱۹، بازار مناعه موصل: ج ۲ ص ۵۹۸، بازار وکیل (در شیراز): ج ۲ ص ۱۱۸۱، ح ۳ ص ۲۰۲۰

بازیدی (از اعمال جزیرہ ابن عمر) اج ۱ ص ۱۵۹ ،

باسان: ج ۳ ص ۱۴۴۰. باستس: ج ۱ ص ۴۹۰٬۴۸۸: ج۲ص۲۰۲۲ باستیل(ظعمو محبس س)در یاریس: ج ۲

ص ۶۸۱ - ۳ ص ۱۴۱۱ -باسمج (قریمہ) : ج ۳ ص ۱۵۷۹ -باسوتولاند (در افریقای جنوبی) : ج ۱ ص

۲۸۷، ج ۳ ص ۲۰۱۳، باش اچوق: ج ۲ ص ۲۰۹۰۱۱۰۹۰۱، ج

۳ ص ۱۷۷۹. باشت (منزل۔) : ج ۲ص ۱۰۲۶. باشفر (بادیمہ) : ج ۳ ص ۱۳۳۱. باطنیکیی: ج ۲ ص ۷۸۵ تا ۲۹۱.

باطوم: ج ۳ ص ۱۹۸۹. باغ ارک: ج ۳ ص ۱۹۹۶. باغ ایخانی: ج ۱ص ۴۷۷: ج ۳ ص۱۹۶۳. باغ جهانها: (در شیراز): ج۳م۱۴۵۵. باغچه سرای (شهرس): ج ۱ ص ۴۵۷. باغ دلگشای شیراز: ج ۳ ص ۱۱۵۸. باغ دولتی لالعزار: ج ۳ ص ۱۱۸۷.

باغ دولتی نگارستان(در طهران): ج 7ص ۱۱۸۶: ۲۶۳۸ ۱۶۱۵۰ ۱۶۲۸ ۱۶۲۸ ۱۶۳۸

باغ زاغان(در هرات): ج ۲ ص ۶۸۱. باغ سعادت آباد اصفهان: ج ۲ ص ۹۵۱: ح ۳ م. ۱۸۹۹، ۱۵۲۰.

ج ۳ ص ۱۶۲۰۰۱۵۹۹ باغ شاہ(در طهران): ج ۳ ص ۲۰۴۳ باغ شاءآمل: ج ۳س ۱۳۸۷، باغ شاء بروجرد: ج ۳ ص ۱۷۱۶۰۱۷۱۹، باغ شاہ هرات: ج ۳ ص ۱۵۷۳، باغ شال : ج ۳ ص ۱۵۷۳، ج ۳ ص ۱۹۷۷، باغ علی آباد: ج ۳ ص ۱۹۸۱،

باغ فرمانقرما (در شیراز): ج ۳ ص ۱۵۹۹. باغ لالعزار: ج ۳ ص۱۸۳۰ ۱۶۸۹۰ ۱۸۳۰۰

· Toff : 1995 : 1444 باغ محراب خان قاجار (جنب زايندهرود ) : [ ج ۲ ص ۹۶۱ ، باغ مختار هرات: ج ۲ ص ۶۰۶، باغ مرادهرات : ج ۲ ص ۸۷۶. باغ ناصریه: ج ۳ ص ۱۷۷۱، باغ نگارستان۔۔۔۔ باغ دولتی نگارستان۔ باغ وحثريرلن: ج ٣ ص ١٩٩٢ . باغوحش دوشانتيه! ج 7 ص 1146 . باغ همایونی: ج ۳ س ۱۹۹۵. باغین(منزل۔): ج ۳ ص ۱۵۹۲ -بافق: ج ۳ ص ۱۶۰۸،۱۶۰۷. باقشیانا: ج 1ص ۳۸، باکو: ج ۲ ص ۲۴۲،۷۴۱. باکویه: چ ۳ ص ۲۰۱۲،۱۴۱۲،۱۴۱۲، - 141Y - 17TT ہال(شهر-)درسویس: ج ۲ ص ۷۹۸: ج۳ ص ۱۲۲۴ -بالاحمار كابل: ج 7 ص ١۴۴۴. بالاخ لوا: ج ٣ ص ١٧٧٨ . بالا دستها کاته: ج ۳ ص ۱۸۸۰. بالتيک: ج ۽ ص ٢٥٢. بالخان (کومــ): ج ۳ ص ۲۰۵۱، ۱۹۸۸، ۱۹۸۸، بالغلو (از توابع ایروان) ؛ ج ۳ ص ۱۵۶۶ بالكيه: ج 1 ص ٥٣٤؛ ج ٢ ص ١٢۶٢. بالمآر (جزاير ــ): ج 1 ص ۱۶۵،۳۴۹، بالپارود : ج ۳ ص ۱۵۸۳ . بام (قلعم): ج ۳ ص ۱۵۲۹ ، ۱۵۴۷ . بامیان: ج ۱ ص ۴۴۲،۴۲۴: ج ۲س۸۰۶ بان کک(پایتخت سیام): ج ۱ ص ۵۶۴ ج ۳ ص ۲۱۵۱، بانین (مرزــ): ج ۱ ص ۱۰۱. باویر (مطکنت): ج 1 ص111، ۱۵۹، ۱۵۹، ع ۲ ص ۱۱۲۷ ۱۲۰۱ : ج ۲ ص 1404 • 1214 • 1442 • 1444 • 144 1244 140 1 1449 1444 1444 1464 1464 1919 • 1449 • 1464 • 1461 • 1477 . T147 . 1905 . 190 . بایزید (ظعمہ): ج ۲ ص ۶۸۱: ج ۳ ص 1641 - 1664 - 1661 - 1674 - 1661

1444 1944 1 1941 1 1941

. 1990

بحر روم: ج ۱ ص ۱۰۱۰۲۲۵۰۲۵؛ ج۲ ص ۲۰۸.

بحر سفید: ج ۲ ص ۹۶۶: ج ۳ ص۱۸۲۸ ۱۸۲۸ ·

بحرالعجم: ج (اص ۵۳۲) ج ۲ ص۱۲۵۹ ج ۲ ص ۱۵۲۲،

بحر فارس: ج 7 ص ۱۰۵۵ ج ۳ ص۱۷۹۶. بحرفرادنگیر: ج ۲ ص ۷۲۴.

نجر مارمالا : ج ۲ ص ۲۰۰۲ .

بحر مخيط: ج 1 ص ۲۶۴.

بحرین(جزیره-): چ ۱ ص ۲۲،۲۲،۲۲۱ ۲۲،۶۲۰۱۵،۴۷۰،۵۲۰۵۲،۲۲۱ ۵۲۱،۸۲۱،۱۵۱،۶۵۲،۸۲۱،۸۶۱ ۵۰۲،۲۲۲،۲۳۲،۶۶۲۲: چ ۲۳۵۵۱،۵۶۲ ۵۲۲،۷۶۲،۰۲۰۱،۸۵۱،۶۵۱،

بحريه: ج ۲ ص ۵۷۹.

بحيره(درياچه): ج ۱ ص ۳۹۳،۳۴.

بختیاری: ج ۱ ص ۱۹۲۰،۲۷۲،۳۵۵،۵۵۵، چ ۲ ص ۱۹۱۶،۱۰۲۱،۱۰۵۱،۲۰۱۱ ۱۱۲۱،۱۱۲۱: ۲ ص ۱۹۲۱،۱۲۲۱،۲۴۲،۱۲۲۱،۱۲۲۲،۲۲۲۱ چ ۲ ص ۱۹۲۱،۱۲۲۱،۲۲۲۱،۲۲۲۱،۲۲۲۲،۲۲۲۲

بــدخــشان (ولايـــتــــ) : ج ۲ ص ۲۹۰۶۷۸ ۲۰۷۱۲۰۷۰۲ به ۱۹۰۷ ۲۵۲۰۵۵۹۰ ۲۸۲۰۷۷۲۰۵۶۱۰۸۰۵۰۷۸۲۰۷۷۵

بربر، بربرستان: ج (ص ۱۸۳۰ ۱۸۳۰ برتانی: ج ۲ ص ۱۴۲۵، برج حمام: ج ۱ ص ۱۰۲، برج نوش: ج ۳ ص ۱۶۱۵، ۱۶۳۱،

بره ع سوس ع ۲ ص ۱۹۲۱ ، ۱۹۳۱ . بردع (طکس): چ ۲ ص ۱۹۲۱ ، ۱۹۲۹ ، ۱۱۳۰

۱۱۳۱ أ ج ۳ ص ۱۳۲۶ أ ۱۳۴۰ . بردعه : ج ۱ ص ۲۵۶ أ ج ۳ ص ۱۴۶۸ . بردقان (از ارض بلخ ) : ج ۱ ص ۱۱۵ . بردو (شهر ــ)در فرانسه : ج ۱ ص ۵۲۵ أ ج ۲

~ 7971 : 3 7 ~ YYA1 . 76Y1 .

برزل (از شهرهای پروس) : ج ۱ ص ۴۴۹ . برزنه: ج ۲ ص ۵۹۶ .

برزیل ، برزل (درینگی دنیای جنوبی) : ج اِ می ۱۹۶۹،۴۶۶ تی ۲۰ می ۱۹۲۸،۲۶۹ ا ۱۳۰۹ تی ۱۹۵۸ ۱۹۵۸ ۱۹۵۲ ا ۱۸۵۲ ۱۸۲۱ ۱۲۸۰ ۱۲۵۲ ۱۸۲۱ ۱۹۶۲ ا ۱۹۲۲ ۱۹۶۲ ۱۸۲۲ ۱۸۲۲ ۱۸۶۲

7•07·7015·1970·1959·1955 7107

> برزیه (حصن۔) : ج ۱ ص ۴۱۳. برس: ج ۱ ص ۴۳.

برسا ' ج ۲ ص ۲ه۶۲۲۰۶ ' ج ۳ ص ۱۶۸۱ -برسک (شیرے) : ج اس ۲۸۰۰ برسلو (شهرب): ج۳ص۱۴۸۸ ۱۸۱۹ ۱۸۱۹ ۲۰۴۹ ۲۰ برشن ۽ ج ۳ ص 1611 • برعدوه: ج 1 ص ۴۳۹۰۲۳۶، برقآباد (مزرعف) از توابع هــارون آبــــاد کرمانشاہ: ج ۳ ص ۱۲۴۱ ۰ برقعید (از اعمال موصل) : ج ۱ ص ۴۴۴۰ برقه: ج ۱ ص ۵۱،۲۰۹۰۶۰۵۱، برکشاط: ج ۳ ص ه ۱۵۷۰ برلن (ہاینخت یروس) : ج ۱ ص ۴۸۸ ۵۶۱ و ج ٢ ص ١٢٥٢ ، ١٩١١ ، ١٣٥٢ ، ج ٣٠ 1770 : 1708 : 1575 : 1501 : 1844 1401-1497-1401-140--1479 1984 : 1980 : 1881 : 1885 : 1818 1950:1906:1900:1947:1941 1924: 1476: 1470: 1466: 1469 \* برمک: ج ۳ ص ۱۵۷۱ ۰ برن (پایتخت سویس) : ج ۱ ص ۵۶۳ : ج ۲ ص ۱۳۰۶؛ چ ۳ ص ۱۶۹۷ ،۱۲۰۲۱ برنماو (جزيرهــ) : ج ۲ ص ۱۱۴۶،۷۶۲ ٠ بروچ آق (در دربند ) : چ ۳ ص ۱۷۳۶ ۰ بروجرد : ج 1 ص ۲۲۱ ، ۲۶۲ ، ۲۵۷ ، ۲۶۲ ، 1000 1015 1014 1014 144 144 ۵۹۲،۶۷۷،۶۷۶،۶۶۶ ت ۲ ت ۵۵۸ 1550-1144-1145-1145-1056 174) - 1744 - 1749 - 1749 - 1770 ۱۲۹۶ ، ۱۲۹۸ ، ۱۲۹۹ : چ ۲ می 1609,1499,1444,1401,1499 1551 - 1574 - 1504 - 1507 - 1084 1714, 14.1, 1544, 1544, 1540 1404-1444 - 1444 - 1410 - 1414 6 1220 1710 1710 - 1754 1701 ንዩነ። ነጻልለ፣ ነለየለ፣ ነል። ነልፉ፦ ነልቃዎ 1957 - 1907 - 1977 - 1975 - 1974 Toof. 1990. 1997. 1946. 1964 4047.4007.19107.1707.4707

۲۱۲۳۰۲۱۴۲ -پروسا (پروسه) : ج ۱ ص ۵۳۴ ج ۲ ص۶۶۲ ۹۳۱،۶۶۷ -

Tofy. Tofa. Tofs. Toff. Toff

بسترا (مدینمہ)یا ' بسترہ از شام : ج ۱ ص ۳۸ بست سجستان : ج ۱ ص ۲۲۲۰۱۹۴۰ ۲۲۲۰ بست سجستان : ج ۱ ص ۲۲۲۰۱۹۴۰ ۲۶۹

> ۱۵۲۰۰۹۷۰ بستک (قلعف) : ج ۳ ص ۱۲۹۶۰ بستن: ح ۳ ص ۱۸۰۱۰۱۷۴۱

یس عربی: ج ۲ ص ۱۸۰۵ ۰ پسٹر (بقازے): ج ۱ ص ۱۳۶۰ ج ۳ ص ۱۶۱۹ ۰ پسٹی (ایالت۔)در اطریش: ج ۲ ص ۱۳۵۷ : ج ۳ ص ۱۸۷۲ ۰ ۱۸۰۷ ۱۹۶۲ ، ۱۹۶۲

بش برماغ : ج ۲ ص ۹۳۶ ۰ بشت : ج ۱ ص ۵۷۰ بشکنس(ارض-) : ج ۱ ص ۱۱۶۰ بحری (شهر-) : ج ۱ ص ۲۱۶۰۳۷ ۰ ۴۴۱۰۴۱۶۰۳۷ ۰

· F۵1 · FFF

بطران: ج ۱ ص ۱۲۱۰ بطلیوس(شهرس): ج ۱ص ۳۰۱۰۲۱۵۰۲۰۹۰ بطنخلد: ج ۱ص ۵۵۰۲۸

- 11081 1755

بطبک:ج ۱ ص ۲۰۲۱،۲۹۶،۲۲۱،۲۹۲،۳۷۲ ۲۸۰،۲۲۱،۲۹۲،۲۹۲،۲۹۲،۲۲۱ ۲۵۱،۲۲۲،۲۴۴،۲۴۲،۲۲۲،۲۵۲ ۲۵۲:چ۲ص۱۸۵،۲۸۵،۷۲۲،۲۲۲،۲۲۲،

بغ (بغشورا): ج ( ص ۳۶۳. بغاز سوئز: ج ۳ ص ۲۰۵۳. بغاز هودسن: ج ۲ ص ۲۴۲. بغایری: ج ۲ ص ۱۳۸۰.

· T : 4 · TFY brr4 · FTY · FTS · FTT

167-764-764-767-764-764 . TYFUTYY . TYO . TF9 . TFF . TFF \* ٣٩٩ · ٣٩٧ · ٣٩۵ · ٣٩١ · ٣٨٩ <sup>L</sup> ٣٨٧ , 471 , 470 , 414 , 404 , 407 , 401 , 454-444, 604, 404, 004-444, 276: 37 0 940 116 116 116 190 ,5496544,541,505,094,094 , 500, 502, 502, 549, 541, 541 ,544.540,554,554.554.551 444.4P4.404.414.444.P44. \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 474-464-416966, 47694776, . 1 - 7 5 . 1 - 1 5 7 . 9 FT L 9 TA . 9 TY 1170-1117-1077-1077-1074 1140.1175.1177.1179.117 1179 - 1174 - 1185 - 3180 - 1141 ۱۲۶۱۰۱۲۰۴ ؛ چ ۲ ص ۱۴۲۱۰۱۴۱۶ 1444 . 1450 . 1451 . 1400 . 1449 1894 - 1890 - 1848 - 1848 - 1849 1000-1047-1007-1000-1000 1051-105--1004-1005-1005 1800 - 1807 - 1849 - 1848 - 1844 1207 . 1594 . 1577 . 1550 . 1549 1444 - 1440 - 1457 - 1470 - 1414 . 1109. 1999. 1970. 1910

بغراس (ظعه) : ج ۲ ص ۵۸۷. بفته امامزاده جنفریزد : ج ۳ص ۲۵۹۱. بفته امامزاده گازرسنگ: ج ۳ ص ۱۶۹۲. بفته حضرت رضا (ع) : ج ۳ ص ۱۷۰۵. بفته حضرت عبدالعظیم : ج ۳ ص ۱۳۶۵. بفته حضرت عبدالعظیم : ج ۳ ص ۱۳۶۵.

بقده حضرت معصومه : ج۲ ص ۹۷۱ ، ۱۰۱۴ ، ۱۰۱۴

ح ۳ ص ۱۸۹۹۰۱۶۱۸۰۱۴۶۱ بقده سیدمبراحدد شاهجراغ (درشیراز) : ج۲

ص ۱۵۶۵ - ۱۱۷۶۰۱۰ غ ۳ ص ۱۵۶۵ . بفته شاه رضای قشه : ج ۲ ص ۱۱۶۶ . بقعه شاهزاده حسین (در قزوین) : ج ۲ ص

بغده شیخ صفی (در اردبیل) : ج ۲ ص۰۷۳، بغلان : ج ۲ ص ۸،۵۰٬۷۵۵٬۷۵۲ بغیم (قبرستان—) : ج ۱ ص ۱۴۳۰٬۷۵۵، بغیمه : ج ۱ ص ۳۹۳، بکاس: ج ۲ ص ۹۶۵، بکان (فریم—) : ج ۲ ص ۱۵۹۷،

بكر: ج ٢ ص ٨٧٢. بكنا (بايتخت كولىبى): ج ١ ص ٩٩٥: ج ٣ ص ١٢٥٧، ١٣٥٩. بلادانيك: ج ٢ ص ١٩٢٥. بلاداسلاميه: ج ٢ ص ١١٢٥. بلادامو: ج ١ ص ١٨١٠. بلاداو: ج ١ ص ١٢١. بلادساحليه: ج ٢ ص ١٩١٨. بلادساحليه: ج ٢ ص ١٩١٨. بلادساحليه: ج ٢ ص ١٩٠٨. بلادشرقيه: ج ١ ص ١٩١٩.

> بلاماغون: ج ۱ س ۳۱۷٬۳۵۲٬۲۸۶ بلاطنس: ج ۲ س ۵۹۶٬۵۸۸ بلبیس: ج ۱ س ۲۸۸ بلجیق..... بلژیک

بلاس: ج ٣ ص ١٣٣١ .

بلجیک = بلزیک: ج ۳ ص ۱۸۱۰، ۱۸۱۳، ۱۸۲۰

بلرم (شهرس) از صقلیه: ج ۱ ص ۱۸۹، ۱۹۲۰ بلزیک: ج ۱ ص ۱۹۶۰، ۱۹۵۰ : ج ۲ ص ۱۹۶۰ ۱۳۵۰، ۱۲۰۲۰، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۱۱ : ۱۲۲۰ ۳ ص ۱۴۱۱، ۱۲۹۹، ۱۲۹۱، ۱۲۲۱ ۱۵۲۲، ۱۵۳۱، ۱۲۹۹، ۱۲۹۶، ۱۲۲۱ ۱۷۶۳، ۱۲۵۲، ۱۲۵۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۲ ۱۸۲۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۰، ۱۸۲۰، ۱۲۹۲، ۱۲۹۲، ۱۲۹۲

بلغار ، بلغارستان (ایالت\_) : ج ۱ ص ۸۲ ،

.T154.T000

بلغا، بلقا شام: چ ۱ ص ۱۳۸،۱۲۸،۳۱. بلگراد = سربستان (پایتخت سربی): چ ۱ص ۵۶۳،۹۹۰،۷۶۹،۷۷۰ خ ۳ ص ۱۹۲،۹۹۰،۷۶۹،۱۲۱۱ ۱۳۵۰،۹۹۵ خ ۳ ص ۱۹۲،۱۲۹،۱۲۹۱۱،۱۲۹۱،۱۲۹۱۱،۱۲۹۱۱،۱۲۹۱۱،۱۲۹۱۱،۱۲۹۱۱،۱۲۰۱۱

بلو: ج ۳ ص ۱۵۲۷ . بلوچستان: چ ۱ ص ۱۵۵۰،۵۵۸ څخ ۲ ص ۱۱۲۱ ۱۲۱۰،۱۲۱ څ ۳ ص ۱۹۵۰،۱۲۵۲ ۱۹۵۰،۱۹۵۰،۱۹۵۰،۱۹۲۲ ،۱۲۲۲ ۱۹۸۰،۱۹۲۰،۱۹۵۵،۱۹۵۲،۱۹۲۲ ۱۹۰۸،۱۹۰۰،۱۹۲۲،۱۹۲۲،۱۹۲۶

> بلوک اهرم : ج ۳ ص ۱۷۳۲ . بلوک گاوبندی : ج ۱ ص ۴۶۷ .

. 1144

بلیوی ،بولیوی : ج ۱ ص ۵۶۵۰۴۸۵ : ج ۲ص ۱۳۰۹۰۱۲۰۷ : ج ۳ص ۱۸۶۴، ۲۰۰۳ ت

بم (کرمان): ج ۲ ص ۶۴۲۰۶۲۲۰۶۲: ج۲ ص ۱۴۲۲۰۱۴۲۵۰۱۴۲۴۰۱۲۲۰ ۱۷۳۴۰۱۶۵۲۰۱۶۴۹۰۱۵۹۲۰۱۴۷۵.

بمبثی(بندربمیئی): ج ۱ ص ۵۳۵؛ ج ۲ ص ۱۲۹۰،۱۲۷۰ ج ۳ ص ۱۲۷۰،۱۲۹۰،۱۲۹۰،۱۲۸۰ ۱۲۸۶،۱۲۲۰،۱۲۶۱،۱۲۶۱،۱۲۹۸ ۱۲۸۲،۱۲۲۲،۱۹۲۱،۱۹۲۱،۱۹۲۲،۱۹۲۲

بعپور (ولايت ــ قلعه) = کيچ = مکران : ج ٢ص ٩٥٨ : ٢ تا تا ١٢٥٧ - ١٧١٣ ، ١٧٧٤ ، ١٧٥٩ ،

بن (شهر—) : ج ۲ ص ۱۹۴۲ .

بناب : ج ۱ ص ۴۷۷ : ج ۲ ص ۲۰۱۰. بنادر : ج ۲ ص ۱۲۸۸ : ج ۳ ص ۲۰۱۹، ۱۴۰۵،

۱۴۲۴ ، بنارس(در هند ) : ج ۲ ص ۱۱۷۸ ؛ ج ۳ ص ۱۸۰۶ ،

بنديي: ج ٣ ص ١٣٨٥ . ہندر (شایدہندرانزلی) : ج 1 ص ۵۵۵ : ج ۳ ص ۱۴۱۱۰۱۴۱۰ بندرآن ورس: ج ٣ ص ١٨١٩ ٠ بندر آنورش: ج ۳ ص ۱۸۶۲، ۱۸۶۲، · TITT بندرابرتیر ۽ ابوتير : ج ٣ ص ١٣٥١ . بندر ازاکا : ج ۳ ص ۱۸۶۷ . بندر استاند : ج ۳ ص ۱۹۴۳ ، بندر بارطن : ج ۲ ص ۱۹۵۹ . بندر برطون (= بارسلن ) : ج ۳ ص ۱۶۶۷ ، ہندر ہرندیزی (درابطالیا ) : ج ۲س ۶۹٪ ؛ ج ۳ م ۱۹۴۶ . ہندر بکرد : ج ۲ ص ۹۱۷ . بندر ہمیلی ـــــ ہمیلی. يندر بوشهر \_\_\_\_ بوشهر . بندر بیاراتیس: ج ۳ ص ۱۸۲۰ ، بندر پرتسبوت : ج ۳ ص ۱۹۴۴ . بندر پطروفسکی: ج ۳ ص ۱۹۸۳ . بندر پندشیری : ج ۲ س ۱۴۲۷ . بندز تان ژر : ج ۳ س ۱۸۱۶ ۰ بندر تولن: ج ٣ ص ١٤٢٨ . بندر جده: ج ۳ ص ۱۸۰۷ ۰ بندر جزاسترآباد : ج ۲ ص ۱۲۶۴ ، ۱۲۸۶ ؛ 3 7 °C 4771 . 4777. بندر دور: چ ۳ص ۱۷۳۹ . بندر دولسينيو : ج 1 ص ۲۸۷ ؛ ج۲ص۱۵ ۲۰ ، بندردیپ (در فرانسد) ؛ ج ۳ ص ۱۷۰۴ ، بندر راکوز: ج ۱ ص ۴۸۹؛ ج ۳ ص ۲۰۱۵. بندر رشفرت : ج ۳ ص ۱۵۲۳ ۰ بندر ریک: ج ۲ ص ۱۱۶۸. ہندر زنگیار : ج 1 ص ۵۶۳ ؛ ج ۲ ص ۱۳۰۷ ؛ ج ٣ ص ٢١٩١. بندر سالونیک: ج ۳ ص ۱۹۷۰ . بندر سورت: ج ۲ ص ۹۱۵ . بندر سویز : ج ۳ ص ۱۷۸۹ ، بندر سينپ : ج ٣ ص ١٧۶٥ . ہندرسیوتہاویشیارہندر ایالت روم ) : ج ۳ ص - 14.4 بندر شاپور ؛ ج ٣ ص ١٤٥٠ ، بندر شربورغ (در فرانسه) : ج ۳ ص ۱۹۴۴ ،

بندر ثيوع : ج 1 ص ۴۶۷ .

بندر طریست : ج ۳ ص ۱۷۰۳ .

بندرعباس یا عباسی ہ جرون ہے ۱ ص۵۳۶ ۔

154 . 4ff . 41Y . 409 . 40A . T = - 1764 - 1164 - 1040 - 1064 - 941 ج ۲ ص ۱۷۶۶ ، ۱۷۵۷ ، ۱۷۵۸ ، ۱۷۶۸ 1110-1417-1444 61444-144-6 ہندر عدن(در عربستان) : ج ۳ ص ۱۷۰۹ ۰ بندر فریقان: ج ۲ ص ۸۸۱۰ بندر کاله(در فرانسه) : ج ۲ ص ۸۳۸ : ج ۳ ٠ ١٩٤١ : ١٨٧٤ : ١٩٢١ . بندر کنگان: ج ۳ ص ۱۷۴۷ ۰ بندر گالائو: ج 1 ص ۴۸۵ -بندر گرگان: آج ۲ ص ۱۲۱۷ ، بندرگورنشتادروس: ج ۳ ص ۱۷۸۹ ۰ بندر لنگه: ج ۳ ص ۱۷۷۱ ۰ بندر محمره: چ ۳ ص ۱۶۴۲ ہندر مغویہ ؛ ج ۳ ص ۱۵۲۷ ، بندر میان کالہ ـــــ بندر کالہ، بندر نيمور (درعراق) : ج ٣ ص ١٧٩٢ -بندر هاویر : ج ۳ ص ۱۷۲۱ ۰ بندر هرموز ایران: ج ۲ ص ۱۷۲۱ ، بندر هرموز ايران: ج لاهن ٧٣٤٠. بندر یافا : ج ۳ ص ۱۳۵۵ -ہندر یوکوهونا تاج ۳ ص ۱۸۱۶ ۱۹۹۸ - ۱۹۹۸ بندر گان: ج ۱ ص ۵۳۰ بندر نیمور (در عراق) : ج ۲ ص ۱۲۹۳ ، بنزو نے اس ۲۸۶ ج ۲ ص ۱۶ و ۲۰۱۰ بنکیلی (شهر -) : ج ۲ ص ۱۹۷۴ ۰

بنگالهٔ هند: چ ۲ ص۹۹۵،۹۹۰،۴۲۹،۶۲۹،۶۲۹، ۳۲۹،۹۶۹،۹۳۶،۹۲۹،۹۲۹،۹۲۹،۹۲۹، ۲۹۲،۹۶۹،۹۶۹،۹۹۲،۹۲۱،۵۲۸، ۳۲۸،۳۶۹،۸۶۹،۹۶۱،۹۶۹،۸۶۹،۹۶۹، ۳ ۲ ص ۱۹۵۶،۹۶۹،۹۶۹،۹۹۱،

۱۰۸۴،۱۰۷۲،۱۰۷۹ بواد (وادی—) : ج ۱ ص ۲۱۰ بوادبولن : ج ۳ص ۱۹۸۱ بوانات : ج ۳ ص ۱۹۲۹،۱۲۲۹ بوتان هند : ج ۳ص ۱۸۶۹، بوت دشومون (تفرجگام—) : ج ۳ ص ۱۹۸۱، بوخارست = بوگارست : ج۳ص ۱۴۸۴،۱۲۸۶ بود (شهر—)پایتخت مجارستان : ج ۲ ص

۲۹۷۰۷۸۳۰۷۷۳ چ ۳ ص ۱۷۰۷ ۰ بوربن (جزیرف) : چ ۲ ص ۱۹۵۸ ۰

بورزلین: ج ۳ ص ۱۷۵۲ -بورستان: ج ۳ ص ۶۰۷ -بورسه: ج ۳ ص ۶۲۸ -بورگن(ایالت،): ج ۳ ص ۶۷۲ -بورگن(ایالت،): ج ۳ ص ۶۷۲ - ۲۷۲ -بورگونی(از ایالات فرنگ): ج ۱ ص ۱۱۱ -بورمه: ج ۳ ص ۱۵۴۷ -بوزجان(شهر..) در خراسان: ج ۱ ص ۲۸ ،

بوزکند : ج ۱ ص ۳۴۳. بوزنجرد : ج ۳ ص ۱۶۲۰ ۱۶۸۶۰ ۱۶۹۲۰

بوڑی (شہرے) : ج ۲ ص ۷۵۴ ، بوستہ ' ج ۱ ص ۲۹۹ ،

بوشنج : ج 1 ص ۳۸۵٬۲۰۴٬۲۰۲۵، ۳۸۵۰ بوشهر (بندرس) : ج 1ص ۴۷۲٬۴۲۲، ۵۲۶،۵۲۹،۲۹۳

ToT9.1494.1444.1466.1496

ہوتیخ: ج ۱ ص ۲۸۵۰۲۰۴۰۷۲۰۵۷. ہوصیر (نکنیسف۔): ج ۱ ص ۱۳۲۰ ہوغاز برینک: ج ۲ ص ۱۰۲۱. ہوغازمنی: ج ۳ ص ۱۷۰۹. ہوغین: ج ۱ ص ۴۷۱؛ ج ۳ ص ۲۰۱۸.

بوک: ج ۲ ص ۶۰۷،

بوگارست ــ بوخارست (پایتخت رومانی) : ج ۱ ص ۵۶۳ ج ۲ ص ۱۳۵۵ ، ج ۳ ص

۲۱۴۹۰۱۲۰۳ بوکنگام (عمارت) : ج ۳ ص ۱۹۴۳ - : بوکومدی (شهر ــ) : ج ۱ ص ۱۳۲۰ بولس: ج ۱ ص ۹۸ -

بولق: ج ۱ ص ۹۸۰ بولگراد: ج ۳ ص ۱۸۰۰ بولن ویولئی ــــــ بولون

بولون ایطالیا : ج ۲ ص ۱۴۷۴ ، ۱۴۷۴ ،

• 15th • 1505 • 1th • • 1tyt

- 1945

بوليوی ــــــ بلبوی ،

یوهم (خاک اطریش) : ج ۳ ص ۱۸۷۸ ۱۸۷۸ ۱۸۷۸ ۰

بوکنزر : ج ۳ ص ۱۴۹۹ ،

بو'نوز ایر (در آمریک جنوبی) : ج۲س، ۲۹، ا بویت (کتار فرات ) : ج ۱ ص ۳۹. بویضاً (قریمہ) از قرای دمشق: ج ۱ ص۴۶۳ بويط: ج 1 ص 194 . بهادیه(بهاطیه)در هند : ج ۱ ص ۲۹۲. بہار (ایالت۔)در ہند : ج ۲ ص ۲۵،۷۹۵ - 115Y+110A+AF++ACT بهبهان کے اص۱۱۵۳،۱۵۹،۱۰۹۷،۱۱۵۳، 1403-1104-1111-1110-1104 1717-17-5-1554-1549-1500 · ToT9 · 1A99 · 1AFF · 1YTF بيرام آباد : ج 1 ص ۱۲۸۱۰۵۲۸ : ج ۳ ص بھرشیر (مدائن غربیته دجلہ) ) ج ۱ ص۴۲، يهسنا : ج ۲ ص ۵۸۷. بہسنی: ج ۲ ص ۶۲۹. بهکر: ج ۲ ص ۸۲۵، بهم (ملکت۔) از اطریش: ج ۳ ص ۲ م۲، ١١٣٢ : ج ٢ ص ١٥٢ . بيهنزا: ج ۲ ص ۹۵۴ . بیابان گرگ: ج ۲ ص ۱۱۲۰، بيات (قلعم): ج ٢ ص ٨٥٨. بیازتیس: ج ۳ ص ۱۸۷۰ . بیبیشروان (صعرای) : ج ۳ ص ۱۶۲۶ . بيت اللدالحرام: ج 1 ص ١٩٤٥،٩١٠٩، ۳۶۶: چ ۲ ص ۱۱۴۰۰۸۱۶. بيتاللجم: ج 1 ص 441. بیتالمقدس: ج 1 ص۱۳۸۰۲۲،۴۸،۴۲،۲۲۸ .TAY 6736.TAT.TA-.Tfq.Tfy . 40.0444. 441. 444. 444. ۲۵۲۰۴۵۲ خ ۲ ص ۱۹۸۰۲۹۲۱ خ ۳ ص ۱۹۱۲ ، ۱۹۱۳ ، ۱۹۱۶ ، بيجاپور : ج ٢ ص ٧٣١. بيجارگروس: ج 1 ص ۵۴۹۰۵۴۴؛ ج ۲ ص ٠ ٢٠ ، ١٢١٥ ، ١٢٨٤ : ج س ١٢١٢ ،

بیجانگر ; ج ۲ ص ۸۲۹۰۷۷۵۰۷۲۲، ۸۵۵۰

بیدگل کاشان (قریمے) : ج ۳ ص ۲۰۳۷.

بیرمان (دولت۔)مشرق بنگالہ ؛ ج م م860،

1960 - 1967 - 1871 - 1867 - 1860

بيدر: ج ۲ ص ۹۸۷۰۸۸۹.

. 1977 - 1971 بیرماد: ج ۳ ص ۱۵۷۷ . بیرمنگام : ج ۳ ص ۱۲۸۶ . بثرميمون: ج 1ص ۱۲۹ ، بيروت: ج 1 ص ۲۸، ح ۲۷،۹۶۲،۹۰۹، ۶۰۲۰۵۲۴۰۴۱۶ تع ۱۶۵۶ ، ۶۷۸۱ ، ۲۰۵۱ ، ۲۸۲۹ ، ۲۸۸۱ ، ۲۵۰۲ . بيروڈ : ج ۽ ص ٥٦. بيرون بخارا (ولايتـــ) : ج ٢ ص ٨٢٠. بيره: چ 1 ص ۲۲۲، ۲۲۲: چ ۲ ص ۵۹۰، بيزانس ۽ روميه الصفري) ج ۲ ص ۹۸۸ . بیزمارک: ج ۲ ص ۴۸۸، بیسان (شهر ــ) : ج ۱ ص ۴۱۹،۴۲،۳۸؛ ج۴ ص ۹۶ ۵۰ بيسه(شهر ـــ) : ج 1 ص ۱۲۲ . بيشه هزاره: ج ۳ ص ۱۵۳۶. بیضاء (شهرم.) نزدیک یاب الایواب سر حمد خوّد : ج 1 ص ۱۱۴۰۲۴ ؛ ۱۱۹۰۱۱۴ ؛ ج ۲ص

۶۷۷ ؛ چ ۳ ص ۱۴۰۶ . بیکند (از اعمال بخارا ) : چ ۱ ص ۹۸،۷۸ ، ۱۱۳ · بیکومدی (شهر—) : چ ۱ ص ۱۲۲ .

بیگلربیگی (عمارت...) : ج ۳ ص ۱۹۴۶ . بیلبائو : ج ۳ ص ۹۵۵ . بیل چراغ (درم...) : ج ۳ ص ۷۲۵ . بیلفان : ج ۱ ص ۵۴ ، ج ۳ ص ۶۸۱۰۶۶۸ .

بیلغان: ج ۱ ص ۵۴ ٔ ج ۲ ص ۶۸۱۰۶۶. بیمارستان مفتدری: ج ۱ ص ۲۳۵. بینوزر (پاینخت آرزانتین) : ج ۱ ص ۵۹۵،

ج ۲ ص ۱۳۰۸ : چ ۳ ص ۲۵۲۲. بیوار : چ ۱ ص ۱۸۵.

بيهق (طّعف) : ج ۱ ص ۱۵۲٬۳۲۲ (۲۶۱) ج ۲ ص ۹۵۶،

پ

یاتاگونی: ج ۲ ص ۲۴۳. پاتاما: ج ۳ ص ۱۷۸۰. پاده (عمارت): ج ۲ ص ۶۳۴. پاده (منزل): ج ۳ ص ۱۸۹۲. پاراگی (جمهوری): ج ۱ ص ۵۶۵؛ ج ۳ ص پاراگی (جمهوری): ج ۳ ص ۲۱۵۲. پاراگای (جمهوری): ج ۳ ص ۲۱۵۲.

یاراگاگی(بلاد۔۔)درینگیدنیا : ج ۳ ص ۱۴۹ ۱۵۰۴ -

پارم (ایالت۔)در ایتالیا : ج ۳ ص ۹۶۳؛ ج ۳ ص ۱۵۲۸،۱۷۷۶،۱۷۷۶،۱۷۲۹،۱۷۹۹،۱۷۹۹،

باریس: چ ۱ ص ۲۰۲،۳۹۲،۳۱۶ ۲۵۲،۳۹۲،۲۵۲ \$ 14 PT & OFT OTO TTY TTY . 994 . 944 . 941 . 944 . 944 . 944 . 444 . 464 . 464 . 464 . 464 . 464 \* 944 · 946 · 411 · 447 · 444 · 464 · 995 · 905 · 900 · 907 · 901 · 97A 1-10-41-949-947-94-499 17-4-1144-1147-1149-1159 ١٣٩٢ ، ١٣٩٠ - ج ٢ ص ١٣٩٥ ، ١٣٩٢ 1777 . 1777 . 1714 . 1711 . 1704 1450 - 1400 - 1407 - 1444 1441 1441 • 1444 • 1444 • 1466 • 1464 1077 - 1071 - 1074 - 1077 - 10-4 1519:15:9:15:4:1494:1441 1544 - 1545 - 1544 - 1544 - 1544 1464 - 1404 - 1440 - 1404 - 1546 1790 . 1790 . 1744 . 1779 . 1754 1404.1400111011204114041 1470 - 1419 - 1417 - 1417 - 1404 1457-1450-1474-1471-1470 1457 - 1451 - 1464 - 1465 - 1466 1AAA • 1AAT<sup>L</sup>1AA1 • 1AYA • 1AFF 1417-1417-1441-1441-1444 1984 . 1980 . 1989 . 1980 . 1914 1947 - 1940 - 1969 - 1947 - 1976 1990-1944-1940-1941-1949

۲۱۵۰،۲۰۵۱،۲۰۵۰،۲۰۱۷،۲۰۰۲ پارٹیس (بندرس)در فرانسد: ج ۳ س ۱۸۹۱، پاسیفیک (دریای محیط): ج ۳س ۸۵۵،۶۹۹

پاشاجق : ج ۳ ص ۱۴۹۶ ۱۴۹۶ . پالس(بندر) : ج ۲ ص ۷۳۳ . پالمدبورق (عمارت) : ج ۳ ص ۱۹۸۲ . پالیکا وو (یک فرسخی یکن) : ج ۳ ص ۱۸۲۶ . پاناما (تنگهٔ –) : ج ۲ ص ۲۵۸ ؛ ج ۳ ص

۱۹۲۱، ۱۹۲۱، پانیان: ج ۲ ص ۹۵۹. پانییت: ج ۲ ص ۹۷۲. پتاوید(شهرس): ج ۲ ص ۹۵۶.

پشدام (شهرت)در آلمان: چ ۴ ص ۱۹۴۳ . يتي: ج ٣ ص ١٣٧٩ . پچلی(ایالت۔): ج ۲ ص ۱۸۳۴ . يراک (شهر ــ) : ج ۳ س ۱۸۲۵ ، ۱۹۶۰ . پرتاپرنس(پایتخت جزیرہ ہائیتی) : ج1ص ۵۶۶ ج ۲ ص ۱۳۰۹ ۱۳۱۰ ج ۲ ص - IAAT پرت پرنس ـــــ پرتاپرنس. پرتپ لانا (درهایتی) : ج ۲ ص ۱۸۵۳ ۰ پرتسموت ` ج ۳ ص ۱۹۶۱ ، پرتوغال: ج ۱ ص ۵۶۲۰۴۲۲۰۲۷۴،۲۶۳: ソイア・ソロイ・テクロ・テムス・チャラ マンド · YTY · YTP · YTT · YTT · YTS · YTX ,4946444,446,446,444644 . 4446441.464.466.464.461 . 460 - 470 - 477 - 419 - 404 - 474 · 140 · 117 · 411 · 451 LAFY · 451 1000-111-110-154-151-104 1151-1160-1171-1-04-1-17 1707-17-0-1140-115561154 1700-1777-1777 -7771-0071 1005, 1007, 1444, 1444, 1444 1444 - 1444 - 1444 - 1441 1581 - 1514 - 1518 - 1504 - 1698

> پرتوگال سسسب پرتوغال پر سبورگ (شهرے) : ج ۲ ص ۱۲۰۷ ، پرشر : ج ۲ ص ۱۱۶۲ ، پرناله (ظممہ) : ج ۲ ص ۱۵۰۵ ،

. Y 174 . Y . Do

1770-1771-1701-1547-1555

1477 - 1470 - 1475 - 1404 - 1757

7077:1997:1900:1901:1AA

پرنسآلیس(کشتی—) : ج ۳ ص ۱۹۸۸ .

۰۳۱۵۲۰۲۰۵۳۰۲۰۰۰ . پروت (رود—) : ج ۲ س ۲۰۰۹ : چ۳س۲۸۲۹

يروس: ١٤ ص ٢٤٥٠٢٤٥٠٠٤٥، ٢٧٢

1037110071244149714541467 1177:1174-1041:1074-1070 1146.1174.1177.1177.1179 1154-1151-1150-1104-1104 1141-1174-1174-1177-1166 ۲۰۳۱ - ج ۲ ش ۲۰۱۲ ۱۲۰۴ ۱۲۰۹۰ 1974- 197461441- 1414- 1414 1750·14T4·14T4·14T1·14TA 1004 . 1005 . 1444 . 1444 . 144 1071 - 1074 - 1077 - 1076 - 1077 15-1-1050-1047-1051-1077 1554 - 1505 - 1500 - 1544 - 1519 1414-141-614-4-14-6-1544 1707-1701-170-- 1779-17716 144-61477 1447 1449 1464 12-6-14-0-14-151444-1444 1477 - 1477 - 1470 - 141761414 1444 - 1444 - 1445 - 1444 - 1444 1444-1464-1464-146461461 1903-1241-1244-1241-12496 1980, 1989, 1988, 51914, 1906 1990-1967-1960-1971-1977 · Y 17Y · Y 10 F

پروسا : ج ۲ ص ۱۳۶۲ .

پروها (کشتی۔) : ج ۳ ص ۲۰۰۳ .

پری (از اعدال طلام ) : ج ۳ ص ۱۱۵۸ .

پست (درحوالی شهربود ) : ج ۳ ص ۱۷۰۷ .

پست دم (عمارت۔) در پروس : ج ۳ ص ۱۰۲۹ .

پسرک (مناعمال فندرسک ) : ج ۳ ص ۱۵۲۹ .

پشت ساری طالش: ج ۳ ص ۱۵۲۹ .

پشتگوه: ج ۱ ص ۲۰۵۷ ، ج ۳ ص ۱۱۵۱ : ج ۳ س

من ۱۹۳۲، ۱۹۳۲، ۱۹۳۹، ۱۹۳۹، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۹۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۴۵، ۱۳۴۵، ۱۴۰۵،

بطر: ج ۳ ص ۲۸۹۱ ،۱۹۹۹ ،۱۸۲۹ ،۱۹۲۳ ۱۹۷۹ ،۱۹۷۹ ،

پطریا فلوفسکی (شهر۔) :ج ۳ ص ۲۰۰۵ -پطرزبورغ = پترزبورگ: ج ۱ ص ۲۸۸، ۲۹۱۰

1979.1979.1971.1970.1910 Tota:Tota:Tota:Tota:Tota: (109:7007.

پطرهوف (بیلاق۔) : ج ۳ ص ۱۹۲۱ ۱۹۲۱ ۱ یکن (بایتختجین) : ج ۱ ص ۵۶۲،۴۲۱ : ج ۳ ص ۵۹۷، ۹۲۰، ۱۲۵۲ ۱۲۵۴ : ۲ ک ص ۵۵۵ ۱۸۲۴ ۱۸۲۴ ۱۸۲۴ ۱۸۲۴ ،

- 111Y+ 1AAA

يل: ج ٣ ص ١٢٤٢ - ١٧٩١ - ١٧٩١ -يلانا (مطكت ـ ) : ج ٣ ص ١٥٣٨ -يلانا (مطكت ـ ) : ج ٣ ص ١٨٧١ -يلتاوا (شهر ـ ) : ج ٣ ص ١٥٥٧ -يلتاوا (شهر ـ ) : ج ٣ ص ١٥٥٧ -يل حاجي (مابين آق طعه و استراباد ) : ج ٣

ص ۱۹۳۲ . پلخدا آفرین :ج۲ ص ۱۲۲۸ ۱۲۲۹ ۱۲۲۵

۱۵۲۴ ۰ پل خواجوی امهیاں: ج ۳ ص ۱۷۶۸ ۰

پل خواجوی ۱۹۶۱ م. ۱۹۶۱ ۰ پلزانس(ابالت...)در ایطالیا : ج ۳ ص ۹۶۳،

• 1ATF • 1ATA

پلسکف (شہر۔) : ج 1 ص ۲۵۹ ۰ پل عباس باداصفهان : ج ۲ ص ۱۰۳۹ ۰ پلک (شهر۔) : ج ۲ ص ۸۲۹ ۰

پل علائمرالدین (سه فرسنگی شوش) ڈج ۲ مید ۲۶۷۹

پل نقره (سد فرسخی هرات ) \* ج ۳ ص ۱۵۱۸ ۱۵۱۹ - ۱۵۲۶ ۱۵۲۹ ،

پلنگان (قلعمد) : ج ۲ ص ۸۶۵۰ پلوز (شهرد)درساحل بحر احمر : ج ۱ص۴۹ ؛

ج ۲ص ۱۷۸۹ ۰

پلونا : ج 7ص ۱۹۷۴ . پمپی(از شهرهای ایطالیا ) : ج ۲ ص ۱۱۵۵ . پنامآباد (قلعمــ) : ج ۲ ص ۱۴۲۱۰ ۱۴۲۷ .

· 1446

پنیک: ج ۲ص ۲۹۷، ۱۴۹۸ ۱۵۱۱۰۱۴۹۸ پنجاب دهلی: ج ۲ ص ۶۶۹۰۶۲۰۰۴۵۰

646: ( ۲۸، ۹۹۸ ؛ ج ۳ س ۱۶۵۲ ۰

1441 - 1041 - 1644 -

پند شیری (ہندر۔) ' ج ۲ ص ۹۹۰ ۰ پنلی (در یونان ) ' ج ۳ ص ۱۸۲۷ ۰ پنٹو (یل۔) در باریس' ج ۲ ص ۸۶۸

پواتیه ،پوواتیه (شهر ــ) در فرانسه ' ج ۱ ص

116 : ج ۲ ص ۶۸۲ : ج ۲ ص ۱۲۲۰ پوطی(ہندر۔) : ج۳ص۱۵۹۶ ،۱۹۲۲ (۱۹۲۶ پولاق(بولاق) : ج ۲ ص ۵۰۳ : ج۳ص۱۲۶۷ ،

پیبا = هلاند : ج اس ۵۶۲ : ج ۲ س ۱۳۰۵ : ج ٣ ص ٢١٢٩ . يير (معلكت\_); ج ٢ص ١٨٨٠ . ميربازار :ج٣ص٩ ١٣٩٩ ، ١٢٧٤ ، ١٩١١ ، ٢٥٣٩ . پیرسبورغ (ازشهرهایمجارستان ) :ج۲ص۹۹۹ . پیرنه (کومــ): ج ۱ ص ۲۳۷: ج ۳ ص۱۸۲۰، پيرەبندريونان : ج٣ص ه ١٧٢٠ ، ١٧٧٧ ، ١٩٨٩ . پير (شير-) : ج ١ ص ٢٩٢ ، ٢٧٢ ، پیشاور: ج ۲ ص ۱۱۲۲،۱۱۲۲،۱۱۲۲؛ ج ۳ ص ۱۶۵۲۰۱۵۹۴۰۱۵۴۱ . پیشکوہ: ج ۳ ص ۱۶۰۳. پیشن (از افغانستان) : ج ۳ ص ۱۹۹۹ . بيشکومايو : ج ٣ص ٢٥٥٣ . پيوڙن (راهـ): ج ٣ ص ١٨٤٢ . بيسن ، پيسون ، پيمن (سلکت ــ) درايطالية : ج ۳ ص ۱۲۶۶ ۱۴۰۰ ۱۶۰۹، ۱۲۵۱

ت

بئیبا : ج ۲ ص ۱۸۷۶ .

· 1940 · 1478 · 1474 · 1455

تابارکا (جزیره) از تونس: ج ۳ ص ۱۳۵۳. ناتار: ج ۳ ص ۱۵۹۲،۹۱۹،۹۱۹،۹۱۳. ناتارستان: ج ۳ ص ۱۵۲۰،۹۱۹،۹۱۳. ناتار شبالی: ج ۳ ص ۱۱۵۴،۹۱۹. ناج ماه: ج ۳ ص ۱۱۵۴، ناجر: ج ۱ ص ۳۸۰. نار (رود خانه) در لیزین: ج ۳ ص ۱۵۹۴. ناش: ج ۲ ص ۱۲۸۵،۶۳ ح ص ۱۸۹۶.

تاشکند: ج ۲ ص ۱۹۲۰،۷۸۲۰۷۵۳ و ۱۹۱۸، ۱۹۵۰ - ۱۳۸۰،۳۱۵، ۹۲۹،۸۹۲۰ و ۱۹۵۰ خ ۳۳

۱۸۷۰ -ناکرتا (روستای—)دراندلس: ج ۱ ص ۱۶۲ .

تالاربلور : ج ۳ ص ۴۶ه ۴ . تالار نخت مرمر " ج ۳ ص ۱۶۹۸ ، ۱۷۹۸ ، .

14 18 · 147 · 1456 · 1464 · 1461 ·

۱۹۸۵ ،۱۹۷۶ ،۱۹۷۴ ،۱۹۲۶ ،۱۹۲۶ ،۱۹۲۶ ، تالارطوبله (عمارت) : چ ۲ ص ۹۷۸ . تالار گوبازی (در فرانسه) : چ ۳ ص ۱۴۱۱ . تامیل : چ ۳ ص ۱۴۲۲ ،۱۴۳۵ . تاناریو (پایتختجزیرهٔ عاداکاسکار ) : چ 1ص

۵۶۴۰ ج ۲ ص ۱۳۰۷۰

نانان (بایتختماداکاسکار) :ج ۲س ۲۱۵۱. تانبلک : ج ۳ س ۱۷۶۲. تارزر : ج ۳ س ۱۸۲۷. تارت ' ج ۱ س ۱۸۴۵، ۲۶۴،۲۶۴. تارینگ : ج ۳ س ۱۸۴۵. تائیتی (جزایر –) : ج ۱ س ۴۸۶ : ج ۳ س شهر (شهر –) : ج ۳ س ۱۷۶۵.

تبادکان (بلوک۔) : ج ۳ ص ۱۷۲۵ . ثبت ' ج 1 ص ۱۷۲ ،۲۵۶ : ج ۳ ص ۱۸۳۴ . تبر (قلممہ) : ج 1 ص ۴۶۷ .

تبرسران ' ج ۲ ص ۸۲۳٬۷۲۸ تبریز (دارالسلطنف) : ج ۱ ص۱۹۸٬۲۷۰۲۲

. 907. A9A. AY& DAYE. ASY. ASY.
. 907. 908. 919. 919. 909
. 10 19. 10 10. 10 11. 959. 977
1077. 1076. 1077. 1077. 1073
1041. 1057. 1077. 1077. 1073
1190. 1177. 1177. 1090. 104A

3774-1771-178Y-178T-17TT

61644 , 1645 , 1646 , 1647 , 1647 , 1644 , 1647 , 1647 , 1640 , 1640

1971 • 1970 • 1914 • 1904 • 1499 1979 • 1977 • 1977 • 1974 • 1974

1544 · 1544 · 1544 · 1544 · 1544 1564 · 1554 · 1554 · 1504 · 1540

1941-1947-1944-1944

1414.1416.1400.164661646
1474.1474.1474.1474.1474
1444.1454.1464.1474.1476
1441.1414.1417.1404.1474
1450.1477.1477.1477.1477
1474.1476.1407.1447.1447
1474.1476.1407.1447.1447
1404.7004.1494.1447.1471

نبوشکان (قلعمہ) : ج 1 ص ۱۱۸ ۰ تبوک' ج 1 ص ۲۹ ۰ تیراق قلعہ: ج ۳ ص ۱۵۴۷ تا ۱۵۴۹ ۱۵۵۱ ۱۵۵۹

> نیزی (کومس) در برو: ج ۲ ص ۸۰۲. تیلئیز: ج ۳ ص ۱۵۲۵. نید سلام: ج ۲ ص ۱۸۹۳.

تتہ(ارغون۔) : ج ۲ ص ۸۲۵،۷۶۸، ۴۵۰،۵۶۸، ۸۶۷ -تحریث شیدان : ج د ص ۸۸۳ م ۲ می ۴۸۵

تجریش شمیران: ج ۱ ص ۵۵۲ ج ۲ ص ۱۲۸۹ ج ۳ ص ۱۶۸۹ - ۲۱۱۳ تجن (شهر ـــ)از شهرهای خوقند : ج ۳ ص ۱۸۶۲ -

تخت جیشید : ج ۳ ص ۱۷۳۳ . تخت شروان : ج ۲ ص ۷۴۱ . تختطاوس(منزل—) : ج ۳ ص ۱۴۷۵ ، ۱۴۷۶ . تخت مرمز : ج ۳ ص ۱۷۷۵ .

تخت دہارگاہ نادری: ج ۲ ص ۱۱۲۴. تخته فاپو: ج ۳ ص ۲۰۸۱.

تدل (شهرــ) = طُبِطُله: ج 1 ص ۲۴۰٬۲۱۵. تدلیس(بدلیس): ج 1 ص ۲۶.

تدمر: ج 1 ص ۱۲۲،۳۷۵،۱۳۲۲،۴۵۲،۴

ترافالگار : ج ٣ ص ١٤٨٥ .

ترانسوال افریق (جمہوری۔) ; ج ۲ ص ۱۲۵۲ ج ۳ ص ۱۸۰۸ ، ۲۹۲۲ ، ۲۰۲۷

تربت (ولایت۔): ج ۲ ص ۵۵۱، ۸۷۶، ۸۷۶، ۸۷۶، ۵۷۲ با ۱۶۹۴، ۱۶۹۳، ۵۵۲ با ۱۶۹۳، ۱۶۹۳، ۵۷۲، ۱۹۵۴، ۱۹۵۲، ۱۹۵۴، ۵۳۶، ۵۳۶،

تربت جام : ج ۳ ص ۱۵۲۶ ، ۱۶۴۱ ، ۱۷۳۱ . تربت حیدریہ : ج۲ص۱۵۲۵ ، ۱۵۹۸ ، ۱۷۲۴ ۱۷۸۲ .

> تربت شيخ اکبر : ج ۲ ص ۷۶۶. تربين (شهر—) : ج ۳ ص ۱۹۸۶ ، ترخويه : ج ۲ ص ۱۹۰۲ ،

ترشيز : چ ۳س۱۹۹۲ ، ۱۵۳۰ ، ۱۵۳۵ ، ۱۵۹۷ 1694.1614.1617.16.4.144 1974 - 19-9 - 1454 - 1444 - 1414 ترکستان (قصیمہ) : ج ۳ س ۱۳۳۹ ، تركستان بخارا: ترکستان، خاراً: ج ۱ص۱۸۲۰۸۲ ۱۹۰۱، ۱۱۵۰ 491 . YTT . YAT . TAY . TTY . 195 ۴۸۵۰۲۱۷،۳۱۳ ع ۲ ص ۶۲۴۰۶۳۳ . 400 . 4 14 . 540 . 544 . 544 . 544 . 1104.101.1101.4617 \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* تکاباد : ج ۽ ص ۲۲۲. · 941 · 940 · 944 · 490 · 445 · 440 تکریت: ج ۱ ص ۲۵۶،۲۵۴،۲۲۴،۲۵۶ 1177,9975991,979,951,960 1774 . 1775 . 1777 - 776 . 11745 1754. 1745. 1744. 1740b ج ۲ ص 9۶۱. 1901-1464-1464-16-4-1464 تکیه دولت : ج ۲ ص ۲۰۲۵ Tool . You or 1944 . 1954 . 1961 - To40 - To 1T ترکمان: ج ۳ ص ۲۱۴۵ . نکيه' فيض(درامخهان) : ج ٢ ص ٩٤١ . ترکبان چای (قرید۔) : ج ۱ ص ۵۵۹ ؛ ج ۲ص ۲۰۷۰،۷۰۳ : چ ۳ ص ۱۵۸۰،۲۰۳۰ 🗻 1አሃፕ ፣ ነለዖቸ - 1580 - 1047 - 1041 - 10AY نکیم نیاوران: ج ۲ ص ۱۸۲۲. ترگور: چ ۲ ص ۸۱۱ ۰۸ تل باشر: ج 1 ص ۴۵۴،۴۱۲،۳۸۷ : ج ۲ ترمذ (ترمد ) : ج ۱ ص ۱۹۰۲۹ ۱۹۰۲۹ ۳۸۸ ۲۲۵ء ج ۲ ص ۶۲۱، تل بيضاه : ج ۲ ص ۱۱۵۷ . ترنيژ (شهر...) : ج ۳ ص ۱۹۶۱ ، تلفز (قلعمد) آج 1 ص ۴۳۴ . ترنو (جزیرم۔) : ج ۲ ص ۲۳۵ ، ۲۴۲ ؛ ج ۳ص تريبلي: ج ٣ ص ١٨٧٩ ٠ تل حمدون: ج ۲ ص ۶۰۶،۹۰۶،۶۳۳۶. ترینته (جزیرم)درینکی دنیا :ج ۲ ص ۷۲۶ تل خالد (از اعمال حلب ) : ج 1 ص 605 . تشالی(ایالت۔)از ایالات عثمانی: ج 1 ص ١٨٨٠ : چ ٢ ص ١٨٨٦ : چ ٢ ص ١٨٨١ ، . 7 - 61 - 7 - - 7 - 199 -تل عراز ؛ ج ۱ ص ۴۲. تستر : ج اص ۴۸، تل عقرقوف : ج 1 ص 75. تسكان(ایالتــ): ج ۱ ص ۵۱: ج۲ص۱۱۲ تل الكبير: ج ٣ ص ٢٠٥٢، ٢٥٥٢. - 1474 · 1419 · 1474 · 4741 · تلمسان: ۾ 1 ص ۴۵۸،۴۳۹،۱۳۶؛ ۾ ۲ ص تطیلہ (شہر۔) : ج اس ۱۶۷ -۱۸۹۰ .455.404.551.542.510 تعز (حصن۔) : ج ١ ص ٣٣٩ : ج ٢ ص ٤٠٤٠ تل موزون ۽ ۾ 1 ص ۴۶ ، تلنگ ج ۲ ص ۶۶۴. تفتازان: ج ۲ ص ۶۲۰. تماشاخانيه ليواديار : ج ٣ ص ٥٥٥٠ . تفلیس: ۾ 1 ص ۳۶۵،۱۹۲،۱۹۳،۱۹۵،۳۶۵ تماشاخانه ليوز : ج ٢ ص ١٢٠٨ . ۸۳۵۰۶۲۳ ت ۲ ص ۲۲۲،۲۹۸ 1911-104-9-1-9--- 457-475 . 10 \*\*\* 10 \*\* 10 19 - 9 7 1 . 9 1 4

۲۰۱۲، ۱۱۱۵ تسا ۱۱۱۵،

1774: 1770: 1777 27 : 1157 1779-1772-1789-1770-1779 1594 - 1594 - 1591 - 1547 - 1547 1041 - 1019 - 1014 - 10-0 - 10-1 1040-1041-1041-1054-1055 1579 - 1514 - 1500 - 1045 - 1074 1777 - 1755 - 1775 - 1527 - 1570 1977 . 1977 . 1977 61970 . 1914 441 · 177 · 777 · 177 · 477 · 477 £11.797.745.740.777.757

تکيه' دولتي: ج 1 ص ۴۷۹؛ ج ۳ ص۱۹۷۲،

تکیه مبارکه ططنت آباد : ج ۳ س۱۸۴۸،

تل توبه(از نینوی نزدیگ موصل) : ج ۱ ص

تل سلطان (نزدیک خلب ) : ج ۱ س ۴۴۶،

تماشاخانه ویده = رینگ : ج ۲ ص ۱۱۹۶

4076:5 7 W 77071 A7071 تمسوار : ج ۳ ص ۱۴۰۹ ۰

نميشه: ج ١ ص ٥٥. تنبیه ــــ تته، تندس: ج ۲ ص ۱۰۱۸. تنکابن: ج 7 ص ۱۲۴۱،۱۱۵۴:

> ح 1941 -تنگ ابرج : ج ۲ ص ۱۴۱۷ . تنگ چو ! ج 7 ص ۱۸۲۶ . تنگن: ج ۲ ص ۵۹۷. تنگه باناما : ج ۲ ص ۷۵۸ .

تنگه خيبر: ج ٣ص ١٩٨٨ ١٩٩٩٠ . تنگهٔ سیپکای کوه بالخان: ج ۳ ص ۱۹۸۸. تنگه مازلان: ج ۲ س ۸۶۷. تنگه واشي ۽ ۾ ص ١٨٩٦ . تنگه' هودسن: ج ۳ ص۶ م ۹ . تنیس(ازدیارمصر): ج ۱ ص ۳۸۶،

نوج: ج ا ص ۵۲. تودک (قلعمہ) : ج 7 ص 19 ۾ . تور (شهر-): چ ۱ ص ۱۱۵؛ ج ۲ ص ۸۸۸:

ج ۳ ص ۱۹۲۱،۱۷۵۲،۱۹۴۰ توران: ج ۲ ص ۴۴۷، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۶، ۸۱۰، · 1170 · 1177 · 1170 · 1177 · 147

· 1757 · 1700 تورکائی: ج ۳ ص ۱۷۶۵ .

تورن (پایتخت ) : ج ۱ ص ۴۲۵ : ج ۳ ص 1459-1451-1451-1458-144-. 1955

توریان چای : ج ۳ ص ۱۹۴۷ -تورین (شهر۔)در ابطالیا : ج ۳ ص ۱۴۳۱ . تول (شهر-)درآلمان: ج ۱ ص ۲۲۲. تولوز (شير-) : ج ۱ ص ۱۰۸، ۲۳۷، ۴۴۱،

ج ۲ ص ۱۵۲۲ . تومان (ارض-): ج 1 ص ١٣١ . تومان ټاپجو ! ج ۳ ص ۱۳۴۲ . تومانس(قلعمد) ; ج ۲ ص ۹۰۰ . تومان مشکین : ج ۲ ص ۲۴۰.

تون: ج ٢ ص ١٥٢٠٠٠ : ج ٣ ص ١٥٣٤ ، . 1545. 1505

تونس: ج ۱ ص ۱۰ ۱۶۶۰ ۱۷۱۰ ۲۵۷۰ ۳۸۳۰ ۵۶۴۰۴۹۰،۴۶۰ نام ۲۸۵،۳۸۵ نام ۲س \* 451 \* 404 \* 549 \* 514 \* 514 \* 649 441، ۹۹۷، ۲۵۲۱ تا ۱۲۵۷ : ج ۲ ص 1444. 1446. 1441. 1404. 1400 

TOT9. YOTY: 1449. 1457. 14TY · ¥ 101 · T • 0T تويسرگان: چ ۱ ص ۵۵۹۰۵۵۱۰۵۴۲۰۵۵۱. ج ٢ص ١٣٠١٠ ١٢٨٢٠ ١٢٨٢٠ ١٣٠١ : 1441.1441.1444.1601 of t 1404 - 140 - 1440 - 1444 - 1444 1917 - 1904 - 1907 - 1884 - 1897 ToTY - 1997 - 1979 - 1954 - 1979 1174.117.117.117.117.1099 تویلری (عمارت سلطنتی۔)در فرانسہ: ج ۳ ص ۱۹۳۱ ، ۱۷۰۴ ، ۱۹۳۱ ، تهامه: ج ۱ ص ۱۷۷، ۲۰۵، ۳۲۸، ۳۲۸. تيبر (رودخانف) : ج ٣ ص ١٩٤١ . تينوان (شهر ...) : ج ۲ ص ۱۸۲۷ . تيجن (پل\_): ج ٣ ص ١٢٥٥. نير (شهر ــ) : ج 1 ص ۳۶۸ ، تبرنو (درخاکعثمانی) : ج ۳ ص ۱۹۷۴ . تیری (شہرے) : ج ۱ ص ۴۷ . تیز. ج ۱ ص ۲۰۸۰ تيزيل (از توابع هرات ) : ج ٢ ص ٨٧١. تیل (کوچهای در برلن) : ج ۳ ص ۱۹۸۶ . تيلاور: ج ٢ ص ١٨٩٥ . تیلیست: ج ۳ ص ۱۴۸۸ ، تيما: ج 1 ص 99. تيمچه' امين الطک: ج ٣ ص ١٩٩٢. تین سین (شهرس) : ج ۳ ص ۱۸۰۵ ، ۱۸۲۶ . تيونويل (شهرسا) : ج 1 ص 169 .

ث

تیدینی اسرائیل : ج ۲ صه ۵۸۵ ، ۱۰۸۸ .

شطبیه: ج ۱ ص ۸۱. شغور (عواصم و سرحدات ) : ج ۱ ص ۱۹۶. ۱۲۵۶،۲۳۱،۲۲۵،۲۲۲۰۱۸۲۰۱۷۰ شنیکتوکارتا : ج ۳ ص ۱۸۴۷. شنی رصافه (در جزیره) : ج ۱ ص ۳۶. شنیمالعقاب : ج ۱ ص ۱۲۵. شور (غارب) : ج ۱ ص ۲۱.



جابیه: ج 1 ص ۴۲. جایلق: ج ۲ ص ۱۱۱۶: ج ۳س ۱۴۹۴. جاجرم: ج ۲ ص ۱۱۷۰،۱۱۷۶: چ۲

ص ۱۹۳۲ ، ۱۹۵۰ ، ۱۸۹۵ ، ۱۸۹۵ ، ۱۸۹۵ . جاجرود : چ ۱ ص ۱۹۲۱ ، ۱۹۶۵ ، ۱۸۹۷ ۱۹۹۷ ، ۱۹۵۸ ، ۱۹۵۸ ، ۱۹۵۸ ، ۱۹۵۸ ، ۱۹۵۸ ، ۱۹۵۸ ، جام (قصیم) : چ ۲ ص ۱۸۹۹ ، ۱۸۵۸ ، چ ۲ ص جام خراسان : چ ۲ ص ۱۸۷۷ ، ۱۸۵۸ ، چ ۲ ص

1975،1511،

جامع آمد : ج 1 ص ۱۹۲۸.

جامع ابن طولون : ج 1 ص ۲۱۴ : ج۲ص۶۶۶ جامع ازهر : ج 1 ص ۲۲۳.

جامع ارهر : ج 1 ص ۲۲۳.

جامع اصفهان : ج ۲ ص ۹۳۳.

جامع ابروان : ج ۲ ص ۹۳۶.

جامع درالخلافه طهران جامع طهران جامع طهران.

۳۶۱٬۳۵۲ ٔ ج ۲ ص ۵۹۴. جامع سلطان(در بغداد) ٔ ج ۱ ص ۳۴۴، ۳۴۵۰

جامع سلطان محمد فاتح (در اسلامبول) : ج ۲ ص ۲۱۲،

جامع سلیمانیہ (در اسلامبول): ج ۲ ص ۸۱۱۸ جامع سمناں ' ج ۳ ص ۱۹۲۱. جامع طرابلس: ح ۲ ص ۴۳۶. جامع طیراں: ج ۲ ص ۱۵۶۵ - ۱۶۲۱. جامع عظیم مصر: ج ۲ ص ۶۴۳. جامع عمر و بن عاص: ح ۱ ص ۳۳۷.

جامع قاهره : ج ۴ ص ۶۲۵ . جامع کونه : ج ۱ م ۱۱۹ . جامع مرادیه (درادرنه) : ج ۲ص ۴۹۹ . جامع منصور بنداد : ج ۱ ص ۳۲۷ . جامع موصل : ج ۱ ص ۳۶۸ . جامع میافارقین : ج ۱ ص ۳۶۸ .

جامیش وان : ج ۳ ص ۱۵۰۸ .

جاوہ: ج 7 ص ۶۰۶ . جبال: ج 1 ص ۱۹۲۰ ۱۸۲۰ ۱۸۵۰ ۱۹۰۰

· \*\*\*\* · \*\*\* · \*\*\* · \*\*\* · \*\*\* · \*\*\* · \*\*\* · \*\*\*

۴۲۹۰۴۲۴. جبال احراز : ج ۱ ص ۳۲۸.

جبال یمن: ج ۱ ص ۳۲۹. جبل (بلادے): ج ۱ ص ۲۸۲،۱۹۹،۲۰۳،

· 477 · 40A

جبل ابوالخان: ج ۲ ص ۱۶۳۶ ،

جرجانیه (گرگنج) : ج ۱ ص ۳۳۱،۳۱۱. جرجایا جرایا جرجر (مدینمه) : ج ۱ ص ۴۲. جرجایا = جرایا : ج ۱ ص ۶۸. جرجنت (از صفلیه) : ج ۱ ص ۳۵۰. جرش(مدینمه) : ج ۱ ص ۳۵۰. جرکلیاد : ج ۲ ص ۱۲۵۲ : ج ۳ ص ۱۳۵۹،

۱۳۹۴ ، ۱۳۹۳ ، ۱۳۹۳ . جرمکان: ج ۲ ص ۶۷۷ . جرون = بندرعباس. جرید (بلاد=): ج ۱ ص ۴۵۸ . الجزایر = آلرز: ج۱ ص ۳۸۳ ، ج ۲ ص

. 140. 144. 171. 456. 755. 765 . 7 E : 1707. 1707. 1077. 1977 . 1507. 1501. 1697. 1674. 1757 1577. 1567. 1577. 1517. 1517 1770. 1597. 1544. 1547. 1575 1401. 1791. 1790. 1756. 1767 1470. 1457. 1471. 1470. 1404

۲۰۲۹،۲۰۰۳،۲۰۰۳، جزایرآنتیل: ج ۳ ص ۱۸۸۱، جزایریتاویه(ازسلکتهلاند): ج ۳س ۱۵۰۳، جزائر تائیتی: ج ۱ ص ۳۸۶،

جزاير روينه: ج 1 ص ۲۶۵. · 1774 1715 جزایر ساندریج (سن دریج) : ج ۱ ص ۵۶۶، جزيره الخشر: ج ٣ ص ١٩٨١ ، ج ٢ س ١٨١٢ ١٠٠١٠ : ج ٢ ص ١٧٣٩ جزیرہ سردانیہ(در بحر روم): ج ۱ ص . 1 . 1 جزایر سبعه بونین(از جمهوری ونیز): ج۳ جزيرة سنت هلن: چ ۲ ص ۱۵۵۲،۱۵۲۲ · - 1444 · 145T ص ۱۴۴۰ ، ۱۴۴۶ . جزيرة سن دومنك: ج 1 ص 656: ج 7 جزاير سوماترا . ج ٣ ص ١٨٤٢ ، ١٩٥٢ . س ١٣١٠ : ج ٣ ص ١٣١٠. جزایر فیجی: ج ۳ ص ۱۹۶۰. جزایر کوچک شنگاس: ج ۳ ص ۱۷۸۰. جزيره سن ماركويت: ج ٢ ص ١٣١٥: ج٣ جزایر مارتینیک: ج ۲ ص ۱۲۵۲۰۱۲۳۰. · 1907 · 1907 - \*\* جزایر طوک = جزایر ادویه(پنج جزیره): جزيرة سوماترا: ج ٣ ص ١٩٥٢ ، ١٩٥٢ -جزيرة سيسيل: ج 1 ص ١٨٢٠ 3 T & 144.451 3 T 2041. جزيرة شقر: ج ١ ص ٢٠١. جزایر موریس: ج ۳ ص ۱۲۸۸ . جزريه (بلاد...): ج ۱ ص ۲۰۲۰، ۲۰۱، ۴۰۱، جزيره شيوکيو (سقز): ج ٢٠٦٨ ، ٢٠٢٨. ۴۰۴ : ج ۲ ص ۵۷۹ . جزيرة مقليه: ج ١ ص ١٥١٠١٣٤، ٢٥٩٠ جزيره (ولايت-) : ج ١ ح ص ٣٤٠ ٢٥٠ ، ٢٤٠ جزيرة فرأنسه ـــــ جزيرة مريس. جزيرة فرمز: ج ٣ ص ١٩٥٥٠ 104.100.90.45.40.54.55.49 جزيره قبرس: ج ٣ ص ١٩٨٧٠ · 177 · 174 · 177 · 175 · 114 6114 جزیرہ قندی ج ۳ ص ۱۷۸۹ . . 100 - 10T - 10T - 10 - 1 TY - 1 To جزيريه کاپررا∷ج ۳ ۾ 9 ١٨٣۶٠ · 17A · 17T · 17 • · 15T · 151 · 16A جزیره کاندی: ج ۲ ص ۱۸۰۷. \* TAY . T18 . T1T . 19A . 198 . 1AT جزيره كرس: ج ٣ ص ١٩١٣ . · TTF · TTT · TYT · TF9 · TFF · TFT جزيرة كرفو: ج٢س٥٠١٨ ١٨١٩٠ ١٨۶٤٠ جزيره کرنواز جزاير يونين، ج٣م١٢٥٥ . ۲۴۳ خ ۲ ص ۱۶۰۶۲۶۰۶۱۶ م۲۴۳ اجزيزه کريد اس ۱۸۰ ۲۶۶۰ ا · 1440 · 1759 & T E جزیرہ کبرود (نزدیک ماداگاسکر): ج ۲س جزیرہ(در یمامہ): ج ۱ ص ۱۱۲۰ جزيره آبسكون: چ 1 ص ٣٣٤، جزيره کاندي: ۾ 7 ص 161، جزیرہ آلانہ(در دریای بالتیک): ج جس جزیرہ ماداگاسکار (ماداگاسکر): ج ( ص ع ۳ س ۱۸۰۱ · جزيرة آندمان: ج ٣ ص ١٨٥٥. جزیرہ مادر (در افریقا ): ج ۲ ص ۶۷۹. جزیرہ ابن عمر : ج ۱ ص ۱۵۹ ۱۳۲۰، جزیرہ ماران، ج ۳ ص ۱۸۰۰ ، \* جزيره' مالت: ج ۲ ص ۲۸۴. . AAY . T & . FFF. جزيرة مريس: ج ٢ ص ١٥١٤٠ جزیرہ انگلیزی: ج ۳ ص ۱۷۰۹، جزيرة برواكان: ج اس ١٣٤٠ جزيره نول کالدنی: ج ۳ ص ۱۸۰۶. جزیرہ پرین(در دریای احمر): ج ۳ ص جزيره نول گينه: ج ۲ ص ٧٤١. جزيره نيفن(متطق به زاين): ۾ ٣ س جزیرہ' تابارکا (از تونس): ج ۲ ص ۱۲۰۳: جزیرہ هائیتی(هایتی): ج ۱ ص ۵۶۶: . To T9 W T & جزیره تاباک: ج ۳ ص ۱۴۲۷. ج ٢ ص ١٣١٠ ج ٣ ص ١٣٥٢ . جزیره جریه(در افریقیه): ج ۱ ص۳۷۴. جزيريه هرموز ايران: ج ٢ ص ١٥٨٥: ج جزیره چرکن(در دریای خزر): ج ۳ ص ۳ ص ۱۳۶۹ ۰

جزيره خارک: ج ٢ ص ١١٤٨: ج ٣ ص

جسر: ج ۲ ص ۱۱۷۹،۹۲۵. جسراعظمیصره: ج ۱ ص ۲۴. جسرجواد: ج ۲ ص ۱۱۲۱،۱۱۲۹. جسردجیل اهواز: ج ۱ ص ۹۲. جسرشیراز(در اصفهان): ج ۲ ص ۱۰۶۹ جسرصفیر(اصفردرکوفه): ج ۱ ص ۴۱،

جسرمغیر (اصفردرکوفه): ج ۱ می ۴۹، جسرعباسآباد (درامشهان): ج۲س۱۰۷۱، جنفریدی متوکلید: ج ۱ ص ۱۹۹،۱۹۸، جفر: ج ۱ ص ۳۴، جفتو(رودبار یا کوهسار): ج ۲ ص ۱۳۲۰

جگیر(خط سرحد): ج ۳ ص ۱۵۸۳. جلالآباد(درهند): ج ۳ ص ۱۵۲۱،۱۵۲۱ ۱۹۹۹،۱۹۹۸.

جلفا: ج. و ص ۱۹۵۹ ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۲۸۲۲: خ ۲س۲۸۸۱، ۱۲۱۲، ۱۲۲۲، ۲

جموم : ج 1 ص 75 . جناب (شهر ــ)ازبلاد کرمان : ج 1 ص ۳۱۹ . جناب (دریمن) : ج 1 ص ۳۱۹٬۵۲۰۲۷ . جنادین : ج 1 ص ۴۲٬۳۷ . جنان آباد : ج 1 ص ۵۴۹ . جند (شهر ــ) : ج 1 ص ۳۲۲،۳۳۰ ، ۳۳۲،۳۳۰ ،

. 400

جندق: ج ۲ ص ۱۶۰۵ . جندیسابور: ج ۱ ص ۲۱۱۰۲۰ جنوه (شهرس): ج ۱ ص ۲۲۹۰ جواد (منزلس): ج ۲ ص ۱۵۷۱ . جوانفار: ج ۲ ص ۷۵۲۰ جوخی (قریمس)در واسط: ج ۱ ص ۱۵۶۰ . جودی (از جزیره ابن عمر): ج ۱ ص ۱۵۹۰ . جوز س قبروز آباد: ج ۱ ص ۵۵۰۵۲ . جوزجان: ج ۱ ص ۵۵۰۵۲ ، ۱۲۴۰۱۱۹۰۱۰ .

جزيره هوتان: ج ۳ ص ۱۷۹۷،

جستان: ج ۲ ص ۱۵۵۲ ۰

جوزولق: ج ۲ ص ۹۵۷ . جوشقان (قریمہ): ج ۱ ص ۵۲۷: ۵۶۰: ج۲ ص ۲۰۲۱: ج ۳ ص ۱۴۰۷، ۱۶۷۶، ۱۸۲۰ ۱۸۸۵، ۱۸۸۵، ۲۱۴۶، ۲۰ و ۲۱۴۶، ۲۰ و جونلوب: ج ۲ ص ۹۳۹، جونکور (درهند): ج ۲ ص ۲۲۹، ۲۵۹،

جوین: ج ۱ ص ۵۵: ج ۳ ص ۱۵۲۷ ، ۱۶۹۳ ، ۱۶۹۶ ، جهان ۱۶۸۶ ، ۱۶۹۳ ، ۱۶۹۳ ، ۲۰۳۷ ، ۲۰۳۷ ، ۲۰۳۷ ، ۲۰۳۷ ، ۲۰۳۷ ، ۲۰۳۸ ، جهان ارغبان: ج ۳ ص ۱۵۳۵ . ۲۰۳۸ . جهانگیریه (قلعمہ): ج ۳ ص ۱۴۹۶ . جهرم: ج ۱ ص ۲۸۰ ، جهان (کورمہ): ج ۱ ص ۲۸۴ . جیتون: ج ۲ ص ۲۸۸ . جیتون: ج ۲ ص ۲۸۸ . جیتون: ج ۲ ص ۲۸۸ .

ج ۲ ص ۶۰۶،۷۰۶،۶۲۹.

جیرفت: ج ۱ ص ۹۳٬۵۷ : چ ۳ ص ۴۲۲ ، ۱۶۵۱ ، جیزه: ج ۱ ص ۳۹۵ ، جیکان کشمیر: ج ۲ ص ۸۲۷ . جیکان: ج ۲ ص ۸۸۵ . جیلان: ج ۲ ص ۸۸۵ .



چاچ = شاش: ج ۱ ص ۱۰۲. چاردهکلات،: ج ۲ ص ۱۹۲۱،۱۹۲۱. چاشتخوار (محرای...): ج ۲ ص ۶۴۷. چالدران: ج ۲ ص ۱۵۹۱،۱۵۴۸،۸۹۸،۹۹۸ ۴۲۶: ج ۳ ص ۱۵۴۱،۱۵۲۸،۵۵۶. چاهبار: ج ۳ ص ۴۶۰۲. چنور (شهر...): ج ۲ ص ۱۹۲۰،۶۲۸،۶۲۴.

چخورسند : ج ۲ ص ۹۱۸،۹،۸۱۹،۸۱۹،۸۱۸

۱۳۶۹، ۹۳۰، ۹۳۰، ۹۳۰، ۹۳۰ کا ۱۳۵۳ چرکس (دیار۔): چ ۲ ص ۹۵۲، ۱۱۱۳، چرنداب تبریز: چ ۲ ص ۸۵۷، چشمهٔ آب گرم قزوین کچ ۳ ص ۱۶۶۹، چشمهٔ آب ملخ (حوالیکوهدنا): چ۲ص ۱۹۵۸، چشمهٔ شاهی خوی: چ ۳ ص ۱۳۹۲، چشمهٔ شاهی خوی: چ ۳ ص ۱۵۷۸،

۱۸۹۶ . چشمه علی طهران: ج ۳ ص ۱۹۵۴ . چشمه گیلاس: ج ۳ ص ۱۸۹۴ . چشمه لای دماوند: ج ۳ ص ۱۸۹۶ ، ۱۹۵۹ . چتب: ج ۳ ص ۱۶۵۸ تا ۱۶۶۰ . چکچی (بیلاق–): ج ۳ ص ۸۷۵ . چمن آسیاس: ج ۳ ص ۱۴۲۸ . چمن آبرج: ج ۳ ص ۱۴۱۷ .

1717 1747 1744 . 1741 .

چمن بسطام: ج ۲ ص ۹۵۲،۸۷۹ و ۹۵۷،۹۵۲،۵۷۹: ج ۳ ص ۱۶۲۱،۱۶۳۹،۱۲۵۲

چمن خوش پیلاق گبود جامہ ؛ ج ۳ ص ۱۵۲۶

چمن دروازه لاهوری: ح ۴ ص ۱۶۶۹ . چمن دریاوک: ج ۴ ص ۱۲۸۳ ، ۱۶۷۰ . چمن رادکان: ج ۳ ص ۱۲۶۴ . چمن مامان ارخی: ج ۳ ص ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶ .

جین سلطانیه: ج ۳۰۰،۱۴۲۶،۱۴۲۶،۱۴۲۱ ۱۴۸۳،۱۴۸۱،۱۴۷۵،۱۴۷۲،۱۴۷۱ ۱۴۹۸،۱۴۹۷،۱۴۹۴،۱۴۸۹،۱۴۸۶ ۱۵۴۲،۱۵۲۵،۱۵۰۹،۱۵۵۱ ۱۳۹۶،۱۳۴۸،۱۵۶۲،۱۵۵۱ ۱۳۹۶،۱۳۹۹

چىنىلىيبولاغى: ج 7 ص ۱۴۵۲ . چىن فيروز كود: ج 7 ص ۱۴۵۰ ، ۱۶۳۵ . چىن قبلە؛ تېرىز: ج 7 ص ۱۵۷۵ . چىن قردە (قرود): ج 7 ص ۱۸۷۵ ، ۸۰۱ ، ۸۰۱ . چىنقىقىدە (سەفرىشكى مشيد ): ج 7 ص

چمن قهیز: ج ۳ ص ۱۳۹۶، ۱۳۹۵ ، ۱۷۱۷ ، چمن گالپوش یا : کالیپوش: ج ۳ ص ۱۴۵۷ ، (۱۴۶۷ ، ۱۶۳۵ ، ۱۵۱۵ ، ۱۶۱۵ ، ۱۶۳۵ ،

چمن کاوکان (از بلوکات مراغه) : ج ۳ ص ۱۸۶۶ -چمن کلنبر : ج ۳ ص ۱۲۱۳ ، چمن کمرہ : ج ۳ ص ۱۶۹۹ ، چمن کوباغ : ح ۳ ص ۱۶۹۹ ، چمن کوباغ : ح ۳ ص ۱۶۹۹ ، ۱۸۹۵ ،

چەن كلىنتان: ج 7 س 1004 .

۱۶۳۹ ، ۱۶۳۹ ، ۱۶۳۹ ، ۱۶۳۹ ، ۱۶۳۹ ، ۱۶۳۹ . چمن گوران دشت : ج ۳ ص ۱۸۹۶ ، ۱۲۰۱ . چمن گورسفید : ج ۳ ص ۱۸۹۶ . چمن لیلی : ج ۳ ص ۱۸۹۵ . چمن لیلی : ج ۳ ص ۱۸۹۵ . چمن مهربان : ج ۳ ص ۱۵۷۸ .

چمن گندمان عراق : ج ۲ ص ۱۴۰۱، ۱۴۰۰

چين نيکه : ج ۳ ص ۱۳۸۷ ، ۱۹۵۶ ، ۱۵۱۸ ، ۱۵۱۹ ۱۵۳۹ ، چين هيدان : ج ۲ ص ۷۴۴.

چنن هندان. چ ۲ ص ۲۹۲، چنار: چ ۲ ص ۲۹۲،۵۲۸،۲۲۲، چناران(منزلس): چ ۲ ص ۲۹۲،۷۹۲؛ چ ۳

ص ۱۳۶۲ ، ۱۴۵۲ ، ۱۴۵۲ ، ۱۴۶۲ ، ۱۴۶۲ ، ۱۹۵۷ ، ۱۵۹۸ ، ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۹ ، چنار راهدار : چ ۲ ص ۱۵۲۷ ، ۱۵۷۰ ، چنانچی : چ ۳ ص ۱۵۷۶ ، ۱۵۷۵ ، حدید : چ ۳ ص ۱۵۷۸ تا ۱۵۷۸ .

چورس: ج ۳ ص ۱۵۷۵ تا ۱۵۷۸ . چوسا : ج ۲ ص ۷۹۵،

چوکی ساکا (پایتخت بولیوی) : ج ۱ ص ۹۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۹ : ج ۳ ص ۲۱۵۲، چهار بازار اصفهان : ج ۲ ص ۱۹۱۸ : ۹۰۲، چهارباغ اصفهان : ج ۲ ص ۱۰۱۱ : ج ۳ ص

چهار باغ جدید در اصفهان: ج ۳ ص۱۶۰۸.

چهار باغ شهد: ج ۲ ص ۱۸۹۵.

چهار بود: ج ۳ ص ۱۷۵۴.

چهار دانک بخارا: ج ۲ ص ۱۸۹۵.

چهارده سنخاص: ج ۳ ص ۱۸۹۵.

چهارده کلاته: ج ۳ ص ۱۸۹۵.

چهارده معصوم: ج ۳ ص ۱۹۲۳.

چهارده معصوم: ج ۳ ص ۱۹۳۳.

چهارسوق (اصفهان): ۱۹۷۶.

چهار کند: ج ۳ ص ۱۹۹۲.

چهار کند: ج ۳ ص ۱۹۹۲.

۱۱۶۶ : چ ۲ س ۱۵۹۸ ۰

چهریق (از توابع سلماس) : ج ۳ ص ۱۵۲۷ ۰ - 1595 - 1594 - 1544 چهل پاینهٔ لوط: ج ۳ ص ۱۴۱۸ . چهل ستون اصفهان: ج ۲ ص ۹۷۹ ، ۹۹۲ ، . 1017 - 1011 چهلستون قزوین : ج ۲س۲۸۶۲،۸۷۹،۹۵۲ . چين: چ ۱ ص ۲۰۳۲،۲۹۱۱،۱۹۲۱۱۱۱۱ 447.647.477.477.444 ۵۶۲۰۲۹۰ تع ۲ ص ۱۸۵٬۰۴۹۰ و ۲ · A • A · Y F B · Y F 1 · Y T 1 • F T F · F 1 T 1402: 1202: 442: 400: 444: 71 1979 : 1909 : 1774 : 1777 of T 1711-1547-1557-1500-1507 14.4.1440.1461.1401.1414 1424 1415 1414 1415 1400 1979 4 1917 4 1484 4 1480 4 1474 1977-1960-1904-1906-1979 . Tatk . ToTo . ToTY . TooT

چین مقربی: ج ۳ ص ۱۹۶۰ ،

حاجي ترخان: ج 1 ص ٥٣٥: ج ٢ ص ٤٥٤، TE: 1757.1019.941.474.476 · 1774 · 1777 · 1500 · 1790 . 1989 • 1444 • 1484 • 1486 • 1488 . \* 1 0 Y : \* 0 0 0 . 1 9 0 1 . 1 9 7 1 61 9 7 9 حاجی حمز طو (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۵۰۵ ۰ حاجي طرخان ــــــ حاجي ترخان. حارم (ظعمہ) : ج ( ص ۲۹۲، ۲۹۸ ، ۲۰۳، ۲۰۳ ۴۰۶: چ ۲ ص ۹۲۱۵۹۲ ۵۹۲. حبشتان: ج 1 ص ۵۶۲: ج ۲ ص ۱۳۰۷ ، ج ۳ص ۲۱۵۱ ۲۰ حبشہ: ج 1 ص ۱۲۲،۱۱۵،۲۰،۲۶ ، ج ۲ص

۲۶۹ کچ ۳ ص ۱۳۲۴ ۱۳۸۱ ۱۸۳۸ ۱ 1406-1401-1440-1444-1441 · Toot · 1981 · 19TA حبل (ناحیمت) = سرمیدانزیاد در کوفه: ج۱

حبل (ولايت...) : ج 1 ص 160 . حبلته رود : ج ۲ ص ۲۸۸۱ حيث مغولستان؛ ج ٢ ص ٤٣٣٠٤٢٣. حجاز' ج ۱ ص ۲۸۰۸۸، ۱۹۰۹، ۹۲،۹۱۹،

. 4-4-141 - 146 - 141 - 110 - 101 . 465.444.444.404.466.414 595.594.514.514.54A @ T & < 1099.100T.10TA.YOT.YT. ١٢٠٥٠١١١٨ : ج ٣ ص ٢٠٢٩. حجرات ازواج رسول الله (ص) 1 ج 1 ص140 -حجرالاسود : ج 1 ص ۹۱ ، ۲۴۳ ، ۲۶۰ ، حجرشقلان: ج ۲ ص ۶۰۶. حجره حاجى محمد حسن امين دارالغرب: 3 7 to 1991 ft. حدیثه (شهر ــ) : ج ۱ ص ۲۵۶ ، ۴۱۰ ، حرا: ج 1 ص ۲۶۵،

حرأن ٔ ج ۱ ص ۱۲۶۰۲۶ ۱۲۸۰ ۱۳۲۰ ۱۳۲۰ 777 . 774 . 777 . 774 . 677 : 3 70 474 تج ٣ مي ١٨٢٧ ٠

حرمحشرت رشا (ع ) : ج ۲ ص ۱۶۲۱ ۱۶۹۹۰ . 14.T. 17Yo

حرمین شریفین 🗦 ج ۱ ص ۱۹۲٬۱۷۸٬۲۰ A-TUTE TOGETAPITYTITO +111F+1-17.171.46T+A1T 1540 · 1451 · 1550 - 7 2 : 1174

حروری ـــــ عققان. ـــــ حره (بيرون مدينه) : ج ١ ص ٨٥٠ حره کیلئی(بیرون مدینه): ج ۱ ص ۸۲،۲۹

حریر (کوی۔): ج ۳ ص ۵۱ ۱۵۰۱ ، ۱۶۰۸ ،

حس. ج ۲ ص ۱۹۵۱ ۰ حسمی: ج ۱ ص ۲۶، حسن آباد (ما بین زور و همدان) :ج ۲۳ م۹۲۶ حسنوند : ج ۳ ص ۱۶۰۲ ، حسنویه کردی: ج ۱ ص ۲۷۹،

حسينيه (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۶۰۰ .

حصار شادمان: ج ۲ س ۲۵۲۰۲۵۶.

حصن اکراد : ج ۱ ص ۴۲۲،۲۹۳ ؛ ج ۲ ص -549

حصن باتاسا : ج 1 ص ۳۷۹، حصن برامکہ: ج ۱ ص ۳۷۲، حصن برزید : ج ۱ ص ۴۱۳۰ حصن بحرين: ج 1 ص ٣٧٥٠ حصن تعز : ج ۲ ص ۶۳۱، حمن الحدث ؛ ج 1 ص ٢٦٠٠

حصنالحدید (در ملطیه) : ج ۱ ص ۱۰۲ -

حصن ذیالقرنین: ج ۱ ص ۲۲۹، خصنالروق: چ ۱ ص ۲۷۹، حصن زوطه(روطه): ج ۱ص ۳۷۲، حصن زیاد = خرت برت : ج 1 ص ۲۲۸، حصن طعان! ج ۽ ص ٢٢، حصن شقیق: ج ۱ ص ۳۷۳، حصن طالب : ج 1 ص ۲۹۲۰ حصن عکار : ج ۲ ص ۵۸۹، حمن فظیس: ج ۱ ص ۳۷۹، حصن قدموس: ج 1 ص ۲۷۲،۳۷۰، حصن قرین ' ج ۲ ص ۵۸۹ ، حمن الكفت (الكاخت ) : ج 1 ص ۴۳۸ . حصن کرید : ج ۱ ص ۵۹. حصن کمخ: ج ۱ ص ۸۰۰ حصن کیفا (کیف) : ج ۱ ص ۲۰۶،۳۹۲،۳۵۷

. 21. 671. 671. 461; 3 70, 773.

حصن ماردین: ج ۱ ص ۲۵۷۰ حصن المراءة: ج 1 ح ص 100 ء حمن مرقب: ج ٢ ص ٥٩٩٠. حصن معیاف : ج1 ص ۳۷۸ . حصن المنتظرة! ج 1 ص ٣٩٥، حصن منصور: ج 1 ص ۲۲۲، ۲۲۲. حصون ثلاثه: ج 1 ص 101 . حصون شختان : ج ۱ ص ۲۷۹ ۰ حمید: ج ۱ ص ۲۵۰

حضرت عبدالعظيم : ج 1 ص 494 ، 444 ه ۲۵۵: ۳ کس ۱۱۶۶ ۱۲۸۸، ۱۲۸۸:

\* TOP9 . TOTF . 1597 . 1544 OT # حضرتمعصومه ؛ ج ٣ ص ١٣٣٩ ء

حضرموت : ج 1 ص ۲۲،۲۲ ، ح ۴۲۲۰۴۷ . حکاری (ایالت\_) : ج ۳ ص ۱۵۵۴ ۰ حلب: چ ۱ ص ۴۲،۲۹،۲۲،۱۰۲،۱۰۲،۱۰۲،۱۰۲،

6700.771.710.177.1076101 bty0. TFA btff . TFT . TA 1. TAY \* 444,444,444944944 · T 9.4 · T.A.1 · TYYY · T.F. 9 UT.F.Y · T.F.T · ₹11 · 40 A · 40 F · 40 A · 40 F · 40 F · + 7 5 • + 7 7 • + 7 4 • 6 7 1 A • 4 1 5 • 4 1 7 CFAT. + + 9 CP + P + + P + + F + + F + 4 ۵۸۲ ۲۶۳۰ ۴۵۴ . ۳ م ۲۵۲ ۲۸۵ \*44.444.644.444.444.444

حله(شهر): ج ۱ ص ۲۴۱،۵۵۲۵۲۷۲۹۰، ۲۹۲،۲۹۳،۳۸۳،۳۸۳،۳۸۳،۲۹۲۱ ۲۵۲۴،۴۰۱۱ : ج ۲ ص ۲۵۲۱ ۲۱۲۹،۹۲۱ : ج ۲ ص ۲۵۲۱ : ج ۲ ص ۲۵۲۱ حمام اعین: ج ۱ ص ۱۳۱۰

حمامہ: ج ۲ ص ۱۲۰۴ : ج ۳ ص ۲۰۲۹. حمائلو (سد منزلی ایروان) : ج ۳ ص۱۴۹۵. حماه: ج ۱ ص ۴۲،۰۲۲،۳۲۲،۳۲۲

حدون (تل۔) : ج ۲ ص ۶۰۶. حمرا الاسد (۷ فرسخی مدینه) : ج ۱ ص ۲۴. حمزه چمنی: ج ۳ ص ۱۵۱۱ ، ۱۵۷۰ ، حمزین (دیار۔) : ج ۱ ص ۱۲۱۰ ۱۱۵ ، حمض: ج ۱ ص ۱۲۱۰ ۴۱،۲۲۰ ، ۲۲،۴۲،۴۲۰ ،

حمیده (فرینس)بین دهشق و هدیمه . چ ۱ ه ۱۹۲۱ ، ۱۲۸ ، ۱۱۸ ، ۱۲۲۱ ، حنظلآباد : ج ۳ ص ۱۷۳۵ .

حنظل آباد : ج ۳ ص ۱۷۳۵ . حنین: ج ۱ص ۲۸،

حو: ج ۲ ص ۱۸۱۶ . حوران: ج 1 ص ۱۹۲۰٬۲۲۱ . حوض بلور: ج ۳ ص ۱۵۴۴ . حوض بلطان: ج ۳ص ۱۹۴۹ ،۱۲۹۸ ،۱۲۶۲ .۱۲۶۲

حویزہ: ج تص۱۹۶،۰۵۷،۷۹۷،۲۱۹،۹۱۹ ۲۳۶، ۹۴۹، ۱۹۷۱،۱۹۷۱،۱۹۲۹ ۲۹۰۱تا ۱۹۷۷،۱۹۲۲: ج ۳ ص۱۹۷۱

حیدرآبادهند: چ ۲ ص ۱۲۸۷ ، ۱۸۳۵ ، ۱۸۳۵ . حبره کوفد: چ ۱ ص ۲۴ تا ۲۶، ۲۸، ۲۹ ، ۲۰۱۲ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۸ ، ۲۰۵۰ .

حیزان: ج ۱ ص ۳۲۹. حیلان: ج ۱ ص ۴۲۶.



خابور ع ۱ ص۲۴۲۰۲۰۵۰۳۴۱ ۴۱۶۰۴۰۶۰۳۰ ۴۲۶،

خاتون آباد : ج ۳ ص ۱۸۹۲ ، خاکباز (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۵۵۲ ، خاک علی (حومه: نزوین) : ج ۳ ص ۱۴۴۲ ، خامجرد : ج ۱ ص ۱۵۲۹ ، خان آباد : ج ۱ ص ۵۴۹ ، ج ۳ ص ۱۲۸۳ ؛ ج

خانبالغ : ج ۲ ص ۵۸۲ ، خان حنفیین : ج ۲ ص ۳۲۱ ، ﴿ عَيْسَ : خاندیس : ج ۲ ص ۶۲۸، ۴۶۴ ، ۸۹۳،۸۸۹،۸۶۳ ،

> ۸۹۶۰۸۹۵ خانشین (منزل–) : چ ۳ ص ۱۴۸۲ ۰ خانقاه (قلعم) : چ ۳ ص ۱۱۲۵۰

خانقو (شهر...)در چین : ج 1 ص ۲۱۰ خانقین : ج1ص۲۹۰۵۴۳۰۵۳۴۰ ک

5 7 ~ 7371 - 7471 - 7471 - 7471 : 5 7 ~ PAAL - 33AL - 06F1 UP F1 3017 - 7717 - 7717 -

> خان و خانته فقها : ج 1 ص ۲۲۱. خانتهٔ آدینمخان : ج ۲ ص ۱۸۹۲. خانتهٔ بسف : – ۲ ص ۱۸۹۲.

خانه بمبئی: ج ۲ ص ۱۲۶۲ . خانه تظیس: ج ۲ ص ۱۲۶۳ .

خانه جلمان (خاقان) خادم رئید : ج 1 ص

خانته حضرت يعقوب : ج 1 ص ۴٥۴. خاند مختار : ج 1 ص ۸۸.

خاندهانی: ج 1 ص 14. خاورمیاند: ج 1 ص 19. خاور نزدیک: ج 1 ص 10.

خبوشان (قلعمہ) : ج ۳ ص ۱۹۲۰، ۱۹۲۷ کے ۳ م ۱۹۲۰، ۱۹۲۰، ۱۹۲۰، ۱۹۲۰، ۱۹۳۲ : ج ۳ ص ۱۵۳۵، ۱۵۲۶، ۱۴۵۶، ۱۴۳۲ د ۱۶۰۸، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۸، ۱۶۰۸، ۱۶۲۸، ۱۶۲۸، ۱۶۲۸، ۱۶۲۸، ۱۶۲۸،

ختا (خطأ): \_ ایالت شمالی جین: ج ۱ ص
۴۱۶،۲۰۰،۳۹۹،۳۷۸،۲۰۲،۱۹۴
۶۸۰،۶۷۹،۶۶۹
۶۸۰،۶۷۹،۶۶۹ ج ۳ ص ۱۳۲۲،۱۴۱
ختلان (ختل) ازبلاد ترکستان: ج ۱ ص ۱۱۲،۲۱۲
۷۱۷،۶۵۶

ختن: ج ۲ ص ۱۳۲۰/۱۳۳۰ ۱۳۳۰ بج ۳ ص ۱۳۲۲ -

خجند: ج 1 ص ۲۲۵۰۱۵۲؛ ج ۲ ص ۶۵۸۰ خدا آفرین(قلمف): ج ۲ ص ۱۱۲۲۰

خراسان: ج ۱ ص ۶۲،۵۸،۵۶،۵۵،۵۶،۵۶ A9, A7, A+ 6 YY, YB, Y4, Y7, FY 104,100,44 6 44,41,40,44 6 تا ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۰۶ تا 144.14. 6 144.144.144.144 164 تا 164 ا 164 تا 164 164 تسا · 124 · 125 · 127 · 144 [144 · 144 1 TOX 1 TOY 1 TOY ( TOO 1 194 1 194 777 · 477 · 477 · 477 · 477 · 777 · 767 · \* \$774 \* \$77 \* \$75 \* \$75 \* \$70 4A7. YA7. PA7. 087.007. POT. 710, 717, 770, 710, 717, 711 L \*TF9.TFT.TTA.TTD.TTF:TTF · TF9.TFT.TFT.TDY. TOT . YOY. YO. \* TAA. TAP • TAT • TYA • TYT • TYT \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 300, 470, 770, 0000 700, 400. 517.507.50T.014.040 PT & · FAT · FA I · FA • · FTA · FYT · F IY · FYT 65YT · FFT · FFT · FOF · FOT 459145A445A445A1454A454A · Y o T · Y o T · Y o o 55 9 A · 5 9 5 · 5 9 T 44744744777444444

\* 441.444.444.444.444.444 \* 454 \* 451 \* 454 \* 454 \* 455 \* 454 TYY OYY LI YYY TYY OXY ላለፉ፣ «ይል፣ የይል፣ የይል፣ «እን . AGG . AGI . AGG . AFA . L .... 144.444.444.444.444 · 954 · 957 · 915 · 917 · 907 · 497 , 964, 975 5977, 977, 979, 979 . 991 · 947 · 941 b959 · 950 · 969 10741077107510751009:1004 11751117.1117.1074.10716 1144-1144-1144-1140-1140 1114.1104.114461140.1144 1777, 1775, 1770, 1197, 1197 ۳۸۲ : ۱۳۰۱ : ۱۲۹۱ : ۱۳۸۱ : ۳۵ 1774 - 1774 - 1777 - 1779 - 1777 1709 - 1774 - 1775 - 1774 - 1779 1775 . 1777 . 1755 . 1757 . 1757 1402.1401.1244.1244.1244 1444 61444 . 1444 . 1417 . 1405 170A . 170Y . 1701 . 170 . 1779 1444 . 1464 0 1464 . 1464 . 1464 1848 : 1840 : 1846 : 1840 · 1840 1017-10-2-10-0-10-1-18956 102410101101911016110190 10++610++, 10++61044, 1040 1054 - 1004 - 1005 - 1001 - 1044 19001 1094. 1094. 1040. 1064 1515 51510, 1502 51505, 1504 1674 [] 1674 : 1670 : 1670 [] 161A 1544 F1540 . 1504 . 1540 . 15TA 1404. 1400 615 94. 1598. 1544 1414 6 1416 61414 1416 61411 1779 - 1774 - 1777 - 1771 - 1774 1704 - 1706 - 1704 - 1740 - 1744 . 1757 · 1755 . 1751 - 1769 1741 - 1777 - 1777 - 1770 - 1754 けんのアイノスのやりとすをけとうといり人をけりみざむ 1224-1415-1416-1414-1411 1441 - 1479 - 1477 - 1479 - 1479 1441 • 1441 • 1449 • 1444 • 1444 · 1447 · 1464 · 1464 · 1404 1246. 1774 - 1774 - 1774

1904 | 1904 | 1907 | 1844 | 1846 | 1846 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 1847 | 18

خريد اللموس: ج 7 ص ۵۸۸. خرت برت ۾ حصن زياد : ج 1ص ۲۷۸، ۳۱۸، ۲۷۸ ۳۶۷.

خرسن: چ ۳ ص ۱۴۰۶، خرشک: چ ۱ ص ۲۰۵؛ چ ۲ ص ۱۲۰۶. خرشنه = اماسیه: چ ۱ ص ۱۱۲، ۲۶۵۰ خرقان: چ ۳ ص ۱۷۱۲ ۱۸۸۵، ۲۰۹۸، خرقان بسطام: چ ۳ ص ۱۶۳۵، خرقانین: چ ۱ ص ۵۵۹؛ چ ۲ ص ۱۳۰۲؛ چ خرقانین: چ ۱ ص ۵۵۹؛ چ ۲ ص ۱۳۰۲؛ چ

خرم (تنگم): ج ۳ ص ۱۹۹۹. خرمآباد: ج ۱ ص ۵۵۰: ج۲ص ۱۰۴۲ ۱۰۴۲ ۱۲۸۴۰۱۲۷۲،۱۱۵۲۰۱۵۱۰۱۰۴۲: ج ۳ ص ۱۴۸۲،۶۰۰۲ تا ۱۷۲۲،۱۶۰۲ ۲۵۲۲ ۲۱۲۲،۱۲۵۰۲۰۷۸،۱۸۰۱۰۱۲۳۳

خرکف! ج ۳ ص ۲۰۰۵،

خرماتو (قلعف) : ج ۲ ص ۶۶۱ . خرم دره : ج ۳ ص ۱۶۲۹ . خرمن کوه (بیرون نیویز ) : ج ۳ ص ۱۴۱۹ . خرند (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۸۹۶ . خروبه : ج ۱ ص ۴۱۰ .

خریبه (در بصره): ج ۱ ص ۶۱، خزر (دربأی-): ج ۱ ص ۱۹۴،۱۹۹، ۱۹۱۱ ط ۱۹۴،۱۹۹؛ ج ۲ص ۱۳۵۲،۱۳۱۰ ۱۹۲۰،۱۳۵۲، ۴۵۲۲،۲۵۲۰،۲۵۲۲ ۱۵۲۲،۲۵۲۲،۲۵۲۲،۲۵۲۲،۱۵۲۲،۲۵۲۲،۲۵۲۲،

خسروآباد ارومی: ج ۳ ص ۳۰۲۰ خسروآباد دامثان: ج ۳ ص ۹۷۲۰۹۷۲۱ ۹۷۴۰ ۹۷۸۰

۹۳۱ : ج ۳ ص ۱۳۲۹ ، ۱۳۴۰ ، ۱۵۳۹ ، ۱۵۳۹ ، ۱۵۳۹ . خفیه : ج ۲ ص ۵۸۸ . خلجستان : ج ۳ ص ۱۹۷۵ ، ۱۹۱۶ . خلج قم : ج ۲ ص ۱۳۷۴ : ج ۳ ص ۲۱۴۴ . خلخ : ج ۳ ص ۱۳۲۴ .

خلخال: ج ۱ ص ۵۵۷؛ ج ۲ ص ۲۴۰،۶۴۲، ۱۴۰۹۲۰۱۰۱۰ ج ۳ ص ۱۴۲۰ ۱۲۴۲۰۲۲۲۱ ب۱۲۲۲۰۱۲۱۲۱۰

۱۹۷۴ - ۲۱۲۱، ۲۰۴۰، ۱۸۱۱، ۱۷۷۴ خلد (قصر – ): ج ۱ ص ۱۴۸، خلوت کریمخانی : ج ۳ ص ۱۹۹۳، خلوک (بحر – ): ج ۳ ص ۱۳۲۶، خلیج اسلامبول : ج ۲ ص ۱۹۷۴، خلیج بزیکا (نزدیک اسلامبول) : ج۲ص۱۷۶۴،

خليج بنگالہ! ج ٢ ص ٨٩٩. خليج پٽ شلی: ج ١٨٥٥. خليج فارس! ج ٢ ص ٨٩٧٩٠٧٤! ج ٣ ص

۱۸۶۱۰۱۷۹۴ خلیج قسطنطنیه: ج ۱ ص ۱۴۴۰۹ ، خلیج وورلا : ج ۳ ص ۲۰۰۲ ، خلیج هودسن: ج ۲ ص ۲۰۰۶ ، خلیل آباد (اردبیل) : ج ۳ ص ۱۳۳۱ ،

خسه (ولایات۔) " ج ۱ ص ۴۸۴ ۵۵۲ ۵۵۲ ۵۵۲

۲۱۴۶۰۲۱۴۳۰۲۱۳۰ خناص (شهر ــ) در شام : ج ۱ ص ۱۵۷۰ خناص (شهر ــ) در شام : ج ۱ ص ۱۵۷۰ خنافس: ج ۱ ص ۲۵۰۱۰ خندی (در مدینه ) : ج ۱ ص ۲۵۰۰ خندی (حوالی قنطره ) : ج ۱ ص ۴۰۰ خنزیرک : ج ۳ ص ۱۳۸۳ خواجه خبران (فریه ــ) : ج ۲ ص ۲۳۷۰۷۲۶۰۰ خواجه خبران (فریه ــ) : ج ۲ ص ۲۲۲۰۷۲۶۰۰

خواجه ربیع : ج ۱ ص ۴۹۹؛ ج ۲ ص ۹۰۷ ، ۱۳۱۴ - ۱۳۲۴ : ج ۳ ص ۱۳۲۶ ،۱۳۹۹ ۱۳۲۲ - ۱۵۹۸ ،

خوار ری ، یا : خوار ورامین (بلوکس) : ج ۱ ص ۵۵۵٬۵۵۵ : ج ۲ ص ۶۹۲٬۹۱۵٬۸۹۸ ۸۹۸٬۵۱۵٬۹۶۲٬۹۶۲٬۱۵۲۲ : ج7ص ۱۸۲۱٬۸۸۲٬۹۳۲ ، ۱۳۹۳ ، ۱۳۹۴٬۲۲۲۲ : ۲۸۲۲٬۲۱۲۵٬۲۱۲

خوارقان (دمــ)یا : خارقان : ج ۲ ص ۲۵۶ . خواف (از اعمال نیشابور ) : ج ۱ ص ۵۷ ؛ ج ۲ ص ۸۷۶.

خوان (از اعمال نیشابور): ج ۱ ص ۵۷. خوانسار: ج ۱ ص ۱۵۸۰۵۲۷: ج ۲ ص۱۱۹۳ ۱۶۴۶۰۱۶۳۲: ج ۳ ص ۱۶۲۲۰۱۶۵۱ ۱۸۶۵۰۱۹۶۲۰۱۹۳۲۰۱۹۲۱، ۱۹۷۵: ۱۹۷۶۰۱۹۶۲۰۱۹۲۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲

خورنق نعمانی: ج ۲ ص ۹۲۸ ،

خوزان اصفهان : ُج ٢ ص ٧٥١.

خوزستان: چ ۱ س ۲۶۹۰۲۹۳۰۲۹۲۰۲۲ ۲۰۱۰۳۸۹۰۳۸۴۰۳۵۴۰۳۲۲۰ ۸۲۲۰۲۹۲۰۶۹۱۰۵۸۵۰۴۲۴۰۴۱۴ ۱۱۶۷۰۱۵۲۵۱۰۱۴۰۰ ۱۹۳۷۰۱۶۹۲۰۱۶۲۰۰۱۶۵۲

خوش بیلاق (منزل۔) : ج ۳ ص ص ۱۸۹۵ ، ۱۸۹۶ .

خوقند :ج ۱ ص ۲۸۷ ؛ ج ۳ص ۱۲۳۹ ، ۱۸۶۱ ۱۸۶۲ ؛ ۲۵۱۹ ، ۱۹۶۷ ، ۱۹۶۱ ، ۱۹۶۲ ، ۲۵۱۲ و خونگارتپه : ج ۲ ص ۹۳۳ ،

حین: ج ۱ ص ۱۹۵۰ ، ۱۹۲۰ ، ۱۹۲

خیابان: ج ۲ ص ۱۱۵۹ . خیابان ارک: ج ۱ ص ۵۵۶ . خیابان الماسیه ـــــ خیابان باب همایون . خیابان باب همایون: ج ۳ ص ۱۹۲۵ ، ۱۹۲۸ .

خیابان شعیران: ج ۱ ص ۵۵۶: ج۲۵۳۳۳۰۰ خیابان مازندران: ج ۳ ص ۵۵۶: ۲۸۵۳۰ خیابان مازندران: ج ۳ ص ۵۵۶: ۲۸۵۳۰ ۴۵۴۴۰ خیابان ناصریه: ج ۳ ص ۱۶۹۰ ۱۹۹۰ ۲۹۳۰ خیرآباد: ج ۳ ص ۱۶۴۱ ۱۸۹۳۰ ۱۸۹۳۰ خیرج (قلعمت): ج ۱ ص ۱۲۱ .
خیرق (قلعمت): ج ۲ ص ۱۲۱ .

حیوه (دارالعلک خوارزم): چ ۲ ص ۲۹۲، ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۶: چ ۲ ص ۱۵۲۹ ۱۵۳۹، ۱۹۲۰ ۱۶۵۲ ۱۶۵۲، ۱۶۵۲، ۱۹۲۹، ۱۹۲۹ ۱۹۲۹، ۱۹۷۲، ۱۹۲۲، ۱۹۲۱،

- 1904 - 1901 - 190 - 14TE -

٥

خيوه آباد : ج ۲ ص ۱۱۲۵ .

دابق(در قضرین) ج 1 ص ۱۹۲۰۱۹۲۰ زم ۱۵۲۰۱۹۲۰ ج ۲ص دارابجردفارس: چ 1ص ۲۲۲،۵۵،۵۲ زم ۲ ص ۱۹۵۹ : چ ۲ ص ۱۴۱۹،۱۴۲۳ ز ۱۶۱۲۰

دارالامارہ بصوء (قصر۔) : ج 1 ص ۱۳۱. دارالامارہ (کوفہ) : ج 1 ص ۱۳۱،۸۸۰۸۱ . دارالامارہ' مرو : ج 1 ص ۱۳۹،۹۲۸ . دارالامان (شهر۔) : ج ۲ ص ۶۴۵. دارالتنزیل در پاریس: ج ۲ ص ۱۹۶۹ .

دارالخلافه اسلامبول: ج ۳ ص ۱۶۶۸ · دارالخلافه باهره ـــــ دارالخلافهطهران . دارالخلافه طهران: ج ۱ ص ۱۳۲۰ ۲۴۲۰

· ŤY P · ŤY T · Ť P T · Ť P A · Ť T Ť · Ť Ť Ď **ዕ**ጀአ-ልፕቃ-ልፕል-ል«የ ‹ል»» ‹ የልዮ ‹ የልዮ 1140-17:004:005:001:014:015 1198-1191-1149-1144-1145 1777-1717-1199-1194-1196-1772,1770,1761,170761749 1779-7 E: 1797 : 1744 : 1740 1444 . 1440 . 1442 61441 . 1474 1404 · 1404 · 1404 P1404 · 1444 179961754.1757.1757.1751 172561471 • 1487 • 1486 • 1486 179X - 1797 - 1791 - 17XY 617XA 1274 - 1419 - 1417 - 1404 - 1400 10TT-10T--10TY - 10TO - 10TF 1009-1005-1007-100--10446 144A: 1447: 1441: 1457: 1457 1045 · 1047 · 1047 · 1040 150Y . 150T . 1500 . 169A 1614.1614.16146161617.1611 1987 ، 1980 نــا ۱۶۳۵ ، ۱۶۳۲ 156161577.157961575.15776 1664. 1660. 1644. 1646 B1644 1544 61540 1544 1540 1554 169761540, 1644, 164661647 1411, 1406, 1400, 1402 61644 174 k1740, 1744 P1444, 1417 P 1404 . 1404 . 1444 61464 . 1449 1774, 1777, 1771, 1770, 1760 1444 61444, 1476 61474, 1474 1ATS - 1ATT - 1ATT - 1ATA 1404-1401-1401-14F4-14FF 1244-1244 1254-1259 1250-1 1497 • 1497 • 1444 • 1445 • 1440 390A+190T+1900+1A9A61A9F 1977-191461919-1917-19116 1942 61 444. 1444. 1444 61449 1969-1967-1974-1974-1979 1975.1977.1971.195051957 1991-1984 ---- 1987-1999 Tal 94009 6700Y. 7004. 19966

دارالخلافه ناصری \_\_\_\_دارالخلافه طهران داردانل (بغاز) : ج 7 ص ۶۴۲ : ج ۳ ص ۱۹۲۶ : ۱۹۲۲ : ۱۹۲۲ : ۱۹۲۶ :

دارالسلام بغداد عبنداد : ج 7 ص 1910 -دارالسلطنه (در بغداد ) : ج 1 ص 759 ، دارالسلطنه اصفهان عاصفهان : ج 7 ص ۱۷۱۸ - ۱۳۲۱ ،

دارالملطنه تبريز = تبريز : ج 7 ص ١٣١٧ :

ج ۳ ص ۱۶۹۱ ، دارالسلطنه (عثمانی) : ج ۳ ص ۱۵۶۲ ، دارالسلطنه هرات یه هرات : ج ۳ ص ۶۷۹ ، دارالسیاده رضوی : ج ۳ ص ۲۵۴ ،

دارالشفای عضدی (در بنداد ) : ج1ص ۲۸۰. دارالفنون (مدرسمه) : ج ۱ ص ۴۷۹،۴۶۵،

1147 - 1741 - 1741 - 1741 - 1744 - 17

T1T9.T0T7.T0TT.T0TF.T0T5

دارالفنون (مدرسمہ)در اروپا : ج ۱ ص۴۳۶. دارفور (از ممالک افریق ) : ج ۲۳ ب ۱۹۵۷ . دارقطن (محلمای در بغداد ) : ج ۱ ص۲۸۸. دارلو: ج ۳ ص ۲۰۶۵ .

دارالمرز (شهر ـــ) : ج ۳ ص ۱۳۲۶ ، ۱۳۸۲ ،

دارمستاد (شهرس) : ج ۲ ص ۱۹۹۱،۱۴۰۴،۱۹۹۱، دارمنقوشه (عمارتی درموصل) : ج ۱ ص ۱۹۱۱، دارندوه (در مکه) : ج ۱ ص ۲۷، داروم : ج ۱ ص ۳۱، داریا : ج ۱ ص ۱۸۱، داش کریی : ج ۲ ص ۱۰۳۲،

دالماسی (مملکت\_)از ایالات اطریش: ج ۳ص دالماسی (مملکت\_)از ایالات اطریش: ج ۳ص

دانزیک (شهر۔) : ج ۱ ص ۴۰۶ : ج۲ص۱۱۱۵ ۱۲۰۵ : ج ۲ ص ۲۰۲۸ : ۲۰۲۲

دانمارک: چ ۱ ص ۲۹۲،۵۰۳،۸۳۰،۳۱۰، ۲۹۱،۴۲۲،۴۲۲،۴۰۶،۲۹۱،۲۲۲ ۲۹۵: چ ۲ ص ۴۰۰،۹۲۲،۷۲۲،۸۸۸

دانوب (رود۔)= طونہ: ج ۱ ص ۱۲۹۰۸۲ ۲۲۱،۲۲۸ خ ۲س ۲۲۱،۲۲۸: ج ۳ ص ۱۹۱۶،۲۹۲۷،۱۴۹۷،۱۵۰۳، ۵۵۰۲، ۱۵۰۲، ۱۵۰۲،۱۵۰۲،۱۷۷۷،۱۷۶۴،۱۹۵۴،

دانوبی عثمانی (ایالات ) : ج ۳ ص ۱۴۸۸ ۰ دانی (شهرس) = دای : ج ۱ ص ۱۸۳ ۰ دانیل : ج ۳ ص ۱۸۳۰ ۰

دانيه (شرق اندلس) : ج ۱ ص ۲۳۱۰ داوايلي : ج ۲ ص ۲۹۸۰ ۱۲۸۱۰ داوديه : ج ۲ ص ۱۹۸۱۰ ۱۸۹۲۰ داهيري (کوم-) : ج ۲ ص ۱۸۹۳۰ داهيري (کوم-) : ج ۲ ص ۱۹۸۹۰ دجله : ج ۱ ص ۲۵۰ ۲۲۰ ۲۳۲۰ ۱۹۲۱۰ ۵۵۰ ۱۵۱ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۶۲۰ ۱۲۲۰ ۱۹۲۱۰ ۲۶۱ ۲۲۲ ۲۲۲ ۲۲۲ ۲۲۲ ۱۹۲۲۰ دجيل : ج ۱ ص ۲۶۰ ۲۶۲ ۱۹۲۲۰ ۱۹۲۲۰ دجيل : ج ۱ ص ۲۶۰ ۲۶۲ ۱۹۲۲۰ ۱۹۲۲۰

دربساک: ج ۲ ص ۵۸۷ دربند آذربایجان: ج ۱ ص ۱۱۰۰ج ۲ ص ۱۱۲۱: ج ۳ ص ۱۴۲۲۰ ۱۴۲۴۰ ۱۸۲۱ - ۱۵۱۲۰ ۱۴۹۱

دربار پاپ ہ واتیکان ج۱ص۲۸۶ ج۲ص

دربند چفان: ج ۲ ص ۹۳۷. دربند شولستان: ج ۲ ص ۱۰۲۳ ۰

. 1594

در پیت (شهر ــ) در لیونی: ج ۱ ص ۲۰۸۰ درجزین (منزل ــ): ج ۲ ص ۲۶۰؛ ج ۲ ص ۲۱۰۰،۲۰۹۸، ۱۸۸۵، ۱۸۶۵، ۱۴۴۷ درزد (پایتخت ساکس): ج ۱ ص ۱۵۶۱ ج ۲ س ۲۱۲۸،۱۹۶۸؛ ج ۲ ص ۱۵۰۶،

درشق : ج ۳ ص ۲۰۸۶ ، درعیه (شهر ـــ) : ج ۳ص ۱۳۶۵ ، ۱۵۴۶ ، ۱۵۴۶ ، درگز : ج ۳ ص ۲۰۹۶ .

درگزین (نزدیک هندان) : چ۲ص ۲۸۲۰۹۳۹ ۰۱۰۸۸۰۱۰۸۳۰۱۰۸۳۰۹۲۶۰۹۲۵ درنده (قلعف) : چ ۲ ص ۶۲۹۰ دروازه ابهر (در قزوین) : چ ۲ ص ۸۲۲۰ دروازه ارک : چ ۳ ص ۱۷۷۱۰ دروازه اصفهان (در کرمانشاهان) : چ ۳ ص

> ۱۲۵۹ -دروازهٔ بندیه: ج ۲ ص ۱۹۵۱ -دروازهٔ چل: ج ۲ ص ۱۱۲۲ -

دروازه دولاب : ج 1 ص ۵۵۶. درواز مدولت : ج٣ ص ١٧٣٣ ، ١٨٥٨ ، ١٩٣٩ . دروازهٔ شماسیه: ج ۱ ص ۳۲۳. دروازه شعیران: چ ۱ ص ۵۵۶:چ۳ص۱۸۹۸. دروازه شهر شیراز: ج ۳ ص ۱۳۵۷ . دروازه مغیر دمشق: ج ۱ ص ۲۶۱،۱۰۳. دروازه فزوین: ج ۲ س ۱۶۲۸ ۱۷۳۲۰ ، دروازه مبارکه ناصری : ج ۳ ص ۱۸۹۸ . درد (قرید) : ج ۲ ص ۱۸۹۵ ، دره بام: ج ۲ ص ۱۵۳۶ . درہ بیل چراغ : ج ۲ ص ۷۳۵. دره تنگ: ج ۲ ص ۱۰۲۹. دره جز : چ ۳ ص ۱۵۱۷ ۱۵۳۰ ۱۵۳۵ ، ۱۵۲۵ • 1274 • 1525

دره شیپکا : ج ۳ ص ۱۹۷۴. درہ ملاعلی: ج ۳ ص ۱۹۱۰. دریای آدرباتیک : ج ۱ س ۴۰۳. دریای آزف: ج ۳ ص ۱۲۶۶ ،۱۷۷۸ ، دریای احمر : ج ۲ ص ۲۶۲؛ ج ۳ ص ۱۷۹۸ . دریای بالتیک: ج ۳ ص ۱۷۷۸، ۱۷۷۸. دریای چین ۽ ۾ ۱ ص ۱۹۴ ع ۲ ص ۷۹۸. دریای خزر: ج ۲ ص ۱۹۶۲ ۱۰۱۲، ۱۱۵۴ ا

۸۸۲۱: چ ۲ ص ۱۹۲۲، ۱۹۲۲، دریای دیلم : ج ۱ ص ۱۷۲ ، دریای سفید : ج ۱ ص ۱۵۵ ؛ ج ۲ ص ۹۹۵ ؛

370 Teor. دریای سوند : ج ۲ ص ۱۲۸۸ ، دریای سیاه: ج ۲ ص ۹۹۲ ، ۱۲۲۱ ، ۱۲۷۶ ؛ ج ۲ ص ۱۵۲۲ ۰

دریای شمال: ج ۳ص ۱۷۹۱. دریای عمان ' ج ۱ ص ۱۷۲ ' ج ۲ ص ۹۹۳ . دریای فارس: ج ۱ ص ۲۶۴. دریای قطبی: ج ۲ ص ۱۸۱۸ ، دریای مازندران ' ج ۲ ص ۸۴۹. دریای مانش: ج ۳ ص ۱۷۳۹ ، ۱۸۰۱ ، دریای محیط اتلانتیک : ج ۲ س ۹۳۳،۷۲۹،

۱۰۲۲ : ج ۲ س ۱۵۲۲ . دریای محیط منجمد شمالی: ج ۲ ص ۸۹۵. دریای نجف اشرف : ج ۲ ص ۹۲۸ . دریای نور (گوهر۔) : ج ۲ ص ۱۹۹۱ . درباوک (بیلاق۔) : ج ۲ س ۲۸۰۰ دزاشوب شمیران: ج ۳ ص ۱۴۶۱ . دزالواليد (هتل۔) : ج ۲ص ۹۸۲ .

دزفول: ج 1 ص ۵۵۰ ج ۲ ص ۷۹۶،۷۵۰،

۲۶۷۱ کچ ۲ می · 1414 · 1414 · 1551 · 1550 · 1500

> دزک: چ ۳ ص ۱۷۵۹ . دزگرگر : ج ۳ س ۱۵۷۹ ۰ دزمیران: ج ۳ ص ۱۵۲۴ . دڑھای ونیز ' ج ۽ ص ۲۰۳ ، دستبی: ج اص ۱۳۰ . دسکرد: ج ۱ ص ۱۷۵،۶۹. دشت آب : ج ۳ ص ۱۶۵۳ .

دشت بحریان! ج ۲ ص ۹۵۷ . دشت ترکمان (وترکمانان) : ج ۲ ص ۱۹۷۳ :

-179f-1771-1701-1771-771. دشت خاوران: ج ۳ ص ۱۲۹۵.

دشنستان: ج ۳ص ۱۲٬۱۲۹،۱۶۱۲،۱۷۷۳، دشت قبچاق : ج ۲ ص ۵۸۵، ۵۸۳، ۵۸۶،

TE: 1144.1161.909.570.574 · 1774 · 1777 · 1777 •

> دشت قرقيز ؛ ج ٣ ص ١٧٢٥ . دشت کافری ؛ ج ۲ ص ۱۱۲۷ .

دشت گرگان: چ ۳ چي ۱۳۲۹ ، ۱۳۲۹ ، ۱۵۱۹

· 1414 - 1540 - 1019 دشت نظیر 🗦 ج ص ۱۹۵۸ ، دشتی: ج ۲ص ۱۴۱۰.

د قوقاً : ج ١ ص ٢٣٦، ٣٨٧، ٣٨٧.

دكر (بلاد\_) أج دي ٢٠٢. دکن (شهرس) : ج ۲ ص ۱۲ و، ۲۶۶، ۳۶۶،

\* **444.410.406.444.444.414** · 971 · 970 · AA9 · AYT · AFB · AT9 . 954 . 950 . 964 . 964 . 970 . 977

799، ۱۴۵۴ څ ۳ ص ۲۵۴۱ ، دلب: ج 1 ص ۴۷،

دلت آباد ' ج 1 ص ۵۴۴.

الدلوث : ج ۱ ص ۲۷،

دلوعباس: ج 7 ص 1۵۵۰ .

دلوک (قلعمہ) ؛ ج 1 ص ۳۸۴،۲۶۷. دماغه امید (در افریقا ) : ج ۲ ص ۷۳۷؛ ج۳

. Toot : 110A . 1779 .

دماغه جنوبی آمریک (کاب ارن) : ج ۲ ص

دماوند : ج 1 ص ۱۳۹۰ ۱۳۹۰ ۱۵۵۰ ۱۶۸۰ ، 149 ، ١٧٩ ، ١٨٥٠ ج ٢ ص ١٩٩٠ ٢٨٨ TE: 17-1:947:94-6954:964

 ۱۲۸۷ • ۱۴۶۰ • ۱۴۴۸ • ۱۴۰۸ • 1909-1497-1495-1445-1475 . Y 1 T 4 . Y . 9A

دمدم (قلاع پنجگانه ــ) : ج ۲ ص ۹۰۴ . دمشق: چ ۱ ص ۲۸،۴۹،۴۹،۴۹،۴۸،۲۸،

177111511051107110111011 · 190 · 104 · 177 · 177 · 175 · 170 . 700. TOT. TF9. TT9 bTT0. TID AY7 . ( AT . GAT . SAY . 78Y . 777 . · 170 · 177 · 171 · 177 · 177 · 177 · TFT · TFT · YDF · YDT · YTT · YTA 4470 PAY 4747 1 A76 7A7 47A7 170A 170F 1700 1707 6700 1794 \*\*\*15944.444.444.444.441 · FOX · FOY · FOD · FOT · FOT · DAX LIFTT. FT1. F14. F10. F17. F1. . 475. 555. 575. 577 6574.574 · 1777 · 1737 - 7 - 755 · 757

الدملود : ج ۲ ص ۶۲۱ .

دمیاط(شهر ــ) : ج ۱ ص ۲۲۲،۲۹۸ ، ۴۳۵، . tas litat

دميل (منزل...) : چ ۱ ص ۲۲۴. دن (رود۔۔) : ج ۱ ص ۳۲۷؛ ج ۲ ص ۶۵۲،

. 999 - 949

دنی استر: ج ۲ ص ۱۴۸۹ . دنیای جدید : ج ۳ ص ۱۸۸۲ .

دنیای قدیم : ج ۳ س ۱۸۸۲ ، دنیایکتاب (کتابفروشی) : ج ۹ ص ۷ .

دوآب (از توابع سیلاخور ) : ج ۲ ص ۱۱۵۲ . دوآب سوادکوه: ج ۳ ص ۱۳۹۲ .

دوبلن (شهر...)بایتختارلند: ج۳ص۱۲۶۳ ، . 4.44

دودانيه: ج 1 ص ۱۱۵۰

دورق (قصبه یا : ولایت۔)ازحویزہ: ج ۲ ص

:1155.970.954.919

دورق (ولايت۔) : ج 7 ص ١٣٧٥ . دورن (شهر—) : ج ۳ ص ۱۹۴۳ .

دوشان تپہ' دارالخلافہ: ج ۲ ص ۱۱۹۵ ،

۱۲۵۶ : چ ۳ س ۱۲۷۵ ، ۱۸۶۰ ، ۱۹۸۲ ۱۵۶۱ ، ۲۰۲۱

دولاب طبوان: ج ۳ ص ۱۳۸۱ ۱۴۳۸ ۱۲۵۰ دولت (محلمت): ج ۱ ص ۵۲۶: ج۲۵۲۵۲۰ دولتآبادامفهان: ج ۲ ص ۸۹۶۸ دولتآباد دامغان: ج ۳ ص ۱۶۳۶ . دولت آباد کودستان: ج ۲ ص ۱۲۷۴؛ ج ۳

دولت آباد هند : ج ۲ ص ۲۶،۸۹۷،۶۲۶ دولتخانه: ج ۲ ص ۱۰۸۹،۱۰۷۹، دولت نظام شاه : ج ۲ ص ۹۰۳،۸۹۲ ا ۴۸۹ دولت نظام شاه : ج ۲ ص ۹۰۳، ۴۸۹ ا ۴۸۹ دول متحده کلمبی : ج ۲ ص ۵۶۶. دولت (قریف) : ج ۳ ص ۱۳۵۱،۱۳۵۱ دومه الجندل (بین شام و عراق) : ج ۲ ص

۲۹۰۳۵۰۳۹۰۳۶ دونا (قریم) : ج ۳ ص ۱۹۰۸ . دونابورگ: ج ۳ ص ۱۸۲۹ . دونکرک (بندر ــ) در فرانسه: ج ۳ ص ۱۹۶۹ . دوور (انگلیس) : ج ۳ ص ۱۹۴۲ ، ۱۹۶۱ . دوین (شهر ــ) : ج ۳ ص ۱۹۴۲ ، ۲۳۲۰۳۹۲ . دهخارقان (دهخوارقان) : ج ۲ص ۱۵۱۶ .

> ده ملا : ج ۳ ص ۱۶۹۵ ، ۱۸۹۲ . دهمه: ج ۳ ص ۱۸۹۷ .

ده تمک : ج ۳ ص ۱۸۹۲ .

دہ تو اصفیان (قریمہ) : ج ۳ ص ۱۷۰۱ ، دیاربکر : ج ۱ ص ۲۸۲۰۲۷۸ ،۲۲۲۰۲۷۸

دیار رہیمہ: ج 1 ص ۱۵۵۰۸۸ ۲۲۳۰ دیار مفریہ: ج 1 ص ۴۲۱۰

دير: ج 1 ص ۴۳.

دير جائليق: ج ١ ص ٨٩٠

ديرجماجم : ج ( ح ص ۹۶،۹۵،۴۳ ،۹۶۰

دیر حبیب: ج ۱ ح ص ۴۳.

دیر سعتان: ج 1 ح ص ۱۰۲۰۴۳ .

دېر عاقول : چ ۱ ص ۲۰۹، ۲۶۸، ۲۷۲.

دیرفرہ: ج ۱ ص ۹۵۰ دیرالقمر: ج ۳ ص ۱۸۳۰ ۱۸۳۷۰ ،

دير مزان: ج 1 ص ١٥٢.

دير مضر : ج 1 ص ۲۲۸ .

دیرن (شهر۔)از فرانسه، ج ۳ ص ۱۹۴۵ -

ديزآباد : ج 7 ص ١٨٩٣ -

دیک تواردمربلا (معالکت) : ج جس ۱۶۶۶ . دیلم : ج ۱ ص ۱۶۵۰۹۵ ، ۱۶۵۱ ، ۱۶۸۱ ،

· \* \* F · T · D · T · T · 1 YA

دیلم (دربای--) : ج ۱ ص ۱۷۲ . دیلمان : ج ۲ ص ۷۴۰ .

دیناری: ج ۱ ص ۲۰۵،

دينور: ج 1 ص ۲۹۴،۲۷۲،۲۴۱،۲۲۶

۲۵۸۰۳۱۸۰۳۱۷۰۳۰۴۲۹۹ دیوانخانه(عمارتسا)در آصفهان: ج ۳

دیوانخانه(عمارت۔)در اعقهان: ج ۲ ص

· 1 • A 9 · 1 • Y 9 · 9 ۶ 1

دیوانخانه بزرگ(در طهران) :ج۳ص ۱۶۳۰ دیوانخانه مبارکه: ج ۳ ص ۱۶۶۹ . دیوانخانه هندان: ج ۱ ص ۲۶۳۰ دیوانیه: ج ۱ ص ۱۲۶۵ - ۲ ص ۱۲۶۱ .

۵

ذات الإطلاح : ج 1 ص ٢٧. ذات السلاسل : ج 1 ص ٢٧. ذات الصوارى : ج 1 ص ٥٧. ذوالخلصد : ج 1 ص ٣٦. ذوالفقار : ج ٢ ص ١٦٥. ذوالفصد : ج 1 ص ١٦٥. ذوالفصد : ج 1 ص ٢٥٠. ذي قار : ج 1 ص ٢٥.

راجکده: ج ۲ ص ۹۸۳ . رادگان (بلده): ج ۳ ص ۱۹۷۰ ۱۵۳۵ ۱۹۷۱ ، ۱۹۹۵ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۵ - ۱۸۹۵ راذان: ج ۱ ص ۱۹۴۰ . راذان: ج ۱ ص ۵۵۰ : ج ۲ ص ۱۲۸۴ : ج ۳ ص ۱۲۸۳ : ج ۳ ص ۱۳۵۵ . رادس امید (دماغم)در جنوب افریقا ـ لگاب دبن اسیرانس: ج ۱ ص ۹۸۹ ۲۹۱ او ۲ ۲ ص ۱۹۷۹ او ۲ می ۱۹۵۰ و ۲ ص رادس طوفان ـ لگاپ دتامیت ـــ راس امید . رادس طوفان ـ لگاپ دتامیت ـــ راس امید . رادس مشارف : ج ۱ ص ۱۴۲۰ .

رالین گویان : ج ۲ ص ۱۸۹۳ رامپور : ج ۲ ص ۱۸۳۵ ۰ رامپورز : ج ۱ ص ۴۸۰۴۷ ۰ ۲۸۱۰ ۶۹۰۴۲۰۹۱۰۶۰ رامپورز : ج ۱ ص ۴۸۰۴۷ ۴۸۰۴۹۰۶۹۱۲۴۰ رامپان : ج۲۵۲۰۹۱۲۴۰ ۱۱۷۲۰

رافقه (شهر۔)کنار فرات : ج ۱ ص ۱۴۲ ،

. 1984

راکوز (بندر و شهر۔) : ج ۱ ص ۴۸۹ ؛ ج ۳ص

ج ۳ ص ۱۳۴۴. راور : ج ۳ ص ۱۶۰۷،۱۴۱۸ راون (شیرس) : ج ۱ ص ۹۸، راوندان (قلعم) : ج ۲ ص ۶۳۳، راه بر : ج ۳ ص ۱۴۲۴، راه دن پدر (راه آهن) : ج ۳ ص ۱۸۰۹، رای لکین : ج ۳ ص ۶۶۴، ریاط زیزنی : ج ۳ ص ۱۸۹۲، ریاط زیزنی : ج ۲ ص ۳۲۷،

رباط کافر (قلعمہ) : ج ۳ ص ۱۵۳۹ ، ۱۶۱۸ ، ۱۶۱۸ ، رباط نیک ہی: ج ۳ ص ۷۸۵ ، ربذہ: ج ۱ ص ۲۹۴۰۱۹۲۰۵ ، ربوب (ح: زبزب) : ج ۱ ص ۳۱۸ ، رجال (قریمہ) در نققازان : ج۲ص ۶۲۰ ،

رچيل: ج ٣ س ١٨۴۶ ٠

رحبه شام:ج ۱ ص ۱۹۴۰۲۷۸۰۹۴۱ ۲۹۴۰۲۷۸۰۹۷ ۲۹۲۰۲۵۹۰۳۵۶۳۴۱۲۰۳۹۷۰۲۶۹ ۲۵۲۰۲۶۹۰۹۲۶۹۰

رحيه' مالک : ج ۱ ص ۸ه ۲ . رحمت آبادگيلان : ج ٣ ص ١٧١٢ . رخج: ج ۱ ص ۲۱۱. ردس(جزیرہ۔)= بردس: ج 1 ح ص ۲۸۰۵۷ 74. 3 7 W 713. 484. 044. 444. رده: ج ۱ ص ۵۵۰. رستاق دجله: ج ۱ ص ۱۷۸ . رستمآبادگیلان: ج ۳ ص ۱۲۹۹، ۱۴۰۴، رستعدار : چ ۲ ص ۶۳۳،۶۵۶،۶۳۳،۶۷۲،۶۷۲،۶ · Y 9.4 · Y 9.5 · Y F F · Y F · Y T F · F 9.7 · 442.441 رسچق (رسجق ، روسچق) : ج ۱ ص ۵۲۴ ، ج 7 - 1949+1917 or رسنان (لواسان) : ج ۳ ص ۱۸۹۷ . رشت (دارالمرز ) : ج ۱ ص ۵۴۸۰۵۴۲۰۵۳۷ . 774.450.444.440.444 PAY-764: 3 TO 1411-0771 . 1747 - 1779 - 1770 - 1777 - 1750 \* 1715 · 1774 · 1800 · 1751 OTE · > 987 4 · 141 1 · 141 0 · 127 4 · 127 1 \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* رشناد : ج ۳ ص ۱۹۶۵ . رمافه (محلم) در بغداد : ج ۱ ح ص ۳۶، · 140 · 144 رصافه (از شهرهای شام ): ج ۱ ص ۱۲۴ . رمدخانه' پاریس: ج ۲ ص ۹۸۰ . ۰ رعیان : ج ۲ ص ۵۸۷. رفسنجان کرمان: ج 1 ص ۵۴۳: ج ۲ ص۱۲۷۳ 3 T to 27717. رفنيه! ج 1 ص ٣٥٨. رقاده (شهر ــ): ج ۱ ص ۲۲۹،۲۱۰. رقه (شهر-): ج ۱ ص ۱۳۸۰۶۳۰۴۶ ۱۲۸۰ . 470 bYTY. 140. 144. 147.140 477 • 177 • 407 • 407 • 447 • 647 • የለን ነ ግድ ነ . ለድን ነ ግድ ነ ምንግ . **ተ**ዋና « ₱ \$ ይ፣ **የ** ወ ይ፣ **የ** ወ ይ፣ ሞ ል 1 ፣ ሞ ል ወ ፣ ሞ ል ይ 1177,077; 777,777; 370,777

رکن کعید: ج ۱ ص ۲۴۳،۹۴؛ ج ۲ ص ۱۱۲۲

رم (پاینخت ایطالیا ) : ج ۱ ص ۱۵۴۰۸۴ ،

· 15T · 10A · 1TA · 1TT · 115 · 110

-1175-1170-11TY

رکن بھانی: ج 1 ص 756.

· T 1 1 · 1 90 · 1 4 1 · 1 1 1 · 1 1 / 5 · 1 / 6 · TYF · TFF · TF9 · TTT · TT0 · TFF ۶۵۲۰۶۵ تج ۲ س ۹۲۵۰۰۵۹۰ ۵۶۲ · Y40 · YTA · YTT · YT1 · FYT · FAA 154-1154-115 - ع ص 154-11 · 1004 1894 1897 1848 1848 Y141 . A141 . [ TY] . PAY! . P. A! 1990 · 1479 · 1474 · 1474 · 1474 · ₹144 · ₹044 · 1466 · 1461 رطه: چ ۱ ص ۲۲۹،۲۱۵،۲۰۲۰ ۲۲۹،۲۱۵،۲۲۹، \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 617،777،777 ع 7 ص19، رن (رود-) : ج ۱ ص ۱۰۱۰ ۱۱۱۰ ۲۸۱۰ <del>: ج</del> ۲ 1175 : 1000 : 100T : 9AY : 9AY ١١٥٨ : ج ٣ ص ١٢٢٥ ، ١٢٢٥ ، ١٢٥٩ . 1014 - 1010 - 144 - 1 145

رفس (شهر ــ): ج ۲ ص ۱۹۲۵: ۱۹۲۵: ۱۹۳۹ رفس (شهر ــ): ج ۲ ص ۶۸۷: ج ۳ ص ۱۵۲۷. روال (شهر ــ): ج ۲ ص ۵۳۵: ج ۲ ص ۱۸۶۲. روان (شهر ــ)در فرانسه: ج ۲ ص ۱۸۶۰،۸۸۶

> روح : ج ۲ ص ۵۸۹. روحاء : ج ۲ ص ۵۹۶. رودآمو : ج ۳ ص ۱۹۵۱. رودآمود : ج ۳ ص ۱۹۷۱.

رودارس کے ۲ ص ۱۰۲۹،۹۳۴ کے ۳ص۱۹۲۲ ۱۵۸۲،۱۵۷۸،۱۵۷۵،۱۵۷۲

۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ - ۱۹۷۷ و د الب رود ) : ج ۱ ص ۴۸۸ ؛ ج ۳ص ۲۰۱۳

رود انجیل: ج ۲ ص ۱۵۲۶.
رود بنجاب: ج ۳ ص ۱۵۲۱.
رود تتر: ج ۳ ص ۱۵۷۱.
رود ترتر: ج ۳ ص ۱۵۵۱.
رودخانهٔ آریمچای: ج ۳ ص ۱۵۹۱.
رودخانهٔ ابر: ج ۳ ص ۱۷۹۷.
رودخانهٔ بلارود: ج ۳ ص ۱۷۹۷.
رودخانهٔ بووت: ج ۳ ص ۱۷۹۷.
رودخانهٔ بووت: ج ۳ ص ۱۹۵۱.
رودخانهٔ تاج: ج ۳ ص ۱۹۵۱.
رودخانهٔ تاج: ج ۳ ص ۱۸۵۱.
رودخانهٔ تابیز: ج ۳ ص ۱۸۲۱.
رودخانهٔ ترانس وال: ج ۳ ص ۱۸۶۸.

رودخانهٔ تیبر : ج ۳ ص ۱۹۶۱ . رودخانهٔ جسن : ج ۳ ص ۱۸۶۴ . رودخانهٔ زاد : ج ۲ ص ۹۲۶ . رودخانهٔ زاینده رود : ج ۲ص ۹۵۸ ، ۹۶۱ !ج

رودخانهٔ زیوه: ج ۳ ض ۱۵۱۰ ۱۵۱۰ . رودخانهٔ سالرمانتو (در کالیفرنی ) : ج ۳ ص ۱۷۰۴ ،

رودخانه سان ژوانیک (در کالیفرنی) : ج ۳ ص ۱۷۰۴ .

رودخانه سفید : ج ۳ ص ۱۹۹۰ . رودخانه سنوید (۸فرسخیشیراز) : ج ۳ ص ۱۸۲۹ .

رودخانه طویله شامی: ج ۳ ص ۱۹۷۱.
رودخانه فاز (درعثمانی): ج ۳ ص ۱۹۷۹.
رودخانه قاز (درعثمانی): ج ۳ ص ۱۹۷۹.
رودخانه قراسوی پائین: ج ۳ ص ۱۵۸۲.
رودخانه قرل اوزن: ج ۳ ص ۱۹۷۱.
رودخانه قم ج ۲ ص ۱۵۱۰.
رودخانه کینک چای: ج ۳ ص ۱۵۱۱.
رودخانه گنگ: ج ۳ ص ۱۷۲۱.
رودخانه گنگ: ج ۳ ص ۱۷۲۱.
رودخانه طوار: ج ۳ ص ۱۷۹۱.
رودخانه طوار: ج ۳ ص ۱۷۹۱.
رودخانه مبارک آباد: ج ۳ ص ۱۷۹۱.
رودخانه نوا: ج ۳ ص ۱۷۹۱.

۲ ص ۱۹۸۸ - ۱۵۰۶۰ ۱۹۸۸ رود دانوب : چ ۳ ص ۱۲۶۲ - ۱۸۰۰ رود درینو

رود دنی پر (دنی پیر)در لیستان: ج ۱ ص ۱۵۰۷،۳۲۴:۴۳۹،۴۳۲،۲۲۶ ب۳۳۵،۷۵۰ ، رود رن (رن) در فرانسه: ج ۲ ص ۱۴۳۱ ،

رود زنگی: ج ۳ ص ۱۹۲۱ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۲ - ۱۹۴۲ - رود زنگی: ج ۳ ص ۱۴۲۱ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ - ۱۴۵۱ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ - ۱۹۸۲ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ - رود قراسو: ج ۳ ص ۱۹۱۸ - ۱۹۲۸ - ۱۹۲۸ - ۱۹۲۸ - ۲ ص ۱۹۱۴ - ۲ ص ودکارون (کرن): ج ۳ ص ۱۹۲۹ - ۲ ص

۱۴۷۷ . رود کرج: ج ۳ ص ۱۵۰۴ . رود گرگان: ج ۲ ص ۱۸۶۶ ، ۱۱۲۴ .

رود نیژر : ج ¥ٰ ص ۱۸۴۷ ، رودهبرمند : ج 1 ص ۴۸۷ ؛ ج ۳ ص ۱۸۹۷ ، ۲۰۱۲ ،

> رود یک : ج ۳ ص ۱۸۱۸ ۰ روذراور : ج ۱ ص ۳۵۵ ۰ روز آباد جام خراسان : ج ۲ ص ۲۷۵ ۰

روس = روسیه : ج ۱ ص ۲۲۶،۲۰۲، ۲۳۱،

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* · TA · · TYT · TYT · TY I · TS I · TST 4 FT 9 4 FT 1 4 FOY 4 FY 9 4 FY 5 1 . 747 . 179 . 179 . 170 . 177 . 170 1077.077.007.791 1910.477 ۵۶۲،۵۵۵،۵۳۷ ع ص ۵۸۵،۵۳۷ ·FT4·FTY·FTY·FTY·FT1·F14 ·FAT·FFT·FQT·FQF·FQT·FFT . 444. 444. 44. PALA . ALT. 1844. 134,444,104,774,674,674, \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* \* 409 . 907 . 900 . 294 . 297 . 207 446 . 441 . 444 . 445 . 444 . 414 . 971 5959 , 955 , 957 , 951 , 964 · 990 · 995 · 997 b949 · 947 · 979 1008.1007.1000.999.99 107161012, 101561018, 1009 104161049, 1074, 1044, 1044 111461170411146111641117 1190.1149.1171.1174.1174 114661144416011164111646 1144-1145-1140-1141-114-1790 · 1797 · 1790 · 170 A 61707 ۵-۱۲: چ ۳ ص ۲۳۲۵ ،۲۸۲۱ ،۱۲۸۶ 1406.1449.1444.1444.144 1415: 1417: 1411: 1404: 1404 1577: 1571: 1577: 1577: 1517 . 1400. 1401. 1440. 1440 L 1464. 1464. 1460. 1404. 1406 1444.1490 1444.1449 1449 1012,1012,1010,01007,14996 1071-1074-1070-1077-1071 1447-1441-1445-1444-1477 1050-1001-1007-1075-1075

1021 11044 . 1041 11054 . 1055

1444 1097 - 1444 1444 1444 \* 1808 + 1801 + 1800 + 109x 6 1519, 1516 61514, 1509, 1506 1544:1544:1544:1541:1544 1994 . 1900 . 1944 . 1948 . 1944 1547 1544 1544 1544 1544 · 140\* · 1644 · 1644 · 1644 1717.1710. 170A.170Y.170T 4111 . 4171 . 1714 . 1714 . 7774 1461.1404.1404.1401.144. 1777 • 1771 • 1770 • 1750 • 1754 17 37.17 95 . 37 9 1 51722 . 172 . 5 1204. 1707 : 1709 : 1704 126.1414.1414.1415.1417 1264 • 126 • 126 • 126 • 126 • 126 1464 - 7441 - 4641 - 8441 - 7341 1XX0+1XY9+1XYF+1XYT+1XY0 7441 · 7441 · • 841<sup>2</sup> 7841 · 7841 1971-1910-1917-1910-1894 1977 : 1971 - 1970 - 1977 - 1975 1949, 1944, 1945, 1941, 1949 · 1907 · 1905 · 1101 -1964 ---- 1461 ---- 1404 1979-1977-1978-1978-1959 1992 - 1991 61920 - 1927 - 1927 TOJT. TO 11. TO 10. TOOT Ex 000 4046.4044.4044.4044 PKOAL روسجق: ج ۽ ص ٥٣٤. ج ٢ ص ١٢۶٢٠٨٩٥ روسیه = روس ج ۱ ص ۴۸۲۰۴۸۵۰۴۷۷ ۲۸۲ .020.022.024.024.020.020 ٠١٤٨، ٢٩٨٠ ع س ١٤٧٨ ، ٢٨١٢، 1011, 1016, 1016, 1010, 1414 19891918111145911444114915 Tool.1994.1997.1997.19f1 . 5105. 5075. 5071. 5015 روسید پنبک و آباران : ج ۲ ص ۱۴۹۷ . روضات مقدسات 🗦 ج ۲ ص ۹۱۸ ،

روضه کاظمین: ج ۳ ص ۱۶۳۷ . روضها مطهرها حضرت معصومه (ج۲۳۷۷۳). روضه مقدسه حضرت عبدالعظیم : ج ۲ ص ۹۴۵ : چ ۳ ص ۱۶۴۹ ، ۱۲ ، ۲۱ روم : چ ۱ ص ۲۵،۲۲ تا ۲۹،۲۹،۳۰، ۲۶،۳۰ تسا 47.17.27.00.76.70.00.F5. 100 - 104 191 181 101 101 101 101 · 177<171 · 11A · 11Y · 110 · 117 774 154 105 1042 104 14Y PTT - 667 - 727 - 727 - XYZ - X-T -۶۰۲،۶۳۲،۳۳۳،۳۲۸ ج ۲ ص ۲۰۶،۳۳۲ · YF . . FYF . FYT . FTA . FTY . F1F · 1 • YT · 1 • FF · 1 • F9 · ADA · A1F 1 174 5 1 175 - 1 174 - 1 1 14 - 1 - 45 1775-1777 - 7 7 : 1171-1170 1544 · 1440 · 1447 · 1447 · 1444 1404. 1241. 1444. 1424 CITET 1446. 1410. 1410. 1404. 1404 · 1470 · 1474 روماني: (دولت۔): ج 1 ص ۵۶۳: ج ۲ ص ۲۱۴۹،۲۱۰۹ : چ ۳ س ۲۰۱۹،۲۱۴۹ رومانی شرقی ج ۳ ص ۲۰۰۱ ، روم ایلی: ج ۲ ص ۶۵۶،۶۷۴،۶۲۰،۶۷۴، روملی (از خاک عثمانی ) : ج ۲ ص ۹۵۵ : ج · 1990 : 1747 .0 T رومه: ج ۳ ص ۱۹۵۱ ،۱۸۶۸ ،۸۷۸۱ ،۱۸۹۹ · 1971 · 1970 · 1977 رومیه الصفری : ج1ص ۱۴۵۰ ۱۴۴۰ ۱۴۲۰۵۹

· . 4 - 17 - 1247 - 1245 - 1277

روضه' علوی : ج 7 ص ۱۹۱۶ ،

رومیده الکبری: ج ۱ ص ۱۹۹۰

روضه' باغ (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۵۱۹ ۰

روضه! حضرت رضا (روضهمقدسه رضوی) : ج۱

ص ۲۷۹: ج ۲ ص ۲۰۷۰۲۰۸۳۶۸

1170-954-901-494-441-471

146 : چ ۳ ص ۱۲۳۲ ۱۲۳۲ ۱۴۶۷۰

14-9. 1244. 1244. 1244. 1464

رونه (از دشت خاوران) : ج ۳ ص ۱۴۹۵ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۰ ، ۱۲۳۰ ، ۱۲۳۰ ، ۲۵۳۰ ،

رها (الرها): ج ۱ ص ۲۰،۲۶۰،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۵۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲۰

رهات: ج 1 ص ۲۸. رهناش: ج ۲ ص ۲۹۲.

179.44.49.65.67.01.77.17.170

. 197.109.107.177.179.170

. 701.194.195.144.191.194

. 771.774.777.714.704.707

. 749.774.777.771.709.774

. 775.771.770.771.709.774

. 775.740.6701.774.770.774

. 775.740.6701.774.770.774

. 770.774.775.740.774

. 770.774.775.740.740.747

. 797.740.740.740.740.740

. 740.740.740.740.740.744

. 740.740.740.740.740.744

. 740.740.740.740.744

. 740.776.740.744

. 740.740.740.744

. 740.740.740.744

. 740.740.740.744

. 740.740.740.744

. 740.740.740.744

ریا : ج ۱ ص ۳۶ . ریند (فریم) : ج ۲ ص ۱۸۹۳ . ریگان (سرحد ) : ج ۲ ص ۱۸۸۲ . ریگان (شهر – ) : ج ۲ ص ۱۶۵۳ . ریگان (منزل – ) : ج ۲ ص ۱۶۵۳ . ریو ژانرو (بایتخت برزیل ) : ج ۱ ص ۵۶۵ 'ج ریوگراند : ج ۳ ص ۱۲۵۲ .

· 1506 • 1791 • 1747 • 1747

j

ربولی: ج ۲ ص ۱۴۴۵ .

زاب (بلد...) : ج ۱ ص ۱۳۱ ،۴۵۸ ، زابلستان : ج ۲ ص ۱۰۳۵ ، زاخور : ج ۲ ص ۹۴۷ ،۹۹۷ ،۱۰۰۲ ،۱۰۰۸ زاخان : ج ۱ ص ۹۶ ، زاود : ج ۲ ص ۹۶۲ . زاویه مقدسه: ج ۱ ص ۵۵۴ : ج ۲ ص ۱۲۹ ، زاویه مقدسه حضرت امامزاده عبدالعظیم :

· 1404 · 1740 & T &

زاینده رود (زنده رود ) : ج ۲ ص ۱۹۵۸ ، ۱۶۲۱ .

زبان گک : ج ۲ ص ۱۳۵۷ . زیدانی : ج ۱ ص ۴۴۷ .

زبید (شهر ــ): ج ۱ ص ۱۷۷ ،۲۲۹،۳۲۸،

۰۶۹۳،۴۲۱،۳۹۰ زجاجیه: ج ۲ س ۶۳۶. زرباطیه: ج ۳ س ۱۵۵۲. زرد کوه: ج ۲ س ۱۱۶۴. زردنا: ج ۱ س ۴۶۳.

زرقان (منزل۔) : ج ۲ ص ۱۰۲۶ ، ج ۳ ص

۱۳۱۷۰۱۴۱۶ زینا: ج ۳ ص ۱۸۹۶ زرنج: ج ۱ ص ۱۰۹

زرند ساوه: چ ۱ ص ۲۰۵۰٬۵۴۶٬۵۹۴ : چ ۳ ص ۱۹۹۵٬۱۴۹۱۰۱۵۵۵ : ۲۸۸۴٬ ۱۹۶۵ .

ند: ج ۱ ص ۵۴۹ ج ۲ ص ۱۲۸۲ ؛ ج ۲ ص ۲۱۳۴ .

زقاریق : ج ۳ ص ۲۰۵۲ ، ۲۰۵۳ . زکم ٔ ج ۳ ص ۱۳۷۵ ، ۱۵۲۶ ، زلفآیادهرات : ج ۳ ص ۱۵۲۶ ، زلوس : ج ۳ ض ۲۰۲۹ ، زمانآباد : ج ۳ ص ۱۸۹۳ ، زمنتری (قریف)در خوارزم : ج ۱ ص ۲۷۹ . زمنتری (قریف) : ج ۱ ص ۲۲۳ .

زمیل: ج ۱ ص ۲۶، زمینداور: چ ۱ ص ۴۴۲،۹۰۴۲: چ ۲ ص۲۲۶ ۱۹۲۰،۵۱،۹۹۰،۹۹۰،۷۵۱،۷۴۹،

۱۱۲۱ : ج ۳ ص ۱۲۶۷ ،۱۱۰ ۲۰۰ زنج (شهر–) : ج ۱ ص ۷۳ : ج ۲ ص ۵۸۵ ،

۵۲۲،۲۲۱،۲۵۶،۲۳۲،۵۱ م ۵۲۲،۲۲۱،۲۵۶ ۸۶۲،۸۲۱،۶۸۷ م ۲ م ۵۲۸،۵۲۶ ۱۲۷۲،۱۲۲۵،۱۱۶۰،۱۲۴۰,۱۲۲۵ ۱۳۹۹،۱۲۹۲ م ۲ م ۱۲۲۲،۱۲۷۵ ۱۵۸۰،۱۲۷۵،۱۴۲۲،۱۲۲۸،۱۶۰۲ ۲۱۲۶،۲۱۲۲،۲۰۸۰،۱۹۷۲،۱۲۲۱

زنگبار (جزیرہ'۔) : ج ۱ ص ۵۶۴ : ج ۲ ص ۱۲۰۷۰۲۴۵ : ج ۳ ص ۱۷۹۱ . زوبله (زوبله) : ج ۱ ص ۵۰.

زورآباد: ج ۲ ص ۱۸۸۰

زوطه (حمن ــ) : از بلاد اندلس .یا : روطه : ج ۱ ص ۳۷۴ . زولاند : چ۳ ص ۳۵۰۳ . زوند (محال ــ) : چ ۳ ص ۱۵۸۳ . زهاب (ولایت ــ) : چ ۲ ص ۱۵۲۲ : چ ۳ ص ۱۸۸۲ - ۱۸۵۱ ام۵۰۱۵۰۱ : ۲۸۳

۱۲۸۶ - ۱۵۰۵ - ۱۵۰۵ - ۱۲۸۳ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۹۶ - ۱۲۸ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸ - ۱۲۸ - ۱۲۸۶ - ۱۲۸ -



ژاسی(پاینخت طدادی): ج ۲ ص ۱۱۲۴ ؛ ج ۳ ص ۱۴۸۴ ،

ڙافا (بندر۔) : ج 1 ص ٣٥٢ ، ٣٤٧ : ج ٣ ص ١٩١٢ ،

(اماثیک (جزایر۔) : ج ۲ ص ۹۵۹ ، ۱۹۶۶ . ژانت (جزیرف) : ج ۳ ص ۱۸۳۸ .

زانينا : ج ٣ ص ٢٥٥٣ .

ژاوہ (جزہرہے) ہایٹخت بناویہ : ج ۴ ص۶۶٪ ۱۲۰۵ ،

زائیک : ج 1 ص ۳۲۷ . ژرمن (معلکت۔) : ج 1 ص ۱۳۸ : ج ۲ ص

-1079

ژمانیک : ج ۳ ص ۱۸۶۹ ،

ژن ایطالیا : چ ۲ س ۲۹۰٬۷۲۹،۷۲۹،۷۲۹ ۱۹۸٬۹۹۱،۲۴۴ : چ ۳ س ۲۰۷۹،۱۷۹۹ . ۱۸۷۰٬۷۲۸ .

ژنو: ج ۲ ص ۱۵۵، ج ۲ ص ۱۸۵۷ ، ۱۸۶۲ ، ۱۸۶۲ ۱۸۷۹ ، ۱۹۲۵ زیلول: ج ۲ ص ۲۶۲.

س ساباط: ج { ص ۴۳۰۴۰. سادرا : چ ۲ ص ۱۸۷۸ . سار: ج ۳ ص ۱۴۰۵ . سارانو: ج ۳ ص ۱۶۰۵ ۰ ساراکس(شهر۔) ئاج 1 ص ۱۷۱ ؛ ج ۳ ص - 1444 - 1415 ساربورگ (شهر—)یا : ساربروک :ج۴۰۰ ۱۸۲۷ ؛ - 1111 ساردن (ساردین): ج ۲ ص ۱۶ ۱۰ ۱۰۲۸، ۱۰ ۹ 1707-1488-1447 - 7 - 1099 · 177A · 17FT · 17G1 · 170 9 · 1707 1405 : 1404 : 1440 : 1444 : 1444 1446 - 1444 - 1414 - 1416 - 1417 - 1974 سارسکوسلو (شهرس) : ج ۳ س ۱۹۴۱ -ساروق فراهان: ج ۳ ص ۱۲۴۷ ۱۹۴۹ ۰ ساري: ۾ 1 ص 4-۲،۲۴، ۵۵۰ ۾ ۲ ص . 1769. 1764. 957. 911. 105 1745, 1177, 1175, 1177, 1177 ۲۰۲۱: ۲۰۹۱: چ ۲ ص ۱۳۵۷ ، ۱۳۷۴ · 1745 · 1740 · 1747 · 1741 · 1770 1464. 14.00. 1444 PICAT. 1444 1404-1449-1444-1440-1949 · 1775 · 1774 · 1994 ساریتسین (شهر۔) : ج ۲ ص ۱۹۴۱ ۰ ساریقنش: ج ۲ ص ۵۸۳۰ سالار آباد :ج ۲ ص ۱۲۴۲ ، سالپور : ج ۲ ص ۶۶۴. ساکس(دولت۔) : ج 1 ص ۵۶۱،۳۰۹ : ج ۲ س۱۳۰۴، ۱۲۸۶، ۱۲۷۲، ۱۴۵۶، ۲۰۳۰ سالسيبورگ ۽ سالزبورغ (شهر۔) : ج ٣ ص

3 To 1741 1441 14701 17P01 1404-1404-1600-1604-1604 1494 - 1474 - 1474 - 1497 - 1497 · Y1fy · 1464 · 140 · 1444 · 1444 1946 • 1940 • 1449 • 1464 • 1466 · 1941 · 1947 · 1966 سالم (قلعف) از خیبر : ج ۱ ص ۲۶۰

سالمن (جزاہرہ) : ج ۲ ص ۸۵۵۰ سالور: ج 7 ص ۱۷۴۹ ۰ سالونیک (ہندر عثمانی) : ج ۳ ص ۱۹۶۸ ۰ سالیان: ج ۲ ص ۱۴۰۵۵۲۱ ، ج ۲ ص۱۴۰۵

· 1645 · 1640 · 1747 · 1777 · 1774 مامرا ، مامرہ (سرمن رای ) : ج 1 ص 144 تما 5 Too: 194: 195: 197: 190: 1AA \*\*\*\*\*\*\*\*\*\* & \*\*\*\*\*\*\* £ ۲۵ ع ۲ ص ۱۹۲۰ ۱۹۲۰ ۱۰۳۳۰۱۰ 1415: 1460 : 37 ش سامس(شهر۔)از عثمانی: ج ۳ ص ۴-۱۶۰ . سامان دشتی (شہر۔) : ج ۳ ص ۱۷۴۷ ، سان استفان (قریمہ) : ج ۳ ص ۱۹۸۶ ۰ - 1949 - 1944 سامبریسک (شهر ـــ) : چ ۳ ص ۱۸۶۲ .

سان تیاگو (پاینځت شیلی) : ج ۱ ص ۵۶۶ . ج ٢ ص ١٣٠٩ : ج ٣ ص ٢١٥٢ . سانجني: ج ٢ ص ١٢٥٥ ؛ ج ٣ ص ٢٠٢٩ . ساندویج (جزیرمــ) : ج ۱ ص ۵۶۶ ؛ ج ۲ ص

۱۲۰۴: ۱۳۱۰: چ ۲ ص ۱۲۰۳ سان ژوزد: چ ۱ س ۵۶۵ ، چ ۲صد۱۳۰ ،چ۳ - ۱۲۱۵۱۰۱۸۰۵ ۵۰

سان سالوادر (جزیرهس) نج ۱ص۵۶۵ ج۲ ص \* 147.1471.174.00 TE: 1704.75T سان فرانسيسكو: ج ١٨٣٨ ٠

> سان لوی: چ ۳ ص ۱۷۸۰ ۱۸۵۵ ۰ سانهار: ج ۱ ص ۱۵۸

ساو (رود\_) : ج 7 ص 1374 ء ج ٣ ص ١٣٠٩ ٠ ساوا: چېس۸۲۸۱ ۱۸۲۹ ۱۸۲۱ ۱۸۲۸ ۰ اوجيلاغ : ج 1 ص ۲۲۷ ، ۲۷۸ ، ۵۲۵ ، ۹۲۵ ،

194. YOU - T - COY . OFT 1747 - 1747 - 1747 - 1750 - 1760 ۱۳۰۲،۱۲۹۵ : چ ۲ص ۱۴۹۲،۱۲۹۵ T090.T091.T0T4.T015.Y011 7117: 3 70 -171 . 4 - 1717

ساور : ج ۲ ص ۱۱۲۵ ؛ ج ۳ ص ۱۵۳۹ ۰ ساوراً : ج 1 ص ۱۲۰۳۰۹ ۱۶۰۱۰۱۰ ، ج کس

سأوه: چ 1 ص ۲۰۱۰ ۱۲۰۹۰ ۲۵۹۰ ۲۵۹۰ ۲۶۴۰ ج ۲ ص ۶۷۶، ۲۳۹، ۲۳۹، ۱۲۶۹، ۱۲۶۹، ۲۷۹ ، ۱۳۹۰ ، ۱۳۹۱ ، ۱۳۹۰ : ج سم 1745-1771-1474-1541-1794 1446-1473-1647-1040-1741-1740 1444 - 1450 - 1401 - 1411 - 1444

YOA1 . YOYA . YOTS . 1950 . 1954 . \* 1140 . \* 118 . TO AT ساوجيلاغ مكرى ...... ساوجيلاغ . ساير : ج ۳ ص ۱۷۷۶ . سياخ (در بحره) : ج ١ ص ٥٥٥. سبتہ (بلدے) : ج ۱ ص ۳۲۴ : ج ۲ ص۵۹۱۰ - 961 سبره: چ 1 ص ۱۵ ، ۵۲ ، ۵۲ ،

سبز (شہر ــ) : ج ۲ص ۸۲۰۰۲۵۳. سبزار (قریمہ) : ج7ص ۶۲۹؛ ج ۳ ص۱۵۲۳، سبز سعرقبُد (شہر۔) : ج ۳ ص ۱۴۳۹ ،

سبزوار : ج ۱ ص ۵۴۶۰۵۴۶۰ ۵۵۰ ج ۲ ص . 4.4.505.504.505.501.559 1774 . 1044 . 440 . 447 . 446 . 457 1777 or 2.1780.1774.177Y · ITAY · ITAF · STET · ITOY 16-0-1095-1464-1461-1404 1598-1540-1561-1514-1504 1410-1444-1440-1414-1557 

> سبزی میدان : ج ۳ ص ۱۹۹۵ . سبسطیه: ج ۱ ص ۱۰۹،۴۲ ه حيطه (شهر ــ) . ج ۱ ص ۵۴ . سپنجاب : ج ۲ س ۱۳۳۵ .

47174

ستارہ (قلعمہ) : ج ۲ ص ۹۹۸ ، ستين (بايتخت منتنگرو) : ج (ص ٥٥٢ : ج٢

سجستان: ج ۱ م۱۵۰۵۲۰۶۱،۵۲۰۶۲ 101.95 597.91.27.74.74.75 · 140 · 107 · 100 · 170 · 177 · 177 ·TT1 · TT0 · T15 · T11 · T00 · 19# ۸۹۲۰۲۹۱۰۲۶۸ څ ۲ ص ۱۹۲۱۰ سجلماسه (شهرس) : ج ۱ ص ۱۲۷ ، ۱۵۶ ، ۱۸۰ ، ۱۸۰ ، ۱۸۰ · \*\*\*\* · \*\*\*

سخوم (قلعمہ) : ج ۳ ص ۱۸۷۹ ۰ سدان: ج ۳ ص ۱۹۲۰ ، سدقم: ج ۲ ص ۱۶۲۱ ۰ سد ناصری در حویزه : ۱۷۷۰ ، سراب (قلعمہ) : ج۲س۱۴۱۳ ۱۴۴۲۰ ۱۴۴۵۰

• 177**†** • 157**†** سراجو (شهر۔) : ج ۳ ص ۱۹۸۶ ۰ سراف: ج ۽ ص ٨٢. سراکوس یا : سیراکوس(شہرس) : ج ۱ ص۱۶۴

سرسی(قلعف)در هند : ج ۱ ص ۳۰۹، · ¥ 3 ¥ • 1 A ¥ سرقندگار : ج ۲ ص ۶۰۶، سرای امیر : ج ۳ ص ۱۷۵۷ ، سرقوسه (شهر ـــ) ; ج ۱ ص ۲۱۰ ، سرای دولت : ج ۲ ص ۱۱۹۸۰ ۱۱۹۸۰ . سرماح (قلعمــ) : ج 1 ص ٣١٩. سرای سلطنتی : ج ۲ ص ۱۶۹۳ ، سرمن رای ـــــ سامرا . سرای عتیق : ج ۲ ص ۵۰۷. سر میدان زیاد ــــــ حبل . سرای باهی: ج ۲ ص ۱۰۹۳ . سرمين: ج ۲ ص ۶۲۸، سرب ــــــــ سربی. سرو (بلادے) : ج 1 ص ۲۲۸ . سربستان د بلگراد :ج۲ص،۹۹۳،۹۹۳،۹۱۱ سروان : ج ۽ ص ٢٢٥، ٢٥٠ 1885-7-1107: 18071: 3 Tolillar سروج: چ ۱ ص ۲۵۴،۳۱۳،۳۴۱،۳۲۴ ۲۵۴ 1004-1008-1494-1444-1444 . 474 . 440 . 405 . 444 . 15-0 . 15-1 . 1077 . 10TA سروستان : ج ۲ ص ۱۸۵۷ -1404-1474-1470-1415-1454 سرولايت نيثا بور ٪ ج ۲ ص ۱۶۹۹ . . ٢-۵1 . ٢-٢۶ . 19٧٣ . 1.496 . 1.49 سروی: ج ۲ ص ۱۲۰۶ . سربند عراق: ج ۳ ص ۱۸۵۷ . سعدآباد (قصر ــ)دراسلامبول اج۲ ص ۱۰۱۹ ، سربندہ (بیلاقے) : ج ۲ ص ۷۹۸ . سعدآباد ورامین: ج ۳ ص ۱۳۸۳ ، سربی (ایالت\_): ج ۱ ص ۵۶۳: ج ۲ص ۹۹۱ سغدان: ج 1 ص 110 . ۱۲۰۷۰۱۰۸۵ نج ۲س سفد سمرقند ، ج 1 ص ۲۹ ۱۰۵ ۱۰ ۱۰ ۱۰۸ ۱۰۸ ۱ 1904 . 1907 . 1244 . 1240 . 1044 . 189: 188: 188: 109 1974, 1959, 1954, 19576 1950 سقاطیه کسکر : ج 1 ص ۲۸. PAPF 1 ATOT 1 0 607 1 PT 17 1 سقزے شیوکیو (جزیرہ۔) ؛ ج ۲ ص ۲۵۲ ۰ حربل: ج 1 ص ۵۴۹؛ ج ۲ ص ۱۲۸۳؛ ج۲ص سقناق (محال برمک) ؛ ج ٣ ص ١٥٧١ . سکر: ج اص ۲۵۰ سرجام: ج٣ص١٥٤٧ ، ١٤٤١ ، ١٤٣١ ، ١٧٣٤ کہ الدھائین (کوچمای در بلخ) ، ج ۱ ص سرچشمه انکمار: ج ۳ ص ۱۸۹۶. -رچم: ج ۳ ص ۱۵۰۹ ،۱۶۲۹ . سلا (شهریه) أنج ۲ ص ۴۱۸،۳۲۴. سرخ (فلعمـ) : ج 1 ص 464 . سلبس (جزيزف) - ح ٢ ص ١٩٧١ ، ٧٧٠. سرخاب (قلعمــ) ؛ ج ۲ ص د۲۹، ۸۱۵. سلدوز ؛ ج ١ ص ٢٧٨ ؛ ج ٣ ص ١٥٨٥ ، سرخ دشت : ج ۲ ص ۱۱۷۷ ، سلدوس(ولابت\_) : ج 7 ص 1777 . ٠٠رخس: ج 1 ص 47 ، ١٩٤٠ ، ١٩٤٠ ، 47 ، ج ٢ سلطان آباد : ج 1 ص ۵۴۲ ، ج ۲ ص ۱۲۷۲ ، ص ۶۹۶۰۶۵۲ م. ۲۱۱۷۰۰۸۸۰ 1719:1710:19:07:101f of t 1054 · 1044 · 1444 • 7 6 · 1784 · ₹ 1 ₹ ₹ ¢ 1 ₹ \$ Å · 1514 · 1511 · 1510 · 1507 · 1444 سلطان بود : ج 7 ص ۲۵۵۲ ، · 1718 • 1711 • 1708 • 1849 • 1844 سلطان سرير : ج 1 ص 110 -1464 - 1496 - 1441 - 1444 - 1444 سلطان میدان : ج ۳ ص ۱۶۰۷ ، 1224 1414 1404 1404 1404 147 · TOAA · TOTF · 1ATT سلطانیه (عمارت۔) : ج ۲ ص ۱۲ ،۱۴۰۶ ، · 505 · 504 · 504 · 544 · 544 · 514 سرخدده: ج ۳ ص ۱۸۹۶ . سرخه سمنان، ج ۲ ص ۱۱۴۶ ۰ 1077 4 479 4 457 4 457 4 4 10 4 40 1 سرخه شیر : ج ۲ ص ۱۱۲۰ ، 1160 ، 1176 : ج ٣ ص ١٢٢٥ ، 1740 سردارآباد : ج ۳ ص ۱۵۷۸ ، 1475 • 1400 • 1797 • 1744 • 1747 سردانیه (جزیرهـ)در بحر روم : ج ۱ ص۱ ۱۰ 1417 1 1577 1 1059 1 1001 1 1057 · 1271 - 12106 سردشت (محرای۔) : ج ۲ ص ۱۱۶۳ ؛ ج ۲ص

. 14.1

سلمقان: ج ۲ ص ۶۷۷. سلمه: ج ۲ ص ۶۲۸. سلمیه (بلد\_) نزدیک حمص: ج ۱ ص ۴۲۰ ۴۲۱،۴۲۰،۴۲۶،۴۲۲۰،۴۲۲،۴۲۱،۴۵۱.

سلوبویا : ج ۳ ص ۱۵۰۳ . سلیب : ج ۱ ص ۱۸۲ . ما ماد ماده د ۱ م ۱۸۳ .

سلیمانیه (شهر—): ج ۱ ص ۵۳۴؛ ج ۲ ص ۱۴۶۲۰۹۸۲ : ج ۳ ص ۱۴۷۸، ۱۴۲۹، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۵۵، ۱۴۶۹۲، ۱۴۷۸۱

> طیمہ: ج ۱ ص ۴۱۱. حماوہ(ارض\_): ج ۱ ص ۲۶۸.

۱۹۹،۱۶۷،۱۵۰،۱۳۲،۱۱۳
۱۲۰،۱۶۷،۱۵۰،۱۳۲،۱۱۳
۱۲۰،۱۶۷،۱۵۰،۱۳۲،۱۲۱
۲۲۱،۲۱۹،۲۱۹،۲۹۵،۲۲۲،۲۲۶
۲۵,۲۰۲
۶۵۷ ۵۲ (۲۳۲،۲۷۵،۲۴۲
۲۶۲،۶۷۲،۶۷۱،۶۶۹،۶۶۲،۶۵۸
۲۰۶،۲۰۵،۲۰۱ ۵۶۹۸،۶۸۴
۲۲۴،۷۲۳،۷۱۸،۷۱۷،۷۲۲ ۵۷۰۹
۲۹۸،۷۸۶،۷۸۶ ۵۷۸،۷۵۹
۱۱۲۲،۸۹۴،۸۹۱،۸۲۷،۸۲۱،۸۲۰

سلطانیه (کشتی۔) : ج ۳ ص ۱۹۴۶ ۱۹۷۲۰ ۰

· 15TY · 15TO · 15 • 5 · 10FA · 100Y · 1777 · 1717 · 1527 · 1545 · 1574 · 1914 • 1497 • 1445 • 1447 • 1474 · \* 1 1 \* · \* • Y • · Y • F \* · Y • Y • • 1 9 7 Y · \* 1 \* 5 · \* 1 \* 7 0 · \* 1 \* 7 . \* \* 1 \* 7 سندر: ج 1 ص 119 ۰ ستدریه(بایتختسربی) : ج ۲ ص ۶۹۱ ۰ سموات : ج 1 ص ۵۲۴ : ج ۲ ص ۱۲۶۲ : ج ۲ سميرم: چ ۲ ص ۹۵۴ ، ۱۳۹۸ : چ ۳ ص ۱۳۹۸ ۰ سميرمعليا : چ ۴ ص ۱۴۱۴ ، ۱۵۹۹ ، سیساط: ج ۱ ص۴۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۷ ، ۴۲۲ ، ۴۲۲ سن اتینن (کلیسناس) : ج ۳ ص ۱۸۰۱ -سنت آتیین : ج ۳ ص ۱۵۹۴ ۱۶۵۶۰ ۰ سنتہارطلمی: ج ۲ ص ۸۵۸، سنت يطرزبورغ :ج1 ص٥٤٣٠ ج ٢ص١٥٠٥ : چ ۳ س ۲۲۲۱ ، ۱۷۵۱ ، ۱۷۵۲ ، ۱۷۵۵ 1727-1777-1777-1754-1764 1747 - 1777 - 1777 - 1759 - 1704 1479 - 1447 - 1477 - 1410 - 1757 . \* 1 \* \* سنت پل (کلیسای۔)درانگلستان: ج ۲ ص سنت دومنک (جزیره-): ج۲ص ۵۶۶،۵۶۰ ۰۹۶۰۰۱۳۱ : چ کس ۱۸۸۲ ۰ سنت ژان (درینگیدنیا ) : ج ۲ ص ۹ ۰۸ : · 1451 - 7 2 سنت ژرمن (قصر۔) : ج ۲ ص ۲۰۹۹۴ ۱۰۰۰، سنت سیاستین، ج ۳ ص ۱۸۲۰ سنت سير (مدرسم)در فرانسه: ج٢ص٢٩٢٠. سنت کلو (عمارت ططنتی۔) اُج ۲ ص ۸۸۸ اُ ج ٣ ص ١٩٢١ ٠ سنت لوی (ایالت۔) : ج ۳ ص ۱۸۲۱ -سنت مر : ج ۳ ص ۱۹۱۳ ۰ سنت هلُن (جزيرهــ) : ج ٢ ص ٩٩٤٠٧٤٢ . سنجار: ج 1 ص ۲۴۳۰۲۴۰،۳۴۳۰۳۴۰ · ₹15 · ₹05 · ₹04 · ₹99 · ₹55 ۲۵۲: ج ۲ ص ۵۲۹٠ سنجر (قلعمہ): ج ۱ ص ۱۴۹ ۰ سندنی(کلیسای۔): ج ۱ ص ۴۲ ج ۳ ص

· 1417

سندره (شهر ـــ) . ج ۱ ص ۱۲۰ ۰

سن دومنگ \_\_\_ سنت دومنگ

۱۲۸۲ : ۳ م ۱۳۲۶ ، ۱۲۲۵ ، ۱۲۲۵ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۵۳ ، ۱۲۵۳ ، ۱۲۵۳ ، ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۰ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۰۳ ، ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۰ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۹۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۳ ،

سنگ بست هرات : ج ۲ ص ۱۵۷۳ ۰ سنگرباش[باران : ج ۳ ص ۱۵۷۰ ۰ سنگلج (محلمہ) : ج 1 ص ۵۲۶ ۵۵۶ ، ۵۵۶ ج ۲ص

سنلوک (رود۔) : ج ۳ ص ۱۳۲۶ ، ۱۳۲۶ ، ۱۳۲۶ ،

ستندچگردستان: ج۱ ص ۵۴۴: ج۲ ص ۹۸۹ ۱۳۷۹-۱۲۷۴-۱۱۱۳-۱۰۲۳: ج ۳ص

سواحل: ج 1 ص ۲۲۰۰

سوادق(شهرس) = قبچاق: ج ۱ ص ۲۳۵، سواد کود: ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۶۵: ج ۲ ص ۸۸۱ عدو، ۹۵۲، ۹۶۲، ۱۲۲۹، ۱۲۲۹، ۱۲۲۹، ۱۲۸۹

۱۳۰۲ : ج ۳ ص ۱۲۸۱ ۱۲۹۳۰ . سواستابول : ج ۳ ص ۱۴۰۹ ،۱۷۷۸ ، ۱۷۷۹ ،

. 1791 · 1790 · 17AA

سوانحرد : ج 1 ص ۵۷. سوت هامتن (بندر انگلیس) : ج ۲ ص ۱۸۲۸ -سود : ج 1 ص ۲۹۵،۲۹۱ : ج ۲ ص ۴۸۶،۲۸۲۰۲۹ : ج۲ص

(107.410.406.477.474.404 (10.456.464.461.406.404 (10.17.1007.1007.414.447 (10.17.100.1174.1016.1016 (114.110.1174.1016.1174 (1777.1714.1714.1716.1711

1744 : 1747 : 1744 : 1747 : 1764 : 17

سودان: ج ۱ ص ۱۱۵ ،۱۹۴۰ ۱۹۴۰ ،۲۰۰۰ : ج۲ ص۱۲۰۷ : ج۲ص۱۳۳۷ ،۱۸۰۰ ۱۸۰۱ ،۱۸۰۱

ہودانمرکزی : ج ۲ ص ۱۸۴۷ ۰ سور : ج ۲ ص ۲۸۴۰ سورت (بندر ـــ) : ج ۲ ص ۱۹۹۱ ۰

سورالروم: چ ۱ ص ۶۳۰ سورید: چ ۱ ص ۸۲۰۵۵ ۱۹۲۰ : چ ۲ص ۱۳۸۸

سوس = شوش: ج ۱ ص ۲۲۲۰٬۲۲۴۰۸۰ سوستاپل: ج ۳ ص ۱۷۷۶۰٬۱۷۶۵ سوسته (از مصیصه): ج ۱ ص ۱۳۵۲۰۱۰ سوغانجوق (قریف): ج ۳ ص ۱۴۵۲۰ سوقالاهواز: ج ۱ ص ۴۷۰۰ سوق بغداد: ج ۱ ص ۲۹۰۳۶۰ سوق الخنافس: ج ۱ ص ۲۹۰۳۶۰ سوق عسکر (بشام): ج ۱ ص ۳۳۰۰ سوماترا (جزیره): ج ۲ ص ۲۵۲۰؛ ج ۳ ص

> سوبنات : ج 1 ص ۲۰۵۰ سوند (دریای۔) : ج ۳ص ۱۴۱۷ ، سونکر (در چین ) : ج ۳ ص ۹۳۹ ، سوهان (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۸۹۵ ، سوهانک (قریمہ) : ج ۳ ص ۱۵۹۸ ، سویدا<sup>ی</sup> : ج ۱ ص ۳۱۰ ،

سوئز (مجمع البحرين ــ ) : ج ٣ ص ١٨٠٨ · سويس: ج 1 ص ٥٩٣٠٥٢ ؛ ج ٢ ص ٧٩٢٢

1011.400.477.774.0494 4071.7071.7071.9071.5071.5071.5071.5071 7791.1071.0091.7071.7071.7071 6141.1071.7071.7071.7071.00711

سویل (شهر ـــ) از اسپانیول : ج ۱ ص ۱۴۰۰ سهل آباد : ج ۲ ص ۱۶۹۰ سهند : ج ۲ ص ۱۳۲۶ سیا (بندر ـــ) : ج ۲ ص ۱۱۶۳۰ سیالکوت : ج ۲ ص ۲۶۷۰ سیام : ج ۱ ص ۲۶۷۰ ۵۶۴۰ : ج ۲ ص

۱۹۹۱۰۷۶۱ : چ ۳ ص ۱۸۰۱ ۱ ۸۰۸۱ ، ۱۹۱۲ ، ۱۲۹۲ ، ۱۸۵۷ . سیامآب : چ ۲ ص ۹۸۶ .

سیادپوشان : ج ۲ ص ۶۶۳. سیادنلو (قریمب) از استرآباد : ج ۲ ص۱۱۷۵ . سیاد دهن (منزلب) : ج ۳ ص ۱۶۲۹ .

سیاه کوه: چ ۲ ص ۱۱۵۵ . سیبری: چ ۲ ص ۱۹۸۰ ۸۶۹: چ ۲ ص ۱۵۵۲ ۱۸۲۷ ۱۸۲۲ ۱۸۵۵ ۱۸۲۶ ۱۸۲۷

سیبی(از افغانستان) : چ ۳ ص ۱۹۹۹ . سیحون : چ ۱ ص ۲۱۵ : چ ۳ ص ۷۵۲ : چ ۳ص ۱۳۲۸ .

سیدیفروش(بندرالجزایر): چ۳ص۱۶۰۳. سیراف (در فارس): چ۱ ص ۲۸۸، ۲۹۳ سیرجان: چ۱ ص ۵۷: چ۲ ص ۶۷۸: چ۳ص ۲۱۲۲۰۱۶۵۰۰۱۴۲۴، ۲۱۲۳۰

سیروان (آب-) : ج ۱ ص ۳۱۸٬۵۰٬۴۵ : ج۳ ص ۱۵۵۰ .

سیزر:چ۱ ص ۲۶۰،۳۶۰،۳۶۰،۳۶۰،۲۸۰،۳۶۰ سین(بلادے)در ارمنستان: چ۱ ص ۳۶: چ ۲ ص ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۰،۵۹۲،۵۹۲،۵۹۶،۹۶۵،۹۶۹۱ ۱۹۶۰،۴۲۲،۶۲۲،۶۲۰،۶۲۲،۶۲۲،۶۲۲،۶۲۲،۶۲۲،۶۲۲،۶۲۲

سیسیل (جزیرمد):ج ۱ ص ۱۸۲ ۱۲۲۰ ۱۳۳۰ ۴۹۰٬۲۸۱۰۲۲۴ خ تص ۱۸۲۰ ۱۹۶۳٬۱۰۱۶۰۱۰۱۲۰ غ ۳ ص ۱۹۶۳٬۱۵۴۳۰۱۵۴۳۰۱۶۹۲۰۲۰۲۹ ۱۸۷۲٬۱۶۲۲۰۱۸۲۹۰۲۰۲۹۵۳۰ میتون: چ ۲ ص ۱۸۲۲

سیلاخور : ج ۳ ص ۲۴۴۲ ، ۱۴۶۴ ، ۱۴۹۴ ، ۱۴۹۴ ،

سیلانهند (جزیره-) : ج ۲ ص ۱۲۴۹ ، ۹۶۱ ۱۱۵۲ ، ۱۱۶۶ ، ۱۲۹۹ ، ۱۲۹۵ ، ۱۲۳۵ ، ج ۳ص

سیل پسر : ج ۲ ص ۸۹۸ سیل عرم : ج ۲ ص ۸۲۸، سیلیزی (ایالت–) : ج ۲ ص ۱۱۲۷ : ۱۱۲۹ :

ج ۲ ص ۱۲۸۸ - ۱۵۲۵ - ۱۵۲۵ -سیلیستری : ج ۳ ص ۱۶۰۱ -سینیز : ج ۱ ص ۵۲ -

سیواس: چ ۱ ص ۱۱۹ ۵۳۲،۴۲۸،۴۰۰، ۵۳۲،۴۲۸،۴۰۰، ج ۲ ص ۲۹۲،۹۳۷، ۵۹۲،۹۳۷ ۱۲۶۲،۹۳۷ سیویتاویک (بندر ...): چ ۲ ص ۱۱۶۳،



شابران: ج ۲ ص ۸۶۵،
شاپور: ج ۱ ص ۵۲،
شاپور خواست: ج ۱ ص ۳۰۴،
شاپور خواست: ج ۱ ص ۳۰۴،
شادباخ (شادباخ): ج ۱ ص ۳۹۱،
شادباخ (شادباخ): ج ۱ ص ۳۹۱،
شادبان (حصارس): چ ۲ ص ۱۶۱۵،
شادبان (حصارس): چ ۲ ص ۱۶۸۵،
شادبان (حصارس): چ ۲ ص ۱۶۸۵،
شادبان: ج ۲ ص ۲۹۸،

شارلن: ج ۳ ص ۱۵۲۷ . شاستان: ج ۳ ص ۶۷۷ . شاشی = چاچ: ج ۱ ص ۱۳۴۰ ۱۳۳۰ . شاطیه (شهر ــ) در اندلس: ج ۱ ص ۳۳۳ . شاطلان: ج ۳ ص ۹۶۱ .

ثالن: ج ۳ ص ۱۵۲۷ ، ۱۹۲۰ ، ۱۹۲۰ شاکر: ج ۳ ص ۱۷۸۰ -

6 744. 774. 775. 770. 777. 777 · ٣.٠٠ ٣.٠٠ ٣.٠٠ ٣.٠٠ ٣.٠٠ ٣.٠٠ ٣.٠٠ L-744, 740, 747, 744, 747, 747 +14.717.700.For.for.for \* FTY • FT 0 • PYA • FYO • FYT UF 1A . FTF . FTF . TTG . FTF تسلمه، ۴۶۳،۴۶۱ م۲۵۱ ج تص ٥٧٩ نــا ٥٩١، ١٩٥٠ عوم، 4 ه ځتا ۲ ه ۶ . ۵ . و تا ه ۱ ۶ ، ۲ ، و تا و ۱ و و . · 54 o · 575 \$5674 · 576 · 577 \$56 14 · FF9 · FFA · FFF · FF0 · FA9 · FA9 · YTY · YTT · YTF · YTT · FAΔ · FYT • 4AT • 9TY • YYA • YFΔ • YFT • YT • : 1418.1561.1560.1160.116 3 7 % 7771 · F771 · 7771 · 4771 1051-1400-1455 61454-1400 1444 1440 - 1554 - 1515 - 1509

شامیانی (ایالت سے) : ج ۳ ص ۱۴۲۲ . شان ابر : ج ۳ ص ۱۹۲۷ . شاندرمیں : ج ۳ ص ۱۹۹۱ . شانگائی : ج ۳ ص ۱۸۲۵ ،۱۸۲۵ . شانگای : ج ۳ ص ۱۸۲۵ ،۱۸۲۵ . شاہ جہاں آباددھلی : ج ۲ ص ۱۹۳۰ ،۹۵۲ ،۹۵۲ .

شاهچراغ (بقعمہ): ج ۲ ص ۱۹۲۶، ۱۹۷۶، شامدز (ظعمہ): ج ۱ ص ۳۵۸، شاهرخید (ظعمہ): ج ۲ ص ۲۹۲،۷۱۳،

شاه رضا (بقدم) در قشه: ج ۲ ص ۱۱۱۶. شاه رود: ج ۱ ص ۵۴۲،۵۵۰،۵۴۶

200; 5 7 0 007; 1747; 007; 1747; 007; 1747; 007; 1747; 5 7 0 907; 1747;

شاهزاد محسین قزوین (بقعه) : ج ۲ ص ۲۶۳. شاهزاده عبدالعظیم : ج ۳ ص ۱۹۳۶ ، ۲۰۵۴ . 4000

شاهکوه: چ ۳ ص ۱۶۳۵ ، ۱۸۹۶ . شاہ میرعلی (محلمہ) : ج ۳ ص ۱۳۸۰ . شاهیسون بغدادی :ج ۱ ص ۴۹۱، ۲۰۵۰ مه ۱۳۰۵.

3 7 T X 40071270710717. شأهيسون دوڀرن : ج 1 ص 479 ؛ ج7ص 1 ٢٥١ شبانگاره (قلعمــ) : ج ۲ ص ۵۸۰،۵۸۰ ج شبرقان(شبرغان): ج 7ص2۵۵، ۲۸۲، ۸۵۶

۸۵۸ ۱۲۱۰ کچ ۲ ص ۱۳۲۸ ۱۲۹۹۰ ۰ شنوران: ج ۱ ص ۲۸۵.

شجره' سبره' ج 1 ص ۲۶.

شحر: ج ۲ ص ۲ه۶.

شختان (حصون) : ج 1 ص ۳۲۹.

شراف (سراف) : ج ۱ ص ۴۰ء ح ۸۲.

شراه (بین دمشق و مدینه) ۱۳۸۶ ، ۱۳۸۸ ، شراه شام .

شربورگ(بندر\_): چاص۲۰۲۲، ۱۶۵۲، ۱۶۵۸ · 1404: 1444

شرحـــابکردی: ج ومی ۳۴۷ ، ۳۶۸ ، ۲۷۸ ، ۲۸۸ · \*\*\* · \* 1 \*

شردم (شهر—) : چ ۳ ص ۱۹۹۸ .

شرقفسه: چ ۲ ص ۱۲۰۷ -

شرور (موضع۔)از چخورسند : ج ۲ س ۲۴۲،ج ۴ ص ١٥٨٢ ٠

شریمه فرات : ج ۱ ص ۶۳.

شريفآباد :ج٣٠ ١٨٩٢ ، ١٨٩٣ ، ١٨٩٣ ، شط آمازن : چ چی ۱۷۵۳ .

شطَّ العرب : ج إص٣٩ ، ٤١ أج ٢ص١١٩ ، ج ٣ ص

· 177 · 1744 · 1841

شطفرات: ج ۱ ص۱۷۲، ۲۵۵،۲۲۲، ج ۲ ص

شط می سی سی پی : ج ۲ ص ۱۸۴۸ ۰ شفر : ج۲ص۵۹۶

شقیف: ج ۱ ص ۵۵٪.

شکی (ولایت...) : ج ۲ص٬۷۶۷ ، ۲۷۰ ، ۲۰۸ ، ۱۹۰۸ ، ۸۹۰۸ ،

· 1417 - 1747 - 177 - 1 177 - 1 - FT

· 1044 · 1041 · 104 •

شکیبان (از هرات ) : چهس ۱۲۸۶ ،۱۲۸۶ شلابین (حمن۔)در اندلس: ج 1 ص۴۵۳. ئلىسفر(قلعمـــ) : ج 7 ص 1999 . شلمفان (قریف)در واسط: ج ۱ س ۲۷۸.

شماخی(بلدس): ج ۲ ص ۲۹۲،۷۹۲، ۸۰۳،

1000.440.905 400.454.405 ۱۹۰۱ - ۱۳۶۲ - ۱۱۱۵ - ۲ ص۱۳۶۲ · شماسیہ(دروازمہ): ج ۱ ص ۲۲۲۰۲۴۰ شعخال: ج ۲ ص ۱۱۲۷ . شمس{منزل\_) : ج ۳ ص ۱۵۹۲ ۰ شمرالدينالو: ج † ص 1411 . شسرالتمارد (عمارت) : ج 1 ص ۴۷۳ : ج ۲ س ۱۹۰۶، ۱۸۹۹، ۱۸۹۸ · شمکور : چ ۱ ص ۵۷ : چ ۲ ص ۶۶۶ : چ ۳ ص · 1447 · 1746

شميران طهران: ج 1 ص ۵۵۶. ج ۲ ص49 1190،494 - ج ۲س ۱۳۹۱ ، ۱۵۹۸ ۱ - 1477 - 1477 - 1693 - 1649 - 1647

> شبيرانات ۽ ۾ ۾ هن ٥٢٥٠ شبیمش: ج 1 ص ۲۵۳۰۴۲۱.

شنبغازان: ج ۲ ص ۶۰۶،۶۰۶،۹۳۲،

شنترین: چ ۱ ص ۲۵۲ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰

شنتِمريه' اندلس: ج 1 ص ٣٣٩.

شوبک : چ ۱ ص ۲۵۵،۴۴۰،۴۳۲،۴۱۳ شورستان قم : ج ۲ ص ۹۳۲ : ۳۲ص ۱۸۹۶ . شورہ کل: ج 7 ص ۶۹یہ! ج ۳ ص ۱۵۱۱ ،

شوش(قلعف) : ج 1 ص ۲۷۲ ، ۲۲۴ أج ۲ مر ۱۱۵۶ : ج ۲ ص ۱۷۳۲ ۱۷۳۲ ٠ شوشتر : ج ۱ ص ۲۱۲۰۳۱۳ ،۵۵۰۰ ج ۲ ص 1-18-4-4-499-491-406-805 1747-1166-1167-1-75-1-77 چ ۲ ص ۱۶۰۰، ۱۶۲۶، ۱۸۵۶ تا ۱۶۶۰ 1444-1444-1444-1440-1414 شوشی: ج ۲۳ ، ۱۲۲ ، ۱۲۲۹ ، ۱۴۲۹ ، ۱۴۲۹ 1744 - 1740 - 1745 - 1767 - 1777

- 1477 · 1471 · 1741 شوغان (محرای\_) : چ ۲ ص ۱۸۹۵ ۰ شولستانات: ج 7 ص ۱۳۹۷ ، ۱۲۷۳ ،

شولکستان: ج ۳ ص ۱۵۹۹ ، ۱۶۳۱ .

شونبرون (نزدیک وینه) : ج ۳ ص ۱۶۱۴ ۰

شهبندر: ج ۱ ص ۵۳۶۰

شومان: ج 1 ص ١٥٥٠.

شهرب: ج ۲ ص ۸۲۲،

شهرستان شهر پ و شهر زور (ولایت-) : ج۱ ص ۲۵، ۱۳۱۰ ۱۳۱۵ ۲۶۲۰ ۳۲۵ ۳۲۰ · f10 · f0Y · FAY · FA 1 · FYY · FAA چ کس ۱۵،۲۲۰۸۲۲۰۸۲۲ و

Y79 . Y79 . 779 . AAP . P711 : 3 7 س ۱۴۸۲۰۱۴۷۹۰۱۴۷۸ · ۱۴۸۲۰ 1000- 1007- 1001- 1000- 1790 1005 - 1007 - 100 - - 1079 - 1077 . 1544 . 1545 . 1500

شهرستان: ج1 ص ۲۸۶، شهرستان جي اصفهان: ح 1 ص ۲۸۶،۲۷۶ ، شهرستان خراسان: ج ۱ص ۳۸۶، شهرستان فارس: ج ۱ ص ۲۸۶۰

شهرستانگ (عمارت )سلطنتی) : ج 1 ص۲۷۲ ۵۵۴ : ج ۲ ص ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۰ : ج ۳س 1964 - 19FF - 19+A - 1ATA - 166Y TOTT . TOOA . 1994 . 1947 . 1941 · T • F T : T • F 1

شهر سرای: ج ۲ ص ۶۵۶، شهرک (قلعمہ) : ج ۲ ص ۹۳۱ ، شهریار: ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۲ ص ۹۵۷ ۱۲۴۲۰

-۱۲۵۰ : چ ۳ ص ۹۵ ۲۰۹۰ شیارستین (قصیمہ) : ج ۳ ص ۱۹۴۲ -شيخالحديد : ج ٢ ص ٥٨٧ .

شیخ مغی(بقعم)در اردبیل: ج ۲۳۸،۰۲۰ شیراز: ج ۱ ص ۲۴۲،۲۳۵،۲۱۳،۲۳۵،۲۳۵

· T14· T17· T11· T-0· T50 · T01 . 444.444.444.464.444 ۶۳۱،۶۱۳ ت ۲ من ۶۳۱،۵۲۶،۵۴۲ ·FF4·FFT·FT9·FFX·FFY · FY 1 · FFY • FF • · FBY • FB • • FFY 494.944.941.94×.544.849 · AFF · ATT · ATT · Y 9F · Y 90 · YYA 1 - 0 5 : 9 6 Y : 9 6 F : 9 0 A : AAA : AYF 1077-1075-1074-1017-1011 1045 61044.1048. 1051 61064 1107-1179-1177-1117-1111 1159-1104-1104-1100-1107 114 -- 1174 -- 1179 - 1177 - 1171 177T-175Y-1754-1777-11A1 מעזו יףעזו יו גזו: ב דשמזוו 1747 · 1774 · 1774 · 1775 · 1777 3770-1760 · 1704 · 170V · 1700 b 1744 · 1747 · 174 ] 51774 · 1779 150T-1795- 1797- 1797-1790 b 1711-1710-1717-1710-17046 **ラブド 1・リデアテ・リデアテ・リテアム・リテアー**じ

1844 - 1849 - 1841 - 1840 - 1844 - 1840 - 1840 - 1842 - 1861 1874 - 1840 - 1841 - 1860 1874 - 1840 - 1840 - 1871 1874 - 1840 - 1860 - 1870 1874 - 1874 - 1870 - 1870 1874 - 1870 - 1870 - 1870 1870 - 1870 - 1870 - 1870 1870 - 1870 - 1870 - 1870

شیربورگ (بندر ـــ) در فرانسه : ج ۲ ص ۱۱۶۰ شیرحاجی : ج ۲ ص ۹۳۵ ؛ ج ۳ ص ۱۶۴۵ : شیرز (مدینس) : ج ۱ ص ۱۸۶۰ ۲۴۲۰ ۲۸۹ مرز (مدینس) : ج ۱ ص ۱۹۶۰ ۲۴۳۰ ۲۸۸ ۲۲۸۰ ۲۵۹

شیکاگه (شهر ــ): ج ۳ ص ۱۹۳۲. شیلی: ج ۱ ص ۴۸۹،۴۸۶،۴۸۹،۴۹۰ ۹۵۶: ج ۲ ص ۹۶۷،۹۰۱،۱۲۵۱،۱۲۲۱ ۱۹۰۲: چ ۲ ص ۱۹۴۹،۸۲۱،۱۵۲۱،۱۵۴۸

شیروانات : ج ۲ ص ۹۰۲ .

. 1107.1007.1070.1019.1007

شیلونه (شهرس) : ج ۱ ص ۱۹۹ . شیو (جزیرف) : ج ۳ ص ۱۸۸۰ .

شيوع (بندرــ) : ج ۱ ص ۳۶۲. شيوع (بندرــ) : ج ۱ ص ۳۶۲.

شيوكيو ۽ سقز (جزيره) : ج ٢ ص ١٢٥٢ .

ص

ماحبقرانیه شمیران: ج ۳ ص۲۰۲۰،۲۰۳

۲۰۴۳،۲۰۴۲ صافیط: چ ۱ ص ۳۹۵، صالحیه: چ ۲ ص ۵۸۱، صامعوم: چ ۱ ص ۵۳۴؛ چ ۲ ص۱۲۶۲، صامعان: چ ۱ ص ۲۵۲،۳۲۰، صان: چ ۲ ص ۷۲۵،۰۰۰،

صابین قلعہ: ج ۱ ص ۴۷۸،۲۷۷، ج ۳ ص ۱۲۱۷،۱۶۱۳،۱۷۱۲،۱۷۱۲،۱۷۱۲،۱۷۱۲

> صابن گروکی ٔ ج ۲ ص ۷۷۰. صبران : ج ۱ ص ۱۳۲۰ صحرای فوروق اشرف : ج ۲ ص ۱۱۵۹ ، صحرای فهیز : ح ۲ ص ۱۱۴۹ ،

صحرای گرگان : ج ۳ ص ۱۷۲۳ . صحرای موش : ج ۲ ص ۷۱۴۰۶۸۶ .

صحن جدید : ج ۳ ص ۱۶۲۱ ، صحن مقدس حضرت معمومه : ج ۳ ص ۱۶۹ ، صخره' قدس : ج ۱ ص ۸۹ ،

صـرخد : ج 1 ص ۲۱۲،۲۱۹،۲۱۲،۲۲۲،

۲۳۸ کچ ۲ ص ۶۰۵. صرصر کچ ۱ ص ۱۷۲<u>ک</u>

صعب (ظُعمــ)از خيبر : ج 1 ص ۲۶ .

صيدمصر ؛ ج 1 ص ۲۹۵،۲۹۲،۲۹۲،۲۹۵،

مغانیان: ج 1 مر ۲۳۰،

صفاً ؛ ج ۲ ص ۲۲۲۰۲۸. صفاقس(شهرس) : ج ۲ ص ۱۲۰۴ . ج ۳ ص

. 4.44

مقد : ج ۲ ص ۶۳۶۰۵۸۶۰۵۸۵ مقماف (قلمم) : ج ۱ ص ۱۶۴ .

صفیر (جسر۔) ، ج۱ ص ۲۱،

صفين: ج ١ ص ٢٠٥٩ تا ٢٠،٢٩.

حقلاب (سقلاب ) : ج ۲ ص ۱۳۲۲ ، ۱۳۲۴ . حقلیه (جزیرمب) : ج ۱ ص۵۹ ، ۹۱۰۶ ، ۱۵ ا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علت ' ج ۲ ص ۴۲۰. صفد (از روبید المغری) : ج ۱ ص ۱۹۸. صفا؛ یمن: ج ۱ ص ۲۲۹،۳۲۸،۷۸۰۳۲: ج

> ۲ ص ۸۵۲ کے ۳ ص ۱۹۲۸ . صنهاجہ (بلاد۔) کے ۱ ص ۱۸۲ ، ۲۵۷ .

صور (شهر...) : ج ۱ ص ۳۴۶،۰۳۶۰،۳۶۸،۳۶۰ ۱۳۶۹ : ۵۳۴،۴۲۲،۴۱۱،۴۰۹ : چ ۲ ص ۲۰۶ ۱۳۶۲ :

صوفیان (قلمب) : ج ۳ ص ۱۹۸۸ ، ۱۹۸۸ ۰ صهبون : ج ۱ ص ۳۱۲ : ج ۲ ص ۵۹۸ ، ۵۹۰ ۹۶۵ ، ۵۹۶ .

صیدا (مدینم): ج ۱ ص ۲۹۶،۲۹۶،۰۶۹، ۲۰۹۰،۴۴۲،۴۴۵: ۲۳۵،۲۶۲۴۰ میمرد: ج ۱ ص ۲۰۵۰،۲۱۷،۳۱۵: ج۲۰ ص

صين (ابالات جنوبي چين) : ج 1 ص ۱۹۴ .



ضرابخانیه میارکیه دولت : ج ۱ ص ۵۵۲، ج۲ ص ۱۱۹۷ تا ۱۲۸۷،۱۱۹۹ ، ضریح حضرت موسی بن جنفر (ع) : ج ۱ ص ۲۲۰۰



طابخه: ج ۲ ص ۱۲۰۷: ج ۳ ص ۲۱۵۱ طارم: ج ۱ ص ۲۵۰-۵۶: ج ۲ ص ۲۲۰ طارم: ج ۱ ص ۲۵۲-۵۶: ۲۰۲۰: ج ۳ ص ۲۰۲۱-۲۰۲۱ ۱۵۲۵: ۲۰۲۲: ۲۰۲۲: ۲۱۲۶: ۲۱۲۶: ۲۱۲۶: طارمین سفلی: ج ۲ ص ۹۲۳.

طارمین علیا : ج ۲ ص ۹۲۳ . طاب تیم ۲ فرسنگ خیدشان ۱ : ۳۰۰ م ۲۰۰

طاس تپه (۲ فرسنگي ځبوشان ) : چ۲مۍ ۱۶۱ طاغيه : چ ۱ مې ۲۹ .

طاق کسری : ج ۱ ص ۴۴۰۳۹۰۳۵ : ج ۲ ص

طاق گری: ج ۲ ص ۱۵۵۰

طاق وسطام کرمانشاهان: ج ۲ ص ۹۴۰.

طالش: ج 7 ص ۴۹۲: ج ۳ ص ۴۹۲: ۱۲۹۲، ۱۲۹۲ ۱۹۸۲: ۱۲۱۲: ۱۲۲۳، ۱۲۲۲، ۱۸۱۲، ۱۸۱۲، ۱۹۱۱

طالقان: ج. 1 ص ۵۷-۱۱۱۰ ۱۱۱۰ ۱۲۰ ۱۲۲۰ ۱۳۵۰ م ۲۰۵۱ : ج ۲ ص ۱۱۵۲ : ج ۳ ص ۱۳۵۱ ۱۲۵۹ .

طاوس: ج ۽ ص ۲۷.

طاوس خاند (عمارت۔)در اصفہان: ج ۳ ص ۹۶۹ .

ظاهان ≃ فرحآباد :ج ۲ ص ۶۰۹۰۹۰۹۱۹۰۰ طائف : چ ۱ ص ۲۲۰۲۲۰۲۸

طیس: ج ۳ص ۲۰۱۲،۱۲۱۱،۱۲۱۱،۲۲۲۱ ۱۶۲۶،۱۵۲۵،۱۵۲۹،۱۶۰۹،۱۶۲۹۱ ۱۲۲۲،۱۲۲۹،۱۲۲۲،۱۲۲۲

طبسین: ج ۱ ص ۵۶. طخارستان: ج ۱ ص ۱۱۲۰۱۱۸۰۱۱۴۰۱؛ ج ۲ ص ۲۵۵،۵۵۰

طخارستان علیا 🕽 ج 1 ص ۱۱۸ ۰

طرابلس: چ ۱ ص ۳۳۰،۲۸۶،۱۲۸۶،۳۳۳، ۲۷۶،۳۷۲،۲۶۲،۲۵۸،۲۵۷،۳۵۴ ،۲۷۶،۳۲۲

970-9-1-040 0 7 - 1990-977 979-977-977-977-977 979-

طرابلس تام : ج 1 ص ۵۳۴ ؛ ج ۲ ص 6۰۹، ۱۲۶۲ -

طرابلس شرق ؛ ج 1 ص ۳۶۰ .

طرابلس غرب : چ ۱ ص ۱۶۸۰۵۲۰۵۲۰۵۱ ۱۹۲۰-۱۹۲۳ ۲۹۹٬۲۰۲۲ ۴۵۹٬۲۰۹۲۱ : چ ۲ ص ۱۹۲۱ - ۲۸۲۰۶۲۷۰ چ ۳ ص ۱۹۲۱ ، طرابوزان (طرابزون) : چ ۱ ص ۲۲۹۰۲۲ ، ۲۳۴ : چ ۲ ص ۱۹۶۱ ، چ ۳ ص ۱۸۲۲

۰ ۱۸۵۰ ۱۸۵۸ طرسوس: چ ۱ ص ۲۰۱۱ ۱۵۷۰ ۱۵۷۰ ۱۸۲۰ ۱۳۳۰ ۱۶۲۰ ۱۳۳۰ ۲۲۲۰ ۲۲۵۰ ۱۳۳۸ ۱۳۳۸ طرشت (فریشس): چ ۳ ص ۲۰۲۲ ۱۳۵۲۰

طرق (منزل۔) : ج ۲ ص ۱۹۹۸ ۱۸۸۰ ؛ ج ۳س ۱۸۹۲ ۰

طزن (رود...) : ج٣ص ١٢٧٨ : ١٩٥٩ ١٩٥٩ ١٠٥٠ طرزن (رود...) : ج٣ص ١٢٧٨ : ج٣ص ١٥٧٩ ١٥٠٠ طنانرق (بندر...) : ج٣ص ١٨٤٩ : ج٣ص ١٥٧٠ الله ١٥٧٠ الله ١٤٠١ ١٥٣٠ ١٥٣٠ الله ١٤٠١ ١٥٣٠ ١٥٣٠ الله ١٤٠١ ١٥٣٠ الله ١٤٠٠ طنجه مارک : ج ١ ص ٢٠٠١ ١٥٣٠ الله ١٥٧٠ الله ١٥٧٠ الله ١١٧٠ ١١٧٠ الله ١١٧٠ ١١٧٠ الله ١١٧٠ ١١٧٠ الله ١١٧٠ الله ١١٧٠ الله ١١٠٠٠ الله ١١٧٠ الله ١١٠٠ اله ١١٠٠ اله

لنجه مارک: چ ۱ ص ۱۹۰۵۴ ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۵۰ ۱ ۱۹۲۲ ۱۸۲۲ که: چ ۲ ص ۱۹۲۱ ۲۲۶ ۸۹۸ ۱۸۶۶

طنزہ: ج ۲ ص ۳۷۹، طوالش: ج ۱ ص ۵۵۹؛ ج ۲ ص ۱۳۰۰؛ ج ۳ ص ۲۱۴۵۰۲۰۴۷، ۱۹۱۱ طواند (شهر—): ج ۱ ص ۱۸۴٬۹۹۱ طور (ظعم—): ج ۱ ص ۴۲۸،

طور عبدین: ج ۱ ص ۴۶۰

طرس: ج 1 ص 40،00،00،170،170،170، ۲۲۱،۴۲۰،۴۲۰،۳۸۶،۳۴۴،۲۸۷: ۲۲۲۰ ۲۷۲،۷۲۰،۶۷۷: طوتچی (در اصفیان): ج ۲ ص ۹۶،۸۹۶،

طونه ـــــــ رود دانوب . طویلری (قصر—) : چ ۲ ص ۸۵۰ طهران : چ ۱ ص ۲۸۲۰۲۸۲ ، ۲۸۹۰۲۵۲ ، ۵۰۲۰

DOT DOT OF 1 OT A GOYF OT 1 APT . YTY YAY OF E DAY DOF · 964 · 464 · 464 · 404 · 475 · AAT 1077 . 10 10 . 10 17 . 1004 . 1000 1051.1041.1047.1074.1074 1177 - 1179 - 1094 - 1097 - 1045 1150-1151-1150-1100-1177 1TOA: 1TOY: 1TO 1: 11A1: 11FF 17F4 · 1704 · 1749 · 1779 · 1777 1744-1779-1770-1771-17576 1749، 1774 تح ٢ ص ١٣٢٤، ١٣٤٩ 1791 - 1790 - 1709 - 1707 - 1700 1TAT . 1TA1 . 1TYF . 1TY4 . 1TYT >٣٩٩ L>٣٩۴ . 1٣٩٢ . 1٣٩١ . 18AA 17+9-17+5, 14+4, 14+4, 14+01 1771: 1770: 1714: 1717: 1717 1555 1550 1554 1555 1550 1885·1881・1881/51886・1888 175Y . 1751 . 1844 . 1449 . 1444 1675 . 1614 . 1491 . 1441 . 1454

طیبہ(قلعمہ)در روم : ج ۱ ص ۱۱۲۰ طیلسان: ج ۱ ص ۵۱۰



ظفار ؛ ج 1 ص ۴۲۳،



عادلجواز : ج ۲ ص ۶۸۱ ۱۹۲۰ ۲۲۰ ۹۳۲ . عالقین : ج ۱ ص ۴۳۳ .

عالی قابوی اصفهان : ج ۳ ص ۱۷۸۷ . عانه(از اعمال فرات) : ج ۱ ص ۳۵۶،۲۹۶ ۴۴۷،۳۷۹ .

عبادان: ج 1 ص ۲۰۶. عباسآباد: ج 1 ص ۲۰۵، ج ۲ ص ۱۲۸۵. عباسآباد (در قندهار): ج ۳ ص ۱۸۹۳. عباسآباد (منزل۔): ج ۳ ص ۱۸۹۳. عبدآباد (منزل۔): ج ۳ ص ۱۸۹۵. عبدلآباد: ج ۳ ص ۱۹۱۵.

عبدالقیس(ناحیمے) : ج 1 ص 158 ، غنبات عالیات : ج ۲ ص ۹۲۶ ، ۹۲۶ ، ۹۲۷ ،

1001-1001-1100-1110-1110-1110-11110-11110-11110-11110-11110-110-110

عتیق فادسیہ (عقیق ) : ج ۱ ص ۲۶۰۴۳۰۴۰ عثمان بازار (شهرت) : ج ۲ ص ۱۹۸۹ ۰

عثمانی (امیراطوری) : ج ۱ ص ۲۹۶۰ ۱۵ ۲۹۶۰ ۲۹۱ ۲۹۸۰ ۲۸۲۰ ۲۸۲۰ ۵۶۴۰۵۶۳۰۵۳۲ ج ۲ص ۵۶۴۰۵۶۳۰۵۲۲۰ ۲۲۲۰۶۲۲۰۶۲۲ ج ۲۳

FF0. FQ9. FQY U FQY, FQ0. FYF ۶۶۵،۶۶۲،۶۲۲ تـــــ ۶۶۷ ·FAT·FAT·FA=UFYA·FYB·FYY +F99+F9Y+F4+UF90+FAX+FAY 6711,709,707,7066707,701 £444.419.414.414.411.414 · Y\*5 · Y\*T · Y\*o · Y\*F · Y\*\* · Y\*T · 790 · 797 by 67 · 766 · 767 · 761 4479.444.444.444.p484.488 5404, 444, 444, 444, 474 PA 11.4.91.4<sup>2</sup> 774.674.774.774. ・メムケビスム。・スチスじスチテじスチチ・スチ。 6466,464,461,460,494,496 · 4 9 • · 4 4 4 · 6 4 1 • 6 4 4 5 6 4 4 7 • 6 4 9 6 • 900 · 908 · 908 · 900 bx 9x · x 98 . 414545P, 4125411, 4, 45460V 6975.9776970.9726970.971 , 9256444, 9446444, 940, 972 · 4.1 · 464 · 464 · 404 · 405 · 400 1005-100-5992-995-5924-925 10101010101010101010101010101010101 1117,1094,1044,107761014 1179. 1177. 1177 - 1110. 1117 1174.1144.1144.1144 1199 - 1104 - 1104 - 1107 - 1149 1175, 1170, 1177, 1170 51154 1194 - 1145 - 1144 - 1140 - 1144 1806, 1860, 1884, 1804 [1808 ۱۲۶۴ ، ۱۲۷۷ ، ۴۰۰۶ ، ۱۳۰۷ ؛ ج ۲ص 1409, 1408, 1290 ; 1270 61268 1861 - 1858 - 1819 - 1819 - 1811 1444. 1440-1444. 1444. 1440 1004 - 1004 - 1444 - 1444 - 1444 1049-1045-1044-1040-10-9 1050 t100x 1005 100T 1000 1040. 1054. 1050. 1057. 1057 1581 - 1500 - 1095 - 1097 - 1045 1404.1644.1644.1644.1644 14741490, 1440, 1410, 1404 1446, 1460 61464, 1460, 1404 . 1991 6 1744. 1744. 1774 6 1214 1204 1200 1746 1740 1260 1741 1751 1751 1751 1751 1751 1247 - 1242 - 1240 - 1747 - 1742

1AFT : 1AFT : 1ABA : 1ABY : 1AFT : 1A

عجدوان (قلعمہ) : ج 7 ص ۷۵۷. عجلون : ج 7 ص ۴۱۳، ۴۲۸، ۴۵۲: ج ۲ ص (۵۸،

عدن: ج ۱ ص۱۸۲، ۱۳۲۹، ۱۰۳۰ و ۴۷۷، ۲۵۷ ج ۲ ص ۲۰۶، ۲۴۴، ۲۶۷؛ ج ۳ ص ۱۸۹۱، ۱۷۹۸،

عذیب: ج ۱ ص ۴۰،

عراق (= اراک): ج ۱ ص ۴۸۴، ۴۷۲، ۴۸۴، .004.001.014.015.014.014 - 11AT -T- AAY-545-591 -T 1777-1700-1136-1137-1147 1795, 1791, 1779, 1775, 1777 1416.1419.1414.14.4.144 1790-1754 1750 1777-1714 1444-1441-1417-14-4-14-4 1914 - 1244 - 1444 - 1445 - 1444 1944 . 1974 . 1974 . 1917 . 1910 1944 - 1991 - 1945 - 1954 - 1957 ToTY.T+T1.T+0A.T00A.T0+F Taya. Tapp: Tafy 67048: Tatp てりやで・てりぞて・517人・で10チ・てロゲ人 عراق عجم : ج 1 ص ۲۶۴ ، ۲۷۹ ، ۲۷۹ ، ۳۴۴ 747. 447. 617. 477. 3 7 - CAA 4FF44FFX+FBY+FBB+F17+B9Y · Y • 1 · F 9 Y · F 9 & · F X 9 · F Y 7 · F Y 7 177.077.177.077.777. · YAA · YAT · YFF · YFF · YFT · YTT \* A \* Y \* A 0 Y \* Y A T \* Y S Y \* Y D A \* Y D S 44A11AA01AYA1AYF1AYT1AFA

عراق عرب : ج ۱ ص ۳۴، ۱۳۶۵ ه ۴۶، ۴۴۰ \* 104-104-106-107-96-91-49 · 174 · 174 · 171 · 170 · 115 · 117 · 175 · 177 · 151 · 177 · 17 · 617A \* 5780.701.700.77Y.77D.71T \* YAT \* YA\* \* TYX 57YF \* TY\* \* TFT . \*\* · CT 9 A . T 9 F . T 9 F . T AY . T A F · T1A · T15 · T11 · T05 · T0 \* · T0 \* • የምቁ • የምል ‹ፕሮዖ • የፕሮ • **የ**ንነ · TFT · TO9 · TOT · TFA · TFF · TF1 • TYF • TY1" • TF4 • TFF ۰۶۰۲۹۱۰۳۶ ت ۲ ص۵۸۵ · FBT · FT 1 · FF = · FT B · FT 1 · FT 9 .YTT.Y.F.F.F.FYA.FYT.FFY \*41Y\*AT4\*A14\*YVF\*YYF\*YP9 1-47.440.471.474.474.474 1004 - 1460 - 1424 - 1464 - 1184 . 1590

عراقین: ج ۱ ص ۱۹۱۹،۹۱۳،۹۱۹ نفط: ج ۲ ص ۶۱۴: ۱۱۸۷،۷۲۸ : ج ۳ ص۱۴۲۶ ۲۲۰۲۰

عربان: ج ۱ ص ۴۰۵.

عربستان (از شهرهای مرکزی ایران ) : ج 1م ۵۵۸-۵۲۷،۵۵۶،۴۸۴،۴۷۲،۲۶۴ ج ۵۵۸-۵۲۷، ج ۲ ص ۹۳۲-۱۱۶۲،۱۱۶۲،۱۱۶۲،

\*4°5' A 44' A 44' A 46' A 46'

·1700 1195 · 1197 · 11AY · 11AY 1744.1149.1177.1770.1777 1771 ، 1791 ؛ چ ۳ ص ۱ ۱۵۵۰ ۱۶۳۱ 1404: 1401: 1541: 1545: 1545 1424-1421-1444-1414-1414 1744.1747.1747.1744.1744.1740 1410-1440-1444-1441-1444 \* 1AT\* \* 1ATT \* 1ATA \* 1ATE 1464 - 1465 - 1467 - 1444 6 1447 1445.1440.1454.1451.1464 1977-1914-1909-1906-1494 1971, 1957, 1962, 1972, 1975 \*T009\*T00A\*T00D\*T00F\*19AT TOTT.TOTF. TOTF. TOT1. TO19 TOFF. TOTY LTOTO. TOTF. TOTT T170.T177.T. 99.T. Y9.T. VA . TITP = TIF1

۲۱۲۲ ت ۲۱۲۲ عوفات: ج ۱ ص ۲۱۲۲ ۱۳۹۰ موقه: ج ۱ ص ۲۴۴۰ ۱۳۹۳ ۱ عوم: ج ۲ ص ۲۴۲ ۱۳۸۰ ۱۳۸۰ عوم: ج ۲ ص ۲۸۲۰ ۱۳۸۰ ۱۳۵۰ ۱۳۵۳ ۱ عوان: ج ۱ ص ۲۵۲۰ ۱۳۵۲ ۱ عوان: ج ۱ ص ۲۶۲۰ ۱۳۹۶ ۱ ۱۴۲۶ ۱۳۹۶ ۱

عسکریین: ج ۳ ص ۱۹۱۶

عسقلان: ج ۱ ص ۱۹۴۰۸۳۰۶۸۰۶۴۰۵۰ ۲۵۳۰۴۵۰۰۴۱۱۰۳۸۶۰۲۵۲۰۲۷۵ عشرتآباد: چ ۳ ص ۱۹۵۲ ۱۹۵۵۰۱۹۵۵۰ عصرونیهٔ حلید (مدرسفت): چ ۲ ص ۶۳۲۰

عقبہ: ج 7 ص ۲۱۲.

عقبه اللَّبق: ج ١ ص ٢٤٠٠

عقب ديوجامه : ج ٢ ص ٨٢١٠

عقدای بزد: ج ۱ ص ۵۴۸: ج ۲ ص ۱۲۸۱:

ج ۳ ص ۲۰۵۲ ۱۶۶۵۰ ۲۱۳۲۰ عقر (ظعم): ج ۱ ص ۴۲۲۰۴۲۲۰۳۷۲ عقلی (بلوک شوشتر): ج ۳ ص ۱۷۳۰ عقیق (در موصل): ج ۱ ح ص ۴۲۰ عکا (بندر): ج ۱ ص ۳۵۴ ۴۵۶۰۳۵۶ تــا

۱۴۱۱ ۴۱۱ ع ۲ ص (۶۶۰۲۰۶۰ غ ۳ می ۱۶۹۲۰۶۰ م

عکار: ج ۲ ص ۵۹۶۰۵۸۹ .

عکبرا: ج 1 ص ۲۰۹۰۲۵۱۰۲۳۶. عکد: ج 1 ص ۵۲۳: ج 1 ص ۱۲۶۲: ج ۳ ص ۱۲۵۵ ۰

علی آباد: چ ۲ ص ۱۱۵۵ ، ۱۱۵۵ ، ۱۱۵۸ ، ۱۱۵۸ ، ۱۲۸۲ معلی آباد فوجان: چ ۲ ص ۱۸۹۵ ، ۱۸۹۵ ، ۱۲۵۹ ، علی آباد فوجان: چ ۲ ص ۱۲۵۹ ، ۱۲۵۷ ، ۱۲۵۹ ، ۱۲۵۶ ، ۱۴۶۴ ،

علی بولاق = چشمه علی دامقان : ج ۳ ص ۱۳۶۷ ، ۱۴۶۲ ، ۱۴۵۷ ،

علی ہیک (ظعف) : ج ۲ ص ۱۰۲۲ ۰ علی تبان: ج ۲ ص ۸۰۲۰

علیشکر کرمانشهان: ج ۲ ص ۱۱۱۴۰۹۳۰ ۱۱۲۹۰۱۱۱۵: ج ۳ ص ۱۳۶۹۰۱۱۱۵

- 1898

عليقد(ظعم) : ج ٢ ص ٥٨٩٠ عماد (ظعم) : ج ٢ ص ٢٠٩٠

عمادید؛ کرمانشهان (قلعهــ) ؛ چ ۱ ص ۲۷۸: چ ۲ ص ۹۲۰؛ چ ۲ ص ۱۹۲۹، ۱۹۱۵،

عبارات بجرالارم بار فروش: ج ۳ ص ۱۵۳۷ ۰ عبارات وکیل: ج ۳ ص ۱۳۲۴۰۱۴۱۸ ۰ عبارت ارشیدوک آلبر: ج ۳ ص ۱۷۶۳ ۰ عبارت اردشیر دراز دست: ج ۳ ص ص ۱۷۳۳ عبارت باغ: ج ۳ ص ۱۶۶۹ ۰

عمارتیالور (در انگلیس) ا ج ۲ ص ۱۵۴۴ ۰

۱۹۲۴،۱۷۳۹، ۱۷۲۰ عمارت حمزه آقا : ج ۲ ص ۲۰۱۷ - ۲

عمارت داودیاتا) ج ۲ ص ۹۳۸ . عمارت سلطنتی اهدیان: ج ۲ ص ۹۷۸ : ج۲

ص ۱۷۱۷ ، عمارت سلطنتی تویلری (در فرانسه) ؛ ج ۳ مدمد

ص 1971 • عمارت سنت کلو ' ج ۳ ص 1۷۵۲ •

عبارت شنب : ج ۲ ص ۶۰۶،

عمارت طویلری : ج ۳ ص ۱۷۷۹ ، ۱۷۸۹ . عمارت علی : ج ۳ ص ۱۹۷۱ ، ۱۹۷۶ .

عمارت کر : ج ۳ ص ۱۸۲۸ ۰

عمارت کلاہ فرنگی: ج ۳ ص ۱۷۷۰ ،

عمارت گلستان: ج 7 ص ۱۵۰۲ ۱۶۷۴۰

عمارت لوور فرانسه! ج ۲ ص ۶۸۱،

عمارت نور : ج ۳س ۲۰۳۳، عمارت هزار جریب اصفهان : ج ۳ ص ۱۷۷۱ · عمارت هفت دست اصفهان : ج ۳ص ۱۴۲۱ ·

- 1717-1547

عمارہ: ج 1 ص ۱۸۳۰ ۵۳۴: ج ۲ ص ۱۲۶۲: ج ۲ ص ۲۱۰۷ .

عمان: چ ۱ ص ۱۳۴۰،۱۳۳۰،۲۷۲۰،۲۵۲۱ تا ۱۵۱۰،۲۸۲۰،۲۶۱۰،۱۷۲۱،۱۵۲۱ تا ۱۹۲۰،۲۵۲۱ ت چ ۲ ص ۱۳۱۵،۱۵۵۱،۱۵۹۲ ۱۸۹۲۰،۵۵۱،۱۵۹۲۰

عمان(دریای-): ج ۱ ص ۱۷۲۰ غیره(قریف) از بلاد صنهاجه: ج ۱ ص۲۵۷۰ غیوریه = انگوریه: ج ۱ ص ۱۸۶۰ ۲۹۴۰۲۴۴۰ غنیره(قریف): ج ۱ ص ۳۹۰ غنوه(بلد نزدیک حسص): ج ۱ ص ۴۲۰ غوجا (شهرس): ج ۲ ص ۶۰۵۰

عودلاجان(محلمـ): ج ( ص ۵۵۶۰۵۲۶ ۰

. 1747

عيذاب: ج 1 ص 406. غيشآباد (باغــ): ج 7 ص 400. عيناب: ج 7 ص 400. غين ثات: ج 1 ص 406. عين التمر: ج 1 ص 4070. غين الجالوت: ج 7 ص 401. غين الحامضة: ج 7 ص 401.

عین زربه(نزدیگ مصیصه) : ج 1 ص ۱۶۲ ۰

عین شمن(عین الشمن) : ج ۱ ص ۲۷۲٬۵۰ عین ورده(عین الورده) از شهرهایجزیره : ج ۱ ص ۸۶٬۴۶۰

غ

غابه: ج 1 ص 73: ج 7 ص 917. غار: ج 1 ص 470: ج 7 ص 1740: ج 7 ص

۲۰۹۵ء غارٹور: ج 1 ص ۲۱ -غراس: ج 1 ص ۴۲ -

غرب ﴾ ج 1 ص ١٣٠

غرب اوسط: ج ۱ ص ۴۵۸ ۰

غربیه (عربیه یا : عربهه) : ج ۱ ص ۳۹۵ · غرجستان : ج ۲ ص ۷۵۲ · ۷۵۲ · ۲۷۶۶ ·

444.444.404.44F

غرشستان : ج 1 ص 111 ،

غرناطه( یکرناد) : ج ۱ ص ۲۴۳۰۳۴۱۰۳۰۱ ۲۵۲۰۲۸۹ : ج۲ ص ۴۱۹۰۶۱۴۰۶۹

.777

غزالد: ج 1 ص ۱۰۲۰ غزان (شهر ـــ): ج ۲ ص ۸۲۲۰۷۴۸۰۷۲۱

غزنه : ج ۲ ص ۸۰۰،۶۰۸ غزنی: ج ۳ ص ۱۶۵۲ ،

غزه(شهر—): چاص ۴۲۰۰٬۴۳۹٬۴۲ ح ۲ص ۵۸۵٬۵۹۶٬۵۹۶ م

\* ۱۹۹۰۲۹۱۰۲۸۹۰۲۸۷۰۲۷۲۳۰ ۱۹۹۰۲۹۱۰۲۸۰ ۱۲۲۰۰۲۱۵۰۲۲۲۰ ۱۲۲۰۰۲۲۱ ۱۲۲۰۲۲۸۰۲۲۱ ۱۲۳۰۰۲۲۵۰۲۲۲ ۱۲۳۰۰۲۲۵۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۲۰۰۲۲۴ ۱۲۰۰۲۰۲۲ ۱۲۳۰۰۲۲۴ ۱۲۰۰۲۰۰۲۴ ۱۲۰۰۲۰

غمر: ج 1 ص ۲۶، غنیق: ج 1 ص ۹۲،

غور: چ ۱ ص ۱۹۷۰ ۱۱۱۰ ۲۸۵۰ ۲۸۵۰ ۲۸۲۰ ۱۹۰ ۲۹۲۰ ۴۲۶۰ ۲۳۶۰ ۲۳۶: چ ۲ ص ۲۹۲۰ ۲۵۹ ۲۹۹۰ ۸۰۷ ۲۶۲۰ ۲۵۲۰ ۱۱۲۲۰

غوریان (ولایت ــ): ج ۲ ص ۱۵۳۰-۱۵۳۸: چ ۲ ص ۱۵۳۵۰-۱۵۱۸۰-۱۵۲۹ ۱۵۲۴-۱۵۳۴ ۱۵۲۲-۱۵۲۹-۱۶۲۱-۱۶۲۸-۱۶۹۸ غوریم: ج ۱ ص ۳۸۴-

غوطه' دمشق: ج 1 ص ۲۷۱،۱۲۷،۱۲۶. غومیک: ج 1 ص ۱۲۱.

171117041700159515941591 · YTF · YTT · YTA · YTY · YTT · YT1 · YFT · YOL · YOF · YFL · YFO · YF o · ٧ 9 • · YAA · YY 9 · YYT byfa · Yft \* . 72° £44° 444° 444° 444° . 450. 450 py 404 . 405 . 404 . 405 444.444.644.144.444.444.444. 4906,907,900 المعمرة ومعروبة وم 4477 477 477 471 47 - 417 411 6464 446 444 444 444 444 444 169.769.669.969.469.168. 6979.971.970.951 6955.951 , 1015 61017, 1011 6924, 924 1074,1075,1074,107161014 1045- 1040- 1044- 1047- 1071 1144-1144-1114-1110-1114 1104,1104, 114961145, 11446 1150,1154, 5151, 5150, 51016 114061174.1175.117161157 1754, 1755, 17.4617.67, 1199

۱۳۹۶ : چ ۲ص ۱۳۹۰ ۱۲۹۲۱ ۱۳۹۵ 1416, 140X, 140X, 1400, 189X 1475.147761471.1419.1414 1770 - 1777 - 1771 - 1770 - 1777 1401, 1445, 1440, 1440, 1444 1450.1409.1405.1400.1401 1440. 1454 61450. 1454. 1454 1848 - 1841 61849 - 1848 - 1848 3499· 1497· 1495· 1497 11745 1017-14-4-10-6-10-6-10-6 10721070-107761071-10726 1019-1019-1017-1011-1010 1054 - 1050 - 1004 - 1007 - 1001 1095-1095-1097-10415-1047 1504 1504 1504 (150) (1500 1544.1540.1514.1514.15.9 1884 - 1848 - 1844 - 1844 - 1844 1888:1884: 1848: 1847: 1884 14.4.14.4.14.2.14.2.1544 1440,1444,1441,1440,1411 1444 61444 . 1450 . 1454 61401 1790-1791-1790-1747-1745 45×1 - 56×10 10 11 100 11 1 100 11 1261 61266 1264 61216-1217 1264 - 4471 1741 1741 1741 1450, 1405 - 1464, 1444 - 1446 りょんて ひりんとん・トムソタ じりんとそ・ リスタア 1907-1901-1898-1891-1884 1917-1917-1910-1909-1909 1979-1975-1977-1977-1917 1988-1984 1984 1980 1988 b 1905-1901-190-1944-1940 1984 : 1988 : 1984 : 1987 : 1981 1440, 1484 61480, 1448, 1448 To 14. Took 57.01. 1999. 1999 CIOTIATOTIPTOTITOTIATOT

تا ۲۰۵۲، ۲۰۱۹، ۲۱۵۰، ۲۱۵۰، ۲۱۵۰، ۵۲۲، فرانگ : چ ۱ ص ۸۸، ۲۳، ۳۵، ۸۸، فرانگفورآلمان (شهر ــ) : چ۳ص۱۴۲۲، ۱۵۳۸ ۱۹۶۲، ۱۸۵۳، ۱۸۰۸، ۱۹۶۵، ۱۹۵۵ فراه : چ ۲ ص ۴۵۰، ۱۹۶۷، ۱۹۶۹، ۱۹۶۹، ۱۹۵۵،

فراه: چ ۲ ص ۱۹۶۰،۹۱۶،۷۲۶،۵۵۴ و ۱۹۶۹،۵۰۱۵ ۱۵۴۱ ،۲۴۰،۱۰۲۹،۱۰۳۴ ، چ ۳ ص ۱۵۴۱

۱۹۳۶، ۱۷۳۰، ۱۶۳۰، ۱۵۳۰ ۱۹۳۰ ۱۹۳۲ کی در اهان: چ ۲ ص ۱۹۳۰، ۱۹۵۰ ۱۹۹۰ ای ۱۳۹۰، ۱۹۹۰ کی در اهان: چ ۲ ص ۱۹۳۰، ۱۹۵۰ در اقلام ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰ کی در اقلام ۱۳۸۰ کی ۱۹۳۰، ۱۹۳۰ کی در آباد نے ۳ ص ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰ کی ۱۹۶۲، ۱۹۵۰ کی ۱۹۶۲، ۱۹۶۰ کی ۱۹۶۲، ۱۹۶۰

۳ ص ۱۹۵۸ : ۱۹۵۸ : ۱۹۵۸ . فردوس: ج ۳ ص ۱۹۵۲ . فرده سسسس چمن فرده فرضه: ج ۳ ص ۱۴۵۴ .

فرغانه(ایالت۔): ج ۱ ص ۱۵۰۵۵۰۵۱۲ ۲۱۲۰۱۲۲۰ تا ۲۲۲۰۱۲۲۰ ج ۲ ص ۱۹۶۷۰۱۲۲۲ ۸۲۰۰۷۸۱ ج ۳ ص ۱۹۶۷۰۱۲۲۹

فرقائیں: ج 7 ص ۱۳۵۲. خوالان ماکات میں موس

فرما (شهرـــ) : ج 1 ص ۳۶۰ .

فروه : ج إص ٥٣٩.

فرهنگستان علوم انحاد جماهیر شوروی : ج۳

ح ۱۳۲۸ ، ح ۱۳۲۶ . فریباس: ج ۲ ص ۱۱۹۹ .

فريدن اصفهان: ج ٣ ص ١٣٩٩ ؛ ج ٣ ص

.TITT+ 14TF+ 14F++ 14FT+ 144A

فرئيدلاند : ج ٣ ص ١٩٨٨ .

فز (فاس)پایتخت مرفش: ج ۱ ص ۱۶۹ ۱۸۳۰ ۲۴۷ <sup>ک</sup> ج ۳ ص ۱۸۲۷ ۰

فساً (= یساً )در فارس: ج ۱ ص ۳۲۶،۷۲،۵۲ چ۲ص۴۶،۶۲۵،۱۶۶۶ خ ۲ ص ۱۶۱۲.

فسطاط: ج 1 ص ۲۲۹.

فشافويه وي (فشابويه) : ج ١ ص ٥٣٥ ؛ ج ٢

## ڡٛ

فاراب ترکستان = اطرار : ج ۱ ص ۲۹۴ ؛ ج ۳ ص ۷۴۷ . غا ۱ د تا کار : سد می ۵۳

فاران ترکستان: ج ۱ ص ۲۶۰.

فارس: چ ۱ ص ۲۶۰۱۴۸۰۱۵۰۵۰۵۰۵۰۵۰۱۲ ۱۹۲۰۱۳۶۰۱۲۸۰۹۵۰۸۸۰۷۳۰۷۲ ۱۹۱۰۱۹۰۰۱۷۳۰۱۵۴۰۱۵۱ تا۲۹

· TA 1 • TYF • TYA • TFA • TFF • TF • \* TOY . TO & . TO F . TA 9 . TAA . TAT · 754 · 757 · 705 · 775 · 777 · 714 \* 454 \* 444 \* 445 \* 445 \* 445 \* 445 \* .046.014.014.006.004.004 ۲۴۵،۷۴۷،۵۴۷ ع ۲ ص ۵۸۵،۵۴۷ ·571·579·577·517·697·697 1 FAY 1 FAA 1 FA 1 1 FA 0 1 FY A 1 FY 4 1944,544,664,664,664,664 1710.71T.70Tby.1.547.549 1919.914.916.918.909.401 · 979 · 954 · 975 · 979 · 477 · 471 1077: 1070: 1075: 100901005 1117-1117-61110-1-40-1-70 1104-1101-1144-1141-1174 1124.1124.1140.116261166 1774-1777-17+0-1195-1144 1740 - 1747-1754-1704-1704-1775 \* 1794-1794 - 1795 1740 - 174A 1777 · 1779 · 1777 · 1777 - 777 · 1774 · 1746 · 1747 · 1774 · 1774 1794 · 1797 · 1745 · 1774 · 170 171F: 1809: 180F: 1808: 1804 1777 - 1775 - 1774 - 1770 - 17 14 144Y ---- 144b · 1444 · 144b 7771 - 1754 - 1764 - 1767 - 1760 1077-1077-1077-1017-1745 2 . 1604 . 1605 . 1661 . 1645 11500-1099-1098-1098-1051 1517.1517.15.4.15.0.15.0 1580, 1584, 1584, 1580, 1514 1848 • 1844 • 1840 • 1844 • 1841 1504-1504-1504-1549-1544 1898-1898-1848-1841-1869 1414.1414.1412.14.6.14.9 1444 . 1444 . 1441 . 1444 . 1449 1441-140461400-1400-1444 1741-1747-1774-1774-1784 1454 - 1455 - 1414 - 1414 - 1445 1450 - 1464 - 1465 - 1475 - 1470 1911-1907-1444-1455-1454 1988, 1988, 1986, 1988, 1918

5004.1994.1954.1954.196A TOTT. TOTT. TOTF. YOTF. YOT1 TOFF. TOTY LTOFA. TOTY. TOTF T11T: T100: T100: T09A: T0YA . 7147 6 7141. 7177. 7177 فاریاب = فاراب : ج ۱ ص ۵۷، ه ه ۱۹۶۰ ، . YAT . TIY . 1YY

فاس(شهر ــ) = فز : ج ١ ص ١٩٩٠٩ ، ١٨٣٠ ۶۳۲،۲۲۲،۲۶۴،۲۲۲،۲۸۳: چ ۲ س . 460 . 460 . 466 . فا ماگوست (پاینخت جزیرہ قبرس) : ج ۳ ص

فامیه (بلد\_)در شام : ج ۱ ص ۲۰۸، ۳۴۴، . 414.414.4747.464.464

ج ۲ ص ۵۸۵ ، ۵۸۹ ، ۹۶۵ ، فتح آباد افغانستان: ج ٣ ص ٢٥١٢. فتح آباد خيوشان: چ ۲ ص ۱۱۴۲ . فت داغی: ج ۲ ص ۱۴۸۴ .

فخ: ج ۲ ص ۱۱۵۷ .

فدک: ج ۱ ص ۲۷،۲۲،۲۵۱.

فرآت (شط۔) : ج 1 ص ۲۴ تا ۲۸،۲۶ تا ۴۹ 194.144.140.114.91.64.45 \* PY . CAT . PYY . TTY : 3 7 - PYA · 114 · Y 14 · STS · SOT · 610 ·

فرات بادقلی: ج ۱ ح ص ۲۸، فراض ليج ١٢ ص ١٣٦٠ \_ \_\_

فرانسه : ج ۱ ص ۲۲،۲۹،۲۸ ۱۳۵،۱۳۵،۲۱۱، · TAT · TFT · TFT · TTV · TT I · T I T · TFY · TFT · TT I · TTY · TTO · TTT · f + F • f • F • F 4 T L T 4 J • T 6 J • T f 9 · # \$ 7 · # \$ 1 · # \$ 0 · # 1 ¥ · \$ 5 1 · # 0 ¥ . FTA . FTF . FT 0 . FT 9 . FTV . FYA . 444 . 404 . 404 . 404 . 444 . 444 . 447.441.447.097.187.774 ۲۲۵۰۸۲۵۰۵۵۵۰۲۹۵۰ ج ۲ س ۶۸۵ Li 510, 517 Li 60, 1, 508, 49, 49, 49, \* FT4 . FT0 . FT9 . FTP LFT1 . F1Y · 5 f A · 5 f F · 5 f f U5 f 1 · 5 f A · 5 f F ,644.666,666,666,666,666 690,544,544,5446540,544 س ۱۲۵۰،۶۹۸ : چ ۲ص ۹۵،۲۰۹

فلاحين، ج ١ ص ٢٢٠ فلاحيه: ج ٣ ص ١٥٥٨ تا ١٩۶٥ .

فلاند : ج ۲ ص ۱۹۹۳ . فلاندر (مملكت\_) : ج ٢ ص ٩٨٧ : ج ٣ ص . 1985

ظریت (شبه جزیرمــ) : ج ۲ ص ۲۵۸، ظريدينگيدنيا 🕻 ۾ ۲ ص ۸۵۲، ۸۵۵ ج ۳ص

ظسطین: ج 1 ص ۲۱۲۵،۶۲،۴۲،۳۷،۳۱ · TAI • IAA • 196 • 1 ft • 1 ft • 3 fy .TTT .T .Y

ظورانس(شهر۔) : ج ۱ ص ۵۵۶،۲۵۶ : ج ۲ ص ۱۵۹۰۶۲۶۰۶۱۵ می ۲۵۹۰۶۹۰۶۱۶ · 1459 · 1474 · 1799 · 1709

فلیب (شہر۔) : ج ۲ ص ۱۷۹۰ ، ظیبہ: ج ۱ ص ۵۳۴: ج ۲ ص ۱۲۶۲ ۰ فلیپہلی (شہر۔) : ج ۲ ص ۱۹۸۹ ۰ فمالصلح: ج 1 ص ۱۸۵۰ فن تنبلو " ج ٣ ص ١٤٨٩ ، ١٥٠٧ ، ١٥٢٧ ؟

فندرسک: ج ۲ ص ۱۱۲۱،۱۲۷۱ - ج ۳ ص

1019.1004.1745.1750.1755 فنلاند : ج ۲ ص ۱۳،۶۲۱ ۱۰ : ج ۳ س۱۴۸۸ - 177 4 - 1747 فوابلوی مکزیک (شہر۔) : ج ۳ ص ۱۸۵۵ ۰

> فواد : ج 1 ص ۲۴۸۰ فوعه: ج ۲ ص ۱۶۲۹ ۱۶۳۰ فولاد مطه: ج ۳ ص ۱۸۹۶ ۰ فولاد نخله: ج ۲ ص ۱۱۵۸ ۰ فومن: ج ۳ ص ۱۲ ۱۳ ۰

فون تن بلو (قصرـــ) : ج ٢ ص ١١٤٥٠٩٤١ -فهلیان: ج 7 ص ۱۱۵۲ : ج ۳ ص ۱۶۰۰۰

فيروزآباد (=جور): ج ۱ ص ۲۱۵۰۵۵۰۵۲ فيروزآباد فیروزآباد (کتابخانہ۔) : ج 1 ص ۲۱۵۰ فیروزآباددهلی: ج ۲ ص ۶۲۸،

فیروز آباد طهران : ج ۲ ص ۱۳۸۲ ۱۶۱۸ - ۱۶۱۸ فيروز کوه : ج 1 ص ۴۱۲،۴۲۶،۴۲۴،۱۹۵۰ ۵۵۰۰۵۵۰۰۹۵۰ ج ۲ ص ۲۶۲۰۸۶۶ · 157 · 947 · 9 • Y · A 9A · YFF · YYT 435.0011.7011.8011.3011. ۵۸۲۱۰۱۲۹۱۰۱۲۹۰۱۲۸۵ 1405.1401.1401.1594.1545 1444 F1441, 1444, 1240, 1401

- TITA-TITA

فيروزه: ج ٣ ص ١٨٩٥ -فيغرآباد (منزل-): ج ٢ص ١٨٩٥٠ فيلادلفي: ج ٣ ص ١٩٧٠. فیٹان: ج ۳ ص ۱۸۲۸ ،

قابس(ولايتـــ) : ج 1 ص ۲۵۸ . قارا (بین دیشق و حیص) : ج ۲ می ۵۸۶. قارص(شهر-): ج ۲ ص ۴۶۶،۲۰۸،۸۹۸، 1110-947-987-981-980-9+8 ۱۳۶۰۱۱۳۰ ۱۱۳۰ نج ۳ ص ۱۳۶۹ . 1774 - 1777 - 1645 - 1771 - 1767 . 1949 . 1944 . 1490 فأرقوم : ج ٣ ص ١٣٢٤ .

قارن (قلعف) : ج ۳ ص ۱۶۲۵ ، ۱۶۳۶ ، فاریمیرم = شهر چسهسار دروازه{ح: چهسل دروازه): ج ۲ص ۱۳۲۱ ۰ قاری قلعہ: ج ۳ س ۱۹۱۴،۱۹۰۹، قازان لق (ایالت\_) : ج ۳ ص ۱۸۶۲ ، ۱۸۶۲

> فاسمآباد (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۷ ۱۵ ، قامرین: ج ۱ ص ۴۲، فاطول نے 1 ص ۲۰۳.

فالدون: ج ٣ ص ١٣٣٤ ، فاليفلا: ج 1 ص ٩٥، ١٥٢.

قاليلا ؛ ۾ 1 ص ١٣٤ .

قانلوچمنی: ج ۲ ص ۸۳۷.

فاهره: چ ۱ ص ۲۱۲۰۸۲،۲۵۹،۲۲۲،۲۷۲، 444.444.440.440.444.744. 447 ، ۲۵۴ ، ۲۶۳ ، ۲۶۳ ؛ ۵۶۴ ، ۲۶۳ ج ۲ ص . 544 . 544 . 544 . 544 . 544 . ۱۲۵۲ م ۲۶۵ : چ ۳ ص ۱۴۵۱ ، 1474 . 1441 . 10 . 4 . 144 . . 1404

قاين: ج ٢ ص ٢٤٢، ١٢٢٨، ١٢٢٥. ج ٣ ص 1244 - 1474 - 1424 - 1545 - 1424

. 7141 . 7047 . 7047 . 1917

فاینات: ج ۳ ص ۱۴۴۸ ، ۱۶۰۶ ، ۱۶۰۸ ، ۱۶۰۸ . 1514

قبا: ج ۱ ص ۲۱.

فَيْجِاقَ (شهر \_دشت\_) : ج١ص٣٣٥ ، ٥٤٠ ؛ ع ۲ ص ۱۵۸۰ ۲۵۵ کرده ۱۹۰۵ و ۲۲۲ , 5 44 , 541 , 540 , 570 , 577 , 574 .541.551.509.504.505.500 · Y TY · Y T& · Y 19 · Y 0 A · 590 · 5A F

1 6Y: 76Y: 1 YY: 70 A: Y7A: 74A: · 101 · AAT

قبرحضرت|براهيم : ج { ص ٣٥٤. قبر رسول ش(حضرت۔) ؛ ج 1 س ٧٥. قبر زبیده: ج ۱ ص ۳۲۱.

قبرس(جزيرهــ): ج 1 ص ۵۵، ۵۸، ۱۶۹،۵۸ · FTG · GA4 · FDF · FTT · FGY · TY •

۵۸۶۰۶۸۵: چ ۲ ص ۱۸۸۰ قبرستان مشرکین (در مدینه) : ج ۱ ص ۳۱ ، قبر سیدالشهدا، (ع): ج ( ص ۱۹۳، ۲۰۰۰، قبرشارلمن (در شهراکس) : ج 1 ص ۲۹۱. تبر بطويه: ج 1 ص ۲۱۳. قبله: ج1 ص ٢٢.

قبور اثمه(ع): ج ۲ ص ۱۹۳۷. قبور ملوک بنیہویہ' ج 1 ص ۳۲۱. قبه: چ ۳ ص ۱۲۹۲ ، ۱۲۰۲ ، ۱۲۲۷ ، ۱۵۱۲ ، -1599-1041

قبهٔ حضرت سیدالشهداه : ج ۳ ص ۱۴۱۱،

- 1571 - 1477 - 1477 - 1415 قبها حضرت عباس: ج ٣ ص ١٩٣١ . قبه' حضرت معمومه! ج ۳ ص ۱۶۲۱. قبه' صخره! ج ۱ ص ۹ ه ۲۰ قبلاق کوہ: ج ۳ ص ۱۴۷۷ ،

قبور المه: ج ۲ ص ۱۰۲۷. فيور ملوک بني بويه ؛ ۾ ١ ص ٣٢١.

قبيس (كوم): ح 1 ص ٨٥٠ قبان فراباع : ج ۲ ص ۹ ه ۲ .

قحل (فعل در اردن ) : ج ۱ ص ۲۱،۳۸. قدس شريف ۽ ج اص ۲۱۹،۳۲۹،۳۲۴،۲۲۹

قدمگاه خضر (در استرآباد ): ج ۲ ص ۱۴۲۱

قدموس (حصن۔): ج ۱ ص ۲۷۳،۲۲۹: ج ۲ ض ه۵۹۰.

قديس: ج 1 ص ۴۰.

قراباغ اران (ولايت...) \* ج ٢ ص 699 ، 999

· Y 14 · F T • · F A F · F A 1 · F A • · F F A +AT4+ATT+A14+A11+Y\*++Y1F . 1 - 1 7 7 . 1 - 1 4 . 9 5 7 . 9 7 9 . 9 - 9 ۲۱۰۲۰۱۰۲۸ : چ ۲ س ۱۳۲۶،۱۳۲۶ 1474 - 1475 - 1474 - 1454 - 1454 1449.1444.1464.1464.1404 1444 . 144 . 1447 . 1441 . 1445

1017610+4-10+0-10+7-1794 1045-1045-1045-1051-1015

قرابقعد(حوالی سرخس) ، ج ۳ ص ۱۶۸۹ . قرابلی (ولایت۔) : ج 1 ص ۲۰۸.

قرانیه: ج ۲ ص ۱۹۶۲، ۱۰۳۳ : ج۳ص۱۴۶۷ قراجنداغ، قراجه داغ: ج ٢ ص١٢٥،٧٢٥

1845 : 1867 : 1816 : 7871 : 7887 1570-1514-1044-1041-1001 1744 - 1777 - 17 17 - 17 17 - 17 0 6 

قراحصار : ج ۲ ص ۲ ه۶۰

قراداغعثمانی: ج ۳ ص ۱۸۲۷، ۱۸۲۷،

قرادنگيز ' ج اص ۲۲۶، ۲۶۹ ' ج ۲ س۲۲۴ ' -1440-1471

قراسو: ج ۳ ص ۱۵۷۲ ،

قراشیخ (دهند) : ج ۳ ص ۱۲۳۹ ، ۱۲۶۷ ،

. 1575 : 1009

قرافه ٔ چ ۱ ص ۲۵۲،

قراقرم ،قراقوروم (پایتخت مغولستان) : ج ۱

ص ۲۵۲: ع ۲ ص ۱۲۲۰: ۱۲۲۰ قرا ظخان (مفیقے) : ج ۲ ص ۹۲۰. قرا قبطاق: ج 7 س ۱۱۲۷.

قرا کلیسا: ج ۲ ص ۱۵۱۴ ، ۱۵۷ ، ۱۵۷۱ ، ۱۵۷۱

قرامان (بلاد۔) : ج ۲ ۲۵۹، ۱۶۶۶ می ۱۹۹۰ . 175 074: 471: ATT . ATO . Y 17

فراموران: ج ۳ ص ۱۳۲۸ . قرایاب: ج ۲ ص ۱۷۶۸ ، ۱۷۷۲ .

قردی (از اعمال جزیرہ ابن عمر) : ج ۱ ص

فرشی (شہر۔) : ج ۲ ص ۷۵۶ ۰۸۳۰، فرطاجند: ج 1 ص 91 ،

قرطبه = کردو(بایتخت اسپانیا) ؛ ج ۱ ص ۹ 158.158.104.198.104.109 2

771 - (67 - 677 - ( -7 - 777 - 747 -. 446.419.405.4746

قرق: ج ۲ ص ۸۶۰.

قرقسونه(شهر۔) : ج ۱ ص ۱۱۲۰

قرقيز: ج ٢ ص ١٩٥١ .

قرقیسیا: ج ۱ ص ۲۵، ۱۲۲،۸۶، ۲۲۹،۵۰۱، EC9: 370 0771 0741 YAA 1799 0411:

14-1-1594-179-1747 -TE

-1777-1714 قرمیسین: ج 1 ص ۲۱۸، قروہ: ج 1م ۵۴۹: ج ۲ ص ۱۲۸۳ ، ج ۳ ص · 1111 قره آغام: ۾ ٢ ص ٧٨٧. قریباس(قریف) : ج ۱ ص ۱۹۹۰۱۹۷ ، قریر (شہر۔)حوالی جیحون : ج ۱ ص ۲۳۴۔ قريط بگان ۾ ٢ ص ١٠٩٧ . قريبه سدره: ج ٣ ص ١٥١١ ٠ قریط محمودی (در مرو): ج ۲ ص ۲۵۴، فزاق (درچین) :چ۲ص۹۴۹ ، ۱۱۲۶ ، ۱۱۲۶ ، قزل آغاج مغان آج ۲ ص ۸۸۰، ۹۲۷ ، ۱۵۵۰ ۴ - 1174 · 1760 · 1767 · 1777 -قزل ایاغ: ج ۱ ص ۵۰۲. قزلرباط:ج 1 ص ۵۳۴؛ ج ۲ ص ۱۲۶۲؛ ج۳ ص ۱۹۶۰. قزوین: چ ۱ ص ۲۰۲۰۶۱ ۹۵۰۶۲ ۲۳۲۰ \* FYY \* FA \* \* FT | \* FT 9 \* TF 9 \* TF 1 .661.661.664.661.644.649 700,800; 3 T W 189,089,084 . 440.441.445.440.444.444 AFY: 70A: YOA: POA: OIA: IYA: · 471 · 479 · 474 · 474 · 547 · 475 EAFT · AFT · AGT · AG1 · AFY EAFT \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* · 946 · 944 · 944 · 945 · 940 · 946 ·1017·1011·1010·1000:454 1042.1042.1041.1044.1019 1090,1045,1047 61040,1044 1144 - 114 - 117 - 1117 - 1094 1774-1177-1175-1155-1100 1777 - 1759 - 1777 - 1740 - 1777 1790 - 1744 - 1747 - 1747 - 1774 1770 - 1790 - 1705 00 7 2 - 1701 1744 - 1747 - 1741 - 1775 - 1777 1410 61404, 1402, 1444, 1444 1444 • 1444 • 1442 • 1444 • 1444 1054 - 1004 - 1044 - 1440 - 1404 1589 - 1584 - 1584 - 1589 - 1580 1598 - 1598 - 1559 - 1561 - 1541 1414.1412.1419.1414.1414

1420 . 1424 . 1422 . 1421 . 1445

1747 - 1777 - 1755 - 1745 - 1744

7441-7441-7141-8741-8441 4241-7441-7441-8441-8441-9481 7811-7411-7411-8411-7411 7811-7117-8117-1717-7717

قسطنطین (شهرس)در الجزایر: ج ۳ ص ۱۶۴۳

قسطنطین (قسطنطنیه) : ج ۱ ص ۲۱ ټا ۲۲، YY.YA.YT.Y.Ft.F.AA.A. 107+99+94+94+97+44+47+44 .178.178.114.115.10FE10F ·107 · 101 · 177 · 171 · 177 · 177 \*140 \* 159 \* 15Y \* 155 \* 15t \* 16t \*\*\*\*\* 140 · 144 · 145 · 144 · 147 . 150 . 157 . 10V . 105 . 10 . 111 YIT. XIT. TTT. 4772 YTT. TTA. Later 1414 . Later 144 . LALE 417 177 3 T & TAG : 646 : AAG · 1707 · A 17 · YT9 · Y07 · FAY · FFF

قشلاق (قریمس) : ج ۲ ص ۶۶۵، ۱۹۱۰ ۱۹۱۰ ۱۹۱۰ م ج ۲ ص ۱۳۸۲ ۱۹۲۰ ۱۹۱۰ ۱۹۱۰ ۱۹۱۰ م قشیه عبدالبطیم : ج ۱ ص ۴۶۴ م قصدار : ج ۱ ص ۲۷۲ م قصرا : ج ۱ ص ۲۷۲ م قصرا در تکریت ) : ج ۱ ص ۱۵۲۰ م قصرالبری : ج ۲ ص ۱۸۵۰ م قصرالبلشهورست : ج ۳ ص ۱۸۵۰ ۱۹۵۰ ۱۹۵۰ م قصرالبلشهورن (حوالیلندن) : ج ۲ ص

قشتليه: ج ٢ ص ٢٩٠٠

۱۹۳۰ قصرالیزد: ج ۳ ص ۱۵۳۲، قصر ترنتام انگلستان: ج ۳ ص ۱۹۴۴، قصرتویلری: ح ۳ ص ۱۲۵۶، ۱۲۶۶، قصرجص: ج ۱ ص ۱۲۵۸، قصر خدیو: ج ۲ ص ۱۲۰۵، قصر خلد: ج ۱ ص ۱۲۰۸، قصردارلاماره مرو: ج ۱ ص ۱۲۹، قصردارلاماره مرو: ج ۱ ص ۱۲۹،

. فصر را س الطين : ج ٣ ص ٢٠٥٢ . فصرسيكتكين : ج ٣ ص ١٤٩٠ . فصر سلطنت[باد : ج ١ ص ٢٢٢] ج ٣ ص ١٩٨٢ ، ١٩٨٢ ، ١٩٠٤ .

قصر سلطنتی شیراز : چ ۲ ص ۹۳۴ ، ۹۳۴ قصر سن گلو : چ ۳ ص ۱۴۶۶ ، ۱۴۷۴ ، قصر شومبرون : چ ۲ ص ۱۴۹۷ ، ۱۹۸۲ ، ۲ ص قصر شیرین : چ ۱ ص ۵۲۴ ، ۴۵ چ ۲ ص

القصيرعبدالرحين: ج 1 ص 701. قصر عشرت آباد : ج 7 ص 1404. قصر فرانسد: ج 7 ص 1464. قصر فرنتن پل: ج 7 ص 1467. قصر فبروزان : ج 1 ص 1774. قصر فاجار: ج 7 ص 1774، 1766.

۲۰۴۲، قصر کیوتر: چ ۲ ص ۸۶۸، قصر کیوتر: چ ۲ ص ۸۶۸، قصر کیوتر: چ ۲ ص ۱۹۲۹، قصر کرملین: چ ۳ ص ۱۹۲۱، قصر کلارسون: چ ۳ ص ۱۹۲۱، ۱۲۸، ۱۹۸۰، قصر لازضکی: چ ۳ ص ۱۹۸۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۱، ۱۶۹۱، ۱۶۹۱، ۱۶۹۱، ۱۶۹۱،

قصر نیاوران: ج ۳ س ۱۸۳۲ ، ۱۹۹۵ ،

ج ۳ ص ۱۴۰۶ ۱۴۱۰ ، قصرینتزور : چ ۳ ص ۱۹۴۲ ، ۱۹۴۳ ، قصریانه(شهرس) : چ ۱ ص ۱۹۴ ، قصورحیره : چ ۱ ص ۳۵ ، ۳۵ ، قصور (از مالحیه) : چ ۱ ص ۴۴۴ ؛ چ ۲ ص

قصر ورسایل: ج ۲ ص ۹۸۹ تا ۹۹۲،۹۹۲:

قطر: ج ۲ ص ۱۳۲۴، قطربل: ج ۱ ص ۲۴، قطرر(قلعم): ج ۱ ص ۹۳، ص ۹۹۶. قطرر: ج ۱ ص ۹۳: ج ۲ ص ۱۹۹۶. قطرف (أز بحرين): ج ۱ ص ۱۹۹۲،

۲۷۴: ج ۳ ص ۱۲۹۶. ففچاق: ج ۱ ص ۱۰۹. ففسه(شهرس): ج ۳ ص ۲۰۵۲. ففقاز، ففقازیه: ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۲۸۵،۱۲۶۹: ج ۳ ص ۱۲۶۳،۱۵۸۲

قلعه تبر: ج 1 ص ۴۶۷. 1446 - 1407 - 1446 - 1447 - 1401 1974 - 1974 - 1910 - 1440 - 1466 فلعد ترناوت ! ج ٣ ص ١٢٧۶ . . Y 10 Y : 19YA قلعه تکلپو: ج ۲ ص ۲۹۶،۷۹۳. قلات سرخ ) ج ۱ ص ۴۶۷. فلاع اسماعیلیہ: ج1 ص ۴۲۸: ج ۲ ص ۸۸۸ فلعد تل: ج ٣ ص ١٥٥٥. قلعه تهرود : ج ۳ ص ۱۴۲۴ ، ۱۴۲۴ ، تا دەن. قلمه جامیش وان : ج ۳ ص ۱۴۹۵ . قلاع خصه خوارزم : ج ۲ ص ۱۱۲۴ ۱۱۲۵ قلاع ڪيبر: ج 1 ص 75. قلمه جيل : ج ۲ ص ۸۸۵، ۵۹۵، ۵۹۵. قلاع شبانگارہ: ج ۲ ص ۵۸۵، ظعهٔ جراجیه: ج 1 ص ۳۲۱، قلزم (دیار۔) ؛ ج 1 ص ۴٪. ظمه چنار : ج ۲ س ۲۹۲. قلعه آق سرای: ج ۲ ص ۱۵۴۸ . فلعه حسین آباد : ج ۳ س ۱۷۱۵ ، قلعة اختيار الدين ' ج ٢ ص ٤٧٥، ٤٨٥، قلعه حلب: ج 1 ص ۴۱۱،

. 414.411.40.4.44.4.444 قلعه ارجيش: ج ٣ ص ١٥٤٩ ، قلعهٔ ارزاس! ج 1ص ۴۱۳. فلعة اركوان: ج ٣ ص ٢٥٥٣ . قلعهٔ ارکی: ج ۳ ص ۱۷۱۵ . قلعداسب: ج ۽ ص 1774. ظمتهٔ اسمعیل آقا : ج و ص ۴۷۷ ؛ ج ۳ ص

قلمه النجق: ج 7ص ۶۸۶،۶۹۱،۶۹۱، ظعه اير افشان: ج ٣ ص ١٨٥٥ . قلعه ایرندگان، ایرندجان: ج ۳ ص۱۹۱۵

قلعهٔ بارگیری: ج ۲ ص ۸۸۹۱ ۸۲۱. قلعهٔ بارین: ج ۲ ص ۸۰۹، ۸۲۱. قلعهٔ بالا حصار کابل ؛ ج ٣ ص ١٩٩٩ . ظعہ بولس: ج ۱ ص ۶۹۸. قلعه باشقلان! ج ٣ ص ١٥٥٢ . قلعهٔ بایزید ! ج ۲ ص ۶۸۹. قلعه بتليس: ج ٣ ص ١٥٤٩ . قلعہ بزق: ج ۳ ص ۱۷۳۶ . قلعه بزنجان: ج 7 ص 1887 . قلعه بغراس: ج ۲ ص ۵۸۷. قلعه بلغر: ج ٣ ص ١٩٥٥. قلعة بم: ج ٣ ص ١٤٢٥. قلعه بمارسوشه: ج ۲ ص ۱۷۷۸ .

قلعه' بيقرد : ج ٣ ص ٧٩٣. قلعه پتانک: ج ۳ ص ۱۸۲۶ . قلعهٔ پسرک فندرسک: ج ۲ ص ۱۵۰۸ ۰ قلتهٔ پوطی: ج ۳ ص ۱۴۹۷ . ظعهٔ پولق: ج 1 ص ۹۸.

قلعه پیوار افغانستان : ج 7 ص ۱۹۸۸ . قلعهٔ پیهو: ج ۲ ص ۱۸۲۶.

ظعه تبوشکان از طغارستان: ج 1 ص ۱۹۸. قلعه خان: ج ۳ ص ۱۶۸۸ . فلعد ختوس: ج ٣ ص ١٥٤٩. فلمة خلاط: ج ٢ ص ٨٢٥، قلعه خندق: ج ٣ ص ١٧٣٥ . قلعهٔ خواجه نفس! ج ۳ ص ۱۷ ۱۷ . ظعه خوک نخجوان: ج ۳ ص ۱۵۷۸ ، قلعهٔ خوی: ج ۳ ص ۱۴۵۸ ۰ ظمه خیرآباد : ج ۳ ص ۱۷۶۰ ، فلعط خيزج : ج 1 ص ١٢١ ، فلملا دماوند : ج ۳ ص ۱۸۱۰ ، قلعه دولت آباد . ج ۳ ص ۱۵۲۰. ظعد الروم : ج 7 ص ٢٠٠٧.

فلمه روثین در : ج ۲ ص ۱۲۶۶ ،۱۲۶۸ ،

قلمه زنگ زور : ج ۲ ص ۱۵۴۸ .

فلعه زید آباد : ج ۳ ص ۱۶۵۰. قلعهٔ سب: ج ۳ ص ۱۷۸۷. ظعه سرباز : ج ۳ ص ۱۷۲۳ ، ۱۷۴۶ ،

قلعه سردار آباد ; چ۴ ص ۱۵۷۴ .

قلعدسنگ: ج ۳ ص ۱۵۴۸ ، قلعه سورميج: ج ۲ ص ۱۷۴۶ .

قلعه سیلیستری: ج ۳ ص ۱۴۹۹ ، ۱۷۷۷ .

ظعہ شاقان' ج ۱ ص ۲۹۲.

فلعد شاهان: ج ٣ ص ١٤٩٩ .

قلعه شيخ آويز : ج ٣ ص ١٤٩٩ .

فلعه شیر ( = قلعه موش) : ج ۳ ص ۱۵۴۸ ،

ظعه شیراز : ج ۳ ص ۱۴۲۰ ، قلعه شير حاجي: ج ٣ ص ١٧٣٥ . قلعه صعبی: ج ۳ ص ۱۷۱۳ ، قلعه صهيون : ج ٣ ص ٥٥٥٠. قلعه طاقان: ج ۳ ص ۱۷۲۶ ، قلعہ طالین: ج ۳ ص ۱۵۷۴ ،

ظعه طوس: ج ۳ ص ۱۶۵۲ ، قلعه عادلجواز : ج ٣ ص ١٥٣٩ ، قلعه عباس آباد : ج ۲ ص ۱۳۸۲ ، ۱۳۸۳ ، 1045 - 1047 - 1044 - 1045 - 1040

. 1617 قلعد عليقه: ج ٢ ص ٥٨٩٠ قلعه على محمد خان: ج ٣ ص ١٧٣٢ . ظمه' علی مسجد . ج ۲ ص ۱۹۸۸ ، ظمه عنایت آباد : ج ۳ ص ۱۷۳۵. قلعه فورک: ج ۳ ص ۱۷۳۶ . ظعه قبقم: ج ۲ ص ۹۹۸. قلعة قوشد: ج ٣ ص ١٨٩٢ ، ١٩٠٩ . ظعه کابل: ج 7 ص ۱۶۶۴ ،

قلعه کلد ہیں: ج ۳ ص ۱۴۷۸ ، قلعه کمرقوشی: ج ۳ ص ۱۵۸۳ ، قلعه کوت شیخ: ج ۳ ص ۱۶۵۹ . قلعه کوی: ج ۳ ص ۱۵۵۷ ۰ قلمه کوهه: چ ۳ س ۱۷۴۶. قلمه کهیز فارس: ج ۳ ص ۱۷۵۸ ، ۱۷۶۰ . ظمه کیج : ج ۳ ص ۱۷۴۷ ،

قلمه کاریز : ج ۳ ص ۱۵۴۷ ۰

ظعدگاہ: ج 7 ص ۱۷۲۶ء فلمد گزیک: ج ۳ ص ۱۷۳۶. قلمه کل کلاب: ج ۳ ص ۱۷۰۶ . قلمهٔ کنج: ج ۲ ص ۲۵۲.

قلعه کپران : ج ۳ ص ۱۴۲۰ .

قلعه لاش جوين " ج ٣ ص ١٤٣٢ . فلعدلري: ج ۳ ص ۱۵۷۱.

قلعه ماکولا : ج ۳ ص ۱۴۵۳ ۰

قلعه مالاکوف . ج ۳ ص ۱۷۹۹ ، ۱۷۹۰ ،

قلعدمحمدآباد : ج ٣ ص ١٤٠٥ . قلعدمدن: ج ۳ ص ۲۹۰۷ .

قلمه مزینان: ج ۳ ص ۱۲۵۶ ، ۱۲۵۷ ،

ظعدمشير: ج 7 ص ۱۲۲۴ ، ۱۶۵۲ ،

قلمه مکران بلوچستان : ج ۲ ص ۱۷۹۷ .

قلمه نادعلی: ج ۳ ص ۱۵۴۱ ، ۱۸۹۷ . قلعهٔ نامری! ج ۳ ص ۱۸۳۲ ۰

قلعه ترماشير : ج ٣ ص ١٤٢٥ ، ١٤٥٣ . .

قلتدنسکن " ج ۲ ص ۱۲۲۳ .

قلعه نصر 🕽 ج ۽ ص ٥٥٥.

قلعه نظاری اردوباد : ج ۲ ص ۱۵۷۶ . قلعه نطين: ج 1 ص ٣٧٨: ج 7 ص ١٦٥١٧.

قلعه نو: ج ۲ ص ۱۸۹۶ .

قلعه نوڈر : ج ۳ ص ۱۶۵۴ .

قلعه نهاخ : ج ۱ ص ۲۷۶. قلعه نهاخ : ج ۱ ص ۱۷۱۵. قلعه نیزک : ج ۱ ص ۹۶. قلعه هام : ج قلعه هادر : ج ۲ ص ۱۴۵۲. قلعه یادین : ج ۳ ص ۱۵۲۹. قلعاق : ج ۲ ص ۱۵۲۹، ۹۴۹، ۹۵۹. قلعاق - — قلعاق قلع البرز : ج ۳ ص ۱۵۵۷.

تم: ج ۱ ص ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۴۱، ۲۲۹، ۲۰۹، 1075 -077 -007 - 799 - 770 - 770 -٧٩٥،۶٧٧ : چ ٢ ص ٤٧٩، ٤٧٩٠ 1014 1014 441 4454 484 449 1177 . 1175 . 10 90 51097 . 1070 1740 - 1779 - 1715 - 1174 - 1175 ٨٨٢١، ١٣٩٠، ١٣٥٠ : چ کس ١٢٩٥ 1417 . 1751 . 1750 . 1709 . 1797 1494 . 16405 . 1524 . 1549 . 1646 1579 - 1581 - 1507 - 1507 - 1699 1594 . 1594 . 1590 . 1545 . 1544 1461 - 1444 - 1417 - 1404 - 1401 1222-1246-1264-1244 1908 - 1494 - 1446 - 1465 - 146+ 1998 - 1986 - 1988 - 1948 - 1918 T115.4099.4044.5084.4086 4170-1717-1717-4116

تمامد: ج 1 ص ۲۱۲۰

قشد: ج ۲ ص ۱۶۶۰ ۱۵۱۰ ۱۵۱۰ : ج ۳م ۱۶۰۶ : ۱۶۰۵ : ۱۵۹۹ : ۱۳۱۲ ۱۳۹۸

قىصر كاشان: ج ٣ من ١٩٠١،

قمقم (قلعب) : ج 1 ص ۹۸. قديم (قلمب) : ج 1 ص ۹۸.

قموص(قلعف) : ج 1 ص ۲۶۰

قموق: ج ۲ ص ۱۱۲۶۰۱۱۱۳ ،

فييسطون: ج ٢ ص ٥٨٩٠

6955.957 6969.964.964 906

قندی(جزیرهــ): ج ۳ ص ۱۸۹۰،۱۹۰۲، ۱۹۱۲،۱۹۱۲ -

قنسرین: چ ( ص ۱۹۲۰۵۲،۱۰۲۲ ۱۰۵۰ ۱۲۲۰ ۲۵۶۰۲۵۲،۲۲۲۰۱۷۰۱۵۲۰۱۲۲

قنطرہ: ج 1 ص ۴۰،

قنقرات: ج ۲ ص ۱۴۲۹ .

ننوج: چ ( ص ۲۰۰۰: چ ۲ ص ۲۹۶۰۶۶۴. تنیه: چ ( ص ۲۲۶۰۲۲۹؛ چ ۳ ص ۱۶۱۲. ترچان: چ ۲ص۱۷۱۷، ۱۸۹۵، ۱۹۲۵، ۱۹۵۲، ۱۹۵۲،

فورخانه: ج ۲ ص ۱۲۲۵ ؛ ج ۲ ص ۱۵۹۵ ،

· 1774 · 1714 · 1577

قورس: ج 1 ص ۴۲.

فورقرادکان : چ ۲ ص ۱۱۴۲۰

قوریه(شهرــ): ج ۱ ص ۱۲۹ ،

قرشخانه (قلعف) : ج ۲ ص ۱۲۹۲٬۱۱۰۴ :ج

۳ ص ۱۷۶۰ .

قوص: ج ۲ ص ۴۲۹، ۶۳۲،۶۳۱،۹۳۱ قوس: ج ۲ ص ۲۹۰۱، ۱۹۵۰، ۱۹۸۰،۱۹۲۰

۲۹۲۰۲۰۶ ع ۲ ص ۲۹۲ ع ۳ ص ۱۶۸۲ ۰

قونیه: چاص ۲۴۰۰۲۴۰،۲۴۵،۲۴۸،۲۴۲۴؛ چ ۲ ص ۹۶۱،۹۲۱،۶۵۲،۶۵۲ چ

تويق ٔ ج 1 ص ۳۹۶.

قوٹینسو: ج ۲ ص ۹۵۶. فہاب: ج ۲ ص ۱۱۵۳.

قهپایه: ج ۱ ص ۱۲۸۱ ۰

فہرج نرماشیر : ج ۳ ص ۱۲۸۳ ۰

قیسارید: ج ۱ ص ۴۲،۲۹،۲۹،۲۱۲،۲۵۴،۲۵۴، ۴۹۲،۳۹۲، ۴۷۶، ۶۱۲، قیمرید: ج ۲ ص ۴۹۲،۷۲۱،

## ک

تیقان (ازسند ) : ج ۱ ص ۲۴۰

> کاپ: ج ۳ ص ۱۹۹۸ ۲۰۱۲ ۲۰۱۰ کاپ ازن: ج ۲ ص ۸۶۶۰

کاپ ورت (جزایرے) : ج ۲۳، ۲۲،

کاتار : ج ۲ ص ۱۹۵۹ •

کاتالان اسپانیول (مطکت۔) : ج ۲ ص ۶۵۰ \* ۱۰۰۹ : ج ۳ ص ۱۸۸۹ ·

کاخت (ولایت --): ج ۲ ص ۸۰۹۰۲۱۹۰۹۲۶ ۲۳۹۰۹۲۲۰۸۲۱۲۰۵۲۲۱

کادیکس(شهر۔) : ج ۲ ص ۸۹۳۰ کاراکاس(پایتخت ونزولا) : ج ۱ ص ۵۶۶: ح

۲ ص ۱۳۰۹: چ ۳ ص ۲۱۵۳ ۰ کارتادرون: چ ۳ ص ۱۲۰۹ ۰ کارتاد: چ ۱ ص ۲۷۰

کبک (شہر۔)ہایتخت کانادا : ج ۲ ص ۹۵۲. 1100.1101.104A.107A.10TF کارٹیل: ج ۲ ص ۹۱۲،۹۱۱،۹۰۱،۹۱۲،۹۱۱، كبلانتز (شهر ...) : ج ١ ص ١٤١٩ . 1174-1001-944-984-989-971 کبود جامد: ج ۱ ص۵۲۶: ج۲س۱۱۹۱۶۲۲ . کاشان شهر فرغاند: چ ۱ ص ۱۰۲. 1114 - 1116 : چ کس ۱۲۳۰ کہنیاک ، کہین حاک (شہر۔) ' ج ۱ ص۶۰۶ كاشفر: بواص١٥٠، ٢٨٤، ٢٥٢، ٣١٢: ٣٢٣: کارځانجات ولويج! ج ۳ ص ۱۹۴۲ . ۵۶۲ ع ۲ ص ۹۶۲ ۱۰۲۵ ۱۰۲۵ : چ 370 YYY . 764 . 644 . 444 . 744 . کارخانہ: ج ۲ ص ۱۲۹۶ء۔ ۲ ص ۱۲۸۸ و ۲ ج ۲ ص ۱۹۶۱ ، ۱۹۴۷ ، ۱۹۶۵ ، كارخانه الكتريسيته: ج ٣ ص ١٩٩۶ . کتا (شهرس): چ ۲ ص ۱۹۶۷، کاشیدار (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۸۹۵ -کارخانهٔ چراغ گاز ! ج ۳ ص ۱۹۹۶ . کتابخانهٔ دولتی پاریس: ج ۲ ص ۶۵۳, کاظمیین (روضد\_) : ج 1 ص ۵۲۴ ؛ ج ۲ ص کارخانه' کروپ' ج ۳ ص ۱۹۴۲ . کتابخانه سلاطین؛ ج ۱ ص ۵۵. 1761-1077-691 : چ ۳ ص ۱۴۴۹، کارکاسون (شهر فرانگ) ٪ ج 1ص 161 ، كتابخانه صنيع الدوله: ج ١ ص ٩ . · 11+6 · 1910 · 10TA کارکاد : ج ۳ ص ۱۲۸۹ . کنامه(قلعفسا) : ج 1 ص ۲۴۱، ۲۵۷. کافا: یم ۲ س ۲۲۴؛ یم ۳ ص ۱۲۸۹ . گارلسرو: چاص ۵۶۱؛ چ ۲ ص ۱۳۰۲ ؛ چ۳ کتل لعل شکن: چ ۲ ص ۱۱۵۰. كافرظهم(ايالت\_): ج ٣ ص ١٥٣٨ - ١٥٣٩ ، کیبه(قعم): ج ۲ ص ۶۰۶۰ · 1740 کارلسروه' ج ۳ ص ۱۹۴۲ ، ک پیاپ به (شهرس): ج ۲ ص ۱۸۶۴. کاکڑیما 🗦 ج ۳ ص ۱۸۵۳ ۰ کارلین جنوب: ج ۲ ص ۱۸۳۱ ، ۱۸۸۴ . کجور: ج ۳ ص ۱۳۸۳ ، ۱۳۸۵ ، ۱۳۹۳ ، ۱۸۷۲ کال: ج ۳ ص ۱۶۸۸ ۰ کاروانسرای امیر ! ج ۳ ص ۱۲ ۱۳ . · Tof1 + 1944 + 1974 کالانی: ج ۲ ص ۱۱۲۴۰ کارولین انائونی: ج ۳ ص ۱۷۲۲،۱۷۱۱. کچينا (قصر۔)در روسيد: ج ۲ ص ۱۲۰۵ . کالیوش: ج ۳ ص ۱۶۳۵۰۱۵۱۱ ۰ كازرون فارس، ج ١ ص ٥٤، ٢٤٢ ، ٥٤٨ ، ٥٤٨ ، ٥٤٨ . کدکن: ج ۳ ص ۱۶۱۱ . کالدنی: ج ۲ ص ۱۲۶۵ ۰ 2 7 to 174.741107 1771 1471 3 کر (شهر-): چاص۲۵۶؛ چ ۲ ص۲۲۸، ۷۴۱. کالدونی جدید : ج ۳ ص ۲۰۰۳ . ج ۲ ص ۲۰۱۱ ۱۵ ۱۴ ۱۸۲۷ ۲۰۹۰ ۲۰۳۰ کراب: ج ۲ ص ۶۵۶. كالنجر (قلعهــ) : ج ٢ ص ٨٥٤٠ - \* 1 \* \* \* \* \* 1 \* \* کراتن: (قلعمہ): ج ۳ ص ۱۹۵۷. کالمیدوور (ہندرے) ﷺج ۲ ص ۴ ہ ۷؛ ج ۲ ص کازرین: ج ۳ ص ۱۲۶۱ ۰ کرآتی (معلکت۔) : ج 1 ص ۳۴۲. کاماس: ج ۲ ص ۲۰۵۳، گراکوی (شهر ـــ)لهستان : ج۲ص ۱۴۳ ، ۸ ، ۱۷ ، ۱۷ ، ۸ کال یا قوتی: ج ۳ س ۱۵۳۹ ۰ کاستارکا: ج ۱ ص ۵۶۵؛ ج ۲ ص ۱۳۰۸؛ ج کران (قلعہ۔) : ج ۳ ص ۱۴۲۰. کالی پولی: ج ۲ ص ۶۴۲ ج ۳ ص ۱۹۸۸ ۰ ج ۳ ص ۲۱۵۲۰ کراودین (صحرایس) : ج ۲ ص ۱۲۹۲ . کالیجار (فلعمہ) : ج 1 ص ۲۹۳ . کامتن (مرحد اطریش) : ج ۴ ص ۱۸۵۲ ، کرہایک: ج ۲ ص ۶۱۸. گائی فرنی (آیالت ۔.. } . ج ۳ ص ۱۷۱۴ ۱۷۱۸ کربال فارس(بلوکس) : ج ۳ ص ۱۷۸۳ . - 1407 · 1444 · 140T کاستیل (از ممالک اسپائیول) : ج ( ص ۴۴۶ ۲۶۲ : چ ۲ ص ۲۴۶۰۶۲۸۰۶۲۸۰ کربلای مطبی: ج ۱ ص ۸۳۰۸۲، ۲۴۶، ۵۳۳،۴۶۰؛ کالین: ج ۱ ص ۳۸۵. کامچاتکا ، کامشاتکا (جزیرہے) : ج ۲ ص ۹۹۸ . کاسل : ج ۳ ص ۱۹۲۰ . 370 KIF, 378, P78, 4001, 7701 To 1179111791170110TY کان (بایتخت نرماندی) : ج ۳ س ۱۵۳۱ ، کاشاپوکا : ج ۲ ص ۹ ۱۷۷۹ . کاشان: چ اص ۲۴۱،۲۴۹،۲۴۱،۲۲۲ کاشان · 1404 · 1544 · 1541 · 1450 · 1449 - 1950 . 7108 . 1918 . 1910 . 1017 کانادای ینگی دنیا : ج ۲س۸۸۸، ۲۰۹، ۹۹۴، ۶۲۲ مع ۲ می ۶۷۲ می ۶۷۲ 1050-1419 - 7 و 1150-1150 کریو: ج ۲ ص ۱۰۱۳ ۰ 1944 - 944 - 744 -کرت (دولت۔): ج 1 ص ۴۵۲؛ ج ۳ص ۱۸۸۰، · 1999 · 1499 · 1474 · 1981 · 1984 1141-1105-1045-1084-1017 کرتاز: ج ۱ ص ۹۴،۷۶. کانارو: ج ۲ ص ۱۳۰۷. 1541-1544-1545-1501-1345 کوتومکزیک : ج ۲ ص ۱۸۸۹ . کائٹ ؛ ج ۳ ص ۹ ہ ۱۷ ۔ ۱۲۸۸ - ۱۳۶۱ کے ۳ ص ۱۹۲۶ ء کانتنچین (بندر۔) : ج ۱ ص ۱۹۴،۱۵۳ کرتین (حصار۔) : ج ۲ ص ۶۶۸. 1447 . 1415 . 1404 . 1797 61790 کرچ (عمارت سلطانی۔) ؛ ج 1 ص ۲۰۶، ۲۰۶ ج ٢ص ٧٤٥: ج ٣ ص ١٤٩٧٠ ١٤٩٧٠ 1494.1460.1400-1444.1444 ٢٤٩٠ ج ٢ ص ١٢٠٢ ، ج ٣ ص ٢٣٢٢ ، . 1797 . 3770 . 1751 1650,1606,1044,1014,1004 . 1410 - 1547 - 1577 كانتن يه: ج ٣ ص ١٨٩٢ ، ١٨٩٣ . 1545 . 1540 . 1544 . 1544 . 1544 کرخ (مطمهٔ شیعتشین بغداد ) : ج ۱ ص۱۴۸، کاندی(شهر ــ): ج ۱ ص ۱۸۵۰ 1441 · 1444 · 1415 · 14 • 1 · 15 44 . fff . TT1 . TT0 . TT0 کاودولی (قلعمہ) : ج 7 ص ن ۹۰۰ . 1211 - 1244 - 1444 - 1444 - 1444 کرخ هرات : ج ۳ س ۱۳۸۶ . کاوند (قریف)از خمسه ؛ ج ۳ ص ۱۹۹۷ . 1495 - 1454 - 1400 - 1407 - 1440 کرد: ج ۱ ص ۲۲۲: چ ۲ ص م۸۲۰ کائٹ (شہر۔) : ج ۳ ص ۱۸۲۹ ، ۱۸۳۶ ،

ToTF. ToTT. Toot. 1997. 1954

کردر: ج 1 ص 117 س کردستان: ج 1 ص ۵۲۲ ۵۲۷ ۵۲۶ ۵۲۴ ۵۲۴ 754.044.044 3 T @ 174.044 444.464.404.404.444.444 975.97..974.479.AYF.AYF \*1184 \*1184 \*1014 \*411 \* \$7111 ·1700·1197·1190·11A7·1150 1774-1770-1777-1777-1707-17-1 174417441754 1754 1741-1741 51790 - 1744 - 1747 - 1779 - 1774 1751 07 E : 1794 61795, 1797 ·17+4 · 15-1 · 1797 · 1795 · 1790 1001 - 10-1 - 1747 - 1747 - 1749 1575 · 15 · A · 1054 · 105 · 100† 1717 - 1847 - 1881 - 1888 - 1880 1499 - 1444 - 1451 - 1457 - 1414 1985-1915-1918-1904-1906 To10+19FF+19DA+19DT+19DT TOWE DY . TT . TO Y 5 . TO TT . TO Y 1 4 TOAO 470994 TOFY STOPA 1 TOPS 44-1-46-1-4-17 . کردستان عثمانی: ج ۳ ص ۱۱۲۹ ، کردکوک: چ ۱ ص ۵۲۴ ئے ۲ ص ۹۲۷،۹۱۸ + 1757 - 1179 - 1 - YY - 1 - TT - 7471 -کردکوه: ج ۱ ص ۲۵۵،۲۴۵ ؛ ج ۲ ص۶۳۷. کردو (شهر ـــ) = قرطبه: ج ۱ ص ۴۴۶،۴۰۶ · 1477 5 T & کرس(جزیرہ۔) : ج ۱ ص ۱۶۹ ؛ ج ۲ ص . 1170 : 1177 : 1170 : 1117 : 1074 ج ۲ ص ۱۸۲۱ ۰ کرسیکا (جزیرہ۔): ج ۲ ص ۱۹۶۹ ۰ کرشک (قلمف): ج ۲ ص ۱۱۲۰ ، کرفو (شہر۔) : ج اص ۲۸۳۰

کرک: ج ۱ س ۲۰۲۰٬۴۰۵ و ۴۲۸۰۴۱۲ ۴۲۸۰۴۱۲ ۵۴۰، ۲۴۷، ۴۴۸، ۴۴۵، ۲۵۵ کی کسی . 600 . 446 . 600 . 600 . 644 . 644 · FTT · FTY · FTA · FTY · F1T · F+F

- T = T = . T = . T .

کرکر (قلعف) : ج ۱ ص ۲۰۹، کرکوک: ج ۱ ص ۵۳۴؛ ج ۳ ص ۲۱۰۶۰ کرٹر ، یسلانیف (عمارت۔) در ہاریس: ج ۳س

· ٢11 · ٢0 \* · 144 · 141 · 14 \* · 10 Y \*TYF\*TYT\*TY\*\*T\*\*\*T\*\*\*T · \* .DTY . DOY . TTT . TTY . TTF . TTO · ۵۵۸ · ۵4۸ · ۵46 · ۵47 · ۵49 · ۵46 · FF · · FT · FT · F 1 F · F 1 · · 6 1 F · 6 1 · FY A · FYY · FY • · FF 1 · FOO · FYO . A.Y . YYA . YA ) . Y TT . Y TF . Y 1A 404 . 444 . 404 . 407 . 475 . 405 1074:1075:1017:1004:1005 1084 -1080 - 1082 - 1001 - 1004 1150+1141+1174+1171+1170 1777 - 1779 - 1190 - 1197 - 1190 1754 - 1774 - 1771 - 1770 - 1777 1744 - 1741 - 1774 - 1776 - 1777 ۱۲۹۱ : ۱۲۵۱ : چ ۲ ص ۱۳۲۸ : ۱۲۴۶ 1440-1414.1444.1444.1444 1454 . 1444 . 1447 . 1445 61447 1497 - 1467 - 1477 - 1574 - 1577 · 1507 · 1507 · 1644 · 1644 L 1910-1918-1918-1909-1900 1871-1874-1877-1870-1810 143444.5. 1550. 1505. 1507 5 1744 - 1744 - 174 C 173 A - 17 17 1744 . 1744 . 1747 . 1745 . 1756 11449 144 1 1484 1494 LJ 1400.1477.1475.1417.1410 7741 - 6741 - 6441 - 7441 - 7841 1955 : 1904 : 1904 : 1905 : 1292 441.7951.4961.496.1447 ToY4.ToYA.ToYa.ToT5.Tof1 44-1-46-1-46-1-44-4-4-4-4 · T1160. T1TT

کرملین (عمارت۔) : ج ۳ ص ۱۹۴۱ ۰ کرمه: ج ۳ ص ۱۸۹۶ ۰

کرمانشهان :ج ۱ص۴۶۴ ، ۵۰۷ ، ۵۳۲ ، ۵۳۲ ، ۵۳۲ ، ۵۳۲ ،

201-201-21 4-24 A 241-211-21-21-2 1017 1107019019100TEODA 1077 . 1077 - 1071 . 1077 . 1077 114761140.1144.1179.1104 1115-1117-1110-1147-1144 1775 - 1777 - 17 07 - 17 0 1 - 1700

1154 - 1150 - 1157 - 1177 - 1170 1741 - 1774 - 1777 - 1770 - 1777 1797 61790 . 1784 . 1787 . 1787 ۱۲۰۶ تا ۱۲۸۹ : چ ۲ ص ۱۲۸۹ ، ۱۲۸۹ · 1000 · 1001 · 1790 · 1747 · 1791 15-1-1001 6100-1011-1011 1574 . 1577 . 1570 . 1504 . 1504 1417-1510-1551-1550-1504 41 41 • 41 41 • 77 41 • 4741 • 6741 1444 61441 - 1440 - 1444 - 1441 1446 - 1440 - 1444 - 1441 - 1447 19-4 - 1446 - 1415 - 1416 - 1407 1964-1967-1967-1977-1916 . Tota . Tors . Tort - Tort Toyx, ToYo, ToFF, Tofy T1TT: T: 1T: T107: T100: T0A0 L-717171777777777777777777777777

> کرملن (قلعف) : ج ۲ ص ۶۵۹. کرملو: ج ۳ ص ۱۵۲۲.

کرمیان (نزدیک شهر زور ) : ج ۳ ص ۱۵۳۴ . کرنال: ج ۲ ص ۱۱۲۲.

کرن (آب-): ج۲س ۱۱۵۰، ج۳ص ۱۶۰۶. کرنت: ج ۳ ص ۱۸۰۸ .

کرند: ج ۱ ص ۵۴۹، ج ۲ ص ۱۲۸۴ : ج ۳س · 1541 · 1500 · 1504 · 1047 · 1447 · 1177

کرنشتاد (ظعم): ج ۲ ص ۱۰۰۳، ۱۲۰۷، ج

۲ص ۱۹۴۱ ۰ کرنو: ج ۲ ص ۱۸۲۸ ۰

کرن رہے: ج ۲ س ۱۹۴۴ .

کرواسی: ج ۲ ص ۸۹۰.

کروان : ج ۳ ص ۲۰۰۹ .

کووز: چ ۳ ص ۱۹۸۲ ۰

کروس فارس: ج ۳ ص ۱۶۵۲ -

کره: چ ۲ ص ۲۰۴۸.

کرید (جزیرہ۔) : ج اص ۵۹، ۱۸۰، ۲۶۲۰

۲۶۶: چ ۲س ۸۸۱ .

کریس تبانیا (پایتخت نروژ) : ج ۳ ص ۱۷۶۴ ، کریسی(کریسوس): ج ۲ص ۲۰۴۸،

کزار: چ ۲ ص ۱۱۵۳ ؛ چ ۲ص ۱۴۴۷ ۱ ۱۲۸۰

- 1V 1T کنیا (جزو محمرہ) : ج 7 ص ۱۷۲۶ .

کنتاریکا (ناحیم) : ج ۲ ص ۱۲۰۸ ؛ ج ۲ ص گلوپونی (جبال۔) : ج ۳ ص ۱۵۸۲ . کوالیار : ج ۲ ص ۸۲۵۰۸۲۱۰۸۲۰ کوالیر: ج۳ ص ۱۸۲۵ ۰ گلون، کلن (شهر ـــ) : ج ۳ ص ۱۹۴۲ . · Y • ΔΥ کسکر: چ ۱ ص ۱۵۲،۲۰،۲۰،۲۵۴، کوبا (جزيره): ج ۲ ص ۷۳۲ ، ۲۵۸ ج ۳ص کلیو: ج ۲ ص ۱۲۴۱،۷۲۴، کسکران ; ج ۳ ص ۱۴۰۲ . 1474 - 1404 - 1404 - 1414 - 0746 کلیائی: ج ۳ ص ۱۲۵۴ ، ۱۸۰۴ ، کلید فرنگ\_کالی پلی کس(از بلادترکستان) کے ۱ ص ۹۵ ، ۱۰۰ ، 1940 - 19+6 - 1901 - 1491 - 1477 کیمای رم: ج ۱ ص ۲۲۲؛ ج ۲ ص ۲۱۲۴. 9 • ۱ • ۱۲۴ • ۱۴۹ ؛ چ ۲ ص ۲۵۶ ، ۶۹۹ . 1946 - 1977 - 1969 کلیسای سنت پیر : ج ۲ ص ۲۴۸. کوبان: ج ۳ ص ۱۴۲۳، کلیسای سنت صوفی: ج ۲ ص ۲۰۴. کشمیر : ج ۱ ص ۲۰۰ : ج ۲ ص ۶۳۲،۶۳۲، کوبلائر ، کوبلنس (شہر۔) : ج ۳ س ۱۹۴۳ . کلیسای قسطنطنیه: ج ۱ ص ۳۲۳. YPY- : ( A + YYA + AYA + YGA + FRA + کوبورگ (شہر۔) : ج ۲ س ۱۹۶۶ . T E : 1177 . 984 . 984 . 977 . AYA کلیسای مریم : ج ۲ ص ۵۸۱، کویا: ج ۳ ص ۲۱۳۲. کلیمای نتردام: چ ۱ ص ۳۹۳؛ چ ۲ ص۶۸۸ ع ( ۱۵۴ م ۱۵۹۴ م ۱۸۳۵ . کوتاھیہ: ج ۲ ص ۶۵۹ء كوت الاماره: ج 1 ص ٥٣٤؛ ج ٢ ص ١٣۶٢. کماخ (قلعمہ): ج ۲ ص ۲۶۱، کشینو: ج ۳ ص ۱۹۷۳ . کب: ج 7 ص ہ ہ وو ۔ کیارج: ج ۳ ص ۱۶۵۴ ۰ کوشی: ج ۱ ص ۴۳، کعبی معظمہ: ج ۲۰۱۸، ۹۱،۸۵، ۹۱،۲۴۲، کور: ج ۲ ص ۸۲۲. کمبرون : ج ۲ ص ۹۱۷ ، ۲۷۲ ۸۸۳ ۲۵۴ تج ۲ ص ۲۲۹ ، ۹۵ کوران دشت : ج ۳ ص ۱۳۸۸ ، کیانی هند : ج ۲ ص ۸۹۶. 49AA +445 + 9TY + 9TY +YDT +595 کورتاق (جبال-): ج ۲ ص ۱۳۲۴ ، ۱۳۲۶ ، کمپین (کمپیاین ) : ج ۲س ۶۸۷ ؛ ج ۲ س کورسک: ج ۳ س ۱۷۸۹ ، · 1014 1175.1115.1107.1077.1014 1140-1146 م ١١٤٢ : ٣ ص ١٩٥١ . کورلاند: ج ۳ ص ۱۷۸۹ . کمخ (حصن۔) : ج ۱ ص ۸۰. کمرجه(ازبلاد خراسان); ج ۱ ص ۱۱۳. کفرطاب: ج ۱ ص ۴۱۳،۴۰۸،۳۶۸،۲۶۲، کورنه: ج ۳ ص ۱۵۱۲ ۰ کبرہ: ج ۱ ص ۵۵۸،۵۲۷ ج ۲ ص ۱۲۲۹، کورہ جیان: ج ۱ ص ۱۴۳، كفرلانا : ج 1 ص ٣٨١. ۱۴۴۷ ۵۲۰ م ۲۳۰ م ۱۳۹۶ کوری (شہر۔): ج ۲ ص ۵۰۰ ، کفد(ولایت--): ج 7 ص ۹۳۱،۸۵۷ ؛ ج ۲ص کوئل: ج ۲ ص ۷۷۲، 1977 - 1977 - 1917 - 1447 - 1717 . 1769 کوسټز: ج ۲ ص ۷۸۱. . Y 1 FY LY 1 FT . TO \$ 9 . TO A F ککلان: ج ۳ ص ۱۹۲۰،۱۴۲۱،۱۵۷۴، کن: ج ۲ ص ۱۹۲۹،۱۹۲۰ کوسویه (قصیمس) : ج۲ ص۹۰۷، ۸۷۶، ۵۰۵۱ : کلاپوش(بیلاقے): ج ۲ ص ۲۵۹. 18181108911088110TO OF E کنار دشت: ج ۲ص ۱۵۰۸ . کلات: ج ۲ ص ۱۱۲۵ ، ۱۱۲۲ ، ۱۲۲۱ ، ۱۱۴۱ کناره کرد (منزل-) ، ج ۳ ص ۱۴۰۹ ، ۱۲۴۹ ، . 1541 . 1514 1544.1510.1005 - 7 - 1117 کناسه(در کوفه): ج ۱ ص ۱۳۳. کوشک سلطان احمد : ج ۲ ص ۹۲۷، 1751 - 1599 - 1544 - 1545 - 1544 کندار: ج ۲ ص ۲ه۱۲۰ كوفه: چ ١ ص ٢٩٠٤١ تا ٢٩٠٤٧ تا ٥٢٠٥١ . 4046. 1444. 1467-1466 کندانا (حمارے) : ج ۲ ص ۱۰۰۱. . 44 641.64 666.64 604.06 کلاتھیج یا خیج بسطام! ج ۲ ص ۱۶۸۵، کندوانه: ج ۲ ص ۸۷۳. 44.44 1 TA. 24 11 19.44.49 . 1499 کنده (محلف) درکوفه: ج ۲ ص ۲۲، ۴۵، ۲۶٪ . 174.177 6114.117.110 6105 کلاردشت (قبریسف): ج ۱ ص ۴۷۰ تیا کندی (فریم) : ج ۳ ص ۱۹۱۰ . \*174 \* 175 \* 177 \* 177 \* 171 \* 17Y کنکاج: ج ۲ ص ۱۳۳۲ . · ٢ - 0 A . 3 A A T . 1 A F & OFT = . TYY +140+189+18Y+189+181+180 کلاه فرنگی (عمارت۔): ج ۳ ص ۱۸۱۳. کنگام : ج ٣ ص ١٣٩٢ : ج ٣ ص ٢١٢٤ . ٢١٢٢ . · 174 · 174 · 175 · 174 · 151 · 141 کلباد (قریمہ) : ج ۲ ص ۱۱۵۸ ،۱۱۶۰ ؛ ج ۳ کنگ (در افریقا ) ؛ ج ۲ ص ۲۳۳. \* کنگان ایج ۲ ص ۱۱۶۸ . ٠ ١٣٩٣ ٠ کلبرکه دکن: ج ۲ص ۶۳۵. کنگارر: ج ر ص ۲۲،۵۲۳،۵۴۹،۵۴۹،۵۵۹؛ ج \*P7 . 4P7 . FP7 . o (7 . 477. گلخندان (قلعمہ) : ج ۲ ص ۲۴۴. · 15 0 1 . 17 4 2 4 1 . 7 0 7 1 . کوکانا : ج ۳ ص ۱۳۳۰ . کلکته: چ ۲ ص ۱۱۷۶،۹۹۴،۹۵۹ ۱۱۲۵۰۱۱۲ کنگرکنان: ج ۲ ص ۹۳۷. کوکب (فلعف) : ج ۱ ص ۲۲۸،۴۱۳. 570 11110041.4891.7041 کنگور : ج ۱ ص ۲۴۹،۲۴۱. کوکن اُج ۲ ص ۶۸۷. . 1951 - 1215 کنگره ویده: چ ۳ ص ۱۵۲۸ ، ۱۵۲۱ ، ۱۵۲۸ ، كوكان: ج ٢ ص ١٢٨٢ : ج ٣ ص ٢١٢٣٠ کلن (شهر ــ) : ج ۲ ص ۹۴۶ ، ۹۵۶ ؛ ج ۳ ص کنیزبرگ، کنیسبرگ (شهر۔) ؛ ج ۱ ص، ۴۶؛ کولمبی: ج ۱ ص ۵۶۶؛ ج ۲ ص ۱۳۰۹؛ ج ۲ . 1950+ 1544 ج ۲ ص ۱۹۶۹ ه ۱۱۶۰ کلشکدہ: ج ۲ ص ۹۹۳، کرمایایگا (پایتختهندورا ) : ج ۱ ص ۵۶۵ :ج کواشی (قلعمٔ ) : ج ۱ ص ۳۲۸،۳۲۳.

۲ ص ۱۲۰۸ : ج ۲ ص ۲۱۵۲ ۰ کوماسی (شہر۔۔) : ج ۲ ص ۱۹۵۶ ۰ کونیکس بورغ (شہر۔) ؛ ج ۳ ص ۱۹۴۱ ۰ كود البرز : ج ٣ ص ١٨٤٥ -کود بالخان: ج ۲ ص ۱۹۲۴ ۰ كود برف آلداگوز ! ج ٣ ص ١٥١١ • کوهیایه: ج ۱ ص ۵۴۸۰ کود چمرق : ج۲ ص ۱۲۲۶ . کود دریابر: ج ۲ ص ۲۶۱، کوه دنا : ج ۲ ص ۹۵۸ . کوہ سجاس: ج ۳ ص ۱۵۰۲ -کود سن کتار : ج ۲ ص ۲۰۲۸ . کوہ سنگین : ج ۲ ص ۸۲۷،

کوهک: ج ۳ ص ۹۴ ۲۰۹۰ كوه كليه: جبل الطارق. کوهگیلویه: ج ۲ ص ۹۶۸۰۹۲۲، ۹۶۸۰۹۵۲ \*10AA \*10TT \*10TF \*1019 \*4F9 -1154 - 1150 - 1100 - 1101 - 1101 10012 . 1444 . 1414 . 1410 TE 1424 - 1405 - 1504 - 1544 - 1545 کوہ لیبان شام : ج ۳ ص ۱۸۲۹ ، کوه نور : ج ۲ ص ۱۱۵۴ ، کوه پزینان: ج ۲ ص ۱۷۲۱ -کری (رلایت ــ) : ج ۲ ص ۱۵۰۱ ، ۱۶۰۸ ، کویت : ج ۲ ص کوير: چ ۳ ص ۱۳۴۲ . کوپرا: ج ۲ ص ۶۰۶، کویم (از توابع شیراز) : ج ۳ ص ۱۳۱۵ ۰ کهروالہ = نهروالہ: ج ۱ ص ۴۲۰، کیف: ج ۲ص ۵۹۰۰ کهندلو: ج ۲ س ۲۰۶۵، کھیلنا (قلعف) : ج ۲ ص ۱۹۹۰۰ کیانکسو: ج ۳ ص ۱۸۰۵ ۰ کیت (شہر ۔) : چ ۳ ص ۱۸۲۱ ۰ کیٹو(پایٹختاکواٹر) : ج ۱ ص ۵۶۵ : ج ۲ ص ۱۳۰۹ ؛ چ ۳ ص ۱۹۷۲ ، ۲۱۵۲ ، کیته(قلعمے): ج ۲ ص ۶۰۸،

کیجومکران = بمپور : ج ۲ ص ۹۰۸ ،

کیرچ(از بلادهند) :ج ۱ ص ۱۰۳

کیسوم (از توابع جلب) : ج ۱۳۳٬۱۲۲۰ ۱۸۰

کیدی(قلعمہ): ج ۱ ص ۲۱۵۰

کیران:ج ۱ ص ۱۲۱ ۰

کیش: ج ۱ ص ۲۴۲۰

کیف (شهر-) : ج ۱ ص ۱۳۴۶ ۳۶۱ ج ۳۳ کیفا (حصن۔): ج 1 ص ۲۸۲، ۲۵۷، ۲۹۲، ۲۹۲، کیل: ج ۳ ص ۱۸۶۸ ۰ کنیزبرگ: چ ۳ ص ۱۸۳۴ ۱۸۳۰ ۱ کیو(شهر۔)پایتخت روسیہ: ج ۱ ص ۲۸۲ :ٔ ج اس ۱۲۰۲، ۱۲۰۲ : ج ۲ سر۲۰۲۰ کیوسرهزارجریب: ج ۲ ص ۱۲۲۳ کے ۳ ص

. 1744

کال (معدن-) : ج ۲ ص ۵۹۹۰۵۹۲ : ځ ۳س .1150

گالاگو(بندرے): ج 1 ص ۴۸۵۰

¢184 گاناهانی (جزیرہے) : ج ۲ ص ۷۳۳۰ گانه(شهر\_) : ج ۲ ص ۱۹۲۱ ۰

گاندی: ج ۳ ص ۱۸۸۰ ۰

گاوہندی (بلوکس) : ج 1 ص ۴۶۷ ؛ ج ۳ ص - TooY

گاورود (قلعمــ) : ج ۲ ص ۶۸۰ کارنبر: ج ۲ ص ۱۲۹۸۰

گیلن (کارخانیہ)در فرانسہ: ج ۲ ص ۹۶۸ ۰ گھرات : ج ۲ س ۴۵۹،۶۶۸،۶۸۸، ۲۲۲۰

'ATT'ATT'Y 97'Y 97' 471'Y 5A 447.44.044.94.94.46.46.46.47

گچسر: ج ۲ ص ۱۹۰۸ ۰ گران استان ۽ ڀاسيفيڪ ۽ ۾ ٢ ص ٧٥٨٠ گراند هنل: ج ۳ ص ۱۹۸۰ گرایلی : ج ۲ ص ۹۵۹ ۰

گرجستان: ج 1 ص ۴۲۳۰۴۲۴؛ ج ۲ ص۶۵۷ ·YTT·Y19.952.559.550.549 744.644.444.444.444.664.664. 704.204.414.774.774.474 \*\*\*\*\*\*\*\*\* \* 4 1 T = 4 1 1 \* 4 0 4 \* 4 0 A \* 4 0 1 \* A 4 A . 977 . 977 . 970 b974 . 977 . 970 • 150 • 151 6161 • 174 6177 • 177 . 1077 - 10 14 - 10 17 - 10 01 - 194

1044.1044.1040 61044.1040 1110 - 117 - 1000 - 1007 - 1001 1144.1144.1141.1144.1144 1754 - 1754 - 370 1754 - 1754 1791 - 1790 - 1777 - 1757 - 1765 1070-1017-1017-10-0-1749 1044 - 1041 - 1040 - 1066 - 1044 -14-1-1544-1517-1646

گرجستانات: ج 7 ص ۹۲۴، ۱۱۲۸ و گرگ 🕳 کرک 🕳 ہوتان 🗦 ج ۱ ص ۱۳۰۰ گرگان: چ 1 س ۵۵،۸۵۰۵۸ ، چ ۲ س ۶۲۲

· 1105 · 1) TF · YT9 · YT4 · Y 0 Y ۱۳۲۲ - ۲۳۰ : ۱۳۰۰ : ۲۳۰ تا ۲۳۲۲ 1757 61757 . 1777 . 1770 . 1779 うとできょうてきるとうかたら vittaディシアルル 1544 1505 . 1545 61544 . 1014 1444 . 1440 . 1444 . 14 14 214 19 · ¥ 1 \$ 4 . T • 1 9

کرگانج = جرجانیه = گرگنج : ج ۱ ص ۳۱۱،

گرگانرود : ج 1 ص ۲۸۲ : ج ۲ ص ۹۸۶ : ج ۳ ص ۱۹۴۹،۱۹۱۱ ۰

گرکانرور ؛ ج ۲ ص ۱۷۳۵ -گرباندل: ج ۲ص،۹۱۴،

گرمرود آذربایجان: چ ۲ ص ۱۴۴۲ ۰ ۱۵۸۰ ۰ · 1775 · 1577

گرمسیر (بلاد۔) : ج ۳ ص ۱۴۵۰ ۱۴۵۰ ۰ گرمسیرات جرون: ج ۲ ص ۵۵۵، گرمسیرات فارس: ج ۲ ص ۱۹۳۲ ۰ کرناد ۔غرناطہ: ج ۲ ص۷۳۲:ج۳ص ۱۹۰۰ ۰

گرنشتاد : ج ۳ ص ۲۰۵۰ ،

گروائلاند : ج ۲ ص ۹۰۳ ،

گروس: چ 1 ص ۲۲۲۰۲۲۰ ۵۵۹۰۵۵۰ څ۲ ص ۱۲۲۸ ، ۱۲۵۶ ، ۱۲۸۸ ، ۱۲۹۵ ، ۲۰۹۲

ج ۲ ص ۱۳۲۶ ۱۳۱۰ ۱۳۱۰ ۱۳۱۰ ۱۴۱۰ ۲ · 1771 · 17 17 · 15 To · 104 - · 107 -

41997 · 1457 · 1477 · 1430 · 1417

· \* 1 \* 5 · \* 1 \* 4

گز(قصیمہ)در اصفہان: ج ۲ ص ۱۰۸۴ ۰ ٨١٠١: ٣ ٣ ١٥٩٩٠

گستن (شهر –) : ج ۲ ص ۱۲۰۴ : ج ۳ص ۲۰۲۷ . گسکر : ج ۲ ص ۹۲۳ ،۸۵۲ ،۸۵۲ . گلآباد (قریم –) : ج ۲ ص ۱۹۶۲ ،۱۰۶۳ ، ۱۰۹۳ . گلاتس (ابالت –) : ج ۲ ص ۱۱۲۹ .

کیانگان: چ.۱ ص ۱۹۲۰٬۱۲۹، ۱۵۸۰٬۵۲۷ تج ۲ص ۱۱۸۳۰٬۱۰۸۶۰٬۱۲۹۹۰٬۱۲۹۸۰٬۱۲۹۶۰٬۱۲۲۹ ۱۲۹۰۰٬۱۲۹۶۰٬۱۶۲۲۰٬۱۲۸۵۰ ۲۰۱۲۲۰٬۱۹۲۷۰٬۱۹۲۹ ۱۹۴۹ کستان قراباغ: چ ۲ ص ۲۲۲۰٬۱۹۲۰٬۹۲۲۰٬۸۰۲٬۹۷۰٬۸۰۲

ج ۲ ص ۱۵۱۰ ۱۵۱۰ ۱۵۸۰ ۱۵۸۰ گلوران: ج ۱ ص ۱۳۳۲ گلون آباد باصفهان: ج ۲ ص ۱۵۱۵: ج ۳

گلون آباد اصفهان: چ 7 ص ۱۹۱۵: څ ۳ ص ۱۱۲۵ -

گنایتو(شهو): ج ۳ ص ۱۸۸۳ . گنیدحسینقلی(ع): ج ۳ ص ۱۴۱۶ . گنیدعبدالعالیم (ع): ج۲ص۱۷۶۷ ، ۱۷۷۰ . گنیدعسکریین: ج ۳ ص ۱۸۹۶ ، ۱۸۹۶ . گنید قابوس: ج ۳ ص ۱۶۳۶ .

گنبد مطهر اهام رضا (ع): ج ۲ ص ۸۸۵، گنبدمطهرامیرالموامنین (ع): ج ۲ص۱۱۲۹، گنبد هرمان: ج ۳ ص ۱۲۵۱،

گندمان (منزل—) : ج ۲ ص ۹۶۵،۹۵۸،۹۶۹ مدو

گندمک: ج ۱ ص ۴۸۵؛ ج۲ص ۲۰۲۱۰۲۰۲۲ ۸۲۰۲۰

کنگ (رود ) : ج ۱ ص ۲۰۰۰ : ج ۲ ص ۲۵۵. گوا (شهر--) : ج ۱ ص ۲۵۴ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳. گراتمالا : ج ۱ ص ۵۶۵ : ج ۲ ص ۱۳۰۸ : ج ۳

حي 1417 -

گوادلوپ (جزیرہے) : ج ۲ ص ۹۳۰ . گوراندشت : ج ۳ ص ۱۴۱۲ ،۱۲۱ . گورلاند : ج ۲ ص ۹۳۸.

گوگ تپه: ج 1 ص ۲۸۷، ۴۹۰؛ ج ۲ ص۲۹ ۱ ۲۰ ۸۲۰ ۲۰

گوگجمتنگیز ، دنگیز (ساحل۔۔) : ج 7 س ۹۰۱ . ۹۱۲ : ج ۲ ص ۱۵۶۶ ،

> گوگجه پيلاق: ج ۲ ص ۱۴۹۵. گوليو: ج ۳ ص ۱۷۹۸.

گونی( از توابع ایروان): چ ۳ ص ۱۵۶۶ . گویان: چ ۲ ص ۹۱۹: چ۲ ص ۱۳۹۵ .

گیلان (گیلانات): ج ۱ ص ۵۱،۵۸،۲۸۲،

1647 • 16 • 6 • 1644 • 1645 • 1646 1647 • 16 • 6 • 1644 • 1645 • 1646 1647 • 1666 • 1667 • 1646 • 1646

1644 • 1666 • 1666 • 1646 • 1646 61417 • 170 • • 1647 • 1661 • 1604

1444 • 1447 • 1464 • 1474 • 1414 1414 • 146 • 1478 • 1446 • 1446

1774 • 1741 • 1741 • 1741

1440 • 1455 • 1450 • 1404 • 1400

1917 · 1910 · 1907 · 1907 · 1448

1977 · 1974 · 1976 · 1977 · 1919 1996 · 1977 · 1971 · 1964 · 1907

Tofy.Topp.ToTA.ToT1.To14

AF07+00(7+V0(7+7117+7117

T174-T177-T177-T177-1176

. 4066.4040.4041.4014

گيند(ايالت) : ج ۲ ص ۹۰۵،۹۰۲ ،

Ĵ

لابرادر(اراضی-): ج ۲ ص ۲۲۴. لاجه(=لاهه) ج ۱ ص ۵۶۲: ج ۳ ص۲۹۴ لار(غیر از لارفارس): ج ۳ ص۲۹۹۲ ۱۴۰۲ ۱۴۵۰ ۱۴۹۶ ۱۴۴۲ ۱۴۲۵ ۱۴۲۴

درجان (معمد) . ج ۱ من ۲۲۰،۹۳۰،۱۱۵۳،۱۲۰،۱۱۵۳،۹۳۰ لارستان فارس: ج ۲ من ۱۹۹۵،۹۳۰،۱۲۲۲،۱۲۲۵،۱۲۲۹

لاریجان: ج ۲ ص ۱۸۸۱ ۹۳۸، ۹۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۸۹۲، کلاحجود: ج ۲ ص ۱۸۹۲،

لالمزار: ج ٣ ص ١٧٢٢،

لاهور هند : ج ۱ ص ۹۹ : ج ۲ ص ۱۹۹۰ ۲۲۲۱: ۲۷۲، ۲۷۰ ۲۰۰۰ ۱۹۹۰ ۱۹۹۰ ۲۹۲۱: ج ۲ ص ۲۷۹۱ ۲۶۹۲ ۱۶۹۲ ۲۹۹۱ ۲۹۷۱ ۲۵۸۲ ۱۹۹۲

لاهیجان: چ 7 ص ۲۲۰٬۲۷۰٬۶۵۸٬۳۲۶، ۲۵۴٬۴۲۱۱: چ ۲ ص ۱۸۲۱٬۵۲۸، ۱۱۹۱۰٬۲۰۰،

> لایجان: ج ۱ ص ۲۷۸. لایجن: ج ۱ ص ۲۷۸.

لبنان: ج ۳ ص ۱۶۶۴ ، ۱۶۸۴ ،

ليزيك: ج ٣ ص ١٥٢٥ ، ١٨٣٥ ،

لتيان: ج٣ ص ١٨٩٧ ،

7741 • 6741 • 7741 • 7741 • 7741 • 7441 • 7441 • 6441 • 6441 • 6441 • 74

لرستان فیلی: ج ۲ ص ۱۱۶۶ ، ۱۱۶۷ ، ۱۱۸۳ ۱ ۱۲۲۲ ، ۱۲۹۵ ، ۱۱۹۶ ، ۱۲۲۲ ۱۲۰۰ و ۱۲۲۲ ، ۱۲۹۳ ج ۳ ص ۱۵۶۹ ، ۱۶۹۴ ، ۱۶۹۳ ،

لرکوچک: چ ۲ ص ۱۹۵۰،۶۶۸ (۱۹۹۰،۸۹۱،۹۹۶ لرنفرانسه(ایالت...): چ ۱ ص ۲۲: چ ۲ ص ۱۹۳۱،۶۸۷؛ ۱۹۳۲: چ ۳ ص ۱۵۲۷،۱۹۳۰،

لزوز (قریمہ) : ج ۳ ص ۱۸۹۶ ، لشتہ نشا : ج ۱ ص ۵۵۲ ؛ ج ۲ ص ۱۲۸۹ ؛ ج ۳ ص ۲۱۱۳ ،

> لف چا : ج۳ ص ۱۹۷۴ . لکاپ رين : ج ۲ ص ۷۳۰ .

لكاپ وناميت : ج 7 ص ٧٣٠،

نمباردی(ایالت—)در ایطالیا : ج ۳ ص۱۴۲۶ ۱۸۲۸ ، ۱۸۱۸ ، ۱۷۰۷ ، ۱۸۲۸ ، ۱۸۱۸ ، ۱۸۲۸

لبنان امفهان: ج ۲ ص ۱۵۶۶ ۰

لن شان: ج ۳ ص ۱۹۸۱ لنکاهان ملتان (شهر۔۔): ج ۳ ص ۴۹۷۰ لنکران (قلعم۔): ج ۳ ص ۱۵۹۲۰۱۴۹۵۰ ۱۲۰۳۰۱۵۹۳۰۱۵۹۳۰۱۵۹۳۰۱۵۹۳۰۱۶۹۲۰

لنگرود : ج ۲ ص ۱۷۱۴ -لواسان : ج ۲ ص ۸۲۹ ۱۸۳۰ ۸۸۸ : ج ۳ ص ۱۸۹۲ - ۱۶۸۲ ۱۶۸۲ - ۱۷۸۸ ۱۸۹۱ - ۱۸۹۷

لوتزن: ج ۲ ص ۱۵۲۲ • لوشان: ج ۳ ص ۱۵۴۵ • ۱۹۱۵ • ۱۹۴۵ • لوط(= لوت): ج ۲ ص ۱۴۱۳ •

لوکتامبورغ (قصر۔)در ہاریس: ج ۲ ص۱۹۹۰،

717-1179 3 TW PAAL-17AL-

لوور (عمارت) : ج ۲ ص ۶۸۱. لوئیزبان (ایالت) : ج ۳ ص ۱۸۸۳۰۱۴۲۰ لهاورهند : ج ۱ ص ۴۳۰۰۴۲۲۰۳۸۵.

> ۱۸۶۹ - ۱۸۶۹ - ۱۸۶۹ - ۱۸۶۹ لیانت (خلیج - ) ، ح ۲ ص ۵۵۷ ، لیبان : ج ۲ ص ۱۸۷۹ ،

لىيرما (از افريقا ) : ج ٣ ص ١٧٥٢ ، ١٧٥٣ . ليتنى : ج ١ص ٥٥ : ج ٣ ص ٧٢٧ . ليتوانى : ج ٣ ص ١٤٠٩ .

ليز (شهر-): ج ٣ ص ١٩٤٢ ،

ليزبن ،ليسبان (شهر ـــ)يايتخت پرتوغال :

5 1 to 197:196:57 to 109: 678:6611:9011:8071:57 To 7871:4861:8091:8191:1741 0741:1641:8441:8841:4441

لیسی: ج 1 ص ۶۰؛ ج ۳ ص ۱۸۲۸ . لیما (پایتخت پرو): ج 1 ص ۲۸۹ ، ۴۹۰ ۵۶۵: ج ۲ ص ۲۹۰ ۱۱۲۲ ، ۲۹۰ : ج

> ۳ ص ۱۵۳، ۱۵۳۰ · لینی: ج ۳ ص ۱۵۳۲ · لیوادی: ج ۳ ص ۲۰۰۰ ·

لیوبولد : ج ۳ ص ۱۶۶۱ . لیوریول ، لیوریل (بندر انگلیس) : چ ۳ ص ۱۹۲۲ ، ۱۸۷۸ ، ۱۷۹۹ ، ۱۹۷۵ ، ۱۹۷۵

لٹون ، لیون (شہر۔۔)در فرانسہ: ج ۱ ص۲۰۱ ۲۰۰٬۳۰۶: ج ۲ص ۶۱۰:چ۲۳س۲۴۰۴ ۲۰۲۹،۱۶۰۹،۱۵۲۱

لٹون ارمنی: ج 1 ص ۳۵۱۰ لٹونی: ج 1 ص ۴۲۱،۳۰۸؛ ج ۲ ص ۴۶۱۰ ۴۹۹،۷۲۷

للونيم (مطنای در رم ) : ج ۱ ص ۱۹۵ .



ماناو : ج ۳ ص ۱۲۰۲ . مانن : ج ۳ ص ۱۹۹۸ .

ماچين : ج ۲ ص ۱۹۹۷ ، ۱۹۲۵ ؛ ۹۴۵ ؛ ج ۳ ص ۱۹۹۱ - ۱۸۹۱ ، ۱۸۹۲ ، ۱۹۹۲ ، ۱۹۹۲ ،

ماحوره: ج 1 ص ۱۹۸.

ماداگاسکار ، ماداگاسکر (جزیرہ۔) : ج ۱ ص ۵۶۴ ٔ ج ۲ ص ۱۹۹۹،۷۴۹ ، ۲۰۵۱ ٔ ج ۲ ص ۱۸۲۸ ، ۱۸۷۱ ، ۱۸۸۸ ، ۲۰۵۱ ،

مادرید (پایتخت اسپانیول): ج ۱ ص ۲۴۷، ۱۹۶۱: ۲۰ ت ۲ ت ۲۴۲،۲۳۲، ۲۴۹، ۲۴۹، ۲۹۳ ۱۹۹۱: ۱۹۹۱: ۲۰۲۱: ۲۰۳۲: ج ۳ ص ۱۴۹۲ ۱۹۶۱: ۱۵۲۱: ۱۵۲۱: ۱۵۲۸: ۱۹۶۸ ۱۸۷۲: ۱۹۶۸: ۱۹۶۸: ۱۹۶۸: ۱۹۶۸: ۲۱۴۷:

> مارانگ: ج 7 ص ۱۴۵۹ . مارييج: ج 7 ص ۸۹۲.

مارتینگ (جزیرہ۔) : ج ۲ ص ۱۶،۷۴۴ ، ۱۰۱۶،۲۲۳ ماردین (قلعف۔) : ج ۱ ص ۲۲۲،۲۲۰،۴۲۳ ،

ماردہ(از بلاد اندلس) : ج 1 ص ۲۸۰. مارسیل: ج 1 ص ۱۵۲۵: ج ۲ ص ۱۰۱۶. ۱۲۶۸: ج ۲ ص ۱۴۱۱ ۱۶۳۴، ۱۸۰۱

مارق: ج 1 ص ۵۶۴؛ ج ۲ ص ۱۳۰۷؛ ج ۳ص

-1101

مارک: ج ۱ ص ۱۳۵۸، ۱۳۵۰، ۱۹۹۳، ۲۹۳، ۲۱۹ : ج ۲ ص ۱۶۹۷، ۱۶۹۶ : ج ۳س۱۶۷۶ ، ۱۶۹۷ ۱۹۹۸ .

مارکیر (جزیرفس) : ج ۲ ص ۲۹۴، ۱۰۱۶ . ماریلان (شهر ـــ) : ج ۳ ص ۱۸۳۹ . مارینیان ایطالیا (دشت ) : ج ۲ ص ۲۶۳. مازندران: ج ۲ ص ۴۴۲، ۲۹۴، ۵۰۴، ۵۰۴، ۵۰۴،

· 001 · 075 · 077 · 077 · 075 · 005 ۵۵۹: چ ۲ ص ۱۵،۶۱۶،۶۲۲،۶۲۲ · 904 · 901 · 901 · 951 · 957 · 979 1411,400,614,640,664,660 · 从FA · AYA · AoF · YFY · YF△ · YTY 144.644.444.064.000.4000 . 941 . 944 . 944 . 941 . 914 . 904 6 970,962,967,986,988,997 \$1097 . 1070 . 1075 . 10 15 . 9YT 1371-1375-1370-1370-1090 1104.1104.1100.1144.1144 1146 11144 61141 1150 61100 1775 - 1774 - 1777 - 1705 - 1141 1775 - 1774 - 1755 - 1754 - 1709 • 1700 · 1114 · 1114 · 1179 1844 · 1845 · 1845 · 1876 » 8 2 1804 - 1800 - 1804 - 1801 - 1800 174451747, 1755, 175751709 1797 . 1797 6 1797 . 1522 6 177 9 147244064140441401417996 1444 • 1444 • 1454 • 1404 • 1444 1044 . 1044 . 1044 . 1044 . 10 . Y 1579,1577,1504,1097,1044 1504-1544 - 1544 - 1545 - 1541 6 17 14 . 17 17 . 17 17 . 1595 61594

بازلان (تنکم): ج ۲س ۱۸۶۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۸۴۰، ۱۴۹۳، ۱۴۹۳، ۱۴۹۳، ۱۴۹۳، ۱۴۹۸، ۱۲۸۰، ماتفور: ج ۳ ص ۱۷۸۰، ۱۲۸۰، ماکو: ج ۳ ص ۱۹۶۰، ماکو: ج ۳ ص ۱۹۶۳، ۱۸۶۰، ماکو: ج ۳ ص ۱۹۶۳،

ماڑانتا : ج ۳ س ۱۸۱۷ .

مالایا (جزایر۔) : ج ۱ ص ۱۹۵ : ج ۲ ص۲۳۷ ۱۹۹۸،

طلاکا: ج ۲ ص ۱۲۰۱۲۰۱۲۹۲۰۱۳۱۰۲۰ مالانکا: ج ۲ ص ۲۶۱،۵۴۹۰ مالاکا: ج ۱ ص ۴۹۰.

مال امیر : ج 1 ص ۱۱۶۴ ۰ مالت (جزیرہ) : ج 1 ص ۱۸۵۱ : ج ۲ ص

۱۸۱۸،۱۲۷۰،۱۲۵۹،۱۲۵۱، مالمبو (جزیر سے): ج ۲ص ۲۹۲، مالومھند: ج ۲ ص ۶۵۹،۶۶۹،۶۹۰،۷۴۱،۷۴۱، ۲۸۷،۸۲۷،۱۲۷،۸۲۷،۲۲۲،۲۲۸،۲۲۸،

۹۰۲۰۸۷۳ ماموله: چ ۱ ص ۳۸۱۰ ماناگا: چ ۱ ص ۵۶۵: چ ۲ ص ۱۳۰۸، چ۲س ماناگا: چ ۱ ص ۵۶۵: چ ۲ ص ۱۳۰۸، چ۲س

> مانتو: ج ۲ ص ۱۳۴۵ ، مانه: ج ۲س ۱۶۸۸ ، ۱۶۸۸ ،

مانيل (جزابر۔) ، ج 1 ص ۴۸۷ ، ج۲ ص ۸۵۱

ماورا النهر ' ج ( ص ۹۲، ۹۵، ۹۷ ، ۹۹ ، ۹۹ ، ۱۱۳، ۹۹

ح ۲ ص ۱۷۵۰ ۱۸۵۲ ، ۲۰۱۳ ، ۲۰۱۳ ، ماورا الزاب : ج 1 ص ۲۰۵۸ ،

١٣٣٩ : ١١٣٦ - ١١٣٤ : ج ٣ ص ١٣٣٩

۱۳۶۳ ، ماهاند(قلعمــ) : ج ۲ ص د۶۶ ،

مادسند اُرچ ۱ ص ۳۸۵. مادکوفدا چ ۱ ص ۲۲۰. ماهورمهلاتي اُ چ ۲ص ۱۶۵۴.

ماهی دست : ج ۲ ص ۱۱۲۹ ،

مایانس(شهرس) : ج ۲ ص ۲۰۰۲؛ ج ۳۳۵ ۱۴۲۲ ۱۹۴۲ - ۱۹۴۲ -

مجمع المروح: ج ۲ ص ۲۰۹۰ مجلات قم: ج ۱ ص ۵۲۷ ، ۵۶۰ ک ج۳س۱۱۴۳ ۱۶۲۶ ، ۱۸۳۷ ک ۴ ص ۱۲۹۶ ک ج ۳ص

محمدیه (شهر – ) : ج ۱ ص ۲۴۱، محمره: ج ۲ ص ۱۲۹۸ ۱۲۹۴۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۹۸ : چ۲ص۱۶۴۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۲۲۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۹۲۰ ۱۲۹۸ ، محمود آباد ج ۲ ص ۱۲۶۶ چ ۲ ص ۱۵۲۵ ،

> ۱۶۴۱ . محمودآبادجام : ج ۳ ص ۱۶۱۱ . محمودی: ج ۲ ص ۸۲۱ . محولات : ج ۳ ص ۱۶۶۱ .

محیط: ج ۲ ص ۷۵۸؛ ج ۲ ص ۱۷۵۳ . محیط شمال: ج ۲ ص ۹۰۳ .

محيط كبير : ج ٢ ص ١١٥٩٠.٢٥٨ . مخاضه الاحران (الاجران ) : ج ١ ص ٢٠٥٠.

مختارہ(شہر۔۔) ؛ شہرج 1 ص ۲۱۲،

ج ۲ ص ۱۹۶۱ ، ۱۷۵۰ ، ۱۹۶۱ ، ۱۹۶۱ ، مدرسهٔ چهارباغ : ج ۱ ص ۱۵۱۴ ، مدرسهٔ حظیه(در قاهره) : ج ۲ ص ۶۲۵ .

مدرسهٔ خواثونید: ج ۲ ص ۹ ه ۶۰ مدرسته دارالشقا (در طهران) : ج۲س۱۶۲۱ . مدرسه دارالفنون = دارالفنون : ج ۲۳۶،۰۰۰ ۲۶۴ ج ۲ ص ۱۲۲۶٠ مدرست دولتی تبریز : ج ۱ ص ۲۶۷،۲۶۷ . چ ۲ س ۶۴۷، ۱۲۸۰ : چ ۲ س ۲۰۰۷، . 1711 مدرسة سالرن: ج 1 ص ۳۵۵، مدرسه عصرونيه حلب ! ج ۲ ص ۶۲۳. مدرسة فلكيه أج 1 ص ٢٢١، مدرسة كردو : ج 1 ص ۲۸۶، مدرسه گوهرشادآغا (در هرات) : ج ۲ ص مدرسة مروى : ج ٣ ص ١٥٢٢ -مدرسها مستنصريه! ج 1 ص ۲۲۴. مدرست مظفریت: ج ۲ ص ۶۴۵ ، مدرسة نظام تبريز ً ج ٢ ص ١٢٩۴ ـ ً ج ٣ ص مدرسهٔ نظامیه(بغداد ) : ج ۱ ص ۲۲۱، ۲۶۰ مدرسه و خانقاه سلطان حسين: ج 2 ض1929، مدرسه همایونی اصفهان : ج ۲ ص ۱۱۸۹ ۰ ١٢٩٧ : ج ٣ ص ٢٢٥٢١ ، ١٢١٢٠ مدرسة هنديه: ج ٢ ص ١٥٥٣ ، مدينتا ابن هبيرة: ج 1 ص ١٤٢٠ ، مدینه جرجر : ج ۱ ص ۴۲، مدینت طیبہ: ج 1 ص ۲۱ تا ۲۹،۲۹،۲۹ تا \*\*\*\*\*\*\*\* \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 54.51 00.05.00.01.01.F9 144.40 EXENT BAYA PAL 1101-100-14-19-97-91-49 179-174 6 171-114-111-106 \*171 . 151 . 107 6104 . 101 . 14. PAC . TCT . TYT . TYT . TOT . DOT. \$67.747.787.487.607.617. · \$ 1 7 · \$ 1 0 · \$ 0 7 · \$ 5 1 · \$ 5 0 · \$ 1 7 1011.414.414.416.714.746

مدینه مصیصه: ج ۱ ص ۱۳۸۰ مدینه منصور: ج ۱ ص ۱۷۲۰ مر(ایالت=)دریونان: ج ۲ص ۱۰۱۵: ج ۳

· 1541 · 1451

1740010 7111 - 7 WOY1

ص ۱۵۵۳ -مرادتید: ج ۲ ص ۱۹۳۲ -مراد(حصن): ج ۱ ص ۵۹ -

۲۱۴۰۰۲۱۳۳۰۲۱۲۱ مراکش: ج ۱ ص ۲۰۱۹۴۰۹۴۰ ۲۲۵۰۲۲۵۰ ۱۸۹۰۳۰۸۶۰ ۴۳۹۰۴۲۶۰۴۲۰ ج ۳ ص مراوی (ایالت–): ج ۱ ص ۴۸۸: ج ۳ ص ۲۰۱۳۰۱۴۹۶

مرح در روم ، ج ۱ ص ۴۱۰ مرج در روم ، ج ۱ ص ۴۱۰ مرج الحفر : ج ۱ ص ۴۳۲ . مردانقوب <sup>-</sup> ج ۲ ص ۹۱۲ . مرزبان : ج ۲ ص ۵۸۲ . مرعش(مرغش) : ج ۱ ص ۱۵۲۰۱۱۵۰۹ ،

461.549.50 7 0 7 0.5174 1954.175 3 70 75.175 1964.175

مرغاب : ج ۳ ص ۱۳۲۸ ، ۱۴۰۳ ، ۱۴۰۳ ، مرغابید : ج ۳ ص ۱۳۸۸ ، مرغابید : ج ۳ ص ۱۳۹۸ ، مرقب (حصن ) : ج ۳ ص ۱۳۹۸ ، مرقد حضرت علی (ع) : ج ۳ ص ۱۹۳۹ ، مرقد علی بن موسی الرضا (ع) : ج ۳ ص ۲۹۹۹ ، مرقد علی بن موسی الرضا (ع) : ج ۳ ص ۲۹۹۹ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ،

مرقش: ج ۳ ص ۱۸۱۶ • ۱۸۲۱ • ۱۸۲۶ • ۱۸۲۷

۱۸۲۵ ۱۸۲۵ ۱۸۶۴ ۱۸۶۹ ۱۸۲۵ ۱۸۲۵ مرگور: ج ۱ ص ۲۷۸: ج ۲ ص ۱۱۸: ج ۳ ص ۱۱ ۲۰۱۱

مرنجاب: ج ۲ ص ۱۱۵۵ . مرند آذربایجان (شهر۔۔) : ج1ص ۳۵۴،۱۹۲ ۵۴۹ : چ ۲ ص ۱۵ ۲۰ ۶۰۸۰ ۲۰۸۰ ۹۳۴۰ 1471.1511. 370 3761.1741 2741,7551.4707,7707,7717. مرو: چ ۱ ص ۳۲،۹۵۰ ۲۸،۲۶،۶۲،۹۲،۹۳،۹۳،۹۳،۹۳،۹۳،۹۳،۹۳،۹۳،۹۳ 174.174.110.117.107.94.90 ۶۸۰ ۲۸۲ ۲۲۰ ۲۲۰ ۴۲۰ ۲۲۰ . ج ۲ ص ۵۸۶ 444. \$44. \$14. \$14. \$14. \$14. \*YAT \*YYT \*YYF \*YAT \*YAT \*Y4T 144.701.419.978.779.009. 1144.1117.11174.1174.901 1757-1757-1705-1777-1777-177-1440.1444.1444.1440.1454 1444 . 144 1 . 1445 . 1444 . 1006 1744 61764 . 1764 . 1749 . 1746 1475 - 14 - 7 - 1448 - 1451

مرو رود : ج اص۱۹۰۹۱۱۰۲۱۱۰۲۲۰۱۲۰۲۱ ۲۳۰

مروشاهیجان: ج ۱ ص ۱۳۲۱: ج ۲ ص ۱۹۱۸، ۱۳۴۰ ۱۳۴۰: ج ۲ ص ۱۳۲۲، ۱۳۲۹، ۱۳۴۵ ۱۸۲۶، ۱۸۲۶، ۱۳۳۳، ۱۳۶۶، ۱۸۲۵،

> مروه: ج ۱ ص ۲۳۳، مروین: ج ۱ ص ۵۵۰ مریس(جزیره—) : ج ۲ ص ۱۵۱۶.

مربوان: ج ۲ ص ۹۰۸، ۱۲۸، ۹۲۵ ج ۳ ص

مریونان : ج ۳ ص ۱۵۹۶ ، ۲۸۹ ، ۲۸۹ ، ۲۸۹ ، ۲۸۹ ، ۲۸۹ ، ۲۵۹ ، ۲۸۹ ، ۲۵۹ ، ۲۸۹ ، ۲۵۹ ، ۲۸۹ ، ۲۵۲ ، ۲۵۲۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۳ ۲۵۳ ، ۲۵۳

مزل (رود۔) : ج ۲ ص ۱۴۲۲ ،

مزينان : ج 1 ص ۵۵۰ ؛ ج ٢ ص ص ١٢٨٨ ؛ ج ] صبحه سرزا جهانشاه تبريز : ج ٢ ص ٢١٢٠. ٠ ١۶٨٥ ، ١۶٨٢ ، ١۶۴١ ٣٠ مستار (شہرے) : ج 7 ص 1951 . مسجداملام (در بیتالمقدس) : ج ۱ ص ۴۸. مسجد اقصی: چ ۱ ص ۳۵۳: ج ۲ ص ۷۴۲، · 116.444 مسجد اياصوفيا : ج٢ص ١١٥٣ . سجد بردی (نزدیک شیراز) : ج ۳ص۱۴۱۵ ، مسجد جامع احمد بن طولون (در مصر): ج

> . 114:110 00 1 مسجد جامع ادرنه! ج ۲ ص ۶۹۲. مسجد جامع اصفهان: ج ۲ ص ۶۹۶؛ ج ۳س

مسجد جامع آيروان: ج ٣ ص ١٤٧٢ . مسجد جامع برو ! ج ۲ ص ۶۶۶ . مسجد جامع بقداد : ج 1ص ۳۴۵. مسجد جامع سلطانی (طهران ) : ج۲ص۹۹۵ مسجد جامع سليمانيد: ج ٢ ص ٨١١. مسجد جامع عمر و بن عامي: ج 1 ص ٢٣٧. مسجد جامع غربی. ج ۽ ص ٢٥٠. مسجد جامع قزوین ' ج ۳ ص ۱۴۳۷ . مسجد جزيرہ! ج ١ ص ١٩٨. مسجد جمعد هرات: ج ۲ ص ۶۸۹. مسجد دستق: ج 1 ص ٣٤١؛ ج ٢ ص ٥٨١،

مسجدالحرام : ج 1 ص ۱۳۲۰۸۵۰۵۴۰۶۰ ۲۴۳،۱۶۶،۱۵۵ څ ۲ ص ۱۱۱۶. مسجد حضرت رسول (مسجد النبى)! ج1ص 17.00.44.44.100.44.44.00.41 .491 - 100

مسجد سپہسالار ؛ ج ۳ ص ۲۰۴۲ . سجد سلطانی اسلامبول! ج ۲ ص ۹۵۲؛ ج . ۲ ص ۲ ۲ ه ۲ ، ۲

مسجد شاہ اصفهان ٪ ج ۲ ص ۵۰۵ . مسجد شیخ ابوتراب : ج ۳ ص ۱۶۷۱ . صحد فرار : ج۱ س ۲۹. مسجد قبأ: ج 1 ص ۲۱، مسجد قرطبه: ج اص ۱۶۱. مسجد قروین : ج ۳ ص ۱۶۸۷ ، مسجد کوفد: ج ۱ ص ۱۲۱؛ ج ۲ ص ۹۱۸، ۹۲۸ ؛ چ ۲ص ۱۶۷۰ مسجد گوهرشاد : چ ۲ ص ۲۵۷. مسجد ملک (در کرمان) : ج ۲ ص ۱۹۵۴ ،

مبدارہ: ج ۱ ص ۱۳۱۰ مسقرا: ج ٣ ص ١٤١٩٠٠

مسقط: ج ۲ ص ۱۵۵۸ ۱۱۷۸۰ ۱۱۷۹ : ج ۳ ص ۱۷۵۷ ، ۱۶۸۴ ، ۱۶۴۷ ، ۱۵۰۰ ص 1404.1448.1444.3440.1444 مسکن: ج 1 ص ۲۶،۷۷،۹۶،

مسکوء صفو (شهر۔) : ج ۱ ص ۲۸۵ ، ۲۸۷ ، ۲۹۰۰۲۴۶ . ۲ ص ۱۱۲۱ ۱۱۲۵۰۱۱۰ ۱۲۰۸،۱۲۰۴ : چ ۳ ص ۱۵۳۸،۱۲۰۴ 1404 . 1544 . 1500 . 1044 . 1054 1979 - 1957 - 1851 - 1877 - 1789 T-DoiTeTA:ToTT-Tool:Too مسکوا (رود۔) : ج 1 ص ۳۸۷؛ ج ۲ ص ۹ ۱ ع \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 11044.100T.944.950.401

1001،1001: ج ۲ص ۱۵۰۷، مسيب: ج 1 ص ۵۳۴. ج ۳س۱۲۶۲، ۱۲۶۶. صيله؛ قم : ج ۲ ص ۱۵۲۹ ، ۱۸۹۹ ،

مسين أج ٢ ص ١٨٣٤٠ ١٧٧٤٠ ١٨٣٤٠ . مسینی (کوم) : چ۳ ص ۱۷۹۹ ، مش (شهر ــ) : ج ۲ ص ۱۲۲ ، ۱

مشكين: ج ١ ص ١٤٠٠ ج ٢ص١٢٣١٠١٢٢١ 14 17 . 14 . 8 . 14 . 1 . 10 . 8 . 7 T 1944 - 1446 - 1441 - 4441 - 4417 てきそのはのみないてのみりいてのシアングラキニン

مثلل: ج 1 ص ٢٨.

مشهد باب النهن: ج ١ ص ٢٣٥٠ مشهدالحسين (در مصر) : ج 1 ص 33. مشهد سر: ج ۱ ص ۵۵۰؛ ج ۲ ص ۸۸۲،

1717 - ۱۲۸۶ : چ ۳ ص ۱۹۵۸ - ۱۲۲۶ مشهد مرغاب ۽ ام النبي: ۾ ٣ ص ١٤٥٣ . مشهد مقدس: ج ۱ ص ۲۹۱،۱۱۱ متهد 000،100: ج ۲ ص ۹۰۶۰۹۰۶۷۹۰۵۰ 449.444.444.444.444 · AFF · AFT · AFA · A0 1 · Y2 a · YAA \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 444.764.364.464.764.766 . 944 · 977 · 974 · 977 · 977 · 911 149. 149. 4290 049. 749. 149. 1071:1077:1077:1019:1001 1378.1174.1044.1044.1044 1104,1144,1144,114751141

۱۹۹۲ ، ۱۲۶۶ ، ۱۲۸۵ ؛ ج ۳ ص 1777 - 377 - 1757 - 1769 - 1705 1401-1444-1444 . 1444 . 1444 10-1-1464-1464-1464-1401 144 - 1474 - 1470 - 1414 - 1414 1510.1091.1097.1057.1005 1828-1868 - 1812 - 1818 - 1817 [ 1400 61244 1240 1244 1244 1444 : 1444 : 14 14 : 14 0 5 : 14 0 9 1444 . 1444 . 1450 . 1400 . 1441 1497 • 1477 • 1457 • 1451 • 1477 ToTF+ToTF+19FF+19FT+1A9F 

> مشہد موسی بن جعفر : ج 1 ص ۲۹۱. مشیکان: ج ۳ ص ۱۸۰۱،

مصر: ج اص ۲۰۱۰،۱۶،۱۲،۲۲،۸۹ناه۵،۵۲ 71.54.57.57.51.69.47.64 74. 64. 44. 64. 74d 64. 44. 44. . 15T : 13Y : 11F : 13T : 10T : 100 \*110 . 174 . 177 . 170 . 177 . 171 , 15T 6150 , 10Y , 10T 6100 , 1Th \* 1 L P \* 1 L T \* 1 L 1 \* 1 Y L \* 1 F 9 \* 1 F F . To 9 . TOY . YOF : 195 : 190 : 190 6770.7716714.7196717.710 777-677.471.477.777.767 LTST . TS 1 LTG 1 . TGY LTGG . TGT L794.798.797.749.744.76 1710170717071707170717171 777. 7776 Y77. 7776 Y77. 777 . TF0 . TOO . TOT . TOO . TTA LTTF \*TAY . TAF . TYF . TYO . TY . TFF 6417.40x.4086444.444644 Lfrq, frf bfrf, fr7, fro bfyy . 436 L440 . 44x L444 . 444 . 441 : DFY . DYF . 491 . 454 . 451 L4DA ج ٢ ص ١٨٥٠ ١٩١٩ ١٢٠٥٠ وتا ١٤٠٤ م ١٩ 544.544 PLY 124.545.540.544 P 641 6644.644 6644.649.645 ti ,551,555,550,501 465,504 

"YTY .YTY .YTY .YTA .YTY .YOY

"YTS .YTT .YTY .YTA .YTY .YTY

"1 15Y . 11 15 .YY 1 .YSA DYS1

"T 2 . 1TOY . 1TAB . 1TS1 . 1 15A

1TA9 . 1TAB . 1TA1 . 1TSS DITST

1FA9 . 1TAB . 1TA1 . 1TSS DITST

1FA9 . 1FA1 . 1FA1 . 1FY0 . 1FST

1FA9 . 1FA1 . 1FY . 1FTA . 1ATS

1YA0 . 1YSA . 1YA1 . 1YT1 . 1SST

1A1F . 1A1T . 1A0Y . 1A00 . 1YA9

1A5T . 1A6A . 1ATY . 1ATS . 1ATY

19TA . 191T . 191T . 1A9 . 1A5

\*\*TOT . TOT DITO TOTY

مصاف (قلعف) : ج ۱ ص ۲۰۲۰۲۰۲۰ ج7ص ۸۸۸۰

معیح: ج اص ۲۶،۲۵،

مصیحہ: ج ۱ ص ۱۶۳۰ ۱۶۳۰ ۱۶۳۰ مضجع حضرت رسول (ص) : ج ۱ ص ۲۹۳۰ مطامیر (در روم ) \* ج ۱ ص ۱۲۱۰

مطبوره(از توابع آنقره): ج ۱ ص ۱۶۴ ۱۲۰۰ ۱۲۰ معرد: ج ۱ ص ۲۰۸۰ ۳۵۲ ، ۳۵۲ ، ۴۰۸، ۴۰۸

معر والنصان : ج ۲ ص ۶۳۰،

متصومه(بقعهٔ ) : ج ۲ ص ۹۷۱ ، ۱۰۱۴ ، ۱۰۱۰ معموره(مدینهٔ مصیصه) : ج ۱ ص ۱۳۸ ،

مغان(موقان): ج اص ۱۸۵۰۵۱ : ج ۲ ص ۱۱۱۶۰۱۱۱۲۰۹۳۷۰۶۶۸۰۶۴۲۱۶۰۳ ۱۱۲۸۰۱۱۲۴۰۱۱۲۹۰۱۱۲۷۰۱۱۲۷

1911: 3 To 1911: 1981: 1961:

- 1744

> ج ۲ ص ۱۶۵۵ -مغرب افریقا : ج ۲ ص ۲۱۲ ،

مغرب اقصی: ج 1 ص ۲۳۶ء مغولستان: ج 1 ص ۴۲۵، ۴۵۲، ۴۵۲: ج ۲ص · FA · · FTF · FTF · F 1 · · 64 · · 6 AT · FAT · FAT · FYY · FYT · FAT · FAA ۶۸۶، ۲۳۴، ۷۲۷، ۷۵۵؛ چ۲۰۰، ۱۲۳۴ ۰ مقابر فریش: ج ۱ ص ۲۶۹، مقبرہ ابوحنیفہ: ج ۲ ص ۹۳۹، مقبرہ احمد : ج ۱ ص ۲۳۵۰ مقبرہ پہلوان محمود فتالی: ج 2ص1489 ، مقبرہ حافظ! ج ۲ ص ۱۰۲۶ ، مقبرها ژوزف دويم ، ج ٣ ص ١٤١٤ ٠ مقبرہ سلاطین ؑ ج ۲ ص ۶۵۲، مقبرة سنقر : ج 1 ص ۲۰۶ ، مقبرة سيدالشهدا؛ : ج 1 ص ١٩٢ -٢٥٥٠، مقبرة شافعي! ج 1 ص ۴۰۲. مقبرہ' شیخ طبرسی: ج ۲ ص ۱۶۹۵ ، مقبرہ عیسی (ع) (در اورشلیم): ج ۱ ص 150 : ج ۲ص ۱۸۸۰ ، مقبرة ملامحمد سراب! ج ٢ ص ١٤٥٨ -مقدونيه: ج ۲ ص ۶۸۳؛ ج ۲ ص ۱۶۶۴ ۰

۱۹۹۰ ، مقصود ہیک (منزل\_)در راءفارس: ج ۳ ص ۱۷۳۱ ، مقطم (کوف): ج ۲ ص ۴۵۲ .

مقنا : ج 1 ص ۲۹۰

مكدن: ج ۲ ص ۱۵۲۶ ۱۵۱۰ ۱۵۱۰ ۱۴۲۲ ۲۰۰۰ . مكران: ج ۱ ص ۱۵۰۵۵ ۱۵۱۰ ۱۵۲۰ ۲۰۰۰ ۲۳۲۱ ، ج ۲ ص ۸۰۹۰۵ ۱۰ : ج ۲ ص ۱۷۲۶ ،

۱۷۹۵ - ۱۷۹۵ - ۱۷۹۵ مکری: ج ۲ ص ۱۷۱۵ - ۱۱۵۶ : ج۲۳ - ۱۷۱۵ مکریک (= مکسیک): ج ۱ ص ۵۶۴ : ج ۲ ص

مکریکو(پایتخت مکزیک): ج ۲ ص ۱۸۵۵ ۰ مکه معظمه: ج ۱ ص ۲۲۰۲۱ ج ۲۵۰۲۴،۲۲۰ ۲۶۰۶۱،۶۶۰۴۶،۳۶۰۴۶۰۶۹ ۱۹۰۶۶،۲۶۰۸۲۰۸۲ مهما مهر ۲۹۰۹۶،۲۰۱۱،۱۱۲۰۱۹۲۱

· 1 17 · 1 1 1 · 1 1 1 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 1 1 7 · 147 · 165 · 147 · 167 · 141 · 149 197 · 191 · 144 · 177 · 157 · 150 \* TYP . TYT . TFF . TFG . TF0 . TFT 447 · 477 · 4TY - TYT - TYT - TT4 - TTY - TT4 477: 077: 077: 3 T & AAA 017 Y00,595,545,545,570,570 L 404.904.014.714.144.444.444 744.479.479.005.449.749. 1077-1000-1981-1981-0001-7701 . 1505 . 1180 . 1089 . 1084 . 1088 ج ٣ ص ١٤٤٥ ، ١٤٤٩ ، ١٤٤٥ ، ١٤٥٥ 1958 - 1911 - 1240 - 1528 - 1540 -YoY4+To 15

ملاذکرد (ملازگرد ) از ولایت ارمینیه: ج۱ص ۴۱۵۰۳۳۳۰۳۲۲۰۴۲ : ۳۰سهٔ ۱۵۴۹

ملتان هند ، مولتان: چ ۱ ص ۲۹۳،۹۹: ۲ ص ۲۹۹،۶۲۵،۶۲۲،۲۲۱،۲۲۱، ۱۰۱۹: چ ۳ص ۱۲۰۹

طداری شیکا :ج ۲ص ۱۱۲۴۰،۱۰۰ : ج ۳ ص ۱۸۴۲۰،۱۸۰۷۰،۱۸۰۰۰

طيت (ظعمـ): ج ۲ ص ۹۴۶ ،

مىسنىشولستانات: ج 7 ص ۱۲۹۲ - ۱۶۵۲ -

.151.1096104.1006101.159 +191 + 1AY + 1AT + 1A1 + 150 + 15T 4717.717.717.4774.7971. \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* , 750 4010 4070 4070 4070 7475 647 • 447 • 67 • 687 • 487 • , TT1 . TT4 DT76 . TT1 . TT0 . T14 4774 of 7 177 of 777 P 17 1767 . 754 . 755 . 750 . 757 670 . 760 P37, 777, 147, 747, 747, P47, P47, . 401 : 447 : 447 : 447 : 447 : 441 , 447 Y 041 41 14 14 14 444 PA 7447 944 444 444 444 444 444 444 ۴۹۹ ، ۱۵۹ : چ۲ ص ۲۹۵ ، ۱۸۵ ، ۲۸۵ . 9 TY . 9 1 A . FOO . FT 1 . FT F . D 9 A 1017 . 944 . 944 . 979 . 970 ۲۸۰۱۰۹۲۱: چ ۲ ص ۵۳۲۱،۹۹۲۱ . 1770 . 17YT موغان: ج ۲ ص ۱۴۸۲. موله(فلعمــ) : ج ۲ ص ۸۵۷ . مونیک (پایتخت باویز) ، ج ( ص ۵۶۱ ج ۲ ص ١٢٥٢ ، ج عن ١٢٩٤ ، ١٢٨١ ، -- 11fY مهارلو: چ۳ ص ۱۳۶۱ . مهدیدهٔ آفریفید (شهرس) : ج ۱ ص۲۳۲ ، ۲۲۲ . TYP . TFT . TOA . TOY . TTA . TTO ۲۸۳۰ ۲۸۳۰ ۹۳۰ ۹۶۰ کچ ۲ سی ۱۲۶۹ ۰ مير (منزل-) : ج ٣ ص ١٨٩٢ . مهربان (قلعب) : ج ۲ ص ۹۲۶ ، ۹۳۷ . مهرجانقذق: ج ۱ ص ۱۳۳. مهره: چ ۱ ص ۲۲، مهماندوست (قریه) : ج ۲ ص ۱۵۲۴ ؛ ج چص مهنه(دردشتخاوران) م چس ۱۴۹۵ . میافارقین: ج ۱ ص ۲۶۸،۲۶، ۲۷۳،۲۷۵، 477 • 747 • 647 • 46 T • 477 • 677 •

1979:1514:144:1715 · T 1 T F + 1 T A T + 1 T Y T + 1 T Y Y میاندشت ' ج ۱ ص ۵۵۵؛ ج ۲ ص ۱۲۸۵؛ ج - ነለባኛ ውኖ میاندوآب مراغه ـ رحمت آباد : ج ۲۸۲٬۸۲۰ .TITT-1040 0 T E: 1TOT میانس آلفان (شہر۔) : ج ۲ ص ۱۳۲۲. ميان قلعه: ج ٣ ص ١٤٥٥. میان کالہ: ج ۳ ص ۱۲۳۵؛ ج ۳ ص ۸۰،۰۸۰ ميان ولايت : ج ۾ ص ١٤٠٧ . ميد: ج ۲ ص ۱۵،۶۴۵،۶۱۵. فیدان اخضر (در دمشق) : ج ۱ ص ۳۸۲. میدان ارک: ج ۳ ص ۱۸۶۵. میدان ارک ساری: ج ۳ ص ۱۷۳۵ ، ۱۸۷۳ ، میدان توپخانه) ج ۳ ص ۱۸۶۵ . میدان سنت مارک ونیز : ج ۲ می ۸۹۰. میدان شان دومارس: ج ۳ ص ۱۹۷۹ . میدان نقش جہان اصفیان: ج ۲ س ۹۸۸، APA+778+AYP+7911. میدان واندم (در پاریس) : ج ۳ ص ۱۴۸۴ ۰ میران آذربایجان: ج ۳ ص ۱۸۱۳، میسورهند (مطکت۔۔) : ج ۳ ص ۱۳۹۸ ، ۱۴۵۵ مینان (قلعب) : ج 7 س ۱۳۹۸ . میلان ابطالیا (شہر۔): ج ۱ ص ۳۹۲؛ ج ۲ص 744: - 44: 444; 370, 441: 401 • 1217 • 1200 • 1742 • 1457 • 1709 . 1950 - 1940 - 1275 - 1219 میلیورناسترالی: ج ۱ ص ۲۸۹؛ ج ۲۰۱۶ ميمند : ج ۲ ص ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۶۶، میمند: ج ۳ ص ۱۶۴۱، ۱۷۳۰، مین: ج ۱ ص ۴۴۵. مینر (جزایر۔) : ج ۲ ص ۱۹ ه ۹ ، میدرک (جزیرہ)۔: ج ۳ ص ۱۳۹۲ ، مینک: ج ۳ ص ۱۷۷۵ . مينوبهر (شهر ــ): ج ۳ ص ۱۹۱۶. میورقه: ج 1 ص ۲۲۹۰۲۲۹.

ڻ

تابلس: ج ۱ ص ۲۲۰،۲۲۲،۲۲۲،۲۲۲. تابل (شهر–): ج ۱ ص ۲۹۱،۲۹۸: ج ۲ ص

معقیس: ج اص ۴۹. مطکت اکبرشاهی! ج ۲ ص ه ۹۰۰. منازجهر (شهر۔): ج 1 ص 218. منازکردها (از اعمال خلاط): ج ۱ ص ۳۱۸۰ منبج (قلعم) :ج۱ ص ۲۶۷،۲۲۱،۱۸۷،۲۶۲ · ¥ o A • F o 1 · T 9 & • T F 9 • T F A • T Y D .FTT: TY0: F19: F1T: F11 منتنگرو: ج ۱ ص ۵۶۲۰۴۸۹۰۴۸۷ ج ۲ ص 1707 : چ ۳ ص ۱۷۵۱ ، ۱۷۵۲ : ۱۲۹۶ 1969 . 1967 . 1917 . 1470 . 1407 Tool:1949:1959:1954:1951 1007: 7007: 7017: 1001 1:1007: منتویداو (پاینختاوروگی) ، ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۹ ؛ ج ۲ ص ۱۷۲۱ ، ۱۷۸۰ - 1101 - 1401 منج (سر۔) : ج ۱ ص ۴۶. منجيل : ج 1ص ۵۴۸ : ج ۲ ص ۱۲۸۲ : ج ۲ص . ۲ 1 ۲ ۲ - 1 9 1 0 - 1 1 7 7 7 7 7 7 منچستر (شهر) . ج ۳ ص ۱۵۴۶ ، ۱۶۰۴ ، • 1988 • IATA مندل: ج1 ص ١٥٣. مندلیج: چ ۱ ص ۵۲۴ ؛ چ ۲ ص ۱ ۲ ۲ ۱ ۲۶۲ ؛ چ ۲ ۳۲۰۱۴۸۲۰۱۵۵۲۰۱۴۸۳۰ مندييتيه: ج ٢ ص ١١٨٥. من د' (شهر—) : ج ۲ ص ۱۸۸۲ . منستری (شهر—)در افریقا : ج۱ص ۴۲۱، منسینی (کومــ) : ج ۳ ص ۱۹۲۲ ، ۱۹۳۱ . منصورہ (از بلادمصر): ج اس ۴۵۵،۴۳۰؛ ج ۲ ص ۱۲۶۹ . منصوریه(شهر۔): ج ۱ ص ۲۶۱. منکوده: ج ۳ ص ۱۹۱۱، ۲۰۱۷، ۲۰ منگرلی (ایالت۔) ؛ ج ۳ ص ۱۸۹۰ . منگریل: ج ۳ ص ۱۵۱۲ ، منیقه: (از قلاع اساعیلیه) ج ۲ ص ۵۹۰. منیل: ج 1 ص ۴۸۷. موتد: ج 1 ص ۲۸. مورچهخورت اصفهان: ج ۲ ص ۱۰۲۵،۸۹۶؛ . 1294 07 2 مورینانی: ج ۱ ص ۱۵۳. موزر (تل\_) : ج ۱ ص ۲۷۹.

موصل: ج ۱ ص ۴۵، ۵۲، ۵۲، ۶۹، ۶۹، ۷۸، ۳۲۶

·174·177·177·171·119·111

<140.14T.141.140.1TV.1TF

أميانج: ج 1 ص ٥٩٢، ٨٩٨: ج 7 ص ١٢٢٢،

میامی: ج ۱ ص ۵۵۰: ج ۲ ص ۱۲۸۵: ج ۳

· 1297 · 1774 · 1720 0

ج ۲ ص ۵۸۱،

447. Y47. 447. 444. 444. 444.

: 464.444.444.444.444.444;

\* 17 . 1 . 17 . T . 1 . 10 . T . 17 . 17 4 T . 1475 . 1474 . 1474 . 1790 . 1775 · T • Y 9 . 3 9 A A . 3 9 5 0 . 1 9 0 F نادرآباد (تلعم)درقندهار :ج۲ص۴۹۸۱۰۴۲ نادرآباد .1167.1177.1171.1170 نارین (قلعمہ)در شیراز : ج 7 ص ۲۴۵؛ ج ۲ ص ۱۷۲۵ -نأصريد: ج 7 ص ٧٣٢. ناعم (قلعمہ) : ج 1 ص ۲۶، نانت (شہر۔)در فرانسہ' ج ۱ ص ۲۴۲، نانسی: ج ۳ ص ۲۰۰۳. نانكن (شهر...): چ٢ص ١٧٤١ ، ١٨٤٥ ، ١٨٧٠ . نانی: ج ۳ ص ۱۸۴۵ . ناوار (ایالت\_): ج 1 ص ۴۲۰؛ ج ۲ ص ۸۴۷ \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* ۵۷۸٬۱۸۸،۸۸۸- چ ۳ س ۱۹۳۲ ناوارن: ج ۳ ص ۱۵۹۲ . ناوارينة افريق: ج 1 ص ۴۲۰. ناوور (بیابان۔) : ج ۲ ص ۱۲۳۱ . ناوورکولی (سد۔)نزدیک اردبیل : ج ۳ ص نائين. ج ١ ص ٥٢٨٠٥٢٣ ج ٢ ص ١١٧٢ ، 1141 : چ ۳ ص ۱۶۶۵،۱۴۶۱ -1171-5155 ناپيچ مازندران: ج ۲س ۱۷۲۲ -نبد: ج ۱ ص ۷۴، نئردام (کلیسای۔) : ج ۱ ص ۳۹۳: ج ۲ ص نجد : ج ۲ ص ۱۶۶۰ ، ۱۵۰۶ ، ۱۵۴۶ ، ۱۶۶۰ نجران: ج 1 ص ٣٢٠٣٠، ٣٢؛ ج ٢ص١٥٣٢ . 1049.1044.1040 نجف آشرف: ج 1 ص ۲۹۴۰۲۸۴٬۲۸۵ 711.774.577 - 7 - 77.774.619 ·1000-1989-974-975-977-919 1154 - 1150 - 1114 - 1055 - 1055 1411-5171-1571: 37 20 1771 1464 . 1460 . 1444 . 1444 . 1444 1917 - 1915 - 1409 - 1547 - 1009 نجم (قلعمہ): ج 1 ص ۴۱۳،۴۱۱ ج ۲ ص . 440 4419

1747-174++175T+1744+17TY:#

نخجوان: ج 1 ص ۲۲۸: ج ۲ ص ۶۶۶،۶۳۲ نفير . ج ٢ ص ٩٥٠ ، · ATT · ATT · ATT · YFY · YFF · YFT 474. AAA : 10 F : 61 01 : 7701 : 1444,1444,1446,4441 1047 - 1074 - 1070 - 1011 - 10-1 - 1904 . 147 . . 1040 نخلستان بنی نجار : ج 1 ص 21 -نمارق: ج1 ص ۳۸. نراق کاشان: ج ۳ ص ۱۶۰۷ ، نمدیری 🖁 ج ۱ ص ۴۷ ، نردین : ج ۳ ص ۱۸۸۴ ، ۱۸۹۵ ، ۱۹۲۳ ، نرماشیر : ج ۳ ص ۱۴۲۴ ، ۱۴۲۳ ، ۱۴۲۴ ، - 1744 - 1440 - 1444 نرماندی: ج ۱ ص ۲۲۲۰۲۵۱۰۲۴؛ ج ۲ص ٨٧٩،٠٠٧٠ ج ٢ص ١٢٧١،٦٢١١،

نروژ (نروچ ) : ج ۱ ص ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۲۵، ۲۲۶،۹۸۳ : چ۲ص ۵۰۶،۵۱۰۱ : چ۳ 11754.1440.1440.10TA 0 . T . D . . 1779

نسا (در۔دشت خاوران) اُج 1 ص ۱۸۵۰۵۷ 1777 - T - 1017 - 977 - 797 نسف: ج 1 ص ۲۸، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۱۳۰

نشل: ج ۲ ص ۱۲۸۴ ۰ نصر (قلعم) نج 1ص ۵۵۰ نصرآباد کاشان: ج ۳ ص ۱۳۹۵ ۰ نمرانه (تربب) نخ و ص ۲۱۸

نمرتآباد : ج ۲ ص ۱۹۲۷ ، نصرت آباد کرمان : ج ۳ ص ۱۸۲۲ ۰

نصيبين: ج ۱ ص ۴۶، ۲۶، ۲۰، ۲۲۲ ۱۴۲۰

4 TYT • TY 1 • TS 9 • TSY • TA 9 • TFT : \$44.475.477.405.404.759

- 1507 m T & نظارت 🖢 ج ۱ ص ۴۴۱۰

نطنز: ج ۳ص ۱۸۸۵ ۰ نظام شاهی: ج ۲ ص ۸۹۲،۸۹۲،

نطنز کاشان: ج 1 ص ۴۶۸، ۵۲۷، ۵۶۰، ۲۶:

س۲۰۲۲ : ۲۳۰۲ م ۱۶۰۲ ، ۱۴۶۱ ، ۱۶۰۲ ، · 1146 · 10 94 · 10 07 · 1546

نعلشکن (کتل۔) : ج ۲ ص ۱۱۵۰ نطین (قلمد) : ج ۱ ص ۴۷۸۰ نعبانیه(در بغداد ) : ج 1 ص ۲۶۸۰۲۱۱ نفر: ج 1 ص ۶۶۰

نفشاتل: ج 7 ص ۱۸۰۰. نکودری: ج ۲ ص ۷۵۲. نگارستان: چ ۲ ص ۹ ه ۱۵۵ ، ۱۶۲۵ ، ۱۶۳۵ ، 1444.1844.1844.1840.1844 نما (رستاق۔): ج ۲ ص ۲۰۴۱.

نعسباوی : ج ۲ ص ۱۹۰۳ . نعسه: ج ۱ ص ۵۳۵،۵۳۳؛ ج ۲ ص ۱۰۴۹، ١٥٣٥ : ١٢٨٢ ، ع ٢ ص ١٢٨٦ : ١٥٥٥

1474 - 1477 - 1679 - 1674 - 4741 3994:3997:1974:1976:1970

> نعكه (قلعهــ) : ج ٢ ص ١١٧٥ . نوا (رود۔) : ج ۲ ص ۲۵۵۲ . نوار (ایالت\_) : ج ۲ ص ۱۹۱۱ . نواکث (قلعمــ) ؛ ج 1 ص ۱۴۹ . نواکينه (جزيرهـ): ج ۲ ص ۲۶۱. نوان: ج ۳ ص ۱۸۰۷ .

نوای (قصیف) : ج ۳س۱۹۵۲،۱۴۵۲،۱۹۵۸ . 1577 . 1577

نوبرأن: ج ١ ص ٥٢٩،٥٢٣، ج ٢ ص ١١٧٣ \*\* 177 - 177 - 370 7717 - 7717 نوبندگان: ج ۱ ص ۵۴۲،۲۴۷،۵۴۹،۵۴۹، نويه: چ ۱ ص ۵۵: چ ۲ ص ۵۹۲ ، ۶۰۵ ، نوبهار بلخ: ج 1 ص ٧٢. نوجه: ج 1 ص ۴۷۸ : ج 7 ص ۲۰۱۱ .

> نودہ(قریہ) ، ج ۳ ص ۱۸۹۵ ، نورسی: ج ۲ ص ۹۰۴ .

تورمازندران: ج ۱ ص ۵۵۴، ج ۲ ص ۶۷۲،

۲۵۸۰۱۸۸۰۲۹۲: چ ۲ ص · 1207 · 1244 · 1500 · 1747 · 1747 · 1110 · 1959 · 1975 · 1475

نوگرد (شهر۔) : چ اص ۲۰۲،۲۰۳. نوگنده (قریم) : ج ۲ ص ۱۱۷۰ . نول ارلان: ج 7ص ۱۸۴۸ ، نول درتانی (درینگی دنیا ) : ج ۲ ص ۱۰۰۰ . نول زلاند : ج ۳ ص ۱۸۵۳ ، ۱۸۶۹ . نولگادونی: ج ۳ ص ۱۸۲۰، ۲۰۰۲. ا نول گرناد : ج ۳ ص ۱۵۲۹ ، ۱۲۰۳ .

نول گينه! ج ۾ ص ٢٥٩. نول ول زلاند : ج ۲ ص ۹۴۹ ، ۹۲۱ ، نویرکینگیدنیا : (جزایر۔) ج ۲ ص ۹۵۴ ، ١٢٠٤ ئج ٢ص ١٧٢١ ١٠٦٥٠٠ نوٹینان: ج ۳ ص ۱۳۶۵، نهاخ (قلعم)در دیاربکر ؛ ج ۱ ص ۳۷۶. نهالیتی (ایالت۔): ج ۲ ص ۶۴۸ ، نهاوند : ج ۱ ص ۱۰۵۰،۵۱۰۵۰ ۴۰۳۴۴۰۵۰، 750, 510, 760, 960; 3 7 2633 1744-1-77-251-22-549-549 1791-1744-1747-1746-1770 ١٣٠١: ج٣ص ١٩٥١٠١٥٥١٠ ١٢١٥ 4771 - 4771 - 4471 - 3441 · 1957 - 1975 - 1970 - 1809 - 1846 T117 . T . 94 . T . Y . T . TY . 1991 . 11144 1114 41116 نهرازرق: ج ۲ ص ۵۹۲، نهرتیری: ج ۱ ص ۴۷. نهرجور (خور): ج ۱ ص ۲۵۴. دهر خزائن: ج ۳ ص ۱۶۵۹ ، نهرساجور: ج ۲ ص ۶۲۵. نهرسبتينءَ ج 1 ص ۳۴۶. نهرسوئيز : ج ۳ ص ۱۷۷۶ ، ۱۷۷۹ ، ۱۷۸۹ ، 1917 - 1917 - 1840 - 1880 - 1847 -1988-1981 نهرشاهی: ج ۲ ص ۷۲۶. نهر عیسی؛ ج ۱ ص ۲۷٪، نهر قويق: ج ۲ ص ۲۵ء. نهرواله(کهرواله)از بلاد هند ! ج ۱ ص ۴۶. نيروان: ج اص ۱۲۴،۱۶۹،۷۱،۶۶،۲۲،۱۷۴، نهرهاشم (در شوشتر) : ج۲ص۱۵ ۱۷۲۰ ۱۷۴۲. نه کنید (منزل۔) : ج ۳ ص ۱۶۶۵ . نیارآباد : ج ۲ ص ۱۰۵۰ ، نيان کاله: ج ۲ ص ۱۳۳۵ ۰ نیاوران (قصمہ) : ج ۲ س ۱۶۸۲ ، ۱۷۳۴ ، ስልተ ነ ለፈላ - ነላዊ ተ ያላፈት ነላዲስ ተ · 1274 · 1744 · 1744 · نیچنورالسکی (شہرے) : ج ۳ ص ۲۰۵۰،

نيرون: ج ٢ ص ١٣٤١ .

تيرهتو (قلعمـ) : ج ٧ ص ٧٠٩.

نيژنی نوگرد : چ ۲ ص ۱۷۸۹ .

نيريزفارس: ج ۲ ص ۱۴۱۹ ، ۱۶۹۶ ،۱۲۵۵ ،

نيزگ(قلعمــ)در بادغيس! ج 1ص ٩٨،٩٥.

نیکاراگوا : ج ۱ ص ۵۶۵ ؛ ج ۲ ص ۱۳۰۸ ، ج ۳ ص ۲۱۵۲ :

> نیک پی: ج ۲ ص ۱۵۰۹ ، ۱۶۲۹ ، ۱۶۲۹ ، نیکلابف: ج۲ ص ۱۷۷۹ ، نیکوپولی (شهرس) ! ج ۲ ص ۶۶۲ ، نیکور (درینگی دنیا ) ؛ ج ۲ ص ۱۷۵۲ ،

> > نيکي شهر آج ۲ ص ۶۵۴ .

نېكى قلعة: ج 7 بن 1409 ر

ئیل (رود—) : ج ۱ ص ۲۴۱۰۲۲۱۰۱۲۲۱ ت ۴۲۵،۶۲۷ ج۲ص۴۵۵،۶۲۲۶ : ج ۲ص

۱۸۵۳ - ۱۸۳۷ - ۱۸۵۳ - ۱۸۹۳ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۳ - ۱۸۶۳ - نیمروز د ج ۲ ص ۱۷۰ -

نینوا ، نینوی (شہرے) : ج ۱ ص ۱۲۲۰۴۵ ،

• TY

نیورک: ج ۳ ص ۵۹۷۶ ، ۱۸۲۸ ، ۱۸۸۲ ، ۱۹۲۸ ۱۹۷۰ -

> نيوزر (ايالتس) اچ ۴ ص ۱۷۱۱ . نيدا چ ۱ ص ۷۴ .

> > 9

وانزلو: ج ۳ ص ۱۵۳۲ ۰ وانیکان (عمارت۔) : ج ۲ ص ۸۲۸ ۰ واج رود : ج ۱ ص ۵۱۰

وادی بوا<sup>ر :</sup> ج ۱ ص ۲۱. وادی بیم : ج ۱ ص ۳۷۲. وادی سباع : ج ۱ ص ۶۱. وادی القری :ج ۱ ص ۲۶، ۲۷، ۴۹،۲۲. وارا : ج ۲ ص ۷۵۵، ۷۵۶.

وارشوی لهستان = ورشو (ایالت...) : ج ۳ ص ۱۸۲۷ - ۱۸۲۶ - ۱۸۲۷ - ۱۸۲۹ - ۱۸۲۷

7641 • 8441 • • • • 7 •

وارنا : ج ۳ ص ۱۷۷۷ ، ۱۹۱۳ . وازینی آمریکا : ج ۳ ص ۹۰۳ .

واسط(شهر) : ج 1 ص۹۶،۹۶۰ ۲۰۰۱، ۲۰۱۱

واشین نون ، واشن تون (واشنگتن ) : ج ۱ ص ۱۵۶۹ : ج ۲ ص ۱۳۰۸ : ج ۲ ص ۱۵۲۹ ۲۱۵۱ - ۱۸۷۱ ، ۲۵۲۱

> واگرام : ج۳ ص ۱۲۹۶ ، والادليه : ج ۳ ص ۱۸۲۷ ، والاس : ج ۳ ص ۱۲۶۸ ،

والاشي در اغلاق بغدان : ٣٣ص ١٩٤١ ، ١٥١٠

· 1447 · 14 • Y · 17 4 9 · 37 • Y

والانتبا (شهر): ج ۳ ص ۱۸۰۹ ، ۱۸۱۹ ، والتر رالنگویان (درینگیدنیا ) :ج ۳ ص ۱۸۹۳ ، وال دکراس (مریفخاند) : ج ۳ ص ۹۵۱ ، والمی دو موریز: ج ۳ ص ۱۴۲۲ ، والوا: ج ۳ ص ۶۲۲ ،

· \$ 10 F · 100 F · 100 1 · 17 A I

وانده(ایالت...): ج ۲ ص ۱۴۲۷، ۱۴۳۱. وتبری: ج ۳ ص ۱۵۲۷. وتلیانکا (قریم...): ج۲ ص ۲۰۰۰. ودان: ج ۳ ص ۱۸۱۷. ودین: ج ۳ ص ۱۹۸۹.

وراكرس، وراكروز: ج ٢ ص ١٥٨١،١٨٣٩٠ ورامین: ج 1 ص ۵۲۵؛ ج ۲ص۲۹۰۱۰۲۴ ١٨١١ ٠٠٥١٠ ١٢٨٠ : چ ٣ ص ١٣٦١ 17AA - 17AT - 17A1 - 17YY - 17YT • 7114 • 70 94 • 1242 • 1506 • 1664 ورتبيرگ، ورتمبرغ: ج 1 ص ۵۶۱، ج ۲ ص 1ATY : 170A : 17A0 PT : 170F \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* وردن (شهر۔)در آلمان: ج ۲ ص ۸۲۲، ورزير: ج ۳ ص ۱۸۰۰ ، ورسایل (شہر۔۔) : ج ۲ ص ۱۳،۹۶۷ ه ۱ : ج۳ ص ۱۹۲۵، ۱۴۱۱، ۱۴۰۶، ۱۳۹۵ م . 1970 : 1971 51979 : 1971 ورشاو: ج ۲ ص ۱۹۸۵ . ورشو: ج ۲ ص ۲۵۵۴ ، ورشولهستان (شهر–)= ورشو أج ٢ص ١٥٥٣ أ - 1514 · 1674 · 1485 · 1481 · 97 5 . To 14 . 1499 . 1489 . 1484 . 1419 ورن، ج ۲ ص ۱۲۰۵۰ وزول : ج ٣ ص ١٥٢٧ -وزور (کود آتشفشان ) : ج ۱ ص ۲۸۹ ؛ ج ۲ ص ویشی: ج ۳ ص ۱۸۶۳ 🤄 ۱۱۸۱۰۱۵۵۰۱۰۱۲ کچ س ۱۳۸۴ 4 17 1 1974 1 1975 1 1976 1 1971 وستقالی: ج ۲ ص ۱۴۸۸. وسطان: ج 7 ص ۲۲٪. وسنارد (قریف) : ج ۳ ص ۱۶۷۳ . وطيح (قلعف) از قلاع خيبر ! ج 1 ص 15 ، وکیل (حمام ، کاروانسرا ، مسجد...) درشیراز : ج ٢ص ١١٨١٠ ولادقفقاز (شهر۔) : ج 7 ص ۱۹۷۲ ، ۱۹۷۹ ، ولاديمير (شهر-)در روسيد: ج 1 ص ٢٨٥: . 1 ATY OF E ولاک: ج ۲ ص ۲ ه.۲۰۱ ولايت بن فحل ! ج ٢ ص ٥٩٠ . ولايت پنجهزار ۽ ائرف : ج ٢ ص ٩٥٨. ولجد: ج 1 ص ۲۴. ولکيج (محال ـــ) ، ج ۳ ص ۱۵۸۲ ، ولگا (رود۔): ج 1ص۲۳۶،۲۶۹،۲۳۶ 744 ع ٢ ص 949 ع ٣ ص ١٢٠٤٠

ولیان : ج ۳ ص ۱۶۲۰ .

ونزوئلا : ج 1 ص ۶۶۵ ؛ ج ۲ ص ۱۳۵۹ ؛ ج ۳

-P101.121.121.7017.

ونسفن (قلعمــ) : ج ۲ ص ۱۴۱۹ ۰ ونسن (قلعف) : ج 1 ص 407 ، ونوار : ج ۳ ص ۱۲۰۲ -ونیز (شہر۔): ج ۱ ص ۹۲ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۳۶۷ 717.010 PT : 147.107.719 ۱۲۰۰ ۲۳۲ ، ۹۲۱ ، ۹۲۲ ، ۹۲۲ ، ۹۲۲ ، 1404 - 1402 - 1444 - 1450 - 1445 1474 - 1474 - 1475 - 1414 - 1774 . 7 . 0 . . 1 1 6 1 وورتمبرک: ج ۲ ص ۱۵۲۸ ، ووتن برگ (دولت۔) : ج ۲ ص ۱۷۸۹ . ویرڑینی (ایالت۔)درینگیدنیا : ج ۲ س ۵۲۸: چ ۳ ص ۱۷۸۰ ۱۲۸۱ ۱۸۴۸ ۰ ويويوش (ايالتـــ) ( ج 7 ص ١٧٢٢ . ويز (شهر ...): ج ١ ص ٢٥٥ : ج ٢ ص . YTP . YTT . YTO . YTY . YTT 1941 1960 1890 1887 1787 1748 1980 ۲۰۰۱، ۱۹۴۲ ج ۳ ص ۱۹۴۲ ، ويسياد : ج 7 ص ۱۹۴۲ ، ۱۹۶۶ . ويستول: ج ۱ ص ۲۰۶،

ویگ (جزیرهــ) ، ج ۱ ص ۴۸۵ ، ج ۲ ص۱۹۵۳ . ویلافرانکا : ج ۳ ص ۱۸۱۸ ، ويلنا (شهر ــ) : ج؟ ص ١٥٥٥ ، ١٩٤١ (١٩٤١ ويمار: ج 7 ص ه ١٨٠٠. وین (یایتختاطریش) دُج ( ص ۵۶۱ ج ۳م . 14FT . 1401 . 1401 . 14 . 14 . 14 . T 14441,4441,0741,4441,14540

14A1 + 0 6P1 + ویندزرد (شہر۔) : ج ۲ص ۹۵۲۰۶۵۱ : ج ۳ م ۱۹۴۴ ه

وینه: چ ۱ ص ۲۸۲،۲۸۳ چ ۲ ۳۸۲،۹۶۰ : > ٣ • ٣ • ) ٢ • ۶ 6 1 7 • 7 • 1 7 • 5 • 9 9 9 1740 . 1769 . 1797 . 077 z · 1517 · 1054 · 1897 · 1895 1985 - 1980 - 1242 - 1245 - 1244 1941-1950-1964-1945-1986 T-19. T-18. 1949 - 1945 - 1947 ToY1.Tod1.Todo.ToPA.T+TP · TITY · TIOY

فارون[باد (از اعمال کرمانشاهان: ج ۳ ص

ھارونی(در راہ مکہ) 🗦 ج ۱ ص ۱۹۱ -هاشمیه (شهر۔)در کوفه: ج ۱ ص ۱۳۱ ۱۳۸۰ هالوزيع ۲ ص ۱۰۱۲ ۰

هامپورگ، هانبورگالمان: ج ۳ ص ۱۶۶۹ ،

ھانور (معلکت۔) از آلمان ' ج ۳ ص ۱۲۷۰ ، 1779 - 17 0 A - 1847 - 107 A - 17 A A 1947 - 1941 - 1447 - 1471 - 140 طوان: چ ۲ س ۱۷۲۹ ، ۱۷۸۰ ، ۱۸۳۹ . هاور (بندرس)درفرانسه: ج۲ص۹۹۷ ، ۵۲ ، ۲ ، ۲ ، هایتی (جزیرہ۔) : ج 1 ص ۵۶۶ ؛ ج ۲۳۳۳۳

١٢٧٢٠ ت م ١٢٧٤٠ ١٢۶۶٠ ١٢٧١٠ . TOOT : 1447 : 1467 هایدیارکانگلیس: ج ۲ ص ۱۷۳۹، هجر (از بلاد بحرین) : ج ۱ ص ۲۲۲، ۲۴۰ . 777 . 701 . 777 . 771

هرات ، هری : ج ۱ ص ۵۵ ، ۲۲ ، ۲۲ ، ۲۱۱ ، + TAY + ToT + Too + 1Y a + 1 ff + 1 1T 417+777+477+PA7: 3 7 WAAG+ 15TY 15T1 15T9 15T5 15TF 15TF L +YF. 5YT. 559.504.504.514 : F1F : F9T : F9T : F91 bpat : FA0 · Y 17 · Y 17 bY 0 4 · Y 0 7 by 9 9 . 9 9 Y 446 244 444 444 444 444 . 446 6444 . 441 1 . 444 446 446 444 544 444 084 484 484 484 G · ATO · A 1 1 · A 1 0 · A 0 A · A 0 0 · Y 1 1 \* A F D \* A F T \* A D 1 D A T T \* A T F \* A T T ٠ ١٨١ لـــا ١٨٨ ، ١٨٨ تــا ١٨٨ ، 944.774.718.318.778.708. < 3 00 0 1 1 0 0 F ( 9 P ) + 9 P 0 + 9 0 F 1-14.1010.1019.1019.1004 1117 . 10 f. 10 ff . 10 ff . 10 ff 1177-1177-1177-1177-1117 1424 : ع ح ص ۱۲۵۶ ، ۱۳۶۷ ، ۱۴۲۲ 1449 - 1469 - 1464 - 1444 - 1444 1019-1014-10-1-10---1745 1274 61474 1471 - 1470 - 1475

1248 - 1244 - 1242 - 1241 - 1240

۱۶۹۰،۱۶۱۰،۱۶۹۰،۱۶۱۰،۱۶۰۹ ۱۶۹۰،۱۶۵۱،۱۶۲۰،۱۶۲۱،۱۶۱۸ ۱۹۲۰،۱۶۲۱،۲۶۲۰،۱۶۲۲،۱۷۱۲ ۱۷۲۲،۱۷۲۱،۱۷۲۰،۱۷۲۲،۱۷۲۵ ۱۷۸۲،۱۷۲۲،۱۷۲۶،۱۷۵۲،۱۷۸۲ ۱۸۹۲،۱۷۲۲،۱۷۹۲،۱۷۸۲،۱۵۷۱

هرزگوین (آیالت۔) : ج ۳ ص ۱۹۵۱ ، ۱۹۵۹ ۱۹۶۷ ، ۱۹۶۲ ، ۱۸۳۱ ، ۱۹۶۱ ، ۱۹۶۸ ۱۹۶۸ ، ۱۹۲۳ ، ۱۹۶۸ ، ۲۰۲۸ ، هرسک (آیالت۔)در اطریش: ج ۲ ص ۲۳۰۰

۱۲۰۷ . هرفلید: چ ( ص ۹۶: ج ۲ ص ۲۳۱. هرکولانم (شهر–): ج ۲ ص ۱۰۱۲.

هرموز ، هرمز (جزیرت) : ج ۲ ص ۱۹۵۰ و ۲۲۶ ۱۹۲۸ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ و ۱۳۶۹ و ۱۳۶۹ ۱۱۲۸ : ج ۳ ص ۱۳۶۹ و

هری رود : ج ۳ ص ۱۶۴۱ .

هزاراسب (ازشهرهای خوارزم ) : ج ۱ ۱۵۰ ؛ ج ۲ ص ۷۹ ۲ ۱۱۲۴ ، ۱۱۲۵ ،

هزار جریب (در مازندران): چ ۲ ص ۴۵۶، ۱۱۵۸،۱۱۵۷،۱۰۳۱،۱۰۲۱،۱۱۵۲ ۱۲۸۲،۱۲۷۱: چ ۳ ص ۱۲۷۸،۱۲۸۶

هزارچممازندران: ج ۲ ص ۱۹۸۲،۱۸۸۴ هزاره(ولایت): ج۲ص ۱۰۴۲،۸۴۶ ۱۵۲۰ ۱۲۴۴،۱۲۴۲؛ ج ۲ ص ۱۵۲۰

> هزاره جات : ج 7 ص ۱۹۲۰. هشت بهشت اصفهان: ج ۲ ص ۹۹۶.

هشترود : ج ۳ ص ۱۸۲۲ - ۱۸۲۲ -

هکاری ، هکاریه (بلد ، قلاع۔)از اعمال موصل : ج ۱ ص ۲۷۳ ، ۲۹۲ ، ۳۹۲ ، ۴۷۷ ؛ ج ۲ ص ۹۳۵ ؛ ج ۳ ص ۲۰۱۰ ،

هلاند ، هولاند جمهوری باناو : چ ۱ ص ۱۳۸۸ به ۲۶۸۰ به ۲۰۸۰ به ۲۰۸ ب

هلستن: ج ۲ ص ۹۶۲، ۱۰۲۱ ؛ ج ۳ ص ۱۷۴۰ ۱۸۶۸، ۱۸۵۴، ۱۸۲۶، ۱۸۵۹، ۱۸۶۸، ۱۸۶۸،

هلگاند : ج۲ ص ۱۵۲۸ ۰

همايون تپه در اشرف: ج ۲ ص ۹۵۲.

| هند ، هندوستان : ج 1 ص ۲۲،۲۹،۲۹،۲۹

< 17A < 101 < 107 < 10F < 10T < 10T</p> \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* 47714717 1710 1707 1707 1771 \* \*TAY \*TAO \* TOO \*TTT \* TTY \* TTT ٨٨٠٢٠٤٨٠ ج ٢ ص ٢٥٩١٩٥١ و٥٩١٨٠٩ · YTF · YTG · YTT · YT4 · FA • · FFT <YFF .YF\* .YAY .YAT .YTT .YTF</p> \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* \*AT& GATT \*A1 \* \*Y99 \*Y97 \*YA9 \*\*\*\* TYA \* TYA \* TYA \* AYA \* AYA \* AYA \* \$ 917 · 9 • X · 9 • F · 9 • F · A 9 F · A 4 F · A A 9 .904.900.904.901.90..945 49A+99Y+99+9AY+9A1+9Y9 1015.1010.1004.1001.1000 1.41.1.44.61.47.1.44.1.47 1+44 . 1045 . 1+44 . 1047 . 1047 1179:1177:1177:1097:1097 1144 - 1144 - 1144 - 1140 - 1144 1150-1154-1157-1151-1104 1704-1174-1174-1164-1164 1775-1774-1777 PT : 1707 1757 . 1775 . 177 . 177Y . 1770 1474 . 1471 . 1400 . 1794 . 1740 1441.1440.1460.1404.1404 1010-1194-1797-1797-1890 1001-1041-104-- 1047-10470 1514.1097.1071.1059.1054 1544 - 1559 - 1507 - 1570 - 1577 1405 . 1444 . 1440 . 1452 . 14 12 1464 - 1445 - 1476 - 1474 - 1416 1450 - 1988 - 1989 - 1242 - 1251 Tot9:To17:19AA:19FF:19F1 

هندوچین: ج ۲ ص ۲۹۲، ۲۴۲. هندورا: ج ۱ ص ۵۶۵؛ ج ۲ ص ۱۳۰۸. هندوراس: ج ۲ ص ۱۸۲۲. هنگ: ج ۲ ص ۹۶۵. هنگ: ج ۲ ص ۹۶۵.

هنگری: ج ۲ ص ۴۵۲،۶۵۲ ، ۲۰۱ هواره: چ ۱ ص ۱۸۳۰ ھوپين' ج ( ص ٢٠٩٠، ھوپ (کہر۔)در پروڈ ج ۲ ص ۱۹۲۲ ، 🖰 هوتل (لاپه) : ج ۲ ص ۱۹۴۵ . ھودسن (رودخانے) : ج ۲ ص ۲۹۲،۹۰۳ . هولستن (ایالت...) : ج ۳ ص ۱۲۰۳ ، ۹ ، ۱۲۰۹ ، · 1444 · 1441 · 1444 ھولولو (پایتخت جزیرہ ساندویج) ؛ ج 1ص - ۱۲۱۰،۱۲۸۱ ت ۲ ت ۱۲۱۰،۱۲۱۰ هوه: چ ۲ ص ۱۸۳۴ . هوگه: ج ۲ ص ۱۸۵۲ ، ههن زلرن (ایالات-) : ج ۳ ص ۱۲۳۹ ، هیت (شهر۔): میان موصل و شام : ج ۱ ص 44.64 . 44. 401 . 407 . 477 . 647 . هیدنبرغ (شهر۔) : ج ۳ س ۱۹۴۲ ، هپرمند : چ ۱ ص ۴۸۷ ؛ چ ۲ ص ۴۷۹، ۲۹۰،

ھیطل (دیار۔) : ج ۲ ص ۱۳۲۸ ، ۱۳۶۷ . ھیگ (ہندر۔) : ج ۳ ص ۱۸۷۶ . ھیمالایا : ج ۲ ص ۸۹۹ .

کی باتس: ج ۱ ص ۴۲. یاتوسولاند: ج ۱ ص ۴۸۷. یاراکی: ج ۲ ص ۱۳۰۹. یاروقید(قلعف): ج ۱ ص ۳۹۶. یافا (قلعف): ج ۱ ص ۳۹۶. یافا (قلعف): ج ۱ ص ۴۰۹،۲۱۴ ک می

یافتآباد (قریش): ج ۳ ص ۱۶۹۲ ، ۱۷۱۵ ، ۱۸۱۴ ·

یانینا ، یانینہ(شہر۔)از بلاد آلیانی : ج ۲ ص ۶۸۸ : ج ۳ص۱۲۶۰ - ۱۵۲۹ - ۱۵۵۲ ۱۵۵۸ - ۲۰۰۲ ،

بدو، ید (پایتخت ژاپن): ج ۱ ص ۱۵۶؛ ج ۲ ص ۱۳۰۷: ج ۳ ص ۱۸۱۶ ، ۲۲۸۱۰۵۲۸۱۰۹۷۸۱۰۹۰۲۹۲۱

یرد (دارالماد) ج ۲ ص ۲۲۲،۲۷۳ د یزد (دارالماد) ج ۱ ص۲۶۲،۲۷۳ د۲۷۲ ۵۵۸،۵۲۸،۵۲۶،۵۲۲،۵۲۲

940.944.910.917.097 of E 6444.446.646.646.661.60. }•የ**ዖ፥ 1•**•**੧ ፡ አ**ላፕ **‹** አልል **‹** አል**፡ ‹** ዮዮዖ 11AY - 117A - 117Y - 1177 - 1071 )YYY\*1YYY\*1Y\*\*\*!195\*119Y 1774-1774-1777-1797-1774 :17941795-1791-1744-1741 1714-17-7-1775-1774 J- 7 = 1070-1019-1777-1777-1776 15-4 1044 1044 1005 1044 1577 - 1570 - 1514 - 1517 - 1505 • 14 • 4 • 1641 • 1660 • 1646 1425 - 1424 - 1426 - 1414 - 1414 1464 - 1494 - 1494 - 1444 1411-141-1740-1747-1744 1440 - 1449 - 1447 - 1441 - 1470 1977 . 1977 . 1917 . 1917 . 1446 1954 - 1904 - 1904 - 1904 - 1974 T-11-T-04-T-06-T-07-1199 TOTY . TOTS . TOTS . TOTT . TOT1 

یمقویہ: ج ۳ من 1007 -یمقوییہ: ج ۱ من 377 ج ۲ من ۱۲۶۲ : ج ۳ من ۲۱۰۶ .

یفری (ارش): ج ۱ ص ۳۸۳، یمامه: چ ۱ ص ۳۲۰۱۱۲۰۸۷،۲۹۹٬۳۳۰۲۱ ۲۲۹،۱۲۵،۱۷۸،۱۹۱۱،۲۴۹،۲۴۹،

> پیپسوس(لنگرگاف) : ج ۲ص ۵۸۹، یندس: ج ۲ ص ۱۰۱۸،

ينكىدنيا : ج 1 ص 440 تا ۲۸۷ با ۲۹۱ ۲۹۹

YTF.YTT.YTTOTE : AFA : AFT TYY - THY STY ATT ATT · AYA · AAF · A • T · YAT · YYT • Y&A \* 959 \* 914 • 905 \* 90 T \* A 97 \* AAA < 11 TA . 11 TT . 10 T1 . 1000 . 9A9 1151-115--1104-1104-1104 1140 51 174 1 174 1 154 1 154 707103011301130113 TO 1774 - 1714 - 1774 - 1774 - 1747 1050 - 1059 - 1007 - 1499 - 1744 1714-17-4-1547-1077-107+ 1707 - 1707 - 1779 - 1774 - 1777 1440 . 1415 . 14.4 . 1440 . 1446 1461-1460-1474-1474-1474 1101-1940-1980-1AYY-1AFF · 1141

ینگیدنیایجنوبی: ج ۱ ص ۵۶۵: ج ۲ ص ۱۳۰۸

ینگیدنیایشمالی: ج ۱ ص ۵۶۲؛ ج ۲ ص ۱۲۰۸؛ ج ۲ ص ۱۹۷۰

ینگی دنیای مرکزی : ج ۱ ص ۵۶۵ ؛ ج ۲ ص ۱۳۰۸ ۰

ینگی شہر : ج ۲ ص ۶۵۴۔ ینل (بلد۔)میان بغداد و کوفد: ج ۱ ص۲۹۰ ین نو (پل۔)دریاریس: ج ۲ ص ۸۶۸ یوچنگ: ج ۳ ص ۱۲۸۸ .

پیرٹچی: ج 1 ص ۱۲۲۸، ۲۲۹، پورٹ قای: ج ۳ ص ۱۳۲۵، پارسوق: ج ۳ ص ۱۳۲۴، پوسفوند: ج ۳ ص ۱۶۰۲،

یوکوهوماً ، یکهاماً : ج ۳ ص ۱۸۲۵ ، ۱۸۷۶ . یونان <sup>\*</sup> ج ۱ ص ۲۰۸۰ ، ۲۸۸ ، ۲۸۲ ، ۲۸۸

یونین (جزایر سیمس) : ج ۳ص۱۴۵۵ ، ۱۴۶۰



## تهیه و تنظیم فهرست اعلام ازآقای قمینژاد

## كتاب منتظم ناصري

حلدهاي



بسمنتعالي

فهرست نام اليقاب كدان (اشخاص)

آباخاقان مغول: 📆 ج ص ۱۳۶۳. آبای ترکمان: ج ۲ ص۸۲۲،۸۳۲،۸۳۲ آبدارباشی ــــ محمدعلی آبدارباشیامین حضرت .

آبش خواتون (ملکهٔ فارس): ج۲ص۵۹۷. آبل درموزا (متوجم تاريخ چين بفرانسه) : ج ۲ ص ۱۵۲۹ .

آتین (بادشاهارمن): ج ۱ ص ۴۵۷، آجودانياشي: ج٢ص١٧٢٥،١٧٢٩. آجودان باشى سند اللهيارخان أميرتومان آجودان باشی ـــــ جهانگیرخان آجودانبائی ــــ حسین خان آجودانباشی ـــ علیاکبرخان آجودان باشىتوپخانە ..... اسمىل خان (ميرزا ــ )

آجودان حضور والا ــــــ مهديظىخان آجودان مدارت ....... رضاخان آجودان،مخصوص سسب رضا (آقا ــ)آجودان

آجودان مخصوص ـــــ بحبىخان آخوند ملا آقا قزوینی ( مترجم برای نامهٔ دانشوران ناصری): ج1 ص ۵۵۵:ج۲ ص ۱۲۹۳ : ج سم ۲۱۲۹.

آخوند ملاكاظم ــــ كاظم . . . . آدامس (رئيسجمهورانائوني ) :چېص، ۱۵۷ . آدریناول ( پاپ ): ج ۱ ص ۱۶۳، آدرينچهارم (ياپ ) : ج 1 ص 90ء.

آدلامد ، پرنسس: ج۲ص ۱۶۹۷ ، آدلف ، پرنس: ج ۳ص ۲۰۱۴ ،

آدم (ابوالبشر): ج٢ص١٣٩، ١٣٩٠، ٢١٨، ٢٠،

آدمبنابیایاس ( الیاس ) عسقلانی:ج ۱

آدنگتن (صدراعظمانگلیس) :ج۴۳۵۲۰۰ آديندسلطان صاين خاني : ج ٢ص٩٨٤ ، ٩٨٤ . آزادخان افغان :ج٣٠٥ ، ١٣٢٥ ، ١٣٢٨ ، ١٣٣٨ ،

. 1741 - 1709 - 1700 - 1779 .

آذربیگدلی ــــ لطفطی بیک آذرمدخت (آزرمیدخت )شاه سامانی: ج ۱ ص ۲۲،۲۲ ص

آذری طوسی ( شیخ ــ) : ج ۲ص ۲۱۱ ۰ آذينين هرمزان ۽ ۾ ١ ص٢٥٠٠ آرناکی ہیک (وابستہ بسفارت نسم ) : ج 1

آرتور ، برنس ( پسر شاہ انگلیس ) : ج ۲ · 19AY · 1997 @

آرتور ( رئيسجمهوراتاتونی) :ج مِسء ٢٥٣ . آردوغدی (خلیفهٔ تکلو) :ج۲ص۸۶۵،

" آرزيز ( اميراطورقسطنطنيه ) ، ج اص ٢٥٧ . آرشیدوشس: ج ۲س ۱۷۶۳ ،

آرشيدوكآلبرت ج ٢٠٥٥ ١١ ١٩۶۶ .

آرشيدوكبرودلف فرانسوائنارل ژزف (وليعهد آستريهومجارستان) : ج1ص257 : ج٣ ع۲ ص ۲۱۲۲.

أرسدوكشارل (شارلشم) اميراطهراطريس، ج ٢ص٩٥٥٠١ : ج٢ص ١٢٤٠.

آرئیدوگ ، ماکسی میلین : ج 7س ۱۸۵۵ ، أرشيدوك ويكتور ( بوادر المهراطوراطويش):

372 11111

'آریستا : ج ۳ ص ۱۷۶۵ .

آزادیه (مرزبانحیره) . ج۱ ص ۲۴. آزادخان (حاجی \_)سرگرده جماعت میامی :

-040 p 1 E

آزادخان افغان: ج ٢ص ١١٥١ سـ ١١٥٥ ، U.S. -- ( 24/1922 1XEY ) 1

> آزادخان فارانی: ج ۳ ص ۱۷۹۵ . آزادخان هزاره : ج ۳ ص ۱۵۲۶ ،

آستانیسلاس اگوست ( پادشاه لیستسان ) :

· 1154 · 1111 نام و

آشانتی (ازسلاطین افریقا ): ج سم ۱۹۵۱. آشپزیاشی .... زینالعابدین (استاد ...) آشتبانی ـــ حسن آشتیانی

آشنیانی — علی (میرزا – ) لشکرنویس آشتیانی ..... محمد حسن آشتیانی(میرزا۔) مستوفى العمالك ,

آشتیانی ـــ محمدحسین،ستوفی(میرزا۔) آصف بیگ: ج ۲ ص ۱۱۸۷،

آصفالدوله ــــ اللهيار خان

آصفالدوله ـــــمعدظىخان (حاجى-) آصفی شاعر (خواجمه 🗕 ) 🚉 ۲ ص ۲۶۲،

آغامبرزااحمد اردستانی (خواجمسرا ) : ج ۲

٠ ٢١١١ -آغاسيداستيل (خواجمبرا ) : ج ۲۵۲۵۲: 370 1111.

آغابائی ــــ بشیرخان .

آغابهرام قراباغی (خواجمسرا) :ج اص ۵۳ ث 3 70 170 171 : 3700P3111111. آغابيگم (دخترفتحطيشاه):ج۲۳۰۲۳۰۰ آغاجوهرمعتمدالحرم: ج اص٢٥٥، ٥٣١، ٣٣٠

ص ۱۹۲۴ ، ۱۹۷۶ ، ۱۹۸۲ ، ۱۹۲۴ م -1111

آغامسن (خواجسرا )سرهنگ: ج (ص ۵۰۸، 174: : 3 T @ PTTI . YATI : 37 . \* 1111 . TOYF O

آغاخان ارمنی (از خواجسرایان): ج ۳ ص

آغاسرورخان (خواجمسرا ) نج ٢١١ ١٠٠. آغا غلامطی (حاجی ــ )خواجسرا ؛ ج۲ ص

آغِا فَتَحَالِلُهُ ( حُواجِسِرا \_ ) : ج ٢٥٧(١: أ ج ٢٥١١،

آغا فرج (خواجه سرا\_) ﴿ج ٢ص١٢٥٧ . ج٢ ص ١٢١١ -

آغا فبروز (حاجی۔)خواجمبرا :ج۲۵۷،۲۵۲ ج۲۳ ۱۱۱۲۰

آغاکافور (خواجه شاه عباس دویم ) : ج ۲ س

آغا محراب (خواجسرا)) ۾ ٢ ص ٢١١١. آغانظر ، خواجه حرمسرا لج٢ ص ٩٧٢ . ٩٧٨ . آغانوری (خواجمسرا) ؛ ج ۲ص ۱۲۵۷ ؛ ج ۲ ص ۱۱۱۱ ،

آفرین (شاعراصفهانی): ج ۲ ص ۱۹۵۳. آقا ابراهيم امين السلطان ...... محمد ابراهيم امينالططان ،

آقاباباخان: ج 7 ص ۲۱۲۷،

آفایاباخان مازندرانی : ج ۳ ص ۱۶۱۸ .

آقا باباخانیوزباشی: ج ۳ ص ۱۷۱۷ ، آقابرخوردار: ج ۲ ص ۱۱۲۵۰

آقابزرگ (حاجیملا ۔ ) از علما طهران: 310010 3TO 16 010

آقابیک ارونقی (یاوردویم): ج ۱ ص۱۵۱ : ج ٢ ص ١٢٢٢، ج٢ص ٧٧٠٢.

آفاجان (میرزا 🗕 ) منشی اول و مترجم : ج ۱

- 10TY + 12TO - T & آفاجان، ۾ ۽ حيفة من 1761 ۽ 7ص 1761 ، آفادائی (-اداره آبدارخانه) نج؛ ص ۵۵۱. آقاجانخان، سرهنگ: ج 1 ص ۵۱۵: ج7ص 37°C7117. . T117 . TOYT آقاسردار ، پسر سههدار : ج ۲من ۱۲۵۰ ء ج۳ آقاجانی ( متخلص به سایل ) :ج ۱۳۰۰، ۱۴۰۰ م ۹۶ ه ۲۰ آقاخان ( از جماعتاردلان) :ج۲۰۸۹،۰۲۰ آقاسي خارشاملو: ج 1ص23 جُمَّ 176 - 176 آقاخان (نغنگدارخاصه) : ج 1 ص ٥٣٥ . ج ٢ آقاسیخان ( برادر میرزافریدون بندیی ) 🤃 ص ۱۲۵۲ : ج ۳ ص ۲۱۱۱ . 1740 or TE آقاخان ایروانی: ج ۳ ص ۱۷۰۲ . آفاسید میرزا کاشانی، سرهنگ :ج ۱ ص۸۰۵؛ آقاخان (رئيس طايفه عزالدين لو ) : ج 1 - TOYT - 15900FE : 17TA of F ص ۲۰۶۱ : ج ۲۰۶۱ : ۲۰۶۵ . ۲۰۶۵ -آقاکوچک ملکالتجار : ج ۲س ۲۱۲۷ . آقاخان سرهنگ ( رئيس تلگرافخانه ) پسر آقالرخان، پسر جبرئیل خان مبیحی ( نایب سلیمانخان امیرتومان: ج ۱ صرودی، آجودانباشی): ج ۲ ص ۱۲۳۵؛ ج ۳ ۱۲۵۰ ۹۲۵۰ ۹۵۵<del>: چ ۲ س ۱۲۲۸ :</del> ص ۲۰۲۴. ج ۲ ص ۲۰۲۲ ، ۲۱۳۵ · آقا لرخان سرهنگ، ولد قاسمخان سرتيپ 🖫 آقاخان ( حاجی ــ ) ترجمان ضبطیه : ج ۱ 3 1 W 40 3 3 7 W 1779 3 7 W آقاخان (رئیس دیوانخانهٔ مازندران ) پسر آقا محمد شاہ قاجار ( آغامحمد خان )! ج{ عبدالصدخانافشار ) لج جس ۱۸۵۷ . ص ۲۹۹: ج ۲ ص ۱۱۲۸ ۱۶۲: ۱۶۲ آقاخان سرهنگ، ناظم و مطم زبان فرانسه : ص ۱۳۲۶ - ۱۳۳۱ : ۱۳۲۵ - ۱۳۲۲ · ج ١ ص ٤٢٨٠ ج ٢ ص ١٢٨٠ . · 1706 . 1706 - . 1774 . 1777 آفاخان، بسرشيرزاد ميرزا : ج 7 ص ١٢٧٨. · 1 7 4 - 1 7 4 - 1 7 5 1 - 1 7 5 0 - 1 7 4 7 آقاخان عمصامالدوله سرتيپ اول: ج 1 ص . 1740 . 1747 . 1741 . 1779 b 716:37 0 4771 1 7471 : 37 6 14.4 . 1747 . 1741 . 17AY 6 ~ YOAT . TOAT : 1907 : 1AOY . · 1577 · 1477 · 1470 · 1514 · 1605 آفاخان قاجار : ج ٣ ص ١٣٥٧ . 1646 - 1644 آقاخان قوانلو : ج ٣ ص ١٩۶١ . آقامیرزا (ولددلاور تایمنی) اج ۲ص۱۹۶۶ . آفاخان (میرزا۔۔)کارپردازوان: ج ۱ ص۵۳۴۔ آقامیرزا بزرگ، تاجرشبرازی: ج ۲۳۷۷۳، آقاخان کتول قوللرآقاسي: ج ٣ ص ١٤١٨. آقانجف (نايبسرايدارباشي) :ج٣ص٢١١، آفاخان ماکوئی، سرهنگ: ج ۱ ص ۸ه۵، ٔج۲ آفانرسس،تلگرافجی اج۲ ص ۱۹۲۰۲۱۰۰ ص ۱۲۲۹ : ج ۲ ص ۱۷۱۲ ، ۲۰۷۳ . آقانور ( مستر\_) : ج 1 ص ۵۳۸. آقاخان محلاتی ( حاکم محلات ) ولد میبرزا آفسنقرا حمدیلی: ج ۱ ص۳۲۱ ۳۸۹ ، خلیلاللہ ( رئیس اسماعیلیہ) ؛ ج ۳ آقىنقر برسقى ، قسيمالدوله ؛ ج 1ص ٣۶٢ تا ٠ ١٥٤٩ ، ١٥٣٤ ، ١٥٢٩ ، ١٥٢٩ ، · 757 : 757 . X87 . -1247-1060-1601-160-آضنقرفارقانی: ج ۲ ص ۵۹۳. آقاخان ولد مصطفی خان ( عمزاده خاتان آفسنقر قسیم الدوله ( پدر عمادالدین زنگی ) ≃

فتحطیشاه) : ج ۳س ۱۴۵۷ .

آقاخان ( نایب ایشیک آقاسی باشی) : ج ۳

آقاخان نوری (صدراعظم) : ج ۲ ص ۱۶۳۳،

. 1400 . 1641 . 1640 . 1614

آقاخان (حاجی ــ)وزبر حاجی فیروزالدین .ّ

آقاخان مقدم جوانشیری : ج ۲س ۹۳۷ .

آليرت ۽ پرنس دوگال (وليمهدانگليس) ج 1 س۶۵۶ تع ۲ص۱۶۵۵ ، ۱۲۹۸ ۱۸۳۵۰۱۰ . TITA . 1AYA آلبرفردریک آگوست آنتوان ( شامسایکس): ج ۳ ص ۲۱۴۷، آلبرماله، صاحب تاريخ قرن ۱۸ و ۲۰۰۰ج۳ ح ص ۱۲۴۵ و ۱۲۴۶ . آلبوکرگ: ج ۲ ص ۲۴۹۰۷۴۵، آلفرداعظم (پادشاهانگلیس) اُج1ص ۲۱۱۰ آلکمانڈر ، پرنس (ولیعہد سربی) : ج ۳ ص · 1144 · 1464 آلکساندراول (امپراطورروس) ، ح ۲۳٬۳۵۳۰ . 1440 . 16ff . 14TA آلکساندر دویم ( تزارروس) نُج۳ ص ۱۲۲۳ ، · T • T A · 1 YY ۶ آلکماندرسیم (امپراطورروس) : ج۳ص۱۹۰۹۰ آلکهاندر برطوف ( سردار گرجستان و وزیسر مختار روس در ایران ) ، ج ۲۰۰۵٬۵۲۸ · 1047 · 1017 · 1075 آلوارد کابرال: ج ۲ ص ۲۴۱، آلهجه خان (النجه خان) : ج۲۳۵٬۳۲۵ • آلفونسدوازدهم (شاماسیانیا ) :ج۳۳٬۲۹۲۰ آلیس ( شاهزاده خانم ) : ج۴ص ۱۸۴۶ آمبروازبار : ج ۲ ص ۸۲۲ ، آمد دویم ( دوگ داؤست ) شاہ اسیانیا :ج ۲ ص ۱۹۱۸ و آمرباحكام اللهء ابوعلى منصور خليفة علنوى مصر: ج ۱ ص۳۲۹، ۳۵۶، ۳۲۶، ۳۲۰ آمریک وسپوس: ج ۲ص ۱۷۳۶ ،۷۴۳ آن (خواهر امپراطور قسطنطنیه ) 🗦 ج ۱ ص ۲۸۴۰ آن، ملکهٔ روس( دخترایوان) : ج۱ص ۳۲۱، ج ٢ص ١١٠٨ ١١٠٥٠ آن استوار (ملکۂ انگلیس): ج 7ص ۱۹۰۲ء آنتوان (بادشاهاکس):ج۳۳۰۱۰۰۰ آنتوان (خليفه گرجستان): ج ٢ ص١٦١١٠ · 1145 · 1144 آنتوان (میرزا۔۔) مترجم سیحی ج ۱ص۵۵۸۰۰ آنتوان اول: ج ۳ص ۱۸۳۱ •

آگهی قاینی، شاعر : ج ۲ ص ۷۶۷.

آلبارملان طجوقي: ج ٢ ص ٥٤٧٠.

.744 6 444

آئسنگر برہفی: ج 1ص ۲۲۹ تا ۲۴۲،

آکیلیوپارا ، رئیس جمهوری کو*لمبی* : ج ۱ ص

آلبرت ( ازطائفهٔ برازیورک) :ج۲ص ۲۷۳

آنتوان دناوار : ج ۲ص ۸۳۷ . آن د اطریش : ج ۲ ص ۹۵۵ ، ۹۷۹ . آندره دوریا : ج ۲ ص ۸۴۴ . آنطولی لویش دوکارد دویا ( سیو ــ) : ج ۳ ص ۱۶۶۴ . آیخان ( پسر اغوز خان ) : ج۳ ص ۱۳۲۲ ،

## الف

اار سنت : ج ۳ ص ۱٬۳۰۰ اباتابت ( حاکم طرسوس) : ج ۱ ص ۲۲۳۰ اباتیخ بن عبدالله ( والی ارمینیه) : ج ۱ عر ۹۶۰ اباطالح عبدالله بنیزدار (وزیرالمستعین ): ج ۱ ص ۱ ۳۰۰ اباعبیدالله، مناویهین عبیدالله ( مستول دیوان رسائل منصورعباسی ) : ج ۱ ص

اباظاتی:ج۲۰۰۵۹۳، ۶۴۷۰۵۹۳، ۶۴۷۰۵۹۳، ۱۰ م ۶۳۷۰۵۹۳، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۹۵۹، ۱۳۶۹، ۱۳۶۹، ۱۳۶۹، ۱۳۶۹، ۱۳۶۹، ۱۳۹۹، ۱۳۹۹، ۱۳۹۹، ۱۳۹۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۰، ۱۳۹۰، ۱۹۶۰، ۱۳۹۰، ۱۹۶۰، ۱۳۰۰، ۱۹۳۰، ۱۹۳۰، ۱۹۶۰، ۱۹۳۰، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰

ابراز (مرزبان مرو) : ج ۱ ص ۶۲، ابراهیم : ج ۱ ص ۲۲۸

٠ ١٣١٥ - ١٣٩٤ ،

ابراهیم ( حاجی سید ــ ) : چ۳ ص۲۱۲۷، ۲۱۲۸ -

ابراهیم ( حاجیمیرزا ــ ) : ج ۳۰ ۱۲۷۴۰۰ ابراهیم ( میرزا ــ ) : ج۲ س ۱۲۲۵۰ ابراهیم (میرزا ــ ) : ج۲ س ۱۲۶۸۰ ابراهیم (میرزا ــ ) : ج۲ س ۱۲۷۱۰ ابراهیم (حاجیمیرزا ــ) از اجزای ستخانه :

ابراهیم آقا سرهنگ: ( از سرکردگان غلام نصرت): ج1 ص ۵۱۸، ج7ص۱۷۱۸، ۲۰۸۷،

ج ۲ ص ۲۱۲۲،

ابراهیم آقا ماکوٹی: ج ۲س ۲۰۷۳، ابراهیم بن|بوالحسن ( از آل مرین ) :ج ۲ ص ۷۳۰،

ابراهیم بسن احمد ... این اغلب (حاکم افریقیه): ج ۱ ص ۱۳۳،۱۶۶۰۱۲۳، ۱۹۷۱، ۲۰۱۱، ۴۰۹ تسا ۲۱۱، ۳۲۴،

ایراهیم ادهم (میرزا۔ ) : ج ۲ص ۹۵۵ -ایراهیم بن ادهم بنینصور (زاهد ) : ج ۱ ص ۱۵۱ ، ۱۷۹

ابراهیم بن اسحاق (محدث) آج (ص ۲۲۲ ، ابراهیم (سید ــ ) برادر شاهاسماعیل آج ۲ ص ۷۲۸ ،

ابراهیماشتهاردی(میرزات): ج ۲ ص۹۹۹، ابراهیماماماینمحمدبنعلی ـــــ ابراهیم این محمدین علی،

ابراهیمامامهبطاللمترکستانی:ج ۲ص۶۹۳. ابراهیم امینالتجار (حاجی میر ــ ): ج ۳ ص ۲۱۲۷۰

ابراهیم بریدشاء: ج ۲ ص ۸۹۵. ابراهیمبیک (ولدگجلبیک) :ج۲ص۷۹۶. ابراهیم بیک (برادر مرشدقلیخان) : ج ۲ ص ۸۸۰۰

س ۱۸۹۰ ابراهیم بیک البارت : ج ۲ ص ۱۸۵۴ ابراهیم بیک بربیپ : ج ۳ ص ۱۵۳۴ ، ابراهیم بیک قرامانی (جکمران قرامان) :ج ۳ ص ۲۹۲۷،

ایراهیم پاشا (این محمدعلیپاشایمصری): ح۲ ص ۱۹۲۹ ، ۱۹۲۱ ، ۱۹۲۹ ، ۱۹۲۸ ۱۵۲۸ ، ۱۵۴۶ ، ۱۵۴۲ ، ۱۵۲۸

1661 1661 : 1661 : 1864 : 1861 - 1861 : 1861 : 1861 : 1861

ابراهیم پاشا (داماد صدراعظمعثمانی) :ج ۲ ص ۱۰۲۶

ابراهیم (حاجی ... ) تاجر اسکوٹی : ج ۲مں ۲۹۲۶ ،

ابراهیم ناجر اصفهانی (حاجی سید ــ ) : ج ۳ ص ۲۱۲۷ ·

ابراهیم الحضرمی: ج ۱ ح ص ۴۷. ابراهیم (حکمرانموصل):ج ۱ص ۳۴۶. ابراهیم بن حمدان: ج ۱ ص ۳۳۶. ابراهیم حموی (شیخ ــ ): ج۲ص ۴۵۶.

ابراهیم حموی (شیخ ــ ) : ج۲ص ۶۰۹. ابراهیم بنخازم بن خزیمه : ج۱ص ۱۶۱، ابراهیمخان : ج ۲ص ۱۸۰۹، ۹۳۱.

ابراهیم خان : ج ۲س ۱۱۲۰ ، ۱۱۴۶ . ابراهیمخان (خاجی ــ ) : ج ۲ ت ۱۴۳۷ ،

۱۲۵۱ - ۱۲۴۱ ابراهیمخان (میرزات) (ج۲۳۰ - ۱۸۲۴ - ۱۸۲۴ ابراهیم خان ( میرزا ــ)ازاجزای پستخانه( ج ۲ س ۲۱۲۲ -

ابراهیم خان ( ادارهٔ غلات ) : ج۳۳۰۲۱۱۳۰ ابراهیمخان ( پسر ابوالقاسمخان ) نایب فراشخانه : ج ۳ ص ۲۱۱۸۰

ابراهیمخان|عتمادالدولهکلانتر(حاجیس): چ۳ص۱۴۱۵۰۱۲۲۵۸۰۱۲۵۸ ، ۱۴۳۶۰۱۲۲۵۰۱۴۲۵۰۱۴۱۵ ، تا ۱۴۵۸ ، ۱۴۴۲ ، ۱۴۴۱ ، ۱۴۵۸ ،

ابراهیم خان ، متخلص به انسور ( فرزنسد کریمخان ): چ ۳س ۱۴۶۶، ابراهیمخان ایکرمی: چ۲س۴۳۰، ابراهیمخان بادگویهای:چ۳س۱۵۵۷، ابراهیمخان (حاکمیاشقلان):چ۳س۱۵۵۴، ابراهیمخان بغایری: چ۲س۱۱۵۴،۱۱۵۴،

۱۱۵۸ - ۱۱۶۳ شج ۳ ص ۱۳۷۴ ابراهیمخان بلوج شج ۳ ص ۱۸۹۷ ابراهیمخان ناتار شج ۲ ص ۷۲۱ ابراهیمخان تحویلدار ملایر شج (ص ۵۵۱ م ابراهیمخان جهان بیگلو شج ۱ ص ۵۲۰ ابراهیمخان (عنزاده طاکم کرمان ) شج ۳ ص ۱۶۱۲ می

ابراهیم خان ( حاکم هزاره ) :ج۳ص۱۶۱۰ ابراهیمخان ( بنی عمحسینظیخان ) :ج۳ ص ۱۴۷۸۰

ابراهیمخان (عنزاده خافان فتحطیشاه) : ج ۳۳،۱۴۵۲۰۱۴۵۱۰۱۲۵۸۰۱۴۶۲۰۱ ۱۶۲۶ -

ابراهیمخاندامغانی(سرکرده) : چ۲۳۰۷۰۰۰ . ابراهیمخان دولو ــــــ ابراهیمخان قاجار ابراهیمخان دولو ( ابن جانمحمدخان ) : چ ۲۳ ۱۵۲۱۰

ابراهیمخان ذوالقدر : ج۲ص ۲۰۸۰ ۱۹۹۹ ۱۳۲۸ ۲۳۸ ٔ ج۲۳ ۱۳۶۷ ،

ابراهیمخان سرتیپ : ج۱ص ۵۱۶ : ج ۲ ص ۱۲۴۰ : ۲۰۸۵ : ۲۴۳۱ : ۲۰۸۵ : ۲۰۸۵ : ۱۷۳۱ . ابراهیمخان ، سردار تابعتی : ج ۳ص ۱۷۳۰ . ابراهیمخان سرهنگ ( سیرزا ـــ ) : ج ۱ ص ۱۲۳۵ : ح ۳ص ۱۲۳۳ : چ ۳ص ۱۲۳۲ .

ابراهیمخان سرهنگ بلوج : ج ۳ ص ۱۸۶۵ . ابراهیم خان سهام!لطک (میرزا ... ) : ج ۳ ص ۱۹۵۲ ۰ ابراهیم خان سیستانی: ج ۳ ص ۱۷۴۶، ابراهیمخانشادلو کرد (حکمران اسفراین): ج ۲ ص ۱۴۲۲ ، ۱۴۲۲ ، ۱۲۵۶ . ابراهیمخان شوکتالطک ( امیر ــ ) : ج ۳ ح ص ۱۴۴۸. ابراهيم خان شيرازى كلانتسر اعتمادالدولىه ..... ابراهيمخان اعتمادالدوله. ابراهیمخان (خابط بمپور) :ج ۳ص ۱۲۵۹ . ابراهيم خان ظهيسرالدوله (عمزاده خاقان فتحطبي شاه }حاكم كرمان : ج٢ص٢١٦١ ا ۱۱۲۲ · ۱۱۲۵ ؛ چ ۳س ۱۹۵۸ ن · 1054 · 1444 ابراهيم خان ظهيرالدوله (برادرنادرشاه): 3 T 20 1701 3 Y111. ابراهیمخان (برادرعادلشاه) :ج۲ص۲۹۳ ، أبراهيمخان ( پسر عبدالرضاخان ) يزدي 🖫 ج ۳ ص ۱۲۲۴ ۰ ابراهیمخان عرب: ج ۳ ص ۱۴۵۷ ۰ ابراهیمخان عزالدینلو : ج ۳ص ۱۴۴۳ ، ابراهیمخان (برادرعلیشاه) :ج۲ص۲۹۴۰، اہراھیمخان عمواوغلی : ج ۳ ص ۱۴۵۷ ، ابراهیم خان فیروزکوهسی : ج ۳ ص ۱۶۴۴، ابراهیمخان فاجار دولو: ج۳ ص۱۴۴۹، < 14-9 · 179A · 17AT · 17F4 · 176A · 1046 · 1041 ابراهیمخان فاجار ، سردار : ج ۳ ص ۱۴۴۹ . ابراهیمخان قوشچی باشی: ج ۱ ص ۵۵۴ .ُ ·TITY OT E ابراهیمخانلاریجانی سرهنگ نج اصده ۵. ج ٢ص ١٣٢٩ ؛ ج ٣٠٧٣٠٠ ابراهیم خان ، مستوفی ؛ ج ۲ص ۲۱۴۱ ۰ ابراهیمخان ، مستوفی ( حاجیمیرزا ــ ) 🖫 ج۲ ص ۱۲۹۷ ۰

ابراهیم خان مظفرالدوله ( میرزا ـــ ) لج ۳

ابراهیمخان، منشی: ج 1ص ۵۲۹؛ ج ۲ ص

ابراهیمخانبنمهدیقلیخان (دامادوعمزاده

فتحطیشاه) : ج ۲ص۱۴۱۸ ۱۲۵۰۰

ص ۱۹۸۷، ۱۹۵۰،

١٢٥٥ : ج ٣ص ١٠١٥٠

-1498 أبراهيمخان ناظر : جمِس ١٤٢٥ . ابراهیمخاننایباصطبل: ج1ص2۵۹؛ ج ۳ ص ۱۹۴۰، ۲۱۳۷. ابراھیم خان ، نایب جارچی ہاشی : ج ۳ ح ۲۱۳۲ ٠ ابراهیم خان ( میرزا ــ ) نایب دومآجودان باشي: ج 1 ص 411. ابرایم خسان ( میرزا ــ. ) نایب دوموزارت خارجه: ج ۳ ص ۱۸۸۸ ۰ ابراهیم خان (والنیبنداد ) :ج۲۰۳٬۰۲۰. ابراهیمخان هزاره: ج ۲ص۱۵۱۸ ، ۱۵۲۶ ، ابراهیم خلیلالله(ع): ج۱ص۲۱، ۲۶۴، ابراهیم خلیلخان جوانشیر ، حاکمشوشی و قراباغ :ج ۲س۱۴۱۲،۱۴۱۵،۱۴۲۱، ۱۴۲۱، · 1414 · 1415 · 1410 · 1410 +1441-1444-144A-1448-1444 · 1441 - 1444 - 1440 - 1444 · 4174 · 1407 · 1644 · 1646 · 1640 ابراهیمخلیل خان ، سرتیبپ ( ابن حاجی اسميلخان) ، ج٣ص ١٤٨٥ ، ابراهیم خلیل خان ، نایب الحکومه بزد ، ج ۳ ص ۱۲۲۲ 🖳 ابراهیم رخندارباشی (آقا ب) :ج ۲ص۱۸۰۳، ابراهیم (میرزا ک)سررشتعدار اج ۱ ۱ ۵۰۵ م . ITA . ITTY OT C. OFI ابراهیم ( میرزا ــ ) سررشتددار ( از اجىزای يستخانه): ج٣ص٥٢١٠٠ ابراهیم (میرزا ــ ) سررشتهدار کل : ج ۱ ص . ۱۲۲۱ مج تحر ۱۲۲۱ . ابراهیم ( میرزاسید...) سررشتهدارومستوفی: 5 20 1111 3 T W1111 1 14071 ابراهیم بن سری الزجاج ( نحسوی ) صاحب کتاب معانیالقرآن: ج ۱ ص ۲۳۸ ، ابراهیم بن سقبان: ج ۱ص ۳۵۷. ابراهیم سلطان (صاحببلخ): ج ۲۰۰٫۲۹۷، ابراهیم سلطان امینی: ج ۲ ص ۲۸۸. ابراهیم سلطان ابن بیرزاشاهرخ :ج۲۳٫۷۶۰ . 644. 644. 464. 444. 644.

ابراهیم بنءبداللہ بن زیاد : ج 1ص ۱۷۷ ، ابراهيمبن عبدالله بي عبدالمنعم ، شهاب ــ الدينالشافعي ، أبن ابي الدم موالف تاریخ کبیر مظفری :ج1 ص ۲۵۱، ابراهيم بن عبداللمبنعلي (ج1ص١٢). أبراهيم بنابيعبله: ج1ص140. ابراهیم بن عثمان بن بشار ــــــ ابوسلم ابراهیم بن عثمان بن محمدالغزی (شاعر ) : ج ۱ ص ۲۲۰. ابراهیم بن عثمان بن نهیک: ج ۱۶۷٫۰۱. ابرآھيم عسقلاني: ج 7 ص 6-9. ابراهیم عصار حصاری 🚉 ج ۲ص ۶۰۰ . ابراهیمین علی واسطی : ج۲ ص ۶۳۲ . ابراهیمبنعیسی بنعبدالسلام :ج۲ص،۶۳، ابراهيم (قاتل أشرف افغان ):ج٢ص٢٥٠٠. ابراهیم بن قریش (برادر شرفالدوله) :ج۱ ص ۲۴۰، ابراهیم قطب شاہ: ج ۲ ص ۱۸۵۰ ۹۸۶۰ ابراهیم قلیخان قاجار : ج ۳ ص ۱۲۵۲ . ابراهیم (میرزا ـ ) گیرنده نوشتجات : ج ۱ ص ۵۴۱. ابراهیم گیلانی ( میرزا ... ) منشی: ج۳ ص٥٥١٢٠ ابراهیملنگلن (چ۲ص۱ ۱۸۲۸ - ۱۸۴۸ -ابراهیممازندرانی (میرزات )نایب فراشخانه : 3 T 20 1111. ابراهیم بن مالکاشتر : ج ۱ ص۸۸۰

ابراهیم (مترجم عبرتنامه بهترکی) : ج ۳

ص ۱۰۳۵ و

ابراهیم مجور (میرزاـــ) سررشتمدار دفــــــر لشکر: ج ۳ ص ۶۹۰۹،

ابراهیم بن محمد بن دانشمند: ج ۱ ص

ایراهیم بن محمدالشافعی: ج 1 ص ۱۹۲. ابراهیم بن محمد بن عبدالوهباب بـــن ابراهیم امام ابن عایشه: ج ۱ ص ۱۸۵. أبراهيم بن محمد بن عرفته واسطىنقطويه (نحوی): ج ۱ ص ۲۴۹.

أبرأهيم بن محمد بن على، ابراهيمامام: ع ۱ س ۱۲۲،۱۲۲ تا۲۹،۱۳۱۰

ابراهیم بن محمد بن مصنب (والیفارس); ج أحي 191،

ابراهيم سلطان موصلو: ج٢ص ٧۶۶.

ا ابراهیم (میرزاد) سنتار و رئیسمجلس: ﴿ ٢ أَبراهیم شاه: ج ٢ص ۱۱۴۶ تا ۱۱۴۸؛ ج ٣ ا<sup>۲ ا</sup>ابن ابیلیلی ـــــ محمدبن عبدالرحمن بن ابىليلى ص ۱۴۷۰ ۰ galoways. Ild ابن ابی ملیک : ج ۱ ص ۱۱۲۰ ابراهیمین شاهلک: ج ۲ص ۴۹۰. ابراهیم (میرزا۔)مستوفی (حاضر رکاب) نرخ ابن اٹال نصرانی: ج 1 ص ۲۵، ابراهیم بنشس الدین بنمقدم ، عزالدین : ج ۱ ص ۲۸۵، دارا ابراهیم (میرزا سید\_) مستوفی: ج ۳ ص ابن اثیرجزری،عزالدین علی، ماحبتاریخ ج ۱ ص ۲۱۳۰ کامل: ج 1 ص ۲۷۰۹، ۲۳، ۲۳، ۵۳،۴۷ ابراهیم (آقا \_ ) شیخالاسلام خوی: ج ۳س 60.To99 14.277: 777: FAT: 6AT: 6AT: YPT: ابراهیم (میرزا۔)ستوفی آذربایجان: ج ۳جا . fty . ftr . fot ابراهیم شیرازی (آقامیرزا۔ ) ج۲ ص۲۱۲۵۰ 60.8091.00 ابن اختید (حاکمطرسوس) ج (۲۲۲۰۰ ابراهیم بن مسعود غزنوی (شاه غزنین) بیأ ابراهیم الصابی ، ابیاسحاق : ج (۱۳۸۰ م این اسیاط مصری: ج ۱۹۲ م ۱۹۲ ابراهیم (شیخ ــ)صاحب شیروان ،ج۲ص۶۲۴. ملک المواید : ج ۱ ص ۲۲۶،۲۲۶، وا ابن اعرابی کوفی ، محمد بنزیاد (صاحب کتاب ابراهیمبن مالح (حاکم دمشق ) :ج10،00 ، LB-797 ( لغت ) (ج1ص 190 ، ابراهیم طبیب (میرزا 🗕 ) 🗦 ج ۱ ص ۵۴۵، ابراهیم (میرزاً۔)مسیحی(برادمهر منوچهریا أبن امحكيم \_\_\_\_ عبدالرحمن بنعبدالله خان گرجی) : ج ۳ ص ۱۶۱۳ (آوا ابن عثمانالثقفي . ابراهیم بنطهمان نیشابوری (ازعلما ) : ج ۱ ابراهیممعین (میرزا\_) از اجزایپستخانه: ابن ام کشوم : ج 1 ص ۲۳ ، ص 15۳٠ ج ۲ ص ۲۱۲۰. ابن|نباری ،|بوالبرکاتعبد|لرحمن بن محمد ابراهیمعادلشاه :ج۲ ص ۸۶۹، ۹۰۷، ۹۲۱،۹۰۷ ابراهيم بن|لمقتدر بالله، أبى|لغضل جعفر (فقیه و نحوی) : ج ۱ص ۲۲۸، ۲۰۵۰ ابراهیم بن عباس صولی (ادیب و شاعر): المتقىلله (خليفة عباسي): ج ١ ص ابن انباری ، سدیدالدولمحمد :ج۱ص۲۲۸، - 197 · 197 · 191 · . 771 - 767 5 767 ابراهیم بن عبدالله بن حسن ( برادر نفی أبراهيم (ميرزا۔.)مبيز اوزاننوشتجاتاطاق: ابن بایک (شاعر) : ج ۱ ص ۸۳۰ زکید): ج ۱ ص ۱۴۵ ، ۱۴۱ ، چاص ۵۴۱ ج ۲ص ۱۲۲۱ ع ۳ ص ابن باقلانی .... ابویکرمحمد بن طبیب اشعری ابراهیم بنهارون[لحرانی(طبیب) : ج ۱ ص ابن بطوطه: ج1ص ۸۲ ؛ ج ۲ص ۶۲۲۰۶۲۱ ابراهیم ( میرزا ۔ ) منشی، ج ۲ ص ۲۰۹۷. ابن بقیله: ج ۱ ص ۴۱، ابراهیم بن موسی علوی ،جزار ، ج ۱۳۴،۰۰۱ ، ابراهیم بنهانی براسحق نیشابوری: ج اص ابن بقیه ( وزیر عزالدین بختیار ) : ج ۱ ص ابراهیم موصلی کوفی (مغنی): ج10101. ابراهيم بن هيمالله بنالبارزي (قاضي=) : ابراهیم بنمهدی (خلیفهٔ عباسی) ج۱ ص ابن التعاويذي .... محمد بن عبد الله كاتب ، . 124 . 170 . 144 P 149 ابن النماويذي . - ج 1 ص ۱۵۸۰ ابراهيم الهدمه (شبخ – ) ( ج ٢ ص٤٢٥، ابراهیم میرزا (امیرزاده ـ ): ج ۲ص۸۲۲. ابنتومرت : ج (ص ۲۵۸ ، ۲۵۹ ، ابراهيم بنهشام بنعبدالملك (حاكممكه) : - 17A4 · 1764 · 1767 · 1764 · ابن ثعبان ( والی حلب ) : ج 1 ص ۲۹۶ -ابراهیممبرزا!حتشامالسلطنه نج ۱ ص ۹ دی. ج اص ۱۱۱ ۱۱۲۰ ابنجارود عبدی: ج ۱ ص ۸۳ ابراهيم بن ميرزا ركسزالدين عسلاءالدولسة ابراهیم عبدانی (میرزا 🗕 ) :ج ۲۰۸۰ ۹۰ ابن جريج : ج 1 ص ۱۴ -(میرزا۔) : ج ۲ ص۵۵۷، ۱۹۵۶ ۲۰۹۹ (میرزا۔) ابراهیم بن بحیی (حاکممدینه) :ج ۱۵۴٬۰۱۱ ابن جمهوراحساوی شیعی : ج ۲ ص ۲۳۲ -ابنجوزی، ابوالفرج ..... عبدالرحمن . . . ابراهیم (میرزا ۔ )پسر معزالدولہ: ج ۳ ص ابراهیمبنینالبن،یکال (چ۱۰،۳۱۲، ۳۱۹۰ ابن حاجب ..... ابوعمر وعثمان بنعمر ، ابراهیم (میرزا \_ ) نابب سرایداربانی:ج۳ · 775 · 774 اہن دبیبیعہاسی (بزرگحلب) اج ۱ ص۲۴۱۰، ابراهیم (میرزا \_ )پسر حاجیمپرزا یوسف : ص ۱۱ ۲۱ ، ابنحسام خوافی: ج ۲ص ۶۲۹، ابراهیم ( نایب محله عودلاجان ): ج۱ص ابن حمام فهستانی: ج ۱ ص ۲۲۱. سررشتعدار آذربایجان : ج ۱ ص۶۵۵: ج ۳ ص ۲۰۲۰. این حفصون: ج ۱ ص ۲۱۲۰ ابراهیم بن نصرایلکخان ،طفقاچخانشسب ابرنویج ، رئیس شورشیان سربستان : ج ۳ ص ابن حمدان ــــ ابراهیمبنحمدان، الطكابواسحاق (پادشاهماورا النهر): . 1A.Y . 10TA ابنخازم : ج 1 ص ٩٠ ، - TTT . T19 . TTT. ابن ابى الدم ــــــ ابراهيم بن عبدالله بــن ابن خازن سب أبوالفضل أحمد بن محمسد ابراهیم (حاجی سدے) وکیل شهبندرشیراز :

ابنابي السلاح ، محمد : ج 1 ص 114 ،

ابن ابي العوجاء ؛ ج1 ص ٢٧ . زال

ابنخازن

ابن خشاب ـــــ ابومحمد عبدالله....

ابنخلکان،شسیالدیناحمد : ج ۱ ص۱۰۰

عبدالمنعم .

ج احر۵۲۷ ج۳س ۲۱۰۷ ،

ابراهیم بنولید بنعبدالملک: چ اس۱۲۶ تای

الم ۲۲۶؛ چ ۲ ص ۵۹۸. ام طب): ج 1 ص ۲۲۶. للما ابنءساكر \_\_\_\_ ابوالقاسم . ابن درستویه: چ ۱ ص ۲۶۴. ابن عطید: ج 1 ص ۳۱۰، این دقیق: ج ۲ ص ۵۸۸۰ ابن عمادشیرازی: ج ۲ ص ۹۰ ء. ابن دمنه; ج ۱ ص ۲۸۴۰ ابنعمر ، عبدالعزيز (اهلموصل) : ج 1 ص ابن ربیمبینعمروالقاری: ج 1ص ۵۶، ابنرحیان (حیان) بستی ــــــ محمد بن ابن عبرون ( ماحب حمن قدموس): ج ۱ حبان . . . بستي . ص ۲۲۳۰ این رشد ـــــ محمد . . . ابن العبيد ، ابوالفضل أبع 1 ص ٢٧٧ ، ٢٨٧ ، ابن|لزنجیلی: ج ۲ ص ۵۹۱، ابن زید : ج ۱ ص ۱۲۴ ۰ ابن زیدون اندلسی قرطبی (شاعر ) ----ابنفارش: ج٢ص٩٥٤، ٢٣١، ابن فضلان ( رئيس سفراه المقتدر/نزدترک ابوالوليداحمد . . . . بلغار ) تاریخ روس رابعربی،نوشت : ج۱ ابن ساعاتی (شاعر ) : ج 1ص ۴۲۶. ص ۲۲۲۰ ابن سائب کلبی نساید : ج 1 ص ۱۴۲۰ ابن فلاج (جعفر): ج 1 ص ۲۷۲، ابن سريح : ج 1 ص ۲۶۱ . ابنسکیت ، ابویوسف یعقوب (نحویلغوی): این قبوس (شاعر شام ) : ج ۱ ص ۳۲۸، ابن قطاع ـــــ علىينجمفر . ج 1 ص 194 ۰ ابن قفال ـــــ ابوعبدالله ، ابنالسماک (قاضی) : ج ۱ ص ۲۰۹۰ ابنكاكويد، علاءالدولمايوجعفرين شهريار: ابن سماک ، محمدین صبیح (واعظ) :ج 1 ص -TTO: F14. F17. F17. 617. 677. ابنكناسه (خواهر زادين إبراهيم بنادهم) ابنسنان (حکیم ومورخ): ج ۱ص ۲۷۴، \_\_\_ محمدين فيدائله ابنسهلان: ج اص ۲۰۲۰ ابنلبان (مقري وفقيمبصري) ، ج اح،۲۹۸ ابن سیدالناس (ماحب عیون الاثر): ج ۲ ص ابن ماكولا \_\_\_ أبونمر على . . . این محلب: ج ۱ص ۲۴۳. ابن مکتفِق ج آيس وو. اسهمیل ، ابن مدینی، علیبنعبدالله (حافظ) :ج ۱ این سینا ـــــ ابوعلی حسین . . . . ٠ 19٢٠ ابن شاذان (واعظ بغدادی) نج 1ص19، این مرشد : ج ۱ ص ۳۱۷۰ ابن شبل (شاعر): ج ۱ ص ۲۳۸۰ اینمروان: ج ۱ص۲۲۸۰۳۲۲۰ ابن شداد حلبی : ج ۲ ص ۵۹۹ ، این معود : ج اص ۸۳ ، ابن شمشقیق (دَمستق) : ج ۱ ص ۲۶۷، ابن مشطوب ، سيفالدين : ج { ع٠٤٣٢. ابن شهاب : ج 1 ص ۲۳۰ ابنمستز: ج 1 ص ۲۴۳ . ابن شهاب زهری: چ ۱ ص ۱۲۵ ۰ ابن معروف : ج اص ۲۹۳. ابن شهید (شاعر اندلس): ج ۱ص ۳۱۰، ابن منده ـــــ ابوعمروعبدالوهاب این شیرزاد : ج 1ص۲۵۶ ۲۵۸۰ ابن الموازين (شاعر حلب) أج 1 ص ٣٢٧٠، ابن طباطبا الطوی ،محمدین اسمعیل : ج 1 ص ابن نباته ـــــ ابویحیی... · 177 · 177 این نحوی ـــــ بحمدینعیاس ابنعامر (حاکم بصرہ) : ج 1ص ۲۲. ابن نصوح شیرازی ؛ ج ۲ص ۶۲۹ ، ابنءایشه ـــــ ابراهیم بنمحمدبنعبد ــ ابن وثاب: ج 1 ص 110، اين هشام سبب أيومحمد . . . ابنءبدالبرسب ابوعمرويوسفينعبدالبر. ابن هبیره، یحیی ـــــ یحیی,ن،حمد بن ابن عبد ربه ــــ ابوعمراحمدبنعبدربه ابن عديم ، كمال الدين عمر ( صاحب تاريخ ج

الأابن ياقوت ، ابيبكر (حاكم اصفهان ) ج 1 ص ۲۴۶ ، ۲۴۲ ، اینهطال (امیرفشون)، ج ۱ص ۲۱۲۰ ابن یامین: ج ۲ ص ۱۳۲۳ ، ابن یمین (شاعر) : ج ۲ص ۶۴۶، أبن يونس ( مورخ مصر ) ، " ج اص ۲۶۴ ، ابوابراهیم ، احمدین محمدین اغلب ( امیر افریقیه) : ج 1ص ۱۹۸۰۱۹۸۰ ۲۰۱۰ ابوابراهیم اسحاق (برادرابوزگریایحیی ) : - 1 a 101 . 101. ابوابراهیم الزنی ( صاحب شافعی ) : ج 1 ص ۲۱۰۰ ابوابراهیم ، محمدین ربیع ابواحمدسکری (صاحب کتابالامثال) : ج ۱ ص ۲۸۶۰ ابواحمد ، عدنان ﴿ پسر شریف رضی و نقیب علوبين): ج ۱ ص۲۲۵،۳۱۲، ابواحمدینالمکنفی: ج 1ص ۲۴۵، ابواحمدموسوىشريف ،الطاهرذاالمناقب (پدر شریفرضی): ج (ص۲۹۲ ، ۲۹۲ ، ابوادریسخولانی (فقیمشام و حلب ) : ج ۱ص ابواستوک ، فارسينمحمد (ج 1ص ٣١٧ -ابواسماق ، ابراهیم بن احمد مروزی ( فقیسه شافعی در مصر) : ج ۱ ص ۲۶۱ -ابواسحاق، ابراهیم بن ابوزگریایحیی ، امیر بجاهد : ج 1ص ۲۵۹ ، ابواسحاق ، ابراهیمبنعقیل قرشی (نحوی ) 🕏 ج 1 ص ۲۳۸. ابواسحاق ، ابراهیم بنمحمد (فقیدبخاری) : ج اص ۲۶۴، ابواسحاق ( استاد 🕳 ) ابراهیم بن محمد اسفراینی، رکزالدین ( فقیه شافعی و متکلم اصولی): ج ۱ ص ۲۰۶۰ ابواسحاق ، ابراهيم بن الهلال (كاتب العابي) منشىمغزالدوله (صاحبكتاب ناجى: ج ۱ ص ۲۸۲۰ ابواسحاق احمدين محمدالثطبي(الثعالبي) صاحب عرایس در قصصانبیاء : ج ۱ص ابواسحقاطعت شیرازی: ج ۲ص ۶۸۹۰

ابواسحاق بن البتكين: ج 1 ص ٢٧٧٠ .

ابواسحق انجو (اميرشيخ ...) : ج٢ ص ٣٣٠٠تا

. 584 ابواسحاق سمانی: ج ۱س ۲۸۳. ابواسحاق شیرازی ( شیخ ــ )مدرس نظامیــهٔ بغداد : ج 1 ص ۳۳۱، ابواسحاق شیرازی فیروزآبادی (شیخ ــ) ، ابراهیمبنعلی (ازاجلهٔ علماً): ج۱ ص ۲۲۱ ، ۲۲۱ ه ابوالاسود ،محمدبنيوسف فهري اج (ص169 ، ابوالاسود دوئلی (قاضی بصره و واضع علیم نحو): ج 1 ص ۸۹، ۱۲۹، ۲۶۶. ابواحیدالساعدی: ج 1ص ۵۷، ۸۱، ابوالاشهب جطربنطیان: ج 1 ص ۱۵۲، أبوالاعور ملمى (اميرسياهماويه درصفين): . 94 . 97 . FT . P1 . ابوامامالیاهلی: ج ۱ ص ۹۶ . ابوامیه عمروبنحارث (ازموالی ) آج ۱۳۳۳، ابواوائل : ج 1 ص ۹۶ ابوایوباتصاری (امیرسپادعلی (غ )درصفین ) - Y-04.57.74.57.67. ابوایوب، طیمان بنداود (مقری بصری ): ج 1 ص ۱۹۲۰ اہوایوب موریانی (وزیرمنصور ) : ج (ص۱۴۶. ابوبحرالضحاكين قيس ـــــــ احتف بن قيس، ابوبحريه، عبداللمبنقيس: ج 1 ص ۵۵، ایوبرده بن ابوموسی اشعری (قاضیکوفه ) :ج۱ س ۹۴ ، ۹۹ ، ۱۰۹

ابوبرزداشهلی: ج ۱ص ۸۶، ابوالبرکات، عبدالرحمن بندحمد، ابنانیاری ابوالبقا عبدالله بن حسین العکیری ( اعمی نحوی): ج ۱ص ۴۳۳،

اہوبکر (ازآلمرین مقرب) : ج ۲ ص۲۶۰. اہوبکر (میرزا ۔۔)نون<sup>ی</sup> شاہرخ : ج۲ص ۲۶۰ ، عدم

اہویکر (امیرزادہ 🗕 ) حاکم عراق عرب : ج ۲ ص ۶۶۶،

ابوبکربنابیقحافه (خلیفه اول ) : ج (ص۲۱ ، ۲۵ ، ۲۳ تا ۳۵ ، ۲۹ .

ابوبگراحمدین!براهیم اسماعیلی (فقیمشافعی جرجانی ) : چ ۱ ص ۲۸۰ .

أبوبكر احمد بن الحسين بسن على البيهقى الخمروجردى (محدث و فقيمشافعي) :

ج ۱ ص ۰۳۲۱ ایوبگر احمدینعلیین تابتیغدادی(صاحب

تاریخ بغداد ) : ج 1ص ۳۳۳. ایمیکالیلقلانی محمدیت طبیع (قاضی )

ابوبکرالباقلانی، محمدین طیب (قاضی ) : ج ۱ ص ۲۹۸ ، ۲۹۹

اہوبکر بستی ( از حفاظ) : ج ۱ ص ۲۷۵. اہوبکر بن پہلوان (امیر — ) : ج ۱ ص۲۴۱، ۴۲۴، ۴۲۵.

اہوبکر حسنین علی۔۔۔ این علاف ضریر نہروانی: ج ۱ ص ۲۴۲،

ابوبکر خیاط (مقری) : ج ۱ ص ۲۲۵. ابوبکر بن ابوزکریا یحیی: ج ۱ ص ۲۵۹. ابوبکر بن سعد (اتابک ــ) : ج۲ص،۵۸۵. ابوبکر سکلومی: ج ۲ ص ۶۳۱.

ابوبکربن سلطان ابوسعید گورکانی (میرزا۔۔.) :

ج ۲س ۲۱۸٬۲۱۷، ۲۲۵، ابوبکر بنسلیمان|لنجاد (فقیمحنیلی) :ج ۱ ص ۲۶۴،

ابوبکر سعانی ( از حفاظ ): ج ۱ ص۹۶۳. ابوبکر سنجری: ج ۱ ص ۲۸۲. ابوبکر شاذان صوفی: ج ۱ ص ۲۸۳.

ايوبكر الشبلي (صوفي، مالكيمذهبوصاحب الموفق): ج (ص ۲۵۸).

ايوبكرالمولى (عالم ادب و اخبار ) : ج 1ص ۲۵۹ ·

آبوبکر عادل (برادر صلاحالدین ایوبی) :ج۱ ص ۱۹۶۶ (۱۹۸۰

ابوبكرعبدالله بن احمدتقال (فقيشافمي) : ج 1 ص ۲۰۶،

ابوبکر قباری . ' ج ۲ ص ۶۴۷.

ابوبکر (میرزا۔۔) پسر میرزامحمدجوکی: ج ۲ ص ۶۸۵۰

ایوبکر محمدین حسن النقاش (مقری و صاحب شفاه الحدور) :ج (ص ۲۶۷ ،

ابوبکر محمدینحسین درید ( لغوی ، صاحب قصیده مقصوره ) : چ ۱ ص ۲۴۷ .

ابوبکرمحمدبن داود بن علی الاصفهانی ( فقیه ظاهری ) : ج ۱ ص ۲۲۰.

ابوبكر محمدين مرين مهل تجوى ، اين سراج ;

ج ۱ ص ۲۳۷۰ ایوبکر محمدین طبیب اشعری، این باقلانی : ج ۱ ص ۲۸۰۰

ابوبكرمحمدين عبداللعمحاطي (فقيمشافعي) ج 1 ص ۲۵۵ · د من سوار سال التفائل الداد

ابوبکر محمد بنعلی بن اسمیل القفال الشاشی ( صاحب کتاب عمد دوستظهری :ج۱ ص ۲۷۶ ، ۲۷۶

ابوبکرمحبدینقاسم ، اینالانیاری (نحوی) : ج1۳۲۲۰۰

ایویکرمحمدین محمد بنجعفر بن دفاق (فقیه شافعی ) : ج ۱ ص ۲۹۱۰

ابویکر محمودی حدیدی (فاضی و صاحب مقاماتحمیدی) : ج ۱ص ۹۳۹۴۰

ابوبکرین منتخب ، ج (ص ۴۶۰ ،

ابوبگر منصور بنجلال الدوله (شاعر): ج ۱ ص ۲۲۰،

ابوبکربن میرزامیرانشا دبن امیرتیمور (میرزا۔) ج ۲ ص ۶۶۹ ، ۷۱۹

ایوبکر ، یحیی بن عبدالرحمن|نداسی قرطبی (شاعر ، صاحب موشحات) : ج ۱ ص

ابوتراپ= علی بن ابی طالب (ع) : ج1 ۱/۰ ۲۰ ابوتراپ (میرزا — ) از اجزای پستخانه : ۳۳ ص ۲۱۲۰ .

اہوتراب امام جمعہ شیراز ﴿ شَیخ ۔ ﴾ : ج ٣ ص ۱۲۸۲ ۰ ۱۲۸۲

ابوتراب (میرزا \_ ) دفتردارمخصوص: ج ۱ ص ۵۴۱،

ابوتراب (میرزا۔)سررشتعدار :ج ۱ص ۵۰۵. ج۲ص۱۱۲۹ - ۱۲۲۴ - ۱۲۲۴ - ۱۲۲۱ ج ۳ص ۱۶۷۱ - ۲۰۶۸

ابوتراب خان (میرزاند) سرهنگ (تحویلدار کلاادارهٔ پلیس) : ج ۳ م ۲۰۹۶ .

ابوترابخان (میرزا۔۔)منتشاروزارتتجارت.

ج ٣٠٠ ١١٢٢٠

ابوتراب خان ( میرزا ... ) نایب اول و منشی و مترجم : ج ۱ ص۵۲۶ : ۲۵۳۵ : ۱۲۵۳۵ . ابوتراب رقیم (آقاسید ... ) : ج ۲۵۳۲ : ۲۵۳۲ . ابوتراب میرزا سرهنگ : ج ۳س ۲۰۲۲ . ابوتراب نخشین صوفی : ج ۱ ص ۱۹۸ . ابوتراب نخشین صوفی : ج ۱ ص ۱۹۸ . ابوتراب نقاش هاشی (میرزا ...) : ج ۲۵۳۲ ، ۱۲۹۳۲ .

أبوتراب ( ميرزا ــ ) نقاش#ارالطباعه!ج١ ابوحاتمرازی ،محمدینادریس آج۱ ص۲۱۲، أبوحامد احمد بن محمدين احمد الاسفرايني ابوتراب ( میرزا ــ ) نقاش مخصوص ج7ص (پیشوایاصحابشافتی) :ج1ص ۲۰۰۰ ابوحامد محمدین محمد ، حاکم نیشابوری 🖫 ابوتظب بن تا صراف وله ، عد مالد ولمالفضنفر : · 145 @ 1 t 3 1 m 0 77 1 177 177 177 1 ابوحامد محمدين محمدالغزالى ، حجمالاسلام AYT PYT. زين الدين الطوسي (ج٠١ص ٣٥٨ ، ٣٥٨ ، أبوتمام ، حبيب بن أوس الطاشي (شاعر ) :ج إ ابوحامد ، محمدبن یونس ( فقیه شافعی ) - TTA - 1 E ايوتمهم معدين الظاهر لاموالله أبوالحسسن ابوالحجاجين يوسف بنطيمان الإعلم الشنعرى على المستنصر بالله علوى : ج 1 ص ٢٩٧ ، ( از اثمهٔ ادب و شارح حماسه) : ج ۱ .TT0 .T17 6T10 ص ۳۳۹۰ ابونور ءابراهيمينخالدين أيى اليعان الكلبى ابوالحسن ( ميرزا \_ ) : ج ٢ص ١٢٢٥٠. اہوالحمن احرازی (ادیب خراسانی) : ج ۱ ( فقیمبندادی، مصاحبامامشافعی) : ج اص ۱۹۶٠ ابوالحسن ، ولد احمد اباوردی: ج ۲ ص ۸۳۲، ابوجحر (فقیہ در بخارا ) : ج 1 ص ۲۶۱. ابوالحسن احمد بن على بن مقاتل : ج 1 ص ٢٥٤ . اپوجعفر، ج ۱ ص ۲۳۷، ابوالحسن اشعری: ج 1 ص ۲۹٪ . ابوجطر ، . . ، شریف هاشمی عباسیبیاضی . ابوالحسن انطاکی: ج 1 ص ۲۸۳۰ ع ۱ ص ۲۳۶۰ ابوالحسناهرمی (حاجی۔) آج ۲۳۲۲۰۳ -ابوجطر بن شعتریار (شهریار) ابنکاکویه : اہوالجسن بصری ڈج 1 ج 74 ہ . 115 or 1 g ابوالحسن تينائي : ج 1 ص 750 ، ابوجطر احمدین|بیعمران (فقیمحنفی) :ج1 أبوالحسن بن الحسن الرججي (مويد الملك ) : ج ۱ص ۲۰۳۰ ابوجعفر احمدين محمد ينسلامةازدىطحاوي ابوالحس حكيم باشي (حيرزا – ) أج 1 ص (فقیه حذفی) اج ۱ص ۲۴۷. . TITO 2 7 20 1716 3 70 077 ابوجطرمحمدين احمديننصرالترمذي ( فقيد ابوالحسن حماسی (مقری عراق ) : ج ۱ س ۴ ه ۲۰ شافعی محدث ) : ج ۹ ص ۲۲۷ . ابوالحسنخان (ميرزا \_) : ج 1 ص ۵۶۶ ج٣ ابوجعفر محمد بنجرير طبري ، ج 1ص ۲۳۷ ، ص ۱۵۸۲ -ابوجعفرین محمدالبخاری (حکیم ) ؛ ج1ص ابوالحسنخان ( حاجی۔) : ج ۲ ص ۱۵۸۱ ۰ أبوالحسنخان ، پسراميرحسين ځان شجاع۔ أبوجعفر محمدين عبداللغالاسكافى (أز أثمت الدولة: ج 7 ص1490 ، 1976 . متكلمين معتزله ) : ج1 ص ١٣٩ . ابوالحسنخان ( ميرزا 🗕 ) حاكم كومان: ج ابوجىفرمجىدبنءتمان العسكرى ،سمان (رثيس ٣ ص ١٢١٨ ، ١٢٢٠ . امامید، معروف به عمری و نایب امــام ابوالمسنخان، سرهنگ (خارچاز فوج ) 🖫 منتظر): ج 1 ص ۲۳۴ -چ ١ ص ٨٥٨ : ج ٢٥٠١ : ج ٢ ص ابوجطر محمدين قاسم ﴿ وَيُرِالْقَاهُرِيالُلَّهُ ﴾ : ج 1 ص ۲۴۶-ابوالحسنخان، سرهنگ افشار (توماندویم، ابوجعفر نحاس نحوی : ج ۱ ص ۲۶۰۰ فوج بہادران) : ج۲ ص ۱۲۳۷ : ج ۳ ابوجطر يزيدبنقطاعالقاري ، ج1ص111 ، ص ۲۰۸۲ ۰ ابوجندل بنسهيل بنعمرو ؛ ج 1ص ۵۲ ،

ابوالجوزاء ، اوس بنعبداللفالربعي أج ١ ص

آبوجهل: ج ۱ ص ۲۲۰

- 1045 · 1074 · 1070 · 1747 · 1076 · ابوالحسنخان شیرازی ( میرزا --- ) وزیرامور خارجه: چ ۲ص۱۵۰۲، ۱۵۰۸، ۱۵۱۸، ۱۵۱۸ · 15TA · 10A1 · 10A0 · 10FF ابوالحسنخان صنيع الملك ( ميرزا ــ ) :ج٣ ص ١٨٥١ ٠ ابوالحسن خان ( ميرزا ... ) پسر قائم مقام : ج ۳ص ۲۰۶۷ و ایوالحسن خان ( میرزا ... ) مطم طب : ج ۱ ه ۲۶۶: چ چس ۲۰۰۷، ابوالحسنځان ، نقاشياشيغفاري (ميرزات) 🖥 37 - 1711 : APY : 17741 . ابوالحين بن خل ( شيخ شافعيه) ؛ ج ۽ ص أبوالحسن (داماد عبدالله قطب شاه) : ج ٢ ابوالحسن دامقانی (قاضی) : ج 1 ص ۲۶۴، أبوالحسن عبدالرحمن قدورى (صاحبتكله وتحرير): ج 1 ص ٣١٩. ابوالحسن علىبن ابوستيدمقري ( از آل مرين مغرب): ج ۲ ص ۵۹۲: ۲۳۰ ابوالحمن على بن أبى الهيجاء سيف الدوله: ع اص ۱۵۵ تا ۲۸۲، ۲۵۹ تا ۲۶۳ ، . 771 6750 أبوالحسن علىبن أحمدين متويسه الواحدى نیشابوری (مقسر ، صاحبوسیط ،بسیط وجيز): ج ا حن ٢٣٤٠ ابوالحسن على بن اسمعيل اشعري :ج 1ص7۵۵ ، ابوالحسن على بن استثيل ، ابن سيده المرسى ( حافظ و امام لفت ) : ج 1ص ٢٣١. ابوالحسن على بن البوشنجي: ج ١ص ٢٤٤ . ابوالحسن علىبن سيدالاصطخرى (معتزلى) : ج 1 ص ۲۹۹ ، ابوالحسن علىالطبري: ج 1 ص ٣٢٠، ابوالحسن ( حبين)علىين عبرين|حند دار قطنی ( فقیشاهمی ) نج ۱ ص ۲۸۸ ۰ ابوالحسن علىين عيسى رمائي (نحوي ، صاحب تفسیر ) : ج ۱ ص ۲۸۷ ، ابوالحسن على بن محمد السمرى (آخرين سفراي اربعه) : ج1 ص ۲۵۴۰ ابوالحسن علىبن نصر ۽ مهذب الدوليه (حاكم

بطیحه): ج ۱ ص ۲۸۲۰

ابوالحسن فراهانی (میر ـــ) ،ج۲ص ۹۲۴ ،

ابوالحسنخان (میرزا ــ )سفیرایران: ج ۲

ابوالحسنخان شیرازی (حاجی میرزا ــ) 🕯

ص ۱۵۲۲،۱۵۰۱،۱۴۹۸

أبوالحسن القاسم بن عبيدالله (وزير المعتضد): أبوحمزه ( صاحب ابن عباس) : ج1 ص179. ابوحمود : ج ۲ ص ۶۴۲. ج ا ص ۲۲۳۰ أبوالحسن قطب ثناه ﴿ وَالَّيْ كَلَّكُنْدُهُ ﴾ : ج٢ ص أبوحنيفه، احمدبن داود دينورۍ ( ماحــب النبات) : ج ( ص ۲۲۰. ابوالحسن ( حاجی میرزا نــ ) لشکــرتویس ابوحنیفه، نعمان بن ثابت (امام اعظم): ج۶ آذربایجان: ج بس ۲۰۲۰، س ۲۴، ۱۶۴ ، ۱۵۱ ، ۱۶۴ ، ۱۶۸ م ابوالحسن الماوردی: ج ۱ ص ۳۰۸. ۸۷۱۰ ۲۴۲۰۲۱۲۰۵۲ ع۲س۸۵۰ ابوالحسن محمد ( از اولاد ابیالشوارب ) 🗧 ج ابوحیان توحیدی ؛ ج ۱ ص ۲۸۵ . ۱ ص ۲۶۴ ، أبوحثيمه زهرالمحدث زابو حشيمه زهير بن أبوالحسن محمد بن عبداقله السلامى ( شاعر حرب): ج ۱ ص ۱۹۲. بغدادی): ج ۱ ص ۲۹۱. البوحازم[عرج: ج 1 ص ۱۳۶. أبوألحسن بن مطم ، كوكبى (وزيربها؟الدولـه ; ابوخالد ، حارت بن قیس بن خالد ! ج 1 ص ج ١ ص ٢٨٤٠ ابوالحسن ميرزا ، يسر محمدعلى ميرزا دولتشاه : اہوخالد ، بزید بنالیاس: ج 1 ص ۱۶۷. ج ۲ ص ۱۵۵۱ ۰ ابوالخان ازبک: ج ۲ص۱۸۵۰۸۵۰ ابوالحسن مشرف ( ميرزا \_ ) : ج ٢ص١٢٢٥ : ابوخراش هذلی (شاعر) : ج ۱ ص ۵۳. 7090 0 7 2 ابوالخطاب شبلی (شاعر) : ج1ص ۳۱۸. ابوالحسن معماريائيعهد ناصري (حاجي \_): أبوالخطار ،حسام،نضراركلبي(اميراندلس) : + 7 00 111 - + 700707 : 47071 - 114 + 114 m 1 t ابوالخير سمرقندی: ج ۲ ص ۸۱۱. ابوالحسن (میرزا نہ ) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶ ؛ ابوالخيرخان شيباني: ج ٢ ص ٩٥٠. ج ۳ ص ۶۹۰۲۰ ابوالخيرخان،والي قراق : ج ٢ ص١١٢٥ . ابوالحسن واسطى: ج ٢ ص ٢٧٩ . ابوداود خالدین ایراهیم الذهلی: ج 1 ص أبوالحسن هيفالله بن صاعد ﴿ أمين|لدوله بن · 174 · 174 · 177 · 177 تلميذ ۽ صاحبقرابادين) نج 1ص٩٩. ابوداودسليدان بن ائتث السجستاني (ماحب ابوالحسين احمدبن فارس زكريا الوازى اللفوى سنن): ج 1 ص ۱۲۸ ، ۲۱۵ ، ( استادیدیعالزمان همدانی) : ج ۹ ص أبوديوس (آخرين ملوك بني عبدالموس ): 3 TOLKA . IPA . TPA . 279 . أبوالحسين أحمدين محمد القندوري الحنفي ابودردا انصاری! ج ۱ ص ۵۷. ( صاحب کتاب قدور ) : براس ۳۱۱. أبودلامه: ج 1 ج ص ۱۴۶. أبوالحمين جوهررومی (ملازمالمتزعلوی ) : ابودلف شرخاب بن کیخمرو ( صاحبساوه): 31 - 447 . 147 JAY1 . 647 . 447 . ج ۱ ص ۲۵۹. أبوالحسين بن صالح (فقيه شافعي از عباد ) : ابودلف عجلی ، قاسم بن عیسی ( ماحب - YTA 00 1 E امین): ج (ص ۱۸۲، ۱۸۷، ۲۲۱. ابوالحسين بن على فرأت ( وزير المفتدر ) : ابوذرجمهر: ج 1 ص ۱۲۳. - fra. 777. 677. A77. 677. ابوذر غفاری: ج ۱ ص۵۶۰۵۶۰۵۸۰ ابوالحبین،محمد بن علی ( بصری معزلی ) : ابوالذواد محمدين مسيب (أميرموصل) أج [ ج ۱ ص ۳۱۷. O GAY · AAY . ابوخمین یحییبن سلیمالرازی ( محدث) : ابوذو یب هذلی (شاعر) :ج1 ص ۵۴. ج ۱ ص ۱۹۲، ابورافع (صحابي): ج 1 ص ٧٢. آبوحفص دمشقی: ج ۲ص ۶۲۰,

أبوحفص عمر بن يحيى البهنتانيء المستنصر

بالله: ج اص ۴۵۸، ۴۵۹.

أبوالربيع مليمان المستكفى بالله (خليفه) : ج ۲ ص ۶۲۹ ، ۶۳۱. ابورکوه ( از اولاد هشامین عبدالملک) :ج۱ ص ۲۹۳۰ ابوزاکی: ج 1 ص ۲۲۹، أبوزرعه احمدالرازی ، ابوالقاسم وارکی (شیخ شافعی): ج 1 ص ۲۸۲. ابوزکریا یحپی، امیر مرتضی، ج ۱ ص۴۵۸،

أبوزكريا ،يحيىبنزياد فراه الديلمي الكوفي: ج 1 ص 174 ،

ابو زکریا ، بحیی بن عبدالوهباب بن منده اصفهانی ( محدث ) : ج اص ۲۶۴. ابوزگریا ، بحیی بن علی التبریزی ( خطیب و امام لغت ) ؛ ج 1 ص 750. ابوزگریا ،یحییبنمعینمزی بفدادی (مصاحب

احمدین حنیل) : ج 1 ص 197 ، ابوالسرايا السرى بن منصور : ج 1 ص ١٧٤ . أبوسعد عبدالرحيم بن عبدالكريم بنهوازن القشيري: ج 1 ص ٣٥٥.

ابوالسعود بن زريع : ج 1 ص ٣٢٩. ابوالسعود بن عمران بن محمدين سياء 🕽 ۾ ۽

ابوسعید (دریاپیمایعرب) . 'ج (ص۱۹۴ . ابوسعید بنابوکائیجار : ج 1 ص ۲۲۲. ابوسعید احمد بصری: ج ۱ ص ۲۶۸. ابوستید اصمتی لقوی بحری ( امام لفت) :

ج ا ص ۱۸۳۰

ابوسعید بن الجایتو ( سلطان ــ ) : ج ۱ص

ابوسعید ، حسن بن بهرام جنابی ( بزرگ قرامطه): ج1 ص٢٢٢، ٢٢٢.

ابوسعید حسن بن عبدالله سیرافی ( قاضی صاحب شرحالکتاب سیبویہ) : ج ۱ ص - TYA + TTY

أبوستيد ، حسين بن حسن بن عبدالله البكرى ( نحوی لغوی ) :ج اص ۲۱۷ .

ابوستید خان: ج ۲ ص ۸۳۰.

أبوسعيدخيثم الهلالي التابعي: ج إحص ٢٠٠٠، أبوسعيد سرخسي (مدرس حنفيها): ج ١ .TT1 0º

ابوسعید سلطان بن کوچم خان: ج ۲ ص . 444 . 744 . 444 .

- AG 198 00 t

ابورافع بی ابی الحقیق پہودی ; ج1ص۲۲ ،

أبوالربيع بن خثيم ( از زهاد ثمانيه ) :ج ١

ابوستید سیرافی: ج ۱ ص ۱۳۲۰ ابوسعید بن عبدالمو من: ج1ص۲۸۹، ابوسعید فاطعی (رئیس فرامطه): ج ۱ ص ابوسعید بن قرایوسف (امیر ــ ) ، 'ج۲ص ·FAY ·FAF ابوستید کازرونی: ج ۴ ص ۶۹۸، ایوستید محمد بن یوسف مروزی (حاکسم ارمینیه و آذربایجان): ج1 ص ۱۹۳۰ ابوسعید بن مطی الانصاری: ج1ص91ء ابوسعيد النحوى اللغوى: ج1 ص ١٨٣ -ابوسعید هانی (حافظ حدیث): ج ۱ ص ابوسمید بن یعقوب (از آل مرین): ج ۴ ^ ص ۲۳۰ اہوسفیان بن حرب بن امید: ج ۱ ص ۲۳ . TT1. YT. DY. TT . TA . TO 6 ابوسلمه بن حفص بن سلیمان (داعسسی عباسین): ج 1 ص ۱۲۷۰ ابوسلمه الخلال، وزير آل محمد : ج 1 ص ۱۲۲۰۱۲۳۰ ابوسلیمان، امام (صاحب معالم): ج ۱ س حي ۲۸۹٠ ابوسلیمان الدارانی (زاهد): ج ۱۳۰۱، ابوسليمان داود اشقرالسمار (محــدث ) : ج 1 ص ۱۸۹۰ ابوشامه دمشقی: ج ۲ ص ۵۸۷۰ ابوشجاع دیلمی (از حفاظ): ج ۱ ص ۳۶۳، ابوشجاع فاتک رومی: ج ۱ ص ۲۶۶۰ ابوشجاع ، محمد بن الحمين (وزيرخليفه) ح ۱ ص ۲۳۹. اہوشریح خزاعی ۔ خویلد بن عمرو : ج ۱ ابوالشعثاء ، جابر بن زید : ج ۱ ص ۱۰۱۰ ابوالشوک: ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۱۸، ابوالصباح حی بن یحیی (حاکم|شبیلیه): ج 1 ص ۱۴۳۰ ابوالصقر شیبانی: ج ۳ ص ۱۳۷۱ -ابوالطت اندلسی: ج 1 ص ۲۲۳۰

ابوالصيدامالج بن طريف (بزرگبني ضبه) :

ابوضعره، محمد بن سليمان (والي مصر):

ج 1 ص ۱۱۳۰

ج اص ۱۵۰٠

ابوطالب بیک (نایب کالحکه خانه) : ج ص ۵۵۴: ج ۲ ص ۲۱۲۷٠ ابوطالب بن تنش : ج ۱ ص ۲۴۸. ابوطالب خان (ميرزا ـــ ) اعتماد الدواسة حاتم بیک اردوبادی ًے ۲ ص ۹۳۲ ، ابوطالبخان (سرتيب سوم):ج١ ص٥٠٨ : -TO X77: 3 T & XYOT. ابوطالب خان منشی مخصصوص: ج ۱

ابوطالب خان (میرزا ــ ) نائینی (نایب الحكومة لرستان) أج ٢ ص ١٩١٢ -ابوطالب (حاجی میرزا سید 🕳 ) سرشت دار اداره بنا خانه! ج ۲ ص ۲۱۱۵ ابوطالب (آقامید ــ ) صدر الذاکسریسن:

ابوطالب ( آقا ـ ) صراف: ج1 ص٥٥١٠ ابوطالب طهرانی تاجر (حاجی ــ ) :ج۳ ص ۲۱۲۵۰

ج ۲ ص ۱۹۰۲ -

ابوطالب عبدالجبار العثنى الانسدلسسي (صاحب ارجوزه): ج ۱ ص ۳۰۱، ابوطالب بن عمار ﴿ (قاضى وحاكم طرابلس ):

ج 1 ص ۲۲۲-ابوطالب (ببرزا ـ ) فونسول مندليج: ج١ ص ١٢١٠٤ ۾ ٧ جي ١١٠٦٠. أبوطألب محمد بن على بن عطيم المكسى

ر (ماجب قوت الفلوب) : ج ١ ص ٢٨٨٠. ابوطالب (برادر المقتفى لامر الله) : ج ١ ص ۱۳۸۰

آبوطالب میرزا (صفوی ): ج ۲ ص ۸۷۸، ابوطالب (حاجی ــ ) نایب غاروفشافویه:

3 7 °C 064, 3 7 °C 6807. أبوطاهر ءابراهيمينناصرالدولمينحمندان: 3 1 @ 7A7 · DAY ·

ابوطاهر ، سليمان بن ابوستيد جنابي قرمطي: 3 1 - 777 . X77 d a77: 777 . TAF . TF9

أبوطريف عليان بن ثمال الخفاجي (أميسر کوفه: ج ۱ ص ۲۸۲.

ابوطفیل، عامر بن وائلہ: ج 1 ص ۱۰۷. ابوطلحه انصاری: ج ۱ ص ۵۷.

اہوالطیب طبری (فقیہ شافعی): ج ۱ ص

ابوالطيب متنبي كندي جعفي: ج١ص٨٢٨. | ابوالعباس عبدالله بن حسـن بـن أيـــي

اہرعاصم بن مخلد شیبانی (محدث): ج ۱ ص ۱۸۲۰

ابوالعالية؛ رياحي: ج 1 ص ١٥٥٠ اہوعامر راہب: ج 1 ص ۲۰۰۰

ابوعامر عبدالله (از آل مرین مغرب)؛ ج ۲ ص ۲۲۰۰

ابوعامر محمد بن ابی عامر:ج(ص ۲۹۵ -ابوعامرمحمدين عبداللغالمعافرىالقحطانى: ج 1 ص ۲۷۷.

ابوعامر محبد ، منصور (حاكم اندلــــس) : ج 1 ص ۲۹۲۰

ایوالمباس (شاعر): ج ۱ ص ۳۹۲، ۲۰۰ ابوالعباس: ج 1 ص ۲۲۹، ۲۳۰،

بوالعاس بن أبراهيم بن أحمد بن أغلب: ج ۱ ص ۲۲۲۰

أبوالعباس احمد (از آل مرين)؛ ج ٣ ص · 454 . 44.

ابوالعباس احمدين الامير اسحاق بن المقتدر: + 1 a 747 AAT.

ابوالعباس احمد بن سريح ۽ بأز أشهسب

﴿ (فقیه شافعی) : ج ۱ ص ۲۳۵۰ ابوالعباس احمد بن على رفاعي: ج 1 ص

ایوالتیاس احید بن محمد بن سهبل بسن عطاء (صوفی: ج ۱ ص ۲۳۲۰

ابوالعباس احمد بن المستكفى بالله: ج ٢ ص ۶۳۲۰

أبوالعباس أحمد بن المقتدرء الراضي بالله عباسی: ج اص ۲۴۵، ۲۴۸، تا ۲۵۱،

ابوالعباس أحمد بن الموفق، المعتشد: ج ۱ ص ۱۱۲، ۱۲۱۴ ظ ۱۲۶، ۲۲۳، ایوالعباس احمد نسوی (صوفی): ج ۱ س

اہوالتیاس احمد بن یحیی، ثطب: ( ج 1 ص۲۲۵۰

ابوالعباس الخصيبي (وزير المقتدر): ج 1 ص ۲۳۶ ، ۲۴۰ ، ۲۴۶

ابوالعياس سفاح ، عبدالله بنمحمد (أولين خليفه عباسي): ج 1 ص ١٠٩٠٨٤٠ · 144 · 140 · 145 · 144 6 141

ح ۲۶۲ ، ۲۶۲.

ابوالعباس بن کبش العتوکل: ج ١ص٦١٤. ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن اغلیسب (والیافریقیه): ج ۱ ص ۲۲۳،۱۸۸، ابوالتباس محمد میرد : ج (ص۲۲۲،۲۲۲ ،

أبوالعباس ، محمد بن يعقبسوب الاسسوى النیشابوری اصم (محدث): ج ۱ ص

ابوالعباس مصری: ج ۲ ص ۶۰۹، اہوالعباس نقشبندی: ج ۲ س ۶۷۹، ابوالعباس بن واصل (حاكم بطيحه) : ج ١ ص ۱۹۲۰ ۲۹۳.

ابوغيدالله حسين بنحجاج (شاعر شيعه): ج ۱ ص ۲۹۰،

أبوعبدالله الحسين الضيمرى إقساضيي ء ماحب ابوحنیفه): ج ۱ ص ۲۱۷. أيوعبدالله بن الحسين على البضدادي ، ابن قفال (از اصحاب شافعی): ج ۱ ص ۲۴۰۰

أبوعيداللهالحسين ناصر الدولتين حمدان : - TAF - 1 E

ابوعبدالله خزاعی: ج ۲ ص ۵۸۲. ابوعبدالله شهيد : ج ٢ ص ٥٥٤. ابوعبدالله علوی: ج ۱ ص ۲۳۰.

ایوعیداللہ کوفی (کاتب بجکم): ج ۱ ص

أبوعبدالله محمد بن أبوزكريسا يحيسى ، المستنصر بالله: ج 1 ص ۴۵۹،

أبوعبدالله محمد بن ابی نصـــر حبـــدی اندلسی (از فضلا) : ج 1ص ۳۴۹، أبوعبدالله محمد بن احمد (امير افريقيــــه): ج 1 ص ۲۰۲.

أبوعبدالله محمد بن سألم (صاحب سهل این عبدالله تستری): ج ۱ص ۲۳۰. ابوعبدالله النائلي: ج 1 ص ٣١١. ابوعیدالرحمن (عالم به اخبار): ج ۱ ص

ابوعبدالرحمن (مقری ، محدث) : ج ۱ص

ابوعبدالرحمن احمد بن على بن شعيــب النمائی (ماحب کتاب سنن): ج ۱

الشوارب (قاضی القضاء بغداد ) ہے 1 أبوعبدالرحمن محمد بن الحسين السليس

ج 1 ص ۲۰۲، أبوعيس عبدالرحمن بن جبر الانصاري! ج ۱ ص ۵۹.

(الصوفى، صاحب طبقات الصوفيد):

ابوعبيد القاسم بن سلام (لغوی): ج1ص

ابوعبید هروی (لغوی)، ج ۱ ص ۲۹۵، ابوعبیدالله (وزیر مهدی عباسی): ج ۱ ص ١٥٥ .

ابوعبیده' ثقفی: ج ۱ ص ۳۸، ۳۹. ابوعبیده جراح: ج ۱ ص ۳۷،۲۷،۲۶،۲۳ 

ابوعبیدہ عامر (صحابی): ج ۱ ص ۳۲، آبوعبیدہ، معمر بن مثنی (لغوی): ج ۱ ص ۱۸۰۰

أبوعتاب كوفي، منصورين معمر السلمي: ج ١ ص ١٣٠٠

ابوالعناهيم (شاعر): ج 1 ص ١٨١. أبوعثمان اسمعيل بن عبدالرحمن الصابوني

(مقدم اصحاب حدیث): ج1ص٣٢٥. أبوعثمان يكر بن محمد المازني (عالـــم بزرگ نجو)! ج 1 ص 149.

اپوعثمان قاری: ج ۱ ص ۲۸۱. أبوعِثْمَانِ النهدى، عبدالرحمن بسن مل : 

ابوالترفای خوارزمی (خواجه) عارف! ج ۲

أبوعزه جمحي (أبوعره عبدالله حجتني) : ع 1 ص ۲۴۰

ابوالعثاير: ج ١ ص ٢٢٥.

أبوعصيده بن محمد الواثق باللهءالمستنجر

بالله (العستنصر سوم) :ج إص ٢٥٩٠. أبوعقال الاغلب بن ابراهيم بن الاغلبب (والی افریقیه): ج ۱ ص ۱۸۸،۱۸۷. ابوالعلا" (از بنی عبدالعو"من): ج ۱ ص

أبوالعلاء أحمد بن سليعان المعرى(شاعر): ج ۱ ص ۲۲۵،

أبوالعلاء بن حمدان: ج 1 ص 749. أبوالعلاء محارب بن محمد (قاضی، فقیـــه شافعی): ج ۱ ص ۲۷۲.

ابوعلوان ثمال ، معزالدوله : ج ٢٩٧٧. اہوعلی (تابعی): ج 1 ص ۱۴۲،

ابوعلی احمد بن افضل بن بدر جمالسسی (وزير الحافظ لدين الله): ج 1 ص .TYT 5 TY1

أبوعلى اسماعيل بن محمد الصفار (نجوي و محدث): ج 1 ص 751.

أبوعلى بن ثمال الخفاجي (حاكم رحبه): ج ۱ ص ۲۹۴.

أبوعلىحسنين أحمد بن عبدالغفارالفارسي النحوى (صاحب ايضاح):ج١ م٣٨٣ اہوعلی حسین رخجی: ج ۱ ص ۳۱۲، أبوعلى حسين بن عبدالله بن سينابخاري (شیخالرئیس): ج ۱ ص ۳۱۱،

ابوعلی حسین بن علی النیشابوری: ج ۱ 454 00

ابوعلی بن سیمجور (سردار خراسان): ج ١ ص ١٤٢٠ ٢٨٢.

أبوعلى بن المحتاج (وسردار لشكر خراسيان): ج ۱ ص ۲۶۳۰

ابوعلی محمد بن الیاس: ج ۱ ص ۲۴۹. ابوعلی محمد الروذ باری (صوفی): ج 1 - የየል ው

أبوعلى محمد بن عبدالوهاب الجيائسسي (معتزلی): ج 1 ص ۲۳۳۰

أبوعلى،نەحمدىنعمار (صاحبطرابلىس):

ج ۱ ص ۲۵۲، ۱۵۲، ابوعلی بن محمد بن مظفر بن محتـــاج

(سرکردهٔ سامانی): ج ۱ ص ۲۵۳. ابوعلی محمد بن یحیی بن عبیدالله بن خافان (وزیر المقتدر ) ؛ ج 1 ص ۲۳ ،

ابوعلي بن مروان: ج 1 ص ۲۸۴، ۲۸۵. ابوعلی بن مقله{ بانی خط نسخ و وزیـــر المقتدر بالله واحمد بن المقتدر) أج

ا ص ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵ تا ۲۵۱. أبوعلى منصور ـــ آمر باحكام الله

ابوعلی نحوی فارسی (فسائی): ج ۱ ص

ابوعلی هراس (مقری واسط) :ج۱ ص ۹۳۶. أبوعلى بن استاد هرمز ، عميدالجيسوش

(= سپهسالار) :ج (ص۲۹۲، ۹۵، ۲۹۶، ۲۹۶ ابوعلی هوازی (مقری شام ): ج ۱ ۳۲۲،۰۰۰ أبوعلى، يحيى بن عيسى بن جذله ( طبيب

و صاحب منهاج در ادویه و تقویسم الابدان): ج ۱ ص ۴۰۳۵۲ ۲۰ أبوعمر، أحمد بن عبدريدقرطي (از موالي عشام بن عبدالرحمان داخل )صاحب عقد الفريد: ج ١ ص ٢٥٣. ابوعمر ، اسحق الشيبانى اللغوى: ج 1 ص ابوعمر، محمد بنعبدالواحدالمطرز (زاهد): ج 1 ص ۲۶۳۰ ابوعفران، عفروين بحر جاحظ (صاحبيب تمانیف): ج ۱ ص ۲۰۵. أبوعمروء بشير بن عمروين محصن الانصارى : .58mlz أبوعمرو عبدالوهاب بن محمد بن اسحساق ایزمزندہ اصفہانی (حافظ ): ج دس ابوعمروعثمان بن عمر، جمال الدين ابسن حاجب (ماحب کافیسہ): ج ۱ص . 444 ابوعمرو محمد بن يوسف (قاضي): ج ١ص . YYA ابوعمرو يوسف بن عبدالير ﴿ صــاحــب الاستيعاب): ج 1 ص ٣٣٣ أبوعتان بن ابوالحسن (از آل مرين) : ج٢ ص ۲۳۵۰ ابوعون بن یزید (والی مصر) : ج 1 ص -177-177 ابوعون عبدالملک بن بزید ازدی: ج ۱ص ابوعون عبدالطك بن يزيد الخراسسانــى (والی خراسان) ج ۱ ص۱۳۱۰۱۳۰۰ .141 6 144 ابوعیسی جذولی: ج ۲ ص ۵۹۴، ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی سلمسی! ج ١ ص ٢١٩٠ ابوعیسی بن هارون (برادر ما مون، والی کوفه): ج ۱ ص ۱۷۸. ابوالعيثاء ، محمد بن القاسم (راوی اصمعی صاحب نوادر واشعار) :ج (ص ۲۲ .

ابوالغارات بن مسعود : ج 1ص 779.

ابوالغازی خان اورگنجی: ج ۲ س ۹۳۷.

ابوالغازي سلطان (برادر اسفنديار خيان)

والی خوارزم : ج ۲ ص ۹۲۳،۹۱۶ ،

ابوفارس (از آل مرین مغرب): ج ۲ ص ۲۰۰۰
ابوالفاضل (وزیر اکبر شاہ و صاحب تاریخ
سلطنت اکبر شاہ ): ج ۲ ص ۸۵۹،
ابوالفتح (امیر ۔): ج ۲ ص ۸۵۹،
ابوالفتح (حاجیشیخ ۔ ) وزارت تجارت:
ابوالفتح اسعد بن ابونصر (فقیشافصی و ۲ ص ۲۱۲۵،
ابوالفتح اسعد بن ابونصر (فقیشافصی و مدرس نظامیہ): ج ۲ س ۲۲۷،
ابوالفتح خان: ج ۲ ص ۲۲۲،
ابوالفتح خان: ج ۲ ص ۲۲۲،

ابوالفتح خان، ولد ابراهیم خلیسل خیان جوانشیر: ج ۳ ص ۱۴۴۷، ۱۴۷۱ ۱۲۸۱ ابوالفتح خان افشار (سرکسرده غلامیان

مشہدی): ج ۳ ص ۲۰۸۸، ایوالفتح خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۹۳۱، ۱۱۲۸،

ابوالفتح خان (میرزا ... ) تفنگدار خاصه:

ج ۲ ص ۱۲۵۷ ، ج۳س۲۱۱۱، ابوالفتح خان جوانشیر ولد ابراهیمخلیل خان ج ۲ ص ۱۴۷۳ .

ابوالفتع خان، پسر حیدر علیخان(تایــب آجودان باشی) ناج ۱ ص ۲۵۰۹ ج۲ ص ۲۰۷۴.

ابوالفتح خان دنبلی: ج ۱ ص ۵۶۰. ابوافتح خان زند: ج ۳ ص ۱۴۲۶. ابوالفتح خان سیلاخوری (یاور دویم): ج ۱ ص ۵۱۱.

ابوالفتح خانصارم الدولة (بيشكاردربخانه؛ ظل السلطان): ج 1 ص ۵۵۵. ابوالفترخان سر عبدالحسينخان حوانشو :

ابوالفتحخانيس عبدالحسينخانجوانشير : ج۲ ص ۱۸۵۰

ابوالفتح خان قاجار: ج ۲ ص ۱۲۷۰. ابوالفتح خان فرزند کریمخان زند: ج ۲ ص ۱۱۷۷، ۲ عی ۱۳۸۰ ۱۳۸۸: ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، ۱۳۲۶. ابوالفتح خان (نایب آجودان باشی): ج

ابوالفتح خان (نایب ایشیک آقاسی،اشی): ح ۲ ص ۲۱۱۶۰

ابوالفتح خان (یاور دویم): چ ۲۳٬۳۳۳؛ ج ۳ ص ۲۰۷۷، ابوالفتح، سلیم بن ایوب رازی(مفسسر) :

ج ۱ ص ۲۲۲. ابوالفتح علی بن حسین طفراثی (وزیسر

ہوالفتح علی بن حسین طغراتی (وزیسر سلطان سنجر): ج ۱ ص ۲۵۰. ابوالفتح علی بن محمد البستی (کاتب ر

بوانطع علی ہی تحد البندی (کائب ر شاعر): ج اے س ۲۳۹ اسلامت اسال سر دی کیا داری اسام

ابوالفتح ابن العبيد (وزيرركن الدوله )ابن العبيد ابوالفتحين ابن الليث (بزرگ و عميسند عراق): ج 1 ص ۳۳۹.

أبوالفتع محمد بن عبدالكرير .. بن احمـــد الشهرستانی (متكلم اشعری، صاحب ملل و نحل): ج ۱ ص ۲۸۶۰

أبوالفتح ميرزا ، ولد حاجى حسام السلطنه: ج 1 ص ٥٠١ .

ابوالفتح میرزا (امیر زاده ...) حکمسران یزد : ج ۱ ص ۵۵۸، ج ۳ ص ۱۹۱۲، ابوالفتحمیرزاسرهنگ(رئیس) : ج ۱ ص ۵۲۸، ابوالفتح میرزا (پسرمظفرالدینشاه) : ج ۲ عند ۱۲۱۸، ج ۳س ۲۰۶۲،

ایوالفتح میرزا مواید الدوله (امیر زاده ...) : ج ۲ ص ۱۱۹۰ ۱۲۱۹ أج؟س۱۹۲۲ ۱۹۲۲-۱۹۲۲

ابوالفتح یحیی بن حنش بن امیرک،شهاب الدین سهروردی (فیلسوف): ج ۱ ص ۳۱۱،

ابوالفتوح احمد بن محمد الغزالى (واعظ، صاحب لباب الاحيا\*): ج ( ص ۲۶۸،

ابوالفتوح حسن بن جنفر علوی (امیرمکه): ج ۱ ص ۲۱۲۰

ایوالفتیان محمد بن سلطان بن جیـــوش (شاعر): ج ۱ حی ۲۳۸،

ابوالقدا" طكالمو"بد عباد الدين،اسمبيل ابن على (صاحب تاريخ و تقـويـــم البلدان): ج ۱ ص ۲۵۰،۳۲۲،۳۲۵، ۲۵۰،۳۵۵،۳۵۲،۳۵۹،۳۵۲،۳۲۲ م ۵۸۲،۵۸۱،۵۸۰

ابوفراس حارث بن سعید بن حمدان (حاکم

منيح) : ج 1 ص ۲۶۹،۲۶۷، ۲۷۹، ابوالفرج بیغانی (شاعر): ج ۱ ص ۲۹۳. ايوالفرج على بن حسين . . . اموي|صِفهانى (کاتب وصاحب اغانی): ج ۱ ص ۲۷۰۰ ابوالفرچ، محمد بن عمران بن شاهیــــن: ج ا ص ۱۸۱۰ ابوالفرج نهروانی (مقری): ج 1 ص ۲۹۹. ابوالفضائل، پیر سعد الدوله شریف: ج ۱ ص ۱۲۸۶ ۲۹۶۰ ابوالفضل (شیخ 🗕 ) : ج ۲ ص ۸۹۸ . ابوالفضل احمد بن حمد بن خازن(ادیب و شاعر): ج 1 ص 754. ابوالفضل أخعد الميداني (صاحب مجميع الامثال): ج 1 ص ۲۶۸، ابوالفضل الجاربردي: ج 1 ص ۴۵۴. ابوالفضل جرجانی: ج ۱ ص ۲۰۲. ابوالفضل ساوجی (حاجی میرزا ۔ )موالف: ج اص ۵۵۵ ج ۲ ص ۱۲۹۳ : ج ۳ ص ۲۱۳۹ -أبوالغضّل بن شمن العلوك ( أز ملبسبوك رستعدار): ج ۲ ص ۲۲۴. أبوالفضل (أمير شيخ \_ ) پسر علاءالدوله عليكەكوڭلئاش جېس ۴۹۳، ۴۹۷. ابوقلیته بن قاسم علوی حبیتی (امیرمکه) : ج ١ ص ٢٦٧، ٣٧٣. أبوالقوارس احمد بن على بن اختيد : ج1 أبوالغوارس عبدالعزيز زاز ملوك بنىحفص تونس): ج ۲ ص ۶۸۹. أبوالفيض خأن (پادشاه تركستان): ج؟ ص - 1175 GITT - 1171 ابوالفیض خان چنگیزی: ج ۳ ص ۱۴۷۳. ابوالقاسم: ج ۲ ص ۱۲۷۵، ج ۲س۱۲۵۲. ابوالقاسم (حاجی میرزا ... ) از اجـــــزای پستخانہ: ج ۳ ص ۲۱۲۳، ابوالقاسم (ديرزا \_ ) از ارباب ظـــــم : 3 70 7711: 37w1 011. 4307. ابوالقاسم (مبرزا ـ ) از اجزای پستخانه:

ج ۳ ص ۲۱۲۲.

ابوالقاسم ( آقا سيد \_ ): ج ۽ ص ٥٣٥.

ابوالقاسم (حاجی میرزا \_ ): ج ۳ ص

أبوالقاسم ( ميرزا \_ ) يزد : ج 1ص ٥٣٣

ابوالقاسم (حاكم عمان): ج 1 ص ٢١٧ ، ابوالقاسم (حاكم عمان): ج 1 ص ٢١٧ ، ابوالقاسم احمدالمستطبی بالله (بسرالمستنصر بالله،خلیفه، فاطمی مصر): ج 1 ص ٢٥٨ ، ابوالقاسم اصفهانی (میرزا — ): تاییب كاشان ج ٣ ص ١٥٥٤ ، ابوالقاسم (آمار مكه): ج 1 ص ٢٧٨ ، ابوالقاسم انصاری: ج 1 ص ٢٣٨ ، ابوالقاسم انوجور محمود ، بسراخشید (حاكم ابوالقاسم بابر (میرزا — ) : ج ٣ ص ٢٥٩٠ ، ابوالقاسم بابر (میرزا — ) : ج ٣ ص ٢٥٩٠ ، ابوالقاسم بابر (میرزا — ) : ج ٣ ص

۹۹۸ تا ۱۹۵۶، ۲۱۰۰ ابوالقاسم (شیسخ ــ ) پیشنماز : ج ۱ ص ۵۴۷، ابوالقاسم ناجر اصفهانی ( میرزا ــ ):ج

۲ ص ۲۱۲۶. ابوالقاسم تاجر بسطامی (حاجی ــ ) :ج ۳ ص ۲۱۲۹.

ابوالقاسم ناجر جہرمی (حاجی ــ ) :ج ۳ ص ۲۱۲۶. ابوالقاسم ناجر کابلی (حاجی ــ ) :ج ۳

ص ۲۱۲۸. ابوالفاسم تاجر کازرونی (حاجی س) 'ج۳

ص ۲۱۲۲ ،

ابوالقاسم (حاجي بيرزا ــ ) ترجمان:ج ( ص ۵۲۳، ج۲ ص ۲۱۰۶،

ابوالقاسم نفرشی (میرزا ــ ) از اربسماب قلم : ج ۳ ص ۱۷۵۵، ۲۰۶۸،

ابوالقاسم جاپلتی قمی ( میرزا ــ )ازاجله علما : ج ۳ ص ۱۲۵۱ ،

ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری (شاعسر) : ج ۱ ص ۲۱۲،

ابوالقاسم حسن بن علی خوارزمی ( وزیر دفاق در دمشـــق): ج ۱ ص۳۴۸، ۳۴۹.

ابوالقاسم حسین بن مکرم (حاکم عمان): ج ۱ ص ۳۱۱،

ابوالقاسم حکیمیاشی (میرزا \_ ) معلیے طب: ج 1 ص ۵۳۳ ۵۴۵ ۵۴۶ ئ

ج ۳ ص ۲۱۲۹ - ۲۱۳۰ ابوالقاسم خاطانی (وزیر المقتدر): ج ۱ ص ۲۳۹ تا ۲۴۱،

ابوالقاسمخان : ج ۲ ص ۱۲۶۸ ، ۱۲۲۵ ابوالقاسم خان (غیرزا \_ ) :ج ۳ص ۱۸۰۳، ۲۱۵۳

ابوالقاسم خان (از اجزای پستخانه):ج ۳ ص ۲۱۰۲۴۰

ابوالقاسم خان ایشیک آفاسی: ج ۲۰۰۲ ۹۲ ۹۲ اس ابوالقاسم خان تبریزی (یاور اول): ج۱ص ۵۱۱ ج ۲ ص ۱۲۲۳ ج ۳۰۷۲ ۲۰۲۰ ابوالقاسم خان (میرزا سه) پسر میرزارشی خان (منشی سیم دفتر سوم): چ ۳ص

ابوالقاسم خان (میرزا \_\_ ) رئیس: ج1 ص ۵۴۷.

ابوالقاسم خان (رئيس سنندج): ج ۽ ص ۵۴۴.

ابوالقاسم خان (میرزا ـ ) سرتیپ (رئیس تلگرافخانهٔ اصفهان): ج ۲۳،۲۳۳،

۱۲۰۴ : ۱۲۱۰ : ۲ ص ۲۱۵۲ .

ابوالقاسم خان (میرزا ... ) سرهنگ (نایب دریابیگی): ج ۳ ص ۱۹۵۲،

ابوالقاسم خان قاجار : ج 1 ص ۵۴۵ : ج ۲ ص ۲۱۱۸ : ج ۲ ص ۲۱۱۸

ابوالقاسم خان (میرزا ــ ) منشی دویسم: ج ۱ ص ۵۳۷: ج ۲ ص ۱۲۶۵: ج ۳ ص ۸-۲۱۰

ابوالقاسم خان (میرزا ... ) منشی مخصوص: ج ۱ ص ۵۲۷: ج ۲ ص ۱۲۵۲: ج۳ ص ۲۰۹۷.

ابوالقاسم خان (پسر مهدی خان)نایـــب فراشخانه: ج ۲ ص ۲۱۱۸،

ابوالقاسم خان (ميرزا ــ ) نايب الحكومة٬ تويسركان: ج ٣ ص ١٩١٧،

ابوالقاسم خان (نایب فراشخانه): ج۲ ص ۲۱۱۷۰

ابوالقاسم خان (نایب محله بازار): ج ۱ ص ۵۵۶،

ابوالقاسم خان نوری (میرزا به ) مستوفی در آذربایجان و حاکم مراغد:ج۱ص ۵۲۸: ج ۲ ص ۱۲۵۵: چ ۳ ص ۱۲۰۰۰ ابوالقاسم رشتی (حاجسی سا) : ج ۳ص

-T1TA ابوالقاسم (حاجي \_ ) رئيس ارض أقدس:ً - AFF 00 1 E ابوالقاسم (میرزا ـ ) سررشته دار دفتــر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵، ج ۲ص۱۲۲۴، ج ۳ حي ۱۹۰۸٠ أبوالقاسم خان (سرهنگ): ج 1ص ۵۱۵. ج ۲ ص ۱۲۴۰۰ أبوالقاسم سكوت (ميرزا \_ ) از اجله علما واز خلفای عبدالوهاب نائینی: ج ۳ ص 1050 ٠ ابوالقاسم، طبعان بن ايوب طبسرانسي (صاحب المعاجم الثلاثه): ج 1 ص · 177 ابوالقاسم سعكو بن واسول العكناسي (اميسر خوارج صفریه) : ج ۱ ص ۱۴۷۰ ابوالقاسم (ميرزا ــ ) شيخ الاسلامتبريز : ج ۳ ص ۱۸۴۳ ۰ ابوالقاسم صاحب بن عباد (وزير مو'يسند الدولة): ج ١ ص ٢٧٢، أبوالقاسم بن طباطباالشريف، أحمّد بــــن محمد (نقيب طالبيين مصر) ج ١ ص ابوالقائم ، عبدالله بن احمد بن محمسود بلخی (متکم معتزلی) : ج (۳۴۴۰۰ ابوالقاسم عبدالرحتان بن محند الغورانسي (فقیه شافعی): ج ۱ ص ۲۲۳۰ ابوالقاسم ، عبدالكريم بن هوازن القشيسري النیشابوری (فقیه و مفسر و شاعر): ج ۱ ص ۳۳۴۰ أبوالقاسم بن عبيدالله. . . مهدى علوى : ع اص ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ابوالقاسم على بن برهان الاسدى (تحوى و متکلم معتزلی): ج ۱ص ۳۳۰، ابوالقاسم على بن حسن (حاكم صقيسه) : ج ۱ ص ۲۲۳، ۲۷۶. اپوالقاسم ، علی بن حسن ، این عماکرنور الدين دمشقي (صاحب تاريخ دمشق):

. YoY . 1 E

ابوالقاسم عمر بن عكرمه بن البرزي (فقيسه

ابوالقاسم (آقا سيد ــ ) فراش خلـــوت:

ج ۲ ص ۱۲۵۷ تج ۳ ص ۲۱۱۱۰

شافعی): ج ۱ ص ۳۹۴.

ابوالقاسم فراهانی ( میرزا 🗕 ) 🛪 ۳ 🔊 🏿 -1019 ابوالقاسم فردوسی (حکیسم ، صاحبب شاهنامد) : ج اس ۲۹۰، ابوالقاسم قائم مقام فراهانی ( میسرزاً...) سيد الوزراء: ج٢ ص ٩٩٨٠٥٢٤: ج 1004 51004.1775.1774 OT .15To. 1517 150A. 10YA . 1055 ·1977 · 1974 · 1974 ابوالقاسم الكلوذاني (وزير المقتدر) : ج 1 ص ۲۴۴۰ ابوالقاسم (میرزا ۔ ) لشکر نویس، ج اس ابوالقاسم (ميرزا ــ ) مجتهد گيلانی ( أز علما): ج٣ ص ١٩٤١٠ ابوالقاسم بن ميرزا محمد تقى (ميسرزاـــ). -194Y or T = أبوالقاسم محمد بن الوزيرالازدىالفرناطي (وزیر): ج ۲ ص ۶۲۵، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری ، جار الله (نحوى، صاحب كثنافومقصل): 3749 JP 1 7 ابوالقاسم (میرزا \_\_ ) مستوفی اصفهانی، معين الملك ج ٣ ص ١٨١١٠١٥٤٠ ·1954-1995-1475-1479 ابوالثاليممشرف (ميرزا ـــ )سواره٬ هداوند : - 1 W 700 900 - TOTITI ابوالقاسم (میرزا ـ ) مطم طب ج 1ص 750 ج ۲ ص ۲۰۰۶. ابوالقاسم مغربی، حسین (وزیر قسرواش ) - Tof . ToT . ToT. ابوالقاسم (حاجی ــ ) ملک التجار : ج ۲ ص ۱۲۲۸ ۰ ابوالقاسم (میرزا ــ) منشی: ج ۱ص۵۲۹:

ج ۲ ص ۱۰۱۱۰ ابوالقاسم (میرزا ـ ) منشی دیوانخانسهٔ عدليه: ج ٢ ص ١٢٥٥ -

ابوالقاسم (میرزا \_ ) منشی بزد : ج ۳ ص ابوالقاسم (ميرزا \_ )نايب اداره آبدار \_

خانه: چ ۱ص ۵۵۱ ، ج ۳ ص ۲۱۱۲ -ابوالقاسم (میرزا ــ ) نایب ورامین: ج ۳ ص ۲۰۹۵۰

اپومحمد ، احمد بن محمد . . ، جسمسریری

ابومحمد اسود (حاکم دمشق): ج ۱ ص

ابوالمحمد (ولد ابلبارس): ج۲ ص ۱۱۲۸

ابومحمد برهان الدين قطب عالم بخارى :

ابومحمد ، حسن بن سهلان (وزیر سلطان

الدولد: ج 1 ص ۲۹۴، ۲۰۰۰.

ج ۲ ص ۲۰۲۰

(صوفی): ج ۱ ص/۲۳۸۰

ابوالعظفر سمعانی: ج 1 ص ۲۴۹، ابوالمظفر بن طعَج (والى دمشق): ج ١ص أبوالمظفر عبيدالله بن يونس، جلالالدين (وزير الناصر عباسسي): ج ١ ص أبوالمظفر يحيى بن هبيره (وزير المقتضى عباسی): ج ۱ ص ۲۸۲، ابوالمثالی: ج ۲ ص ۹۱۷. ابوالمعالی بن حسن بن عمران (حــاکـــم بطیحه): ج ۱ ص ۲۸۱، ابوالمتالی شریف بن سیف الـــدولـــــه بن حمدان، سعدالدوله: ج 1 ص ۲۷۰ J 777 . 777 . 777 . ابوالمنيث ، موسى بن ابراهيم الرافعي : ج 1 ص ۱۹۵۰ ابوالمکارم شافعی: ج ۲ ص ۲۴۹. أبومنصور (پسر أبراهيم المتقى لله) :ج ۽ ص ۲۵۲،۲۵۴ م أبومنصور بهرام ، عادل (وزيرابوكاليجار): ج ۱ ص ۲۱۵٠ ابومنصور دیلمی: ع 1 ص ۶۴۰ ابومنصور عبدالطک بن محسب اسمييل الثعالبي الميشابوري (موالف ينيم الدهر)) ج 1 ص ۲۱۲. ابومنصور بن علاء الدوله بن كاكويه (حاكم الصفهان ] أا تم كر من معم ابومتصور فلاستون بن ابوكاليجار : ج 1 ص · \*\*\* · \*\*\* · \*\* 19 أبومنصور ، مرهوب بن احمد الجواليقـــــي (لفوی): ج ۱ ص ۳۸۰. أبومنصور (وزير الربيب): ج اص ٣٥٤. ابوموسی اشتری (صحابی والی کوفه) : ج۱ \$1.50.09.00.0T .00 .TY .00 . YF . YF . YO . FF

ابومحمد ، حسن بن مسعود فرایغوی (صاحب

3 1 W 199.

ج ۱ ص ۲۷۰۰

ج ۱ ص ۲۷۹.

ص ۲۲۲۰

. 175

• Y A A

مصر): چ ۱ ص ۵۰،

ص ۱۶۲٠

تمانیف): ج 1 ص ۳۶۳. \*\*\*\*\* YTT \*\*\*\* ابوالمحمد خان اوزیک : ج ۲ ص ۹۵۸ . آبونصر ، احمد بن مروان کردی (حاکمدیار ابومحمد ، عبدالله بن احمد ، ابن خشاب یکر): ج ۱ ص ۳۱۸. بغدادی (ادیب، مفسر و محدث) : ابونصر، استاعیل بن احمد (حمدانجوهری عاحب محاح): ج 1 ص ۲۹۴. أبومحمد عبدالله الغارسى (نحوى، شاكرد ابونصر ، امیر حسن بیک آق قوینلو( اوزن هبرد): ج ۱ ص ۲۶۴. حسن): ج ۲ ص ۲۱۹ تا ۲۲۵ ۲۲۳ أبومحمد ، عبدالله بن ابى الوحش|لمصرى أبونصر ، بيها؛ الدولة بن عضدالدولة: ١٠ (امام نحو): ج ۱ ص ۴۰۸. ص ۲۸۲ ابومحمدعلی بن الیاس (پادشاه کرمان) : ابونصر پارسا (خواجه ــ ) عارفنقشیندی ج ۲ ص ۲۱۱، أيومحمد القاسم بصرى (صاحب مقنامسات ابوالنصر حسن بیگ آق قوینلو: ج ۳ ص حريري): ج 1 ص ۲۶۶، ابومحمد المرتعثي (صوفي): ج 1 ص٢٥٣. ابونصر زینبی، عباس (محسدت و نقیب أبومحمد بن معروف بالحكم (قاضيبنداد)! هاشمیین): ج ۱ ص ۳۴۱، ابونصر، شیرزاد بن حسن بن مروان (امیر ابومحمد موسوی (پدر شریف رضی): ج ۱ بطیحه): ج ۱ ص ۳۰۴. أبونصر، عبدالسيد بن . . . الصباغ (فقيــه أيومحمد بن هشام بن ايوب الجميسسري شافعی): ج ۱ ص ۳۴۰. (موالف سيره): ج 1 ص ١٨٢. ابونصر، عبدالطک بن یوسف: ج۱ص۲۳۲، ابومحمد یزیدی، بحیی بن مبارک (مقری ، أبونصر، على بن وزير أبوالقاسم هيه الله مصاحب این علاامتری): ج ۱ ص ابن ماکولا: ج 1 ص ٣٣٩. ابونمر بن لوالواء مرتضى الدولة: ج1ص أيومحمد يوسف بن حسن بن عبدالله بــن مرزیان (سیرافی تحوی): ج ۱ ص أيونتىر ، محمد بنطرخان|لفارابى (فيلسوف ، مطم ثانی): ج ۱ ص ۲۶۰ ابو مرشد الفنوی: ج ۾ س جء. ابونصر موسکان (کاتب محمسود و مسعسود أبومروان عبدالملك بن منصور، المنافسر غزنوی): ج ۱ ص ۲۱۳۰ (حاکم اندلس): ج ۱ ص ۲۹۲، أبوالنصر ميرزا (حاجى ــ)پسرحاجىحسام ابومريام (الاسقف): ج 1 ص ۵۵. السلطنه سلطانمراد ميرزا : ج 1 ص أبومريم ، عبدالله بن عبدالرحمن (جائليق 1719 - 7 - 401 ابونصر بن الہيثم: ج 1 ص ٣١٨. ابومسعود انصاری (حاکم کوفه): ج ۱ ص ابونعیان: ج ۱ ص ۱۴۹. أبونعيم، أحمد بن عبدالله الاصفهائي. ﴿ ابومسلم خراسانی، ابواسحاق ابراهیم :ج ۱ ابوالمهاجثه ج ۲ ص ۷۶. ۱ ص ۲۱۲. 1TT . 170 5 174 . 175 . 177 0 ابوالنجيب سهروردی (از مشايخ) ؛ چ اص أبونعيم ، عبدالملك جرجاني اشتراسترآبادي . 149 · 179 · 177 · 177 · 177 (فقیه شافعی): ج ۱ ص ۲۴۵، ۲۴۸. ابومسلم خولانی (از کبار تابعین): ج1ص أبونزار، حسن بن أبوالحسن (ملكالنجاد): أبونعیم فضل تعیمی (از مشایخ بخــاری و مسلم): ج 1 ص ۱۸۵، ج ۱ ص ۴۰۰. ابوسلم فرا' نحوی (استاد کسائی): ج ۱ ابونصر احمد (برادر معهد الدولة)؛ ج ١ ابونواس، حسن بن هائی: چ ۱ ص ۱۷۹. ابووائل، شقيق بن سلمه الاسدالكوفي:ج ١ ابوالعظفر اسفرایتی: ج ۱ ص ۲۲۵، ابونتمر احمد بن اسماعیل سامانی (شــــــاه

ص ۹۶۰

خراسان): ج ۱ ص ۲۲۷، ۲۳۰ تــا

ج ۱ ص ۱۲۶، ۱۲۷ ، ۱۳۲ أبوالوفا (سردار لشكر عضد الدولة): ج ١ ص ۲۲۸۰ ابوالوقا محمدين محبداليوزجاني (المهندس المحاسب): ج 1 ص ۲۸۹، ابوالولی شیرازی (میرزا ـ ) وزارت دیوان اعلی: ج ۲ ص ۸۷۸، ۸۸۳ ابوالولی قاضی عسکر : ج ۲ ص ۸۷۵، ابوالوليد ، احد بن عبدالله الاندلىسى القرطبی (شاعر و وزیر المعتضدحاکم اشبیلیه): ج ( ص ۳۳۳، ابوالوليد بن عبدالملك بن قطن النحسوى القيرواني: ج 1 ص ۲۰۴، ابوالوليد الناصر (عالم اندلس): ج ١ص اہوالہادی خان (ولد نقی خان): ج ۳س أبوهاشم بن ابى على الجبائى (متكسسم معتزلی): ج ۱ ص ۲۴۲، ابوهذیل، محمد بن هذیل العلافالبصری (شيخ معتزله): ج ١ ص ١٨٨٠ ابوهريره (از صحابه):ج ١ص ٥١، ٥٨٠ ابوالهثيم (أبوالهيثم) بنن النيهان) (نقيب رسول الله واز اميران سهـــاه علی ع): ج ۱ ص ۶۶۰ ۶۵، ابوالهيجاء، عبدالله بن حمدان: ج ١ ص · 177 · 177 · 477 ابويحيى، عبدالرحيم بن اسماعيل بننباته (خطیب): ج ۱ ص ۲۸۲۰ اہویجیی بن فانوس ہواری! ج (۱۴۸۰-اہویزید (خارجی): ج ۱ ص ۲۵۷، ۲۵۸، . T.F.T ابویزید بسطامی (طیفور بن عیسی): ج ۱ ص ۲۰۹۰ ابوالیسر، کعب بن عمروانماری: ج ۱ ص ابويعقوب، اسحاق بن اسعاعيل نوبختسي، ج 1 ص ۲۲۵۰ ابويعقوب بن عبدالعوامن: ج 1ص 400، ابویعقوب بن یعقوب (از آل مرین): ج ا ابويعقوب ، يوسف بن يحيىيويضىدفقيـــه) :

ابوالورد بن كوثر (از اصحاب مروانحمار): [

ابويطي محمد بن الحسين القراء ، ج 1س أبويوسف قاضيء يعقوب بن أبراهيم (صاحب

ابويوسف ، يعقوب بن اسحق بن سكيست (تحوی لغوی): ج ۱ ص ۱۹۸، آبی: ج ۱ ش ۳۲ ر ابی بکر دقاق: ج ۱ ص ۲۵۶. ابی بکر بن عمر (رئیس لمتونه): ج ۱ ص ابی بکرد: ج ۱ ص ۴۹. ابی بلال، مرداس بن جدیر الحنظلی( از خوارج): ج ۱ ص ۱۸۰ ۸۳۰ ابی تمیم ، سعد بن منصور اسماعیلالمعسز االدينالله: ج ١ص ٢٤٢. ابی ٹور (مصاحب شافعی): ج ۱ ص ۲۳۰. ابی حمزه خارجی ، مختارین عوف ازدی سلمی بصری: ج ۱ ص ۱۲۸، ۱۲۹. ابی حیا (حکیم نصرانی، استاد فارابی): ج ۱ ص ۲۶۰ ایی سبرہ بن رهم: ج 1 ص ۱۴۲۰۴۸ ، ابی سفیان بن خارث بن عبدالمطلب بن هاشم: ج ۲ ص ۴۹، ۲۵. ابي سلمه: ج 1 ص ۲۴. اہی الشوارب (قاضی بغداد ): ج آل ص ابی العاص بن الربیع: ج ۱ ص ۳۶،۲۲.

ابوحنیفه). ج 1 ص ۱۵۴ ، ۱۶۴ .

ج ا حل ۱۹۰۰

. 221

ابی عبداللہ شیعی: ج ۱ ص ۲۲۸ تا ۲۲۰ اہی عمرو(قاضی): ج 1 ص ۲۳۲. ابی عمرو بن العلاء معری: ج ۱ ص ۱۷۶ اہی فریک (فدیک خارجی): ج ۱ ص ۹۰، ابی قحافہ (پدر ابی بکر). ٔج ۱ ص ۴۱، اہی بن کسب: ج ۱ ص ۴۹، ابی لیلی فدکی: ج ۹ ص ۳۵، ۲۲،۳۶؛

اہی مریم : ج 1 ص ۲۲،

ابی هریره، محمد بن فروخ (حاکمجزیره): ج ۱ ص ۱۵۸۰

ايشخدر سيسيانوف

اتابک، ابوبکر بن سعد، ج ۲ ص ۵۸۰. اتابک، ابوطاهر( از انابکان لرستان) 'ج۲ ص ۶۵۲۰

اتابک اعظم ، میرزا نقی خان امیرکییسر :

ج ۲ ص ۱۸۹۷ ٠ اتابک، افراسیاب ( از اتابکان لرستان) : ج ۲ ص ۶۵۷. اتابک، افواسیاب بن یوسف شاه (آخریسن اتابكان لرستسان): ج ٢ ص ٤٥٧

· 544 انابک، الب ارغون (از اتابکان لرستان): ج ۲ ص ۶۵۷.

اتابک، تکلہ از اتابکان لرستان): ج ۲ص

اتابک، سعد زنگی: ج ۲ ص ۴۶۰۰

اتابكنمرمالدين احمد (ازاتابكانلرستان) 🗓 ج ۲ ص ۶۵۷،

اتابک، هزار اسب ( از اتابکانلرستان) : ج ۲ ص ۶۵۷.

انابک، یوسف شاه (از اتابکان لرستان) : ج ۲ س ۴۸۶

اتابک اعظم ـــتغیخان (میرزا۔ )امیرکبیر اتامش ترکی: ج اص ۲۰۱،

اتامش ناصري، سيف الدين : ج٢ص٥٤٩٠

اتانیاز محرم: ج ۳ ص ۱۶۵۱، ۱۷۱۱ -انب: ج ۳ ص ۱۷۵۴ ۰

اتسز (حکوان دہشتق): ج ۱ ص ۲۲۶ ،

اتسز بن محمد بن انوشتكين خوارزم شاه: 3 1 00 007: 247 d PYT.YAT.

اتن ژد : ج ۳ ص ۱۷۶۴ ،

اڻهن سيم واميراطور آلمان): ج1ص191.

اتین (پادشاہیونستان) :ج ۲ ص ۱۶۱۴

· 1444 · 1519 اتهیلستان (یادشاه انگلستان): ج ۱ ص

انی بن (پادشاه مجارستان): ج ۱ ص ۲۹۱۰۰ اتپرالدين ابوحيان محمد : ج ٢ ص۶٣٤٠. اثیر الدین ابہری: ج ۲ ص ۵۹۰،

اجتساب الملك (حاكم ملايرو،،،)مستوفى: ج ١ ص ١٢٥٠ ج ٢ ص ١٢٥٥٠ ج٢ ص ۲۰۲۷ -

احتشام السدولة: ج ٣ ص ١٧٣٢ - ١٧٣٢ 1795 - 1704 - 1707 - 1794 ATAL . TAKE . INTO

احمد بن امام موسى كاظم (سيد مير ــ): احمد باشا (برادر عبدالرحمان باشا):ج٣ احمد باشا (والی تونس): ج ۳ ص۱۹۲۶.

. 1108 احمد الثوری (مورخ): ج ۲ ص ۶۲۷، احمد چلبی: ج۲س۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۹۸، - 14FT احمد بن حسن بن ابی بکر: احمد بن الحسين الميمندي (وزير محمود و مسعود غزنوی) ٔ ج۱ ص ۲۰۹۰ احدد بن حصر بن طفقاج (بادشاه مساورا" النهر): ج 1 ص ۲۳۳، احمد بن حثيل بن هلال (صاحب سند): + 199 1197 11AD 11A1 @ 1 E أحمد بن أبوخالد (پيشكار طلحتين طاهر ذوالیمینین): ج ۱ ص ۱۲۹، اصد خان (حاجی میرزا \_ ): ج ۳ ص - 1794 · 1797 احمد خان (مير ــ ): ج ٣ ص ١٧٥٥ . احمدخان (متوقف فارسی) : ج 1 ص۵۲۹۵ احمد خان (میرزا \_ ): ج ۱ ص ۵۲۰ ، ۵۲۵٠ چ ۲ ص ۱۲۶۹٠ احمدخان (ولد آزاد خان افغان): ج٣ص . 1896 : 1890 احمد خان (پادشاء سمرتنسند ): ج اِس -TFA .TFT احمد خان (پسر میرزا نقیخان|میرکبیر): - 1417 or T احمد خان (پسر خسنخان فیلی): ج۴ص - 188 احمد خان (از طائفه شاه بوداغلو): ج ١ ص ۲۰۵۰ احمد خان (از خوانین فبچاق): ج ۳ ص احمد خان آجودانیاشی: ج ۱ ص ۵۱۱. احمد خان ابدالی (احمد شاہ): ج ۲ ص 1154 - 1154 - 1105 - 1147 - 1147 احمد خان (النجه خان): ج ۲ ص ۶۴۹، احمد خان اوزی (امیر۔): ج ۳ ص ۱۷۶۹ احمد خان بستکی: ج ۳ ص ۱۴۹۶، احمد خان بهارلو: ج ۳ ص ۱۷۳۳. احمد خان (میرزا ـ ) بسر امیر نظامعلا الدوله (پیشخدمت خاصه و سرتیب اول): ج ۱ ص ۴۷۱، ج ۲ ص۱۱۸۲

1111ء ج ص ۱۹۲۰ء ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

احتشام الدوله ، خاتلر ميسرزا: ج ٣ص . 1A10 . 17Y0 . 1Y01 احتشامالدولد، سرتيپ اول: ج (١٥٥٧ه. ج ۲ ص ۱۲۲۲٠ احتشام الدوله، ملطان اویس میرزا: ج ۲ س ١٢١٩ ، ج ٣ ص ١٩٤٥ ، ٢٠٥٢ . احتشام السلطنه ، ابراهيم ميرزا (اميرزاده) : 4 1979 OF E 4 1719 OF E . TINT . TOPT احتشامالملك، عبدالطي ميرزا ،پسراحتشام الدوله (حاكم كاشان): ج٣ص١٩٥٥، .TOY1 . TOPT . 190A احدب، مزور شبیه نویس: ج ۱ ص ۲۷۹. احمان خان، ولد كليطى خان نخجوانى: . 1046 · 1040 & T E احمد (آفا ميرزا سيد \_ كاتب): ج ١ص .1797 احمد: ج 1 ص 77۵. احمد (میرزا ــ ) : ج۲ ص ۱۲۲۵، ۱۲۲۵ · 1774 احمد آشتیانی (مہرزا ۔ ): لشکر نویس: ح ١ ص ١٥٠٤ ج ٢ ص ١٣٢٥ ج ٣ ص٥٧٥٠. أحمد آقاً : ج 7 ص ۱۰۷۶ ، ۱۲۶۸. احمد آقا (غلام): ج ۲ ص ۱۰۲۵. اجمد آقا اردبیلی(وزارت تجارت): جمس . 1116 احمد آقا قوللر آقاسي: ج ۲ ص ۱۹۶۹ ، احمد آقا (قونسول بروسا) : ج ١٩٥١م احمد آقا (نایب فراشخانه): ج۳س۲۱۱۷، احمد (حاجی ـ ) قونسول برمان: ج٣س احمد ابیوردی: ج ۲ ص ۹۶۳. احمد احسائی: ج ۳ ص ۱۶۷۰. احمد اردبیلی (ملا ــ ) ــ مقدس|ردبیلی 3 7 W X PP. أحمد بن اسمعيل بن على (حاكم موصل): - 104 W 1 E احمد بن اغلب! ج 1 ص 191. احمد افندی (قونسولعکه) نج ۱ ص۵۳۷ .

احمدافندیکریلی:ج ۲ ص ۱۱۳۷،۱۱۳۳

3 7 W 1701 - 7 W 1791 .

احمد بدوی (سید ... ) : ج ۲ ص ۵۹۳.

احمد بن ابى بكر على المستنصس بسالله

احمدین بکر (حاکم فاس): ج ۱ ص ۲۶۴،

احمد بیک بن اغرلو: ج ۲ ص ۲۳۶،۷۳۴.

احمد بیک ترکمان؛ ج ۲ ص ۲۸۵، ۲۹۶،

احمد بیک صوفی اوغلی: ج ۲ ص ۷۵۰،

احمدييك، يسر علاء الدولة دوالقدر: ج

احمد بیک، ولد علیرضا خان باور : ج1ص

احمد بیک (نایب محله دروازه شمیران):

احمد بیگ (از یاوران خارج فوج): ج ۲

احمد (حاجی مبرزایہ ) تاجر شیرازی: ج

احمد (آفا میرزا۔) تاجر کاشانی: ج ۳س

احمد پاشا : ج ۳ ص ۱۸۰۷، ۱۸۰۹ :خ۲

احمد باشا (ار شعرای عثمانی) :ج۲ص۹۳۶

احمد یاشا بیگلربیگی موصل : ج ۲ ص۹۳۷ .

احمد بأشا جمال اوغلى (سرعسكرعثماني):

احمد باشا (حاكم بغداد): ج٢ص١٢٥١،

احمدہاشا (سردار عثبانی): ج ۲ س،۹۳۰،

احمد (میرزا \_ ) پیشکار همدان: ج ۴ ص

احمد تتوی (ملا \_ ): ج ۲ ص ۲۷۲.

احمد (میسرزا سید ... ) ثبات: ج ۲ ص

ATOL . TYOL . TOTE . PALL .

٠١٨٠٧ ص ٢ م ١٨٠٩٠

احمد باشا امیرالامران ج ۲ ص ۸۳۴،

احمد باشا پاڄ آلان: ج ۲ ص ۱۹۳۲.

ج ۲ ص ۱۱۲۰۰

. 1175

٠١٥٠١ ص

· 1146 \* 1114

احمد بیک دنبلی: ج ۲ ص ۱۱۶۳.

COY' AGY' AAY.

۲ ص ۱۷۵۰

ج ١ ص ٥٥٥٠

ص ۱۲۳۱ ۰

7175 W T

7.7179

ابوالفاسم عباسی: ج۲ص۲۵۸۲،۵۸۳،

احددخان قاجار ؛ سرهنگ مهندس ﴿ ج ١ س · TOFT ITOTO ITOTY ٠١٥٠٤٠٠ ٣ ج ١٣٧٧ م١٥٠٥٠ احمد خان (رلد بیگلر بیگسی): ج ۱ص احمدخانقاجاردولو (ميرزات) 🕻 ج٢٩٥٠٥٠٠ احمدخان قزل ایاغ : ج ۱ س ۵۰۲ ج ۳س احمد خان (پیشخدمت مخصوص): ج ۱ص ١٢٢١: ج ٣ ص ٢٠٥٥٠ احمدخان (میرزا۔)گازپردازمصر: ج ۱ ص احمد خان تغنگچی آقاسی: ج ۲ص ۱۰۱۵. -441 احدخانجشیدی(میر۔): ج ۳ ص۱۷۵۵۰ احمدخان،مراغطی (صبیعت) ، ج ۳ ص۱۴۱ احمدخان (حاکم بختیاری): چ۲ص۲۰۱۰۱ · 1744 · 1771 · 1717 احدد ان (برادر حاجی خازن الطک): ج احمدخان (میرزا۔)مستشارۂ ج 1 ص ۵۳۵۔ ۲ ص ۱۲۹۶ کے ۳ ص ۲۱۲۲۰ احمدخان (مستشارسفارت ایران دریاریس) :ج احمدخان (ميرزا )رئيس،تويسرکان :ج ١ص٥٤٣. ۲ ص ۱۱۸۷: چ ۳س۱۰۲۱۰۵۰۲۰ احمدخان (مبرزا۔)ساعد الملک امیر توقان سرتيپ :چ ٣٠٠ ١٨٢١ ، ١٨٥١ ، ١٨٥٧ . احمدخان (میرزا۔)مستوفی (ما مور فارس) 🕯 احمدخان سرتيپ: ج ٢ ص ١٢٣٨ء ج ٣ص چ ۳ ص ۱۱۰۰ ج احمدخان مقدم ، بیگلربیگی تبریز: ج ۳س احمدخان، سرتیپ اول(سوارانمهدیه):ج · 1444 · 1441 احددخان (بسرطكالشعراء )مهندس: ج 1ص ۲ ص ۱۲۵۶: چ ۲ ص ۸۵-۲۰ احمدخان (میرزا۔) سرتیپ کارپرداز : ج 1 ۵۴۵: چ ۲ ص ۱۲۲۷٠ احمدخان (میرزا۔)ناظم دیوان : ج ۳ ص ص ۵۳۵۰ احدخان (حاجی۔)سرھنگ: ج ۳ ص۲۰۹۲ احمدخان سرهنگ جماعت یا جلان ج ۱ احمدخان (نایب) : چر۲ ص ۱۲۶۸ : ج ۳ ص ۱۳۲۴ ص ۵۲۱. احمدخان ، نایب اجودانیاشی ، ج ۲ ص احمدخان (سرهنگخارجفوج) ، ج۲۳، ۱۲۲ • احمدخان (میرزا۔)سرهنگ، صاحب منصب ١٢٣٢ : ج ٣ ص ٢٠٧٧ . احمدخان (نايباول،،فارتايراندرفرانسه): فوج ، ج ٣ ص ٢١٢٢ -احددخانسرهنگ(تومان، فوج ۲ نصرت): 1309/20 87 احمد خان (نایب قابوچی یاشی ) : ج ۳ ص 3 1 W 400, 110, 110, 416; 3 ۲ ص ۱۲۳۱،۱۲۳۷ : چ ۳ س۲۰۷۳، · 111A احمدخان (ميرزاـــ)نايب وزارت أمورخارجه: \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* احمدخان سواد کوهی، سرکرده: ج ۱ ص ۴۶۹۰ ج ۳ ص ۱۸۲۵،۱۸۲۶ احمدځان (میرزا۔)نایب و منشیکردستان: احمدخان سور: ج ۲ ص ۸۲۱، احددخان (حاجی۔)شاطریاشی: ج ۱ص۵۵۷ . 475 v 1 z احمدخان نوائی: ج ۳ ص ۱۷۳۶۰۱۶۷۵ ج ٢ ص ١٢٩٥ : ج ٢ص ٢١٤٠ . احمدخان (ازطائفہ شاہ بوداغلو) : ج 7ص · 1444 · 1445 · 1444 · 1444 احمدخان (والی اردلان) : ج ۲ ص ۹۲۶ ۰ ١٢٢١ - ج ٣ ص ١٢٢٥ -احمدخان (میرزا۔)پسر حاجی شجاع الملک احمدیناییداود : ج ۱ ص ۱۹۴۰ نایب آجودانباشی: ج ۱ ص ۵۰۹: احمدین دائم: ج ۲ ص ۵۸۸۰ ج ٢ ص ١٢٣٠ ع ٣ ص ٢٠٧٢. احمدہن رشید (عموی واثق عباسی : ج ۱ص احمدخان، متخلص به شحنه(برادر محمسد

احمد (ميرزات) سررشتندار دفتر لشكر، ج1 ص ٥٥٥، ١٩٢٢ ع ٢ ص ١٩٢٢ ع · ۲ 0 ۶ ۸ ۲۰۲۰ احمد (میرزا سید۔)سر رشتعدار دفترلشکر : ج ١ ص ٥٠٥: ج ٢ ص ١٢٢٤: ج ۳ ص ۲۹۶۹۰ احمد (مهرزات)سررشتمداردفتر لشكرسمنان: ج ١ ص ٥٠١: ج ٢ ص ١٣٢٤٠ احمد (میرزا۔) سررشتبدار کشیکخانہ: ج ۱ ص ۲۲۱ م احمد (میرزا۔)سر رشتهدار کل: ج ۲ ص · 1797 احمد (میرزات)مر رشتمدار وزارت دربار: ج 1 ص ۵۲۹۰ احمد (میرزا۔)سر رشتعدار ، مستوفی: ج ۳ ص ۲۰۳۸ ۰ احمد (میروات)، برهاگ مانانس د ج ۳ ص · 1009 - 1004 احمدہن،میدکلاہی(نایب اخشید): ج1ص احمدین سکمان (حاکم خلاط) : ج ۱ ص ۳۶۱، احمدسلطان: ج ۲ ص ۲۵۳، احمدسلطانشاطو: ج احمد سلطان صوفی اوغلی: ج ۲ ص۲۸۸۰ . 4.00 احمدسیوطی! ج ۱ ص ۱۶۶، احبدشابلوخوشنویس(میرزاند) : ج ۳ ص احمدشاء ابدالي: ج ۲ ص ۱۳۲۰، احمدشاءافنان: ج ۲ ص ۱۱۵۲،۱۱۲۳:ج ۳ ص ۱۳۴۸ -احددشامیهنی: ج ۲ ص ۲۶۶،۶۸۶،۶۸۲ . 444 احددثاهگجراتی (والی گجرات): ج ۲ ص · ATF : ATT + F10 احدثاءاین محمد شاہ اسدی: ج احمدشاء این محمد شاہ بایری: ج ۲ ص احمد شيخ الاسلام (ميرزاــ)پىسىر مىبرزا عبدالكريم: ج ٣ ص ١٨٥٥٠

احمدینطاهرینناصرعباسی: ج ۲ ص۲۶۳۰

احمد الطباطبائي الاردستاني الاصفهاني أبن

سيد محمد رضاً: عُ ١ ص ٢٩٢٠.

احمد رئيس النجار (حاجى ميرزاــ) نناظم

امور تجارت: ج 1 ص ۵۲۶۰

احمد (میرزاسیدے) رئیس محله ازار : ج

۱ ص ۵۲۶: ج ۲ ص ۱۹۵۲،۱۰۹۶

مهدی خان): ج ۲ ص ۱۵۹۲ ۰

احددخان (پسرعلبرضاخان) باور : ج ۳ س

اجمدخان عبدالملك : ج 1 ص ۴۲۰،

· 4 4 4 4

احدد طبیب اصفهانی(سِرزاــ): ج ۳ ص عباسی): ج 1 ص ۶۰۲۰۲۰۲۰۹۰۲۰ ا احمد (حاجیمیرزا۔۔)مجتہد : ج ۲ ص۵۵۵ احمدبنطولون (والىمصر ) : ج 1 ص ٢٥٣ 3 7 W 4117. . 4146717.7101709,704,704 احمدین محرز(قاضی قیروان): ج ۱ ص أحمدين عبدالعزيزين أبي دلف : ج 1 ص . 771 - 719 - 717 . احمدین محمدین حنفیہ: ج 1 ص ۲۱٪. احمدین عبدالملکین عطاش (بزرگیاطنیه ) 🕻 احمدين،محمدينعلي، ابنخياط (شاعسر): ع ۱ ص ۳۵۸، ح ۱ ص ۲۶۲،۲۲۲. احتدالعجیفی: ج 1 ص ۲۱۸، احددبن،حمدالعمری، احمرالعین: ج 1 ص احمدعرابی اشا : ج ۳ ص ۲۰۵۳۰۲۰۵۲. احمدعربشاه(ادیب): ج ۲ ص ۲۰۲، احمدین محمدینفرات: ج 1 ص ۲۲۲. احمد علیخان ، سرهنگ: ج 1 ص ۵۲۲. احمدبن،محمدبن،محمودبن،بکتکین: ج ۲ ص احدعلیملیحی، ملک مکرم: ج 1حم۲۲ احمدمدنی(شیخس): ج ۲ ص ۱۱۱۲. احمدعلىميرزا (پسرفتحطى شاه) والى خراسان: احمدبنمرند: ۾ ١ ص ١٧١. ۶ ۳ ص ۱۴۶۹ ۱۵۹۸ ، ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۵ ، ۱۶۰۵ احمد (میرزا۔)مستوفی: ج ۳ ص ۹۹ ، ۲۰۹۹ . , 15TT + 150Y + 1500 + 150T + 150T احمد (میرزاسید...)مستوفی حکومت عبراق: چاص۸۲۵؛ چ ۳ ص ۱۹۱۴،۹۹۰۲۰ احمد غزالی ـــــ ابوالفتوح... احمد (میرزا۔۔)منشی: ج ۱ ص ۵۰۶: ج ۳ احمدغفاری (قاضی۔): ج ۲ ص ۸۵۲، ص ۲۰۶۹ . احعدبن فأرس، أبوعبداللمنسده (حسافسط احمد (میرزا۔)منشی آذربایجان : ج 1 ص اصفهانی): ج ۱ ص ۲۹۲، ۵۰۶ ج ۲ ص ۲۰۷۰ ، احمدبن فصیح لغوی کوفی: ح ۲ ص ۶۳۹. احمد (میرزا۔)منشی ادارہ خزانہ: ج جس احمدفنائیخلخالی (شیخ۔)شاعر: ج ۲ ص 77111 اجعد (میرزا۔)منشی باشی مستوفی: ج1س احمد (آقامبرزاسيد...) كانب روزنامه اطلاع: 3 1 W 646: 3 7 W ATIT. احمد (حاجی ملا۔) مشی سفارت عثمانی احمد کردار دلانی: ج ۲ ص ۹۸۷. در کرمانشاهان؛ ج ۱ ص ۵۲۶؛ ج۳ احمد کرمانشهانی (حاجی ملاے) از اجــلـــه ص ۱۱۰۷، علما: ج ٣ ص ١٥٢٢، ١٢٥٠٠ احمد (ميرزاـــ)منشىمخصوصتحرير ولايات : أحمد بن كليب (شاعر): ج 1 ص ٣١٥. ج ۱ ص ۵۵۲، احمد کهتو(شیخس): ج ۲ ص ۶۹۷، احمد، پسر مهذب الدولم: ج 1 ص٣٥٣. احمدبنکیظغ (والی دمشق و مصر): ج ۱ احمدينمهنا : ج ۲ ص ۶۳۶،۶۳۴. . 444.444.446 P احمدمیرزا: ج ۳ ص ۱۷۴۱،۱۷۶۶،۱۷۶۶ احمدار (مرید فضل الله استرآبادی): ج۲ أحمد مبرز ا (پسرتيمورميرز ا)نايب آجودانباشي : ض ۶۸۵۰۶۸۴ ف ج ١ ص ٥٩٠٥٠١، ج ٢ ص ١٢٢٩ احمد (میرزا۔)لشکرنویس: ج ۱ ص ۵۰۶:ج · Y · YY · JAYY OF T &

۲ ص ۲۰۲۰.

احمد ، لشكرنويس آذربايجان: ج إص۶ ۵۵ ،

احمد (میرزاـــ)مباشر توبسرکان ، از اجــزای

أحمدين متوكل ، المعتبد على الله (خليفه

پستخانہ: ج ۲ ص ۱۲۷۴: ج ۳ ص

-1414-3514 احمدمیرزا (از امراء قوانلو): ج ( ص7ه ۵ - 1770 or T E احمد میرزا ، پسر کیقبار میرزا (نایبآجودان باشی ): ج 1 ص ۵۰۹؛ ج ۲ ص احمد ميرزا معين|لدوله (عموى ناصرالدين شاه): ج ١ ص ٥٥١. ج ٢ص١٢١١ 3 7 WTTA(197A(1976119707 . 4054 احددبیرزا (نایب سرهنگ): چ جی،۹۷٫۹۰ احمد ميرزا (نايب دوم وزارت خارجـــه): ج ۲ ص ۱۷۱۷ . احمدین نصرین مالک خزاعی: ج ۱ ص۱۹۰۰ احمدیننصیر: ج ۱ ص ۱۳۵، احمد (میرزا۔..) ناظم دیوان: ج۳ص۱۷۲۳. احمد نظام شاء: ج ۲ ص ۲۵۰. احمد نظام الملک (والی خیبر): ج 7س احمد (آقا شيخ-) واعطا ج ١ ص ٥٥٢ أج - TIIT OF T احمد (میرزا۔)وزیر محمد خان ترکمان؛ ج ۳ ص ۱۳۴۴ ۰ احمد وفق افندی: ج ۳ ص ۱۷۶۰. احمد (میرزا۔)وکیل دیوانخانہ: ج ۲ س احمد هاتف اصفهانی(آقا سید...) مساحب ترجيع بند: ج ٣ ص ١٣٩٥. احمدهندی (شارح کافیه) " ج ۳ س ۹۸۶. احعدين يحيىين أسحاق زنسديسق ابسسن راوندی: ج ۱ ص ۲۲۶. احمدبن يعقوب (حاكم صقليه): ج ۽ ص احمد یلی بن آفسنقر: ج 1 ص ۴۰۱. احمدبن یمین حلبی: ج ۲ ص ۶۳۹. احمدینیوسفکراییسی: ج ۳ ص ۵۹۷. احمدین یوسف المنازی (عالم و شاعر) . وزیر ایونصو کردی: ج ۱ ص ۳۱۸. أحنف بن عبدالله: ج 1 ص ۵۸. احتف بن قيس، ابوبحرالضحاك (سسرار اسلام): ج 1 ص ١٨٠٥٢،٥٢١٠٠

اخترالدوله(دختر ناصرالدینشاه) " ج ۲س

١٢١٩ : ج ٣ ص ١٩٥٢.

احمد میرزا حقوی: ج ۳ ص ۱۲۰۱.

احمدمبرزا (شاهزاده فاجار) حاكمكليابكان.

احمد میرزا (صاحب منصبادارہ): ج 7ص

احمدمیرزا (پسر عباس میرزا ): ج۲ص۱۶۱۷

- 1 T . 1710 . T . 1111.

اخرید (یادشاه کش): یم ۱ ص ۱۳۴. اختید ،محمدبنطفچین جف (والیمصر): ج ۱ ص ۲۲۹،۲۵۲،۲۵۲،۵۵۲ تسا . TY . TFF . TAR . TAY اخلش نحوی بصری: ج 1 ص ۱۸۱ ، اخی شجاعالدین: ج ۲ ص ۶۳۲. ادریس(میرزا۔)رئیس پستخانه استرآبساد : چاص۲۲۰: ع ۲ ص ۱۲۲۲۰۱۲۲۱ ادریسین ادریس(علوی): ج ۱ ص ۱۵۷، أدريس بن عبدالله بن حسن (علويمصر) : . 1 AT . 184 . 180 . 104 . . 1 E ادريسين عبداللجن يعقوب ..... الوائسيق ابؤالعلاء ادريس ادریس ( از اولاد محمدبن قاسمین ادریس) · 376 & 1 E ادریس میرزا (از امراه طائفه قوانلو): ج ( ص ١٥٤٠ ج ٢ ص ١٢٢٥ ج ٣ ص ادريسين يعقوب ، مامون (ازبني عبدالمو من): ع 1 ص ۲۳۹، ادرین هشتم (پاپ): ج ۲ ص ۹۱۹، ادنل: ج ٣ ص ١٨١٤٠١٨١٠ ے ادوارد (پسر پادشاہ انگلیس و ولیعہد ) ہج ۲ ص ۱۵۵۰ ۹۸۵۰ ادوارد اول(پادشاہ انگلیس): ج 7 ص .047.040 ادوارد پنجم (شاہ انگلیس) : ج ۲۲۸،۰۲۲ ادواردجنر(طبیب)، ج ۲ ص ۱۱۲۹۰ ادوارد چهارم (شاهانگلیس) : ج ۲ ص۸۲۱۸ ادوارد دویم (شاہ انگلیس) : ج ۲ ص۶۲۲ ادوارد سیم (شاہ انگلیس) : ج ۲ ص ۶۲۳ . 501 . 57 + . 510 ادوارد ششم: ج ۲ ص ۸۰۶، ادرلف فردریگ (بادشاه سولد): ج ۲ ص

ادهم بیک روملو: ج ۲ ص ۸۱۹،۸۵۶،

اديب اصفهاني، ميرزا مخمدحسينفروغي:

3 T & 1611-6611-4717.

ادهم باشا ' ج ۲ بن ۱۹۶۹ ، ۱۹۷۳ ،

ادهم خان: ج ۲ س ۸۴۳،

ادیب ماہر (شاعر): ج ۱ ص ۲۸۳. ادیبعبداللہ(صاحب تاریخ معجم : ج جس اديبالملك، عبدالطي خان(حاكم قم): ع ١ ص ٥٣٠٠ ع ٢ ص ١٢٥٤ - ٣٣ -1977-1907-1464-146F J -14FT-14TY ادیب العمالک: ج ۳ ص ۲۱۹۰، اارسنت: ج ۲ ص ۱۷۴۰، اراض خان: ج ۳ ص ۱۷۸۲،۱۷۴۱،۱۶۸۸ ارباب، آفا عبدالباقی: ج ۲ س ۱۲۵۱. ارباب، آقا محمد ابراهیم ج ۲ ص۱۲۵۱. ارہاب، آقا محمد امین(تاجر طہرانی) :ج ۲ ص ۱۲۵۱ ۰ ارباب خالق: ج ٣ ص ١٧٢٠. اریاخان(جانثین سلطان ابوسعید): ج ۲ -FYT+FT9+FTA ... ارتق(فائل جهانسوزشاه): ج ۲ م۱۱۷۷. ارتق بن اکبک ترکمانی(جد ملوکماردین) و مالک قدس شریف) : ج ۱ ص۲۳۹ . TAT . TA . . TTF . TT1 ارتور (رئیس جمهور اتائونی آمریکا): ج ۲ ص ۲۱۵۱ -ارثرلاركم (صاحب أيكندرنين): اج 1 ص ATO: 3 T & A-17. ارجوان (ارمنيه) جادر المقتدي بامر البليم عباسي): ج ١ ص ٢٤٥. ارجوان (خادم العزيز باللغفاطمي) : ج١ص اردشیر بابکان: ج ۱ ص ۲۴۶: ج ۲ ص

أرسلان شاهبن ملك قاهر عزالدين إحكمران موصل): ج ۱ ص ۴۳۲، ۴۳۲. ارسلانين مسعود غزنوی (حکمرانغزنين): -TFT @ 1 F ارسلان میرزا (نایب آجودانباشی) : ج ۱ ص ٥٠٩ أج ٢ ص ١٢٢٩ ع ٣ ص - TOYT ارسینی: ج ۳ ص ۱۸۵۷ اردشیرخان (حاجی۔) : ج ۳ ص ۲۰۷۲ ، ارشدوک آلبرت (سردار اطریش) ؛ ج ۳ ص اردشیرخان سرتیپ (تومان اول فوج هفتسم الشار): ج ۲ ص ۵۱۳: ج ۲ ص ارطبون: ج 1 ص ۴۲، ارعش نظامی: ج 1 ص ۲۵۱، اردشیررازدست: ج ۳ ص ۱۷۲۳ ، ارغون خان ابن اباقاخان: ج ۲ص ۵۹۸ ، اردشیرین شیرویه: ج ۱ ص ۲۲ تا ۳۵۰ 916: 107:5 T @ 771:971: اردشیرمیرزارکنالدوله(پسر عباسهیرزا) :ج · 10-7 · 1750 · 1757 ٣ ص ١٤٣٠،١٤٣٠،١٤٢٠،١٤٢٠ ارغون میرزا (پسر نواب حسنطی میرزا): . 1745 - 1747 - 1507 - 1547 ج ٣ ص ١٩٥٧، ١٥٢٧، ١٩٥٥ ، اردوغدوی ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۶۹،

ارستوفگرجی(ژنرال): ج ۳ ص ۱۵۷۸،

ارس خان ( ازنژادجوجیخان): ج ۲ ص

ارس خان (صاحب دشت قبچاق): ج٢ص

ارسطو (مطم اول): ج ۱ ص ۲۹۱،۲۶۰،

ارسلان بن اتسزین محمد بن انوشنکیــــن

ارسلان ارغو (ارغون برادر ملكتــــــاه

ارسلان خان، ابوالمظفر بن طفاخان: ج ١

ارسلان بن سلجوق: ج 1 ص ۲۱۳، ۲۱۴.

أرسلان شاه ابن طفرل بیک بن قساورد :

ارسلان بن طفرل بیک ابن محمد (ملک...):

ارسلان شاه ابن عز الدین مسعود . . .زنگی

ارغون ميرزا (برادر نواب هلاگو ميرزا) :

نورالدين: ج ١ ص ٢١٣، ٢٢٢،

ج ١ ص ٨٨٦ تا ٢٩٢.

سلجوقي): ج 1 ص ٣٢٢، ٢٥٠.

خوارزمشاه اج ۱ ص ۲۹۹،۳۸۸، ۲۹۹، ۲۵۰،

ارسطو (میرزا \_ ) : ج ۲ ص ۱۲۷۹،

ارس سلطان! ج ۲ ص ۹۶۸۰۸۶۳.

. YYY . F14

· ۲07 0

· T 94 00 1 8

ارستوف 🗦 ج ۳ ص ۱۶۱۹ -

ارس بیک روطو: ج ۲ ص ۸۴۹،

أُ ارقم بن أبي الارقم المغزومي: ج (ص٦٩ - 1411 -استاذسیس: ج ۱ ص ۱۳۴۰ ارکلی خان (والی گرجستان) (چ۲ص۲۹۱۱، استانسک (وزیر اعظم رومانی): ج ۳ ص -1779 -1701 PT E . 1111 ارکع اوغلی: ج ۲ ص ۸۰۲ استانيسلاس پيناتوشكى (پادشاء لهستان)، ارمانوس (امپراطور قسطنطنیه): ج بس . 1771 .1114 .1007 PT E · TTT . 1774 ارمایو (فرمانفرمای هند ): ج ۳ ص۱۹۳۷. استدرت: ج ۳ ص ۱۶۲۵، ارنست اگرست: چ ۳ ص ۱۷۲۹،۱۶۲۳. استرخان خوارزمی: ج 1 ص ۱۴۲، ارنو (دکتر 🗕 ) حکیم حافظ الصحه: ج ۱ استروپ ، رئيس وزيا : ج ۽ ص ٢٥٥. ٠٥٢٥ ، ٥٢٥ . استری مایر : ج ۳ ص ۱۹۹۷. اروق (پسر کلای): ج ۳ ص ۱۳۴۲. استزلیتس (سردار روسی): ج ۲ ص۹۹۱. اریک چهارم: ج ۲ ص ۸۵۵، استن (سردار رومی): ج ۲ ص ۱۹۳۹. اریک سوم : ج ۱ ص ۲۵۲. استنداج(ماژور)ئايب رئيس اداره اطريشي: ازیک بن پہلوان، مظفرالدین: ج ۱ ص ج ۱ ص ۵۲۵. استطی: ج ۲ ص ۱۹۳۲، أزلاغ شاه، قطب الدين (بسر علاء الدين استیانف: ج ۳ ص ۱۲۸۵، محمد خوارزمشاہ): ج 1 ص ۲۴۲، أسحق (ميرزا ـ ): ج 1 ص ۱۹۶۶مه: ازهری، ابومنصور محمد بن احمدبنالازهر 3 7 W 1771 3 7 W 1741 . (لغوی و فقید، صاحب تهذیب ): اسحق بن ابراهیم حنظی، راهرید: ج 1 ص ۱۸۰۰ اسحق بن ابراهیم خلیل: ج ۱ ص ۳۶۵، اژرو (ژنرال - ): ج ۳ ص ۱۴۷۴. اسحق بن ابراهیمین سب ہے 1 ص ۱۸۴ اژن: ج ۳ ص ۱۵۲۴۰ . 190 (1AF E اژن (ربیب ناپلیـون): ج 7 ص ۱۲۷۹، اسحق بن ابراهیم موصلی (مغنی): ج1ص \*1444 + 1444 اسحور بن اسمعیل (بزرگ بنی امید) ، ج ۱ اژن دوم (یاپ ، خلیفه عیسویان): ج ۱ ٠ ١٨١ ٠ ص ۱۱۹۵۰ اژن سوم (پاپ): ج ۱ ص ۲۸۱۰ اسحق بن اسماعیل نوبختی: ج۱ ص۲۴۷، اژنی : ج ۳ ص ۱۷۹۵ ۰ اسحق بیک (پسر آبراهیم بیک قرامانی) : اژنی(هسرناپلیون سوم): ج ۳ ص۱۹۵۱، ج ۲ ص ۲۱۲۰ -1988 اسحق پاشا (حاکم بایزید): ج ۳ص۱۴۲۱ اسامه بن زید بن حارثہ: ج ۱ ص ۲۱ ، اسحق بن حنین (طبیب): ج ۱ ص ۲۳۱ ·YA ·TT اسحق خان (مہرزا۔ ): ج ۳ ص ۱۹۷۲، اسامد، عزائدين: ج ۾ س ۴۱۳. اسحق خان تربتی: ج ۳ ص ۱۴۴۸. اسپند ، پسر قرایوسف ترکمان (میرزا \_) : اسحق خان سرتیپ: ج ۲ ص ۱۲۳۹. . 646 . 641 of T E اسحق خان (حاجی \_ ) سرتیب: ج 1ص اسههبد، حسام الدين زرين كبربن فرامرز 714' 5 T & TAOY. بن شہریار (از طوک رستمدار):ج ۲ اسحق خان (میرزا ــ ) سرتیب دوم (کارــ ص ۲۲۲، پرداز بغداد ): ج ۳ ص ۱۹۲۵. اسههبد طبرستان: ج ۱ ص ۱۳۵ ، ۱۳۵ ، اسحق خان (میرزا ــ ) کارپرداز ارزنــــه . 189 الروم: ج ۲ ص ۱۸۹۹،

. 1497 J T E

اسپيبرک: ج ۲ ص ۸۹۵.

استاتل (مادام ـ ) نویسنده فرانسه ج۳

· 1017 -10-0 -1740 -1757 - 101+ اسحق خان (میرزا ــ ) از اجسزای وزارت خارجه: ج ۳ ص ۱۸۶۷، اسحق (میرزا ۔۔ ) سررشتہ دار: ج ۱ ص اسحق (میرزا ـ ) سررشته دار دفترلشکر: . T 05 A 00 T & اسحق (سلطان قسطنطنیه) ٪ ج (ص۳۲۵، اسحقبن سليمان (حاكم مدينه و...);ج ١ ص ١١٥٠ ١٥٦ ، ١٦٤١ ، ١٧٥٠ ١٥٢ اسحقین صباح کندی آشمشی (والی کوفه): ج ١ ص ١٥٥٠ اسمق بن علی بن یوسف: ج ۱ ص۳۶۵، · T.A.\* اسحاق بن عيسي بن على (حاكم مدينه) : ج ١ ص ١٥٥٠ اسحق (میرزا ــ ) نبیره میرزا بزرگ قائم سقام: ج 7 ص 6ہ 19۔ اسحق قرامان: ج ۲ ص ۷۷۳. اسحاق بن کنداج (عامل موصل): ج1 ص أسحق بن محمد (حاكم موصل): ج ١ ص . 144 اسحق مستوفی(میرزا ــ ): ج ۱ ص ۵۲۸، ۵۴۴ ع ۳ ص ۹۹۰ ۲۰۹۹. اسحق (میرزا ــ ) مستوفی ومدیسر دار ــ الفنون: ج ۳ ص ۲۰۰۷، اسحق (میرزا \_ ) مشرف قراجورلو: ج ۲ ٠٢١١٢ ٣ اسحاق بن موسى الاسفرايني (فقيه شافعي): ج 1 ص 171 ء أسحق بن موسى بن عيسى: ج ١٥٣٠٠. اسحق میرزا امیر آخور: ج ۱ ص ۵۵۷:ج۲ ح ١٢٩٥٠ ج ٣ ص ١٢٩٥٠ اسحق ميرزا بن حيدر ميرزا ابن شاءاسماعيل 🖫 · 1491 5 7 5 اسحق میرزا (از شاهزادگان عصر ناصری) : - 1770 PT E اسحق میرزا (پسر معز الدوله): ج ۳ ص

· ۲055

اسحق نبی (ع): چ ۲ ص ۱۳۲۷.

اسحق بن هادی: چ ۱ می ۱۷۶.

اسحق خان کرد قرائی: ج ۳ ص ۱۴۶۴،

اسداللهخان تفنگدار باشی ایج ۳ ص۲۱۴۳. [ امد بیگ (برادر زاده ابراهیم خلیلخان اسدالله خان (تفنگدار خاصسه): ج ۱ ص جوانشیر): ج ۳ ص ۱۳۲۹. ٠٢١١١٠ تي ٢١١١١٠ تع ٣ ١٢١٢٠٠ احدخان: ج ۲ ص ۲۰۰۵، ۱۲۴۵۰ اسدالله خان جهان بيگلو: چ ۱ ص ۵۲۰: اسد خان بختیاری هفت لنگ: ج ۳ س ج ۳ ص ۲۰۹۰، . 1504 . 1000 . 10TT اسداللمخان دنيلي (تايب آجودانياشي) : اسد خان (رئیس،دولت آباد کردستان ) : ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص۱۲۲۹: ج ۳ ج 1 ص ۲۴۵۰ ص ۲۰۲۳ ۰ اسد خان کاکاوند : ج ۲ ص ۱۳۶۹ . اسداللمخان (رئيس پستخانه دولت آباد): أسد بن عبداللمقسري: ج ١٩٢٠١١١، -1177 J T E . 170 6 . 117 اسدالله ( ميرزا \_ ) خان (ژنرال قنسول اسد بن عمرو بن عامر الكوفى (مصاحب ایران در تقلیس): چ ۳ ص ۱۹۷۲. ابوحتیقه): چ ۱ ص ۱۶۸. اسداللدخان (طائفه سپائلو حاجی،شهدی): اسد بن يزيد : ج 1 ص 155 . ع ١ ص ٥٠٢: ع ٢ ص ١٢٢١: ع ٢ اسدالله (میرزا۔) نج ۲ ص ۱۲۲۵،۱۲۲۴، ص ۲۰۶۵. ۱۲۶۸ : چ ۳ ص ۱۹۶۱ ، ۱۸۵۰ أسدالله خان (ميرزا ... ) سرتيپ دويم(كار اسدالله (آفا سید ۔ ) ج ۳ ص ۱۶۶۶. پرداز نظیس) : ج ۳ ص ۱۹۲۵ . امداللہ (میر ...): ج ۲ ص ۱۰۵۷. اسدالله خان (سرکردهٔ عرب بسطام) : ۲۳ اسدالله ( عيرزا ــ ) از ارباب ظمو لشكر ص دادې. نويسان: چ ۳ ص ۲۰۶۸. اسدالله خان (سرکردهٔ دستهٔ لیسسوانسی اسدالله (آقا \_ ) تاجر همدانی):ج ٣ ص و...) چ ۱ ص ۵۲۲ چ ۳س۹۲۰۲. اسدالله خان سرهنگ چ ۲ ص ۱۲۳۹ . اسدالله (حاجی ـ ) تاجر یزدی: ج ۳ص اسدالله خان (حاجی ــ ) سرهنگ: ج۲ س 10AF . T - 1140 الدالله ( ميرزا ـ ) تحويلدار امنانسات امدالله خان برهنگ (پسر جاجی سعید خارجه: ج 1 ص ۵۶۱: ج۲س۱۲۲۱: الدوله) ج ٢ ص ١٣٢٩ : ج ٣ ص ج ۲ ص ۲۱۲۰۰ 55\_00 10 50 50 X VY اسداللعثبات (میرزا ــ ): ج ۲ ص۱۲۵۶، اسدالله (ميرزا \_ ) خان (تارژ دافسر) : اسدالله (ميرزا ـ ) ثبات دفتر: ج ٣ ص ج ۲ ص ۲۰۲۳. أسدائله خان (پسر عبدائله خان ولدحيات اسدالله (حاجی ملا ــ ) حجه الاســــلام سلطان ابدالی} : ج ۲ ص ۲۰۰۳. بروجردی: ج ۲ ص۱۲۶۷، اسدالله خان عرب خزیمه (امیر ــ): ج ۳ اسدالله خان(امير ــ ): ج ۳ ص ۱۶۱۶ . · 1514 · 1504 @ اسداللمخان|بدالی نُج ۲ ص۲۵۰۱۵۰۵۰ اسدالله خان قاجار: ج ۲ ص ۱۲۷۰: ج۲ اسدالله خان (ولد ابراهیم خان اعتماد ــ ص ۱۲۵۹ ۰ الدولد ): ج ۳ ص ۱۲۲۵، اسدالله خان قاینی (امیر 🗕 ) 🗦 ج ۳ ص اسدالله خان، امیر تاین: ج ۳ ص۱۹۲۹، اسدالله خان ( میرزا \_ ) ایلچی مخصوص · 1545 · 144A اسداللہ خان قہوبچی: ج ۱ ص ۵۵۸:ج۳ دريطرزبورغ: ج ٣ ص ٢١٠۶٠ ص ۲۱۴۲٠ اسدالله خان (از اجزای پستخانه): ج ۳

اسدائله خان گوران: ج ۳ ص ۱۷۱۷، اسدالله خان ماکوتی (سرهنگ): ج 1 ص ٨٠٥: ج ٦ ص ١٣٢٩: ج٣٠٠٠٠ اسدالله خان ، معتمد الملک : ج۲۳، ۱۷۵۵ ، اسدالله خان مهندس: ج 1 ص ۵۳۲: ج۳ . Tiof ... اسدالله جَان ميسرآخور: ج 7 ص 1773، · 1774 · 1777 اسدالله خان (نایب آجودانباشی): ج ۱ ص ٥٠٩، ج ٢ ص ١٣٢٩، ج ٢ ص . 1. 17 امدالله (میرزا \_ ) خان (نایب اولوزارت علوم): ج ۲ ص ۱۲۷۶؛ ج ۳ ص - 1114 اسدالله خان (نایب ایشیک آقاسی باشی): . 1119 OF E اسدائله (ميرزا ــ ) خان (نايب الحكوم طارم): ج ۱ ص ۵۵۲، ۵۹۰ ج ۲ ص ۲۰۱۳۰۰ اسدالله (ميرزا \_ ) خان (نايب الحكومـــ ملايد): ج ۲ ص ۱۸۶۷ -امدالله خان (نايب الحكومه نهاونـــد): - TITA OF T E اسدالله خان نواتی ( میرزا ــ ) : ج ۲ ص ۱۶۲۷ ۰ اسداللهخان (ولد نورمحمدخان سرتيپ) ; ج ۱ ص ۱۵۰۰ اسدالله خان نوری مستوفی (میرزا \_ ) :ج ۱ صد۵۲: ج ۳ ص ۱۶۰۰ اسدالله خان (میرزا … ) وزیسر مختسار سفارتخانه يطرزبورغ ؛ ج 1 ص۵۳۵. أسدالله (ميرزا ــ ) سررشته دار توپخانه: ع ١ ص ٥٠٥٠ اسدالله( ميرزا ــ ) سررشته دار قورخانه: ج ١ ص ٥٠٥: ج ٢ ص ٢٠٥٩. أسدالله (ميرزا ـــ ) شارژ دافر ايــران در يطرزبورغ): ج ۲ ص ۱۱۸۷، اسدالله علم (امير ــ ): ج ٣ ص ١٢٢٨. أسدالله قايني ( ميرزا ... ): ج محرو ١٩٤٣. اسدالله کاشانی (میرزا ــ )طبیب: ج جس ١٢٥٧: ج ٢ ص ١١١٥٠ اسدالله ( میرزا \_ ) لشکر نویس: ج ۱م

اسدالله (میرزا ــ ) خان (کاریسرداز اول

اسدالله خان کتابدار: ج ۱ ص ۵۲۴: ج ۲

ص ۱۲۲۶ ؛ ج ۲ ص ۲۱۲۹ .

تظیس): ج ۳ ص ۱۹۱۵.

م ۲۱۲۴،

ص ۲۰۲۴ -

اسدالله خان تفرشی (نایب آجودانباشی):

چ ۱ ص ۵۰۹: چ ۲ ص ۱۲۳۰: چ ۲

-4+0 اسدالله (سيد \_ ) مجتهد اصفهاني: ج7 . 1977 0 اسداللمستوفی( میرزا ــ ) : ج 1صد25 : . Y . 4 . 1488 . 1444 . T . اسدالله (میرزا ... ) مستوفی (پیشکـــــــار مازندران) : ج ۳ ص ۱۹۶۳. اسدالله ( ديرزا \_ ) مستوفى ( پسر ميرزا موسی نایب): ج ۳ ص ۱۹۱۷. اسدالله ( میرزا ... ) مستوفی نوری: ج ۳ · 1446 · 1444 . اسدالله ( میرزا \_ ) معلم عربی : ج1ص اسدالله ( میرزا \_ ) منشی: ج ۱ص۵۳۲. اسدالله ( میرزا ـ ) منشی ( از اجسزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰. اسدالله ( میرزا ... ) منشی دویسم ادارهٔ عثمانی: ج ۳ ص ۲۱۰۳، اسدالله ( میرزا ـ ) منشی باشی: ج1ص ۵۴۱ ج ۲ ص ۱۲۲۱ . اسدالله ( میرزا ـ ) منشی کارگذاری استر آباد: ج ۳ ص ۲۱۰۵، اسداللہ میرزا : ج ۳ ص ۲۰۶۴. اسدالله میرزا (از شاهزادگان قاجار); ج۲ ص ۱۲۲۰ ۰ اسداللمبيرزا (نواب) يسر محمد علىمبرزا دولنشاه: ج ۳ ص ۱۵۵۱ . امدالله ميرزا (پسر هوشنگ ميرزا قاجار): ع ۲ ص ۱۲۲۰ . اسداللمبيرزا (ياوراول): ج ۳ ص ۲۰۲۷. اسدالله میرزا (یاور فوج ارونقی): ج ۱ص ١١١٨: ج ٢ ص ١٢٢٢٠ اسدالله (میرزا سـ ) نایب فراشخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۲٠ اسداللبنوائی(میرزا \_ ) : ج ۳ ص ۱۸۳۴ . اسدالله نوری ( میرزا ــ ) کشیکچی باشی:

- 100Y & T &

- 0 Ao o Y E

. 244 6 244 . 241.

اسرائيل: ج ٢ ص ١٥٢٩، ١٥٥١، اسعد افندی : ج ۳ ص ۱۶۳۴.

اسدالدین بن شیرکوه بن شاذی: ج ۱ ص

اسدالدین بن طک زاهد بن صلاح الدین:

اسعد باشا يسر طيبان ياشا (والي بغداد): 1101-1571-157A -10-4 - T = · 1457 · 1451 اسعد بن زرارہ انصاری، ابوامامہ: ج 1 ص . 47 . 41 اسعد بن شهاب (والی زبید) آج (۱۳۲۸، اسفار بن شیرویه: ج ۱ ص ۲۴۰، ۲۴۱، اسفندیار بیک ( از امرا) : ج ۲ ص ۹۲۰. اسفندیارخان:ج ۱ص ۵۱۸: چ ۳ص۱۶۵۳، اسفندیار خان (برادر ابوالغازی): ج ۲ص . 9TF × 9TT اسفندیار خان (نوه حاجم خان): ج۲ص

اسفنديارخانسرتيب ( ازجماعـتبختهاري)!

ج ١ ص ١٩٧٨ ، ٥٢١ ج ٦ ص١٩٧٩ ، . 1011

اسفندبارخان (سرکرده دسته سوارهیکانی) : 3 T @ 1771.

اسفندیار خان (ولد عرب سلطان): ج ۲ ص 1000

اسفندیار خان گرجی (دامار سپهدار): ج 7 ص ۱۵۲۵ .

اسفندیارخان (نایب سپهدار): ج ۲٪ ص 1071 (LALE . 3 T 00 1/1/2)

اسکاراول (یادشامسوئد): ج ۳ ص ۱۶۷۶. اسکریپ: ج ۳ ص ۱۸۳۸،

اسکندر بیک افشار : ج ۲ ص ۸۵۳.

اسکندر بیک (قونسول بیروت): ج ۱ ص

اسکندر پاشا (حاکم وان): ج ۲ ص عمیر، A.A. 104. 114 2 074. 674. اسکندر خان : ج ۲ ص ۸۷۲، ۸۲۲: ج ۲ ص ۱۲۲۱ ، ۱۲۴۵ م

اسکندر خان (از ارباب مناصب): ج ۳س . 1119

اسکندر خان اوزبک: ج ۲ ص ۲۸۰۰ اسکندر خان (پادشاه بخارا): ج ۲ ص 144.

اسکندرخان (پسر جبرئیل خان) یاور :ج ۳ ص ۲۰۲۵ ۰

اسکندر خان خلج ساوہ: ج 7 ص 1759، اسکندر خان (حاکم دهلی): ج ۲س۲۲۴۰. اسکندر خان زند : ج ۳ ص ۱۷۲۵. اسکندر خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۶۹۳. اسکنندر خسان سسسردار چچس۱۷۴۵ ت

اسکندرخان ((از سرکردگان غلام نصرت): ع ١ ص ١٥١٨ تع ٣ ص ١٠٨٧٠٠ اسکندرخان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۸؛ ج ۳ ص

اسکندرخان قاجار : ج ۳ ص ۱۶۲۰ ، ۱۲۰۰ . اسكندرخان قاجار قوانلو ( دختر ــ )مادرآقا محمدشاه قاجار : ج ۳ ص ۱۳۶۰ .

اسکندر خان قرابایات: ج ۳ ص ۱۷۲۷ . اسکندر خان ( برادر مادری کریمخان) : ۲۳

اسکندر خان ( نایب آجودانباشی) ؛ ج 1 ص ٩٠٥٠ ج ٢ص ١٢٢٠ : ٣٣٠ ٢٥٧٢٠ اسکندرخان ( از پاوران خارح از فوج): ج ۳

اسکندر (میرزا ـ ) سررشتیدار : ج۱ص۶۵۶. احکندر ( میرزا ـ ) سررشتندار آذربایجان : ج ۲ ص ۲۰۲۰.

اسکندر بن سلطان بھلول لودی: ج ۲س ۲۳، اسکندر شیخی ( ولد افراسیاب جلالی) :ج۲ ص 641 ه

اسکندر شیخی ( والیفیروزگوندماوند درعهد تيمورگورکاني) : ج ۲ ص ۶۶۸.

اسکندر (میرزا ــ ) ابن میرزا عمر شیخ ابسن أمير تيمور : ج 7 ص 696 ، 696 ، 696 ، .994 1949 5944

اسکندرفین ویس ( قونسول انگلیس) : ج۱ ص

اسكندر (ميرزا ــ ) از ملوك قراقوينلو ( بسر امير قرايومف بن قرامحمدتركتان ) : ج ٢ ص ١٥٩ تا ٢٨٤٠ ١٨٨ تا ٧٨١٠ ١٨٩ تا ۶۹۱، ۲۱۹.

اسکندر (مقدونی) : ج 7 ص ۱۹۳۹، ۱۹۴۲، ۱۰۴۰ اسکندرمیرزا: ج ۳س ۱۶۹۳.

اسکندرمیرزا (پسرعباسمیرزا):ج۳ص۱۶۱۷. اسکندر میرزا ( والی قلعه پلنگان): ج ۲ س

اسلام خان ( صوبعدار دکن ): ج ۲۵۱٫۵۳ .

اسلامشاه: چ ۲ ص۲۵۸، ۸۲۱، اللمين|حمد بن سعيد : ج 1 ص ٢١٠٠ اسلم بن زرعه الكلابي (والي خراسان أزسوي این زیاد ) : ج ۱ ص ۲۸۰ اسلمش بیگ : ج ۲ ص ۲۲۴۰ اسلبشخان (سردار تظیس): ج ۲۰۱۱۴۰۰ -1170 -1114 اسلمی ( محابی) : ج ۱ ص ۸۵۰ اسمتیل: ج ۳ ص ۱۲۲۸ ۰ اسمعیل (آغاسید 🗕 ) : ج ۱ ص ۵۳۱۰ اسعاعیل (میرزا — ): ج 1 ص ۵۳۲ ، ۵۴۶ : . 17XY OF E اسمعیل (میرزا \_ ) سبزوار : ج ۲ ص ۱۲۲۹ ۰ اسمعیل (میرزا۔ )کرمائشہان : ج ۲ص۱۲۷۹ ۰ اسمعیل آفا ( ایلجی شادعباس دویم) : ج ۲ س ۹۵۹ ، اسمعیل آفا مکری (نایب ایشینکآ قاسی باشی): - 1444 · 1477 or 2 اسمعيل بن ابراهيم خليل الرحمن أج ٢٣٧٠٠٠ اسمعیل بن احمدین اسدین سامان ( امیسر سامانی): ج ۱ ص ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۲۲، - TTY - TTT اسمعیل بن احمدالحسینی البیهقی، ج ۱ ص ۳۶۱ - استعیل (از استاعیلیه) : ج ۱ ص ۳۷۰. اسمتیل اشرقسی (حاجی میرزا ـــ ) وزیسر شیخطی: ج۲ ص ۱۴۹۴ ۰ اسمعیل (میرزا۔)دراصطبل: ج۲ص ۱۲.۲۵ ۰ اسمعيل افندي( نايب اول سفارت عثماني): \* ج ۲ص ۱۸۵۷٠ اسمتیل اول (شامت ) صفوی محمد شاها سماعیل استيل ( حاجي ــ ) ايلبيكي ج١ص٥٥٣٠ اسمعیل (آقا۔ ) بالا رستاقی (سرکردہ ) : ج ٣ ص ١٢۶٩ ٠ اسمعیلدویم (ثانی) ـــــ شاهاسمعیلدوم استعیل بیگ: ج ۲ ص ۱۵ ۱۹۰ اسمعیل بیک افندی ( نایب اول ): ج۱ ص اساعیلبیگ انسی: ج ۲ ص ۹۱۳۰ استعیل بیگ بیات : ج ۳ ص ۱۴۶۵ ۰

استعیل بیگ ( سرجوقه) : ج ۲ ص ۱۲۵۳ :

اسعمل ہیگ ( سرکردہ تفنگچیان نخمی) :ج

- TONO OF F

۳ ص ۹۲ ۲۰۰۰ استعبل بیک، یاور : چ ۱ ص ۵۱۰ استعبل بیک ( ازیاوران خارج فوج) : چ۲ ص ۱۳۳۱ -استعبل باذا : ۳ ص ۵۵۱ د ۲۵۵ د

اسعبل باشا: ج ۳ ص ۱۸۵۵، ۲۰۰۱، اسمبیل باشا (حکمرانجزیرد) :ج ۳ ص۱۸۸۰، اسمبیل (حاجی-)پاشاخانهاکولی (سرتیپ سوم): ج ۱ ص ۸۵۵: ج۳س۲۰۷۲ اسمبیل (میرزاد) از اجزای پستخاند: ج۳ ص

اسعیل (آقا نہ) پیشخدمت: ج7س 160، اسعیل (بیرزانہ) ترجمان: ج اس ۵۳۳، اسمیل (آقانہ) تحویلدار: ج ۲ ص ۱۲۴۲، اسمیل بنتوری بن طنتگیسن ، شعس العلسوک ( صاحب دمشق): ج اس ۲۲۲ ۲۲۳، اسمعیل بن امام جعفر ماد ق (ع): ج ۱ ص ۱۳۱۰،

اسمبیل بن امام جعفرصادی (ع) : ج۱۳۱۰ ۱ اسمبیل بن ابی حکیم (کاتب عمربن عبدالعزیز ): ج ۱ ص ۱۲۹۰

اسمعیل حمیری ( سید 🗕 ) شاعر شیعی : ج ۱ ص ۱۶۲ -

اسمعیل بنخالد قسری ( حاکم موصل) : ج ۱ ص ۱۴۵

اسعیل خان: ج ۲ ص ۱۲۲۱. اسعیلخان (میزالم)خان (نایبآجودانیاشی توپخاند): ج ۱ص ۵۱۱: ج ۲ص۱۲۳: ج ۲ ص ۲۰۷۶.

اسمعیلخان (میرزات) پسر آقامحمد ابراهیسم امینالسلطان (پیشخدمت حضورورئیس خزانه): ج اص ۵۵۱:ج ۲ ص ۱۱۹۰: ج ۳س۲۵-۲۱۱۱، ۲۰۱۱،

اسعیلخان( از ارہاب مناصب ) : ج ۳ ص ۲۱۱۹ ·

اسمعیلخان (پسر اعتضادالدولمسلیمانخان قوائلو): ج ۳ ص ۱۶۲۵ -

اسمئیل خان ( امیر هزارهٔ الوار) عاکف حریم ج ۲ ص ۲ ۲۹ ۱۳۲۹

۱ سمعیلخان بادکویمای، یاور : ج ۱ ص ۱۵۰۵ ج ۲ ص ۱۹۲۱ : ج۳ص۲۵۹۰ معمل خان مسطلم انتایت آجمدانیاشی ) :

اسمعیلخان بسطامی(نایب آجودانباشی ) : ج ۱ ص ۲۰۵۹ ع ۲ ص ۱۲۳۰ کچ ۳ ص ۲۰۷۴ ،

استيلخان بشيرالدولد: ج 1 ص246 ج 7 ص 1741 ، ج 7 ص 1949 -

استعیلخان ولد بشیرالدولد: چ ۳ص ۱۷۶۰ استعیلخان بیات: چ ۳ ص ۱۵۴۸ استعیلخان (بیات مطلق): چ ۳ص۱۳۳۱ استعیلخان (ولدبیگلربیگی): چ ۱۳۶۴ استعیلخان (از اجزای پستخاند): چ ۳ ص

استعِلخان (پیشخدمت خاصه): ج ۳ ص ۱۲۹۰ء

استعیل (میرزا ــ ) خان (پیشکار استرآباد : ج ۲ ص ۱۲۸۱ -

اسمعیلخان ( تفتگدار خاصه) : ج ۱۹۰۰، د ج ۲ ص ۱۲۵۷ : ج ۳ ص ۲۱۱۱ ، اسمعیّل ( میرزا ...) خان ( تومان دهم فسوج

قائیتی) : ج 7 ص ۱۳۴۱ • اسماعیلخان (خزانددارنظام) :ج۳ ص۱ ۱۲۰۰ ۱۸۹۶ •

استعلخان خستای (باور دویم): ج اص ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۲۳۰

اسمعیل (میرزا ب)خان (داماد فتحطیشاه) : ج ۲ ص ۱۶۲۶ ۰

اسمعیلخان (ریش سفیدفراشان وزارت خارجه) : ج 1 ص ۵۲۲۰

اسمعیل خان ( میرزا — )رئیس:چ۱ص۰۵۲۹۰ اسمیل ( میرزا — ) (رئیسیستخانمسیزوار ) : ج ۲ ص ۱۲۲۴۰

اسمعیل خان زند : ج ۳ ص ۱۳۹۹ ۰

اسمبیلخان سرتیپ : ج ۱ ص ۵۱۵ ؛ ج ۲ ص ۱۲۴۰ ؛ ج ۳ ص ۲۰۸۲ ·

استعیلخان،سرداردامقانی:چ۳ ص ۱۲۷۲ ، ۱۲۹۷ - ۱۲۸۲ - ۱۲۸۱ - ۱۲۲۷ ۱۵۲۷ ۱۵۲۷ ۱۵۲۲ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۲ - ۱۵۲۳

اسمیلخان، سرکردہ اُج 1 ص ۵۳۹، اسمیلخان سرھنگ آج ۲ ص ۱۲۳۳،۱۲۳۵ -اسمیل ( میرزا ۔ ) سرھنگ آج ۱ ص ۵۱۶ اُ ج ۳ ص ۲۰۸۵،

اسبعیل خان سرهنگ ( از جماعت هزاره ) : ج ۱ ص ۵۱۸ ج۳۳۷۸۰۰ اسمعیل خسان سرهنگ ( رئیس ظگرافخانیه

کردستان) : ج ۲س ۲۱۲۲، اسیمیل خان سرهنگ ( فوج فیروزکوهی) : ج ۲ ص ۱۹۸۲،

(حآکم خوی): ج ۳ ص ۱۲۲۲ ، ۱۲۷۵ ، - 19-1-14-1-14-7 اسمعیلخان شاطو : ج 7ص ۱۲۶۹ . اسمعیلخان ( از طائقه شامبوداغلو ) : ج ۳ ص ۲۰۶۵ و اسميلخان بن شجاع الدينخان: ج ۾ س اسمعیل خان عربعامری (حاکماردستان ): .10TY # T & اسمحل (میرزا ــ ) خان فراشباشی: ج ۳ ص استعیل خان فندرسکی ( میرزاـــ) : ج ۲ ص اسمعیلخان قاجار : ج ۳ ص ۱۴۷۹ . اسمعیلخان قاجار ( نواده آصنفالدولیه ، نایبالحکومی کرمانشیاهان ): ج 1 ص ۵۳۲ ج ۳ س ۱۲۷۵ ۰ اسمعيلخان قاجار فوائلو : ج ٣ ص ١٣٨٤ . اسمتیل خان قوانلو ، ج ۳ ص ۱۳۸۳ . اسمعیلخان کشیکچیباشی: ج ۲ ص ۱۲۵۲ : . Y . Y . Y . Y . استعیل خان منشیباشی: ج ۲ ص۲۰۱۲، اسمبیل خان ( میرزات) میزان آقاسی :ججی اسميلخان (تايبامفهان) :ج (س٥٣٥. اسمعیلخان ( نویسنده قبوضات) : ج 1 ص اسمعیلخان (والی لرستان) : ج۲ ص۱۳۹۶. اسمعیل خان یاور: ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ص AYOYA اسعیل ُخان (از یاوران خارج فوج) ۽ ج۲ ص ۱۲۳۱ ۰ اسمعیل خان (یاور دویم زنبورگخانـــه): ع ١ ص ١١٢٠ ج ٢ ص ١٢٣٤ أج ٣ ص ۱۳۰۸۰ م اسمعیل بن خلف، ابوطاهر (مقری): ج ۱ ص ۲۲۰۰۰ اسمعیل (رئیس پستخانه): ج ۳ ص۲۱۲۹، اسمعیل بن زیاد دولایی (قاضیمومسل):

اسمعیل (پسر سیکتگین غزنوی): ج ۱ ص

اسمعیل ( میرزا ــ ) لاریجانی (نویسنــده و آتشه): ج ۳ ص ۲۱۰۳. اسمعیل ( میرزا \_ ) لشکر نویس: ج وس .0.0 اسمعیل ( میرزا ... ) لشکر نویسیساشیی خراسان: ج ۲ ص ۱۲۲۶، ج ۳ ص . 1040 احجل ( میرزا ــ ) مباشر ( از اجـــزای یستخاند) : ج جس ۲۱۲۱. اسمعیل ( میرزا \_ ) میاشر سیزوار : ج1ص اسمعیل ( حاجی سید ... ) مجتهد قمی : ع ۳ س ۱۶۸۷ ، اسمعیل خان (پسر محمد خان امیرتومان ) ياور: ج ۱ ص ۱۵۰ج ۲ س۲۰۲۵. اسمعیل ( میرزا سید \_ ) مشرف (صاحب منصب فوج): ج 1 ص ۵۵۶، ج7ص اسمعیل بن مظفر القاضی: ج ۲ ص ۹۸۲. اسمعیل ( استاد ـ ) مقنی باشی: ج۳ص اسمعیل ( میرزا \_ ) منشی: ج 1 صء۵، 1774ء ۾ ٢ س 1776. اسمعیل ( میرزا ـ ) منشی آذریسایجان : 3 1 W 406 3 7 W a YoY. اسمعیل ( میرزا — ) منشی باشی ( برادر ملک الکتاب): ج ۳ ص ۲۱۰۱. اسمعیل ( میرزا ــ ) منشی باشـــی ( از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰. استیل(میرزا \_ ) منشی دیوانخاندعدلیم ج ۲ ص ۱۲۵۵. اسعیل منصور (یسر القائم علوی): ج1ص YOY AGT. اسمعیل ( میرزا \_ ) مهردار :ج ۱ص۵۵۲. اسمیل ( میرزا ــ ) مهردار حضرتعبد\_ العظيم: ج ٢ ص ٢١١٣. اسمعیل میرزا (نواب ۔۔ ) : ج ۱ ص۲۵۵، - 1040 · 1040 · 1466 · 116404 & اسمعیل میرزا (ولد بہرام میرزا): ج محس

- 1771

اسماعیل میرزا (شاهزاده): ج ۲ ص ۸۰۵

d 4.7' . 17 9 114' . 24; 3 1

استعل خان ( حاجی ــ ) شامبیاتی قاجسار اً اسمعیل (حاجی ... ) سرتیپ سوم: ج ۲ ۰ ۱۲۲۸ ت اسمعیل ( میرزات ) ( از سررشتستداران دفتر لشکر): ج ۲ ص ۱۳۲۴: ج ۳ . ۲061 اسميل ( ميرزا ـ ) سررشته دار توپخانه وأصطبل: ج 1 ص ۵۰۵: ج ۲ ص اسمیل ( آتا 🛨 ) سرهنگ: چ۲ص۱۲۱۲، اسبعیل ( میرزا \_ ) سرهنگ: ج ۱ می ۱۵: · YOU OF E اساعیل ( طک \_) طجوقیء قطبالدین ( صاحب مرند ): ج ۱ ص ۲۵۴. اساعيل بن سيف الاسلام ، المعز (حاكسم یمن): ج ۱ ص ۴۲۱، اسمعیل بن صبیح ( طلازم رشید): ج اص استاعيل بن طيطاش ( حاكم خــوارزم ): . T18 00 1 E اسعیل عادلشاہ: ج ۲ ص ۲۵۴. اسمعیل بن عبداللہ (والی افریقیہ): ج ۱ clev clet o اسعيل بن عبيدالله حجاب (حاكمطنجه): ج 1 ص ۱۱۲۰ اسیمیل غرب دفتر : ج ۲ ص ۱۲۲۵، استعیل عزب دفتر کے ۲ ص ۱۹۲۵ء اسمعیل غرب دفتر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۶ : ج ۲ ص ۶۹۰۲۱ اسمعیل ( میرزا۔) علی آبادی (سررشتے دار دفتر لشكر): ج 1 ص ٥٥٥: ج ۲ ص ۱۲۲۴ : ج ۳ ص ۶۹ه۲۰ اسمعیل بن علی (عم سفاح و حاکم اهواز): ج ١ ص ١٣٢ تا ١٣٥. اسمعیل قوللر آفاسی ( حاجی \_ ): ج ۳ ص ۱۴۰۵ ۰ اسمعیل ( میرزا \_ ) کتابچه نویس (سر\_ رشته داردفتر لشكر) :ج ١ ص ٥٥٥؛ . TO FA OF T & 13777 OF T & اسمعیل ( منیزا سید ـ ) کلانتر : ج جس - 1977 استعیل کنال: ج ۲ ص ۱۱۷۱، ع 1 ص 141 -

ع ٣ ص ١٢٢٧ .

اشعيل ( ميرزا ــ ) كوتوال ظمة شيراز: |

اشرف ( سید ۔ ) لز مشاهیر: چ7س444 اثرف استیل ( ماجب یتن): ج ۲ ص . # 97 اشرف افغان: ج 7 ص 1017 تا 1016 ، · 1070 -1079 - 1077 -1071 ۱۰۹۴ و ۱۰۹۵ تا ۱۰۹۳ تا ش - 1777 - 177A اشرف یاشا ( وزیر مختار عثمانی): چاس -1477 -1474 -14TF اشرف خان دماوندی چ۲جی۱۲۲۸ ۰ ·1711 -1744 اشرف ( حاجی میرزا ــ ) خصــه ای (از ارباب ظم و لشکر نویسان) : ج۳ص · Y 0 F A اشرف ( میرزا ـ ) سر رشته دار فیرخانه: ج ۳س ۲۰۶۹، اشرف شعبان (سلطان محر): ج 7ح،۶۹۳۰ اشرف (ميرزا ... ) ولد قاضي جهان: ٢٤ ص ۲۲۲. اشرف ( میرزا ... ) فَقَرْجُانه :جاص ۵۰۵۰ اشرف الكتاب، آقا زين العابدين: ج ٣٠٠ . 3990 اشرف (حاجي ميرزا ــ ) لشكر نويس ج 1 ص ۵۰۵۰ اشعب كِلْعَاع أَنْ مُ الْمُؤْرِ وَالْمُرْسِينَ اشعث بن سوار : ج ١ ص ١٣٥٠ اشبث بن ابی الشطاء، سلیم بن أسسود المحاربي: ج1 ص ۲۴۰ اشت بن عبدالله جارود أج 1ص 110 -اشت بن عبدالملك الحمراني اليصري:ج ١ ص ١٣٢٠ . اشعت بن قیس کندی ( ابیر میمنه سیاه علی (ع) در مغین): ج ۱ ۱۳۰۰ · YA · YY · FA · FT · FY اشکری میخاثیل ( میشــــل) ( پـــادشــاه قسطنطنیه): چ ۲ ص ۵۸۲ ۵۸۵ ۰ 44A+ 4PA+

املان بیک (امیر 🗕 ) 🗦 ج ۲ ص ۷۶۲۰ اصلان بیک یاور: چ ۳ ص ۱۷۲۲ ۱۲۸۴ ۰ اصلان خان (ابیر 🗕 ) وقت بیگار بیگی 🖰 ج ۱ ص ۹۲۶٠ املان خان: ج ۲ ص1090 املان خان (امیر 🗕 ): چ کس ۱۶۸۸ ۰ أملان خان سرتيپ توپخانه پسر ســالار : TE . 1777 0 7 2 . 410 0 7 7 ص ۲۰۲۶ ۰ امِلان سلطان: ج 7 ص ١٧١٢٠ اصلانشاه: ج ۲ ص ۱۱۴۴ ۰ املان میرزا ( تایب آجودان باشی):ج ۱ امیل الدین دشتگی ( سید ۔۔ ) : ج ۲ ص ۲۲۵۰۰ امبعی، آپوسمید: چ ۱ ص ۲۲۰۰ أطروش هلوی ، حسن بن علی النامــــر: 3 1 W 777 977. اعتضاد الدوله; ج ٣ ص ١٨٨٤ : ١٨٩٢ : .T-15 .11-0 .11-0 .1A91 اعتضاد الدوله ـــاميركبير . . . اعتضاد الدوله، انوشيروان خان: ج ٣ ص \*1107 \*1447 \*1444 اعتضاد الدوله (حاكم استرآباد): ج ٣٠٠ اعتشاد الدوله(حاكم قم و سأوهوشاهيسون بقدادی): ج 1 ص ۵۵۹ ج ۲ ص ٠ ١٣٠٠ ع ٢ ص ١٩٩٢ ، ٢٠٣٧ ، اعتشاد الدولد، سليمان خان قاجارقوانلو: ع ٢ ص ١٢١٢ تا ١٢٢٨، ١٢٥٨، اعتضاد الدولة، شير خان: ج٢٣٠٠٠٠٠ اغتضاد الدوله (ولد محمد مهدیخان )، ا ج ١ ص ٥٠١، ج ٣ ص ١٩٢٢، اعتضادالدوله ، میرزا مهدی خانکشیکچی ہاشی: ج ۳ ھ۱۹۲۴۰ اعتضاد السلطنة: ج٢ ص ١٨١٥ / ١٨٢٢ / · ) 177 · 1447 · 147 · 1477 · 1477 \*1957 - 1967 - 1974 - 1977 - 1977 · 17 • • 10 • A • 1 • • \$ • 1 9 ¥ اعتشاد السلطنه (على ظي ميرزا خأن) ، وزير علوم: ج 1 ص ۲۶۵، ۲۶۸ ،

اسید بن حضیر: ج ۱ ص ۲۹.
اسید بن عبدالله (امیر خراسان): ج۱ص
۱۲۵
اشرس بن حسان بکری: ج ۱ ص ۶۹
اشرس بن عبدالله، کامل (والی خراسان
از جانب هشام بن عبدالملک): ج۱
اشرس بن عوف شیبانی: ج ۱ ص ۶۹.
اشرف ( میرزا \_ ) از ارباب ظمو لشکر
نوبسان: ج ۲ ص ۱۲۲۵، ج ۳ ص

س ۱۶۲۶ • ۱۶۲۶ م

س ۲۶۲۰

- 1 TY

ص ۲۱۰۳۰

ج ۱ ص ۸۷۰

- TTA - 1 E

· Y • FY 4 14 14

اسمعیل میرزا (از شاهزادگان عصر نامسرت

اسمعیل میرزا (شاهزاده مجمول): ج ۲ ص

اسمعیل میرزا (پسر شاہ طہماسب): ج ۲

اسمعیل میرزا معز الدولد، سرتیپ: ج ۲س

اسمعیل میمندی (مقسر اهل کوفه): ج۱ ص

استعیل ( میرزا ـ ) نویسنده و آتشه: ج ۳

استعیلین بحیی (تابعی): ج۱ ص ۱۴۱،

اسماء بنجارته الاسلمى ( از اصحاب صفه).

اسماء ذات النطاقين (دختر ابوبكر و مادر

اسماء (زوجه على بن قاضي محمدصليحي):"

اسملاک : ج ۳ ص ۲۰۲۵.

اسود عنسیء ذوالخنار عبهله!ج ١٣٢٠٠٠

اسویا تسلاو (یادشاعروس)، ج ۱ ۱۳۵۸،

اسویا توپولک دوم (سلطانروس): ج۱ س

استی خان: ج ۲ ص ۸۷۸، ۸۷۹۰

اسمی خان افشار: ج ۲ ص ۸۷۵۰

اسود محاربی: ج 1 ص ۲۲،

· TY1 : YP1

عبدالله بن زبير): ج 1 ص ٩٠.

اسمعیل ( والی کوفه): ج ۱ ص ۱۵۰۰

اسمعیل نظام شاہ: ج ۲ ص ۸۸۸،

الدينشاه): ج ۲ ص ۱۳۱۹ .

اشناس ترکی: ج ۱ ص ۱۸۸ ، ۱۹۰

امغر مهدوی: ج ۱ ص ۸۰

امغر( حاجی میرزا ۔ ) ؛ ج ۲ ص۱۲۲۵

امفهانیه (زرجه فتحطیشساه): ج ۳ص

\*\*\*\* 141: 3 T & YOA! • 7146 +14-A+14-T+1AAY+1AAA+1AYT ·1980-1974-1918-1918-1910 اعتضاد السلطنه( محمد على ميرزا= سعمد علی شاہ): ج ۲ ص ۱۲۱۸: ج جمن . YOPY . TOTT اعتفاد الملك، محمد حسين خان (حاكم سمنان و دامقان ) :ج ۱ س٧٥٥، ٥٥٩ : 3 70 1717: 1071 3 TO 1911: \*\*\*\* . \*\*\*\*\* اعتماد خان (امیرالامرای گجرات): ج ۲ ص ۸۴۶-اعتماد الدوله : ج 1 ص 573 ؛ ج ٣ ص ٠١٢٥٠ ج ٦ ص ١٢٥٥٠ اعتماد الدولة \_ ابراهيم خان اعتصاد \_ الدوله شیرازی، کلانتر، اعتماد الدوله، يسر اعتشاد الدوله: ج ٣ ص ۱۹۰۰ ۵۰۱۹ ۱۹۰۰ اعتماد الدوله، طالب خان (صدر اعظــم شاہ مفی): ج 7 ص ۹۲۸. اعتماد الدوله، عيسى خان، والى: ج٣ - 1AT1 - 1ATA @ اعتماد الدوله، لطفطيخان؛ ج ٢ص١٩٥١، أعتماد الدوله، ميرزا آقا خان نوري (عدر اعظم): ج ۲ ص ۱۷۲۸. اعتماد السلطنة:ج 1 ص ۴۷۷، ۵۱۶:ج · 1777 - 7 اعتماد السلطنه، حاجي على خان حاجب الدولة (وزير موقوقات و وظائف) : ج 1746 . 1476 . 1476 . 147 W T .YOY1 .1977 .1907 .1A97 اعتمادالسلطنه ــ حسن خان صنيع الدولية. اعتماد السلطنه، مصطفى فلى خان فراكوز... لو : ج 1 ص ۴۷۷؛ ج ۲ ص1۱۹۱، 3707971 . 107. 1107: 4707c اعتماد السلطنة ( وزير عدلية): ج ٣ ص

. 1449

أعتماد الملك (اجراي مجلس تحقيقـــات

ع ٢ ص ١٢٥٩ ج ٢ ص ١٠١٦.

اعظم همایون ظفرخان (حاکم گجــرات ):

دعاری نقدی ) :ج ۱ ص ۱۴۲، ۵۲۹:

ج ۲ ص ۶۵۹. اعلم الدین سنجر مسروری، خیاط: ج ؟ س ده ۶۰۰ اعور: ج ۱ ص ۳۸۰ أعينبن ضبيعه (طيعه)المجاشعي (ازاميران سپاء علی (ع)) : ج ۱ ص ۶۴ ، أغلب بن مالم تعيمى (والي أفريقيسه ): · 1 fr @ 1 & اغلمش ( از معالیک پهلوانیه): ج ۱ ص اغزوار : ج ۲ ص ۲۸۸، اغزواز خان شاطو : ج 7 ص ۲۸۶. اغورلوبیگ: ج ۲ ص ۹۶۹. اغور لوخان: ج ۲ ص ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۶۸،۹۳۱، اغور لو خان (پسر جوادخان گنجهای) اج۳ س ۱۵۲۰ ۰ اغورت ج ۲ ص ۸۹۲، اغوزخان: ج ۲ ص ۱۳۲۵تا ۱۳۲۵ ، . ITTY - ITTY CITE I ITTY أفتخار الدولة (دختر ناصر الدين شاه) : 7 1 4 1 4 1 4 7 E 4 4 1 1 1 3 1 E TOFT OF افنکین (سرکرده اتراک): ج ۱ ص ۲۷۴، افراسیاب: ج 1 ص ۲۸۵۰ افراسیاب ترک (تورانی): ج ۳ ص ۱۳۳۸، 1771 . 1771 . YATI . افراسیاب چسلاوی: ج ۲ ص ۶۳۲،۶۳۶، · FO1 · FTY افراسیابخان (سرکردهٔ جماعت نردینی ): TE :1770 0 TE : ATO 0 1 E . To 90 . 1777 0 افراسیاب خان ( میرآخور در عراق):ج ۳ ص ۲۰۲۸ افریدون بن قارن بن سهراب ( از ملبوک رستعدار): ج ۲ ص ۲۳۴.

افض بن بدر جمالی (امیرالجیوش): ج ۱ ص ۲۶۶۰. افضل بن بدرجمالی: ج 1 ص ۳۶۵. افضل (سپیسالار مصر): ج ۽ ص ٣٣٣. اقاتن (پاپ): ج 1 ص ۸۲. اقانیم تلاثد: ج 1 ص 73. اقبال الدوله (سرتيپ اول، رئيس خلسوت همایونی) : ج ۱ ص ۵۱۳ ؛ ج ۳ ص اقبال العلك: ج ٣ ص ٢١٣١. اقش سلطان: ج ۲ ص ۹۹۳. اقطای (سردار مغول): ج ۲ ص ۵۹۳. اظیدس: ج ( ص ۲۰۸، ۲۹۱، اقوش شمسی: ج ۲ ص ۹۶. اقوش کرکی (حاکم طرابلسس): ج ۲ ص اکبر خان (از ارباب مضاصب): ج ۲ص اکبر خان (از امرا ٔ قاجار): ج ۴ص۶۶ه۲۰. اکبرخان (اولاد بیگلربیگی): ج اص ۵۲۶. اکیرخان (پسرزگیخان): ج ۳ ص ۱۳۸۴. اکبرخان، سرتیب سیم: ج ۱ ص ۵۱۴: ج 7 2 2741 . 1407. اكبرخان(ازطائفهقوانلو): ج ٣ ص ١٥٥٢. اكبرخان مجد الدوله بيكلر بيكى (نايسب الحكومه لشته نشأ\* ) : ج 1ص ۵۵۳ ، - T117 0 T E اکبر خان ناظر: چ 1 مس ۵۲۷: چ ۲ مس ١٢٥٢: ج ٣ ص ٢٠٩٧. اکبر خان (نایب ایشیک آقاسی باشسی): 3 7 00 PAL: 0PA: 37007117. الكبر شاد، جلال الدين: ج ٢ ص ١٨٥٠، 104' 464' 464' 464' 174 EL - 494 . 496 . 40F . AYK . AYT اکبرمیرزا :ج ۱ ص ۵۰۲ ج ۳ ص ۶۹۰۴. اکبر میرزا (از امراء طائفه، قوانلو): ج ۲ ص ۱۲۲۰ ، اکبر میرزا (حکمران اردبیل): ج ۳ س اکبر میرزا (از شاهزادگان عصر نامسری): ج ۲ ص ۱۲۲۰ : چ ۲ ص ۲۰۶۴ . اکرم خان فیروزکوهی: ج ۳ ص ۱۷۳۰

اگززنی زرز (رئیس شورشیان سربی): ج۳

ص ۱۸۵ تا ۱۸۷۰

· ۲ 0 F T

افسر الدوله (دختر ناصر الدين شاه) ؛ ج

افشین خیذرین کاوس (حاکم سند): ج ۱

١ ص ٥٠١: ج ٢ ص ١٢١٨: ج٢ص

ص ۱۵۲۵ ۰

اكىل الدين محمود الحرمى (علامه شيخ...): ج ۲ ص ۱۶۵۶،

اکنل (رئیس شورش ارلند علیه انگلیس): ج ۲س۱۵۹۷۰۱۶۱۹ ،۱۶۹۷۰۱۶۱۹ اکیدرعبدالبلک ( صاحب دومه الجندل):

ج ۱ ص ۲۹، ۳۵،

اگراوید: چ ۲ حن ۲۹۸.

اگوست (پادشاہ فرانسہ): ج ۱ ص ۴۳۶. اگوست (قیصر روبیدالصفری):ج ۱۳۵۵، اگوستین : ج ۲ ص ۱۹۶۲،

الاف (پادشاہ سود): ج ۱ ص ۲۹۱ء

اللمقلىبيك، ايجك اوغلى: ج ٢حي١١٨٠

اللہ قلی بیک قاجار : ج ۲ ص ۸۸۸ اللہقلی بیک قاجار قورچی باشی شاہعیاس

اول: چ ۲ ص ۱۹۶۰ چ ۳ص ۱۳۶۲۰

الله قلی خان استاجلو: ج ۲ ص ۸۵۳ ، ۸۵۶ -

الليهقلي خان اوزيک خيوقي: ج ۳ ص۱۶۵۱، ۱۶۵۷،

الليظي خان ايلخاني (حاكم هندان): ج ٣ ص ١٩٥٢-١٩٢٩، ١٩٢٠-١٩٥٩، ١٩٧٤، ٢٩٠٧.

اللهظیخان(اولاد بیگربیکی):ج۱ص۵۲۶ الله ظی خان (پرفغان علیخان): ج ۲س ۱۱۷۲

اللیظی خان توره اوزیک این محدوحیم (حکرانخوارزم) : چ ۳ ص ۱۹۶۷، ۱۶۲۰،۱۶۱۳،۱۶۰۳،۱۵۹۵،۱۵۷۳ اللیظی خان (حاکم نیشابسور): چ۳ ص

الليظی خان خوارزمي: ج ۳ ص ۱۶۰۲، ۱۶۶۱، ۱۶۶۹،

الليظى خان (از طائفه شاسياتى): ج 1 ص ۵۰۴، ج ۲ ص ۱۲۲۱،

اللیفلی میرزا ایلخانی: ج ۱ ص ۲۸۲ ، ۵۵۹ ج کش ۱۲۵۵ ج ۳ص ۱۴۵۵، ۱۲۰۲۱،۲۰۲۰،۱۹۹۶،۱۹۳۲،۱۶۷۸ اللیفلیمیرزا این مرسی خان این مسینقلی

خان: ج ۲ ص ۱۶۲۵ ، ۱۶۲۲ · الله وردیخان:ج ۲ ص ۱۸۹۰ ۱۸۹۹ •۱۰۱،۵۹۱ ج ۲ ص ۱۷۹۷ ·

الله ورديخان (حاكم جاجرم): ج ٢ ص

۱۱۲۲۰ اللهوردیخان (سرهنگ توبخانه): ج ۳ ص ۱۸۱۲۰

اللهوردىخانعزالدين لو: ج ٣ ص١٣٢٢. الله ورديخان قرئلر آفاسى: ج ٣ ص١٩٥٢، ١٩٤٨.

اللہوردیخان (علی وردیخان) بدر نـوروز خان ایشیک آقاسی باشی: ج ۳ ص ۱۳۵۲ ، ۱۳۲۸

الله وردیخان (والی استرآباد زمان شساه عباس تانی): ج ۲ ص ۱۹۵۲

اللهويردي بيک لک (باور اول): ج ١ص ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۲۲۰

الله ويرديخان: ج 1 ص ٨٩٨٠

اللهويرديخان (سرتيپ اول توپخانه): ج 1 ص ۵۱۰: ج ۲ ص ۱۲۲۲: ج۳ص ۱۸۷۵: ۲۰۷۶،

الله ویردیخان (از طائفه شامبیاتی): ج1 ص ۵۰۳: ج ۲ ص ۱۲۲۱؛ ج ۳ ص ۲۰۶۵.

الله ويرديخان گرايلي: ج ۲ ص ۱۱۲۱ -۱۱۲۶ -

اللهوبردی (حاجی – ) فونسول ظبیسه : ج ۱ ص ۵۳۴۰

اللهويردي ميرزا (پسر فتحطيشاه): ج ٣ ص ١٥٢٧ - ١٥٩٩ - ١٥٩٧ - ١٤٢٢-اللههار خان آصف الدوله: ج ٣ ص١٥٧١٠

• 1040 • 1047 • 1044 • 1040 • 1040 • 1040 • 1041 • 1041 • 1041 • 1041 • 1041 • 1041 • 1041 • 1041 • 1040 • 1040 • 1041 • 1041 • 1040 • 1040

اللهبارخان (برادر زاده ابراهیم خان): ج ۳ ص ۱۷۲۰

اللهپارخانافقان ج ۲ ص ۱۹۱۹ ۱۰۲۰۰ اللهپار خان امیر تیمان آجودانیساشسی :

3 1 -0 7-01 010 -70. Pag:

5 1 - TTTI . 1711 . 1071 . 5 T E

Totl: 7047: 7407: 1940 or T

اللهبار خان (از اجزای پستخانه): ج7ص ۲۱۲۴۰

اللهيار خان (حاكم دره جز): ج ٣ ص

. 1ATT

اللهبار خان دولوی قاجار (سالاریار): ج7 ص ۱۵۹۹ ، ۱۹۵۹ اللهبار خان (حاجی ــ ) رئیس فوج نایب اللهبار خان (حاجی ــ ) رئیس فوج نایب السلطند: ج 1 ص ۵۱۷،

الله يار خان سيزواری: ج ۳ ص ۱۳۹۷، اللهبار خان (سرتيپ فرج خرقاني): ج ۳ ص ۱۹۲۸،

اللهبار خان سرهنگ (حاکم اسالم): ج۳ ص ۲۰۹۳ ، ۲۰۹۳

اللهبار خان ظیجی ( حاکم سنزوار):ج ۲ ص ۱۲۷۲ <sup>:</sup> ج ۳ ص ۱۳۳۲ ، ۱۲۵۲ ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۸ ، ۱۲۹۱

الب ارسلان بن تنش، تاج الدوله(ماحب حلب): ج 1ص ۲۶۱، ۳۶۲،

الب ارسلان بن داود بن میکائیل سلجوق ، (حکمران خراسان): ج ۱ ص ۲۲۶ ، ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۲ ، ۲۲۱ ،

الب ارسلان بن محمود بن سلطان محمد سلجوقی: ج 1 ص ۲۸۱۰

البرز حرضاً (میرزاً) البرز، مستوفی البرفردریک اگوست آن توان فردینان(شاه ساکس): ج 1 ص 4۶۱-

البو(دکتر۔ ) مطم طب: ج مس ۲۱۳۰ البو کرک: ج ۲ ص ۲۹۲۰،۷۶۰،۷۶۲۰

البی بن تعرباش بن ایلفازی بن ارتق ج ۱ ص ۲۰۷۰

التون (افسر دریائی انگلیس): ج ۳ ص ۱۱۲۱۰

الجايتو: ج ۲ ص ۶۳۲۰

الفازي خان اوزبک: ج ۲ ص ۱۵۲۰

الغ (یادشاه روس) : ج ۱ ص۱۳۲۶،۲۳۳۰ ۲۳۲

الغ بیک (میرزا ۔ ) : ج ۲ ص ۴۸۰ تا ۴۸۲، ۱۸۹، ۱۸۹، ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۱، ۲۲۲، ۲۲۲

الغ بیک ید (گیناز ایوان) یادشاه روس: الغ بیک (میرزا — ) والی استرآباد: ج ۲ ص ۶۷۱،

الغ بیک ( میرزا — ) این سلطانابوسعید گورگانی: ج ۲ ص ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۳۱،۷۲۰ ۲۴۶۲،

الغ بيك بن شاهرخ ( ميرزا ــ ): ج٢ ص إ

-10-4 -1777 ٠ ١ ص ٩٤٢٠ .454 .40A :AYO · 144 · 1401 w ·FT0 کردی خوارج صفریه): ج ۱ ص۱۵۶. . 144 کبیر): چ ۲ ص ۱۱۲۷ - ۱۱۶۵-- 1771

اما (طکه جزایر ساندی۔۔۔ج): ج ۳ ص الكساندر كرچاكف (پرنس ــ ): ج ٣ ص أما دو والدك (شاهزاده خانم آلمانسي ): الكساندر ميرزا ( والى كرجستان): ج٣ص . Your 41994 PT E ام ابيبا (دختر موسى بن جطر (ع):ج١ الكماندر (پرنس ــ ) وزير اعظم سربي ج ص ۱۹۰٠ اماجور (والي شام): ج ١ ص ١٥٦٠ ، ٢١٥. الكساندر هفتم (پاپ): ج ٣ ص ٩٥٩٠ الکسندر خان (والی گرجستان): ج ۲ ص امام جمعه اصفهان، آقا میر سید محمد ، سلطان الطماء: ج ج ص ١٩٥٢. الكسندر بن لوند: ج ۲ ص ۱۹۶۰ أمام جمعه طهرانء آقا ميرزا أبوالقاسسم الكنى (ابپراطوراسلامبول): ج1 ص ٣٥١. ـــ أبوالقاسم الکسی (پسر پطر کبیر): ج ۲ ص ۱۰۱۵. أمام جمعه طهرانء ميرزا زين العابديسن الکسی، پسر میشل رومانو (نزار روس) :ج۲ ـــــزين العابدين أمام جمعه مشهد، ميرزا هدايت الله:ج٣ الگا (ملکه روس): ج ۱ ص ۲۵۹، ۲۶۳، ص ۱۸۲۳۰ اليزابت (امپراطريس روس (دختــر پطـــر النر ( خواهر شارل دوازدهم): ج ۲ ص امام الحرمين، ابوالمعالى جويتى (صاحب النگ خان (حکمران ماورا النهر): ج٢ص تمانيف) ټج ۱ ص ۲۱۸،۳۲۹،۳۲۹. امامطی خان: ج ۲ ص ۱۷۱۳ء ۱۷۸۷ امام فخر رازی ـــ محمد بن عمر ، الوزانا : ج ۲ س ۲۵۲۲. امامظی بیک (حاکم بست): ج۲س۹۵۷، الوند بیگ:ج ۲ ص ۷۳۶، ۲۴۱. امامظی خان: ج ۲س ۹۱۶، ۹۴۴، ۱۲۲۱،۹۴۴، الوند ديو: ج 7 من ٨٨١، . 1704 × 1774 ₽ T € الوند سلطان افشار : ج من ۲۸۸، امامقلی خان (امیرالامرای فارس): ج ۲ س الوند ميرزا : ج ٢ ص ٧٢٢٠٧٢٢٠ الياس بن أبوالقاسم (وابتول سجلنا سوسر... امامظی خان (ملقب به بیوک خان): ج۳ الياس بيگ (ضابط سيستان): ج٢س٨٢٤، حي ۱۲۲۵ ٠ أمامقلي خان (بادشاه ماوراه النهر): ج ٢ الیاس خواجه بہادر (میرزا ۔ ): ج 7 س ص ۱۹۱۶ ، ۹۴۶ امامقلیخان (حاکم فارس): ج ۳ ص ۹۳۱، اليزابت: ج ٧ ص ١٥٨٥. امامظی خان (از طائفہ شامبیاتی): ج ۱ اليزايت (امپراطريس روس (دختسر پط... ص ۲۰۶۵ ج ۳ ص ۲۰۶۵. اليزابت (خواهر لوی شانزدهم): ج ۳ ص آماًمقلی خان (پسر رضا خان قاجار): ج۳ ص 1414 ٠ امامظیخان ماکوئی (سرتیپ سوم): ج1 ص اليزابت (دختر هانری دويــم): ج ۲ ص ۸۰۵، چ ۲ س ۱۲۲۸. اليزابت (ملكه اطريش):ج ٣ ص ١٩٧٥. أمامظي خان نوائي (نايب ايشيسك آقاسي اليزايت (طكه انگليس): ج 7 ص ۸۴۶ ، باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶. امامقلی خان (برادر زاده ولی محمدخان ازبک): ج ۳ ص ۹۰۵.

[ امامظی(میرزا ـ ) سررشته دار دفترلشکر:

. 881. الغ خان (شاء هند ): ج ۲س ۶۳۳. الغ خان بیک سعد لو: ج ۲ ص 114. الغ خان بيك بن تغلقشاه (سلطان تغلق): . FT1 . FT . OF T & ألفو بنهایدو بن جفتای بن چنگیز (سلطان ماورا النهر) :ج ۲ ص ۵۸۲، ۴۴۹، الفو (ماحب الوسجفتاي): ج ٢س ٥٨٤. الفت (میرزا ۔۔ ) طبیب: ج ۱ ص ۵۴۷. الفردموس: ج ۳ ص ۱۸۰۱ . الفنس: ج ۳ ص ۱۷۹۷. الفنس ( پادشاء کاستیل): ج ۲ ص ۶۳۸. الفنس ينجم ( يادشاه لثون):ج إص ٢٠١، - TAT . TT1 . TT- . TOP الفنس ششم: ج 1 ص ۲۴۲. الفونس دوازدهم (شاه اسپانیسنا) : ج1س ۵۶۱ ت ۳ ص ۱۹۹۲ . القاسميرزا: ج ٢ ص ٢٥٨ تا ٨٥٤،٨٥٤، ٠١٨٠ ١١٨٠ ٦٠٨ ع ٦ ص ١٣٢٢. الکا (دختر گراندوک قسطنطین): ج ۳ س -1410 الكماندر (تزار روس): ج ٢ ص ٨٨٥. ج T ص ۱۲۵۱، ۱۹۲۹، ۱۹۲۹، ۱۷۲۱. الكماندر ( ميرزا ــ) ( مترجم كرافسيما ــ ناريج): ج ٣ ص ١٩٤٣٠) الکماندر اول (امپراطور روس): ج ۳ ص - 10TY : 1TAA + 1TFT + 1TFT الكساندر ينجم (پاپ): ج ٢ ص ٥٩٢. الكساندر جنبل: ج ٣ ص ١٨١٨ . الكماندر چهارم (پاپ)! ج 1 ص ۴۶۰ ي ۲ ص ۲۲۲، الكساندر دوما: ج ٣ ص ١٩٣١، الكساندر دويم (امپراطور روس): ج ١ ص 114° ع ۲ ص ۱۱۸۳ ، ع ۳ ص ۱۲۹۰ . 1441 . 1440 . 1444 الکساندر سیم (امہراطور روس): ج 1 من 1144 : 1147 & Y & TAFT : T90 ۱۱۸۶ څکس ۱۰۲۱،۲۰۰۳،۲۰۱ الكساندر شارل فردريک (گيليو) وليعهــــد

هلاند: ج ۱ ص ۵۶۳.

الكساندر غوسف (مترجم ): ج٢ص ١١٨٤ .

3 1 % OAI: 177.

امان اللمخان بهاء العلك قراكوزلو: جمي Tr: 1777 or Tr : 000 or 1 g -1997 +1917 +1AD- +197F امامقلی میرزا: ج ۳ ص ۱۷۳۱، ۱۷۳۵ امان الله خان (اولاد بيگلر بيگی): ج ١ امامقلی میرزا (پسر شاہ عباس): ج ۲ ص ص ۵۲۶. امان الله خان (حاكم طالش): ج ٣ ص امامظی میرزا ( پسر نادر): چ۲ص۱۱۲۳، . 1411 أمان الله خان دويون! ج ٢ ص ١٣۶٩ - . أمان الله خان (طبيب دارالفتون): ج (ص أمامظى ميرزأ اعتماد الدولدء يسر بحبيسد علی میرزا دولتشاه: ج ۳ ص ۱۵۵۱، .010 امان الله خان فاجار: ج 1 ص ٥٣٥:ج ٢ امام محمد غزالی، ابوحامد: ج ۲۹۰۰،۳۴۰ ص ۱۲۲۰. امان الله خان (والىكردستان): ج ٣ ص \* 1057 \* 1007 \* 10 \* 1 \* 1747 \* 17 \* T · 1471 · 1477 · 1714 اماموردیآقا ہوخاری باش: ج ۲ ص۱۱۷۵۰ امان الله ميرزا (يسر فتخطى شاه): ج 1 ص ۵۰۱: ج ۲ ص ۱۲۱۹: ج ۳ ص اماموردی خان نیشابوری: ج ۳ ص ۱۷۱۴ ۰ · TOFT · 15TF امانول (بادشاء پرتوفال): ج ۲س ۲۶۹. اماموردی میرزا ایلخانی: ج ۳ ص ۱۶۲۲ ۰ امانول (پسر ویکتور، سلطان ایطالیا):ج۳ ص ۱۴۴۰۰ امام ہیردی ہیک میرشکار: ج ۲ ص ۱۶۸۰ امپراطور قسطنطین (زوم): ج ۱ ص ۸۲ ۰ امام ویردی (میرزا \_ ) سررشته دار: ج ۱ PITITAL ITTITATION -T1- -TYF -TTT -TTY اماموبردی میرزا ایلخانی، ایل قاجار: ج۳ امت بیک استاجلو: ج ۲ ص ۸۸۱، ام تمیم (زوجه مالک بن تویره): ج۱ ص امام ويردىميرزا ءايلخانى سركتيكچىباشى: ام حبیبه (دختر ابی سفیان زوجه رسسول المامويردي ميرزا (فرزند فتحطيشاه): ج٣ الله (ص): ج ۱ ص۲۴۰ ام حرام بنت ملحان! ج 1 ص ٥٥٠ امرالله (میرزا۔) منشی: ج۲۰۹۷۰۲۰ امرو'القيس: ج 1 ص 14 -امان الله خان: ج 1 ص ۵۱۹، ج ۲ ص ام زمل (بنت ام قرقه) : ج 1 ص ٣٣٠ ·10AY · 10AF · 10A1 · 10Y 9 · 10Ff ام سلمه (زوجترسول|للبص) :ج و۱۰۲۴،۴۹۰ 1961 ، ۱۲۷۸ ، ۱۹۵۱ ، ۱۹۵۱ ، ۱۹۵۱ ام سلمه (گلینخانم) دختر فتحطیشاه:چ۳ امالفضل ( بنت الحارث : ج 1 ص 51 ام قرقہ: ج ۱ ص ۳۳، ام كلثوم (بنترسول اللممي) ج١ص٢٣٠٠٣٠.

اميرآخور ،محسنميرزا : ج7ص ١٩٢٨ ، ابيرآخور اصطبيل، محمد حسيسن خسان (بیشخدمت خاصه) :ج۳س۲۰۳. اميرآخور اصطبل خاصد، مهدى تليخان: STE TTOTOTOTOTOTOTT أميرآخور ، حاجي نصراللميرز؛ (ج٢٠٥٢٥٠ . امیرین احمر (حاکم طوس) : ج1ص ۵۵. امير اُرتق: (از ارتقيه): ج ۲ ص ۲۰۰۰. امیر ارتیا : ج ۲ ص ۶۲۸، ۶۷۳. امیراسیندین قرایوسف ج بس بروی أميراسداللمفان (أميرقاين) يُج ٣٠٨٢٠٠٠ . اميراسدالله مرعشي: چ۲س۱ ۲۹، ۸۲۷. امیراسمیل بنزکریا : چ ۲س ۶۵۲، امیراسمیلبنشنبغازانی: ج ۲۵۹٫۵۰۰ امیر اصلان بیک افشار: ج ۲ ص ۱۸۴۹، امير املان بيک ذوالقدر: ج ۲ ص۲۱۳. امیر اصلان خان: ج ۳ ص ۱۵۷۹، امیر اصلان خان (پسر سالار): ج: ۲ ص -17-4 -17- -19AP امیر اصلان خان عمید الملک: ج ۳٪ ص · 1414 · 1445 · 1444 · 1447 امیر اُصلان خان قرقلوی افشار : ج ۲ص -11ff +11ff امير اصلان خان مجد الدولم: ج ج ص ·1957 -1907 -1464 أمير أصلان ميرزا (نايب آجودانباشي) : ج ٢ ص ١٢٢٩: ج ٣٠٠ ٢٠٧٠. امير افضل خان (يسر كهنـــدل خــان): ا ٦ ٢ ص ١٧٢٠٠٠ آمیر افغانی، موسی خان: چ ۳ ص۱۹۰۳، أمير أل ادم : ج ٧ ص ١٧٩٧ -امير ال پرتر ج ۳ ص ۱۸۴۵ . امير ال برسان: ج ٣ ص ١٨٣٤، امير ال پروا: ج ٣ ص ١٧٧٩. امير ال پئي: ج ۲ بن ۱۷۷۵ -امير ال رک:چ 7 ص ١٠٠٣. امیر ال سیمور (سردار انگلیس): ج ۴ ص امیرال کراپ ( وزیر بحریسه روس): ج ۳ ص 1954 -امیرال لارونسیسه دنوری : ج ۲م۱۹۸۵۰ امير ال هي: ج ٢ص ١٨٣٤٠ امير الياس خواجه: ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۹۰،

ص ۲۰۶۸

·1177 ·1174

امام مسقط: ج ۳ من ۱۷۵۷،

امام منتظر: ج 1 ص ۲۳۴.

المامورديخان بيات: ج ٣ ص ١٤٩٣،

اماموردی میرزا: ج ۳ ص ۱۶۴۲،

. 1579 + 15TA

ص 1019 ٠

. 14AY 0 T &

· 1664 · 1774 ·

امان الله افتان: ج ۲ ص ۱۰۱۱

امامی هروی: ج ۲ ص ۵۹۱۰

أمير الإمراء... اللبهبار خان ، أمير تسومان ] امیر حسین چوپانی : ج ۲ ص ۶۳۱، أمير حسين خان ايلخاني زغفرانلو: ج ٣ اميرالامراء المظام ـــ سليمان خانصاحب · 1447 · 1497 • أميرحسينخان شجاع الدولة: ج1ص2014. اميرالامراء العظام \_\_\_ مصطفى خان... ج ۳ ص ۱۹۰۵، ۱۹۲۵، امیر خان آقا آتابای : ۳ م ۱۲۴۵ : أميرايوب خان (امير افغانستان): ج ٣ص 3 7 to \$407. امیر بایا حسن: ج ۲ ص ۲۰٫۷. امیر خان بیگ: ج ۲ ص ۹۲۹، امیر برید شاه: ج ۲ ص ۹۶۶، ۸۰۸. امیرخان (از اجزای پستخانه): ج ۳٪ ص امیر بشیر: ج ۳ ص ۱۷۴۰. آمير بيان سلدوز! ج ٢ ص ٤٤٢. امير خان تركمان لله: ج ٢ص١٩٧، ٧٤٧، أمير تومان ــــ اللهيار خان. · 449 · 448 · امیر خان (حاکم قلعهٔ رمرم): ج ۲ ص أمير تومان ـــ جعفر قلى خان امير تومان ــــ جبهانسوز ميرزا . أمير تومان سناعد الدولة. امیر خان دولوی فاجار: چ ۳ ص ۱۴۹۵، أمير تومان گيلان ـــ سليمان خان. امیرخان سوکلن (حاکم خواروسمنان):ج۲ أمير تومان ـــ محمد خان ص ۹۱۵ . امير تومان .... مصطفى خان أمير خان قاجار (خال نايب السلطنيه): أمير توبأن .... نصر الملك ج ۳ ص ۱۵۲۴ . أمهر تيمور ثاش ونبيره هلاكوخان): ج ٣ امیر خان بن کلابی بیک: ج ۲ ص ۲۶۸. امیر خان (برادر مجمد زمان خان): ج۳ امير تيمور گورگاني: ج ٢ ص ٥٢٥ ، ٢٥٥ -101A O امیر خان (پسر محمد طالح خان): ج ۲ ا ۶۲۲، ۶۵۹ تا ۶۶۹، ۲۲۹ تـــا 19TO INTA IPAT IPYY IPYT ص ۱۹۲۵ و امیر خان (نایب آجردانباشی)؛ ج ۲ ص ۱۰۲۶ ۱۰۲۸ ۱۰۲۶ ع می 4744 . ) TTO . 1 TT4 . 1 TTA . 1 TT4 1575 To 770 7. امير خان يعاول باشي: ج ١ ص ٥٥٦: ج 41797 . 1701 . 1700 . 1701 . 177Y ۲ ص ۱۲۲۲ : چ ۳ ص ۲۰۶۶. امیر جعفر ساوجی: ج ۲ص ۷۷۱. امیر خسرو دهلوی؛ ج ۲ ص ۶۲۱. امیر جمال الدین محمد استر آبادی:ج ۲ أمير خسرو شاہ (سلطان قندز): ج ۲ س .446 امير جنگ ـــ حشت الدوله. امير خليل الله شيرواني: ج 7ص 539. امير جهانشاه بن ابير قرايوسـف تركبان: امیر خلیل هندوکد: ج ۲ ص ۲۰۹ تا ۲۱ 370 089 d 789, APR, 704, أمير خواجه سعدالتين، عنايست اللسسه 704, 604, 3 404. خوزانی: ج ۲ ص ۷۹۰. امیر چلبی (شاعر عثمانی): ج۲ص ۶۶۱. امیر داذای حبشی: ج ۱ ص ۲۵۰. امير چوپان: ج ۲ ص ۶۲۱ تا ۶۲۳. امير دوست محمد خان (حاكـــم كابل): امير حسام (يادشاه رشت): ج 7ص ٧٤٧.

آجودانياشي

اختيار،

·T+TA

ص ۶۴۱.

. 4044 . 1466

ص ۱۷۷۰ ۲۷۱.

أمير حسن جمال الدين بن ملك الاسسرا

أمير حسين بن امير سلاي بن امير قزغـن

تا ۲۶۹.

علاء الدين طبنغا: ج ٢ ص٩٦٩.

(حاكم مأوراً؛ النهر): ج ٢ص ٢٤٤

امیر رضی، نوح بن منصور سامانی: ج۱ص - TAA + TAF أمير رضى الدين سيد رضًا كيا (حاكسيم گيلان): ج ٢ ص ۶۸۴. امیر رمیلہ بن ابی نمیالحسین: ج ۲ س آمیر زیری بن مناد صنهاجی (جد ملبوک بنی بادیس): ج اس ۲۶۵،۲۵۷. امبر زین الدین علی: ج ۲ ص ۸۴۷. أمير زين الدين كتبغا! ج 7 ص 14ء. أمير سقطان (پسر امير ارتق از ارتقيسه): ج ۲ ص ۲۶۰۰ امير ططان: ج ۲ ص ۲۸۰۰. امير سلطان ارغون، 'ج ۲ ص ۹۴۹. امير سلطان روملو: ج ۲ ص ۹۵،۷۸۶. أمير سليمان خان بن ايلدرم بايزيدخان: ج ۲ ص ۶۲۰. امیر سید شریف شیرازی: ج ۲ ص ۲۵۵. امیر سید علی قرخان: بج ۴ ص ۶۷۴. امبر سيف الدين؛ قلاون صالحي: ج ٢ص - 494 امير سيف الدين، قوصون الناصري: ج ٢ حي ۶۲۵٠ امير سيف الدين مقلطاي الناصري! ج إس امير شاه جهان ابن امير قرايــوســف.'ج ٢ ص ۶۸۹. امدر شاهرخ (حاکم هزار جریب) : ج ۲س - ۸۸۲ امیر شاہ قلی خان قاجار (پدر فتحطیسی خان): ج ۲ ص ۱۲۱۷. امير شاهمحمد سيف الطوک: ج ٢ص٩٤٥. امیرشاهملک (سردار میرزا شاهرختیموری): 3 Y 2749, 449, 449. امير شاهنوازخان (پسر سلطان احمدخان، حاكم هرات): ج ٣ ص ١٨٩٤، امیر شجاع بیگ: ج ۲ ص ۷۴۹. امیر شرخاب بن بدر کردی، ابوالفوارس: ج ۱ ص ۳۴۲۰ امير شبس الدين سنقر اشقر: ج ٢ص٥٥٥. امير شيخ ابواسحق انجو بن شاه محمسود ( از انجوبه شیراز) ؛ ج ۲ص ۸ ۶۳ ،

.546 .589

امير شيخ حسن بن امير حسين جــــلايـــر: . FYT & T E امیرشیرعلیخان افغانی( امیر افغانستان): 3 T W 1001 : 1241 : 0091 . امير صلاح الدين يوسف بن ملك أوحــد ج ۲ ص ۶۲۱، امير طفان: ج ٢ ص ٤٣١٠. ابیر عالم ہی: ج ۳ ص ۱۴۳۹۰ امیر عبداللہ بن امیر فزغن: ج ۲ص4۴ · 544 · 545 امير عبدالباقي: ج ۲ ص ۲۶۰، ابير عبدالباقي يزد : ج ٢ ص٧٥٥٠٠ امير عبدالرحمن خان: ج ٣ ص ٢٠٢٤٠ امير عبدالقادر (والى الجزاير): ج ٣ ص 1) 547 + 1544 + 1547 + 1519 1441 . 1741 . AXI. امير عبدالكريم : ج ٢ ص ٧٤٧، امير علا" الدين ايد غدى الرزاق: ج ٢ امير علا الدين الطنبة ل ج ٢ ص ١٩٢۶٠ امير علا" الدين قلبرس: ج ٢ ص ٩٢٥٠ امير علاء الدين مظطايغــزي: ج ٢ س ابير علم خان ، حشت العلك قباينسي: ج ۲ ص ۱۷۴۶ ، ۱۹۴۹ . امیر علیشکر بہارلو: ج ۲ ص ۸۹۶، امیر علی شیر نوائی: ج ۲ ص ۷۴۱، امير عليكه كوكلتاش! ج ٢ ص ٩٧٤٠ امير على بن الناصر (خليفة عباسي) :ج ۱ ص ۳۳۰. امیرعم: ج ۲ ص ۸۲۹۰ ابير غيات الدين شاء ملك ؛ ج ٢٥،١٠٥٢ البرغياث الدين منصور بن أميرصدرالدين محمد شیرازی: ج ۲ ص ۱۲۹۷، ۸۴۷

تا ۲۶۴. امیر غیب بیک استاجلو: ج ۲ ص ۸۱۱، TYA: YTA: OCA: RCA. امیر فخرالدین شامی: ج ۲ ص ۹۰۸ امير فخرالدين، يوسف بن شبخ (سردار):

ج و ص ۲۵۲، ۲۵۳ تا ۲۵۵.

امیر فرخ نہروانی: ج 1 ص ۲۹۰

امیر قرایوسف ترکبان : ج ۲ ص ۹۶۲۰۶۷ 949، ج ۲۵۹. أمير قزغن: ج ٢ صَ ١٤٣٧ ١٤٣٠.

امیر قلی بیگ ؑ ج ۲ ص ۱۲۷۵ -

امير قوام الدين جعفر ساوجي: ج ٢ ص

امير قوام الدين نوربخش، ج ٢ -٧٩١٠٠ امیرک (کاتب بیهقی): ج ۱ ص ۰۳۲۲ اميركبيرء اعتضاد الدواءه طيعان خسان قواطری قاجار ج ۳ ص۱۲۲۲ ، ۱۲۲۲ 4174 . 1444 g 1441 . 1449 . · 1400 · 1479 · 1469 · 1464 · 1461

امیر کبیر، امیرخان دولوی قاجار (خالسوی نايب السلطنه): ج 7 ص ١٥٥٤،

- 10YT 5 10Ye امیر کبیر ـــ تقیخان (میرزاــ)امیرکبیر .

امير كبير، شهاب الدين طفان بن مقدم الجيوش سنقر الاشفر: ج ٢ص٣٤٥. امیر کبیر، میرزا محمد خان بیگلر بیگسی قاجار دولو: ج ۳ ص ۱۴۸۷ ۰

امير كبير، حاجى محمد حسين خانمروزى قاجار عز الدينلو، فخر الدوله، ج ٣٠٠

امیر کبیر، محمد قاسم خان ابن امیرکبیر سليمان خان اعتضاد الدوله قاجار : - 3 T @ 1741.

امير كبير، تايب السلطند، كامران ميسرزا وزير جنگ: ج ١ ص ٢٥٧ تا ٢٥٩ ، TAT .TAT .TY4 .TYA .TY1 : ATY . ATF . 404 . AOT . A.O. ج ۲ ص ۱۱۸۹۰

امیر کمال الدین حسین رشیدی: ج ۲ ص

امیر گوته خان: ج ۲ص ۹۱۳٬۸۹۸ ۹۲۰٬۹۱۳،

امیرگوند خان (صبیه 🗕 ): ۱۲۵۴ ۱۲۵۴۰ امیر گونه خان افشار: ج ۲ ص ۱۱۵۵۰ .1150

امیر گونه خان افشار طارمی چ۳ص۱ ۱۳۸ ۰

· ITAT

امير گونه خان (حاكم ايروان): ج ٣٠٠ · 1750 · 1754

امیرگوند خان ساری اصلان: ج ۲ ص۰۹۲۰

امیرگوند خان زعفرانلو (حاکم خبوشان): . ITAP . ITAT . ITTT OF T & · 1464

امیر گونه خان قاجار: ج ۲ ص۱۹۱۲،۹۵۲،

امير لشكر ، ميرزا عنايت الله: ج ٣ ص · 1477 · 1410 · 1797

امير مبارز الدين اقوش المنصوري: ج؟ ص

امير مبارز الدين بن خستويه: ج٢ص٠۶٠٢٠ امير مبارز الدين محمد مظفـــر (جد آل مطفر): ج ۲ ص ۶۲۸، ۶۳۲،۶۲۱، · FFO ·FTY ·FTO ·FT9 ·FT0

امير مجاهد ـــ ابواسحاق ابراهيم بن أبو زکریا .

امیر مراد خان، ج ۲ ص ۴۸۸ البير مسعود شاه! ج ۲ ص ۶۴۶،

امیر مظفر (از آل مظفر): ج ۲ ص ۶۶۱، امير منز الدين محمد اصفهائي؛ ج ٢ص

DAY: TFY:TOA.

امیر ملک: ج 1 ص ۲۲۶۰

امیر موسی کار: ج ۲ ص ۶۷۴،

البرالمومنين، على بن ابي طالب (ع): ج إ ص وع تا ٧٧، ١٥٥ ، ١١٨ . 3700091.0411. 3171.14F1. امیر مهناد غابی(شیخ بندر ریک): ج۲ص

امیر نظام، میرزا تقی خان امیر کبیر ج۳ ص ۱۲۰۲۰

امير نظام، علا° الدولة، وزيــر دريـــــأر اعظم: نج ۱ ص ۴۸۲، ۳۰۵۰۳۰۵: TOTALLIPALLIPALLIPATEL ۱۲۶۷: ج ۳ ص ۲۰۲۰، ۲۰۲۴ تــا TOTA TOTY TOTO TOTO TOTS

ابير نظام الدين احمد (يمر امير جــلال الدين فيروز شاه) ۽ ڄ ۾ ص 499ء · YTF 459Y

امیر نوروز: ج ۲ ص ۴۰۳، ۴۰۳، ۵۰۹، ۶۰۹ امیر ولی استر آبادی (والی استر آبادواز امرای طفاتیمور خان): ج ۲ص ۲ ۶۴، .500 .50T .5TA

امیر هندو: ج ۳ ص ۹۹نتا ۷۰۱. امیر یار احمد خوزانی (نجم ثانی):ج ۳ ص ۷۵۱،

امیر یعقوب خان (امیر افغانستان): ج ۳ ص ۱۹۹۹،

> امير يوسف: چ ۲ ص ۲۱۸. اميره حاتم: چ ۲ ص ۲۸۹. اميره دباج: چ ۲ ص ۲۶۵. اميره ساسان: چ ۲ ص ۲۸۵، ۲۵۶.

> > -1490 +1AY0 or

امیرہ فیاد: ج ۲ ص ۲۹۹، ۲۹۵، ۲۹۵، امیل اولیاویہ (وکیل مجلس فرانسد):ج۳

امین بیگ :ج ۱ ص۱۵۱ ؛ ج ۲ ص ۱۲۴۲ : ج ۳ ص ۲۰۸۶ .

امین آلتجار ـــ ابراهیم آمین التجار.. امین التجار، حاجی محمد حسن: ج جس ۲۱۲۸،

امینالتجار کردستان، حاجیمیرزالبراهیم: ج ۲ ص ۱۲۵۱،

أمين التجار ملاير، حاجي محمــد جعفر : ج ٢ ص ٢١٢٩،

امین حسین خان ایلخانی، شجاع|لدوله: چ ۳ ص ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۹۵۳.

امین حضرت (آمین الحضرہ) آقا محمسد علی آبدار باشی: ج ۱ ص ۴۸۲ ج ۲ ص ۱۹۷۸ ۲۱۱۲،

مین حضور، آقا علی آشتیانی ( وزیسمر بقایا): ج ۱ ص ۵۳۰: ج۲ص۱۱۹۰ ۱۲۵۲: ج ۲ ص ۱۸۲۲، ۱۸۶۹، ۱۸۹۹، ۱۹۹۲،۱۹۶۲،۱۹۲۹،۱۹۲۷،۱۹۰۹،

امیر خان ترکبان: ج ۲ ص ۸۷۲،۸۷۲. امین خلوت، غلامحسین خان: ج ۳ ص ۱۹۹۲، ۲۱۰۹ تا ۲۱۱۱.

امین خلوت، میرزا محمد خان (تفتکدار بأشی و رئیس عمله خلوت): چ اص ۱۹۵۰ - ۲ ص ۱۱۸۲، ۱۹۲۱، ۱۹۲۱، ۱۲۵۶ - ۲ ص ۱۹۲۲،۱۹۴۰،۱۹۲۲،

امین خلوت، میرزا هاشم خان: ج ۲ ص ۱۱۸۳: چ ۳ ص ۱۸۵۷، ۱۸۸۶، ۱۱۸۹۲،۱۹۲۲،۱۹۲۲،۱۹۲۲،۱۹۲۲،

امین دارالغرب، حاجی محمد حسسن: ح ۲ ص ۱۱۹۸، ۱۲۵۱ <sup>۱</sup>۵۳۲ <sup>۱</sup>۳۳۲ ۱ امین الدوله، ابوست حسن بن موصیلا یا (ازفصحا): ج ۱ ص ۲۵۶.

أمين الدوله بن تلميذ ابوالحسن هيتاللــه امين الدولم (وزير طک صالح): ج 1 ص ۴۵۲،

امین الدولہ، عبداللہ خان اصفہائی:ج ۳ ص ۱۵۷۲، ۱۲۰۶،

امین الدولہ، میرزا علی خان: ج ۳ ص ۱۹۱۴، ۱۹۲۳،

امین الدولہ، فرخ خان: چ ۳ ص ۵۸۸۹، ۱۹۲۶، ۱۸۹۲، ۱۹۲۴

امین الدوله، حاجی محمد حسین خسمان بیگلر بیگی اصفهان: ج ۳۳۵٬۲۵۴٬۱۵۶۶ ۲۰۲۰٬۲۵۴۵٬۱۸۲۲٬۱۵۶۹٬۱۵۶۶،

امین الدولہ، میرزا ہاشم خان ــــ ابیــن خلوت...

امین الدین کازرونی (شیخ ــ): ج ۲ ص ۶۳۳،

امین دیوان ، نور نجمد خان ُج7ص۱۲۵۶.ُ ج ۳ ص ۲۱۱۰،

امين السلطان: ﴿ 1 مَن ٣٠٥٠، ١٥١٤، ١٥١٤،

امینالسلطند، محمد علی میرزا خان(زیسن داریاشی): ج ۱ ص ۲۵۰: ج ۲ ص ۱۹۹۳ • ۱۹۹۳: ج ۳ ص ۱۹۹۳ ، ۱۹۲۰ • ۱۹۲۵ • ۲۱۱۰

. TIPS . TILF 5 TILL

امین صرد، علی خان (پیشخدمت خاصه): ج ۳ ص ۱۹۰۷،

امین صره همایون: ج ۳ ص ۱۵۶۱ . امین لشکر، قهرمان میرزا (وزیرگسرک و فوائد عامه): ج ۱ ص ۴۲۹،۴۶۴ ،

706, 706; 3 7 & 7771, 2771; 37&7841, 7781, 0781, 8781, 4081, 7481, 1881, 7881, 4007, 4107, 7707, 4707, 4707.

آمین، محمد بن رشید (خلیفهٔ عباسی): ج۱ ص - ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۶۹ تبا ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۲،

امین معادن، حاجی علی اصغر: ج ۳ ص ۲۱۲۵-۲۱۲۹،

امین الملک:ج ۲ ص ۱۳۰۹؛ ج۲ص ۱۸۱۱ ۱۹۹۲،۱۹۹۲،۱۹۸۲،۱۹۹۲،۱۹۹۲،۱۹۹۲،

امینالملک (پسرآقا ابراهیم امینالسلطان ) : ج ۲ ص ۲۱۱۴۰

امین الطک، پاشا خان (امین شوری) نیج مین الطک، پاشا خان (امین شوری) نیج مین ۱۸۹۲، ۱۸۹۲، ۱۸۹۲، ۱۹۲۹، ۱۹۲۹، ۱۹۲۶، ۱۹۲۶، ۱۹۲۶، ۱۸۹۷، ۱۹۲۶، ۱۹۲۸، ۱۹۲۸، ۱۹۲۸، ۱۸۹۲، ۱۸۹۲، ۱۸۹۲، ۱۸۹۲، ۱۸۹۲، ۱۸

ابین الملک (سرتیپ): ج ۲ ص ۲۰۸۲. امین الملک (علی امغرخان)مینالسلطان): ج ۳ ص ۲۰۴۱.

امین الملک، میرزا علی خان امین الدوله (وزیر رسائل): ج ۳ ص ۱۹۲۸ ، ۱۹۵۳، ۱۹۵۹، ۱۹۷۱، ۲۰۱۰ ، ۲۰۴۰

امین الملک، فرخ خان: ج ۳ ص ۱۷۸۷، ۱۸۱۲ - ۱۸۰۲ - ۱۸۱۲،

امین الملک (مدیر مجلس شورای کیسری و وزیر وظائف و اوقاف): چ:ص۴۵۵، ۵۴۲، ۵۴۲، ۲ ص ۱۱۹۲،۱۱۹۱،

امین نظام ، محمد تقی خان:ج ۲ص۱۱۸. امین نظام ، محمد صادق خان (سرتیسپ فوج نخبران مقدم): ج ۱ ص۱۵۰ ج ۲ ص ۱۹۹۶ ، ۲۲۵۲ ، ۲۵۶۶. امین الوزاره، عباسقلی خان: ج ۱۳۵۲،

ج ۳ ص ۱۹۹۲: ۹۸۰۲،۲۰۱۲. امید بن اسحاق: ج ۱ ص ۲۵۲. امید بن صلت: ج ۱ ص ۲۵۲.

امید بن صلت: ج ۱ ص ۲۲، ۲۴. امید بن عبداللہ بن اسید: ج ۱ ص ۹۵،

امیمین عبدالله بن خالد (والیخرابیان): ج ۱ ص ۹۱، ۹۲،

اناته سلطان! ج ۲ ص ۹۹۹.

انجیسرف گرجی: ج ۳ ص ۱۵۲۴ -اندرز غر (سردار عجم): ج 1 ص ۳۴. اندر نی صاحب (مطم فرنگی): ج 1 ص יום: ד ש ודדו : בדשמיסיד. اندورنفس رومی: ج ۱ ص ۲۲۵۰ انسان گلدی: ج 7 ص ۹۶۰، انس بن مالک انصاری ـــ مالک بن انس · 1577 0 انسی جنابدی (شاعر): ج ۲ ص ۷۳۲، انص (غلام نجم الدين رومى صالحي) : - 441 or Y & انطاق : ج ۱ ص ۴۵۰ ان طوئنلی: ج ۳ ص ۱۷۷۶-انوجور اختید (حاکم مصر): ج۱ص۲۶۵۰۰ 4770 انور افندی، ج ۲ ص ۱۶۲۳ . .404 4400 انوش تکین دزیری: چ ۱ ص ۳۱۵۰۲۹۲۰ انوشتکین غرشه (پدر محمد خوارزم شاه و مطوک غرستانی): ج ۱ ص ۳۵۰، انوشجان (سردار عجم): ج ۱ ص ۲۴، انوشه (والی اورگنج): ج ۲ ص ۹۸۲ -انوشیروان بن خالد بن محمد (وزیـــــر ملطان، حمود سلجوني): ج ١٣٢٤، انوشیروان عادل: ج ۲ ص ۷۴۱، انوشیروان بن منوچهر (شاه طبرستان) کچ ص ۲۱۵۲-· ToY UP 1 انوشیروان میرزا ، سرتیپ اول : ج۱ص۲۰۵۰ ٧٠٥٠ ج ٢ ص ١٨٥٧٠ انوشيروان ميرزا ،ضيا الدوله: ج7ص ١٩٩٥ · 7074 . 7771 . 7 2 0 4707 . · 1179 - 1041 - 1175 انیسی شاطو (شاعر): ج ۲ ص ۸۹۹۰ انیس بن مرثد بن ابیمرثد الغنوی: ج۱ ص ۴۹، اوبرزدف کابتین: ج ۱ ص ۵۳۷، اوتارخان (غلام گرجی): ج 1 ص ۹۵۱ ۰ اوحد الدینانوری (شاعر): ج ۱ ص۲۸۵۰۰ اوحد الدين بلياني: ج ٢ ص ٤٥٠٠،

اوحدی اصفهانی (شیخ -- ) : ج۲۹۰۰۲۰

اود (از نجبایفرانسه): ج آص ۱۰۸

اوربن دوم (پاپ): ج ۱ ص ۲۴۹۰

اوربن سوم (پاپ): ج ۳ ص ۴۰۹۰

اوربن ششم (پاپ): ج ۲ ص ۶۵۵۰۶۵۲،

اورخان بن عثبان خان (سِلطان ــ ) جع FTT-FTA-FTA IFTE B FTT .. اورنگ زیب عالمگیر: ج ۲ ص ۹۵۴ ، ۹۵۵، . 474 . 471 B 484 . 481 . 480 . 144 -117 -117 -1A1 -1A1 .1004 (100) (1000 اورنگ زیب میرزا (پسر فتِعطیشاء): ج۳ اوریابیکی (وزیرگون خان مغول): ج 7ص · 1774 · 1774 اوزاعی، عبدالرحمن بن عمر و (فقیسسه: شام): ج ۱ ص ۱۴۸۰ اوزیک خان ، پسر طغرل خان (صاحبیب دشت قبچاق) :ج ۲ ص ۶۲۴، ۶۲۵، اوزبک سلطان بن رستم سلطان: ج ۲ ص اوزخان (دختر عم اغوزخان): ج ٣ ص اوزولد (پسر سویا توپولک دوم): ج ۱ ص اوژن (پسر ژوزفیسن) ٔ ج ۳ ص ۱۴۴۰۰ اوژینو اوربارت (رئیس جمهور باراکس) : TE . 17-1 & T & . 050 & 1 E اوسمی سرخای: ج ۲ ص ۱۱۱۶۰ اوسن بن مُنتج الكوفي أ ج 1 ص 11 -اوشیرخان ، پسر یلدوزخان : ج ۳۳۲۲۰۳ · 1770 · 1775 اوغلن بوداق چکتی: ج ۲ ص ۱۸۸۰ اوغور لو سلطان: ج ۲ ص ۹۲۳۰ اوکتای تا آن پسر چنگیز: ج ۱ ص ۴۳۹، or Te : tar . tas . tty . ttp האסיאהם: ב T ש פדדום דדדוי · 1777 + 177A اولمه تكلو: ج ٢ ص ٧٨٣ ، ٧٨٣ ، ٧٨٤ ، اوليويد کرمول: ج ۲ ص ۹۴۹ -

اويس مبرزا احتشام الدوله (سلطان ــ ) احتشام الدولة: ج 1 ص ٥٠١. اطبی شیرازی: چ ۲ ص ۷۹۰، ایاز (اتابک ملکشاه): ج ۱ ص ۲۵۷. آیاز (غلام سلطان محمود غزنوی):ج اس . 770 ایاز پاشا: ج ۲ ص ۸۳۵. ایاس بن معاویه بن قره (فاضی بعسره) : ء 1 ص 177 ہ ایبک (معلوک شهاب الدین غوری):ج۱می . \*\*\*\* . \*\*\*\* ایبک اسمر (سردار): چ ۱ ص ۴۲۸، ایبک ابی شنگیر المالحی ترکمانی، طسک المعز: ج 1 ص ۱۵۶ تا ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۰ ایبک، عز الدین معظمی (معلوک ملسسک 470 1773 1774 - 1 g : ( plan ایبه سلطان (حاکم کرمان) 🚉 ۲ می ۲۳۶۰ ایبه،المواید (مطوک سنجر): ج ۱۹۸۶۰۰۰ ایتوربید (امپراطورمکزیک) :ج ۳ ص ۱۵۵۸. ایجل: (میرزا ۔ ) ابن میرانشاہ! ج ۲ ص ایخسوف: ج ۳ من ۱۵۷۴. ایدفیش: چ ۱ ص ۴۲۲، ۴۲۹. ایدمر (ابیر، حاج مصر): ج ۲ ص ۶۲۵. ايران الطوك (دختر ناصر الدين شناه)! ج ٢ ص ١٢١٩ . ج ٣٦ س ٢٠٤٢ ٠ ایرج میرزا (ملک ــ ) پسر فتحطیشناه : - 1917'- 1711' TT91- YT91-ایرن (مادر قسطنطین پنجم) آج1ص ۱۵۲۰ . 155 - 154 ایزاب (ملکه فرانسه) : ج ۲ س ۴۹۰ ایزابل (خواهر پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ایزابل (خواهر ماری ملکه انگلیس): ج۲ ص ۱۲۸۰ ایزابل (طکه اسپانیول): ج ۲ ص۲۴۶: 4 1900 '1914 : 1907 WT # -1406 -1419 -140F

ايسنبوقاخان: ج ۲ ص ۶۴۹، ایشان (سردار ترکمان): ج ۳ ص ۱۶۵۷،

اویس (سلطان ــ ) پسر شیخ حسن نویان :

اونک خان ہے ۳ ص ۱۳۴۳ -

ج ۲ ص ۱۲۲۳٠

اویس بیگ: ج ۲ ص۰۲۰۲

اویس فرنی: ج ۱ ص ۶۵۰

ايليسنجه خان: ج ۲ ص ۱۳۲۴. ایمان خان فراهانی: ج ۳ ص ۱۵۵۷. ایمانیخان (حاکم فراهان ): چ7ص۱۵۲۶. ایشیک آفاسی باشی، رضا فلی خان: ج ۳ ایناق خان: ج ۲ ص ۱۱۴۸، اينانجخواتون (زوجه سكيان حاكمخلاط): ايشيك آقاسى باشيء حاجى سليمانخان ! .TF1 @ 1 87. اینانج ، هادی الطوک (مطوک سنجسسر و ایشیک آقاسی باشی، ظهیر الدوله (وزیسر حاکم ری): ج ۱ ص ۲۸۶، ۲۹۶، اینباک دلویلا: ج ۲ ص ۲۸۸. این سیورانتیل لا (رئیس جمهور اکواتر): 3 1 0 AGA: 3 7 W AOTE: 3 7 ص ۲۱۵۲۰ این نمان چهارم (پاپ ... ): ج ۱ ص این نسان دوم (پاپ): ج 1 ص ۳۳۱. این نسان سوم (پاپ): ج ۱ ص ۲۱۷، اینمان هشتم (پاپ): ج ۲ ص ۲۳۲، ايني: ج ۲ ص ۱۳۲۶، ايوان: ج ۲ ص ۹۹۰. ايوان (شاه روس) 🚉 ۲ ص ۶۳۲. ایوان اول (شاہ روس): بع ۲ ص ۶۲۴۔ ایوان چهارم (مخوف) کے ۲ ص ۷۸۷ ، 70A: 40A: 4VA-اپوان دويم (شاه روس): ج ۲ ص ۶۲۹. ایوان سیم (شاہ روس): ج ۲ ص ۲۲۹ ، ایوان ششم (نزار روس): ج ۲ ص ۱۱۲۷، ایوانی خان کرجی: ج ۳ س ۱۳۹۴، ايوب (شاهزاده): چ ۲ ص ۱۵۴۱. ایوبخان: ج ۱ ص ۴۸۷، ۸۴۸، ایوبخان(حاکم ہرات): ج ۲ ص ۲۰۱۱. ایوبخان (سردارافغان): ج ۲ ص۱۲۰۲، זידו ישוש זוידי זוידי זוידידי. أيوبېنشاذي (پدر صلاح الدين ايوبي):

ایوب بن ملک عادل، ملک اوحد: ج ۱ص

. f ou 1997 . oof.

. 414

ص 456 ج ٢ ص ١٣٠٩ ، ج ٣ص · 1147 باہا (میرزا ۔ ) : ج ( ص ۱۵۴۶، باہا افضل الدین کاشیءَ ج 7ص ۵۸۸، بایا اکبر (تحویلدار ادارهٔ شتر خانسه) : ج ۲ ص ۱۱۱۴. بابا اکبر (نایب ـ ) تحویلدار جنس : ج 1 ص 201، بابا بهادر: ج ۲ ص ۶۷۲. بابا بیک (میرزا \_) دسته بلوچ: ج ۱ س ہایا بیک افشار: ج ۳ ص ۱۷۷۴. بابا حاجی (نایب دوم قاطر خانه) : ج ۱ ص ۵۵۲: چ ۳ س ۲۱۱۴. بابا حسين (قائل،برزا عبداللطيف): ج٢ ص ۲۰۱، بابا خان: ج ۱ ص ۵۱۹. بأباخان (حاجى ــ ) رئيس: ج (ص٥٥٥. بابا خان آفا (از طائفهٔ شامبیاتی): ج ۱ ص ۲۰۵۰ بایا خان چاپوشلو: ج ۲ ص ۱۹۱۷. بایا خان (سرکردہ جماعت عرب)! ج ۽ ص ۵۱۹۰ بابا خان (سرکردہ ساکنین سرخس): ج۲ ص ۸۸ه۲۰ بابا خان سلطان (حاكم بحرين): ج٢ ص باباً خان سیل سیر: ج ۲ ص ۱۲۶۸ . بابا خان = فتحطیثاه: ج ۲ ص ۱۹۷۷؛ ج ۲ ص ۱۲۵۶ ٠ بابا خان گرجی، سرهنگ: ج ۱ ص ۵۰۵. 5 7 W X771: 5 7 W 7707. بابا خان یوزباشی: ج ۱ ص ۴۷۱، ۲۹۵ · 1117 0 T & بابا ططان: ج ۲ ص ۸۲۰. باباعلیشاههروی (شاعر): ج ۲ ص ۲۲۷،

ہابا فغانی شیرازی: ج ۲ س ۲۶۶.

ہاہاں شیرازی (شاعر): ج ۲ ص ۲۸۸،

ہابا نصیبی (شاعر): ج ۲ س ۲۲۲.

بابر: ۲۶۴ ،۲۶۹ ،۲۵۹ ،۲۶۴ ،۲۶۴ ، .YAT .YYA .YYY 5 YY1 .YFY

بابا یوسف شاطر: پر ۳ص ۱۴۴۱.

یا آنیبال پنتو (رئیس جمهور شیلی) اج ۱ 🌡 بابر ، ابوالقاسم (پسر میرزا بایسنقر بــــن

·1914 · 1497

أيش سلطان: جد 7 ص ٧٩٣.

ایشنگ: ج ۳ ص ۱۷۱۹.

ج ۳ س ۱۹۵۷ -

باز بهادر شاه: ج ۲ ص ۸۲۴. شاهرخ); ج ۲ ص ۶۸۲، بازمار: چ ۱ ص ۲۱۶، ۲۱۸، بابر (پادشاہ فرغانہ): ج 7 ص۹۳۳. بازوری، حسن: ج ۱ ص ۲۲۵، بابف (ایجاد کنند۴ طریقهٔ کمونیست در باسانانت (شارب شاہ ایطالیا)؛ ج ۳ س فرانسد)! چ ۳ ص ۱۴۴۶، بابک خرمی: ج 1 ص ۱۲۵، ۱۲۸ تا ۱۸۲، .1144 باش اجرق: ج ۲ ص ۸۰۳. . 145 6 144 باطال: ج 1 ص ۵۲۷۰ باتو (حضرت ــ ): ج ٣ ص ١٣٣٢٠ باغر ترکی: ج 1 ص ۲۰۲. باتوخان پسر تولیخان مغول: ج ۱۳۵۵، باغی ارسلان بن دانشمند: ج ۱۳۹۴، باغی سیان بن محمد ترکان (حکمــــران باد (حکمران دیار بکر): ج ۱ ص۲۸۴۰ انطاکیه): ج ۱ ص ۲۴۶، ۲۴۸ ، بادنجان بیک روملو! ج 1 ص ۷۵۵. · TF1 · TOT · TO1 · TF1 بادوسیان بن افریدون (هشتمین طبیعوک باقر (آفا ۔ ): ج ۱ ص ۵۵۱ ۵۵۴ ۵۵۰ رستمدار): ج ۲ ص ۲۲۲. باقر (میرزا۔): ج ۲ ص ۱۲۲۲، ۱۲۲۵، بادوسیان بن خورزادین بادوسیانینگیل 🗓 باقر (آقا ۔۔ ) ادارہ آبدارخانہ: ج۳ص (از ملوک رستعدار): ج ۲ص ۲۲۲. بادوسیاناین گیل بن گیلان شاه(از ملبوک باقر (آقا ۔۔ ) ادارہ غسسلات: ج 7 ص رستعدار): ج ۲ ص ۲۲۳. باديس بن منصورالصنهاجي (اميرافريقيه): باقر (آتا ۔ ) اطاق موزہ: ج 7ص111، 3 1 W AAT : PAT. باقر (میرزا 🗕 ) از اجزای پستخانه: ج۲ ہاذان (حاکم یعن): ج اص ۳۱، · TITT • باربروس: ج ۲ ص ۲۶۶، ہافر (آفا ۔ ) تحویلدار فزوین: ج ۱ ص ہارت (دکتر ۔ ): ج ۳ ص ۱۷۲۵. ہارتلمی دیاڑ: ج ۲ ص ۲۳۹، باقر (میرزا۔ ) حاکم شاهرود وبسطام): بارتولمه پولکونیگ : ج ۲ ص ۱۷۷۳ ، بارق کومنس: ج ۲ س ۱۷۲۴، ج ۲ ص ۱۲۵۵ -ہافر (آفامہ) حاکمطارم: ج ۲ ص ۲۱۹۳، بارن دیکازلی: ج ۳ ص ۱۸۳۶، باقر خان: ح ۱ ص ۵۱۹، ج ۲ص۱۸۵۰ بارن هیمرلی: ج ۳ ص ۲۰۲۶. ہاقر خان افشار ، سرتیپ سیم : ج ۱ ص باروک (نازوک)؛ ج ۱ ص ۲۴۲، ADD STOU ATTI : 3 TOTYOT. بارون برونف: ج ۳ ص ۱۷۹۰ باقر خان (میرزا ۔ ) امیر طبس: ج ۳ بارون بعدن: ج حس ۱۶۴۰ ٠ ١٧٢٢ ٠ ہارون لیٹرنر ، کاپتین مہندس: ج ۱ ص باقر خان (میرزا ... ) تفتگدار خاصسه: ج ١ س ١٣٥٠ ج ٢ ص ١٣٥١ : ج بارون میر رچل (ثروتمند فرانسوی): ج۳ ٣ ص ١١١١ -ص ۱۹۰۲ ٠ باقر خان تنگستانی: ج ۲ ص ۱۷۷۳ -بارون نرمان (مترجم فرانسه): ج 1 ص باقر خان خراسگانی اصفهانی (حاکسم \*\*\*\*\*\*\*\* 3 T - 1107.7017. اصفهان): ج 7 ص ۱۳۸۹، ۱۳۹۱ .1747 b بارون هایمر له (صدر اعظم آستریه) ج۱ بافرخان (میرزا \_ ) از طائفه سپانلو : ص ۵۶۱، a 1 00 7 00 3 7 00 1711 3 ہارون ھوئیر: ج ۲ ص ۱۲۹۰.

ص ۵۵۵۰ باقر خان (سرکردهٔ نیشابوری و جزایر– جي): ج ٢٠٥٨ ١٠٢٠ باقرخان سرهنگ (صاحب منصب فوج) : - 1170 T - 017 011 · Toko J T : 1777 . 1771 -T1FF +T+A0 باقر خان (حاجی ۔۔ ) سرھنگ فوچافشسار بكشلو: ج 1 ص ۵۱۱: ج٢ص١٢٣١، 1777 : 3 T & 7407 . PYOT . باقر خان سرهنگ افشار ، سرتیپ سیم :ج۲ ص ۱۹۸۳۰ بافر خان سرهنگ (فوج گلپایگان): ج۲حی باقرخان ۽ سرهنگ فوج لرستان آج (ص15-باقر خان (طبیب): ج 1 ص ۵۲۵۰ باقرخان (نوهٔ حاجی محمد علی خــأن) نایب آجودانیاشی: ج ۲۰۷۲،۰۲۰ باقر (آقا ۔۔ ) رئیس ادارہ ضرابخانداج · 1117 • T باقر (آفا ــ ) رئيس سواريه قراســواران!. .T117 0 T 2 ہاقر (میرزا سید ۔ ) سر رشتہ دار دفتر لشکر: ج ج ص ۲۰۷۰. باقر (آقا میرزا \_ ) سرکشیک: ج ۱ص۲۵۵، باقر (آقا میرزا ــ ) سرکشیک حضرتعبت النظيم: ج ٣ ص ٢١١٣٠ ہاقر سلطان انزابی (سرکردہ): ج ۳ ص ہاقر سلطان نوری: ج 7ص ۱۳۹۶، باقر (میرزا ـ ) پسر صدیق الدوله(مباشر خالصه جات)) ج 1 ص ۵۲۵، باقر ( میرزا ۔۔ ) لشکر نویس: ج ۳ ص -1454 · 174T باقر ( میرزا سید ـ ) لشکر نویسعراق: ج ۲ ص ۱۲۲۶۰ باقر (میرزا سید ــ ) ما مسور عسراق : - 1777 تبر تبریز) :ج ۲ ص ۱۷۶۷ .

بافر (آفا \_ ) مدیر راه شوسه دولتسی :

ج٠ ٢ ص ١٢٧٥ -

باقر خان سرتیپ : ج ۲ ص ۲۰۸۶،

۳ ص ۲۰۶۵۰

باریکشاه بن بهلول لودی: ج ۲ ص ۲۲۰ | باقر خان ( سید ــ ) سر رشته دار:ج۱

بارون هیمرلی: ج ۲ ص ۱۲۰۵۰

باریک بیک پرناک: ج ۲ ص ۲۴۹،۷۴۲،

. Afo . ATF ہاقر (آفا ۔ ) مدیر گبرک گیلان: ج ۳ بایزید (برادر سلطان موادخان، امپراطور ص ۲۱۱۳۰ عتمانی): ج ۲ ص ۹۳۴. باقر ( میرزا ... ) مستوفی: ج(ص ۵۲۸ : ہایسنقر: ج ۲ ص ۲۳۹. . To 19 0 T E ہایسنقر(میرزا 🗕 ) : ج ۲ ص ۶۷۷،۶۷۵، باقر ( میرزا۔ ) منشی: ج ۳ ص ۲۱۰۱. ·YTY ·FAY ·FAT ·FYA باقر ( میرزا۔) منشی ( از اجزای مجلس بایسنقر ( میرزا ۔ ) نوہ اوزن حسن آق دیوان مظالم): ج ۲ ص ۱۲۵۵. قوينلو: ج ۲ ص ۷۳۱، ہاقر منشی تیریزی: ج ۱ ص ۵۲۹، بایسنقر (میرزا ــ ) پسر سلطان ابوستیــد باقر ( میرزا ـ ) برادر زاده میرزاجانی: . . . ابن میرانشاه! ج ۲ ص ۲۱۳. -1410 or F E بایسنقر این میرزا شاهرخ ( میرزا ــ ) :ج بأقر ميرزا (امير زاده) ولد عبدالفاضيل ۲ ص ۱۶۸۰ ۸۸۹۰ ميرزا: ج ١ ص ١٥٥٠ باقرميرزا ،پسر معز الدولد: ج جس۲۰۶۳، 3 7 °C 77Y: 47Y. باقر (آقا ... ) نایب آبدارخانه مبارکـه: بایقرا ( میرزا ـ ): ج ۲ ص ۶۷۷. ع ١ ص ٥٥١. بايقرا بنءمرشيخينامير تيمور (ميرزاـــ) : باقر (آقا ـ ) بايب الحكومة طارم :ج٣ 3 Y w 949. 499. ص ۲۱۴۶ ه بایقرا میرزا (برادر سلطان حسین میسرزا باقر (آقا 🗕 ) ( از هبراهان شاء درسفر بايفرا): ج ٢ص ٢٢٤. اول به اروپا): ج ۲ ص ۱۹۴۰. بایکیال (از بزرگان ترک): ج ۱ ص۲۰۵، باقشیانا: ج ۱ ص ۲۸. . 408 باقلانی ـــ أيوبكر الباقلانی. بایندر خان: ج ۲ ص ۲۹۵، ، ج ۳ ص ۱۳۳۵. باقی پور (از امرا؛ اوزیک): ج ۲ص۵۹۰، بتان { شام سیام}; ج ۲ ص ۲۱۵۰. باقی (حاکم قندهار): ج ۲ ص ۹۶۷. بحبكم (بجكم): ج 1 ص ١٥٥٠ ٢٥٤. باقی خان: ج ۲ ص ۸۹۴، ۸۹۷. بحثری (ولید بن عبادہ) (شاعر) : ج 1ص ہاقی خان (صاحب ماوراہ النہسر) : ج۲ بحر الطوم ... محمد مهدى . . بحرالطوم باکن (فیلسوف): ج ۲ ص ۹۲۱، . بحری پاشا: ج ۲ ص ۱۶۷۸، ۱۶۷۹. بال دو مرا صپرترو: ج ۳ ص ۱۹۶۶. بحری خان عاموئی: ج ۲ ص ۹۳۲. ہالتاچی (صدراعظم عثمانی): ج ۲ ص بحیربن زهیر (برادر کب): ج ۱ص۲۹. بحير بن ورقاء الصريمي: ج1ص 64. بالزاک: ج ۲ ص ۹۲۰، ۹۵۹: ج ۲ ص بخاری، جعر محمد بن اسمیل (صاحب باليغوخان: ج ۲ ص ۴۹ء. صحیح):ج ۱ ص ۱۸۲،۱۸۲،۱۸۲، بایار (سردار فرانسه) :ج۲م،۲۷۹، 2115.707.700.190.190.130. بايدو (جانثين گيخاتوځان); ج ٢ص٣٥٤، . TA . . T 1Y . 5 . 4 بختری بن درهم: ج ۱ ص ۱۹۰۰ بختری صاحب الاشهب (از خوارج) ج 1 بایدرخان: ج ۳ ص ۱۳۶۱. بأيزيد، الدرم خان (شاهزاده):ج ص 119 ه بایرلی: ج ۳ ص ۱۳۲۸. يختيار بن معز الدوله؛ ج 1 ص 759 ، بایزید بسطامی (عارف): ج ۱ ص ۲۰۷: . TAY . TAO . TYA & TYT . TYO ج کس ۲۲۶٠ بختیاریہ (هسرفتحطیشاہ): ج ۳ ص

بازید چیپای: ج ۲ س ۹۶۹.

بازید بن سلطان سلیمان خان: ج ۲ س

-TAT -11A بخشطی خان: ج ۳ ص ۱۶۵۱، بداق خان قاجار، ج ۲ ص ۲۹۱ ج۲ ص · 1757 بدأق سلطان چولد: ج 7 ص ۹۶۲. بداق سلطان فاجار: ج ۲ ص ۸۳۸، ج ۲ . 1864 0 بدایع نگار، آقا محمد ابراهیم: ج ۳ ص يدر (غلام عبدالرحمن اموی حکمــــرا ن اسپانیا): ج ۱ ص ۱۴۳. بدراختیدی(والی دمثق): ج (ص ۲۵۹، بدران بن مقلد (حاكم نصيبين): ج١ص TT1 .T09 بدرجمالی (امیر الجیوش): ج ۱ ص ۳۳۵ . 747 . 777 b بدرجهان خانم (ماه باجي)د خترفتحطيشاه: ج٣ ص ١٤٢٧ ، بدرخان: ج ۲ ص ۵۸۲،۷۸۵ م۸۲۲،۸۱۸،۸۲۲،۸ بدرخان استاجلو: ج ۲ ص ۸۳۲. بدرالدين: ج ٢ ص ٥٨٥. بدرالدین آفسنقرهزار دیناری: ج1ص19. بدرالدین البیسری: ج ۲ ص ۵۸۹. يدرالدين ايدبري: ج ۲ من ۹۶۵. ہدرالدین بکتاش: ج ۲ ص۹۶۶. بدرالدین بیدرا : ج ۲ ص ۲۵۶. بدرالدین تلیک الایدمری: ج ۲ ص ۵۰۰۰ بدر الدین دلدرم: ج ۱ ص ۴۱۳. بدرالدین الامش (پسرملک ظاهر بیبسرس): ج ۲ ص ۲۰۰۰. بدرالدين الموابي الصالحي: ج١٥٥٥٠٠. بدرالدین لوالوا: ج ۱ ص۲۳۲،۴۳۷ نسا 477 ATT 667. بدرالدین لوالوا (ماحب موصل، ملقب به ملک رحیم ): ج ۱ ص ۵۲۹، ۴۲۲، ۲۲۲ تا ۲۲۵، ۲۴۸، ۲۵۵ م ۲۰ يدرالدين لوالوا القندشي (امير ــ )امير

حلب: ج 7 ص ۶۲۷.

قزوینی: ج ۲ ص ۶۳۲.

بدرالدین محمد (ازنجات) :ج۲ ص۶۸۶.

بدرالدين محمد بن قاضى جلال السديسن

بدرالدين محمد بن جماعه الكنانى|لحموى

بختیشے بن یحیی (طبیب): ج ۱ ص

(قاضي القضاه): ج ۲ ص ۲۶۹. بدرالدين محمد بن جمال الدين مالســـک (بزرگ نحات ) : ج ۲ ص ۵۵۰. بدرائدین مسعود: ج ۲ ص ۸۹۱. بدرالدينيوسفين حسنبن علىالسنجارى بدر شرابی: ج ۱ ص ۲۳۶. بديع أسطرلابيء هبه الله جاص ٣٧٠. بدیع الزمان میرزا: ج ۲ ص ۷۴۳، ۷۴۵ ۳ ص ۱۶۰۷ ۰ بديع الزمان ميرزا (سلطان ــ) : ج٢ص ۲۲۵: چ ۳ س ۱۵۲۴. بديع الزمان ميرزا (يسر بهرام ميسرزا): ج ۲ س ۱۸۱۰ بديع الزمان ميرزا (پسر سلطان حسيسن مبرزا بایقرا): ج ۲ ص ۷۳۱. بديع الزمان همداني (صاحب مقامات): - 114 · 110 · 1 17 · بديع الملك ميرزاء حشبت السلطفه (يسر عماد الدولة): ج 7 ص ١٣١٩: ج ٣ص برانز (امبراطور ایطالیا): ج1ص ۲۳۳، يرا صاحب: ۾ ۽ ص ١٩٧٠. براق اغلان: ج ۲ ص ۱۶۶۶، براق خان: ج ۲ ص ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۴۹، براق خان اوزبک: ج ۲ ص ۶۸۴، براق خان (حاکم الوس جنتای): ج ۲۰ س براقفان بن سونجک سلطان: ج ۲ص،۹۳۰ برایتالو،وزیر اعظم رؤمانی: ج ۱ص۵۶۳، براء بن عازب: ج ۱ ص ۲۲، ۸۹. براء بن غالب (عازب): ج ١ ص ٥١. برا من مالک: ج ۱ ص ۲۸، براه بن مغرور: ج ۱ ص ۲۱۰ برتراند (هبراه ناپلیون در جزیره سنست طن): ج ۳ ص ۱۹۵۲۲، برتیہ (مارشال ـ ) سردار ناپلیون: ج ۲

ص ۱۲۲۴ ، ۱۲۲۴ م

برجیس صاحب: ج ۳ ص ۱۷۵۶ .

بردویل (پادشاه مجاهدین فرنگ): ج1ص

برهان الدين (صاحب هدايه): ج 1 ص برهان الدين حنفي (نسفي): ج٢ص٩٩٥٠ برهان الدين خاوند شاه (سيد 🗕 ) 🕏 ج٢ ص ۶۲۹، برهان الدين سفاقسي: ج ۲ ص ۶۳۲، برهان الدين عبدالله عبري (سيد 🗕) 🧧 ج ۲ ص ۶۳۳، برهان سنید : ج ۲ ص ۱۸۳۰ ۸۳۱، برهان نظام شاه: چ ۲ ص ۲۵۰، ۲۹۲ ، برهان الدين احمد سيواكي يا 🖫 سيواسي (قاضی ــ ): ج ۲ ص ۶۶۵، برید شاہ: ج ۲ ص ۲۷۲، بریدمین خصیب (از اصحاب): ج1 ص11، بریدی ، ابوعبدالله: ج ۱ ص ۲۴۹ تسا 167: 767: 667. بزان (حکمران رها): ج ۱ ص ۳۴۶. بزرگ (میرزا \_ ): ج ۲ ص ۱۲۲۴،

بزرگ (میرزا ـ ) خان سرهنگ (پسرمیرزا على قائم مقام); ج ٣ ص ٢٠٧٢. ہزرگ (میرزا \_ ) سررشته دار : ج ۱ ص . -۵-۵ بزرک (آقا \_ ) فراش خلوت:ج (ص٥٣٥، بزرگ (میرزا 🗕 ) فراش ضممریح مطهر 🗧 - 44Y 0 1 E بزرگ قائم مقام (میسرزا ــ ): ج ٣ ص

- 1044

بزرگ مستوفی (میرزا۔ ) اج ۱ ص ۵۲۷ ۰ ہزرگ مشرف ( میرزا۔) ٪ ج ۱ ص ۵۵۶۰ بزم آرا خانم (دختر فتحطیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۷ ، بزيل (قائل ميشل اميراطور قسطنطنيسه ، خود امپراطور شد)؛ ج 1 ص١٢٥٢ بساسیری (بزرگ اتراگ): ج 1 ص ۲۲۰، דדדי דדדי בדרי דדדי בדי דדרי برونــــل (مهندس فرانســه) :ج۳۳۰۸۰۵۰۰

بستى ــــابوالفتح یسر بن ابی ارطاہ(از امیران معاویہ) آج ۱ . YY . YF . YT . YO . FA ... بسطام (دهقان برس): ج 1 ص ۴۳۰

بسام بن ابراهیم: چ 1ص ۱۳۴،۱۳۹

ہرزو خان هندانی (یاور دویم): ج ۲ ص ١٢٣٢ : ج ٦ ص ٢٠٠٧٠ ہرزی(پسران 🗕 ) 🕳 تظییون: 🎅 ۲ ص (قاضي القضاء عصر): ج ٢ص٥٨٥٠ برزیا (پاپ) کالتیس سیم: ج ۲می ۲۰۶. برسق (امير ... ) داروغته يُقداد ! ج١ ص برشن (أمير - ) يا (بوسقملازمطغول) :ج 2 444. 444. 454. 444 t اص ۲۵۱۰ برقعیدی (عامل حمدان): ج اس ۲۷۱، ہرگ بن عبداللہ تعیمی (از خوارج) اج۱ ص ۲۱. برکش (سید ـ ) ابن سعید (سلطـــان زنگیار): ج ۱ ص ۵۶۴. برگه (سید ــ ) اندخودی: ج ۲ ص ۶۶۸. برکه بن بیبرس، ملک سعید (پسر ملسک طاهر): چ ۲ ص ۹۸۹، ۹۴۹،۵۹۴. برکه خان (صاحب دشق قبچاق): ج۲س . 646 . 646 . برکیارق بن ملکشاہ: ج 1 ص ۳۴۵ تـسا TOFT . TO+ 0 . 1904 . 1907 . 1977 ہرمک، ابوخالہ (بائی شہر بلخ) ج ۱ ص ۱۱۱۰ برنادت (زنوال) نرج ٣ ص ١٤٧٤. برنادت ، پادشاه سرد (شارل چهاردهمو سردار فرانسسه): ج ۳ص ۱۵۵۰، -1545 . 1045 . 1044 . 1040 برنارد ، پسر پپن (شاہ ایطالیا) : ج1ص · 177 · 175 · 177 برنارد یالیسی! ج ۲ ص ۸۲۱، برنس واپتزا آتشد: ج 1 ص ۵۳۷، برواء اميرال: ج 7 ص ۱۷۷۹ . بروسکی صاحب! ج ۳ ص ۱۶۴۵ . برون سلطان تکلو: ج ۲ ص ۲۶۰. برون فرانوواجان: ج ٢٠٥٢ م ١٩٩٢ .

. 750

برزالله خان زند : ج ۲ ص ۱۱۷۳ .

برهان الدين (قاضي): ج ٢ص٠٤٠.

برهان الدین (از علمای مصر): ج ۲ ص

. 1415

PAL

برهان الدين: بع ٣ ص ٨٥٤

یسطام (خارجی): ج ۱ ص ۱۲۸۰ بسطام خان زند: ج ۲ ص ۱۱۶۵۰ بسطام ، شوذب (از بنی بشکر) : ج ۱ ص بسطام بن عمرو (کارگزار سند): ج ۱ ص بسطامين عمروالتظيي (حاكمآذربايجان): ج 107 م بسکاویج: ج ۲ ص4ه۱۲۰ ہسکویچ(ژنرال \_ ): سردار روس: ج ۳ ص ۱۵۹۲،۱۵۸۱ ل ۱۵۹۲،۱۵۷۲، 11518-1509-1508-1695-1698 ہسیف : ج جس ۱۸۰۸ -یسیر (ژنرال - ): ج ۲ ص ۱۲۲۴۰ بسیل ارمنی (صاحب بلاد ارمن)، ج اص بشار بن برد (شاعر اعمی): ج ۱۵۵۵۰۰ بشاره (خادم سيف الدوله): ج إص٢٤٨٠٠ بشر افشینی(خادم): ج ۱ص ۲۲۵،۲۲۶ یشر بن جارٹ (زاهد ) ــــ بشرحافی، بشر حافیابنحارث (زاهد): ج۱۸۸۸۰۰ بشر بن صفوان (عامل)فریقیم ): ج ۱ ص ۱۱۲۰ بشر بن غياث المريسي: ج (ص ١٨٤٠. بشر بن مروان (برادر عبدالطک و والبی عراقین): چ ۱ ص ۸۹ تا ۹۱، بشر بن منذر البجلي (حاكم يعامسه):ج١ ص ۱۵۰۰ بشیر خان آغاباشی: ج ۳ ص ۱۹۲۴. بشیر بن داود (والی سند): ج ۱۳۸۸۰۰ ہشیر (برادر رافعین لیث): ج 1ص۱۲۰۰ بشير بن سعد الانصاري: ج ١ ص ٢٧، ہشیر بن عمرو ۔۔۔ ابوعمر بشیر ، بثير الطكخفل الله شاطر باشسي: ج ١

ص ۵۵۴ ج ۲ ص ۱۱۸۵ ج ۳ ص - TITY - T-TT

یشیر (میرزا ــ ) منشی سفارت عثمانیدر کردستان! ج ۱ ص ۵۲۶؛ ج ۳ ص

بصهبرا (بزرگ عجم): ج ۱ ص ۴۳، بطال ، عبدالله أبوالحسيس الانطباكى :

ج ا ص ۱۲۲۰ بطلمیوس: ج ۱ ص ۲۰۸۰۵۱: ج ۲ ص . 1440

بنا الشرابی: ج ۱ ص ۱۹۲، ۲۰۴۰۲۰۳. بنا' صفیر: ج ۱ ص ۲۰۲۰۲۰۵. بغاء کبیر (سردار): ج اص ۱۸۵، ۱۸۹،

-Too.194 .195 .198 .191 بنایری ـــ ایراهیم خان بنایری

بغراخان (حاکم فاریاب): ج ۱ص۳۱۷، بغراخان، محمد بن قدرخان یوسف: ج ۱ ص ۱۲۱۸ م

بفراخان، هارون بن سليمان ايلک خسان (سلطان ترکستان): چ ۱ ص۲۸۶، .TIT .TIT .TAY

بغری (یادشاء بلغار) : ج ۱ ص ۱۹۰. بقراخان (پسر سلطان غياث الدين صاحب دهلی): ج ۲ ص ۵۹۹.

بقراط: ج 1 ص 711.

بگاربنشریح (قاضی موصل): ج۱۳،۳۵۳، بگتاش (بکتش) خان (حاکم مرو): ج ۲

. TAK . TOP . TTP . OT.

بکتکین، ج اس ۲۸۱،

بکتمر (والی حبص) ا ج 1 ص ۲۰۸۰ بکتمر(از ادمالیک شاهر بن سکنان): ج۱

. \$17 . \$10 . \$0F . B

مکتون نج ا ص ۱۸۹، ۲۸۹۰ بکجور (غلام قرغویه): ج ۱ ص ۲۸۱ ،

· TAF · TAG

بکرات خان (حاکم گرجستان)؛ ج ۲ ص . 977

بگرأت میرزا: ج ۲ ص ۹۱۱.

بکرپاشا: ج ۳ ص ۲۰۰۳.

بكر بن حمران (قائل مسلمين عقيل) : ج ا ص ۸۱،

بکرسو (حاکم بغداد): ج ۲ ص ۹۱۲.

يكر بن عبدالله (معاون سراقه در فتسح بأب الابواب): ج 1 ص ۵۱.

بكربن عبدالله المزنى: ج ١٩١١،

بکمز (دکتر ۔ ): ج ۱ ص ۵۴۶: ج ۳ص

بكير بن عبدالله (سردار اسلام در فتــح آذربایجان): ج 1 ص ۵۱. بکیربن،ماهان: ج ۱ ص ۱۱۸۰۱۱۱۰۱۰

· 177 · 175 بکیر بن وساج (حاکم مرو): ج ۱ ص ۱۹۰ .40 .47 .41

بگجان بمیرمعصوم شاهبراد : چ ۲ح،۱۴۲۹، بگه اردلان: ج ۲ ص ۱۸۱۰ ۸۲۱۰ ہلال بن ابی بکرہ (ریاست قضاوت) ج 1

بلالبن ابىدردا انصارى (قاضىدىشق): ج 1 ص 101 ،

بلال بن رباح (مواذن حضرت رسول، : ج 1 ص 49.

بلانش کامتیل (مادر پادشاه و نسایسیب

السلطنه فرانسه) . ج ۱ ص ۴۵۲ -بلانکی (جمہوری طلب فرانسہ)؛ ج ۱ ص

٠٢٠٢٠ ج ٣ ص ٢٥٢٩٠ بلج (أمير اندلس): ج 1 ص ١٦٣٠.

یلج بن بشر العیسی! ج 1 ص ۱۲۳. بلکابل (امیر سلجوقی): ج ۱ ص ۲۵۰۰ بلک بن بهرام بن ارتق: ج ۱ ص ۲۵۶ء

ہلوخر (سردار پروس): ج ۳ ص ۱۵۲۵ ،

· 1011 · 1761 · 1761 · بلیق (حاجب): ج ۱ ص ۲۲۵ تا ۲۲۲۰. بليق (ابن \_ ) :ج ( ص ٢٤٥ تا ٢٤٢. بلیوار (یاغی ونزوئلا): ج ۳ ص ۱۵۳۸، بنان الطك سب حبيب الله خان مستوفى، ہنوای سیزدهم (پاپ): ج ۲ ص ۶۶۲. بنموتی (سفیر کبیر فرانسه در برلن) :

ج ۲ ص ۱۸۸۱۰

بنیاد خان هزاره: ج ۳ ص ۱۵۲۵٬۱۵۳۵، . 1044 . 1040 . 1044 . 1049

ہوازار: ج 1ص ۱۳۴۷ء

ہودا ( پیشوای بودائیان): ج۱ ص ۲۹، ہوداقاغلن چکنی: ج ۲ص ۸۷۷.

بوداق خان: ج ۲ ص ۱۱۴۸.

بوداقخان مکری: ج ۳ ص ۱۵۳۴ .

بوداق سلطان بن قلندر سلطان چوئسہ: . 954 W T E

ہودن (زوجہ پادشاہ انگلیس): ج ۳ ص · 1007

بودون (پادشاه مجاهدین عیسوی): ج۱ .TF. .TAF .TAG .

ہوریس (یادشاہ روس): ج ۲ ص ۸۹۵ء

.900

ہوزھاو (طبیب ھندی): ج ۲ ص۱۱۲۳، ہوسعد عثمان (از آل مرین مغرب): ج ۲ ص ۲۳۰،

بوسکه داندن: چ ۲ ص ۱۷۹۰. بوسو": چ ۲ ص ۱۹۸۲، ۱۰۰۳. بوعبدالله بلیسانی کازرونی: چ ۲می۵۹۸، بوعبدیل (شاه اسپانیا): چ ۲ می۷۳۲، بوعلی، احمد بن محمد (شارح حماسه): چ ۱ ص ۲۰۸۰.

بوغول کویانگ (پسر اوگتای فا آن): ج ۳ ص ۱۳۴۲ ۰

ہوئر: ج ۲ ص ۹۲۱ ، ہوئن (از علمای فرانسہ): ج ۲ص۱۱۲۸ : ج ۲ ص ۱۲۰۳ ،

ہوقا (پسر کلای): ج ۳ ص ۱۳۳۸، ہوقائمورخان: ج ۳ ص ۶۴۹، ہوکامان: ج ۳ ص ۱۷۹۱،

ہوکن ویل (مسافر دور دنیا): ج ہولو، سردار پروس: ج ۳ ص ۱۵۲۵۰ ہویہ دیلئی،اپی شجاع بن فناخسرو...:

ج 1 ص ۲۴۶ ۰

بہادرخان: ج ۲ ص ۸۷۲، بہادر خان بیگلر بیگی : ج ۲۳۳۳۳۰ بہادر خان، بیگلر بیگی جناعت درجزنی: ج ۱ ص ۵۱۸،

بہادر خان ، حسن خان سبزواری ، ج آص ۱۲۵۵

بہآدرخان درہ جزی ؓ: ج ۳٪ ص ۱۸۲۴ -بہادر شاہ (جانشین اوزبک زیبہ) ؓ: ج۲ص ۱۹۰۵ -

بهادر شاه: ج ۲ ص ۸۹۲، ۸۹۵ بهادرگجراتی:ج ۲ ص ۷۸۲، ۲۸۲، ۲۹۰، ۲۹۱.

بہادر میرزا: ج ۳ ص ۱۷۳۳ · بہادر میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ ص ۱۶۱۷ ·

بهادر نظام شاء: ج ۲ ص ۸۹۷، بهارند (شوهر ژوزفین): ج۳ ص ۱۴۴۰، بهازهیردورا (کاتب ملک صالح): ج۱ ص

بيها الدولة: ج ٢ ص ١٣٢٧: ج ٣ ص

بها، الدوله (حاجی – ): ج ۱ ص۲۰۵: ج ۲ ص ۱۲۴۰: ج ۳ ص ۲۰۲۱ ، ۲۱۴۰ ، ۲۰۸۴ بها، الدوله، ابوکامل منصور الاسدی (صاحب

حله): ج 1 ص ۲۴۱، بها الدول، ابونصرخاشاذین عضدالدوله : ج 1 ص ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۳ ۲۹۳۲۲۹۱،

۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۵. بها الدوله، ارسلان: چ ۱ ص ۳۲۶،

بها⁴ الدولة، ارسلان: ج 1 ص ۳۲۶، بهاٴ الدولة، بهمن ميرزا: ج ۳۳۰،۱۶۵۰

بها الدوله، ساسان میرزا∶ ج ۱ ص ج ۲ ص ۱۲۱۹: ج ۲ ص ۲۰۶۳.

بها؛ الدولة (حاجي ــ ) سرتيب أول ج ١ ص ١٢٠٠ ٥٠٠،

بها الدیناستیل (از حکامشبانکاره ) : ج ۲ ص ۴۲۰۰

بها الدين بن تاج: ج اص ۴۵۱،

بها الدین زکریایملتانی: ج ۲ ص ۶۹۵. معاد الدید ماه در شود:

بها الدين، سام بن شمس:

بہا' الدین شداد (قاضی عسکر ططسان صلاح الدین ): ج ۱ ص ۲۲۴۰

بها الدین، ظهیر الدین محمدالمهلبسی (منشی رسائل علک صالح): ج ۱ ص ۴۶۳

بهاء الدين عاملي (شيخ — ): ج. 7 ص ١٩٥٢ - ١٩١٥

بهاه الدين عبدالله بن عقبل: ج ۲۰ ص ۶۴۶،

بها الدین عبر ایروهی: ج ۲ ص ۲۰۵۰، بها الدین عبر فراهی (شاعر): ج۲ ص ۲۰۲۰

بها الدين، محمد بن الخطيب تقسى۔ الدين الطبری: ج ۲ ص ۶۲۶،

بها الدین (شیخ ـ ) پدر جلال الدین مرابق:ج 1 ص ۴۴۳۰

بها الدین نقشیند (خواجه ـ ) :ج۲ص ۶۵۸،

بها الملک (حاجی۔) : ج ۳ ص ۲۰۷۳، بها الملک، میرزا مصطفی خان: ج۳ ص ۱۸۵۹، ۱۸۵۹،

يها+ العلم والدين (شيخ ـــ ) : ج γ ص ۸۹۷ -

بهبود خـــان: ج ۲ ص ۹۲۲: ج ۲ ص

۱۳۶۹، ۱۳۶۹، بیرام بن ارتق (ماحب حلب): ج ۱ص ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۹۱، ۱۳۹۵، ۱۳۵۱، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸، ۱۳۸، ۱۳۹۸، ۱۳۹۸، ۱۳۹۸، ۱۳۸۸،

بهرامدیلمی(حاکم کرمان): ج ۱ص۳۱۹۰. بهرامثاه بن طغرل بیک بن قاورد بیک : ج ۱ ص ۳۹۸۰

- 1054

بهرامخان سرهنگ (رئیس کهنه لو) : ج۱

ص ٥٠٢ ج ٢ ص ١٢٢١ . ج ٢ ص

بهرامشاه بن فرخشاه عزالدین : ج ۱ ص ۴۰۶، ۴۱۳ .

بهراشاه بن مسعود غزنوی: ج ۱۳۲۵، ۲۸۴ تا ۲۸۴.

بهرام (منجم سلطان): چ ۱ س۲۲۴۰ بهرام میرزا (امیر زاده): چ ۲ س۲۸۲۰ ۱۹۲۰،۲۰۲۰،۲۶۲۰،۱۵۲۹: ۳ س ۱۹۲۹،۲۵۲۰،۱۶۳۳،۱۵۲۰،۱۶۲۹،۱۶۲۲۰

بهرام میرزا (پسر فتحطیشاه): ج ۳ ص ۱۲۸۴ ، ۱۶۲۲ ،

بهرام میرزا معز الدوله (پسر عباس میرزاد عمری ناصر الدین شاه): ج ۱ ص ۱۶۱۵: ۲ ص ۱۲۱۹: چ۳س ۱۶۱۷، ۱۸۱۲، ۱۸۱۹، ۱۲۹۷، ۱۸۷۲ ، ۱۸۷۲، ۱۹۷۵، ۱۹۵۵، ۱۹۷۶ ،

بہرام نمرانی: ج ۱ ص ۲۲۵۰ بہرام (میرزا ۔ ) اویس قنسول لنکران و سالیان: ج ۳ ص ۲۱۰۷۰

بہرتگ(کاشفہفازبرینگ): ج ۲ ص۱۹۲۱۔ بہریڈ: ج ۱ ص ۳۹۷،

بهزاد مصور: ج ۲ ص ۷۸۷. بهلول بن بشر شیبانی موصلی (کثاره) :

ج 1 ص 119ء بہلول پاتا خان ، سرتیب: ج 1 ح،۵۱۳:

3 7 2 A771 3 7 2 A761 .

بهلول لودی افغان (سلطان ــ ) :ج۲ص ۷۰۳، ۷۲۲، ۷۲۵.

بهلول مجنون: ج ۱۰ ص ۱۲۰. بهمن جاذویه (سردار عجم): ج ۱ص۹۳. ۲۸، ۲۹.

بهن میزانج جی ۱۶۲۹ ، ۱۶۲۲ ، ۱۶۷۵ ۱۶۸۲ ، ۱۶۸۲ ، ۱۶۷۲

بهمن میرزا بها الدوله: ج ۲ ص ۱۲۲۰. ج ۲ ص ۱۶۲۰ ۱۶۳۰ ۱۶۳۰، ۱۶۴۰. بهمن میرزا (پسر عباس میرزا وعمویناصر الدین شاه): ج ۱ ص ۱۵۵: ج آص ۱۲۱۹؛ ج ۲ ص ۱۶۱۷، ۲۰۶۳،

بهمن میرزا (پسر فتحطیشاه)) ج ۲ ص ۱۵۰۳

بيان قلى خان: ج ٢ ص ٩٩٧، ٩٩٩. بيان الملك: ج ٣ ص ٣١٤١. الملك: ح ٣ ص ٣١٤١.

بیان الملک، میرزا رضا: ج ۲ص ۱۳۵۵. بیان الملک (مائمور): ج ۱ ص ۵۲۹. بیانالملک،منشی باشی: ج ۲ ص ۱۳۹۷. بیبرس بندقداری صالحی، ملک ظاهر و ملک قاهر (سلطان معر): ج ۲ ص

طک قاهر (سلطان مصر): ج ۲ ۵۸۱ تا ۵۸۲،

بیجن خان: ج ۲ ص ۱۱۱۰ بیجنخان (حاجی ۔) : ج ۲ ص ۱۷۲۵. بیدا (پادشاء هند): ج ۱ ص ۲۹۲. بیدل دهلوی: ج ۲ ص ۹۱۹. بیرام اغلن ازبک: ج ۲ ص ۸۵۸. بیرام اوغلان: ج ۲ ص ۸۸۸. بیرام اوغلی: ج ۲ ص ۸۵۸. بیرام بیک: ج ۲ ص ۸۵۵، ۷۵۲. بیرام بیک: ج ۲ ص ۷۵۵، ۷۵۲.

ج ۳ ص ۱۳۶۴، بیرام بیک قرامانی: ج ۳ ص ۲۵۶، ۲۵۷،

بیرام پاشا (صدر اعظم عثمانی): ج بس

بیرام خان بھارلو: ج ۲ ص ۸۲۴. بیرام خان، خان خانان: ج ۲ ص۸۴۳. بیرامطی خان: ج ۳ ص ۱۴۴۳. بیرامطیقاجارعزالدین لو: ج ۲۳۳۳۳. بیرم اوغلان: ج ۲ ص ۷۸۸.

بیژن (کردندهٔ دوردنیا): ج۲ ص۱۱۶۷. البیرونی (صدر اعظم اسپانیول): ج۲ص ۱۰۱۳.

بیزمارک: ج ۳ ص ۱۸۶۸،۱۸۶۹،۱۸۶۸، ۱۹۶۰،۱۹۵۶،۱۹۲۰،۱۹۲۹،۱۹۰۱

بیزمارک (پرنس.۔ ) : ج ۱ ص ۴۸۸۰ بیزمارک (پرنس،) وزیر اعظم : ج[ص2۹۱. بیژن : ج ۲ ص ۱۳۱۹۰

بیژنخان گرجی ( حاجی۔) : ج7ص1 ۱۵۷ ۰ ۱۶۹۴ ۰

بيژن بنگيو: ج ٢ ص ١٩٤٨.

بیستون ( از ملوک رستمدار ) نج ۲س، ۲۹. بیستون (پسر وشنگیر بنزیار ) نج ۱ س، ۲۷. بیسوخان (از فرزندان هلاکوخان ) نج ۲ ص ۴۹۹،

بیسوکا بھادر (پدرچنگیزخان): ج ۳ ص ۱۳۴۳،

بيسومنگاين جفتاي خان بن هلاكوخان : ج ؟ ص ۶۴۹،

بیضاری (قاضی ہے) : ج ۲ ص ۵۹۹. بیغو ( پادشاد ترکیتان ) : ج ۱ ص ۳۱۳ ،

بیغو بن میکائیل بن سلجوق : ج1 ص 970. بیکرخان ذوالقدر : ج 7 ص 354. بیکفر ( حکیمیاشی نویخانه و فورخانه) :ج1

ص ۵۱۱ : ۲۰۸۰ : ۱۳۲۶ : ۳س،۲۰۸۰ بیگدلی (فرزند یلدوز): ج ۳ س ۱۳۳۰

> بیگدلیخان: ج ۳ ص ۱۳۴۰. بیگرخان: ج ۲ ص ۹۳۱.

- 1775

بیگلر خان چاپشلو ( حکمران درمجز): چ ۳ ص ۱۵۳۰ ، ۱۵۳۰

بیگمجان ( دختر فتعطیشاه ): ج ۳ ص ۱۶۲۵،

بینا (دکتر 🗕 ) ج ۲ ح ص ۱۵۲۳ ۰

بينج صاحب : ج 1 ص ٥٤٧.

ہیوک خان : ج 1 ص ۴۲۹ :ج۳ ص ۱۸۴۴ . بیوک خانافشار (نایب آجودانیاشی) : ج 1

ص۵۰۹ نج ۲ ص۱۲۳۰ : چ۲ص۲۲۵ م. بیوک خان اقبال الملک (سرتیپ اول افشار ) : ج ۲ ص ۱۹۳۴ .

ج ۲۰۰۱ ۱۹۲۲ . بیوگ خان ( سرکردهٔ سوارهٔ قراسوران) :

ج ۳ ص ۲۱۱۴. بیوک خان ، سرهنگ : ج ۱ ص ۱۴۵ : ج۴ ص ۲۰۷۶ .

بیوکخان ( سرهنگ فوج مخبران مقدم ) (ج۱ ص ۵۱۱) ج ۲ ص ۱۲۳۲، بیوکخانشقاقی ( یاور دویم ) ( ج ۱ ص۵۱۱)

ج۲ص۱۲۳۰ ؛ ج۲ص ۲۰۹۷ . بیوک خان ( ولد قاسمخان) :چ۴ص۲۹۲ . بیوکخان ( پسر محمد خان|میرتومان) :ج۲

ص ۱۲۲۹ ؛ ج ۳ ص ۲۰۷۳ . بیوک خان ( تایب دوم آجودانباشی) ؛ ج۳ ص ۱۲۳۲ ؛ ج ۳ ص ۲۰۷۷ .



بااولین : ج ۲ ص ۱۴۲۰ بااولینا : ج ۲ ص ۱۱۱۷ . باپ : ج ۱ ص ۱۱۶۰۸۲ ، ۲۳۲ ، ۲۳۲ ، ۲۳۲ ، باپ ، بل دویم : ج ۲ ص ۲۹۲ ، ۱۹۸۸ . باپ ، بی نهم : ج ۳ ص ۲۹۲۲ ، ۱۹۸۸ . باپ کشیشهای کاتولیکی : ج ۱ ص ۲۲۸ ، باترنستر (شاسر) : ج ۲ ص ۲۰۲۲ . باترنستر (شاسر) : ج ۲ ص ۲۰۲۱ .

پاراملس ( شبیست ) : ج ۲ ص ۲۹۷. پارکر : ج ۳ ص ۱۷۱۰.

پازکی ، حاجی علیظی خان : ج ۳ س ۱۹۹۴ ، پاسکال : ج ۲ ص ۶۸۸ ،

یاسکال دوم (پاپ ) : ج ۱ ص ۳۶۴. پاشاخانامین شوری : ج ۲ ص ۱۸۴۱ ۱۸۵۱ ،

پاشاخان امین صرہ: ج ۳ ص ۱۷۸۷ . پاشا خان امینالملک --- امینالملک ،پاشا خان ،

پاشاخان، پیشخدمت خاصد: ج۳ص ۲ ۱۸۲۰ پاشا خان خلخالی، یاور اول: ج ۱۹۵۱ ج ۲ ص ۱۲۲۲،

پاشا خان خمستای ، سرهنگ : ج ۱ص ۵۰۸. ج ۲ ص۲۹۰۲ : ج ۲ ص۲۲۰۲.

پاشا خــان سرتیــپ ( پسر حسینقلی خــان سرتیپ) : ج ۲ ص ۲۰۰۵.

یاشا خان شجاع|لملک: ج 7 ص ۱۸۱۵ . پاشاخانم ( دخترفتحطیشاه): چ ۳ص۱۶۲۷ .

پاشا خان ماکوئی: ج ۲ ص ۱۲۲۸ . ياشاخانمكري (مظفرالدولت) : ج٣ ص٧٥ ١٢ ء ' · 17 1 Y پاشا خان یوزباشی: ج 1 ص ۵۵۷؛ ج ۲ ص ١٢٩٥: ٣ ٢٠٠٠ ٢١٢٠. یاشا مشرف (میرزا۔ ) ج ۱ ص ۵۵۲، پامادوکا (دکتر ــ) حکیم سفارت∶ج ۱ ص ۵۳۲: چ ۳ ص ۱۱۰۵ -پاینده بیگم (شاهزاده ــ) ( عمه میرزا يادكار محمدين ميرزا سلطان محمدين ميرزا بايسنقر)! ج٢ ص ٢٢٥٠. پاینده خان افغان : ج ۲ص ۱۲۳ ۰ پاینده میرزا ازبک: ج ۲ ص ۹۱۶. پین (اتابکدکبر): چ۱ ص ۱۲۵،۸۸۰۲۲، یپن ( پسر شارلمن ): ج (ص199، ۱۷۳، پتامکن (سردار روس): ج۲من ۱۲۰۶. پترف یه ( وزیر اول منتنگرو) ; ج ۱ص۵۶۳، ج٢ ص ١٣٠٤ ٠ پتی : ج ۳ ص ۱۷۶۳ ۰ پچنه (فرزند یلدوز): ج ۳ ص ۱۳۳۲ . يدر پنجم : ج ٣ ص ١٧٩٩ . یدرو دویم ( امپراطور برزیــل ): ج 1 ص ۵۶۵ : ع ۲س۱۹۰۱ : ۳۳۵ م۲۱۵۲۰۳ پردلخان (برادر فتیحخان ) نج جس ۱۵۲ ۰ پرنس(صاحب کرگ) ؛ ج ۱ ص ۲۰۵، ۴۰۶، . 404 1404 پرنس استفانی : ج ۲ ص ۱۲۰۳ . پرنس الکماندرباتمبرغ (والی بلغارستان) : . ٢ ٠ ٠ ١ ٠ ٠ ٢ ٠ پرنس اورسپرک: ج ۳ ص ۱۹۹۲. پرنس اوڑن : ج ۲ ص ۱۱۲۰ ۰ پرنس بیزمارک: ج ۳ص۹۶۶ ۱ ، ۱۹۷۳ . پرنس پسکویج: ج۳ ص ۱۷۸۹ . پرنس دادیان : ج ۲ ص ۱۸۹۰ پرنس دالدنبورک: ج ۲ ص ۱۲۰۳ ؛ ج ص . Y . YA پرنس دالفورکی: ج ۲س ۱۹۱۲، ۱۹۴۱: ج ۳ ص ۱۹۷۹ ۰ پرنس درانژ: ج ۲ ص ۸۵۴، ۸۶۵،۸۵۵، · ልሃት *•* ልቃል

يرنس دکنده: چ ۲۰۰۸۵۶۰۸۴۴۰۰

پرنس دوگال: ج ۲ص ۱۶۶۴ ، ۱۹۴۳ ،

پرنس دولوشتاین: ج ۳ ص ۱۷۵۱ ۰

پرئس رودلف (ولیمهد نمسه) : ج ۳ ص -1117 برسر ورکا ( ولیعهدمنتنگرو) ،ج7ص ۲۱۵۰۰ پرنس ژڙم : ۾ ۲ص ۱۷۵۲ ، ۱۸۲۰ -پرنس ژول (یونان) 📻 🏞 ۱۸۷۰ پرنسس استفائی ( دختر شاطآستریه) : ج ۳ · ۲۰۲۶ . پرنسس الیزایت ( سویسی ) : ج۲ ص ۱۹۱۲ ۰ پرنسرداگنار ( دختر پادشاهدانمارک) آج۳ ص ۱۸۶۲ و ۱۸۶۹ پرنسس دلفورکی: ج ۳ ص ۲۰۱۴ ۰ پرنیس ژیزل ( دختر امپراطور اطریش) :ج۳ پرنسس مرسده ( دختر دوک دمونټپانيه) 🕯 -1984 PT & پرنس سوارت ، زن برگ ؛ ج ۳ص ۱۷۵۰ . پرئسس مارگریت 🗦 ج 🗠 ۱۹۸۷ -پرنس شارل (برادر امپراطور آلمان): ج جس پرنس شارل (پروس) 🗅 چ۳ص۱۲۲۰ س ۱۹۷۴ ق

پرنس شارل (پروس) : ' ج۲س ۱۲۲۰ ، پرنس شارل ( والی افلاق بغدان ) : ج ۳ س ۱۹۷۴ ، پرنس شارل آنفوان : ج ۳ ص ۱۹۰۶ ، پرنس شواستن برگو: ج ۳ ص ۱۷۱۹ ، پرنس شیکا : ج ۳ ص ۱۷۱۵ ، ۱۷۶۴ ، پرنس فردریکشارل (برادرزاده شاهبروس) :

ج ۳ ص ۱۹۶۹ ۱۹۷۷ - ۱۹۲۷ پرنس کارلین : ج ۳ ص ۱۲۰۲۰ پرنس کالین : ج ۳ ص ۲۰۲۹ - ۱۸۹۰ پرنس کرچاکف: ج ۳ ص ۱۷۸۹ - ۱۸۹۰

پرنس کنگ (صدر اعظم چین): ج ۳ ص ۱۸۲۴، ۱۸۶۲

پرنسگاگار : ج ۳ ص ۱۸۷۹ · پرنسگیوم : ج ۳ ص ۱۸۰۶ · سند لاسلت بهدهان تاریخ : ج ۳صنفا ۱۹۱۸

پرنس(لاویلت ،هوهن زلین: ج ۳ص۱۹۱۸ پرنس منچیکوف: ج ۳ ص ۱۹۳۹، ۱۹۲۶، ۱۹۷۷،

پرنس میرسکی: ج ۳ ص ۱۹۷۸. یرنس میلان (پادشاه سریستان): ج ۳ص ۲۰۵۱.

پرنسخاپلیون (پسر عموی ناپلیون سیم): ج ۳ ص ۱۲۹۹، ۱۸۰۱، ۱۸۰۹

۲۰۵۱، ۱۹۹۹، ۱۹۱۲، ۱۸۲۰، ۱۸۱۹ ۲۰۵۱، برنس نیکلای اول (پادشاه منتنگرو): چ۳ ص ۲۱۵۰،

پرنس وابیژا آتشد: ج ۲ ص ۱۲۶۵. پرنس هانری (پسر ولیعهد آلمان): ج ۳ ص ۱۹۹۸.

پرنسی (از وزرای فرانسه) : ج۳ص ۱۸۸۱ پروسکی خان (ملم زبان فرانسه) : ج ۱ ص ۵۴۵

پرویز خان (حاجی ــ ) سرهنگ: ج ۱ ص ۱۹۱۶:ج ۲ص ۱۳۲۱: ج ۲۳۵۵۰۳۰ پرویز میرزا (پسر فتحطی شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹: ج ۳ ص ۱۶۲۲۰

پرویز میرزا نیرالدوله (نواب – ): ج ۱ ص ۱۵۰۱: ج ۲ ص ۱۳۰۱: ج ۲ ص ۱۸۹۲: ۱۹۹۳: ۲۰۲۲: ج ۳ بری بی (شاسر): ج ۲ ص ۱۳۳۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵:

پریخان خانم: ج ۲ ص ۱۳۶۶، ۸۶۲، ۸۶۲. پرینین (ژنوال – ): ج ۳ ص ۱۳۲۴. پطر دویم: ج ۳ ص ۱۰۲۸، ۱۰۲۸. پطر سوم (تزار روس): ج ۲ ص ۱۱۶۵. پطر (کبیر): ج۲ ص ۱۹۹،۹۹۲،۹۹۹،۹۹۲،۹۹۲ تا ۱۳۵۱،۱۳۱۸؛ ج۲ ص

یل (امپراطورروس):ج۳س ۱۴۶۲۰۱۳۸۷ پل اول، یسر کاترین (امپراطور روس):ج ۳ ص ۱۴۴۰، ۱۲۵۹، ۱۴۶۲۰ پل پنجم (یاپ): ج ۲ ص ۱۹۱۲

پلنگ توش خان جلایر: ج ۳ ص ۱۶۰۳۰ ۱۶۰۴ء ۱۶۱۰

پناهخانجوانشیر: ج ۲ ص ۱۱۶۳،۱۱۵۶ بوران دخت (دختر خسرویرویز): ج ۱ ص ۲۳، ۲۳، ۳۳۰ می ۱۲۶۳،۱۲۶۰ بیران دخترحسرین سهل): ج ۱۳۶۲،۱۲۶۰

يوران (دخترحسنين سهل) أج 1س۱۲۶،۱۲۶ ۱۸۰

پوریشنگ: ج ۳ ص ۱۳۱۹ پوریای ولی ــــ پهلوی محمود خوارزمی پوریودیاس (رئیس جمهور مکریک): ج ۱ ص ۵۶۴: ج ۳ ص ۲۱۵۱

پوشکین: ج ۳س ۱۶۴۳ ۰

پولاک (دکتر ) ؛ ج ۳ ص ۱۷۸۲،۱۷۴۹، پولکونیک پطرکلوشن: ج ۲ ص ۱۱۸۶. پولکونیک مرزاویج (وکیل روس): ج ۳ · 1055 · 1047 0 پہلوان ابراهیم بزدی: ج ۳ ص ۲۱۱۸. پهلوان حاجي خوافي: ج ۲ ص ۶۶۱. پهلوان حسن دامقانی ( از سـربداران): پہلوان حیدر قصاب (از سربداران) ہے ؟ پہلوان قلی ططان اوزیک: ج ۲ ص ۲۹۲، پہلوان قبری: ج ۲ ص ۸۴۹، پهلوان کاتبی (شاعر): ج ۲ ص ۴۹۰. پهلوان محمدبن دکنز: ج ۱ ص ۱۳۹۰ء ۵۶۰ . 414.417.410.411.404.401 پهلوان محمود خوارزمی (فتالی) پوریای ولی: ج ۲ص ۶۲۰؛ ج ۳ ص ۱۶۶۹. پی پاپ پنجم: ج ۲ ص ۸۵۹. پیت (صدر اعظم انگلستـــــــــان): ج ۳ · 1447 · 1474 · 1454 · 1744 · پیت،کنت دکانام (سیاستبدار انگلیسی): - 1164 :1179 PT E پی دویم (پاپ): ج ۲ ص ۷۱۰. پیر ارمیت (قسیس عیسوی): ج (ص۱۹۲۸ پیر ان ویسه : ج ۳ ص ۱۲۲۹، ۱۲۵۶ ، پیر بداق (میرزا ۔ ) پسر میرزا جہانشاہ ترکبان: ج ۲ ص ۲۱۳، ۲۱۴، پیر بداقخان (بودافخان) پــــرناک: ج ۲ ٠٩٢٠ ،٩١٢ ، ٩١٢ ٠ ہیر بداؤخان قاجار (حاکم قندھار) ہے ج

ج ۲ ص ۶۵۶.

ص ۱۶۵۶.

· 475 · 476 ·

پیبا: ج ۱ ص ۵۶۲.

٠ ١٣٥٤ ٠

ص ۲۱۴۹.

ص ۲۲۲،

پير بوداق خان ترکمان: ج ڄمهوم.

پیرت شاناتس (وزیر اعظم سربی): ج ۲

پیر جمالی اردستانی (از عرفا): ج ۲

پیر حسین چوہائی (امیر ـ ): ج ۲ ص

تاتار خان بن مظفر خان: ج ۲ ص ۸۹۰. تاج: ج ۲ ص ۲۲۸. تاج بیک زادہ (از کتاب): ج ۲ ص۸۸۸. تاج الدوله (از ملوک رستعدار): ج ۲ ص .A47 .YTT تاج الدوله، الب أرسلان اخرس (صاحب

۵۰۰۱۰ پير ملطان خليفه روطو: ج 7 ص ۹۹۶. پير سوم: ج ۲ ص ۱۱۲۵ پیر علی تاز! ج ۲ ص ۶۷۰. پير ظبخان: ج ٣ ص ١٣٢٩ ، ١٣٢٩. ہیر قلی خان شامبیانی قاجار: ج س ص · 1777 - 1759 - 1708 - 1707 -100F پیر محمد جهانگیر (میرزا ــ ) حکمــــران بلخ: ج ۲ ص ۶۲۰. پیر محمدخان: ج ۲ ص ۱۸۲۰،۸۳۰،۸۴۷، پیرمحدخان بن جانیبیک: ج ۲م۸۴۸. پیر محمد خان (حاجب بلخ): ج ۲ ص پیر محمد خان علی سلطان اوزبک: ج ۲ - ልየል ው پیر محمد عمر شیخ (میرزا ـــ ) امیر زاده و حاکم شیراز: ج ۲ ص ۶۶۹. پیر محمد عمر شیخ ( میرزا \_ ): ج۲ ص . 994 ہیری بیک قاجار : ج ۲ ص ۲۵۵. پيزا (شاه ليستان): ج ١ ص ١٨٨٠ پیزار: ج ۲ ص ۷۸۲، ۷۸۷. پی ششم (پاپ): ع ۲ ص ۸۲۸، ۵۵۱، ٠ ١٢٨١ - ١٢٨٥ - ٣ ١٢٨٠ -. 1504 . 1501 . 1450 . 1405 پیشگرو (سردار فرانسه): ج ۲ ص۱۴۳۱، · 1777 · 1777

پیشیر: ج ۱ ص ۱۲۱ ۲۳. پیغو بنمیکائیلین سلجوق: ج 1 ص۱۹۳ .TT0 .T1T

یی هفتم (پاپ): ج ۳ ص ۱۴۷۴،۱۳۶۰، . 1090 · 1017 · 1717

تانز (دکترس) :ج ۱ ص ۲۸۷؛ چ ۳ص۱۶ ۲۰۱۰ تأيجو (پسرس): ج ٣ ص ١٣٢٨. تبان(پادشاه سیام): ج ۱ ص ۹۵۴. تبت آتای ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۳۲. تتالوین: ج ۳ ص ۱۷۷۸. تتلیک (خزانمدار) : ج ۲ ص ۵۹۴. تختمخان: ج 1 ص 910. تخماق سلطان: ج ۲ ص ۸۶۲، تدانمنگواین طفان(برادر منگوتیمور): ج۲

حلب): ج ۱ ص ۳۶۲،

علوی: ج ۱ ص ۹۷۵.

. TF4 . TAT . TF4.

باوند): ج ۲ ص ۶۳۷.

تام الدین شبیکی! ج ۱ ص ۶۴۴.

تاج الدين شاه: ج٢ ص ٨٩١.

ج ۲ ص ۶۲۳۰

تاج الدولد، يهرام نعرانى (وزير الحافظ

ناج الدوله، تنشين الب ارسلان سلجوتي:

تاج الدوله، يزدگرد بن شهريسيار (از آل

تاج الدين عبدالياقي اليعاني (شيخ ــ):

تاج الدين، على بن حبيب: ج ٢ ص ٥٩٢.

تاج الدين على شاه: ج ٢ ص ٥٣١.

تاج الدین فراری: ج ۲ ص ۶۰۲،

تاج الدين فيروز شاه! ج ٢ص ٧٢٢.

تاج الدين قسطلائي: ج ٣ ص ٥٨٤.

ص ۱۲۴، ۲۲۵، ۲۲۴،

بود): ج 1 ص ۲۴۵.

٠ ١٩١٠١٨٨ ٣

. 1449 : 14Y1

. 740. 750

- 10TT - 10TA

· 1577 · 1741

ص ۱۶۲۶ .

تاج الدين يلدوز (حاكم غزنين): ج ١

تاجلی بیگم (دختر فتحطیشاء): ج ۳

تاج الطک (در خدمت ترکان خواتــــون

تاج الطوکبوری بن ایوب: ج ۱ ص۶۰۶.

تأدر (زوجه تئوفیل امپراطور روم) : ج ۱

نادرس(شاء حبشه): ج ۲ص۱۸۳۱،۱۸۳۸

تاشفین بن علی(حاکم مغرب): ج 1 ص

تالران(تالراند)وزير ناپليون: ج ٣ ص

تالیراند (وزیر خارجه جمهوری): ج چس

1 0 Tfr .Tf1 .TT2 .TT7

س ۵۹۷۰۰ تدويليميسرآذفنس(سلطانقسمتي)زاسيانيا ): ع ا ص ۱۲۹٠ تذارق (برادر هرقل): ج ۱ ص ۳۷. ترابخانچکتی: ج ۲ ص ۱۱۶۵. ترجمان الهجيمي (عامل فارس) : ج 1 ص ترکانخواتون(زوجهٔ ملکشاه سلجوقی) اچ۱ . Tfy. Tfo. Tft . ترکینیافٹیننوج: چ ۳ س ۱۳۲۲، ۱۳۲۲ · 1757 · 1704 · 1777 ترمذی ـــــــــ ایوجنفرمحمد . . ترمشيربنځان: ج ۲ ص ۶۲۲،۶۲۲،۶۲۰، ترومسوف (سردار روس): ج ۳ ص ۱۴۹۴، - 10-T: 1794: 1795 تظق تیمورخان جفتائی: ج ۲ ص ۶۳۴، . 544. 544. 541 تظفشاه، غياث الدين محمد : ج ٢٠٠١ ٩٣٠. تظفشاه بن فتحفان فيروز شاه: ج ۲ ص تفتازانی(علامهـ): ج ۲ ص ۶۴۱، تقاويس(قونسولسويس): ج ١ ص ٥٣٤٠ تقی(میرزا۔): ج 1 ص ۵۵۴؛ ج ۲ ص تقی(میرزاسید...)از اجزای حاضر رکاب: ج · 1777 - 7 تقیآقا (حاجیمیر۔)ناجر تبریزی: ج ۱ ص ۲۶۵۰ ج ۲ ص ۱۲۵۱ ۰ تقیآقا (حاجی میرس)رزارت تجارت: ج۳ · ₹174 \* 177 ... تقى اعتمادالدوله(ميرزاـــ)وزير مازندران: . 900 : 9TY : 909 J & تقی(میرزا۔)از اجزای پستخانہ: ج ۳ ص تقی (میرزا سید-)تفرشی (از اربابظمو لشكر نويمان) : ج٢٠٤٨٠ ١٨٤٢٠٠ نقیخان: ج ۲ ص ۱۲۲۵؛ ج ۳ ص۱۵۲۰ تقیخان(حاجی۔): ج ۱ ص ۰۵۳۰ تقیخان(میرزا۔): ج ۲ ص ۱۲۶۹ ۰ تقیخان(میرزا۔)امیر کبیر: ج ۳ ص ۱۶۳۹

· 1891 · 1844 · 1844 · 1844 · 1844

· 1414.1414.1414.1414. 1649P

تقیخانبیگلربیگی فارس: ج ۲ ص ۱۱۲۹۰

تقیخان (میرزا۔)پسر مجدالمنگ (پیشخدیت خامعو منشی حضور) : چ۲س۱۹۹۷ . تقیخان (حاجی۔)تفتگدارخاصہ: ج ۲ ص ١٢٥٧ : چ ٣ ص ٢١١١٠ . تقىخان (مىرزاــ)حكىمباشى (سرتىپىدويم) : - 4144 - 1441 - F E تقیخان درانی: ج ۲ ص ۱۱۶۵ ۱۱۶۲۰ . تقیخان (میرزا۔)رئیس)داری وظائفواوقاف : ج ۲ ص ۱۲۲۰ . تقیخانزند : چ۳س۱۳۲۶۰ ، ۱۳۹۱ ، ۱۳۹۱ ، تقیخان(بیرزاب)سرتیپ حکیمساشی ظلل السلطان: ج 1 ص 666ء تقیخان(میرزا۔)سرتیپ دویم : ج ۲ ص . 1797: 179P تقبخان ( سرتیپ فوج) پنجم خولی) : ج ۱ ص ۵۱۰: چ ۲ ص ۱۲۲۲ . تقیخان سرهنگ؛ ج ۱ ص ۱۹۵ ؛ ج ۲ ص ٠٢٠٠٠ - ٣٠٠٨ ت ٢٠٨٠ ، ١٢٢٠ تقیخان ( میرزا \_ ) سرهنگ ( از ارباب مناصب): ج ۳ ص ۲۱۱۸، تقیخان شیرازی: ج ۲ ص ۱۱۴۱ . تقیخان فراهانی (میرزا ... ) منشی: ج ۳ ص ۱۹۹۰ تقیخان فراهانی ( میرزا ـ ) اتابیکاعظم، امپرکبیر. تقیخان کرمانی ( نایب آجودانباشی) ، ج۱ ص ۵۰۹، چ۲ ص ۱۲۳۰ :چ۳س۲۵۷۰ ۰ تقیخان ( میرزا ۔ ) لشکرنویس : ج ۳ ص تقیخان (میرزا ــ) مجدالملک اِم۳وس۲۱. تقیخان (میرزا ـ ) منشی: ج ۲ ص۱۲۹۷: ج ۲ ص ۱۲۲۱٠ تقیخان (میرزا \_ ) نایب : ج ۱ص۵۳۶. تقیخان ( نایب ایشیک آقاسی ہاشی) : ج ۳ تقیخان (میرزا…) نایب کل وزارت وظائف) : ج ۲ ص ۱۲۵۶ . تقیخان (میرزا۔۔)نایب ناظر عملہ کارخانہ : ج ۳ص ۲۱۴۲-

تقىالدينبنتينه: ج ٢ ص ٤٢٣. تقیالدین سیکی مصری: ج ۲ ص ۶۳۳. تقىالدين، عثمان(شيخــ)ابن عبدالرحمن (فقید و محدت): ج ۱ ص ۲۰۴، تقیالدین علی(علامهه): ج ۲ ص ۶۳۹، تقىالدين عمرين شاهنشاه بن ايوب ،طبك المظافر (برادر علاجالدين ايوبي) :ج T11. Flar Year Peteron pe 1 : AY4 . Y & تقیالدین محمد (امیر۔۔) : ج ۲ س ۲۴۷ ، تقیالدین (شیخــ)محمد فارسی: ج ۲ س تقىالدين محمود بن على الدقوقي: ج ٢ ص ۶۲۷. تقیالدین منصور بن فلاح یعنی: ج ۲ س تقیالدین همدانی: ج ۲ س ۶۲۰، تقی(میرزا\_)سر رشتمدار: ج ۱ ص ۵۰۵. تقی(میرزاسید...) : سر رشتهدار تقی(میرزا۔)سررشتمدار آذربایجان: ج1س 406 نج ٣ ص ٢٠٧٠. تقی(میرزا۔۔)شیرازی: ج ۲ ص ۲۱۱۲. تقی(مہرزا۔)ماحب منصب ادارہ یلیس:ج ۲ ص ۱۲۵۲: چ ۳ س ۲۰۹۷. تقی(میرزا۔)علی آبادی صاحب دیوان: ج ۳ س ۱۲۲۱ ۱۵۵۰۰ تقی(میرزا۔)عنوان نگار (ما مور خواسان) \* - 6TA @ 1 E **فقی(میرزا۔)لشکر نویس(پسر میرزا عصطفی** وكيل لشكر): ج ٣ ص ١٨٧٥. تقى(ميرزاسيد..)لشكرنويس(پيشكارگيلان): ع ٣ ص ١٢١٥٠ . تقی(میرزا۔)لشکر نویس تغرشی! ج ۳ س -1474 تقی(میرزا۔)مازندرانی: ج ۲ س ۹۲۸. تقی(میرزا۔)مباشر (از اجزای پستخانہ) ، ج · ۲۱۲۱ - ۳ تقى(ميرزاـــ)مستوفى(پيشكار ركن الدوله): 3 1 m Y70: 3 7 m seff. تقی(مبرزا۔)مشرف(صاحب منصب): ج ٣

٠ ٢١٢٢ ·

تکش(برادر طکشاه): ج ۱ ص ۳۳۸

تقیخانیزدی: ج ۳ ص ۱۳۹۶ ،۱۳۹۸ ،

تقیخان (میرزا۔)یوزباشی، ج ۱ ص ۴۷۱

· 1444 1714

تکثرین ارسلان بن انسزخوارزمشاه: ج ۱ ص ۴۵۵، چ کس ۲۲۲. توربنطفتكين ، تاج الطوك (ماحب دمشق) : ا . 419. 415. 417 تکش، علا الدین خوارزمشاه: ج ۱ ص۲۰۰۰. ج ۱ ص ۴۶۹ تا ۳۷۲. تكين (حاكم بخارا و سعرقند ) : ج (ص٣١٧. تورون: ج ۱ ص ۲۵۵ تا ۲۵۸. تکین (خادم): ج ۱ ص ۲۳. توسن ٔ ج ۲۰ ص ۱۴۶۶ ، توسن (رئیس باغیهای هایتی): ج ۳ ص تماس مور : ج ۳ ص ۱۹۵۱ . تبر: ح 1 ص 94. توسنت (رئیس سیاه پوستانجزیره هایتی) : تعراج (راجعه بیجانگر): ج 7 ص ۷۷۵. تمرتاشين ايلغازي بن ارتق ، حسام الــديـــن ج ٣ ص ١٢٥٢ . (صاحبماردین): ج ۱ ص۲۶۸،۲۶۷ توفیق افندی: ج ۳ ص ۱۷۹۶. توفیق باشا: ج ۳ ص ۲۰۰۹. · TAY · TAT · TYP تعرناشينچوپان(پسر ابير چوپان): ج ٢ توفيقياشا (خديومصر) : ج ١ ص ٥٥٢ ج . FTT 1 FT 1 FT . # ۳ ص ۲۱۵۱ . تموچين(چنگيزخانمفول): ج 1 ص 470، توقتمشخان: ج 7 ص ه١٩٥٥م٥٦ ١٩٥٩، . 660 . 668 توقتمورخان: ج ۳ ص ۵۹۰. توقتیمورخان (صاحب الوس جفتای): ج ۲ س تمورخان: ج ۲ ص ۸۸۴۰ تمیمہن،سیدبندعلج(حاکم بحرین): ج ۱ توکلخان: ج ۲ ص ۱۷۰۰. - 104 · 144 · تمیمبنمعز (حکمران افریقیه و شاعر) ; ج۱ تولکبهادر : ج ۲ ص ۸۴۸. . TOS: TTA J تومان[غا (آقا )دختر نامرالدین شاه قاجار : تعیم،ننصربنسیار: ج 1 ص ۱۲۹. 3 1 0 100 3 T W 1111. تناون(سردار مغول): ج ۲ ص ۵۹۳. تومان تايچو . ج ۾ س 1776 . تندیبیگ: ج ۲ ص ۷۵۴. تومان شام: ج ۾ من 117. تنثرين البارطلان ، تاجالدولمىلجوقى \_\_\_ تومنۍ يک: ج ۲ ص ۷۶۵. تونل (از رجال فرانسوی ) : ج ۳ ند۱۸۸۲ ۰ تاج الدولد. تنکز (نایب السلطنه شام) تج ۲ ص ۶۳۱. تونيس (رئيس جمهور كولمبي) . ج ٢ص١٣٠١ تنگیزخانمغول (فرزندششماغوز) : ج ۲ س ج ۳ ص ۲۱۵۳ . توونل(وزير خارجه فرانسه): چېس،۱۸۳۰ · 177A · AAA تنیمخان(پسرمحمدخانحاکمبلخ): ج ۲س تعادور (امپراطورقسطنطنیه): ج ۱ ص ۳۲۳، تیایوفرایاسوریونگسی(وزیراول سیام): ج۱ . A14. A17. A47 توذ: ج 1 ص ۴۱. س ۱۹۶۴ ع ۳ س ۱۹۱۱. توران[غا (دختر نامرالدین شاه) : ج جس

. 1715

تورانتبرخان: ج ۲ ص ۶۴۹.

تورأن شاه بن ايوب ، شمس الدولم (برادر

توران شاه صلاح الدين(سردار): ج ١ ص

توران شاه بنططان صلاح الدين ، ملكمعظم

تُوران شاء بن ملک طالح; ج ۱ ص ۲۵۲،

ع ۲ ص ۲۷۵،۰۸۵.

صلاحالدین): ج 1 ص ۱٬۳۹۰م-تــا

تيمورياشا (حاكم وان): ج ٢ ص ١٥٢٤،

تيمور سلطان: ج ۲ ص ۶۶۷تا ۲۵۹،۷۵۷.

تيمورشاء بن احمدخان: ج ٣ ص ١٤٤٢.

تیمورشاه بن احمدشاء افغان: ج ۲ ص

تيمورفاآن (نبيره قبلايفاآن): ج ٢ ص

تیمور ملکخان(بسر ارسخان): ج ۲ ص

تیمورمیرزا (از ارباب مناصب) : ج ۲ ص

۱۲۵۶ : چ ۲ س ۲۷۸۱ ۱۰۱۲۲۰

تيمورسيرزاحنا والدولميين حبام الدوات

تثودر (بادشاء جزيره کرس): ج۲ص،۱۹۳

نثوفل (اميراطور قسطنطنيه): ج١ص١٨٥،

تيمورميرزأ

7711

· 144

تينته: ج ٣ ص ١٧٤١.

١١٤٨ : ج ٣ ص ١٤٣٠ .

تيمورقتلق اوغلان ۾ ٢ س 696.

. 10TY

تيمورپاشاخان: ج 1 ص ۵۱۳.

تيمورتاترياشا: ج ٢ ص ٥٥٥.

تيمور ناه: ج ۲ ص ۶۴۹.

ئابتين ابراهيم حرائی صابی (منطبب) :ج 1 ص ۲۲۹٠ ٹابتالینانی(تابعی) : ج 1 ص ۱۲۲ . ئابتېنفحاک بن خليفالکلايي(ازامحاب شجره): چ ۱ ص ۷۴.

ثابتینعلی(میر۔): ج ۳ ص ۱۴۹۳. ثابت بن قره بنسنان المابي(طبيب) :ج ۱ ص ۲۲۳۰

ثابت بن قرهالصابی (ما حب تاریخ کامل) : ج۱ ص ۲۲۶،۲۷۴.

ٹابت بن قیس: ج ۱ ص ۵۸. ٹابت تن موسی(وزیر مالیہ ہارون): ج ۱ ص ۱۵۲۰۱۵۰ .

ٹاہت بن نصرین مالک (حاکم ثغور) : ج ۱ ص ۱۷۰ ،

تطلبيء ابومتمورسست ابومنصور . . . تطب: ج 1 ص ٣٤٣. موسور) :ج۲ص ۲۸۲۱ ۰۰۱۲۹۰ ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، . 1416 . 1404 تيزشاء، غيأث الدين (يسر علا الدين،محمد خوارزمشاه): ج أ ص ۴۴۲. تيلر: ج ٣ ص ١٤۶٤. تيمور (پسراحمدخان|يدالي): ج٢ص١١٥٤٠ تيموربهادرخان: ج 7 ص ٧٥٢. تیمور پاتا: ج ۲ ص ۱۰۳۳.

تیپوماحب (پادشاء دکن): ج ۳ می ۱۴۵۴

تیپوماحب (پسرحیدرعلیخانبهادر ، پانشاه

· 3700

ثطبه بن سلامه عجلي(والي اندلس): ج ۱ ص ۱۲۳۰ ثطبي(تعالبی).... ابواسحاق. شمال (شمل خادم) ؛ ج ۱ ص ۲۳۹،۲۳۵، ثمال بن مالح بن مرداس : ج ١ ص ٢٩٨٠ ٢٩٧ تعامعين وليد : ج 1 ص ١٥٢ . ثوابتینسلمٹالحدانی(امیراندلس): ج 1ص - 174- 17A ثوبان(غلام رسول الله(ص): ج ۱ ص۲۸، ٹوربنیزید: ج ا ص ۱۴۶، جاہان(سردار عجم) ؑ ج 1 ص ۲۹. جابرين اسودينعوف (حاكم مدينه ازجانب عبدالله بن زبير): ج 1 ص ٨٩٠ جابربجلی: ج ۱ ص ۷۲. جابربنتوبه<sup>)</sup> کلابی(حاکم بصره): ج ۱ ص جابرخان (حاجی۔): ج ۲ ص ۱۳۲۷ ؛ ج۳ · 1407 @ جابرخان(حاجی شیخس): ج ۳ ص۱۷۵۸۰ جابرخان نصر فالعلك (حاجيـــ) :ج1ص٧٥٥٠ جابرین عبدالله انصاری: ج ۱ ص۹۳۰۷۰. جابرین عتیکالانصاری: ج ۱ ص ۸۳۰ جابرعرب (آقا سيدے)وكيل شهبندرگردستان : چ ۱ ص ۵۳۶ ، چ ۲ ص ۲۱۰۷ ، جابرين يزيد الجعفى(از غلات شيعه): ج ۱ ص ۱۲۸ ۰ جاجمخان، ج ۲ ص ۸۵۱، جاخط ـــــ ابوعمران... جارودینمطی، آبوالمنڈر : ج ۱ ص ۴۲، جاریه بن رفاعه(امیر سپاه علی(ع)): چ۱ جاریه بن قدامه ٔ ج ۱ ص ۲۰۰۶۸، جاشد ۾ هياشد: ج 1 ص ٢٣٣٠ جالینوس(سردارعجم): ج ۱ ص ۲۰۰۲۸،

- 1 TA - < 1 TY 9

جان محمد بیک: ج ۲ ص ۹۵۹،

· 1411 جان محمدخان(حاكم أرومي) نج٣٣٥٠٠٠ جان مصدخاندولوقاجار! ج ۲ ص ۱۱۷۰ 3 7 W 7471 17971 18971 10171 · 175 · 174 · 1714 جان مصدخان (سرتیپ): ج ۲۵۲۲٬۰۲۰ جان،حمدخان،بيضالططنه (سرئسيسي، فوح خلجستان) \* ج 7 ص ۱۹۱۶. جان محمدخان قاجار: ج ۳ ص ۱۴۴۷، • 17A4 · 171A جان مکدان لد (سفیر انگلیس)؛ ج ۳ ص . 15 0 Y جانی بیک خان: ج ۲ ص ۶۴۱. جانیبیکخان(پسراوزبگخان، حاکمدشت قبچاق): ج ۲ س ۶۲۰،۶۲۵، جانی بیک سلطان: ج ۲ ص ۲۵۷ ، ۸۳۰ ، ۸۳۰ جاولی سقاوہ (حاکمموصل) : ج 1 ص ۲۵۸ ، · 454 · 454 · 454 جبار (میرزا۔): ج ۲ ص ۱۲۶۸ . جبار (میرزا۔)از اجزای بستخانہ ہے ۳ س -titt جبار (میرزا۔)تحویلدار: ج ۲ ص ۱۲۷۲، جبارخان، ج ۱ ص ۱۳۵۰ ج ۲ ص۱۲۲۵، جیارخان (از ارباب مناصب): ج۲ص۱۲۵۶ CONTRACTOR OF THE جبارخان (میرزاـــ) ویس قونسول ایروان) : ج ١ ص ٥٢٥: چ ٣ ص ٢١٥٧. جبار (حاجی میرزا۔)رئیس تذکرہ: ج ۳س . 1775 جبار قهومچی (آقا۔۔) : ج ۱ ص ۵۳۰ : ج ۲ ص ۱۲۵۲ : ج ۲ ص ۱۹۲۰ ۱۹۲۰ جبارہنمینا (از آل افضل): ج ۲۳٫۳۷۰، جبارناظمالمهام (حاجی میرزا۔): ج ۳ ص جبار (میرزا۔)نایب فراشکانه :ج۳ص۲۱۱۷، جبارقلیخان(سر کردهدسته انزانی): ج۱ ص ۵۲۳ ع ۳ ص ۹۲۳. جامانرا (اول ملوکجامیعدرسند ) : ج ۲ ص جبرائیل بن یحیی (والی سعرقند): ج ۱ · 100 · 177 · 174 0 جانخان،نديئي (حاجي...)حلالخور : جڄس

جان محمدخان: ج ۲ ص ۱۱۷۶: ج ۳ ص

ا جبرئیلخان (پسرعمطامخان): ج ۳ ص · 1717 جبرئیل خان(نایبآجودان): ج۱ص۹ ۵۰۰ جبيرينمطعمين نوفل القرشي: ج 1 ص ٢٣٠ جبيرين نفيرين مالكالحضرمي: ج 1 ص ١٢٠ جمظه برمکی(از اولاد یحیی برمکی): ج ۱ حن ۲۵۰۰ جدیع کرمانی(ما مور به قلمه تبوشکان): ج ۱ ص ۱۱۸٠ جرام بن عبدالله الحكمي (حاكمأرمينيه): ج ۱ ص ۱۰۹ <sup>تا</sup> ۱۱۱۱ ۱۱۲۰ جرجه (سردار روم): ج ۱ ص ۳۷، جرجیر (طک آفریقیه): ج 1 ص ۵۴۰ 🕙 جرجیس افندی (قونسول طرابلس شام) : ج ۱ ص ۵۳۳٠٠ جرهدالاسلمي: ج 1 ص ٨١٠.

جريرخطفی(شاعر): ج 1 ص ١١٣٠ جريرين عبدائله بجابي (حاكم همدان) : ج ص ۲۲،۶۲،۵۱،۳۹ جزار ـــ ابراهیم بن موسی...

جساسيين مرمين ڏهلين شيبان: ۾ ۽ س جستان(حاکم دیلم): ج ۱ ص ۲۰۲. جعده (دختر اشعث بن قيس الكندي زوجه

امام حسن مجتبی(ع)) تاج ۱ص۲۵۰۰ جعده بن هبيره البخزومي(ما مور على ع بر خراسان): ج ۱ ص ۶۲۰

جعفر (میرزا۔) : ج ۲ ص ۱۲۲۲٬۱۲۲۵ ۰ جعفر (میرزا سِید۔): ج 1 ص ۵۴۶: ج۲ ص ۱۲۶۸ ۰

جعفر (حاجی سید۔) : ج ۱ ص ۵۲۵ : ج۲ ص ۲۱۲۸ و

جنفر (حاجی سید۔)از علما طهران: ج۳ ص ۲۰۹۵ و

جعفرآقاكلاتي: ج ٣ ص ١٧٦٨٠١٧٦١٠ جعفر احبر، ابوشیبہ: ج 1 ص 1۵۵۰ جعفرینایاس: ج 1 ص ۱۳۲۰ جمفربرمکی: ج ۲ ص ۶۳۱، جعفر بیک استاجلو: ج ۲ ص ۸۳۹، جعفر (میرزا۔)از اجزای پستخانہ: ج ۳ ص

جعفرتفرشی (میرزات)منشی، ج ۲ ص ۱۲۵۰ ۰

جبرئيلخان(پسر آقا لرخان گرجي): ج٣

جبرئیل(فرشته): چ ۱ ص ۲۱۸۰

ص ۱۲۵۴ ۰

جنفر بن ابی جنفِر منمور: ج 1 ص 141 · 177 جعفرچالمیدانی(حاجی ملا۔): ج ۳ ص . 1997 جعفر حکیمہاشی (حاجی میرزا۔): ج ۳ ص · 7141 جعفرحکیمیاشی (میرزاسید۔)رشت : ج ۲ ص جعفر حمزہ کلائی مازندرانی(میرزا۔۔) ' ج ۳ ص ۱۵۶۷ ۰ جعفرينحنظه بن بهرانی (والیخراسان): - 177 · 170 o 1 = جعفرخان: ج ۲ ص ۱۴۵۷ . جعفرخان(مبرزا۔.): ج ۱ ص ۵۴۵. جعفرخاناستاجلو: ج ۲ ص ۲۰۰۵. جعفرخان|میرتومان: ج ۳ ص ۱۸۵۹ . جعفرخان بیات (حاکم نیشا بور) :ج۳س۱۴۳۲ ، · 1757 · 1704 · 1704 جعفرخانبيگقراجنداغي (نايب فراشفانه) : - T117 - T E جعفرخانبیکخراداغی: ج ۲ ص ۱۲۶۸. جعفرخان(حاکم نیشاہور)\* ج ۳ ص۱۲۵۲. جعفرخان رئيس تلگرافخانه زنجان. ۾ ٣ جعفرخان زند (ولد صادقخان): ج ۳ س 1247 - 1244 - 1244 - 124 . 1475. 1400 51401 جعفرخان (سرکردہ جماعت عبدالملکی) ہج ۱ ص ۵۲۱: ج ۳ ص ۲۰۹۰ جعفرخان(سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸؛ ج ۲ · 1041 0 جطرخانسرهنگ (تومان اول فوج ۴ تبریزی ) ; - 1777 J T E جعفرخان (سرهنگخارجفوج): ج۲ص۱۲۲۹. جعفرخانسرهنگ (فوج تخته قابو) کے وس ٨-٥: چ ٢ ص ١٢٢٩ :ج٢٠٠٢٠٠٠ جعفرخان(میرزا۔)سرهنگ: ج ۳ ص ۱۸۸۲. جعفرخان(پسرعباسميرزا): ج ۳ ص۱۶۱۷. جعفرخان عرب عامری بسطامی: ج ۳ س

جعفر (میرزا۔)عزب دفتر: ج ۱ ص ۵۰۰. جعفر (میرزا۔)عزب دفتر: ج ۱ ص ۵۰۶. جعفرخان (برادر فتحملی خان(حکسران

سیستان): ج ۲ ص ۱۰۰۶. جعفرخان مشیرالدوله (میرزات): ج ۳ ص ۱۶۲۲، ۱۶۲۲، ۱۶۶۵، ۱۶۶۱، ۱۶۲۷، ۱۸۱۰، ۱۷۳۲، ۱۶۹۴، ۱۶۹۲، ۱۸۱۱ ۱۸۴۳، ۱۸۴۲، ۱۸۴۱، جعفرخان مهندس باشی (میرزات) متہر

الدوله: ج ۳ ص ۱۶۶۶، ۱۶۶۶. جعفرخان (میرینجه): ج ۳ ص ۱۷۲۹. جمفرخان (میرزاب) ناظر مدرسه دارالغنون: ج ۱ ص ۱۹۴۵؛ ج ۳ ص ۲۱۳۰ جعفرخان (میرزاب) نایب الحکومه ملایسر: ج ۲ ص ۱۹۱۷.

جعفرخان نقاش(میرزا۔): ج ۲ ص ۱۲۷۸. جعفرخاننیشابوری: ج ۳ ص ۱۴۳۲. جعفر خیاط: ج ۱ ص ۱۸۶۰

جعفر(میرزا سید..) دفتر اداره خزان...: ج ۳ ص ۲۱۱۱۰

جعفرین دینار (والی یعن) : ج ۱ ص۱۸۷، ۱۹۰۰

جعفر (میرزا۔)روزنامه نویس: ج ۱ ص۵۵۳. جعفرینسلیمان(والی بدینه): ج ۱ ص۱۳۲۰

جنفرمادی(ع)(امام...): ج۱ ص ۱۴۳،۹۶: ع ۲ ص ۱۱۱۶۰

جعفرصافی اصفیانی(میرزا۔): ج ۳ ص

جعفرین[بیطالب: ج ۱ ص ۲۸. جعفرالطیالسی(محدث): ج ۱ ص ۱۶۴. جعفرین عبدالواحد (قاضی القضات): ج۱ محفورین عبدالواحد

جعفر (میرزا۔)عزب دفتر: ج ۳ ص ۲۰۶۹. جعفرین عمرو بن امیہ ضمری: ج۱ص۲۰۳. جعفر (آقامیرزا۔)قونسول مسکو: ج ۳ ص ۲۱۵۷.

جعفر (آقاشیخ۔)پسر حاجی شیخ محمد (از علماء طہران): ج ۱ ص ۵۲۵: ج۲ ص ۲۰۹۵.

جعفر(غلام محمد بن ابراهیم}: ج 1 ص ۱۷۷ء

جعفرینمحمدیناشت (حاکم خواسان) : ج۱ ص ۱۵۸ -۱۵۹ -

جعفرین محمدخلدی (صوفی از اصحاب چنید ) : ج ۱ ص ۲۶۴ ،

جمفرستوفی(میرزا۔) : ج ۱ ص:۵۲۹ : ج۲ ص ۲۱۰۰ جعفرمستوفی مخصوص (میرزا۔) : ج ۲ ص

جعفر (میرزا۔) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۳، جعفرین المعتصد ، المقتدر باللہ (خلیدف، عباسی): ج ۱ ص ۲۲۲،۲۲۳،۲۲۸، ۲۲۲،۲۲۲۸

۱۲۹۷ ؛ چ ۳ ص ۱۲۱۲۰

جعفر (میرزا۔۔) منشی ادارہ خزانہ: ج و ص ۵۲۵ ج ۳ ص ۲۱۱۱ -

جعفر (میرزاد)منشی تقرشی: ج۳ص۲۰۹۰. جعفر (میرزا سیدد)نایب فراشخاد: ج۳ص ۲۱۱۲۰

جعفرنجفی (شیخس)از اجله علماه : ج جس ۱۲۸۳ ، ۱۲۸۵ ،

جمفرنوری (میرزا۔)سر رشتمدار دفتر لشکر: ج ۲ ص ۱۳۲۴: ج ۳ ص ۲۰۶۸ جمفر (میرزا۔)وزیر کریمخان زند: ج ۳ ص ۱۳۵۴

جعفر(وزیر هشام اموی): ج ۱ ص ۲۰۵۰. جمفر وفایع نگار(میرزا۔): ج ۱ ص ۴۶۲: ج ۳ ص ۱۹۷۱،۲۰۰۷.

جعفر بن یحییین خالد برمکی: ج ۱ ص ۱۶۸۰۱۶۲۰۱۶۴۰۱۶۳۰۱۶۹۰۱ جعفر فلی بیگ (از اعضای کالسکه خانه): ح ۳ ص ۲۱۳۷۰

جعفرقلی بیک مرندی ، یاور: ج ۱ ص۱۵۰. ج ۲ ص ۱۲۳۱ کج ۳ ص ۲۰۷۵.

جعفرقلیخان: ج۳ص۱۶۹۳،۱۶۸۶،۱۶۹۳،۱۶۹۳، جعفرقلیخان(نبیره ابراهیم خلیل خسان جوانشیر): ح ۳ ص ۱۴۷۵،۱۴۷۵،

جعفرظیخان(پسراعتمادالدرله): ج ۱ ص ۲۳۰ ۲۱۱۰۰ ج۲س ۱۲۵۴: ج ۲ ص۲۱۱۰ جعفرظیخان(نواده امامقلیخان) ج ۲س ۲۷۰

جعفرفلیخان|میرنومان: ج ۳ ص ۱۸۶۰. جعفرفلیخان(بختیاری): ج ۳ ص ۱۶۶۰. جعفرفلیخان(پیشخدمتحضور): ج ۲ ص ۱۱۹۲.

جعفرظیخان ترشیزی: ج ۳ ص ۱۶۰۷. جعفرقلی (میرزاــ)ازاعضای حکومتیلرستان:: ج ۳ ص ۲۱۴۳.

جعفرظیخان دنبلی: ج ۲۳۲٬۱۲۴۲،۱۲۴۲

. 1777 - 1771 - 1759 - 1707 - 1779 جعفرقليخان (پسر رضاقليخان هدايت): . 1440 U T E جعفرةلىخان(رئيس دارالفنون)؛ ج ٣ ص جعفرقليخان(ولد حاجي سعدالدوله) : ج1 جعفرتلیخان(دسته ساروی): ج 1 ص ۵۲۳ ع س ۲۰۹۲. جعفرظیخان(سرتیپ اول و رئیسهدرست دارالفتون): ج ۱ ص ۵۶۵٬۵۴۹: ج ٢ ص ١٢٧٤ ك ج ٣ ص ١٨٥٧ -جعفرقلیخان (سرحددارانزلی) : ج ۳ ص . 1794 جعفرظیخان سرهنگ: چ ۳ ص ۲۰۲۳، جيفرقليخان (حاجي۔)سرهنگ: ج ١ ص ۵۵۳ ج ۳ س ۲۰۹۱-جعفر قلیخان(حاجی۔)سرهنگ جمساعست اصائلو: ج ۱ ص ۵۲۲ -جعفرقلیخان (از سرهنگان خارج فوج): ج ۲ ص ۱۲۲۹ . جىفرقلىخان، سپامالدولە: چ7ھ1810 • جمفرقلیخان شادلو ایلخانی: ج ۳ ص 1844 1840 1844 1844 1844 · 14+7 · 1747 · 1744 · 1741 جعفرتلیخان شقاقی: ج ۳ ص ۱۴۴۲۰ جعفرقلیخان (غلام بچه باشی): ج ۳ ص جىفرىلىخان(برادر آقا محدخان قاجار): ا 17AY: 17A0 517A1: 17900 7 2 1749: 1797: 1797: 1791: 17AA · 1717 · 1717 · 1707 · 1706 61701 جعفرقلیخانقاجار: ج ۳ص ۲۱۲۷۰۱۷۱۳ ، جعفرقلیخانقراجه داغی: چ ۳ ص ۱۶۹۲ ۰ جمفرتلیخانکابلی: ج ۳ ص ۱۲۵۹۰ جمفرظىخان (ولدميرزامحمدخان لاريجاني) : ج ٣ ص ١٥٠٤٠

جعفرظیخانبنمحمدحسینخان؛ ج ۳ ص

جعفر قلیخان (پسر مخبرالدوله): ج ۳س

جعفرقلیخانمراغمای: ج ۳ ص ۱۵۳۴ -

· SATT

جعفرظیخان مقدم: ج ۳ ص ۱۵۷۷ ، جىفرقلىخان مىرىنجە: ج ٣ م، ١٧١٥ / · 1714 جعفرقلیخان(نابب ایشیک باشی): ج اس جىفرتلىخان (ولدنجفظىخانشادلو) . ج ص ۱۶۱۴،۱۶۱۰ م جعفرظيخان نصرت الملك: ج ٢ص١٨٢٣٠، جعفرظیخان نوائی 🖰 ۳ ص ۱۵۵۲ -جنفرقلیخان (پسرنورمحمدخانسرتیپ) ج ١ ص ٥٤٠٠ ج ٢ص ١٢٧٠٠ جمفرقلیخان(ازهمراهانشامدر سفر اول به اروپا): ج ۳ ص ۱۹۴۰. جيفرقليخانهراتي، ياورا ج 1 ص ١٥٥٠ ج ٢ س ١٢٣١ : چ ٣ س ٢٠٧٥٠ جفتای بہادر: ج ۲ ص ۷۷۲، جفتای خان بن چنگیزخان: ج 1 س۴۴۹: - 1774 · 1775 · 1777 · 7 7 جفتای خان بن هلاکوخان: ج ۲ ص ۶۴۹، جکرمش: ج ۱ ص ۲۵۸۰ جلال بخاری (سید\_)بخاری: ج ۲ ص ۶۲۹، جلال الدوله: ج٢ص ١٨٩٩ ،٢١٢١٠٢٥٢٠ جلال الدولية (شاهراتية) (حاكم خراسان) :ج١ ص ۵۵۸ ، ۳ ص ۱۸۹۲ ، ۱۸۹۳ ، -1107-190F جَلالِ الدولة (از علوك استمدار) \* ج ٢ ص (35-1-1997) 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 1999 1 جلال الدوله ، ابوطاهر بها ّالدوله بن عضد الدولة" ج ( ص ۲۰۶،۳۰۶ ۱۳۱۸،۳۱۰ جلال الدولم، سلطان حسين ميرزا يسر ظــل السلطان(سرهنگ): ج ۱ ص ۵۱۶؛ ج ۲ سالدا ۱۸۱۱ ۱۸۱۱ ۱۳۴۱ ۲۳۱۰ ت \* TOST . TOTA : TOT1 . TOOA . T

جلالالدين بن بهاءالدين مام: ج ز ص جلال الدين بياني: ج ٢ ص ۶۲۸، جلال الدين (حاكم بار فروش): ج ٢ ص جلال الدين حسن (ماحب الموت، بزرگ جلال الدين خلجي: ج 7 ص 6٠١٠. جلال الدين شاه شجاع: ج ٢ ص ۶۶۱، جلال الدين (از حكام شبانكاره): ج ٢ جلال الدين عبيد الله: ج ١ ص ٢٠٩٠.

جلال الدين علامه دواني (ملا۔): ج ٢ ص جلال الدين فرودشاه (شايسته خان): ج٢ جلال الدين فزويني: ج ٢ س ٧٣١٠ جلال الدين (از طوک گيلان) : ج ٢ ص جلال الدين محمد : ج ۲ ص ۲۲۰۰ جلالالدين، حمداسترآبادي: ج ۲ ص ۲۶۰، جلال الدين محمد بلخي رومي (مولوي) : جلال الدين محمد باشاحيان اوغلي: ج ٢ جلال الدين (شيخ): ج ٢ ص ٧١٥٠

• 1661 • جلالالدين نحيدين عبدالرحين(قــاضــي القضاء دمشق) : ج ٢ص٤٢٩٠٠٤٠ جلال الدين محمود : ج ۲ ص ۸۲۲۰ جلالالدين محمود فلندر: ج ٢ ص 65%. جلال الدين ميرزا: ج ٣ ص ١٢٩٨ - ١٧٣٨ -جلال الدين ميرزا احتشام الملك : ج ٣ ص

- AT- w T = : 641

اسماعیلید): ج ۱ ص ۲۳۵۰

ص ۶۴۰ م

.595,594,500 0

جلال الدين ميرزا (سركرده جماعت كلياشي): ج ١ ص ٥٢٢: ج ٢ ص ٩٢٠-٢٠ جلال الدين ميرزا ، پسر عماد الدوله نايب آجودانیاشی): ج ( ص ۵۰۹: ج۲ س ۱۲۲۹ ، ۱۲۳۰ ؛ چ ۳ ص ۲۰۷۳ ،

جلال الدين ميرزا (پسر فتحمليشاه): ج ٣ -19TT or جلال الدين ميرزا (يسركامران ميرزا افغان) :

ج ٣ ص ١٩٤٢م١٩٤٠٠

جلال الدين افندي: ج ٣ ص ١٥٠٩٠ جلال الدين اكبر ج ٢ ص ٨٣٠٠٨٢٠ \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جلال الدين ابوسعيد بوراني: ج ٢ ص ٧٤٢٠

جلالالدين ابويزيد بوراني: ج ٢٠٨٠/٠٠

جلال الدين احمد شاه گيلاني: ج ٣ ص

. 4 144 . 10 40

جلال الدين مينكبرلي (سلطان...) بسر علاء الدين محمد خوارزمشاه: ج 1 ص . 444 6 440. 444 6 445. 444 ص ۲۲۸. جلال الدين نسوي (ماحب تاريخ مفول) : . TTT - 1 E ۵۲۵ : چ ۲ س ۴۰۵۲، جلال الدين يوسف اردبيلي: ج ٢ص٩ ٥٥. جلالالدین یوسف اوبیهی: ج ۲ ص ۶٫۲۹. جلال الملك ، ابوالحسن عمار (حاكم طرابلس): (قاضی دمشق) : ج ۱ ص ۲۲۰، .TTT. 0 1 E

جلمان (خاقان، خادم رشید): ج 1 ص

جلندی(پدر جیفروعیاذ)! ج ۱ ص ۲۷. جلندی (از رهبران خوارج) : ج ۱ ص۱۲۴۰ جلیقی: ج ۱ ص ۲۰۹۰،۹۰۹.

جليلالله ميرزا خمستای (ياور اول): ج۱ ص 411 ه

جليلخان (سرنيپ فرچھفتم شقاقي) 🗧 ڄ1س ۵۱۰؛ ج ۲ ص ۱۲۳۲؛ ج ۳ ص

طيل ميرزا (از ارباب مناصب عبدالعظيم): . TITI 0 TE

جليل ميرزا (رئيس): ج 1 ص ٥٥٥٠ جم (برادر ططان با بزید خان دویم):

ع ۲ ص ۲۲۷ تا ۲۲۷،۱۲۲۹،۹۲۲۰ جمال فومنی(حاجی۔): ج ۲ ص ۱۵۴ . جمال بیک: ج ۲ ص ۱۹۳۹.

جمال الدوله، اقبال الخاتوني(پيشــكــار ملک ناصر یوسف): ج ۱ ص ۴۴۵.

جمالالدين ايوجنفر محمدينعلى اصفهاني (وزبر قطب الدين مودود زنگى) ؛ ج 1ص

جمالالدين ابوعبدالله محمد الجسيساني النحوی(شیخے): ج ۲ ص ۵۹۱.

جمال الدين احمد جوزقاني: ج ٢ص٥٨٩٠٠ جمال|لدین احمد یعنی(قاضی۔): ج ۲ص

جمال/لدین اقبال(پیشکارنامر): ج ۱ ص

جمال|لدین اقوش نجمی(نایب کرک): ج T W PACITYS.

جنال الدين خفر (يسر ملك ظاهربيبرس) : ج ۲ ص همو.

جمال الدين زرعی: ج 7 ص ۶۲۱، جمالالدين عطاءالله (ميرسا)محدث: ج٦

جعال الدين مالكي: ج 7 ص ٥٩٩. جمال الدین (آقا۔)مجتہد بروجردی: ج۱

جمال الدين محمد بن توريءً ج1ص٣٧٧. جمال الدين محمد بن عبد اللمبن قاسم شهرزورى

جمال الدین محمود شیرازی: ج ۲س۴میر. جمال/لدین محمود مرغایی: ج ۲ص۵۹۱. جمال الدين مطهر (علامه حلي) شيعي:

ج ۲ ص ۲۲۲،۶۲۲، جمالفومنی (حاجی۔) : ج ۲ ص ۱۲۸۴ . جمال الملک منصورين نظام الملک 🚊 ۾ ۾

ص ۳۳۹، جمالی دهلوی (شاعر ) : چ ۲ ص ۹۶۶.

جعشید ترگ = اغوزخان (پسر ششم ترک

بن یافشین نوح): ج ۲ ص ۱۳۲۷. جسيدخان: ج ۲ س ۱۳۳۷.

جمشیدخان (حاکم بسطام): ج ۲ص۹۸۶، جمشیدخان (سرتیب اول) : ج ۳ ص ۲۰۷۱. جشیدخان (برتیپ توپخانه) نے ۳ س

JAAA جشیدخان (سرتیب دریم) : ج ۱ م۰۷۵. جعشیدخان ،پسرحاجی اردشیرخان (سرهنگ)

Up To The Total جعشید سلطان کرجی: ج 7 ص ۹۲۲.

جعشيدميرزا (يسر بهمن ميرزابها الدوله)!

ج ۱ ص ۵۰۲: ج ۲ ص ۱۲۲۰: ج۲ ع ۲۰۶۴.

جعشید میرزا (صاحب جمع ) : ج ۱ ص۵۲۷ أ

3 7 ° 70 7071: 3 7 ° 70 9707. جمهورین مرارالتجلی؛ ج ۱ ص ۱۳۲،

جناحالدوله: ج 1 ص ۲۵۲،۳۴۸.

چنادهبنابی امیهٔ ازدی (فاتح جزیرهٔ روس):

3 1 W AY+OA+7A+7P. جنگسوخان (صاحب ماورا۱۰النهر) ٪ ج 7 ص

جنگیخان! ج ۲ ص ۶۲۹.

جنید: ج ۱ ص ۲۶۵،۲۴۸،۱۴۹.

جنيدينزهيره (اميرسياءعلي (ع)درصغين) : 5 f @ 19.

جنيدين عبدالرحين مرى والى خراساناز جانب هشام اموی): ج ۱ ص .1156117:111:11: چنیدین محمد ، ابوالقاسم (صوفی بغدادی):

> ج ۱ ص ۱۳۰۰ جنی صفوانی: ج 1 ص ۲۳۵. جواد (میرزا۔) ؛ ج ۲ ص ۱۲۹۶.

جواد (حاجی سید۔) امام جمعه کرمــان:

ج ۲ ص ۱۸۱۰. جواد (میرزا۔) از اجزای پستخانه: ج جس

جواد (میرزاس)(رئیستلگرافخانندرعربستان): ج ۳ ص ۲۱۳۵ و

جوادبیک، آجودان دویم (دفتر رسوم } : -- T10 T017.

جواد بیگ(نایب اول شتر باری): ج ۱ص ۵۵۲: ج ۳ ص ۲۱۱۳۰

جواد خان: ج ۳ ص ۱۷۲۶.

جوادخان (میرزا۔) : ج ۳ ص ۱۸۳۳ ، جوادخان (ولد اسکندرخان قاجار) : ج ۳ ص ۱۲۲۸ ۰

جوادخان بادکوبتای: ج ۳ ص ۱۷۱۴. جوادخان زیادلوقاجار (حاکم گنجہ) : ج ۳ ٠ ١۴۶٨ ٥

جوادخان (میرزا۔)سرئیپ : ج ۳ ص ۲۰۲۶

جواد (میرزا۔)خانسرتیب (رئیستلگرافخانہ آذربایجان): ج ۳ ص ۱۹۵۲،

جوادخان (میرزا\_)سرهنگ: ج۲ص۱۸۸۴. جوادخان فاجار (بیکلرہیکی کنجہ) : ج ۳

جواد (میرزا۔۔)خان (کارگذار استسرآباد):

ج ١ ص ١٣٤٠ ج ٣ ص ١١٥٥٠ جوادخان گنجفای: ج ۳ ص ۱۴۶۹.

جواد (میرزا۔)خان (ما مورحمل متعه ایران

یه پاریس): ج ۳ ص ۱۹۷۲، جوادخان (میرزا۔)ستشار : ج ۱ ص۵۲۲.

جواد (میرزا۔)خان (نایباولدفترنجارت ) :

. TIOT OF T E

جواد (میرزا۔۔)خان (نایباولوزارتخارجه): ج ١ ص ٢٥١: ج ٢ ص ١٢٥٨،

جواد (میرزا۔)خان (نایب کارپرداز): ج ۲ ص ۱۲۱۰۵

جوینی ـــــ عبدالله بن یومف جواد (میرزا۔۔)غلام پیشخدمت: ج ۳ ص جهان بيگلو: ج ۲ ص ۱۳۲۴ . · 15 AY جهانسوز خان ، ج ۲ ص ۱۷۲۸ ۰ جواد (ميرزاــ) نوه فرمانفسرما (أزعمله جهانسوز خان اميرآخور : ج 7 ص ١٧٥٤ . خلوت): ج ۳ ص ۲۱۴۰. جهانسوزشاه (حسینقلیخان ) اچ ۲ ص۱۱۷۳ جوادکشمیری (حاجی میرزا۔) : ج ۳ ص ع ۱۱۲۶ : ج ۳ ص ۱۲۲۱ . جهانسوز میرزا۔ اُج اس ۵۰۷ اُج ۲س ۱۷۶۱؛ جواد (حاجی سید...)مجتهد (قم ): ج ۲ص -1464 +1440 +1410 ١٣٠٠ ، ج ٣ ص ١٢٠٥ . جهانسوز میرزا ، امیرتومان ( پسر فِتِحطی جواد (حاجیمیرزا۔)مجتہد تبریزی: ج ۳ شاه) :چ (ص ۱ ۵۰، ۷۰۷ :چ ۲ص ۱۲۱۹ ، ص ۱۹۲۳ ۰ . T-Y1 . T-FT . 1997-75: 1777 جواد (حاجی سید۔)مجتہد کرمانی: ج ۳ جهانسوزمیرزا ، سرتیپ اول (حاکم شاهسرود ص ۱۹۰۴ . وبسطام ) :ج آحد ۱۹۲۹ ، ۱۹۲۹ ، جواد (میرزا۔) وزیر اصفہاں: ج ۳ ص جهانشاه ترکبان (میرزا مظفرالدین ...) :ج۲ . 1548 . 410 PALLA CALA OF جوانشير ـــ أبراهيم خليلخان جهانشاه خان ( از جماعت شاهسونافشار) : جواليقى ـــ ابومنصور موهرب. .To 91 0 T 7 جوجی (پسر چنگیزخان): ج ۲ ص ۲۷۱؛ جهانشاه خان ( سرتیپ سواره افشار) "ج۳ - 1747 or T = ش ۲۱۱۴ و جوجيخان: ج ٢ ص ١٨٤٥، ۶۴۴٠ جهانشاه (میرزا ۔ ) ابن قرایوسف (ازملوک جوخیخان: ج ۱ ص ۵۳۶،۲۵۷، قراقوينلو) ؛ ج ٢ ص ٢١٩، جورجکیخان (ترجمان تجارت) 'ج ۳ ص جهانشاه مبرزا سیلاحوری ( یاور دویم ) ج۱ · 1104 ض 211 - ع 1 ص 1777 - ع ۲ ص جورناغون: ج ۲ ص-۱۲۳۰ جوزف ویکسن (سر۔ ) طبیبانگلیسی: ج1 جهانشاه میرزا ﴿ پسر فتحطیشاه) : ج ۳ص ص ۵۳۸۰ · 1527 · 1522 جوسلین (از رواسای مهاجرین مسیحتی ): جهانگیرنج ۲ ص ۱*۹۸/ این ا* ج ۱ ص ۲۸۴۰ جهانگیر (میرزا۔)پسر میرزا ابوالقاسمناظم 🕻 جوشب بن ذي ظلم (اميرسيا سعاويندرصفين) : ج ۱ ص ۵۳۲٠ - 98 . 94 . 98. جهانگیر بایندی ، ج ۲س ۴۹۶، جوشن آقاً : ج ٢ ص ٨١٨٠ جهانگیر ( پادشاه بنگاله ) : ج ۲ ص ۹۰۴ ۰ جوهر (امير عسكرسلطان سنجر) يج (ص٢٧٧٠، . 150 جوهر ( از قبیلهٔ جلاله) اج ۱۳۲۴، جهانگیرخان : ج ۲ ص ۱۷۴۶ ، جوهر ( سردار علویین): ج ۱ص ۲۸۶۰ جهانگیر خان آجودان باشی ( سرتیپ اول و چوهر (غلام منصور علوی): ج ۱ ص ۲۷۲۰ رئيسقورخانه ) = آجودان،اشي: ج ١ TYP : TYP ص ۵۱۱ ؛ ج ۲ ص ۱۲۲۵ ؛ ج ۳ ص جوهر رومی ( غلام پدرالمعزلدینالله) (ج۱ . TOF1 - 197A ص ۲۲۱۰ جهانگیرخان افشار اروسی ٔ ج ۲۳۷۲۲۰ جوهر سلطان تکلو : ج ۲ ص ۲۶۲۰ جہانگیرخان (حاکملر کوچک) : ج ۲ص ۲۹۶۰ جوهری \_\_\_\_ ابونمر اسماعیل ، جهانگیرخان سرتیپ : ج ۳س ۱۸۵۰ جويريه بن اسما بن عبيدالبصري: ج ١

ص ۱۵۹ ه

چوپریه بنت حارث بن ابی ضرار ( زوجته

رسولاالله ص) :ج (ص۲۹۰۲۵-۲۹۰

ص ۱۳۸۰ ۰ جهانگرخان کرجی: ج ۲ ص ۱۶۸۵ ۰ جهانگیرخان ( وزیر صنایع ) آج ۲۳ ۲۰۴۵ ۲۰۴۵ . 7040 جهانگیر خان (باوردویم ) تج۳۰۷۲۰۲۰ جهانگیرخان (یاورسیم): ج ۲ ص ۱۲۲۲ ۰ جهانگیرشاه ( بادشاء فرانسه) :ج۲۰۲۰۰۰ جهانگیرین میرزامحمد سلطان بن میرزاامیس جهانگير بن اميرتيمور: ج ٢٩٨٨،٠٠ جهانگیر میسرزا ( پسر عباس میرزا) اُج ۳ ص ۱۶۲۹ ، ۱۶۲۹ ، ۱۶۲۹ ، ۱۶۲۹ جهانگیر میرزا (شاهزادیه قاجار): ج ۲ص .T.FT. 1641 . 1449 PT 2: 1740 جهانگیر میرزا ( پسر کامرانمیرزا افغان ): · ·· · IAYT OF E جهانگیرمیرزا (تراب) زمر محمد علیمیرزا دولنشأه ج ٣ ص ١٥٥١ -جنجاء (از موالي عمر يا سنان) : ج 1 1400 جياش بن نجاح . ۾ ۽ ص ٢٢٩ -جيجكبوقا : ج ٢ ص ٩٩٢. جیش(پسر خمارویه(حاکم مصر) : ج ۱ ص جیشہ بن زاهر (ملکسیند ) : چ 1 ص ۱۹۶۰ جیفر (پسر جلندی) ؛ ج ۱ ص ۲۲۰ جيکسوخان؛ ج ۲ ص ۴۲۳، جيليانز: ج ٢ ص ۶۸۸، جيوشييک (امير-) : ج ١ ص ٣٤٣ - ٣٤٣٠

E

چاراس آکس مری : ج ۳ ص ۱۷۷۱ چاریس (روس) : ج ۲ ص ۱۵۲۹ چآل دینی : ج ۳ ص ۱۵۲۹ چارلزسیم (پادشاناسپانیول) : چ۳ص ۱۶۶۶ چارش سلطان عثبانی : ج ۳ ص ۱۳۹۶ چراغ خان بختیاری : ج ۳ ص ۱۳۹۶ چراغ سلطان : ج ۲ ص ۱ ۱۲۹۸ چراغطی خان : چ ۳ ص ۱ ۱۲۹۵ - ۱۲۳۱ چراغطی خان زند : ج ۳ ص ۱۲۹۲ - ۱۲۸۲ چراغطی خان زند : ج ۳ ص ۱۳۹۲ - ۱۲۸۲ -

جهانگیسر خسان سیستانی ، ج ۳ ص ۱۴۲۲ -

جهانگیرخان ( پسر فتحلعیخانافشار) تج۲

. 1711 - 1544 ص ۱۹ ه ۲۰۲۱ ۲۰۲۰ چرانطی خان سراج الملک ؛ ج ۳ ص ۱۸۲۱، حاجب بن صالح (والى سند ) ٪ ج 1 ص ١٨١٠ . حاجبعلیموصلی (حاکمخلاط) :ج (ص-۲۹ چزاغطیخان نوائی مازندرانی (پیسشکسار حاجمخان: ج ۲ ص ۹۶۸،۷۸۲،۸۹۲، فارس): ج ۳ ص ۱۴۴۴، ۱۴۵۴، . 444 . 915 چرب بین (دکتر۔)طبیب : ج ۲ س ۲۱۳۱. حاجی(نایباصطبل): ج ۱ ص ۵۵۴. چرانداب ملطان شاملو ؛ چ ۲ ص ۸۲۴. حاجی آقا (میرزا۔)تحویلدار خارجہ: ج ۲ چرہ: ج 7 ص ۲۹۷. س ۵۴۱: چ ۲ ص ۱۲۲۱، چفال اوغلی: ج ۲ س ۱۸۸۸، ۱۹۹۸، ۱۹۹۸، حاجيآ قا (رئيستلگرافخانه دامنان ) ۽ ج٣ جفال پاشا: ج 7 ص ۸۷۲،۸۷۳. ص ۲۱۲۵ ۰ چقاق ہیگ' ج 7 ص ۶۹۲. حاجيآةا (ميرزاس)منشيسفارتعثمانسيدر چکاشی فوشیمی نمیا (ولیعهدژاین) : ج ۱ص تبریز: ج ۲ ص ۲۱۰۷، 464 ج ٣ ص ١١٥٥٠. حاجي آقا (ميرزاـــ)منشي تبريز :ج1 ص٥٣٥. چلبیبیکخورچیباشی: ج ۲ ص ۹۱۸، ۹۱۷ حاجی آقابا باحکیم باشی (ملکا لاطباء ) : ج۲ . 1869 of F ء 1۸۵۱ م چندرای (یادشاه بیجانگر) : ج ۱ ص ۸۴۹، حاجی آقا بیگ: ج ۲ ص ۱۲۴۳. حاجي آقابيکسرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۸۷. چنگیزخان: چ ۱ ص ۲۸۲،۲۸۷ کو: ۲۹۱،۶۷۲: چ۲ حاجىآ قاخان (ترجمانضبطيعدراملامبول ) : ٠١٣٣٠ ، ١٣٣١ ، ١٣٣١ ، ١٣٣٠ ٠ 3 7 W 6017. 1774 - 1777 - 177- - 1772 51779 حاجی،ابا (پسرآفاحسین،ملکالتجار ) 🗦 ج۳ . 1709 - 1700 ص ۱۷۵۶ پ چورجکی (ترجمان،تجارت ) :ج (ص۵۳۳ . حاجىباباخان (رئيستلگرافخانه سبنان): چوهه سلطان: ج ۲ ص ۲۸۳،۷۷۳. . TITO UP TE چيال ديني: ج ۳ س ۱۸۲۷، ۱۸۳۶. حاجی بایاخان بختیاری: ج ۲ ص۱۹۴۹. حاتمين اصمبلخي (زاهد ) : ج1ص١٩٢ . حاجی بیک دنبلی: ج 7 ص ۱۹۰۸،۸۱۸، حاتمبیک (وزیر اعظم شاہ عباس ہزرگ) ؛ حاجی حضرت فلیخان لک بیاوراول 🗽 ج ۲س 3 7 °C 444.709.709. .1.44 حاتمخان (آجودان وزارت تجارت) 🗦 ج۳ حاجيخان ۾ ١ ص ٥٤٥ ج ٢ص١٢٧٠. حاجیخانشکی: ج ۳ ص ۱۶۵۵،۱۶۵۴، حاتم طائی(دختر۔) : ج ۱ ص ۲۵، حاتم طائی (از اصحاب علی بن عیسی حاجیخان (یاورایرنلو) ٪ ج ۳ ص ۲۰۸۷. ابن ماهان): ج ۱ ص ۱۷۱، حاجىدرويشھىدانى: چېس،۲۱۲، حاتم بن نصان باهلی: ج ۱ ص ۱۵۰، حاجی صدای علی آبادی: ج ۳ ص۱۳۸۰. حاجب الدوله، حاجی علی خان ـــــــ حاجیببارک: ج ۳ ص ۱۷۳۸. اعتمادالسلطنه، حاجي على خان

ص ۲۱۲۴ ۰

.19-9 0

-19+t·1AYT

· 1014:1990 P

حاجبالدوله، کاظمخان فراشباشی: ج ۲

حاجب الدوله، حاجی محمدخان؛ ج ۳ص

حاجب الدولت، محمدتقىخان ميرآخور :ج٦

حاجب الدوله ، محمد حسن خان فسر اشبيسائي

ونسقچیہاشی: ج ۱ ص ۵۲۰: ج۳

حاجی ملاآقاجان: ج ۳ ص ۲۱۲۸، حاجی ملایاشی(از کارگذاران) ؛ ج 7 ص حاجی میرزا (نایبخراشخانه) \* ج ۳ ص . \* 1 1 4

حاجیمپرزا آقاسی (عباس، ولد حماجسی میرزا مطم ایروانی): ج۳ص۱۳۹۵ 1579 - 1571 - 1584 - 1585 - 1584 1544 61544 . 1542 . 1544 . 1552

1597 + 1591 + 1544 + 1544 + 1544 . 1401.1594 حاجی میرزا اشرف خمسه(از اربابقلم): ج ٢ ص ١٢٢٢. حاجی میرزا بابا حکیمباشی: ج ۳ ص - 1974 حاجیمبرزاعسکری (امام جمعمشهد ) :ج۳ ض ۱۸۲۳ -

حارثبنایی اسامه: ج ۱ ص ۲۲۰. حارث بن اسدالمحاسبي (زاهد) ' ج ١ ص حارث بن بزیع (سردار لشکر موسسی بسن موسی): ج ۱ ص ۱۸۹،

حارث بن خالد (از امیران سیاستاویندر صفین): ج ۱ ص ۶۵،

حارث بن سریج: ج ۱ ص ۱۱۶ تا ۱۱۹، · 174 · 175

حارثیناییشعرغسانی: ج 1 ص ۲۶. حارثبنابیضرار: ج 1 ص 70. حارث بن عبد اللمازدي (والي بصره) : ج ص ۷۴.

حارث بن عمروا لطائی ، حرب: ج 1 مِی 111 .114.117

حارث بن عمير مين ذي المشار ( فرماند ۵ سيبا ه حجاج): ج ۱ ص ۹۳. حارث بن قیسین خالد ، ایوخالد : ج ۲ ص

حارث بن کلدہ ثقفی: ج ۱ ص ۱۵۰، حارث بن مالک، واقعاللیثی حارث بن مره العبدى (امير سهاء على): ج ۱ ص ۶۴۰

حارث بن نوفل (از امبران سیا بدرصفین): ج ۱ ص ۶۴،

حارث بن هشام: ج ۱ ص ۲۸. حارث بن یزید عامری: ج ۱ ص ۴۵. حارثه بن سراقهٔ انصاری ؑ ج 1 ص ۲۲.

حارساسود: ج 1 ص ۱۸۰۰

حاطبين ابى بلتعماللخمى: ج 1 ص 75 ،

حافظ الدين (از آل كرت): ج7ص٥٥٥. حافظ شہرازی ۔۔۔۔۔ خواجہ حافظ، حافظ على بأشا (سرعسكرارزنمالروم): ج٣ ص 1001 ٠

الحافظ لدين الله علوي ، عبدالمجيد بن ابوالقاسمين المستنصر) : ج 1 ص . TAT . TYP 5 TY1 حافظ نورالدين لطفالله(حافظ ابرو): ج . FAY OF T الحاكم بالله علوى (خليفه مصر) : ج 1 س ۲۹۴،۲۹۲ تا ۲۹۴،۲۹۹،۳۰۳، . rof الحاكم بأمرالله علوىء أبوعلي منصور بسن العزيز بالله علوی: ج 1 ص ٣١٣، حاکم بن سلیمان (حاکم موصل ): ج ۱ص حاکم نیشابوری ..... ابوحامد محمد . . ، حام (ابنتوح): ج ۳ ص ۱۲۲۲،۱۳۲۲، حامدین(لعباس: ج ۱ ص ۲۳۷،۲۳۵. حب نبات خانم (دختر فتحطیشاه) : ج۲ ص ۱۶۲۲ و حبيب: ج ا ص ١١٧٠. حبيب الله (آقاــ): ج ۲ ص ۲۱۲۷. حبيب الله (استادت) استاد مخصوص طبع ! چ ۲ ص ۱۲۹۳ : چ ۳ ص ۱۲۱۲۰ حبيب الله (ميرزأ ــ) : ج ۲ ص ۱۲۲۴ ، ١٢٤٨ : ج ٣ ص ١٤٥٠ . حبیبالله(میرزاــ)از ارباب ظم و لشکـر نویسان:ٔ ج ۳ ص ۲۰۶۸. حبيب الله (ميرزا) امين تذكره، كيلان: ج 1 ص ۱۲۶۰ حبيباللمبيكةراچنداغى(نايب فراشخانه): - T114 . T T 2 حبيبالله(حاجیــ) تاجر: ج ۳ص۲۱۲۶. حبيب الله(آقا ميرزات) تأجر كاشانسي: چ ۳ ص ۲۱۲۵. حبيبالله (ميرزا۔)تنكابني (دكتر) ؛ ج٢ ص ۱۲۵۷ ۰ حبيب الله(حاجي ميرزات)حكيم حسفور هايون: ج 1 ص ۵۴۶: ج ٣ ص . 1111 حبیب اللہ(میرزا۔) رئیس: ج ۱ ص۵۴۸

حبيباللمخان: ج 1 ص ۵۵۳-

3 7 ° 1717.

حبيب اللفخان (آجودان وزارت تجارت) :

جبیبالله(میرزاــ)خان (از ارباب قلــم و

ستوفيان دفترخانه ظل السلطان); ج ۲ ص ۱۲۹۲۰۱۲۲۳ حبيب الله(حاجي-)خان (ازارباب مناصب خلوت): ج ۲ ص ۱۲۵۶؛ ج ۳ ص ۲۱۱۰ حبيب اللهخان (امير توپخانه): ج ۳ ص حبيب اللهخان (امير توپخانه): ج ۳ ص حبيب الله (ميرزاد) خان (امين نذكـره

گیلان) : ج ۳ ص ۲۱۰۵ حبیب الله خان بختیاری : ج۳ص۱۳۹۶ . حبیباللمخان (پسرخسروخانکرمانی) : ج۳ ص ۱۲۶۰ .

حبيب اللمخان (پسر حاجي ميرزاز مانخان): ج 1 ص ۵۲۲۰

حبیب الله خان ساعدالدوله: ج ۳ ص ۱۹۹۱،۱۹۰۷

حبيب الله خان (سرتيب تنكابنی) : ج٣ ص ١٨٨٤٠

حبيباللدخان شاهيسون: ج ٣ ص١٤٣٩ء ١٩٤١ء

حبیباللبخان صاحبجمع: (پسرفتجاللہ خان):ج ۱ ص ۵۵۷ ج ۲ ص۱۲۹۵ ج ۳ ص ۲۱۳۰

حبیب اللمخان (ازطانفه عزالدینلو): چ ۱ ص ۵۰۲: ج ۲ ض ۱۲۲۱، ج ۳ص ۲۰۶۵:

حبیباللفخان (حاجی۔)کرمانشاھانی(نایب آجودانباشی) ؛ ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج۲ ص ۱۲۳۰ ؛ ج ۲ ص ۲۰۷۵

حبیب اللہ (میرزا۔)لشکر نویس: ج ۱ ص۵۰۵ حبیب اللہ (میرزا۔) لشکر نویس: ج ۱ ص

حبیباللہ(میرزا۔)لشکرنویس(پسر میسرزا شکراللہ): ج ۳ ص ۱۹۲۶،

حبيب اللمخان (ميرزات) مجدالاشراف أج٣ ص ٢٠۶٨، ٢٠۶۴ ،

حبیباللہ(میرزا۔)خان مستوفی: ج ۳س ۲۱۰۰ -

حبیب الله (میرزا۔)خان مستوفی (بـنــان الملک): ج ۳ ص ۲۱۴۱، حبیب اللهخان (نایب میرشکار): ج ۳ ص

حبيباللمخان (ياور اول): ج 1 ص113

· 1117

ج ۲ ص ۱۳۳۰ حبیب اللمکلانتر (میرزا۔): ج ۲ص۱۰۹۰ حبیب اللہ (میرزا۔) کلیددار: ج۱ ص۵۵۰ حبیب اللہ (میرزا۔) کلیددار حصصرت عبدالعظیم: ج ۳ ص ۲۱۱۳. حبیب اللہ میرزا: ج ۳ ص ۲۹۶۴.

حبيب الله ميرزا (رئيس اداره تلكرافيه ملاير): ج ۱ ص ۵۲۹،

حبیبةالله میرزا سرهنگ (رئیستلگرافخانه سبزوار) : ج ۳ ص ۲۱۲۵ •

حبيب الله ميرزا (از طائفة قوائلو) \* ج1 ص ٥٠٢، ج ٢ ص ١٢٢٥.

حبیب اللہ(میرزا۔۔)نایب فراشخانہ: ج ۳ ص ۲۱۱۷۰

حبیب اللہ(میرزا۔۔)نوری (از ارباب ظم و لشکر نویسان) : ج ۱ ص ۵۰۵ : ج ۳۳ ۲۰۶۸ .

حبیب اللمخان (باور اول) ؛ ج ۳ ص۲۰۷۷. حبیب بن ابی تابت (فقیه) : ج ۱ ص ۱۱۹، حبیب بن ابی عبیده بن عقیه؛ ج ۱ص

حبیب بن عبیده (سردار جنگیاحبشه) : ج ۱ ص ۱۱۵۰

حبيب بن قره اليربوعي(حاكم بلغ):ج1 ص ۵۵

حبیب بن مسلمہ الفہری (امیرسپاشطویے در صفین) کے ۱ ص ۵۵،۲۶،۴۲ ۵۵، ۷۳،۶۵،۵۶

حبیبین مظاهر(یا: مصهر): ج ۱ ص۱۲ ۸۱

حبیبہنمهلب(حاکم کرمان): ج ۱ ص ۱۵۲٬۹۲

حبیب بیک (حاجی۔): ج 1 ص ۵۳۵۰ حبیب شاہ کشمیری: ج ۲ ص ۸۴۷۰

حبیب عودی: ج ۲ ص ۶۶۵۰ حجاب (شاعر اصفهانی): ج ۲ص۱۱۲۱۰

حجاج بن سعیدین جبیر: ج ۱ ص ۱۰۲۰ حجاج بن یوسف ثقفی(والی عراق): ج۱ ص ۲۲۰۱۰۲۲ ۲۹۹۰۹۲ ۲۵۰۰۲۳

+ 1 o Y

حجارین ایجر: ج ۱ ص ۸۱۰ حجرینعدی کندی از امیران سپاه عسلی در صفین): ج ۱ ص ۴۹،۶۲،۶۵۰

. ٧٧

حجريه: ج ۱ ص ۲۵۰۰۲۴۹.
حذيفه بن اسيد النقارى: ج ۱ ص ۵۱.
حذيفه بن يمان: ج ۱ ص ۴۶،۵۶،۲۶.
حر(ابن يزيد رياحي): ج ۱ ص ۸۲.
حربنيوسف(حاكم موصل): ج ۱ ص ۱۱۱۰.
حرب بن سالم بن احوز: ج ۱ ص ۱۳۰،۲۰.
حرب بن عبدالله(از سردارانمنصور): ج

حرب بن عمروالطائی: ج ۱ ص ۱۱۲، حرقوص بن زهیرالسندی: ج ۱ ص ۴۷، ۶۷،

حرطه بن مربطه ج ۱ ص ۴۷. حربری: ج ۱ ص ۲۹۴. حسامالدوله: ج ۳ ص ۲۰۴۴. حسامالدوله(حاجی-) (تومان اول فسوج

ہنجم ایلات): ج ۲ ص ۱۲۳۷. حسامالدولہ اردشیر (از آل باوند): ج ۲ ص ۶۳۷.

حسام الدوله تیمورمیرزا: ج ۳ ص ۱۶۰۲، ۱۹۵۳،

حسامالدولہ(حاجی۔)سرتیب اول: ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲ ص ۱۲۳۶: ج ۲ ص ۲۰۸۱،

حسام الدولد کردی شنوی (صاحب فنک): ج ۱ ص ۲۸۰،

حسام الدوله .... محمد قلیخان حسام الدین (میرزا): چ ۱ ص ۹۴۵. حسام الدین (میرزا۔)شیراز: چ ۲۵۳ ۱۲۹. حسام الدین ابوعلی الهندیانی (نایب مالک مظفر): چ ۱ ص ۴۵۲ ۲۵۱،۲۵۴.

حسام الدین برکهخان: چ۱ ص ۴۵۲. حسام الدین بولق ارسلان (حاکم ماردین): چ۱ ص ۲۰۷.

حسام الدین تعرتاش بن ایلغازی: ج ۱ ص ۱۳۶۳، ۱۳۶۳.

حسام الدین تیمورناش (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰.

حسام الدین حاجب ے لوالو' : ج (ص609 حسام الدین (حکمران ارزن) : ج (ص747. حسام الدین خلیل : ج ۲ ص ۸۹۱. حسام الدین طرنطای : ج ۲ ص ۶۰۹.

حسام الدین علی الموصلی الحاجب: ج 1 ص ۴۲۸، ۴۴۰، ۴۴۲،

حسام الدین عمر: ج ۲ ص ۸۹۱. حسام الدین عوض (از ملوک خلج): ج ۲ ص ۶۶۴.

حسام الدین لاجین (نایب سلطنـــت در شام): ج ۲ ص ۶۰۶۰ ۹۵۶.

حسام الدین مبارکشاہ بروانچی: ج۔ ۲ص ۶۹۳ء

حسام الدين محمد بن عمر بن لاجيسن: ج 1 ص ۲۱۰،

حسام سلطان (خلف دوالفقار خان قرامانلو): ج ۲ ص ۹۳۷ .

حسام السلطند، ابوالنصر ميرزا : ج ٣ ص ٢٠٥٣،

. 1911 . 1904 . 1900 C 1948 . 1974 . 1971 . 1974 . 1974 . 1910 . 1910 . 1917 . 1977 . 1910 . 1910 . 1917 . 1917

۲۰۳۴، ۲۰۴۷، ۲۱۵۰، ۲۱۴۶، حسام السلطند، محمد تقی میرزا (حاکم

بروجرد): ج ٣ ص ١٢٩٢، ١٥٩٢. حسام الملك: ج ٢ ص ١٩٩١: ج ٢٥٢٥٥٠

حسام الطک (حاجی ــ ) سرتیب اول : ج ۱ ص ۵۱۲: ج ۲ ص ۱۲۳۸:ج۳ ص (۲۰۲، ۲۰۸۳.

حسام العلک، محمد حسین خان قراکوزلو: ج ۳ ص ۱۹۱۴،

حسان (از بنی طی): ج ۱ص ۲۹۷. حسان بن بجدل (امیر سپاء معاویــه در ظسطین): ج ۱ ص ۶۵.

حمان بن تبيم بن نصر بن سيار : ج1ص 149 -

حسان بن ثابت (صحابی و شاعر): ج ۱ ص ۷۲، ۸۶۰

حسان (پسر سلار مرزبان حاکمآذربایجان): ج ۱ ص ۱۶۶۳ ۲۶۵۰

حسان/ائشروی ( حاکم،صر): ج ۱۳،۱۵۳. حسان بن مجالد الیمدانی (از علمــــای خوارج): ج ۱ ص ۱۴۳.

حسان بن مفرج بن دغفل بدوی طاشی : ج ۱ ص ۲۰۵۰ ۲۰۸۰

حسان بن نعمان (والی افریقا): ج ۱ ص ۹۲۰۹۱ ، ۹۲۰۹۴

حسکه بن عتاب الحبطی (از خوارج):ج۱ ص ۶۱، ۶۳،

حسن (آقا سید \_ ): ج ۲ ص ۲۱۲۸.

حسن ( ميرزا ــ ) ؛ ج ۲ ص ۱۸۱۳ .

حسن ( ميرزا ــ ): ج ٣ ص ٢٥٤٩.

حسن ( میرزات ) از اجزای مجلسحکومت : ج ۲ ص ۲۰۹۵ ،

حسن ( میرزا ــ ) ازاجزای فورخانه: ج ۲ ص ۱۲۲۵۰

حسن (حاجی آفا ہے ) کرمانشہان: ج ۳ ص ۲۱۰۹،

حسن ( میرزا ... ) همدان: ج ۱ ص۱۴۶: ج ۲ ص ۱۲۷۹،

حسن آبدار (حاجي۔ ): ج ٢ص ١٩٧٨. حسن آشتياني ( ميرزا – ): ج1ص٥٢٥: ج ٢ ص ٢٠٩٥.

مسنآ فاعلی بیگافشار (نایبآجودانباشی): ج ۳ ص ۲۰۷۵،

حسن آقا (قونسول سیواس): ج ( ص ۵۲۴۰ حسنآقاکنترل نوبس( از اجزایپستخانه) :

ج ۲ ص ۱۲۱۲.

حسن آقا وکیل (فونسول اماسیه): ج 1ص ۵۲۴ء

حسن بن ابراهیم بن الحسین :ج ۲۵۹۸. حسن (میرزا ند ) پسر میرزا ابراهیـــــم مستوفی : ج ۱ ص ۵۲۸،

حسن احتساب الملک (میرزا \_ ) کارگذار امور حکومت: ج ۱ ص۵۲۵: ج ۲ص ۱۳۰۱،

فسن بن احمد بن ابی خنزیر: ج ۱ ص ۲۲۹،

حسن بن احمد بن بهرام ( بــــــزرگ| قرامطه): ج ۱ ص ۲۷۲، حسن بن احمد کوکبی: ج ۱ ص ۲۰۳، حسن افندی ، کاتب ترکی: ج وص۵۳۳. . 1105 or t + حسن( امیر شیخ ــ ) ایلکانی (شیخحسن بزرگ): ج ۲ ص ۶۲۰،۶۳۸،۶۲۰، .841 حسن (شیخ ــ ) بزرگ ایلخانی: ج۲ ص حسن برلاس: ج ۲ ص ۶۶۷. حسن بصری: ج 1 ص ۱۱۳، ۱۲۰، حسن بیگ: ج ۲ ص ۸۲۱، حسن بیکآق قوینلو: ج ۲ ص ۲۱۴،۷۱۲ . Y 1Y 6 حسن بیک جلایری: ج ۲ ص ۲۴۳، حسن بیک حلواچی اوغلی: ج ۲ص۱۶۶۰ حسن بیگ ابن علی (سلطان ــ ) از آق قوينلو: ج ٣ ص ١٣۶٤ . حسن ہوگ (ولد علیرضا خان) یاور: ج1 ص ۱۵۱۰ م حسن بیک قورچی ہائی: ج ۲ ص ۸۸۸۰ حسن بیک، فونسول سعوات: ج ۱ ص حسن ہیک، فونسول سبوات اُج ۲ص۵۳۴۰۰ حسن بیک، قونسول کرکوک: ج۱ص۵۳۴، حسن بیک للہ: ج ۲س ۲۵۶، ۲۶۰، حسن بیک (والی گرجستان): ج۲س۰۷۷، حسن بیک وکیل شاهرخ: ج ۲۹۳۵۳۰، حسن بیک ہوزچی: ج ۳ س ۸۹۰۰ حسن پاشا بیگلر بیگی ارزن الروم ،ج۲ص حسن پاشا (حاجی ـ ) چچن اقلی(سـر عسکر بایزید): ج ۳ ص ۱۵۴۸، حسن باشا (حاکم جده) : ج ۲ ص ۱۸۲۰ حسن پاشا (حاکم شام): ج ۲ ۳۸۴۰۰ حسن (میرزا سید ــ ) پیشکار کاشمان ج ۳ ص ۲۱۲۶ ٠ حسن (حاجی ملا ۔ ) تاجر طہرانی:ج؟

ص ۱۲۵۱: ج ۳ص ۲۱۲۵۰

ص ۲۱۲۹ -

حسن (حاجی \_ ) تاجر نخجوانی: ج ۲

حسنبریزی ( استاد ... ) : ج ۲۳/۶/۲۰

حسن (میرزا ... ) تفرشی (سررشتسبدار دفتر لشکر): ج ۳ ص ۲۰۶۸، حسن (میرزا ـ ) پسر حاجی میرزا تقی کلانتر: ج ۱ ص ۵۲۵. حسن ثاني (ميرزا ـ ) مستوفي العمالك پسر میرزا یوسف: ج 7ص ۱۱۹۶ : ج ۳ ص ۲۰۳۲ -مسن جوری (شیخ سـ ) \* ج ۲ ص ۶۵۱ ۰۶۵۱ حسن جهان خانم (واليه) دخترفتحطيشاه! · 1575 0 7 2 حسن چرکس، ج ۳ ص ۱۹۶۸، حسن بن الحافظ لدين الله علوي: ج١ص

حسن بن حسن بن على بن ابى طالبع. ج ۱ ص ۱۴۱۰ حسن (برادر میرزا حسین سررشتبدار:ج ۳ ص ۱۲۹۷ و

حسن (میرزا۔)حکیم سامانی (یسرفاآنی) : - 1 to 1 1461 -حسنخان: ج 1 ص 19ه. حسنخان: ج ۱ ص ۵۲۵،

حسنخان: ج ۳ ص ۱۴۹۱، حسنخان، ج ۴ ص 19۴۹، مستخان: ج ۳ ص ۱۵۷۰۰ مستخان: ج ۳ ص ۱۹۹۸۰

حسنخان (خاجی – ) ، ج ۲ ص ۱۶۲۶ ا حسنخان (میرزا ۔ ) - ج ۲ ص ۱۲۲۲۰ حسنخان (میرزا 🗕 ) تے ۲ ص ۱۷۶۸ ۰ حسنخان (میرزا ۔۔ ): ج ۳ ص ۱۲۹۵، حسنخان ( ميرزا -): ج ٣ ص ١٨٧٥٠ حسن خان افشار (نایب آجودان بأشی): چ ۱ ص ۵۰۹: چ ۲ ص ۱۲۲۹:چ ۳ ص ۲۰۲۳،

حسن خان افشار اسدآبادی (سرهنگ ــ): ج ١ ص ٨٥٥؛ ج ٢ ص ١٢٢٩؛ ج٢ ص ۲۰۷۳۰ حسنخان اوصائلو(سرگرده): ج 1ص ۹۲۰:

.. 3 T 20 0 P 0 T .. حسن خان ایل بیگی (خواجه زند) ؛ ج ۲

ص ۲۱۱۴۰

حسن خان (پسر باقر خان) مهندس: ج۲ ص ۱۲۷۲ ۰

حسن خان ، پسر حاجی،بیجن خان ٔ ج۲ص 📗 حسن خان ، سردار هزاری پساکوهی ٔ ج ۳

· 17 f y حسن خان (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص . 1117

حسن خان پسیان (تفتگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۲۰: ج ۲ ص ۱۲۵۷: ج ۳ ص

حسن خان تركمان آق قويظو (ج ٣٩٥ - ١٣٢٠ حسن (میرزا ــ ) خان (برادر مرحوممیرزا تقی خان): ج ۳ ص ۱۲۶۰۰

مسن خان ، پسر تقی خان یزدی ٔ ج ۳ص · 1864

حسن خان جليلوند: ج ٣ ص ١٧۴۶٠ حسن (میرزا ۔ ) خان (حاکم عراق): ج ۳ ص ۲۰۸۱ ۰

مسن خان (برادر حسین خان ، سسردار ايروان): ج ٣ ص ١٥٣٤، ١٥٨٥٠ حسن خان (جناعت خواجه وند): ج اص -011

حسن خان (داروغه بازار): ج۲ص۱۲۵۲۰ حسن خان (داروغشهر): ج ۱ص۵۲۶۰ حسن خان دامفانی (حاجی 🗕 ) تج 🗝

حسن خان دولو: ج ۲ ص ۱۱۶۹ ۲۰۱۱۲۰ - 1171

حسن خان (رئیس ساری): ج ۱ص ۰۵۴۴ حسن خان (میرزا ۔ ) رئیس مجلس ہے ۲ ص ۱۲۵۲ ۰

حسن خان ــاري اصلان ً ج ٣ ص ١٥۶۶ · 1040 · 1044 · 1041 · 1041 · 1574 · 1575 · 1644

حسن خان سالار: ج ۲ ص ۱۶۱۱۰۱۶۱۰ 11525 - 1544 - 1544 - 1546 - 1540 ·17-0 -1897 -1849 -184A حسنخان ، سرتيپ فوج اول اداره فزاقيه: ج 1 ص ۵۲۴٠

مستخان، سرتیپ قبه: ج ۱ ص ۵۱۸۰ حسنخان ( ميرزا \_ ) سرتيپومنشياسرار : ج ٢ ص ١١٨٢: ج ٣ ص ٢٠٢١. حسن خانسردار:چ ۳ ص ۱۵۲۴ ، ۱۵۲۸

حسن خان ، سردار ایروانی: ج۳ص۱۵۹۳۰ حسن خان، سردار قاجار فزوینی بج ۳ ص . 1049 6 104V

ص ۱۷۳۰ -

حسن خان (میرزا \_ ) سر رشته دار: ج۱ ص ۵۰۵: ج ۳ ص ۲۰۶۸. حسنخان سرکرده: ج ۱ ص ۵۵۳.

حسن خان (سرکردهٔ جناعت باخرزی):ج

۲ ص ۸۸۰۸، جستفل دسکری جراوت بر انوند / آجر

حسنخان (سرکردهٔ جناعت پیرانوند) آج1 ص ۵۲۱،

حسن خان (سرکردهٔ جماعت سرجامی) : ج ۳ ص ۲۰۸۸،

حسن خان (سرکردهٔ سوارهٔ قرایایاق)ج۳ ص ۱۸۰۲،

حسن خان (میرزا ــ ) سرهنگ (نایب و مهماندار): ج ۱ ص ۵۳۵؛ ج ۳ ص ۲۱۹۴،

حسنخان (سرهنگجماعت افشار ساوجبلاغ): ج 1 ص ۵۲۲،

حسن خان (میرزاــ) سرهنگ (از اجــزای پــتخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۱.

حسن خان سرهنگ (پسر شیخطی خان): ج ۲ ص ۲۲۰۲۰

حسن خان سرهنگ (نوه صاحبدیوان):ج ۲ ص۱۲۲۹، ۱۲۹۶: چ ۲ ص۲۲۰۲، ۲۱۴۲،

حسن خان شاطو: ج ۲ ص ۸۹۳.

حسن خان شوکت (میرزا ... ) منشی اول: ج ۱ص ۵۲۶۰

حسن خان صنيع الدولة أعتماد المقطنة; ج 1 ص ١١٠٩٠٨.

حسن خان (میرــ) طالش:ج ۳ م۱۶۰۳۰.

حسن خان طبسی (میرــ): چ'جی،۱۴۴۸ ، ۱۴۵۲ ، ۱۸۴۵ ، ۱۴۵۲

حسن خان طبیب: ج ۱ ص ۵۴۷؛ ج ۳ص ۲۱۳۱،

حسن (بیرزا ـ ) خان (جناعت عـــرب اردستان)؛ ج ۱ ص ۵۲۱.

حسن خان عوب (امیر ــ ) حاکم طبس : ج ۲ ص ۱۳۱۸ ،۱۳۱۸

حسن (میر - ) خان عرب زنگوشی(حاکم تونو طیس) 'ج۳ ص ۱۵۳۶-۱۵۴۰، حسنخان، ولد علی قلی خان (نایسیب آجودانیاشی)' ج ۱ ص ۲۰۵۹ ج ۳ ص ۲۰۷۳،

حسن خان (سید ــ ) فیروزکوهی (نایسب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹: ج ۲ ص ۱۲۳۰؛ ح ۲ ص ۲۰۷۴۰

حسن خان فیلی: ج ۳ ص ۱۵۵۰

حسن خان قاجار (حاجی ــ ): ج ۳ ص ۱۸۱۳ء

حسن خان (از امراء قاجسار): ج ۲ ص ۲۰۶۴،

حسن خان فاجار قزوینی، سالار اصلان اج ۳ ص ۱۵۵۲ ۱۵۴۸ ، ۱۴۸۲ ۱۲۵۲ .

حسن خان قاجار قزوینی قوللرآقاسی:چ ۳ ص ۱۴۶۴،

حسن خان (از امراء قوائلو) : ج ۱۹۵،۵۰۵. ج ۲ ص ۱۲۲۰،

حسنخان (فونسول قصر شیرین) ﷺ ۾ 1 ص ۵۳۴-

حسن (مبرزا ۔ ) خان (کارپرداز ارزنسند الروم): ج ۳ ص ۲۱۰۵ ،

حسن (میرزا ــ ) خان (کارپرداز شام) : ج ۲ ص ۲۱۰۵،

حسن ( میرزا ــ ) خان لشکر نویس: ح۲ ص ۱۹۹۶،

حسن خان مستثار (داروغلا بازار): ج ٣ ص 90 %.

حسن (میرزا ۔ ) خان سنشار منشی دیر استنطاق): ج ۲ ص ۲۰۹۶

حسن (میرزا ـ )خان (پسر میرزا ، مسعود وزیر خارجه): ج ۳ ص ۱۹۱۵،

حسن ( میرزا ۔)خان، پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر): ج ۳ ص ۱۹۳۱،

حسن خان (میرزا ـ ) منشی تبریزی:ج۳ ص ۱۹۲۸،

حسن (میرزا ـ ) خان (منشی دویماداره روس): ج ۳ ص ۲۱۰۳۰

حسن (میرزا ۔ ) خان (منشی مفسسارت عثمانیدرطهران): ج۳ ص۲۹،۲۲.

حسن (میرزا ــ ) خان (منشـــی وزارت تجارت): ج ۳ ص ۲۱۲۴،

حسن ( میرزا ... ) خان (پسر میرزامهدی پیشخدمت) : ج ! ص ۵۳۲.

حسنخان نايب: ج 1 ص ۵۵۴.

حسن خان (نایب آجودان باشی): ج ۲ ص ۱۲۳۰۰

حسن ( میرزا۔) خان (نایب آجودانیاشی): ج ۲ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۲۰۷۴. حسنخان (میرزا ۔ ) نایب وزارتخارجه: ج ( ص ۵۲۲۰

حسن (میرزا ــ ) خان (نایب اول مفارت در وینه): ج ۲ ص ۲۱۵۷،

حسن خان (تایب جارچی باشی): ج ۳ ص ۲۱۳۷،

حسن خان (میرزا سید ــ ) نائینی (مستوفی در نائین): ج ۳ ص ۲۱۰۰.

حسن خان، يسر نصر الله خان سرتيسب زنبوركخانه (نايب آجودان باشي) : ج 1 ص ٥-٩، ج ٢ ص ١٢٢٠ ع ٣ ص ٢٠٧٢،

حسن خان وزیر نظام ، (میرزا۔.): ج جس ۱۲۱۳ ، ۱۲۱۵ ·

حسن (مبرزا ۔ ) خان، یسر وکیل لشکر (از ارباب فلم و لشکر نویس) : ج ۳ ص

حسن خان یاور : ج ۳ ص ۱۷۶۷ ،

حسن خان يوزباشيءَ ۾ ٣ ص ١٧١٣٠.

حسن رضا خان کرمانی (یاور دویم): ج۱ ص ۵۱۵: ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ۱۲۲۳ ج ۳ ص ۲۰۷۵، ۲۰۷۷،

حسن رفیق (ملا ــ) شاعر اصفهانی:ج۳ ص ۱۳۴۵،

حسن (میرزا ــ ) رئیس پستخانه آمــل : ج ۲ ص ۱۲۷۴ -

حسن (میرزا ــ ) رئیس رشت و ناظم :ج1 ص ۵۴۲ م

حسن زنوزی خوثی (میرزا ... ) صاحب ریاض الجنه: ج ۲ ص ۱۳۴۴ .

حسن بن زیاد اللوالوای (فقیه وازاصحاب ابوحنیفه): چ ۱ ص ۱۷۸،

حسن بن زید بن حسن ع (والی مدینه): ج ۱ ص ۱۴۴، ۱۴۷ ، ۱۵۵،

حسن بن زید علوی، داعی کبیر (حکمران طبرستان): ج ۱ ص ۲۰۱، ۲۰۲ ، ۲۰۲، ۲۰۵ نا ۲۰۸، ۲۵۲، ۲۵۰،

حسن (میرزا ۔ ) سر رشتہ دار: ج میں ۲۱۰۰

حسن ( میرزا ـ ) سر رشته دار: ج ۳ص ۲۱۴۶،

حسن (میرزا ـ ) سررشته دار انبارغلـهٔ ج ۱ ص ۵۵۲ ج ۲ ص ۲۱۱۴۰ حسن (میرزا سید ــ ) سر رشته دار دفتر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵۰ حسن (میرزا ـ ) سررشته دار کاشان بُج ۱ ص ۵۵۹ ع ۲ ص ۱۳۰۱ -حسن (میرزا سید \_ ) سررشته دارمخزن: ج ۲ ص ۲۰۶۹. حسن (میرزا ـ ) سر رشته دار و منشی : ع ۱ س ۲۲۵۰ حسن (میرزا۔ ) سرھنگ: ج ۲ ص ۱۲۲۱، حسن (میرزا۔)سرھنگ (رئیسیستخانہھای آذربایجان): ج ۳ ص ۲۱۲۱، حسن سلطان بن ابواسحق: ج ۲ ص۲۹۶، حسن سلطان کلیادی (سرکرده): ج ۳ ص حسن (ملا۔ )سلطان مارق: ج 1ص 454 ا حسن سلمی تونی: ج ۲.حی ۲۰۲. حسن بنسهل (وزيرماليه ما مون عباسي): ج ا س ۱۷۲ تا ۱۲۷، ۱۸۱۰۱۸۰ حسن شاہ شاعر: ج ۲ ص ۷۳۲، حسن شاہ هروی (شاعر): ج ۲ ص ۲۲۸، حسن شریف مکی (سید ۔): ج ۲ ص۰۲۳۶۰ حسن بن طالح حبی: ج ۱ ص ۱۲۵۰۱۴۵ حسن بن مباح استأعيلي (پيشواي استأعيليه) 4 TFA:TTT :TTT :TT1 P 1 2 حسن بن صباح زعفرانی (از اصحـــــاب شافعی)! ج ۱ ص ۲۰۸، حسن صوری (شاعر): ج ۱ص ۲۰۲۰ حسن صيقلي: ج ٢ ص ٥٩٥. حسن ( میرزا ـ ) طبیب رشتی: ج۳ ص حسن طهرانی (حاجی ملا ۔ ): ج ۱ ص حسن بن عباس (والی صفلیه) : ج ۱ ص

· 444

.085

حسن بن عبدالله بن سيدالسكرى، ابسو

حسن (شیخ ـ ) عبدالصعد جبل عاملــی

حسن بن عبدالملک بن ابی الشـــــوارب

(برادر شیخ بہائی): ج ۲ ص ۹۳۶،

أحيد: ج 1 ص ٢٨٩٠

(قاضی القضاد))، ج ١ص ٢٠٨٠ حسن عرب (شیخ 🗕 ): ج ۱ ص ۱۷۳۶-حسن عزب دفتر(میرزا 🗕 )، ج ۱ص۵۰۶۰ حسن عزب دفتر (میرزا ۔ ) : ج ۱ ص .009 مسن عزب دفتر (میرزا ۔ ) : ج ۱ ص مسن (ميرزا \_ ) عزب دفتر لشكر: ج ٣ ص ۶۹۰۲۰ حسن عطار (خواجه -- ) ؛ ج ۲ ص ۶۸۳۰ حسن بن علی (ع) (امام دوم): ج 1ص حسن ينعلى اطروش، الناصر للحق (حاكم طبرستان): ج ۱ ص ۲۲۳، ۲۲۲ ۰ . 175 . 171 حسن بن على بن أبي الحسين الكليسي (والی جزیرہ): ج ۱ص ۲۵۹۰ حسن بن على (عامل صقليه ازجانب|المعـز علوی): ج 1 ص ۲۶۳۰ حسن بن على عسكري ع (امام يازدهم): -104 m 1 e حسن بن على بن طبهم مكين الدوله:ج ۱ ص ۱۹۲ حسن بن علینقی خان (امیر ــ ) ابن|میر سخيتين فر 1016 مي 1016 • حسنبن على بن يحيى (حكمران فريقيه): ج (ص ۲۶۶، حبین بن عمارہ: ج ۱ س ۱۴۶۰ حسنين عمران بن شاهين (حاكم بطيحه): - TA1 . TY1 - TA1. حسنطی پیکمتیرالعطالک: ج ۲ ص ۱۹۲۶، حسنطی خان: ج ۲ ص ۱۹۶۲۰۱۵۲۰ حسنطی خان (میرزا ... ) تاج ۳۳۰٬۹۲۴ ۰ جسنطی خان، پسر اسحق خان قرائی اج۲ ص ۱۵۲۰ ، حسنطی خان پیشکدمت خاصہ: ج ۳ ص

· 1777 حسنطیخان زنرال آجودان ٔ ج ۱۳۵۱ ٔ ع ۲ ص ۱۹۴۰ ع ۲ ص ۱۹۴۰ -TOAT -197A مستطی خان سالار لشکر: ج۳ ص ۲۰۲۱، · 1176 · 1190 حسنطیخانسرتیپ نے ۳س ۱۸۱۲،۱۶۹۹ حسنطیخان سرتیب افشار : ج ۲۳/۱۸۱۳ حسنطیخان سرهنگ گروسی (سالارلشکر): ج ۲ ص ۱۷۱۳ ، ۱۷۱۴ حسنطی خان شاهسون: ج ۳ ص ۱۶۲۷ ۰ حسنطی خان ، ولد فضلطیخان (سرهنیگ خارج فوج): ج ( ص ٥٠٨: ج ٢ص حسنطی (میرزا \_ ) خان ولد حاجی قوام الملک: ج ۳ س ۱۲۰۵۰ حسنطیخانکرداردلانی: ج ۲ ص ۱۱۴۹. حسنطی خان (میرزا ۔ ) منشی: ج ۲ص 1111 3 T & 1111. حسنطی خان نایب: ج ۲ ص ۱۲۶۸۰ حسنطی خان (نایب سیم آجودانباشی): ج ۲ ص ۱۲۳۳ : چ ۳ ص ۲۰۷۲ · حسنطی خان وزیر فوائد (حالارلشکر) ج۱ مر۵۵۰٬۵۵۷ ج ۲ص۱۱۹۰۳۱ i . Toll 11970 11974 0 T & · TOTY (TOTA (TO)F حسنطی خان وزیر مختار (مقیم پاریس): ج ۲ می ۱۹۲۵ مدداد ۱۹۲۲ ، حسنطی خان هراتی: ج ۱ ص ۵۰۸، ج۲ ص ۱۲۲۹: چ ۲ ص ۲۰۲۳. حسن خان (آفا سید ۔ ) همدانی ( اُز اعاظم عرفا): ج 7ص1010 • 1019 • مستطی خان ہوزہاشی: ج ۱ ص ۵۱۷:ج۲ ص ۱۲۴۲ : چ ۳ ص ۸۶۰۳۰ حسنطی (میرزا )دریابیگی ج۳ ص ۱۲۸۵ ۰ حسنطی (میرزا ــ ) روزنامه نویس انبـــار غله: چ ۳ ص ۲۱۱۴۰ حسنطى (حاجى \_ ) گماشته معيرالمعالك: ج 1 ص ۵۵۴.

حسنطنی(استاد۔)معمارعمارات عمایہونسی 🗈

- 1771 - 1700

حسنطی خان (حاجی 🗕 ) پیشکار فزوین:ٔ

5 7 ° 1110 . TI حسنطی میرزا (برادر حسینطی میسرزا): ع ٣ ص ١٤١٥ ٠ حسنطی میرزا سرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۷۲. حسنطی میرزا شجاع السلطنه: ج ۲ ص 1471-141-9761-9761-1419-1411 . 1005 . 1040 . 1047 . 1079 . 1070 + 15 - 4 - 1499 + 144 + 1454 + 1454 ·1591 · 1574 · 1577 · 1514 حسنطی میرزا (نواب ـ ) فرمانفــــرمای فارس: ج ۳ ص ۱۴۲۱ . حسنطی میرزا (پسر مظفرالدین میسسرزا وليميد):ج ١ ص ١٩٧٧. حسن فخار (حاجی ــ ) مباشر فخارخانــه طهران: ج ۱ ص/۵۵۲. حسن بن قاسم الطوی، داعی (حاکــــم طبرستان): ج (ص۲۳۴، ۲۳۲، ۲۴۱، حسن بن فناده بن ادريس الطويالحسني (امیر مکد): ج ۱ ص ۴۳۵، ۴۳۶. حسن بن قحطبه بن شبیب: ج اص ۱۳۰، . 154 . 174 . 174 . 171. حسن (ميرزا ــ) قورخانه: ج 1 ص ٥٠٥٠. حسن (میرزا \_ ) قونسول جده: ج ۱ ص .444

حسن (ميرزا ۔) کتابچه نویس; ج ۳ ص

حسن (شیخ ـ ) کوچک چوپانی: ج ۲ص . 255

حسن (میرزا – ) گیلانی (منشی): ج مِس

حسن (میرزا — ) لشکر نویس: ج ۳ ص ۱٬۵۶۷ حسن (میرزاس) ولد میرزا موسی وزیرلشکر: حسن (میرزا۔) لله باشی: ج چی،۱۸۱،

حسن (حاجی ــ ) ما مور هندان: ۱٫۰ س -001

حسن متظم: ج ۲ ص ۴۲۹.

حسن بن محمد . . . ادریس: ج 1ص۲۳۶.

حسن بن محمد بن حسن: ج 1ص 109.

حسن بن محمد، آبومحمد مهلبی( وزیسر معزالدوله): ج (ص ۲۵۸ ،۲۶۱،

· TYA · TFY

حسن مستوفی(میرزا 🗕 ) 🗧 🛪 ۴م،۹۹۵. حسن (آفا ميرزا ــ) مستوفى ديوان|على: . 1 W 174.

حسن (ميرزا سيد \_ ) مستوفى (اجـــزاء دارالطباعه دولتی): ج 1ص ۵۵۵ : . TITA OTE: 1797 OF TE

حسن (آفا میرزا ــ) مستوفی (رئیسمجلس وزارت وظائف): ج ۳ ص ۲۱۲۰،

حسن (آقا میرزا ــ) مستوفی (کرمــــان و گلپایگان): ج ۳ ص ۹۸،۲۰۹

حسن (ميرزا ــ) مستوفى المعالك: ج٣ص .TO9A +1FTT

حسن مستوفی (میرزا ــ ) منشی: ج ۲ ص . \* 100

حسن (ميرزا – ) مشرف اوصائلو (نايب): 3 1 0 070 TTO: 3 TWITE. حسن (آقا میرزا \_ ) معلم و مترجـم:ج

حسن ملا باشی (آفا شیخ \_): ج ۲ می . 1797

۱ ص ۱، ۵۵۵ و

حسن (میرزا \_ ) منشی: ج ۱ ص ۵۲۵ ،

حسن (حاجی میرزا ۔ ) منشی: ج ۱ ص · ΔTA · ΔTT

حسن (میرزا ـ ) منشی سقارت انگلیس.در طهران: ع ۲ س ۱۱۹۸،

حسن ﴿ میرزا ۔۔) منشی شیرازی: ج ۱ ص 1700 of T & COTT.

سِنَ ﴿ مَيُوزَا ۗ ) منشي گيلاني ﴿(ارَاجِزَاي ا مخلس دیوان مظالبم). ج 1 ص ۵۲۹: چ ۲ ص ۱۲۵۵: چ چی ۱۲۱۰،

حسن (میرزا ۔۔ ) منشی مخصوص ۔'ج مرا ۸۲۵: چ ۲ ص ۱۲۵۲.

ج ۱ ص ۸۲۸۰

حسن (حاجی ـ ) نایب: ج ۽ س ۵۵۹.

حسن (میرزا ۔۔) نایب دوم سفارت ایران در اسلامبول: ج ۳ ص ۱۸۵۸.

حسن (حاجی ۔ ) نایب قاطر خانہ: ج ۳ ٠٢١١٢ م

حسن ( ميرزا ـ ) نايب محليه چالميدان: ج ١ ص ۵۵۶،

حسن (آقا میرزا ــ ) نایب وزیر دفتـــر: ج 1 ص ۲۵۸۰

حسن نظام العلما (ميرزا ـــ ) أج ٢ ص .1517

حسن نوری مستوفی (مبرزا ۔): ج ۳ ص

حسن نویان (شیخ ــ ) : ج ۲ ص ۱۳۴۳ . حسن (ميرزا ) (نويسنده بندر بوشهر): ج ۲ ص ۱۲۲۳٠

حسن (مبرزا \_ ) وزير درب حرمجلالت: - 1707 . T - 1707 . 3 T - 1707 .

حسن وصيف: ج 1 ص 140،

حسن (حاجي آفا ـ ) وكيل النجـــار:ج ۲ ص ۱۲۱۲۰

حسن (حاجی آفا ۔۔ ) وکیل شہبندر اُج آ ح ۹۳۶،

حسنينع: ج 1 ص ۵۹، ۱۹۸.

حسین ( ملازم رشید): ج ۱۹۰ م۱۷۰

حسین (پسر یکی از فاتلین حسینقلی خان جہانسوز): ج جس ۱۵۲۶،

حسین (آفا سید ـ ) (همدان}: ج اص

۵۳۱ ج ۳ ص ۲۱۰۹ ۰ حسین (حاجی سید ۔ ): ج ۲س ۲۱۲۸،

حسین (سید 🗕 ): ج ۲ص ۸۵۶.

حسين (ملا \_ ): ج ۲ ص ١٧٢٥.

حسین (میرزا ۔): ج ۲ص ۱۲۲۵،۱۲۲۵،

حسین (میرزا ۔): ج ۲ص ۱۸۱۳،

حسین (میرزا ۔) ( از اجزا وزارت دفتر استيفا ) : ج 7ص ١٢٥٢ .

حسین (میرزا سید \_ ): ج ۲ ص ۱۲۲۴. حسین (میرزا سید ۔۔): ج ۲ ص ۱۲۹۵.

حسین (میرزا سید \_ ) (عربستان): ج۲ ص ۱۲۲۹ ۰

حسین آفا افشار (نزد امیرنظام)) ج 1س ۹ ۵۵۰

حسین آقا افشار (نایب آجودان باشی) : ج ۲ ص ۱۲۲۰ ج ۲ ص ۲۰۷۵.

حسین آفا (پسر علی بیک افشار، نایسب آجودان باشی): ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج۲ ص ۱۹۳۰ ،

حسین آقا (نایب فراشخانه)، ج۲ص۲۱۱۸ حسين] قا ، ياور (رئيس تلگرافخانه سلماس) . ع ۲ ص ۱۱۳۳٠

حسین بن اسحق (طبیب عبادی): ج ۱ ص ۱۰۲۰

حسید اشتہاردی (میرزا 🗕 ): ج ۲ ص .1010

ج ۱ ص ۵۰۵۰ حسین افندی (قونسول صور) ٪ ج ۱ ص . DTF حسین (امیر 🗕 ) پسر امیر حیدرتوره(امیر بخاراً ): ج ۳ ص ۱۵۷۶. حسین (میرزا ـ ) انجدانی (نـویسنــده و آتشد): ج ۳ ص ۲۱۵۳. حسین بشرویهای (ملا 🗕 ): ج۳ص۱۴۹۵، .1898 حسین بن بکر شراہی (حاکم بطیحہ):ج1 ص ۲۰۲۰ حسین بیک (برادر ابراهیم خان): ج ۳ ٠ ١١٢٥ ٠ حسین بیک ارونقی (یاور دویم): ج ۱ ص حسين بيک استاجلو: ج ۲ ص ۶۶٪. حسین بیک خوثی (یاور دویم): ج 1 ص 211: ج 7 ص 1771: ج 7ص حسين بيک شاملو: ج ۲ ص ۸۷۱. حسین بیک وپسر علیرضا خان) یاور: ج۳ ص ۲۰۷۵ ۰ حسین بیکھراباغی (یاور): ج ۱ص ۱۵۰ ج ٢ ص ١٦٢١: ج ٢ ص ٢٠٧٥. حسین ہیک (کارپرداز سماوات): ج ۳ ص . 5108 حسين بيک لله: ج ٢ ص ٧٥٨. حسین بیک مرندی (یاور): ج 1ص ۵۱۵؛ خ ۲ ص ۱۲۳۱ . حسین بیک (ناظر بیوتات شاه صفی) :ج۲ ص ۹۴۴ . حسین بیک (نایب ایشیک آفاسی باشی): - T115 0 T 2 حسین بیگ (یاور): ج ۲ ص ۱۲۲۱، حمین بیک یساول باشی: ج ۲ ص ۸۴۸، حسین پاشا (والی الجزایسسر): ج ۳ ص

. 150f . 149F

ج ۳ س ۲۱۲۶،

. TIT9 0 T T

حسین پاشا یوزباشی: ج۳ص ۱۵۲۲،

حسین (حاجی سید 🗕 ) تاجر اصفهانی 🕯

حسین (حاجی میر ــ ) تاجر شاهرودی :

حسین (میرزا \_ ) اصفهانی (لشکرنویس): | حسین ترک (حاجی سید \_ ): ج ۳ ص .5011 حسین تحویلدار (مشہدی ۔۔ ): ج ۳ ص . 1171 حسین جان سلطان: ج ۲ ص ۹۵۸، حسین حسنی پائیا: (وزیر جنگ عثمانی): ج ١ ص ٢٨٧: چ ٢ص ١٥٠٥٠ حسین بن حمدان: ج اص ۲۲۲، حسین خان: ج 1 ص ۵۱۹۰ حسین خان: ج ۲ ص ۲۸۶، حسين خان: ج ٢ ص ١٢٧٤٠ حسین خان: ج ۲ ص ۱۵۷۰. حسین خان (حاجی ـ ): ج ۱ ص ۵۲۹۰ حسین خان (از امرا<sup>ه</sup>): چ ۲ ص ۱۲۵۱ · حسین خان (میرزا ۔۔) ؛ ج ۲ ص ۱۲۹۷، حسین خان (میرزا ۔) از اعضای حکوست فارس): ج ۳س ۲۱۴۱. حسینخان آجودان باشی = آجودانباشی: . 1541 · 1550 · 1541 · 1541 · حسین خان، پسر آجودان باشی: ج 1 ص ٨٥٥٠ ج ٢ ص ١٢٢٨٠٠ حسین خان ارونقی (یاور دویم): ج ۲ ص 7771 . 3 T W YYOT. حسین خان ارونقی (حاجی ــ ): ج ۲س .1159 حَمَيْنَ رَحَانِ ﴿مِيرِزا \_\_)پسر ميرزا اسمعيسل خان (منشی): ج ۱ ص ۵۳۱ ج ۳ ص ۱۱۰۳۰ حسین خان افغان ۔ ج ۲ ص ۸۲۴۰ حسین خان (برادر زادهٔ اورمشخانحکبران هرات): ج ۲ ص ۷۷۱. حسين خان، يسر اللهيار خان قرائي: ج١ ص ۲۲۹۰ حسین خان (حاجی ــ) بروجردی: ص ۵۴۰ ج ۲ ص ۱۲۷۰ ج ۲ ص - ነል • የ حسین خان بہارلو (یاور اول): ج ۳ ص . . . . . . حسینخانبیگبیگلر بیگی (الکایشیروان):

حسین خان ، پسر جارچی باشی (نایسب آجودان باشي): ج 1 ص٥٩٥٠ ج ٣ س ۲۰۲۴۰ حسین خان (برادر جخر قلیخاندنبلی): . 1499 O T E حسین خان،حاکم سرخس: ج ۲ ص ۸۸۰ حسینخان ، حاکم همدان: چ ۳س ۱۸۴۱ حسین خان (میرزا ــ ) دفتر دار: ج ۱ ص ۵۳۱٠ حسین خان دنبلی: (بیگلربیگی خوی) تج - 1779 : 1771 : 1771 : 1779 · 1771 -حسين خان دولو قاجار ۽ ۾ ھن 1107 : -1714 OF E :1171 -1104 حسین خان (حاجی ــ ) از طائفهٔ دولو: ج ١ ص ٢-۵٠ ج ٢ ص ١٣٢١٠ حسین ځان ( میرزا ــ ) ولد میرزا رضا مهندس باشی: ج ۱ ص ۵۲۹،۴۶۴۰ حسین خان (حاجی ــ ) نوه رفیع خان قاجار (از ارباب مناصب): ج ۳ ص · 111A حسین خان (میرزا ــ ) ولد میرزا زکسی (نایب آجودان باشی) اُج اص ۵۰۹ اُ · T • Y F • T • T حسین خان (میرزا – ) پسر میرزا زینسل لشكر نويس (سررشته دار دفترلشكر): · ۲۰۶9 0 7 7 حسین خان (حاجی میرزا — ) سپهسالار

اعظم، مشير الدولة: ج 1 ص٢٧٦، ۲۷۲،۲۷۲ : ج ۲ ص ۱۰۲۱ : چ ۳ ص ۱۸۱۳ ،۱۲۶۶،۱۲۱۲،۱۶۲۷ ، \* 1404 . 1404 . 1447 . 1404 . 1479 11174 - 1174 - 1174 - 1177 - 111P .1404.1407.1474 حسین خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۸۰۲،

حسین خان(سرتیپ قبه)!ج ۲ ص۲۰۸۷، صین خان سردار: ج ۳ ص۱۴۸۱ ۱۴۹۱، . 1694. 1647. 1647. 1675

حسینخان سردار (امیرالامراء): ج ۳ ص · 1774

حسین خان (سردار ایروان): ج ۳ ص · 14 97 · 14 97 · 14 Ad · 14 95 · 17 9A حسین خان (میرزا ـ ) سررشته دار :ج ۲ ص ۱۲۹۲ ء ۲ ص ۲۱۴۱ ۰

حسینخان بیگلر بیگی هرات: ج۲ص۹۱۳۰

حسین خان (میرزا ــ ) تحویلدار مطکت

خراسان: ج ۱ ص ۵۵۱،

ج ۲ ص ۱۰۰۱۰

حسین خان (سرکرده سواره مهاجــــر جماعت باخززی و جامی): ج ۱ ص ۵۱۸: ج۲ ص ۱۲۴۳: ج ۳۵۸۸۰۳۰ حسین خان (میرزا ــ) سرکرده جماعـت عرب اردستان: ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۳ ص ۲۰۹۱،

حسین خان (سرکردهٔغلام نصرت): ج ۱ ص ۵۱۸: ج ۳ ص ۲۰۸۲۰

حسینخان سرهنگ: ج ۱ ص ۱۵۱۶، ج ۲ ص ۱۹۲۱: ج ۳ ص ۱۹۲۹، حسین خان (میرزا ـ ) سرهنگ: ج ۳ ص

حسین خان سرهنگ (پسر آجودانباشی):ج ۲ ص ۲۰۷۲،

حسین خان (سید – ) سرهنگ (رئیسس تلگرافخانه استرآباد) :ج ۳س۲۱۳۶۰ حسینخان، سرهنگ (فوج چهارم زنگته) : ج ۱ ص ۵۱۶۰

حسین خانسرهنگ نهاوندی:ج۳ص۲۰۷۶، حسین خان سلطان روملو: ج ۲ص ۲۹۶، ۵۰۵، ۵۰۳: ج ۳ ص ۱۳۶۷،

حسین خان ( میرزا ـ ) پسر میرزاشفیسم خان ( منشی سیم): چ۳۳۰٬۲۱۰ حسینخان، ولد شکرالله خان (نایسسب آجودان باشی): چ ( ص ۲۰۵۹، چ ۲ ص ۲۰۷۴،

حسین خان شهاب الطک ، نظام الدوله :
ج ۲ ص ۱۸۲۲ ، ۱۸۳۴ ، ۱۹۵۲ .
حسین خان صاحب اختیار: ج ۳ص ۱۶۲۱ .
حسین خان (میرزا ... ) پسر صاحبد یوان :
ج ۱ ص ۱۲۵۵ ج ۲ ص ۱۲۵۵ .
حسین خان (حاجی ... ) پسر عمیدالطک :
ج ۱ ص ۵۲۵ ج ۲ ص ۱۲۵۵ ج۳ ج ۲ ص

حسینخان ، ولد عیسی خان بیگلر بیکی : ج ( ص ۵۲۶،

ص ۱۹۱۵،

حسین خان (سید ۔ ) فیروز کوهی (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص۹۰۵:ج ۳ ص۲۰۲۴،

حسین خان (حاجی ــ) فاجار: ج ۲ ص ۱۲۶۹۰

حسین خان فاجار دولو: ج ۲ ص ۱۱۵۵۰ ۱۱۵۷۰

حسین خان قاجار قزوینی قوللبسر آقاسی (سردار ایروان و خراسان): ج ۳ ص۱۴۵۶۰۱۴۵۰۰۱۲۴۴۰۱۲۴۲۰۱۲۵۸ ۱۴۸۲۰۱۲۸۵۰۱۲۶۲۰۱۲۸۴

حسین خان قراجه داغی: ج ۲ص ۱۲۶۹، حسین خان (میرزا – ) قزوینی (یاور) : ج ۲ ص ۱۲۳۳: ج ۳ص ۲۰۹۷، حسین خان قوللرآقاسی: ج ۳ ص ۱۲۵۵،

حمین خان (میرزا ... ) کاربرداز: ج ۲ص ۱۹۲۷ -

- 1444

حسین خان (میرزا \_ ) (کارگذار کاشان): ج ۳ ص ۲۱۰۵۰

حسین خان گرایلی: ج ۱ ص ۵۲۰ ج ۲ ص ۱۲۴۵ ج ۳ ص ۹۰۹۰،

حسین خان (حاجی میرزا ۔) گرانمایہ:ج۲ ص ۱۲۵۵ ٔ ج ۳ ص ۲۱۰۱

حسینکان (ما'مور نهاوند): ج ۱ص۵۵۲۰ حسین خان محلاتی (از ارباب مناصب) : ج ۲س ۱۲۵۶ اُنج ۳ ص ۲۱۱۰

ج ۲م ۱۲۵۶، چ ۲ م ۱۱۱۰، حسینخان (پسرمیرزامحمد خانسپهسالار) :

ج ۳ ص ۱۸۷۴، حسین خان (پسر بحمد ولی خان فساجار یوخاری باشی): ج ۲ ص ۱۱۵۴،

حسین خان (میرزا ۔ ) پسر مبرزا محمود خان نے ۱ ص ۱۳۳

حسین خان مرندی (یاور) تا ۱ ۱ ۱ ۱ ۵۱۰۰۰ ج ۲ ص ۱۳۳۱ تا ج ۳ ص ۲۰۵۰ حسین خان (میرزا ـ ) مستوفی (پسسسر میرزا رضا مهندس باشی) تا ج ۳ ص

حسین خان (میرزا ـ ) مستوفی ( پسسر صاحبدیوان): ج ۳ ص ۲۱۰۰

حسین خان (میرزا ... ) معتمد الملک (پسر معتمد الملک مشیر الدولد): ج ۲ ص ۲۵۵: ج۲ ص ۲۰۲۲، ۲۰۹۶،

حسین خان مقدم آجودانباشی: ج ۳ ص ۱۶۴۲

حسین خان (میرزا \_ ) منشی ( اجسزای مجلس مخصوص وزیر عدلیه): ج ۳ ص ۲۱۵۱،

حسینخان (میرزا ــ ) منشی و نابب: ج1

ص ۵۳۵، حسین خان ( میرزا ــ) نایب آجـــودان باشی: ج ۱ ص ۵۳۳: ج ۲ص ۰ ۱۲۲: ج ۲ ص ۲۰۷۷،

حمین خان (سید ـ ) نایب آجـسودان باشی:ج ۲ ص ۱۲۲۰

حسین خان (میرزا ــ ) نایب امور خارجه (پسر میرزا مسعود وزیر خارجه) :ج۳ ص ۱۹۰۸،

حسین خان (حاجی ــ ) نایب ایشیسک آقاسی باشی: ج ۳ ص ۲۱۱۶،

حسین خان (نایب ایشیک ہاشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶۰

حسین خان (نایب عبلهٔ فراشخانه) آج ۲ ص ۲۱۴۲،

حسین خان (شیخ ـ ) عم شیخ نصرخان ج ۳ ص ۱۲۰۶۰

حسین خان نوری (نایب آجودان باشی): ج۱ص ۵۰۹: ح۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۲۰۲۳

حسین خان نظام الدوله (حاجی -- ):ج۳ ص ۱۸۱۱،۸۸۷،۱۸۱۱

حسینخان نهاوندی (یاور اول): ج ۱ص (۵۱۱ ع ۲ ص ۱۳۲۳

حسینخان نیشابوری: ج ۱ص ۵۱۹: ج ۳ ص ۲۰۸۸،

حسین خان (میرزا ــ ) پسر وزیر لشکسر (منشی اول): ج ۲ ص ۲۰۲۳۰

حسین خان یاور (در تبریز): ج ۲ ص ۱۲۳۴ء

حسین خان (میرزا ــ ) یاور دویم: ج ۳ ص ۲۰۷۷،

حسین خان (میرزا ــ ) یاور سیم: ج ۲

۰ ۱۲۲۲ م

حسین خان (حاجی ــ ) یوزباشی: ج ۱ ص ۵۳۹۰۴۷۱: ح ۲من ۱۷۹۴

حسین خان (دکتر میرزا ... ) پسر میسرزا یوسف خان مستشار الدوله: ج ۲ ص ۲۰۲۷،

حسین خوارزیی، (شیخ ــ ) کمال الدین: ج ۲ ص ۲۶۶۰

حسین خونساری (آقا 🕳 ) : ج ۲ ص ۹۷۹ ۰

حسین بن داود بن یعقوب الفوعی، ج ۲ حسین (میرزا سید ــ ) رئیس دفتر اسناد

وزارت وظایف: ج ۳ ص ۲۱۲۰ حسین (میرزا ــ) رئیس سعنان: ج ۱ ص

حسین بن زکریا (لغوی وصاحبالعجمل): ج 1 ص ۲۲۹.

حسین (میرزا ــ ) سررشته دار: ج ۱ ص

حسین (میرزا ۔۔ ) سررشته دار ؑ ج ۱ ص ۵۰۵، ۲۰۱۳ ج ۳ ص ۲۱۱۳۰

حسین (میرزا ــ ) سررشته دارآذربایجان: چ ۱ ص ۵۰۶: ج ۳ ص ۲۰۷۰،

حسین (میرزا 🗕 ) سررشته دار اداره بنا خانه: ج ۲ ص ۲۱۱۵۰

حسین (میرزا \_ ) سررشته داردفتر لشکر: ج ٢ ص ١٢٢٢ : ج ٣ ص ١٩٥٨ . حسین (میرزا مید ــ ) سررشتهدار دفتر

لشكر:ج ٢ص ١٢٢٥: ج٣ص ٢٠٤٨. حمین ( میرزا سید ــ ) بىر رشتــــه دار (وزارت وظائف): ج 1 ص ۵۰۵؛ ج 7 m APAI · 1117 ·

حسین ( میرزا 🗕 ) سرهنگ: ج ۱۹۲۵؛ - TITT - T &

حسین (میرزا ــ ) سرهنگ (رئیس تلگراف خانه): ج ۳ ص ۲۱۳۵۰

حسین بن معید بن حمدان (عسامسل قنسرین و هیس): ج ۱ ص ۲۵۶۰

حسین (کربلائی۔ ) سقا باشی: ج ۳ ص

حسين شاء (صاحب بنگاله)؛ ج ٢٥﴿٢٩ حسینشاه (صاحب کشمیر): ج ۲ ص۴۸۸۰

حسن (میرزا ـ ) شیرازی (عزب دفتر ): ج ۲ ص ۱۰۲۱۰

حسین صفوی (شاہ سلطسان ۔ ): ج ۳ ص ۱۳۶۴ ، ۱۳۶۲ ، ۱۳۶۲ ، ۱۳۶۴ ، · 1771 - 1770

حسين بن عبدالله جوهري ابن جصباص : ج د ص ۲۱۹، ۲۲۰ ۲۳۲.

حسين بن عبدالله النساج (صوفي): ج 1 ص ۲۴۸۰

حسين (ميرزا ـ ) عزب دفتر لشكر: ج٣ ص 7059 ه

حسين بن على بن الحسن: ج 1 ص166، · 144

حسینین علیین ابیطالب ع (امامسوم) 3 1 0 77 . 07 . 96 . PY d TA 1170 - 177 - 117 - A7 - AF .100 -197

حسین بن علی بن عیسی بن ماهان ؛ ج۱ ص ۱۷۲ ۰

حسین (میرزا ـ ) پسر میرزا علی اکیـــر مستوفی (سررشته دار ادارهٔ چسراغ کاز): ج ۳ ص ۲۱۱۲۰

حسين، پسر على همت خان گليائي: ج7 • 1444 w

حسین عونی پاشا (وزیر جنگ عثمانی) : 4 1957 . 1941 . 1917 . 7 E

·1954

حسین (سید ـ ) فراهانی: ج ۲ ص۸۵۹۰ حسين بن قاسم (وزير المقتدر ) تج (ص . \*\*\*

حسین (میرزا ـ ) فزوینی (منشی)؛ ج ۲ س ۱۲۵۰ ،

حسین (میرزاً ہے) قونسول دیار بکر : ج ۱ ص ۵۲۴۰

حسین (جاجی میرزا ۔ ) کارپردازطرابزن - 7 W APAI : 0017 .

حسین (مبرزا ۔ ) کاربوداز دیار بکر: ج۳ ص ۲۱۰۶.

حسين مازندراني (ميرزا سـ) لشكر نويس: ج 1 ص ۵۰۵۰

حسین (میرزا سید ــ ) محررۂ ج ۳ ص . . \* 1 - 9

حسین مروزی (قاضی شافعـــی): ج ۱ ٠٢٢٢ ت

حسین (حاجی میرزا سید — ) مستوفی ج ۱ ص ۲۵۱ ت ۳ ص ۹۹۰۱۰

حسین (میرزا \_ ) مستوفی گیلان: ج ۳س 48074

حسين (ميرزا \_ )دشرف (نايب نسقضائه): 3 7 00 PATE: 3 7 00 ATET. حسين بن معتب (پدرطاهر ذواليمينين): -144 0 1 2

حسین ( استاد ـ ) معار: ج۳۳۰۲۱۱۵۰ حسین ( میرزا سید ــ ) معین ٔ ج ۲ ص · ) [ Y ]

مسین (حاجی میرزا ۔) منیز ؑ ج ۱ ص TE .1171 .1175 . T & . 005 ص ۲۰۲۱ ۱۳۹۹

حسین (میرزا سید 🗕 ) منشی 🗦 ج ۱ ص -041

حسین بن شنصور حلاج (صوفی): ج ۱ ص . \*\*\*

حسین میرزا (ملک س): ج ۳ ص ۱۵۰۲۰ حسین میرزا (حاجی 🗕 ) ولد جهانگیــــر میرزا: ج ۱ ص ۵۰۲

حسین قرمطی (شیخ – ) برادر یحیــــــی (رٹیس قرامطہ): ج 1 ص ۲۲۴۔

حسین (آقا میرزا ــ ) نایب وزیر دفتر : ج ( ص ۸۲۸۰

حسین (حاجی میرزا ۔ ) نایب و منشسی اول (اداره تذكره آذربایجان):ج ۳ ص ۲۱۰۲-

حسین نظام شاء (یادشاه دکن): ج ۲ ص 77A' - 6A' 1AA' YAA.

مسین نقاش (میرزا ۔۔ ) : ج اص ۵۳۳

حسین نوری (میرزا 🗕 ) : ج ۱ ص ۵۲۹۰ حسين ( ميرزاً \_ ) وزير دارالخلافه: ج٢ ص ۱۸۴۹ ،

حسین (میرزا ـ ) پسر وزیر دفتر (نایب وزیر دفتر): ج ۳س ۱۹۹۵،

حسین (میرزا سید <u>–</u> ) وزیر کرمان و مستوفی! ج ۳ ص ۱۹۰۴،

حسين (ميرزا ـــ) ياور (رئيس تلكرافخانه نہاوند): ج ۴ ص ۲۱۳۵۰

حسينطي (آقا س): ج ۱ ص ۵۵۱۰ حسينطى (آقا ــ ) (اداره آبدارخانه) :

ج ٣ ص ٢١١٢.

حسینطی (میرزا ۔): ج ۲ ص ۱۲۹۶۰ حسینعلی (میرزا ۔۔) (از ارباب ظمولشکر نوپسان): ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳ ص

حسينطي (آقا ــ ) آبدار ج ٣ ص ١٩٢٥ حسینطی بیک: ج ۱ ص ۴۲۸،

حسینطی بیگ (متخلص به شرر): ج ۳ص • 1777

حسینطی بیک قبطاق: ج ۲ ص۸۰۲۰ حسینعلی بیکسمیر العمالک: ج ۲ ص۱۹۴۳. حسینطی بیگ (یاور فوج پنجم): ج 7ص حسینطی (آقا ۔ ) تحویلدار ادارہ صرف جيب): ج ٣ ص ٢١١٢. حسینطی (آقا ــ ) تحویلدار مطکــــت آذربایجان: ج ۱ ص ۵۵۱. حسینطی (امیر زاده ــ )پسرمیرزاجهانشاه ترکمان: ج ۲ ص ۲۰۸. حسینطی خان آجودان باشی: ج ۲٪ ص حسينطى خان ، يسر اسحق خان قرائسي: . 14To o TE حسینطی خان افشار (برادر محمد ظــــی خان بیگلر بیکی اروبی): ج ۳ ص · 1717 حسینطی خان (حاجی ۔ ) باشی کالسک خانه: ج ۳ ص ۲۱۳۷، حسينطى خان تحويلدار إنايبالحكوسة اسفراین): ج ۳ ص ۲۰۳۷. حسینطی خان جوانشیر: ج ۲ ص۱۷۱۴. حسینطی (حاجی ـ ) خان (از طائفـهٔ دولو): ج ۳ ص ۲۰۶۵. حسینطی خان (ژنوال آجودان): ج ۱ص . 417 . TYA حسینطی خان سرهنگ! ج ۱ ص ۴۲۹.

حسينطى خان سرهنگ (يسر فقطىخان): ج ۳ ص ۲۰۷۲. حسينطى خان ، پسر عسسلاء المدولـــــه

(پیشخدست باشی): ج ۳ ص۱۹۲۲. حسينطى خان (غلام پيشخدست باشي): ع ١ ص ٥٣٩: ج ٢ ص ١٣۶٧. حسينعلىخان (پسرمحمد خان بيگلربيكي):

. 1441 OF E

حسینطی خان (میرزا – ) مستوفی: ج ۳ ۍ ۲۰۹۹.

حسينطي خان معير الممالـــك: ج 7 ص · 1614 · 1614 · 1059 · 1777 · 14.4 · 1470

حسينطيخان ،پسر ميرزانظرعلى (مستوفى)." ج 1 ص ۲۸۵۰

حسینطی خان وزیر فوائد: ج ۱ ص۴۹۷،

**. YY A** 

حسینطی (میرزا ۔ ) پسر حاجی میسرزا رحيم: ج ٣ ص ٢١٤٢،

حسینطی (میرزا ۔۔ ) روزنامہ نویس: ج ۱ ص ۵۵۳۰

حسينطى (ميرزا ... ) ولد ميرزا زمــان : ج ۱ ص ۸۲۸.

حسینطی شاه بن جهانشاه (امیرزاده \_): 3 7 WAIY.

حسینطی (میرزا ـ ) شاه (از طوک قراــ قوينلو): ج ۲ ص ۲۱۹.

حسینطی شیخ الاطباء: ج ۱ ص ۵۳۰، حسينطى (ميرزاً ... ) طبيب (شيخالاطباء ) : .1954 of t

حسینطی (میرزا ۔ ) عکاس حضور مبارکو مدیر عکاسخانهٔ همایونی: ج ۱ ص

حسینطی (حاجی میرزا ۔ ) کاربردازطرا۔ بزان<sup>و</sup> ج ۱ ص ۵۳۴.

حسینطی گروسی ( میرزا ــ ) لشکرنویس: ج ١ ص ٥٥٥ ج ٣ ص ١٩٥٢.

حسینطی (میرزا – ) مستوفی: ج ۳ ص 1099

حسینطی (حاجی ــ ) معار مخصوص: ج۱ ص 250 ع ٢ ص ١٢٩٢ ع ٣ ص -T179-1114-2

حسينطى ميرزا فرمانعرماء بسر فتحطىشاه (حاكم دارالخلافه): ج ٢ ص١٥٥ : - 1464 . 1444 . 1445 . 1404 . TE · 1077 · 101 · · 10 · · · 1796 · 1754 10996 1091-1004-1006-1041 115701151211517.1504.1507 . 1574 . 1574 . 1577

حسينظي: ج ۲ ص ۸۴۶،

حسنظی بیک (بنی عم جعفر خانبیات) :

ج ۳ ص ۱۴۵۰ .

حشینقلی بینک ، بساول اول ( از اجبزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰،

حسینفلیخان:ج ۱ ص ۵۴۵؛ ج ۲ ص۱۱۷۷۰ ۱۲۶۸ : چ حص۱۹۲۷ ۱۹۳۸ ۱۹۴۱، • 1807 • 1807 • 1800 L 1864 - 14-7 - 1451 - 1450

حسینظی خان ( لقب محمود افغان) : ج ۲

ص ۱۰۰۶ .

حسینقلیخان (برادر . . . ) : ج۲س۱۲۸۵. حسینقلیخان (نواب ) ؛ ج ۲س ۱۴۵۲ . حسينظىخان (لقب :اسداللمخان (ايدالي) : ج ۲ ص ۶۰۰۶.

حسينظيخان، ولد اعتمادالدولد: ج 1 ص ۵۲۵ ج ۲ ص ۱۲۵۱ .

حسينقلي خان افشار ( برادر ساري)ملان): ح 1 ص 200: ح 7 ص ١٣٢٧ : ج ٣ ص .4.41 . 1444 . 1414

حسینقلی خان افشار ( برادرزاده محمد تلی خان): ج ۲ ص ۱۴۴۴ .

حسينظيخان افشار ( نايبآجودانياشي): ج ١ ص ٥٠٩؛ ج ٢ ص ١٢٢٩؛ ج ٢ص · YoYY

حسینظیخان ثانی ( ایسن جهانسوز شاه ، برادر فتحعلیشاه و حاکم فارس) : ج ۳ · 1574 · 1514 · 1517 · 1741 · - ነቸተዎ

حسینظیخان ایلخانی بختیاری . ' ج ۳ ص 7040 · 140T

حسینقلیخان بادکوبهای حاکم بادگوسیه : 5 7 % YYY1 : LYY1 - 7LT.

حسینقلیخان ( پسر حاجی بهاءالطک ( از سرهنگان خارج فوج): ج١ص٨٥٥؛ ج ۲ ص ۱۲۲۹ .

حسینقلی خان بیگلربیگی آذربایجان: ج ۳ . TITE 00

حسينظى خان ( عمزاده جعفرخان،بيات ) : - 1400 PT -

حسینقلیخان جهان: ج ۲ ص ۸۶۱،

حسينظى قان جهانسوز شاه (فرزند محمــــد حسن خانظجار): ج 1 ص ٥٩٩: ج٢ · 1155 · 1150 · 1157 · 1150 · 11190 7 E : 1714 . 1144 . 1144 1119 . 1745 . 1777 . 1774 . 1777 . 6 1750 . 1804 · 1806 · 1800 · 1745 · 1750 · 1757 · 1757 . TOP1 + 1811 + 1844 + 1840

حسینقلی خیان جهانسیوز شیاه ( بسیسیر فتحعلیشاہ): ج ۳ ص ۱۶۲۴ .

صبنقلی خان ( نواب \_ ) حاکم فارس ج ص ۱۴۴۲ ،

شقاقی) : ج۱ ص ۵۰۸ : ج۲ص۱۲۲۹ ، حسينقلي خان ( برادر خاقان فتحطيشاه) : حسینقلیخان ( سرهنگ کرمانشاهانی) .ج۱ . 1575 + 1445 · 1445 & T 5 س ۵۱۱ : چ ۲۰۷۲ :چ۳۰ ۲۰۲۰ حسینظی خان خستای ( از یــاوران خـارج حسينقلىخانستدالملكمافي (رئيسفلات): فوج): ج ١ ص ٥١٥: ج ٢ ص ١٣٣١: ج ١ ص ٥٥٢ : ٣ ص ١٩٢٢ ، ١٩٥٢ ، · 1907 حسینقلی خان دولو ( سپیدار کرمان) : ج۴ حسینقلیخان ( ولد ماحبقبران) : ج۱ ص حسینظی خان ( پسر رضا قلی خان ایلخانسی حسينظي(حاجي ــ)خان (پسرصدراعظم): ج ۱ ص ۵۲۱٠ حسینظی خسان ( از طائفهٔ سپانلسو حاجسی حسینقلیخان عزالدین لوی قاجار : ج ۳ ص مشهدی ): جاس۵۰۲: ۲۳ ش . 1447 حسینقلی خان ( پسسر عیسی خان اعتماد۔ حسينظىخان سرتيب :ج٢١٥١ ٢٥٩ ٢١٢١٠ الدولة): ج ٣ ص ١٨٧١ -حسینقلی خان ابن فتحملی خان. ج ۱ ص • 4F 0 حسینظیخانتاجار (مهندس) ،چ ۱۳۵۴، ج ۲ص ۱۲۲۷۰ حسینقلی خان قاجار دولو (ج۳ ص ۱۴۷۸ ۰ حسينقليخان ( لقب : محمودخان) : ج٢ص حسینقلی ( حاجی میرزا ۔ ) خان مستوفی، + 1 W ATA - 370 19 01 . حسينظي خان ناظم التوليد (ما مورآذربا يجان). روج <u>1</u> ص 2۵۵۲۰ حسيتقلى فأن ﴿ تَاظُّمُ التَّولَيْبُ حَضَرَتُ عَبِد العظيم): ج اص٥٥٦: ٣٢١٢٠٠ حسينقليخان ( نايب اول وزارت خارجه) : -T10T OF T.E حسنظی ( آمیرزاده ) خان ( نایبایشیک آفاسی باشی) :ج ۳ص ۱۹ ۲ ۲ ۰ حسینقلی خان ( نایب سرابدارباشی) : ج ۲ ص ۱۱۱۸، حسینقلی خان ( نایب کل فرائخانه) . ج ۳ مستقلیخان ( والیپشتکوه) سرتیپدویم : ج اص ٥٠٧: ج تص ١٣٢٧: ج ٣ ص حسینقلی (میرزا ـ ) سررشتهدار : ج ۲ ص

حسینظی میرزا محور (میرزا۔) :ج۱ص۱ ۰۵۴ حسینقلی (میرزاد)منشی اول کے ۲ ص۱۲۲۱۰ حسینقلی ( میرزا \_ ) ناببایشیک آقاسس باشي: ج ۲ ص ۲۱۱۶، حسينظي (ميرزا ــ ) نايبالحكومة هندان، حشمت الدولة: ج 1س ١٤٧٩ ج ٣ ص١٤٢٩ ، · 1849 · 1844 · 1841 · 1861 · 1771 · 1777 · 1595 · 1597 · 1747 · 1777 · 1774 · 1777 · 1477 · 1410 · 1411 · 1747 · 1457 · 1477 · 1477 · 1475 . TIFF . YoY1 حشمت الدوله ، حمز مبيرزا ( اميرجنگ و حاكم خراسان و عربستان) : ج ۳ ۱۶۸۸،۰ · 1469 · 1466 ÷ 1414 · 1644 · 1905 6 1904 . 1444 . 1445 · 1977 · 1979 · 1979 · 19-4 -1010 حشنت الدولـــه ، عبـــداللـــه ميــرزا (حاكم گرمانشاهان): ج۲ص ۱۱۹۰، ۱۲۱۹: 3 TO 010 1 1907. حشیت الدوله ( محمدحسین میرزا ): ج ۳۳ . 1540 . 150T حشمت الملطند، بديغ العلك ميرزا ( سرتيپ اول، ولد عمادالدوله) ج١ ص ٢٥٢، ١٠٩٠ ٧٠٨: چ ٢ ص ١٢٢٧ ١٩٩١: ٠ ٢ ص ٢ ٢ ٠ ٢ ٠ حشمنالملک، علمخان (میر-): ج۱ص۱۶۵: ج ٢٠٧٢ - ١٢٢١ : چ ٣ ص ١٨٩٧ ، 4007: (YoY: 4407. حمرخان بن طفقاج خان ﴿ بِادشاء مسأوراً ۗ النهر): ج 1 ص ٣٣٢٠ حصیان بن نمیر ( از امیران میاه علی ع) 🕯 ج 1 ص 14. مصيص، سعد بن مجمد بن سعد (شاعر ): ج 1 ص ۲۰۳۰ حصين التميمي المازني البصري : ج1 1450 -حمین بن حارث بن عبدالمطب بن هاشم : ج 1 ص ۵۹ -حصین بن ابیالحر عنبری: ج ۱ص ۴۲، حمين خارجي: ج ١ ص ١٤٥٠ حصين بن المنذر ( أميسر سيساً ٤ عاني ع در **صفین): ج ۱ ص ۰۶۴** 

ج ۳ ص ۲۰۷۵ .

ج ٣ ص ٢٥٥٥.

ص ۱۴۲۴ ، ۱۴۴۸ ، ۱۴۲۶

زعفرانلو) : ج ۳ ص ۱۶۱۰

حسینقلی سلطان شاطو : ج ۲ ص ۸۶۶،

ـــــــ حسينقلىخان جهانسوز

حسينتلي شاء جهانسوز قاجار :

حصین بن نمیر سکونی: ج1ص ۸۵۰ ۸۷۰ حقوں ہن ملیمان ہن مقبرہ : ج 1 ص ۱۲۹ . حقتی ( پسر عمرین،عد ) ؛ ج ۱ ص ۸۷، حقصته، بنت عمربن خِطّاب 'ج١ص٣٣ ، ٥٤٠، حقنظرخان ( حاکم قبچاق) : ج ۲ ص۹۷۱. حكم دوم العنتنصر ( پسر عبدالرحمن سوم أموى سلطان أسپانيا ) ; . ۲۷Y . ۲۶9. 7550 1 E حکمبنسمید (حاکم اصفهان) : ج ۱۵۳٫۰۰ . حکم بن طت ( حاکم کوفه ) : ج 1ص1۲۱، حکم بن عمروالتظیی ( سودار عرب) : ج ۱ ص ۲۵۰ ۵۲۰ حکم بن عمرو الغفاري : ج 1 ص 96. حکم بنعوانه کلبی ( والی خراسان ) ج 1 حكم بن قيس بن مخرمه ﴿ حاكمشام ومصر ﴾ .' ج اص ۱۱۲۰ حکم بن مسعود ثقفی: ج ۱ ص ۳۹. حکم بن ولید (اموی): ج 1 ص ۱۲۴. حكم بن هشام بن عبدالرحمن اموىمنتظر . 3101 21 : 187 · 187 · 188 · 184 · . 174 - 170 - 177 - 171 - 159 حکیم ، ابوالفتح گیلانی: ج 7 ص ۸۸۷ . حکیم الهی: ج ۱ ص ۵۲۵؛ ج ۲میر ۱۲۵۰ ؛ ج ۳ ص ۹۶ ه۲. حکیم باشی، طکالاطباه : ج ۲ ص ۲۱۲۰. حکیمیاشی(دربارشاه سلطان صین صفوی): - 1771 · 1771 · حكينياشىنظامــــ رضى(آقانيرزاسيدنــ) حکیم بن حزام : ج 1 ص ۸۱. حکیم شفائی: ج ۲ ص ۹۲۱. حکیم فففور لاهیجی: ج ۲س ۹۱۴. حکیم کازولانی (کرد ) : ج ۳ س ۱۷۳۰ . حکيم کلوکه! ج 7 ص ١٧٣٣ . حکیمالممالک ، علی نقی میرزا ( پیشخدمت باشی ، مندینر و وزیر معادن، صدر ديوانخانه ، حاكم عراق) .ج1 ص1 66 ؛ ج ۲ ص ۱۲۵۵ ، ۱۲۵۶ : ج۳ص۱۹۸۱ ، · 1991 · 1944 · 1957 · 1940 · 1975 

حکیم باشا (عموی خدیو مصر ): ج ۳ س

( شریف ) ا ج ۱ ص ۳۷۵ د

ج ۱ ص ۲۳۷ء

ج 1 ص 411 -

- 1001170117011001 -

ج ا ص ۱۱۲ ۱۱۸۰ ۱ ۱ ۱۲۴ .

ص ۲۲ ، ۲۹ .

حمزہ بن یحیی ( والی سجستان) : ج 1 ص حموی (شیح ــ ) ـــــ ابراهیم حموی. حمویه بن علی ( سردار امیر نصر سامانی) : حمید خان خمستای ( جزو قراولان انبار) : حمید طویل بصری: ج ۱ ص ۱۳۵ . حميدين قحطيه بن شبيب {واليخراسان}: حمیدین معیوف (حاکم مصر ) ؛ ج1ص199 . حبيدالدين فرير (امام ... ) : ج ۲س۵۸۷. حنان بن خلف (مورخاندلس) : ج١ص٣٣٧٠. حنظلمینابیسفیان جحمی ( جمحی): ج۱ حنظه بن مغوان الكلبي (حاكم اسيانيول) ." حنظه بن ابیعامر (غسیلالملائکه): ج (ص حویطب بن عبدالعزی : ج ۲ ص ۲۸. حیان بن ظبیان الطمی ﴿ از خوارجٍ ﴾ : ج 1 حياتقليخان. ج جي ١٤٥٥ . حیاتقلی خان : ج ۳ ص ۱۷۷۲ . حيدر (مبرزا۔)ماحب کشمبر : 'ج ۲ ص۸۱۹،

حیدر (حاجی ــ) (از همراهان شاه درسفر دوم): ج ۲ ص ۱۹۷۸ ۰ حيدر افندي: ج ٣ص ١٧۶١ ، ١٧٩٤ . حیدر بیگ: ج ۲ س ۱۲۷۵، حيدربيک انيس! ج ٢ ص ٨٣١. حیدر بیک ترکمان: ج ۲ ص ۸۲۹. حيدر توره (امير ـــ)ابنامير معصوم شاهمراد

(امیربخاراً): ج ۳ص ۱۴۲۳ ، ۱۴۸۹ ،

حيدرخان: ج ١ ص ٥٢٥، ج ٢ ص ١٢٧٤ . حيدرخان افشار 🗦 ج ۲ ص ۱۱۴۱ . حیدرخان ( از اجزای بستخانه): ج ۲ س

حيدرخان (تفنگدار خاصه): ج (ص٥٣٥ : ج ۲ س۱۲۵۲ : ج ۲س ۱۱۱۲۰ حيدرخان ( از جماعت خورده ايماق) ج ٣ ص ۲۰۸۹ ۰

. Tool . 111T حماد بربری (والی یمزومکه) اج ۱ ص1۶۵۰ . حماد بن بلکین! ج ۱ ص ۲۸۹، حمادین عمرو ( فاتح دماوند از طرف منصور عباسي): ج 1 ص ١٣٥. حماد کندغوش: ج 1 ص ۱۷۴ . حمادین مسلم الرحیی الریاشی (زاهد) : ج۱ ص ۳۷۱. حبدالله خطاط ( شيخ ــ ) : ج ۲ ص۶۶۶ . حمدالله بن شمسالدين ( شيخ ــ ) : ج ٢ ص ۲۴۵ ، حمدالله مستوفي قزويني اج۲ص ۶۴۵ .

حبدان(حاکمماردین) آج ۱ ص۱۲۲۰۲۰، حمدانين نامر الدوله : ج1ص,۲۷٪ ، حمدویه بن علی بن فضل سعدی ( والیآذرـــ بایجان ): ج 1 ص۱۹۲،

حمزه آقا: چ ۳ص ۲۰۲۰ ۲۰۱۷ ۲۰۲۵ ۲۰۲۰ حمزه آقای پلیاس منگور ( از اکراد ) : ج ۱ . ص ۲۷۷، ۲۷۷ - ج ۲ص ۱۱۱۹۰

حمزه بناترک سجستانی ج۱ ص۱۶۳، ۱۶۳۰ . حمزه بهادرخان: چ۲ ص ۲۵۳. حمزہ بیک تجراوعلی ؛ ج ۲ ص ۸۵۵ ، حمزه بیک طالش: ج ۱ ص ۵۵۳ : ح۲ص۱۹۸ .

حمزہ بن حبیب الزیات ﴿ أَرْ قَرَا ا سِعِهِ ﴾ : ج ١

حَمَرُوْ خَارِجِي جِ 1 ص ١٧٥٠ حمزہ خان انزانی، ج ۳ ص ۱۵۷۸ ، ۱۷۱۷ ، · 1744

حمزہ خان بسیان: ج ۳ ص ۲۱۴۲. حمزه ططان: ج ۲ ص ۸۲۹، ۵۵۵ حمزه سلطان انزابی ؛ ج ۳ ص ۱۳۹۳ ، حمزہ بن عبداللہ ( والی عراق ) : ج 1 ص

حمزه بن عبدالمطب (عم رسول|لله ص) 🖫 ج ۱ ص ۲۱، ۲۳۰

حمزہ بن عمرابلمی ( عمرو ) ! ج 1 ص ۸۲ -حمزه بن مالک ( از امیران سپاه معاویسه در مغين): ۾ ۽ ص 56.

حمزہبنمالک (حاکم خراسان) : ج1ص1 16 . حمزہ میرزا (پسر شاہ عباس دوم): ج ؟ ص . 944 6 444

حمزه ميرزا \_\_\_\_ حشمتالدوله. حمزه بن هيمالسرالطوي الحسيني النيشابوري

حيدرخان، سرتيپ جماعت ايلات قزوين) ." . ATT @ 1 E حيدرځانسرهنگ (پسرحاجي سعدالدوله): ج اص ۵۰۹: ج۲ ص ۲۰۲۲، حیدرخان (ضابط): ج ۲ ص ۹۸۵، حيدرخان ( از طائفه عزالدينالو) :ج1 ص حيدرخان ( از امرا٬ قاجار ) ¦ج۳م۴۶۵۳. حيدرخان ( از امراه طائفه قوانللو) : ج1 ص ۲۰۵۰ ج ۲ ص ۱۲۲۰۰ حیدرخان ( مدیرگمرگ نهاوند ) ؛ ج ۲ ص حيدر دوغلات ( ميرزا ... ) : ج ٢٩٧٠٠. حیدرعلیخان ( حاجی ــ )برادرزادهٔ خاص ابراهیمخان شیرازی: ج۲ص۱۵۴۶۰ حیدرعلیخان بهادر ( پادشاه میسور) :ج۳ ٠ ١٣٩٢ ٠ حیدر علیخان (میرزا ــ ) سرتیپ ( رئیس تلگرافخانهٔ تبریز ). ج ۱ ص ۵۴۷ . . TITT - T E حیدرعلیخان سرهنگ: ج ۳ص۱۷۶۷ ۰ حیدرعلی خان (نایب آجودانباشی) : ج۲ حیدرعلیخان ( وکیل موقتی شیراز: ج ص ۵۲۸ : ج ۲ ص ۱۹۹۹ ۲ . حیدرعامی (میرزا ۔ ) یاور تلگراف 🕯 ج ۳ · 1444 0 حيدِر قليخان، پسر آصف الدوله ( سرتبسب سوم) : چ ۱ ص ۵۲۵: چ ۲ ص۱۲۵۰: - T = 95 . 1961 - T = T حیدرقلیخان ارونقی (یاور اول) : ج ۱ ص 111، ع٢ ص ١٢٣٣٢ : عيس ٢٠٧٧٠ حبدر قلىخان ايلخاني ( سيامالدوله ) : • 19•4 • 1Atf • 1A07 - 7 € حيدرقليخان سرتيپ : ج ٣ ص ٢٠٩٢ -حيدرقلي خان ( سرتيب شمخالجيان) : ج١ ص ۵۲۲۰

حيدرقليخان شادلو : چ۳ ص ۱۷۵۹ ۰

ج ٣ ص ٢٠۶٥ .

حیدرقلیخان قاضی ( از حاجی مهدی قلس

حيدر قلي خان مافي يوزياشي 🖣 ج ٢٥٨٨٠٠٠ -

خانی) : ج 1 ص ۵۰۲ ج ۲ص ۱۲۲ ۰

ج ۳ ص ۲۱۱۷، حیدر فلیخان قباجار ( ازامرای دیوانخانه): ج۳ص ۱۹۰۳، حیدرفلیخان مستشار: چ۱ ص ۵۲۹، میدرفلیخان هراتی ( سرتیب سیم): چ۱ می ۲۰۷۰، حیدرفلیخان یوزباشی: چ۱ می ۲۹۷، ۲۰۷۰، حیدرفلی سلطان: چ۲ می ۲۹۷، ۲۹۵، ۲۹۷، حیدرفلیمبرزا ( نواب ...) متخلص بعخاور: چ۳ می ۱۶۷۲، ۱۶۷۲، ۲۶۷۰، حیدرفلیمبرزا ( پسر فنحعلیشاه): چ۳ می

۱۴۵۵ - ۱۴۵۵ - ۱۳۵۰ - ۲۳ م۱۴۵۵ - ۲۳ م۱۳۵۰ - ۲۳ م۱۳۵۰ - ۲۳ میدر در در در شاه استعبال[ول مقوی] : ۲ می ۲۳۰ - ۲۳

خاتون اغوز : اع ۳ ص ۱۳۲۶ . خاتون چنگیزخان : ج ۳ ص ۱۳۴۳ . خادم بیک : ج ۲ ص ۷۴۹ .

خازن بنخزیمه: ج ۱ ص ۱۳۴ ، ۱۳۷ ، ۱۳۹۰ ۱۴۴

خازم بن عبدالله (ازاولاد ـــ) :ج۱۹۰۶ ۱۰ خازنالملک، حاجورحیمخان(صدوقدار) :

ج اص ۲۰۵۰ ج ۲ ص ۱۸۱۸ : ج ۳ ص ۱۹۱۶ : ۱۹۹۱ : ۲۰۰۱ ، ۲۰۲۴

خاص بیک ( امیر \_)بسرترکمانی:ج۱۳۸۴۰۰. خافانترک:ج۱ص۱۱۱، ۱۱۲ تا ۱۱۹۰۱۱ ،

خاقان چین : ج 1 ص ۱۰۳ ۰ ۲۱۰ خاقان منظم = فتطمیشاه ( والده = ) :ج۲ ص ۱۳۸۱ ۰ خاقان میرزا : ج ۲ ص ۷۵۵ ۰

خاقانی ( شاعر ) : ج ۱ ص ۴۰۸. خالد بن احمدالسدوسی:ج(ص ۲۱۵، ۲۱۶. خالد اربیک : ج ۳ ص ۱۸۴۷. خالد بن برمگ ( وزیر مالید، سفاح) : ج ۱ ص ۱۳۲۰ ۱۲۳۰. خالد باشا ، بنی عم عبدالرحمن باشا : ج ۳ص

۱۹۸۲ - ۱۹۸۲ - ۱۵۰۵ - ۱۵۰۵ - ۱۹۸۲ خالدین الڈریوس: ج 1 ص ۱۷۵ -خالدین سعدان (فقید ) حمص) : ج1ص۱۹ - ۱ خالدین عاص بن هاشم ( والی مکه از طبرف معاوید): ج 1 ص ۷۲ -

خالد بن عبدالله ( والى بصره): ج (ص14) ، ج (ص4) ، ه

خالد بن عبدالله ( حاکم مکه) : ج۱ص۱۰۱ خالد بن عبدالله بن خالدین ولید :ج۱می۷۵۰ خالد بن عبدالله بن زهیر ( حاکمهرات ازسوی عثمان) : ج ۱ مر ۸۸۰

خالد بن عبدالله تسری ( والی خراسان) :ج ۱ ص۱۹، ۱۱۰ ۱۱۱۰ ۱۱۳ ۱۱۳۰ ۱۲۵ ۱۲۵

خالدين عرفطه الليشيءُ ج 1 ص ٨٦، خالد القطريف بن عطاء ("حاكم خراسان) :ج1 ص 150،

خالد بن کیسان ( صاحب بحر ) : ج ۱۰۰ ۱۰۰۰ خالد بن معمر ( امیر سیاه علی دَرحفین) : ج۱ ص ۶۶۰

خالدین ولید : ج ۱ ص ۲۲ تا ۲۲۰ تــاً ۲۲۰ ۲۱، ۲۲، ۲۲، ۴۶ ۵۰

خالدين يحيي|لمنتخب : ج 1ص ۴۵۹ . خالدين يزيد ( مادر ــ ) زوجه مروان بنححكم :

نالدين يزيد ( مادر ــ ) زوجه مروان بن محمدم ج اص ۸۶۰

خالد بن یزید بن معاویہ : ج 1 ص ۹۶ . خالق داود خان درائی : ج ۳ ص ۱۵۴۱ ، خامی آل عبا ہے حسین بن علی ع : ج1 ص۸۹۰

کامس ال عبا = حسین بن علی ع • ج1 ص17، ۲۶۲ ، ۲۶۲ ، ج.۳ ص ۱۲۹۶ •

خامل ماحب ! ج ۳ ص ۱۶۴۶ ، ۱۶۴۷ ،

خان ابدال خان کرد ، جهان بیگلو ( حساکسم ساری): ج ۲ ص ۱۱۷۱ ؛ ج ۳ ص ۱۳۸۰

۱۳۸۴ - ۱۳۸۹ -خان احمدخان اردلانی: ج ۲ ص ۲۱۲،۹۱۸ -

خان احمد کان ارتدائی، ج ۲ س ۱۳۶۹، ۹۳۰ خان احمد خان سواد کوهی: ج ۳ س ۱۳۲۴، خان احمد خان ( پادشاه جیلان) : ج۲ ص۸۸۰ خان احمد کیلانی: ج ۲ س ۲۹۱،

فارس ): ج ۱ ص ۶۹،۶۸،۶۸،۶۹. خانلر (میرزا ۔)حلالخور مازندرانی(منشی خزانددار نظام ـــــ اسمعیلخان .... الممالك) ; ج ٣ ص ١٩٢٢ . خزيمهبن ثابت ذوالشهادتين: ج ١ ص ٢٥. خاطرخان ؛ ج ۲ ص ۱۰۵۶ ، ۱۳۳۳ ۲۰۳۷ ۰ خزیمه بن جایر ( از امیران سپاه علبی ع در خانلرخان ( میرزا ۔ ) صاحب منصب ٔ ج 1 صفين): ج ١ ص ٥٥، خزیمسنخازم (حاکم جزیرہ): ج ۱ ص158ء خانلرخان، ولد عليعرادخان زنــد ( غــلام پیشخدمت): ج ۳ ص ۱۵۹۲ ۰ خسروباشا (حاکم وان): ج ۲ص ۴۴۴. خانلرخان، ولد کلیتلی ځانافشار : ج ۳ ص خسروپاشا ( سر عسکر دولت عثمانی) :ج ۲ ص ۹۲۵ تا ۹۲۷. خانلر مازندرانی ( میرزا ۔ ) مستوفی ٔ ج ۱ خسروپرویز ( شاءساسانی) : ج۱ ص۲۲،۲۱، ص ۵۲۹۰ جائلر ( میرزا ـ ) منشی وزارتخارجه: ج۲ . TT . TY . TF خسروخان(ایجادگنندهٔ خسروآباندامفان) : ص ۱۹۰۷ ، ۱۹۰۴ و ج ۲ ص ۱ ۹۲۱. خانلرمیرزا 🗦 ج ۳ ص ۱۶۳۹ ، ۱۶۴۹ ، ۱۶۹۲ ، خسروخان افشار ﴿ ياور اول ﴾ . ج١ص ٥١١ . . خانلرميرزا احتشامالدوله! ج ٣ ص ١٤١٧ • - 1777 of E خسروخان ، فرزند امان الله خبان ﴿ والسي · 1777 · 1775 · 1719 کردستان) ، ' ج جس ۱۵۶۷ ، خان محمد استاجلو ' ج ۲ ص ۷۵۹ ، ۷۵۹ ، خسروخان بیکلربیکی شیروان: ج ۲ص۹۵۶. خسروخان (حاکملار و سعنان) : ج۲ص۹۱۵ . خان میرزا 🗧 ج ۱ ص ۷۵۶ ۰ خسروخان ( حاکم شیروان) ؛ ج ۲ص ۹۵۷ . خان میزا ہیگ: ج چ می 1970 . ځسروځان سرتيپ ؛ ج ۲۰۸۲ ، خاور سلطان بیگم ( دحتر فتحطیشاء) :ج۳ خسروخان (سرکردہ جماعت نانکلی) : ج ۱ ض ۱۶۲۷ ، ص ۵۲۲ ع جس ۹۲ ه.۲۰ خسروخان سرهنگ; ج ۱ ص ۵۱۳. ج ۲ ص خناب بن الارت ( از محابه ). ج (ص۹۶، خدادادخان، ج ۲ ص ۱۶۴۴ ۰ \* 1777 \* 1777 خدا براد خان ( حاکم کرمان )، ج ۲ ص خسروخان (غلام مبارکشاه)؛ ج ۲ص ۲۹۵، خسروخان کرمائی، 'ج ۲ ص ۱۲۲۴ . .1150 .1150 خسروخان گرجي، ج ۳ ص ۱۵۴۲ ، ۱۵۵۷ خداوردی: ج ۲ ص ۲۹۷. خداوردی دلاک( قاتل سلطان حمزه ) : · 1544 · 15ft · 1540 فسروخان ( برادرزاده' گرگینخان) : ج ۲ ج ۲ ص ۸۲۵٠ - 1000 ، 1001 ، 1040 م خدایداد حسینی: ج ۲م، ۶۷۲، ۶۷۲، خسروخان لک: ج ۳ ص ۱۷۵۱ ، خدیجینه سلطنان عصمیت الدوله ( دختیر خسروخان ( والیکردستان) ؛ چ۳ص۱۳۹۶ ، فتحعلیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۶. خديو جهان ..... ناصر الدين شاه . 1979 . 140A . 1401 . 179Y خذينه \_\_\_\_\_ خذينه عبدالعزيز ، - 17977 + 1709 + 1771 خربنده ( خداینده) برادرغازانخان ج۲ خسرو ملطان پازوکی۔ ج ۲ ص ۹۱۶، خسروسدوم ( شنوم البهمدانی) : ج۱ص۴۴، . 904 . 694 خرخبر ( مسئول أعمال هند } [ج1ص771، خسروشاه، پسر بهرامشاه بن مسعود غزنوی: خرد (میرزا ــ ) شاعر نوری مازندرانــی : 310 CAT: 9AT: 187. - 1797 OF E خرمیهار خانم، احترامالدوله ( دختسر خسرو محمد پاشا (سرعسکر) (ج جس۱۵۴۷ ، فتحمليشاه): ج ٣ ص ١٩٢٧ ، خریت بن رائد الناجسی( عامیل بیلاد خسروميرزا ( اميرزاده)، ج 1 ص ٥١٩ ج ٢

خان اعظم: ج ۲ ص ۲۸۱، ۸۸۹، خانبــابــاخان ( بیشفدمـــت خاصــه و حاکم دهخوارقان) 🖫 ج ص ۲۵۴۰ خانباباخان سربندی ( نایب نسقخانه) :ج۲ ص 1751 - ج ۳ ص ۱۱۱۸ . خانباباخان مرتيب ، پسر مليمان خان عاحمم اختيار (حاكم امدآباد ) :ج ١ص١٥ ٥٩٠٥ . - 1 TO 1771 . 1071 . خانیاباخان سردار ( ژئرال آجودان ) ؛ ج ۳ص P781 . TYOY: "MOT: 4717. خانیاباخان سردار ( محمد حسنخان) : ج ۳ص · 1044 · 1495 خانہاہاخان ( سرکردہ' جماعت کردبچہ) : ج 1 ص ۵۲۲ ع ۳ ص ۹۱ ۲۰۹۱ . خارباباخان، پسر سعدالدوله ( نایب آجودان باشي): ج ١ ص ٥٠٩. ج ٢ ص ١٢٣٥. ج ۲ص ۲۴ ۲۰۲۰ خان باباخان (پسرعباسقلیخان سرتیپ) ،ج۳ خانباباخان قاجار ، نایب ( پیشخدمتباشی) : ج ١ ص ١٥٥٨٠ خان باباخان لاريجاني، سرهنگ اج۱ ص۸۵۵. ج ٢ص ١٢٢٩ : ج٣ص٧٣٠٠٠ خانبابا نانگلی: ج ۳ ص ۱۴۴۸ خارباباخان ( نایب پیشخدمتباشی) : ج ۲س ۱۲۹۵ ، چ ۳ س ۲۱۴۰ خان بیگیخانم. ع ۲ ص ۲۰۸۰ ۴۰۸۰ خان ترک ( در طخارستان) : ج ۱ ص ۱۱۴ . خانجهان ( حکمران بنگاله) : ج ۲ص۶۶٪، خان خانان ( سردار لشکر اورنگزیب) . ج۲ ص خان خانان، سليمانخان قاجار! ج٢ص١٤٩٣. خان خانان، پسر طهیرالدولد:ج ۳ ص ۹۶ ه ۲۰ خانخانان،ميرزاخانعبدالرحيمبنيهرامخان: ج ۲ ص ۹۹۲۱ . خان زمان : ج ۲ ص ۸۵۲ -خان سلطان ( دختر امیر مسعودشا دو زوجته شاه محمود مظفری) ؛ ج ۲ ص ۴۶۶. خانسوارسلطان هزاره لج٣ص١٩٧٣ . خانش خانم ( هشیره٪اهطهماسب): ج ۲ فانظیخان رسدم : ج ۳ ص ۱۶۵۴ .

خانطیخان سرتیپ : ج ۳ ص ۱۸۶۵ .

خانطیخان مافی : ج ۳ ص ۱۳۸۸ .

خليفه روملو : ج ۲ ص ۲۸۷. ص ۱۲۲۰ ؛ ج ۳ ص ۱۶۰۰ -خليفه سلطان ، سلطان الطباء ! ج ٢٠٠٢ ه ٩ ، خبرو میرزا (بادربکراتخان) آج۲۳٬۹۲۲، - 90 - 474 - 477 - 419 خليفه سلطان شاملو: ج 7 ص 738. خسروميرزا (پسرعباسميرزا ) \*ج٢ص١٥٩٤٠ خلیفه سلطان مازندرانی: ج۳ص ۱۲۴۸ ، 1 1609 + 1607 + 1606 + 109A · 1514 · 1514 · 1514 · 1510 خلیفه عبدالرحس: ج ۲۰۰۳ ۱۶۴۱ ۱۷۳۶۰ . 1549 . 1540 خلیل (آقا ۔):ج ۲ ص ۲۱۲۸، خشداشہ ابدغمش ( مطوک پبھلوان) : ج ( خلیل (میرزا 🗕 ) 🗦 ج ۱ ص ۵۴۶، ص ۲۲۳ ، ۲۲۹ . خلیل (میرزا \_ ) (ساوجبلاغ ): ج ۲ س خشداشہ قتلغ ( مطوک ارمنی) : ج 1 ص - 477 4719 خضر ( شيخ 🗕 ) 🗦 ج ۲ ص ۵۹۰ ، خلیل بن احمد بصری (نحوی ، استاد سیبویه) 🗓 ج 1 ص ۱۴۳ ۱۵۱۰ ۱۵۱۰ خضر آقا (از اکراد): ج ۲ ص ۱۱۹۰؛ ج ۳ خلیل افتدی ( امین دفتر ) اج۲ ص۱۱۲۲۰ ص ۲۵ ۲۵ ۰ خلیلالله میرزا خمستای (یاوراول ): ج ۲ خضر پاشای ڈوالقدر : ج ۲ ص ۸۲۰۔ ص ۱۲۲۳ ه خضر چلبی: ج ۲ ص ۲۸۹. خلیل ہیک ڈوالقدر ؛ ج ۲ص ۶۵۲. خضر خان: ج ٣ ص ٨٩٣. خلیل ہیک کرد : ج ۲ ص ۸۴۹. خفرخان (حاکم دهلی) : ج ۲ ص ۶۷۵ ، خلیل بیگ ( ولد محمدخان زاخوری ) اج ۲ - 547 + 540 . 974 , 97Y o خضر خواجه اغلان. ج ۲ ص ۶۴۹ ، ۶۶۳ ، خلیل باشا (بیگلر بیگی ارزن الروم): ج ۲ . 644 . 664 . 664 ص۱۱۶، ۹۳۱ ، چ ۲ص ۱۳۶۹ · خطیب بغدادی ــــــ ابوبکر . خليل پاشا (حاكم حله) نج ٢ ص ٩٢١ - ٩٢٨ : خطیم: ج ۱ ص ۷۵۰ خفاجه بن سفیان ( حاکم عقلیه) : ج { ص 1759 PT E خليلخان: ج 7 ص ۸۲۲. . 7 00 . 700 خلیل خان افشار ہے ہی ۸۷۲، خفاجه بن الظاهر بامرالله عباسي: ج ٣ ص خلیل خان ایرملو. ج ۳ س ۲۰۸۲ ، خلیلخان بمنای: ج7ص ۱۶۵۹ ، خلف بناحید سجستانی ( مالک سجستان و خلیلخان سرهنگ: ج ۲ ص۱۹۲۸؛ ج ۳ ص صاحب تفسیر) : ج ۱ ص۲۹۱۰۲۶۸۰ خلف بنءبدالله (حاکمری): ج1ص۱۵۲۰۰ ظیل خان قزوینی ( حاجی ۔ ) : ج ۴ ص خلفين عبدالطك الخزرجي الانصاري (عالم . 14Y . . 14DA اندلس} : ج ۱ ص ۴۵۶ ، خلیل سلطان ( میرزا ... ) تیموری ( حاکم خلف بنهشاماليزاز البقري 🗦 ٢٠٠٠ - ١٨٩ سمرقند ) : ج ۲ ص ۶۶۹، ۶۶۹، خلف بن ملاعب " ج 1 ص ٣٢٤٠. خَفِيلَ سَلَطَانَ دُوالقدر رُجِ ٢ ص ٢٤٥ ، ٧٤٠ -خلف بیک ( سردار خراسان) : ج۲ص۹۳۱، خلیل شاہ ( برادرشیروانشاہ) : ج ۲۰۲۲ ۴ خلنجی: ج ۱ ص ۲۲۶، ۲۲۷. خليل (ميرزا ـ- ) = شاه خليل|لله. خلوب ، ام ولد ( مادر المتدَّى ابسراهيم بن ابن ميرزا ابوالحسن ( رئيس استاعيليد ) 🕏 المقندر): ج 1 ص ۲۵۲، ج ۲ ص ۱۵۳۲ ٠ خليدين قرةاليربوعي ( مامور نظم خراسان خلیل قزوینی ( مولانا علامہ – ) \* ج ۲ ص از جانب على ع ) : ج ١ص٤٦ ، ٤٧٠ خلید بن منڈرالماوی ؓ ج 1 ص ۴۲ ، خلیل میرزا سرهنگ : ج ۳ ص ۱۳۲ ۰ خلیع ، حسین بن ضحاک (شاعر) : ج 1 ص خداروید بن احمد بن طولون ؓ ج 1 ص ۲۱۴

خلیفه انصار : ج ۲ ص ۸۱۹.

زخواجوی کرمانی: ج ۲ س ۶۳۷، ۳۳۹. ۱۹۲۵، خواجه احمد ساعت ساز بزدی: ج ۲۳۵،۲۵۳، ۱۹۲۵، خواجه احمد فنظراط: چ ۲۵،۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۰، ۲۵۰، خواجه انفیل ترکه: چ ۲ س ۸۱۹، چ ۲۵،۳۵۰، خواجه بهرام (حاکم موصل): چ ۲ س ۶۵۰، خواجه بهرام (حاکم موصل): چ ۲ س ۶۵۸، موصل خواجه تاچالدین حسن عطار: چ ۲۵،۶۷۸، خواجه جال الدین علی تبریزی: چ ۲ س ۸۵۹،

خواجه جهانگاوان ﴿ وزير دکن﴾: ج٢م ٨٢٧٠-شاميمانتان اسلام الاستيم م

خواجمحافظ شیرازی (شمس) الدین محمد ) : ج ۲ ص ۶۵۸ ، ۱۹۲۶

خواجه حبیبالله (وزیر) :ج ۲ص ۲۷۲. خواجه حسن دهنوی : ج ۲ ص ۱۶۰. خواجه حنا ( قونسول اسکندرون) : ج ۱ ج ۵۳۲.

خراجہ داود ارمنی : ج۳ ص ۱۳۶۵ ، خواجہ دمشق : ج ۲ ص ۶۲۳ ، خواجہ ربیع : ج ۲ ص ۹۵۲ ، ۱۹۲۳ ، خواجہ شہرالدین اسد : ج ۲ ص ۲ ص ۲ و ۷ ، خواجہ شہرالدین اسد : ج ۲ ص ۲ و ۲ ،

خواجه شمرالدین اسد ; ج ۲ ص ۹ م۰. خواجه شمرالدین عبدالله مروارید ; ج ۳ص ۲۶۳.

خواجىشسرالدىن،محمدبخارى: ج ٢٩,٥٩٥، خواجىشسرالدىن،محمدجوينى: ج ٢٩٥، ٥٩، خواجه شسرالدىن،محمد حافظ ـــــ خواجه حافظ.

خواجه صابن الدين ترکها صفهائي : ج ۲ ص ۶۸۸ -

خواجه عبدالله انصاری! ج ۲ ص ۶۳۹. خواجه عبدالقادر مراغی! ج ۲ص ۶۸۹. خواجه علاءالدین عطار! ج ۲ص ۶۶۵. خواجه علی مواید ( از سریداران)! ج۲ص

خواجه کلان غوریانی: ج ۲ ص ۲۹۱،

ص ۱۴۴ ۰ خواجه محمد پارسا : ج ۳ س دیری. خيرالله افندی ( وزير مختار عثماني) اُج ٣ خواجه محمد (ولد خواجه مظفر بټکچی ) : ج ۲ ص ۲۲۸، خيراللمخان مافي يوزباشي ' ج 1 ص ٥٣٩-' ج ۲ ص ۱۲۶۹ : ج ۳س ۲۱۱۹۰ خواجه محمد دهدار فانی: ج۲ص ۹۰۳. خير بيگ: ج ۲ ص ۲۶۳. خواجه شیخ محمد (کلانترکرمان) : ج ۲ س خيرپاشاابنخيرالدينبنياشا : ج٢ ص ٨٤٤. خواجه محمد صالح بتکچی ( ولدخواجه مظفر ج ۳ ص ۲۰۰۱، بتکچی): ج۲ ص ۲۹۱، ۲۹۲. خيزران (امولد ، مادر هارونالرشيد ) : ج إ خواجمعمود برمه ( شاعر ) لج ۲س ۲۴ ۹۰ ص ۱۵۷ ، ۱۵۹ ، خواجه سعود بخاری :ج ۲ص ۹۲ و. خواجه مظفر بٽکھی: ج ۲ ص ۲۶۰، خواجه معزالدين ( وزير سلطان|بوسعيد ) ; ج ۲ ص ۲۱۱٠ دابویه ( برادر بادوسیان بن گیلین گیلان خواجه مولانا اصفهانی :ج۲ص٫۶۶، شاه): ج ۲ ص ۲۲۳. خواجه ناصرالدین عبدالعزیز جامی : ج ۲ص داذای حبشی (امیرے ) امیر لشکرخراسان 🗓 - TOT . TOO OF 15 خواجه ناصرالدين عبيدالله احرار : ج ۲ ص دارابخان ( سرکردهٔ جماعت بختیاری) 🕽 -⊺∘೯೯ ಅ೯ ನ خواجه نصیرالدین طوسی: ج ۲ ص ۵۹۱. داراب خان ( سرکردہ جماعت فیلی ) ، ج۱ خواجه نصت الله قهستاني ؛ ج ۲ص ۲۶۲. ص ۵۲۲۰ خواجه یحیی کرابی ( از سربداران): ج ۳ دارابمبرزا (سرئيپ سيم ): ج 1 ص ٧٥٥: ص ۱۶۳۸ ۶۲۹ ۶۵۶۰ + YOV 107 2 . 177 A 017 . خوارزمشاه، هارون بن طبطاش: ج 1ص14، داراب میرزا (پسر ضیا الدوله ) : ج ۱ ص خوارزمشاه: ج ۱ ص ۱۰۱، ۲۹۹ ، ۲۲۵ ، .Toffore 1770 or 7 = .401 · 444 4445 ادازاشکوه: ایج ۲ص ۹۵۷ ، ۹۶۱ ، داعی تغرشی: ج اس ۱۱۵۱ -خوارزمشاه، ارسلان بناتسز! ج 1م 799. داعى الحق ـــــ حسنبززيد . خوارزمشاه سلطان ؛ ج۲ ص ۲۸،۰ خوجه قه ( سردار تراکمه) :ج ۳ص۹۵۹ . داعي صغير: ج ٢ ص ٧٢٤. خورزاد بسن بادوسیسان بن گیل ( از ملوک داعی کبیر: ج ۲ ص ۷۲۴. رستعدار) : ج ۲ ص ۷۲۳. دآک: ج ۳ص ۱۸۳۵، خورشید پاشا ( سـردار ) : ج۲ ص۱۵۵۴، دالتررینک ( مستشار اول انگلیس) : ج ۱س 1104 PTF: 6TA . 1ATO ( 100A خورشید خانم ( دختر فتحطیشاه) ؛ ج چس دالغورکی ( ژنرال ــ ) : ج ۳ ص ۱۵۹۷ ، . 1717 - 1875 خورشید کلاه ( دختر فتحطیشاء ): ج ۳ دامییه: ج ۲ ص ۱۹۹۸، ص ۱۶۲۲ ه دان تن ( رئيس جمهور) : ج ۲س ۱۴۲۱ ، خولان: ج ۱ ص ۲۱، خولی اصبحی: ج ۱ ص ۸۷، دانشبند چه ( از شاهان ترکستان): ج ۲ خويلدېن،عمرو ـــــــ ايوشريحخزاعي ، ص۸۵۶۰ خیام باشی: بع ۲ص ۱۲۶۸، دانيال بن اکبرشاه. ج ٢ص ٩٧. خيان لونگ ، خافان چين : جېس ۱۴۲۴ . دانیال نبی; ج ۱ ص ۴۸.

خيبري ( از خوارج) : ج ۱ ص ۱۲۸.

خیثم مروزی ( سردار منصور (هیثم ) : ج ۱

- 144 داود افندی ٔ ج ۳ ص ۱۸۳۷ -داود بیگ : ج ۲ ص ۸۴۶، داود بیک گرجی: ج ۲ ص ۸۵۴۰ داود پاشا ( حاکم لیبان): ج۳س۹۱۸۷۰ داود یاشا ﴿ والی بغداد ﴾ : ج ۲ ص ۲۲۵ : - 1004 · 1001 · 1000 · 10ft داود خان ۽ ۽ ص ١٧٢٤ -داود خان (میرزا ۔ ) تج ۳ ص ۱۲۹۴ -داودخان (ولداللمورديخان ) (ج٢ص ١٩٢ -داود (میرزاس)خان (برادر میرزا کاظمخان نظام|الملك) : ج٢ص ١٩٢٣ -داودخانسیحی (حکیم –) :ج۳۳۰۲۲ ۱ داود بن سقمان، ج ۱ ص ۲۵۷، داودینسلطان،سعود اج ۲۷ تا۲۷۰ داود بن ملیمان: ج ۱ ح ص ۱۵۵، داودېن مليمان بن عبدالملک ۽ ڄ ٢٠٠٩ . ١ داود شاہ: ج 7 ص ۲۷۴. داود طائی، زاهد (ازاصحاب ابومنیفه) : ج 1 ص 141 ، داود بن علی ( عم سفاح و والی کوفه ) : ع ا ص ۱۳۱ ، ۱۳۲ · داود بنعلىالإصفهاني ( پيشواي اصحاب ظاهر) اُ ج 1 ص ۲۱۴۰ داود بن علیبن عباس: ج 1 ص14 . داود بنعیسی ٔ ج ۱ ص ۴۵۲. داود بن عیسی (امیر ۔۔ ) امیر مکہ: ج 1 ص ۲۱۳۰

داود بن عیسی بن موسی (حاکم مکه و مدنیه) : ج ۱ ص ۱۶۹ ، ۱۷۲ . داود کرانی: ج ۱ ص ۱۸۶۰ ، ۱۸۶ . داود لیثی : ج ۱ ص ۲۸ . داود بن ماسحور ( والی بصره) : ج ۱ ص

داودين،محبودين،محبدين ملكتا مبلجوقي:

ج ۱ ص ۲۷۱ تا ۲۷۲، ۲۷۹. داود بن ملکثناه: ج ۱ ص ۳۲۸. داود (میرزا ــ) منشی : ج ۱ ص ۵۵۶ : ج ۲ ص ۲۰۶۹.

داود بن میکائیل بن سلجوق ،چغربیک : ج ۱ ص ۲۲۶۰۲۲۲۰۲۱۴۰۲۱۲ داودوقایع نگار (میرزاد)مستوفیآذربایجان : ج ۱ ص ۵۲۸، ۵۵۷ : چ۳ ص ۲۱۰۰

داود بن یزید بن حاتم مهلبی ( والسي

داود بن ادریس ( حاکم هواره); ج ۱ ص

داود (میرزا ... ) . ج ۲ ص ۱۲۲۵ .

دستان (لقب رستمزال) :ج٣٠٥،١٣٢٢. افریقید ) (ج اص ۱۵۸ - ۱۶۸ - ۱۷۸ -دعبل بن علی خزاعی ( شاعر شیعی ) :ج ۲ داود بن يزيد بن هبيره! ۾ ٻس ۽ ٻي. داریس ( دریانورد و کاشفجغرافیائی) :ج ۲ دغفل بن مفرج طائی ، فضل ﴿ سرکرد 4عزیز دیری، دوک ( برادرزادهٔ پادشاه فرانسه): علوی ) : ج ۲ ص ۲۲۹ ، دفنس، يسر دادملو (وزير اعظمپرتوغال) : ج کی ۱۵۴۹ . دبهرالطك فراهانيء ميرزا محمدحسينخان ج 1 ص ۵۶۲. دقاق: ج 1 ص ٣١٣. (وذير رسايل): ج ۲س۱۸۲۲، ۱۸۶۰، دفاق بن تنشين البارسلان (صاحب دمشق): 4 14TF + 14oF + 1A4T +1AAA 31 a 477 d 007, 707, 707. .T+991: X+91: 1954: 1974: 1974 دکیر (شاه فرانک) : ج ۱ ص ۲۲، ۲۲، ۳۰، دبیزن (مارشال 🗕 ) : ج ۲ ص ۱۹۸۰ دہیس بن مدقہ بن منصور : ج 1 ص ۲۹۵، 17: 77: **17:** دکز (سردار بزرگترک درمصر) :ج ۱ص۲۳۵، . TYT . TYT GTSY . TSO . TST دكر، شمرالدين ( صاحب بلاداران) : ج١ دبیس بن علی بن مزید (حاکم بطیحه ) ᠄ ص ۱۸۲۵ ۲۹۲،۹۹۳، ۲۰۲،۲۰۳۰ ج ١ ص ٢٥٢، ٢٥٣. دكر عبدالسلام بن عبدالوهابجبلي (والي دہیس بن مرتلہ : ج 1 ص ٣٢٣. بنداد)! ج 1 ص ۲۳۰. دپروشنگ: ج ۳ ص ۲۰۷۵. دکومنیکی ( سواره) : ج ۲ ص۱۲۳۱ ؛ ج۲ ص دحیہ بن خلیفہ الکلبی (صحابی) ! ج 1 ص .05 . 15 دلاورخانغوري (حاکم مالود) : ج ۲ص۹۵۹ ، دختانخانگرجی: ج ۲ ص ۲۹۲. · YAY + 558 دده بیک: ج ۲ س ۲۵۴. دلاور یاغی: ج ۲ ص ۱۱۲۶ ۰ دران خان ( سرکودۂ تفنگچیان): ج ۳ ص دلب: ج ۱ ص ۴۷، دلدرم بن بها الدين ياروق ، بدرالديس : دربلو (موالف): ج ۲ ص ۹۹۹. ع العركات درخشنده گوهرخانم ( دختر فتحطیشاه) : دلدل (قاطر): ج ١ ص ٢٧. ج ۲ ص ۱۶۲۶. دلشاد خواتون ( دختر دمشق خواجه ابــــن دروان دلویس ( وزیر خارجهٔ فرانسه) ! ج۳ امیرچوپان): ج ۲ص ۶۲۳. ص ۱۸۲۷ ۰ دلشتن برگ: ج ۳ ص ۱۶۰۸. درویشیاشا (سردارعثمانی) : ج ۲۰۰۲ ه ۱۲۰۲ ؛ دلغورکی: ج۲ ص ۲۰۲۴. 3 TO ATOT: 1007. دمستق: ج ۱ ص ۲۴۰ تا ۲۴۲، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، درویش خان ( ولد براقخان ) :چ ۲ص ۲ م. . . TYY B TYT درویش رکزالدین ( مرید شیخ مسنجوری ) ீ دمشق خواجه ابن امیرچوپان 🗦 ۾ ۲س۲۶۶. ج ٢ص ٥٥١ ، ٢٥٢. دموریز ( ژنرال ... ) سردار فرانسه: چچس درویش سلطان ؛ ج ۲ ص ه ۸۲۰ ص ۱۴۲۷ ۰ دريش عبدالمجيد طالقاني يُج٢ص٢ ١١٧ . دمتری پوس: ج ۲ ص ۱۵۵۲ ۰ درویش علیمغول 🗦 ج ۲می ۷۸۷ . دمبریت سیم ، دنسک ( شاہ روس) ؛ ج 7 ص درویش محمدخان : چ ۲ ص ه ۷۷، ۸۱۸ . .549 .545 دروین ولوئیس فرانسوی: ج ۲س ۴۹۱؛ ج۳ دنالفنس ( پسر ملکہ اسپسانیسا ) ہے ۳ س ص ۲۹۲۹. -1909 -1900 -1914 درهم بن حسين ! ج 1 ص 194 .

دریاعماد شاه ( صاحب برار ) ؛ ج ۲ص ۴۲٪.

دن پدر پسر ارشد زان ﴿ پادشاه برزیل ﴾ : 3 7 WAAA + 1441 - 9-31 - 1131. -1571 -1519 دن پدر پنجم ( یادشاہ پرتوغال) : ج ۳ ص . 1755 دن پدرشامرو ( رئیس جمهورینیکاراگوا ) : جاص ۵۶۵ : ۱۵۳۰ م دندوکف کرازگف (شاهزادهمجاری ) :ج ۳ ص ۱۰۰۱، دن زکرتس: ج ۳ س ۱۷۶۲، دن ژوان (پسر غیرمشروع شارلکن): ج۲س دنکارلس(بادشاناسیانیول): ج7س۱۹۶۱، دن کارلس ( ہرادر ہادشاہ اسہانیا ): ج ۳ ع 1491ء دن کارلس: ج ۳ ص ۱۶۲۲،۱۶۲۲،۱۶۲۲، - 1774 دن کارلس: ج ۳ ص ۱۸۲۷ ، ۱۸۲۴ ، ۱۹۰۱ ، 4 1400 4 1400 4 14TY 4 141Y -14YY -1450 -1464 دن میگل ( پادشامپرتوغال ) :ج ۳صد۱۵۵۰ 11519-15-1-1094-1074-105A دواتيمور : ج 7 ص ۶۲۹. دواتيمور خان : ج ۲ ص ۶۲۲. دواخان: ج ۲ ص ۶۴۹. دويور ( صدراعظم فرانسه) يج ۲س ۱۹۱۹، دریالهن ( سردار) : چ جس۲۴۶۳ . دودبراگانس: ج ۲ ص ۹۴۵ ، دوران دلوئیس: ج ۲س ۱۸۸۱ ، دورغه ( دودورغه) : ج ۳ ص ۱۳۳۱ ، دورمشخان بن عبیدی بیک شاملو: ج ۲ ص · YY · YY · YFA ·YFY ·YFA دوستخان ۽ ۾ ۲ ص ۸۲۲ء دوستطی خان بسطامی معیرالعمالک ( والــد حسینطیخان معیرالعمالک ) : ج ۳ ص ·1514 · 146T

دوستطی خان معیرالمعالک : ج ۳ ص۱۶۹۴،

دوستطی خان نظامالدوله: ج۲ ص ۱۹۳۳

-1477 - 19+Y -1AAF

-1979

· 1447 · 1477 · 1477 · 14-4

دناماری: ج ۳ ص ۱۷۶۳ . دریابیگی میر علیاکبرخان سرهنگ: ج۳ ص دناماریا : ج ۳ ص ۱۶۱۹ ،

دن پدر : چ ۲ ص ۱۵۶۲ ، ۱۵۶۵ ، ۱۸۰۹ ، ۱۸۰۹ ،

دوست محمدخان ، سرهنگ : ج1ص ۵۱۴ ، دوست محمدخان: چ ۲س ۱۶۶۲ ، ۱۷۴۶ ، دوست محمدخان ( برادر محمدعظیم خسان صوبعدار کشبیر) : ج ۳ ص ۱۵۴۱ ۰ دوستمحمدخان معيرالعمالک (امير – ) :ج 1 ص ۵۵۴ : ج ۲ ص ۱۶۶۹ ، ۱۷۸۲ ، · 1946 · 184 · 180 · 186 · 346 · دوسل: ج ۲ ص ۱۸۳۱ -دوشین دالب ٪ ج۲ ص ۱۸۲۱ ۰ دوک دادیمبورغ ( دادینبورک ) پستر شناه انگلیس: ج ۳ص ۱۹۴۳، ۱۹۵۶ دوک دارژیل: ج ۲ ص ۱۹۹۹ ۰ دوک دارلٹان : ج ۲ ص ۱۰۱۹، ۱۵۳ : ۳۳ دوک دآلپ : ج ۲ ص ۸۵۴، ۸۶۹ ، دوک دانگن ( شاهزاده 🗕 ) څخ۳ص۱۲۲۴۰۰ دوک دانگولم : ج ۳ ص ۱۵۶۵ ۰ دوک دانوت : ج ۳ ص ۱۹۶۶ . دوگ داوست ( پسر شاہ ایطالیا ) اُ ج ۳ ص .191Y . 1A90 دوک دبرایان (لاویلددویم ) :ج ۲۳۶۳۰۰ دوک دیر دوء کنت دشامبر تج ۳ص ۱۵۵۳ ۰ دوکند برونسویگ (سردارکل) 🗓 ج ۲۳۰ ۱۴۲ ۰ دوک دیارم 🕻 ج 🛪 ص ۱۷۷۶ . دوک دریشناد (پسر ناپلئون اول )، ج۳ س دوک دژن ( ایطالیائی ) : ج ۳ ص۱۷۶۰ -19-1 -17YF دوک دشوازن ( وزیسر جنسگ فرانسه ) : ع ۲ ص دوک د کامبریج : ج ۳ ص ۱۷۸۸ . دوک دکومبرلاند : ج ۳ ص ۱۶۴۳ ۰ دوک دلشتن برگ 🖁 ج ۳ ص ۱۶۳۱ ۰ دوگ دلنگشن: ج ۳ ص ۱۷۶۲ ۰ دوک دمالاکف: ج ۳می۱ ۱۷۹ م ۱۸۰۸ دوک دمونت پانسیه: ج ۳ ص ۱۹۸۵ -دوک دنمور ( پسر پادشاہ فرانسہ) : ج ۳ ص دوک دوبروکلی : ج ۳ ص ۱۹۴۵ .

دوک دوکلارانس (ولیعهد انگلیس) ؛ ج۳ ص

دوک دومال (پسر پادشاہ فرانسہ): ج ۳س

دوک دوکیز: ج ۲ ص ۸۴۹،

. 1594 دوک دومن مرانسی 🖰 ج ۲ ص ۸۵۴ -دوک دویرک ( ولیمهد انگلیس): ج ۳ ص

دوک رانترو: ج ۲ ص ۸۷۴. دوکساآر (فقرزند آیخان): ج محص ۱۳۲۵۰ دوکسن ( سردار فرانسه) : ج۲ص ۹۹۰۰ دوکسلن ( سردار فرانسه ) 🕻 ج ۲ ص ۶۴۸ ه

دوکمن: ج ۲ ص ۹۸۹، دوک درت ، امیرال انگلیسی ؛ ج ۳ ص ۱۴۸۹ ، دولتخان ؛ ج ۲ ص ۸۹۱ -دولتشاء ( والي بلخ ) : ج١ ص ٣٥٢٠ دولتشاه ( حاکم کرمان ) . ج ۲ ص ۴۴۵۰ دولتگرای خان تا تار : ج ۲ص۸۸۸۸۵۸ د دولت مراد خان ترکمان؛ ج ۳ص ۱۷۲۶ . دولتمرادخان ( حاكم درگز): ج٣ص٩٤٠٠٠. دولتیار ( حاکم کردستان ) : ج۲۹۰۰ ۸۲۹ دومنت داورویل: ج ۲ص ۱۶۴۳ .

دوموریز ( سردار شورشیان) نج ۲ص ۲ ۱۴۲ ه دومولن (قاضی فرانسه) } ج۲ص ۸۵۲ ه دوناایزابل ثانی : ج۳ص ۱۶۶۶ ،

دون تومافریاس ( رئیس جمهور بولیسوی ) : چ اص ۵۶۵ ج ۲ ص ۱۳۰۹ کے ۳ ص

دون لوتزولاژ ( رئیس جمهوری اوروگی) . ج۱ · 110107 - 150 907 - 701011 . دونلينارس[لكنتارا (رئيسجمهورىونزوالا) .

ج ١ ص ٥۶۶٠

دويج ( ژنرال 🗕 ) : ج ۲ ص ۱۵۷۴ · دويله: ج1 ص ۴۶۶.

دیاز (رئیس جمهور مکزیک): ج۳ ص۱۹۷۵۰ دیبیا فویخان : ج ۲ص ۱۳۲۵ ،

دیسرائیلی: ج ۳ص ۱ ۱۹۵۶ ، ۱۹۵۶ · ۱۹۶۶ ·

دیمان بن سید : ج ۱ص ۲۹۸۰

ديكالجن ،عبدالسلامبنرغبان أج ١٩٣٦، دیکس صاحب (حکیمہائی) آج ۱ ص ۵۲۸ ،

۶۴۵: ۳۳-۸۰۱۲۱۰۲۱۰

دیلیمجارچآیت ( ژنرال ــ) قونمول|نگلیس

در تبریز : ج۱ ص ۵۳۸ : ج۲ص۸۰۱۱۰ دیمتری ( ہادشاہ روس) : ج ۲ ص۰۹۰۰ دین محمد ملطان اوزیک: ج ۲ ص ۲۹۴ ،

APY: 104: PIA.

دينوري ــــــ ايوحنيفه أحمد . . . .

ديو جمال الدين (حاكم قلعه اولاد ): ج٢ ص (۸۸۰

ديرجن ( امپراطور قسطنطنيه) :ج (ص٢٣٣٠. ديو سلطان روملو: ج٢ص٩٥٧،٧٤٢،٧٤٥،

ديو قيماس! ج ۲ ص ۹۵٪، دیہ بیچ ( سردار روس) : ج ۳ ص ۱۶۰۱ ۰

. 15-9

ذات النطاقين حسب اسماء ذات النطاقين ذاهر (یادشاه سند )، ج1 ص 99 ،

ذبين الله ميرزا شعاع السلطنه! ج 1 ص ٢ ٥٥٠. 7 2 11110 F

· ۲068 0

ذرین عبداللہ: ج ۱ص ۴۸،

ذرعة دويزن ( زرعه) : ج اص ٣٠٠ ذكران انصاري (ذكوان بن عبد قيس الخزرجي):

ج 1 ص ۲۲ ،

ذکرویه ( بزرگ قرامطه) ؛ ج ۱ ص ۲۲۷ -ذوالخمأر سست اسؤد عنصى

ذوالرمه ( شاعر ) ، ج ۱ ص ۱۱۸۰ ذوالرياستين (حكمران ولايت همدان ):

ج 1 ص 244.

ذوالفقار بیک ( برادر رستمخان ) : ج ۲ ص

ذ والفقار باشا : ج ۲ ص ۹۲۸ ، ذوالفقار بن تخود ملطان ترکنان 🗦 ج ۲ ص

ذوالفقار ( حكم ان عراق ) : ج ٢ ص ٢٧٤٠.

ذوالفقارخان: ج ۲ ص ۹۶۸ .

ذوالفقار خان: ج ٣ ص ١٥١٧ تــا ١٥١٩، - 10TA + 10T9

ذولفقار خان (چ۳م۱۶۲۶،۱۷۸۷)

ذوالفقار خان (ميرزاـــ) يُج ٢٩٥٢، ٥٠ ذوالفقار خان افشار خمستای : ج ۱ص ۵۲۱ ه

ج ٢ص ١١٤٨ ، ١١٤٩ : ج ٣ص ١٣٨١ ،

ذوالفقارخان افتان! ج ٢ص١٩٥١، ١٥٢٥،

ذوالغقارخان ( حاكم فندهار) اج ٢ص٩٤٧ . دُوالْفَقَارِخَانَ دَامِئَانِي (برادراسمعيلُخَانَ) :

ج ٢ص ١٤٧٤ ، ١٤٩٧ .

ذوالفقار خيان ( سرتيب تويخانه ) (ج٣ص

ذوالفقارخان (سرتيپ سيم فوج مهندسي): ربيع بن عمران تميني: چ 1ص ١١٣. ص ۱۶۶ . - T = T = T - T - T -ربيع (ميرزا – ) مستنطقاداره پليس) :ج٣ الراشدبالله، ابوجعفر المنصورين المسترشد : ذوالفقارخان ( سركرد 4سوار 4مهاجرجباعت ص ۹۲ ه۲۰ ج ١ ص ٢٧٤ تا ٢٧٤. جمشیدی ) نج ۲۰۲۳ نج ۳۰۸۸ ۲۰۸۸ رہیع (میرزا — ) مستوفی :چ اص ۵۲۸:ج ۳ راشد الدين سنان بن سليمان (استاعيلي)]. ذوالفقارخان سرهنگ (ج۲م۲۴۲) رُج ۴ ص · 117 - 1 7 ربیع (میرزا ـ ) مشرف ( انبار غله) : ج ۱ الراضىبالله ــــــ أبوالعباس احبد . . . ذوالفقارخان ( حاجی ــ ) سرهنگ: ج 1 ص رافائیل ( نقاش معروف ) : ج ۲ ص ۲۵۰ ، ص ۵۵۴ : ج ۳ ص ۲۱۱۴ . 1174 ج ٢ص ١٢٢٩. ربيع ( ميرزأ \_) ( نويسنده استنطاقات ): ذوالفقارخان سرهنگ ( صاحب منصب فسوج ع ١ ص ٥٢٤: ج٢ ص ١٣٥٢. رافع بن حسين بن معن : ج 1 ص ٣١٥. کزاری): ج۲ص ۲۱۴۴۰ ربیع بن یونس ( از موالی منصور) : ج 1 س رافع بن خدیج انصاری : ج۱ ص ۹۰ ، دُ والفقارخان (سرهنگخوچمهندسیملایری ) : رافع بن ليث بن نصر بن سيار { حاكمماوراً • ج ١ ص١٩٥٠ ج ٢ص ١٨٨٧٠ ربيعه بن محارب ۽ ڄ 1 ص ٨٧٠. النهر) : ج1ص 154 تا 144 . دُ والغَقَارِخَانَ سَمِنَانِي ۖ جَ ٣ص ٩ هـ ١٥٠ . ربيعه ( دختر ــ ) : ج 1 ص ۲۶. رافع بن هرثمه: ج 1 ص ۲۱۹،۲۱۷، ۲۲۱، ذوالفقارخان قرامانلو: ج ٢ص٢٥٩ . ربیعہ بن بجیرالتظیمی: ج 1 ص ۲۶. ذوالغفارخانگرایلی (سرکرده) :ج ۱ ص۲۵۰: راگت: ج ۲ ص ۱۸۳۸ ، ربيته خواتون ( خواهرسلطانصلاحالدين): . To 90 00 T 5 رامادامادویم : ج ۳ ص ۱۸۲۸. ج اص ۴۵۱. ذوالفقار خان ( میرزا ... ) مستوفی: ج 1 ص رامراجای هندو : چ ۲ص ۹۹۸ . ربيعي فوشنجي: ج ۲ ص ۶۳۱. رانزل: ج ۲ ص ۱۲۰۳. رتبيل أعظم : ج 1ص ۹۲،۹۶،۹۲،۹۲،۱۰۱۰ ذوالفقارخان ، مهندس ، ج ۱ ص ۵۱۰ ، رائلد طامسن ( وزیر مختار انگلیس) : ج ۱ رجا بن ايوب: ج ١ ص ١٨٨٠ ص ۲۱۰۸: چ ۲س ۱۱۰۸. ذوالفقار خان هندانی ( یاور سیم ) : ج ۲ ص رجاء بن حیات کندی: ج اس ۱۱۹، راولياک (قاتل هانريچهارم پادشا هرانسه): رجب (آقا 🗕 ) : چ ۲ ص ۱۲۶۸ ، ذوالفقار خان ( یاوردویم ) : ج ۳۰٬۲۰۲۰ ج ۲ ص ۹۰۶ 🚽 رجب حنیلی ( از حفاظ ): ج ۲ ص ۶۶۰. راهب اصفهانی ( شاعر) نج ۲س ۱۱۵۲. ذوالغقار ميرزا ( رئيس پيشخدمتهاي اداره رجب خان کودرزی ( یاور ) : ج ۱ ص ۵۱۵ : پلیس): ج ۲ ص ۲۰۹۷. راهویه؛ اسحق بن ابراهیم خنظی ( عالـم ع ٢ ص ١٦٣١ : ع ٣ ص ٢٠٧٥ . ذرالقدر : ج ۲ ص ۲۵۹، بزري) في جدا ح 194. رجب (آتا۔) رخندار حاصد: ج سی ۱۸۶۵. رایقالجزری کے 1 ص ۲۲۶، ذوالگلاع حميري (ازاميران،ماويه درصفين) .ً ارجبطیخان (حاجی۔)سرئیپاول توپخاند 🕽 ح 1 ص 94. رہاج زنگی ( ملقب بشیرزنگی) : ج ۱۹۲۰، ج ۲ ص ص ۱۹۵۲. ذوالنور ــــــ سراقه بن عمرو . ربر ( پسر گیلیوم فاتح ) : ج ۱ ص ۲۳۷ . رجب ( میرزا ـ )سررشتهداردفتر لشکر اچ ۱ ذوالنور ـــــ عبدالرحمن بن ربيعه . 700 . TTT . TTO س ۵۰۵ ، ج ۲س ۱۲۲۲ ، ج ۳س۶۹۰۳. ذوالنون بيک: ج ۲ ص ۲ ۲۷. ربر ، پسر ھوق کاپہ ( پادشاہ فرانسہ) : ج ۱ رجب (آقا ۔۔)نایب فراشخانہ: چ۲م۲۱۱۷، ذوالنون ارغون ( امير ــ ) ؛ ج٢ص ٧٢٨. · ۲+7 : X-7. رجبطی بیک ( حاجی ــ ) یاور توپخانــه : ربرت يل: ج ٣ ص ١٤٨٧ . ذوالنون بن محمدبندانشمند : ج1ص٢٩٢، - 1779 · 1590 - T = رجبطی بیک سرهنگ ( پسر قصان خسان ): ربس پیر ( رئیس جمهور): ج ۱ ص ۱۴۲۱ ، ذوالنون مصری : ج ۱ ص ۱۹۸۰ ۲۲۴۰ - 1ATT . 1545 o T Z ربعي بن الافكل العنزي: ج 1 ص 44. ذيالاميح ( جد مالكينانس اعيحي) اڄ ( رجبطیخان (حاجی 🗕 ) 🗦 ج ۳س ۱۸۵۱۰ رجیطی خان ( حاجی ــ ) ( رٹیس کــــل ص 19۳۰ ربعی بن کاس عثیری! ج ۱ ص ۶۹. ربيع (ديوان رسائل منصورخليفه عباسي): توپخانهٔ آذربایجان ) : ج۲۰۰۲۰۰۱ ، ج 1 ص 144 ، 146 . رجیطیخان (حاجی ــ)سرهنگ (پسر فضان خان ): ج ۳ ص ربيع أياغچى،اشى (كربلائى – ): ج٣ ص راجه علیخان فاروقی ( صاحب خاندیس) 🗓 - 7 T 0 694 . PAA . TPA . رجیطی (آفا ۔ ) دعیاشی خلوت: ج ۱ ص ربیع بن حراس ( زاهد ) : ج ۱ ص ۱۹۹۰ رادتزکی: ج ۳ ص ۹۷ ۲۰ رازا: ج ۲ ص ۲۲۳٠ ربیع بن خیثم (سردار) : ج ۱ ص ۶۲. رجيم ( ميرزا ...)رئيس اداره رسائل خاصه . ربیع بن زیاد حارثی ( حاکم خراسان) :ج۱ راسين: ج ۲ ص ۱۹۵۵ -ح 1 ص 441.

راشد ( از موالی عیسی بنعبداللہ); ج ۱

ص ۱۵۰۵۲ ۲۷۰

. 4091 . 4046

خازنالطک، حاجیرحیمخان. رچل: ج ۳ ص ۱۸۰۶ ۰ رحیمخان خوارزمی : ج۲ ص ۱۵۳۷ - ۱۵۲۹ رچلد ( صراف فرانسوی ) ؛ ج ۲ ص ۱۲۰۵ ؛ رحیمخان دولو: ج ۲ ص ۱۳۸۲ ، .T+Y1 PTE رحیمخان (حاجی ــ ) رئیسدیوان مظالم : رحمنخان ج ۳ ص ۱۳۲۹. ج ۱ ص ۵۲۹، رحمنخان افغان: ج ۲ ص ۱۰۱۹. رحیمخان سرتیپ: ج ۱ ص ۴۸۰ ، ۵۱۲ : رحمن قلي ځان توره ( پسر محمد رحيم ځان - T - A1 - T - 17 - T - 17 - T - 1 - T - T اورکنجی):ج۳۳-۱۵۷۲، ۱۶۸۲، رحيمخان ( سر كرده دسته چلبيانلو ) : رحمن قلی فراہاش؛ ج ۲ ص ۹۲۳، ج ۲ ص ۱۲۴۲ : چ ۳ س۶۸۰۲۰ رحمت الله خان ، برادر دبيرالملک ( نايسب رحیمخان ( سرکرد ۵ خوشی ) : ج ۱ ص۱۲ ۵۰ آجودانیاشی): چ 1ص ۹۵۵؛ ج ۲ ص رحیمخان ( سرکردۂ سوارۂ هداوند ) ٪ ج۱ ١٢٣٠ : ج ٢ ص ٢٠٧٤ . ص ۵۵۲۰۵۲۲ ج ۳ س۲۹۱۲۰۲۰۹۲۲ رحبت اللمخان ساري اصلان (حاكم كنگاور): رحیم ( میرزا ـ ) خان ( سرهنگتبریززی) : ج ١ ص ٥٥٩ ؛ ج ٢ ص ١٢٠٢ ؛ ج٢ ص · 1146 + 1991 + 1ATA ج ۲ ص ۲۰۲۶ و رحیمخان ( حاجی 🗕 ) صندوقدار : ج ۳ ص رحمت الله خان سرتيب : ج ٣ ص ٢ ١٥٧ . · 1477 · 1457 رحمت الله خان سرهنگ: ج ۲ص۱۲۹۹ : ج۲ رحيمخان ( حاجي ــ ) قاجار (رئيس،جلس دیوان مظالم ) : ج ۲ ص ۱۲۵۵ ، رحمتالله خان ، نوادهٔ سیفالطک ( نایب رحیمخان (نایبفراشخانه) :ج ۳ ص۲۱۱۷، آجودانیاشی): ج ۱ ص ۵۰۹؛ ج ۲ص رحیم ( میرزا 🗕 ) رئیس کل ادار ۴ پستخانه: ٠١٢٠٠ ج ٢ ص ١٧٢٩ ، ١٧٣٠ ج ٢ ص ( ١٤٢) ٠ رحبتالله خان شقافی: ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ رحیم ( میرزا 🕳 ) سررشتندار آذربابجان 🖫 ص ۱۲۲۹ : چ ۲ ص ۲۰۲۳ . رحمت الله خان فراهانی : ج ۲ ص ۹ ۱۵۷ . ع أ ص 606 ع T ص ١٢٢٥ ع ٣ ص رحمت اللمخان فورت بيكلو: ج ٢ص٩٥٢٠. - T - Y -رحمتالله (ميرزا ـــ )مشرف سوارة دويرن: رُحِيْم (بأيب\_) بايب دواب احتسابيه أج را ص - T117 - T = رحمت اللمخان يوزيائي: ج 1ص4 57 ، 279 . رحیم (میرزا ۔۔) یاورکارگذاری :ج۱ ص۵۳۵: ع ۲ ص ۱۱۱۸ ۰ . 110 F & T & رحم دلخان (افغان ) :ج ۲۳ م ۱۶۵۸ ، ۱۶۶۵ ، رحیمدل خان سرهنگ: ج ۱ ص۵۱۲ کے ۲ص ١٢٢٧: ٣٠ الم٠٢٠ رحيم (ميرزا \_ ) پيشخدمت دارالترجمـ.: رحيم قلىخان (ابن الليقلىخان خوارزمى ) . - 7174 · 1777 · 1570 & FE رحیم (حاجیمیرزا \_ ) پیشخدست و ناظم ج٢ص ١٩٨٩ ، ١٩٨٣ . رخسارہ بیگم ( دختر فتحطیشاہ) : ج ۳ ص دفترخانه: چ ۳ س ۹۳۴. . 1517 رحیتم ( میسرزا ۔ ) پسر حکیتم المعافسک ردریکس سامپای ( وزیر اعظم پرتوغال ) 🗓 ( پیشخدست): ج و ص ۵۵۵. 370 LT17. رحیمخان: ج ۲ ص ۱۳۶۸. ردلف دويم ( امپراطورآلمان ) :ج۲ص۸۰۸، رحیمخان ارکتجی : ج ۳ س ۱۵۱۷ . ردیشچوف ( سردار روس): ج ۲س ۵ ۱۵۰۰ رحیمخان ( حاجی ـ ) پیشخدست خاصه : وز: ج ۱ ص ۲۸۶۰ چ ۲ ص ۱۸۵۹ ۰ رزق بن نصان غمابی: ج ۱ ص ۱۴۰ . رحیم خان (میرزا ۔) تبریزی ( یاوردویم ) . جا ص 411: ج ٢ ص ١٢٢٢ . رزیک بن مالح بن رزیک ( عادل ــ ) : ج ۱

> رحیمخان (حاکمشاندرمین) : ج ۳ص ۱۹۹ . رحیمخان ( حاجی … ) خازنالملک ……

رز (بادشاه ): ج 1 ص ۲۸۶. رستپ شین ( حاکم مسکو) : ج ۲س ۷ - ۱۵۰ د رستم (مبرزا ۔ ) حاکم اصفهان: ج ۲ ص · FA1 · FYF · FYT · FFA · FFY .1041 .1051 رستم بن بردو ( حاکم سرحدات ) : ج ۱ ص رستم بٹیک افشار : ج 7 ص ۸۱۵. رستم ہیگ ( دیوان ہیگی ) ؛ ج ۲ص۹۲۹. رستمبیک بن مقصود بیک بن اوزن حسن آق قوينلو: ج ٢ ص ٧٣٢. رستم بیگ ( ولدمقصودبیگ،برادرزاده علم شاہ بیگم ) : ج ۲ ص ۷۳۸. رستم بیک یساول : ج ۲ ص ۹۲۶ ، ۹۲۶ . رستمهاشا ﴿ وزير أعظم سلطان سليمانخان ﴾ : 372VOL: TYL: 474: 474: LTOI. رستمچی ( فونسول کلکته ) چ ۳ ص ۲۹۰۶. رستمخان ( ایل بیگی ایل شاهسون ) : ج ۳ ص ۱۲۴۲ ، ۱۸۲۵ ، رستمهان ( = بگرات خان ) : ج ۲ ص۹۳۲ . رستمخان بیات : ج ۳ ص ۱۴۲۷ . رستمخان ( تغنگدار خاصه) : ج اص ۵۳۰ : ج ۲ ص ۱۲۵۲ : ج ۳ ص ۲۱۱۱۰ رستمخان (دامادفتحطیشاه) لج۳ ص۱۶۲۶. رستمخان زند : ج ۳ ص ۱۳۹۴ . رستمخان سبهسالار ( حاكم تبريز) : ج٢ص · 449 · 444 · 445 · 447 رستمخان ( سردار ایروان ) : ج۲ص۹۳۷ ۰ رستمخان ( سرکرده دسته حاجیعلیلو): ج احر ۵۱۷: ج ۲ ص ۱۲۴۲: ج ۲ ص . 4045

رستم خان ( سرهنگ سیلاخوری): ج ۱ ص ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۳۲: ج ۲ ص ۲۰۲۶

رستم خان سلطان: ج ۳ ص ۱۷۸۱ .

رستم خان قاجار (سرتیپ یوزباشی):ج ۳ ص ۲۱۱۷ .

رستم خان فراکوزلو (پسرمحدحسینخان): ج ۳ ص ۱۵۳۶ ، ۱۵۶۷ .

ح ۳ ص ۱۵۳۶ ، ۱۵۶۷ .

رستم خان قولئر آقاسی: ج ۳ ص ۹ ه۱۰۰ ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۵ ، ۱۰۶۵ ، نم کام گرم ، داری آجیدان ماند ک

رستم خان گرجی (نایب آجودان باشی): ج ( ص ۵۰۹: ج ۲ ص۱۲۳۰،۹۳۰: ج ۳ ص ۲۰۷۴،

رڙ ( فاتح جزيره سيسيل ) : ڄ1 ص٢٣٤٠.

ص ۲۹۳ ، ۲۹۳ ،

رستم خان (والي تبريز) :ج ٢ص ٩٢٤. رستم خان (والی گرجستان): ج ۴ س . 979 . 974 . 977 . 977 . 974

رستم خان (پسر ولی خان): ج ۳ ص · 1744

رستم خان (ياور زنبوركخانه): ج ٣ ص

رستمخان يوزباشي: ج ۱ ص۲۹،۲۷۱. رستم زر: ج ۳ ص۱۳۲۳.

رستم سلطان (جزایر چیان): ج۱ص۵۲۳۰۰. رستم بنعلی بن شهریار بن قارن(پادشاه مازندران): ج 1 ص ۲۹۴.

رستم فرخزاد (سردار ساسانی): ج 1 ص .to b TA

رستم محمد خان این ولی محمـــد خــان اوزیک: ج ۲ ص ۹۱۶.

رستم میرزا (امیر گنجه): بع ۲ص۲۲۳. رستم میرزا بن سلطان حسین ( صـاحــب زمین داور): ج ۲ ص ه۸۹۰

رستم (ميرزا ...) نايب الحكومة سوادكوه ; ع اص ۵۵۳٠

رسول الله صلعم: ج 1 ص 71 تا ۳۲، 5 00.04.44.44.40.44.44.44.44 41 . AA.AF.A. DYT. FT. 69 \*TAY \* To 9 \* 101 \* 15 0 \* 49 \* 9A \* 45 ۲۶۱،۳۹۳،۳۷۷ ج ۲ ص ۱۳۱۴ ، - 1TY1

رشبرک: ج ۳ ص ۱۸۱۸،

رشدی باشا: ج ۳ ص ۱۹۶۹،۱۹۵۷.

رشید بیگ (پسر فتحطی خان افشار)!ج۳ ع ۱۳۸۰ ·

رشید پاشا{ صدر اعظم عثمانی): ج ۳ص · 1554 (1547 (1514 (150) 1041 1 441 : 04 41 : 041 : 4041 : 4041

رشید خان بن احمد خان (مغول) : ج ۲ ص ۶۴۹.

رشید خان افغان: ج ۳ ص ۱۵۲۶،

· T • T

رئید خان بیگدلی (حاجی ـ ): ج ۳ص

رشید خان میرزا (نایب اصطبل خاصه) : ج ١ ص ٥٥٤: ج ٣ ص ٢١٣٧٠ رشيد الدين محمد وطواط (شاعر): ج١ص

رشیدیأسمی( مترجم تأریخ قرن ۱٫۵۰٫۸): -1770 OF E

رشیق: ج ۱ ص ۲۶۸۰

رضا (میرزا \_ ) خمسہ: ج 7ص ۱۲۲۹. رضا (میرزا \_ ): ج ۱ ص ۵۲۶: ج ۲س

رضا (میرزا سید 🗕 ): ج ۲ص ۱۲۲۶. رضا (آتا ۔. ) آجودان مخموس حضسور هايون: ج ٣ ص ١٩٥٢، ١٩٧۶.

رضا (میرزا ــ ) از ارباب ظم و لشکسسر نويسان: ۾ ۲ ص ۲۰۶۸.

رضا (ميرزا ــ ) البرز مستوفى (پسر ميرزا زين المابدين): ج اص ۵۲۸: ج٣ ص ۱۹۱۱ ، ۲۰۹۹ ،

رضا (میرزا ـ ) بزاز (پدر سید علیمحمد باب): ج ۳ ص ۱۶۷۰،

رضا ببهادر: ج ۳ ص ۱۲۳۰۰

رضا بیک لک: ج ۳ ص ۱۷۷۴.

رضا بیک (وزیر مختار عثمانی): ج ۳ ص

رضا (میرزا ـ ) تحویلدار: ج ۱ ص۵۳۵: \_1777 ° 7 €

رضا تویسرکانی ( میرزا ب )بنشی: ج ۱س ATO: 9 7 90 0017.

رضا (میرزا ـ ) حکیم (منشی مخصوص): - 1141 OT E - 1114 OF TE

رضا خان ( آق - ) و ج ۴ ص ۱۷۲۷ ) · 17 94

رضا خان: ج١ ص ٥٣٥؛ ج ٢ ص ١١٥٥٠ رضا خان، آجودان وزارت تجارت: ج ٣ ص ۲۱۲۵.

رضا (آفا ــ )خان (اداره غلات): ج ٣ ص ۱۱۱۳۰

رضا (ميرزا ـ ) خان ترجمان أول): ج٣ ص ۵-۲۱۰

رضا خان (تفنگدار خاصه) : ج ۱ ص٥٣٥٠ ج ٢ ص ١٢٥٧: ج ٣ ص ٢١١١٠

رضا خان (ہرادر حسین خان): ج ۲ ص · 1174

رضاخان (عيرزا ــ ) دانشى ( نايسب اول

سفارت در تقلیس): ج ۳س ۲۱۵۲، رضا خان (حاجی ـ ) دولوی فاجار : ج۳ ٠ ١٢٠١ - ١٢١٢ - ١٢٠٢ ٠ رضا (آقا۔ ) خان (ژنرالآجودان،خصوص

حضور همایون): ج 7 ص ۱۲۳۲ ، 1777: 3 T & 3YoT: PYOT. رضا (میرزا ــ) خان (سرتیپ مترجم):ج 1 ص ۵۲۳۰

رضا (میرزا ــ ) خان (سرتیپ آجسودان صدارت); ج ۳ ص ۱۹۳۹،۱۹۳۹، رضًا (ميرزًا – ) خان (سرتيپ مترجــم):

ع 1 ص ۲۲۲، رضاخان سرهنگ (فوج سیلاخوری): ج ۲

"TOAT UP T E : 1700 1777 UP . 4144

رضا خان سرهنگ (فوج مخبران): چ ۱ س ١١٣٠ ج ٢ ص ١٢٣٧.

رضا خان (طبیب مدرسه): ج اص ۵۲۵، رضا خان فاجار (حاجـــی ــ ) : ج ۲ ص . 17 17

رضا خان قاجار: ج ٣ ص ١٣٨٥، ١٣٨٥، - 1844 . 1848

رضا خان قاجار (بیگٹر بیگی استر آباد): ع ٣ ص ١٢٠٥ ، ١٣٢٠.

رضا خان قاجار قوائلو: ج ٣ ص ١٣٩٨. رضاخان کاشی (نایب فراشخانه): ج ۲

ص ۲۱۱۷. رضا خان گــودرزی، سرهنگ؛ ج ۱صههههٔ 

رضا (میرزا \_ ) خان مترجم :ج۲ص۱۸۳۳ رضا (حاجی میرزا ـ ) خان (مترجم) ج

رضا خان (معروف به: مسيوريشار): ج: ص

· 1107 0 7

رضا خان (حاجی نیرزا ــ ) منشی: ج ۱ ص ۵۳۲

رضا (میرزا ... ) خان (نقشه جغرافیائسی میکثید) ج ۲ ص ۱۱۹۹.

رضا (میرزا \_ ) خان(نایب و مترجم) بج ۱ ص ۵۳۵؛ ج ۲ ص ۱۲۶۸ ۰

رضا خان (نایب سرایدار باشی): ج ۳ص . \* 1 1 1 A

رضا (ميرزا ــ)خان (نايب تسرجمــان اول سفارت): ج 1ص ۵۳۲.

رضا خان (باور اول): ج ٢ ص ١٣٣٣: ج ۳ ص ۲۹۷۹۰

رضا (آقا سید ۔۔ ) خیام باشی (نایسب فراشخانه) : جـ ٦ ص ٥٣٩ ، ج ٣ ص

رضا (آقا ــ ) دہ باشی (ناظم خلــوت): ج ۲ ص ۱۹۲۶: ج ۳ ص ۱۹۲۰ ، ۱۹۵۲: ۲۱۱۰

رضا (آقا ــ ) ژنرال آجودان مخصوص .'ج۱ ص ۵۲۰

رضا (آفا ۔ ) دسته ساروی: ج ۱۹۳۱۵ ج ۳ ص ۲۰۹۳،

رضا (میرزا ـ ) سر رشته دار: ج ۱ ص ۴۲۱: ج ۲ ص ۱۲۲۱،۱۲۶۶

رضا (میرزا۔ ) سررشته دار آذربایجان : ج ۱ ص ۵۲۹ ، ۵۴۱

رضا (میرزا ــ ) سررتنه دار (از اجسزای پستخانه): ج ۲ ص ۲۹۲۱.

رضا (میرزا ۔.) سررشته دار خراسان نج ۱ ص ۱۳۲۶ ج ۲ ص ۱۳۲۶ کج ۳ ص ۲۰۲۰.

رضا (میرزا سید ـ ) سررشته دار عـراق: ج ۲ ص ۲۱۴۲،

رضا (میرزا \_) صاحب جمع : ج ۲ ص ۱۲۹۲ ؛ ج ۳ ص ۲۱۴۱۰

رضا (میرزا ...) صدیق الدوله (مستوفیی آذربایجان و وزیر دارالخلافیه):ج۱ ص ۲۲۶، ۴۸۴، ۵۵۷، ۳۵۴۰، ۲۰۴۳، ۲۰۴۳،

رضا (آقا ۔۔ ) عکاسیاشی (پیشخـــدمـت حضور) ٔ ج ۲ ص ۱۸۵۸ ، ۱۹۲۸

رضا ، علی بن موسی ع (امام هشتم):ج ۱ ص ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۸، ۱۷۴ تسا ۱۲۷: ج ۲ ص ۲۰۵؛ ج ۳ص۱۶۲۱،

رضا (میرزا ـ ) قزوینی ( منشی دیسوان اعلی): ج ۳ ص ۱۴۸۱ ۱۵۳۹۰

رضا (حاجی ملا ــ ) کاربرداز: ج ۱ ص ۵۳۳ -

رضا (میرزا ... ) کلانتر تبریز : ج ۳ ص ۱۶۳۴ -

رضا (میرزا ــ ) لشکر نویس: ج۱ ص۵۰۵

رضا (میرزا ــ ) لشکر نویس عربستان . \* ج 1 ص ۵۰۶،

رضا (میرزا ــ ) ما مور فارس: ج ۱ ص ۵۲۹ -

رضا (حاجي ميرزا ــ ) مستشار الملـــك : ج ۲ ص ۱۸۹۲ .

رضا مستوفی (آقا \_ ) : ج ۳ ص ۲۱۴۳، رضا (میرزا سید \_ ) مستوفی: ج ۳ ص

. 1111

رضا مستوفی (میرزات) پسر معیسن الملک: ج اص ۲۵۸، ج ۳ ص ۱۸۵۲، ۲۰۹۰ رضا مشرف (حاجی میرزا – ): ج ۱ ص ۵۵۴ ج ۳ ص ۲۱۲۲،

رضا (حاجی میرزا — ) منشی: ج ۱ ص ۱۲۵۰ج۲ ص ۱۲۵۲؛ ج ۳ص۱۵۰۰۰ رضا (میرزاسید — ) منشی (آذربایجان):

ج ١ ص ٩٠٥٠ ج ٣ ص ١٥٧٥.

رضا (میرزا \_ ) منشی (از اجزای مجلس دیوان مظالم ): ج۲ ص ۱۲۵۵،

رضا (ميرزا ــ ) منشى آهى: ج1ص2٦٩٠؛ ج ٣ ص ٢١٥١.

رضا (میرزاسید ــ ) منشی دویم ( اداره دول غیرهمجوار): ج ۳ ص ۱۱۵۳ رضا (میرزا ــ) مهندس باشی: ج ۱ ص ۲۶۲، ۲۶۴ چ۳ ص ۱۷۱۹،۶۰۰۳.

رضا (میرزا۔) میزان آتا۔۔۔۔۔۔۔ ۱۶۵۱ - ۱۶۲۶

رضا ناظم خلوت ـــ رضا ده باشی. رضا (میرزا ــ) نایب الحکومه ساوجبلاغ: ج ( ص ۵۲۵ء

رضا (مبرزا ــ ) نجم العلک: ج جی ۲ ۹۳ ۴ رضا قلی (آقا ــ ): ج ۲ ص ۱۲۶۸.

رضا قلی ( میرزا ۔۔ ): ج ۲ ص ۱۲۲۵. رضا قلی دیگ (پسر پناء بیگ طالسش):ج۳ ص ۱۵۹۷.

رضا فلی بیک (نایب دویم شتریساری):ج ۱ ص ۵۵۳-

رضا فلی ( میرزا \_ ) جراح باشی: ج ۱ ص ۲۰۷۷: ج ۲ ص ۱۳۲۷: ج ۳ ص ۲۰۷۰،

رضا تلی خان: ج ۲ ص ۱۷۲۰.

رضا قلی خان (میرزا ــ): ج ۲ ص۱۲۶۹. رضا قلی (میرزا ــ ) خبان (از اربـــاب مناصب): ج ۲ ص ۲۱۱۹.

رضا قليخان ( از معارف دارالخــلافــد): ج 1 ص ۵۲۵،

رضا فلی خان (پسر اسمیل خان سبردار دامفانی): ج ۳ ص ۱۶۲۶.

رضا قلی خان (ولد امیر گونه خان): ج۳ ص ۱۵۲۵ ۰

رضا ظی خان (ایشیک آقاسی) ؛ ج ۲ ص ۱۹۵۹ ۰

ص ۱۷۷۳. رضا (میرزا ـ ) قلی خان (سررشنـــندار غلات): ج ۲ ص ۲۱۱۳.

١٢٩٧ . ٣٠ ص ٢٥٦١، ٩٩٥٦٠

رضا قلی خان (سرتیپ بندرعباس): ج۳

رضا ظی خان، سرکردہ: ج ۱ ص ۵۳۹. رضا ظی خان، سرھنگ عرب: ج ۳ ص ۱۹۶۶۰

رضاً قلی خان (ولد سلیمان خان افشیسار صاین قلعه): ج ۳ ص ۱۷۱۲،

رضا قلی خان شاملیسو: ج ۲ ص ۲۰۲۵، ۲۰۲۶،

رضا قلی خان عرب (سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۱۵۵۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۱۷۵۸،

رضا فلی خان (حاجی ــ) عمله خلوت : ح ۲ ص ۱۲۹۵ ؛ ج ۵ ص ۲۱۲۰

رضا فلی خان قاجار (حاجی ــ ): ج ٣ص ١۵١٩٠

رضا فلنيخانقاجار: ج٣ ص ١٣٥٩، ١٣٥٩، ١٥٠٩،

رضا قلی خان فاجار (پسرمحمدحسنخان): ج ۲ ص ۱۱۲۷، ۱۱۶۵: ج ۲ ص ۱۳۶۰، ۱۳۶۴، ۱۲۸۰ تا ۱۳۸۵ ، ۱۲۹۲، ۱۲۹۴،

رضا قلی (میرزا \_ ) خان (۱۰مورحکومت عراق): ۰ج ۱ ص ۵۵۲

رضا قلی خان مخبرالدوله: ج ۳ ص۱۸۲۲. رضا قلی خان (منشیمخصوصتحریرولایات): ج ۱ ص ۵۲۲.

رضا قلی خان (والی گـردستــان): ج ۲ ص ۱۶۴۶، ۱۶۸۹

رضا على خان هدايت ، ابيرالشعراء ( للــه

باشی، ماحبروضه المطای ناصری):
ج ۲ می ۱۱۷۸۰۱۱۷۱ : چ ۳۰ ۱۲۹۵۰
۱۹۲۵۰ - ۱۹۲۵۰۱۴۲۵
برط قلی (میرزا \_ ) سررشته دار اصطبیل خاصه: ج ۱ میرزا \_ ) سررشته دارقورخانه: رضا قلی ( میرزا \_ ) سررشته دارقورخانه: ج ۲ ص ۲۰۶۹.

رضا (میرزا — ) قلی (سررشنه دار کــل ادارهٔ صرف جیب): چ۲ ص۲۱۱۲۰ رضا قلبی ( میرزا ــ) قراول انبار: چ۱ ص

رضا قلی ( میرزا ... ) فورخانه: ج ۱ ص ۵۰۵۰

رضا قلی ( میرزا ـ ) مستوفی: ج ۳ ص ۲۰۹۹،

رضا قلی میرزا (پسر نادر شاه افشار):چ۲ ص ۱۱۲۲ ۱۱۲۱٬۱۱۲۲٬۱۰۳۱ ، ۱۱۲۴ ۱۱۲۴ ۱۱۴۴، ۱۱۲۴۰

رضا ظبی (آقا ۔۔) نایب فراشخانہ: ج ۳ ص ۲۱۱۷،

رضا قلی نواشی (میرزاند) صاحبندیسوان ، منشی البمالک، متخلص بصلطانسی: ج ۲ ص ۱۴۱۵ ۱۴۱۰ ۱۴۲۰ ، ۱۴۲۹ ،

رضا قلی ( میرزا۔ ) یاور دویم: ج ۲ ص ۱۲۳۳: ج ۳ ص ۲۰۵۲.

رضا فلی (میرزا ۔ ) یاور سیم: ج ۲ ص ۱۳۳۳۰

رخوان (ملکه ۱۰۰) بسرتنش بنالبارسلان : چ ۱ ص ۲۴۸ تا ۱۲۵۰ ۲۵۲ ۲۶۰۰ ۲۶۱،

رضوان بن الوكحشى، ملك افضل (وزيسر الحافظ علوى): ج 1 ص 77۶.

رضی (میرزاــ) ارتیعانی همدانی(شاعر) : ج ۲ ص ۹۲۱۰

رضی ( میرزا سید ... ) حکیم باشی: ج ۱ ص ۲۵۰۲ : ۵۴۶ : ۲۶ ص ۱۲۲۶ ، ۱۲۵۶ : ۲۵۲۵ : ۲۵۲۰ ، ۲۱۳۰، ۲۱۳۰ رضی خان ( میرزا ... ) دفتر دار: ج۱ ص

رضی (میرزا سید ــ ) مستوفی: ج ۳ ص

. 4011 : 1404

رضی ( میرزا ۔ ) خان (منشی دفتر ثبت و ضبط): ج ۳ ص ۲۱۰۳. رضی الدینابراهیم طبری: ج ۲ ص ۶۲۰. رضی الدین استرآبادی: ج ۲ ص ۶۰۰. رضی الدین علی لالا(شیخ ۔): ج ۱ ص

رضی الدین مواید بن محمدبن علی الطوسی (عالم بزرگ): ج ۱ ص ۴۳۵، رعنا افندی، مترجم اج ۱ ص ۵۳۴، رفاعه بن شداد: ج ۱ ص ۸۱، رفاعه عدوی بحری: ج ۱ ص ۷۴،

رفیع (میرزا – ) ج ۳ ص ۱۷۹۲،

رفیع جواد بیک (میرزا ــ ): ج۱ ص۵۳۳. رفیع (میرزا ــ) خان (از ارباب ظمولشکر نویسان): ج ۲ ص ۱۲۲۴؛ ج ۳ ص ۲۰۶۸.

رفیع خان (برادر حسین خان): ج ۲ ص ۱۱۷۵-

رفيع صدر (ميرزا – ) أج ٢ ص ٩٢٨.

رفیع خان فورکی(مبرزا ۔۔ ): ج ۳ ص ۱۷۳۶

رفیع خان (از قزل آیاغ) : ج ۱ ص ۲۰۵۰ ج ۲ عب ۱۳۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۶۵، رفیع خان (میرزا ــ ) لشکر نویس: ج ۱ م ۵۰۵۰ :

رفیع (خاجی ملا س) مجتهد: ع ۳ ص ۱۹۱۰ ،

رفیع (میرزا — ) مستسوفسی: ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۳ ص ۱۸۱۰، ۲۰۹۹، رفیقی بیگ: ج ۳ ص ۲۱۰۷،

رقیہ (دختر رسول اللہ ص ): ج 1ص17ء ۲۶۰۲۴

رفیه (دختر علی ع): ج ۱ ص ۳۶. رفیه سلطان (دختر میرزا رکن الدین علا<sup>ء</sup> الدوله): ج ۲ ص ۲۰۹.

ركن (ميرزا ــ ) علا" الدولم : ج ۲ ص ۹۷۹.

رکن الدوله (نواب ...) ، فرمانفرمای خواسان و ۰ ۰ ۰ : ج ۱ ص ۵۵۸ : ج۲۰۰۲۱۹۳ ۱۵۷۶ تا ۱۵۷۸ : ۲۲۹۶ ، ۱۲۹۱ ۱۵۷۸ تا ۱۵۸۵ ، ۲۲۹۶ ، ۱۲۸۲ ، ۲۰۲۵

ركن الدولم، اردشير ميرزا: ج٣ص١٩٩٢ ، ١٨٠٢ ، ١٨٦٢ .

رکن الدوله ، حسن بن بویه: چ:ص۱۲۶، ۲۶۲، ۲۶۲، ۲۶۲، ۲۶۲، ۲۲۲۰ ، ۲۲۲

رکن الدوله شاه کیخسرو بن یزدگرد (ازآل باوند و حکمران مازندران): ج ۲ ص ۶۲۲، ۶۲۲.

رکن الدوله، علینقی میرزا: ج جس۱۵۷۷، ۱۵۷۹، ۱۶۲۲، ۱۶۲۹، ۱۶۲۲، ۱۶۲۲،

ركن الدولة \_ محبد بيرزا...

ركن الدولة، محمد تقى ميرزا (يرادر ناصر الدين شاه): ج ۲ ص ۱۲۱۹: ج ۲ ص ۱۸۸۷، ۱۹۲۲، ۲۰۶۳،

رکن الدیناباجی(حاجب): ج ۲ ص۰۶۰. رکن الدین استرآبادی (سید ــ): ج ۲ص

ركن الدين اسفرايني .... ابواسحاق.

رکن الدین بیبرس (سلطان مصر): ج دس ۴۵۵ء

رکن الدین خوافی: ج ۲ ص ۴۸۹. رکنالدین سلیمان بن قلیج ارسلان سلجوقی: ج ۱ ص ۴۱۲، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۲، ۴۲۲،

رکن الدین شیرازی: ج ۲ ص ۷۹۵.

ركن الدين ماين اصفيائي: ج ٢٩٨٥.

ركن الدين عبدالعظيم (از اثمه حديث در مصر): ج 1 ص ۴۶۳.

رکن الدین علا<sup>م</sup> الدوله بایستقر(میرزا<u>):</u> ج۲ ص ۱۹۶۱، ۱۹۹۰،۶۹۸ تا ۲۰۰۷ ، ۱۹۵۸ تا ۲۰۱۵.

رکن الدین غور شاہ: ج ۱ ص ۴۴۲.

رکن الدین غوری (حاکم قندهار): ج ؟ ص ۵۹۷،

ركن الدين بن غيات الدين كيخسـرو:ج ١ ص ٢١٢٠

رکن الدین قلیج ارسلان بنغیات الدیـن کیخسرو: ج ۱ ص ۲۶۱، ۵۲۹ ، ۵۲۹

رکن الدین مسعود کاشی: ج ۲ می ۲۹۲، ۲۹۵،

رکن الدین میرزا: ج ۳ ص ۱۸۰۳. رمضان بیک (از جماعت فرد یگیر): ج ۱ ص ۵۱۹: ج ۳ ص ۲۰۸۸. رمضان خان زند: ج ۳ ص ۱۳۸۸.

زبير بن عوام: ج 1 ص ٢٢، ٥٥، ٤١. زجاج ـــ ابراهيم بن سرى الزجاج، زجاجى، ابوالقاسم عيدالرحين بن|سحاق: ج ۱ ص ۲۶۱. زحاف طائی ( از خوارج ) : ج1 ص ۷۶. زرین حبیش: ج ۱ ص ۹۶۰ زر مهر ( سردار عجم ) : ج1ص ۲۹،۳۵. زريع بن عباس بن مكرم ! ج 1ص ٣٢٩ -زریق بنعلی بن صدقہ ازدی موطنی 🕯 ج (ص · 1A1 · 1A1 زرینکر ( از ملوک رستعدار ) : ج ۲۳۴۷۰. زعیمالدوله برکه بن مقلدین محیب ( ج ۱ ص زفرین عاصم هلالی ( حاکم مدینه) : ج ۱ص - 147 - 141 - 174 - 179 زفیرین حارث ( از امیران سیساه معاویسه سر صفین): ج ( ص ۶۵، ۹۶، زکریا بن ابیزائدہ: ج ۱ ص ۱۴۳، زكريا الانصاري (شيخالاسلام قاضي -) اج؟ می ۹۶۶. زکریا بیگ گرجی : ج ۳ ص ۱۴۰۱ . زکریا خان ( ناظملاهور) ، ج ۲ص ۱۱۲۲ . زکریا (خلیفهٔ گرجستان): ج ۲ ص۹۴۷. زکریا میرزا (پسرفتحطیشاه):ج ۳۱۵۴۳۰۳ زكريابن يحيى بن احمد لحياني: ج١ص٥٠٥٠. زکی (میرزا – ): ج۲۳ ۱۲۴۲ ۱۸۰۹ ۰ زکیخان: ج ۲ ص ۱۱۶۶، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲ · 1174 · 1175 رکیخان ( از اجزای مجلس حکومت) اج ۳ ص ۱۵ ه۰ ۲۰ زکیخاندودانگفای (حاجی۔) (ج ۲۰۱۲ م.) زکیخان زند ( برادر امیکریمخانزند ) ج۲ ص ۱۱۶۴ م۱۱۶۸ تا ۱۱۶۴ تج ۲ ص 7A71 - AA71 - PA71 -زکی (میرزات) خان سرتیپ،اردبیلومشکین ) : 5 1 TLA - 7 TO - 317 . TA - 4 TO ATTI 3 TO 40 Pl . YIOT. زکیخان نوری ، کارگذار امور حکومت : ج ۱ص

زکی رشتی ( میرزا - ): ج ۳ ص ۱۸۲۴ ۰

زكى (ميرزا \_ ) ضيا الطك (بيشكار عربستان

و بروجرد ): ج۲ص ۱۹۱۰.

-1991 +1ATT

ريان سلمه الانبي (الارانبي): ج ١ ض ریحانه بنت عمرو بن خنامه! ج ۱ ص ریشارد (بادشاه انگلیس): ج ۱ ۱۳۱۰ ۲۱۱۳۰ ریشارد دویم (شاء انگلیس): ج ۲ ص · FFT • F41 ریشارد سیم (شاہ انگلیس): ج ۲ص۲۸، ریشارد (پسر کرمول): ج ۲ ص ۹۶۲، ریشاردهای (رئیس جمهور اتاتونی): ج۳ ص ۱۹۷۵ و ریشیلیو (صدر اعظم فرانسه) ٔ ج ۲ ص ريطه (دختر سفاح): ج 1 ص ١٤٠٠. رینلدس (نقاش انگلیسی):ج ۳س ۱۴۲۱، رئومور (مخترع میزان الحراره): ج ۲ ص .1014 رئیس بہادر: ج ۲ ص ۲۴۸. رئيس التجار، ميرزا احمد: ج ٢٠٠١/٥١٠ رئيس العلما ،حاجىملارضا: ج٣ص١٨٩٢٠، رئيس محمد کرد: ج ۲ ص ۲۴۳، زادان اسع ۹۶۰ زاشری ج ۱ ص ۱۲۲ زال ارسطای گرجی: ج ۲م، ۹۴۸، ۹۴۹، زال خان خشتی: ج ۲ ص ۱۴۱۵۰ زال خان گرجی: چ ۲ ص ۸۶۴، زامباور: ج ۲ ص ۵۸۳، زانس (سلطان روم): ج ۲/ص ۸۵۸۰ زبردست خان: ج ۲ ص ۱۰۸۴، ۱۰۸۵ ، 11098 زيرقان بن بدر: ج ۽ س ٣٥. زبیده ام جعفر (هبسر هارون الرشیــد و ٦٢٤ دختر جعفر): ج ۱ ص ۱۴۱، ۱۲۸ .TTO +1Y0 +1AY زبیدہ خانم (دختر فتحطیشاہ): ج ۳س . 1575

رمضان فاہوجی ہاشی (کربلائی ۔ ): ج۳ ٠ ٢١١٨ ٠ رمضانطی خان: ج ۳ ص ۱۲۲۴. رنسار: ج ۲ ص ۱۹۸۰ رنسارد (نویسنده بزرگ): ج ۲ص۸۲۵. رن کالی: ج ۲ ص ۱۲۵۰، دوبر: ج ۲ ص ۱۷۹۰ روبراستوار: ج ۲ ص ۶۴۸. روبروکی (قسیس): ج پرس ۴۵۷. روتر ۽ ج ج ص ١٨٥٤ ، روح الله ميرزا (امير زاده ــ) پيشخــدمت باشی: ج ۱ ص ۵۵۷، روح بن حاتم (حاکم سند، برادر یزیدبن حاتم مهلبی): ج 1 ص ۱۵۱،۱۵۰، -101 -10A روح (روح القدس): ج ۱ ص ۲۵، ۲۱۸. رودریک (روریک): ج ۱ ص ۲۰۲. رودریک (ذریق) شاہ اسپانیول! ج ۱ ص . 107 - 107 - 101 روزبه (سردار عجم): چ ۱ ص ۲۵، روزبهان بقلی (شیخ ــ ): ج ۱ ص ۴۳۶. روساکف (امیراطور روس): ج ۲ ص۲۰۲۴: · YOYA & Y E روسو (رسو، عالم معروف): ج ۲ص۱۱۸۱. روشچوف: ج ۲ ص ۱۵۰۹. رولاند: ج ۱ ص ۱۵۲. رومانين سرحان! ۾ ۽ ص هءِ. رومانزف (زنرال روس) : ج ۲ ص ۱۹۲۵ ، رومن (پسر امپراطور قسطنطین): ج 1 ص . 160 رومه بن حجاج: ج ۱ ص ۱۴۱، رون (وزیر جنگ پروس): ج ۳ ص۱۸۶۳۰ رون روسل (صدر اعظم انگلیس): ج۲ص - 1544 رونقی بخاری (شاعر): ج ۲ص ۸۳۲، رويم بن اليثبان (از اميران سپاه علمي ع در مغین): ج ۱ ص ۶۵۰ رهن (پیشیرطانفه مرمن) :چ ۳ ص ۱۹۷۵ ۰ رياح بن عثمان المرى (حاكم مدينه) أج:

ص ۱۴۰۰

.451

ریان خادم، ج ۱ س ۲۲۵۰

. 1544 زیاداغلی: ج ۳ ص ۱۳۶۴ ، زکی گیلانی (میرزا 🗕 ) . ج۲س ۱۷۷۳ -زينب بنت خزيدد ( زوجه رسول|للدص ) 🗓 زیاد بن حفصتالبکری 🗦 ج ۱ص ۶۸، زکی مستوفی (میرزا ۔ ) ؛ ج سم ۱۸۷۵ء ج ا ص ۲۴۰ زیادین خراش عجلی: ج 1 ص ۷۷. .14.4 .1AAY زينب ( دختر رسول|لله ص): ج (ص١٢٠، زيادين سميه = زيادين ابيه (والىبصره ) .ً زکی نوری ( میرزا — ) مستوفی ( برات نویس ج ۱ ص ۱۶۰۰۶، ۲۲ تا ۲۷. کشیکخانه) :ج ۱ ص۲۵۸ :ج ۳س۹ ۲۰۹۹ زینپ ، دختر سلیمان بن علی ( زینبیون بنی زيادين طالح: ۾ ۽ ص ١٣٤، ١٣٤٠ زليخا ( دختر البارسلان ، خواهرملكشاه) : عباسیه او منسوبند ) : چ اص ۱۴۱ -زیادین صلیح ( والی سعرفند ) نج ۱۳۴٬۰۱۲ و . 14101 = زینبی ( دهقانحلوان ) : ج1ص ۲۵۰۰ زیادین طریف باهلی: چ ۱ ص ۱۱۰۰ زما ( سردار عرب ): ج ۱ ص ۱۰۸. زينت السلطنه ( زن ناصرالدينشاه) : ج ٢ زيادين عبدالله حارثى ﴿ وَالَّي مَدَّيْنَهُ ﴾ \* ج ١ زمان ہیگ ( سردار خراسان): ج ۲۳٬۲۳۶ ، • ۱۲۱ ۱۲۳ ب زینالدین ( میرزا ← ) : ج ۲ ص ۱۳۲۲ · زیادین نظر هارشی: ج ۱ ص ۶۳ ،۶۳ ، زمان بیگ بن محمد ( از بزرگان طائفه اشاقه زینالدین جبلی عاطی ( شیخ -- ) : ج ۲ص زیادالنهدی ( ازباران زیدبنعلی): ج ۱ص باش) ، ج کس ۱۳۵۲ ۰ زمان بیک ناظر ! ج ۲ ص ۹۲۳ ، زينالدين خواني ابوبكر (شيخ -- ) 🛪 ٢ص زيادمبن|براهيمين|غلب ﴿ وَالَّيُّ افْرِيقِيهُ ﴾ . زمان خان : ج ۲ ص ۱۹ ه ۹ ، . 640 1844 ع ۱ ص ۱۶۶۰ مدا ، ۱۸۲ · زمانخان ( حاجیبیرزا ــ ) نج اص ۵۳۲. زينالدين سلطان : ج 1 ص ٧٤٨٠ زيادهالله بن عبدالله بن ابراهيماغلب ، أبو زمانخان (میرزا ــ ) : ج ۳ ص ۱۸۱۳ . زين الدين شاملو: ج ٢ ص ٢٧٢٠. نصر ( سلطان افریقیه) ؛ ج۱ص ۲۲۸؛ زمانخان ( پسر اسدالله خان سدوزائی ) : زين|لدين عبدالرحمن بن هبداللطلموي ، ج ۲ ص ۱۰۱۶۰ زياد بالله بن محند أبومحند (والى افريقيه) : شيخ صالح ( امام زجاجيه) : ج ٢ ص زمان خان ( افغان ): ج ۲ ص ۱۰۱۹. ج ۱ ص ۱۸۰ ۱ ۲۰ ۲ ۲۰۲۰ زمان ( میرزا ــ ) خان (کارپرداز مصر ) :ج۲ زیتون ( میرزا ... ) رئیس ہندرہوشہر ﷺ و ص زینالدین علی تابیادی ( شیخ 🗕 ) ج ۲ص ص ۱۸۱۳، TYP . Y E : AFT زمان (میرزا ـ ) کردستانی ( سررشته دار زید: ج ۱ ص ۴۶ 🚽 زینالدین علی شہرازی ( شیخ ــ ) ؛ ج ۲ص دفتر لشكر ) : ج ٢ ص ١٢٣٤ . ج ٣ ص زیدین ٹاہتالانماری (صحابی ): ج ۱ ص زینالدین علی کچک بن بکتکتین : ج ۱ ص -YF . 01 . FF . FO . YF . 10 زمان ( ميرزا ــ )كلانتردارالخلافه. ج ٣ ص زیدین جارث یائی : ج ۱ ص ۱۲۲۰ . T45 . T4. . TAY زيدين خارته اج ١ ص ٣٣ تا ٢٨٠٢٤٠ زينالدين عمر بلفيتاني ( قاضي ــ ) : ج ٢ زمان ( میرزا ــ ) لشکرنویس! ج ۱ ص۵۰۵۰ زيدينالحسينكندىيغدادى ،تا چالدين (امام زمان ( میرزا ۔۔ ) مستوفی نوری ؛ ج ۲ ص زين الدين فريج ( وزير ملكمنصور ) : ج١ ص نحوولفت)، ج 1 ص 131، زيدين خالدالجهنيءَ ج ١ ص ٩٣٠٠ زمخشري جارالله سيست أبوالقاسم محمود زين الدين محمدين إلكناني ( علامسه شيخ زيدالخيل (زيدالخير): ج ١ ص ٢١٠ زمرد ( مادر الناصر خليفة عباسي) : ج 1 زیدین شجرہ الرهاوی : ج ۱ ص ۲۸، الاسلام - ) ج ۲ ص ۲۳۰۰ ص ۴۲۲، زينالدين نائمي: ج 7ص ۶۲۴۰ زید ( شریف مکه) ؛ ج ۲ ص ۹۲۸ زنکی جاندار ! ج ۱ ص ۲۸۴ ، زینالدین یوسف پن علی کوچگ ( صاحب زیدبن صصعه بن صوحان ﴿ از أمیران سپــاء زنیستی (لیتنان پیاده نظام ) ج۱ ۱۳۷۰-علی ع در صفین ) ،ج 1ح،40 ، ۶۴۰ اربل ): ج ۱ ص ۱۴۱۰ زنيش خان ۽ ڄ ص ٧٧٥٠. زينالعابدين ع (امام چهارم ) يُج ١٠٢٠٠. زيدين على بن الحسين ع 🗦 ج 1 ص ١٢٥ تا زهرد: ج 1 ص ۴۳. 171 - 171 -زهره بن الحوى التعيمى: ج 1 ص ۴۰، ۴۳، زیدین محمدین زید علوی : ج ۹ ص ۲۲۳ ۰ ۲ ص ۱۲۹۷ . زهیر بن قیس: ج ۱ ص ۸۴ ، ۸۹ ، زینالعابدین ( حاجی شیخ -- ) ؛ ج ۳ ص زیرک ترکیءُ ج 1 ص 194 • زهپرہن مسیب ضبی : ج 1 ص ۱۷۴ ، زينب بنت جحش ( زوجٹرسول|للمص) : ج1 زهیرین مکحول عامری '. ج ۱ ص ۲۰۰ زینالعابدین آشپزباشی (استاد 🗕 ) 🖰 ج ۱ ص ۲۴ ، ۴۹ ، ز\* ، امپراطوریس ( زوجهٔ آرژیر امپراطسور زينب ژ دخترحارث وزوجه سلام بن مشكم ) 🕯 ص ۵۴۰ ج ۲ ص ۲۱۱۵۰ قسطنطنيد): ج (ص۲۰۳، ۲۲۴، زینالمابدین ( میرزا ... ) از ارباب قلسم و ح 1 ص ۲۶۰ زیادبنابیمه زیادبن سمیه ( کارگذاربصره) 🕯 مستوفیان: ج ۲ ص ۱۲۲۴: ج ۲ ص زينب خانم ( دختر فتحطيشاه) ' ج ٣ ص -141 . FA . T1 @ 1 =

. 1111 زينالتابدين (ميسرزا سا) امامجمعه دارـــ الخلافه: ج إص ٥٢٥؛ ج ٢ ص ١٨٥٩ -. 1 - 10 زینالفاہدین ہیک صفوی : ج ۲ ص ۷۵۵، زینالعابدین (میرزا ب ) از اجزای پستخانه: ع ۳ص ۲۱۲۱۰ زینالعاہدین تبریزی ( میرزا ــ ) ج ۳ ص · 1717 زینالعابدین (میرزا ۔۔ ) حافظ مہر : ج ۱ ص ۵۴۵: ج ۳ص ۲۱۱۶. زينالعابدين (ميرزا 🕳 )حكيم حضورهمايون 🕻 - 495 - 1 = زینالعاہدین خان: ج جس ۱۶۲۷ . زینالتابدینخان ( حاجی \_ ) : ج ۳ ص . 1545 زینالعابدین خان اردبیلیی ( میرزا ـ ) سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۱ : ج ۲ ص ۱۲۲۲ : · 4045 0 4 E زینالعابدین خان بیرانوند ، سرهنگ: ج ۳ س ۱۷۴۴ ۰ زين|لعابدينخان (تحويلدارامفهان)]ج ص 1661ء زینالعابدینخان ( حاکم گروس ) : ج ۳ ص · 1447 · 1479 زينالعابدينخان سرتيب (پسرحسام الملک): ع ۳۳ ۲۱۱۹ · ۲۱۱۹ زينالعابدينخان ( مير ــ ) سركردة غلام نصرت: ج 1 ص ۵۱۸ :ج ۲ص ۸۲۰۲ · زینالتابدین خان ( سرکردهٔ نرماشیری) 🕽 . Yoqo oF 2 زینالعابدینخان (سرهنگ) : ج ۱ ص۵۰۸، 3 Y 2 1711 - 6771 3 3 707 Yo T .

۲۰۸۰.

زین العابدین خان سرهنگ (پسر حسام الطک):

ع ۲ ص ۱۲۶۱،

زین العابدین ( میرزا ... ) خان ( طبیب ) :

ع ۳ ص ۱۲۱۳،

زین العابدین خان ( ولد عیسی خان بیکسر

زین العابدین خان ( ولد عیسی خان بیکسر

زین العابدین خان ( بوادرزاده فتحطی شاه ) :

ع ۳ ص ۱۶۲۵،

زينالعابدين خان (مهرزا ــ ) كاشانســي :

...

(طبیب) : ج 1 ص ۵۳۰ : ج ۲ ص ۱۲۵۶ : ج ۳ ص ۲۱۱۰ زینالطابدین خان (مستشار ورٹیس اطساق

محاکمات ) : ج 1 ص ۵۲۶. زینالعابدین خان ( میرزا ــ ) مستوفسی :

ج ۱۳۸۸، ٔ ج ۳ ص ۲۱۰۰. زینالعابدین خان مشکینی ٔ ج ۲ ص ۱۲۶۹ . زینالعابدین داروغه ( حاجی میرزا ـ ) :

ج ۳ ص ۲۱۰۲.

زینالعابدین (جیرزا ... ) ( راپورتنویس) : ج ۳ ص ۲۱۰۰

زینالعابدین (میرزا۔)رئیس آج ۱ ص۵۴۱۰ زینالعابدین ﴿ میرزا ۔ ) سررشتعدار آ ج ۳ ص ۱۷۵۴ ۰

زینالطابدین مراف (آفاس): چ1ص۵۵۵. چ۲س ۲۱۱۲،

زینالعابدین ( میرزا ــ ) لشکرنویس ( پسر میرزازگی فیا الملک ): ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲ ص ۱۹۱۷ ،

زین العابدین ( آخونــد مــلا ـــ ) مجتهـــد گلهایگاني: ج ۲ ص ۱۹۲۴ ،

زینالعابدین (میرزا ۔۔ ) مستوفی: ج ۳ص ۲۹۵۲۔۔

زینالطاندین ( میرزا – )مستوفینظام : ج۳ ص ۲۰۶۷،

زین العابدین (حاجی میرزا ـــ) منشی ج ۱ ( الله می ۵۲۵ مانور)

زیرالعابدین ( میرزا - ) منشی اول سفارت انگلیس: ج ۲ ص ۲۱۰۸،

زینالعاہدین ( میرزا 🗕 ) منشی تفرشی جُج٣

ص ۱۰۲۱۰

زینالعابدین (میرزا ــ ) منشی دریم : ج و ص ۵۲۸،

زینالعابدین ( میرزا ــ ) منشی دیوانخانیه عدلیه : ج ۲ ص ۱۲۵۵ .

زین العابدین میرزا ، مهندس : چ ۲۳۷۷ ، . زینل (میرزا ــ) از ارباب قلم و لشکر نویسان :

- YO F4 . YO FA W TE - 1777 P4 . Y

زینل (میززا \_ ) لشکرنویس: ج ۱ص۵۰۵. زینل میک: ج ۲ ص ۸۵۵، ۹۱۸.

زينل بيک اکراد : ج ۲ ص ۸۲۹.

زينل بيک ذوالقدر ، ولد ابراهيم : ج ٢ ص ٨٥٥ .

زينل بيک شاملو; ج ۲ ص ۹۱۸ .

زینلخان ج ۲ ص ۹۲۶، ۹۲۴، ۹۲۶، ۹۲۶. زینل خان ایشیکآقاسی: ج ۲ ص ۹۲۲. زینل خان شاملو: ج ۲ص،۹۵۵، ۵۹۵.

Ĵ

زاشل ( بازیگر معروف ): ج۲ص ۱۸۰۸. ژاشیم دوبلی ( شاعر): ج۲ ص ۸۲۴. ژآن دوازدهم (پاپ ): ج۱ ص ۲۶۶. ژافروسنت هیلر ( حکیم طبیعی): ج۳ ص ژافروسنت هیلر ( حکیم طبیعی): ج۳ ص

ژاک ( فاتل هانری سیم ) : ج۲ص ۸۸۸. ژاک (مدعی)سراطوریهایتی ) :ج۴۳۴۳۰ . ژاک اول : ج۲س ۱۹۹۹، ۹۲۱ .

زاک چهارم : ج ۲ ص ۲۹۵، ۸۸۸.

زاک دویم (یادشاه انگلیس) نج جس و ۹۹: ۱۹۹۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶، ۱۹۵۶، ۱۹۹۴،

> ژاک سیم : ج ۲ ص ۱۵۵۶. ژاک ششم : ج ۲ ص ۸۹۸.

ژاکدندی ( اولین ساعتساز ایطالبائی ) : ج ۲م ۶۳۴.

زان ( امپراطور حیشتان : چوس ۲۱۵۱ .

ژان ( امپراطور قسطنطنیه) ؛ ج ۲ ص۶۶۶.

ژان ( پادشاہ انگلیس) : ج 1ص ۴۱۹.

ژان (پادشامیاکس) نج ۳ می۱۹۷۵ ، ۱۹۵۰ .

زان (شاهفرانسه) کے ۲ س ، ۶۲۶،۶۲۸. تاریخی داردار شام شغال کا سی می

زارپنجم (پادشامپرتوغال ) :ج ۲ می۱۰۵، ۱۹۲۹ ،

زانچيارم (يادشابپرتوغال) : ج ۲ ص۹۶۹. ژان دالبر ( طکھ ناوار ) : ج ۲ ص ۹۶۸،

زآن (پسر دن کارلس): ج ۲س ۱۸۵۳، زأن دویم (شاه پرتوفال): ج ۲می۴۲۴،

ڑان سوبییسکی: ج ۲ ص ۹۸۶ . ژان سیل ویرا: ج ۲ ص ۹۶۶.

زان سیم (پادشاه سود): ج ۲ ص ۵۵۸ ،

. 49.

ژان ششم (پادشاهپرتوغال) :ج جس ۱۵۲۸ ۰ ۱۵۷۷

ڑان کازمیر پنجم (یادشاہ لیستان) کے ؟ ص ۹۵۲ - ۹۸۲

زان کوژن ( حجار) : ج ۲ ص ۸۵۹، زان ( ملکه هولاند ) : ج ۲ ص ۹۳۸،۷۳۶. زان هشتم ( پاپ ) : ج ۱ ص ۲۱۱،

زاندارک: ج ۲ ص ۶۸۷، ۶۸۸.

ژنرال بد: چ ۳ ص ۱۸۰۸ ۰ زانس کلنا : ج ۲ ص ۲۲۴. وُنرال برديج : ج ٣ ص ١٩٥٨ ٠ ژدی گر: چ ۲ ص ۸۵۵. وترال برک: ج ۲ ص ۱۸۵۲ ۰ ۱۸۵۵ ۰ زرازمرکاتر :ج ۲ ص ۸۵۶. ژنرال بروسیلوف: ج ۳ ص ۱۷۷۴ ۰ ۱۲۷۴۰ ژردم بناپارت ! ج 7 ص ۱۷۲۱ . ژنرال بريغ ۽ ۾ ٣ ص ٢٠١٢ ٠ زرز آن بوار : ج۲ ص ۲۵۴ . ژنرال بندک : چ ۲ ص ۱۲۰۲ : چ ۳ص۲۶،۲۰۲ زرز (پسر ولیعهددانمارک):ج۲ص۵۸۵۰۰ ڙنرال بورو : ج ٣ ص ١٣ ٢٠٠٠ . ژرژ ( شاء هانور) : چ۲ ص۱۹۲۹ ،۱۹۸۲ . ژنرال بوسکه: ج ۳ص۱۲۶۵ ، ۱۷۲۹ ، زرز استفان سن (مخترع لکستیو)! ج 7 ص ژنرال بولوف فرانسوی : ج ۳ ص ۱۹۱۳ • ژنرال پراد : ج ۳ ص ۱۹۷۰ -زرز اول ( بادشاه انگلیس) ؛ ج ۲ ص ۱۰۲۴ . ژنزال پريم : چ ۳ ص ۱۸۷۷ ، ۱۹۱۷ -زرزاول (پادشاه یونان): چ ۳ ص -۲۱۵۰. زنرال پرین ( اسپانبول): ج ۳۳ ۱۸۳۹ ، . YID. . IAFT. IAGE . IAGE · 1454 · 1474 ژرزچهارم (یادشاه انگلیس) : ج ۳ص۹ ۱۵۴ ، ژنرال ہلک: ج 7 ص 1999 . ژنرال پليز : ج ۳ ص ۱۷۳۹ . رُرزُ دویم (یادثاه انگلیس): ج۲ ص۲۰۲۴، ژنرال پلیسبر: ج ۲س ۱۷۷۸ ، ۱۷۷۹ ژنرال پوکر : ج ۳ ص ۱۹۶۵ ۰ ژرز سیم ( یادشاه انگلیس) : ج۲ ص۱۹۶۱ : ڙنرال پيرس: ج ٣ ص ١٧۶٥ -ع ۳ ص ۱۵۴۹ ، ۱۶۴۳ · ڙنرال تتلين : ج ٣ ص ١٩٨٩ ، زرژ یازدهم ( یادشاه گرجستان): ج ۳ ص وُنرال تروشو: ج ٣ ص ١٩٢٠ . . 1446 وُنرال تريف : ج ٣ ص ١٩٨٩ ٠ ژرژ لوی (والی هانور) : ۲۰ ص ۱۰۱۲ ۰ زنرال تيلور : ج ٢٠ ص ١٧٠٤ . ڈرم: ج ۳ ص ۱۸۳۱ ۰ وُنرال چرنایف : ج ۲س ۱۹۶۹ ۰ رُرم بنایارت (برادرنایلٹون) نج ۳س۱۴۸۸ ، ژنرال داووست : ج ۳ س ۱۴۷۴ ۰ ژزه دوفینو باریس ( رئیس جمهورگواتعالا ) 🕯 زنرال درانسوف ج ۳ س ۱۶۷۵ ۰ ج ١ ص ٥٤٥٠ ج ٢ ص ٢١٥٦ ٠ وُنرال دفورن : ج ٣ ص ١٤٩٧ . رُغُرال = زنرال : ج ۳س ۱۸۸۰ ، رَبُوالَ دو ( سردار فرانسه) : ج ۴ ص۱۸۸۳ -ڑفرسن ( رئیس جمہوری اتائونی) ، ج ۳ ص زنرال رادتسكي: ج ٣ ص ١٧٩٨٠ · 1 ATA + 16YY + 1797 ژنرال رادوویدس، ج۲۰۵۲ ۱۷۶۲۰۰ زفرسندویس ( امریکائی) ؛ ج ۲ ص ۱۸۲۱ ، زنرال رادريويل: ج ٢ ص ١٢٥٧ ؛ ج ٣ ص ژن آداس ( رئیس جمهور اتائونی): ج ۳س ژنرال رازن ( صاحب منصب روس ): چ۳ص . 1775 - 1041 - 1040 ژنرال استوارد : ج ۳ ص ۲۰۱۲ . زنرال رامل : ج ۳ ص ۱۵۲۳ ۰ ژنرال اسکیلف ( سردار روس): ج ۱۳۸۲، زنرال روبر: ج ۲سمد۱۹۹۸ ، ۱۹۹۹ ، ۱۹۹۹ ، ۲۹۰ : ۲ س ۱۹۶۱ : چ کس ۱۹۶۱ ا ژنرال روبرت ( سبردار قشبون انگلیس در - TO 40 - TO TY - TO 18 - 1954 انفانستان): ج 1 ص ۴۸۷ ، ۴۸۸ ، ژنرال اشنیک : ج ۳ ص ۱۷۴۱ . + TOTY + TO 177 + TO 1707 - F91 زنرال اطوم : ج ۳ ص ۱۷۸۸ · ژنرال رائستن : ج ۳ ص ۱۸۲۳ ۰ ژنرال اکتانیف: ج ۳ ص ۱۸۲۶ ، ۱۹۳۱ ، وُنرال روزا 🗀 ج ۳ ص ۱۷۱۱ -- 1949 - 1959 زنرال رون: ج ۲ ص ۱۸۶۸ ۱۸۶۹ ۱۹۳۲۰ ژنرال الکساندر مارمارا ؛ ج ۲ ص ۱۲۷۶ ، رُنرال زاکس: ج ۴ ص ۱۵۳۳ ۰ ژنرال اودينو: ج ۳ ص ۱۷۱۰ . زنوال ژوردان: چ ۲ ص ۱۲۷۴ ۰ زُنْرَالُ اوليتستا : ج ٣ ص ١٧٢٢ . ژنرال ژونو ( سردار فرانسه) : چ ۳ ص ۱۲۸۸ ژنوال بارون رازن : ج ۳ ص ۱۶۱۳ ٠

ژنرال سندویس (امریکائی) :ج۲ص ۱۸۲۱ ژنرال سوخوزاتت: ج ۲ ص ۱۸۳۷ . ژنوال سولت : ج ۲ ص ۱۹۷۲ ، ژنرال شارکانید: ج ۳ ص ۱۷۲۰، ژنرال شانزی : ج ۳ ص ۲۰۵۱ ۰ ژنرال شانکازنیه: ج<sup>۱</sup>۳س ۱۸۰۸ ۱۹۷۵۰ ژنرال شرمان: چ ۳ ص ۱۸۸۲ ۰ ژنرال شوالف: ج 7 ص 1960 . ژنوال فرمر ( سردار روس) : ج ۲ ص۱۱۶۰ · ژنرال قولی بکین ( حاکم یادکوبه) ؛ ج ۳ص .1110 ژنرال کالرژیس: چ ۳ ص ۱۸۸۰ ۰ وُنرال کان: ج ۲ س ۱۷۹۰، ژنرال کاونیاک: ج ۳ ص ۱۸۰۱، زنوال کران: ج ۲ ص ۱۹۲۰ · زنرال کفمان:چ۳ص ۱۹۰۲، ۱۹۵۱، ۱۹۶۱، .7040 .7000 وُنرال کلرمان : ج ۳ ص ۱۳۲۴ · وترال کیور ج ۲ ص ۱۹۵۲ ۰ ژنرال کورچاکف : ج ۲ ص ۱۷۷۷ ، ۱۷۷۹ ، ژنرال کوردوا: چ ۳ ص ۱۲۰۹ ، ڙنرال کورکو: ج ٣ ص ١٩٧٢٠ زنرال کوزا: ج ۲ ص ۱۹۵۹ ۰ ژنرال کولی: ج ۳ ص ۲۰۲۷ . وُنرال کیناز ملیکوف : ج ۳ ص ۱۷۹۶ ۰ ژنوال گران ( امریکائی): چ ۳ ص ۱۸۲۶، TAAL YOPE AYPE. ژنرال گراند: چ ۳ ص ۱۸۶۴ : ۱۸۲۱

زنرال لافایت ( فرانسوی) ؛ ج ۲ ص ۱۱۸۰ ؛ - 1571 1150t of a وُنْوَالُ لَامُوسِيرٌ : ج ٢ ص ١٨٢٩ • ١٨٢٩ •

وُنرال لان : ج ٢ ص ١٢٧٢ . ژنرال لغبور ! ج ۲ ص ۱۲۲۲ ۰ وُنرال لوپز : ج ٣ ص ١٧١٩ ٠ ژنرال مانتوفل ( سردار پروسی): ج ۲ ص · 1477 زُنرال ماسنا (سردارفرانسه) لج ۳ ص1۴۲۱،

- TTYT + 1540 ژنرال مرتبه: ج ۳ ص ۱۲۲۴ ، ژنرال مزنتزوء ج ۳ ص ۱۹۸۹ ۰ ژنرال منت ! ج ۳ ص ۱۸۲۶ ۰ ژنرال منتبان : ج ۲ ص ۱۸۲۷ · ژنرال منتقل: ج ۲ ص ۱۹۳۷ ۰ ژنرال مراویف: ج۲ ص ۱۸۵۲ ۰ ۱۸۲۹ ڑنوال ملک ( مامور دولت پروس) : ج ۳ ص

ونرال بازن: ج ۲س ۱۸۵۵ ، ۱۸۶۳ ،

• 1449 • 1454 ۵۶۳ ج ۳س ۲۰۵۱ . ژنرال منگ : ج 7 ص ۱۹۶ . ژول کری (رئیسجمهورفرانسه) : ج1ص۶۹۳. ا زنرال میلکف لریس: ج ۳ ص ۲۰۱۲. 3 T 0 Too7 : 0017. ژنرال میلوتین: ج ۲ ص ۱۲۰۳؛ ج ۳ ص ژیل بر ( از شعرای فرانسه) : ج۲ص۱۲۸۶ . ژنرال نودکا : ج ۳ ص ۱۹۹۹ . ساباط : ج ۱ ص ۴۲. سابانوپان ( از جلاير و جد قاجاريه) : ج ٣ ژنوال نی: ج ۲ ص ۱۴۲۴ ۰ ژنرال والیان : ج ۳ ص ۱۷۱۵ . ص ۱۲۴۲ ، ۱۲۴۲ ، ژنوال ولسلی: ج ۳ ص ۲۰۵۲ . سابق قراقلخان: ج ۲ص۹۴۸ ، ۱۰۰۱ ، ژنرال ولسنی : ج ۳ ص ۱۹۵۱ . سابق بن محمود بن شبلالدوله کلابی (حاکم ڈن روسل: ج ۲ ص ۱۲۵۰ . حلب): ج 1 ص ۳۲۷، ۲۲۸، زنس (آمريكائي) : ج ٣ ص ١٨٧١ . سابق بن محمود بن نصر : ج 1 ص ۲۹۸ . ژنسن (رئيسجمهورآمريكا) :ج ٣ ص ١٩٥٢ . مابقالدين ، بسر ميفالدين احمد (عاحب ژن مکدان لدکینز: ج ۳ص۹ ۱۵۶ ، ۱۵۷۱ . صهيون): ج ٢ ص ٥٩٥٠ ژوآرز ( رئیس جمهور مکزیک) :ج۳ص۴۸۸ ، سابقالدين عثمان بنالدابه :ج1ص ٢١٣. 441 · ATPI · 74PI · سابورین ابی طاهر القرمطی: ج ۱ص۲۲۱، ژوآرس(رئیسجمهورمکزیک): ج۳ ص۱۸۳۹، ساردوقیماس: ج ۲ ص ۸۰۴. سارقتين عمرو: ج ١ ص ٥١. ژوارن ( رئیس جمهور مکزیک) (ج۳ص۲ ۱۹۵۰. ساروبيرد قورچۍ ! ج ۲ ص ۲۶۰ . ژوانيونس: ج ۲ ص ۷۵۸. ساروخان: ج ۲ ص ۱۱۴۵ ۰ ڈوان ویل: ج ۲ ص ۱۶۵۶ · ساروخان ( ریش سفید طائفه شفاقی ) : ج ۳ ژوری دوم ، پسر ولادیمیر (پادشاهروس ) : ص ۱۲۵۴ . ج ۱ ص ۴۲۹. ساروخان طالش: ح ۲ ص ۹۲۲ . زوری سیم ( شاہ روس) : ج ۲ص ۴۲۲. ساروخواجه! ج ۲ ص ۹۱۵ . روزف (امپراطور اطریش) : ج ۲ ص ۱۰۰۴ ، ساروقورخان ، ج ۲ ص۸۳۸ ، ج۲ص ۱۳۶۸ . ساری اصلان (از جماعت زرین کمر) : ج ۱ ژوزف اول ( پادشامپرتوغال) :ج۲ص۲۹۹ . ص ۷۰۷ ، ۵۲۱ - ح ۲ ص ۱۲۲۷ - ج ۲ . 114. ض ۲۰۹۱، ۲۰۹۹. ژوزف بناپارت ( برادر ناپلیسون ، پادشیاه ساريه بن زينم الدئلي: ج ١ص ٥٢. نايل): ج٣ص ١٤٨٢ ، ١٤٩٧ ، ١٤٩٧ ، ساسان میرزا بنها الدوله ( حاجی ... ) : ج ۱ ژوزف دويم ( امپراطور آلمانواطريش) :ج ٣ سأسان ميرزا بنها الدولة ( امير زاده) ولسند س کرس ۱۲۰۵ ، ۱۲۹۵ ، ۱۳۸۶ *پ* بها الدولة: ج 7ص ۱۷۳۵ - ۱۸۱۵ ، . 1418 . 14.4 ساطورخان ، سرهنگ ومترجما ول : ج ۱ ص۵۳۵ : ژوزفین (همسرناپلیون ، امپراطریسفرانسه) 🖫 ج ۲س ۲۱۰۳۰ ج ۳ ص ۱۴۴۰ ۱۲۹۷ ۱۸۲۵۱ . ساعدالدوله ،حبيباللهخان:تنكابنى(سرتهپ ژوستین دویم ( امپراطور قسطنطنیه) : ج ۱ اول، حاکم استرآباد و گرگان): ج ۱ · 107 · 94 · 497 · 101 · ص ۵۱۷ ج ۲ ص ۱۱۸۷ ، ۱۲۴۱ ، ژوستينين قيصر ۽ ڄ ١ ص ٣٧٤. ۱۳۰۰ : ۲۰۲۰ نیس ۱۸۵۷ ، ۲۰۲۰۲۰۲۰ ژول دويم (پاپ ): ج ۲ ص ۸۵۸.

زول سزار ( قیصر روم ) : ج ۳ ص ۱۸۲۰ ،

ژولقاور (وکیل مجلس فرانسه) :ج۲ص۲ ه ۹۰ .

ژول فری ( وزیر اعظم فرانسه): ج ۱ ص

ساقیبیک ( دختر ۱۰ طان محدخدابنده): . FF1 0 FT E سالار (حسنخان): ج ۲۳٬۰۰۹ (حسنخان) سالاًر لشکر حسنطیخان سرهنگ گروسی:ج۳ ٠ ١٢١٢ ، ١٢١٢ ، ١٢١٣ ٠ سالار مهدیخان : ج ۳ ص ۱۷۵۹ ، سالار للمبلوچستانی: ج ۲س ۱۷۵۷ ، سالمين ابيالجعد : ج 1 ص ١٥٣ . سالم بُن احوز: ج 1 ص ۱۲۴ . سالم خان (حاكم برازجان) : ج ٢ص١٤٢ . مالم بن راشد : ج 1 ص ۲۳۹ ، ۲۵۰ ، سالم بن قاسمالحسینی (امیر مدینه) : ج ۱ مالم بن مالک بن بدران بنالمقلد عقیلی: + 1 m 247 . x27. سالن دکس (مهندس) : ج ۲می ۹۲۱. مالومن (رئيسجمهورهائيني) . ج ١ ص٥٥٥. سام بن شعر الدين محمد ، بنها \* الدين بسن مسعود: ج ۱ ص ۴۲۴، سام بن نوح : ج ۲ص۱۳۲۹ ، ۱۳۴۹ . سأمخان أيلخاني ابن رضا فليخان زعفرانلوء شجاع الدوله: ج ۳ص ۱۹۲۵، ۱۶۸۹، · 1797 · 1777 · 1705 · 1597 ساممبرزا ۽ شاه صفي: ج ۲ ص ۲۸۶، ۲۸۸، . 477 . 740 سامميرزا شمى الشعراء ( شاهزاده فاجار ) : چ ۱ ص ۲۰۵ : چ ۲ ص ۱۲۲۰۱۱۹۵ : ج ۳ ص ۱۹۱۷،۱۳۰۲،۲۹۶۲. سام میرزا (مدعی بسری شاه سلطان حسین ) 🗈 ج ٢ ص ١١٢٥ ، ١١٤١ . ساميات (پادشاه ارمن) : ج1ص ۴۵۶.

سان تا7نا ' ج ۾ س ءِ ٻهر.

ص ۱۵۵۰۰

سان کولن: ح ۳ ص ۱۸۲۶.

سائب بن اقرع: ج ١ ص ٥٥.

سائب بن بزید : ج ۱ ص ۹۴ .

صنعا): ج 1 ص ٣٢٩.

سایل ، آقاجانی (شاعر)

سانجو (وزير اعظم زابن) لج 1ص464 ج٣

سائز هفتم ( بادشاه ناوارا ) : ج 1ص۴۲۰.

ساوتکین ( والی دمشق) ، ج1 ص۳۴۹،۳۴۸.

سيابن احمدين مظفر العليجيء ابوحمير إحاكم

سبابنالسمود بن زريع : ج ۲ ص ۳۲۹ ، ساستین ( بادشاه پرتوغال) : ج۲ص۸۶۸. سیاستین کامبو: ج ۲ ص ۷۳۵. سبحانطی خان ( پسرندرمحمدخان ، پادشاه ترکستان ): ج ۲ ص ۹۵۱ . سيحانقليخان: ۾ ۾ س ١٥٧٠ . سیحانقلی خان اوزیک ؛ ج ۲ ص۱۹۹ . ج ( ص ۵۱ -سبحانی استرآبادی! ج ۲ص ۹۰۸. سبزعلی بیگ ( نوگر و قاتل محدحسنخــان قجار): چ ۲س۱۱۵۶ :چ۲س۲۹۲، ۱۳۲۵، سبزعلیخان زند : ج ۲ ص ۱۹۶۳ . سبزعلیخان شامبیاتی: ج ۲ ص ۱۱۵۹ . سیزعلی کرد استرآبادی : ج ۲ ص ۱۱۵۹ -٠ ١۶٣٨ ص سبط ابن العجمى ( از علماى طب) : ج ٣ ص سبفری ( سلطان زرئج ) : ج 1 ص ۱۰۹ . سيکٽکين: ۾ ٣ س ١٤٩٥ ، سبکتکینترکی: ج ۲ ص ۲۶۲ ، ۲۷۴،۲۷۴ ، سيكتكين( غلام ابواسحاق بن البتكين) : ج١ ص ۲۲۲، ۲۸۲ تا ۲۸۹، سیهدار ( حکمران کرمان ) : ج ۳ ص ۱۷۸۷ ۰ سيهر \_\_\_\_ محمدتقى سيهر اسان الملك مپهمالار اعظم ، حاجی میرزا حسیسن خیان مشیرالدوله: ج ۱ ص ۵۰۴: ج ۲ ص ٣٨١١٠٨٨١٠ ئج ٣٠٠ ٢٢٨١٠١١٨٢٠ سردار کل، · 1940 · 1975 · 1494 · 1497 · 1940 9956 Li 1957 · 1964 · 1947 · 1974 · 1974 · 1974 · 1971 - 1440 PT E . You4 . Toof . 1995 . 19AF · TOTE · Y OTT · TOTI · TOTO · · \*\*\*\*\* \*\*\* سههمالار سنيد : ج ۲ ص ۸۵۲ ، سپهسالار ، میرزامحدخان : چ ۲۸۶۵ تا 370 7717. · 1446 · 1477 · 1469 ستادیسکی(کاپیتن بیادهنظام) :ج(۱۵۲۷،۰ سجاح ( دختر حارث بن غطفان التعبعيه ) : ج ۱ ص ۲۳۰ سديدالدوله محمد بن عبدالكريم ءابن انباري . 4 . 4 ( کاتب ) : ج ( ص ۱۳۹۳

سراجالدین (امام ــ) مفتی مصر : ج ۲ ص

. 884

سرورخان ( حاجی ... ) خواجه سرا : ج 1 ص 470 : ج ۲ ص ۱۲۵۲ ٠ سری الرفا ( شاعر موصلی ) : ج 1ص ۲۷۳ . سری مقطی ( زاهد عارف): ج ۱ ص ۲۰۲، مری بن عبدالله بن حارث ( حاکم یعامد و ٠٠٠) أج اح ١٢٢٠ سری بن معاذ الشیبانی ( والی ری): ج ۱ ض 199 ، معادت خان برهان الملک (ج ۲۵۲۳ م. ۱۹۲۳ . سعادتقلیخان: ج 1 ص ۵۱۹. ستادتقلیخان (برادر آصفالدوله): ج ۳ سعادتفليخان بغايرلو (حاكم جهان ارغفان ) 🕽 ج ٢ ص ١٥٢٥ ١٩٢٠ ٠ سعاد تظییخان (سرکرنہ جماعت متکوهی) 🕽 ج (ص-24) ج 70/4-1٠ سعادتقلیخان ( از جماعت سبزواری ) : ج۳ ص ۱۹۸۸ م سندین ابیوقاص: ج 1 ص ۲۹ ، ۳۹ ، ۲۰ . 45 . 54 . 44 . 44 5 44 . 41 سعد تغتازانی ( ملا ... ) :ج۲ص،۶۲۹،۶۵۹، سعدبن حذیفہ: ج ۱ ص ۷۷، سعدین دکلا ( اتابک ، حکمران فارس) :ج ۱ ص ۴۳۲، حدين زيدالاشهلي ( صحابي ) ج1ص،۲۸، سعدین سعید : ج 1 ص ۱۳۹ ه سعدين عامرين حذيمالجمحي إج1904 ، معدین عبادہ الانجاری : ج ۱ ص ۴۱، سندبن عمربن سليمالزرقي: ج1ص ١٣٤٠. سعدبن مسعود (عممختار ثقفی) :ج 1 ص۶۶، سعدين معاذ : ج 1 ص ٢٥٠.

سعدالله خان : ج 7 ص ۱۲۶۶ .

· 1944 · 1989

ALOYO OFOT.

ستدالله خان (مامور آذربایجان): ج ۱ ص

سعدالله خان فندرسكي ( مبر ... ) : ج ٣ ص

سعدالدوله (حاجی ــ ) ] ج 7 ص ۲۰۷۲ ،

سعدالله خان يوزباشي: چ ۳ ص ۲۱۱۷.

سراجالدین قمری ( شاعر ) : ج ۲س ۶۲۸. سراڄالدين وراق ( اديب) : ج ٢ص ٥٥٥. سراچالملک ، چراغظیخان : ج ۲۳۰۲۸ . سرابهالملک ، میرزا رضاقلیخان ایروانی :ج۲ ص ۱۱۹۶ : ج ۳ ص ۲۱۴۱ · سراته بن عمرو ( سردار فتح بابالايواب ) . سراقدین مالک بنجعشمالمدلجی: ج و ص سرتاق نویان ( پدر قاجارنویان) : ج ۳ س - 1770 - 1797 - 1777 - 1779 سرجان مکتیل ( وزیر مختارانگلیس) : ج ۳ سرجوسف دیکسن: ج ۳ ص ۲۱۰۸. سرخاب کرد : ج ۲ ص ۹۰۸ ، ۸۱۰ ، ۲۲۸ ، سرخاب بن محمد بنعثان : ج1ص ٣٢٥ . سرخای بیگ: ج ۲ ص ۹۲۹، سرخای خان لگزی: ج 7س ۹۵۶، ۱۱۱۳؛ . 10th . 1444 or T = سرخوشخان ؛ ج ۲ ش ۱۶۲۵ ، سرداردین ، محمدخان: ج جس ۱۷۴۷ ، سردار (آقا ـ )ولد سپهدار : ج۱ص۵۲۵. سردار جان خان کچ ۳ ص ۱۷۵۹ . سردار سلطانطیخان مظفرالدوله: ج 7 ص (St. 1418) سردارگل (عزیزخان) ــــ عزیز خان سردار کھندلخان: ج ۳ ص ۱۷۹۲،۸۷۶ . سرژن مکدان لدگینز ( وزیر مختارآنگلیس) .ّ سرزيوس: ج 1 ص ٢٥٠٠ سرکز افندی: ج ۳ ص ۲۱۵۷، سرکیس خان ( میرزا ــ ) از اجزای پستخانه: سرگوراوزئی (سفیرانگلیس) نج ۳ در ۱۵۰۱ م 1001 . POGE . AIGE . FIGE. سروانٹس ( موالف کتاب دنگیشوت ) : ج ۲ ص ۹۱۳ ، ۹۱۳ ، سروبیان ( نیای ہایزید بسطامی) : ج ۱ ص

سروجهان خانم ( دختر فتحعلیشاه) : ج ۲

سروج: ج 1 ص ۲۴۸.

سعدالدوله بن سيفالدولمين حمدان. ج 1 ص · TAF: TAA: TA1 : TY0 ستدالدولهٔ پهودۍ : ج ۲ ص ۶۰۲. سعدالدين تغتازاني (علامه) ــــــ سعد تفتازاني. سعدالدين قتلغ خواجه قزويني (ج ٢٣٥٣م. سعدالدین کاشغری : ج ۲ ص ۲۰۶ . سعدالدین کشتگین (ماحب حلب ) : ج ۱ ص سعدوقاص ( میرزا 🗕 ) : ج ۲ص ۹٬۶۲۶ ، ۶۷۹، سعديشيرازي ،شيخ ملح الدين :ج1 ص95 ، ۲۶۳ تج ۲ ص ۲۰۶. سعید (عموی ناصرالدوله بن حمدان) : ج ۱ ص ۲۲۳۰ سعید آقا سیواسی: ج ۳ ص ۱۵۵۱ ، سعیدبناییسعیدالمقبری ،کیسان :چ۱ص۲۲۳ . سعيدين اسلم بن زرعه الكلابى { والسسى خراسان) تج ۱ ص ۹۱ ، ۹۰۹ ، سعيدالاكبر، جنابي، ج 1س ٢٣٢. سعيدين اياس ، ابوعمر والشيباني (ج١ ص٣٥) . سعيدين بدرالدين بن لوالو ( طک 🕳 ) صاحب موصل: ج ۲ ص ۵۸۱، سید بیک (رئیس طائفته دروز) : ج ۳ ص سعید بن بشار : ج ۱ ص ۱۱۷ ۰ سعیدیاشا (وزیر اول عثمانی) : ج ۱ ص۴۸ ۴۸ ، \* 1460 · 1477 · 1740 - 057 : 057 . TIT9 . TO 41 سعید بنجبیر: ج ۱ ص ۱۰۲ . سعید بن جهان|لاسلمی: ج ۱ ص ۱۳۲ ، سعید حرشی: ج 1 ص ۱۵۱۰۱۵۱۰۱۵۰ . سعیدخان: دامفانی: ج ۳ص ۱۴۶۸. سعید خان (میرزا ــ )مواتمن|لملک ( وزیسر امور خارجہ) : ج ۱ ص ۴۷۵ : ج ۳ ص · 1744 · 1744 · 1747 · 1777 · 1917 · 1446 · 1477 · 1997 · 1040 · 1949 · 1947 · 1977 سعید بن دعلج ( حاکم بحرین و بحره ) 🕏

- 10T · 10T · 100 · 1FA · 1FY - 1 &

سعید بن زید ( از عشره میشره) :ج1ص۲۷.

سعید ( سلطان منقط ) ہج جس ۱۲۹۱ ،

سعيدين علم (حاكم جزيره): ج1ص 157 . ج ۱ ص ۲۵۴ ، ۲۶۱ ، سعید بن سلم باهلی ( حاکم موصل) : ج ۱ مقمان بن نورالدين محمد بن قراارسيلان ، قطبالدين: ج ۽ ص٧٥٩، ٢٢٠. سکاکی ( صاحبکتاب مفتاح ) : ج۱س۲۴۲. سعيد بن سناالملک ، هيغالله السعدی ( شاعر سکنت پنجم ( پاپ ) : ج ۲ص ۸۲۵، مصری): ج ۱ ص ۲۲۸،۴۲۸، مکتان بن ابراهیم بن مکتان :ج1ص ۳۶. سعید بن صالح ( حاجب ) :ج۱ص۲۰۳، سیدین عاصین امیہ ( حاکم کوفہ) : ج وس حكندرشاه (پسرططان محمدين فيروزشاه): ج ۲ ص ۶۶۱. .40.44.44.44.44.64 سعید بن عبدالعزیز (والی خراسان) : ج ۱ سُگنتو ، پسر علی عادلشاه : ج ۲ ص ۹۸۳ . م**گینه ( بنت میدالشهداء ع) زوجه معب** م ۱۰۸ و ۱۰۹ سعيد بن عبدالعلك : ج 1 ص 110. بنزبير: ج ۱ ص ۸۸۰ ۱۱۲. سعید بن عثمان بن عفان ( والیخراسان) : سلار مرزبان (حاکم آذربایجان): ج ۱ س · 190 « 197 ج 1 ص ۲۹. سلارين موسى همداني ؛ ج ١ ص ٣١٨ ، ستيدالطماء : ج 7 ص 1994 . سلامان: ج 1 ص ٢٥٠. سعید بنءمروالحرشی (والی خراسان) : ج۱ سلام بن ابي مطيع : ج 1 ص 109 ، ٠ ١١٢ ، ١١٢ . سعيد بن قيس هنداني: ج ۽ س ڄءِ، ڄءِ. سلام بن مشکم يهودي : چ ١ص ٢٥. سلامش( ملک عادل) پسر ملکظاهر :ج ۲ ص سعیدینمسیب (محدث و فقیه) :ج۱۵۲٫۰۱ . سعيد بننجاح : ج 1 ص ٣٢٩. سلامة الطولوني (حاجب المتقى للمعياسي): سعيد بن نصرالدوله، احمدين مروان. ج ١ ص ۲۲۷ ، ۳۲۷ . ج 1 ص ۲۵۳ ، ۲۵۹ ، سعید تغیسی : ج ۳ ح ص ۱۵۶۹ ، ۱۵۸۱ ، سلجوق بن دقاق: ج1 ص٣١٣. سلجوق بن سلطان محد (حكمران فازس): - 1097 E . 1049 E سعید هروی (شاعر ): ج ۲ ص ۶۴۵. ج 1 ص ۲۲۲٠ سلجوق بن فراجا ( اتابک سلجوق) : ج 1س سعید بنهشام : ج ۱ ص ۱۱۴ ، سعید یجھیے (معروف بد) مطری ): چڑص 4 18 19 19 19 19 19 19 19 19 19 سلجوق بیک ( از احفاد افراسیاب ترک ) : سعید بن بربوع بن عنکته: ج ۱ ص ۷۸، - 17ft . 17fo or E

سفاح ، آبوالساس عبدالله: چ ۱ می ۱۶۶ .

سفزن یوس ( کشیش بزرگ بیت المقدس ) :

ج ۱ س ۱۹۹ .

سفیان شریی: چ ۱ ص ۱۵۱ .

سفیان بن عمرو ( از امیران سیاه معاویسه در

صفین ): چ ۱ ص ۶۹ .

سفیان بن عوف ازدی ( فرمانده و لشکر ) :

چ ۱ ص ۶۹ ، ۷۵ ، ۹۷ .

سفیان بن عوف اسدی: چ ۱ ص ۲۷ ، ۲۷ .

سفیان بن عوف اسدی: چ ۱ ص ۲۹ ، ۲۷ .

سفیان بن معاویه ( حاکم بحره ): چ ۱ ص

سفیان بن معاویه ( حاکم بحره ): چ ۱ ص

سفیان بن معاویه ( حاکم بحره ): چ ۱ ص

سفیان بن معاویه ( حاکم بحره ): چ ۱ ص

سفیان بن معاویه ( حاکم بحره ): چ ۱ ص ۳۲۸ ، ۲۴۸ .

طستين (پاپ ): ج ١ ص ٢١٧٠.

سلطان|براهیم :ج (ص ۵۲۹ ؛ ج ۲۳۵۷۰

سلطان ابراهیم (حاکم شیراز ) : ج۲ ص ۸۹ .

ططان ابراهیم حسین میرزا: ج ۲ص۷۳۵.

سلطان ابراهیمخان ( سلطان عثمانی) :ج۲

سلطان ابراهیم (صاحب هند ) : ج۲س۲۷۲.

سلطان ابراهیم (پسر میرزاعلا ٔ الدوله) (ج ۲

سلطان ابراهیم مبرزا ( یسر بهرام میرزا\_):

سلطان ابراهیم شرقی: ج ۲س ۶۸۵.

. 197 · 907 · 907 · 179 · 977 0

- TAY . TAF . TAT . TA-

سقمان (سمكان )قطيي (مو•سس ملوكخلاط) :

ططان ابراهیممیرزا (پسر عمادالدوله) نج ۲ ص ۱۱۹۹ ، ۱۲۲۰ ؛ چ ۲ ص ۲۰۲۳ ، سلطان ابراهیم میرزا (پسر فتحعلی شاه) : - 1974 · 1409 0 F. E. **ملطان ابوسید ( پسر میر محمد درویسش )** داروغه هرات : ج ۲ ص ۱۹۶۸ ططان احمد : ج ۲ ص ۸۰۲ ، ۸۹۹ سلطان احمد (برادر اباقاخان ) احمدبیکدار : ج ۲ ص ۲۹۷ ، ۱۹۵۰ سلطان احمد ایلکانی: ج ۲ ص ۶۶۲۳،۶۶۱. سلطان احمد حاکم بغداد ) : ج ۲س ۶۶۲. سلطان احمدخان: ج ۲ ص ۹۱۴ ، سلطان احمدخا راول (سلطان عثمانی) ہج ۳ سلطان احمدخان ثانی ( سلطان عثمانی ) : ج ۲ ص ۹۰۷ ، ۹۹۴ تا ۹۹۷. سلطان احمدخان (حاکم هرات ): ج ۳ بسلطان احمد خان سیم (ثالث): ج ۲ ص . 1017 . 1017 . 100F . 10+T سلطان احمدخان (صاحب آقسو): ج ۲ ص ملطان احمدخان { صاحب مغولستان} :ج٢ سلطان احمد بنسلطان اویس: ج ۲ ص۱۹۶۶ سلطان احمدشاه: ج ۲ ص ۲۲۴ ۱۸۹۰،۸۹۰ سلطان احمد بن شاہ شجاع : ج ۲ص۴۵۵۰ سلطان احمد (معروف به: مظفرگجراتی ): ملطان احمد ميرزا ابن ملطان ابسوسعيند گورگانی : ج ۲ ص ۲۳۴۰ سلطان احمدميرزا عضدالدوله ( پسرفتحملی شاه ): ج ۱ ص ۵۰۱: ج ۳ ص۱۵۲۳۰ · TOST + 1410 + 15TF سلطان احمد میرزا ، پسر کیقباد میرزا (نایب آجودانیاشی): ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳

ج ۲ س ۸۶۲،

· T • FT

- 1A9F w

. 1-TY - 1-TT

· FYT · FOO · FOT

ج ۲ ص ۱۹۹۰

ص ۲۰۷۳ ، ۲۰۷۳

سلطان اسكندر (گجراني) بُج٢ص ٠٨٩٠

سلطان اویس بن ایدکوبرلاس: چ۲ص ۶۷۸. سلطان اویس بن شیخ حسن ایلکائی: ج ۲ ص . 644 , 644 6 644 , 644 سلطان اویس میرزا (حاکم همدان) : چ۲ص سلطان بایزید خان دویم : ج ۳ ص ۶۹۹ ، \* YTG \* YTT \* YT1 \* YTA \*YTY \*\*\* \*\*\* \*\*\* \* \*\*\* سلطان بنهادرگجراتی ( یادشاه گجرات ) : چ ۲ ص ۲۸۷، ۵۸۷، ۸۸۲، ۹۸۰ سلطان ببهلول لودی : ج ۲ ص۲۹،۷۲۹، ملطان بیگم (دختر فتحطیشاه): ج ۳ ص سلطان پرویز بن جهانگیر ، ج ۲ ص ۹۲۱ ۰ سلطان تغلقشاه بن علا الدين مباركشاه ( از ملوک خلج ) : ج ۲ ص ۶۶۴ ، سلطان جلال الدين خلج: ج ٢ ص ٥٠٥٠. ملطانجلال الدين ميرزا (يسر فتحعلى شاه) : سلطان حسين ( اميرزاده) : ج٢ص ۶۶۹، سلطان حسين بن سلطان اويس ايلكاني : ج٢ ص ۶۹۹، ۲۵۹ تا ۶۸۲،۶۷۳،۶۸۸، ططان حسین ( پسر ططان محمودانکاه ): سلطان حسين بن شاه رسم ، ج٢ص١٩٠٠ . سلطان حسین شرقی : ج ۲س ۲۲۲ ، ۲۲۵ ، سلطان حسين ميرزا ( شاهزاده صفوی ) : سلطان حسين ميرزا بايقرا: ج ٢ ص ٧١٧، . 454.445.440.414 سلطان حسين ميرزاء يسربهرا ميرزا (حاكم قندهار): ج ۲ ص ۸۱۰ ۸۲۲٬۸۲۲، سلطان حسين ميرزا جلال الدوله (حاكيم اصفهان) نج إ ص٥٣٠٠ ج ٣٠ ١٨٢٣٠٠ - 1110 - 1974 - 19Fo سلطان حسين مبرزا ابن سلطان غيات الدين منصور بن بایقرا : ج ۲۹٬۱۰۷۰۹

· 1544 0 ملطان حسین میرزا ( مدیر عمارات دوشان تيەوپىشخدىتحفور) : ج٢ ص١٩٥٥، ۱۲۵۶ : چ ۳ ص ۲۰۳۱ سلطان حسین میرزا ( پسر نیرالدوله) : ج ۱ ص۵۲۶ : ۲۰۶۳ : ۱۲۱۹ : ۳ ۲۰۶۳۰۳ · سلطان حمز مبيرزا ( پسرڻا مطهماسب مغوی ) 🖥 چ ۲ ص دولا ۱۵۷۰ تا ۱۲۸۰۸۲۸۰ سلطان حمزه ميرزا (پسر فتحطي شاه): ٣٣٠ - 1594 · 1574 · 1514 0 سلطان حميد ميرزا ناصر الدوله (ولد نصبرت الدوله) : ج1ص1 ٥٥ ؛ ج ٢ ص1 ١٢١ ؛ - TOFF + 1410 OFF 2 سلطان حيدر : ج تص ١٨٥٢ ، ٨٥٢ ، ٨٤٢ . سلطانخانم ( دختر فتحعلیشاه) : ج ۳ ص سلطان خشال (حاکم سیرسد ) : چ ۲ ص ۲ ۹۷ ه سلطان خلیل بن حسن بیک آق قوینلو: ج۲ ص ۷۲۵ -سلطان خلیل ( پسر ثبخ شاه بن فرخیسار ، پادشاء شيروان) "ج ٢٠٠ ( ٧٧ ، ٧٨٩ -سلطان الدوله ، ابوشجاع (ج1ص ۲۹۸ ، ۲۰۵۰ ، . 400 5404 سلطان ڈوالقدر 🕻 ڄ ٢ ص ٥٥٨٠. سلطان زینالمابدین ( پسر شاه شجاع از آل مظفر) ل ج ۲ ص ۱۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۹ ۵ سلطان سرير : ج 1 ص 114 -سلطان سعيد بن ابوسعيد خان بنكوجمخان ( حاکم سبرقند ) : ج ۲ص ۸۴۲۰۸۳۱ ( سلطان سکندر لودی: ج۲ ص ۷۶۵. سلطان سليم (يسر سلطان سليمانعثماني) : \* X \* X \* X \* X \* A \* X \* \* سلطان سليمخان: ج ٢ص ٢٥٩٠٧٥٨ ٧۶١٠ . X17. YFX. YFF. YFA. YFT 6 سلطان سليم خان دويم (ج٢ ص٨٤٥ - ٨٥٢) - AF1 + ABY + ABY ملطان ملیمخان سیم ( سلطان عثمانی) : 3701111 YAY 19A91 17811 سلطان سلیم میرزا (پسر فتحطیشاه):ج ۱ ص ١٥٠١ : ١٤٢٣ ، ١٥٠١ ، ١٤٢٣ . سلطان سلیمانخان ( سلطان عثمانی) :ج۲

· 1417 · 1407

ج ۲ ص ۱۶۲۲ .

ج ۲م ۲۲۲ ۱۲۲۰

ج ۲ ص ۸۶۵۰

· YTF · YTA · YTT ·YT1 by11

1 YT . YTY . YTY . YTY . LTY .

· YAY · YAF · YAT · YY · YFA 444 . 444 P 404 . 444 . 444 ۸۲۸ ، ۲۴۸ ، ۵۲۸ ، ۹۱۲: ج ۲ س · 1797 سلطان سلیمانخان ٹالٹ: ج ۲ ص ۹۹۳، ططان سليمان بن سلطان حيدر أج ٢ ص٧٥٩٠٠ سلطان سلیمان شاہ: ج ۲ ص ۸۱۲. ط**طان سنج**ر بن ملکشاہ سلجوقی: ج ۲ ص · YYF . FAT سلطانسيدبركشينستيد (سلطانزنگبار): ع ۲ ص ۲۱۵۱ ۰ سلطان سيد مولا محمد (سلطان مرغش): ج ۳ ص ۱۹۰۲ ۰ ملطان شاه بن ارسلان بن اتسز : ج 10,717. سططان شاہ بن رضوان : ج 1 ص ۳۶۲. سلطان شجاع (پسرشاهجهان): ج7ص،۹۶۰. سلطان شرف الدين اوغلي: ج ۲ ص ۹۷۶. سلطانشهاب الدین کشمیری :ج ۲۰۰۲ م سلطان عبدالحميدخان (اميراطور عثماني): ج ٢٠٠٤/١١٠ ١١٢٩ - ١٩٤٣ ، . 7174 . 7077 . 7070. 1990 ملطان عبدالعزيز خان ( سلطانعثماني ). 3 70 7071 3 370 YATY · 1984 · 1971 · 1490 · 1464 سلطان عبداللطيف (بادشاه گجراني) :ج٢ ص ۱۸۹۰، سلطان عبدالعجيدخان عثماني :ج٣ص١٩٥٢. · 1477 · 1540 سلطان عثمان بیگ ( جد سلاطین عثمانی) : ج ۲ ص ۶۲۲، سلطان عثمان بن عبدالحق مرينى (حكمران مغرب) ؛ ج ٢ص ٢٢٠. سلطان عثمانخان دويم ! ج ۲ ص ۹۱۴ . سلطان عثمان خان ثالث (سیم ) : ج۲ص۱۹۵۴،

سلطان علاء الدين حسنشاه (ج٢ص ٧٧٤.

ج ۲ ص ۴۰۰،

سلطان علاء الدين كيقباد (شاء دهلي ):

سلطان العلما (خَلَيقه سلطان):ج٢ص٧٥٧.

سلطان العلما (آقا ميرسيد محمد ) امأم جمعة اصفيهان, ملطان علىبيك جاكرلو (حاكماردبيل): ج ۲ ص ۲۲۰٠ سلطانطی ( پسر امیرزاده حسینعلی میرزا ، حاکم مرند ) : ج۲ص۲۹ ص سلطانعلیخان: ج ۲ ص ۱۲۹۶؛ ج ۳ ص سلطان علىخان مظفرالدوله! ج ٣ص١٩٨٤٠. سلطانعلی ( میرزا ــ) پادشاه بخارا : ج۲ ص سلطان على (ازطفاتيموريه): ج ٢ص٤٢٠، سلطان على ( پسر سردار كهندل خان ) 🖫 ج ٣ ص ١٢٥٤ ٠ سلطانطی مشہدی : ج۲ ص ۲۵۹ ، سلطانطیمبرزا (برادر بزرگ شاهاسماعیل) 🕻 3 7 ° 474 · PTV . سلطانغازی (والی خوارزم ) : ج ۲ ص۲۹۲۰ سلطان غياث الدين بلبن ( ماحب دهلي) : - 441 or Y e سلطان فرخ (پسر ملک طاهر برقوق): ج ۲ ص ۶۶۸. سلطان فیاض مشعشی: ج ۲ ص۵۰۰ .

سلطان فیاض مشعنی: ج ۲ ص ۷۵۰۰ سلطان فیروزشاه (نوه تنانشاه): ج ۲ ص ۴۶۶۰ سلطان فیروزشایدهایوی: ج ۲ ص ۴۲۹،۴۴۹، ۴۶۵،۷۶۲ سلطان فانیاد: ج ۲ ص ۴۶۱،۷۶۲،۷۶۲،۷۶۵،۷۶۲، سلطان فطبالدین (پادشاه گجراتی): ج ۲ ص ۸۹۰،

سلطان قطبالدین ( رایشهوه سالار لنکا ــ هانی) : ج ۲ ص ۶۹۷ سلطان قلی ( امیرزادهــ ) : ج۲ص ۷۵۸ سلطان قلیخان مفوی ( سنشار اداره ) : ج ۲ص ۱۲۵۲ : ج ۲س ۲۰۹۶ سلطان مبارکشاه دهلوی : ج ۲ ص ۶۸۵

سلطان مجاهد شاه: ج ۲ ص ۲۷۴ سلطان مجید میرزا ( تایب آجودانباشی ): ج ۲ص ۱۲۲۹: ج۲ ص ۲۰۷۳.

سلطان محمد (صاحب دهلی ) :ج۲ص۶۹۰ سلطان محمداول (پسر سلطان ایلدر مبایزید)

سلطان عثمانی: ج ۲س ۴۷۹ ، ۶۷۵، ۴۷۸ ، ۶۸۲ ، ۶۸۲، ملطان محمد بن میرزا بایسنقر :ج۲س۶۹۵، ملطان محمد تغلقثاه ( شاه هندوستان) :ج۲ ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۲۸، ۸۹۵، ملطان محمد جونه ( پسر مبارکشاه، صاحب

سلطان محمد جونه ( پسر مبارکشاه ، صاحب دهلی) : ج ۲ ص ۶۸۸ ،

سلطان محمدخان چهارم ( رابع) پادشاه عثمانی: ج ۲ س ۹۵۳،۹۵۳ ، ۹۵۹، ۱۹۸۲ ، ۹۹۲، ۹۹۲، ۹۹۳، ۲۰۰۳

سلطان محمدخان سیم ( سلطان عثمانی) : ج۲ص ۹۹۲، ۹۹۹ -

سلطان محمد خدابنده (پسرتاه طهماسب): چ ۲ م ۶۲۸ ، ۶۴۱ ، ۶۲۲ ، ۶۲۲ ، ۸۳۱ ۸۲۲ ، ۸۵۱ ، ۸۶۲ تا ۸۶۸ ، ۹۲۲

سلطان محمد بن سلطان فیروز شاه دهلوی : ج ۲ ص ۶۵۶ ، ۶۵۸ ، ۶۵۹ ، ۶۶۹ ، ۸۹۰ .

سلطان محمد شاہ ( یادشاہ گجراتی): ج ۲ ص ۷۲۵ ، ۸۹۰

سلطان محدین شیخ شاہ: ج ۲ س ۲۹۹. سلطان محمد صدقی استرآبادی: ج۲ س۸۵۸. سلطان محمد عادل (عدلی): ج۲س ۸۲۵.

سلطان محمد فاتح (ابن مراد خان دویم ): ج ۲ ص ۶۹۷ ، ۶۹۳ ، ۶۹۲ ، ۲۰۲۰ ۴۵۷، ۲۰۷۰ ، ۲۰۷۰ ، ۲۲۷ تا ۱۲۲

ملطان محمد لشکری: ج۲ ص ۷۵۷. ملطان محمد موامن میرزا : ج ۲ ص ۷۳۵. ملطان محمد موزا : ج ۲ ص ۷۸۹. ملطان محمد میرزا (آجودانِ حضور): ج۲ صلطان محمد میرزا (آجودانِ حضور): ج۲ صلطان محمد میرزا (آجودانِ حضور): ج۲

سلطان محمد میرزاسیف الدوله (حاجی-): چ ۳ میرزا (این شاه دشی) = شاه سلطان محمد میرزا (این شاه دشی) = شاه عباس ثانی: چ ۳ ص ۹۳۰. سلطان محمد میرزا ، پسرعضد الدوله ( ژنرال

ططان محمد میرزا ،پسرعغیدالدوله ( زنرال آجودانخاصه حضور ) :ج ۲ ص۱۱۸۷ : ج ۲ ص ۲۰۲۲ .

سلطان محمد ميرزا ( پسر عمادالدوله ) :ج۲ ص ١٢٢٠ ؛ ج ٣ ص ٢٠۶٣ . ططان محمد ميرزا (نايب آجودانهاشي) 🖫 -4-9 -1 2 سلطان محمود (والیگجرات ) : ج 7 ص۲۹۲۰ سلطان محمود اغلان: ج ۲ ص ۶۸۶. سلطان محمود بکری (والی بکر ): ج ۲ ص سلطان محمود بهکری (حاکم بهکر): ج ۲ جلطان،حمودبیکرهگجراتی( حاکمگجرات): - Yas . Yas . Yas. سلطان محمود ﴿ بِادشان گجراتی} : ج ٣ ص سلطان محمودخان 🗦 ج ۲ ص ۶۴۹. سلطان محمود خان: ج ۲ ص ۱۱۳۹ . سلطان محدود خان اول: ج ۲ ص ۲۵۲۸، · 134f سلطان محبود خان ( سلطان عثمانی) ٪ج ۲ ص ۱۰۲۷ ، ۱۱۳۴ تج ۳ ص ۱۵۳۷ ، . 15 . 9 . 1050 . 100F . 109T - 1507 + 1547 + 1544 سلطان،حمودخان (پسر سیورغتمشخان): ج ۲ ص ۶۵۸ ه سلطان محمود خان (صاحب مغراستان): ج سلطان محدود خان بزيونس خان(حكمران مغولستان): ج ۲ ص ۷۳۰، سلطانمحمود خلجی: ج ۲ ص ۲۹۱۱،۶۹۰ سُلطان مُحمود دهلوی! ج ۲ ص ۶۶۳ ، . 544 . 554 ططان محمود شاہ! ج ۲ ص ۷۷۵. ملطان معمود شرقی جونپوری ج ۲ ص . Y. T سلطان محمود (صاحب بنگاله): ج ۲ ص

. Y91 . YFF

ص ۲۰۶۴ .

سلطان محدود غزنوی: ج ۳ ص ۱۳۲۸ ،

ملطان محمود میرزا اے ۲ ص ۱۲۲۰ کے ۳

سلطان،حمود میرزا (پسر بیمن میرزا): ج

٣ ص ٢٠٧١ ٠ ططان محمود ميرزا (بادشاه ماوراه النهر): - YTT - Y T -سلطان محمود ميرزا جلال الدوله (يعسسر ظل السلطان): ج 7 ص ١٢١٨، ج · T • FT + 1915 0 T للطان محدود ميرزا ( ۽ للطان محمسود غازی): ج ۲ ص ۲۰۹۱،۷۱۱،۷۱۲ ، · YTT · Y1Y سلطان محمود ميرزا (وليعهد اول ناصرت الدين شاه)! ج ۴ ص ۲۰۹۱ -سلطان مراد : ج ۲ ص ۲۴۴۰ سلطان مراد آق قوينلو: ج ۲ ص۹۳۷، سلطان مراد بخش (پسر شاہ جہان) :ج ۲ ص ۱۵۵۰ سلطان مواد (حاکم حبله رود): ج ۲س سلطان مراد خان (سلطان عثمانی): ج ۲ ص لمجلر، ۱۹۲۷ (۱۹۴۱ ۹۳۶، ۱۹۳۸

۹۹۳. سلطان مراد خان پنجم: چ ۳س ۱۹۶۹. سلطان مراد خان چهارم (رابع): چ۲ص ۹۱۹-۹۲۲-۹۳۲-۹۳۲-۱۱۲۹ سلطان مراد خان دریم (سلطان عثمانی):

ع ۲ ص ۱۹۸۱، ۱۹۸۳، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰ مه ۱۹۹۰ ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹، ۱۹۹۳ میلان مراد خان سیم (سلطان عثمانی): ع ۲ ص ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳ سلطان مراد خان عثمانی: ج ۲ ص ۱۹۶۹، سلطان مراد غازی، پسراورخان(عثمانی):

- FAT . FAT . FAT . FAT . FAT .

سلطانمراد میرزا: ج ۳ ص ۱۶۴۶۰۱۶۲۰ سلطانمراد میرزا (حاجی حسام|لسلطنه): ج ۱ ص ۵۵۱ ج ۳ ص ۱۶۱۷ ، ۱۶۳۹

ملطان مراد بن یعقوب بیگہ: ج ۲ ص ۷۲۶، ۷۲۲، ۷۲۴،

سلطان مرتضی (پسر شاہ سلیمان): ج ۲ ص ۱۹۹۶،

ططان معدود : ج 1 ص ۲۶۹۰ ، ۳۲۰۔ ملتان معدود میرزا بنین الدولہ (ظـــــل

الطنان): ج 7 ص ۱۸۲۲، طنان مصطفی خان (امپراطور عثمانی): ج ۲ ص ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ملطان مصطفی خان ثانی (دویم): ج ۲ س ۱۹۹۶، ۱۹۹۹، ۱۹۵۹، ۱۹۹۹، ملطان مصطفی خان ثالث (سیم) طنان عثمانی: ج ۲ ص ۱۱۵۸، ۱۹۲۶، ملطان مصطفی میرزا: ج ۲ ص ۱۱۵۸،

ج ۳س۱۶۲۴۰ سلطان مظفر (پادشاء گجراتی): ج ۲ ص ۲۵۶، ۸۹۰،

سلطان ممطفی میرزا (پسر فتحملی شاه):

سلطان معتصم بن سلطان زين العابدين :ج ۲ ص ۶۶۵،

سلطان ملاحسن (سلطان مارق): ج ۳ ص ۲۱۵۱ -

سلطان ملک عالج استعیل بن ملکوست بن قلاورن (سلطان معر): ج ۳ ض ۶۳۲.

سلطان ملک مخافر (امیر حاج - ) ایسن . ملک ناصرین قلاوون: ج ۲ ص ۶۳۵، سلطان ملک ناصر حسن (برادر مسسطک مظفر):ج ۲ ص ۶۳۵،

ططان بیزرا سیف الدوله: ج ۳ ص1979 ملطان نامر احمد بن ملک نامر: ج اس ۱۶۳۲ - ۴۳۲

طبطان نظام شاہ: ج ۲ ص ۲۷۵۰ طبطان هیایون شاہ: ج ۲ ص ۲۷۵۰ طبطان هوشنگ شاہ: ج ۲ ص ۴۶۹۰ طبطانی \_\_\_\_ رضا قلی نوائیء منشـــــی المبالک.

سلفرشاه بن تورانشاه! ج ۲ ص ۷۳۸، سلم بن زیاد (والی خراسان) : ج ۱ ص ۸۶۰۸۳

سلّم بن قتیبه (حاکم بصره): ج 1 ص ۱۳۲۰

سلمان ( میرزا ــ ) وزیر شاهزاده سلطان حمزه: ج ۲ ص ۸۶۵، ۱۹۹ تا ۱۲۸۰ ۸۷۶.

سلمان خان استا جلو آج 7 ص 418 ، سلمان بن ربیعه الباطنی آج 1 ص 61 ، ۵۲ .

سلمان ساوجي: ج ۲ ص ۶۵۰ ۶۷۳،

سلمان فارسي نج ١ ص ٢٦٠ ، ٢٥، ١٤٠ أو. أ ملمه بن رجا: (حاکم مصر): ج 1ص ۱۵۲. سلمدين سلامه بن وقش الانطاري: ج 1 س ۲۲.

سليم بن سهيل: ج 1 ص ١٣١. ملمه بن قيس الاشجعي: ج1 ص ٥٢. ملمه بن محمد بن عبدالله الطائي: ج ١ ٠ ١٣١ ٠

الملمى ـــ ابوعبدالله . . .

سلمي بن القين: ج ١ ص ٩٧٠.

سلمی (زوجهٔ مثنی بن حارثه) : ج (ص۴۰. سلوگ : ج ۲ ص ۱۶۹۸.

سلیم (میرزا – ) سر رشته دار کل ( از ارباب ظم): ج ۲ ص ۲۱۳۳.

سلیم پاشا (والی اخسقه): ج ۳ ص۱۵۰۵ سلیم باشا (والی ارمینیه): ج ۲۳۸٬۱۵۴۸، - 1449

سليم خان: ج ٣ ص ١٢٣٠، ١٢٨٣. سليم خان ڏوالقدر : ج ۲ ص ۹۲۸ ، سلیم خان (میرزا — ) سر رشته دار: ج۱ ص ۵۲۷٠٠

طیم خان شکی: ج ۳ ص ۱۴۸۲. سليم خان شمس الدين لو: ج ڄس٩٣٢. سلیم راضی (ماحب کتاب تقریب) : ج ۱ ص ۲۲۶٠

طیم شاہ بن شیر خان افغان: ج ۲ ص ·ATT ·ATT

سليمان آقا ( حاكم بصوه): ج ٢ص١١٧٩٠. طيعان آقا (نايب ايثيك آقاسي باشي):

. TITE OF TE

طیعان (نبی ع)؛ ج ۳ ص ۱۳۴۵، سليمان (ميرزا – ): ج ۲ ص ۸۷۸۰۸۷۳ سليمان : ج 1 ص ٢٧٣.

ص ۵۱۹ : ج ۳ س ۲۸۵۹ .

سلیمان بن ابی جعفر منصور: ج107،01. سليمان بن ابي السرى: ج 1 ص ١٠٩٠. طیعان بن اشدی: ج 1 ص 114،

طیمان افندی (سفیرسلطان محمودعثمانی) : . 1017 o T E

سليمان بن ايلغازي بن ارتق: ج 1 ص · TFY

مليمان بايا: ج 7 ص ١٠٢٤.

طيعان بابان (حاكم كردستان): ج ٣ ص أ طيعان خان (يسرحاجب الدوله): ج ١ . 449 6 449

> طیمان بنی کتب (شیخ 🗕 ) ج ۲ ص .1188

سليمانبيكـذوالقدر :ج ۲ ص ۹۶۱، ۲۶۲. طیمان بیک کرد : ج ۲ ص ۸۵۹. سلیمان پاٹا : ج 7 ص ۲۲۵، ۲۹۴.

سلیمان پاشا (سردار):ج ۳ ص ۱۹۲۳ ، . 1117

مليمان الثاكهيا:ج ٣ ص ١٢٨٥٠١٢٨٢ . سلیمان باشا (ما مور دولت عثمانی): ح۲ ص ۱۱۸۷: چ ۳ س ۲۰۲۰۲۰۲۱، . 4044

سلیمان پاشا (والی بغسنداد): ج ۳ ص · 140 · 1714 · 1771 · 1716 · 1444 · 1440 · 1444 · 1454 -104Y -10-1

ملیمان پادشاهاین ملطان اویس: ج ۲ ص . 454

سليمان چلين: ج ۲ ص ۸۰۴، سلیمان (میرزا \_ ) حاکم بدخشان: ج ۲ . 400 1YYA O.

سليمان بن حسن (وزير الراضي): ج 1ص . 744

طيمان بن حسين (وزير المقتدر): ج 1 مى ١٩٢٦ د ١٩٤٢ دار در سادى

طيمارين حكم، المستعين بالله ( شــاه اسیانیول): ج 1ص ۲۹۵،

سلیمان بن حکیم عبدی: ج ۱ ص ۱۳۵۰ طیعان خان: ج ۱ ص ۵۴۵،

سلیمان خان ارمنی: ج جس ۱۶۵۲.

سليمان خان افشار قاسعلو: ج ٣ ص١٤١٨ . 1545 . 1547 . 1597 . 1577

سلیمان خان امیر تومان کیلان: ج ۳ ص - 1561

سليمانخان امير كبيراعتضاد الدوك: ج ٣ ٠ ١٥٢٢ ، ١٥٢٨ ٠

بلیمان خان بن ایلدرم بایزید خان؛ ج۲ .540 .559 .554 0

طیمانخان (از اولاد بیگلربیگی): چ۱ص -079

ملیمان خان تبریزی (حاجی – ) : ج ۳. ٠ ١٧٢٧ ٠٠

ص 670 ج ٢ س 1701 ، ج ٢ ص . 1095

سلیمان خان (حاکم بسطام): ج ۳ ص · 1544 · 1544

سلیمان خان (حاکم باشاجق): ج ۳ ص . 1744

سلیعان خان (حاکم کردستان) : ج ۴ ص

سليمان خان (حاكم مشهد): ج ٢٪ ص

سليمان خان خدابندطو: ج ۲ ص١٢٧٠، طیمان خان (پسر خدا داد خان): ج ۳ ص ۱۲۷۸ ،

سلیمان خان خرقانی (باور سیم): ج ۳ ٠ ١٢٣٢ ٠

سلیمان خان دره جزی: ج ۳ ص ۱۶۶۶ ، . 1899

سلیمان خان دنبلی: ج ۳ س ۱۶۷۷ ، . 1Y17 . 1Y-F

سليمان خان، سرتيب اول افشار ﴿حاكسم استرآباد): ج ۳ ص ۱۹۰۵،۱۸۴۰ . 7 . 44

سليمان خان (سرتيپ عرب بسطام): ج٣ · ۲+14 · 1541 0

سليمان خان (سردار سلطان سليمان خيان عثمانی): ج ۲ ص ۲۹۴.

سليمان خان (از سركردگان غلامنمرت): ج ١ ص ٨١٨٠ ج ٣ ص ١٨٠٧٠

سلیمان خان سرهنگ، پسر حکیم داودخان (مهندس): ج ۱ ص ۵۱۶، ج ۳ ص ١٢٧٧ : چ ٣ ص ١٥٠٦ ، ٢٠٧٢ .

سليمان خان ( از سرهنگان خارج ازفوج): - 1779 or 7 g

سليمان خان سهام السيدولد: ج ۲۰ ص - 1757

سلیمان خان (میرزا ــ ) شارژ دافر ایران در فرانسه: ج ۳ ص ۱۸۸۸ .

جليمان خان صاحب اختيار (اميرالامسرا<sup>و</sup> العظام): ج 1 ص ٢-٩٤: ج ٣ ص .TITP :TOY1 :1917 سليمانخان فاجارفوانلو (اعتضادالدولم):

ج ٢ ص ١١٤٥ : ج ٢ص ١٣٥٠ .

· 1404 : 1404 6 1407 : 1400 · 1771 -1770 -1717 -1710 · 1745 · 1647 · 1646 · 1474 طیعسان خان قتلوی افثار: ج ۲ ص -110- -1179 سليمان خان قرقلو : ج ۲ ص ۱۱۵۰ . سلیمانخان (کارگذار خارجه کردستان) : - Y100 OF E سلیمان خان (میرزا ــ )کارپردازهندوستان بعبیٰ: ج ۳ ص ۲۱۰۶. طیمان خان گرسیری: ج ۲ ص ۱۲۴۰ سلیمان خان گیلائی: ج ۳ ص ۱۶۰۷، طیمان خان (میرزا \_ ) مستشار سفسارت ياريس: ج ٣ ص ١٨۶۶ . سلیمان خان مقدم (یاور اول): ج ۳ ص حلیمان خان (میرزا ... ) منشی بسساشسی (نایب الحکومة اصفهان): ﴿ ٣ ص ١٢٩٧٠ ع م ١١٢١٠. طیمان خان (میرزا ــ ) پسر مو'تمــــن الملک: ج ۳ س ۱۸۱۳. طیمان (مہرزا \_ ) خان (نایسب اول وزارت امور خارجه): ج ۱ ص۲۱۵: - 1TAA 00 T 7: سلیمان خان (نایب ایشیک آقاسی باشی): - T 11190 T = سلیمان خان (از نژاد هلاکوخان): ج ۲ ع ۶۴۱، سليمان خليفه: ج ٢ ص٨٧٧. سليمان بن خليل عسقلاني: ج ٢ ص٥٨٤٠. طيعان بن داود الطيالسي: ج 1ص 174 -سلیمان (آفا ۔ ) دہ باشی خلوت: ج ۲ ص ١٢٥٧٠ ج ٣ ص ٢١١١٠ سليمان بن زولاق: ج 1 ص ٢٨٩٠ سليمان بن سعد . . . ابن ايوب ۽ ۾ ١ ص طيمان (برادر ملطان بايزيد خان|مراطور عثمانی) : ج ۲ ص ۹۲۴، طيمان شاء بن ملطان محدد سلجوقي ج1

• YAT • PAT • ₽T •

سليمان (صاحب يعن): ج 1 ص ٢٣٠٠

سليمان شکود: ج ۲ ص ۹۶۰.

سليمان (حاجي—) مباحي كانتاني (شاعر):
ج ٣ ص ١٩٢١ ، ١٩٢١ .
بيان بن صرد الخزاعي (امير سپامعلي
(ع)) : ج ١ ص ١٩٠٨ ، ١٩٧٨ .
سليمان صفوي (شاه — ): ج ٢٩٠ ٢٠٥١ ،
٣١٥٠ : ج ٣٠٠ ١٣٥٨ .
سليمان بن طرخان تعيمي: ج ١٩٠ ١٣٥٨ .
سليمان بن عبدالله البكاني: ج ١٩٠ ١٥٥٨ .
سليمان بن عبدالله بنظاهر (والي بنداد):
سليمان بن عبدالله بنظاهر (والي بنداد):
سليمان بن عبدالله بنظاهر (حاكم طب):ج ١

ص ۲۶۷. سلیمان بن عبدالرحسن اموی: ج:ص:۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۰.

سلیمان بن عبدالملک بن مروان (خلیف عباسی): ج ۱ ص ۱۰۳ تا ۱۰۶. سلیمان بن عذرا (از آل افضل): ج ۲ص

طیمان بن علی بن عبدالله بن عبساس

(عم سقاح): ج 1ص ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، سات ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۵۰، سلیمانعلی (میرزا سـ) مستوفی: ج ۲ ص ۱۲۹۵: ج ۳ می ۲۱۴۰، سلیمان (آقا سـ) فراش خلوت: ج ۱ ص

سلیمان بن قتلمش سلجوفی (مالک قوتیه): ج 1 ص ۳۲۵، ۳۳۹ تا ۳۴۱. سلیمان قلی خان(سرهنگ مهندس): ج 1

سلیمان قلی خان(سرهنگ مهندس)، ج ۱ ص ۵۴۵ ج ۲ ص ۱۲۷۲

سلیمان بن کتیر: ج ۱ ص ۱۲۵ ۱۳۳ ۰ ۱۳۳۰

سلیعان کرانی: ج ۲ ص ۸۵۳، ۱۹۶۰ سلیعان (میرزا ــ ) مشرف (ماحب منصب فوج ): ج ۳ ص ۲۱۴۴،

سلیمان بن مهران، اعمش(تابعی): ج ( ص ۱۴۲،

سلیمان بن مهنا (امیرعرب): ج ۲۳،۳۳۳ سلیمان میرزا (سرتیب سوم): ج ۱ ص ۵۰۷: ج۲ ص ۱۲۲۸: ج ۲۳،۳۵۵۱۰ ۲۰۲۱

سلیمان میرزا (حاجی ــ ) شماع الدولد : ج 1 ص ۵۰۲ ج ۲ ص ۱۲۱۹ در ۲۰۶۳ م ص ۲۰۶۳ .

سليمان ميرزا صفوى: ج 7 ص ١٨٥٢. سليمان بيرزا (پسر فتحملي شاه): ج چس ١٩٥٣ - ١٤٣٢. سليمان بن نصر الدوله (حاكم جزيسره): ج 1 ص ٣٣٣.

سليمان بن وهب (وزير المعتمد): ج (ص ٢٠٩٠،

سلیمان بن هشام بن عبدالملک: ج و ص ۱۱۵۰ ۱۱۹۰ ۱۱۲۰ ۱۲۰۰ ۱۲۳ ۱۲۵ تا ۱۲۲۰ ۱۳۳

طیعان بن یسار: (از فقهای سیعه مدینه): ج ۱ ص ۱۱۱۰

ساک بن حرب: ج (ص ۱۲۴۰ ساک بن خرشه لانصاری: ج ( ص ۵۱۰ سیا الدوله، ایوالحسن بن شمس الدوله (از آل بدیه): ج ( ص ۲۰۳۰

آل ہویہ): ج 1 ص ۳۰۳۔ سعرہ بن جندب: ج 1 ص ۸۰، سعانی ــــ عبدالکریم... سعانی. سعندر: ج 1 ص ۱۱۹،

سموت (پسر هلاکوخان مغول): چ7ص4۰۹۰۰ سنان (رئیس استاعیلیه): چ ۱ ص ۴۰۲۰ سنان (قاتل حسین بن علی (ع)): چ ۱ ص ۸۲۰

سنان بیگ: ج ۲ ص ۸۳۷. سنان پاتا: ج ۲ص ۱۹۵۸، ۲۵۷، ۲۶۱ ، ۲۸۷، ۸۵۶،

سنان بن ثابت العابي (طبیب، عاصب التاریخ): ج اص ۲۷۶۰۲۵۶٬۲۵۳، سنان الجهنی الانعاری: ج اص ۲۵، سنائی (حکیم و شاعر): ج ۱ ص ۲۵۳، سنباد مجوسی: ج ۱ ص ۱۳۲۰

سنت بارطمی: ج ۲ ص ۸۵۸، ۸۵۹، سنت بومی فاس (از آثمه غیسوی درمملکت

ڈرمن): ج 1 ص ۱۳۸۰

سنت لوٹی (پادشاہ فرانسہ): ج ۱ ص ۱۵۲۰ ۱۵۵۰ ۲۵۲: ج ۲س ۵۸۹ ، ۵۹۰

سنجر حلبی (امیر علم الدین) سلطسان دمشق:ج ۲ ص ۵۸۱ ۵۸۲ دکتر دا ۱۵

سنجر بن ملکشاه (سلطان – ): ج ۱ ص) ۲۹۰ ، ۲۲۱ ، ۲۵۵ ، ۲۵۲ تا ۲۵۲ ، ۲۵۹ ۲۵۹ ، ۲۵۹ ، ۲۶۲ ، ۲۶۲ ، ۲۵۲ ، ۲۷۲ و ۲۷۲ ، ۲۷۲

. 444

سنجر شاه بن سيف الدين غازي زنگسي : ج ۱ ص ۲۰۲، ۲۲۴.

سنجر میرزا ( مدیر گمرک کرمانشاهان) :

جا ص ۵۵۲ ' ج ۳ ص ۲۱۱۲. سندیین زیاد بن ابی کبشه:ج ۱ص۱۲۵. سندی بن شاهک: ج ۱ ص ۱۶۵. سنظدردرمونیک (مواسس صنعت چیاپ):

ع ۲ ص ۱۲۲۶۰

سنقراشقر (ملک کامل شمس السدین): ج۲ ص ۵۹۵، ۵۹۶.

سنقر رومی: ج ۲ ص ۵۸۵۰

سنقر طویل (شحنه طیفه). ج ۱ ص ۴۱۵۰

سنگلاخ (میرزا – ): ج ۳ ص ۱۹۲۰. سن مالو: ج ۲ ص ۲۸۸.

سواد بن رفاعه القرطبي: ج 1 ص ۱۳۲. سوار آفا (از اکراد): ج ۲ ص ۱۱۹۰: ج ۳ ص ۲۰۲۵.

سوار بن عبدالله (قاضی بصره):ج ۱ ص ۱۲۷ - ۱۲۸

سوار بن هما (همام): ج ۱ ص ۴۷. سوارد (سردار روس): ج ۲ ص ۱۳۵۵. سوارف (سردار روس): ج ۲ ص ۱۳۵۵. سوان تبلا: ج ۱ ص ۳۲.

سوابی یسکی (یادشاہ لیستان) : ج ۱ ص ۹۹۱ ، ۹۹۸ ،

سوننیک کیناز پطروبازمسکی: ج ۲ ص

سودان بن حسران: ج 1 س دو. سودائی ایبوردی: ج 7س ۹۴۹.

سودی (سوری ) غوری: ج ۱ ص ۳۸۴.

سورگا (برنس ــ ) ولیمهد ژاپن: ج ۱ ص

سوره بن حر (والی سمرقند): ج ۽ س ۱۱۴.

سولاق حسين تکلو : ج ۲ ص ۸۶۵،

سولت (مارشال ــ ) وزیر جنگ فرانســد: ج ۲ ص ۱۹۲۷ ج ۳ ص ۱۹۲۷ ،

1991 - 1079

سونج (پسر ناج الملوک توری): ج 1 ص ۳۷۱ ،۳۷۰

سونجگ پهادر خان: چ ۲ ص ۲۵۳.

سوند ہیگ قورچی ہائی: ج ۲ ص ۸۰۲، ۸۲۸،

سوندگ (برادر مهدیقلی): ج ۲ ص۹۹۵. سوندگ بیگ قورچی باشی: ج ۲ ص۱۸۱. سوندک ملطان: ج ۲ ص ۱۹۲۵.

سووارف (سردار روس): چ۲ ص ۱۳۹۷، ۱۴۳۱،

سويد بن غفله: ج ٦ ص ٩٦.

سوید بن مقرن: ج ۱ ص ۵۱،

سهام الدوله (سرنیپ اول): چ ۱۹۷۹ه. ۱۹۹۵: چ ۲ ص ۱۲۲۷: چ ۳س۱۹۹۲. ۱۳۵۱: ۲۰۸۹، ۲۸۲۲.

سهام الدولد ، محمد ابراهیم خان: ج ۳ ص ۲۱۴۵،

سهام الدوله ایلخانی، حیدر قلیخان: ج ۳ ص ۱۹۲۴ ، ۱۹۲۶.

سهام السلطند، مصافی قلی خان: ج ۳ ص ۲۰۹۱،

سیام الملک، محمد ابراهیم خان: ج ۳ ص ۱۸۷۲، ۲۰۲۷،

سهام الملک، میدیکی میرزا: ج 7 ص ۱۲۱۹: ج ۳ ص ۱۹۶۳.

سهراب (آقا – )، ج ۲ ص ۹۵۶. سهراب خان (غلام بیشفدست باشی): ج

· 1071 - T

سهرات خان کوچی اچ ۳ ص ۱۵۹۹ ۱۶۱۱ .

سهراب( غلامعادلثاه): ج 7 ص ۱۹۴۲، ۱۹۴۲،

سهل بن حلهفانطاری: ج ۹ ص ۱۹، ۶۹. سهل بن سعد ساعدی: ج ۱ ص ۹۹.

سهل بن سلامه انطری: ج 1 ص ۱۷۵ ، ۱۲۶.

سهل بن عبداللہ تستری: ج اِس ۲۳۰. سهم : ج اِ س ۷۵.

سهم بن غالب الهيجيي: ج اس ٧٢.

سه مان (شاعر): ج اص ۸۴،

سهند : ج ۲ من ۱۳۳۶.

سهیلیبن دنیف انماری (والی شام ومدینه): تری در در دی در دو

چ ۱ ص ۶۰۰ ۶۷.

سهیل خان دکنی: ج جس ۱۹۹۳. سهیل بن رافع الانطاری: ج ۱ ص ۵۳. سهیل بن عدی:ج ۱ ص ۹۶، ۵۲.

سیمل بن عمر: ج ۱ ص ۴۸. سیامک میرزا: ج ۳ ص ۲۱۰۱. سیاوش بیک گرجی (قوللر آقاسی): ج ۳ ص ۹۳۱، ۹۳۶، ۹۵۴. سیاوش پاشا: ج ۲ ص ۹۵۵.

سیاوشی (سردار لشکر معدود غزنوی) آج ۱ ص ۲۱۴،

سیاه خواتون: ج ۱ ص ۴۴۹،

سیبویه، عمروین عثمان بن قنیر ( عالسم بزرگ نحو): ج ۱ ص ۱۶۲،۱۵۱ ،

PY1 - XY7 - PY7 -

سیتوایو(یادشاء زولوس): ج ۳ ص۱۹۸۸، ۱۹۹۹، ۲۰۴۹، ۲۵۵۲، ۲۵۵۲.

سید آقا (آفا … ) پیشنماز اروسیه: ج ۳ ص ۲۰۲۴،

سید آفا (آفا \_ ) ناجر کاشانی: ج ۲ ص ۲۱۲۵

سيدال افغان: ج ۲ ص ١٠٢٩.

حيد بن ابي أنيسيه الجرزي (فقيه عابد): ج 1 ص ۱۲۴۰

سید بن انس ازدی (امیر موصل): ج۔ ۱ ص ۱۸۱ -

سید بیگ کموند: چ 7ص ۲۰۸۰، ۸۳۸. سید بیگم (دختر فتحطیشاه): چ ۲ ص

. 1510

سید رضی (میرزا – ): ج ۳ ص ۱۸۰۳، سید سجاد بن بدران مشمشعی: ج ۲ ص ۷۹۷،

سید شاہ جہانگیر ہاشمی: ج ۲ ص49، سید شریف شیرازی (امیر ــ ):ج ۲ ص ۲۵۱،

سيدشريفعلامه(امير ... ). ج ۲ ص ۷۵۱. سيدالشهداء ۽ حسين بن علي (ع): ج1 سيدالشهداء ۽ حسين بن علي (ع): ج

€ 74.14.44.44.44.171.207. 3 7 € 1741.

ج احل ۱۳۱۱. سید عالم یہ محمد (ص) : چ (ص ۱۹.

سيد على خان: ج 7ص ١٠٩٠.

سيد على كيا : ج 7 ص ٨٥٣.

سید لوالوا (الجزابری): ج ۲ ص ۱۸۸۲۰ سید محمد خان (ولد سید مبارک): ج ۲ ص ۹۱۹۰

سید منصور خان : ج ۲ ص ۹۲۹. سید میرزای کاشانی: ج ۳ ص ۱۸۳۲. سید نظام الدین محمود ، شساه داعسی شیرازی: ج ۲س ۴۲۹، ۶۲۵. سید مور الله مرعشی: ج ۲ ص ۹۰۵. سید ولی (میرزا — ): ج ۲س ۱۲۹۳. سیده، حره (ملکه صنعا): ج ۲ ص ۱۳۹۴.

سیدی احمد: ج ۲ ص ۸۹۱، سیدی رئیس: ج ۲ ص ۸۲۲، ۸۲۵، سیدی سنبل حبشی: ج ۲ص۱۹۹، ۹۹۲ ، ۹۹۲.

سیدی علیی (ولیعهد تونس): چ ۱ ص ۵۶۴،

سیدی علبی بیگ (والی تونس)؛ ج ۲ ص ۲۱۵۱ -

سیدی یاقوت خان حیشی: ج ۲ ص ۹۹۳، ۹۹۷،

سید یوسف (امیر بہ ): ج ۲ س ۷۶۰. سیرافی ــــ ابوستید حسنینعبدالله... سیرجال: ج ۱ ص ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴. سیرجم رز : ج ۲ ص ۱۸۲۶، سیر روبرتیل: ج ۲ ص ۱۷۲۰،

سیرزان لاورانس : ج ۳ ص ۱۸۵۴ . سیرزان لاورانس

حیر ژن ملکم (ماحب تاریخ ایران): ج۲ ص ۱۲۷۴، ۱۲۵۵ ، ۱۲۲۹ ، ۱۲۷۸ ، ۱۲۸۸ ، ۱۲۸۸ ، ۱۲۷۸

· 1794 · 1797

سیرکامیل: ج ۳ ص ۱۸۰۶ میرلورنس (فرمانفرمای هند): ۳ ص ۱۸۶۱

سیرهانوی بلور: چ ۳ ص ۱۸۰۷. سیسیانوف، ایشخدر (سردار روس): چ ۳ ص ۱۲۲۹، ۱۲۷۲، ۱۲۷۲، ۱۲۷۵، تا ۱۲۷۸، ۱۲۸۱،

سيف بن فضل بن عيسي: ج ٢ ص ٥٣٣. سيف الاسلام، طفتكين بن أيوب: ج ١ص ٢٠١.

سيف الله = خالد بن وليد : ج 1ج، ٢٨٠ سيف الله خان (سركرده أومانلو): ج ٣ ص ٢١١٧٠

سيف الله خان شاهبون: ج ۳ ص۱۷۶۶. سيف الله خان لاريجاني (سرتيب سوم): ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج۲ ص ۲۰۷۲.

سیف اللہ خان، پسر هاشم خان (نایسب آجودانیاشی): ج ( ص ۵۰۹: ج ۳ ص ۲۰۲۲،

سيف الله ميرزا (پسر فتحطيي شاه): ج٣ ص ١٥٣٩ ، ١٩٣٢ ، ١٩٣٩ ، ١٩٣٩ ،

سيف الله ميرزا (حاجي ــ) ازامرا طائفة قوائلو: ج 1 ص ٥٥٠: ج ٢ ص ١٢٢٥: ج ٢ ص ٢٥٤٢.

سیف بن بکیر (خارجی): ج ۱ ص ۱۶۸. سیف الدوله، ابوالحسن علی بن حصدان تغلبی: ج ۱ ص ۲۵۵ تا ۲۵۹،۲۵۷ تا ۲۶۳، ۲۶۵ تا ۲۷۱، ۲۰۴.

سيف الدوله، سلطان محمد ميرزا : ج۲ ص ۱۵۲۳ ، ۱۵۹۹ ، ۱۵۲۳ ، ۲۰۶۳ ، سيف الدوله ميرزا (حاجي ـــ) بسر ظبل السلطان (رئيس ديوانځانه و حاكم چند شهر): ج يازي ۱۵۰۱ ،

سيف الدوله، صدقة بن بنمور: ج 1 ص ٣٥٩،

سیف الدوله میرزا (خاجی ــ) پسر ظـل السلگان (رئیس دیوانخانه عدلیهو حاکم چند شهر) خ ج ۱ ص ۱۵۵ ج ۲ ص ۱۲۹۱ : چ ۳ ص ۱۵۶۷ ، ۱۶۰۳ ۱۶۹۷ ، ۱۶۱۵ ، ۱۶۱۵ ، ۱۶۲۲

سیف الدین (امیر ــ ) ابوبکرالیانیسری : ج ۲ ص ۱۶۲۸، ۶۳۰۰

سیف الدین|بوبکر محمد بن صلاح الدین: ج ۲ ص ۶۲۵۰

سيف الدين احبد بن مظفر الدين عثمان (طحب صهبون): ج ۲ ص ٥٨٩٠

ميف الدين ارسلان: ج 7 ص ۵۹۳. ميف الدين ارغون نامری: ج ۲ ص۶۳۶۰ ميف الدين باخرزی(شيخ العالم): ج ۲ ص ۵۸۲۰

سيف الدين بليان، طباخي: ج ٣ ص ٣٠٥ُ،

سیف الدین خان بلوچ: ج ۳ ص ۱۷۱۸ سیف الدین رستم: ج ۲ ص ۸۹۱۰ سیف الدینسام بن حسین غوری: ج ۱ ص

۳۸۲ ،۳۸۲. سیف الدین سنقر: ج ۱ ص ۰۳۲۱ سیف الدین طرشی النامری ( آمیر ــ ): ج ۲ ص ۶۲۶.

سیف الدین طرغای (امیر ــ ): ج ۲ ص ۶۳۰،

سيف الدين طفول (غلام): ج 1 ص149 ۴۶۱،

سيف الدين طينال) الناصري (حاكم طرابلس): ج ۲ ص ۶۲۸۰

سیف الدین عزلو: ج ۲ ص ۶۰۵۰ سیف الدینعلی بن ابی علی تطبی7مدی (حکیم): ج ۱ ص ۲۳۳۰

سيف الدينغليين احددمشطوب (اميرس) : ج 1 ص ۴۱۱۰

سیف الدین غازی بن عماد الدین زنگسی (صاحب،وصل): ج ۱ ص۲۸۲،۳۸۱، ۲۹۲، ۳۹۹، ۲۰۱، ۴۰۲، ۴۰۲،

سیف الدینهجق منصوری (نایبالسلطنه شام):ج ۲ ص ۶۰۵۰

> سيف الدين قنون: ج ٢ ص ٥٩٣٠. سيف الدين قنور: ج ٢ ص ٧٣٣٠.

سيف الدين قلاون صالحي (أمير - ) ج1 ص ٢٥٢- ج ٣ ص ٥٩٣-

سيف الدين قليج (ماحب عجلون): ج 1 ص P۵۲ -

سيف الدين ميرزا : ج ٢ ص ١٢٢٢؛ ج٣ ص ٢٠٠٩-

سيف الدين نمرت (ماحب لار): ج٦ص ۶۴۹،

سيف الطخه (سرتيب اول): ج ١٠٠ ١٢٢١٠١٢٢٠ ع ص ١٢٢١٠١٢٢١: ج ٢ ص ٢٠٨٢، ١٨٨٥.

سيف الطك: ج ٢ ص ١٣٢٧: ج ٣ ص ١٩٨٧: ١٩٩١: ١٩٩١: ٢٠٧٢:

سیفالطک، عباسقلی خان: ج جس۱۷۷۳، سیف الطک، وجیه الله میرزا : ج ۲ ص ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۱، ۱۳۲۱، ۱۳۳۹ ۱۹۳۹: ج ۲ ص ۲۰۲۲، ۲۳۲۲ ،

سيف الملك ميرزا بـ سيف الطوك ميرزا سيف الملوك بيرزا (ابن ظل السلطان ): ج ٣ ص ١٤١٢ ، ١٤١٢ ، ١٤١٣ ،

· TITT · 1997 · 1977 · 1977 سیکست چهارم (پاپ): ج ۲ص ۲۲۹، سیل وستر دساسی (مواسس مدرستالسنسه) شرقیه در فرانسه): ج ۳ س۱۵۵۸، سیمای (سرکرده طائفه ساجیه): ج ۱ ص · TTA · TTY سيما الطويل (امير أنطأكيه): ج ١ ص . 410 سیمانگاس را میر دوم: ج ۱ ص ۲۵۲. سیعن (شاعروس) پسر ایوان: ج ۲۳،۶۳۲ه .549 سیمی بغدادی (شاعر): ج ۲ص ۶۸۵. سيملن (يادشاه بلغار): ج 1 ص ٢٣٣. سینبور (کثیش ): ج ۳ ص ۱۸۰۰. سيورغتمش خان (طحب الوسجفتاي): ج 1 944 1944 1954 1974 P . 514 (ش) شاپور دوالاکتاف: ج ۳ ص ۱۵۶۸. شاپور بن شهریار بن شروین (حاکم جهال طبرستان): ج ۱ ص ۱۸۱، شاہور بن شہریزان: ج 1 ص ۲۷، شاپور میرزا (پسر فتحعلیشاه): ج ۳ ص · 15TY • 15TT شاتوبریان (بریاند): ج ۲ ص ۱۱۲۰ ج۳ - 1404 + 100A J# شادلو کرد ــــ ایراهیم خان شادلو. شادمان بیک: ج ۳ ص ۱۲۲۰. شارل اول ، فردریک آلکماندر (شامورتمبرغ): . T 174 00 T E شارح رضی: ج ۲ ص ۹۹۵، شاردن: ج ۲ ص ۹۷۱. شارل (یادشاه اسپانیول): ج ۲ ص۹۶۴. شارل (پسر شارلمن): ج 1 ص 159. شارل (شاء فرانسه): ج ۲ من ۴۹۹، ۲۲۱. شارل (عموی گومتاو چهارم ، سلطان سود):

· 1764 شارل آلبرت (یادشاه پیه مونت): ج ۳ ص ١٤٠٩ ، ١٧٠٩ . شارل آنتوان (پرنس ـ ) پسرلتوپولدههن زلرن: ج ۱ ص ۴۸۹۰ شارل امانول (پادشاہ ایتالیا ): ج ۱ ص -1174 شارل امانول (پادشاء ساردن) (ج ۲٪ ص . 10 74 شارل امانول چهارم: ج ۳ ص ۱۴۶۶. شارل اول (پادشاہ انگلیس): ج ۲ ص 178. 148. 748. 748. شارل|ول(دولت رومانی); ج 1 ص ۵۶۳ : ج ۲ ص ۲۱۲۹٠ شارل اول (پادشاہ فرانسہ): ج ۲ص۹۵۹. شارل بنلنگ : ج ۳ ص ۱۹۸۰.

- 1ATT + 1AT+

. 1441 - 1404

. 1015 . 1010 . 1017

. 2 7 7

· 19TA

- 179Y or T & شارل ( پسر گیم اول (بادشاه دورتزبرک

آلمان): ج ٣ ص ١٨٥١.

شارل (نوهٔ ماکسی میلین ( : ج ۲ مر۹۶۷.

شارل آلبر (پرنس ــ ) ٪ ج ۳ ص ۱۲۰۲ ،

. 17.4 شارل ششم (امپراطور اطریش): ج ۲ ص . 1114 شارل ششم (شاہ فرانسہ): ج ۲ ص۶۵۳. شارلفردیناندلویماری (ولیمهدیرتوغال): - Y 14 0 Y F شارلکن (پادشاہ لمباردی): ج ۲ می ·454·454·444·441·444·444 . YY J TYY YAY AYY شارل گوستاو (پادشاه سوئد): ج ۲ ص . 900 شارل اوبلد فردریک: چ ۳ می ۱۷۵۰. شارل مارسل : ج 1 ص113،1110 ، -17Y -17A شارلمن (امیراطور بزرگ فرانک): ج ۱ س · 104 - 104 - 107 - 154 شارل پانزدهم (یادشاه سوئد): ج ۲ ص · 177 · 171 · 159 · 150 · 157 - T91 - 17F شارل پانزدھم ( شامسودو نروژ): ج ٣ ص شارل نهم (پادشاء سوئد): ج . 9 . 4 . 9 . 4 شارل نهم (پادشاه فرانسه): ج ۲س،۸۴۴، شارل پنجم (شاه فرانسه و پسر ژان) :ج۲ . FF1 . FOT . FA1 . FTF JA شارلهشتم (یادشاه سود): چ ۲۳۹۹۹۰۰ شارل پیر (دوک دوطبتن) : ج ۲ ص شارلهشتم (پادشاه فرانسه): چ ۲س،۲۲۸ . YTF . YTT شارل جهاردهم (امپراطور آلمان): ج7ص شارل هفتم (شاہ فرانسہ): ج ۲ ص۶۸۷، شارل چهارم (بادشاه اسپانیا): ج ۳ ص · Y11.591 (590 شارل بازدهم (پادشاه سوئد): ج ۲ ص شارل چهارم (شاه فرانسه): چ ۲س۲۹۱، شاملوب لوبا: ج ۲ ص ۱۸۲۰. شارل دوازدهم (پادشاه سوئد): ج 🕝 ص شاطبی: ج ۲ ص ۶۰۲. . 1004 61 05 . 1007 . 194 شاطر باشی، مصد قلی خان 'ج س،۱۸۸۶. شافعی، محمد بن ادریس ( امام ... ) : ج شارل دویم (یادشاه انگلیس): ج ۲ س 1 TO A 1195 . 174 . 157 0 1 4 454 499 499 495 49A 4 TA+ 4TT+ 6TT+ 6TT+ + T10 . FoT . Too . TAT شارل دویم ( یادشاه اسپانیول): ج ۲ ص شاکرافندی: ج ۱ ص ۱۵۰۰، شالن: ج ۳ ص ۱۸۶۳، شارل دهم (پادشاء فرانسه): ج ۳ ص شامیل داغستانی:ج ۳ ص ۱۶۶۹،۱۶۳۱،

- 1777 - 1771

شانی تکلو ( شاعر): ج ۲ ص ۹۰۸.

شاور، امیرالجیوش (وزیر العاضدعلوی):ج

شانیانو: ج ۲ ص ۱۸۵۲ ۰

.1001 1971

۱ ص ۲۹۲ تا ۲۹۶. شاء اسمعیل اول صفوی ( ابن حیدرمیرزا): ج ۲ می ۱۳۲۰ ، ۱۳۲۷ تا ۲۲۲ \* YAK: YAA & YAA : YFA : YFA · AFA :YY\* :YFA :YFF = YFT 1174 . 1076 : 1070 - 10 1Y . 49T 1174 : ج ۲ ص ۱۳۳۹ ، ۱۳۴۰ · 1706 · 1707 · 1707 · 1777 · 1777 11790118091180Y شاه اسماعیل دویم (ثانی): ج۲ص۸۶۳ ، · AYF · AYY · AFF · AFO شاه استبیل سیم:ج ۲ ص ۱۱۲۹ ،۱۱۵۰۰ شاهانشاه بنمسعود (برادر قلیجارسلان): ج 1 ص ۲۹۴. شاء بداق: ج ۲ ص ۲۶۲، شاہ بندہ خان: ج ۲ ص ۹۱۴، ۹۲۰. شاہ بوداق بیک ذوالقدر : ج ۲س ۲۲۲، شاہ بیک ارغون (پسر امیرڈوالٹون)، ج ۲ · YY0 : YFA : YQ9 : YFA @ شاه بيكم ضيا السلطنه (دختر فتحطيشاه): ج ٣ ص ١٩٢٥ -شاہ پسند خان افغان : ج ۲ ص ۱۱۵۴ : - 1741 · 1844 · 1774 -شاہ پیند خان سیستانی: ج ۳ص۱۶۲۴، شاہ پلنگ خان: ج ۳ ص ۱۴۲۸ -شاہ جہان (یادشاءہند): ج کس ۹۲۱ ، · 177 - 475 - 477 - 477 - 477 4 100 + 10F + 10F + 17F + 17D 174 ( 180 ( 184 ثاء جهان خانم (خان بسی بسی) دختر فتُحمليشاء : ج ٣ ص ١٩٢٧، شاہ حسین (میرزا ۔ ) ( دروزارت دیسوان شاہ اسمعیل صفوی): ج ۲ ص۹۶۹۰ شاه حسین (پسر شاه بیک ارغون)، صاحب سند): ج ۲ ص ۲۷۱، ۸۲۵ شاء حسین بن ملک عز الدین عباس(حاکم لرکوچک): ج ۲ ص ۸۹۱، شاه حسین، ولد ملک تُعلی (حکمسسران سیستان): ج ۲ ص ۲۰۵۰ شاہ خان: ج ۲ ص ۲۰۸۰

شاهرخ (میرزا ــ ) تیموری، پسرامیرتیمور:

ج ۲ س ۲۶۶، ۶۶۹ تا ۲۷۶،۵۷۹ تا

۱۹۹۰ ۱۹۹۰ ۱۹۹۰ ۱۹۹۰ شاهرخ (میرزا سه) این میرزا ابراهیسم (حاکمبدخشان) نج ۲ س۱۹۲۰٬۸۶۱ ۱۹۹۰ ۱۹۹۰ شاهرخ ( میرزا سه) پسر بلطان ابوستیت گیرکانی: ج ۲ س ۱۹۷۰ ۱۹۸۰ شاهرخ (میرزا سه) نوه میرزا رکن الدین علام الدوله: ج ۲ س ۱۹۹۰ ۱۹۹۰ ۲۵۵۰ شاهرخ بیک افشار : ج ۲ س ۲۵۵۰

عامرح بیگ زنگند: ج ۲ ص ۹۴۳. شاهرخ بیگ زنگند: ج ۲ ص ۹۴۳. شاهرخ خان افشار (حاکم کرمان): ج۲ ص

شاهرخ خان قاجار کرمانی: ج ۳س۱۶۸۶۰۰ شاهرخین سلطان فرخ بن شیخ شاه(پادشاه شیروان): ج ۲ ص ۲۸۹۰ ۲۹۳ ، ۲۹۵۰۰

شاهرخ شاه (شاهرخ میرزا ) پسر نادرشاه ج ۲ ص ۱۱۲۲ ۱۱۲۲ ۱۱۲۰ ۱۲۲۱ . ۱۱۴۱ ۱۱۴۲ ۱۱۴۵ می۱۲۲۲ ۱۲۳۲ . ۱۲۲۲ ۱۲۲۲ تی

شاهرخ شاہ اعمی کے ۳ ص ۱۴۳۹ ، شاهرخ میرزا کے ۳ ص ۱۱۴۷ ، شاهرخ میرزا (از امراہ قاجار) کے ۳ ص

شاهرخ میرزا (ولد رضا قلی میرزا) رُج ۲ ص ۱۱۱۲ ·

شاهرخ میرزا قاجار (ولد فرمانفرما): ج ۳ ص/۱۶۹۳ ، ۱۲۲۲

شاهرخ میرزا (نایب الحکومه خرمآباد) : ج ۲ ص ۲۱۳۳،

شاہ رستم بن جہانگیر : ج ۲ ص ۸۹۲ ، شاہرمن سکمان القطبی: ج ۱ ص ۳۶۱ ، ۴۰۶، ۴۰۷ ،۴۱۳ ،۲۱۷ ،

شاهزاده جهان، سید ملطانمحمد (حکمران جزیرهٔ کمرود): ج ۳ ص ۱۸۸۸

شاهزاده حسن: چ ۳ ص ۱۸۴۶ شاهزاده حسین: چ ۲ ص ۸۶۳ شاهزاده خانم شارلت: چ ۳ ص ۱۷۹۹ شاهزاده خانم لویز: چ ۳ ص ۱۷۸۸ شاهزاده طفان (دختر شاه اسماعیل): چ

۲ ص ۸۲۶. شاهزاده گنگ ( وزیر اعظم دولت چین):

ج ۲ ص ۱۲۵۰. شاه زمان (پسر تیمورشاه افغان)آمیرکابل: ج ۳ ص ۱۲۳۰ ۱۲۲۲، ۱۲۲۲ ، ۱۲۲۲، ۱۲۵۲، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸ ، ۱۲۶۵، ۱۶۶۴،

شاه سلطان حسین ثانی: چ ۲ ص ۱۱۵۱. شاه سلطان خاتم (دختر فتحملیشاه):چ ۳ ص ۱۶۲۶.

شاه سلطان محمد خدا بنده:ج ۲ س9۹۸۰ ۵۲۰ ۲۹۱ ۲۹۸۰

شاه سلیمان صفوی: چ ۲ س ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ ۱۹۸۶ مه۱، ۱۹۹۱ ۱۹۹۱ تا ۱۹۵۵ ۱۹۲۵ ۱۹۲۱، ۱۹۲۱ ۲۰۲۲

شاہ طیمان ثانی: ج 7 ص ۱۱۲۸: ج ۳ ص ۱۲۷۰،

شاه شاهان سیستانی: ج ۲ ص ۶۹۸،۶۵۳ شاه شجاع (پسر امیر مبارز الدین): ج ۲ ص ۶۹۲، ۶۹۶ تا ۱۶۹۹، ۶۹۹ تـــا

شاه شجاع (برادر اورنگ زیب): چ ۳ س ۹۶۵ ،

شاہ صلی: ج ۳ س ۱۹۶۶ تا ۱۹۳۰ ۱۹۳۹ ، ۱

شاه فیا الدین کرمانی: ج ۲ ص ۱۹۶۹، شاه فیا الدین کرمانی: ج ۲ ص ۱۹۲۰،۲۹۱ ۲۹۲، ۵۰۸، ۱۵۸، ۱۸۵۰، ۱۸۵۰، ۱۸۵۰ تا ۱۹۸، ۱۹۹۰،۱۸۹۱، ۱۸۵۱، ۱۹۵۰، ۱۹۹۱: ۱۳۵۲، ۱۳۲۲، ۱۳۲۲، ۱۳۶۲، ۱۳۶۲،

شاه طهماسب دوم (ثانی): ج7ص ۱۱۰۱: ۱۱۰۱: ۱۰۲۰ ۱۰۲۰ ۱۰۲۰ ۱۱۰۲: ۱۰۲۵: ۱۰۲۸: ۱۰۲۰ ۱۳۰۱: ۱۰۲۰: ۱۰۲۸: ۱۰۲۰: ۱۰۲۸: ۱۰۲۸: ۱۰۲۸: ۱۰۲۸: ۲۰۰۸: ۱۰۲۸: ۳ س

· 1774 · 1776 - 1790 1179 - 1704 · 1709 · 1701 · 170+ · 1777 · 1770 · 1757 · 1757 شاه عالم ابن قطب الدين عالم (حاكسم گجرات) ج ۲ ص ۷۲۳. شاہ عباس اول مغوی: ج ۲ س د۲۸ ء 4 A40 · AAA · AAT · AAT · AYP · AYD ۱۹۵۶ ، ۹۵۲ تا ۲۵۶ تا ۲۵۶۳ 6 414 :414 :415 :404 :40A 77. 73.01°77.1047.1057 . 1774 b 1777.177. 1779. \*1750 · 1746 · 1741 · 1754 · 1777 · 1464 · 1464 · 1466 · 1464 · 1464 شاہ عباس دوم (ٹانی): ج ۳ ص ۹۴۵، 5950 1904 5 901 1949 19FY 1991 1991 1994 b 1995 1997 ۱۲۲۸ · ۲ س ۱۲۶۹ ۰ ۲۲۲۸ ۱۲۲۸ شاہ علی سلطان استاجلو: ج 7ص ۲۹۶ ، \*\*\* \*\*\*\* شاہ عنایت اللہ: ج ۲ ص ۶۵٪. شاه فتح الله شیرازی: ج ۲ ص ۸۸۸. شاہ قاسم انوار (از عرفا): ج ۲ ص ۸۶۱ شاء قاسم کاهی: ج ۲ ص ۶۶۸، شاہ قاضی (از سادات قلندر): ج ۲ س شاه قلندر : چ ۲ ص ۸۲۲. شاه قلی بیک قاجار (جد اعلای فتحملسی خان): ج ۳ ص ۱۳۶۳ . **ناطلی کان: ج 7 ص ۱۳۲۶، ۱۳۳۰**، - 1797 (1TAA شاهقلی خان (ولد شیخ علیخان زنگنسه): -1017 1990 Tel. شاہ قلی خان مقدم: ج ج ص ١٥١٥. شاہ ڈلی ، خلیقہ (میر دار): ج ج ص \*\*\*\* \*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\*

. 1777

· Y41

· 454

شاهنواز خان کرجی؛ ج ۲ ص ۹۶۹. شاء وردی بیک : ج ۲ ص ۲۹۲. شاء وردی بیک کچل: ج ۲ ص ۸۱۱۰۸۰۱. شاہ وردی سلطان بیات: ج ۲ ص ۸۳۱. شاہ ویردی : ج ۲ ص ۸۹۲، شاهوبردی خان (طحب لرکوچک) ؛ ج۲ ص شاء وبردیخان (حاکم کردستان) . ج ۲ ص شاھوبردی ططان زیاد اوغلی: ج ۲ ص ٣٠٨، ١٩٨، ٢٢٨، ١٨٨، ٣٠٨، ج ٣ ص شاهی بیک خان (صاحب دشت قبچاق) : ج ۲ ص ۶۲۱. شاه یحیی پسر امیر مبارز الدین، (از آل مظفر) ؛ ج ۲ ص ۶۴۹، ۶۴۵، ۵۶۰ - 991 شاه یحیی ( از شاهزادگان سیستانسسی و حکمران سیستان) : ج ۲ص ۲۰۰۰. شاهین گرای خان: ج ۲ س ۹۱۹. شبث بن ربعی تعیمی ریاحی: ج ۱ص۶۶، · 41 154 154 شبل بن عبدالله ( از موالي بنيهاشـم): ج 1 ص ۱۳۲ -شبل الدولة: ج 1 ص ۲۹۷. شبیب بن بجره (همدست ابن ملجسم): ع ١ ص ٧١. شبیب بن عامر: ج ۽ ص ٧٠. شبیب بن وثاب النمیری (حاکم رقـــه و حرأن): ج 1 ص ٢٠٣٠ ٢١٣٠ شبيب،نيزيد بن نعيمالشيباني(خارجي): ج ۱ ص ۹۲ ، ۹۲ . شجاع بن وهب الاسدى: ج 1 ص٢٧،٢٥. شجاع بیک:ج ۲ ص ۲۴۹، ۲۶۷. شجاع خان ( حاکم مالود): ج ۲م۱۹۷، شجاع الدوله ، امير حسين خان. ج ڄس شجاع الدوله، يوسف خان، سرتيپ اول

(حاکم خوی و سلماس): ج ۳ ص

شجاع الدين جلدك تقوى (امير ــ ):ج

-1414 · 1448

اص ۲۲۵۰

شاهقلی میرزا (پسر فتحطی شاه): ج ۳ · 1547 · 1541 & شاهك (خادم مخصوص المستعين): ج1ص شاه كليم الله بيسنى: ج 7 ص ۲۷۲ ، شاء گلشن (شاعر دهلوی): ج ۲ ص۱۰۲۴ شاہ گرھر خانم (دختر فتحطیشاہ): ج ۳ · 1578 0 شاه محمد سلطان (از خوانین اوزیسک): " ج ۲ س ۱۸۱۰ شاه محمد سيف الطوك: ج ٢ ص ٦٨٥. شاء محمد بن قرايوسف! ج ۽ ص ٨٨٥. شاه محمد قلاتی:ج ۲ ص ۸۲۰، ۸۳۳. شاہ محمود (والی قندهار): ج جس ۱۵۲۰، شاہ محمود آبدالی: ج ۳ ص ۱۶۶۴. شاه محمود افغان: ج ۳ ص ۱۵۳۴. شاه محمود (پسر امير مبارز الدين محسد مظر): ج ۲ مِن ۶۴۲، ۴۴۴تا۲۲۹، شاه محبود میستانی اج ۲ ص ۶۸۰. شاه محمود بن مُحِيدً مَظْفُر ﴿ جَ ٢ ص64، شاهراد یگجان اوزیک: ج ۳ ص ۱۴۳۳ . شاکسران بیک (از اکراد کردستان) نیج ۳ س ۱۶۰۸ ، شاهراد خان: ج ۳ ص ۱۲۰۵. شاه مراد میرزا ( ولد حاجی عباسقلیسی ميرزا): ج 1 ص ٥٠٦: ج٢ص١٢٢٠: \* T W 47071 TITT. شاء مظفر (پسر امیر مبارز الدین(: ج ۲ س ۶۲۸ و شاء ملک (حاکم خوارزم). ج ۲ ص ۶٫۹۰ شاه منصور مظاری( از آل مظفر): ج۲ ص .991 .990 شاهبیرخان ارمنی (ترجمان) کے ۲ ص . 1455 شامنظر بیک قورچی: ج ۲ ص ۹۳۶. شاہ نعمت اللہ ولی کرمانی: ج ۲ ص۲۷۶،

شجاع الدین حبزہ بیک، ج 7 ص ۹۵۳، شجاع الدين خان زند: ج ٣ ص ١٣٧٢. شجاع الدين خورشيد : ج 7 ص ٨٩١. شجاع الدين فتلغ قبچاقي: ج 1 ص ٢١٧ شجاع الدين محمد : ج 1 ص ۱۸۶۶. شجاع الدين محبود ; ج 7 ص ٨٩١. شجاع السلطنه ، حسنطى ميرزا (والسسى خرامان): ج ۲ ص ۱۵۲۶، ۱۵۲۹، · 1057 · 1077 · 1077 · 1077 · 1070 ·15-T · 15-T · 101T · 101T · 10YT . 1571 . 1570 شجاع الملطفه، فتبح اللبنه ميرزا (ايسن فتحملیشاه)، ج ۳ ص ۱۹۱۰، شجاع السلطده، محمد باقر خان (سرتيسپ اول): چ ۱ ص ۵۱۲ تا ۵۱۴: چ ۲ س ۱۱۹۰ ۱۲۳۶ ۱۲۳۲ څ ۲س < 1997 - 1989 - 1AFO + 1975 · TOA1 - TOY1 - TOY4 - 1994 . Y+AT شجاع الملک بن تيمور شاء: ج٣ص١٥٣١ ، . 1561 شجاع الملك، عبد القادر خان (سرتيب اول): ج ١ ص ٥٥٠؛ ج ٢ ص ١٢٢٧: ج٢ - TOAY . TO10 . 1997 . ص ۱۹۰۰ ۲۰۲۱ ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ . TF1 . PP . TAP . TAA . T 1 E بن تابت}: ج 1 ص ۸۶۰

شجاع الملک (حاجی مهر علی خان) : ۳۳ می ماره ۱۹۰۰ می ۱۹۰۰ می ۱۹۰۰ می ۱۹۰۰ می ۲۰۷۴ ۱۹۰۰ می ۱۹۰۰ می ۱۹۰۰ می ۱۹۰۰ می شجر الدر (زوجهٔ ملک صالح سلطان مصر): ۳۶۱،۴۶۰ می ۱۹۰۰ مین ثابت) : چ ۱ می ۱۸۰۰ میداد الهانی (۱ از امیران سیاه علی (ع) در صفین) : چ ۱ می ۱۶۰۰ شرحیل بن خوالکلاع : چ ۱ می ۱۸۰۰ میدای بیک شرف خان کرد : چ ۲ می ۱۸۱۰ ۱۹۰۰ میرف الدوله (پادشاه ترکستان) : چ ۱ می ۱۸۰۰ میرف الدوله (پادشاه ترکستان) : چ ۱ می

شرف الدولة، الوالقوارس شيرزيك بن عقد الدولة: ج 1 ص ٢٨٦ تا ٢٨٣٠ شرف الدولة، ابوالمكارم سلم بن قريبش (حاكم موصل): ج 1 ص٢٢٠٢٩٨٠ (حاكم عوصل): ع 1 ص٢٢٠٢٩٨٠

شرفالدین : ج ۲ ص ۱۹۹۰ شرف الدین ابوالقاسم هده الله الحسیری الشافعی(وقافیالقشاه): ج ۲س، ۴۳۰ شرف الدین، احمد منیری (شیخ – ) ج۲ ص ۶۵۳۰ شرفالدینشاه محمود (از انجویه شیراز):

ج ۲ ص ۶۲۹. شرف الدین صمیمی: ج ۲ ص ۵۹۹. شرف الدین عبداللہ وماف شیرازی: ج ۲

شرف الدين عبدالعزيز بن محمد (شيسخ

الشیوخ ) : ج ۱ ص ۴۵۱۰ شرف الدین علی بافقی: ج ۱ ص ۰۸۲۰ شرف الدین علی سینکی: ج ۲ ص ۷۴۲۰ شرفالدین علی یزدی (صاحب ظفرنامه): ج ۲ ص ۶۸۹، ۲۰۷۰

شرفالدین محمد بن نمر الزرعی(شاعر): ج ۱ ص ۲۲۵۰

شرف الملوک ابن رکن الدوله ( ازآلباوند و حکمران مازندران): ج ۲۳،۳۲۲ ، ۶۲۷ ، ۶۲۷

شروانشاه: ج ۲ ص ۱۷۳۰ ،۷۳۸ شروه ( از بزرگان حیاه سهد الدوله):ج۱ ص ۲۸۵۰

شروین (حکیران طیرستان) : ج ۱ ص ۱۵۵ شریح (فاشی کوفه) : ج ۱ ص ۹۲ ، شریح بن ابی اومی العبسی ( از خوارج)! ج ۱ ص ۶۷ ،

شریح بن هانی ( از امیران سپاه علی(ع) در صفین: ج ۱ ص ۶۴۰۶۲،

شریف، ابونمر زینبی علوی (محدث) أج! ص ۲۴۱،

شریف الادریسی (صاحب کتاب جغرافی): ج ۱ ص ۳۸۶۰

شریف الاطباء (حاج میرزا مرتضیطییب): ج ۳ ص ۲۰۴۰

شریف برکات ( از شرفای حجاز):ج ۳ ص ۶۹۴،

شریف پاشا: ج ۲ ص ۸۹۹: ج ۳ص۳۵۰۳۰ شریف تبریزی (شاعر): ج ۲ ص ۷۹۰ ، ۸۰۸۰

شریف الحسینی رضی، محمد بن حسیسن (جامع نهج البلاغه ): ج ۱ص۲۹،

777: 797 d 797: 117: VIT:

شریف خان: ج ۳ ص ۲۱۰۱. شریف خان (پدر محمد حسین خان نایب حکومت شاهرود): ج ۳ ص ۱۹۰۰. شریف خان خبستای (یاور دویم): ج۳ ص

شریف سعد (شریف مکه): چ ۲ ص ۹۲۸ ، ۹۸۲ ، ۰

شریف عبداللہ: ج ۲ ص ۱۸۶۰ شریف علی ( از شرفای حجاز): ج ۲ ص سفہ

شریف ( میرزا \_ ) نایب الحکومه غار و فشافویه: ج ۱ ص ۵۲۵.

شریف هاشمی عباسی، ابوجعفر محصود بیاضی (شاعر): ج ۱ ص ۳۲۶.

شریک بن اعور الحارثی: ج ۱ ص ۸۱. شریک بن عبدالله بن ابی شریک، ابو ۔. عبدالله (قاضی): ج ۱ ص ۱۶۱. شریک بن عبدالله النخعی (قاضی گوفه):

ج (ص ۱۳۶۰ شعاع الدوله، لطف الله ميرزا (حـاكـــم سيزوارو...) نج ۳ ص۱۹۳۸،۱۹۹۷ ،

1990 ، ۲۰۷۲ ، ۱۹۹۵ شعاع السلطند (سير زادد) فتح اللعبيرزا: شعاع السلطند (سير زادد) فتح اللعبيرزا: ج 1 ص 2001 ، ج 7 ص 1970 ،

۱۹۷۶ ، ۱۶۷۶ شمانطی قا قاجار قزوین :ج ۲ ص ۱۲۶۹ ، شمانطی خان: ج ۳ ص ۱۷۴۸ ، شمان علیکان (سرکرده): ج ۱ ص ۵۳۹ ، شمیه بن ظهیر نهشلی ( والی سعرقند):

> ج ۱ ص ۱۰۱۰ ماند

شعبی: ج 1 ص 1-9. شغب (مادر المعتقد بالله): ج 1ص-۲۲۰

شفب (مادر المعتقد بالله): ج (ص-۲۲۰ ۲۲۵ -شفیع (حاجی میرزا ــ) (از امرا وزارت

دفتر استيقاً): ج ٢ ص ١٢٥٢٠ شفيع (حاجي ميرزا -- ) از ارياب قلــم: ج ٢ ص ١٢٢٢٠ ١٢٧٢: ج ٣ ص

شفیع (میرزا ... ) تغرشی (سررشته دار):

- 1740 of T E شكر الله اصفهاني (ميرزا ... ): ج ٢ ص شفیع خان توبسرکانی (میرزا \_ ): ج ۳ . 1771 · 1897 J شکرالله بیک (حاجی \_ ) : ج ۳ ص شفیع خان چیرچی باشی: ج ۲ ص۱۷۲۳. . 1774 شفیع خان راوری: ج ۳ ص ۱۶۰۲،۱۶۰۲. شكرالله (حاجى \_ ) تاجر طهرانسي: ج٣ شفیع (نیرزا 🗕 ) خان (سرهنسک فسوچ ص ۲۱۲۶ . قزوین) ج ا ص ۵۱۱ ج ۲ ص شكر الله خان خسه ای (یاور) : ج ۱ ص ۱۵۰۰ ج ۲ ص ۷۵ و۲۰ شفیع خان گرکانی ( میرزا ... ) بستوفی و شكر الله خان (سرهنگ موزيكانچی باشي): ما مور آذربایجان: ج ۱ ص ۵۲۸ : ع ١ ص ١١٥: ع ٢ ص ١٢٣٤: ج٢ 3 T 20 0017. · Youll on شفیع (میرزا – ) خان (منشسسی وزارت شكر الله خان (حاجى ــ ) شقافي(نايسب خارجد): ج ۳ ص ۹۱۹، آجودانباشی): ج ۲ ص ۲۰۷۴. شفیع خان (نایب اول آجودانباشی) : ج۲ شكىراللىھ ( حاجى ...}خان(ازبنى اعمام ٠ ١٧١٢ ٠ قاجار) 'ج 1 ص ٢٥٥ ؛ ج ٢ ص ١٣٢٥ ؛ شفیع (میرزا ـ ) سر رشته دار: ج ۱ ص . YOSA OT E ۵۰۵ ع ۲ حر۱۲۲۴ ع ۳س ۲۰۶۱، شکرالله خان نوری: چ ۳ ص ۱۶۵۲ ، ۱۷۹۲ . . Yo 94 . YoFA شکرالله خان ( ازیاوران خارج از فوج) : ج۲ شفیع شیرازی (میرزات ): چ۳ ص ۱۸۱۱ . شفیع (میرزا \_) صدراعظم: ج جس۱۴۳۶، شکراللہ ( میرزا \_ ) فونسول حلب ج 1 ص . 1077 . 10.9 . 1759 شفیع (میرزا \_ ) پسر صدر دیوانخانسه : شکراللہ (میرزات)کاربرداز جلب : ج س س ج ۲ ص ۲۱۰۱. . 1105 شقیع ( میرزا ـ ) لشکر نویس: ج 1 ص شكرالله ( ميرزا س)لشكرنويس:ج ٢ ص١٥٥٠: · ۲۰۶۹ نام ۲۰۶۳ و ۱ شفیع (حاجی میرزا \_ ) مستوفی: ج ۱ ص شكرالله (مبرزا ــ) ستوفي (پسر نمپرالطک) : ٨٢٥٠ چ ٣ ص ٨٣٥٢٠ ج ١ ص ٥٢٩: ج ٣ ص ١٩٥١. شفیع (میرزا ــ ) مستوفی خاصه( یســـ شكرالله (ميرزا ــ ) مشرف (خواجه وند ) : ابراهم نوری): ج ۱ ص۸۲۵٬۵۲۷: ج ا ص ۵۵۲: ج ۳ ص ۱۱۱۲. . You w T E : 1740 or Y E شکرالله (میرزا \_ ) مطم : ج ۱ ص ۵۱۵:ج۲ ص ۱۲۳۱ : چ ۲ ص ۲۰۷۵ و شفیع ( میرزا ــ ؟ منشی (پسر میرزا زین شکرالله (میرزا \_ ) نامعنگار ( نایب دویسم العابدين منشى تبريزى) : ج ٣ ص وزارت خارجه): ج ۲ ص ۱۲۰۰؛ ج ۲ · 1101 : 1100 . 1107 : 7075 : TOTT : TOTT O شفیع ( میرزا ـ ) نویسنده: چ ۱ ص۵۹۱ شکر بیک کرد جهان بیگلو: ج ۳ ص۱۳۴۹. شفیع (میرزا …) وزیریزد: چ م ص شکر علوی حسینی ( شاعر ، امیر مکه) : ج ۱ - 1794 ص ۲۲۲،

شقران بن علی (زاهد): ج 1ص ۱۶۶.

شقیقیلخی (زاهد) : ج ۱ ص ۱۲۱۰

شقیق بن تور السدوسی: ج ۱ ص ۱۶۶

.174 . 174

شکراللہ : ج ۳ ص ۶۶٪.

شقنا بن عبدالواحد (بربری): ج ۱ ص

شمخال بیک چرکی: ج ۲ ص ۸۵۴، شمخال سلطان: ج ۲ ص ۸۶۷، شعرذى البجوشن: ج ١ص٨ ٨ ، ١٨ ، ١٨ ، ١٨ . شمى الاثمة عبد العزيزين احمد الحلواني أج إ ص ۲۲۳٠ شمس الاثمة محمدين عبد السيار : ج1 ص ٢٥١٠ شمس یانو خانم (دختر فتحطیشاه): ج ۳ ص . 1575 شمرالدوله بنایلغازی ( از ارتقیم) : ج ۲ص شمر)الدوله ، پسر تاچالملوک توری ( حاکسم يطبک): ج ۽ من ۲۷۲. شمسالدوله جکرمش ( حاکم جزیره) : ج1 ص TOA . TOO شسرالدین ( از آل کرت) : ج ۲ص۶۵۵. شمرالدين ابراهيم ..... ابراهيم بن هيد شسرالدين احمدين محمدين ليوبكر ؛ ج ٢ ص شمر الدين (مير - ) اعدالله مرعشي: ج ٢ · 440 c# شسالدین (قاضی ــ ) ابنالبارزی ( قاضی القضاء حماد): ج ٢ ص ٥٨٩. شسالدین بخاری: چ ۲ ص ۶۲۷. شسرالدین بهبنی: ج ۲ ص ۶۶۹، ۶۶۶ ، شمرالدین بهنگره: ج ۲ ص ۶۲۳. شسرالدين حنبلي: ج ٢ ص ٢٢٩. شعسالدين خاکئ: ج ۲ ص ۲۳۵. شمى الدين خان ( ولد شرفخان كرد ) : ج ٢ ص ۱۹۸۰ شمس الدين خان افغان : ج٣ ص١ ١٥٣ ، ١٤٣٥. شمى الدين بن خلكان ( قاضى شام) : ج 1 ص ۲۱۱: ج ۲ ص ۲۸۲۰ شمرالدین خوزی: ج ۲ ص ۶۳۰. شسالدينبيكديلجاني:ج ٢ص١ ٨٢٢ ، ٨٢٢ . شمى الدين صواب عادلي (بيشكار طكصالم ايوب بن ملككامل) : ج (ص ٢٤٣. شسرالدین بن عبدالملک: چ ۱ ص ۴۱۹. شمس الدين (اميرس) على ( از سريداران): ج ۲ ص ۶۵۶،

شماخ: ج 1 ص ۱۵۲ .

شبخال: ج 7 ص ۲۰۰۲.

شکیبی اصفهانی ( شاعر) : ج ۲ ص ۸۹۹،

شليمر ( دکتر -- ): ج ٣ ص ١٧١٤.

شکور (حاجی ــ) خان ( سرتیپ فوج دویسم

تبریزی): ج اص، ا۵: ج اح،۱۳۳۲:

شکسپیر: ج ۲ ص ۹۱۳.

. Y O Y F W T E

شمرالشترا ، مروش، ميرزا محمند علىخان اصفهانی: ج ۳ ص ۱۲۸۳ ، ۱۹۵۶ ، شمى الملك طفقاج خانء ابواسحق أبراهيمين نمرایلک خان: ج ۱ ص ۳۱۹، شمرالملک نصربن طفقاج خان (پادشاه ماوراء النهر) : ج 1 ص ٢٣٦٠ شسرالعلوك محمدين حسام الدوله (يسرخسام الدوله بأوندى) : ج٢ص 6٣٢٠. شمرالطوگ ( از ملوکیاوند ) :ج۲ ص۹۲۲۰ شىسىخان قزاظر ؛ ج ٢ص ٩٢٨ • شيطابن مطم يحلى (فرمانده):ج1ص1190، شعجهانخان: ج ۲ ص ۶۴۹، شمع جهان خان ( بسرادر محمد خان شاه مغولستان) ؛ ج ۲ ص ۶۷۲، شبله ترکنانی ( حاکم خوزستان) : ج ۱ ص · #14 (Fo) 1749 شبواء (ليتنان بيادهنظام): ج (ص ٥٣٧٠ شمیل اطریشی (کلنل 🗕 ) 🗦 ج ۱ ص۰۴۸۰ شبیل روسی: ج ۲ ص ۱۹۰۷ ، شمیم شیرازی: ج ۲ می ۱۱۳۰ شنش ( سردار عجم ) أج 1 ص 41 ، شواچو ( شاهزاده ژاپنی) ، ج۲ص ۱۸۲۶ ۰ شوارت زنبرک ( سردار اطریش) : ج ۳ ص 1011 - 1014 6 1010 شوّازل ﴿ وزير اعظم فرانسه ﴾ : ج ٢ص ١١٧٠ -شوالیہ لیڈارشارل کیوں : ج ۲ ص ۲ ۱۰۹ . شوذب ( خارجی) بسطام ( از بنی یشکر ) : ج ۱ ص ۱۰۶ ، ۱۰۲ . شولتزفسكى ( مسيو ــ ) نايب : ج١ص٥٣٢٠٠ شولکونوف ( کفیل آمور قنسولگری) : ج اص شوریسکی: ج ۲ ص ۹۰۲ ، شهاب بن مخارق { معاونت حکم بن عمبرو تظیی): ج ۱ ص ۵۲۰ شهابالدوله: ج 1 ص ۵۰۷؛ ج ۲ ص۱۲۲۷؛ ج ۳ ص ۲۰۲۱ ، ۲۰۲۲ <del>،</del> شهابالدوله ابوالغوارس، منصور بن حسيس اسدي ( حاکمجزيره ): ج 1ص ٣٢٥٠ شهابالدوله ،مرتضىخانقاجار "ج ٣٥٣٥٣٠

و قاضی حماہ) : ج ۱ ص ۲۵۱ ، شهاب الدين احمدبن ابسىطالسب الطحس الحجازي: ج ٢ ص ۶۲۵، شهابالدين (اميرـــ ) احمدين بدرافديـــن حسن المروانی (حاکم بطبک): ج ۲ شهابالدين احمدين البرهان ابراهيم بن داود : .559 05 5 شهابالدين احمدين عبدالوهابالشافعي: ج ۲ ص ۶۲۷. شهابالدين (قاضي ــ ) احمدين فضل الله السرى: ج ٢ ص ۶۳۶٠ شهابالدين احمد قيرواني: ج ٣ ص ٥٩ ٩٠-شهابالدين احمدين محمد , , , سبط السلموسى البايلسي|لدبشقي: ج ٢ ص ۶۲۶. شهابالدين ( شيخ ــ ) احمدين مرحل ج٢ شهاب الدين البياني: ﴿ ٢ ص ٢٤٣٠ شهابالدین (قاضی ــ ) جونهوری ٔ ج ۲ ص شهاپالدین الحارمی ( صاحب حماه) أج [ س ۲۰۲۱ ۴۰۳۰ شهابالدین بن سام : ج ۱ ص ۳۸۵۰ شهاب الدين سهروردي ، ابوالفتحيحيي: ج1 ص ۲۲۶۰ شهابالدین سیواسی (مفسر) : ج۲ص۶۶۶۰ شهابالدین طغرل (خادم): ج ۱ ص۲۳۱، شهابالدين غوري ( ڀادشاه غزنين) : ج 1 ص 404، 117، 117، 114، 114، 111) . TT - . TTF . FTT . FT. شهاب الدين قرطاي المنصوري (امير...) حاكم طرابلس: ج ۲ص ۴۲۷، شهاب الدین قینری : ج ۲ص ۵۸۰ شهابالدينمالک بنعلي... عقبليءُ ج 1 شهابالدین بن محمد ( از مشاهیر ) :ج ۲ ص شهاب الدين محمدين العجد عبدالله (قاضى القضاء دمشق) ؛ ج٢ ص ٥٢٩٠ شهابالدین محمود بن توری: ج ۱ص ۲۷۴، - TYY - TYA شهابالدین ( در هندوستان) : ۲۳۰۴۰۰۰ شهابالدین یوسف بن مسعود : ج۱ ص۴۴۳ ، شهابالدين ابراهيم بن عبدالله الشافعي ، شهاب محمد بن يوسف بن زايده التطفرى :ً ابن ایی الدم (موالف تاریخ کبیرمظفری

شمىلدين لوالوا ارمنى ( پيشكارملكماصربن ملکتنزیز ) : ج 1 ص ۴۴۵ ، ۴۵۳ ، شسى الدين محمد (از اخلاف بايزيد بسطامي) . ج ۲ ص ۲۲۶. شمرالدین محمد آبهری: ج ۲ ص ۶۹۶، شمرالدین (سید ـــ)محمد اندجانی(معروف بدڙ مير سربرهند): ج ۲ص ۲۳۲، شسرالدین محمد تبادگانی ؛ ج ۲ ص ۲۲۹ -شمسالدین محمدتفتازانی: ج ۲ ص ۶۸۹۰ شسیالدین محمد جزری ( امام 🗕 ) 🖁 ج ۲ ص شمرالدين محمدين الملعوس؛ ج ٢ص ٥٤٠٢. شمىرالدين محمد شوشتري: ج ٢ ص ٨٧٥٠ شسي)لدين محمدين عثمان الإصفهاني (معروف يه! ابن عجمي الحنفي) :ج٢٥٠٨٠٠٠ شسرالدین محمد کوسوی : ج ۲۳،۹ ۲۰۰۰ شمس الدين محمدين المجدعيسي أليعلى أج؟ شبیلدین محمدین محموداصفهانی: ج ۲ شمرالدين محمدين نقيب : ج ٢ ص ٤٢٥. شمرالدين محمد توريخشي: ج٢ ص ٧١٥. شمرالدین محمد بنھادی: ج ۲ ص ۶۳۲. شسالدین محمود ( ازحکام لر کوچک) :ج شمرالدین محمود اصفهانی: ج ۲۳۶٬۰۳۶، شمى الدين (مير ـــ ) مختاري سبزوارى ؛ ج٢ شمرالدین (ولد طکدینار): ج ۲ ص۸۰۹۰ شمرالدین (میر ــ ) این میسر سیــد شریف جرجانی: ج ۲ ص ۶۹۰. شمرالدین یوسف ( شیخ ــ ) از اولاد جمال الدين ابن الجوزى ( صاحب كتاب مرآت الزمان): ج 1 ص 454. شمس سهروردی: ج ۲ ص ۶۲۲.

شمى الدين فارقاني: ج ٢ ص ٥٩٢٠

شسرالدين فخري: ج ۲ ص ۲۷۵،

شمسالدين کرت : ج ۲ ص ۶۲۴ .

شمس)لدین کرمانی: ج ۲ ص ۶۴۸،

ج ۲ ص ۶۵۶.

شسىالدين بن فضلالله ( از سربداران ) 🗓

شسرالدین قاری ( شارح بخاری ) : ج ۲ ص

شهاب الدين (قاضي ) ؛ ج 1 ص ۲۶۶۰

.698 # T & شيبان بنعبدالعزيز : ج 1 ص ١٣٤. شهاب الملک، حاجی حسین خان 🗧 ج۲ ص شیبان (عم هارونبنخمارویه) :ج1ص۲۲۵. شیبکخاناوزیگ:ج ۲ ص ۹۴۹، ۹۴۴، ۹۴۵، شهاب الطك ، غلامرضاخان : ج7ص ١٢٣١ ؛ 74Y4164, 764, 764, 764, 744, 1970, 1904, 1446, 1460 PTE شيبه بن ربيعه: ج 1 ص ٢٣. . 4046 14041 14041 4404 شیخاین فهد حلی: چ ۲ ص ۲۲۱، شهبازخان: ج ۳ ص ۱۶۶۸ . شيخالاسلام دارالخلافه: ج ١ ص ٥٢٥؛ ج ٣ شهباز خان بککی: ج ۲ ص ۱۶۳ ٪. ص ۲۰۹۵. شهبازخان دنبلی: ج ۲س ۱۱۵۶ ، ۱۱۵۷ ، شيخالاطباء ، ميرزا حسينطى: ج ٢ص١٢٥٤ : - T1T0 - T110 - T1T0 شهده، بنت أحمدين عبرالآبري (عالم): شيخاکبر ج ۲ ص ۹۶۶. .407 - 1 2 شيخ جهان ( شاه مغولستان) : ج٢ص ٥٧٣. شهرین باذان : ج ۱ ص ۳۲۰ شيخ حاكمخان: ج ٣ ص ١٧٥٨ ، ١٧٧٣ . شهرذی الجناح مبیری (خالوی مهدی عباسی): شیخ حسن بزرگ جلایری ( امیرـــ ) : ج ۲ ص ج ۱ ص ۱۵۴. شهرزاد ( از سرداران ایران) : ج ۱ ص ۳۲. شيخ حسن (امير ــ ) چسويانسي ( شيخمسن شهرستانی ــــــ ابوالفتــح محمــد بـــن کوچک): ج ۲ ص ۶۲۲۰۶۲۱، ۶۳۹، عبدالکریمشهرک ( ملک زادهٔ عجم ) ; ·542 ·540 ع 1 ص ۵۲. تیخ راستگو: ج ۲ ص ۶۲۷. شهرنوش ( از ملوک رستمدار ) : ج۲ س۲۲۴. شهریار ( سردار عجم ): ج 1ص ۴۳. شيخ زين الدين على كلا شيرازي : ج٢ص١ ع٥. شهریار آگیم ( از طوک رستعدار): ج ۲ ص شيخ سامر خان: ج ٣ ص ١٤٥٨ ، ١٩٤٥ . شیخ سلیم فتح برری کے ۲ ص ۸۵۰، شهریارین با دوسیان (نهمین از ملوک رستمدار): شیخ شامین فرخ بسار ! ج ۲س ۹۶۸ ، ۹۶۹، ج ۲ ص ۲۲۴. شہریار بن جمشید ( از ملوک رستعدار) :ج۲ شيخ شرف الدين عبد العزيز أيسن محمد بن عبدالمحس الانعارى ، مدروف بعثيخ شہریار بن زیارطبرستان: ج ۱ ص ۲۲۵. الشيوخ): ج ٢ ص ٥٨٤. شهربار بن شروبن { حاكم جبالطبرستان} : شیخ صدرالدین قونیوی : ج ۲ ص ۵۹۳. ج ۱ ص ۱۷۵ ، ۱۸۱ . شيخ صديق ( پسر شيخعبيدالله کرد ) . ج ٣ شهرپوش ( حاکم قم و ساوه) : ج 1ص4 ۲۰۰. شهسوار بیک ذوالقدر : ج ۲س ۷۲۲،۷۲۲. شيخ صفى الدين اسحق اردبيلى اج ٢ ص ٢٥٠٥، شهبیر ( حاکم کشبیر) : ج 7ص ۶۳۲. · A FY · YTA · YTY شهون ( پسر قبلای قاآن) : ج۲ص ۵۹۹. شيخ عبيدالله كرد : ج ٢ ص ١١٨٢ : ج ٣ ص شهيدين عيسى الإندلسى (ازعلماي) ندلس) . .7047.7077 57070.7011.7707. ج ( ص ۱۹۸ ، ۱۹۷ . شيخ عجيل: ج ٣ ص ١٥٥٩ . شہیدی قعی ( شاعر) : ج 7ص ۲۹۴. شيخ علمخان زنگند : ج ۲ ص ۹۹۳ . شهیم پاشا ( سردار مصری) : ۳۳ص۱۸۸۰ . شیخطوان : ج ۲ ص ۱۹۶۳ ، شیبان بنجوجی خان :ج 7س ۲۵۴. ثیخ علیبیگ زنگنه ( میرآخوریائی) : ج ۲ شیبان حرفدی ( از خوارج ) : ج ۱ مید۱۲، ص ۹۴۲،

. 1777 شیخطیخان: ج ۲ ص ۱۴۲۴ . شیخطیخانایروانی: ج ۳ ص ۱۲۱۳ . شیخطیخان ( بیگلربیگی باکوید) : ج ۳ ص شیخطیخانزند (سردارزند ) : ۲۶ ص ۱۱۴ . · 1105 · 1100 · 1107 · 1100 : 118T : 118T : 1104 : 110A שדשר זדום ומזוי דמוי מדוי מידו. شيختليخان زنگته! ج ۲ ص ۹٫۸۰. شیخطیخان سرتیپ: ج ۲ ص ۱۲۳۷؛ ج ۳ ص ۲۰۸۲ ت شیخطیخان شکی: ج ۳ ص ۲۰۸۷. شیخطیخان قبتای ( بیگلربیگی)! ج ۳ ص - 1441 - 1447 - 1444 شيخطىخان كنگرلو! . 1449 PT E شيخطیخان (نايبالحکومه) :ج ۲ ص۱۹ ۱۷ . شیخملی بن سلطان اویسی ( شاهزاده \_) : . FAT OF T & تیخطی ( منشی دویم سفارت انگلیسسدر طهران): ج ۳ ص ۲۱۰۸. شیخطی ( میرزا۔)منشیسیم : ج ۱ص۵۳۸. شیخطی میرزا : ج ۳ ص ۱۶۸۷ . شیخطیمیرزا (حکمرانملایر) :ج۳ ص۹۴، · 1447 · 1441 · 1400 شیخطی میرزا شیخالعلوک: چ ۳ ص ۱۵۸۰ ، . 1555 . 15-5 شيخ عمادالدين ، فضلالله نوربخش: ج٢ ص شیخ فارس خان : ج ۳ می ۱۷۷۳ .

شيخ فخرالدين عراقي: ج ٢ ص ٥٠١.

ص ۱۱ ۱۹۰۰

شيخ لطفاللد: ج ۲ ص ۹۱۷.

شيخ مذكور ؛ ج ٣ ص ١٤٣٧ .

شیخ مبارک تاکوری : ج ۲ ص ه ۹ ۸ ۸

شيخ محمد خلوتي : ج ۲ ص ۶۵۴ .

شیخ محمد شاہ جونہوری 🗦 ج ۲ ص ۹۱۸ .

شيخ محيىالدين غزالى طوسي (شاعر ) .ج٢

شيخ قادر ( يسر شيخ عبيدائله كرد ): ج ٣

شيخ كمال|الدين عمرين الياس|لمراغي } :ج٢

شيبازين عبدالرحينء أبوساويسه التبيسى

النحوى: ج 1 ص ١٥٢ .

شیخ منصور ترمڈ : ج ۲ ص ۹۲ م. شيخ ميرزا : ج 7 ص ۲۵۶. شیخ نجمالدین اصفہانی: ج ۲صہ ۶۲، شیخ نجیب الدین رضای عارف ؛ ج۲صه ۹۷ ، شیخ نصیرالدین طوسی ( جواجمنصیر ) : ج ۲ شيخ نظام اوليا ! ج 7ص 671 . شيخ نظام : ج ۲ ص ۸۱۱. شیخ نفیه : ج ۳ ص ۱۶۳۷ ، شيخ نورالدين محمد مرشدي ! ج٢ص ٤٩١ . شيخ نورقطب عالم (ج ۲ ص ۶۷۷). شیخ وجینالدین گجرانی: ج ۲ ح.۸۸۸، شيخين: ج 1 ص ۵۷، شییدین محمدخان: چ7ص ۱۷ ۹۵ . شیریاسیان ( والی یمن ): ج 1ص ۱۸۹، شيرخان: ج ۲ ص ۲۹۸. شیرخان افغان: ج ۲ ص ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۹، . 977 + 407 + 400 شیرخان بیک (کارپرداز قزل رباط): ج ۱ س ۵۲۲: چ ۳ س ۱۱۰۶. شيرخان سور : ج ۲ ص ۲۹۶. شیر دل خان ( برادر فتیح خان) : ج ۳ ص شیرزاد ( ساباط ) : چ ۱ س ۴۳۰ ثیرزاد ( صاحب طاق کسری) : ج 1ص ۲۵۰۰ شیرزنگی ـــــ ریاح زنگی، شیرعلی خان ، پسر دوستمحمدخان: چ۳ص شپرکوه،اسدالدینبنشاذی ( وزیرالعاضد ) : ج 1 ص ۲۹۶. شیرگود، ملک مجاهد ( صاحب حمص) : ج۱ .TTA .TTY .TT 10 شیرکوه بن محمد : بن کوه بن شاذی (صاحب حسن) :ج (ص ۲۰۸ ، ۲۱۳ ، ۲۴۰ ، ۲۴۰ شیرمحمد (آقا 🗕 ) 🗧 ۲ ص ۱۲۶۸ ۰ شیرمحمد اغلان: ج ۲۳،۲۸۲ ۶۸۲، شیرمحمدخان: ج ۳ ص ۱۶۴۱ء ۱۶۵۲ -

شیرمحمدخان (از اجزای مجلس حکومت ) : ج ۲ ص ۶۴۹ : چ ۳ص ۲۰۹۵

غيرمحمد (آقاـــ) قزوينى (تحويلدارانبار):

شیروانشاہ ( حاکم شیروان) : ج ۲ ص ۲۱۲ ،

-T117 #T &

۲۱۶شیرویه (پسر خسروپرویز):چ۱ ص۲۲۰۲۷۰
شیرویه (پسر خسروپرویز):چ۱ ص۲۲۰۲۷۰
شیرین (خواهر ماریه: قبطیه):چ۳ میرینجان خانم (دختر فتحطیشاه):چ۳
شیس (وزیر اول سویس):چ۳ س ۲۱۴۹۰
شیس عبدالله خان:چ۳ س ۱۲۹۵۰
شیل عبدالله خان:چ۳ س ۱۲۹۵۰
شیل صاحب:چ۳ س ۱۶۳۰۰

ص

شیونوویتس (اطریش) : چ۲س۱۹۹۱۰

تا ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۰۱۹ تا ۲۱۲، ماحب بن عباد ، ابوالقاسم استاعیل ( وزیر موایدالدوله و فخرالدوله): ج ۱ ص ۲۸۲، ۲۸۷، ۲۸۷، ماحب فرات: ج ۱ ص ۲۱، ماحب محییالدین بن مطروح ( مقرب ملک

ماحب محییالدین بن مطریح ( مقرب طبک مالحسلطان صلاح الدین) :ج۱ ص۲۵۶۰ مادق (آقا سید — ) : ج۱ ص ۵۲۵ ؛ ج۲۰

مادق ( ملا ۔ ) : ج ۲ ص ۱۲۲۸ ۰ مادق ( میرزا ۔ ) : ج۲ص ۱۲۲۲ ۰ مادق بیک خولی (یاوردویم ) : ج1ص ۵۱ ۰۵۱

مادق (آفاسید۔)حجمالاحلام :ع۲۰۲۲٬۳۰۲۰ مادقخان : ج ۲ ص ۱۱۲۹ تا ۱۱۸۱ : ج ۳ ص ۱۲۵۰ . مادقخان ( جاجروبرا .. ) : ج ۱ ص۲۲۵۰

صادق خان (حاجی بیرا -- ) : چ ۱ ص ۵۳۲۰۰ صادق خان (برادر بگلرخان) : چ ۳ص ۱۸۱۲ مادق خان نگلینی (سرکرده) : چ ۳ص ۱۳۶۰ مادق خان (میرزا -- ) ولد میرزاحسنخان وزیر نظام : چ ۱ ص ۵۲۵۰

مادیخان دولو ( پدر رضاقلیخان قاجار): ج ۳ ص ۱۲۹۶ .

مادقخان زند (برادر کریمخان): ج ۳ ص ۱۲۸۸ - ۱۲۲۶ - ۱۲۲۶ : ج ۳ سلم۱۲۸۹ ۱۲۸۹ - ۱۲۲۹ -

مادقخانسرتیپ (حاجی۔۔) : ج ۲۳،۲۰۹۰ مادق (میرزا ۔ ) خسان ( ست رشتیہ دار مفصوص) :ج۲۳،۵۲۹ :ج۲مد۲۱۴۰

ادقخان (سرکرده سواره و جمازه سوار) : ج ۲ ص ۲۰۹۰

مادق غان سرهنگ:چ (ص۱۹) : چ۲۳۸،۲۲۱: چ۳م،۲۰۲۰،۲۰۹۶

مادفغان (سرهنگ جناعت چگینی) : ج 1 ص ۵۲۲۰

مادیخان ( سرهنگ فوج بهادران افشار ) : ج ۲ ص ۱۳۳۲ -

مادیخان شقائی: ج 7ص ۱۴۱۳ ، ۱۲۱۵ ، ۱۲۲۱ ، ۱۲۲۷ ، ۱۲۴۱ تستا ۱۲۲۵ ، ۱۲۵۰ ، ۱۲۵۰ .

مادق خان قاجار عز الدین لو : ج ۲۰۰۳ - ۱۵۰ م مادقفان قزیبنی ( بایر ایل) : ج ۱۰۰۱ - ۵۱ ج ۲ ص ۲۲۲۲ : ج ۲ ص ۲۰۷۲ .

صادقخان (میرزا ــ ) کارگذار استرآبساد : ج ۲ ص ۱۸۷۲ ۰

مادق ( حاجی میرزا ـــا) خبان ( کار پرداز بمره): ج ۲ س ۲۱۰۶

مادق (میرزا – ) خـان ( کارگـذار خارجه گیلان) : ج ۲ ص ۱۸۶۰

صادق (آنا سید – ): ج 1 ص ۵۲۵؛ ج۲ص صادقخان (میرزا – ) ولد مشیرالدوله: ۲۳ م ۱۱۸۷ -

مادق خان (نایب آجودانیاشی): ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۲ص ۲۰۷۵

اٍ صادقخان ( حاجى ميرزا ــ ) نايـــب أول 🕏

مالحخانسرهنگ (میرزانی) نج ۳ س ۲۰۷۶. مالحخان (صدراعظم اشرف) . ج٢ ص١ ٢ه ١ . صالح خان ( میرزا \_ ) یاور سیــم : ج ۲ ص صالح بن داود ( حاکم بصره) 'ج (ص۱۵۳، مالح بن زریک (وزیر العاضد علوی): ج ۱ ص ۱۳۹۱ ۲۹۲۰ صالح بن شیرکوه ( ملک \_ ) صاحب حمص : ج ۲ ص ۱۸۵۰ صالح طبیب (میرزا 🗕 ) 🗦 ج ۲س ۹۷۲ . صالح عرب ( آقا ميرزا \_ ) : ج1 ص ٥٢٥ . ج ۲ ص ۱۹۰۵۰ صالح بن علىبن عبدالله بن عباس ۾ ١ ص صالح بن عیسی : ج ۱ ص ۱۳۸۰ مالح بن کیسان ؛ ج ۱س ۷۵. صالح بن مرداس کلابی ( مالک طب) : ج ۱ ص ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۹۶، ۲۹۴، ۲۳۳، صالح بن مسرح ( خارجی): چ 1س ۹۲. صالح (آقا سید ۔ ) مقنی ہاشی: ج و ص 1111 OF E : 00F مالح بن نفر کتانی: ج 1 ص ۱۹۴ . مالح بن وميف ۾ ۽ ص 664 . مالح بن هارون الرئيد (اوالي بمره): ج١ ص ۱۲۸ ۰ میاحی سبک سلیعان صباحی، محاری بن شبیب بن یزید ، ج ۱ ص ۱۱۹ . مدرالاسلام: ج 1 ص ۶۸۱، صدراعظم ، میرزا آقاخان: ج ۳ ص ۱۵۴۰ ، مدرالدين حبويه ( شيخ \_) :ج1ص ۴۴۶. صدرالدین خان استاجلو! ج ۲س ۲۹۲. صدراًلدین خان ( حاکم استرآباد ): ج ۲ص مدرالدین خان صفری : ج ۲ ص ۸۴۹، ۵۵۲، صدرالدين دزفولي (سيد ): ج٢ص/ ١۶۶. مدرالدین ، عبدالرحیم بن اساعیل (شیخ الشيوخ): ج 1 ص ۲۰۷.

ع ۱ ص ۵۲۵٠

٠ ١٧٥٧ ٠

· SATY

مالح خان بیات: ج ۲ ص ۱۱۴۹، ۱۱۵۲.

صادقخان (منسوب وكيل الملك ) . ج (ص) ه ۵ . الخجندى ( رئيس شافعيد اصفهان ): مادقخان مقدم ( یاور دویم): ج1ص 115: ج ۱ ص ۱۵ ۴۰ ج ٢٠٢٢: څ ٢ ص ٢٧٠٢. صدرالدين، حمد بن عمر بن حمويه (شيخ الشيوخ مادفخان بوخاري باش:ج۲ص ۱۵۸ . شام ومصر): ج 1 ص 434. مادقخان يوزباشي: ج ٣ ص ه ١٨٤٠. صدر ديوانخانه: صادق (میرزا ۔ ) سررشتهدار : ج۱ص۵۰۵، میرزا محمدعلی مستوفی ( پسر میرزا محمسد ٠٢٥٠ ج ٣ ص ١٩٥٨، ١١١٥٠ حسين عضدالملك ): ج 1 ص ٥٣٩ . مادق (آقا ــ ) ٹراش خلوت ؛ ج 1 ص ۵۳۰. ج ۳ص ۹ ۱۹۰۹ ج ٢ص ١٢٥٧ ؛ ج ٢ص ١٣٣٩ . صدرالذاكرين \_\_\_\_ ابوطالب(آقاسيد\_ } مادق مجنهد (آقاسید ۔): ج ۳س ۲۰۴۷. صدرالشريعه بخارى: ج ٢ ص ٥٣٥. صادق (میرزا ۔۔ ) ( نبیرہ میرزا بزرگ قائم صدرانطما<sup>د</sup> : ج ۱ ص ۵۲۵ ؛ چ۲۰ م۵۹ ، ۲۰ مقام): ج ۲ ص ۱۶۱۲ . صدقه بن بوالغواري ، منصور ؛ ج1 ص٣٢۶. صادق کاشانی (میرزا ــ ) ؛ ج۲ص۱۲۸۶ . مدقعين حسين الحداد (صاحب ذيل تاريخ) ; صادق مستوفی (میرزا 🕳 ) (قائم مقام ) :ج ۳ . 40T 00 1 E صدقه بن دبیس: ج ۱ ص ۳۷۴. صادق (میرزا ــ ) ناطق (شاعرامفهانی ) : صدقه، سيفالدوله ( يسر بها الدوله ابــــو - 1017 of T e کامل منصور ) ! ج ۱ ص ۳۴۱. صادق (میرزا ــ) نویسنده رآتشه: ج ۳ص صدقه بن فارسىالمازياري ( امير بطيحه ) : 3 1 W 1707 1 407. صادق (مید ــ)والی تونس: ج ۲ ص ۱۸۲ ، صدقمینمزید ( ماحب حله): ج ۱ ص۲۵۶، YOU POT. حاذقوقایعنگار مروزی (میرزا ــ ) ( ماحب صديق (شبخ 🗕 ) پسر شبخ عبيدالله کرد 🕽 تاریخ جہانآرا ) : ج ۱ ص ۴۶۷ ؛ ج ۳ ج ۱ ص ۲۷۲۰ صديقالدوله ، ميرزا رضاً : ج 1 ص ٥٣٩ ؛ ج ٣ 11055 . 1747 . 1747 . 1775 o · TOOY + 105Y -T 100 -T 170 - TOTO J صارم پاشا (صدراعظم عثمانی) : ج۳ ص۲۰۲۳ ، صديق الدوله ،ميرز امحمديا قر 1 ج٢ص٥ ٢٥٢ . مارمالدوله، علیظی میرزا: ج ۲۳۲۷٫۰۳، صديق الملک، ميرزا محمد ( رئيس کل دفاتر ۲۹۲۱: چ ۳-۵۵۸۱، ۹۹۸۱، ۵۲۹۱ وزارت خارجه): ج ١س ١٤٧٢، ٥٣١. 1781 · 1407 · 1417 · 3 7 20 1119 YOTE: 3720AP11 صارمالطک، عزیزاللهخان: ج ۲ ص ۱۱۸۳، .TIOT .TOTT AA11:37 0 7707: 1807. صديقه؛ كبرى 🛽 فاطمه بنت رسول|لله ص 🖫 صارمالملک ( حاجی محصد قلی خبان شاطر ء ۱ ص ۲۸۰ بأشى) ئے جس ۱۹۱۳ ، ۱۹۹۳ ، ۱۹۹۳ ، معب بن جنامه بن قييرالليثي: ج١ص٥٣. ماعدين مخلد : ج 1 ص ٢١٥. صعصعہ بن حربالعوثی: ج ١ص ٩٥ ، صافیولی خلیفت روبلو : ج ۲ ص ۸۴۸. معصعه بن صوحان: ج 1 ص 🚓 🕭 صالح (میرزا۔) : ج ۱ ص ۵۴۶: ج۲میه ۱۲۷. صطوک ( برادر 🗕 ) 🚉 ۴ ص ۲۳۶. مالح بن احمد بن حنبل! ج 1ص ٢١٢. مغدرخان ( ایلچی پادشاه هندوستان) :ج۳ صدرالدين مُحمد خلاطي ( صاحب تلخيـــص صالح بن بدرالدين (طک 🕳 ) لوالوا (فرمان ص ۹۳۲ ۰ فرمای ) موصل ) : ج ۲ ص ۵۷۹. الجامع ): ج 1ص ۲۵۸، صفرعلي آفا قاجار قوائلو ' ۾ 7س ١١٥٧ . مدرالدین محمد شیرازی :ج۲ص۹۲۶. صافح بن بشرقاری: ج ۱ ص ۱۶۰ م مفرعلی ہیک ( تایبالجکسہ تجریش) :ج۱ صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفیانی: ج۲ مالح خان افشار ' ج 7 ص 1197 . ص ۵۵۳۰

صدرالدين محمد بن عبداللطيف بن محميد

مفرعلیخان: ج 7 ص ۱۲۷۵ .

ص ۲۲۸۰

مفرعلیخان بنایری : ج ۳ ص ۱۳۳۲ . صفرعلیخان سرتیپ : ج ۲ص ۱۸۳۲ . مفرعلیخان (سرتیپبهارلو) : ج ۲صه ۵۱. ج آھي 1777ء ج مفرعلیخان (سرکردهٔ جماعت قراچورلوی) : - TIIY .TO 91 - TIIT. صفرعلیخانیاور (موزیکانچی) 'ج۱ص۲۱۲' ج ۲ ص ۱۲۲۶ : ج۲ ص ۸۱-۲۰ مقوان بن امیه بن خلفالجمحی آج ۲۳٬۰۲۱، مقوان بن البيضاد : ج 1 ص 64 ، صفوان بنالمعطارالسلمى: ج١ص٣٤، ٢٩ ٩٤٠٨٠ مغوت پاشا : ج ۳ ص ۱۹۲۲ ، صفی (شاهزادهـــ) : ج۲ ص ۸۸۰۰ مغی(شاہ ہے ) ۔۔۔۔۔ شاہ صفی صفیخان: ج۲ ص ۱۲۴۵ ، صفیخان بغایری: چ۲ص۱۱۱۳۰۱۱۱۲۰ صفیخان (ولد دوالفقارخان) :ج۲۰٬۹۶۷ . صفیخانمدانلو (سرکروہ) : ج ۱ ص۵۲۰ ج ۳ ص دوه و د مغینیرزا۔) دروغی: ج۲ ص ۱۱۲۱ ۰ مغیالدین سراباء حلی: ج ۲ ص ۶۳۶، مغی ظیخان: ج ۲ص۱۹۱۸،۱۰۱۰ ۱۰۵۶ صفیقلیخان ترکمن ! ج ۲ ص ۱۰۲۶ . مغیقلیخان ( حاکم بعداد )، ج۲۳۵۰۲۰ صفی ظیمًان بن رستمِحَان : ج ۲جر۹ ۹۶ . مفیظیخان سردار : ج ۲۳ ۹۲۶ ۰ مفیظیخان ( سردار شاعطهعاسب) 🖢 ج ۲ صفیمیرزا (شاهزاده دروغی) :ج ۲۰۵۶ ۱۰ ۱۰ صفی بیرزا (پسر شاہ سلطان حسین) : ج۲ ص ۱۰۲۴ ، ۱۰۲۴ ۰ صفیمیرزا ( یا شاہ سلیمان دوم)؛ ج ۲ ص صفی میرزا 🕳 شاهمفی (پسر شاهعیاس دوم ) 🗓 ج ۲ ص ۱۹۲۱ ، ۱۹۷۱ ، ۱۹۷۳ تــا ۹۷۸: ج ۳ص ۱۳۶۹٠ مغییار بیک افشار : ج ۲ ص ۱۱۲۱ ۰

صفییار خان کردیچہ 🗧 ۳ ص ۱۴۸۳ ۰

مختار): ج 1 ص 140

صفیه بنت ابی عبیددبن،سمود ثقفی(خواهر

مقید ( دختر حیی بن اخطب) : ج1 ص179

.46 صفيد ( بنت عبدالمطب (عمه حضرترسول س):ج ۱ ص ۲۹۰ ملاح اربلی ( فاضلو شاعر و امیر) : ج ۱ ص ملاحالدین زرگوب رومی ( شیخ -- ) ۰ ج ۲ ص ۱۹۹۰ ملاحالدين محمد (مورخ): ج ٢٦ ٢٠٢٠. صلاحالدينيوسفين ايوبين شاذى (سلطان ملاجالدین ایوبی ) : ج 1 ص ۲۹۵ تــا . 474 . 474 . 474 . 474. ملانی (والی ری ) تج ۱ ص ۲۰۹۰، صداقا ( از سواره مهاجر) : ۱۲۰۸۲،۸۲۰ معمامخانسرتيپ: ج ٣ ص ١٦٩٩٠ مبمام الدولة: ج ٣ ص ٢٠٧٤ -مبصام الدولة ..... آقاخان، مبمامالدوله ـــــ أبوكاليجار مرزبأنين عضدالدولته دیلمی: ج ۱ ص ۲۸۰ تــا \*\*\*\*\*\*\*\*\*\* مممام البلک علینقیخان (سرتیپ اول ) : ع ا ص ٥١٢: ج ٢ ص ١٣٢٩: ج ٢ ص · TITT • T115 • TOAT • 1517 مبده ، مالک بن سعد بن صدی بسن سزاره محابي (حسد) ع ( ص ۵۱، مندل (خواجه – ) ، ج ۱ ص ۲۶۶ ، منعان (قا أنج ٢ ص ١٤٥٠) منع الله بيك : ج ٢ ص ٩٢٥ ، ٩٢٨ . منيع الدوله (محمدحسنخان اعتماد السلطنه ، وزير انطباعات و مترجم مخصوص ) ᠄ ع 1 ص 174 - 440 ع ۲ ص ۱۸۱۲ ·

·1194 · 1197 · 1191 · 1147 · 1145 A.711 .171. 7771. YATI: 3 T صع ۱۳۱۷، ۱۹۱۵، ۲۰۲۱، ۲۰۲۵، ۲۰۲۵ \*\* 1 - 7 - 7 - 57 - 7 - 64 - 7 - 75 - 7 - 7 1 صوفى|سلام (ازصوفيه بخاراً ) : ج٢ ص١٢٨٦٠ صوفی ( خواهر ایوان ، پطر ) اُج ۲ ص ۱۹۹۰ صوفی سلطانخان ۔ ج ۲ ص ۶۲۹، مونیانخان، ج ۲ ص ۲۹۳۰ صوفیان خلیفه روملو ! ج ۲ ص ۲۸۸۰ ۲۸۹۰ صهبا (شاعرقمی): ج ۲ ص ۱۱۸۰۰

صهیب بن سنان: چ ۱ ص ۶۹،۶۹۰ مید توپنی: چ ۳ ص ۱۷۵۷ ، ۱۸۰۳ ، میدسعدخان (امام مسقط ) : ج ۲۳،۹۲۳ م صید محمدخان جلایر کلاتی: ج ۲۹۵۶/۱۵۵ ·1907 • 1900 • 109A مید معددفان ( از جماعت،عتایتآبادی): ع 1 ص 110: ع۲ص ۸۹۰۲. ميد محدخان ظهيرالدولد ( حاكم هرات ) : . 1404 - 1405 - 1444 - 1445 - 1441 · 1747 · 1741 · 1754 · 1457 · 1744 میدمرادخانزند ( سردار علیمردانخان): ج ۲ ص ۱۲۲۱ ، ۱۳۹۰ ، ۵۰۱۴ . میلان چهارم ( فرمانغرمای ایالت سربی ) : ع ١ ص ۵۶۳. شحاک ( مفسر ) کج ۱ ص ۱۰۸ ۰ ضماک بن جندل ( رئیس وادی تیم): ج۱ شحاک بن سفیان ( پدر فاطعهٔ کلابیه زوجهٔ پیامبر (س)) : ج ۱ ص ۲۸۰

ضحاک بن عثمان بن عبداللہ: ج 149،01 -ضماک بن قیس ( از ابیران معاویه در مغین و والی کوفه) : ج ۱ص ۶۵۰ ۶۶۰ ۶۹۰ · X4 · Y1 ضحاک بن قیس شیبانی ( خارجی) : ج 1ص · 174 · 17Y شرار بن الخطاب: ج 1 ص 14 -شرغام ( وزیرالعاضدعلوی ) : ج ۱ ص ۲۹۳ ،

شياءالدولد، انوشيروان،برزا : ج٢ صه ١٢٢٠

۳۲۱: ۳ ۳ مه۱۱۰ ۱۲۲۷ ضيا الدينساوجي( قاضي 🗕 ) - ج آهيد ۴ -شیا•الدین(میرزاء) ماحبمندب: ج ۲ ص

ضيا • الدين على بن سليم بن ربيعه للإذرعي الشافعي: ج ۲ ص ۶۲۶۰ ضیا الدین محمد کاشانی ( عارف شاعر ) 🗄 ج ۲ ص ۱۹۹۰ خیا الدین ( سید ...) مرعشی: ج ۲ ص ۲ ۲۵۰

خیا<sup>ه</sup>الدین نصرالله بن محمد بن اثیر جزری (صاحبكتاب مثل السائر) :ج ١٣٥٣ -.

فيا السلطنه ( دختر فتحطيشاه) : ج ج س - ነፉፕፕ

فيا السلطنة ( دختر نامرالدين شاه) أج إ

فيا البلک (منتوفی ): ج 1 ص ۵۲۸ ؛ ج ۲ ص ۱۲۵۳ : ن ۲ ص ۹۹ ه ۲ .

ضیا<sup>ہ</sup> الملک ،میرزا زکی ( سرتیپ دویم ) ۲<del>۰</del> ٠١٩٢٥ ، ١٩١٧ ٠٠

ضياً • الطك (حاجىعلىخان حاجب الدوله ) : 3 1 to 276: 3 7 to 7721.6721. \*}&f4 • }&f\* • }&f\* • \$&f\* • \$&ff . 1977 - 1971

ضيفه خواتون ( دختر ملک عادل): ج ۹ ص A79, P79, 699, P79.

طاران ( برادر اخرید شایکش) : ج۱ص۲۰۲۰ طااوکوانگ: ج 7 ص 1719 . طارق ( والی مدینه) : ج ۱ ص ۹۱ ،

طارق بن زیاد (غلام موسی بن نصیر) :ج1

ص ۹۹ ، ۱۰۱ ، ۲۰۱ ، ۲۲۳. طاشتکین ( امیر حاج عراق) : ج 1 ص ۴۰۲.

ظاطاوسخان مسيحى 🗦 ج ١ ص ٥٦٧ - ٥٥٨ -ع ٢ ص ١٢٥٢ . ج ٢ ص ١٩٤١ .

طالب آملی ( شاعر) : ج ۲ ص۹۹۹ ، ۹۲۱ ، طالب اصفهانی: ج ۲ ص ۹۱۸ ۰

طالب جاجرمی ( ملا ــ ) : ج ۲ ص ۲۰۲. طالبخان (حاكم يندرعياس) "ج ٢ ص198، طالبخان ( وزیر شاہ عباس) : ج ۲ص۱۹۰۹ -

طامسن صاحب! ج ۳ ص ۱۷۴۹ .

طاوس بن کیسان: ج ۱ ص ۱۱۱ .

ظاهر بن أحبد بن بایشاذ ( نحوی مصری) : .TTY . 1 E

طاهر بن حسين، طاهر ذواليمينين، ج 1 ص . 140 - 149 - 144 - 147 - 141

طاهر خان ( ميرزا ــ) رئيس اداره؛ تلگرافيه بروجرد : ج 1 ص ۵۵۰،

طاهرخان (میرزا ۔) سرهنگ : چ۲ ص۲ ۱۲ ۲.

طاهر خان ( والی خوانزم ): ج ۲ ص۱۹۳۶. طاهر خان ﴿ تواده وليمحمدخانچنگيزي ﴾ :

ج ۲ ص ۱۱۲۵ -

طاهرخان ( یاور دویم ) : ج ۱ ص ۵۱۱ ۰ طاهر خوشنویس ( میرزا۔) ج ۳ص ۲۱۳۹، طاهر (میرزا ــ ) سررشتمدار کاشانی: ج7ص · 1404

طاهر ( ميرزا ــ ) سررشتهدار دفتر لشكر :ج١ ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۲۰۲۰.

طاهر ( میرزا ــ ) سرهنگ ( از اعضایوزارت معادن) : ج ۳ ص ۲۱۳۶.

طاهر بن سعد مزدغانی ( وزیر تــاچالطــوک توری): ج ۱ ص ۳۷۰.

طاهر بن عبدالله بن ظاهر ذواليمينين: ج١ . Yac . 195 . 190 P

طاهر قزوینی ( میرزا ... ) متخلص به وحید ؛ ء 1 ص ۱۹۴۲ ۱۱ ۱۱ ۱۰ ۱

طاهر ( میرزا ــ) کاتب ( از اجزای مجلـــس تالیف نامهٔ دانشوران) : ج ۱م۵۵۵! ج ٢ ص ١٢٩٣ .

طاهرکاشی،ستوفی (میرزا۔ ) : ج ؛ ص۲۸۸؛ . T = 99 P T E

طاهر (میرزاس) مامورعربستان : ج۲ص۲۲۲ ،

طاهر ( پسر معوضه) ؛ ج۲ص ۲۶۴.

طاهر ( حاجی میرزا ــ ) نایب و منشیاسترــ آباد : ج ۱ ص ۵۳۶۰

الطايعللة عباسيء أبوبكرعبدالكريمين مفضل

المطيعللة (خليفة عباسي)، ج 1 ص 447° 641° 441° 641°

طباطباً ، ابراهیم بن اسماعیل : ج1ص209.

طبالباشي: ج ۲ ص ۱۲۳۱ .

طيراني ..... ايوالقاسم سليمان بن ايوب طبرانی ،

طبرسی (شیخ ۔ ) تے ۳س ۱۶۹۵ ،

طیری ، ابیجعفر محمدین جریر : (ماحــب

تاریخ و تفسیر) : ج ۱ ص ۲۳۲، ۲۳۷. طبیب (شاعر اصفهانی): ج ۲ص۱۱۵۳. طرغای ( حاکم طرابلس) : ج ۲ص ۶۳۳ .

طرماح : ج 1 ص ۶۹.

طرنطای منصوری 🕽 ج ۲ ص ہ ۶۹ .

طره بازخان ( فرستاده ٔ شامزمانافقان ) .ج۳ ء ١٢٥٢ ٠

طریف بن خالیس ( از امیران سپاه متاویددر صفین): ج ۱ ص ۶۵،

طريف السبكري: ج 1 ص ٢٤٥ تــــا ٢٤٨ ، طریف ( مولی بنی نبه ) : ج 1ص ۱۱۳.

طريف اليربوعي ( مامورنظمخراسان از جانب على (ع)): ج 1 ص 97.

طفاتیمور خان مغول : ج ۲س ۶۲۹ ، ۶۲۸ ، . 644 . 644 . 644 . 644 . 644

طفانخان ،ابونصراحمد بنعلى خان (سلطان ترکستان): چاص ۲۸۷، ۲۹۵، ۲۹۸،

طفان شاہ بن ایبہالمو'ید : ج ز ص ۴۰۰. طفتکین (شوهر مادر دفاق پسر تنشیلا ) :

3 1 C ATT. PTT. TOT. طفتكين بن أيوب (سيفالاسلام ، برادرصلاح الدين ): ج ١ ص ١ ٠٤٠٥، ٥٠٤ و ٢٠٠

طفتکین اثابک؛ پسر دفاق بن تنش (حکمران دشق) : چ اص ۲۵۲ ، ۲۵۶ ، ۲۶۲ ، ۲۶۲ .TAY .TF9 5TFY

طفجاق ( بادشاه ماوراء النهر ) : ج3ص٦ ٣٣٠. طفع بن جف: ج 1 ص د77 تا 774.

طغرائي ، موايد . . . .

طغرل (حاجب مودود و عبدالرشیدغزنوی ) : ج ا حي ٣٢١٠

طغرل بنارسلان بن طغرل بنمحمد بنملكشاه سلجوقی: ج ۱ ص ۲۵۴،۸۵۴،۹۵۴ ، . FIF . FIT . FII

طفرلبیکین قاورد بیک ( ملک \_ ) (پادشاه کرمان): ج ۱ ص ۲۹۸: ج ۲ص۲۴۲. طفرل بیک بن میکائیل بن سلجوق: ج ۱ س

~ 717 d 777. 677 d 777. 777.

طغرل خان ( صاحب دشت قبچاق) : ج ۲ ص

طغرل ( پسر سلطان محمد بن ملکشاہ ): ج ۱ ص ۲۲۲ ، ۳۲۲ .

طغرل، شهاب الدين (خادم، انايک): ج١ ٠ ١٣٢ ، ١٢٢ ، ١٨١.

طفرل بن قليج ارسلان شاه : ج 1 ص ۴۱۷ . 

طفيل بن حارث بنءبدالمطب: ج1 س٧٥،

طلایع بن رزیک، ملک صالح ﴿ وزیرِ الفایسـز

خلیفت علوی مصر ) : ج ۱ ص ۲۸۷ ، طلحه (طلیعه)بن حویلداسدی ؛ ج ۱ ۱۳۲۰ طّحمينطاهر ذواليمينين ﴿ وَالْيُخْرَاسَانَ ﴾ : · 147 · 178 · 741 · طحمالطلحات (مامور درخجستان) : ج 1 ص طّحه بن عبيدالله ( از اصحاب ) : ج 1 ص .90 151 188 طلحه بن عبيدالله بنعوف ( حاكم مدينهاز سوی این زبیر ) : ج 1ص ۸۹ ، طلحه بنعثمان: ج 1 ص 24. طحه بن عمرالحضرمي: ج 1 ص 140 ، طحه بن يحيىبن طلحه بن عبيدالله تميمي کوفی ٔ ج ۱ ص ۱۴۲۰ طر: ج ۱ ص ۴۶۶. طلعه (مستر ـــ ) معلم زبان انگلیسی: ج ( طمسون ماحب : ج ۲ ص ۱۹۴۳. طنبقا حاجب صالحي: ج ٢ ص ٥٣١. طنطاش ( برادر کربوغا ) : ج 1ص ۳۲۹. طواف (طوائف) بن غلاق ( از خوارج ) : ج 1 ص ۸۰۰ طوطی ترشیزی ( ملا ۔۔ ) : ج ۲ ص ۷۱۱. طوفان (میرزا 🗕 ) ( شاعر مازندرانی) : ج۲ ص ۱۱۲۸ ۰ طولوزان ( دکتر 🗕 ) حکیم باشی مخصوص 🖫 چاص ۱۹۴۰۰۵۴۰۵۴۶۰۵۳۰ ۱۱ 11170 - 1974 - 190 WTE : 1745 .T1T1 .T110.T.To.T.of.197A طویقون ہیک قاجار : ج ۲ ص ۸۱۸ء ۸۱۹ ج۳ ص ۱۳۶۸ ۰

طہباسب ( شاہ ۔۔ ) : ج ۲ ص ۲۸۶۰ ۲۸۶ ، 44Y - 7FY - YFY - AFY -خاند): ۾ 7 من 1771 ، 1776ء ۾ 7

طهماييب شاه سيست شاه طهماسبء طهماسبقلی خان ( ولدامبرگولهخانقاجار) : ج ۲ ص ۹۲۰ ، ۹۲۷ .

ج 7ص ۱۲۶۸ .

طهماسب بیک ( یساول دویم ، از اجزا پست ص ۲۱۲۰۰۰

طهماسيقلي خان آذريايجاني: ج 1 ص21،

طهماسبقلی خان ایل بیگی: ج ۲ ۱۲۲۲۰۰

طهماسيظىخانجلايرنج ٢ ص١١١٢،١١٢، ·11ff ·11ff ·1114

شهماسبقلیخان ( حاکم ایروان ) : ج ۲ ص . 45E . 45E

طهماسيقليخان قاجار (أميرالامرا"): ج ٢ ص ۱۳۶۰ ۹۳۱ ۹۳۱ م۹۳۰ چ <del>۲</del>ح۱۳۶۹۰۰ طهماسبقلی خان قزیبنی: ج ۳ ص ۱۶۳۹ ، طهماسيظي خان لاريجاني: ج ٣ ص١٥٧٨٠ -طهماسبقلی خان ( نادرشاه افشار ) : ج ۲ ص

7 c: 1071 . 1074 5 1074 . 1077

طهماسبطی خان یوزباشی 🕻 ج ۳ ص ۲۱ ۲۲ ۰ طهماسبطی توینلو : ج ۲ ص ۹۳۱ .

طهماسبقلی (میرزا۔ ) نایب اول: ج ۱ ص · 1106 - T = : 077

طهماسب ميرزا ( برادرسلطان حمزه ميرزا) :

ج ۲ ص ۲۲۸۰

طهماسب ميرزا 🕳 شاء طهماسب دويم ( يسبر شامسلطان حسين) (ج؟صه ١٥١، ١٥٧٣). طهماسب میرزا (پسر شاہ عباس): ج ۲ ص

طهماسب ميرزا موايدالدوله ويسر محمدعلي مبرزاد ولنشاه) : ج ۳س ه ۱۵۵۰ ، ۱۶۰۸ ، TAPY . 1881 . 1870

طهمورت بیک : ج ۲ ص ۱ ۱۵۰۱. طهمورت خان گرجن (والی گرجستان) آج ۲ . 174 . 175 . 171 . 111 . 104 w 11111444144014564466444

طهمورث خان ( والی کاخت ) : ج۲۹٬۸۲۲ ۱۰ طهمورث میززا (پسر فتحطیشاه): ج ۳ ص

طیار ، محمدہاشا ( صدراعظم عثمانی) : ج۲

طیببیگ (برادروالیتونس ) : ج۲۰۷۰٬۰۲ ؛ ج ۲ ص ۲۵ ۲۰۰۰

طیطاش ( حاجب محمود غزنوی و حاکستم خوارزم): ج ۱ ص ۱۴۴۰

طيفان خانم ( دختر فتحطيشاه): ج طيقون ( صدراعظم ژاين ) : چ ۳ ص ۱۸۶۰ ، · 19•• · 1444 · 1445 · 1454 · 1454

الظافر بامرالله ، ابومنصور استاعيل بن الحافظ خلیفه علری): چ۱ص ۲۸۳ ، ۲۸۶ ،

ظالم بن موهوب العقيلي: ج وص ۲۷۲. الظاهر (حکمران حلب) : ج ( ص ۲۴۲، الظاهر بالله، محمد بن الناصـر ( خليفــه٬ علوی): ج ۴ ص ۸۸۲۰

الظاهر بامرالله ءابوتصرمحمدين الناصر لدين الله (خليفه عباسي): ج 1 ص١٩٣٩. ATT . TAG.

لاظاهرلاعزازدين اللمعلوى ﴿ خَلَيْفُهُ مَعْرٍ ﴾ : -T10.T0A.T0T .TTY .TTP.017. ظاهر ، غیاث الدین غازی ( ملک ، پسر صلاح الدين): ج 1 ص ٢١٢ تا ٢١٢.

ظفرشاء ( = مظفرشاء ) حکمران گجرات: ج ۲ ص ۶۶۸۰

ظلالسلطان،علىخان ( شاه ــ ) يسرفتحطى

شاه: ع حن ۱۲۲۵ ، ۱۶۱۹ ، ۱۶۲۲ ، ·1647 ·1647 ·1644 ·1644

ظارالسلطان ۽ مسعود ميرزايمين الدولت ( اين نامرالدینشاه): ج ۱ ص ۴۶۴، ۲۷۳، 7AT: -- 4: T-4: TIA: A66: 37 · 1141 · 1147 · 1147 · 1147 • +}T=4+}Ya]+}Yoo+}}\$9F+}114+ 4171 + 1771 is To 7101 + 1714 . · 1975 · 1977 · 1916 · 1867 1177 · 1404 · 1406 · 1477 · Yest · 1986 · 1997 · 1949 < T+T1 . T+11 . T++A . T++A 67-71 . Y-75 6 T-77 . Y-77 . Tota . Tota . ToT4 . ToT9 · T+91 · T+61 · T+TY · T+F \* T117 \* Y1+0 \* Y+FF \* Y+FT

ظيم (غلام عبدالله بنسعد بنابيسرج: ج 1 ص 11.

\*\*\*\*\* \*\*\*\*\*\*\*\* \*\*\*\*\*

ظهيرالدوله: ج ۲۰۰۲/۱۹۶۲ ، ۱۹۶۲ ، ۱۹۶۲ ،

ظهيرالدوله ..... ابرأهيمخان ( بسوادر نادرشاء افشار )

ظهيرالدولد، ابراهيمخان فاجارقوانلو (حاكم کرمان): چ ۳ ص۱۶۲۵ ، ۱۶۲۶

عاص بنوائل: ج 1 ص ٢٢٠ ظهيرالدوله ، بومنصور فرامرز ( پسرعلا الدولند عاصم بن ابي النجود (صاحب القراآت): ابنکاکویه ): ج ۱ ص ۳۱۵. ج ۱ ص ۱۲۸٠ ظهیرالدوله ( ایشیکهٔ قاسیباشی ) محمدناصر عاصم باشا: ج 1 ص ۴۸۹؛ ج ۲۰۱۵۰۲۰ ځان (وزير عدليه): ج ۳ ص ۱۸۴۳ ، عاصم بن عبدالله بن يزيد هلالى (والس ۹۲۸۱ ، ۱۸۹۲ ت ۵۸۸۱ ، ۱۸۹۷ ، خراسان): ج ۱ ص ۱۱۶۰ ۱۱۷۰ . T115 +194V +1910 عاصم بن عمر بن خطاب: ج 1ص ۸۹، ظهیرا لدوله ، بهستونین وشبگیر : ج۱ ۲۷۷۳ ، عاصم بن عمرو: ج 1 ص ۴۴، ۵۲، ظهیرالدوله ، محمدقاسمخان قوانلو ! ج ۳ص -10-0 عاصم بن عمير : چ 1 ص ١٣١٠ ظهیرالدینابراهیمبنسکمان ( سقمان، حاکم عاصمين محمد بن حسن البغدادي (شاعر)! خلاط ): ج اص۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۱. ج ا ص ۲۴۳۰ ظهیرالدین شاهرمن : ج ۱ص ۴۱۳. العافد لدينء ابومحد عبداللسه بزامير ظهیرالدین بسن طفتکیس بن ایسوب (میف یوسف (خلیفهٔ علوی مصر): ج ۱ الاسلام، پادشاہ یمن) : ج 1ص ۲۱۶. ص ۲۹۱ تا ۳۹۹،۳۹۲،۳۹۴. ظهیرالدین کرابی ( ازسریداران) : ج ۲ س عاقب (رئیس نطرای نجران): ج ۱ ص ظهیرالدین محمد بابر: ۱۹۷۹ هم۱۹۷۹ عاقل بن بکير: ج ١ ص ٥٩. ظهیر فاریابی، طاهربن محمد (شاعر ) : ج ۱ عالمثاء ميرزا (سرتيب دويم): ج { ص ص ۴۲۱. ٧٠٥٠ ع ص ١٢٢٠ ٢٢١٠ ع ٢ ظهیرالملک ( سرتیب دویم ): ج ۱ ص۱۶۵: ص ۶۴ه ۲۰۲۱ ۲۰۲۹ . چ کس ۱۲۴۱ :چ ۳ ص ۸۵،۵۰۰ عالمگير (از بني اعبام احمد شاههندي): - 1345 W T E عالی (تاعر شیرازی): ج ۲ ص ۲۵۸: ج عابد بن زبير بن بهبره! ج (ص ۶۵. ٣ ص ١٩٣٦ ---عالي بيک شاملو: ج ۲ ص ۹۲۸. عاتکه، بنت زید : ج ۱ ص ۲۶. عالى باثا (وزير أمور خارجه، مدر اعظم عاتکه (دختر قرظه، زوجه معاویه بن ایسی عثمانی): ج ۳ ص ۱۸۳۲،۱۷۹۰ ، سفیان): ج ۱ ص ۵۸. عادل آقا ( والی سلطانیسه): ج ۲ ص · 1971 - 1917 - 1490 - 1464 . FAT . FAT · 1984 عاليه سلطانخانم (دختر فتحعليشاه): ج عادل بنسیار (وزیر الظافر علوی): ج ۱ ٣ ص ١٤٢۶ . ص ۲۸۳ و ۲۸۳. عامر بن اسمعیل المطمی: ج ۱ ص ۱۴٪. عادلشاہ: ج ۳ ص ۱۶۲۰، عادلشاه رکنی (والی بیجاپور): ج ۲ ص عامرينسعدين ابي وقاص: ج ۽ ص ۽ ۽ ۽ عامر بن ضبارہ: ج 1 ص 140 ، .991 5 484 .991 .990 عادلثاه (برادر غریب شاه): ج ۲ ص عامرین طاهر: چ ۲ می ۲۶۳. عامر بن عبدالله بن زبير : ج ١ ص١٣١٠. عادلشاه (برادر زادهٔ نادرشاه): ج ۲ ص عامر بن عبدالله رواحی یمنی ( از دعاد . 1705 . 1704 b 1707 خلفای فاطبی): ج ۱ ص ۳۲۸، عادل گرایخان؛ ج ۲ ص ۱۱۱۳. عامر بن غیلان الثقفی: ج ۱ ص ۴۸.

. 202

عارف بیگ (مترجم ترکی): چ۲۳۸،۳۲۳.

عارفوانا (حاجب بار): ج ۳ س ۱۶۷۹. عارفی باتا : ج ۲ ص ۲۰۵۱، ۲۰۵۱.

عاشور خان چکنی: ج۲ س ۹۲۳.

سپاہ علی (ع) در مغیسیٰ) : ج ۱ س ۶۴، ۱۰۷، عايشه (دختر ابوبكر): ج ١ ص ٢٥،٢١، مع، وه، ده، مد: ج س س ۱۳۶۱، عایشه (دختر سعد بن ابی وقاص): ج ۱ ح ۱۱۲ ه عايشه (دفتر طحه و زوجه مصعب بسن زبير): ج 1 ص ٦٨. عباد (پدر طحب بن عباد ، وزیر رکسن الدوله): ج ۱ ص ۲۸۸. عبادالله خان شقاقی (یاور دویم): ج ۳ عباده بن طبت الإنطاري: ج ۱ ص ۲۲، عباده المخنث: ج 1 ص ۱۹۳، عباس (حضرت ــ ) (ع):ج ٣ ص1571، . 1918 عباس (شاہ \_ ) اول شاہ عباس اول. عباس (شاہ \_ ) ٹائی، \_\_ شاہ عبساس ثانی (دویم). عباس(ميرزا \_ ): ج7ص ١٢۶٨، ١٢٧٣. عباس آقا ربسر بهاء الدين آقا) ياور: ج ۳ ص ۲۰۷۵، عباس آقا (پسر غفار خان) . از سسواره مهاجر: چ ۲ ص ۲۸۰۲، عباس آقاء قونسول سلیمانیہ ؛ ج 1 می عباس بن ابوالفتوح صنهاجي (وزيرالظافر علوی): ج ۱ ص ۲۸۶، ۲۸۷. عباس بن احمد بن طولون! ج 1 ص711. عباس بن احنف (شاعر): ج بس 154. عباس بسطائی (شیخ ــ ) معدنجی: ج ۱ س ۱۵۵۱ عباس بیگ (کارپرداز کرکوک): ج ۳ می ص ۱۲۹۰۶ عباس پاشا (والی مصر): ج ۳ ص ۲۰۹۳، · 1740 · 1750 عباس (حاجی \_ ) تاجر فزوینی: ج ٣ م ۲۱۲۶. عباس ثانی (شاہ ۔ ) دویم: شاہ عباس عباس بن جعفر بن محمد بن اشعث (حاكم

خراسان): ج ۱ ص ۱۵۸ تا ۱۶۰۰

عباس خان ( میرزا ... ): ج ۱ می۹۶۷:ج

عامر بن وابله، ابوطفیل ( از امیـــران

عامرین مستود (حاکم کوفه): ج ۱ س

عامر بن نافع: ج ١ ص ١٨١٠.

۲ ص ۱۲۹۳ ٠

عباس (میرزا ـ ) خان ومشهد): ج 1 ص ۵۳۸

عباس خان دولو: ج ۳ ص ۱۳۱۳۰۱۴۱۰ عباس (میرزا ــ ) خان (رئیس مدرســـه دولتی تبریز): ج ۳ ص ۲۰۰۷.

عباس خان سرتیب: ج 1 ص ۵۰۸: ج ۳ ص ۱۷۷۳ ،

عباس خان ( میرزا ــ ) سرتیپ (رئیسس تلگرافخانه آذربایجان): چ ۳ ص ۱۹۸۲ .

عباسخان (میرزا ـ ) سرتیب مهندس:ج۱ ص ۵۳۳ ج ۲ ص ۱۱۹۶ کج ۲ ص ۱۱۵۸

عباسخان (سرکردہ بختیاری)؛ ج ۳ س ۱۵۷۵ -

عباس خان (از امرا' قاجار): ج ۳ ص ۲۰۶۴.

عباس خان قاجار(نایب نسقط ۵): ج ۱ ص ۵۴۰: ج ۲ ص ۱۲۶۸: ج ۳ ص ۱۶۳۰ ، ۱۶۳۶، ۲۱۱۸

عباس خان ( ميرزا ـ ) قوام الدوله: ج ٣ ص ١٧٨٢ · ١٨٢٢ ·

عباس ( میرزا ـ ) خان (کار پردازحاجی ترخان): ج ۳ ص۱۰۵۰

عباس (میرزا \_ ) خان (ما مور سفارت انگلیس در مشهد مقدس): ج ۳ ص

عباس خان (میرزا ــ ) معاون الملک:ج ٣ ص ١٨٩٨ -

عباسخان، ولدمعتبد العلك (بيكلر بيكي): ج 1 ص ٥٢٤،

عباس خان (میرزا ــ ) منشی اول وزارت امور خارجه: ج ۲ ص ۱۷۹۷ ۰

عباس خان (میرزا ـ ) نایبوزارتخارجه ج ۲ ص ۱۸۱۱

عباس دزفولی( حاجی میر ــ ): ج ۳ ص ۲۱۲۸

عبائی (میرزا — ) سررتتہ دار ' ج ۲ ص ۱۲۲۵ ج ۲ ص ۲۰۶۹ ،

عباس بن سلمه بن اکوع: ج ۱ ۱۱۹۰۰ عباس بن سهل بن سعد الساهدی: ج ۱ ص ۱۰۳۰

عباس نیرازی (طجی ہے): ج ۳ ص ۱۶۹۵ء

عباس صفوی (شاہ ــ ) سست شاہ عبـاس اول صفوی.

عیاس ( این عبدالطلب): چ ۱ ص ۵۵، ۱۲۵۰

عباس بن الفرج الرياشي (لغوی): ج اِص ۲۰۶۰

عباس بن فضل بن يعقوب فزاره (اســـر مقليه):ج 1 ص ۱۹۲، ۲۰۰۰

عباس ( میرزا \_ ) فهرست نـــویــــس : ج ۱ ص ۵۵۲ ج ۳ ص ۲۱۱۲ عباس ( میرزا \_ ) کاتب : ج ۳ص۱۲۹۳: ج ۳ ص ۲۱۳۸

عباس بن مامون بن هارون الرشيد(والـي جزيره و سرحدات): ج 1 ص ۱۸۲، ۱۸۴ - ۱۸۲

هباس بن محمد (برادر منصور عباسی): حاکم جزیرہ: ج ۱ ص ۱۳۵ ، ۱۳۷ ، ۱۲۲ ، ۱۲۷ ، ۱۵۵ ، ۱۵۷ ،

عباس بن موسی هادی: ج ۱ ص ۱۷۶. عباس (میرزا – ) نقاش : ج ۱ ص۵۵۵: ج ۲ ص ۱۱۹۹ - ۱۲۹۲ ج ۲ ص

عباس ( میرژا ــ ) نایب فراشخاند:ج ۳

من ۱۹۱۶: عباس بن ولید: ج ۱ من ۱۰۰ ، ۱۰۱ تا ۱۰۲، ۱۰۲.

عباس بن ھیٹم دینوری: ج 1 ص ۱۷۶. عباسملی بیک: ج 1 ص ۵۱۷؛ ج ۲ ص ۱۲۲۲؛ ج ۳ ص ۲۰۸۶.

عباسطی بیک (پسر جعفر قلبی بیک)یاور: ج ۱ ص ۵۱۰ ٔ ج ۳ ص ۲۰۷۵، عباسطی بیک نسکنده قاسطیان سادس

عباحلی بیک (سرکردہ قراسواران ج ۱ص ۵۱۷-

عباسطی بیگ (مدیر گعرک طہران): ج ۳ ص ۲۱۱۲۰

عباسلی بیک (یاور ): ج ۲ ص ۱۳۳۱ عباس علی خان ( از امرا\*): ج ۲ ص ۱۲۵۱

عباسلی خان (میرزا ـ ) پیشخــــدمت باشی:ج ۱ ص ۴۸۰ ج ۳ ص۱۲۰۱۰ عباسلی ( میرزا ـ ) خان (رئیس/طوت):

ج ۲ ص ۱۲۵۲ . عباسطی خان سرتیپ: ج ۳ص ۲۰۸۵ . عباسطی خان (میرزا — ) سرتیپ (رئیس خلوت): ج ۳ ص ۲۰۹۷ . عباسطی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۱۵۶۶ ج ۲ ص ۱۲۲۱ .

عباسطی خان سرهنگ (رئیس تلگرافخانسه

کرمان) : ج ۳ ص ۲۱۲۲ عباس علی خان (بیرزا – ) سرهنسگ و پیشفدیت باشی: ج ۱ ص ۵۲۷، عباسطیخان (پسر کلیطی): ج ۱ص ۲۲۲، عباسطی (حاجیمیرزا – ): ج ۲ص ۱۲۲۲، عباسطی (حاجی میرزا – ): ج ۳ ص ۱۲۶۸، عباسطی (خاجی میرزا – ) ( از اجزای مجاسطی دارالشورای دولتی) : ج ۳ ص

عباسقلی آقا (ولد بها الدین آقا)یاور: ج ۱ ص ۵۱۰ ج ۲ ص ۱۳۳۱ عباسقلی بیک: ج ۲ ص ۱۰۵۹ م ۱۰۵۵ عباسقلی بیک (نایب ایشیک آقاسیباشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶

-T+FF .T+TA

عباسطی بیک (یاور): ج ۱ ص ۵۱۰ عباسطی خان: ج ۱ ص ۵۱۹: ج ۲ ص ۱۱۶۵: ج ۲ ص ۱۵۹۲

عباس ظیخان: ج 1 ص ۵۲۵. عباس فلی خان (ولد ابراهیم خان):ج ۳ ص ۱۵۶۷،

عباسقلی خان بن ابراهیم **حانیادگریتای:** ج ۳ ص ۱۶۹۹ -

عباسقلی خان (جماعت اشرفی):ج ۳ ص ۲۰۹۳ -

عباس قلیخان (ولد امیر گونه خان) \* ج۲ ص ۹۶۸ -

عیاسقلیخان امین الوزارہ (رٹیس استسای تذکرہ آئرہایجان): ج ۱ ص۵۳۵ ، ۵۵۷

عباس ظیمان اوسمی: ج ۲ ص ۹۵۶، عباسطلی خان بادکوہای: ج ۳ ص ۱۷۱۵، عباسطلی خان بظیری: ج ۲ ص ۱۱۵۴، عباسطلی خان (پسر بیگلرخان بڑچلو): ج ۲ ص ۱۷۳۳،

عباسقلی خان بیگلر بیگی دره جزی: ج۲ ص ۱۷۲۷ ،

عباسقلی خان (بیگر بیکی شهد): ج ۲ 31 m 176 370 1971. عبأسظیخان سرهنگ ( پسر میرزا علیاکبر - 177F o عباسقلی خان، پسر بیگر بیگی (ازاعیان خان): ج ۲ ص ۲۰۸۰. عیاسظیخان ( سرهنگ مهندس از اعضای طھوان) : ج ۳ ص ۲۰۹۶. عباسقلی خان پسیان: ج ۳ س ۱۲۷۳ ، وزارت معادن): ج۲س ۲۱۳۶. عباسظیخان ( ولد سلیمان خان) : ج 1 ص · 1747 عباسقلیخان پشتکوهی (سرتیب سیم): ج 1 ص ۱۰۵ : چ ۲ ص ۱۲۲۸ : چ ۲ عباسطيخان ( پسر شهبازخان دنبلي) :ج١ · ۲۰ ۲۲ . عباسطیخان جوانثیر : ج ۳ ص ۱۶۳۳ ، عباسقلیخان ( ولد بیرزا علی|کبر خان ) : . 1697 · 1660 · 1606 · 1677 ج ۱ ص ۹ ه ۵ · 1441 · 1410 · 1401 عباسقلی خان ( حاجی ــ ) قاجار ( حکمران عباسقیخان (حاکم): ج 7 ص ۲۱۲۷. کاشان): چهم ۲۱۰۰ ۲۱۴۶. عباسقلیخان (حاکمشاهرود ) نج مص۱۲۸۳. عباسقیخان کرمانی: ج ۳ ص ۱۵۹۲ عباسطیخان ( حاکمکرمان) :ج۲س۱۵۹۲. عباسقیخان گرجی (یوزباشی): ج ۲ س عباسقليخان ( رئيسمطله عودلاجان ) :ج { ۱۲۶۷ : چ ۳ ص ۲۱۱۷ . ح ۵۲۶ ع کس ۱۲۵۲ :ع کس ۹۶ ۵۲۶ عباسقلیخان گروسی : ج ۲ ص ۱۷۹۵. عباسکیخان ( از جماعت سبزواری) : ج ۳ عباسظی خان (مامور خمسه) : ج ۱ ص۵۵۳. ص الماه ۲۰ عباسظیخان (مترجم):چچی،۲۰۷۶، عباسظیخان ( سرتیب ) : چېس ۱۷۲۶. عباسظیخان بن محمدحسن خان قساجار : عباسطیخان ( سرتیپ) : چ۳ من ۲۰۹۷ . ع ٢ ص ١٢۶٢ في ٣ ص ١٢۶٢٠ · عباسقلىخان سرتيپ (پسرصممام الملك): عباسقلیخان بشرف: ج اس ۵۴۷. ع ۲۳ و ۲۱۱۹. عباسطیخان معتبدالدولی: ج جی۲۸۳۲. عباسظیخانسرتیپ (مترجم ) نج 1ص10: عباسقلیخان (میرزا ۔) منشی اول وزارت ج ۲ ص ۱۱۹۴ ، ۱۲۵۳ : ع۲ص ۲۰۲۱ خارجه: ٣٢٥٠ ٢١٥٢، . . . . . . عباس البخان (میرزات) منشی مخصوص و عباسظىخانسرتىپ (نايبكلادارە يليس): مدير انتظامات دفتريه) .ج١ص١ ٥٣٠ عاص ۵۲۶ تع ۲ ص ۱۲۵۱ تع ۲ ص عباسقلیخان مهندس: چ ۲۷۷۷٫۰۰۰. . 1099 عباسقلیخان میرینجه: ج بر ص ۱۷۰۶ ، عماسطیخان (سرتیپنوری) : چ۲س۱۹۲۲. - 17AT - 17T1 عباسقلیخان (سردار لاریجانی): ج ۲ص عباسقلیخان ( نایب آجودانیاشی) :ج ۳ · 1444 · 1414 · 1406 ص ۱۲۳۰: چ کس ۲۰۲۵، عباسطیخان ( سرکردهٔ دستهٔ سوارهٔ افشار عباسظیخان ( نایبایشیک آقاسیباشی): صاین ظعه): ج ۱ ص ۵۱۷ ؛ ج ۲ص 3 7 W 9117. ١٢٢٢ : ج ٢ ص ١٨٢٤ . عباسقلیخان هراتی ( سرتیپ سیم):ج۳ مباسطلىخان (سركرده جماعت افشارخمسم): · ToYY 00 - 1946 or T & عباسظیخان هشترودی: ج۳ص ۱۷۵۵. عباسطیخان سرهنگ: چ ۱ ص ۱۵۵: چ ۲ عباسظیخان بیزباشی: ج ۱ص۲۹،۲۷۱، عباسظی (حاجیس) فونسول حله: ج1 ص س ۱۲۴۵ ، ۱۲۴۰ : ۳ س۲۸۸۳ .

عباسظیخان ( حاجی ــ )سرهنگ: ج 1 ص

عباسقیخان ،سرهنگ(رئیس) :ج۱ص۵۴۸۰.

عباسظیخان سرهنگ (پسرممصام الملک):

عباسظی (میرزا۔ ) ناظر: ج اس ۵۴۷) . 17 % · 171. عباسظی (میرزا ۔ ) نایب فراشخاند: ج۳ ص ۲۱۱۲۰ عباسطيني سلطسان (مسامور تحويلسنداري توپخاندهایسرحدات ) :ج۲ ص۲۲۴ ! . 7 ° 4 ° 7 ° 7 ° 7 عباسقلی میرزا (حاجی \_ ) ج7ص ۱۲۲۰ ؛ ج ۲ ص ۲۰۶۲. عباسطی میرزا (پیشخدمت خاصد): ج وس ۸۵۵۰ ج ۲ ص ۱۲۱۲۹. عباسقلىمبرزا (پيشخدستورئيسعمل. . . ): ج ۳ ص ۲۱۴۰ ، عباسقلی مبرزا ( پسر فتحطیشاه): ج ۳ ص عباس ميرزا (يسر اعتفادالدوله) : ج 1 ص ۵۲۵ : ج ۲ ص ۱۲۵۰ : چ ۲ ص ۹۶ ، ۲۰ عباسميرزا بسطامي ( ياوردويم): ج ١ ص ١١٥٠ ج ٢ ص ١٢٢٣ : ج ٢ ص ٢٠٧٧. عباس میرزا (پسر رضائلی میرزا ): ج ۲ ص عباس ميرزا ( پسر شاه طهماسب دويم ) يُج٢ ٠١١١۶ ص عباسميرزا (شامتباسدوم) : ج 7 ص ١٠٣١، عباس میرزا (پسر محمدشاهقاجار): چ ۳ س عباس میرزا ، ملکآرا ( برادر ناصرالدیسن شاه): ج 1 ص ۴۸۴، ۵۰۱: ج ۲ س 1111 - TOTO : 1975 . 1875 - 1719 . T1 TA . Y. FT عباس میرزا ( برادر نادر میرزا ابن شاهرغبن رضاقلی) : ج ۲ ص ۱۴۶۱ ، عباس مبرزا ( نايبالاياله حكومت قم) :ج٦ س ١٣٠٠ : ج ٢ ص ٢١٢٥. عباس میرزا نایب السلطنه ولیعهد : ج ر ص ۲۹۹ : چ ۲ ص ۲۵-۱۰ ۱۲۱۷ : چ۳ص 1110A . 140T . 170A . 1771 . 1407 . 1449 . 1447 . 1445 \*1757 \* 1751 \* 170A \* 1707 · 1771 · 1754 · 1754 · 1750 1141 . 1444 pitto . 1444 . . 1491 · 14AA 6 14A6 · 14A7

عباسقلی (میرزا ــ ) مترجم :ج۱ص۵۵۲۰

عباسطی (میرزات ) منشی مخصوص (پسر

لسانالملک): ج جس ۱۹۱۷.

. 1105 or T & : 4TF

. 1794 . 1797 . 1790 6 1797 · 1014 · 1014 · 100 · 610 • 7 · 10 • 0 · 1001 · 1074 · 1074 · 1079 · 1050 · 1005 · 1007 · 1007 · 1040 · 1447 6 1054 · 1057 . 10AT . 10AT . 10A1 6 10YY . 1510 5 1500 : 150T : 1500 · 1544 · 1547 · 1547 · 1515 عباس میرزایاور (میانگاله ) : ج۲ ص ۱۲۲۵ : 37° 00° 1. عباسه ( خواهرهارون|لرشيد ) : چ1ص197 ، عبدالاحد آفا وكيل (شهيندر سأوجيلاغ): چ ۱ ص ۵۳۶: چ۲ ص ۱۳۱۳۰ عبدالله (آقاسید 🗕 ) : ج ۱ ص ۵۲۵، عبدالله (حاجی ــ ) :ج۲ ص ۱۷۹۵ . عبدالله (میرزا ۔ ): ج ۳س ۱۷۲۷ -عبدالله (مير 🗕 ) أج ۲ ص ۱۰۵۶ -عبدالله (مشهدی ــ): ج ۲ ص ۱۲۶۸، عبداللہ (آقا سید ۔ )از علما طہران : ج ۳ ص ۹۵ ه ۲۰ عبدالله آقا (ايشيكة قاسى): ج٢ص ١٠٩٢. عبدالله آقاقاجار (حاجى-) :ج٢حه ١٢٧٠ عبداللمين ابراهيم بن اغلب (والي) فريقيه ) : - TTA- TTF - 14F - 17T - ATT -عبدالله بن ميرزا ابراهيم سلطان (ميرزات): .694 .644 .64X mrs عبدالله (ميرزاـــ) ابن ميرزاأبراهيمينميرزا شاهرخ: ج ۲ ص ۲۰۱، عبداللسد بن أبسى أوفى الأسلبى ( آخريسن محابی): چ۱ ص ۹۲، ۹۸، عبدالله بن ابىبنسلول :ج١ص٢٥٠٠٠٠٠ عبدالله بن ابي العنبسي ازدي "ج١٩٥٥ - ١٦٠ عبدالله بنابي مريم . ج1 ص 114 • عبدالله بن احمد بن حنيل : ج1 ص ٢٢٢ -عبدالله بن احمد بن محمدبن مغلس ﴿ فَقِيه ظاهری): ج ۱ ص ۲۵۰۰ عيدالله بن احدالناشي ( شاعر) ﴿ ج ١ ص

عبدالله اديب ( صاحب تاريخ معجم ) : ج٢

ص ۶۵۲۰

عبدالله ازیک: ج ۲ ص ۸۷۹ ،

عبدالله بن اسحق بن ابراهیم : ج19،050 · عبدالله بن اسحاق مولیالحضرمی ، ابوبحبر ( امام نحو ولفت ) :ج1 ص ۱۲۷ ·

عبدالله أنغان: ج 7 ص 19 ، 1 ، عبدالله بناميه بن عبدالله بن خالد (حاكم

سجستان) : ج ( ص ۹۱ -عبدالله انماری ( شیخالاسلام ــ ) : ج ( ص ۳۴۳ -

عبدالله بن انیس الجهنی: ج ۱۹۰٬۲۲۰ عبدالله ( برادر بایک خرمی): ج ۱۸۶٬۰۲۰ عبدالله البجلی: ج ۱ ص ۳۱۰ میدالله البجلی: ح

عبدالله بن بدیل بن ورقا\* الخزاعی ( سسر کرده' سپاه علی(ع) در صفین) : ج ۱ ص ۵۲ ، ۶۵۰

عبدالله بن يسام (حاجب أبوالعباس سفاح) : ج 1 ص ۱۳۱۰

عبدالله بن يسرمازني؛ ج 1ص ٩٩٠ عبدالله بطال؛ ج 1 ص ١١٥٠

عبداللہ بن بلکین صنهاجی: ج 1 ص ۳۴۱۰ عبداللہ بیک گروسی ( باور دویم): ج 1 ص ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۹۳۰

عبدالله (ميرزا ــ) بادغاه ماروا النهر : ج٢ ص ٧٥٣ .

عبداللمپاشا :ج 7 ص 10 -1 11 11 11 11 11 - 11 11 م عبداللم پاشای بابان : ج۳س۱۶۲۶ ۱۶۴۷ ،

۱۶۶۲ - ۱۶۶۲ عبدالله پاشا کرجی ( والی بنداد ) : ج۳ ص

عبدالله پاشا کوپوراغلی: ج ۲ ص ۱۱۱۲ -عبدالله ثبات (میرزا۔): ج ۱ ص۵۲۹، عبدالله بن تطبه بن معیرالعذری: ج ۱ ص

عبداللہ بن جارود ،عبدویہ انباری: ج 1 ص 181

عبدالله بن جعش ج اص ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۳ ، عبدالله بن جعفر طیار : چ اص ۹۲ ، عبدالله بن حارت (والی بصره) : چ ( ۱۳۰ ، ۹۲ ، عبدالله بن حارث بن نوفل : چ ۱ ص ۹۶ ، عبدالله حارثی ( حاکم یمن) : چ ۱ ص ۹۶ ، عبدالله بن حازم ملمی : چ ۱ ص ۹۶ ، عبدالله بن حازم ملمی : چ ۱ ص ۹۶ ، ۲۲ ، ۲۲ ، ۲۲ ، ۲۲ ، ۲۲ ،

عبدالله بن حبيب : ج ١ ص ١٣٤٠ .

عبدالله بن حجاب موضلي ( والىمصر) أج [ ص 116 • عبدالله بن حذافه أج 1 ص 17 •

عبدالله حربی (شیخس) : ج ۲ص ۵۹۸. عبدالله بن حسنین حسن مجتبی(ع) : ج ۱

عبداللغينالحسناليمدانی( حاکومراغه): ج 1 ص ۲۱۷ -

س ۱۲۰ .

عبدالله ( ابن عم حسين)المدثر: ج 1 ص 777 - 778 .

عبدالله بنالحسين الكرخي ( فقيه حنفسى معتزلي) : ج 1 ص 1751

عبدالله حفرمی ( مأمور تسخیر بحره) :ج( ص ۶۸،

عبدالله بن حمدان تظبی : چ 1 ص ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۹ ،

عبدالله بن حبيدين قطبه: ج(ص ١٧١ · عبداللهينخازم ( حاكم طبرمتانوروبان):

ج 1 ص ۱۸۶ ، ۹۰ ، ۱۶۲ ، ۱۶۲ م عبدالله بن خالد بن وليد :چ۱ص۲۹۰۲۴ ، عبدالله بن خراشهالاسدی : ج۱ ص ۲۹۲ ،

عبدالله بن خراشالاسدی: ج1 ص ۱۲۲ -عبدالله بن خرداذ به ( والی طبرستان ):

ج 1 ص ۱۷۵۰

عبدالله خلیل افندی: ج ۲ص ۱۱۱۸ عبدالله (حاجیمورزا۔۔۔)خوثی: ۲۶۳میه/۱۶۲۰ عبداللمبرربیححارثی ( والی مدینه) : ج۱

ص ۱۲۲۰ عبداللہ (۱۳ ـــ ) رختداریاشی: ج ۳ ص

عبداللہ بن رواحہ : ج 1 ص ۲۸۰ عبداللہ رودآبادی : ج 1 ص ۲۷۹۰ عبداللہ 1 میرزا ہے ) روزنامعتویس : ج ۳ م

عبدالله (میرزا ــ ) روزنامتنویس: ج ۳ ص ۱۲۵۶

عبدالله بن زبیر: ج ۱ ص ۱۸۰ ۸۸۰ ۸۸۰ ۸۸۰ میدالله بن زبیر: ج ۱۹۰ ۹۲۰ ج ۲۰۲۰ ۱۹۰ عبدالله بنزید بن عبد ربه: ج ۱ص ۵۵۰ عبدالله (میرزا س) سررشندار (ج ۱۳۰۵ عبدالله (میرزا سید س) سررشندار اداره ضرابخانه: ج ۲ ص ۲۱۱۲۰

عبدالله (میرزا ...) سررتتبدار کرمان: ج۱ س۷۰۵: ج۲س ۱۲۲۶: چ۲س۲۰۰۰ عبدالله (میرزا ...) سرهنگ: چ۲س۱۹۱۵ عبدالله بن سد بنایی سرح: ج۱ ش ۵۲

وه، وو تا ۲و، هو، ۲و تا وور بيد، . 54 . 54 . 64 . 64 . 64 عبداللهين،سعيدالحرشي (حاكم طيرستان ) : ج ا ص ۱۶۶ ، ۱۲۰ ، ۱۲۰ عبدالله بن عباس بن فضلبن يعقوب فزاره عبدالله بنسعید حضرمی: ج 1 ص ۸۱، ( والي صقليه) : ج١ص ٥٥٥ . عبدالله بن سلام : ج ٦ ص ٢٢ ، ٧٤ . عبدالله بن عبدالله بن عباس، ج 1 ص ۱۶۶ ، عبدالله بن سليمان ريمي ( حاكميمن) 'ج إ عبدالله بن عبدالله بن عتبان ( سـردار ص ۱۵۲ ، ۱۵۲ ، ۱۵۲ . اسلام): ج ۱ ص ۵۰، ۵۲، عبدالله بنسوار العبدى: ج 1 ص ٧٤. عبدالله بن عبدالرحمن اموی بلنسی: ج ۱ عبدالله بن سهيل بنعمرو: ج ١٥٣٥٠. ص ۱۵۹ ، ۱۲۹ ، ۱۶۶ ، ۱۶۴ ، ۱۲۹ ، عبدالله بن السيد بن انس ازدى ﴿ والسبى عيدالله بن عبدالرحمن داراني ( طحسب مسند): ج ۱ ص ۲۰۵. موصل ): ج ۱ ص ۱۸۷، عبدالله (امام ــ ) شافعی ( صاحب تباریخ عبدالله بن عبدالعزيز (حاكم ري ) أج 1 يافعي): ج 7 ص 651. ۰ ۲×۳ ه عبدالله شبر (سید \_ ):ج۳ص۱۵۵۲، عبدالله بن عبدالعزيز بن عمر بن خطساب عبدالله بن شبرمه: چ1ص ١٤٠. ( عابد ) : ج 1 ص 160 . عبدالله بن شداد بنالهادالليثي: ج 1 ص عبدالله بن عبدالملک بن مروان ﴿ وَالَّيِّي مصر): ج اص ۹۵ تا ۹۷، ۱۹۰۰ عبدالله شوشتری (طلا 🗕 ) 🖁 ج ۲ ص ۸۸۲ ، عبدالله بن عبالواحد بن ابی حفی: ج1ص عبدالله (میرزا ــ ) شهاب (شاعرتبریزی): عبدالله بن عتبان! ج ١ ص ١٧٠. -1957 PTE عبدالله بن عتبه بن مسعود : ج1ص ٩١. عبدالله بن مالح ( حاكم جزيره ) : ج ١ ص عيدالله بنعثتان بن عقان ( دختــر زاده حفزت رسول ص) : ج 1 ص ۲۴. عبدالله بن مالح بن عبدالله (ج١٩٥٥) . عبدالله (شيخ ــ ) عرب نج ۲ ص ۱۱۷۸ . عبدالله بن مغوان ( حاكم مدينه) : ج { عبدالله بن على بن عبداللمبن عِباس{ عم سفاح ومنصور) أج أص ١٣١ نا١٣٢ ، ١٣٧ ، ص ۱۵۱ ۰ عبدالله بن طاوسین کیسان|لیمسدانی ( از · 147 · 17A عباد و فقهای اهلیمن ) : چ ۱ ص۱۳۳ . عبدالله بن عمر ( محدث ) : ج (ص ۱۵۷ . عبداللتبنطاهر ذوالينيتين ( حاكمتصر ) : عبدالله بنعبربنخطاب! ج (ص، ۸ ، ۹۰ ، ۹۰ ، ۶ اس ۱۲۸ ، ۱۸۵ تا ۱۸۲ ، ۱۸۵ ، عبدالله بن عمر بن عبدالتزيز ﴿ وَالَّيْ عَرَاقَ 741 + 141 + 0PE + 1PT. و خراسان): چ1ص١٢٥، ١٢٧. عبدالله (ميرزا ــ ) طبيب (حاكم بكنز ): عيداللەينغەر وينغاضالسهمى: چ\ص٧٣، چ ١ ص ٥٢٢، ٥٢٤ ، ٣٢٥ ، ٣١٣١٠ .44 .44 عبدالله بن طفیل ( امیر سپاه علی(ع) در عبدالله بن عمروبن غيلان ( حاكم بصره) : مخين): ۾ ١ س ۶٤. ج ١ ص ٧٨. عيدالله بن العاص ( أمير سواران معاويد در عبدالله بن عمروبن وقدا نالسعدي (عبدالله صفین}: چ ۱ ص ۶۹ ، ۵۵ . بن قدامه): ج 1ص ٧٩. عبدالله بن عامر : ج1 ص٧٠،٥٢٠، ٩٠،٧٢. عبدالله بنعميرالليثي (حاكم سجستان): عبدالله بن عامر ﴿ قارى شام ﴾ :ج (ض)، ١ ج أ ص ٥٢، ٥٥، عبدالله بن عامر بن ربيعه : ج١ص٩٧ . عبدالله بنعون ( شيخ بصره) [ج1ص14]. عبدالله بن عامر بن كرز ( والى بصره ) : عبدالله بن غنم الاشعرى: ج1ص ٩٣ . 31 2 70: AA: 14: 0A. عبدالله فرغانی : ج ۲س ۶۲۳.

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب : ج { ص

عبدالله قطب شاه تج ۲س ۹۲۰ ، ۹۸۱ ، ۹۸۳ عبدالله بن قيس ــــــ ابوبحريه.... عبداللہ بن کعب بن عمرو اتصاری: ج ١ ص -05 -05 عبداللن بن الكوا (از خوارج) :ج 1 ص 59. عبدالله ( ميرزا \_ )لله: ج ٢ص ٥٩٠. عبدالله (میرزاب) مازندرانی: ج ۲ص۸۷۶، عبدالله بن مالک ( حاکم طبرستان ) :ج 1ص ·170 ·15A عبداللعمامقاني (حاجشيخ ــ ) لج ١ ص١٢٠٠ عبدالله مامون: ج 1 ص 164 . عبداللمینمبارک (فقیصریزی ) :ج1ص1۶۴ ۰ عبدالله (آقا ــ ) مجتهدکرمانشهانی: ج۲ س ۱۹۳۳ و عبدالله بن محضٌّ ج 1ص 141 . عبدالله بن محمد بنابي عبدالله بنابي... الدنيا : ج 1 ص ٢٢٥٠ عبدالله بن محمدالخراز (الجزار نحوي)! ج ۱ ص ۱۵۰۰ عبدالله بن محمد بنعبدالرحمن أموى . . . داخل: جاص ۲۱۷، ۲۲۱. عبدالله بن محمدين عبدالعزيزاليفوي: ج١ عبدائله بن محمدين على بن عبدالله بس عباس سفاح: ج1 ص ١٠٩. عبدالله بن محمد نيشابوري (فقيمشافعي) : ج ۱ ص ۲۵۰٠

عبدالله (آقط - ) ولند آقا محمد حسن صندوق دار: چ۲ ص ۱۸۰۴. عبدالله مخزومی: چ۲ ص ۲۴. عبدالله بن مروان: چ۲ ص ۲۰۳۰. عبدالله المستحم بالله، عبنداللنه بسن المستحربالله ابوجعفر المنصور: چ۲ ص ۲۵۰، ۲۵۰، ۲۵۰، ۲۵۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۲،

عبدالله (میرزا۔)مستوفی : ج ۱ حرید۵۲. ج ۳ ص ۹۸ ۲۰۰ عبدالله بن مسعدہ بن حکمہ بن مالک ہے

-017 or T g

بدرالغزاری: ج۱ص ۶۹، عبدالله بن مسعود: ج ۱ص ۵۵، عبدالله بن مسلم بن قتیبه ( صاحب ادب الگاتب): ج ۱ ص ۲۱۷، عبدالله بن مطبع (عامل)برزبیردرکوفه):

عبدالله فقیه ( ملا ۔ ) : ج جس ۱۴۱۵ -

عبداللمبزيحيي، طالب الحق: ج١٩٨٨، ١٠ ج 1 ص ۸۷٠. عبدالله بن مظمون : ج 1 ص 66ء عيداللمين يخلف الكتامي (حاكم طرابلس) : عبدالله بن معاويه بن عبدالله يسن جعفر ج 1 ص ۲۲۲۰ طیار ( از زیدیه): ج ۱ ص ۱۲۲ تا ۱۲۹ . عبدالله يزدي: ج ٢ص ٥٨٩٠ عيداللمينمعتز ،الراضيبالله : ج١حي١٢٠. عبداللمين يعقوب بن منصور ، العادل (بادثاء عبدالله بن محتم : ج 1 ص 43 . مفرب ) : ج (ص ۱۲۲۶ ، ۲۲۹ ، عبدالله بن العظم ﴿ فقيه أماميه ﴾ : ج١ص عبدالله بن يسوسفالجسويتى ( والسد أمام الحرمين): ج ( ص ۲۱۸۰ عبدالله بن مصر : ج 1 ص ۵۵، عبدالله خان: ج ۲ ص ۸۴۷، عيدالله ( شيخ -- ) منتفج: ج٢ص١١٧٩٠ عبدالله خان ج ٢ص ١٢٤٨ ؛ ج ٣٣٠ ١٣٢١، عبدالله منذرا : ج ١ص ٨٥٤. عبدالله (میرزا ب ) منشی، ج ۱ ص ۵۲۷، عبداللمخان (حاجىميرزا --) :ج٣٥٠٣٠٠ .TITT # TE عبدائله خان (بيرزا ــ ): ج1ص٥٦٠٠ ج ٢ عبدالله ( ميرزا ــ ) منشى اول ( مغارت ص ۱۲۲۲ : ج ۲ ص ۱۲۸۲ . یاریس): ج ۲ س ۱۸۷۵ ۰ عبدالله خان ( میر 🗕 ) : ج۲ص ۱۰۹۱ ۰ عبدالله (میرزا بـ )منشی اول ( قونسولگری روس در رشت ) : ج۲۳۰۸۰۲۱ ، عبداللہ (حاجی میرزا ۔ ) منشی: ج ۱ ص ۸۲۸: چ ۳ ص ۲۱۰۰. عبداللمېنموسىيننصير ( والى افريقيه ) : ج ( ص ۹۹، ۲۰۱۰ عبداللہ بن مهدی ( مالکیمن): ج ۱ ص عبدالله (مبرزا سید 🗕 ) ناظم میزان اُج ۲ عبدالله بننافع بن الحارث أج 1ص ٥٣٠. عبدالله بن نافع بنالحمين ، ج1ص ۵۲ • عبدالله بن نافع بن عبدالقيس "ج١ص٥٣-عبدالله (حاجی ــ ) نایب ایئیک آقاسسی باشي: ج ۲ ص ۲۱۱۶٠ عبداللہ بن نعیم : ج 1 ص ۴۵۰. عبدالله ( نقرهكار ) : ج٢ص ۶۴۹٠ عبدالله بن نبير هنداني كوفيء أيسوهاشم كوفى ( پدر محمدين عبدالله نعيســر شیخ بخاری) : ج ۱ ص ۱۷۴۰ میدالله (میرزا ــ ) نویسنده ( از اجسزای کارخانجات توپخانه): ج ۲۳۴٬۰۰۲ : ج ۲ ص ۲۰۷۹ . عبداللمينونداداميه ( از ملوک رستمدار ) : · YTT @ TTY. عبداللموهب الراسبي (ازخوارج) :ج1ص9۶۰

عبدالله بن ياسين الكزولي ( فقيه): ج١ص

. 477

- ۱۲۹۶ ه عبدالله خان ( پادشاه بخاراً ) ج۲ص۵۵۸۰ عبدالله (میرزا۔)خان ( پیشخدمتخاصه) : ج ۲ ص ۲۰۴۱. عبدالله خان تفنگدار باشی) ج ۱ 🗝 ۵۲۷ 🕯 - TO 97 OF T = 1170 YP .T . عبدالله خان جوانشير : ج٦٩٥٠٠٠ عبدالله خان ( حاكم گيلان و طوالش) أج ١ س ٢٨٦ ؛ ج ٢٠٥٥ : ١٣٠٥ : ٢٠١٠ عبدالله ( سید \_ ) خان ( حویزه) : ج۲ص عبدالله خان ( ولد حيات سلطان|بدالي) : ج ۲ ص ۵۳ ه ۱۰ ۰ عبداللمخان دماوندی :ج ۲۳۸۲ ۱۳۲۹ ۰ · 1040 · 1041 عيدالله خان زند ( عم لطفطیخانزند) : ج ٣ص ١٢١٧ ، ١٤١٨ . عبدالله خان سرتيب: ج٢ص١٢٢١ : ج ٢ص .TOAG +1FAT عبدالله خان ( سركردة دسته مقصودلو): ج ١ ص ٥٢٢: ج٢ ص ٢٠١٣. عبدالله خان ( سرکٹیکچسی ہاشی ) : ۲۳ ص ۲۰۴۰ ، عبدالله خان سرهنگ: ج (ص ۵۱۱، ۵۱۶، چ ۲ ص ۱۲۳۵ : چ ۳ ص ۸۰ ۲۰۸۰ عبدالله خان سيستاني: ج٣ ص ١٧٥٤ ٠ عبدالله خان شبروانی ( سرهنگ) ؛ ج ۱ ص ٨٠٥: ١٢٢٩ : ٦ ٣٠٧٠٠٠ عبدالله خان صارمالدوله: ج ٣ ص١٧١٣ ، · 1744 · 1754 · 1771 · 1714 عبدالله خان ( برادر منيع|لدوله): ج ٢ ص ۲۰۲۱۰ عبدالله خان ( يسر علا الدوله قوللر آقاسي باشی، کشیکچی باشی) پسر امیرنظام علاء الدوله) : ج 1 ص 471 ، 274 : ج ٢ ص ٠٢٥٢٥ ، ١٩٣٢ : ١٣٥٧٠ ، ١٣٥٠٠ عبدالله خان ( مبرزا \_ ) علا • الملك : ج ٢ ص ۱۹۶۳ ، ۱۹۶۳ ،

عبداللمخان بنقراخان استاجلو أج٢ص ١٨٥٠

عبدالله ( حاجی میرزا \_ ) خان(کارگذار

بندرعیاس): ج ۱ ص ۵۳۶،

شیراز) : ج 7 س ۵۰۲۵ ، عبداللمخانيوزباشي: ج 1 ص ۲۷۱،۹۲۱. عبدالله خان گرجی یوزیاشی ج ۲ص۱۵۲۶۰ - TI 17 - T & عبدالله خان گروسی ( یاور دویم ) : ج 7 ص عبدالله میرزا: ج1ص ۵۰۲، ۵۰۷؛ ج ۳ص عبدالله خان لاری : ج ۳ ص ۱۴۲۴ ، عبدالله ميرزا ( نواب ــ. ) : ج ۲۰۰۲ ۱۵۰۲ ، عبدالله خان ( ميرزا ــ ) لشكرنويس: ج ١ - 10YT - 100T عبداللميرزا (حشمالدوله) أج ٢٥٧٧٠. عبدالله خان ( ولد محمدحسنخانسردار): عبداللمبرزا (متخلصيه دارا) حاكمخمسة: ع ۳ ص ۱۷۲۲ ، ۱۷۲۶ و 3707771.0001.1001.779Tota عبدالله خان ( ولد محبدرحيمخان نسقچى عبدالله میرزا ﴿ ژنرال آجودان رئیس اسور بأشي): ج ٣ ص ١٧٨٥ . نظامی عربستان ) :ج ۳س ۱۸۵۷ . عبداللمخانمدانلو (سرکردد) :ج 1 ص ۲۵: عبدالله مورزا ( پسر عباسميرزا ) : ج ڄس ج ۲ ص ۱۲۴۵ ؛ ج ۳س ۲۰۹۰، . 1514 عبدالله (میرزاـــ) خان ( مدیر اداره دول عبداللميرزا ( نواب ) فرزند فتحطى شاء: غیرهمجوار ) : ج ۳ ص ۹۰ ۲۱ ، 372 A771. عبدالله خان ( مستشار سفارت ایران) :ج۱ عبدالله ميرزا ( عم ناصرالدينشاه) : ج ٣ ص ۲۷۲ ج ۳ ص ۱۹۰۹ . ص ۱۶۹۳ ۰ عبدالله (ميرزا ــ ) خان ( مستشارالوزاره ) عبدالباقی ( حاجی 🗕 ) : ج ۲ ص ۲۱۲۷ . سرتيب: چاص٥٣٦: ج٦ ص ١٢٥٠: عبدالباقی ( میرزا ــ ) ؛ ج ۳ ص ۹۰۶۶ ، . ToTT # T E . 1444 - 1464 عبدالله خان ( میرزا \_ ) مستوفی: ج 1 ص عبدالباقی ( آفاہ) ارباب طہرانی: ج ۱ ص ۵۲۶ ج ۲ص ۲۱۲۵ . عبدالله خان مستوفی (حاجی میرزا \_ ) : عبدالياقي خان (خاجي - ) ج٢ص١٥٠٠ . ع ا ص ۱۲۵ عص ۱۸۵۱ . عبدالباقىخارزنكند، ج٢ص٩٨٥١٠١٢٠٠ عبدالله خان ( مبرزا ــ ) مستوفی( علاءً \_ - 1171 الملك): ج ٣ ص ١٨٨٢٠ عبدالباقيخان (ياور اول): ج1 ص 11: عبدالله خان ( مبرزا ــ ) مستوفی نوری 💲 3 7 W 1771 - 3 70 YOT. .1995 BTE عبدالباقیخان افشار : ج جس ۱۹۳۴ . عبداللِمِخان مصارباشي :ج ٣٩٥٥ م ١٧١٥ . عبدالباقي بن عبدالمجيد بسن عبسداللم عبداللمخانميرينجه:ججن ۱۷۴۶ ، ۱۷۴۷ ، (النعوى اللفوى الكاتب العروضي) : - 17A1 - 17AF ع ۲ ص ۶۳۱. عبدالله خان ( ميرزا ــ ) ناثينی( نايـــب عبدالباقی (میرزا ۔) منجمہاشی گیلانی : آجودانباشی) : ج ۱ ص۹۵۵؛ ج۲ ص .1877 w TE ١٢٣٠ - ٢٠٧٢ - ٢٠٧٢ -عبدالباقی میرزا: چ۲ص ۲۴۴. عبدالله ( حاجي ميرزا ــ )خان ( تلدميرزا عبدالباقی میرزا ( ولد موایدالدوله) :ج۲ نبی): ج ۲ ص ۱۸۱۲ ۰ ص ۱۷۵۶ ۰ عبدالله خان ( ولد نمیرخان لاری) : ج ۲ عبدالبر ( شیخ آمد ) : ج ۽ ص ۲۸۴ . عيدالجبار (حاكم خوارزم) :ج 1ص ٣١۶. عيدالله (ميرزا ئــ ) خان نورى مستوفسي : عبدالجبار ﴿ قاضي، متكلم معتزلي} : ج ١ ع ٢٠ ١٢٥٢ : ج٢ ص ٩٩ ٢٠ . عبدالله خان والى (حكمرانكيلان وطوالش) عبدالجبار خان (برادرمحمدعظيم صوبعدار اميرالامراء : ج 1 ص ۵۲۶، ۵۵۸ :ج۳

-T170 -T077 -T0TD -

خراسان): ج احد۱۳۸ ، ۱۳۹. عبدالجواد (میرزا۔)کاشان: ج۲ص۹ ۲۲۷ . عبدالحسين (ميرزا ــ ):ج٢ص ١٢٢٥٠ . عبدالحسين (ميرزا ــ) از اربابطمولشكر نويسان: ج ۳ س ۲۰۶۸. عبدالحسین ( حاجی ــ ) تاجر ثیرازی : - T1T4 OF E عبدالحسين (ميرزأ-)تبات جوس ١٠٢٥٠ عبدالحسينخان: ج 1 ص ۵۱۴: ج ۲ ص عبدالحسين خان: ج٣ ص١٧٢٧، ١٧٨٧، -1411 - 1797 عبدالحسينخان! ج ۾ ص ۽ ١٩۶٥. عبدالحسينخان (ميرزا \_ ) : ج٣ص١٨٥٢. عبدالحسين (ميرزا ــ ) خان ( همشيرزاديا ميرزاأبوالحسنخان } : ج ٢٥٣٩،٠٠ عبدالحسين خان اشرفي: ج ڄص ١٧٢٤. عبدالحمين ځان ( تومان دويمفوج چهارم مراغه): ج ۲ ص ۱۲۳۸. عبدالحسين خان جوانشير : ج ٣ ص ١٤٥٥، عبدالحسين خان ( پسر خانبا با خان سردار ): 370 TAII : 370 0707. عبدالحسين خان سرتيب ! ج1 ص ٥١. عبدالحسینخان ( حاجی ــ ) سرتیپ: ج۱ ص ۱۲۲، ۵۱۵، ۵۱۲ ج ۲ ص۱۲۳۱: ج ۳ ص ۸۱، ۲۰۸۱ عبدالحسينخانسرتيب اول: ج٢ص٢٩٢؛ 3 7 W 9407. عبدالحسين (حاجي ــ ) خان ( سـرتيــپ توپخاند) : ج ۳ ص ۲۰۷۶. عبدالحسين خان مرتيب ( تومان اول فوج مظفر مراغد) : ج ۲ ص ۱۲۳۷ ، عبدالحسينخان (يسر سردار صارمالدولم): ع ۱ ص ۲۰۵۰ عبدالحسین خان سرهنگ: ج ۲۰۹۱٬۳۰۶. عبدالحسینخانسرهنگ: ج ۳ ص ۲۰۸۰. عبدالحمینخان سـرهنــگ ( از اجـــزای زنیورگخانه ) : ج۲ص ۱۲۳۶ . عبدالحسینخان سرهنگ (رئیس) : ج ۱ ص

عبدالحسینخان (میرزات) سرهنگ (صاحب

منصب فوج ) :ج٢ س ٢١٢٢ .

عبدالجبارين عبدالوحمن ازدى ﴿ حاكسم

کشمیر): ج ۳ ص ۱۵۴۱.

عبدالصینخان سرهنگ ( برادرمحمدحسن خان اعتمادالسلطنه) : ج ٢٣٠/ ١٩٢٢ -عبدالحسينخان سرهنگ (مستشسار اداره يليس): ج 1 ص ۵۱۲، ۵۲۶: ج ۲ ص 1194 . ج ٣ ص ٥٥٥٥٠ عبدالحمين خان قاجار : ج ٢ص ١٢٧٠ . عبدالحسين (ميرزا ــ ) سررشتهدار : ج١ ص عبدالحسين ( ميرزا ــ ) سررشتسعدار دفتـر لشكر: ج 1 ص ٥٥٥؛ ج ٢ ص ١٢٢٤ : ج ۳ س ۲۰۶۹. عبدالحسين (ميرزاء)سركتيك: ج1ص2۵۲. ج ٣ ص ١١١٣٠ عبدالحسين (ميرزا ــ ) لشكرنويس: ج 1ص عبدالحسين (شيخ \_\_)مجتهد : ج٢ص١١٨٠٠ - 1410 - 1ATY عبدالحسين (ميرزا 🕳 ) مستوفى: ج ٣ ص ·\*1 • \* · 1 \* · 1 عبدالحسين (ميرزا ــ ) مستوفى ( پسرميرزا عبدالرحیمخلخالی) :ج ۳ ص۹۹،۹۰۰ عبدالحسين (ميرزا --)مسورەنويس (ازاجزاء مجلس تاليفنامه) : ج 1 ص ۵۵۵ ج۲ ص ۱۲۹۲ : چ ۳ ص ۱۲۹۳ . عبدالحسين (ميرزا ــ ) منشى ج1ص606 . .T089 PT E عبدالحسين (ميرزا \_) منشىباشى: ج1 ص ۵۲۹: چ ۲ ص ۱۲۵۵ -عيدالحمين ميرزا ( پسر معزالدوله) : ج ٣ · ۲0۶۴ 0 عبدالحسين ميرزا (مطم) : ج1ص ١٥٠٥: ٣٢ س ۱۲۳۱ : ج۲ ص ۲۰۷۵ . باشی: ج ۳ ص ۲۱۱۶۰ عبدالحسين ميرزانمرت الدوله أج ٢٥٤٢٠٠٠ عبدالحسين نوائى: ج٢ص٧٥٢ • ٧٨٢ • عبدالحق پشتکی (ملا — ) : ج ۲۰۲۲ ۲۰ عبدالحق مريني: ج ٢ ص ٥٨٩٠ عبدالحق بن تصربن سعيد ﴿ أَزُ ٱلْمِرِينَ ﴾ : ج ۲ ص ۲۲۰۰ عبدالحميد (ميرزا ـ ) : ج ٢ ص١٢۶٨٠٠

عبدالحمید (میرزا ــ) از ارباب قلم ولشکر نویسان:ج۲ص ۱۲۲۴؛ ج۲۰۶۸

عبدالحميد بهادر: ج ٣ ص ١٧٣٠٠ عبدالحميد (حاجى—)تاجر : ج٢٣٥٢٢٠٠ عبدالحميد بن جغرين عبدالله انعارى 🖫 ج ۱ ص ۱۴۶۰ عبدالمبيد خان اول ( سلطان ـــ ) سلطان عثمانی: ج (ص ۴۸۴، ۵۲۶: ج۲ ص -1969 - 1911 عبدالحميد خسروشاهى: ج 1 ص ۲۵۸، عبدالحميدينعبدالعزيز ،ابوحازم (قاضي) : ج 1 ص ۲۲۶۰ عبدالحميد ( ميرزا ... ) لشكرنويس: ج ۽ ص عبدالحميد ( ميرزا ... ) نايب فراشخانـــه : ج ۲ ص ۱۲۱۲ · عبدالحميد ( والى كوفه) : ج 1ص 104 ٠ عيدالحبيد ميرزا ( مامور خدمات نظامسى آذربایجان): ج ۳ ص ۱۹۲۳ ۰ عبدالدین ( رئیس وهابیها در مصر ) : ج ۲ ص ۱۵۲۳ ۰ عبدالدين مسعود : ج ٢٠ ص ١٥٢٧ -عبداریه الإنباری، عبدالله بنجارود : ج ۱ عبدربه بن عبدالله ليثي: ج١ ص ١٠١٠ عبد ربه کبیر ( از خوارج ازارقه) ج۱۳،۰۱ عبدالرقين (شيخ - ) أج ٢ ص١٧٥١ -عبدالرحمن (ازاهاليخوفند ) أج ١٠٠١ ١٠٠٠ عبدالرحين بن ابيبكر صديق : ج احمه ٧٠٠٠ عبدالرحمن بن ابیحاتمالزازی { مسوطف الجرح و التعديل) أج اص ۲۵۲ • عبدالرحمن بن أبي معيد الخــــذري، أبي جعفر: ج 1 ص 110 ٠ عبدالرحمن بن احمدبنيونس( موالفتاريخ مصر): ج 1 ص ۲۱۰۰

عبدالرحين بن حبيب بن ابي عبيده: ج 1 ص ۱۲۶ ، ۱۴۸ ، عبدالرحمن بن حسان بن ثابت انعاری ج۱ ٠ ١٠٩ ٠ عبدالرحمن بن حكم بن هشام أموى (أديب وشاعر): ج 1 ص ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۲۹، · 194 · 1915 149 · 146 · 140 عيدالرحمن بن خالد : ج ١ ص ٥٥٨٠ عبدالرحمن بن خالد بن وليد "ج ١٩٣٠٠ . عبدالرجين خان: ج٢ص ١٢٥٣ تا ١٢٠٥٠ . عبدالرحمنخان ( أمير أفقان ) : ج١ص٢٨٥٠، \* TO 17 . TO 1 10 7 2 1 0 7 . عبدالرحين خشمى : ج ٢ص ١٩ ٥٠ عبدالرحمن بن ربيعه ( سركسرده عساكر اسلام): ج 1 ص ۵۱، ۵۲۰۵۲، ۵۸۰ عبدالرحمن بن زبيد بن الحارثاليامي، أبو الاشعث الكوفى: ج 1 ص ١٩٢٠ -عبدالرحمن بن زیاد ( والیخراسان) ؛ ج ۱ ص ۱۹۶۰۸۰ عبدالرحمن (آقاـــ)سركرده دسته شاهكوثي: ج ١ ص ٥٢٢: ج ٣٠ ٣٠٠٠. عبدالرحمن بن سعيد : چ ١ص ٢٩٨٠ عبدالرحمن (مولوی ــ ) سلطان مارک: ج۲ س ۱۸۲۱ ، ۱۸۲۱ -عبدالرحمن بن سعرہ ( فاتح زنج) ؛ ج ١ ص .YF .YT byt عبدالرحمن سيم ،التاصر ،يسرمحمد (بادشاه اسپانیول) :ج(ص ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۲، \* TAT . TA1 . TT4 . TTY . TT-· 799 · 475 · 4751 عبدالرحمنينعباسينربيمه أج١ ص ٩٥٠ عبدالرحمن بن عبدالله حارثی: ج ۱۹۰٬۰۰۰ عيدالرحمن بن عبدالله بن عتبه بن مسعود المعدودي: ج 1 ص 141 -عيدالرحمن بن عبدالله بن عثمان الثقفي ( این امحکم ) : والیکوفه : ج ۱ ص ۲۹، عبدالرحمن بن عبدالله الفافقي ( حساكسم اسپانیول) : ج1ص 10 ۱۰ عبدالرحمن بن عبدالله القاري: ج١ص٥٢٠،

عبدالرحمن بن عبدالله بنمستود : ج 1 ص

عبدالرحمن باشا (حاكم شهرزور): ج ٣ ص

. 1001 11000 11000

عیدالرحمان جامی: ج ۲ ص ۲۳۲۰

عبدالرحمن پاشا بایان : ج ۳ ص ۱۵۰۱ ۰

عبدالرحمن بن جرولطائي ( مامور على(ع)

عبدالرهبن بن حارث بن هشام أج1ص44.

عيدالرحين بنحاطب بن أبي يلتعه : ج1 ص

در دفع خوارج سجستان) :ج۱۳۰۶۰

1 1740 + 17AT + 17AT + 17Y4

عبدالرحين بنءبدالطک بن صالح: ج 1 ص 194 - 199 ،

عبدالرحمن بن عبيس: ج 1 ص 66. عبدالرحمن بن عثمان بن عبيدالله ( يسر برادر طفحه بن عبيدالله) :ج1ص،9. عبدالرحمن بن عديسالبلوي: ج 1ص 57. عبدالرحمن بن عطا" ( صاحب الشارعه) :ج1 ص 170.

عبدالرحمن بن علیبنالجوزی ، ابوالفسرج ( واعظ و مصنف ) : ج 1ص ۴۲۰.

عبدالرحمن بن عوف : ج1 ص ۵۸۰۵۲۰۲۶. عبدالرحمن بنفهری (صقلبی ) :ج1 ص ۱۵۲۰ عبدالرحمن بن قاسم بن محمدین ابی بکر : ج ۱ ص ۱۲۶۰

عبدالرحمن بن قباث بن اشیم : ج إص٠٧٠. عبدالرحمن قيني : ج ١ ص ٧٥٠،

عبدالرحمن بن محمد بنالاسحاق اصفهاني ( حافظ ، صاحب تاريخ اصفهان ) (ج۱ ص ۳۳۷ ،

عبدالرحمن بن محمد بن اشعث : ج1ص14 ، 40 تا 97 ، 107 ،

عبدالرحمن بن معاویه بن سند ابومطمخراسانی عبدالرحمن بن معاویه بن شمام بن عبدالملک ابن مروانا موی (حکمروای اسپانیا): ج ۱ ص ۱۲۹ ، ۱۲۵ ، ۱۲۵ ، ۱۲۹ تا ۱۹۲ ، ۱۴۵ ، ۱۵۵ ، ۱۲۵ ، ۱۵۹ ، ۱۵۹ ، ۱۵۲ ، ۱۵۹

عبدالرحمن بن ملجم مرادی (از خیوارچ و قاتل امیرالمو منین (ع)) :چ (ص ۷۱، عبدالرحمن نیشابوری: چ ۱ ص ۱۷۰، عبدالرحمن بن ولید (پرچمدار سیاه معاویه در صفین): چ (ص ۶۵،

عبدالرحمن بن يزيد بن جابر : ج1ص 149 . عبدالرحيم (ميرزا -- ) : ج1 ص ۵۴۵ ؛ ج 7 ص ١٢٢٨ ؛ ج 7 ص ٢١٢٨ .

عبدالرحيم : ج ٣ ص ١٧۶۶ ، ١٧٨٣ . عبدالرحيم افسر ( ميرزا ــ ) خوشتويــس : ج ١ ص ٥٣١ - ٥٥٤ : ج ٢ ص ١٣٩٣ : ج ٢ ص ٢٦٣٩ .

عبدالرحیم بیسانی (قاضی): ج دِم۱۹٫۰۰ عبدالرحیم (میرزا بـ ) تحویلدار: ج ۳ ص

۲۰۹۵. عبدالرحیمخان (میرزان) : ج ۳ ص۱۸۱۲، ۱۸۵۱. مدالیت دخان برادیالیاک در برادیالیاک

عبدالرحيم فان ساعدالطک (ميرزا س): چ ۱ ص ۵۲۵ عبدالرحيم فان ( سرهزاک فيساليا افغان):

عبدالرحیمخان ( سرهنگ فوج اول افشار ) : ج ۱ ص ۵۱۵ ؛ ج ۲ ص ۱۲۲۲ ؛ ج ۲ ص ۲۰۲۶ ،

عبدالرحیمخانشیرازی (برادرحاجی)براهیم خان کلانتر): ج۱ص ۱۴۱۴، ۱۴۲۰، عبدالرحیمخان (میرزا۔) قونسول بادکوید: ج۱ ص ۵۳۵،

عبدالرحيم خان ( ميرزا - ) كلانتسر اداره\* پليس، ج ۱ ص ۵۲۶ ج۲ ص ۱۳۵۲ م عبدالرحيم (ميرزا-)خان(مستشار محاكمات كلانتر اداره\* نظيمه):ج ٣٠٠٩ و ٢٠ م عبدالرحيم خان ( ميرزا- ) منشى: ج ١ ص

عبدالرحیمخان ( میرزاـــ ) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶۰

عبدالرحیمخان، مهندس: چ ۱ص ۵۲۲. عبدالرحیم (میرزا۔)خلخالی:چ۱ص۵۲۸: چ ۳ ص ۴۹،۲۰

عبدالرحیم (میرزا ... ) خوشنویس ( وقایــع نگار): ج ۲ س ۲۱۰۲.

عبدالرحيم ( حاجي ميرزا ــ )شيرازي مراف (تاجر): ج ۲ ص ۲۱۲۵ ،

عبدالرحیم ( پسر عبیدخان) : ج۲ص۹۵۰. عبدالرحیم (میرزا ــ ) پســر میـــرزا محبــد تبریزی: ج ۲ ص ۱۷۲۲ .

عیدالرحیم بن محمد بن محمودغزنوی : ج۱ ص ۲۱۵۰

هیدالرحیم ( حاجی میرزا \_ )ستونی:ج ۱ ص ۵۵۲،

عبدالرحيم (آفا سيد ... ) معينالتجار : ج٣ ص ٢١٢٥ ،

عبدالرحیم (میرزا۔) منشی: ج محی،۲۰۶۹ عبدالرحیم (میرزا ۔ )منشی،اشی: ج ۲ ص

عبدالرحیم ( میرزا ... ) منشی سیم دفتــــر تجارت : ج ۳ ص ۲۱۵۳ .

عبدالرحیم ( میرزا \_ ) میزان آقاسی: ج ۴ ص ۱۸۹۲ ،

عبدالرحیم (آقات) نهاوندی ( از علمسا<sup>ه</sup> طهران): ج1ص ۵۲۵: ج ۳ص۲۰۹،

عبدالرحیم میرزا : ج  $\gamma$  ص  $\gamma$  میرزا . ج عبدالرزاق (میرزا ...) : ج  $\gamma$  ص  $\gamma$  میدالرزاق افندی : ج  $\gamma$  ص  $\gamma$  میرزا الغ بیک : عبدالرزاق (میرزا ...) بسر میرزا الغ بیک : ج  $\gamma$  ص  $\gamma$  میرزا از الغ بیک : عبدالرزاق (امیر ...) باشتینی : ج  $\gamma$  می  $\gamma$  میدالرزاق (امیر ...) باشتینی : ج  $\gamma$  می  $\gamma$ 

عبدالرزاق بیگ (نایبایشیکآقاسیباشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶، عبدالرزاق بیگ (ولدنجفظیخان بیگلربیگی

تبریز) ، ج۳س ۱۵۹۳ ۰ عبدالرزاق بیگ دنبلی ( متخلص به مفتون و ماحب تاریخ مآثر سلطانیه) : ج ۲ ص

ماحب تاریخ مآثر سلطانیه): ج ۲ ص ۱۹۲۱، ۱۹۲۱: ج۲ ص۱۹۲۱، ۱۲۷۱، ۱۵۹۳،

عبدالرزاق خان: ج ۳ ص ۱۳۹۷. عبدالرزاقخان (حاکمکاشان): ج ۳ص۱۴۱۶. عبدالرزاق خان ( سرتیپ فوجخرفانی): ج ۳ ص ۱۹۰۰.

عبدالرزاق سربداری: ج ۲ ص ۶۲۹. عبدالرزاق بنعبدالحمید تغلبی: ج۱م ۱۶۱. عبدالرزاق بن همامالمتعانی (محدث و از مشایخ احمد بن حنبل): ج ۱ ص

عبدالرسول خان ( نواده ٔ صدراصفهانی): ج ۲ ص ۱۸۱۲ ·

عبدالرسول خان ( شیخ ـــ ) دریابیگی: ج۳ ص ۱۶۱۲ ،

عبدالرسولخان ،سرتيپاول ( نايبالحكومه' گيلان): ج ٣ ص ١٩٥٢ -

عبدالرسول خان سرتیپ ( حاکسم ملایر و توپسرگان) : ج ۲ ص ۱۹۲۹ ،

عبدالرسول (میرزا ... ) نایب کارگذارگیلان: جاص ۵۳۶:ج ۳س ۲۱۰۵ ،

عبدالرشيدخان : ج ٣ ص ١٥٣٠ .

عبدالرشيد خان، ج ٣ ص ٧٨٤.

عبدالرشیدخان|فغان:چ۲۰۰۳،۱۵۳۴، عبدالرشید خان (صاحب کاشفر): چ ۲ س ۸۴۸،

عبدالرثيدبن محمود غزنوي ، شمس دين الله :

ج 1 ص ۱۲۰ ۲۲۱،

عبدالرضا (شیخ \_) :ج۲ ص ۱۶۵۹ ، ۱۶۶۰ ، عبدالرشید (سید \_) بوشهر :ج۲ص۱۲۲۹ ، عبدالرضا خان ( میرزا \_ ) : ج1ص ۵۲۶ ،

عبدالرضا ( میرزا ... ) کرمان:ج۲س۱۲۷۹ ۰ عبدالرضا خان( خلف تقیخان بیگربیگسی یزد ): ج ۲ ص ۱۵۹۲ ۰ عبدالرضاخان يزدي: ج٣ص١٥٩٢٠١٥٩٢٠ 110FY . 1FOT . 1FOT . 1499 · 1514 · 1514 · 1054 عبدالسلام (خارجی): ج1ص ۱۵۲ ۰ ۱۵۲ ۰ عبدالسلام بسن احمد بن محمد بنجعفر ، ابوالفتح صوفی فارسی: ج ۱حم۱۳۳۰ عبدالسلام بن رغبان، دیکالجن (شاعر) : ج ۱ ص ۱۹۳ -عبدالسلام اللخمى: ج 1 ص 170 -عبدالسلام مالکی: ج ۲ص ۵۹۸، عبد شمس: ج 1 ص ۱۲۷ ، عبدالصعد بیگ ( بنی عم ابراهیم خلیسل خان): ج7ص ۱۹۲۱ ۱۹۲۵ ۰ عبدالمعدخان افغان أج٣ص ١٥٣٥ -عبدالصدخان ( ہارکزائی افغان، ج ۳ ص عبدالصدخان ( سرهنگسواراننظام) أجُ۴ مي ١٣٣٢ ٠ عيدالممد بن على بن عبدالله بن عبساس (عممتصور ، واليمكه) : ج 1 ص١٩٢٠ ، . 159 : 150 : 147 b 140 : 144 عبدالصدميرزاعزالدوله إبرادر ناصرالدين شاد): ج 1 ص ٥٥١؛ ج ٢ ص ١٢١٩؛ · 1240 · 1244 · 144 · 144 · 144 · 144 · · TOST · 1941 · 1940 · 1977 عيدالصد همدانی ( ملا ... ) فأحسب بحر المعارف: ج 🕶 📆 ١٢۶٥٠ عبدالعال فارسی (امام): ج 1 🕏 ۲۲۳۰، عبدالعزيز ( مير سيد ... ) : ج ٢ ص١٩١٧٠ عبدالعزيز ابوفارس ( از آل مرين مفرب) : ج ۲ ص ۲۳۰. عبدالطي ( ميرزا 🗕 ) : ج١ص ٥٣٤ ؛ ج٢ص عبدالعزيزين|بىدلف|لعجلى: ج١٠٣٥٠، عبدالطی ( میرزا \_ ) حکیمباشی (از اجزا' عبدالمزيز ( از مشايخ نجد ، پيرو طريقت مجلس مركزي حافظ الصحمتبريز ) "ج٦ وهابی): ج جس ۱۳۶۵ ، ۱۳۶۶ ، ص ۱۲۲۹ -عبدالعزيز بن احمدالحلواني، شمس الاثمه: عبدالطي خان اديبالطك: ج ٣٠ ١٨٢٣، - TTT - 1 = عبدالعزيزبنحجاج بنعبدالملك ج ١٣٥٥٠١،

عبدالعزيز خان: ج 7 ص ۱۹۲۰ ۱۹۳۰ ۹۵۰ ،

عبدالعزيز خان افغان :ج٢ص ١٠٢١ -عبدالعزيزخان اوزبک ج ۲س ۹۳۱ ، عبدالعزيز خان ( ايلچى اشـرف ) : ج ٢ ص ۱۰۲۱ ه عبدالعزيز ځان ( پادشاه ترکستان) : ج 7ص عبدالعزيزخان (سلطان ــ ) پادشامعثمانی: ج 1 ص 9 ء عبدالعزيز خان ( يادشاه ماورا النهر) ثج؟ ص ۱۹۶۰ ۱۹۱۱ عبدالعزيز خان چنگيزي: ج٢ ص ٩٩٣. عبدالتزيز خان ( ولد ندر محمدخان) : ج۲ عيدالعزيز بن رفيع ( ابوعبدالله مكي) :ج: عبدالتزيزملطانينعبيدخان أج ٢ ص٢٧٢، · 451 · 410 · 474 · 474 · 474 عيدالعزيز بن عبداللهبن ابى للمعالما جشون. ج ۱ ص ۱۵۲ ٠ عبدالعزيز (ميرزات) ابن ميرزا عبداللطيف: ج ۲ ص ۹۹۹، ۲۰۰۰ عبدالعزيز كاشاتي (طلا – ) : ج جي1647 -عبدالعزيز بن محبود بن الأخضر (محدث ) : ع ۱ ص ۲۳۰۰۰ عبدالعزيز بن مزوان (حاكم مصر): ج و ص عبدالعزيزبنموسيبننصير ( والياندلس): ج ۱ ص ۱۰۴۰ عبدالعزيز بن وليد أج1ص ١٥٢٠١٥١ عبدالعظيم (ع) (حضرت 🗕 ) : ج١٩٠/ ٠ چ ۳ ص۱۶۲۰ ، ۱۳۲۰ ، ۱۳۴۰ ، ۱۹۲۱ ، عبدالعظیم بیگ: ج ۲ ص ۲۰۷۸ ، عبدالعظيمخان قزويني ( ميرزا - ) :ج٣ ص

عبدالطیخان ( فرزند امین نظام )سرهنگ: ج ا ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۲ ص عبدالطی خان (سرھنگ توپخانہ) : ج ۳ ص عبدالطي خان ( از سرهنگان خارج فوج ): -1114 or 1 E عبدالطیخان سلطان (مابور کرمان): ج ۲ ص ۱۲۳۴ : چ آص ۲۰۷۹ ، عبدالطی خان مراغطی ؛ ج ۳ ص19۹۹ ، عبدالطی (میرزا ــ)سررشتمدار آذربایجان: ج اص ۵۰۶۰ ج ۳ س ۲۰۷۰ . عبدالطی ( میرزا ــ ) مستوفی ج احری ۵۲ ا چ۲ص ۹۹ ۲۰۰۰ عبدالطي ( ميرزا ــ ) نسايسب الايساله (از سرتبیان دویم ) : ج۱ ص۲ ۵۰۷ ۵۰۵ : - 1477 or Y & عبدالغفار: ج 1 ص ۱۲۸ -غبدالغفار ( حاجی۔) : ج ۳ ص۲۱۲۷، عبدالففار خان قزويني ( ياور خارچاز فوج ) . ج ا ص ١٥٠ ج ٢ ص ١٣٢١ ، ج٢ ص · Y • YA عبدالغفار (ميرزات) مطم زياضيدأرالفنون: ج ۲ ص ۱۹۱۳ ۰ چ ۱ ص ۲۶۵: چ ۲ ص ۱۱۹۳: چ۲ ص . 1070 : 1009 عبدالغفور لاري: چ ۲ ص ۲۴۸، عبدالفنی (میرزا ...) : ج۲ ص ۱۲۷۵ عبدالغنی ( میرزا ــ ) از اجزای پستخانه : ج ۲ ص ۲۱۲۲٠٠ عبدالفنی (میرزا ۔۔ ) ثبات دفتر: ج ۳ ص عبدالفنی ( میرزا ... ) رئیس بروجرد : ج ۱ ص ۵۲۴. عبدالفنی بن سعید ( حافظ مصری ، صأحب مواتلف ومختلف) : ج1 ص ٣٥٣، عبدالفنی ( میرزا ـ ) منشیسررشتعداردفتر احكام وزارت عدليه) : ج (١٩٤٥٠ عبدالغنی (میرزا ــ ) منشی و کتابچهتویس: ج ۲ ص ۱۲۵۵ . عبدالقادر بن ابان بن عبدالله ( از موالی

· \* • \* \*

عبدالطيخانافشار (نايب آجودانباشي):

چ اص 4 مه: چ ۲ ص ۱۳۲۰: چ ۳ ص

معاویہ بن ابیسفیان) آج 1 ص ۱۶۲ . عبدالقادر بن ابومالح گیلانی، ابومحمـــد ( شیخ ۔ ): ج ۱ ص ۲۹۵. عبدالقادر خان شجاع الملك (مرتيب اول): -ልነለ - የየሃ ው ነ ፎ عبدالقادرخان شکی: ج ۳س ۱۷۲۹ . عبدالقادر بن محمد بن عبدالقادر ﴿ حافظ حدیث ): ج ۱ ص ۳۶۷. عبدالقاهرابرهاری (ازحفاظ): ج ۱ ص،۲۳۰ عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی (ج ۲ ص عبدالكريم (ميرزا – ) : ج1 ص ٥٦٩؛ ج٢ ٠ ١٢٢٥ - ١٢٢٢ ٥٠ عبدالكريم ( حاجى ميرزا \_ ) . ج1ص٥٢٤. عبدالكريم أيوسعيدين محمد المظفر السمعانى المروزی ( فقیه شافعی ) : ج ۱ ص۲۹۵. عبدالكريم افندى ( قاضى عسكرعتماني ) : -1111 or TE عبدالكريم بيك (خيرزا ...): ج ١ ص٢٧٥: ع ۲ ص ۱۲۲۰ . عبدالکریم بیک ( پیشخدمت پسیان) : ج ۳ · 1747 0 عبدالکریم پاتا : ج 7 ص ۱۹۶۹،۱۹۶۹. عبدالكريم خان : ج٢ ص ٨٣٨ . عبدالكريم (آقاسيد \_ ) خــان ( از اربــاب مناصب ): ج7ص ۱۲۵۶ :ج7ص-۲۱۱. عبدالکریم خان (ایلچی علیشاد) : ج ۲ س -1149 عبدالکریم خان ( میرزا ــ ) سرتیپ: جېض عبدالگریم (میرزا ــ ) خان سرهنگ:ج7ص عبدالکریمخانعرب،سطامی ج ۲ ص ۱۵۲ . عبدالکریم خان کرمانشهانی: ج۲۰۰٫۲۰۰۰ عبدالگریمخان ( ناپپآجودان باشی) : ج۱ ص ٥-٩: چ ٢ ص ١٦٢٠. عبدالكريم (ميرزات ) سررشتعدار دفترلشكر : تع ۱ ص ۵۰۵: ع۲ ص ۲۰۶۸. عبدالكريم (حاجى ميرزاً \_ ) صدرالحفاظ: ع أ ص ٥٥٢: ٣٣ ص ٢١١٣.

عبدالكريم (ميرزا – ) طبيب: ج1 ص246.

عبدالکریم (میرزا ــ ) عریضمنگار : ج 7 ص

-T171 -T E

۱۲۵۶ ؛ ج ۳ ص ۲۰۱۳. عبدالکریم (میرزا ــ) مامور گیلان : ج۲ ص ۱۲۵۵ ، عبدالکریم بن مغیث : ج ۱ ص ۱۲۵۵ .

عبدالکریم (میرزا ۔ ) منشی: ج ۱ ص۶۵۵؛ ج ۳ ص ۲۰۶۹ ، مدالک د (درزا برزار برزار کرد

هیدالکریم (میرزاـــ)منشیاول: چ(ص۲۹۷؛ ج ۲ ص ۱۲۶۵ ،

عبدالکریم ( میرزا ـ ) منشی وزارت،مادن: ج ۲ ص ۲۱۲۶،

عبدالکریم (میرزا۔)نایبایشیکآقامیہاشی: ج ۳ س ۲۱۱۶،

عبدالکریم (میرزا۔)ولد نایب : ج1ص4۹. عبداللطیف (میرزا۔ ) پسر میرزاالغ بیک : ج۲ص ۶۹۸ تا ۹۰۱، ۲۰۷۰.

عبداللطيف ياشا (حاكم تغليس): ج ٢ ص

عبداللطیف ( حاجی ــ ) تاجر دهدشتــی: ج ۳ ص ۲۱۲۵ .

عبداللطيف خان: ج ۲ ص ۲۸۶. عبداللطيف خان بن كوجم: ج۲ ص۹۵۷. عبداللطيف سلطان: ج ۲ ص ۲۹۴، ۱۵،۸

عبدائلطيف بقدسی ( شيخ \_ ) :ج۲۰۵،۰۷۰. عبدالمجيد ( ميرزا \_ ) : ج ۲۰۵ ،۲۹۴.

عبدالعجيد خان: ج ٢ ص ١٨٢٠ .

عبدالمجید خان (سرکرده): چ۲ص۱۵۹۹۰ عبدالمجید خان (سلطانعثمانی): چ ۲ ص ۱۹۳۱۰

عبدالعجيد خان ( طلطان ــ) ابن سلطسان محمود خان : ج ۲ ص ۱۵۵۲ .

عبدالمجید خان ( میرزا ــ)نایب سرایداران سلطنتآباد :ج1ص363:ج7ص7117، عبدالمجید میرزا (نایبعملهٔ اصطبل) : ج۲ ص ۲۲۲۲،

عبدالمحمد (حاجیسا)محلاتی:ج۳و۱۶۴ ، ۱۶۴۹ ،

عبدالعجد میرزا ( امیرزاده ــ ) امیرآخور : ج ۱ ص ۵۵۷،

عبدالمطب، ربیسین الحارث بن عبدالمطلب الهاشمی: ج ۱ ص ۸۲۰

عبدالمطّب (میرزا۔) منشی: ج ۱۳۲۳، عبدالملک بنایوب بنظیان نمیری( حاکم بصرد): ج (ص ۱۹۲۰۱۲۲، ۱۵۰

عبدالملک تمفاچی: ج ۲ ص ۶۵۳. عبدالملک بن صالح بنعلی: ج ۱ص ۱۷۲. عبدالملک بن صالح هاشمی (حاکم موصل ، محر): ج ۱ ص ۱۵۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۲، ۱۶۲.

عبدالملکین عبدالعزیز ،جریج : ج۱س۱۴۴ ، عبدالملکین عبدالعزیز ،ایونصرتمار (زاهد) : ج۱ س ۱۸۸۰

عبدالملک عمامی: ج ۲س ۶۷۸،

عبدالملک بنغمر (اینعمعبدالرحمناموی، معروف به: شهاب آل مروان ، حاکسم اسپانیول): ج ۱۰ ۱۲۸۰۰

عبدالملک بن قطن ( حاکم آسهانیول) :ج ۱ ص ۱۱۶ ،

عبدالطک بن محمدالرقاشی:ج1ص ۲۱۷. عبدالطک بن محمد بنعطیفالسعدی (سردار مروان حمار): ج1 ص ۱۲۹.

عبدالطكين مروان (خليفة أموى): ج 1 ص ۸۶۰۸۴، ۱۳۲،۱۰۵، ۹۸، ۱۳۲،۱۰۵، عبدالطكين منصورين ابي عامر (ج ۱۳۶۵،۲۶۵ عبدالطكين نوحساماني: ج ۱ص ۲۶۲،۲۶۵،۲۶۲

عبدالطک بن هشام بن عبدالرحين ايوي : ج 1 ص ۱۶۰ ،

عبدالمو منخان (ولدعيداللمخان اوزيک):

37 % 0AA, 7AA, 7AA, 7AA, 0

عبدالعوامن گویندہ: ج ۳ ص ۶۶۵. عبدالنبی منشی بہبہائی: ج ۳ ص ۱۹۹۶، ۱۹۱۱، ۱۱۱۱.

عبدالنبی بن مهدی ( مالک یمن) : ج 1 ص ۳۹۰،

عبدالواحد بن ابیحفی: ج ۱ ص ۴۵۸. عبدالواحد بن ادریس بن یعقبوب ، رشید (پادشاه مراکش) : ج ۱ ص ۴۳۹. عبدالماحد بن محیدالمطن ( ۱۵م، ۱ س ۵

عبدالواحد بن محمدالمطرز (شاعر): ج ١ ص ٣١٨٠

عبدالواحد بن نصر، بیغا ( شاعر) : ج ۱ص ۲۹۲ -

عبدالواحدالنضري (حاكم مكه): ج1ص1 11.

عبدالوهاب (ميرزا 🕳 ) مستسوفي گيــــلان ( سرتیپ) : ج ۲ص۱۸۶۶ ، ۱۹۱۷ ، عبدالوهاب نشاط ، معتمدالدوله اصفهاني: \*1040 · 1019 · 1019 · 1795 · · 1005 · 1007 · 1077 · 1074 · 1641 · 1046 · 1004 عبدالوهاب (ميرزا ــ ) مطم: ج1ص-41. ج اس ۱۲۲۱ : ۲۶ س ۲۰۷۵ ۲۰۲۰ عبدالوهاب (میرزا ... ) منشی ( ولد صدیق الطک): ج 1 ص ۵۵۸، عبدالوهاب (میرزا ۔)منشی،اشی (آزاریاب ظم): ج ۲ ص ۲۱۳۲، عبدالوهاب (حاجى ــ) (از مشايخ،عرفا): ج کس ۱۴۵۵ · ۱۴۶۵ · عبد يزيد بن هاشم بن مطلب: ج1 ٣٧٠٠. عنسی ( مدعی نبوت) . عبید خان: ج 7 ص ۷۵۲ تا ۲۵۷، ۲۶۷، · YAA ·YAT ·YYF & YYT ·YYo · 744 · 745 · 743 E 744 عبید رومی ( غلام حارث بن کلده تقفی و جد زیاد ) نے 1 ص ۱۵۰۰ عبید زاکانی: ج ۲ ص ۶۲۲۰ عبید (پسر عمر خطاب) نج ۱ ص ۴۷، عبید بن نبت بن ابی لیلی ( قاضی کوفه ) : عبيدالله (شيخ – ): ج اص ٢٨٢٠ عبيدالله بن ابي بكره (حاكم سجستان). ج ا ص ۹۲ ، ۹۴ ، عبيدالله بن ابيطاهر البشنوي الكبردي: : ج ا ص ۲۲۲۰ عبیدالله بن احمد علوی ( مواسس حکومت علوی در مغرب ): ج ۱ ص ۲۲۹۰ عبيدائله بن بريده بن حصيب اسلعي (قاضي مرو): ج 1 ص 114٠ عبيدالله ، بهادرخان: ج ۲ ص ۲۵۲۰ عبيدالله بن الحجاب (الحجاب) : ج١ حص عبيدالله بَن حجاب ﴿ وَالَّيْ أَفْرِيقِيهِ ﴾ : ج ١ ص 14 1 ٠

عبيدالله بن الحسين بن عبيدالله ( حاكسم حرمین): چ ۱ ص ۱۷۸۰ عبیدالله خان لاری: ج۳ ص ۱۳۲۴ -عبيدالله بن زياد بن سبه (عاملخراسان، والی بصرہ و کوفہ) : ج 1 ص ۷۸ ۰ ۸۰ نا ۲۸، کړنا ډير. عبيدالله بن سليمان ( وزير المعتضد ) أج1 ح ۲۲۳۰ عبیدالله بن عباس ( والی یمن از سویعلی (ع)) : چاص ۱۶٬۶۱ ۲۰ ۸۰ عبيداللمبن عبداللمبن طاهر : ج ١ ص٢٠٢٠ عبيدالله بن عمر بن خطاب ! ج ( ص ۴۱) .54 .54 عبيدالله كرد (شيخ --): ج ١ ص ٢٧٤ تــا · \*YA عبيداللدين محمد ۽ ايومجمد (اولين-طارفت علری مغرب، مشہور بہ مہدی) ۔ ج 1 س ۲۲۹ تا ۲۲۶، ۲۲۹ تا ۲۴۱. عبيدالله بن محمد بن نافع ( از طحا ) : ج ا ص ۲۸۲۰ عبيدالله بن مروان: ج 10 177 -عبیدالله بن مهدی ( برادر هارونالرشید و حاکم ارمینیه) ؛ ج ۱ ص ۱۵۸۰ عبيداللمين يحيى بن خاقان ( وزيرالمعتبد على الله): ج1ص ٢٠٤٠ ٢٠٩٠ عبیدمینزبیر ( حاکممدینه): ۱۳ ص ۸۸۷ عبيده السلماني ( از أصحاب على (ع)) : ج 1 ص 1000 عبيده بن هلال ( از خوارج ازارقه) 🗦 ج ۱ عتاب بن اسيد ( والي مكه) أج؟ حمد ٢٠٠٠ عتابينعتاب ( عامل حمص ) :ج1ص19. عتاب بن ورقاء الرياحي النميمي ( حاكسم امقهان): ج ( ص ۸۶، ۸۸، عتبد بنابی سفیان : ج 1 ص ۲۵۰ عتبه بن ابہوقاص ج اص ۲۲۰ عتبه بن ربیعه: ج ۱ ص ۲۲۰ عتبه بن سهیل! ج ۱ ص ۲۸ ۰ عتبه بن غزوان: ج 1 ص ۴۱، ۲۲۰ عتبه بن فرقد: ج 1ص ۵۱ ۵۲۰ عثمانين ابي العام الثقفي في ٢٢٠٣٤٠ · YF + DT + DT + D1

رستم (رئيس ص ١١٥٠ عبيدالله بن الحرجمفي: ج ١ ص ٨٨٠ عبيدالله بن حسن بن حصين عنبري (5ضي في اصفهائي: بصره): ج ١ ص ١٢٨٠ ١٥٥٠

عبدالواحد بن يزيدالهواري: ج 1 ص١١٧٠ |

عيدالواحسد بسن يوسف بن عبدالموامسنء

عبدالواحد يهودي = هواري : ج ۱۳۲۳ ۰

ج 1 ص ۱۸۴۰

عبدالوهاب بن ابراهيم امام ﴿ بسرادرزاده ۖ

عبدالوهاب افندی : ج ۳ ص ۱۵۰۰ ۰

منصور عباسی) : ج 1 ص ۱۲۸ ، ۱۲۹ ،

المستضيئ لم ج ٦ ص ٢٣٤ .

عبدوس فهری:

- 14 - 170

عثمان بن ارطغرل ( اول سلطانعثماني) : عدی بن حاتم طائی: ج (س ۲۹، ۲۹، ۶۹، ۶۹، . TTO -1 E ج ۲ ص ۵۱ و٠٠ عزالدين بنغياث الدين كيخسروبن كيقباد : عثمان بن امير محمد ( از آل مرينمفرب) : ج ١ ص ٢١٢، ٢٤١. عدی بن مسافرزاهد (شیخت ) : ج ۱ ص۲۹۲، . Y T o . O T F. عزالدین فرخشاه بن شاهنشاه بن ایسوب <table-of-contents> عذرا٬ بن على بن بعير ( از آل افضل ) 🖫 عثمان بیک بن ارطغرل بن سلیمیان شاه 🕻 ج ۲ ص ۲۲۳، ج ۽ ص ۴ه ۽ تا جه ۴. ج ۲ص ۵۹۹. عذری بیگدلی: ج ۲ ص ۱۱۲۲. عزالدين كاشي: ج ٢ ص ٤٣٤. عثمان بیگ: ج ۳ ص ۱۵۵۴. عرابی پاشا: ج ۳ ص ۲۰۲۹، ۵۱،۲۰ عزالدين کيخسرو : ج 1 ص ۴۲۹. عثمان پاشا ( سردارعثمانی) : ج ۲ ص۰۸۲، عزالدين کيکاوس بنگيخسروبن کيقباد ! چو عرب محمد ( سلطانخوارزم ) : ج ۲ص۹۹ د. 174. 194. 774. 774. 3701. عرفی شاعر : ج ۲ ص ۸۸۹، ص ۱۶۲ ، ۱۶۲ ، ۱۶۷ ، ۱۸۵ ، ۵۸۵ ، ۵۸۵ ، 1194،1077 ، 197 مي 197، 1010، عروه بن ادیه ( برادر ابی بلال مرداس، از 444 TPA-عزالدين لوي قاجار : ج 7ص ١١٤٩ . خوارج) : ج ۱ ص ۸۰۰ عثمان پاشا غازی محمد گرای ﴿ وَزَيْرِ فَرَهَنَّكُ عروه بن رويم : ج1 ص ۱۳۶ . عزالدين محمد بن تقيالدين طيمسان بس عثمانی): ج1ص ۴۸۷، ۴۹۵؛ ج7 ص حمزهالحنبلی: ج 7 ص 670ء عروہ بن زبیر ( محدث) : ج 1ص 107. عروہ بن عدی : ج 1 ص ۵۸. عزالدين محمود : ج ۲ ص ۹۹٪. عثمانجنى موصلى نحوي ( مصنف اللمع ) : عزالدين مسعودين مودودين زنكىبن آقسنقر عروہ بن قیس: ج ۱ ص ۸۱، ج ا ص ۲۹۱، ۲۹۳. عروہ بن مسعود ثقفی: ہم ۽ ص ٢٩ . ( صاحب موصل ) : ج١ ص ١٩٥٨، ٢٥٣ عثمان بن جنیف ( حاکم بصره از سوی علی عریب ( مغنیت مامونیه) ؛ ج اص ۲۱۷. تا ۲۰۷، ۱۴۰۲. (ع) ): ج ١ ص ١٩٠ عزالدين بن موسك الصلاحي (اميرــ) ثج ١ عزالدوله (حکران هیدان) ؛ ج۲م ۱۲۰۱؛ عثمان بن حيان (حاكم مدينه) : ج 1 م ١٠١٥. 3 7 ° 1991: 4707: 4717. عتمانينخطاب، أبوالدنيا أشج: ج 1 ص244. عزالدين (سيد ــ) هزارجريبي: ج٢ص١ ٧٧. عزالدوله بختيار ــــــ بختيار عثمان بن الدابد، سابق الدين : ج1ص٢١٣. عزت الله خان مافی یوزباشی: ج ۱ ص ۴۷؛ عزالدوله ابراهيم بن شسالدين محمد :ج ١ عنمان ساوجي: ج ٣ ص 600. ع ۲ ص ۱۲۶۸ : ع ۳ ص ۲۱۱۷. · 414 · 414 · 414 · عزت الله خان ( مامور آذربایجان): ج 1 ص عتمان بن شیبه بن ابیطقته المبندی (جد عزالدیں بن اثیر : ج 1 س ۲۱۳. 'بنی شیبه) : ج۱ ص ۲۹، عزالدین (امیر) از دمرالتوری: ج۲م۲۹، عشان بن ظحه العيدرى: ج1 ص ٧٣٠ ٢٧. عزدالدوله ( خواهر ناصرالدينشاهو همسير عزالدين أسامه .ج1ص ١٢، ٢٢٨ . عثمان بن عطا ; ج 1 ص ۱۲۶ . اميركبير) :ج اص ٥٥٠ :ج ٢ ص ١٣١ : عزالدین افندی اح ۳ ص ۱۹۳۱ ، گ عثمان بن عفان ( خلیفه سوم ) نج ۱ ص۲۳، 3 7 W APA( > 7907. عزالدین ایبک انرفی (سلوکاشرف) : ج ۱ 114 . FA . FT GAT . TF . TO . TF عزت نساخانم ( دختر فتحطیشاه):ج ۳ س . 404 . 440 w .1579 عزالدين ايبك الافرم! ج ٢ص ٥٩٢. عثمان بن کرمانی: ج ۱ ص ۱۲۹. عزالدین ایبک معظمی: ج ۱۹۵۲،۴۲۸،۰۰۰ عزيزء أساعيل بن سيفالاسلام ظهيرالدين عثمان بن محمد بن ابی سفیان ( والی مدینه) : طغتکین ( ملک \_ } ! ج ۱ ص ۱۹۱۶. عزالدین بلیان ( مطوک شاهرمن) : ج ۱ ص عزيز خان ( مير - ): ج ٣ ص ١٧٤٣. .14 -15 . FTA . FTY عثمان بن مظعون: ج 1ص 27 ، ع3. عزیز خان آجودانباشی: ج ۳ ص ۱۷۰۰، عزالدین بیگ حموی ؛ ج۲س ۲۰۶۱ ۵۰۹ . عثمان بن نہیک: ج ۱ ص ۱۳۹. 4 144 · 1444 · 1440 · 1414 عزالدين حسين ؛ ج ٢ ص ٨٩١. عثمان بن وليد بن يزيد بن عبدالطك أج إ عزالدین شافعی: ج ۲س ۶۲۱. ص ۱۹۰ ۱۲۴۰ عزیزخان (میر۔)دریابیکی: ج جی۲۲۴۳. عزالدين ( صاحب صهيون) : ج؟ص٨٨٨. عجيف بنعنيسه أج اص ١٨١ ، ١٨٥ . عزيز خانسرداركل: ج ٢ص ١٧٣٩ ، ١٨١١ ، عزالدين عبدالعزيز بن عبدالسلام الدمشقي عدلی: ج ۲ ص ۸۳۲. \* 1440 \* 1470 \* 1477 \* 1477 ( شيخ 🗕 ) : - DAT OF TE عدنان: ج 7 ص ١٣٧١ . \* 1405 \* 1407 \* 1AAF \* 1AFF عدنان ، ابواحمدبنرضی (نقیب علویین ) : عزالدین علی بن اثیر : ج1ص 959. -1417 -1417 عزالدین علی بن محمد . . .الشیبانی ، ابن چ ۱ ص ۲۱۷، ۲۲۵، عزیز خان سرهنگ مکری: ججس ۱۶۴۱. عدی بن ارطاہ: ج ۱ ص ۱۹۶۶. عدی بن ثابت الانجاری: ج ۱ ص ۱۹۴۰. اتیرجزری 🗦 ۱ ص ۴۲۲،۳۶۶ ۴۲۲، ۴۴۲، التزيز بن علاحالدين أيوبى( تايبمصر) : 31 - 17 17 17 17 17 17 . TIA عدی بن ثابت کوفی: ج 1 ص ۱۱۶۰ عزالدین عمربن مجلی ( پیشکارطکناصر ):

عزيز (ميرزا س) كوكلتاش (خان|عظم) :ج٧

ص ۲۲۳، عزيز (ميرزا ـ ) كوكه: ج ٢ ص ٨٥٩٠ المزيز ، (پسر المعزلدينالله علوى) : ج { ص ATT - TYT - TYA - TYF - TYA TAT . TAT . GAT . AAT . TPT . عزیز نسفی: ج ۲ ص ۵۸۴۰۰ عزيزالله خان صارمالملك ( سرتيپ دويم ) : عزیزاللہ خان سرتیب : ج ۱ ص ۴۷۸ ؛ ج ۲ ص ۱۷ ه ۲۰ عزيزالله خان (عطه مندوقخانه): ج ٣ ص ۲۱۴۲ ۰ عزيزاللهبرزا (سرتيپسيم): ج ٢٠٧٢،٠٢٠ عزيزاللسيرزا ( نايب آجودانياشي) : ج 1 س ۹۰۹: ج ۲ ص ۱۲۲۹ ۰ عزيزالدوله ( خواهر ناصرالدينشاه) : ج 1 ص - ين ع تص ١٣١٩ : ع ا ١٣٠٥ - ٢٠٤٣ -عزيز مصدخان ( پسر عباسخان سرتيپ ): · 1097 @ 7 e عزيز محمد خان ( سركرده جماعت قراچور ـــ لوی خوار ) : ج ۱ ص ۵۲۲ ۰ عزيزمحمدخانھراتی( باور): ج1ص٥١٥-ج ٢ ص ١٦٢١ : ج ٢ ص ٢٠٧٥ . عزيزالملك: ج 1 ص ۲۹۶ -عسکرخان افشار ارومی ( سفیر ایران) : ج ۳ 41 197 1 1745 . 1844 . 1841 w · 1075 · 1074 · 10-5 · 10-0 عسکرخان ارومی ( سرتیپ ) : ج 1 ص ۵۱۴ -ج٢ص ١٢٩٩ : چ ٣ ص ١٧٩٥ ، ١٧٩٧٠ عسکرخان سرتیپ سیم (مهماندار سفرای دول خارجه): ج ۲ ص ۱۸۷۲ ۰ عسکرخان سرهنگ (سرپرست ارامته ارومــی و سلماس) : ج ۲ ص ۱۸۵۷ ۰ مسکرخان شقافی ( سرپرست توپخانه) ؛ ج۱ ص ۵۰۸: ج ۲ص ۲۰۷۶. عسکرخان (والی قرم): ج ۲ ص۱۸۵۷، عسکری میرزا : ج ۲ ص ۸۸۰۰ عمام سمرقندی : ج ۲ ص ۲۹۱ -عمام الدين اسفرايني (ملاس) : ج ٢ ص ٧٧١٠

عصمت ( حاجی ــ ) افئدی (مینباشی ) :

ج ۳ ص ۱۸۸۲۰

۰۲۰۲۰ ، ۲۰۲۹ عفدالدوله (حکمران قزوین ) ؛ ج ۳۳،۲۹۳ ، ۸۰۲۰ ، ۲۱۲۵ ،

عضدالدوله (ازطوگرستبدار): ج۲۳،۳۲۳۰ عضدالدوله، دیلمسی ( فنا خسبرویسسبر رکنالدوله): ج۲ ص ۲۶۰ ۰

777 . 777 .

عقدالدوله ، سلطسان احصد میسرزا (پسر فتحطیشاه ) : ج ۲ ص ۱۲۱۹ : ج ۳ ص ۱۸۹۲ ،

عشدالدین ( وزیر خلیفهٔ عباسی ) : ج ( ص ۲۰۱۱ ، ۲۰۲۰

عفدالدیناینجی (قافی - ): ج۲ص۳۶۰ عفدالطک: ج ۱ ص ۱۹۲۰ ۱۵۲۰ ج ۳۵: ج ۳ ص ۱۹۲۱ - ۱۹۲۸ - ۱۹۲۸ ۱۹۲۸ م

عضدالملک (خوانسالار وخازن مهر وحاکم مازندران وزیر حضور): ج ۱ ص۲۰۵۲ ۲۰۵۲ : ۲ ص ۱۲۲۰ ، ۱۲۲۳ : ج ۳س ۱۸۷۶ ، ۱۹۲۴ ، ۱۹۴۰ ، ۱۹۵۳ ، ۲۰۶۷ ،

عفدالطک، علیرفاخان: ج7ص ۱۸۸۷۰ عفدالطک، میرزا محمدخان:ج۳۰٫۳۸۳۲۰ ۲۰۶۴، ۲۰۶۴۰

عطا: ج 1 ص 104 ،

عطاءالله خان: ج ۱ ص ۲۰۵۰ ۱۹۱۸ : ج ۲ص

عطاءالله (میر - ) خان تیموری: ج ۳ ص ۱۸۴۳ -

عطاءالله (حاجى ــ) خان (سرتيبياول): ج٢ ص ٢٠٧١،

عطاءاللمخان شاهسون : ج ۳ ص ۱۲۸۲ · عطا محمد خان افغان : ج ۳س ۱۵۲۶ ·

عطا بن رباح ( فقیه حجاز) :ج 1 ص 10 ، عطا بنسائب ، ابوزید الثقفی:ج1ص175 ،

عطاف بن سفیان ازدی: چ ۱ ص ۱۶۱ عظیم بن مالح بن مرادس: چ ۱ ۱ ۱۳۷۳۰ عظیم بن مالح بن مرادس: چ ۱ ۱۳۷۴۰

عظیم بیک: ج ۳ ص ۱۹۳۰ عفتالدولد ( خواهر نامرالدینشاد): ج ۱ ص ۵۰۱: ج۲ص۱۲۱۱، ج ۳۵۳۷۰۲

عفيف الدين عجيل بلياني: چ٢ص ٥٠٠٠ عقيمين حجاج السلولي (حاكم انفلس): ج ١ ص ١١٧٠ ، ١٢٢٠

عقبه بن سلم ( حاکم بصره) : چ ۱۹۵۵ -عقبه بن عامر الجهنی: چ۱ص ۸۵۰۷۵ عقبه بن نافع الفهری ( والد. افریقاً) : چ ۱

س ۵۱، ۹۲، ۹۲، ۵۵، عقفان حروری تج ۱ ص ۱۰۹، عقد بن ابی عقد تج ۱ ص ۲۵، ۹۳، عقیل (شیخ به ) تج ۲ ص ۱۶۵۹، عقیل بن ابیطالب تج ۱ ص ۱۲۰، ۲۱، عقیل بنخالد (ماحبالزهری) تج ۱۳۰، ۱۳۰، عقیل (میرزا به) دبیر و سترفی امفیان :

ج ۲ ص ۱۱۶۵، عکاسیاشی: ج ۳۳ د ۱۹۲۰ عکاشه خارجی: ج ۱ ص ۱۱۷، عکاشه بن محصن: ج ۱ ص ۲۶۰ عکرمه بن ابیجهل: ج ۱ ص ۲۲۰۲۸، علاء بنالخضرمی (الحضرمی): ج ۱ ص۲۶۰،

علاء بن بغيث اليحمين ( وألى مغرب) : ج1 ص 111 -

علاءالدولہ: ج بس ۱۹۶۲ ج برس ۱۹۸۶ ، ۱۹۲۰ ، ۱۹۲۵ ، ۱۹۲۸ ، ۱۹۲۳ ، ۱۹۴۰ ، ۱۹۲۰ ،

-1011

علا الدوله ، ابوجعفرین کاکویه : ج ۱ ص۳۰۳ ، ۳۱۱ ، ۳۱۲ ، ۳۱۵ ،

علا الدولة ، ابوسعد مسعود بسن ابراهيسم غزنوي (حكمران غزنين) :ج اح 757. علا الدولة ، ميرزا احمد خان :ج يس 1114. علا الدولة ، اميرعليكة كوكلتاش :ج يح 70,792. علا الدولة ، اميرنظام (وزير دربار اعظم) : ج احرا ٢٠٢٢ - ٢٨٣ ، ٢٨٣ : ٢٣٣٢٠٠٢.

علا الدوله ( ایٹیک آقاسیباشی و کثیکچسی علا الدين على بنالاثير :ج 7ص ٢٢٩ . باشی) ..... ایشیک ۲قاسی باشی. علاءالدين على ( شارح وقايه ) . ج 7ص557 ، علا ٔ الدولہ رعناشی: ج ۲ ص ۹۹۶، علا الدين عمادشاه: ج 7ص ٧٥٢. علاء الدوله ( رئيس قورخانه ) :ج ٢٥٥٥٠٠ . علا الدين قراسنقر ساقي عادلي (مطوك). علا الدوله ، قاسم بیک بن امیراطلان : ۲۶ ص - 10 171 · 701. . 474 . 444 . 144 . 744 . علا الدين قزويني ﴿ قاضي القضاء دمشق ﴾: علا الدولد ، محمد حسن خان : ج ٣٠٠ ١ ٩٤٠ . ج آص ۶۲۴٠. علاء الدوله ، محمدر حيم خان (نسفچۍ ياشۍ) ." علائدین کیقباد : ج اص ۲۲۲۰۴۱۲،۲۳۶، · 1907 · 1457 · 145 1040 **. ۲۲۵ ' 4T**A علا الدين (ملازاده ابهری): ج ۲۰،۲۹۲. علاءالدين محمد ; ج ٢ص ٢٧٢، علا الدين بن احمدشاء دكني: ج ٢ص٤٤١، علاء الدين محمدين بهاء الدين سام 🗧 ج 🐧 علاءالدين ( پسربدرالدينماحب سنجار ) : علاء الدين محمد ( پسر جلال الدين حسسن ج ۲ ص ۲۷۵۰ ( بزرگ استاعیلیه) : چ1ص ۴۳۵. علا الدين بڼېدرالدين لو ُلو ؛ :ج ٢ص٩٥٩. علاءً الدين محمدين شهاب الدين مسعود ( از علا الدين بندقدار مالحی(ايدکين) : ج٢ طوگ خلج ) : ج 7 ص ۶۶۴. ص تده، وده. علاءالدين محددين عبلاءالديسن تكبيش علاء الدين پاشا: ج ٢ ص ٢٢٠. خوارزمشاه: چ [ص ۴۲۳ ، ۴۲۴ ، ۴۴۲ ، ۴۴۲ . علا الدين پهلوان : ج٢ ص ٤٩٢ . علا الملك: ج 1 ص 474، ج ٢ ص ١٢٥٢ . علاءالدین تکش (پسسر بسزرگ ارسلان علا الطک ( میرزا 🗕 ) : ج ۲ص ۸۹۵ ، خوارزمشاه ) : ج (ص٥٥٥، ١٤ ٢ ، ٢٣٥. علا الطك گرگين شِياه ( پستر ميفالدينن علا الدين الحسن ، يسر رستم بن على بسن نصرت) ج ۽ ۾ 949. شهریار ( پادشاه مازندران) : ج 1 ص علا العلك ( مستوفي بنائي ): ج (ص ٥٢٨. 1110 4709X OF E علاءالدین حسین بن حسین غوری (سلطان علقبه بن حکیم الفراس: ج ۱ ص ۴۲. معظم): ج 1 ص ۱۸۳، ۵۸۳، ۲۹۱. علقه بن قيس نجعي ( ماحب ابن سعود ): علا•الدینحسین کانگریبهمنی( اولینطوک 18 m 18 بہمنیہ}: ج ۲ ص ۶۳۵. عقمه بن قیصر (صحابی) : ج ۱ ص ۸۵. علاالدین رومی: ج ۲ ص ۶۹۱، علقته بن مجزز 🥽 ج ۱ ص ۴۲. علا الدین ( سلطان دهلی) : ج ۲ مری ۲۰۰۰، علمخان: ج ۲ ص ۱۱۵۲. علمخان افغان: ج 4ص ١١٥١ . علاءالدين سمناني (شيخ – ) ؛ ج ٢٩،٩٠٠. علمخان (امیرــ) حاکم دزک: ج۲س۹۹۵۹. علاءالدين شاء ( سلطانوليالله) : ج ٢ ص علمخان (میر۔)حاکم قاینات : ج ۳ صرر ۱۲۴۰. غلمخان، حشمالطک (میر ـــ ) : ج ۱ ص علا الدين ( شيخ – ) ابن ماحب جــزيــره طكالمجاهداسحق : ج٢ ص ٢٤ و. علمخان سوم (امير ـ): ج 7 ص ١٢٢٨. علا الدين طبيب. ج٢ ص ٧٤٥. علمخان (میر ــ ) قاینی: ج ۳ ص ۱۴۵۳ ، علاءالدين الطنبقا (ملكالامرا): ج 7 ص علمخان (میرزا۔۔) مطمطب، ج۳ص۲۰۰۹. علمالدین بنابی محمدالقاسم بن محمد بن علا الدینعظ ملک بن محمد جوینی: ج ۲ يوسفالبرزالي: ج ٢ ص ٥٣١. علم الدين سنجر الياشفردي "ج ٢ ص ٩٥ ٥. علا الدين عطار دمشقي: ج ٢ ص ٤٣١ -

علا"الدين على بن حسام الدوله اردشير ( از

آل باوند) 🚉 ڄ من ۴۳۷ .

علم الدين منجر حلبي ( ملكالمجاهدنايب

علمالدین سنجر شجاعی: ج ۲ص۲۰۹.

السلطنه دمشق) :ج٢ ص ٥٨١، ١٥ ٥.

علم الدين ضفن اغلى: ج؟ص ٥٨١. علمالدين عبدالكريم عراقي ( عالم ) : ج 1 ص ۴۲۶. علمالدينعلى بن محسد يسن عبدالعمسد السخاوی (عالم نحو و فرائت ) : ج ۱ ح 141ء علم الدين قيصر بن ابوالقاسم ، تعاسيف (فقيه حنفی) : ج ۱ ص ۲۵۶۰ علمشاہ بیکم ; ج ۲ س ۷۳۷. علمی قزوینی: ج ۲ ص ۹۵۷ ، علی (آفا۔ ) : ج ۲ ص ۸۴۱، على (آفا ــ ): ج ٢ ص ١٢٧٩٠٠ علی (حاجی سید...): ج ۲ ص ۱۲۷۵. علی (حاجی ملا 🗕 ) : ج ۱ ص ۵۲۵. على ( ميرزا - ) : ج١ص٢٤٤ : ٢٢٥٥٠٠ ١٢٢٥٠٠ علی (میرزا سید \_) : ج ۲ ص ۱۳۲۵ . علیآشتیانی ( میرزا 🗕 ) لشکرنویس: ج ۱ ص ۵۰۶ £ م ۱۲۲۵ ؛ ج س ۴ ۹۰۲ . علی بن ایان: ج 1 ص ۲۱۳. على بن أبراهيم بن نجيبالدوله ( حاكسم يعن): ج 1 ص 779. نعلی ابوعثام بن خبیس ( صاحب تکریت ) : ج اص ۳۲۲. على ( ميرزا \_ ) يسر ميرزاا بوالقاسم قائسم مقام: ج 7 ص ۲۰۸۲ . علی بن ابیبکر هروی ( شیخ ــ ) : ج ۱ ص اعلىبن ابىالغهم داود ( جد قاضىع لبى تنوخی) : ج ۲ ص ۳۶۲. على بن احمد بن منصور بسامي ( شاعر ): ج ۱ ص ۲۳۲. على بن اخشيد (حاكم مصر): ج1ص755، على بن أدريس بن يعقوب ، المعتضد ﴿ بِادشاء مراکش) : ج ۱ س ۲۳۹. علی بن ازیاب: ج 1 ص 146 . على ( پسر ميرزا اسميلخان) :ج1ص٥٣٢. على امين صره ( آقا ــ ) : ج (ص ٥٣٠ . علی (میرزا – )از اجزای پستخانه، ج ۲ ص · 1177 (1170 على ( آقا – ) پيشخدمت خامــــه ( حاكم ساود): ج ۲ ص ۱۸۶۰ . علی ( حاجی ...)تاجر یزدی: ج۲ص۱۲۵۱:

- TITA OF E

ص ۲۹۴۰ -T 944 P ج ٣ ص ٢٠٩٩٠

عباسی ): ج اص۲۲۲ تا ۲۲۷. على (ميرزا سيد 🗕 ) منشى:چ1س ٥٣٥، علی (میرزا ــ ) منشی: ج ۳ ص ۲۹۰۰. علی(میرزا\_)منشی ( از اجزاییستخانه): ج ۲ ص ۱۱۲۰. على ( ميرزا -)منشىدويم :ج 1 ص ٥٣١. ج ۲ ص ۱۲۲۱ ٠ على ( ميرزا ــ ) منشى وزارت معاون الملك ج 1 ص ۲۵۸۰ علىالموادب : ج 1 ص ٢٧٢. على بن موسى الرفة (ع) ( امام ــــ) : ج 1 س ۲۷۹ : ج ۲ س ۶۷۹، ۹۰۷، ج ۳ -T-17 + 19T1 + 10T0 J علی (میرزا 🗕 ) پسر میرزا موسی وزیرلشکر 🖰 - 7 - 2 T - 1 TYT - 7 - 2 T - 2 X4-7-علی بن مہدی حمیری(سلطانیعن) : ج 1 -T10 00 على (ميرزاس) ولد ميرزا بابا حكيمبائسي: - 1ATT - T & علی ( میرزا ۔۔ ) نایب آجودانیاشی: ج ( مراه ۵۰ نج ۲ ص ۱۲۲۹ : چ ۳ ۲۰۷۳ ۰ علی ( میرزا سید ۔ ) نایب حکیم باشسی : ج ١ ص ١٥٥٠ ج ٢ ص ١٢٢٧ : ج٢ ص على(ميرزاس) نايب مىتوفى ( أطاقموزه) : ج ۳ ص ۲۱۱۱۰ على (ميرزا سيد 🕳 ) نايب ورامين ۽ 环 ص - 114-علی ( میرزا ـ ) نایب و منشی آج اص۹۳۲۰ على بن نمر بن هارون ( النعوى الطـــى، حجت: ج 1 ص ۲۲۲. على ( ميرزا...)نظام|لعلماء :ج ٣ ص١٩٧٢ ، علی (ملا۔)نوری (حکیم) :ج ۳ ص۱۵۹۹ ۰ · 1504 علی ( میرزا ـ ) نوری مستوفی : ج ۲ ص . 4. 44 على ( سيد \_ ) واعظ : ج ٢ ص ٧٢٤٠ علی ( میرزا ـ ) پسر وزیر دفتر ( از ارباب ظم و لشکرنویسان) : ج ۲ ص ۱۲۲۴ -. Y + SA UP T & على (آفا \_ ) مقدم ( تاجر قزويني) ' ج؟ ملي (ميرزاب)ولدٍ وكيل لشكر : ج١ص٥٦٩٠٠ ا

على المكتفي بالله بن معتفسيد ( خليفه

احكام السلطانيه ، قانون الوزاره ) : ج ٢ على (ميرا ــ ) تفرشي (لشكرنويس):ج ٣ . 1446 . على بن محمد بن عبداللتالمدايتي(ماحب علی تفرشی ( میرزا سید 🗕 ) ج ۲۹۳،۲۱۳ . مفازی و سیر ) :ج ۱ ص ۱۸۷ ۰ علی نکین : ج ۱ ص ۳۱۴. على بن محد بن علىء أين خروف نحبوي علیبنغذا :ج ۳ س ۱۸۷۹ . اندلسى|ئېيلى(ئارچىمىل زچــاجى علی فراثبائی (حاجی سید ۔ ): ج ۱ ص و الكتاب سيبويه ) : ج1 ص ٢٢٩٠ ۵۵۲ ع حص ۲۱۱۳۰ على بن معبد نحوى ( ججنالاقاضل) : ج ١ على بن القاسم ، ابوالحسن الدمشقى ، الحافظ ابن عساکر : ج ۱ ص ۲۳۳ . على بن محمود بن ابراهيم الزوزني: ج ١ على بن قاضي محمدين على العليجي: ج1 ح ۲۲۸ ۰ علىبنىدْھج(آخرينآلافضل) :ج٢ص٧٢٢، علىقائممقام (ميرزا 🗕 ) : ج 1ص ٥٦٨ :ج٦ س ۱۲۲۲ : ج ۲ س ۴۹۰۲،۲۷۷۲، على بنءزيدالاسدى: ج 1 ص ٢٠٢٠ على(ميرزا --)پسرقوامالدوله: ج ١ص٥٢٨. علی ( میرزا سید ...)مستوفی ج ۱ ۱۳۷۳۰ علی (آقا سید ــ ) قونسول انگوری: ج1 س علی ( میرزا ۔ ) معتوفی حاضر رکاب ؛ ج ۱ ص ۸۲۸: ج ۲ ص ۱۲۵۳ ۰ علی ( حاجی ـ ) قونسول ہالکیہ ؛ ج ۱ ص علی (میرزا ــ ) ستوفی دیوانخانه: ج 1 ص ٥٢٩٠ ج ٢ ص ١٢٥٥ . علی ( حاجی میرزا ـ ) قونسول ( کارپرداز على(ميرزا ــ) مستوفى ( اهل دفترخانه) : جده): ج ۲ ص ۲۱۰۶. - T 141 - Te : 1797 - T T علیبن قیدار ، صوفی نیشا بوری : چ ۱ ص۲۲۱ . علی ستوفی ( میرزاب ) دع ۳ ۱۰۲۰۰ علی (آقا سید ــ ) کتابدار (از اجزایمجلس على (ميرزاب)مشوقي (بخصوص دريخانه) : تالیفنامهٔ دانشوران) :چ۲ص ۱۲۹۲. علی بن کرمانی: ج ۱ ص ۱۲۹،۱۲۸ ۰ على سِتوفى (ميرزا \_ ) پسر قوام الدوله : علبی کلبی ( پادشاہ صفلیہ ): ج ۱ص۲۸۱۰ in 1907 ( ) and 1907 علی کئی (حاجی ملا سه): ج ۲ ص۱۱۸۵ : على مستوفى ( ميرزا - ) يسر وكيل لشكر : ج ٣ ص ٢٠٩٥. علی گرایلی ( میرزا ۔ ) : ج ۳ س ۱۳۴۷ ۰ علی بن سلم بن قریش: ج ۱ص ۳۴۶، على ( حاجى ميرزا ــ) شكودالطك، وكيل على (ميرزاــ)لشكرنويس: ج ١ص ٥٠٥٠. الرعايا (حاكم هم<sup>دا</sup>ن): ج ٣ ص ١٨٥٥ ، على (ميرزا سيد سـ) لشكرنويسكرمانشاهان: -1974 - 1909 - 1905 ج ١ ص ٥٥٧ : ج ٢ ص ١٢٢٤ : ج ٣ ص علی مشهدی (میر۔)خوشنویس ٔج؟ص۲۶۶. على (حاجي استاد -) معاركل: ج١ ص على ( ميرزا ـ- ) لشكرنويس ( يسسر ميسرزا هدایتالله وزیر دفتر): ج ۱ ص ۵۰۵: ج۳ على(ميرزاــ) معين ( از اجزاييستخانه): · Yee Y ج ا ص ۵۴۱: ج ۲ ص ۱۲۷۱: ج محق علی (حاجی شیخ ۔ ) مجتہد مرند : ج ۳ على ( ميرزا ... ) داماد معين|لملـــک ( از علی بن محمد بن ابیاغارات : ج۱۹۰۳، اریاب ظم و لشکرنویسان) : ج ۲ ص علی بن محمد بن احمد : ج ۱ ص ۲۰۵۰ ١٢٢٣ : ج ٣ ص ١٩٦٨٠ علیبن،حدین بشار ( زاهد ) :ج۱ص۲۳۹۰

على بن محمد خبيب العاوردى ، أبوالحسين

قاضى)لقشاھ ( موالف : نكستالعيون،

ص ۲۱۲۶ ۰

علی ( میرزا ـ ) هزارجریبی ملاباشی! ج ۳ على أصفر (ميرزات) ؛ ج ٢ ص ١٣٣٥ . ٠ ١۶٢٢ ٠ على اعفر (ميرزا \_) از ارباب ظم و لشكو علی بن هشام ( والی جبل و تم و اصفهان نويسان: ج 1ص ۵۰۵. ج ۳ص۶۹۰۳. علی اعفر بیک قزوینی ہے اس ۵۴۵ ہے ؟ وآذربایجان) : ج 1 ص ۱۸۱ ، ۱۸۳ ، ص ۱۲۶۹ ، ۱۲۷۵ . علی بن ہلال بن ہواب خوشنویس: ج 1 ص على اصغرخان ( ميرزات )امين الملك (امين السلطان دوم ، صاحب جمع ) : ج 1 علی همت خان کلیائی: ج ۲ ص ۱۱۸۵:ج۳ ص ۵۵۱، ۵۵۲ ع عص ۲۱۵۹. علیاصفر خان بسطامی: ج ۳ ص ۲۶۵۷. س ۱۲۲۸ ۰ علی ( امبر سید ــ ) همدانی( ماحباسرار على|مقر خان بنديثى ( سركرده): ج٣ ص النقطه): ج ۲ ص ۶۵۵. علی بن یحیی ارمنی: ج ۱ ص ۱۹۲. على امغر خان سرهنگ ( رئيس تلفكرافخانه شيراز) :ج١ص٨٥٠ ج ٣ ص٢١٣٢. علی بن یحیی بن تمیم (امیر ـ ) حکمران علی اصغرخان کنگرلو: ج ۲ ص ۱۳۶۸. افریقید: ج ۱ ص ۳۶۶. علی یزدی ( حاجی ــ ) تاجر : ج1ص۵۲۶. علی اصفر خان یوزباشی: ج جس ۲۱۱۷. على بن يطي بن عوض الهروى ( واعظ ) : علی اعفر ( میرزا ۔ ) سررشتسندار وزارت ج 1 ص ۳۲۳۰ وظائف): ج ٣ ص ٢١١٩. علی یوزباشی ( میرزا ... ) : ج ۱ص ۵۲۹. علی اعفر (مبرزا سید ــ) سرهنگ: ج ۱ على بن يوسف بن تأشفين، امبرالمطمين! ص ۱۰۵۸ ج ۲ص ۲۲۰۲۰ - TFO . TO 9. TOY . TO 9 To على اعفر (حاجي مير ـــ)شيسخالاســلام علیی آفا ( ازاکراد ) : ج ۱ ص ۵۴۶ : ج۲ ص تبریز . ج ۲ ص ۱۸۲۲ ۰ ١٢٩٠ : ج ٢ ص ٢٥٢٥ . على اصفر ( ميرزا ـ ) عزب دفتر : ج وص على آقا (آقام) تاجر شيرازي: ج اص٢١٢٧٠. علی آقا بیمگ ( نمایب فراشخانه ) : ج ۳ علی اصغر ( میرزا سید سے) ( عمکر خیان شقاقی ) : ج ۲ ص ۱۲۲۸ ، . 2117 0 على أصغر ( حاجي ــ) بازندراني خواجــه علی آفا چاوشیاشی:ج۲ص ۸۵۲. علی آقا قاپوچی،اشی: ج ۲ ص ۸۴۴. ہاشی: ج ۲ ص ۱۵۸۰ ، على آقا قاجار ( نايب ايشيك آقاسي باشي): على اصفر (ميرزا۔) مترجم: ج ٢٣٠٢٠٠. . T115 - T E على أصغر (برادر زادة محدخان سواد كوهي): علی احمد (حاجی ــ ) ناجر طهرانی: ج۳ ج ۲ ص ۱۱۲۲ و ص ۲۱۲۶. علی اعفر ( میرزا ... ) مشترف سنوارد؛ قرا علی اشرف ( میرزا ـ ) :ج (ص6۵۵؛ ج ۲ سواران: ج ۳ ص ۲۱۱۴. ح ۱۲۲۵ ٠ على اصغر ( ملا \_ ) هزار جريبي ملاياشي: علی اشرف (میرزا ۔ ) خنان (موهنگ - 1444 e T e مهددس):جاص۵۳۳،ج ۲ ص۱۲۵۱: على افندى ( حاجى ــ ) قونسول صيـدا : .T107 # T t . OTF @ 1 E علی اشرف خان ماکوئی: ج ۳ ص ۱۶۷۵ ، على اكبر (آقا ــ) ج٢ص ١٣۶٨. على اكبر (ميرزا - ): ج 7 ص ١٣٢٥ . على أشرف (ميرزاء)خان ﴿ منشى قونسولگرى علی اکبر (میرزا ۔ ) آجودانیاشی: ج ۳ م روس در تبریز ) : ج ۱ ص ۵۳۷ : ج ۲

- 1401 علی اکبر بیگ ( از دسته بلوچ) : ج ۲ س ١٢٧٥ : چ ٣ ص ١٩٠٢. على اكبر بينا (دكتر ـ ) : ج ٣ ص-١٥١٠ - 1041 z + 1017 z على اكبر (حاجى ــ ) ناجر دهدشتى: ج٢ ص ۱۲۵۱ ، ج۲ ص ۲۱۲۵ . على اكبر (حاجى ــ ) تاجر شيرازى: ج 1 ص ۱۲۵۱ ت ۲ ص ۱۲۵۱ . على اكبر (حاجى ... ) تاجر كازرونى: ج ٣ ص ۲۱۲۲٠ و على اكبر (استادم) تفتكساز:ج ٣ ص ١٧٢٠. على اكبرخان : ج 1 ص ده ٥٠. علی اکبر خان آجودانیاشی: ج جس۱۹۹۳ ، على اكبر خان ( ميرزا ــ ) آجودانياشــي : -1945 OF E علی اکبر خان ( ازاعیان طهران): ج ۳ ص على أكبر خان (ازامرا") :ج٦ ص ١٣٥١ . على اكبرخان (تفنكدار خاصه) : ج1ص ٥٣٥. ج ٢٠ ١٢٥٢ : ج ٣ ص ١١١١. علی اکبر خان ( میرزا ۔۔ } حکیمیاشی سابق عريضخاند; ج ۽ ص ١٩٤٠. علی اکبر خان ( میر ۔ ) دریابیگی: ج ۳ س على اكبر خان، سرتيپ اول: ج 1ص ٥١٤. علی اکبر خان ( سرتیپ خواجموند ) : ج ۳ ح ۲۱۱۴۰ علی اکبر خان ( سرکردهٔ بحکشی): چو س على أكبر خان ( سركرد+ جماعتطالش ) : ج ١ ص ٥٣٢٠ ج ٢ ص ٢٠٩٣. على اكبر خان ( سركرده؛ جماعت قائيني) : ج اص ۵۲۰: ج۲س ۸۹۰۲۰ علی اکبر خان سرهنگ ( ادارهٔ سوارهسای ديواني): ج 1 ص ۵۵۳. على اكبر خان (سرهنگجماعت خواجموند ) : ج اص ۵۲۱: ج۲ ص ۲۰۹۰. على كبر خان ( سرهنگ خارج أز فوج) : ج٣ ص ۱۲۲۹ -على اكبرخان ( سرهنگ فوجدويم ظبيقم ) : ج ۳ ص ۲۸۹۲۰

على اكبر خان سرهنگ ( فويپمنمورقراگوزلو :

· Y · AY

على اكبر آقا ( از سوارة مهاجر ): ج ٣ ص

علی اکبر ( حاجی ــ ) امین معادن: ج س

ص ۱۲۶۵ ؛ ج ۳ ص ۲۱۰۸.

على أشرف (ميرزاس)لشكرنويس آذر بايجان:

ج ١ ص ٥٠٥؛ ج ٢ ص ٢٠٥٩.

ج اس ۱۹۴ ج ۲ ص ۱۳۲۸ : چ۲ ص · Y o AY علی اکبرخان (سرهنگخوچدویم نیهاوندی) : ج اس 414: ج ۲ ص ۱۲۲۰ ، علی اکبر خان ( میرزا ــ ) طبیب : ج ۳ ص على اكبرخان (ميرزا ــ) پسر فخوالاطباء: ج ۲ ص ۱۲۹۵ : چ ۳ ص ۲۱۲۰ على اكبر خان ( نواده فظمليخان ، نايب آجودانیاشی) آج 1 ص 600 ء ج ٣ ص على اكبر خان ( ميرزا ــ) كاريسرداز ارزنه الروم: ج 1 ص ۵۳۴. على اكبر خان (ميرزا 🗕 ) كارگذار بوشهر 🖫 ج 1 س ۵۲۶٠ على اكبرخان كنكرلو ( سرهنگ ) : ج 1 ص 2 0 0 0 0 0 چ ۲ ص ۲۲۲۸ ، چ ۳ س ۲۰۷۲ ، على اكبر خان، يسر محمدخان ( از اربساب منامب خلوت) : ج ۲س ۲۱۱۰، على اكبر خان، يسر حاجى محمدعلى خسان سرهک (نایب آجودانیاشی)، خ ۲ ص ۱۲۲۰ : ج ۲ ص ۲۰۲۴ . على اكبر ( ميرزا ــ ) خان ( تايب الحكومة عراق) نج جس ۲۱۲۸، ۲۱۲۳. على اكبر (ميرزا ــ ) خان (نايب الحكومة ملاہر و توبسرکان) : ج ۲ ص ۱۹۰۵ ، على اكبر ( ميرزا ــ ) خان ( نايب دويـــم ومديراداره انگليس): ج٣٩٥٣٠٠، على|كبرخان (حاجى ــ ) نىايب وزارت خارجه! ج ۱ ص ۵۳۱ ه على اكبر خان ( ميرزا \_ ) نقائباشي: ج 1 س ۱۲۶۶ م ۵۲۵ م ۲۰۰۳ من ۲۰۳۶ ۲۰۳۰ علبی اکبر خان( میرزا ۔۔ ) وقایع نگار : ج ۳ ص ۲۱۰۵۰ علی اکبر خان یاور : ج ۳ ض ۲۰۷۵، على اكبر (ميرزا ـ ) سررشتندار اصطبل أج: منهه ۵۰۵ م ۲۰۶۲ · م ۳س ۲۰۶۳ · على كبر . (ميرزا ـ ) سررشتهدار كل و بسوات نویس: ج ۲ ص ۲۰۷۷ ، علی اکبر سرهنگ ( برادر علینقسی خسیان سرهنگ): ج ۲ ص ۲۰۷۳،

علی اکبر ( میرزا ۔ ) سرهنگ تورخانه ! ج۳

. 1771 0

علی اکبر ( میرزا ۔ ) شربنداریاشی: ج۳ص . 1110 علی اکبر (حاجی ــ) شیسرازی ( وزارت تجارت): ج ۲ ص ۲۱۲۴، على اكبر ( ميرزا ـ ) طبيب حضورهايون: ج ا ص ۱۱۰ على اكبر (ميرزا ــ ) طبيب دارالفنون: ج١ ص ۵۲۵۰ علی اکبر (میرزا ۔ ) عزبہاشی: ج ۲ ص -T100 + 190F علی اکبر (میرزا ۔ ) عزب دفتر : ج ۱ ص 406. 1706 T TOF 10 1007 على اكبر ( ميرزا ـ ) قوام الطك ( اعتصاد الدولم کلانتر ) : ج ۳ ص ۱۵۹۹ ، · 1410 · 1514 على اكبر ( ميرزا ـ ) كاشاني(نقاشياشي): - 19TA - T F علی اکبر (آقا میرزا ۔ ) ستوفی: ج 1 ص 470. 166. 3 TOAP+T-1111. على اكبر ( مبرزا ــ ) مشرف دارالنظاره :ج١ س ۲۶۸ ت ۱۲۶۸ ت ۸۹۲۱ · على اكبر (ميرزات)منشى اول. ج 1 ص٥٣٧٠؛ ج ۲ ص 1156 -طى كبر (ميرزاد) نقائبانى نج٢ م١١٩٩٠ -على اكبر ( آقا ــ ) هرسينى ( نايب فراش\_ کانه) : ع ۲ من ۲۱۱۷ · على بايا (سلطان طائفتېجاء). ج 1 ص19، علی بالی یک زنگنه: ج ۲ ص ۹۳۶ . علی بخش میرزا (پیشخدمت خاصه)، ج ( ص ۵۵۸؛ چ ۲س۱۹۵ ، چ ۲س۲۱۳۰ علی برید شاہ: ج ۲ ص ۸۰۸، علی بہادر : ج ۳ ص ۱۲۳۰ ۰ علی بہجت بیک افندی باشی شہبندر 'ج1 س ۵۲۶: چ ۲ س ۲۱۰۲. علی بیک: ج ۲ ص ۱۱۶۸ ۰ علی بیک افشار ( نایب آجودانباشی) . ج1 ص ۵۰۹م ۲۰۷۳ ، چ ۳ ص۲۰۷۳ .

علی بیگ (مترجم طرابزان) : ج۱ص ۵۲۲. على بيگ ( ولد محمد خان ڈوالقدر ) ; ج ٢ ص ۱۹۶۵ م علی بیک ملک قرامان (ج ۲س ۶۵۷ ، علیبیک (والی تونس) :ج۳ س۳۵۰۲. علبی پیاشیا : چ ۲ ص ۶۷۲ ، ۲۲۲، ۲۳ص - 1741 - 1444 - 166T علی باشا (حاکم آلبانی) : ج ۲ ص ۱۳۶۰ . علی باشا ( حاکم دیاربکر) نج ۲س۱۲۴۰۰ على ياشا (حاكم مرعش): ج٧ص ٧٣٩٠ على پاشا (حاكم يانينا): ج 7 ص ١٥٣٩٠ - 1004 على باثا حكيمزاده (صدر اعظم عثماني): ج ۲ ص ۲۵۵، ۱۰۲۹ -على ياشا ذوالقدر " ج 7 ص ٨٣٣٠ علی باشا ( سردار عثمانی) : ج۲ص۰۲۴۰ على باشا كسكن أوغلي: ج 74، 974 • 974 • على ياشا ﴿ وَالَّى بَعْدَادَ ﴾ : ج ٣ ص ١٣٧٨ ، · 1550 · 1747 · 1747 · 1779 علی پاشا خان (خزانندار آجودان) 🕏 ج ۲ ص ۲۱۰۴ ۰ على پاشا خان ( پسر ميرزا شفيع خان قرأ ... باغی): ج 1 ص ۵۲۲۰ علی خان ( سید ۔ ) : ج ۲ ص ۱۰۹۵ ۰ علی خان ( شاهزاده) : ج 7 ص 1404 -على خان (ميرزا – ): ج ٢ ص ١١٢٧٠ على خان آقا قاجار ( سردسته غلاماًناستر آبادی ):ج (ص ٥٢٥ ؛ ج٢ ص ١٢٢٥ ؛ . To A9 - T -على خان افتار ( ميرزا ... ) سرتيب سيسم : ج ١ ص ٨٠٥ : ج ٢ ص ١٣٢٨ : ج٢ ص - T+YT علی خان افشار خصمای: ج ۳ ص ۱۲۸۸ ء -1700 -1744 -1747 -1741 على خان ( حاجي \_)پسر اكبرخانسرتيپ : ع ١ ص ٥٠٩: ج٢ ص ١٢٢٨ ٠ على خان ( آقا ـ. ) أمير صره:ج٢ص١٢٥٦-على خان( ميرزا ... ) امينالدوله ; ج ٣ ص · IATT IATT · IAIT على خان اميناليلك \_\_\_ اميناليلكعلى خان. علی خان ( میرزا ـ ) از اجزای پستخانـه: ج ۲ ص ۲۱۲۰ و

علی بیک ( شیخ \_ ) خمستای(یاوردویم ) :

علی بیگ (کارپرداز و قونسول عماره):ج۳

علی بیگ ( حاجی \_ ) گدخدای تبریز 'ج7

ج ۲ ص ۱۲۳۳ ۰

ص ۱۹۶۶.

ص ۱۵۲۲ ۰

على خان پيشخدمت حضور ( يسبر محسند | على خان، سرتيب ( كارپرداز أول تغليس): قاسم خانواليي): ج ٣ ص ١٥ - ٢٠٠ علىخان، يېشخدمتخاصە( تحويلداروجوء نظام) : ج۲ ص ۲۹۵۵ . على خان (حاجى ــ ) حاجب الدوله (فراش بأشيء فيا الملك اعتمادالسلطند ) : 11774-1415 (1597 (1597 OTE · 1770 · 1771 · 1774 · 1777 +1A10 +1YA0 +1YAT علیخان ( از حاجی مہدی قلیخانی) ؛ ج ۱ علیخان ( میرزا ــ) پسر میرزا حسین خــان سيهسالار : ج 7 ص ٢٠٧١. عليخان(حكمرانساوموزرند): ج 1ص2٥٩. علی خان خوئی ( حاجی میرزا ۔۔ ) : ج ۳س على خان دامغاني (ميرآخور ) يج جي1576 . علی خان دولو ( میرزا ــ ) : ج۲ص ۱۱۷۱ ، - 1174 + 11YF على خان ( ميرزا ــ ) رئيس ( ارض اقدس): . 1777 or T e علیخان( میرزا ... ) رٹیس سوادکوہ! ج 1 س علیخان( میرزا ۔ ) رئیس کرمانشاهان: ج۱ علیخان ( رثیس مدرسه همایونی) : ج ۲ س 1797 : ج ٣ ص 1717 . علي خان زنگته ( شيخ ــ ): ج۲ ص۹۵۷. على خان سالياني: ج جس ١٣٨٣ . على خان ( از طائفسيانلو) : ج٠٥٥ ٢٥٥٠. على خان ( شيخ \_ ) سرتيب ! ج1 ص٥١٢. علی خان (میرزا ۔ ) سرتیپ افشار : ج ہی علِی خان ( میرزا ۔ ) سرتیپ اول ( ولــــد مدراعظم) : ج ۲ ص ۱۲۲۵ . على خان، مرتيب سيم ( پسر نظامالدولـــه حسين خأن) تج آس ١٨٧٢ ٠ ١٨٨٨٠ علی خان ( میرزا ۔ ) سرتیپ فیج دویسم

ملايدي): ﴿ ١ ص ١١٥٠

خلخالی ) : ج۲ ص ۱۲۳۸ .

• 1A•Y

على خان ( ميرزا ــ) سرتيپ ( فوج عفتـــم

- 1904 OF T E على ( ميرزا ـ ) سررشتندار :ج1ص٥٥٣٠. علی خان ( سرکردہ' سوارہ اوصائلو): ج ۱ على خان ( سركرده سواره شاطرانلو) . ج1 ص ۵۱۷ : ج ۲ ص ۱۲۴۲ : چ ۲ص ۵۱۷ . علی خان ( حاجیمیرزا \_) سرهنگ: ج چی · Y • AY · Y • A1 علیخان (میرزا۔)سرهنگ: ج ۳ ص۱۹۲۲، على خان( حاجي ... ) سرهنگ ( پسر اكبسر خان سرتيپ) : چ۳ ص ۲۰۷۲. علبی (میرزا ــ ) خان ( سرهنگ توپخانسه و پسر میرزا حسنخان) : ج۲ص۱۸۷۵ ، علیخان سرهنگ، بسر سلیمانخان: ج ۳ ص -علیخانسرهنگ (فوجِبهادران اخلاصافشار): ج احر ۵۱۵ ؛ ج ۲ ص ۱۲۳۹ ۰ علىخان سرهنگ ( فوجاولىيها درانخوشي) . ج اص ۱۲۲۷: ج ۲ ص ۱۲۲۷ ۰

علی خان سرهنگ ( فوج چهارم تبریز ) : ج۳ ص ۱۷۵۴ء علیخان (حاجی میرزا ب) مرهنگ ( ضوج دويم خاصه) : ج ١ س ٥١٢ : ج ٢ ص على خان مرهنگ ( فوجهفتمخلخالي) .ج(

ص ۱۳۵۰ على خان سرهنگ (فوچقهرمانيه): ج١ س . 1774 TE: 417 علیخان سرهنگ ( مطم توپخانه): ج ۲

· Y • • Y •

علیخان سرهنگ( حاجی مهدیظیخانی): ج٢ ص١٢٢١؛ ج٢ص ٢٠٤٥٠ علی خان سرهنگ ( پسر نظامالدوله): ج ۳

ص ۲۹۲۰۲۰

علی خان سوادکوهی. ج ۳ ص ۱۷۴۷ ، علی خان سیستانی: ج 7 ص ۱۷۴۹، ۱۷۴۶،

علی خان شاطریاشی نوری : ج۲س۴ه ۱۵ . علیخان شقافی: ج ۲ ص ۱۲۲۹ . عليخان ظرائسلطان: ج٦ص ١٥٣٢ - ١٥٢٤ -

طیخان (عادلشاہ) یسر فتحطیشاہ: ج ۳ على خان ، سرتيب قراگزلو: ج جيء١٧٩٤ ، · 1544 00

على خان ، يمر عبدالله خان ( از مسوارته مهاجر): ج ۳ ص ۲۰۸۷.

علی خان ( یسر عبدالرشاخان یزدی) :ج ۳ ص ۶۰۶۶ .

علىخانعرب خزيمه ( مير ــ ) : ج ٣ جس · 1444

على خان (برادر فرجائله خان): ج 7 ص

على خان ( از امراه قاجار) (جېس۲۰۶۳. علیخان قاجار ( ایشیک آقاسیباشی) : ج ۱ ص ۱۹۴۰،

علیخان قاجار : ج ۳ ص ۱۴۹۱ ، علیخان قاجار (مطم): ج ۱ ص ۵۱۵:ج۲

ص ۱۲۲۱ : چ ۳ ص ۲۰۷۵ ،

على خان قاجار ( ميرزا ــ ) معلم طب :ج٣ ص ۲۱۳۰ ،

عَلَىجَانَ قَرَاجِيدَاغَى: ج٢ ص ١٣٤٩ . علىخان قراگزلو نصرتالملك نج ٢٠٦٤، · 1444 · 1599

عليخان لليجي: ١١٥٢ ص١٩٧٢ . علی خان قوانلو : ج ۳ ص ۱۴۹۱ ،

علی خان ( میرزا ـ ) تورقچی باشی: ج ۳ س ۲۱۲۷ و

على خان ( ميرزا ــ ) قونچىياشى: ج١ ص

علىخان قبراط : ج 7 ص 1973.

على خان (ميرزا ــ) كاريرداز طيمانيــه: ج ۲ ص ۲۱۰۶.

علی خان ( میرزا ــ ) کارگذارکردستان:ج۱

علی خان ( میرز! ــ )کاشی: ج ۲ص۱۲۵۹ ، علی خان گمرهای (سرتیپ سیم): ج 1 ص ٨٠٥٠ ج ٢ ص ١٢٢٨ ، چ ٣س ٢٧٥٢٠

علی خان ماکوئی: ج ۳ ص ۱۶۹۱،

على (ميرزاب)خان مترجم :ج١ص٥٣٢ ، ٥٥٥. - Y 1 TX - Y E

علیخان( میرزا \_ ) مترجم اول: ج ۳ س

على خان ( ميرزا ـ ) ولد ميرزا محمد خان ( بیکلربیکی شیراز ) نیزیس ۱۷۴۸ .

علی خان مرندی ( یاور ): چوص ۵۱۰ : ۳ ص ۱۲۲۱ : ع ۳ ص ۲۰۷۵ ·

علیخان ( میرزا ... ) مشیرالوزارد: ج ۱ ص

47-YI - TE - 1777 - TE - 100Y \*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* على خان( ميرزا ــ ) وك ميرزا مصطفىخان افشار ج۲ ص ۱۸۱۲ • علىخان (مطمتوپخاند) ئجاص 1869 -علی خان (میرزا ــ ) مطم طب: ج ۱ 'ص -010 -175 عليخان ( مقرب الحضره ) :ج٢٣٠ ٢٠١٠ . على خان ( يسر طكالشعرا) )مهندس: ج ( ص ۱۲۷۲ ج ۲ ص ۱۲۷۲ ۰ علی خان ( میرزا ۔) منشی: ج 1ص ۵۲۹: ج آس ۱۲۲۵ ، چ آس ۲۰۶۹ ، علىخان (ميرزاـــ ) منشىاول وزارتخارجه : . T107 00 T E علی خان ( میرزا ... ) منشی حضور : ج ۱ ص ۵۲۲ ع T ص ۱۹۲۷ · عليمًا زمنشي (ولدحاجي موسىخان قاجار): ج ۱ ص ۵۵۸ ه علیخان (میرزا ـ ) نایب: ج ۲۰۲۹۰۰ علیخان(نایب[جودانباشی) اج 1 حوا ۵۰ گ بع ۲ س ۱۲۲۰ ؛ چ ۳س ۲۰۲۲ . . علىخان ( نايب ايثيك آقاسيباشي) : ج٣ علی جُان ( میرزا ... ) نایب (از اجزای طفر رکاب): ج ۲ ص ۱۲۳۴ ۰ علىخان (نايب الحكومة سأوه): ج ٢ ص ٠٢١٠٠ : ٣ ص ٢١٢٥٠ على خان{ نايب حكومت كاشان}: ج ٣ ص علی خان (نایب سفارت کبسری ) : ج ۳ عليخان { برادر طبي نايبالطفه) "ج٣ ص 1417 -علىخان، ئايب ميرشكار ( يسرحاجىمعطفى فليخان ميرشكار) (چ7ص٢١٢٠ -علیخان ( میرزا ... ) نائینی ( منشی) ۳۶۰ ص ۲۱۰۰ . على خان نصرتالملك: ج ٣٠٠ ١٩١٢ · علىغان( يسر نظام الدوله) : ج 1 ص400. ج ۲ ص ۱۲۲۸ ۰ علی خان ( پسر والی ) حاکم مراغد: ج ۲

س ۱۹۹۴ .

على الدين على تركمان : ج ٢٠٠٤ ٩٣٠٠

علیرهٔ ا بیک (قراولباشیجناعت باخزری) : علیرضا پاشا ( والی بغداد ) : ج ۲۳۰٬۳۲۳ : علیرهٔا خان بختیاری: ج ۳ ش ۱۶۶۰ ۰ علیرضاخان(میرزا ــ ) از اجزای بستخانه: عليرضاخان، ژنرالآجودان ( سرتيپسيم ) : عليرضاخان سرتيپ نوپخانه : ج ٣ ص٢٠٧۶ -علیرضا خان ( سرهنگ فوج سیم گروسی) : - 1777 0 T g : 611 - 774 0 1 g علیرشا خان ( پسر معصامالدوله)سرهنگ: عليرشا خان عضدالبلک (پيشخدمت خاصه حضورهمايون) :ج٢٠٥٦٠٠١٠٠٠ ، علیرضا خان قاجار : ج ۳ ص ۱۸۹۶ ۰ عليرضا ځان قراولياشي (ازجماعت باخزری) 🕯 ج ۲ ص ۱۲۲۲ ت ۳ س ۲۰۸۸ .

ج ۱ ص ۱۸ ۵۰

علیرها خان: ج ۳ ص ۱۶۵۸ -

· 11170 TF

ج ۳ ص ۲۲۰۲۲.

ج ۱ ص ۵۰۸: ج۲ص ۱۲۲۸٠

· ITYT OF TE - OFT

- 1500

علیرضا خان گروسی کے ۳ س ۱۸۲۲ ۰ عليرضا (ميرزاً -) رئيس (كرمان): ج1ص على رَجًا ﴿ مِبْرِزا \_ ﴾ از اعضاى كالسكيخانه: St. 100/1994 64 6 على رضا ( ميرزا ــ) لشكرنويس ج ١ص٥٥٥٠. ج ٢ ص ١٢٢٥ - ج ٣ ص ٢٠٤٩ -عليرضا (مبرزا ــ ) ستوفى: جاص ٥٢٨: طبطی خان: ج جی۱۴۲۸۰۱۴۲۰۰ ع آس ۱۱۹۶ ، ع ۳ س ۲۰۹۹ ، علیظی خان ( نواب ۔ ) : ج ۲ ص ۱۵۶۸ ۰ علیرضا (میرزا — ) مستوفی: ۱۲۰۲۰ ۲۰۲۰ علیظی خان ( برادرزادهٔ نبادر شناه ) عليظيئان( برادر آقامحدخان قاجار ):

طیرضا (میدزا ۔) مستوفی: ج ۳س ۲۰۲۸، عليرضا (ميرزا ــ ) منشى: ج (ص٥٢٩، ع٢ س ۱۲۲۵ : چ ۲ س ۶۹۰۲۰ علیرهٔ میرزا (پسر فتحطیشاه): ج ۲ص . 1577 - 1764 علیرضا میرزا ( نایب آجودانباشی): ج 1 ص ۵۰۹: چ جس ۱۲۲۹ :چجس۲۰۲۳۰۲۰ عليرضا (ميرزا ــ) نايب: ج1 ص٥٥٧٠ على ١ ٢٩٠ / ٢٩٢ / ٢٩٠ / ٢٩٠ / ٢٩٠ / ٨٢٩ / على سلطان بن الوش خان (ازنزادجوجي) : . 1410 Y E علی سلطان اوزیک ( والی خواردم): ج ۲ TTTT

\_عادلتاه: ج ۲ ص ۱۱۲۴ ، ۱۱۳۰ ،

- 17T+ - 17TA - 17TF - 17TAU-TE

. 1745 - TE : 1177 - 1177

علىظىخان (پسرابراھىمخانظھىرالدولە):

علىظىخان ( ولىد حاجسى بهنا • الملك)

علیظیخان ( بیگلربیگی تبریز) ؛ ج ۳ ص

سرهنگ: چاص406؛ چ ۲ ص ۱۲۲۹ :

ج ۲ ص ۱۱۲۳٠

بر ۳ ص ۲۰۲۳۰

- 14-1

على قلىخان ( پسر جمفرخان بيات) حاكم نیشاہور: ج ۳ ص ۱۲۵۰ . علیظیخان جوانشیر : ج ۱ ص ۵۰۵ ؛ ج۲ص ١٢٢٩ : چ ٣ ص ٢٠٧٣ . علیظی خان (حاکممراغه): ج۲ ص ۱۱۹۴. علیقلیخان ( حاکم مرو ) : ج ۲ ص ۵۵۰ . علیقلیخان (رئیسکل تلگرافخانه)سرتیپ: 37 2 77A1 · 7AA1 · عليظى خان سپهمالار ؛ ج٢ ص ٩٥٧ . علیظی خان ( سرکردهٔ دستهٔ اردبیسل و مشكين): ج٢ص ١٣٤٢؛ ج٣ص١٨٥٥٠. علیقلیخان( ازسرکردگانغلامنموت) :ج۱ ص ۱۱۵: ج ۳س ۲۰۸۷. عليظي خان سلطان بن حسنخان ; ج ٢ ص علیقلی خان شاملو : ج ۲ ص ۵۶۸ ، ۸۷۱ ، علیظی خان شقاقی، سرهنگ: ج ۱ص۸۵۵: 3 T ~ 71 Y1 . TYOT. علیقلیخانعمو: ج ۳ ص ۱۴۴۱ ، علیظی خان قوانلو : ج ۲ ص ۱۱۶۵ . علیظی خان کازرونی( حاجی ــ ) ، ج۳ ص علیقلی خان کمرهای، سرهنگ: چ۱ص۸۰۵؛ ج ٢ ص ١٣٢٩ : ج ٣ ص ٢٠٧٢. علیقلیخان گروسیء سرهنگ: ج ۱ ص۵۰۸، علیقلیخان ماکوئی: ج ۳ ص ۱۸۲۴ . على قلى خان (برادرمحمدحسن خان فاجار ) : ج ٢ ص ١٣٨٥ : ٣٤ ، ١٣٨٥ ، . 1895 . 1844 L 1846 . 1845 11405 . 1407 . 1407 . 1400 . 1575 + 1710 علیقلیخان( ولد محمد طاهر خان): ج ۳ علىقليخان مخبرالدوله: ج 1 ص ٩٧٩ إج٢ س ۱۸۵۴ : ۳ س ۱۸۲۲ ، ۱۸۵۰ ، . 1954 . 1954 . 1940 . 19+X \*T\*Y1 \* T\*IY \* 19AT \* 19FF . 4054 . 4040 . 4044 . 4044

\*\*\*\*\* (717) \*\*\*\*\*

علیظی خان میرینجه : چ۲ص۱۷۲۹ ، ۱۷۷۴،

علىمحدخان تامبوداغلو : ج 7 ص 1771 : ج ۳ ص ۲۰۶۵. علی محمد خان قاجار دولو : ج جس۱۶۲۶ . علی مصدخانکردیچه: ج ۳ ص۱۶۴۲. علی محمد خان ( ولد محمدخان و هبشیره زاده کریمخان زند ):ج7ص۱۹۶۴. علی محدخان ( میرزا ــ ) مستوفی ( پسو میرزاعلیقائم مقام): ج ۳ می۹۹۰۰. على محمد خان ( ميرزا \_ ) منشي باشي : . TITI OT E علی محمد ( حاجی ــ ) خان (نایب ایشیک آقاسیباشی): ج۲ص ۲۱۱۶. على محمد خان ( ميرزا ـــ ) نظام الدولـــه: ج ۳ ص ۱۶۲۷ . علی محمد شیرازی (سید ۔): ج جس،۱۶۷، علی محمد کاشانی ( آقا ۔ ) :ج۳ص۲۱۲۵. علیمصد (میرزا ــ) مشرف تختخانه: ج ۱ علی محمد ( میرزا ـ ) مشرف شترخاند:ج ۳ ص ۲۱۱۳. علىمحمد (ميرزات)ملاباشي:چڄص١٩١٢. على محمد (ميرزا ــ) ناظم دارالطباعـــه مياركه: ۾ 1 ص 255، 155، علىمحمد (ميرزا۔ ) ئايبالحكومة شهريار ; ج ۱ ص ۲۵۵۰ على محمد ( ميرزا ــ ) نايب ماوجيسلاغ و شهريار: ج٢ص ١٢٥٠؛ ج٢ص١٥٥٠. علىمدد خان ( نايب سرايدار باشي) : ج۲ ص ۱۱ ۲۲۰ علیمراد : ج ۳ ص ۱۳۵۰ . علیمراد بختیاری: ج ۲س ۱۱۲۰. علیمراد خان ( پسر اسدالله خان) : ج ہس عليمراد خان تكلو (ج٢ ص ١٣۶٩ .

عليمراد خان زند : ج ٢ ص ١١٤٩ - ١١٧٨٠ أ .

علیمراد خان، سرتیپ ( جماعت تیموری) :

3 1 W 114: 3 7 W 1771.

علیمراد خان سرتیپ ( فوج اول کرندی ) :

3 7 ° 1741 - 3 70 0407.

علیمراد خان ( سرکردہ )! ج 1 م1840.

عليمراد خان ( سركرده غلامان تكلو) :ج٣

-1446 1444 1441 1446 -446.

على قلى خان پازگى (حاجي...) :چېس۱۹۹۴ ، - 1405 علیقلی خان ( نایب اول]جودانهاشی) :ج۳ 2 06A1 > AAA1 > PPA1 > 00P1 -علیظیخان بوزباشی: ج اص ۵۲۱. ج ۳ ص ۹۰ ۲۰ علیظی خلیفه (مهردار): ج۲ ص ۸۳۸. علیقلی سلطان ترکمان: ج ۲ ص ۹۶۸. علی ظی ( میرزا ــ ) منشی: ج۲۰۹۷،۰۲۰ علىقلى ميرزا خان، اعتضادالسلطند: ج ٣ · 1746 · 1770 · 1891 · 1877 0 علیظی میرزا مارمالدوله: ج ۲ ص ۱۸۰۴ ، علیظی میرزا (پسر عمادالدوله): ج ۳ ص علیظی میرزا (پسر فتحملیشاه): ج ۳ ص علیکرمبیک (وکیل بسطام) : ج ۲ ص۱۲۳۵ ؛ ج ۳ ص ۲۰۸۰ . على كوچگ ( نايب قطبالدين مودودېسن زنگی) : ج این ۲۸۷ . على محمد : ج ٢ ص ١١٨٥ . علی محمد باپ ( مید 🚅 ) ایج ۲۳ (۱۶۲ م 1775 . 1545 . 1544 علی محمد بیگ ( یاور اول زنبورگذانه ) 🗧 . Toko of T. 20 5/ علی محمد ( آقا ... ) ناجر تبریزی : ج ۲ص . 1114 عليمحمدخان زند : ج ۲ ص ۱۱۶۹ ، ۱۱۷۴ ، على محمد خان ( سركرده دسته كتول ) : 31 W 774: 3 7 w 78.7. علی محمد خان سرهنگ! ج چی۴۸۶۰. علی محمدخان ، سرهنگ ایروانی: ج ۳ ص علیمحمدخان ، سرهنگ (فوچششم خرقانی) : عاص 616 £ ج ٢ ص 1710 . علىمحمدخان ، سرهنگ (گودرزىوبسطامي) : چ اص ۵۲: ع٢ص١٢٢ : ج٢ص١٥٠٠. علیمحمدخان ( میرزا ـ. ) سرهنگ ( منشی و ناظم دارالطباعه دولتی) : ج۲ ص

علی مصدخان ( میرا ... ) سرهنگ ( ناپیپ

اول وزارت انطباعات ) :ج۲ مــ۱۲۲۸ ،

دماوندی) :ج1ص16 :ج7ص1۲۰ . ح ۲۱۱۹ . علىنقى خانء سرتيپ ( فزچخىسە) : ج ١ طیمراد خان هندی: ج ۲ ص ۱۵۰ -٠٢٠٨٢ : ١٢٣٩ : ٢٠٨٢٠٠٠ على مرتضى = على بن ابى طالب (ع ) :ج٢ علی نقیخان ( سرهنگ خارج از فوج) ،ج۲ ص ۲۸۰۰۰ ص ۱۲۲۹ : چ ۳ ص ۲۰۷۳ ، علىمردانخان: ج 7 ص ١٥٥٢ ، ١٩٥٥ ؟ علینقیخان ( سرهنگ فوج قهرمانیمشقاقی) · 1101 · 1174 · 10Y1 پسركاظمخانفراشياشي:چچس۱۹۸۰ علیمردان خان بختیاری: ج ۲ ص ۱۱۲۸ ۰ علینقیخان ( میر ــ ) پسر میرسنداله خان -1147 -114. فندرسکی: ج ۲ ص ۱۷۱۵ ۰ علیمردان خان ( بیگلربیگی لرستان) : ج۲ علینقیخان سوادکرهی: ج ۲۳۹۶۰۰۰ ص ۱۱۲۲٠ . علینقیخان (پسر صادقخان): ج ۳ ص عليمردانخان ( حاكم اندخوذ ) : ج ٢ ص · 1777 · 1744 علینقیخان عرب (امیر۔ ) : ج۲س۱۶ ۱۶ ۰ عليمودان خان سرتيب (ازجماعت تيموري) . علینقیخان( فندرسکی ( میرزاب )(داروغه ج ۲ ص ۲۷۰۲۰ کلان): ع۳س۱۲۹۱ ، ۱۲۹۸ ، ۱۵۰۸ ، ۱۵۰۸ ، علیمردان خان سرتیپ تیموری ( از جماعت علىنقىغانقراگوزلو (سرهنگغوچھىدانى) 🖫 مردوزانی ): ۱۳۰۸ ۲۰۸۸ ۲۰۸۰ 3 T TO AYA1 > 71 91 . عليمردان خان ( از سران لشكرشا مطهماسب علینقیخانگروسی (سرهنگ) : ج۲ص۱۲۲۹ تُ دويم): ج ۲ ص ۲۰۱۸ ، - Ta YY a.T. علیمردان خان ( ولد گنجطیخان). ج۲ص علینقی خان ( بسرادر محمد تقی خسان بختیاری ): چ کش ۱۶۳۷ ۰ علیمردان خان ( والی قندهار ): ج ۲ ص علینقی خان ( آمیر ۔ ) وکیل طبس ج۳ ص - 1770 · 15.0Y علینقی ( حاجی ـ ) : ج ۳س ۲۱۲۸ ۰ علینقیخان ( میرزا 🕒 ) وقایع نگار : ج۱ ص غلینقی (میرزا ۔۔ ) ج جس ۱۲۲۴ -علىالنقى ( امام دهم (ع ) ) : ج1م١٨٢٠٠ علینقی ( میرزا ۔) سروشتبدار دفترلشگر . جاص ۵۰۵ ، ۲۳ ص ۲۰۶۸ · علینقی ( حاجی میرزا 🗕 )باغمیشه: ج۲ص علینقی ( میرزا ...) طبیب (پسر آقااسماعبل پیشخدمتباشی) : ج ۳ ص ۱۸۴۱ ۰ علینقی ( میرزا \_ ) از اجزای پستخانه:ج۳ علینقی ( میرزا ... ) کردستانی ( از اربــاب ح ۲۱۲۳ ٠ قلم و لشكر نويسان) څچ7ص۶۹۸۰۰ علی نقی ( حاجی ـ ) تاجر کاشانی، ج۳ علینقی کمرمای ( شیخ 🗕 ) ؛ ج۲ص۱۹۰ ص ۲۱۲۵ و علینقی ( میرزا ۔) مباشر ( از اجزاییست۔ علینقی ( حاجی ــ ) تحویلدار گیلان : ج۱ خانه): ج 7 ص ۲۱۲۱ -علىنقى ( ميرزا \_ ) مشرف قاطر خانه: ج١ علینقی ( میرزا \_ ) حکیمالممالک ؛ ج ۱ ص س ۵۵۳ ج ۲ س ۲۱۱۳۰ علنيقى( حاجى ميرزا ــ ) عثير لشكر : ج ٢ علىنقىخان،ختيارى ج٣ص١٤٥٧ • ١٤٥٨ • س لمدا 1: ج ۲ ص ۱۹۲۶ ، ۱۹۹۵ • علىنقىخان ( سرتيپ خارچاز فوچايلات ) .ّ ج اس ۵۰۸ ج آس ۱۲۲۸ ۰ علينقى (ميرزا-)طكالتجار: ج٣ص٢١٢٨٠ علینقی خان (مبرزا ت ) سرتیسپ دستیه علیَنقی(میرزا ـ ) منشیباشی ج۱ص۰۵۴۰ فندرسكي) أج ( ١٤٣٠ أج ٢٥ ١٢٠ • ٢٠

وضيط): ج ٣ ص ٢١٥٣. علینقی ( میرزا ... ) منشی فراهانی: ج۲ ص . 1644 علینقی میرزا رکنالدوله: ج۲ ص ۱۴۲۱ ، · 1040 · 1057 · 1004 · 1740 .T170 . 15TY . 151V . 144V علینقی ( مبرزا ــ )نایب و منشی مخصبوس ( سفارتخانه بطرزبورغ ) نج ١ص٥٣٥٠ . ج ۲ ص ۲۱۰۷ · علىوپردېخان ( اللهورديخان ) پدر تبوروز خان ( ایشیک آقاسی باشی فتحطسی شاہ): ج ۳ ص ۱۳۵۲ . على ويسخان: ج ٣ س 1۶۵۳ . علی یاربیک : ج ۲ ص ۲۸۸۰ علییارخان گرایلی: ج ۲ ص ۹۲۳ ، طیله ( دختر مهدی عباسی): ۱۸۱۰۰ عماد (فقیه کرمانی): ج ۲س ۶۴۸، عمادالدوله ( حاكم لرستان و كرمانشهسان و نهاوند): چ ۳ س ۱۷۴۸ ، ۱۷۸۵ ۰ · 1445 · 1414 · 1417 · 14-7 · 1977 · 1404 · 1444 · 1464 < 1944 < 1967 + 1977 + 1970 عمادالدوله ، ابوالحسن على بن بويه : ج 1 ص ۱۲۶۰ ۲۲۹ ، ۲۲۹ ، ۲۲۵ ، ۲۶۰ عمادالدوله زنگی: ج 1 ص ۲۴۰۰ عمادالدين احمد (ازآلمظفر): ج٢ص١٩۶١، عمادالدين احمد بن سيفالدين على بسن مشطوب ( امير \_ ) سردار اكراد هكاريه:ج1 · ۲۳۲ · ۴11 🛩 عمادالدین اسمعیل : ج۲ ص ۶۴۸، عمادالدين داود موشك أج1 ص ٢٥٢ ، عمادالدین زنگی بن آقسنقر ( حاکمواسط): 4 TAY . TAY 6 TYS4 . TSY . TAY . · # 17 · F99 عمادالدين زنگي بن مودود بن عمادالدين : چ ۱ ص ۲۹۸، ۵۰۲، ۹۰۶، ۲۱۶. عمادالدين زنگى بن نورالدين ارسلان - ج1 س ۱۹۴۶ ، ۲۳۲۰۴۲۷ ، ۲۴۳۰

عمادالدين شاهنشاه بن قطبالدين محمسد

عمادالدین (شیخ ــ ) عمرالنابلسی: ج ۲

زنکی: ج ۱ ص ۲۳۳۰

عمادالدين بن شيخ 🧦 ۾ 1 ص ۲۴۶ ،

علینقی ( میرزا \_ ) منشی سیم ( دفتر ثبت

ج ۳ ص ۲۱۱۵.

علنيقيخان ( سرتيب سيم ) :ج٣٠٠٠٠٠٠

علىنقىخان، سرنيپ ( فسوج بهسادران

ص ۳۹۴. عمادالدین قزوینی ( نایسب هلاکو خان در عمر خیام ؛ ج ۱ ص ۳۳۵. طب): ج ۲ ص ۵۸۰، عمر بن رئاب الشهمي ج اص ٦٥٠. عمادالدین ( پسر قطبالدینمودودبنزنگی عمر بن سعدين ابيوقاص!چ١ص٨٢،٨٢. عمادالدین گرشاسب: ج اس ۸۹۱، عمر بن شیبه نمیری ( اخباری): ج ۱ ص عماد شاہ; ج ۲ س ۷۵۴. عمادالطک (حاجی محمد باقر خان): ج ۳ عمر شیخ بن امیر تیمور ( امیر زاده 🗕 ) 🕻 ج ۲ ص ۶۵۷، ۹۹۲. عمار بن هشام ( والي كوفه) : ج 1 ص1 ء . عمر بن عبدالله بن اقطع ﴿ ج 1 ص ٢٥١. غمار بن یاسر صحابی ( سرکرده سوارانسیاه عمر بن عبدالعزيز بنابيدلف 'ج (ص١٩٥٠. علی(ع) در مغین ):ج۱س۶۵۰۵۱. عمر بن عبدالعزيز بن عبدالله ( عاملموسى عمار بن یزید ( ریاست هواخواهان بنیعیلس هادی در مدینه): چ۱ص۱۵۶۰ ، ۱۵۷ . در خراسان}: ج ۱ ص ۱۱۸ . عمر بن عبدالعزيز بن مروان ( اميرمدينه): عماره بن حمزه ( حاكم دجلب ، أهــــواز و ع اس ۹۹ ، ۱۰۱۰۳۰۱۵ ۲۰۱۱۱۰۱ فارس): ج 1 ص 140 . · TTO • T+F • 1FT • 1T5 عماره بن شهاب ـــــــ "عمارين هشام . عمر بن عبيد طنافسي كوفي: ج1ص157. عمارہ بن علی نمینی ( شاعر و فقیہ) : ج ۱ عمر بن عبيدالله بن مصرالتيمي: چ من وه . عمر بن علیبن ابیطائب : چ۱ص۳۶،۸۸. عمر ( حاجی \_ ) : ج 7 ص ۱۸۴۷ . عمر بن علیی بن رسول ( نایب یمن) : طک عمر بن ابوابراهيم بن يوسىف٪ ابوحقيص منصور: چ اص ۲۴۲، ۲۵۶. ( پادشاه مراکش) : ج1ص ۲۳۹ . عمر غازی سلطان : ج ۲ص۹۹۱، ۹۹۳، عمر بن أدريس( والى منهاجه وعماره ): عمر بن قدرخانیوسف بن بغراخان ( بادشاء ترکستان) : جاص ۲۰۹، ۲۱۹. عمر یاشا ﴿ وَالَّي بَعْدَادَ ﴾ : ج 7 ص ۱۹۶۶ ، عمرالقيسي ( سلطان مفرب) : ج٢ص٥٨٤٠. -1174 -117A -11PY عمر کلودانی ( بزرگ زنادقه ) نج ۱ م ۱۵۵ . عمر ہاتا : ج ۳ ص ۱۷۵۲ ، ۱۷۶۴ ، ۱۷۶۴ ، عمر بن محمد بن عبدالله، شلوبيني: ج ١ 4441 · PYYI · YOAI · OTAI· ص ۲۵۳۰ · 14fy · 14TY · 14T5 عمر بن مقرن ، ج ١ ص ٥١ . عمر **پائا** ( سردار عثمانی) :ج۳ص ۱۸۹۰ ، عمر بن مهرأن ( والى معر ) : ج1ص 151 . عمر ، ولد ميرزا ميرانشاء ( اميرزاده ــ ) : عمر بن جیله ( از امیران سپاه علی (ع)در . FFA & T E مفین): ج 1 ص *49.* عبر بن هبیره فزاری: چاص ۱۰۴ ، ۱۰۸ تا عموبنحسينخوقي (حنبلي) : ج إص254. عدر بن حفس بن أبي مقراء العتكي: ج 1ص عمر بشکری ج ۱ س ۱۱۹ ۰ عمران بن الحمين الخزاعي! ۾ ٻس ٻٻ. عمر بن حفص بن قبیصه بن ابی عفره (والی عمران بن شاهين (حاكم بطيحه): ج 1 ص

ص ۶۲۷.

ح ۱۸۹۲ ۰

ج ۱ ص ۱۸۲۰

سند و افریقیه) : معروف به : هــــزار

مرد نجاس ۱۲۲ ، ۱۲۶ ،

ج ۳ س ۱۵۷۶ ۰

عمر خان ابنامیر حیدر توره (امپریخارا):

عمر بن خطاب (خليفه دوم) ج١ ص٢٣ ،

. TOA . OT ! TF . TT . TO

عمر خوارزمی ( خطیب و مفتی بلخ): ج (

عمروبنابىعمرو بن صنيفالفهرىء ابوشداد : ج 1 ص ۶۴۰ عمروبن امید بنالضری: چ ۲۳،۹۲،۹۲. عمروين بكر التعيمي السعدى ﴿ همدست ابن طجم ): ج 1 ص ۷۱. عمروبن جرموز (فاتل زبير بن عوام): ج ١ ە 91، عمروبن حجاج زبیدی: ج اص ۸۱، عمروبن حریث العخزومی: ج 1ص ۹۷ . عمروین حزم انعاری: ج اص ۷۸. عمروبن|الحدق ( قاتلعثمان؟): ج١ص٥٩، . YY + FF عمروبن حفظه ( از امیران سیاه علی ( ع) در صفین) : ج ۱ ص ۶۹. عمروین زهیر ضبی ( حاکم کوفه) : ج ۱ ص عمروبن سعید اشدق ( والی مدینه) :ج ۹ ص · 44 · 45 · 46 · عمروین شداد ( حاکم فارس) :ج1ص۱۹۷. عمروبن صباح: ج1ص ۱۲۷. عمروبن عاص: ج اص ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۲۷، , sp. 50.54 . FT . OF LTA . FT ۶۸ ۲۱ تا ۲۲۷،۷۲۳ ع۲ س ۱۰۴۷. عمروين عبدالله بنالاقطع : ج 1 ص 199 . عمروبن عبدود : ج ۱ ص ۲۵. عمروبن عبيدمعتزلي ( زاهد ) :ج ١ ص١٤٠٠ . عمروین عطارد ( امیر سپاه علسی (ع) در صفین). ج ۱ ص ۶۴، عمروبن علا" ( حاكم طبرستانو روبان) :ج۱ ص ۱۵۲ ۰ ۱۵۵ ۰ عبروبن الملاء بن عمار ( از قراء ): ي ابـــو عمرو : ج ۱ ص ۱۴۶ . عمروبن عمروس: ج 1 ص ۲۵۷. عمروبن لیث مفاری: ج ۱ ص ۲۱۱ تا ۲۱۳، . 779 5771 . 714 . 715 . 710 عمروین محمد بن بشیر : ج ۱ ص ۲۲۲. عمروبن مرارہ تابعی: ج ۱ ص ۱۱۶. عمروبن مزید ( از امیران سپاه علی (ع)در صفین): ج 1 ص 94، عمروین مطم باطی: ج 1 ص ۱۵۷ . عمروبنمعدی کرب: ج ۱ ص ۹۹،۳۱ .

عمروین میمون آودی ( از معبرین) : ج 1 س

عمران بن الفصيل (البرجميء عمران بن الفضل

عمران بن محمد بن سباء بنالسعودبنزريع :

البرجني ( از خوارج): ج1ص ۶۹.

\*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\*

- 11

عبروین بزیدالجهتی: ج ۱ ص ۸۰۰ عبروس بن یوسف (حاکم تغور شهر تطیله و اسپانیول): ج ۱ ص ۱۶۹ ، ۱۶۹ عبره بنت عبدالرحسان بسن سعید زراره الانطاری: ج ۱ ص ۱۰۹

عبیدالدوله (حکبرانمراغه): ۲۱۴۰هه ۲۱۴۰ عبیدالدوله بن فخرالدوله بن جهیر (وزیر المفتدی خلیفه عباسی): ج ۱ ص

عمیدالدولهکیومرث میرزا (حکمران خلخال): چ۱ ص۵۵۷؛ چ ۲ ص۱۲۱۹؛ چ ۳ ص ۲۰۶۳،

عنیدالطک، محمدحسینخان:ج۳ص۱۹۸۳۰ عمیدالطک کندری ( وزیر طفرلبیک): ج ۱ ص ۲۲۵، ۳۲۵۰

عمیدالملک، ناصر قلیخان:چ۳۳،۱۹۰۳ عمیر بن حباب سلمی: ج ۱ص ۸۰۰ عمیر بن رقاب السهمی: چ۱ ص ۲۵۰ عمیر بنعثمان بن سد ( حاکمخراسان ) : ج۱ ص ۵۵۰

عبیردین یثربی ( قاضی بحرد) : ج(ص۰۸۰ عنایت (میرزا – ) : ج ۲س ۱۲۲۴ ·

عنایت (میرزا ــ) سروشتمدار دفتر لشکر : ج ۱ ص ۵۰۵ ٔ ج۲س ۲۰۶۸

عنایت الله رضا ( دکتر – ) : ج۲ص ۱۵۸۱ عنیس ( عنیسه) بن شحیم الکلبی ( عامل و حاکم اندلس ) : ج ۱ ص ۱۱۱۰

عنصری، ابوالقاسم ــــــ ابوالقاسم حسن ابن احید عنصری،

> عوض بیگ دیوان بیگی: ج ۲ ص ۹۶۹ -عوف اعرابی : ج ۱ ص ۱۴۲ -مرف بین مالک انسانی ۱ صحاص ) : ح

عوف بن مالک انصاری ( صحابی ) : ج 1ص ۹۰ .

عونالدین ( وزیر ابن هبیره) :چ (۱۳۹۳، عویم بن ساعد بالانماری :چ (م ۵۳، عباد ( پسر چلندی ) : چ (ص ۲۲،

عیاض بن غدم: ج ( ص ۲۵، ح ۲۶ ، ۲۹ ، دن

> عیسی ( فقیہ): جاص ۱۳۱۰ عیسی بن احمد علوی : ج ۲ ص ۱۹۱۹۰

عیسی اوسط : ج ۲ ص ۱۰۰۱ ، عیسی (پسر باسلیق بیک ): ج۲ص ۲۹۰ عیسی بیک ( برادر رستمخان) :ج۲ص۲۹۲۰ عیسی بیک صفوی: ج ۲ص ۲۹۸ عیسی ترخان ( میرزا — ) : ج ۲ ص ۸۲۵۰ عیسی بن جربر ( امیر خوارج صفویه) : ج ۲

عیسی بن جعفر بن منصور : ج1ص ۱۲۰۰ عیسی ( از موالی جعفر و حاکم ری) : ج 1 ص ۱۵۲۰

ص ۱۴۷ ۰

عیسی خان : ج 7ص ۱۱۶۵۰۹۲۰ عیسی خان ( حاجی — ) : ج ۱ ص ۵۳۰ عیسی خان ( میرزا —) : ج ۲ ص ۱۲۹۵ :ج۲ ص ۲۱۰۴۰

عیسیخانآجودان: ج۲ ص ۲۱۰۳ عیسی خان ( برادرزادهٔ آقا محصد خیان

فاجار ): ج ۳ ص ۱۳۸۰ ۱۳۹۴ ۱۳۹۰ عیسی خان اعتماد الدوله ( والی): ج ۳ص ۱۸۲۱ ۱۸۲۱

عیسی خان امیر آخور: ج ۳س ۱۵۱۹ ، ۱۵۴۲

عیسیخان بیکلربیگیقاجار : ج می ۱۷۸۷ ۰ عیسی (حاجی – ) خان (تفنکسدار خاصیه): ج تص ۱۲۵۷ : ج اس ۲۱۱۱ ۰ عیسیخان دامفانی (امیرآخور): ج ۲ ص

عیسی خان ( رئیس): ج اص ۰۵۴۷ عیسی خان، سرتیپ: ج ۳ص ۱۷۹۳ عیسی (میرزا ــ ) خان سرهنگ(مترجم زبان فرانسه): ج اص ۵۵۵-ج ۳ ص ۲۱۲۸

عیسی( میرزا \_ ) خان سرهنگ ( رئیس تلگرافخانه کاشان): ج ۴س۲۱۲۲، عیسی ( میرزا \_ )خان(طحبعنصب): ج ۱ ص ۵۳۲۰

عیسی (میرزا – ) خان، پسر عبدالرسول ( نایب آجودانیاشی):ج ۱۹۰۵، ج ۳ ص ۲۰۲۳،

عیسی خان فاجار : ج۳ص ۱۶۳۹ عیسی خان فورچی باشی: ج ۲ص ۹۲۱۰

عیسی خانکرد: ج۲ ص ۱۱۵۴ ج ۳ ص ۱۳۷۴ -

عیسی خان ( ولد لوندبیگارجی) : ج ۲ ص ۸۲۸، ۸۲۹،

عیسیخان ( ولد مصد باقرخان): ج ۲ ص ۱۶۳۳ ،

عیسیخان ( میرزا \_ ) پسر مخبرالدوله: ج ۲ ص ۲۹۲۰

عیسی خان میرآخور ( در خراسانوفارس و سیستان): ج۲ ص ۲۰۷۸

عیسی خان ( میرزا ــ) ولد گرگین:ج ۲ ص ۹۰۹ .

عیسی (مبرزا — ) خان ( نایب آجودان باشی): ج ۳ ص ۱۳۳۰

عیسی خان ( نایب ایشیک آفاسیباشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶۰

عیسی خان (والی گیلان) : ج۳ص۱۲۶۸ ۰ ۱۸۰۳ ، ۱۸۰۳

عیسی بنخمیسین منن ( ماحبتگریت) . ج ۱ ص ۲۲۲ ،

عیسی ساوجی ( قاضی ــ )شاعر : ج۲ ص ۷۳۱ .

عیسی بن تیخ بن طیل شیبانی ( والی شام): ج1ص۲۰۲۰۲۰۶۰۲۰۲۰

عیسی بن عبدالله بنحسن: ج۱۳۶۰۰ عیسی بن عبدالعزیز جزولی:حوی(صاحب مقدمه جزولیه بنام قانون): ج۱ص

عیسی ( پسر حاجی علی اصفهانی) :ج۳ ص ۲۱۲۵ ۰

عیسی بنءبداللمبن عباس ( عمنتصور): ج 1 ص ۱۳۸ - ۱۵۳

عیسی بن عبرالثقفی النحوی:چاص۱۴۳۰ عیسی (میرزا ...) فراهانی( ... میرزابزرگ قائمهقام وزیرعباس میرزا) :چ ۳ ص ۱۹۶۸،۱۴۲۹۰

عیسی بن قاسم بن ایوهاشم:ج۱ص۲۹۲۰ عیسی ( میرزا ــ) قونسول آدنه:ج۱ ص ۵۲۴۰

عیسی کرخی (عامل جمس) جام ۱۳۱۰ عیسی بن لقمان بن محمد بن خاطب بن الجمحی ( حاکم بصر): ج ۱ ص ۱۵۱ ۱۵۲۰

عیسی بن محمد بن ابی خالد ( حاکسم آذربایجان واربینیه از سویمامون):

ج ۱ ص ۱۷۵ ، ۱۷۹ ، ۱۷۹ ، ۱۷۹ . ۱۷۹ . ۱۷۹ . ۱۷۹ . ۱۷۵ . ۱۲۵ . ۱۳۵ ، ۱۲۵ ، ۱۲۵ ، ۱۲۵ ، ۱۲۵ ، ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۱۲۵ . ۲ ص ۱۲۵ . ۲ ص ۱۲۵۲ . ۱۲۵ . ۱۲۵۲ . ۱۲۲ . ۱۲۲ . ۱۲۵۲ . ۱۲۵۲ . ۱۲۵۲ . ۱۲۵۲ . ۱

عیسی بن موسی بن محمد ( بردر زادهٔ سفاح و منصور) والی کوفه: ج ۱ص ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۴، م۱۲ تـــا ۱۳۲، ۱۵۵۰

عیسی بن موسی هندانی ( حاکماریل): ج ۱ ص ۲۱۸،

عیسی بن مهذا بن نافع ( از آل|فضل): ج 1 ص ۷۲۲۰۷۲۲،

عيسى النوثري: ج 1 ص ۲۴۰.

عیسی بن یزید جلودی: ج ۱ ص ۱۷۸. عیص بن اسحق: ج۳س۱۲۳۲.

عینالطک( عین الطوک) پسر اعتضاد الدوله(خوانسالاروحکمرانمازندران): ع ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص ۱۲۵۵: ج۳ ص ۱۸۲۳ - ۱۸۵۱ ، ۱۸۲۵ ، ۱۹۰۵، ۱۹۰۵،

عییته بن حصن الغزاری:ج۱ص۲۸،۲۴. عییته بنءوسی بن کعب ( حاکم سند) : ج ۱ ص ۱۳۵۰

غ

غاردان ( ژنرال –) سفیر وایلچیفرانسه: ج ۲ ص ۱۲۸۶ ، ۱۲۹۷ ، ۱۲۹۹ ، ۱۲۹۱ ، ۱۲۹۳ .

غازان ( ططان \_ ) : ج ۳ ص-۱۳۴۲، ۱۳۴۲، ۱۳۴۲

غازان خان ( يسر ارغون خان): ج ٢ص ۵۹۸: ۶۰۳ تا ۶۰۵:چ۳مـ۱۳۶۵.

غازبن حسان: ج1ص ۳۹۵.

غازی ( مبرزا – ): ج ۲ص ۸۸۹،

غازی بیک بهنی: ج ۲ ص ۹۱۲.

غازی بیک ( پسر فرخیسار): چ۲می۹۴۰. غازی بن جبرئیل: چ1س ۴۲۱.

غازی جیک: ج ۲ ص ۸۴۷،

غازی خان تکلو: ج ۲ ص ۷۸۲، ۹۹۶ ،

417

غازی خان ذوالقدر: ج۲ ص ۲۹۹. غازی بن زنگی: ج۱ ص ۲۸۱. غازی بن سنجرشاه: ج۱ص ۴۲۶. غازی شاه جیک: ج۲ ص ۴۸۸. غازی محمد گرای: ج۲ ص ۴۶۸. غازی ملک، غیات الدین محمد تظفشهاه غازی خواتون ( دختر امیرسیف الدیسن غازیه خواتون ( دختر امیرسیف الدیسن فلاون): ج۲ ص ۵۹۲.

غازیه خواتون دختر ملک عسزیسز محسد حکمران حلب، هسر غیاثالدیسن کیخسرو): ج ۱ ص ۲۴۷،

غازیه خواتون ( مادر ملک منصور ودختر ملک کامل محمد):چ۱۱۰۳٬۳۵۱،۴۶۳،۴۵۱ غافقی: چ ۱ ص ۶۰.

غالب بن حفصون ﴿ يَاغَيْكُرُ اسْهَانيُولُ):

ج اص ۲۱۵، ۲۲۶، ۲۲۶. غالب بن عبدالله الليثى: جاس ۲۲. غالب بن فغاله ليثى ( عامل خراسان):

31 ° 44.

غراف سعنوبچشج ۳ ص ۱۶۲۸ ، ۱۶۳۸ ، ۱۶۳۸ ،

غراف کينو: جس ١٧٩٥.

غرافگداویچ(سردار روس): ج۲س۱۲۸۵،

غرس النعدة، ابوالحسن معمد بن صابسي ( صاحب تاريخ): ج ١ص٣٤٢، غريب شاء: ج٢ص ٩٣٧،

غریب بن مدن: ج ۱ ص ۲۰۳.

غریغرویج ( مبیو ــ ) مترجماول:ج۱ ص ۵۳۷.

غزالی ـــــ أبوالفتوح احمد .

غزالی طوسی ( امام محبد ، ابوحامد) : ج ۲ ص ۲۴۲.

غزان سلطان خان ( پادشاه توران) ج ۲ ص ۶۴۷، ۶۴۹.

غزنین خان بن هوشنگ خان ( ملقبید: محمد شاه): ج۲ص ۲۸۲.

غسان بن عباد ( والی خراسان و سند ): چ۱ ص ۱۲۶ - ۱۸۲

غفار (حاجی ــ ) ناجر تبریزی: ج۲ ص ۲۱۲۵،

غفارخان ( میرزا – ) آجودان توپخاند: ج۲ ص ۱۷۱۸، ۱۷۲۳. غفارخان ( سرکرده دسته قراسواران) : ج۲ص ۱۲۴۲ :چ۲س ۲۸۵۶. غفارخان ( میرزا – ) مدیقالطک:ج ۳

غفور خان طیرانی ( حاکم طهران):چ۳ ص ۱۳۸۲، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲. غلام ( میرزا —) مباشر ( از اجزاییست خانه): چ۳ ص ۱۳۲۲.

فلامحسین (خاجی – ) : چ۲ ص۲۱۲۷، غلامحسین (ولدامین الدوله) :چ۱ص۵۳۰، غلامحسین بیگ (نایب مدرسهٔ دارالفنون): چ۲ص ۲۱۲۰،

غلامحسین بیک،یاور ( موزیکانچی): ج۱ ص ۵۱۲: ج۲ص ۱۲۳۶: ج۳ ص ۲۰۸۱

غلامحسین ( تحویلدار نقدی): ج ۱ ص ۸۳۵،

غلامحسینخان:چ۹ص ۱۵۵۲، ۵۰۹. غلامحسینخان: چ۱ص ۵۲۵، ۵۴۵. غلامحسینخان ( از اعیان طهران): چ۳ ص ۲۰۹۶.

غلامحمین خان (از امرا<sup>ه</sup>): چ۲ص۱۲۵۱، غلامحمینخان امین خلوت \_\_\_\_\_ امینخلوت، غلامحمین.

غلامحسین خان ( پسر امینالدوله): ُج۲ ص ۱۲۵۶ ،

غلامحسین خان ایروانی ( نایب ایشیسک آقاسی باشی ):ج می ۲۱۱۶.

غلامحسین خان بہارلو ( یاور دویم ): ج ۲ ص ۲۰۷۷.

غلامحسین خان ( اولاد بیگلربیگی):۱۶ ص ۵۲۶.

غلامحسین خان ( پیشخدمت خاصم ) : ج ۲ ص ۱۹۳۳ .

غلامحسین خان ( خازن رکیبخانه):ج۱ ص ۵۳۰؛ ج ۲ص ۱۲۵۶ ؛ ج ۳ ص ۲۱۱۰.

غلامحسین خان زیندار باشی: ج ۳ ص ۱۹۴۰، ۱۹۷۸،

غلامحسین خان سپهدار ( وزیرعدلیه) : ۲ ص ۱۵۸۰ ، ۱۵۹۹ ، ۱۹۰۹ ،

· 1977

غلامحسین (حاجی ـ ) خان ( سرتیسپ اول تریخانه): ج۱ ص ۵۱۰؛ ج ۲ ص ۱۲۳۲؛ ج۲س ۲۰۷۶. غلامحسین خان سرهنگ: ج ۲ ص۱۲۳۵؛

غلامصین خان سرهنگ: ج ۲ ص۱۲۳۵: ج ۲ ص ۲۰۸۰

غلامصین خان ( پسرعلیقلی خان،نایب اول آجودانیاشی) چ۲س ۱۲۳۰ چ ۲ ص۱۸۵۰۱۸۹

غلامصینخان (از بنیاعمام قاجبار ):

ع ۲ ص ۱۲۲۰ : چ ۳ ص ۲۰۶۵،
غلامصین خان ( فزل ایاغ): چ ۱ ص
۱۰۵: چ۲ص۱۲۲۱ : چ ۳ ص۶۵۰۳،
غلامصین خان فزوینی( یاور اول):چ۱
ص ۱۵۱ : چ۲ ص ۱۲۳۳ : چ ۳ ص

غلامحسینخان کاشی: ج ۱ ص ۵۲۰:ج۲ ص ۱۲۷۰،

غلامحمین خان پسر محبدعلنیخان سقزی (نایبآجودانباشی): ج۱ ص۵۰۵: چ۲ص ۱۲۲۰:چ۳ص ۲۰۷۴

غلامحسین خان، پسر معطفی ظی خـان میرشکار (نایب میرشکار): ج ۳س ۲۱۳۷ -

غلامحسینخان ( از سواره مهاجسر ) : ج جس ۲۰۸۷ .

غلامصینخان نایب: ج ۱ ص ۵۵۴. غلامحمین خان ( نایب ایشیک آقاسسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶.

غلامصین خان ( نایب جارچیہاشی) : بر ۳ ص ۲۱۳۷،

غلامحسین خان( نایب فراشخانه): ج ۳ ص ۲۱۱۷۰

غلامحسینخان ( نویسنده و آتشه) ج ۳ ص ۲۱۵۲ ، ۲۱۵۲

غلامحسین خان ( فرزند یوسف خسان گرجی): ج ۳ ص ۱۵۶۷،

غلام صین ( آقا س ) رئیس کارخانجات توپخانه: چ تی ۲۱۳۴: چ تی ۲۰۷۹ غلام صین سیمدار عراق: چ تحی ۱۶۰۲، ۱۲۰۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۲، ۱۲۸۲

غلامصین ( میرزا ...) سررشتمدار ادارهٔ

آبدارخاند: ج۴س ۲۱۱۳. غلامحسین (میرزا بـ) سررتبسندار اداره بناخاند: ج ۲ ص ۲۱۱۵. غلامحسین (میرزا بـ ) ماحب منصب :

ج 1 ص ۵۳۲، غلامصین (میرزا۔) لشکرنویسهازندران: ج 1 ص ۵۰۶؛ ج ۲ ص ۱۲۲۶:ج۳ ص ۲۰۷۰،

غلامصین ( میرزا۔) مترجم روس: ج ۱ ص ۵۲۳،

غلامحسین(ملا۔)مذهب: ج ۲ ص۱۲۹۶؛ ج۲ ص ۱۲۲۸،

غلامصین ( میرزا ــ ) مترف: ج ۱ ص ۵۵۱۰

غلامحبین ( آقا ہے ) باور دویم: چچی ۲۰۷۷ -

غلامحسین میرزا ( صدرالثعرا\* ، ولدایرج میرزا ): ج1 ص ۵۵۷-

غلامحسین میرزا ( نایب آجودانباشی): ج ۱ ص ۵۰۹ ج ۲ ص ۱۳۲۰ ج۳ ص ۲۰۷۴

غلامحیدرخان: ج۴ص ۱۷۵۹ · فلام رسول الله ــــــ بفراخان ایلک غلامرشا ( حاجی ــ )تاجر خراسانی: ج۴

ض ۲۱۲۵) غلامرها خان ( سرکرده جناعت شاهسون

دوبرن) :جاص ۵۳۱ ع ۳ ص ۲۰۹۱ غلامرشاخان سرهنگ پسر زینالمایدیسسن خان) : جاص ۵۰۸ ع ۲ص ۱۲۲۹ : چ ۲س ۲۰۷۳ .

غلامرضاً خان شهابالطک (حاجی ـ ) سرتیپ: ج ۱ ص ۵۱۰۰

غلامرضاخانمائی(سرهنگ):ج ۱ ص۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۳۲۹؛ ج ۳س ۲۰۷۳.

غلامرشاخان(ناظمیزان):ج ۳ ۱۱۱۳۰ غلامرشاخان هرانی(ازجماعت دزدیگیر): ج ۱ ص ۵۱۹: ج۲ص ۲۰۵۸،

غلامرضاخان یزدی(نایب آجودانیاشی) : ج اص ۵۰۹: ج ۲ص۱۱۳۰: ج ۲ ص

غلامثاه ( میرزا ـ ) پیشخدمت باشی : ج ۳س ۱۶۲۷ ۰

غلامطی ( میر -- ): ج۲س ۱۴۸۷و

غلامطی بیگ چ ۲س ۱۲۷۵.

غلامطیخان اشرفی ( نایب ایشیک آقاسی
باشی ) : چ ۳ ص ۲۱۱۶.

غلامطی خان سرهنگ: چ۳ ص ۲۰۹۱.

غلامطی خان سرهنگ : چ۳ ص ۲۰۹۱.

غلامطیخان، سرهنگ ( جماعت شاهسون
دویرن) : چ۱ ص ۵۲۱.

غلامطی خان، سرهنگ ( ضوح مخبسوان
ترشیزی) ؛ چ۱ ص ۵۱۶.

غلامطیخان قهومچی،اشی: ج ۱ ص-۵۳: ج ۲ ص ۱۲۵۷: ج۲ص ۲۱۱۱ غلامطیخان نایب ( نسقچی باشی):ج۳

غلامطی ( حاجی ــ ) خواجه سرا : ج ۱ ص ۵۲۱ : ج ۲ص ۱۲۵۲ ·

ص ۱۸۴۱ ۰

غلامطی ( میرزا \_ ) ناظم لشکر: چ:س ۲۰۵۶ : ۳۰۵۲ : ۱۲۲۵ : ۳۰۵۳ ۲۰۵۶ : غلاممحمدخان ( سرکرده جزایر حیان): ج اس ۵۲۳ : ۳۰ ۲۰۹۲ :

ع اص ۱۵۱۳، چاکی ۱۳۵۱ غیانا، عطا•اللہ ( وزیرآذربایجان ):ج۲ مین ۳۵

غياث الدين ابوالفتح، محمد بن سام بن الحسين غوري ( پادشاه غزنين ): ج 1 ص ۲۸۵، ۴۲۲،

غياثالدين بلين ( الغ خان):ج٢ ص ٥٨٤٠

غیاتالدین ( یادشاه غور): چ۱ س۲۱۷۰. ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۲، ۲۲۴

غیاثالدین تیزشاہ: ج ۱ ص ۴۳۲، غیاثالدین جمشید کاشی: ج ۲س ۴۹۱،

غیاثالدین خلجی ( ماحبمالوه): ج ۲ ص ۷۴۱،

غیاث الدین ذهبی (میر۔۔) :ج ۲ ص۱۶۶۰ غیاث الدین بن سلطان مصود خلجی:ج۲ ص ۲۱۹۰

غیاث الدین سیاوش طجوقی: ج۲ص۰۵۹۰ غیاث الدین ( از حکام شبانکاره):ج۲ ص ۴۶۰،

غیاثالدین بن علا•الدین محمد (برادر چلال|لدین خوارزشاه):ج۱ص۴۳۶، ۲۲۰، ۴۳۷،

غیات الدین کاوس: ج ۲ ص ۶۸۲،

غياث الدين ( از آل كرت):ج?ص٢٩ ، . 644

غیاث الدین کیخسروبن رکن الدین (پادشاء آزی میز): ج۲ ص ۵۹۸.

غياثالدينكيخسرو ( يسر عزالدين قليج ارسلانساجوتی بادشاهآسیای صنیر ) ; 310 111.777.477.477.777. غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد ( یادشاه آسیای مغیر): ج1ص ۴۱۲، ۴۲۷، · 451 1400 1444 1440 1440 ج ۲ ص ۲۹۵۰

غیاثالدین محمد: ج ۲ ص ۲۷۴. غیاثالدین محمد بن حسینغوری: ج ۱ ص ۲۹۱،

غياث الدين محمد بن سام بن الحسين . ج ص ۱۳۸۵ ۳۹۱۰

غياثالدين محمد شاه بن تظفشساء ( از ملوک خلج): ج ۲ ص ۶۶۴.

غياث الدين محمود خلجي: ج٢ص٢٨٩. غیاث الدین ( پسر محمود شاه بهمنی) : ج ۲ ص ۶۶۲.

غیات بن سیر : چ 1ص ۱۲۴۰ غیاث الدین منصور (میر۔۔): ج ۲ ص۷۸۵، غیاثالدین میرعلی ( حاکمهرات): ج۳

غيلان بن سلمه الثقفي: ج ١ ص ٥٣.

فاتک بن محمد (آخرین ملّوک بنینجاح): ج 1 ص 170.

فاخته (زوجه معاویه بن ابی سفیان):ج ۱ ص ۸۵۰

فارابی ــــ ایونص ...

فارس بن محمد بن عنان: ج ۱ ص ۳۱۷. فارس الدین ، میمون قصری (آخرین|میسر از طلاحیه): ج ۱ ص ۴۲۹.

> فارنز: ج ۱ ص ۱۹۵۰ . فاضل خان: ج ٣ ص ١٣٢٥ .

فاضل خانگروسی:ج ۳ ص ۱۵۴۵، ۱۶۷۲.

فاضل سمنانی (حاجی ــ ): ج ۳ ص

فاضل فولاد خان شعفال داغستان: ج ٢ ص ۱۱۱۶٠

فاضل نراقی: ج ۴ س ۴۰۰۴. فأضَّله (دختر يزيد بن مولب): ج ١ ص

فاطمعبنت اسدين هاشم (مادر على(ع)): ع 1 ص ۱۴۰

فاطمه بنتاقرع: ج ۱ ص ۳۴۲.

فاطعه (دختر امام حسین (ع))؛ ج 1ص

فاطمه (بنت رسول الله (ص)): ج 1 ص ۲۳ : ۱۴۵ : ۲۶ : ۲۲ : ۳۵ : ۱۴۵ : ۲۳ ص . TOTY

فاطمه (مادر شقنا بن عبدالواحد ): ج ١ ص ۱۴۵ ۰

فاطمه سلطان (دختر شاه سلطان حسين): ج ۲ ص ۱۱۱۲ ٠

فاطعه کلابیه (دختر ضحاک بن سفیان)! ج ۱ ص ۲۸۰

فاطعه (بنت الوليد (زوجه عمسر بسين الخطاب) ہے ۽ س ڄڄ.

القايز بنصرالله، إيوالقاسم عيسىبنظافر (خلیفه علوی مصر) اج ۱ ص ۳۸۷،

فایق: ج ۱ ص ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰،

فتاح (میر ــ ) این حاجی میرزا یــوسـف

تبریزی: ج ۳ ص ۱۵۷۹ · فتاح بانا : ج ۳ ص ۱۲۸۳ ·

فتح (غلام نصربن لوالوا): چ١ص٩٩٥. فتح بن خافان (محدول دیوان رسائــــل متوكل): ج (ص 199.

فتح الله (ميرزا ـ ) (برادر زاده ميسرزا آقا خان): ج ٣ ص ١٧٢٥.

فتح الله (میرزا \_ ) از اجزاییستخانه : ج ٢ ص ١٢٢٤: ج ٢ ص ٢١٢٢.

فتح الله تبریزی(طلا 🗕 ): ج ۲س۲۷۲.

فتح الله (شاه \_ ) حكيران شبانكاره:ج٢ ص ۶۴۰.

فتع الله خان: ج ۲ ص ۱۲۲۵.

فتح الله خان بيات: ج ٢ ص ١٣۶٩.

فتح الله خان (جماعت خواجه وند) إج ١

فتح الله (مبرزا ــ.) خان (مرئيپ فـوج هنتم خلخالی): ج ۱ ص ۵۱۰، ١١٣٠ ع ٢ ص ١٢٣٢ ع ٣ ص

. YOAT . YOYF فتح الله خان (سركردة جماعت بيزكي): ج ١ ص ٥٢٥٠ ج ٣ ص ٨٩٠١. فتح اللمخان سرهنگ ( از ارباب مناصب):

فتح الله خان سرهنگ (مطم کل افسواج ئويخانه): ج ۳ ص ۱۹۲۶،

3 T & 1117.

فتح الله خان طالش سرهنگ: ج ٣ ص

فتح الله خان ثيباني: ج ٣ ص ١٤٧٤. فتح الله خان قراكوزلو (از سرهنگان خارج از فوج): ج ١ ص ١٠٥١ ج ٢ ص ١٢٢٩ : ج ٢ ص ٢٢٥٢.

فتح الله خان مدائلو: ج ( ص ۵۲۵:ج۲ ص ۱۹۰۹۰

فتح الله (میرزا ۔۔ ) خان (منشی کسار گذار ارض اقدس): ج ۳ ص ۲۱۰۵. فتح الله خان (ناظم اداره عدليه):ج٣ ص ۲۱۰۱.

فتح الله خان (ناظم ديوان) يسر صــارم الملك: ج و ص ٥٦٥: ج ٢ ص ١٢٥٥ : ج ٢ص ١٩٩٢ -

فتحالله (ميرزا مـ ) خان(نايب،فراشغانه): . TI 17 0 T E

فتح الله خان بوز باشی: ج ۱ ص ۴۷۱،

فتح الله (آغا - ) خواجه: ج اص ٥٣١. فتح الله (سرتيب فوج سيم مراغه): ج ٢ · 1777 -

فتع الله سلطان (جزايرچيان): ج 1 ص - TTT

فتح الله عماد شاء (صاحب برار): ج ٢ ص ۷۳۱٠

فتح الله (ميرزا \_ ) لشكر نويس باشي : 3 7 & 7441 · 7441 ·

فتح الله (حاجى ميرزا ـــ ) مباشرنهاوند: ع ۱ ص ۵۴۴.

فتح الله (ميرزا ــ ) مشرف(صاحبىنصب فوج): ج جي ۲۱۴۴.

فتح الله ميرزا شعاع الملطئه (يسرفتحطي شاه): ج ۲ ص ۱۶۲۴،۱۵۰۳ ،

أ فتح الله ميرزا (نواب ... ) پسر محمدعلى

میرزا درلنشاہ! ج ۲ ص ۱۵۵۱ ۰ فتح الله نامی اردلانی (میرزا – ): ج ۳ ص ۱۴۱۸ • فتع جنگ بن شجاع الطك: ج٣٥/١٢٤٠ فتح خان افقان: ج ۲ ص ۱۹۹۰ فتم خان بن ملک عدیر (والیدکن)، ج۲ ص ۱۹۲۴ ، ۹۳۰ فتح موصلی (زاهد): ج ۱ ص ۱۸۵۰ فتع بن وشاح الموصلين الزاهد: ج 1 ص · 101 فتحطی (آقا ۔): ج ۱ ص ۵۵۱ فتحطی (آقا ــ )اداریه آبدارخانه: ج ۳ ص ۲۱۱۳۰ فتحطی بیک (نایب آجودانباشی): ج ۳ ص ۱۷۲۲ ، ۱۷۳۱ ، ۱۷۷۴ فتحطيخان. ج ٣ ص ١٥١٣ -ج ٣ ص . 199A فتحملیخان (استرآباد): ج ( ص ۵۲۳۰ فتِمِطيفان (يسر اعتضاد الدوله): ج ١ س ۵۲۵ : ج ۲ س ۱۲۵۰ : ج ۳ س فتحطی خان اعتبادالدوله لگزی: ج ۲ ص ۱۰۵۸ ۰ فتحطی خان افشار ارومی: ج ۲۹٬۱۵۲۰ :1166 - 1167 61161 - 1104 - 1106 . 1740 or TE فتحطی خان ترکبان: ج ۲ ص ۱۰۰۵۰ فتحطی خان (حاکم قبه)، ج ۱۳۶۴۰۰ فتحملی خان (حاکم مراغه): ج ۴۰۰ فتحعلی خان خواجه وند : ج ۳ ۱۳۸۷۰۰ . 1717 فتحملی خان خوشی (یاور دویم): ج۲ ص ١٢٢٣: ج ٣ ص ٢٠٢٧. فتحطى خان درجزينى (از سرهنگانخارج از فوج): ج 1 ص 404: ج ۲ ص فتحطی خان دولوی قاجار (امیر کبیسر):

ج ۲ س ۱۱۲۹: ج ۳ ص ۱۳۹۱

· 1577 · 1714 · 17.4

طان): ج ۲ س ۱۲۸۵ ، ۱۵۲۹ ،

ع ب من ۱۳۲۰ ۱۳۵۲ ۱۳۵۰ ۱۳۲۰ ۱۳۲۰ ۱۳۵۰ ۱۳۵۰ ۱۳۵۰ ۱۳۵۰ ۱۳۶۰ الاتلام ۱۳۶۰ ۱۳۶۰ ۱۳۶۰ ۱۳۶۰ الاتلام ۱۳۶۰ ۱۳۶۰ ۱۳۶۰ الاتلام ا

\* 1871 - \* 100Y - 10-T - 17TT

۱۹۳۹ . فتحملی خان کیول: ۳۳ ص ۱۳۳۳ . فتحملی خان کیلانی: ج ۲ ص ۱۵۸۰ ، فتحملی خان لکزی: ج ۲ ص ۱۰۲۰ ، فتحملی خان ستوفی (میرزا – ): ج ۳ ص ۱۷۳۴ ،

فتعملی خان نوری (فوریساولباشی): ج۲ ص ۱۲۵۸ ۱۴۸۶

فتحطی خان وزیر شاہ سلطان حسین ) : ج ۲ ص ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ فتحط خان (یس هدایت الله خیبان

فتحعلی هندانی (آفسا -- ) : ج ۲ ص ۲۱۲۷

فتحملی میرزا: ج ۳ ص ۱۶۵۵ ۰ فتح محمد خان: ج ۲ ص ۱۶۲۹ ۰ فتحی خان افغان: ج ۲ ص ۸۲۲ ، فتیح خان افغان: ج ۳س ۱۵۲۷ ، ۱۵۲۹ ۰ ۱۵۲۰ ، ۱۵۲۱ ، ۱۵۲۱ ، ۱۵۲۱ ،

فغر الاسلام بن محمد المربزي (از کيسار شيعه): ج 1 ص ۲۲۳،

فغرالاطباء، ميرزا محمد: ج ٣ ص١٦٦٠٠ فغر جهان خانم (فغر الدوله) دختـــر فتحمليشاه: ج ٣ ص ١٩٢٥٠١٥٠٠٠ فغرالدوله (عمله محمد شاه): ج ٣ ص

فغوالدوله (دختر ناصر الدين شاء): ج٣ ص ٢٠٤٢،

فغرالدولد، آبوالحسن على بن ركن الدولد: ج 1 ص ١٩٧٦، ١٧٩ تا ٢٨٣٠٢٨١، ٢٨٩، ٢٨٩.

فغرالدولد،ابوغالب (نايب عراق): ج 1 ص ۲۹۶، ۲۰۰۰

فغرالدولد،آبونصرمحدین محمد بنجهبر (وزیر نمر الدوله): ج (ص۲۲۸ ، ۲۴۲، ۲۲۰، ۲۲۲،

فغرالدوله حسن باوندی ابن رکزالدوله : ج ۲ ص ۶۲۶، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۷

فشرالدوله دويم (از طوک رستمدار): ج۲ ص ۷۲۲۰

فغرالدولیه سیم (از ملوک رستمدار):ج ۲ ص ۲۲۴،

فخرالدوله (ناظم کشیر): ج ۲ ص۱۱۳۳، فخرالدین، <sub>ج ۲</sub>ص <sub>۲۶۲،</sub>

فخرالدین (از آل کرت): ج ۲ص ۶۹۵ فخرالدیناوحدی(شاعر): ج ۲ ص ۲۲۲۰ فخرالدینچهارکی(جرکس): ج ۱ص ۴۱۸

.TTA .TTY

فخرالدین داود بناکتی: ج ۲ ص ۶۲۸. فخرالدین(امیر س ) سناکی: ج ۲ص ۸۴۲، ۱۹۶۴،

فخرالدين يسر سيف الدين احمد ، ماجب صهيون) ُ ج ٢ص ٥٩٥.

فخرالدین (امیر — ) طبان: ج ۲ ص ۶۲۶،

فخرالدین عثمان بن زینالدین علی بسن عثمان ابن خطیب (قاضی القضاء): ج ۲ ص ۶۳۰، ۶۳۶.

فغرالدین عثمان بن کمال الدین محمــد (قاضی طب): ج ۲ ص ۶۲۵.

فخرالدین قرا ارسلان بن داود بنسقان بن ارتق (صاحب حضن کیفا): ج1 ص ۲۹۵، ۵۶۳،

فخرالدین (اعام ــ ) محمد بن عمر یسن حسین الرازی (خطیب ری) : ج ۱ ص ۲۲۷، ۲۲۷.

فخرالدین مسعود بن زعفرانی: ج ۱ ص ۴۰۱،

فخرالدین(سید سا) وزیرشاهرختیموری): چ ۲ ص ۶۷۸،

فغرالعرب: ج 1ص ۲۲۵.

فخرالطک، ابوالمظفرعلی بن نظام الملک: ج ۱ ص ۲۵۸،

فخرالطک، عبدالحسین خان: ج ۳ ص

فخرالطوک (دختر ناصر الدین شاه): ج۱ ص ۵۰۱: ج ۲ ص ۱۲۱۸: ج ۳ ص ۲۰۶۲.

فخری بیک افندی (سفیر کبیر عثمانی در طهران): ج ۱ ص ۵۳۶: ج ۳ ص ۲۱۹۷۲، ۱۹۸۳، ۲۱۰۷۲.

فدر (پسر ایوان مخوف): ج ۱ ص۸۵۹. فدعم: ج ۳ ص ۱۶۶۵.

فرات بن حیان: ج 1 ص ۲۳،

فراش خلوت ، میرزا عبدالله: ج ۳ ص ۱۹۲۰،

فراشہ (از موالی مہدی، حاکم دماونــد۔ و قومس) : ج 1 ص ۱۵۲، ۱۵۵، فراموز بیک (حاجی ــ ) : ج ۲ ص۱۶۷۸ فرانسوا امپراطور اطریش: ج ۲ ص ۱۹۳۳،

-1154

فرانسوای اول: ج ۲ص ۹۷۳،۷۶۸،۷۶۲ ، ۸۰۶،

فرانسوای اول (یادشاه ایطالیا): ج چس ۱۶۰۴ .

فرانسوای اول (پسر فردیناند اول): ج ۳ ص ۱۵۷۰ -

فرانسوای دویم (امپراطور اطریش): ج ۳ ص ۱۴۲۱ - ۱۶۳۳

فرانسوای دویم (یادشاه فرانسه): ج ۲ص ۸۲۹.

فرانسوای دویم (یادشاه نایل): ج ۳ ص ۱۸۱۹

فرانسوا ژوزف (امپراطور غسه): ج ۲ ص ۱۹۴۵ ، ۱۹۲۲ ت ۱۹۴۵ ، ۱۹۴۵ فرانسوا شارل ژزف (امپراطور آستسسریه و مجارستان): ج ۱ ص ۵۶۱: ج ۲ص

فرانگی: ج ۲ می ۱۱۵۲، ۱۲۱۷۰۱۱۸۰ ۱۵۲۶، ۱۸۱۸، ۱۲۸۲

فران ابوزگریا (عالم نحو)؛ ج ۱۹۹۸۰ فرا البنوی، ابوبحد حسن، . . .... اب

محد خسن، ... فربری: ج 1 می ۲۸۰ .

فرج (خادم ترک): ج اص ۱۵۲·

فرج تبزیزی (خاجی میرزا۔ ) یاور دویم: ج آخر ۵۱۱: ج ۲ ص ۱۲۳۳: ج ۳ ص ۲۰۲۷.

فرج (آغا ۔۔ ) خواجہ: ج ۱ ص ۵۳۱. فرج بن عثمان (داعی مسیح): ج ۱ ص ۲۱۸.

فرج بن فقاله: ج ۽ من 160 .

فرج الله (آفا سيد = ): ج ۲ ص٢١٢٧. فرج الله (مولى = ): ج ۲ ص م١٤٤٠.

فرچالله (میرزا — ) از اجزأی پستخانسه: ج ۲ ص ۱۲۷۵: ج ۲ ص ۲۱۲۴،

فرج الله (حاجی ــ ) کلانتر تبریز: ج ۳ ص ۱۶۳۴

فرج الله خان: ج ۲ ص ۱۲۷۵؛ ج ۳ ص ۲۰۸۷.

فرج اللبخان ( میرزا ــ ): چامی۱۷۴۳. فرج الله خان افشار (نسقچی باشسی): چ ۳ ص ۱۲۸۲، ۱۲۹۵،۱۲۹۵،۱۵۵۵،

۱۵۳۰ ، ۱۵۲۹ ، ۱۵۲۹ ، ۱۵۳۰ فرج الله خان (تحویلدار، یساول): ج۲ ص ۱۲۲۲ ،

فرج الله خان (مالار نستجیان): ج ۳ص ۱۳۳۲ .

فرج اللمفان (سرکرده جماعت منجابی): ع۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۲۰۹۲.

فرج الله خان سرهنگ: ج 1 ص ۵۰۸؛ ج ۲ ص ۱۲۲۹؛ ج ۳ ص ۱۷۱۵.

فرج الله خان سرهنگ (پسر ابراهیم آفسا ماکوئی). ج ۳ ص ۲۰۷۳.

فرج اللمغان (ميرزا ــ ) سرهنگ(حكمران نطنز): ج ۲ ص ۱۳۰۲.

فرج الله خان شاهیسون: ج ۲ ص ۱۳۸۱، ۱۴۸۲.

فرج الله خان شیرازی (یاور اول): ج۳ ص ۲۰۷۷،

فرج الله خان طالش (ياور اول): ج جس ۲۰۷۲.

فرج الله خان کرمانشاهانی (یاور اول):ج ۱ ص ۵۱۸: ج ۲ ص ۱۲۳۳: ج ۳ ۲ ص ۲۰۷۷.

فرج الله (میرزا ـ ) خان (لشکر نسویس مازندران): ج آس ۱۲۲۶؛ ج ۳ص ۲۰۷۰.

فرج الله خان (نایب ایشیکآقاسیباشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶،

فرج الله خان (ياور وتحويلدار): ج 7 ص ۲۰۶۶،

فرج بیک (حاجی ۔ ) خرقانی (یـــاور دریم):ج ۱ ص ۵۱۱؛ ج۲ص۱۲۳۳: ج ۲ ص ۲۰۷۷،

فرج خان (تفنگدار خاصه): چ ۱ص-۵۳. ج ۳ ص ۲۱۱۱.

فرج خان سرھنگ (فوج مراغه); ج ۽ ص ۱۲۵۰ء ج ۲ ص ۱۲۳۷؛ ج ۳ ص ۲۰۸۱

فرخان ؑ ج 1 ص ۲۳.

فرخان رازی: ج ۱ ص ۱۶،

فرخ آقا (تحویلدار انبار غله): ج ( ص ۵۵۲ : ج ۳ ص ۲۱۱۲،

فرخ خان: ج ۳ س ۱۹۴۰.

فرخ خان امين الدوله ـــــ امين الـــدولـه

فردریک سیم (پایشاه اسپانیول): ج اص فرخ خان فرخ خان امین الملک: ج ۳ ص ۱۲۸۶ ۰ فردریک سیم (پادشاہ پروس): ج ۲ ص · 1417 · 1417 · 1411 فرخ خان پیشخدمت: ج ۳ ص ۱۹۷۸، - 1007 +947 فردریک سیم (بادشاء دانمارک)، ج ۲ ص فرخ خان (صدوقدار وجوه خاصه): ج ٣ فردریک شارل (پسر عموی پادشاه پروس): فرخ خان کاشی غفاری، ج ۳ ص ۱۶۳۶ ، ج T ص ۱۹۱۹ ، ۱۹۲۰ ، ۱۹۸۲ ، · 1641 · 1641 فردریک ششم (پسر کریستیان هفتم): ۳۳ فرخزاد بن خسرو يرويز: چ ۱ ص ۳۲٠ ص ۱۲۹۲ . فرخزاد بن سعود غزنوی (پادشامغزنین): فردریک ششم (یادشاه دانمارک): ج ۳ ص ج 1 ص ۲۲۱ ۱۳۲۶، · 1901 فرخ زاد بیک (ایشیک آقاسی): ج ۲ ص فردریک کبیر: ج ۲ ص ۱۰۲۸ ۰ ۱۱۶۰ ۰ . 17 or فرخ سلطان خانم (دختر فتحطيشاه):ج٣ فردریک گیلیوم: ج ۲ ص ۱۰۱۲، ص ۱۶۲۷ ۰ فردریک گیلبوم (پادشاه پروس) ج ۲ ص فرخ سیر (پادشاء هندوستان): ج ۲ ص · 1110 -1014 -1010 فردریک گیلیوم (برادر زادهٔ فـردریـــک فرخ سیر میرزا : ج ۳ ص ۱۶۱۸ ، ۱۶۴۶، کبیر): ج ۳ ص ۱۴۰۳. فرخ ميرزا (نبر الدوله (يسر فتحطىشاء): فردریک گیلیوم اول (امپراطور آلمان): ج ج ٣ ص ١٤٢٢ ٠ ر من ۱۹۶۱ ج ۲ ص ۱۶۹ · ۱۰۱۲ أ فرخ يسار (بادشاه شروان): ج٢ص٧٤١٠ TITY OF E فردریک (پادشاه و ورتمبرک): ج ۳ ص فردریک گیلیوم دویم (والی پروس): ۲۶ · 1074 ص ١٩٤٢ - ١٩٩٢ ج ٢ ص ١٩٣٤ -فردریک اعظم (یادشاه پروس): ج ۳ ص فردریک گیلیومسیم (بادشاه پروس): ج۳ 1905 1748 Com فردریک اگوست (یادشاہ لہستان): ج ۲ فردریک گیلیوم لوی پلد اگوست (ولیعهد ص 1114 م اولاباد): ج 1 ص ۵۶۱: ج ۳ ص فردریک اگوست چهارم : ج ۳ ص ۱۲۲۵ ۰ · 1117 فردریک الکساندر (شارل اول): ج ۱ ص فردريكگيليومنيكل شارل (وليمهدآلمان): .481 ج ١ ص ٥٤١: ج ٣ ص ٢١٤٧. فردریک اول (پادشاه آلمان) : ج ۱ ص فردریک گیوم: ج ۳ ص ۱۷۰۸، . 710 . TTT . TAG فردریک هفتم (بادشاه دانمارک): ج۲ص فردریک اول(پادشامبوئد): ج ۲ص۱۱۵۰ · 1407 : 340F فردریک پنجم (بادشاء دانمارک): ج۲ ص فردریک هانری (پادشاه طند): ج ۲ ص · 1154 · 1175 . 141 فردریک چهارم (پادشاه دانعارگ): ج ۲ فردريگيم (پادشاه پـــروس): ج ۲ ص س ۱۰۲۸ ، ۱۰۲۸ فردریک دویم (امپراطور آلمان): ج ۱ ص فردوسی ـــــ ابوالقاسم . . . · \*\* فردیناند (پرنس 🗕 ) : ج ۴ ص ۱۷۷۶ ۰ فردریک دویم (پادشاء بروس): ج ۲ ص فردیناند (یادشاطآلمان): ج ۲ ص ۸۳۲۰

- 1114

. . . . .

فردریک دویم (پادشاه دانمارک): ج۲ ص

فردیناند (امیراطور اطریسش ): ج ۲ح . 449 فردیناند (عموی امپراطور روس): ج ۳۳۰ فردیناند (یادشاه سیسیل) ٔ ج ۳ ص فرديناند (برادر شارلكِن) :ج٢٩٥٣٠٠ فردیناند اول (امپراطور اطریش): ج ۳ س، ۱۶۳ ، ۱۷۰۳ فردیناند اول (پادشاه سیسیل): ج ۳ ص - 1040 فردیناند چهارم (بادشاه نابل)، ج ۳ص · 154• فردیناند دلس پس (فرانسوی): ج ۳ ص - 1111 فردیناند دویم (یادشاه آلمان): ۲۳ ص . 171 فردیناند دوم (بادشاه ایطالیا): ج ۳ ص . 15.4 فردیناند دویم (یادشاء ناپل): ج ۳س - 1411 فردیناند سیم (پادشاه آلمان): ج ۲ ص - 1FT - 1T1 فردیناند. سوم (امپراطور مجارستان): ۲۳ ص ۹۵۲ ۰ فردیناند ششم (پادشاه اسپانیول): ج۲ ص 1151 ٠ فردیناند لوی ماری (شسارل – ) وليمهد پرتوغال: ج 1 ص ۵۶۲ فردیناند هفتم (یادشاه اسپانیول): ج ۳ \*1050 · 1074 · 1070 · 1791 · فرزدق (شاعر): ج 1 ص 11۳ فرضی خان (ایل بیکی ایل شاهبون): ج ۳ من ۱۸۲۵ -فرمانفرما: ج ٣ ص ١٧۶١ / ٢٠۶٢-

قرماتفرما ــــ معتمد الدوله.

- 1971 - 1917

فرمانفرما (حسينطي ميرزاً ) يُج ٣ ص

فرمانفرما (فريدون ميرزا): ج ٢٣٥٢ م

فرمانفرما (فيروز مبرزا): ج ٣ ص ٢٠٤٣٠.

· 1741 · 1777 · 1754 · 1707

فردیناند (پادشاه اسپانیول): ج ۳ ص

TE :YTA:YYF:YTF:YTT

فرمانفرهاء نصرت الدولة: ج ٢ ص١٩٣٢) | ع ۲ ص ۱۹۹۳ . فرنان کرتس! ج ۳ می ۲۶۸. فروغ الدوله (دختر ناصرالدين شاء) يُج ٣

> فروغی ، میززا محمد حسین ادیب: ج ۲ ص ۱۱۹۶ : ج ۲ ص ۲۰۲۱. فروه بن عمروالجذامي (عامل روم بــــــر

اعراب); ج ۱ ص ۳۰.

فروه بننوفل الاشجعى(از رواساىخوارج): ٠ ١ ص ۶۲،

فرهاد (میرزا ـ ) شاگرد دواساز: ج ۱ص ۵۴۷ ج ۳ ص ۱۳۱۳.

فرهاد بیک (ولد حسام سلطان قرامانلو): ع ۲ ص ۱۸۸۰

فرهاد پاشا (فرمانروای قرامان)! ج ۲ ص

فرهادخان قرامانلو: ج ۲ ص ۸۸۵۰۸۸۱ · 184 · 184 ·

فرهاد قدز: ج ۲ ص ۸۴۵،

فرهاد میرزا ، حاجی معتمدالدوله نایب \_ الاياله (پسر نايب البلطنه عبـــاس میرزا): ج ۱ ص ۵۰۱: ج ۳ ص 4574 - 1574 - 1571 - 1517 - 1670 4A14 . 1559 . 1569 . 1564 . 1579 1744 - 1447 - 147 - 1479 - 1477 11914 : 140× : 1400 : 1494 : 1444 4004.1454.1454.1446.1415 . T. FY . T. FT . T. TT

فریدالدینشکرکنج (شیخ \_ ): ج ۲ ص

فریدون بیک (حاکم بندرعباس): ج ۲ ص

فریدون بیک، نایب اول (در قایسس و سيستانء عاامورتحويلدارى توپخانسه های سرحدات): ج ۲ ص ۱۲۲۵. فريدون (ميرزا سا) جانخان حلال خـــور بندیی مازندرانی(معروف به میسرزا

خاطر): ج ۳ ص ۱۲۸۵ ، ۱۵۹۸ ، فریدون خان (بیگار بیگی استرآباد):ج۲ ص ۹۱۵ و

فریدون خان (حاکم بندرعباس): ج ۲ص

فريدون ميرزا (أميرزاده \_ ) پسر ــالار | فضل بنقارن برادرمازيار، (عاملحمس) . (از ارباب مناصب): ج ۳س۲۱۹۳. فریدون میرزا (حاجی ــ ) : ج ۱ ص ۲۰۵ : ج ۲ ص ۱۲۲۰ : ج ۳ ص

فریدون میرزا (عهد شاه طهماسب): ج۲ ح ۱۰۸۶.

فریدون میرزا (پسر عباس میرزا): ج۳ س . 1514 . 1506

فريدون مبرزا فرمانفرما: ج 1ص ٥٣٩:ج٢ ص ۱۲۶۹: ج ۳ ص ۱۶۲۹، ۱۶۲۹ 11441 . 1464 . 1646 . 1644 6 1644

فریسینیه (وزیر خارجه فرانسه): ج ۳ ص . 1 . 4 1

فعیح الدین (عاحب دارا): ج ۲۵۶۵٪ فصيح الدين خوافي! ج ٢ ص ٧٤٥. فضاله بن جبوس : ج ۱ ص ۲۳۶.

فغاله بن عبدالله الانماري: ج ١ ص . VA . YF

فظان آقا (سرتیشید): ج ۳ ص ۱۶۴۲، · JATY · JYYY

فضل (میرزا = ) امیر دیوان: ج ۲ ص

فضل، پسر بدر جنالی (وزیر الستنصــر C. THY OF X TO A CO.

فضل بن جعفر بن فوات: ج 1 ص ۲۲۹، فضل بن حسن (فضلویه): ج ١ص ٥٤٥. فضل (خارجی): ج ۱ ص ۱۶۱،

فضلبندييع: ج ١ ص ١٥٩ ، ١٧٩٠١٧٠ . فضل بن روح بن خاتم (حاكم افريقا): ج 1 ص 191 ٠

فضل بن سلیمان طوسی، ابوالتیاس(حاکم خراسان): ج ۱ ص ۱۵۴ ۰

فضل بن سهل ، ذوالرياستين: ج ١ ص . 146 . 146 . 141 . 154 . 154

فضل بن سیف بن فضل بن عیسی (ازآل افضل ): ج ۲ ص ۲۲۳.

فضل بن شبث العقيلي : ج 1 ص ١٧٢. فضّل بن حالح (والی جزیرہ): ج ۱۔ ص - 107 - 10-

فضل بن عباس بن ربیعد: ج 1 ص ۸۴۰

ء 1 ص ۲۰۲.

فضل بن کاوس بن صارخرہ: ج 1 ص179 فضل بن مروان (وزیر معتصم): ج 1 ص - 19T - 1AD

فضل بن منصور بن طريف الفارقي (ابير، شاعر): ج ۱ ص ۳۱۳.

قضل بن موسی بن بغاء : ج 1 ص ۲۲۶. فضل بن واثق: ج 1 ص ۲۵۹.

فضل بن يحيى بن خالد بن برمك: ج 1 . 140.154 6 150 . 144.15Tu

فضل الله: ج 1 ص ٥٦٩.

فضل الله (ميرزا - ): ج ١ ص ٥١٩. فضل الله استرآبادی: ج ۲ ص ۶۸۴.

فضل الله (میرزا سـ ) از اجزای پستخانهٔ - T 177 0 T 7177 .

فضل الله (ميرزا \_) رئيس ططان آباد : خ 1 ص ۵۴۲.

فضل الله (ميرزا \_ ) سررشته دار: ج إ ص ۱۵۵۱ ته.

فضل الله طبيب (ماحب جامع رشيدي): ع ۲ ص ۱۳۲۴ ،

فضل الله (ميرزا - ) نايب ايشيك آقاسي باشی: ج ۳ ص ۱۸۰۴،

فضل الله خان (اولاد بيگر بيگي): ج١ ص ۵۲۶۰

فضل الله خان (ميرزا \_ ) حاكم فيـــروز کوه: چ۱ ص ۵۶۰: چ ۲ ص ۱۳۰۱: . T140 0 T E

فضلالله خان (ميرزا \_ ) مرتبب(رئيس تلگرافخانهٔ مشهد): ج ۱ ص۵۵۱ : - T 174 P T E

فضل الله (ميرزا ــ ) خان (ســـركــردها غلامان سبزواری): ج ۳ ص ۲۰۸۸. فضل الله خان سرهنگ: ج ١ ص١٩٥:ج٢

€ ATT1: 3 T & TAA1 . CA. 0 T. فضّل الله (ميرزا ــ ) خان (از ســواريه

عبدالطکی): ج ۱ س ۵۲۱؛ ج ۳ ص ۱۹۵۹،

فضل الله خان ثاطر باشی (پسر صــــارم الطك): ج ١ ص ٥٥٢: ج ٣ ص . YooA . 1997

فضل الله (ميرزا ــ ) خان (كاريــــرداز

فظطی خان توانلو ( ولد حاجی مهندی ہمیٹی): ج ۱ ص ۵۳۵: ج ۳ ص قلی خان جان نثار دولت) : ج۳ص - 1444 فضل الله مستوفى (ميرزا - ): ج ٣ ص فضل على خان ميرينجه: ج ٣ ص١٧٣٥٠. ·\*\*\*\* . \*\*\*\* قطر بن خليفه الكوفي: ج 1 ص ١٢٤٠. فضل الله (ميرزا \_) خان (منشىباشي ): ففان على خان: ج ٢ص ١١٧٢ ، ١١٧٣ ج ١ ص ٥٥٧ ج ٢ ص ١٢٩٥ ع٣ فكي (از معارف انگليس): ج ٢٩٥٥،٠١ ·TITO «TOTO DE ظری(وزیر مالیت فرانسه): ج ۱۳۹۰، ۱۳۹۰ فضل الله خان (نایب آجودانیاشی ) : ظک الدین سلطان (برادر ملک عادل) : ج ۳ ص ۲۰۷۳٠ فضل الله (ميرزا – ) ثيرازي (متخلسص ج ۱ ص ۲۲۱. ظیب اگرست (بادشاہ فرانسہ)، ج ۱ س به خاوری، ماحب کتاب تاریسسخ . 444 . 411 صاحبقراني) : ج ٢ ص ١١٧٨ · ج ٢ ظیب اول (پادشاه فرانسه): ج ۱ ص ص ۱۵۲۹ ، ۱۵۲۹ ، ۱۵۴۹ -- TTT + TTY فضل الله على آبادي ــ فضل الله نصير ظیب پنجم (پادشاہ اسپانیا): ج ۳ ص (101) 1004 . 1007 . 1001 فضل الله مثيرف (صاحب منصب فوج ) : · boro ج ٢ ص ١٣٥٥ ، ج ٣ ص ٢١٢٢٠ ظیب بنجم (پادشاہ فرانسہ): ج ۲ ص فضل الله ميرزا (يسر معز الدوله): ج ٣ ص ۶۴ ۲۰۶۴ ظیب چهارم ( پادشاه فرانسه): ج ۲ ص فضل الله نمير الملك على آبادي: ج ٣ ص ۱۵۲۵ ، ۱۵۲۹ ، ۱۵۲۹ ، ۱۶۳۰ ظیپ چهارم (پانشاه آسانیا): ج ۲ ص - 1410 - 1591 + 150T + 15FA · 441 فضل الله نورانی: ج ۲ ص ۵۸۴، ظیب دانجر (نوبه لوی جهاردهم): ج۶ فضل الله (میرزا ــ ) نوری ، وزیر نظـــــام عي 1001 . (برادرعدر اعظم): ج ۳ ص۱۲۲۶، ظین دوک تارلٹان ج ۲ ص ۱۳ ۱۰ آ · 1770 · 1777 · 1774 · 1777 ظیب دوم: ج ۱ ص ۲۰۴، · 1714 · 1741 · 1770 · 1761 قلیب دوم (یادشاہ اسپانیول): ج ۲ ص · 1977 • 1445 • 1404 • 1401 YYAN PYAN ORAN TEKNOPAN. فظاء بن نعيم النهشلي: ج 1 ص ١٣٤٠ ظیپ سیم (پادشاہ اسپائیول): ج ۲ ص فضیل بن عیاض (زاهد): ج ۱ص ۱۶۷۰ 417 .416. فضلعي (فضلطي) آقا (جد خوانين کبار): ظیب سیم (پادشاہ فرانسہ):ج ۲ص۹۵۰ ج ۳ ص ۱۳۶۲ ۰ فظملی بیگ شامبیاتی : ج ۳ ص ۱۳۴۸ ۰ فيليب (يسر شارلكن): ج ٢ ص ٨٢٥٠ فظعلی خان: ج ۳ ص ۱۶۴۹، ۱۶۹۴، فيليب ششم (شاه فرانسه)! ج ٢ ص٢٢٠ . 544 فظلطی خان سرتیب؛ ج ۳ص ۲۰۸۳۰ فلیپسیوف(مسیو ـ ) مترجم دویم: ج ۱ فضل علی خان (حاجی ۔ ) سرھنسگ: ص ۵۲۷. ج ١ ص ٥٥٨: ج ٢ ص ١٢٢٩: ج٣ ظیپ ل ہو: ج ۲ ص ۲۴۱، ص ۲۰۷۳ و فظن: ج ۲ ص ۱۹۹۵ء ۱۹۱۳-

فضل علی خان قاجار: ج ۳س ۱۵۵۲ ۰

· 1505 · 1505

فضل علی خان قراباغی: ج ۳ ص ۱۶۲۹

·1541 · 154 · 1547 · 1575 · 1577

\* 1440 \* 1441 \* 1464 \* 1466 . 1417 فودک (از نسل ترک بن یافث): ج ۳ س · STTA فوشد (وزیر ناپلیون): ج ۳ ص ۱۵۳۲ -فوکار وانولولس ( مہندس ژاپنی): ج ۴ ص ۲۰۰۹. فولاد باشا (والي ادرته) اج٢ ص ١٠٣٢ . فولاد خان (پسر شاھی بیک خان): ج ۲ س ۶۲۱٠٠ فولاد خان (والد عادل کرای خان): ج ۲ ۲ ص ۱۱۱۳ ۰ فولاد خلیفه شاطو: ج ۲ ص ۸۷۰،۸۶۳ فولاد سلطان:ج ٢ص ١٨٣٠ ١٨٥٤. فولاد محمد خان: ج ۲ ص ۶۲۹، فولتن:ج ٻس ۱۳۶۶ . فونتن: ج ۲ ص ۹۸۱ ، فیاض بن مهنا (از آل افضل): ج ۳ ص · Y TT فيروز (حاجي آغاً) خواجه! ج ١ ص٥٣١٠٠ فيروز (آقا ... ) ظمدار وزارتخارجه: ج ١ ص ۵۲۳۰ فیروز آبادی ـــ ابواسحاق شیرازی... فيروزخان آجوداناول: ج ٣٣٠ ٢١٠٢٠ فیروز دیلمی(عامل معاویه در صنعا یعن): ع ۱ حي ۲۸٠ فيروز الدين (طجى ــ ) ميرزا افضــــان (والی هنرات): چ ۳ ص ۱۲۸۵ ، · 1414 < 10-1 + 10-+ 1745 . 10T+ . 10TF . 10TA . 1019 - 10TY - 10TF - 10TT - 10T1 فيروز الدين خان افتان (حاجي ــ ) 🖥 19.4Y UP T & فیروز شاہ بہنتی (شاہ پکن): ج ۲ ص · FAT · FFT فیروز شاہ دھلوی (حاکم دھلی): ج۲ص .FTA .FTA فیروز کوهی ـــ ایراهیم خان... فیروز میرزا (پسر تیمور شاه و برادرمحمود میرزاافغان) کے جس ۱۲۲۲ ، ۱۲۵۷ ، 1774 فيروز ميرزا فرمانفرما نصره الدوله: ج1ص

115TT-15T+ 1151YUF TE: 4-1

فوادیاتا (مدر اعظم عثمانی)! ج ۴ص

· TATE · TATY «TATO » TATO

فوادافندی: ج ۲ ص ۱۷۵۱ -

-1707 - 1FTY

فیریزان (سردار عجم): چ رس ۲۹،۰۳۹،

فیروزه بیگم (مادر ططان حبین میسرزا تیموری): ج ۲ ص ۲۱۹.

فیش بن الخشر : ج 1 س 770. فیغملی شاه اصفهانی (پدرتورعلیشاه) : . 1700 UP T E

فیضی افندی: ج ۳ ص ۱۲۸۵ ، فیودور دویم (پادشاء روس): ج ۲ ص - 110 - 1AY

فيويمان: ۾ 1 ص ٢٣.

فآآنی: ج ۳ ص ۱۸۸۲ ·

قابوس بن وشدگیر بن زیار ، شمس المعالی (حاکم طیرستان): ج ۱ ص ۲۷۷، .T11 .T14 .TA1 B TY4

قاتل بن قیس (از امیران سپاه معاویه در مفین): ج ۱ ص ۶۵،

فاجار پرناک: ج ۳ ص ۱۳۴۸.

قاجارخان (پسر ارغون خان): ج ۲٪ ص · 1777 · 1774

قاجار نویان (پسر سرتاق نویان): ج۲ س · 1754 · 1754 · 1757 · 1776

قادر (شیخ – ): ج ۱ ص ۲۷۸،۳۷۷. القادر بالله عباسي، أبوالعباس أحمد :ج؟

-T+A +T97 +TAS &

قادرخان عرب بسطامی: ج ۳ ص ۱۳۸۶ ،

قادر شاء: ج ۲ ص ۷۹۱.

قاراز ارش زریش: ج ۳ س ۱۸۰۷،

قارااین مهنا (از آل افضل) : ج ۲س۲۲۳. قارن (مززبان عجم): ج 1 س ۾4.

قآرن بن قریانس (سردار عجم): ج ۽ س

فازقین (فرزند بلدوز): ج ۳ ص ۱۳۲۵. قاسم آقا: ج ۲ ص ۱۱۷۲،

قاسم (پسر ابویکر محمد بن علی....) القفال الشاشي (ماحب تقريب) :ج ١ ص ۱۷۶۰

قاسم بن ابی ظائله (ظیله) علوی حسینی

(آمیر مکد): ج رص ۲۲۷، ۲۹۳. قاسم بن ادریس (والی طنجد)؛ ج ۽ ص

قاسم برید شاہ: ج ۲ ص ۸۹۵. قاسم ہیک پرناک: ج ۲ ص ۹۳۶. قاسم ہیکین جہانگیر بیک' ج 7ص۹۹۳. قاسم بیک شیروانی: ج ۲ ص ۸۲۲، قاسم (میرزا ـ ) جنابذی (گونابادی):

. X50 . Y59 & T E

قاسم حالي: ج ۲ س ۹۱۷. قاسم بن حنظه ( از امیران سیساه علمی

(ع) در مفین): ج ۱ ص ۶۹.

قاسم خان: ج ۲ ص ۱۵۲۲، ۱۸۱۵، قاسم خان (أمير 🗕 ): ج ۲ ص ۱۷۵۷ . قاسم خان الان براغوشی: ج ۳ ص۱۶۳۳. قاسم خان بختیاری: ج ۲ س ۱۹۸۸. قاسم خان (حکیران دشت قبچاق): ج ۲

قاسم خان خلج (میرزا ۔ ) : ج ۳ ص

قاسم خان دولوی فاجار نے ۲ ص ۱۲۹۸ ، قاسخان، سردار دارالشکود، ج ۲ ص،ع۹ قاسم خان (سوكرده غلام تعنكجيان):ج . 1894 JO Y

قاسم خان کوهنگ ج ۳ م ۱۵۷۷، فاسم خان ماحب جمع : ج ۳ ص ۱۷۵۶، قاسم خان (غلام پیشخدمت): ج ۳ ص

قاسم خان فاجار (جارچی باشی): ج ۳ . 1717 · 1705 00

قاسم خان قوائلو: ج ۳ ص ۱۳۸۲ .

قاسم خان (کارپرداز تقلیس) ۔ ج س . 1777

قاسم خان مراغمای (سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۱۳۲۸ء ج ۲ ص ۱۳۲۸ء ج ۲ س . 4.44

قاسم خانملایری (نایب آجودان باشی): ع ١ ص ٥٠١: ع ٢ ص ١٢٢٠: ع٢ ص ۲۰۷۴ ت

قاسم خان والی (حکمزانفارس): ج ۳ ص

قاسم (امیر ــ ) خان (ولیعهد): ج۳ ص · 14-F

TTAT

قاسم خان هزار جریبی (سرهنگ فسسوج تبریزی) : ج ۳ ص ۱۵۵۹ ، ۱۵۶۹ ،

قاسم (برادر سلطان براد خان): ج جس

قاسم سلطان (عاجب دشت قبجاق): ج٦

قاسم سلطان (نبيره ندرمحمد خان):ج۲

قاسم بن سیما: ج ۽ ص ۽ڄڄ.

قاسم (حاجی ۔ ) شربتدار باشی ناظــم البكاء: ج 1 ص ٥٢٥.

قاسم بن عبدالله (وزير خليفه المكتفى): 3 1 W 677.

قاسم بن عمر بن على الحموى، ابن فارض (صاحب دیوان): ج ۱ ص ۴۴۴، . 440

قاسم بن غالب لغوی: ج ﴿ ص ٢١٧٠ قاسم بن محمد بن ابی بکر الصـدیــــق (دختر 🗕 ): ج ۱ ص ۱۲۲.

قاسم بن محمد ثقفی (فاتح اراضیهِند): ج ۱ ص ۱۰۲،

قاسم (ازنشیان): ج 1 ص ۵۲۸.

قاسم (مینشیان): ج ۳ ص ۲۱۵۰. قاسم میرزا (ملک ــ ) پسر فتحطی شاه:

- 1014 + 1FAY & T &

قاسم بن هارون الرشيد ، مواتمن (حاكم جزيره و قنسرين): ج 1 ص ع16 ، . 177 . 170

قاسم بن خاشم علوي الحسنى (اميرمكه): ع ۱ ص ۲۶۷.

قاسم بن يوسف بن عبدالرحمن فهري} ; ج 1 ص ۱۵۶۰

قاضی جهان قزوینی: ج ۲ ص ۲۷۰، ۹۹۱،

قاضی خان صدر: ج 7 ص ۱۹۹۹ ۹۹۹. قاضى بن الخلال (ماحب بيوان انشاء ): ع ۱ ص ۳۹۹،

قاضی ططان: ج ۲ ص ۹۱۹.

قاضي القفاء دامقاني: ج. ١ ص ٢٠٩٠ قاضی محمد (پدر علی طبیحی): ج 1ص

قاضی محمد (حاکم کاشان): یع ۲س۳۲۴۸

قامازوف (مترجم): ج ۳ ص ۱۹۷۹. قاورد بن چفر بیک بن میکاثیــــل بــــن سلجوق: ج ۳ ص ۱۹۵۴، القاهر بالله: ج 1 ص ۲۹۸.

قایم ، ابوالقاسم بن مهدی علوی فاطمسی (حکمران مغرب): ج ۱ ص ۲۲۸ تا - TAY 'TA"

القائم يامر اللدء أبوجعفر عبدالله بسسن الفادر:ج 1ص ۲۰۵، ۲۲۲،۳۲۲ ، \* 774 . 777 . 777 - 777 - 777 ج ٢ ص ٧۶٢٠

قائممقام فراهانی ایوالقاسم (میرزا 🗕 ):

- 1515 + 1040 + 1049 + T = قائم مقام ... بزرک قائم مقام (میرزا...) فائم مقام (آفا میرزا علی ) : ج ۲ ص 17071 . 3 T W 67071 APOY.

قايم مقام ميرزا محمد صادق. ج ٣ ص APAI - PPAI - 77FI -

قائم مقامی: ج ۳ ص ۱۵۱۳ ۰

فاقى خان (يسر سيم) عيص بن أسحق : ج ۳ ص ۱۳۴۱ ، ۱۳۴۳ .

قای (فرزند گون خان مغول): ج ۳ ص · 1777

قباد (سردار عجم): ج ( ص ۲۴۰ تباد (یسر میرزا اسکندر قراقوینلو): ج ۲ ص ۲۱۹٠

قباد بن اسکند ربن قرایوسف: ج ۲ ص

قباد خان شقاقی: ج ۲ ص ۱۷۳۲، قباد خان قشقائی: ج ۳ ص ۱۷۶۹ ، قبادخان مکری: ج ۲ ص ۹۰۵ ۰

قباد بن نوشیروان: ج ۲ ص ۸۵۸،

قبجق بن الب ارسلان شامترگمانی): ج 1

قبرس کی پاشا : ج ۳ ص ۱۸۲۰ قبلای فا آن( برادر منگوفاآن): ج 7 ص

746 646 - 640 - 646 104 : \* 1776 . 1777 . 1770 of T &

قبيحه، ام ولد (مادر البعثز): ج 1 ص -T10 -T+4 -Tot

الملک): ج ۱ ص۹۶، قبیصه بن شداد ( از امیران سپاه علسی آ (ع) در صفین): ج ۱ ص ۶۴. فتاده بن ادريس العلوى الحسنى (اميسر مكه): چ ۱ ص ۲۲۲، ۲۲۵. قتادہ بن دعامہ بصری اعمی : ج ۱ ص

فتادہ بن نصان الانماری: ج ۱ ص ۵۳،

قتلغ اینانج: ج 1 ص ۲۱۲، قتلمش بن ارسلان سلجوقی: چ1ص۳۳۰ قتیبه بن مطم باطی(والی خراسان) : ج ر ص ۹۷ تا ۱۹۴، ۱۹۷،

قتیرہ: ج ۱ ص ۶۰،

قثم بن عباس بن عبدالله (حاكم يمامع): ع ١ ص ١٢٥ ، ١٥٠٠

قثم بن عباس بن عبدالمطب (حاكم مكه وطائف از سوی علمی (ع)): ج ۱

ص ۶۷، ۶۹، ۴۹، ۲۹، ۲۹.

قثم بن عبدالله حارثی: ج ۱ ص ۷۰، قمطبه بن شبیب: ج 1 ص ۱۲۰۰۱۲۹. قدامه بن مظمون الجمحي ع و ص ٢٩ ه

> قدان (از جلایر) کے 1 ص ۱۳۴۲ م قدرت الله آقاء ج م ص ۱۷۶۰

تمرخان، يوسف بن بغراخان هارون بسن طیعان (بادشاء ترکشتان) نے اس

. To 4 . To T

قراارسلان بن داود بن مقعان بن ارتسق فغرالدين: ج 1 ص ٢٥٧ ، ٢٩٢ ،

- 414

قرا اوغلان آن بیگی: ج ۳ ص ۱۶۸۶ قرابیری فواچی: ج ۲ ص ۲۳۹-قراجا (اتابک طجوق): ج ۱ ص ۲۷۲۰ قراخان: ج ۳ ص ۱۳۲۹، ۱۳۲۰-۱۳۳۱، قراخان، ابونصر احدين طفاخان (پادشاء ترکستان): ج ۱ ص ۲۰۲۰

قراخان (حاکم بندرعباس): ج ۲۳٬۹۴۴۰ قرابلطان ازبک: ج ۲ ص ۷۹۷،

قراسنقر منصوری، شمس الدین (نایـــــب ملطنت طب). ج ۲ ص۲۰۵۹۷، قراطيس، مادر الواثق بالله خليفه عباسي (ام ولد رومیه): ج ۱ ص ۱۸۸۰ قبيصه بن ذو يب الخزاعي (مهردارعبد. | قراعثمان بايندر (حكمران ديار بكر):ج ٢

ص ۶۷۰.

قراقباد : ج 7 ص ۲۰۸۰ قراظخان: چ ۲ ص ۱۹۲۰ ۹۴۹.

قراقوش (مبلوك تقيالدين عمرينشا هنشاه ابنايوب): ج 1 ص ۴۰۰،

قرا محمد : ج ۲ ص ۶۵۹.

قرامصطفی (صدر أعظم عثمانی): ج 7ص

قراهلاکو (از فرزندان هلاکوغان) ، ج ۲ص . 549

قرايوسف تركمان: ج 7 ص 654 ، 656 ، ۵۶۹، ۱۶۹۸ تا ۵۷۹، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸، ۱۶۹۸، ۱ .641

قرایوسف (امیر ــ ) بن قرا محمد بـــن بيرامخواجه (اولينامير قراقوينلو): . Y 14 . FA9 . A F E

قربان (پسر یکی از قاتلین حسنظی خان

جهانسوز): ج ۳ ص ۱۵۲۶ ، قربانطی (میرزا 🗕 ) سرشته دار : جاص

۵۰۶: چ ۲ س ۲۰۲۰, قربانطی میرزا (پسر معز الدوله): ج ۳ س ۱۲۲۵: چ ۲ س ۲۰۶۴،

قربانطی (حاجی ــ ) تایسب اول ( از حاشرین رکاب) : ج ۳ ص ۲۰۲۷، قربان ظیج خان ترکسسسان : ج ۳ ص

. 10T1 + 10+A ترجفای بیک:ج ۲ ص ۸۹۸، ۹۱۲،۹۱۳، قرچفایخان: ج ۲ ص ۹۱۸، ۹۲۲،۹۲۰

قرطه (نام شیر): چ ۱ ص ۴۳۰ قرظه بنکب (سردار اسلام در فتحری): ج 1 ص ۵۱۰

قرغويه(عامل طباز جانبسيفالدوله) : -TAI-TYY -TYI -TFA or 1 g ATTALL TO YAY PAR AIR THE قرمط : ج 1 ص ۲۱۸-

قرواش بن مقلد بن مسيب عقيلي ﴿ أَعِيدُ موصل): ج ۱ ص ۲۹۵۰۲۹۱۰۲۹۰ ·\*\*1:\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\* قروت بن تودل اشجعی: ج 1 ص 64، قرہ بن شریک (والی معر): ج 1ص100 -1-F -1-T

قره العين: ج ٣ ص ١٩٨٧٠

قریب ازدی (از خوارج)، ج ۱ ص ۹۶، قریش بن بدران بن مقلد : چ وس ۲۰۹، . TTY . TTT . TTT. قزاق: ج ۲ ص ۸۲۲، ۹۲۸. قزاق خان (بیگلر بیگی سابق شیروان) : 3 T W 177 . YTP. قزاق خان (سلطان الوس جنتای): ج ج ص ۶۲۵،۶۲۴. قزغن: ج ۲ ص ۶۳۵. قزل ارسلان عثمان بن دکز: ج ۱٫۰۰۰ م۰۹۰، AP7: POT: 169: 717:717. قزل ارسلان میرزا (نایب آجودانباشی): ع ١ ص ٥٠٥؛ ج ٢ ص ١٢٢٩؛ ج٣ ص ۲۰۷۲. قسام: ج و ص ۲۷٪. قستقر خان (ژنرال ــ ) سرتیپ شهبنــدر باشی: ج ۱ من ۵۳۷. قسطنطین، پسر لگون سیم (امپرطـــــور قسطنطنیه): ج ۱ ص ۲۳۱. قسطنطین(ولیعهد روس): ج ۳ ص۱۵۷۰. قطب الدين نائي 🚉 ٢ ص 664. قسطنطین (ولیمهد یونان): ج ۱ص۵۶۳: قطب الدين نيكرور: ج ٢ ص ٣٦ء. - T100 00 T E قسطنطین پنجم: ج ۱ ص ۱۵۴. قسطنطین بن هرقل (امپراطور روم): ج ۱ 177 . 177 . AT . YT . FO . DY . · 107 · 101 · 177 قشيرى ـــ أبوالقاسم . . . القشيرى قطامه (هندست ابن طجم): ج (ص ۷۱. قطب الدين (حاكم فارس): ج1ص، ۶۹، قطری (از خوارج): ج ۱ ص ۹۳. قطب الدين ازلاغ شاء; ج 1 ص ٢٩٢. قطب الدين أمامي (قاضي... ): ج ۲ س قطن بن قتيبه: ج 1 ص 117. قطب الدین ایبک (والی دهلی): ج ۱س ٠٢٨، ٢٢٠ ج ٢ ص ٢٤٩. قطب الدين ايلغازيين نجم الدين ( از ارتقیه): ج ۱ ص ۲۰۹؛ ج ۲ ص

.FYo

.FY+

قطب الدین بغدادی: ج ۲ ص ۸۴۷.

قطب الدین علامه رازی: ج ۲ ص ۴۵۰.

قطب الدين سقمان (از ارتقيه): ج 7 ص

قطب الدين تونى: ج ٢ ص ٥٣٢.

قطب الدين شاه علي سيستاني: ج ٢ ص قطب الدين شاء محمود بن امير محمد بن قطب الدين قسطلاني: ج ٢ ص 600. قطب الدين قيماز (سركرده قشون بغداد) : قطب الدين گجرائي: ج ٢ ص ٧٥٩. قطب الدين لنكاه (صاحب ملتان): ج ٢ قطب الدين محمد بن تكثر: ج (ص١٩٥٠، قطب الدين محمد بن عماد الدين زنگيُّ 3 1 20 917: 777: 777:977 · قطب الدين محمد مفتي: ج ٢ ص ٧٣١. قطب الدين محمود شيرازي: ج ٢ص٥٩٧. قطب الدين مودود بن عماد الدينزنگي: 3 1 TO TAT: SAT: YAT: OPT: قطب الدين بحيي بورجاني: ج ٢ ص ١٥٣٠. قطب الدين يكال بن حيان ج اص٢٩٥٠. قطب شاه (قطب الملک، محمدقلی ترکمان قطرب، محمد بن مستيز نحوي (شاگـــرد قطرالندى(دخترخمارويمو زوجه المعتشد ): 3 1 @ 077: 777: Y77: 077. قطز سيفالدين (قدوز) مُلكمظفر (ملطان قطاع بن ازهر (از امیران سهاء معاوید در قعقاع بن ذوالحاجب (سردار عجم): ج1

قعقاع بن عمر تعیمی: ج. ۱ ص ۳۵، ۴۰،

477 (67. A47. 717. 777. قلیج ارسلان بن سعود سلجوقی (حکمران آسیای صغیر): ج 1 ص ۳۸۸، ۲۹۵ TPT: 007 . TOT: 11T. قليج ارسلان بن ملک منجور: چ إص٢٩٢. ظیج خان تیموری (امیر ــ ): ج ۳ ص · 1010 · 1011 · 1797 · 1757 قلیج خان(حاکم استرآباد): ج ۲س۹۸۶، ظیج خان سرتیپ: ج ۳ ص ۱۷۲۹. قلیج خان (سرهنگ جعفربای): ج ۱ ص ٥٢٥ : ج٢مر ١٢٤٥ : ج ٣ص١٥٠٠٠ قلی خان آتابای: ج ۲ ص ۱۳۴۵؛ ج ۳ ص ۹۸۰۲۰ قلى خان اعتماد السلطنه ـــ اعتمـــاد الططنه قلی خان (حاجی ــ ) از طائقه دولسو : ع ١ ص ٥٠٢٠ ج ٢ ص ١٣٢١ ، ج ٣ ص ۵۶۵۰۰ قلیخان، مرتبب (مهماندارمغرارمستشار): ج ١ ص ٥٣٥؛ ج ٢س ١٠١٠٠. قلبی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۳؛ ج ۲ ص ۱۲۳۲ : ج ۳ ص ۸۲۰۲۰ قلی مراف (آقا ۔ ): چ ۱ ص ۵۵۲: ج ۳۳ ۲۱۱۲ ۲ قبر الدين خان: ج ۽ س ههو، قنبر (غلام سلطان حيدر): ج٢ ص٧٢٢، قنبر بیک بھارلو (یاور دویم): ج 1 ص ۵۱۱: چ ۲ ص ۱۲۲۳۰ قنبر على خان سعدالملك: ج ٣٠٠١٧٩٠، قنبر علی خان مافی: ج ۳ ص ۱۶۳۸. . 1545 . 1544 قنبر علی سلطان استاجلو: ج ۲ص ۸۴۸. قند علی بیگ: ج ۲ ص ۱۲۷۵. قوام الدین خوافی (امیر ـ ): ج ۲ ص قوام طبیب (میرزا ۔) : ج ۱ ص ۵۷۷. قوام الدوله، ابوالقوارس بن بها الدولية (حاکم کرمان): ج ۲ ص ۲۰۵۰ . T.Y قوام الدوله، بيرزا محبد : ج ۳٪ س -1974 - 1977 - 1444 - 1455 - 1450

قوام الدوله (وزير خراسان): ج٣ص١٨١٣ء

. 7 . 7

ج ۱ ص ۴۰۱.

ص ۲۲۰،

.410 .414

-T9A -T9P -T9T

ا المارنو) ح ۲ ص ۷۵۸ ۲۸۸

سيبويد): ج 1 ص 179.

مصر): ج ۲ ص ۱۵۵، ۵۸۱

صفین): ج ۱ ص ۶۵.

. F1 . Oo . YF L TT

ص ه۴۰

مظفر: ج ۲ ص ۶۲۹، ۴۴۹.

۱۸۲۲ ، ۱۸۲۶ ، ۱۸۲۲ قوام الدولد (وزیر رسایل خاصه):چ ۳ ص ۲۰۲۷ ، ۲۰۶۷ ، ۲۰۹۹

قوام الدين (سيد ـ ): ج ٢ ص ٩٥٠. قوام الدين (ميرزا ـ ): ج ٣ ص ١٩٣١. قوام الدين (ميرزا ـ ) بهبهاني: ج ٣ ص ١٧٥٤.

قوام الدین (امیر ــ ) حسین اصفهانی : ج ۲ ص ۷۷۰ ، ۷۷۶

قوام الدین حسینی (میر -- ): ج ۲ ص ۸۷۴ ، ۸۷۴

قوام الدین طبیب (میرزا ... ): ج ۳ ص ۲۱۳۱

قوام الدين فارســـى ( حــأجــى ــ ) : ج ۲ ص ۶۳۹۰

قوام الدین (میرزا — ) محمد قزویتی: ج ۲ ص ۱۱۱۷ :

قوام الدين (سيد -- ) مرعشي: ج ٢ ص ۶۵۲ - ۶۵۲

قوام الطک شیرازی (حاجی ۔-): ج ۲ ص ۱۲۹۷، ج ۳ ص ۱۲۴۱، ۱۲۹۷، ۱۲۹۲، ۱۲۹۹، ۲۵۸۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۲، ۲۸۷۲، ۲۲۹۱، ۱۲۲۲،

قوجد بیک افشار ارومی : ج ۲ ص۱۱۳۲۰ قوجه خان کرد : ج ۳ ص ۱۵۲۰ قوجه خان کیوانلو(حاکم ارادکان) : ج ۳

قوچ خلیفہ (میردار): ج ۲ ص ۱۸۵۶ قورت ماحب: ج ۳ ص ۱۶۲۷، قورغون (امیر – ): ج ۲ ص ۶۳۲،

ورسوی (علامه - ) : ج ۲ ص ۷۲۲ قوشید خان آتابای: ج ۲ ص ۱۲۲۵ : ج۲ من ۲۰۸۹ :

قومون نامری: ج ۲ ص ۶۳۲،

ص 1076 -

قرللرآقاسی ـــ اسمعیل (حاجی ــ )۰۰۰ قول محمد : ج ۲ ص ۸۱۹۰

قهار علی بیرزا (پسر شاهرخ میرزا): ج۳ ص ۱۴۳۲،

قهرمان (میرزا — )' ج ۳ ص ۱۸۴۹ -قهرمان (میرزا —) امین لشکر: ج ۱ ص ۲۶۲ ،

قیرمان بیک (باور): ج ۱ ص ۵۱۰: ج۲ ص ۱۹۳۱: چ ۲ ص ۲۰۷۵، قیرمان بیگ (ایلچی شاه صفی به سلطان مراد عثمانی): چ ۲ ص ۹۳۲، قیرمان (نفتگدار خاصه): چ ۱ ص ۵۳۵، چ ۲ ص ۱۲۵۷: چ ۲ ص ۱۲۱۱، قیرمان خان (نایب آجودانیاشی): چ ۱ ص ۵۰۹: چ ۲ ص ۱۲۲۳؛ چ ۳ ص

قهرمان میرزا ،ابینلشکر (وزیر گفرگ) :ج۳ ص ۱۹۹۱ ،

قهرمان میرزا۔ (رئیس پیشخدمتهای ادارہ پلیس): ج ۲ ص ۱۲۵۲،

قهرمان میرزا (عاحب منصب،خصوص)داری پلیس): ج ۳ ص ۲۹-۲۰

قهرمان مبرزا (پسر عباس مبرزا): ج۲ص ۱۶۳۰،۱۶۱۷،۱۶۱۵،۱۶۱۳،۱۶۰۷ ۱۶۳۲، ۱۶۵۲،

قهود چی باشی (حاجی محمد خان) :ج۳ ص ۱۹۴۰ . .......

قیات ترکبان:ج ۲ ص ۱۵۷۲ - ۱۶۲۲ فیدو (میرزا — ): ج ۲ ص ۶۲۹

قیدو خان (نبیرہ اوکتای تا آن): ج ۲ ص ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۹۵۰

قیدو کان (از شاهان شرکستان): ج ۳ ص ۸۵۹،

قیرخان بن قراجا (طحب حمص) : ج ۱ ص ۳۶۲، ۳۶۵۰

قيس الجهنى (از اميران سياه على (ع) در مفين): ج (ص ۶۶،

قیسین سعد (سعاده) بن عبادهالانماری ، ابرعبدالله (از اسران سیادعلی(ع) در صفین): ج ۱ ص ۴۴۰۶۲۰۶۱ ، ۸۶، ۲۲، ۲۲، ۸۰ ۱۴۳ ،

قيس بن هيره السلمي (حاُكم نيثابور): ج 1 ص ٥٥٠

قیس بن هبیره مرادی: ج 1 ص ۵۰۰ قیس بن هیثم القیسی: ج 1 ص ۲۲۰۵۸ قیمر خانم (دختر فتحطیشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۷۰

قیمر روم یہ هرفل: ج اهن ۲۵ تا ۲۲ · ۲۹، ۲۶۲۰

قيمرثاه بنظيج ارطلان، معزالدين (حكمران

آسیای مقرع چاص ۲۱۱ ، ۲۲۰ قیمر میرزا (پسر شاعزمان) چ۳ص۱۲۵۲ ، ۱۲۶۵ ، ۱۲۶۵ ، قیقلار رومی: چ ۱ ص ۲۲۰

ک

کابل شاء اغلان جنتائی: ج ۲ ص۶۴۹ ،

کاپتین کامرن (فونسول انگلیس درحبشه): ج ۲ص ۱۸۷۱ -

> کاپتین ماگلور : ج ۳ ص ۱۷۷۵ . کاپتین وب : ج ۳ص ۱۹۶۱ .

کاتبالطان (میرزا محمد حسین): ج۱ ص ۵۲۷: ج ۲ص ۱۲۵۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۹۷:

کاترین(امپراطوریس روس): ج ۲۰۰۹ ۱۰۹۰۰، ۱۰۹۰، ۱۰۹۰، ۱۰۹۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۵، ۱۲۳۱، ۱۲۳۵، ۱۲۳۱، ۱۲۳۴، ۱۳۳۰،

کاترین دمدیسی : ج ۲ ص ۸۳۹، ۸۳۳، ۵۵۰، ۸۸۸،

گادودال ( از معاندین ناپلیون): ۳۳ ص ۱۴۷۴ .

گاراکزف (نجیبزادهٔ روسی) : چ۲س۱۸۷۹ ۰ کارامسن (موالفتاریخروس) : چ۲ص۱۵۲۳ ۰ کاریسار : چ۲ ص ۲۰۷۵ ۰

کاربیتی (باپ): ج ۱ ص ۲۵۲۰ کاردالو ( سیو ــ ) کاربرداز دربـردو: ج ۱ ص ۵۳۵۰

کاردینال آن تونلی: ج۲ص ۱۹۶۶۰ کاردینال آنتوئی: ج ۳ ص ۱۷۲۰۰ کاردینال پچی ( یاپ) طقب به: لَسُون

سيزدهم: ج 7 ص ١٩٨٨٠

کاردینال سیمونی: ج ۳ص ۱۹۶۶ ۰

کارفی تلد ( سیو -- ) ریاست جمه-ور اتاثونی: ج۱ص ۲۹۱۱ ۵۶۲

کارکیا سلطان احمد ( والی گیلان) : ج۲ ش ۲۹۷، ۲۷۲، ۸۵۲ ۸۵۲

کارکیا ملطان حسن: ج ۲ ص۱۲۲۰٬۷۲۶، ۱۵۲۰

کارکیا سلطان حسین بن کارکیا : ج ۲ ص

کارکیا سلطان محمد : ج ۲ص ۸۵۳۰

کارکیا شیاہ : ج ۲ص ۸۵۳. کارکیا میرزا علی: ج ۲ ص ۱۹۳۷ء ۱۹۴۰ء · AAT · YTY · YTA كاركيا ميرسيد محمد ( از ملوك كيلان): . AGT . YTG . FAT . FAT . F T & کارکیا ناصر (ماحبگیلان): ج بحر1944 ، · A6T کارلمان: ج1ص ۱۲۵، ۱۲۷، کارمک صاحب : ج ۳ ص ۱۷۵۶ . کارولین اگوستا ( امپراطریس اطریش) : ج۳ ح 1140 ٠ کازمیر اول ( سلطان لیمستان ) : ج (س۳۱۶. کازولانی(حکیم\_) : ج جی ۱۷۲۴ ، ۱۷۲۲ . کاستن : ج۳ ص ۱۷۲۹. كاظم (آخوند ملا ــ ): ج٣ ص ١٧٨٤. کاظم (میرزا ۔ ): ج ۱ ص ۲۶۶. كاظم ( ميرزا - ): ج1 ص ٥٣٤. كاظم ( ميرزا سيد - ) :ج محى ٢٠٩٨. كاظم امينالمفراء ( مشهدى ـ ):ج١ كاظم ( ميرزا ـ ) تحويلدار (ج اص ٥٢١، کاظم ( میرزا سید ۔ ) تحویلدار: ج ۲ ٠ ١٢٧١ ٠ کاظم خان: ج ۳ ص ۱۸۱۳. کاظمخان ( حاجی میرزا ۔).ج۱ص۶۵۵. ج ۲ ص ۱۲۲۵ ٠ کاظم خان ، سرتیپ: ج۱ ص ۵۱۵، کاظم خان سرتیپ ( فراشباشی): ج۳ ص کاظم خان سرهنگ: ج۱ ص ۵۲۲: ج۳ ص کاظمخانسورتیهزارجریبی: ج ۲۵۷۷۳: ج ۳ ص ۱۳۹۹. کاظمخان شقاقی ( سرحنگ خارج ازفوج): ع ١ ص ٥٠٨: ع ٢ ص ١٢٢٩: ع٣ ص .ToYT كاظم خان فراشياشي: ج7 ص190. كاظم خان قاطرچىباشى :ج1ص ٥٥٣. کاظم خان قرابایاتی: ج جس ۱۷۲۷.

١٢٠٤ : ج ٢ص ٢٠٥٧، کال ریتر: ج۲ ص ۱۸۱۸. كالون: ج٢ ص ١٧٩٠، ١٨٥٠. كاليجار مرزبان: صمصام الدولـــه ( يـــــر عفدالدولياديلبي)، ج ١ ص٠٦٨، کالی نیک ( مخترع فشنگ کرژوا) :ج۱ س كامباسرس(كنسولفرانسه): ج٣ ص١٣٥٤. کامیل صاحب: ج۲ س ۱۹۳۲ ، کامران میرزا افغان، پسر محمود شاء ( والی هرات ): ج ۳ ص ۱۵۱۸ ، ۱۵۴۱، :1910 : 10YT : 10YT : 10YT · 1571 · 1574 · 1514 · 1515 - 1504 - 1501 - 15TT - 15TT كأمرأن مهرزاء امير كبيره نايسب السلطنسه ( پسر ناصرالدین شاه قاجار): ج۲ W AAY: OPY: TPY: COA: CTA: . 1140 5 1140 . 11AD . 11AT \*1777 \*171A \* 1701 \* 17\*\* TE : 1777 . 1774 . 1777 · 3444-1470-1407-1417-1019 1140F 1140F 1 1A9A 1 1A9Y 1117 - 1177 - 1916 - 1910 41464 41474 4 1976 4 197A -1997 -19AT - 19AF - 19YY 17000 11990 1 1995 4 1997 YOOT , YIOT 2017 , 07071 1707 : 7707 & YoT: 7507: \*\*\*\*\* ATOT: 1407: \*\*\*\*\*\* کامران میرزا ( پسر بابر):چچص ۷۶۷. کامران بیرزا ( سرتیپ سیم): ج ۱ ص 704. ٢٠٥٠ ع ٧ ص ٢٧٠٢. كامران ميرزا ( پسر فتحعليشاء): چ٣ ص . 1574 . 1577 کامران میرزا ( ولد محمود میرزا ): چ۲ ص ۱۲۲۰: ج ۳ ص ۱۲۲۱، کامران میرزا ( سردار محمود میرزا و پسر تيمورشاء افغان) :ججس ١٣٥٧ .

كأمران ميرزا ( أميرزاده) ئايبپيشخدمت

كامرن ( سياح): چېمي ۱۹۶۶.

باشی ولد اسکندرمیرزا :ج۱ص۵۵۸۰

ATA: 370/PAI . 1091 . 7707. کاظم خان مستوفی ( میرزا ــ ): ج۲ س . 4.44 . 1774 کاظم ( میرا ــ ) خان ( ولد میرزا آقسا خان): ج ۳ ص ۱۷۰۰، كاظم خان ( ميرزا ـ ) نظامالملك (وزير لشکر): ج1ص ۵۰۳، ۵۰۴؛ ج۲ س مدا1: ع ۲ ص ۱۹۲۲ · ۱۹۲۹ ، . TOTT - 1994 - 190T کاظمرشتی(حاجی سید نے) اج (ص۱۶۷۰. كاظم ( ميرزا \_ ) يسر ميرزا زين|لعابدين مستوفى ( منشى اول/دارمعثماني): . T1-T J T E کاظم ( حاجی میرزا ــ) سررشتمدار دفتر لشكر: ج1 ص ٥٠٥: ج ٢ص١٢٢٢: . Y o F 9 0 T E کاظم ( میرزا مید ـ ) مررثتعدار: ج۳ ٠ ١٨٩٩ ٠ کاظم (حاجی 🗕 ) قزوینی ج ۳س۲۲۶. کاظم قبی ( حکیم\_): ج۲ ص،۹۶،۹۶۹. کاظم ( میرزا \_ ) ستوفی: ج۱ ص۵۵۳: THE کاظم ستوقی ( میرزا سید ـــ ) مستوقسی أمطيل خاصه: ج ١ ص٥٢٠٥٢٨، · HASE OF E : ITAT OF E 1188 - T+1X/ کاظم ( میرزا سید ـ ) مستوفی بیشکــار مالیاتی(حاکم کرمان و بلوچستان): 37 0 1071: 370 ATT. کاظم ( میرزا ــ ) معلمحکمت طبیعی دار الفنون: ج٢ص١١٩٩ : ج ٢ص٥٥٥٠١، ·\*1\*\* ·\*1\*\* كاظم معين التجار كيلاني ( آقا سيد \_): - TITO OF T & كاظم ( ميرزا ـ ) ملكالاطباء كيلانـي: ع ١ ص ١٥٠٠ ع ٢ ص ١٥٢٥ :ع٢ · 1174 · 17-7 · 4177 J كاظم ( كربلائي ــ ) نايب فراشخانه جَج ص ۱۲۶۸ : ج۳ ص ۲۱۱۷. کافیر اخشیدی ( غلام اخشید ): ۱۳ ص . TY. 1754 . TFF . TAT کافی ( شاعر شہرازی)؛ ج ۲ص ۹۹۳،

کرجاسب بیگ: چ۲ ص ۹۶۷. کاننگ ( مدراعظمانگلیس) :ج7س11۸۹۰ کرچاگف ( پرنس 🗕 ): ج ۲ ص ۱۹۹۸ . کانوت اعظم (یادشاه دانمارک و انگلیس و کردرال( ملاح پرتفالی): ج۲۳،۲۳۲، نروز): ج۱ ص ۲۰۵۰ ۲۱۰۰ کرزبن جابرالفهری:چ۱ ص ۲۶. کانوت غشم ( ططان دانمارگ): ج۱ ص کرشاکف ( پرنس ... ): ج۲ ص۱۲۶۲، · \*\*\* · \*\*\* کرشش ( مسیو ـ- ): چ۲ص ۱۸۰۳. کاوس ٹیروان شاہ: ج۲س ۶۴۶ کرمانی: ج۱ ص ۱۲۸۰ كاوس بن مارخود: چ1 ض 171 -کرمایدوف ( میرزا ــ ):چ۳ص ۱۵۲۶ ، کاوس میرزا :ج ۲ ص ۸۶۵۰ کرمطی ( میر 🗕 ): چ۴س ۱۲۸۲ ۰ کاوور (سیو ــ) :ج۳ ص ۱۸۲۸۰۱۸۰۸ کرمول: چ۲ص ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۵، ۹۵۶، · 1476 . 166 . 161 . 161 . 164 . 16A کاهند ( طکه افریقیه): ج۱ص ۱۱، کرمیند ( = قرمط ): ج ۱ ص ۲۹۸۰ کايو ( پرنس 🗕 ):ج۳ص ۱۸۴۶ کرندیوس: ۳۳ ص ۱۲۵۰ ۰ کبیتان زطی: ج۳ س ۱۷۵۶ ۰ کرنلیوس: ج۲ ص ۸۹۳، کبیتان مکور: چوس ۲۱۰۹، کرنیل: ج۲ ص ۹۹۱۰ کیرلی( صدراعظم عثمانی): ج۲ص۹۹۵۰ کروس ( کاپیتن پیادمنظام) :ج1ص۵۳۷. کیرنیگ: ج۲ ص ۲۹۸، ۲۹۹، كروش ( سردار ناپلئون) :ج٢ص١٥٣٢ ، کیک خان (کیلک): ج۲ ص ۶۴۹، کریستوف کلبب: ج۲ص ۲۲۹، ۲۲۲تا ۲۳۶، کتیفا (نایب ملاکوخان در شام) ٔ ج ۲ 174. 774. 474. 474. 474. کریستیان (پادشا مسوقت ) :ج۲ص۹۵۵ ۰ کټفروادېوين( پادشاه مجاهدين،عبسوي) . کریستیان پنجم (پادشاندانمارک) : ج ۳ ص عا م ۲۵۲ تا ۲۵۵۰ کتلروسکی: ج۳ ص ۱۵۰۶۰۱۵۰۶۰۱۵۰۸۰ كريستيانچهارم ( يادشاعدانمارك): ج٢ص کتله کور: ج ۲ ص ۱۱۱۳۰ - 90T - 41T - AAA کتیو: ج ۲ ص ۱۲۰۴-کریستیان دویم ( شاء دانمارک): ج۲ ص کثاره ..... بهلول بن بشر شیبانی. 10/0/10 5 3416 کثیر ( شاعر محمد بنابیبکر): ج ۱ ص کریستیان ششم ( یادشاه دانمارک) نج ۲ . 111 · 1184 · 1084 @ کثیر غزه : ج اس ۱۱۰۰ کریستیان فردریک گیلیوم شارل(ولیعهست کثیر ، مسکین ( فرانسوی، رئیس،مجاهدین دانمارک)، ج اس ۵۶۲، ج ۳ س۲۱۲۹، عیسوی در جنگ طبیعی): ج ۱ ص کریستیان نهم ( بادشاه دانمارک):ج۱ص ۱۹۵۰ عاص ۱۸۵۲ ، ۱۲۲۲. کفانوفسکی(سیو ۔۔ ) مترجم آج1ص۰۵۲۷ کریستیان هشتم ( یادشاه دانمارک):چ۳ کیلر ( توپچی ): ج 7 ص ۱۲۳۱؛ ج ۳ - 17+T + 154T J ص ۲۰۲۵ ه کریستیان هفتم ( پادشاه دانمارک): ج۲ کدوغان ( سفیر شاه زمان) :ج۳۰۰۲۲۳۰ ص ۱۲۹۲ : جاس ۱۲۹۲ · کراک: ج۲ ص ۸۶۲۰ کریم ( میرزا ۔): چ۱ ص ۵۲۶، كراندوكتيكلا ،الكساندويج( وليمهدروس) ، کریم ( میرزا \_)سعنان: ج۲س ۱۲۲۹ . ج ۱ ص ۵۶۲ . کریم بیگ: چ۱ ص ۵۳۴۰ کربل (مبیو ــ ) ژنرال قونسول چاص۵۳۷۰ کریم بیک ( کارپرداز کاظبین): ج ۳ ص کربوغا ( سرکرده سیاه برکیاری):ج۱ ص . \* 1 . \* -TAG . TAT . TT4. TTY . TYP

کرتونوائی: ج۲ ص ۸۱۵ ۸۲۹ ۸۲۹

کرتین: ج۲ ص ۱۲۶۳ ۰

کریم ( میرزا ...) تحویلدار عبله خلوت همایونی:چ(ص۵۳۰: چ۲ ص۱۲۵۲: · 1111 - TE کریمخان( ایل بیگی سواری دویون):ج۳ ص ۲۱۱۲: کریمخان بختیاری: ۲۶ ص ۱۶۵۷. کریمخان خدابنده لوئی ( سرهنگ): ج۳ ص ۲۰۲۳ و٠ کریمخان زعفرانلو: چچی ۱۶۹۰. کریمخان زند وکیل: ج۱ ص۵۲۶؛ ج۲ ص · 1104 · 1104 · 1100 5 1144 · 1144 · 1141·1164 6 1160 ۱۱۷۴ ، ۱۱۷۶ تا ۱۸۱۱: ۲۶ س CITTA . 17TF . 17TT . 1T1A · 1709 · 1707 · 1707 · 1701 BITYT - 1751 D 1764 - 1764 \* ITAA ITAT D ITYS . ITYS ·1777 ·1776 · 1714 · 1750 · 1444 · 1444 گریمخان زنگند(نایب ایشهکتاقاسیباشی): ٣٢ ص ۱۱۱۶٠ کریم خان ( سرتیپ دویماداره فزاقیه): ع ا ص ۲۲۴٠ كريمغان مركرده تفتكجيان عرب بسطام): ع اس ۲۷۹: ع۲ س۱۴۰۲. کریمخان سرهنگ: ج۱ ص ۵۱۸؛ ج ۳ ص \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* کریمخان ( سرهنگ جماعت احمدوند) : ع 1 ص ۵۲۲. کریمخان ( سرهنگ فوچ سوادگوهی) :ج۲ ص ۱۷۲۷ -کریمخان ( سرهنگ فرج نماری) :ج ۲ ص کریم خان ( میرزا ــ ) فیروزکوهی( سر تبب): چ اص ۵۰۸: چ۲س۱۲۲۱۰ ع۲ ص ۲۰۷۳. کرینځان ( مشم): ج1ص ۵۱۰: ج ۲ ص .Y.YA & TE : 1YT1 کریمخان مکری: چ۳س ۱۲۳۲ ۰ کریم خان ( نایب باغات دولتی): ج۱

ص ۵۵۶: ج۲ ص ۱۲۹۲٠

کریم( استاد ــ ) مقنی: ج1 ص۵۵۶۰

كريمدادخان هزاره: ج۲ ۱۷۲۱۰۱۷۲۱۰

1114 ج اس ١٢٢٢٠.

کریم بیک شدم ( یاور دویم): ج 1 ص

گریمه مروزیه ( دختر احمد بنمحمد ): كلبطيخان سرهنگ ( پسر مُظَامِالدوله): ج 1 ص ۲۲۳. ج۲ ص ۲۹۲۱. کریمی ( دکتر ... ): ج۳ جس ۱۳۳۲. کلیطی خان شاطو: چ۲ص ۹۸۶. کراک، لیتناناول مخبران :ج۱ص۵۳۷. گیطی خان قاجار ( دواندار): ج۲ ص **کسائی، علی ب**ن حمزہ، ایوالحسن ازدی ٠١٣٥٠ ، ١٠٤٣ ، ١٣٥٩ من ١٣۶٩٠ ( عقری نحوی) :ج(ص۱۶۲،۱۶۳ . کلبطیخان فاجار( حاکم گنجه): ج۳ س کسری: چاص ۳۵، ۲۲۸،۲۳. گىكن ، قراملىكان (ولد جانى بىگسلىكان) : " کلبطی خان تبهای (یوزباشی): ج ۱ص SI & YYY MY: IFY: 07A. ۵۳۹: چ۲ص ۱۲۶۸: چ۲ ص۲۱۱۲۰ کسیله بن کمرمالیربری چ ۱ ص ۸۴ ، کلیطی خان ( از امرای قزلیاش) :ج۲ ص كثيكهي باشي ..... اسعيلخان كثيكهي باشي. کلیطی خان میرشکار: ج۱ ص ۵۵۷: ج۲ کتیکچیباشی، محمد میرزا : چ۲۳۵۸۸۰۰۰ ص ١٢٩٥ ٠ کثیکچی باشی، محمد مهدیخان: ج ۳ ص کلیملی خان نخجوانی: ج۳ س ۱۳۲۱ ، · 1400 / 1AAF . 1774 . 1771 . 1754 كعب الاحبار : ج1ص ٢٩، ٥٩. کلبطی خان ( نوادهٔ نظامالدوله) یُج۴ کسینائرف یہودی: ج۱ ص ۲۳. · 1774 + 4+4 00 کب بن زهیر : چاص ۲۹، کلبطی (میرزا 🗕 ) منشی: ج1ص۶۵۵.ٔ کتب بن عجره: چاص ۲۷. . TOP9 - TOP1 :370 POP1. کتب بنءمیرالففاری:چ۱ م۲۷۰۰ کلباللیٹ: ج1 مِن ۲۷، · کعب بن مانع ـــــ کعبالاحیار کتبــــی ، کلیپکی: ج۳س ۱۶۰۵۰ عبدالله بن احمد ، (الطنى معتزلس کنیلد: ج۲ ص ۱۸۱۹، ماحبطاله): ج1ص ۲۵۲. كلثوم بل عياض القشيرى أ ج1 ص ١١٧ ، گفري تريتي : ج٢ص ٩٥۴ . کلب حسینخان: ج۳ ص ۱۷۷۲. كالثوم بن البادم الاوسى: ج1 ص 21 م کلب حسینخان آجودانباشی: ج ۳ ص كلجا ( از غلامان پيلوانيه) ج۱ م١٢١٥٠، کلب صین خان (امیننظام): ج ۳ ص کلمان چهاردهم ( پاپ ): چ۲ص،۱۱۲۰ \*\*\*\* 14K1 \* 17F1 \* کلیر ( رئیس عساکر فرانسه در مصر ): کلمان سیزدهم ( یاپ): ج۲ ص۱۱۴۰، -1164 · 1700 PTE ·1170 ·1179 کلب رضاخان ( پسر امیننظام)سرهنگ: کلمان عشم ( پاپ): ج۲ ص ۶۶۲، ع اس ۱۰۵۰ ع اس ۱۲۲۸: ع۲ کلمان هشتم (پاپ): چ۲ ص ۸۹۵. س ۲۰۷۲ ۰ كلمانهفتم ( پاپ): چ٢ص٥٥،٥٥٦. کلیطی بیگ ( حاکم لار): چ۲ص۹۳۰. کلنل برون: چ۳ ص۱۹۶۰، کلیطی بیک قاجار : ج۲ ص ۹۲۷ . کلئل بیزاک: ج ۳ ص ۱۹۳۹ ، ۱۹۴۱ ، کلیطی بیک هزاره: ج۲ ص ۱۱۰۸، ۱۱۰۹ كليطيخانافشار:ج٢ص٩٣١، ١١٢٠. كلنل ترستر: ج٣ ص ٢٠٥٠. کلبطیخان ( بختیاری): ج۳ص ۱۶۵۸ ، کلنل چارکووسکوی؛ چ۳ ص ۲۰۴۹. كلنل دودمان توويج ( رئيس عاحب منصان

کلیطی خان ( حاکم لار): ج†م۹۳۶.

کلیطیخاندامنانی:ج۳ م۱۳۸۶، ۱۳۸۷.

گلبطیخان سپانلوی قاجار : ج۳ص۱۲۹۱ ،

ص ۱۰۱۸ : ج۳ ص ۱۶۳۴ ، كمال ياشا: ج7 ص 1914. كمالخان افغان: ج٢ ص ١١٢٢،١١٧٢. کمال خجندی: ج7ص 649. كالزالدين الوندي ( امام - ): ج1 ص · 404 كالالدين تبت آغا: ج7ص ٢٨٨٠ كتال الدين حسين ﴿ ولد ركن الدين منعود کاشی): ج۲ ص ۸۰۴۰ كالالدين حسين كاشفى: ج7ص ٧٣٤. کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی: ج ۲ ص ·YTA كمال الدين عبدالرزاق كاشي: ج٢٩٠٠، كبال الدين عبربن شهاب الدين محسد بن العجمى الطبى: جَ ۗ ص 944. كمال الدين عمر بن عبد العزيز (ابن عديم): ج۲ ص ۱۸۳۰ کمالالدین محمد ( از علمای محر): ج۲ ص ۲۳۵٠٠ کمال الدین محمد دمیری ( صاحب حیات الحيوان): ج٢ ص ١٩٤٠. كمال الدين محمد بسن شيخ تساجالديسن القسطلاني: ج٢ ص ٢٤٥. کمال الدین محود شیروانی:ج۲ص٬۷۳۷. كالالدينموسي بن يونس ( شيخعلامه): جا ص ۲۲۹، کبل (نمایندهٔ انگلیس): ج۳ ص۱۶۰۷، کمل صاحب: ج۳ ص ۱۶۲۸. کبیل بن زیاد: ج۱ ص ۵۸، ۲۰۰ کنانه بن بشرالتجیبی: چ1ص ۵۰۰. كنانه(شوهر صفيه دختر حيىبناخطب). چا ص ۲۶.

كنل شيل اطريشي: ج١ص٥٢٧: ج٢ ص

کلنل شندلاکو: چ۳ ص ۱۲۹۵.

کلنل شیونووسکی: چ۲س ۱۹۹۱،

کوامفندیار ( ازسربداران) :ج۲س۶۵۶.

کلوکه (حکیم 🗕 ): ج۳ص ۱۷۸۲.

کلوماحب ( حکیمباشی): ج۳ س ۱۷۲۸.

کیال افندی( قاضی عسکرعثمانی): ج ۲

کلنل لوت: ج۲۳۰۸۱۱۸،

کلوتردوم: ج1 ص ۲۷.

کلیستا: ج۳ ص ۱۷۵۳ .

· T ) • Y

کلئل راسیالبوز: ج1 ص ۵۳۸! ج ۳ ص

نظام): ج1 ص ۵۳۷.

. \* 1 • 1

کنت ادخل: ج۲ ص ۱۷۶۲ ، ۱۷۶۳ کنت ارلوف: چ۳ص ۱۲۸۹ • ۱۲۹۰ کنت اندراسی: ج۳ ص ۱۹۲۹ ، ۱۹۶۶ ، · 1946 · 1977 · 1984 · کنت بوتول: ج۲ ص ۱۲۹۰ کنت بوگنست: ج۲ ص ۱۹۸۷ ۰ کنت تآف: ج۲ ص ۱۹۹۷، کنت تلستوا :ج۳ ص ۲۰۵۰ ۰ کتت د (نوبه لوی فیلیپ شاه فرانسه) : TAY! O.TE کنت دآرز: ج۲ ص ۱۸۱۹۰ کنت دارگیل دراکس، ج۲ ص ۹۹۱ -کنت دارنیم: ج۳ ص ۱۹۵۶ ۰ کنت دیوال: ج۲ ص ۱۸۱۸ ۰ کنت دیوکونس قلد : ج۳ ص ۱۹۶۶ ۰ کنت دپاریس: ج۲ ص ۱۶۲۷ ، ۱۸۰۸ ۰ کنت درنوزا: ج۲ص ۱۹۶۳ . کنت دوسواس: ج۲ص ۹۲۵ م کنت دفلاند: ج۳ص ۱۹۴۲ ۰ کنت دملک: ج۳ ص ۱۹۳۷ ۰ کنت دوبسکی:ج۳ ص ۱۹۳۶ء ۱۹۴۸ ۰ كټټ دوپاريس: ج۳ ص 1864 -کنت دومنت فرت ( سرتیپ دویم، رئیس نظميه): ج1ص ۲۷۶، ۵۲۶ ج7 ص ۵۱۱۱۹۴۰۱۱۹۴۰۱۱۸ ع۳ ص ۲۰۰۹ ۰ . Tots . Tott . Tott کنت دهن: چ۲ ص ۱۸۱۹ -کنت رافالیل: ج۱ ص ۵۳۸ کنت روسل: ج ۳ ص ۱۹۸۸ ۰ کنت زالوسکی، ج1ص ۲۷۶، ج7ص ۲۰۰۹، کنت شامبرد: ج۳ ص ۱۲۷۶۰ کنت کالنکی: ج۲ص ۱۲۰۶ ج۳۰،۲۰۲۶ کنتکارین: چ۲س ۱۷۸۸ ، ۱۷۹۰ ۱۸۱۹ ۱ كنت كرالاندن: ج٣ص ١٧٤٢ -کنت کلارندن: ج۲ ص ۱۶۶۰ کن تمار: ج۲س ۱۷۴۰۰ کنت مزنی: ج۴ص ۱۷۹۰ کنت نسل رد : چ۲ص۱۸۲۶ ۱۸۲۶ ۰ كنت والفسكى: ج٣ ص ١٧٩٥٠ کنت ولفان: ج۲ ص ۲۰۵۱ کنتس دمن تیژ: ج۲ ص ۱۹۹۷ ۰ کنیداستبل فرنگی ( شاہ ارمن): ج ۲ ص .544

کنراد: ۲۰ ص ۸۲۰۰ كنراد سوم ( يادشاه آلمان): ج1ص7۸۵۰ کنگ (پرنس۔) وزیر اعظم: ج1 ص۵۶۳: ج سی ۱۸۲۶۰ کوانگسو ( امپراطور جدن): چ۲ص۲۱۵۰ کوتوسف ( سردار روس) ؛ ج ۳ ص ۱۵۰۳ ۲ · 14•Y کوئی: ج۱ ح ص ۴۰، کوچم خان بنابوالخیرخان: ج۲ ص۲۵۷۰ · YAY کوچم ططان: ج۲ص ۲۷۵۰ کوچکونچیخان: ج۲ص ۷۵۲ ۲۷۵۰ کوربنیسکی حکیمباشی ( مسیو – ): ج ا ص ۵۲۷۰ کورپیرعلی: ۲۶ ص ۸۹۱ کیرنگین: ج۱ ص ۲۵۴۰ کورچاکف ( پرنس --) وزیر اعظم روس : ج1 ص ۵۶۲. کورشاهرخ: ج۲ ص ۷۵۰، کورمول ترک: ج ۱ حص ۱۰۵۰ ۱۲۱ ۰ کوزا (بونس۔) نج ۲ ص ۱۸۲۰ ۱۸۲۰ ۰ کوستارادلف( پادشاه سوئد): ج۲ص۲۰۰۷ ،

گوزا (بونس-) :ج ۳ ص ۱۸۲۰ ۱۸۲۰ گوستارادلف ( پادشاه سوئد ) : ج۲ص۲۰۰ . گوستین ( سردار فرانسه) :ج۲ص۱۳۲۰ . گوسوت : ج۳ ض ۱۲۰۷ . گوسد جاجی بایندر : ج۳ ص ۲۳۹ . گوگ ( ملاح انگلیسی گاشف قطب) : ج۲ ص ۱۱۸۱ ، ۱۱۲۲ .

کوکارنکو ( کابتین — ): ج۱ ص ۵۳۷۰ کوکجه سلطان: ج ۲ ص ۲۹۵۰ کوکخان( پسر چهارماغوز):چ۳ص۱۳۲۵۰ کولمان: ج ۳ ص ۱۹۵۶۰ کولن: ج۲ ص ۱۹۷۰

کولی ( ُژنرال ــ ) سودار انگلیس: ج ۱ ص ۴۹۰،

کولیجار المحمدی (امیر ۱۰۰): ج۲ ۱۳۵۰۰۰ گونت برانلوکورک:چ۳س۱۷۲۰ گونتگارور:چ۳س۱۷۲۰ ۱۲۵۱۰ گونتلاتور: ج۳ ص ۱۷۰۲۰ گونت لامیرک: چ۳ ص ۱۷۰۲۰

كونجلك خان: ج٢ ص ٤٢٩، كوبانك: ج٢ ض ١٣٢٢، كوبانك: ج٢ ض ١٣٢١،

كهشين المسنّ ، ابوالحسن التبيعي البعري: ج 1 ص ۱۹۳۰

کیندل خان افغان: چېمن ۱۹۲۷، ۱۶۴۹، ۱۶۴۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۶۶۹، ۱۹۶۹، ۱۹۶۹، ۱۹۶۹، ۱۹۷۹، ۱۹۷۹، ۱۹۷۹، ۱۹۷۸، اولاد حسن صباح): چاص ۲۲۸، کیارستم: چ۲ من ۲۸۷۸، کیا اصنیاجی (الصباحی )رئیساساغیلیه کیاکن ( پسر خیان لونگ خاقانچین ):

ج ۱ س ۱۹۲۰ کیا الهراس الطبری، ابوالحسن علی بسن محمد ( مدرس نظامیه بغداد ) : ج۱ ص ۱۳۶۰

کبیر: ج۲ ص ۱۸۵۳ -کیفسرو بیک چرکس: ج۲ص ۹۵۲ -کیفسروخان: ج۲ ص ۱۵۵۳ -

کیخسرو ( از طوک رستمدار): ج ۲ جن ۷۲۴.

کیخسرو (ولد قرقره): ج۲ ص ۸۱۹. گیخسرو ( ملا ... ) کلانتر طائفه زردشتی یزد و کرمان: ج۱ ص ۵۳۶.

کیخسرو بن کیفیاد ، غیاتالدین طجوفی پادشاه آسیای مغیر): ج۱ص ۲۹۲، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۵، ۲۶۱: ج۲ ص ۵۲۹،

کیخسرو ( برادرزاده گرکین خان): ج۲ ۱۰۰۲، ۱۰۰۳-کخستم ( بسرگاگی سر لیند): – ۲س

کیخسرو ( پسر گرگین بن لوند): ج ۲ص ۱۸۶۰

کیخسرو میرزا ( پسر فتحملیشاه): ججس ۱۶۲۳ ·

کیخسرو ( والی گرجستان) : ج۲ ص۱۹۹۰ کیرولی(وزیراعظم|یطالیا) : ج۱س ۱۵۶۲ کیساتحی (سیو ــ )قانون نویس: ج۱ ص

کیمان ـــــــ سعید بن ابیستید . کیفلغ ( والی ری): ج۱ص ۲۰۹ کیفیاد ، علا الدین سلجوقی ( حکمسران

آسیای صغیر): ج1 ص ۲۲۸،۲۱۲، ۲۲۹، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۲، ۲۲۲، ۲۲۲، ۲۲۵،

كيقباد ( پسر سلطان غياثالدين بلبن،

صاحب دهلی): ج۲ ص ۵۹۹. ج ١ ص ٥٤١ ج ٢٠٠٠ ٢١٢٧. کیقباد میرزا ( پسر فنحطیشاه): ج۳ ص گداعلی ہیگ: ج۲ ص ۹۶۸، گداعلیخانین محرابخان قاجار ( حاکم کیکاوس(ازطوک رستمدار ): ج۲ ص۹۲۴. دورق): ج7ص ۹۷۰: ج7ص۱۲۷۰. كيكاوس بن غياث الدين كيخسرو سلجوتي: گذاریج: ج۲ ص ۱۴۹۱ . 3 1 & YTT . XTT : 077 . TTT. گرجیهٔ تظیمیه ( مادر محمدعلیمیرزاپسر کیکاوس میرزا ( بسر فتحعلیشاه): جېس فتحطيشاه): ج٧ص ١٤٥٧. گراف سیعا ناویج: ج۲س ۱۶۱۳. گران ( ژنوال آمریکائی ): ج۳ص۱۸۵۶، گراندوشس ماری ( دختر امپراطور روس): کیناز: ج۳ ص ۱۵۶۶، ۱۵۷۰. کیناز الکسندر باراتنگی: ج۳ ص ۱۷۹۶ ، . 1954 · 1945 @ T & گراندوشس هلن ( عمهٔ امپراطور روس ): کیناز ایوان ( یادشاه روس):ج ۴۰۰،۸۵۷ ج ۲ ص ۱۹۵۱ -گراندوک الکسی ( پسر امپراطور روس ): گیناز بخشکوف ( ایلچی روس): ج ۳ ص . 1979 · 1989 » T E گراندوک قسطنطین (برادرامپراطورروس): کینازتروبسکوی :ج۲ص۱۱۶ ؛ج ۲ ص۲۰۲۳. 1909 , 1500 , 1004 OF E کیناز دابیژا: ج۲ ص ۲۱۰۸. .TOTA . 1100 گراندوک میشل ( برادر امپراطور روس ): كينازدالفوركي ج٣ص ١٤٨٦ -کیناز مددوف (حاکم قراباغ ) :ج۳ ص۱۵۷۴ . \* 1445 \* 1444 \* 1444 or T & کیناز ملیکوف: ج۳ ص ۱۲۹۷ . · 1374 · 1375 گراندوک نیکلا ( برادر امپراطور روس ): کیناز ، میرزا یوسفخان ( نایب آجودان باشي): ج( ص ٥٠٩؛ ج٣ص٢٢٥٢. . 1011 PT E گراندوک نیکلا الکناندرویج ( پسر امپراطور کبوک باتو ( مهنر شاهزادگان) : ج ۳ ص روس)وليمهد .ج۳ ص۱۸۶۲ ، ۱۸۶۲ ، کیومرث بنجهان: چ۳ص ۱۳۲۴، ۱۳۲۷، + 1164 - 1164 - 1164 - 1445 کیومرث مبرزا ایلخانی، ابوالطوک: ج ۳ -7179 گرانویل ( صدراعظم انگلستان): ج۳ س کیومرٹ میرزا عمیدالدولہ: ج1 ص104 : گرایلی: ج ۳ ص ۱۵۱۷، کیومرث میرزا (حاجی ــ ) طکآرا:ج۳ گرجی، محمد پاشا: ج برس ۱۹۵۶. · 1447 · 1474 · 1410 · 1417 · گرشاسب بن علاءالدوله بن کاکویه: ج ۱ ~ 171 · 1717 · 1717 · 1717 · گرگوار (پاپ رم): ج۲ ص ۵۹۲. گاریبالدی: ج۲ص ۱۲۰۹، ۱۸۱۹،۱۸۱۷، گرگوار پانزدهم (پاپ): ج ۲ ص ۹۱۸ ،

ص ۱۶۲۳ ،

· 1477 0 T @

· 1577 · 1747

- 15TT + 1TAY

کیکبای: ج۲ ص ۷۳۵.

. 1ATF . 1ATF . 1AT9 . 1ATA . 441 - 1461 - 1461 کارینیان ( پرنس ــ ): ج۳ ص ۱۸۲۸ ، . 1476 گالون: چ ۲ ص ۸۲۲. كامينا ( مدراعظم فرانسه): ج٢٠٥١٠٠٠. کان دیز: ج۳ ص ۱۷۷۲.

15 kk كانواس دل كاستيلو ( وزيراعظماسيانيا ): | كركوار نهم (ياب): ج٢ص١٥٥٠ ٢٥٠٠

گرگوار سیزدهم: ج۲ ص ۱۸۷۰ ۸۷۵،

گرگوار سیم ( یاپ): ج1ص ۱۲۲۰۱۱۵.

گرگوار شانزدهم (پاپ): ج ۳ ص۱۶۰۹،

گرگوار چهارم: ج۲ ص ۸۸۹.

گرگوار دوم: ج۱ س ۱۰۴،

گرگوار هفتم (پاپ): ج1 من ۳۴۰. کرگین (میرزا \_) از اجزای پستخاند:چ۳ ص ۲۹۲۳ ٠ گرگین ( حکموان ابخاز ): چ۲ص۶۹۶،

کرکینخان( حاکم قندهار): ۲۳ م۱۹۹۰، . 1044 61044 . 1001 . 1001 . 1004 5 1041

گرکینخان ( قفقاز)؛ ج۲ص ۹۰۸. گرگینخان ( شاهنواز خان) : ج می ۹۹۶. گرگین خان گرجی ( والی گرجستان) :ج۲ ٠ ١٣٨٠ ٢٠٠١ : ج ٦ ص١٢٠٠٠.

گرگین خان( والی کارتیل): ج۲ص۹۰۱، گرکین (میرزا ۔) رئیس اصفہان): ج1ص ۵۴۲ ع ۲ ص ۱۲۷۳ .

گرگين سلطان (حاكمكسكر):چېم،۹۲۳. گرگین میلاد : ج۲ ص ۸۹۵.

گریبایدوف (ژنرال ــ) ایلچی روس: ۲۳ · 1010 · 1010 · 1011 .

گریستین ( ملکهٔ سوئد ):ج۲ص۹۶۱.

ککمورن: ج ۲ ص ۱۷۶۳.

گلادستون (سيو ـ ) وزير اعظم يع ١ س ۵۸۴۰ ۲۸۵: چ۳س ۱۰۹۱،۹۹۶۱، . TITA . TO IT

گدی: ج۳ ص ۱۷۲۲.

گلدىخان ( ريشىغيد طائفته جعفرياى): 3 1 m -70: 37 m 1771: 37 ص ۹۸۰۲،

گلدی محدخان : ج۲ ص ۸۹۲. گلزار خان ( سرکرده جماعت باخرزی): 3 1 TT . X 16: 3 7 TT 1:37 ص ۸۸۰۲۰

گل محددخان ( از جماعت سیستانی ) : שות דום: שדם זענויף אפד. گلین خانم ( دختر فتحطی شاه) یام سلمه:

ج ۳ ص ۱۶۲۵ .

گليوم ( أميراطور آلمان) : ج 7 ص ١٩٩١، -149A +14A+

گليوم ( شاه پروس): ج7س١٨٢٧٠. گليوم اول ( ازطائفه نرماند ) ۽ گليسوم فاتع: عاص ۱۳۱، ۱۳۲ ، ۲۴۰ ، - TAG . TTT

گنجعلیخان: ج۲ ص ۹۲۵،۸۰۶، ۹۲۰ ، . 101

گیلیوم درانژ: ج۲ص۹۸۲، ۲۹۸ گواردیا ( رئیس جمہوری کاستاریکا) کے 1 کیلیوم دوم ( پسر کیلیوم اول، یادشاه س ۵۶۵: ۳۳ س ۲۱۵۲. انگلیس): ج۱ ۱۳۲۳۰ ۳۵۵۰ گوانگ سو ( امپراطور چین): ج1ص۵۶۳۰۰ گیلیوم دوم ( پادشاه طلاند):چ۲ص۲۵۲۰ گورخان: چ۱ س ۲۲۵۰ ۲۲۸۰ 140 - ١٢١٠ - ١٢١٠ - ١٢١٠ گیرخان: ج۲ ص ۱۳۲۵۰ گِلْيوم سيم ، آلگنانفريگ فردريسگ لـوي گورگد ( همراه ناپلیون در جزیره سنست ( شاه پیءا به هلند): چ1ص۲۵۶: طن): ج٣ ص ١٥٣٣ ، 3 T & 6761 . 171 . 1717. گوستاو چهارم ( پادشاء سود): ج ۳ ص گیلیوم هاروی: چ۲ س ۹۲۴، · 1744 · 1777 گیم اول ( یادشاه بروس): چ۳ص۱۸۳۵ · گرستارسیم ( پادشاء سوئد ): ج۲ص۱۱۲۲: گیماول ( پادشاه وورتن برگ آلمان ) : . 1719 . 1711 . 1714 J. Te +1491 or T & گیوکخان، پسر اوکتای تاآن (سلطان۔): گوسمان بلانگ ( رقیس جمهور ونزوئلا ): ٦٥١ ص ٢٥١٠ ج ۲ ص ۱۳۰۹ ۰ گیوک، فرزند دیب باقوی ( مهترترکان): گوگچه سلطان قاجار: ج۲ص ۸۰۲، ۵۰۵، -1774 OF E ٠١٣٤٨ : ١٣٤٤ م ١٣٤٩ ٠ گونځان( پسر اغوزځان): ج۳ ۱۳۲۷۰۰ · STTO · STTA لاپروز ( سیاح فرانسوی ) : ج۲ص ۱۲۰۸ ۰ گونزالین ( رئیس جمهوری سندومنگ ) : لايلاس (منجم): ج٢ ص ١٢٢٥ . ج 1 ص 256٠ لايلد (باور) اج۲ ص ۱۹۰ گوهر شاد آغا (هبسر شاهرخ): ج ۲ ص لاحق بن حديداء أبومجاز السدوسي " ج 1 ص · 4+4 · 644 · 4+4· گوهر شاد ( مادر نصرالله میرزا): ج ۲ لاديملاين اول (بادشاه مجار) نج (2790، ص 1174 ٠ لارنس ماحب: ج٦ ص ١٩٢٢ -گرهر شاه بیگم ( دختر فتحطیشاه): ج۲ لاسكاس: ج٣ س ١٥٣٢٠ ص ۱۶۲۶ . لافونتن: ج٢ ص ٩٩٧٠ گوهر ملک خانم ( دختر فتحطیشاه ) : لالاند (منجم): ج٢ص١١٤٧٠ ج ٣٠ ص 1976 -لامارتین ( شاعر فرانسوی) تج۳ص۱۹۱۳ ۰ گيخاتوځان:چ۲ ص ۶۰۱، ۶۰۳: چ ۳ ص لانفراک (جراح ایطالیائی): ج۲ص۰۶۶۳ · 1790 لاو (مخترع): ج٢ص ١٠١٦٠ گیلوان طبیب: ج۳ ص ۱۲۱۹ ۰ لاوپلتدويم (شاعرپرتوغال) :ج٢٠٠٠ ١٨٤٠ -كيليوم ( يادشاه انگليس): ج٢ص١٩٥٠ لبارون كودل ولاتو (معبوحه) نايباول: . 1 . . . . ج 1 ص ۵۳۲٠. گیلیوم ( شاه پروس): ۲۳ ص ۱۹۳۰ ليرون (كنسول فرانسه): ج٢ص ١٢٥٥ ٠ کیلیوم (یادشاه رورتمبرگ): ج۴ص۱۹۲۸۰۰ لبن (مخترع چراغگاز): ج٢٠٠٣٠٠٠ گهلیوم (پسریادشابطند ) نج۳ ص ۱۶۰۵ ۰ لبني: چ7ص ۱۷۶۳ ، گیلیوم آلکساندر ،شارل فردریگ ( ولیعهد لبيد بن ربيمه ( شاعر ):ج1 ص ٧٢٠ بيها ۽ هلند) جوس ٢١٢٩٠ لتر ( پسر لوثی پاسکال اول) ج۱۹۷۰۰۰ گیلیومهنجم (پادشامطند ): ج۲ص۱۱۵۰ لتردويم (ططان]لمان): ج1ص ۲۷۳۰ گیلیوم چهارم ﴿ پادشاه انگلیس}: ج ۲ لت كامجامجا خامس ( بادشناء جنزيره

· 1577 · 1507 @

ص 1140 ء

گیلیوم چهارم ( یادشاه هلند ): ج ۲

لران دوشس : چ۳ ص ۱۸۲۰ -لرداسپنسر ( فرمانفرمای هندوستان) :ج۳ · TITA · T•Y4 🛩 لرداستانلی: ج۳ ص ۱۸۷۸ ۰ لرداستنلی کاننگ! ج۲ص ۱۸۰۶ -لردالژن: چ۲ص ۱۸۲۶ ۱۸۵۴ -لرد بیکنسفیلد : ج۲ ص ۱۲۰۲ : ج ۳ ص لرد بالمرستن: ج٢ص ١٤٠٢ ، ١٧٢٠ ، \*1414 \*14\*F \* 1784 \* 1788 · 1464 · 1470 لردترازا ( رئیس جمهور مکزیک): ج۳ ص · 1974 لرد تژاداً : چ ۳ ص ۱۹۵۲ ۰ لرددربی: چ۳ص۱۷۵۰ ۱۸۰۲، ۱۸۲۸ ۰ .TOTY -19AY + 1955 + 1905 لرد دوفرن! ج۲ ص ۲۰۵۲ -لرد راگلان: ج۲ س ۱۲۲۹ ۰ لرد ردکلیف: چاص ۸۸۸: چ۳۳۰۲۰۱۳۰ لردروسل: ج۲ص ۱۸۶۹ ۰ لردسروليم كلناتن: ج7ص 1564 ، لرد کلاراندن: ج۲ص۱۸۰؛ ج۳ص۱۲۹۰ -19TY -19Y1 -1APR لرد کردن: ج۲ ص ۱۲۸۶ ۰ لرد کلیدی: ج۲ س ۱۸۰۶ ۰ لردگولی: ج۳ ص ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۸ ۱۸۲۲ ۰ لرد کوندیش: ج ۳ ص ۲۰۴۹ -لردگرانویل: چ۲ص۱۹۲۱،۱۹۳۰،۱۹۳۰ لرد گرشی: ج۲ ص ۱۶۱۲ . لرد گليو: ج۲ ص ۱۱۶۷ ۰ لرد لکران: ج۴ س ۱۷۷۷۰

لرد ناپید ماگوالا: ج۳س ۱۹۹۸ .

لرد نرت ( صدراعظم انگلیس): ج ۳ مر ۱۳۹۲ .

لردن امیرلاند ( وزیر دربار انگلیس): ج ۳ می ۱۹۲۴ .

لرد نرماندی: ج۳ می ۱۸۳۸ .

لرد والسیلی: ج۳ می ۲۰۱۱ .

لرد طبورن: ج۳ می ۱۶۳۱ .

لرد طبورن: ج۳ می ۱۶۳۱ .

لریس طبیکف (ژنوال – )أز وزرای دوم

ج ۱ ص ۴۸۶۰ ۲۸۸۰ السانالملک: ج۳ص ۱۹۲۷، ۱۹۸۵۰ السانالملک (میرزا محمدتقی سیمر):

١٢١٠: ٣٤ ص ١١٥٣.

ساندويچ): چاص ۹۶۶ : چ ۲ ص

ص ۱۱۸۴ : ج۳ ص ۲۲۰۲۳ .1775 b 1777 لسان الملك (ميرزا هدابت اللمستوفي ): لطَفْطَىخَانَ سرتيبٍ ﴿ فُوجِ افْشَارٍ ﴾ : ج ٣ שושלוו: שו שוווי זוידי ص ۱۲۳۷ : ۳۳س ۲۰۸۲ ، ۲۰۸۲ ، ۲۰۸۲ . 4.99 لطفطیخان( سرتیپ قشقائی): ج ۳ ص لطفالله ( امير ـ ) از سربداران؛ ج ٢ . 1759 لطفطیخان( سر کرده جاعتکلبادی): ص ۶۵۶۰ لطفالله خان: ج1 ص ٥١٧. ج ١ ص ٥٢٢: ج٦ص ١٠٠٢٠. لطفالله ( حاجى...) خان، سرتيبسيم: لطفعلیخان (سرهنگ): ج۱ ص ۵۱۳ : ج ١ ص ٤٦١: ج ٢ ص ١٧٤٤: ج٣ ש זיש אדון ישדש דאסד. لطفطيخان گروسي: ج۲ ص ۱۳۶۹. ص ۲۰۹۱، لطفالله خان( سرکرده قراسوران): ج۲ لطفطىخان (ميرزا ــ) لشكرنويس باشيي فارس: ج اص ١٩٢٤؛ ج٦ ص١٢٢٤؛ ص ۱۲۴۲ : ۲۵ ص ۱۸۰۷ . لطفائله سلطان: ج7 ص 1776: ج7 ص . T OY O P T T لطفطىخان لگزى:ج٢ص١٥٥١ . ١٥٥٩ . . ۲ . ۸ . لطف اللمشيرازي ( ميرزا \_) :ج؟ص ٨٨١ ، لطفعلىخان( يسرمو بدالدوله) كثيكچسى لطفالله ميرزا (مرهنگ توبخانه): ج٣ص باشي: ج١ ص ٥٥٧: ج٢ ص١٢٩٥: - TITO 17054 OFT & لطفة الله ميرزاء شناع الدولة (ج٣٠٧٣٥٦). لطفعليخان ( نايب آجودانباشي ) : لطفالله ميرزا ( پسر عباسهيرزا): ج ٣ ج ۲ ص ۱۷۲۲. لطفعلىخان (ناپيدالحكومه گروس ) : · 1744 · 1747 · 1517 0 لطفاللمنيشابوري ( ملا ) : ج٢ص٥٧٦. ج ۲س ۲۱۲۶ · لطفعلى فان (ياور). ج٢٠٥٥٧٠. لطفطی (حاجی ۔ ): ج۲ ص۲۱۲۸، لطفطی بیگ( حاجی \_ ) صاحبآتشکده لطفطىخان بوزباشى: ج٧ص ٢١١٩، = آذربیگذلی) :ج۲س،۱۳۲۰ ، ۱۳۲۸ ، لطفعلي (ميرزاء )سررشتندار نج ١س٥٥٥. لطفيطي (ميرزاب) بنشي: ج1ص١٩٥٠. لطفعلى (ميرزات) مهاجر ج٢ص١٨٢٥. لطفطی بیگ داودی سوادگوهی ( سرکرده لشكر): ج٣ ص ١٣٨٢ ١٣٨٠ ٠ ج ۳ ص ۶۹۰۲، لطيف ( ميرزا ــ) مررثتعدار خزانه:ج۱ لطفطی بیک (نابب تبریز):ج۲۰۰۳۳۰۰. لطفطیخان: ج1ص ۵۱۹، ج۲ ص۲۰۶۱، ص ۵۵۲: چ۳ ص۱۱۱۲. ١٠٨٢ : ٣٣ ص ١٧٢٧ ، ١٧٥٨ لقمان ( پسر طفاتیمور): ج۲ص ۶۷۲. لقمان (ميرزا ــ) پسر ملكالاطباء :ج١ ص لطفطى خان اعتمادالدوله: ج٢ص٥٨٥٠٠. لطفطیخان بنایری: ج۳ص ۱۶۸۸، - ۲۵۰ ع اص ۱۲۵۶ ۱ لطفطىخان بيگلربيگى (سيهسالارفارس): لكلرك (سردار فوانسه): چ۳ ص ۱۴۶۶، ج ۲ ص ۱۰۰۶، ۲۰۰۴. لكونت شارل زالوسكى ( مسيو ـــ) وزيرمختار طفطی خان( حاکم اتک): ج۳ص۱۲۳۳. آستريه: ج1ص ۵۳۷. طفطی خان ( عم خسرو خسان ) والسی للم بيک : ج٢ ص ٩٠٢. کردستان: ج۲ص۱ ۱۴۰۸ ، ۱۲۰۸ طفطی خان ( از جماعتخوافی) : ج ۳ لمر ( مسبو ــ ) موزیکانچی باشی: ج ۱ . 444 : 610 : 445 of ص ۲۰۸۹ م لنتر (معمار بنای قصر ورسای): ج ۲ ص لفطی خان درجزی: ج۲ص ۱۳۶۷ . فطی خان زند ( پسر جعفرخان)!ج۳ . 154 ص ۱۲۶۱ ۲۰۱۲ ۱۴۰۵ ۱۴۰۵ ۱۳۶۱، لنزی صاحب : ج۲ ص ۱۶۲۸، ۱۶۳۰،

. 14146 1414 · 1410 · 1404

لنسين ( مستر ـ ) توپچىبائى)ئالىسى: . 140T # T & لنكارد: ۲۳ س ۱۷۳۹. لنكلن ( رئيس جمهور آمريكا): ج ٣ ص · 1441 · 1464 · 1405 لوار ماب گرجی، ج۲ ص ۹۰۹ ، ۱۹۰۸ . . 171 لواسان گرجی: ج۲ ص ۸۲۹، ۸۳۵. لویز ( رئیس جمهور پاراگای): ہم ۳ ص لوت ( كلنل ـ ): ج1ص ٥٣٨. لوتر: ج٢ ص ٧٥٤، ٩٥٤، ١٧٥٨، ١٩٤٩،٧٥٨، \* A11 \*A07 \*YAT \*YYT \*YYT . 1901 PT E لوردان تنک: ج۳ ص ۱۷۰۳. لوريه: ج٦ ص ١٩٨٨، لوالوا ( از نواب اخشیدیه) چوه ۲۶۸، لوالوا (حمامالدينجاجب); ج1ص909. لوالوا (خادم): ج(مراوح تا ۱۳۶۳. لوالوا (غلام احمدین طولون): ج ۱ س .TIT .TIT لوالوا (غلام سعدالدوله): ج١ص ١٢٤٥، لوندبيگ : ج٢ص ٧٧٠، ٥٠٢، ١٨٨، لوندځان: ج۲ ص ۲۶۷. لوندہن گرگین ( حکمران گرجستان) : ج ۲ لونگتن: ج۲ ص ۱۷۸۸ ، ۱۹۲۷. لوو ( حاكم انگليس): ج٢ص١٥٥٣٠. لوول: ج۲ ص ۱۵۲۹ ، لووواً : ج٢ ص ٥٩٥ . لوی اول ( بادشاه باویر): چېس،۱۵۷۰ لوی اول (بادشامپرتوغال): ج٦ص١٨٣٠٠ لوی پانزدهم: ۲۰۱۳ ، ۱۰۱۹ ، ۱۰۱۹ ، -1174 -1177 -1177 لوی چهاردهم: چ7ص ۹۲۹،۹۲۴،۹۵۹،۹۵۹، . 1017 + 1011 + 100A لوی دوازدهم : چ۲ س ۹۳۶، ۹۶۲. لوی دویم ( پادشاء باویر آلمان): ج ( س ۱۸۶۱ ، ۱۷۰۳ م ۱۸۶۱ ، ۱۸۶۱ ،

لوی سیزدهم: ۳۳ می ۹۰۶،۹۳۸،۹۳۸،

. 1711

لوی شانزدهم ( پادشاه فرانسه): ج۲ ص \* 17-7 - TE : 1170 . 110T \*17T1 \*17TY \* 17TF \* 17TT · 1014 · 1770 لوی فیلیپ ( پادشاء فرانسه): ج ۳ ص \* 1771 \* 170F \* 170F \* 151F - 1971 - 1441 - 1404 - 1761 -لوىفيليب (دوك رالثان): ج٢ص١٤٠٠ لوی فیلیپ ماری، فردیناند پدر (پادشاه برتوغال) : ١٣٨ م ٥٥٢ : ٣٣ م ٢١٢٨٠٠ لوی هفدهم : ج۲ س ۱۴۲۷ ، ۱۴۳۵ -لوی هیجدهم ( پادشاه فرانسه) : ج ۳ ص · 1074 - 1077 - 1077 - 1770 · 1054 · 1077 لوی بازدهم ( شاه فرانسه): ج۲۳۰(۲۱۱ - YTA لوثی ( یادشاء فرانسه): ج۱ ۱۳۸۲۰۰ لوئي پاسكال اول ( يسر شارلعن شاء ): ج ١ ص ١٩٩، ١٧٢، ١٧٤، ١٧٢٠ لوثى نايلئون ( برادرزاد ﴿ نايلثون|ول) : ع ۲ ص ۱۶۹۷ ، ۱۶۵۶ ، ۱۶۸۸ ، · 17fo · 17f1 · 17fo · 17of - 1777 لوئيس ( فرانسوی ):ج۲م ۲۰۲۹ ، لوثى تهم ( پادشاه فرانسه) :ج۱م۸۲۸۰۰ لوثی هشتم ( یادشاه فرانسه): ج ۱ ص · 774 · 775 لیلیبن نعان دیلمی: چاص ۲۳۶۰ لثويلد ( امپراطور اطريش) ج٢ص١٠٥٢٠ للوبولد ( بادشاملزیگ) ؛ ج۲ص ۱۶۶۱ ، لثويلد (والي ساكس): ج٢ص١٥٠١٠ للويلد ( يادشاء يونان): ج٢ص ١٤٥٢ ٠ لتويلددويم (شاه بلزيک): ج٣٠٠٢١٢٨٠ للويلد شهن زلرنء ج٢٠١٤ ٢٠١٤٠ ليث بننجر: ج1 ص 149 -ليغون ( پسر هيثوم): ج٢ص٧٨٩٠٥٨٩٠ لئون: ج1 ص ١٠٥ ، ١٠٤٠ لڈون ( والی ارمن) ؛ ج1 ص ۲۱۷۰ لئون ارمنی: ج1ص ۲۵۱ لثون جهارم (پاپ): ج1ص151 ، 191 ،

لثون دوازدهم ( پاپ): چ۲ص ۱۶۰۱ .

لثون سيم ( امراطور قسطنطنيه): ج١ ص ١٩٥٠ ، ١٩٣٠ ، ١٩٣١ ، ١٩٣٠ ، ١٩٣٠ لا ١٩٥٠ ، ١٩٣١ ، ١٩٣٠ لا ١٩٥٠ ، ١٩٣٠ لثون نهم: ج١ ص ١٣٩٠ ، ١٩٣٠ لثونارد (مترجم): ج١ ص ١٣٤٠ ، ١٣٨٢ ، ١٣٨٢ ، ١٣٨٢ ، ١٣٩٠ ، ١٣٩٩ ، ١٣٩ ، ١٣٩٩ ، ١٩٩٩ ، ١٣٩٩ ، ١٣٩٩ ، ١٣٩٩ ، ١٩

۱۳۲۱ - ۱۳۱۶ لثونارد دونسی: ۲۳ ص ۲۶۸ لثون دوازدهم (پاپ): ۲۳–۱۵۶۵ لثون دهم ( پاپ): ۲۳ص ۲۶۹۰۷۵۸

ماتیاس (امپراطور آلمان): ج ۲ ص۱۹۵، ۹۱۵،

مادیسن (رئیس جمهور اتاثونی): ج ۳جر ۱۲۹۷ .

مادام دسوین یه: چ ۲ ص ۹۹۸۰ مادام دمنتنن: چ ۲ ص ۹۹۱۰ مادام کلساز (فرانسوی): چ ۳ ص ۱۶۹۵۰ مادروس خان (مترجم روسی): چ ۱ ص ۲۰۰۷، ۲۰۰۷، ۵۵۵، م

TITA TITO

مارات (رئیس جمهور): چ ۳ ص ۱۴۲۱ء ۱۴۲۷ء

مارتن چھارم (پاپ): ج ۲ ص ۵۹۶. مارتن وان بورن: ج ۳ ص ۱۶۲۳. مارسلز: ج ۳ ص ۱۳۲۲.

مارشال اکزمان: ج ۳ ص ۱۲۵۲

عارشان بازن: ج ۲ ص ۱۹۲۰ ۱۹۲۱ ۰ ۱۹۵۲ ۱۹۵۲

مارشال برون (ژنوال 🗕 ): ج ۳۰۰/۱۴۲۴۰ ۱۵۳۳ - ۱۵۳۳

مارتال بسکه:چ ۳ ص ۱۸۳۸ ۰ مارتال بوژود:چ ۳ ص ۱۷۱۰ ۰

مارشال پلیسید (دوک مالاکف): ج ۳ ص

مارثال دساکی (سردار فرانسه): ج ۲ ص

۱۱۴۹ مارشال رادتسکی: ج ۳ ص ۱۸۰۵ مارشال رادتسکی: ج ۳ ص ۱۸۰۵ مارشال زراو: ج ۳ ص ۱۷۵۲ مارشال سالدنا: ج ۳ ص ۱۷۴۰ مارشال سالدنا: ج ۳ ص ۱۹۰۶ مارشال سنت آرند: ج ۳ ص ۱۷۴۰ مارشال سنت آرند: ج ۳ ص ۱۷۲۴ مارشال سالت: ج ۳ ص ۱۷۴۰ مارشال سولت: ج ۳ ص ۱۷۴۰ مارشال سولت: ج ۳ ص ۱۷۴۰ مارشال سولت: ج ۳ ص

مارشال کناد: چ ۳ ص ۱۹۵۵ ۰۱

مارشال مترانه (سرانه): ج ۳ ص ۱۹۵۵ مارشال ملک: ج ۳ ص ۱۹۵۶ مارشال مولی "زر: ج میس ۱۷۱۰ مارشال مولی "زر: ج می ۱۸۱۸ م ۱۸۲۰ مارشال وایان: ج ۳ ص ۱۸۱۸ م ۱۸۲۰ م

مارشال ویلار (سردار بزرگ فرانسه): ج ۲ ص ۱۱۱۵۰

ص ۱۱۱۵۰ مارکویلو: ج ۲ ص ۵۹۰

مارکی (صدر اعظم انگلیس) ج۳س۱۲۹۳ م مارکی دبیوناک (ایلچی روس) : ج ۲ سی

مارکی دموستیه (سفیرفرانسمنراسلامبول): ج ۳ ص ۱۸۸۰ ۱۸۸۱

مارگزیت (خواهر یادشاه اسپانیول): ج ۲ ص ۸۵۸۰

مارگریت (دختر دوگ دژن): ج ۳ ص ۱۹۰۱ء

مارمن (سردارناپلیون): ج ۳ ص۱۵۲۸ ماری: ج ۳ ص ۱۷۶۳۰

ماری دلرن: ج ۲ ص ۸۴۲،

ماری آنتوانت (ملکه فرانسه): ج ۲ ص ۱۲۲۷-۱۲۲۲ : ۱۱۲۲۲ عس

ماری استوار: ج ۲ ص ۸۰۸، ۹۲۴،۹۲۲، ۱۵۸، ۵۵۳، ۵۵۸، ۹۲۹، ۱۸۸،

ماری املی (ملکه فرانسه): ج ۳ ص ۱۸۸۲ ماری ترز (امپراطریس آلمان): ج ۲ ص ۱۹۶۲،۹۶۲ می ۱۱۲۲٬۱۱۲۵ ۱۹۶۲،۱۲۳۲ کے ۳ ص ۱۳۸۶ ماری (دختر دن پدر و ملطانپرتوعال):

ج ۳ ص ۱۵۷۷. شافعی) : ج ۱ ص ۱۶۲ ، ماری دمیدیسی: ج ۲ ص ۸۵۸، ۹۹۲، مالک بن اوس بحری: ج 1 ص ١٠١٠. مالک بن حارث اثنر نخمی امیر سیـــــاه عاری کریستین: ج ۳ ص ۱۹۹۷، علی (ع) در مغین): ج ۱ حدده، ماری (ملکه انگلیس): ج ۲ ص ۸۲۵ ، . 64 . 66 15 66 . 84. مالکین دخشم : ج ۱ ص ۲۹، ۴۰، ماری (ملکهٔ پرتوغال): ج ۲ ص ۱۴۲۲ ، مالک بن دینار (زاهد بصری): ج ۱ ص . 170 · 177 · 177 ماری لوٹیز (زرہمہ ناپلیون):ج ۳ ص مالک بن سالم العقیلی: ج ۱ ص ۳۶۸، . 1899 مارية؛ قبطيه زوجه يسيامبرص) ؛ ج 1 ص مالک بن شبیب: ج ۱ ص ۱۱۵، . 44 · 47 · 47 مالک بن طوق التقلبی: ج ۱ ص ۲۰۸، مازارت: ج ۲ ص ۹۴۹،۹۴۹،۹۵۳،۹۵۵،۹۵۹، مالک بن عباده الغافقي: ج ١ ص ٨٠٠. . 154 . 145 مالك بن عبداله الخشعي: ج 1 ص ١٨٠ مازن بن منصور: ج 1 ص ٩٩. · 177 +AT مازنی: ج ۳ ص ۱۸۲۶، مالک بن عنبه: ج ۱ ص ۱۲۵. مازیار بن قارن (حاکم طبوستان): ج؛ص مالک بن عوف النصری (رئیس،قوم هوازن): 1412 7472 707. ج ۱ ص ۲۸۰ مازینی : ج ۳ ص ۱۶۱۹، ۲۰۷۲،۱۷۰۲، مالک بن کعب (حاکم عین التعر): ج ۱ 1971 - 1991 - 1081 - 1791 -ماژلان! چ ۲ ص ۲۶۸. مالک بن مرہ الرہائی: ج 1 ص ۳۰، ماژوربارون ستوداک. ٔ ج ۱ص ۵۳۲. مالكين مغول البطني:ج 1 ص 149 ، مازور کاوانیاری: ج ۳ ص ۱۹۹۹، مالک بن نوبره اج ۱ ص ۹۲، ماڑور مارنز: ج ۳ س ۱۹۹۹. مالک بن هبیره نج ۱ ص ۷۵. ماس فيلوس:ج ٣ ص ١٨٦٢ . مالک بن هیثم حَزاعی (حاکم موصل) :۱۴ ماسنا (سردار فرانسه): ج ۳ ص ۱۲۵۵ ۰ 190 - 181 - 170 0 ماکان بن کاکی دیلمی: ج ۱ ص ۲۴۰ ، ماله (ژنرال – ) : ج ۲ ص ۱۵۰۷ . . 167 . 167 . 167 ماليس بن ربيعه: ج 1ص 69. ماكه نا لا (سردار فرانسه): ج٣ص١٥٢٥٠. ما مون (خُليفه عباسي): ج 1 ص 154 ، مالزرب ج ۲ ص ۹۲۴ ، · 104.190 . 144 & 164 . 186 ماکسی دیلین (برادر امپراطور اطریش):ج . 7 0 Å ۳ می ۱۸۷۱ . ماندانا: ج ۲ ص ۸۵۵، ماکسی میلین (امپراطور مکزیک): ج ۲ ص ماندس (دوقس): ج ۲ ص ۵۹۸، عانوول (امیراطور قسطنطنیه): ج (ص۲۹۰۰. ۱۷۹۸ ۲۶۷ ۵۵۰ چ تسلام ۱ ماوردی ـــ علی . . . ماكسى ميلين دويم (يادشاء باييرآلمان): ماہ بیگم خانم (دختر فتحطیثاء): ج ٣ - 1451 · 1707 0 T & . 1576 0 ماکسی میلین ژوزف (سلطان باویر): ج ۳ ماه تابان، قعر السلطنه (دختر فتحطيبي - 10Y+ JP شاه): چ ۲ ص ۱۶۲۷. ماکلنتن: ج ۳ ص ۱۸۱۸ . ماه نوش لب خانم (دختر فتحمليشاه);ج ماکودکین (کاپئین - ): ج 1 ص ۵۳۷. ۳ ص ۱۶۲۷ . مالک بن انس انعاری : ج 1 ص ۱۹۰۰

مبارکشاه بن ایدکوه (شاه خوارزم): چ ۲ ص ۶۲۴٠ مبارکشاه (پسر خضر خان، حاکم دهلی): . FA9 . FAT . FT+ & T & مبارکشاء بن قراطلاکو: ج ۲ ص ۹۲۹. میرد ، ابوالعیاس محمد (نحوی): ج ۱ص . YFF . YF1 . TTY مبرقع: ج ۱ ص ۱۸۸ ، ت: چ ۲ ص ۱۲۲۱ : چ ۳ ص ۲۰۷۵. متباشی (شاء ژاپن):ج ۳ ص ۱۸۲۶. مترجم دیوان: ج ۳ ص ۱۲۵۶. مترنیخ (وزیر اعظم اطریش): ج ۳ ص ATOI . 1041 - 4141 - 4141 -متس (سردار پروسی):ج ۲ ص ۱۹۱۹، المتقى لله ـــ ابراهيم بن المقتدر مثلاند (کاپتین انگلیسی): ج ۳ ص ۱۵۳۲. متنبی: ج 1 ص ۲۸۹. متوكل، جعفر بن معتصم (دهبين خليفيه عباسی): ج ۱ ص ۱۹۹ تا ۲۰۰ ،

المتوكل على الله:ج ٣ ص ٧٥٤. متوكل بن هود: چ ۱ ص ۴۳۹. متوید: ج ۱ ص ۹۳۶. متی بن یونس (حکیم، استاد فارابی) : 3 1 W 747: 097. مثنی بن حارثہ: ج ۱ ص ۹۶ تا ۴۰، مثنی عبدی: ج اص ۸۲. مجاشع بن صعود: چ ۱ ص ۴۱، ۵۲، مجاشع بن مسعود سلمی: ج ۱ص۹٬۵۲۵۳. مجاعه بن سعد تعیمی (والی سند): ج ۱

مجاله بن سعيد: ج 1 ص 176. مجاهد: ج و ص ۱۰۹. محاهدالدين برنفش: ج. ١ ص ٢١٤٠ مجاهدالدین بهروز (شحنه بغداد): ج۱ ~ PAT: 997: P97: 0AT. مجاهدالدین قیماز: ج ۱ ص ۴۰۶،۴۰۴، . + 1Y . ToY مجدالدوله: ج ۳ ص ۱۹۲۲، ۱۹۸۳ ،

مجدالدوله؛ ابوَطالب بن رحتم بن فخر\_ الدولة: ج 1 ص ٢٨٩ مجدالدوله، اكبرخان ــــ اكبرخان

مبارز خان: ج ۲ ص ۸۲۱.

عالک بن انس بن عالک اصبحی (استساد | مبارکشاء: ج ۲ ص ۵۸۵٬۵۸۴،

محبطی خان افشار (یاور اول): ج ۲ ص . . . . محبطىخانطج (سفير ايراندرعثمانى) : ع ١ ص ٥٣٩ ع ٢ ص ١٢٤٩ ع مي ۱۵۳۷ ٠ محبطی خان ماکوئی ج ۳ ص ۱۶۲۵ ٬ · 1717 · 1707 · 1660 · 1641 محیطی (میرزا ــ ) خان (ناظمالملک) : ج ۲ ص ۲۱۰۳۰ محیطی خان ہوزباشی: ج ۳ ص ۲۱۱۹۰ محبطی سلطان استاجلو: ج ۲ ص۱۲۳۰ معبطی (میرزا ۔) ناظم دفترخانه وزارت خارجه: ج ۱ ص ۵۳۱: ج ۳ ص محترم افندی (از مثایخ عثمانی): ج ۲ ص ۱۶۶۰ محراب خان:ج ۲ ص ۹۱۸۰ معراب خان بکثلو افشار: ج 3 ص 1498 محراب خان (حاکم استرآباد)، ج ۲ ص -100 -101 محراب خان قاجار : ج ٢ ص ٩٢٩ - ٩٤١ -محراب (سرتيب آغاً ــ ) خواجه: ج اص محسن (حاجي ميرزا ـــ ): ج٢ص ١٣٢٥: - 14AF & F.E مصن (پسر آبوالحسن بن فرات) ، ج1ص ATT: PTTA محسن بیک کرکری (یاور): ج ۱ص ۱۵۰ ج ٢ ص ١٣٢١ : ج ٣ ص ٢٠٧٥٠ محسن (شیخ ... ) تاجر کرمانی: ج ۳ ص · T 1 TA محسن (میرزا 🗕 ) خان: چ ۳ ص1۶۵۹ -محسن خان (حاجی ۔ ) سرتیپ اول ج۲ · 1404 · 1444 · محسن خان (حاجی 🗕 ) مرهنگ: ج۳ص · 1464 · 1417 محسن خان شاہبیاتی: ج 7س 1771 : ج ٣ ص ٢٠٤٥٠ مصن خان (پسر شیخطی خان): ج اص ٨٠٨: چ ٢ ص ١٢٢٩: محسن(میرزا\_) خان (متولی,اشیمشهد ):

مجدالدوله (ابیر آخور اصطبل): ج یوس . 1117 مجدالدوله (ابيراطلان كان): ج ٣ ص . 14F+ + 14YA مجدالدوله (حاكم كيلان): ج ٣٠٠-١٩١٠ مجدالدوله بن فخرالدوله: ج 1ص ۲۹۳، .T11 .ToY .T4T مجدالتين، ابوبكر بن دابه: ج ١ ص 714 مجدالدين بن المعادت العبارك، ايسن ائير: ۾ ۽ ص ۴۲۷. مجدالدین محمد بن یعقرب فیروز آبادی فارسی (صاحب قاموس): ج ۲ ص · FYY · FTT البجد المطرز النحوى الخوارزمي: ج 1 ص ۲۲۷ . مجدالملک بلاسانی: ج 1 ص ۳۲۲، مجدالملک (میرزا تقی خان منشیحشور): 3 7 m -111 171 1117. مجدالطک (حاجی بیرزا محمد خان) : . 1997 . 1881 . 1881 . 1891 . . 7 . . 4 مجدالبلک (وزیر وظایف): ج ۳ ص مجد همگر شیرازی: ج ۲ ص ۶۰۵، مجزاد بن تور: ج ۱ ص ۴۸، مجنون خان: ج ۳ ص ۱۳۸۱ ۰ مجنون خان بازکی (حاکم طهران): ج ۳ ص ۱۲۹۵ ، ۱۲۹۵ -مجنون سلطان شاطو: ج ۲ص ۸۲۰، مجید خان کردستانی (نایب آجسودان – باشی): ج ۲ ص ۲۰۷۳، مجيد ميرزا (ططان ــ ) ولد عضدالدوله (تفتکدار باشی): ج ۱ ص ۹۵۷۰ سجير خان بلوچ: ج ۲ ص ١٥٨٧، مجير الدين: ج 1 ص ٢٩٨٠ مجير الدين اتق بن محمد بن تــــورى (صاحب دمشق): ج 1 ص ۳۷۲ ، TAY TAT TAT مجير الدين تاشكين (امير -- ) والــــــى خوزستان: ج ۱ ص ۲۲۲۰

مجير الدين قراارملان (از ارتقيه): ج ٢

ص ۱۶۷۰

محسن (ميرزا \_ ) طبيب دارالفنون: ج۱ ص ۵۴۵۰ مصن بن عليه التنوخي (قاضي حنفسي): . The on 1 E محسن (ملا ۔ ) فیض کاشانی: ج ۲ ص . 155 . 164 محسن (میرزا ۔۔ ) لشکر نویس؛ ج ۳ ص . ۲ - ۶ & مصن (حاجی میرزا ۔ ) لشکر نویس: ج ۱ می ۱۰۵۶ ؛ ج ۳ ص ۲۰۶۹۰ آذربایجان ج 1 ص ۵۰۶ محسن (ميرزا سيد 🕳 ) مستوفي: ج ١ ص ۸۲۸: چ ۲س ۲۰۹۹ مصن (میرزا ــ ) معتوفی (پیشکارحسام السلطنه): ج 1 ص ۵۲۸: ج ۳ ص ·T) •• محسن (میرزا ــ ) مشرف: ج 1 ص ۵۴۰: ج ٣٠٠ ١٢٢٠. محسن (میرزا ـ ) منشی سیم: ج ۳ ص · 110T محسن میرزا مبرآخور ؛ ج ۲ ص ۱۷۹۵ ۰ -1977 محصیه بن مسعود : ج اص ۲۷ ۰ محمد ( آقا میرزا ... ) (از همراهان شاه در سفر دوم بفرنگستان) : ج ۳ ص · 1174 محمد (حاجی آقا ۔ ): ج 1 ص ۵۲۵۰ محدد (حاجی آڈا ۔ ) از علمایطہران : · T • 14 0 T = بحد (حاجی سید ۔۔ ): ج ۲ ص ۲۱۲۷ء محمد (میرزا س ) : ج ۱ ص ۵۲۶؛ ج ۲ ÷1770 00 محمد (ميزا – ): ج 7 ص ۱۲۶۸: ج۲ ص ۱۸۰۹ ۰ | محمد (میرزا 🗕 ): ج ۲ ص ۱۲۷۹ ۰

ص ۵۲۲۰۰

- 1977 W T P

معسن (حاجی ... ) خان (وزیر مختار) :

محسن رغوی (سید 🕳 ): ج ۲ ص ۲۲۱۰

سحسن (میرزا ... ) سررشته دار : چ ۱ ص

محسن (میرزا ــ ) سرهنگ: ج ۱ ۱۹۰۵

ع ٢ ص ١٢٣٩ : ع ٢ ص ١٨٥٥ .

۵۰۵ ج ۲ ص ۱۲۲۴۰

مصن خان (ميرزا ــ ) معين الطك: ج1

3 T = 17P.

محمد (میرزا \_ ): ج ۲ ص ۱۲۲۳؛ ج ۳ ص ۱۸۰۱ -

محمد (میرزا سید ـ ): ج ۲ ص ۱۱۲۸، ۱۲۲۳

محمد (ثیخ – ): ج ۲ ص ۱۸۴۱، محمد (میرزا ثیخ – ): ج ۲ ص ۱۲۷۹، محمد (میرزا – ) آجودان: ج ۱ ص۵۲۵: ج ۲ ص ۲۱۰۴،

محمد آقا آیروانی(نایب آیشیک آقساسی باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶،

محمد آقا بیک (نایب فرائیخانه): ج۳س ۲۱۱۸،

محمد آقا (حاجی \_) ناجر تبریـــزی : ج ۱ ص ۵۲۶ ج ۲ ص ۱۲۵۱ ج۳ ص ۲۱۲۵.

محمد ۱۳ (حاجی ــ ) ناجر هیدانی:ج۳ ص ۲۱۲۶۰

محمد آط جدید الاسلام (مطم): ج 1 ص ۵۱۵: ج ۲ ص ۱۳۳۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵.

محمد آقا خرقانی (یاور دویم): ج ۱ ص ۵۱۱۰

محمد آفا دیوان افندی: ج ۳ ص ۱۴۵۰. محمد آفا (رئیس طائفه مامش بلباس):ج۱ ص ۴۷۸: ج ۳ ص ۲۰۱۱.

محمد آفا سرتیپ (شارز ذافر ایران):ج۳ ص ۱۹۳۹،

محمد آقا سرتیپ سیم (نایب اول): ج۳ ص ۱۹۰۶، ۱۹۰۹

محمدآ قا سرهنگ (پسر حاجی بیژنخان) : ج ۳ ص ۲۰۷۳.

محمد آقا سلام آقاسی: ج ۲ ص ۱۱۶۶. محمد آقا قاپوچی باشی: ج ۱ ص ۵۲۹ :

ج ۲ من ۱۲۶۸ کج ۳س ۲۱۱۸. محمد آفا فاجار کج ۳ من ۱۴۱۹.

محمد آقاء قونسول صاسوم: ج 1ص2۲۴. محمد آقا ، طک التجار: ج 7 ص ۲۱۲۶. محمد آقا (مهماندار بایزید): ج ۲ ص ۸۳۵، ۸۳۵.

محمد آقا (نایب آجودان باشی): ج اص

۶۰۵: ج ۲ ص ۱۳۳۰: ج ۳ ص ۲۷۰۲.

محمد آطا (یاور دویم): ج ۲ص ۱۲۲۳ :

ج ۲س ۲۰۷۷،

محبد بن ابراهیم:ج ۱ ص ۱۹۰. محمد بن ابراهیم الامام: ج ۱ص ۱۶۶. محمد بن ابراهیمصلوک: ج ۱ ص ۲۳۲. محمد بن ابراهیم بن عبدالم: ج۱۳۷۷۰ محمد بنابراهیمبن مصب:ج ۱ ص۱۳۹. محمد بن ابوعبدالله (الواثق بالله):ج۱

محمد (میرزا ـ ) پسر میرزا ایوالقاسمقالم مقام: ج ۳ ص ۱۶۲۰،

محمد بن ابومحمد (از آل مرین مغرب) : ج ۲ ص ۷۳۰.

محمد بن ابی بکر (حاکم مصر): ج ۱ ص ۵۷، ۶۲، ۶۷، ۶۷، ۱۱۱،

محمد بن ابی بکر (از حقعیین)! ج1 ص ۹۶۰،

محمد بن ابی الساج: ج ۱ ص۱۲۱۶،۲۱۶: ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۲۲،

محمد بن ابی العیاس سفاح؛ ج1 ص144ء - ۱۲۲-

محمد بن ابی عبیداله (وزیر): ج ۱ ص ۱۵۱

محمد بن ابی الفارات: ج ۱ ص ۳۲۹. محمد بن ابی هاشم الجسنی (امیر مکه): ج ۱ ص ۲۴۷،

محمد (میرزا ـ ) احمد آبادی اصفهانی: ج ۳ ص ۱۵۶۴،

محمد بن احمد ، ايوعبد الله (قاضي ثقفي) : ج ١ ص ٢٣٢ .

محمد بن احمد بن احمد ابیوردی(ادیمب وشاعر)، ٔ ج ۱ ص ۳۶۱،

محمد بناحمد بن اغلب (حاکمقیروان) : ج ۱ ص ۲۰۰۰

محمد بن احمد بن تمام: ج ۲ ص ۶۳۱. محمد بن احمد بن الحسن شاشی (فقیسه شافعی، صاحب مستظهری): ج اص ۲۶۱.

محمد بن احمد بن شینوڈ (مقری): ج 1 ص-۲۵۳۰

محمد بن احمد بن عباس سلمی نقساش (متکلم): ج ۱ ص ۲۸۴.

عحمد بن احمد بن عبدالله مروزی (فقیه شافعی): ج ۱ ص ۲۸۹.

محمد بن احمد بنءيسى: ج (ص ۲۲۲. محمد بن احمد بن كيسان (نحوى): ج إ ص ۲۲۱،

محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب(حاکم افریقیه): ج`۱ص۲۰۶، ۲۰۹،

محمد (حاجیمبرزا ــ ) اخبارینیثابوری: ع ۲ ص ۱۲۷۸ ، ۱۵۳۸

محمد بَن آدریس (شاہ فاس): ج 1 ص ۱۸۲۰

محمد بن ادریس شافعی ـــ شافعی... محمد (میرزا سید ــ ) از ارباب ظم:ج۳ ص ۲۰۶۸.

محمد بن اسامه بن زید بن حارثه: ج ۱ ص ۲۰۲،

محمد بن اسحق بن ابراهيم ۽ ايوالعنيسي (شاعر): ج ۽ ص 196.

محمد بن اسحاق بن جعفر الماغاني: ج١ ص ٢١٢،

محمد بن اسحاق (طاحب مفازی): ج ۱ ص ۱۲۴۰

محمد بناسحاق ... بن منده اصفهانی: ج ۱ ص ۲۹۳۰

محمد بن اسکندر (زاهد): ج 1م 119. محمد بن اسباعیل بن جعفرالطادق (ع): ج 1ص 177.

محمد بن اسعیل بن سعد بن ابہوقاص : ج ۱ص ۱۳۶۰

محمد بن استأعيل قرغاني موقى: أج١ ص ٢۵۶ .

محدد بن اعتب ، ابواندان رواسیی آفریقیه): ج ( ص۱۹۱٬۲۲۱۹۲۰)، ۴۰۶،

محدد (میرزا سید سا) امام جمعد: نج ۳ ص ۱۷۰۱ء

محمد اموی (یادشاه اسهانیول): ج و ص ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۲،

محمد بن|مبر حسن بیک (فرمانروای آذرے: بایجان): ج ۲ ص ۹۳۴.

محمد (ابیر سا) بن ابیر یوسف:ج - جس ۲۵۶،

محمد (سیدت ) انوری ، سعداله افندی: . 15 A+ U- T E محمد اورنگ زیب! ج ۲ ص ۹۵۹ ، ۹۶۲ ، محبد ای تیمور (آقا ــ ) از سربداران : ج ۲ ص ۶۵۶۰ محمد بابر میرزا (ولد میرزا عمر ثیبسخ) گورکانی: ج ۲ ص ۷۱۸. محمد بن بختيار (شاعر معروف به:ابلغ:: ج اس ۲۰۶، محمد بختیار خلج: ج ۲ ص ۶۶۴، محد بن بثار بمری ( از مثایخ بخاری و عسلم): ج اص ۲۰۲، محند بن بعيث: چ 1 ص 197 . محمد بن بگار (محدث): ج 1 ص 146ء محمد بن بکتمر: ج ۱ ص ۲۱۶، محمد بن بلال: ج 1 ص ٣٢٧، محمد (میرزا ـ ) از اجزای بستخانه:ج۳ ص ۲۱۲۲. محمد بن پهلوان، ج ۱ ص ۴۰۰، محمد (حاجی ــ ) تاجر تبریزی: ج ۳ س ۱۷۵۸ ۰ محمد (آقا ۔۔) تاجر دہ دشتی: ج ۳ س · 1117 محمد تبریزی (میرزا ــ ): ج ۲ ص۰۸۸۰ محمد (حاجی آقا … ) تحویلدار: ج (ص 700: 3 T & 7117.7117. محمد بن تكش، قطب الدين خوارزمشـاء. ج و ص ۱۶۶، ۱۹۹ تا ۲۲۵،۲۲۱، · \*\*\* · \*\*\* · \*\*\* محمدتهامی (شاعر): ج ۱ ص ۲۰۵۰ محمد بن جاہر اعمی: ج ۱ ص ۶۵۱، معید بن جابر حرانی(صاحبزیجمایی) ، ج 1 ص ۲۴۳٠ معدد (سید ــ ) جامعیاف( شاعر ) 🖫 ج ۲ ص ۵۵۱، محمدبنجيار (ازآلافضل): ج٢ ص٧٢٣٠٠ محمد (سید۔) جبل عاملی: ج۲ ص۸۳۳،

محدين جريرين عبداللعبحلي "ج1 ص1 0 - 1 -

مصد بن جبقر (صاحب|غلال|لظوب ):

مصدين جعفر بن أبيطالب أج ١٩٨٩٠-

محمدجوكى ( ميرزا ــ )يسر ميرزاشاهرخ:

ج1 ص ۲۵۲ ٠

- 545 · 540 · 545 b 547 . TE . 717 6 710 مصدحهانگیر (پادشامعند ) :ج۲ص۱۱۵۰ مصدبن حاتمين هرثمه والي آذربايجان) : ج 1 ص 191 ، سعمد بنحذیفه: چ۱ ص ۶۲، معدد (شيخ ــ) بن شيخسن چاص١٩٥٥. محمد بنالحسن الشيباني ( فقيد، عاجب جامع صفیر و جامع کبیر):ج1ص ۱۶۸ ۰ محمد (شيخ ــ) بن شيخ حسن :ج٢ص١٥٠٠ محيد بن الحسن بن المظفر، حاتمي (أمام ادب و ماحب رساله حاتمیه): ج1 ص ۲۸۹۰ محمدین حسنی ( مورخاندلس): ج 1 ص محمد بن حسين غوري ج: ص ۲۸۲۰ محند بن حقص (والى طيرستان): ج1 ص محمد حکیم : ج ۲ ص ۸۲۴۰ محمد (میرزا ۔)حکیمباشی: ج۳ص۱۶۳۹۰ محمد (میرزا سید ـــــ) حکیمباشی توپخانه: שושעים בדשוווו ישדשיינים. محمد بن حبيد طوسي ع ١٨٢٠ ١٨١٠٠ محمد بن حليقه تج اص ٨٨١٨٧ معبدين خالد بن برمگ اج (ص ۱۶۷ ، معمد ين قالد بن عبدالله القسري : ج١ ص . 170 . 174 . 171 محددخبوشانی ( حاجی ــ ):ج۲۳۰۸۰۰ محمد الخبيب ( سيد 🗕 ):ج٣٩٠٠٨٠٠٠ محمد خدابنده ( سلطان۔): ج۲۳۷۲۰۰ محمدة بنخرز الزنائي: ج1ص ٢٣١٠، محمدينخفاجه بن سفيان (والى مقليه) : TOP . TOO . TOO . TO محمد بن خلف بن حیان، ابوبکـر ضیـی (قاضی): جاص ۲۲۵۰ محمد خوارزمثاه (حكىران خوارزم): ج1 ص ۲۵۰، محمد داراشکوه: چ۲می۹۲۶، ۹۵۲،۹۵۴، . 1YA محمد بن دانشبند ( ماحب ملطيه) :ج١

ج ۱ ص ۲۷۲. محمد درویش (میر 🗕) تج۲ ص ۶۸۸، محمد درویش (نماینده عثمانی): چ۲ص محمد (مبرزا۔۔) دفتر دار; چ۱ م۱۳۵۰ : ع۲ ص ۲۱۰۷ · محمد (میرزا ــ) دکتر حکیمباشی (رثیس مريضخانه مباركه) :ج١ص٥٢٤ ع٢ ص 1199 :ج7سTirTir9، محمد بن رایغ ( وزیر الراضی) :ج ۱ ص . YAA 6 YAY . TPE مصد بن ربيع ،أبوابراهيم آڇڙ ص ٩٢٠. محمد بن رحیان، ابوحاتم بستی!ج۱ ص محمدرسول|لله(ص) : ج1ص ۲۱۸، محمد (آقاــ) روزافزون (ابن اقارستم): - 494 . 494 . 454 . 454 . TE محمد (میرزاـــ) رئیس دفتروزارتخارجه: ج ۲ ص ۱۹۵۴ . محمد (ميرزا \_) رئيس سنگلج :ج1ص278. محمد ( میرزا سید ... ) رئیسمجلس:ج۳ ص ۲۰۹۲۰ محمد بن زکریا الرازی (طبیب):ج 1 ص محمد زمزمی ( سید 🗕 ) : ج۲ص ۶۹۵۰ محمد (ملا ــ ) زنجانی ( از علمای دار الخلافه): ج٣ص ١٥٢٤ • محمد بن زید علوی: چاص ۲۲۱۰۲۱۴ ه محمد ( حاجیمیرزات؟ سرشتعدار: ج ۱ ص ۵۰۵۰ محمد (میرزا۔) سررشتبدار: ج۱ص۵۰۵، ١٠٥٠ ع ت ١٢٢١ : ع٢ ص٧٠٠٠٠ محمد (میرزا ــ ) سررشتعدار آذربایجــان: ج 1 ص 6-4٠ مصد (میرزا ــ ) سررشتمدار اصفیان: ج ۱ ص ١٥٢٥ أج ٢ص ١٢٢٥ أج ٣ص ٢٠٢٠٠ محمد (حاجی میرزا ۔ ) سررشتعدار دفشس لشكر: ج7 ص1774؛ ج7ص2064. محمد ( ميرزا \_) سررشتهدار وزارتوظايف: -T119 - T = TYY . TYY . محمد (ملا ــ ) ساروی:ج۲ص ۱۱۲۸ ؛ ج۲ سحند بن داود بنالجراح: ج1 ص ۲۲۲.

· 1797 •

محمد بن داود دینوری، الرقی (صوفی):

محمد (ميرزا 🕳 ) ساوجبلاغۍ:چ۱ص۵۲۸. 🛔 محمد (ملا ــ) سراب: ج۳ ص ۱۶۰۸. محمد ( ولد سرخای لگزید) :ج ۲س۱۹۲۱. محمد بن سعد بن منیع ( کاتب واقدی و مأحب طبقات): ج1ص 190، محمد بن سعيد (حاكم مصر): ج1ص١٢٥. محمد بن سفیان (قاری) :ج اص ۳۰۵. محمد بن سلامه قضاعی (قاضی) اج ۱ ص محمد بنسليمان ( سردار المكتفى): ج ١ ع 141، 775، ۲۲۶. محمد بن سليمان (فقيه):ج1ص ١٧٠. محمد بن طیعان (کاتب) نج 1 ص ۱۴۸. محمد بن سليمان بن على ( والىبصره): ج ۱ ص ۱۴۲، ۱۲۷ د ۱۵۱، ۱۵۳ · 164 · 164 محمد سوادگوهی: ج۲ص ۱۱۵۹ . محمد بن سیرین (معیر): ج۱ ص ۱۱۳. محمد شاہ بہمنی: ج1ص ۶۴۹. محمد شاہ خان سبی: ج7ص ۱۷۸۷ ، محمد شاہ فاروتی: ج7ص ۶۶۴. محمدشاه (آقا ــ ): جمَّص ۱۲۳۶تا ۱۲۳۹، -1441 محمد شاه قاجار ( پسر عباسمیرزا): ج۱ ص ۴۹۱: ع۲ ص ۱۲۰۹ ، ۱۲۱۷ : 115TT - 15T0 - 15TA - 175TOTE · 1559 · 1550 · 1551 · 154A · 1714 · 1544 · 1540 · 1547 . Tofl . 14Tf محمد شاء هندی ( امپراطور هند ) : ج ۳ ٠ ١١٢٥ ، ١٠١٤ ٠ محمد ، أبوعتمان ، يسرشا فعي (قاضي جزيره) : ج ۱ ص ۱۹۶٠ محمد ( حاجی آقا ۔ ) شال فروش: ج ۽ ص ۵۲۶٠ محمد شبانکاری، مظفرالدین: ج۲ص۵۸۵۰ محمد بن شرفالدوله مسلم بنقريش:ج١ · 774 · 771 · محمد ( پسرئریفعبدالله): ج۲ص، وی.

محمد شريف ميرزاقوانلو :ج١ص٢٥٥.

محمد شیرازی: ج۱ ص ۲۸۳،

محمد بن شهریار بن جمشید بن دیوینید

( از ملوک رستمدار): چ۲ص۲۲۴.

معند (ابیرــ) شیرازی: ج۲ص۷۵۶، محمد شیران خلج ( از طوک خلج):ج۲ ص ۶۶۴٠ محمد بن شيركوه ( پسر عمصلاحالدين): . Fot o 18. محمدین شیرین معزی تبریزی اج ۲ص ۲۹۰. محمد (میرزا سید ــ) پسر میرزا مــادق لشكرنويس: ج7ص ١٨٥٢ . محمد بن عالج ( حاکم مدینه): ج 1 ص محبد بن طبق ( ملكت) .ج١ ص ٣٢٠. محمد (ملا۔) صوفی مازندرانی: ج ۲س . 955 . 97-محمد بن طاهربن عبدالله بن طاهر (والى خراسان) تج اص ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۹، 417: TTY: YTT-محمد بن طاہر مقدسی( از حفاظ): ج ۱ محمد بن طفعالاخشيدى ( حكمرانمصر): ج ۱ ص ۲۷۰. محمد ( ميرزا شيخ ــ ) طبيب دارالفنون: - afa - 1 e محمد (آق 🕳 ) متخلص بد : عاشق (شاعر اصفهانی): ج۲ مل ۱۱۶۸. بحيد بن عباس بن احيداللزاز: ج 1 ص Same 100 100 5. 18. محمد بنعیاس، ابن نحوی ( فقیه) :ج(

. YFY . محمد (میرزا ــ) ولد حاجی میرزاعباسظی (مستوفی): ج1 ص ۵۲۸. محمد بنءبداللمبناغلب ( اميرمظيم): ع ١ ص ١٨٩٠ ١٩٢٠ محمد بن عبدالله بن تومرت علوي حسيني (مهدی): چ۱ ص۲۶۵۰

·461 0

محمد بن عبدالله تقفی: چ۱ ص ۷۷. محمد بن عبدالله ( نفس زکیه): ج۱ ص .141 -140

محمد بن عبدالله الشعيثىالتصرى:ج١ ص

محمد بن عبدالله بن طاهر (والىعراق): 1 31 w 191: 007: 107: 707. محمد بن عبدالله عبدالاعلى، ابن كتاسه (عالم عربيت وشعر): ج1م١٧٩..

( فقیه مالکی): چ ۱ س ۲۱۳. محمد بن عبداللم. . . . عبدالرحين: ج ١ ص ۲۳۱۰

محمد ينعبدالله بن عمرالعتبى الامسوي البصري: ج 1 ص ١٨٩.

محمد بنءيدالله تمي: ج1 ص 195. محمد بن عبدالله ،ابنالتعاويذي (كاتب): ı ۴۰۹ ت

محمد بن عبدالله كثيرى ( واليهدينه) : ج ١ ص ١٥٥٠ ١٥١٠

محمد بن عبدالله البجد العرشدي; چ ۲ ص ۶۲۹.

ىحبد بن عبدالله بن محمد بن جمدويه، اینحاکمنیشایوری (حافظ ومحدث ) 🖫 . 149 or 1 g

محمد بنعبدالله بنمسلم بن عبدالله بن شہاب : ج 1 من ۱۳۵

محمد بن عبدالله نبير ( شيخ بخاری): ع 1 ص ۱۲۴،

محمد (آقا شيخ ــ ): ج1 ص ٥٢٥. محمد بن عبدالحكيم ( مفتى مصر): ج١ ص ۲۱۳۰

محمد بن عبدالحميد ، ابي الرازي (حاكم يعن): ج1 ص ١٨٦٠

محىدين عبدالرحمن بن ابىليلى (كاشى) : عا ص ۱۲۲۰

محبد بنءيدالرحين بن حكم بن هشام الاموى: چ 1 ص ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۰، · 17 • 4714 • 1717

محمد بن عبدالرحين ۽ اپن قريميه پقدادي (قاضی): ج1ص ۲۷۸،

محمد بن عبدالرحمن مسعودی ( شــبـارح مقامات): ج1 ص 909.

محمد بن عبدالعزيز ( از آل مرين) ج ص ۲۳۰،

محمد بن عبداللطيف الخجندع ( رئيس شافعیان در امغیان) نج۱ ص ۲۸۹. محمد بنءبدالمك بن ابراهيم القرضيي الهندانی ( صاحب تاریخ ) : ج 1 . 454

محمد بن عبدالملك زهرالاندلسيالاشبيلي ( اديبوطبيب): ج1 ص 734. محمد بن عبدالله بن عبدالحكم بمـــرى | محمد بن عبدالطكالزيات ( وزيرمتهم ) :

ج 1 ص 144٠ - 197 - 191 - 1AG @ 1 g محمد غازی: ج۲ ص ۱۶۸۶. محمد بن عبدويه الانباري( حاكمحمص): محمد بن غیلان مروزی ( از مشایخ ) : ج 1 ص ۱۹۶۰ محمد بن عبيدالله بن خاقان ( ماحسب ع ۱ ص ۱۹۵۰ سعمد (ابو ــ ) فارقی: ج1 ص799. قلائد المقيان): ج١ ص ٣٧٨٠ محمد ( ميرزا ــ ) فخرالاطباء: ج 1 ص محمدين عبيدالله الجحمى ( والىمدينه) : ٠١٢٩٥ ج ٦ ص ١٢٩٥٠ ج ١ ص ١٥٠ ١ ١٥١٠ محمد (آقا سید ۔۔ ) فراش خلوت : ج۲ محمد ( ملا ـ ) عصار : ج1ص ۶۴۸. ص ١٢٥٧ أج٣ ص ٢١١١ . معدد بن علا؛ هندانی ( از نشایجبخاری محمدینفرج ( متنبی) :یع۱ص۱۹۲،۱۹۳، و مسلم):ج ١ ص ٢٠٥٠ معند بن فقل ( حاکم موصل); ج ۱ ص محمد ، پدر علی (قاضی): ج۱ص۲۲۸۰۰ .T1f .10T محمد بنطبي بن ابيطالب، ابنجنفيه : محمد بن قاسم بن أدريس: ج1 ص٢٣۶، ج 1 ص ۹۴۰ محمد بن قاسم بن عمر: چ1ص ۱۸۵۰ محمدين على بن جعفر الكتابي (صوفي): محمد بن قاسم کرخی: ج۱ ص ۲۶۳، ج ۱ ص ۲۴۸٠ محمد بن القاسم بن محمد (عامل حجاج معمد بن على بن حسنءابن ابى|لعقـر در سند): ج1 ص ۹۹. ( فقیه شافعی): ج۱ ص ۲۵۲۰ محمد بن قراارسلان ( صاحبحصنكيفا): محمد بن على للشلمةاني ( تناسخي) : . foy ifof o le - TFA & 1 + محمدین قرامان: ج۲ ص ۵۹۳، محمد بن علی ( پدر سفاح و منصور ): محمد قطبشاہ: ج ۴ ص ۹۵۹، ج ١ ص ٨٤، ١٥٤ لماد ١١٥٠ محمد (میرزا۔)قوام|لدولہ، ج۲ ص۱۲۲۳، ·176 ·174 ·177 ·170 \*1A11 \* 1Y97 \* 1YAT معمد بن على بن مقاتل ( عامل قنسرين ) . محمد (میرزا ــ) کانب ترکی ج اص۸۲۲۰ ج ا ص ۱۵۶۰ محمد کاشی (قاضی۔)، ج ۲ ص ۷۵۱، محمد بن علىء مو يدالدين، ابن قصاب محمد کیرانی ( انزدار مغارستان ) ، ج ۲ ( وزير الناصر):ج1ص ٢١٤٠٢١٤٠ ص ۹۶۲. محمد بن عبرين احتدالاصفهاني|العديني: محمد بنکرام سجستانی: ج1ص ۲۰۵۰ ج ۱ ص ۲۰۱۰ محمد کرد: ج۲ ص ۲۴۵. محمد بن عمر بن الحسين الطبرستاني ( أمام محمد کنوند ( سید ...): ج ۲ ص ۲۴۹ ، فخر رازی) : ج ۱ ص ۲۲۷۰ محمد بن عصار بن حموية ، صدرالديــن محمدگروسی ( ۱۵۲ میرزا ۔): ج۱ص۵۲۰: ( شیخ 🗕 ): ج1 ص ۲۲۲۰ محمد بن عمر... ( فقیه شافعی، خطیب ع ۲ ص ۱۲۵۶ : ع <del>۲</del>ص ۱۱۱۰ . محمد ( سید ۔)کیسودراز ( از عرفا ) : ج ۲ ری): چ۱ ص ۲۲۷. محمدين عمرين رشد ، ايوعبدالله (طبيب ، ص ۶۸۲۰ محمد ( شيخ ـ ) لاهيجي نوربخشي:ج٢ فیلسوف): ج۱ ص ۴۱۹۰ ص ۲۳۲٠ محمد بنءعران: ج1 ص ٢٢٩٠ محمد اللحياني: ج 1ص ٢٥٩، ٢٥٠٠. محمدین عمروالتعیمی: ج ۱۹ ۰۸۱ محمد (ميرزا س) لشكرنويس:ج٣ص٢٥٧٠، محمد بنءمروبن عاص ج1 ص ۶۲۰ محمد (ميرزا ــ ) لشكرنويس آذربايجان: محمدين عمروين واقدالواقدي أج ١٧٩٠٠ ج 1 ص 4۰6۰ محمدېن، عيسى، ابوموسى ( فقيه حنيلى):

ج ۱ ص ۲۵۸۰

محمدین عیسیبنحمدیه ( بزرگزنادقه) :

٠٢٠٧٠ تح ١٢٢٦ : ٣٥ ص٧٠٠٠ محمد (سلطان ــ ) لشكري بهمني: ج ٢ ص ۲۲۲. محمد (میرزاب) لواسانی ( زیردولتشاه ): ج٣ ص ١٥٣٢٠ -محمد بن لیث ( عامل فارس): چ ۲ ص محمد ( میرزا \_ ) مباشر ؛ چ۲ص۱۲۷۳ م محمد (میرزا ۔ ) مباشر کنگاور: ج ۳ ص · 1117 محمد بن بيشر ( معتزلی): چاص ۱۹۲. محمد بن المثنى بصرى: چ1ص ٢٠٣٠. معدد (آقاسید \_) مجتهد : چ۳س۱۵۶۴ ، · 14YF ىحىد ( حاجى ملا ــ ) مجتهد نراقى : . Toot o Te محمد (ميرزا 🗕 ) محرر اج اص ۵۲۰. محمدبن محمدين بفراخان ج٠٣٨٨،٠ محمد بن محمد بن ظفر (صاحب سلسوأن المطاع): ج1 ص٢٩٨٠. معمد بن معمد بنغيلان البزار ( راوی احاديثغيلانيات ) :ج1ص ٢١٩٠ محددین محمد بن محمدالتعیسدی ( فقیه حنفی): چ1 ص ۲۲۳۰ محمد بن محمود غزنوی: چ! ص ۲۰۲ ، 407. 41T. محمد بن محمود سلجوتی: ج! ۱۳۸۲ ۰ .Tto U TAY معمد مختار (ص): ج 1 ص ۱۷۰ محمد مرادیخش: ج ۲ ص ۹۶۷، محمد مرکان: چ۱ ص ۵۱۹، محمد بن مروان بن حكم ( واليجزيره): ج ر مروبه تا ۹۲ ، ۹۵ تا ۱۰۰۰۹ ، · 1•Y محمد بن ستظهر (خلیفه): ج۱ ص۲۷۵۰ محمد (میرزا 🗕 ) خستوفی اُ ج ۲۰۹۹ ۲۰۲۰

. \* 1 \* \*

. \*\*\*\*

محبد ( میرزا سید ۔ ) مستوفی: ج۱ ص

محمد (میرزا ـ )ستوفی، ج۲ ۱۲۸۲۰

محمد (میرزا 🗕 ) مستوفی حکیم باشی 🖫

ATA: 37 to APOT.

محمد (میرزا ـ ) لشکرنویس همدان: ج1

محمد (میرزا سید ــ ) لشکر نویسیساشسی

خراسان: ج1 ص ۹۵۶۰

محمد (میرزا سید ــ) منشی سفارتعثمانی در شیراز: چ۱ص۸۵۲: چ۲ص۸۰۲۱. ج ا ص ۱۲۲٠. محمد ( شيخ ــ) مو ذن: چېس ۲۱۳۱. محمدین موسی بن شاکر: ج۱ص ۲۵۷. محمد بن مهلب: ج۱ ص ۱۰۷. ع ۲ ص ۱۸۴۹ . محمد (آقا ـ ) نايب: ج ٣ص ٢١١١. محمد (آقا ـ ) نایب سرایدارباشی: ج۲ ص ۱۱۱۸۰ محمد (میرزا ـ ) نایبشریتخانه: ج۲ س .T117 .T116 محمد (میرزا سید ــ ) نایب کل محلـــه\* سنگج: ج٦ ص ١٢٥٢ ، محمدین نصر: ج1 ص ۱۴۹. محمد بن نمر مروزی: چ۱ ص ۲۲۷. محمد توریخش ( سید ــ ): چ۲ ص۲۲۲. محمد نوربخش قهستانی (سید ـــ) : ج ۲ ص ۲۱۳۰ محمد (ميرزا ــ) نويسنده وزارتوظايف: ج۲ ص ۲۱۲e محمد بن واسع الازدى البصرى (زاهد ): ج 1 ص ۱۲۲: ۱۲۲۰ محمدواعظ: ج۲ ص ۷۸۵. محمد (سید ۔) والی تونس'ج ص ۱۸۲۰. محمد وهبی: چ ۲ ص ۱۱۲۹، محمد (میرزا ـ ) ولد میرزا هادی: ج ۱ ص ۸۲۸۰ محمد بنھانی ( شاعر اندلسی): ج 1ص · TYT محمد بن خشامین اسماعیل مخزومی(حاکم مدینه): ج1 ص ۱۲۱. محمد بن هشام بن عبدالجبارالاموی: ج1 ص ۲۹۵۰ محمد (میرزا \_ ) یاور ( رئیستلگرافخانه ملاير): چ٢ص ٢١٢٤. محمد بن یحیی بن حیان:چ1ص ۱۲۱ .

-1974 or TE

محمد (میرزا سید \_ )منشی شیراز : ج ۱

س ۵۲۷٠٠

محمد (میرزا \_ ) مستوفی سواد کوهی ; مأمون): ج1 ص 190. محمد بن المنكدر بن عبد الله ، أبويكر التيمي: 3 T 2011: 37 20 011. محمد بن بزيدبن عبيدالله ( عامليمن): محمد (مهرزا ـ ) مستوفی ( پسر حاجبی ج ۱ ص ۱۳۴۰ محمد بن یزید قرشی ( والی افریقیه) : میرزا عباسقلی): ج۳ ص ۹۹٫۳۰ محمد (میرزاً...) ممتوفی (ولد قوام الدوله . 1 ex 104 . 101. محمد بن يزيد بن ماجه٬ قزويني (عاحب تقی): ۲۳ ص ۱۶۹۸ ۰ محمد (ميرزا ــ )ولدميرزا باباحكيمباشي: محمد (میرزا ... ) متسوفینظام: ج ۹ ص سنن، تفسير و تاريخ): چ اص15. ۵۲۹: چ ۲ ص ۱۲۵۵ -محمد بن يعقوب كليني ( صاحبكافي): محمد ( حاجی میرزا \_ ) مستوفی ( پسر ء 1 ص ۲۵۳٠ محمدبن يعقوب (حكمران مغرب واندلس): میرزانصراله) : ج ۱ ص ۵۲۸. محمد ( میرزا ... ) مستوفی ( پسر وزیسر ج ۱ ص ۱۱۸ ، ۲۲۰. لشکر): ج ۳ ص ۲۰۹۹. محمدينيوسف القبى ( از مثايخيخاري): محمد بن مستیز ، قطرب ( نحوی) : ج ۱ ج ا ص ۱۸۲۰ ص ۱۷۹ ، محمد بن يوسف بن محمد ﴿ شَاعَرِ ءَاقِلْيَـدَسَ محمد بن مسلم بن شهاب الزهری ( امام را حل کرد ) : ج۱ ص ۴۱۰، اهل مدينه): جاص ١٢٣. محمد بن پوسفبن،طرالفربری ( راوی صحیح محمد بن مطبه : ج1 ص ۲۶، ۲۳. بخاری): ج1 ص ۲۴۷. محمد ( سید \_ ) مشعشعی: ج۲ ص۸۷۹، محمدی: ج ۲ ص ۸۹۲، . 4-4 1944 4941 محمدی بیگ ساررقچی: ج۲ص ۸۸۰. محمد ابراهيم آقا قاجار: ج٧س ١٣٢٢. محمد بن معاویہ بن زفر: ج1 ص 157. محمدالمعتصم، ابي اسحاق بسن هسارون محمد أبراهيم (ميرزاــ) پسر ميرزا احمـد الرئيد (خليفه عباسي) ـُ ج ١ ص استرآبادی یے تام ۱۸۵۰، \*144 L 144 . 141 محمدابراهيم (آقا۔ ) ارباب: چ (ص٥٢٥. محمد بن المعتضد، القاهر بالله ( خليفه محمدابراهیم (حاجی ... ) اربابطهرانی : عباسی):جاص ۲۲۲، ۲۲۵ ۲۴۸ ، ج٢ ص ٢١٢٥، محمد ابراهیم ( استاد مخصوص طبع ) : محمد (حاجی۔)معینالتجار :ج7م75، ۲۱، ع 1 ص ۵۵۶: ع۲ ص ۲۱۲۸. محمد بن مقاتل بن حکیمالمکی ( والسی محمد أبراهيم أمين|لسلطبان ــــــ أمين افریقیه): ۱۶۴ ص ۱۶۴، الملطانء محمد ايراهيم. محمد ابراهیم (میرزا ــ ) بدایعنگار :ج۱ محمد ( ميرزا ــ ) ولد ملكالإطباء (نايب آجودانباشی ): ج1 ص ۵۱۱. س ۵۲ نج ۲ ص ۱۲۰۰ نج اس ۱۸۲۴ · محمد (حاجی آقا ۔ ) ملکالتجار : ج ۳ محمد براهیم بیک ( پنجامیاشی): ج ۱ ص ۲۱۲۲. ص ۵۲۹. محمد بن طکشاه: ج1 ص ۳۵۲ تا ۲۶۰، محمد ابراهیم بیک (نایب مطه سفکلج): .TPT & TPT ج 1 ص 206، محمد (میرزا ــ ) منشی:ج۱ص ۲۹۵. محمدابراهیم (حاجی۔ ) تاجر نیلفروش: محمد (میرزا ـ ) منشی و دفتردار خانه٬ . T T W 1717. محمد ابراهيمخان: ج1 ص 454: ج٢ ص تظیس: ج 1 ص ۵۳۵. محمد بن يحيى بن عبيدالله بن خاقـان محمد (میرزا ... ) منشیباشی: چ†ص۲۷۵: ( وزير الطندر ) ج اس١٣٥، ٢٣١. چ ۲ ص ۱۲۵۲ څځ ۳س ۲۰۹۷. محمد ابراهیم خان ( برادرزاده آصف...

محمد بن يزداد بن سويدالبروزي ( كاتب

محمدبنیحیی بن طده ( صاحب تساریخ

اصفهان) نج ۱ ص ۲۳۳.

الدولد): ج 1 ص ۵۲۶.

محمد ابراهیمخان ( از امرا؛ تاجار) چې

محمد استد پاشا: ج۲ ص ۱۶۲۹، محمد اسمعیل ( حاجی ـ ):ج۴م۸۲۱۲، محمد اسمعیل (81 سے) تاجر جہرمی:ج۳ ص ۲۱۲۶٠ محمد اسمعیل بیک (قونسولخانقین) اج ۱ ص ۵۲۴: ج۲ ص ۲۱۰۶. ج ۳ ص ۲۱۱۳۰ . ۱۲۶۸ : ج۲ ص ۱۲۸۲ ۰ محمد اسمعیل خان چاہارچی باشی: ج ۳ ص ۱۷۷۲ ، ۱۸۰۲ ، خان): ج۳ ص ۱۲۷۱، ج ۲ ص ۱۲۹۵ څخ ۲س ۲۱۴۰ ج ٢ ص ١٢٢٠ ؛ ج ٣ ص ١٩٠٥٠ ص ۵۲۷٠ ج 1 ص ۲۲۵۰ ج ٣ ص ٢١٢١. -190Y . 1A9A . 1A9F . 1AAY محمد اسمعیل رضوانی: ج1ص ۱۵۰ محمد اسمعیل صحفاف (استاد ۔) ج ۲ ص ۱۲۹۴ : جاس ۲۱۲۹٠ محمد افضلخان: ج٣ ص ١٧٥٩ ، محمد اکبرخان: ج۲ص ۱۶۶۹، ص ۹۲۹، ۱۹۸۳، ۱۹۸۹، محمداکرمخان: ج۳ ص ۱۷۹۲ -ص ۱۲۸۰ -

ح ۲۰۶۴ م

محمدابرا هيم خان (اميرديوان معتمدالعلك): محمد ابین خان یازوکی (شاهزاده): ج۳ ص ۱۵۲۳ ٠ - 1447 · 1447 - TAI · محمد امینځان ( حاجی ــ ) از جماعت مجمد ابراهیمخان( پسر امینالدوله ) : جىشىدى: ج۲ ص ۲۰۸۸. ج ٢ ص ١٢٥٥ : ج٢ ص ٢١١٠٠ محمدامین خان (نوهٔ ظهیرالدوله): ج۲ محمد ابراهیم خان ( سرایدارباشی):ج۲ محمداسمتیل بیگ (نایب،حاکمتجریش) : ص ۱۲۷۰ ۰ ص ۱۲۶۸ ع ۳ ص ۱۲۶۸ محمد امین خان قاجار ( نسقهی باشی): محمد ابراهیم خان سرتیپ چ۳ص۱۲۸۲۰ 3 1 W 1040 + 10; 37-00401 : محمد اسمعیل خان: ج۱ ص ۵۰۲: ج۲ص محمدابراهيمخان (سرتيپ افواچاصفهان): . 1541 . 1514 ج ۲ ص ۱۲۶۹ ۰ محمدابراهيمخان سرتيب (حكمران نهاوند): محمد امین خانگروسی،ج۲س۱۶۵،۰ محمد امین خان ( تایب ایشیک آقاسسی ج 1 ص ۵۵۹۰ محمد ابراهیمخان سرهشک ( تحویلسدار ہاشی): ج۳ ص ۲۱۱۶، محمد اسمعیلخان ( پسر حاجسی خلیسل دارالفنون ) ۽ ڄ1 ص 199 ءُ ڄ ٢ محمد امین خان ( والی خیوق) : ج۳ ص . 1454 . 1411 . 1544 محمد اسمعيل خان صندوقدار اج (ص۵۵٪) · TooY محمد ابراهیمخان ( سهامالطک): ج ۳ محمد امین رواف پاشا ( سرعسکر): ج ۲ محمد اسمعیل خان (از بنی|عمامقاجار): ص ۱۵۵۱ ، ۱۵۵۶ ، ۱۵۶۰ ص ۱۲۹۲ ، محمد امین قطب شاه: ج۲ص ۱۹۲۰،۹۲۰ محمد ابراهيمخان ( ولد ظهيرالدوله ) : محمد امین ( ملا \_ ) مستفنی: ج ۲ ص حمد استيلخان (کثيکچيباشي): ج ١ ج ۳ ص ۱۸۳۲ ۰ محمد ابراهیم خان ( پسر عباسظی خان .111 محمد اسمعیل خان بامور آذربایجان ) : محمد امین میرزا (حاکم گلهایگان) ج ۱ جوانشير): ج٣ص ١٨٤١ ٠ ص ۵۰۱ ج ۳ص ۱۹۰۳ ، ۱۹۱۷، محمد ابراهیمخان( از بنی|عمامقاجار): محمد اسمعيل خان ميرآخور :ج٢٩٧٠٠: . 1989 ج٢ص ١٣٢٥ ئج٣ص ٢٠٥٥٠ محمد امین میرزا ( پسر فتحظی شاه ) : محمد ابراهيمخان قاجار: ج٢ص ١٤٩٣ ٠ محمد اسبعیل خان وکیسلالطک : چ۴ ص ج ٢ ص ١٢١٩ : ج ٢ ص ١٥٩٢ ٠ · 1AYT - 1AFO - 1AO - 1ATF محمد ابراهیم خان کاشانی (نایب فراش · 4054 41544 محمد امين بن هارونالرشيد : ج١٥٩٠٠٠ خاند): ج۲ ص ۲۱۱۲۰ محمد استعیلخان یوزباشی:ج۳۳۰۲۱۲۰ محمد اول (حکیران اندلس): چ۱ ص۱۹۵ محمد ابراهیمخان(مامورسمنان): ج ۱ ص . YoY 1199 C محمد باقر ( حآجي سيد – ) از علماي مجددابراهيمخان ( مبثول مالياتی) ج١ اصفهان: ج۳ ص ۱۹۴۲۰ ص ۲۸۴۰ محمد باقر (ع) (امام ــ): چاص ۱۱۵۰ محمد ابراهیمخان مظفرالدوله: ج ۳ ص محمد باقر بهیهانی (۱۶۲ – ) از اجلے، علمای امامید: ج7ص ۱۴۱۶۰ محمد اکبر بن عالمگیر ( اورنگزیب ) ج۲ محمدابراهیمخان،معارباشی ج۳۰۸۰۳۲ ۰ محمد باقر بیگ ( باغیان باشی): جاص محمد ابراهیم خان ( ناظم تلگراف ) 🗓 ۵۵۶ : ۲ س ۱۲۹۴ : ع۳س۱۲۳۲. ج ۳ س ۱۸۸۴۰ محمد باقر (آقا 🗕 ) تاجر بزدی: ۳۳ ص محمد امیر خان (سرکرده): ج۲صدد۰۲۰ محمد ابراهيم خان (نايب) ج١ص٥٢٩٠٠ محمدامین آفا (ولد فضلطی بیگ قاجار) : . T 1 TA محمد ابراهیمخان وزیر نظام ( و وزیسر محمدباقر (آقات) تحویلدار : ج1 ص۵۴۰: ج ت ص ۱۱۶۱ ، ۱۱۶۲ ،۱۱۶۵ : ۳۳ دارالخلافه): ج1 ص ۵۲۵: ج7ص ج ۳ ص ۲۱۱۵ -1114 : ج٦ ص ٢٥٢١، ١٩٥٨. محند باقر (آقا سید ــ ) جمارانی ( تاظم معمد (آقاـــ)امین|ریاب ـــاریابطهرانی : محمد ابراهیم سرایدارباشی:چ۱ ۱۵۴۰۰ مجلس وزارت وظايف ) : ج٢٩٥٠ ٢١٣٠ چ ا ص ۵۲۶: چ ۳س ۲۱۲۵، بحمد ابراهیم (آقا ــ ) معماربأشی: ج۳ معبد باقرخان: ج۲ ص ۱۶۵۰ محمد ابین پاشا: ج۲ ص ۱۵۵۲ ۰ ص ۱۸۵۰ -

محمدامینخان: ج۲ص ۹۶۱،

محمد باقرخان ( از اعیان طهران) : ج۳س محمد بیک ( برادرزادهٔ آبراهیم خلیــل خان): ج۲ ص ۱۴۲۹. محمد باقرخان ( از امراً ) ؛ ج۲ ص ۱۲۵۱ . محمد بیک بیگذلی شاملو: چ۲ص ۴۵۹. محمد باقرخان بیگلربیکی: ج۱ص۵۲۶. محمد بیک زاخوری: ج۲ ص ۹۳۷. محمد باقر خان (فرزند پیرظیخان): ج ۳ محمد بیک قاجار افشار: ج۳ ص ۱۳۹۸. ٠ ١٣٢٩ ٠ محمد بیک قاجار ایروانی: ج۲ ص ۱۱۴۲ محمد باقر خان دولو بیگلربیگی: ج ۳ص محمد بیگ ( حاجی۔ ) قهومچی باشی : · 15TY 3 7 W YOA1. محمد باقر خان سرتیپ ( فوج شقاقی ): محمد بیگ بن ملکعطا بیک: چ۲ص،۹۷۰. محمد بیک ناظر! ج۲ ص ۹۵۷. ع ١ ص ٥١٣: ج ٢ص ١٢٢٢: ج٣ محمد بیگ (نایب اصطبلخاصه): ج۱ ص · 10810 محدد باقرخان سرتيپ دويم ( پسر محمد 200: ج٣ص ٢١٢٢٠. خان امیر تومان): ج۳ ص ۱۷۳۶ ، محمد بیک ( وزیر ): ج۲ ص ۱۹۶۶. · 1276 · 120 · 1414 محمد بیگ ( وکیل); ج ۲ ص ۱۲۳۵. محدد باقرخان ( سرکرده دسته کلیبری): محمد بیک ( یساول صحبت شاه عبساس ج ١ ص ١١٤٠ ج ٢ ص ١٢٤٢ أج٣ دويم): ج٢ ص ٩۶۶, محمد باشا : ج٢ ص ٩١٢، ٩١٣، ١٥٥٥٠٠. محمد باقرخان سرهنگ؛ ج٢ص ١٢٣٩ ؛ج٣ محمد ياتا (حافظ ــ ): ج٢ ص ٩١٩. محمد پاشا ( بیگلربیکی موصل): ج ۲ س ش ۱۲۸۲ ، ۱۸۲۲ ، ۱۵۸۱ ، ۲۰۸۴ · محمد باقرخان سرهنگ ( مترجم ) ؛ ج ۳ ص - 9TY محمد باشا ( حاکم گنجه): ج۲ص،۹۰۰ . 1150 محمدیاشا خان ( سرهنگ ، چ ۱ص۵۱۳ ع۲ محمد باقرخان (برادرزاده فتحطيشاه): ج ۲ ص ۱۶۲۶ . · TPAT OF THE . HYTA OF محمدباقرخانقاجار :ج٣٠٥/٢٠٠ محمد يادًا ( برادر طمان بادًا بابان ): محمد باقرخان ( خال محمد شاہ): ج ٣ -1174 P TE:5 محمد پاشا فزافلو: ج٧ من ٥٠٥. ص ١٤٢٩. محمد باقر خان نولی: ج۳ ص ۱۷۵۶. محمد یاشا ( صدراعظم عثمانی): ج۲ ص محمد باقر (میر ــ) داماد : ج۲ص ۹۲۲ ، 179. 07F: 37 WATE-FTAL. . 974 محمد تقی (میرزا ۔۔)؛ ج ۲ ص ۱۲۶۸. محمد باقر ( حاجی سید \_ ) رشتی:ج۲ محمدتقی (میرزا ... )آشتیانی قوامالدولد: ح ۱۶۶۸ . ج ۲ ص ۱۵۵۲ ، ۱۶۳۷ ۰ محمد باقر (ميرزا ــ ) پسر صديقالدوله: محمد تقی ( امام نہم ع) 🕽 ج ۱ ص۱۹۲، ع 1 ص ۱۸۴۰ . 114 محمدیاقرقراجه داغی(یاور): چ۱ص۵۱۵: محمد تقی بیگ ابری ( نایب فراشخانه): -1171 or E 3 Y @ 1751: 3 7 @ 1117. محمد باقر ( آقا سید \_ ) مجتهدةزوینی: محمد تقی (حاجی ملا ۔ ) برقانی: ج۳ .1911 PTE ص ۱۶۸۷ ۰ محمد باقر ( ملا ــ )مجلسی: ج۲ص، ۱۹۰۰

. 1777 · 1777 @ T & محمدتقی ( حاجی ــ ) تاجر کاشانی:ج۲ ص ۲۱۲۵٠ محمدتقی (حاجی ـ ) تاجر میلانی; ج۳ ح ۲۱۲۸ ۰ محمدتقی( میرزا \_ ) حکمران نطنز: ج۳ ص ۲۱۴۶ . محمد تقی خان: ج۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص . 1094 محمد تقیخان ( حاجی ۔۔) :ج۲م۱۹۶۶ ، محمد تقیخان ( اداره غلات): چ۲ س محمدتقیخان ( از امرا٬ قاجار): ج 7 ص · 4 • 6 4 محمد تقیخان افشار ﴿ پیشخدمت خاصہ، حاجب الدوله ، فراشیاشی) : ج ۳ ص .1977 -1906 محمد تقیخان (بختیاری): چ۲ص۱۶۲۷، .1850 t 180Y محمد تقیخان بہارلو ( یاور اول): ج1 ص 411 ه محمدتقیخان جوانشیر : ج ۳ ص ۱۷۰۶ ، · 1717 · 1717 محمدتقیخان (حاجبالدوله): ج ۱ ص ۲۸۲ ج ۲ ص ۲۱۰۲. محمدتقیخان (حاکمترشیز ) : ج۲س۱۶۱۲ . محمدتقی(حاجی ــ ) ځان دولو سرتیپ : ج ١ ص ٥٠٦: ج ٢ص ١٢٢١: ج٢ ص ۲۰۶۵ م محمد تقیخان رئیس ( از طائفسپانلو): 3 1 ° 700. 176. 370 1771. محمدتقیخان سرتیپ (کارگذار فارس ) : ج ١ ص ٥٣٤٠ محمدتقیخان سرهنگ: ج ۱ ص ۸۰۵:ج۳ ص ۲۰۷۲، ۲۰۷۴، محمد تقیخان سرهنگ ( سپائلو) :ج۲ ص . 7 . 54 محمدتقیخان سرهنگ ( فوج بهادرانیهار لو): ج ۲ ص ۱۲۳۲. محمدتقیخان ( ولدسهراب خان): ج ۱ ح ۵۲۵٠

محمد تقیخان شامبیاتی: چوس۱۴۱۴.

محمد تقی ہیگ ( پیشخدمــت ) : ج ۳

محمدتقی بیکشمیرانی ( نایب فراشخانه ) :

چ آص ۱۲۶۸ نج ۳ ص ۲۱۱۲۰

محمدتقی بیگ قوللر آناسی( سرکشیک) :

ص ۱۷۸۲ -

محمدباقر (میرزا ...) مستسوفی ( حکمسبران

محمد بأقر ميرزا ( شاهزاده) : چ۱ ص۲۵۵:

3 TO 111: 37 07907.

شأهرود ) : ج۲ ص ۲ه ۱۳۰۶ .

محمد بیگ : ج۲ ص ۸۲۱.

· 1514 محمد تقیخان (عزالدینلو) (ج ۱ ص۵۰۲: ج ۲ ص ۱۲۲۱: ج۲ ص ۲۰۶۵، محمد تقیخان قاجار: ج۲ص ۱۷۲۸ -محمدتقی ( حاجی ــ ) خان ( پسر قلعه بیکیتبریزی): ج۲ ص ۲۱۴۰. محمد تقی خان ( قوائلو): ج1 ص٥٠٢٠: ج ۲ ص ۱۲۲۰ . محمد تقیخان مصارباشی: چ۳ص ۱۷۱۹، . 1444 محمدتقیخان (ناظممیزان ) :چ۲س۲۱۱۲۰ محمدتقیخان (نایباول) نج ۳ ۱۰۲۰۳۰ محمدتقی ( حاجی–) خان (نایبایشیک آقاسیباشی): ج۲س ۲۱۱۶· محمدتقی( میرزا ۔) خان ( وزیر عساکر ، امیرکبیر): چ۳ ص ۱۶۸۰ ۰ محمدتقیخان هزار جریبی: ج۳۰۰۱۵۲۴ · محمدتقى سيهر ءلسان|لملك ( صاحبناسخ التواريخ): ج٣ ص ١٣۶٤٠ مصدتقی ( میرزا ۔) سررشتندار ج۱ ص 444 ع عن ۱۲۷۶ : ع عن ۲۱۲۱. محمدتقى ميرزا ( سررشتهداردارالفئون): . TITT - T E محمد تقی ( میرزا ــ ) سررشتعدار دفتر لشکر: ج ۲ ص ۱۲۲۴ محمدتقی ( حاجی 🗕 ) شیرازی 🛪 ۳ ص معمدتقی(میرزأب ) شیرازی:ج۲۰۰۲۱۲۰۰ معند تقی ( حاجی ــ ) عرب: ج ۳ ص · \* ) \* Y محمدتقی ( میرزا ـ )علیآبادی صاحب ديوان :چ ۳حيد ۱۴۹ ۰ ۱۹۸۰ ۰ ۱۵۹۸ ۰ · 1600 · 1641 · 1610 · 1044 محمد تقی کرمانی، مثلغر علی شاہ(عارف وعاهب ديوان مثتاقيده بحرالا سرأره غلاصتالعوم ۽ کبريت احمر و جامسع البحار): ج ۲ ص ۱۲۵۹ ۰ محمدتهی (میرزات) لشکر نویس آذربایجان : ج ١ ص ١٠٤٠ ج ٢ ص ١٢٢٥ : ٢٤ ص ۲۰۶۹ ۰ محمدتقی (میرزا۔۔) لشکرنویس آذربایجان 🗄 مميد جعفر ( حاجى ــ ) تاجر هرندى: .4.5 00 1 2

معمد تقیخان عرب میش مست : ج ۳ ص [ معمدتقی (میرزاــ) لشکرنویس عراق :ج ۱ ص ۵۰۶۰ محمدتقی ( ملا ... ) مجتهد کاشانی:ج۱ ص ۵۲۵: چ ۲ ص ۲۰۹۵، معند تقی (شیخ ــ )مجلسی چ۲ص۵۵۰۰ محمدتقی (میرزا۔)مستوقی ( اسان|اعلک ) : · 1747 .. T E محمد تقی ( حاجی ملا ۔۔ )معین|لتجار : ح ۲ ص ۲۱۲۷. محمد تقرمبرزا : ج1 ص 794٠ محمدتقی میرزا (حکمران بروجرد):ج ۲ ص ۱۵۲۴ء ممدد -محمد تقي ميرزا (حسام|لسلطنه): ج ٢ س ۱۴۴۹، ۱۵۰۹، ۱۶۰۱، ۱۶۰۸، 11991 11977 1 1970 1 1910 . 1796 محمد تقىميرزاركزالدوله! ج1 ص ٥٥١، محمدثقی میرزا ( سرتیپ سیم و آجودان دارالفنون) : ج1 ص ۵۲۳: ج ۲ ص ٩٢٢٠: چ ٣ ص٩٥٥٠، ١٢٢٩. معمد تقی میرزا ( این فتحطیشاه) : ج۳ ص 119ا محمدتقی [ میرزا \_ ] نایب فراشخانه : -Y11Y - Y E محمديقي (ميروات ) نواني، ج٣٠٥١٥٠٠ محمدئقی (میرزا – ) نوری (نایبایشیک آقاسیباشی): چ۲ ص ۱۲۱۶۰ بحمدتقی/( میرزا \_ ) وکیل لشکر: ج ۱

س ۲۰۵۱ ۲۳۵؛ چ ۲ ص ۱۱۸۲ ، \* TOTT - T - 1757 . 1777 · 1118 · 108A محمد جان آقا (ایشیک آقاسی): ج ۲ ص ۷۵۵۰۰ محمد جنفر (آقا۔): ج۲ ص ۱۲۶۸، محمد جعفرخان ( از اعیان طهران ) 🕽 ج۲ ص ۱۶ ه ۲۰ محمد جعفر (حاجی ...) امینالتجارطایو: ج ۲ س ۲۱۲۹۰ محمد جطر (حاجی – ) تاجر خراسانی: ع ۲ ص ۲۱۲۶۰ معمد جخر (حاجی 🗕 ) تاجر کاشانی 🖰 3 T W A717.

ج ٣ ص ١٢٤٢٠. محید جنفر ( ۱۵۱ سـ ) تبریزی ( نایسب فراشخانه) : ج۲ ص ۲۱۱۷ ۰ معبد جخرخان؛ ج1 ص 114ء معيد جطرخان ( از امراه) تج٢٥٠١٥٠٠ محمد جطرخان عرب ( حاكم بسطام) : ج ۲ ص ۱۲۰۸ -محمد جطرخان (عزالدين لو): ج1 ص . Tofar Te : ITTI ote :40T معید جطرخان ( ولد عیسیخان بیگسر

معمد جطرخان (کارگذار اصفهان): ج ۱ س ۲۲۶: ج ۳ س ۲۱۰۵. محمد جخرخانگاشانی! ج۳ ص ۱۶۳۹. محمد جنفر خان ( مطم طب): ج ۱ ص

محمد جطرخان قاجار ( سرتيپ): ج ٣

بیکی): ج ۱ ص ۵۲۶۰

ص ۵۸۰۲۰

۵۲۷ ج ۲ ص ۱۲۸۰ معمد جعفرخان (تايبالحكومة خوار ) : ج ١ ص ۵۵۳: ج ٣ ص ٢١١٢٠ محمد جمار ( میرزا \_ ) رئیس آباده : ج 1 ص 471.

محمدجعفر ( حاجی ــ ) قراگوزلو همدانی ( از مشاهیر عرفا ): ج۲ ص۱۵۲۵ ، · 1454 · 1445

محمد جعفر میرزا (رئیس) :ج۱ص۰۵۲۸ محمد جعفرميرزا سرهنگ (رئيس:لگرافخانته يزد)، ج٢ص ٢١٢٢

محمد جنفر ميرزا ( پسر معزالدوله): ج٣ ص ۲۰۶۴۰

محمد جعفری بیگ: چ۱ ص ۵۳۴۰ محمد جواد (ميرزاـــ): ج1 ص ۵۲۶٠ محمد جواد ( آقا ۔۔ ) پسر ملامحمد تقی معين التجار: ج٣ ص ٢١٢٧٠

سعد حسن (حاجی۔): ج۱ ص ۵۲۸۰ محمد حسن (میرزا ــ )آشتیانی معلوفسی الممالك: ج٣ ص ١٩٧٩٠

محمد حسن ( شیخ ــ ) استرآبادی ( از علمای طهران): ج۳ ص ۹۵ ۲۰۹۰ محمد حسن|عثماد|ليلك:ج٣ص ١٨٩٢ -محمد حسن ( حاجي ــ )امينالتجار:ج٣ -TITA •

محدد حسن ( حاجي ــ) ابيندارالفرب: ً

3 1 W 374, 764; 3706717. محمد حسن بیگ (پسر محمدخان مطحت گذار): ج۲ ص ۱۲۴۶. محمد حسن (حاجی ــ ) ناجر بوشهری: - Y 117 . T 1717 . محمد حسن (آقا ۔۔) تحویلدار: ج ۱ ص -001 محمد حسن (آقا ــ) چورکچی باشی:ج۳ ص ۲۱۱۵۰ محمد حسن ( مبرزا \_) حکیمباشی: ج۳ - 100T 🕶 محمدحسنخان! ج٢ ص ١٣٢٨. محمد حسنخان:چ۲ ص ۱۲۷۰. محمدحسنخان: ج٣ ص ١٣٢۶. محمد حسن خان: ج ۲ ص ۱۸۶۵. محمد حسنخان (ارض اقدس): ج ۲ ص - 1771 محمد حسنخان ( از اربابمناصب):ج۲ ص ۱۲۵۶ ع ۳ ص ۲۱۱۰. محمد حسنخان ( حاجي ــ) از امراء : ج ۲ ص ۱۲۵۱ ٠ محمد حسنخان ( يسر آصفالدوله)سالار بار: ج ۳ من ۱۵۶۶. محمدحسنخان (ابن ابراهيم ځليلخان): ج ۲ ص ۱۴۷۵ . محمدحسنخان( يسر احبدخان نوائي): 37 W 1671: 37 W 9807. محمد حسنخان ( پیشخدست خاصه ) : جاص ۵۵۹: ج۲ ص۱۹۲۹،۱۹۲۹، · T = TT محمد حسنخان ( بیشخدست و حاکسم کاشان) :ج۲ص ۱۲۰۱؛ ج۳ص۲۹۰۲۰ . TOTA محمدحسنخان ( تحويلدار كرمانشاهان): ع ١ ص ٥٥١. محمد حسنخان حاجبالدوله فراشياشي : 31 - 1752 3 7 - 1751-37 · Y117 • محمدحسنخان(حاكمشكى): ج٣ص١٢٣٠. مصد حسنخان( حاکم کائنان): ج ۲ ص

محمد حسنخان خرقاني چچس ۱۶۶۰.

محمد حسنخان دوزی: چ۲ ص ۱۳۶۹،

.609

· IYoT

. 4145

ص ۵۲۵ .

. 1444 . 14.4 محد حسنخان فراثباشي( حاجب الدوله، ولد علا الدوله): ج1ص ٢٨٢. محمد حسنخان قاجار: چاص ۲۹۹؛ چ۲ \*1144.1140 .1144 .1014 . . 1169 U1167 . 1160 . 1179 :1717 -1177 - 1170 - 1151 - 1097 . 1770 PT E محمد حسنخان قاجار دولو: ج۲ص۱۹۱۹ - 1155 محمد حسنخان قاجار ( نسقچی باشی ) : ج ۳ ص ۱۶۰۰ . محمد حسن خان قراگوزلو: ج۲ ص۱۴۳۳، . 1777 محمد حسنخان قزوینی: ج ۲ ص۱۲۶٪. محمد حسنخان ( کارپرداز کربلا): ج ۳ ص ۱۲۱۰۶. محمد حسن فان محقق : ج1 ص ٥٣٥ : ج٢ ش ۲۱۵۶ ، ۳۳ ص ۱۹۲۰ ، ۱۹۷۵ ، .T110 -19YA محمدحسنخان(ولد محمدخان|ميرتومان): خ ۱ ص ۸۰۵۰ محمد حسنخان ( ولد معتبدالملک)بیگلسر بیکی: ج۱ ص ۵۲۶، محمد حسنخان (نايبآجودان): ج 1 ص محمد حسن خان فردینی: چ۳ ص۱۶۷۷. محمد حسن خان نسقجىباشى( پسر علاء الدوله) :ج 1 ص ۵۴۰ :ج ٣ص ١٩٣٢. محمد حسنخان نوری ( نایب): ج ۱ ص ۵۴۰ ج ۲ ص ۱۷۱۳ . محمد حسن خان یوزباشی: ج ۱ می۱۳۷، ۵۲۹: چ ۲ س ۱۱۱۲۰ محمد حسن (آقا ۔) صندوقدار: ج۴ ص - 1AYT + 1YAF محمد حسن( میرزا \_) عزبہاشی: ج ٣ ء ۱۹۵۴ م عحمد حسن ( حاجی ــ ) کدخدای فخار خاند: ج۲ ص ۲۱۱۵. محمد حسن العراشة : ج1 ص ٢٩٢. محمد حسن (میرزا ۔۔) مستوفی: ج ۲ ص ١٢٩٧ : ج ٣ ص ١٣١٢٠ محمدحسن (آقا ــ) مهردار: چ۲ص۱۷۲۵،

محمد حسن خان (غلام پیشخدست ) :

ج ١ ص ٥٣٢٠ ج ٢ ص ٢١٥٢٠

ع م ۱۳۵۲ نے ۱۳۲۸ ، ۱۳۵۲ ن

· 1797 · 1790 · 1709 · 1709

. ITOY . ITAA . ITYA B ITYT

محمدحسنخان بن فتحطیخان قاجــار :

ىحىد حىين (ميرزا ــ) پيشكار خىسە: | \* 14° Y \* 144 Y 3 To 1111 . 1117. محمد حسن ميرزا ( اعيرزاده): ج ۲ ص حندمسین ( حاجی ــ ) تاجر تبریزی: ج 1 ص ۸۲۶: ج۲ ص ۱۲۵۱: ج۲ محيد حيسن ميرزا ( ولد اسدالله ميرزا): · 1179 · 1170 چ ۱ ص ۵۰۱: چ۳ ص ۲۰۶۳. محمد حسین (حاجی ـــ )تاجر کازرونی: محمد حسن ميرزا پيشخدمت ( ولد وزيـر ج ۲ ص ۲۱۲۲. علوم): ج 1 ص 195ء 100ء بحمدحسین (حاجی ــ) تاجر کاشانی : محمد حسن ميرزا ﴿ رئيس عدرسة دولتى ج ۲ ص ۱۲۵۱ : ج7ص ۲۱۲۵، تبريز): چ۲ ص ۱۲۸۰۰ محمد حسين (آقا ــ) تاجر مازندرأني : محمد حسن میرزاء سرتیپ سیم ( یہسر - T 175 & T E اعتفادالبلطنه): ج1 ص ۲۶۵ : محمد حسین (حاجی ــ) تاجر مشهــدی -Y-54. Y-009-179. ( قاضی): ج۳ص ۲۱۲۸ ۰ محمد حسن ميرزا ( پسر سيامک ميرزا) : محبد حسین تبریزی ( خطاط ): ج۲ ص ج ۲ ص ۲۱۰۱. · 450 محمد حسن ميرزا ( شاهزاده ): ج ٣ ص بحيد حسين (ميرزا ــ) پسر ميرزا تقــی وكيل|لوعايا: ج٢ ص ١٩٥٣٠ محمد حسن ميرزا (ولد شيردل ميرزا) : محمد حسین (حاجی ــ ) جیمداریاشی: ج 1 ص 414٠ ج ۳ ص ۱۷۲۱، محمد حسين ميرزا (ولد كيخسرو ميرزا): بجند حسین ( آف<u>ات)</u> چرمچی باشی : ع ۱ ص ۵۲۵، ج ١ ص ٥٢٥٠ محمد حسن ميرزا ( مامور آذربايجان ): معيد حسين خان: ج1ص7۶۹، ۲۶۵۰۰ ج 1 ص ٥٣٩. معبد حمين غان ( حاجي) از اعيان معمد حسن میرزا ( مدیرگدرک خراسان): طهران: ج۲ ص ۲۰۹۶، ج ٣ ص ٢١١٢٠ معيد خسين خان آجودان اول ع٣٠ ٣٠٠٠ ٢١٠ محمد حسن مهرزا ( مطم پیادمنظام ) : محدد حسین ( حاجی ... ) خان ( یسر 3 1 WYA: 37 W +A71. احبد خان نوائی) :ج۲۵۱٬۵۲۹ سعدحسن،بیرزا ( مہندس): ج1 ص∘۵۱، مصد حسین (امیر ــ) خان|رجندی:ج۳ ع ۲ ص ۲۰۷۶. ص ۱۲۲۹ ، ۱۳۸۲ . محمد حسن (حاجی ــ ) نائینی ٔج۳ ص مميد حسين خان ( يسر أسدالله خسان · 15.4 معتمدالطك): ج٣ ص ١٨٢٥٠ محمد حسين (ميرزاــ) : ج1 ص ۵۲۶ : محد حسينخان اطفائی: ١٨٢١٠٠٠ ج ۲ ص ۱۲۷۳ -محمدحسينځان (حاجى ــ) امينالدوله: ىحىد حسين (آقا مىر ــ): چ۲۰۲۴،۰۲۰۲۰ چېل ۱۲۹۱ ،۱۲۹۶ ،۱۲۹۶ ،۱۵۰۲ ، محدحسین(میرزا۔) عراق:ج۲ ص۱۲۷۹، - 1417 - 14-4 محمد حسین (میرزا ــ) ادیب( فروغی) : محمد حسینخان ایشیک آقاسی: ج ۳ ص ع 1 ص ۱۹۰۸ ۵۵۵۰ · 1544 بحدد حسين ( آقامير ــ) امام جمعه:ج۲ بحد حسینغان ( پسر باقرغانغراسکانی ٠ 1 1 ٨ ٦ ٠ امفیانی): ج ۲ ص ۱۲۰۷ ۰ محدحسینبیکطوچ:ج ۲ ص ۱۱۲۶۰ محددسین خان بختیاری ( قوللر آقانی محد حسین بیک چراغچیہاشی ( نایب باشي): ج1 ص ۵۵۷:ج7ص1۲۹6: فراشخانه): ج 7س ۱۲۶۸: ج ۳س

محد حدین (حاجی ــ ) خان ( بیگسر بیکی امقهان، امینالدوله ): ج ۲ - 17A--17F1 - 17TY - 17YF .-معبدحسينخان (پيشخدمت حضورهايون پسر محمد تقیخان حاجبالدوله).' چاص ۹۲۷: چ۲ ص ۱۰۱۱ ، ۱۲۵۲: .T.YY . 1977 o TE محمد حسينخان { پيشخدمت وفرائباشي نايبالططنه): ج1 ص ٥٣٠: ج ٢ ص ۱۲۵۶ : ع۲ ص ۲۱۱۰. محمد خسین خان ( پسر جمشیدخان ): ج ۲ ص ۲۰۷۲. معبد حسین خان ( برادر حاجی|براهیم خان کلانتر ): ج۲ ص ۱۲۲۳۰ محمد حسين خان ( حاكم ظخال ) :ج٢ س ۱۲۱۰ ۱۲۱۰ ۱۲۱۰ سميد حسين خان (حاكم نطنز): ج ٣ ص ۱۲۰۲ ، بعدد حسينخانظج:ججس ١٧٠١ ، محمد حسین غان (دفتر دار): ج ۳ ص · 1101 محمد حسینخان دولوی قاجار: ج ۲ ص 1164 : ج ۲ ص ۱۳۷۵ ٠ محمد حسین ځان دویرن ( سرهنگ ) 🗈 ج 1 ص 4۰۵۰ معند حسینخان ( رئیس ملطه یوغازی باش): ۲۶ ص ۱۲۵۲ ۰ محد حمینخان ( رئیس عملیجات دارـــ الخلافه): ج٢ ص ١٩٨٢ -مصدحسینځان(حاجی۔)زند (سرهنگ ): ج ۳ ص ۲۳۹۳۰ معید حسین خان زنگته ( نایب ایشینگ آقاسی باشی) :ج۳ ص۱۵۲۸ ۱۶۱۵۰ ۱۶۱۵۰ -1115

محد حدينخان برتيب ( رئيس طائف

محد حسين خَانسرتيپ ﴿ رئيس طَائفُ

محمد حسينځان ( سرتيپ دويم و ټاظم

ج ۲ ص ۲۵۶۵۰

ص ۲۰۶۵۰

دولو):ج1ص7مۂ: ج ۲ ص1۲۲۱؛

قزل الماغ): ج ٢ ص ١٢٢١: ج ٣

دارالفئون)، ج 1 ص ۵۳۷، ج۲ ص

1747: 3 T & Tett 1717.

. T 170 - T E

· 1114 · 111Y

ىحىد ھىين بىك سقاياشى:ج1م،۵۵۸-

محمد خسین خان ( سرکرده جمساعمت ترشیزی) ء ج ۳ ص ۲۰۸۹ ۰ محمد حسینخان سرهنگ: ج1 ص 61۵. .TOAT OTE محمد حسینخان سرهنگ: ج۱ ص ۵۱۳: ج آص ۲۱۴۰ ج۳ ص ۲۰۹۱. محددحسین خان (سرهنگجماعت شاهسون ) 🖰 عا ص ۲۱۱. محمد حسینخان سرهنگ( پسرحاجیمحمد باقرخان عمادالملك): ج7ص1844. محمد حمینخان سرهنگ ( پسر محمدخان امیر تومان): چ۳ ص ۲۵۷۲. محمد حسینخان شامبیاتی: ج1ص ۵۰۲: ع٢ ص ١٢٢١: ع٢ ص ١٩٥٥. محمد حسین خان، پسر شریفخان(نایب حکومت شاهرود ): ج۳ ص۱۹۰۰، محمد حسینخان شکی: ج۳ ص ۱۵۷۱ : محمد حسینخان ( طحب منصب) :ج1 ص ۵۳۳. محمد حسينخان ( صدراعظماصفهاني): ج٣ ص ١٤٢٤. محمد حسينخان صدرالدوله (ايثيكآقاسي باشي) نج 1 ص ۵۵۷: ج۲ ص۱۲۹۵: 37 % PAGE: YALE: +117. محمد حسين (حاجى ــ ) خانءزالديــن لو: ج٣ ص ١٢٩٠. محمد حسین ( حاجی۔ ) خان ( ولـــد عبیدالطک): ج ۱ص ۴۷۰؛ ج ۳ ص . T a o A محمدحسين خان (فرزند فتحطى خان قاجار : ع ۲ ص ۱۲۷۲ ، محمد حسینځان ( پسر میرزا فتحطیځان مستوفی: ۳۶ ص ۱۷۸۲ ، محمد حسینخانفراشباشی: ج۲ ص۱۲۲۷: 3 7 W 1407. محمد حسین (میرزا ... ) خان فراهانی.. دبيرالملك:ج٣ ص١٧٩٣ ، ١٨٣٣ . محمد حسین ( میر ــ) خان فیروزکوهی:

ج٢ ص ١٤٠٤ .

محمد حسينخان فأجار إ فأتل شامطهماسب

ثانی): ج۲ ص ۱۳۶۲ ، ۱۳۷۲ ،

محمدحسينخانقاجاردولو: ج٢ص ١١٥٣،

۱۱۶۵ محمد حسینخانقاجارقوانلو ( سرکشیگهی محمد حسینخانقاجارقوانلو ( سرکشیگهی باشی): ۳۳ ص ۱۳۸۰ ، ۱۴۰۱ ، ۱۴۰۸ ، ۱۴۲۸ تا ۱۴۲۸ ، ۱۴۲۸ محمد حسینخان قراگزلو ( حاکمهمدان): ۳ جس ۱۳۹۷ ، ۱۵۶۷ ، ۱۶۵۸ ، محمد حسینخان قراموسانلو: ۳۳س ۱۳۲۴، محمد حسینخان قراموسانلو: ۳۳س ۱۳۲۴، محمد حسینخان (قراموسانلو: ۳۳س ۱۳۲۴،

ج ۲ ص ۱۷۲۰ . محمد حسین خان ( ولد محمد خان امیر تومان): ج۱ص۹۰۵؛ ج۲ص۱۲۲۸ . محمد حسینخان ( مدیر گبرک فارس ): ج ۳ص ۲۱۱۲ .

محمد حسینخان ( برادرکریم دادخان):

محمد حسین (حاجی -- ) خان (مروزی قاجار عزالدین لو، فضرالدولـــ ، امبرکبیر): ج۳ ص ۱۵۴۲. محمدحسین (میرزا -- )خزاند:ج۳س،۲۱۰۰ محمد حسین (میرزا -- ) خطاط بزد:ج۱ ص ۵۴۳.

محمد حسین (میرزا – ) خسمای (پیشکار خسم): ج۱ ص ۱۳۵: ج۲۵ می ۱۲۵ مید محمد حسین (میرزا –) داروغسه مستوفی ( پسر وقایع نگار): ج۲۰۵، ۲۰۹، محمد حسین (میرزا – ) رئیس پستخانسه نیشابور: ج۲ص ۱۲۷۴: ج۲۳۰/۲۲۱. محمد حسین ( میرزا – ) رئیس الکتاب: ج۲ ص ۱۲۷۶: ج۲ ص ۲۱۲۹. محمد حسین (میرزا –) سرشتمدارو مستوفی: ج۱ ص ۱۳۵: ج۲س ۲۱۰۲.

محمد حسین (میرزا ۔) عزب،باشی، ج ۳ ص ۱۶۳۳، ۱۷۰۰،

- 1744 · 1711 & TE

محمد حسين ( ميرزا ــ ) عقدالبلــک : ع۲ ص ۱۲۵۶ ، ۱۲۵۹ ، ۱۲۷۱ ،

محبد حسين ( ميرزا ...) كاتبالططان : ج1 ص ۵۲۶.

محمد حسین ( ملا ــ ) کشمیری: ج۲ ص ۹۲۱.

محمد حسین (میرزا س) لشکرنویس: ج ۳ محمدحسین(میرزاس) منشی: ج۲۳۵۵۲۰۰۰

ص ۱۹۶۴.

محمد حسین ( میرزا \_ ) للد باشی:چ۲

س ۱۲۹۷؛ چ۲ س ۲۱۲۱.

محمد حسین ( میرزا \_) مازندرانی(لشکر

نویس): چ۲ ص ۱۳۶۸.

محمد حسین ( حاجی مـلا \_ ) مجتهد .

کاشانی: چ۲ ص ۲۰۵۹.

محمد حسینخان ( ناظم دارالقنون):چ

ص ۲۰۰۶.

محمد حسینخان ( نایب آجودانیاشی) :

ع۲ ص ۱۳۳۰ : هم ۲۰۷۳ المحد حسین ( میرزا ـ ) خان ( نایسب الحکومه اصفهان): ع۲۰۷۳ محد حسین خان ( نظام الدوله اصفهانی): ع۲۰۰ محد حسین خان ( نظام الدوله اصفهانی): ع۲۰ ص ۱۵۲۰ - ۱۵۲۳ محد حسین خان ( نظام الدوله اصفهانی):

معد حسینخاننوری:چ؟ ص ۱۷۰۶. محدحسین(میرزا)،محرر: چ۲س؟۱۱۹. محمد حسین (میرزا ــ) ولد میرزا محسد مستوفی: چ۱ ص ۵۲۸.

محمد حسین (میرزا س) پسر میرزا محمد باقر لشکرنویس: چ۲۹۹۹۹۰۰ محمد حسین ( میرزا س) مستشار: چ ۱ ح-۲۰۹۶-۲۵۲۵۲ چ۲۳۵۹۶۰۲

محمد حسین ( میرزاــ ) ستوفی: ج ۳ ص ۲۰۴۲۰۱۹۱۷ ، ۲۰۹۸،

محمد حسین ( حاجی میرزا \_ ) مستوفی آشتیانی: ج چس ۱۹۹۴.

محمد حسین (میرزا ــ) مستوفیخزاند) : ج1 ص ۵۲۸،

محمد حسین ( میرزا — ) مستوفی (پسر میرزا جمفر وقایعنگار): ج۱ص۵۲۸: ج ۲ ص ۱۹۷۱

محمد حسین ( میرزا – ) مستوفی (پسر وزیر لشکر): چ۳ می ۲۰۲۱.

محمد حسين ( ميرزا ــ ) ستوقي(نايب الحكومة يزد): ج۲ ص ١٩١٢،

محمدحسین( میرزا ـ ) مستوفی (وپیشکار حاکم خنسه): ۲ ص ۱۲۰۱ -

محد حسین ( میرزا ــ ) مثرف (ماحب منصبفرج): ج۲ ص ۲۱۲۲.

منصبائرج): ج۲ ص ۲۱۲۲. محد حسین( حاجی ــ ) ملکالتجبار : ج۲ ص ۱۷۱۶، ۲۱۲۵، ۲۱۲۶.

محمد حسین (میرزا ــ ) منشی تفرشی : ج! ص ٥٢٩. ج ٣ ص ١٠١١٠. محمد حسین ( ۱۵۱س) منشی سفارتعثمانی در هندان: ج۱ ص ۵۳۷: ج ۳ ص · 11+A محمد حسین ( میرزا ــ) منشی نوری ُج۱ محدحسین(میرزا ...) منشی و دفتسردار: - ITYI or Te مصدحسین،برزا: ج۳ ص ۱۵۵۲ ، ۱۵۵۲ · 1098 محمد حسین ( حاجی ... ) میرزا ( پسر جهانگیر میرزا): ج۲ص ۲۰۶۳، محدد حسين ميرزا حشمت الدوله : محددحسين ميرزا حشمت الدوله ( يسسسر دولتشاء): ج٣ ص ١٥٥٠ ١٥٥٧٠ 1910 1150A . 1501 1 1500 · 1545 محمد حسین میرزا ( روزنامعنویس): ۲۶ ص ۲۱۲۶ : ۲۱۲۹ ۲۱۲۱ ۲۱۲۱ محمدحسين ميرزا ( رئيس تلگرافخانه) : ج ١ ص ٥٥٥ ج ٢س ٢١٢٥٠ محدد حسين ميرزا ( پسر سلطان حسيسن میرزا): ج۲ ص ۲۴۵۰ محمدهسین (حاجی 🕳 ) میرزا (شاهزاده) 🖰 ج٢ ص ١٢٢٠٠ محمد حسین میرزا ( مدیر گمرک قزوین): ج٣ ص ٢١١٢. محمدحسين ميرزا (مهندس) : ج٢٠٠٧ ٠ محمد حسين ميرزا ( پسر ميرآخور): ج٢ ص ۱۲۲۰: ج۲ ص ۱۹۲۸، ۲۰۶۳. مجمد حسین میرزا ( والی گرمانشهان ): ج ۴ ص ۱۵۵۲ ۰ محمد حسین میرزا ( والی گجرات): ۲۶ معدد حسین ( میرزا ــ ) ناظمالملــک : ج ۳ ص ۱۹۲۳، ۱۹۲۶. محمد حسین( میرزا ــ) نایبایشیکآقاسی باشی: ج۳ ص ۲۱۱۶۰ محمد حسين ( ميرزا \_ ) نايبالحكومـه٬ شاهبون بغدادی: ج۲ ص ۱۳۰۰

ج ٣ ص ٢١٢٥٠

محمد حسین ( میرزا \_) نایب و منشی:

. 1 ℃ 174· محمد حسین (میرزا ۔۔ ) نواثی: ج ۲ ص . 1101 محمد حسین ( حاجی میرزا ــ) وزیـــــر تجارت: ج ۳ ص ۲۱۲۶، مصدحسین ( میرزا ــ ) وکیل ( حاکسم فسا): ج ۳ ص ۱۶۱۲، محمد خان: چ۲ س ۱۰۹۶؛ چ۲ص۶۸۶۰۳۰ محمد خان ( از خانوادی جنتای خان): ج ۲ س ۶۴۹۰ مصدخان: چ ۱ ص ۵۱۷: چ۳ص۱۵۹۲۰ محددةان: ج٢ص ٢٩١: ج٣ص١٥١٠. محمد خان ( پير \_): ج ۲ ص ۸۹۲. محمدخان ( حاجي \_ ): ج٦ ص ١٥٧٠٠ محدفان( حاجی شاہ \_ ): ج1 ص۵۳۲، محدخان (ميرزا 🕳) : ج1 ص ٥٢٥ : ج٢ • 1777 • 154F • 150A . محمدخان (مبرزًا -) از اعیان طهران : ج۲ ص ۹۶×۲۰ محدول ( ميرزا ـ ) از امراه : ج٦ ص Sp. 1949 ( day ) 1968 محدخان آجودان: ج1 ص ٥٣٢٠ محمدخان ( ميرزا ــ) بسر آصفالدوله : - 18AT o TE محمدخان ( ولد احمدخان عمیدالملک): ج ۱ ص ۵۲۵، محددخان ( پسر احمد خان نوائی):ج۲ ص ١٢٥١ ؛ ج ٣ ص ٩٤٠٠٠

محمدخان: ج ۲ ص ۱۲۷۱، محمد خان: ج ۲ ص۶۲۹، سعیدخان: ج ۲ص ۱۴۵۸ ۰ محیدخان: ج ۲ ص ۱۲۴۵۰ محدخان: ج۳ ص ۱۳۶۰ ، محددفان(وك اسحقخان): ج٣٠٠١٨٠٠ محددهان بن اسكندر خان ج٢ص١١٥٥٠ محمدخان افشارأوبهي: چ۲ص ۱۱۳۱۰ محمدخان افغان ( ولد اعظمخان): ج٣ ص ۱۳۷۵ ، محدخانافقان( سرکرده): ج۱ ص۵۲۰: ج ۳ س ۴۰۴۰ محمدخان امیرتومان: ج۲ ص ۱۲۲۱ کی

مصدخان امیرنظام؛ ج ۳ ص ۱۶۲۴، محمدخان امين ظوت (تفنگدار خاصه): ج ١٠٥٠ ج ١٠٥٠ ٠ ١٢٥٠ محمدخان بن اویسخان: ج۲ ص ۷۹۱، محمدخان ایروانی: ج۲ ص ۱۶۲۲،۱۴۷۲ -. 1517 محددخان بغایری: ج۳ ص ۱۶۸۵ ، محدخان بلوچ: چ۲ ص ۱۹۳۲، ۱۹۹۶، -1111 مصنحانبیگزاخوری: ج۲ ص ۹۲۲،۹۲۴. محمدخان بیگله زند: چ۳ص ۱۳۷۵ ۰ معمدخان ( میرزا 🕳 ) بیگلربیگی: ج ۴ · 1514 0 محمدخان ( میرزا ...) بیگلربیگی (برادر سالار): ج۲ ص ۱۶۸۹ ۰ محمدخان( میرزا ۔) بیگلربیگی شیراز (ولد حاجي قوام الملك) : ج٢ ص١٧٢٨ ، · 1774 محمدخان بیکلربیکی ( ابن فتحطی خان رشتی): ج۳ ص ۱۶۷۵ ۰ محمدخان بیگلربیگی ( پسر فتحطی خان شیرازی): ج۳ ص ۱۶۹۶ ۰ محمدخان ( میرزا \_ ) بیگلربیگی قاجار: ج ٣ س ۱۲۶۲ ، ۱۲۲۱

محمدخان بيگلربيكى مازندران : ج٢ص١١٥٨ - ١

محمدخان (از اجزای پستخانه): ج ۳ ص

بحدخان ( ميرزا ــ ) پيشخدمت خاصمو

تفنگدار باشی) پسر امین خلوت :

· ¥ 1 Y +

ص ۲۱۱۱۰ محمدخان ( از جماعت سبزواری): ج ۳ ص ۱۲۰۸۸ ت

محمدخان ( جهان بيگو): چ۲۰۹۰۰۰۰ محمدخان ( حاجی ــ ) حاجب الدولــه :

ص ۱۶۴۱ ، ۱۶۴۲ ، ۱۶۵۲ ، ۱۶۶۱ ،

· 1475 · 1450 · 1477 · 1445

3 TO \* 1A1 + 17A1 + 16A1 + محمدخان حاجیلر استرآبادی یوزباشی : ۶ ۳ ص ۱۲۹۱ ، محمدخان ( حاکم استرآباد ) :ج۲م،۹۸۳ . محمدخان (حاکمیزد): ج۳ ص ۱۸۷۵. محمدخان ( ميرزا ــ) پسر حسينظيءَان: ج ۲ ص ۱۶۲۵ . مصدخان (حکمران): ج1 ص ۵۵۹. مصدخان ( خالوی آقا مصدخان ) : ج۲ س .1157 .1151 متمدخان ( ولد ظیفهٔ انماری) : ج۲ ص محمدخان دادو (حاکم مازندران): ج۳ · 1775 · 1750 0 محمدخان ( حاجی میرزا ــ) دبیر مهام خارجه): ج۲ ص ۱۷۸۳، ۱۷۹۴ ، - 1AF4 + 1A1F محمدخان ( میرزا ــ) دولویقاجار (حاکم قزوین و بیگلربیگ طهران): ج۳ ص

· 1774 · 1774 · 1717 · 1747 - 10Y0 - 10YT - 10TA- 10++ محمدخان راوری (میرزا۔..) : ج۳ ص۱۴۱۸. معندخان ( ولد رفيع خان) : ١٢٨٢. محمدخان رئيس اعطيل توپخانه ( پىسىر محمد ثقى خان حاجبالدولم),ج٣ · 1977 •

محدخان ( رئیس کرلو) سرهنگ:ج۱ ص ۲۰۵۰ ع ۲ م ۱۲۲۱ ، ع ۳ص ۲۰۶۶ · محمدخان زند ( عم لطفطیخان) : ج۳ س . 177" . 371Y . 110T . 110T . 1444 . 1444

محمدخان زنگته ( امیر نظام): ج ۳ ص · 1584 1544 · 1605 · 1045 - 1597 - 1579

محمدخان زیادارغلی: ج۲ ص ۹۰۹؛ ج۳ · 1754 •

محمدخان ( حاجی ــ ) ژنرال قونسول: ج٣ ص ١٩٥٥٠

محددخان( ميرزا ــ ) سيهسالار اعظم : ·1574 ·1450 @ T E

محمدخان سرتیپ: ج1 ص ۵۱۵: ج ۳ ص

. 7095 محددخان برتيپ ( صاحب منصب فوج): ج ۳ ص ۲۱۲۲.

محمد خان ( سرکردهٔ جاعت اردلان ): ج 1 ص ٥٢٥،

معمدخان ( سرکردهٔ جماعت قرائی ) : جا ص ۱۵۱ ع س مده٠ محمدخان ( سرکرده سواره شقاقی):ج۲ ص ۱۲۴۲ ۰

محمدخان ( مبرزا ــ ) سرکتیکچیباشی: - 1704 · 1746 - TT

محمدخان سرهنگ: چ۳ص ۲۰۸۴.

محمدخان (آقا ۔.) سرهنگ: ج۱ص۵۵۸. ۷ ج۳ ص ۲۲۰۷۳.

محمد خان (حاجی ــ) سرهنگ؛ ج ۳ ص ۲۵۷۶.

محمدخان(شیخ سا)مرهنگ: چ۳۰۹۴۰۰۰. محدخان سرهنگ ایروانی: ج۲ص۲۵۰۳. محمدخان (شیخ۔) سرهنگ (پیادہ بلوچ عرب): ج١ ص ٥٢٤.

محمدخان (حاجی۔) سرهنگ (فوج بهادران افشار) ؛ ج1 ص ١٥٠٠.

محمد (حاجی۔ ) خان (سرهنگفوجیها دران بهارلو) . ج ۲ص ۱۹۳۲ . ج ۲ص ۲۰۸۱. محمدخان ( سرهنگ فوج پنجم خوتی ): STATE STATE

محمد خان ( میرزا \_) سرهنگ ( پســر سپهمالار اعظم نشیرالدوله)؛ ج ۳ ص ۲۰۲۲.

محمد (میرزا۔)خان (سرهنگکرمانشاهانی): ج ١ ص ٥١١: ج٢ ص ١٢٢٢: ج٢ ص ۲۰۲۶.

محمد خان ( میرزا ــ ) سرهنگ (جماعت کلبادی): ج۱ س ۵۲۳.

محمدخان ( میرزا ــ) سرهنگ ( پسرملک الاطباء ) :ج عص ١٢٢٦ :ج عس ٢٥٧٥ .

محمد خان سرهنگ یزدی: ج۲ص۱۲۹۵ : ء ۳ ص ۱۲۴۰.

محمدخان بن سليمان ( حاكم سمرقند): 3 1 to 178.

محدخان سوادگوهی: ج۲ص ۱۶۶۰ ۱۹۶۲۰، - 11YT

محمدخان سرتیپ ( میرزا \_) : ج ۳ ص [ محمدخان( شاء مغولستان): ج ۲ص۶۹،۹

محمدخان شرفالدين اوغلى: ج٢م٩٨٠، محمدخان ئيرازي: ج٢ص ١٠٢٥.

مصدخان ( طحب دشت قبچاق): ج ۲ ص ۶۸۴،

محمدخان( میر ــ ) طبسی: چېس۲۰۲۳. محمدخان ( میر \_) عربزنگوئی: ۱۴۰۱. محمدخان عز الدين لوى قاجار : ج٣٥٢ م ١٣٢٤ ، . 1417 6 1417

محدخان(برادر زاده غفورخان طهرانی) حاكم طهران: چ۳س،۱۳۹،۱۳۹، محددقان غلیجائی افغان ( ولد اعظیم خان): ج۴ ص ۱۴۲۳.

محمدخان (میرزا۔) برادرزادہ فتحطیشا ہ : . 15TY & TE

محمدخان فاجار ( آقا \_ ): ج٢ص١١٥٩٠ ·1194 ·1186 · 1184 · 1181 · 11A1 · 11YY · 11YF · 11YF - 1775

محددخان قاجار (حاجی۔) : ج۳س ۱۵۷۱ ،

محمدخان قاجار ( بیگلربیگی ایروان ): ج ۳ ص ۱۴۲۱ -

محمدخان قاجار دولو ( حاکم کزاز);چ۲ ص ۱۱۵۴ - ۱۱۶۰ : ۲۳ ص ۱۳۹۱ ، · 1514 · 1740 · 1775 · 1777

بمحمدخانقاجار (صبيه \_ )زوجه فتحملي شاه قاجار: ج۳ ص ۱۴۰۷،

محدخان قاجار قواتلو (بیگلربیگی مازندران): 3700011.7011.7011.0311. . 1541 . 1754 . 1757 - 72: 1150 محمدخان قاجار ( قور يساولباشي): ج١ ع-۵۴ : عمر ۱۲۷ : عمر ۱۲۱۶ ، . Y 1 TA

محمدخان ( ميرزا ــ) ناجار ( كثيكهــي باشی): چاص ۱۷۹۴.

محمدخان قاجار (نایب آجودانیاشی ): ع ٢ ص ١٦٢٠ ع ٣ ص ١٨٢٩ ، . TOYY . 10To

محددخان(پسر قاسم خان) : ج۲ ص۱۸۲۳. محمدخان(حاجی ــ ) قراگوزلویهمدانی: ع ۳ ص ۱۴۷۲ ،

محمدخان قرائی ( پسر اسحقخان): ج۲ ص ۱۵۲۰ ۱۵۲۵ ، ۱۵۲۹ ، ۱۵۹۲ ۱۵۹۲ ، ۱۵۹۸ ، ۱۶۰۱ ، ۱۶۹۲

محمدخان( قونسول ازدیر): ج۱ ص۵۳۲، محمدخان (میرزا ــ) قیاقلوی قاجار:ج ۳ ص ۱۲۶۲، ۲۱۰۶،

محمد (میرزا ۔۔) خان ( کارپرداز حاجمی ترخان): ج ۳ ص ۱۷۳۸

محمدخان ( میرزا ــ ) کشیکچنی باشی ( سپهسالار): چ۲ ص۱۶۲۸ ، ۱۷۲۸ ، ۱۸۷۰ ، ۱۸۱۰ .

محمدهان (گرجی (تفنگدار خاصه): ج ۱ ص ۵۳۵: چ۲ ص ۱۲۵۷: چ۲س ۲۱۱۱ محمدهان(میرزا-)لاریجانی (سرکرده): چ ۲ ص ۱۲۰۲: ۱۲۱۲ ، ۱۲۱۸ ،

محمدخان (پسرلطفعلیخان): چ۲۰۸۷٬۳۰۳ محمدخان ( مامورعراق):چ۲۰۰ ۵۵۲، محمدخان ( مامور ملایر):چ۲۰۰ ۵۵۲، محمدخان(مامور نقد و جنساداره غلات): چ۲۰۰ ۲۱۱۲۰

محمدخان ( حاجی میرزا ــ )مجدالطنگ : ج 1 ص ۲۲۶،ج۲ ص ۱۹۲۲ . محمدخان ( ولد محمدحسنخان سردار ) : ج۲ ص ۱۷۹۲ .

محمد (آقا ۔) خان ( پسر محمد حسنڪان قاجار) :چ7ص17۵۶۰۱۲۵۵۰تا ۱۳۶۶. محمدخان ( پسر مخدومظلی خان) : ج ۳ ص ۱۶۵۷۰

محمدخان مطحتگذار اسلامبول: ج۳ ص ۱۷۲۵ · ۱۷۴۲ ·

مصدخان(میرزا۔)مقصودلو کے ۲ ص۱۵۷۸ مصدخان(میرزا ۔) منشی: ج ۱ ص۵۰۶۵ ۵۲۵۰

محمدخان ( میرزا ...) منشی آذربایجان: ج ۱ ص ۵۰۵، ۵۰۶: ج۲ ص ۱۲۲۵ ، ۱۲۲۶: ج۳ص ۱۹۶۹، ۲۰۷۰،

محبدخان مپرپنجہ: ج7 ص ۱۷۸۳۰۱۷۶۷ . محمد خان (میرزا ــ)ناظم دفتر: ج ۳ ص ۲۱۵۴ .

محمد (میرزا سـ ) خان (نایب آجودان): ج ۳ ص ۲۱۲۲،

محمد خان (نایب اول): ج7 ص ۱۲۲۹. محمد خان( نایب ایشیک آقاسی,اشی) : ج ۲ ص ۲۹۴۶.

محمد ( حاجی میرزا۔) خان ( نایباول رزارت دول خارجه): چچس۱۲۴۹، محمد خان ( نایبالحکومه مازندران):چ۳ ص ۱۲۲۴،

مصدخان ( نایب خراسان): چېمی۱۲۸۶، ۱۲۹۰،

محمد (میرزا س) خان (نایبگارپردازیمره): ج۲ ص ۲۱۶،

محدخان ( ولد نمیرخان لاری): ج۲ ص ۱۲۰۲،

محمد خان نظام|لطماء : ج1 ص 676 ج7 ص 1740 ج7 ص 7099.

محمدخان ( میرزا \_ ) نقاشیاشی: ج ۳ ص ۲۱۱۱ ·

مصدخان نوائی، ولد عمیدالطک ( نایب ایشیک آقاسی باشی): ج۱ ص ۵۲۰ ج۲ ص ۱۲۷۰: ج۲ ص ۲۱۶۰ محدخان نوری( میززات): ج۲ص۲۰۴۱

محمدخان نوئي: ج اس ۱۲۱۳. محمدخان والي: ج1 س ۵۰۷، ۵۵۹ چ۲

من ۱۹۶۲ - ۱۹۵۸ م ۱۹۶۳ ، ۱۹۴۳ ، ۱۲۰۷۱ -

محد (حاجوب ) خان ( بنو وکیل الملک) : ج ۲ ص ۱۸۹۹ ،

محمد ( میرزا ــ ) خان ( پسر میرزا هاشم خان امینخلوت): چ۳ص ۱۸۵۷،

مصدخان هزاره: ج7ص ۱۴۶۷ مصدخانیاور ج1 ص ۵۱۰، ج۲ ص۲۰۷۵۰ مصدخان(یاور ایرنلو):ج۲ص ۲۰۸۷

محدخان (یاور خارج فرج): ج۲ص۱۲۲۱۰ محمدخان یزدی ( سرهنگ): ج۱ص۵۰۸ : ج۲ ص ۱۲۲۹؛ ج۲س ۲۰۷۳۰

مصد علی آبادی ( میرزا --):ج۳ص۱۲۸۳۰ محمدی خان ( بیگلربیکی شیروان): ج ۲ ص ۹۶۸۰

محد ذخیرطالدین: چ۱ ص ۳۳۵۰ محدرجیمبیک(غلامیاشی): چ۲ ص۲۰۱۳۰ محمد رحیم خان: چ۲ص ۱۷۲۶ ، ۱۷۲۸۰ ۱۸۲۹

محمد رحيمخان تورد ( ابن ايلندز خـــان

خوارزمی): ج7اس ۱۲۱۵۰ محمدرحیم (حاکم بروجرد): ج7ص۱۹۹۳۰ ۱۹۹۵۰

معبد رحیم خان خوارزمی: ۱۵۲۳، ۱۵۲۹، محمد رحیمخان (آقا — ) داشی ( نایب ایشیک آقاسیباشی): چ۳ ص۲۱۱۶، محمدرحیم خان ( رئیس ): چ۱ص۵۰۳، محمدرحیمخان ( رئیس بنیاعمام): چ ۲ ص ۱۲۲۰،

محمد رحیم خان سیانلو: ج1ص ۵۰۳:چ۲ ص ۱۲۲۱: ج۲ص ۲۰۶۵.

محمد رحیمخان شامبیاتی( سرتیپ و رفیس طائفه): چ۱ ص ۲۵۵:چ ۲ ص۱۹۲۱: چ۲ص۲۲۹،۱۹۲۶،۱۹۲۶،

محمد رحیم ( حاجی ــ) خان قاجار:چ۳ ص ۲۰۱۳.

مصد رحيم خان ( برادر محمد نتي خان حاجبالدوله): چ۲ ص ۲۱۵۳. محمد رحيم خان ( پسر محمد علي ميرزا دولتشاه): چ۲ ص ۱۵۵۱.

محمد رحيمخان ( ميرآخور آذربايجان ): ج۲ ص ۲۰۷۸.

محمدر حيم خان (نايب الحكومة بجنورد ) : ج ۲ ص ۱۷۶۰ .

مصدرحیمخان(نسقچی باشی، علا الدولد امیرانظم): ج۲ ص ۱۷۱۳، ۱۷۸۵۰ ۱۸۲۰، ۲۱۱۸،

محمد رحیم میرزا ( ضیاءالدوله): چاص ۱۵۰۱-۱۸۰۲، ۱۶۱۷ - ۱۸۰۲،۱۷۳۱ محمد رشدیهاشا: چ۲ ص ۱۹۲۶،۱۹۹۴ ،

محمد رشید (قاضی طب): ج ۲ص۱۰۲۵. محمد رشیدی پاشا ( صدراعظم عثمانی): ج۲ ص ۱۸۸۱.

محمد رضا ( میرزاــ) ( در معیت میسرزا مهدیخان): ج۱ ص ۵۳۱،

محمد رضا ( حاجی ــ ) ارباب: ج۳ ص ۲۱۲۶،

محمد رضا بیک مرندی ( باور اول): ج۱ ص۱۱۵:ج۲س ۱۲۲۳: ج۲س۲۵۰۳ محمد رضا (حاجی ــ) تاجر شیرازی: ج۲ ص ۲۱۲۶.

محدرها (طجى ميرزاــ) تحويلدارنقدى:

محمد رضاخان: ج1 ص ٥١٩. محمد رخاخان بیگلربیکی: ج۲ ص۱۲۹۷: 37 @ Y117 11117. محمدرضا خان ( از جماعت سبزواری) : محمد رضاخان سرئيپ: چ۳ ص ۱۷۸۴. محمدرفاخان( سرکرده جماعتباخزری).' عا س ۱۵۱۸ ع۲ ص ۱۲۲۳ : عاس محمد رضاخان سرهنگ: چ۲۰۷۶،۰۰۰ محمد رضاخان سرهنگ ( تحویلدار): ج ۳ محمد رضا خان ( سرهنگ فوج دویم) : محمد رضا خان ( عزالدین لو): ج۲ ص محمد رضاخان فراهانی: ج۳ ص ۱۶۰۷ ، محمدر شاخان قاجار : ج٣ ص ١٧١٢٠١٧٥٠ . محمدرضاخان قايجلو (ج1ص٥٥٥) ج ٢ص١٢٢١ محمد رضاخان قزوینی( نایب نسقخانه): ع٢ ص ١٢٤٩: ج ٢س ١١١٨. محمد رضاخان ( قیاخلو): چ۲۰۶۵،۰۲۰ محمد رفاخان کراہی: ج۲ ص ۱۴۲۰. محمد رضا (حاجی ۔) خان ( معیز ) : محمد رضاخان نوری: ج۲ ص ۱۳۹۳. محمدرضا (حاجی میرزا۔) شربتدار: ج ۳ محمدرها (آقاسید ۔) بسر آقا سیدهادق: محمد رضا ( بیرزا ۔۔) قزوینی: ج ۳ ص محمد رضا ( ميرزا ــ) كاثاني (مترجم): محمد رضا ( میرزا ــ) متولی باشی: ج۳

ع ۱ ص ۵۲۰.

JT & MOY.

·YOAA

ص ۲۱۲۱.

ع۲ ص ۱۵۷۲ .

. T107 @ TE

- ۲۱۱۵ ه

. Tota or TE

ج١ ص ٥٥٥٠

٠ ١٧٩٥ ٠

محمد رضاً ( میرزا \_) ممتوفی ( دیسوان

محمد رضا ﴿ حاجى ميرزا ـــ ﴾ مستوقيسى

محمد رضا ميرزا ( افسر): ج٣ ص ١٥١٩،

خراسان: ج ۳ ص ۱۸۴۳،

اعلی ): ج۳ ص ۱۸۶۷، ۲۰۹۹،

- ነዋልዎ

١٢٢١ : ج٢ ص ٢٠٥٥.

. 1400 . 1510 . 1517

- 1577 - 1050 - 1077 محمد رضا میرزا ( رئیس): ج(ص ۵۴۹. محدد رضا میرزا سرهنگ:چچس ۲۱۳۱، محمد رضا ميرزا ( فرزند فتحملي شاء ) : ع۲ حد ۱۲۲۸ . محمدرها (حاجی \_) نراقی: چ۲۳۰۸۲۲۰. محمد رضی ( میرزا ــ ) تبریزی ( صاحب زينمالتواريخ ): ج٣ ص ١۴٩١ ، محمد رضیخان ( ازامرا ٔ قاجار):ج ۳ ص محمد رضيخان ( از طائفه قوائلو): ج١ ص ٥٠١؛ ج٢ ص ١٢٢٥. محمدرفیقبیک( شهبندر): ج۳ ص۱۹۵۷. محمد زکی (میرزا۔ ): ج۳ ص ۱۵۹۸. محمدزکیخان نوری: ج۳ ص ۱۵۳۷ ، ۱۵۹۹ ، ۱۵۹۹ · 1570 · 1504 محمدزمانبیگ (قراموسائلو ) : جېس۱۳۷۳ . محمد زمان خان: ج٢ ص ٢٠٠٣؛ ج٣ ص · 10ff محبد زمان ( میرزا ۔۔) ج۳ ( ۱۲۸۷. محمد زمان خان ﴿ تَغْنَكُدَارِ خَاصَهُ ﴾ : ج ١ 20070: 3 TOYOY: 3701117. مصد زمان خان دولوی قاجار : ج ۳ ص -1904 - 104A محمدزمان (حاجي-)خان ( شاء بوداغلو); 31 W 708 3 TO 1771 37 W محمد زمان خان ( عزالدین لو قاجار ): -1614 · 1717 · 77 - 77 محمد زمانخان قاجار! ج٢ ص ١٣۶٨. ٣٣٠ س ۲۶۰۷ . محمدزمانخان (برادر محمد عظیمخان): ج٣ ص ١٩٥١ . محمد زمان خان ( نایب نسقخانه): ج۱ ص ۵۴۰؛ ع۲ ص ۲۱۱۸. محدزمانخان (يسر نظام الدولماصفها اني): . 1070 J TE محمد زمان (آقا ۔۔ ) کلانتر فارس: ج ۳ . 1444 0 محمد زمان سلطان بایندری: ج۲ ص۱۹۶. محددزمانميرزا (چ۲ ص ۲۲۵، ۹۶۲،۷۶۳.

ج؟ ص ١٩٤٠. محمدسمید (میرزاــ) انطاری:ج۲س۲۹۲. محمدسمید ( حاجی \_) عرب ; چېې۲۱۲۸ . محمد سعید ( میرزات) مواتمنالطک:چ۳ ص ۱۷۲۹ . محمد سعید ( حاجی ــ ) وکیل (شهبندر هدان) :چاص ۵۲۷؛ چاس ۱۱۰۸. محمد سلطان( امیرزاده): ج۲ ص۶۶۹، محمدسلطان ( شمسالدين(و):ج٢ص١٥٥. محمد سلطان ( شاهزاده ... ) کیچک: ج۲ محمد عليم افندي ( وليمهدعثماني) (ج١ ص ۵۶۳. محمد شاه: چ۳ ص ۱۶۲۷، ۱۶۳۵، ۱۶۳۸، · 1547 · 1545 · 1547 · 1547 - 1464 محمد شاء بابری هندی: ج ۲ ص ۱۱۲۲، - 1177 محمدشاء سور: ج ۲ ص ۸۲۵. محمد شاء غوری. ج۲ ص ۶۹۰. محمد شاه بن فیروزشاه: ج ۲ من ۷۸۴. محمد شاه ( برادر نظامِناه بهمنی):ج۲ ٠٧١٢ م محمد شریف خان (حاجی \_\_ ): ج 7س PAYI . PTAI . TAAI . محمد شریف خان ( مروزی قاجار): ج ۳ ص ۱۴۹۰ . محمدشريفميرزا ( سرتيپ): ج٠٠٥٤٠٠. محمدشريفميرزا ( قوائلو): ج٢ص١٢٢٠. محمد تغیع خان سامانی: ج۳ ص۱۶۵۸، محمد شفیع ( میرزا \_) شیرازی ( میبرزا کوچک ومال): چ۲ ص ۱۶۸۴. محمد شفیع میرزا مدراعظــم ( ہند پکی مازندرانی اعفهانی) : چېس۱۹۹۸، 1111 - 1191 × 1109 + 110T . 1746 - 1740 - 1740 - 17YY . 1011 . 1141 . 1141 . محمد شيخ : ج٣ ص ١٧٥٧. محمد مادق( حاجی ... ) ؛ چ۳ ص۲۹۲۷،

محمد مادق( حاجی ... ) ارباب: ج۳ ص

محمد عادق ہیگ ( والی تونس) ؛ ج1 ص

. TOOTUTE: ITOY UP TE : AFT

. 1116

محمد مادق بیک ( یاور دویم): ج؟ ص | محمد مادقخان ( برادر کریمخان):ع۲ محمد مادق ( حاجی ــ ) تاجرکاشانی: - T170 & TE مصدمادق خان: ج۲ ص ۱۱۲۹،۱۱۲۸. محمد صادقخان آجودانباشی قرآباغی : - 1774 of - 37 0 1771 . . TITO . TO YT . TTE: 1710 . 17To محمد صادق خان ( از اعضای حکومتی): ج٣ ص ٢١٢٢. محمد صادق خان امین نظام (سرتبپ): ج٢ ص ١٢٣٢ : ج ٣ ص ٢٠٢٤ . مجمد صادق خان (تحویلدار مازندران): .001 or 18 محمدصادق( میر ــ ) خان (دریابیگی): - 1947 · 1947 - Te محمد صادق خان دنبلی: ج۲ص ۱۲۵۸ ۰ محمد صادق خان ( دولو): ج۱ص۵۰۲: -Tofa 570: 1771 370 Tef مجعد مادقخان سرتیپ ( برادر شهاب العلك): ج٣ ص ١٩١١٠ -مصد مادیخان سرهنگ: چ۱ ص ۵۱۸ -جة ص ١٢١٣: جة ص ١٨٠٧. محمد مادی خان سرهنگ: ۱۸۱۵ م مصد مادی خان سرهنگ (رئیس طائفسه قياخلو): ج٣ ص ٢٠٤٥٠ محمد صادق خان ﴿ فراش خلوت) } ج ١ ص ٥٣٥ ع ٢ص ١٢٥٧ ع ٣ ص - 1111 مصدما دیخان قاجار: ج ۳ ص ۱۵۰۰ ، معمد مادقخان قايجلو: ج1ص ٥٠٢: ج - 1771 or T مصد مادقخان قراباغی ( نایبآجودان ہائی): ج ۳ ص ۲۰۲۳، محمد صادقخان ( قراول انبسار و بساور اول):ج7 ص ۱۲۲۳: ج7 ص۲۰۷۷، محمدما دقخان (قزل اياغ): ج1 ص٥٥٢.

ج٢ س ١٢٢١ ، ج٢س ٢٠٥٥ ،

محمد مادق خان قوائلو: ج1 ص ٥٠٢:

محمد مادق ( حاجی ــ ) خان ( کارــ

پرداز شام و مصر): ج1ص ۵۳۴ -

ج۲ ص ۱۶۲۶ ۰

. T100 0 T E

محمد مادق( آقا ــ ) ( موالف شاهسد محمد صادق (ميرزا ــ ) قائمطأم( أمين الدوله): چ۲ص ۱۷۷۱ ، ۱۷۸۶ ، -1417 -14-9 -1746 محمد عادق ( حاجي \_ ) شيرالتجار : مصد صادق ( ملا ــ ) معلم فارسی:ج۳ محمد عادق (حاجی ــ ) معینالتجار : محمد صادق ( آفا میرزا ــ) منشی،اشی: محمد صادق ميرزا ( شاهزاد ۴ قاجار ): ج؟ ص ١٢٢٠: ج؟ ص ٢٠٥٤. مصدمادقميرزا (قوائلو): ج٢ص٠١٢٢٠ محمد عادق ميرزا ( يسر معزالدوله) :ج٣ محمد عادق (حاجق) ناظمالتجار:ج٣ محمدها دق (اسرزاب) وقابع نگار مروزی ( ماحب تاريخ جهان آرا ): ج۱ ص 11071 - 1075 - 1797 - 1779 oret 6 - 189T - 100Y -10TF

ص ۱۱۶۲ ،

مادق): ج۲ ص ۲۲۸.

ج٣ ص ٢١٢٤.

ص ۱۲۱۳۰

ج 1 ص ۱۲۶٠

٠٢١٢٥ ص ٢١٢٥٠

ص ۲۰۶۴ ه

ص ۲۹۲۷ م

محمد مالح خان: ج٣ ص ١٩٩٢ -

ج٣ ص ١٨٧٢٠

ع٣ ص ١٤٣٩٠٠

ج٢ ص ١٧٢٢ -

ص ۹۰۹۰

س ۱۹۳۲ ، ۱۹۳۲ م

محدظاهرخانوكيل قزويني جهاس 1579 -مصدطاهرميرزا ( حاجى ــ ) تايب الاياله : محمد صالح خان ( سرتيپ دويمسواره): محمد مالح خان ( سرتيپ کرديچه) څ۳۶ محمد مالح خان کرد محله استرآبادی : محمد صديق خان ( پسر بارمحمدخان):

معمد عفىمپرزا ، سرتيپ ( رئيس تلگراف محمدعلی ( حاجی ــ ) بارفروشی: ج۲ص خانه): ج 1 ص ۵۲۹ ع۳س۱۲۲ ۲

چا ص ۲۰۵: ع ۲ص ۱۲۲۰: ٣٤ ص . 4 . 24 محمد طاهر ميرزا ( نايب وزارتځارجه): 31 W 176 37 W AT1 . 3 T س ۲۱۲۵ . محمد طاهر ميرزا ( ياور دويم): ج٢ ص ۱۲۳۳ : ۲۰ س ۲۰۲۲ ، محمد ظاهر خان ( سردار جنگ): ج۲ ص مصد ظاهر خان بختیاری: ج۳ص ۱۳۹۳ ۰ . 1894 مصد عبدالله: ج۲ ص ۱۷۰۲، محدد عظیمخان (حابعدار آساندر): ج ۳ ص 1011 -مصدعظیمِخانهزاره( از جماعت،نزدایی) : ج ¥ ص ۱۲۰۸۰ محمد علی(میرزا۔) : ج۲ ص ۱۲۲۵ ۰ محمد علی ( مبرزا \_): ج۳ ص ۱۲۸۷ ۰ محمدعلی (میرزا۔): ج۳ ص ۱۸۰۳ ۰ مصد على( آقاً ــ): چ٣ ص ١٩٢٠ -محمد على ( ميرزا ــ) آجودان ــُطان : ج ٢ ص ١٢٢٥ : ج ٢ ص ١٠٨٠٠. محمد على( ميرزا ...) آشتياًنى مستوفى : ج۲ ص ۱۵۵۶ ۰ مصدعلی آقا دولو: چ۲ص۱۱۵۹ ۱۱۷۲۰ محدعلی(آقاب) اعفیانی: ج۳ص۱۲۵۵۰ محمدعليي(ميرزا ــ ) السيكر:ج٢ص١٢٧١٠ محمد على (آقاــ) امين حضرت ( آبدار باشی، پسر امینالططان): ج1 ص ۵۵۱: ع۲ س ۲۱۰۲۰ محمد على(٦قا سـ ) امينالرعايا: ج٣ ص محمد (میرزا \_) انیسکتر: ج۱ ص ۵۴۱

TITE OF TE STEEL OF TE

ص ۱۷۰۷ ۰

. 1540

بحمد علیبیگ: ج۲ ص ۱۳۲۰ ،

محمد علی بیگ ناظر: ج۲ ص ۹۵۰: ج۳

بحبد على بيگ ( يأور ): ج1 ص 417:

محبد عقی میرزا ( پسر شاعتیاس): ج۲

محمد طاهر خان زند : ج۳ ص ۱۳۸۰ ۰

محمد طاهر خان( سيائلو): ج1ص ٥٠٢.

محمد علی پاشا مصری: ج ۳ ص ۱۹۲۰ } \* 1044 · 1044 · 1444 · 1444 · · 1519 · 1509 · 1044 · 1075 · 1554 · 1566 · 1544 · 1571 محمد علی ( میرزا \_)ازاجزای پستخانه: - T177 0 T E محمد على ( حاجي ... ) تاجر اصفهاني: ج٣ ص : ٢١١. محمد علی (آقا میرزا۔۔) ناجر شیرازی : ج ١ ص ٥٢٥: ج ٢ ص ١٢٥١: ج٣ ص ۲۱۲۵. محمد على (آفاــ) تحويلدار كل خزانه : ج۲ ص ۲۱۱۱، محمدعلی(حاجی \_)حمصی:چېس،۱۶۶، محمد علی خان: ج ۳ ص ۱۶۲۵۰۱۶۲۶، . 1717 . 1701 محمد على خان ( ميرزا ــ): ج1ص49؛ ج٢ ص ١٢٧١: ج٢ص ١٤٨٤. محمد على خان بن آصفالدوله: ج٣ ص . 1540 محمدعلی خان اردلباشی ( سرتیپسیم): 37 W 1771 : 37 W 7707. محمد علی (میرزات ) خان اصفهانی ــــــ شميرالشعراء سروش. محمد عليخان ( برادر اعتضادالدوله ) : · 1445 & TE محمد علیخان افشار: ج۲ ص ۹۹۹. محمد على خان ( پسر اميرالامرا ) : ج١ ص ۶۰۵، چ۴ ص ۷۴،۲۰ محمد علیخان ( امیرکبیر):ج۲ص۱۳۲۹، محمد علىخان (ميرزا ــ ) لمين ديوان: ج ۳ ص ۱۸۲۵. محمد على خان ـــــ أمينالسلطنه. محمد علیخان ( ایلخانی فارس): ج ۳ · 1241 · 1512 · 1517 @ محمد علی خان بختیاری: ج۴ ص۱۷۵۷،

محمد علیخان بلوچ: ج ۳ ص ۱۷۱۵.

محمد علیخان، بیگلربیگی و حاکم استر

محمد علیخان نکلو: ج۲ ص ۱۱۴۹.

محمدعلیخان جوانشیر: ج۳س ۱۷۷۲،

آباد: ج7ص ۱۸۵۹ ۱۹۰۰،۱۹۰۵،۱۹۰۵،

محمد علیخان جوجوق: ج۲ص ۱۲۱۴. محمد علی خان (برادر جهانگیسر خان سیستانی ):ج ۳ ص ۱۳۲۵. محمد علی خان ۱۳۵۵.

محمد علی خان ( حاکم بروجرد): ج ۳ ص ۱۹۹۵،

محمد علی خان ( حاکم شیروان): ج ۲ ص ۱۵۷۰

محمد على خان (ولد حسينقلى خان): چ۲ ص ۱۸۰۲،

محمد علی خان ولد خانلرخان ( نایب، حاکم نهاوند): ج چص ۲۰٫۲۷.

محمد علیخان خواری: ج۲ ص ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۳ ·

محمد علی خان خوتندی: ج۳ص۱ ۱۶۱. محمدعلیخان دانلوی قاجار: ج۳ ص ۱۴۲۰ محمد علیخان دنبلی: ج۱ ص ۵۳۰: ج۳ ص ۱۲۲۰،

محمد علیخان دولو: ج۱ ص ۵۰۲؛ ج۲ ص ۱۲۲۱؛ ج۳ ص ۲۰۶۵.

محمد علیخان ( میرزا ـــ ) روزناممتویس: ج ۱ ص ۵۲۷ی

محمدعلی خان ( میرزا \_) رئیس بیجـار گروبی: ج1 ص 4۴۴،

محمد علی ( مہرزا \_ ) خان ( رئیس روزنامهجات): ج ۲ ص ۱۲۵۲: ج۲

محمدعلی (حاجی-)خان زند (سرهنگ):

3 ( @ 106: 37 @ 1771: 37 @ 7707.

محمدعلیخان( زنرال آجودان،سرتیپ): ج ۲ ص ۱۹۲۵،

محمدعلی خان ( زنرالآجودانمخصوص): ۲۰ ص ۱۲۲۸: ج۳ ص ۲۰۷۲.

محبد علی خان ( برادر سالار): ج۳ ص ۱۲۰۵ -

محمد علی خان سرتیپ: ج 7 ص1۲۴۱؛ ج ۳ ص ۱۷۷۴،

محمدعلیخان ( سرکرده جماعت،ختیاری) : ج 1 ص ۵۲۲،

محمد علیخان ( سرکرده دستمانزانی): ج اص ۵۲۳: ج۳ ص ۲۰۹۳.

محمد علیخان ( سرکرده دسته پائیسن شاهکوشی): ج ۱ ص ۵۲۳،

محمد علیخان سرهنگ: ج۱ ص ۵۱۶:ج۳ ص ۲۰۷۶، ۲۰۷۹. محمد علی خان ( حاجی ــ ) سرهنگ :

محمد علی خان ( میرزا نـ ) سرهنـگ : چ ۲ ص ۲۰۸۶۰

ج۲ ص ۲۰۷۴.

محمد على خان(ولد حاجى سعدالدوله): ج۱ ص ۵۰۸،

محمد علی خان سیستانی: ج۳ ص ۱۳۲۵. محمد علی خان شامبیاتی: ج۳ ص۱۱۵۹: ج ۳ ص ۱۳۸۳.

محمد علیخان شجاعالملک: ج جسو۱۷۶۶، ۱۷۸۱ - ۱۷۷۹، ۱۷۸۹،

محمد على خان (شقاقی) : ج۳ص۱۹۵۳ . محمد على خان|بن|حاجى:تكراللمغان:نورى : ج۲ ص ۱۶۹۶ .

محمد علی خان (برادر شهریاز خان ) : ج ۲ ص ۲۱۱۶۰

محمد علی میرزا ـ ) خان شیرازی:ج۳ص ۱۶۹۲ ، ۱۶۹۷ .

محمدعلیخان ( پسرعبدالرزاقخانسرتیپ) نایب آجودازیائی: چ۱ ص ۵۰۹ : چ ۲۰۷ ۱۲۳۰: چ۳ص ۲۰۷۴.

محمد علی خان عرب بسطامی: ج ۳ ص ۱۴۴۴،

محمد علی خان ( برادر عینالبلک ) : ج ۳ ص ۱۸۵۲ ، ۱۸۵۷

محمد علیخان غفور: ج ۳ ص ۱۶۵۷. محمد علی خان قاجار: ج ۳ ص ۱۳۴۴ . ۱۴۲۷.

محمدعلیخانقوانلو قاجار ( سردارفارس): ج۲ ص ۱۴۲۸ ،۱۴۲۸

محمدعلیخانقوللرآقاسی:ج۲ ص م۱۰۳. محمدعلی ( میرزا ـ ) خان ( کارپسرداز بمبئی): ج۲ ص ۱۸۸۸.

محمد علی (میرزا۔۔)خان( کارگذارخارجہ فارس): ج ۳ ص ۱۸۵۹

محمدعلی ( سِرَزا ـ ) خان کاشی : ج۲ ۲۱۴۰.

بحد علی خان ( میرزا ... )کرندی(نایب آجودانیاشی): ج۱ ص ۵۰۹؛ ج ۲ ص ۱۲۳۰؛ ج ۳ ص ۲۰۷۲. محمد علیخان کلیر: ج۲ ص ۱۵۵۷.

- محمدعلیخان گروسی (نایبایشیک آقاسی باشی): ج 7 ص ۲۱۱۶۰
- محمد علی خان (مامور عراق): ج 1 ص ۵۵۲۰
- محمد علی ( میرزا ــ) خان ستثار : ج۱ ص ۵۲۱ : ج ۲ ص ۲۱۲۰
- محمد على خان (ميرزا۔..) ستوفى(معاون الملک): ج۱ ص ۵۲۸: ج۲ص۲۶۰۲۰ ۲۰۲۷، ۲۰۴۷،
- محمد علی خان مستوفی ( پسر میرزامصطفی وکیل لشکر): ج ۱ ص ۵۲۸ : ج ۳ ص۲۰۰۷، ۲۰۹۹،
- محمدعلی خان مطم : ج1 ص ۵۱۵؛ ج7 ص ۱۲۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۷۵ .
- محمد علیخان ( میرزا ــ) معیسنالسوزاره (سرتیپ): ج ۱ ص ۵۴۱؛ ج ۳ ص ۲۱۹۲۴ ،۱۹۲۴، ۲۱۰۷.
- محمدعلیخان (منشی،خصوصوزارتخارجه): ج ۱ ص ۵۳۱،
- محمد علی ( میرزا ــ) خان (منشیباشی وزارت علوم): ج۱ ص ۲۶۶: ج ۳ ص۲۰۵۲،
- محمد علیخان ( سلطان ... ) پسر مهدی خانِ سرهنگ: ج ۳ من ۱۹۹۳،
- محمد عليّ ( ميرزا ...) خان ناظمالطک: ج ۳ ص ۱۷۳۲ ·
- محمد علی خان نایب ( سرکرده دست. گودرزی): ج۲ ص ۱۳۴۵: ج ۳ ص ۲۰۹۰.
- محمد علیخان ( نایب آجودان باشی ): ج ۲ ص۱۲۳۰ ج ۳س ۲۰۲۲.
- محمد علی خان ( میرزانہ ) تایب،آجودان باشی: ج۳ ص ۱۸۲۴،
- محمد علیخان نظیم ( سرتیپ سوم):ج۱ ص ۵۰۸: ج۲ص۲۲۲۳: ج۲ص۲۰۵۲، محمد علی خان نوائی( نایب ایشیکآتاسی باشی): ج ۱ ص ۵۴۵: ج۲ص۲۱۱۶، محمد علی ( میرزا ــ) خان ( وزارتدفتر
- استیفا): ج 7ص ۱۲۵۳. محمد علی خان (میرزا۔)وزیردولخارجه:
- ج ۳س ۱۷۱۷ ۱۷۲۶ ، ۱۷۲۸ محمد علی ( میرزا س) خان ( وکیلفارس، پسر قوام الملک) : ج۳س ۱۸۶۴.

- محمد علیکان ( پسر هاشمخان): ج1 ص 4-4: ج ۳ ص ۲۰۷۴.
- محمد علی رفسنجانی ( مقیمیرزا): ج ۲ ص ۱۱۲۰ ،
- محمدعلی(میرزا ــ ) رئیس ادارده تلگرافیه . خرمآباد): ج۱ ص ۵۵۰.
  - محمد علی(میرزا ــ ) رئیس پستخانبرشت : ج۲ ص ۱۲۷۲ .
- محمدعلی(میرزا ــ) رئیس پستخانعزنجان: ج ۱ ص ۵۴۲؛ ج ۲ ص ۱۲۷۲،
- محمدعلی زنجانی (ملا ب): ج چی۱۶۹۶. محمد علی (میرزا ب ) سررشتمدار: ج۳ص ۱۷۲۵ - ۱۷۸۴ -
- محمد علی (.میرزات) سررشتهدارتوپخانه: ج ۲ ص ۱۸۵۸،
- محمد علی ( میرزا سید۔ ) سررشتبداردفتر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵: ج۲ ص ۱۲۲۴: ج ۳ ص ۲۰۶۸ ۲۰۶۸.
- محمدعلی ( میرزا ــ) سررشتمدارسواره افشار : ج ۲ ص ۲۱۱۴ ،
- محمد علی( میرزا \_) سرهنگ ( رئیس) : ج 1 ص ۵۵۰
- محمدعلی( میرزا \_) سرهنگ ( ناظم بست خانه): چ ۳ مر ۱۹۷۲ .
  - محمدعلى سلطان شفافي: ج جن ١٣٤٢ .
- محدعلی(میرزا -) شیرازی (مثیرالبلک): ج۲ می ۱۹۹۱:
- محمد علی ( میرزا \_) عزبباشی: ج1 ص ۵۰۶ ۵۳۱ : ۲ ص ۱۲۲۵ : ج.۳ ص ۲۰۶۹ .
- محمد علی (میرزا۔) علوی ( سر رشتعدار توپخانه): ج ۱ص ۵۰۵:ج۲ص۲۲۲۳، ۱۲۳۴: ج ۳ص ۲۰۶۹، ۲۰۲۹،
- محمدعلی(میرزا۔..) عریضهنگار :چ۱ص۵۲۹... محمد علی ( میرزا ۔..) ولد میرزا علیملا باشی ( منشی) :ج۱ ص ۵۵۸.
- محمد على ( ميرزا \_) قلمداندار وزارت خارجه: ج١ ص ٥٣٣.
- محمد على (آقا مير ) كاتب روزنامـه؛ ايران: ج1 ص ۵۵۵: ج٢ص١٢٦: ج٢ ص ٢١٣٨.
- محمدعلی(میرزا ــ) کارگذار مهام خارجه: ج ۳ ص ۱۸۴۲ ۰

- محمد علی (حاجی ــ ) گدخدای شهــر بایک: چ ۳ می ۱۶۵۰.
- محمد على (ميرزا ... ) فشكر نويس: ج ١ ص ٥٠٥، ج ٣ ص ١٩٩٢،
- محمد علی (میرزا ۔۔)لشکرنویستوبخانیہ: ح ۱ ص ۵۰۵ ج ۲ ص ۱۳۲۴ ج ۳ ص ۲۰۶۸،
- محمد علی (میرزا ۔۔ ) اشکر نویسکرمان.' ج ۱ ص ۵۰۷، ج ۲ ص ۱۳۲۶، ج ۳ ص ۲۰۷۰،
- محمد علی (میززا ــ ) مباشر: ج ۱ ص ۵۴۳،
- محمد علی (میرزا \_ ) مترجم: ج ۱ ص ۱۵۰ ۵۲۳ ٔ ۲۰ ص ۲۰۷۶.
- محمد على (ميرزا ــ ) مستوفي آشتياني : ج ٣ ص ١٥٣٢ -
- محمد علی (حاجی میرزا ۔ )مشرف،تخست خانہ: ج ۳ ص ۲۱۱۳،
- محمد علی (میرزا ـ ) مشرف دوشارتپه: ج ۲ ص ۲۹۳۹،
- محمد علی ( حاجی دیرزا ... ) دشسرف (ماحب منصب فوج): ج۲۵۴۲۳۰
- محمد على (ميرزا \_ ) مثير الطك) ج ٣ ص ١٤١٢،
- محمد علی (میرزا ) معلم: ج ۱ ص ۵۱۰؛ ج ۲ ص ۱۳۳۱: ج ۳ ص ۲۰۷۵.
- محمد علی (میرزا نہ ) منشی: ج ۲ ص ۱۲۲۱، ۱۲۹۵: ج ۳ ص ۲۰۶۹، ۱۰۲۱۰
- محمد علی (حاجی بیرزا ۔ ) منشی اول وزارت خارجہ: ج ۲ ص ۲۱۰۲.
- محمد علی (میرزا ... ) منشی تبریزی:ج۳ ص ۲۱۰۱۰
- محمد علی (میرزا ـ ) منشی دیوانخاندو ...: ج ( ص ۵۲۹: ج ۲ص۱۲۵۵: ج ۲ ص ۲۱۱۹،
- محمد علی (میرزا ــ ) منشیصاحبدیوان : ج ۱ ص ۵۰۶،
- محمد علی (میرزا سـ ) منشی (پسر میـرزا

على محمد ملا باشي }: ج ٣ ص . 1110

تحقیق): ج ۳ ص ۲۱۰۲.

مجمد علی میرزا (از بطن گرجیه): ج ۳ . 14.4 0

محمد علی میرزا (پسر بہمن میرزا): ج۳ ص ۲۰۶۳.

محمد على ميرزا (پسر خسرو ميرزا): ج1 ص ٥٠١، ٥٠٢: ج ٣ ص ٢٠٥٤،

محمد علی میرزا (دولتشاه): ج ۲ ص • 174 : 3 T - 1741 · A671 · · 1490 · 1494 · 1447 · 1454 · 10ft +10TF -10-0 +10-1 . 1574 · 1577 · 1000

محمد علی میرزا (سرتیپ دویم): ج ۳

محمد علی میرزا = محمد علی شاہ) ج ج م ۱۴۴۱ ، ۱۴۴۶ ،

محمد على ميرزا (پسر موءيدالدوله): ج ۳ ص ۲۹۶۲۰

محمد علی میرزا (یاور اول): ج ۲ ص ۲۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۲: ج ۳ص YYOT: PYOT.

محمد علی (میرزا ... ) ناظم: ج ۱ می -241

محمد على (آقا ــ ) نايب فراشخانه: ج ۳ ص ۱۱۱۲.

محمد علی (حاجی میرزا \_ ) تایب کیل محلم عودلاجان! ج ۲ ص ۱۲۵۲.

محمد علی (میرزا ــ ) برادر نجفخان: ج ۳ ص ۱۲۱۴،

محمد علی (مبرزا ــ ) نماینده حاکـــم سند: ج ۳ ص ۱۶۰۲،

محمد علی(میرزا ـ ) نوری (سر رشتهدار دفتر لٹکر): ج (ص ۵۰۵؛ ج ۲ص ۱۲۲۴ : ج ۳ ص ۱۹۰۸ .

محمد عمرخان: ج ٣ ص ١٤٤٤تا ١٤٤٤. محمد قاسم: ج ۳ ص ۱۴۶۱.

محمد قاسم بیک (ما مور ساوه): ج ۱ ص -001

محمد قاسم خان ' ج ٣ ص ١٧٧٢ . محمد قاسمخان دامغانی: ج ۳ ص۱۵۹۲،

· 1497 محمد قاسمخان (سرکرده دستمسکین) : 7 1 TO 776. 3 T & 78.71.

محمد قاسم (امبر ــ ) خان ابن سليمنان خارقاجار قوانلو) :ج ٣ ص ١٥١٩ ، · 1591 - 1570 - 1007 - 1075

محمد قاسم خان (شامبیاتی): ج ۱ ص 200 ج ت ص ۱۲۲۱ ج ۳ ص . 4090

محمد قاسم خان صاحب جمع (پسر امین السلطان): ج ج ص ۲۹۱۲،۲۵۴۱. محمد قاسم خان (عزالدين لو): ج 1ص ۵۰۲ ج ۲ ص ۱۲۲۱ ج ۳ ص . 2064

محبد قاسم خان (پسر فتحطی خان طک الشعراء } : ج ۲ ص ۱۹۳۹ ،

محمد قاسم خان والي: ج ۳س ۱۸۴۲ ، .Toto .1977 .1844

محمد قاسم ميرزا ابن سلطان حسين بيرزا: 7 7 W 174.

محمد قاسم (ميرزا ب) نوه مبرزاشاهرخ: 3 8 W 4P.

محمد قطب ثاء: ج ٢ ص ٩٣١.

محمد قلي آقا فاجار : ج ٣ ص١٣٤٢. محمد ظی بیک اوزیک ج ۲ می ۱۵۴.

محمد قلی بیک (مغیر ایران در دربسیار عثمانی): ج ۲ص ۹۴۴.

محمد قلی ترکبان بہارلو: ج ۳ ص ۲۵۷، محمد قلیخان (میرزا ــ ): ج ۲ ص · 1 • £ 1

محمد ظيخان آصف الدوله (حاجي ... ): . 1974 (1914 PT E

محمد قلى خان (پسر آصف الدولم):ج٣ ص ۱۶۲۳ ، ۱۶۲۳ و

محمد قلی خان اروسیفای: ج ۳ ص ۱۴۲۱، محمد قلی خان افشار ارومی: ج ۳ ص . 1774 . 1777

محمد فلی خان ایل بیگسی: ج ۳ ص

محمد ظی خان (ایلچی ایران): ج ۲س . 981 . 988

محمد فلي خان ايلخاني فارس: ج ٣ ص } محمدقليخانقاجار قوائلو: ج ٣ص١٣٨٣،

. 1715

محمد فلی خان بیات یوزباشی: ج ۲ص · T 1 17 - T & : 1794 محمد قلی خان بیگلر بیگی ارومی: ج ۳ ·1717 · 1717 @

محمد ظی خان بیگلر بیگی ایروان: ج ۲ ٠ 111۴ م

محمد قلی خان (پیشخدمت حضور نایسب النظارد): ج ۽ س ٢٧٩، ٥٣٥ : -T116 .T01Y . TT E

محبد ظی خان (حاجی مهدیظیخانی ) مشرف نے 1 ص ۵۰۲ ہے۔ ۲ ص 1771 : چ ۳ ص ۹۹۰۲۰

محمد فليخان حسام الدولد: ج ۴۷۷: ج ۲ ش ۱۰۱۰،

محمد قلی خان (ولد حسین خانسودار):

. 1485 o TE معمدقلیخان ( رئیس خزینمدارلو )سرهنگ: ج! ص ٥٠٣: على ١٢٢١: على · Y • 94

محمد قلیخان زیاد اوغلی فاجار: ج۲ ص - 1794 P F - 971

محمد تلیخان (سرگرده دستمسدن رستانی) 🗈 چا ص ۲۲۵، ۵۵۲ چ۲ ص۹۲۰۲. محمد فلیخان سرهنگ جوانشیر : ج م س · 1777

محمد قلىخان سعدلو: ج٢ ص ١١١٣. محمد قلىخان،فيدلاريجانى:چېس ١٣٨٢ . 1747 b

محمد قلیخانسیاءلاریجانی: ج۳۳۳۳۳۳ . 17AY 6

محمد قلیخان شاطرباشی: ج۲س ۱۸۵۷، • 1AAF

محمد ظیخان شاطو (فورچی باشی):ج۲ ٠١٠١٢ ، ١٠٠٨ ٣

محمدظیخان (صدراعظم): ج۲ص۱۹۱۱. محمدقلیخان فاجار ( جد فاجاریه):ج۲ ٠ ١٢١٢ ٠

محمدتلیخان قاجار (حاجی ـ ): ج ٣ ۰ ۱۸۲۳ ۰

محمد ظیخان قاجار ( پسر محمد شاه): ج ۳ ص ۱۵۲۱،

-TITA- 1917org :att or 1g .171. محمدكاظم ميرزا ( پسر معزالدوله):ج۲ معيد ظيخان قوللرآقاسي:ج٢ص ١٠١٥ ، · ۲ = ۶۴ . r محمد قلی ( میرزا \_) خان ( کارگــدار بحددکریمبیگ( حاملمهر): ج۱ ص۹۵: قوچان): ج۲ ص ۲۱۰۵۰ · This or Te محمد ظی خان ( میرزا ۔۔) منشیمدیر : محمد کریم خان (تفنگدار خاصه): ۱۳ ع ۱ ص ۵۳۲٠. ص-۵۲ : ۲۵۲ : ۲۵۲ : ۲۳۵۱ ۲۱۱۲۰ معبد ظیخان نوری: ج۳ ص ۱۲۸۲ -مصدکریمخان (سرکردهافشاراسدآبادی) : محمد تكىخان (وزير اعظم شاه سلطسان -Y-91 0 TE :4T1 01E حسین): ج۲ ص ۲۰۰۹ ۰ محمد کریمخان قاجار: چ۳ص ۱۲۰۶، محمد ظی ( حاجی ــ ) خان ( وزیسر محمدکریمخان کرمانی: ۱۹۲۸ ۲۰ عدليه): ج٣ ص ١٨٨٥٠ محمدگریمخان وکیل (زند ) څڅ ۲س ۱۴۲۶ -محمد ظیخان پوزباشی: ج 1 ص ۲۷۱ ، محمد کریممیرزا (شاهزادد) :ج۲ص۱۱۲۰ ۵۲۹: چ کس ۱۲۸۵ محمد کریم میرزا ﴿ يسر عباس ميرزا ﴾ : محمد على خانين ج٣ص ١٣٨٥٠ ج٣ ص ١٤١٧ ، ١٧٤١ ، مصدقلی سلطان: ج۲ص ۸۶۱، ۸۸۷، محمد كريم بيرزا ( پسرمو•يدالدوله): ىجىد ئلىقلىپشاد: ج٢ص١٩٨٠٨٤٠ ، ج۲ ص ۲۹۶۴، معمد قلی ( میرزا ــ) لشکرنویس:ج۱ ص محمد مرادخانگروسی( نایب آجودان) : . TOPA . TE . 404 ج1 ص ٥٩٠١. محبدظهميرزا زاز بطنمبيه محمدخان محبد مظفر خلخالی: ج۲ ص ۴۳۴، قاجار): چ7ص ۲۵۲۱۰۸۰۱۲۰ معبد معصوم بيرزان( پسر سلطان حسيس مصدقلي ميرزاطكة را (حكمران مازندران) : ميرزا بايقرا): ج٢ص٧٣١٠٠٠ 1777-1775-TE- 1795 or TE محدد مقيم ﴿ الثالُهُ ﴿ الْحُالُهُ مَا مُعَالِمًا \* الْحُمَالُهُ \* الْحُمَالُولُ \* الْحُمَالُولُ \* ا \*1014 · 1014 · 1004 · 1747 معد مليمبيک ج ٢٠٠١ ٢٢٩ 1044 - 1077 - 1077 - 1077 محمد مقيم بن لميردوالنون: ج٢ص٧٢٠، · 1670 - 1677 - 1610 - 1607 S YAS TYTE · TITT · 15TV · 15To محمد موامن بیک ( ولد شروان بیک ): محمدکاظم اصفهانی (واله) ، ج۲۰۰۲ ۱۵۲۲ ۰ محمد کاظمخان سرتیپ سیم( یسر شهاپ ج٢ ص 1٧١٠. محمدمو من (ميرزاـــ)خان ( خانخانان): الدوله): ج٢ ص ١٢٢٨ : ج ٣ ص ج ؟ ص ۱۹۹۰۰ . T.Y. محمد موامن ( میرزا سـ ) خان شاملو:ج۲ محمدگاظمځان سرتيپ سيم ( پسرموتځی س ۱۰۱۲ ۰ خارناجار) نج٣ص ١٩٢١ - ١٩٣٢٠ محمدمهدی ارباب(۱۵۱–): چ۳ ص ۲۹۲۷. محددگاظمخان سوادگوهی ج۳ص۱۶۰۳ ۰ محبد مهدی (آقا میر ــ ) ایام جمعه دار محمد کاظمخان (ولد عیسیخان بیگار الخلافه: ج ٣ ص ١۶٨٧ ٠ بيكى): جاس ١٥٢٤٠ محد مہدی ہیگ ( نایب فراشفانہ) : ج ۲ محمد کاظم خان کاشانی:ج۲۰٬۱۶۹۳ ص ۱۲۶۸ : ج۲ ص ۲۱۱۲. محمد كاظمخان ( پسر محمد حسينڅان محمد مهدی ( حاجی ــ ) تاجرکاشانی: کاشانی) : ج۳ ص ۱۶۷۶ . چ۲ ص ۲۱۲۹. محمد کاظم ( حاجی 🗕 ) فزوینی، ج ۲ محمد مهدی ( حاجی ــ) حجاب: ج ۲

ص ۲۱۲۲.

محبد کاظم ( میرزا ... ) مطم حکمیت

طبیعی: ج1 ص ۵۲۵ ، ۵۲۶

معند كاظم ( خاجى ــ ) ملكالتجار :

٠٥٢٦ ت ١٥٠ ىحىد مهدى خان ( يسر سيهسالار):ج۲ ص 1416 ٠ محمدمهدىخان(سركرده طايفه عمراتلو): ج 1 ص ۵۲۳: ج۲ ص ۲۰۹۳ ، معدد مهدی خان کثیکچی باشی: ۲۶ ص - 14Y0 - 140Y - 1400 - 14TT محمدمهدی خان مازندرأنی ( متخلص ب شحنه): ج ٣ ص ١٥٢٤ ، ١٤٠٨ ، محمد مهدی ( 51 سید ــ ) طباطبائسـی بروجردی(بحرالطوم) څځ۳ه۱۴۴۵۰۰ محمد مهدی کرمانی (حاجی – ) ج 1-ص ۵۲۶ ه معند مهدی ( میرزا ـ ) مجتهدمشهدی: - 1754 · 1754 . TE محمد مهدی ( میرزا ــ ) این محمد زکی خان: ج7 ص 1917 • محمد مهدی ( میرزا ... ) مشهندی ( از اجلته علماً): ج٣ هن ١٣۶٢٠ محمد مهدی میرزا ﴿ رئیس تلگرافخانه): ع ا س ۱۹۲۰ ۸۲۸: چ۳س ۱۳۲۲. محبد مهدی میرزا ( شاهواده): ج ۲ ص محمد مهدی میرزا ( پسر فتحملیشاه ) : - 1577 - 1577-1791 . Te محند مهندیمیسرزا (حاجی ــ ) پنستر مويدالدولة: ج٦ ص ٢٠٤٢٠ محمد ميرزا : ج٢ ص ٧٣٤، ١٢٢٨٠ معدد میرزا ( حاجی۔): ۲۰۶۴ ص ۲۰۶۴، محمد ميرزا ( آق قويظو ) :ج7ص ٧٣٧٠ معىد ديرزا (پمراعتفادالدوله) ، كثيكچى باشی: ج 1 ص ۵۲۵، ۵۵۹: ج ۲ ص ١٢٥٠ - ١٩٢٢ - ٢٠٩٤ ، ٢٠٩٠ معند ميرزا ( حاجي ...) حاكم خراسان: ج ۳ ص ۲۰۲۷. محمد مهرزا وكزالدوله سنت وكزالدوله محمد ميرزا ( رئيس تلكرافغانه فارس): TITT or TE محمد میرزا ( سرتیپ سیم): ج۱ص۸۰۵:

-Y-YY or Te

ج۲ ص ۱۵۶۶ ٠

محمد ميرزا { سلطان ...)= سيفالدوله:

محمد ميرزا ابن شاهطهماسب ج٢ص٥٥٥٠

محمد مهدی خان بختیاری:چچس۰۱۶۶۰

محمد مهدیخان ( از اولاد بیگلربیگی):

ص ۲۱۲۲۰

محمد میرزا (محمدشاه) پسر عباس میرزا: · IAFF · IAFF · ITAY JF TE · 1047 · 1041 · 1054 · 1050 115-0 -15-T . 1049 . 1047 . 1514 . 1514 . 1514 . 1517 . 1495 + 1570 + 1514 محمدميورزا ( يسر عباس،يرزا ملكةرا) : . \* . \* . محمدميرزا ( سلطان ــ) ولد عمادالدولد: ج ا ص ٢٥٥٠ محمد میرزا ( سلطان \_) پسر فتحملیشاه: ج ۱ ص ۵۰۲ ع ۳س۶ م ۱۵۰ محمد میرزا ( مدعی سلطنت ) :ج ۲ص ۸۳۶. محمد میرزا (مطم هندسه): چ1ص۵۲۷٪ - 1740 OF T E صعبد میرزا ( حاجی ــ ) مهندس: ج ۱ ص ۱۵۰۰ ج ۲ ص ۲۰۲۶. محمد ناصرخان ایثیک آقاسی(ظهیرالدوله دولو) :چېص ۱۷۴۰، ۱۷۲۹، ۱۷۴۲، - 1A17 - 1AT1 محمد ناصرخان ( از طائفمحاجیمهدیظی خانی) :جاص ۲-۵؛ ج ۲ص۱۲۲۱: 3 7 W 6907. محمد نامر خان سردار (ج7ص ۱۲۰۵ . محمدنا مرخان (سرکرده جماعت در مجزی): ج۲ ص ۲۷،۰۲۰ محمد ناصرخان قاجار! ج٣ص ١٥٥١. محمد ناصر بن يعقوب ( پادشاسفرب ): ج1 ص ۴۲۹. محمد نبیخان: ج۲ ص ۱۴۷۱. محمد نشأن: ج٢ ص ١٥٩٨، ١٥٩٩. محمد نظرخان قاجار (سرتیپ سوم ) : ج ۱ ص ۸۰۵۰ محمد وليآقا : ج٢ ص ١٤١٤ . محمد ولی (میرزا ــ) حکیمہاشی: ج۲ ص

محمد ولی خان: ج ۳ ص ۱۳۴۳، ۱۳۴۳،

محمد ولی خان ( از اعیان طهران):ج۳

محمد ولی (حاجی۔) خان( از امراء ):

- 17To (1TYF

ص ۹۶ ه ۲۰

ع٢ ص ١٢٥١ .

محمد ولی خان ( پسرابراهیم خان،بیکلر إ بیکی هزاره): ج۲ ص ۱۷۳۰ ، محدولی خان افتار قاسطو : چ7ص۱۲۸۳ . محمد ولى خان ( برادرزاده اللهيار خان آصفالدوله): جس ۱۶۵۲،۱۶۵۶. محمد ولیخان ( بیگلربیگی استرآباد) : · 1774 · 1717 · 1715 @ TE · 1454 · 1454 محمد ولی خان ( حاکم نهاوند): ج ۳ ض ۱۷۱۵ ، محمد ولی خان ( سردار خراسان): ج۳ ص ۱۸۱۵، ۱۸۲۳، ۱۸۳۲ (مکور). محمد ولیخان ( حاجی ـــ ) سیاسپریوز باشي: ١٢٤٩ ص ٥٣٩؛ ج٢ص ١٢٤٩؛ ع ٣ ص ٢١١٩٠ محمدوليخان (عزالدين لو) يُج١ ص٥٠٧. ج٢ ص١٢٢١ : ج٣ ص ٢٠٥٥ . ع۲ ص ۱۲۱۷۰۱۱۵۷ : ع۲س۵۲۲۲ » · IFYT · IFFF # TFFF · IFFF

محمدوليخان قاجار دولو: ج٢ ص ١١٥٢. محمد ولی خان قاجار ( سردارخراسان) : · 1417 · 1774 · 1849 محمدولیخان فاجار ( پسر فتحیلیشاه) : 3 7 ° 4041 . 6741 . محمد ولی خان قاجار یوخاری باش: ج ۲

رهو 1107 - 1564 ماري محمد ولي خان قوائلو: ج٢ ص ١١٤٢ ! . 1789 PTE

محمد ولی ( میرزا \_ ) طبیب : ج۳ ص · 1771

محمد ولی (میرزا ۔) مستوفی : ج ۱ ص ۸۲۸: چ ۳ ص ۹۶۰۲.

محمد ولی میرزا ( حاجی \_ ) : ج۲ ص 7PY1 . 0441 . ATP1 .

محمدوليميرزا ( شاهزاده) : ج۳ ص۱۵۳۰، . 1514

محمد ولی میرزا ( پسر فتحملیشاه):چ۳ . 1977 : 190Y &

محمدولی میرزا ( شاهزاده )والیخراسان: ۳۶ ص ۱۲۶۲ ، ۱۲۶۸ ، ۱۲۶۸ ، ۱۲۲۲ ، 4 17A9 4 17A6 4 17A0 4 17YA 110-1 -1794 - 1797 - 179-

. 1019-1014 . 10-4 . 10-4

محمد ولى ميرزا ( شاهزاده ــ ) حاكميزد : . 1005 . 1407 . 1771 . Te · 1047 · 1047 محمد هادیخان ( اولاد بیگلربیگی):ج۱ ص ۵۲۶. محمد هاديخان ( والد رضاتلي خان|بير

الشعراء هدايت): ج٢ص ١٢٢٥٠. محمد هادی میرزا ( پسر فتحعلیشاه ): عا ص ١٥١ ع٢ ص١٢١١ ع ص . 4054 . 1544

محمد هاشم (آقا ... ) تاجر اصفهانسي : . T179 PT F

محمد هاشم خان جارچی باشی: ج ۱ ص ۵۵۴ ع ۳ ص ۲۱۲۲.

محمد هاشم هاشمی ( دیر \_): ج ۲ ص . 998

محمد يوسف (أمير): ج٢ ص ٨٣٧. محمدیوسف (شاهزاده ــ): ج۲ ص۱۷۸۱، . 1797

محمد يوسف خان: ج٣ ص١٧٦٩، ١٧٥٥، محبد يوسف بن محمد ( از آل/فضل) : ع ۲ ص ۲۲۳٠

محمد یوسف خان هراتی ( یاور): ج ۱ ص 410 ع 7 ص 1771 : ج٣ ص . 1 . 74

> محمد يوسف ميرزا: ج٣ ص ٢٥٤٢. محمود ( شيخ ــ): چ۲ ص ۱۰۹۶. محمود (میرزا —): ۲۳ ص ۱۲۲۵. محمود آقاسرهنگ:ج۲ص ۱۸۹۹ ،

محمود آقاقیاظوقاجار: ج۲س ۱۱۲۴. محمود آقا کہیا: ج ۲ ص ۱۵۵۰ء

محمود آقا (نایب آجودانباشی): ج1 ص ٥٠٩: ع ٢ص ١٢٣٠: ع٦ ص١٢٥٢.

محمود أبوعلى بن سلم ( رئيس)لرو، ساء ) : ج 1 ص 774.

محمود بن ارسلان خوارزمشاء:ج1ص٥٠٥، محمودافقان:ج7ص ۱۰۰۶،۸۰۰۵تا۱۰۱،

. 1-44 61-44 . 1040 . 1075 . 1041 - 1054 - 1054 - 1051 .1094 .1095 . 1090 .109F .111+-11-A . 11+7 . 11-0

1111: عاص ۱۳۴۱ - ۱۵۲۲ محمود افغان (میر۔): ۲۶ ص ۱۰۵۶ ۰ محمود بنگالی: ج۲ ص ۲۹۴۰ محمود (ميرزا ـــ) ولد بهمن ميرزا (سرتيب سوم): چ1 س ۲۰۵۰ محمود بیگ: ج ۲ ص ۱۹۱۸ محمود بیگ( اداره غلات) اج۳۳۰/۲۱۱۳۰ محمود بیگ قسونی: ج۲ص ۹۱۲ -مجمود بیگ ( مدبر گعرک گروس ): ج۳ ص ۱۲ (T · محمودبیگ( وکیل لرستان) :ج۲۳۵،۳۲۹ تُ ج ۳ ص ۲۰۸۰. معمود (میرزا سـ ) از اجزای پستخانسه : ₹ 7 ° 1717 5 7177. سمبود (مشہدی ۔ ) ناجر تیریزی: ج ۳ ص ۲۱۲۵ ، ۲۱۲۵ ، معمود (حاجی ــ) ناجر کابلی: ج۳ ص -TITA محمود باشا: ج ۳ س ۱۶۲۶ ، ۱۹۳۸ -+19FA +19F1 محمود پاشا (ولد عبدالرحمن بأشا بایان، حاکم شہر زور): ج ۲ ص ۱۱۲۸ ۰ - 1000 · 1011 - T = محمود (حاکم خلب)؛ ج 1 ص ۲۲۲-محمود بن حمدويه: خ 1 ص ۲۵۲، محبود خان: ج ۲ ص ۱۲۶۹: ج ۳ ص . 1745 . 1747 محمود خان: ج ۳ ص ۱۵۲۰ ۱۲۲۶· معمود خان (سلطان 🗕 ): ج ۲س۶۶۶۰ محمود خان ( از اعبان طهران): ج۲ص محمود خان (ميرزا 🗕 ) : ج1ص ۵۰۶۰ محمود خان (از امرا٬ قاجار): ج ۲۰۰۰ ١٢٥١ : ج ٣ ص ٢٩٥٢٠ محمود خان (ميرزا ــ) (مقيم تغليس):ج - 11YA 🕩 T محمود خان (احتساب الملک): ج ٣ ص · SATT محمود خان (پسر میرزا استثیل خانمبزان آقاسی): ج ۲ ص ۱۲۹۵۰

محمود خان افشار! ج ۲ ص ۸۰۲،

معبودخان|فقان|ج ٣ ص ١٣٨٢، ١٥٢٤٠

محمود خان (پسر امير نظام علا الدوله) :

ج 1 ص ۵۲۹: ج ۲ ص ۱۲۶۷. معبود خان (حاجی – ) حاکمخراســان: ج ۲ ص ۲۰۲۷.

معبود خان (حاجی ۔ ) حاکمِساوجبلاغ، ج ۲ ص ۱۹۹۴،

محمود خان (حاکم سبرقند) ؑ ج 1 ص ۲۲۵ء

محمود خان دنبلی: چ ۳ ص ۱۴۵۲ · ۱۴۵۸ ·

محمود خان دویم (سلطان عثبانی):ج ۳ ص ۱۳۹۲ ۰

محمود خان رشتی: ج ۲ ص ۱۶۲۲ ، محمود خان (رئیس بوداغلو): ج ( حن ۵۰۲ ،

محبود خان (پسر سپهدار): ج ۳ ص ۲۱۱۸-

معبود کان، سرتیپ سیم (پسر میرزافضل الله وزیر نظام): ج ۳ ص ۱۸۷۶۰ محبود خان، سرتیپ فومنی: ج ۳ ص

معمود خان (سرکرده مواره چلیهانلو): ج ۱ ص ۱۲۹۲ کے ۲ ص ۱۲۴۲ کچ۲ ص ۲۰۸۶

مصود خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۴۷:ج ۲ مرکس ۲۵۷۶: / مارسی

محمود خان سرهنگرشتی: ج۲۳۰/۲۱۳۰ محمود خان سرهنگ (رئیس طائفه شــاد بوداغلو): ج ۲ ص ۱۲۲۱، ج ۳س ۲۰۶۵۰

محبود خان (سرهنگ فوج حشبت): ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ص ۱۲۲۸: ج ۲ ص ۲۰۲۲،

محمود خان (سرهنگ فوج خوشی): ج ۱ ص ۵۱۱،

معبود خان سرهنگ (پسر محمد ابراهیسم خان قاجار) ٔ ج ۳ ص ۲۰۳۹

محمود خان شامبیاتی: ج ۳ ص ۲۰۶۵ محمود خان صوفی اوغلی: ج ۳ ص ۱۸۸۲ محمود خان عثمانی (سلطان – ): ج ۳ ص ۱۵۱۰

محمود خان قراگزلو (ناصرالملک): ج ۳ ص ۱۷۲۲،۱۷۵۸ ، ۱۷۲۲ ،

۱۷۸۵ ، ۱۸۲۲ ، ۱۸۶۹ ، ۲۰۲۴ محمود خان فوللر آقاسی باشی: ج ۳س ۲۱۱۶

محمود (میرزا ... ) خان (کارپرداز اول بغداد ): ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۳ ص ۲۱۰۶،

محمود (میرزا ــ) خان (کارپرداز خانــهٔ تظیس): ج ۱ص ۵۲۵،

محمود خان کلانتر: ج ۳ ص ۱۷۱۸ ، ۱۷۳۸ ، ۱۷۸۲

محمود خان گرگری (سرهنگ):ج۱ص۵۰۵. ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۱۲۱۴۰ ۲۰۲۳.

محمود خان گیلانی (سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۲۰۲۲:

معمود (میرزا۔) خان (لشکسر نسویس آذربایجان): ج ( ص ۵۰۶: ج ۲ ص ۱۲۲۵: ج ۲ ص ۲۰۶۹.

محمود (ميرزا ــ) خان ما مور سابق بحر العجم): ج 1 ص ۵۲۲،

محمود خان مستشار (میرزا س) : ج ۳س ۲۹۰۶ -

محمود خان مستوفی (میرزا ...): ج ۳ ص ۲۰۹۹،

معمود خان (میرزا ...) مقتاح الطک!ج ٣ ص ٢١٠٤،

محمود خان (میرزا ــ) مقمود لو استـرـــ آبادی: چ ۳ ص ۱۵۷۷،

معبود خان طک التعرا<sup>ء</sup> : ج 1 ص ۵۳۵: ج ۲ ص ۱۲۷۵ : ج ۳ ص ۱۶۷۸ : ۲۰۹۶ :

محبودخان (میرزات) منشی: ج ۱ص۹۰۵، محبود خان (میرزات) منشی اسرار: ج ۱ ص ۵۳۱، ج ۳ ص ۱۹۶۴،

محمود خان (میرزا ــ) مہندس! ج ؟ ص

محمود خان ناصر الملک (حاکم کرمانشهان و کردستان): ج ۲ ص ۱۲۰۱، ج ۳ ت ۲۰۶۰، ۲۰۶۶، ص (۱۸۱، ۱۹۲۴، ۲۰۶۵، ۲۰۶۶، محمود خان نوری (نایب ایشیک آفاسسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶، محمود خان (میرزا سـ) وکیل (کاریسـرداز

حاجی ترخان): ج 7 ص ۱۹۳۶. محمودخان پوزباشی:ج ۱ ص ۲۷۱ ، ۵۲۹ ، محمود (میرزا ــ) دفتردار: ج ۱ص ۵۵۲، محمود بن الربيع ـــ محمد بن|لربيع محمود زنجانی: ج ۲ ص ۵۹۴، محمودين سيكتكين عزنوى (يمين الدوله): 3.1 W YAY: PAY 4 7P7:PPT: · TOY . TOD . TOT . TOT . TOO . TTA . TIP & TIT . T-1 محمود (میرزا) سررشته دار اذاره خزانه! .T111 . T E محمود (میرزا ــ) سرکرده سواره افشار : چ ۱ ص ۲۵: چ ۲ ص ۱۲۲۵:چ ۲ ص ۱۰۲۰۹۰ محمود سلطان (برادر شیبک خان): ج ۲ ص ۲۲۶۰ مجمود (ملک ــ ) سیسقانی: ج ۲ ص محمود (شاهزاده ــ ) حاکم هرات: ج ۳ · IFTA · IFFF . محمودشاہ:ج ۲ ص ۲۷۲:ج ۲ ص ۱۵۲۱، - 10TT محمود شاہ (حکمران کابل): ج ۳ص۱۵۳۷. محمود شاه بن محمد شاه بن فيروز شساه: ع ۲ ص ۶۶۱،

محمود شاہ بن محمد شاہ بن لشکری،پیسی (شاہ دکن): ج ۳ ص ۲۶۹ء ۲۹۵ء ۲۲۸ء

محمود شیانگاری: چ ۱ ص ۳۶۳. محمود بن شیل الدوله، آبوکامل (حاکـم حلب): چ ۱ ص ۲۹۷، ۲۹۲، ۳۳۶. محمود بن شهبازخان دنبلی: چ ۳ ص ۱۶۶۸،

محمود (میرزا۔)پسر صاحبدیوان (مستوفی) : ج ۱ ص ۵۲۸ ٔ ج ۲ ص ۱۰۹۸ محمود بن علی بن ابی طالب بنعیدظله اصفهانی (فاضی و واعظ) ا ج ۱ ص ۱۴۱۰

محمود غلیجائی: ج ۲ ص ۱۰۰۵، محمود بن غیات الدین غوری: ج ۱ ص ۴۲۲، ۴۲۲ نا ۴۲۶. محمود بن قراجا (صاحب حماد): ج ۱ص

محمود بن قطب الدین محمد . . . زنگسی (ماحب سنجار): ج 1 ص ۲۲۲ ، ۲۲۵

محمود (میرزا س) مباشر: ج ۲ ص ۱۲۲۲-محمود بن محمد الحمیری (ظفار): ج ۱ ص ۲۲۲-

محمود بن محمد بن قراارسلان (حاکسسم آمد): ج ( ص ۲۲۰

محمود بن محمد بن طكشاه ملجوقی ج ۱ من ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷، ۱۹۹۹ تا ۱۹۲۱. محمود (میرزاس) مستوفی (وزیردارالخلافه): چ ۲ ص ۱۹۸۲،

محمود (میرزا ۔) مشرف وجوهات خزانے ج ۲ ص ۲۰۲۲ ،۲۱۱۱،

محمود معزالدين -بن سنجر شاه بن سيف الدين: ج 1 ص ۴۲۶.

محمود بن ملکشاه: ج ۱ ص ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۷،

محبود (میرزا ــ) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶: ۵۲۹: ج ۳ ص ۲۰۶۹:

محمود (میرزا۔) منشی استر آباد : ج ۱ ص ۵۳۷،

محمود (میرزا \_) منشی (دیوان مظالم): ج ۲ ص ۱۲۵۵

محمود (۱۱ میرزا ــ) منشــــی ( وزارت تجارت) ، ج ۲ ص ۲۱۲۵

محمود ميرزاً (خاهزاده): ج ۳ ص ١٥٥٩، ١٥١٩، ١٥٤٩-

محمود میرزا افغان:چ۳ ص ۱۳۵۲۰۱۳۲۸ ۰ ۱۳۶۵ -

محبود میرزا (پسر بہنن نیرزا) سرتیسنپ میم: ج ۲ ص ۱۲۲۸ء

محمود میرزا (پسر تیمور شاه افغان): چ۳ ص ۱۳۲۲ ، ۱۳۵۷

محمود میرزا (پسر فتحطی شاہ): ج چس ۱۴۵۵ - ۱۶۲۳ ۱۴۵۵،

محمود (يسر ناصر الدين خلّج مالوي): ج ٢ ص ٢٥٤ ، ٢٨٢.

محمود بن نصر مالح بن مرداس; ج 1ص ۲۳۳،

محمود (حاجی ــ ) نظام الطماء : ج ۳ ص ۱۶۲۹ ، ۱۲۸۱

محمود نوری (میرزان ) نایب نمقفانه :

3 1 TO - 102 3 T TO 1971 37 TO 1112

محمود (میرزا ۔) وزیر دارالخلافد: چ و ص ۵۲۸: چ ۲ ص ۱۲۵۳: چ ۲ ص ۲۷۲۲:

محمود (میرزا ــ) وزیر (مستوفی): ج ۳ ص ۲۰۹۹،

نحیی، خنزه بن محند (قاضی ـــ'): چ۱ ص ۲۵۸،

معیی الدین اعرابی : ج ۱ ص ۴۴۹. معیی الدین بن عبدالله (قاضی ــ ):ج ۲ ص ۶۲۵.

محیی الدین بن عبدالقاهر (ادیپسمر): ج ۲ ص ۶۰۳،

محیی الدین عبدالقاهر قرشی: ج ۲ ص ۶۲۹ء

معیی الدینغربی(صاحب فصوح)الحکم) : ج ۲ ص ۴۳۲، ۶۵۶،

> محیی الدین لودی: ج ۲ ص ۵۹۲. مخارق (مننی ): ج ۱ ص ۱۹۵. مخارق بن حارث: ج ۱ ص ۶۵.

مغیرالدوله (وزیر علوم): چ ۱ س ۲۵۳ م ۲۵۲ ، ۲۵۲ : ۲۵۴ : ۲۳۳ : ۳ س ۲۲۲۲ ، ۲۲۲۰ مختار بن ابی عبیده تقفی: چ ۱۹۵۴ ،

۲۰ ۲۶۰ ۱۸، ۹۸ تا ۱۸، ۳۳ می ۲۰۲۷

مختاریانا :ج۳ من ۱۹۶۸ ، ۱۹۶۹ ، ۱۹۷۴ ۱۹۲۲ ،

مخدوطلی خان ترکمن' ج ۲٫ ص ۱۶۵۷ . مخرمه بن نوفل' ج ۱ ص ۷۸.

مخلد بن بزید بن مهلب: ج و صودو. مدحت یاشا (والی بنداد): ج ۲۰۵۲٬۰۲۶

1971 - 3 T & 6111 - A761 .

محدد خان: چ 7 ص ۱۲۹۵. مدد خان: چ 7 ص ۱۲۹۵.

مددوف (ژنرال روس): ج ۳ ص ۱۵۷۱ تا ۱۵۷۳

مدلاج بن عبرو سلمی: چ ۱ ص ۷۶،

مذحج بن على بن بعير (از آل افضل): ج ۲ ص ۷۲۲،

مذكور (شيخ \_) خان (حاكم گله دار):ج ١ ص ٢٤٧، ٢٤٧ ج ٣ ص ٢٠٠٧.

مراد افندی: ج ۳ ص ۱۹۳۱ء مراد بن اکبر شاہ؛ ج ۲ ص ۱۸۹۲، مراد (طقب بد: ایشان): ج ۳ ص۱۸۹۲، مراد بخش (پسر شاہ جہان): ج ۲ ص مراد بیک بایندر: ج 7 ص ۷۲۲ ، ۷۲۲ مراد بیک ، سردار: چ ۳ ص ۱۴۵۱ ، مراد پاشا (وزیر سلطان عثمانی): ج۲ ص . 1.\* مراد (شاهزاده ــ) ابن جلال الدين أكبر شاہ: ج ۲ ص ۸۹۵، مراد (ططان ــ ) خان (یادشاعروم): ج ۲ س ۱۲۲۰ -مراد خان جطر بالی: ج ۲ ص ۱۱۶۱ -مراد خان زند (سردار علیمراد خان): ج ۳ س ۱۳۹۱ ۰ مراد خان ولا غارده: ج ۳ ص ۱۵۰۵ ۰ مراد خان (میر ِسـ ) حاکم سند : ج ۳ ص · 15 • Y مراد سلطان ڏوالقدر: ۾ ۽ ص ٢٧١، مراد (سلطان — ) ميرزا حسام السلطنسم (ابن عباس ميرزآ): ج ۲ ص ۱۵۲۰ مرادیف 🗧 ج 🕶 س ۱۷۷۲ ۰ مرتضی (میرزا ۔) ج 1 ص ۵۲۶ ج ۲ ح ۱۲۲۹ ، مرتضی (میرزا سید 🗕 ): ج ۲ ص ۱۲۲۵: مرتشی پاتا (وزیر و داماد سلطان مسراد خان); ۾ ۲ هن ۹۳۴ تا ۹۳۶، مرتضی (حاجی سید 🗕 ) تأجر: ج ۳ ص مرتضی (شیخ -- ) تحمیل دار : ج۲ ص . 1111 مرتضی خان (آیل بیکی فارس) 🖰 ج ۲ 🗝 مرتفی خان ناجار : ج ۲ ص ۹۲۹ ، ۹۵۳ ،

.. 14740 T &

مرتضى خان (پسر مخبر الدوله): ج ٣ص

مرتشی (شیخ ــ) روزنامه نویس: ج ۱ ص

مرتضى (ميرزات ) عدر الطعاء (بـــرادر

امام جمعه): ج ۲ ص ۱۱۲۹: ج ۲

مرتشی ظی خان سرهنگ (پسرمغبرالدوله علیظیخان) : ۲۳۵ ۱۸۸۷ ۲۳۳۰ مرتشی ظیخان (برادر سادتظیخسان بنایری): ج ۳ ص ۱۵۳۹ مرتشی ظی خان سنانی(سرهنگ): ج ۱ ص ۵۰۸ ج ۳ ص ۱۳۲۸ ج ۳ ص

مرحب یہودی: ج 1 ص ۲۶، مردانشاہ: ج 1 ص ۲۹، مرداویج بن زبار دیلمی: ج 1ص4، ۲۴۱،

. 4 0 5 7

مرتضى قلى ميرزا (پسر عمادالدوله) ج 1

س ٢٠٥] ج ٢ ص ١٣٢٥ ، ج ٣ ص

مرتضى ظى خان (ولد شاهرخ خان|فشار): س ۱۸۵۹ ۰ برتفي علم|لهدي (شريف ذي المجدين، ج ۲ ص ۱۲۲۰ -مرتضى ظيخان فاجار: ج ٢ ص ١١٤٩ ، ابوالقاسم): ج 1 ص ۲۹۲ ، ۲۱۷ ، . 1174 . 1170 . 1174 . 1174 مرتضی علی (ع): ج ۲ ص ۷۸۱ ، برتضی قلی خان قاجار (این محراب خان مرتضی (میرزا سید 🗕 ) لشکر نویس: ج1 سپهسالار فورچی باشی): ج ۲ ص ص ۱۳۰۶۶ چ ۳ ص ۲۰۶۹۰ # T & 104 1907 1977 1954 مرتشی (میرزا سید 🗕 ) مترجم! ج ۲ ص - 1774 - 1764 47174 PTIT-مرتضی قلیخان (عموی فتحطیشاہ): ج ۳ مرتضی نظام شاہ! ج ۲ ص ۸۵۰ ۸۸۱ ٠ ١٤٢٥ ، ١٢٥٥ . - A 11 مرتشى ظىخانقوللو آقاسىباشى(كشيكچى مرتضى ظي آقا (سرهنگ فوج شقاقی) اُج١ باشی): ج ۳ ص ۱۹۹۳ ۰ ص ۱۲۵ ج ۲ ص ۱۲۳۷ ج ۳ ص مرتضى ظيخانگىرماي(نايم،آجودانياشي).ّ -Year TE - 1170 0 T . 2 0 0 1 1 5 مرتضی ظی ہیگ! ج ۲ ص ۹۹۷ء ص ۲۰۷۴ م مرتضی ظی پاشا (بیگلر بیک دیار بگر) : مرتضىظيخان (ما موربسفارت عثمانی) :ج . 1791 or F : 170 or F E ۲ ص ۲۰۰۲ -مرتشی ظیمان: ج ۱ ص ۵۱۹ ج ۳ ص مُرتضى ظبيحَان (يسر محمد خانقاجار) : ج ۲ ص ۱۳۶۵ ، مرتضی ظی خان (پسر امیرخان): ج۳ ص مرتضى ظى خان (پسر محت اسميل خان نوري إوكيل الطك م ٢ ص ١٧٨٤٠ مرتضى ظى خان ﴿ أَيْلِجِي شَاءَ طَهِمَاسِبِ · 1975 -1904 -1907 -1475 دوم بدربار عثمانی) ، ج101701 ، مرتضى ظيخان (ينتر بها الطك)سرهنگ، -1110 مرتضى قليڪان (پسر محمد حسن خسان ع ا عزيده أج لع ١٢٢١ : ٢٣ قاجار): ج ۲ ص ۱۱۵۵ تے ۳ س حى ۲۰<u>۲۳</u> ۲۰ . ITAY & ITAL . ITSO . ITOO مرتضی طی خان پرتاک ایج ۲ ص ۸۷۲، · 17-4 5 17-7 .1747 .1747 مرتضى ظيءَان (أز اجزأي يستخانه): ج ·1f1r -1f1f ۳ ش ۲۱۲۳۰ مرتشی ظیخان (رک مرشد ظیخان) ج ۲ مرتضی ظیخان (حاکم شاهرود): ج ۳س . 159 . مرتضی ظی خان (نایب ایشیک آفاسسی مرتضی ظی خان (دولو): ج ۳۳ ۱۳۵۵ء باشی): ج ۲ ص ۲۱۱۶۰ · 1777 · 1717 مرتضی قلی خان (یاور): ج ۱ ص ۵۱۰: مرتضی ظی خان (سرحددار انزلی) ، ج۲ 5 T - YA U TTI : 3 T - 2 Y-T-می ۱۷۹۵ ، مرتضى قلي ميرزا (ژنرال آجودان حضير) : مرتضی ظیمًان (سرهنگ تحویلدار) ٪ ج ۱ TE : 1774 - T E : 407 - 1 E می ۵۲۷. س ۲۰۷۲ و

· Y • Y Y

۲۴۲ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۹ ، ۲۵۱ ، ۲۵۱ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵ ، ۲۵۲ ، ۲۵۲ ، ۲۵۲ ، ۲۵۲ ، ۲۵

موس (دکتر — ) : ج ۳ ص ۱۸۰۸. موسده ( دختر شاه اسپانیا):ج1ص ۲۸۹: ج ۳ ص ۲۰۱۳.

. TYA . TFA .

مرشد ظیخان: ج ۲ ص ۲۹۶۰۸۷۰ ۸۷۸ مرشد مرضع خانم (دختر فتحطی ثباه): ج۳ ص ۱۶۲۵ .

مرغشیخان (شیخ بـ ): ج ۳ ص ۲۱۴۳. مرکیت: ج ۳ ص ۱۳۴۳.

مرگواریل پوستو (رئیس جمهوری هندورا): ج ۱ ص ۵۶۵ ج ۳ ص ۲۱۵۲-مروان بن ابی حفصه (شاعر): ج ۱ می ۱۶۴

مروان جلیقی: ج 1 ص ۲۱۵. مروان بن حکم (والی مدینه و...): ج1 ص ۵۹، (۶، ۲۲ تا ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۲۹ ۵۸، ۶۶.

مروان بنءبدالملک: ج ۱ ص ۹۵. مروان بن محمد بن مروان اموی (والــــی آذربایجان): ج ۱ ص ۹۲، ۱۱۵، ۱۱۲ تا ۱۱۹، ۱۲۱،

میوان بن محمد بن برزان (چهاردهبین و آخرین خلیفهٔ اموی = مروان حمار= مروان جعدی): ج ۱ ص ۹۲، ۱۲۵ تا ۱۳۳، ۱۳۳.

مرہ بنحارث العبدی: ج ۱ ص ۲۰۰ مرہ بن کمبالیتوں السلمی: ج ۱ص ۸۰۰ مرید: ج ۳ ص ۱۹۶۹،

عزاحم (پسر محمد بن رابغ): ج ۱ ص ۲۵۲،

مزارت (موسیقی دان آلمان): ج ۳ می ۱۴۱۹ء

عز (سردار فرانسد): ج ۲ ص ۱۴۴۰. عزنی (صاحب بختصر): ج ۱ ص ۲۶۵. مساور (خارجی): ج ۱ ص ۲۰۵۰. مستر الیسون: ج ۳ ص ۱۹۳۳. مستر رانلد طامسن: ج ۳ ص ۱۹۹۵. مستر ریاخ (حکیم انگلیسی): ج ۳ ص

مستر طر: ج ۳ ص ۲۰۰۷، ۲۱۳۰، ۲۱۳۰، ستر لنج (زنرال قونسول):ج ۱ ص۵۳۳، مستر مورد: ج ۳ ص ۱۷۸۴، ۱۷۹۶، مسترهاوکستس: ج ۳ ص ۲۱۳۰،

الستر شذ بالله، ایو منصور فضل بناحمد (بیست و نهمین خلیفمعباسی):ج۱ ص ۳۲۶، ۳۶۲، ۳۶۲، ۳۲۲ ۲۲۵۵۹۲۱، ۳۷۷.

مستشار الدوله (حاجي شريف خان مستشار لشكر) :جاص ٢٥٥، ج ٣ ص١٩٥٩. مستشار الدوله (ميرزا يوسف خان مستشار الوزاره): ج ٣ ص ١٣٢٧، ١٣٥٥ : ج ٣ ص ٢٠٣٩، ٢٠٣٩، ٢٠٢٧، ٢٠٢٩،

ستشار الملک ، حاجی میرزا محمد رضا (پیشکار خواسان و ستوفی اول):ج ۱ ص ۱۵۲۵ ، ۵۵۵ ج ۲ س ۱۲۵۲ ، ۱۵۲۱ - ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۳ ، ۱۸۳۷ ،

مستشار الو زاره (میرزا عبدالله خان):ج ۲ ص ۱۳۲۷: ج ۳ ص ۲۰۱۸. المستضیی:بامرالله،حسن ابومحمد (خلیفه، عباسی): ج ۱ ص ۳۹۸، ۳۹۹ ،

المستظهر بالله، ابوالعباس احمد بسسن المقتدى بامرالله: ج 1 ص ۳۴۶ ، ۲۴۲، ۲۵۴، ۲۴۲

المستعصم بالله ... عبدالله (: ج ۲ ص ۱۹۵۲ ، ۱۹۵۲ ، ۱۹۶۱ ، ۱۹۸۵)، المستعلى بامر الله علوى، ابوالقاسماحمد (خليفه مصر):ج 1 ص ، ۲۵۱ ، ۲۵۱ ،

المستعین احمد بن محمد المعتصم (ایسوب العباس، دوازدهمین خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۵۰۰ تا ۲۰۳.

المستعين بالله: ج ٢ ص ٧٤٢.
المستكفى بالله، أبوالربيع سليمان، أبور
الربيع . . . : ج ٢ ص ٢٩٣، ٢٥٧.
المستكفى بالله، أبوالقاسم عبداللـــه بن
المكتفى بالله: ج ١ ص ٢٥٨، ٢٥٧،

المستنجد بالله، ابوالمظفر يوسف المقتفى لامراللمتباسي:ج 1 ص ۲۹۳،۳۹۱، ۲۹۸: ج ۲ ص ۲۷۶.

المستنصر باللد، ابوتعیم معد علوی (خلیفه فاطمی مصر): ج ۱ ص ۳۲۵، ۲۳۲ تا ۳۲۳، ۳۴۶ تا ۳۲۷.

المستنصر بالله، ابوجطر المتعير: غ ۽ ص

المستنصريالله بابوالقاسم : ج. ٢ ص ٥٨٢ ، ٥٨٢ .

المستنصر بالله علوی: ج1ص۲۹۷، ۲۱۲، ۲۲۵. ۵۶۱، ۲۲۷، ۵۶۱،

المستنصر سوم ــــابوغمیدهینمحمد . . . . مستنصر بن هود : ج ۱ ص ۲۷۴ .

مستورد بن علفه النيمی (از خوارج) ج ۱ ص ۷۴، ۷۴.

مستوفی (بیرزا هدایت الله لسان الطک): ج ۲ ص ۱۱۸۴۰

سرور (ملازم رشید): چ ۱ ص ۱۷۰. مسروق بناجدع: چ ۱ ض ۸۲. مسروق بن فلان المکی: چ ۱ ص ۴۲. مسطح بن اثاثه المطلبی: چ ۱ ص ۵۹.

صطح بن اثاثه المطلبی: چ 1 ص ۵۹. صعد (بسعر) کدام الکوفی الهلالی: چ 1 ص ۱۴۷.

مسعود (میرزا …) آذربایجانی(وزیر امسور خارجه): ج ۳ ص ۱۶۹۳. مسعود بن آفسنقر برسقی: ج ۱ ص۳۶۹. مسعود بن ابراهیم بن مسعود غزنوی: ج۱

مستودين ابهزينب التبدى (رئيس فسوارج) ;

ج 1 ص 110 ء سعود ، اقسیس بن ملک کامل (شامیمن): ج ۳ ص ۱۷۲۵ ، ۲۰۶۴ ، سعود (میرزا ...) وزیر دول خارجه: ج ۳ - 1849 · 1844 · مسعود انجاری (میرزات) 🕻 ج 🛪 ص1441ء -مسعود (میرزا ــ) وزیر عازندران: ج۲ ص سعود بیدگلی : ج ۲ ص ۲۴۳ -مسعود (میرزا ــ) خان (سرکرده جماعت معودی، قطب الدین (ماحب مروج): ج هراتی): ج ۱ ص ۵۱۹۰ مسمود (میرزا ــ) خان (سرهنگ): ج ۳ ۱ ص ۲۵۹. مسکین اسکندرانی 🕻 ج 7 ص ۶۰۳. · ۲۰۸۲ -مسعود (میرزا ــ ) خان ، پسر سیفالطک ملم (میرزا۔) (بدر حاجی میرزاآقاسی)! ع ۳ ص ۱۶۲۲ . (نایب آجودان باشی): ج ۱ ص مطم بن حجاج نیشابوریء ابوالحسیسن 404 ج ۲ ص ۱۲۲۹، (ماحب سند): ج 1 ص ۱۸۵ مسعود خان (میرزا ...) فیروز کوهی(نایب آجودانباشی): ج 1 ص 600: ج 7 API: 007: 707: POT:YIT. مسلم بن خالد زنجی (فقیه مکی)! ج 1 ص ۱۲۳۰: چ ۲ ص ۲۰۲۳. صعود (میرزا ...) خان نقاش: ج ۲ ص ص ۱۶۲۰ مسلم (میرزا ۔) خوٹی: ج ۲ص۱۶۲۴، - ITYA مطم بن سعید کلابی (حاکمخراسان): ج معدد (میرزا ــ) خان (نویسندهوآتشه) : ۱ ص ۱۱۰۰ ع ۳ ص ۱۱۰۴. مسلم بن عبدالله ياطيءُ ج 1 ص ١١٣٠، مسعود بن ربيع (ربيعه) بن عمروالقاري: سلم بن عبدالرجينالياطي، ج ١ ص ج 1 ص ۵۶۰ سعود زعفرانی، فخرالدین (از امــــرأی سلم بن عقبه! ج 1 ص ۱۸۴ ۸۵۰ نوريه): ج 1 ص ۲۰۱. مسلم بن عقبل، ج ۱ ص ۸۱، ۸۲ معود بن سلطان محمد بن طکشاه: ج ۱ تسلیم بین غیرو باطبی: ج ۱ ص ۸۱۱ ששפים שפידי הידי הידי דידי معلم بن فتيبه باطي، ج ١ ص ١٢٢، d dyr. Pyr. agr. 747: 747. سلم بن قریش: ج ۱ ص ۲۴۱، مسعود شاہ انجو: ج ۲ ص ۶۳۹ ، ۶۳۱ سلبد بن خالد : ج 1 ص ۶۵۰ سلبه بن عبدالله: ج 1 ص ١١٢٠١١٢، سعود بنعزالدين: ج ٢ ص ٥٩٢،٥٨٨، سلمه بن عبدالطک بن مروان: ج ۱ ص .494 مسعود ،قدرخان ،جبرٹیل (یادشا نسمرقند ) : . 150 . 117 . TTA 00 1 E صلمہ بن عقبہ: ج 1 ص 90ء مسعود بن ظیج ارسلان سلجوقی (صاحب سلنه (طعه) ابن کهیل: ج ۱ ص۱۲۰۰ قونیہ وآسیای صغیر): ج ۲۷۸٬۰۱۱ ، حي ۲۶، ۸۴۰ مسعود بن محمد بن مسعود نیشابسوری ، مسلمه بن هشام: چ ۱ ص ۱۲۱، قطب الدين (فقيه شافعي): ج1 ص مسور بن مخرمه: ج ۱ ص ۸۶، مبعود بن محمود غزنوی (شباه ): ج 1 س ۲۰۷ تا ۲۰۹، ۲۱۳ تا ۲۱۶ ،

مسعود بن مکرم! ج 1 ص ۲۲۹،

معود میرزا (حاجی ــ ) پسر جهانگیسر

میرزا: ج 1 ص ۵۵۲ ج ۲ص۱۲۲۵ ] سیب بن زهیر انمیی (حاکم خراسان) : ع ا ح ۱۵۲۰ مسیب بن نجید الفزاری: ج ۹ ص ۶۹، سیح (حضرت ۔)، ج ۱ ص ۱۹۹۰ ۱۹۲۰ . 467 . 467 . 467 . Y64. مسیح (آقاس) امیرزاده: ج ۲ ص ۲۱۱۰، سبح (بیرزا –): ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۳ص + 149¥ سیحاسترآبادی مجتهد (حاجی میرزا۔): 3 7 m 6161 + 1161. مسيح (آفا —) اميرزاده (از ارباب مناصب): ج ٢ ص ١٢٥٤٠ سیح طہرانی (میرزا ۔۔) مستوفیءَ ج۱ ص . 1544 . 1415 or t = :014 -Y-99 + 1AAF سیح (میرزا ۔) وزیر مازندران: ج ۳ ص . 1455 سی ژیسین (یادشاه لیستان): ج ۲ ص .950 سیلمه کذاب: ج ۱ ص ۲۱، ۲۳، مسيوَ ادوينه: ج ٣ ص ٢١٠٧٠ مسیوارغیروپولو: ج ۳ ص ۲۹۰۸،

ص ۵۳۸ ع ۲ ص ۲۱۵۹،

· 1401 - 1771 - 1770

مسیو انجیله (طبال باشی): ج ۱ص۱۵:

ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۲ س ۲۰۷۵، مسیوانچکوف (انیچکاف): ج ۳ ص۱۲۵۸۰۰

مسیو انبلہ: ج ۳ ص ۱۹۲۲،

سیو ارکیرپولو (نایب اول روس): ج ۱ س ۵۲۷: ج ۲ ص ۱۲۶۵. مسيو اشچلکونف! ج ۲ ص ۲۱۰۸. سیو اسٹی (مطم): ج ۱ ص ۵۱۵؛ ج ۲ ص ۱۲۳۱ ؛ ج ۳ ص ۲۰۲۵ . مسیوراسملاک (سلطان سوارہ نظام): ج ۲ ص ۱۲۳۱ -سیو اغناتیف: ج ۳ ص ۲۱۰۸، 6111 1301 6 100 1307 6 9X مسہو اکنائیوف آئشہ: ج ۱ ص ۵۳۷: ج ۲

٠ ١٢٤٥ ٠ منيو اليسون! ج ٣ ص ١٩٣٧ ، مسيو امانوٿل ۽ ۽ ص ۵۴۱ ج ۲ ص مسلمه بن مخلد انصاری (والیمصر): ج 1 - 3TYT مسيو اميل برنه (ژنزال قونسول): ج (

> مبيب ځان (ولد محمد ځان ترفالديسن اوغلی): ج ۲ ص ۸۷۸ ، ۸۷۸ ،

مسیب بن زهیر (والی کوفه): ج ۱ ص · 177

سيو اوثره: چ 7 س ١٢٩٣. معیو اودی برشانطیسه: ج ۱ ص ۵۲۸ : -7104 or F & مسيو باردو: ج ۳ ص ۱۹۸۵. سيو بار طبي (سنت هيلر) وزير امسور خارجه: چ ۱ ص ۵۶۳،۲۸۸ چ ۲ ص 14 ه٠٠. مسير بارون: ج ۲ ص ۱۸۲۵ ، مسیو بارونستی (قانون دان): ج ۱ ص ۲۱۰۵ ت ۲ ص ۲۱۰۵. مسیو ہارہ: ج ۳ ص ۱۷۷۴. مسيو باطنا ميكانكچى: ج ٣ ص ٢١٣٢. مسيو بالوا: ج ۲ ص ۱۱۹۹، مسيوبرترانشانسليسه (دفتر دار سفارت): . ATA .. 1 E. مسيويست: ج ٣ ص ١٨٨٩ . مسيو بکر: ج ۳ ص ۱۹۰۸. مسيو بل (شارڙ دافر فرانسه): ج ۾ ص .1975 صيو بند دتی: ج ۲ ص ۱۹۱۸، مسيو بهار (سرتيب اول، مطمفرنگسي) : ج ١ ص ١٥٠٠ ج ٢ ص ١٦٢١ : ج٢ ص ۲۰۷۵ ۰ مسیو بیزمارک: ج ۳ ص ۱۸۵۲ ،۱۸۴۵ . مسیو پاحیطونوفآکشد: ج ۱ ص ۵۲۷:ج ۲ ص ۱۲۶۵ : ج ۳ ص ۲۱۰۸ . ءسيو نجن: ج ۴ ص ١٩٧١. مسیو پروسگیخان (سرتیپ دویم) مطسم زبان فرانسه) ؛ ج ۱ ص ۵۵۵ ج ۳ . Y174 . Y170 . TOOY J سيويطرف (ژنرال قونسول): ج ١ص٣٧٠ : 3 7 TO 1751: 3 7 TO 1017. مسیویتافی دین (نایب استرآباد ): ج و س ۸۲۷ ج ۲ س ۱۹۰۸ . سيو تريكو: چ ٣ ص ٢٥٥٢. مسيو تير: ج 7 ص ۱۶۵۶، مسیو تیلور: ج ۳ ص ۱۷۲۲. مسیوجان داودخان،سیحی: ج ۲۳۷۲۷، · 1417

سیود بست: ج ۲ ص ۱۹۸۶۰ یسیودہسکی (وزیر مختار نعمہ): ج ۳ ص .1440 مسبودپرئیس (وزیر اعظم ایطالیا ): ج ۳ ح ۲۱۴۸ ۰ مسيوديرو شنگ (ططان توپخاند): ج٦ ٠ ١٢٣١ ٠ مسیو دژمی (نایب و مترجم): ج 1 ص .010 معيودگيرس: ج ٣ ص ٥٥٥٠. سيودلاصوف، ج ٢ ص ٢١٥٨، مسيودمرني: ج ٣ ص ١٨٣٧، ١٨٣٧. مسبودنیشون: چ ۲ ص ۱۸۵۲. مسیودوبلیه فرانسوی (مهندس و مطمعلسم معدن): ج 1 ص ۵۵۱. مسيو دوبون بر: ج ٣ ص ١٨٩٨. مسيو دودل (نايب اول): ج ٢ ص١٢٣١. ع ۲ ص ۲۰۲۵، مسيو دوگر: ج ٣ ص ٢٠٥١.

مسيو دوكيرس (وزير خارجه روسيه): ج١ - TITE OF E : AFT 0 مسيو دولامار (كاربوداز شهر روال): ج ١

ص ۱۳۵۰ سيو دويل (درمارسيل): ج 1 ص ٥٢٥. سیودیکین ارچ ۴ ص ۱۹۴۰، سبو وادوويز رج ٣ س ١٧٢٠ .... سيوروبرنيبر: چ ۲ ص ١٨٨٩ ، مسيوروسي : ۳ ص١٧٠١ ، ١٢٨١ ، ١٦٨١ ، مسیو روفرین (رئیس جمهوری پرو): چ ۱

ص ۵۶۵۰ مسيوريدر: ج ٣ ص ١٩٧٢. سیو ریشارخان (سرتیپ و مترجم): ج ۱ ص ۱۹۲۶ مهه: چ ۳ ص ۱۹۲۸ ·

\*\*\*\*\* Yof7: \*\*\*\* AT17: مسیو زیتون (از اجزای پستخاند): ج ۳ ٠ ٢١٢٢٠ مسیوزیناویف (وزیر مختار): ج ۱۰۹۷۵: ج ۲ ص ۱۱۸۵ ، ۱۲۶۵ ؛ ج ۳ ص .Y.TY . 1950

مسيو جردقی : ج ۳ ص ١٨٤٩ . منیوچارنوطا : ج ۳ ص ۱۷۵۶ . سيو چرپئين: ج ٣ ص ٢١٠٨. مسيود بالوا: ج ٣ ص ٢١٥٩،٢٥٣٢.

- 1YTT مهیوسفر (مترجم باشی):ج ۲ ص ۱۹۸۵. مسيو سعون: چ اص ۵۲۷. معيو سوهارڙ ۾ ۾ ص 1949ء، سيو شارل سرتيپ: ج 1 ص ٥٩٧: ج ٣ ص ۲۱۲۲۰ بسيو شفر ۽ ۾ ص 104ء ۽ مسيو شولزفسكى (نايب)! ج ٢ص ١٣۶٥. سيو شيندلر (سرتيپ): ج 1 ص 444. سيو ظامس: ج ٣ ص ١٩٢٨. مسيو طرمنءُ ج ٣ ص ١٩٤٥. مسيو طير: ۾ ۽ ص 149ءَ ۾ ٢ ص147ء +1985+198++191A+19+1+1A4+ 14114411700719707 مسیو غریفرویج (مترجم اول): ج ۲ ص .TION OF E : 1754 سيو فابيوس: ج ٣ ص ١٩٩٤. سیو فرئی(وزیر اعظم فرانسد): ج ۳ ص مسيو ظمر: ج ٣ ص ٢١٣٠. مسیو ظپیسیوف (مترجم دویم): ج ۲ ص سيو فورينه: ج ٣ ص ١٩٩٥، مبيو فيلمور: ج ٣ ص ١٧٢٢. مسیر فیلی پیف 🗦 ج ۳ ص ۲۹۰۸. مسيو قنبو: ج ٣ ص ١٨٥٣ ، مسیو کاپلر (رئیس جمهور سویس): ج ۳ ص ۲۱۲۹ . مسیو کاخانوفنکی: ج ۳ ص ۲۱۰۸، مسیو کاستیکرخان (مہندس): ج ج ص . 1917 - 1907 - 1APA - 1APO مسيو کتابچی(قانون نويس) ؛ چ ۳ ص سیو کربل (نایب اول حفارت روس):ج۲ ص 1914 ٠ سيو کردي: ج ۳ ص ۱۹۷۴. سیو کرس(وزیر مختار روس): ج ۳ ص

مسیو کرشش: ج ۳ ص ۱۸۰۴ ۰

مسيو کرولو: ج ۳ ص ۲۱۰۲،

سيو کلب: ج ٣ ص ٢١٠٩.

مسیو کمانروس: ج ۳ ص ۲۰۵۲،

مسیو کوربینسکی (حکیم باشی): ج ۲ ص

مسيو ژولغاور: ج ۳ ص ۱۹۲۹،۱۹۳۹.

مسیو ستانیو (طبیب فرنگی)! ج ۳ ص

مسیو ژوہر (سفیر فرانسه در ایران): ج ۳

· 1750 سیو کوسنگ' ج ۳ ص ۲۱۰۸، معیو کنیر: ج ۳ ص ۱۶۹۷، سیو کیسولی: ج ۲ ص ۱۹۸۸، مسيو گاريسار (ططان بياده نظام): ج ٢ م ۱۲۳۱۰ مسيوكارسيا كالدرن (رئيس جمهور يسرو): چ ۲ ص ۱۳۰۹: چ ۳ ص ۱۱۵۳۰ بسیو گارفی ظد : ج ۲ ص۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶: ج ۲ ص ۲۰۳۰. سیو گامیتا (مدر اعظم فرانسه): ج ۲ص ٩٠١١ ، ١٢٠٧ : چ ٣ س ٢٠٠٢ ، ·ToY4 سیو گروپ: ج ۲ ص ۱۹۴۲ ۰ سپر کروی: ج ۳ ص ۱۹۶۹ ۰ مسيو گوبيتو: ج ۳ س ۱۸۴۳، نسيو لاغونسكى: ج 17 ص 1715 · مسيو الاثين (ناظم): ج ٢ ص ٢١٣٣٠ مسيولر (مترجم سفارت فرانسه)! ج 1 ص . 1109 - T = : ATA سيو لسپس: ج ۳ ص ۱۷۷۶ -مسیولکونت (وزیرمختار فرانسه): ج ۳ ص مىيولىم (موزىكاتچى باشى، معلم موزيك): ع ٢ ص ١١٩١ ن ١٢١١ ع ٣ \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* مبيو لوتيسكى: ج ٣ ص ١٦١٠٨. سیو طنیکوف: ج ۳ ص ۲۱۰۸، مبيو طيئه: ج ٣ ص ١٩٢٨٠ ميو منيه: ج ۳ ص ۲۱۰۷، مسيو موزليد; ج ٣ ص ٢١٠٧٠ سیو نظر: ج ۱ ص ۵۲۷، سیو نمیر: ج ۳ ص ۱۷۴۸ ۰ مسيو تيكلا : ج ٣ ص ١٩٧٢٠ سیو نیکلا (از اجزای پستخانه): ج ۳س . 1110 مسیر نیکلا مورکین: ج ۲ ص ۱۲۷۱ ۰ مسیو تیکلا (نایب اول): ج ۲ص ۱۲۲۱ ۰

> مسیو والری: ج ۲ ص ۲۱۰۸، مسيو والفسكى: ج ٣ ص ١٨٣٠ -

> > بسيووت: ج ۲ ص ۲۱۲۰

س ۵۳۷٠٠

مسيو ولاموف (كفيل امور قنسولگری) تج ا

-131A +971 +97+ +A0Y

(نايبالوزارة): ج 1 ص ۵۴۱ ج ٢

ص ۱۸۸۰ ۰

- 1411

·1111 · 1111 ·

ص ۱۱۶۲ ٠

ص ۱۲۷۰ ۰

· 1427

· 1440

ص ۱۸۵۲ ۰

-1117 GTE

حسین: ج 1 ص ۵۲۵۰

عثمانی): ج ۲ ص ۹۱۲،

ج ٢ ص ١٣٢٧: ج ٣ ص ٢٥٧١.

سيو وويله: ج 7 ص ۲۰۰۷، سیو هرمان: چ ۲ ص ۲۱۰۷، سپو هیدنه (دندان ساز): ج ۲۳۵۷۰۰ ج ٣ ص ١١١٠٠ مشتاق على شاه (أز عرفاً) ؛ ج ٣٠٠٠ -1715 مشرف الدولة، ابوعلى بن بها• الدولة : ج ١ ص ٢٠٣ تا ١٠٠٠. مشکور (دکتر محمد جواد ۔۔ ): ج ۲ ص -617 مشهدی سردار 🕽 ج ۲ س ۱۲۷۵ -مثیر التجار (حاجی سید رضی) ؛ ج ۳ ص مشیر خسان ناظر (عین الطک ): ج ۳ ص ۱۲۵۶ ۰ مشير الدولة: ج 7 ص ١٢٥٥؛ ج ٣ ص - 1ATT مشير الدوله، سيهسالار اعظم (ميرزاحسين خان): ج ۲ ص ۱۱۹۲، ۱۱۹۳ ج · 1174 - T مشير الدولد، معتمد العلك (وزير عدليه): · YOTY OF TE SYTT OF TE •1|1•1 مثير الدوله، يحيي خان: ج ٢٥٥٥٥٢، مشير لَشَكُو اُنْ جَ الْأَفَّارُ ٢١٢٢ - \_\_\_ مشير لشكر (ميرزا حبيب الله): ج ٣٠٠ مشير لشكر ، ميرزا قهرمان (مستوفىنظـام آذربایجان): ج ۲ ص ۱۸۲۲۰ مشير الطك: ج 1 ص ٥٢٩ ج ٢ ص · 1744 المصطفى (امام): ج 1 ح ص ۱۲۶۰ مصطفی(میرزا ۔): ج ۲ ص ۱۲۷۹۰ 3 7 W CP 07. مصطفی آقا عثمانی' ج ۳ ص ۱۴۱۶ -

معطفی باتا (حاکم کاندی عثمانی): ج۳ ممطفی ہاتا (عمری خدیوسمر) : ج ۳ ص ممطفی پاتا (سفیر عثمانی): ج ۲ ص معطفی پاتا (صدر اعظم عثمانی) ج ۲ ممطنی (15 سید \_ ) حمام المسادات ممطفی (آفا سید 🗕 ) پسر حاجی سیسد معطفی خان (سلطان 🗕 ) 😅 ۱۲۸۹ ۰ مصطفی خان: ج ۳ ص ۱۲۲۰ ۱۲۳۴۰ ممطقی خان (میرزا ۔) افشار: ج ۳ ص مصطفی (سلطان ــ ) خان (امپراطــــور مصطفی خان امیرالامرا 🗦 ج ۱ ص ۵۰۷ مصطفی خان (أمیر تومان): ج۲ص۱۹۸۲۰ · YOFF ITOTO ITOFF ITOTA ممطقی (میرزا ۔۔) خان بہا۔ الملک'ج ۳ مصطفی خان (بیگلر بیگی قلمروعلیشکر): معطفی (آقا سید 🗕 ) از علما طهران 🗧 ممطنی ہیگ: ج ۲ ص ۱۱۸۷ -مصطفی ہیگ (مطم): ج 1 ص01: ج ۲ ص ۱۲۲۱ : ج ۲ ص ۲۰۲۵

ممطقی (میرزا ۔) خان ترشیزی ؑ ج ۳س -150Y +177A مصطفی خان ثانی: ج ۲ ص ۹۹۸۰ معطفی خان چاپوشلو: ج ۲ ص ۱۱۳۶ تا · 1174 مصطفیخان دولو فاجار : ج ۲ ۱۲۸۲۰۰ L. IFIT -IFOY -IFOF -ITAA · 1770 + 1770 + 1714 ممطقی (میرزاـــ)خان (رئیس دفتر ثبت و شیط): ج ۳ ص ۲۱۰۳، مصطفی خان سدن رستاقی استرآبادی ٔ ج ۲ ص ۱۵۲۰ -مصطفی خان، سرهنگ (ماحب،نصب،فوج): ج ١ ص ١١٥٠ ج ٢ ص ١٢٢٠ أج ٢ بصائی پاشا : ج ۲ ص ۷۶۱ ۱۸۵۰ ۱۸۵۱

معطی بیک ورساق: ج ۲ ص ۸۲۴،

. YITT ITOAT OF مصطفی خان جہارم (سلطان عثمانی): ج - 1497 · 1444-4 مصطفی خان سنانی: ج ۲ ص ۱۶۱۱. مصطنی خان شیروانی: ج ۳ ص ۱۳۳۰ ، · 1075 - 1747 - 1747 - 1779 م**مشیخا**نطالش:چ ۳ س ۱۴۷۸،۱۴۲۸ ، -100A . 100Y . 1790 مصطفی خان تاجار (نایب آجودان،اشی): ع ا ص ٥٠٩: ج ٢ ص ١٣٢٩: ج ٣ 11414 . 1414 . 1714 . 1717 P مصطفی خان قراجیداغی: ج ۳ س ۱۴۱۲. مصطفی خان قراگوزلو (سرتیپهمدانی):ج۳ مصطفی (میرزا ــ) خان (منشی مخصـوص وزارت وظایف): ج ۲ س ۲۱۱۹. ممطنی خان میرپنجد: ج ۲ ص ۱۷۴۷ . مصطفی (میرزا ۔۔) خان (نایب اولوزارت خارجه): ج ۲ ص ۱۲۵۸۰ مصطفى خان (نايب الحكومة سوادكوه) : مصطفی خان (میرزا ــ) نایب الوزارد; ج ۲ ص ۱۱۹۹ : چ ۲ ص ۲۰۵۳. مصطفی خان یوزباشی: ج ۳ ص ۱۲۵۸ ۰ مصطفی (میرزا ۔) طبیب دارالفنوں: ج ۱ مصطفی تعشمای(طلا 🗕 ): ج ۳ ص۱۴۴۳. مصطفی کیرلی (سردار عثمانی): ج ۲ ص مصطفی (میرزا ۔) لشکر نویس فارس:ج ۱ ص ۲۰۰۶ ج ۲ ص ۱۲۲۶ ج ۳ ص مصطفی (میرزا \_) فشکر نویس (وکیـــل لشكر): ج 1 ص ۴۲۱،۳۶۸: ج7ص ۱۱۹۶ ۱۱۹۶ چ ۳ ص ۱۸۴۲ ، مصطفی (میرزا ۔۔) مدیر فخارخانہ: ج ۳

- 10YY & 10Y6

. 1849 0

. 1807 P T E

ص ۱۹۵۵ ، ۱۹۴۵

. 4040

. YOTT #1AFO

. 1417 J T E

· 1514 00

الوزاره وظایف): ج ۳ ص ۲۹۹۹ . . 7170 مصطنی قلی (میرزا ۔۔) : ج جس ۱۸۵۴، مصطفیظی خان:ج ۲ ص ۱۱۲۳، ۱۱۲۵: -1410 11YOY 1794 0 TE مصطفى قلى خان اعتماد السلطند: ج1 ص مصطفی قلی خان (پسر امیر خانسرتیپ): ج ۲ س ۵۰۰۱، مصطفى قلى خان (برادر ايلخانىقارس): 1517 OF TE مصطفی قلیخان (تفنگدار خاصه): ج ۱ص ٥٣٠ ج ٢ ص ١٢٥٧ : ج ٢ ص مصطفی قلی خان (جہان بیگو): ج اس ۷۰۵: ج ۲ ص ۱۲۲۷: چ ۲ ص مصطفی قلی خان (حاکم طلایر): ج 1ص مصطفی قلی خان (حکاری از اولاد بنی۔ عباس): ج 🛣 عا ١٥٥٢٠ مصطفی قلی خان (سرتیب جماعتعــــرب اردستان): ج 1 ص ۵۲۱. مصطفی قلی خان (حاجی 🚽 ) مرتیسپ (صاحب منصب فوج): ج٢ص٢١٢٠. معطفی کئی کان سرهنگ ع ۱ ص ۵۱۱، ٠٢٥٠٠ ع ٢ ص ١٢٥٠٠. مصطفی (حاجی ــ ) قلبی خانسرهنسگ : 3 T W 1711: 3 T W 7407. (نایب آجردان باشی): ج۱ص۹۵۵؛ ج ۲ ص ۱۲۳۰: ج ۳ ص ۲۰۷۴. مصطفی قلی خان طالش: ج ۲س ۱۴۰۲ ، - 1414 + 1404 E مصطفی قلی خان عرب میش مست (حاکم ترشيز): ج ۲ ص ۱۲۹۲، ۱۵۹۷ ، - 1440 · 109A مصطفى تليخان قاجار (نايب آجودان باشي): ج ۱ ص ۵۹۰،۵۹۰ ج ۲ ص ۱۲۳۰ ۱۲۲۰: چ ۲ ص ۱۷۲۵، ۲۰۷۴، مصطفی قلی خان قراگوزلوی سرتیپ: ج ۳ ٠ ١٢١٢ - ١٢٠٤ - ١٢٩٤ ٥ مصطفی ظیفان (پسر محمد حسن خسان

قاجار): ج ٣ حر١١٥٥ : ج ٣ ص · 1744 · 1741 · 1750 . 14-1 .14-0 .1444 .1444 -1414 41404 حسنخان قاجار): ج ۲ ص ۱۱۶۷. مصطفی قلی خان (میرزا ۔ ) مستسبوفسی نوری: ج ۲ ص ۱۹۳۲ . مصطفی قِلی خان ، پسر منوچهسر خسسان (نايب آجودانياشي): ج ۽ ميه ۽ ۾ ؛ چ ۲ ص ۱۲۲۹ : چ ۳ ص۲۲۰۳. مصطفی قلی خان میرینج: ج 1 ص2۵۵ : -1977 -1987 PT E سطفی قلی خان (حاجی ۔۔ ) میرشکسار: ع ١ ص ٥٥٠: ج ٢ ص ١١٩٤: ج٠ · 7177 · 7071 · 7077 . مصطفی قلی خان (نایب آجودانباشی):ج ۲ ص ۱۲۲۲ . مصطفی قلی خان (نایب ایشیک آقاسسی ہاشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶. کرمانشاهان}: ج ۲ ص ۲۱۴۱. مصطفی (میرزا ۔) قلی (سررشته دارادارہ بناخانه): ج ٣ ص ٢١١٥. مصطفی (میرزاً ۔) فلی (سررشتمداروزارت معادن): ج اص ۵۵۱، مصطفی قلیمیرزا :ج ۳ ص ۱۹۹۳،۱۷۵۷ ، · 1745 · 1775 · 1777 · 1713 · 1466 · 1404 · 1464 مصطفی قلی میرزا (پسر عباس میرزا):ج۳ ع 1614 ء مصطفی میرزا: ج ۳ ص ۱۶۲۹. مصطفی میرزا (سلطان ــ ) پسر فتحطیشاه

ج ۳ ص ۱۵۰۶.

4A1 PA1 TP.

۲ ص ۲۲۳٠

ح ۱۴۸.

مصعب بن ثابت (جد زبیر بن بکار): ج۱

مصعب بن زبير بن العوام: ج ١ ص ع٨٠

مصعب بن عمیر: ج ۱ ص ۲۳، ۲۴.

مصقل عثمان بن قارا (از آل افضل): ج

مصقل بن فضل بن مهنا (از آل افضل):

مصطفى (ميرزا --) مستوفى (امينالملک): ممطفی (میرزا سید ــ ) مستوفی (ناییب \*\*\*\*

مظفرالدوله: ج 1 ص100: چ 7ص1711 : مملم الدين كتابي، ج ٢ ص ١٩٨٨، T T T TALL S TAOT . مظفرالدوله (سلطانطی خان): ج ۳ ص مصيفان (حاكم دطوند): ج 1 ص ١٣٠٠ مظفر الدين ازبک بن پهلوان ۽ 1 ص معور خان (منعور): ج ۲ ص ۲۴۵۰ -414 مغراب خان: ج ۳ ص ۱۶۴۱ ۰ مظفر الدین کوکیوری (حاکم آربل): ج ۱ مطر (از موالی منصور عباسی و والیمصر): ש פולי דדלי אדדי דדדי ع ١ ص ١٤٨، ١٥٠. مظفرالدين، محمد شبانكاري ( حاكم فارس): مطرف بن عبداللہ بن شغیر : ج 1 ص14 ج٢ ص ١٥٨٠ ١٤٠٠ عطرف بن مفیرہ بن شعبہ; ج 1ص ۹۳. مظفرالدين ميرزا (مظفرالدين شاء): ج 1 ص ۲۶۵، ۵۰۰ ع ۲ ص ۱۲۱۷ : مطب بیک: ج ۳ ص ۱۷۱۴۰ 9 7 00 77A1 · 1AFF · 1AA6 · مطلب خان دامفانی: ج ۳ ص ۱۴۹۷ ، · T+F7 + 1977 · 10TA . 10TF . 10T4 . 1014 مظفر سلطان) حاكم رثت): ج7ص ٧٤٥، \*\*\*\* PAY . \*\*\*\* مطب خان کریالی: ج ۲ ص ۱۱۶۳، مظفرشاہ) ج ۲ ص ۸۴۶، طلب (میر ــ) خان (پسر هاشمخان) : مطارناه حبشی: ج۲ ص ۷۳۶. مظفر شمى الدين يوسف ( صاحبيمن ): مطب بن عبدالله بن مالک: ج 1 ص ج ۲ ص ۵۹۶. مظفر محمد بن حسن بن احمد مروزی ج۱ مطلب (میرزا ۔) نقاشباشی: ج ۱ص ۵۴۱: ص ۲۱۵ ج ٢ ص ١٢٢١، ج ٢ ص ٢١٢٠. مظفرالملک ( حاجي ميرزأ محسن ڪاڻ): مطیع بن ایاس(شاعر): چ ۱ ص ۱۵۲۰ - 1381 or TE العطيم للمعياسي، أبوالفضل بن المقتدر: مظهر بن الرافع الانصاري: ج1 ص ٢٩٠ 3 1 W 467: 777: 777. مظهري کشبيري، ج۲ ص ۹۰۴. مظفر بن حماد ﴿ (ماحب بطيحه ) : ج 1ص معاذبن جبل: ج1ص ٢٢ - ٢٨. معاذين جويسن|لطائي( از خوارج): ج ١ مظفر بن على الحاجب (حاكم بطيحــه) 🗓 ص ۲۲، ۲۲، ۲۹، ۲۹. - TAT . TAT . TAT. معاذبن مسلم (حاكم خراسان): ج1 ص مظفر کجراتی: ج ۲ ص ۸۲۲ ۸۸۹۰ - 147 - 141 - 14-مظفر لوا 🔭 ۲ ص ۸۸۹۰ معاون|لدوله (ميرزا \_): ج1ص ٥٢٩٠ مظفر (میرزا ۔۔) ابن میرزا بایقرا: ج ۲ص معاون|لطک ( وزیر رسایل ): ج۱ص۵۰۳ 11110 17 - ATA - ATY - 4-F مظفر هروی (شاعر): ج ۲ ص ۶۲۵۰ ١٢٥٣ : چ ٣ ص ١٩٩١ . مظفر بن یافوت: ج ۱ ص ۲۴۹۰ مظفر حسین کاشی: ج ۲ ص ۹۲۴، معاویه بن ابی فیان. ج۱ ص ۲۸ ، ۲۱ ، 171 PP: 76 0 A: 66: 771. مظفر حسین میرزا: ج ۲ ص ۲۴۲،۷۳۵ مظفر خان(حاكم بنگاله): ج ٢ ص ٨٤٩٠ · TT1 · TIT · 19T · 100 معاویمبن اسحاق بن زید بن حارثنانصاری: مظفر خان گروسی (یاور اول): ج ۱ ص ج ا ص ۱۲۵ ، ۱۲۲ ، 110 - ج ٢ ف ١٢٣٢ - ج ٣ ص

· YYT - T -

مطب: ج 1 ص ۱۳۶۰

- 1001

· 1750 - 7 =

مظفر خان (والي پننه): ج ۲ ص ۸۶۷

مظفر خان بن وجيد الطك ، ج ٢ م١٨٩٠٠

جمعاویه بن عبدالملک: ج1 ص 115. معاويتمين قرم بن ايأس المزني ج1ص114. معاویمین هشام بن عبدالملک: ج1 ص117 . ۱۱۸ ۱۱۷ ۱۱۵ ۱۱۸ ا معاویدین یزید بن معاویه: چ1ص ۵۵. معبد بن خلیل ( والی سند): ج 1 ص · 100 · 174 معهد بن عبدالله بن عليم جهتى ( اول شخص از قدریہ} : ج ۱ ص ۹۴، المعتزبالله ( بسر متوكل عباسي): ج ١ ₩ API : 191 : 107 - 107 : 017 . المعتصم بالله:ج7ص ۲۶۴، ۱۱۱۸، المعتضد باللهم ابوالعباس احمد بنالموفق (خلیفه عباسی): ج۱ ص ۲۱۴ تــا .775 .777 6 739 .719 المعتضد بن عباد (حكمران اشبيليه) : ج د ص ۲۳۳ -المعتمد: ج 1 ص ٢٠٩، ٢١٦ تا ٢١٣ ، - TIA . TIS . TIA المعتمد بن عباد ( صاحب اشبيليــه) : ج 1 ص ۳۴۹. معتمدالاطباء ( میرزاعلی دکتر): ج۲ ص . 1105 معتبدالتجار (خاجي آقا هاشم): ج ٣ ص ۲۱۲۶. معتبدالحرم = آغاجوهر:ج ۲ ص ۱۲۲۷، معتمدالدوله ( حاجی ــ ) فرهاد میبرزا ابن عباس ميرزا ( عم ناصرالدين شاء ، صاحب: جام جم وهدايتالسبيل): ج٢ ص ١١٧٥ ، ١١٢١ ، ١٢١٩ ، \* 1751 - 1704 & T = - 1777 1791 - 1777 - 1771 - 1779 · 1874 · 1874 · 1879 · 1871 - 1941 معتمدالدولت، عباسقلیخان جوانشیر اج۳ ص ۲۲۸۴ ، ۲۵۸۲ ، معتمدالــدوله ، ميرزا عبدالوهاب منشــى المعالك: ج٣ ص ١٥٢٣ • ١٥٣٩ -منتمدالدوله فرمانفرما (حاكم قارس): ج اص ۲۶۲: ج۲ ص ۱۱۸۸ . معتمدالدولم، قرواش: ج1 ص ٢٠٣٠. معتمدالدوله،منوچهرخان: ج۳ ص۱۶۳۰۰

معاویه بن حدیجالسکونی ( والی مصر ) آج1

ص ۱۶۱ ۲۵۰ ۲۶۰ ۵۰۰

- معاویه بن زفربنعاصم نج1ص ۱۶۲ ۰

· 1504 · 1571 اول تبريز: ج1 ص 676. المعتمد على الله بن جعفرالمتوكل: ج ١ معصوم بیک صفوی: ج 7 ص ۱۸۵، ۸۱۵، ٠ ٢١٩٠ \* ATT. - ATA - ATT - ATT معتمدالملك:چچص ١٩٢٥ ، ١٩٣٥ ، ١٩٣٠ ، - 404 1117 - 1171 - 110A - 110T معموم خان: ج ۳ ص ۱۷۹۲. . ToTT معصوم خان ( میرزا ... )سرتیپ: ج1 ص معتمدالطک (حاکم عراق و ... ):ج۳ معصوم ( میر ــ ) خان (کارپرداز حاجی ص ۱۹۲۴ · ۱۹۲۳ ب معتمدالطک ( سرکشیکچی باشی): ج۳ ص ترخان): ج۲ ص ۸۸۸۸ ۰ معموم ( حاجی میرزا \_ ) خان ( کیار معتمدالطک ( وزیر مخصوص) ولد عمساد گذار آذربایجان ): ج ۲ ص۲۱۰۴، الدوله: ج1 ص ۴۶۲، ۲۵۵،۵۴۵؛ · 1104 ج ٢ص١١١، ١١٩٢: ج٢ص٥٥٥٥٠ معصوم خان (ميرزا \_)نايب:ج1ص٥٣٥، معتمدالملک، يحيىخان (آجودان مخصوص): معصوم ( میرزا ـ ) خان ( ویس قنسول ج٣ ص ١٩٥٠ . بادکوبه): ج ۳ ص ۲۹۰۷. معدین اسماعیل: ج۱ ص ۲۹۸. معصومه ( حضرت \_) : ج٣ ص ١٥٢٢، معد بن عدنان: ج1 ص 146. · YOYA . 15T1 معروف کرخی ( صوفی): ج 1ص ۱۷۵. المعظم، محمد بن سباءً: ج1ص٣٢٩. المغزين باديس ( حكمران افريقيه)؛ ج١ معقل بن الاعشى؛ ج1 س ٣٩. TTA ITTO ITTY J معقل بن قیس ریاضی: ج ۱ص۶۶، ۶۴، معزالدوله ، ابوالحسين احمد بن بويد ;ج { . 74 D YY . F4. ص ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۸ تسا ۲۶۲ ، معمو بن راشد : ج 1 ص ۱۴۴ . TOPITAYITAY ITST B TOT معن بن حارثه: ج ۽ ص ۴٠٠. متزالدوله ، بهرام ميرزا : ج٣ ص٩٩٩ . معن بن زائدہ شیبانی: اج 1 ص ۱۲۹ ، معزالدوله (حاکم مازندران) : ج 7ص70،۲۰۱ : · 164 · 164 · 144 · 154 · 150 5 T & 9771 + 9717. St. 1000 1306 1896 معزالدوله ( وزبر عدلية) ؛ ج 1 ص ۴۷۰ ، معن بنزيد سلمي: ج١ ص ٧٨. -050 -011 معوضه بن تاجالدين! ج٢ ص ٧٤٤. معزالدين(ابيرت) اصفهاني: ڇهينγ٩٦. معيرالسالك: ج٢ص٢٩٢: ج٢ص٢٩٢٩. معزالمين كرت: ج٢ ص ٥٣٧. معيزالممالک ( اميردوست محمد ځان ); معزالدینیزدی (میرــ): چ۲ ص ۹۲۰. ج ۲ ص ۲۱۳۷. المعزلندين اللعملوي (حاكم مصر): ج١ معيرالمعالک \_\_\_\_ حسنطىبيک , , , .TYS CTY1.TSY .TST .TST . معيرالممالک \_\_\_\_ حسينطي ځان معيرالجمالك نظام الدولد ( وزير ماليه) : معصوم ( میر ــ) شاهبراد یک جان{ ولد ج ٣ ص ١٩٢٤. دانیال): ج ۳ ص ۱۴۲۳. معین ( از خوارج ): ج۱ ص ۷۲. معصوم ( سید ـ ) علیشاه دکنی ( از معینالدولهٔ انز ( از معالیک،حاکمحمص)! عرفا): ج٣ ص ١٢٢٥،

معصوم ( میر ۔) قونسول روسچق: ج ۱

معصوم ( میرزا ـ ) محیط ( ولد میسرزا

بزرگ قائم مقام): ج ٣ ص١٥٤٤.

معموم (حاجی میرزا \_ ) نایب و منشی |

\*\*\*\* TPG+ APG-معين الدين بن شيخ: ج1 ص 161. معين الدين غياث الدين :ج٣ ص٥٨٧٠ مين الدين کائي: ج ۲ ص ۷۰۱. معینالدین میرزا: ج ۳ ص ۱۷۲۸ ۱۷۲۸ ، - 1747 · 1707 · 1779 معین الملک (امیرتومان): ج۲س۵۰۵ ۲۱۰. سینالطک ( حاجی بیرزا محسن خان ) سفیر ایران در اسلامبول: ج ۱ ص TE- ITTY . I IAT OF T E FAT . Yoyl . Yosk معيوف بن يحيى|لحجوري: جَ1 ص 145، مغرور میرزا ( تایب ناظر): ج وس۵۵۷: . TITT OF T E مفيت فتحالله عمر بن ملك صالح ايسوب (صالح کرک): ج ۱ ص ۴۲۹،۰۴۷، ۲۵۲ ، ۲۵۵ : چ۲ ص ۲۵۹. مغیرہ بن سمید : ج 1 ص 119، مغیره بن شعبه ثقفی ( والی کوفه): ج۱ · 44.41 .50 .51 .01 .00 0 . 79 . 79 مغیرہ بن مہلب: ج ۱ ص ۹۵. مغیره بن ولید بن معاویه بن هشام اموی: ج ١ ص ١٥٥٠ مفضل بن مہلب ( والی خراسان): ج 1 . 10 A . 10 Y . 97 P مظح: ج۱ ص ۲۰۵، ۲۰۲، العفوض، جعفر بن المعتمد: ج1 ص ٢١٧، مقاتل بن سليمان البلخى ( مفسر); ج1 ص ۱۴۴۰ مقتدای اردبیلی: ج ۳ ص ۱۳۵۵ ۰ المقتدر: ج ١ ص ٢٢٨، ٢٣٥ تا ٢٣٣ ، . YFF-TE: TO1. TPO ETTS العقندى بامرالله، ابوالقساســم عبداللـــه عباسی: ج۱ ص ۲۲۵، ۲۲۸،۲۲۶، \*\*\*\* TTT . TTT. المقتفى لامراللمعياسي، محمد بن مستظهر:

3 1 2 647. XYT: 0XT: 7XT:

\*\*\*\* \*\* \*\*\* \*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\*

ج 1 ص ۵۸۰

مقداد بن مدد یکرب کندی چ۱ص،۱۹ مقصود بیگاینخلف بیگ: ج۱۳۸،۳۶۰ مقصود خان ایلچی ایران: ج۲ ص،۹۳۸، ۹۳۶.

مظد بن مسیب ( امیر موصل) !ج ۱ ص ۲۸۸، ۲۲۰۰

مقدع، هاشم ( حکیم): چاص ۱۴۹ تساً ۱۵۱۰

مقوقس ( حاکم اسکندریه): ج ۲ ص۲۲ ، ۲۶، ۲۷، ۵۰.

مقیمخان ساروی: ج۲ ص ۱۱۵۳: ج۳ ص ۱۳۷۴،

مقیم مازندرانی ( میرزا ــ ) لشکر نویس استرآباد:ج۱ ص ۵۰۶،ج۲۳۰٬۱۵۵۲ مکتبی ( شاعر): ج۲ ص ۷۵۲،

المكتفى بالله عباسى، أبو محمد على بن المعتشد بالله: ج1 ص ٢٢٢تا٢٢٢. ج ٢ ص ٢٠٤٢.

مكثر بن عيسى(حاكممكه): ج1 ص٢٠٦٠ مكمول، ابوعبدالله الثامي ( فقيه):ج1 ص ١١٢٠

مکرم: چ ۱ ص ۲۵۴۰

مکنیل ماحب: ج۲س ۱۶۲۳ ، ۱۶۵۵ مکور (کیتان – ) نایباول: ج۲۰۰۵ مکین مکینابراهیمالیلخی ( از مشایخبخاری): ج۲ ص ۱۸۳ ،

عکی بن ابوطالب ( ثیخ اندلس): ج ۱ ص ۲۱۸۰

مكينالدوله: ج ( ص ۲۹۲۰

ملا اکرم (ستوفی هرات) : ج جس۱۷۵۶ . ملا باشی ( حاجی — ) : ج۱ ص ۵۲۷ : ج ۳ ص ۲۰۹۷ .

ملا یاشی ( دربار شاه سلطان حسین ): ج ۲س ۱۳۵۸ ۱۳۷۱

ملا بناشی ( شاعر): ج ۳ ص ۷۵۸۰ ملاس ( سردار اطریش): ج۴ح۱۳۵۹۰ ملا شاه بدخشانی: ج ۲ ص۹۶۷۰

ظامدرا : ج ۲ ص ۹۵۴ ·

ملا محمد ( سلطان مارک): چ۲ه ۱۸۶۷۰۰ ملا معین( علامه تونی ):چ۲ه ۲۳۳۰ ملید بن حرمله شیمانی: چ۱هی ۱۲۲۰ ملسوف ( نایب اول و ایلچی روس):چ۲

ص 1046 ٠

ملک (امیر ــ ) : ج 1 ص ۴۲۶۰

طک ( سردار پروس) : ج ۳ ص ۱۹۱۹ ملک آرا ( محمد ظبی میرزا ، پسر فتحطی شاه) حکمران قزوین : ج ۱ ص ۱۸۹۹ ، میرود تا ۱۸۹۳ م ۱۸۹۲ ، ۱۹۲۲ م ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۲ م ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۳۲ ،

ملكآغا (دختر خضراغلان) أج٢ ص69٠٠ ملكابراهيمين شير كود ( صاحبحمص) : ج 1 ص 40١٠٠

ملک احمد پاشا : ج ۲س ۹۵۶۰

ملک اسکندر : ج ۲ ص ۸۹۲ -

طک اسکندر (از بزرگان سیستان ): ج۲ ص ۱۹۵۱

ملک اسکندر بن کیسومسرث ( از طسوک رستمدار ): ج ۲س ۲۲۴۰

ملکاشرف (ماحب حمص) : ج ۲ ص۵۸۱۰ ملکاشرف ، استقیل ( از آل رسول بعن) : ج ۲ ص ۲۰۲۰

ملک اشرف، تاچالدین: ج۲ ص ۸۹۴، ملکاشرفچوپانی ( برادر شیخ حسن ) : ج۲ ص ۶۲۸،۶۴۱ ۱۶۲۰، ۶۲۸،۶۴۱،

ملک اشرف دوم ( از آل رسول بعن) آج۴ ص ۱۹۷۴،

کلک اشرف سوم ( از آل رسنول بعن ): از کا کا کا ۱۹۶۸ ( )

ملكاشرف صلاح الدين خليل؛ ج ٢ ص ١٥٥٦٠ ٥٠٩٠.

ملک اشرف عمر بن یوسف، پسر ملکمظفر ( از آل رسول یعن): ج۲ ص۶۰۴، ۲۰۴.

طک اشرف قانصو (بادشاه مصر و شام): چ۲ ص ۶۹۲، ۷۴۲۰

بلک اشرف قایتبای( سلطان مصر وشام): ج ۲ ص ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۲۲،

ملک اشرف گچک ( برادر ملک منصور) : ج ۲ ص ۶۳۲،

ملک اشرف مظفرالدین، موسی بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب ( حکمران دمشق،) : ج ( ص ۲۲۱ تا ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۲، ۴۲۸، ۴۲۲، ۴۲۲، ۴۲۳،

طک اشرف، موسی بن ابراهیمین شیرکوه: ج ۱ ص ۱۸۵۱ ۱۵۸۰ طکالاشکری: ج ۱ ص ۱۳۲۰ ۱۳۳۰ مطکالاطباه (حکیمیاشی): ج ۱ ص ۵۴۶۰ ج ۲ ص ۱۳۱۰ ۱۳۳۰ طک افضل ( از آل رسول یعن): ج۲ ص

ملكافضل بن صلاح الدين ايوبي، نورالدين على (صاحب حماه): ج. ١ هـ ٨٠٠، ٢١٣ تا ١٩٤٠، ٢١٨ تا ٢٣٢، ٢٣٢٠ ٢٣٧، ٢٣٧؛ ج ٢ ص ٢٥٠٢،

ملک افضل، ناصرالدین محمد بسن طسک مواید (پسر ابوالفدا ) : ج ۲ ص۶۲۶، ۶۳۲.

ملکامجد مجدالدین بهراشاه بنفرخشاه: ج۱ ص ۴۱۲ ، ۴۲۱

ملک اوحد بن ملک عادل، ایوب، ج ۱ ص ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۲۲

ملک یقراط ( باش اجوق): ج۲ ص۲۹۹۰ ملک بهادر ( سرکردهٔ تفنگچیان کوهک): ج ۳ ص ۲۰۹۴،

طک بهرام ( از ارتفیه): ج ۲۰۰۰/۰۰ طک بهدن: ج۲ ص ۱۸۸۱ ۸۹۲۰ اک

ملک بیستون رستمداری: ج۲ص۰۲۱۰ ملکالتجار ( حاجی محمد کاظم): ج ۲ ص ۱۲۵۱۰

ملكالتجار ( آقا هدايت): ج٣٠٥/٢١٢٠ ملك جاهد ( از آل رسول يعن): ج٣ ص ٨٠٤٠.

ملک جلال|الدین محمود خسان ( حاکسم سیستان ): ج۲ ص ۹۰۱ ۱۹۰۳

ملکجواد ،پونس بن مودود بنطکعادل: ج 1 ص ۲۴۶ تا ۴۴۹،

طک جَهانگير بن طک ططان محمد∶ ₹8 ص ۱۸۹۴ -

ملک چهانگیر بن ملککاوس: ج۲ ۱۹۶۶۰ ۸۹۲

ملک حافظ ، نورالدین ارسلانشاه بنطک عادل بن ایوب: ج۱ ص ۴۲۹،

ملک خشر ( پسر ملک ظاهر بیبرس) أج؟ ص ۵۹۶،

ملک راجای فاروقی: ج۲ ص ۶۴۸ ملک رحیم ( از بزرگان سیستان): ج۲

.901 0

طک رحیم ، ابونصر خسرو فیروز ( آڅرین بادشام[لبوید]: ج ا س٣٢٢،٣١٩، . FTG . TTF . TTT

ملگارستم (حاکم لر کوچک): ج۲ص، ۲۵. ملكىركنالدينمرغنى: ج٢ ص٥٥٠٤٥٠. طک زاده ( دختر فتحطیشاه): ج ۳ ص

ملک زاهد داود بر، سلطان صلاحالدیس ( صاحب بیره): ج۱ ص ۴۴۴. طک معید بن بدرالدین لوالو": ج۲٪ ص

طكالسعيد بركه بن الظاهر بيبرس: ج ٢ ص ۱۹۵۰ ۵۹۳ ۵

طک سعید خلخالی: ج۲ ص ۹۱۲.

ملک سعید بن ملک عزیز: ج ۱ص۲۵۵۰۰ طک سعید ، نجمالدین غازی ( بسر نامر

الدينارتق): ج1 ص ۴۴۸. طک سلطان محمد (حاکمرستندار): ج۲

ጫ የልጹ፥ ት**የ**ል-ملکشاہ بن الب ارسلان سلجوتی: ج 1 ص

. TSS . TO . . TYY & TYT

طكناه ( پسر بركبارق): ج1ص ٣٥٧. طکشاه بن تکش: چاص ۴۱۶.

ملكشاه بن خسرو شاهبن بهرام شاهفزنوى: 7 1 °C 687: 197.

طكشاه ( پسر فليجارسلان ) حاكم موصل : . TON 00 1 2

طكشاه بن محمود بن محمد سلجوتي اج:

- 7AT . KAT . PAT . 1PT . طک شرف موسی جاص ۴۵۸.

ملكالشرق، خواجه جهان{ حاكم جونپور); 7 P W 199.

طک شعبان ( سلطان مصر): ج۲ ص ۵۹۱، طک شمی الدین محمد ( از آل کرت ) :

ج ۲ ص ۶۵۴،

ملک مالع ( از ارتقیه): ج7 ص ۶۷۰. ملكحالح (حكمران ماردين): ج7 ص۶۳۸. طک مالح، اساعیل ( ماحب بمری):

ج ۲ ص ۲۴۱.

ملكحالح،استيل ( برادر سلطانناصر): ج 1 س ۶۳۲،

مطكحالح،اساعيلبنطك عادل(حكوان

دمشق): ج١ ص ٢٢٦ تا ٢٥٢. ملک مالح، استاعیل بن نورالدین محمود ابنعمادالدينزنگى: ج1 ص ٢٠٠٠ تا 707: dot.

طلک صالح، ايوب بن طلک کامل: چ١ ص 6 440 . 444 . 444 . 444 . 444 . 454 . 405

طک مالح (پسربدرالدین لوالوا ، ماحب موصل): ج٢ ص ٢٧٥.

طكمالح،شسالدين محمد بن عبدالطك: ع ١ ص ١٥١.

طک صالح بن شیر کوه (صاحب حسص) : ج ۲ ص ه۵۵۰

ملک صالح ، علاء الدين على بن ملــــک منصورقلاوون: ج٢ ص ٥٩٤، ٥٠١.

صلاح الدين: ج 1 ص ٢٣١.

طک صالح ، ناصر الدين محمود (صاحب آمد): ج 1 ص ۴۳۵.

طک طاهر (صاحب حلب): ج ۱ص۲۱۲.

ملک طاهر برقوق (سلطان مصر و شام) اج 550 .504 P Y

ملک ظاهر ، عبسی ارتقی (صاحب ماردین): 3 Y W 4Y9.

ملک طاهر ، بحیی (از آل رسول یمن) : .4020 LE

ملک ظافر خضر بن سلاح الدين ا ح و ص .415 4418

ملک ظافر عامری: ج ۲ س ۲۳۵، ۲۶۵. ملک ظاهر (برادر طک ناصر یوسف):ج ۲

ص ۵۸۵۰ ۲۸۵۰

(سلطان مصر): ج ۲ ص ۵۸۴ تــــا -498

ملک ظاهر، چھاق ہیک (سلطان مصدر): ج ۲ ص ۹۹۲ تا ۹۹۹، ۹۹۹.

طک ظاهر، غازی بن سلطان ملاحالدین: 31 W 117 419 A17 3774. \*\*\*\* \*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\* \*\*\*\*

ملک عادل، ابوبکر بن ابوب ( بـــــرادر سلطان طلاح الدين) : ج اص111ء . 470 . 471 L 470 . 477 L 417 . PAT . FFT . FFT . TAY.

طک عادل، ابوبکر (پسر طک کامل): ج . 404 : 444 1 449 . 404. ملک عادل، أمير زين الدين كتبغا أج ٢

> ص ۵۰۶۰ ملک عزالدین: ج ۲ ص ۸۹۹.

طک عزیز : ج ۲ س ۸۵۲.

طک عزیز، اسماعیل (پادشاه یمن): ج ۱ ح ۴۱۶.

طک عزیز (پسر جلال الدوله دیلمی): ج ۱ ص ۱۳۱۶.

طک عزیز، عثمان (پادشاه مصر): ج ۱ ص ۲۱۲، ۲۱۵.

طك عزيز ، غياث الدين محمد بن طبك ظاهر(صاحب طب): ج 1 ص ۲۲۹ ، . TTY . TTO G TTT . TTF . TTT

ملک عزیز، محمد بن ملک ناصر: ج اص . 464 . 444

طک بن علی (شاہ 🗕 ): ج ۱ ص ۲۱۶ء

طک علی بن غازی (از ارتقید): ج ۲ ص .640

طک عنبر حبشی (صاحب دکن): ج ۲ص .950 :905

طک غیاث الدین، یسر علی (از آلکرت): ج ۲ ص ۶۵۵.

ملک غیاث الدین حسین کرت (ابن طسک منزالدين): ج ۲ ص ۶۴۷.

ملك فخر الدين إسلاحدار قدرخان وحاكم بنگاله): ج ۲ س ۴۶۰،

ملكخيروز ، جلال الدوله (از طوكخلج): ج ۲ ص ۶۶۴.

ملک قاسم برید (از امرای بهمنیه) بریــد شاه ج ۲ ص ۷۲۳.

ملک قاسم میرزا (پسر فتحطیشاه): ج ۳ م ۱۶۹۰ ،۱۶۲۰ ،۱۶۲۲ ،۱۶۱۵ ،

ملك قاسم ميرزا (پسر فيروزالدين ميرزا): ع ۳ ص ۱۵۲۴.

ملك قاهر ، عزالدين منعود بن نورالديسن ارسلان زنگی: ج ۱ ص ۴۳۲،۴۲۷،

ملک قرقرہ: ج ۲ ص ۲۶۵.

ملک کاوس بن کیوبرٹ: ج ۲ س ۸۹۴. ملک کامل (پسر ملک عادل): ج ۱ ص

164, •74, 779, 777 & 474,6 194 & 177, 747 & 474,667, 747; 3 7 ~ 186,

ملک کامل ، شعبان: چ ۲ ص ۶۳۵،۶۳۴ ملک کامل محمد بن ملک مظافر ابنایسوب (صاحب میافارقین): چ ۲ ص۵۸۱،

ملک الکتاب: ج 7 ص ۱۷۴۴-

طک کیکاوس (برادر طک اسکندر بسسن کیومرث، از طوک رستمدار): ج ۲ ص ۹۲۴،

ملک کیوبرٹ رستبداری: ج ۲ ص ۴۹۹۰ ۸۹۲ء

طکل (پادشاہ اکس) : ج ۱ می ۹۳۶. طک المجاهد ، علی بن داود سیسسف الاسلام : ج ۲ می ۱۶۲۰ ۶۳۱. طک مجاهد ، شمس الدین علی بن طاهر: ج ۲ می ۲۶۵.

طک محمود خان دیلمی: ج ۲ ص ۲۶۰.

طک محبود سیستانی: ج ۲ ص ۱۵۰۸ : ۱۵۲۹ : ۱۵۲۲ ،

ملک مسعود (از آل رسول یمن): ج ۲ ص ۲۰۲۰، ۲۰۵۰

طک مسعود (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۲۰۰

ملک معود بن ملک عالم ارتقی(صاحب آمد): ج 1 ص ۲۲۲،۲۲۸،۲۳۵

ملک مسعود بن ملک کامل (پادشامیمن) : ج 1 ص ۲۲۶،۲۲۶:

ملک مظفر دوم (از آل رسول): ج ۲ ص ۲۰۴.

ملک مظفر (از ارتقیه): ج ۲ ص ۴۷۵.

ملک مظفر ، تقی الدین عمر بن شاهنشیاه بن آبوب ( ج ۱ ص ۲۱۰ ،

ملک مظفر ، تقی الدین محمود بن ملسک منصور (عاصب حماه) : ج ۱۳۲۳ ، ۲۲۲ ۲۲۱ ، ۲۲۵ ، ۲۲۵ ، ۲۲۲ ، ۲۲۲ ، ۲۲۲ ،

ملک مظفر ، حمام الدیسن هذبانی ً ج ۱ ص ۲۲۶ ،

ملک مظفرہ شمس الدین یوسف بن ملسک منصور (از آل رسول یعن): ج ۲من ۲۰۹۰ ۲۰۴۰

ملک مظفر ، شهاب الدین غازی ابن ملک عادل: ج ۱ ص ۴۳۸، ۴۳۴، ۴۳۶

۴۲۷ء ۴۲۲ء ۴۴۹ء ۴۳۷ء ملک مظفر (برادر ملک نامر ظیج ارسلان (ماحب حماہ): ج ۽ ص ۴۴۲ تــا ۱۳۲۰ء ۴۴۲ تا ۴۵۱ء ۴۶۲،

ملک مظفرہ یوسف بن عِبْر (حاکم یعن): ج 1 ص ۲۵۴،

طک معز، ایبک ترکنانی: ج ۱ ص ۴۵۸. طک معزالدین حسین کرت: ج ۲ص ۴۲۹، ۴۲۹، ۴۲۲، ۴۲۷، ۴۲۹، ۶۵۵،

ملک معظم توران شاہ بن سلطان صلاح ۔۔ الدین(حاکم حلب): ج ۱ حر164، ملک،

طک معظم توران شاء (پسر طک صالحنجم الدین ایوب بن طک کامل پادشساه محر): چ ۱ ص ۲۵۲، ۲۵۵: چ ۲ ص ۲۵۹، ۵۸۰

ملک منظم ، عیسی بن ملک عادل: ج ۱ ص۲۲،۰۲۱۹ تا ۲۲۲،۰۲۱۹.

ملک مفیت آبویی (صاحب کرک): ج ۲ ص

ملک مفیت ۽ فتح الدین: ج 1 ص ۴۵۲. ملک مفضلء ابوالبرکاتاین الولیدالحمیسری (مالک تغز): ج 1 ص ۲۲۱.

طک مکرم ــــ احمد بن علی ملیحی، ملک منصو : ج ۲ ص ۲۶۵،

ملک منصور، آبراهیم بن ملک مجاهد شیر کوه: م 1 ص ۲۲۸ تا ۲۵۰، ۲۵۲

طک منصور، ابویکر بن طک ناصر محمسد (سلطان مصر): ج ۲ ص ۶۳۲۰۶۳۱

طک منصور ، ابند الدین شیر کود: چ1ص ۳۹۶،

ملک منصور ، ایوب تا ج ۲ ص ۴۲۰،

ملک منصور (پسر برادر صلاحالدین ایوبی): ج ۱س ۴۱۴،

ملک منصور بیک پرناک: ج ۲ ص ۲۲۸۰

ملک منصور (پسرتقیالدین) چوم۱۹۱۰، ملکمنصور، خلیل: چ و ص ۲۵۵،

ملک منصور دوم (از آل رسول یعن) اج ۲ صر ۱۹۸۴

طک منصور دوم (از ارتقیه): ج ۲ ص ۶۷۰،

ملک منصور (سلطان مصر): ج ۲ ص6۵۱، ملک منصور(ماحب حماه): ج ۱ ص۶۵۶،

۲۶۳: ج ۲ ص ۲۷۵ تا دیده ۱۸۵۰ ۱۸۵۰ ده

ملک منصور، عمر بن غلی (حکمرازیمن): ج ۱ ص ۲۵۶،

طک منصور، فلاوون طاحی: ج۲م۱۵۵۰ ۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۲۰۵۱، ۶۰۰۱،

ملک منصور ، محمد (سلطان ممر) : ج ۲ ص ۶۴۳ ،

ملک منصور، محمد بن ملک مظفر(صاحب حمله): ج ۱ ص ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۲۲ ۴۲۲، ۴۲۲، ۴۵۵، ۴۵۱، ۴۵۲: ج ۲ ص ۴۷۵ تا ۵۸۱،

ملک منصور، محمد بن ملک عزیز (ماحب حماه): چ 1 ص ۲۹۸، ۴۲۲۰۴۲۲ ملک منصور بن ملک مفضل: چ 1 ص۳۲۹، ملک منصور میرزا (پسر مظفر الدینشاه): چ ۲ ص ۱۲۱۸؛ چ ۲ ص ۱۸۹۲،

ملک منصور میرزا (پسر فتحطی شاه) آج ۳ ص ۱۶۲۴ -

ملک منصور، ناصر الدین احمد بن طبک مظفر محمود ایوبی: ج ۲ ص ۵۹۹، ملک منصور، ناصر الدین محمد بن ملسک مظفر تقی الدین: ج ۱ ص ۴۱۰ ، ۴۱۲، ۲۲۲،۴۱۷،

ملک منصور ، نورالدین ابوالفتح عمر (معروف به رسول ) : ج ۲ ص ۲۰۹۰

طک منصور، نورالدین، ج ۱ ص ۲۶۱

ملک منصور، نورالدین علی بن المعــــز ایبک (سلطان مصر): ج ۲ ص۵۸۰، ۵۸۱

ملک مودود (از ارتقبه); ج ۲ ص ۶۲۵. ملک مواید: ج ۲ ص ۲۶۴۰

ملک مواید (ازآل رسول یمن): ج ۲ ص ۲۰۴۰

ملک المواید ــــ ایراهیم بن مسعودغزنوی ملک مواید ،ایوالغدا : ج ص ۲۰۰۰

ملک المواید ، اسمعیل بن ملک افضیل اج ۲ ص ۶۲۶،

طگ مواید ، حسین رسولی (صاحب یمن) : ج ۲ ص ۲۰۴۰

ملک مواید ، داود (پسر ملک مثافر شمسی الدین): ج ۲ ص ۶۰۹۰

طک مواید ، عامر بن طاهر معوضی (حاکم ، يمن): ج ٢ ص ٧٠٥٠ ملك الموايد ، نجم الدين معودبن، الطأن ملاح الدين. ج 1 ص ٢٢٤، طک مواید ، هزیر الدین داود (صاحب يمن): ج ۲ ص ۲۰۹۰ ملک ناصر (از آل رسول): ج ۲ ص۶۷۸، ملک ناصر (حکیران ماردین): ج ۲ طک ناصر جسن (ططان مصر): ج ۲ ص طک نامر، داود بن ملک الحظم عیسسی (ماحب کرک): ج ۱ ص۲۲۸، ۲۴۰ " TFO : YOY . YOF . YOT & TTY · \*\*\* · \*\*\* ملك ناصر، صلاح الدين قليج ارسسسلان (صاحب حماه): ج ۱ ص ۲۳۴: . 440 . 445 E ملک ناصر، فرخ (پسر ملک طاهربرقوق) 🗓 . 999 1994 P F E طک ناصر محمد (سلطان مصر): ج ۲ ص · FTA ·FTO ·FTT ·FTT ·FT• · FTY · FTT · FT1 طک نامر، محمد بن طک منصور قلاوون: . FTT 1504 1507 1899 . FTT 150 طک ناصر،' یوسف بن ملک عزیز محمسد (حکیران حلب و شام ): ج ۱ ص۲۴۵۰ ₩ 100 . 407 . 407 . 449 . 447 ۲۶۲ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۳ ، ۲۵۷ . . DAL LOUT L' DYS ملک نظام الدین سیستانی: ج ۲۳٬۲۲۰، ملک نیازخان: بغ ۳ ص ۱۷۲۳. ملک ہلال (ازبزرگان سیستان): ج 7 ص منجلی گرای (حاکم قرم): ج۲ص۲۲۵، طک ہوسف (از آل رسول یمن): ج ۲ ص منجور (والی حمص): ج 1 ص ۲۰۸، منجیکف (برنس 🗕 ): ج ۳ ص ۱۷۶۴ ، ملكم (ميرزا ـ ) خان، وزير مختار (ناظم الدولمو ناظم الملك): ج ١ص٥٣٤٠؛

3 7 % 1771 A 1911 PPP1.

ملکن اوغلی ذوالقدر: ج ۲ ص ۸۳۸؛ ج۲ ؛

. 7079

ص ۱۳۶۸ .

ملکہ ہارم: ج ۲ ص ۱۸۱۹، ملكمخواتون (خواهر كيخسرو بن كيقباد): - fty +ftt # 1 z ملكه راناوالد دويم (شاه ماداگاسكار): ٣٣٠ ح ۲۱۵۱. ملو اقبال خان: ج جس 196، 254 ملوخان مالوی: ج ۲ ص ۲۹۱. ملوک: ج ۳ ص ۱۷۷۵ ، طیح ارمنی: ج ۱ جن۲۴۰۰. طير: ج ۲ ص ۹۶۶. طیکه (دختر داود لیثی و زوجه حضرت رسول (ص)): ج 1 ص ۲۸۰ مشهانا: ج ۲ ص ۱۰۳۳. ممش خان زعفرانلو (حاكم چناران): ج٢ ﴿ . 1700 · 1777 @ سش خان کرد: ج ۲ ص ۱۶۱۰. معهد الدولة: ج 1 ص 140ء مدیر بر (مطم موسیقی فرانسوی): ج ۳ ص ۱۸۶۳ . منال دشی: ج ۲ ص ۹۶۲. منتسكيو: ج ٢ ص ١٨ ١٥ ١ ١٥٥٠ منتشا سلطان استاجلوا ج ۲ ص ۷۸۶ ، .A.Y . Y9T منتصر ، ابوجعفر محمد بن جعفر المتوكل (بازدهین خلیفه عیاسی): ج ۱ص · YoY . You . 199 . 197 . 197 منتصر بن ابوالقاسم (حاكم سجلماسه) أج ١ ص ۱۸۰۰ منتلن (همراه ناپلیون در جزیره سنست طن): ج ٣ ص ١٥٣٢٠ منتنگرو: چ ۱ ص ۴۸۷، ۴۸۸، منجابَ بن راشد (عامل فارس): ج 1 ص

من ستيور کلوزل: ج ۲ ص ۲۰۴۱، منسئ (زنرال ـــ ) : ج ۲ ص ۱۳۲۲ • منشی حضور :ج ۲ص ۱۹۲۰ ۰ منشي المعالك؛ ج 1 ص ٥٢٨ 😦 ٣ 🗫 APGI - 1014 - 1014 منشى المعالك ـــ خاطر (ميرزا ــ )حلال منشى الممالك ـــ رضا قلى توألى. منشى الممالک (ميرزا نحرالله): چ ۲ص المنصور (بادشاهاسپانیول) :ج 1 ص ۲۸۲. منصور آقا (وکیل شہبندر ارومیہ): ج ؟ ص ۵۲۶ ع ۲ س ۲۱۰۲. متمور ، ابوعلى الحاكم بأمر الله(خَلَيقة ظمی مصر): ج 1 ص ۲۷۲ ، ۲۸۸ ، المنصور بالله: ج ۲ ص ۷۶۲. منصور بالله علری: ج (ص۲۵۹،۲۵۹، ·TYT ·TFT منصور بن بدر : ج ۱ ص ۳۵۸۰ منصور بیک: ج ۲ ص ۷۵۱، منعور بن جعوته عامری: ج 1 ص ۱۳۸۰ منصور بن جمهور (والی عراق): ج 1 ص · 177 · 174 منصور خان (میرزا ۔ ) : ج ۳س ۲۱۰۱. منصور (میرزا 🕳 خان (حاکم کوهگیلویه) 🗈 - 1989 J T E -منصورخان (ماحبآقسو) أج ۲ ص ۲۰۸۰ منمور خان (میرزا ۔۔) طباطبائی: ج ۳ ص ۱۲۰۶ منصورخان عزب: ج ۲ ص ۹۳۲۰ منصور خان فراهانی، ج ۳ ص ۱۶۲۹ ۰ . 1545 منصور ، ظیفه عباسی (عبدالله، أبو ــ جعفر): ج ۱ ص ۸۲، ۱۰۲ ۱۳۰ ۱ 171: 771: 671 D 971: 761: . 155 - 10Y - 100 منصور الدين ميرزا (يسر ناصر الدينشام): . Toff o T & منصور میرزا (ملک ــ ) پسرفتحطیشباه: ج ۳ ص ۱۵۰۳۰ متمور بن طيم 🖁 ج ۲ ص ۵۹۲ 🗟 منصور بن مدقه: ج 1 ص 750.

منصور طوسی: ج ۲ ص ۲۰۲،

منذر بن محمد بن عبدالرحمان امسوی 🖫

ير ( ص ٢٠٩، ١١٥ تا ٢١٧.

-1971 - 1977

منڈر بن ساوی: ج 1 ص ۲۶.

مندک: ج ۳ ص ۱۸۱۷،

منصور عبدالعزيز (ططان محر): ج 7 ص أ . 141 متوجهر (حاجی ــ ) خان (حاکمشیروان): . \*\*\* ج ۲ ص ۹۶۶ . منصور بن مصر السلمي، ابوعتاب كوفي : متوجهرخان گرجي ج ۲ ص ۱۵۶۷ ، ۱۵۶۷ ، ٠ ١٣٥ ص ١٣٠٠ متعور بن مهدی : چ ۱ ص ۱۷۲ ۱۷۵ ، · 10YF منوچهر خان معتمد الدوله: ج ۲۳۰،۱۶۲۹ . 147 · 1574 · 1574 · 1575 · 1577 منصور بن نمیر (مالک دیار یکر): ج ۱ · 1664 - 1661 - 1644 - 1644 · TT+ · TTA · 1A1 of منصور بن نحير: چ 1 ص 140 . منوچهر بن قابوس بن وشعگیر بن زیــار : متعور بن نوح بن نمر ساءأنی (شـــــاد ج ۱ ص ۲۰۲۰ عاورا النهر وخراعان): ج 1 ص منوچهر میرزا (پسر عباس میرزا): ج ۳ \*\*\*\* TAX : YYY . TYT . TSF ص ۱۶۲۶ ، ۱۶۱۷ م بنصور بن یزید حبیسری ( حاکستم یعن، منوچهر میرزا (پسر فتحطی شاه): چېص خراسان): ج 1 ص ۱۵۲، ۱۵۲ ، - 1977 . 1977 . 17AY · 157 · 157 منوول (امانول) يسر اميراطور قسطنطنيه: متصورين يوسف بن بلكين (أميرافريقيه): 2 1 W TAT > AAT. مَنُولُ (سردار هرقل) : ج 1 ص ۴۱. متظور (امير ــ ) ابن عمارةالحميني(امير منیر خانم: ج ۱ ص ۲۸۵، مدینه): ج ۱ ص ۳۵۵. منير الملطنه (هبسر ناصر الدين تساه): منعم خان:ج ۲ ص ۱۶۶۰ منکسارنویان ( از جلایر زبارغوچیان) :ج۳ سنيف افتدي: ج 7 ص ١١٢٧ ١١٣٥: ٣ ج. ٠ ١٢٢٢ ٠ منکی: ج ۱ ص ۲۲۹، ۳۳۰، منیه بن خمیب کے اص ۲۸۷، منکو تیمور بن خلاکوفان: ج ۲ ص ۵۹۴، موحمن الملك، ميرزا سميد خان ( وزيسر . YTT . 617 . 619 منکو قا آن بن تولی خان بن جنگیزخان: י זיש ודדר יודר טודרו יודרוי -1750 · 1757 منگل فیہ (مخترع بالن): ج ۳س ۱۳۹۵ ۰ مودود (ماحب موصل): ج 1 ص ۲۶۰ ۰ منگلی (فرزند آی خان مغول): ج ۳ ص مودود خان فیروزکوهي: چ ۳ ص ۱۶۲۴ . منگو تیمور (پسر برکه خان عاحب دشت مودود بن سنجر شاہ: ج ۱ ص ۳۲۶. قبچاق): ج ۲ ص ۱۸۵۰. مودود بن الطنتكين (سركرده): ج 1 ص منگو تیمورین طفان ( پادشاه تاتارشمالی): - A T T ALA . YPG. منگو 150 ن ج 1 ص ۲۵۶ ، ۲۵۲ ، ۲۶۱ ، . FOT . OAT - T E ملوچھر : ج ۲ س ۷۶۳ ، بنوچهر خان: ج ۲ ص ۱۵۸۰، منوچهر خان (بیگلر بیگی مشهد): ج ۲

متوچهرخان (ابن قرچنای): ج ۲۰۹۰:

مورول: چ ۳ ص ۱۷۲۹. موريه(مبتر 🗕 ) ثبج ٣ ص ١٥٢٣ -موسی (میرزا ۔) : ج ۲ ص ۱۷۲۷ . . موسى (آقا شيخ ـ ) از علما؛ طهران: ج 1 ص ۲۰۹۵: چ ۳ ص ۱۵۵۷ ۲۰۹۵. موسی بن ابراهیم بن شیرکوه (طک اشرف، نایب هلاکوخان در حمص): یو ۲س موسی بن اسحاق (ظفی): ج ومزہ۲۳۔ موسى (حاجي آقا ــ ) اصفهاني (ناجر): -T1TA OF T & موسى بن أمين بن رشيد (ناطق الحق) : ج 1س ۱۲۱ . موسی (ایلچی فرانسد)) ج ۲ ص۹۹۹. موسی (پسر ایلدرم بایزید خان): ج ۲ س ۶۶۷، ۶۶۷، موسی بن بغا کبیرا ج ۱ ص ۲۰۲۰۲۰۰ .TOY U TOO موسی بیک افشار: ج 7 ص 1147. موسی بیک (قونسول انطاکید): ج ۱ ص ۵۳۲: چ ۳ س ۱۱۰۶. موسی ہاتا : ج ۲ ص ۷۹۹. موسی (میرزا ۔) تفرشی: ج ۳ ص1۶۹۳، موسى بن جعفر الكاظم (امام هفتم):ج ١ -TY -- TT1 - 14- - 150 - 17A J موسی بن حقص : ج 1 ص 131 -موسی (حکمران مغاثیان): ج ۱ص ۲۳۰. موسی خان (حاجی میرزا ۔۔) : ج ۳ ص 117FA موسى خان: ج ۲ ص ۱۱۶۵ . موسىخان(قاتل خواجه غياث الدين وزير): ١ ٠ ٢ ص ٢٦٨٠٠ موسی خان جهان بیگلو(سرکرده): ج ۱ ۵۲۰ ج ۲ ص ۱۲۴۵ء ج ۳ ص . 7 . 1. موسی خان (برادر حسینخان) : ج ۲ ص موسی (میرزا ۔۔) خان (سرکودہ): ج1 ص .051 موسی (میرزا ۔) خان سرهنگ: ج ۱ ص

۵۵۰ ج ۲ ص ۱۹۵۲ ۰

موسىخان سرهنگ (نوط مستشار الدولد):

Te-1774 of Te-444 of Te

· TE1 . TE0 . TA1

- 1545 - 1541

ج ۲ ص ۶۶۰.

∍T®TY o⊁ T ∈

-1987 -1970 v

-Y10T -Y009

عول خارجة) و ير وم ٢٠٨٠ ١٨٥٠

OF TE - ITOY ITTT OF TE

· 1917 -1910 -1810 -1009

ص ۲۰۷۲.

موسی خان (سرهنگ فوج سوادگوهسی) :ج ۲ ص ۱۹۸۲ ،

موسی خان (برادر زادهٔ فتحملیشاه):ج۳ ص ۱۶۲۶ -

موسی خان (برادر رادهٔ آقا محمد خنان ظاجار): ج ۲ ص ۱۲۹۴۰۱۲۸۰ موسی (حاجی سرزا د) خان (سرادرقاسم

موسی (حاجی میرزا ۔) خان (برادرفایم حقام): ج ۳ ص ۱۵۵۶، ۱۶۱۲، ۱۶۲۶، ۱۶۷۸،

موسی خانقبه (یوزباشی) :ج ۳ ص۱۱۲۷۰ موسی خان قوانلو: ج ۳ ص ۱۶۲۶۰

موسی (میرزا ــ) خان (کارپرداز وان) :ج ۳ ص ۲۱۰۶،

موسی (میرزا \_) خان گیلانی: ج ۲ ص ۱۲۵۵ -

موسی (میرزا —) خان طلایری: چ ۲ ص ۱۲۶۹ -

موسی (میرزا …) خان منشی: ج ۳ ص ۲۱۰۴،

موسی (میرزا ...) خان ناظم الاطبا<sup>ه</sup>: ج ۳ ص ۲۱۴۱،

موسی خان (نایب ایشیک آقاسی باشی) : ج ۳ ص ۲۱۱۶۰

موسی خان (نایب تخت خانه): ج ۱ ص ۵۵۲ ج ۳ ص ۲۱۱۲،

موسي خان (نايب الُحكومة جوين) : ج ٣ ص ٢٥٣٧.

موسی (میرزا ۔۔) رشتی : ج ۳ ص۱۵۳۵۰ موسی (میرزا ۔۔) رئیس دفتر لشکر: ج ۳ ص ۱۹۴۹۰

موسی (میرزا۔۔) سرھنگ (رئیسرتلگرافخانے خرم آباد): ج ۳ ص ۲۱۳۵،

موسی بن سلجوق: ج اص ۳۱۳.

موسی (شیخ ــ ) شفیع: ج ۳ ص۱۵۵۷. موسی بن عبدالله بن خازم: ج ۱ ۱ م۹۰.

موسی بن عبداللہ بن خازم! ج 1009. موسی بن عتبہ(عقبہ،ازموالیآلزبیر)!ج 1 ص 170.

موسی بنطی(پسر ملسک صالح): ج ۲ ص ۶۰۱،

موسی بن عیسی (حاکم مصو): ج ۱ ص ۱۶۰،

موسی بن عیسی بن موسی: ج 1ص 150ء

- 141

موسی بن کسب (والی جزیره و مؤصل) :ج ۱ ص ۱۳۹ ، ۱۳۹ ، ۱۳۹ ، ۱۳۹ ، موسی ( میرزاــ) مشرف(ازاریابطاهی) : ج ۳ ص ۲۱۱۹

موسی(میرزا ...) مشرف (سوارت افشیار) : ج ۲ ص ۲۱۱۴۰

موسی ( میرزا ...) منجم باشیر گیلانی: ج
۲۳ ۱۳۲۲، ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، موسی
موسی (میرزا ...) منشی: ج ۱ ص ۵۲۵، ...
موسی(میرزا ...) منشی مظفر الدین میسرزا
ولیمهد): ج ۱ ص ۵۵۶؛ ج ۲ ص

موسی بن موسی (عامل شهر تطیله): ج ( ص ۱۸۹۰

موسی (میرزا ...) ناظم الاطباء (اصفهان):
ج ۱ ص ۱۳۷۶ ج ۲ ص ۱۳۷۹ موسی (میرزا ...) نایب : ج ۳ ص ۱۹۱۷ موسی (میرزا ...) نایب رشتی : ج ۳ ص ۱۶۱۶ ، ۱۶۱۶ موسی (میرزا ...) نایب رشتی : ج ۳ ص

موسی (میرزا ۔۔) نابب گیلانی: ج ۳ ص ۱۶۰۷ -

موسی(شیخ ــ) نجفی (از علما\*): ج ۳ ص ۱۵۵۰ - ۱۵۵۶

موسی بن تعیر تا ج ۱ مر۱۹۰ و ۱ و ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ د ۱ کا

موسى بن الوحيةالحقيري (عدىبنارطاه) : ج 1 ص ۱۹۶

موسی (میرزا ...) وزیر دارالخلافه: ج۳ص ۱۸۹۲ - ۱۷۸۶

موسى (ميرزا ــ ) وزير شجاع الطخداج٣ ص ١٥٣٧ -

موسی (میرزا ـ) وزیر لشکر: ج ۱ ص۴۶۵: ج ۲ ص ۱۱۸۵، ۱۲۲۴؛ ج ۲ ص ۱۹۵۳، ۱۹۵۸، ۱۹۹۵، ۱۹۹۵، ۲۰۰۶،

موسی بن ہادی: ج 1 ص ۱۵۲ تا ۱۵۷. موسی بن یوسف (صاحب یمن): ج 1 ص ۲۵۶، ۲۵۶.

موصوف (خادم، ظلمحار): ج (ص۲۹۶. الموفق: ج 1 ص ۲۵۸،

الموفق، ابواحمد طلحه بن متوکل: ج ۱ ص ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۰۹، ۲۱۲تا۲۲۱

. 7 19

موفق الدین، ابوالبقایمیش موصلی (ایسن الصابخ): ج ۱ ص ۲۵۲، موفق الدینکواشی: ج ۲ ص ۵۹۷، موقلی کربانک: ج ۳ ص ۱۳۹۳، مولانانورا: ج ۲ ص ۱۳۹۱، مولی (شاعر اصفهانی): ج ۳ ص ۱۳۸۸، مولا ویردی خان: ج ۳ ص ۱۳۸۸، مولود ملطان خانم (دفتر فتحعلیشاه):ج ۲ ص ۱۶۲۶،

مولوی ملا باشی: ج ۲ ص ۱۲۹۲؛ ج۲ ص

مولوی (صاحب مثنوی): چ ۱ ص ۴۴۴، مومأدرز (مسیو --- ) رئیس جمهور : چ ۱ ص ۵۶۳،

موامن (میرزا —)) ج ۱ ص ۹۲۹، موامن (ملا — ) حسین یزدی: ج ۲ ص ۹۱۴،

مونس خادم (المظفر): ج ۽ ص ٢٦٨، ۲۹۲ تا ۲۹۵، ۲۲۷، ۲۹۹، ۲۴۰، ۲۴۰، ۲۹۲ تا ۲۹۷، ۲۵۵.

مواید آموی: ج ۱ ص ۲۹۵. المواید آبید: ج ۱ ص ۳۹۱، ۳۹۲. المواید (پسر متوکل) = ج ۱ ص ۱۹۸ ، ۱۹۹۱، ۲۰۳.

موید بن سلم بن قریش (اســر بنسی عقیل): ج 1 ص ۳۵۵

مواید الدوله بویه بن رکن الدوله: چ ۱ ص ۲۷۲، ۲۷۲، ۲۷۲، ۲۸۱، موایدالدوله (حکمران ولایات خمسه):چ۲ ص ۱۳۰۱، چ ۳ ص ۲۱۴۰، ۲۱۴۶، موایدالدوله ـــ ابوالفتح میرزا موایدالدوله: چ ۲ ص ۱۳۲۰، چ ۳ ص

1940 - 1974 - 1975 - 1977 - 1976 - 1947 - 1976 - 1977 - 1976 - 1976 - 1977 - 1976 - 1977 - 1976 - 1977 - 1976 - 1977 - 19

مو یدالدوله (حکمرانکرمان) : ج۲۳ند ۱۲۱ • ص ۱۲۰۱ •

🖥 ، مولیدالدوله ( طیماسب طرزا ) آج ۳ ص

· 14+5 · 1545 به سند : ج ۲ ص ۱۲۹۳ . مۇيدالدولد (كارگذار خراسان): ج 7 س مهدى اميرالمو منين ـــ حسين قرمطي اج · 145Y ۱ ص ۲۲۲۰ -موايدالدين ابن علقبي ( وزير الستعمم مهدی بالارستاقی( آقا ۔۔) سرکردہ: ج ۳ عباسی): ج ۱ ص ۴۶۲، · 1759 . مؤيدالدين حسين طغرائى( صاحب قميده مهدی بهادرخان: ج ۲ ص ۲۵۳. لاميد العجم): ج1 ص 199. مهدی بیگ خرامانی: ج ۲ ص ۱۱۱۷، موايدالدين قلانسي ج ۲ ص ۵۹۱. مهدی بیگ (شاعر شفاقی)! ج ۳ ص مۇيدالدىن، محمد بنطى ( وزىرخلىقە - 1700 النامر) = ابنقماب: ج ۱۳۵۱، میدی بیگ قاجار دولو! ج ۳ ص ۱۳۵۹ . مهدی (آفا سید ــ ) تاجر اصفهانی!ج۳ موايدالطك يع م ١٢٩٧ : ج٣ص ٢١٢٠ -Y174 o مهدی (حاجی ...) ناجر اصفهانی! ج ۳ موايدالملک ..... ابوالحسن.... موایدالطک ( میرزا احمدخان): ج.۲ ص ص ۱۱۲۸ م مهدی (میرزا ...) تحویلدار (از اجسزای - 1700 موايدالمك، عبدالله بن نظام الملك : پستخانه]: ج ۲ ص ۲۱۲۱. - TAT . TAT . TT. TAT. TAT. مهدی خان: ج ۱ ص ۵۲۵: ج ۲ ص مؤیدالطک میرزا: ج 1ص ۵۲۹: - 14YF المهياد، محمد: ج1 ص ٢٢٥. مهدی خان؛ ج ۲ ص ۱۲۶۸ . مهارس: ج1 ص ۲۲۵، ۲۲۶-مهدی خان (میرزا ــ) : ج ۲ ص ۱۹۲۰۰ سهبوذان ( بزرگ خنافس): ج†م۲۵۰۰ 3 T W 77 E المهتدي بالله ، مصدين واثق (جهار دهمين مهدی خان افتار (مرهنگ) : ج ۱ ص خلیفه عباسی): ج۱ مر۲۰۵۰،۲۰۶، .1771 or T = 20-A مهدی خان افشار (نایب آجودان) :ج ۱ مهتر دولتيار اج۲ ص ۸۰۲، مهتر طمان دنبلی ( رکابدارباشی): ج۲ ٠٢٠٧٢ من ٢٠٥١ ع ٢ ص ٢٠٧٢. مهدی خان تنکایش ایج ۳ ص ۱۴۰۲، ص ۱۸۹۶، مهتر شاه قلي: ج۲ ص ۸۶۹، مهدی خان (حاجی ـ ) رکیس: ح ۱ ص مهد علیا (والده خاقان): ج ۲۳٫۲۲۲ ، ATT: YPTE: YFTE. مہدی (میرزا ۔) خان (رئیس): ج ۱ ص مهدعلیا: ج۳ ص ۱۶۹۰، ۱۶۹۲،۱۶۹۲، مهدی خان سرتیب: ج ۲ ص ۱۳۴۱ ، مهدی خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۴: ج ۲ مهدوی ، اصغر ــــ اصغر مهدوی ، ص ۱۲۲۸ ت ۳ ص ۱۹۹۴ ، ۱۸۰۳۰ المهدي: ج 1 ص ۲۵۸، مهدی خان (سرهنگ سابق فوج ترشیزی)∶ سهدی (ع): ج ۱ ص ۲۱۸۰ ج 1 س ۵۰۵۰ مهدی ( آقا **ـ** ) :ج۲ص۱۱۲۵،۱۲۶۸۰۱ مهدی (میرزا 🕳 ): جاس ۵۳۲: ج۲ ص آذربایجان): ج ۲ ص ۲۱۰۴، · IAIT & TE : ITYI · ITTA مهدی ( شاعر اندلس)؛ ج1ص ۲۳۹، مهدی (میرزا ــ) خان سرهنگ (نایسب):ً مهدی ارباب ( حاجی میرزا 🗕 ): ج۲ض ج 1 ص ١٥٥١ ١٥٥٠ مهدی خان سواد کوهی: ج ۲ ص ۱۲۹۳، · T 1 T # مهدی ( میرزا \_ ) از ارباب ظم ولشکر 1775

نويسان' ۾ ۲ ص ۲۰۶۸.

مهدی اعفهانی (میرزا ــ) ما مور ایسران

شاء عباس): ج ۲ ص ۱۶۶۰ مهدی خان قاجار (سرتیپ سیم) 🗦 ج 🛚 1 ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۹۲۲ ۱۲۱۲: ٨٢٢١ : ج ٧ ص ٢٧٠٢٠ مهدی خان قاجار دوالو: ج ۳ ص۱۳۷۲، مهدیخان قاجار فراشباشی: ج ۱۹۵۷، مهدی خان (میرزا ــ) کارگذار مازندران. ج ١ ص ١٥٠٤ ج ٢ ص ١١٠٥٠ مهدی (میرزا ...) خان (مترجم و معبسار مخموص): ج ۽ ص ٥٣٣. مهدی (حاجی میرزا \_) خان (مترجـــم ترکی): ج ۳ س ۲۱۰۳. مهدی خان (پسر محمد خانسوادگوهی) : -117F -117F -117T or T g مهدی خان ابن محمد ظی آفافاجار: ج۳ ص ۱۳۶۲ ۰ مهدی خان (پسر ملک الشعراه): ج ۲ص مہدی خان (میرزا ۔۔) منشی: ج ۲ ص مهدی (میرزا \_) خان (منشی اول خارت روس در طهران) : ج ۲۳ ۱۹۸۸ ، مهدی خان (نایب اول جماعت زرینکم): ج 1 ص 411: ج ٢ ص ٢٥٠٠. مهدی (میرزا ــ) خان (نایب اول وزارت خارجه): ج ۲ ص ۲۱۵۲. مهدی (میرزا \_) خان (نایب ایشیـــک آفاسی باشی): ج ۳ ص ۲۱۱۶. مَهدى خان (نايب فراشخانه) ج ج ص مهدی خان (میرزا ۔۔) وزارت خارجہ!ج ۱

ص ۵۲۱.

مہدی (میرزا ۔) خان باور : ج ۲ ص

مهدی خان (باور اول): ج ۲ ص ۱۲۴۱:

مہدی (میرزا ۔) خان (یاور دویم):ج ۳

مهدی (میرزا \_) خان (باور سیم):ج ۲

مهدی (آقا ــ) ساعت ساز:ج ۱ ص۱۵۵ :

مهدی (میرزا ۔) سررشته دار: ج ۳ص

۱۲۲۳ : ج ۳ ص ۲۰۷۹،

ج ۲ ش ۵۸۰۲،

ص ۲۰۲۲٠

ص ۱۲۳۳ -

ج ۲ ص ۲۱۱۱.

مهدی خان صاحب جمع ، ج ۳ ۱۲۲۸،۰۰

مهدی خان (میرزا ــ) صدر العمالک(وزیر

-T1TT -T1TE

مهدی طخان: ج ۲ ص ۲۵۵۰

مهدی شهرستانی (میرزا ــ) فاصل: ج ۳ ص ۱۲۶۲ ،

مهدی (آیا س) صاحب منصب ج ۱ ص ۵۳۳

مهدی (آفا شیخ – ) عبدالرب آبسادی (مترجم): ج ۳ ص ۲۱۳۹

مهدی علوی فاطعی (عبیدالله): ج اس ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۶ ۲۲۹ تا ۲۳۲۸،۲۲۱، مهدیعلی خان (بهادر جنگ): ج ۳ ص ۱۲۵۶،

مهدي بن على بن مهدى حميرى (مالسک يعن): ج 1 ص ۲۹۰۰

میدی (میرزا \_) کجوری (لشکر نویس) : ج ۱ ص ۵۰۵،

مهدی (میرزا \_) گیلانی (ستوفی ومنشی مخصوص رسایل دولتی): ج ۱ ص ۵۲۸: ج ۳ ص ۲۱۰۰

مهدی (میرزا ــ) لشکر نویس: ج ۳ ص ۱۸۲۴ء

مهدی(میرزا\_)مباشر (ازاجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۱،

مهدی (آفا شیخ ... ) مترجم: ج ۱ ص ۵۵۵: ج ۲س ۱۲۹۲،

مهدی (میرزا —) محرر دارالطباعه: ج ۱ ص ۵۵۶-ج ۲ ص ۱۲۷۱

مهدی (میرزا سید ــ ) محرر : ج ۳ ص ۲۱۰۱.

مهدی(میرزا سید \_ ) مستشار: ج ۳ ص ۱۲۵۲ ·

مهدی (میرزا ...) مستوفی رشتی: ج ۳ ص ۲۰۹۹،

مهدی (میرزا ــ) عشرف: چ ۱ ص ۵۵۶ : چ ۲ ص ۱۲۹۲،

مهدی (حاجی میرزا ــ) مشرف: ج ۱ ص ۵۵۲ ٔ ج ۳ ص ۲۱۲۷،

میدی (میرزا ــ) مشهدی (از علما\*): ج ۳ ص ۱۲۳۳ ، ۱۲۳۹ .

مهدی(میرزاــ)معین میرزا هادی:حویلدار: ع ۱ ص ۵۲۱،

مهدی (آقا ــ) ملک التجار: ج ۳ ص ۱۹۱۲ - ۱۷۵۶ - ۱۹۱۲

مهدی (حاجی ـ ) ملک التجار،، ج7ص ۲۱۲۷،

مهدی (میرزا ــ) منشی: ج ۱ ص ۵۰۶ ، ۸۳۸ ، ۵۴۱ ج ۲ ص ۲۰۹۲، مدم (درزا ـ) منش امل دفت تحارت:

مهدی (میرزا -) منشی اول دفتر تجارت: ج ۳ص ۲۱۰۳

مهدی(میرزا --) منشیباشی (نایبالوزاره وظایف): ج ۲ ص ۱۸۲۹: ج ۳ ص ۲۱۲۰

مهدی (میرزا سید ... ) منشی دیوانخانیه! عدلیه): ج ۲ ص ۱۲۵۵ ·

میدی (میرزا ...) منشی وزارت تجارت : ج ۲ ص ۲۱۲۵،

مهدی (میرزا ... ) منشی (پسر وکیستبسل لشکر): ج ۱ ص ۵۳۲۰

مهدی بن منصور (سیبین خلیفهٔعباسی): ج ۱ ص ۱۳۲۰ ۱۳۹ ۱۳۹ ۱۹۰ ۱۴۴ ، ۱۴۲۰ ۱۴۵ ۱۳۲ ۱۴۹ تا ۱۵۶ ، ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۲ ۱۶۲۰

مهدی (میرزا ۔۔) مهندس: ج ۱ ص ۵۵۲ ۵۵۵،

مهدی (میرزا نید نے) نایب شهریار (ج۳ ص ۲۰۱۵)

مہدی (آقا مہ) تاہب فرائخاند: ج ۳ ص

مہدی (میرزا سید بنا) نایت باظر : ج ۱ ص ۵۲۷،

مهدی (میرزا س) توری√( از ارباب ظم و لشکر نویسان}، ج ۱ ص ۵۰۵ ج ۲ ص ۱۲۲۴ کج ۳ ص ۶۸-۲۰

مهدی ( ملا ہے ) یزدی: ج ۲ ص۸۶۶. مهدی قلی آقا دنیلی (نایب آجودان) :

> . ج ۱ ص ۵۰۹، مهدی قلی خان: ج ۲ ص ۱۱۶۵،

میدی تلی خان: ج ۲ ص ۱۲۲۰۰

مهدی ظبی خان، ج ۲ ص ۱۲۸۱تا۱۳۸۲،

· 1845

مهدیقلی خان: ج ۳ ص ۱۴۷۵، ۱۵۷۲، مهدی قلی خان: ج ۳ ص ۱۶۹۴، مهدی قلی خان: ج ۳ ص ۱۶۹۴، مهدی قلی خان آجودان حضور والا: ج۳ ص ۲۱۴۲،

مهدیقلی خان (ولد ابراهیم خلیل خسان

جوانشیر): ج T ص ۱۳۸۱، ۱۵۲۶، ۱۵۷۲،

میدیقلی خان|میر آخور: ج ۲ ص ۱۱۸۵۰ ۱۱۹۳

مهدی قلی خان ایشیک آقاسی باشبیی : ج ۲۰ م۹۶۸

مهذیقلی خان (پیشخدمت خاصه): ج ( ص ۵۵۲: ج ۳ ص ۱۹۲۰، ۱۹۲۸ ؛ ۱۹۸۲، ۱۹۹۱

مهدى قلى خان جلال الدوله: ج ٢ ص ١٩٠٢.

مهدی قلی خان (پسر حسینخانسردار): ج ۳ ص ۱۶۲۷ -

مهدی قلی خان (برادر حسینقلی خسان باکویفای): ج ۳جی ۱۳۲۹۰

مهدیقلی خان (فرزند خسرو خان) آج ۳ ص ۱۳۰۸ ،

مهدی قلی خان دنیلی(سرتیپ سیم): ج ۱ ص ۵۰۸: ج ۲ ص ۱۲۲۸: ج ۳ ص ۱۹۹۴، ۲۰۷۲،

مهدی قلی خان دولو قاجار: ج ۳ ص ۱۴۲۰ ۱۲۵۸ ، ۱۲۵۸ ، ۱۲۶۹ ، ۱۲۷۱ ، ۱۶۲۵ ،

مهدیظیخاندولو (بیگلر بیگی استرآباد): ج ۳ ص ۱۵۲۶ ۰

مہدیظیخان دولو (بیگلر بیگی|پروان) : ج ۳ ص ۱۴۷۹،

مهدیقلی خان سیاه منصور: ج ۲ص۹۵۷. مهدیقلی خان فاجار: ج ۳ ص ۱۴۵۲ ، ۱۴۷۶.

مهدیقلی خان فوانلو فاجار (حاکم فزوین): ج ۲ ص۱۴۲۸، ۱۴۹۶،

مهدی قلی خان (کیناز اوتسمیف): ج ۳ ص ۱۱۸۶۰

مهدی قلی خان (پسر محمد حسن خـــان فاجار): ج ۲ ص ۱۱۵۹: ج ۳ ص ۱۳۶۰ء ۱۳۹۳.

مهدیقلی خان (برادر محمد خان قرائی): ج ۳ ص ۱۶۱۳،

مهدی قلی خان (پسر علیقلی خان،مخبسر الدوله): ج ۲ ص ۱۲۷۸: ج ۳ ص

اً مهدی قلی خان (نایب آجودانباشی):ج۲

مينا بن شيخ ابراهيم القيفي: ج ٧ ص - 1Y14 e مهدیظیخان (نایب ایشیک آقاسیباشی): .514 مهنا بن عيسى (حسام الدين)ازآلافضل: . T 1 15 00 T @ · YTT (FTA OF T E مہدی کلی خان نوائی: ج 1 ص ۵۲۰، مهنا بن نافع (اولین فرد آل افغل) : مهدیظی سلطان افشار ؛ ج ۲س ۲۹۵۰. · YYY or T & مهدی ظی میرزا : ج ۳ س ۱۶۷۸ ۱۶۹۶۰ مهنار (ثاعر): ج 1 ص 711، -1714 -171F ميخائيل (ميشل): ج 1 ص ١٨٨٠١٥٦ ، مهدى كي ميرزا (پسر جلال الدوله ) : . \*\*\* -T-FT - T & 1T1A - T & میدانی ــــ ابوالفضل ، ن مهدی نشی میرزا سهام الملک: ج ۱ ص میراب: ج ۳ ص ۱۴۱۱، ۱۴۱۹. میراحمد بن امام موسی الکاظم; ج ۲ ص مہدیقلی بیرزا (پسر عیاس میرزا): ج ۳ . 1175 ص ۱۶۱۷ ۰ ميرأمن: ج ٣ ص ١٨٣٥ - ١٨٣٩ -مهدی قلی میرزا (پسر حاجی محمد اولی میرانشاہ: ج ۲ ص ۶۶۵. ميرزا): ج ۳ ص ۱۹۳۸ -میربها الدین (حاجی \_ ) تاجر: ج ۳ مهذب الدوله .(حاكم بطيحه): ج۔ 1 ص · ۲176 · 1417 0 TAT . TET . TAG . TAT میرحسام جعشیدی : ج ۲ ص ۹۶۰. مهراج (حکبران بیجانگر): ج ۲ ص۲۲۲، میر حسین (فرمانفرمای مازندران) : ج ۴ مهران بن بهران جوبين: چ اص ۲۵۰ مهران بن بهرام الرازی (سردار عجسم): ص ۲۲۴. . PT . PT . To . T . TT. مير حسين (فاضي ... ) بردي : ج ٢ص٧٤٠. مہران عبدائی! ج ۽ ص ٣٩-ميرخواند ۽ ڄ 🕈 ص ٧٧٦٠. مهرباط : ج اص ۲۲۸۰ میر حسین (قانی ۔ ) سیدی : ۲۳ ۲۳۰۰۰ مهرجهان خاتم (دختر فتحطیشاه): ج ۲ ميرزا آقا : ج ٢ ص ١٣٢٥ ، · IPTY STER OF TE STEEL مهردل£انافقان: چ ۳ ص ۱۶۵۲،۱۶۵۰، میرزا آقا (پسر ایوالقاسم) 🗦 ج ۲ ص۲۱۱۷ . - 1405 - 1554 میرزا آفا بالا ( از جزای پستخانه): ج ۴ص مهرعلي خان: ج ۲ ص۱۴۰۲۰ مهر علی خان (داشلو): ج ۳ ص۱۴۴۴۰ میرزا آفا بزرگ (مدیر عکاسخانه): ج ۳ ص مهرعلی خان قوائلو: ج ۳ ص ۱۵۰۹ -مهرویه رازی (حاکم طبرستان): ج ۱ ص میرزا آقا تبریزی ؛ چ ۱ س ۵۲۵ ؛ چ ۲ ص . 155 . 150 . 1754 مهلب بن ابی عقرہ (والی خراسان) :ج1 ميرزا آنا جان: ج ۲ ص ۱۲۲۵ . س ۲۲، کد، ۸۸، ۹۱، ۹۳ تا۱۹۰ میرزا آتا جان (سررشته دار قورخانه): ج ۱ · 174 · 175 مهلین، ابوسمند (بزیر 🗕 ): ج ۱ 🖭 ص ۵۰۵ : ج ۲ ص ۲۰۶۹ . میرزا آقا جان (مشرف) : چ ۲ س ۱۳۰۰ : چ · TYA · TPY مطبهل بن مغوان (حاکم جرجان): ج ۱ ۳ ۲ ۱۴۴ ۲۰ ميرزاآنا خان اعتماد الدوله: ج ٣ ص١٩٢٣. · 107 · 107 @ مبرزا آقا خان (کارگذار کرمانشاهان): ج ۳ مطبهل بن محمد بن عنان: ج ١٩١٨/٠١ ص ۲۱۰۵.

میرزا آنا خان (نویسنده و آنشه): ج ۳ ص - T 1 + T میرزا آتا خان (حاجی ــ ) وکیل: ج ۲ ص ١٢٩٧ ۽ ٣ ص ١٢١٢. میرزا آقا (رئیس پستخانه رفسنجان): ج۳ · T1TT • میرزا آقا (رئیس پستخانه کازرون): ج ۳ ص ۲۹۲۳ و میرزا آقا (سررشته دار): ج ۱ ص ۵۰۵ : . Y+A+ & T E میرزا آقا (سررشته دار دفتر لشکر و ما مور خدسه): ج ۲ ص ۱۲۲۴؛ ج ۳ ص - ፕ ቀቃል میرزا آقا (سررشته دار فراشخانه): ج ۴ · 1117 0 میرزا آقا (سررشته دار قورخانه): ج ۱ ص 400 ع ٣ ص 990٣٠ میرزا آقا (سررشته دار کرمانشاه): ۲٫۰۰۰ ش - 1770 میرزا آفا کاشانی (سرهنگ)؛ ج دِصرهه؛ 3 70 ATTI: 3 T W TY-T. ميرزا آقا مستوفي: ج 7 ص 99ه 7. میرزا آقا (معین میرزاهادی): ج ۱ ص 411 - ج 7 ص 1771 -ميرزا ؟قا (منشي سفارتايراندراسلامبول) : ج ۲ ص ۲۱۰۵. مبرزا آقا منشی گرمرودی: ج ۱ ص ۵۵۸ : ج ۲ ص ۱۲۹۵ : ج ۳ص ۲۱۴۰. میرزا آقا (نابب و منشی اول): ج ۱ ص میرزا آقا (باور نظام جدید): ج ۳ ص . \*\*\*\* مبرزا ابوالقاسم: ج ۲ ص ۱۲۷۲. میرزا اوانس بزرگ ( از اجزاییستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۰، میرُزااوانس (دفتر دار): ج ۲ ص ۱۲۷۱، میرزا اوانس کوچک (رئیس پستخانه): ج۱ س ۵۴۱ ع ۲ ص ۱۲۷۶ ع ۲ ص -TITE -TITE میرزابابا (تاجرشیرازی): ج ۳ ص۲۱۲۹،

مبرزا بایا رشتی (نایب گیلان): ج ۲ ص

میرزا بابا (رئیس مجلس حکیمت) : ج ۲

-1717 -1717

میرزا آقا خان نوری (صدر اعظم): ج ۳ س

- 1777 · 1577

مینا: ج 1 ص ۲۵۵۰

میڈنا خان عرب خزاعی! ج ۲ ص ۹۴۴ ۔ أ

ص ۱۲۵۲ کے ۳ ص ۲۰۹۷. میرزا بابا طبیب تبریزی: ج ۳ ص۱۶۱۵. میرزا باقی ترخان (صاحب سند): ج ۳ ص ۸۷۲. میرزا بزرگ خان: ج ۳ص ۱۸۲۵.

میرزا بزرگ خان (پسر میرزا علی قائــــم معام): ج ۲ ص ۱۲۲۸

میرزا بزرگ خان (کارپرداز بنداد): ج ۳ ص ۱۸۷۴،

میرزا بزرگ خان (نایب آجودانباشی): .ج ۱ ص ۵۰۱: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۲.

میرزا بزرگ (سورشته دار دفتر لشکر):ج۳ ص ۲۰۶۸،

میرزا بزرگ (فراش ضریح حضرت عبسد ... العظیم): ج ۳ ص ۲۱۱۳.

میرزا بزرگ فائم مقام فراهانی (وزیر): ج ۲ ص۱۹۲۵ ، ۱۴۹۲ ، ۱۲۲۵ ، ۱۵۴۶ ، ۱۵۴۶

میرزا بزرگ قزویتی: ج ۳ م ۱۷۴۳ . میرزابیکین حسن حسینی جنابدی(طحب

کتاب: روضه الصفویه): ج ۲ ص ۸۹۲، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۶۶،

میرزا بیک فندرسکی: ج ۲ م۱۸۸۳، میرزا تقی الدین محمد (وزیر مازندران): ج ۲می ۱۹۶۸،

میرزا جان خان خانان: ج ۲ س ۱۹۹۸، میرزا جان شیرازی: ج ۲ ص ۸۷۸، سرزا جان شیرازی: ج ۲ ص ۸۷۸،

میرزا جان مرعشی (حکمران مازندران) : ج ۲ص ۸۶۸،

میرزا جانی ترخان: ج ۲ ص ۹۰۸٬۸۷۳. میرزا ۱۲۸۶نی(لشکر نویس): ج ۳ ص۱۲۸۳. میرزا جانی آقا (از اجزای پستخانـــه):

· 11110 7 8

صرزا حسن (قم): ج ۲ ص ۱۲۷۹. میرزا خان بن بهرام: ج ۲ ص ۸۷۳. میرزا خانی ترخان : ج ۲ ص ۸۹۶. میرزا خانی (صاحب سند): ج ۲ ص۸۸۹. میرزا راقی: ج ۲ ص ۲۰۷۲.

میرزا ملطان ابوستید بهادر (ولد بیسرزا ملطان محمد بن میرزا میرانشاه بن امیر تیمور گورکانی): چ ۲ ص ه۶۹ تا ۶۲۶،۶۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۷۳، ۴۷۹،

میرزا سلطان احمد (پسر سلطان ابوسی<u>ب</u>د گیرکانی): ج ۲ ص ۲۱۸٬۷۱۷. میرزا سلطان ولد (پسر سلطان ابوسیسید

گورکانی): ج ۲ ص ۲۹۱، ۲۱۸، میرزاسلطان خلیل(پسر ابوسعیدگورکانی): ج ۲ ص ۲۱۷، ۲۱۸،

میرزا سلطان علی (شاهزاده تیموری) :ج ۲ ص ۷۳۴،

مبرزا سلطان عمر (پسر سلطان ابوسعیسد گورکانی): ج ۲ ص ۲۱۷، ۲۱۸، میرزا سلطان محمد خان بهبهانی: ج ۳ ص ۱۸۴۰،

میرزا سلطان محمد (پسر سلطان ابوستید گورکانی): ج ۲ ص ۲۱۷، ۲۱۸، میرزاططان محمد بن میرزا بایسنقبر:ج۲ ص ۴۹۶، ۴۹۶، ۲۰۲، ۲۰۲، ۲۰۲۰

میرزا سلطان محمود بن سلطان ابوستید : ج ۲ ص ۲۱۹ ، ۷۲۱

میرزا سلطان مراد (پسر سلطان ابوسمیسد گورکانی): ج ۲ ص ۱۹۸٬۷۱۷،

میرزا سنجر بن میرزا پیر محمد کایلسی : ج ۲ من ۶۸۶

میرزا سنجر بن میرزا سیدی احمد بــــن میرزا عصر ثیخ بن ابیر تیمور: ج ۳ ص ۷۰۲، ۷۰۹،

میرزامیدامین(منشی دویم وزارتخارجه): ج ۲ ص ۲۱۰۲،

میرزا شاهرخ بن امیر تیمور گیرکانی، ج ۲

ص 661ء

میرزا شاہ محمود بن ابوالقاسم ہاہر : ج ۲ ص ۲۰۶، ۲۰۶۰

میرزاشاه ولی: ج ۲ ص ۸۸۸.

میرزا اشرف ؑ ج ۲ ص ۲۷۶.

مبرزا صفا (حاجی ــ ) : ج ۳ س ۱۹۵۴. مبرزا عمر شیخ (بادشاه فرغانه): ج ۲٫س ۲۲۲.

میرزا عمر شیخ (پسر سلطان ابسوسعیسسد گورکانی): ج ۲س ۲۱۸، ۲۱۸ میرزا عمر شیخ بن میرزا پیرمحمدشیرازی: ج ۲ ص ۶۸۶،

میرزا عدر گورکانی (حکمران آذربایجان): ج ۲ ص ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۶۷، میرزا کافی اردوبادی: ج ۲ ص ۹۲۶.

میرزا کامران: ج ۲ ص ۸۰۵، ۱۲۵۵۰ میرزا کوچک خان: ج ۳ ص ۱۲۵۵۰ میرزا کوچک دماوندی : ج ۳ ص ۱۲۲۸، میرزا کوچک طبیب: ج ۲ ص ۱۲۲۹، میرزا مجد حکیم این همایون بادشاه:چ ۲ س ۸۲۲،

میرزامحمدی (پسر میرزا جهانشاهرکمان) : ج ۲ ص ۷۱۵۰

میرزا مشربی (شاعر): ج ۲ ص ۸۹۹. میرزا مقیم (لشکر نویس): ج ۳۰۸۸۰۳۰. میرزا ملکم: ج ۲ ص ۱۷۸۴، ۱۷۸۶ ،

میرزامو من (کردستان): ج ۳ ص ۱۳۷۹، میرزا نبی (سررشته دار دفتر لشکــــز): ج ۳ ص ۲۰۶۸،

میرزا نظام (مهندس العمالک): ج ۱ ص ۵۵۴: ج ۳ ص ۲۱۱۲ ، ۲۱۱۵ ، میرزا نیکل (از اجزای پستخانه): ج ۳س ۲۱۲۱ .

ميرزا يادگار محمد ... ميرزا شاهرخ:ج٢ ص ٢١٩، ٢٢٠،

میر سبحان (حاجبی ــ ) پسر حاجبی میرزا علی وکیل الرعایا: ج ۲ ص ۱۲۹۵. ج ۲ ص ۲۱۴۰

میر سلطان علی مقوی: ج ۳ ص ۱۳۶۴، میر سید شریف جرجانی: ج ۳ ص ۶۷۷. میر شاه میر (حاکم دماوند): ج ۳ ص ۸۸۳. میر شاهی سبزواری: ج ۳ ص ۷۰۳. میر عبدالله (برادر میر میر ): ح ۳ می

میر عبداللہ (برادر میر ویس): ج ۲ ص ۱۰۵۵ -سرمیدالمید خارات سرمر ۱۹۷۰

بیر عبدالصد خان: ج ۳ ص ۱۷۶۸، بیر علم خان (پسر ابیر قاین): ج ۳ ص ۱۲۸۲،

میر علی (استاد \_ ) تبریزی ( وافـــع خط نستطیق): ج ۲ ص ۶۹۸، میر علی اکبر خان سرهنگ (دریابیگی)\_ دریابیگی.

> میرک (پسر لقبان): ج ۳ ص ۶۷۳. میرکمال خان: ج ۳ص ۱۷۵۹. میر مختوم (شاعر مدنی): ج ۳ ص۸

میّر مختوم (شاعر مدنی): ج ۲ ص۷۰۸. میرم سیاه (شاعر): ج ۲ ص ۷۳۲.

میرویس: ج ۲ ص ۹۹۹، ۱۹۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۱ ۱۹۹۴ تا ۱۸۵۹، ۱۸۵۹، ۱۸۴۵ تا

. 1-67 -1-61 -1-74 -1-TY

\*10-Y +10-F + 10-T + 10-T . 1.00 t 1.01 مینتر مارخام انگلیسی: ج ۳ ص ۱۲۵۹ ۰ \*10TY 410TO \* 10TT \* 10+T . 15-4 . 1077 6 10T1 . 10TA میسرد (داعی عباسیین) : ج 1 ص ۱۰۱۰ · 177+ · 1505 · 1577 · 1573 ميسره بن مسروق|لعبس: ج 1 ص ٢٢٠ \*1117 \*1AY\* \* 14YE \* 14YT میسون (دختر بجدل کلبیه و مادر یزید): . 1975 ٹاپلیون ( پسر 🗕 ) دوگ ریشس تار : ج۲ ج (ص ۱۸۵، · 1477 • ميشل هويم:ج ۲ ص ۴۲۲، ۶۲۴، ناپلیون دویم ( پسر ناپلیون بناپارت ): میشل رومانو (پادشاه روس): ج۲ص۱۵۱۰ ج ٣ ص ١٥٢٢ -میشل (از خانواده رومانوف) ؛ ج ۲ ص ناپليون سيم: ج٢ ص ١٧٥٢ ، ١٧۶٥ ، · 1741 61744 · 1746 · 1774 ميشل كرچاكك أج ٣ ص ١٨٣٥ - ١٨٣٤ \*1117 .1404 . 1400 . 1490 - IATY \*14T0 \*14TY \* 14T0 5 1415 ميشل (پسر ميلش): ج ۳ ص ۱۸۲۰ · 1474 · 1459 · 1477 · 1471 میکاد (پادشاء روحانی ژاپن) : ج 1 ص ·1919 ·1917 · 1491 · 1490 11454-145Y . 1450 . TE- 65T 41901 -1900 + 1950 + 1950 · 1956 - 1979 - 1975 - 1900 · Y \* \* Y - Y100 - 199A ناپید ( سردار بحری انگیس ): ج ۳ س میکاٹیل خان (میرزا نہ ) نایب: ج 1 ص -411 ئادربیک ( تفنگذار خاصه): ج (ص۵۳۰: ميكائيل بن سلجوق ع ١ ص ٢١٣٠ - TITI + T E - 1TAY - TE میکلانژ. ج ۲ س ۸۵۰ نادرخان زند: ج ۲ ص ۱۱۶۰ ، ۱۱۶۲ ، میلان اول (شاہ سربی): ج ۲ ص ۲۱۴۹، -1187 میلش (والی سربستان) : ج ۳ ص ۱۶۰۵ ۰ نادرشاء افشار: ج ۲ ص ۹۹۲ ، ۱۰۳۱ ، 51111 11-14 - 1-44 - 1944 ميمون بن حمدان (فقيهجزيره) - ج ١٩٦٥ - ١١٤٠ 1114 - 1115 - 1110 - 111F ميمون بن مهران (عمرو بن ميمون): ج 1 · 1174 · 1175 · 1177 6 1171 ص ۱۴۱ -:1177 -1191 - 1184 & 5179 ميمون بن نجيب الواسطى: ج 1 1770ء - TTT + 1775 + 1777 - T.E ميموند بنت حارث (زوجه رسول|له(ص) : · ITAT · ITTA & ITTS · ITTA 3 1 W YY . YY . 7A. \* 1797 • 1709 • 1709 • 1709 می میرالفسکی: ج ۳ ص ۱۸۵۲ ۰ DITEN . ITTT . ITTT . ITTT میناس (از اکابر روم): ج ۱ ص ۴۲۰ . 1440 پایان حرف میم نادرشاء خان: ج ۳ ص ۱۷۸۷ -نادرظی بیک ( سرکرده جماعت هم ئاپليون بناپارت ( ئاپليون اول ابپراطور

فرانسه) :ج۲۲ ص ۱۱۲۰ ج۲۳ ۱۴۲۲ ۰

\*1770 \*1770 \* 1777 \* 1775

\*1700 +1701 + 1779 + 1770

11757 - 1750 + 1749 + 1745

· 1779 · 1777 · 1755 · 1760

· 1744 · 1749 · 1744 · 174•

· 1000 · 1749 · 1746 · 17475

نامر میوزا ( جزو قراولان انبار ) باور دویم: ج ۱ ص ۱۵: ج۲۰۰۳۲۰: ج ۲ ص ۲۰۷۷. نادر میرزا ( بس کامران میرزای افغان):

نادر میرزا ( پسر کامران میرزای افغان): ج ۳ ص ۱۶۴۱،

ناد علیخان ( غلامہاشی) از اجسسزای پستخانہ: ص ۵۲۱ ج ۲ ص۲۲۱: ج ۳ص ۲۱۲۰

ناردائز ( از رجال دولت اسپانیول ) : ج۲ ص ۱۸۷۷ ،

تاروایز: ج ۳ ص ۱۷۳۹ ، ۱۷۶۲ ، ۱۷۹۷ . نامجالدین ارجانی، احمدین محمد (قاضی

شوشتر و شاعر ) ۔ ج1 ص ۲۸۳۔ نامر بخاری (شاعر ) ؛ ج ۲س ۶۴۸،

نامربیک، قونسول کوتالامارد: ج1ص ۵۳۴۰. النامر (حاکم یمن): ج1ص ۴۲۱.

الناصر (خليفه): ج1 ص ٢٩١٧نا ٢٩٥٠. الناصر، الحسن بن على: ج1 ص٢٥٢٠.

نامرالحق: ج٢ص ٧٢٢.

نامر خان موبعدار: ج۲ص ۱۱۲۲، نامرخسروعلوی قبادیانی ( حکیموشاعر):

ج ۱ ص ۳۲۲۰

الناصر داود : ج1 ص 479 . ناصر ( پسر سلار مرزبان آذربایجان ) :

ج1 ص 158.

الناصر عباسی: ج۱ ص ۲۰۹۰ ناصرالدوله ( حکمران کرمانوبلوچستان):

ع ۲ ص ۱۳۰۱ ع ۳ص ۲۰۲۰. ناصرالدوله( سرتیب اول): ج ۱ ص۱۵: ع۲صرالدوله ( ۱۱۸۲ ک ع۲ص

· 1147 · 1+41

نامرالدوله حسن بن عبدالله بن حمدان ( سردار مصر): چ۱ ص ۲۲۲،۲۲۹ ۲۹۷، ۲۵۱، ۲۵۲ تا ۲۵۶، ۲۵۵ تا ۲۶۵، ۲۶۲، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۴۸،

ناصرالدین ارتق ارسلانین ایلغازی (حاکم ماردین): ج ۱ ص۱۹۷۸ ، ۴۲۸، ناصرالدین اسکندرانی: ج۲ص ۵۹۹،

نامرالدین بغراخان ( صاحب بنگاله ): ج ۲ ص ۴۶۲۱

ناصرالدین بیک ذوالقدر : ج۲ص۶۹۵. ناصرالدین ( ابیر ــ )توره ( حاکمرو):

نبی خاتم۔ محمد (ص): ج(ص ۱۹، • 111F or · ITTO · ITAT · ITYF J T E ناظم خلوت ( آنا رضاً ): ج1ص٥٣٥. ج٣ نبی خان امیرتومان ( میرزا ــ ): چ۳ص - 10-0 ٠ ١٩٧٨ ٠ · 1717 نامرالدینخان ( والی خواند ): ج۲س ناظمالدوله ( ميرزا ملكم خان) : ج٣ ص نبی خان امیردیوان قزوینی ( میرزا \_): · 1544 · 1545 · 1547 • T = ناصرالدين خاوندشاه بن اميرارغونشاه): نافع ( فقیه مدینه): چ1ض ۱۱۲. · 1544 .911 or T & تامرالدين دوالقدر :ج٢س ٢٩٣. نافع ( از موالی عبداللہ بن عمر)! ج 1 نبی ( میرزا ... ) سررشتمدر دفتر لشکر: ن**أمرال**دينشاءقاجار: ج1 ص ١٩٠١٠، ١٩٠٠، ج ١ ص ٥٠٥٠ ج ٢ ص ١٢٢٢٠. ص ۱۵۲ ۰ نافع بن ازرق ( از خوارج): 'ج١ص ١٤٠ نپلویف ( ایلچی روسی): ج۲ ص۱۰۲۰ ۵۰۵: 3 T م ۷۲۵، ۲۲۱: 3T نجاب الله (ميرزا \_ ) خان ( نايب آجودان . 15.0.1755 . 1757 · 1717 w :1590 :1574 : 1579 : 15TT باشي) :ج ١ ص ٥١١ ؛ ج٢٠٠ ١٢٣٣ ؛ نافع بن عبدالرحمن ( از قرا سبعه ) : . 4.51 . 1541 ج ۳ ص ۲۰۷۲ ۰ ج1 ص ۱۵۷ . نامرالدين عطار (شيخ ــ )، ج٢صو٣٥. نجاشی ( پادشاه حبشه) :ج ۱ص،۲۶،۳۰۰ نافع یعنی: ج۲ص ۷۲۵. نامرالدین بن غیاثالدین خلجی(ماحب نامآور ( از ملوک رستمدار ): ج۲ص۲۲۰. تجدیهٔ حروری: ج ۱ س ۸۷، ۸۸، نجدہ بن عامر حنفی: ج1ص 14، نایب: ج ۳ ص ۱۳۹۶. مالوه): ج۲ ص ۲۴۱،۷۵۶،۷۴۱. النامر كورس: ج1 ص ٢١٣. نجف (آقا ۔ ) نایب: ج ۲ص ۱۲۶۸ ۰ نايب خوارزم : ج۱ ص ۳۵۰، النامر لدين الله (خليفه عباسي): ج1 نجفخان زند ( سردار جعفرخان زند ) : تایب رحیم: ج ۳ ص ۲۰۹۷. ع ۲۰۴، ۲۰۴، ۲۱۰،۲۰۹ ۲۴<del>۵</del> نايب الملطنه: ج1ص1313: ج ٢٠٠٨ ١٣٤٨، - 1777 · 1790 J F # . FTY . FTA . FTT · ITAY · ITY9 5 ITYF · ITYT نجفخان قزويتي، سرهنگ: چاص,ده. تامرالدين محمد بن شيركود:ج١ص٨٥٠. 17004 1144 6 1444 1 1441 نجف سلطان قراچور لو: ج7ص ۱۹۱۴. ناصرالدین محموددهلوی:ج۲ص۶۸۶، TOST ITOTY I TOTS I TOOP نجفطی خان: ج ۲ ص ۱۱۵۹. ناصرالدین محمود ہسن ملک قاهر : ج ١ TOAT ITOPY + TOPP TOPF نجفطی خان ( حاجی ــ) ژنرالقونسول: TAPE - TOTAL - TOTAL - TOAP . 440 . 440 . 44T J ج 1 ص ۵۲۳٠ ناصر قلی خان (نایب آجودان باشی) : - 5175 - 7179 نجفطی(حاجی۔) خان ( نایبکارپرداز): نايب الملطندي عباس ميرزا : ج ٢٥٢٥٢ ، . TOYT - T E ج ۳ ص ۱۱۰۵۰ 4494 نامر محمد ( از ملوک قرامان) :ج ۲ س نجفظی آقا ( حاجی ــ ) ماحب،نصب: نايب السلطنة كامران ميرزا : ج٢ص٢٩٢ ، 3 1 W 176. ناصر محمد ماستالموحدی: ج ۱۹۲۹٫۰ : 1700 - 1709 · 1707 · 1701 نجفظی خان ( از اعیان طهران): ج ۳ نامِرالطک ( مثهر حضورتمایون): ج1 س · 1474 00 T E ص ۱۲۰۹۶ نایب شریف! ج1ص ۵۳۴. ۵۰۲ ، ۵۰۲ ، ۵۰۲ ، ۵۱۴ ، ج ۲ ص نجفظی خان ( از امراد ):ج؟س۱۲۵۱۰ ۲۲۲۱ ، ۲۲۲۷ ، ۲۲۲۸ تج ۳ س نايب قاسم (ج7ص ۲۰۹۷). نجفظی خان ( اولاد بیگلزبیگی) :ج۱ س \* 1417 \* 17A1 \* \* 0A11 \* 77P1 نايب ظي ( نايبكلخيابانهايدولتي ): · 1974 · 1987 · 1904 · 1975 3 1 m 966: 3 7 m 7671:5 7 نجفظی خان سرتیب . : ج ۱۳۵۱ه کچ۲ 1707 . 1407 . TAOT: 17671 ص ۹۷ ۲۰۹۰ ص ۱۲۴۲ ع ۳ ص ۱۸۰۲۰ نامر ميرزا : ج7 ص ٧٤٩. نايب الوزاره ، قائم مقام : جوس ١٥٢٧ . نجفظی خان شادلو ( حاکم یزنجرد ): ناصر يوسف بن طكتورز! ج1ص449. تأيب الوزارد، نصرالله خان: ج٢م٢٥٢٥٠. . 10 th . 10TO or T & ناطال صاحب (تلگرافچی): ج۳ص۲۹۳۰. نائلته نصرانيه ( دختر فرافصه ) : نجفظی خان شاهیسون: ج ۳ ص ۹۳۲۸، ناظرالدولـه(حكمران كرمان) : ج-مي145، ج1 ص 44٠. نجفظی خان فاجار ( رئیس طائفه حاجی ناظمُالاطبا ﴿ ميرزا موسى خان} ؛ ج٢ ص نيات خانم: ج ۽ ص 9٧٩. مهدیظیخانی)سرتیپ! ج۱ ص۵۰۲. نباته بن حنظه: ج1 ص ١٢٩. -T-FA-T-T9 W TE -1TT10TE ناظم افندی ( شارژدافر عثمانی): چ۳ص نبلنگ ( خارب ایپراطور آلمان): ج۳ ص نجفقلی خان ( ولد قزاقخان، بیگلربیگی - 1110 - 1447 شيروان) : ج۲ ص ۹۶۸ ، ناظم التجار ( حاجی سید تقی آقا):ج۳ تبوای چهاردهم ( پاپ): چ۲ص،۱۱۶۰ ا نجفظی خان قزوینی ( سرهنگ): ج۲ س

• 644° € T € نجفظی خان (کارگذار گیلان): ج ۳ س نجمالدین طبری: ج۲ ص ۶۲۹. نجمالدين عبدالفقار قزويني: ج٢ص٥٨٥. نجفظی خان کردشادلو: ج ۳ ص ۱۶۱۰، نجمالدينعمر كاتبي: ج٦ ص ٥٩٣. تجمالدین قحفیزی (شیخ ــ ): ج ۲ س -15T+-15TT - 151A - 1518 نجفظی خان ( پسر محمد باقر خانبیگلر نجم الدين قاقازي! ج٢ ص ٢٣٤. بیکی ): چاص ۵۳۱ء ج ۲۵۸۵۲۱۰ نجم الدين مسعو: ج7ص ٧٥١. تجفظی خان ( پسر محمد طاهر خان ): نجمالدین منشی (میرزا ...): ج۱ص۵۳۶. تجمالملک ( حاجی ـ ) میرزاعبدالفضار نجفظیخان (مطم توپخانه) : ج١ص٥٩٧٠. منجمہاشی: ج1 ص ۵۴۵: ج ۲ ص 1194 : ج٣ ص 1974 ، ٢١٢٩ ، تجفظی خان ( از سواره مهاجر ): ج۲ نجیب افندی ( ایلچی عثمانی): ج ۳ ص 1001 - 1001 · 1009 نجفظی خان ( پسرمهدی خانقرایایاق). نجيب پاڻا : ج٦ ص ١٩٧٢ . نجيبالدين ( ئيخ..)علىبرغششيرازى: نجفظیخان (نایب آجودانباشی): ج ۱ . 440 or T e ص 204ء ج ٢ ص 17٣٠ء ج ٣ ص نخیر خان: ج۱ ص ۲۳، ندربیک افشار ( ندرظی بیک 🛥 نادرشاه افشار): ج ۲ ص ۲۰۲۲، ۲۵۲۵ تا 1791 3 T W 1771 . ندرخان ( ملطان بلغ) ؛ ج ۲ص ۹۰۵ ، نجمالدين (امام ـــ ) ابوحامد (قاضيمكه) : ندرظی بیگ 🕻 ج۲ ص ۱۰۲۸ ، ندرمحمدخان ازبک: ج۲م ۹۱۶ ، ۹۲۴ ، نجمالدين ابوالقاسم عمر العقيلى ( أبسن . 140 . 977 نوسي أرجه البن الالارارات والسياري نجمالدين احمد (ابن عقرى) قاضى القضات نرنسکزلد : ج ۱ ص ۲۸۶، ج۳ص۱۵۰۱، تریمان خان ( وزیر مختار مقیم ویشه) 🗓 31 W TAT: 100: 676: 57 W ۲۲۲۱: ج ۲ ص ۱۷۲۷ ، ۱۷۴۹، نجمالدین ایلفازی ( از ارتقیه): ج ۲ ض \*\*\*\*\* TIAI . 1447 . Yell. نزار ( پسر المستنصر بالله علوی) : ج۱ نجمالدین ایوب بن شاذی ( قلمه بیسگ تكريت): چاص۲۲۲،۲۲۸،۳۲۲،۰ ص ۳۱۱، نزاری قیستانی. ج۱ ص ۶۲۰، نسائي ــــــ ابوعبدالرحمن.... نسبقرخان: ج ۲ ص ۶۲۹، نشاطی خانهزار جریبی ج ۳س ۱۶۸۴ ۰ نشاء تبریزی (شاعر): ج۲ص ۱۱۲۸ نصر: ج ۱ ص ۱۷۴۰

نصر ( ابو ــ ) احمّد بن اسمبیل امانی: 3 1 @ 177 TTT. نصر بن احمد بن نصر بصری(خبراری) 🗅 - TTT - 1 T نصر بن احمد بن نصر بصری(خبزارزی): نصر بن أحمد بن نصر بصری ( خبرارزی) نعر بن احمد بن مروان ( مالكادياربكر) : - TTA . TTY . TTY. نصر بن امیر حیدر ( امیر بخاراً) : ج۳ ص نصر بن حرب (حاکم فارس): ج ۱ ص تصر (شیخ...) خان (پسر شیخ عبدالرسول خان دریابیگی): ج۳ ص ۱۷۰۵. تمرین خزیمه عیسی: ج ۱ص۱۲۹ ،۱۲۲ ، نصر بن خلف ( حکمران سجستان): ج۱ نمر بن سار الكناني ( حــاكــم بلـــخ و خراسان): ج (ص119،110 ، ١٢٥ . 170 517A. 179 5 174 . 177 5 نمِر بن شبث : ج1 ص ۱۷۸ - ۱۸۰ نجر بن عاصم ليٿي نحوي. ۾ 1صهه1. نصر بنطی: ج ۱ ص ۲۵۵۰ نصر بن على بن منقذالكناني ( صاحب حلب): ج1 ص ۲۴۱، ۲۴۲. نصرقدسی( ازشیوخ شافعیه). ج۱ص۲۵۱۰۰ تصربن محمد بن اشعث (عامل فلسطين): ج 1 ص ۱۳۲ ، ۱۵۱ ، نصر بن محمود بن شبلالدوله ( حاکسم حلب): ج1 ص ۳۳۶. نصرين محمود بن نصر ( حاكم حلب ): ج ۱ ص ۲۹۸۰ نحر بنءعاويه: ج1 ص 101 ، نصر ( عم ناصرالدوله بنحمدان): ج ١ نصرالله ( ميسرزا ـ ) اردبيلسي ( صدر العمالک): ج 7ص ۱۶۳۲ ، ۱۶۲۳ ، . 1741 · 1897 · 1897 تصرالله بیگ ( فونسول مسیب) : ج ۱ ص ۵۲۴: ج۲ ص ۱۱۰۶۰ نصرالله بیگ ( نایب فراشخانه) ، ج۲ ص - T 1 1A

.TAG .TT9

4777 · 1774

نجفظی خان گروسی:ج7ص ۱۳۷۶ ،

چ ۳ ص ۱۲۲۲٠ .

· 1740 0 7 E

. 1757 or T. E

تجفظیخان نوری، ج۳ص ۱۲۰۴ ۰

نجم ( شیخ ــ ) زرگر: ج۲ ص ۲۵۰.

عديم): ج ٢ ص ٢٢٧.

نجمالدين اوكاني: ج ٢٦٠ ٥٤٥٠

نجمالدین باذرای: ج1ص ۴۵۴۰

نجمالدين البلي ج1ص ٢٨٢٠

نجمثانی: ج7ص ۲۵۵ تا ۲۵۲.

ج ۽ حي 674.

ج ۲ ص ۶۲۱.

ص ۲۸۵۲۰

. ToYT

· 11+8

نصربن احمد (حافظ ):ج1 ص ۲۲۶۰

نصربن احمد سامانی( پادشاه سامانی) :

ج ۱ ص ۲۰۹۰ ۱۹۱۰ ۲۲۲۰۲۳۳ ۰

نغرالله ( مِيرَا ــ)ستوفى ( برادر دبير ﴿ نصرالله(میرزامید ــ) از اجزایپستخانه : الملك): جحى ١٨٥٨، ٢٠٩٩. نعرالله (ميرزا ... ) مستوفى(ئايبمستوفى نعرالله ( ميرزا ــ ) يسر ميرزا أسميـــل البمالك): ج٣ ص ٢٥٩٨. لشكرنويس: ج٣ ص ٢٠۶٨. نصرالله (ميرزات) مشرف: ج1ص ۵۵۴. نصرالله ( میرزا \_) تنکابنی( دکتر).ج۱ نمراللهخان: ج1 ص ۵۵۴: ج۲ ص۶۹۰۹، ص ٥٣٥٠ ج ٢ ص ١٢٥٥ . ج ٣ ص ١٠٨٢ تا ١٠٨٥ ع ٣ ص ١١٩٢٠ . - 170A - 1549 نصرالله ( میرزا ... ) جبه دارباشی: ج۳ نصرالله خان ( پحر ميرزا اسمنيل خسان نصراللہ ( میرزا ۔ ) حکیمحضور : ج۱ ص بندیثی): ج۲ ص ۱۷۲۸، نصرالله ځان { ولد اميرکبير قاسمځان): ج ۳ ص ۱۷۰۲، نصرالله ( ميرزا \_)رئيس يستخانه سلطان مجلس وزارت بقایا : ج۳ ص۰۰۹. تحرالله ( میرزا مید ــ ) رئیسیستخانهٔ نصرالله خان( پسر امینالدوله): ج۳ س شاهرود: ج1ص ۴۳: ج۲ ص۱۲۷۴. · 1917 تمرالله (میرزا ــ ) رئیسخانقین: ج ۱ نمراللہ خان بیکلربیکی لار : ج جس ۱۷۳۲ نصرالله خان (پیشکار حاکم قم): ج ۲ نصرالله (میرزات) سررشتندار : ج۱ص۵۴۱. ص ۱۳۰۰ ؛ چ ۲ ص ۲۱۴۵. نصرالله (میرزا ۔) سررشته دار اصطبل:ج۲ نعرالله خان حامی: ج ۳ س ۲۰۸۸. نصراللمخان (بسرجا توخان شهاب الملك): نصرالله ( ميرزأ ــ ) سررشتهدارتوپخانه: . 179T W T E ج ١ ص ٥٥٥؛ ج٢ ص ٩٤٠٢٠ نمرالله خان (حکوان قارس) : ج٣ ص نصرالله (میرزا ۔.) سررشتعدار قورخانست - 15 TA ( يسر ميرزا شكرالله لشكر نويس): نمرالله خان دماوندی ، سرهنگ: ج۱ س ج ٢ ص ١٢٢٥ : ج ٣ ص ٢٠٥٩ . LOD - TO ATTE - TOTYOT. نصرالله ( میرزا ــ) سررشتعدار کل: ج۲ نصرالله خان زنبورکچسی،انسی: ج ۳ ص 1AYO نعرالله ( میرزا ـ ) سررشتـــهدار وزارت نعرالله خان سرتيپ: ج1ص ۵۱۲؛ ج ۳ وظایف): ج۲ ص ۲۱۱۹، ۲۱۲۰ ص ۱۸۱۲ ۰ نصرالله ( حاجی ــ ) طباخ خاصه: ج ۱ نصرالله خان سرتیب (حاکم گرگان): ص ۵۴۰ ج ۲ ص ۲۱۱۵. - 1949 o T E نعرالله(ميرزات) طبيب! ج٢ ص ٢١٣١، نصرالله خان ( سرتيپ زنبورگخانه) .ج1 نصرالله علىآبادى مازندراني (ميرزاــ): ح ۵۲۲: ج ۲ص ۱۳۳۶، ج ۳ ص ج ٣ ص ١٩٤٤ ، ١٩٥٤ . APAI . TTOT : OLOT . TPOT. نصرالله ( ميرزا ــ ) فراهاني ستوفى : تصرالله خان، سرتيپقاجار (تلگرافچی) : ج٣ ص ٢١٣١. نمرالله فلمفی: ج ۲ ح ص ۸۸۲. نصراللمخان، سرتيب ( جماعتكردبچه): نصرالله ( ميرزا ــ ) لشكرنويس: ج ٣ ص ع اص ۲۰۹۲: عاص ۲۰۹۲. · YOSA · BATY · BATT نصرالله خان { سرکرده دسته ماکوئی): نصرالله ( ميرزا ــ) مدير گبرک اصفهان:

37 W 1717: 7717.

ص ۱۷۷۱ ،

ص ۵۲۳٠

ص ۱۲۲۵۰

ص ۱۲۲۱ ۰

ج ۱ ص ۸۲۸.

. T117 . T T

ص ۸۲۸۰

نعرالله ( حاجی میرزا \_ ) مستوفی:ج۱

آباد): ج۲ ص ۱۲۷۲،

نمرالله خان، سرهنگ (حاکم گرگان) : -1111 of TE نمرالله خان سرهنگ ( رئیستلگرافغانهٔ هدان): چ۱ ص ۵۲۷، ۵۴۹ چ۲ · TITE 0 نصرالله خان سرهنگ ( ساخلویاصفهان) : ج ۲ ص ۱۷۷۴ . نصرالله خان سرهنگ ( فوج سوادکوه ) : - T118 00 T117. نحرالله ( میرزا \_ ) خــان( عاحـــب منصبوزارتخارجه): ج٢٠٣٤،٢٠٢٠. نصراللهخانقومتي (ياور )، ج١ص٥٥٥. ع ٢٠٧٦ : ع٢ص ٢٠٧٥٠ نصراللمخان( از قزل|یاغ): ج۱ص۲۵۵؛ .Y.FA . 1771 . TE نصراللمخانكثيكچىباشى: ج٢ص١٤٢٨. نصراللہ ( میرزا \_) خان مستوفی: ج ۲ ص ۱۲۹۷: چ۲ ص ۱۲۱۲، تحرالله (ميرزا ــ )خانمنشي مخموص: ج اص ۲۳۵: ج۲ ص ۱۲۰۰: ج۳ · 1011 0 تحرالله ( ميسرزا ... ) خيان مهنيدس سرتيپسيم) :جاس ٨٥٨؛ ج ٢ ص ١٢٢٨ - ع ٢٠٠٧ ٢٧٥٢٠ نمرالله خان ( خالوی نامرالدین شاه) : · 1741 • T & نحرالله ( ميرزا ــ ) ځان ( نايــب اول وزارت خارجه) ،ج٣ص ٢١٥٢. نصراله خان (میرزا ــ) نایب دویم: ج۲ ٠ ٣١٠٣٠ نصرالله ( ميرزا ــ)خان (نايبالوزاره): ع۲ ص ۱۱۸۸ و نعرالله خان نمرالملک ( سرتیپ اول ): . 1717 or T e نصرالله خان نوری ( تفنگدار خاصه ) : T # : 170 076: 370 1701 : 3 T · 1111 · 1077 · 10-1 ... نصرالله ( ميرزا ــ ) مئشى خاصه وزارت خارجه): ج۳ ص ۱۹۳۶. نصرالله ميرزا : ج٢ص ١١٣٢ ، ١١٣٣. .1144 .1141 .1140 6 1114

نصرالله مبرزا (حاجی ــ ) امیر آخور :

· TOAG · TAAF .

نصرالله خان سرهنگ: ج۲ ص۱۲۴۱ !ج۳

ص ۲۷،۵۲ م

جا ص ۱۱۸: ج۲ ص ۱۲۴۳: ج ۲

3 1 W YE: 37 W 7671:37 . Y - 97 P نمرالله ميرزا ﴿ يسر ركن|لدوله علينقسي میرزا ): ج ۳ س ۱۶۴۲. نمرالله ميرزا ( پسر حاجي سيفالسدوله میرزا ): ج ۲ ص ۱۲۲۵؛ ج ۲ ص .T-FT . 3ATT نمرالله ميرزا ( فرزند محمد على ميسرزا دولتثاء): ج7ص ١٥٥٠. نصرالله مهرزا ( يسر ناصرالدينشاه) :ج٢ ح ۱۲۱۸ -نمرالله ميرزا ( نايبالوزاره تجارت ): Te 1101 or Te 075 or 1 e ص ۲۱۲۵۰ تمرالدولد،ایونمر احمد بن مروان|لکردی (حاکمدیاربکر): ج۱ ص۲۱۷،۳۱۰، ALT' YTT' TTT' TTT-نصرالدوله، شهریارین یزدگسرد ( از آل باوند): ج ۲ ص ۶۳۷. تمرالطك، تمرالله خان! ج1 ص ١٥٥٧ ۵۱۵۰۲۲۵: چ۲ ص ۱۹۱۱۰۷۲۲۱۱ ٠ ١٢٢٠ - ٣ ص ٢٥٢٥ ، ٢٧٥١ ، \*\*\*\*\* \*\*\*\*\* نمرت ( ميرزا \_) طبيب: ج1 ص ٥٩٧: ·TITI OF TE نصرتالله خان سرتيپ ( حاكمگرگانرود ) : ا چا ستما: ع اس ۱۹۰۲،۲۰۹۱. نصرټالدوله:چ۳ص۵۰۱۷۲۹ ، ۱۷۲۵ ، ۱۷۲۵ ، · IYFF · IYFF · IYFF · IYFF ATY! . LTY! . YAY! . TOL! \*144\* + 141\* + 141\* + 141\* 11977 11970 1 1907 1 1A99 - 19AT

نصرتالدوله، فيروزمبرزا : ج٣ ص ١٩٩٥٠ نصرعالدولة ( وزير جنگ) : ج٣ص١٩٢٠٠ نصرتالدين( حاكم فارس) : ج٣ص٥٤٠٠ نصرتالدين ميرزا (پسر ناصرالدينشاه) : ج٣ ص ٢٥٣٢، ٢٥٤٢٠

نمرت شاء ( صاحب بنگاله) :ج٢ص٧٤٩٠

. ۷۹۱ نمرتالطک: ج۲ ص ۱۲۲۷، نموج باشا ( قاضیخان صدر حسینی ): ج ۲ ص ۵۹۹، نمیر ( میرزا ــ ): ج ۲ ص ۱۸۰۴،

نمیر ( میرزا ــ ) اِ ج ۳ ص ۱۸۰۴ ِ نمیربیک ( نایب دویم شترباری) اَ ج ۳ ص ۲۱۱۲ ِ

نمیر خان تیموری ( میر ــ ): ج ۳ ص ۱۵۶۷ء

نمیر خان جشیدی: ج ۳ ص۱۷۳۰ نمیرخان جودگی: ج۳ ص ۱۷۲۷۰ نمیر خان شاهسون: ج۳ ص ۱۴۱۶۰

تعیرکان قزویتی ( نایب آجودانیاشی): ج اص ۵۰۹ ج۲ ص ۱۳۲۹ ک ج ۳ ص ۲۰۷۳،

نصير خان لاري: ج٢ ص ١١٥٢ ، ١١٥٧ . ١١۶٧ .

تعیرخان هزاره: ج ۳ ص ۱۵۱۹. تعیر ( میرزا ــ) طبیب اصفهان: ج۳ ص ۱۱۸۵.

نمير ( ميرزا ... ) طبيب دارالفتون:ج1 ص 050 ،

نعیر ( میرزا ــ) مدیر دواخانه دولتی: ج ۲ ص ۲۱۲۰

نصور ( میرزا س) مترف: ج۲م،۲۱۲۷، نمیراً هدانی: ج۲ ص ۹۱۵،

نصیرالدوله ( از طوک رستمدار): ح ۲ ص ۷۲۴.

نصيرالدوله ( وزير فلاحت و تجارت ) : ج 1 ص ٢٠٣٠، ٢٥٥٠، ٢٢٤٠ ج٢ ص ١٣٢٢ : ج ٢ ص ١٩٢٧ ، ١٩۶۴ ، ٢١٢٢ : ج ٢ ص ٢٩٢٧ ، ٢٩٢٢ ،

تعيرالدين ( چراغ دهلي): ج7ص،۶۴۰. تعيرالدين طوسي ( خواجه)شسرالحكما<sup>و</sup>،

نصرالطه والدین: ج ۱ ص ۴۶۲. نصرالطک: ج۲ ص ۲۰۲۹،۲۰۴۱،۲۰۲۹ نخرین شیل خرشهٔ بصری نحوی: ج ۱ ص ۱۷۸،

نظام ( پادشاه دکن): ۲۰ ص ۸۰۶، نظامالدوله: ۳۰ ص ۲۰۷۲، ۲۰۷۳، نظامالدین استرآبادی: ۳۶ ص ۶۷۹، نظامالدین ( حاکم فارس): ۳۶ص۶۶۰، نظامالدین علیشیر ( حاکم هرات): ۳۶ نظامالدین علیشیر ( حاکم هرات): ۳۶

ص ۷۲۵۰ نظامالدین محمود (حاکم فارس): ج ۲ ص ۶۴۵۰

نظام شاه: چ۲ ص ۹۷۸، ۲۸۵، ۹۰۳، نظام شاه بهمنی: چ۲ ص ۹۱۱، ۹۱۲. نظام الملک حسن بحری ( بادشاهدکن) : چ۲ ص ۹۲۹، ۹۲۲، ۵۶۵، نظام الملک طوسی ( وزیر طغرل بیسک و

البارسلان و ملكثاه سلجوتي) : ج1

۱۳۲۰، ۱۳۳۰، ۱۳۳۰، ۱۳۳۰، ۱۳۳۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۴۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۰، ۱۳۹۲، ۱۳۸۰، ۱۳۹۲، ۱۳۸۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰

نظر آقا ( وزیر مختار ایران درباردس.): جامی۵۲۵ ج ۲ ص ۱۸۱۲ ۱۹۰۹،۱۹۹۹،

نظر بیک استاجلو: ج۲ ص ۸۲۹. نظرعلی ( میرزا ـ ) حکیمیاشی قزوینی:

· 1540 · 1544 & T &

نظر علی خان: ج ۲ ص ۱۳۷۳. نظرعلی خان ( از اجزای بستخانه):ج۳ ص ۲۱۲۲.

نظرعلیخان (رئیسهمدان) آج۱ هن ۵۳۳. نظر علیخان زند آج۲ ص ۱۱۳۶، ۱۱۶۳ تا ۱۱۶۷، ۱۲۷۹.

نظر علی خان مرندی: ج۳ ص ۱۵۷۱. نظرعلی خان ( نایب ایشیک آقاسی ) : ح ۳ ص ۱۶۰۲.

نظیر زنگته ( شاعر):ج۲ ص ۱۵۰۲ . نظیری نیشابوری: ج۲ ص ۹۰۷ .

نظیفافندی، مطفی ( سفیر عثمانی) : ج ۲ ص ۱۱۲۲ ، ۱۱۲۲ ، ۱۱۲۵ ،

770 7711 - 7711 - 6711

تعبان بن بشیر انماری ( والی کوفه ) : ج 1 ص ۶۹، ۱۸۰ ۸۱، ۸۳، ۸۶۶ ۱۲۵،

نعان بن ثابت ( ایوحنیقه) : ج۲ س۹۱۷. نعان بن مهبان الراسی: ج۱ص ۶۹. نعان بن مقرنالمزنی: ج۱ ص ۵۰. نعان ( از موالی مهدی، حاکمبحرین):

ج 1 ص ۱۵۴۰ نعمت الله (سيد سـ) از اوليا ، ج٢ص٩٨٠. نعبتالله بیک ( از سوارهٔ مهاجر)،، یپ ص ۲۰۸۷، تعمت الله أحلى ( أمير ــ ) : ج٢ص ٢٧٤٠ YAY تعطالله خان ( از جماعت خواجدوند): ج ا ص ۵۲۱، ج۲ ص ۲۰۹۰ نعت الله خان (سرکرده ): ج1ص۵۵۳۰۰ نصتالله خان ( از دسته ثغنی): ج ۱ ص ۵۲۲، ج ۲ ص ۹۳ ۲۰۹۰ نستالله ځان ( سرهنگ فسوچ چهسارم مرندی) :ج اص ۵۱ ک : ج۲ ص ۱۲۳۲ ٠ نعیم ( میرزا \_): ج۳ ص ۱۲۵۵ ، نعیمان ( = نعیم بن مسعود و نعیم بسن نعیم بن مسعود اشجعی: ج1 س۴۲،۲۵۰. نعیم بن مقرن: ج†ص ۴۷، ۵۵، ۵۱، نعیم بن میسرد ( نحوی کوفی) : ج ۱ ص نعیم بن هبیره ( امیر سیاه علی(ع) در مفين) : ج١ ص ۶۴٠ نفطويه \_\_\_\_ ابراهيمين،حمد بنعرقه نفيسه ( دختر عبيدالله بن عباس):ج۱ ص ۱۲۱ ۰ نقال خان: ج٢ص ٨٩٧، ٨٥٨٠ نقدعلبيخان كوتوال: ج٣ ص ١٥٧۴ . نقدعلیخان سرهنگ ( حاجی ــ ): ج۱ ص ۱۲۲۶ څ ۲ ص ۱۱۲۵ ، ۱۲۳۶ ٠ 5 7 € 0 0 × 171 · 1741 · 1 × 17 · نقش جهان خان ( ناه مغولستان ):ج۲ ص ۶۲۹، ۲۲۹. نقوسیه : چ7ص ۱۸۲۱، ۱۸۲۸، نقبب خان قزوینی: ۲۳ ص ۹۱۱. نگر ( وزیر مالیه فرانسه)، ج۴س۱۳۹۰، . 1914 - 1911 تگودار خان (پسر هلاکوخان ); ج۳ ص نگوس ژان ( امپراطور حبشستان): ج1ص ئلسن(اميرالبحر انگليس): ج٣ ص١٩٨٠،

نوائی ( دکتر ۔ ): ج ۲ ص ۸۵۵؛ ج۳

- 1576 2 + 1574 5 + 1754 J

نوح بیگ ( ولد سرخای خان لگڑی ) 🖫 ع ۲ ص ۱۴۷۲ . نوح بن منصور سامانی: ج1ص ۲۸۶،۲۷۷ · T11 · TAA 6 نوح نبی: ج۱ ص ۱۴۹، ۲۱۸؛ ج ۴ ص · 1771 · 1774 نوح بن نصر سامانی: ج1 ص۲۶۲،۲۵۶. نوڏر: ج1 ص ۴١. تورالله خان شاطرانلو : ججس ۱۷۲۳ . نوراللمخان( از قزل ایاغ): ج۱ ص۲۵۰: -T-90 1771 : 3790 69-7-نورالله (ميرزا ـ ) سررشتندار دفترلشكر: • 111f o 1 7 نورالدولمشاهنشاه بن ايوب: ج1ص٣٨٢.. نورالدھر میرزا ( حاکم مازندران): ج ۲ ص ۱۲۲۰: چ ۳ ص ۱۵۵۱ ، ۱۹۹۲، · ۲0۶4 نورالدین طوسی: ج۲ ص ۶۲۶.

تورائدین محمد: ج۲ ص ۲۴۷. نورائدین محمد: ج۲ ص ۲۴۷. نورائدین محمد ( از ارتقیه): ج۲ص،۶۷۰. نورائدین محمد جهانگیر: ج ۲ ص۸۹۹،

نورالدین محمد بن مانع ( قاضی القضاه): ج ۲ ص ۶۳۶. نورالدین محمد (ولد کمال الدین حسین): ج ۲ ص ۱۸۲۷.

نورالدین محمد مرشدی( شیخ ــ ): ج ۲ ص ۶۹۶،

نورالدین محمود ( بسر عمادالدینزنگی، حکمران حلب): ج۱ ص ۳۸۸ تـــا ۳۸۲، ۳۸۷ تا۲۹۱،۲۸۹تا۲۵۲.

نورالدین محمود بن قراارسلان: ج ۱ ص ۳۹۵- ۳۹۲، ۲۵۲، ۲۵۲.

نورالدین(مبر -- ) این میر سید شریف: ج ۲ ص ۶۸۹،

نورالدین یعنی: ج ۲ ص ۶۲۹. نورعلی(ولد ابوالخبرخان): ج۲ص۱۱۳۶. نورعلی بیک: ج ۲ ص ۸۸۲. نورعلی خان ( از جماعت دره جزی ):

ورعلی خان ( از جماعت دره جزی ): ج ۳ ص ۲۰۸۷

نورعلی خلیفه روطو: ج۲ ص ۷۵۷،۷۵۷، ۷۶۱.

نپرعلی شاہ اصفہانی ( از عرفا): ج ۳

ص ۱۹۳۵.

نیرعلی ( والی خوارزم): چ7ص۱۱۲۶.

نیر کاوانونویش: چ۱ ص ۴۷۳.

نیرمحمدخان: چ۲ص ۸۸۳، ۸۸۳: چ۲ ص

نیرمحمدخان: چ۲ص ۸۸۳، ۸۸۳: چ۲ ص

نیر محمد خان ( از اجزای مجلس اجرا):

نیر محمدخان امینی: چ۱ص ۵۳۰: چ۳

نیر محمدخان امینی: چ۱ص ۵۳۰: چ۳

نور محمد خان اوزیک: چ۲س ۹۰۸. نور محمد خان سرتیپ: چ۳س ۱۷۲۴. نور محمدخان ( حاجی ... ) سردار: چ۳ س ۱۶۹۳. نور محمدخان ( صاحب منصب): چ۱ س

۵۲۲. نورمحمدخانقاجار:چ۴ ص ۱۷۳۴،۱۵۴۷.

تورمحمدخانقاجار:چ۳ می ۱۷۳۳،۱۵۳۷. نورانسا، خانم ( زن شاه عباس دوم) : چ ۲ ص ۹۷۳.

نوروز ( امير -): ج٢ ص ٥٩٨. نوروز خان سرتيب: ج١ ص ٥٩٥: ج ٢ ص ١٢٤٢: ج ٣ ص ٥٨٥٢.

نوروز خان عزالدین لو قساجار ( ایشیسک آقاسی باشی امیربار): ج۳س،۱۴۲۸، ۱۴۷۲ - ۱۵۰۱، ۱۴۷۳، ۱۵۰۱،

نوروز علی خان( سرکرده قشونعثنانی): ج ۳ ص ۱۵۲۱ ۰

نوروز گورکان: ج۲ ص ۶۳۸. نوزر: ج۲ ص ۹۴۸.

نوشری ( عامل مصر ): ج۱ ص ۲۲۸. نوشیروان : ج۳ ص ۱۵۵۰

نوعی خبوشانی: ج۲ص ۹۰۵ ،

نوفل بن حارث : ج1 ص 47 .

نوفل بن فرات ( والی معر): چ1ص174. تعنماحب: ج ۳ ص ۱۷۹۸.

نی(مارشال ــ) : ج۲ ص ۱۵۳۲۰۱۵۳۱. نیاز علی بیولایت: ج۳ ص ۱۳۳۹. نیازمحمدخان ( والی بلخ): ج۲ص۱۱۲۵.

نیبه ( لرد ــ ) سردار انگلیسی: ج۳ ص

نیرالدولد،فرحسیر میرزا (حاکم اسفراین): ج۲ص۱۹۲۲، چ۲ ص ۱۹۲۲،۱۶۵۱

نيزگ طرخان بادغيس: ج1ص14،١٥٥٠ تیمفر ( نقفور) امپراطور قسطنطنیه: ج ۱ . 277 . 271 . 154 . 157 . 159 . نیک قدم: ج7س ۱۱۲۶ ، ۱۱۴۱ . نيكلا آولاندا ( رئيس جمهور آرژانتين): ع ١ ص ٥٥٥ ع ٣٠٠ نيكة ﴿ الميراطور روس ﴾: ج٣ص ١٥٥٨ ٠ 1574 - 1044 - 1040 - 16F4 · 1770 · 1770 · 1714 · 1701 · 1774 · 1779 · 1777 نیکلای اول ( پرنس ــ ) والی منتنگرو : - 45T @ 1 E نیگلای پنجم ( یاپ): ج۲ ص ۲۰۶۰ نیکلای چهارم ( یاپ): چ۲ س ۴۰۰۰ نیکلا ( طبطان دانمارک): ج1ص ۲۵۸، نیکلای سیم ( یاپ): ج۲ ص ۵۹۶، نیکلای (اسیو ب ) بترجم روسی ج اص تیکلا ( شیو ... ) تایجاول چاص ۱۵۴۱۰ نیکولاوردیشهوف ( سردار روس): ج ۲ ٠ ١٥٢١ ، ١٥١٠ ٠ نیگولور ( کثیش): ج۲ص ۱۱۲۸، نيكى اغول ( حاكم ماورا النهر): ج٢ ص -010 /OAF نيکي خان: ج ۽ ص ۶۴۹، نيگرا! ج٣ ص ١٨٢۶٠ نيوتن: ج٢ ص ١٩٢٠. وات انگلیسی ( مفترع چرخ بخار) ج ۳ ٠ ١٣٩٨ ٠ واثق: چ1 ص ١٣٥٠

الواثق بالله، هارون بن،متمم ( خليفهٔ عباسی): ج 1 ص ۱۸۸ تا ۱۹۲ ،

. YET - Y - TOT

وائله بن أسقع: ج1 ص 46 ، واحد بن بیسرد: ج1 ص ۲۲۶۰ وادنگ تن: ج ۳ ص ۱۷۲۵ ۰

وازیلی چهارم اچ ۳ ص ۲۸۷۰

وازیلی دویم ( شاه روس) : ج۲ص۶۵۹۰۰ واسک دگاما : ج۲ ص ۲۳۲،

واسکنولس: ج ۲ ص ۲۵۸۰

واسیلی چهارم: ج۲ ص ۲۳۲۰

وامیلی دویم ( شاه روس):ج۲۰۰۲٬۶۸۲۰۰ واسیلی سیم ( شآه روس) : ۲۶ ص ۶۸۴ ۰ واثنا (عاحب منعب قورخانه) :ج1ص۲۳۲۰۰ واشنکتن ( رئيس جمهور اناتوني): ج ٣ · 1705 · 1775 · 1774; · 17+5 0 واصل بن عطا ،ابوحذیفصعتزلی( پیشوای

معتزله): ج1 ص ١٣٥٠

واضح عامری: ج1 ص ۲۹۵۰

واضح ( از موالی مهدی، حاکم عصر ) : · 147 - 1 5

وافتر ( کاپیتن توپخانه): ج1ص ۵۳۷-واقد بن عبدالله التعيمي .ُ مج 1 ص ٥٣ -واقد بن عمرو بن سعد بن معادٌ : ج 1 ص

واقد الليثى ۽ خارت بن مالک: ج 1صـ44 ، واقدی( ماحب مفازی)، ج۱ ص ۱۹۰،ج۳

ص ۱۲۲۴ ۰

واكثريتر : ج٣ ص ١٧٥٥ ، والتررالن. ج٢ ص ٨٩٢،

والتر رالنگ: ج۲ ص ۹۱۴ ،

والدماردوم ( پادشاہ دانمارک): ج ۱ ص

777 - 777

والفكى(از معارف فزانسه): ج٢٥٠/١٩٥٠ والى خان( پيٽخديثاً) ،ج۴ ص ٢٠٩٤٠ واليه (دختر ناصرالدين ناه) : ج١ ص٥٥٥٠.

JOST OF TE : 1816 OF TE وامي ( شاعر هنداني) ۲۰ ش ۱۱۶۰ وانديسكراتز : ج٣ ص ١٧٠٧ -

وانکوور ( سیاح انگلیسی و کاشف قسمتی از امريكا): ج٣ ص ١٤٢٤٠

الواوا' الحلبي ( شاعر): ج1 ص ۲۸۸۰ وبان ( مهندس نظامی) ؛ ج ۲ص ۱۰۰۵ آ وثاب بن سابق النميري (حاكم حوان):

ج ۱ ص۲۰۲۰

وثاب ( يسر محمود بن شبل|لدوله): ج1 ص ۳۳۸۰

وجودي بن ربيعه ( رئيس دومالجندل):

ج 1 ص ۲۵۰

الوجيد، ميارك بن ابيالازهر سميدبن بهان (نحوی اعمی) : ج۱ ص ۴۳۰ وجيدالله ميرزا ( سرتيب اول): ج ١ ص ۱۲۲۲، ۲۰۵: ع۲ ص ۱۸۱۲،۲۲۲۴: · 1447 · 1445 · 1440 - T &

· 4041 · 4005 وجينالدين عثمان سياح سناجئ ج٢٩٠ ٩٤٢ -وجيبالدين غرجستاني: ج٢٣ ٥٤٣٠، وجيئالدين مسعود سربدأرى: ج٢٩٧٥٠ . 505

وحشی بن حرب: ج1 ص ۲۳۰ وردان ( هندست أبن ملجم) :ج1ص٧١٠ وردان خداء ( پادشاه بخاراً) :ج1ص11-

. برازانی ایطالیائی: ج۲ من ۷۷۱ ورنيس ( پادشاء نرک): ج1 ص 114. وروف (افسردریائی انگلیس) : ۲۳ س ۱۹۳۱ م وزال: ج ۲ ص ۷۹۸.

وزيرالمغتبانى: ج1 ص 119 -وزیرنظام ـــ تقیخان (میرزا ــ) وزير نظام .... حسنخان (ميرزا - ) وزیر مفربی ــــ ابوالقاسم . . . وزیری بن منادمشهاچی، چ۱ ص ۲۴۳۰ وسكايت: ج٢ ص ١٥٥٠.

وشمكير بن زيار { برادر مرداويج)٠٠, و

ش ۱۲۵۰ ۲۲۹، ۲۵۳، ۵۲۳۰ وصيف بن صوارتكين التركي: ج1ص•11، -TTF . YOT . TOT . TOO . 144

وقايع نگار ـــــ جنفر .... وقايع نگار ـــــ صادق ..... وکیع ( والی خراسان): ج1 ص ۱۹۴۰ وكيلالرعابا (حاجئ ميرزاتقي):ج ٣ ص

وكيل|لرعايا ( حاجى مبرزا رضاكدخداً ) : ج ٣ ص ١٩٣٢٠ -

وكيل الرعايا \_\_\_\_ كريمخان زند . ولاديسلاس هفتم ( بادشاه لهستان ) 🗦

ج ۲ ص ۱۹۳۰ ۱۵۲۰ ولاديمير ( بادشاه روس): ج1 ص٢٨٠٠

وليف ( وليعهد فرانسه):ج٣ص1919 -ولتا (مخترع چرخ الماس): ج٢ص١٩٣١٠ ولتر : ج٢ ص ١٥١٥ ، ١٥٢٢ ، ١١٨١ . ولدان حاجم خان : ج٢ص ٨٨٢٠ [ ولسلی ( سردار انگلیس) :ج۲ ص ۱۴۹۲ ·

ولنگتن ( سردار انگلیسی) (ج۲ص ۱۱۷۰ -

410TT - 10T1 - 10TY - 10-9 - TE . 1514 . 1500 . 1097 . 10YF - 170+ ولی (میرزا – ) : ۲۶ ص ۲۱۱۳. ص ۵۵۵. ج ١ هر ٥١١: ج٢ ص ١٢٣٢: ج٣ ص ۲۰۷۲، ولی خان ( ولد بوگلربیکی) :ج۱ص۵۲۶. ولی خان تنکابنی: ج۲س ۱۵۷۸ ، ۱۶۹۱ . 1940 ولی( حاجی ــ) خان ( حاکم سوادگوه) : - T117 0 T117-ولی خان ( سرتیپ سیم) : ج1ص۸۱۷ :

ولی خان قاجار: ج۲ ص ۱۲۶۹؛ ج ۳ ص . 1444 . 144Y ولمي خان كود شادلو: ج٢ص١١٥٩.

ولی خلیفه شاملو: ج۲ ص ۸۳۵ ، ۸۴۹، . 44.

ولی دشت بیاضی! ج۲ص ۸۵۷.

وليد بن بكر بن مخلد اندلسي ( فقيـــه

وليدبن بكير (حاكم موصل) :ج1ص١٢١٠.

وليد بن عبدالطك بن مروان : ج 1 ص

وليد بن عتبه ( از سران قريش): ج 1

31 20 PY 3 14: XX. 7x. 44. وليد بن عقبه (حاكم كوفه) :ج (ص ۴۶ م

ولي ( ميرزا \_) مترجم: ج٣ ص ٢١٢٨. ولی ( میرزا شید \_ ) مرتب حروف یو ا

ولی بیک مرندی ( سید \_ ) یاور اول :

ولىخاننڭلو (چ٢ص ٨٧٤ ، ٨٧٥ .

ج٢ ص ١٢٢١ : ج ٣ ص ١٨٥٥ .

ولی خان ( سرتیپ فوج سیلاخوری):ج۳ · 1784 0

وليخان ( نايب اعطيل خاصه): ج ۽ ص ۵۵۴: ج ۳ س ۲۱۳۷.

ولى خان ( نايبالحكومة سواد كوم ) : ج ۲ ص ۱۲۴۶.

مالکی): ج اص ۲۹۲،

ولید بن طریف خارجی تظبی ٔ ج۱ص۱۶۱،

.104 5 44 .95

وليد بن عتبه بن ابيسفيان (واليمدينه):

-05 -07

وليد بن قعقاع عبسي! ج1 ص 117. وليد بن مغيره: ج1 ص ٢٢. وليد بنهشام :ج1ص ۱۲۲ ، ۱۲۹ . وليد بنھشامىيطى: ج1ص 107. وليدبن يزيدبن عبدالطك: ج1ص101 ء . 179 6 174

ولیس ( کاشف جزیرہ اتابتی) ہے ؟ ص .1159

ولى سلطان! ج٢ ص ٨۶٤. وليقلى ( ميرزا ــ ) سررتتعداردفتر لشكر :

ج 1 ص ٥٠٥ ج ٢ ص ١٢٢٤ ع ص ۲۰۲۹ ۱۲۰۲۹

ولىمعدخان اوزېک : ج۲ ص ۹۶۱۰۹۰۵. ولى محمد خان ( يادشاه ماورا النهر) :

ج ۲ ص ۱۹۰۰ ۵۰۹.

ولىمحمدخازين رستمخان: ج٢ ص٩٤١٠. ولی محمد خان سرتیپ! ج۲ص ۱۶۵۳. ولى محددخان سركردة جماعت شاهسون دوبرن): ج ۱ ص ۵۲۱: ج ۳ ص

ولی محمد خان میترور بیگذلی : ج ۳ ص -1017

ولی ( میرزا \_ ) منشی باشی: ج ۱ ص 1117 of Te -401

ولى ( ميرزا \_ ) ناظم: ج1ص ۵۵۲-وليم هكرد : ج1 ص ٥٣٨ ، ج ٣ص١٥٨٠. ونداد آمید بن شهربار (ازملوکرستمدار):

.YYF @ YF

ونداد هرمز ( حکمران طبرستان): ج ( ص 146 ۰

> ون دران تلن: ج٢ص ٥٥٥٥، ونسر آلعانی: ج۳ص ۱۴۷۴ . وتسلود : چ۲ ص ۱۵۷۶ .

> > وواتور : ج ۲ ص ۹۵۳ .

ووانويج روسي: ج٢ص ١٢٩٥ ١٢٩١ . دورمسر ( سردار اطریشی): ج۲ص۱۴۴۰. وهاب (درباپیمایعرب) نجاص ۱۹۴ . وهب بن کیمان: ج۱ ص ۱۲۹. وهب بن مسعود ثقفی:ج1ص ۲۰،

وهسودان(وهشوذان ) حاکم تبریز: ج ۱ ص ۲۶۲ ، ۲۶۵ ، ۲۲۲ م

وهبيين وردمكي ( از زهاد ):ج١ص١۴۶. وی بت ( مهندس): چ۲ص۹۹۸.

ويتهزأ ( پادشاه اسپانيول) :ج(ص١٠١. ویس مرادخان زند ؛ ج7ص ۱۳۶۱ ۱۳۹۲ - 1700 - 179# b

ويكتور امانول: ج٣ص ١٧٩٩. ويكتور آمد (شاه ايطاليا): ج٢ ص١٢٥].

١١٧٥ : ج ٣ ص ١٩٢٠ . ویکترآمد ( پادشاه ساردن) : ج۲ص۱۹۲۸ .

ويكتورامانوثل، پرنسدنايل: ج١ص ٥٤٢. ٠٢١٢٨ ت ٢ ص

ومكتور ( ويكتر) امانول (بادشا ساردين): 370,0011 01111741141.001. . 14796 14TY . 1419 6 1419 - 1ATF - 1ATO - 1ATY - 1ATF

ويكتور امانوول اول ج٣ص ١٣۶۶. وبكنور امانول ثاني ( دويم) شاهايطاليا:

3 TO 1970 AAPI.

ويكتوريا الكماندر (طكه \_) ملكه انگلستان : جاص ۵۶۲ ج ۳ ص ۲۱۴۸.

ویکتوریای اول ( پادشاه انگلیس): ج۳ س

وبل هل مينا ( دختر شاء هلند): ج ٣ . 2016 0

ویل هل سینا ( دختر پادشاه یونان ) : ج ۱ ص ۸۸۴۰

ويليم بيت: ج٢ ص ١١٥٨، ١١۶٢.



ھانف اصفہائی ــــ احمد ھانف... هانفی ( خواهر زاده جامی) . ج ۲ ص

هادی ( میرزا ): ج۲ ص ۱۲۲۱. هادی ( میرزا ...) از اجزای پستخانیه : ج ۲ ص ۲۱۲۰.

هادی ( میرزا ... ) تحویلدار امانسات : ج اص ۵۴۱ ج ۳ ص ۲۱۲۰.

هادیخان : ج ۳ ص ۱۷۱۵. هادی خان ( از امزا<sup>ی</sup> ) :ج7ص ۱۲۵۱ .

هادی خان، پسر بیگلربیگی ( از اعبسان طهران): ج ۳س ۹۶،۲۰۹

هادی خان جهانبیگلو ( حاجی۔)سرتیپ שנק: שוש גם 6: שדשאזון ·שד ص ۲۰۲۲.

هادی میرزا ... ) خان ( دفتر دار): ۱۳

ص ۵۵۱۰

هادیخانزرندی ( نایب آجودانیاشی) : ج ۱ ص ۵۰۹ ج ۲ص ۱۲۲۰ : ج ۳ ص ۲۰۷۲ .

هادی ( میرزا — ) خان ( سروشتمدار): ۱۳ ص ۵۵۲

هادی(میرزا – ) خان ( سررشنداراداری خزاند): ج۲ من ۲۱۱۱،

هادی خان ( ولد عباسقلیخانمیرینجه): خ ۲ ص ۱۲۵۲

هادی خان قاجار ( نایب نسدخانه):ج ۲ ص ۱۲۶۸: ج۲ ص ۲۱۱۸،

هادی(میرزا-)خان (کارگذارکرمانشاهان): ۱۳ ص ۵۳۶.

هادی خان (نایب ): ج1 ص ۵۴۰: ج۲ ص ۱۲۲۵

هادی (میزا – ) خان ( نایب): ج ۱ ص ۵۳۲،

هادی خان نایب ( در بروجرد)، ج۲ ص ۱۲۳۵؛ ج ۳ ص ۴۵٫۰۰.

هادی خواجد( سید ــ ): ۲۳۵٬۷۴۸،

هادی ( میرزا –) سررشتبدار : ۱۳۵۵٬۵۰۵، ۵۲۵

هادی ( میرزا ــ ) سررشتندار دفترلشکر: ج ۲ ص ۱۲۲۴ ٔ ج۲ص۲۹۸۸

هادی ( میرزا ــ) سررشتبدارزنبورکفانه: ج۲ ص ۱۲۲۵: ج۲ ص ۲۹۵۹،

هادی (میرزا ــ) قونسول بیتالمقــدس : ج اس ۵۲۲ -

هادی ( میرزا ــ) کارپرداز بیتالمقدس: ج ۳ ص ۲۱۰۶،

هادی (میرزا ــ ) گرگانی ( سررشتمدار ) : چ۲ ص ۱۲۵۰ ،

هادی ( میسرزا — ) مستسوفی : ج ۱ ص ۱۲۵۲ : ج ۲ص ۱۲۵۲ : ج۲س۲۰۹۲۰ هارطون ( میرزا — ) مترجم : ج۱ص۵۲۳۰

هارون بن حبیدالایادی:چاچس ۱۴۱. هارون بن خماویه بناحمد بسن طبولیون (جاکم معر): چ۱ ص ۲۲۱، ۲۲۲،

هارونالرشید (خلیفه عباسی): ج ۱ ص ۱۴۱ ۱۴۲، ۱۸۲ تا ۱۵۲، ۱۸۴

-141 -141 -14-

هارونین سطی عجلی (۰۰۰ سید...): ۱۳ ص ۱۴۱،

هادین بن طبطاش( حاکم خوارزم): ج-۱ ح-۲۱۶،

هارون بن محدالجريتي: ج7ص ۵۹۷. هارون بن معتفد : ج1ص ۲۲۲.

هاروڻءَ پسر موسي پڻ تمير ۽ ڇاس ۽ ۽ . هارونيءَ ۾ کاس ۵۸۱ء

> هاشم (رمیرزا ــ )(جاس ۱۲۷۳. هاشم بن اساجاج: جامن ۱۲۵.

هاشم خان ( میرزا ــ ) : چ۳ می۱۷۲۸، ۱۷۲۵، ۱۷۲۹.

هاشم خان ( مبرزا ــ ) امینخلوت:ج ۳ ص ۱۸۳۹ ، ۱۸۳۲ ،

ھاشمخان بھارلو (یاور اول): ج ۳ ص ۲۰۷۷.

هاشمخان( میرزا ـ ) از اجزاییستخانه: ج ۳ ص ۲۱۲۲.

هاشم خان (حاجی ــ) ولد حاجورجبطی بختیاری: ۳۶ من ۱۵۶۶ .

هاشم خان زند: ج1 ص ۱۲۶۸. هاشمخان(ماحب منصب): ج1ص۱۲۵۲.

هاشم خان قراباغي: جيس ١٧١٤.

هاشم (میرزا س)خان ( کارگذار خارجی: رومی و سرپرستینماری) : چ۱م۵۲۵ : ج ۲ س ۲۱۰۲ .

هاشم (میرزاد ) خان ( مامورآذربایجان) : ع ۱ ص ۵۲۹.

هاشمخان( میرزا ـ ) مستوفی ( اسسرار نگار مجلس دربار): ج ۲س۱۹۲۳: ج ۲ ص ۲۰۶۲.

هاشم خان یوزباشی:ج۲ص ۶۷۱.

هاشم (میرزا –) رئیسکاشان:ج۱ص۵۴۲. هاشم (میرزا –) سررشتمدار:ج۲ص۵۲۳.

ع ۲ س ۲۰۷۹.

هاشم بن سعید بن خالد (حاکمبوصل): ج ۱ ص ۱۵۷،

هاشم بن عبد مناف: ج1 ح ص 11۵. هاشم بن عتبد بن ابیوقاص ( پرچسدار

علی (ع) در صفین): چ(ص ۴۰ ، ۴۳ ، ۴۵ ،

هاشم ( میرزا ـ ) منشی: ج۳ص ۲۱۰۴.

عاشم (میرزا سبد سـ ) نایب ایشیکآقاسی باشی: ۵ ۲ ص ۲۱۱۶،

هانریالس( سفیر انگلیس): چ7س۱۵۱۹، ۱۵۲۴،

هانری(پسر گیلیوم فاتح:پادشاءانگلیس): ج ۱ س ۳۵۵.

هانری ( ولیعهد آلمان): چ!ص۴۴۵. هانری اول( بادشاه فرانسه): چ!صده؟: ۲۲۱، ۲۲۲.

هائری اول ( بادشاء ضطنطنیه}): ج ۱ ص ۲۲۵،

هاتری بولس ( وثینی پارلمنت فرانسه) : ج ۲ ص ۱۲۰۶ ج ۳ ص ۲۰۲۹، هانری ( پادشاه پرتغال) : ج ۲۰۸۸،۰۰۰

۰٬۹۶۹ هانری بنجم (شاهانگلیس) :ج۲ص ۶۷۵. هانری جهارم (شاه انگلیس) : ج۲م.۶۵۵،

هانری چهارم ( بادشاه فرانسه):ج ۲ ص ۱۹۲۰ ۸۸۸ تا ۱۹۸۰ ۱۹۲۰ ۱۹۲۸ ۱۹۶۰ ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۸ ۱۹۰۶ چ۲ ص هانری چهارم ( بادشاه ناوار): چ ۲ ص ۱۹۵۸ ۱۹۵۹ ۱۹۵۹ ۱۹۲۰ ۱۹۲۸ ۱۹۲۸ ۱

هائری دکیز: ج ۲ ص ۸۸۸،

هانری، دوک دوبردو ( ولیمهد فرانسه): ج ۳ ص ۱۵۲۹،

هانری دوم ( امپراطور آلمان): ج 1 ص ۲۰۵۵،

هانری دوم ( پادشاه انگلستان)): ج ۱ ص ۲۹۹:

هانری دوم ( پادشاه فرانسه): ج ۲ ص ۴۰۵۰ ۸۲۲

هانری سوم پادشاه آلمان :ٔج۱۳٫۳۳۰.

هانریسیم ( یادشاه انگلیس: ج۲مـ۵۸۵۰ ۸۵۷ م

هانری سیم ( یادشاه فرانسه) : چ۲ض،۹۶۰ ۸۸۸،

هانری شتم ( شاه انگلیس) : ج۲ص ۶۸۲. هانری ششم ( شاه فرانسه) : ج ۲ هر۱۸۵۰ ۲۲۱.

هانری هشتم (شاه انگلیس): چ۲ص ۲۳۹،

هانری دهتم: ج۲ ص ۲۲۵، ۷۵۱، هانریت (خواهر پادشاه انگلیس): ج ۲ 🖟 هانریت ( خواهر بادشاء فرانسه) ۰۰ پرم ص ۱۹۲۰ هانوی دوم (امپراطور آلمان) نج۱ص۲۹۱۰ هانی: ج۱ ص ۸۱۰ هانبي بن نيار بن عمروالانطاري: ج1 ص هاهنمان( طبیب ساکسی): چ۳۰۰۰۴۳۰ هيدالله بن حسين بن يوسف، بديستم اسطرلابی ( ظکی و شاعر): ج ا ص ۲۷۰ ۳۷۰ هيمالله بن على|لمنستيري (عالم): ج1 ص ۲۲۱۰ هيدالله بن ناصرالدوله:ج 1 ص ۲۷۳ ٠ هېيتال ( وزير فرانسه) :ج۲ص ۸۶۰ هنون نوبان: ج ۲س ۱۳۴۲ ، هجری ( شاعر رازی): ح۲ ص ۸۶۵۰ هدایت ( میرزا ـ ) پسر میرزا اسدالــه نوري: ج۳ ص ۱۵۵۷ ۰ هدایت ( آقا ۔ ) تحویلدار وجودگیرگ! ج اص ۵۵۲: ج ۲ ص ۱۱۱۳۰ هدایت ( میرزا ــ) ځان( سرکرده غلام نصرت) :ج1ص۵۱۸: ج۳ص ۲۰۸۲ هدایت خان سرهنگ! ج ۱ ص ۵۱۵۰ هدایتخان شاطرباشی: ج ۲ ص ۱۲۵۳ : ج ۲ ص ۹۲ ۲۰ هدایت ( مبرزا ــ) خان ( نایبآجودان باشی) : ج ۳ ص ۲۰۲۴ . هدایت ( میرزا ــ) روزنامه نویس: ج ۱ ص ۵۰۵ : چ ۲ ص ۱۲۲۴ : ج ۲ ص ۲۰۶۸ ۰ هدایت ( میرزا \_ ) طهرانی) سرررشته\_ دار): چ۲ ص ۱۲۲۲:چ۲ص۲۰۶۸ ھدایت ( میرزا ۔ ) فراش خلوت: ج1 ص ٥٣٠ عاص ١٢٥٧ : ح ٢٠١١١٦٠ هدايت ( مبرزا ــ ) نايبالتوليه ج ١ ص -001

هدایت ( میرزا ــ ) پسر نمیرالملک: ج۲

هدایتالله ( میرزا ... ) اعفهانی: ج ۲

ص ۱۸۵۰ ۰

ص ۱۹۶۶، هدايتالله (ميرزا ــ) ــــــ امامجمعه هدایتالله ( میرزا ۔) تفرشی ( وزینسر لشكر): ج٣ ص ١٢٨٠٠ هدایتالله خان: چ۲ص ۱۷۶۲ ۰ هدايتاللغتان ( از اجزايمجلس|جراه)؛ ج ۳ ص ۲۰۱۲۰ هدایتالله خان ( از اعیان طهران ): - To 16 - To 1701 - TO 1801. هدایتالله خان ( اولاد بیگلربیگی ) : ج ١ ص ٩٢٤٠ هدايت اللمغان ( يسرحاجي جمال فومني ) : 3 T - 1741 · YATE . هدایتالله خان سرهنگ: ج۲ ص۱۲۴۰: ج ۲ ص ۱۲۰۲۰ هدایتالله خان گیلانی: ج۲ص ۱۶۳ : TAN THAY THAT OF TE · 1700 / 1799 ع ا س ۱۹۱۸ ع ۳ ص ۱۹۱۷ . هداپټالله( ميرزا ــ) منتوفى ( وزيـــر دفتر ): جT ص ۱۲۱۲ · هدايت الله ﴿ مِيرِزًا حَا) نَاظُمُ التَّولِيهُ جُحْ .س. ۱۱۳ · ۲۱ ۲۱ هدایتاله (میرزا سا) پسر نمیرالبلک: (P) - 1417 or TE

ج ۳ ص ۱۸۱۲ (م)

هدایت الله (میرزا --) وزیر دفتراستیفاه :

چ۱ ص ۲۰۵۰ ، ۵۲۸ : چ۲۰۰۳۲۲۱ :

چ ۳ ص ۱۹۲۸ ، ۲۰۰۲ ، ۲۰۶۲ .

هذیل بن عمران : چ۱ ص ۳۵ .

هراکلیوس ( یادشاه گرجستان) : چ۲ ص

هربذ: چ۱ ص ۴۷۰ هرنانس(ربیبه ناپلیون): چ۳۳۰۰۱۴۶۶ ۱۴۶۶ د د د د د د د داکه افریقیه): ۲

هرشده بن اعین ( حاکم افریقیه) ج ۱ ص ۱۶۱ تا ۱۶۳ ، ۱۶۹ ، ۱۷۹ ، ۱۷۲ تا ۱۷۴ هرشد بن عرفجه ( حاکم موصل و شهر

زور): ج 1 ص ۰۵۲ هرشل( منجم هانوری و کاشف ستارهٔ اورانوس): ج۳ ص ۱۳۹۰ هرفرد ژونس ( سر ــ ) سفیرانگلیس :

ج ۲ ص ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۲،۱۲۹۱. هرقل: ج۲ ص ۸۹۷. هرقل ( امپراطور روم شرقی): ج۱ ص ۲۱ تا ۲۲، ۲۶ تا ۲۲،۲۱۰۲۱. ۵۷، ۶۶، ۵۵، ۱۰۲،۵۴،۵۱۰. هرمال وکیل ( مسیو – ): ج۱۳،۵۲۵،۵۲۰ هرم بن حیان عبدی ( عامل قارس): ج۱ هرم بن حیان الیشکری (عامل قارس):

چ ۱ ص ۰۵۰ هرمز ( سردار عجم): ج۱ص ۰۲۴ هرمز (استاد ـ ) پدر عمیدالجیــوش

ابوعلی: ج ۱ ص ۲۹۵ ، ۲۹۴۰ هرمز میرزا ( پسر فتحفلیشاه): ج ۳ ص ۱۶۲۲۰

هرمزان: چ۱ ص ۴۰، ۴۷، ۴۸. هروسندان بن تیدای دیوبند ( از ملـوک رستمدار): چ۲ ص ۷۲۲.

هزار اسب ( از طوک رستمدار): ج۲ ص

هزار دیناری، آفسنقر بدرالدین: ج1 ص ۲۱۶، ۲۱۲

هشام بن اسعمیل مخزومی ( والی مدینه ): ج ۱ ص ۹۶ ، ۹۸

هشام بن حسید ( حاکم جرجان): ج ۱ ص ۱۵۳۰

هشام سوم: ج ۱ ص ۲۰۸۰

هشام بن عبدالرحمن اموی، ابوالولیسد ( شاه اسپانیول ): ج۱ ص ۱۵۸ تا ۲۵۲ - ۱۶۳

هشام بن عبدالعلک بن مروان ( طبقت اموی): ۱۰ ص ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۸، ۱۱۰ تا ۱۱۹، ۱۱۹ تا ۱۲۲، ۱۲۲، ۱۲۲، ۲۲۲، ۲۲۲،

هشامینعدرطالفهری: ج1ص ۱۴۰۰ هشام بن عمرالتظیی (الشطیی) والسسی سند: ج ۱ ص ۱۲۲۰

هشامین عمرو ( والی سند): جاص۱۴۸ هشام بن غاز بسن ربیعه الجرشی: ج۱ ص ۱۴۶

هشام موایدالدوله، پسرالحکمدوم (پادشاه اسپانیول): چ۱۹۵٬۲۲۷ ۲۹۵۰ دهش ( سردار فرانسه): چ۲ س ۱۴۳۱ ۱

. 1775 - 1774 هثيم بن متاريد التتكي ( حاكم بمره): ع ۱ ص ۱۹۲۰. هلاکوخان: ۱۳ م ۱۹، ۲۵۲،۲۵۶، ۲۶۱ ط ۱۶۲ ع م ۲۹۵ تا ۱۹۵۵ تا ۱۶۵۰ · FT1 ·FT0 ·FTA ·FTY ·FTA ۶۷۲؛ ج ۳ ص ۱۲۹۳ تا ۱۲۲۶ . 1797 - 1779 - 1777 - 177A . 1470 طلاکومیرزا ( این شجاعالسلطند): ج ۲ . 1840 + 1817 + 1847 + 1847 J هلال بنابيهيره: ١٢ ص ٥٥. هلال بن علقد ( از خوارج): چاض،۹۹. طلال بن علقمه: چومن ۲۰۰. هلال بن مدلج ( رئيس خوارج): ج1 ص -110 ملام: ع ٣ ص ١٨١١، هاتی بنعبیر: ج ۱ ص ۶۵، هنامین قبط ( امیر سیاد): ج۱ ص ۶۵، 6444.444 6440 .AYY .AY . 405 . 404 . 404 . 404 . 404 . 404 SEAT LTAT TTAT LTATTAL هبايون( مبرزا ــ ) نايبالمكومة كاشان: ع ۲ ص ۱۳۰۱ ، هنایون سلطان ( خانم خانمان) دختسر فتحملیشاه: ج۲ ص ۱۶۲۵. هایون میرزا ( حشت): چ۳ ص۱۲۶۲، · 1577 · 1054 · 1077 هنبت: ج۲ ص ۱۱۷۰. هند ( زوجه أبوسفيان) :ج1 ص ٢١، هندوخان ( پسر ملکشاه): ج1ص ۲۱۶، .414 .414 هنری جرجیل ( دفتردار): ۱۳۸۰ها: 3 T & A017. هنویوس شوم ( پاپ)۱،۰۰۰ ص ۱۳۱۰ هنوده حنقی: ج ۱ ص ۲۱، هوبر: چ۱ ص ۲۰۹. هودسن ( دریانورد).ج ۲ ص ۲۰۵.

هوشنگ خان دلاورخان : چ۲م۲۸۴۰،

.540 1545 00

هوشنگ شاه مالوی ( ماحب مالوه):ج۲

هوشنگ میرزا ایلغانی: چوص ۲۵۰۴ ج۳

ص ۱۸۱۵ : ۱۸۶۶ ، ۱۹۲۹ . هوق ( شاه فرانسه) : ۱۳ ص ۱۳۶۳. هوق کایه ( شاه فرانسه) : ۱۳ ص۲۶۳. ۲۸۸. هومبراول ( شاه ایطالیا) : ۱۳۵۳ ۲۵۰

ع کی ۱۹۸۸ ، ۲۱۲۸. هوهن زلرن : چ ۲ ص ۱۹۱۷.

عومن زمرن ، ج ۲ ص ۱۲۱۲ . همآوان چسنگ( عالم چینی)! ج۱ ص ۲۸ .

هیتالله خان ( ولد مسیح خان) :ج۲ ص ۱۹۶۰ -

هَيْتُم بن سعيد ( والتي جزيره): ج ١ ص ١٥٠٠

هیشم بن معاویه العنکی ( حاکم مکسه و طائف): ج۱ ص۱۳۵، ۱۳۹.

هيئوم ( ماحب سيس): ج۲ عن ۵۸۷ ، ۵۸۹،

هیدند ( سیو — ) : ج1ص ۵۲۰. هیگن( مخترع ساعت زنگی) :ج۲ص۹۵۲. هیموی هندو: چ۲ س ۸۲۰.

ي

یادگار علی، ملطان طالش: ج۲ص۹۰۳. یادگار (میرزا سـ ) محمد ( سردار لشکر)

Y14 7 10

باوز (فرزند آی ): ۳۶ ص ۱۳۳۱. بارسلاو: ۱ م ۳۲۷.

یارعلی بیگ: ج ۲ ص ۸۸۴،

یارکوم ترکی: چ ۱ س ۲۰۷،

بارمحمدخان: ج1 ص ۵۲۰: ج۲ص۱۶۱۶، ۱۶۴۱، ۱۶۵۲، ۱۶۴۱.

یارمحمد خان افغان : ج ۳ ص ۱۶۹۰ ، ۱۶۸۸ -

یارمحمد خان امینالدوله ( وزیر کاسران میرزا افغان): چ۲س۱۶۱۱،۱۶۹۱. یارمحمدخان ایلخانی شادلو: چ۲س۵۱۹.

3 7 ° 1991 · AA+7.

یار محمدخان ( از خورده ایماق): ج ۳ ص ۲۰۸۹.

یار محمدخان ( صوبعدار کشمیر):ج۲ ص ۱۵۴۱ ،

یار محدخان ظهیرالدوله) ج چی۱۲۱۴، ۱۲۱۸ -

بارمحدخان ( نایب آجودان باشی) ۱۶۰ ص۹۰۵ ع۲م ۱۲۳۰ ع۲س۲۵۰۹ بر ۲۹۳ با ۲۹۳ با ۲۹۳ با ۲۹۳ با ۲۹۳ با ۲۹۳ با ۲۳۶ با توریزالستنصر بازوری در حسن بن عبدالله ( وزیرالستنصر علوی فاطعی) با ۱۳۵۰ م ۲۳۵ با

علوی فاطمی): ج۱ ص ۲۲۵.
یاسین (خارجی ): ج۱ ص ۱۵۵.
یافت ( پسر نوح): ج۲ص ۱۳۲۷.
یافت اغلان: ج۳ص ۱۳۲۲.
یافت اغلان: ج۳م ۱۳۲۲.
یافوت خان حبشی: ج۲ ص ۹۹۴.
یافوت شاذلی: ج۲ ص ۶۲۶.

ج ۲ ص ۵۰۰۵. یاقوتی ( عم برکیارق ): جاس۲۵۱، یحیی ( میرزا ... ): جاس ۱۲۷۳. یحیی بن ابی کتبرالیمامی:جاس ۱۲۹. یحیی بن ادریس ( آخرین ملطسان آل ادریس): ج۱ ص ۱۸۲، ۲۳۶.

يحيى بن أسحاق، المنتخب: ج١ص٩٥٩. يحيى بن اكتم شيعي (فاضي القضاه): ج ١ ص ١٩٤، ١٩٧.

بحیی بیگ طهرانی (نایب نستخانه):ج ۲ ص ۱۲۶۹ - ج ۲ ص ۲۱۱۸.

يحيى پاڻا : ج 7 ص ٩٨١.

یحپی (میرزا —) از اجزای پستخاند:ج ۳ ص ۲۱۲۳،

محبی بن تعیم (حاکم افریقید): ج 1 ص ۳۶۳، ۳۵۹،

یحبی (سید – ) پسر سید جعفراصطهبا... ناتسی (کثفی): ج ۳ ص ۱۶۹۱ ، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۵.

بحیی بن جعفر بن تمام: ج ۱ ص ۱۳۱. بحیی الحرشی (حاکم اصفیان): ج ۱ ص ۱۵۲، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۵.

یحیی بن خاتان خراسانی: ج ۱ م۱۹۲۰ یحیی بن خالدً بن برمک (وزیرهارون ): ج اص ۱۲۹ ، ۱۵۲ ، ۱۶۲ ، ۱۶۲ ،

. 100 · 154 · 154

یحیی خان ایلخانی: ج ۳ ص ۱۲۵۹. یحیی خان تبریزی: ج ۳ ص ۱۶۹۳. یحیی خان (پسر حسنطی خان): ج چس ۱۸۱۲

یحیی (حاجی میرزا ۔۔) خان (حکمبران دماوند): ج ۱ ص ۱۵۶۰ ج ۲ ص ۱۳۰۱؛ ج ۳ ص ۲۰۲۵.

ینیی خان (ژنرال آجودان مخصوص):ج TWO IATE PATE PATE · 1495 · 1497 · 1497 ہمیں خان (ملا ۔) گبلانی: ج ۲ ص • ለተለ يحيى خان مثير الدوله: ج ٢ ص ١٧٨٥ ، -141+ -1747

یحیی ځان (نایب جارچی باشی) : ج ۲ ص ۲۱۳۷ ،

يحيى (ميرزا -) خان (نايبالحكومــــه مازندران): ج ۱ ص ۵۵۴ ج ۳ ص TYAL: COPL: BOPL: APPL . 1979

یحیی بن رازی (واعظ): ج ۱ ص ۲۰۷، يحيى، ركن الدين غورثاء (يسر علا" -الدين محمد خوارزمشاه): ج ١ ص

يحيى (ميرزا سيد -- ) رئيس چالميدان : ج ۱ ص ۵۲۶،

یحیی بن زکریا : ج ۱ ص ۲۱۸ ۰ یحیی بن زکریای محتسب: ج ۱ ص ۱۴۸، یمپی بن زید بن علی بن حسین (ع) : ج ا ص ۱۲۲ ۱۲۴۰

یحیی سربداری: ج ۲ ص ۶۷۲. یحیی بن سنید : ج 1 ص ۱۳۹ ، يحيى بن بلامه الحمفكي (شاعر شيعي): ج 1 ص ۲۸۹۰

یحیی شیخ (بزرگ قرامطه): ج ۱ ص

يحيى بن عبدالله: ج 1 ص ١٤٢٠١۶٠ . يحيى بن عبدالمعطى الزواوى (طحـــب الفيه): ج ( ص۲۴۳۰۰

یحیی بن عزیز بن حیاد ! ج (ص ۲۸۵۰ يحيىبن على بنيحيى، نديم (منجم) : ج ۱ ص ۲۴۱۰

يحيى بن عبر بن يحيى: ج 1 ص ٥٦٠. یحیی بن محمد البحرانی (سرکردهٔ سیاه زنج}: ج 1 ص ۲۰۲۰

پحیی بن محمد بن علی (برادر سفاح و والی موصل): ج اص ۱۳۳ ، ۱۳۶ ، يحيى بن محمد بن مظفر ، ابن هبيره ' ج ۱ ص ۳۹۳٠

یجیی بن محمد بن ناصر (پادشامغرب):

ج 1 ص ۲۳۹٠ یمیی مطفری (شاہ سے ): ج ۲ می 1950۔ یحیی بن معاذ (والی جزیرہ): ج ۱ ص

يحيىين بهدى أمقهأنى (موخ ) : ج 1 ص ۲۶۲۰

ينين مرزا (ماكم گيسلان): ج چي 1941

يحيى بيرزا (ماحب متعبد): ج ٢ ص - Y - 97 - 170T

پحیی (میرزا ــ) ناظر: ج ۱ ص ۵۵۲: · 1117 0 TE

يحيى بيرزا (پسر فتحطيشاه): ج ٣ ص - 1977 - 1977 - 1097 - 1070 يحيىميرزا (ئايبالايالد)ج٣ص١٦٥٢، يحيى بن يحيى (حكموان افريقيه): ج 1 · 494 00

پمپیین یصر عدوی(از فمحای تابعین): ج ا ص ۱۲۹۰

يرتلمي(دكتر - ): چ ۳ ص ۱۷۷۱٠ يرماق: ج ۲ ص ۸۶۹.

یرملوف (ژنرال – ) سردار گرجستان ج۲ س ۱۵۶۶ -

يزدان بخش ميرزا (پسر سالار): ج ٣ ص

يزادن فليخان إسركرده جداعت خواجسه

وند }: ج † ص ۵۲: ج ۳ص،۹۰۹۰ يزدان ورديخان ايلخاني: ج ٣ ص١٧٤٠٠ يزدان وردي خان زعفرانلو: ج٣٩٥٠٥٠٠ يزدجرد سوم: ج 1 ص ٣٢، ٣٣، ٢٥ ،

· 101 · 05 · 47 · 15 یزدجرد شهریار ساسانی ا ج ۲ ص ۶۴۰. يزيد بن ايان: ج 1ء ١٢٩٠

یزید بن ابی سفیان: ج ۱ص ۲۲، ۲۲۸ . F9 . FA . PT . F5

یزید بن ابی کبشه: ج (ص ۱۰۲،

يزيد بن ابى سلم (كاتب حجاج): ج 1 س ۱۰۸ ، ۱۰۷ م

يزيد بن ارقم: ج 1 ص ۸۲۰ ہزید بن اسد : ج 1 ص 640

يزيد بن اسد بحلي قسري: ج 1 ص ۶۳۰ يزيد بن اسيد السلمي: ج 1 ص ١٢٧

يزيد بن اميه: ج 1 ص 95، يزيد بن حاتم (حاكم مصر): ج 1 ص · 164 - 174 bita - 170 بزید بن حارث: ج 1 ص 41، یزید بن عجیه تعیمی (حاکم ری): ج 1

يزيد ٻن ھر عيسيءَ ج 1 ص ۵۲-يزيد بن الحمين (بزرگ خوارج): ج (ص . 64 1 55

یزید بن خالد قسری: ج ۱ ص ۱۲۶۰ يزيد بن روم: ج 1 ص ٨١٠ یزید بن زیاد : ج 1 ص ۸۳۰ يزيد بن سليمان بن عبدالمك: ج 1 - ص

بزید بن شجره رطوی: ج ۱ ۱۹۰۰ ۲۰ . Yt

یزید بن عبدالطک بن مروان (<del>ظیفسته</del> أمري}: ج 1 ص ۲۰٫۷ تا ۱۱۰۰

يزيد بن عبر بن هبيره (والي عراق):ج ا ص ۱۳۵ ، ۱۳۱ ، يزيد بن غيسه! ج 1 ص 174٠

ہزیک بن مرتد (والی آذربایجان)<sup>:</sup> ج 1 ص ۱۲۵ - ۱۲۵ -

يزيد بن مزيد بن زائدِه الشيباني (حاكم ارمينيه): ج ( ص ۱۲۵ ، ۱۵۸ ، · 155 · 150 · 151

یزید بن معاوید: ج ۱ ص ۹۵، ۹۷۲۵۵۸، • TT1 • 1TT

يزيد بن مفرغ الحميري (شاعر): ج (ص

یزید بن منصور (خال مهدی عباسسی و حاكم بصره): ج ( ص ۱۳۵ ، ۱۵۲ ،

پڑید بن منصور حمیری: ج 1 ص ۱۵۲، یزید بن مطب بن ابی مفرد (حاکستم کرمان): چ و ص ۹۲، ۹۶، ۹۷ ، . 116 · 104 6 107 . 100 یزید بن ولید بن عبدالطک (ناقسم) : ج ١ ص ١٠١، ١٢٥، ١٢٩، يزيد بن هبيره (والي عراق): ج ١ ص . 140 G 144

یسار بن ابی بڑہ (فاری مشہور): ج اص . 177

یشنوتخان (نایب آجودان باشی): ج ص ٥٠٩: ع ٢ ص ١٢٢٠: ع ٢ ص . \*\*\*\* یطور (جمار): ج ۱ ص ۲۷. يطوب آرمنی: ج ۴ ص ۱۵۹۶. يعقوب بن أسحق بن زيد البصرى(از قراء عشرہ): ج 1 ص ۱۷۸ د يعقوب بن اسحق نبي : ج 1 ص 754 ، tot: چ ۲ ص ۱۲۲۷ . یعقوب آفندی (دفتر دار): ج ۱ص ۵۳۲. يطوبهيك :ع و ص ١٢٩٥، ١٢٩٨، ١٢٩٢. بطوب بیک بن امیر حسن بیک آق وینلو: -YTA ·YTA & T E یعقوب بیگ (امیر کاشغر): ج ۳ ص ۱۹۶۵. يطوب بيک بن اوزن حسن آق قوينلو: ج ۲ ص ۲۲۱. يڪوب بيڪ کرجي: ج ۽ س ٩٥٢. يطوب بيگ (نايب خيابان شبيران): چ١ ص ۱۵۵۶ م يعقوب خان: ج 7 ص ١٨٨٠ ١٨٨٠. یطوب (سردار <sub>۱۰</sub>۰۰) خان (پسر امیر ش<sub>یسر</sub> علی خان): ج ۳س ۱۹۸۵، یطوب خان(بیگٹر بیگی فارس): ج ۳ س يعقوب (سردار 🗕 ) خان (والئ هرات): · 1494 @ F E يعقرب خان (يسر يوسف خان، والسسسى گثمیر): ج 7 ص ۸۶۹. یطوب بن داود بن طهان{وزیر مهسبدی عباسی): ج ۱ ص ۱۵۴. یطوب بن سفیان نسوی پیشوا : ج ۱ س · TIY يعقوب شاء: ج ۲ ص ۶۴۱، ۸۷۸. يعقوب شاهرخ ( ۽ سيد علي زاده ):ج٢ يعقوب بنءبدالله بن اشبج: ج ١ص١٩١، يعقوب بن عبدالله طمی: ج 1 ص ١٢٥.

يعقوب بن عبدالحق مريني: ج ٢ص٤٩ه،

يعقوبين ليث مفار: ج1 ص ١٩٢، ٢٥٥،

707: 407 S Yor: 117.

يطوب (ميرزا ــ) محاسب وزارت تجارت:

.YT0 + 49Y

- T 174 & T E يعقوب (ميرزا سـ) مشرف كالسكم خانه: ج ١ ص ٥٥١ ج ٣ ص ٢١٢٧. يعقوب ميرزا (رئيس مجلس تحقيق تجارت الزين): چ ۲ س ۲۱۲۶. يعقوب بزيوسف بن عبدالموامن (حكيران مغرب}. ج اص ۴۱۵، ۲۱۸. يطيين منبه تعيمي (والي يعن) : ج ١ ص ۶۱ د۶۰ یکان شاه ظی: ج ۱ ص ۵۵۱، يگڪ (سردار تراکيه يعوث): ج ۾ س -1744 · 174Y یکن محمد پاشا : ج ۲ ص ۱۹۳۲ ، ۱۹۲۷ . يليغًا (نايب السلطند ثام) :ج ( ص23ء . يلدوزخان:ج ۴ ص ۱۳۲۹، ۱۳۳۲، ۱۳۲۶، . 1775 يعين ألدوله (مسعود ميرزا ظل البلطان ، حاکم اصفهان); ج ۳ ص ووړو . - 1911 - 1A95 - 1A97 - 1AYT ينل: ج 7 ص ١٨١٧. یوحنا بن روید@(مِاحب ابله)) ج 1 س یورمنت (سردارفرانسه): ج ۳ ص ۱۶۰۲، يوزخان (دختر هم اعوزخان): ج ۳ ص . \*\*

یوس (گثبش بیت المقدس ): ع ۱ می ۴۸.

یوسف (ع): چ۲ ص ۱۳۲۲.

یوسف (میرزا –): چ۲ ص ۱۲۲۲.

یوسف بن ابق خوارزمی: چ ۱ ص ۲۳۳.

یوسف بن ابی خوارزمی: چ ۱ می ۲۳۳.

یوسف (ایوپعقوب): چ۲ ص ۵۲۸.

یوسف بن ابی الساج:چ ۱ می ۲۳۲۰، ۲۳۲۰

یوسف (میرزا –) از ارباب ظم: چ۲ می ۲۰۶۸.

یوسف (استاد کارخانه جراغ کداز): چ ۳ ص ۲۱۱۲، یوسفین برم: چ ۱ ص ۱۵۱، یوسفین بلکین العنبهاجی (امیرافریقیه): یوسفین بلکین العنبهاجی (امیرافریقیه): چ ۱ ص ۲۲۳، ۲۸۲،

يوسفييگ(پسر اسداقا ، ترجمان مفارت): ج ۱ ص ۵۲۲: ج ۲ ص ۲۱۰۵.

یوسف بیک (جزابرچیان): ج ۱ص۲۵:ج ۳ ص ۲۰۹۲،

یوسف بیک (برادر زادهٔحسن بیگ آق \_ قویظو): ج ۲ ص ۷۱۵.

یوسف بیک یاور عرب: ج ۳ س ۱۶۷۹. یوسف باتا (صدر اعظم عثمانی): ج ۳ ص ۱۹۸۵،

یوسف باشا (طهماستطی خان حاکسیم امروان)، ج ۲ ص ۹۳۳،

یوسفاناجر (حاجی۔ ) : ج ۳ س۱۹۲۶. یوسف برناشفین اللمتونی، امیرالسلمین: ج ۱ ص ۱۳۲۶، ۱۳۲۴، ۱۳۲۰، ۲۲۴

. TPA . TAA . TAY

یوسف (میرزا ۔) ترکنان: ج ۲ ص ۷۱۵. یوسف بن حسن الجبائی القربطی (حاکم هجر): ج ۱ ص ۲۷۷.

يوسفين حسنين محمد التفكري الزنجاني: ج 1 ص ۲۲۸۰

یوسف بن حسین بن علی آلرازی: ج۱ س ۲۳۴۰

یوسف (برادر حسینطی بیرزا ) حاکسیم مرند: ج ۲ ص ۲۱۵

یوسف خان: ج ۲ من ۱۲۷۳ : ج ۳ من ۱۷۹۷

یوسف خان(شیخ – ): ج ۲ ص ۱۷۵۷. یوسف خان (میرزا ب) : ج ۳ ص ۱۲۵۷. یوسف خان (ادارهٔ غلات): ج۳س۲۱۱۳. یوسف خان افتار: ج ۳ ص ۱۷۹۲.

یوسف خان (امیرالامرای شیروان) :ج ۲ ص ۹۲۰

پوسف خان (امیر توپخانه عیاس میرزا) :-یع ۳ ص ۱۶۰۹،

یوسف خان بختیاری: ج ۳ ص ۱۳۴۴. یوسف خان ( از اجزای پستخانه): ج ۳ ص ۲۱۲۲.

یوسف خان (تحصیلدار کل): ج و ص ۵۵۲

یوسف خان سرتیب: ج ۲ ض ۱۳۴۲؛ ج۴ ص ۱۷۹۲،

یوسف خان سرتیپ (حاجی ــ ): ج جس ۱۲۰۰ ۱۲۵۵ -

یوسف خان (میرزا ...) سرتیپ اول: ج ۲ ص ۱۹۲۶،

يوسفخان (سرتيپجياعت شاهسونافشار): ج 1 ص ۵۲۱:

یوسف (میرزا ۔۔) خان (سرتیب شسارژ۔۔ دافر): ج ۳ ص ۱۸۸۸

یوسف خان هزاره: ج ۱ ص ۵۱۸: ج ۳ ص ۲۰۸۷ - ۸۸۰۲

یوسف خان (میر — ) سرکسبرده دستمه سالیانی: ج ۱ ص ۵۲۳: ج ۳ ص ۲۰۹۴،

یوسف خان سرهنگ: ج ۱ ص ۵۱۳، ج ۲ ص ۱۲۲۷،

یوسف خان شقاقی (نایب آجودانباشی): ج ۳ ص ۲۰۷۴،

یوسف خانقاجار (نایب نسفخانه): ج ۳ ص ۱۲۶۸؛ ج ۳ ص ۲۱۱۸

یوسف خان (فونسول یعقوبیه): ج ۱ ص ۵۲۴: ج ۳ ص ۲۱۰۶۰

یوسف (میرزا ...) خان (کاربرداز حاجسی ترخان): ج ۳ ص ۱۸۶۶

یوسف خان گرجی (سپیدار عراق): ج ۳ ص ۱۴۸۷، ۱۵۰۵، ۱۵۰۹، ۱۵۹۹، ۱۵۵۴، ۱۵۶۷، ۱۵۶۷، ۱۶۰۷

یوسف خان کرجی (سرهنگ): ج ۳ ص ۱۵۲۴ ، ۱۵۲۲

یوسف خان ( مستشار): ج ۱ ص ۵۰۷ ، ۵۳۵: ج ۲ ص ۱۲۲۷: ج ۳ ص ۱۹۲۶ ، ۱۹۳۶ ، ۲۰۲۸

یوسف خان (حاجی ــ ) منشی: ج ۳ ص ۲۱۰۰ -

، یوسف خان (نایب آجودان باشی): ج 1 ص ۵۰۹: ۵۴۰: ج ۲ ص ۱۲۲۹: ج ۳ ص ۲۰۷۳، ۲۰۷۴،

یوسف (حاجی میرزا ۔) خان (نایب شیر لشکر): ج جی۲۱۲۴۰

یوسفخان (والی کشیر): ج۲ ص ۸۶۹، یوسفخان هوتکی:ج ۲ ص ۱۱۵۶، ۱۱۵۰ یوسف خان بارر: ج ۱ ص ۵۱۰، ج ۲ ص ۱۲۳۱؛ ج ۳ ص ۲۰۷۵،

یوسف خواجه کاشفری: ج ۳ ص ۱۵۰۸ ۰ - ۱۵۰۹ ، ۱۵۱۷ ، ۱۵۱۹ یوسف خوارزمی: ج ۱ ص ۲۳۴،

یوسف رئیس (حاکم مشہد سر): ج ۲ ص

- AAY

یوسف (زین الدین ــ ) ماحب اربل: ج ۱ ص ۴۱۰،

یوسف (میرزا سید ... ) سررشته دار دفتسر لشکر: ج ۱ ص ۵۰۵: ج ۲۳ ۲۱۱۲، ج ۳ ص ۲۰۶۶، ۲۰۶۹، ۲۱۱۲، یوسف (میرزا ...) سررشته دار خراسان:ج ۱ ص ۲۰۵، ۵۵۱: ج ۲ ص ۱۲۲۶:

ج ۳ ص ۲۰۷۰. یوسف (میرزا سید ــ ) سرهنگ: ج ۲ص ۱۲۵۲: ج ۳ ص ۲۰۹۶.

بوسف (آفا ــ) سقاباشی: ج 1 ص ۵۵۱، ۵۵۲: ج ۳ ص (۲۱۱، ۲۱۱۲، بوسف ططان: ج ۲ ص ۲۹۲، ۲۹۲،

یوسف شاه (آخرین انابکان بزد): ج ۲ م ۵۹۲،

یوسف شاه کشمیری: ج ۲ ص ۸۷۸

يوسف (شيخ ــ ) طحب طنان: ج ۲ ص ۶۹۷.

یوسف بن صباغ (مدرس نظامیه؛ بغداد): ج ۱ ص ۳۳۱:گیر

یوسف عادل شاه (خاکم بیجایور): ج ۲ ص ۷۲۱ ، ۷۴۲ ، ۷۴۲

يوسف بن عبدالرحمن الفهرى (والسسى

اندلس):ج 1 ص ۱۳۹۰ ۱۳۹۰ یوسف بن عبدالبواین ( به المستنجــــد بالله): ج 1 ص ۴۹۱ ۲۹۲۰

یوسف بن علی خان قرائی: ج ۳ ص

يوسف بن عمر الثقفي (والى يعن): ج 1 يوسف بن عمر الثقفي (والى يعن): ج 1

ص ۱۲۰ تا ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵

یوسف بن مر بن شیرمه: چ ۱ ص ۱۲۲ -یوسف کارام: چ ۳ ص ۱۸۷۹ -

ا ہوسف (میرزا ــ ) لاہیجی : ج ۳ حی ۱۵۹۹ -

یوسف (میرزا ــ) مازندرانی: ج ۳ ص ۱۲۷۶۰

یوسف بن مالک (بزرگ حضرمیین): ج ۱ ص ۱۱۱۰

یوسف (میرزا ــ) میاشر چاپخانههای دارـــ الخلافهٔ طهران : ج ۲ ص ۲۱۲۸۰

یوسف (شیخ ـ ) متولی روضه شیخ بها الدین زکریای ملتانی:ج ۲۰٬۵۹۵. یوسف (میرزا سید بـ ) محرر دفتراسناد:

ج ۲ ص ۱۱۲۰.

یوسف بن محمد الثقفی : ج 1 ص ۱۲۴، یوسف بن محمد بن یوسف مروزی (حاکم ارمینیه): ج 1 ص ۱۹۳۰

یوسف (میرزا سید ...) مستشار: ج ۲ ص ۵۲۶،

يوث المستنصر بن محمد (پادشا مغرب) : ج 1 ص ۲۲۶ ، ۴۲۶

يوسف (ميرزا \_ ) مستوفى الممالك: ج ٢ ص ١٤٧٤ ، ١٨١٠

یوسف بن معود : ج ۱ ص ۲۴۳. یوسف (میرزا س) منشی: ج ۳ ص ۲۱۰۱. یوسف بن میرزا شاهرخ: ج ۲ ص ۶۹۰.

يوسف (حاجى ــ ) ناظر بيوتات شـــاه طهباسب دوم): ج ۲ ص ۱۰۲۱ يوسف (آقا ــ ) نايب سرايدار باشي: ج 1 ص ۵۵۱: ج ۲ ص ۱۲۶۸: ج ۳ ص ۲۱۱۸:

یوسف (میرزا …) نوری (لشکر نویس):ج۱ ص ۵۰۵ ج ۳ ص ۲۰۴۲،

یوسف بن رجیه (حاکم عمان): ج ۱ ص ۲۶۱،

يوسف (آقا ميرزا ...) وزير داخلوماليه : ج ۲ ص ۱۲۵۲ ·

یوسف بن یعقوب (قاضی): ج (ص۰۳۳۰ یوسف (ابو \_ ) یعقوب بن یوسف بستن عبدالموامن (حکمسران مفسسوب واندلس): ج ۱ ص ۴۱۸۰

يوشع بن نون: ج 1 ص ٢٧٠

ہوئید اسحر: ج ۱ ص ۲۲۳ ، ۲۲۴: ج۲ ص ۲۰۰۹،

یوکویاماکوئیجیرو (مترجمژاینی) ؛ ج ۱ ص ۴۷۳، ج ۳ ص ۲۰۰۹،

يونان الكساندر ايپ سي لانتي: ج ٣ ص

یونس بن حبیب نحوی: ج ۱ ص ۱۶۵۰ یونس خان: ج ۲س ۱۶۴۹۰ ۲۳۲۰۷۳۰ یونس بن عبدالاعلی: ج ۱ ص ۲۱۰ یونس بن یزید الایلی: ج ۱ ص ۱۲۵۰ یونس بنیوسف (شیخ): ج ۱ ص ۴۳۶۰ ید: ج ۲ ص ۱۸۰۴۰

یَعادور (امپراطوریس قسطنطنیه): ج ۱ ص ۳۳۳، بایان

\*\*\*